



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

المواعظ العارضية

(نصائح شعاری)

فارسی - عربی

جلد اول - سوم

ترجمہ و تالیف

سید مراد موسوی قزوینی

پیش رو کواشت آیہ العزیز شکیبائی

مواظب آیہ العزیز شکیبائی

(۱۳۰۰-۱۳۸۶ ش)

۱۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

المواعظ العددیه نصایح شمارشی فارسی - عربی

نویسنده:

علی مشکینی اردبیلی

ناشر چاپی:

موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۳	المواعظ العددیه نصایح شمارشی فارسی- عربی
۱۳	مشخصات کتاب
۱۴	جلد ۱
۱۴	اشاره
۱۹	فهرست مطالب
۲۳	پیشگفتار
۲۵	یادداشت دبیر علمی همایش
۳۳	پیشگفتار مترجم
۴۲	باب یکم: مفردات
۴۲	اشاره
۴۴	فصل اول: سخنانی که برخی عالمان در ردیف الف گفته اند
۵۲	فصل دوم: جملاتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و آداب شرعی که ویژه سخنان جامع و حکمت های نو است
۹۶	فصل سوم: حکمتهایی از پیامبر صلی الله علیه و آله که با کلمه «مَنْ هَر كَه» شروع می شود
۱۲۰	فصل چهارم: حکمتها و پنندهای رسیده از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله
۱۴۹	فصل پنجم: حکمتهایی از پیامبر که با لفظ «لا» وارد شده است
۱۶۶	فصل ششم: سخنان حکمت آمیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که با کلمه «إِنَّ» شروع شده است
۱۸۹	فصل هفتم: سخنان حکمت آمیز پیامبر عظیم الشأن صلی الله علیه و آله
۱۹۴	فصل هشتم: قسمت دیگری از بیانات حکیمانه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله
۲۰۵	فصل نهم: تمثیل در کلام پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله
۲۱۰	فصل دهم: سخنان حکمت آمیز امیر المؤمنین علیه السلام به ترتیب الفبا
۲۱۰	حرف الف
۲۱۳	حرف باء
۲۱۳	حرف تاء

حرف ثاء ۲۱۶

حرف جیم ۲۱۹

حرف حاء ۲۱۹

حرف خاء ۲۲۲

حرف دال ۲۲۵

حرف ذال ۲۲۵

حرف راء ۲۲۸

حرف زاء ۲۳۱

حرف سین ۲۳۱

حرف شین ۲۳۴

حرف صاد ۲۳۷

حرف ضاد ۲۳۷

حرف طاء ۲۴۰

حرف ظاء ۲۴۳

حرف عین ۲۴۳

حرف غین ۲۵۲

حرف فاء ۲۵۵

حرف قاف ۲۶۱

حرف کاف ۲۶۷

حرف لام ۲۸۵

حرف میم ۳۳۶

حرف نون ۴۳۰

حرف واو ۴۴۵

حرف هاء ۴۴۸

حرف یاء ۴۵۴

فصل یازدهم: سخنان بعضی از علما ۴۶۴

۴۸۱	فصل دوازدهم: کلام حکیمان
۵۰۷	باب دوم: پندهای دوگانه
۵۰۷	اشاره
۵۰۹	فصل اول: روایات شیعه از پیامبر صلی الله علیه و آله
۵۲۰	فصل دوم: احادیث اهل تسنن از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله
۵۳۹	فصل سوم: احادیثی از طریق شیعه از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله
۵۴۸	فصل چهارم: احادیثی که شیعه و سنی از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند
۶۱۰	فصل پنجم: احادیثی از حضرت امام صادق علیه السلام
۶۱۸	فصل ششم: پندهای حکیمان و زاهدان و عابدان
۶۳۹	فصل هفتم: آنچه از امام حسن مجتبی علیه السلام روایت شده است
۶۵۲	فصل هشتم: حدیث های دوگانه در فضیلت علی علیه السلام
۶۵۹	باب سوم: پندهای سه گانه
۶۵۹	اشاره
۶۶۱	فصل اول: پندهای خداوند متعال به پیامبران
۶۶۵	فصل دوم: روایاتی که اهل تسنن از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده اند
۶۹۰	فصل سوم: احادیثی که شیعه و سنی از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده اند
۷۳۴	فصل چهارم: احادیثی که شیعه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده است
۷۴۹	جلد ۲
۷۴۹	مشخصات کتاب
۷۵۰	اشاره
۷۵۵	فهرست
۷۵۸	ادامه باب سوم
۷۵۸	ادامه فصل چهارم
۷۵۸	اشاره
۷۶۶	فصل پنجم: روایاتی که شیعه از امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل کرده است
۸۱۲	فصل ششم: روایاتی که از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است

۸۴۳	فصل هفتم: روایاتی که از ائمه اطهار علیهم السلام وارد شده است
۸۵۴	فصل هشتم: سخنان پیامبران و زاهدان و حکیمان
۸۸۲	باب چهارم: پنندهای چهار گانه
۸۸۲	اشاره
۸۸۴	فصل اول: روایاتی که شیعه از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده اند
۹۰۱	فصل دوم: روایاتی که اهل تسنن از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده اند
۹۱۸	فصل سوم: روایاتی که شیعیان از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند
۹۴۶	فصل چهارم: احادیثی از امام جعفر صادق علیه السلام
۹۷۰	فصل پنجم: روایاتی که از امامان پاک علیهم السلام رسیده است
۹۷۴	فصل ششم: سخنان دانشمندان و حکیمان
۹۸۴	فصل هفتم: سخنان بعضی از بزرگان
۹۹۰	فصل هشتم: حکمت‌های فارسی که به زبان عربی ترجمه شده اند
۹۹۴	باب پنجم: پنندهای پنج گانه
۹۹۴	اشاره
۹۹۶	فصل اول: احادیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله که شیعیان نقل کرده اند
۱۰۰۹	فصل دوم: روایاتی که اهل تسنن از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده اند
۱۰۱۴	فصل سوم: احادیثی که شیعه و اهل تسنن از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده اند
۱۰۲۴	فصل چهارم: احادیثی از امیرالمؤمنین علیه السلام
۱۰۳۷	فصل پنجم: احادیثی از امام جعفر صادق علیه السلام
۱۰۴۴	فصل ششم: روایاتی از امامان پاک علیهم السلام
۱۰۵۹	فصل هفتم: سخنان علماء و حکیمان و زاهدان
۱۰۷۷	باب ششم: پنندهای شش گانه
۱۰۷۷	اشاره
۱۰۷۹	فصل اول: روایاتی که شیعیان از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده اند
۱۰۸۶	فصل دوم: احادیثی که اهل تسنن از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده اند
۱۰۹۰	فصل سوم: احادیث قدسی

فصل چهارم: توصیه های پیامبر صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام	۱۰۹۲
فصل پنجم: احادیثی که شیعیان و اهل تسنن از پیامبر صلی الله علیه و آله ذکر کرده اند	۱۰۹۶
فصل ششم: احادیثی از امیرالمؤمنین علیه السلام	۱۰۹۸
فصل هفتم: احادیثی از امام صادق علیه السلام	۱۱۰۹
فصل هشتم: احادیث از امامان معصوم علیهم السلام	۱۱۱۶
فصل نهم: سخنان حکیمان	۱۱۲۳
فصل دهم: سخنان زاهدان و عابدان	۱۱۲۹
باب هفتم: پنجاهای هفت گانه	۱۱۳۷
اشاره	۱۱۳۷
فصل اول: احادیثی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله	۱۱۳۹
فصل دوم: روایات اهل تسنن از پیامبر صلی الله علیه و آله	۱۱۴۵
فصل سوم: احادیثی از امیرالمؤمنین و امام صادق علیهما السلام	۱۱۵۱
باب هشتم: پنجاهای هشت گانه	۱۱۶۵
اشاره	۱۱۶۵
فصل اول: احادیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله	۱۱۶۷
فصل دوم: احادیثی از امیرالمؤمنین و امام صادق علیهما السلام	۱۱۷۷
فصل سوم: سخنان اشخاص زاهد	۱۱۸۹
فصل چهارم: سخنان حکیمان	۱۱۹۳
باب نهم: پنجاهای نه گانه	۱۱۹۹
اشاره	۱۱۹۹
فصل اول: احادیث شیعه از رسول الله صلی الله علیه و آله	۱۲۰۱
فصل دوم: احادیثی از امیرالمؤمنین علیه السلام	۱۲۰۹
فصل سوم: احادیثی که شیعه و اهل تسنن روایت کرده اند	۱۲۱۳
خاتمه	۱۲۱۷
باب دهم: پنجاهای ده گانه	۱۲۲۱
اشاره	۱۲۲۱

فصل اول: احادیث شیعه و اهل تسنن از پیامبر صلی الله علیه و آله	۱۲۲۳
فصل دوم: احادیث شیعیان از پیامبر صلی الله علیه و آله	۱۲۳۰
فصل سوم: روایات اهل تسنن از پیامبر صلی الله علیه و آله	۱۲۴۱
فصل چهارم: احادیثی از امیرالمؤمنین علیه السلام	۱۲۵۱
فصل پنجم: احادیثی از امام باقر علیه السلام	۱۲۶۱
فصل ششم: احادیثی از امام صادق علیه السلام	۱۲۶۵
فصل هفتم: توصیف محمد صلی الله علیه و آله	۱۲۷۱
فصل هشتم: آداب دعا	۱۲۸۱
فصل نهم: سخنان حکیمان	۱۲۹۳
فصل دهم: سخنان مردم زاهد	۱۲۹۷
فصل یازدهم: انگیزه های غیبت	۱۳۰۱
اشاره	۱۳۰۱
عذرهایی که با وجود آنها غیبت جایز است	۱۳۰۳
جلد ۳	۱۳۱۵
مشخصات کتاب	۱۳۱۵
اشاره	۱۳۱۶
فهرست مطالب	۱۳۲۱
باب یازدهم: پندهای یازده گانه	۱۳۲۵
اشاره	۱۳۲۵
فصل اول: احادیثی از رسول الله صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام	۱۳۲۷
فصل دوم: سخنان دانشمندان	۱۳۳۱
باب دوازدهم: پندهای دوازده گانه	۱۳۳۵
اشاره	۱۳۳۵
فصل اول: احادیثی از رسول الله صلی الله علیه و آله	۱۳۳۷
فصل دوم: احادیثی از امیرالمؤمنین علیه السلام	۱۳۴۱
فصل سوم: احادیثی در مورد اینکه جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان دوازده نفرند	۱۳۴۹

۱۳۶۱	باب سیزدهم: پندهای سیزده گانه تا نوزده گانه
۱۳۶۱	اشاره
۱۳۶۳	مسخ شدگان و علت مسخ شدن آنان
۱۳۶۷	باب چهارده
۱۳۶۹	باب پانزده
۱۳۷۱	باب شانزده
۱۳۷۳	باب هفده
۱۳۷۵	باب هجده
۱۳۸۰	باب نوزده
۱۳۸۲	باب بیست و بیشتر از آن
۱۳۸۲	اشاره
۱۳۸۴	محبت امامان اهل بیت علیهم السلام
۱۳۸۶	حکمت های امیرالمؤمنین علیه السلام
۱۳۸۸	باب بیست و دو: خصلتهای امام سجاد علیه السلام
۱۳۹۲	باب بیست و چهار
۱۴۰۵	باب بیست و نه
۱۴۱۳	باب سی و چهار
۱۴۱۷	باب چهل و بیشتر از آن
۱۴۱۷	اشاره
۱۴۱۹	احادیثی از امامان معصوم علیهم السلام
۱۴۲۹	باب چهل و شش
۱۴۲۹	اشاره
۱۴۴۰	گزیده ای از خطبه پیامبر صلی الله علیه و آله در عید غدیر
۱۴۵۱	باب پنجاه و بیشتر از آن
۱۴۵۱	اشاره
۱۴۵۳	پنجاه صفت از صفات مؤمن

۱۴۵۵	رسالة امام سجاد عليه السلام در حقوق
۱۴۷۳	باب هفتاد و بیشتر از آن
۱۴۷۳	اشاره
۱۴۷۵	هفتاد فضیلت مخصوص به امیرالمؤمنین علیه السلام که دیگر ائمه علیهم السلام در آنها سهیم نبودند
۱۴۹۸	تفاوت احکام مردان و زنان
۱۵۰۵	سپاهیان عقل و جهل
۱۵۰۹	از خطبه های حضرت علی علیه السلام معروف به دیباج
۱۵۱۹	اموری که پیامبر صلی الله علیه و آله از آنها نهی فرموده اند
۱۵۴۰	وصیت های پیامبر صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام
۱۵۶۵	باب چهارصد
۱۵۶۵	اشاره
۱۵۶۷	حدیث چهارصد از علی علیه السلام
۱۶۴۶	فهرست ها
۱۶۴۶	اشاره
۱۶۴۸	(۱) فهرست آیات
۱۶۷۴	(۲) فهرست اشعار
۱۶۷۸	(۳) فهرست أعلام
۱۶۷۸	الف. پیامبر و أهل بیت علیهم السلام
۱۶۸۱	ب. پیامبران و ملائکه علیهم السلام
۱۶۸۳	ت. اشخاص
۱۶۹۷	(۴) فهرست ادیان، مذاهب، فرق و جماعات
۱۷۰۱	(۵) فهرست مکان ها
۱۷۰۳	(۶) فهرست کتاب های متن
۱۷۰۴	(۷) فهرست منابع و مأخذ
۱۷۲۵	درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه : مشکینی اردبیلی، علی، ۱۳۰۰ - ۱۳۸۶.

عنوان قراردادی : المواعظ العددیه. فارسی - عربی

عنوان و نام پدیدآور : المواعظ العددیه (نصایح شمارشی) [کتاب] / [علی مشکینی]؛ ترجمه و تحقیق سیدمرتضی موسوی قافله باشی.

مشخصات نشر : قم : موسسه علمی فرهنگی دارالحديث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۹۲ -

مشخصات ظاهری : ۳ ج.

فروست : مجموعه آثار آیهالله علی مشکینی قدس سره؛ ۱۳، ۱۴، ۱۵

شابک : دوره : ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۷۲۶-۲ ؛ ۱۶۰۰۰۰ ریال : ج. ۱ : ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۷۲۷-۹ ؛ ج. ۲ : ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۷۲۸-۶ ؛

۱۱۰۰۰۰ ریال : ج. ۳ : ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۷۴۸-۴

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : فارسی - عربی.

یادداشت : این کتاب به شالوده ی اصلی کتاب "الاثنی عشریه" تالیف محمد عاملی ملحق شده است.

یادداشت : ج. ۳ (چاپ اول: ۱۳۹۲) (فپا).

یادداشت : کتابنامه. به صورت زیرنویس.

موضوع : احادیث اخلاقی

موضوع : اخلاق اسلامی

شناسه افزوده : موسوی قافله باشی، سیدمرتضی، مترجم

شناسه افزوده : موسسه علمی فرهنگی دارالحديث. سازمان چاپ و نشر

رده بندی کنگره : BP۲۴۹/م۵۴۱/۸۰۴۱ ۱۳۹۲

رده بندی ديويي : ۲۹۷/۲۱۸

شماره کتابشناسی ملی : ۳۳۳۰۰۱۲

ص : ۱

جلد ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٢

المواعظ العددیه (نصایح شمارشی)

علی مشکینی

ترجمه و تحقیق سیدمرتضی موسوی قافله باشی.

ص: ۳

سرشناسه : مشکینی اردبیلی، علی، ۱۳۰۰-۱۳۸۶.

عنوان قراردادی : المواعظ العددیه. فارسی - عربی

عنوان و نام پدیدآور : المواعظ العددیه (نصایح شمارشی) [کتاب]/[علی مشکینی]؛ ترجمه و تحقیق سیدمرتضی موسوی قافله باشی.

مشخصات نشر : قم : موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۹۲ -

مشخصات ظاهری : ۳ ج.

فروست : مجموعه آثار آیةالله علی مشکینی قدس سره؛ ۱۳، ۱۴، ۱۵

شابک : دوره : ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۷۲۶-۲ ؛ ۱۶۰۰۰۰ ریال : ج. ۱ : ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۷۲۷-۹ ؛ ج. ۲ : ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۷۲۸-۶ ؛

۱۱۰۰۰۰ ریال : ج. ۳ : ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۷۴۸-۴

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : فارسی - عربی.

یادداشت : این کتاب به شالوده ی اصلی کتاب "الائنی عشریه" تالیف محمد عاملی ملحق شده است.

یادداشت : ج. ۳ (چاپ اول: ۱۳۹۲) (فیپا).

یادداشت : کتابنامه. به صورت زیرنویس.

موضوع : احادیث اخلاقی

موضوع : اخلاق اسلامی

شناسه افزوده : موسوی قافله باشی، سیدمرتضی، مترجم

شناسه افزوده : موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث. سازمان چاپ و نشر

رده بندی کنگره : BP۲۴۹/م۵۴۱ ۸۰۴۱ ۱۳۹۲

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۲۱۸

شماره کتابشناسی ملی : ۳۳۳۰۰۱۲

تصویر

□

ص: ۵

تصوير

□

ص: ٦

تصوير

□

ص: ٧

تصویر

□

ص: ۱۱

تصوير

□

ص: ١٢

تصوير

□

ص: ۱۳

تصوير

□

ص: ١٤

تصوير

□

ص: ۱۵

تصوير

□

ص: ١٦

تصوير

□

ص: ١٧

تصوير

□

ص: ١٨

تصویر

□

ص: ۱۹

تصوير

□

ص: ٢٠

الفصل الأول: مِمَّا نَقَلَهُ بَعْضُ الْعُلَمَاءِ بِالْفِ الْاِفْتِتَاحِ

١. أَلَا مُنْتَبَهُ مِنْ رَقَدَتِهِ قَبْلَ حُلُولِ مَيِّتِهِ. (١)
٢. أَلَا مُسْتَقِظٌ مِنْ غَفْلَتِهِ قَبْلَ نَفَادِ مُدَّتِهِ. (٢)
٣. أَلَا عَامِلٌ لِنَفْسِهِ قَبْلَ يَوْمِ بُؤْسِهِ. (٣)
٤. أَلَا مُسْتَعِدٌّ لِلِقَاءِ رَبِّهِ قَبْلَ زُهُوقِ نَفْسِهِ. (٤)
٥. أَلَا مُتَزَوِّدٌ لِآخِرَتِهِ قَبْلَ اِزْوَافِ (٥) رِحْلَتِهِ. (٤)
٦. أَلَا تَائِبٌ مِنْ خَطِيئَتِهِ قَبْلَ حُضُورِ مَيِّتِهِ. (٧)
٧. أَلَا إِنْ أَبْصَرَ الْأَبْصَارِ (٨)
- مَنْ نَفَذَ فِي الْخَيْرِ طَرْفُهُ. (٩)
٨. أَلَا إِنْ أَسْمَعَ الْأَسْمَاعِ مَنْ وَعَى لِتَذَكُّرِ قَلْبِهِ. (١٠)
٩. أَلَا وَإِنْ إِعْطَاءَ هَذَا الْمَالِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبْذِيرٌ وَإِسْرَافٌ. (١١)
١٠. أَلَا وَإِنَّ الْقَنَاعَةَ وَغَلْبَةَ الشَّهْوَةِ مِنْ أَكْبَرِ الْعَفَافِ. (١٢)
١١. أَلَا وَإِنَّ الدُّنْيَا دَارٌ لَا يُسْلَمُ مِنْهَا إِلَّا بِالزُّهْدِ فِيهَا، وَلَا يُنْجَى مِنْهَا بِشَيْءٍ كَانَ لَهَا (١٣). (١٤)
١٢. أَلَا إِنَّهُ لَيْسَ لِأَنْفُسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ؛ فَلَا تَبِعُوهَا إِلَّا بِهَا. (١٥)

ص: ٢٨

١- (١) . عيون الحكم والمواعظ، ص ١٠٧.

٢- (٢) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٤٦، ح ٢٦٥٤.

٣- (٣) . من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ٥١٧.

٤- (٤) . عيون الحكم والمواعظ، ص ١٠٧.

- ٥- (٥) . أَرْفَ ازَوْفًا: اقْتَرَبَ (لسان العرب: ٤/٩).
- ٦- (٦) . عيون الحكم والمواعظ، ص ١٠٨.
- ٧- (٧) . عيون الحكم والمواعظ، ص ١٠٧.
- ٨- (٨) . الأبصار: جمع بصر بمعنى حاسه الرؤية والعين، والمراد أن أقوى العيون رؤيه من كان طرفه - أى عينه - أحسن إدراكاً فى الخير، فيرى الخير دون الشر.
- ٩- (٩) . شرح نهج البلاغه، ج ٧، ص ١٦٧.
- ١٠- (١٠) . شرح نهج البلاغه، ج ٧، ص ١٦٧، وفيه: «... التذكير وقبله».
- ١١- (١١) . عيون الحكم والمواعظ، ص ١٠٨.
- ١٢- (١٢) . عيون الحكم والمواعظ، ص ١٠٨.
- ١٣- (١٣) . أى أن النجاه لا- تكون فيما كان من الدنيا للدنيا، وإنما النجاه فيما كان من الدنيا لله؛ لأنه مقرب إلى الله، وينجى الإنسان من شدائد الآخرة.
- ١٤- (١٤) . عيون الحكم والمواعظ، ص ١٠٧.
- ١٥- (١٥) . عيون الحكم والمواعظ، ص ١٠٨ و ٤١٠.

فصل اول: سخنانی که برخی عالمان در ردیف الف گفته اند

۱. آیا کسی هست که قبل از فرا رسیدن مرگ از خواب غفلت بیدار شود.
۲. آیا کسی هست که قبل از سپری شدن فرصت، از غفلت به در آید.
۳. آیا کسی هست که پیش از رسیدن روز بیچارگی اش برای خودش کار کند.
۴. آیا کسی هست که قبل از مردن آماده ملاقات پروردگارش باشد یا شود.
۵. آیا کسی هست که قبل از نزدیک شدن سفر مرگ توشه آخرت بپزند.
۶. آیا کسی هست که قبل از فرا رسیدن مرگ از خطاهایش توبه کند.
۷. بدانید، بیناترین چشم آن است که در راه خیر باز شود.
۸. بدانید، شنواترین گوش آن است که برای پند دل بشنود.
۹. بدانید، هزینه کردن مال در جای نامناسب، اسراف و تبذیر است.
۱۰. بدانید، قناعت و کنترل شهوت بزرگترین عفت است.
۱۱. بدانید، دنیا مکانی است که جز با پارسائی و زهد نمی توان از آفات آن سالم ماند و آنچه از دنیا برای دنیا طلب شود نجات دهنده نخواهد بود.
۱۲. بدانید، بهای شما فقط بهشت است پس خود را به غیر بهشت نفروشید.

١٣. أَلَا وَإِنَّ الدُّنْيَا قَدْ تَصَرَّ مَتْ وَأَذَنْتْ بِانْقِضَائِهِ، وَتَنَكَّرَ مَعْرُوفُهَا، وَصَارَ جَدِيدُهَا رَثًّا، وَثَمِينُهَا غَثًّا. (١)

١٤. أَلَا وَإِنَّ التَّقْوَى مَطَايَا ذُلِّ (٢) حُمِلَ عَلَيْهَا أَهْلُهَا وَأَعْطُوا أَرْزَمَتَهَا (٣)، فَأُورِدَتْهُمْ الْجَنَّةَ. (٤)

١٥. أَلَا وَإِنَّ الْخَطَايَا حَيْلٌ شُمُسُ (٥) حُمِلَ عَلَيْهَا أَهْلُهَا وَخُلِعَتْ لُجْمُهَا، فَأُورِدَتْهُمْ النَّارَ. (٦)

١٦. أَلَا وَإِنَّ الْيَوْمَ الْمِضْمَارُ، وَغَدًا السَّبَاقُ (٧)، وَالسَّبَقَةُ (٨) الْجَنَّةُ، وَالغَايَةُ النَّارُ. (٩)

١٧. أَلَا وَإِنَّكُمْ فِي أَيَّامٍ أَمَلٍ وَمِنْ وَرَائِهِ أَجَلٌ؛ فَمَنْ عَمِلَ فِي أَيَّامٍ أَمَلِهِ قَبْلَ حُضُورِ أَجَلِهِ نَفَعَهُ عَمَلُهُ، وَلَمْ يَضُرَّهُ أَجَلُهُ. (١٠)

١٨. أَلَا وَإِنَّ اللِّسَانَ بَضْعَةً (١١) مِنَ الْإِنْسَانِ، فَلَا يُسْعِدُهُ الْقَوْلُ إِذَا امْتَنَعَ، وَلَا يُمِهِّلُهُ النَّطْقُ إِذَا اتَّسَعَ. (١٢)

١٩. أَلَا وَإِنَّ مِنَ الْبَلَاءِ الْفَاقَةَ، وَأَشَدُّ مِنَ الْفَاقَةِ مَرَضُ الْبَدَنِ، وَأَشَدُّ مِنْ مَرَضِ الْبَدَنِ مَرَضُ الْقَلْبِ. (١٣)

٢٠. أَلَا وَإِنَّ مِنَ النَّعْمِ سَعَةَ الْمَالِ، وَأَفْضَلُ مِنْ سَعَةِ الْمَالِ صِحَّةُ الْبَدَنِ، وَأَفْضَلُ مِنْ صِحَّةِ الْبَدَنِ تَقْوَى الْقَلْبِ. (١٤)

٢١. أَلَا وَإِنَّ مَنْ تَوَرَّطَ فِي الْأُمُورِ مِنْ غَيْرِ نَظَرٍ فِي الْعَوَاقِبِ فَقَدْ تَعَرَّضَ لِفُجَاءَةِ (١٥) النَّوَابِ. (١٦)

ص: ٣٠

١- (١). عيون الحكم والمواعظ، ص ١٠٨.

٢- (٢). الذَّلُّ وَالذُّلُّ: ضِدُّ الصَّعُوبَةِ. ذَلَّ يَذِلُّ ذُلًّا وَذِلًّا فَهُوَ ذَلُولٌ، وَالْجَمْعُ: ذُلٌّ وَأَذَلَّةٌ (لسان العرب: ٢٥٧/١١).

٣- (٣). الزَّمَامُ: الْخَيْطُ الَّذِي يُشَدُّ فِي الْبُرَّةِ أَوْ فِي الْخِشَاشِ ثُمَّ يَشَدُّ فِي طَرَفِهِ الْمَقْوَدُ. وَقَدْ يَسْمَى الْمَقْوَدُ زَمَامًا. وَالْجَمْعُ: أَرْزَمَةٌ (الصَّحَاحُ: ١٩٤٤/٥، الْمَصْبَاحُ الْمُنِيرُ: ٢٥٦).

٤- (٤). عيون الحكم والمواعظ، ص ١٠٨.

٥- (٥). هِيَ جَمْعُ شَمُوسٍ؛ وَهُوَ التَّفُورُ مِنَ الدَّوَابِّ الَّذِي لَا يَسْتَقِرُّ لِشِغْبِهِ وَحَدَّتِهِ (النَّهَائِيُّ: ٥٠١/٢).

٦- (٦). عيون الحكم والمواعظ، ص ١٠٨.

٧- (٧). أَى الْيَوْمِ الْعَمَلُ فِي الدُّنْيَا لِلْإِسْتِبَاقِ إِلَى الْجَنَّةِ. وَالْمِضْمَارُ: الْمَوْضِعُ الَّذِي تَضَمَّرَ فِيهِ الْخَيْلُ. وَتَضْمِيرُ الْخَيْلِ: هُوَ أَنْ يَظَاهِرَ عَلَيْهَا بِالْعَلْفِ حَتَّى تَسْمَنَ ثُمَّ لَا تَعْلَفُ إِلَّا قَوْتًا لِتَخَفِّ... (النَّهَائِيُّ: ٩٩/٣).

٨- (٨). السَّبَقَةُ: مَا يُتَسَابَقُ إِلَيْهِ. وَفِي بَعْضِ النُّسخِ: السُّبُقَةُ - بضم السين - وَهِيَ عِنْدَهُمْ اسْمٌ لِمَا يُجْعَلُ لِلْسَّبَاقِ إِذَا سَبَقَ مِنْ مَالٍ أَوْ عَرَضٍ. وَالْمَعْنِيَانِ مُتَقَارِبَانِ. قَالَ بَعْضُ الشَّارِحِينَ: غَايِرٌ بَيْنَ اللَّفْظَيْنِ لِاخْتِلَافِ الْمَعْنِيَيْنِ؛ لِأَنَّ الْإِسْتِبَاقَ إِنَّمَا يَكُونُ إِلَى أَمْرٍ مَحْبُوبٍ وَغَرَضٍ مَطْلُوبٍ، وَهَذَا صِفَةُ الْجَنَّةِ، وَلَيْسَ هَذَا الْمَعْنَى مَوْجُودًا فِي النَّارِ؛ لِأَنَّ الْغَايَةَ قَدْ يَنْتَهَى إِلَيْهَا مِنْ لَيْسَرِهِ ذَلِكَ (مَجْمَعُ الْبَحْرِينَ: ١٨٢/٥).

٩- (٩). عيون الحكم والمواعظ، ص ١٠٨.

١٠- (١٠). عيون الحكم والمواعظ، ص ١٠٨.

- ١١- (١١) . البُضْعَه - بالفتح -: القطعه من اللحم. والمراد أنّ اللسان آله تحركها سلطه النفس فلايسعد بالنطق ناطق امتنع عليه ذهنه من المعانى فلم يستحضرها، ولايمهله النطق إذا هو اتسع فى الفكر، بل تنحدر المعانى قهراً، فسعه الكلام تابعه لسعه العلم.
- ١٢- (١٢) . عيون الحكم والمواعظ، ص ١٠٨.
- ١٣- (١٣) . عيون الحكم والمواعظ، ص ١٠٨.
- ١٤- (١٤) . عيون الحكم والمواعظ، ص ١٠٨.
- ١٥- (١٥) . فجئه الأمر فجاً وفجاءه - بالضم والمد -: هجم عليه من غير أن يشعر به (لسان العرب: ١/١٢٠).
- ١٦- (١٦) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٧٥، ح ١٠٨٧٢ (لفجاءه لمفدحات)

۱۳. بدرستی که دنیا گذرا و تمام شدنی است و خوبیهای آن ناپسند است و جدید و قیمتی آن بی ارزش است.
۱۴. بدانید، تقوا مرکب راهواری است که پرهیزگاران بر آن سوار شده و کنترل آن را به دست گرفته اند و آنان را وارد بهشت می کند.
۱۵. بدانید، گناه مرکب چموشی است که گنهکاران بر آن سوار گشته و مهارش رها شده و آنان را وارد دوزخ می کند.
۱۶. بدانید، امروز اردوی آمادگی مسابقه است و فردا دریافت جایزه بهشت، جایزه برندگان و دوزخ نصیب بازندگان است.
۱۷. بدانید، بدرستی که شما در دوران آمال [و آرزوها] هستید و پس از آن مرگ فرا می رسد و کسی که قبل از رسیدن مرگ عمل خیر انجام دهد، آن عمل به نفع اوست و اجل به او ضرر نمی رساند.
۱۸. بدانید، که زبان عضوی از انسان است او را یارای سخن گفتن نیست هنگامی که ذهن [و فکر] او راکد است و هرگاه ذهن [و فکر] او به کار افتد سخن گفتن او به راه افتد [و کلمات پیوسته و پست سرهم] ساخته و پرداخته می شوند.
۱۹. بدانید، تهیدستی از جمله بلاهاست. و ناگوارتر از آن بیماری جسم است. و بدتر از آن بیماری روح است.
۲۰. بدانید، از جمله نعمت ها ثروت زیاد است و بهتر از ثروت زیاد تندرستی و از آن بهتر تقوی و خویشنداری است.
۲۱. بدانید، هر کس بدون عاقبت اندیشی در کاری وارد شود خود را در معرض حوادث ناگهانی قرار داده است.

٢٢. أَلَا وَإِنَّ اللَّيْبَ مَنِ اسْتَقْبَلَ وُجُوهَ الْأَرَاءِ بِفِكْرِ صَائِبٍ، وَنَظَرَ فِي الْعَوَاقِبِ. (١)

٢٣. أَلَا وَقَدْ امْرُتُمْ بِالظَّنِّ (٢)، وَدُلِّتُمْ عَلَى الزَّادِ، فَتَزَوَّدُوا مِنَ الدُّنْيَا مَا تُحْرِزُونَ بِهِ أَنْفُسَكُمْ غَدًا. (٣)

٢٤. أَلَا وَإِنَّ الْجِهَادَ ثَمَنُ الْجَنَّةِ؛ فَمَنْ جَاهَدَ نَفْسَهُ مَلَكَهَا، وَهِيَ أَكْرَمُ ثَوَابِ اللَّهِ لِمَنْ عَرَفَهَا. (٤)

٢٥. أَلَا وَإِنَّ شَرَائِعَ الدِّينِ وَاحِدَةٌ، وَسُبُلُهُ قَاصِدَةٌ؛ فَمَنْ أَخَذَ بِهَا لِحَقٍّ وَغَنَمَ، وَمَنْ وَقَفَ عَنْهَا ضَلَّ وَنَدِمَ. (٥)

٢٦. أَلَا لَا يَسْتَحْيِيَنَّ مَنْ لَا يَعْلَمُ أَنْ يَتَعَلَّمَ؛ فَإِنَّ قِيَمَةَ كُلِّ امْرِئٍ مَا يَعْلَمُ. (٦)

٢٧. أَلَا فَاعْمَلُوا وَالْأَلْسُنُ مُطْلَقَةٌ، وَالْأَبْدَانُ صَيِّحَةٌ، وَالْأَعْضَاءُ لَمَدَنَةٌ (٧)، وَالْمُنْقَلَبُ فَسِيحٌ، وَالْمَجَالُ عَرِيضٌ، قَبْلَ إِزْهَاقِ الْفَوْتِ، وَحُلُولِ الْمَوْتِ. (٨)

ص: ٣٢

-
- ١- (١). عيون الحكم والمواعظ، ص ١٠٨.
 - ٢- (٢). ظَعَنَ ظَعْنًا: ارتحل، والاسم: ظَعْنٌ (المصباح المنير: ٣٨٥)، والمراد بالزاد الأعمال الصالحة؛ أى امرتم بالتهيؤ للارتحال بالعبادات والأعمال الصالحة. راجع نهج البلاغه: الخطبتين ٢٨ و ١٥٥.
 - ٣- (٣). عيون الحكم والمواعظ، ص ١٠٩.
 - ٤- (٤). عيون الحكم والمواعظ، ص ١٠٧.
 - ٥- (٥). شرح نهج البلاغه، ج ٧، ص ٢٨٨.
 - ٦- (٦). عيون الحكم والمواعظ، ص ١٠٩.
 - ٧- (٧). اللذن: اللين من كل شىء. أى قبل الشيخوخه والهزم ويبس الأعضاء والأعصاب (شرح نهج البلاغه: ١٧٨/١٠).
 - ٨- (٨). تصنيف غرر الحكم، ص ١٥١، ح ٢٧٤٨.

۲۲. بدانید، خردمند کسی است که با بینش درست و عاقبت اندیشی با آراء مختلف روبرو می شود.

۲۳. بدانید، فرمان کوچ به شما داده شده است و شما را به توشه آخرت راهنمایی کرده اند. پس به مقداری که فردا [ی قیامت] خود را حفظ کنید از دنیا توشه برگزید.

۲۴. بدانید، جهاد بهای بهشت است، هر کس با هوای نفس خود جهاد کند مالک بهشت خواهد شد و این بهترین پاداش خدا به کسی است که خود را بشناسد.

۲۵. بدانید [ریشه] شریعت های دین یکی است و راه هایش هموار است [و قابل پیمودن] آن اعتدال است و هر کس به راه دین پای نهد به مقصد رسیده و غنیمت برد. و هر کس توقف کند گمراه و پشیمان شود.

۲۶. بدانید، هر کس نمی داند از آموختن شرم نکند، چرا که ارزش هر کس به مقدار علم اوست.

۲۷. بدانید، اینک تا زبانها آزاد، بدن ها سالم و اعضاء در اختیار و عرصه وسیع و فرصت بسیار است قبل از جان دادن و فرا رسیدن مرگ، کاری کنید.

الفصل الثانی: فی الألفاظِ التَّبَوِيَّهِ وَالْآدَابِ الشَّرْعِيَّةِ

الفصل الثانی: فی الألفاظِ التَّبَوِيَّهِ وَالْآدَابِ الشَّرْعِيَّةِ

المَخْصُوصِ بِجَوَامِعِ الْكَلِمِ وَبِدَائِعِ الْحِكْمِ

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

٢٨. الْقُرْآنُ هُوَ الدَّوَاءُ. (١)

٢٩. الدُّعَاءُ هُوَ الْعِبَادَةُ. (٢)

٣٠. الدِّينُ شَيْنٌ. (٣)

٣١. التَّدْبِيرُ نِصْفُ الْعَيْشِ. (٤)

٣٢. التَّوَدُّدُ نِصْفُ الْعَقْلِ. (٥)

٣٣. الْهَمُّ نِصْفُ الْهَرَمِ. (٦)

٣٤. حُسْنُ السُّؤَالِ نِصْفُ الْعِلْمِ. (٧)

٣٥. قَلْبُهُ الْعِيَالِ أَحَدُ الْيَسَارِينِ. (٨)

٣٦. السَّلَامُ قَبْلَ الْكَلَامِ. (٩)

٣٧. الرَّضَاعُ يُعَيِّرُ الطَّبَاعَ. (١٠)

٣٨. الْبِرَّكَهَ مَعَ أَكَابِرِكُمْ. (١١)

ص: ٣٤

١- (١). الدعوات، ص ١٨٨، ح ٥٢١.

٢- (٢). الدعوات، ص ١٩، ح ١٠.

٣- (٣). فقه القرآن، ج ١، ص ٣٧٨.

٤- (٤). من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٤١٦، ح ٥٩٠٤: بجای التدبير: التقدير.

٥- (٥). من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٤١٦، ح ٥٩٠٤.

٦- (٦). من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٤١٦، ح ٥٩٠٤.

- ٧-٧) . مسند الشهاب، ج ١، ص ٥٥، ح ٣٢.
- ٨-٨) . السرائر، ج ٣، ص ٥٥٠.
- ٩-٩) . تحف العقول، ص ٢٤٦.
- ١٠-١٠) . قرب الإسناد، ص ٩٣، ح ٣١٢.
- ١١-١١) . بحار الأنوار، ج ٧٢، ص ١٣٧، ح ٤؛ كنز العمال، ص ١٧٢، ح ٦٠١٥.

فصل دوم: جملاتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و آداب شرعی که ویژه سخنان جامع و حکمت های نو است

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

۲۸. قرآن درمان [دردهای بشر] است.

۲۹. دعا عبادت است.

۳۰. بدهی ذلت است.

۳۱. تدبیر نیمی از معاش است.

۳۲. محبت کردن به دیگران نیمی از عقل است.

۳۳. غصه نیمی از پیری است.

۳۴. خوب پرسش کردن نیمی از علم است.

۳۵. فرزند کمتر یکی از دو گشایش است.

۳۶. سلام کردن قبل از سخن گفتن است.

۳۷. شیر دادن طبیعت [فرزند] را دگرگون می کند.

۳۸. برکت همراه با پیران شماست.

ص: ۳۵

٣٩. مِلاَكُ الأَمْرِ خَوَاتِمُهُ. (١).

٤٠. مِلاَكُ الدِّينِ الوَرَعُ. (٢).

٤١. خَشِيَهُ اللهُ رَأْسُ كُلِّ حِكْمَةٍ، وَالْوَرَعُ سَيِّدُ العَمَلِ. (٣).

٤٢. مَطْلُ (٤) العَنِيِّ ظُلْمٌ. (٥).

٤٣. مَسْأَلَةُ العَنِيِّ نَارٌ، وَالتَّحَدُّثُ بِالنَّعَمِ شُكْرٌ. (٦).

٤٤. انْتِظَارُ الفَرَجِ بِالصَّبْرِ عِبَادَةٌ. (٧).

٤٥. الصَّوْمُ جَنَّةٌ (٨). (٩).

٤٦. الرِّفْقُ رَأْسُ الحِكْمَةِ. (١٠).

٤٧. الحِكْمَةُ ضَالَّةٌ كُلِّ حَكِيمٍ. (١١).

٤٨. البِرُّ حُسْنُ الخُلُقِ. (١٢).

٤٩. الشَّبَابُ شُعْبَةٌ مِنَ الجُنُونِ. (١٣).

٥٠. النِّسَاءُ حَبَائِلُ الشَّيْطَانِ. (١٤).

٥١. الخَمْرُ جِماعُ (١٥) الإِثْمِ. (١٦).

٥٢. الزَّنا يورِثُ الفَقْرَ. (١٧).

٥٣. زِناؤُ العُيُونِ النَّظْرُ. (١٨).

ص: ٣٦

١- (١). تفسير الصافي، ج ٣، ص ٢٨٢.

٢- (٢). عيون الحكم والمواعظ، ص ٤٨٦.

٣- (٣). كنز العمال، ج ٣، ص ١٤١، ح ٥٨٧٢.

٤- (٤). المَطْلُ: التسوية والمدافعة بالعدة والدَّين (لسان العرب: ١١/٦٢٤).

٥- (٥). تحف العقول، ص ٢٦٧.

٦- (٦). كنز العمال، ج ٦، ص ٥٠٤، ح ١٦٧٣٢.

- ٧-٧) . عيون الحكم والمواعظ، ص ١٨.
- ٨-٨) . أى يقى صاحبه ما يؤذيه من الشهوات والجُننه: الوقايه (النهايه: ٢٩٧/١).
- ٩-٩) . المحاسن للبرقى، ج ١، ص ٢٨٧.
- ١٠-١٠) . عوالى اللآلى، ج ١، ص ٣٧١، ح ٧٩.
- ١١-١١) . عيون الحكم والمواعظ، ص ٢٢.
- ١٢-١٢) . كنز العمال، ج ٣، ص ٧، ح ٥١٦٣.
- ١٣-١٣) . من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٣٧٧، ح ٥٧٧٤.
- ١٤-١٤) . شرح نهج البلاغه، ج ١٨، ص ١٩٩.
- ١٥-١٥) . جماع الشىء - بالكسر - : جمعه. تقول: جماع الخباء الأخييه؛ لأن الجماع ما جمع عدداً. وقدّر جماع أيضاً للعظيمه (الصحاح: ١٢٠٠/٣).
- ١٦-١٦) . الأمالى للمفيد، ص ٣٣٣.
- ١٧-١٧) . من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٢٠، ح ٤٩٧٨.
- ١٨-١٨) . مسند أحمد، ج ٢ ص ٢٧٦: زناء العين النظر.

۳۹. ملاک هر کار سرانجام آن است.

۴۰. ملاک دین داری، پرهیزکاری است.

۴۱. ترس از خدا منشأ هر حکمت و پارسائی سرور کارهاست.

۴۲. تأخیر در ادای بدهی از توانگر ظلم است.

۴۳. گدائی کردن توانگر آتش است. ذکر نعمت شکر است.

۴۴. انتظار فرج همراه با صبر عبادت است.

۴۵. روزه سپر [آتش] است.

۴۶. ملاطفت و مدارا سرلوحه حکمت است.

۴۷. حکمت گم گشته هر حکیم است.

۴۸. نیکوکاری همان خوشرفتاری است.

۴۹. جوانی بخشی از جنون است.

۵۰. زنان [بی عفت] دامهای شیطان هستند.

۵۱. شراب، مجمع گناهان است.

۵۲. زنا موجب فقر می شود.

۵۳. زنا چشم ها، نگاه است.

٥٤. الحُمَى رائدٌ (١) الموتِ. الحُمَى حَظٌّ كُلُّ مُؤْمِنٍ مِنَ النَّارِ. (٢)

٥٥. القَنَاعَةُ مالٌ لا يَنفَدُ. (٣)

٥٦. الأمانَةُ تَجْرُ الرِّزْقَ. (٤)

٥٧. الخِيَانَةُ تَجْرُ الْفَقْرَ. (٥)

٥٨. الصَّبِيحَةُ تَمْنَعُ الرِّزْقَ. (٦)

٥٩. العَمَائِمُ تَبْجَانُ الْعَرَبَ. (٧)

٦٠. الحَيَاءُ خَيْرٌ كُلُّهُ. (٨)

٦١. الحَيَاءُ لا يَأْتِي إِلَّا بِخَيْرٍ. (٩)

٦٢. الْمَسْجِدُ بَيْتٌ كُلُّ تَقِيٍّ. (١٠)

٦٣. آفَةُ الْعِلْمِ النِّسيَانُ. (١١)

٦٤. آفَةُ الْحَدِيثِ الْكَذِبُ. (١٢)

٦٥. آفَةُ الْحِلْمِ السَّفَهُ (١٣). (١٤)

٦٦. آفَةُ الْعِبَادَةِ الْفِتْرَةُ (١٥). (١٦)

٦٧. آفَةُ الشَّجَاعَةِ الْبَغْيُ. (١٧)

٦٨. آفَةُ السَّمَاحَةِ الْمَنُّ. (١٨)

٦٩. آفَةُ الْجَمَالِ الْخِيَلَاءُ (١٩). (٢٠)

ص: ٣٨

١- (١) . أى رسوله الذى يتقدمه كما يتقدم الرائد قومه. وأصل الرائد: الذى يتقدم القومَ يبصر لهم الكلاً ومساقط الغيث (النهاية: ٢٧٥/٢).

٢- (٢) . الكافى، ج ٣، ص ١١٢، ح ٧.

٣- (٣) . روضه الواعظين، ص ٤٥٤.

- ٤- (٤) . كنز العمال، ج ٣، ص ٦١، ح ٥٤٩٩.
- ٥- (٥) . كنز العمال، ج ٣، ص ٦١، ح ٥٤٩٩.
- ٦- (٦) . تذكره الموضوعات، ص ١٤٠.
- ٧- (٧) . الأمل للمرتضى، ج ١، ص ٢٦.
- ٨- (٨) . من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٣٧٩، ح ٥٨٠٠.
- ٩- (٩) . مكارم الأخلاق، ص ٤٢، ح ٩٩.
- ١٠- (١٠) . كنز العمال، ج ٧، ص ٥٨٠، ح ٢٠٣٤٩.
- ١١- (١١) . الخصال، ص ٤١٦، ح ٧.
- ١٢- (١٢) . الخصال، ص ٤١٦، ح ٧.
- ١٣- (١٣) . السَّفَهُ فِي الْأَصْلِ: الْخِفَّةُ وَالطَّيْشُ (لسان العرب: ٤٩٨/١٣).
- ١٤- (١٤) . الخصال، ص ٤١٦، ح ٧.
- ١٥- (١٥) . الفتره: الانكسار والضعف. وفتر الشيء والحُرُّ وفلانٌ يفتر فتوراً وفُتاراً: سكن بعد حده، ولانٌ بعد شدّه (لسان العرب: ٤٣/٥).
- ١٦- (١٦) . الخصال، ص ٤١٦، ح ٧.
- ١٧- (١٧) . الخصال، ص ٤١٦، ح ٧.
- ١٨- (١٨) . الخصال، ص ٤١٦، ح ٧.
- ١٩- (١٩) . الخِيَلَاءُ: الْكِبْرُ (لسان العرب: ٢٢٨/١١).
- ٢٠- (٢٠) . الخصال، ص ٤١٦، ح ٧.

۵۴. تب پیشاهنگ مرگ است. تب، سهم هر مؤمن از آتش جهنم است.
۵۵. قناعت سرمایه بی پایان است.
۵۶. امانت داری، روزی می آورد.
۵۷. خیانت، فقر می آورد.
۵۸. خواب صبحگاهان مانع روزی می شود.
۵۹. عمامه ها، تاج های عربهايند.
۶۰. حياء، سراسر خير است.
۶۱. حياء جز خير ثمری نمی آورد.
۶۲. مسجد، خانه پرهيزکاران است.
۶۳. آفت علم فراموشی است.
۶۴. آفت سخن، دروغ گوئی است.
۶۵. آفت بردباری، سفاهت است.
۶۶. آفت عبادت، سستی است.
۶۷. آفت شجاعت، ستم است.
۶۸. آفت جوانمردی، مٓت است.
۶۹. آفت زیبائی، خود پسندی است.

٧٠. آفَهُ الْحَسَبِ الْفَخْرُ. (١)

٧١. آفَهُ الدِّينِ الْهَوَى. (٢)

٧٢. السَّعِيدُ مَنْ وُعِظَ بِغَيْرِهِ. (٣)

٧٣. الشَّقِيُّ مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ امِّهِ (٤). (٥)

٧٤. كَفَّارَةُ الذَّنْبِ النَّدَامَةُ (٦). (٧)

٧٥. الْجُمُعَةُ حُجُّ الْمَسَاكِينِ. (٨)

٧٦. الْحُجُّ جِهَادٌ كُلُّ ضَعِيفٍ. (٩)

٧٧. طَلَبُ الْحَلَالِ جِهَادٌ. (١٠)

٧٨. مَوْتُ الْغَرِيبِ شَهَادَةٌ. (١١)

٧٩. الْعِلْمُ لَا يَحِلُّ مَنْعُهُ. (١٢)

٨٠. الشَّاهِدُ يَرَى مَا لَا يَرَاهُ الْغَائِبُ. (١٣)

٨١. الدَّالُّ عَلَى الْخَيْرِ كَفَاعِلِهِ. (١٤)

٨٢. كُلُّ مَعْرُوفٍ صَدَقَةٌ. (١٥)

ص: ٤٠

-
- ١- (١) . الخصال، ص ٤١٦، ح ٧.
- ٢- (٢) . كنز العمال، ج ١٦، ص ١١٧، ح ٤٤١٢١.
- ٣- (٣) . الأمالي للصدوق، ص ٥٩٥.
- ٤- (٤) . نقله ابن الأثير في النهاية فقال: والمعنى أنّ من قدّر الله عليه في أصل خلقته أن يكون شقيّاً فهو الشقيّ في الحقيقة لا من عرض له الشقاء بعد ذلك، وهو إشارة إلى شقاء الآخرة لا شقاء الدنيا. انتهى. ونقله في البحار ج ٥ ص ١٥٧ عن التوحيد بإسناده عن ابن أبي عمير قال: سألت أبا الحسن موسى بن جعفر عليه السلام عن معنى قول رسول الله صلى الله عليه وآله: «الشقيّ من شقى في بطن أمه، والسعيد من سعد في بطن أمه» فقال: الشقيّ من علم الله - وهو في بطن أمه - أنه سيعمل أعمال الأشقياء، والسعيد من علم الله - وهو في بطن أمه - أنه سيعمل عمل السعداء. ولعلّ المراد من الرواية الشقاء الدنيوي؛ حيث إنّ شقاء وسعادته في هذه الدنيا معلول لأعمال أبيه وأمّه وما تتغذى أمه وهو جنين؛ لوضوح تأثيرها فيه كما يستفاد من الأخبار، ولو

كان المراد الشقاء الأخرى أيضاً فلا بأس به، وقد قيل في معناه وجوه آخر تطلب من مظانها.

٥- (٥) . من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٣٧٧، ح ٥٧٧٨.

٦- (٦) . توضيحه أن الندم توبه كما في الحديث: «كفى بالندم توبه».

٧- (٧) . كنز العمال، ج ٤، ص ٢١٥، ح ١٠٢١٨.

٨- (٨) . الدعوات، ص ٣٧، ح ٩١.

٩- (٩) . ثواب الأعمال، ص ٤٩.

١٠- (١٠) . كنز العمال، ج ٤، ص ٦، ح ٩٢٠٥.

١١- (١١) . من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ١٣٩، ح ٣٧٩ عن الصادق عليه السلام.

١٢- (١٢) . مسند الشهاب، ج ١، ص ٨٤، ح ٨٣.

١٣- (١٣) . الأمالي للمرطضي، ج ١، ص ٥٤.

١٤- (١٤) . الخصال، ص ١٣٤، ح ١٤٥؛ من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٣٨٠، ح ٥٨١٣.

١٥- (١٥) . من لا يحضره الفقيه، ج ٢، ص ٥٥، ح ١٦٨٢.

۷۰. آفت حسب و نسب، فخر فروشی است.

۷۱. آفت دین، هوا پرستی است.

۷۲. سعادت‌مند کسی است که از دیگران پند بگیرد.

۷۳. بدبخت، کسی است که نطفهٔ بدبختی اش در رحم مادر منعقد می‌شود.

۷۴. کفارهٔ گناه، پشیمانی است.

۷۵. نماز جمعه حج فقراست.

۷۶. حج جهاد هر ناتوان است.

۷۷. کسب حلال جهاد است.

۷۸. مرگ در غربت شهادت است.

۷۹. دریغ داشتن علم سزاوار نیست.

۸۰. شاهد می‌بیند آنچه را که غایب نمی‌بیند.

۸۱. راهنمای به خیر مانند انجام دهنده آن است.

۸۲. هر کار نیکی، صدقه است.

٨٣. مُدَارَاهُ النَّاسِ صَدَقَةٌ. (١).

٨٤. الْكَلِمَةُ الطَّيِّبَةُ صَدَقَةٌ. (٢).

٨٥. مَا وَفَى الْمَرْءُ بِهِ عَرْضَهُ كُتِبَ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ. (٣).

٨٦. الصَّدَقَةُ عَلَى الْقَرَابَةِ صَدَقَةٌ وَصِلَةٌ. (٤).

٨٧. الصَّدَقَةُ تَمْنَعُ مَيْتَةَ السُّوءِ. (٥)(٦).

٨٨. صَدَقَةُ السَّرِّ تُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ. (٧).

٨٩. صَلَّةُ الرَّحِمِ تَزِيدُ فِي الْعُمْرِ. (٨).

٩٠. صَنَائِعُ الْمَعْرُوفِ تَقِي مَصَارِعَ السُّوءِ. (٩).

٩١. الرَّجُلُ فِي ظِلِّ صَدَقَتِهِ حَتَّى يُقْضَى بَيْنَ النَّاسِ. (١٠).

٩٢. الصَّدَقَةُ تُطْفِئُ الْخَطِيئَةَ كَمَا يُطْفِئُ الْمَاءُ النَّارَ. (١١).

٩٣. الْمُتَعَدِّي فِي الصَّدَقَةِ كَمَا نَعِبَهَا. (١٢).

٩٤. التَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ. (١٣).

٩٥. الظُّلْمُ ظُلُمَاتٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (١٤).

٩٦. كَثْرَةُ الضُّحْكِ تُمِيتُ الْقَلْبَ. (١٥).

٩٧. لِكُلِّ كَبِدٍ حَزَى (١٦) أَجْرٌ. (١٧).

٩٨. الْعُلَمَاءُ أَمْنَاءُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ. (١٨).

ص: ٤٢

١- (١) . روضه الواعظين، ص ٣٨٠.

٢- (٢) . مكارم الأخلاق، ص ٤٦٧.

٣- (٣) . الدعوات، ص ١٠٧، ح ٢٣٩.

٤- (٤) . المعجم الكبير، ج ٦، ص ٢٧٥.

٥- (٥) المَيْتَةُ - بالكسر -: للحال والهيئه. ومَيْتَةُ السَّوءِ: هي الحال التي يكون عليها الإنسان عند الموت كالفقر المرقع والوَصِيب الموجه والألم المغلَّق، والأعلام التي تفضى به إلى كفران النعمه ونسيان الذكر، والأحوال التي تشغله عمَّا له وعليه (مجمع البحرين: ١٧٣٤/٣).

- ٦- (٦) . ثواب الأعمال، ص ١٤٠.
- ٧- (٧) . من لا يحضره الفقيه، ج ٢، ص ٦٧، ح ١٧٣٥.
- ٨- (٨) . الدعوات، ص ١٢٥، ح ٣٠٨.
- ٩- (٩) . من لا يحضره الفقيه، ج ٢، ص ٥٦، ح ١٦٨٧.
- ١٠- (١٠) . مسند الشهاب، ج ١، ص ٩٤، ح ١٠٢.
- ١١- (١١) . مسند أحمد، ج ٢، ص ٣٩٩.
- ١٢- (١٢) . سنن ابن ماجه، ج ١، ص ٥٧٨.
- ١٣- (١٣) . عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ١، ص ٧٩، ح ٣٤٧.
- ١٤- (١٤) . عوالي اللآلي، ج ١، ص ١٤٩، ح ٩٩.
- ١٥- (١٥) . الكافي، ج ٢، ص ٦٦٤، ح ٦.
- ١٦- (١٦) . الحرّى: فعلى من الحرّ، وهي تأنيث حرّان، وهما للمبالغه، يريد أنّها لشده حرّها قد عطشت ويبست من العطش. والمعنى أنّ في سقى كلّ ذي كبد حرّى أجراً (النهايه: ٣٥٠/١)
- ١٧- (١٧) . المعتمر، ج ٢، ص ٥٨١.
- ١٨- (١٨) . مسند الشهاب، ج ١، ص ١٠٠.

۸۳. مدارا کردن با مردم، صدقه است.

۸۴. سخن پاکیزه، برایش صدقه حساب می شود.

۸۵. آنچه انسان در راه حفظ آبرو مصرف کند، برایش صدقه حساب می شود.

۸۶. صدقه به خویشاوندان، هم صدقه و هم صله رحم است.

۸۷. صدقه دادن از مرگ بد جلوگیری می کند.

۸۸. صدقه مخفیانه، غضب خداوند را فرو می نشاند.

۸۹. صلۀ رحم عمر را طولانی می کند.

۹۰. انجام کارهای نیک [نسبت به دیگران] مانع زمین خوردن های سخت می شوند.

۹۱. [در قیامت] تا زمان حسابرسی انسان در سایه صدقه اش در امان می ماند تا حساب مردمان [در قیامت] رسیدگی شود.

۹۲. صدقه گناه را از بین می برد همانطور که آب آتش را خاموش می کند.

۹۳. کسی که بیش از اندازه صدقه بدهد، مثل کسی است که صدقه نمی دهد.

۹۴. کسی که توبه کرده مثل کسی است که گناه مرتکب نشده است.

۹۵. ظلم باعث ظلمت در روز قیامت می شود.

۹۶. خندیدن زیاد، دل را می میراند.

۹۷. [سیراب کردن] هر تشنه ای پاداش دارد.

۹۸. علماء امین خداوند در میان خلق هستند.

٩٩. رَأْسُ الْحِكْمَةِ مَخَافَةُ اللَّهِ. (١)
١٠٠. الْجَنَّةُ دَارُ الْأَسْخِيَاءِ. (٢)
١٠١. الْجَنَّةُ تَحْتَ ظِلَالِ السُّيُوفِ. (٣)
١٠٢. الْجَنَّةُ تَحْتَ قَدَمِ الْأَمَّهَاتِ. (٤)
١٠٣. الدُّعَاءُ بَيْنَ الْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ لَا يُرَدُّ. (٥)
١٠٤. كَسْبُ الْحَلَالِ فَرِيضَةٌ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ. (٦)
١٠٥. أَكْثَرُ النَّسَاءِ بَرَكَهٌ أَقْلُهُنَّ مُؤَنَّةً. (٧). (٨)
١٠٦. الْمُؤْمِنُ مِرْآةُ الْمُؤْمِنِ. (٩)
١٠٧. الْمُؤْمِنُ أَخُ الْمُؤْمِنِ. (١٠)
١٠٨. الْمُؤْمِنُ يَسِيرُ الْمُؤَنَّةِ. (١١)
١٠٩. الْمُؤْمِنُ كَيْسٌ فَطِنٌ حَذِرٌ. (١٢)
١١٠. الْمُؤْمِنُ آلِفٌ مَأْلُوفٌ. (١٣)
١١١. الْمُؤْمِنُ مَنْ أَمِنَهُ النَّاسُ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ. (١٤)
١١٢. الْمُؤْمِنُ غَيْرٌ كَرِيمٌ، وَالْفَاجِرُ خَبٌّ (١٥) لَيْئِمٌ. (١٦)
١١٣. الْمُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبَنِيَانِ يَشُدُّ بَعْضُهُ بَعْضًا. (١٧)
١١٤. الْمُؤْمِنُ مِنَ أَهْلِ الْإِيمَانِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ. (١٨)
١١٥. الْمُؤْمِنُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي ظِلِّ صِدْقَتِهِ. (١٩)

ص: ٤٤

١- (١) . مشكاة الأنوار، ص ٢١٥.

٢- (٢) . مشكاة الأنوار، ص ٤٠٥.

- ٣-٣) . كتاب الدعاء، سليمان بن أحمد الطبراني، ص ٣٢٧.
- ٣-٤) . تفسير مجمع البيان، ج ٨، ص ١١.
- ٣-٥) . الدعوات، ص ٣٦، ح ٨٧.
- ٣-٦) . روضه الواعظين، ص ٤٥٧.
- ٣-٧) . لعل المراد بقله المؤمنه خفه مقدمات التزويج، أو كون المرأه قانعاً بالقليل من العيش.
- ٣-٨) . روضه الواعظين، ص ٣٧٥.
- ٣-٩) . المجازات النبويه، ص ٧٩: المؤمن مرآه أخيه.
- ٣-١٠) . الأصول الستة عشر، ص ٦٣. از امام باقر عليه السلام.
- ٣-١١) . كنز العمال، ج ١، ص ١٤٢.
- ٣-١٢) . كنز العمال، ص ١٤٣.
- ٣-١٣) . مسند الشهاب، ج ١، ص ١٠٨، ح ١٢٩.
- ٣-١٤) . مسند الشهاب، ج ١، ص ١٠٩، ح ١٢٩.
- ٣-١٥) . الخبّ - بالكسر -: الخدّاع. ورجلٌ خبّ نسيهً بالمصدر (المصباح المنير: ١٦٢).
- ٣-١٦) . مكارم الأخلاق، ابن أبي الدنيا، ص ٢٠، ح ١١.
- ٣-١٧) . كنز العمال، ج ١، ص ١٤١، ح ٦٧٤.
- ٣-١٨) . مسند أحمد، ج ٥، ص ٣٤٠.
- ٣-١٩) . كنز العمال، ج ٦، ص ٣٤٨، ح ١٥٩٩٦.

۹۹. سرمنشاء حکمت، خوف از خداست.
۱۰۰. بهشت جایگاه سخاوتمندان است.
۱۰۱. بهشت زیر سایه شمشیر [رزمندگان اسلام] است.
۱۰۲. بهشت زیر قدمهای مادران است.
۱۰۳. بین اذان و اقامه دعا رد نمی شود.
۱۰۴. پس از [نماز] و واجبات، کسب حلال واجب است.
۱۰۵. پر برکت ترین زنان، کم خرج ترین آنهاست.
۱۰۶. مؤمن، آئینه ی مؤمن است.
۱۰۷. مؤمن، برادر مؤمن است.
۱۰۸. مؤمن، کم هزینه است.
۱۰۹. مؤمن، زیرک و هوشیار و مراقب است.
۱۱۰. مؤمن، اهل الفت است.
۱۱۱. مؤمن، کسی است که جان و مال مردم از او در امان باشد.
۱۱۲. مؤمن، با وقار و کریم است و گنهکار حيله کار و فرومایه است.
۱۱۳. مؤمنان در کنار هم، مانند پایه های یک بنا همدیگر را حفظ می کنند.
۱۱۴. مؤمن، در میان اهل ایمان مانند سر در بدن است.
۱۱۵. مؤمن، در روز قیامت در سایه صدقه اش آسوده است.

١١٦. الْمُؤْمِنُ يَأْكُلُ فِي مَعَىٰ وَاحِدٍ، وَالْكَافِرُ يَأْكُلُ فِي سَبْعَةِ أَمْعَاءٍ (١). (٢).

١١٧. الْمُؤْمِنُونَ هَيِّنُونَ لَيِّنُونَ (٣). (٤).

١١٨. الشَّتَاءُ رَيْبُ الْمُؤْمِنِ (٥).

١١٩. الدُّعَاءُ سِلَاحُ الْمُؤْمِنِ (٦).

١٢٠. الصَّلَاةُ نُورُ الْمُؤْمِنِ (٧).

١٢١. الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَجَنَّةُ الْكَافِرِ (٨).

١٢٢. الْحِكْمَةُ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ (٩).

١٢٣. نَبِيُّ الْمُؤْمِنِ أَبْلَغُ مِنْ عَمَلِهِ (١٠).

١٢٤. هَدِيَّةُ اللَّهِ إِلَى الْمُؤْمِنِ السَّائِلِ عَلَى بَابِهِ (١١).

١٢٥. تُحَفَّهُ الْمُؤْمِنِ الْمَوْتُ (١٢).

١٢٦. شَرَفُ الْمُؤْمِنِ قِيَامُهُ بِاللَّيْلِ، وَعِزُّهُ اسْتِغْنَاؤُهُ عَنِ النَّاسِ (١٣).

١٢٧. الْعِلْمُ خَلِيلُ الْمُؤْمِنِ، وَالْحِلْمُ وَزِيرُهُ، وَالْعَقْلُ دَلِيلُهُ، وَالْعَمَلُ قَائِدُهُ، وَالرِّفْقُ وَالِدُهُ، وَالْبِرُّ أَخُوهُ، وَالصَّبْرُ أَمِيرُ جُنُودِهِ (١٤).

١٢٨. الْغَيْرَةُ مِنَ الْإِيمَانِ (١٥).

١٢٩. الْبِدَاذَةُ (١٦) مِنَ الْإِيمَانِ (١٧).

١٣٠. الصَّبْرُ نِصْفُ الْإِيمَانِ، وَالْيَقِينُ الْإِيمَانُ كُلُّهُ (١٨).

ص: ٤٦

١- (١). هذا مثل ضربته للمؤمن وزهده في الدنيا والكافر وحرصه عليها، وليس معناه كثرة الأكل دون الاتساع في الدنيا. وقيل: هو تخصيص للمؤمن وتحامى ما يجزئه الشبع من القسوه وطاعه الشهوه، ووصف الكافر بكثرة الأكل إغلاطاً على المؤمن، وتأكيده لما رُسم له. والمعنى: واحد الأمعاء وهي المصارين (النهاية: ٣٤٤/٤).

٢- (٢). عوالى اللآلى، ج ١، ص ١٤٤، ح ٦٩.

٣- (٣). هما تخفيف الهين واللين. قال ابن الأعرابي: العرب تمدح بالهين اللين مخففين وتذم بهما مثقلين. وهين: فيعمل من الهون؛ وهو السكينه والوقار والسهوله (النهاية: ٢٨٩/٥).

- ٤- (٤) . الكافي، ج ٢، ص ٢٣٤، ح ١٤.
- ٥- (٥) . الأمالي للصدوق، ص ٣٠٨.
- ٦- (٦) . عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ١، ص ٤٠، ح ٩٥.
- ٧- (٧) . مسند الشهاب، ج ١، ص ١١٨، ح ١٤٤.
- ٨- (٨) . من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٣٦٣.
- ٩- (٩) . الكافي، ج ٨، ص ١٦٧، ح ١٨٦.
- ١٠- (١٠) . الأمالي للطوسي، ص ٤٥٤، ح ١٩/١٠١٣.
- ١١- (١١) . مسند الشهاب، ج ١، ص ١٢٠، ح ١٤٩.
- ١٢- (١٢) . الدعوات، ص ٢٣٥، ح ٦٤٨.
- ١٣- (١٣) . مسند الشهاب، ج ١، ص ١٢١، ح ١٥١.
- ١٤- (١٤) . تحف العقول، ص ٥٥، في المصدر: «قيمه» بدل «قائده».
- ١٥- (١٥) . من لا يحضره الفقيه، ج ٣، ص ٤٤٤، ح ٤٥٤١.
- ١٦- (١٦) . البذاذة: رثائه الهيئه، يقال: يَدُّ الهيئه وبأد الهيئه: أي رث اللبس. أراد التواضع في اللباس وترك التبجج به (النهايه: ١١٠/١).
- ١٧- (١٧) . مسند الشهاب، ج ١، ص ١٢٥، ح ١٥٧.
- ١٨- (١٨) . شرح نهج البلاغه، ج ١، ص ١٣٩.

۱۱۶. مؤمن، کم مصرف و کافر پرمصرف است. (۱)

۱۱۷. مؤمنان، خوش رفتار و نرم خو هستند.

۱۱۸. زمستان، بهار مؤمن است.

۱۱۹. دعا، سلاح مؤمن است.

۱۲۰. نماز، نور مؤمن است.

۱۲۱. دنیا، زندان مؤمن و بهشت کافر است.

۱۲۲. حکمت، گمشده ی مؤمن است.

۱۲۳. نیت مؤمن از عملش رساتر است.

۱۲۴. سائل هدیه ای است که خدا به خانه مؤمن می فرستد.

۱۲۵. مرگ، ارمغان مؤمن است.

۱۲۶. شرف مؤمن به نماز شب و عزت او در بی نیازی از مردم است.

۱۲۷. علم، دوست مؤمن و بردباری، وزیر او و عقل، راهنما و عمل، پیشوا و مدارا، پدر و نیکی، برادر و صبر، فرمانده لشکر اوست.

۱۲۸. غیرت، جزئی از ایمان است.

۱۲۹. لباس مرتب و متواضعانه، جزئی از ایمان است.

۱۳۰. صبر، نصف ایمان و یقین، تمام آن است.

ص: ۴۷

١٣١. الإيمان نصفان: نصف صبر، ونصف شكر. (١)

١٣٢. علم الإيمان الصلاة. (٢)

١٣٣. المسلم من سلم المسلمون من يده ولسانه. (٣)

١٣٤. المسلم أخو المسلم؛ لا يظلمه ولا يَشْتُمُهُ. (٤)

١٣٥. المسلمون يدٌ واحدةٌ على من سواهم. (٥)

١٣٦. الموت كَفَّارَةٌ لِكُلِّ مُسْلِمٍ. (٦)

١٣٧. طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ. (٧)

١٣٨. كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ؛ دَمُهُ وَعَرِضُهُ وَمَالُهُ. (٨)

١٣٩. حُرْمَةُ مَالِ الْمُسْلِمِ كَحُرْمَةِ دَمِهِ. (٩)

١٤٠. الْمُهَاجِرُ مَنْ هَجَرَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ. (١٠)

١٤١. الْمُجَاهِدُ مَنْ جَاهَدَ نَفْسَهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ. (١١)

١٤٢. الْكَيْسُ مَنْ دَانَ نَفْسَهُ (١٢) وَعَمِلَ لِمَا بَعْدَ الْمَوْتِ، وَالْعَاجِزُ مَنْ أَتْبَعَ نَفْسَهُ هَوَاهَا، وَتَمَنَّى عَلَى اللَّهِ. (١٣)

١٤٣. الْمَرْءُ كَثِيرٌ بِأَخِيهِ. (١٤)

١٤٤. الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ. (١٥)

١٤٥. الْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ. (١٦)

ص: ٤٨

١- (١) . تحف العقول، ص ٤٨.

٢- (٢) . مسند الشهاب، ج ١، ص ١٣١، ح ١٦٥.

٣- (٣) . الكافي، ج ٢، ص ٢٣٤، ح ١٢، در مصدر «من لسانه و يده».

٤- (٤) . عوالي اللآلي، ج ١، ص ١٢٨، ح ١، وفيه: «يسلمه» بدل «يشتمه».

٥- (٥) . مسند الشهاب، ج ١، ص ١٣٣، ح ١٦٩.

٦- (٦) . كنز العمال، ج ١٥، ص ٥٤٨، ح ٤٢١٢٢.

- ٧-٧) . الكافي، ج ١، ص ٣٠، ح ١.
- ٨-٨) . الأمل للسيد المرتضى، ج ٣، ص ٨٤.
- ٩-٩) . المبسوط، ج ٣، ص ٥٩.
- ١٠-١٠) . مسند الشهاب، ج ١، ص ١٣٨، ح ١٧٩.
- ١١-١١) . مسند الشهاب، ص ١٣٩، ح ١٨٣.
- ١٢-١٢) . فى النهاية: منه الحديث: «الكيس من دان نفسه وعمل لما بعد الموت»، أى أدلّها واستعبدها، وقيل: حاسبها.
- ١٣-١٣) . مكارم الأخلاق، ص ٤٦٢. وفيه: «هواها» بدل «هواها»، وافاضه «بالأمانى» فى آخر الحديث.
- ١٤-١٤) . كنز العمال، ج ٩، ص ١١، ح ٢٤٦٨٣.
- ١٥-١٥) . الأمل للطوسى، ص ٥١٨، ح ٤٢/١١٣٥.
- ١٦-١٦) . الأمل للمفيد، ص ١٥١، ح ٤.

۱۳۱. ایمان، مرکب از دو جزء صبر و تشکر است.

۱۳۲. سمبل ایمان، نماز است.

۱۳۳. مسلمان، کسی است که مسلمانان از دست و زبان او در امان باشند.

۱۳۴. مسلمان، برادر مسلمان است، نه به او ستم می کند و نه دشنام می دهد.

۱۳۵. مسلمانان، در برابر دشمنان اتحاد دارند.

۱۳۶. مرگ، کفاره گناهان هر مسلمان است.

۱۳۷. تحصیل علم بر هر مسلمان واجب است.

۱۳۸. همه چیز مسلمان بر مسلمان دیگر حرام است، [از جمله] خونس، آبرویش و مالش.

۱۳۹. مال مسلمان چون جان او محترم است.

۱۴۰. مهاجر، کسی است که از کارهای حرام دوری کند.

۱۴۱. مجاهد، کسی است که تا پای جان در راه خدا بکوشد.

۱۴۲. زیرک، کسی است که نفس خود را کنترل کند. و برای بعد از مرگ عمل کند. و ناتوان کسی است که دنباله رو هوای نفس باشد. و آرزوها [ی خام] از خدا انتظار داشته باشد.

۱۴۳. انسان، بوسیله برادرهایش زیاد می شود.

۱۴۴. انسان، به دین دوست صمیمی خود می گراید.

۱۴۵. انسان، هر که را دوست بدارد با او قرین است.

١٤٦. كَرُمَ الْمَرْءِ دِينُهُ، وَمُرُوتُهُ (١) عَقْلُهُ، وَحَسْبُهُ خُلُقُهُ. (٢)

١٤٧. مِنْ حُسْنِ إِسْلَامِ الْمَرْءِ تَرْكُهُ مَا لَا يَعْنِيهِ. (٣)

١٤٨. النَّاسُ كَأَسْنَانِ الْمُشِطِّ. (٤)

١٤٩. النَّاسُ مَعَادِنُ كَمَعَادِنِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ. (٥)

١٥٠. الْغِنَى الْيَأْسُ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ. (٦)

١٥١. رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الْإِيمَانِ التَّوَدُّدُ إِلَى النَّاسِ. (٧)

١٥٢. كُلُّ امْرِئٍ حَسِيبٌ نَفْسِهِ.

١٥٣. كُلُّ مَا هُوَ آتٍ قَرِيبٌ. (٨)

١٥٤. كُلُّ عَيْنٍ زَانِيَةٌ. (٩)

١٥٥. كُلُّ شَيْءٍ بِقَدَرٍ حَتَّى الْعَجْزُ. (١٠)

١٥٦. كُلُّ صَاحِبِ عِلْمٍ غَرْنَاثٌ (١١) إِلَى الْعِلْمِ. وَلِكُلِّ شَيْءٍ عِمَادٌ، وَعِمَادُ هَذَا الدِّينِ الْفِقْهُ. (١٢)

١٥٧. كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ. (١٣)

١٥٨. لِكُلِّ غَادِرٍ لَوَاءٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِقَدَرِ غَدْرَتِهِ. (١٤)

١٥٩. أَوَّلُ مَا تُقْضَى بَيْنَ النَّاسِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الدَّمَاءُ. (١٥)

١٦٠. أَوَّلُ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الصَّلَاةُ. (١٦)

١٦١. أَوَّلُ مَا يُوَضَّعُ فِي الْمِيزَانِ الْخُلُقُ الْحَسَنُ. (١٧)

ص: ٥٠

١- (١) . المروءه - كسهوله -: النخوه وكمال الرجوليته. وعن المصباح: المروءه: آداب نفسانيه تحمل مراعاتها الإنسان على الوقوف عند محاسن الأخلاق وجميل العادات، وقد تُقَلب الهمزه واواً وتُدغَم فيقال مروءه. وقد سئل عمّا يتحقّق به المروءه في أحاديث كثيره. والحسب ماتقدّم من مفاخر الآباء. وقيل ما يُنشئه الرجل لنفسه من الشرف والمجد والرفعه.

٢- (٢) . السنن الكبرى، ج ٧، ص ١٣٦.

- ٣-٣) . كنز العمال، ج ٣، ص ٦٤١، ح ٨٢٩٤.
- ٤-٤) . مسند الشهاب، ج ١، ص ١٤٥، ح ١٩٥؛ من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٣٧٩، ح ٥٧٩٨. مصدر + «سواء».
- ٥-٥) . الكافي، ج ٨، ص ١٧٧، ح ١٩٧.
- ٦-٦) . كنز العمال، ج ٣، ص ١٩٣، ح ٦١٢١.
- ٧-٧) . عوالي اللآلي، ج ١، ص ٢٩١، ح ١٥٦.
- ٨-٨) . مسند الشهاب، ج ١، ص ١٤٨، ح ٢٠٢.
- ٩-٩) . مسند الشهاب، ج ١، ص ١٤٨، ح ٢٠٣.
- ١٠-١٠) . نهج الفصاحه، ج ٦٠٩، ح ٢١٤٨؛ كنز العمال، ج ١، ص ١٠٨، ح ٤٤٩. وفيهما: والكيس».
- ١١-١١) . غرثان: أى جائع (النهايه: ٣/٣٥٣).
- ١٢-١٢) . مسند الشهاب، ج ١، ص ١٥٠، ح ٢٠٥.
- ١٣-١٣) . مسند الشهاب، ص ١٥٢، ح ٢٠٩.
- ١٤-١٤) . مسند الشهاب، ص ١٥٢، ح ٢١٠.
- ١٥-١٥) . كنز العمال، ج ١٥، ص ٢٠، ح ٣٩٨٨٧.
- ١٦-١٦) . مسند الشهاب، ج ١، ص ١٥٤، ح ٢١٣.
- ١٧-١٧) . كنز العمال، ج ٣، ص ٧، ح ٥١٦٠.

۱۴۶. کرامت انسان به دین، و جوانمردی او به عقل، و حبش به اخلاق او است.

۱۴۷. از نمادهای خوب بودن مسلمانی یک انسان، ترک کارهای بیهوده است.

۱۴۸. مردم چون دندانهای شانه هستند، [یعنی در برابر احکام الهی یکسانند].

۱۴۹. مردم معادن گرانقدر چون معادن طلا و نقره هستند.

۱۵۰. طمع نداشتن به مال مردم، بی نیازی است.

۱۵۱. اساس عقل پس از ایمان به خدا، دوست داشتن مردم است.

۱۵۲. هر کس حسابرس خویش است.

۱۵۳. حوادث آینده، بسیار نزدیک است.

۱۵۴. هر چشم [ناپاک]، زناکار است.

۱۵۵. هر چیز حتی ناتوانی، اندازه ای دارد.

۱۵۶. هر دانشمندی شیفته ی علم است و هر چیزی اساس دارد و اساس اسلام فقه است. [فقه یعنی ادراک و فهمیدن دین با تدبیر و تعقل]

۱۵۷. همه شما نسبت به زیر دستان خود سرپرست و مسئول هستید.

۱۵۸. هر فریبکاری در قیامت پرچمی به اندازه ی فریبش دارد.

۱۵۹. نخستین حقی که در قیامت گرفته می شود خون بهاست.

۱۶۰. نخستین تکلیفی که حسابرسی می شود نماز است.

۱۶۱. اولین چیزی که در میزان نهاده می شود اخلاق نیکوست.

١٦٢. أَوَّلُ مَا يُرْفَعُ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ الْحَيَاءُ وَالْأَمَانَةُ. (١)
١٦٣. أَوَّلُ مَا تَفْقِدُونَ مِنْ دِينِكُمُ الْأَمَانَةَ، وَآخِرُ مَا تَفْقِدُونَ الصَّلَاةَ. (٢)
١٦٤. الْوُدُّ يُتَوَارَثُ، وَالبُغْضُ يُتَوَارَثُ. (٣)
١٦٥. حُبُّكَ لِلشَّيْءِ يُعْمَى وَيُصَمُّ. (٤)
١٦٦. الْهَدْيَةُ تَذْهَبُ بِالسَّمْعِ وَالبَصْرِ (٥). (٦)
١٦٧. الْخَيْرُ مَعْقُودٌ فِي نَوَاصِي الْخَيْلِ. (٧)
١٦٨. يُمْنُ الْخَيْلِ فِي شُقْرِهَا. (٨)
١٦٩. السَّفَرُ قِطْعَةٌ مِنَ الْعَذَابِ. (٩)
١٧٠. طَاعَةُ النِّسَاءِ نَدَامَةٌ. (١٠)
١٧١. الْبَلَاءُ مَوْكَلٌ بِالقَوْلِ. (١١)
١٧٢. الصِّيَامُ نِصْفُ الصَّبْرِ. وَعَلَى كُلِّ شَيْءٍ زَكَاةٌ وَزَكَاةُ الْجَسَدِ الصِّيَامُ. (١٢)
١٧٣. الصَّائِمُ لَا تُرَدُّ دَعْوَتُهُ. (١٣)
١٧٤. الصَّوْمُ فِي الشِّتَاءِ الْغَنِيمَةُ الْبَارِدَةُ (١٤). (١٥)
١٧٥. السُّوَاكُ يَزِيدُ الرَّجُلَ فَصَاحَةً. (١٦)
١٧٦. جَمَالُ الرَّجُلِ فَصَاحَةُ لِسَانِهِ. (١٧)
١٧٧. الإِمَامُ ضَامِنٌ، وَالْمُؤَدِّنُ مُؤْتَمَنٌ. (١٨)

ص: ٥٢

-
- ١- (١) . مسند الشهاب، ج ١، ص ١٥٥، ح ٢١٥.
٢- (٢) . مسند الشهاب، ص ١٥٦، ح ٢١٦.
٣- (٣) . كنز العمال، ج ١٦، ص ١١٦، ح ٤٤١١٧.
٤- (٤) . عوالي اللآلي، ج ١، ص ١٢٤، ح ٥٧.

٥-٥) . لأنَّ الهدية تورث المحبّه، والحبّ يعمى ويصمّ، فالهدية تُعمى وتُصمّ.

٦-٦) . مسند الشهاب، ج ١، ص ١٥٧، ح ٢٢٠.

٧-٧) . مسند الشهاب، ص ١٥٨، ح ٢٢١.

٨-٨) . عوالى اللآلى، ج ١، ص ١٧١، ح ١٩٩.

٩-٩) . من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٣٨٠، ح ٥٨٢٠.

١٠-١٠) . مسند الشهاب، ج ١، ص ١٦٠، ح ٢٢٦.

١١-١١) . كنز العمال، ج ٣، ص ٥٥٠، ح ٧٨٤٤.

١٢-١٢) . مسند الشهاب، ج ١، ص ١٦٢، ح ٢٢٩.

١٣-١٣) . مسند أحمد، ج ٢، ص ٤٧٧.

١٤-١٤) . أى لا- تعب فيه ولا- مشقّه، وكلّ محبوب عندهم بارد. وقيل: معناه: الغنيمه الثابته المستقرّه، من قولهم: برد لى على

فلان حقّ: أى ثبت. (النهايه: ١١٤/١).

١٥-١٥) . من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٣٥٦.

١٦-١٦) . مكارم الأخلاق، ص ٤٨.

١٧-١٧) . مسند الشهاب، ج ١، ص ١٦٤، ح ٢٣٣.

١٨-١٨) . منتهى المطلب، ج ١، ص ٢٥٧.

۱۶۲. اولین چیزی که از این امت برداشته می شود حیا و امانت داری است.
۱۶۳. اولین بخش دین را که از دست می دهید امانت داری و آخرین چیزی از دست می دهید نماز است.
۱۶۴. دوستی و دشمنی با دیگران [به فرزندان] به ارث می رسد.
۱۶۵. عشق به هر چیز تو را کور و کر می کند.
۱۶۶. هدیه، چشم و گوش را می رباید.
۱۶۷. خیر، به پیشانی اسب گره خورده است.
۱۶۸. اسب سرخ مو، مبارک است.
۱۶۹. سفر، قطعه ای از عذاب است.
۱۷۰. اطاعت از زن، پشیمانی بدنبال دارد.
۱۷۱. گرفتاری، از گفتار پدید می آید.
۱۷۲. روزه نیمی از صبر است. و هر چیز زکات دارد. و زکات بدن روزه است.
۱۷۳. دعای روزه دار رد نمی شود.
۱۷۴. روزه داری در زمستان غنیمتی گوارا و دل چسب است.
۱۷۵. مسواک کردن، فصاحت را افزون می کند.
۱۷۶. زیبایی مرد، در خوش زبانی اوست.
۱۷۷. امام [جماعت] ضامن [قرائت مأموم] و مؤذن امین است.

١٧٨. الْمُؤذَنُونَ أَطْوَلُ النَّاسِ أَعْنَاقًا (١) يَوْمَ الْقِيَامَةِ (٢).

١٧٩. شَفَاعَتِي لِأَهْلِ الْكِبَائِرِ مِنْ أُمَّتِي (٣).

١٨٠. يَدُ اللَّهِ عَلَى الْجَمَاعَةِ (٤).

١٨١. الصَّمْتُ حُكْمٌ (٥) وَقَلِيلٌ فَاعِلُهُ (٦).

١٨٢. الرَّزْقُ أَشَدُّ طَلَبًا لِلْعَبْدِ مِنْ أَجَلِهِ (٧).

١٨٣. الرَّفْقُ فِي الْمَعِيشَةِ خَيْرٌ مِنْ بَعْضِ التَّجَارَةِ (٨).

١٨٤. التَّاجِرُ الْجَبَانُ مَحْرُومٌ، وَالتَّاجِرُ الْجَسُورُ مَرْزُوقٌ (٩).

١٨٥. حُسْنُ الْمَلِكَةِ نَمَاءٌ، وَسَوْءُ الْمَلِكَةِ شُومٌ (١٠). (١١).

١٨٦. فُضُوحٌ (١٢) الدُّنْيَا أَهْوَنُ مِنْ فُضُوحِ الْآخِرَةِ (١٣).

١٨٧. الصَّبْرُ عِنْدَ الصَّدَمَةِ الْأُولَى (١٤).

١٨٨. مُعْتَرَكٌ (١٥) الْمَنَايَا مَا بَيْنَ السَّتِينِ إِلَى السَّبْعِينَ (١٦).

١٨٩. الْمَكْرُ وَالْخَدِيعَةُ فِي النَّارِ (١٧).

١٩٠. الْيَمِينُ عَلَى يَمِينِ الْمُسْتَحْلِفِ (١٨). (١٩).

ص: ٥٤

١- (١) . أى أكثر أعمالاً. يقال: لفلان عُتُقٌ من الخير: أى قطعه. وقيل: أراد طول الأعناق؛ أى الرقاب؛ لأنَّ الناس يومئذ رؤساء سادته، والعرب تصف السادة بطول الأعناق. وروى: «أطول إعناقاً» بكسر الهمزة: أى أكثر إسراعاً وأعجل إلى الجنة. يقال: أعنت يُعنت إعناقاً فهو مُعنتق، والاسم العَنَق - بالتحريك - (النهاية: ٣٠٩/٣).

٢- (٢) . عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ١، ص ٦٧.

٣- (٣) . من لا يحضره الفقيه، ج ٣، ص ٥٧٤.

٤- (٤) . الأملى للطوسى، ص ٢٣٧، ح ١٠/٤١٨، مسند الشهاب، ج ١، ص ١٦٨، ح ٢٣٩.

٥- (٥) . أى نافع يمنع من الجهل والسَّفَه. والحُكْم: العلم والفقه (النهاية: ٤١٩/١).

٦- (٦) . كنز العمال، ج ٣، ص ٣٥٠، ح ٦٨٨٠.

٧- (٧) . مسند الشهاب، ج ١، ص ١٦٨، ح ٢٤١.

- ٨- (٨) . مسند الشهاب، ص ١٦٩، ح ٢٤٢.
- ٩- (٩) . كنز العمال، ج ٤، ص ٢٠، ح ٩٢٩٣.
- ١٠- (١٠) . يقال: فلان حسن المَلِكَة. إذا كان حسن الصُّنْع إلى ممالِكِه. وسيئ المَلِكَة: الذي يسىء صِيحِبَه الممالِك (لسان العرب: ٤٩٣/١٠).
- ١١- (١١) . مسند الشهاب، ج ١، ص ١٧٠، ح ٢٤٤.
- ١٢- (١٢) . فضحه فافتضح: إذا كشف مساويه، والاسم الفضيحة والفضوح (الصحاح: ٣٩١/١).
- ١٣- (١٣) . مسند الشهاب، ج ١، ص ١٧٠، ح ٢٤٦.
- ١٤- (١٤) . المجازات النبويه، ص ٣٥٨، ح ٢٧٦.
- ١٥- (١٥) . المُعْتَرَكُ: موضع الحرب، واعتَرَكَوا: أى ازدحموا فى المعترك (الصحاح: ١٥٩٩/٤) وهو كناية عن ازدحام المنايا.
- ١٦- (١٦) . مسند الشهاب، ج ١، ص ١٧٤، ح ٢٥١.
- ١٧- (١٧) . ثواب الأعمال، ص ٢٧٠.
- ١٨- (١٨) . المستحلف - بكسر اللام - : أى من استحلفَ غَيْرَه على شىء وورَى الحالف، فالعبره بئيه المستحلف لا الحالف (فيض القدير: ٦٠٤/٦). وهذا مقيد فيما إذا كان المستحلف محققاً، وإلا فعلى نيه الحالف.
- ١٩- (١٩) . مسند الشهاب، ج ١، ص ١٧٨، ح ٢٥٩.

۱۷۸. مؤذن در روز قیامت، سرافرازترین مردم است.
۱۷۹. شفاعت من، شامل گنه کاران امت می شود.
۱۸۰. دست خدا با جماعت است.
۱۸۱. سکوت حکمت است و کمتر کسی سکوت می کند.
۱۸۲. روزی، بیش از اجل در پی انسان است.
۱۸۳. مدارا در زندگی، بهتر از بعضی تجارتهاست.
۱۸۴. تاجر ترسو سود نمی برد. و تاجر جسور بهره مند می شود.
۱۸۵. خوش رفتاری با زیردستان مایه رشد، و بدرفتاری شوم است.
۱۸۶. رسوائی در دنیا، آسان تر از رسوائی در آخرت است.
۱۸۷. صبر [واقعی] در اول مصیبت و صدمه جلوه می کند.
۱۸۸. مابین شصت تا هفتاد سالگی مرگ در کمین است.
۱۸۹. [سرانجام] خدعه و فریب، در آتش است.
۱۹۰. سوگند، تابع نیت کسی است که انسان را قسم می دهد.

١٩١. الحِلْفُ حَنْثٌ (١) أو نَدَمٌ. (٢).

١٩٢. اليمِينُ الفاجِرُهُ تَدْعُ الدِّيَارَ بِلِاقِعِ (٣). (٤).

١٩٣. اليمِينُ الكاذِبُهُ مَنَفَقَةٌ لِلسَّلْعَةِ، مَمَحَقَةٌ لِلكَسْبِ (٥). (٦).

١٩٤. السَّلَامُ تَحِيَّةٌ لِمَلَّتِنَا، وَأَمَانٌ لِدِمَّتِنَا (٧). (٨).

١٩٥. عِلْمٌ لَا يَنْفَعُ كَكَتْرٍ لَا يَنْفَعُ مِنْهُ. (٩).

١٩٦. الطَّاعِمُ الشَّاكِرُ، لَهُ مِثْلُ أَجْرِ الصَّائِمِ الصَّابِرِ. (١٠).

١٩٧. الصَّلَاةُ قُرْبَانٌ كُلُّ تَقِيٍّ. (١١).

١٩٨. بَيْنَ الْعَبْدِ وَبَيْنَ الْكُفْرِ تَرْكُ الصَّلَاةِ. (١٢).

١٩٩. مَوْضِعُ الصَّلَاةِ مِنَ الدِّينِ كَمَوْضِعِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ. (١٣).

٢٠٠. صَلَاةُ الْقَاعِدِ عَلَى النُّصْفِ مِنْ صَلَاةِ الْقَائِمِ. (١٤).

٢٠١. الزَّكَاةُ قَنْطَرَةُ الْإِسْلَامِ. (١٥).

٢٠٢. طِيبُ الرِّجَالِ مَظْهَرٌ رِيحُهُ وَخَفِيُّ لَوْنُهُ، وَطِيبُ النِّسَاءِ مَظْهَرٌ لَوْنُهُ وَخَفِيُّ رِيحُهُ. (١٦).

٢٠٣. التُّرَابُ رِبْعُ الصُّبْيَانِ. (١٧).

ص: ٥٦

١- (١) . الحِنْثُ: الإِثْمُ، وَالْحُلْفُ فِي الْيَمِينِ (الْقَامُوسُ الْمَحِيطُ: ١٦٥/٢).

٢- (٢) . مَسْنَدُ الشَّهَابِ، ص ١٧٩، ح ٢٦٠.

٣- (٣) . الْبِلَاقِعُ: جَمْعُ بَلَقَعَ وَبَلَقَعَهُ؛ وَهِيَ الْأَرْضُ الْقَفْرُ الَّتِي لَا شَيْءَ بِهَا. يَرِيدُ أَنَّ الْحَالِفَ بِهَا يَفْتَقِرُ وَيَذْهَبُ مَا فِي بَيْتِهِ مِنَ الرِّزْقِ. وَقِيلَ: هُوَ أَنْ يَفْرَقَ اللَّهُ شَمْلَهُ، وَيَغْتَيَّرُ عَلَيْهِ مَا أَوْلَاهُ مِنْ نَعْمَةٍ (النِّهَايَةُ: ١/١٥١).

٤- (٤) . الْمَجَازَاتُ النَّبَوِيَّةُ، ص ٨٠، ح ٤٨.

٥- (٥) . مَنَفَقَةٌ: أَي مَظِنَّةٌ لِنَفَاقِهَا وَمَوْضِعٌ لَهُ. وَالنَّفَقَاقُ: ضِدُّ الْكِسَادِ، وَيُقَالُ: نَفَقَتِ السَّلْعَةُ فَهِيَ نَافِقَةٌ (النِّهَايَةُ: ٩٨/٥) وَمَحَقَةٌ مَحَقًا: نَقَصَهُ وَأَذْهَبَ مِنْهُ الْبُرْكَهَ. وَقِيلَ: هُوَ ذَهَابُ الشَّيْءِ كُلِّهِ حَتَّى لَا يَبْقَى لَهُ أَثَرٌ (المَصْبَاحُ الْمُنِيرُ: ٥٦٥).

٦- (٦) . مَسْنَدُ الشَّهَابِ، ج ١، ص ١٧٧، ح ٢٥٦.

٧- (٧) . لَعَلَّ الْمُرَادَ أَنَّ مَنْ سَلَّمَ بِتَحِيَّةِ الْإِسْلَامِ يُعَرَفُ إِسْلَامَهُ فَيُحَقِّنُ دَمَهُ وَمَالَهُ وَعَرْضَهُ، فَيَحْفَظُ بِذَلِكَ ذِمَّةَ الْمُسْلِمِ عَنِ التَّعَدَّى

على مسلم، والمسلم من سلم المسلمون من يده ولسانه.

- ٨- (٨) . مسند الشهاب، ص ١٧٩، ح ٢٦٢.
- ٩- (٩) . مسند الشهاب، ص ١٨٠، ح ٢٦٣.
- ١٠- (١٠) . مسند الشهاب، ص ١٨١، ح ٢٦٤.
- ١١- (١١) . الكافي، ج ٣، ص ٢٦٥، ح ٦؛ مسند الشهاب، ج ١، ص ١٨١، ح ٢٦٤.
- ١٢- (١٢) . روض الجنان، ص ٣٥٤.
- ١٣- (١٣) . مسند الشهاب، ج ١، ص ١٨٢، ح ٢٦٨.
- ١٤- (١٤) . مسند الشهاب، ج ١، ص ١٨٢، ح ٢٦٩.
- ١٥- (١٥) . مسند الشهاب، ص ١٨٣، ح ٢٧٠؛ الأمل للطوسي، ص ٥٢٢، ح ٦٤/١١٥٧.
- ١٦- (١٦) . مسند الشهاب، ص ١٨٤، ح ٢٧١.
- ١٧- (١٧) . مسند الشهاب، ص ١٨٥، ح ٢٧٣.

۱۹۱. سرانجام سوگند [کسی که زیاد سوگند می خورد]، تخلف یا پشیمانی است.
۱۹۲. قسم دروغ، روزی را دور می کند. [قحطی به دنبال دارد].
۱۹۳. قسم دروغ، مال و کسب را نابود می کند.
۱۹۴. سلام کردن، درود مسلمان است و امان می آورد.
۱۹۵. علم بی حاصل [بدون عمل] مانند گنجی است که قابل مصرف نباشد.
۱۹۶. کسی که بخورد و شکر کند، اجرش مثل روزه دار صابر است.
۱۹۷. نماز، موجب تقرب هر پرهیزکار است.
۱۹۸. فاصله بندگی و کفر، ترک نماز است.
۱۹۹. موقعیت نماز در دین، مثل موقعیت سر در بدن است.
۲۰۰. نماز نشسته، نصف نماز ایستاده ثواب دارد.
۲۰۱. زکات، پل اسلام است.
۲۰۲. عطر مردانه، خوشبو و بی رنگ است و عطر [لوازم آرایشی] زنانه خوشرنگ و بدون بو است.
۲۰۳. خاکبازی، بهار کودکان است.

٢٠٤. الأرواحُ جُنُودٌ مُجَنَّدَةٌ؛ فَمَا تَعَارَفَ مِنْهَا اثْتَلَفَ، وَمَا تَنَاطَرَ مِنْهَا اخْتَلَفَ (١). (٢).

٢٠٥. الصَّدَقُ طَمَأْنِينَةٌ، وَالْكَذِبُ رَبِيهٌ (٣). (٤).

٢٠٦. الْقُرْآنُ غِنَى لَا فَقْرَ بَعْدَهُ، وَلَا غِنَى دُونَهُ. (٥).

٢٠٧. الْإِيمَانُ بِالْقَدَرِ يُذْهِبُ الْهَمَّ وَالْحُزْنَ، وَالزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا يُرِيحُ الْقَلْبَ وَالْبَيْدَانِ، وَالرَّغْبَةُ فِي الدُّنْيَا تُكَثِّرُ الْهَمَّ وَالْحُزْنَ، وَالْبَطَالَةُ تُقْسِي الْقَلْبَ. (٦).

٢٠٨. الْعَالِمُ وَالْمُتَعَلِّمُ شَرِيكَانِ فِي الْخَيْرِ. (٧).

٢٠٩. عَلَى الْيَدِ مَا أَخَذْتَ حَتَّى تُؤَدِّيَهُ. (٨).

٢١٠. الْوَلَدُ لِلْفِرَاشِ، وَلِلْعَاهِرِ (٩) الْحَجَرُ. (١٠).

٢١١. لِلسَّائِلِ حَقٌّ وَإِنْ جَاءَ عَلَى فَرَسٍ. (١١).

٢١٢. أَيُّ دَاءٍ أَدْوَى (١٢) مِنَ الْبُخْلِ؟! (١٣).

٢١٣. الْعَائِدُ فِي هَبَّتِهِ كَالْكَلْبِ يَعُودُ فِي قَيْئِهِ. (١٤).

٢١٤. النَّظْرُ فِي الْخُضْرَةِ يَزِيدُ فِي الْبَصْرِ، وَالنَّظْرُ إِلَى الْمَرْأَةِ الْحَسَنَاءِ يَزِيدُ فِي الْبَصْرِ. (١٥).

٢١٥. أُمَّتِي الْغُرُّ الْمُحَجَّبُونَ (١٦) يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ آثَارِ الْوُضُوءِ. (١٧).

ص: ٥٨

١- (١). لعل المراد أن الأرواح قبل هذا العالم وفي عالم الأرواح (كما ورد في الأخبار المتواترة أن الأرواح خلقت قبل الأبدان) أصناف أو فئات وعساكر مجموعته، فما تعارف منها في هذا العالم تعارف في الدنيا وصارت بينهم الفه واجتماع، وما تناكر منها فيه تناكر في الدنيا ولم يحصل بينهم ائتلاف.

٢- (٢). الأمالي للصدوق، ص ٢٠٩، ح ١٦/٢٣٢.

٣- (٣). حقيقه الرّيبه: قلق النفس واضطرابها (مجمع البحرين: ٧٥٨/٢) أي أن الكذب يوجب الاضطراب والقلق بسبب الخوف من انكشاف الحال.

٤- (٤). مسند الشهاب، ج ١، ص ١٨٦، ص ٢٧٥.

٥- (٥). مسند الشهاب، ص ١٨٦، ح ٢٧٦.

٦- (٦). مسند الشهاب، ص ١٨٧، ح ٢٧٧.

- ٧- (٧) . مسند الشاميين، ج ٣، ص ٢٦٣، ح ٢٢١٨؛ مسند الشهاب، ج ١، ص ١٨٩، ح ٢٧٩.
- ٨- (٨) . مسند الشهاب، ج ١، ص ١٨٩، ح ٢٨٠.
- ٩- (٩) . العاهر: الزانى، وقد عهر يعهر عهراً: إذا أتى المرأه ليلاً للفجور بها، ثم غلب على الزنا مطلقاً. والمعنى: لا حظ للزاني في الولد، وإنما هو لصاحب الفراش؛ أى لصاحب امّ الولد، وهو زوجها أو مولاها (النهايه: ٣٢٦/٣).
- ١٠- (١٠) . الكافي، ج ٧، ص ١٦٣، ح ١.
- ١١- (١١) . مكارم الأخلاق لابن أبي الدنيا، ص ١١٩، ح ٣٩١.
- ١٢- (١٢) . أى أى عيب أقبح منه، والصواب: أدوأ، ولكن هكذا يروى، إلّا أن يجعل من باب دوى يدوى دوى فهو دوى: إذا هلك بمرض باطن (النهايه: ١٤٢/٢).
- ١٣- (١٣) . من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٣٧٩، ح ٥٧٩٩.
- ١٤- (١٤) . سنن الترمذى، ج ٢، ص ٣٨٢، ح ١٣١٦.
- ١٥- (١٥) . مسند الشهاب، ج ١، ص ١٩٣، ح ٢٨٨؛ تحف العقول، ص ٤٠٩.
- ١٦- (١٦) . أى يبض مواضع الوضوء من الأيدي والوجه والأقدام، استعار أثر الوضوء فى الوجه واليدين والرجلين للإنسان من البياض الذى يكون فى وجه الفرس ويديه ورجليه. (النهايه: ٣٣٣/١).
- ١٧- (١٧) . مسند الشهاب، ج ١، ص ١٩٤، ح ٢٩٠.

۲۰۴. ارواح لشگریانی آماده هستند، گروهی که یکدیگر را می شناسند ائتلاف دارند و گروهی که یکدیگر را نمی شناسند پراکنده اند.

۲۰۵. راست گوئی، آرامش و دروغ، اضطراب می آورد.

۲۰۶. قرآن، ثروتی است که فقر و گمراهی ندارد.

۲۰۷. ایمان به قَدَر، غم و اندوه را از بین می برد. زهد و وارستگی در دنیا، موجب راحتی جسم و روح است. و علاقه به دنیا، حزن و اندوه را افزون می کند. و بیهوده گذرانی، سنگدلی می آورد.

۲۰۸. دانشمند و طالب دانش، هر دو در خیر شریک هستند.

۲۰۹. هر کس مالی را بردارد ضامن است، تا زمانی که به صاحبش برگرداند.

۲۱۰. فرزند، به شوهر قانونی زن تعلق دارد. زناکار رجم می شود. [در صورتی که تولد فرزند از زنا یقینی نباشد و گرنه به شوهر ملحق نمی شود].

۲۱۱. سائل حق دارد حتی اگر اسب سوار باشد. [فقیر را از در نرانید حتی اگر برخوردار باشد].

۲۱۲. چه دردی از بُخل بدتر است؟

۲۱۳. کسی که بخشش خود را بازپس بگیرد، چون سگی است که آنچه قی کرده باز خورد.

۲۱۴. نگاه به سبزه، نور چشم را زیاد می کند. و نگاه به همسر زیبا، نور چشم را زیاد می کند.

۲۱۵. امت من در روز قیامت، در اثر وضو صورت و دست و پایشان نورانی است.

٢١٦. النَّظْرُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ (١). (٢).

٢١٧. الشُّؤْمُ فِي الْمَرْأَةِ وَالْفَرَسِ وَالِدَّارِ (٣). (٤).

٢١٨. الْجُبْنُ وَالْجُرْأَةُ غَرِيزَتَانِ يَضَعُهُمَا اللَّهُ حَيْثُ يَشَاءُ. (٥).

٢١٩. مِنْ كَنْزِ الْبِرِّ كِتْمَانُ الْمَصَائِبِ وَالْأَمْرَاضِ وَالصَّدَقَةِ. وَمِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ أَنْ يُشْبِهَ أَبَاهُ (٦). (٧).

٢٢٠. مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ حُسْنُ الْخُلُقِ. (٨).

٢٢١. أَهْلُ الْمَعْرُوفِ فِي الدُّنْيَا هُمْ أَهْلُ الْمَعْرُوفِ فِي الْآخِرَةِ. (٩).

٢٢٢. كَلَامُ ابْنِ آدَمَ كُلُّهُ عَلَيْهِ لَا لَهُ؛ إِلَّا أَمْرًا بِمَعْرُوفٍ، أَوْ نَهْيًا عَنْ مُنْكَرٍ، أَوْ ذِكْرَ اللَّهِ (١٠). (١١).

٢٢٣. الْأَنْبِيَاءُ قَادَةٌ، وَالْفُقَهَاءُ سَادَةٌ، وَمُجَالَسَتُهُمْ زِيَادَةٌ. (١٢).

٢٢٤. الْمَتَشَبِّعُ بِمَا لَا يَمْلِكُ (١٣) كَلَابِسٌ ثَوْبِي زُورٍ. (١٤).

٢٢٥. الْوُضُوءُ (١٥) قَبْلَ الطَّعَامِ يَنْفِي الْفَقْرَ، وَبَعْدَهُ يَنْفِي الْهَمَّ وَيُصِحُّ الْبَصَرَ. (١٦).

٢٢٦. الْقَاصُّ (١٧) يَنْتَظِرُ الْمَقْتَّ، وَالْمُسْتَمِعُ إِلَيْهِ يَنْتَظِرُ الرَّحْمَةَ. وَالتَّاجِرُ يَنْتَظِرُ الرِّزْقَ، وَالْمُحْتَكِرُ يَنْتَظِرُ اللَّعْنََةَ. (١٨).

ص: ٦٠

١- (١). يرمى الشيطان به الناظر فيقع في قلبه فيؤثر فيه الآثار السيئة.

٢- (٢). الكافي، ج ٥، ص ٥٥٩، ح ١٢؛ مسند الشهاب، ج ١، ص ١٩٥، ح ٢٩٢ «النظره».

٣- (٣). الشؤم في المرأة كثره عقوق زوجها، وأما الفرس فسوء خلقها ومنعها ظهرها، وأما الدار فضيق ساحتها وشر جيرانها وكثره عيوبها (انظر الفقيه: ٤٩١٢/٥٥٦/٣).

٤- (٤). مكارم الأخلاق، ص ١٩٨.

٥- (٥). مسند الشهاب، ج ١، ص ١٩٧، ح ٢٩٧.

٦- (٦). لحكاية المشابهة عن صحة النسب، وأميا الوراثه فهي إن كانت في الأخلاق الحسنه كانت سعاده، وإن كانت في الأخلاق الذميمة كانت شقاء.

٧- (٧). مسند الشهاب، ج ١، ص ١٩٨، ح ٢٩٨.

٨- (٨). مسند الشهاب، ج ١، ص ١٩٩، ح ٣٠٠.

٩- (٩). الأماالى للطوسى، ص ٣٠٤، ح ٥٧/٦١٠.

١٠- (١٠). لأن كل كلام غير الذكر يحاسب الإنسان عليه، ويعاتب أو يعاقب، أو يكون حسره عليه.

١١- (١١) . مسند الشهاب، ج ١، ص ٢٠٢، ح ٣٠٥.

١٢- (١٢) . مسند الشهاب، ص ٢٠٣، ح ٣٠٧.

١٣- (١٣) . أى المتكثّر بأكثر مما عنده يتجمّل بذلك كالذى يُرى أنه شبعان وليس كذلك، ومن فعله فإنّما يسخر من نفسه وهو من أفعال ذوى الزور، بل هو فى نفسه زورٌ؛ أى كذب (النهايه: ٤٤١/٢).

١٤- (١٤) . مسند الشهاب، ص ٢٠٤، ح ٣٠٨.

١٥- (١٥) . المراد غسل اليدين فقط (المصباح المنير: ٦٦٣).

١٦- (١٦) . مكارم الأخلاق، ص ١٣٩.

١٧- (١٧) . القاصّ: هو الذى يقرأ القصص فى مجتمعات الناس فيأخذ الأموال منهم، فهو ينتظر المقت؛ لأنّ الغالب فيهم خلط السمين بالغثّ والصدق بالكذب لو لم يكن كلّ كلامه كذباً.

١٨- (١٨) . مسند الشهاب، ج ١، ص ٢٠٦، ح ٣١١.

۲۱۶. نگاه به نامحرم، تیر مسموم از تیرهای شیطان است.

۲۱۷. شوم بودن، در همسر و مرکب و خانه است.

۲۱۸. خدا، دو غریزه ترس و جرأت را در هر دلی که بخواهد می نهد.

۲۱۹. مخفی کردن مصیبتها و بیماریها و صدقه، از گنجهای نیکی است. [البته با معالجه کردن منافات ندارد] و شباهت داشتن به پدر، نشانه سعادت است.

۲۲۰. نماد سعادت انسان، اخلاق خوش است.

۲۲۱. نیکوکاران در دنیا، نیکوکاران آخرت هستند.

۲۲۲. سخن گفتن انسان، به زیان اوست. بجز امر به معروف و نهی از منکر و ذکر خداوند.

۲۲۳. پیامبران راهنما، و فقیهان بزرگوارند. و همنشینی با آنها مفید است.

۲۲۴. کسی که شکم خود را از مال دیگران پر کند، مانند کسی است که لباس زور بپوشد.

۲۲۵. شستن دستها قبل از غذا، فقر و بعد از غذا، غصه را برطرف می کند. و باعث سلامتی چشم می شود.

۲۲۶. قصه گو در انتظار بلا، و شنونده او در انتظار رحمت، و تاجر در انتظار رزق، و محترک در انتظار لعنت هستند.

٢٢٧. السَّعَادَةُ كُلُّ السَّعَادَةِ طَوْلُ الْعُمْرِ فِي طَاعَةِ اللَّهِ. (١).

٢٢٨. الْوَيْلُ كُلُّ الْوَيْلِ لِمَنْ تَرَكَ عِيَالَهُ بِخَيْرٍ وَقَدِمَ عَلَى رَبِّهِ بِشَرٍّ. (٢).

٢٢٩. دَعْوَةُ الْمَظْلُومِ مُسْتَجَابَةٌ وَإِنْ كَانَ فَاجِرًا. (٣).

ص: ٦٢

١- (١) . مسند الشهاب، ج ١، ص ٢٠٦، ح ٣١٢.

٢- (٢) . مسند الشهاب، ج ١، ص ٢٠٨، ح ٣١٤.

٣- (٣) . مسند الشهاب، ج ١، ص ٢٠٨، ح ٣١٥.

۲۲۷. سعادت واقعی در عمر طولانی که صرف طاعت خداوند شود می باشد.

۲۲۸. وای بر کسی که برای بازماندگان خیر بگذارد و خود با شر به پیشگاه خدا برود.

۲۲۹. دعای مظلوم مستجاب می شود، گرچه گناه کار باشد.

ص: ۶۳

الفصل الثالث: ممّا ورد من حكم النبي ٩ مبدوءه بلفظه «مَنْ»

الفصل الثالث: ممّا ورد من حكم النبي صلى الله عليه وآله مبدوءه بلفظه «مَنْ»

٢٣٠. مَنْ صَمَتَ نَجَا. (١)

٢٣١. مَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ رَفَعَهُ اللَّهُ، وَمَنْ تَكَبَّرَ وَضَعَهُ اللَّهُ. (٢)

٢٣٢. مَنْ يَغْفِرِ يَغْفِرِ اللَّهُ لَهُ، وَمَنْ يَعْفُفُ يَعْفُفُ اللَّهُ عَنْهُ، وَمَنْ يَصْبِرِ عَلَى الرَّزِيَةِ يُعَوِّضَهُ اللَّهُ، وَمَنْ يَكْظِمُ يَأْجُرُهُ اللَّهُ، وَمَنْ قَدَّرَ رَزَقَهُ اللَّهُ، وَمَنْ يَبْذُرَ حَرَمَهُ اللَّهُ، وَمَنْ اقْتَرَبَ مِنْ بَابِ السُّلْطَانِ اقْتَبَنَ، وَمَنْ قُتِلَ دُونَ مَالِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ، وَمَنْ قُتِلَ دُونَ أَهْلِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ، وَمَنْ قُتِلَ دُونَ دِينِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ. (٣)

٢٣٣. مَنْ يُرِدِ اللَّهُ بِهِ خَيْرًا يُفَقِّهُهُ فِي الدِّينِ. (٤)

٢٣٤. مَنْ اشْتَقَ إِلَى الْجَنَّةِ سَارَعَ إِلَى الْخَيْرَاتِ، وَمَنْ أَشْفَقَ مِنَ النَّارِ لَهَا عَنِ الشَّهَوَاتِ، وَمَنْ تَرَقَّبَ (٥) الْمَوْتَ لَهَا عَنِ اللَّذَاتِ، وَمَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا هَانَتْ عَلَيْهِ الْمُصِيبَاتُ. (٦)

٢٣٥. مَنْ مَاتَ غَرِيبًا مَاتَ شَهِيدًا. (٧)

٢٣٦. مَنْ اعْتَرَى بِالْعَبِيدِ أَذَلَّهُ اللَّهُ. (٨)

٢٣٧. مَنْ غَشَّنَا فَلَيْسَ مِنَّا. (٩)

٢٣٨. وَمَنْ أَحْدَثَ فِي أَمْرِنَا هَذَا مَا لَيْسَ فِيهِ فَهُوَ رَدٌّ. (١٠)

ص: ٦٤

- ١- (١) . الأماالى للطوسى، ص ٥٣٧.
- ٢- (٢) . الكافى، ج ٢، ص ١٢٢، ح ٣.
- ٣- (٣) . كنز العميال، ج ١٥، ص ٩٣٠؛ كنز الفوائد، ص ٩٧ «من يغفر... و من يكظم يأجره الله»؛ تحف العقول، ص ٢٢١ «من قدر... بذر حرمه الله»؛ مسند الشهاب، ج ١، ص ١، ص ٢٢٢ «من اقترب باب السلطان... ماله فهو شهيد»؛ المجموع، ج ١٩، ص ٢٤٨ «و من قتل دون ماله... دینه فهو شهيد».
- ٤- (٤) . عوالى اللالى، ج ١، ص ٨١.
- ٥- (٥) . رقبه وترقبه: انتظره ورصده (لسان العرب: ٤٢٤/١).
- ٦- (٦) . مكارم الأخلاق، ص ٤٤٧.
- ٧- (٧) . مسند الشهاب، ج ١، ص ٢٢٧، ح ٣٤٩.

٨- (٨) . مسند الشهاب، ص ٢٢٧، ح ٣٥٠.

٩- (٩) . الخلاف، ج ٦، ص ١١٣؛ مسند زيد بن علي، ص ٢٧٥.

١٠- (١٠) . عوالي اللآلي، ج ١، ص ٢٤٠.

۲۳۰. هر که سکوت کند نجات یابد.

۲۳۱. هر که به خاطر خدا تواضع کند، خدا او را بالا برد. و هر که تکبر کند، خدا او را پایین آورد [و خوار نماید].

۲۳۲. هر که از خطای دیگران بگذرد، خدا از خطایش بگذرد. و هر که دیگران را بیخشد، خدا او را عفو کند. و هر کس در مصیبت صبر کند، خدا به او عوض می دهد. و هر کس خشم خود فرونشاند، خدا او را اجر می دهد. و هر کس در زندگی اندازه گیری کند، خدا روزی او را برساند. و هر کس اسراف کند، خدا او را محروم می کند. و هر کس به دربار سلاطین نزدیک شود، گرفتار می شود. و هر کس برای دفاع از مالش کشته شود، شهید است. و هر کس برای دفاع از خانواده اش کشته شود، شهید است. و هر کس در راه دفاع از دین کشته شود، شهید است.

۲۳۳. خدا به هر کس بخواهد خیر برساند، او را با احکام دین آشنا می کند. [آگاه به دین می سازد].

۲۳۴. هر کس اشتیاق بهشت دارد، در کار خیر شتاب کند. و هر کس از آتش وحشت دارد، از شهوات پرهیز کند. و کسی که در انتظار مرگ است، از لذتها چشم پوشد. و کسی که به دنیا رغبت ندارد، مصیبت بر او آسان گردد.

۲۳۵. کسی که در غربت بمیرد، شهید است.

۲۳۶. خدا هر کس را که به نیروی بندگان عزت جوید، ذلیل می کند.

۲۳۷. هر کس با ما تقلب کند [یعنی آنچه که از ما نیست به ما نسبت دهد] از ما نیست.

۲۳۸. هر کس در دین ما بدعتی گذارد، مردود است.

٢٣٩. وَمَنْ تَأْتَى أَصَابَ أَوْ كَادَ، وَمَنْ عَجَلَ أَخْطَأَ أَوْ كَادَ. (١)

٢٤٠. مَنْ يَزْرَعُ خَيْرًا يَحْصِدْ رَغْبَةً، وَمَنْ يَزْرَعُ شَرًّا يَحْصِدْ نَدَامَةً. (٢)

٢٤١. مَنْ أَيْقَنَ بِالْخَلْفِ (٣) جَادَ بِالْعَطِيَةِ. (٤)

٢٤٢. مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ أَكْرَمَ النَّاسِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ، وَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ أَغْنَى النَّاسِ فَلْيَكُنْ بِمَا فِي يَدِ اللَّهِ أَوْثَقَ مِنْهُ بِمَا فِي يَدِهِ. (٥)

٢٤٣. مَنْ هَمَّ بِذَنْبٍ ثُمَّ تَرَكَهُ كَانَتْ لَهُ حَسَنَةٌ. (٦)

٢٤٤. مَنْ آتَاهُ اللَّهُ خَيْرًا فَلْيُرِّ عَلَيْهِ. (٧)

٢٤٥. مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَسْلَمَ فَلْيَلْزِمِ الصَّمْتَ. (٨)

٢٤٦. مَنْ كَثُرَ كَلَامُهُ كَثُرَ سَقَطُهُ (٩)، وَمَنْ كَثُرَ سَقَطُهُ كَثُرَتْ ذُنُوبُهُ، وَمَنْ كَثُرَتْ ذُنُوبُهُ كَانَتْ النَّارُ أُولَى بِهِ. (١٠)

٢٤٧. مَنْ رُزِقَ مِنْ شَيْءٍ فَلْيَلْزِمْهُ. (١١)

٢٤٨. مَنْ أَنْزَلَتْ إِلَيْهِ نِعْمَةٌ فَلْيَشْكُرْهَا. (١٢)

٢٤٩. مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْقَلِيلَ لَمْ يَشْكُرِ الْكَثِيرَ. (١٣)

٢٥٠. مَنْ عَزَى مُصَابًا فَلَهُ مِثْلُ أَجْرِهِ. (١٤)

٢٥١. مَنْ أَفْطَرَ صَائِمًا كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِهِ. (١٥)

٢٥٢. مَنْ رَفَقَ بِأُمَّتِي رَفَقَ اللَّهُ بِهِ. (١٦)

ص: ٦٦

١- (١) . مجمع الزوائد، ج ٨، ص ١٩.

٢- (٢) . الكافي، ج ٢، ص ٤٥٨، ح ٢٩. وفيه: «غبطه» بدل «رغبه».

٣- (٣) . أخلف عليك - بالألف -: رد عليك مثل ما ذهب منك، وأخلف الله عليك مالك، والاسم: الخلف بفتحيتين (المصباح المنير: ١٧٩).

٤- (٤) . نهج البلاغه، ج ٤، ص ٣٤.

٥- (٥) . من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٤٠٠، ح ٥٨٥٨.

٦- (٦) . كنز العمال، ج ٤، ص ٢٣٥.

- ٧- (٧) . مسند الشهاب، ج ١، ص ٢٣٥.
- ٨- (٨) . كنز العمال، ج ٣، ص ٣٥١.
- ٩- (٩) . كثر سَيَقْطُه - محرکه -: أى كثر خطؤه. وروى فى نهج البلاغه بنحو أبسط: «من كثر كلامه كثر خطؤه، ومن كثر خطؤه قلّ حياؤه، ومن قلّ حياؤه قلّ ورعُه، ومن قلّ ورعُه مات قلبُه، ومن مات قلبه دخل النار». هذا بيان لتأثير الأعمال فى النفس وتأثير الصفات النفسائيه فى الأعمال إلى أن تصل إلى الجنّه أو الهاويه أعاذنا الله منها.
- ١٠- (١٠) . مسند الشهاب، ج ١، ص ٢٣٦.
- ١١- (١١) . مسند الشهاب، ج ١، ص ٢٣٨.
- ١٢- (١٢) . مسند الشهاب، ج ١، ص ٢٣٩، ح ٣٧٦. وفيه «أزلّت» بدل «أنزلت».
- ١٣- (١٣) . كنز العمال، ج ٣، ص ٢٦٦، ح ٦٤٧٩ و ٦٤٨٠.
- ١٤- (١٤) . تذكره الفقهاء (ط. ق)، ج ١، ص ٥٦.
- ١٥- (١٥) . تهذيب الاحكام، ج ٤، ص ٢٠٢، ح ٥٨٣/٥.
- ١٦- (١٦) . كنز العمال، ج ٣، ص ٤٦، ح ٥٤١٠.

۲۳۹. هر کس با دقت کار کند، به مقصود برسد یا نزدیک شود. و هر که عجله کند خطا کند یا به خطا نزدیک شود.

۲۴۰. کسی که خیری بکارد، شادمانی و کسی که شر بکارد، پشیمانی درو کند.

۲۴۱. هر کس یقین دارد که خداوند جای بخشش را پر می کند خیلی راحت بخشش می کند.

۲۴۲. هر کس که دوست دارد بهترین انسان باشد، از خدا بترسد. و هر که می خواهد بی نیازترین باشد اعتمادش به آنچه که در نزد خداست بیشتر از آنچه که خودش دارد باشد.

۲۴۳. هر کس به گناهی همت گمارد اما آن را ترک کند برایش ثواب نویسند.

۲۴۴. هر کس خدا به او خیری داده، باید آثارش در او دیده شود.

۲۴۵. هر کس می خواهد سالم بماند، باید سکوت کند. [کمتر حرف بزند]

۲۴۶. لغزش انسان پر حرف زیاد است. و لغزش زیاد گناه زیاد به دنبال دارد. و کسی که گنااهش زیاد باشد، سزاوار جهنم است.

۲۴۷. کسی که از جایی [از هر شغلی] رزق یافت، آن را رها نکند.

۲۴۸. کسی که نعمت یافت، شکر کند.

۲۴۹. کسی که برای نعمت کم شکر نکند، برای زیاد هم شکر نمی کند.

۲۵۰. کسی که مصیب زده ای را تسلی دهد، مانند او اجر دارد.

۲۵۱. کسی که به روزه دار افطار دهد، اجر روزه دارد.

۲۵۲. کسی که با امت من مدارا کند، خدا با او مدارا کند.

٢٥٣. مَنْ عَادَ مَرِيضًا لَمْ يَزَلْ فِي خُرْفِهِ (١) الْجَنَّةِ. (٢)

٢٥٤. مَنْ دَعَا عَلِيَّ مَنْ ظَلَمَهُ فَقَدْ انْتَصَرَ. (٣)

٢٥٥. مَنْ مَشَى مَعَ ظَالِمٍ فَقَدْ أَجْرَمَ (٤). (٥)

٢٥٦. مَنْ تَشَبَّهَ بِقَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ. (٦)

٢٥٧. مَنْ طَلَبَ الْعِلْمَ تَكَفَّلَ اللَّهُ بِرِزْقِهِ. (٧)

٢٥٨. مَنْ لَمْ يَنْفَعُهُ عِلْمٌ ضَرَّهُ جَهْلُهُ (٨). (٩)

٢٥٩. مَنْ أَبْطَأَ بِهِ عَمَلُهُ لَمْ يُسْرِعْ بِهِ نَسَبُهُ (١٠). (١١)

٢٦٠. مَنْ جُعِلَ قَاضِيًا فَقَدْ ذُبِحَ بِغَيْرِ سِكِّينٍ. (١٢)

٢٦١. مَنْ حَمَلَ سِلْعَتَهُ (١٣) فَقَدْ بَرَأَ مِنَ الْكِبَرِ. (١٤)

٢٦٢. مَنْ كَذَبَ بِالشَّفَاعَةِ لَمْ يَنْلُهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (١٥)

٢٦٣. مَنْ سَرَّتْهُ حَسَنَتُهُ وَسَاءَتْهُ سَيِّئَتُهُ فَهُوَ مُؤْمِنٌ. (١٦)

٢٦٤. مَنْ خَافَ أَدْلَجَ (١٧)، وَمَنْ أَدْلَجَ بَلَغَ الْمَنْزِلَ. (١٨)

٢٦٥. مَنْ يَشْتَبِهَ كَرَامَةَ الْآخِرَةِ يَدَعُ زِينَةَ الدُّنْيَا. (١٩)

ص: ٦٨

١- (١). خُرْفَه - بضم الخاء وفتحها وسكون الراء -: ما يُخْتَرَفُ؛ أي يجتنى من الثمر؛ أي لم يزل في بستان يجتنى منه الثمر. شبه ما يحوزه العابد من الثواب بما يحوزه المخترِف من الثمر (فيض القدير: ٢٢٩/٦).

٢- (٢). كثر العمال، ج ٩، ص ٩٥، ح ٢٥١٤٢.

٣- (٣). مسند الشهاب، ج ١، ص ٢٤٣، ح ٣٨٧.

٤- (٤). لعل المراد من مشى معه معينا له أو بحيث يُعَدُّ من حواشيه وأعوانه عُرفًا، وقد حَزِرَ ذلك في المكاسب فراجع.

٥- (٥). مسند الشهاب، ج ١، ص ٢٤٣، ح ٣٨٨.

٦- (٦). عوَالِي اللَّالِي، ج ١، ص ١٦٥، ح ١٧٠.

٧- (٧). مجمع الفوائد، ج ٨، ص ٨.

٨- (٨). أي من لم يستفد من علمه ولم تصدر أعماله عن علم فلا بد أن تكون أعماله عن غيره من شهوه أو غضب أو لهو أو...

وكلها صدر عن جهل؛ لأن ما ليس منشؤه العلم فهو صادر عن الجهل، وإلى ذلك تنظر آية التوبة: «إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهْلَةٍ».

٩- (٩). مسند الشهاب، ج ١، ص ٢٤٥، ح ٣٩٢.

١٠- (١٠). يعني أن الدرجات الدنيوية أو الأخروية إنما تحصل بالعمل، لا بالنسب، فهو حث على العمل وعدم الاعتماد على الأنساب والأحساب.

١١- (١١). عيون الحكم والمواعظ، ص ٤٥٤.

١٢- (١٢). المقنعه، ص ٧٢١.

١٣- (١٣). السُّلعة - بالكسر - : البضاعة (مجمع البحرين: ٣٤٦/٤).

١٤- (١٤). كنز العمال، ج ٣، ص ٥٢٦، ح ٧٧٣٧.

١٥- (١٥). مسند الشهاب، ج ١، ص ٢٤٨، ح ٣٩٩.

١٦- (١٦). الكافي، ج ٢، ص ٢٣٢، ح ٦.

١٧- (١٧). أدلج إدلاجاً: سار الليل كله. وربما اطلق الإدلاج على العبادة توسيماً؛ لأننا للعبادة سيرٌ إلى الله تعالى (مجمع البحرين: ٤٨/٢).

١٨- (١٨). كنز العمال، ج ٣، ص ١٤٢، ح ٥٨٨٥.

١٩- (١٩). مسند الشهاب، ج ١، ص ٢٥١، ح ٤٠٧.

۲۵۳. کسی که از بیماری عیادت کند، از میوه های بهشت بهره برداری می کند.

۲۵۴. هر کس بر علیه کسی که بر او ظلم کرده دعا کند به درستی کمک خواسته است [و پیروز است چون دعای مظلوم مستجاب است].

۲۵۵. کسی که با ظالم همراهی کند، مجرم است.

۲۵۶. کسی خود را به گروهی شبیه کند، از آنهاست.

۲۵۷. کسی که طلب علم کند، خدا رزقش را تکفل می کند. [خدا رزقش را به عهده می گیرد].

۲۵۸. کسی که از علمش نفع نبرد، جهلش به او ضرر می رساند.

۲۵۹. کسی که عملکرد او ضعیف است، نَسب او به کارها سرعت نمی بخشد.

۲۶۰. کسی که قاضی شود، بدون کارد سرش بریده شود.

۲۶۱. هر کس که بار خود را خودش حمل کند، از تکبر حفظ شود.

۲۶۲. هر کس شفاعت را دروغ پندارد در روز قیامت از آن بی نصیب ماند.

۲۶۳. هر کس از کار خوب خود مسرور و از کار بدش ناراحت شود، مؤمن است.

۲۶۴. هر کس خوف داشته باشد، تلاش می کند. و هر کس تلاش کند، به منزل می رسد.

۲۶۵. هر کس کرامت آخرت خواهد، زینت دنیا را رها کند.

٢٦٦. مَنْ كَثُرَتْ صَلَاتُهُ بِاللَّيْلِ حَسَنٌ وَجْهُهُ بِالنَّهَارِ، وَمَنْ أَحَبَّ دُنْيَاهُ أَضْرَبَ بِآخِرَتِهِ، وَمَنْ أَحَبَّ آخِرَتَهُ أَضْرَبَ بِدُنْيَاهُ. (١)

٢٦٧. مَنْ أَهَانَ سُلْطَانَ اللَّهِ أَهَانَهُ اللَّهُ، وَمَنْ أَكْرَمَ سُلْطَانَ اللَّهِ أَكْرَمَهُ اللَّهُ. (٢)

٢٦٨. مَنْ أَحَبَّ عَمَلَ قَوْمٍ - خَيْرًا كَانَ أَوْ شَرًّا - كَانَ كَمَنْ عَمِلَهُ. (٣)

٢٦٩. مَنْ اسْتَعَاذَكُمْ بِاللَّهِ فَأَعِيدُوهُ، وَمَنْ سَأَلَكُمْ بِاللَّهِ فَأَعْطُوهُ، وَمَنْ دَعَاكُمْ فَأَجِبُوهُ، وَمَنْ أَتَى إِلَيْكُمْ مَعْرُوفًا فَكَافِئُوهُ، فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فَادْعُوا لَهُ حَتَّى تَعْلَمُوا أَنَّكُمْ قَدْ كَافَأْتُمُوهُ. (٤)

٢٧٠. مَنْ مَشَى مِنْكُمْ إِلَى طَمَعٍ فَلَيْمَشِ رُويِدًا (٥). (٦)

٢٧١. مَنْ عَمَّرَهُ اللَّهُ سِتِينَ سَنَةً فَقَدْ أَعْدَرَ إِلَيْهِ فِي الْعُمْرِ. (٧)

٢٧٢. مَنْ أَصْبَحَ لَا يَتَوَى ظَلَمَ أَحَدٍ غُفِرَ لَهُ مَا جَنَى. (٨)

٢٧٣. مَنْ أَلْقَى جِلْبَابَ الْحَيَاءِ فَلَاغِيَبَهُ لَهُ. (٩)

٢٧٤. مَنْ سَاءَتْهُ سَيِّئَتُهُ غُفِرَ لَهُ وَإِنْ لَمْ يَسْتَغْفِرْ. (١٠)

٢٧٥. مَنْ خَافَ اللَّهَ خَوَّفَ اللَّهُ مِنْهُ كُلَّ شَيْءٍ، وَمَنْ لَمْ يَخَفِ اللَّهَ خَوَّفَهُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ. (١١)

٢٧٦. مَنْ أَحَبَّ لِقَاءَ اللَّهِ أَحَبَّ اللَّهُ لِقَاءَهُ، وَمَنْ كَرِهَ لِقَاءَ اللَّهِ كَرِهَ اللَّهُ لِقَاءَهُ. (١٢)

٢٧٧. مَنْ سُئِلَ عَنَ عِلْمٍ يَعْلَمُهُ فَكَتَمَهُ الْجَمِّ بِلِجَامٍ مِنَ النَّارِ. (١٣)

٢٧٨. مَنْ اسْتَطَاعَ مِنْكُمْ أَنْ يَكُونَ لَهُ حَيِّيَّةٌ (١٤) مِنْ عَمَلٍ صَالِحٍ فَلْيَفْعَلْ. (١٥)

٢٧٩. مَنْ فُتِحَ لَهُ بَابٌ خَيْرٍ فَلْيَنْتَهِزْهُ؛ فَإِنَّهُ لَا يَدْرِي مَتَى يُغْلَقُ عَنْهُ. (١٦)

٢٨٠. مَنْ كَظَمَ غَيْظًا وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَى إِنْفَادِهِ، مَلَأَهُ اللَّهُ أَمْنًا وَإِيمَانًا. (١٧)

ص: ٧٠

١- (١). مسند الشهاب، ج ١، ص ٢٥٨، ح ٤١٧ «من كثرت... بالنهار»؛ مسند أحمد، ج ٤، ص ٤١٢ «و من أحب... بدنياه».

٢- (٢). مسند الشهاب، ج ١، ص ٢٥٩، ح ٤١٩.

٣- (٣). مسند الشهاب، ج ١، ص ٢٥٩، ح ٤١٩.

٤- (٤). مسند الشهاب، ج ١، ص ٢٦٠، ح ٤٢٠.

٥- (٥). لعل المراد أن الطامع لا يظفر بمراده غالباً، فقوله: «فليمش رويداً» بيان لعدم الوصول إلى المراد غالباً.

- ٦- (٦) . مسند الشهاب، ج ١، ص ٢٦١، ح ٤٢١.
- ٧- (٧) . كنز العمال، ج ١٥، ص ٦٧١، ح ٤٢٦٦٨.
- ٨- (٨) . مسند الشهاب، ج ١، ص ٢٦٣، ح ٤٢٥.
- ٩- (٩) . مشكاه الأنوار، ص ٤١٢.
- ١٠- (١٠) . مسند الشهاب، ج ١، ص ٢٦٤، ح ٤٢٨، وفيه: «ساءته خطيئه».
- ١١- (١١) . مسند الشهاب، ج ١، ص ٢٦٤، ح ٤٢٨.
- ١٢- (١٢) . جامع المقاصد، ج ١، ص ٤١٧.
- ١٣- (١٣) . مسند الشهاب، ج ١، ص ٢٦٦، ح ٤٣٢.
- ١٤- (١٤) . الخيئه: أصلها الخيئه، فعيله بمعنى مفعوله.
- ١٥- (١٥) . كنز العمال، ج ٣، ص ٢٥، ح ٥٢٧٧.
- ١٦- (١٦) . مسند الشهاب، ج ١، ص ٢٦٨، ح ٤٣٦.
- ١٧- (١٧) . كنز العمال، ج ٣، ص ١٣١، ح ٥٨٢٢. وفيه: «ملأ الله قلبه أمنا وإيماناً».

۲۶۶. هر کس نماز شب زیاد بجای آورد، در روز چهره اش زیبا شود، و هر کس دنیا را دوست داشته باشد، به آخرت ضرر می زند. و هر کس آخرت را دوست دارد، به دنیایش ضرر می زند.

۲۶۷. هر کس سلطه خدا را سبک شمارد، خدا او را پست نماید. و هر کس سلطه خدا را تکریم کند [بزرگ دارد]، خداوند او را تکریم نماید.

۲۶۸. هر کس کار خیر یا شر دیگران را دوست داشته باشد، مثل آن است که آن را انجام داده است.

۲۶۹. هر کس بنام خدا به شما پناه آورد پناهش دهید و هر کس بنام خدا از شما چیزی خواست، به او بدهید و هر کس شما را دعوت کرد پذیرید و هر کس به شما احسان کرد جبران کنید و اگر نتوانستید او را بقدری دعا کنید که بدانید جبران شده است.

۲۷۰. هر کدام از شما به طمع چیزی می رود آهسته برود [احتیاط کند چرا که غالباً به مرادش نمی رسد].

۲۷۱. خداوند به هر کس شصت سال عمر داده است، برای او عذری باقی نگذاشته است.

۲۷۲. هر کس صبح کند و قصد ظلم کردن به دیگران نداشته باشد، خداوند گناه او را می آمرزد.

۲۷۳. هر کس پرده ی حیا را درید، غیبت ندارد.

۲۷۴. هر کس از کار زشت خود ناراحت شود خداوند او را بیامرزد، گر چه استغفار نکند.

۲۷۵. هر کس از خدا بترسد، خدا هم ترس از او را در دل هر چیزی بیاندازد و هر کس از خدا نترسد، خدا او را از همه چیز ترسان کند.

۲۷۶. هر کس لقای خدا را دوست بدارد، خدا هم لقای او را دوست دارد و هر کس لقای خدا را دوست نداشته باشد، خدا هم لقای او را دوست ندارد.

۲۷۷. کسی که از او پرسند و بدانند اما جواب ندهد، دهانش را با آتش می بندند.

۲۷۸. هر کدام از شما می تواند کار خوبی انجام دهد، حتماً انجام دهد.

۲۷۹. هر کس در خیر به رویش باز شده غنیمت شمرد، چون نمی داند چه زمانی بسته می شود.

۲۸۰. هر کس در حال قدرت خشم خود را فرو نشاند، خدا قلب او را با آرامش و ایمان پر می کند.

٢٨١. مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَجِدَ طَعْمَ الْإِيمَانِ فَلْيُحِبِّ الْمَرَّةَ وَلَا يُحِبُّهُ إِلَّا لِلَّهِ تَعَالَى (١). (٢).

٢٨٢. مَنْ أَصَابَ مَالًا مِنْ مَهَاوِشَ (٣) أَذْهَبَهُ اللَّهُ فِي نَهَابِرِ (٤). (٥).

٢٨٣. مَنْ أَعْطَى حَظَّهُ مِنَ الرَّفْقِ فَقَدْ أَعْطَى حَظَّهُ مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (٦).

٢٨٤. مَنْ آثَرَ مَحَبَّةَ اللَّهِ عَلَى مَحَبَّةِ النَّاسِ كَفَاهُ اللَّهُ مُؤَنَةَ النَّاسِ. (٧).

٢٨٥. مَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ (٨) شِبْرًا خَلَعَ رِبْقَةَ (٩) الْإِسْلَامِ مِنْ عُنُقِهِ. (١٠).

٢٨٦. مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَسْكُنَ بُحْبُوحَةَ (١١) الْجَنَّةِ فَلْيَلْزِمِ الْجَمَاعَةَ. (١٢).

٢٨٧. مَنْ أَقَالَ (١٣) نَادِمًا بَيَعْتَهُ أَقَالَ اللَّهُ عَثْرَتَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (١٤).

٢٨٨. مَنْ فَرَّقَ بَيْنَ وَالِدِهِ وَوَلَدِهَا فَفَرَّقَ اللَّهُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ أَحَبَّتِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (١٥).

٢٨٩. مَنْ يَسَّرَ عَلَى مُعْسِرٍ يَسَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (١٦).

٢٩٠. مَنْ أَنْظَرَ مُعْسِرًا أَوْ وَضَعَ (١٧) لَهُ، أَظْلَمَهُ اللَّهُ تَحْتَ ظِلِّ عَرْشِهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا لِلَّهِ. (١٨).

٢٩١. مَنْ كَانَ ذَا لِسَانَيْنِ فِي الدُّنْيَا جُعِلَ لَهُ لِسَانَانِ مِنْ نَارٍ. (١٩).

ص: ٧٢

١- (١). أى من أراد أن يجد طعم الإيمان فليكن حبه لله وبغضه لله، وفي الحديث: «هل الدين إلا الحب؟».

٢- (٢). مسند أحمد، ج ٢، ص ٢٩٨.

٣- (٣). المهاوش: كل مال أصيب من غير حله ولا يُدري ما وجهه. والهواش - بالضم -: ما جمع من مال حرام وحلال، كأنه جمع مهوش، من الهوش؛ الجمع والخلط والميم زائده (النهاية: ٢٨٢/٥).

٤- (٤). النهابر: المهالك، وأصلها جبال من رمل صعب المرتقى. والمعنى: أذهب الله في مهالك وأمر متبده (النهاية: ١٣٣/٥).

٥- (٥). غريب الحديث، ج ٤، ص ٨٦.

٦- (٦). شرح نهج البلاغه، ج ٦، ص ٢٣٩.

٧- (٧). كنز العمال، ج ١٥، ص ٧٩٠، ح ٤٣١٢٧.

٨- (٨). المراد بالجماعه هي ما أمر به الله والرسول لا الاجتماع الباطل، والله تعالى يقول: «وَأَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ» فالمؤمن مع طاعه الله عزوجل جماعه، كما أن إبراهيم عليه السلام على انفراده امه، فالغرض النهى عن البدعه فى الدين.

٩- (٩). الرّبقة - فى الأصل -: عروه فى الحبل تجعل فى عنق البهيمة أو يدها تمسكها، فاستعارها للإسلام، يعنى ما يشدّ به المسلم نفسه من عرى الإسلام؛ أى حدوده وأحكامه وأوامره ونواهيه (النهاية: ١٩٠/٢).

- ١٠- (١٠) . المبسوط، ج ٧، ص ٢٦٣.
- ١١- (١١) . بُحْبُوبِيهِ الدَّارِ: وَسَطُهَا. يُقَالُ: تَبَحَّجْتُ إِذَا تَمَكَّنْتُ وَتَوَسَّطْتُ الْمَنْزِلَ وَالْمَقَامَ (النهاية: ٩٩/١).
- ١٢- (١٢) . كَنْزُ الْعَمَالِ، ج ١، ص ٢٠٧، ح ١٠٣٣.
- ١٣- (١٣) . أَقَالَ نَادِمًا: أَيِ وَافَقَهُ عَلَى نَقْضِ الْبَيْعِ وَأَجَابَهُ إِلَيْهِ (النهاية: ١٣٤/٤).
- ١٤- (١٤) . كَنْزُ الْعَمَالِ، ج ٤، ص ٩٠، ح ٩٦٧٩.
- ١٥- (١٥) . المبسوط، ج ٢، ص ٢١.
- ١٦- (١٦) . مَسْنَدُ الشَّهَابِ، ج ١، ص ٢٨٠، ح ٤٥٧.
- ١٧- (١٧) . وَضَعَ لَهُ: أَيِ حَطَّ عَنْهُ مِنْ أَصْلِ الدَّيْنِ شَيْئًا (النهاية: ١٩٨/٥).
- ١٨- (١٨) . كَنْزُ الْعَمَالِ، ج ٦، ص ٢١٦، ح ١٥٤٠٣.
- ١٩- (١٩) . كَنْزُ الْعَمَالِ، ج ٣، ص ٥٦٨، ح ٧٤٩٢.

۲۸۱. هر که می خواهد طعم ایمان را درک کند، مردم را فقط برای خدا دوست بدارد.

۲۸۲. کسی که مالی را از راه نامشروع بدست آورد، در راه باطل و حوادث سخت از دست بدهد.

۲۸۳. کسی که از مدارا بهره ای برده باشد، از خیر دنیا و آخرت بهره برده است.

۲۸۴. کسی که محبت خدا را بر دوستی مردم [دوست داشته شدن او توسط خدا را بر دوست داشته شدن او توسط مردم] ترجیح دهد، خدا او را از شر مردم حفظ می کند.

۲۸۵. کسی که از اجتماع مسلمین یک وجب فاصله بگیرد، از محدوده ی اسلام خارج شده است.

۲۸۶. هر کس دوست دارد در وسط بهشت ساکن شود به اجتماع مسلمین پیوندد.

۲۸۷. هر کس معامله ی کسی را که پشیمان شده است فسخ کند، خداوند روز قیامت از لغزش او می گذرد.

۲۸۸. هر کس بین مادر و فرزندش فاصله بیندازد، خداوند در قیامت بین او و دوستانش جدائی اندازد.

۲۸۹. هر کس کار تنگدستی را آسان کند، خداوند در دنیا و آخرت کارش را آسان می کند.

۲۹۰. هر کس به بدهکار تهیدست مهلت دهد یا قسمتی از بدهی او را ببخشد، خداوند او را در سایه عرش جا می دهد، در روزی که هیچ سایه ای جز سایه او وجود ندارد.

۲۹۱. هر کس در دنیا دو زبان داشته باشد، [ریا کاری کند] خدا [روز قیامت] دو زبان آتشین برای او قرار دهد.

٢٩٢. مَنْ نَظَرَ كِتَابَ غَيْرِهِ بِغَيْرِ إِذْنِهِ فَكَأَنَّمَا يَنْظُرُ فِي النَّارِ. (١)

٢٩٣. مَنْ كَانَ أَمْرًا بِمَعْرُوفٍ، فَلْيَكُنْ أَمْرُهُ ذَلِكَ بِمَعْرُوفٍ. (٢)

٢٩٤. مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا ظَهَرَتْ يَنَابِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ. (٣)

٢٩٥. مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْرِمِ جَارَهُ، وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُقِلِّ خَيْرًا أَوْ يَصْمُتْ. (٤)

٢٩٦. مَنْ أَسْلَمَ عَلَى يَدَيْهِ رَجُلٌ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ. (٥)

٢٩٧. مَنْ نَصَرَ أَخَاهُ بِظَهْرِ الْغَيْبِ نَصَرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (٦)

٢٩٨. مَنْ فَرَّجَ عَن أَخِيهِ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ الدُّنْيَا فَزَجَّ اللَّهُ عَنْهُ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ الْآخِرَةِ، وَمَنْ كَانَ فِي حَاجَةِ أَخِيهِ كَانَ اللَّهُ فِي حَاجَتِهِ،

وَمَنْ سَتَرَ عَلَى أَخِيهِ سِتْرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَاللَّهُ فِي عَوْنِ الْعَبْدِ مَا كَانَ الْعَبْدُ فِي عَوْنِ أَخِيهِ. (٧)

٢٩٩. مَنْ بَنَى مَسْجِدًا وَلَوْ مِثْلَ مَفْحَصِ قَطَاهِ (٨) بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ. (٩)

٣٠٠. مَنْ طَلَبَ عِلْمًا فَأَدْرَكَهُ كُتِبَ لَهُ كِفْلَانِ (١٠) مِنَ الْأَجْرِ، وَمَنْ طَلَبَ عِلْمًا فَلَمْ يُدْرِكْهُ كُتِبَ لَهُ كِفْلٌ مِنَ الْأَجْرِ. (١١)

٣٠١. مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا بِعَمَلِ الْآخِرَةِ فَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ. (١٢)

٣٠٢. مَنْ أَوْلَى مَعْرُوفًا فَلَمْ يَجِدْ جِزَاءَ إِلَّا الشَّاءَ فَقَدْ شَكَرَهُ (١٣)، وَمَنْ كَتَمَهُ فَقَدْ كَفَرَ. (١٤)

٣٠٣. مَنْ أَوْلَى مَعْرُوفًا فَلْيُكْفِئْ بِهِ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَلْيَذْكُرْهُ، فَإِنْ ذَكَرَهُ فَقَدْ شَكَرَهُ، وَمَنْ أَوْلَى رَجُلًا مِنْ عَبْدٍ

ص: ٧٤

١- (١). عوالمى اللآلى؁ ج ١؁ ص ١٨١؁ ح ٢٤١؛ وفيه: «أخيه» بدل «غيره».

٢- (٢). مسند الشهاب؁ ج ١؁ ص ٢٨٥؁ ح ٤٤٥.

٣- (٣). مسند الشهاب؁ ج ١؁ ص ٢٨٥؁ ح ٤٤٤.

٤- (٤). مسند الشهاب؁ ج ١؁ ص ٢٨٤؁ ح ٤٤٧.

٥- (٥). كتر العمال؁ ج ٤؁ ص ٣٠٤؁ ح ١٠٤٢٩.

٦- (٦). كتر العمال؁ ج ٣؁ ص ٤١٤؁ ح ٧٢٢٠.

٧- (٧). مسند الشهاب؁ ج ١؁ ص ٢٩٠؁ ح ٤٧٤.

٨- (٨). المَفْحَصُ: مفعول من الفحص؛ كالأفحوص؁ وجمعه مَفَاحِصُ. وأفحوص القطاه: موضعها الذى تنجثم فيه وتبيض؁ كأنها

تفحص عنه التراب أى تكشفه (النهاية: ٤١٥/٣). والمراد بالتشبيه هو بيان صغر المسجد.

- ٩-٩) . من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ٢٣٥؛ وفيه «كمفحص» بدل «ولو مثل مفحص».
- ١٠-١٠) . الكفل: الضعف، والنصيب، والحظّ (القاموس المحيط: ٤/٤٥).
- ١١-١١) . منيه المرید، ص ٩٩؛ «كفلان» «كفلين».
- ١٢-١٢) . تفسير مجمع البيان، ج ٢، ص ٤٠٨.
- ١٣-١٣) . یعنی أنّ من أتى إليه أحد بإحسان فلم يجد شيئاً يكافيه به إلاّ الثناء فقد شكره.
- ١٤-١٤) . مسند الشهاب، ج ١، ص ٢٩٤، ح ٤٨٤ و ٤٨٥.

۲۹۲. هر کس بدون اجازه نامه ی دیگری را ببیند، گویا به آتش نگریسته است.

۲۹۳. هر کس می خواهد امر به معروف کند، بطور صحیح امر کند.

۲۹۴. هر کس چهل روز خود را برای خدا خالص کند، چشمه های حکمت از قلب او به زبانش جاری شود.

۲۹۵. هر کس به خدا و قیامت ایمان دارد، همسایه را گرمی دارد. و [نیز] هر کس به خدا و قیامت ایمان دارد سخن خیر بگوید یا سکوت اختیار کند.

۲۹۶. هر کس کافری را مسلمان کند، بهشت بر او واجب شود.

۲۹۷. هر کس به مسلمانی در غیابش کمک کند، خدا او را در دنیا و آخرت یاری کند.

۲۹۸. هر کس غصه ی دنیا را از برادرش دور کند، خداوند غصه آخرت او را برطرف می کند. و هر کس در پی حاجت برادرش باشد، خدا حاجت او را برآورد. و هر کس عیب برادرش را بپوشاند، خدا در دنیا و آخرت عیب او را بپوشاند. و خداوند یاور کسی است که به یاری برادرش مشغول است.

۲۹۹. هر کس مسجدی بنا نهد - حتی به اندازه یک نفر - خدا برایش در بهشت خانه ای بنا کند.

۳۰۰. هر کس بدنبال علم برود و آن را تحصیل کند، دو ثواب، و اگر آن را پیدا نکند، یک ثواب دارد.

۳۰۱. کسی که اعمال آخرت را برای بدست آوردن دنیا انجام دهد، در آخرت از آن اعمال بی نصیب می شود.

۳۰۲. به هر کس احسان کردند، اگر بجز تحسین کردن نتواند جبران کند، شکرش را بجا آورده است و اگر کتمان کند ناسپاسی کرده است.

۳۰۳. به هر کس احسان شد جبران نماید. و اگر نتوانست، بازگو نماید که در این صورت شکرش را بجا آورده است. و هر کس در دنیا به نسل عبدالمطلب نیکی کند و او نتواند جبران نماید، من در قیامت جبران می کنم.

٣٠٤. مَنْ رَأَى عَوْرَةَ فَسْتَرَهَا كَانَ كَمَنْ أَحْيَى مَوْوُودَةً مِنْ قَبْرِهَا (١). (٢).

٣٠٥. مَنْ انْقَطَعَ إِلَى اللَّهِ كَفَاهُ اللَّهُ كُلَّ مُؤْنِهِ، وَرَزَقَهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ. (٣).

٣٠٦. مَنْ انْقَطَعَ إِلَى الدُّنْيَا وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَيْهَا. (٤).

٣٠٧. مَنْ طَلَبَ مَحَامِدَ النَّاسِ بِمَعَاصِي اللَّهِ، عَادَ حَامِدُهُ مِنَ النَّاسِ ذَامًا. (٥).

٣٠٨. مَنْ التَّمَسَّ رِضَا اللَّهِ بِسِيِّئِ خَطِيئَتِهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَأَرْضَى عَنْهُ النَّاسَ، وَمَنْ التَّمَسَّ رِضَا النَّاسِ بِسِيِّئِ خَطِيئَتِهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَلَيْهِ وَأَسْخَطَ عَلَيْهِ النَّاسَ. (٦).

٣٠٩. مَنْ أَذْنَبَ فِي الدُّنْيَا ذَنْبًا فَعُوقِبَ بِهِ، فَاللَّهُ أَعْدَلُ مِنْ أَنْ يُثَنِّي عُقُوبَتَهُ عَلَى عَبْدِهِ. (٧).

٣١٠. مَنْ أَذْنَبَ ذَنْبًا فَسْتَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَفَا عَنْهُ فِي الدُّنْيَا، فَاللَّهُ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ يَعُودَ فِي شَيْءٍ قَدْ عَفَا عَنْهُ. (٨).

٣١١. مَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَرَعٌ يَصُدُّهُ عَنِ مَعْصِيَةِ اللَّهِ إِذَا خَلَا، لَمْ يَعْباَ اللَّهُ فِي شَيْءٍ مِنْ عَمَلِهِ. (٩).

٣١٢. مَنْ أَحْسَنَ صَلَاتَهُ حِينَ يَرَاهُ النَّاسُ ثُمَّ أَسَاءَهَا حِينَ يَخْلُو، فَتَلَكَّ اسْتِهَانَةً اسْتِهَانَ بِهَا رَبُّهُ. (١٠).

٣١٣. مَنْ لَمْ تَنْهَهُ صَلَاتُهُ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ لَمْ تَزِدْهُ مِنَ اللَّهِ إِلَّا بُعْدًا. (١١).

٣١٤. مَنْ حَاوَلَ أَمْرًا بِمَعْصِيَةِ اللَّهِ كَانَ أَفْوَتَ لِمَا رَجَا، وَأَقْرَبَ لِمَجِيءِ مَا اتَّقَى. (١٢). (١٣).

٣١٥. مَنْ كَانَتْ لَهُ سَرِيرَةٌ صَالِحَةٌ نَشَرَ اللَّهُ عَلَيْهِ مِنْهَا وَدَا يُعْرِفُ بِهِ. (١٤).

٣١٦. مَنْ حَلَفَ عَلَى يَمِينٍ فَرَأَى خَيْرًا مِنْهَا فَلْيَكْفُرْ عَنْ يَمِينِهِ، ثُمَّ لِيَفْعَلِ الَّذِي هُوَ خَيْرٌ. (١٥).

٣١٧. مَنْ ابْتُلِيَ مِنْ هَذِهِ الْبَنَاتِ بِشَيْءٍ (١٦). فَأَحْسَنَ إِلَيْهِنَّ، كُنَّ لَهُ سِتْرًا مِنَ النَّارِ. (١٧).

ص: ٧٦

١- (١). يعنى كان ثوابه كثواب من أحيأ مؤووده؛ أى كمن رأى حيأ مدفونأ فى قبره فأخرجه من القبر كى لا يموت. ووجه الشبهه أن الساتر دفع عن المستور الفضيحه بين الناس التى هى بمنزله الموت، فكأنه أحيأه كما دفع الموت عن المؤووده من أخرجها من القبر (فيض القدير: ١٦٨/٦).

٢- (٢). مسند الشهاب، ج ١، ص ٢٩٥، ح ٤٨٦.

٣- (٣). كنز العمال، ج ٣، ص ٢٢٦، ح ٦٢٧٣.

٤- (٤). كنز العمال، ج ٣، ص ٢٢٦، ح ٦٢٧٣.

- ٥-٥) . مسند الشهاب، ج ١، ص ٢٢٩، ح ٤٩٧.
- ٦-٦) . صحيح ابن حبان، ج ١، ص ٥١٠، ح ٢٧٦.
- ٧-٧) . مسند الشهاب، ج ١، ص ٣٠٣، ح ٥٠٢.
- ٨-٨) . مسند الشهاب، ج ١، ص ٣٠٣، ح ٥٠٢.
- ٩-٩) . مسند الشهاب، ج ١، ص ٣٠٣، ح ٥٠٤.
- ١٠-١٠) . مسند الشهاب، ج ١، ص ٣٠٣، ح ٥٠٤.
- ١١-١١) . كنز العمال، ج ٧، ص ٥٢٥، ح ٢٠٠٨٣؛ در مصدر «يزدد» به جای «تزدد».
- ١٢-١٢) . یعنی أنّ من طلب أمراً بمعصية الله فعصى الله في مقدماته وأسبابه كان هذا الشخص مفوّتاً لما رجاه من السعاده الدنيويه أو الدينيه وأقرب ممّا يحذره من النكبات والشقاء في الدين أو الدنيا.
- ١٣-١٣) . مسند الشهاب، ج ١، ص ٣٠٧، ح ٥١٢.
- ١٤-١٤) . مسند الشهاب، ج ١، ص ٣٠٦، ح ٥١٠.
- ١٥-١٥) . مسند الشهاب، ج ١، ص ٣٠٨، ح ٥١٣.
- ١٦-١٦) . یعنی من كانت له بناتٌ فأحسنَ إليهن، وأصله يشمل الأخوات أيضاً.
- ١٧-١٧) . مسند الشهاب، ج ١، ص ٣١١، ح ٥٢٢.

۳۰۴. هر کس عورتی را ببیند و آن را بیوشاند مثل کسی است که زنده به گوری را از قبر نجات داده است.

۳۰۵. هر کس از غیر خدا قطع امید کند، خدا تمام حاجت او را کفایت می کند. و از راهی که حسابش نمی کرده روزی می دهد.

۳۰۶. کسی که امیدش به دنیا باشد، خدا کارش را به دنیا واگذارد.

۳۰۷. هر کس برای ستایش مردم خدا را معصیت کند، همان مردم او را سرزنش می کنند.

۳۰۸. هر کس برای رضای خدا کاری کند که مردم خشمگین شوند، خدا از او راضی می شود. و مردم را از او راضی می کند. و کسی که برای خشنودی مردم، خدا را به غضب آورد، خدا بر او خشم گیرد. و مردم را از او خشمگین سازد.

۳۰۹. کسی که در دنیا کیفر گناهش را ببیند، خدا عادل تر از آن است که بنده ای را دو بار کیفر دهد.

[یعنی در آخرت کیفر نمی بیند]

۳۱۰. کسی که مرتکب گناهی شود و خدا آن را در دنیا بیوشاند و عفو کند، خدا کریم تر از آن است که از عفو خود بازگردد.

۳۱۱. هر کس تقوائی که او را در خلوت از گناه بازدارد نداشته باشد، علمش را در راه خدا بکار نگرفته است.

۳۱۲. هر کس نمازش را زمانی که مردم می بینند نیکو بجا آورد، و در خلوت به صورت دیگر، به پروردگارش اهانت کرده است.

۳۱۳. کسی که نمازش او را از گناه و کار زشت باز ندارد، آن نماز او را از خدا دور می سازد.

۳۱۴. کسی که برای رسیدن به هدفی مرتکب گناه شود، گناه او را از هدفش دورتر می کند. و گرفتار چیزی می شود که نمی خواست.

۳۱۵. هر کس ضمیر و باطن صالح داشته باشد، خدا محبوبیتی به او می دهد که مشهور شود.

۳۱۶. هر که برای کاری سوگند خورد، سپس کار بهتری پیش آید، کفاره بدهد و کار بهتر را انجام دهد.

۳۱۷. هر که دخترانی دارد و به آنها نیکی کند، سپر بلای او خواهند شد. [از آتش جهنم محفوظ بماند]

٣١٨. مَنْ مَشَى إِلَى طَعَامٍ لَمْ يُدْعَ إِلَيْهِ، دَخَلَ سَارِقًا وَخَرَجَ مُعَيَّرًا. (١)

٣١٩. مَنْ كَانَ وَصَلَهُ لِأَخِيهِ الْمُسْلِمِ إِلَى ذِي سُلْطَانٍ فِي مَنْهَجٍ بَرٍّ أَوْ تَسِيرٍ عَسِيرٍ، أَعَانَهُ اللَّهُ عَلَى جَادِهِ الصَّرَاطِ يَوْمَ تَدَخَّصُ (٢) فِيهِ الْأَقْدَامُ. (٣)

٣٢٠. مَنْ نَزَلَ عَلَى قَوْمٍ فَلَا يَصُومَنَّ تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِهِمْ. (٤)

٣٢١. مَنْ انْتَهَرَ صَاحِبَ بَدْعِهِ مَلَأَ اللَّهُ قَلْبَهُ أَمْنًا وَإِيمَانًا. (٥)

٣٢٢. مَنْ أَهَانَ صَاحِبَ بَدْعِهِ آمَنَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْفَرَعِ الْأَكْبَرِ. (٦)

٣٢٣. مَنْ أَصْبَحَ مُعَافِيًّا فِي بَدَنِهِ، آمِنًا فِي سِرْبِهِ (٧)، عِنْدَهُ قُوَّةٌ يَوْمَهُ، فَكَأَنَّمَا خَيْرَتَ (٨) لَهُ الدُّنْيَا. (٩)

٣٢٤. مَنْ وَلِيَ شَيْئًا مِنْ أُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَأَرَادَ اللَّهُ بِهِ خَيْرًا جَعَلَ مَعَهُ وَزِيرًا صَالِحًا، فَإِنْ نَسِيَ ذِكْرَهُ، وَإِنْ ذَكَرَ أَعَانَهُ. (١٠)

٣٢٥. مَيْنَ عَامِلِ النَّاسِ فَلَمْ يَظْلِمُهُمْ، وَخِدَّتَهُمْ فَلَمْ يَكْذِبْهُمْ، وَوَعَدَهُمْ فَلَمْ يُخْلِفْهُمْ؛ فَهُوَ مِمَّنْ كَمَلَتْ مُرُوتُهُ، وَظَهَرَتْ عِيدَالَتُهُ، وَوَجِبَتْ اخُوتُهُ، وَحُرِّمَتْ غَيْبَتُهُ. (١١)

٣٢٦. مَنْ حَفِظَ مَا بَيْنَ لِحْيَيْهِ، وَمَا بَيْنَ رِجْلَيْهِ، دَخَلَ الْجَنَّةَ. (١٢)

٣٢٧. مَنْ كَذَبَ عَلَيَّ مُتَعَمِّدًا فَلْيَتَّبِعُوا (١٣) مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ. (١٤)

ص: ٧٨

-
- ١- (١). مسند الشهاب، ج ١، ص ٣١٤، ح ٥٢٧.
 - ٢- (٢). دحضت رجله: زلقت (لسان العرب: ١٤٨/٧).
 - ٣- (٣). مسند الشهاب، ج ١، ص ٣١٥، ح ٥٢٩؛ وفيه «إجازته» بدل «جاده».
 - ٤- (٤). من لا يحضره الفقيه، ج ٢، ص ٨٠.
 - ٥- (٥). مسند الشهاب، ج ١، ص ٣١٨، ح ٥٣٧.
 - ٦- (٦). مسند الشهاب، ج ١، ص ٣١٨، ح ٥٣٧.
 - ٧- (٧). يقال: فلان آمن في سربه - بالكسر - أي في نفسه. ويروى بالفتح؛ وهو المسلك والطريق، يقال: خل سربه: أي طريقه (النهاية: ٣٥٦/٢).
 - ٨- (٨). خيرت له الدنيا: في معرض الذم؛ بمعنى أنه اختير له الدنيا. وهو خلاف السياق، والظاهر أنه مصحف والصحيح حيزت - بالزاي - أي جمعت له الدنيا وتم له نعمتها.
 - ٩- (٩). من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٤١٩، وفيه: «مُخَلِّي» بدل «آمنًا»، و «حيزت» بدل «خيرت».
 - ١٠- (١٠). مسند الشهاب، ج ١، ص ٣٢١، ح ٥٤١.

١١- (١١) . الخصال، ص ٢٠٨، ح ٢٨.

١٢- (١٢) . مسند الشهاب، ج ١، ص ٣٢٣، ح ٥٤٤.

١٣- (١٣) . أى: لِيُنزِلَ مَنْزِلَهُ مِنَ النَّارِ، يُقَالُ: بَوَّأَهُ اللَّهُ مَنْزِلًا؛ أى أَسْكَنَهُ إِيَّاهُ، وَتَبَوَّأْتُ مَنْزِلًا؛ أى اتَّخَذْتُهُ، وَالْمَبَاءُ: الْمَنْزِلُ (النهاية: ١٥٩/١).

١٤- (١٤) . من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٣٦٤.

۳۱۸. هر کس بدون دعوت بر سر سفره ای حاضر شود، گویا برای سرقت رفته و غارت کرده است.

۳۱۹. هر کس برادر مسلمانی را - برای کار خیر یا رفع مشکل - به صاحب قدرتی برساند، خدا روزی که قدمها می لغزند، او را در عبور از صراط یاری می کند.

۳۲۰. کسی که به صورت میهمان بر عده ای وارد می شود بدون اجازه، روزه مستحبی نگیرد.

۳۲۱. کسی که از بدعت گذاری جلوگیری کند، خداوند قلبش را پر از امن و ایمان می کند.

۳۲۲. کسی که بدعت گذاری را خوار کند، خداوند او را از وحشت قیامت حفظ می کند.

۳۲۳. کسی که سلامت بدن و امنیت خاطر و غذای یک روزش را دارد، گویا همه دنیا را دارد.

۳۲۴. کسی که زمام امور مسلمین را بدست گیرد و خدا بخواهد به او خیری برساند، معاون صالح برای او بگمارد تا اگر چیزی را فراموش کرد یادآوری کند، و در کارها او را یاری دهد.

۳۲۵. کسی که در معاشرت، به مردم ستم نکند و دروغ نگوید و خلف وعده نکند جوانمردی او کامل و عدالتش آشکار و برادری با وی واجب و غیبت او حرام می شود.

۳۲۶. هر کس زبان و شهوت خود را حفظ کند، وارد بهشت می شود.

۳۲۷. هر کس عمداً به من دروغ نسبت دهد، جایش دوزخ است.

الفصل الرابع: ممّا ورد من حكمه صلى الله عليه و آله في المواعظ

قال النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله:

٣٢٨. حُفَّتِ الْجَنَّةُ بِالْمَكَارِهِ، وَحُفَّتِ النَّارُ بِالشَّهَوَاتِ (١).

٣٢٩. وَجَبَتْ مَحَبَّةُ اللَّهِ عَلَى مَنْ اغْضَبَ فَحَلَمَ (٢).

٣٣٠. بُعِثَتْ بِجَوَامِعِ الْكَلِمِ (٣) (٤).

٣٣١. يُبْعَثُ النَّاسُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى نِيَاتِهِمْ (٥).

٣٣٢. رَجِمَ اللَّهُ امْرَأً أَصْلَحَ مِنْ لِسَانِهِ (٦).

٣٣٣. رَجِمَ اللَّهُ عَبْدًا قَالَ فَعَنِمَ، أَوْ سَكَتَ فَسَلِمَ (٧).

٣٣٤. رَجِمَ اللَّهُ الْمُتَخَلِّلِينَ مِنْ أُمَّتِي فِي الْوُضُوءِ وَالطَّعَامِ (٨).

٣٣٥. أَبِي اللَّهِ أَنْ يَرْزُقَ عَبْدَهُ إِلَّا مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُ (٩).

٣٣٦. كَادَ الْفَقْرُ (١٠) أَنْ يَكُونَ كُفْرًا، وَكَادَ الْحَسَدُ أَنْ يَقْلِبَ الْقَدَرَ (١١).

٣٣٧. خُصَّ الْبَلَاءُ مَنْ عَرَفَ النَّاسَ، وَعَاشَ فِيهِمْ مَنْ لَمْ يَعْرِفَهُمْ (١٢).

ص: ٨٠

١- (١) . المجازات النبويه، ص ٣٨٧، ح ٣٠٣.

٢- (٢) . مشكاه الأنوار، ص ٥٣٢.

٣- (٣) جوامع الكلم: ما قلت ألقاظه وكثرت معانيه من الكلام وهو القرآن الكريم وكلماته القصار، بل كلماته كلها.

٤- (٤) . كنز العمال، ج ١١، ص ٤٠٦، ح ٣١٨٩٩.

٥- (٥) . مسند الشهاب، ج ١، ص ٣٣٧، ح ٥٧٧.

٦- (٦) . كنز العمال، ج ٣، ص ٥٥٠، ح ٧٨٤٧.

٧- (٧) . المحاسن، ج ١، ص ١٥، ح ٤٣، وفيه: «أو سكت على سوء فسلم».

٨- (٨) . مكارم الأخلاق، ص ١٥٣.

٩- (٩) . بحار الأنوار، ج ١٠٠، ص ٣٠، ح ٥٥.

١٠- (١٠) . إن كان المراد الفقر الديني فالمعنى واضح، وإن كان المراد الفقر الدنيوي فواضح أيضاً؛ لأنّ الصبر على الفقر

مشكل، بل يمكن أن يكون سبباً للكفر، وكاد الحسد إلخ: بيان لشده آثار الحسد.

١١- (١١). الكافي، ج ٢، ص ٣٠٧، ح ٤ وفيه: «يغلب» بدل «يقلب».

١٢- (١٢). مسند الشهاب، ج ١، ص ٣٤٣، ح ٥٨٧. وفيه: «بمن عرف الناس».

فصل چهارم: حکمتها و پندهای رسیده از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

۳۲۸. بهشت در فرا پرده ناملایمات، و دوزخ در میان شهوات است.

۳۲۹. محبت خدا، بر کسی که در حال خشم خود داری کند، واجب است.

۳۳۰. من با جوامع کلمات (۱) مبعوث شدم.

۳۳۱. روز قیامت، مردم بر طبق نیت خود مبعوث می شوند.

۳۳۲. رحمت خدا بر کسی که زبانش را اصلاح کند.

۳۳۳. رحمت خدا بر کسی که یا سخن سودمند گوید، یا سکوت اختیار کند و سلامت بماند.

۳۳۴. رحمت خدا بر مسلمانانی که قبل از وضو و بعد از غذا خلال کنند. [مسواک بزنند]

۳۳۵. خدا روزی بنده را نمی رساند، مگر از جائی که بنده نمی داند.

۳۳۶. فقر در آستانه ی کفر است، و گویا حسد تقدیر را دگرگون می کند.

۳۳۷. هر کس مردم را شناخت، [و مردم هم او را شناختند و معروف شد] بلا بر او روی می آورد و هر کس آنها را شناخت، آسوده زندگی می کند.

ص: ۸۱

۱- (۱). جوامع کلمات آن است که لفظش اندک و معانی اش بسیار باشد مانند قرآن کریم و جمله های مبارک آن حضرت.

٣٣٨. يُطِيعُ الْمُؤْمِنَ عَلَى كُلِّ خُلُقٍ، لَيْسَ الْخِيَانَةَ وَالْكَذِبَ فِي الدِّينِ. (١)

٣٣٩. تَبْنُونَ مَا لَا تَسْكُنُونَ، وَتَجْمَعُونَ مَا لَا تَأْكُلُونَ، وَتَأْمَلُونَ مَا لَا تُدْرِكُونَ. (٢)

٣٤٠. كَمْ مِنْ مُسْتَقْبَلِ يَوْمًا لَا يَسْتَكْمِلُهُ، وَمُنْتَظَرٍ عَدَا لَا يَبْلُغُهُ. (٣)

٣٤١. عَجِبْتُ لِغَافِلٍ لَا يُغْفَلُ عَنْهُ! (٤)

٣٤٢. عَجِبْتُ لِمُؤْمِلٍ دُنْيَا وَالْمَوْتَ يَطْلُبُهُ، وَعَجِبْتُ لِضَاحِكٍ مِلءَ فِيهِ وَلَا يَدْرِي أَرْضَى اللَّهُ أَمْ أَسْخَطَهُ. (٥)

٣٤٣. يَا عَجَبًا كُلِّ الْعَجَبِ لِلْمُصَدِّقِ بَدَارِ الْخُلُودِ وَهُوَ يَسْعَى لِدَارِ الْغُرُورِ! (٦)

٣٤٤. عَجَبًا لِلْمُؤْمِنِ! فَوَاللَّهِ لَا يَقْضِي اللَّهُ لِلْمُؤْمِنِ قَضَاءَ إِنْ كَانَ لَهُ خَيْرًا. (٧)

٣٤٥. اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَلَا يَزِيدُ النَّاسُ عَلَى الدُّنْيَا إِلَّا حِرْصًا، وَلَا تَزِدَادُ مِنْهُمْ إِلَّا بُعْدًا. (٨)

٣٤٦. يَذْهَبُ الصَّالِحُونَ أَسْلَافًا الْأَوَّلُ فَالْأَوَّلُ، حَتَّى لَا يَبْقَى إِلَّا خِثَالُهُ (٩) كَخِثَالِهِ التَّمْرِ وَالشَّعِيرِ لَا يُبَالِي اللَّهُ بِهِمْ. (١٠)

٣٤٧. يُبْصِرُ أَحَدُكُمْ الْقَدَى (١١) فِي عَيْنِ أَخِيهِ وَيَدْعُ الْجَدْعَ (١٢) فِي عَيْنِهِ! (١٣)

٣٤٨. كَبُرَتْ خِيَانَةٌ أَنْ تُحَدِّثَ أَخَاكَ حَدِيثًا هُوَ لَكَ بِهِ مُصَدِّقٌ وَأَنْتَ لَهُ كَاذِبٌ. (١٤)

٣٤٩. كَذَانَ الْحَقَّ فِيهَا عَلَى غَيْرِنَا وَجَبَ، وَكَأَنَّ الْمَوْتَ فِيهَا عَلَى غَيْرِنَا كُتِبَ، وَكَأَنَّ الدِّينَ نُشِيعَ مِنَ الْأَمْوَاتِ سَيَفِرُّ عَمَّا قَلِيلٍ إِلَيْنَا عَائِدُونَ، نُبَوِّئُهُمْ أَجْدَانَهُمْ، وَنَأْكُلُ ثَرَاتَهُمْ (١٥)، كَأَنَّا مُخَلَّدُونَ بَعْدَهُمْ، قَدْ نَسِينَا كُفْلَ وَاعِظِهِ، وَأَمِنَّا كُلَّ جَائِحِهِ (١٦) (الخافه خ ل). (١٧)

ص: ٨٢

١- (١). كثر العمال، ج ٣، ص ٤٦٨، ح ٧٤٦٧. مصادر - «في الدين».

٢- (٢). كثر الفوائد، ص ١٦٠.

٣- (٣). الأمالى للطوسى، ص ٥٢٦.

٤- (٤). مسند الشهاب، ج ١، ص ٣٤٨، ح ٥٩٨.

٥- (٥). مسند الشهاب، ج ١، ص ٣٤٨، ح ٥٩٨.

٦- (٦). مسند الشهاب، ج ١، ص ٣٤٨، ح ٥٩٨.

٧- (٧). مسند الشهاب، ج ١، ص ٣٤٨، ح ٥٩٦ «كان خيراً له».

٨- (٨). مسند الشهاب، ج ١، ص ٣٤٩، ح ٥٩٧.

٩- (٩) . الحُثَاله - بالضم - : ما يسقط من قشر الشعير والأرز والتمر وكلّ ذى قشر إذا نقي، وحُثَاله الدهن ثقله فكأنّه الردىء من كلّ شىء.

١٠- (١٠) . كنز العمال، ج ١١، ص ١٩٣، ح ٣١١٩١.

١١- (١١) . القذى: جمع قذاه؛ وهو ما يقع فى العين والماء والشراب من تراب أو تين أو وسخ أو غير ذلك (النهايه: ٣٠/٤).

١٢- (١٢) . فى بعض المصادر: «الجدل» بدل «الجدع» وهو أصل الشجره يقطع، هذا أصله. وربما جعل العودُ جدلاً، وفى بعض الحديث «كيف تبصر القذاه فى عين أخيك ولا تبصر الجدل فى عينك» (غريب الحديث لابن قتيبه: ١٠٤/١).

١٣- (١٣) . مسند الشهاب، ج ١، ص ٣٥٦، ح ٦١٠.

١٤- (١٤) . مسند الشهاب، ج ١، ص ٣٥٦، ح ٦١٠.

١٥- (١٥) . التراث: ما يخلفه الرجل لورثته، والتاء فيها بدل من الواو (النهايه: ١٨٢/١).

١٦- (١٦) . الجائحه: هى الآفه التى تُهلك الثمار والأموال وتستأصلها، وكلّ مصيبه عظيمه وفتنه مبيره: جائحه (النهايه: ٣٠٠/١).

١٧- (١٧) . مسند الشهاب، ج ١، ص ٣٥٨، ح ٦١٣.

۳۳۸. هر خلق و خویی در مؤمن ممکن است، مگر خیانت و دروغ در دین.

۳۳۹. شما ساختمانهایی بنا می کنید، که در آن ساکن نمی شوید. و مالهایی می اندوزید، که از آن بهره نمی برید. و آرزوهایی دارید، که به آن نمی رسید.

۳۴۰. چه کسانی که صبح زنده اند و روز را به پایان نمی برند و منتظر فردا هستند و به آن نمی رسند.

۳۴۱. در عجبم از غافلی که از او غفلت نمی شود.

۳۴۲. در عجبم از کسی که دل بدنیای بسته و مرگ در پی اوست. و کسی که دهانش پر خنده است، و نمی داند خدا از او راضی است یا نه.

۳۴۳. عجب! کل عجب! از آنکه به جایگاه ابدی اعتقاد دارد، ولی برای این سرای فریبده می کوشد.

۳۴۴. کار مؤمن عجیب است! بخدا سوگند خدا برای او جز خیر مقدر نمی کند.

۳۴۵. قیامت نزدیک شده است، و مردم جز حرص به دنیا نیفزوده اند، و دنیا هم از آنها دورتر می شود.

۳۴۶. مردان صالح یکی پس از دیگری می روند. تا آنجا که جز فرومایگان چون تفاله، کسی باقی نماند، کسانی که خداوند به آنها اعتنائی ندارد.

۳۴۷. شما خار در چشم برادران را می بینید. و شاخه را در چشم خود نمی بینید.

۳۴۸. خیانت بزرگی است که وقت سخن گفتن با برادرت، او تو را راستگو پندارد و تو دروغ بگویی.

۳۴۹. گویا حق در مورد دیگران و مرگ برای آنان نوشته شده است، و گویا جنازه هائی که تشییع می کنیم، مسافرنند. و بزودی باز می گردند. جسدشان را خاکسپاری می کنیم. و میراث آنها را می خوریم. گویا ما زندگی جاوید داریم. و از تمام حوادث در امان هستیم که هر موعظه ای را فراموش کرده ایم.

٣٥٠. طوبى لِمَنْ شَغَلَهُ عَيْبُهُ عَنِ عُيُوبِ النَّاسِ، وَأَنْفَقَ مِنْ مَالٍ اِكْتَسَبَهُ مِنْ غَيْرِ مَعْصِيَةٍ، وَخَالَطَ أَهْلَ الْفِقْهِ وَالْحِكْمَةِ، وَجَانَبَ أَهْلَ الذُّلِّ وَالْمَعْصِيَةِ. (١)

٣٥١. طوبى لِمَنْ ذَلَّ فِي نَفْسِهِ، وَحَسِبَتْ خَلِيقَتُهُ (٢)، وَأَنْفَقَ الْفَضْلَ مِنْ مَالِهِ، وَأَمْسَكَ الْفَضْلَ مِنْ قَوْلِهِ، وَسَمِعَتْهُ الشُّنَّةَ وَلَمْ يَدْعُهَا إِلَى بَدْعِهِ. (٣)

٣٥٢. طوبى لِمَنْ طَابَ كَسْبُهُ، وَصَلَحَتْ سَرِيرَتُهُ، وَكَرَّمَتْ عَلَانِيَتُهُ، وَعَزَلَّ عَنِ النَّاسِ شَرَّهُ. (٤)

٣٥٣. طوبى لِمَنْ عَمِلَ بِعِلْمِهِ. (٥)

٣٥٤. ابْنُ آدَمَ! عِنْدَكَ مَا يَكْفِيكَ وَأَنْتَ تَطْلُبُ مَا يُطْغِيكَ. ابْنُ آدَمَ! لَا بِقَلِيلٍ تَقْنَعُ، وَلَا مِنْ كَثِيرٍ تَشْبَعُ. (٦)

٣٥٥. طوبى لِمَنْ هَدَى لِلْإِسْلَامِ، وَكَانَ عَيْشُهُ كَفَافًا وَقَنَعَ. (٧)

٣٥٦. إِنَّ أَعْلَى مَنَازِلِ الْإِيمَانِ دَرَجَةٌ وَاحِدَةٌ، مَنْ بَلَغَ إِلَيْهَا فَقَدْ فَازَ وَظَفِرَ؛ وَهُوَ أَنْ تَنْتَهِيَ سِرِيرَتُهُ فِي الصَّلَاحِ إِلَى أَنْ لَا يُبَالَى صَوَابُهَا (٨) إِذَا ظَهَرَتْ، وَلَا يَخَافُ عِقَابَهَا إِذَا سَتِرَتْ (٩). (١٠)

٣٥٧. خَصَلَةٌ مَنْ لَزِمَهَا أَطَاعَتُهُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ، وَرَبِخَ الْفَوْزَ بِقُرْبِ اللَّهِ تَعَالَى فِي دَارِ السَّلَامِ، قِيلَ: وَمَاهِي يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: التَّقْوَى؛ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ أَعَزَّ النَّاسِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ. ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ». (١١)

٣٥٨. جِمَاعُ الْخَيْرِ خَشِيَةُ اللَّهِ. (١٢)

٣٥٩. جَدُّدُوا السَّفِينَةَ؛ فَإِنَّ الْبَحْرَ عَمِيقٌ (١٣). جَدُّدُوا الْإِسْتِعْدَادَ؛ فَإِنَّ الطَّرِيقَ سَحِيقٌ. (١٤)

٣٦٠. جَاهِدُوا أَهْوَاءَكُمْ؛ تَمْلِكُوا أَنْفُسَكُمْ (١٥). (١٦)

ص: ٨٤

١- (١). مسند الشهاب، ج ١، ص ٣٥٨، ح ٦١٣.

٢- (٢). الخليقة: الطيبه (العين: ١٥١/٤).

٣- (٣). مسند الشهاب، ج ١، ص ٣٥٨، ح ٦١٣.

٤- (٤). مسند الشهاب، ج ١، ص ٣٦٠، ح ٦١٥.

٥- (٥). مسند الشهاب، ج ١، ص ٣٦٠، ح ٦١٥.

٦- (٦). كنز العمال، ج ٣، ص ٣٨٩، ح ٧٠٨١.

٧- (٧). مسند الشهاب، ج ١، ص ٣٦١، ح ٦١٦.

٨- (٨). كذا في الأصل، ولعل الصواب: «ثوابها»، أو «بها» كما في معدن الجواهر للكرجكي وعده الداعي.

٩-٩) . بأن لم يتأثر من ظهور العمل للناس بل كان لله فحسب.

١٠-١٠) . عدّه الداعى، ص ٢١٤، «بسريره» «استترت».

١١-١١) . مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ج ٢، ص ١١٧.

١٢-١٢) . مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ج ٢، ص ١١٧.

١٣-١٣) . كنايه عن شدّه الاحتياط فى الدين والجدّ فى الطاعات والتقوى، وكذا فى الجملة التالىه، والسحق: البعيد ويقال: ذهب بهم فى فلوات سحيقه: أى مُعطشه.

١٤-١٤) . مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ج ٢، ص ١١٧.

١٥-١٥) . هذه جملة عجيبه عميقه فى بيان تهذيب النفس وتركيتها وطريق التهذيب، وأنّه يكون بترك الهوى ومخالفه النفس، وأنّ من فعل ذلك ملك نفسه.

١٦-١٦) . مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ج ٢، ص ١١٧.

۳۵۰. خوشا به حال کسی که به عیب خود مشغول است نه عیوب دیگران، و مالی را که بدست آورده در غیر گناه مصرف کند. و با فقها و حکیمان معاشرت دارد. و از مردم ذلیل و گنهکار دوری کند.

۳۵۱. خوشا به حال کسی که خود را کوچک ببیند. و اخلاق نیکو داشته باشد. و مازاد اموالش را انفاق کند. و سخن گزافه نگوید. به سنتهای اسلامی بپردازد. و بدعت گذاری نکند.

۳۵۲. خوشا به حال کسی که کسب پاک و باطن شایسته و ظاهر محترم داشته باشد. و به مردم شرّ نرساند.

۳۵۳. خوشا به حال کسی که به علم خود عمل کند.

۳۵۴. ای آدمیزاده! تو به اندازه کافی داری و دنبال بیشتر می روی تا طغیان کنی؟ نه به کم قناعت می کنی و نه از زیاد سیر می شوی!؟

۳۵۵. خوشا به حال کسی که به اسلام هدایت شود، و بقدر کفاف داشته باشد، و قانع باشد.

۳۵۶. بالاترین مرتبه ایمان درجه ای است که هر کس به آن دست یابد، رستگار و پیروز است. و آن به این صورت است که باطن خود را طوری اصلاح کند که برای دیگران آشکار شود یا مخفی بماند، به حال او اثری نداشته باشد.

۳۵۷. یک صفت در هر کس باشد، دنیا و آخرت از او فرمانبرداری کنند، و در بهشت سعادتِ تقرّب به خداوند را به دست آورد. پرسیدند: یا رسول الله صلی الله علیه و آله چه صفتی است؟

حضرت فرمود: تقوا، هر کس می خواهد از همه عزیزتر باشد، تقوای الهی داشته باشد.

سپس این آیه را تلاوت فرمود: «هر که تقوای الهی داشته باشد، خدا برایش راهگشائی کند و از جایی که حساب نمی کرد روزی او را می رساند».

۳۵۸. سر جمع خیرات، ترس از خداست.

۳۵۹. کشتی را تجدید کنید که دریا عمیق است. و تجدید قوا کنید که راه طولانی است.

۳۶۰. خواهشهای نفسانی را سرکوب کنید تا بر خود مسلط شوید.

٣٦١. جَاءَ الْمَوْتُ فَلَا يَنْفَعُكُمْ إِلَّا مَا قَدَّمْتُمُوهُ مِنْ خَيْرٍ. جَاءَ الْمَوْتُ فَلَا يُغْنِي عَنْكُمْ إِلَّا مَا أَسْلَفْتُمُوهُ مِنْ بَرٍّ. (١)

٣٦٢. جَاهِدُوا أَنْفُسَكُمْ عَلَى شَهَوَاتِكُمْ؛ تَحَلَّ قُلُوبَكُمْ الْحِكْمَةُ (٢). (٣)

٣٦٣. جَاهِدُوا أَنْفُسَكُمْ بِقَلْبِهِ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ؛ تُظَلِّكُمُ الْمَلَائِكَةُ، وَيَنْفِرُ مِنْكُمْ الشَّيْطَانُ. (٤)

٣٦٤. جُمُودُ الْعَيْنِ مِنْ قَسَاوَةِ الْقَلْبِ. (٥)

٣٦٥. الْحِرْصُ عَلَى الدُّنْيَا مِنْ عِلَامَاتِ النُّفَاقِ. (٦)

٣٦٦. جُلُوسُ الْمَرْءِ عِنْدَ عِيَالِهِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنْ اعْتِكَافٍ فِي مَسْجِدِي هَذَا. (٧)

٣٦٧. جَعَلَ اللَّهُ مِنْ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ صَلَتهُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ عَبْدِهِ، فَحَسَبُ أَحَدِكُمْ أَنْ يَتَمَسَّكَ بِخُلُقٍ مُتَّصِلٍ بِاللَّهِ. (٨)

٣٦٨. جَالِسِ الْأَبْرَارَ؛ فَإِنَّكَ إِذَا فَعَلْتَ خَيْرًا حَمِدوكَ، وَإِنْ أخطأتَ لَمْ يُعَنَّفوكَ (٩). (١٠)

٣٦٩. جَوَّعُوا بَطُونَكُمْ، وَأَظْمِئُوا أَكْبَادَكُمْ، وَأَعْرُوا أَجْسَادَكُمْ، وَطَهَّرُوا قُلُوبَكُمْ؛ عَسَاكُمْ تُجَاوِزُوا الْمَلَأَ الْأَعْلَى. (١١)

٣٧٠. حَسَبُ ابْنِ آدَمَ مِنَ الشَّرِّ أَنْ يُحَقِّرَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ. (١٢)

٣٧١. حَسَبُ الرَّجُلِ مِنَ الْإِثْمِ أَنْ يَرْتَعَ (١٣) فِي عَرَضِ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ. (١٤)

٣٧٢. حَرَامٌ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ يُحِبُّ الدُّنْيَا أَنْ يُفَارِقَهُ الطَّمَعُ. (١٥)

٣٧٣. حَرَامٌ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُتَوَلِّهِ بِالشَّهَوَاتِ أَنْ يَسْكُنَهُ الْوَرَعُ (١٦). (١٧)

٣٧٤. حَبُّ الدُّنْيَا أَصْلُ كُلِّ مَعْصِيَةٍ، وَأَوَّلُ كُلِّ ذَنْبٍ. (١٨)

ص: ٨٦

١- (١) . مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ج ٢، ص ١١٧.

٢- (٢) . هذه جملة تهدي إلى أن الحكمة تجرى على القلوب إذا ترك الشهوات، وهو المراد من قوله عليه السلام: «من أخلص لله أربعين صباحاً أجرى الله ينابيع الحكمة من قلبه على لسانه».

٣- (٣) . مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ج ٢، ص ١١٧.

٤- (٤) . مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ج ٢، ص ١١٧.

٥- (٥) . مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ج ٢، ص ١١٧.

٦- (٦) . مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ج ٢، ص ١١٧.

٧-٧) . مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ج ٢، ص ١٢٢.

٨-٨) . مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ج ٢، ص ١٢٢.

٩-٩) . بل نصحوه وزجروه على عمله خلافاً لغير الأبرار حيث لا ينهاون عن المنكر.

١٠-١٠) . مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ج ٢، ص ١٢٢.

١١-١١) . مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ج ٢، ص ١٢٢.

١٢-١٢) . مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ج ٢، ص ١٢٢.

١٣-١٣) . رَتَعَ فلان في لحمى: اغتابنى وهو مجاز (تاج العروس: ٣٤٨/٥).

١٤-١٤) . مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ج ٢، ص ١٢٢.

١٥-١٥) . مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ج ٢، ص ١٢٢.

١٦-١٦) . المتوَلَّه: المتحير من شدة الحزن، أو الوجد؛ أى حرام على كلِّ قلب تحيّر حزناً على فوت الشهوات أو سروراً على نيلها أن يسكنه الورع.

١٧-١٧) . مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ج ٢، ص ١٢٢.

١٨-١٨) . مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ج ٢، ص ١٢٢.

۳۶۱. مرگ فرا رسید و جز اعمال خیر چیزی سود بخش نیست. مرگ فرا رسید و جز نیکوکاری که انجام داده اید چیزی شما را بی نیاز نمی کند.

۳۶۲. خواهشهای نفسانی را سرکوب کنید تا حکمت به قلب شما راه یابد.

۳۶۳. خود را در هنگام خوردن و آشامیدن کنترل کنید تا فرشتگان به شما نزدیک و شیاطین از شما دور شوند.

۳۶۴. خشکی چشم اثر سنگدلی است.

۳۶۵. حرص به دنیا از نشانه های نفاق است.

۳۶۶. همنشینی و الفت انسان، با خانواده اش، نزد خدا از اعتکاف در مسجد من [مسجد النبی در مدینه] محبوب تر است.

۳۶۷. خداوند فضائل اخلاق را پیوند بین خود و بنده اش قرار داده است، برای شما همین بس که بوسیله اخلاق نیک با خدا رابطه برقرار کند.

۳۶۸. با خوبان معاشرت کن که اگر کار خیر کردی تو را تحسین کنند و اگر خطا کردی آبروی تو را نمی برند.

۳۶۹. شکم هایتان را گرسنه نگه دارید و جگر هایتان را تشنه بدارید و بدن هایتان را لخت بدارید [لباس های قیمتی نپوشید] و قلب هایتان را پاک نمائید، تا شاید به ملاء اعلی صعود کنید.

۳۷۰. برای شرارت انسان همین بس که برادرش را تحقیر کند.

۳۷۱. در گنهکاری انسان همین بس که آبروی برادر مسلمانش را ببرد.

۳۷۲. قلبی که عاشق دنیا است، نمی تواند از طمع جدا شود.

۳۷۳. در قلبی که آلوده به شهوات است، پرهیزکاری جای ندارد.

۳۷۴. حبّ دنیا منشاء و سرآغاز هر گناه است.

٣٧٥. حَرَامٌ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ غَرَى (١) بِالشَّهَوَاتِ أَنْ يَجُولَ فِي مَلَكَوَاتِ السَّمَاوَاتِ. (٢)

٣٧٦. حَسْبُ الرَّجُلِ مِنْ دِينِهِ كَثْرَةُ مُحَافَظَتِهِ عَلَى إِقَامَةِ الصَّلَاةِ. (٣)

٣٧٧. حَسْبُكَ مِنَ الْكُذِبِ أَنْ تُحَدِّثَ بِكُلِّ مَا سَمِعْتَ. (٤)

٣٧٨. حَسْبُكَ مِنَ الْجَهْلِ أَنْ تُظَهِّرَ كُلَّ مَا عَلِمْتَ (٥). (٦)

٣٧٩. حُرْمَةُ الْعَالِمِ الْعَامِلِ بِعِلْمِهِ كَحُرْمَةِ الشُّهَدَاءِ وَالصُّدِّيقِينَ. (٧)

٣٨٠. خَيْرُكُمْ مَنْ جَعَلَ كُلَّ هِمَّتِهِ الْآخِرَةَ، وَكُلَّ سَعْيِهِ لَهَا. (٨)

٣٨١. خَيْرُكُمْ مَنْ رَضِيَ بِالْفَقْرِ، وَتَفَرَّدَ عَنِ النَّاسِ، وَأَحْرَزَ وَرَعَهُ وَدِينَهُ. (٩)

٣٨٢. خَيْرُكُمْ مَنْ أَعَانَهُ اللَّهُ عَلَى نَفْسِهِ فَمَلَكَهَا. (١٠)

٣٨٣. خَيْرُكُمْ مَنْ عَرَفَ سُرْعَةَ رِحْلَتِهِ فَتَزَوَّدَ لَهَا. (١١)

٣٨٤. خَيْرُكُمْ مَنْ ذَكَرَكُمْ بِاللَّهِ رُؤْيْتَهُ. (١٢)

٣٨٥. خَيْرُكُمْ مَنْ زَادَ فِي عِلْمِكُمْ مَنْطِقُهُ. (١٣)

٣٨٦. خَيْرُكُمْ مَنْ دَعَاكُمْ إِلَى فِعْلِ الْخَيْرِ. (١٤)

٣٨٧. خَيْرُكُمْ مَنْ رَضِيَ بِالْفَقْرِ حِرْفَةً (١٥)، وَأَعْرَضَ عَنِ الدُّنْيَا نَزَاهَةً وَعِفَّةً (١٦). (١٧)

٣٨٨. خَيْرُكُمْ الْمُبْرَأُ مِنَ الْعُيُوبِ. (١٨)

ص: ٨٨

١- (١). غَرَى بالشهوات: أى لصقَ بها، يقال: غَرَى هذا الحديث فى صدرى - بالكسر - يَغْرِى - بالفتح - كأنه أُلصِقَ بالغراء (النهاية: ٣/٣٦٤).

٢- (٢). مجموعهُ ورّام (تنبيه الخواطر)، ج ٢، ص ١٢٢.

٣- (٣). مجموعهُ ورّام (تنبيه الخواطر)، ج ٢، ص ١٢٢.

٤- (٤). مجموعهُ ورّام (تنبيه الخواطر)، ج ٢، ص ١٢٢.

٥- (٥). لأنّ ذلك جهل بمواقع الكلام أو ناشٍ من العجب بعلمه، وهو أوّل الجهل.

٦- (٦). مجموعهُ ورّام (تنبيه الخواطر)، ج ٢، ص ١٢٢.

٧-٧) . مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ج ٢، ص ١٢١.

٨-٨) . مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ج ٢، ص ١٢١.

٩-٩) . مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ج ٢، ص ١٢١.

١٠-١٠) . مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ج ٢، ص ١٢١.

١١-١١) . مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ج ٢، ص ١٢١.

١٢-١٢) . مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ج ٢، ص ١٢٣.

١٣-١٣) . مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ج ٢، ص ١٢٣.

١٤-١٤) . مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ج ٢، ص ١٢٣.

١٥-١٥) . الحُرْف: الاسم من قولك: رجل محارف: أى منقوص الحظّ لا ينمو له مال، وكذلك الحرفه - بالكسر - (لسان العرب: ٤٤/٩). ولعلّ المراد أنّ من رضى على الفقر الناشئ من سوء الحظّ لا من عدم الكسب والعمل، وهو ترغيب فى العمل، وحثّ على الصبر بما قدر.

١٦-١٦) . نَزْرَة: تباعد. ونَزَرَه نفسه عن القبيح: نَحَاها وباعدها؛ أى يكون الإعراض ناشئاً عن حفظ النفس وملكها لا عن المساهله فى العمل والتوانى.

١٧-١٧) . مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ج ٢، ص ١٢٣.

١٨-١٨) . مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ج ٢، ص ١٢٣.

۳۷۵. قلبی که به شهوت آلوده شود از پرواز در ملکوت آسمانها محروم است.

۳۷۶. در دینداری انسان همین بس که بشدت مراقب نماز باشد.

۳۷۷. در دروغگو بودن همین بس که هر چه شنیدی نقل کنی.

۳۷۸. در نادانی تو همین بس که هر چه می دانی اظهار کنی.

۳۷۹. احترام عالمی که به علمش عمل می کند مانند احترام شهدا و صدیقین لازم است.

۳۸۰. بهترین شما کسی است که تمام همت و سعی خود را صرف آخرت کند.

۳۸۱. بهترین شما کسی است که به فقر راضی باشد و از مردم کناره گیرد و تقوا و دین خود را نگه دارد [در حال فقر به گدائی و گناه پردازد].

۳۸۲. بهترین شما کسی است که خدا او را کمک کند تا بر نفس خود سلطه یابد.

۳۸۳. بهترین شما کسی است که سرعت رحلتش را بداند و برای آن آماده شود.

۳۸۴. بهترین شما کسی است که دیدارش، شما را به یاد خدا اندازد.

۳۸۵. بهترین شما کسی است که گفتارش، به علم شما بیفزاید.

۳۸۶. بهترین شما کسی است که شما را به کار خیر دعوت کند.

۳۸۷. بهترین شما کسی است که پس از تلاش، به فقر راضی باشد و دنیا را پست بداند و از آن اعراض کند.

۳۸۸. بهترین شما کسی است که از عیب پاک باشد.

٣٨٩. خَيْرُكُمْ الْمُتَنَزِّهُونَ مِنَ الْمَعَاصِي وَالذَّنُوبِ. (١).

٣٩٠. خَيْرُ أَعْمَالِكُمْ مَا أَصْلَحْتُمْ بِهِ الْمَعَادَ. (٢).

٣٩١. خَيْرُ الْعَمَلِ أَدْوَمُهُ وَإِنْ قَلَّ. (٣).

٣٩٢. خَيْرُ الْإِخْوَانِ الْمُسَاعِدُ عَلَى أَعْمَالِ الْآخِرَةِ. (٤).

٣٩٣. خَيْرُ أُمَّتِي أَرْهَدُهُمْ فِي الدُّنْيَا، وَأَرْغَبُهُمْ فِي الْآخِرَةِ. (٥).

٣٩٤. خَيْرُ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ عُيُوبَكُمْ. (٦).

٣٩٥. خَيْرُ الْإِسْتِغْفَارِ عِنْدَ اللَّهِ الْإِقْلَاعُ وَالنَّدَمُ. (٧).

٣٩٦. خَيْرُ عِبَادِ اللَّهِ الَّذِينَ يُرَاعُونَ (٨) الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لِعِبَادَةِ اللَّهِ. (٩).

٣٩٧. خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ أَعَانَكَ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ، وَصَدَّقَكَ عَنِ مَعْصِيَةِ اللَّهِ، وَأَمَرَكَ بِرِضَاهُ. (١٠).

٣٩٨. خَيْرُ أُمَّتِي - فِيمَا تَبَأَى الْمَلَأُ الْأَعْلَى - قَوْمٌ يَسْتَبْشِرُونَ جَهْرًا فِي سَعَةِ رَحْمَتِهِ، وَيَبْكُونَ سِرًّا مِنَ الْيَمِّ عُقُوبَتِهِ. (١١).

٣٩٩. خَيْرُ الْمُسْلِمِينَ مَنْ كَثُرَ قِنَاعَتُهُ، وَحَسُنَتْ عِبَادَتُهُ، وَكَانَ هَمُّهُ لِآخِرَتِهِ. (١٢).

٤٠٠. خَيْرُ أُمَّتِي مَنْ هَدِمَ شَبَابَهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ، وَفَطَمَ نَفْسَهُ عَنِ لَمَذَاتِ الدُّنْيَا، وَتَوَلَّى بِالْآخِرَةِ (١٣)، إِنْ جَزَاءُهُ عَلَى اللَّهِ أَعْلَى مَرَاتِبِ الْجَنَّةِ. (١٤).

٤٠١. خَيْرُ الْعِبَادِ عِنْدَ اللَّهِ أَكْثَرُهُمْ تَوَكَّلًا عَلَيْهِ، وَتَسْلِيمًا إِلَيْهِ. (١٥).

٤٠٢. خَيْرُ أُمَّتِي الَّذِينَ لَمْ يُوسَّعْ عَلَيْهِمْ حَتَّى يَبْطَرُوا (١٦)، وَلَمْ يُبَقَّ عَلَيْهِمْ حَتَّى يَسْأَلُوا. (١٧).

ص: ٩٠

١- (١) . مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ج ٢، ص ١٢٣.

٢- (٢) . مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ج ٢، ص ١٢٣.

٣- (٣) . مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ج ٢، ص ١٢٣.

٤- (٤) . مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ج ٢، ص ١٢٣.

٥- (٥) . مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ج ٢، ص ١٢٣.

٦- (٦) . مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ج ٢، ص ١٢٣.

- ٧-٧) . مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ج ٢، ص ١٢٣.
- ٨-٨) . أى يراعونهما لحفظ الأوقات «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوْقِيَةٌ لِلنَّاسِ» لا للتفأل والتطير كما هو دأب المنجمين.
- ٩-٩) . مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ج ٢، ص ١٢٣.
- ١٠-١٠) . مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ج ٢، ص ١٢٣.
- ١١-١١) . مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ج ٢، ص ١٢٣.
- ١٢-١٢) . مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ج ٢، ص ١٢٣.
- ١٣-١٣) . الوَلَةُ: ذهابُ العمَلِ والتَّحْيِيرُ من شدِّه الوجد. وقد وَلَهُ يَوْلُهُ وَوَلَهَا، وَتَوَلَّهَ وَآتَلَهُ (الصَّحاح: ٢٢٥٦/٦) والمراد اشتدَّ اهتمامه بالآخره حتَّى أخذ بعقله.
- ١٤-١٤) . مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ج ٢، ص ١٢٣.
- ١٥-١٥) . مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ج ٢، ص ١٢٣.
- ١٦-١٦) . البَطْرُ: الطغيان عند النعمة وطول الغنى (النهاية: ١٣٥/١).
- ١٧-١٧) . مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ج ٢، ص ١٢٣.

۳۸۹. بهترین شما کسی است که از گناهان دوری گزیند.

۳۹۰. بهترین عمل شما آن است که بوسیله آن آخرت را اصلاح کنید.

۳۹۱. بهترین عمل آن است که مداوم باشد گرچه کم باشد.

۳۹۲. بهترین برادر شما آن است که شما را در اعمال آخرت یاری کند.

۳۹۳. بهترین امت من بی میل ترین آنها به دنیا و متمایل ترین آنها به آخرت است.

۳۹۴. بهترین برادر شما کسی است که عیب شما را به شما هدیه کند.

۳۹۵. بهترین استغفار نزد خدا، ترک گناه و پشیمانی است.

۳۹۶. بهترین بندگان خدا، کسی است که برای عبادت خدا مراقب ماه و خورشید باشد. [یعنی در انتظار وقت نماز هستند]

۳۹۷. بهترین برادر تو کسی است که تو را در اطاعت خدا یاری دهد. و از معصیت بازدارد. و به تحصیل رضای خدا امر کند.

۳۹۸. در ملاء اعلیٰ به من خبر دادند که: بهترین امت من گروهی هستند که آشکارا از رحمت خدا خرسند باشند. و در خلوت از عذاب دردناک خدا گریه کنند.

۳۹۹. بهترین مسلمان کسی است که قناعتش زیاد، عبادتش نیکو و همّتش آخرت باشد.

۴۰۰. بهترین امت من کسی است که جوانی را در اطاعت خدا بگذرانند. و نفس خود را، از لذات دنیا برگیرد، و به آخرت مشغول شود. تا خداوند بالاترین درجات بهشت را به او پاداش دهد.

۴۰۱. بهترین بنده نزد خدا کسی است که توکل و تسلیم او بیشتر باشد.

۴۰۲. بهترین امت من کسانی هستند که نه چندان مرفه باشند که طغیان کنند و نه چندان تهی دست که گدائی کنند.

٤٠٣. خَيْرُ أُمَّتِي مَنْ إِذَا سُفِهَ عَلَيْهِمَ (١) احْتَمَلُوا، وَإِذَا جُنِيَ عَلَيْهِمَ غَفَرُوا، وَإِذَا أُوذُوا صَبَرُوا. (٢)

٤٠٤. اشفَعُوا تَوَجَّرُوا، وسافِروا تَصِحَّوْا وَتَغَنَّمُوا. (٣)

٤٠٥. يَسِّرُوا وَلَا تُعَسِّرُوا. (٤)

٤٠٦. قَيَّدُوا الْعِلْمَ بِالْكِتَابِ (٥). (٦)

٤٠٧. أَقِلَّ مِنَ الدِّينِ تَعِشْ حُرًّا، وَأَقِلَّ مِنَ الذُّنُوبِ يَهْنِ عَلَيْكَ الْمَوْتُ. (٧)

٤٠٨. كُنْ وَرِعًا تَكُنْ أَعْبَدَ النَّاسِ، وَكُنْ فَنِعًا تَكُنْ أَشْكَرَ النَّاسِ، وَأَحِبِّ لِلنَّاسِ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ تَكُنْ مُؤْمِنًا. (٨)

٤٠٩. أَحْسِنِ مُجَاوِرَةَ مَنْ جَاوَرَكَ تَكُنْ مُسْلِمًا، وَأَحْسِنِ مُصَاحَبَةَ مَنْ صَاحَبَكَ تَكُنْ مُؤْمِنًا، وَاعْمَلْ بِفَرَائِضِ اللَّهِ تَكُنْ عَابِدًا، وَارْضَ بِقِسْمِ اللَّهِ تَكُنْ زَاهِدًا، وَازْهَدْ فِيمَا فِي أَيْدِي النَّاسِ يُحِبِّكَ النَّاسُ، وَازْهَدْ فِي الدُّنْيَا يُحِبِّكَ اللَّهُ. (٩)

٤١٠. كُنْ فِي الدُّنْيَا كَأَنَّكَ غَرِيبٌ وَكَأَنَّكَ عَابِرُ سَبِيلٍ، وَعُدَّ نَفْسَكَ فِي أَصْحَابِ الْقُبُورِ. وَدَعْ مَا يُرِيْبُكَ إِلَى مَا لَا يُرِيْبُكَ. (١٠)

٤١١. انصُرْ أَخَاكَ ظَالِمًا أَوْ مَظْلُومًا (١١). (١٢)

٤١٢. ارحم من في الأرض يرحمك من في السماء. (١٣)

٤١٣. اسْمَحْ (١٤) يُسْمَحْ لَكَ. (١٥)

ص: ٩٢

١- (١). سِفِهَ عَلَيْهِمَ - بالبناء للمفعول - أى جهل عليهم؛ يعنى إذا عاملوهم معاملته قبيحه (وهى فعل السفهاء) وأوذوا وأهينوا صبروا واحتملوا.

٢- (٢). مجموعه ورّام (تنبيه الخواطر)، ج ٢، ص ١٢٣.

٣- (٣). الدعوات، ص ٧٦، ح ١٨٠ وفيه: «اشفعوا توجروا».

٤- (٤). عيون الحكم والمواعظ، ص ٥٥٠.

٥- (٥) هذا الحديث مروى عن النبى صلى الله عليه وآله والأئمة عليهم السلام باختلاف فى ألفاظه وإنما نهى عن الكتابه عمر، واختلق أنصاره أحاديث فى النهى عن الكتابه، فجرّ على الأحاديث النبويّه ما لا يخفى على اولى الألباب.

٦- (٦). تحف العقول، ص ٣٦.

٧- (٧). شرح نهج البلاغه، ج ١٢، ص ١١٧. وفيه: «أقلل» وهو الصواب.

٨- (٨). مسند الشهاب، ج ١، ص ٣٧١، ح ٦٣٨.

٩- (٩). مسند الشهاب، ج ١، ص ٣٧٢، ح ٦٤٢.

- ١٠- (١٠) . مسند الشهاب، ج ١، ص ٣٧٣، ح ٦٤٤.
- ١١- (١١) . نصر المؤمن ظالماً منعه عن الظلم، ونصره مظلوماً دفعه عنه، كما في الحديث.
- ١٢- (١٢) . مسند الشهاب، ج ١، ص ٣٧٥، ح ٦٤٥.
- ١٣- (١٣) . مسند الشهاب، ج ١، ص ٣٧٥، ح ٦٤٦.
- ١٤- (١٤) . سمح له بحاجته وأسمح: أى سهّل له. معناه: سهّل لك بالقطع والوصل جميعاً (لسان العرب: ٤٨٩/٢).
- ١٥- (١٥) . مسند الشهاب، ج ١، ص ٣٧٦، ح ٦٤٨.

۴۰۳. بهترین امت کسانی هستند که وقتی به ایشان سفاهت [بدی] شود، تحمل کنند. و اگر به آنها جنایتی شود، چشم پوشی کنند. و اگر اذیت شوند، صبر می کنند.

۴۰۴. میانجی گری کنید، تا اجر ببرید. و سفر کنید، تا سلامتی و غنیمت یابید.

۴۰۵. سهل بگیرید و سختگیری نکنید.

۴۰۶. دانش را با نوشتن به چنگ آورید.

۴۰۷. کمتر قرض کنید، تا آزاد مرد باشید. و کمتر گناه کنید، تا مرگ برای شما آسان گردد.

۴۰۸. پرهیزکار باش، عابدترین مردم خواهی شد. قانع باش، شاکرترین مردم می شوی. آنچه برای خود می پسندی، برای دیگران بپسند، تا مؤمن باشی.

۴۰۹. با همسایه خوش رفتاری کن، تا مسلمان باشی. به همنشین خود نیکی کن، تا مؤمن باشی.

واجبات را بجای آور، تا عابد باشی. به قسمت الهی راضی باش، تا زاهد باشی. به مال مردم طمع نکن، تا مردم تو را دوست بدارند. به دنیا دل نبند، تا خدا تو را دوست بدارد.

۴۱۰. در دنیا چنان زندگی کن که گویا مسافری غریب هستی. و خود را مرده حساب کن. آنچه را تردید داری فرو گذار. و به آنچه تردید نداری پرداز.

۴۱۱. برادرت را اگر ظالم باشد [از ظلم او جلوگیری کن] و اگر مظلوم بود یاری کن.

۴۱۲. بر اهل زمین رحم کن تا اهل آسمان بر تو رحم خواهند کرد.

۴۱۳. سهل گیر باش، بر تو سهل می گیرند.

٤١٤. أَسْبَغِ الْوُضُوءَ يُرَدِّدْ فِي عُمْرِكَ، وَسَلِّمْ عَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ يَكْثُرُ خَيْرُ بَيْتِكَ. (١)

٤١٥. اسْتَعْفِفْ عَنِ السُّؤَالِ مَا اسْتَطَعْتَ. (٢)

٤١٦. قُلِ الْحَقُّ وَإِنْ كَانَ مَرًّا. (٣)

٤١٧. اتَّقِ اللَّهَ حَيْثُ كُنْتَ، وَأَتَّبِعِ السَّيِّئَةَ الْحَسَنَةَ تَمَحُّهَا، وَخَالِقِ النَّاسَ بِخُلُقٍ حَسَنٍ. (٤)

٤١٨. صَلُّوا أَرْحَامَكُمْ وَلَوْ بِالسَّلَامِ. (٥)

٤١٩. تَهَادَوْا تَزَادُوا حُبًّا، وَجَاهِدُوا تَوَرَّثُوا أَبْنَاءَكُمْ مَجْدًا، وَأَقْبِلُوا الْكِرَامَ عَشْرَانِهِمْ. (٦)

٤٢٠. تَهَادَوْا؛ فَإِنَّ الْهَدِيَّةَ تَذْهَبُ وَحَرَ (٧) الْقَلْبِ. (٨)

٤٢١. تَهَادَوْا بَيْنَكُمْ؛ فَإِنَّ الْهَدِيَّةَ تَذْهَبُ بِالسَّخِيمَةِ (٩). (١٠)

٤٢٢. تَهَادَوْا تَحَابُّوا؛ فَإِنَّهُ يُضَعَّفُ الْحُبَّ، وَيَذْهَبُ بِغَوَائِلِ (١١) الصَّدْرِ. (١٢)

٤٢٣. تَهَادَوْا؛ فَإِنَّ الْهَدِيَّةَ تَذْهَبُ بِالضَّعَائِنِ. (١٣)

٤٢٤. اطْلُبُوا الْخَيْرَ عِنْدَ حَسَانِ الْوُجُوهِ (١٤). (١٥)

٤٢٥. بَلِّغُوا عَنِّي وَلَوْ بِآيَةٍ. (١٦)

٤٢٦. اتَّقُوا فِرَاسَةَ الْمُؤْمِنِ؛ فَإِنَّهُ يَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ تَعَالَى. اتَّقُوا الْحَرَامَ فِي الْبُنْيَانِ؛ فَإِنَّهُ أَسَاسُ الْخَرَابِ. (١٧)

٤٢٧. أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ، وَأَحْسِنُوا آدَابَهُمْ. (١٨)

ص: ٩٤

١- (١). مسند الشهاب، ج ١، ص ٣٧٦، ح ٦٤٩.

٢- (٢). مسند الشهاب، همان، ج ١، ص ٣٧٨، ح ٦٥٠.

٣- (٣). مسند الشهاب، ج ١، ص ٣٧٨، ح ٦٥١.

٤- (٤). مسند الشهاب، ج ١، ص ٣٧٩، ح ٦٥١.

٥- (٥). مسند الشهاب، ج ١، ص ٣٧٩، ح ٦٥٢.

٦- (٦). مسند الشهاب، ج ١، ص ٣٨٠، ح ٦٥٥.

٧- (٧). الوَحْر: الغيظ والحقد وבלابل الصدر ووساوسه (لسان العرب: ٢٨١/٥).

- ٨- (٨) . مسند الشهاب، ج ١، ص ٣٨٠، ح ٦٥٥.
- ٩- (٩) . السخيمه: الحقد فى النفس (النهايه: ٣٥١/٢).
- ١٠- (١٠) . مسند الشهاب، ج ١، ص ٣٨١، ح ٦٥٧.
- ١١- (١١) . الغائله: الحقد الباطن والشّر (القاموس المحيط: ٢٧/٤).
- ١٢- (١٢) . مسند الشهاب، ج ١، ص ٣٨٢، ح ٦٥٨.
- ١٣- (١٣) . مسند الشهاب، ج ١، ص ٣٨٣، ح ٦٦٠.
- ١٤- (١٤) . لعلّ حسن الوجه يحكى عن حسن السريه و الذات، و قد ورد روايات فى مدح حسان الوجه؛ راجع سفينه البحار: ٢٧٩/١.

- ١٥- (١٥) . مسند الشهاب، ج ١، ص ٣٨٤، ح ٦٦١.
- ١٦- (١٦) . مسند الشهاب، ج ١، ص ٣٨٧، ح ٦٦٢.
- ١٧- (١٧) . مسند الشهاب، ج ١، ص ٣٨٨، ح ٦٦٣.
- ١٨- (١٨) . مسند الشهاب، ج ١، ص ٣٨٩، ح ٦٦٥.

۴۱۴. کامل وضو بگیر، عمرت طولانی می شود. بر اهل خانه ات سلام کن، برکت خانه زیاد می شود.

۴۱۵. تا می توانی چیزی از کسی طلب نکن.

۴۱۶. حق را بازگو، گر چه تلخ باشد.

۴۱۷. هر کجا هستی از خدا بترس [تقوا پیشه کن]. پس از گناه، عبادتی انجام ده که آن را محو می کند. با مردم خوش رفتار باش.

۴۱۸. صلّه رحم بجا آورید، گر چه با سلام.

۴۱۹. برای یکدیگر هدیه فرستید، محبتها زیاد شود. با جهاد کردن مجد و عظمت را برای فرزندان ارث بگذارید. و لغزشهای بزرگان را نادیده بگیرید.

۴۲۰. هدیه بفرستید، هدیه کینه و کدورت را از قلب بیرون می کند.

۴۲۱. هدیه بدهید، هدیه حسد را برطرف می کند.

۴۲۲. به یکدیگر هدیه بدهید، هدیه محبت را مضاعف می کند. و نگرانی ها را رفع می کند.

۴۲۳. به یکدیگر هدیه بدهید، هدیه کینه توزی را برطرف می کند.

۴۲۴. از مردم خوش سیما طلب خیر کنید.

۴۲۵. رسالت مرا به مردم برسانید. گر چه یک آیه قرآن باشد.

۴۲۶. از هوش [تیز بینی] مؤمن حذر کنید، که او با نور خدا می نگرد. در ساختمان مصالح حرام بکار نبرید که مایه ویرانی است.

۴۲۷. به فرزندان خود احترام کنید. و آنها را نیکو تربیت کنید.

٤٢٨. قولوا خيراً تَغْنَمُوا، وَاسْكُتُوا عَن شَرِّ تَسَلَّمُوا. (١).

٤٢٩. تَخَيَّرُوا لِنُطْفِكُمْ (٢). (٣).

٤٣٠. أَكْثَرُوا مِن ذِكْرِ هَادِمِ اللَّذَاتِ (٤). (٥).

٤٣١. تَزَوَّجُوا الْوَدُودَ الْوَلُودَ؛ فَإِنِّي مُكَاثِرٌ بِكُمْ الْأَنْبِيَاءِ. (٦).

٤٣٢. تَسَخَّرُوا؛ فَإِنَّ السَّحُورَ بَرَكَهٌ. (٧).

٤٣٣. اتَّقُوا النَّارَ وَلَوْ بِشِقِّ تَمْرِهِ (٨). (٩).

٤٣٤. اتَّقُوا الشُّحَّ (١٠)؛ فَإِنَّ الشُّحَّ أَهْلَكَ مَنْ كَانَ مِنْ قَبْلِكُمْ. (١١).

٤٣٥. اسْتَغْنُوا عَنِ النَّاسِ وَلَوْ بِشَوْصِ (١٢) السُّوَاكِ. (١٣).

٤٣٦. حَصَّنُوا أَمْوَالَهُمْ بِالزَّكَاةِ، وَدَاوُوا أَمْرَاضَهُمْ بِالصَّدَقَةِ، وَأَعَدُّوا لِلْبَلَاءِ الدُّعَاءَ. (١٤).

٤٣٧. اغْتَنِمُوا الدُّعَاءَ عِنْدَ الرَّقَّةِ؛ فَإِنَّهَا رَحْمَةٌ. (١٥).

٤٣٨. اطْلُبُوا الْخَيْرَ دَهْرَكُمْ، وَتَعَرَّضُوا لِنَفْحَاتِ (١٦) رَحْمَةِ اللَّهِ؛ فَإِنَّ لِلَّهِ تَعَالَى نَفْحَاتٍ مِمَّنْ رَحِمَتْهُ يُصِيبُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ

عِبَادِهِ. (١٧).

٤٣٩. دَعُوا النَّاسَ يَرْزُقُ اللَّهُ بَعْضَهُمْ مِنْ بَعْضٍ (١٨). (١٩).

٤٤٠. اسْتَعِينُوا عَلَى أُمُورِكُمْ بِالْكِتْمَانِ. (٢٠).

ص: ٩٦

١- (١). مسند الشهاب، ج ١، ص ٣٨٩، ح ٦٦٦.

٢- (٢). يعنى اختاروا زوجةً تصلح أن تلد ولداً صالحاً. وصدر الخبر فى الوسائل فى بيان أخلاق القبائل، وفى ذيله يقول عليه السلام: «تخيروا لنطفكم» وفى روايه اخرى: «إياكم وخضراء الدمن» يعنى لا تزوجوا حسناء والداها غير صالحين.

٣- (٣). مسند الشهاب، ج ١، ص ٣٩٠، ح ٦٦٧.

٤- (٤). كناية عن الموت.

٥- (٥). مسند الشهاب، ج ١، ص ٣٩١، ح ٦٦٨.

٦- (٦). مسند الشهاب، ج ١، ص ٣٩٤، ح ٦٧٥.

٧- (٧). مسند الشهاب، ج ١، ص ٣٩٥، ح ٦٧٦.

٨- (٨) . وهذا ترغيب فى الصدقه ولو بشىء يسير .

٩- (٩) . مسند الشهاب، ج ١، ص ٣٩٦ ح ٦٧٨ و ٦٧٩ .

١٠- (١٠) . الشُّحُّ: أشدُّ البُخل . وقيل: هو البخل مع الحرص . وقيل: البخل فى أفراد الأمور وآحادها، والشُّحُّ عامٌ . وقيل: البخل بالمال، والشُّحُّ بالمال والمعروف (النهايه: ٤٤٨/٢) .

١١- (١١) . مسند الشهاب، ج ١، ص ٣٩٩، ح ٦٨٥ .

١٢- (١٢) . شَوْصُ السَّوَاكِ: أى غَسَالَتِهِ . وقيل: بما يَتَفَتَّتُ منه عند التَّسْوُوكِ (لسان العرب: ٥٠/٧) .

١٣- (١٣) . مسند الشهاب، ج ١، ص ٣٩٩، ح ٦٨٧ .

١٤- (١٤) . مسند الشهاب، ج ١، ص ٤٠١، ح ٦٩٠ .

١٥- (١٥) . مسند الشهاب، ج ١، ص ٤٠٢، ح ٦٩١ .

١٦- (١٦) . نَفْحُ الرِّيحِ: هبوبها . وَنَفْحُ الطَّيْبِ: إِذَا فَاحَ (النهايه: ٩٠/٥) .

١٧- (١٧) . مسند الشهاب، ج ١، ص ٤٠٨، ح ٧٠١ .

١٨- (١٨) . الظاهر أنَّ صدره وارد فى النهى عن بيع حاضر لبادٍ .

١٩- (١٩) . الأمالى للطوسى، ص ٣٩٧ .

٢٠- (٢٠) . تحف العقول، ص ٤٨ .

۴۲۸. از گفتن سخن نیک غنیمت برید. و از گفتار بد پرهیز کنید، تا سالم بمانید.

۴۲۹. برای نطفه خود، رحم پاک انتخاب کنید. [در انتخاب همسر دقت کنید].

۴۳۰. نابود کننده لذتها [مرگ] را همیشه یادآوری کنید.

۴۳۱. با همسران مهربان زایا ازدواج کنید، که من به تعداد زیاد شما بر انبیاء افتخار می کنم.

۴۳۲. سحری بخورید که برکت دارد.

۴۳۳. خود را از آتش جهنم حفظ کنید هر چند به نصف خرما [که صدقه بدهید].

۴۳۴. بخیل نباشید که بخل گذشتگان را هلاک کرده است.

۴۳۵. از دیگران بی نیاز باشید گرچه هیچ ندارید.

۴۳۶. با زکات امواتان را بیمه کنید و بیماران را با صدقه مداوا کنید و دعا را سپر بلا کنید.

۴۳۷. هنگام رقت قلب دعا را غنیمت شمارید که این حالت رحمتی [از خداوند] است.

۴۳۸. در زندگی بدنبال خیر باشید و در معرض نسیم رحمت خدا قرار بگیرید که خداوند نسیمهای رحمتی دارد که به هر کس خدا بخواهد می وزد.

۴۳۹. در معاملات مردم دخالت نکنید. خداوند روزی برخی را بوسیله دیگران می رساند.

۴۴۰. از کتمان کردن برای سامان یافتن کارهایتان کمک بگیرید.

٤٤١. اسْتَعِينُوا عَلٰى اِنْجَاحِ الْحَوَائِجِ بِالْكِتْمَانِ لَهَا. (١)

٤٤٢. اطْعَمُوا طَعَامَكُمْ الْاَتْقِيَاءَ، وَاُولُوا مَعْرُوفَكُمْ الْمُؤْمِنِينَ. (٢)

٤٤٣. احْفَظُونِي فِي عِتْرَتِي. (٣)

٤٤٤. مَثَلُ اَهْلِ بَيْتِي كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوْحٍ؛ مَنْ رَكِبَ فِيهَا نَجَا، وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ. (٤)

ص: ٩٨

١- (١) . مسند الشهاب، ج ١، ص ٤١٢، ح ٧٠٨.

٢- (٢) . عوالي اللآلى، ج ١، ص ١١٢، ح ٢١.

٣- (٣) . الأمالى للطوسى، ص ٧٠٣؛ مسند الشهاب، ج ١، ص ٤١٩، ح ٧٢٠.

٤- (٤) . الاحتجاج، ج ٢، ص ١٤٧.

۴۴۱. حاجت های خود را به کمک کتمان کردن، به برآورده شدن نزدیک کنید.

۴۴۲. غذای خود را به پرهیزکاران بخورانید و خوبی هایتان را به مؤمنان بکنید.

۴۴۳. حق مرا در خاندانم حفظ کنید.

۴۴۴. مثل خاندان من، مثل کشتی نوح است آنکه سوار شد نجات یافت و هر کس مخالفت کرد غرق شد.

ص: ۹۹

الفصل الخامس: ممّا ورد من حِكْمه صلى الله عليه و آله بلفظه «لا»

قال النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله:

٤٤٥. لا يُلْدَغُ (١) المؤمنُ من جُحْرٍ مرَّتَيْنِ. (٢)

٤٤٦. لا يشكُرُ اللهَ من لا يشكُرُ الناسَ. (٣)

٤٤٧. لا يزيّدُ القِضاءَ إلّا اللُدعاءُ، ولا يزيّدُ فى العُمُرِ إلّا البرُّ، ولا حليمٌ إلّا ذو عِبرَةٍ (٤)، ولا يَفقرُ أشدُّ من الجهلِ، ولا مالٌ أعودُ (٥) من العقلِ، ولا وَحدةٌ أو حشٌّ من العُجبِ (٦)، ولا مَظَاهِرَةٌ (٧) أوفقُ من المُشاوَرَةِ، ولا عَقْلٌ كالتَّديبِ، ولا حَسَبٌ كحُسنِ الخُلُقِ، ولا وَرَعٌ كالكَفِّ، ولا عِبادةٌ كالتَّفكُّرِ، ولا إيمانٌ كالحياءِ وَالصَّبْرِ. (٨)

٤٤٨. لا يَئِمُّ بَعَدَ حُلْمٍ. (٩)

٤٤٩. لا ضَرورةٌ فى الإسلامِ. (١٠)

٤٥٠. لا هِجْرَةٌ (١١) بَعَدَ الفَتْحِ. (١٢)

٤٥١. لا إيمانَ لِمَن لا أمانةَ لَهُ، ولا دينَ لِمَن لا عَهْدَ لَهُ. (١٣)

ص: ١٠٠

١- (١). اللدغ: من لدغته العقرب والحيه أى لسعته. والجحر - بتقديم الجيم وضّم أوله -: كلُّ مكانٍ تحتفره الهوامّ والسباع لأنفسها. كناية عن أنّ المؤمن ذو فطنه يستفيد من تجربته، فإذا وقع فى أمر فيه سوء لا يقدم عليه ثانياً.

٢- (٢). مشكاه الأنوار، ص ٥٥١.

٣- (٣). من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٣٨٠.

٤- (٤). لعلّ المراد أنّ الحلم يلازم الاعتبار.

٥- (٥). أعود: أنفع.

٦- (٦). لأنّ المعجب يرى نفسه وحيداً لا يجد من يشاوره ويجالسّه، أو لأنّ الناس يبغضونه ويتركونه فيبقى واحداً.

٧- (٧). المظاهرة: المعاونة، ومن المعلوم أنّ المشاورة معاونة بآراء الرجال من دون أى مفسده.

٨- (٨). مسند الشهاب، ج ٢، ص ٣٧، ح ٨٣٢ و ٨٣٣، وفيه «عثره» بدل «عبره».

٩- (٩). مسند الشهاب، ج ٢، ص ٣٩، ح ٨٣٩.

١٠- (١٠). المصنف، ج ٤، ص ٢٩٩.

١١- (١١). المراد نفى أحكام الهجره بعد فتح مكّه.

١٢- (١٢). الخصال، ص ١٩٣.

پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله فرمودند:

۴۴۵. مؤمن از یک سوراخ دو بار گزیده نمی شود.

۴۴۶. کسی که از مردم تشکر نکند، از خدا تشکر نکرده است.

۴۴۷. دعا قضا را بر می گرداند و نیکی به دیگران عمر را طولانی می کند و بردبار کسی است که عبرت گیرد و هیچ فقری بدتر از نادانی نیست. و مالی سودمندتر از عقل نیست. و هیچ تنهائی وحشتناکتر از خود پسندی نیست. و هیچ همکاری بهتر از مشورت نیست و هیچ عقلی چون تدبیر نیست. و هیچ حسب و نسبی چون اخلاق خوب نیست و هیچ پرهیزکاری چون خودداری از گناه نیست. و هیچ عبادتی مثل تفکر نیست و هیچ ایمانی مثل حیا و صبر نیست.

۴۴۸. پس از بلوغ دیگر یتیم نیست.

۴۴۹. در مسلمان شدن اضطرار نیست.

۴۵۰. بعد از پیروزی، مهاجرت لازم نیست.

۴۵۱. کسی که امین نباشد ایمان ندارد و کسی که به عهد خود وفا نکند دین ندارد.

٤٥٢. لَارُقِيَّهَ (١) إِلَامِنَ عَيْنٍ أَوْ حُمَهَ (٢). (٣).

٤٥٣. لَاهِجْرَهَ فَوْقَ ثَلَاثٍ (٤). (٥).

٤٥٤. لَأَكْبِيرَهَ مَعَ الْإِسْتِغْفَارِ. (٦).

٤٥٥. لَأَصْغِيرَهَ مَعَ الْإِصْرَارِ. (٧).

٤٥٦. لَاهَمَّ إِلَاهَهُمُ الدِّينَ، وَلَا وَجَعَ الْوَجْعَ الْعَيْنِ. (٨).

٤٥٧. لَأَفَاقَهَ (٩) لِعَبْدٍ يَقْرَأُ الْقُرْآنَ، وَلَا غِنَى لَهُ بَعْدَهُ. (١٠).

٤٥٨. لَا يُغْنِي حَذْرٌ عَن قَدْرِ. (١١).

٤٥٩. لَا يَفْتِكُ مُؤْمِنٌ (١٢). (١٣).

٤٦٠. لَا يُفْلِحُ قَوْمٌ تَمَلَّكُهُمْ امْرَأَةٌ. (١٤).

٤٦١. لَا يَتَّبِعِي لِمُؤْمِنٍ أَنْ يُدَلَّ نَفْسَهُ. (١٥).

٤٦٢. لَا يَتَّبِعِي لِذِي الْوَجْهَيْنِ أَنْ يَكُونَ أَمِينًا عِنْدَ اللَّهِ. (١٦).

٤٦٣. لَا يَصْلِحُ الْمَلُوقُ إِلَّا لِلدِّينِ وَالْإِمَامِ الْعَادِلِ. (١٧).

ص: ١٠٢

١- (١). الرقيه: العوده التي يرقى بها صاحب الآفه كالحمي والصرع وغير ذلك من الآفات (النهايه: ٢٥٤/٢) والعين: الإصابه بالعين، يقال: أصابت فلاناً عيناً؛ إذا نظر إليه عدو أو حاسد فأثرت فيه فمرض بسببها (تاج العروس: ١/١٨: ٤٠).

٢- (٢). الحمه: السم. ويطلق على إبره العقرب للمجاوره لأن السم يخرج منها (النهايه: ٤٤٦/١).

٣- (٣). مسند الشهاب، ج ٢، ص ٤٣، ح ٨٥٠؛ مسلم، ج ١٤، ص ١٦٩ و ج ٥٩، ص ٦٩.

٤- (٤). يريد به الهجر؛ ضد الوصل يعني فيما يكون بين المسلمين من عتب وموجد أو تقصير يقع في حقوق العشره والصحبه، دون ما كان من ذلك في جانب الدين (النهايه: ٢٤٥/٥).

٥- (٥). مسند الشهاب، ج ٢، ص ٤٤، ح ٨٥١.

٦- (٦). مسند الشهاب، ج ٢، ص ٤٤، ح ٨٥٢.

٧- (٧). مسند الشهاب، ج ٢، ص ٤٥، ح ٨٥٣.

٨- (٨). مسند الشهاب، ج ٢، ص ٤٦، ح ٨٥٤.

٩- (٩) . الفاقه: الحاجه والفقر (النهايه: ٣/٤٨٠).

١٠- (١٠) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٤٦، ح ٨٥٥.

١١- (١١) . الكامل، ج ٣، ص ٢١٣.

١٢- (١٢) وعن الصادق عليه السلام: «إنَّ الإسلامَ قيْدُ الفتكِ». وفي النهايه: «الإيمان قيْدُ الفتكِ» أى الإيمان يمنع من الفتك كما أنَّ القيد يمنع عن التصرّف. والفتك أن يأتى الرجل صاحبه وهو غارّ غافل فيقتله، ولعلّ المراد فتك المؤمن بالمؤمن، وأمّا الفتك بالكفّار فلا؛ لأنّ رسول الله صلى الله عليه وآله أمر بالفتك مرّتين كما هو معروف (فى قتل كعب بن الأشرف اليهودى، وسلام بن أبى الحقيق كما فى السّير) بل كذا الفجار والمبدعين كابن زياد وأمثاله.

١٣- (١٣) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٥٠، ح ٨٦٢.

١٤- (١٤) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٥١، ح ٨٦٣.

١٥- (١٥) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٥١، ح ٨٦٥.

١٦- (١٦) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٥٣، ح ٨٦٨.

١٧- (١٧) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٥٤، ح ٨٧٠.

۴۵۲. تعویذ جایز نیست مگر برای چشم زخم و نیش عقرب.

۴۵۳. بیش از سه روز قهر جایز نیست.

۴۵۴. بوسیله استغفار گناه کبیره محو می شود.

۴۵۵. با اصرار کردن بر گناه صغیره، دیگر صغیره نیست. [گناه کبیره می شود].

۴۵۶. غصه ای چون غصه قرض نیست و دردی چون درد چشم نیست.

۴۵۷. بنده ای که قرآن خواند فقر نبیند و پس از قرآن ثروتی وجود ندارد.

۴۵۸. احتیاط کردن تقدیر را برطرف نمی کند.

۴۵۹. مؤمن غافلگیر نمی کند.

۴۶۰. ملتی که زمامدارش زن باشد رستگار نمی شود.

۴۶۱. مؤمن نباید خود را ذلیل کند.

۴۶۲. انسان دو رو نزد خدا امانت دار حساب نمی شود.

۴۶۳. جز در برابر پدر و مادر و امام عادل تملق روا نیست.

٤٦٤. لَا تَصْلُحُ الصَّنِيعَةُ (١) إِلَّا عِنْدَ ذِي حَسَبٍ أَوْ دِينٍ، كَمَا لَا تَصْلُحُ الرِّيَاضَةُ (٢) إِلَّا فِي النَّجِيبِ. (٣)

٤٦٥. لَا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ. (٤)

٤٦٦. لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ قَتَاتٌ (٥). (٦)

٤٦٧. لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ عَبْدٌ لَا يَأْمَنُ جَارُهُ بِوَائِقِهِ. (٧)

٤٦٨. لَا يَحِلُّ لِمُسْلِمٍ أَنْ يُرَوِّعَ مُسْلِمًا. (٨)

٤٦٩. لَا يَحِلُّ لِأَمْرِي مُسْلِمٍ أَنْ يَهْجُرَ أَخَاهُ فَوْقَ ثَلَاثٍ. (٩)

٤٧٠. لَا تَحِلُّ الصَّدَقَةُ لِعَنِيٍّ، وَلَا لِدَى مَرَّةٍ (١٠) قَوِيٍّ. (١١)

٤٧١. لَا يَسْتَقِيمُ إِيْمَانُ عَبْدٍ حَتَّى يَسْتَقِيمَ قَلْبُهُ، وَلَا يَسْتَقِيمُ قَلْبُهُ حَتَّى يَسْتَقِيمَ لِسَانُهُ. (١٢)

٤٧٢. لَا يُؤْمِنُ عَبْدٌ حَتَّى يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ مِنَ الْخَيْرِ. (١٣)

٤٧٣. لَا يَبْلُغُ الْعَبْدُ حَقِيقَةَ الْإِيْمَانِ حَتَّى يَعْلَمَ أَنَّ مَا أَصَابَهُ لَمْ يَكُنْ لِيُخْطِئِهِ، وَمَا أَخْطَأَهُ لَمْ يَكُنْ لِيُصِيبَهُ.

لَا يَسْتَكْمِلُ أَحَدُكُمْ حَقِيقَةَ الْإِيْمَانِ حَتَّى يَخْزَنَ لِسَانَهُ. (١٤)

٤٧٤. لَا يَرْحَمُ اللَّهُ مَنْ لَا يَرْحَمُ النَّاسَ. (١٥)

٤٧٥. لَا يَشْبَعُ الْمُؤْمِنُ دُونَ جَارِهِ. (١٦)

٤٧٦. لَا يَشْبَعُ عَالِمٌ مِنْ عِلْمٍ حَتَّى يَكُونَ مُنْتَهَاهُ الْجَنَّةَ. (١٧)

ص: ١٠٤

١- (١). الصنعة: ما أعطيته وأسديته من معروف أو يد إلى إنسان تصطنعه بها [أى تحسن إليه].

٢- (٢). الرياضة - عند أهل اللغة -: استبدال الحال المذمومة بالمحمودة. وعند الحكماء: الإعراض عن الأغراض الشهوانية و... والنجيب: الكريم الحسيب في الإنسان والحيوان. ولعل المراد أن التأديب إنما ينفع في النجيب، وفيه إشارة إلى تأثير الآباء والأمهات في الأولاد.

٣- (٣). مسند الشهاب، ج ٢، ص ٥٤، ح ٨٧١.

٤- (٤). عيون الحكم والمواعظ، ص ٥٤٢.

٥- (٥). القتات: النمام المزور (مجمع البحرين: ٣٥٥/٣).

- ٦-٦) . الأمالي للصدوق، ص ٥١١؛ الأمالي للطوسي، ص ٣٨٣، ح ٧٦/٨٢٥.
- ٧-٧) . مسند الشهاب، ج ١، ص ١٠٩، ح ١٣٠.
- ٨-٨) . عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ١، ص ٧٦.
- ٩-٩) . مسند أحمد، ج ٤، ص ٣٢٨.
- ١٠-١٠) . المِرَّة: القوَّة، والشَّدَّة، وشَدَّة العقل أيضاً (لسان العرب: ١٦٨/٥).
- ١١-١١) . الكافي، ج ٣، ص ٥٦٠، ح ٢.
- ١٢-١٢) . نهج البلاغ، ج ٢، ص ٩٤؛ عوالي اللآلي، ج ١، ص ٢٧٨، ح ١١١.
- ١٣-١٣) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٦٣، ح ٨٨٨.
- ١٤-١٤) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٦٣، ح ٨٩٠ و ٨٩٣.
- ١٥-١٥) . عوالي اللآلي، ج ١، ص ٣٦١.
- ١٦-١٦) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٦٧، ح ٨٩٥.
- ١٧-١٧) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٦٨، ح ٨٩٦.

۴۶۴. خوبی و یاری کردن جز برای انسان با اصل و نسب و متدین مصلحت ندارد. چنانکه تربیت و ریاضت از غیر انسان نجیب صلاح نیست.

۴۶۵. اطاعت هیچکس در نافرمانی خداوند جایز نیست.

۴۶۶. سخن چین وارد بهشت نمی شود.

۴۶۷. کسی که همسایه اش از شرّ او در امان نباشد، وارد بهشت نمی شود.

۴۶۸. مسلمان حق ندارد هیچ مسلمانی را بترساند.

۴۶۹. برای مسلمان روا نیست بیش از سه روز از برادر مسلمان قهر کند.

۴۷۰. بر ثروتمند و کسی که قدرت کار دارد، صدقه حلال نیست.

۴۷۱. تا قلب انسان اصلاح نشود ایمان او به سامان نرسد و تا زبان انسان اصلاح نشود قلب او اصلاح نمی شود.

۴۷۲. انسان تا وقتی که هر خیری برای خودش می خواهد برای دیگران نخواهد ایمان ندارد.

۴۷۳. انسان به حقیقت ایمان نمی رسد مگر وقتی که بداند آنچه به او رسیده امکان تخلف نداشته است و آنچه نرسیده امکان رسیدن نداشته است. [یعنی به قضا و قدر الهی ایمان داشته باشد]. هیچکدام از شما تا زبانش را نگه ندارد ایمانش کامل نمی گردد.

۴۷۴. هر کس به مردم رحم نکند، خدا بر او ترحم نمی کند.

۴۷۵. مؤمن اگر همسایه اش گرسنه باشد، خودش را سیر نمی کند.

۴۷۶. هیچ عالمی از علم سیر نمی شود تا سرانجام به بهشت برسد.

٤٧٧. لا يَزِدَادُ الأَمْرُ إِلاَّ شِدَّةً، وَلاَ الدُّنْيَا إِلاَّ إِدْبَاراً، وَلاَ النَّاسُ إِلاَّ شَحْاحاً، وَلاَ تَقُومُ السَّاعَةُ إِلاَّ عَلَيَّ شِرَارِ النَّاسِ؛ إِلاَّ المَهْدِيُّ وَعِيسَى بِنَ مَرْيَمَ عَلَيْهِمَا السَّلَام. (١)

٤٧٨. لا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَقِلَّ الرِّجَالُ، وَتَكْثُرَ النِّسَاءُ. (٢)

٤٧٩. لا يَسْتُرُ عَبْدٌ عَبْدًا إِلاَّ اسْتَرَهُ اللهُ يَوْمَ القِيَامَةِ. لا خَيْرَ فِي صُحْبِهِ مَن لا يَرى لَكَ مِنَ الحَقِّ مِثْلَ الَّذى تَرى لَهُ. (٣)

٤٨٠. لا تَذْهَبُ حَبِيبَتَا عَبْدٍ (٤) فَيَصْبِرُ وَيَحْتَسِبُ إِلاَّ دَخَلَ الجَنَّةَ. (٥)

٤٨١. لا يَبْلُغُ العَبْدُ أَنْ يَكُونَ مِنَ المُتَّقِينَ حَتَّى يَدَعَ ما لَبَّاسَ بِهِ حَذراً لِمَا بِهِ البَأْسُ. (٦)

٤٨٢. لا تَزَالُ نَفْسٌ طائِفَةٌ مِن ائمتى عَلَيَّ الحَقِّ ظاهِرِينَ حَتَّى يَأْتِيَ أَمْرُ اللهِ. (٧)

٤٨٣. لا تَزَالُ نَفْسُ الرِّجْلِ مُعَلَّقَةً بِدِينِهِ حَتَّى يُقْضَى عَنْهُ. (٨)

٤٨٤. لا يَزَالُ العَبْدُ فِي صَلاهِ ما انْتَظَرَ الصَّلاةَ. (٩)

٤٨٥. لا تُظْهِرِ السَّماتَةَ لِأَخِيكَ؛ فَيَعافِيَهُ اللهُ وَيَتَلَيِّكَ. (١٠)

٤٨٦. لا تَسُبُّوا الدَّهْرَ؛ فَإِنَّ اللهُ هُوَ الدَّهْرُ (١١). (١٢)

٤٨٧. لا تَسُبُّوا الأَمْواتَ فَتُؤذُوا الأَحْياءَ. (١٣)

٤٨٨. لا تَسُبُّوا الأَمْواتَ؛ فَإِنَّهُمْ أَفْضَوا (١٤) إِلى ما قَدَّموا. (١٥)

٤٨٩. لا يَزُدُّ الرِّجْلُ هَدِيَّةَ أَخِيهِ، فَإِنْ وَجَدَ فَلْيَكافِئْهُ. (١٦)

ص: ١٠٦

١- (١). مسند الشهاب، ج ٢، ص ٦٩، ح ٨٩٨.

٢- (٢). مسند الشهاب، ج ٢، ص ٧٢، ح ٩٠٤.

٣- (٣). مسند الشهاب، ج ٢، ص ٧٢ و ٧٣، ح ٩٠٤ و ٩٠٥ و ٩٠٦.

٤- (٤). حبيبتا العبد: لعله كناية عن عينيه أو سمعه وبصره.

٥- (٥). مسند الشهاب، ج ٢، ص ٧٤، ح ٩٠٧.

٦- (٦). مسند الشهاب، ج ٢، ص ٧٤، ح ٩٠٨.

٧- (٧). مسند الشهاب، ج ٢، ص ٧٦، ح ٩١٢.

٨- (٨). مسند الشهاب، ج ٢، ص ٧٧، ح ٩١٤.

- ٩- (٩) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٧٧، ح ٩١٥.
- ١٠- (١٠) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٧٧، ح ٩١٦.
- ١١- (١١) . وفي روايه: «فإن الدهر هو الله» كان من شأن العرب أن تدمّ الدهر وتسبّه عند النوازل والحوادث ويقولون: أبادهم الدهر، ويكثرون بذكره في أشعارهم، وذكره الله تعالى عنهم في كتابه: «وَمَا يُهْلِكُنِيَا إِلَّا الدَّهْرُ» والدهر اسم للزمان الطويل، فنهاهم النبي صلى الله عليه و آله عن ذمّ الدهر وسبّه؛ أى لاتسبّوا فاعل ذلك؛ فإنكم إذا سببتموه وقع السبّ على الله لأنّه الفعّال لما يريد لا الدهر، فيكون تقدير الروايه؛ فإنّ الله هو جالب الحوادث، أو فإنّ جالب الحوادث هو الله (راجع النهايه: ١٤٤/٢).
- ١٢- (١٢) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٧٩، ح ٩٢١.
- ١٣- (١٣) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٨١، ح ٩٢٤.
- ١٤- (١٤) . أفضى فلان إلى فلان: أى وصل إليه، وأصله أنّه صار فى فرجه وفضائه وحيزه. والإفضاء - فى الحقيقه - : الانتهاء (لسان العرب: ١٥٧/١٥).
- ١٥- (١٥) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٨٠، ح ٩٢٣؛ در مصدر «قد افضوا».
- ١٦- (١٦) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٨١، ح ٩٢٦.

۴۷۷. کار پیوسته دشوارتر و دنیا رویگردان و مردم بخیل تر می شوند و هنگام قیام قیامت جز مردم شرور کسی روی زمین نباشد مگر حضرت مهدی علیه السلام و عیسی ابن مریم علیه السلام.

۴۷۸. تا مردان کم و زنان زیاد نشوند قیامت برپا نمی شود.

۴۷۹. هیچکس [عیب] بنده ای را نپوشاند جز این که خدا در قیامت [عیب] او را بپوشاند.

همنشینی با کسی که حقی برای تو قائل نیست، خیری ندارد.

۴۸۰. کسی که دو چشم خود را از دست داده و برای رضای خدا صبر کند وارد بهشت خواهد شد.

۴۸۱. انسان تا وقتی که از کارهای شبهه ناک برای ترک حرام، دوری نکند از متقین شمرده نمی شود.

۴۸۲. همواره گروهی از امت من بر حق پیروز شوند [و آن را نادیده بگیرند] تا اینکه فرمان خدا در رسد.

۴۸۳. روح انسان در گرو قرض اوست، تا زمانی که ادا شود.

۴۸۴. زمانی که انسان در انتظار نماز است ثواب نماز دارد.

۴۸۵. برادرت را سرزنش مکن که ممکن است خدا او را عافیت بخشد و تو را گرفتار کند.

۴۸۶. به روزگار دشنام ندهید. چون خداوند دهر است. [یعنی تقدیر کارها به دست خداست].

۴۸۷. به مردگان دشنام ندهید که زندگان [بازماندگان مردگان] را آزار می دهید.

۴۸۸. مردگان را دشنام ندهید، آنها به آنچه پیش فرستاده اند رسیده اند.

۴۸۹. کسی هدیه ی برادرش را رد نکند، و هر وقت چیزی به دست آورد جبران نماید.

٤٩٠. لَا تَمْسَحْ يَدَكَ بِثَوْبٍ مِّنْ لَا تَكْسُو (١). (٢).

٤٩١. لَا تَرُدُّوا السَّائِلَ وَلَوْ بِشِقِّ تَمْرِهِ (٣).

٤٩٢. لَا تَغْتَابُوا الْمُسْلِمِينَ، وَلَا تَتَّبِعُوا عَوْرَاتِهِمْ (٤).

٤٩٣. لَا تَخْرِقَنَّ عَلَى أَحَدٍ سِتْرًا (٥).

٤٩٤. لَا تَحْقِرَنَّ مِنَ الْمَعْرُوفِ شَيْئًا (٦).

٤٩٥. لَا تُوَاعِدْ أَخَاكَ مَوْعِدًا فَتُخْلِفْهُ (٧).

٤٩٦. لَا يَتَمَتَّيَنَّ أَحَدُكُمْ الْمَوْتَ لِضُرِّ نَزَلِ بِهِ (٨).

٤٩٧. لَا يَمُوتَنَّ أَحَدٌ إِلَّا وَهُوَ يُحْسِنُ الظَّنَّ بِاللَّهِ (٩).

٤٩٨. لَا تَعْجَبُوا بِعَمَلِ عَامِلٍ حَتَّى تَنْظُرُوا بِمِ يُوْخِمْ لَهُ (١٠).

٤٩٩. لَا يُعْجِبُكُمْ إِسْلَامُ رَجُلٍ حَتَّى تَعْلَمُوا كُنْهَ (١١) عَقْلِهِ (١٢).

٥٠٠. لَا يَمْنَعَنَّ أَحَدُكُمْ مَهَابَةَ النَّاسِ أَنْ يَقُومَ بِالْحَقِّ إِذَا عَلِمَهُ (١٣).

٥٠١. لَا يَخْلُونَ رَجُلٌ بِأَمْرَاهُ؛ فَإِنَّ ثَالِثَهُمَا الشَّيْطَانُ (١٤).

٥٠٢. لَا تُرْضِيَنَّ أَحَدًا بِسَيِّئِ خَطِيئَةِ اللَّهِ، وَلَا تَحْمِدَنَّ أَحَدًا عَلَى فَضْلِ اللَّهِ (١٥)، وَلَا تَذُمَّنَّ أَحَدًا عَلَى مَا لَمْ يُؤْتِكِ اللَّهُ؛ فَإِنَّ رِزْقَ اللَّهِ لَا يَسُوقُهُ إِلَيْكَ حِرْصٌ حَرِيصٍ، وَلَا يُزِدُّهُ عَنْكَ كَرَاهُهُ كَارِهِ (١٦).

٥٠٣. لَا تَسْأَلِ الْإِمَارَةَ؛ فَإِنَّكَ إِنْ اعْطِيَتْهَا مِنْ غَيْرِ مَسْأَلِهِ اعْتَتْ عَلَيْهَا، وَإِنْ اعْطِيَتْهَا مِنْ مَسْأَلِهِ وُكِلَتْ إِلَيْهَا (١٧).

ص: ١٠٨

١- (١). الحديث كناية عن أنه إن لم توصل إلى أخيك خيراً فلا تراحمه في نفسه وماله.

٢- (٢). مسند الشهاب، ج ٢، ص ٨٢ ح ٩٢٧.

٣- (٣). مسند الشهاب، ج ٢، ص ٨٣ ح ٩٢٩.

٤- (٤). مسند الشهاب، ج ٢، ص ٨٤ ح ٩٣٣.

٥- (٥). مسند الشهاب، ج ٢، ص ٨٤ ح ٩٣٣.

٦- (٦). مسند الشهاب، ج ٢، ص ٨٥ ح ٩٣٤.

- ٧- (٧) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٨٥ ح ٩٣٥.
- ٨- (٨) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٨٦ ح ٩٣٦.
- ٩- (٩) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٨٦ ح ٩٣٧.
- ١٠- (١٠) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٨٨ ح ٩٤١.
- ١١- (١١) . كنه الأمر: حقيقته (النهاية: ٢٠٦/٤).
- ١٢- (١٢) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٨٨ ح ٩٤٢.
- ١٣- (١٣) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٩٠ ح ٩٤٥.
- ١٤- (١٤) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٩٠ ح ٩٤٥.
- ١٥- (١٥) . لا يخفى أنّ من لم يشكر الناس لم يشكر الله تعالى، وفي الصحيحه السّجّاديه الدعاء ٣٨ «اللّهمّ إنّي أعتذر إليك من مظلوم ظلم بحضرتي فلم أنصره، ومن معروف اسدى إليّ فلم أشكره»، فالمراد أن يرى الإنسان المحسنّ باستقلاله، وينسى الحقّ تعالى، وأمّا إذا رآه واسطه في إيصال النعمه فلا، بل هو التوحيد، فهذا الموحّد لا يذمّ أحداً إلّا بتركه الفرض، لا بعدم إعطائه إياه.
- ١٦- (١٦) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٩١ ح ٩٤٧.
- ١٧- (١٧) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٩٢ ح ٩٤٨.

۴۹۰. دست خود به جامه ی کسی که او را نمی پوشانی پاک مکن. [کنایه است اگر به کسی خیری نمی رسانی به او شر مرسان].

۴۹۱. سائل را رد نکنید، حتی اگر نصف خرما به او بدهید.

۴۹۲. غیبت مسلمان نکنید و در جستجوی عیوب آنها نباشید.

۴۹۳. پرده ی اسرار کسی را ندرید.

۴۹۴. هیچ عمل نیکی را کوچک نشمار.

۴۹۵. به برادرت وعده ای نده که تخلف کنی.

۴۹۶. هیچ کدام از شما به خاطر سختی و شدتی که بر او وارد شده آرزوی مرگ نکند.

۴۹۷. هنگام مردن به خداوند حُسن ظن داشته باشید.

۴۹۸. تا سرانجام کار کسی را ندیده اید از کار [خیر] او تعجب نکنید [ملاک عاقبت به خیری پایان عمر است].

۴۹۹. تا عقل کسی را نسنجیده اید به اسلام او خوشدل نباشید.

۵۰۰. مبادا، ترس و رودربایستی مردم مانع شود به حقی که یقین دارید عمل نکنید.

۵۰۱. کسی با زن بیگان خلوت نکند، چون نفر سوم شیطان است.

۵۰۲. کسی را با غضب خداوند خشنود مکن. برای لطفی که خداوند به تو کرده است از کسی تشکر نکن (۱) برای آنچه خداوند به تو نداده است، کسی را نکوهش نکن. چون خواستن و نخواستن هیچکس در رزق خدا اثری ندارد.

۵۰۳. بدنبال زمامداری مباش. چون اگر بدون خواهش به آن رسیدی تو را کمک می کنند. و اگر به خواهش خود به آن برسی به حال خود رها می شوی.

ص: ۱۰۹

۱- (۱). منظور آن است که کسی که به تو خیری را رساند، او را عامل اصلی خیر ندان بلکه آن را از خدا بدان و گرنه تشکر کردن از او به خاطر وسیله خیر بودن لازم است.

٥٠٤. لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَكُونَ الْوَلَدُ غَيْظًا (١) ، وَالْمَطَرُ قَيْظًا (٢) ، وَتَفِيضُ اللَّئَامُ فَيْضًا ، وَتَغِيضُ الْكِرَامُ (٣) غَيْضًا ، وَيَجْتَرِي الصَّغِيرُ عَلَى الْكَبِيرِ ، وَاللَّئِيمُ عَلَى الْكَرِيمِ. (٤)

٥٠٥. لَنْ يَهْلِكَ امْرُؤٌ بَعْدَ مَشُورِهِ. (٥)

٥٠٦. لَنْ تَهْلِكَ الرَّعِيَّةُ وَإِنْ كَانَتْ ظَالِمَةً مُسِيئَةً إِذَا كَانَتِ الْوَالِدَةُ هَادِيَةً مَهْدِيَّةً. (٦)

ص: ١١٠

-
- ١- (١) . الغيظ: الغضب. وقيل أشده، ولعل المراد أنّ الولد يصير سبباً لغضب الوالدين بحيث لا يريان فيه ما يحبّان.
 - ٢- (٢) . لأنّ المطر إنّما يراد للنبات وبرد الهواء، والقَيْظُ ضدّ ذلك. ويوم قَائِظٌ: شديد الحرّ (النهاية: ١٣٢/٤).
 - ٣- (٣) . أى فنوا وبادوا، يقال: غاصّ الكِرَامُ: أى قَلَّوا، وفاض اللّئَامُ: أى كثروا (لسان العرب: ٢٠٢/٧).
 - ٤- (٤) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٩٢، ح ٥٤٩. وفيه: «يغيض» بدل «تغيض».
 - ٥- (٥) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٩٢، ح ٩٥٠.
 - ٦- (٦) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٩٣، ح ٩٥١.

۵۰۴. نشانه رسیدن قیامت این است که فرزند موجب خشم شود و باران در گرما بیارد [و نتیجه عکس دهد] و فرومایگان زیاد و اهل کرامت نایاب شوند و کوچکتر به بزرگتر و فرومایه به کریم جسارت نماید.

۵۰۵. هیچکس بعد از مشورت هلاک نمی شود.

۵۰۶. اگر زمامداران هدایت شده راهنمای ملت باشند، مردم [گرچه ستمگر و خطاکار باشند] نابود نمی شوند.

ص: ۱۱۱

الفصل السادس: ممّا ورد من حكمه صلى الله عليه و آله مبدوءاً بلفظه «إنّ»

قال النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله:

٥٠٧. إنّ مِنَ التَّيَانِ سِحْرًا، وَإِنَّ مِنَ الشُّعْرِ حُكْمًا (١)، وَإِنَّ مِنَ الْقَوْلِ عِيَالًا (٢)، وَإِنَّ مِنَ طَلَبِ الْعِلْمِ جَهْلًا (٣). (٤)

٥٠٨. إنّ أُمَّتِي أُمَّةٌ مَرْحُومَةٌ. (٥)

٥٠٩. إنّ حُسْنَ الْعَهْدِ مِنَ الْإِيمَانِ. (٦)

٥١٠. إنّ حُسْنَ الظَّنِّ مِنْ حُسْنِ الْعِبَادَةِ. (٧)

٥١١. إنّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ. (٨)

٥١٢. إنّ الدِّينَ يُسْرٌ. (٩)

٥١٣. إنّ دِينَ اللَّهِ الْخَنِيفَةَ السَّمْحَةَ. (١٠)

٥١٤. إنّ أَعْجَلَ الطَّاعَةِ ثَوَابًا صَلَّهُ الرَّحِمِ. (١١)

٥١٥. إنّ الْحِكْمَةَ تَزِيدُ الشَّرِيفَ شَرَفًا. (١٢)

ص: ١١٢

١- (١). أى إنّ من الشعر كلاماً نافعاً يمنع من الجهل والسفه وينهى عنهما. قيل: أراد بها المواعظ والأمثال التى ينتفع بها الناس.

والحكم: العلم والفقه والقضاء بالعدل، وهو مصدر حكم يحكم (النهاية: ٤٠٣/١).

٢- (٢). يجب حفظه بالستر عليه، أو يجب حفظه بالإنفاق عليه كما فى أسرار الناس والوعد والعهد.

٣- (٣). قال الجزرى: قيل هو أن يتعلم ما لا يحتاج إليه كالنجوم وعلوم الأوائل، ويدع ما يحتاج إليه فى دينه من علم القرآن

والسنّة. وقيل: هو أن يتكلّف العالم إلى علم ما لا يعلمه فيجّهله ذلك (لسان العرب: ١٣٠/١١). ويمكن ان يكون المراد عدم

الانتفاع من العلم كما فى النهج: «لا تجعلوا علمكم جهلاً».

٤- (٤). مسند الشهاب، ج ٢، ص ٩٨، ح ٩٦١.

٥- (٥). تفسير جوامع الجامع، ج ٢، ص ٥٧٤.

٦- (٦). تحف العقول، ص ٤٨.

٧- (٧). مسند أحمد، ج ٢، ص ٣٠٤.

٨- (٨). الكافى، ج ١، ص ٣٢، ح ٢.

٩- (٩). المجازات النبويه، ص ٢٦١، ح ٥.

١٠- (١٠) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ١٠٤، ح ٩٧٧.

١١- (١١) . الكافي، ج ٢، ص ٣٤٧، ح ٤.

١٢- (١٢) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ١٠٥، ح ٩٧٩.

فصل ششم: سخنان حکمت آمیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که با کلمه «اِنَّ» شروع شده است

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

۵۰۷. پاره ای از بیانها سحرآمیز و پاره ای از اشعار، حکیمانه و بخشی از سخنان، اسرار و بعضی از آموختن ها جهالت است.

۵۰۸. اُمَّت من مورد رحمت واقع شده اند.

۵۰۹. وفای به عهد، از ایمان است.

۵۱۰. خوش بینی، جزئی از خوب عبادت کردن است.

۵۱۱. علما، وارث پیامبرانند.

۵۱۲. دین، آسان است.

۵۱۳. دین خدا، سر راست و آسان است.

۵۱۴. پاداش صله ی رحم، از هر عبادتی زودتر می رسد.

۵۱۵. حکمت، بر شرافت انسان می افزاید.

ص: ۱۱۳

٥١٦. إِنَّ مُحَرَّمَ الْحَلَالِ كَمُحَلَّلِ الْحَرَامِ. (١)

٥١٧. إِنَّ أَحْسَابَ أَهْلِ الدُّنْيَا هَذَا الْمَالِ. (٢)

٥١٨. إِنَّ لِصَاحِبِ الْحَقِّ مَقَالًا. (٣)

٥١٩. إِنَّ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ مِنْ أَعْمَالِ أَهْلِ الْجَنَّةِ. (٤)

٥٢٠. إِنَّ أَحْسَنَ الْحَسَنِ الْخُلُقِ الْحَسَنُ (٥). (٦)

٥٢١. إِنَّ أَكْثَرَ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْبُلَّةُ (٧). (٨)

٥٢٢. إِنَّ أَقْلَ سَاكِنِي الْجَنَّةِ النِّسَاءُ (٩). (١٠)

٥٢٣. إِنَّ الْمَعُونَةَ (١١) تَأْتِي الْعَبْدَ مِنَ اللَّهِ عَلَى قَدْرِ الْمُؤْنَةِ، وَإِنَّ الصَّبْرَ يَأْتِي الْعَبْدَ عَلَى قَدْرِ الْمُصِيبَةِ. (١٢)

٥٢٤. إِنَّ أَبْرَّ الْبِرِّ أَنْ يَصِلَ (١٣) الرَّجُلُ أَهْلَ وَدِّ أَبِيهِ بَعْدَ أَنْ يُؤَلِّيَ الْأَبَّ. (١٤)

٥٢٥. إِنَّ الشَّيْطَانَ يَجْرِي مِنْ ابْنِ آدَمَ مَجْرَى الدَّمِ. (١٥)

٥٢٦. إِنَّ أَشْكَرَ النَّاسِ لِلَّهِ أَشْكَرُهُمْ لِلنَّاسِ. (١٦)

٥٢٧. إِنَّ إِعْطَاءَ هَذَا الْمَالِ قِتِيَّةً (١٧)، وَإِمْسَاكَهُ فَتَنَةٌ. (١٨)

٥٢٨. إِنَّ عَذَابَ هَذِهِ الْأُمَّةِ يُجْعَلُ فِي دُنْيَاهَا (١٩). (٢٠)

ص: ١١٤

١- (١) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ١٠٦، ح ٩٨٠.

٢- (٢) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ١٠٧، ح ٩٨٢.

٣- (٣) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ١٠٧، ح ٩٨٣.

٤- (٤) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ١٠٨، ح ٩٨٥.

٥- (٥) . هذه الجملة مروية عن المجتبي عليه السلام كما في سفينة البحار ج ١ ص ٤١٠.

٦- (٦) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ١٠٩، ح ٩٨٦.

٧- (٧) . ليس المراد من البله السفهاء الذين لا عقل لهم، بل المراد الغافلون عن الشر المطبوعون على الخير، أو الذين غلبت عليهم سلامه الصدر وحسن الظن بالناس كما في النهاية.

٨- (٨) . عوالي اللآلي، ج ١، ص ٧١، ح ١٣١.

٩- (٩) . لعل ذلك لغلبه الماديات عليهنّ وقله عقولهنّ وحظوظهنّ وأيمانهنّ، ولذلك ورد: «كمل من الرجال كثير، ومن النساء أربع» ولم يبعث منهنّ نبى، بل لو فُتس المفاسد والمعاصى كنّ الأصل فيها. وفي الوسائل كتاب النكاح الباب الرابع من المقدّمه روايات فى ذلك.

١٠- (١٠) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ١١١، ح ٩٩١.

١١- (١١) . أى المعونه تنزل على قدر المؤنه. كما فى الخبر، وقوله: تحت العبد؛ أى تحت اختياره.

١٢- (١٢) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ١١١، ح ٩٩٢.

١٣- (١٣) . أى يصل أباه، ثم أصدقاء أبيه؛ فإنّ حبيب الحبيب حبيب.

١٤- (١٤) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ١١١، ح ٩٩٤.

١٥- (١٥) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ١١٣، ح ٩٩٥.

١٦- (١٦) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ١١٣، ح ٩٩٦.

١٧- (١٧) . يريد أنّ الذى أعطيته فى سبيل الله يبقى وينفع، وأنّ ما أمسكته فتنه.

١٨- (١٨) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ١١٤، ح ٩٩٩.

١٩- (١٩) . أى يبتلون فيها بسوء أعمالهم كفّاره كى يطهروا، فلاتبقى تبعه عليهم حتّى أنّ مؤمناً يعثر أو يمرض لما ارتكب من الذنب. والأخبار فى ذلك كثيره.

٢٠- (٢٠) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ١١٥، ح ١٠٠٠.

۵۱۶. کسی که حلال خدا را حرام کند، مثل کسی است که حرام را حلال کرده است.

۵۱۷. شرف دنیا پرستان، در مال است.

۵۱۸. صاحب حق، می تواند سخن بگوید.

۵۱۹. اخلاق کریمانه، از اعمال اهل بهشت است.

۵۲۰. بهترین خوبی ها، اخلاق خوب است.

۵۲۱. بیشترین اهل بهشت از مردمان ساده هستند. [یعنی کسانی که در فکر شرارت نیستند].

۵۲۲. کمترین اهل بهشت، از زنان هستند.

۵۲۳. اعانت خداوند به قدر نیاز مردم به آنها می رسد. و صبر انسان به قدر مصیبت به او داده می شود.

۵۲۴. برترین احسان ها این است که بعد از مرگ پدر به دوستانش محبت و رسیدگی کنی.

۵۲۵. شیطان، مثل خون در وجود انسان جریان پیدا می کند.

۵۲۶. شاکرترین مردم نسبت به خداوند، شاکرترین آنها نسبت به مردم است.

۵۲۷. بذل کردن مال در دنیا، ذخیره کردن و نگهداری آن فتنه است.

۵۲۸. عذاب این امت [اسلام] را در دنیای او قرار داده اند.

٥٢٩. إِنَّ الرَّجُلَ لَيُحْرَمُ الرِّزْقَ بِالذَّنْبِ يُصِيبُهُ. (١)
٥٣٠. إِنَّ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ مَنْ لَوْ أَقْسَمَ عَلَى اللَّهِ لِأَبْرَةٍ. (٢)
٥٣١. إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا يَعْرِفُونَ النَّاسَ بِالتَّوَسُّمِ. (٣)
٥٣٢. إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا خَلَقَهُمْ لِحَوَائِجِ النَّاسِ. (٤)
٥٣٣. إِنَّ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يَرْفَعَ شَيْئًا مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا وَضَعَهُ. (٥). (٤)
٥٣٤. إِنَّ لِحَوَائِجِ الْكِتَابِ حَقًّا كَرَدَّ السَّلَامِ. (٧)
٥٣٥. إِنَّ أَفْضَلَ مَا أَكَلَ الرَّجُلُ مِنْ كَسْبِهِ، وَإِنَّ وُلْدَهُ مِنْ كَسْبِهِ. (٨). (٩)
٥٣٦. إِنَّ الْمَسْأَلَةَ لَا تَحِلُّ إِلَّا لِلْفَقِيرِ مُدَقِّعٍ (١٠)، أَوْ غُرْمٍ مُفْطَعٍ (١١). (١٢)
٥٣٧. إِنَّ قَلِيلَ الْعَمَلِ مَعَ الْعِلْمِ كَثِيرٌ، وَكَثِيرَ الْعَمَلِ مَعَ الْجَهْلِ قَلِيلٌ. (١٣)
٥٣٨. إِنَّ الْعَبْدَ لَيُدْرِكُ بِحُسْنِ الْخُلُقِ دَرَجَةَ الصَّائِمِ الْقَائِمِ. (١٤)
٥٣٩. إِنَّ لِكُلِّ دِينٍ خُلُقًا، وَإِنَّ خُلُقَ هَذَا الدِّينِ الْحَيَاءُ (١٥). (١٦)
٥٤٠. إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ شَرَفًا، وَإِنَّ أَشْرَفَ الْمَجَالِسِ مَا اسْتُقْبِلَ بِهِ الْقِبْلَةُ. (١٧)
٥٤١. إِنَّ لِكُلِّ أُمَّةٍ فِتْنَةً، وَإِنَّ فِتْنَةَ أُمَّتِي الْمَالُ. (١٨)
٥٤٢. إِنَّ لِكُلِّ سَاعٍ غَايَةً، وَغَايَةُ كُلِّ سَاعٍ الْمَوْتُ. (١٩)
٥٤٣. إِنَّ لِكُلِّ قَوْلٍ مُصَدِّقًا، وَلِكُلِّ حَقٍّ حَقِيقَةً. (٢٠)

ص: ١١٦

- ١- (١). مسند الشهاب، ج ٢، ص ١١٥، ح ١٠٠١.
- ٢- (٢). مسند الشهاب، ج ٢، ص ١١٦، ح ١٠٠٢.
- ٣- (٣). مسند الشهاب، ج ٢، ص ١١٧، ح ١٠٠٥.
- ٤- (٤). عوالي اللآلي، ج ١، ص ٣٧٣، ح ٨٦.
- ٥- (٥). أى لا يكون شىء من الدنيا ربيعاً دائماً، بل يزول ويفنى.
- ٦- (٦). مسند الشهاب، ج ٢، ص ١١٩، ح ١٠٠٩.

٧- (٧) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ١١٩، ح ١٠١٠.

٨- (٨) . إنَّما جعل الولد كسباً؛ لأنَّ الوالد طلبه و سعى في تحصيله. والكسب: الطلب، و السعى في طلب الرزق و المعيشه (النهايه: ١٧١/٤).

٩- (٩) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ١٢٠، ح ١٠١٢.

١٠- (١٠) . مُدَقِّع: أى شديد يفضى بصاحبه إلى الدَّقْعاء - وهو التراب - : وقيل هو سوء احتمال الفقر (النهايه: ١٢٧/٢).

١١- (١١) . المُفْطَعُ: الشديد الشنيع (لسان العرب: ٢٥٤/٨).

١٢- (١٢) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ١٢٠، ح ١٠١٣.

١٣- (١٣) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ١٢١، ح ١٠١٥.

١٤- (١٤) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ١٢٢، ح ١٠١٧.

١٥- (١٥) . الخُلق - بالضم - : الديدن والطبع والسجيه، يعنى أنْ لكلِّ دين سَجِيَّةً وطبعاً، وُخُلِقَ هذا الدين الحياء. وهذه الجملة بيان بليغ فى شرف الحياء وأهميته فى الدين. والأخبار فى مدحها كثيره منها: «الحياء من الإيمان» «الحياء والإيمان مقرونان». «الإسلام عريان فلباسه الحياء...».

١٦- (١٦) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ١٢٣، ح ١٠١٨.

١٧- (١٧) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ١٢٤، ح ١٠٢٠.

١٨- (١٨) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ١٢٤، ح ١٠٢٢.

١٩- (١٩) . الدعوات، ص ٢٣٦، ح ٦٥٧.

٢٠- (٢٠) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ١٢٧، ح ١٠٢٨.

۵۲۹. انسان به سبب گناه از روزی خود محروم می شود.
۵۳۰. بعضی از بندگان خدا، اگر خدا را قسم بدهند، بی درنگ اجابت می شوند.
۵۳۱. خداوند بندگان را با قیافه می شناسند.
۵۳۲. خداوند، بندگان را دارد که آنها را برای رفع نیاز مردم آفریده است.
۵۳۳. حق خداوند است که چیزی را در دنیا رفیع نگرداند، مگر اینکه آن را دوباره به زیر می آورد.
۵۳۴. جواب نامه هم مثل جواب سلام، لازم است.
۵۳۵. بهترین غذا، فراورده ی کسب انسان است. فرزند هم کسب پدر است.
۵۳۶. گدائی کردن حلال نیست، مگر با فقر طاعت فرسا یا قرض بیش از حد.
۵۳۷. کار کم به همراه علم بسیار و کار بسیار به همراه نادانی، ناچیز است.
۵۳۸. انسان با اخلاق نیکو به درجه روزه دار شب زنده دار می رسد.
۵۳۹. هر دینی اخلاق خاصی دارد، اخلاق این دین، حیاء است.
۵۴۰. هر چیزی شرف دارد و شریف ترین مکان مجلس، جایی است که رو به قبله باشد.
۵۴۱. هر امتی دچار فتنه ای می شود. فتنه امت من مال است.
۵۴۲. هر تلاشگری مقصدی دارد. سرانجام همه مرگ است.
۵۴۳. هر سخن موردی دارد. و هر حق، حقیقتی دارد.

٥٤٤. إِنَّ لِكُلِّ مَلِكٍ حِمَى، وَإِنْ حِمَى اللَّهِ مَحَارِمُهُ. (١)

٥٤٥. إِنَّ لِكُلِّ صَائِمٍ دَعْوَةً. (٢)

٥٤٦. إِنَّ الْمُؤْمِنَ يُوجِزُ فِي نَفَقَتِهِ كُلِّهَا، إِلَّا شَيْئًا جَعَلَهُ فِي التُّرَابِ أَوْ الْبِنَاءِ. (٣)

٥٤٧. إِنَّ الْحَسَدَ لَيَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ. (٤)

٥٤٨. إِنَّ أَكْثَرَ مَا يُدْخِلُ النَّاسَ النَّارَ الْأَجُوفَانَ: الْفَرْجُ وَالْفَمُ. (٥)

٥٤٩. إِنَّ أَكْثَرَ مَا يُدْخِلُ النَّاسَ الْجَنَّةَ تَقْوَى اللَّهِ وَحُسْنُ الْخُلُقِ. (٦)

٥٥٠. إِنَّ الْفِتْنَةَ تَجِيءُ فَتَنْسِفُ الْعِبَادَ نَسْفًا (٧)، فَيَنْجُو الْعَالِمُ مِنْهَا بِعِلْمِهِ. (٨)

٥٥١. إِنَّ الْعَيْنَ لَتُدْخِلُ الرَّجُلَ الْقَبْرَ، وَتُدْخِلُ الْجَمَلَ الْقِدْرَ. (٩)

٥٥٢. إِنَّ الَّذِي يَجُزُّ ثَوْبَهُ خِيَلًا لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (١٠)

٥٥٣. إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ. (١١)

٥٥٤. إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمَلْحِينَ فِي الدُّعَاءِ. (١٢)

٥٥٥. إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْأَبْرَارَ الْأَخْفِيَاءَ الْأَتْقِيَاءَ. (١٣)

٥٥٦. إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُؤْمِنَ الْمُحْتَرِفَ (١٤). (١٥)

٥٥٧. إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ كُلَّ قَلْبٍ حَزِينٍ. (١٦)

٥٥٨. إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مَعَالِيَ الْأُمُورِ وَأَشْرَافَهَا، وَيَكْرَهُ سَفْسَافَهَا (١٧). (١٨)

٥٥٩. إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ تُؤْتَى رُخْصَتُهُ كَمَا يُحِبُّ أَنْ تُتْرَكَ مَعْصِيَتُهُ. (١٩)

ص: ١١٨

١- (١). مسند الشهاب، ج ٢، ص ١٢٧، ح ١٠٢٩.

٢- (٢). الدعوات، ص ٢٦، ح ٤٤.

٣- (٣). مسند الشهاب، ج ٢، ص ١٣٥، ح ١٠٤٦.

٤- (٤). مسند الشهاب، ج ٢، ص ١٣٦، ح ١٠٤٨.

٥- (٥) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ١٣٧، ح ١٠٥٠.

٦- (٦) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ١٣٧، ح ١٠٥٠.

٧- (٧) . نَسَفَت الرِيحُ الترابَ نَسْفًا: اقتلَعته وفَرَّقته (المصباح المنير: ٦٠٣). والنجد من باب نصر بمعنى وضح واستبان؛ أى يستبين العالم الحق منها بعلمه.

٨- (٨) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ١٤٠، ح ١٠٥٦.

٩- (٩) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ١٤٠، ح ١٠٥٧.

١٠- (١٠) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ١٤١، ح ١٠٦٠.

١١- (١١) . الخصال، ص ٦١٣.

١٢- (١٢) . الدعوات، ص ٢٠، ح ١٥.

١٣- (١٣) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ١٤٨، ح ١٠٧١.

١٤- (١٤) . المحترف: المكتسب.

١٥- (١٥) . الكافي، ج ٥، ص ١١٣، ح ١.

١٦- (١٦) . الدعوات، ص ١٢٠، ح ٢٨١.

١٧- (١٧) . السَّفساف: الأمر الحقيق والرديء من كلِّ شيء، وهو ضدُّ المعالي والمكارم وأصله ما يطير من غبار الدقيق إذا نُجِل، والتراب إذا اثير (النهاية: ٣٧٣/٢).

١٨- (١٨) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ١٥٠، ح ١٠٧٦.

١٩- (١٩) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ١٥١، ح ١٠٧٨.

۵۴۴. هر حاکمی قرقگاه دارد. و قرقگاه خداوند کارهای حرام است.

۵۴۵. هر روزه دار، دعای مستجابی دارد.

۵۴۶. مؤمن در مقابل آنچه هزینه می کند، پاداشی دارد. بجز هزینه ای که برای خاک یا ساختمان مصرف کند.

۵۴۷. حسادت اعمال نیک را می بلعد. چنانکه آتش هیزم را می بلعد.

۵۴۸. بیشترین چیزی که مردم را به دوزخ می اندازد، دو حفره است. فرج و دهان.

۵۴۹. بیشترین چیزی که مردم را به بهشت می برد، تقوی و اخلاق نیکو است.

۵۵۰. فتنه می آید و همه از جا کنده می شوند. به جز عالم که در پرتو علمش نجات می یابد.

۵۵۱. چشم بد [چشم زدن چشم شور] انسان را وارد قبر و شتر را وارد دیگ می کند.

۵۵۲. خداوند به کسی که با تکبر لباس بپوشد، در قیامت نظر نمی کند.

۵۵۳. خداوند زیباست. و زیبایی را دوست دارد.

۵۵۴. خداوند کسی را که در دعا اصرار ورزد، دوست دارد.

۵۵۵. خداوند مردم نیک سیرتی را که گمنام و پرهیزکار است را دوست دارد.

۵۵۶. خداوند مؤمن کاسب را دوست دارد.

۵۵۷. خداوند هر قلب محزون را دوست دارد.

۵۵۸. خداوند کارهای شریف و بلند مرتبه را دوست دارد. و از کارهای پست اکراه دارد.

۵۵۹. خداوند دوست دارد که از حلال استفاده کنند. چنان که دوست دارد، حرام را ترک کنند.

٥٦٠. إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْبَصِيرَ النَّافِذَ عِنْدَ مَجِيءِ الشَّهَوَاتِ (١) ، وَالْعَقْلَ الْكَامِلَ عِنْدَ نُزُولِ الشُّبُهَاتِ، وَيُحِبُّ السَّمَاخَةَ (٢) وَلَوْ عَلَى تَمْرَاتٍ، وَيُحِبُّ الشَّجَاعَةَ وَلَوْ عَلَى قَتْلِ حَيِّهِ (٣).

٥٦١. إِنَّ رَبَّكَ يُحِبُّ الْمُحَامِدَ (٤).

٥٦٢. إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ السَّهْلَ الطَّلَقَ (٥).

٥٦٣. إِنَّ اللَّهَ يَقْبَلُ تَوْبَةَ عَبْدِهِ مَا لَمْ يُغْرِغْ (٦). (٧).

٥٦٤. إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ الْعِفْرِيَةَ (٨) النَّفْرِيَةَ الَّتِي لَمْ يُرْزَأْ فِي جِسْمِهِ وَلَا مَالِهِ (٩).

٥٦٥. إِنَّ اللَّهَ كَرِهَ لَكُمْ الْكَفَّاتِ فِي الصَّلَاةِ، وَالرَّفَثَ (١٠) فِي الصِّيَامِ، وَالضُّحْكَ عِنْدَ الْمَقَابِرِ (١١).

٥٦٦. إِنَّ اللَّهَ يَنْهَأكُمْ عَنْ قِيلٍ وَقَالَ، وَإِضَاعِهِ الْمَالِ، وَكَثْرَةِ السُّؤَالِ (١٢).

٥٦٧. إِنَّ اللَّهَ يَغَارُ لِلْمُسْلِمِ فَلْيَغْرِ (١٣).

٥٦٨. إِنَّ اللَّهَ لَا يَرْحَمُ مِنْ عِبَادِهِ إِلَّا الْأَرْحَمَاءَ (١٤).

٥٦٩. إِنَّ اللَّهَ لَيَدْرَأُ بِالصَّدَقَةِ سَبْعِينَ مِئَةً مِنَ السُّوءِ (١٥).

٥٧٠. إِنَّ اللَّهَ لَيُؤَيِّدُ هَذَا الدِّينَ بِالرَّجُلِ الْفَاجِرِ (١٦).

٥٧١. إِنَّ اللَّهَ لَيَرْضَى عَنِ الْعَبْدِ أَنْ يَأْكُلَ الْأَكْلَةَ أَوْ يَشْرَبَ الشَّرْبَةَ فَيَحْمَدَهُ عَلَيْهَا (١٧).

٥٧٢. إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَنْعَمَ عَلَى عَبْدِهِ نِعْمَةً أَحَبَّ أَنْ تَرَى عَلَيْهِ (١٨).

ص: ١٢٠

١- (١) . أَي أَنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْبَصِيرَ الْمَصِيبَ الدَّقِيقَ عِنْدَ مَجِيءِ الشَّهَوَاتِ؛ إِذْ عِنْدَهَا يَقَعُ الْاِشْتِبَاهُ كَثِيرًا.

٢- (٢) . السَّمَاخَةُ: الْجُودُ (لِسَانَ الْعَرَبِ: ٤٨٩/٢).

٣- (٣) . مُسْنَدُ الشَّهَابِ، ج ٢، ص ١٥٢، ح ١٠٨٠.

٤- (٤) . مُسْنَدُ الشَّهَابِ، ج ٢، ص ١٥٣، ح ١٠٨٢.

٥- (٥) . مُسْنَدُ الشَّهَابِ، ج ٢، ص ١٥٤، ح ١٠٨٤.

٦- (٦) . أَي مَا لَمْ تَبْلُغْ رُوحَهُ حَلْقُومَهُ فَتَكُونُ بِمَنْزِلَةِ الشَّيْءِ الَّذِي يَتَغَرَّغُ بِهِ الْمَرِيضُ، وَالغَرَّغَةُ: أَنْ يَجْعَلَ الْمَشْرُوبَ فِي الْفَمِ وَيُرَدُّ إِلَى أَصْلِ الْحَلْقِ وَلَا يَبْلَعُ (النِّهَايَةُ). شَبَّهَ بِهِ صَوْتَ نَفْسِ الْإِنْسَانِ عِنْدَ مَوْتِهِ.

٧- (٧) . مُسْنَدُ الشَّهَابِ، ج ٢، ص ١٥٤، ح ١٠٨٥.

- ٨- (٨) . العفاره: الخبث والشيطنه، ومنه الحديث: «إنَّ الله يبغض العفريه النفريه» هو الداهى الخبيث الشرير، ومنه العفريت. وقيل: هو الجموع المنوع. وقيل الظلوم. وقال الجوهرى فى تفسير العفريه: المصحح، والنفريه اتباع له. وكأنّه أشبه لأنّه قال فى تمامه: الذى لا يُرزأ فى أهل ولا مال (النهايه: ٢٦٢/٣).
- ٩- (٩) . الدعوات، ص ١٧٢، ح ٤٨٢.
- ١٠- (١٠) . الرفث: كلمه جامعها لكل ما يريد الرجل من المرأه (النهايه: ٢٤١/٢).
- ١١- (١١) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ١٥٥، ح ١٠٨٧.
- ١٢- (١٢) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ١٥٦، ح ١٠٨٨.
- ١٣- (١٣) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ١٥٧، ح ١٠٩١.
- ١٤- (١٤) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ١٥٨، ح ١٠٩٣.
- ١٥- (١٥) . الدعوات، ص ١٨١، ح ٥٠٢.
- ١٦- (١٦) . منيه المريد، ص ١٤٥.
- ١٧- (١٧) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ١٦٠، ح ١٠٩٨.
- ١٨- (١٨) . الكافى، ج ٦، ص ٤٤٤، ح ١٣، وفيه: «أحب أن يراها عليه».

۵۶۰. خداوند، چشم تیزبین هنگام روی آوردن شهوت و عقل کامل هنگام فرود آمدن شبهه را دوست دارد. و نیز بخشش، گر چه چند دانه خرما باشد، و شجاعت را گرچه در کشتن مار باشد دوست دارد.

۵۶۱. خدای تو، ستایش‌ها [ی تو بر خود] را دوست دارد.

۵۶۲. خداوند، انسان نرم خوی آزاده را دوست دارد.

۵۶۳. خداوند، توبه بنده را - قبل از رسیدن جان به گلوگاه - می پذیرد.

۵۶۴. خداوند، از کسی که شیطنت و ناپاکی دارد و خسارت مالی و جسمی نبیند، متنفر است.

۵۶۵. خداوند، از کارهای بیهوده در نماز و نزدیکی در روزه و خنده در قبرستان، اکراه دارد.

۵۶۶. خداوند، شما را از قیل و قال [سخن گزافه] و تلف کردن مال و بسیاری سؤال [درخواست] نهی فرموده است.

۵۶۷. خداوند به خاطر مسلمان به غیرت می آید، پس او هم باید غیرتمند باشد.

۵۶۸. خداوند جز به مردم مهربان، ترحم نمی کند.

۵۶۹. خداوند بوسیله صدقه، هفتاد نوع مرگ بد را دور می کند.

۵۷۰. خداوند [گاهی] بوسیله مرد بی دین، این دین را تأیید می کند.

۵۷۱. همین که بنده لقمه ای بخورد یا جرعه ای بنوشد و شکر گزاری کند، خداوند از او راضی می شود.

۵۷۲. خداوند دوست دارد هنگامی که نعمتی به بنده می دهد، آن نعمت در ظاهر او دیده شود.

٥٧٣. إِنَّ اللَّهَ لَا يَقْبِضُ الْعِلْمَ انْتِزَاعًا يَنْتَرِعُهُ مِنَ النَّاسِ، وَلَكِنْ يَقْبِضُ الْعِلْمَ بِقَبْضِ الْعُلَمَاءِ. (١)

٥٧٤. إِنَّ اللَّهَ يُعْطِي الدُّنْيَا عَلَى نَيْبِهَا الْآخِرَةِ (٢)، وَأَبَى أَنْ يُعْطِيَ الْآخِرَةَ عَلَى نَيْبِ الدُّنْيَا. (٣)

٥٧٥. إِنَّ اللَّهَ يَسْتَحْيِي مِنَ الْعَبْدِ أَنْ يَرْفَعَ إِلَيْهِ يَدَيْهِ فَيُرَدَّهُمَا خَائِبَتَيْنِ. (٤)

٥٧٦. إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ لِي الْأَرْضَ مَسْجِدًا وَطَهْرًا. (٥)

٥٧٧. إِنَّ اللَّهَ زَوَى (٦) لِي الْأَرْضَ فَرَأَيْتُ مَشَارِقَهَا وَمَغَارِبَهَا، وَإِنَّ مُلْكَ أُمَّتِي سَيَبْلُغُ مَا زُوِيَ لِي مِنْهَا. (٧)

٥٧٨. إِنَّ اللَّهَ تَجَاوَزَ لِأُمَّتِي عَمَّا حَدَّثَتْ بِهِ أَنْفُسَهَا، مَا لَمْ تَتَكَلَّمْ بِهِ أَوْ تَعْمَلْ بِهِ. (٨)

٥٧٩. إِنَّ اللَّهَ بِقِسْطِهِ وَبِعَدْلِهِ جَعَلَ الرُّوحَ (٩) وَالْفَرَاحَ فِي الْيَقِينِ وَالرِّضَا، وَجَعَلَ الْهَمَّ وَالْحَزْنَ فِي الشُّكِّ وَالسَّخَطِ. (١٠)

٥٨٠. إِنَّ اللَّهَ كَتَبَ الْغَيْبَةَ (١١) عَلَى النَّسَاءِ، وَالْجِهَادَ عَلَى الرِّجَالِ؛ فَمَنْ صَبَرَ مِنْهُمْ احْتِسَابًا كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ شَهِيدٍ. (١٢)

٥٨١. إِنَّ اللَّهَ عِنْدَ لِسَانِ كُلِّ قَائِلٍ. (١٣)

٥٨٢. إِنَّ اللَّهَ لَا يَقْبَلُ عَمَلَ عَبْدٍ حَتَّى يَرْضَى قَوْلَهُ. (١٤)

٥٨٣. إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ بِقَوْمٍ خَيْرًا ابْتَلَاهُمْ. (١٥)

٥٨٤. إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَذَابًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَالِمٌ لَمْ يَنْفَعَهُ اللَّهُ بِعِلْمِهِ. (١٦)

ص: ١٢٢

١- (١). الأما لي للمفيد، ص ٢٠.

٢- (٢). بأن يقصد من أعماله الدنيوية القربة، فتصير عباده فيجمع بين الدنيا والآخرة.

٣- (٣). مسند الشهاب، ج ٢، ص ١٦٤، ح ١١٠٨.

٤- (٤). مسند الشهاب، ج ٢، ص ١٦٥، ح ١١١٠.

٥- (٥). مسند الشهاب، ج ٢، ص ١٦٦، ح ١١١٢.

٦- (٦). زويت: أي جمعت (النهاية: ٣٢٠/٢).

٧- (٧). مسند الشهاب، ج ٢، ص ١٦٧، ح ١١١٣.

٨- (٨). مسند الشهاب، ج ٢، ص ١٦٨، ح ١١١٥.

٩- (٩). الرُّوح - بالفتح -: الراحه (القاموس المحيط: ٢٢٤/١).

١٠- (١٠). مسند الشهاب، ج ٢، ص ١٦٨، ح ١١١٦.

- ١١- (١١) . فى نهج البلاغه: غيره المرأه كفر وغيره الرجل إيمان: هى أن تغير فى الضرّه وتمنع زوجها من تعدد الزوجات، فعلى هذا يكون المراد أنّ الله كتب عليهم ماتغيرون فيه ويمتحنهم به، وإن كان المراد من غيرتها كونها عفيفه حافظه لنفسها عن غير زوجها، فالمعنى واضح، ولكن الغيره بهذا المعنى مكتوبه للرجال أيضاً.
- ١٢- (١٢) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ١٦٩، ح ١١١٧، وفيه: «احياء» بدل «الجهاد».
- ١٣- (١٣) . التوحيد، ص ٣٣٧، ح ٣.
- ١٤- (١٤) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ١٧٠، ح ١١١٩.
- ١٥- (١٥) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ١٧٠، ح ١١٢٠.
- ١٦- (١٦) . منيه المرید، ص ١٣٥.

۵۷۳. خداوند، علم را این گونه از مردم نمی گیرد که از دلشان بیرون آورد بلکه علم را با مرگ عالم از آنها می گیرد.

۵۷۴. خداوند، دنیا را به نیت آخرت می دهد. اما آخرت را به نیت دنیا نمی دهد.

۵۷۵. خداوند حیا می کند، دستی که به سوی او بلند شده است خالی برگرداند.

۵۷۶. خداوند زمین را برای من سجده گاه و پاک کننده قرار داده است. [روی زمین سجده و تیمم می کنم].

۵۷۷. خداوند زمین را به من نمود، بطوری که مشرق و مغرب آن را دیدم. و بر هر جا که نظر کردم، در آینده امت من حکومت خواهند کرد.

۵۷۸. خداوند امت مرا بر افکار نفسانی مؤاخذه نمی کند، مگر اینکه به زبان آید یا عملی شود.

۵۷۹. خداوند با عدل و قسط خود، راحتی و شادی را در یقین و رضا قرار داده است. و غم و اندوه را در شک و نارضایتی نهاده است.

۵۸۰. خداوند، ناراحتی هوو داری را برای زنان و جهاد را وظیفه مردان قرار داده است. و هر کس [از زن و مرد] برای رضای خدا صبر کند، پاداش شهید دارد.

۵۸۱. خداوند نزد زبان هر گوینده است.

۵۸۲. خداوند تا گفتار کسی را نپسندد، عملش را نمی پذیرد.

۵۸۳. خداوند زمانی که برای گروهی خیر خواهد، آنان را مبتلا می کند.

۵۸۴. در قیامت بدترین عذاب، برای عالم بی عمل است.

۵۸۵. در قیامت نزد خداوند بدترین مردم، کسی است که مردم از زبان او بترسند.

۵۸۶. یکی از بدترین مردم در قیامت، کسی است که آخرت خود را به دنیای دیگران بفروشد.

٥٨٧. إِنَّ أَشْقَى الْأَشْقِيَاءِ مَنْ اجْتَمَعَ عَلَيْهِ فَقْرُ الدُّنْيَا وَعَذَابُ الْآخِرَةِ. (١)

٥٨٨. إِنَّ مِنْ مَوْجِبَاتِ الْمَغْفِرَةِ إِدْخَالَ الشُّرُورِ عَلَى أَخِيكَ الْمُؤْمِنِ. (٢)

٥٨٩. إِنَّ مِنْ مَوْجِبَاتِ الْمَغْفِرَةِ بَدَلَ السَّلَامِ، وَحُسْنَ الْكَلَامِ. (٣)

٥٩٠. إِنَّ الدُّنْيَا حُلُوهٌ خَصْرَةٌ (٤)، وَإِنَّ اللَّهَ مُسْتَخْلِفُكُمْ فِيهَا لِيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ. (٥)

٥٩١. إِنَّ مِنْ قَلْبِ ابْنِ آدَمَ بِكُلِّ وَاِدٍ شُعْبَةٍ؛ فَمَنْ اتَّبَعَ قَلْبُهُ الشُّعْبَ كُلَّهَا لَمْ يُبَالِ اللَّهُ فِي أَيِّ وَاِدٍ أَهْلَكَهُ. (٦)

٥٩٢. إِنَّ هَذَا الدِّينَ مَتِينٌ (٧)؛ فَأَوْغِلْ فِيهِ بِرَفْقٍ، وَلَا تَبْغِضْ إِلَى نَفْسِكَ عِبَادَةَ اللَّهِ؛ فَإِنَّ الْمُتَبِّتَ لَا أَرْضًا قَطَعَ، وَلَا ظَهْرًا أَبْقَى. (٨)

٥٩٣. إِنَّ مِنَ الشُّنَنِ أَنْ يَخْرُجَ الرَّجُلُ مَعَ ضَيْفِهِ إِلَى بَابِ الدَّارِ. (٩)

٥٩٤. إِنَّ رُوحَ الْقُدْسِ نَفَثَ فِي رُوعِي (١٠) أَنْ نَفْسًا لَنْ تَمُوتَ حَتَّى تَسْتَكْمِلَ رِزْقَهَا؛ فَاتَّقُوا اللَّهَ، وَأَجْمِلُوا فِي الطَّلَبِ. (١١)

٥٩٥. إِنَّ مِمَّا أَدْرَكَ النَّاسُ مِنْ كَلَامِ النَّبِيِّ الْأُولَى: إِذَا لَمْ تَسْتَحِ فَاصْنَعْ مَا شِئْتَ. (١٢)

٥٩٦. إِنَّ فِي الصَّلَاةِ لَشُغْلًا. (١٣)

٥٩٧. إِنَّ الْمُصَلِّيَ لَيَقْرَعُ بَابَ الْمَلِكِ، وَإِنَّهُ مَنْ يُدِمُّ قَرَعَ الْبَابِ يُوْشِكُ أَنْ يُفْتَحَ لَهُ. (١٤)

٥٩٨. إِنَّ رَبِّي أَمَرَنِي أَنْ يَكُونَ نُطْقِي ذِكْرًا، وَصَمْتِي فِكْرًا، وَنَظْرِي عِبْرَةً. (١٥)

٥٩٩. إِنَّمَا أَنَا رَحْمَةٌ مُهْدَاةٌ. (١٦)

ص: ١٢٤

١- (١). مسند الشهاب، ج ٢، ص ١٧٤، ح ١١٢٦.

٢- (٢). مسند الشهاب، ج ٢، ص ١٨٠، ح ١١٣٩.

٣- (٣). مسند الشهاب، ج ٢، ص ١٨١، ح ١١٤٠.

٤- (٤). أى غَضَّه ناعمه طريه (النهايه: ٤١/٢).

٥- (٥). مسند الشهاب، ج ٢، ص ١٨١، ح ١١٤١.

٦- (٦). مسند الشهاب، ج ٢، ص ١٨٣، ح ١١٤٥.

٧- (٧). المتين: القوى الشديد. وأوغل من الإيغال؛ وهو السير الشديد يقال: أوغل القوم إذا أمعنوا فى سيرهم، والوغل: الدخول فى السير. أى إن هذا الدين قوى شديد، فادخلوا فيه وسيروا برفق، وابلغوا فيه الغايه القصوى بالرفق - ثم علله بقوله - فإن المتبت الخ... والمتبت من البت بمعنى القطع من باب التفعيل؛ أى المتكلف فى قطع الطريق والسائر بغير رفق، والظهر هنا المركب،

والمراد: أن السائر بغير رفق يهلك مركبه ولا يبلغ منزله.

٨- (٨) . المجازات النبويه، ص ٢٦٠، ح ٢٠٥.

٩- (٩) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ١٨٥، ح ١١٤٩.

١٠- (١٠) . رُوعى: أى نَفْسَى وَخَلْدَى. وَرُوحُ الْقُدْسِ: جبريل (النهايه: ٢٧٧/٢).

١١- (١١) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ١٨٦، ح ١١٥١.

١٢- (١٢) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ١٨٧، ح ١١٥٣.

١٣- (١٣) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ١٨٨، ح ١١٥٨.

١٤- (١٤) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ١٨٨، ح ١١٥٨.

١٥- (١٥) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ١٨٩، ح ١١٥٩.

١٦- (١٦) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ١٩٠، ح ١١٦٠.

۵۸۷. بدبخت ترین مردم، کسی است که در دنیا فقیر و در آخرت معذب باشد.

۵۸۸. از اسباب آمرزش، شاد کردن برادر مؤمن است.

۵۸۹. از اسباب آمرزش، سلام کردن و خوش زبانی است.

۵۹۰. دنیا سرسبز و شیرین است. و خداوند شما را جانشین گذشتگان قرار داده تا ببیند، چه می کنید.

۵۹۱. قلب آدمیزاده، در هر مکانی شعبه ای دارد [هوای نفس او را بر هر سو می کشد]. و کسی که قلب او در همه شعبه ها تبعیت [معصیت] کند، خداوند اهمیت نمی دهد که او را در کجا هلاک کند.

۵۹۲. این دین بسیار متین است. پس با رفق در آن درآیید و عبادت را مبعوض خود نکنید [با تندروری در عبادت کردن آن را بر خود ناخوش مدارید] چرا که انسان سخت گیر [بر مرکب خود] نه می تواند مسیر را تا به پایان ببیماید و نه می تواند مرکب خود را به سلامت نگه دارد.

۵۹۳. از آداب اسلامی این است که صاحب خانه، میهمان را تا درب خانه بدرقه کند.

۵۹۴. روح القدس به قلب من الهام کرد: هیچ کس تا تمام رزق خود را نخورد نمی میرد. پس پرهیزکار باشید. و برای بدست آوردن دست و پا نزنید [حریص نباشید].

۵۹۵. یکی از سخنان پیامبران گذشته که مردم به خاطر دارند این است: اگر حیا نداری هر چه خواهی بکن.

۵۹۶. بهترین کار، نماز است.

۵۹۷. نماز گزار، درب خانه ی مالک را می کوبد. و هر کس به کوبیدن ادامه دهد، امید گشایش هست.

۵۹۸. خداوند، به من فرمان داد که گفتارم ذکر و سکوتم فکر و نگاهم عبرت باشد.

۵۹۹. من رحمتی هستم که خداوند به بندگان هدیه کرده است.

٦٠٠. إِنَّمَا شِفَاءُ الْعِيِّ (١) السُّؤَالُ (٢).

٦٠١. إِنَّمَا يَعْرِفُ الْفَضْلَ لِأَهْلِ الْفَضْلِ ذُوو الْفَضْلِ (٣).

٦٠٢. إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ (٤).

٦٠٣. إِنَّمَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي الْأَيْمَةَ الْمُضْلِينَ (٥).

٦٠٤. إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَبِالْخَوَاتِيمِ (٦). (٧).

٦٠٥. إِنَّمَا بَقِيَ مِنَ الدُّنْيَا بَلَاءٌ وَفِتْنَةٌ (٨).

٦٠٦. إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَصْدَأُ (٩) كَمَا يَصْدَأُ الْحَدِيدُ. قِيلَ: فَمَا جَلَاؤُهَا؟ قَالَ: ذِكْرُ الْمَوْتِ، وَتِلَاوَةُ الْقُرْآنِ (١٠).

٦٠٧. أَلَا إِنَّ عَمَلَ الْجَنَّةِ حُزْنَ بَرِّئِهِ، أَلَا إِنَّ عَمَلَ النَّارِ - أَوْ قَالَ: الدُّنْيَا - سَهْلٌ بِسَهْوِهِ (١١). (١٢).

ص: ١٢٤

١- (١). العي: الجهل (النهاية: ٣/٣٣٤).

٢- (٢). مسند الشهاب، ج ٢، ص ١٩٠، ح ١١٦٢.

٣- (٣). عيون الحكم والمواعظ، ص ١٨٠؛ مسند الشهاب، ج ٢، ص ١٩٢، ح ١١٦٤.

٤- (٤). مسند الشهاب، ج ٢، ص ١٩٣، ح ١١٦٥.

٥- (٥). مسند الشهاب، ج ٢، ص ١٩٣، ح ١١٦٦.

٦- (٦). يعنى: أن صحه الأعمال تتوقف على الإخلاص لله، والانتفاع منها فى الآخرة على الختم بالخير وعدم إبطالها بالمعاصى والمِنَّه والسمعه والعجب بعد العمل.

٧- (٧). مسند الشهاب، ج ٢، ص ١٩٣، ح ١١٦٧.

٨- (٨). مسند الشهاب، ج ٢، ص ١٩٨، ح ١١٧٥.

٩- (٩). هو أن يركبها الرّين بمباشره المعاصى والآثام فيذهب بجلائها كما يعلو الصدأ وجه المرآه والسيف ونحوهما (النهاية: ١٥/٣) والصدأ: وسخ يتكوّن على وجه الحديد بسبب رطوبه الهواء.

١٠- (١٠). الدعوات، ص ٢٣٧، ح ٦٦٢، در مصدر «ذكر الله» است. مسند الشهاب، ج ٢، ص ١٩٩، ح ١١٧٨.

١١- (١١). جعل عليه الصلاه والسلام عمل الجنه كالخزن من الأرض؛ وهو ما غلظ منها؛ لأنه يصعب تجشّمه، فكذلك عمل الجنه يشقّ تكلفه، وزاد عليه السلام إيضاحاً بقوله: «خزن برّئوه» فلم يرض بأن جعله خزاناً حتى جعله برّئوه؛ وهى الأكمه العالیه ليكون تجشّمه أشقّ وتكلفه أصعب، ولم يرض عليه الصلاه والسلام بأن جعل عمل النار سهلاً وهو ضدّ الحزن حتى جعله بسهوه؛ ليكون أخفّ على فاعله وأهون على عامله (المجازات النبويه: ٣٦٥).

١٢- (١٢). مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢٠٠، ح ١١٨٠.

۶۰۰. شفای نادانی، پرسش است.

۶۰۱. ارزش اهل فضل را صاحبان فضیلت می شناسند.

۶۰۲. من برای تکمیل کرامت های اخلاقی مبعوث شده ام.

۶۰۳. من برای امت خود از سران گمراه کننده، بیمناک هستم.

۶۰۴. ارزش کارها، به نیت و نیز سرانجام آنها وابسته است.

۶۰۵. از دنیا، چیزی جز بلا و فتنه نمانده است.

۶۰۶. این قلبها، چون آهن زنگار می گیرند. پرسیدند: چگونه جلا داده شوند؟ فرمود: یادآوری مرگ و تلاوت قرآن.

۶۰۷. کار بهشت چون بالا رفتن از تپه [دشوار] و کار دوزخ - به روایتی کار دنیا - آسان و لذت بخش است.

ص: ۱۲۷

الفصل السابع: مما ورد من حكمه صلى الله عليه و آله مبدوءاً بلفظه «ليس»

قال النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

٦٠٨. لَيْسَ الْخَبِيرُ كَالْمُعَايِنَةِ. (١)

٦٠٩. لَيْسَ لِفَاسِقٍ غَيْبَةٌ. (٢)

٦١٠. لَيْسَ لِعِرْقٍ (٣) ظَالِمٍ حَقٌّ. (٤)

٦١١. لَيْسَ مِنْ خُلُقِ الْمُؤْمِنِ الْمَلَقُ (٥). (٦)

٦١٢. لَيْسَ بَعْدَ الْمَوْتِ مُسْتَعْتَبٌ. (٧)

٦١٣. لَيْسَ مِنْ مَنْ وَسَّعَ اللهُ عَلَيْهِ ثُمَّ قَتَرَ عَلَى عِيَالِهِ. (٨)

٦١٤. لَيْسَ مِنْ مَنْ تَشَبَّهَ بِغَيْرِنَا. (٩)

٦١٥. لَيْسَ مِنْ مَنْ لَمْ يَتَعَنَّ (١٠) بِالْقُرْآنِ. (١١)

٦١٦. لَيْسَ مِنْ مَنْ لَمْ يُوقِّرِ الْكَبِيرَ وَيَرْحَمْ (١٢) الصَّغِيرَ، وَيَأْمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ. (١٣)

ص: ١٢٨

١- (١). من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٣٧٨، ح ٥٧٨٨.

٢- (٢). مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢٠٣، ح ١١٨٥.

٣- (٣). هو أن يجيء الرجل إلى أرض قد أحيها رجل قبله فيغرس فيها غرساً غصباً ليستوجب به الأرض. والرواية «لعرق» بالتثوين، وهو على حذف المضاف؛ أي لذي عرقٍ ظالم، فجعل العرق نفسه ظالماً والحق لصاحبه أو يكون الظالم من صفه صاحب العرق. وإن روى «عرق» بالاضافة فيكون الظالم صاحب العرق، والحق للعرق وهو أحد عُروق الشجرة (النهاية: ٢١٩/٣).

٤- (٤). الخلاف، ج ٣، ص ٣٩١، م ٩.

٥- (٥). الملق - بالتحريك - : الزيادة في التوّدّد والدعاء والتضرّع فوق ما ينبغي (النهاية: ٣٥٨/٤).

٦- (٦). مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢٠٤، ح ١١٨٨.

٧- (٧). الدعوات، ص ٢٣٨، ح ٦٦٥.

٨- (٨). عوالي اللآلي، ج ١، ص ٢٥٥، ح ١٥.

٩- (٩). مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢٠٤، ح ١١٩٠.

١٠- (١٠). أراد عليه الصلاة والسلام: ليس من من لم يستغن بالقرآن عمّا سواه (المجازات النبويّة: ٢٣٤).

١١- (١١) . معانى الأخبار، ص ٢٧٩.

١٢- (١٢) . هذا الفعل وما بعده كلّها معطوف على يوقر؛ أى لم يرحم، ولم يأمر، ولم ينه.

١٣- (١٣) . مسند أحمد، ج ١، ص ٢٥٧.

فصل هفتم: سخنان حکمت آمیز پیامبر عظیم الشان صلی الله علیه و آله

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

۶۰۸. شنیدن، مانند دیدن نیست.

۶۰۹. گنه کار، غیبت ندارد. [گفتن گناهی که آشکارا مرتکب می شود، غیبت نیست].

۶۱۰. ریشه ای که ظالم در زمینی کاشته است، ایجاد حق نمی کند.

۶۱۱. خوی مؤمن چالپوسی نیست.

۶۱۲. پس از مرگ، عذری پذیرفته نیست.

۶۱۳. کسی که خدا به او وسعت داده، ولی او بر عائله اش تنگ گیرد، از ما نیست.

۶۱۴. کسی که از غیر ما الگو پذیرد و به آنها شبیه شود، از ما نیست.

۶۱۵. کسی که قرآن را به صورت غنا بخواند، از ما نیست.

۶۱۶. کسی که به بزرگتر احترام نکند و به اطفال ترحم نکند و امر به معروف و نهی از منکر را ترک کند، از ما نیست.

٦١٧. لَيْسَ بِكَذَّابٍ مَنْ أَصْلَحَ بَيْنَ اثْنَيْنِ، فَقَالَ خَيْرًا أَوْ نَمَى (١) خَيْرًا. (٢)

٦١٨. لَيْسَ الْغِنَى مِنْ كَثْرَةِ الْعَرَضِ (٣)، إِنَّمَا الْغِنَى غِنَى النَّفْسِ. (٤)

٦١٩. لَيْسَ الشَّدِيدُ بِالصَّرْعِ، (٥) إِنَّمَا الشَّدِيدُ الَّذِي يَمْلِكُ نَفْسَهُ عِنْدَ الْغَضَبِ. (٦)

٦٢٠. لَيْسَ شَيْءٌ أَكْرَمَ عَلَى اللَّهِ مِنَ الدُّعَاءِ. (٧)

٦٢١. لَيْسَ شَيْءٌ أَسْرَعَ عُقُوبَةً مِنْ بَغْيٍ. (٨)

٦٢٢. لَيْسَ لَكَ مِنْ مَالِكَ إِلَّا مَا أَكَلْتَ فَأَفْنَيْتَ، أَوْ لَبِئْتَ فَأَبْلَيْتَ، أَوْ تَصَدَّقْتَ فَأَمْضَيْتَ. (٩)

٦٢٣. رُبُّ قَائِمٍ لَيْسَ لَهُ مِنْ قِيَامِهِ إِلَّا السَّهْرُ، رُبُّ صَائِمٍ لَيْسَ لَهُ مِنْ صِيَامِهِ إِلَّا الْجُوعُ وَالْعَطَشُ. (١٠)

٦٢٤. وَرُبُّ طَائِعٍ شَاكِرٍ أَعْظَمَ أَجْرًا مِنْ صَائِمٍ صَابِرٍ. (١١)

ص: ١٣٠

١- (١) . يقال: نَمَيْتُ الْحَدِيثَ أَنْمَيْتُهُ: إِذَا بَلَغْتَهُ عَلَى وَجْهِ الْإِصْلَاحِ وَطَلَبِ الْخَيْرِ (النهاية: ١٢١/٥).

٢- (٢) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢١٠، ح ١٢٠٤.

٣- (٣) . العَرَضُ: مَتَاعُ الدُّنْيَا وَحَطَامَتُهَا (النهاية: ٢١٤/٣).

٤- (٤) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢١١، ح ١٢٠٨.

٥- (٥) . الصَّرْعُ: الْمَبَالِغُ فِي الصَّرَاحِ الَّذِي لَا يُغَلَّبُ، فَنَقَلَهُ إِلَى الَّذِي يَغْلِبُ نَفْسَهُ عِنْدَ الْغَضَبِ وَيَقْهَرُهَا (النهاية: ٢٣/٣).

٦- (٦) . تحف العقول، ص ٤٧.

٧- (٧) . الدعوات، ص ٢٠، ح ٢٠.

٨- (٨) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢١٥، ح ١٢١٥.

٩- (٩) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢١٦، ح ١٢١٧.

١٠- (١٠) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٣٠٩، ح ١٤٢٤.

١١- (١١) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٣١٠، ح ١٤٢٧.

۶۱۷. کسی که برای آشتی دو نفر سخنی بگوید یا نقل کند دروغگو نیست.

۶۱۸. ثروت، در مال زیاد نیست. بلکه در بی نیازی نفس است.

۶۱۹. قهرمانی به کشتی نیست. بلکه قهرمان کسی است که هنگام خشم بر خود مسلط باشد.

۶۲۰. نزد خداوند، چیزی گرامی تر از دعا نیست.

۶۲۱. کیفر هیچ گناهی، چون ظلم زودرس نیست.

۶۲۲. بهره تو از مال، چیزی جز آنچه بخوری و مصرف کنی و یا بپوشی و کهنه کنی یا صدقه دهی و پیش فرستی، نیست.

۶۲۳. بسا نماز شب خوان، جز بیخوابی و روزه دار، جز گرسنگی و تشنگی سودی نبرد.

۶۲۴. بسا اجر خورنده شاکر، بیشتر از روزه دار صابر است.

الفصل الثامن: ممّا ورد من حكمه صلى الله عليه وآله مبدوءاً

بلفظه خير وأفضل ونعم ونحوها

قال النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله:

٦٢٥. خَيْرُ الذِّكْرِ الْخَفِيُّ، وَخَيْرُ الرِّزْقِ مَا يَكْفِي، وَخَيْرُ الْعِبَادَةِ أَخْفَاهَا. وَخَيْرُ الْمَجَالِسِ أَوْسَعُهَا. (١).

٦٢٦. خَيْرُ دِينِكُمْ أَيْسَرُهُ. (٢). (٣).

٦٢٧. خَيْرُ النِّكَاحِ أَيْسَرُهُ. (٤).

٦٢٨. خَيْرُ الصَّدَقَةِ مَا كَانَ عَنْ ظَهْرِ غِنَى. (٥). (٦).

٦٢٩. خَيْرُ الْعَمَلِ مَا نَفَعَ. (٧).

٦٣٠. خَيْرُ الْهُدَى (٨) مَا اتَّبَعَ. (٩).

٦٣١. خَيْرُ مَا الْقِي فِي الْقَلْبِ الْيَقِينُ. (١٠).

٦٣٢. خَيْرُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ. (١١).

ص: ١٣٢

١- (١). «خير الذكر... يكفي»، مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢١٧، ح ١٢١٨؛ «و خير العباده أخفاها»، مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢١٨،

ح ١٢٢١؛ «و خير المجالس أوسعها»، مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢١٩، ح ١٢٢٢.

٢- (٢). في الحديث «يسروا ولا تعسروا» وفيه «إن هذا الدين يسر» قال الله سبحانه: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ»

وفي الحديث: «أن الخوارج ضيقوا على أنفسهم» وكل ذلك نهى عمّا فعله الخوارج من التشديد على أنفسهم، أو نهى عن كثره

العباده بحيث تكون النفس مشتمّته عن العباده. وفي «الوسائل» عقد باباً لبيان الاقتصاد في العباده فراجع.

٣- (٣). مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢٢٠، ح ١٢٢٤.

٤- (٤). مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢٢٠، ح ١٢٢٦.

٥- (٥). عن ظهر غنى: أى عفواً قد فضل عن غنى. وقيل: أراد مافضل عن العيال. والظهر قد يزداد فى مثل هذا إشباعاً للكلام

وتمكيناً كأن صدقته مستنده إلى ظهر قوى من المال. (النهايه: ١٦٥/٣).

٦- (٦). منتهى المطلب، ج ١، ص ٥٥٢.

٧- (٧). مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢٢٢، ح ١٢٣٣.

٨- (٨). وذلك لأن الهدى وإن كان خيراً فى نفسه إلا أن الانتفاع منه يصيره أفضل من غيره.

- ٩- (٩) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢٢٢، ح ١٢٣٣.
- ١٠- (١٠) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢٢٢، ح ١٢٣٣.
- ١١- (١١) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢٢٣، ح ١٢٣٤.

فصل هشتم: قسمت دیگری از بیانات حکیمانه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

۶۲۵. بهترین ذکر، ذکر مخفی و بهترین رزق آنکه بقدر کفایت باشد. و بهترین عبادت، پنهان ترین آن و بهترین مجالس وسیع ترین آنها است.

۶۲۶. بهترین کار دین، آسان ترین آنهاست.

۶۲۷. بهترین ازدواج، ساده ترین آنهاست.

۶۲۸. بهترین صدقه، آن است که بی نیاز صدقه دهد.

۶۲۹. بهترین کار، آن است که سودمند باشد.

۶۳۰. بهترین هدایت، آن است که از آن پیروی شود.

۶۳۱. بهترین الهام به قلب، یقین است.

۶۳۲. بهترین مردم، نافع ترین آنها برای مردم است.

ص: ۱۳۳

٦٣٣. خَيْرُ الْأَصْحَابِ عِنْدَ اللَّهِ خَيْرُهُمْ لِصَاحِبِهِ. (١).

٦٣٤. خَيْرُ الرَّفَقَاءِ أَرْبَعَةٌ، وَخَيْرُ الْجُيُوشِ أَرْبَعَةٌ آلاَفٍ. (٢).

٦٣٥. خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ. (٣).

٦٣٦. خَيْرُكُمْ خَيْرُ [كُمْ] (٤) لِأَهْلِهِ. (٥).

٦٣٧. خَيْرُكُمْ مَنْ يُرْجَى خَيْرُهُ، وَيُؤْمَنُ مِنْ شَرِّهِ. (٦).

٦٣٨. خَيْرُ بُيُوتِكُمْ بَيْتٌ فِيهِ يَتِيمٌ مُكْرَمٌ. (٧).

٦٣٩. خَيْرُ مَسَاجِدِ النِّسَاءِ قَعْرُ بُيُوتِهِنَّ. (٨).

٦٤٠. إِنَّ خَيْرَ نِيَابِكُمْ الْبَيَاضُ، وَإِنَّ مِنْ خَيْرِ أَكْحَالِكُمْ الْإِثْمِدَ (٩). (١٠).

٦٤١. خَيْرُ شَبَابِكُمْ مَنْ تَشَبَهَ بِالْكُهُولِ، وَشَرُّ كُهُولِكُمْ مَنْ تَشَبَهَ بِشَبَابِكُمْ. (١١).

٦٤٢. خَيْرُ صُفُوفِ الرِّجَالِ أَوْلَاهَا، وَشَرُّهَا آخِرُهَا. وَخَيْرُ صُفُوفِ النِّسَاءِ آخِرُهَا، وَشَرُّهَا أَوْلَاهَا. (١٢).

٦٤٣. الْيَدُ الْعُلْيَا خَيْرٌ مِنَ الْيَدِ السُّفْلَى (١٣). (١٤).

٦٤٤. مَا قَلَّ وَكَفَى خَيْرٌ مِمَّا كَثُرَ وَأَلْهَى. (١٥).

٦٤٥. خِيَارُ الْمُؤْمِنِينَ الْقَائِعُ، وَشِرَارُهُمُ الطَّامِعُ. (١٦).

٦٤٦. الدُّنْيَا مَتَاعٌ، وَخَيْرُ مَتَاعِهَا الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ. (١٧).

٦٤٧. الْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ جَلِيسِ السُّوَى، وَالْجَلِيسُ الصَّالِحُ خَيْرٌ مِنَ الْوَحْدَةِ، وَإِمْلَاءُ الْخَيْرِ خَيْرٌ مِنَ السُّكُوتِ، وَالسُّكُوتُ خَيْرٌ مِنَ إِمْلَاءِ

الشَّرِّ. (١٨).

ص: ١٣٤

١- (١). مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢٢٤، ح ١٢٣٥.

٢- (٢). مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢٢٥، ح ١٢٣٦.

٣- (٣). عوالي اللآلي، ج ١، ص ٩٩، ح ١٧.

٤- (٤). الزيادة من الفقيه، وهو ما يقتضيه السياق.

٥- (٥). من لا يحضره الفقيه، ج ٣، ح ٥٥٥، ح ٤٩٠٨.

٦- (٦) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢٢٨، ح ١٢٤٦.

٧- (٧) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢٣٠، ح ١٢٤٩.

٨- (٨) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢٣٢، ح ١٢٥٢.

٩- (٩) . الإثم: حجر الكحل، وهو أسود إلى حمرة، ومعدنه بأصبهان، وهو أجوده، وبالمغرب وهو أصلب (تاج العروس: ٣١٢/٢).

١٠- (١٠) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢٣٢، ح ١٢٥٣، «إن من خير ثيابكم البياض؛ فلبسوها أحياءكم و كفنوا فيها موتاكم. وإن من خير أكحالكم الإثم».

١١- (١١) . مشكاة الأنوار، ص ٢٩٧.

١٢- (١٢) . عوالي اللآلي، ج ١، ص ١١٠، ح ١٣.

١٣- (١٣) . اليد العليا كناية عن المعطية، واليد السفلى كناية عن السائله. وهذا ترغيب في السخاء والجود وتحذير عن السؤال.

١٤- (١٤) . من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٣٧٦، ح ٥٧٦٣.

١٥- (١٥) . من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٣٧٦، ح ٥٧٦٤.

١٦- (١٦) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢٤١، ح ١٢٧٤.

١٧- (١٧) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢٣٦، ح ١٢٦٤.

١٨- (١٨) . المستدرک، ج ٣، ص ٣٤٤.

۶۳۳. بهترین همراهان نزد خدا، کسی است که برای همراهش از همه بهتر باشد.

۶۳۴. بهترین تعداد دوستان، چهار نفر است. و بهترین لشکر، چهار هزار نفر است.

۶۳۵. بهترین شما، کسی است که قرآن را فرا گیرد و به دیگران بیاموزد.

۶۳۶. بهترین شما، کسی است که با خانواده اش بهتر باشد.

۶۳۷. بهترین شما، کسی است که به خیرش امید می رود و از شروی در امان باشند.

۶۳۸. بهترین خانه شما، خانه ای است که در آن یتیمی گرامی داشته شود.

۶۳۹. بهترین مسجد برای زنان، کنج خانه است.

۶۴۰. بهترین لباس شما، سفید رنگ و بهترین سرمه، سنگ سیاه است.

۶۴۱. بهترین جوانان شما، آن است که خود را شبیه پیران درآورد [درک و عقل کامل داشته باشد] و بدترین پیران شما، کسانی هستند که خود را به جوانها شبیه کنند.

۶۴۲. بهترین صف مردان [نماز جماعت]، صف اول و بدترین صف، صف آخر است. و بهترین صف زنان آخرین و بدترین صف زنان، اولین صف است.

۶۴۳. دست بخشنده، بهتر از دست گیرنده است.

۶۴۴. مال کم و کافی، بهتر از مال زیاد و غفلت آور است.

۶۴۵. بهترین مؤمنین، کسی است که قانع باشد. و بدترین آنها، طمع کار است.

۶۴۶. دنیا متاع است. و بهترین متاع همسر شایسته است.

۶۴۷. تنهایی بهتر از همنشین بد است. و رفیق خوب از تنهایی بهتر است. و سخنان خیر، بهتر از سکوت است. و سکوت، بهتر از سخنان شر است.

٦٤٨. اسْتِمَامُ الْمَعْرُوفِ خَيْرٌ مِنْ ابْتِدَائِهِ (١). (٢).

٦٤٩. عَمَلٌ قَلِيلٌ فِي سُنَّةِ خَيْرٍ مِنْ عَمَلٍ كَثِيرٍ فِي بَدْعِهِ (٣).

٦٥٠. خِيَارُكُمْ كُلُّ مُفْتَنٍ تَوَابٍ (٤). (٥).

٦٥١. خِيَارُكُمْ أَحْسَنُكُمْ قَضَاءً (٦).

٦٥٢. خِيَارُ أُمَّتِي عُلَمَاؤُهَا، وَخِيَارُ عُلَمَائِهَا حُلَمَاؤُهَا (٧).

٦٥٣. خِيَارُ أُمَّتِي أَحَدَاؤُهَا (٨) الَّذِينَ إِذَا غَضِبُوا رَجَعُوا (٩).

٦٥٤. أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ اللِّسَانُ (١٠). (١١).

٦٥٥. إِنَّ أَفْضَلَ الصَّدَقَةِ إِصْلَاحَ ذَاتِ الْبَيْنِ (١٢).

٦٥٦. أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ عَلَى ذِي الرَّحِمِ الْكَاشِحِ (١٣).

٦٥٧. أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ انْتِظَارُ الْفَرَجِ (١٤).

٦٥٨. أَفْضَلُ عِبَادَةِ أُمَّتِي قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ (١٥).

٦٥٩. الْعِلْمُ أَفْضَلُ مِنَ الْعِبَادَةِ (١٦).

٦٦٠. مَا مِنْ عَمَلٍ أَفْضَلُ مِنْ إِشْبَاعِ كَبِدٍ جَائِعٍ (١٧). (١٨).

٦٦١. مَا تَقَرَّبَ الْعَبْدُ إِلَى اللَّهِ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ سُجُودٍ خَفِيٍّ (١٩).

ص: ١٣٦

١- (١) . يعنى إكمال الإحسان خير وأفضل من أوله وابتدائه، ترغيباً فى الإتمام، وحثاً على التكميل، ويمكن أن يكون ترغيباً فى عدم إبطاله باليمن.

٢- (٢) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢٣٨، ح ١٢٦٨.

٣- (٣) . الأمالى للطوسى، ص ٣٨٥، ح ٨٩/٨٣٨.

٤- (٤) . تشويق إلى التوبه، يعنى خيركم الذى إذا أذنب تاب، لا أنه خير من الذى لم يذنب، أو لعله خير من الذى لم يذنب وأعجب بعمله. والله العالم.

٥- (٥) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢٣٩، ح ١٢٧١.

- ٦-٦) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢٤٠، ح ١٢٧٢.
- ٧-٧) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢٤٢، ح ١٢٧٦.
- ٨-٨) . أحدًاؤها: هو جمع حديد، والمراد: الذين فيهم حدّه وصلابه في الدّين (الفائق في غريب الحديث: ٢٣١/١).
- ٩-٩) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢٤٣، ح ١٢٧٧.
- ١٠-١٠) . أى صدقه اللسان. يعنى كلّ خير وبرٍّ يصدر من الأعضاء صدقته، وصدقته اللسان أفضلها (فيض القدير: ٥١/٢).
- ١١-١١) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢٤٣، ح ١٢٧٩.
- ١٢-١٢) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢٤٤، ح ١٢٨١.
- ١٣-١٣) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢٤٥، ح ١٢٨٢.
- ١٤-١٤) . كمال الدين و تمام النعمه، ص ٢٨٧، ح ٦.
- ١٥-١٥) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢٤٦، ح ١٢٨٤.
- ١٦-١٦) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢٥٠، ح ١٢٩٢.
- ١٧-١٧) . أى أن تُشع ذاك كبد جائع، فوصف الكبد بوصف صاحبه على الإسناد المجازى (فيض القدير: ٥١/٢).
- ١٨-١٨) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢٥٠، ح ١٢٩٣.
- ١٩-١٩) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢٥٠، ح ١٢٩٤.

۶۴۸. تکمیل کردن کار نیک، بهتر از شروع آن است.

۶۴۹. عمل اندک موافق سنت [پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام] از عمل زیاد بدعت آمیز بهتر است.

۶۵۰. بهترین شما کسی است که، چون در گناه افتاد، توبه کند.

۶۵۱. بهترین شما کسی است که، قرض خود را به موقع پردازد.

۶۵۲. بهترین امت من، علمای آنهاست. و بهترین علما، بردبارترین آنهاست.

۶۵۳. بهترین امت من، کسانی هستند که [نسبت به دین] محکم و استوارند. و هنگام غضب، زود آرام می شوند.

۶۵۴. بهترین صدقه، صدقه ی زبان است.

۶۵۵. بهترین صدقه، برقراری آشتی بین مردم است.

۶۵۶. بهترین صدقه، آن است که به خویشاوندی که دشمنی می کند، داده شود.

۶۵۷. بهترین عبادت، انتظار فرج است.

۶۵۸. بهترین عبادت امت من، قرائت قرآن است.

۶۵۹. علم از عبادت، بهتر است.

۶۶۰. هیچ عملی بهتر از سیر کردن گرسنه نیست.

۶۶۱. هیچ چیز مانند سجده پنهانی، بنده را به خدا نزدیک نمی کند.

٦٦٢. مَانَحَلْ (١) وَالِدٌ وَوَلَدُهُ أَفْضَلُ مِنْ أَدَبٍ حَسَنِ (٢).

٦٦٣. نِعَمَ الْهَدْيَةِ الْكَلِمَةُ مِنْ كَلَامِ الْحِكْمَةِ (٣).

٦٦٤. نِعَمَ الْمَالِ النَّحْلُ الرَّاسِخَاتُ فِي الْوَحْلِ (٤) ، الْمُطْعِمَاتُ فِي الْمَخْلِ (٥). (٦).

٦٦٥. نِعَمَ الْمَالِ الصَّالِحِ لِلرَّجُلِ الصَّالِحِ (٧).

٦٦٦. نِعَمَ الْعَوْنُ عَلَى تَقْوَى اللَّهِ الْمَالُ (٨).

٦٦٧. نِعَمَ الْإِدَامُ الْخَلُّ (٩).

٦٦٨. نِعَمَ صَوْمَعَهُ الْمُسْلِمِ بَيْتَهُ (١٠).

٦٦٩. أَصْدَقُ الْحَدِيثِ كِتَابُ اللَّهِ، وَأَوْثَقُ الْعُرَى كَلِمَةُ التَّقْوَى، وَأَحْسَنُ الْهَدْيِ (١١) هَدْيُ الْأَنْبِيَاءِ (١٢).

٦٧٠. أَشْرَفُ الْمَوْتِ قَتْلُ الشُّهَدَاءِ (١٣).

٦٧١. أَطْيَبُ الطَّيْبِ الْمِسْكُ (١٤).

٦٧٢. سَيِّدُ إِدَامِكُمْ الْمِلْحُ (١٥).

٦٧٣. أَسْرَعُ الدُّعَاءِ إِجَابَتُهُ دَعْوَهُ غَائِبٍ لِغَائِبٍ (١٦).

ص: ١٣٨

١- (١) . النَّحْلُ: العَظِيه والهبه ابتداءً من غير عوض ولا استحقاق (النهايه: ٢٩/٥).

٢- (٢) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢٥١، ح ١٢٩٥.

٣- (٣) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢٥٨، ح ١٣١١.

٤- (٤) . الْوَحْلُ - بالتحريك - : الطين الرقيق (الصحاح: ١٨٤٠/٥).

٥- (٥) . الْمَخْلُ: الجذب وانقطاع المطر (القاموس المحيط: ٤٩/٤).

٦- (٦) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢٥٨، ح ١٣١٢.

٧- (٧) . تفسير مجمع البيان، ج ٣، ص ١٨.

٨- (٨) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢٦٠، ح ١٣١٧.

٩- (٩) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢٦١، ح ١٣١٩.

١٠- (١٠) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢٦٣، ح ١٣٢٢.

- ١١- (١١) . الهُدَى - بفتح الهاء وسكون الدال المهملة -: السَّمَت والطريقه والسيره. وروى أيضاً بضمّ الهاء وفتح الدال، ومعناه: الدلاله والرشاد (فيض القدير: ٢٢١/٢).
- ١٢- (١٢) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢٦٣، ح ١٣٢٣.
- ١٣- (١٣) . الدعوات، ص ٢٤١، ح ٦٨٠.
- ١٤- (١٤) . الخلاف، ج ٣، ص ١٧٠، م ٢٧٧.
- ١٥- (١٥) . مسالك الأفهام، ج ١١، ص ٢٣٧؛ مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢٦٥، ح ١٣٢٧.
- ١٦- (١٦) . مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢٦٦، ح ١٣٢٩.

۶۶۲. هیچ پدری تحفه ای بهتر از ادب، به فرزند خود نداده است.

۶۶۳. سخن حکمت آمیز، بهترین هدیه است.

۶۶۴. نخل برافراشته در گِل که هنگام خشک سالی میوه بدهد، بهترین مال است.

۶۶۵. مال صالح، زینده ی انسان صالح است.

۶۶۶. مال برای رعایت تقوای خداوند، مددکار خوبی است.

۶۶۷. سرکه، خورش خوبی است.

۶۶۸. خانه برای مسلمان، عبادتگاه خوبی است.

۶۶۹. صادق ترین سخن، کتاب خداست. و محکم ترین دست آویز، کلمه ی تقوا است. و بهترین هدایت، هدایت انبیاء است.

۶۷۰. شریف ترین مرگ، شهادت است.

۶۷۱. بهترین عطر، مشک است.

۶۷۲. بهترین خورش، نمک است.

۶۷۳. دعا برای غایب، از همه ی دعاها زودتر مستجاب می شود.

الفصل التاسع: مما ورد من حكمه صلى الله عليه وآله بلفظه «مثل»

قال النبي صلى الله عليه وآله:

٦٧٤. مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ؛ مَنْ رَكِبَ فِيهَا نَجَا، وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ (١). (٢).

٦٧٥. مَثَلُ أَصْحَابِي فِي أُمَّتِي كَالْمِلْحِ فِي الطَّعَامِ؛ لَا يَصْلُحُ الطَّعَامُ إِلَّا بِالْمِلْحِ. (٣).

٦٧٦. مَثَلُ أُمَّتِي مَثَلُ الْمَطَرِ لَا يَدْرِي أَوْلُهُ خَيْرٌ أَمْ آخِرُهُ. (٤).

٦٧٧. مَثَلُ الْمُؤْمِنِ مَثَلُ النَّحْلِ؛ لَا تَأْكُلُ إِلَّا طَيِّبًا (٥) وَلَا تَضَعُ إِلَّا طَيِّبًا. (٦).

٦٧٨. مَثَلُ الْمُؤْمِنِ وَالْإِيمَانِ كَمَثَلِ الْفَرَسِ؛ يَجُولُ آخِيتُهُ ثُمَّ يَرْجِعُ إِلَى آخِيتِهِ (٧). (٨).

٦٧٩. مَثَلُ الْمُؤْمِنِ مَثَلُ السُّبُلَةِ؛ تُحَرِّكُهَا الرِّيحُ فَتَقُومُ مَرَّةً وَتَقَعُ أُخْرَى. وَمَثَلُ الْكَافِرِ مَثَلُ الْأُرْزِ؛ لَا تَزَالُ قَائِمَةً حَتَّى تَنْقَعَرَ (٩). (١٠).

ص: ١٤٠

-
- ١- (١). ظاهر الخبر عدم نجاه غر الراكب في السفينة، يعني أن من اتبعهم وتولاهم وعمل بقولهم نجا، وإلا هلك كائناً من كان.
- ٢- (٢). الأما لي للطوسي، ص ٦٠، ح ٥٧/٨٨، در مصدر «أهل بيتي فيكم كمثال...».
- ٣- (٣). مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢٧٥، ح ١٣٤٧.
- ٤- (٤). مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢٧٦، ح ١٣٤٩.
- ٥- (٥). النحلة - بالحاء المهملة -: ذباب العسل وفي (به) وفي حديث ابن عمر مثل المؤمن مثل النحلة المشهوره وفي الروايه بالخاء المعجمه وهي واحده النخيل وروى بالحاء المهمله يريد نحله العسل ووجه المشابهه حذق النحل وفطنته وقله اذاه وحقارته ومنفعته وقنوعه وسعيه بالليل وتنزهه عن الاقذار وطيب اكله وانه لا يأكل من كسب غيره ونحوه وطاعته لاميره وان للنحل آفات تقطعه عن عمله منها الظلمه والغيم والريح والدخان والنار والماء وكذلك المؤمن له آفات تفتره من عمله ظلمه الغفله وغيم الشك وريح الفتنة ودخان الحرام وماء السعه ونار الهوى.
- ٦- (٦). مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢٧٨، ح ١٣٥٤.
- ٧- (٧). الآخيه - بالمد والتشديد - حليل أو عويد يعرض في الحائط، ويدفن طرفاه فيه، ويصير وسطه كالعروه، وتشدد فيها الدابه. والمعنى أنه يبعد عن ربه بالذنوب وأصل إيمانه ثابت (النهايه: ٣٣/١).
- ٨- (٨). مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢٧٩، ح ١٣٥٥.
- ٩- (٩). انقعر: انقلع (النهايه: ٨٧/٤).
- ١٠- (١٠). مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢٨١، ح ١٣٦٠.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

۶۷۴. اهل بیت من، مثل کشتی نوح هستند. هر کس سوار شد، نجات یافت. و هر کس بازماند، غرق شد.

۶۷۵. اصحاب من در میان امت، مثل نمکِ غذا هستند. غذا بدون نمکِ پسندیده نیست.

۶۷۶. امت من، مثل باران هستند. معلوم نیست اولش بهتر است یا آخرش.

۶۷۷. مؤمن، مثل زنبور عسل است. پاکترین غذا را مصرف می کند. و پاکترین محصول را تولید می کند [فرزند پاک به دنیا می آورد].

۶۷۸. مؤمن و ایمان، مثل اسب است. از یک محل [محل بستن اسب] حرکت می کند. و به آنجا برمی گردد.

۶۷۹. مؤمن، مثل سنبل است. باد آن را حرکت می دهد. گاه می افتد. و گاه برمی خیزد. و کافر مثل خوشهٔ برنج است. همیشه ایستاده است، تا قطع شود.

٦٨٠. مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادُّهِمْ وَتَرَاحُمِهِمْ مَثَلُ الْجَسَدِ؛ إِذَا اشْتَكَى بَعْضُهُ تَدَاعَى سَائِرُهُ بِالسَّهْرِ وَالْحُمَى. (١).

٦٨١. مَثَلُ الْقَلْبِ مَثَلُ رِيشِهِ بِأَرْضٍ تُقَلِّبُهَا الرِّيحُ. (٢).

٦٨٢. مَثَلُ الْقُرْآنِ مَثَلُ الْإِبِلِ الْمُعَلَّقَةِ (٣)؛ إِنْ عَقَلَهَا صَاحِبُهَا أَمْسَكَهَا، وَإِنْ تَرَكَهَا ذَهَبَتْ. (٤).

٦٨٣. مَثَلُ الْمُنَافِقِ كَمَثَلِ الشَّاهِ الْعَائِرَةِ بَيْنَ الْغَنَمِينَ (٥). (٦).

٦٨٤. مَثَلُ الْمَرَأَةِ كَالصُّلْعِ؛ إِنْ أَرَدَتْ أَنْ تُقِيمَهُ كَسَرْتَهُ، وَإِنْ اسْتَمْتَعَتْ بِهِ اسْتَمْتَعَتْ بِهِ وَفِيهِ أَوْدٌ. (٧).

٦٨٥. مَثَلُ الْجَلِيسِ الصَّالِحِ مَثَلُ الدَّوَى؛ (٨) إِنْ لَمْ يَجِدْكَ (٩) مِنْ عِطْرِهِ عَلِقَكَ مِنْ رِيحِهِ، وَمَثَلُ الْجَلِيسِ السُّوءِ مَثَلُ صَاحِبِ الْكِبْرِ؛ إِنْ لَمْ يُحْرِقْكَ مِنْ شِرَارِ نَارِهِ عَلِقَكَ مِنْ نَتْنِهِ. (١٠).

٦٨٦. مَثَلُ الصَّلَاةِ الْمَكْتُوبَةِ كَالْمِيزَانِ؛ مَنْ أَوْفَى اسْتَوْفَى. (١١).

٦٨٧. مَا مَثَلِي وَمَثَلُ الدُّنْيَا إِلَّا كَرَابٍ قَالَ (١٢) فِي ظِلِّ شَجَرَةٍ فِي يَوْمٍ حَارٌّ ثُمَّ رَاحَ وَتَرَكَهَا. (١٣).

٦٨٨. مَا الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مِثْلُ مَا يَجْعَلُ أَحَدُكُمْ السَّبَابَةَ فِي الْيَمِّ فَلْيَنْظُرْ بِمَا يَرْجِعُ. (١٤).

ص: ١٤٢

١- (١). مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢٨٣، ح ١٣٦٦.

٢- (٢). مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢٨٤، ح ١٣٦٩.

٣- (٣). لعلَّ الصَّحِيحِ «المعلَّفه» بالفاء.

٤- (٤). مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢٨٥، ح ١٣٧٠.

٥- (٥). العائرة: أى المتردده بين قطيعين لا يدري أيهما تتبع.

٦- (٦). مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢٨٥، ح ١٣٧١.

٧- (٧). مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢٨٦، ح ١٣٧٥.

٨- (٨). كذا، والصحيح: «الدارى» كما فى مصادر متعدده. والدارى: العطار.

٩- (٩). كذا، والصحيح «يُحْدِثُكَ» أى إن لم يُعْطِكَ (النهايه: ٣٥٨/١).

١٠- (١٠). مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢٨٧، ح ١٣٧٧، وفيه: «يحدوك» بدل «بجدك».

١١- (١١). مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢٩٠، ح ١٣٨٣.

١٢- (١٢). المَقِيلُ والقِيلُولَةُ: الاستراحه نصف النهار وإن لم يكن معها نوم، يقال: قَالَ يَقِيلُ قِيلُولَةً فهو قَائِلٌ (النهايه: ١٣٣/٤).

١٣- (١٣). مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢٩١، ح ١٣٨٤، وفيه: «فى يوم حار».

١٤- (١٤). مشكاة الأنوار، ص ٤٦٧. وفيه: «إصبعه» بدل «السبابه» و «بم» بدل «بما».

۶۸۰. مؤمنان در دوستی و مهربانی به یکدیگر، مثل اعضای یک پیکر هستند. وقتی یک عضو رنجور شود، بقیه در بی خوابی و تب آن شریکند.

۶۸۱. قلب، مثل پر روی زمین است که بادهای آن را جابجا می کنند. [هوا و هوس در قلب اثر می کنند].

۶۸۲. قرآن، مثل شتر است، اگر آن را خوب ببندند، می ماند. و اگر رها کنند، می رود.

۶۸۳. منافق، مثل گوسفند کور بین دو دسته گوسفند است [گاهی از این و گاهی از آن پیروی می کند].

۶۸۴. زن، مثل دنده کج است، اگر بخواهی آن را راست کنی می شکنند. و اگر با همان کجی از او بهره ببری بسازی، بهتر است.

۶۸۵. همنشین صالح، مثل عطر فروش است. اگر عطر به تو ندهد، از بوی خوش آن بهره می بری.

و همنشین بد، مثل کوره گر است، اگر شعله آتش به تو نرسد بوی بدش تو را می آزارد.

۶۸۶. نماز واجب، مثل ترازو است هر کس کامل اداء کند، [ثواب] بسیار می گیرد.

۶۸۷. حکایت من و دنیا، حکایت سواری [مسافری] است که گرمای روز را در سایه درختی استراحت می کند. و سپس سایه را ترک می کند.

۶۸۸. دنیا در برابر آخرت، مثل آبی است که از دریا به انگشت می رسد. انگشت به دریا بزن و بین چقدر آب می گیرد.

الفصل العاشر: ممّا ورد من حكم أمير المؤمنين عليّ بن أبي طالب عليه السلام

مُرْتَبًا عَلَى حُرُوفِ التَّهَجِّي

حَرْفُ الْاَلِفِ

قَالَ «عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ»:

٦٨٩. إِيْمَانُ الْمَرْءِ يُعْرَفُ بِإِيْمَانِهِ (١). (٢).

٦٩٠. أُخْوَكُ مَنْ وَاسَاكَ فِي الشَّدَّةِ. (٣).

٦٩١. إِظْهَارُ الْغِنَى مِنَ الشُّكْرِ. (٤).

٦٩٢. أَدَبُ الْمَرْءِ خَيْرٌ مِنْ ذَهَبِهِ. (٥).

٦٩٣. أَدَاءُ الدَّيْنِ مِنَ الدِّينِ. (٦).

٦٩٤. أَدَبُ عِيَالِكَ تَنْفَعُهُمْ. (٧).

٦٩٥. أَحْسِنِ إِلَى الْمُسَىءِ تَسُدَّهُ. (٨).

٦٩٦. إِخْوَانُ هَذَا الزَّمَانِ جَوَاسِيسُ الْعُيُوبِ. (٩).

٦٩٧. اسْتِرَاحَةُ النَّاسِ فِي الْيَأْسِ. (١٠).

٦٩٨. إِخْفَاءُ الشَّدَائِدِ مِنَ الْمُرُوءَةِ. (١١).

ص: ١٤٤

١- (١) . بإيمانه: أى بعمله بإيمانه وعهوده.

٢- (٢) . نثر اللآلى، ص ٥٢، ح ١٢.

٣- (٣) . نثر اللآلى، ص ٥٢، ح ٤.

٤- (٤) . نثر اللآلى، ص ٥٢، ح ١٠.

٥- (٥) . نثر اللآلى، ص ٥٢، ح ٧.

٦- (٦) . نثر اللآلى، ص ٥٢، ح ٦.

٧- (٧) . نثر اللآلى، ص ٥٢، ح ٨.

- ٨-٨) . نثر اللآلى؁ ص ٥٢؁ ح ١ .
- ٩-٩) . نثر اللآلى؁ ص ٥٢؁ ح ٣ .
- ١٠-١٠) . نثر اللآلى؁ ص ٥٢؁ ح ٩؁ وفيه: «استراحه النفس» .
- ١١-١١) . نثر اللآلى؁ ص ٥٢؁ ح ٢ .

حرف الف

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

۶۸۹. ایمان هر کس، از عهد و پیمان او شناخته می شود.

۶۹۰. برادر تو، آن است که در سختی تو را همراهی کند.

۶۹۱. ظاهر کردن توانگری، شکرانه است.

۶۹۲. ادب انسان، بهتر از طلای [ثروت] اوست.

۶۹۳. پرداخت قرض، از دینداری است.

۶۹۴. خانواده ات را ادب کن، تا به آنها نفع رسانده باشی.

۶۹۵. با بدان نیکی کن، تا بر آنها سروری کنی.

۶۹۶. برادران این روزگار کسانی هستند که عیوب تو را [به دیگران] گزارش می دهند.

۶۹۷. آسایش مردم، در ناامیدی [از دیگران] است.

۶۹۸. پنهان کردن دشواریها، مشخصه جوانمردی است.

٦٩٩. بِرُّ الْوَالِدَيْنِ سَلَفٌ (١). (٢).

٧٠٠. بَشِّرْ نَفْسَكَ بِالظَّفَرِ بَعْدَ الصَّبْرِ. (٣)

٧٠١. بَرَكَهُ الْمَالِ فِي أَدَاءِ الزَّكَاةِ. (٤)

٧٠٢. بَعِ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ تَرْبِحَ. (٥)

٧٠٣. بُكَاءُ الْمُؤْمِنِ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ قُرَّةُ عَيْنِهِ. (٦)

٧٠٤. بِالْبِرِّ تَسْتَعِيدُ الْحُرَّ. (٧)

٧٠٥. بَاكِرٌ بِالْخَيْرِ تَسْعَدُ. (٨)

٧٠٦. بَطْنُ الْمَرْءِ عَدُوُّهُ. (٩)

٧٠٧. بُكْرُهُ السَّبَبُ وَالْخَمِيسُ بَرَكَهُ. (١٠)

٧٠٨. بَرَكَهُ الْعُمُرِ فِي حُسْنِ الْعَمَلِ. (١١)

٧٠٩. بَلَاءُ الْإِنْسَانِ فِي اللِّسَانِ. (١٢)

٧١٠. بَقِيَّةُ الْعُمُرِ لَاقِيْمَةٌ لَهَا. (١٣)

٧١١. بَرَّكَ لَا تُبْطِلُهُ بِالْمَنْ. (١٤)

٧١٢. بَشَاشَةُ الْوَجْهِ عَطِيَّةٌ ثَابِتَةٌ. (١٥) حَرْفُ التَّاءِ

٧١٣. تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ يَكْفِكَ. (١٦)

ص: ١٤٦

١- (١) . كأنه أسلف البرَّ وجعله ثمنًا للأجر والثواب الذي يجازى على الصبر عليه، أو لبرِّ أولاده بالنسبه إليه.

٢- (٢) . نثر اللآلى، ص ٥٤، ح ١٤.

٣- (٣) . نثر اللآلى، ص ٥٤، ح ١٩.

٤- (٤) . نثر اللآلى، ص ٥٤، ح ١٧.

- ٥- (٥) . نثر اللآكئ؁ ص ٥٤؁ ح ٢١ .
- ٦- (٦) . نثر اللآكئ؁ ص ٥٤؁ ح ٢٣ .
- ٧- (٧) . نثر اللآكئ؁ ص ٥٤؁ ح ١٣ .
- ٨- (٨) . عيون الحكم والمواعظ؁ ص ١٩٥ .
- ٩- (٩) . نثر اللآكئ؁ ص ٥٤؁ ح ٢٠ .
- ١٠- (١٠) . نثر اللآكئ؁ ص ٥٤؁ ح ٢٤ .
- ١١- (١١) . نثر اللآكئ؁ ص ٥٤؁ ح ١٦ .
- ١٢- (١٢) . نثر اللآكئ؁ ص ٥٤؁ ح ٢٥ .
- ١٣- (١٣) . نثر اللآكئ؁ ص ٥٤؁ ح ٢٢ .
- ١٤- (١٤) . نثر اللآكئ؁ ص ٥٤؁ ح ١٥ .
- ١٥- (١٥) . نثر اللآكئ؁ ص ٥٤؁ ح ١٨ .
- ١٦- (١٦) . نثر اللآكئ؁ ص ٥٦؁ ح ٣٦ .

حرف باء

۶۹۹. نیکی به پدر و مادر، خیری است که از پیش فرستاده می شود.

۷۰۰. پس از صبر، خود را به پیروزی بشارت ده.

۷۰۱. برکت مال، در زکات دادن است.

۷۰۲. دنیا را به آخرت سودا کن، سود می بری.

۷۰۳. گریه مؤمن از ترس خدا، نور چشم اوست.

۷۰۴. با نیکی کردن، دیگران را عبد خود می کنی.

۷۰۵. کار خیر را انجام ده، سعادت مند می شوی.

۷۰۶. شکم انسان، دشمن اوست.

۷۰۷. صبح شنبه و پنجشنبه، برکت است.

۷۰۸. برکت عمر، در کار نیک است.

۷۰۹. بلای انسان، در زبان اوست.

۷۱۰. باقیمانده عمر، قیمت ندارد.

۷۱۱. نیکی خود را با منت باطل مکن.

۷۱۲. خوشروئی [هنگام بخشش] بخشش دوم است.

حرف تاء

۷۱۳. به خدا توکل کن، تو را کفایت می کند.

٧١٤. تَأْخِيرُ الْإِسَاءِ مِنْ الْإِقْبَالِ (١). (٢).

٧١٥. تَدَارَكَ فِي آخِرِ عُمْرِكَ مَا فَاتَكَ فِي أَوَّلِهِ. (٣).

٧١٦. تَكَاسَلُ الْمَرْءِ فِي الصَّلَاةِ مِنْ ضَعْفِ الْإِيمَانِ. (٤).

٧١٧. تَزَاخُمُ الْأَيْدَى عَلَى الطَّعَامِ بَرَكَهٌ. (٥).

٧١٨. تَغَافَلُ عَنِ الْمَكْرُوهِ تُوَقُّرٌ. (٦).

٧١٩. تَظَرَّفَ بِتَرْكِ الذُّنُوبِ. (٧).

٧٢٠. تَوَاضَعُ الْمَرْءُ بِكَرَمِهِ (٨). (٩) حَرْفُ النَّاءِ

٧٢١. ثَلَمَهُ الْحِرْصُ لَا يُسُدُّهَا إِلَّا التُّرَابُ (١٠). (١١).

٧٢٢. ثَلَمَهُ الدِّينِ مَوْتُ الْعُلَمَاءِ. (١٢).

٧٢٣. ثَوْبُ السَّلَامَةِ لَا يَبْلَى. (١٣).

٧٢٤. ثَبَاتُ الْمُلْكِ فِي الْعَدْلِ. (١٤).

٧٢٥. ثَنُّ إِحْسَانِكَ بِالْإِعْتِدَارِ. (١٥).

٧٢٦. ثَوَابُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ مِنْ نَعِيمِ الدُّنْيَا. (١٦).

٧٢٧. ثَبَاتُ النَّفْسِ بِالْغِذَاءِ، وَثَبَاتُ الرُّوحِ بِالْفَنَاءِ. (١٧).

٧٢٨. ثَنَاءُ الرَّجُلِ عَلَى مَعْطِيهِ مُسْتَزِيدٌ. (١٨).

ص: ١٤٨

١- (١). لعل المراد أنّ تأخير العمل السوء من توجه الحقّ سبحانه إليه وإلطفه.

٢- (٢). نثر اللآلي، ص ٥٦، ح ٢٦.

٣- (٣). نثر اللآلي، ص ٥٦، ح ٢٨.

٤- (٤). نثر اللآلي، ص ٥٦، ح ٣٤.

٥- (٥). نثر اللآلي، ص ٥٦، ح ٢٩.

٦- (٦). نثر اللآلي، ص ٥٦، ح ٣١.

- ٧-٧) . نثر اللاكلى، ص ٥٦، ح ٣٠.
- ٨-٨) . أى التواضع ناشئ عن كرم المرء الجامع لأنواع الخير والشرف والفضائل. وهذا الخبر يدل على أن التواضع ناشئ عن الفضائل النفسانية والشرف الموجود فى المتواضع، والكبر ناشئ عن عدم ذلك، كما ورد فى الأحاديث أن التكبر ينشأ من حقاره ونقص يحس به المتكبر.
- ٩-٩) . نثر اللاكلى، ص ٥٦، ح ٣٥.
- ١٠-١٠) . التلمه: موضع الكسر. والمراد أن الحريص له تلمه دائماً؛ لأن الدنيا لا تأتى على قدر حرصه فلا يجبر تلمته إلا الموت.
- ١١-١١) . نثر اللاكلى، ص ٥٨، ح ٣٧.
- ١٢-١٢) . نثر اللاكلى، ص ٥٨، ح ٤٢.
- ١٣-١٣) . نثر اللاكلى، ص ٥٨، ح ٤٦.
- ١٤-١٤) . نثر اللاكلى، ص ٥٨، ح ٣٧.
- ١٥-١٥) . نثر اللاكلى، ص ٥٨، ح ٤٣.
- ١٦-١٦) . نثر اللاكلى، ص ٥٨، ح ٤٥.
- ١٧-١٧) . نثر اللاكلى، ص ٥٨، ح ٣٨، وفيه: «بالغنى» بدل «بالغناء».
- ١٨-١٨) . نثر اللاكلى، ص ٥٨، ح ٤٤.

۷۱۴. به تأخیر افتادن بدی، از الطاف خداوند است.

۷۱۵. آنچه در اول عمر از دست داده ای، در پایان زندگی جبران کن.

۷۱۶. کسالت در نماز، نشانه ی ضعف ایمان است.

۷۱۷. افراد زیاد کنار سفره، برکت است.

۷۱۸. از کار ناپسند تغافل کن، با وقار می شوی.

۷۱۹. زیرکی خود را در ترک گناه قرار ده.

۷۲۰. فروتنی انسان، ناشی از کرامت اوست.

حرف ناء

۷۲۱. حفره ی حرص را جز خاک [قبر] چیزی پر نمی کند.

۷۲۲. رخنه در دین، به مرگ علما است.

۷۲۳. لباس سلامتی، کهنه نمی شود.

۷۲۴. پایداری حکومت، در عدالت است.

۷۲۵. احسانت را با عذرخواهی، دوچندان کن.

۷۲۶. ثواب آخرت، بهتر از نعمتهای دنیاست.

۷۲۷. پایداری بدن به غذا، و پایداری روح به فنا [مردن] است.

۷۲۸. ستایش از مردم بخشنده، موجب زیاد شدن بخشش می شود.

٧٢٩. جُدُّ بِمَا تَجِدُ. (١)

٧٣٠. جَمَالُ الْمَرْءِ فِي الْحِلْمِ. (٢)

٧٣١. جَهْدُ الْمُقْلِ كَثِيرٌ. (٣). (٤)

٧٣٢. جَلِيسُ الشَّوْءِ شَيْطَانٌ. (٥)

٧٣٣. جَوْلَةُ الْبَاطِلِ سَاعَةٌ، وَدَوْلَةُ الْحَقِّ إِلَى السَّاعَةِ. (٦)

٧٣٤. جَوْدَةُ الْكَلَامِ فِي الْإِخْتِصَارِ. (٧)

٧٣٥. جَلِيسَ الْخَيْرِ غَنِيمَةٌ. (٨)

٧٣٦. جَالِسُ الْفُقَرَاءِ تَزَدَدَ شُكْرًا. (٩)

٧٣٧. جَلٌّ مِّنْ لَا يَمُوتُ (١٠). (١١) حَرْفُ الْحَاءِ

٧٣٨. حِلْمُ الْمَرْءِ عَوْنُهُ. (١٢)

٧٣٩. الْحِلْمُ صَاحِبٌ لَا يَكْبُو، وَالْقَنَاعَةُ سَيْفٌ لَا يَنْبُو، وَمِنْ أَفْضَلِ عُدَّةِ صَبْرٍ فِي شِدَّةِهِ، وَمَنْ جَعَلَ الصَّبْرَ لَهُ وَالْيَأْ لَمْ يُلَفَّ بِحَدَثٍ مُّبَالِيًا.

٧٤٠. حَلِيُّ الرَّجَالِ الْأَدَبُ، وَحَلِيُّ النِّسَاءِ الذَّهَبُ. (١٣)

٧٤١. حَيَاءُ الْمَرْءِ سِتْرَةٌ. (١٤)

٧٤٢. حُرْقَةُ الْأَوْلَادِ مُحْرِقَةُ الْأَكْبَادِ (١٥). (١٦)

ص: ١٥٠

١- (١). نثر اللآلي، ص ٦٠، ح ٤٩.

٢- (٢). نثر اللآلي، ص ٦٠، ح ٥٣.

٣- (٣). جهد المقل؛ وهو إنفاق الفقير بمشقه كثيره وإن كان قليلاً؛ يعنى أن إنفاق الفقير كثير ولو كان قليلاً.

٤- (٤). نثر اللآلي، ص ٦٠، ح ٥٤.

٥- (٥). نثر اللآلي، ص ٦٠، ح ٥٢.

٦- (٦). نثر اللآلي، ص ٦٠، ح ٥٦.

- ٧-٧) . نثر اللاكلى؁ ص ٤٠؁ ح ٥٥.
- ٨-٨) . نثر اللاكلى؁ ص ٤٠؁ ح ٥١.
- ٩-٩) . نثر اللاكلى؁ ص ٤٠؁ ح ٤٧.
- ١٠-١٠) . جلّ من لا يموت وهو الله سبحانه؁ وهو بيان أنّ الموت عامّ شامل للجميع دون الله سبحانه.
- ١١-١١) . نثر اللاكلى؁ ص ٤٠؁ ح ٥٠.
- ١٢-١٢) . نثر اللاكلى؁ ص ٤٢؁ ح ٤٣.
- ١٣-١٣) . نثر اللاكلى؁ ص ٤٢؁ ح ٤٤.
- ١٤-١٤) . نثر اللاكلى؁ ص ٤٢؁ ح ٤٤.
- ١٥-١٥) . أى موت الأولاد وهلاكهم يحرق الأكباد؁ ولعلّ التعبير عن الموت بالحرقة لأجل أن يشمل كلّ هلاك مادى ومعنوى؛ لأنها تطلق على الهلاك بالإثم.
- ١٦-١٦) . نثر اللاكلى؁ ص ٤٢؁ ح ٤٠.

حرف جیم

۷۲۹. هر چه داری بذل کن.

۷۳۰. جمال انسان، در بردباری است.

۷۳۱. بخشش اندک نیازمند، بسیار است.

۷۳۲. همنشین بد، شیطان است.

۷۳۳. تاخت و تاز باطل یک ساعت، و دولت حق تا قیامت است.

۷۳۴. زیبایی سخن، در اختصار است.

۷۳۵. همنشین خوب، غنیمت است.

۷۳۶. با فقرا معاشرت کن، بیشتر شکر می کنی.

۷۳۷. آنکه نمی میرد، بزرگوار است.

حرف حاء

۷۳۸. بردباری انسان، یاور اوست.

۷۳۹. بردباری، دوستی است که کهنه نمی شود. و قناعت شمشیری است که گند نمی شود.

و بهترین نیرو، صبر کردن در سختی است. و کسی که صبر دوست او شود، از حادثه باکی ندارد.

۷۴۰. زینت مردان، ادب و زینت زنان، طلاست.

۷۴۱. حیاء انسان، پرده ای است. [بر اعمال زشت او]

۷۴۲. مرگ اولاد، جگر سوز است.

٧٤٣. حُمُوضَاتُ الطَّعَامِ خَيْرٌ مِنْ حُمُوضَاتِ الكَلَامِ. (١)

٧٤٤. حِدَّةُ المَرءِ تُهْلِكُهُ. (٢)

٧٤٥. حُرْمُ الوَفَاءِ عَلَى مَنْ لَا أَصْلَ لَهُ (٣). (٤)

٧٤٦. حِرْفَةُ المَرءِ كَنْزٌ. (٥)

٧٤٧. حُسْنُ الخُلُقِ غَنِيمَةٌ. (٦) حَرْفُ الخَاءِ

٧٤٨. خَفِيَ اللهُ تَأْمَنَ غَيْرُهُ. (٧)

٧٤٩. خَيْرُ الأصْحَابِ مَنْ يُسَدِّدُكَ عَلَى الخَيْرِ. (٨)

٧٥٠. خَالَفَ نَفْسَكَ تَسْتَرِحْ. (٩)

٧٥١. خَابَتِ صَفْقَةٌ مَنْ بَاعَ الدِّينَ بِالدُّنْيَا. (١٠)

٧٥٢. خَلِيلُ المَرءِ دَلِيلٌ عَقْلِهِ. (١١)

٧٥٣. خُلُوُّ القَلْبِ خَيْرٌ مِنْ مَلِّ الكَيْسِ (١٢). (١٣)

٧٥٤. خَوْفُ اللهِ يُجَلِّي القَلْبَ. (١٤)

٧٥٥. خُلُوصُ الوُدِّ مِنْ حُسْنِ العَهْدِ (الخُلُقِ خ ل). (١٥)

٧٥٦. خَيْرُ النِّسَاءِ الوَلُودُ الوَدُودُ. (١٦)

٧٥٧. خَيْرُ المَالِ مَا انْفَقَ فِي سَبِيلِ اللهِ. (١٧)

ص: ١٥٢

١- (١). نثر اللآلى، ص ٦٢، ح ٦٥.

٢- (٢). نثر اللآلى، ص ٦٢، ح ٥٨.

٣- (٣). الحرمة هنا التكوينية؛ أى من لا- أصل له لاوفاء له بحسب اقتضاء الطبيعة، والمراد من الأصل الآباء والأمهات الكرام، وفيه إشارة إلى أهميته الوراثية الأخلاقية، وأن الناس معادن كمعادن الذهب والفضة.

٤- (٤). نثر اللآلى، ص ٦٢، ح ٦١.

٥- (٥). نثر اللآلى، ص ٦٢، ح ٥٩، وفيه: «كنزه».

- ٦-٦) . نثر اللآلى؁ ص ٦٢؁ ح ٦٢.
- ٧-٧) . نثر اللآلى؁ ص ٦٤؁ ح ٦٩.
- ٨-٨) . نثر اللآلى؁ ص ٦٤؁ ح ٧٤.
- ٩-٩) . نثر اللآلى؁ ص ٦٤؁ ح ٦٨.
- ١٠-١٠) . نثر اللآلى؁ ص ٦٤؁ ح ٦٧.
- ١١-١١) . نثر اللآلى؁ ص ٦٤؁ ح ٧٢.
- ١٢-١٢) . خلوّ القلب من الهموم والغموم وفراغه خير من ملّ الكيس مع عدم إفراغه.
- ١٣-١٣) . نثر اللآلى؁ ص ٦٤؁ ح ٧٠.
- ١٤-١٤) . نثر اللآلى؁ ص ٦٤؁ ح ٧٣.
- ١٥-١٥) . نثر اللآلى؁ ص ٦٤؁ ح ٧١.
- ١٦-١٦) . نثر اللآلى؁ ص ٦٤؁ ح ٧٦.
- ١٧-١٧) . نثر اللآلى؁ ص ٦٤؁ ح ٧٥.

۷۴۳. تلخی غذا، از تلخی سخن بهتر است.

۷۴۴. تندخویی، انسان را هلاک می کند.

۷۴۵. کسی که اصل و نسب ندارد، وفادار نیست.

۷۴۶. شغل انسان، گنج است.

۷۴۷. خوش اخلاقی، غنیمت است.

حرف خاء

۷۴۸. از خدا بترس، از دیگران در امان باش.

۷۴۹. بهترین دوست، کسی است که تو را به کار نیک هدایت کند.

۷۵۰. با هوای نفس مخالفت کن تا آسوده شوی.

۷۵۱. آنکه دین خود را به دنیا بفروشد، زیان کرده است.

۷۵۲. دوست انسان، نشانگر عقل اوست.

۷۵۳. آرامش قلب، بهتر از پر بودن جیب انسان است.

۷۵۴. خوف خدا، قلب را جلا می دهد.

۷۵۵. اخلاص در دوستی، نشانه خوش پیمانی است.

۷۵۶. بهترین زن، آن است که زایا و مهربان باشد.

۷۵۷. بهترین مال، آن است که در راه خدا مصرف شود.

٧٥٨. دَوَاءُ الْقَلْبِ الرِّضَا بِالْقَضَاءِ (١).

٧٥٩. دَاءُ النَّفْسِ فِي الْحَرِصِ، دَوَاءُ النَّفْسِ دَفْعُ الْحَرِصِ (٢). (٣)

٧٦٠. دَلِيلُ عَقْلِ الْمَرءِ قَوْلُهُ (٤).

٧٦١. دَلِيلُ أَصْلِ الْمَرءِ فِعْلُهُ (٥). (٦)

٧٦٢. دَوَامُ الشَّرُورِ بِرُؤْيِهِ الْإِخْوَانِ (٧).

٧٦٣. دَوْلَةُ الْأَرْذَالِ آفَةُ الرَّجَالِ (٨).

٧٦٤. دِينَارُ الْبَخِيلِ حَجْرٌ (٩). (١٠)

٧٦٥. دِينُ الرَّجُلِ حَدِيثُهُ (١١). (١٢)

٧٦٦. دَوْلَةُ الْمُلُوكِ فِي الْعَدْلِ (١٣). (١٤)

٧٦٧. دُمٌ عَلَى كَظْمِ الْغَيْظِ تُحْمَدُ عَوَاقِبُكَ (١٥). حَرْفُ الدَّالِ

٧٦٨. ذَرِ الطَّاعِي فِي طُغْيَانِهِ (١٦). (١٧)

ص: ١٥٤

١- (١). نثر اللآلي، ص ٦٦، ح ٨٢.

٢- (٢). الأخبار في ذم الحرس على الدنيا كثيره، وهذه الجملة أبلغ في ذمه؛ لأنها جعلت الحرس كل الداء، وجعلت دواءه دواءً لأمراض النفس، وكأن كل أمراض النفس ترجع إلى الحرس.

٣- (٣). نثر اللآلي، ص ٦٦، ح ٧٧ و ٨٣.

٤- (٤). نثر اللآلي، ص ٦٦، ح ٧٩.

٥- (٥). لعل المراد أن فعله حاك عن كرامه آبائه وعدمها. ويمكن أن يكون المراد من الأصل هو ما في نفس الإنسان من الفضائل والردائل، يعني أن كل فعل معلول لخصله نفسانيته باعثه على الفعل المحمود أو المذموم.

٦- (٦). نثر اللآلي، ص ٦٦، ح ٧٩.

٧- (٧). نثر اللآلي، ص ٦٦، ح ٨٤.

٨- (٨). نثر اللآلي، ص ٦٦، ح ٨٥.

- ٩- (٩) . أى لا يستفيد منه؛ لأنَّ يجمعه ولا يصرفه فيما ينفعه، فلا فرق بين دينارهِ والحجر. ويمكن أن يراد أن من أعطاه البخيل شيئاً فهو لا يفيدُه؛ فكأنما أعطاه حجراً. والأوّل أقرب.
- ١٠- (١٠) . نثر اللآلى، ص ٦٦، ح ٨٨.
- ١١- (١١) . يعنى: إن صدق فيه فهو ذو دين وإلّا فلا، كما ورد أنّ صدق الحديث وأداء الأمانه ملاك إيمان الرجل.
- ١٢- (١٢) . نثر اللآلى، ص ٦٦، ح ٨٧، وفيه: «دين الرجل خدينه».
- ١٣- (١٣) . يعنى: أنّ الدوله تبقى مع العدل ولو كان الملك كافراً، ولا تبقى مع الظلم ولو كان الملك مسلماً.
- ١٤- (١٤) . نثر اللآلى، ص ٦٦، ح ٨٦.
- ١٥- (١٥) . نثر اللآلى، ص ٦٦، ح ٨٠.
- ١٦- (١٦) . أى يكفيه طغيانه فى هلاكه، ويُجزى بأعماله؛ إن خيراً فخيرٌ وإن شراً فشرٌ. وليس هذا الكلام فى مقام بيان عدم وجوب ردع الطاغى كى ينافى أدلّه النهى عن المنكر، بل يخصّص بعدم القدره على النهى عن المنكر.
- ١٧- (١٧) . نثر اللآلى، ص ٦٨، ح ٨٩.

حرف دال

۷۵۸. داروی قلب، رضایت به قضا و قدر است.

۷۵۹. بیماری روح در حرص است و درمان روح، جلوگیری از حرص است.

۷۶۰. سخن انسان، نشانگر عقل اوست.

۷۶۱. رفتار انسان، نشانگر گوهر انسان است.

۷۶۲. پایداری شادی در دیدار دوستان است.

۷۶۳. حکومت فرومایه گان، آفت جوانمردان است.

۷۶۴. پول بخیل، چون سنگ است.

۷۶۵. دین انسان در گفتار او است.

۷۶۶. دوام حکومت حاکمان در عدالت است.

۷۶۷. دائماً خشم خود را فرو بنشان، عاقبت به خیر می شوی.

حرف ذال

۷۶۸. طغیانگر را در طغیان خود رها کن.

ص: ۱۵۵

٧٦٩. ذَنْبٌ وَاحِدٌ كَثِيرٌ، وَأَلْفٌ طَاعَةٌ قَلِيلٌ. (١)

٧٧٠. ذِرَاقَةٌ (٢) السَّلَاطِينِ مُحْرِقَةٌ الشَّفَتَيْنِ. (٣)

٧٧١. ذُلُّ الْمَرْءِ فِي الطَّمَعِ. (٤)

٧٧٢. ذَلِيلُ الْفَقْرِ عَزِيزٌ عِنْدَ اللَّهِ. (٥)

٧٧٣. ذِكْرُ الشَّبَابِ حَسْرَةٌ. (٦)

٧٧٤. ذَلَاقَةُ اللِّسَانِ (٧) رَأْسُ الْمَالِ. (٨)

٧٧٥. ذِكْرُ الْمَوْتِ جَلَاءُ الْقُلُوبِ. (٩) حَرْفُ الرَّاءِ

٧٧٦. رُؤْيَةُ الْحَبِيبِ جَلَاءُ الْعَيْنِ. (١٠)

٧٧٧. رَاعٍ أَبَاكَ يَرَعَاكَ ابْنُكَ. (١١)

٧٧٨. رَفَاهِيَةُ الْعَيْشِ فِي الْأَمَنِ. (١٢)

٧٧٩. رُتْبَةُ الْعِلْمِ أَعْلَى الرُّتْبِ. (١٣)

٧٨٠. رِزْقُكَ يَطْلُبُكَ فَاسْتَرِحْ. (١٤)

٧٨١. رَسُولُ الْمَوْتِ الْوَلَادَةُ. (١٥)

٧٨٢. رِوَايَةُ الْحَدِيثِ انْتِسَابٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ (١٦). (١٧)

٧٨٣. رُعُونَاتُ النَّفْسِ تَتَّبِعُهَا (١٨). (١٩)

ص: ١٥٦

١- (١). نثر اللآلي، ص ٦٨، ح ٩٧.

٢- (٢). كذا، ولم أجد له معنى مناسباً للمقام، ولعلَّ الصحيح ذواقه من الذوق؛ أي اختبار الطعم، فالمعنى اختبار السلاطين محرقه للشفه مبالغه في خطر القرب منه، وذكر الشفه لأنَّ الذوق يكون بالفم؛ أي يهلك قبل أن يذوق.

٣- (٣). نثر اللآلي، ص ٦٨، ح ٩٨، وفيه: «ذواقه».

٤- (٤). نثر اللآلي، ص ٦٨، ح ٩٣.

٥- (٥). نثر اللآلي، ص ٦٨، ح ٩٥.

- ٦-٦) . نثر اللآلى، ص ٦٨، ح ٩١.
- ٧-٧) . لسان ذلق: أى بليغ فصيح (مجمع البحرين: ١٠١/٢).
- ٨-٨) . نثر اللآلى، ص ٦٨، ح ٩٤.
- ٩-٩) . نثر اللآلى، ص ٦٨، ح ٩٢.
- ١٠-١٠) . نثر اللآلى، ص ٧٠، ح ١٠٨.
- ١١-١١) . نثر اللآلى، ص ٧٠، ح ٩٩.
- ١٢-١٢) . نثر اللآلى، ص ٧٠، ح ١٠٥.
- ١٣-١٣) . نثر اللآلى، ص ٧٠، ح ١٠١.
- ١٤-١٤) . نثر اللآلى، ص ٧٠، ح ١٠٢.
- ١٥-١٥) . نثر اللآلى، ص ٧٠، ح ١٠٣.
- ١٦-١٦) . انتسب إليه: اعتزى (مجمع البحرين: ١٧٧٥/٣) والمراد هو الانتساب إلى دينه وخلقه.
- ١٧-١٧) . نثر اللآلى، ص ٧٠، ح ١٠٧.
- ١٨-١٨) . الرعونه: الحمق. لعل المراد أن حمقها تتبعها للعيوب.
- ١٩-١٩) . نثر اللآلى، ص ٧٠، ح ١٠٤.

۷۶۹. یک گناه زیاد و هزار طاعت کم است.

۷۷۰. نزدیکی به سلاطین، هلاکت می آورد.

۷۷۱. ذلت انسان، در طمع است.

۷۷۲. ذلت فقر [چون فقیر به آنچه می خواهد دسترسی ندارد و صبر می کند]. نزد خداوند عزیز است.

۷۷۳. یاد جوانی، حسرت است.

۷۷۴. خوش بیان بودن، سرمایه است.

۷۷۵. یاد مرگ، قلبها را جلا می دهد.

حرف راء

۷۷۶. دیدار دوست، چشم نواز است.

۷۷۷. به پدرت احترام بگذار، فرزندات به تو احترام می گذارد.

۷۷۸. رفاه زندگی در امنیت است.

۷۷۹. رتبه علم، بالاترین رتبه است.

۷۸۰. رزق تو به دنبال تو می آید، آسوده باش.

۷۸۱. تولد، فرستاده ی [قاصد] مرگ است. [پس از هر تولدی، مرگ می آید].

۷۸۲. روایت کردن حدیث، انسان را به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله منسوب می کند.

۷۸۳. حماقت انسان، دامنگیر اوست.

٧٨٤. رَاعِ الْحَقَّ عِنْدَ غَلَبَاتِ النَّفْسِ. (١)

٧٨٥. رَفِيقُ الْمَرْءِ دَلِيلُ عَقْلِهِ (٢). (٣) حَرْفُ الزَّاءِ

٧٨٦. زَنِ الرَّجَالَ بِمَوَازِينِهِمْ (٤). (٥)

٧٨٧. زَحَمَةُ الصَّالِحِينَ رَحْمَةٌ. (٦)

٧٨٨. زَلَّهُ غَافِلٌ كَثِيرٌ. (٧)

٧٨٩. زَوَالُ الْعِلْمِ أَهْوَنُ مِنْ مَوْتِ الْعُلَمَاءِ. (٨)

٧٩٠. زُرِ الْمَرْءَ عَلَى قَدْرِ إِكْرَامِهِ لَكَ. (٩)

٧٩١. زَوَايَا الدُّنْيَا مَشْحُونَةٌ بِالرَّزَايَا. (١٠)

٧٩٢. زِيَارَةُ الْحَبِيبِ إِطْرَاءٌ لِمَحَبَّتِهِ الْمَرْءِ. (١١)

٧٩٣. زِيَارَةُ الضُّعْفَاءِ مِنَ التَّوَاضُّعِ. (١٢)

٧٩٤. زِينَةُ الْبَاطِنِ خَيْرٌ مِنْ زِينَةِ الظَّاهِرِ. (١٣)

٧٩٥. زُهْدُ الْعَامِيِّ مُظْلَمَةٌ. (١٤) حَرْفُ السَّيْنِ

٧٩٦. سُوءُ الظَّنِّ مِنَ الْحَرَامِ. (١٥)

٧٩٧. سُورُوكَ فِي الدُّنْيَا غُرُورٌ. (١٦)

ص: ١٥٨

١- (١). نثر اللآلى، ص ٧٠، ح ١٠٠، وفيه: «عند غليان النفس».

٢- (٢). يعنى: كون الرفيق عاقلاً ناصحاً متديناً دليل على صحته تشخيصه ودقه نظره وكمال عقله. ويحتمل أن يكون المراد أن المسانحه بين الرفقاء موجوده كما مر أن الارواح جنود مجتده، فإذا كان رفيقه عاقلاً عالمًا فاضلاً دنيًا جامعاً للفضائل كشف عن كونه أيضاً كذلك، وإذا كان بالعكس فالعكس.

٣- (٣). نثر اللآلى، ص ٧٠، ح ١٠٦، وفيه: «رفق» بدل «رفيق».

٤- (٤). لعل المراد المعاشره معهم وحفظ حرمتهم والإيمان بهم على قدرهم فى إيمانهم لله وتقواهم وورعهم.

٥- (٥). نثر اللآلى، ص ٧٢، ح ١١٢.

- ٦-٦) . نثر اللآلى، ص ٧٢، ح ١٠٩.
- ٧-٧) . نثر اللآلى، ص ٧٢، ح ١١١، وفيه: «زَلَّه العاقل كبير (خ ل كثير)».
- ٨-٨) . نثر اللآلى، ص ٧٢، ح ١١٤.
- ٩-٩) . نثر اللآلى، ص ٧٢، ح ١١٠.
- ١٠-١٠) . نثر اللآلى، ص ٧٢، ح ١١٥.
- ١١-١١) . نثر اللآلى، ص ٧٢، ح ١١٦.
- ١٢-١٢) . نثر اللآلى، ص ٧٢، ح ١١٧.
- ١٣-١٣) . نثر اللآلى، ص ٧٢، ح ١١٨.
- ١٤-١٤) . نثر اللآلى، ص ٧٢، ادامه ح ١١٣.
- ١٥-١٥) . نثر اللآلى، ص ٧٤، ح ١٢٨.
- ١٦-١٦) . نثر اللآلى، ص ٧٤، ح ١٢٠.

۷۸۴. در هنگام غلبه ی هوای نفس، حق را رعایت کن.

۷۸۵. دوست انسان، نشانگر عقل اوست.

حرف زاء

۷۸۶. مردم را با معیار خودشان بسنجید. [با هر کس در حدود معرفت وی رفتار کنید].

۷۸۷. زحمت مردم صالح، رحمت است.

۷۸۸. لغزشهای انسان در حال غفلت، زیاد است.

۷۸۹. نابود شدن علم، از مرگ عالم ساده تر است.

۷۹۰. به مقداری که مردم به تو تکریم می کنند، به دیدارشان بشتاب.

۷۹۱. زوایای دنیا، پر از مصیبت است.

۷۹۲. دیدار دوست، نشانگر محبت انسان است.

۷۹۳. دیدار ضعیفان، نشانه ی تواضع است.

۷۹۴. آراستن باطن، بهتر از آراستن ظاهر است.

۷۹۵. زهد نادان، گمراهی است.

حرف سین

۷۹۶. بدگمانی، حرام است.

۷۹۷. خوشی دنیا، فریب است.

٧٩٨. سوءُ الخُلُقِ وَحَشَهُ لِأَخْلَاصِ مِنْهَا. (١).

٧٩٩. سِيرَةُ الْمَرْءِ تُنبِئُ عَنِ سَرِيرَتِهِ (٢). (٣).

٨٠٠. سَلَامَةُ الْإِنْسَانِ فِي حِفْظِ اللِّسَانِ. سُكُوتُ اللِّسَانِ سَلَامَةُ الْإِنْسَانِ. (٤).

٨٠١. سَادَةُ الْأُمَّةِ الْفُقَهَاءُ. (٥).

٨٠٢. سِلَاحُ الضُّعْفَاءِ الشُّكَايَةُ. (٦).

٨٠٣. سُمُو الْمَرْءِ فِي التَّوَاضُّعِ. (٧) حَرْفُ الشَّيْنِ

٨٠٤. شَيْنُ الْعِلْمِ الصَّلْفُ (٨). (٩).

٨٠٥. شَرُّ الْأُمُورِ أَقْرَبُهَا مِنَ السُّتْرِ (١٠). (١١).

٨٠٦. شَمْرٌ فِي طَلَبِ الْجَنَّةِ. (١٢).

٨٠٧. شَمَّةٌ مِنَ الْمَعْرِفَةِ خَيْرٌ مِنْ كَثِيرِ الْعَمَلِ (١٣). (١٤).

٨٠٨. شَيْبُكَ نَاعِيكَ. (١٥).

٨٠٩. شِفَاءُ الْجَنَانِ (١٦) قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ. (١٧).

٨١٠. شَحِيحٌ غَنِيٌّ أَفْقَرُ مِنْ فَقِيرٍ سَخِيٍّ. (١٨).

٨١١. شَرُّ الْأَلْفَةِ تَرْكُ الْكُلْفَةِ. (١٩).

ص: ١٦٠

١- (١). نثر اللآلى، ص ٧٤، ح ١٢٧.

٢- (٢). أى أعماله تنبئ عن صفاته النفسانيه؛ لأنها منشأ الأعمال.

٣- (٣). نثر اللآلى، ص ٧٤، ح ١٢٩.

٤- (٤). نثر اللآلى، ص ٧٤، ح ١٢٥ و ١٢٣.

٥- (٥). نثر اللآلى، ص ٧٤، ح ١١٩.

٦- (٦). نثر اللآلى، ص ٧٤، ح ١٢٤.

٧- (٧). نثر اللآلى، ص ٧٤، ح ١٢٦.

- ٨- (٨) . صَيْلِفُ الرَّجُلِ: تَمَدَّحٌ بِمَا لَيْسَ عِنْدَهُ، أَوْ جَاوَزَ قَدْرَ الظَّرْفِ وَادَّعَى فَوْقَ ذَلِكَ إِعْجَابًا وَتَكْبِيرًا. يَعْنِي شَيْنُ الْعِلْمِ ادِّعَاءُ مَا لَيْسَ فِيهِ، وَالْكِبَرُ وَالْإِعْجَابُ.
- ٩- (٩) . نَثْرُ اللَّأَكِيِّ، ص ٧٦، ح ١٤٠.
- ١٠- (١٠) . لِأَنَّ الشَّرَّ الْمَسْتَوْرَ لَا يُمْكِنُ دَفْعُهُ وَرَفْعُهُ.
- ١١- (١١) . نَثْرُ اللَّأَكِيِّ، ص ٧٦، ح ١٣٣، وَفِيهِ «الشَّرُّ».
- ١٢- (١٢) . نَثْرُ اللَّأَكِيِّ، ص ٧٦، ح ١٣٨.
- ١٣- (١٣) . أَيُّ الْقَلِيلِ مِنَ الْعِلْمِ وَالْمَعْرِفَةِ. شَبَّهَ الْقَلِيلَ مِنْهَا بِمَا يُشَمُّ؛ فَمَا يُشَمُّ مِنْهَا مَرَّةً خَيْرٌ مِنْ كَثِيرٍ مِنَ الْعَمَلِ.
- ١٤- (١٤) . نَثْرُ اللَّأَكِيِّ، ص ٧٦، ح ١٣٧.
- ١٥- (١٥) . نَثْرُ اللَّأَكِيِّ، ص ٧٦، ح ١٣٩.
- ١٦- (١٦) . الْجَنَانُ: الْقَلْبُ (الْقَامُوسُ الْمَحِيطُ: ٢١٠/٤).
- ١٧- (١٧) . نَثْرُ اللَّأَكِيِّ، ص ٧٦، ح ١٣٦.
- ١٨- (١٨) . نَثْرُ اللَّأَكِيِّ، ص ٧٦، ح ١٣١.
- ١٩- (١٩) . نَثْرُ اللَّأَكِيِّ، ص ٧٦، ح ١٣٥.

۷۹۸. بداخلاقی، وحشتی است که رهائی ندارد.

۷۹۹. رفتار انسان، از باطن او خبر می دهد.

۸۰۰. سلامت انسان، در نگهداری زبان است. و سکوت زبان، سلامت انسان است.

۸۰۱. فقیهان، بزرگان امت هستند.

۸۰۲. شکایت، اسلحه ضعیفان است.

۸۰۳. سربلندی انسان، در فروتنی است.

حرف شین

۸۰۴. آفت دانائی، خودپسندی است.

۸۰۵. بدترین عیب، پنهان ترین آن است.

۸۰۶. برای رسیدن به بهشت، کمر همت خود را ببند.

۸۰۷. اندکی معرفت، از فراوانی عمل بهتر است.

۸۰۸. موی سپید، مرگ تو را خبر می دهد.

۸۰۹. شفای قلب، در قرائت قرآن است.

۸۱۰. توانگر بخیل از فقیر سخاوتمند، فقیرتر است.

۸۱۱. شرط دوستی و محبت، ترک تشریفات است.

٨١٢. شَرُّ النَّاسِ مَنْ يَتَّقِيهِ النَّاسُ. (١) حَرْفُ الضَّادِ

٨١٣. صِدْقُ الْمَرْءِ نَجَاتُهُ. (٢)

٨١٤. صَدَقَهُ الْبَدَنُ فِي الصَّوْمِ. (٣)

٨١٥. صَبْرَكَ يورثُ الظَّفَرَ. (٤)

٨١٦. صَلَاةُ اللَّيْلِ بِهَاءٍ فِي النَّهَارِ. (٥)

٨١٧. صَلَاحُ الْبَدَنِ فِي السُّكُوتِ (٦). (٧)

٨١٨. صَلَاحُ الْإِنْسَانِ فِي حِفْظِ اللِّسَانِ. (٨)

٨١٩. صَاحِبِ الْأَخْيَارِ تَأْمَنُ مِنَ الْأَشْرَارِ. (٩)

٨٢٠. صَمْتُ الْجَاهِلِ سِتْرَةٌ. (١٠)

٨٢١. صِلِ الْأَرْحَامَ يَكْثُرُ حَسْمُكَ (١١). (١٢)

٨٢٢. صَلَاحُ الدِّينِ فِي الْوَرَعِ، وَفَسَادُهُ فِي الطَّمَعِ.

حَرْفُ الضَّادِ

٨٢٣. ضَلَّ سَعْيِي مَنْ رَجَا غَيْرَ اللَّهِ. (١٣)

٨٢٤. ضَمِنَ اللَّهُ رِزْقَ كُلِّ أَحَدٍ. (١٤)

ص: ١٤٢

١- (١) . نثر اللآلى، ص ٧٦، ح ١٣٤.

٢- (٢) . نثر اللآلى، ص ٧٨، ح ١٤٤.

٣- (٣) . نثر اللآلى، ص ٧٨، ح ١٤٣، «صحة البدن...».

٤- (٤) . نثر اللآلى، ص ٧٨، ح ١٤٢.

٥- (٥) . نثر اللآلى، ص ٧٨، ح ١٤٨.

٦- (٦) . لعل المراد أن بالسكوت وقلة الكلام يكون ما يزعجه من الأفكار قليلاً جداً، فتستريح أعصابه ويستريح بدنه مع أن الكلام هو منشأ الجدال والنزاع والقتال إلى غير ذلك من المتاعب والمهالك.

- ٧-٧) . نثر اللآلى، ص ٧٨، ح ١٥٠.
- ٨-٨) . نثر اللآلى، ص ٧٨، ح ١٤٩.
- ٩-٩) . نثر اللآلى، ص ٧٨، ح ١٤١.
- ١٠-١٠) . نثر اللآلى، ص ٧٨، ح ١٥٢.
- ١١-١١) . الحَشم: خَدَمُ الرجل، والمعنى: أنَّ مَنْ وصل رحمه صاروا له خدماً، أو يَصِلَه الأرحام تزيد النعم، فيزيد الخدم.
- ١٢-١٢) . نثر اللآلى، ص ٧٨، ح ١٤٧.
- ١٣-١٣) . نثر اللآلى، ص ٨٠، ح ١٥٧.
- ١٤-١٤) . نثر اللآلى، ص ٨٠، ح ١٦٠.

حرف صاد

۸۱۲. بدترین مردم کسی است که مردم از او می ترسند.

۸۱۳. نجات انسان، در صداقت است.

۸۱۴. روزه، صدقه ی بدن است.

۸۱۵. نتیجه ی صبر، پیروزی است.

۸۱۶. نماز شب، روشنائی روز است.

۸۱۷. مصلحت بدن، در سکوت است.

۸۱۸. مصلحت انسان، در حفظ زبان است.

۸۱۹. با نیکان همنشینی کن، از اشرار در امان می شوی.

۸۲۰. سکوت نادان، جهل او را می پوشاند.

۸۲۱. با خویشان معاشرت کن، پشتوانه می اندوزی.

۸۲۲. مصلحت دین در تقوا و فساد آن در طمع است.

حرف ضاد

۸۲۳. تلاش کسی که به غیر خدا امیدوار باشد، بی حاصل است.

۸۲۴. خداوند روزی همه را ضمانت کرده است.

٨٢٥. ضَرَبَ الحَبِيبِ أَوْحَجَ (١). (٢).
٨٢٦. ضِيَاءُ القَلْبِ مِنْ أَكْلِ الحَلَالِ. (٣).
٨٢٧. ضَرَبَ اللِّسَانَ أَشَدُّ مِنْ طَعْنِ السَّنَانِ. (٤).
٨٢٨. ضَلَّ مِنْ رَكَنٍ إِلَى الأَشْرَارِ. (٥).
٨٢٩. ضَلَّ مَنْ بَاعَ الدِّينَ بِالدُّنْيَا. (٦).
٨٣٠. ضَيْقُ (٧) القَلْبِ أَشَدُّ مِنْ ضَيْقِ اليَدِ (البَدَنِ خ ل). (٨).
٨٣١. ضَاقَ صَدْرُ مَنْ ضَاقَتْ يَدُهُ. (٩).
٨٣٢. ضَاقَتْ الدُّنْيَا عَلَى المُتَبَاغِضِينَ. (١٠) حَرْفُ الطَّاءِ
٨٣٣. طَوْبِي لِمَنْ رَزَقَ العَافِيَةَ. (١١).
٨٣٤. طَوَّلَ العُمُرَ مَعَ الطَّاعَةِ مِنْ خُلُقِ الأَنْبِيَاءِ. (١٢).
٨٣٥. طَالَ عُمُرُ مَنْ قَصُرَ تَعَبُهُ. (١٣).
٨٣٦. طَلَبُ الأَدَبِ أَوْلَى مِنْ طَلَبِ الذَّهَبِ. (١٤).
٨٣٧. طَالَ عُمُرُ مَنْ قَصُرَ رَجَاهُ. (١٥).
٨٣٨. طَاعَةُ العَدُوِّ هَلاكَ. (١٦).

ص: ١٦٤

- ١- (١) . كناية عن أن الحبيب حيث كان توقع الإحسان منه كثيراً، فقليل جفائه يكون كثيراً، واليسير من إيذائه يكون آلم.
- ٢- (٢) . نثر اللآلى، ص ٨٠، ح ١٥٥.
- ٣- (٣) . نثر اللآلى، ص ٨٠، ح ١٦٢.
- ٤- (٤) . نثر اللآلى، ص ٨٠، ح ١٥٦.
- ٥- (٥) . نثر اللآلى، ص ٨٠، ح ١٥٩.
- ٦- (٦) . نثر اللآلى، ص ٨٠، ح ١٥٨.
- ٧- (٧) . ضيق القلب كناية عن ضيق الصدر وعدم الصبر على المكاره، فهو أشد من ضيق اليد؛ وهو الفقر المالى.

- ٨- (٨) . نثر اللآكلى؁ ص ٨٠ ح ١٤٣ .
- ٩- (٩) . نثر اللآكلى؁ ص ٨٠ ح ١٥٣ .
- ١٠- (١٠) . نثر اللآكلى؁ ص ٨٠ ح ١٥٤ .
- ١١- (١١) . نثر اللآكلى؁ ص ٨٢ ح ١٧١ .
- ١٢- (١٢) . نثر اللآكلى؁ ص ٨٢ ح ١٧٣ .
- ١٣- (١٣) . نثر اللآكلى؁ ص ٨٢ ح ١٤٨ .
- ١٤- (١٤) . نثر اللآكلى؁ ص ٨٢ ح ١٧٠ .
- ١٥- (١٥) . نثر اللآكلى؁ ص ٨٢ ح ١٤٧ .
- ١٦- (١٦) . نثر اللآكلى؁ ص ٨٢ ح ١٤٥ .

۸۲۵. ضربه ی دوست دردناک تر [از ضربه ی دشمن] است.

۸۲۶. لقمهٔ حلال، قلب را نورانی می کند.

۸۲۷. نیش زبان، بدتر از ضربه ی نیزه است.

۸۲۸. کسی که به اشرار اعتماد کند، گمراه است.

۸۲۹. کسی که دین را به دنیا بفروشد، گمراه است.

۸۳۰. دل تنگی [بی صبوری]، از تنگدستی سخت تر است.

۸۳۱. کسی که تنگدست شود، کم تحمل می شود.

۸۳۲. دنیا بر اهل بغض و کینه، تنگ است.

حرف طاء

۸۳۳. خوشا به حال کسی که عافیت دارد.

۸۳۴. عمر طولانی در طاعت خدا، از اخلاق پیامبران است.

۸۳۵. هر کس کمتر رنج بکشد، عمرش طولانی می شود.

۸۳۶. آموختن ادب، بهتر از اندوختن طلا است.

۸۳۷. هر که آرزویش کم شود، عمرش طولانی می شود.

۸۳۸. پیروی از دشمن، نابودی است.

٨٣٩. طوبى لِمَن لا أَهْلَ لَهُ (١). (٢).

٨٤٠. طَاعَهُ اللَّهُ غَنِيمَةً. (٣) حَرْفُ الظَّاءِ

٨٤١. ظَلَمَ الْمَرْءَ يَصْرَعُهُ. (٤)

٨٤٢. ظَلَمَ الْمَلُوكِ أَوْلَى مِنْ خِذْلَانِ الرَّعِيَّةِ (٥). (٦)

٨٤٣. ظِلَامَةٌ (٧) الْمَظْلُومِ لِاتِّضَاعِ. (٨)

٨٤٤. ظَلَمَ الظَّالِمِ يَقْوَدُهُ إِلَى الْهَلَاكِ. (٩)

٨٤٥. ظَمًا الْمَالِ أَشَدُّ مِنْ ظَمَاءِ الْمَاءِ (١٠). (١١)

٨٤٦. ظَلَمَهُ الظُّلْمُ تَظَلَّمَ الْإِيمَانَ (١٢). (١٣)

٨٤٧. ظَلَّ السُّلْطَانَ كَظَلَّ اللَّهَ. (١٤)

٨٤٨. ظَلَّ عُمُرِ الظَّالِمِ قَاصِرٌ. (١٥)

٨٤٩. ظَلَّ الْكَرِيمِ فَسِيحٌ. (١٦) حَرْفُ الْعَيْنِ

٨٥٠. الْعَالِمُ: الَّذِي لَا يَمَلُّ مِنْ تَعَلُّمِ الْعِلْمِ. (١٧)

٨٥١. الْعَدْلُ أَفْضَلُ مِنَ الشُّجَاعَةِ؛ لِأَنَّ النَّاسَ لَوْ اسْتَعْمَلُوا الْعَدْلَ عُمُومًا فِي جَمِيعِهِمْ لَاسْتَعْنَوْا عَنِ الشُّجَاعَةِ. (١٨)

ص: ١٦٦

١- (١) . ولعل ذلك لما ورد من أن قله العيال أحد اليسارين، أو لما ورد من أن آفة دين الإنسان هي الأهل، فمن غُيِّد الأهل فقد غُيِّد الآفة.

٢- (٢) . نثر اللآلى، ص ٨٢، ح ١٧٢.

٣- (٣) . نثر اللآلى، ص ٨٢، ح ١٦٦.

٤- (٤) . نثر اللآلى، ص ٨٤، ح ١٨٠.

٥- (٥) . لأن خذلانهم يورث انعدام الملك والمغلوبية دون ظلم الملك، ويمكن أن يكون المراد أن ظلم الملوكة أولى في الأثر من خذلان الرعية؛ لأن ظلمه عله لخذلانهم.

٦- (٦) . نثر اللآلى، ص ٨٤، ح ١٨١.

٧- (٧) . الظلامه: ما تطلبه عند الظالم، وهو اسم ما اخذ منك (لسان العرب: ٣٧٤/١٢).

- ٨- (٨) . نثر الآلى؁ ص ٨٤ ح ١٧٨ .
- ٩- (٩) . نثر الآلى؁ ص ٨٤ ح ١٧٩ .
- ١٠- (١٠) . كناية عن الحرص على المال .
- ١١- (١١) . نثر الآلى؁ ص ٨٤ ح ١٨٣ .
- ١٢- (١٢) . يعنى أن للظلم ظلمة تغلب نور الإيمان فتذهب به .
- ١٣- (١٣) . نثر الآلى؁ ص ٨٤ ح ١٨٢ .
- ١٤- (١٤) . نثر الآلى؁ ص ٨٤ ح ١٧٥ .
- ١٥- (١٥) . نثر الآلى؁ ص ٨٤ ح ١٧٧ .
- ١٦- (١٦) . نثر الآلى؁ ص ٨٤ ح ١٧٦ .
- ١٧- (١٧) . عيون الحكم والمواعظ؁ ص ٤٧ .
- ١٨- (١٨) . شرح نهج البلاغة؁ ج ٢٠؁ ص ٣٣٣ .

۸۳۹. خوشا به حال کسی که اهل و عیال ندارد.

۸۴۰. طاعت خدا، غنیمت است.

حرف ظاء

۸۴۱. ظلم، انسان را به خاکِ هلاکت می افکند.

۸۴۲. ظلم حاکمان، بهتر از واگذاری و یاری نرساندن رعیت است.

۸۴۳. ستم بر مظلوم، از بین نمی رود.

۸۴۴. ظلمِ ظالم او را به نابودی می کشاند.

۸۴۵. عطش مال، سخت تر از عطش آب است.

۸۴۶. سیاهی ظلم، نور ایمان را می برد.

۸۴۷. سایه ی حاکمان [عادل] مثل سایه ی خداوند است. [حکومت عدل، حکومت الهی است].

۸۴۸. سایه ی عمرِ ستمگر، کوتاه است.

۸۴۹. سایه ی کریمان [دامنه کرامت] وسیع است.

حرف عین

۸۵۰. دانشمند، کسی است که از آموختن خسته نشود.

۸۵۱. عدالت برتر از شجاعت است. چون اگر مردم در اجتماع عدالت را برقرار کنند، همگی از شجاعت بی نیاز خواهند شد.

٨٥٢. العَدْلُ حَيَاةُ الْأَحْكَامِ. (١)

٨٥٣. الْعَقْلُ غَرِيْزَةٌ تُرَبِّئُهَا التَّجَارِبُ. (٢)

٨٥٤. الْعِلْمُ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحَاطَ بِهِ، فَخُذُوا مِنْ كُلِّ عِلْمٍ أَحْسَنَهُ. (٣)

٨٥٥. الْعِلْمُ صِبْغُ النَّفْسِ، وَلَيْسَ يَفُوقُ صِبْغَ الشَّيْءِ حَتَّى يَنْظُفَ مِنْ كُلِّ دَنَسٍ. (٤)

٨٥٦. الْعِلْمُ يَهْتَفُ (٥) بِالْعَمَلِ، فَإِنْ أَجَابَهُ وَإِلَّا ارْتَحَلَ. (٦)

٨٥٧. الْعُمُرُ الَّذِي أَعَدَرَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ فِيهِ إِلَى ابْنِ آدَمَ وَأَنْذَرَ: السُّتُونَ. (٧)

٨٥٨. الْعُمُرُ الَّذِي يَبْلُغُ الرَّجُلُ فِيهِ الْأَشُدَّ، الْأَرْبَعُونَ. (٨)

٨٥٩. الْعَمَلُ كُلُّهُ هَبَاءٌ (٩) إِلَّا مَا اخْلَصَ فِيهِ. (١٠)

٨٦٠. الْعَيْنُ بَرِيدُ الْقَلْبِ. (١١)

٨٦١. عَادَةُ الْأَشْرَارِ مُعَادَاةُ الْأَخْيَارِ. (١٢)

٨٦٢. عَاصٍ يُقَرُّ بِذَنْبِهِ خَيْرٌ مِنْ مُطِيعٍ يَفْتَحِرُ بِعَمَلِهِ. (١٣)

٨٦٣. عَاقِبَةُ الظُّلْمِ وَخِيْمَةٌ. (١٤)

٨٦٤. عَبْدُ الشَّهْوَةِ أَسِيرٌ لَا يَنْفِكُ أَسْرَهُ. (١٥)

٨٦٥. عَجِبْتُ لِمَنْ يَرْجُو رَحْمَةً مِنْ فَوْقِهِ، كَيْفَ لَا يَرْحَمُ مَنْ دُونَهُ. (١٦)

٨٦٦. عَدُوٌّ عَاقِلٌ خَيْرٌ مِنْ صَدِيقٍ جَاهِلٍ. (١٧)

٨٦٧. عَذَبَ حُسَادَكَ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِمْ. (١٨)

٨٦٨. عَسَرَ الْأَسْرُ فَقَدِمَ الْيَسْرُ. (١٩)

ص: ١٦٨

١- (١). عيون الحكم والمواعظ، ص ١٨.

٢- (٢). عيون الحكم والمواعظ، ص ٥٢، باختلاف يسير.

- ٣-٣ . عيون الحكم والمواعظ، ص ٥٤.
- ٤-٤ . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٢٦٨، ح ١١٠.
- ٥-٥ . هَتَفَ بِهِ هَتْفًا: صاح به ودعاه (المصباح المنير: ٦٣٣).
- ٦-٦ . عيون الحكم والمواعظ، ص ٥٨.
- ٧-٧ . عيون الحكم والمواعظ، ص ٥٩.
- ٨-٨ . عيون الحكم والمواعظ، ص ٥٩.
- ٩-٩ . الهَبَاءُ: الغُبار (لسان العرب: هيو).
- ١٠-١٠ . تصنيف غرر الحكم، ص ١٥٥، ح ٢٨٩٦.
- ١١-١١ . عيون الحكم والمواعظ، ص ٣٨.
- ١٢-١٢ . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٦٥، ح ١٠٦٨١.
- ١٣-١٣ . تصنيف غرر الحكم، ص ١٩٥، ح ٣٨١٢.
- ١٤-١٤ . نثر اللآلئ، ص ٨٦، ح ١٨٤.
- ١٥-١٥ . عيون الحكم والمواعظ، ص ٣٤١.
- ١٦-١٦ . عيون الحكم والمواعظ، ص ٣٠٣.
- ١٧-١٧ . الطرائف، ص ٣٠٥.
- ١٨-١٨ . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٣١٧.
- ١٩-١٩ . نثر اللآلئ، ص ٨٦، ح ١٨٧، وفيه «عُسْرُ الأَمْرِ مَقْدَمُهُ اليُسْرُ».

۸۵۲. عدالت، احکام را زنده می‌دارد.

۸۵۳. عقل‌گریزه‌ای است که تجربه‌ها آن را پرورش می‌دهد.

۸۵۴. علم وسیع‌تر از آن است که احاطه شود. پس از هر علمی بهترین را فراگیرید.

۸۵۵. علم، رنگ و چهره‌نفس است. و تا همه‌آلودگیها پاک نشود رنگ [واقعی] اشیاء دیده نمی‌شود.

۸۵۶. علم انسان را به عمل دعوت می‌کند. اگر اجابت کرد علم باقی می‌ماند و گرنه کوچ می‌کند.

۸۵۷. عمری که خداوند سبحان در آن سن، برای انسان عذری باقی نمی‌گذارد شصت سالگی است.

۸۵۸. عمری که انسان در آن به کمال می‌رسد، چهل سالگی است.

۸۵۹. همه کارها، ناچیز است مگر کاری که در آن اخلاص باشد.

۸۶۰. چشم، خبرنگار قلب است.

۸۶۱. اشرار به دشمنی با مردم نیک سیرت، عادت دارند.

۸۶۲. خطاکاری که اقرار به گناه خود دارد بهتر از انسان مطیع است که به عمل خود فخر فروشی می‌کند.

۸۶۳. سرانجام ظلم، ناگوار است.

۸۶۴. بنده‌ی شهوت، اسیری است که از اسارت رها نمی‌شود.

۸۶۵. تعجب می‌کنم از کسی که امید رحمت از مافوق خود دارد، اما به زیر دست خود رحم نمی‌کند.

۸۶۶. دشمن عاقل، بهتر از دوست نادان است.

۸۶۷. با نیکی کردن به کسانی که به تو حسادت می‌کنند، آنها را تنبیه کن.

۸۶۸. مشقت اسارت، مقدمه‌ی راحتی است.

٨٦٩. عِشْ قِنَعًا، تَكُنْ مَلِكًا. (١)
٨٧٠. عَقْلُ الْكَاتِبِ فِي قَلَمِهِ. (٢)
٨٧١. عُقُوبَةُ الظَّالِمِ سُرْعَةُ الْمَوْتِ. (٣)
٨٧٢. عَقِيبُ كُلِّ لَيْلٍ يَوْمٌ. (٤)
٨٧٣. عِلْمُ الْمُنَافِقِ فِي لِسَانِهِ. (٥)
٨٧٤. عُلُوُّ الْهَمِّ مِنَ الْإِيمَانِ. (٦)
٨٧٥. عَلَى قَدْرِ الْعَقْلِ تَكُونُ الطَّاعَةُ. (٧)
٨٧٦. عَلَيْكَ بِالْحِفْظِ دُونَ الْجَمْعِ مِنَ الْكُتُبِ. (٨)
٨٧٧. عَلَيْكَ بِالصَّبْرِ؛ فِيهِ يَأْخُذُ الْعَاقِلُ وَإِلَيْهِ يَرْجِعُ الْجَاهِلُ. (٩)
٨٧٨. عَلَيْكَ بِمَجَالَسِهِ أَصْحَابِ التَّجَارِبِ؛ فَإِنَّهَا تُقَوِّمُ عَلَيْهِمُ بِالْغَلَاءِ، وَتَأْخُذُهَا مِنْهُمْ بِالرُّخْصِ. (١٠)
٨٧٩. عَمَّرَتِ الْبُلْدَانُ بِحُبِّ الْأَوْطَانِ. (١١)
٨٨٠. عِنْدَ الْإِمْتِحَانِ يُكْرَمُ الرَّجُلُ أَوْ يُهَانُ. (١٢)
٨٨١. عِنْدَ الْخَبْرَةِ تَنْكَشِفُ عُقُولُ الرِّجَالِ. (١٣)
٨٨٢. عِنْدَ (بَدِيهِهِ) الْمَقَالِ تُخْتَبَرُ عُقُولُ الرِّجَالِ. (١٤)
٨٨٣. عِنْدَ كَمَالِ الْقُدْرَةِ تَظْهَرُ فَضِيلَةُ الْعَفْوِ. (١٥)
٨٨٤. عُنْوَانُ الْعَقْلِ مُدَارَاهُ النَّاسِ. (١٦)
٨٨٥. عُنْوَانُ صَحِيفَةِ الْمُؤْمِنِ حُسْنُ خُلُقِهِ. (١٧)
٨٨٦. عَوْدُكَ إِلَى الْحَقِّ خَيْرٌ مِنْ تَمَادِيكَ (١٨) فِي الْبَاطِلِ. (١٩)

ص: ١٧٠

- ٢-٢) . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٣٢٨، ح ٧٦١.
- ٣-٣) . نثر اللاكلى، ص ٨٦، ح ١٨٩.
- ٤-٤) . نثر اللاكلى، ص ٨٦، ح ١٩٠.
- ٥-٥) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٥٩، ح ١٠٥٠٢.
- ٦-٦) . نثر اللاكلى، ص ٨٦، ح ١٩١.
- ٧-٧) . تصنيف غرر الحكم، ص ٦١، ح ٦٨٧.
- ٨-٨) . نثر اللاكلى، ص ٨٦، ح ١٩٣.
- ٩-٩) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢٨١، ح ٦٢٤٩.
- ١٠-١٠) . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٣٣٥، ح ٨٤٦.
- ١١-١١) . تحف العقول، ص ٢٠٧.
- ١٢-١٢) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٠٠، ح ١٧١٦.
- ١٣-١٣) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٠٠، ح ١٧٤٥.
- ١٤-١٤) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢٠٩، ح ٤٠٣١.
- ١٥-١٥) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٤٢، ح ٧٨٣٢.
- ١٦-١٦) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٤٥، ح ١٠١٦٩.
- ١٧-١٧) . تحف العقول، ص ٢٠٠.
- ١٨-١٨) . تَمَادَى فِي غَيْتِهِ: لَجَّ وَدَامَ عَلَى فِعْلِهِ (أقرب الموارد: مدى).
- ١٩-١٩) . تصنيف غرر الحكم، ص ٦٨، ح ٩٤٧.

۸۶۹. قانع زندگی کن پادشاه [خود] می شوی.
۸۷۰. عقل نویسنده، در قلم اوست.
۸۷۱. ستمگر، [در دنیا] با مرگ زودرس کیفر می شود.
۸۷۲. بدنبال هر شب، روزی هست [پایان شب سیه سپید است].
۸۷۳. دانش منافق، در زبان اوست.
۸۷۴. بلند همتی، نشانه ی ایمان است.
۸۷۵. طاعت هر کس، باندازه عقل اوست.
۸۷۶. در آموختن بکوش، نه در جمع آوری کتاب.
۸۷۷. صبور باش. که عاقل صبر را اختیار می کند. و جاهل [اجباراً] صبر می کند.
۸۷۸. با مردم با تجربه همنشین شو. که تجربه برای آنها به گران ترین قیمت بدست آمده است. و تو به ارزان ترین قیمت دریافت می کنی.
۸۷۹. با وطن دوستی، شهرها آباد شده اند.
۸۸۰. پس از امتحان، انسان، کریم یا پست شمرده می شود.
۸۸۱. هنگام آزمایش، میزان عقل انسانها کشف می شود.
۸۸۲. با سخن گفتن [بالبداهه]، عقل مردم آزموده می شود.
۸۸۳. در اوج قدرت، ارزش بخشیدن ظاهر می شود.
۸۸۴. سرلوحه ی عقل، مدارا کردن با مردم است.
۸۸۵. سر لوحه ی مؤمن، اخلاق نیک اوست.
۸۸۶. بازگشت شما به حق از سماجت در باطل بهتر است.

٨٨٧. عَوَّدَ لِسَانَكَ حُسْنَ الْكَلَامِ، تَأْمَنِ الْمَلَامَ. (١)
٨٨٨. عَيْبُ الْكَلَامِ تَطْوِيلُهُ. (٢)
٨٨٩. (مَا أَقْبَحَ) الْعِدَاوَةَ بَعْدَ الْمَوَدَّةِ. (٣) حَرْفُ الْغَيْنِ
٨٩٠. الْغَالِبُ بِالشَّرِّ مَغْلُوبٌ. (٤)
٨٩١. الْغَدْرُ لِأَهْلِ الْغَدْرِ وَفَاءٌ عِنْدَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ. (٥)
٨٩٢. الْغِيْثُ مِنْ أَخْلَاقِ اللَّئَامِ. (٦)
٨٩٣. الْغَضَبُ نَارٌ مَوْقَدَةٌ، مَنْ كَظَمَهُ أَطْفَأَهَا، وَمَنْ أَطْلَقَهُ كَانَ أَوَّلَ مُحْتَرِقٍ بِهَا. (٧)
٨٩٤. الْغِنَى بِاللَّهِ أَعْظَمُ الْغِنَى. (٨)
٨٩٥. الْغَيْبَةُ جُهْدٌ الْعَاجِزِ. (٩)
٨٩٦. الْغَيْبَةُ لَوْمٌ بَاطِنٌ. (١٠)
٨٩٧. غَائِبُ الْمَوْتِ أَحَقُّ مُنْتَظَرٍ، وَأَقْرَبُ قَادِمٍ. (١١)
٨٩٨. غَايَةُ الْجُودِ بَدَلُ الْمَوْجُودِ. (١٢)
٨٩٩. غَايَةُ الْعَقْلِ الْإِعْتِرَافُ بِالْجَهْلِ. (١٣)
٩٠٠. غَايَةُ الْعِلْمِ الْخَوْفُ مِنَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ. (١٤)
٩٠١. غَايَةُ الْمَعْرِفَةِ أَنْ يَعْرِفَ الْمَرْءُ نَفْسَهُ. (١٥)
٩٠٢. غَدَرَكَ مَنْ دَلَّكَ عَلَى الْإِسَاءَةِ. (١٦)
٩٠٣. غَشَّكَ مَنْ أَسْخَطَكَ بِالْبَاطِلِ. (١٧)

ص: ١٧٢

١- (١). تصنيف غرر الحكم، ص ٢١٠، ح ٤٠٥٥.

٢- (٢). نثر اللآلئ، ص ٨٦، ح ١٩٤.

- ٣- (٣) . تحف العقول، ص ٨٢.
- ٤- (٤) . عيون الحكم والمواعظ، ص ٤٤.
- ٥- (٥) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢٩٠، ح ٦٥٥٠.
- ٦- (٦) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٦٠، ح ٨١٤٨.
- ٧- (٧) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٠٣، ح ٦٨٩٥.
- ٨- (٨) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٦٦، ح ٨٢٧١.
- ٩- (٩) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢٢١، ح ٤٤٤١.
- ١٠- (١٠) . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٢٥٣، ح ٤٧١.
- ١١- (١١) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٦٣، ح ٣١٥٨.
- ١٢- (١٢) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٨١، ح ٨٦٥٢.
- ١٣- (١٣) . تصنيف غرر الحكم، ص ٥٢، ح ٣٩٤.
- ١٤- (١٤) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٥٢، ح ٢٨٢٠.
- ١٥- (١٥) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢٣٢، ح ٤٦٣٣.
- ١٦- (١٦) . نثر الآلى، ص ٨٨، ح ١٩٦.
- ١٧- (١٧) . نثر الآلى، ص ٨٨، ح ١٩٨.

۸۸۷. زیانت را به کلام زیبا عادت بده، از ملامت در امان خواهی بود.

۸۸۸. عیب سخن، طولانی شدن آن است.

۸۸۹. دشمنی بعد از دوستی، چقدر زشت است.

حرف غین

۸۹۰. کسی که با شرارت پیروز شود، ورشکسته است.

۸۹۱. فریب دادنِ فریبکار، نزد خداوند سبحان و فاست.

۸۹۲. غش [مخلوط کردن متاع با ناخالصی] اخلاق فرومایگان است.

۸۹۳. خشم، آتش سوزان است. کسی که آن را فرو برد، آتش را خاموش کرده است. و کسی که آن را رها کند [برافروزد]، اول خود او را می سوزاند.

۸۹۴. غنای بالله [توکل و اعتماد به خدا داشتن] بزرگترین بی نیازی است.

۸۹۵. غیبت کردن، کار عاجز است.

۸۹۶. غیبت کردن، زشتی درون را می رساند.

۸۹۷. مرگ، غایبِ شایستهٔ انتظار و نزدیکترین میهمان است.

۸۹۸. نهایت بخشش، بخشیدن موجودی است.

۸۹۹. نهایت عقل، اعتراف به جهل است.

۹۰۰. نهایت علم، خوف از خدای سبحان است.

۹۰۱. نهایت معرفت، شناختن نفس است.

۹۰۲. کسی که به بدرفتاری راهنمایی کند، تو را فریب داده است.

۹۰۳. کسی که تو را در کار باطل به خشم آورد، خیانت کرده است.

٩٠٤. غَضُّ الطَّرْفِ عَنِ مَحَارِمِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ أَفْضَلُ عِبَادِهِ. (١)

٩٠٥. غَضَبُكَ مِنَ الْحَقِّ مَقْبَحَةٌ. (٢)

٩٠٦. غِطَاءُ الْعُيُوبِ الْعَقْلُ. (٣)

٩٠٧. غِطَاءُ الْمُسَاوِي الصَّمْتُ. (٤)

٩٠٨. غَلَا قَدْرُ الْمُتَوَكِّلِينَ. (٥)

٩٠٩. غَلَامٌ عَاقِلٌ خَيْرٌ مِنْ شَيْخٍ جَاهِلٍ. (٦)

٩١٠. غَمْرَةُ الْمَوْتِ أَهْوَنُ مِنْ مُجَالَسَةِ مَنْ لَا يَهْوَاهُ قَلْبُكَ. (٧)

٩١١. غَنِمَ مَنْ سَلِمَ. (٨)

٩١٢. غَنِيمَةُ الْمُؤْمِنِ وَجَدَانُ الْحِكْمَةِ. (٩) حَرْفُ الْفَاءِ

٩١٣. الْفَاسِقُ لَا غَيْبَةَ لَهُ. (١٠)

٩١٤. الْفِرَارُ فِي أَوَانِهِ يَعْدِلُ الظَّفَرُ فِي زَمَانِهِ. (١١)

٩١٥. الْفَرَحُ بِالدُّنْيَا حُمُقٌ. (١٢)

٩١٦. الْفُرْصَةُ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ فَانْتَهَزُوا (١٣) فُرْصَ الْخَيْرِ. (١٤)

٩١٧. الْفُرْصَةُ سَرِيعَةُ الْفَوْتِ، بَطِيئَةُ الْعَوْدِ. (١٥)

٩١٨. الْفِعْلُ الْجَمِيلُ يُنْبِئُ عَنِ عُلُوِّ الْهَمَّةِ. (١٦)

٩١٩. الْفَقْرُ الْمَوْتُ الْأَكْبَرُ. (١٧)

ص: ١٧٤

١- (١). تصنيف غرر الحكم، ص ٢٦٠، ح ٥٥٤٣.

٢- (٢). نثر اللآلئ، ص ٨٨، ح ١٩٩.

٣- (٣). تصنيف غرر الحكم، ص ٥٣، ح ٤٢٢.

٤- (٤). تصنيف غرر الحكم، ص ٢١٦، ح ٤٢٥٧.

- ٥- (٥) . نثر اللآلى، ص ٨٨ ح ٢٠١.
- ٦- (٦) . نثر اللآلى، ص ٨٨ ح ٢٠٢.
- ٧- (٧) . نثر اللآلى، ص ٨٨ ح ١٩٧.
- ٨- (٨) . نثر اللآلى، ص ٨٨ ح ٢٠٣.
- ٩- (٩) . نثر اللآلى، ص ٨٨ ح ٢٠٤.
- ١٠- (١٠) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٦٣، ح ١٠٦١٢.
- ١١- (١١) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٣٤، ح ٧٧٠٢.
- ١٢- (١٢) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٤٢، ح ٢٥١٥.
- ١٣- (١٣) . انتهز النُّهْزَةَ: اغْتَنَمَهَا وَاِنْتَهَضَ إِلَيْهَا مَبَادِرًا (أقرب الموارد: نهز).
- ١٤- (١٤) . شرح نهج البلاغ، ج ١٨، ص ١٣١، ح ٢١.
- ١٥- (١٥) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٧٣، ح ١٠٨١٢.
- ١٦- (١٦) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٥٣، ح ٢٨٤٥.
- ١٧- (١٧) . جامع الأخبار، ص ١١١.

۹۰۴. چشم پوشی از حرام خداوند سبحان، برترین عبادت است.
۹۰۵. غضب کردن از حق، زشت است.
۹۰۶. عقل، عیبهای انسان را می پوشاند.
۹۰۷. سکوت، زشتیها را می پوشاند.
۹۰۸. کسانی که به خدا توکل دارند، گرانقدر هستند.
۹۰۹. کودک عاقل، بهتر از بزرگسال نادان است.
۹۱۰. کشاکش مرگ، از همنشینی با کسی که علاقه قلبی به او نداری، ساده تر است.
۹۱۱. سلامتی، غنیمت است.
۹۱۲. غنیمت مؤمن، بدست آوردن حکمت است.

حرف فاء

۹۱۳. گنهکار، غیبت ندارد [ذکر کردن گناه آشکار، غیبت نیست].
۹۱۴. فرار به هنگام، با پیروزی به موقع برابر است.
۹۱۵. شاد شدن به دنیا، حماقت است.
۹۱۶. فرصت، چون ابر گذراست. پس فرصتهای خوب را دریابید.
۹۱۷. فرصت، زودگذر و کمیاب است.
۹۱۸. کار زیبا، از بلندی همت خبر می دهد.
۹۱۹. فقر، بزرگترین مرگ است.

٩٢٠. الْفَقْرُ وَالْغِنَى بَعْدَ الْعَرَضِ عَلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ. (١)

٩٢١. الْفَقِيهُ كُلُّ الْفَقِيهِ مَنْ لَمْ يُقْنَطِ (٢) النَّاسَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ، (وَلَمْ يُؤَيِّسْهُمْ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ) (٣). (٤)

٩٢٢. الْفِكْرُ جَلَاءُ الْعُقُولِ. (٥)

٩٢٣. الْفِكْرُ فِي الْعَوَاقِبِ يُؤْمِنُ مَكْرُوهَ النَّوَائِبِ. (٦)

٩٢٤. فَازَ مَنْ سَلِمَ مِنْ شَرِّ نَفْسِهِ. (٧)

٩٢٥. فَازَ مَنْ ظَفَرَ بِالَّذِينَ. (٨)

٩٢٦. فَخَرُ الْمَرْءِ بِفَضْلِهِ أَوْلَى مِنْ فَخْرِهِ بِأَصْلِهِ. (٩)

٩٢٧. فَرَعُ الشَّيْءِ يُخْبِرُ عَنْ أَصْلِهِ. (١٠)

٩٢٨. فِرَوا إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَلَا تَفَرُّوا مِنْهُ؛ فَإِنَّهُ مُدْرِكُكُمْ وَلَنْ تُعْجِزُوهُ. (١١)

٩٢٩. فَسَادُ النَّفْسِ الْهَوَى. (١٢)

٩٣٠. فَسَدَتْ نِعْمَتُهُ مَنْ كَفَرَهَا. (١٣)

٩٣١. فَضِيلَةُ الرَّئِيسِ حُسْنُ السِّيَاسَةِ. (١٤)

٩٣٢. فَضِيلَةُ السُّلْطَانِ عِمَارَةُ الْبُلْدَانِ. (١٥)

٩٣٣. فَطَنَهُ الْمَرْءُ تَدُلُّ عَلَى أَصْلِهِ. (١٦)

٩٣٤. فَعَلُ الْمَرْءِ يَدُلُّ عَلَى أَصْلِهِ. (١٧)

٩٣٥. فَقْدُ الْأَجْبَةِ غُرْبَةٌ. (١٨)

٩٣٦. فِقْدَانُ الرُّؤَسَاءِ أَهْوَنُ مِنْ رِئَاسَةِ السُّفَلِ (١٩). (٢٠)

ص: ١٧٦

١- (١). تصنيف غرر الحكم، ص ٣٦٦، ح ٨٢٧٠.

٢- (٢). يُقْنَطُونَ النَّاسَ: يُؤَيِّسُونَهُمْ (لسان العرب: قنط).

- ٣- (٣) . ليس في الناسخ.
- ٤- (٤) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٨، ح ٢٦٠.
- ٥- (٥) . تصنيف غرر الحكم، ص ٥٦، ح ٥٣٩.
- ٦- (٦) . تصنيف غرر الحكم، ص ٥٨، ح ٥٩٦.
- ٧- (٧) . نثر اللاكبي، ص ٩٠، ح ٢٠٦.
- ٨- (٨) . نثر اللاكبي، ص ٩٠، ح ٢٠٧.
- ٩- (٩) . نثر اللاكبي، ص ٩٠، ح ٢٠٨.
- ١٠- (١٠) . نثر اللاكبي، ص ٩٠، ح ٢٠٩.
- ١١- (١١) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٩٦، ح ٣٨٦٤.
- ١٢- (١٢) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢٤١، ح ٢١١.
- ١٣- (١٣) . نثر اللاكبي، ص ٩٠، ح ٢١١.
- ١٤- (١٤) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٣١، ح ٧٦١٩.
- ١٥- (١٥) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٤١، ح ٧٨١٠.
- ١٦- (١٦) . نثر اللاكبي، ص ٩٠، ح ٢١٣.
- ١٧- (١٧) . نثر اللاكبي، ص ٩٠، ح ٢١٤.
- ١٨- (١٨) . نثر اللاكبي، ص ٤١٤، ح ٩٤٥٦.
- ١٩- (١٩) . السُّفْلُ: السُّقَاطُ مِنَ النَّاسِ (لسان العرب: سفلى).
- ٢٠- (٢٠) . نثر اللاكبي، ص ٣٤٧، ح ٨٠٢٠.

۹۲۰. فقیر و غنی [واقعی] بعد از عرضه بر خداوند متعال [در روز قیامت] معلوم می شود.

۹۲۱. فقیه کامل کسی است که مردم را از رحمت خداوند ناامید نمی کند.

۹۲۲. تفکر، عقل را جلا می دهد.

۹۲۳. عاقبت اندیشی، انسان را از فرجام بد حفظ می کند.

۹۲۴. کسی که از شر نفس خود سالم بماند، رستگار شده است.

۹۲۵. کسی که دین بدست آورده، رستگار شده است.

۹۲۶. افتخار به فضیلت، از فخر به نژاد بهتر است.

۹۲۷. فرع هر چیز، از اصل آن خبر می دهد.

۹۲۸. به طرف خداوند سبحان فرار کنید. اما از خداوند فرار نکنید. چون او شما را می گیرد [پیدا می کند] و از دستش نمی توانید در بروید.

۹۲۹. هوس، نفس انسان را تباه می کند.

۹۳۰. نعمت کسی که کفران کند، تباه می شود.

۹۳۱. برتری ریاست، در سیاست خوب است.

۹۳۲. برتری حاکم، در آبادانی شهرهاست [حاکم خوب، قلمروش را آباد می کند].

۹۳۳. زیرکی انسان، دلیل اصالت اوست.

۹۳۴. رفتار انسان، دلیل اصالت اوست.

۹۳۵. فقدان محبوب، غربت است.

۹۳۶. ریاست نالایق، بدتر از نبودن رئیس است.

٩٣٧. فَكَأَكِ الْمَرْءِ فِي الصَّدَقِ. (١)
٩٣٨. فَكَيْزُ سَاعَةٍ قَصِيرَةٍ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةٍ طَوِيلَةٍ. (٢)
٩٣٩. فِي إِخْلَاصِ الْأَعْمَالِ تَنَافُسُ أَوْلِي النَّهْيِ وَالْأَلْبَابِ. (٣)
٩٤٠. فِي الْإِنْفِرَادِ لِعِبَادَةِ اللَّهِ كُنُوزُ الْأَرْبَاحِ. (٤)
٩٤١. فِي التَّجَارِبِ عِلْمٌ مُسْتَأْنَفٌ. (٥)
٩٤٢. فِي الصَّمْتِ السَّلَامَةُ مِنَ النَّدَامَةِ، وَتَلَافِيكَ مَا قُرِطَ مِنْ صَمْتِكَ أَيْسَرُ مِنْ إِدْرَاكِكَ مَا فَاتَ مِنْ مَنْطِقِكَ. (٦)
٩٤٣. فِي الْمَوَاعِظِ جَلَاءُ الصُّدُورِ. (٧)
٩٤٤. فِي كُلِّ بَرٍّ شُكْرٌ. (٨)
٩٤٥. فِي كُلِّ تَجْرِبَةٍ مَوْعِظَةٌ. (٩)
٩٤٦. فِي كُلِّ قَلْبٍ شُغْلٌ. (١٠)
٩٤٧. فِي كُلِّ نَظَرٍ عِبْرَةٌ. (١١) حَرْفُ الْقَافِ
٩٤٨. الْقَلْبُ خَازِنُ اللِّسَانِ. (١٢)
٩٤٩. الْقَلْبُ مُصَحِّفُ الْفِكْرِ. (١٣)
٩٥٠. الْقُلُوبُ أَقْفَالٌ، وَمَفَاتِحُهَا السُّؤَالُ. (١٤)
٩٥١. قَاتِلُ الْحَرِيصِ حِرْصُهُ. (١٥)
٩٥٢. قَبُولُ الْحَقِّ مِنَ الدِّينِ. (١٦)
٩٥٣. قَدْ أَخْطَأَ مَنْ اسْتَعْنَى بِرَأْيِهِ. (١٧)

ص: ١٧٨

١- (١). نثر اللآلي، ص ٩٠، ح ٢١٦.

٢- (٢). تصنيف غرر الحكم، ص ٥٧، ح ٥٤٩.

- ٣-٣) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٥٥، ح ٢٩٠٥.
- ٤-٤) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣١٨، ح ٧٣٥٢.
- ٥-٥) . تنبيه الخواطر، ص ٤، ج ٢.
- ٦-٦) . بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٢٨؛ تحف العقول، ص ٧٩.
- ٧-٧) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢٢٤، ح ٤٥٢٥.
- ٨-٨) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢٢٧، ح ٦١٢٥.
- ٩-٩) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٤٤، ح ١٠١٥٣.
- ١٠-١٠) . نثر اللاكئ، ص ٩٠، ح ٢١٨.
- ١١-١١) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٧٢، ح ١٠٧٧٣.
- ١٢-١٢) . تصنيف غرر الحكم، ص ٦٦، ح ٨٧٧.
- ١٣-١٣) . تصنيف غرر الحكم، ص ٦٦، ح ٨٧٩.
- ١٤-١٤) . تصنيف غرر الحكم، ص ٦٠، ح ٦٥٤.
- ١٥-١٥) . نثر اللاكئ، ص ٩٢، ح ٢١٩.
- ١٦-١٦) . نثر اللاكئ، ص ٩٢، ح ٢٢١.
- ١٧-١٧) . تصنيف غرر الحكم، ص ٦٦، ح ٨٦٧ وفيه: «قد خاطر».

۹۳۷. رهائی انسان، در صداقت است.

۹۳۸. تفکر در ساعتی کوتاه، بهتر از عبادت طولانی [بدون تفکر] است.

۹۳۹. همت صاحبان خرد و عقل، برای ایجاد اخلاص در اعمال است.

۹۴۰. در پرداختن به عبادت خداوند، گنجهای سودمند نهفته است.

۹۴۱. تجربه، علم جدیدی است.

۹۴۲. ایمنی از پشیمانی، در سکوت است. و جبران کردن آنچه در سکوت از دست داده ای، راحت تر از بدست آوردن چیزی است که با گفتار از بین برده ای.

۹۴۳. پندها، سینه را جلا می دهند.

۹۴۴. هر نیکی، شکری دارد.

۹۴۵. در هر تجربه ای، پندی وجود دارد.

۹۴۶. هر قلبی، به چیزی مشغول است.

۹۴۷. در هر منظره ای، عبرتی موجود است.

حرف قاف

۹۴۸. قلب، مخزن زبان است.

۹۴۹. قلب، کتاب تفکر است.

۹۵۰. قلبها قفل هستند. و کلید آنها، سؤال است.

۹۵۱. حرص، قاتل حریص است.

۹۵۲. پذیرفتن حق، نشانه دین است.

۹۵۳. کسی که فقط به رأی خود متکی است، خطا می کند.

٩٥٤. قَدْ تُخَدَعُ الرَّجَالُ. (١)

٩٥٥. قَدْ تَصَدَّقُ الْأَحْلَامُ. (٢)

٩٥٦. قَدْ تَفَاجَيْتُ الْبَلِيَّةُ. (٣)

٩٥٧. قَدْ تَكْذِبُ الْأَمَالُ. (٤)

٩٥٨. قَدَّرَ الْمَرْءُ مَا يَهْمُهُ. (٥)

٩٥٩. قَدَّرَ فِي الْعَمَلِ؛ تَنْجُ مِنَ الزَّلَلِ. (٦)

٩٦٠. قَدَّرَ كُلُّ امْرِئٍ مَا يُحْسِنُهُ. (٧)

٩٦١. قَدْ كَثُرَ الْقَبِيحُ حَتَّى قَلَّ الْحَيَاءُ مِنْهُ. (٨)

٩٦٢. قَدْ يَحْسُنُ الْإِمْتِنَانُ بِالنِّعْمَةِ وَذَلِكَ عِنْدَ كُفْرَانِهَا، وَلَوْلَا أَنَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَفَرُوا النَّعْمَةَ لَمَا قَالَ اللَّهُ لَهُمْ:

«اذْكُرُوا نِعْمَتِي الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ». (٩)

٩٦٣. قَدْ يُدْرِكُ بِشُكْرِ الشَّاكِرِ مَا يَضِيغُ بِجُحُودِ الْكَافِرِ. (١٠)

٩٦٤. قَدْ يَضِلُّ الْعَقْلُ الْفَدُّ. (١١)

٩٦٥. قَدْ يُعَشُّ الْمُسْتَنْصِحُ. (١٢)

٩٦٦. قَدْ يَغْلِبُ الْمَغْلُوبُ. (١٣)

٩٦٧. قَدْ يَقُولُ الْحِكْمَةَ غَيْرَ الْحَكِيمِ. (١٤)

٩٦٨. قُرْبُ الْأَشْرَارِ مَضَرَّةٌ. (١٥)

٩٦٩. قُرْنِ الْإِجْتِهَادُ بِالْوَجْدَانِ. (١٦)

٩٧٠. قُرْنِ الْحَيَاءِ بِالْحِرْمَانِ. (١٧)

ص: ١٨٠

- ٢-٢) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٢٤، ح ٧٥٥٠.
- ٣-٣) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٢٥، ح ٧٥٧٨.
- ٤-٤) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣١٢، ح ٧٢٣٧.
- ٥-٥) . نثر اللاكلى، ص ٩٢، ح ٢٢٢.
- ٦-٦) . نثر اللاكلى، ص ٩٢، ح ٢٢٣.
- ٧-٧) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٨٣، ح ٨٧١٦.
- ٨-٨) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٢٣، ح ٢١٤٨.
- ٩-٩) . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٢٩٤، ح ٣٧٠.
- ١٠-١٠) . دستور معالم الحكم، ص ٢٠.
- ١١-١١) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٤٣، ح ١٠١٠٥.
- ١٢-١٢) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢٢٦، ح ٤٦٠١.
- ١٣-١٣) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٨١، ح ١١٠٧٤.
- ١٤-١٤) . تصنيف غرر الحكم، ص ٥٩، ح ٦٤٢.
- ١٥-١٥) .؟؟؟؟.
- ١٦-١٦) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٤٤، ح ١٠١٢٧.
- ١٧-١٧) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢٥٧، ح ٥٤٧٥، وفيه: «الحياء».

۹۵۴. گاهی بزرگان فریب می خورند [فریب خوردن از هیچ کس بعید نیست].

۹۵۵. گاهی رؤیا، صادق است.

۹۵۶. گاهی بلا ناگهان می رسد.

۹۵۷. گاهی آرزوها خطا می روند.

۹۵۸. ارزش هر کس به قدر همت اوست.

۹۵۹. به اندازه رفتار کن، از لغزش نجات می یابی.

۹۶۰. ارزش هر کس، به اندازه آن چیزی است که آن را بلد است و نیک می داند.

۹۶۱. گاهی بدکاری آنقدر زیاد می شود که حیاء را کم می کند.

۹۶۲. گاهی منت گذاشتن خوب است و آن هنگام کفران نعمت است و اگر بنی اسرائیل کفران نعمت نمی کردند، خداوند به آنها نمی فرمود: «نعمتهایی که به شما دادم بیاد آورید».

۹۶۳. گاهی آنچه با انکار کافر [کسی که کفر نعمت می کند] ضایع می شود، با تشکرِ شاکر تدارک می شود.

۹۶۴. گاهی عقل تیزبین، خطا می کند.

۹۶۵. گاهی کسی که از او طلب نصیحت می شود خیانت می کند.

۹۶۶. گاهی شکست خورده، غلبه می کند.

۹۶۷. گاهی غیر حکیم، سخن حکیمانه می گوید.

۹۶۸. نزدیک شدن به اشرار، زیان بخش است.

۹۶۹. تلاش کردن، به رسیدن به نتیجه یافتن نزدیک است.

۹۷۰. حیاء [در علم] با محرومیت قرین است.

٩٧١. قَرِينُ الْمَرْءِ دَلِيلُ دِينِهِ. (١)

٩٧٢. قَسْوَةُ الْقَلْبِ مِنَ الشُّبْحِ. (٢)

٩٧٣. قَطِيعَةُ الْجَاهِلِ تَعْدِلُ صِلَةَ الْعَاقِلِ. (٣)

٩٧٤. قَلَّ أَنْ تَرَى أَحَدًا تَكَبَّرَ عَلَى مَنْ دُونَهُ، إِلَّا وَبِذَلِكَ الْمِقْدَارِ يَجُودُ بِالذُّلِّ لِمَنْ فَوْقَهُ. (٤)

٩٧٥. قَلَّ مَنْ صَبَرَ إِلَّا ظَفِرًا. (٥)

٩٧٦. قُلُوبُ الرَّعِيَّةِ خَزَائِنُ رَاعِيهَا؛ فَمَا أودَعَهَا مِنْ عَدْلِ أَوْ جَوْرِ وَجَدَهُ. (٦)

٩٧٧. قُلُوبُ الْعِبَادِ الطَّاهِرَةِ مَوَاضِعُ نَظَرِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى، فَمَنْ طَهَّرَ قَلْبَهُ نَظَرَ إِلَيْهِ. (٧)

٩٧٨. قَلَّةُ الْعِيَالِ أَحَدُ الْيَسَارِينِ. (٨)

٩٧٩. قَلِيلُ الدُّنْيَا يَذْهَبُ بِكَثِيرِ الْآخِرَةِ. (٩)

٩٨٠. قَلِيلٌ يَكْفِي خَيْرٌ مِنْ كَثِيرٍ يُطْغَى. (١٠)

٩٨١. قَوْلُ الْمَرْءِ يُخْبِرُ عَمَّا فِي قَلْبِهِ. (١١)

٩٨٢. قَوْلُ «لَا أَعْلَمُ» نِصْفُ الْعِلْمِ. (١٢)

٩٨٣. قُوَّةُ الْقَلْبِ مِنْ صِحَّةِ الْإِيمَانِ. (١٣)

٩٨٤. قِيمَةُ الْمَرْءِ مَا يُحْسِنُهُ. (١٤)

٩٨٥. قِيمَةُ كُلِّ امْرِئٍ عَقْلُهُ. (١٥) حَرْفُ الْكَافِ

٩٨٦. الْكَامِلُ مَنْ غَلَبَ جِدُّهُ هَزْلَهُ. (١٦)

٩٨٧. الْكِتَابُ أَحَدُ الْمُحَدَّثِينَ. (١٧)

ص: ١٨٢

١- (١). نشر اللآلى، ص ٩٢، ح ٢٢٦.

٢- (٢). نشر اللآلى، ص ٩٢، ح ٢٢٥.

- ٣-٣) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٣٢، ح ٩٨٦٩.
- ٤-٤) . شرح نهج البلاغ، ص ٣٣٦، ج ٢٠، ح ٨٥٣.
- ٥-٥) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢٨٣، ح ٦٣٢٢.
- ٦-٦) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٤٦، ح ٧٩٨٢.
- ٧-٧) . تصنيف غرر الحكم، ص ٦٧، ح ٩٠٦.
- ٨-٨) . تحف العقول، ص ١١١.
- ٩-٩) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٤٧، ح ٢٦٧١.
- ١٠-١٠) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٦٦، ح ٨٢٥٨ نحوه.
- ١١-١١) . نثر الآلى، ص ٩٢، ح ٢٢٩.
- ١٢-١٢) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٨، ح ٢٥٣.
- ١٣-١٣) . نثر الآلى، ص ٩٢، ح ٢٢٨.
- ١٤-١٤) . نثر الآلى، ص ٩٢، ح ٢٣٠.
- ١٥-١٥) . تصنيف غرر الحكم، ص ٥٠، ح ٣١٧.
- ١٦-١٦) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٤٣، ح ١٠١٢١.
- ١٧-١٧) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٩، ح ٢٩٢.

۹۷۱. همنشین هر کس، دلیل دین اوست.

۹۷۲. قساوت قلب از پرخوری است.

۹۷۳. جدا شدن از جاهل، با نزدیک شدن به عاقل، برابر است.

۹۷۴. بندرت کسی را می بینی که بر زیر دست خود تکبر می کند. مگر اینکه به همان اندازه نسبت به مافوق خود ذلت می ورزد.

۹۷۵. کم است کسی که استقامت کند، مگر اینکه به هدف خود دست یابد.

۹۷۶. قلبهای مردم، خزانه ی زمامدار است. پس هر عدالت یا ظلمی که انجام دهد، در آنجا می یابد.

۹۷۷. قلبهای پاک بندگان، مورد توجه خداوند سبحان و تعالی است. پس هر کس قلبش را پاک کند خدا به او نظر می کند.

۹۷۸. فرزندان کمتر، یکی از دو آسایش است.

۹۷۹. اندکی از دنیا، بسیاری از آخرت را نابود می کند.

۹۸۰. مال اندکی که کافی باشد، بهتر از مال زیادی است که طغیان می آورد.

۹۸۱. سخن انسان، از آنچه در قلب اوست خبر می دهد.

۹۸۲. گفتن: نمی دانم، نیمی از علم است.

۹۸۳. قوت قلب، اثر ایمان صحیح است.

۹۸۴. قیمت انسان، به چیزی است که بلد است.

۹۸۵. قیمت هر کس، عقل اوست.

حرف کاف

۹۸۶. انسان کامل کسی است که جدی او بر شوخی غلبه کند.

۹۸۷. کتاب، یکی از دو گوینده است [کتاب گوینده ای از طرف نویسنده است].

٩٨٨. الكُتُبُ بِسَاتِينُ الْعُلَمَاءِ. (١).

٩٨٩. الكِذْبُ زَوَالُ الْمَنْطِقِ عَنِ الْوَضْعِ الْإِلَهِيِّ. (٢).

٩٩٠. الكِذْبُ فِي الدُّنْيَا عَارٌ، وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ. (٣).

٩٩١. الْكَرْمُ سَائِرُ الْعُيُوبِ.

٩٩٢. الْكَرِيمُ مَنْ بَدَأَ بِإِحْسَانِهِ. (٤).

٩٩٣. الْكَلَامُ فِي وَثَاقِكَ مَا لَمْ تَتَكَلَّمْ بِهِ، فَإِذَا تَكَلَّمْتَ بِهِ صِرْتَ فِي وَثَاقِهِ. (٥).

٩٩٤. الْكَلَامُ كَالدَّوَاءِ؛ قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَكَثِيرُهُ قَاتِلٌ. (٦).

٩٩٥. (طُوبَى لِمَنْ) كَانَ مِنْ نَفْسِهِ فِي تَعَبٍ، وَالنَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ. (٧).

٩٩٦. كَافِرٌ سَخِيٌّ أَرْجَى إِلَى الْجَنَّةِ مِنْ مُؤْمِنٍ شَاحِحٍ. (٨).

٩٩٧. كِتَابُ الرَّجُلِ عُنْوَانُ عَقْلِهِ، وَبُرْهَانُ فَضْلِهِ. (٩).

٩٩٨. كَثْرَةُ الْمَزَاحِ تُسْقِطُ الْهَيْبَةَ. (١٠).

٩٩٩. كَثْرَةُ حَيَاءِ الرَّجُلِ دَلِيلُ إِيمَانِهِ. (١١).

١٠٠٠. كَثِيرٌ مِنَ الْحَاجَاتِ تُقْضَى بِرَمَا (١٢) لَا كَرَمًا. (١٣).

١٠٠١. كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ وُلِدَ مِنْ حَلَالٍ وَهُوَ يُبَغِضُنِي وَيُبَغِضُ الْأَيْمَةَ مِنْ وُلْدِي. (١٤).

١٠٠٢. كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ وُلِدَ مِنْ حَلَالٍ وَهُوَ يُحِبُّ الزَّانَا. (١٥).

١٠٠٣. كَفَاكَ خِيَانَتَهُ أَنْ تَكُونَ أَمِينًا لِلْخَوَانَةِ. (١٦).

١٠٠٤. كَفَاكَ مِنْ عَقْلِكَ مَا أَبَانَ لَكَ رُشْدَكَ مِنْ غَيْتِكَ. (١٧).

١٠٠٥. كَفَاكَ مِنْ عُيُوبِ الدُّنْيَا أَنْ لَا تَبْقَى. (١٨).

ص: ١٨٤

- ٢-٢) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢١٩، ح ٤٣٦٥.
- ٣-٣) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢٢٠، ح ٤٣٩٩.
- ٤-٤) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٨٤، ح ٨٧٤٦.
- ٥-٥) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢١٢، ح ٤١٢٧.
- ٦-٦) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢١١، ح ٤٠٨١.
- ٧-٧) . نهج البلاغ، ج ٢، ص ٩٦، ح ١٧٦.
- ٨-٨) . نثر الآلى، ص ٩٤، ح ٢٣١.
- ٩-٩) . نثر الآلى، ص ٤٩، ح ٢٨٩.
- ١٠-١٠) . نثر الآلى، ص ٢٢٢، ح ٤٤٦٧.
- ١١-١١) . نثر الآلى، ص ٢٥٧، ح ٥٤٤٦.
- ١٢-١٢) . بَرِمَ بِهِ بَرَمًا: سَيِّمَهُ وَمَلَّه (لسان العرب: برم).
- ١٣-١٣) . شرح نهج البلاغ، ج ٢٠، ص ٣٢٩، ح ٨٨١.
- ١٤-١٤) . الأمالى للصدوق، ص ٢٠٩، ح ٩.
- ١٥-١٥) . بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٣٨٥.
- ١٦-١٦) . شرح نهج البلاغ، ج ٢٠، ص ٣٢١، ح ٦٨٦.
- ١٧-١٧) . تصنيف غرر الحكم، ص ٩٤، ح ١٦٥٥.
- ١٨-١٨) . نثر الآلى، ص ٩٤، ح ٢٣٢.

۹۸۸. کتابها، بوستان های علما هستند.

۹۸۹. دروغ، خارج شدن از خلقت اصلی خداوند است.

۹۹۰. [عاقبت] دروغ در دنیا، ننگ و در آخرت، عذاب دوزخ است.

۹۹۱. جود و کرم، عیبا را می پوشاند.

۹۹۲. کریم کسی است که اول احسان کند.

۹۹۳. تا سخن نگفته ای، سخن در چنگ توست و زمانی که سخن گفتی، تو در بند سخن در می آیی.

۹۹۴. سخن چون داروست. اندک آن نافع و زیاد آن کشنده است.

۹۹۵. خوشا به حال کسی که نفس او از دست او در عذاب است ولی مردم از دست او راحت است.

۹۹۶. کافر سخاوتمند، از مؤمن بخیل به بهشت امیدوارتر است.

۹۹۷. نوشته ی انسان، علامت عقل و دلیل فضل اوست.

۹۹۸. شوخی زیاد، هیبت انسان را می برد.

۹۹۹. زیادی حیاء انسان، دلیل ایمان اوست.

۱۰۰۰. بسیاری از نیازها، از ملال و ناراحتی است نه از کرم.

۱۰۰۱. کسی که می گوید: حلال زاده است. و کینه من و فرزندان مرا در دل دارد، دروغ می گوید.

۱۰۰۲. کسی که می گوید: حلال زاده است. و زنا را دوست دارد، دروغ می گوید.

۱۰۰۳. در خیانت تو همین بس که امین خیانت گران باشی. [امین خیانتکاران خائن است].

۱۰۰۴. در عقل تو همین بس، که رشد، تو را از گمراهیت جدا کند. [برای تو همین بس که عقل راه هدایت را از گمراهی باز شناسد].

۱۰۰۵. تو را عیب دنیا همین بس، که باقی نمی ماند.

١٠٠٦. كَفَاكَ هَمًّا عَلْمُكَ بِالْمَوْتِ. (١)

١٠٠٧. كُفْرَانُ النَّعْمَةِ يُزِيلُهَا. (٢)

١٠٠٨. كَفَى بِالْأَحْيَلِ حِرْزًا؛ إِنَّهُ لَيْسَ أَحْيَدٌ مِنَ النَّاسِ إِلَّا وَمَعَهُ حَفَظَةٌ مِنَ اللَّهِ يَحْفَظُونَهُ أَنْ يَتَرَدَّى فِي بَثْرٍ، وَلَا يَقَعُ عَلَيْهِ حَائِطٌ، وَلَا يُصِيبُهُ سَبْعٌ، فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُ خَلَّوْا بَيْنَهُ وَبَيْنَ أَجَلِهِ. (٣)

١٠٠٩. كَفَى بِالتَّوَّاضِعِ شَرَفًا. (٤)

١٠١٠. كَفَى بِالشَّيْبِ دَاءً. (٥)

١٠١١. كَفَى بِالشَّيْبِ نَاعِيًا. (٦)

١٠١٢. كَفَى بِالْمَرْءِ جَهْلًا أَنْ يَرْضَى عَن نَفْسِهِ. (٧)

١٠١٣. كَفَى بِالْمَرْءِ رَذِيلَةً أَنْ يُعْجَبَ بِنَفْسِهِ. (٨)

١٠١٤. كَفَى بِالْمَرْءِ سَعَادَةً أَنْ يُوَثَّقَ بِهِ فِي أُمُورِ الدِّينِ وَالدُّنْيَا. (٩)

١٠١٥. كَفَى بِالْمُشَاوَرَةِ ظَهِيرًا. (١٠)

١٠١٦. كَفَى لِلْحَسُودِ مِنَ الْحَسَدِ. (١١)

١٠١٧. كُلُّ آتٍ فَكَأَنَّ قَدْ كَانَ. (١٢)

١٠١٨. كُلُّ آتٍ قَرِيبٌ. (١٣)

١٠١٩. كَلَامُ اللَّهِ دَوَاءُ الْقَلْبِ. (١٤)

١٠٢٠. كُلُّ بَدْعٍ ضَلَالَةٌ. (١٥)

١٠٢١. كُلُّ حَقْدٍ حَقَدَتْهُ قُرَيْشٌ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَظْهَرَتْهُ فَيِّ، وَسَيَتُظْهِرُهُ فِي وُلْدِي مِنْ بَعْدِي. مَا لِي وَلِقُرَيْشٍ؟! إِنَّمَا وَتَرْتُهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ وَأَمْرِ رَسُولِهِ، أَفْهَذَا جَزَاءٌ مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كَانُوا مُسْلِمِينَ؟ (١٦)

ص: ١٨٤

١- (١). نثر اللآلى، ص ٩٤، ح ٢٣٣.

٢- (٢). نثر اللآلى، ص ٩٤، ح ٢٣٤.

- ٣- (٣) . تحف العقول، ص ٢٢٤.
- ٤- (٤) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢٤٨، ح ٥١٤٩.
- ٥- (٥) . نثر الآلئى، ص ٩٤، ح ٢٣٥.
- ٦- (٦) . نثر الآلئى، ص ٩٤، ح ٢٣٦.
- ٧- (٧) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٠٧، ح ٧٠٦٥.
- ٨- (٨) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٠٨، ح ٧٠٨٣.
- ٩- (٩) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٦٧، ح ٣٢٨٢.
- ١٠- (١٠) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٤١، ح ١٠٠٤٤.
- ١١- (١١) . نثر الآلئى، ص ٩٤، ح ٢٣٨.
- ١٢- (١٢) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٦٥، ح ١٣١٠.
- ١٣- (١٣) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٦٥، ح ١٣١٢.
- ١٤- (١٤) . نثر الآلئى، ص ٩٤، ح ٢٣٨.
- ١٥- (١٥) . جامع الأخبار، ص ١٨٢.
- ١٦- (١٦) . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٣٢٨، ح ٧٦٤.

۱۰۰۶. تو را همین غصه بس، که بدانی خواهی مرد.

۱۰۰۷. ناسپاسی، نعمت را از بین می برد.

۱۰۰۸. در محفوظ ماندن از اجل همین بس، که خداوند برای هر انسانی چند نگهبان [از فرشتگان] گمارده است. که او را حفظ کنند. در چاه نیفتد. یا دیوار بر سرش خراب نشود. یا درنده ای به او حمله نکند. و زمانی که اجل فرا رسد، او را در برابر این آسیب ها رها می کنند.

۱۰۰۹. در تواضع همین بس که شرف است. [تواضع شرافت است].

۱۰۱۰. درد پیری کافی است. [پیر را درد پیری بس است].

۱۰۱۱. پیری، برای خبر دادن از مرگ کافی است.

۱۰۱۲. در نادانی انسان همین بس، که از خود راضی باشد.

۱۰۱۳. در پستی انسان همین بس، که خودپسند باشد.

۱۰۱۴. در سعادت انسان همین بس، که در امور دین و دنیا به او اطمینان کنند.

۱۰۱۵. مشورت، پشتوانه است.

۱۰۱۶. برای حسود، درد حسد کافی است.

۱۰۱۷. آنچه در آینده واقع می شود، گویا اتفاق افتاده است.

۱۰۱۸. آنچه در آینده می آید، نزدیک است.

۱۰۱۹. کلام خدا، داروی دلهاست.

۱۰۲۰. هر بدعتی، گمراهی است.

۱۰۲۱. هر کینه ای که قریش از رسول الله صلی الله علیه و آله بدل داشت، نسبت به من ظاهر کرد. و بزودی نسبت به فرزندانم آشکار می کنند. من کجا و قریش کجا؟ من با آنها به امر خدا و پیامبرش رفتار کردم. آیا اگر مسلمان بودند، این پاداش کسی است که از خدا و رسولش اطاعت کند؟

١٠٢٢. كُلُّ دَاءٍ يُدَاوَى إِلَّا سَوْءَ الْخُلُقِ. (١)
١٠٢٣. كُلُّ دَوْلَةٍ يَحْوِطُهَا (٢) الدِّينُ لَا تُغْلَبُ. (٣)
١٠٢٤. كُلُّ سُكُوتٍ لَيْسَ فِيهِ فِكْرَةٌ فَهُوَ غَفْلَةٌ. (٤)
١٠٢٥. كُلُّ شَيْءٍ طَلَبْتُهُ فِي وَقْتِهِ فَقَدْ فَاتَ وَقْتُهُ. (٥)
١٠٢٦. كُلُّ شَيْءٍ فِيهِ حِيلَةٌ إِلَّا الْقِضَاءَ. (٦)
١٠٢٧. كُلُّ شَيْءٍ لَا يَحْسُنُ نَشْرُهُ أَمَانَةٌ، وَإِنْ لَمْ يُسْتَكْتَمِ. (٧)
١٠٢٨. كُلُّ شَيْءٍ مِنَ الْآخِرَةِ عِيَانَةٌ (٨) أَعْظَمُ مِنْ سَمَاعِهِ. (٩)
١٠٢٩. كُلُّ شَيْءٍ مِنَ الدُّنْيَا سَمَاعُهُ أَعْظَمُ مِنْ عِيَانِهِ. (١٠)
١٠٣٠. كُلُّ شَيْءٍ يَعِزُّ حِينَ يَنْزُرُ (١١) إِلَّا الْعِلْمَ (فَإِنَّهُ) يَعِزُّ حِينَ يَغْزُرُ (١٢). (١٣)
١٠٣١. كُلُّ شَيْءٍ يَمَلُّ مَا خَلَا طَرَائِفَ الْحِكْمِ. (١٤)
١٠٣٢. كُلُّ شَيْءٍ يَنْقُصُ عَلَى الْإِنْفَاقِ إِلَّا الْعِلْمَ. (١٥)
١٠٣٣. كُلُّ طَيْرٍ يَأْوِي إِلَى شَكْلِهِ. (١٦)
١٠٣٤. كُلُّ عَاقِلٍ مَغْمُومٌ. (١٧)
١٠٣٥. كُلُّ عِزٍّ لَا يُؤَيِّدُهُ دِينَ مَذَلَّةٌ. (١٨)
١٠٣٦. كُلُّ غَالِبٍ بِالشَّرِّ مَغْلُوبٌ. (١٩)
١٠٣٧. كُلَّمَا ارْتَفَعَتْ رُتْبَةُ اللَّئِيمِ نَقَصَ النَّاسُ عِنْدَهُ، وَالكَرِيمُ ضِدُّ ذَلِكَ. (٢٠)
١٠٣٨. كُلُّ مَا زَادَ عَلَى الْإِقْتِصَادِ إِسْرَافٌ. (٢١)

١- (١). تصنيف غرر الحكم، ص ٢٦٤، ح ٥٦٩٨.
 ٢- (٢). حَاطَهُ يَحْوِطُهُ: حَفِظَهُ وَتَعَهَّدَهُ (لسان العرب: حوط).

- ٣-٣) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٤٣، ح ٧٨٦٣.
- ٤-٤) . الأماي للصدوق، ص ٢٧، ح ٥.
- ٥-٥) . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٣٢٣، ح ٧٠٠.
- ٦-٦) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٠٢، ح ١٧٩٠.
- ٧-٧) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢٥١، ح ٥٢٢٩.
- ٨-٨) . لَقِيَه عِيَانًا: أَي مُعَايِنَةً (لسان العرب: عين).
- ٩-٩) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٤٤، ح ٢٦٠٤.
- ١٠-١٠) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٤٣، ح ٢٥٦٨.
- ١١-١١) . الغرر - ط النَّجْف - والترجمه: يَنْدُرُ، وَنَزَرَ: قَلَّ (أقرب الموارد: نزر).
- ١٢-١٢) . غَزَرَ المَاءُ وَغَيْرُهُ: كَثُرَ (أقرب الموارد: غزر).
- ١٣-١٣) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٢، ح ٤١.
- ١٤-١٤) . تصنيف غرر الحكم، ص ٥٨، ح ٦٠٥.
- ١٥-١٥) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٢، ح ٣٧.
- ١٦-١٦) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٢٣، ح ٩٧٢٢.
- ١٧-١٧) . تصنيف غرر الحكم، ص ٥٥، ح ٤٨٥.
- ١٨-١٨) . تصنيف غرر الحكم، ص ٨٦، ح ١٤٣٠.
- ١٩-١٩) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٠٦، ح ١٩١٦.
- ٢٠-٢٠) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢٦١، ح ٥٦٠٢.
- ٢١-٢١) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٥٩، ح ٨١١٦.

۱۰۲۲. هر دردی معالجه می شود، جز بد اخلاقی.
۱۰۲۳. هر حکومتی که بر پایه دین باشد، مغلوب نمی شود.
۱۰۲۴. هر سکوت بدون تفکر، غفلت است.
۱۰۲۵. هر چیزی را در وقتش طلب کن [چرا که] وقتش از بین می رود.
۱۰۲۶. هر چیزی جز قضاء الهی، چاره ای دارد.
۱۰۲۷. هر چیزی که منتشر شدن آن صحیح نباشد، امانت است. گر چه درخواست کتمان آن نشده باشد.
۱۰۲۸. هر چیزی در آخرت دیدنش بسیار بزرگتر از شنیدن آن است.
۱۰۲۹. هر چیزی در دنیا شنیدنش، بزرگتر از دیدن آن است.
۱۰۳۰. هر چیز، وقتی کمیاب شود، عزیزتر می شود. جز علم که هر چه بیشتر شود، عزیزتر است.
۱۰۳۱. هر چیز، ملال آور می شود. جز طرفه حکمت.
۱۰۳۲. هر چیز، با بذل کمتر می شود، مگر علم.
۱۰۳۳. هر پرنده ای، به شکل خودش پناه می برد.
۱۰۳۴. هر عاقلی، مغموم می شود.
۱۰۳۵. هر عزّتی که مورد تأیید دین نباشد، ذلت آور است.
۱۰۳۶. هر کسی که، با شرارت پیروز شود، شکست خورده است.
۱۰۳۷. انسان پست [فرومایه]، هر چقدر بالاتر رود، بیشتر مردم را ناقص می داند. و انسان کریم به عکس.
۱۰۳۸. هر چیزی که از میانه روی بگذرد، اسراف است.

١٠٣٩. كُلَّمَا كَثُرَ خَزَانُ الْأَسْرَارِ زَادَتْ ضَيَاعًا. (١)
١٠٤٠. كُلُّ مَالِكٍ غَيْرَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ مَمْلُوكٌ. (٢)
١٠٤١. كُلُّ نِعْمَةٍ يُحْرِزُهَا الشُّكْرُ لَا تُسَلَبُ. (٣)
١٠٤٢. كُلُّ وَعَاءٍ يَضِيقُ بِمَا جُعِلَ فِيهِ، إِلَّا وَعَاءَ الْعِلْمِ فَإِنَّهُ يَتَّسِعُ [بِهِ]. (٤)
١٠٤٣. كَمَا تَتَوَاضَعُ تَعْظُمُ. (٥)
١٠٤٤. كَمَا تَدِينُ تُدَانُ. (٦)
١٠٤٥. كَمَا تَرَحَّمُ تُرْحَمُ. (٧)
١٠٤٦. كَمَا تَرَكَ لَكُمْ الْمُلُوكُ الْحِكْمَةَ وَالْعِلْمَ، فَاتْرَكُوا لَهُمُ الدُّنْيَا. (٨)
١٠٤٧. كَمَا تَزْرَعُ تَحْصُدُ. (٩)
١٠٤٨. كَمَا تُقَدِّمُ تَجِدُ. (١٠)
١٠٤٩. كَمَالُ الْإِنْسَانِ الْعَقْلُ. (١١)
١٠٥٠. كَمَالُ الْجُودِ الْإِعْتِذَارُ مَعَهُ. (١٢)
١٠٥١. كَمَالُ الْعَطِيَّةِ تَعْجِيلُهَا. (١٣)
١٠٥٢. كَمَالُ الْعِلْمِ فِي الْحِلْمِ. (١٤)
١٠٥٣. كَمَالُ الْعِلْمِ فِي الْعَمَلِ.
١٠٥٤. كَمِ مِنْ إِنْسَانٍ اسْتَعْبَدَهُ إِحْسَانٌ. (١٥)
١٠٥٥. كَمِ مِنْ إِنْسَانٍ أَهْلَكَهُ لِسَانٌ. (١٦)
١٠٥٦. كَمِ مِنْ أَكَلَةٍ مَنَعَتْ أَكْلَاتٍ. (١٧)

ص: ١٩٠

- ٢-٢) . تصنيف غرر الحكم، ص ٨٣ ح ١٣١٦.
- ٣-٣) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٤٣، ح ٧٨٦٣.
- ٤-٤) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٢، ح ٤٤.
- ٥-٥) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢٤٩، ح ٥١٦٩.
- ٦-٦) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٤١، ح ٧٨١١.
- ٧-٧) . نثر الآلي، ص ٩٤، ح ٢٤٠.
- ٨-٨) . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٣٢٤، ح ٧١٦.
- ٩-٩) . نثر الآلي، ص ٩٤، ح ٢٤١.
- ١٠-١٠) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٦٥، ح ٣٢٣٥.
- ١١-١١) . تصنيف غرر الحكم، ص ٥٠، ح ٣١٩.
- ١٢-١٢) . نثر الآلي، ص ٩٤، ح ٢٤٢.
- ١٣-١٣) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٨١، ح ٨٦٥٤.
- ١٤-١٤) . نثر الآلي، ص ٩٤، ح ٢٤٣.
- ١٥-١٥) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٨٥، ح ٨٧٨٨.
- ١٦-١٦) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢١٣، ح ٤١٥٩.
- ١٧-١٧) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢٩٦، ح ٦٦٦٠.

۱۰۳۹. هر قدر، رازداران بیشتر شوند، احتمال افشاء راز بیشتر می شود.
۱۰۴۰. هر مالکی غیر از خداوند سبحان، مملوک است.
۱۰۴۱. هر نعمتی که با شکرگزاری حفظ شود، از دست نمی رود.
۱۰۴۲. هر ظرفی، با آنچه در آن نهاده شود ظرفیتش کم میشود. بجز ظرف علم که وسیعتر می شود.
۱۰۴۳. آن گونه که تواضع کنی، تعظیم می شوی.
۱۰۴۴. همان گونه که قرض می دهی، به تو قرض داده می شود.
۱۰۴۵. آنگونه که رحم کنی به تو رحم می شود.
۱۰۴۶. همانطور که پادشاهان، علم و حکمت را به شما وا گذاشته اند، شما هم دنیا را به آنان واگذارید.
۱۰۴۷. همانطور که کشت کنی، درو خواهی کرد.
۱۰۴۸. از آنچه [امروز] ذخیره کنی، [فردا] بهره میبری. [رفتار دنیا را در آخرت خواهی دید].
۱۰۴۹. کمال انسان، در عقل اوست.
۱۰۵۰. کمال بخشش، عذر خواهی کردن همراه آن است.
۱۰۵۱. کمال هدیه، در عجله است. [هر چه زودتر هدیه بدهی بهتر است].
۱۰۵۲. کمال علم، در بردباری است.
۱۰۵۳. کمال علم، در عمل کردن است.
۱۰۵۴. چه بسیار انسانها که احسان [دیگری] آنها را بنده خود کرده است.
۱۰۵۵. چه بسیار انسانها که زبان آنها را نابود کرده است.
۱۰۵۶. چه بسیار لقمه که مانع از لقمه های دیگر می شود.

١٠٥٧. كَمِ مِنْ بَانٍ مَا لَا يَسْكُنُهُ. (١)
١٠٥٨. كَمِ مِنْ حَرْبٍ جُئِتِ مِنْ لَفْظِهِ. (٢)
١٠٥٩. كَمِ مِنْ حَزِينٍ وَقَدْ بِهِ حُزْنُهُ عَلَى سُرُورِ الْأَبْدِ. (٣)
١٠٦٠. كَمِ مِنْ دَمٍ سَفَكَهُ فَمًّا. (٤)
١٠٦١. كَمِ مِنْ شَهْوَةٍ سَاعَةٍ قَدْ أَوْرَثَتْ حُزْنَاً طَوِيلًا. (٥)
١٠٦٢. كَمِ مِنْ عَقْلِ أَسِيرٍ عِنْدَ هَوَى أَمِيرٍ. (٦)
١٠٦٣. كَمِ مِنْ مُبَرِّدٍ لَهُ الْمَاءُ، وَالْحَمِيمِ (٧) يُغْلِي لَهُ. (٨)
١٠٦٤. كَمِ مِنْ نَظَرٍ جَلَبَتْ حَسْرَةً. (٩)
١٠٦٥. كُنْ فِي الْفِتْنَةِ كَابِنِ اللَّبُونِ؛ لَا ضَرْعٌ فَيَحْلَبُ، وَلَا ظَهْرٌ فَيُرْكَبُ. (١٠)
١٠٦٦. كُنْ مُقَدَّرًا وَلَا تَكُنْ مُقْتَرًّا (١١). (١٢)
١٠٦٧. كَيْفَ تَبْقَى عَلَى حَالَتِكَ، وَالذَّهْرُ فِي إِحَالَتِكَ؟ (١٣)
١٠٦٨. كَيْفَ يَجِدُ لَذَّةَ الْعِبَادَةِ مَنْ لَا يَصُومُ عَنِ الْهَوَى؟ (١٤)
١٠٦٩. كَيْفَ يَرْهَدُ فِي الدُّنْيَا مَنْ لَا يَعْرِفُ قَدَرَ الْآخِرَةِ؟ (١٥)
١٠٧٠. كَيْفَ يَسْتَطِيعُ الْإِخْلَاصَ مَنْ يَغْلِبُهُ الْهَوَى؟ (١٦)
١٠٧١. كَيْفَ يَصْبِرُ عَنِ الشَّهْوَةِ مَنْ لَمْ تُعْنَهُ الْعِصْمَةُ؟ (١٧)
١٠٧٢. كَيْفَ يَصِفُ إِلَهَهُ مَنْ يَعْجِزُ عَنِ صِفِهِ مَخْلُوقٍ مِثْلِهِ؟ (١٨)
١٠٧٣. كَيْفَ يَصِلُ إِلَى حَقِيقَةِ الزُّهْدِ مَنْ لَمْ يُمِتْ شَهْوَتَهُ؟ (١٩)

ص: ١٩٢

١- (١). تصنيف غرر الحكم، ص ١٣٣، ح ٢٣٠١.

٢- (٢). تصنيف غرر الحكم، ص ٢١٣، ح ٤١٦١.

- ٣-٣) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٢١، ح ٧٤٤٦.
- ٤-٤) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢١٣، ح ٤١٥٨.
- ٥-٥) . تحف العقول، ص ٢٠٨.
- ٦-٦) . تصنيف غرر الحكم، ص ٦٤، ح ٨١٩.
- ٧-٧) . الحميم: الماء الحار (لسان العرب: حمم).
- ٨-٨) . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٣١٣، ح ٥٩٧.
- ٩-٩) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢٦٠، ح ٥٥٥٣.
- ١٠-١٠) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٦٤، ح ١٠٦٧٥.
- ١١-١١) . قَتَرَ الرَّجُلُ عَلَى عِيَالِهِ: ضَيَّقَ عَلَيْهِمْ فِي التَّفَقُّهِ (أقرب الموارد: قتر).
- ١٢-١٢) . نهج البلاغه، ج ٤، ص ١٠، ح ٣٣.
- ١٣-١٣) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٣٤، ح ٢٣٣٥.
- ١٤-١٤) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٩٩، ح ٣٩٣٨.
- ١٥-١٥) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٤٦، ح ٢٦٥٢.
- ١٦-١٦) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٠٦، ح ٧٠٠٥.
- ١٧-١٧) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣١٨، ح ٧٣٣٧.
- ١٨-١٨) . بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٤٣٢.
- ١٩-١٩) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢٧٦، ح ٦٠٦٤.

۱۰۵۷. چه بسیار کسانی که بنائی ساخته اند و نتوانسته اند از آن بهره برداری کنند.
۱۰۵۸. چه بسیار جنگها و جنایتهایی که از یک لفظ سخن ایجاد شده است.
۱۰۵۹. چه بسیار غمگینی که، حزن او برایش سرور ابدی آورده است.
۱۰۶۰. چه بسیار خونها که، دهان سبب ریختن آن شده است.
۱۰۶۱. چه بسیار شهوت لحظه ای که، اندوه طولانی به جا گذاشته است.
۱۰۶۲. چه بسیار عقلی که نزد هوس حاکم، اسیر شده است.
۱۰۶۳. چه بسیار افرادی که برای او آب گوارا آماده می کنند در حالی که [در قیامت] برای [عذاب] او آب داغ به جوش می آورند.
۱۰۶۴. چه بسیار نگاهی که حسرت بجا می گذارد.
۱۰۶۵. در هنگام فتنه مثل بچه شتر باش که نه شیر دارد که بدوشند، و نه قدرت که بر او بار نهند.
۱۰۶۶. در زندگی اندازه گیری کن اما بر [اهل و عیالت] تنگ نگیر.
۱۰۶۷. چگونه در حال خود می مانی، در حالی که روزگار در فکر نابودی توست؟
۱۰۶۸. کسی که از هوس خودداری نمی کند، چگونه لذت عبادت را درک می کند؟
۱۰۶۹. کسی که قدر آخرت را نمی شناسد، چگونه در دنیا زاهد باشد؟
۱۰۷۰. کسی که هوس بر او غلبه کند، چگونه می تواند اخلاص داشته باشد؟
۱۰۷۱. کسی که عصمت او را یاری نکند، چگونه از شهوت صبر کند؟
۱۰۷۲. کسی که از توصیف مخلوق مثل خود عاجز است، چگونه خدای خود را توصیف کند؟
۱۰۷۳. کسی که شهوت خود را نمیرانده است، چگونه به حقیقت زهد برسد؟

١٠٧٤. كَيْفَ يُصْلِحُ غَيْرَهُ مَنْ لَا يُصْلِحُ نَفْسَهُ؟ (١)
١٠٧٥. كَيْفَ يَضِيعُ مِنَ اللَّهِ كَافِلُهُ؟ (٢)
١٠٧٦. كَيْفَ يَعْدِلُ فِي غَيْرِهِ مَنْ يَظْلِمُ نَفْسَهُ؟ (٣)
١٠٧٧. كَيْفَ يَعْرِفُ غَيْرَهُ مَنْ يَجْهَلُ نَفْسَهُ؟ (٤)
١٠٧٨. كَيْفَ يُفْرَحُ بِعُمُرٍ تَنْقُصُهُ السَّاعَاتُ؟ (٥)
١٠٧٩. كَيْفَ يَقْدِرُ عَلَى إِعْمَالِ الرِّضَا الْقَلْبُ الْمُتَوَلِّهِ بِالدُّنْيَا؟ (٦)
١٠٨٠. كَيْفَ يَنْجُو مِنَ اللَّهِ هَارِبُهُ؟ (٧)
١٠٨١. كَيْفَ يَنْصَحُ غَيْرَهُ مَنْ يَغُشُّ نَفْسَهُ؟ (٨)
١٠٨٢. كَيْفَ يَنْفَصِلُ عَنِ الْبَاطِلِ مَنْ لَمْ يَتَّصِلْ بِالْحَقِّ؟ (٩)
١٠٨٣. كَيْفَ يَهْتَدِي الضَّلِيلُ مَعَ غَفَلَةِ الدَّلِيلِ؟ (١٠)
١٠٨٤. كَيْفِيَّةُ الْفِعْلِ تَدُلُّ عَلَى كَمِّيَّةِ الْعَقْلِ؛ فَأَحْسِنَ لَهُ الْإِخْتِيَارَ، وَأَكْثِرْ عَلَيْهِ الْإِسْتِظْهَارَ (١١). (١٢) حَرْفُ اللَّامِ
١٠٨٥. لَا إِسْلَامَ كَالرِّضَا. (١٣)
١٠٨٦. لَا إِيمَانَ لِعَدْوَرٍ. (١٤)
١٠٨٧. لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا أَمَانَةَ لَهُ. (١٥)
١٠٨٨. لَا أَدَبَ مَعَ غَضَبٍ. (١٦)
١٠٨٩. لَا أَشْجَعَ مِنْ لَيْبٍ. (١٧)
١٠٩٠. لَا أَمَانَةَ لِمَنْ لَا دِينَ لَهُ. (١٨)

ص: ١٩٤

١- (١). تصنيف غرر الحكم، ص ٢٣٤، ح ٤٦٩٤.

٢- (٢). تصنيف غرر الحكم، ص ١٩٧، ح ٣٨٧٧.

- ٣-٣) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٤٥، ح ١٠٣٩٦.
- ٤-٤) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢٣٣، ح ٤٦٦٠.
- ٥-٥) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٦٠، ح ٣٠٤٩.
- ٦-٦) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٤١، ح ٢٥١١.
- ٧-٧) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢٠٠، ح ٣٩٧٠.
- ٨-٨) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢٢٥، ح ٤٥٦٣.
- ٩-٩) . تصنيف غرر الحكم، ص ٧١، ح ١٠٢٣.
- ١٠-١٠) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٤٣، ح ٧٨٧٠.
- ١١-١١) . فى الغرر - ط الهند -: الإظهار.
- ١٢-١٢) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٥٣، ح ٢٨٥٣.
- ١٣-١٣) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٠٣، ح ١٨٣٣.
- ١٤-١٤) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢٩٢، ح ٦٥١٠.
- ١٥-١٥) . نثر الآلى، ص ٩٦، ح ٢٤٤.
- ١٦-١٦) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٠٣، ح ٦٩١٢.
- ١٧-١٧) . تصنيف غرر الحكم، ص ٥٣، ح ٤٣٣.
- ١٨-١٨) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢٥١، ح ٥٢٣٦.

۱۰۷۴. کسی که خود را اصلاح نکرده است، چگونه دیگری را اصلاح کند؟
۱۰۷۵. کسی که خداوند کفالت کننده اوست، چگونه ضایع می شود؟
۱۰۷۶. کسی که به خودش ظلم می کند، چگونه با دیگران به عدالت رفتار کند؟
۱۰۷۷. کسی که خودش را نمی شناسد، چگونه دیگران را بشناسد؟
۱۰۷۸. در عمری که با گذشت ساعتها کوتاه می شود، چگونه می توان شادی کرد؟
۱۰۷۹. قلبی که به دنیا مشغول است، چگونه می تواند به [مقام] رضا می رسد؟
۱۰۸۰. کسی که از خدا فرار کند، چگونه نجات می یابد؟
۱۰۸۱. کسی که خود خالص نیست، چگونه دیگران را نصیحت می کند؟
۱۰۸۲. کسی که به حق متصل نشده است، چگونه از باطل جدا شود؟
۱۰۸۳. با غفلت راهنما، چگونه گمراه هدایت شود؟
۱۰۸۴. چگونه رفتار بر مقدار عقل دلالت دارد. پس رفتار خوب داشته باش، و عقل را زیاد آشکار کن.

حرف لام

۱۰۸۵. هیچ اسلامی، چون رضا [به قضا و قدر] نیست.

۱۰۸۶. فریبکار، ایمان ندارد.

۱۰۸۷. کسی که امانت دار نباشد، ایمان ندارد.

۱۰۸۸. در هنگام خشم، ادب نمی ماند.

۱۰۸۹. کسی از عاقل، شجاع تر نیست.

۱۰۹۰. کسی که دین ندارد، امانت دار نیست.

١٠٩١. لا بُدَّ لَكَ مِنْ رَفِيقٍ فِي قَبْرِكَ، فَاجْعَلْهُ حَسَنَ الْوَجْهِ، طَيِّبَ الرَّيْحِ؛ وَهُوَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ. (١)

١٠٩٢. لا بَقَاءَ لِلْأَعْمَارِ مَعَ تَعَاقُبِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ. (٢)

١٠٩٣. لا تُبَدِّ عَن وَاضِحِهِ وَقَدْ فَعَلْتَ الْأُمُورَ الْفَاضِحَةَ. (٣)

١٠٩٤. لا تَبْسُطَنَّ يَدَكَ عَلَى مَنْ لَا يَقْدِرُ عَلَى دَفْعِهَا (عَنهُ). (٤)

١٠٩٥. لا تُتَبِعِ الذَّنْبَ الْعُقُوبَةَ، وَاجْعَلْ بَيْنَهُمَا وَقْتًا لِلْإِعْتِدَارِ. (٥)

١٠٩٦. لا تَتَّخِذَنَّ عَدُوَّ صَدِيقِكَ صَدِيقًا؛ فَتُعَادِيَ صَدِيقَكَ. (٦)

١٠٩٧. لا تَتَكَلَّمْ بِكُلِّ مَا تَعَلَّمْ، فَكَفَى بِذَلِكَ جَهْلًا. (٧)

١٠٩٨. لا تَتَّقَنَّ كُلَّ الثُّقَّةِ بِأَخِيكَ؛ فَإِنَّ سُرْعَةَ الْإِسْتِرْسَالِ (٨) لَا تُقَالُ. (٩)

١٠٩٩. لا تَجْتَمِعِ الْخِيَانَةَ وَالْأَخُوَّةَ. (١٠)

١١٠٠. لا تَجْتَمِعِ الْفِطْنَةَ وَالْبَطْنَةَ (١١). (١٢)

١١٠١. لا تُحَدِّثِ الْجُهَّالَ بِمَا لَا يَعْلَمُونَ فَيَكُذَّبُوكَ (بِهِ)؛ فَإِنَّ لِعَلِمِكَ عَلَيْكَ حَقًّا، وَحَقُّهُ عَلَيْكَ يَدُلُّهُ لِمُسْتَحِقِّهِ، وَمَنْعُهُ مِنْ غَيْرِ مُسْتَحِقِّهِ. (١٣)

١١٠٢. لا تُحَدِّثْ بِمَا تَخَافُ تَكْذِيبَهُ. (١٤)

١١٠٣. لا تَحْمَدَنَّ الصَّبِيَّ إِذَا كَانَ سَخِيًّا؛ فَإِنَّهُ لَا يَعْرِفُ فَضِيلَةَ السَّخَاءِ، وَإِنَّمَا يُعْطَى مَا فِي يَدِهِ ضِعْفًا. (١٥)

١١٠٤. لا تَخْتَرِ أَنْ تَكُونَ غَالِبًا وَأَنْتَ ظَالِمٌ. (١٦)

١١٠٥. لا تَخَفِ إِلَّا ذَنْبَكَ. (١٧)

١١٠٦. لا تَخَفِ فِي اللَّهِ لَوْمَةَ لَائِمٍ. (١٨)

ص: ١٩٦

١- (١). شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٣٤٦، ح ٩٧٥.

٢- (٢). تصنيف غرر الحكم، ص ١٦٠، ح ٣٠٥٦.

٣- (٣). تصنيف غرر الحكم، ص ١٨٦، ح ٣٥٤٩.

- ٤-٤) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٤٤، ح ٧٨٩٤.
- ٥-٥) . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٣٢٨، ح ٧٥٦.
- ٦-٦) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٢٥، ح ٩٧٦٥.
- ٧-٧) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢١٣، ح ٤١٣٧.
- ٨-٨) . الاستِزْسَالُ: الاستِثْنَاءُ وَالطَّمَأْنِينَةُ إِلَى الْإِنْسَانِ وَالثَّقَّةُ بِهِ فِيمَا يُحَدِّثُهُ (لسان العرب: رسل).
- ٩-٩) . روضه الواعظين، ج ٢، ص ٣٨٨.
- ١٠-١٠) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤١٩، ح ٩٦١٥.
- ١١-١١) . البِطْنَةُ: امْتِلَاءُ الْبُطْنِ مِنَ الطَّعَامِ (لسان العرب: بطن).
- ١٢-١٢) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٦٠، ح ٨١٥٧.
- ١٣-١٣) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٨، ح ٢٥٦.
- ١٤-١٤) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢١٣، ح ٤١٣٥.
- ١٥-١٥) . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٣٣٠، ح ٧٨٩.
- ١٦-١٦) . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٢٥٨، ح ٢٧.
- ١٧-١٧) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٩٢، ح ٣٧٢٤.
- ١٨-١٨) . تحف العقول، ص ٢٦.

۱۰۹۱. ناچار باید در قبر رفیق داشته باشی، پس رفتار صالح را انتخاب کن. که رفیق خوش سیما و خوش بو است.

۱۰۹۲. با گذشت شب و روز عمر باقی نمی ماند.

۱۰۹۳. وقتی که رفتار مفتضح انجام داده ای، خنده مکن.

۱۰۹۴. دست خود را پیش ناتوان دراز مکن.

۱۰۹۵. بدنبالِ خطا [دیگران را] بلافاصله مجازات مکن. بین خطا و مجازات فرصتی برای عذر خواهی بگذار.

۱۰۹۶. با دشمنِ دوست خود، دوستی مکن، که با دوست خود دشمنی کرده ای.

۱۰۹۷. همه آنچه را که می دانی مگو. همین برای نادانی تو کافی است.

۱۰۹۸. به برادرت صد در صد اطمینان نکن. چون سریع انس گرفتن و اعتماد پیدا کردن قابل اقاله و پس گیری نیست.

۱۰۹۹. برادری با خیانت جمع نمی شود.

۱۱۰۰. زیرکی با پر خوری جمع نمی شود.

۱۱۰۱. به مردم نادان، آنچه نمی دانند، مگو که ترا تکذیب می کنند. پس علم تو بر تو حق دارد. و حق علم این است که آن را به کسی که شایستگی دارد بگویی. و از کسی که شایستگی ندارد، منع کنی.

۱۱۰۲. سخنی را که می ترسی تکذیب کنند، بازگو مکن.

۱۱۰۳. کودک سخاوتمند را تمجید مکن. چون فضیلت سخاوت را نمی شناسد. و هر چه دارد، بیهوده از دست می دهد.

۱۱۰۴. در حالی که ظالم هستی، خود را پیروز نگردان.

۱۱۰۵. جز از گناه خود، نترس.

۱۱۰۶. در راه خدا، از سرزنش هیچ ملامت کننده ای نترس.

١١٠٧. لا تَخْلُو النَّفْسَ مِنَ الْأَمَلِ حَتَّى تَدْخُلَ فِي الْأَجْلِ. (١)

١١٠٨. لا تَدْعُ اللَّهَ أَنْ يُغَيِّبَكَ عَنِ النَّاسِ؛ فَإِنَّ حَاجَاتِ النَّاسِ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ مُتَّصِلَةٌ كَأَتْصَالِ الْأَعْضَاءِ، فَمَتَى يَسْتَعْنِي الْمَرْءُ عَنِ يَدِهِ أَوْ رِجْلِهِ؟ وَلَكِنْ ادْعُ اللَّهَ أَنْ يُغَيِّبَكَ عَنْ شِرَارِهِمْ. (٢)

١١٠٩. لا تَدْعُ أَنْ تَنْصَحَ أَهْلَكَ؛ فَإِنَّكَ عَنْهُمْ مَسْئُولٌ. (٣)

١١١٠. لا تُدْعِ سِرًّا مَنْ أَدَاعَ سِرِّكَ. (٤)

١١١١. لا تَذْكَرِ الْمَوْتَى بِسَوْءٍ، فَكَفَى بِذَلِكَ إِثْمًا. (٥)

١١١٢. لا تَرَعِبَنَّ فِي مَوَدَّةٍ مَنْ لَمْ تَكْشِفْهُ. (٦)

١١١٣. لا تَرْمِ سَهْمًا يُعْجِزُكَ رُدُّهُ. (٧)

١١١٤. لا تَرَى الْجَاهِلَ إِلَّا مُفْرَطًا أَوْ مُفْرُطًا. (٨)

١١١٥. لا تَسْأَلْ مَنْ تَخَافُ مَنَعَهُ. (٩)

١١١٦. لا تَسْتَبِدَّ بِرَأْيِكَ، فَمَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ. (١٠)

١١١٧. لا تَسْتَبِطِ إِجَابَةَ دُعَائِكَ وَقَدْ سَدَدْتَ طَرِيقَهُ بِالذُّنُوبِ. (١١)

١١١٨. لا تَسْتَحِ مِنْ إِعْطَاءِ الْقَلِيلِ، فَإِنَّ الْحَرَمَانَ أَقَلُّ مِنْهُ. (١٢)

١١١٩. لا تَسْتَشِرْ إِلَّا النَّاصِحَ اللَّيِّبَ. (١٣)

١١٢٠. لا تَسْتَكْثِرَنَّ الْعَطَاءَ وَإِنْ كَثُرَ؛ فَإِنَّ حُسْنَ الشَّانِ أَكْثَرُ مِنْهُ. (١٤)

١١٢١. لا تُسِرَّ إِلَى الْجَاهِلِ شَيْئًا لَا يُطِيقُ كِتْمَانَهُ. (١٥)

١١٢٢. لا تَصْحَبِ الشَّرِيرَ؛ فَإِنَّ طَبْعَكَ يَسْرُقُ مِنْ طَبْعِهِ شَرًّا وَأَنْتَ لَا تَعْلَمُ. (١٦)

١١٢٣. لا تَصْحَبِ فِي السَّفَرِ غَيِّبًا؛ فَإِنَّكَ إِنْ سَاوَيْتَهُ فِي الْإِنْفَاقِ أَضَرَّ بِكَ، وَإِنْ تَفَضَّلَ عَلَيْكَ اسْتَدْلَكَ. (١٧)

ص: ١٩٨

- ٢-٢) . شرح نهج البلاغ، ج ٢٠، ص ٣٢٢، ح ٦٩٥.
- ٣-٣) . دستور معالم الحكم، ص ٧٢.
- ٤-٤) . بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١١، ح ٦٨.
- ٥-٥) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢٢١، ح ٤٤٣٥.
- ٦-٦) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤١٨، ح ٩٥٦١.
- ٧-٧) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٧٨، ح ١٠٩٧٩.
- ٨-٨) . تصنيف غرر الحكم، ص ٧٥، ح ١١٦١، وفيه: «لا يُرى».
- ٩-٩) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٨٣، ح ١١١٣٥.
- ١٠-١٠) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٤٣، ح ١٠١١١.
- ١١-١١) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٩٣، ح ٣٧٦٨.
- ١٢-١٢) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٨٢، ح ٨٦٦٦.
- ١٣-١٣) . شرح نهج البلاغ، ج ٢٠، ص ٣١٥، ح ٦١٨.
- ١٤-١٤) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٨٢، ح ٨٦٦٤.
- ١٥-١٥) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٢١، ح ٧٤٢٨.
- ١٦-١٦) . مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ج ٢، ص ١٣.
- ١٧-١٧) . شرح نهج البلاغ، ج ٢٠، ص ٣٠٦، ح ٥٠٥.

۱۱۰۷. هیچ کس بدون آرزو نیست. مگر وقتی که اجل فرا رسد.

۱۱۰۸. دعا نکن که خدا تو را از مردم بی نیاز کند. چون نیازهای مردم مثل اتصال اعضاء بدن، به همدیگر وابسته است. پس چه زمانی انسان از دست یا پای خود بی نیاز می شود؟ اما دعا کن خداوند تو را از اشرار بی نیاز کند.

۱۱۰۹. نصیحت کردن نزدیکان خود را ترک نکن، چون تو نسبت به آنها مسئول هستی.

۱۱۱۰. راز کسی که سر تو را فاش کرد بر ملا نکن.

۱۱۱۱. از مردگان، بد نگو، که این خود گناه است.

۱۱۱۲. در دوستی کسی که او را نمی شناسی رغبت نداشته باش.

۱۱۱۳. تیری را که پاسخ آن تو را عاجز می کند، پرتاب مکن.

۱۱۱۴. هیچ نادانی را نمی بینی، مگر اینکه یا کوتاهی می کند. یا زیاده روی.

۱۱۱۵. از کسی که احتمال می دهی کمک نکند، درخواست کمک نکن.

۱۱۱۶. استبداد به رأی خود نداشته باش، کسی که استبداد به رأی خود داشته باشد، هلاک می شود.

۱۱۱۷. اجابت دعای خویش را به این زودی متوقع نباش در حالی که راه اجابت دعا را با گناهان بسته ای.

۱۱۱۸. از عطا کردن کم حیا مکن، محروم کردن از آن کمتر است.

۱۱۱۹. مشورت نکن، مگر با کسی که عاقل و دانا باشد.

۱۱۲۰. هدیه هر چه هم زیاد باشد، آن را زیاد مپندار چرا که تعریف کردن از تو [از طرف گیرنده] بیشتر از آن است.

۱۱۲۱. هیچ رازی را به نادان مگو، که طاعت کتمان آن را ندارد. [راز تو را فاش می کند].

۱۱۲۲. با شرور دوستی مکن. چون روحیه تو از روحیه او شرارت را برمی گیرد. بدون اینکه تو بدانی.

۱۱۲۳. با ثروتمند هم سفر نشو. چون اگر به اندازه او خرج کنی، به تو ضرر می خورد. و اگر او بیشتر خرج کند، تو را تحقیر کرده است.

١١٢٤. لَا تَصْحَبَ مَنْ يَحْفَظُ مَسَاوِئَكَ، وَيَنْسَى فِضَائِلَكَ وَمَعَالِيكَ (١). (٢).

١١٢٥. لَا تَصْطَنِعْ مَنْ يَكْفُرُ بِرِّكَ. (٣).

١١٢٦. لَا تَضَعْ سِرَّكَ عِنْدَ مَنْ لَا سِرَّ لَهُ عِنْدَكَ. (٤).

١١٢٧. لَا تَضْمَنْ مَا لَا تَقْدِرُ عَلَى الْوَفَاءِ بِهِ. (٥).

١١٢٨. لَا تُضَيِّعَنَّ حَقَّ أَحْيَاكَ اتِّكَالًا عَلَى مَا بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ؛ فَإِنَّهُ لَيْسَ لَكَ بِأَخٍ مَنْ أَضَعَتْ حَقَّهُ. (٦).

١١٢٩. لَا تَطْلُبِ الْحَيَاةَ لِتَأْكُلَ، بَلِ اطْلُبِ الْأَكْلَ لِتَحْيَا. (٧).

١١٣٠. لَا تُعَادُوا مَا تَجْهَلُونَ؛ فَإِنَّ أَكْثَرَ الْعِلْمِ فِيمَا لَا تَعْرِفُونَ. (٨).

١١٣١. لَا تُعَجِّلَنَّ بِعُقُوبِهِ وَجَدْتَ عَنْهَا مَنُودَ حَهَّ. (٩).

١١٣٢. لَا تَعِدْ بِمَا تَعِجْزُ عَنِ الْوَفَاءِ بِهِ. (١٠).

١١٣٣. لَا تُعِدَّنَّ خَيْرًا مَا أَدْرَكَتَ بِهِ شَرًّا. (١١).

١١٣٤. لَا تُعِدَّنَّ شَرًّا مَا أَدْرَكَتَ بِهِ خَيْرًا. (١٢).

١١٣٥. لَا تُعِدَّنَّ صَدِيقًا مَنْ لَا يُوَأْسِي بِمَالِهِ. (١٣).

١١٣٦. لَا تُعِدَّنَّ غَنِيًّا مَنْ لَمْ يَرْزُقْ (مِنْ) مَالِهِ. (١٤).

١١٣٧. لَا تَعَزِّمْ عَلَى مَا لَمْ تَسْتَبِينَ الرُّشْدَ فِيهِ. (١٥).

١١٣٨. لَا تَعْصِمِ الدُّنْيَا مَنْ لَجَأَ إِلَيْهَا. (١٦).

١١٣٩. لَا تَعْصِ نَفْسَكَ إِذَا هِيَ أَرَشَدَتْكَ. (١٧).

١١٤٠. لَا تَعْمَلْ بِالْخَدِيعَةِ؛ فَإِنَّهَا خُلِقَتْ لِنَيْمٍ. (١٨).

ص: ٢٠٠

١- (١). المَعْلَاهُ: الرُّفْعَةُ وَالشَّرْفُ، وَجَمْعُهَا: مَعَالِي (أَقْرَبُ الْمَوَارِدِ: عَلُو).

٢- (٢). تصنيف غرر الحكم، ص ٤١٨، ح ٩٥٦٤.

- ٣-٣) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٨٧، ح ٨٨٦٩ .
- ٤-٤) . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٣٣٩، ح ٨٨٣ .
- ٥-٥) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢٥٣، ح ٥٢٩٨ .
- ٦-٦) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٢٢، ح ٩٦٨٧ .
- ٧-٧) . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٣٣٣، ح ٨٢٤ .
- ٨-٨) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٦، ح ١٩٤ .
- ٩-٩) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٠٢، ح ٦٨٨٠ .
- ١٠-١٠) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢٥٣، ح ٥٢٩٩ .
- ١١-١١) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٥، ح ١٨٧٠ .
- ١٢-١٢) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٠٤، ح ١٨٦٩ .
- ١٣-١٣) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤١٨، ح ٩٥٦٣ .
- ١٤-١٤) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٧٢، ح ٨٤٢٩ .
- ١٥-١٥) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٧٦، ح ١٠٩١٢ .
- ١٦-١٦) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٣٠، ح ٢٢١٥ .
- ١٧-١٧) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢٣٣، ح ٤٦٥٦ .
- ١٨-١٨) . تحف العقول، ص ٨١ .

۱۱۲۴. با کسی که عیوب تو را نگه می دارد و فضائل و شرافت تو را فراموش می کند، دوستی مکن.

۱۱۲۵. به کسی که نیکی تو را ناسپاسی می کند، احسان مکن.

۱۱۲۶. به کسی که سر او را نمی دانی، سر خود را مگو.

۱۱۲۷. آنچه را توان پرداخت نداری ضمانت مکن. [به قدری ضمانت کن که از عهده اش بر آیی].

۱۱۲۸. حق برادرت را به حساب اینکه برادرت هست ضایع مکن. چون کسی را که حقش را ضایع کنی، برادر تو نمی شود.

۱۱۲۹. زندگی را برای خوردن نخواه. بلکه خوردن را برای زندگی بخواه.

۱۱۳۰. با آنچه که نمی دانید، دشمنی نکنید. چون بیشتر علم در آن چیزهایی است که نمی دانید.

۱۱۳۱. در مجازاتی که می توانی برای آن جایگزین بیابی عجله مکن.

۱۱۳۲. آنچه را که نمی توانی وفا کنی، وعده مکن.

۱۱۳۳. چیزی را که به تو شر رسانده، خیر حساب مکن.

۱۱۳۴. چیزی را که به تو خیر رسانده، شر حساب مکن.

۱۱۳۵. کسی را که از مالش کمک نمی کند، دوست حساب مکن.

۱۱۳۶. کسی را که از مالش به دیگران نمی رساند غنی نشمار [که او خود فقیر واقعی است].

۱۱۳۷. کاری را که یقین به درست بودن آن نداری، انجام نده.

۱۱۳۸. کسی که به دنیا پناه ببرد، دنیا او را حفظ نمی کند.

۱۱۳۹. زمانی که نفس تو را ارشاد می کند، با نفس خود مخالفت مکن.

۱۱۴۰. نیرنگ باز نباش، چون اخلاق زشتی است.

١١٤١. لا تُعوِّدْ نَفْسَكَ الِيمِينَ؛ فَإِنَّ الحَلْفَ لَا يَسْلَمُ مِنَ الإِثْمِ. (١)
١١٤٢. لا تُغَالِبْ مَنْ لَا تُقَدِّرُ عَلَى دَفْعِهِ. (٢)
١١٤٣. لا تُغْلِقْ بَاباً يُعْجِزُكَ افْتِتَاحُهُ. (٣)
١١٤٤. لا تَفْرَحَنَّ بِسَقَطِهِ غَيْرِكَ؛ فَإِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا يُحْدِثُ بِكَ الزَّمَانُ. (٤)
١١٤٥. لا تَفْضَحُوا أَنْفُسَكُمْ عِنْدَ عَدُوِّكُمْ يَوْمَ القِيَامَةِ. (٥)
١١٤٦. لا تَقْسِرُوا (٦) أَوْلَادَكُمْ عَلَى آدَابِكُمْ؛ فَإِنَّهُمْ مُخْلِقُونَ لِمَا نِ غَيْرِ زَمَانِكُمْ. (٧)
١١٤٧. لا تُقَلِّ مَا لَا تَعْلَمُ، بَلْ لَا تُقَلِّ كُلَّ مَا عَلِمْتَ. (٨)
١١٤٨. لا تَقُولَنَّ مَا يَسُوؤُكَ جَوَابُهُ. (٩)
١١٤٩. لا تَقَوْمُ حَلَاوَةَ اللِّذِّ بِمَرَارِهِ الآفَاتِ. (١٠)
١١٥٠. لا تَقْيِسُوا الدِّينَ فَإِنَّهُ لَا يُقَاسُ، وَسَيَأْتِي قَوْمٌ يَقْيِسُونَ الدِّينَ هُمْ أَعْدَاؤُهُ، وَأَوَّلُ مَنْ قَاسَ إبْلِيسُ. (١١)
١١٥١. لا تُكْثِرِ العِتَابَ؛ فَإِنَّهُ يورِثُ الضَّغِينَةَ، وَيُحَرِّكُ البَغْضَةَ. (١٢)
١١٥٢. لا تُكْمَلِ المُرُوَّةَ إِلَّا لِلبَيْبِ. (١٣)
١١٥٣. لا تُكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَقَدْ جَعَلَكَ اللهُ حُرّاً. (١٤)
١١٥٤. لا تُكُنْ مُعْجَباً فْتَمَقَّتْ (١٥) وَتَمْتَهَنَ (١٦). (١٧)
١١٥٥. لا تُكُنْ مِمَّنْ تَغْلِبُهُ نَفْسُهُ عَلَى مَا يَظُنُّ، وَلَا يَغْلِبُهَا عَلَى مَا يَسْتَيْقِنُ. (١٨)
١١٥٦. لا تُكُنْ مِمَّنْ يَبْتَغِي الزِّيَادَةَ وَلَا يَشْكُرُ. (١٩)
١١٥٧. لا تُكُنْ مِمَّنْ يَخْشَى المَوْتَ، وَلَا يُبَادِرُ (٢٠) المَوْتَ (٢١). (٢٢)

١- (١). تصنيف غرر الحكم، ص ٢١٥، ح ٤٢١٨.

٢- (٢). تصنيف غرر الحكم، ص ٣٣٤، ح ٧٦٩٢.

- ٣-٣) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٧٨، ح ١٠٩٧٨.
- ٤-٤) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٠١، ح ٦٨٤٢.
- ٥-٥) . تحف العقول، ص ١٥٠.
- ٦-٦) . قَسَرَهُ عَلَى الْأَمْرِ: أَكْرَهَهُ عَلَيْهِ (أقرب الموارد: قسر).
- ٧-٧) . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٢٦٧، ح ١٠٢.
- ٨-٨) . تحف العقول، ص ٧٤.
- ٩-٩) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢١٣، ح ٤١٣١.
- ١٠-١٠) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٠٣، ح ٦٩٢٩.
- ١١-١١) . تحف العقول، ص ١٠٥.
- ١٢-١٢) . تحف العقول، ص ٨٤.
- ١٣-١٣) . تصنيف غرر الحكم، ص ٦٤، ح ٨٠٦.
- ١٤-١٤) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٣٥، ح ٧٧١٦.
- ١٥-١٥) . الْمَقْتُ: أَشَدُّ الْبُغْضِ (لسان العرب: مقت).
- ١٦-١٦) . امْتَهَنْتُ الشَّيْءَ: ابْتَدَلْتُهُ (لسان العرب: مهن).
- ١٧-١٧) . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٢٦١، ح ٥٢.
- ١٨-١٨) . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٣١٢، ح ٥٨٠.
- ١٩-١٩) . تحف العقول، ص ١٥٧.
- ٢٠-٢٠) . بَادِرَةٌ: عَاجِلَةٌ (أقرب الموارد: بدر).
- ٢١-٢١) . فَاتَ الْأَمْرُ فَوْتًا: مَضَى وَذَهَبَ وَقْتُ فِعْلِهِ (أقرب الموارد: فوت).
- ٢٢-٢٢) . شرح نهج البلاغه، ج ٤، ص ٣٩، ح ١٥٠.

۱۱۴۱. خود را به سوگند خوردن عادت مده. کسی که زیاد سوگند می خورد، از گناه ایمن نیست.

۱۱۴۲. با کسی که نمی توانی او را دفع کنی، مبارزه مکن.

۱۱۴۳. دری را که نمی توانی باز کنی، قفل مکن.

۱۱۴۴. از افتادن دیگران شاد مشو، چون نمی دانی که زمانه با تو چه خواهد کرد.

۱۱۴۵. خویش را نزد دشمنان در قیامت رسوا مکنید.

۱۱۴۶. فرزندان خود را به آداب خود مجبور نکنید، چون آنها فرزند زمانی غیر زمان شما هستند.

[آداب در هر زمان تغییر می کند اما اخلاق ثابت است.]

۱۱۴۷. آنچه نمی دانی مگو. بلکه همه آنچه را که می دانی هم مگو.

۱۱۴۸. حرفی که جوابش تو را ناراحت می کند، مگو.

۱۱۴۹. شیرینی لذت، ارزش تلخی آفات را ندارد.

۱۱۵۰. احکام دین را مقایسه نکنید. چون دین قابل مقایسه نیست. بزودی گروهی خواهند آمد که احکام دین را مقایسه می کنند. آنان دشمن دین هستند. و اولین کسی که قیاس کرد، شیطان بود. [شیطان خود را با آدم مقایسه کرد. و از سجده کردن سر باز زد.]

۱۱۵۱. زیاد سرزنش نکن. چون کینه و بغض بدنبال می آورد.

۱۱۵۲. جوانمردی به کمال نمی رسد مگر در عاقل.

۱۱۵۳. بنده دیگران مشو خداوند تو را آزاده آفریده است.

۱۱۵۴. متکبر و خودپسند مباش که مورد خشم مردم و رسوا می شوی.

۱۱۵۵. از کسانی مباش که نفس او به صرف گمانه زنی [بر کاری] و او می دارد ولی بر کارهای او یقین دارد و انمی دارد.

۱۱۵۶. از کسانی مباش که دنبال افزونی هستند ولی شکر نمی کنند.

۱۱۵۷. از کسانی که از مرگ می ترسند و فرصت را از دست می دهند، مباش.

١١٥٨. لا تَكُن مِمَّن يَرَى الْغَنَمَ مَغْرَمًا وَالْغُرَمَ مَغْنَمًا. (١)

١١٥٩. لا تُمَارِئَنَّ اللَّجُوجَ فِي مَحْفَلٍ. (٢)

١١٦٠. لا تُمَلِّكِ الْمَرْأَةَ [مِنْ أَمْرِهَا] مَا جَاوَزَ نَفْسَهَا؛ فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَلَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ. (٣)

١١٦١. لا تَمَنِّحَنَّ وُدَّكَ مَنْ لَا وَفَاءَ لَهُ. (٤)

١١٦٢. لا تَتَّبِعُوا الشَّيْبَ؛ فَإِنَّهُ نَوْرُ الْمِسْلِمِ. (٥)

١١٦٣. لا تُوَاخِ شَاعِرًا؛ فَإِنَّهُ يَمْدُحُكَ بِثَمَنِ، وَيَهْجُوكَ مَجَانًا. (٦)

١١٦٤. لا تُودِعْ سِرَّكَ إِلَّا الْمُؤْمِنًا وَفِيًّا. (٧)

١١٦٥. لا تَهْتِكُوا أَسْتَارَكُمْ عِنْدَ مَنْ يَعْلَمُ أَسْرَارَكُمْ. (٨)

١١٦٦. لا تَهْتَمَنَّ إِلَّا فِيمَا يُعَقِّبُكَ أَجْرًا. (٩)

١١٦٧. لا تَهْضِمَنَّ (١٠) مَحَاسِنَكَ بِالْفَخْرِ وَالتَّكْبِيرِ. (١١)

١١٦٨. لا تُؤَيِّسِ الضُّعْفَاءَ مِنْ عَدْلِكَ. (١٢)

١١٦٩. لا جَمَالَ أَزِينُ مِنَ الْعَقْلِ. (١٣)

١١٧٠. لا جُنَّةَ أَوْقِي مِنَ الْأَجْلِ. (١٤)

١١٧١. لا جُورَ أَفْطَعُ (١٥) مِنْ جُورِ حَاكِمٍ. (١٦)

١١٧٢. لا جِهَادَ كَجِهَادِ النَّفْسِ. (١٧)

١١٧٣. لا حُرْمَةَ لِلْفَاسِقِ. (١٨)

١١٧٤. لا حَسَبَ أَرْفَعُ مِنَ الْأَدَبِ. (١٩)

ص: ٢٠٤

١- (١). شرح نهج البلاغه، ج ٤، ص ٣٩، ح ١٥٠.

٢- (٢). تصنيف غرر الحكم، ص ٤٦٤، ح ١٠٦٤٢.

٣-٣) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٠٨، ح ٩٣٨٠.

٤-٤) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤١٨، ح ٩٥٦٠.

٥-٥) . تحف العقول، ص ١٠٢.

٦-٦) . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٣٢٢، ح ٦٩٨.

٧-٧) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٢٤، ح ٩٧٤٢.

٨-٨) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٢١، ح ٧٤٢٧.

٩-٩) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٦٦، ح ٣٢٥٠.

١٠-١٠) . هَضَمَهُ حَقَّهُ: نَقَصَهُ (لسان العرب: هضم).

١١-١١) . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٢٥٨، ح ٢٨.

١٢-١٢) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٤١، ح ٧٨٠٦.

١٣-١٣) . تصنيف غرر الحكم، ص ٥١، ح ٣٤٤.

١٤-١٤) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٦٢، ح ٣١٢٣.

١٥-١٥) . الغرر - ط النَّجْف -: أقطع، وفي الغرر - ط الهند -: أفرغ، والنَّاسِخ، أَعْظَم. وَفَطَّعَ الْمَأْمُرُ: اشْتَدَّتْ شِنَاعَتُهُ (أقرب الموارد: فطم).

١٦-١٦) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٤٨، ح ٨٠٢٣.

١٧-١٧) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢٤٣، ح ٤٩٥١.

١٨-١٨) . نثر اللاكلى، ص ٩٦، ح ٢٤٥.

١٩-١٩) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢٤٨، ح ٥١٢٠.

۱۱۵۸. از کسانی که غنیمت را غرامت و غرامت را غنیمت می شمارند، مباش.
۱۱۵۹. بالجوچ در یک محفل، مجادله مکن.
۱۱۶۰. کار بیش از حد به زن واگذار مکن. چون زن گل است. قهرمان نیست.
۱۱۶۱. به بیوفا محبت نکن.
۱۱۶۲. موی سفید را نکنید، چون نور مسلمان است.
۱۱۶۳. با شاعر برادری مکن، چون با قیمتی تو را مدح می کند. و مجانی تو را ملامت می کند.
۱۱۶۴. راز خود را جز با مؤمن وفادار، مگو.
۱۱۶۵. نزد کسی که اسرار شما را می داند، پرده دری نکنید.
۱۱۶۶. اهتمام به کاری نداشته باشید، مگر کاری که پاداش بدنبال داشته باشد.
۱۱۶۷. امتیازات خود را با فخر و تکبر، ناقص مکن.
۱۱۶۸. ضعیفان را از عدالت خود، ناامید مکن.
۱۱۶۹. هیچ جمالی، زیباتر از عقل نیست.
۱۱۷۰. هیچ سپری، محافظتر از اجل نیست. [فکر مرگ بالاترین سپر در پیشگیری از گناهان است].
۱۱۷۱. هیچ ظلمی، شنیع تر از ظلم حاکم نیست.
۱۱۷۲. هیچ جهادی، مثل جهاد با نفس نیست.
۱۱۷۳. فاسق احترام ندارد. [فاسق یعنی گنه کار].
۱۱۷۴. هیچ نژادی، برتر از ادب نیست.

١١٧٥. لا حِلْمَ كَالْتَّغَاوُلِ. (١)
١١٧٦. لا حِلْمَ كَالصَّبْرِ وَالصَّمْتِ. (٢)
١١٧٧. لا حِلْمَ كَالصَّفْحِ. (٣)
١١٧٨. لا خُلُقَ أَشْيُنَ مِنَ الْخُرْقِ. (٤)
١١٧٩. لا خَيْرَ فِي عَمَلٍ بِلا عِلْمٍ. (٥)
١١٨٠. لا خَيْرَ فِي لَدَّهِ تُعَقَّبُ نَدَمًا. (٦)
١١٨١. لا خَيْرَ فِيمَنْ يَهْجُرُ أَخَاهُ بِغَيْرِ جُرْمٍ. (٧)
١١٨٢. لا دِينَ لِمَنْ لا تَقِيَّةَ لَهُ. (٨)
١١٨٣. لا دِينَ لِمَنْ لا مَرْوَةَ لَهُ. (٩)
١١٨٤. لا دِينَ مَعَ هَوَى. (١٠)
١١٨٥. لا ذُخْرَ أَنْفَعُ مِنْ صَالِحِ الْعَمَلِ. (١١)
١١٨٦. لا رَاحَةَ لِلْحَسُودِ. (١٢)
١١٨٧. لا رَاحَةَ لِلْمَلُوكِ. (١٣)
١١٨٨. لا رَأَى لِمَنْ لا يُطَاعُ. (١٤)
١١٨٩. لا رَزِيَّةَ أَعْظَمُ مِنْ دَوَامِ سُقْمِ الْجَسَدِ. (١٥)
١١٩٠. لا زَلَّةَ أَشَدُّ مِنْ زَلَّةِ عَالِمٍ. (١٦)
١١٩١. لا زُهْدَ كَالْكَفِّ عَنِ الْحَرَامِ. (١٧)
١١٩٢. لا شَرَفَ أَعْلَى مِنَ الْإِيمَانِ. (١٨)

ص: ٢٠٦

- ٢-٢) . تحف العقول، ص ٩٤.
- ٣-٣) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢٤٥، ح ٥٠٣٠.
- ٤-٤) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢٦٤، ح ٥٧٠٠.
- ٥-٥) . تصنيف غرر الحكم، ص ٦١، ح ٦٩٢.
- ٦-٦) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٠٣، ح ٦٩٣٠.
- ٧-٧) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٢٢، ح ٩٦٨٨.
- ٨-٨) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٣٥، ح ٧٧٢٤.
- ٩-٩) . نثر الآلي، ص ٩٦، ح ٢٤٥.
- ١٠-١٠) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٠٦، ح ٧٠٢٥.
- ١١-١١) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٥٤، ح ٢٨٨٣.
- ١٢-١٢) . نثر الآلي، ص ٩٦، ح ٢٤٧.
- ١٣-١٣) . نثر الآلي، ص ٩٦، ح ٢٤٨.
- ١٤-١٤) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٨٣، ح ١١٤٣.
- ١٥-١٥) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٨٤، ح ١١١٧٣.
- ١٦-١٦) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٧، ح ٢٣٦.
- ١٧-١٧) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢٧٦، ح ٦٠٧٤.
- ١٨-١٨) . تصنيف غرر الحكم، ص ٨٧، ح ١٤٦٥.

۱۱۷۵. هیچ بردباری، مثل نادیده گرفتن [خطاها] نیست.
۱۱۷۶. هیچ بردباری، مثل صبر و سکوت نیست.
۱۱۷۷. هیچ بردباری، مثل صفح [روی گردان از خطا] نیست.
۱۱۷۸. هیچ اخلاقی زشت تر از پرده دری نیست.
۱۱۷۹. رفتار بدون علم، خیری ندارد.
۱۱۸۰. لذتی که پشیمانی بدنبال دارد، خیری ندارد.
۱۱۸۱. کسی که بدون دلیل از برادرش قهر می کند خیری ندارد.
۱۱۸۲. کسی که تقیه نمی کند، دین ندارد.
۱۱۸۳. کسی که جوانمردی ندارد، دین ندارد.
۱۱۸۴. دین با هوای نفس، یک جا جمع نمی شود.
۱۱۸۵. هیچ ذخیره ای، سودمندتر از رفتار صالح نیست.
۱۱۸۶. حسود، آرامش ندارد.
۱۱۸۷. حاکمان، آسایش ندارند.
۱۱۸۸. کسی که از او اطاعت نکنند، نظری ندارد. [یعنی نظرش بی اثر است].
۱۱۸۹. هیچ گرفتاری، بزرگتر از بیماری دائمی بدن نیست.
۱۱۹۰. هیچ لغزشی، از لغزش عالم شدیدتر نیست.
۱۱۹۱. هیچ زهدی، مثل خودداری از حرام نیست.
۱۱۹۲. هیچ شرفی، برتر از ایمان نیست.

١١٩٣. لا شَرَفَ أَعْلَى مِنَ التَّقْوَى. (١)

١١٩٤. لا شَرَفَ كَالْعِلْمِ. (٢)

١١٩٥. لا صَوَابَ مَعَ تَرْكِ الْمَشُورَةِ. (٣)

١١٩٦. لا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ. (٤)

١١٩٧. لا ظَفَرَ لِمَنْ لَا صَبْرَ لَهُ. (٥)

١١٩٨. لا عَاجِزَ أَعْجَزُ مِمَّنْ أَهْمَلَ نَفْسَهُ فَأَهْلَكَهَا. (٦)

١١٩٩. لا عِبَادَةَ كَأَدَاءِ الْفَرَائِضِ. (٧)

١٢٠٠. لا عَدُوَّ أَعْدَى عَلى الْمَرْءِ مِنْ نَفْسِهِ. (٨)

١٢٠١. لا عِزَّ كَالطَّاعَةِ. (٩)

١٢٠٢. لا عَيْشَ لَسَيِّئِ الْخُلُقِ. (١٠)

١٢٠٣. لا عَيْشَ لِمَنْ لَا رِفْقَ لَهُ. (١١)

١٢٠٤. لا غَمَّ لِلْقَانِعِ. (١٢)

١٢٠٥. لا غِنَى كَالْعَقْلِ. (١٣)

١٢٠٦. لا غِنَى لِمَنْ لَا فَضْلَ لَهُ. (١٤)

١٢٠٧. لا فِطْنَةَ مَعَ بَطْنِهِ (١٥). (١٦)

١٢٠٨. لا فَقْرَ كَالْجَهْلِ. (١٧)

١٢٠٩. لا فَقْرَ لِعَاقِلٍ. (١٨)

١٢١٠. لا فِقْهَ لِمَنْ لَا يُدِيمُ الدَّرْسَ. (١٩)

ص: ٢٠٨

- ٢-٢) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٢، ح ٥١.
- ٣-٣) . شرح مائه كلمه، ص ٢٠٢.
- ٤-٤) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٨٦، ح ٣٥٥٢.
- ٥-٥) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢٨٣، ح ٦٣٣١.
- ٦-٦) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٠٦، ح ٧٠٢١.
- ٧-٧) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٧٦، ح ٣٣٧٥.
- ٨-٨) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢٣٤، ح ٤٦٨٦.
- ٩-٩) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٨٥، ح ٣٥٠٣.
- ١٠-١٠) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢٦٤، ح ٥٧٠٧.
- ١١-١١) . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٣١٧، ح ٦٣٨.
- ١٢-١٢) . نثر الالكي، ص ٩٦، ح ٢٤٩.
- ١٣-١٣) . تصنيف غرر الحكم، ص ٥١، ح ٣٥٢.
- ١٤-١٤) . نثر الالكي، ص ٩٦، ح ٢٥٠.
- ١٥-١٥) . البطنه: إمتلاء البطن من الطعام (لسان العرب: بطن).
- ١٦-١٦) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٦٠، ح ٨١٥١ (مضمون).
- ١٧-١٧) . تصنيف غرر الحكم، ص ٧٣، ح ١١٠٩.
- ١٨-١٨) . نثر الالكي، ص ٩٦، ح ٢٥١.
- ١٩-١٩) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٩، ح ٢٧٤.

۱۱۹۳. هیچ شرفی، برتر از تقوی نیست.
۱۱۹۴. هیچ شرفی، مثل علم نیست.
۱۱۹۵. با ترک مشورت، [راه] صواب [پیدا] نیست.
۱۱۹۶. هیچ بنده ای را با نافرمانی خدا، اطاعت مکن.
۱۱۹۷. کسی که صبر ندارد، پیروز نمی شود.
۱۱۹۸. ناتوان تر از کسی که نیست که نفس خود را واگذارد و در نتیجه آن را هلاک کند.
۱۱۹۹. هیچ عبادتی، مثل انجام واجبات نیست.
۱۲۰۰. هیچ دشمنی برای انسان، بدتر از نفس انسان خودش نیست.
۱۲۰۱. هیچ عزّتی، مثل اطاعت خدا نیست.
۱۲۰۲. کسی که بد اخلاق است، خوشی ندارد.
۱۲۰۳. کسی که مدارا ندارد، زندگی ندارد.
۱۲۰۴. کسی که قانع است، غصه ندارد.
۱۲۰۵. هیچ ثروتی، مثل عقل نیست.
۱۲۰۶. کسی که فضیلت ندارد، ثروتی ندارد.
۱۲۰۷. هیچ زیرکی، در پرخوری نیست. [زیرکی با پرخوری قابل جمع نیست].
۱۲۰۸. هیچ فقری، مثل نادانی نیست.
۱۲۰۹. عاقل، فقر ندارد.
۱۲۱۰. کسی که دائماً درس نخواند، فقیه نیست.

١٢١١. لا قَدْفَ لِلْفَاحِشِ. (١).

١٢١٢. لا قَوِيَّ أَقْوَى مِمَّنْ قَوِيَ عَلَى نَفْسِهِ فَمَلَكَهَا. (٢).

١٢١٣. لا كَرَامَةَ لِلْكَاذِبِ. (٣).

١٢١٤. لا كَرَمَ أَعَزُّ مِنَ التَّقْوَى. (٤).

١٢١٥. لا كُلُّ ذِي سَمْعٍ بِسَمِيعٍ. (٥).

١٢١٦. لا كُلُّ غَائِبٍ يُوُوبُ. (٦).

١٢١٧. لا كُلُّ مَعْلُومٍ يَجُوزُ أَنْ تُعَلِّمَهُ غَيْرَكَ. (٧).

١٢١٨. لا كُلُّ نَاطِرٍ بَبَصِيرٍ. (٨).

١٢١٩. لا لِبَاسٍ أَجْمَلُ مِنَ الْعَافِيهِ. (٩).

١٢٢٠. لا لَوْمَ لِهَارِبٍ مِنْ حَتْفِهِ. (١٠).

١٢٢١. لا مَرَحَبًا يُوجُوهُ لَا تُرَى إِلَّا عِنْدَ كُلِّ سَوَاءٍ. (١١).

١٢٢٢. لا مُرْوَعَةٌ لِمَنْ لَا هِمَّةَ لَهُ. (١٢).

١٢٢٣. لا مُظَاهَرَةٌ أَوْتَقُ مِنْ مُشَاوَرَةٍ. (١٣).

١٢٢٤. لا مَعْقِلَ أَمْنَعُ مِنَ الْإِسْلَامِ. (١٤).

١٢٢٥. لا مَوَدَّةَ لِبَخِيلٍ. (١٥).

١٢٢٦. لَأَنْ تَكُونَ تَابِعًا فِي الْخَيْرِ، خَيْرٌ لَكَ مِنْ أَنْ تَكُونَ مَتَّبِعًا فِي الشَّرِّ. (١٦).

١٢٢٧. لا نَجَاةَ لِمَنْ لَا إِيمَانَ لَهُ. (١٧).

١٢٢٨. لا نِعْمَةَ أَفْضَلُ مِنْ عَقْلِ. (١٨).

ص: ٢١٠

- ٢-٢) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢٤١، ح ٤٨٩٦.
- ٣-٣) . نثر اللآلئ، ص ٩٦، ح ٢٥١.
- ٤-٤) . تحف العقول، ص ٩٠.
- ٥-٥) . الكافي، ج ٨، ص ٦٤.
- ٦-٦) . الكافي، ج ٨، ص ٢٤.
- ٧-٧) . شرح نهج البلاغ، ج ٢٠، ص ٣٣٦، ح ٨٥٩.
- ٨-٨) . نهج البلاغ، ج ١، ص ١٥٦، ح ٨٨.
- ٩-٩) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٨٣، ح ١١٧٢.
- ١٠-١٠) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٦٤، ح ٣١٧٧.
- ١١-١١) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٦٤، ح ٣١٧٧.
- ١٢-١٢) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٦٤، ح ٣١٧٧.
- ١٣-١٣) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٦٤، ح ٣١٧٧.
- ١٤-١٤) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٦٤، ح ٣١٧٧.
- ١٥-١٥) . بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٠، ح ٦٧.
- ١٦-١٦) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٠٥، ح ١٨٨١.
- ١٧-١٧) . تصنيف غرر الحكم، ص ٨٧، ح ١٤٦٦.
- ١٨-١٨) . تصنيف غرر الحكم، ص ٥١، ح ٣٣٩.

۱۲۱۱. برای بدکاره [حدّ] قذف نیست.
۱۲۱۲. هیچ قدرتمندی، قویتر از کسی که بر نفس خود غلبه کند و مالک نفس خود شود، نیست.
۱۲۱۳. دروغگو، کرامت ندارد.
۱۲۱۴. کرامتی، عزیزتر از تقوی نیست.
۱۲۱۵. هر کسی که گوش دارد، شنوا نیست.
۱۲۱۶. هر غایبی، به عافیت بر نمی گردد.
۱۲۱۷. جایز نیست هر دانشی را به دیگران یاد بدهی.
۱۲۱۸. هر ناظری، بینا نیست.
۱۲۱۹. هیچ لباسی، زیباتر از سلامتی نیست.
۱۲۲۰. کسی که از ترس جان فرار می کند، ملامت ندارد.
۱۲۲۱. وای بر چهره هایی که همیشه در حال رسوائی دیده می شوند.
۱۲۲۲. کسی که همت ندارد، جوانمردی ندارد.
۱۲۲۳. هیچ پشتیبانی، مطمئن تر از مشاوره نیست.
۱۲۲۴. هیچ تکیه گاهی، محکمتر از اسلام نیست.
۱۲۲۵. بخیل، لیاقت محبت ندارد.
۱۲۲۶. اگر در خیرخواهی دنباله رو باشی برای تو بهتر است از اینکه در شرارت رهبری کنی.
۱۲۲۷. کسی که ایمان ندارد، نجات نخواهد یافت.
۱۲۲۸. هیچ نعمتی، برتر از عقل نیست.

١٢٢٩. لَأَنْ يَكُونَ الْحُرُّ عَبْدًا لِعَبِيدِهِ، خَيْرٌ مِنْ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لَشَهْوَاتِهِ. (١)

١٢٣٠. لَا وَحْشَهُ أَوْ حَشَى مَنْ الْعُجْبِ. (٢)

١٢٣١. لَا وِفَاءَ لِلْمَرَأَةِ. (٣)

١٢٣٢. لَا يَتْرُكُ النَّاسُ شَيْئًا مِنْ دُنْيَاهُمْ لِإِصْلَاحِ آخِرَتِهِمْ إِلَّا عَوَّضَهُمُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ خَيْرًا مِنْهُ. (٤)

١٢٣٣. لَا يَتْرُكُ النَّاسُ شَيْئًا مِنْ دِينِهِمْ لِإِصْلَاحِ دُنْيَاهُمْ إِلَّا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَا هُوَ أَضْرُّ مِنْهُ. (٥)

١٢٣٤. لَا يَتَّقِي الشَّرَّ فِي فِعْلِهِ إِلَّا مَنْ يَتَّقِيهِ فِي قَوْلِهِ. (٦)

١٢٣٥. لَا يَجْتَمِعُ الْعَقْلُ وَالْهَوَى. (٧)

١٢٣٦. لَا يَجِدُ عَبْدٌ طَعَمَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَتْرُكَ الْكَذِبَ هَزْلَةً وَجِدَّةً. (٨)

١٢٣٧. لَا يَحِلُّ أَدَى الْمُسْلِمِ إِلَّا بِمَا يَجِبُ. (٩)

١٢٣٨. لَا يَحْمَدُ إِلَّا مَنْ أَخْلَصَ إِيْمَانَهُ. (١٠)

١٢٣٩. لَا يَخْرُجُ الرَّجُلُ فِي سَفَرٍ يَخَافُ عَلَى دِينِهِ مِنْهُ. (١١)

١٢٤٠. لَا يُدْرِكُ الْعِلْمُ بِرَاحَةِ الْجِسْمِ. (١٢)

١٢٤١. لَا يَرْجُونَ أَحَدٌ إِلَّا رَبَّهُ، وَلَا يَخَافَنَّ إِلَّا ذَنْبَهُ. (١٣)

١٢٤٢. لَا يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا تَفَاوَتُوا؛ فَإِذَا اسْتَوَوْا هَلَكُوا. (١٤)

١٢٤٣. لَا يَسْوَدُ الرَّجُلُ حَتَّى لَا يُبَالِيَ فِي أَيِّ ثَوْبِهِ ظَهَرَ. (١٥)

١٢٤٤. لَا يَسْوَدُ مَنْ لَا يَحْتَمِلُ إِخْوَانَهُ. (١٦)

١٢٤٥. لَا يَشْبَعُ الْمُؤْمِنُ وَأَخُوهُ جَائِعٌ. (١٧)

١٢٤٦. لَا يَصْغُرَنَّ عِنْدَكَ الرَّأْيُ الْخَطِيرُ إِذَا أَتَاكَ بِهِ الرَّجُلُ الْحَقِيرُ. (١٨)

ص: ٢١٢

- ٢-٢) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٠٨، ح ٧٠٨٨.
- ٣-٣) . نثر اللآلئ، ص ٩٦، ح ٢٥٤.
- ٤-٤) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٤١، ح ٢٥٠٩.
- ٥-٥) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٣٠، ح ٢٢٣٦.
- ٦-٦) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢١٤، ح ٤١٩٤.
- ٧-٧) . تصنيف غرر الحكم، ص ٦٤، ح ٨٢٣.
- ٨-٨) . تحف العقول، ص ٢١٦.
- ٩-٩) . بحار الأنوار، ج ٦٥، ص ٢٩٠.
- ١٠-١٠) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٨٦، ح ٨٨١٥.
- ١١-١١) . تحف العقول، ص ١٢٠.
- ١٢-١٢) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٤، ح ١٠٤.
- ١٣-١٣) . تحف العقول، ص ٢١٨.
- ١٤-١٤) . بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٣٨٥.
- ١٥-١٥) . شرح نهج البلاغ، ج ٢٠، ص ٢٨٩، ح ٣٠٠.
- ١٦-١٦) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٢٠، ح ٩٦٢٩.
- ١٧-١٧) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤١٥، ح ٩٤٨٩.
- ١٨-١٨) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٤١، ح ١٠٠٥٨.

۱۲۲۹. اگر کسی بنده ی غلامان خود باشد، بهتر است از اینکه بنده ی شهوت خود باشد.

۱۲۳۰. هیچ وحشتی، ترسناک تر از خود خواهی نیست.

۱۲۳۱. زن وفا ندارد.

۱۲۳۲. مردم، هیچ چیزی از دنیا را برای اصلاح آخرت، رها نمی کنند مگر اینکه خداوند سبحان عوض آن را به آنها می دهد.

۱۲۳۳. مردم، چیزی از دین را برای اصلاح دنیا، ترک نمی کنند، مگر اینکه خداوند درهای ضرر را به روی آنها باز می کند. و ضرر بیشتری متحمل می شوند.

۱۲۳۴. کسی که در گفتار خود تقوی پیشه کند، در رفتار هم به کسی شر نمی رساند.

۱۲۳۵. عقل و هوس، در یک جا جمع نمی شوند.

۱۲۳۶. هیچ کس طعم ایمان را درک نمی کند، مگر اینکه دروغ گفتن جدّی یا شوخی را ترک کند.

۱۲۳۷. اذیت کردن مسلمان روا نیست، مگر بقدری که واجب است. [مجازات بیشتر از جرم جایز نیست].

۱۲۳۸. ستایش نمی شود، مگر کسی که خلوص ایمان دارد.

۱۲۳۹. انسان [عقل] به سفری که دینش به خطر افتد، نمی رود.

۱۲۴۰. با تن پروری، علم بدست نمی آید.

۱۲۴۱. هیچ کس جز خدا، شایسته ی امیدواری نیست. و هیچ چیز جز گناه، سزاوار ترس نیست.

۱۲۴۲. تفاوت های مردم همیشه خیر است. اگر همه مساوی شوند، نابود می شوند.

۱۲۴۳. انسان سروری نیابد. مگر وقتی که نوع لباس برایش اهمیت نداشته باشد.

۱۲۴۴. کسی که برادرانش را تحمل نمی کند، سروری نیابد.

۱۲۴۵. مؤمن وقتی که برادرش گرسنه باشد، خود را سیر نمی کند.

۱۲۴۶. هیچ نظر مهمی نزد تو کوچک نشود هنگامی که آن را انسان حقیر برایت بیاورد.

١٢٤٧. لا يَعْرِفُ الْفَضْلَ لِأَهْلِ الْفَضْلِ إِلَّا أَوْلُو الْفَضْلِ. (١)

١٢٤٨. لا يَعَى حَدِيثَنَا إِلَّا صُدُورُ أَمِينَةٍ وَأَحْلَامُ رَزِينَةٍ. (٢)

١٢٤٩. لا- يُقَاسُ بِآلِ مُحَمَّدٍ - صَيَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ - مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَحَدٌ، وَلَا يَسْتَوِي بِهِمْ مَنْ جَرَتْ نِعْمَتُهُمْ عَلَيْهِ أَبَدًا. (٣)

١٢٥٠. لا يُكَلِّفُ الْمَرْءَ أَخَاهُ الطَّلَبَ إِلَيْهِ إِذَا عَرَفَ حَاجَتَهُ. (٤)

١٢٥١. لا يَكُونُ الْعُمَرَانُ حَيْثُ يَجُورُ السُّلْطَانُ. (٥)

١٢٥٢. لا يَمْلِكُ إِمْسَاكَ الْأَرْزَاقِ وَإِدْرَارَهَا إِلَّا الرَّزَاقُ. (٦)

١٢٥٣. لا يَمِينُ فِي قَطِيعِهِ. (٧)

١٢٥٤. لا يَنَامَنَّ [أَحَدُكُمْ] (٨) مُسْتَلْقِيًا عَلَى ظَهْرِهِ. (٩)

١٢٥٥. لا يَنْجُو مَنْ أَعَانَ عَلَيْنَا عَدُوَّنَا. (١٠)

١٢٥٦. لا يَنْفَعُ الْعَمَلُ لِلْآخِرَةِ مَعَ الرَّغْبَةِ فِي الدُّنْيَا. (١١)

١٢٥٧. لا يَنْفَعُ قَوْلٌ بَعِيرٍ عَمَلٍ. (١٢)

١٢٥٨. لا يَهُونَنَّ عَلَيْكَ مَنْ قَبَحَ مَنَظَرَهُ، وَرَثَ (١٣) لِبَاسُهُ؛ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَنْظُرُ إِلَى الْقُلُوبِ، وَيُجَازِي بِالْأَعْمَالِ. (١٤)

١٢٥٩. اللَّئِيمُ إِذَا بَلَغَ فَوْقَ مِقْدَارِهِ تَنَكَّرَتْ أَحْوَالُهُ. (١٥)

١٢٦٠. اللَّبَنُ أَحَدُ اللَّحْمَيْنِ. (١٦)

١٢٦١. اللَّجَاجُ (١٧) آفَةُ الْعَقْلِ. (١٨)

ص: ٢١٤

١- (١). تصنيف غرر الحكم، ص ٤٢٣، ح ٩٧١٧.

٢- (٢). تصنيف غرر الحكم، ص ١٦٦، ح ٢٠٢٠.

٣- (٣). تصنيف غرر الحكم، ص ١٦٦، ح ٢٠١٩.

٤- (٤). تحف العقول، ص ١٠٥.

٥- (٥). تصنيف غرر الحكم، ص ٣٤٨، ح ٨٠٥٠.

٦-٦) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٩٧، ح ٩١٩٣.

٧-٧) . تحف العقول، ص ١١١.

٨-٨) . الحديث في تحف العقول هكذا: «إذا بال أحدكم فلا- يطمحن ببوله، ولا- يستقبل به الريح، ولا ينامن مستلقياً على ظهره»، ففاعل «ينامن» هو الضمير المستتر الراجع إلى «أحدكم»، فأضفناه كي تستقيم العبارة.

٩-٩) . تحف العقول، ص ١٠٣.

١٠-١٠) . تحف العقول، ص ١٢١.

١١-١١) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٤١، ح ٢٥٠٨.

١٢-١٢) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٥٣، ح ٢٨٤٣.

١٣-١٣) . رَثَّ الشَّيْءُ: بَلَى (أقرب الموارد: رثث).

١٤-١٤) . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٣٢٦، ح ٧٣١.

١٥-١٥) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢٦٠، ح ٥٥٧٥.

١٦-١٦) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٨٤، ح ١١١٧٧.

١٧-١٧) . لَجَّ الرَّجُلُ لَجَاجًا: تَمَادَى فِي الْعِنَادِ إِلَى الْفِعْلِ الْمَزْجُورِ عَنْهُ (أقرب الموارد: لجاج).

١٨-١٨) . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٢٩٥، ح ٣٧٦.

۱۲۴۷. فضیلتِ صاحبان فضل را، کسی جز صاحب فضل نمی شناسد.

۱۲۴۸. فقط قلبهای امین و روحهای باوقار ظرفیتِ احادیث ما را دارند.

۱۲۴۹. هیچ کس از این امت با آل محمد صلوات الله علیهم قابل مقایسه نیست. و هرگز کسانی که از نعمت آل محمد صلی الله علیه و آله بر آنان بهره برده اند، با آل محمد صلی الله علیه و آله مساوی نیستند.

۱۲۵۰. وقتی [مؤمن] حاجت برادرش را دانست، او را مجبور به بازگفتن درخواست خود نکند.

[خود به سوی او برود].

۱۲۵۱. زمانیکه حاکم ستم می کند، هیچ جا آباد نمی شود.

۱۲۵۲. توزیع و توقیف رزق، فقط بدست خداوند روزی دهنده است.

۱۲۵۳. در هجران، قسم نیست. [قسم خوردن بر قطع رحم نافذ و مؤثر نیست].

۱۲۵۴. به قفا خوابیدن، صحیح نیست.

۱۲۵۵. کسی که به دشمنان ما کمک کند، نجات نمی یابد.

۱۲۵۶. با علاقه به دنیا، عمل برای آخرت سود ندارد.

۱۲۵۷. گفتار بدون عمل سودی ندارد.

۱۲۵۸. کسی که صورت زشت و لباس کهنه دارد در نظرت کوچک نیاید. چون خداوند تعالی به قلبها نظر می کند. و به اعمال پاداش می دهد.

۱۲۵۹. فرومایه وقتی به جایگاه بالاتر از ارزش خود برسد، حالش [رفتارش] عوض می شود.

۱۲۶۰. شیر [دارای خواصی] همانند گوشت است.

۱۲۶۱. لجبازی، آفت عقل است.

١٢٦٢. اللِّجَاجُ يُفْسِدُ الرَّأْيَ. (١)

١٢٦٣. اللَّحْمُ يُنْبِتُ اللَّحْمَ. (٢)

١٢٦٤. اللَّذَاتُ آفَاتٌ. (٣)

١٢٦٥. اللِّسَانُ تَرْجُمَانُ الْجَنَانِ. (٤)

١٢٦٦. اللِّسَانُ تَرْجُمَانُ الْعَقْلِ. (٥)

١٢٦٧. اللِّسَانُ سَمْعٌ، إِنْ أَطْلَقْتَهُ عَقْرًا. (٦)

١٢٦٨. اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ يَتَسَارَعَانِ فِي هَدْمِ الْأَعْمَارِ. (٧)

١٢٦٩. (سُئِلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا الْمُرُوءَةُ؟ فَقَالَ:) لَا تَفْعَلْ شَيْئًا فِي السِّرِّ تَسْتَحْيِي مِنْهُ فِي الْعَلَانِيَةِ. (٨)

١٢٧٠. (قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي تَوْحِيدِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ:) لَيْسَ فِي الْأَشْيَاءِ بِوَالِحٍ (٩)، وَلَا عَنْهَا بِخَارِجٍ. (١٠)

١٢٧١. لَتَعْطِفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا (١١) عَطْفَ الصُّرُوسِ عَلَى وَلَدِهَا. (١٢)

١٢٧٢. لَحِظْ (١٣) الْإِنْسَانَ رَائِدًا (١٤) قَلْبِهِ. (١٥)

١٢٧٣. لَذَّةُ الْكِرَامِ فِي الْإِطْعَامِ. (١٦)

١٢٧٤. لَرُبَّ أَمْرٍ قَدْ طَلَبْتَهُ فِيهِ هَلَاكُ دِينِكَ لَوْ أَوْتَيْتَهُ. (١٧)

١٢٧٥. لَرُبَّمَا أَقْبَلَ الْمُدْبِرُ وَأَدْبَرَ الْمُقْبِلُ. (١٨)

١٢٧٦. لَرُبَّ هَزَلٍ قَدْ عَادَ جِدًّا. (١٩)

١٢٧٧. لِسَانُ الْحَالِ أَصْدَقُ مِنْ لِسَانِ الْمَقَالِ. (٢٠)

ص: ٢١٦

١- (١). تصنيف غرر الحكم، ص ٦٥، ح ٨٥٣.

٢- (٢). الكافي، ج ٦، ص ٣٠٩، ح ١ و ٢.

٣- (٣). تصنيف غرر الحكم، ص ٣٠٣، ح ٦٩١٦.

٤- (٤). تصنيف غرر الحكم، ص ٢٠٩، ح ٤٠١٨.

- ٥- (٥) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢٠٩، ح ٤٠١٩.
- ٦- (٦) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢١٣، ح ٤١٤٣.
- ٧- (٧) . تحف العقول، ص ٩٨.
- ٨- (٨) . تحف العقول، ص ٢٢٣.
- ٩- (٩) . الوُلُوجُ: الدُّخُولُ (لسان العرب: وليج).
- ١٠- (١٠) . تصنيف غرر الحكم، ص ٨١، ح ١٢٨٢.
- ١١- (١١) . شَمَسَ الرَّجُلُ شِمَاساً: امْتَنَعَ وَأَبَى (أقرب الموارد: شمس).
- ١٢- (١٢) . بحار الأنوار، ج ٢٤، ص ١٦٧.
- ١٣- (١٣) . لَحَظَهُ لَحْظاً: نَظَرَهُ بِمُؤَخَّرِ عَيْنَيْهِ مِنْ أَىِّ جَانِبِيهِ كَانَ، يَمِيناً أَوْ شِمَالاً، وَهُوَ أَشَدُّ التَّفَاتِئاً مِنَ الشَّرِّ (لسان العرب: لحظ).
- ١٤- (١٤) . الرَّائِدُ: الرَّسُولُ الَّذِي يُرْسِلُهُ الْقَوْمُ لِيُنْظَرَ لَهُمْ مَكَاناً يَنْزِلُونَ فِيهِ (أقرب الموارد: رود).
- ١٥- (١٥) . تصنيف غرر الحكم، ص ٦٧، ح ٨٩٢.
- ١٦- (١٦) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٧٧، ح ٨٤٩٩.
- ١٧- (١٧) . مجموعه ورام، ج ٢، ص ١٠٤.
- ١٨- (١٨) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٣٥، ح ٢٣٣٩.
- ١٩- (١٩) . بحار الأنوار، ج ٧٤، ح ٢١٥.
- ٢٠- (٢٠) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٥٣، ح ٢٨٤٢.

۱۲۶۲. لجبازی، رأی انسان را فاسد می کند.

۱۲۶۳. [خوردن] گوشت باعث زیاد شدن گوشت می شود.

۱۲۶۴. لذتها، آفت هستند.

۱۲۶۵. زبان، ترجمان قلب است.

۱۲۶۶. زبان، ترجمان عقل است.

۱۲۶۷. زبان درنده است. اگر رها شود می گزد.

۱۲۶۸. روز و شب برای تلف کردن عمر انسان، مسابقه دارند.

۱۲۶۹. [از امام علیه السلام درباره ی جوانمردی سؤال کردند. حضرت فرمود:] کاری که در آشکارا از آن حیا می کنی، در خلوت انجام مده.

۱۲۷۰. [درباره ی توحید خداوند سبحان فرمود:] او نه داخل اشیاء است و نه خارج آنها.

۱۲۷۱. دنیا پس از بی مهریهایش، بر ما عطوفت می کند، همانند عطوفت شتر [که دوشنده را با دندان می گزد.] بر فرزندش.

۱۲۷۲. زیر نظر داشتن امور، رسول قلب انسان است.

۱۲۷۳. لذت بردن کریمان در غذا خوراندن به دیگران است.

۱۲۷۴. چه بسیار کاری که بدنبال آن هستی و اگر دست یابی، دین تو را نابود می کند.

۱۲۷۵. چه بسیار رویگردان که اقبال کرد. و چه بسیار مقبل که روی برگرداند.

۱۲۷۶. چه بسیار شوخی که بعداً جدی می شود.

۱۲۷۷. زبان حال، صادق تر از سخن گفتن است.

١٢٧٨. لِسَانُ الْعَاقِلِ فِي قَلْبِهِ. (١)
١٢٧٩. لِسَانُ الْمُرَائِي جَمِيلٌ، وَفِي قَلْبِهِ الدَّاءُ الدَّخِيلُ. (٢)
١٢٨٠. لِقَاءُ أَهْلِ الْخَيْرِ عِمَارَةُ الْقُلُوبِ. (٣)
١٢٨١. لَقَدْ أَصْبَحَتِ الْأُمَمُ تَخَافُ ظُلْمَ رُعَاتِهَا، وَأَصْبَحَتْ أَخَافُ ظُلْمَ رَعِيَّتِي. (٤)
١٢٨٢. لَقَلَّمَا أَدْبَرَ شَيْءٌ فَأَقْبَلَ. (٥)
١٢٨٣. لِكُلِّ إِقْبَالٍ إِدْبَارٌ. (٦)
١٢٨٤. لِكُلِّ أَمْرٍ يَوْمٌ لَا يَعْدُوهُ. (٧)
١٢٨٥. لِكُلِّ أَمْرٍ عَاقِبَتُهُ حُلُوهٌ أَوْ مُرَّةٌ. (٨)
١٢٨٦. لِكُلِّ جَمْعٍ فُرْقَةٌ. (٩)
١٢٨٧. لِكُلِّ دَارٍ بَابٌ، وَبَابُ دَارِ الْآخِرَةِ الْمَوْتُ. (١٠)
١٢٨٨. لِكُلِّ دَوْلَةٍ بُرْهَةٌ. (١١)
١٢٨٩. لِكُلِّ شَيْءٍ زَكَاةٌ، وَزَكَاةُ الْبَدَنِ الصِّيَامُ. (١٢)
١٢٩٠. لِكُلِّ شَيْءٍ زَكَاةٌ، وَزَكَاةُ الْعَقْلِ احْتِمَالُ الْجُهَالِ. (١٣)
١٢٩١. لِكُلِّ شَيْءٍ مِنْ الْآخِرَةِ خُلُودٌ وَبَقَاءٌ. (١٤)
١٢٩٢. لِكُلِّ ضَيْقٍ مَخْرَجٌ. (١٥)
١٢٩٣. لِكُلِّ ظَالِمٍ انْتِقَامٌ. (١٦)
١٢٩٤. لِكُلِّ عَدَاوَةٍ مَصْلَحَةٌ، إِلَّا عَدَاوَةَ الْحَسُودِ (الْحَسَادِ خ ل). (١٧)
١٢٩٥. لِكُلِّ قَوْلٍ جَوَابٌ. (١٨)

- ٢-٢) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٥٩، ح ١٠٥٠٨.
- ٣-٣) . تحف العقول، ص ٨٠.
- ٤-٤) . نهج البلاغه، ج ١، ص ١٨٨، خطبة ٩٧.
- ٥-٥) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٤٣، ح ٧٨٧٣.
- ٦-٦) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٣٥، ح ٢٣٣٨.
- ٧-٧) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٦١، ح ٣١٠٨.
- ٨-٨) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٧٦، ح ١٠٩١٣.
- ٩-٩) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٨١، ح ١١٠٩٥.
- ١٠-١٠) . شرح نهج البلاغه، ج ٢، ص ٣٤٥، ص ٩٦٩٣.
- ١١-١١) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٤٣، ح ٧٨٧١.
- ١٢-١٢) . تحف العقول، ص ٢٢١.
- ١٣-١٣) . تصنيف غرر الحكم، ص ٥٦، ح ٥٢٧.
- ١٤-١٤) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٤٥، ح ٢٦١٨.
- ١٥-١٥) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٨١، ح ١١٠٩٣.
- ١٦-١٦) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٥٧، ح ١٠٤٥٤.
- ١٧-١٧) . نثر الآلى، ص ٩٦، ح ٢٥٦.
- ١٨-١٨) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢١٥، ح ٤٢١٢.

۱۲۷۸. زبان عاقل، در قلب اوست.

۱۲۷۹. زبان ریا کار زیباست. اما در قلب او درد نهفته است.

۱۲۸۰. ملاقات با مردم نیکوکار، قلب را آباد می کند.

۱۲۸۱. مردم از ترس ظلم حاکمان، شبها را صبح می کردند. ولی من از ترس ظلم زيردستان بر خودم، شب را صبح می کنم.

۱۲۸۲. کم است چیزی که پس از رفتن باز آید.

۱۲۸۳. هر آمدن، رفتنی دارد.

۱۲۸۴. هر کسی، روز مبادا دارد.

۱۲۸۵. هر کاری، پایان شیرین یا تلخ دارد.

۱۲۸۶. هر اجتماعی، جدائی دارد.

۱۲۸۷. هر خانه ای، دری دارد. و در خانه ی آخرت مرگ است.

۱۲۸۸. هر حکومتی، دوره ای دارد.

۱۲۸۹. هر چیز زکات دارد. زکات بدن روزه است.

۱۲۹۰. هر چیزی زکات دارد. و زکات عقل، تحمل اعمال جاهلان است.

۱۲۹۱. هر چیزی از آخرت، جاودانه و باقی است.

۱۲۹۲. هر تنگنایی، راه خروجی دارد.

۱۲۹۳. از هر ظالمی، انتقام گرفته می شود.

۱۲۹۴. هر دشمنی بجز دشمنی حسود، علتی دارد.

۱۲۹۵. هر حرفی، جوابی دارد.

١٢٩٦. لِكُلِّ مَقَامٍ مَقَالٌ. (١)
١٢٩٧. لِكُلِّ نَاجِمٍ اِفْوَلٌ. (٢)
١٢٩٨. لِكُلِّ هَمٍّ فَرْجٌ. (٣)
١٢٩٩. لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ أَوَّلُ نَظَرِهِ، فَلَا تُتَبِعُوها وَاحْذَرُوا الْفِتْنَةَ. (٤)
١٣٠٠. لِلْحَقِّ دَوْلَةٌ، لِلْبَاطِلِ جَوْلَةٌ. (٥)
١٣٠١. لِلشَّدَائِدِ تُدَخِّرُ الرِّجَالَ. (٦)
١٣٠٢. لِلظَّالِمِ الْبَادِي غَدًا بِكَفِّهِ عَضَّةٌ (٧). (٨)
١٣٠٣. لِمُبْعِضِنَا أَمْوَاجٌ مِنْ سَخَطِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ. (٩)
١٣٠٤. لَمْ يَذْهَبْ مِنْ مَالِكَ مَا وَعَظَكَ. (١٠)
١٣٠٥. لَمْ يَذْهَبْ مِنْ مَالِكَ مَا وَقَى عِرْضَكَ. (١١)
١٣٠٦. لَنْ تَأْخُذُوا بِمِيثَاقِ الْكِتَابِ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي نَقَضَهُ. (١٢)
١٣٠٧. لَنْ تَتَّصِلَ بِالْخَالِقِ حَتَّى تَنْقَطِعَ عَنِ الْخَلْقِ. (١٣)
١٣٠٨. لَنْ لِمَنْ غَالَطَكَ؛ فَإِنَّهُ يُوْشِكُ أَنْ يَلِينَ لَكَ. (١٤)
١٣٠٩. لَنْ يَفُوتَكَ مَا قُسِمَ لَكَ، فَأَجْمِلْ فِي الطَّلَبِ. (١٥)
١٣١٠. لَنْ يَفُوزَ بِالْجَنَّةِ إِلَّا السَّاعِي لَهَا. (١٦)
١٣١١. لَنْ يَقْدِرَ أَحَدٌ أَنْ يُحَصِّنَ النِّعَمَ بِمِثْلِ شُكْرِهَا. (١٧)
١٣١٢. لَنْ يَنْقَطِعَ الْمَزِيدُ مِنَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ حَتَّى يَنْقَطِعَ الشُّكْرُ مِنَ الشَّاكِرِ. (١٨)
١٣١٣. لَنْ يَهْلِكَ مَنْ اقْتَصَدَ. (١٩)

- ٢- (٢) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٣٥، ح ٢٣٣٦.
- ٣- (٣) . عيون الحكم والمواعظ، ص ٤٠١.
- ٤- (٤) . تحف العقول، ص ١٢٠.
- ٥- (٥) . الكافي، ج ٢، ص ٤٤٧، ح ١٢.
- ٦- (٦) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٢٢، ح ٩٦٧٧.
- ٧- (٧) . العَصُّ: الشَّدُّ بالأشنانِ عَلَي الشَّيْءِ (لسان العرب: عضض).
- ٨- (٨) . شرح نهج البلاغ، ج ١٨، ص ٣٦٩، ح ١٥٣.
- ٩- (٩) . تصنيف غرر الحكم، ص ١١٧، ح ٢٠٣٨.
- ١٠- (١٠) . شرح نهج البلاغ، ج ١٩، ص ١٥، ح ١٩٢.
- ١١- (١١) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢٥٥، ح ٥٣٩٠.
- ١٢- (١٢) . تصنيف غرر الحكم، ص ١١١، ح ١٩٧٦.
- ١٣- (١٣) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢٠، ح ٣٩٧١.
- ١٤- (١٤) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢٤٤، ح ٤٩٨٤.
- ١٥- (١٥) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٩٦، ح ٩١٨٨.
- ١٦- (١٦) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٥٧، ح ٢٩٦٢.
- ١٧- (١٧) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢٧٨، ح ٦١٥٣.
- ١٨- (١٨) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢٧٩، ح ٦١٦٨.
- ١٩- (١٩) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٤٣، ح ٧٨٧٥.

۱۲۹۶. هر مقامی، سخنی دارد.
۱۲۹۷. هر ستاره ای، غروب دارد.
۱۲۹۸. هر غصه ای، خلاصی دارد.
۱۲۹۹. نظر اول به زنان برای شما جایز است. پس دیگر ادامه ندهید. و از فتنه بر حذر باشید.
۱۳۰۰. حق دولتی دارد [پایدار است] و باطل جولانی دارد [زود به سر آید و زایل گردد].
۱۳۰۱. مردان، برای سختی ها ذخیره شده اند.
۱۳۰۲. کسی که ظلم می کند، فردا دست [ندامت] به دندان می گزد.
۱۳۰۳. بر کسی که بغض ما را داشته باشد، امواج غضب خدا فرود می آید.
۱۳۰۴. آنچه از مالت [از دست برود اما] برای تو مایه عبرت و موعظه گردد در واقع از دست نرفته است.
۱۳۰۵. آنچه که از مالت برای حفظ آبروی خود هزینه کنی و از دست بدهی در واقع از دست نرفته است.
۱۳۰۶. تا زمانی که نقض کنندگان پیمان الهی را شناسید نمی توانید به پیمان و فرمان الهی چنگ بزنید.
۱۳۰۷. تا زمانی که از مخلوق نبریده ای [و به مردم امید داری]، نمی توانی به خدا متصل شوی.
۱۳۰۸. با کسی که به تو تندخویی کرد، نرم خو باش. چون ممکن است او هم با تو نرمی کند.
۱۳۰۹. آنچه برای تو مقدر شده از دست نمی رود. پس در طلب مال [زیاده روی نکن بلکه] میانه روی کن.
۱۳۱۰. به بهشت رستگار نخواهد شد، مگر کسی که برای آن تلاش کند.
۱۳۱۱. هیچ کس نمی تواند مثل شکر کردن از نعمت ها مراقبت کند.
۱۳۱۲. فراوانی نعمت از خداوند سبحان قطع نمی شود، مگر اینکه شکر بنده قطع شود.
۱۳۱۳. کسی که میانه روی کند، هلاک نمی شود.

١٣١٤. لَوْ اسْتَوَتْ قَدَمَايَ مِنْ هَذِهِ الْمَدَاحِضِ (١) لَغَيَّرْتُ أَشْيَاءَ. (٢)
١٣١٥. لَوْ اعْتَبَرْتُ بِمَا أَضَعْتُ مِنْ مَاضِي عُمْرِكَ لَحَفِظْتُ مَا بَقِيَ. (٣)
١٣١٦. لَوْ أَنَّ النَّاسَ حِينَ عَصَوْا أَنَابُوا وَاسْتَغْفَرُوا، لَمْ يُعَذِّبُوا وَلَمْ يَهْلِكُوا. (٤)
١٣١٧. لَوْ أَنَّ رُجُلًا أَحَبَّ حَجْرًا لَحَسَرَهُ اللَّهُ مَعَهُ. (٥)
١٣١٨. لَوْ جَزَتْ الْأَرْزَاقُ بِالْأَلْبَابِ وَالْعُقُولِ، لَمْ تَعِشِ الْبُهَائِمُ وَالْحَمَقَى. (٦)
١٣١٩. لَوْ رَأَيْتُمُ الْإِحْسَانَ شَخْصًا، لَرَأَيْتُمُوهُ شَكْلًا جَمِيلًا يَفُوقُ الْعَالَمِينَ. (٧)
١٣٢٠. لَوْ رَأَيْتُمُ السَّخَاءَ رُجُلًا لَرَأَيْتُمُوهُ حَسَنًا يَسُرُّ النَّاطِرِينَ. (٨)
١٣٢١. لَوْ كَانَ أَحَدٌ مُكْتَفِيًا مِنَ الْعِلْمِ لَأَكْتَفَى نَبِيُّ اللَّهِ مُوسَى؛ وَقَدْ سَمِعْتُمْ قَوْلَهُ: «هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَى أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عَلَّمْتَ رُشْدًا». (٩)
١٣٢٢. لَوْ كَانَ لِرُبُّكَ شَرِيكَ لَأَتَّكَ رُسُلُهُ. (١٠)
١٣٢٣. لَوْ كَشِفَ الْغِطَاءُ مَا أَزْدَدْتُ يَقِينًا. (١١)
١٣٢٤. لَوْ لَالَتِ الْجَارِبُ عَمِيَّتِ الْمَذَاهِبُ. (١٢)
١٣٢٥. لَوْ لَمْ يَتَوَعَّدِ اللَّهُ سُبْحَانَهُ (عَلَى مَعْصِيَتِهِ)، لَوْجَبَ أَنْ لَا يُعْصَى شُكْرًا لِنِعْمَتِهِ. (١٣)
١٣٢٦. لَوْ لَمْ يَنْهَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ عَنِ مَحَارِمِهِ، لَوْجَبَ أَنْ يَجْتَنِبَهَا الْعَاقِلُ. (١٤)
١٣٢٧. لَوْ يَعْلَمُ الْمُصَلِّي مَا يَغْشَاهُ مِنَ الرَّحْمَةِ لَمَا رَفَعَ رَأْسَهُ مِنَ السُّجُودِ. (١٥)
١٣٢٨. لِيَتَزَيَّنَ أَحَدُكُمْ لِأَخِيهِ الْمُسْلِمِ إِذَا أَتَاهُ كَمَا تَزَيَّنَ [يَتَزَيَّنُ] لِلْغَرِيبِ الَّذِي يُحِبُّ أَنْ يَرَاهُ فِي أَحْسَنِ هَيْئَةٍ. (١٦)
١٣٢٩. لِيُرَّ عَلَيْكَ أَثْرٌ مَا أَنْعَمَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ بِهِ عَلَيْكَ. (١٧)

١- (١). مَكَانٌ دَخُضٌ: إِذَا كَانَ مَرَلَهُ لَا تَثْبُتُ عَلَيْهَا الْأَقْدَامُ (لسان العرب: دحض).

٢- (٢). تصنيف غرر الحكم، ص ١١٩، ح ٢٠٨٧.

٣- (٣). تصنيف غرر الحكم، ص ١٥٩، ح ٣٠٣٨.

٤- (٤). تصنيف غرر الحكم، ص ١٩٥، ح ٣٨٤٢.

- ٥-٥) . عيون أخبار الرضا، ج ٢، ص ٢٦٩، ح ٥٨.
- ٦-٦) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٩٧، ح ٩٢٠٦.
- ٧-٧) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٨٣، ح ٨٧٢١.
- ٨-٨) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٧٦، ح ٨٤٧٧.
- ٩-٩) . شرح نهج البلاغه، ج ٢، ص ٣٠٠، ح ٤٢٤.
- ١٠-١٠) . تصنيف غرر الحكم، ص ٨٢، ح ١٣١٣.
- ١١-١١) . تصنيف غرر الحكم، ص ١١٩، ح ٢٠٨٦.
- ١٢-١٢) . كنز الفوائد، ص ١٧٢.
- ١٣-١٣) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٨٤، ح ٣٤٨٢.
- ١٤-١٤) . تصنيف غرر الحكم، ص ٦٣، ح ٧٦٣.
- ١٥-١٥) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٧٥، ح ٣٦٧.
- ١٦-١٦) . الكافي، ج ٦، ص ٤٣٩، ح ١٠ وفيه: «يتزین» بدل «تزيين».
- ١٧-١٧) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٧٦، ح ٨٤٧٥.

۱۳۱۴. اگر دو پای من در این لغزشگاه ثابت می شد [اگر قدرت کافی می یافتیم] خیلی از چیزها [بدعت ها] را تغییر می دادم.
۱۳۱۵. اگر از آنچه از عمرت که ضایع کرده ای عبرت بگیری، بقیه ی عمر را حفظ می کنی.
۱۳۱۶. اگر زمانی که مردم گناه کردند، برگردند و استغفار کنند، عذاب و هلاک نمی شوند.
۱۳۱۷. حتی اگر کسی، سنگی را دوست داشته باشد، خداوند او را با آن محشور خواهد کرد.
۱۳۱۸. اگر رزق به اندازه عقل او مغزها تقسیم می شد، حیوانات و مردم احمق زندگی نمی کردند.
۱۳۱۹. اگر نیکی را به صورت شخصی مشاهده می کردید، او را به شکلی زیبا و بهتر از همه جهانیان مشاهده می کردید.
۱۳۲۰. اگر سخاوت به صورت انسان بود، پس او را زیبا و چشم نواز می دیدید.
۱۳۲۱. اگر کسی به مقداری از علم اکتفا می کرد، حضرت موسی بود. شما شنیده اید که گفته است:
«آیا همراه تو بیایم تا از تو آنچه می دانی بیاموزم؟».
۱۳۲۲. اگر خدای تو شریک داشت، رسولان آن شریک هم پیش تو می آمدند.
۱۳۲۳. اگر پرده ها کنار می رفت، چیزی بر یقین من اضافه نمی شد.
۱۳۲۴. اگر تجربه ها نبود، همه راه ها ناپدید می شد.
۱۳۲۵. حتی اگر خدای سبحان بر معصیت وعده عذاب نداده بود، باز هم به خاطر شکر نعمت او واجب بود که معصیت ترک شود.
۱۳۲۶. حتی اگر خدای سبحان از حرام نهی نکرده بود، باز هم بر عاقل خودداری از حرام واجب بود.
۱۳۲۷. اگر نماز گزار می دانست که چه رحمتی او را در بر می گیرد، سر از سجده بر نمی داشت.
۱۳۲۸. وقتی یکی از شما نزد برادر مسلمانش می رود خود را به خاطر او زینت کند همانطوری که دوست دارد غریب او را در بهترین هیئت ببیند.
۱۳۲۹. آثار نعمتهای خداوند بر تو را به گونه ای اظهار کن که مردم آن را ببندد.

١٣٣٠. لَيْسَ الدِّينُ بِالرَّأْيِ، إِنَّمَا هُوَ اتِّبَاعٌ.

١٣٣١. لَيْسَ الشُّهْرَةُ مِنَ الرُّعُونَةِ. (١)

١٣٣٢. لَيْسَ الشَّيْبُ مِنَ العُمْرِ. (٢)

١٣٣٣. لَيْسَ العَجَبُ مِمَّنْ هَلَكَ كَيْفَ هَلَكَ، إِنَّمَا العَجَبُ مِمَّنْ نَجَا كَيْفَ نَجَا. (٣)

١٣٣٤. لَيْسَ العِيَانُ (٤) كَالخَيْرِ. (٥)

١٣٣٥. لَيْسَ أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ تُفَارِقُ رُوحَهُ جَسَدَهُ حَتَّى يَعْلَمَ إِلَى أَيِّ المَنْزِلَتَيْنِ يَصِيرُ. (٦)

١٣٣٦. لَيْسَ بِحَكِيمٍ مَن قَصَدَ بِحَاجَتِهِ غَيْرَ كَرِيمٍ. (٧)

١٣٣٧. لَيْسَ بِخَيْرٍ مِنَ الخَيْرِ إِلَّا التَّوَابَةُ. (٨)

١٣٣٨. لَيْسَ بِشَرٍّ مِنَ الشَّرِّ إِلَّا العِقَابُ. (٩)

١٣٣٩. لَيْسَ بِمُؤْمِنٍ مَن لَمْ يَهْتَمَّ بِإِصْلَاحِ مَعَادِهِ. (١٠)

١٣٤٠. لَيْسَ جِزَاءُ مَن سَرَّكَ أَنْ تَسُوءَهُ. (١١)

١٣٤١. لَيْسَ شَيْءٌ أَدْعَى لِخَيْرٍ وَأَنْجِي مِنَ شَرٍّ مِنْ صُحْبَةِ الأَخْيَارِ. (١٢)

١٣٤٢. لَيْسَ شَيْءٌ أَعَزُّ مِنَ الكِبْرِيَةِ الأَحْمَرِ إِلَّا مَا بَقِيَ مِنَ عُمُرِ المُؤْمِنِ. (١٣)

١٣٤٣. لَيْسَ عَلَى وَجْهِ الأَرْضِ أَكْرَمُ عَلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ مِنَ النَّفْسِ المُطِيعَةِ لِأَمْرِهِ. (١٤)

١٣٤٤. لَيْسَ فِي إِقْتِصَادٍ تَلَفٌ. (١٥)

١٣٤٥. لَيْسَ فِي سَرْفٍ شَرْفٌ. (١٦)

١٣٤٦. لَيْسَ كُلُّ غَائِبٍ يُووبُ. (١٧)

١٣٤٧. لَيْسَ كُلُّ فُرْصَةٍ تُصَابُ. (١٨)

ص: ٢٢٤

- ٢- (٢) . نثر اللآلى، ص ٩٨، ح ٢٥٩.
- ٣- (٣) . بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٥٣، ح ١٧.
- ٤- (٤) . رأيتُ فلاناً عياناً: أى مُواجهه (لسان العرب: عين).
- ٥- (٥) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٧٧، ح ١٠٩٥١.
- ٦- (٦) . الأمالى للطوسى، ص ٢٧.
- ٧- (٧) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٦٣، ح ٩٩٩٢.
- ٨- (٨) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٦٦، ح ٣٢٥٤.
- ٩- (٩) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٦٦، ح ٣٢٦٤.
- ١٠- (١٠) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٤٦، ح ٢٦٣٨.
- ١١- (١١) . تحف العقول، ص ٨٢.
- ١٢- (١٢) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤١٤، ح ٩٤٣٥.
- ١٣- (١٣) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٥٨، ح ٣٠١٨.
- ١٤- (١٤) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٨٢، ح ٣٤٠٨.
- ١٥- (١٥) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٥٤، ح ٨٠٧٣.
- ١٦- (١٦) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٥٩، ح ٨١٣٠.
- ١٧- (١٧) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٧٣، ح ١٠٨٢٧.
- ١٨- (١٨) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٥٩، ح ٣٠٣٧.

۱۳۳۰. دین به رأی نیست. بلکه تبعیت است.

۱۳۳۱. مشهور شدن از حماقت نیست.

۱۳۳۲. پیری، جزء عمر نیست.

۱۳۳۳. چگونه هلاک شدن، اهل هلاکت تعجب ندارد. بلکه چگونگی نجات اهل نجات تعجب دارد.

۱۳۳۴. دیدن مثل شنیدن نیست.

۱۳۳۵. روح هیچ کس از بدنش جدا نمی شود، مگر اینکه بداند به کدام منزل [بهشت یا جهنم] می رود.

۱۳۳۶. کسی که دست نیاز به سوی غیر کریم دراز کند، حکیم نیست.

۱۳۳۷. هیچ چیز بهتر از نیکی نیست. مگر ثواب آن.

۱۳۳۸. هیچ چیز بدتر از شر نیست. مگر عذاب آن.

۱۳۳۹. کسی که در فکر اصلاح آخرت خویش نباشد، مؤمن نیست.

۱۳۴۰. پاداش کسی که تو را خوشحال کرده، بدی نیست.

۱۳۴۱. چیزی همانند همراهی نیکان، راهنمای خیر و نجات بخش از شرارت نیست.

۱۳۴۲. هیچ چیز عزیزتر از کبریت احمر نیست. مگر باقیمانده ی عمر مؤمن.

۱۳۴۳. هیچ چیز روی زمین نزد خداوند، گرامی تر از انسان مطیع خدا نیست.

۱۳۴۴. در میانه روی، نابودی نیست.

۱۳۴۵. در اسراف، شرافت نیست.

۱۳۴۶. هر غایبی، بر نمی گردد.

۱۳۴۷. هر فرصتی، به خوبی استفاده نمی شود.

١٣٤٨. لَيْسَ كُلُّ مَنْ رَمَى أَصَابَ. (١)
١٣٤٩. لَيْسَ كُلُّ مَنْ طَلَبَ وَجَدَ. (٢)
١٣٥٠. لَيْسَ لِأَحَدٍ مِنْ دُنْيَاهُ إِلَّا مَا أَنْفَقَهُ عَلَىٰ اخِرَاءِ. (٣)
١٣٥١. لَيْسَ لِأَنْفُسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ، فَلَا تَبِعُوهَا إِلَّا بِهَا. (٤)
١٣٥٢. لَيْسَ لِبُخَيْلٍ حَبِيبٌ. (٥)
١٣٥٣. لَيْسَ لِسُلْطَانِ الْعِلْمِ زَوَالٌ. (٦)
١٣٥٤. لَيْسَ لَكَ بِأَخٍ مَنْ أَحْوَجَكَ إِلَىٰ حَاكِمِ بَيْنِكَ وَبَيْنَهُ. (٧)
١٣٥٥. لَيْسَ لِلْأَجْسَامِ نَجَاةٌ مِنَ الْأَسْقَامِ. (٨)
١٣٥٦. لَيْسَ لِلْأَحْرَارِ جَزَاءٌ إِلَّا الْإِكْرَامُ. (٩)
١٣٥٧. لَيْسَ لِلْحَسُودِ رَاحَةٌ. (١٠)
١٣٥٨. لَيْسَ لِمُتَكَبِّرٍ صَدِيقٌ. (١١)
١٣٥٩. لَيْسَ لِمُعْجَبٍ رَأْيٌ. (١٢)
١٣٦٠. لَيْسَ مَعَ الصَّبْرِ مُصِيبَةٌ. (١٣)
١٣٦١. لَيْسَ مِنْ شَيْمٍ (١٤) الْكِرَامِ تَعْجِيلُ الْإِنْتِقَامِ. (١٥)
١٣٦٢. لَيْسَ مِنْ عَادَةِ الْكِرَامِ تَأْخِيرُ الْإِنْعَامِ. (١٦)
١٣٦٣. لَيْسَ يَزْنِي فَرُجُكَ إِنْ غَضَضْتَ طَرْفَكَ. (١٧)
١٣٦٤. لَيْسَ يَضُرُّكَ أَنْ تَرَىٰ صَدِيقَكَ عِنْدَ عَدُوِّكَ، فَإِنَّهُ إِنْ لَمْ يَنْفَعَكَ لَمْ يَضُرَّكَ. (١٨)
١٣٦٥. لِيُطَلَّبَ الرَّجُلُ الْحَاجَةَ عِنْدَ قَبْرِ أَبِيهِ وَأُمِّهِ بَعْدَ مَا يَدْعُو لَهُمَا. (١٩)

- ٢-٢) . تحف العقول، ص ٨٢.
- ٣-٣) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٤٧، ح ٢٦٨٢.
- ٤-٤) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢٣٢، ح ٤٦٢٦.
- ٥-٥) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢٩٣، ح ٦٥٤٠.
- ٦-٦) . نثر اللآلئ، ص ٩٨، ح ٢٦٠.
- ٧-٧) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤١٨، ح ٩٥٥٣.
- ٨-٨) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٠١، ح ١٧٦٢.
- ٩-٩) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٣٥، ح ٧٧١٣.
- ١٠-١٠) . نثر اللآلئ، ص ٩٨، ح ٢٦١.
- ١١-١١) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣١٠، ح ٧١٦٢.
- ١٢-١٢) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٠٩، ح ٧١٠٧.
- ١٣-١٣) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢٨٢، ح ٦٢٩٢.
- ١٤-١٤) . النَّاسِخُ: عَادَهُ، وَالشَّيْمَةُ: الْخُلُقُ (لسان العرب: شيم).
- ١٥-١٥) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٦٥، ح ١٠٦٩٣.
- ١٦-١٦) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٨١، ح ٨٦٥٥.
- ١٧-١٧) . شرح نهج البلاغ، ج ٢٠، ص ٣٢٤، ح ٧١٥.
- ١٨-١٨) . شرح نهج البلاغ، ص ٣٣٦، ح ٨٥٢.
- ١٩-١٩) . تحف العقول، ص ١٠٤.

۱۳۴۸. هر کسی که تیری بیندازد، به هدف نمی خورد.
۱۳۴۹. هر کسی هر چه بخواهد، نمی یابد.
۱۳۵۰. از دنیای هر کس آنچه برای آخرت انفاق کند، برای اوست.
۱۳۵۱. بهای شما جز بهشت نیست، پس خود را به غیر آن نفروشید.
۱۳۵۲. بخیل، دوست ندارد. [دوستان خود را از دست می دهد].
۱۳۵۳. سلطنت دانش، زوال پذیر نیست.
۱۳۵۴. کسی که تو را نزد قاضی می برد، [از تو شکایت می کند] برادر تو نیست.
۱۳۵۵. بدن ها چاره ای از بیماریها ندارند.
۱۳۵۶. پادشاه آزادگان، چیزی جز گرامی داشتن نیست.
۱۳۵۷. حسود، آسایش دارد.
۱۳۵۸. متکبر، دوست ندارد.
۱۳۵۹. رأی انسان خود پسند، اعتبار ندارد.
۱۳۶۰. با صبر، مصیب باقی نمی ماند.
۱۳۶۱. عجله در انتقام گرفتن، عادت کریمان نیست.
۱۳۶۲. تأخیر در انعام، عادت کریمان نیست.
۱۳۶۳. اگر چشم خود را نگه داری، زنا نمی کنی.
۱۳۶۴. اگر دوست خود را نزد دشمن دیدی، ضرری ندارد. چون اگر به نفع تو نباشد، به ضرر تو نیست.
۱۳۶۵. انسان بعد از دعا برای پدر و مادرش، حاجت خود را نزد قبر آنها بخواهد.

١٣٦٦. لِيُقَلَّ الْعَبْدُ الْفِكْرَ إِذَا قَامَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ، فَإِنَّمَا لَهُ مِنْ صَلَاتِهِ مَا أَقْبَلَ عَلَيْهِ. (١)

١٣٦٧. لِيَكُنْ أَبْغَضَ النَّاسِ إِلَيْكَ وَأَبْعَدَهُمْ مِنْكَ أَطْلَبُهُمْ لِمَعَايِبِ النَّاسِ. (٢)

١٣٦٨. لِيَكُنْ أَحَبَّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَعْمُهَا فِي الْعَدْلِ، وَأَقْسَطُهَا بِالْحَقِّ. (٣)

١٣٦٩. لِيَكُنْ أَحَبَّ النَّاسِ إِلَيْكَ الْمُشْفِقُ النَّاصِحُ. (٤)

١٣٧٠. لِيَكُنْ أَصْدِقَاؤُكَ كَثِيرًا، وَاجْعَلْ سِرَّكَ مِنْهُمْ إِلَى وَاحِدٍ. (٥)

١٣٧١. لِيَكُنْ أَوْثَقَ الذَّخَائِرِ عِنْدَكَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ. (٦)

١٣٧٢. لِيَكُنْ أَوْثَقَ النَّاسِ لَدَيْكَ أَنْطَقُهُمْ بِالصِّدْقِ. (٧)

١٣٧٣. لِيَكُنْ سَمِيرَكَ (٨) الْقُرْآنُ. (٩)

١٣٧٤. لِيُنْ الْكَلَامِ قَيْدُ الْقَلْبِ (الْقُلُوبِ خ ل). (١٠)

١٣٧٥. لِيُنْ قَوْلَكَ تُحِبُّ. (١١)

١٣٧٦. لِيُنْهِكَ عَنْ ذِكْرِ مَعَايِبِ النَّاسِ مَا تَعْرِفُ مِنْ مَعَايِبِكَ. (١٢)

١٣٧٧. (مِنْ الْحِكْمَةِ أَنْ) لَا تَتْرَكَ الْأَمْرَ عِنْدَ الْإِقْبَالِ، وَتَطْلُبُهُ عِنْدَ الْإِدْبَارِ. (١٣)

١٣٧٨. (مِنْ الْحِكْمَةِ أَنْ) لَا يُخَالِفَ لِسَانُكَ قَلْبَكَ، وَلَا قَوْلُكَ فِعْلَكَ. (١٤) حَرْفُ الْمِيمِ

١٣٧٩. الْمُتَعَبَّدُ بِغَيْرِ عِلْمٍ كَحِمَارِ الطَّاحُونِ؛ يَدُورُ وَلَا يَبْرُحُ (١٥) مِنْ مَكَانِهِ. (١٤)

١٣٨٠. الْمُجْرَبُ أَحْكَمُ مِنَ الطَّيِّبِ. (١٧)

١٣٨١. الْمُخْلِصُ حَرِيٌّ بِالْإِصَابَةِ. (١٨)

ص: ٢٢٨

١- (١). تحف العقول، ص ١٠٠.

٢- (٢). تصنيف غرر الحكم، ص ٤١٩، ح ٩٦٠١.

٣- (٣). تصنيف غرر الحكم، ص ٦٨، ح ٩٥١.

٤- (٤). تصنيف غرر الحكم، ص ٤١٦، ح ٩٥٠٣.

- ٥- (٥) . شرح نهج البلاغ، ج ٢٠، ص ٣٢٤، ح ٧١٨.
- ٦- (٦) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٥٤، ح ٢٨٨٠.
- ٧- (٧) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢١٩، ح ٤٣٤٨.
- ٨- (٨) . المُسامرةُ: الحديثُ في الليل، والسَّميرُ: المُسامِرُ (لسان العرب: سمر).
- ٩- (٩) . تصنيف غرر الحكم، ص ١١١، ح ١٩٨٨.
- ١٠- (١٠) . نثر اللآلئ، ص ٩٨، ح ٢٦٢.
- ١١- (١١) . نثر اللآلئ، ح ٢٦٣.
- ١٢- (١٢) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢٣٤، ح ٤٦٩٩.
- ١٣- (١٣) . تصنيف غرر الحكم، ص ٥٩، ح ٦٣٨.
- ١٤- (١٤) . تصنيف غرر الحكم، ص ٥٩، ح ٦٣٨.
- ١٥- (١٥) . بَرِحَ مِنْهُ بَرَحًا: زَالَ عَنْهُ (أقرب الموارد: برح).
- ١٦- (١٦) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤١، ح ٩.
- ١٧- (١٧) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٤٤، ح ١٠١٤٥.
- ١٨- (١٨) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٩٣، ح ٣٧٥٤.

۱۳۶۶. بنده هنگامی که در مقابل خدا به نماز می ایستد، کمتر فکر کند. چون آن مقدار از نماز او که به خدا توجه دارد برای او حساب می شود.

۱۳۶۷. از کسی که بدنبال عیب مردم است، نفرت داشته باش و دوری کن.

۱۳۶۸. محبوب ترین کارها نزد تو، عادلانه ترین و نزدیکترین کار به حق باشد.

۱۳۶۹. محبوب ترین مردم نزد تو، نصیحت کننده ی شفیق باشد.

۱۳۷۰. دوستان زیاد داشته باش. اما سرّ خود را به یکی از آنها بگو.

۱۳۷۱. مطمئن ترین ذخیره تو، عمل نیکو [صالح] باشد.

۱۳۷۲. مطمئن ترین مردم نزد تو، راستگوترین آنها باشد.

۱۳۷۳. هم صحبت شبهای تو، قرآن باشد.

۱۳۷۴. نرمی سخن، زنجیر قلب است. [نرمی سخن، قلب را تسخیر می کند].

۱۳۷۵. به نرمی سخن بگو، محبوب می شوی.

۱۳۷۶. هر چقدر عیبهای خود را بشناسی، تو را از گفتن عیب دیگران باز می دارد.

۱۳۷۷. [حکمت آن است که] چیزی که بر تو روی آورده رها نکنی. و بدنبال آنچه که از تو روی برگردانده باشی.

۱۳۷۸. مخالفت نکردن زبان با قلب و گفتار با رفتار از حکمت است.

حرف میم

۱۳۷۹. کسی که جاهلانه تعبد داشته باشد، مثل الاغی است که به آسیاب می بندند، می چرخد و همیشه درجا می زند.

۱۳۸۰. کسی که تجربه کرده از طیب حاذق تر است.

۱۳۸۱. کسی که اخلاص دارد، به هدف نزدیکتر است.

١٣٨٢. المَدَّةُ وَإِنْ طَالَتْ قَصِيرَةٌ. (١)

١٣٨٣. المِرَاةُ الَّتِي يَنْظُرُ الْإِنْسَانُ فِيهَا إِلَى أَخْلَاقِهِ هِيَ النَّاسُ؛ لِأَنَّهُ يَرَى مَحَاسِنَهُ مِنْ أَوْلِيَائِهِ مِنْهُمْ، وَمَسَاوِيَهُ مِنْ أَعْدَائِهِ فِيهِمْ. (٢)

١٣٨٤. المِرَاةُ تَكْتُمُ الْحُبَّ أَرْبَعِينَ سَنَةً، وَلَا تَكْتُمُ الْبُغْضَ سَاعَةً وَاحِدَةً. (٣)

١٣٨٥. المَرَضُ حَبْسُ الْبَدَنِ. (٤)

١٣٨٦. المَرءُ بِهَمَّتِهِ لَا بِقِسْمَتِهِ (٥). (٦)

١٣٨٧. المَرءُ مَخْبِوءٌ (٧) تَحْتَ لِسَانِهِ. (٨)

١٣٨٨. المَسْتَأْكُلُ بِدِينِهِ، حَظُّهُ مِنْ دِينِهِ مَا يَأْكُلُهُ. (٩)

١٣٨٩. المَسْتَشِيرُ مُتَحَصِّنٌ مِنَ السَّقَطِ. (١٠)

١٣٩٠. المَسْئُولُ حُرٌّ حَتَّى يَعِدَّ. (١١)

١٣٩١. المَشَاوِرَةُ رَاحَةٌ لَكَ وَتَعَبٌ لِعَيْرِكَ. (١٢)

١٣٩٢. المَشْوَرَةُ تَجْلِبُّ لَكَ صَوَابَ غَيْرِكَ. (١٣)

١٣٩٣. المَصَائِبُ مِفْتَاحُ الْأَجْرِ. (١٤)

١٣٩٤. المُصِيبَةُ بِالذِّينِ أَعْظَمُ المَصَائِبِ. (١٥)

١٣٩٥. المَطَامِعُ تُذِلُّ الرِّجَالَ. (١٦)

١٣٩٦. المَظْلُومُ يَنْتَظِرُ المَثُوبَةَ. (١٧)

١٣٩٧. المَعْرُوفُ أَفْضَلُ المَغَانِمِ. (١٨)

ص: ٢٣٠

١- (١). الأمالى للصدوق، ص ١٧٠؛ بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٦٩، ح ٢٤.

٢- (٢). شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٢٧١، ح ١٢٨.

٣- (٣). شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٢٩١، ح ٣٢٩.

٤- (٤). تصنيف غرر الحكم، ص ٤٨٤، ح ١١١٧٦.

- ٥-٥) . النَّاسِخُ: لَا بَرِيَّتَهُ، وَالْقَيْئَةُ: مَا اكْتَسَبَ (أقرب الموارد: قنى).
- ٦-٦) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٤٧، ح ١٠٢٦٤.
- ٧-٧) . الْمَخْبُوءُ: كُلُّ شَيْءٍ غَائِبٍ مَسْتُورٍ (لسان العرب: خياً).
- ٨-٨) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢٠٩، ح ٤٠٢٠.
- ٩-٩) . تحف العقول، ص ٢٢٣.
- ١٠-١٠) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٤٢، ح ١٠٠٦٨.
- ١١-١١) . شرح نهج البلاغه، ج ١٩، ص ٣٤٨، ح ٣٤١.
- ١٢-١٢) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٤٢، ح ١٠٠٧٠.
- ١٣-١٣) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٤١، ح ١٠٠٦٠.
- ١٤-١٤) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٠٠، ح ١٧٣٣.
- ١٥-١٥) . تصنيف غرر الحكم، ص ٨٦، ح ١٤٢٨.
- ١٦-١٦) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢٩٧، ح ٦٧١٦.
- ١٧-١٧) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٦٦، ح ٣٢٥٦.
- ١٨-١٨) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٨٢، ح ٨٦٧٣.

۱۳۸۲. زمان هر چند طولانی باشد، زود گذر است.

۱۳۸۳. مردم آینه ای هستند که انسان اخلاق خود را در آنها می بیند. چون خوبیهایش را در دوستان، و بدیهایش را در دشمنان خود می بیند.

۱۳۸۴. زن عشق خود را تا چهل سال مخفی نگه می دارد، اما بغض خود را یک ساعت نگه نمی دارد.

۱۳۸۵. بیماری، زندان بدن است.

۱۳۸۶. مردانگی به همت است نه به کسب.

۱۳۸۷. [شخصیت] انسان، زیر زبانش مخفی شده است. [با سخن گفتن شخصیت انسان ظاهر می شود].

۱۳۸۸. کسی که از راه دین روزی می خورد، بهره او از دینش همان است که می خورد.

۱۳۸۹. کسی که با دیگران مشورت می کند، از سقوط در امان است.

۱۳۹۰. هر کس که از او درخواستی شود [در جواب رد دادن] آزاد است مگر اینکه وعده داده باشد.

۱۳۹۱. مشورت کردن، برای تو آسایش و برای غیر تو [طرف مقابل] سختی است.

۱۳۹۲. مشورت، درستی دیگران را به سوی تو جلب می کند.

۱۳۹۳. مصیبت، کلید پاداش است.

۱۳۹۴. بزرگترین مصیبت، مصیبت در دین است.

۱۳۹۵. طمع، مردان را به ذلت می کشاند.

۱۳۹۶. مظلوم، در انتظار ثواب است.

۱۳۹۷. برترین غنیمت، کار خوب است.

١٣٩٨. المعروفُ زَكَهُ النَّعْمِ. (١)
١٣٩٩. المعروفُ غُلٌّ لَا يُفَكُّهُ إِلَّا شُكْرٌ أَوْ مُكَافَأَةٌ. (٢)
١٤٠٠. المَعْصِيَةُ تَمْنَعُ الإِجَابَةَ. (٣)
١٤٠١. المَعُونَةُ (تَنْزِيلٌ) مِنَ اللَّهِ عَلَى قَدْرِ المَوْئِنَةِ. (٤)
١٤٠٢. المَقْتُولُ دُونَ مَا لِهٖ شَهِيدٌ. (٥)
١٤٠٣. المُقَرَّرُ بِالدَّنْبِ تَائِبٌ. (٦)
١٤٠٤. المَكْرُ سَجِيئَةُ اللُّنَامِ. (٧)
١٤٠٥. المَلِكُ كَالنَّهْرِ العَظِيمِ، تَسْتَمِدُّ مِنْهُ الجَدَاوِلُ، فَإِنْ كَانَ عَذْبًا عَذُبَتْ، وَإِنْ كَانَ مِلْحًا مَلِحَتْ. (٨)
١٤٠٦. المُنَافِقُ لِسَانُهُ يَسُرُّ، وَقَلْبُهُ يَضُرُّ. (٩)
١٤٠٧. المَنْعُ الجَمِيلُ أَحْسَنُ مِنَ الوَعْدِ الطَّوِيلِ. (١٠)
١٤٠٨. المَنْ يُفْسِدُ الإِحْسَانَ. (١١)
١٤٠٩. المَوَاعِظُ حَيَاةُ القُلُوبِ. (١٢)
١٤١٠. المَوَاعِظُ شِفَاءٌ لِمَنْ عَمِلَ بِهَا. (١٣)
١٤١١. المَوْتُ بَابُ الآخِرَةِ. (١٤)
١٤١٢. المَوَدَّةُ تَعَاطَفُ القُلُوبِ فِي اتِّلَافِ الأَرْوَاحِ. (١٥)
١٤١٣. المَوَدَّةُ فِي اللَّهِ آكَدُ مِنَ وَشِيحِ (١٦) الرَّحِمِ. (١٧)
١٤١٤. المَوَدَّةُ لِلَّهِ أَقْرَبُ نَسَبٍ. (١٨)
١٤١٥. المَوْقِنُ أَشَدُّ النَّاسِ حُزْنًَا عَلَى نَفْسِهِ. (١٩)

ص: ٢٣٢

- ٢-٢) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٨٥، ح ٨٧٧٥.
- ٣-٣) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٩٣، ح ٣٧٦٦.
- ٤-٤) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٩٦، ح ٩١٨٠.
- ٥-٥) . تحف العقول، ص ١١٠.
- ٦-٦) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٩٥، ح ٣٨٠٨.
- ٧-٧) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢٩١، ح ٦٤٨١.
- ٨-٨) . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٢٧٩، ح ٢١٢.
- ٩-٩) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٥٨، ح ١٠٤٩٠.
- ١٠-١٠) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٨١، ح ٨٦٣٧.
- ١١-١١) . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٨٩، ح ٨٩٢١.
- ١٢-١٢) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢٢٤، ح ٤٥٢٣.
- ١٣-١٣) . تصنيف غرر الحكم، ص ٢٢٤، ح ٤٥٢٨.
- ١٤-١٤) . تصنيف غرر الحكم، ص ١٦١، ح ٣٠٨٣.
- ١٥-١٥) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤١٤، ح ٩٤٤٥.
- ١٦-١٦) . رَجْمٌ وَشَيْجَةٌ: مُشْتَبِكَةٌ مُتَّصِلَةٌ (أقرب الموارد: وشج).
- ١٧-١٧) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٢٢، ح ٩٦٩٣.
- ١٨-١٨) . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٢٢، ح ٩٦٩٢.
- ١٩-١٩) . تصنيف غرر الحكم، ص ٦٢، ح ٧٤٤.

۱۳۹۸. کار خوب، زکات نعمتهاست.

۱۳۹۹. کار خوب، چون زنجیری به دستان دیگری است، که جز با شکر یا کار خوب متقابل باز نمی شود.

۱۴۰۰. گناه، مانع اجابت دعا می شود.

۱۴۰۱. یاری خداوند به اندازه ی احتیاج بندگان نازل می شود.

۱۴۰۲. کسی که برای حفظ مال خود کشته شود، شهید است.

۱۴۰۳. کسی که به گناه اقرار کند، توبه کرده است.

۱۴۰۴. فریبکاری، از خصوصیات فرومایگان است.

۱۴۰۵. حکومت همانند نهر بزرگی است که بر مسیر اثر می گذارد. اگر آب گوارا باشد اثر خوب و اگر آب شور باشد اثر شوری می ماند.

۱۴۰۶. منافق با زبان مسرور می کند. و قلب او ضرر می رساند.

۱۴۰۷. به خوبی جواب ردّ دادن، بهتر از وعده طولانی است.

۱۴۰۸. منت، نیکی را فاسد می کند.

۱۴۰۹. موعظه، قلب را زنده می کند.

۱۴۱۰. موعظه، برای کسی که عمل کند، شفا بخش است.

۱۴۱۱. مرگ، دروازه ی آخرت است.

۱۴۱۲. محبت، قلبها را به همگرایی روحی سوق می دهد.

۱۴۱۳. محبت برای رضای خدا، مهمتر از صله ی رحم است.

۱۴۱۴. محبت برای خدا نزدیکترین مونس است.

۱۴۱۵. کسی که به مرتبه ی یقین برسد، بیشتر از همه مردم برای خودش ناراحت است.

١٤١٦. الْمُؤْمِنُ مُحَدَّثٌ. (١)

١٤١٧. مَا آمَنَ بِاللَّهِ مِنْ قَطَعِ رَحِمِهِ. (٢)

١٤١٨. مَا آمَنَ بِمَا حَرَّمَهُ الْقُرْآنُ مِنْ اسْتَحْلَاهُ. (٣)

١٤١٩. مَا اتَّقَى أَحَدٌ إِلَّا سَهَّلَ اللَّهُ مَخْرَجَهُ. (٤)

١٤٢٠. مَا أَحْدَثَتْ بِدْعُهُ الْإِثْرَكَ بِهَا سُنَّهٗ، فَاتَّقُوا الْبِدْعَ وَالزُّمُومَ الْمَهْيِجَ (٥). (٦)

١٤٢١. مَا اخْتَلَفَتْ دَعْوَتَانِ إِلَّا كَانَتْ إِحْدَاهُمَا ضَلَالَةً. (٧)

١٤٢٢. مَا اسْتُعِيدَ الْكِرَامُ بِمِثْلِ الْإِكْرَامِ. (٨)

١٤٢٣. مَا اسْتَعْنَى أَحَدٌ بِاللَّهِ إِلَّا فَتَقَرَ النَّاسُ إِلَيْهِ. (٩)

١٤٢٤. مَا اسْتَقْصَى كَرِيمٌ قَطُّ، قَالَ تَعَالَى فِي وَصْفِ نَبِيِّهِ: «عَرَفَ بَعْضُهُمْ وَأَعْرَضَ عَنْ مِ بَعْضٍ». (١٠)

١٤٢٥. مَا اشْتَدَّ ضَيْقُ الْإِقْرَبِ لِلَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ. (١١)

١٤٢٦. مَا افْتَقَرَ مَنْ مَلَكَ فَهَمًّا. (١٢)

١٤٢٧. مَا اكْتَسَبَ الشَّرْفُ بِمِثْلِ التَّوَاضِعِ. (١٣)

١٤٢٨. مَا الْإِنْسَانُ لَوْلَا اللِّسَانُ إِلَّا صُورَةٌ مُمَثَّلَةٌ، أَوْ بِهِمَةٌ مُهْمَلَةٌ. (١٤)

١٤٢٩. مَا التَّدَّ أَحَدٌ مِنَ الدُّنْيَا لَذَّةً إِلَّا كَانَتْ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ غُصَّةٌ. (١٥)

١٤٣٠. مَا الدُّنْيَا عَرَّتْكَ، وَلَكِنْ بِهَا اغْتَرَّتْ. (١٦)

١٤٣١. مَا انْتَقَمَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَدُوِّهِ بِأَعْظَمَ مِنْ أَنْ يَزِدَادَ مِنَ الْفَضَائِلِ. (١٧)

١٤٣٢. مَا أَبْعَدَ الْخَيْرَ مِمَّنْ هِمَّتُهُ بَطْنُهُ وَفَرَجُهُ. (١٨)

١٤٣٣. مَا أَحْسَنَ بِالْإِنْسَانِ أَنْ يَصْبِرَ عَمَّا يَشْتَهَى. (١٩)

ص: ٢٣٤

- ٢-٢) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٠٧، ح ٩٣٢٧.
- ٣-٣) . تصنيف غررالحكم، ص ١١١، ح ١٩٨٠.
- ٤-٤) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٧٢، ح ٥٩٥٢.
- ٥-٥) . المَهْمُجُ: الطَّرِيقُ الواسِعُ البَيِّنُ (أقرب الموارد: هيج).
- ٦-٦) . شرح نهج البلاغ، ج ٩، ص ٩٣ و ٩٤.
- ٧-٧) . تصنيف غررالحكم، ص ١٠٩، ح ١٩٣٩.
- ٨-٨) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٨٥، ح ٨٧٩٧.
- ٩-٩) . شرح نهج البلاغ، ج ١٦، ص ٩٥.
- ١٠-١٠) . شرح نهج البلاغ، ج ٢٠، ص ٢٦٤، ح ٨٦.
- ١١-١١) . شرح نهج البلاغ، ص ١٠١، ح ١٧٧١.
- ١٢-١٢) . تصنيف غررالحكم، ص ٦٠، ح ٦٥١.
- ١٣-١٣) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٤٩، ح ٥١٧٤.
- ١٤-١٤) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٠٩، ح ٤٠٢٩.
- ١٥-١٥) . تصنيف غررالحكم، ص ١٤١، ح ٢٥٠٠.
- ١٦-١٦) . تصنيف غررالحكم، ص ١٣٦، ح ٢٣٧٧.
- ١٧-١٧) . شرح نهج البلاغ، ج ٢٠، ص ٣٣٣، ح ٨٢٠.
- ١٨-١٨) . تصنيف غررالحكم، ص ١٤٣، ح ٢٥٨٠.
- ١٩-١٩) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٤٠، ح ٤٨٥٩.

۱۴۱۶. [فرشته ها] با مؤمن سخن می گویند.

۱۴۱۷. کسی که با خویشان خود قطع رابطه کند، ایمان به خدا نیاورده است.

۱۴۱۸. کسی که چیزی را که قرآن حرام کرده است، حلال بشمارد، به آن ایمان نیاورده است.

۱۴۱۹. هیچ کس تقوا پیشه نمی کند، مگر اینکه خداوند کار او را آسان می کند.

۱۴۲۰. هیچ بدعتی بوجود نمی آید مگر اینکه با آن بدعت، سنتی ترک شود. پس از بدعتها دوری کنید. و در راه راست گام بردارید.

۱۴۲۱. دو دعوت اختلاف ندارند، مگر اینکه یکی از آنها دعوت به گمراهی باشد.

۱۴۲۲. کریمان را هیچ چیزی مانند گرامی داشتن به بندگی نمی کشاند.

۱۴۲۳. هیچ کریمی [همه عیب ها را] کامل به رخ طرف نمی کشد. خداوند متعال درباره پیامبرش فرمود: «برخی موارد را شمرد و از برخی اعراض کرد».

۱۴۲۴. هیچ کریم، به نهایت کرم نمی رسد. خداوند تعالی در توصیف پیامبرش می فرماید: بعض او شناخته شد و از بعض رویگران شد.

۱۴۲۵. هیچ مشکلی شدید نمی شود، مگر اینکه خداوند فرج آن را نزدیک می کند.

۱۴۲۶. کسی که فهم داشته باشد، فقیر نیست.

۱۴۲۷. هیچ شرفی، مثل کسب تواضع نیست.

۱۴۲۸. اگر زبان نبود، انسان جز نقاشی کشیده یا حیوان بی فایده، نبود.

۱۴۲۹. انسان هیچ لذتی در دنیا نمی برد، مگر اینکه روز قیامت همان لذت غصه ای به بار می آورد.

۱۴۳۰. دنیا تو را فریب نداده است. بلکه تو به دنیا مغرور شده ای.

۱۴۳۱. هیچ کس از دشمن انتقامی بزرگتر از اینکه فضایل به او را زیاد کند، نگرفته است. [بزرگترین انتقام از دشمن این است که با او جوانمردانه و با فضائل بیشتر رفتار شود].

۱۴۳۲. چقدر از نیکی بدور است آنکه همّتش شکم و شهوت است.

۱۴۳۳. چه نیکوست که انسان در برابر تمایلات خود صبر کند.

ص: ۲۳۵

١٤٣٤. ما أَخَذَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ عَلَى الْجَاهِلِ أَنْ يَتَعَلَّمَ حَتَّى أَخَذَ عَلَى الْعَالِمِ أَنْ يُعَلَّمَ. (١)
١٤٣٥. ما أَخْلَصَ الْمَوَدَّةَ مَنْ لَمْ يَنْصَحْ. (٢)
١٤٣٦. ما أَذْنَبَ مَنْ اعْتَدَرَ. (٣)
١٤٣٧. ما أَعْجَبَ بِرَأْيِهِ إِلَّا الْجَاهِلُ. (٤)
١٤٣٨. ما أَعْظَمَ عِقَابَ الْبَاغِي! (٥)
١٤٣٩. ما أَفْحَشَ كَرِيمٌ قَطُّ. (٦)
١٤٤٠. ما أَقْبَحَ الْبُخْلَ بِذَوِي النَّبْلِ. (٧)
١٤٤١. ما أَقْبَحَ الْعُقُوبَةَ مَعَ الْإِعْتِدَارِ. (٨)
١٤٤٢. ما أَقْبَحَ بِالْمُؤْمِنِ أَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ وَهُوَ مَهْتَوِكُ السُّتْرِ. (٩)
١٤٤٣. ما أَقْرَبَ النَّصْرَةَ مِنَ الْمَظْلُومِ. (١٠)
١٤٤٤. ما أَكْثَرَ الْعَيْرِ وَأَقْلَّ الْإِعْتِبَارِ. (١١)
١٤٤٥. ما أَمَرَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ بِشَيْءٍ إِلَّا وَاعَانَ عَلَيْهِ. (١٢)
١٤٤٦. ما أَمِنَ عَذَابَ اللَّهِ مَنْ لَمْ يَأْمِنِ النَّاسُ شَرَّهُ. (١٣)
١٤٤٧. ما أَنْجَزَ الْوَعْدَ مَنْ مَطَّلَ بِهِ. (١٤)
١٤٤٨. ما أَنْزَلَ الْمَوْتَ مَنزِلَهُ مَنْ عَدَّ غَدًا مِنْ أَجَلِهِ. (١٥)
١٤٤٩. ما أَوْضَحَ الْحَقَّ لِذِي عَيْنَيْنِ. (١٦)
١٤٥٠. ما أَهْمَنِي ذَنْبٌ امْهَلْتُ فِيهِ حَتَّى اصْلَى رَكَعَتَيْنِ. (١٧)
١٤٥١. ما بِالْكُمِّ تَفْرَحُونَ بِالْيَسِيرِ مِنَ الدُّنْيَا تُدْرِكُونَهُ، وَلَا يُحْزِنُكُمْ الْكَثِيرُ مِنَ الْآخِرَةِ تُحْزِمُونَهُ! (١٨)

- ٢-٢) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٢٦، ح ٤٥٩٤.
- ٣-٣) . تصنيف غررالحكم، ص ١٩٥، ح ٣٨١٩.
- ٤-٤) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٠٨، ح ٧٠٩٤.
- ٥-٥) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٤٥، ح ٧٩٤٥.
- ٦-٦) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٢٣، ح ٤٤٩٦.
- ٧-٧) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٩٢، ح ٦٥٣٠.
- ٨-٨) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٦٥، ح ١٠٦٩٨.
- ٩-٩) . تحف العقول، ص ١٠٤.
- ١٠-١٠) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٥٠، ح ١٠٣٦٦.
- ١١-١١) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٧٢، ح ١٠٧٨٠.
- ١٢-١٢) . تصنيف غررالحكم، ص ١٨٤، ح ٣٤٩٠.
- ١٣-١٣) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٦٥، ح ١٠٦٨٤.
- ١٤-١٤) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٥٣، ح ٥٣١٢.
- ١٥-١٥) . تصنيف غررالحكم، ص ١٦٥، ح ٣٢١٥.
- ١٦-١٦) . الأمالى للصدوق، ص ٣٨٩.
- ١٧-١٧) . تصنيف غررالحكم، ص ١٧٥، ح ٣٣٤٨.
- ١٨-١٨) . تصنيف غررالحكم، ص ١٤٥، ح ٢٦١٠.

۱۴۳۴. خداوند سبحان زمانی که از نادان پیمان گرفت بیاموزد، قبل از آن از عالم پیمان گرفت که یاد بدهد.

۱۴۳۵. کسی که خیرخواهی نمی کند، در دوستی خالص نیست.

۱۴۳۶. کسی که عذرخواهی کرد، گناه ندارد.

۱۴۳۷. هیچ کس از رأی خود راضی نیست، مگر جاهل.

۱۴۳۸. عذاب متجاوز، چه سنگین است.

۱۴۳۹. هیچ کریمی ناسزا نمی گوید.

۱۴۴۰. بخل از انسان با شخصیت، چقدر زشت است.

۱۴۴۱. پس از عذرخواهی، مجازات کردن بسیار زشت است.

۱۴۴۲. برای مؤمن، بسیار زشت است، در حالی که هتک حرمت شده، وارد بهشت شود.

۱۴۴۳. نصرت و یاری، چقدر به مظلوم نزدیک است.

۱۴۴۴. چه بسیارند عبرتها و چه کم است عبرت گرفتن.

۱۴۴۵. خداوند به چیزی امر نکرده، مگر اینکه بر آن کمک و یاری می کند.

۱۴۴۶. کسی که مردم از شر او در امان نباشند، از عذاب الهی در امان نیست.

۱۴۴۷. وعده کسی که آن را به تأخیر می اندازد، عملی نمی شود.

۱۴۴۸. کسی که فردا را جزء عمرش حساب می کند حقیقت مرگ را درک نکرده است.

۱۴۴۹. برای کسی که دو چشم بینا داشته باشد، حق بسیار روشن است.

۱۴۵۰. گناهی که پس از آن مهلت داشته باشم دو رکعت نماز بخوانم، مرا ناراحت نمی کند.

۱۴۵۱. شما را چه می شود، به مقدار کمی از دنیا که بدست می آورید خوشحال می شوید. اما بسیاری از آخرت را که از

دست داده اید ناراحت نمی شوید.

١٤٥٢. ما بَيْنَ أَحَدِكُمْ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ أَوْ النَّارِ إِلَّا الْمَوْتُ أَنْ يَنْزَلَ بِهِ. (١)

١٤٥٣. ما تَزَيَّنَ الْإِنْسَانُ بِزِينَةٍ أَجْمَلَ مِنَ الْقُتُوبِ. (٢)

١٤٥٤. ما تَكَبَّرَ إِلَّا وَضِيعٌ. (٣)

١٤٥٥. ما جَارَ شَرِيفٌ. (٤)

١٤٥٦. ما جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مَنَعَ غَنِيٌّ، وَاللَّهُ سَائِلُهُمْ عَنْ ذَلِكَ. (٥)

١٤٥٧. ما حَقَّرَ نَفْسَهُ إِلَّا عَاقِلٌ. (٦)

١٤٥٨. ما خَابَ مَنْ اسْتَخَارَ. (٧)

١٤٥٩. ما دِخَّ الرَّجُلِ بِمَا لَيْسَ فِيهِ مُسْتَهْزِئٌ بِهِ. (٨)

١٤٦٠. ما ذَلَّ مَنْ أَحْسَنَ الْفِكْرَ. (٩)

١٤٦١. ما زَكَ الْعِلْمُ بِمِثْلِ الْعَمَلِ بِهِ. (١٠)

١٤٦٢. ما زَلَّ مِنْ فِكْرٍ. (١١)

١٤٦٣. ما زَنَى غَيُورٌ قَطُّ. (١٢)

١٤٦٤. ما سَعِدَ مَنْ شَقِيَ إِخْوَانَهُ. (١٣)

١٤٦٥. ما شَكَكَتْ فِي الْحَقِّ مُذْ أَرَيْتُهُ. (١٤)

١٤٦٦. ما شَىءٌ أَحَقُّ بِطُولِ سِجْنٍ مِنْ لِسَانٍ. (١٥)

١٤٦٧. ما ضَرَبَ اللَّهُ الْعِبَادَ بِسَوْطٍ أَوْجَعَ مِنَ الْفَقْرِ. (١٦)

١٤٦٨. ما عَالَ امْرُؤٌ اقْتَصَدَ. (١٧)

١٤٦٩. ما عَدَرَ مَنْ أَيْقَنَ بِالْمَرْجِعِ. (١٨)

ص: ٢٣٨

- ٢-٢) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٥٩، ح ٥٥٣٢.
- ٣-٣) . تصنيف غررالحكم، ص ٣١٠، ح ٧١٣٦.
- ٤-٤) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٤٦، ح ٧٩٨٤.
- ٥-٥) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٧١، ح ٨٤١١.
- ٦-٦) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٤٩، ح ٥١٥٣.
- ٧-٧) . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٣٠٧، ح ٥١٠.
- ٨-٨) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٦٧، ح ١٠٧٤٢.
- ٩-٩) . تصنيف غررالحكم، ص ٥٦، ح ٥٤٣.
- ١٠-١٠) . تصنيف غررالحكم، ص ١٥٣، ح ٢٨٣٠.
- ١١-١١) . تصنيف غررالحكم، ص ٥٦، ح ٥٤٣، وفيه: «ماذلّ من أحسن الفكر».
- ١٢-١٢) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٥٩، ح ٥٥٣٤.
- ١٣-١٣) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٢٥، ح ٩٧٦٠.
- ١٤-١٤) . تصنيف غررالحكم، ص ١٢٠، ح ٢٠٩١.
- ١٥-١٥) . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٢٦٣، ح ٧٧.
- ١٦-١٦) . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٣٠١، ح ٤٤٤.
- ١٧-١٧) . كشف الغمه، ج ٢، ص ٣٩٩.
- ١٨-١٨) . تصنيف غررالحكم، ص ١٤٦، ح ٢٦٤٧.

۱۴۵۲. بین شما و بهشت یا دوزخ، فاصله ای جز مرگ نیست.
۱۴۵۳. هیچ زینتی برای انسان، زیباتر از جوانمردی نیست.
۱۴۵۴. جز انسان پست، تکبر نمی کند.
۱۴۵۵. انسان بزرگووار، ستم نمی کند.
۱۴۵۶. فقیری گرسنه نمی ماند، مگر اینکه ثروتمندی منع کند. و خداوند آنها را مؤاخذه می کند.
۱۴۵۷. هیچ کس نفس خودش را تحقیر نمی کند، مگر عاقل.
۱۴۵۸. کسی که طلب خیر کند، زیان نمی کند.
۱۴۵۹. مدح کردن انسان به صفتی که در او نیست، مسخره کردن اوست.
۱۴۶۰. کسی که خوب فکر کند، گمراه نمی شود.
۱۴۶۱. علم هیچگاه به چیزی مانند عمل کردن به آن، رشد نمی کند.
۱۴۶۲. کسی که فکر کند، خطا نمی کند.
۱۴۶۳. هرگز انسان غیرتمند، زنا نمی کند.
۱۴۶۴. کسی که دوستانش اهل شقاوتند، سعادت‌مند نمی شود.
۱۴۶۵. از زمانی که حق را به من نشان دادند، در در آن هیچ شک نکرده ام.
۱۴۶۶. هیچ چیزی مثل زبان، شایسته ی زندان طولانی نیست.
۱۴۶۷. خداوند بندگانش را به هیچ تازیانه ای بدتر از فقر نزده است.
۱۴۶۸. انسانی که میانه رو باشد، فقیر نمی شود.
۱۴۶۹. کسی که به بازگشت [معاد] یقین دارد، نقض عهد نمی کند.

١٤٧٠. ما فَوْقَ الْكَفَافِ إِسْرَافٌ. (١)
١٤٧١. ما قَسَمَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ بَيْنَ عِبَادِهِ شَيْئاً أَفْضَلَ مِنَ الْعَقْلِ. (٢)
١٤٧٢. ما كَانَ الْخُرْقُ فِي شَيْءٍ إِلَّا شَانَهُ. (٣)
١٤٧٣. ما كَانَ الرَّفْقُ فِي شَيْءٍ إِلَّا زَانَهُ. (٤)
١٤٧٤. ما كَانَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ لِيَفْتَحَ عَلَى أَحَدٍ بَابَ الشُّكْرِ وَيُعَلِّقَ عَلَيْهِ بَابَ الْمَزِيدِ. (٥)
١٤٧٥. ما كُلُّ غَائِبٍ يَوْوَبٌ. (٦)
١٤٧٦. ما لَنَا وَلِقْرِيشٍ؛ يَخْضَمُونَ الدُّنْيَا بِاسْمِنَا، وَيَطْوُونَ عَلَى رِقَابِنَا، فَيَا لِلَّهِ وَلِلْعَجَبِ مِنْ اسْمِ جَلِيلٍ لِمَسْمَى ذَلِيلٍ. (٧)
١٤٧٧. ما مَاتَ مَنْ أَحْيَا عِلْماً. (٨)
١٤٧٨. ما مِنْ جِهَادٍ أَفْضَلَ مِنْ جِهَادِ النَّفْسِ. (٩)
١٤٧٩. ما مِنْ شَيْءٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ مِنْ أَنْ يُسْأَلَ. (١٠)
١٤٨٠. ما مِنْ يَوْمٍ يَمْضِي عَنَّا إِلَّا يَهْوَى (١١) مِنَّا رُكْناً. (١٢)
١٤٨١. ما نَدَمَ مِنْ اسْتِخَارٍ. (١٣)
١٤٨٢. ما نَدِيمٌ مَنْ سَكَتَ. (١٤)
١٤٨٣. ما نَقَصَ مِنَ الدُّنْيَا زَادَ فِي الْآخِرَةِ. (١٥)
١٤٨٤. ما نَقَصَ نَفْسَهُ إِلَّا كَامِلٌ. (١٦)
١٤٨٥. ما هَلَكَ مَنْ عَرَفَ قَدْرَهُ. (١٧)
١٤٨٦. مَثَلُ الدُّنْيَا كَظِّلِكَ؛ إِنْ وَقَفْتَ وَقَفَ، وَإِنْ طَلَبْتَهُ بَعَدَ. (١٨)

ص: ٢٤٠

١- (١). تصنيف غررالحكم، ص ٣٥٩، ح ٨١١٧.

٢- (٢). تصنيف غررالحكم، ص ٥٠، ح ٣٣٢.

- ٣-٣) . تصنيف غررالحكم، ص ٧٦، ح ١٢١٩.
- ٤-٤) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٤٤، ح ٤٩٩٠.
- ٥-٥) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٨٠، ح ٦١٩٤.
- ٦-٦) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٢٦، ح ٧٥٩٩.
- ٧-٧) . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٣٠٨، ح ٥٢٣.
- ٨-٨) . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٢٦٨، ح ١٠٩.
- ٩-٩) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٤٣، ح ٤٩٤٦.
- ١٠-١٠) . تصنيف غررالحكم، ص ١٩٢، ح ٣٤٧٠.
- ١١-١١) . هَوَى يَهْوِي: سَقَطَ مِنْ فَوْقِ إِلَى أَسْفَلَ (لسان العرب: هوى).
- ١٢-١٢) . المناقب، ج ١، ص ٣٣٢.
- ١٣-١٣) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٢٦، ح ٧٥٩٦.
- ١٤-١٤) . نثر اللاكئ، ص ٩٨، ح ٢٦٤.
- ١٥-١٥) . تصنيف غررالحكم، ص ١٤٧، ح ٢٦٧٥.
- ١٦-١٦) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٤٩، ح ٥١٥٢.
- ١٧-١٧) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٣٣، ح ٧٦.
- ١٨-١٨) . تصنيف غررالحكم، ص ١٣٠، ح ٢٢١٤.

۱۴۷۰. بیشتر از کفاف، اسراف است.

۱۴۷۱. خداوند چیزی برتر از عقل، بین بندگان تقسیم نکرده است.

۱۴۷۲. پرده دری در هر کاری اتفاق بیافتد آن را زشت می گرداند.

۱۴۷۳. در هیچ کاری وفق و نرمی واقع نمی شود مگر اینکه آن را زینت می دهد.

۱۴۷۴. امکان ندارد خداوند سبحان در شکر را به روی کسی باز کند. و در فزونی را ببندد.

۱۴۷۵. هر غایبی، بر نمی گردد.

۱۴۷۶. بین ما و قریش چه می گذرد؟ دنیا را بنام ما نشخوار می کنند. و بر ما تنگ می گیرند. بخدا تعجب است از نام بزرگ برای افراد پست!

۱۴۷۷. هرگز کسی که علمی را احیا کند، نمی میرد.

۱۴۷۸. هیچ جهادی، برتر از جهاد نفس نیست.

۱۴۷۹. هیچ چیز نزد خدا، از اینکه از او چیزی طلب شود، محبوب تر نیست.

۱۴۸۰. روزی بر ما نمی گذرد، مگر اینکه رکنی از ما فرو می ریزد.

۱۴۸۱. هر کس طلب خیر کند، پشیمان نمی شود.

۱۴۸۲. هر کس سکوت کرد، پشیمان نمی شود.

۱۴۸۳. هر چه از دنیا کم شود، در آخرت اضافه خواهد شد.

۱۴۸۴. کسی جز انسان کامل، خود را ناقص نمی داند.

۱۴۸۵. کسی که قدر خود را شناخت، هلاک نمی شود.

۱۴۸۶. حکایت دنیا مثل سایه است، اگر بایستی می ایستد. و اگر بدنبال آن بروی دور می شود.

١٤٨٧. مَثَلُ الْمُنَافِقِ كَالْحَنْظَلَةِ الْخَضِرَةِ أَوْ رَأْفِهَا، الْمُرُّ مَذَاقُهَا. (١)

١٤٨٨. مَجَالِسُ اللَّهِ تُفْسِدُ الْإِيمَانَ. (٢)

١٤٨٩. مَجَالِسُهُ الْأَبْرَارِ تَوْجِبُ الشَّرْفَ. (٣)

١٤٩٠. مَجَالِسُهُ الْأَحْزَابِ مَفْسِدَةٌ لِلدِّينِ. (٤)

١٤٩١. مَجَالِسُهُ الْأَشْرَارِ تَوْرِثُ سُوءَ الظَّنِّ بِالْأَخْيَارِ. (٥)

١٤٩٢. مَجَالِسُهُ الْعُلَمَاءِ غَنِيمَةٌ. (٦)

١٤٩٣. مُجَاهَدَةُ النَّفْسِ أَفْضَلُ جِهَادٍ. (٧)

١٤٩٤. مُجَاهَرَةُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ بِالْمَعَاصِي تُعَجِّلُ النَّقْمَ. (٨)

١٤٩٥. مَجْلِسُ الْعِلْمِ رَوْضَةُ الْجَنَّةِ. (٩)

١٤٩٦. مَجْلِسُ الْكِرَامِ حُصُونُ الْكَلَامِ. (١٠)

١٤٩٧. مُخَالَفَةُ الْهَوَى شِفَاءُ الْعَقْلِ. (١١)

١٤٩٨. مُدَارَاةُ الرَّجَالِ مِنْ أَفْضَلِ الْأَعْمَالِ. (١٢)

١٤٩٩. مُذْبِعُ الْفَاحِشَةِ كَفَاعِلُهَا. (١٣)

١٥٠٠. مِرَاةُ الدُّنْيَا حَلَاوَةٌ الْآخِرَةِ. (١٤)

١٥٠١. مُرْوَةٌ الرَّجُلِ صِدْقُ لِسَانِهِ. (١٥)

١٥٠٢. مُرْوَةٌ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ عَقْلِهِ. (١٦)

١٥٠٣. مُسْتَمِعُ الْغَيْبِ كَقَائِلِهَا. (١٧)

١٥٠٤. مَشْرَبُ الْعَذْبِ مُرْدَحِمٌ. (١٨)

ص: ٢٤٢

- ٢-٢) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٦١، ح ١٠٥٦٠.
- ٣-٣) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٢٩، ح ٩٧٨٦.
- ٤-٤) . نثر اللاكئ، ص ٩٨، ح ٢٦٥.
- ٥-٥) . الأمالئ للصدوق، ص ٥٣١.
- ٦-٦) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٧، ح ٢٢٦.
- ٧-٧) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٤٣، ح ٤٩٤٩.
- ٨-٨) . تصنيف غررالحكم، ص ١٠٠، ح ١٧٣٠.
- ٩-٩) . نثر اللاكئ، ص ٩٨، ح ٢٢٦.
- ١٠-١٠) . نثر اللاكئ، ص ٩٨، ح ٢٦٧.
- ١١-١١) . تصنيف غررالحكم، ص ٦٤، ح ٨٢١.
- ١٢-١٢) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٤٥، ح ١٠١٧٤.
- ١٣-١٣) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٢٦، ح ٧٦٠٢.
- ١٤-١٤) . تصنيف غررالحكم، ص ١٤٧، ح ٢٦٧٦.
- ١٥-١٥) . تصنيف غررالحكم، ص ٢١٨، ح ٤٣٠٢.
- ١٦-١٦) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٨٥، ح ٥٤٨٣.
- ١٧-١٧) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٢١، ح ٤٤٤٧.
- ١٨-١٨) . نثر اللاكئ، ص ٩٨، ح ٢٦٨.

۱۴۸۷. حکایت منافق، مانند گیاهی است که برگهای آن سبز ولی طعم آن تلخ است.

۱۴۸۸. مجالس عیاشی، ایمان را فاسد می کند.

۱۴۸۹. هم نشینی با نیکان، موجب شرف است.

۱۴۹۰. هم نشینی با گروههای مختلف، دین را تباه می کند.

۱۴۹۱. همنشینی با اشرار، بدگمانی به نیکان را بدنبال دارد.

۱۴۹۲. همنشینی با علما، غنیمت است.

۱۴۹۳. جهاد با نفس، برترین جهاد است.

۱۴۹۴. جنگیدن با خدا، به سبب گناهان، عذاب را جلو می اندازد.

۱۴۹۵. مجلس علمی، باغ بهشت است.

۱۴۹۶. مجلس بزرگواران، جای بدست آوردن سخنان [نیک] است.

۱۴۹۷. مخالفت با هوسها، عقل را شفا می دهد.

۱۴۹۸. سازش با بزرگان، از برترین اعمال است.

۱۴۹۹. افشاگر گناه، مثل فاعل آن است.

۱۵۰۰. رنجهای دنیا، لذت آخرت بدنبال دارد.

۱۵۰۱. جوانمردی انسان، در راستگویی است.

۱۵۰۲. جوانمردی انسان، به اندازه ی عقل اوست.

۱۵۰۳. شنونده ی غیبت، مثل گوینده ی آن است.

۱۵۰۴. در آبشخور گوارا، ازدحام می شود. [کنایه از اینکه هر چیز خوب، خواهان دارد]

١٥٠٥. مُصَاحِبُهُ الْأَشْرَارِ رُكُوبُ الْبَحْرِ. (١)
١٥٠٦. مَعَ الْإِخْلَاصِ تُرْفَعُ الْأَعْمَالُ. (٢)
١٥٠٧. مَعَ الْإِنصَافِ تَدْوِمُ الْأُخُوَّةُ. (٣)
١٥٠٨. مَعَ الزُّهْدِ تُثْمِرُ الْحِكْمَةُ. (٤)
١٥٠٩. مَعَ الصَّبْرِ يَقْوَى الْحَزْمُ. (٥)
١٥١٠. مَعْرِفَةُ الْمَرْءِ بِبُيُوبِهِ أَنْفَعُ الْمَعَارِفِ. (٦)
١٥١١. مَعْرِفَةُ النَّفْسِ أَنْفَعُ الْمَعَارِفِ. (٧)
١٥١٢. مَعْصِيَةُ الْعَالِمِ إِذَا خَفِيَتْ لَمْ تَضُرَّ لِصَاحِبِهَا، وَإِذَا ظَهَرَتْ ضَرَّتْ صَاحِبِهَا وَالْعَامَّةَ. (٨)
١٥١٣. مَلَائِكُ الْإِسْلَامِ صِدْقُ اللِّسَانِ. (٩)
١٥١٤. مَلَائِكُ التُّقَى رَفُضُ الدُّنْيَا. (١٠)
١٥١٥. مَلَائِكُ الدِّينِ الْوَرَعُ. (١١)
١٥١٦. مَلَائِكُ السِّيَاسَةِ الْعَدْلُ. (١٢)
١٥١٧. مَلُوكُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ الْفُقَرَاءُ الرَّاظُونَ. (١٣)
١٥١٨. مَنْ آثَرَ عَلَى نَفْسِهِ تَنَاهَى فِي الْفُتُوهِ. (١٤)
١٥١٩. مَنْ آثَرَ بِسَبِّهِ، اخْتَارَكَ (١٥) عَلَى نَفْسِهِ. (١٦)
١٥٢٠. مَنْ آمَنَ بِالْآخِرَةِ أَعْرَضَ عَنِ الدُّنْيَا. (١٧)

ص: ٢٤٤

-
- ١- (١). نثر اللآلى، ح ٢٦٩.
- ٢- (٢). تصنيف غررالحكم، ص ١٥٥، ح ٢٩١٢.
- ٣- (٣). تصنيف غررالحكم، ص ٣٩٥، ح ٩١٢٤.
- ٤- (٤). تصنيف غررالحكم، ص ٢٢٧، ح ٦١٠٣.

- ٥-٥) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٨٤، ح ٦٣٥٧.
- ٦-٦) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٣٥، ح ٤٧١٣.
- ٧-٧) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٣٢، ح ٤٦٤٠.
- ٨-٨) . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٣٢٢، ح ٦٨٩.
- ٩-٩) . تصنيف غررالحكم، ص ٢١٨، ح ٤٣١٨.
- ١٠-١٠) . تصنيف غررالحكم، ص ١٣٨، ح ٢٤٢٤.
- ١١-١١) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٧١، ح ٥٩١٨.
- ١٢-١٢) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٣١، ح ٧٦٢٧.
- ١٣-١٣) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٣٦، ح ٨٢٤٣.
- ١٤-١٤) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٩٦، ح ٩١٧٣، در مصدر بالغ في المروه.
- ١٥-١٥) . الترجمة: «بِنَسْبِهِ فَقَدْ آثَرَكَ»، والنَّشْبُ: المَالُ وَالْعِقَارُ (لسان العرب: نشب).
- ١٦-١٦) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٢٤، ح ٩٧٣٨.
- ١٧-١٧) . مجموعه ورام، ج ٢، ص ٣١، وفيه: «لم يحرص على الدنيا».

۱۵۰۵. همنشینی با اشرار، چون دریانوردی [خطرناک] است.
۱۵۰۶. اعمال با اخلاص، پذیرفته می شوند.
۱۵۰۷. برادری با انصاف، ادامه می یابد.
۱۵۰۸. حکمت، با زهد ثمره می دهد.
۱۵۰۹. دوراندیشی، با صبر تقویت می شود.
۱۵۱۰. سودمندترین معرفت، شناختن عیب خویش است.
۱۵۱۱. سودمندترین معرفت، خودشناسی است.
۱۵۱۲. گناه عالم در خفاء، فقط به خودش ضرر می رساند. اما اگر علنی شود، به همگان ضرر می رساند.
۱۵۱۳. ملاک اسلام، راستگویی است.
۱۵۱۴. ملاک تقوی، کنار گذاشتن دنیاست.
۱۵۱۵. ملاک دین، دوری از گناه است.
۱۵۱۶. ملاک سیاست، عدالت است.
۱۵۱۷. فقیری که راضی باشد، پادشاه دنیا و آخرت است.
۱۵۱۸. کسی که [دیگران را] بر خود مقدم دارد، در جوانمردی به نهایت رسیده است.
۱۵۱۹. کسی که با مال و دارایی خود را به تو داده است تو را بر خود مقدم کرده است [و ایثار کرده است].
۱۵۲۰. کسی که به آخرت ایمان دارد، از دنیا دوری می کند.

١٥٢١. مَنِ ابْتِاعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاہُ رَبِحَهُمَا. (١)

١٥٢٢. مَنِ اتَّبَعَ أَمْرَنَا سَبَقَ. (٢)

١٥٢٣. مَنِ اتَّجَرَ بِغَيْرِ فِقْهٍ فَقَدْ ارْتَطَمَ (٣) فِي الرِّبَا. (٤)

١٥٢٤. مَنِ اتَّخَذَ الْحَقَّ لِحَامًا، اتَّخَذَهُ النَّاسُ إِمَامًا. (٥)

١٥٢٥. مَنِ اخْتَبَرَ قَلِي (٦). (٧)

١٥٢٦. مَنِ ادَّرَعَ جَنَّةَ الصَّبْرِ هَانَتْ عَلَيْهِ النَّوَابِئُ. (٨)

١٥٢٧. مَنِ ازْدَادَ عِلْمًا فَلْيَحْذَرْ مِنْ تَوْكِيدِ الْحُجَّةِ عَلَيْهِ. (٩)

١٥٢٨. مَنِ اسْتَأْذَنَ عَلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ أَذِنَ لَهُ. (١٠)

١٥٢٩. مَنِ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ زَلَّ. (١١)

١٥٣٠. مَنِ اسْتَحْيَا حُرْمًا. (١٢)

١٥٣١. مَنِ اسْتَحْيَا مِنَ النَّاسِ وَلَمْ يَسْتَحِيَ مِنْ نَفْسِهِ، فَلَيْسَ لِنَفْسِهِ عِنْدَ نَفْسِهِ قَدْرٌ. (١٣)

١٥٣٢. مَنِ اسْتَدَامَ قَرَعَ الْبَابَ وَلَجَّ، وَلَجَّ. (١٤)

١٥٣٣. مَنِ اسْتَسَلَّمَ سَلِمَ. (١٥)

١٥٣٤. مَنِ اسْتَشَارَ الْجَاهِلَ ضَلَّ. (١٦)

١٥٣٥. مَنِ اسْتَشَارَ الْعَاقِلَ مَلَكَ. (١٧)

١٥٣٦. مَنِ اسْتَشَارَ ذَوِي الْأَلْبَابِ أَدْرَكَ الصَّوَابَ. (١٨)

١٥٣٧. مَنِ اسْتَعَانَ بِالْعَقْلِ سَدَّدَهُ. (١٩)

ص: ٢٤٤

١- (١). تصنيف غررالحكم، ص ١٤٧، ح ٢٦٦١.

٢- (٢). تصنيف غررالحكم، ص ١١٦، ح ٢٠٢٨.

- ٣-٣) . إِرْطَمَ: أى وَقَعَ فِيهِ وَارْتَبِكَ (لسان العرب: رطم).
- ٤-٤) . شرح نهج البلاغ، ج ٢٠، ص ٩٧، ح ٤٥٦.
- ٥-٥) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٣١، ح ٧٦٢٦.
- ٦-٦) . جَرَّبِ النَّاسَ فَإِنَّكَ إِذَا جَرَّبْتَهُمْ قَلَيْتَهُمْ وَتَرَكْتَهُمْ: أى مَنْ جَرَّبَهُمْ وَخَبَّرَهُمْ أَبْغَضَهُمْ وَتَرَكَهُمْ (لسان العرب: قلى).
- ٧-٧) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٨٢، ح ١١٠٩٨.
- ٨-٨) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٨٢، ح ٦٢٩٥.
- ٩-٩) . شرح نهج البلاغ، ج ٢٠، ص ٣٢٠، ح ٦٦٩.
- ١٠-١٠) . تصنيف غررالحكم، ص ١٩٢، ح ٣٧٣٩.
- ١١-١١) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٤٣، ح ١٠١٠٨.
- ١٢-١٢) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٥٧، ح ٥٤٧٦.
- ١٣-١٣) . شرح نهج البلاغ، ج ٢٠، ص ٢٦٥، ح ٨٩.
- ١٤-١٤) . تصنيف غررالحكم، ص ١٩٣، ح ٣٧٥٨.
- ١٥-١٥) . تصنيف غررالحكم، ص ٨٤، ح ١٣٦٩.
- ١٦-١٦) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٣٦، ح ٩٩٩٦.
- ١٧-١٧) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٤٢، ح ١٠٠٧٩.
- ١٨-١٨) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٤٢، ح ١٠٠٨٢.
- ١٩-١٩) . تصنيف غررالحكم، ص ٥٣، ح ٤٣٠.

۱۵۲۱. کسی که آخرت را به بهای دنیا خریداری کند، در هر دو سود برده است.
۱۵۲۲. کسی که ولایت ما را برگزیند، برنده است.
۱۵۲۳. کسی که بدون آشنایی با احکام، تجارت کند، گرفتار ربا خواهد شد.
۱۵۲۴. کسی که از حق پیروی کند، مردم از او پیروی می کنند.
۱۵۲۵. کسی که امتحان شود، ناراحت می شود.
۱۵۲۶. کسی که به سپر صبر مجهز شود، مصیبتها برایش آسان می شوند.
۱۵۲۷. کسی که علمش زیاد شود، از اینکه حجت بر او تمام است حذر کند.
۱۵۲۸. کسی که از خدای سبحان اذن بخواهد، خدا اذن می دهد.
۱۵۲۹. کسی که استبداد رأی دارد، خطا می کند.
۱۵۳۰. کسی که [در یاد گرفتن و عمل کردن به وظیفه] حیا کند، محروم می شود.
۱۵۳۱. کسی که از مردم حیا کند ولی از خودش حیا نکند، برای خود ارزشی قائل نیست.
۱۵۳۲. کسی که به در زدن ادامه دهد و اصرار کند، وارد [خانه] می شود. [کنایه از به هدف رسیدن]
۱۵۳۳. کسی که تسلیم شود، سالم می ماند.
۱۵۳۴. کسی که با نادان مشورت کند، گمراه می شود.
۱۵۳۵. کسی که با عاقل مشورت کند، موفق می شود.
۱۵۳۶. کسی که با صاحبان درایت مشورت کند، به نتیجه می رسد.
۱۵۳۷. کسی که از عقل یاری بگیرد، عقل او را تقویت می کند.

١٥٣٨. مَنِ اسْتَعْنَى بِعَقْلِهِ ضَلَّ. (١).
١٥٣٩. مَنِ اسْتَعْنَى بِعِلْمِهِ زَلَّ. (٢).
١٥٤٠. مَنِ اسْتَعْنَى عَنِ النَّاسِ أَغْنَاهُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ. (٣).
١٥٤١. مَنِ اسْتَقْبَلَ الْأُمُورَ أَبْصَرَ. (٤).
١٥٤٢. مَنِ اسْتَقْبَلَ وُجُوهَ الْأَرَاءِ، عَرَفَ مَوَاقِعَ الْخَطَايَا. (٥).
١٥٤٣. مَنِ اشْتَأَقَ إِلَى الْجَنَّةِ، سَلَا (٦) عَنِ الشَّهَوَاتِ. (٧).
١٥٤٤. مَنِ اشْتَأَقَ أَدْلَجَ (٨). (٩).
١٥٤٥. مَنِ اشْتَغَلَ بِذِكْرِ اللَّهِ طَيَّبَ اللَّهُ ذِكْرَهُ. (١٠).
١٥٤٦. مَنِ اشْتَغَلَ بِمَا لَا يَعْنِيهِ، فَاتَهُ مَا يَعْنِيهِ. (١١).
١٥٤٧. مَنِ اعْتَبَرَ أَبْصَرَ. (١٢).
١٥٤٨. مَنِ اعْتَدَلَ يَوْمَاهُ فَهُوَ مَغْبُورٌ. (١٣).
١٥٤٩. مَنِ اعْتَزَّ بِالْحَقِّ، أَعَزَّهُ الْحَقُّ. (١٤).
١٥٥٠. مَنِ اعْجَبَ بِرَأْيِهِ ضَلَّ. (١٥).
١٥٥١. مَنِ اعْطَى الْإِسْتِغْفَارَ لَمْ يُحْرَمِ الْمَغْفِرَةَ. (١٦).
١٥٥٢. مَنِ اقْتَصَرَ عَلَى قَدْرِهِ كَانَ أَبْقَى لَهُ. (١٧).
١٥٥٣. مَنِ الْإِيمَانَ حَفِظَ اللِّسَانَ. (١٨).
١٥٥٤. مَنِ التَّوْفِيقِ الْوُقُوفُ عِنْدَ الْحَيْرَةِ. (١٩).

ص: ٢٤٨

١- (١). تصنيف غرر الحكم، ص ٤٤٣، ح ١٠١٠٧.

٢- (٢). الكافي، ج ٨، ص ١٨، ح ٤، وفيه: «بعقله» بدل «بعلمه».

- ٣-٣) . تصنيف غررالحكم، ص ١٩٧، ح ٣٨٧٦.
- ٤-٤) . تصنيف غررالحكم، ص ٥٧، ح ٥٧٩.
- ٥-٥) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٤٢، ح ١٠٠٧٣.
- ٦-٦) . سَلَا عَنْهُ: نَسِيَهُ؛ وَطَابَتْ نَفْسُهُ عَنْهُ؛ وَهَجَرَهُ (أقرب الموارد: سلو).
- ٧-٧) . تصنيف غررالحكم، ص ١٤٦، ح ٢٦٤٢.
- ٨-٨) . أَذْلَجَ: سَارَ اللَّيْلَ كُلَّهُ (لسان العرب: دلج).
- ٩-٩) . تصنيف غررالحكم، ص ١٥٠، ح ٢٧٥١.
- ١٠-١٠) . تصنيف غررالحكم، ص ١٨٨، ح ٣٦٢٧.
- ١١-١١) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٧٧، ح ١٠٩٤٣.
- ١٢-١٢) . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٢٨، ح ٢٠٤.
- ١٣-١٣) . من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٣٨١، ح ٥٨٣٣.
- ١٤-١٤) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٧٨، ح ١٠٩٨٦.
- ١٥-١٥) . الكافي، ج ٨، ص ١٩، ح ٤.
- ١٦-١٦) . الأماالى للطوسى، ص ٦٩٣.
- ١٧-١٧) . تحف العقول، ص ٨٢.
- ١٨-١٨) . تصنيف غررالحكم، ص ٢١٤، ح ٤١٩١.
- ١٩-١٩) . تحف العقول، ص ٨٢.

۱۵۳۸. کسی که فقط به عقل خود اکتفاء کند گمراه می شود.
۱۵۳۹. کسی که فقط به علم خود اکتفاء کند به خطا می رود.
۱۵۴۰. کسی که از مردم بی نیاز شود، خدای سبحان او را بی نیاز می کند.
۱۵۴۱. کسی که به استقبال کارها برود، بینا تر است.
۱۵۴۲. کسی که نظرات مختلف را ملاحظه کند، لغزشگاه را می شناسد.
۱۵۴۳. کسی که شوق بهشت دارد، از شهوت دوری می کند.
۱۵۴۴. کسی که شوق دارد، تمام شب راه می رود.
۱۵۴۵. کسی که به ذکر خدا مشغول شود، خدا او را خوش نام می فرماید.
۱۵۴۶. کسی که به کار بی فایده و غیر مهم مشغول شود، کار مهمش از دست می رود.
۱۵۴۷. کسی که عبرت بگیرد، بینا تر می شود.
۱۵۴۸. کسی که دو روز او مساوی باشند، زیان کرده است.
۱۵۴۹. کسی که از حق عزت جوید، حق او را عزیز می کند.
۱۵۵۰. کسی که از رای خود راضی باشد، گمراه می شود.
۱۵۵۱. کسی که توفیق استغفار یابد، از آمرزش محروم نمی شود.
۱۵۵۲. کسی که به اندازه ی خود اکتفا کند، برایش ماندگارتر است.
۱۵۵۳. حفظ زبان، [بخشی] از ایمان است.
۱۵۵۴. توقف در هنگام حیرت، نشانه ی توفیق است.

١٥٥٥. مَنْ الَّذِي يَرْجُو فَضْلَكَ إِذَا قَطَعَتْ ذَوَى رَحِمِكَ!؟ (١)
١٥٥٦. مِنَ الْكَرَمِ أَنْ تَتَجَاوَزَ عَنِ الْإِسَاءِ إِلَيْكَ. (٢)
١٥٥٧. مِنَ الْكَرَمِ صَلَّةُ الرَّحِمِ. (٣)
١٥٥٨. مِنَ الْكَرَمِ لِينُ الْكَلَامِ. (٤)
١٥٥٩. مِنَ النَّبْلِ أَنْ يَبْذَلَ الرَّجُلُ مَالَهُ، وَيَصُونَ عَرْضَهُ. (٥)
١٥٦٠. مِنَ النَّعَمِ، الصَّدِيقُ الصَّدُوقُ. (٦)
١٥٦١. مِنَ الْهَمِّ الشُّكْرُ لَمْ يُعْدَمِ الزِّيَادَةُ. (٧)
١٥٦٢. مِنَ انْتَصَرِ بِاللَّهِ عَزَّ نَصْرُهُ. (٨)
١٥٦٣. مِنَ اهْتَدَى بِهَدَى اللَّهِ أَرْشَدَهُ. (٩)
١٥٦٤. مِنَ اهْتَمَّ بِكَ فَهُوَ صَدِيقُكَ. (١٠)
١٥٦٥. مَنْ أَبَانَ لَكَ عَنْ عَيْبِكَ فَهُوَ وَدُودُكَ. (١١)
١٥٦٦. مَنْ أَبَدَى صَفْحَتَهُ لِلْحَقِّ هَلَكَ. (١٢)
١٥٦٧. مَنْ أَبْصَرَ عَيْبَ نَفْسِهِ شُغِلَ عَنْ عَيْبِ غَيْرِهِ. (١٣)
١٥٦٨. مَنْ أَتَى الصَّلَاةَ عَارِفًا بِحَقِّهَا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ. (١٤)
١٥٦٩. مَنْ أَجْمَلَ فِي الطَّلَبِ أَتَاهُ رِزْقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ. (١٥)
١٥٧٠. مَنْ أَحَبَّ الْمَكَارِمَ اجْتَنَبَ الْمَحَارِمَ. (١٦)
١٥٧١. مَنْ أَحَبَّ قَوْمًا حُشِرَ مَعَهُمْ. (١٧)
١٥٧٢. مَنْ أَحَبَّكَ نَهَاكَ. (١٨)

ص: ٢٥٠

- ٢-٢) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٤٥، ح ٥٠٢٢.
- ٣-٣) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٨٠، ح ٨٦٠٤.
- ٤-٤) . تحف العقول، ص ٧٩.
- ٥-٥) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٨٦، ح ٨٨٣٥.
- ٦-٦) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٢٣، ح ٩٧٢٥.
- ٧-٧) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٧٩، ح ٦١٨٩.
- ٨-٨) . تصنيف غررالحكم، ص ٧٠، ح ٩٨٤.
- ٩-٩) . تصنيف غررالحكم، ص ٩٤، ح ١٩٥٩.
- ١٠-١٠) . تصنيف غررالحكم، ص ٤١٥، ح ٩٤٨٨.
- ١١-١١) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٦٥، ح ٩٤٧٣.
- ١٢-١٢) . تصنيف غررالحكم، ص ٧٠، ح ١٠٠٨.
- ١٣-١٣) . تحف العقول، ص ٨٨.
- ١٤-١٤) . تحف العقول، ص ١١٧.
- ١٥-١٥) . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٣١١، ح ٥٦٦.
- ١٦-١٦) . كشف اليقين (علامه حلي)، ص ١٨٢.
- ١٧-١٧) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٠٤، ح ٤٠١٥.
- ١٨-١٨) . تصنيف غررالحكم، ص ٤١٥، ح ٩٤٧١.

۱۵۵۵. هنگامی که از خویشان خود بریده ای، چه کسی به تو امیدوار شود؟

۱۵۵۶. گذشتن از بدرفتاری دیگران با تو، [نشانه ی] کرامت است.

۱۵۵۷. صلۀ رحم و رسیدگی به خویشان، کرامت است.

۱۵۵۸. نرمی گفتار، کرامت است.

۱۵۵۹. بذل کردن مال برای حفظ کردن آبرو، نشانه ی کاردانی است.

۱۵۶۰. دوست راستگو، نعمت است.

۱۵۶۱. کسی که شکر به او الهام شود، فزونی [نعمت] را از دست نمی دهد.

۱۵۶۲. کسی که از خدای عزیز یاری بخواهد، خدا او را یاری می کند.

۱۵۶۳. کسی که از هدایت الهی، راهنمایی بخواهد، خدا او را ارشاد می کند.

۱۵۶۴. کسی که به تو اهتمام دارد، دوست توست.

۱۵۶۵. کسی که تو را از عیب آگاه کند، دوستدار توست.

۱۵۶۶. کسی که از حق رویگردان شود، هلاک می شود.

۱۵۶۷. کسی که عیب خود را ببیند، به عیب دیگران نمی پردازد.

۱۵۶۸. کسی که با معرفت نماز بجا آورد، خداوند او را می آمرزد.

۱۵۶۹. کسی که در کسب حرض نورزد [و خود را به این در و آن در نزنند]، خداوند روزی او را از جایی که حساب نمی کرده می رساند.

۱۵۷۰. کسی که مکارم را دوست دارد، از حرام دوری کند.

۱۵۷۱. کسی که گروهی را دوست داشته باشد، با آنها محشور می شود.

۱۵۷۲. کسی که تو را دوست دارد، [از بدی] تو را باز می دارد.

١٥٧٣. مَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ، وَكَانَ مَعَنَا بِلسَانِهِ، وَقَاتَلَ عَدُوَّنَا بِسَيْفِهِ، فَهُوَ مَعَنَا فِي الْجَنَّةِ فِي دَرَجَتِنَا. (١)
١٥٧٤. مَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ، وَلَمْ يُعِنَّا بِلسَانِهِ وَلَا بِيَدِهِ، فَهُوَ مَعَنَا فِي الْجَنَّةِ. (٢)
١٥٧٥. مَنْ أَحَبَّنَا كَانَ مَعَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (٣)
١٥٧٦. مَنْ أَحْسَنَ الْإِسْتِمَاعَ تَعَجَّلَ الْإِنْتِفَاعَ. (٤)
١٥٧٧. مَنْ أَحْسَنَ الْإِعْتِدَارَ اسْتَحَقَّ الْإِغْتِفَارَ. (٥)
١٥٧٨. مَنْ أَحْسَنَ السُّؤَالَ عَلِمَ. (٦)
١٥٧٩. مَنْ أَحْسَنَ الْكِفَايَةَ اسْتَحَقَّ الْوِلَايَةَ. (٧)
١٥٨٠. مَنْ أَحْسَنَ عَمَلَهُ بَلَغَ أَمَلَهُ. (٨)
١٥٨١. مَنْ أَحْكَمَ التَّجَارِبَ سَلِمَ مِنَ الْمَعَاطِبِ. (٩)
١٥٨٢. مَنْ أَخْطَأَهُ سَهْمُ الْمَيْتَةِ قَتَلَهُ الْهَرَمُ (١٠). (١١)
١٥٨٣. مَنْ أَخْلَصَ بَلَغَ الْأَمَالَ. (١٢)
١٥٨٤. مَنْ أَدَامَ الشُّكْرَ اسْتَدَامَ الْبِرَّ. (١٣)
١٥٨٥. مَنْ أَدَامَ الشُّكْرَ لَمْ يُعْدِمِ الزِّيَادَةَ. (١٤)
١٥٨٦. مَنْ أَدَى زَكَاةَ مَالِهِ وَوَفَّى شُحَّ نَفْسِهِ. (١٥)
١٥٨٧. مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ مَا لَهُ عِنْدَ اللَّهِ، فَلْيَنْظُرْ مَا لِلَّهِ عِنْدَهُ. (١٦)
١٥٨٨. مَنْ أَسَدَى مَعْرُوفًا إِلَى غَيْرِ أَهْلِهِ ظَلَمَ مَعْرُوفَةً. (١٧)
١٥٨٩. مَنْ أَسْرَأَ إِلَى غَيْرِ ثِقَةٍ ضَيَّعَ سِرَّهُ. (١٨)
١٥٩٠. مَنْ أَسْرَعَ الْجَوَابَ لَمْ يُدْرِكِ الصَّوَابَ. (١٩)

ص: ٢٥٢

- ٢- (٢) . جامع الأخبار، ص ١٧٨ .
- ٣- (٣) . الكافي، ج ٨، ص ١٠٦، ح ٨٠ .
- ٤- (٤) . تصنيف غررالحكم، ص ٦٠، ح ٦٧٢ .
- ٥- (٥) . تصنيف غررالحكم، ص ١٩٥، ح ٣٨١٨ .
- ٦- (٦) . تصنيف غررالحكم، ص ٦٠، ح ٦٥٩ .
- ٧- (٧) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٤١، ح ٧٧٩٠ .
- ٨- (٨) . تصنيف غررالحكم، ص ١٥٣، ح ٢٨٥٤ .
- ٩- (٩) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٤٤، ح ١٠١٦١ .
- ١٠- (١٠) . الهَرَمُ: أقصَى الكِبَرِ (لسان العرب: هرم) .
- ١١- (١١) . تصنيف غررالحكم، ص ١٦٠، ح ٣٠٧٤ .
- ١٢- (١٢) . تصنيف غررالحكم، ص ١٩٨، ح ٣٩١٧ .
- ١٣- (١٣) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٧٧، ح ٦٠٩٦ .
- ١٤- (١٤) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٧٩، ح ٦١٨٩ .
- ١٥- (١٥) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٩٩، ح ٩٢٧١ .
- ١٦- (١٦) . شرح نهج البلاغ، ج ٢٠، ص ٢٧٠ .
- ١٧- (١٧) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٨٧، ح ٨٨٥٩ .
- ١٨- (١٨) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٢٠، ح ٧٤٢٢ .
- ١٩- (١٩) . تصنيف غررالحكم، ص ٢١٥، ح ٤٢١٦ .

۱۵۷۳. کسی که در قلبش ما را دوست داشته باشد، و زبانش از ما دفاع کند، و با دشمنان ما نبرد کند، در مدارج بهشت با ماست.

۱۵۷۴. کسی که در قلب ما را دوست بدارد، و با دست و زبان ما را یاری نکند، در بهشت با ماست.

۱۵۷۵. کسی که ما را دوست بدارد، روز قیامت با ماست.

۱۵۷۶. کسی که خوب گوش کند، زودتر بهره می برد.

۱۵۷۷. کسی که خوب عذر خواهی کند، مستحق بخشش است.

۱۵۷۸. کسی که خوب سؤال کند، دانا می شود.

۱۵۷۹. کسی که خوب تدبیر کند، مستحق سرپرستی است.

۱۵۸۰. کسی که خوب رفتار کند، به آرزویش می رسد.

۱۵۸۱. کسی که از تجربه بهره ببرد، از مشقت محفوظ می ماند.

۱۵۸۲. کسی از تیر مرگ [زودرس] در امان ماند در کمند پیری اسیر می شود.

۱۵۸۳. کسی که اخلاص داشته باشد، به آرزوها می رسد.

۱۵۸۴. کسی که به شکر کردن ادامه دهد، نعمت ادامه پیدا می کند.

۱۵۸۵. کسی که به شکر کردن ادامه دهد، از فزونی بی بهره نشود.

۱۵۸۶. کسی که زکاه مالش را پردازد، از بخل محفوظ می ماند.

۱۵۸۷. کسی که می خواهد بداند نزد خدا چه دارد، ببیند خدا نزد او چه دارد. [ببیند چه کاری [پاداشی] را برای خدا انجام داده است].

۱۵۸۸. کسی که به نا اهل نیکی کند، به نیکی خودش ظلم کرده است.

۱۵۸۹. کسی که رازی را به نا اهل بگوید، آن را ضایع کرده است.

۱۵۹۰. کسی که زود جواب دهد، به جواب صحیح نمی رسد.

١٥٩١. مَنْ أَسَسَ أَسَاسَ الشَّرِّ أَسَسَهُ عَلَى نَفْسِهِ. (١)
١٥٩٢. مِنْ أَشَدِّ عُيُوبِ الْمَرْءِ أَنْ تَخْفَى عَلَيْهِ عُيُوبُهُ. (٢)
١٥٩٣. مِنْ أَشْرَفِ الْعِلْمِ التَّحَلِّيُّ بِالْحِلْمِ. (٣)
١٥٩٤. مِنْ أَشْرَفِ أَعْمَالِ الْكَرِيمِ تَعَاْفُلُهُ عَمَّا يَعْلَمُ. (٤)
١٥٩٥. مَنْ أَشْفَقَ عَلَى نَفْسِهِ، لَمْ يَظْلِمَ غَيْرَهُ. (٥)
١٥٩٦. مَنْ أَصْلَحَ أَمْرَ آخِرَتِهِ، أَصْلَحَ اللَّهُ [لَهُ] أَمْرَ دُنْيَاهُ. (٦)
١٥٩٧. مَنْ أَصْلَحَ سَرِيرَتَهُ، أَصْلَحَ اللَّهُ عِلَاقَتَهُ. (٧)
١٥٩٨. مَنْ أَصْلَحَ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، أَصْلَحَ اللَّهُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّاسِ. (٨)
١٥٩٩. مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ عَالَا أَمْرُهُ. (٩)
١٦٠٠. مَنْ أَطَاعَ الْوَاشِيَ ضَيَّعَ الصَّدِيقَ. (١٠)
١٦٠١. مَنْ أَطَاعَ إِمَامَهُ فَقَدْ أَطَاعَ رَبَّهُ. (١١)
١٦٠٢. مَنْ أَطَاعَ هَوَاهُ هَلَكَ. (١٢)
١٦٠٣. مَنْ أَظْهَرَ عِدَاوَتَهُ قَلَّ كَيْدُهُ. (١٣)
١٦٠٤. مَنْ أَظْهَرَ عَزْمَهُ بَطَلَ حَزْمُهُ. (١٤)
١٦٠٥. مَنْ أَظْهَرَ فَقْرَهُ أَذَلَّ قَدْرَهُ. (١٥)
١٦٠٦. مَنْ أَعْرَضَ عَنِ الدُّنْيَا أَتَتْهُ. (١٦)
١٦٠٧. مَنْ أَعْمَلَ الرَّأْيَ غَنِمَ. (١٧)
١٦٠٨. مِنْ أَعْوَدِ الْعَنَائِمِ دَوْلَةُ الْأَكَارِمِ. (١٨)

ص: ٢٥٤

- ٢-٢) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٣٥، ح ٤٧١٠.
- ٣-٣) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٨٦، ح ٦٤٢٩.
- ٤-٤) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٢١، ح ٩٦٤٢.
- ٥-٥) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٥٦، ح ١٠٤٠٠.
- ٦-٦) . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٢٤٢، ح ٨٦.
- ٧-٧) . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٦٨، ح ٤٣٢.
- ٨-٨) . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٢٤٢، ح ٨٦.
- ٩-٩) . تصنيف غررالحكم، ص ١٨٥، ح ٣٥١١.
- ١٠-١٠) . نهج البلاغه، ج ٤، ص ٥٣، خطبة ٢٣٩.
- ١١-١١) . نهج البلاغه، ج ٤، ص ١١٦، ح ٢٠٣٠.
- ١٢-١٢) . تحف العقول، ص ٣٠٣.
- ١٣-١٣) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٣٤، ح ٧٦٩٦.
- ١٤-١٤) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٧٦، ح ١٠٩٠٩.
- ١٥-١٥) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٦٦، ح ٨٢٤٨.
- ١٦-١٦) . تصنيف غررالحكم، ص ١٢٩، ح ٢١٩٦.
- ١٧-١٧) . تصنيف غررالحكم، ص ٥٧، ح ٥٥٧.
- ١٨-١٨) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٣٩، ح ٧٧٤٦.

۱۵۹۱. کسی که اساس شر بنا نهد، برای خودش بنا کرده است.
۱۵۹۲. بدترین عیب انسان این است که عیوب خودش را نداند.
۱۵۹۳. شریف ترین علم، آراسته شدن به بردباری است.
۱۵۹۴. تغافل نسبت به آنچه [از بدی های مردم] می داند، شریف ترین کار انسان کریم است.
۱۵۹۵. کسی که خودش را دوست دارد، به دیگران ظلم نمی کند.
۱۵۹۶. کسی که کار آخرت خود را اصلاح کند، خدا دنیای او را اصلاح می کند.
۱۵۹۷. هر کس باطن خود را اصلاح کند، خداوند ظاهر او را اصلاح می کند.
۱۵۹۸. کسی که مابین خود و خدای متعال را اصلاح کند، خداوند مابین او و مردم را اصلاح می کند.
۱۵۹۹. کسی که از خدا اطاعت کند، کارش بالا می گیرد.
۱۶۰۰. کسی که از سخن چین اطاعت کند، دوست خود را از دست می دهد.
۱۶۰۱. کسی که از امام خود اطاعت کند، از خداوند اطاعت کرده است.
۱۶۰۲. کسی که از هوای نفس پیروی کند، هلاک می شود.
۱۶۰۳. کسی که دشمنی خود را آشکار کند، حيله اش کم می شود.
۱۶۰۴. کسی که تصمیم خود را آشکار کند، دورانیشی اش از بین می رود.
۱۶۰۵. کسی که فقر خود را آشکار کند، ارزش خود را کم کرده است.
۱۶۰۶. کسی که از دنیا رویگردان شود، دنیا به سویش می رود.
۱۶۰۷. کسی که دقت کند، غنیمت برده است.
۱۶۰۸. حکومت کریمان، سودمندترین غنایم است.

١٦٠٩. مَنْ أَعْبَنُ مِمَّنْ بَاعَ الْبِقَاعَ بِالْفَنَاءِ؟! (١)
١٦١٠. مِنْ أَفْحَشِ الظُّلْمِ ظُلْمُ الْكِرَامِ. (٢)
١٦١١. مَنْ أَفْسَدَ دِينَهُ أَفْسَدَ مَعَادَةَ. (٣)
١٦١٢. مَنْ أَفْشَى سِرًّا اسْتُودِعَهُ فَقَدْ خَانَ. (٤)
١٦١٣. مِنْ أَفْضَلِ الْبِرِّ بُرُّ الْإِيْتَامِ. (٥)
١٦١٤. مَنْ أَقْرَضَ اللَّهَ جِزَاءَهُ. (٦)
١٦١٥. مَنْ أَكْثَرَ الْإِسْتِرْسَالَ نَدِمَ. (٧)
١٦١٦. مَنْ أَلْحَ (٨) عَلَيْهِ الْفَقْرُ، فَلْيَكْثِرْ مِنْ قَوْلِ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. (٩)
١٦١٧. مَنْ أَلْحَ فِي السُّؤَالِ حُرْمَ. (١٠)
١٦١٨. مَنْ أَمَاتَ شَهْوَتَهُ، أَحْيَا مُرْوَعَتَهُ. (١١)
١٦١٩. مَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ شَدَّ ظُهُورَ الْمُؤْمِنِينَ. (١٢)
١٦٢٠. مَنْ أَمَرَ عَلَيْهِ لِسَانُهُ قَضَى بِحَتْفِهِ. (١٣)
١٦٢١. مَنْ أَمَرَكَ بِإِصْلَاحِ نَفْسِكَ، فَهُوَ أَحَقُّ مِنْ تُطِيعُهُ. (١٤)
١٦٢٢. مَنْ أَمْسَكَ عَنِ فُضُولِ الْمَقَالِ، شَهِدَتْ بِعَقْلِهِ الرِّجَالُ. (١٥)
١٦٢٣. مَنْ أَنْسَ بِاللَّهِ اسْتَوْحَشَ مِنَ النَّاسِ. (١٦)
١٦٢٤. مَنْ أَنْصَفَ أَنْصَفَ. (١٧)
١٦٢٥. مَنْ أَوْسَعَ اللَّهُ عَلَيْهِ نِعْمَةً، وَجَبَ عَلَيْهِ أَنْ يَوْسَعَ النَّاسَ إِنْعَامًا. (١٨)
١٦٢٦. مَنْ أَيْقَظَ فِتْنَةً فَهُوَ آكِلُهَا. (١٩)

- ٢-٢) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٥٦، ح ١٠٤٠٣.
- ٣-٣) . تصنيف غررالحكم، ص ٨٦ ح ١٤٣٤.
- ٤-٤) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٢١ ح ٧٤٣٤.
- ٥-٥) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٠٩ ح ٩٤٠١.
- ٦-٦) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٩٩ ح ٩٢٧٠.
- ٧-٧) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٨٢ ح ١١٠٩٩.
- ٨-٨) . أَلْحَ عَلَى الشَّيْءِ: أَقْبَلَ عَلَيْهِ لَا يَفْتَرُّ عَنْهُ (لسان العرب: لبح).
- ٩-٩) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٦٦ ح ٨٢٨٦.
- ١٠-١٠) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٦٤ ح ١٠٦٦٨.
- ١١-١١) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٤١ ح ٤٨٩١.
- ١٢-١٢) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٣٢ ح ٧٦٤٣.
- ١٣-١٣) . تصنيف غررالحكم، ص ٢١٤ ح ٤١٨٧.
- ١٤-١٤) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٢٤ ح ٩٧٣٦.
- ١٥-١٥) . تصنيف غررالحكم، ص ٢١٢ ح ٤٠٩٨.
- ١٦-١٦) . تصنيف غررالحكم، ص ١٩٩ ح ٣٩٥٠.
- ١٧-١٧) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٩٤ ح ٩١٢٠.
- ١٨-١٨) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٧٢ ح ٨٤٢٧.
- ١٩-١٩) . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٣٠٨، ح ٥٢٨.

۱۶۰۹. چه کسی زیانکارتر از آنکه بقاء را به فناء بفروشد.
۱۶۱۰. فاحش ترین ستم، ستم بر کریمان است.
۱۶۱۱. کسی که دین خود را تباه کند، آخرتش را تباه کرده است.
۱۶۱۲. هر کس سِرّی را که نزد او به ودیعه سپرده اند فاش کند، خیانت کرده است.
۱۶۱۳. برترین نیکی، نیکی بر یتیم است.
۱۶۱۴. کسی که برای خدا قرض دهد، خدا پاداش او را می دهد.
۱۶۱۵. کسی که زیاد اعتماد کند، پشیمان می شود.
۱۶۱۶. کسی که فقر او را می آزارد، زیاد بگوید: لا حول ولا قوه الا بالله العظیم.
۱۶۱۷. کسی که زیاد درخواست کند، محروم می شود.
۱۶۱۸. کسی که شهوت را بمیراند، مروّت خود را زنده کرده است.
۱۶۱۹. کسی که امر به معروف کند، کمر مؤمنین را محکم کرده است.
۱۶۲۰. کسی که زبانش را بر خود امیر کند، به مرگ او حکم می کند.
۱۶۲۱. کسی که تو را به اصلاح خودت امر کند، شایسته اطاعت است.
۱۶۲۲. کسی که حرف اضافه نگوید، بزرگان به عقل او گواهی می دهند.
۱۶۲۳. کسی که با خدا انس بگیرد، از مردم وحشت می کند.
۱۶۲۴. به کسی که انصاف داشته باشد، انصاف می کنند.
۱۶۲۵. بر کسی که خدا به او نعمتی داده است، واجب است که مردم را از نعمتها برخوردار کند.
۱۶۲۶. کسی که فتنه ای را بیدار کند همان فتنه او را می خورد.

١٦٢٧. مَنْ أَيْقَنَ بِالْآخِرَةِ سَلَا عَنِ الدُّنْيَا. (١)

١٦٢٨. مَنْ أَيْقَنَ بِالْجَزَاءِ أَحْسَنَ. (٢)

١٦٢٩. مَنْ بَاعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاهُ خَسِرَهُمَا. (٣)

١٦٣٠. مَنْ بَحَثَ عَنِ أَسْرَارِ غَيْرِهِ أَظْهَرَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ أَسْرَارَهُ. (٤)

١٦٣١. مَنْ بَحَثَ عَنِ عُيُوبِ النَّاسِ فَلْيَبْدَأْ بِنَفْسِهِ. (٥)

١٦٣٢. مَنْ بَخِلَ بِدِينِهِ جَلَّ. (٦)

١٦٣٣. مَنْ بَخِلَ بِمَالِهِ ذَلَّ. (٧)

١٦٣٤. مَنْ بَدَّلَ بَرَّهُ انْتَشَرَ ذِكْرُهُ. (٨)

١٦٣٥. مَنْ بَدَّلَ عِرْضَهُ ذَلَّ. (٩)

١٦٣٦. مَنْ بَرَّ وَالِدَيْهِ بَرَّهُ وَوَلَدَهُ. (١٠)

١٦٣٧. مَنْ بَصَّرَكَ عَيْبِكَ فَقَدْ نَصَحَكَ. (١١)

١٦٣٨. مَنْ بَغَى كَسَرَ. (١٢)

١٦٣٩. مَنْ تَتَبَعَ خَفِيَّاتِ الْعُيُوبِ، حَرَمَهُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ مَوَدَّاتِ الْقُلُوبِ. (١٣)

١٦٤٠. مَنْ تَتَبَعَ عَوْرَاتِ النَّاسِ، كَشَفَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ. (١٤)

١٦٤١. مَنْ تَجَرَّبَ يَزِدُّ حَزْمًا. (١٥)

١٦٤٢. مَنْ تَحَلَّمَ حَلُمًا. (١٦)

١٦٤٣. مَنْ تَخَلَّفَ عَنَّا مُحِقًّا (١٧). (١٨)

١٦٤٤. مَنْ تَذَكَّرَ بَعْدَ السَّفَرِ اسْتَعَدَّ. (١٩)

ص: ٢٥٨

- ٢-٢) . تصنيف غررالحكم، ص ١٦٦، ح ٣٢٢١.
- ٣-٣) . تصنيف غررالحكم، ص ١٤١، ح ٢٤٨٩.
- ٤-٤) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٢١، ح ٩٦٥٥.
- ٥-٥) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٣٤، ح ٤٧٠٤.
- ٦-٦) . تصنيف غررالحكم، ص ٨٦، ح ١٤٣٢.
- ٧-٧) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٩٣، ح ٦٥٥٨.
- ٨-٨) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٤٩، ح ١٠٣٢٧.
- ٩-٩) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٥٥، ح ٥٣٩١.
- ١٠-١٠) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٠٧، ح ٩٣٤١.
- ١١-١١) . تصنيف غررالحكم، ص ٤١٥، ح ٩٤٧٢.
- ١٢-١٢) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٤٥، ح ٧٩٤٢.
- ١٣-١٣) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٢١، ح ٩٦٥٦.
- ١٤-١٤) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٢١، ح ٩٦٥٧.
- ١٥-١٥) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٤٤، ح ١٠١٥٩.
- ١٦-١٦) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٨٦، ح ٦٤٣٨.
- ١٧-١٧) . مَحَقٌ فَلَانًا: أَهْلَكَهُ (أقرب الموارد: محق).
- ١٨-١٨) . تصنيف غررالحكم، ص ١١٦، ح ٢٠٢٧.
- ١٩-١٩) . تصنيف غررالحكم، ص ١٥٠، ح ٢٧٤٨.

۱۶۲۷. کسی که به آخرت یقین داشته باشد، از دنیا جدا می شود.
۱۶۲۸. کسی که به پاداش یقین دارد، احسان کند.
۱۶۲۹. کسی که آخرتش را به دنیا فروخت، در هر دو زیان کرد.
۱۶۳۰. کسی که در جستجوی اسرار دیگران باشد، خداوند سبحان اسرارش را آشکار می کند.
۱۶۳۱. کسی که در جستجوی عیب دیگران است، ابتدا از خودش شروع کند.
۱۶۳۲. کسی که نسبت به دین خود بخیل باشد [از دین خود بشدت مراقبت کند]، بزرگوار است.
۱۶۳۳. کسی که نسبت به مال خود بخیل باشد، ذلیل می شود.
۱۶۳۴. کسی که نیکی خود را بذل کند، نیک نامی او منتشر می شود.
۱۶۳۵. کسی که آبروی خود را [با کارهای زشت] بریزد، ذلیل می شود.
۱۶۳۶. کسی که به پدر و مادرش نیکی کند، فرزندش به او نیکی می کند.
۱۶۳۷. کسی که عیب تو را به تو نشان داد، نصیحت و خیرخواهی کرده است.
۱۶۳۸. کسی که [به دیگران] ستم و تجاوز کند، شکسته می شود.
۱۶۳۹. کسی که عیب مخفی دیگران را جستجو می کند، خداوند سبحان مودّت قلبها را بر او حرام می کند.
۱۶۴۰. کسی که اسرار دیگران را می جوید، خداوند اسرارش را آشکار می کند.
۱۶۴۱. کسی که تجربه کند، کاردان می شود.
۱۶۴۲. کسی که [با زحمت] خود را وادار به بردباری وادار کند، [به مرور] بردبار می شود.
۱۶۴۳. کسی که از ما [اهل بیت علیهم السلام] جدا شود هلاک می شود.
۱۶۴۴. کسی که دوری سفر را متذکر شود، آماده می شود.

١٦٤٥. مَنْ تَذَلَّلَ لِأَبْنَاءِ الدُّنْيَا، تَعَرَّى (١) مِنْ لِبَاسِ التَّقْوَى. (٢)

١٦٤٦. مَنْ تَرَكَ لِلَّهِ سُبْحَانَهُ شَيْئًا، عَوَّضَهُ اللَّهُ خَيْرًا مِمَّا تَرَكَ. (٣)

١٦٤٧. مَنْ تَشَبَّهَ بِقَوْمٍ عَدَّ مِنْهُمْ. (٤)

١٦٤٨. مَنْ تَعَاهَدَ نَفْسَهُ بِالْحَذَرِ أَمِنَ. (٥)

١٦٤٩. مَنْ تَعَدَّى حَدَّهُ أَهَانَهُ النَّاسُ. (٦)

١٦٥٠. مَنْ تَعَزَّزَ بِاللَّهِ لَمْ يُذَلِّهِ سُلْطَانٌ. (٧)

١٦٥١. مَنْ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ لِلْعَمَلِ بِهِ، لَمْ يُوْحِشْهُ كَسَادُهُ. (٨)

١٦٥٢. مَنْ تَفَاقَرَ افْتَقَرَ. (٩)

١٦٥٣. مَنْ تَفَقَّهَ فِي الدِّينِ كَثُرَ. (١٠)

١٦٥٤. مَنْ تَفَكَّرَ أَبْصَرَ. (١١)

١٦٥٥. مَنْ تَفَكَّرَ فِي ذَاتِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ أَلْحَدَ. (١٢)

١٦٥٦. مَنْ تَفَكَّرَ فِي ذَاتِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ تَزَنَّقَ. (١٣)

١٦٥٧. مَنْ تَفَهَّمْ ازدادَ. (١٤)

١٦٥٨. مَنْ تَكَثَّرَ بِغَيْرِ اللَّهِ قَلَّ. (١٥)

١٦٥٩. مَنْ تَكَلَّفَ مَا لَا يَعْنِيهِ، فَاتَهُ مَا يَعْنِيهِ. (١٦)

١٦٦٠. مَنْ تَمَسَّكَ بِنَا لِحِقِ. (١٧)

١٦٦١. مَنْ تَوَاضَعَ رُفِعَ. (١٨)

١٦٦٢. مَنْ تَوَاضَعَ عَظَّمَهُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ وَرَفَعَهُ. (١٩)

ص: ٢٦٠

- ٢-٢) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٦٣، ح ٥٦٥٦.
- ٣-٣) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٤٠، ح ٤٨٥٥.
- ٤-٤) . دعائم الإسلام، ج ٢، ص ٥١٣، ح ١٨٣٨.
- ٥-٥) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٣٦، ح ٤٧٤٦.
- ٦-٦) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٣٣، ح ٤٦٧٢.
- ٧-٧) . تصنيف غررالحكم، ص ٨٤، ح ١٣٤٧.
- ٨-٨) . تصنيف غررالحكم، ص ١٥٢، ح ٢٨٢٦.
- ٩-٩) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٧١، ح ٨٤٠٥.
- ١٠-١٠) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٩، ح ٢٦٧.
- ١١-١١) . تحف العقول، ص ٧٩.
- ١٢-١٢) . تصنيف غررالحكم، ص ٨٢، ح ١٢٨٤.
- ١٣-١٣) . تصنيف غررالحكم، ص ٨٢، ح ١٢٨٥.
- ١٤-١٤) . تصنيف غررالحكم، ص ٦٠، ح ٦٥٦.
- ١٥-١٥) . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٣٤٧، ح ٩٨٦.
- ١٦-١٦) . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٣٤٤، ح ٩٥٢.
- ١٧-١٧) . تصنيف غررالحكم، ص ١١٦، ح ٢٠٢٦.
- ١٨-١٨) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٤٩، ح ٥١٧٠.
- ١٩-١٩) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٤٩، ح ٥١٧٢.

۱۶۴۵. کسی که خود را نزد اهل دنیا ذلیل کند، لباس تقوی را از تن بیرون کرده است.

۱۶۴۶. کسی که چیزی را برای خدای سبحان ترک کند، خداوند عوض بهتری به او می دهد.

۱۶۴۷. کسی که خود را شبیه به گروهی در آورد، از آنها به حساب می آید.

۱۶۴۸. کسی که همواره مراقب نفس خود است در امان می ماند.

۱۶۴۹. کسی که از حد خود تجاوز کند، مردم به او توهین می کنند.

۱۶۵۰. کسی که از خدا عزت جوید، هیچ قدرت مندی نمی تواند او را ذلیل کند.

۱۶۵۱. کسی که علمی را برای عمل یاد بگیرد، کساد علم او را به وحشت نمی اندازد.

۱۶۵۲. کسی که تظاهر به فقر کند، فقیر می شود.

۱۶۵۳. کسی که در احکام دین فقیه شود، بزرگ خواهد شد.

۱۶۵۴. کسی که فکر کند، بصیرت می یابد.

۱۶۵۵. کسی که در ذات خداوند سبحان فکر کند، ملحد می شود.

۱۶۵۶. کسی که در ذات خداوند سبحان فکر کند، بی دین می شود.

۱۶۵۷. کسی که فهیم بشود، فزونی یابد.

۱۶۵۸. کسی که بخواهد به کمک به غیر خدا فزونی جوید، نقصان یابد.

۱۶۵۹. کسی که به کارهای غیر مهم و بی فایده پردازد، از کارهای مهم خود باز ماند.

۱۶۶۰. کسی که به ما [اهل بیت علیهم السلام] تمسک جوید، به مقصد می رسد.

۱۶۶۱. کسی که تواضع کند، رفیع شود.

۱۶۶۲. کسی که تواضع کند، خداوند سبحان او را بزرگ و بلند مرتبه می کند.

١٦٦٣. مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ كَفَاهُ. (١)
١٦٦٤. مَنْ جَارَتْ وِلَايَتُهُ، زَالَتْ دَوْلَتُهُ. (٢)
١٦٦٥. مَنْ جَارَ قَصْرَ عُمُرِهِ. (٣)
١٦٦٦. مَنْ جَعَلَ الْحَمْدَ خِتَامَ النُّعْمِ، جَعَلَهُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ مِفْتَاحَ الْمَزِيدِ. (٤)
١٦٦٧. مَنْ جُمِعَ لَهُ مَعَ الْحِرْصِ عَلَى الدُّنْيَا الْبُخْلُ بِهَا، فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِعَمُودِي اللَّؤْمِ. (٥)
١٦٦٨. مَنْ جَهَلَ شَيْئًا عَابَهُ. (٦)
١٦٦٩. مَنْ جَهَلَ عِلْمًا عَادَاهُ. (٧)
١٦٧٠. مَنْ جَهَلَ قَدْرَهُ، تَعَدَّى طَوْرَهُ. (٨)
١٦٧١. مَنْ جَهَلَ كَثْرَ عَثَارِهِ. (٩)
١٦٧٢. مَنْ جَهَلَ نَفْسَهُ، كَانَ بَغَيْرِ نَفْسِهِ أَجْهَلُ. (١٠)
١٦٧٣. مَنْ جَهَلَ وُجُوهَ الْآرَاءِ، أَعْيَبَتْهُ (١١) الْحَيْلُ. (١٢)
١٦٧٤. مَنْ حَارَبَ الْحَقَّ حُرِبَ. (١٣)
١٦٧٥. مَنْ حَسُنَتْ سِيَاسَتُهُ، دَامَتْ رِئَاسَتُهُ. (١٤)
١٦٧٦. مَنْ حَسُنَ جِوَارُهُ، كَثُرَ جِيرَانُهُ. (١٥)
١٦٧٧. مَنْ حَسُنَ خُلُقُهُ، سَهَلَتْ لَهُ طُرُقُهُ. (١٦)
١٦٧٨. مَنْ حَسُنَ ظَنُّهُ بِاللَّهِ سُبْحَانَهُ، فَازَ بِالْجَنَّةِ. (١٧)
١٦٧٩. مَنْ حَسُنَ ظَنُّهُ بِالنَّاسِ، حَازَ مِنْهُمْ الْمَحَبَّةَ. (١٨)

ص: ٢٦٢

١- (١). تصنيف غررالحكم، ص ١٩٦، ح ٣٧٨٣.

٢- (٢). تصنيف غررالحكم، ص ٣٤٦، ح ٧٩٧٠.

- ٣-٣) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٥٨، ح ١٠٤٦٨، وفيه «قسم» بدل «قصر».
- ٤-٤) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٧٩، ح ٦١٩١.
- ٥-٥) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٦١، ح ٥٦٠٤.
- ٦-٦) . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٣٠٨، ح ٥٣٠.
- ٧-٧) . تصنيف غررالحكم، ص ٧٤، ح ١١٤١.
- ٨-٨) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٣٣، ح ٤٦٦٨.
- ٩-٩) . تصنيف غررالحكم، ص ٧٥، ح ١١٧٥.
- ١٠-١٠) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٣٣، ح ٤٦٦٣.
- ١١-١١) . أَعْيَا عَلَى فُلَانٍ الْأَمْرُ: أَعْجَزَهُ (أقرب الموارد: عيب).
- ١٢-١٢) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٤٣، ح ١٠١٠٩.
- ١٣-١٣) . تصنيف غررالحكم، ص ٧٠، ح ١٠٠٢، وفيه: «هرب».
- ١٤-١٤) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٣١، ح ٧٦٢١.
- ١٥-١٥) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٣٧، ح ١٠٠٠٧.
- ١٦-١٦) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٥٥، ح ٥٣٨٩.
- ١٧-١٧) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٥٣، ح ٥٣٣٢.
- ١٨-١٨) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٥٣، ح ٥٣٣١.

۱۶۶۳. کسی که به خدا توکل کند، خدا او را کفایت می کند.
۱۶۶۴. کسی که در حکومتش ظلم باشد، دولتش از بین می رود.
۱۶۶۵. کسی که ظلم کند، عمرش کوتاه می شود.
۱۶۶۶. کسی که بعد از نعمت حمد کند، خداوند سبحان حمد را کلید فزونی قرار می دهد.
۱۶۶۷. کسی که حرص به دنیا را با بخل به دنیا جمع کرده باشد، به دو رکن پستی تمسک کرده است.
۱۶۶۸. کسی که به چیزی جاهل باشد از آن بد می گوید و آن را ناقص می داند.
۱۶۶۹. کسی که علمی را نداند، با آن دشمنی می کند.
۱۶۷۰. کسی که قدر خودش را نداند، از حد خودش تجاوز می کند.
۱۶۷۱. کسی که نادان باشد، لغزش او زیاد می شود.
۱۶۷۲. کسی که خودش را نشناسد، نسبت به دیگران نادان تر است.
۱۶۷۳. کسی که نظرات مختلف را نداند، از چاره جویی ها عاجز است.
۱۶۷۴. کسی که با حق جنگید، غارت شود.
۱۶۷۵. کسی که سیاستش خوب باشد، ریاست او پایدار است.
۱۶۷۶. کسی که خوب همسایه داری کند، همسایگان او بسیار می شوند.
۱۶۷۷. کسی که اخلاقش را خوب کند، راه های [انجام کارهایش] آسان می شود.
۱۶۷۸. کسی که ظن خود را به خدای سبحان نیکو کند، به بهشت رستگار شود.
۱۶۷۹. کسی که به مردم حسن ظن داشته باشد، محبت آنها را بدست می آورد.

١٦٨٠. مَنْ حَفَرَ لِأَخِيهِ بَيْتًا، أَوْقَعَهُ اللَّهُ تَعَالَى فِي بَيْتِهِ. (١)

١٦٨١. مَنْ حَفِظَ لِسَانَهُ أَكْرَمَ نَفْسَهُ. (٢)

١٦٨٢. مِنْ حَقِّ الرَّاعِي أَنْ يَخْتَارَ لِرَعِيَّتِهِ مَا يَخْتَارُهُ لِنَفْسِهِ. (٣)

١٦٨٣. مِنْ حَقِّ الْمَلِكِ أَنْ يَسُوسَ نَفْسَهُ قَبْلَ جُنْدِهِ. (٤)

١٦٨٤. مَنْ حَفَرَ نَفْسَهُ عَظُمَ. (٥)

١٦٨٥. مَنْ خَافَ اللَّهَ لَمْ يَشْفِ غَيْظَهُ. (٦)

١٦٨٦. مَنْ خَافَ أَمِنَ. (٧)

١٦٨٧. مَنْ خَافَ سَوَاطِكَ تَمَنَّى مَوْتَكَ. (٨)

١٦٨٨. مَنْ خَالَطَ الْعُلَمَاءَ وُقِّرَ. (٩)

١٦٨٩. مَنْ خَالَفَ النَّصِيحَ هَلَكَ. (١٠)

١٦٩٠. مَنْ خَبِثَ غَضَبُهُ سَاءَ مَحْضَرُهُ. (١١)

١٦٩١. مِنْ خَزَائِنِ الْغَيْبِ تَظْهَرُ الْحِكْمَةُ. (١٢)

١٦٩٢. مَنْ خَشَعَ قَلْبُهُ، خَشَعَتْ جَوَارِحُهُ. (١٣)

١٦٩٣. مَنْ خَلَا بِالْعِلْمِ، لَمْ تَوْجِشْهُ خَلْوَةٌ. (١٤)

١٦٩٤. مَنْ دَارَى النَّاسَ سَلِمَ. (١٥)

١٦٩٥. مَنْ دَاهَنَكَ فِي غَيْبِكَ، عَابَكَ فِي غَيْبِكَ. (١٦)

١٦٩٦. مَنْ دَعَا اللَّهَ أَجَابَهُ. (١٧)

١٦٩٧. مِنْ دَلَائِلِ الْعَقْلِ النَّطْقُ بِالصَّوَابِ. (١٨)

ص: ٢٦٤

- ٢-٢) . تصنيف غررالحكم، ص ٢١٤، ح ٤١٨٩.
- ٣-٣) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٤٤، ح ٧٨٩٢.
- ٤-٤) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٤١، ح ٧٧٩١.
- ٥-٥) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٤٩، ح ٥١٧١.
- ٦-٦) . تصنيف غررالحكم، ص ١٩٠، ح ٣٦٩٠.
- ٧-٧) . تصنيف غررالحكم، ص ١٩١، ح ٣٧٠٣.
- ٨-٨) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٤٤، ح ٧٨٨٠.
- ٩-٩) . تحف العقول، ص ٨٨.
- ١٠-١٠) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٦٤، ح ١٠٦٦٣.
- ١١-١١) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٠٩، ح ٩٣٩٢.
- ١٢-١٢) . تصنيف غررالحكم، ص ٥٨، ح ٦٠٧.
- ١٣-١٣) . تصنيف غررالحكم، ص ١٩٠، ح ٣٦٩١.
- ١٤-١٤) . تصنيف غررالحكم، ص ٤١، ح ٢٢.
- ١٥-١٥) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٤٥، ح ١٠١٨٦.
- ١٦-١٦) . تصنيف غررالحكم، ص ٤١٨، ح ٩٥٧٤.
- ١٧-١٧) . تصنيف غررالحكم، ص ١٩٣، ح ٣٧٥٢.
- ١٨-١٨) . تصنيف غررالحكم، ص ٢١٠، ح ٤٠٤٤.

۱۶۸۰. کسی که برای برادرش چاه بکند، خداوند تعالی خودش را در چاه می اندازد.
۱۶۸۱. کسی که زبانش را حفظ کند، خودش را گرامی داشته است.
۱۶۸۲. از حقوق [مردم بر عهده] سرپرست این است که، آنچه بر خود می پسندد برای زیر دستان هم بیسندد.
۱۶۸۳. از حقوق [لازم بر عهده] فرمانده این است که، خودش را قبل از لشکرش فرماندهی کند.
۱۶۸۴. کسی که خودش را کوچک شمرد، بزرگ می شود.
۱۶۸۵. کسی که از خدا خوف داشته باشد، غضبش را اعمال نمی کند [بلکه فرو می خورد].
۱۶۸۶. کسی که ترس [به جا] داشته باشد، در امان می ماند.
۱۶۸۷. کسی که از تازیانه ی تو بترسد، مرگ تو را آرزو می کند.
۱۶۸۸. کسی که با علما معاشرت کند، با وقار می شود.
۱۶۸۹. کسی که با خیرخواهی مخالفت کند، هلاک می شود.
۱۶۹۰. کسی که ذاتش خراب باشد، محضرش بد است.
۱۶۹۱. حکمت از خزائن غیبت آشکار می شود.
۱۶۹۲. کسی که قلبش خاشع باشد، اعضاء او هم خاشع می شوند.
۱۶۹۳. کسی که با علم خلوت کند، تنهایی او را بوحشت نمی اندازد.
۱۶۹۴. کسی که با مردم مدارا کند، سالم می ماند.
۱۶۹۵. کسی که تو را در عیب رها کند [در حضورت عیب تو را گوش زد نکند]، در غیبت تو عیب را آشکار می کند.
۱۶۹۶. کسی که از خدا بخواهد، خدا او را اجابت می کند.
۱۶۹۷. سخن درست گفتن، دلیل عقل است.

١٦٩٨. مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ ذَكَرَهُ. (١)

١٦٩٩. مَنْ ذَكَرَ الْمَيِّتَةَ نَسِيَ الْأَمِّيَّةَ. (٢)

١٧٠٠. مَنْ ذَكَرَ الْمَوْتَ، رَضِيَ مِنَ الدُّنْيَا بِالْيَسِيرِ. (٣)

١٧٠١. مَنْ رُزِقَ الدِّينَ، فَقَدْ رُزِقَ (خَيْرَ) الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (٤)

١٧٠٢. مَنْ رَضِيَ بِالْقَضَاءِ، طَابَ عَيْشُهُ. (٥)

١٧٠٣. مَنْ رَضِيَ بِقِسْمِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ، لَمْ يَحْزَنْ عَلَى مَا فَاتَهُ. (٦)

١٧٠٤. مَنْ رَضِيَ عَنِ نَفْسِهِ، أَسْخَطَ رَبَّهُ. (٧)

١٧٠٥. مَنْ رَضِيَ مِنَ اللَّهِ بِالْيَسِيرِ مِنَ الرُّزْقِ، رَضِيَ اللَّهُ مِنْهُ بِالْيَسِيرِ مِنَ الْعَمَلِ. (٨)

١٧٠٦. مَنْ رَعَى الْإِيْتَامَ رُعِيَ فِي بَنِيهِ. (٩)

١٧٠٧. مَنْ رُفِعَ بِإِلَافَتِهِ، وَوُضِعَ بِإِلَافَتِهِ. (١٠)

١٧٠٨. مَنْ رَقِيَ دَرَجَاتِ الْهَمَمِ، عَظَّمَتْهُ الْأُمَّمُ. (١١)

١٧٠٩. مَنْ رَكِبَ الْبَاطِلَ نَدِمَ. (١٢)

١٧١٠. مَنْ رَكِبَ غَيْرَ سَفِينَتِنَا غَرِقَ. (١٣)

١٧١١. مَنْ زَادَ أَدْبُهُ عَلَى عَقْلِهِ، كَانَ كَالزَّاعِي بَيْنَ غَنَمٍ كَثِيرَةٍ. (١٤)

١٧١٢. مَنْ زَادَ عَقْلُهُ نَقَصَ حُظُّهُ، وَمَا جَعَلَ اللَّهُ لِأَحَدٍ عَقْلاً وَافِراً إِلَّا اِحْتَسَبَ بِهِ عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِهِ. (١٥)

١٧١٣. مَنْ زَادَ عِلْمُهُ عَلَى عَقْلِهِ، كَانَ وَبِالْأَعْلَى. (١٦)

١٧١٤. مَنْ زَادَهُ اللَّهُ كَرَامَةً، فَحَقِيقٌ بِهِ أَنْ يَزِيدَ النَّاسَ إِكْرَاماً. (١٧)

١٧١٥. مَنْ زَرَعَ الْعُدْوَانَ، حَصَدَ الْخُسْرَانَ. (١٨)

ص: ٢٦٦

- ٢-٢) . تصنيف غررالحكم، ص ١٤٦، ح ٢٦٥٥.
- ٣-٣) . تصنيف غررالحكم، ص ١٦٢، ح ٣١٢٨.
- ٤-٤) . تصنيف غررالحكم، ص ٨٥، ح ١٣٨٤.
- ٥-٥) . تصنيف غررالحكم، ص ١٠٤، ح ١٨٤١.
- ٦-٦) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٩٨، ح ٩٢٣٤.
- ٧-٧) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٠٨، ح ٧٠٧٢.
- ٨-٨) . تحف العقول، ص ٥٧.
- ٩-٩) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٠٩، ح ٩٤٠٠.
- ١٠-١٠) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٤٤، ح ٧٨٨٥.
- ١١-١١) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٤٨، ح ١٠٢٧٠.
- ١٢-١٢) . تصنيف غررالحكم، ص ٧١، ح ١٠٢٩.
- ١٣-١٣) . تصنيف غررالحكم، ص ١١٦، ش ٢٠٢٩.
- ١٤-١٤) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٤٨، ح ٥١٠٣.
- ١٥-١٥) . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٣٠٨، ح ٥٣٤.
- ١٦-١٦) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٧، ح ٢٣١.
- ١٧-١٧) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٧٢، ح ٨٤٢٨.
- ١٨-١٨) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٦١، ح ١٠٥٧٢.

۱۶۹۸. کسی که خدا را یاد کند، خدا او را یاد می کند.

۱۶۹۹. کسی که مرگ را یاد کند، آرزوها را فراموش می کند.

۱۷۰۰. کسی که مرگ را یاد کند، از دنیا به مقدار کم راضی می شود.

۱۷۰۱. کسی که دین داشته باشد، خیر دنیا و آخرت دارد.

۱۷۰۲. کسی که به قضا [و قدر] راضی باشد، زندگیش گوارا می شود.

۱۷۰۳. کسی که به قسمت الهی راضی باشد، از آنچه از دست می دهد غمگین نمی شود.

۱۷۰۴. کسی که از خودش راضی باشد، خدایش را ناراضی می کند.

۱۷۰۵. کسی که به مقدار کمی از رزق خدا راضی باشد، خدا هم به عمل کم او راضی می شود.

۱۷۰۶. کسی که به یتیمان رسیدگی کند، به فرزندان او رسیدگی می کنند.

۱۷۰۷. کسی که بی کفایت بالا برده شود، بدون جنایت [به بهانه ای] ساقط می شود.

۱۷۰۸. کسی که از پله های همت بالا رود، همه او را تعظیم می کنند.

۱۷۰۹. کسی که به باطل گراید، پشیمان شود.

۱۷۱۰. کسی که بر غیر کشتی ما سوار شود، غرق می شود.

۱۷۱۱. کسی که ادبش بیشتر از عقلش باشد، مانند چوپانی در بین گله های بسیار است [و نمی تواند آنها را جمع و جور کند و سرگردان می شود].

۱۷۱۲. کسی که عقلش زیاد شود، نصیبش کم می شود. و خداوند به کسی عقل زیاد نداده مگر اینکه آن را از رزق او بحساب آورد.

۱۷۱۳. کسی که علمش بیشتر از عقل او باشد، علم وبال او می شود.

۱۷۱۴. کسی که خداوند کرامتش را زیاد کند، سزاوار است که مردم هم به او بیشتر اکران کنند.

۱۷۱۵. کسی که دشمنی بکارد، زیان درو می کند.

١٧١٦. مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا، حَصَّنَ دِينَهُ. (١)

١٧١٧. مَنْ سَاسَ نَفْسَهُ، أَدْرَكَ السِّيَاسَةَ. (٢)

١٧١٨. مَنْ سَاءَ أَذْبُهُ، شَانَ حَسْبُهُ. (٣)

١٧١٩. مَنْ سَاءَ تَدْبِيرُهُ، بَطَلَ تَقْدِيرُهُ. (٤)

١٧٢٠. مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ، ضَاقَ رِزْقُهُ. (٥)

١٧٢١. مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ، عَذَّبَ نَفْسَهُ. (٦)

١٧٢٢. مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ، مَلَأَ أَهْلَهُ. (٧)

١٧٢٣. مَنْ سَأَلَ عِلْمًا. (٨)

١٧٢٤. مَنْ سَأَلَ فِي صِغَرِهِ، أَجَابَ فِي كِبَرِهِ. (٩)

١٧٢٥. مَنْ سَجَنَ لِسَانَهُ، أَمِنَ مِنْ نَدَمِهِ. (١٠)

١٧٢٦. مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ أَنْ يَضَعَ مَعْرُوفَهُ عِنْدَ أَهْلِهِ. (١١)

١٧٢٧. مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ أَنْ يَطُولَ عُمرُهُ، وَيَرَى فِي أَعْدَائِهِ مَا يَسُرُّهُ. (١٢)

١٧٢٨. مَنْ سَكَتَ فَسَلِمَ، كَمَنْ تَكَلَّمَ فَغَنِمَ. (١٣)

١٧٢٩. مَنْ سَكَنَ الْوَفَاءَ صَدْرُهُ، أَمِنَ النَّاسُ غَدْرَهُ. (١٤)

١٧٣٠. مَنْ سَلَ (١٥) سَيْفَ الْبَغِيِّ، غَمِدَ فِي رَأْسِهِ. (١٦)

١٧٣١. مَنْ سَلَكَ غَيْرَ طَرِيقَتِنَا سَحِقَ (١٧). (١٨)

١٧٣٢. مَنْ سَمِعَ بِفَاحِشَةٍ فَأَبْدَاهَا، كَانَ كَمَنْ أَتَاهَا. (١٩)

ص: ٢٤٨

١- (١). تصنيف غررالحكم، ص ٢٧٧، ح ٦٠٩٧.

٢- (٢). تصنيف غررالحكم، ص ٣٣١، ح ٧٦٢٢.

- ٣-٣) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٤٨، ح ٥١٢٣.
- ٤-٤) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٥٤، ح ٨٠٩٣.
- ٥-٥) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٦٤، ح ٥٧١١.
- ٦-٦) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٦٤، ٥٧٠٥.
- ٧-٧) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٦٤، ح ٥٧١٥.
- ٨-٨) . تصنيف غررالحكم، ص ٦٠، ح ٦٥٦.
- ٩-٩) . تصنيف غررالحكم، ص ٦٠، ح ٦٦٢.
- ١٠-١٠) . تصنيف غررالحكم، ص ٢١٤، ح ٤١٨٦.
- ١١-١١) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٠٥، ح ٩٢٧٨.
- ١٢-١٢) . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٣٠٢، ح ٤٥٩.
- ١٣-١٣) . تصنيف غررالحكم، ص ٢١٧، ح ٤٢٦٨.
- ١٤-١٤) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٥٢، ح ٥٢٦٢.
- ١٥-١٥) . سَلَّ الشَّيْءَ مِنَ الشَّيْءِ: أَنْتَزَعَهُ وَأَخْرَجَهُ فِي رَفْقٍ (أقرب الموارد: سلل).
- ١٦-١٦) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٤٥، ح ٧٩٤٤.
- ١٧-١٧) . النَّاسِخُ: «غَيْرَ سَبِيلِنَا غَرِقَ»، وَسَحَقَهُ اللَّهُ: أَي أَبْعَدَهُ (لسان العرب: سحق).
- ١٨-١٨) . تحف العقول، ص ١١٥.
- ١٩-١٩) . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٢٧٣، ح ١٦٠.

۱۷۱۶. کسی که در دنیا زهد داشته باشد، دین خود را در حصار محکم کرده است.

۱۷۱۷. کسی که خودش را تدبیر کند، سیاستمدار شود.

۱۷۱۸. کسی که بی ادبی کند، نژادش را تحقیر کرده است.

۱۷۱۹. کسی که تدبیرش بد باشد، تقدیرش باطل شود.

۱۷۲۰. کسی که بد اخلاقی کند، رزقش کم شود.

۱۷۲۱. کسی که بد اخلاقی کند، خودش را معذب می کند.

۱۷۲۲. کسی که بد اخلاقی کند، نزدیکانش از دست او ملول می شوند.

۱۷۲۳. کسی که سؤال کند، دانا شود.

۱۷۲۴. کسی که در کودکی سؤال کند در بزرگسالی جوای می دهد [طلب علم در کودکی باعث دانشمندی در بزرگسالی می شود].

۱۷۲۵. کسی که زبانش را حبس کند، از ندامت در امان است.

۱۷۲۶. از سعادت انسان این است که، نیکی خود را به کسانی که شایسته نیکی هستند، برساند.

۱۷۲۷. از سعادت انسان این است که، عمرش طولانی شود و در دشمنانش چیزی ببیند که شاد شود.

۱۷۲۸. کسی که ساکت شود، سالم بماند، مانند کسی که سخن بگوید و سود برد.

۱۷۲۹. کسی که در قلبش وفاداری جایگزین کند، مردم از مکر او در امان هستند.

۱۷۳۰. کسی که شمشیر تجاوز بکشد، بر سر خودش فرود آید.

۱۷۳۱. کسی که غیر راه ما [اهل بیت علیهم السلام] را ببیند، از مقصد دورتر می شود.

۱۷۳۲. کسی که گناهی را بشنود و آشکار کند، مثل کسی است که آن گناه را انجام داده است.

١٧٣٣. مَنْ شَاوَرَ الرَّجَالَ، شَارَكَهَا فِي عَقُولِهَا. (١)
١٧٣٤. مَنْ شَبَّ نَارَ الْفِتْنَةِ، كَانَ وَقوداً لَهَا. (٢)
١٧٣٥. مِنْ شَرَائِطِ الْإِيمَانِ حُسْنُ مُصَاحَبَةِ الْإِخْوَانِ. (٣)
١٧٣٦. مِنْ شَقَاءِ الْمَرْءِ أَنْ يُفْسِدَ (الشُّكُّ) يَقِينَهُ. (٤)
١٧٣٧. مَنْ شَكَأَ ضُرَّهُ إِلَى غَيْرِ مُؤْمِنٍ، فَكَأَنَّمَا شَكَأَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ. (٥)
١٧٣٨. مَنْ شَكَأَ ضُرَّهُ إِلَى مُؤْمِنٍ، فَكَأَنَّمَا شَكَأَ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ. (٦)
١٧٣٩. مَنْ شَكَرَ اللَّهَ زَادَهُ. (٧)
١٧٤٠. مَنْ شَكَرَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ، وَجَبَ عَلَيْهِ شُكْرُ ثَانٍ إِذْ وَفَّقَهُ لِشُكْرِهِ، وَهُوَ شُكْرُ الشُّكْرِ. (٨)
١٧٤١. مَنْ شَكَرَ الْمَعْرُوفَ، فَقَدْ قَضَى حَقَّهُ. (٩)
١٧٤٢. مَنْ شَكَرَ النَّعْمَ بِجَنَانِهِ، اسْتَحَقَّ الْمَزِيدَ قَبْلَ أَنْ يَظْهَرَ عَلَى لِسَانِهِ. (١٠)
١٧٤٣. مَنْ شَكَرَ إِلَيْكَ مَعْرُوفَكَ فَقَدْ سَأَلَكَ. (١١)
١٧٤٤. مَنْ شِيمَ الْكِرَامِ بَدَلُ النَّدَى. (١٢)
١٧٤٥. مَنْ صَاحَبَ الْعُقَلَاءَ وُقِّرَ. (١٣)
١٧٤٦. مَنْ صَارَعَ الْحَقَّ صُرِعَ. (١٤)
١٧٤٧. مَنْ صَحِبَ السُّلْطَانَ بِالصِّحَّةِ وَالنَّصِيحَةِ، كَانَ أَكْثَرَ عَدُوًّا مِمَّنْ صَحِبَهُ بِالْغِشِّ وَالْخِيَانَةِ. (١٥)
١٧٤٨. مِنْ صِحَّةِ الْأَجْسَامِ تَوَلَّدَ الْأَسْقَامُ. (١٦)
١٧٤٩. مَنْ صَدَقَتْ لَهْجَتُهُ، قَوِيَتْ حُجَّتُهُ. (١٧)
١٧٥٠. مَنْ صَدَقَ مَقَالُهُ، زَادَ جَلَالُهُ. (١٨)

- ٢-٢) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٦٤، ح ١٠٦٧٧.
- ٣-٣) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٢٢، ح ٩٦٨٢.
- ٤-٤) . تصنيف غررالحكم، ص ٧١، ح ١٠٤٣.
- ٥-٥) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٣٦، ح ٩٩٩٠.
- ٦-٦) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٨٢، ح ١١١١٥.
- ٧-٧) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٧٩، ح ٦١٩٢.
- ٨-٨) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٧٨، ح ٦١٣٣.
- ٩-٩) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٧٨، ح ٦١٢٩.
- ١٠-١٠) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٨٠، ح ٦١٩٣.
- ١١-١١) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٩٠، ح ٨٩٦٦.
- ١٢-١٢) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٧٧، ح ٨٥٠١.
- ١٣-١٣) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٢٩، ح ٩٧٧٥.
- ١٤-١٤) . تصنيف غررالحكم، ص ٧٠، ح ١٠٠٠.
- ١٥-١٥) . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٣٢٩، ح ٧٧٢.
- ١٦-١٦) . تصنيف غررالحكم، ص ١٣١، ح ٢٢٦٠.
- ١٧-١٧) . تصنيف غررالحكم، ص ٢١٩، ح ٤٣٥٢.
- ١٨-١٨) . تصنيف غررالحكم، ص ٢١٩، ح ٤٣٥١.

۱۷۳۳. کسی که با بزرگان مشورت کند، با آنها در عقلشان شریک می شود.

۱۷۳۴. کسی که آتش فتنه روشن کند، خودش هیزم آن می شود.

۱۷۳۵. از شرایط ایمان، معاشرت خوب با برادران است.

۱۷۳۶. از شقاوت انسان این است که شک، یقین او را از بین ببرد.

۱۷۳۷. کسی که نزد غیر مؤمن از مشکل خود شکایت کند، گویا از خداوند سبحان شکایت کرده است.

۱۷۳۸. کسی که نزد مؤمن از مشکل خود شکایت کند، گویا نزد خداوند سبحان شکایت برده است.

۱۷۳۹. کسی که خدا را شکر کند، خدا [نعمتش را] زیاد می کند.

۱۷۴۰. کسی که خداوند سبحان را شکر کند، شکر دیگری برای این شکر واجب می شود. و این شکر شکر است.

۱۷۴۱. کسی که از خوبی شکر کند، حق آن را ادا کرده است.

۱۷۴۲. کسی که نعمتها را در قلب خود شکر کند، قبل از اینکه به زبان آورد، مستحق فزونی می شود.

۱۷۴۳. کسی که از کار نیک تو تشکر کرد، در حقیقت [فزونی را] از تو درخواست کرده است.

۱۷۴۴. بذل بهترین ها، از عاداتهای کریمان است.

۱۷۴۵. کسی که با عاقلان نشیند، باوقار شود.

۱۷۴۶. کسی که با حق کشتی بگیرد [در بیافتد] زمین می خورد.

۱۷۴۷. کسی که با پادشاه از راه سلامتی و خیرخواهی هم نشین شود بیشتر از کسی است که با او از راه غش و خیانت هم نشینی کند، دشمن داشته می شود.

۱۷۴۸. بوجود آمدن بیماری، برای سلامتی بدن است.

۱۷۴۹. کسی که راست بگوید، برهانش قوی می شود.

۱۷۵۰. کسی که در گفتار صادق باشد، جلالش بیشتر می شود.

١٧٥١. مِنْ صِغْرِ الْهِمَّةِ حَسَدُ الصَّدِيقِ عَلَى النُّعْمَةِ. (١)
١٧٥٢. مِنْ صِفَةِ الْعَاقِلِ أَلَّا يَتَحَدَّثَ بِمَا يُسْتَطَاعُ تَكْذِيبُهُ فِيهِ. (٢)
١٧٥٣. مَنْ ضَاقَ عَلَيْهِ الْعَدْلُ، فَالْجَوْرُ عَلَيْهِ أَضْيَقُ. (٣)
١٧٥٤. مَنْ ضَعُفَ عَنِ حِفْظِ سِرِّهِ، لَمْ يَقْوِ لِسْرٍ غَيْرِهِ. (٤)
١٧٥٥. مَنْ طَالَتْ فِكْرَتُهُ، حَسُنَتْ بَصِيرَتُهُ. (٥)
١٧٥٦. مَنْ طَالَ عُمُرُهُ، رَأَى فِي أَعْدَائِهِ مَا يَسُرُّهُ. (٦)
١٧٥٧. مَنْ طَالَ عُمُرُهُ، كَثُرَتْ مَصَائِبُهُ. (٧)
١٧٥٨. مِنْ طَبَائِعِ الْجُهَالِ التَّسْرُّعُ إِلَى الْعَضْبِ فِي كُلِّ حَالٍ. (٨)
١٧٥٩. مَنْ طَلَبَ الْكِيمِيَاءَ افْتَقَرَ.
١٧٦٠. مَنْ طَلَبَ رِضَا اللَّهِ بِسَخَطِ النَّاسِ، رَدَّ اللَّهُ تَعَالَى ذِمَّتَهُ مِنَ النَّاسِ حَامِداً. (٩)
١٧٦١. مَنْ طَلَبَ مَا لَا يَعْنِيهِ، فَاتَهُ مَا يَعْنِيهِ. (١٠)
١٧٦٢. مَنْ ظَلَمَ عِبَادَ اللَّهِ، كَانَ اللَّهُ خَصْمَهُ دُونَ عِبَادِهِ. (١١)
١٧٦٣. مَنْ ظَلَمَ قُصِمَ (١٢) عُمُرُهُ. (١٣)
١٧٦٤. مَنْ ظَلَمَ يَتِيمًا عَقَّ أَوْلَادَهُ. (١٤)
١٧٦٥. مَنْ ظَنَّ بِكَ خَيْرًا، فَصَدَّقَ ظَنَّهُ. (١٥)
١٧٦٦. مَنْعَ الْكَرِيمِ أَحْسَنُ مِنْ عَطَاءِ اللَّئِيمِ. (١٦)
١٧٦٧. مَنْ عَانَدَ الْحَقَّ صَرَعَهُ. (١٧)
١٧٦٨. مَنْ عَجَزَ عَنِ مَعْرِفَةِ نَفْسِهِ، فَهُوَ عَنِ مَعْرِفَةِ خَالِقِهِ أَعْجَزُ. (١٨)

- ٢-٢) . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٢٨٩، ح ٣٠٢.
- ٣-٣) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٤٦، ح ١٠٢١٧.
- ٤-٤) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٢١، ح ٧٤٣٦.
- ٥-٥) . تصنيف غررالحكم، ص ٥٧، ح ٥٧٤.
- ٦-٦) . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٣٤١، ح ٩٠٤.
- ٧-٧) . تصنيف غررالحكم، ص ١٦٠، ح ٣٠٧٨.
- ٨-٨) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٠٢، ح ٦٨٧٥.
- ٩-٩) . تصنيف غررالحكم، ص ١٨٢، ح ٣٤١٥.
- ١٠-١٠) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٧٧، ح ١٠٩٤٣.
- ١١-١١) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٥٦، ح ١٠٤٠٢.
- ١٢-١٢) . قَصَمَهُ: أَهْلَكَهُ (لسان العرب: قصم).
- ١٣-١٣) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٥٨، ح ١٠٤٦٩.
- ١٤-١٤) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٠٩، ح ٩٤٠٢.
- ١٥-١٥) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٥٣، ح ٥٣٢٩.
- ١٦-١٦) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٦١، ح ٥٦١٠.
- ١٧-١٧) . تصنيف غررالحكم، ص ٧٠، ح ١٠٠٤.
- ١٨-١٨) . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٢٩٢، ح ٣٤٠.

۱۷۵۱. حسادت دوست در نعمت، کم بهرگی انسان است.

۱۷۵۲. از صفات عاقل این است که با کسی که می تواند او را تکذیب کند، سخن نگوید.

۱۷۵۳. کسی که عدل او را به تنگنا می اندازد، جور برایش تنگ تر است.

۱۷۵۴. کسی که نمی تواند سرّ خودش را حفظ کند، قدرت نگهداری سرّ دیگران را ندارد.

۱۷۵۵. کسی که تفکرش بیشتر باشد، بصیرتش نیکو شود.

۱۷۵۶. کسی که عمرش طولانی شود، در دشمنانش چیزی می بیند که شاد می شود.

۱۷۵۷. کسی که عمرش طولانی شود، مصیبتش بسیار می شود.

۱۷۵۸. از طبیعت مردم نادان است که در هر حالی به سرعت غضبناک می شوند.

۱۷۵۹. کسی که بدنبال کیمیا برود، فقیر می شود.

۱۷۶۰. کسی که رضایت خدا را با ناراحتی مردم بدست آورد، خداوند تعالی مذمت کنندگان او را ستایش کننده ی او می گرداند.

۱۷۶۱. کسی که به بدنبال کارهای غیرمهم و بی فایده برود از کارهای مهم و اصلی خود بازماند.

۱۷۶۲. کسی که به بندگان خدا ظلم کند، به جای بندگان، خدا دشمن اوست.

۱۷۶۳. کسی که ظلم کند، عمرش را تلف کرده است.

۱۷۶۴. کسی که به یتیم ظلم کند، به فرزندانش آزار می رسانند.

۱۷۶۵. کسی که به تو گمان نیک داشت، او را [با نیکی کردن به او] تصدیق کن.

۱۷۶۶. ندادن کریم، از بخشیدن لئیم بهتر است.

۱۷۶۷. کسی که با حق عناد ورزد، حق او را کنار می زند.

۱۷۶۸. کسی که از شناخت خود عاجز باشد، در شناخت خالق عاجز تر است.

١٧٦٩. مَنْ عَدَدَ نِعْمَهُ، مَحَقَّ كَرَمَهُ. (١)

١٧٧٠. مَنْ عَدَلَ عَظَمَ قَدْرُهُ. (٢)

١٧٧١. مَنْ عَدَلَ فِي سُلْطَانِهِ، اسْتَعْنَى عَنِ أَعْوَانِهِ. (٣)

١٧٧٢. مَنْ عَدَلَ نَفَذَ حُكْمَهُ. (٤)

١٧٧٣. مَنْ عَذَبَ لِسَانَهُ، كَثُرَ إِخْوَانُهُ. (٥)

١٧٧٤. مَنْ عَرَّضَ نَفْسَهُ لِلتُّهْمَةِ، فَلَا يَلُومَنَّ مَنْ أَسَاءَ الظَّنَّ بِهِ. (٦)

١٧٧٥. مَنْ عَرَفَ العِبْرَةَ، فَكَأَنَّما عَاشَ فِي الأَوَّلِينَ. (٧)

١٧٧٦. مَنْ عَرَفَ النَّاسَ لَمْ يَعْتَمِدْ عَلَيْهِمْ. (٨)

١٧٧٧. مَنْ عُرِفَ بِالكَذِبِ لَمْ يُقْبَلْ صِدْقُهُ. (٩)

١٧٧٨. مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ جَاهَدَهَا. (١٠)

١٧٧٩. مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ، فَقَدِ انْتَهَى إِلَى غَايَةِ كُلِّ مَعْرِفَةٍ وَعِلْمٍ. (١١)

١٧٨٠. مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ، [فَقَد] عَرَفَ رَبَّهُ. (١٢)

١٧٨١. مَنْ عَشِقَ شَيْئاً أَعشى (١٣) بَصْرَهُ، وَأَمْرَضَ قَلْبَهُ؛ فَهُوَ يَنْظُرُ بِعَيْنٍ غَيْرِ صَاحِحَةٍ، وَيَسْمَعُ بِأُذُنٍ غَيْرِ سَمِيعَةٍ. (١٤)

١٧٨٢. مَنْ عَصَى نَفْسَهُ وَصَلَّهَا. (١٥)

١٧٨٣. مَنْ عَظَّمَ صِغَارَ المَصَائِبِ، ابْتَلَاهُ اللهُ سُبْحَانَهُ بِكِبَارِهَا. (١٦)

١٧٨٤. مَنْ عَظَّمَ نَفْسَهُ حَقَّرَ. (١٧)

١٧٨٥. مَنْ عَفَا عَنِ الجَرَائِمِ، فَقَدِ أَخَذَ بِجَوَامِعِ الفضْلِ. (١٨)

ص: ٢٧٤

١- (١). تصنيف غررالحكم، ص ٣١١، ح ٧١٩٢.

٢- (٢). تصنيف غررالحكم، ص ٤٤٦، ص ١٠٢٣١.

- ٣-٣) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٤٠، ح ٧٧٧٤.
- ٤-٤) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٤٠، ح ٧٧٧١.
- ٥-٥) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٣٦، ح ٩٩٩٤.
- ٦-٦) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٨٢، ح ١١١١٩.
- ٧-٧) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٧١، ح ١٠٧٥٨.
- ٨-٨) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٨٢، ح ١١١٠٩.
- ٩-٩) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٢٠، ح ٤٣٩٠.
- ١٠-١٠) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٣٢، ح ٤٦٣٦.
- ١١-١١) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٣٢، ح ٤٦٣٨.
- ١٢-١٢) . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٢٩٢، ح ٣٣٩.
- ١٣-١٣) . عَشَا الرَّجُلُ: سَاءَ بَصْرُهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أَوْ عَمِيَ (أقرب الموارد: عشو).
- ١٤-١٤) . نهج البلاغه، ج ١، ص ٢١١، ح ١٠٩.
- ١٥-١٥) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٤٣، ح ٤٩٤١.
- ١٦-١٦) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٨٢، ح ٦٢٩٦.
- ١٧-١٧) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٠٩، ح ٧١٠٨.
- ١٨-١٨) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٤٥، ح ٥٠١٨.

۱۷۶۹. کسی که نعمتهایش [کارهای خوب خود بر دیگران] را بشمارد، کرامتش را نابود می کند.

۱۷۷۰. کسی که عدالت ورزد، ارزش خود را بالا برده است.

۱۷۷۱. کسی که در حکومتش عادل باشد، از یارانش بی نیاز می شود.

۱۷۷۲. کسی که عادل باشد، حکمش نافذ می شود.

۱۷۷۳. کسی که سخنانش شیرین و دلچسب باشد، دوستانش زیاد شوند.

۱۷۷۴. کسی که خودش را در معرض تهمت قرار دهد، شخصی را که به او سوء ظن برد، ملامت نکند.

۱۷۷۵. کسی که عبرت شناس باشد، گویا در میان پیشینیان زندگی کرده است.

۱۷۷۶. کسی که مردم را بشناسد، به آنها اعتماد نمی کند.

۱۷۷۷. از کسی که به دروغگوئی شناخته شود، سخن راست او هم قبول نمی شود.

۱۷۷۸. کسی که نفس خود را بشناسد، با آن جهاد می کند.

۱۷۷۹. کسی که نفس خود را بشناسد، به نهایت هر معرفت و علم رسیده است.

۱۷۸۰. کسی که نفس خود را بشناسد، خدای خود را شناخته است.

۱۷۸۱. کسی که عاشق چیزی شود، چشم او را کور و قلبش را بیمار می کند، پس او با چشم و گوش غیر صحیح می بیند و می شنود.

۱۷۸۲. کسی که از نفس خود نافرمانی کند، به آن احسان کرده است.

۱۷۸۳. کسی که مصیتهای کوچک را بزرگ شمارد، خداوند سبحان او را به مصیبت بزرگ مبتلا می کند.

۱۷۸۴. کسی که نفس خود را بزرگ شمارد، تحقیر می شود.

۱۷۸۵. کسی که جرم دیگران را عفو کند، به مجموعه فضایل دست یافته است.

١٧٨٦. مِنْ عَقْلِ الرَّجُلِ أَنْ لَا يَتَكَلَّمَ بِكَلِّ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ. (١)

١٧٨٧. مَنْ عَقِلَ صَمَّتْ. (٢)

١٧٨٨. مَنْ عَقِلَ عَفَّ. (٣)

١٧٨٩. مَنْ عَقِلَ قَنَعَ. (٤)

١٧٩٠. مَنْ عَقِلَ كَثُرَ اعْتِبَارُهُ. (٥)

١٧٩١. مِنْ عِلَامَاتِ الْخِذْلَانِ ائْتِمَانُ الْخَوَانِ (٦). (٧)

١٧٩٢. مِنْ عِلَامَاتِ الْخِذْلَانِ اسْتِحْسَانُ الْقَبِيحِ. (٨)

١٧٩٣. مِنْ عِلَامَاتِ الْعَقْلِ الْعَمَلُ بِسُنَنِ الْعَدْلِ. (٩)

١٧٩٤. مِنْ عِلَامَاتِ الْكَرَمِ تَعْجِيلُ الْمَثُوبَةِ. (١٠)

١٧٩٥. مِنْ عِلَامَةِ الشَّقَاءِ غَيْشُ الصَّدِيقِ. (١١)

١٧٩٦. مِنْ عِلَامَةِ اللُّؤْمِ سُوءُ الْجَوَارِ. (١٢)

١٧٩٧. مَنْ عَلَتْ هِمَّتُهُ، طَالَتْ هُمُومُهُ. (١٣)

١٧٩٨. مَنْ عَلِمَ أَحْسَنَ السُّؤَالَ. (١٤)

١٧٩٩. مَنْ عَمَرَ دَارَ إِقَامَتِهِ، فَهُوَ الْعَاقِلُ. (١٥)

١٨٠٠. مَنْ عَمِلَ بِالْحَقِّ رَبِحَ. (١٦)

١٨٠١. مَنْ عَمِيَ عَنِ زَلَّتِهِ، اسْتَعْظَمَ زَلَّهُ غَيْرِهِ. (١٧)

١٨٠٢. مَنْ عَيَّرَ (١٨) بِشَيْءٍ يُبْلَى بِهِ. (١٩)

ص: ٢٧٦

١- (١). تصنيف غررالحكم، ص ٢١٣، ح ٤١٣٢.

٢- (٢). تصنيف غررالحكم، ص ٢١٦، ح ٤٢٣٥.

- ٣-٣) . تصنيف غررالحكم، ص ٥٣، ح ٤٢٨.
- ٤-٤) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٩١، ح ٨٩٩٧.
- ٥-٥) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٧١، ح ١٠٧٥٦.
- ٦-٦) . خانة العَهْد: نَقَضَهُ، فهو خائن، والجمع: خُوَان (أقرب الموارد: خون).
- ٧-٧) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٦٠، ح ١٠٥٣٤.
- ٨-٨) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٩٠، ح ٨٩٦٨.
- ٩-٩) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٤٦، ح ١٠٢٢١.
- ١٠-١٠) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٩٠، ح ٨٩٦٧.
- ١١-١١) . تصنيف غررالحكم، ص ٤١٩، ح ٩٦١٢.
- ١٢-١٢) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٣٧، ح ١٠٠١١.
- ١٣-١٣) . نثر اللآلئ، ص ١٠٠، ح ٢٧٠.
- ١٤-١٤) . تصنيف غررالحكم، ص ٦٠، ح ٦٦١.
- ١٥-١٥) . تصنيف غررالحكم، ص ١٤٥، ح ٢٦١٩.
- ١٦-١٦) . تصنيف غررالحكم، ص ١٥٥، ح ٢٩٢٤.
- ١٧-١٧) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٣٤، ح ٤٧٠٧.
- ١٨-١٨) . عَيْرُهُ كَذَا: قَبَّحَهُ عَلَيْهِ وَنَسَبَهُ إِلَى الْعَارِ (أقرب الموارد: غير).
- ١٩-١٩) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٧٩، ح ١١٠٠٨.

۱۷۸۶. از عقل بزرگان است که تمام آنچه را می دانند، نمی گویند.
۱۷۸۷. کسی که عاقل شود، سکوت می کند.
۱۷۸۸. کسی که عاقل شود، عقیف می شود.
۱۷۸۹. کسی که عاقل شود، قانع می شود.
۱۷۹۰. کسی که عاقل شود، زیاد عبرت می گیرد.
۱۷۹۱. نتیجه امین کردن خائنین، یاری نشدن [و تنها ماندن] است.
۱۷۹۲. خوب شمردن زشتی ها، از علامتهای یاری نشدن [و تنها ماندن] است.
۱۷۹۳. عادلانه رفتار کردن، از علامتهای عقل است.
۱۷۹۴. عجله در پاداش دادن، از علامتهای کرم است.
۱۷۹۵. دورویی با دوست، از علامتهای شقاوت است.
۱۷۹۶. بدی با همسایگان، علامت فرومایگی است.
۱۷۹۷. کسی که همیش عالی شود، غصه هایش طولانی می شوند.
۱۷۹۸. کسی که بداند، خوب سؤال می کند.
۱۷۹۹. کسی که خانه ی اقامت [آخرت] خود را آباد کند، عاقل است.
۱۸۰۰. کسی که به حق عمل کند، سود برده است.
۱۸۰۱. کسی که خطای خود را نبیند، خطای دیگران را بزرگ شمارد.
۱۸۰۲. کسی که چیزی را بر کسی عار بداند و سرزنش کند، به آن گرفتار شود.

١٨٠٣. مَن غَالَبَ الْأَقْدَارَ غَلَبَتْهُ. (١).
١٨٠٤. مَن غَالَبَ الْحَقَّ غَلِبَ. (٢).
١٨٠٥. مَن غَرَسَ النَّخْلَ أَكَلَ الرُّطْبَ، وَمَن غَرَسَ الصَّفْصَفَ وَالْعُلَيْقَ (٣) عُدِمَ ثَمَرَتُهُ، وَذَهَبَتْ ضَيَاعًا خِدْمَتُهُ. (٤).
١٨٠٦. مَن غَضِبَ لِلَّهِ، غَضِبَ اللَّهُ لَهُ. (٥).
١٨٠٧. مَن غَضَّ طَرْفَهُ، أَرَاخَ قَلْبَهُ. (٦).
١٨٠٨. مَن غَلَبَ عَقْلُهُ هَوَاهُ أَفْلَحَ. (٧).
١٨٠٩. مَن فَضَلَ عِلْمَكَ اسْتِقْلَالَكَ لِعِلْمِكَ. (٨).
١٨١٠. مَن فَعَلَ مَا شَاءَ، لَقِيَ مَاسَاءً. (٩).
١٨١١. مَن فَقَدَ أَخًا فِي اللَّهِ، فَكَأَنَّهَا فَقَدَ أَشْرَفَ أَعْضَائِهِ. (١٠).
١٨١٢. مَن فَكَّرَ فِي ذَاتِ اللَّهِ تَزَنَّدَقَ. (١١).
١٨١٣. مَن قَابَلَ الْإِحْسَانَ بِأَفْضَلِ مِنْهُ، فَقَدَ جَازَاهُ. (١٢).
١٨١٤. مَن قَبِلَ النَّصِيحَةَ، أَمِنَ مِنَ الْفَضِيحَةِ. (١٣).
١٨١٥. مَنقَبُهُ الْمَرءِ تَحْتَ لِسَانِهِ. (١٤).
١٨١٦. مَن قَلَّ أَكْلُهُ، صَفَا فِكْرُهُ. (١٥).
١٨١٧. مَن قَلَّبَ الْأَحْوَالَ، عَرَفَ جَوَاهِرَ الرَّجَالِ. (١٦).
١٨١٨. مَن قَلَّ طَعَامُهُ، قَلَّتْ آلَامُهُ. (١٧).
١٨١٩. مَن قَلَّ كَلَامُهُ، قَلَّتْ آثَامُهُ. (١٨).

ص: ٢٧٨

١- (١). تصنيف غررالحكم، ص ١٠٣، ح ١٨٠٥.
٢- (٢). تصنيف غررالحكم، ص ٧٠، ح ١٠٠١.

- ٣-٣) . العُلَيْقُ: نَبْتُ يَتَعَلَّقُ بِالشَّجَرِ (لسان العرب: علق)؛ ويُقال لَهُ بالفارسيَّة: تَمَشُكُ.
- ٤-٤) . شرح نهج البلاغ، ج ٢٠، ص ٣٠٧، ح ٥١٢.
- ٥-٥) . شرح نهج البلاغ، ج ١٨، ص ١٤٢، ح ٣١.
- ٦-٦) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٦٠، ح ٥٥٥٥.
- ٧-٧) . تصنيف غررالحكم، ص ١٦٧، ح ٣٢٨٥.
- ٨-٨) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٥، ح ١٦٥.
- ٩-٩) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٠٧، ح ٧٠٤٢.
- ١٠-١٠) . تصنيف غررالحكم، ص ٤١٤، ح ٩٤٦١.
- ١١-١١) . تحف العقول، ص ٩٥.
- ١٢-١٢) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٧٨، ح ٦١٣٠.
- ١٣-١٣) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٢٦، ح ٤٥٧٩.
- ١٤-١٤) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٠٩، ح ٤٠٢٠، وفيه: «المرء مخبوءٌ تحت...».
- ١٥-١٥) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٢٠، ح ٧٤٠٢.
- ١٦-١٦) . كنز الفوائد (نور)، ج ١، ص ٩٣.
- ١٧-١٧) . تصنيف غررالحكم، ص ١٠٠، ح ١٧٤٧، باختلافٍ يسير.
- ١٨-١٨) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٢٠، ح ٧٤٠١.

۱۸۰۳. کسی که با تقدیر مبارزه کند، تقدیر بر او غلبه می کند.
۱۸۰۴. کسی که با حق مبارزه کند مغلوب می شود.
۱۸۰۵. کسی که نخل بکارد، رطب می خورد، و کسی که درخت بید و خار بنشانند، ثمره ندارد. و تلاش او ضایع می شود.
۱۸۰۶. کسی که برای خدا غضب کند، خدا هم به خاطر او غضب می کند.
۱۸۰۷. کسی که چشمش را ببندد، قلبش راحت می شود.
۱۸۰۸. کسی که عقلش بر هوس او غلبه کند، رستگار می شود.
۱۸۰۹. کم شمردن علم خودت، علامت برتری علم توست.
۱۸۱۰. کسی که هر چه بخواهد انجام می دهد، با بدیهای خود روبرو می شود.
۱۸۱۱. کسی که برادر دینی اش را از دست بدهد، گویا شریف ترین عضو خود را از دست داده است.
۱۸۱۲. کسی که در ذات خدا فکر کند، بی دین شود.
۱۸۱۳. کسی که در مقابل هر نیکی، بیشتر از آن نیکی کند، پاداش نیکی را داده است.
۱۸۱۴. کسی که نصیحت پذیرد، از رسوائی ایمن شود.
۱۸۱۵. فضیلت انسان، در گرو زبان اوست.
۱۸۱۶. کسی که خوراکش کم شود فکرش صاف و شفاف شود.
۱۸۱۷. کسی که حالات مختلف را تجربه کند، گوهر مردان [بزرگ] را می شناسد.
۱۸۱۸. کسی که خوراکش کم باشد، دردهای او کم می شود.
۱۸۱۹. کسی که کم سخن بگوید، گنااهش کم است.

١٨٢٠. مَنْ قَنَعَ بِقِسْمِهِ اسْتَعْنَى. (١)
١٨٢١. مَنْ كَانَتْ الْآخِرَةُ هَمًّا، كَفَاهُ اللَّهُ هَمَّهُ فِي الدُّنْيَا. (٢)
١٨٢٢. مَنْ كَانَتْ هِمَّتُهُ مَا يَدْخُلُ بَطْنَهُ، كَانَتْ قِيَمَتُهُ مَا يَخْرُجُ مِنْهُ. (٣)
١٨٢٣. مَنْ كَانَ عِنْدَ نَفْسِهِ عَظِيمًا، كَانَ عِنْدَ اللَّهِ حَقِيرًا. (٤)
١٨٢٤. مَنْ كَانَ لَهُ مِنْ نَفْسِهِ زَاجِرٌ، كَانَ عَلَيْهِ مِنَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ حَافِظٌ. (٥)
١٨٢٥. مَنْ كَانَ مُتَوَاضِعًا، لَمْ يُعَدِّمِ الشَّرْفَ. (٦)
١٨٢٦. مَنْ كَثُرَ إِحْسَانُهُ، أَحَبَّهُ إِخْوَانُهُ. (٧)
١٨٢٧. مَنْ كَثُرَ اعْتِبَارُهُ، قَلَّ عِتَابُهُ. (٨)
١٨٢٨. مَنْ كَثُرَتْ فِكْرَتُهُ، حَسُنَتْ عَاقِبَتُهُ. (٩)
١٨٢٩. مَنْ كَثُرَتْ نِعْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ، كَثُرَتْ حَوَائِجُ النَّاسِ إِلَيْهِ. (١٠)
١٨٣٠. مَنْ كَثُرَ حِرْصُهُ، ذَلَّ قَدْرُهُ. (١١)
١٨٣١. مَنْ كَثُرَ شُكْرُهُ، تَضَاعَفَتْ نِعْمَتُهُ. (١٢)
١٨٣٢. مَنْ كَثُرَ ضِحْكُهُ، قَلَّتْ هَيْبَتُهُ. (١٣)
١٨٣٣. مَنْ كَثُرَ ضِحْكُهُ، مَاتَ قَلْبُهُ. (١٤)
١٨٣٤. مَنْ كَثُرَ كَذِبُهُ، قَلَّ بَهَاؤُهُ. (١٥)
١٨٣٥. مَنْ كَثُرَ كَلَامُهُ، كَثُرَ مَلَأْمُهُ. (١٦)
١٨٣٦. مَنْ كَثُرَ مِزَاحُهُ، اسْتُخِفَّ بِهِ. (١٧)
١٨٣٧. مَنْ كَثُرَ خُلُقُهُ، اتَّسَعَ رِزْقُهُ. (١٨)

ص: ٢٨٠

- ٢-٢) . من لا يحضره الفقيه، ص ٣٩٦، ح ٥٨٤٥.
- ٣-٣) . تصنيف غررالحكم، ص ١٤٣، ح ٢٥٧٧.
- ٤-٤) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٠٨، ح ٧٠٨٤.
- ٥-٥) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٣٩، ح ٤٨٣٣.
- ٦-٦) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٤٩، ح ٥١٥١.
- ٧-٧) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٨٦، ح ٨٨١٢.
- ٨-٨) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٧٢، ح ١٠٧٩٣.
- ٩-٩) . تصنيف غررالحكم، ص ٥٧، ح ٥٧٢.
- ١٠-١٠) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٧١، ح ٨٤١٧.
- ١١-١١) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٩٥، ح ٦٦٢١.
- ١٢-١٢) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٧٩، ح ٦١٨٨.
- ١٣-١٣) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٢٢، ح ٤٤٧١.
- ١٤-١٤) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٢، ح ٤٤٧٣.
- ١٥-١٥) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٢٠، ح ٤٤٠٢.
- ١٦-١٦) . تصنيف غررالحكم، ص ٢١٢، ح ٤١٢٠.
- ١٧-١٧) . تحف العقول، ص ٩٥.
- ١٨-١٨) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٥٥، ح ٥٣٨٤.

۱۸۲۰. کسی که به قسمت خود قانع شود، بی نیاز است.
۱۸۲۱. کسی که همت او آخرت باشد، خداوند مهمات دنیایش را کفایت می کند.
۱۸۲۲. کسی که همتش چیزی است که وارد شکم می کند، قیمتش آن است که از شکم خارج می شود.
۱۸۲۳. کسی که نزد خودش بزرگ است، نزد خدا حقیر است.
۱۸۲۴. کسی که از درون خود زجر کننده ای [از بدی ها] داشته باشد، خداوند سبحان برایش نگهبان قرار می دهد.
۱۸۲۵. کسی که متواضع باشد، شرافت را از دست نمی دهد.
۱۸۲۶. کسی که احسانش زیاد شود، دوستانش او را دوست دارند.
۱۸۲۷. کسی که زیاد عبرت بگیرد، لغزش او کم است.
۱۸۲۸. کسی که زیاد تفکر کند، عاقبتش نیکو است.
۱۸۲۹. کسی که نعمت خدا بر او زیاد باشد، نیاز مردم به سوی او زیاد می شود.
۱۸۳۰. کسی که زیاد حریص باشد، ذلتش بیشتر می شود.
۱۸۳۱. کسی که شکرش زیاد باشد، نعمت او مضاعف می شود.
۱۸۳۲. کسی که خنده اش زیاد باشد، هیبتش کم می شود.
۱۸۳۳. کسی که خنده اش زیاد شود، قلبش می میرد.
۱۸۳۴. کسی که دروغش زیاد شود، ارزشش کم می شود.
۱۸۳۵. کسی که پرحرف شود، بیشتر سرزنش می شود.
۱۸۳۶. کسی که زیاد شوخی کند، خفیف می شود.
۱۸۳۷. کسی که اخلاقش کریم باشد، روزی او بیشتر می شود.

١٨٣٨. مَنْ كَسَلٌ، لَمْ يُؤَدِّ حَقَّ اللَّهِ عَلَيْهِ. (١)
١٨٣٩. مَنْ كَشَفَ حِجَابَ أُخِيهِ، انْكَشَفَتْ عَوْرَاتُ بَنِيهِ. (٢)
١٨٤٠. مِنْ كَمَالِ الْإِنْسَانِ وَوُفُورِ فَضْلِهِ اسْتِشْعَارُهُ بِنَفْسِهِ النُّقْصَانَ. (٣)
١٨٤١. مِنْ كَمَالِ الْإِيمَانِ مُكَافَأَةُ الْمُسِيءِ بِالْإِحْسَانِ. (٤)
١٨٤٢. مِنْ كَمَالِ السَّعَادَةِ السَّعْيُ فِي صَلَاحِ الْجُمْهُورِ. (٥)
١٨٤٣. مِنْ كَمَالِ الشَّرَفِ الْأَخْذُ بِجَوَامِعِ الْفَضْلِ. (٦)
١٨٤٤. مِنْ كَمَالِ الْعَزْمِ الْإِسْتِعْدَادُ لِلرَّحَلَةِ. (٧)
١٨٤٥. مِنْ كَمَالِ النَّعْمِ وَوُفُورِ الْعَقْلِ. (٨)
١٨٤٦. مَنْ كُنْتَ سَبَبًا فِي بَلَائِهِ، وَجَبَ عَلَيْكَ التَّلَطُّفُ فِي عِلَاجِ دَائِهِ. (٩)
١٨٤٧. مِنْ كُنُوزِ الْإِيمَانِ الصَّبْرُ عَلَى الْمَصَائِبِ. (١٠)
١٨٤٨. مَنْ لَا أَمَانَةَ لَهُ، لَا إِيْمَانَ لَهُ. (١١)
١٨٤٩. مَنْ لَا حَيَاءَ لَهُ، لَا خَيْرَ فِيهِ. (١٢)
١٨٥٠. مَنْ لَا صَبْرَ لَهُ، لَا إِيْمَانَ لَهُ. (١٣)
١٨٥١. مَنْ لَا يَنْفَعُهُ الْحَقُّ، يَضُرُّهُ الْبَاطِلُ. (١٤)
١٨٥٢. مَنْ لَزِمَ الصَّمْتَ، أَمِنَ الْمَقْتَ. (١٥)
١٨٥٣. مَنْ لَزِمَ الطَّاعَةَ غَنِمَ. (١٦)
١٨٥٤. مَنْ لَمْ يَتَحَرَّزْ مِنَ الْمَكَائِدِ (١٧) قَبْلَ وَقُوعِهَا، لَمْ يَنْفَعَهُ الْأَسْفُ بَعْدَ هُجُومِهَا. (١٨)

١- (١). تحف العقول، ص ١١٠.

٢- (٢). تصنيف غررالحكم، ص ٤٢١، ح ٩٦٥٤.

- ٣-٣) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٣٥، ح ٤٧١٢.
- ٤-٤) . تصنيف غررالحكم، ص ٨٨ ح ١٤٧٥.
- ٥-٥) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٨٢، ح ١١١٢٨.
- ٦-٦) . تصنيف غررالحكم، ص ٣١٨، ح ٧٣٣٣، وفيه: «بجامع الفضل».
- ٧-٧) . عيون الحكم و المواعظ، ص ٤٧٣.
- ٨-٨) . تصنيف غررالحكم، ص ٥١، ح ٣٣٨.
- ٩-٩) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٣٦، ح ٩٩٩٩.
- ١٠-١٠) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٨٣، ح ٦٢٩٨.
- ١١-١١) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٥١، ح ٥٢٣٤.
- ١٢-١٢) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٥٧، ح ٥٤٦٥، وفيه: «فلا خير...».
- ١٣-١٣) . تحف العقول، ص ٢٠٢.
- ١٤-١٤) . تحف العقول، ص ١٥٢.
- ١٥-١٥) . تصنيف غررالحكم، ص ٢١٦، ح ٤٢٥٩.
- ١٦-١٦) . عيون الحكم و المواعظ، ص ٤٢٤.
- ١٧-١٧) . المَكِيدَةُ: الخُبْتُ والمَكْرُ، والجمع: مَكَايد (لسان العرب: كيد).
- ١٨-١٨) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٩١، ح ٦٤٩٠.

۱۸۳۸. کسی که کسب شود، حق خداوند را ادا نمی کند.
۱۸۳۹. کسی که حجاب [عیب های] دوستش را آشکار کند، زشتیهای فرزندانش آشکار می شود.
۱۸۴۰. آگاهی به نقصان خود، از علائم کمال و فزونی فضل است.
۱۸۴۱. خوبی کردن در مقابل بدی، [نشانه] کمال ایمان است.
۱۸۴۲. تلاش در مصالح عمومی، از [نشانه] کمال سعادت است.
۱۸۴۳. داشتن مجموعه فضایل، از [نشانه] کمال شرف است.
۱۸۴۴. آمادگی برای مردن، از [نشانه] کمال تصمیم است.
۱۸۴۵. فزونی عقل، از نعمتهای کامل است.
۱۸۴۶. کسی که تو سبب بلای او شده ای، واجب است در معالجه دردش مهربانی کنی.
۱۸۴۷. صبر در مصیبتها، از [نشانه] گنجهای ایمان است.
۱۸۴۸. کسی که امانت دار نیست، ایمان ندارد.
۱۸۴۹. کسی که حیاء ندارد، خیر ندارد.
۱۸۵۰. کسی که صبر ندارد، ایمان ندارد.
۱۸۵۱. کسی که حق برایش نفع ندارد، باطل به او ضرر می رساند.
۱۸۵۲. کسی که سکوت اختیار کند، از کینه [دیگران] ایمن است.
۱۸۵۳. کسی که طاعت برگزیند، غنیمت برده است.
۱۸۵۴. کسی که قبل از وقوع نیرنگ از آن پرهیز نکند، بعد از هجوم نیرنگ، تأسف نفع ندارد.

١٨٥٥. مَنْ لَمْ يَتَّضِعْ عِنْدَ نَفْسِهِ، لَمْ يَرْتَفِعْ عِنْدَ غَيْرِهِ. (١)
١٨٥٦. مَنْ لَمْ يَتَّعِظْ بِالنَّاسِ، وَعَظَّ اللَّهُ النَّاسَ بِهِ. (٢)
١٨٥٧. مَنْ لَمْ يَتَّعَلَّمْ فِي الصَّغَرِ، لَمْ يَتَّقَدِّمْ فِي الكِبَرِ. (٣)
١٨٥٨. مَنْ لَمْ يُجَازِ الإِسَاءَةَ بِالإِحْسَانِ، فَلَيْسَ مِنَ الكِرَامِ. (٤)
١٨٥٩. مَنْ لَمْ يَجِدْ، لَمْ يُحْمَد. (٥)
١٨٦٠. مَنْ لَمْ يُحْسِنِ الإِقْتِصَادَ، أَهْلَكَهُ الإِسْرَافُ. (٦)
١٨٦١. مَنْ لَمْ يُحْسِنِ العَفْوَ، أَسَاءَ بِالإِنْتِقَامِ. (٧)
١٨٦٢. مَنْ لَمْ يُحْسِنِ خُلُقَهُ، لَمْ يَنْتَفِعْ بِهِ قَرِينُهُ. (٨)
١٨٦٣. مَنْ لَمْ يَخَفْ أَحَدًا، لَمْ يَخَفْ أَبَدًا. (٩)
١٨٦٤. مَنْ لَمْ يُدَارِ مِنْ فَوْقَهُ، لَمْ يُدْرِكْ بُعَيْتَهُ (١٠). (١١)
١٨٦٥. مَنْ لَمْ يَرْحَمِ النَّاسَ، مَنَعَهُ اللَّهُ تَعَالَى رَحْمَتَهُ. (١٢)
١٨٦٦. مَنْ لَمْ يَرْحَمِ، لَمْ يُرْحَم. (١٣)
١٨٦٧. مَنْ لَمْ يَرْضَ مِنَ الدُّنْيَا بِمَا يَجْزِيهِ، لَمْ يَكُنْ فِيهَا شَيْءٌ يَكْفِيهِ. (١٤)
١٨٦٨. مَنْ لَمْ يَسْتَحِ مِنَ النَّاسِ، لَمْ يَسْتَحِ مِنَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ. (١٥)
١٨٦٩. مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الإِنْعَامَ، فَلْيَعُدَّ مِنَ الأَنْعَامِ. (١٦)
١٨٧٠. مَنْ لَمْ يَشْكُرِ النُّعْمَةَ، عَوِقَبَ بِزَوَالِهَا. (١٧)
١٨٧١. مَنْ لَمْ يَضُنْ وَجْهَهُ عَنِ مَسْأَلَتِكَ، فَأَكْرَمِ وَجْهَكَ عَنِ رَدِّهِ. (١٨)
١٨٧٢. مَنْ لَمْ يَتَّبِعْ بِعَبْرِ الدُّنْيَا وَصُرُوفِهَا، لَمْ تَنْجِعْ فِيهِ المَوَاعِظُ. (١٩)

- ٢-٢) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٧٣، ح ١٠٨٠٣.
- ٣-٣) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٣، ح ٩٩.
- ٤-٤) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٨٤، ح ٨٧٥٥.
- ٥-٥) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٨٠، ح ٨٦١٦.
- ٦-٦) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٥٤، ح ٨٠٧٤.
- ٧-٧) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٤٥، ح ٥٠١٩.
- ٨-٨) . تصنيف غررالحكم، ص ٤١٨، ح ٩٥٥٦.
- ٩-٩) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٨٢، ح ١١١٢٠.
- ١٠-١٠) . البَغْيَةُ: الحاجةُ التي تَبْغِيها أي تَطْلُبُها (لسان العرب: بغى).
- ١١-١١) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٤٥، ح ١٠١٩٤.
- ١٢-١٢) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٤٩، ح ١٠٣٣٥.
- ١٣-١٣) . تحف العقول، ص ٢٠٧.
- ١٤-١٤) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٥٧، ح ٥٤٦٨.
- ١٥-١٥) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٨٠، ح ٦٢٠٦.
- ١٦-١٦) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٢٣، ح ٧٥٠٩.
- ١٧-١٧) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٧٧، ح ٨٥١٥.
- ١٨-١٨) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٧٣، ح ١٠٨٠٤.
- ١٩-١٩) . تصنيف غررالحكم، ص ٤١، ح ١٣.

۱۸۵۵. کسی که نزد خودش پایین نباشد، نزد دیگران بلند مرتبه نمی شود.

۱۸۵۶. کسی که از مردم پند نگیرد، خداوند او را وسیله پند گرفتن مردم قرار می دهد.

۱۸۵۷. کسی که در کودکی نیاموزد، در بزرگسالی [از دیگران] سبقت نمی گیرد.

۱۸۵۸. کسی که در مقابل بدی، نیکی نکند، از اهل کرامت نیست.

۱۸۵۹. کسی که بخشش نکند، ستایش نمی شود.

۱۸۶۰. کسی که میانه روی نکند، اسراف او را نابود می کند.

۱۸۶۱. کسی که عفو نمی داند، با انتقام بدی می کند.

۱۸۶۲. کسی که اخلاقش را خوب نکند، نزدیکانش از او نفع نمی برند.

۱۸۶۳. کسی که هیچ کس را نترساند هیچ وقت نمی ترسد.

۱۸۶۴. کسی که با مافوق خود مدارا نکند، به خواسته ی خود از او نمی رسد.

۱۸۶۵. کسی که به مردم رحم نکند، خداوند رحمتش را از او دور می کند.

۱۸۶۶. کسی که رحم نکند، به او رحم نمی شود.

۱۸۶۷. کسی که از دنیا به اندازه کفایت راضی نمی شود، چیزی در دنیا نیست که او را بتواند راضی کند [یعنی هر چه بدست بیاورد باز حرص بیشتر خواهد داشت].

۱۸۶۸. کسی که از مردم حیا نمی کند، از خداوند سبحان هم حیا نمی کند.

۱۸۶۹. کسی که نعمتها را شکر نمی کند، از حیوانات بشمار می رود.

۱۸۷۰. کسی که نعمتی را شکر نکند، با زوال نعمت مجازات می شود.

۱۸۷۱. کسی که خودش را حفظ نکرد و از تو طلب کرد، تو خودت را حفظ کن و او را رد مکن.

۱۸۷۲. کسی که از عبرتها و دگرگونی های دنیا عبرت نگیرد، موعظه ها در او اثر ندارد.

١٨٧٣. مَنْ لَمْ يَعْرِفِ الْخَيْرَ مِنَ الشَّرِّ، فَهُوَ مِنَ الْبَهَائِمِ. (١)

١٨٧٤. مَنْ لَمْ يَعْمَلْ بِالْعِلْمِ، كَانَ حُجَّهً عَلَيْهِ وَوَبَالاً. (٢)

١٨٧٥. مَنْ لَمْ يُعِنِّهِ اللَّهُ سُبْحَانَهُ عَلَى نَفْسِهِ، لَمْ يَنْتَفِعْ بِمَوْعِظِهِ وَاعِظِهِ. (٣)

١٨٧٦. مَنْ لَمْ يُقَدِّمَهُ الْخَزْمَ، أَخَّرَهُ الْعَجْزُ. (٤)

١٨٧٧. مَنْ لَمْ يَقْهَرْ حَسَدَهُ، كَانَ جَسَدَهُ قَبْرًا لِنَفْسِهِ. (٥)

١٨٧٨. مَنْ لَمْ يَكْتَسِبْ بِالْعِلْمِ مَالًا، اِكْتَسَبَ بِهِ جَمَالًا. (٦)

١٨٧٩. مَنْ لَمْ يَكْمُلْ عَقْلُهُ، لَمْ تُؤْمِنْ بَوَائِقُهُ. (٧)

١٨٨٠. مَنْ لَمْ يَمْلِكْ شَهْوَتَهُ، لَمْ يَمْلِكْ عَقْلَهُ. (٨)

١٨٨١. مَنْ لَمْ يَمْلِكْ غَضَبَهُ، لَمْ يَكْمُلْ عَقْلَهُ. (٩)

١٨٨٢. مَنْ لَمْ يَمْلِكْ لِسَانَهُ يَنْدَم. (١٠)

١٨٨٣. مَنْ لَمْ يَنْشَطْ لِحَدِيثِكَ، فَارْفَعْ عَنْهُ مَوْوَنَةَ الْإِسْتِمَاعِ مِنْكَ. (١١)

١٨٨٤. مَنْ لَمْ يَنْصَحَكَ فِي صِدَاقَتِهِ، فَلَا تَعْدِرُهُ. (١٢)

١٨٨٥. مَنْ لَمْ يُنْصِفِ الْمَظْلُومَ مِنَ الظَّالِمِ، سَلَبَهُ اللَّهُ تَعَالَى قُدْرَتَهُ. (١٣)

١٨٨٦. مَنْ لَمْ يُهْتَدِ بِنَفْسِهِ، لَمْ يَنْتَفِعْ بِالْعَقْلِ. (١٤)

١٨٨٧. مَنْ لَمْ يُؤْثِرِ الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا، فَلَا عَقْلَ لَهُ. (١٥)

١٨٨٨. مَنْ لَهَا (١٦) عَنِ الدُّنْيَا، هَانَتْ عَلَيْهِ الْمَصَائِبُ. (١٧)

١٨٨٩. مَنْ مَدَحَكَ بِمَا لَيْسَ فِيكَ، فَهُوَ ذَمٌّ لَكَ إِنْ عَقَلْتَ. (١٨)

١٨٩٠. مَنْ مَدَحَكَ فَقَدْ ذَبَحَكَ. (١٩)

ص: ٢٨٦

- ٢-٢) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٤٠، ح ٤٨٥٧.
- ٣-٣) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٧٥، ح ١٠٨٧١.
- ٤-٤) . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٢٥٨، ح ٢٥.
- ٥-٥) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٢، ح ٥٩.
- ٦-٦) . تصنيف غررالحكم، ص ٥٥، ح ٥٠٨.
- ٧-٧) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٠٤، ح ٦٩٥٠.
- ٨-٨) . تحف العقول، ص ٣٧١، وفيه: «لم يملك عقله».
- ٩-٩) . تصنيف غررالحكم، ص ٢١٤، ح ٤١٨٥.
- ١٠-١٠) . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٣١٤، ح ٦٠٩.
- ١١-١١) . تصنيف غررالحكم، ص ٤١٦، ح ٩٥٠٦.
- ١٢-١٢) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٤١، ح ٧٨٠٥.
- ١٣-١٣) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٤٠، ح ٤٨٥٦.
- ١٤-١٤) . تصنيف غررالحكم، ص ١٣٠، ح ٢٢٢٩.
- ١٥-١٥) . تصنيف غررالحكم، ص ١٢٩، ح ٢٢٠٥.
- ١٦-١٦) . لَهِيَ عَنْهُ: تَرَكَ ذِكْرَهُ وَأَعْرَضَ عَنْهُ (أقرب الموارد: لهو).
- ١٧-١٧) . تصنيف غررالحكم، ص ١٢٩، ح ٢٢٠٥.
- ١٨-١٨) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٦٧، ح ١٠٧٤١.
- ١٩-١٩) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٦٦، ح ١٠٧٣٤.

۱۸۷۳. کسی که خیر را از شر باز نمی شناسد [فرق نمی گذارد]، از حیوانات است.
۱۸۷۴. کسی که به علم عمل نکند، علم حجت بر او و وبال او می شود.
۱۸۷۵. کسی را که خداوند سبحان او را [برای تسلط بر نفس خود] یاری نکند، از موعظه ی هیچکس بهره نمی برد.
۱۸۷۶. کسی که دوراندیشی اش او را [از دیگران] جلو نیاندازد، عجزش به عقب می اندازد.
۱۸۷۷. کسی که بر حسد خود غلبه نکند، بدن او قبر خودش می شود [حسدش او را از پای در می آورد].
۱۸۷۸. کسی که از راه علم نتواند روزی کسب کند حداقل جمال بدست می آورد.
۱۸۷۹. کسی که عقلش کامل نیست کسی از بلاهای او در امان نیست.
۱۸۸۰. کسی که مالک شهوت خود نباشد، نمی تواند مالک عقل خود شود.
۱۸۸۱. کسی که بر غضب خود غلبه نکند، عقلش کامل نمی شود.
۱۸۸۲. کسی که زبانش را کنترل نکند، پشیمان می شود.
۱۸۸۳. کسی که برای سخن تو نشاط ندارد، زحمت شنیدن به او مده.
۱۸۸۴. کسی که با صداقت تو را نصیحت نمی کند، او را معذور مدار.
۱۸۸۵. کسی که حق مظلوم را از ظالم به عدالت نمی ستاند، خداوند تعالی قدرتش را سلب می کند.
۱۸۸۶. کسی که خودش را تهذیب نکند، از عقلش بهره نمی برد.
۱۸۸۷. کسی که آخرت را بر دنیا برنگزیند، عقل ندارد.
۱۸۸۸. کسی که از دنیا اعراض کند، مصائب بر او آسان شود.
۱۸۸۹. کسی که تو را به چیزی مدح کند که در تو نیست، اگر دقت کنی تو را مذمت کرده است.
۱۸۹۰. کسی که تو را مدح کند، تو را ذبح کرده است.

١٨٩١. مَنْ مَدَحَ نَفْسَهُ، فَقَدْ ذَبَحَهَا. (١)
١٨٩٢. مَنْ مَقَّتْ (٢) نَفْسَهُ، أَحَبَّهُ اللَّهُ. (٣)
١٨٩٣. مِنْ مِقْدَحِهِ (٤) صَغِيرِهِ، تَحْتَرِقُ مَدِينَهُ كَبِيرَهُ. (٥)
١٨٩٤. مَنْ مَكَرَ، حَاقَ (٦) بِهِ مَكْرَهُ. (٧)
١٨٩٥. مَنْ مَلَكَ شَهْوَتَهُ، كَانَ تَقِيًّا. (٨)
١٨٩٦. مَنْ مَلَكَ عَقْلَهُ، كَانَ حَكِيمًا. (٩)
١٨٩٧. مَنْ مَنَّ بِمَعْرُوفِهِ أَفْسَدَهُ. (١٠)
١٨٩٨. مِنْ مَهَانَةِ الْكُذَّابِ جُودُهُ بِالْيَمِينِ لِغَيْرِ مُسْتَحْلِفٍ. (١١)
١٨٩٩. مَنْ نَدِمَ، فَقَدْ تَابَ. (١٢)
١٩٠٠. مَنْ نَسِيَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ، أَنْسَاهُ (اللَّهُ) نَفْسَهُ، وَأَعْمَى قَلْبَهُ. (١٣)
١٩٠١. مَنْ نَشَرَ بَرَّهُ، انْتَشَرَ ذِكْرُهُ. (١٤)
١٩٠٢. مَنْ نَصَحَكَ فَقَدْ أَنْجَدَكَ. (١٥)
١٩٠٣. مَنْ نَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ، أَرْغَمَ انُوفَ الْفَاسِقِينَ. (١٦)
١٩٠٤. مَنْ وَبَّخَ نَفْسَهُ عَلَى الْعُيُوبِ، ارْتَدَعَتْ عَنْ كَثِيرِ الذُّنُوبِ. (١٧)
١٩٠٥. مَنْ وَثِقَ بِاللَّهِ، صَانَ يَقِينَهُ. (١٨)
١٩٠٦. مَنْ وَجَّهَ رَغْبَتَهُ إِلَيْكَ، وَجَبَتْ مَعُونَتُهُ عَلَيْكَ. (١٩)
١٩٠٧. مَنْ وَضَعَ نَفْسَهُ مَوَاضِعَ التُّهْمَةِ، فَلَا يَلُومَنَّ مَنْ أَسَاءَ بِهِ الظَّنَّ. (٢٠)

ص: ٢٨٨

١- (١). تصنيف غررالحكم، ص ٣٠٧، ح ٧٠٥٨.

٢- (٢). مَقَّتَهُ: أَبْغَضَهُ (لسان العرب: مقت).

- ٣-٣) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٤٣، ح ٤٩٤٣.
- ٣-٤) . المَقْدَحَةُ: الحَدِيدَةُ الَّتِي يُقَدَّحُ بِهَا (لسان العرب: قدح).
- ٣-٥) . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٢٩٢، ح ٣٤٧.
- ٣-٦) . حاقَّ بِهِ: أَحَاطَ (أقرب الموارد: حيق).
- ٣-٧) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٩١، ح ٦٤٨٨.
- ٣-٨) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٧٤، ح ٥٩٩٧.
- ٣-٩) . تصنيف غررالحكم، ص ٥٦، ح ٥٢٨.
- ٣-١٠) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٩٠، ح ٨٩٣٩.
- ٣-١١) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٢٠، ح ٤٤٠٣.
- ٣-١٢) . تصنيف غررالحكم، ص ١٩٤، ح ٣٨٠٤.
- ٣-١٣) . تصنيف غررالحكم، ص ١٩٠، ح ٣٦٦٦.
- ٣-١٤) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٤٩، ح ١٠٣٢٧، وفيه: «من بذل برّه...».
- ٣-١٥) . تصنيف غررالحكم، ص ٤١٦، ح ٩٥٠٥.
- ٣-١٦) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٣٢، ح ٧٦٤٤.
- ٣-١٧) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٣٩، ح ٤٨٣٢.
- ٣-١٨) . تصنيف غررالحكم، ص ١٩٨، ح ٣٩٣٠.
- ٣-١٩) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٥٠، ح ١٠٣٥٤.
- ٣-٢٠) . شرح نهج البلاغه، ج ١٨، ص ٣٨٠، ح ١٦١.

۱۸۹۱. کسی که خودش را مدح کند، خود را ذبح کرده است.

۱۸۹۲. کسی که از نفس خود بدش بیاید، خدا، او را دوست دارد.

۱۸۹۳. از آتشدان کوچک، یک شهر بزرگ می سوزد.

۱۸۹۴. کسی که مکر کند، مکرش او را در برمی گیرد.

۱۸۹۵. کسی که شهوت خود را کنترل کند، با تقوا است.

۱۸۹۶. کسی که عقل خود را کنترل کند، حکیم است.

۱۸۹۷. کسی که به خاطر کار خوب خود ممت گذاری کند، آن را فاسد کرده است.

۱۸۹۸. علامت پستی دروغگو، قسم خوردن او بدون درخواست قسم دهنده است.

۱۸۹۹. کسی که پشیمان شود، توبه کرده است.

۱۹۰۰. کسی که خداوند سبحان را فراموش کند، خداوند خودش را هم از یاد خودش می برد [فکر کردن درباره خودش را هم فراموش می کند] و قلبش را کور می کند.

۱۹۰۱. کسی که نیکی منتشر کند، یاد او منتشر می شود.

۱۹۰۲. کسی که تو را نصیحت کند، تو را بلند مرتبه گردانیده است.

۱۹۰۳. کسی که نهی از منکر کند، بینی گنه کاران را به زمین مالیده است.

۱۹۰۴. کسی که خودش را بر عیبها تویخ کند، از گناهان بسیاری دوری می کند.

۱۹۰۵. کسی که به خداوند اطمینان کند، یقین خود را حفظ کرده است.

۱۹۰۶. کسی که نیاز خود را به سوی تو متوجه کند [از تو طلب کند]، یاری او بر تو واجب است.

۱۹۰۷. کسی که خودش را در موضع تهمت قرار دهد، کسی را که به او سوء ظن پیدا کرد، سرزنش نکند.

١٩٠٨. مِنْ هَوَانِ الدُّنْيَا عَلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ أَنْ لَا يُعْصَى إِلَّا فِيهَا. (١)
١٩٠٩. مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ يَنْفُزْ. (٢)
١٩١٠. مَنْ يَطْلُبِ الْعِزَّ بِغَيْرِ حَقٍّ يَذِلَّ. (٣)
١٩١١. مَنْ يَقْصُرَ فِي الْعَمَلِ، يَزِدُّ فِتْرَةً. (٤)
١٩١٢. مَوْتُ الْأَخِ قَصُّ الْجَنَاحِ وَالْيَدِ. (٥)
١٩١٣. مَوْتُ الصَّالِحِ رَاحَةٌ لِنَفْسِهِ، وَمَوْتُ الطَّالِحِ (٦) رَاحَةٌ لِلنَّاسِ. (٧)
١٩١٤. مَوْتُ الْوَالِدِ قَاصِمَةٌ (٨) الظَّهْرِ. (٩)
١٩١٥. مَوْتُ الْوَالِدِ صَدْعٌ فِي الْكَبِدِ. (١٠)
١٩١٦. مَوْتُ وَحْيِي (١١) خَيْرٌ مِنْ عَيْشِ شَقِيٍّ. (١٢)
١٩١٧. مَوَدَّةُ ذَوِي الدِّينِ بَطِينَةٌ الْإِنْقِطَاعِ، دَائِمَةُ الثَّبَاتِ وَالْبَقَاءِ. (١٣)
١٩١٨. مَوْجِعُ الصَّوَابِ مِنَ الْجَهَّالِ، مِثْلُ مَوْجِعِ الْخَطَا مِنَ الْعُلَمَاءِ. (١٤) حَرْفُ النُّونِ
١٩١٩. النَّاسُ أَبْنَاءُ مَا يُحْسِنُونَ، وَقَدْرُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يُحْسِنُ، فَتَكَلَّمُوا فِي الْعِلْمِ تَبَيَّنَ أَقْدَارُكُمْ. (١٥)
١٩٢٠. النَّاسُ أَعْدَاءُ مَا جَهِلُوا. (١٦)
١٩٢١. النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا تَوَافَقُوا. (١٧)
١٩٢٢. النَّاسُ بِزَمَانِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِآبَائِهِمْ. (١٨)
١٩٢٣. النَّاسُ شَرُّ (١٩) سِوَاءِ آدَمَ أَبُوهُمْ، وَحَوَاءُ أُمَّهُمْ. (٢٠)

ص: ٢٩٠

-
- ١- (١). تصنيف غررالحكم، ص ١٤٣، ح ٢٥٧٨.
- ٢- (٢). تصنيف غررالحكم، ص ١٨٣، ح ٣٤٦٢.
- ٣- (٣). تصنيف غررالحكم، ص ٤٧٨، ح ١٠٩٨٧.
- ٤- (٤). تصنيف غررالحكم، ص ١٥٨، ح ٣٠٠٨.

- ٥- (٥) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٠٧، ح ٩٣٥٨.
- ٦- (٦) . رجلٌ طالِحٌ: أى فاسِدٌ لآخِرٍ فِيهِ (لسان العرب: طلح).
- ٧- (٧) . شرح نهج البلاغ، ج ٢٠، ص ٢٧٢، ح ١٤٨.
- ٨- (٨) . الْقَصْمُ: كَثُرَ الشَّيْءُ الشَّدِيدِ حَتَّى يَبِينَ (لسان العرب: قصم).
- ٩- (٩) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٠٧، ح ٩٣٤٣.
- ١٠- (١٠) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٠٧، ح ٩٣٥٤.
- ١١- (١١) . الْوَجِيُّ: الْعَجَلُ الْمُسْرِعُ (أقرب الموارد: وحى).
- ١٢- (١٢) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٣٥، ح ٧٧١٩.
- ١٣- (١٣) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٢٣، ح ٩٧١١.
- ١٤- (١٤) . شرح نهج البلاغ، ج ٢٠، ص ٢٧١، ح ١٣٠.
- ١٥- (١٥) . تحف العقول، ص ٢٠٨.
- ١٦- (١٦) . تصنيف غررالحكم، ص ٦٦، ح ٨٦٩.
- ١٧- (١٧) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٧٩، ح ١١٠١٨.
- ١٨- (١٨) . شرح نهج البلاغ، ج ١٩، ص ٢٠٩.
- ١٩- (١٩) . نَحْنُ فِي هَذَا شَرْعٍ وَاحِدٌ: أى سِوَاءَ لَا يَفُوقُ بَعْضُنَا بَعْضاً (لسان العرب: شرع).
- ٢٠- (٢٠) . شرح نهج البلاغ، ج ٢٠، ص ٢٧٨، ح ٢٠١.

۱۹۰۸. [علامت] خفت دنیا بر خداوند سبحان این است که در هیچ جا جز دنیا معصیت خدا نمی شود.

۱۹۰۹. کسی که از خدا اطاعت کند، رستگار می شود.

۱۹۱۰. کسی که بخواهد با ناحق عزیز شود، ذلیل می گردد.

۱۹۱۱. کسی که در عمل کوتاهی کند، سستی اش افزون می شود.

۱۹۱۲. مرگ برادر، شکست بال و دست انسان است.

۱۹۱۳. مرگ [انسان] صالح آرامش اوست و مرگ فاسد، آرامش مردم است.

۱۹۱۴. مرگ پدر، کمرشکن است.

۱۹۱۵. مرگ فرزند، داغ بر جگر است.

۱۹۱۶. مرگ سریع، بهتر از زندگی با بدبختی است.

۱۹۱۷. محبت و دوست داشتن صاحبان دین، جاودانه دائمی است و به کندی قطع می شود.

۱۹۱۸. وقوع [کار] صحیح از نادان، مثل وقوع خطا از داناست.

حرف نون

۱۹۱۹. مردم، فرزندان کارهایی که خوب بلدند. و ارزش هر کس، کاری است که خوب بلد است.

پس درباره دانش سخن برانید تا ارزشتان روشن شود.

۱۹۲۰. مردم دشمن آنچه نمی دانند، هستند.

۱۹۲۱. مردم به سامانند تا زمانی که با هم موافق هستند.

۱۹۲۲. مردم به زمان خود، شیه تر از پدران خود هستند.

۱۹۲۳. مردم یکسان و مساوی هستند، آدم پدر آنها و حوا مادر آنهاست.

١٩٢٤. النَّاسُ كَالشَّجَرِ؛ شَرَابُهُ وَاحِدٌ، وَثَمْرُهُ مُخْتَلِفٌ. (١)
١٩٢٥. النَّاسُ كَصُورٍ فِي صَحِيفَةٍ، كُلَّمَا طُوِيَ بَعْضُهَا نُشِرَ بَعْضُهَا. (٢)
١٩٢٦. النَّاسُ نِيَامٌ، فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهَوْا. (٣)
١٩٢٧. النَّجَاهُ مَعَ الْإِيمَانِ. (٤)
١٩٢٨. النَّجَاهُ مَعَ الصَّدَقِ. (٥)
١٩٢٩. النَّدَمُ تَوْبَةٌ. (٦)
١٩٣٠. النَّدَمُ عَلَى الْخَطِيئَةِ يَمْحُوهَا. (٧)
١٩٣١. النَّصِيحَةُ تُثْمِرُ الْوُدَّ. (٨)
١٩٣٢. النَّصِيحَةُ مِنْ أَخْلَاقِ الْكِرَامِ. (٩)
١٩٣٣. النَّعْمُ وَحَشِيئَتُهُ، فَتَقِيدُوهَا بِالْمَعْرُوفِ. (١٠)
١٩٣٤. النَّفَاقُ تَوَأْمُ الْكُفْرِ. (١١)
١٩٣٥. النَّفْسُ الشَّرِيفَةُ لَا تَتَّقِلُ عَلَيْهَا الْمَوْنَاتُ. (١٢)
١٩٣٦. النَّفْسُ الْكَرِيمَةُ لَا تُؤَثَّرُ فِيهَا النَّكَبَاتُ. (١٣)
١٩٣٧. النَّفَقَاتُ تُنْقِصُ الْمَالَ، وَالْعِلْمُ يَزُكُو عَلَى إِنْفَاقِهِ. (١٤)
١٩٣٨. النَّمَامُ جِسْرُ الشَّرِّ. (١٥)
١٩٣٩. (فَرَضَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ) النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ رَدْعًا (١٦) لِلشُّفَهَاءِ. (١٧)
١٩٤٠. نَارُ التَّفْرِيقِ أَحْرُّ مِنْ نَارِ جَهَنَّمَ. (١٨)
١٩٤١. نَارُ الْفُرْقَةِ أَحْرُّ مِنْ نَارِ جَهَنَّمَ.

ص: ٢٩٢

- ٢-٢) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٧٩، ح ١١٠٢٨. وفيه: «الصحيفه».
- ٣-٣) . عيون الحكم والمواعظ، ص ٦٦.
- ٤-٤) . تصنيف غررالحكم، ص ٨٨ ح ١٤٨٩.
- ٥-٥) . تصنيف غررالحكم، ص ٢١٨، ح ٤٣٢٢.
- ٦-٦) . من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٣٨٠، ح ٥٨١١.
- ٧-٧) . تصنيف غررالحكم، ص ١٩٤، ح ٣٧٩٦.
- ٨-٨) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٢٤، ح ٤٥٤٨.
- ٩-٩) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٢٥، ح ٤٥٤٩.
- ١٠-١٠) . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٣١٢، ح ٥٨٩.
- ١١-١١) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٥٨، ح ١٠٤٨٤.
- ١٢-١٢) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٩٩، ح ٩٢٦٠.
- ١٣-١٣) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٣١، ح ٤٦٠٦.
- ١٤-١٤) . تحف العقول، ص ١٩٩.
- ١٥-١٥) . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٣٤١، ح ٩١٢.
- ١٦-١٦) . رَدَّعُهُ رَدَّعًا: كَفَّهُ وَرَدَّدَهُ (أقرب الموارد: ردع).
- ١٧-١٧) . شرح نهج البلاغه، ج ١٩، ص ٨٧.
- ١٨-١٨) . نثرالآلى، ص ١٠٢، ح ٢٧٤.

۱۹۲۴. مردم مثل درختان هستند که آب آنها یکی است، اما میوه های آنها مختلف است.

۱۹۲۵. مردم مثل تصویری در کتاب هستند، هر صفحه بسته شود، صفحه ی دیگر باز می شود.

۱۹۲۶. مردم خفته اند. با مرگ، بیدار می شوند.

۱۹۲۷. نجات، در ایمان است.

۱۹۲۸. نجات، در صدق است.

۱۹۲۹. پشیمانی، توبه است.

۱۹۳۰. پشیمانی از خطا، آن را محو می کند.

۱۹۳۱. ثمره خیرخواهی، دوستی است.

۱۹۳۲. خیرخواهی، اخلاق کریمان است.

۱۹۳۳. نعمتها وحشی هستند، آنها را با کار نیک اسیر کنید. [یعنی نگه دارید].

۱۹۳۴. نفاق با کفر توأم است.

۱۹۳۵. بر انسان با شرافت، خرج کردن بر دیگران سنگین نیست.

۱۹۳۶. در انسان با کرامت، نکبت اثر نمی گذارد.

۱۹۳۷. هزینه ها مال را کم می کنند، اما یاد دادن علم آن را رشد می دهد.

۱۹۳۸. سخن چین، پل شرارت است.

۱۹۳۹. خداوند سبحان، نهی از منکر را برای جلوگیری کردن از سفیهان واجب کرد.

۱۹۴۰. آتش تفرقه و اختلاف، از آتش جهنم سوزنده تر است.

۱۹۴۱. آتش تفرقه و اختلاف، از آتش جهنم سوزنده تر است.

١٩٤٢. نَالَ الْفَوْزَ الْأَكْبَرَ مَنْ ظَفَرَ بِمَعْرِفَةِ النَّفْسِ. (١)

١٩٤٣. نَالَ الْفَوْزَ مَنْ وُفِّقَ لِلطَّاعَةِ. (٢)

١٩٤٤. نَالَ الْمُنَى (٣) مَنْ عَمِلَ لِدَارِ الْبَقَاءِ. (٤)

١٩٤٥. نَزَلَ نَفْسَكَ دُونَ مَنْزِلَتِهَا، يُنَزِّلُكَ النَّاسُ فَوْقَ مَنْزِلَتِكَ. (٥)

١٩٤٦. نِسْيَانُ الْمَوْتِ صَدَأُ الْقَلْبِ. (٦)

١٩٤٧. نِسْيَانُ الْمَوْتِ صَدَأُ الْقُلُوبِ.

١٩٤٨. نَضْرَهُ الْوَجْهِ فِي الصَّدَقِ. (٧)

١٩٤٩. نِظَامُ الدِّينِ حُسْنُ الْيَقِينِ. (٨)

١٩٥٠. نِظَامُ الْمُرُوءَةِ حُسْنُ الْأَخْوَةِ. (٩)

١٩٥١. نَظَرُ الْبَصْرِ لَا يُجْدَى إِذَا عَمِيَتِ الْبَصِيرَةُ. (١٠)

١٩٥٢. نِعَمَ الْإِسْتِظْهَارِ (١١) الْمُشَاوَرَةِ. (١٢)

١٩٥٣. نِعَمَ الْبَرَكَهْ سَعَهُ الرَّزْقِ. (١٣)

١٩٥٤. نِعَمَ الْحَسَبِ حُسْنُ الْخُلُقِ. (١٤)

١٩٥٥. نِعَمَ الْحِطِّ الْقَنَاعَةُ. (١٥)

١٩٥٦. نِعَمَ الْخُلُقِ التَّصَبُّرُ فِي الْحَقِّ. (١٦)

١٩٥٧. نِعَمَ الْخَلِيقَةِ الْوَفَاءُ. (١٧)

١٩٥٨. نِعَمَ الزَّادِ حُسْنُ الْعَمَلِ. (١٨)

ص: ٢٩٤

١- (١). تصنيف غررالحكم، ص ٢٣٢، ح ٤٦٤١.

٢- (٢). تصنيف غررالحكم، ص ١٨٣، ح ٣٤٦٥.

- ٣-٣) . الْمُنَى جَمْعُ الْمُنْيَةِ: وَهُوَ مَا يَتَمَنَّى الرَّجُلُ (لسان العرب: منى).
- ٤-٤) . تصنيف غررالحكم، ص ١٥١، ح ٢٧٦٨.
- ٥-٥) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٤٩، ح ٥١٧٦.
- ٦-٦) . نثر اللآلئ، ص ١٠٢، ح ٢٧٥.
- ٧-٧) . نثر اللآلئ، ص ١٠٢، ح ٢٧٦.
- ٨-٨) . تصنيف غررالحكم، ص ٦٢، ح ٧٢٦.
- ٩-٩) . تصنيف غررالحكم، ص ٦٢، ح ٧٢٦.
- ١٠-١٠) . تصنيف غررالحكم، ص ٤١، ح ٨.
- ١١-١١) . الاستظهار: الاحتياط والاستيثاق (لسان العرب: ظهر).
- ١٢-١٢) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٤١، ح ١٠٠٤٦.
- ١٣-١٣) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٦٩، ح ٨٣٦٢.
- ١٤-١٤) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٥٥، ح ٥٣٦٧.
- ١٥-١٥) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٩١، ح ٩٠٠٢.
- ١٦-١٦) . شرح نهج البلاغه، ج
- ١٧-١٧) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٥٢، ح ٥٢٦٥.
- ١٨-١٨) . تصنيف غررالحكم، ص ١٥٤، ح ٢٨٦١.

۱۹۴۲. کسی که به معرفت نفس دست یافت، به رستگاری بزرگ نائل شد.
۱۹۴۳. کسی که توفیق طاعت یافت، رستگار شد.
۱۹۴۴. کسی که برای آخرت کوشش کرد، به خواسته هایش رسید.
۱۹۴۵. خودت را کمتر از آنچه هستی بدان، مردم تو را بالاتر از آنچه هستی می دانند.
۱۹۴۶. فراموشی مرگ، زنگار قلب است.
۱۹۴۷. فراموشی مرگ، زنگار قلبهاست.
۱۹۴۸. سرسبزی سیما، در صدق است.
۱۹۴۹. یقین نیکو، نظام دین است.
۱۹۵۰. برادری خوب، نظام مردانگی است.
۱۹۵۱. اگر بصیرت [قلبی] نباشد، نظر چشم فایده ندارد.
۱۹۵۲. بهترین پشتیبان، مشاوره است.
۱۹۵۳. وسعت رزق، بهترین برکت است.
۱۹۵۴. اخلاق خوب، بهترین نژاد است.
۱۹۵۵. قناعت، بهترین بهره است.
۱۹۵۶. صبر کردن در راه حق، بهترین اخلاق است.
۱۹۵۷. وفا [به عهد]، بهترین اخلاق است.
۱۹۵۸. رفتار خوب، بهترین ره توشه است.

١٩٥٩. نِعَمَ السَّلَاحِ الدُّعَاءُ. (١)
١٩٦٠. نِعَمَ السِّيَاسَةِ الرَّفْقُ. (٢)
١٩٦١. نِعَمَ الشَّفِيعِ الإِعْتِذَارُ. (٣)
١٩٦٢. نِعَمَ الشُّيْمِ حُسْنُ الخُلُقِ. (٤)
١٩٦٣. نِعَمَ القَرِينِ الدِّينِ. (٥)
١٩٦٤. نِعَمَ المُحَدِّثِ الكِتَابِ. (٦)
١٩٦٥. نِعَمَ المَرءِ العَرُوفِ (٧). (٨)
١٩٦٦. نِعَمَ المُظَاهِرَةِ المُشَاوَرَةِ. (٩)
١٩٦٧. نِعَمَ المَعُونَةِ الصَّبْرِ عَلَى البَلَاءِ. (١٠)
١٩٦٨. نِعَمَ الوَسِيلَةِ الإِسْتِغْفَارِ. (١١)
١٩٦٩. نِعَمَ الهَدِيَّةِ المَوْعِظَةِ. (١٢)
١٩٧٠. نِعَمَ دَلِيلِ الإِيمَانِ العِلْمِ. (١٣)
١٩٧١. نِعَمَ زَادِ المَعَادِ الإِحْسَانِ إِلَى العِبَادِ. (١٤)
١٩٧٢. نِعَمَ شَافِعِ المُنْذِبِ الإِقْرَارِ. (١٥)
١٩٧٣. نِعَمَ صَارِفِ الشَّهَوَاتِ غَضُّ الأَبْصَارِ. (١٦)
١٩٧٤. نِعَمَ عَوْنِ الدُّعَاءِ الخُشُوعِ. (١٧)
١٩٧٥. نِعَمَ عَوْنِ المَعَاصِي الشُّبْحِ. (١٨)

ص: ٢٩٦

١- (١). تصنيف غررالحكم، ص ١٩٢، ح ٣٧٤٥.

٢- (٢). تصنيف غررالحكم، ص ٣٣١، ح ٧٦٢٩.

- ٣-٣) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٤٧، ح ١٠٢٤٠.
- ٤-٤) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٥٤، ح ٥٣٦٠، وفيه: «الشيمة».
- ٥-٥) . تصنيف غررالحكم، ص ٨٥، ح ١٣٨٦.
- ٦-٦) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٩، ح ٢٩٤.
- ٧-٧) . الشرح: «المعروف»، وفي الترجمة والناسخ: «الرؤوف»، والعروف: الصابر (لسان العرب: عرف).
- ٨-٨) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٤٤، ح ٤٩٧٤.
- ٩-٩) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٤١، ح ١٠٠٤٥.
- ١٠-١٠) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٨٣، ح ٦٣٠١.
- ١١-١١) . تصنيف غررالحكم، ص ١٩٥، ح ٣٨٣٢.
- ١٢-١٢) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٢٤، ح ٤٥٤١.
- ١٣-١٣) . تصنيف غررالحكم، ص ٦٣، ح ٧٨٣.
- ١٤-١٤) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٨٥، ح ٨٧٦٨.
- ١٥-١٥) . تصنيف غررالحكم، ص ١٩٥، ح ٣٨١٥.
- ١٦-١٦) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٦٠، ح ٥٥٥٩.
- ١٧-١٧) . تصنيف غررالحكم، ص ١٩٣، ح ٣٧٥٩.
- ١٨-١٨) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٦١، ح ٨١٧٨.

۱۹۵۹. دعا، بهترین اسلحه است.
۱۹۶۰. مدارا، بهترین سیاست است.
۱۹۶۱. عذر خواهی، بهترین شفاعت کننده است.
۱۹۶۲. خوش اخلاقی، بهترین عادت است.
۱۹۶۳. دین، بهترین همراه است.
۱۹۶۴. کتاب، بهترین سخنگو است.
۱۹۶۵. انسان صبور، بهترین انسان است.
۱۹۶۶. بهترین پشتیبانی، مشورت است.
۱۹۶۷. بهترین یاری، صبر کردن در بلاء است.
۱۹۶۸. استغفار، بهترین وسیله است.
۱۹۶۹. موعظه، بهترین هدیه است.
۱۹۷۰. علم، بهترین دلیل ایمان است.
۱۹۷۱. نیکی به بندگان، بهترین توشه آخرت است.
۱۹۷۲. اعتراف کردن، بهترین شفاعت کننده گنه کار است.
۱۹۷۳. چشم بستن [بر نامحرم]، بهترین دور کننده شهوت است.
۱۹۷۴. خشوع، بهترین یار دعا است.
۱۹۷۵. پر خوری، بهترین کمک به گناهان است.

١٩٧٦. نِعَمَ قَرِينُ الْإِيمَانِ الْعَقْلُ. (١)
١٩٧٧. نِعَمَ قَرِينُ الْعِلْمِ الْحِلْمُ. (٢)
١٩٧٨. نِعَمَ وَزِيرُ الْإِيمَانِ الْعِلْمُ. (٣)
١٩٧٩. نِعَمَ وَزِيرُ الْعِلْمِ الْحِلْمُ. (٤)
١٩٨٠. نُعَيْتَ إِلَى نَفْسِكَ حِينَ شَابَ رَأْسُكَ. (٥)
١٩٨١. نِفَاقُ الْمَرءِ مِنْ ذُلِّ يَجِدُهُ فِي نَفْسِهِ. (٦)
١٩٨٢. نَفْسُ الْمَرءِ خُطَاةٌ إِلَى أَجَلِهِ. (٧)
١٩٨٣. نَفْسُكَ أَقْرَبُ أَعْدَائِكَ إِلَيْكَ. (٨)
١٩٨٤. نُفُوسُ الْأَبْرَارِ (أَبْدًا) تَأْبَى أفعالَ الْفُجَّارِ. (٩)
١٩٨٥. نُفُوسُ الْأَخْيَارِ نَافِرَةٌ مِنْ نُفُوسِ الْأَشْرَارِ. (١٠)
١٩٨٦. نَقَلَ الصُّخُورِ مِنْ مَوَاضِعِهَا أَهْوَنُ مِنْ تَفْهِيمِ مَنْ لَا يَفْهَمُ. (١١)
١٩٨٧. نَمَّ آمِنًا تَكُنْ فِي أَمْهَدِ الْفُرْسِ. (١٢)
١٩٨٨. نُورُ الْمُؤْمِنِ فِي قِيَامِ اللَّيْلِ.
١٩٨٩. نُورُ الْمُؤْمِنِ مِنْ قِيَامِ اللَّيْلِ. (١٣)
١٩٩٠. نُورُ شَيْبِكَ، لَا تُظْلِمُهُ بِالْمَعْصِيَةِ. (١٤)
١٩٩١. نُورُ قَلْبِكَ بِالصَّلَاةِ فِي الظُّلْمِ. (١٥)
١٩٩٢. نُومٌ عَلَى يَتِيمَيْنِ، خَيْرٌ مِنْ صَلَاةٍ فِي شَكٍّ. (١٦)
١٩٩٣. نَيْلُ الْمُنَى فِي الْغِنَى. (١٧)

- ٢-٢) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٤، ح ١٢٢.
- ٣-٣) . الكافي، ج ١، ص ٤٨، ح ٣.
- ٤-٤) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٨٦، ح ٦٤٣٠.
- ٥-٥) . نثر الآلئى، ص ١٠٢، ح ٢٧٨.
- ٦-٦) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٥٨، ح ١٠٤٨٥.
- ٧-٧) . تصنيف غررالحكم، ص ١٦٥، ح ٣٢١٧.
- ٨-٨) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٣٤، ح ٤٦٨٤.
- ٩-٩) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٤٩، ح ١٠٣٣٢.
- ١٠-١٠) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٤٩، ح ١٠٣٣١.
- ١١-١١) . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٣٢٦، ح ٧٣٢.
- ١٢-١٢) . نثر الآلئى، ص ١٠٢، ح ٢٧٩.
- ١٣-١٣) . نثر الآلئى، ص ١٠٢، ح ٢٨٠.
- ١٤-١٤) . نثر الآلئى، ص ١٠٢، ح ٢٨١.
- ١٥-١٥) . نثر الآلئى غ، ص ١٠٢، ح ٢٨٢. وفيه: «فى طلم الليل».
- ١٦-١٦) . تصنيف غررالحكم، ص ٦١، ح ٧٠٩.
- ١٧-١٧) . نثر الآلئى غ، ص ١٠٢، ح ٢٨٣.

۱۹۷۶. عقل، بهترین همراه ایمان است.
۱۹۷۷. بردباری، بهترین همراه علم است.
۱۹۷۸. علم، بهترین وزیر ایمان است.
۱۹۷۹. بردباری، بهترین وزیر علم است.
۱۹۸۰. سپیدی موی سر، خبر مرگ تو را می دهد.
۱۹۸۱. نفاق انسان، از ذلتی است که در نفس خود دارد.
۱۹۸۲. هر نفس انسان، گامی به سوی مرگ است.
۱۹۸۳. خودت نزدیکترین دشمن خود هستی.
۱۹۸۴. جان های نیکوکاران، از کارهای گنه کاران همواره ابا دارد [مرتکب نمی شود].
۱۹۸۵. خیرخواهان، از مردم شرور نفرت دارند.
۱۹۸۶. جابجا کردن صخره ها، ساده تر از فهماندن به انسان نفهم است.
۱۹۸۷. با ایمان بخواب، در بهترین فرش خواهی بود.
۱۹۸۸. نور مؤمن، در نماز شب است.
۱۹۸۹. نور مؤمن، از نماز شب است.
۱۹۹۰. پیری خود را نورانی کن. با گناه آن را تیره مکن.
۱۹۹۱. در تاریکی با نماز، قلب خود را نورانی کن.
۱۹۹۲. خواب با یقین، از نماز در حال شک بهتر است.
۱۹۹۳. در بی نیازی [از مردم] به آرزوها نائل می شوند.

١٩٩٤. الْوَاحِدُ مِنَ الْأَعْدَاءِ كَثِيرٌ. (١)
١٩٩٥. الْوَجْدَانُ سُلوَانٌ. (٢)
١٩٩٦. الْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ رَفِيقِ السُّوءِ. (٣)
١٩٩٧. الْوَرَعُ الْوُقُوفُ عِنْدَ الشُّبْهَةِ. (٤)
١٩٩٨. الْوَرَعُ جُنَّةٌ مِنَ السَّيِّئَاتِ. (٥)
١٩٩٩. الْوَفَاءُ سَجِيَّةُ الْكِرَامِ. (٦)
٢٠٠٠. الْوَقَارُ حُلِيَّةُ الْعَقْلِ. (٧)
٢٠٠١. الْوَلَدُ أَحَدُ الْعَدُوِّينِ. (٨)
٢٠٠٢. وَاسَاكَ مَنْ تَعَاوَلَ عَنْكَ. (٩)
٢٠٠٣. وَاضِعُ الْعِلْمِ عِنْدَ غَيْرِ أَهْلِهِ ظَالِمٌ لَهُ. (١٠)
٢٠٠٤. وَالْأَكُّ مَنْ لَمْ يُعَادِكَ. (١١)
٢٠٠٥. وَالِ ظُلُومٌ غَشُومٌ (١٢) خَيْرٌ مِنْ فِتْنَةٍ تَدُومٌ. (١٣)
٢٠٠٦. وَاللَّهُ لَأَبْنُ أَبِي طَالِبٍ آتَسُ بِالْمَوْتِ مِنَ الطُّفْلِ بِثَدْيِ أُمِّهِ. (١٤)
٢٠٠٧. وَاللَّهُ: مَا غَزَى قَوْمٌ قَطُّ فِي عُقْرِ دَارِهِمْ إِلَّا ذَلُّوا. (١٥)
٢٠٠٨. وَاللَّهُ: مَا قَلَعْتُ بَابَ خَيْبَرَ وَذَكَدْتُ حِصْنَ يَهُودٍ بِقُوَّةِ جِسْمَانِيَّةٍ، بَلْ بِقُوَّةِ إِلَهِيَّةٍ. (١٦)
٢٠٠٩. وَجَهَّكَ مَاءٌ جَامِدٌ يُقَطِّرُهُ السُّؤَالُ، فَانظُرْ عِنْدَ مَنْ تُقَطِّرُهُ. (١٧)

- ٣-٣) . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٣٣٤، ح ٨٢٨.
- ٤-٤) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٦٨، ح ٥٨٢١.
- ٥-٥) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٧٠، ح ٥٨٨٠.
- ٦-٦) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٥١، ح ٥٢٤٥.
- ٧-٧) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٥٠، ح ٥١٨٣.
- ٨-٨) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٠٧، ح ٩٣٤٥.
- ٩-٩) . نثر اللاكلى غ، ص ١٠٦، ح ٢٩٤.
- ١٠-١٠) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٨، ح ٢٥٤.
- ١١-١١) . نثر اللاكلى، ص ١٠٦، ح ٢٩٥.
- ١٢-١٢) . الغشوم: الذى يَخِطُ النَّاسَ وَيَأْخُذُ كُلَّ مَا قَدَرَ عَلَيْهِ (لسان العرب: غشم).
- ١٣-١٣) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٦٤، ح ١٠٦٧٢.
- ١٤-١٤) . نهج البلاغه، ج ١، ص ٤١، ح ٥.
- ١٥-١٥) . نهج البلاغه، ج ١، ص ٦٨، ح خطبه ٢٧.
- ١٦-١٦) . (و دككت حصن يهود) التحفه السنيه، (مخطوط) ص ٨٧.
- ١٧-١٧) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٦١، ح ٨١٩٧.

۱۹۹۴. یک دشمن هم، بسیار است.
۱۹۹۵. وجدان، نعمت است.
۱۹۹۶. تنهائی، از رفیق بد بهتر است.
۱۹۹۷. توقف هنگام شبیهه، پرهیزکاری است.
۱۹۹۸. پرهیزکاری، سپر بدیهاست.
۱۹۹۹. وفاء، عادت کریمان است.
۲۰۰۰. وقار، زینت عقل است.
۲۰۰۱. فرزندی، یکی از دو دشمن است.
۲۰۰۲. کسی که از [کار بد] تو تغافل کرد، با تو مواسات کرده است.
۲۰۰۳. کسی که علم را به نااهل یاد بدهد، به علم ظلم کرده است.
۲۰۰۴. کسی که با تو دشمنی نکند، با تو دوستی کرده است.
۲۰۰۵. حکمران ظالم و ستمگر، از فتنه ای که تدام یابد، بهتر است.
۲۰۰۶. بخدا قسم؛ پسر ابی طالب به مرگ، مانوس تر از طفل به پستان مادر است.
۲۰۰۷. بخدا قسم؛ کسی که در خانه ی خود با دشمن بجنگد، ذلیل خواهد شد.
۲۰۰۸. بخدا قسم؛ کندن در قلعه خبیر و به لرزه در آوردن دژ یهود را با نیروی جسمی انجام ندادم بلکه با نیروی الهی بود.
۲۰۰۹. گدائی آبروی تو را می ریزد، بین آن را نزد چه کسی می ریزی.

٢٠١٠. وَحَدَهُ الْمَرءِ خَيْرٌ مِنْ جَلِيسِ السَّوءِ. (١)
٢٠١١. وَرَعُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ دِينِهِ. (٢)
٢٠١٢. وَرَعُ الْمُنَافِقِ لَا يَظْهَرُ إِلَّا عَلَى لِسَانِهِ. (٣)
٢٠١٣. وَرَعُ الْمُؤْمِنِ يَظْهَرُ فِي عَمَلِهِ. (٤)
٢٠١٤. وَزُرُ صَدَقَةِ الْمَنَّانِ أَكْثَرُ مِنْ أَجْرِهِ. (٥)
٢٠١٥. وَضَعُ الْإِحْسَانِ فِي غَيْرِ مَوْضِعِهِ ظُلْمٌ. (٦)
٢٠١٦. وَقَرَّ اللَّهُ وَأَحْبَبَ أَحِبَّاءَهُ. (٧)
٢٠١٧. وَقَرُّوا كِبَارَكُمْ، يُوقِرْكُمْ صِغَارَكُمْ. (٨)
٢٠١٨. وَوَلَاةُ الْجَوْرِ شِرَارُ الْأُمَّةِ، (وَأَصْدَادُ الْأَئِمَّةِ). (٩)
٢٠١٩. وَوَلَايَةُ الْأَحْمَقِ سَرِيعَةُ الزَّوَالِ. (١٠)
٢٠٢٠. وَوَلَدُكَ رِيحَانَتُكَ سَبْعًا، وَخَادِمُكَ سَبْعًا، ثُمَّ هُوَ عَدُوُّكَ أَوْ صَدِيقُكَ. (١١)
٢٠٢١. وَوَلِيُّ الطِّفْلِ مَرْزُوقٌ. (١٢)
٢٠٢٢. وَوَيْلٌ لِلْحَسُودِ مِنْ حَسَدِهِ. (١٣)
٢٠٢٣. وَوَيْلٌ لِمَنْ سَاءَ خُلُقُهُ وَقَفَحَ خَلْقُهُ. (١٤)
٢٠٢٤. وَوَيْلٌ لِمَنْ وَتَرَ الْأَحْرَارَ. (١٥) حَرْفُ الْهَاءِ
٢٠٢٥. الْهَدْيَةُ تَجْلِبُ الْمَحَبَّةَ. (١٦)
٢٠٢٦. الْهَدْيَةُ تَفْقَأُ (١٧) عَيْنَ الْحَكِيمِ. (١٨)

ص: ٣٠٢

١- (١). نثر اللآلى، ص ١٠٦، ح ٢٩٦.

٢- (٢). تصنيف غررالحكم، ص ٨٦، ح ١٤١٦.

- ٣-٣) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٥٩، ح ١٠٥٠٩.
- ٤-٤) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٧٤، ح ٦٠٠١.
- ٥-٥) . نثر اللآلى، ص ١٠٦، ح ٢٩٧.
- ٦-٦) . نثر اللآلى، ص ١٠٦، ح ٢٩٨.
- ٧-٧) . شرح نهج البلاغه، ج ١٨، ص ٤١.
- ٨-٨) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٨٢، ح ١١١٣٢.
- ٩-٩) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٤٨، ح ٨٠٢٢.
- ١٠-١٠) . نثر اللآلى، ص ١٠٦، ح ٢٩٩.
- ١١-١١) . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٣٤٣، ح ٩٣٧.
- ١٢-١٢) . نثر اللآلى، ص ١٠٦، ح ٣٠٠.
- ١٣-١٣) . نثر اللآلى، ص ١٠٦، ح ٣٠١.
- ١٤-١٤) . نثر اللآلى، ص ١٠٦، ح ٣٠٢.
- ١٥-١٥) . نثر اللآلى، ص ١٠٦، ح ٣٠٣.
- ١٦-١٦) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٣٥، ح ٩٩٦٠.
- ١٧-١٧) . فَقَّا الْعَيْنَ: قَلَعَهَا وَكَسَرَهَا (أقرب الموارد: فقاً).
- ١٨-١٨) . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٣٢٤، ح ٧١٧.

۲۰۱۰. تنهائی انسان، بهتر از همنشین بد است.
۲۰۱۱. پرهیزکاری انسان، به اندازه دین اوست.
۲۰۱۲. پرهیزکاری منافق، فقط در زبان اوست.
۲۰۱۳. پرهیزکاری مؤمن، در عمل اوست.
۲۰۱۴. گناه صدقه منت گذار، بیشتر از پاداش آن است.
۲۰۱۵. احسان کردن بی مورد، ظلم است.
۲۰۱۶. خداوند را بلند مرتبه بدان. و دوستداران او را دوست مدار.
۲۰۱۷. به بزرگان خود احترام کنید، کودکان به شما احترام می کنند.
۲۰۱۸. حاکمان ستمگر، شروترین افراد امت هستند. [و دشمن امامان هستند].
۲۰۱۹. حکومت احمق، به سرعت زوال می یابد.
۲۰۲۰. فرزند تو، تا هفت سال گل تو، و هفت سال خادم تو، و پس از آن دشمن یا دوست تو است.
۲۰۲۱. سرپرست کودک مرزوق است. [خدا به همراه رزق طفل رزق ولی را هم می رساند].
۲۰۲۲. وای بر حسود از حسادت او.
۲۰۲۳. وای بر کسی که اخلاقش بد و قیافه اش زشت است.
۲۰۲۴. وای بر کسی که آزادگان را بکشد.

حرف هاء

۲۰۲۵. هدیه، محبت را جلب می کند.
۲۰۲۶. هدیه [حتی] چشم حکیم را [هم] نابینا می کند.

٢٠٢٧. الهمُّ أَحَدُ الهَرَمِينَ. (١)

٢٠٢٨. الهمُّ نِصْفُ الهَرَمِ. (٢)

٢٠٢٩. الهوى آفَةُ الألبابِ. (٣)

٢٠٣٠. الهوى إلهٌ مَعْبُودٌ. (٤)

٢٠٣١. الهوى ضِدُّ العَقْلِ. (٥)

٢٠٣٢. الهوى عَدُوٌّ مَتَّبِعٌ. (٦)

٢٠٣٣. الهوى يَقُودُ إِلَى النَّارِ. (٧)

٢٠٣٤. هاتِ ما عِنْدَكَ تُعَرِّفْ بِهِ. (٨)

٢٠٣٥. هانت المرء (٩) هَمَّتُهُ. (١٠)

٢٠٣٦. هانت عَلَيْهِ نَفْسُهُ مِنْ أَمْرٍ عَلَيْهَا لِسَانُهُ. (١١)

٢٠٣٧. هَذَا اللِّسَانُ جَمُوحٌ بِصَاحِبِهِ. (١٢)

٢٠٣٨. هَرَبُكَ مِنْ نَفْسِكَ أَنْفَعُ مِنْ هَرَبِكَ مِنَ الأَسَدِ. (١٣)

٢٠٣٩. هَلَاكُ المرءِ فِي العُجْبِ. (١٤)

٢٠٤٠. هَلَكَ الحَرِيصُ وَهُوَ لَا يَعْلَمُ. (١٥)

٢٠٤١. هَلَكَ امرؤٌ لَمْ يَعْرِفْ قَدْرَهُ. (١٦)

٢٠٤٢. هَلَكَ مَنْ لَمْ يَعْرِفْ قَدْرَهُ. (١٧)

٢٠٤٣. هَمٌّ [هَشْمٌ] الثَّرِيدِ غَيْرُ أَكْلِهِ. (١٨)

ص: ٣٠٤

١- (١). تصنيف غررالحكم، ص ٣٢١، ح ٧٤٥٤.

٢- (٢). تحف العقول، ص ١١٠.

- ٣- (٣) . عيون الحكم و المواعظ، ص ٢٤.
- ٤- (٤) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٠٦، ح ٦٩٩٩.
- ٥- (٥) . تصنيف غررالحكم، ص ٦٤، ح ٨١٣.
- ٦- (٦) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٠٦، ح ٦٩٩٦.
- ٧- (٧) . تحف العقول، ص ١٤٩.
- ٨- (٨) . نثر اللآلى، ص ١٠٤، ح ٢٨٤.
- ٩- (٩) . كذا، وفي المصدر: «هامه المرء»، والهامه: الرأس.
- ١٠- (١٠) . نثر اللآلى، ص ١٠٤، ح ٢٨٥.
- ١١- (١١) . تحف العقول، ص ٢٠١، وفيه: «هانت عليه نفسه من أطلع على سرّه، وأهلكها من أمر عليه لسانه».
- ١٢- (١٢) . تصنيف غررالحكم، ص ٢١٣، ح ٤١٦٤.
- ١٣- (١٣) . نثر اللآلى، ص ١٠٤، ح ٢٨٦.
- ١٤- (١٤) . تصنيف غررالحكم، ص ١٠٤، ح ٢٨٨.
- ١٥- (١٥) . نثر اللآلى، ص ١٠٤، ح ٢٨٩.
- ١٦- (١٦) . شرح نهج البلاغه، ج ١٨، ص ٣٥٥، ح ١٤٥.
- ١٧- (١٧) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٣٣، ح ٤٦٧٧.
- ١٨- (١٨) . نثر اللآلى، ص ١٠٤، ح ٢٨٧، وفيه: «هشم الشريد».

۲۰۲۷. غصه، یکی از دو پیری است.
۲۰۲۸. غصه، نصف پیری است.
۲۰۲۹. هوس، آفت عقلهاست.
۲۰۳۰. هوس، بُتی است که پرستیده می شود.
۲۰۳۱. هوس، ضد عقل است.
۲۰۳۲. هوس، دشمنی است که بدنبالش می روند.
۲۰۳۳. هوس، بطرف آتش می کشاند.
۲۰۳۴. آنچه داری عطا کن، به آن شناخته می شوی.
۲۰۳۵. همت انسان او را سبک می شمارد.
۲۰۳۶. کسی که زبان فرمانروایش باشد، خودش را سبک می کند.
۲۰۳۷. این زبان، از صاحبش سرکشی می کند.
۲۰۳۸. فرار کردن از خودت سودمندتر از این است که از شیر درنده فرار کنی.
۲۰۳۹. نابودی انسان، در خودپسندی است.
۲۰۴۰. حریص، نابود شده است. و نمی داند.
۲۰۴۱. انسانی که قدر خود را نداند، هلاک شده است.
۲۰۴۲. کسی که قدر خود را نشناسد، هلاک شده است.
۲۰۴۳. همت انسان بزرگ، غیر از خوراک اوست.

٢٠٤٤. هَمُّ السَّعِيدِ آخِرَتُهُ، وَهَمُّ الشَّقِيِّ دُنْيَاهُ. (١)

٢٠٤٥. هُمُومُ الْمَرْءِ بِقَدْرِ هَمِّهِ. (٢)

٢٠٤٦. هِمَّةُ الْمَرْءِ قِيَمَتُهُ. (٣)

٢٠٤٧. هَوَاكَ أَعَدَى عَلَيْكَ مِنْ كُلِّ عَدُوٍّ، فَاعْلِبْهُ وَإِلَّا أَهْلَكَكَ. (٤)

٢٠٤٨. هَيْهَاتَ أَنْ يَنْجُو الظَّالِمُ مِنَ أَلِيمِ عَذَابِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ، وَعَظِيمِ سَطَوَاتِهِ. (٥)

٢٠٤٩. هَيْهَاتَ! لَوْلَا التَّقَى لَكُنْتُ أَدْهَى (٦) الْعَرَبِ. (٧)

٢٠٥٠. هَيْهَاتَ مِنْ نَصِيحَةِ الْعَدُوِّ. (٨) حَرْفُ الْبَاءِ

٢٠٥١. الْيَدُ الْفَارِغَةُ تُنَازِعُ إِلَى الْإِثْمِ. (٩)

٢٠٥٢. الْيَقِينُ أَفْضَلُ الرَّهَادَةِ. (١٠)

٢٠٥٣. الْيَقِينُ أَفْضَلُ عِبَادَةٍ. (١١)

٢٠٥٤. الْيَقِينُ رَأْسُ الدِّينِ. (١٢)

٢٠٥٥. الْيَقِينُ نُورٌ. (١٣)

٢٠٥٦. الْيَمْنُ مَعَ الرَّفْقِ. (١٤)

٢٠٥٧. الْيَمِينُ الْفَاجِرَةُ يُخَرِّبُ الدِّيَارَ. (١٥)

٢٠٥٨. تَزِيدُ الصَّدَقَةُ فِي الْعُمْرِ. (١٦)

٢٠٥٩. يَا بَنَ آدَمَ! إِنَّمَا أَنْتَ أَيَّامٌ مَجْمُوعَةٌ، فَإِذَا مَضَى يَوْمٌ مَضَى بَعْضُكَ. (١٧)

٢٠٦٠. يَا بَنَ آدَمَ! مَا كَسَبْتَ فَوْقَ قُوَّتِكَ فَأَنْتَ فِيهِ خَازِنٌ لِعَيْرِكَ. (١٨)

ص: ٣٠٦

١- (١). نشر اللآلى، ص ١٠٤، ح ٢٩٠.

٢- (٢). نشر اللآلى، ص ١٠٤، ح ٢٩٢.

- ٣- (٣) . نثر اللآلى، ص ١٠٤، ح ٢٩١.
- ٤- (٤) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٠٦، ح ٧٠١٩.
- ٥- (٥) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٥٧، ح ١٠٤٤٢.
- ٦- (٦) . رَجُلٌ دَاهِيَةٌ: أَي مُنْكَرٌ بَصِيرٌ بِالْأُمُورِ (لسان العرب: دهى).
- ٧- (٧) . تصنيف غررالحكم، ص ١٢٠، ح ٢٠٩٨.
- ٨- (٨) . نثر اللآلى، ص ١٠٤، ح ٢٩٣.
- ٩- (٩) . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٣٠٣، ح ٤٧٣.
- ١٠- (١٠) . تصنيف غررالحكم، ص ٦١، ح ٧١٠.
- ١١- (١١) . تصنيف غررالحكم، ص ٦١، ح ٧٠٦.
- ١٢- (١٢) . تصنيف غررالحكم، ص ٦٢، ح ٧٢٤.
- ١٣- (١٣) . تصنيف غررالحكم، ص ٦٢، ح ٧٤١.
- ١٤- (١٤) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٤٤، ح ٤٩٧٨.
- ١٥- (١٥) . الكافي، ج ٧، ص ٤٣٦، ح ٩ نحوه.
- ١٦- (١٦) . نثر اللآلى، ص ١٠٨، ح ٣٠٨.
- ١٧- (١٧) . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٣١٩، ح ٦٦١.
- ١٨- (١٨) . شرح نهج البلاغه، ج ١٩، ص ١٠، ح ١٨٨.

۲۰۴۴. همت سعادت‌مند آخرت او، و همت بدبخت دنیای اوست.

۲۰۴۵. غصه های انسان، به اندازه همت‌های اوست.

۲۰۴۶. همت انسان، قیمت اوست.

۲۰۴۷. هوس تو بدترین دشمن توست. پس بر او غلبه کن. وگرنه تو را نابود می کند.

۲۰۴۸. امکان ندارد که ظالم از عذاب دردناک و مجازات سخت خداوند سبجان نجات یابد.

۲۰۴۹. بدور باد، اگر تقوا نبود از همه عرب نیرنگ بازتر بودم.

۲۰۵۰. نصیحت کردن دشمن، امکان ندارد.

حرف یاء

۲۰۵۱. کسی که بیکار است، به گناه کشیده می شود.

۲۰۵۲. یقین، برترین پارسایی است.

۲۰۵۳. یقین، برترین عبادت است.

۲۰۵۴. یقین، سر [اصلی ترین جزء] دین است.

۲۰۵۵. یقین، نور است.

۲۰۵۶. در مدارا برکت است.

۲۰۵۷. قسم دروغ، ویرانگر خانه ها است.

۲۰۵۸. صدقه، عمر را زیاد می کند.

۲۰۵۹. ای آدمیزاده؛ تو مجموعه ای از روزها هستی، زمانی که یک روز بگذرد قسمتی از تو گذشته است.

۲۰۶۰. ای آدمیزاد؛ آنچه بیشتر از مخارج خود بدست می آوری، برای دیگران ذخیره کرده ای.

٢٠٦١. يَا عَجَبًا لِلنَّاسِ! قَدْ مَكَّنَهُمُ اللَّهُ مِنَ الْإِقْتِدَاءِ بِهِ، فَيَدْعُونَ ذَلِكَ إِلَى الْإِقْتِدَاءِ بِالْبَهَائِمِ! (١)

٢٠٦٢. يَا تَيْبِكَ مَا قُدِّرَ لَكَ. (٢)

٢٠٦٣. يَا سُّ الْقَلْبِ رَاحَةُ النَّفْسِ. (٣)

٢٠٦٤. يَا مَنْ الْخَائِفُ إِذَا وَصَلَ إِلَى مَا يَخَافُهُ. (٤)

٢٠٦٥. يُبَاعِدُكَ مِنْ غَضَبِ اللَّهِ أَلَّا تَغْضَبَ. (٥)

٢٠٦٦. يَبْلُغُ الصَّادِقُ بِصِدْقِهِ مَا لَا يَبْلُغُهُ الْكَاذِبُ بِإِحْتِيَالِهِ. (٦)

٢٠٦٧. يَبْلُغُ الْمَرْءُ بِالصِّدْقِ مَنَازِلَ الْكِبَارِ. (٧)

٢٠٦٨. يَجِبُ عَلَيْكَ أَنْ تُشْفِقَ عَلَى وَلَدِكَ، أَكْثَرَ مِنْ إِشْفَاقِهِ عَلَيْكَ. (٨)

٢٠٦٩. يَحْتَاجُ الشَّرْفُ إِلَى التَّوَاضُعِ. (٩)

٢٠٧٠. يَحْتَاجُ الْعِلْمُ إِلَى الْعَمَلِ. (١٠)

٢٠٧١. يُسْتَمَرُّ الْعَفْوُ بِالْإِقْرَارِ أَكْثَرَ مِمَّا يُسْتَمَرُّ بِالْإِعْتِدَارِ. (١١)

٢٠٧٢. يُسْتَدَلُّ عَلَى عَقْلِ كُلِّ امْرِئٍ بِمَا يَجْرِي عَلَى لِسَانِهِ. (١٢)

٢٠٧٣. يُسْتَدَلُّ عَلَى مَا لَمْ يَكُنْ بِمَا قَدْ كَانَ. (١٣)

٢٠٧٤. يَسُودُ الْمَرْءُ قَوْمَهُ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِمْ. (١٤)

٢٠٧٥. يَسِيرُ التَّوْبَةُ وَالْإِسْتِغْفَارُ، يُمَحِّصُ (١٥) الْمَعَاصِيَ وَالْإِصْرَارَ. (١٦)

٢٠٧٦. يَسِيرُ الدُّنْيَا يُفْسِدُ الدِّينَ. (١٧)

٢٠٧٧. يَسِيرُ الدُّنْيَا يَكْفِي، وَكَثِيرُهَا يُرْدِي. (١٨)

ص: ٣٠٨

١- (١). شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٣٣٢، ح ٨٠٤.

٢- (٢). نثر اللآلى، ص ١٠٨، ح ٣٠٤.

- ٣-٣. نثر اللآلى، ص ١٠٨، ح ٣٠٥.
- ٤-٤. نثر اللآلى، ص ١٠٨، ح ٣٠٦.
- ٥-٥. شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٣٢٤، ح ٧١٢.
- ٦-٦. تصنيف غررالحكم، ص ٢١٩، ح ٤٣٥٧.
- ٧-٧. نثر اللآلى، ص ١٠٨، ح ٣٠٧.
- ٨-٨. شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٢٧٢، ح ١٥٢.
- ٩-٩. معدن الجواهر، ص ٥٥.
- ١٠-١٠. تصنيف غررالحكم، ص ١٥٢، ح ٢٨١٠.
- ١١-١١. تصنيف غررالحكم، ص ٤٤٧، ح ١٠٢٥٢.
- ١٢-١٢. تصنيف غررالحكم، ص ٢٠٩، ح ٤٠٣٣.
- ١٣-١٣. تصنيف غررالحكم، ص ٤٦، ح ٢٠٤.
- ١٤-١٤. نثر اللآلى، ص ١٠٨، ح ٣١٠.
- ١٥-١٥. مَحْصَ اللّٰهُ عَن فُلَانٍ ذُنُوبُهُ: أَي نَقَصَهَا وَأَذْهَبَ مَا تَعَلَّقَ بِهِ وَطَهَّرَهُ (أقرب الموارد: محص).
- ١٦-١٦. تصنيف غررالحكم، ص ١٩٦، ح ٣٨٤٧.
- ١٧-١٧. تصنيف غررالحكم، ص ١٣٠، ح ٢٢٣٧.
- ١٨-١٨. تصنيف غررالحكم، ص ٣٦٨، ح ٨٣٢٦.

۲۰۶۱. از مردم تعجب است؛ خداوند به آنها توانایی داده است که به خدا اقتدا کنند. و آنها این کار را ترک کرده و به حیوانات اقتدا می کنند.

۲۰۶۲. آنچه برای تو مقدر شده به تو خواهد رسید.

۲۰۶۳. ناامیدی قلب [از مردم]، راحتی انسان است.

۲۰۶۴. ترسو وقتی به آنچه که از آن می ترسید برسد، ایمن می شود.

۲۰۶۵. برای اینکه از غضب خدا دور شوی، غضبناک مشو.

۲۰۶۶. راستگو با صداقتش به چیزی می رسد که دروغگو با حيله به آن نمی رسد.

۲۰۶۷. انسان با صداقت، به درجات بزرگان می رسد.

۲۰۶۸. بر تو واجب است، که بر فرزندت بیشتر از خودت شفقت و مهربانی کنی.

۲۰۶۹. شرف، به تواضع احتیاج دارد.

۲۰۷۰. علم، به عمل احتیاج دارد.

۲۰۷۱. کسی که اقرار [به اشتباه خود] می کند، از کسی که عذرخواهی می کند زودتر بخشیده می شود.

۲۰۷۲. برای عقل انسان، به آنچه بر زبانش جاری می شود، استدلال می شود.

۲۰۷۳. با آنچه قبلاً واقع شده، بر آنچه واقع نمی شود استدلال می شود.

۲۰۷۴. انسان با نیکی کردن به اطرافیان، بر آنها سروری می کند.

۲۰۷۵. اندکی توبه و استغفار، گناهان و اصرار [به گناه] را پاک می کند.

۲۰۷۶. اندکی از دنیا، دین را تباہ می کند.

۲۰۷۷. اندکی از دنیا کافی است. و زیادی آن هلاک می گرداند.

٢٠٧٨. يَسِيرُ الدِّينَ خَيْرٌ مِنْ كَثِيرِ الدُّنْيَا. (١).
٢٠٧٩. يَسِيرُ العَطَاءِ خَيْرٌ مِنَ التَّعَلُّلِ بِالِاعتِدَارِ. (٢).
٢٠٨٠. يَسِيرُ الهَوَى يُفْسِدُ العَقْلَ. (٣).
٢٠٨١. يَسِيرٌ يَكْفِي، خَيْرٌ مِنْ كَثِيرٍ يُطغَى. (٤).
٢٠٨٢. يَسْعُدُ الرَّجُلُ بِمُصَاحِبِهِ السَّعِيدِ. (٥).
٢٠٨٣. يَصِيرُ أمرُ الصَّبْرِ إِلَى مُرَادِهِ. (٦).
٢٠٨٤. يَطْلُبُكَ الرِّزْقُ كَمَا تَطْلُبُهُ. (٧).
٢٠٨٥. يَطْلُبُكَ رِزْقُكَ أَشَدَّ مِنْ طَلْبِكَ لَهُ، فَأَجْمِلْ فِي طَلْبِهِ. (٨).
٢٠٨٦. يَعْمَلُ النَّمَامُ فِي سَاعَةِ فَتْنَةِ أَشْهُرٍ. (٩).
٢٠٨٧. يُمْتَحَنُ الرَّجُلُ بِفِعْلِهِ لَا بِقَوْلِهِ. (١٠).
٢٠٨٨. يُمْتَحَنُ الْمُؤْمِنُ بِالْبَلَاءِ، كَمَا يُمْتَحَنُ بِالنَّارِ الخِلَاصُ (١١). (١٢).
٢٠٨٩. يَتَّبِعِي لِدَوَى القَرَابَاتِ أَنْ يَتَزَاوَرُوا وَلَا يَتَجَاوَرُوا. (١٣).
٢٠٩٠. يَتَّبِعِي لِلْعَاقِلِ أَنْ يَتَجَنَّبَ مُخَالَطَةَ أَبْنَاءِ الدُّنْيَا. (١٤).
٢٠٩١. يَتَّبِعِي لِلْعَاقِلِ أَنْ يَتَذَكَّرَ عِنْدَ حَلَاوَةِ الغِذَاءِ مَرَارَةَ الدَّوَاءِ. (١٥).
٢٠٩٢. يَتَّبِعِي لِلْعَاقِلِ أَنْ يُخَاطَبَ الجَاهِلَ مُخَاطَبَةَ الطَّيِّبِ المَرِيضِ. (١٦).
٢٠٩٣. يَتَّبِعِي لِمَنْ عَرَفَ الزَّمَانَ أَنْ لَا يَأْمَنَ صُرُوفَهُ (وَالغَيْرَ). (١٧).
٢٠٩٤. يَتَّبِعِي لِمَنْ عَرَفَ اللهَ سُبْحَانَهُ أَنْ لَا يَخْلُوَ قَلْبُهُ مِنْ رَجَائِهِ وَخَوْفِهِ (طَرَفَهُ عَيْنٍ). (١٨).

١- (١). تصنيف غررالحكم، ص ٨٥ ح ١٣٨٧.

٢- (٢). تصنيف غررالحكم، ص ٣٧٧ ح ٨٥٢٠.

- ٣-٣) . تصنيف غررالحكم، ص ٦٤، ح ٨٢٤.
- ٤-٤) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٦٦، ح ٨٢٦٠.
- ٥-٥) . نثر اللآلئ، ص ١٠٨، ح ٣٠٩.
- ٦-٦) . نثر اللآلئ، ص ١٠٨، ح ٣١١.
- ٧-٧) . نثر اللآلئ، ص ١٠٨، ح ٣١٢.
- ٨-٨) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٩٧، ح ٩٢١٠.
- ٩-٩) . نثر اللآلئ، ص ١٠٨، ح ٣١٣.
- ١٠-١٠) . تصنيف غررالحكم، ص ١٠١، ح ١٧٥١.
- ١١-١١) . الخِلاصُ: ما أَخْلَصْتَهُ النَّارُ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالزُّبَيْدِ (أقرب الموارد: خلاص).
- ١٢-١٢) . تصنيف غررالحكم، ص ١٠١، ح ١٧٥٠.
- ١٣-١٣) . شرح نهج البلاغ، ج ٢٠، ص ٣٣٢، ح ٦٩٧.
- ١٤-١٤) . عيون الحكم والمواعظ، ص ٥٥٥.
- ١٥-١٥) . شرح نهج البلاغ، ج ٢٠، ص ٢٧٢، ح ١٤٩.
- ١٦-١٦) . تصنيف غررالحكم، ص ٥٥، ح ٤٩١.
- ١٧-١٧) . تصنيف غررالحكم، ص ١٠١، ح ١٧٦٤.
- ١٨-١٨) . تصنيف غررالحكم، ص ٨٣، ح ١٣٣٩.

۲۰۷۸. اندکی از دین، از بسیاری دنیا بهتر است.
۲۰۷۹. اندکی بخشش، بهتر از تعلل و عذر خواهی است.
۲۰۸۰. اندکی هوس، عقل را تباه می کند.
۲۰۸۱. اندکی که کافی باشد، از فراوانی که طغیان آورد، بهتر است.
۲۰۸۲. انسان با معاشرت انسان سعادت‌مند، به سعادت می رسد.
۲۰۸۳. کار صبور، بر طبق مرادش پیش می رود.
۲۰۸۴. رزق تو را می طلبد. همچنانکه تو آن را طلب می کنی.
۲۰۸۵. رزق تو را طلب می کند. بیشتر از آنچه که تو آن را طلب می کنی. پس در طلب رزق میانه روی داشته باش [خود را به این در و آن در نزن].
۲۰۸۶. سخن چین در یک ساعت، به اندازه چند ماه فتنه بر پا می کند.
۲۰۸۷. انسان را با رفتارش امتحان می کنند نه گفتارش.
۲۰۸۸. مؤمن با بلاء امتحان می شود. همانطور که با آتش طلا و نقره را خالص می کنند.
۲۰۸۹. سزاوار است خویشان همدیگر را ببینند [صله رحم] اما همسایه نباشند.
۲۰۹۰. سزاوار است که عاقل از معاشرت با اهل دنیا دوری کند.
۲۰۹۱. سزاوار است که عاقل هنگام شیرینی غذا، تلخی دارو را بیاد آورد.
۲۰۹۲. سزاوار است که عاقل با نادان همانند پزشک با بیمار سخن گوید.
۲۰۹۳. سزاوار است برای کسی که روزگار را می شناسد، خود را از دگرگونیهای آن ایمن بشمارد.
۲۰۹۴. سزاوار است بر کسی که خداوند سبحان را شناخت، قلبش از خوف و رجاء الهی لحظه ای خالی نباشد.

٢٠٩٥. يَتَّبِعِي لِمَنْ عَرَفَ النَّاسَ أَنْ يَزْهَدَ فِيمَا فِي أَيْدِيهِمْ. (١)

٢٠٩٦. يَتَّبِعِي لِمَنْ عَرَفَ دَارَ الْفَنَاءِ أَنْ يَعْمَلَ لِدارِ الْبَقَاءِ. (٢)

٢٠٩٧. يَتَّبِعِي لِمَنْ لَمْ يُكْرِمِ وَجْهَهُ عَنْ مَسْأَلَتِكَ أَنْ تُكْرِمَ وَجْهَكَ عَنْ رَدِّهِ. (٣)

٢٠٩٨. يَتَّبِعِي لِمَنْ وَلِيَ أَمْرَ قَوْمٍ أَنْ يَبْدَأَ بِتَقْوِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ أَنْ يَشْرَعَ فِي تَقْوِيمِ رَعِيَّتِهِ، وَإِلَّا كَانَ بِمَنْزِلِهِ مَنْ رَامَ اسْتِقَامَةَ ظِلِّ الْعُودِ قَبْلَ أَنْ يَسْتَقِيمَ ذَلِكَ الْعُودُ. (٤)

٢٠٩٩. يُنْبِئُ عَنْ عَقْلِ كُلِّ امْرِئٍ مَا يَنْطِقُ بِهِ لِسَانُهُ. (٥)

٢١٠٠. يَوْمُ الْمَظْلُومِ عَلَى الظَّالِمِ، أَشَدُّ مِنْ يَوْمِ الظَّالِمِ عَلَى الْمَظْلُومِ. (٦)

ص: ٣١٢

١- (١). تصنيف غررالحكم، ص ٣٦٧، ح ٨٢٨٠.

٢- (٢). تصنيف غررالحكم، ص ١٥٧، ح ٢٩٨٥.

٣- (٣). شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٣١٣، ح ٥٩٣.

٤- (٤). شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٣٦٩، ح ١١٥.

٥- (٥). تصنيف غررالحكم، ص ٢٠٩، ح ٤٠٣٥.

٦- (٦). تصنيف غررالحكم، ص ٤٥٧، ح ١٠٤٤٤.

۲۰۹۵. سزاوار است بر کسی که مردم را شناخت، به اموال آنها چشم ندوزد نکند.

۲۰۹۶. سزاوار است بر کسی که دنیا را شناخت، برای آخرت عمل کند.

۲۰۹۷. سزاوار است اگر کسی کرامت خود را با درخواست کردن از تو حفظ نکرد، تو کرامت خود را با رد نکردن او حفظ کنی.

۲۰۹۸. سزاوار است کسی که سرپرستی گروهی را بدست گرفت ابتدا به استوار کردن خود پردازد.

قبل از اینکه به استوار کردن زیر دستانش پردازد. و گرنه به منزله کسی خواهد شد که می خواهد سایه چوب کج را صاف کند. در حالیکه آن چوب هنوز راست نشده است.

۲۰۹۹. آنچه زبان می گوید، خبر از عقل انسان می دهد.

۲۱۰۰. روز [دادخواهی] مظلوم از ظالم، شدیدتر از روز [ستم کردن] ظالم بر مظلوم است.

الفصل الحادى عشر: ممّا ورد من كلام بعض العلماء

٢١٠١. مَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَاعِظٌ مِنْ دِينِهِ، لَمْ تَنْفَعَهُ الْمَوَاعِظُ.

٢١٠٢. مَنْ سَرَّهُ الْفَسَادُ سَاءَ الْمَعَادُ. (١)

٢١٠٣. كُلُّ يَحْصِدُ مَا زَرَعَ، وَيُجْزَى بِمَا صَنَعَ. (٢)

٢١٠٤. لَا يُغَيِّرُنَّكَ صِحَّةُ نَفْسِكَ وَسَلَامَةُ أَمْسِكَ؛ فَمَدَّةُ الْعُمُرِ قَلِيلَةٌ، وَصِحَّةُ النَّفْسِ مُسْتَحِيلَةٌ. (٣)

٢١٠٥. مَنْ أَطَاعَ هَوَاهُ، بَاعَ دِينَهُ بِدُنْيَاهُ. (٤)

٢١٠٦. ثَمَرَةُ الْعُلُومِ الْعَمَلُ بِالْمَعْلُومِ.

٢١٠٧. أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ لَمْ تُفْسِدِ الشَّهْوَةُ دِينَهُ.

٢١٠٨. خَيْرُ النَّاسِ مَنْ أَخْرَجَ الْحِرْصَ مِنْ قَلْبِهِ، وَعَصَى هَوَاهُ فِي طَاعَةِ رَبِّهِ. (٥)

٢١٠٩. الْبَخِيلُ حَارِسٌ نِعْمَتِهِ، وَخَازِنٌ لَوْرَثَتِهِ. (٦)

٢١١٠. مَنْ لَزِمَ الطَّمَعِ عُدِمَ الْوَرَعُ. (٧)

٢١١١. مَنْ أَكْثَرَ ابْتِهَاجَهُ بِالْمَوَاهِبِ، اشْتَدَّ انْزِعَاجُهُ بِالْمَصَائِبِ.

٢١١٢. إِيَّاكَ وَفُضُولَ الْكَلَامِ؛ فَإِنَّهُ يُظْهِرُ مِنْ عُيُوبِكَ مَا بَطَّنَ، وَيُحَرِّكُ مِنْ عَدُوكَ مَا سَكَنَ. (٨)

ص: ٣١٤

١- (١). الإمام على عليه السلام: تصنيف غررالحكم، ص ١٦٦، ح ٣٢٦٦.

٢- (٢). الإمام على عليه السلام: تصنيف غررالحكم، ص ١٦٥، ح ٣٢٢٣.

٣- (٣). قال بعضهم: مجموعه ورّام (تنبيه الخواطر)، ج ٢، ص ٣٣.

٤- (٤). الإمام على عليه السلام: تصنيف غررالحكم، ص ١٨٦، ح ٣٥٤١.

٥- (٥). الإمام على عليه السلام: تصنيف غررالحكم، ص ٢٤١، ح ٤٨٧٣.

٦- (٦). بوذر جمهور: تصنيف غررالحكم، ح ٢٢٢٧.

٧- (٧). الإمام على عليه السلام: تصنيف غررالحكم، ص ٢٩٧، ح ٦٧١٠.

٨- (٨). الإمام على عليه السلام: تصنيف غررالحكم، ص ٣١٢، ح ٤١٠٤.

۲۱۰۱. برای کسی که دینش او را موعظه نکند، بقیه موعظه ها نفعی ندارد.
۲۱۰۲. کسی که فساد او را خوشحال کند، قیامت او را ناراحت می کند.
۲۱۰۳. هر کس آنچه کشت کند، درو خواهد کرد. و پاداش کار خود را می گیرد.
۲۱۰۴. سلامتی امروز تو را مغرور نکند، عمر کوتاه است. و سلامتی همیشگی نفس محال است.
۲۱۰۵. کسی که از هوس خود پیروی کند، دینش را به دنیا خواهد فروخت.
۲۱۰۶. ثمره علم، عمل کردن به معلومات است.
۲۱۰۷. برترین مردم، کسی است که شهوت، دین او را تباه نکند.
۲۱۰۸. بهترین مردم، کسی است که حرص را از قلب خود بیرون کرده و برای اطاعت خدا، از هوس خود نافرمانی کند.
۲۱۰۹. بخیل، نگهبان نعمت خود و ذخیره کننده آن برای وارثان خود است.
۲۱۱۰. کسی که طمع دارد، ورع ندارد.
۲۱۱۱. کسی که بر موهبتها زیاد شاد می شود، ناراحتی او هنگام مصیبت شدید است.
۲۱۱۲. از حرف اضافه پرهیز کن. چون عیبهای مخفی تو را آشکار می کند. و دشمن آرام ترا، تحریک می کند.

٢١١٣. كَلَامُ الْمَرْءِ بَيَانُ فَضْلِهِ، وَتَرْخُلُ عَقْلِهِ؛ فَانْصُرْهُ (١) عَلَى الْجَمِيلِ، وَاقْتَصِرْ مِنْهُ عَلَى الْقَلِيلِ.

٢١١٤. كُلُّ امْرِئٍ يُعْرَفُ بِقَوْلِهِ، وَيُوصَفُ بِفِعْلِهِ؛ فَقُلْ سَدِيداً، وَافْعَلْ حَمِيداً.

٢١١٥. مَنْ كَثُرَ مَقَالُهُ سُمِّمَ، وَمَنْ كَثُرَ سُؤَالُهُ حُرِّمَ، وَمَنْ اسْتَحَفَّ بِإِخْوَانِهِ خُدِلَ، وَمَنْ اجْتَرَأَ عَلَى سُلْطَانِهِ قُتِلَ.

٢١١٦. مَا عَزَّ مَنْ ذَلَّ جِيرَانُهُ. (٢)

٢١١٧. مَا سَعِدَ مَنْ شَقِيَ إِخْوَانُهُ. (٣)

٢١١٨. أَجَلُ النَّوَالِ مَا وَصَلَ قَبْلَ السُّؤَالِ.

٢١١٩. أَوْلَى النَّاسِ بِالنَّوَالِ، أَرْهَدُهُمْ فِي السُّؤَالِ. (٤)

٢١٢٠. مَنْ حَسَنَ صَفَاؤُهُ، وَجَبَ اصْطِفَاؤُهُ.

٢١٢١. مَنْ غَاظَكَ بِقُبْحِ الشَّتْمِ مِنْهُ، فَعِظْهُ بِحُسْنِ الْجِلْمِ عَنْهُ. (٥)

٢١٢٢. مَنْ بَخَلَ بِمَالِهِ عَلَى نَفْسِهِ، جَادَ بِهِ عَلَى زَوْجِ عُرْسِهِ. (٦)

٢١٢٣. إِذَا صَنَعْتَ الْمَعْرُوفَ فَاسْتُرْهُ، وَإِذَا اصْطَنَعَ إِلَيْكَ فَانْشُرْهُ. (٧)

٢١٢٤. مَنْ جَاوَرَ الْكِرَامَ، أَمِنَ مِنَ الْإِعْدَامِ.

٢١٢٥. مَنْ طَابَ أَصْلُهُ، زَكَ فَرْعُهُ.

٢١٢٦. مَنْ أَنْكَرَ حُسْنَ الصَّنِيعَةِ، اسْتَوْجَبَ حُسْنَ الْقَطِيعَةِ. مَنْ مَنَّ بِمَعْرُوفٍ سَقَطَ شُكْرُهُ، وَمَنْ اعْجَبَ بِعَمَلِهِ حَبِطَ أَجْرُهُ. مَنْ رَضِيَ مِنْ نَفْسِهِ بِالْإِسَاءَةِ، شَهَدَ عَلَى نَفْسِهِ بِالرَّدَاءَةِ. مَنْ رَجَعَ فِي هَيْبَتِهِ، بَالِغٌ فِي خِسَّتِهِ.

٢١٢٧. مَنْ رَقِيَ دَرَجَاتِ الْهَمِّ، عَظُمَ فِي عُيُونِ الْأَمَمِ.

٢١٢٨. مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ ضَاقَ رِزْقُهُ. (٨)

٢١٢٩. مَنْ هَانَ عَلَيْهِ الْمَالُ، تَوَجَّهَتْ إِلَيْهِ الْأَمَالُ. (٩)

ص: ٣١٦

- ۲- (۲) . الإمام عليّ عليه السلام: تصنيف غررالحكم، ص ۴۳۷، ح ۱۰۰۱۲.
- ۳- (۳) . الإمام عليّ عليه السلام: تصنيف غررالحكم، ص ۴۲۵، ح ۹۷۶۰.
- ۴- (۴) . الإمام عليّ عليه السلام: تصنيف غررالحكم، ص ۳۸۷، ح ۸۸۴۱.
- ۵- (۵) . الإمام عليّ عليه السلام: تصنيف غررالحكم، ص ۲۸۵، ح ۶۴۰۰.
- ۶- (۶) . الإمام عليّ عليه السلام: شرح آقا جمال خوانساری بر غررالحكم، ج ۵، ص ۴۴۳.
- ۷- (۷) . الإمام عليّ عليه السلام باختلافٍ يسير: تصنيف غررالحكم، ص ۳۲۳، ح ۷۴۹۵.
- ۸- (۸) . الإمام عليّ عليه السلام: تصنيف غررالحكم، ص ۲۶۴، ح ۵۷۱۱.
- ۹- (۹) . الإمام عليّ عليه السلام: تصنيف غررالحكم، ص ۳۷۱، ح ۸۴۰۶.

۲۱۱۳. سخن انسان، بیانگر برتری و مراتب عقل اوست، پس سخن را زیباگردان و به اندک اکتفا کن.

۲۱۱۴. هر کسی با گفتار شناخته و به رفتارش توصیف می شود. پس گفتار محکم و رفتار پسندیده داشته باش.

۲۱۱۵. هر که گفتارش زیاد شد، ملول می شود. و هر که زیاد درخواست کند، محروم می شود. و کسی که دوستانش را خفیف کند، خوار می شود. و کسی که بر حاکم، جسارت کند کشته می شود.

۲۱۱۶. کسی که همسایه را ذلیل کند، عزیز نمی شود.

۲۱۱۷. کسی که دوستانش بدبخت باشند، سعادت‌مند نخواهد شد.

۲۱۱۸. بهترین هدیه آن است که قبل از درخواست، برسد.

۲۱۱۹. شایسته ترین مردم به هدیه، کم درخواست ترین آنهاست.

۲۱۲۰. کسی که صفا و صمیمیت دارد انتخاب او [بر دیگران در دادن هدیه و...] واجب است.

۲۱۲۱. کسی که با دشنام به تو تندی کرد، تو او را با بردباری موعظه کن.

۲۱۲۲. کسی که از مال خود برای خویش بخیل است، آن مال را به شوهر عروسش [مردی که بعد از مردن با همسر او ازدواج می کند.] می بخشد.

۲۱۲۳. وقتی که کار نیکی کردی آن را بپوشان، و اگر نیکی کردند، آشکار کن.

۲۱۲۴. کسی که با کریمان همسایه شود، از نابودی در امان است.

۲۱۲۵. کسی که اصلش پاک باشد، فرعش طاهر است.

۲۱۲۶. کسی که نیکی به او را انکار کند، مستحق قطع آن است. و کسی که بعد از کار خویش منت گذارد، تشکر ندارد. و کسی که به عمل خود مغرور شود، اجر خود را ضایع کرده است. و کسی که از بدی خود راضی باشد، بر فرومایگی خود شهادت داده است. و کسی که از هدیه خود برگردد، در خسیس بودن به اوج رسیده است.

۲۱۲۷. کسی که از پله های همت بالا رود، در چشم همگان بزرگ می شود.

۲۱۲۸. کسی که اخلاقش بد باشد، روزی او تنگ می شود.

۲۱۲۹. کسی که مال نزد او بی ارزش باشد، آرزوها به او روی می آورند [نیازهای مردم را برطرف می کند].

٢١٣٠. مَنْ جَادَ بِمَالِهِ جَلًّا، وَمَنْ جَادَ بِعَرَضِهِ ذَلًّا.

٢١٣١. خَيْرُ الْمَالِ: مَا اخْتَذَ مِنَ الْحَلَالِ، وَصُرِفَ عَلَى الْحَلَالِ. وَشَرُّ الْأَمْوَالِ: مَا اخْتَذَ مِنَ الْحَرَامِ، وَصُرِفَ عَلَى الْآثَامِ.

٢١٣٢. أَفْضَلُ الْمَعْرُوفِ إِغَاثَةُ الْمَلْهُوفِ. (١)

٢١٣٣. مِنْ تَمَامِ الْمُرُوءَةِ أَنْ تَنْسَى الْحَقَّ لَكَ وَتَذْكُرَ الْحَقَّ عَلَيْكَ، وَتَسْتَكْثِرَ الْإِسَاءَةَ مِنْكَ وَتَسْتَصْغِرَ الْإِسَاءَةَ عَلَيْكَ. (٢)

٢١٣٤. جُودُ الرَّجُلِ يُحِبُّهُ إِلَى أَوْسَادِهِ، وَبُخْلُهُ يُبْغِضُهُ إِلَى أَوْلَادِهِ. (٣)

٢١٣٥. مَنْ كَثُرَ ظُلْمُهُ وَاعْتَدَاؤُهُ قَرُبَ هَلَاكُهُ وَفَنَائُؤُهُ.

٢١٣٦. مَنْ طَالَ تَعَدِّيهِ كَثُرَتْ أَعَادِيهِ.

٢١٣٧. شَرُّ النَّاسِ مَنْ يَنْصُرُ الظَّالِمَ وَيَخْذُلُ الْمَظْلُومَ.

٢١٣٨. مَنْ حَفَرَ حَفِيرَةً لِأَخِيهِ، كَانَ حَتْفُهُ فِيهِ. (٤)

٢١٣٩. عَيْتِي تَسَلِّمْ بِهِ، خَيْرٌ مِنْ نُطْقِي تَنْدَمُ عَلَيْهِ.

٢١٤٠. مَنْ قَالَ مَا لَا يَتَّبِعِي، سَمِعَ مَا لَا يَشْتَهِي. (٥)

٢١٤١. مَنْ أَمَاتَ شَهْوَتَهُ، أَحْيَا مُرُوءَتَهُ. (٦)

٢١٤٢. مَنْ سَلَّ سَيْفَ الْعُدُوَانِ، اغْمَدَ فِي رَأْسِهِ.

٢١٤٣. مَنْ كَثُرَتْ عَوَارِفُهُ (٧)، كَثُرَتْ مَعَارِفُهُ. (٨)

٢١٤٤. إِيَّاكَ وَالْبَغْيَ! فَإِنَّهُ يَصْدَعُ الرَّجَالَ، وَيَقَطُّعُ الْأَجَالَ.

٢١٤٥. الْقَنَاعَةُ رَاحَةُ الْبَدَنِ، وَكَثْرَةُ التَّجَارِبِ زِيَادَةٌ فِي الْعَقْلِ. (٩)

٢١٤٦. مَنْ سَعَى بِالنَّمِيمَةِ حَذَرَهُ الْقَرِيبُ وَالْبَعِيدُ، وَمَنْ يُشَاوِرِ النِّسَاءَ فَسَدَ رَأْيُهُ، وَمَنْ حَلَّمَ سَادَ. (١٠)

٢١٤٧. مَنْ أَعَزَّ نَفْسَهُ، أَذَلَّ فَلْسَهُ. (١١)

ص: ٣١٨

- ٢-٢) . الإمام عليّ عليه السلام: تصنيف غررالحكم، ص ٢٥٩، ح ٥٥١٩ وفيه صدره إلى «الحقّ عليك».
- ٣-٣) . الإمام عليّ عليه السلام: تصنيف غررالحكم، ص ٣٧٨، ح ٨٥٢٥.
- ٤-٤) . بهذا المضمون عن الإمام عليّ عليه السلام: الكافي، ج ٨، ص ١٩، ح ٤.
- ٥-٥) . الإمام عليّ عليه السلام: تصنيف غررالحكم، ص ٢١٣، ح ٤١٣١.
- ٦-٦) . الإمام عليّ عليه السلام: تصنيف غررالحكم، ص ٢٤١، ح ٤٩١.
- ٧-٧) . العوارف: جمع العارفة بمعنى المعروف؛ أي الإحسان والعطيّة، والمعارف من معارف الرجل؛ أي أصحابه اللّذين يعرفهم، وأهل مودّته، ومن يكون بينه وبينهم مودّة.
- ٨-٨) . الإمام عليّ عليه السلام: تصنيف غررالحكم، ص ٣١٨، ح ٧٣٣١.
- ٩-٩) . بهذا المضمون عن النّبىّ الأكرم صلى الله عليه وآله: بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٨٥، ح ٨٥. (صدره فقط)
- ١٠-١٠) . الإمام عليّ عليه السلام: تصنيف غررالحكم، ص ٢٢٢، ح ٤٤٥٦. وفيه إلى: «حذر القريب والبعيد».
- ١١-١١) . أكثم بن صيفى: مجموعته ورام، ج ٢، ص ٢٣٢؛ النّبىّ الأكرم صلى الله عليه وآله: إرشاد القلوب إلى الصواب، ج ١، ص ٧٤.

۲۱۳۰. کسی که مالش را ببخشد، جلیل می شود. و کسی که آبرویش را ببخشد، ذلیل می شود.

۲۱۳۱. بهترین مال آن است که از حلال بدست آید. و در حلال مصرف شود. و بدترین مال آن است که از حرام بدست آید. و در گناه مصرف شود.

۲۱۳۲. برترین کار خوب، دادرسی به مظلوم ستمدیده است.

۲۱۳۳. کمال حد مردانگی این است که حق خود بر دیگران را فراموش کنی. و حق دیگران بر خود را بیاد آوری. و بدیهای خود را زیاد بدانی. و بدیهای مردم بر خورد را کوچک شماری.

۲۱۳۴. بخشش انسان، او را نزد دشمنان هم محبوب می کند. و بخل انسان، او را نزد دوستانش منفور می کند.

۲۱۳۵. کسی که زیاد ستم و تجاوز کند، نابودی و هلاکش نزدیک می شود.

۲۱۳۶. کسی که تجاوزش طولانی شود، دشمنانش زیاد می شوند.

۲۱۳۷. بدترین مردم کسی است که به ظالم کمک کند. و مظلوم را تنها گذارد.

۲۱۳۸. کسی که برای برادرش چاه بکند، خودش در آن می میرد.

۲۱۳۹. عجزی که با آن سالم بمانی، بهتر از حرفی است که پشیمان شوی.

۲۱۴۰. کسی که سخن ناشایسته بگوید، آنچه نمی خواهد می شنود.

۲۱۴۱. کسی که شہوتش را بمیراند، مردانگی اش را احیا کرده است.

۲۱۴۲. کسی که شمشیر دشمنی از غلاف بکشد، در سر خودش فرو رود.

۲۱۴۳. کسی که احسانش زیاد شود، معروف تر شود.

۲۱۴۴. از ستم بر حذر باش، که مردان را زمین زده و اجل ها قطع [کوتاه] می کند.

۲۱۴۵. قناعت، راحت بدن است. و تجربه ی بسیار، عقل را زیاد می کند.

۲۱۴۶. کسی که سخن چینی کند، دور و نزدیک هم از او حذر می کنند. و کسی که با زنان مشورت کند، نظرش تباه شود. و کسی که بردبار شود سروری کند.

۲۱۴۷. کسی که خودش را عزیز کند، مالش را ذلیل می کند.

٢١٤٨. مَنْ سَلَكَ الْجَدَدَ (١)، أَمِنَ الْعِثَارَ.

٢١٤٩. مَنْ كَانَ عَبْدًا لِلْحَقِّ فَهُوَ حُرٌّ.

٢١٥٠. مَنْ بَدَّلَ بَعْضَ عِنَايَتِهِ لَكَ، فَأَبْدَلْ جَمِيعَ شُكْرِكَ لَهُ.

٢١٥١. مَنْ تَأَنَّى، أَصَابَ مَا تَمَنَّى (٢).

٢١٥٢. مَا صَبَرَ الْعِلْمُ بِمِثْلِ بَدَلِهِ لِأَهْلِهِ.

٢١٥٣. رُبَّمَا كَانَتْ الْعَطِيَّةُ خَطِيئَةً، وَالْعِنَايَةُ جِنَايَةً.

٢١٥٤. لَوْلَا السَّيْفُ، كَثُرَ الْحَيْفُ (٣).

٢١٥٥. لَوْ صُوِّرَ الصُّدُقُ لَكَانَ أَسَدًا، وَلَوْ صُوِّرَ الْكُذِبُ لَكَانَ ثَعْلَبًا.

٢١٥٦. لَوْ سَكَتَ مَنْ لَا يَعْلَمُ لَسَقَطَ الْخِلَافُ (٤).

٢١٥٧. مَنْ قَاسَ الْأُمُورَ فَهَمَّ الْمَسْتَوِرَ.

٢١٥٨. مَنْ لَمْ يَصْبِرْ عَلَى كَلِمَةٍ سَمِعَ كَلِمَاتٍ.

٢١٥٩. مَنْ عَابَ نَفْسَهُ فَقَدْ زَكَّاهَا.

٢١٦٠. مَنْ بَلَغَ غَايَةَ مَا يُحِبُّ، فَلَيْسَتْ وَقَعُ غَايَةَ مَا يَكْرَهُ (٥).

٢١٦١. مَنْ شَارَكَ الشُّطْرَانَ فِي عِزِّ الدُّنْيَا، شَارَكَهُ فِي ذُلِّ الْآخِرَةِ (٦).

٢١٦٢. الْفَقْرُ يُخْرِسُ الْفَطْنَ عَنِ حُجَّتِهِ (٧).

٢١٦٣. الْمَرَضُ حَبْسُ الْبَدَنِ، وَالْهَمُّ حَبْسُ الرُّوحِ، وَالْمَفْرُوحُ بِهِ هُوَ الْمَحْزُونُ عَلَيْهِ (٨).

٢١٦٤. الْهَدْيَةُ تَرُدُّ بَلَاءَ الدُّنْيَا، وَالصَّدَقَةُ تَرُدُّ بَلَاءَ الْآخِرَةِ.

٢١٦٥. الْحُرُّ عَبْدٌ إِذَا طَمِعَ، وَالْعَبْدُ حُرٌّ إِذَا قَنِعَ.

٢١٦٦. الْفُرْصَةُ سَرِيعَةُ الْفَوْتِ، بَطِيئَةُ الْعُودِ (٩).

٢١٦٧. الْآثَامُ قَرَائِسُ (١٠) الْآثَامِ.

- ١- (١) . الجَدَد: الأرض الغليظة. وقيل: الأرض الصلبة. وقيل: المستويه (لسان العرب: ١٠٩/٣).
- ٢- (٢) . النبي الأكرم صلى الله عليه و آله: الشهاب الأخبار، ١٤٧.
- ٣- (٣) . الحيف: الجور والظلم (لسان العرب: ٦٠/٩).
- ٤- (٤) . الإمام عليّ عليه السلام: كنز الفوائد للكراچكى [نور]، ج ١، ص ٣١٩.
- ٥- (٥) . الإمام عليّ عليه السلام: تصنيف غررالحكم، ص ١٣١، ح ٢٢٥٧.
- ٦- (٦) . وقال آخر: مجموعته ورام، ج ٢، ص ٣٤.
- ٧- (٧) . الإمام عليّ عليه السلام: تصنيف غررالحكم، ص ٣٦٥، ح ٨٢٢٧.
- ٨- (٨) . الإمام عليّ عليه السلام: تصنيف غررالحكم، ص ٤٨٤، ح ١١١٧٦. (المرض جس البدن)
- ٩- (٩) . الإمام عليّ عليه السلام: تصنيف غررالحكم، ص ٤٧٣، ح ١٠٨١٢.
- ١٠- (١٠) . قَرَسَ قَرَساً: إذا لم يستطع أن يعمل بيده من شدّه البرد (تاج العروس: ٢١٥/٤).

۲۱۴۸. کسی که در راه مستقیم قدم گذارد نمی لغزد.
۲۱۴۹. کسی که بنده ی حق باشد، آزاده است.
۲۱۵۰. کسی که به تو مقداری عنایت داشت، تو تمام تشکرت را به او بذل کن.
۲۱۵۱. کسی که صبر کند، به آرزویش می رسد.
۲۱۵۲. هیچ چیز علم را همانند یاد دادن آن به افراد مناسب، محافظت نمی کند.
۲۱۵۳. گاهی عطا کردن خطا، و عنایت کردن، جنایت است.
۲۱۵۴. اگر شمشیر [قدرت] نبود، ستم بیشتر می شد.
۲۱۵۵. اگر راستگویی مصور شود به صورت شیر، و دروغ به صورت روباه است.
۲۱۵۶. اگر کسی که نمی داند سکوت کند، اختلاف از بین می رود.
۲۱۵۷. کسی که امور را با هم مقایسه کند، [مطالب] پوشیده را می فهمد.
۲۱۵۸. کسی که یک کلمه را تحمل نکند [مجبور می شود]، کلمات زیادی بشنود.
۲۱۵۹. کسی که عیب نفس خود را پیدا کند، آن را پاک کرده است.
۲۱۶۰. کسی که به نهایت آنچه دوست دارد برسد، در انتظار نهایت آنچه نمی خواهد، باشد.
۲۱۶۱. کسی که با سلطان در عزت دنیا شریک باشد [اطرافیان سلطان]، در ذلت آخرت هم با او شریک است.
۲۱۶۲. فقر، انسان باهوش را در استدلال لال می کند.
۲۱۶۳. بیماری، زندان بدن است. و غصه، زندان روح است. و آنچه به آن شاد شوند، موجب حزن خواهد شد.
۲۱۶۴. هدیه، بلای دنیا را بر می گرداند. و صدقه، بلای آخرت را دفع می کند.
۲۱۶۵. آزاده اگر طمع کند، بنده است. و بنده اگر قانع باشد، آزاده است.
۲۱۶۶. فرصت، به سرعت از بین می رود. و به کندی به دست می آید.
۲۱۶۷. گناهان، لغزشهای انسانها هستند.

٢١٦٨. اللسانُ صَغِيرُ الجِرمِ، عَظِيمُ الجِرمِ (١).

٢١٦٩. يَوْمُ العَدْلِ عَلَى الظَّالِمِ أَشَدُّ مِنْ يَوْمِ الجَوْرِ عَلَى المَظْلُومِ (٢).

٢١٧٠. قَدْ تُحْصَدُ اليَواقِيتُ (٣) فِي بَعْضِ المَواقِيتِ.

٢١٧١. اتَّبِعْ وَلَا تَبْتَدِعْ. ارعَ مَنْ عَصَمَكَ بِغَيْرِ حَاجِهِ إِلَيْكَ.

٢١٧٢. لَا تُسِئْ إِلَى مَنْ أَحْسَنَ إِلَيْكَ، وَلَا تُعِنِ عَلَى مَنْ أَنْعَمَ عَلَيْكَ (٤).

٢١٧٣. لَا تُشْرَبِ السَّمَّ اتِّكَالاً عَلَى مَا عِنْدَكَ مِنَ التَّرْيَاقِ (٥).

٢١٧٤. لَا تُكُنْ مِمَّنْ يَلْعَنُ إبليسَ فِي العَلائِيهِ، وَيُوالِيهِ فِي السَّرِّ.

٢١٧٥. صَدِيقُكَ مَنْ صَدَّقَكَ لَا مَنْ صَدَّقَكَ.

٢١٧٦. لَا سَرْفَ فِي الخَيْرِ، كَمَا لَا خَيْرَ فِي السَّرْفِ (٦).

٢١٧٧. جُهْدُ المِقْلِ خَيْرٌ مِنْ عُذْرِ المِحْلِ (المهل خ ل).

٢١٧٨. بَرْدُ اليَأْسِ خَيْرٌ مِنْ حَرِّ الطَّمَعِ.

٢١٧٩. إِنَّ الطَّمَعَ فَقْرٌ، وَإِنَّ اليَأْسَ غِنَاءٌ (٧)، وَإِنَّهُ مَنْ يَيْسَ عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ اسْتَغْنَى عَنْهُمْ (٨).

٢١٨٠. وَقِيلَ: العَيْشُ سَاعَةٌ تَمُرُّ، وَخُطُوبُ (٩) أَيَّامٍ تُكْرَهُ.

٢١٨١. وَقَالَ ابْنُ مَسْعُودٍ: مَا مِنْ يَوْمٍ إلَّا وَمَلَكَ يُنَادِي: يَا بَنَ آدَمَ! قَلِيلٌ يَكْفِيكَ خَيْرٌ مِنْ كَثِيرٍ يُطْغِيكَ (١٠).

٢١٨٢. وَقَالَ أَوْيسُ القَرْنِيُّ: مَا سَمِعْتُ كَلِمَةً كَانَتْ لِلحُكَمَاءِ أَنْفَعَ لِي مِنْ قَوْلِهِمْ: صَانِعٌ وَجْهًا وَاحِدًا يَكْفِيكَ الوُجُوهَ كُلَّهَا (١١).

ص: ٣٢٢

١- (١). جِرمٌ: أى جِسم، والجِرم: الذنب (العين: ١١٨/٦).

٢- (٢). الإمام علي عليه السلام: كشف الغمه في معرفه الأئمه، ج ٢، ص ٣٤٨.

٣- (٣). الياقوت: يقال: فارسى معرّب. وهو فاعول، الواحده ياقوته، والجمع يواقيت (الصحاح: ٢٧١/١).

٤- (٤). الإمام علي عليه السلام: تصنيف غررالحكم، ص ٣٩٠، ح ٨٩٧٠، صدر الروايه الإمام علي عليه السلام: تصنيف غررالحكم، ص ٣٢٣، ح ٧٥١٢، ذيل الروايه.

٥- (٥). الترياق: ما يستعمل لدفع السم من الأذويه والمعاجين، وهو معرّب، ويقال بالبدال أيضاً (النهايه: ١٨٤/١).

- ٦-٦) . النبى الأكرم صلى الله عليه و آله: الحياه، ج ٤، ص ٣٠٩.
- ٧-٧) . الغناء: النفع (الصحاح: ٢٤٤٩/٦).
- ٨-٨) . قال بعضهم: مجموعه ورام، ج ١، ص ١٦٤.
- ٩-٩) . الخُطْب: الأمر صغُر أو عَظُم، الجمع خطوب (القاموس المحيط: ٦٢/١).
- ١٠-١٠) . مجموعه ورام، ج ١، ص ١٦٤.
- ١١-١١) . مجموعه ورام، ج ٢، ص ١١٣.

۲۱۶۸. اندازه زبان کوچک، اما جرم آن بزرگ است.

۲۱۶۹. زمان عدالت بر ظالم، شدیدتر از زمان ستم بر مظلوم است.

۲۱۷۰. بعضی اوقات، یاقوت بدست می آوری.

۲۱۷۱. تبعیت کن. ولی بدعت نکن. به کسی که ترا حفظ کرد، کمک کن. گرچه نیاز ندارد.

۲۱۷۲. به کسی که با تو نیکی کرده، بدی مکن. و بر علیه کسی که به تو نعمت داده، کمک رسانی مکن.

۲۱۷۳. سم را به امید اینکه در نزدت دارو داری، مصرف نکن.

۲۱۷۴. از کسانی که به ظاهر شیطان را لعنت می کنند و در نهان دوست او هستند، مباش.

۲۱۷۵. دوست تو، کسی است که با تو صادق باشد. نه آنکه تو را تصدیق کند.

۲۱۷۶. در کار خیر، اسراف نیست. همانطور که در اسراف، خیر نیست.

۲۱۷۷. کوشش اندک افراد کم بضاعت، از عذرخواهی افراد با بضاعت که [از خیر] شانه خالی می کنند بهتر است.

۲۱۷۸. سردی نومیدی، از حرارت طمع بهتر است.

۲۱۷۹. همانا طمع فقر است. و نومیدی ثروت است. و بدرستی که هر کس از اموال مردم ناامید شود، از آنان بی نیاز می گردد.

۲۱۸۰. گفته شده است: خوشگذرانی، ساعتی گذرا است. و خواهشها [همانند] روزهایی که تکرار می شوند.

۲۱۸۱. ابن مسعود گفت: هیچ روزی نیست، مگر اینکه فرشته ای ندا می دهد: ای آدمیزاده اندکی که تو را کفایت کند، از بسیاری که تو را طغیانگر نماید بهتر است.

۲۱۸۲. اویس قرنی گفت: سخنی سودمندتر از این جمله از حکیمان نشنیدم: سعی کن یک رو باشی که از چندرو بودن بی نیازت می کند.

٢١٨٣. كَتَبَ حَكِيمٌ إِلَى حَكِيمٍ: مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ رَيْحًا، وَمَنْ غَفَلَ عَنْهَا خَسِرَ. (١)

٢١٨٤. وَقِيلَ لِلْقِمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَلَسْتَ عَبْدَ آلِ فُلَانٍ؟ قَالَ: بَلَى، قِيلَ: فَمَا بَلَغَ بِكَ مَا تَرَى؟ قَالَ: صِدْقُ الْحَدِيثِ، وَأَدَاءُ الْأَمَانَةِ، وَتَرْكِي مَا لَا يَعْينِي، وَعِظُ بَصِيرِي، وَكَفُّ لِسَانِي، وَعِفَّةُ طَعْمِي؛ فَمَنْ نَقَصَ عَن هَذَا فَهُوَ دُونِي، وَمَنْ زَادَ عَلَيْهِ فَهُوَ فَوْقِي، وَمَنْ عَمِلَهُ فَهُوَ مِثْلِي. (٢)

٢١٨٥. وَقَالَ: يَا بَنِيَّ، الشَّرُّ لَا يُطْفِئُ بِالشَّرِّ؛ كَالنَّارِ لَا تُطْفِئُ بِالنَّارِ، وَلَكِنَّهُ يُطْفِئُ بِالْخَيْرِ؛ كَالنَّارِ تُطْفِئُ بِالمَاءِ.

لَا تَشَمَّتْ بِالمَوْتِ، وَلَا تَسْخَرُ بِالمُبْتَلَى، وَلَا تَمْنَعُ المَعْرُوفَ. (٣)

٢١٨٦. يَا بَنِيَّ، كُنْ أَمِينًا تَعِشْ عَتِيًّا. (٤)

٢١٨٧. يَا بَنِيَّ، إِنَّكَ حِينَ سَيَقُطُّ مِنْ بَطْنِ امِّكَ اسْتَدْبَرْتَ الدُّنْيَا وَاسْتَقْبَلْتَ الآخِرَةَ، وَأَنْتَ كُلَّ يَوْمٍ إِلَى مَا اسْتَقْبَلْتَ أُسْرِعُ مِنْكَ وَأَدْنَى إِلَى مَا اسْتَدْبَرْتَ. (٥)

٢١٨٨. يَا بَنِيَّ، اتَّخِذْ تَقْوَى اللَّهِ تِجَارَةً؛ تَأْتِيكَ الأَرْبَاحُ مِنْ غَيْرِ بِضَاعِهِ، وَإِذَا أَخْطَأَتْ خَطِيئَتُهُ فَاَبْعَثْ فِي أَثْرِهَا صَدَقَةً تُطْفِئُهَا. (٦)

ص: ٣٢٤

١- (١). مجموعہ ورام، ج ٢، ص ٣٠. ونقل هذا الكلام أيضاً عن المعصومين عليهم السلام؛ كالإمام عليّ عليه السلام (بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٧٣).

٢- (٢). مجموعہ ورام، ج ٢، ص ٢٣٠.

٣- (٣). مجموعہ ورام، ج ٢، ص ٢٣١.

٤- (٤). مجموعہ ورام، ج ٢، ص ٢٣١.

٥- (٥). إرشاد القلوب إلى الصواب، ج ١، ص ٧٢. من وصيه لقمان لابنه.

٦- (٦). مجموعہ ورام، ج ٢، ص ٢٣١.

۲۱۸۳. حکیمی به حکیم دیگر نوشت: کسی که به حساب نفس خود رسید، نفع برد و کسی که از نفس خود غافل شد زیان کرد.

۲۱۸۴. به لقمان گفتند: آیا بنده فلان خاندان نیستی؟ گفت: آری. گفتند: پس چه چیز ترا به اینجا رساند؟ گفت: راست گفتن، امانت داری، آنچه برایم اهمیت نداشت و بی فایده بود ترک کردم، چشم [از گناه] پوشیدم. زبانم را کنترل کردم، لقمه ام را حلال کردم. هر کس از این کمتر عمل کند، از من پایین تر است. و هر کس بیشتر از این عمل کند، از من بهتر است. و هر کس به همین اندازه عمل کند، مثل من است.

۲۱۸۵. لقمان گفت: فرزندم؛ شرارت با شر پاک نمی شود. چنانکه آتش با آتش خاموش نمی شود.

لکن، خیر، شرارت را پاک می کند مثل آب که آتش را خاموش می کند. به مرگ، کسی را شماتت نکن. کسی را که گرفتار شده، مسخره نکن. از کار خیر کردن پرهیز نکن.

۲۱۸۶. فرزندم؛ امین باش و بی نیاز زندگی کن.

۲۱۸۷. فرزندم، زمانی که به دنیا آمدی، دنیا را پشت سر گذاشتی. و رو به آخرت کردی. و تو هر روز به آخرت نزدیکتر و از دنیا دورتر می شوی.

۲۱۸۸. فرزندم؛ تقوای خداوند را سرمایه قرار بده بدون سرمایه سود می بری و اگر گناهی مرتکب کردی، پشت سرش صدقه بده که اثر آن را پاک می کند.

٢١٨٩. يَا بُنَيَّ، إِنَّ الْمَوْعِظَةَ تَشُقُّ عَلَى السَّفِيهِ كَمَا يَشُقُّ الصُّعُودُ عَلَى الشَّيْخِ الْكَبِيرِ. (١)

٢١٩٠. يَا بُنَيَّ، لَا تَرْتَثْ لِمَنْ ظَلَمْتَهُ (٢) وَلَكِنْ ارْثْ لِسُوءِ مَا جَنَيْتَهُ عَلَى نَفْسِكَ، فَإِذَا دَعَتَكَ الْقَدْرَةُ إِلَى ظُلْمِ النَّاسِ فَادْكُرْ قُدْرَةَ اللَّهِ عَلَيْكَ. (٣)

٢١٩١. يَا بُنَيَّ، تَعَلَّمْ مِنَ الْعُلَمَاءِ مَا جَهِلْتَ وَعَلِّمِ النَّاسَ مَا عَلِمْتَ. (٤)

٢١٩٢. وَقَالَ لِابْنِهِ: يَا بُنَيَّ، تَعَلَّمِ الْعِلْمَ وَإِنْ لَمْ تَتَلَّ بِهِ حَظًّا؛ فَلَأَنْ يُذَمَّ لَكَ الزَّمَانُ خَيْرٌ مِنْ أَنْ يُذَمَّ بِكَ الزَّمَانُ.

٢١٩٣. وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ فِيمَا وَعَظَ بِهِ لُقْمَانَ ابْنَهُ: إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا قَبْلَكَ لِأَوْلَادِهِمْ، فَلَمْ يَبْقَ مَا جَمَعُوا لَهُ، وَإِنَّمَا أَنْتَ عَبْدٌ مُسْتَأْجَرٌ قَدْ أَجْرَتْ بِعَمَلٍ، وَوَعِدْتَ عَلَيْهِ أَجْرًا، فَأَوْفِ عَمَلَكَ، وَاسْتَوْفِ أَجْرَكَ، وَلَا تَكُنْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا بِمَنْزِلَةِ شَاهٍ وَقَعْتَ فِي زَرْعٍ أَخْضَرَ فَأَكَلْتَ حَتَّى سَمِنْتَ، فَكَانَ حَتْفُهَا عِنْدَ سَمْنِهَا، وَلَكِنْ اجْعَلِ الدُّنْيَا بِمَنْزِلَةِ قَنْطَرَةٍ عَلَى نَهْرٍ جُرَتْ عَلَيْهَا وَتَرَكْتَهَا وَلَمْ تَرْجِعْ إِلَيْهَا آخِرَ الدَّهْرِ، أَخْرِبْهَا وَلَا تَعْمُرْهَا؛ فَإِنَّكَ لَمْ تُؤْمَرْ بِعِمَارَتِهَا. (٥)

٢١٩٤. وَرَوَى مُسْنَدًا أَيْضًا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ لُقْمَانَ وَحِكْمَتِهِ، فَقَالَ: أَمَا وَاللَّهِ مَا أُوتِيَ الْحِكْمَةَ بِحَسَبٍ وَلَا مَالٍ وَلَا أَهْلِ وَلَا بَسِطٍ (٦) فِي الْجِسْمِ وَلَا جَمَالَ، وَلَكِنَّهُ كَانَ رَجُلًا قَوِيًّا فِي أَمْرِ اللَّهِ، مُتَوَرِّعًا فِي دِينِهِ، سَاكِنًا سَكِينًا (٧)، عَمِيقَ النَّظَرِ، طَوِيلَ الْفِكْرِ، حَدِيدَ الْبَصَرِ، لَمْ يَنْمِ فِي نَهَارٍ قَطُّ، وَلَمْ يَنْمِ فِي مَحْفَلٍ قَوْمٍ قَطُّ، وَلَمْ يَنْقُلْ (٨) فِي مَجْلِسٍ قَوْمٍ قَطُّ، وَلَمْ يُعِبْ أَحَدًا بِشَيْءٍ قَطُّ، وَلَمْ يَرَهُ أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ عَلَى بَوْلٍ وَلَا غَائِطٍ قَطُّ وَلَا اغْتِسَالٍ؛ لِشِدَّةِ تَسْتُرِهِ وَعَمَقِ نَظَرِهِ وَتَحْفُظِهِ لِذُنُوبِهِ، وَلَمْ يَضْحَكْ مِنْ شَيْءٍ قَطُّ، وَلَمْ يَغْضَبْ قَطُّ مَخَافَةَ الْإِثْمِ فِي دِينِهِ، وَلَمْ يُمَارِحْ إِنْسَانًا قَطُّ، وَلَمْ يَفْرَحْ لِشَيْءٍ أُوتِيَهُ مِنَ الدُّنْيَا، وَلَا حَزَنَ عَلَى مَا فَاتَهُ مِنْهَا قَطُّ، وَلَمْ يَسْمَعْ قَوْلًا مِنْ أَحَدٍ اسْتَحْسَنَهُ إِلَّا سَأَلَ عَنْ تَفْسِيرِهِ. (٩)

ص: ٣٢٤

- ١- (١). مجموعته ورام، ج ٢، ص ٢٣١.
- ٢- (٢). أي لا تبك على الميت الذي ظلمته، أو لا تبك على المظلوم، بل ابك على نفسك لما جنيت وظلمت نفسك بهذا العمل.
- ٣- (٣). مجموعته ورام، ج ٢، ص ٢٣١.
- ٤- (٤). مجموعته ورام، ج ٢، ص ٢٣١.
- ٥- (٥). مجموعته ورام، ج ٢، ص ١٩٤؛ الكافي، ج ٢، ص ١٣٤، ح ٢٠.
- ٦- (٦). البسطه في الجسم: الطول والكمال (القاموس المحيط: ٣٥٠/٢).
- ٧- (٧). السكينة: الوقار والتأني في الحركة والسير (النهاية: ٣٨٥/٢). وفي مستدرک الوسائل: ١٨٥/١١: «سكيتاً» بدل «سكيناً».
- ٨- (٨). أي لم يتحول من مكان إلى مكان آخر في المجلس الواحد. وفي مجمع البيان: ٨٤/٨: «يتفل» بدل «ينقل».
- ٩- (٩). تفسير قمي، ج ٢، ص ١٤٢.

۲۱۸۹. فرزندم؛ موعظه برای سفیه دشوار است. چنانکه صعود کردن برای پیرمرد دشوار است.

۲۱۹۰. فرزندم؛ برای کسی که به او ظلم کرده ای گریه مکن، بلکه برای جنایتی که به خود کرده ای گریه کن. و زمانی که قدرت ظلم کردن به مردم داری، قدرت خداوند بر خود را بیاد آور.

۲۱۹۱. فرزندم؛ آنچه نمی دانی از علما بیاموز. و آنچه می دانی به مردم یاد بده.

۲۱۹۲. فرزندم؛ علم بیاموز. گرچه بهره مادی نبوی، چون اگر زمان را برای تو مذمت کنند [بگویند]:

زمان بدی بر تو گذشت. [بهرتر از این است که زمان را به تو مذمت کنند. [بگویند: زمان را چه بد گذراندی.]

۲۱۹۳. امام صادق علیه السلام فرمودند: از موعظه های لقمان به فرزندش این بود:

مردم قبل از تو برای فرزندانشان جمع کردند. و آنچه برایش جمع کردند، باقی نمانده است. تو بنده اجیری هستی که برای کاری اجیر شده ای، و برایت اجرتی تعیین شده است.

پس کارت را انجام بده. و اجرت بگیر. و در این دنیا مثل گوسفندی نباش که در زراعت سرسبزی بخوری و چاق شوی، که مرگ تو در چاق شدن تو باشد. بلکه دنیا را مثل پُل روی نهری بدان که از آن عبور می کنی. و دیگر به آن باز نمی گردی. بعد از گذشتن پل را خراب کن. و تعمیر نکن. چون مأمور به ساختن آن نیستی.

۲۱۹۴. از امام صادق علیه السلام نقل شده درباره ی لقمان و حکمت او فرمودند:

بخدا قسم حکمت را به نژاد و مال و فامیل و بدن قوی و زیبایی او ندادند. بلکه لقمان مردی قوی در [اجرای] فرمان در دین خدا باتقوا در دین، با وقار، دارای دقت نظر، تفکر طولانی و بصیرت قوی بود، هرگز روزها نمی خوابید، و در هیچ محفلی نمی خوابید، در یک مجلس جابجا نمی شد، از کسی عیب نمی گرفت، در حال ادرار و مدفوع کردن و غسل کردن بدلیل شدت پوشش و عمق نظر و محافظت از گناه، هیچ کس او را ندید.

هرگز به چیزی نخندید. و از ترس گناه در دین هرگز غضبناک نشد. هرگز با کسی شوخی نکرد. هرگز به دلیل نعمت دنیا شادی نکرد. و برای از دست دادن آن غمگین نشد.

وكان يُكثِرُ مُجَالَسَةَ الْحُكَمَاءِ، وَيَتَوَاضَعُ لَهُمْ، وَيَغْشَى الْقُضَاةَ وَالْمُلُوكَ وَالسَّلَاطِينَ، فَيَرْتِي لِلْقُضَاةِ بِمَا ابْتَلَوْا، وَيَرَحِمُ الْمُلُوكَ وَالسَّلَاطِينَ لِعُدَّتِهِمْ (١) وَاغْتِرَارِهِمْ بِاللَّهِ وَطُمَأْنِينَتِهِمْ إِلَى الدُّنْيَا، وَمِيلِهِمْ إِلَيْهَا وَإِلَى زَهْرَتِهَا، (٢) فَيَفَكِّرُ فِي ذَلِكِ، وَيَعْتَبِرُ وَيَتَعَلَّمُ مَا يَغْلِبُ بِهِ نَفْسَهُ، وَيُجَاهِدُ هَوَاهُ وَيَحْتَرِزُ بِهِ مِنَ الشَّيْطَانِ، وَكَانَ لَا يُصْغِي إِلَّا فِيمَا يَنْفَعُهُ، وَلَا يَنْطِقُ إِلَّا فِيمَا يَعْنِيهِ، فَبِذَلِكَ أَوْتِيَ الْحِكْمَةَ، وَمُنِحَ الْعِصْمَةَ.

وَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَمَرَ طَوَائِفَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ حِينَ انْتَصَفَ النَّهَارُ وَهَدَّاتِ (٣) الْعُيُونُ بِالْقَائِلِهِ، فَادَّوَا لُقْمَانَ مِنْ حَيْثُ يَسْمَعُ كَلَامَهُمْ وَلَا يَرَاهُمْ، فَقَالُوا: يَا لُقْمَانُ! هَلْ لَكَ أَنْ يَجْعَلَكَ اللَّهُ خَلِيفَةً تَحْكُمُ بَيْنَ النَّاسِ؟ فَقَالَ لُقْمَانُ: إِنَّ أَمْرَنِي رَبِّي بِذَلِكَ فَسَمِعًا وَطَاعَةً؛ لِأَنَّهُ إِنْ فَعَلَ ذَلِكَ بِي أَعَانَنِي وَأَغَاثَنِي وَعَلَّمَنِي وَعَصَمَنِي، وَإِنْ هُوَ عَزَّ وَجَلَّ خَيَّرَنِي قَبْلَتْ الْعَافِيَةَ.

فَقَالَتِ الْمَلَائِكَةُ: وَلِمَ يَا لُقْمَانُ؟ فَقَالَ: الْحُكْمُ بَيْنَ النَّاسِ شَرُّ الْمَنَازِلِ مِنَ الدِّينِ، وَأَكْثَرُهُ فِتْنًا وَبَلَايَا، يُخَذَلُ صَاحِبُهُ وَلَا يِعَانُ، وَيَغْشَاهُ الظُّلْمُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ، وَصَاحِبُهُ مِنْ بَيْنِ أُمَّرِينَ: إِنْ أَصَابَ فِيهِ الْحَقُّ فَبِالْحَرِيِّ أَنْ يَسْلَمَ، وَإِنْ أَخْطَأَ أَخْطَأَ طَرِيقَ الْجَنَّةِ، وَمَنْ يَكُنْ دَلِيلًا وَوَضِيعًا بَيْنَ النَّاسِ لَا يَعْرِفُ كَانَ أَهْوَنَ عَلَيْهِ فِي الْمَعَادِ، وَأَقْرَبَ إِلَى الرَّشَادِ مِنْ أَنْ يَكُونَ فِيهَا جَلِيلًا، وَمَنْ اخْتَارَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ يَخْسِرُهَا كِلْتَيْهِمَا؛ تَزُولُ عَنْهُ هَذِهِ، وَلَا يَدْرِكُ تِلْكَ.

قَالَ: فَعَجِبَ الْمَلَائِكَةُ مِنْ حِكْمَتِهِ، وَاسْتَحْسَنَ الرَّحْمَنُ مَنْطِقَهُ، فَلَمَّا أَمْسَى وَأَخَذَ مُضْجَعَهُ مِنَ اللَّيْلِ أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْحِكْمَةَ فَغَشَاهُ بِهَا، فَاسْتَيْقَظَ وَهُوَ أَحْكَمُ أَهْلِ الْأَرْضِ.

٢١٩٥. وَعَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَمَّا وَعَظَ لُقْمَانُ ابْنَهُ قَالَ: أَنَا مُنْذُ سَقَطْتُ إِلَى الدُّنْيَا اسْتَدْبَرْتُ الدُّنْيَا وَاسْتَقْبَلْتُ الْآخِرَةَ، فَدَارَتْ أَنْتَ إِلَيْهَا تَسِيرٌ أَقْرَبُ مِنْ دَارِ أَنْتَ عَنْهَا مُتْبَاعِدٌ. (٤)

٢١٩٦. يَا بَنِيَّ، لَا تَطْلُبْ مِنَ الْأَمْرِ مُدْبِرًا وَلَا تَرْفُضْ مِنْهُ مُقْبِلًا؛ فَإِنَّ ذَلِكَ يُفْسِدُ الرَّأْيَ، وَيُزْرِى (٥) بِالْعَقْلِ.

ص: ٣٢٨

١- (١). العُدَّة - بالضم - الجماعه، والاستعداد للحوادث.

٢- (٢). زهره الدنيا: حسنها وبهجتها (العين: ١٣/٤).

٣- (٣). هدأت: أى سكنت ونامت.

٤- (٤). تفسير القمى، ج ٢، ص ١٦٣، ح ٢٤٣.

٥- (٥). زرى عليه عمله: إذا عابه وعنفه. والزارى بالإنسان: الذى لا يعده شيئاً ويُنكر عليه فعله (لسان العرب: ٤٥٦/١٤).

از هر کسی سخن خوبی شنید، توضیح خواست. لقمان با حکیمان زیاد رفت و آمد می کرد.

با آنها تواضع داشت. از حاکم و قاضی و سلطان دوری می کرد. برای گرفتاری قاضیان گریه می کرد، و به حاکم و سلطان برای پیشامدها و غفلت آنها از خدا و اطمینان در تمایل آنها به دنیا و زیباییهای آن ترحم می کرد. و در این مسئله زیاد فکر می کرد. و عبرت می گرفت. و آنچه برای غلبه بر نفس لازم بود، یاد می گرفت. و با هوس خود جهاد می کرد.

و با کمک آن جهاد از شیطان دوری می نمود. و به چیزی که نفع نداشت، گوش نمی داد. و جز به آنچه مفید بود، سخن نمی گفت. به این دلیل به او حکمت داده شد. و عصمت یافت.

هنگامی که روز تمام شد و چشمها چیزی را نمی دیدند. خداوند تعالی گروهی از ملائکه را فرستاد بطوری که لقمان صدای آنها را می شنید. اما آنها را نمی دید. گفتند: ای لقمان: آیا می خواهی خداوند تو را خلیفه [پیامبر] قرار دهد که بر مردم حکومت کنی؟ لقمان

گفت: اگر خداوند به من فرمان دهد، من اطاعت می کنم. چون اگر او به من چنین فرمان دهد، مرا یاری می کند و به دادم می رسد و یاد می دهد. و حفظ می کند. اما اگر خدا به من اختیار بدهد، من عافیت را بر می گیریم. [پیامبری را انتخاب نمی کنم] ملائکه گفتند: چرا ای لقمان؟

گفت: حکومت بر مردم، بدترین مرتبه ی دین است. و فتنه و بلای زیاد دارد. صاحب آن تنها می ماند و یاری نمی شود، از هر جا ستم او را فرا می گیرد. و حاکم دو حالت دارد، اگر به حق حکومت کند، پس سالم می ماند. و اگر خطا کند، راه بهشت را گم کرده است. و کسی که در میان مردم پست و ذلیل و گمنام باشد، بهتر و درست تر است از اینکه در دنیا جلال داشته باشد. [و در آخرت راه بهشت را پیدا نکند] و کسی که دنیا را به آخرت برگزیند، در هر دو زیانکار است. دنیا را از دست خواهد داد و آخرت را بدست نیاورده است.

حضرت صادق علیه السلام فرمودند: ملائکه از حکمت او تعجب کردند. و خداوند منطق او را پسندید. و زمانی که شب شد و رخت خواب انداخت، خداوند حکمت خود را بر او نازل کرد و حکمت او را در برگرفت. وقتی که از خواب بیدار شد، حکیم ترین انسان روی زمین بود.

۲۱۹۵. امام باقر علیه السلام فرمود: وقتی که لقمان فرزندش را موعظه کرد گفت: من از وقتی که وارد دنیا شدم، به آن پشت کردم و به آخرت روی آوردم. و خانه ای که به طرف آن می روی نزدیک تر از خانه ای است که از آن دور می شوی.

۲۱۹۶. فرزندم؛ آنچه را که پشت سر گذاشتی، طلب نکن و از آنچه در پیش رو داری کناره مگیر.

٢١٩٧. يَا بُنَيَّ، لِيَكُنْ مِمَّا تَسْتَظْهُرُ (١) بِهِ عَلَى عَدُوِّكَ الْوَرَعُ عَنِ الْمَحَارِمِ، وَالصَّبَاحَةُ لِمُرُوتِكَ، وَالْإِكْرَامُ لِنَفْسِكَ أَنْ لَا تُدَنَّسَ بِهَا (٢) بِمَعَاصِي الرِّحْمَنِ، وَمَسَاوِي الْأَخْلَاقِ، وَقَبِيحِ الْأَفْعَالِ، فَاتَّقِ سِتْرَكَ، وَأَحْسِنْ سِيرَتَكَ؛ فَإِنَّكَ إِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ أَمِنْتَ - بِسِتْرِ اللَّهِ - أَنْ يُصِيبَ عَدُوَّكَ مِنْكَ عَوْرَةً، أَوْ يَقْدِرَ مِنْكَ عَلَى زَلِّهِ، وَلَا تَأْمَنْ مَكْرَهُ، وَاسْتَصْغِرِ الْكَثِيرَ فِي طَلَبِ الْمَنْفَعَةِ، وَاسْتَعْظِمِ الصَّغِيرَ فِي رُكُوبِ الْمَضْرَّةِ. (٣)

٢١٩٨. يَا بُنَيَّ، لَا تُجَالِسِ النَّاسَ بِغَيْرِ طَرِيقَتِهِمْ، وَلَا تَحْمِلَنَّ عَلَيْهِمْ فَوْقَ طَاقَتِهِمْ، فَلَا يَزَالُ خَلِيلُكَ يَعْضُدُكَ، وَالْمَحْمُولُ عَلَيْهِ فَوْقَ طَاقَتِهِ مُجَانِبًا لَكَ، فَإِذَا أَنْتَ فَرَدُّ لاصْحَابٍ لَكَ يُؤْنِسُكَ، وَلَا أُخْ لَكَ يَعْضُدُكَ، فَإِذَا بَقِيَتْ وَحْدَكَ كُنْتَ مَخْذُولًا، وَصِرْتَ ذَلِيلًا.

وَلَا تَعْتَذِرْ إِلَى مَنْ لَا يُحِبُّ أَنْ يَقْبَلَ لَكَ عُذْرًا وَلَا يَرَى لَكَ حَقًّا، وَلَا تَسْتَعِنَ فِي أُمُورِكَ إِلَّا بِمَنْ يُحِبُّ أَنْ يَتَّخِذَ فِي قَضَائِكَ حَاجَتِكَ أَجْرًا؛ فَإِنَّهُ إِذَا كَانَ كَذَلِكَ طَلَبَ قَضَائِكَ حَاجَتِكَ لَكَ كَطَلْبِهِ لِنَفْسِهِ؛ لِأَنَّهُ بَعْدَ نَجَاحِهَا لَكَ كَانَ رِبْحًا فِي الدُّنْيَا الْفَانِيَةِ، وَحِطًّا وَدُخْرًا لَكَ فِي الدَّارِ الْبَاقِيَةِ، فَيَجْتَهِدُ فِي قَضَائِهَا لَكَ.

وَلِيَكُنْ إِخْوَانُكَ وَأَصْحَابُكَ الَّذِينَ تَسْتَخْلِفُهُمْ وَتَسْتَعِينُ بِهِمْ عَلَى أُمُورِكَ أَهْلَ الْمَوَدَّةِ وَالْكَفَافِ وَالشَّرْوَةِ وَالْعَفَافِ، الَّذِينَ إِنْ تَعَقَّبَهُمْ (٤) صَحَبْتَهُمْ شَكَرُوكَ، وَإِنْ غَبَتْ عَنْ حَضْرَتِهِمْ ذَكَرُوكَ. (٥) يَا بُنَيَّ، إِذَا تَأَدَّبْتَ صَغِيرًا انْتَفَعْتَ بِهِ كَبِيرًا، وَإِيَّاكَ وَالْكَسَلَ، وَإِنْ غُلِبْتَ عَلَى الدُّنْيَا فَلَا تُغْلِبَنَّ عَلَى الْآخِرَةِ.

٢١٩٩. يَا بُنَيَّ، إِذَا سَافَرْتَ مَعَ قَوْمٍ فَأَكْثِرِ اسْتِشَارَتَهُمْ، وَأَكْثِرِ التَّبَسُّمَ فِي وُجُوهِهِمْ، فَإِذَا دَعَاكَ فَأَجِبْهُمْ، وَإِذَا اسْتَعَانُوكَ فَأَعِنْهُمْ، وَاغْلِبْهُمْ بِطَوْلِ الصَّمْتِ وَكَثْرَةِ الْبِرِّ وَالصَّلَاةِ وَسِجَاءِ النَّفْسِ بِمَا مَعَكَ مِنْ دَابَّةٍ أَوْ مَالٍ أَوْ زَادٍ، وَإِذَا رَأَيْتَ أَصْحَابَكَ يَمْشُونَ فَاْمَشْ مَعَهُمْ، وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ يَعْمَلُونَ فَاعْمَلْ مَعَهُمْ، وَاسْمَعْ مِمَّنْ هُوَ أَكْبَرُ مِنْكَ سِنًّا، وَإِنْ تَحَيَّرْتُمْ فِي طَرِيقِكُمْ فَانزِلُوا، وَإِنْ شَكَكْتُمْ فِي الْقَصْدِ (٦) فَفَقِّفُوا وَتَوَامَرُوا (٧)، وَإِذَا قَرَّبْتَ

ص: ٣٣٠

١- (١). استظهر به: استعان (لسان العرب: ٥٢٥/٤).

٢- (٢). الدَّنَسُ: الوَسْخُ. وَدَنَّسَ الرَّجُلُ عَرَضَهُ: إِذَا فَعَلَ مَا يَشِينُهُ (لسان العرب: ٨٨/٦).

٣- (٣). قصص الأنبياء للراوندي، ص ١٩٦، ح ٢٤٣ و ٢٤٤.

٤- (٤). كذا، ولعل كلمة «تعقبهم» زائده، والله العالم.

٥- (٥). قصص الأنبياء للراوندي، ص ١٩٦، ح ٢٤٣ و ٢٤٤.

٦- (٦). القَصْدُ: استقامه الطريق (العين: ٥٤/٥).

٧- (٧). آمَرُهُ فِي أَمْرٍ، وَوَامَرُهُ، وَاسْتَأْمَرُهُ: شَاوَرُهُ (لسان العرب: ٣٠/٤).

چون این کار رأی تو را تباه و عقل تو را معیوب می کند.

۲۱۹۷. فرزندم، از چیزهایی که در مقابل دشمن از آن کمک می گیری، پرهیز از گناه باشد. و حفظ مردانگی و اکرام تو در این است که خود را به نافرمانی خداوند رحمن و زشتیهای اخلاق و اعمال زشت آلوده نکنی. راز خود را پنهان کن. و رفتار خود را نیکو گردان. اگر چنین کنی، در پناه خدا از اینکه دشمن به راز تو دست یابد یا لغزشگاه تو را بیابد، ایمن خواهی شد. و از مکر دشمن غافل مشو. در طلب منفعت، زیاد را کوچک شمار. و در ارتکاب زیان، کم را بسیار بدان.

۲۱۹۸. فرزندم؛ با مردم به شیوه ای غیر آنها رفتار مکن. و بیش از طاقت بر آنها تحمیل مکن. که همیشه دوست تو، یاور توست، و کسی که بیش از طاقت بر او تحمیل کنی، از تو دوری می کند. و تو در این صورت تنها می گردی و همراهی نداری که با تو انس بگیرد و برادری که به تو کمک کند نداری، در تنهایی بی یاور و ذلیل می شوی. از کسی که عذر ترا نمی پذیرد و تو را حق نمی داند عذر خواهی مکن. و در کارهای خود یاری مجوی مگر نزد کسی که در رفع نیاز تو پاداش می خواهد. زمانیکه چنین کسی در رفع نیاز تو قدم بردارد مثل رفع نیاز خودش تلاش می کند. چون او بعد از کمک به تو، سودی در دنیای فانی و بهره و ذخیره ای در آخرت تو اندخته است، پس برای تو تلاش می کند.

[مراقب باش] برادران و دوستانی که بجای خود می گذاری و از آنها در کارهایت کمک می گیری، اهل مردانگی و کفاف و ثروت و عفت باشند. بطوری که وقتی آنها غایبند، شکر گزار تو باشند. و وقتی تو غایب می شوی، به یاد تو باشند.

فرزندم، اگر کودکی را تربیت کنی، در بزرگسالی از او سود میبری. از تنبلی دوری کن.

و اگر برای بدست آوردن دنیا مغلوب شدی، مبادا در به دست آوردن آخرت مغلوب گردی.

۲۱۹۹. فرزندم؛ زمانی که با گروهی مسافرت می کنی، با آنان زیاد مشورت کن. و با آنها بسیار خنده رو باش. اگر تو را دعوت کردند، قبول کن. اگر از تو کمک خواستند، به کمک آنها بشتاب. بیشتر از آنها سکوت کن. به آنها نیکی و دعا کن. و از امکانات و مال و توشه خود به آنها ببخش. و هر گاه آنها پیاده می روند، تو هم پیاده برو. وقتی به کاری مشغول هستند، تو هم با آنها تلاش کن. سخن بزرگتر از خود را گوش کن. و اگر در بین راه متحیر شدید، توقف کنید. اگر در درستی مسیر شک کردید، بایستید و با هم مشورت کنید. وقتی که به

مِنَ الْمَنْزِلِ فَانزِلْ عَن دَائِبَتِكَ ثُمَّ اِبْدَأْ بِعَلْفِهَا قَبْلَ نَفْسِكَ، وَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ لَا تَأْكُلَ الطَّعَامَ حَتَّى تَتَّصِدَّقَ مِنْهُ فَافْعَلْ، وَعَلَيْكَ بِقِرَاءِهِ كِتَابِ اللَّهِ مَا دُمْتَ رَاكِبًا، وَالتَّسْبِيحِ عَامِلًا، وَبِالدُّعَاءِ مَا دُمْتَ خَالِيًا. (١)

٢٢٠٠. يَا بَنِيَّ، إِيَّاكَ وَالضَّجَرَ وَسُوءَ الْخُلُقِ وَقِلَّةَ الصَّبْرِ؛ فَلَا يَسْتَقِيمُ لَكَ عَلَى هَذِهِ الْخِصَالِ صَاحِبٌ، وَالزِّمِ نَفْسَكَ التَّوَدَّهَ (٢) فِي أُمُورِكَ. (٣)

٢٢٠١. يَا بَنِيَّ، إِنْ عَدِمَكَ مَا تَصِلُ بِهِ قَرَابَتِكَ وَتَتَفَضَّلُ بِهِ عَلَى إِخْوَانِكَ فَلَا يَعِدَمَنَّكَ (٤) حُسْنُ الْخُلُقِ، وَبَسْطُ الْبِشْرِ؛ فَإِنَّهُ مَنْ أَحْسَنَ خُلُقَهُ أَحَبَّهُ الْأَخْيَارُ، وَحَبَاهُ الْفُجَّارُ، وَاقْعَ بِقِسْمِ اللَّهِ لَكَ يَصِفُ عَيْشَكَ، فَإِنْ أَرَدْتَ أَنْ تَجْمَعَ عِزَّ الدُّنْيَا فَاقْطَعْ طَمَعَكَ عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ؛ فَإِنَّمَا بَلَغَ الْأَنْبِيَاءُ وَالصَّادِقُونَ مَا بَلَغُوا بِقَطْعِ طَمَعِهِمْ. (٥)

٢٢٠٢. وَقِيلَ لِبُودْرٍ جَمَهَرَ: هَيْلَ تَعْرِفُ نِعْمَةً لَا يَحْسِدُ صَاحِبُهَا عَلَيْهَا، وَبَلَاءٌ لَا يُرْحَمُ صَاحِبُهُ عَلَيْهِ؟ فَقَالَ: أَمَّا النُّعْمَةُ فَالْتَّوَاضُعُ، وَأَمَّا الْبَلَاءُ فَالْكِبَرُ - وَقَالَ بَعْضُ الْحَسَدِ -.

٢٢٠٣. وَقِيلَ لِبُودْرٍ جَمَهَرَ لَمَّا احْتَضَرَ: أَوْصِ، فَقَالَ: بِأَيِّ شَيْءٍ أَوْصِي؟ خَرَجْتُ إِلَى الدُّنْيَا فَعِشْتُ فِيهَا جَاهِلًا، وَأَخْرَجْتُ مِنْهَا كَارِهًا، وَإِنْ دَارًا يَدْخُلُهَا الْعَبْدُ جَاهِلًا، وَيَخْرُجُ مِنْهَا كَارِهًا، لَحَرِيٌّ أَنْ لَا يُوْتَقَ بِهَا، وَيُطْمَأَنَّ إِلَيْهَا. (٦)

٢٢٠٤. وَقَالَ بَعْضُ الْحُكَمَاءِ: بَادِرُوا بِتَعْلِيمِ الْأَطْفَالِ قَبْلَ تَرَكُمِ الْأَشْغَالِ.

٢٢٠٥. وَقَالَ أَرِسْطُو: بِلُطْفِ الْكَلَامِ يُخَدَعُ الْكِرَامُ. مَنْ خَافَ شَيْئًا هَرَبَ مِنْهُ.

٢٢٠٦. مَنْ خَافَ اللَّهَ هَرَبَ إِلَيْهِ. وَقَالَ: تَعْلِيمُ الْأَحْمَقِ إِبْطَالُ الْعُمْرِ.

٢٢٠٧. وَقَالَ لُقْمَانُ: إِذَا قَلَّ طَعْمَةُ الْمَرْءِ عَاشَ طَوِيلًا.

٢٢٠٨. وَقَالَ جَالِينُوسُ: خَفَّفَ طَعَامَكَ تَأْمَنَ سَقَامَكَ (٧).

٢٢٠٩. وَقَالَ بَلِينَا سُ الْحَكِيمُ: قَوْتُ الْحَاجَةِ خَيْرٌ مِنْ طَلَبِهَا إِلَى غَيْرِ أَهْلِهَا.

٢٢١٠. وَقِيلَ لِحَكِيمٍ: مَا التَّوَاضُعُ؟ قَالَ: التَّكَبُّرُ عَلَى الْأَغْنِيَاءِ.

ص: ٣٣٢

١- (١). قصص الانبياء راوندى، ص ١٩٧، ح ٢٤٤.

٢- (٢). التَّوَدَّهَ - ساكنه وتُفْتَحُ -: التَّائِي وَالتَّمَهَّلُ وَالرِّزَانَةُ (لسان العرب: ٤٤٣/٣).

٣- (٣). قصص الانبياء راوندى، ص ١٩٨، ح ٢٤٥.

٤- (٤). عدمت فلاناً أعدمته: أى فقدته أفقده (العين: ٥٦/٢).

٥- (٥) . قصص الانبياء راوندى، ص ١٩٨، ح ٢٤٥.

٦- (٦) . مجموعه ورام، ج ١، ص ٨٨ مع اختلاف.

٧- (٧) . السقام والسقم والسقم: المرض (لسان العرب: ٢٨٨/١٢).

نزدیکی منزل رسیدی، پیاده شو. و قبل از خود، به علوفه ی حیوان خود پرداز. و اگر می توانی قبل از غذا خوردن صدقه بدهی، چنان کن. مادام که سواره ای، کتاب خدا را قرائت کن. و هنگام کار کردن، تسبیح بگو. و در موارد بیکاری دعا کن.

۲۲۰۰. فرزندم؛ از کم ظرفیتی، بد اخلاقی و کم صبری پرهیز کن. اگر چنین اخلاقی داشته باشی، هیچکس با تو همراه نمی شود. خود را به آرامش در کارها عادت بده.

۲۲۰۱. فرزندم؛ اگر چیزی برای صله ی رحم خویشان و بخشیدن به دوستان نداشته باشی، خوش اخلاقی و خوشروئی را از دست مده. چون کسی که اخلاقش را خوب گرداند، خوبان او را دوست دارند. و گنه کاران هم به او عطا می کنند. و به قسمت الهی برای خود قانع باش تا زندگی ات صفا یابد. و اگر می خواهی عزت دنیا را داشته باشی، به مال مردم طمع نداشته باش. چون پیامبران و صدیقان با قطع طمع به آن مقام رسیده اند.

۲۲۰۲. به بوذرجمهر گفتند: آیا نعمتی می شناسی که به صاحبش به خاطر آن حسادت نکنند؟ و بلایی می شناسی که بر صاحب آن بلا رحم نکنند؟ گفت: آن نعمت تواضع است و آن بلا تکبر است و بعضی گفتند: حسد است.

۲۲۰۳. وقتی که بوذرجمهر در حال احتضار بود به او گفتند: وصیت کن. گفت: به چه چیزی وصیت کنم؟ از [شکم مادر] به دنیایی وارد شدم که در آن جاهلانه زندگی کردم، و از آن به اجبار مرا اخراج کردند. خانه ای که انسان به نادانی وارد آن شود و با اجبار از آن خارج شود، شایسته اطمینان و اعتماد نیست.

۲۲۰۴. حکیمی گفت: قبل آن که مشغولیت هایتان زیاد شود، به آموزش کودکان پردازید.

۲۲۰۵. ارسطو گفت: کریمان با سخن لطیف، فریب می خورند. هر که از چیزی بترسد، از آن فرار می کند. کسی که از خدا بترسد، بسوی او فرار می کند.

۲۲۰۶. ارسطو گفت: آموزش احمق، ضایع کردن عمر است.

۲۲۰۷. لقمان گفت: انسان کم خوری کند عمرش زیاد می شود.

۲۲۰۸. جالینوس گفت: خوراک خود را کم کن. از بیماری حفظ می شوی.

۲۲۰۹. بلیناس حکیم گفت: از دست رفتن نیازها بهتر از این است که آن را از نااهل بخواهی.

۲۲۱۰. از حکیمی پرسیدند: تواضع چیست؟ گفت: تکبر بر ثروتمندان.

٢٢١١. وَقَالَ: الْمَشُورَةُ رَاحَةٌ لَكَ، وَتَعَبٌ لِعَيْرِكَ. (١)

٢٢١٢. وَقَالَ سُقْرَاطُ: مَنْ لَا يَعْرِفُ الْخَيْرَ مِنَ الشَّرِّ فَأَلْحِقُوهُ بِالْبَهَائِمِ.

٢٢١٣. وَقَالَ: رَأْسُ الْحِكْمَةِ حُسْنُ الْخُلُقِ.

٢٢١٤. وَقَالَ أَفْلَاطُونُ: لَا تَصْحَبِ الْأَشْرَارَ؛ فَإِنَّهُمْ يَمُنُونَ عَلَيْكَ بِالسَّلَامَةِ.

٢٢١٥. وَقَالَ: الشَّيْخُوخَةُ عِمَامَةٌ تُمِطُّ الْأَمْرَاضَ.

٢٢١٦. وَقَالَ بَقْرَاطُ: الْعَجَبُ لِمَنْ يَتَكَبَّرُ وَقَدْ جَرَى مِنْ مَجْرَى الْبُولِ مَرَّتَيْنِ!

٢٢١٧. وَقَالَ حَكِيمٌ: عَجَبًا لِمَنْ يَشْتَرِي الْعَبِيدَ بِالْمَالِ وَلَا يَشْتَرِي الْأَحْرَارَ بِالنُّوَالِ!

٢٢١٨. وَقَالَ بَقْرَاطُ: السَّخِيُّ مَنْ كَانَ بِمَالِهِ مُتَبَرِّعًا، وَعَنْ مَالٍ غَيْرِهِ مُتَوَرِّعًا.

وَقَالَ أَبُو عَلِيٍّ: مَنْ أَرَادَ الدُّنْيَا فَعَلَيْهِ بِالْعِلْمِ، وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ فَعَلَيْهِ بِالْعَمَلِ.

٢٢١٩. وَقَالَ بَقْرَاطُ: لَا تَكُنْ مِمَّنْ يَلْعَنُ إِبْلِيسَ فِي الْعَلَانِيَةِ وَيُطِيعُهُ فِي السِّرِّ.

٢٢٢٠. وَقَالَ حَكِيمٌ: شِرَارُ الْأَمْرَاءِ أَعْدُوهُمْ مِنَ الْفُقَرَاءِ، وَشِرَارُ الْفُقَرَاءِ أَقْرَبُهُمْ مِنَ الْأَمْرَاءِ.

٢٢٢١. وَقَالَ سُقْرَاطُ: دَوَاءُ الْغَضَبِ الصَّمْتُ.

٢٢٢٢. وَقَالَ بَقْرَاطُ: مُجَالَسَةُ الثَّقِيلِ حُمَى الزَّوْحِ (٢)، وَالتَّرَوُّجُ فَرْحٌ شَهْرٍ، وَهَمٌّ دَهْرٍ، وَوَزْنٌ مَهْرٍ، وَدَقٌّ ظَهْرٍ.

٢٢٢٣. وَقَالَ: النِّسَاءُ يَغْلِبْنَ الْكِرَامَ وَاللَّثَامَ.

٢٢٢٤. وَقَالَ: لَا صَدِيقَ أَوْفَقُ مِنَ الصَّحَّةِ، وَلَا عَدُوَّ أَعْدَى مِنَ السُّقْمِ. بِمَرَارِهِ السُّقْمِ تَوْجَدُ حَلَاوُهُ الصَّحَّةِ.

لَا تَسْتَحِي مِنْ إِعْطَاءِ الْقَلِيلِ؛ فَإِنَّ الْحِرْمَانَ أَقْلُ مِنْهُ. مِرَاةُ الْعَوَاقِبِ فِي أَيْدِي ذِي التَّجَارِبِ.

٢٢٢٥. وَقَالَ حَكِيمٌ: مَنْ لَمْ يَصْبِرْ عَلَى مَرَارِهِ الدَّوَاءِ، لَمْ يَظْفَرْ بِحَلَاوَةِ الشِّفَاءِ.

٢٢٢٦. وَقَالَ بُوذْرَجْمَهُرُ: الْبَخِيلُ حَارِسٌ نِعْمَتِهِ، وَخَازِنٌ وَرَثَتِهِ.

٢٢٢٧. وَقَالَ لُقْمَانُ: مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ ضَاقَ رِزْقُهُ.

٢٢٢٨. وَقَالَ: مَنْ قَلَّ صِدْقُهُ قَلَّ صَدِيقُهُ.

٢٢٢٩. وقال سقراطيس: نفع السكوت أكثر من نفع الكلام، وضرر الكلام أكثر من ضرر السكوت.

ص: ٣٣٤

-
- ١- (١). الإمام علي عليه السلام: تصنيف غررالحكم، ص ٤٤٢، ح ١٠٠٧٠.
 - ٢- (٢). أي مجالسه من يثقل على الإنسان لسوء خلقه - مثلاً - حمى الرّوح، والحمى - بتشديد الميم -: حراره تحدث في البدن لمرض، وبالتخفيف: الامتناع من الطعام، وكلا المعنيين لا يبعد أن يراد.

۲۲۱۱. حکیمی گفت: مشورت، آرامش تو و سختی دیگران است.

۲۲۱۲. سقراط گفت: کسی را که خیر را از شر نمی شناسد، حیوان بدانید.

۲۲۱۳. و گفت: اساس حکمت، خوش اخلاقی است.

۲۲۱۴. افلاطون گفت: با اشرار مصاحبت مکن. چون منت سلامتی بر تو می نهند.

۲۲۱۵. افلاطون گفت: پیری، ابری است که از آن مرض می بارد.

۲۲۱۶. بقراط گفت: از کسی که دوبار از مجرای ادرار عبور کرده و تکبر می کند، تعجب می کنم.

۲۲۱۷. حکیمی گفت: تعجب می کنم از کسی که بردگان را با مال می خرد. اما آزادگان را با هدیه نمی خرد.

۲۲۱۸. بقراط گفت: سخی، کسی است که از مال خود می بخشد. و از مال دیگران پرهیز می کند.

ابوعلی گفت: کسی که دنیا می خواهد علم بیاموزد. و کسی که آخرت می خواهد عمل نماید.

۲۲۱۹. بقراط گفت: از آنان که شیطان را علنی لعنت می کنند، و در خفا اطاعت می کنند، مباش.

۲۲۲۰. حکیمی گفت: بدترین حاکمان، دورترین آنان از فقرا هستند. و بدترین فقرا، نزدیکترین آنها به حاکمان هستند.

۲۲۲۱. سقراط گفت: داروی غضب، سکوت است.

۲۲۲۲. بقراط گفت: همنشینی با کسی که با انسان سرسنگین است عذاب روح است. و ازدواج شادی یک ماه و غصه یک

عمر، هم وزن وزن مهریه و شکستن کمر است.

۲۲۲۳. و گفت: زنان بر کریمان و لئیمان غلبه می کنند.

۲۲۲۴. و گفت: هیچ دوستی بهتر از سلامتی نیست. و هیچ دشمنی بدتر از بیماری نیست. با تلخی مرض، شیرینی سلامتی

احساس می شود. از هدیه کردن کم، حیا نکن چرا که هدیه نکردن، از آن کمتر است. آینه عاقبت، در دست با تجربه هاست.

۲۲۲۵. حکیم گفت: کسی که بر تلخی دارو صبر نکند، به شیرینی شفا دست نمی یابد.

۲۲۲۶. بوذرجمهر گفت: بخیل، نگهبان نعمت های خود و خزانه دار ورثه است.

۲۲۲۷. لقمان گفت: کسی که اخلاقش بد است، رزقش کم می شود.

۲۲۲۸. نیز گفت: کسی که صداقتش کم است، دوستانش کم می شوند.

۲۲۲۹. سقراطیس گفت: نفع سکوت، از نفع سخن بیشتر، و ضرر سخن، از ضرر سکوت بیشتر است.

ص: ۳۳۵

٢٢٣٠. وقال: العاقل يُعَرِّفُ بِكَثْرَةِ صَمْتِهِ، والجاهلُ بِكَثْرَةِ كَلَامِهِ.

٢٢٣١. وقال: اكنتم سرَّ غيرِك كما تُحِبُّ أن يُكتم سرُّك.

٢٢٣٢. وقال أفلاطون: أضعفُ النَّاسِ مَنْ ضَعُفَ عَنِ كِتْمَانِ سِرِّهِ، وأقواهم مَنْ قَوِيَ عَلَى غَضَبِهِ، وأصبرُهم مَنْ سَتَرَ فَاقَتَهُ، وأقنَعُهم مَنْ قَنَعَ بِمَا يَتَسَيَّرُ لَهُ.

٢٢٣٣. وقال: الجاهلُ عَدُوٌّ لِنَفْسِهِ، فَكَيْفَ يَكُونُ صَدِيقًا لِغَيْرِهِ!؟

وقال: امتحنِ المرءَ في وَقْتِ غَضَبِهِ لا في وَقْتِ رِضَائِهِ، وحينَ قُدْرَتِهِ لا في حينِ ذِلَّتِهِ.

٢٢٣٤. وقال لقمان: لا خَيْرَ في الكَلَامِ إِلَّا بِذِكْرِ اللَّهِ، ولا خَيْرَ في الشُّكُوتِ إِلَّا بِالْفِكْرِ في المَعَادِ.

٢٢٣٥. وقال: تَقَرَّبْ إِلَى اللَّهِ بِحُبِّ أَوْلِيائِهِ، وَتَقَرَّبْ إِلَيْهِ بِبُغْضِ أَهْلِ المَعاصِي.

٢٢٣٦. وقال: كُفْرَانُ النِّعَمِ لُؤْمٌ، وَصُحْبَةُ الجَاهِلِ سُؤْمٌ.

٢٢٣٧. وقال: أعظَمُ المَصَائِبِ شِمَاتَةُ الأَعْدَاءِ، وَأشدُّ مِنْهَا الحَاجَةُ إِلَيْهِم.

ومن أمثالهم:

٢٢٣٨. اللَّيْلُ جَنَّةُ الهَارِبِ.

٢٢٣٩. القَلَمُ أَحَدُ اللِّسَانِينَ.

٢٢٤٠. مَنْ فَاتَهُ الأَدَبُ لَمْ يَنْفَعَهُ النَّسَبُ.

٢٢٤١. المُلُوكُ حَكَّامٌ عَلَى النَّاسِ، وَالعُلَمَاءُ حُكَّامٌ عَلَى المُلُوكِ.

٢٢٤٢. مَنْ لَمْ يَحْتَمِلْ ذُلَّ التَّعْلِيمِ سَاعَهُ، بَقِيَ في ذُلِّ الجَهْلِ أَبَدًا.

٢٢٤٣. الدُّعَاءُ مِفْتَاحُ الرَّحْمَةِ. (١)

٢٢٤٤. حَلَاوَةُ الدُّنْيَا مَرَارَةُ الآخِرَةِ، وَمَرَارَةُ الدُّنْيَا حَلَاوَةُ الآخِرَةِ. (٢)

٢٢٤٥. إِيَّاكَ وَالشَّاعِرَ؛ فَإِنَّهُ يَطْلُبُ عَلَى الكَذِبِ مَثُوبَةً.

٢٢٤٦. مَنْ شَارَكَ السُّلْطَانَ في عِزِّ الدُّنْيَا، شَارَكَهُ في ذُلِّ الآخِرَةِ.

٢٢٤٧. الصَّدْقُ رِيحٌ بِلا رَأْسِ مالٍ. البَسُّ مِنَ الثِّيَابِ ما لا تُحْتَقَرُ فِيهِ.

ص: ٣٣٦

١- (١). الإمام عليّ عليه السلام: إرشاد القلوب إلى الصواب، ج ١، ص ١٥٠.

٢- (٢). الإمام عليّ عليه السلام: بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١١٩، ح ١١١.

۲۲۳۰. و گفت: عاقل، با سکوت زیاد شناخته می شود. و نادان، با سخن زیاد.

۲۲۳۱. گفت: سر دیگری را کتمان کن. همانطور که دوست داری سر تو را کتمان کنند.

۲۲۳۲. افلاطون گفت: ضعیف ترین مردم کسی است که نتواند سر خود را کتمان کند. و قویترین مردم، کسی است که بر غضب خود غلبه کند. صبورترین آنها کسی است که مشکلات خود را بپوشاند. و قانع ترین آنها کسی است که به آنچه دارد قناعت کند.

۲۲۳۳. و گفت: نادان دشمن خویش است. چگونه دوست دیگران باشد؟

و گفت: انسان را در وقت غضب و قدرت امتحان کن. نه در وقت رضایت و ذلت.

۲۲۳۴. لقمان گفت: در سخن گفتن خیر نیست، مگر در ذکر خدا. و در سکوت خیر نیست، مگر در تفکر درباره ی معاد.

۲۲۳۵. و گفت: بوسیله دوست داشتن اولیاء خدا و بغض گنه کاران به خدا تقرب جوی.

۲۲۳۶. و گفت: کفران نعمت، فرومایگی و همنشینی با نادان، شوم است.

۲۲۳۷. و گفت: بزرگترین مصیبت، سرزنش دشمن و از آن بدتر، احتیاج داشتن به اوست.

۲۲۳۸. شب، برای فراری سپر است.

۲۲۳۹. قلم، یکی از دو زبان است.

۲۲۴۰. کسی که ادب ندارد، نژادش نفعی ندارد.

۲۲۴۱. حاکمان، بر مردم حکومت می کنند. و علما بر حاکمان.

۲۲۴۲. کسی که یک ساعت سختی یاد گرفتن را تحمل نکند، تا ابد در ذلت جهل می ماند.

۲۲۴۳. دعا، کلید رحمت است.

۲۲۴۴. شیرینی دنیا، تلخی آخرت است. و تلخی دنیا، شیرینی آخرت است.

۲۲۴۵. از شاعر دوری کن، چون برای دروغ گفتن، پاداش می خواهد.

۲۲۴۶. کسی که در عزت دنیا با سلطان شریک شود، در ذلت آخرت هم شریک است.

۲۲۴۷. صداقت، بهره ای است که بدون سرمایه بدست می آید. لباسی بپوش که در آن تحقیر نشوی.

٢٢٤٨. جَنَّهُ (١) الْمُؤْمِنِ دَارُهُ.

٢٢٤٩. خَيْرُ الْمَدْحِ مَا وَافَقَ حَالَ الْمَمْدُوحِ.

٢٢٥٠. إِنْ غَلَا اللَّحْمُ فَالْصَّبْرُ رَخِيسٌ.

٢٢٥١. الصَّبْرُ عَلَى الْمُصِيبَةِ مُصِيبَةٌ عَلَى شَامِتِهَا. (٢)

٢٢٥٢. مَنْ حَسُنَ خُلُقُهُ أَرَاخَ وَاسْتَرَاخَ. (٣)

٢٢٥٣. سَادَهُ النَّاسُ فِي الدُّنْيَا الْأَسْخِيَاءُ، وَفِي الْآخِرَةِ الْأَتْقِيَاءُ.

٢٢٥٤. الْكَرِيمُ لِلْقَلِيلِ شَاكِرٌ، وَاللَّيْمُ لِلْكَثِيرِ كَافِرٌ.

٢٢٥٥. الْمُرَاخَةُ تُذْهِبُ الْمَهَابَةَ.

٢٢٥٦. مَنْ أَطَاعَ غَضَبَهُ أَضَاعَ أَدَبَهُ. أَوَّلُ الْغَضَبِ جُنُونٌ، وَآخِرُهُ نَدَامَةٌ.

٢٢٥٧. أَشَدُّ الْجِهَادِ مُجَاهَدَةُ الْغَضَبِ. أَظْلَمَ النَّاسِ مَنْ ظَلَمَ لِمَنْفَعِهِ غَيْرِهِ.

٢٢٥٨. مَنْ خَانَ هَانَ.

٢٢٥٩. عَلَيْكَ بِالْإِخْوَانِ؛ فَإِنَّهُمْ زِينَةٌ فِي الرَّخَاءِ، وَعُدَّةٌ لِلْبَلَاءِ. (٤)

٢٢٦٠. لِقَاءُ الْحَلِيلِ شِفَاءُ الْعَلِيلِ.

٢٢٦١. قِيلَ لِأَفْلَاطُونٍ: بِمِ يَنْتَقِمُ الْإِنْسَانُ مِنْ عَدُوِّهِ؟ قَالَ: بِأَنْ يَزِدَادَ فِي نَفْسِهِ تَفَضُّلاً.

٢٢٦٢. وَقِيلَ لِحَكِيمٍ: مَا أَعْمُ الْأَشْيَاءِ نَفْعًا؟ قَالَ: فَقَدُ الْأَشْرَارِ.

٢٢٦٣. وَقِيلَ لِحَكِيمٍ: أَيُّ شَيْءٍ يُسَمِّنُ الدَّابَّةَ؟ قَالَ: عَيْنُ صَاحِبِهَا.

٢٢٦٤. وَقَالَ بَقْرَاؤُ: الْإِنْسَانِيَّةُ التَّوَاضُّعُ فِي الدَّوْلَةِ، وَالْعَفْوُ عِنْدَ الْقُدْرَةِ، وَالسَّخَاءُ مَعَ الْقِلَّةِ، وَالْعَطَاءُ بِغَيْرِ الْمِنَّةِ.

٢٢٦٥. وَقَالَ: مَنْ صَاحَبَ الْعُلَمَاءَ وَقُرَّ، وَمَنْ صَاحَبَ السُّفَهَاءَ حُقِّرَ.

٢٢٦٦. مَنْ قَلَّ عَقْلُهُ كَثُرَ هَزْلُهُ. (٥)

٢٢٦٧. الْأَدَبُ مَالٌ، وَاسْتِعْمَالُهُ كَمَالٌ.

-
- ١- (١) . يحتمل فى ظبطها وجهان: «جَنَّهُ» بفتح الجيم؛ وهى واضحه، أو «جُنَّه» بضمّ الجميم؛ وهى الستر والوقايه (انظر: لسان العرب، ج ١٣، ص ٩٤).
- ٢- (٢) . إرشاد القلوب إلى الصواب، ج ١، ص ٧٤. پیامبر اکرم صلى الله عليه و آله
- ٣- (٣) . تصنيف غررالحکم، ص ٣٧٩، ح ٨٥٥٧.
- ٤- (٤) . تصنيف غررالحکم، ص ٤١٧، ح ٩٥٣٧.
- ٥- (٥) . تصنيف غررالحکم، ص ٥٥، ح ٥٠٤.

۲۲۴۸. بهشت مؤمن، خانه ی اوست.

۲۲۴۹. بهترین ستایش، آن است که مطابق واقع باشد.

۲۲۵۰. اگر گوشت گران است، صبر ارزان است.

۲۲۵۱. صبر بر مصیبت، برای شماتت کننده بر مصیبت، مصیبت است.

۲۲۵۲. کسی که اخلاقش را خوب کند، آرامش خود و دیگران را به ارمغان می آورد.

۲۲۵۳. سرور مردم در دنیا، سخاوتمندان و در آخرت، متقیان هستند.

۲۲۵۴. کریم برای نعمت کم شکر می کند. و لئیم نعمت زیاد را هم کفران می کند.

۲۲۵۵. شوخی، هیبت را می برد.

۲۲۵۶. کسی که از غضب پیروی کند، ادبش را ضایع کرده است. اول غضب دیوانگی و آخرش پشیمانی است.

۲۲۵۷. دشوارترین جهاد، جهاد با غضب است. و ستمکارترین مردم کسی است که برای نفع بردن دیگران ظلم کند.

۲۲۵۸. خائن، پست می شود.

۲۲۵۹. مراقب برادران خود باش چون در آسایش زینت، و در بلا یاور تو هستند.

۲۲۶۰. ملاقات دوست، بیمار را شفا می دهد.

۲۲۶۱. از افلاطون پرسیدند: انسان با چه چیز از دشمن انتقام بگیرد؟ گفت: بیشتر تفضّل [نیکی] کند.

۲۲۶۲. از حکیمی پرسیدند: مفیدترین چیز چیست؟ گفت: فقدان اشرار.

۲۲۶۳. از حکیمی پرسیدند: چه چیزی حیوان را چاق می کند؟ گفت: چشم [دیدن] صاحبش.

۲۲۶۴. بقراط گفت: انسانیت یعنی تواضع در هنگام حکومت داشتن، عفو در قدرت داشتن و سخاوت در کمبودها و بخشش بدون منت.

۲۲۶۵. و گفت: کسی که با علما نشیند، با وقار شود. و کسی که با سفیهان نشیند، حقیر شود.

۲۲۶۶. کسی که عقلش کم باشد بیهوده گویی اش زیاد می شود.

۲۲۶۷. ادب مال است. و بکار بردن آن کمال است.

۲۲۶۸. نادانی زیانبارترین همراه و مذمت زشت ترین لباس است.

ص: ۳۳۹

٢٢٦٩. مَنْ عَمَرَ دُنْيَاهُ ضَيَّعَ مَالَهُ، وَمَنْ عَمَرَ آخِرَتَهُ بَلَغَ آمَالَهُ.

٢٢٧٠. مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ سَلِمَ، وَمَنْ حَافَظَ دِينَهُ (١) غَنِمَ.

٢٢٧١. وَمَنْ كَلَامِ الْحُكَمَاءِ: قَلَّ الْمَالُ إِهَانَةُ الرَّجَالِ.

٢٢٧٢. مَنْ قَلَّ مَالُهُ قَلَّ حِبَالُهُ (٢).

٢٢٧٣. وَقِيلَ: الْبَاطِلُ سَحَابَةٌ صَيْفٍ لَيْسَ يُرْجَى دَوَامُهَا.

٢٢٧٤. وَمِنْ كَلَامِ الْحُكَمَاءِ: عَلَى قَدْرِ بَصِيرَةِ الْعَقْلِ يَرَى الْإِنْسَانُ الْأَشْيَاءَ؛ فَسَالِمُ الْعَقْلِ يَرَى الْأَشْيَاءَ عَلَى حَقَائِقِهَا، وَالنَّفْسُ الْبَهِيمِيَّةُ تَرَى الْأَشْيَاءَ بِطَبْعِهَا.

٢٢٧٥. قَالَ الشَّاعِرُ:

وَكَمْ مِنْ عَائِبٍ قَوْلًا صَحِيحًا وَأَفْتَهُ مِنَ الْفَهْمِ السَّقِيمِ

٢٢٧٦. وَقَالَ آخَرُ:

وَالنَّجْمُ تَسْتَصَغِرُ الْأَبْصَارُ رُؤْيَتَهُ وَالذَّنْبُ لِلطَّرْفِ لَا لِلنَّجْمِ فِي الصَّغَرِ (٣)

٢٢٧٧. وَمِنْ كَلَامِهِمْ: مَنْ كَثُرَتْ أَصْدِقَاؤُهُ، رَكِبَ أَعْنَاقَ أَعْدَائِهِ.

٢٢٧٨. حَبَّذَا الْوَادِقُ (٤) إِذَا رَعَدَ، وَالصَّادِقُ إِذَا وَعَدَ.

٢٢٧٩. وَمِنْ الْأَمْثَالِ: الْمَوَاعِيدُ مِنَ الْكَرِيمِ دُيُونٌ، وَالْكَرِيمُ أُعْطِيَ وَإِنْ أَبْطَى.

٢٢٨٠. وَمِنْ كَلَامِ الْحُكَمَاءِ: عِزُّ الدُّنْيَا بِالْجُودِ، وَعِزُّ الْآخِرَةِ بِالسُّجُودِ.

٢٢٨١. لَمَّا مَاتَ جَالِينُوسُ وَجَدَ فِي جَبِيهِ رُقْعَةً فِيهَا مَكْتُوبٌ: مَا أَكَلْتَهُ مُقْتَصِدًا فَلِجَسْمِكَ، وَمَا تَصَيَّدْتَهُ بِهِ فَلِرُوحِكَ، وَمَا خَلَفْتَهُ فَلِغَيْرِكَ. وَالْمُحْسِنُ حَيٌّ وَإِنْ نُقِلَ إِلَى دَارِ الْبَلِي، وَالْمُسِيءُ مَيِّتٌ وَإِنْ بَقِيَ فِي دَارِ الدُّنْيَا. وَالْقَنَاعَةُ تَسِيدُ الْخَلَّةَ (٥)، وَالتَّدْبِيرُ يُكْثِرُ الْقَلِيلَ. وَلَيْسَ لِابْنِ آدَمَ أَنْفَعُ مِنَ التَّوَكُّلِ عَلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ.

ص: ٣٤٠

١- (١). كَذَا، وَلَعَلَّ الصَّوَابُ: «حَفِظَ دِينَهُ»، أَوْ «حَافَظَ عَلَى دِينِهِ».

٢- (٢). الْحِبَالُ - بِالْكَسْرِ -: مَا يَصَادُ بِهَا مِنْ أَى شَيْءٍ كَانَ. وَالْجَمْعُ الْحِبَائِلُ. وَعَلَى هَذَا فَالصَّحِيحُ: حِبَالَتُهُ. وَيَحْتَمَلُ أَنْ يَكُونَ الصَّحِيحُ الْحِبَالُ جَمْعُ حَبَلٍ؛ وَهُوَ كُنَايَةٌ عَنِ الْعُهُودِ وَالْوَصَلَةِ؛ يَعْنَى مِنْ قَلِّ مَالِهِ قَلَّ مَا يَصِيدُ بِهِ النَّاسُ، أَوْ قَلَّتْ رَوَابِطُ النَّاسِ مَعَهُ.

- ٣- (٣) . يعنى أنّ الأَبصار تستصغر النجومَ وتراها صغيرةً، ولكنّ الذنَبَ للطرف - العين - لا للنجم في هذه الرّؤيه.
- ٤- (٤) . الوادق: أى السحاب الوادق وهو الممطر؛ لأنّ الودق هو المطر. والمراد: حينَذا السحاب الممطر إذا أرعد؛ لأنّ الرعد مبشّر بالمطر، وحينَذا الصادق إذا وعد حيث إنّ وعده صادق وموافق للعمل.
- ٥- (٥) . الخَلّه - بالفتح -: الحاجه الفقر. وحكى عن العرب: اللهمّ اسدّد خَلّته: أى الثّلمه التى ترك (لسان العرب: ٢١٥/١١).

۲۲۶۹. کسی که دنیایش را آباد کند، مالش را تباه کرده است. و کسی که آخرتش را آباد کند، به آرزوهایش رسیده است.
۲۲۷۰. کسی که محاسبه نفس کند، سالم می ماند. و کسی که دینش را حفظ کند، غنیمت یافته است.
۲۲۷۱. از سخنان حکیمان: کمبود مال، سبب توهین به مردان [کم مال] می شود.
۲۲۷۲. کسی که مالش کم باشد، پیوندهایش کم می شود.
۲۲۷۳. گفته شده است: باطل ابر تابستانی است که امیدی به پایداری آن نیست.
۲۲۷۴. از کلام حکیمان: انسان به اندازه بصیرت عقل، اشیاء را می بیند. پس کسی که عقلش سالم است حقیقت اشیاء را می بیند و نفس حیوانی اشیاء را با طبیعت آنها [و نه حقیقتشان] می بیند.
۲۲۷۵. شاعر می گوید: بسا کسی که در گفتار صحیح عیب جوئی می کند، و از فهمیدن آن ناتوان است.
۲۲۷۶. شاعر دیگر می گوید: چشمها، ستاره را کوچک می بینند، گناه چشم است. نه کوچکی ستاره.
۲۲۷۷. کلام حکیمان: کسی که دوستانش زیاد باشند، بر گردن دشمنان سوار می شود.
۲۲۷۸. چه نیکو است وقتی که ابر باران زارعد می کند. و انسان صادق، وعده می دهد.
۲۲۷۹. ضرب المثل: وعده کریم، برایش مثل قرض است. کریم عطا می کند، گر چه به کندی.
۲۲۸۰. از کلام حکیمان: عزت دنیا در جود، و عزت آخرت در سجود است.
۲۲۸۱. وقتی جالینوس مُرد، در جیب او نامه ای یافتند که نوشته بود:
- آنچه به اعتدال بخوری برای جسم توست. و آنچه صدقه بدهی برای روح تو. و آنچه باقی بگذاری برای غیر تو است. و نیکوکار زنده است، گرچه او را به گورستان ببرند. و خطا کار مرده است، گرچه در دنیا باشد. و قناعت شکاف نیاز را پر می کند. و تدبیر کم را زیاد می کند. و هیچ چیز برای انسان، مفیدتر از توکل به خداوند سبحان نیست.

البابُ الثاني: في المواعظ الثنائيات

ص: ٣٤٢

الفصل الأول: مما روته الخاصه عن النبي صلى الله عليه وآله

٢٢٨٢. قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا مِنْ يَوْمٍ طَلَعَتْ فِيهِ شَمْسُهُ إِلَّا وَبَجَنِيهَا مَلَكَانِ يُنَادِيَانِ يَسْمَعُهُمَا خَلْقُ اللَّهِ إِلَّا الثَّقَلَيْنِ:

أَيُّهَا النَّاسُ! هَلِّمُوا إِلَى رَبِّكُمْ، إِنَّ مَا قَلَّ وَكَفَى خَيْرٌ مِمَّا كَثُرَ وَالْهَى. (١)

٢٢٨٣. وَعَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: خَصَلْتَانِ لَا أَحِبُّ أَنْ يُشَارِكَنِي فِيهِمَا أَحَدٌ: وُضُوئِي؛ فَإِنَّهُ مِنْ صَلَاتِي، وَصَدَقَاتِي مِنْ يَدِي إِلَى يَدِ السَّائِلِ؛ فَإِنَّهَا تَقَعُ فِي يَدِ الرَّحْمَنِ (٢).

٢٢٨٤. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: غَرِيْبَتَانِ (٣) فَاحْتَمِلُوهُمَا: كَلِمَةٌ خَيْرٌ مِنْ سَيِّئَةٍ فَاقْبَلُوهَا، وَكَلِمَةٌ سَيِّئَةٌ مِنْ حَكِيمٍ فَاغْفِرْهَا.

٢٢٨٥. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: صِنْفَانِ مِنْ أُمَّتِي إِذَا صَلَّحَا صَلَّحَتْ أُمَّتِي، وَإِذَا فَسَدَا فَسَدَتْ أُمَّتِي، قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ هُمَا؟ قَالَ: الْفُقَهَاءُ وَالْأَمْرَاءُ (٤). (٥)

٢٢٨٦. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ الْجَنَّةَ لَيُوجَدُ رِيحُهَا مِنْ مَسِيرِهِ خَمْسِمِئَةَ عَامٍ، وَلَا يَجِدُهَا عَاقٌ وَلَا دَيُّوْثٌ. قِيلَ:

يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَا الدَّيُّوْثُ؟ قَالَ: الَّتِي تَرْنِي امْرَأَتُهُ وَهُوَ يَعْلَمُ. (٦)

٢٢٨٧. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَجِيءُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ذُو وَجْهَيْنِ دَلِيعًا لِسَانُهُ فِي قَفَاهُ وَأَخْرُ مِنْ قُدَامِهِ يَلْتَهِيَانِ نَارًا حَتَّى تَلْهِيَا جَسَدَهُ، ثُمَّ يُقَالُ لَهُ: هَذَا الَّذِي كَانَ فِي الدُّنْيَا ذَا لِسَانَيْنِ وَذَا وَجْهَيْنِ يُعْرَفُ بِذَلِكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (٧)

ص: ٣٤٤

١- (١). جامع البيان، ابن جرير طبري، ج ١١، ص ١٣٦.

٢- (٢). ورد روايات في عدم جواز الاستعانه في الوضوء - راجع الوسائل ج ١، ص ٣٣٥ - واستشهد فيها بقوله تعالى: «فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا». وروى هذا الحديث عن الخصال، فلا يجوز الاستعانه إلا مع العجز. قوله: «فإنها تقع في يد الرحمن» كناية عن محبوبه الصدقه عند الله سبحانه، وكأن الله هو الآخذ لها.

٣- (٣). هاتان الكلمتان غريبتان لأن الخير عند السفیه غريب، كما أن كلمه السفیه عند الحكيم كذلك، وهذا التعبير إشارة إلى ما ينبغي أن يصدر عنهما.

٤- (٤). لأنهما الرأس في الدين والدنيا، فإذا صلحا تبعهما الباقون.

٥- (٥). الأمالی للصدوق، ص ٤٤٨، ح ١١/٦٠١.

٦- (٦). الخصال، باب الاثنین، ح ١٤.

٧- (٧). الخصال، باب الاثنین، ح ١٥.

۲۲۸۲. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: روزی نیست که خورشید طلوع کند، مگر اینکه دو فرشته ندا می دهند و همه مخلوقات غیر از جن و انس می شنوند: ای مردم به سوی پروردگارتان آیید. و آنچه کم باشد و کافی، بهتر از مال زیاد و سرگرم کننده است.

۲۲۸۳. امیر المؤمنین علی علیه السلام: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: دو کار است که [در انجام آن] دوست ندارم کسی به من کمک کند، وضوء، چون جزء نماز است. و صدقه ای که با دست خود به فقیر می دهم، چون صدقه بدست خدا می رسد.

۲۲۸۴. رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: دو سخن غریب را تحمل کنید. سخن خیر را که سفیه بگوید، قبول کنید. و از سخن ابلهانه ای که حکیم بگوید، صرف نظر کنید.

۲۲۸۵. رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: دو طبقه از امت اگر صالح باشند، امت من اصلاح می شود. و اگر فاسد باشند، امت من فاسد می شود. گفتند: یا رسول الله چه کسانی هستند؟ فرمودند: فقها و زمامداران.

۲۲۸۶. رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: بوی بهشت از فاصله مسافت پانصد سال استشمام می شود. اما عاق والدین و دیوث آن را استشمام نمی کند. پرسیدند: یا رسول الله دیوث کیست؟ فرمودند: کسی که بداند زن او زنا می کند.

۲۲۸۷. فرمودند: منافق دورو، با دو زبان به عرصه محشر می آید. یکی از پشت سر و دیگری از جلو آویخته است. چنان آتش از آنها می بارد که بدنش را می گدازد. و او را چنین معرفی می کنند: این کسی است که در دنیا دو زبان و دو رو داشت.

٢٢٨٨. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ كَانَ لَهُ وَجْهَانِ فِي الدُّنْيَا كَانَ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لِسَانَانِ مِنْ نَارٍ (١). (٢).

٢٢٨٩. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: النَّاسُ اثْنَانِ: وَاحِدٌ أَرَاهُ، وَآخَرُ اسْتَرَاهُ، فَأَمَّا الَّذِي اسْتَرَاهُ فَالْمُؤْمِنُ إِذَا مَاتَ اسْتَرَاهُ مِنَ الدُّنْيَا وَبَلَائِهَا، وَأَمَّا الَّذِي أَرَاهُ فَالْكَافِرُ إِذَا مَاتَ أَرَاهُ الشَّجَرُ وَالِدَّوَابُّ وَكَثِيرًا مِنَ النَّاسِ (٣). (٤).

٢٢٩٠. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ وَاسَى الْفَقِيرَ وَأَنْصَفَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ فَذَلِكَ الْمُؤْمِنُ حَقًّا. (٥).

٢٢٩١. وَفِي خَبَرٍ آخَرَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ سَرَّتْهُ حَسَنَتُهُ وَسَاءَتْهُ سَيِّئَتُهُ فَهُوَ مُؤْمِنٌ. (٦).

٢٢٩٢. وَعَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ فِي كَلَامٍ لَهُ: الْعُلَمَاءُ رَجُلَانِ: رَجُلٌ عَالِمٌ أَخَذَ بِعِلْمِهِ فَهَذَا نَاجٍ، وَعَالِمٌ تَارِكٌ لِعِلْمِهِ فَهَذَا هَالِكٌ، وَإِنَّ أَهْلَ النَّارِ لَيَتَأَذُونَ مِنْ رِيحِ الْعَالِمِ التَّارِكِ لِعِلْمِهِ، وَإِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ نَدَامَةً وَحَسْرَةً رَجُلٌ دَعَا عَبْدًا إِلَى اللَّهِ، فَاسْتَجَابَ لَهُ وَقَبِلَ مِنْهُ فَأَطَاعَ اللَّهَ فَأَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ، وَأَدْخَلَ الدَّاعِيَ النَّارَ بِتَرْكِهِ عِلْمَهُ وَاتِّبَاعِ الْهَوَى وَطَوْلِ الْأَمَلِ. (٧).

٢٢٩٣. ثُمَّ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَلَا إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ اثْنَانِ: اتِّبَاعِ الْهَوَى، وَطَوْلِ الْأَمَلِ؛ أَمَّا اتِّبَاعِ الْهَوَى فَيَصِيدُ عَنِ الْحَقِّ، وَأَمَّا طَوْلُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْآخِرَةَ. (٨) وَهَذِهِ الدُّنْيَا مُرْتَحِلَةٌ ذَاهِبَةٌ، وَهَذِهِ الْآخِرَةُ مُرْتَحِلَةٌ قَادِمَةٌ، وَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا بَنُونَ، فَإِنْ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَكُونُوا مِنْ أَبْنَاءِ الْآخِرَةِ وَلَا تَكُونُوا مِنْ أَبْنَاءِ الدُّنْيَا فَافْعَلُوا؛ فَإِنَّكُمْ الْيَوْمَ فِي دَارِ الْعَمَلِ وَلَا حِسَابَ، وَأَنْتُمْ غَدًا فِي دَارِ الْحِسَابِ وَلَا عَمَلٍ.

ص: ٣٤٦

١- (١). أقول: هاتان الروايتان واردتان في المنافق، قيل: إنه كما يطلق المؤمن والكافر على معانٍ فكذلك يطلق المنافق على معانٍ، منها أن يُظهر الإسلام ويبطن الكفر، وهو المعنى المشهور، ومنها الرياء، ومنها أن يُظهر الحُبَّ ويكون في الباطن عدوًّا، أو يُظهر الصلاحَ ويكون في الباطن فاسقًا، وقد يطلق على من يدعى الإيمان ولم يعمل بمقتضاه، ولم يتَّصف بالصفات التي ينبغي أن يكون المؤمن عليها، فكان باطنه مخالفًا لظاهره. ويمكن أن تشمل الروايتان جميع الأقسام إن كان المراد من الثالث حُبُّ الإمام أو النبي أو المؤمن بما هو مؤمن.

٢- (٢). الخصال، باب الاثنيين، ح ١٥.

٣- (٣). رواه في البحار ج ٦، ص ١٥١ عن الخصال ومعاني الأخبار. وفي المجمع في كلمه روح: «ابن آدم إما مستريحٌ؛ وهو المؤمن يستريح من تعب الدنيا إلى رحمة الله، أو مستراح منه؛ وهو الفاجر يستريح منه البلاد والأشجار والدوابُّ، فإنَّ الله تعالى بفوت الفاجر يرسل السماء مدراراً بعدما حبس بشؤمه المطر». وأمَّا قوله: «وكثيراً من الناس» فلعلَّ بعضهم لا يستريح بموت الكافر والفاجر لفسقه وشؤمه لا يصل إليه بركه موته.

٤- (٤). الخصال، باب الاثنيين، ح ١٦.

٥- (٥). الخصال، باب الاثنيين، ح ٤٢.

٦- (٦). الخصال، باب الاثنيين، ح ٤٢.

٧-٧) . الخصال، باب الاثنين، ح ٥٥.

٨-٨) . الخصال، باب الاثنين، ح ٥٥؛ الخصال، ص ٥١، ح ٦٤.

۲۲۸۸. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که در دنیا دو رو باشد، روز قیامت دو زبان آتشین دارد.

۲۲۸۹. حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند: مردم هنگام مرگ دو دسته اند، یک گروه راحت می شوند. یک گروه دیگران را راحت می کنند. مؤمن، از دنیا و بلای دنیا راحت می شود. و کافر، با مرگ خود درختان و حیوانات و جمعی از انسانها را راحت می کند.

۲۲۹۰. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: مؤمن حقیقی کسی است که مالش را با فقرا تقسیم کند. و با مردم انصاف داشته باشد.

۲۲۹۱. حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که از کار نیک خود شاد و از کار بد ناراحت شود، مؤمن است.

۲۲۹۲. امیرالمؤمنین علیه السلام: پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در سخنانی فرمودند: علما دو طبقه اند. یکی آنکه به علم خود عمل می کنند، این طبقه رستگارند. دیگری آنکه عمل نمی کند، این طبقه هلاک می شوند. و اهل جهنم از بوی عالم بی عمل رنج می برند. بیشترین حسرت و ندامت برای کسی است که شخصی را به خدا دعوت کند و آن شخص قبول کرده و با اطاعت خدا وارد بهشت شود. اما دعوت کننده با ترک علم خود و هواپرستی و آرزوهای دراز به دوزخ گرفتار شود.

۲۲۹۳. امیرالمؤمنین علیه السلام سپس فرمودند: دو چیز است که بیشتر از همه بر شما می ترسم؛ هواپرستی و آرزوهای دراز. اما هواپرستی، راه حق را سد می کند. و آرزوی دراز، آخرت را از یاد می برد. این دنیا، در حرکت است و از انسان دور می شود و آخرت هم در حرکت است و به انسان نزدیک می شود. و اهل هر کدام به دنبالش در حرکت هستند. اگر می توانید فرزند آخرت باشید نه دنیا، پس دست بکار شوید. که امروز سرای عمل است نه حساب. و فردا سرای حساب است نه عمل.

٢٢٩٤. وَعَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي الْهَوَى وَطُولُ الْأَمَلِ؛ أَمَّا الْهَوَى فَيَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ، وَأَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْآخِرَةَ.

٢٢٩٥. وَعَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْبَوْلُ قَائِمًا مِنْ غَيْرِ عَلَيْهِ مِنَ الْجَفَاءِ، وَالِاسْتِنْجَاءُ بِالْيَمِينِ مِنَ الْجَفَاءِ (١). (٢).

٢٢٩٦. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْحَيَاءُ عَلَى وَجْهَيْنِ: فَمِنْهُ ضَعْفٌ (٣) وَمِنْهُ قُوَّةٌ إِسْلَامٍ وَإِيمَانٍ (٤).

٢٢٩٧. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا أَنْفَقَ مُؤْمِنٌ نَفَقَةً هِيَ أَحَبُّ إِلَيَّ لِلَّهِ تَعَالَى مِنْ قَوْلِ الْحَقِّ فِي الرِّضَى وَالْغَضَبِ (٥).

٢٢٩٨. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: رَجُلَانِ لَا تَنَالُهُمَا شَفَاعَتِي: صَاحِبُ سُلْطَانٍ عَسُوفٍ غَشُومٍ (٦)، وَغَالٍ فِي السِّدِّينِ مَارِقٌ (٧). (٨).

٢٢٩٩. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ؛ أَحَدُهُمَا أَطْوَلُ مِنَ الْآخِرِ: كِتَابُ اللَّهِ عِزٌّ وَجَلُّ حَبْلٌ (٩) مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ، وَعِترَتِي، أَلَا إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ.

فَقُلْتُ لِأَبِي سَعِيدٍ: وَمَنْ عِترَتُهُ؟ قَالَ: أَهْلُ بَيْتِهِ (١٠).

٢٣٠٠. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَهْرَمُ ابْنُ آدَمَ وَيَشْبُ مِنْهُ اثْنَتَانِ: الْحِرْصُ وَطُولُ الْأَمَلِ (١١).

٢٣٠١. وَعَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، عَنْ أَبِيهَا، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الرَّغْبَةُ فِي الدُّنْيَا تُكثِرُ الْهَمَّ وَالْحُزْنَ، وَالرَّهْدُ فِي الدُّنْيَا يُرِيحُ الْقَلْبَ وَالْبَدَنَ (١٢).

٢٣٠٢. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: شَيْئَانِ يَكْرَهُهُمَا ابْنُ آدَمَ: يَكْرَهُ الْمَوْتَ وَالْمَوْتُ رَاحَةُ الْمُؤْمِنِ مِنَ الْفِتْنَةِ، وَيَكْرَهُ قَلَّةَ الْمَالِ وَقَلَّةَ الْمَالِ أَقْلٌ لِلْحِسَابِ (١٣).

٢٣٠٣. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: خَصَلَتَانِ لَا يَجْتَمِعَانِ فِي مُسْلِمٍ: الْبُخْلُ وَسَوْءُ الْخُلُقِ (١٤).

ص: ٣٤٨

١- (١). الجفاء - بالمد -: غلظ الطبع والبعد والإعراض. أى البول قائماً من غير علّة من البعد عن الحقّ، أو الإعراض عنه، وكذا الاستنجاء باليمين.

٢- (٢). الخصال، باب الاثنيين، ح ٦٢.

٣- (٣). لأنّ من الأمراض المعروفة الاستحياء والخجل من الناس فى الأمور التافهه حتى أنه قد لا يقدر أن يتكلّم أو يأكل، وهذا كثير جداً.

٤- (٤). الخصال، باب الاثنيين، ح ٦٦.

- ٥-٥) . الخصال، باب الاثنين، ح ٧١.
- ٦-٦) . العسوف: الظالم، والغشوم: الغاصب.
- ٧-٧) . المارق: الخارج من الدين.
- ٨-٨) . الخصال، باب الاثنين، ح ٨٢.
- ٩-٩) . الجبل: كناية عن الارتباط والوصله، وهذا الحديث متواتر من طرق الفريقين، ولقد أفرد المتتبع الفاضل المتضلّع الشيخ قوام الوشنوئي فيه رساله طُبعت بمصر.
- ١٠-١٠) . الخصال، باب الاثنين، ح ٨٦.
- ١١-١١) . الخصال، باب الاثنين، ح ٩٧.
- ١٢-١٢) . الخصال، باب الاثنين، ح ٩٨.
- ١٣-١٣) . الخصال، باب الاثنين، ح ٩٩.
- ١٤-١٤) . الخصال، باب الاثنين، ح ١٠١.

۲۲۹۴. جابرین عبدالله از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نقل می کند که حضرت فرمودند: آنچه بیشتر از همه بر امت خود می ترسم دو چیز است؛ هوا پرستی، که راه حق را سد می کند. و آرزوی دراز، که آخرت را از یاد می برد.

۲۲۹۵. حضرت علی علیه السلام از رسول الله صلی الله علیه و آله نقل فرمودند: بدون عذر در حال ایستاده بول کردن، و با دست راست، خود را شستن جفا است.

۲۲۹۶. حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: حیاء دو قسم است: از یکی ضعف نفس و از یکی قوت ایمان و اسلام [حاصل می شود].

۲۲۹۷. و فرمودند: هیچ انفاقی نزد خداوند، محبوب تر از سخن حق در [حال] رضایت و غضب نیست.

۲۲۹۸. حضرت فرمودند: دو کس به شفاعت من نمی رسد: همدم پادشاه ستمگر غاصب، و کسی که با افراط و غلو کردن از دین خارج شود.

۲۲۹۹. و فرمودند: من دو چیز را میان شما می گذارم، یکی از دیگری طولانی تر است: کتاب خدا که ریسمانی از آسمان به زمین متصل است، و عترت من. بدانید ایندو از هم جدا نمی شوند تا زمانی که در حوض [کوثر] بر من وارد شوند.

از ابوسعید پرسیدند: عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم کیست؟ گفت: اهل بیت او.

۲۳۰۰. و فرمودند: انسان پیر می شود و دو صفت در او جوان می شود: حرص و آرزوی طولانی.

۲۳۰۱. و فرمودند: علاقه به دنیا، غم و اندوه را زیاد می کند. و زهد در دنیا، آرام بخش قلب و بدن است.

۲۳۰۲. و فرمودند: دو چیز برای انسان خوش نیست: از مرگ خوشش نمی آید، با اینکه مرگ، مؤمن را از فتنه راحت می کند. و مال کم، که حسابش ساده تر است.

۲۳۰۳. فرمودند: دو خصلت در مؤمن نیست: بخل و اخلاق بد.

٢٣٠٤. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا يَجْتَمِعُ الشُّحُّ وَالْإِيمَانُ فِي قَلْبٍ عَبْدٍ أَبَدًا. (١).

٢٣٠٥. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا حَسَدَ إِلَّا فِي اثْنَيْنِ (٢): رَجُلٌ آتَاهُ اللَّهُ مَالًا فَهُوَ يُنْفِقُ مِنْهُ آتَاءَ اللَّيْلِ وَآتَاءَ النَّهَارِ، وَرَجُلٌ آتَاهُ اللَّهُ الْقُرْآنَ وَهُوَ يَقُومُ بِهِ آتَاءَ اللَّيْلِ وَآتَاءَ النَّهَارِ. (٣).

٢٣٠٦. وَقَالَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، هَذَا ابْنَاكَ فَانْحَلْهُمَا، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَمَا الْحَسَنَ فَانْحَلْتَهُ هَيْبَتِي وَسُودَدِي، وَأَمَا الْحُسَيْنَ فَانْحَلْتَهُ سَخَاوَتِي وَشَجَاعَتِي (٤). (٥).

٢٣٠٧. وَعَنْ صَيْفَوَانَ بْنِ سُلَيْمَانَ: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: أَمَا الْحَسَنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَانْحَلُّهُ الْهَيْبَةَ وَالْحِلْمَ، وَأَمَا الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَانْحَلُّهُ الْجُودَ وَالرَّحْمَةَ. (٦).

٢٣٠٨. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا سَهْرَ بَعْدَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ إِلَّا لِأَخِيهِ رَجُلَيْنِ: مُصَلٍّ أَوْ مُسَافِرٍ. (٧).

٢٣٠٩. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ أَكْثَرَ مَا يَدْخُلُ بِهِ النَّارَ مِنْ أُمَّتِي: الْأَجُوفَانِ - قَالَ: الْفَرْجُ وَالْفَمُّ - وَأَكْثَرَ مَا يَدْخُلُ بِهِ الْجَنَّةَ: تَقْوَى اللَّهِ وَحُسْنُ الْخُلُقِ. (٨).

٢٣١٠. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: وَعِزَّتِي وَجَلَالِي! لَا أَجْمَعُ عَلَى عَبْدِي خَوْفَيْنِ، وَلَا أَجْمَعُ لَهُ أَمْنَيْنِ؛ فَإِذَا أَمِنْتَنِي فِي الدُّنْيَا أَخَفْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَإِذَا خَافَنِي فِي الدُّنْيَا أَمَنْتَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (٩).

٢٣١١. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ صَلَاحَ أَوَّلِ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِالزُّهْدِ وَالْيَقِينِ، وَهَلَكَ آخِرُهَا بِالشُّحِّ وَالْأَمَلِ (١٠). (١١).

ص: ٣٥٠

١- (١). الخصال، باب الاثنيين، ح ١٠٢.

٢- (٢). هذا ليس ترخيصاً في الحسد في هذين، بل المراد أن غير هذين لا وجه للحسد فيه، والذي يليق أن يحسد فيه حاسد هو هاتان نعمتان، وإن كان الحسد ذنباً كبيراً، ويمكن أن يكون المراد من الحسد الغبطة، وهي الممدوح منه.

٣- (٣). الخصال، باب الاثنيين، ح ١٠٣.

٤- (٤). هذه الرواية رواها العامه في كتبهم كما في الينابيع وغيره، والنحل - بالكسر - العطيه، وليس المراد اختصاص الهيبه والسودد بالحسن عليه السلام وكذا العكس، بل الظاهر هو ظهورهما فيه، كما أن السخاء والشجاعه ظهر في الحسين عليه السلام، وكذلك الروايه الآتيه.

٥- (٥). الخصال، باب الاثنيين، ح ١٠٦.

٦- (٦). الخصال، باب الاثنيين، ح ١٠٦.

٧- (٧). الخصال، باب الاثنيين، ح ١٠٧.

٨- (٨). الخصال، باب الاثنيين، ح ١٠٨.

٩- (٩). الخصال، باب الاثنيين، ح ١٠٩.

١٠- (١٠) . المراد أنّ الصِّلاح إنّما هو بالزهد ورفض العلائق المادّيه واليقين بالتوحيد وما جاء به النبيّ صلى الله عليه وآله،
والفساد بالشحّ في المادّيات والآمال الدنيويه. فرقى المسلمين في العصر الأوّل كان بالزهد واليقين، وفسادهم بعدُ كان بالشحّ
والأمل.

١١- (١١) . الخصال، باب الاثنيّن، ح ١١٠.

۲۳۰۴. فرمودند: بخل و ایمان، هرگز در یک قلب نمی گنجند.

۲۳۰۵. فرمودند: جز بر دو کس، رشک بردن جایز نیست: کسی که خداوند به او مال داده و در شب و روز انفاق می کند. و کسی که خداوند به او [تمسک به] قرآن داده و شب و روز به آن مشغول است.

۲۳۰۶. حضرت فاطمه علیها السلام فرمودند: یا رسول الله حسن و حسین فرزندان تو هستند، به آنها عطیه ای ببخش. فرمود: به حسن مهابت و بزرگواری خود و به حسین سخاوت و شجاعت خود را بخشیدم.

۲۳۰۷. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: به حسن علیه السلام هیبت و بردباری، و به حسین علیه السلام جود و مهربانی هدیه کردم.

۲۳۰۸. فرمودند: بعد از نماز عشاء بیداری جایز نیست، جز برای دو کس: مسافر و نمازگزار.

۲۳۰۹. فرمودند: عمده چیزی که امت مرا به دوزخ می برد دو حفره است: فرج و دهان. و عمده چیزی که امت مرا به بهشت می برد، تقوا و اخلاق نیکوست.

۲۳۱۰. فرمودند: خداوند تبارک و تعالی فرمود: به عزّت و جلالم سوگند! در دل بنده ام دو ترس یا دو ایمنی را جمع نمی کنم. هر که را در دنیا از من باک نداشت، در آخرت می ترسانم. و هر که در دنیا ترسید، در قیامت ایمنی می بخشم.

۲۳۱۱. فرمودند: اصلاح افراد نخستین این امت با پارسایی و یقین بود. و هلاک آخرش در بخل و آرزوهای دنیوی خواهد بود.

الفصل الثانی: مِمَّا رَوَتْهُ الْعَامَّةُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

٢٣١٢. قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ كَفَّ شَيْئَيْنِ وَقَاهُ اللَّهُ مِنْ شَيْئَيْنِ؛ مَنْ كَفَّ لِسَانَهُ عَنِ أَعْرَاضِ الْمُسْلِمِينَ وَقَاهُ اللَّهُ عَثْرَتَهُ، وَمَنْ كَفَّ غَضَبَهُ وَقَاهُ اللَّهُ عَذَابَهُ.

٢٣١٣. حُبُّ الدُّنْيَا وَحُبُّ اللَّهِ لَا يَجْتَمِعَانِ فِي قَلْبٍ أَبَدًا. (١)

٢٣١٤. حُبُّ الإِطْرَاءِ وَالثَّنَاءِ يُعْمَى وَيُصَمُّ عَنِ الدِّينِ وَيَدْعُ الدِّيَارَ بِلَاقِعِ (٢)؛ فَوَيْلٌ لِبَائِعِ الآخِرَةِ بِالدُّنْيَا. (٣)

٢٣١٥. جَلَاءُ هَذِهِ الْقُلُوبِ ذِكْرُ اللَّهِ، وَتِلَاوَةُ الْقُرْآنِ. (٤)

٢٣١٦. وَرُوي: أَنَّهُ مَا اجْتَمَعَ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِدَامَانِ إِلَّا أَكَلَ أَحَدُهُمَا، وَتَصَدَّقَ بِالْآخِرِ. (٥)

٢٣١٧. وَخَطَبَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ النَّاسَ يَوْمًا وَعَلَيْهِ عِبَاءٌ شَامِيَّةٌ، فَقَالَ: مَا قَلَّ وَكَفَى خَيْرًا مِمَّا كَثُرَ وَأَلْهَى، وَإِنَّ صَاحِبَ الدَّرْهَمَيْنِ أَطْوَلَ حِسَابًا مِنْ صَاحِبِ الدَّرْهَمِ. (٦)

٢٣١٨. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا عَالَ مَنْ اقْتَصَدَ، وَالْقَنَاعَةُ مَالٌ لَا يَنْفَدُ.

مَنْ قَلَّ طُعْمُهُ صَحَّ بَدَنُهُ وَصَفَا قَلْبُهُ، وَمَنْ كَثُرَ طُعْمُهُ سَقِمَ بَدَنُهُ وَقَسَا قَلْبُهُ. (٧)

ص: ٣٥٢

١- (١). تفسير الثعالبي، ج ٥، ص ١٦٤ نحوه.

٢- (٢). معنى بلاقع: أن يفتقر الحالف ويذهب ما في بيته من الخير والمال سوى ما ذخر له في الآخرة من الإثم. وقيل: هو أن يفرق شمله ويغير عليه ما أولاه من نعمه (لسان العرب: ٢١/٨).

٣- (٣). مجموعه ورام، ج ٢، ص ١٢٢.

٤- (٤). مجموعه ورام، ج ٢، ص ١٢٢.

٥- (٥). سنن ابن ماجه، ج ٢، ص ١١١٥، ح ٣٣٦١.

٦- (٦). مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢٣٥، ح ١٢٦١، وإن صاحب... صاحب الدرهم.

٧- (٧). كنز العمال، ج ٣، ص ٤٩، ح ٥٤٣١؛ مسند الشهاب، ج ١، ص ٧٢، ح ٦٣. من قل... قلبه. شرح نهج البلاغه، ج ١٩، ص ١٨٧. وفيه: «صح بطنه و صفا قلبه».

فصل دوم: احادیث اهل تسنن از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله

۲۳۱۲. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که دو چیز را نگه دارد، خدا او را از دو چیز حفظ می کند؛ کسی که زبانش را از آبروی مردم نگه دارد، خداوند او را از لغزش نگه می دارد. و کسی که غضب خود را نگه دارد، خداوند او را از عذاب حفظ می کند.

۲۳۱۳. محبت دنیا و محبت خدا هرگز در یک قلب جمع نمی شوند.

۲۳۱۴. دوست داشتن تملق، انسان را از دین کور و کر می کند. و شهرها را بی سامان رها می کند.

وای بر کسی که آخرت را به دنیا فروشد.

۲۳۱۵. جلای دلها، به یاد خدا و تلاوت قرآن است.

۲۳۱۶. روایت شده: هر گاه دو خورش نزد پیامبر حاضر می کردند، حضرت یکی را می خوردند، و دیگری را صدقه می دادند.

۲۳۱۷. روزی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حالی که عبا شامی بر دوش آن حضرت بود خطبه خوانده و فرمودند: مال اندک و به قدر کفاف، از ثروت غفلت آور بهتر است. و حساب کسی که دو درهم دارد، بیشتر از کسی است که یک درهم دارد.

۲۳۱۸. فرمودند: میانه رو در خرج کردن محتاج نمی شود. و قناعت، گنج فناپذیر است.

کسی که خوراکش کم باشد، بدنش سالم و قلبش با صفا است. و کسی که خوراکش زیاد باشد، بدنش بیمار و سنگدل است.

٢٣١٩. اَعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا، وَاعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا (١).

فَمَعْنَاهُ - وَاللَّهُ أَعْلَمُ - أَنْ تُسَوِّفَ عَمَلَ الدُّنْيَا مِنْ وَقْتٍ إِلَى وَقْتٍ وَتُؤَخِّرَهُ، وَأَمَّا عَمَلُ الآخِرَةِ فَيَتَّبِعِي الْمُبَادَرَةَ إِلَى فِعْلِهِ وَلَا تُؤَخِّرُهُ إِلَى غَدٍ؛ فَرُبَّمَا يَأْتِيكَ الْمَوْتُ بَغْتَةً.

وَقَالَ بَعْضُهُمْ فِي هَذَا الْمَعْنَى:

وَلَا تُرْجِ (٢) فِعْلَ الصَّالِحَاتِ إِلَى غَدٍ لَعَلَّ غَدًا يَأْتِي وَأَنْتَ فَقِيدٌ (٣)

٢٣٢٠. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَلَا- ائْتَبُّكُمْ بِمَا كَبِرَ الْكِبَائِرُ؟ - ثَلَاثًا - قُلْنَا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: الإِشْرَاكُ بِاللَّهِ، وَعُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ.

وَكَانَ مُتَّكِنًا فَجَلَسَ فَقَالَ: أَلَا وَقَوْلِ الزُّورِ وَشَهَادَةِ الزُّورِ. فَمَا زَالَ يُكْرِرُهَا حَتَّى قُلْنَا: لَيْتَهُ سَكَتَ! (٤)

٢٣٢١. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: صِنْفَانِ مِنْ أُمَّتِي لَاتِنَالُهُمَا شَفَاعَتِي: الْأَمِيرُ الْجَائِرُ، وَالْفَاسِقُ الْمُعْلِنُ بِفِسْقِهِ (٥).

٢٣٢٢. وَعَنْ أَنَسٍ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ»، قَالَ: عَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ بَحْرَانِ مِنَ الْعِلْمِ عَمِيقَانِ، لَا يَبْغِي أَحَدُهُمَا عَلَى صَاحِبِهِ (٦).

٢٣٢٣. وَفِي رِوَايَةٍ: «بَيْنَهُمَا بَرْزُخٌ لَيَبْعِيَانِ» وَهُوَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، «يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّوْؤُ وَ الْمَرْحِيَانِ» يَعْنِي الْحَسَيْنَ وَالْحُسَيْنَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ (٧).

٢٣٢٤. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْإِيمَانُ وَالْحَيَاءُ فِي قَرْنٍ (٨) وَاحِدٍ؛ فَإِذَا ذَهَبَ أَحَدُهُمَا تَبِعَهُ الْآخَرُ (٩).

٢٣٢٥. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ مَشَى فِي طَلَبِ الْعِلْمِ خُطَوَتَيْنِ، وَجَلَسَ عِنْدَ الْعَالِمِ سَاعَتَيْنِ، وَسَمِعَ مِنْهُ كَلِمَتَيْنِ؛ أَعْطَاهُ اللَّهُ (تَعَالَى) جَنَّتَيْنِ، كُلُّ جَنَّةٍ عَلَى قَدْرِ الدُّنْيَا مَرَّتَيْنِ (١٠).

٢٣٢٦. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: النَّاسُ اثْنَانِ: عَالِمٌ وَمُتَعَلِّمٌ، وَالْبَاقِي كَالْهَمَجِ (١١) لَا خَيْرَ فِيهِمْ (١٢).

ص: ٣٥٤

١- (١). فسر هذا الحديث على معنيين متخالفين: الأول: اعمل لدنياك باستحكام الأبنية والرغبة في الكسب ونحوها كأنك تعيش أبداً، فيكون هذا الحديث ردعاً عما قد يعرض الإنسان من الضجر والكسل والتواني في أمور الدنيا، والثاني ما ذكر في المتن، وهو الأقوى.

٢- (٢). أرجأت الشيء: أخرته (العين: ١٧٤).

٣- (٣). معاني القرآن، ج ٦، ص ٣٠٥، ح ٢٠.

- ٤-٤) . الأذب المفرد، ص ١٤، ح ١٥؛ الديقاج على مسلم، ج ١، ص ١٠٣، ح ١٤٣-١٧).
- ٥-٥) . مجمع الزوائد، ج ٥، ص ٢٣٦ مع اختلاف.
- ٦-٦) . ينابيع الموءة، ج ١، ص ٣٥٤.
- ٧-٧) . ينابيع الموءة، ج ١، ص ٣٥٤.
- ٨-٨) . القرن - بالتحريك - : الحبل (لسان العرب: ٣٣٦/١٣).
- ٩-٩) . مجمع الزوائد، ج ١، ص ٩٢، در مصادر سلب احدهما، مصدر - واحد.
- ١٠-١٠) . كنز العمال، ج ٣، ص ٧٢٧ باختلافٍ يسير.
- ١١-١١) . الهَمْج في كلام العرب أصله البعوض، ثم يقال لردال الناس: هَمْج (لسان العرب: ٣٩٢/٢).
- ١٢-١٢) . كنز العمال، ج ١٠، ص ١٦٢.

۲۳۱۹. برای دنیا چنان کار کن که گویا تا ابد زنده ای. و برای آخرت چندان کوش که گویا فردا خواهی مرد.

برای کار دنیا عجله نکن، وقت بسیار است. ولی برای کار آخرت عجله کن و به فردا مگذار. که ممکن است مرگ برسد.

بعضی در همین باره این شعر را گفته اند:

کارهای صالح را به فردا موکول نکن چرا که فردا ممکن است بیاید و تو نباشی

۲۳۲۰. سه بار فرمودند: آیا شما را به بزرگترین گناه کبیره خبر بدهم؟ گفتیم: بلکه یا رسول الله صلی الله علیه و آله.

فرمودند: شرک به خداوند و ستم به پدر و مادر. سپس نشستند و فرمودند: و نیز دروغ و شهادت دروغ. همچنان تکرار می فرمودند تا گفتیم: کاش بس بود.

۲۳۲۱. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: دو گروه از امت من به شفاعت من نرسند: حاکم ستمگر، و کسی که تظاهر به گناه می کند.

۲۳۲۲. پیامبر صلی الله علیه و آله در تفسیر این آیه: «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ» فرمودند: علی و فاطمه دو دریای عمیق علم هستند، که هیچ یک بر دیگری تجاوز نمی کند.

۲۳۲۳. «بینهما برزخ لایبغیان» یعنی رسول الله صلی الله علیه و آله «یخرج منهما اللوء واللوء» یعنی حسن و حسین از آنها متولد می شوند.

۲۳۲۴. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: ایمان و حیاء یک ریسمان هستند. اگر یکی برود، دیگری هم می رود.

۲۳۲۵. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: کسی که در راه تحصیل علم دو گام بردارد، و دو ساعت نزد عالم بنشیند، و از او دو کلمه بشنود، خداوند به او دو بهشت عطا می فرماید، که هر بهشت دو برابر دنیاست.

۲۳۲۶. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: مردم دو دسته اند: دانشمند و دانش طلب. و بقیه مثل بی بهره اند، خیری ندارند.

٢٣٢٧. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ كَانَ فِي طَلَبِ الْعِلْمِ كَانَتْ الْجَنَّةُ فِي طَلَبِهِ، وَمَنْ كَانَ فِي طَلَبِ الدُّنْيَا كَانَتْ النَّارُ فِي طَلَبِهِ (١). (٢)

٢٣٢٨. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اثْنَانِ أَسْرَعُ ثَوَابًا: صِلَّةُ الرَّحِمِ وَإِعَانَةُ الْمَظْلُومِ، وَاثْنَانِ أَعْجَلُ عُقُوبَةً: قَطْعُ الرَّحِمِ، وَالظُّلْمُ (٣). (٤)

٢٣٢٩. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اتَّقِ اللَّهَ بَعْضَ التَّقَى وَإِنْ قَلَّ، وَاجْعَلْ بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ سِتْرًا وَإِنْ رَقَّ (٥).

٢٣٣٠. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: شَتَانٌ مَا بَيْنَ عَمَلَيْنِ: عَمَلٌ تَذْهَبُ لَذَّتُهُ وَتَبْقَى تَبِعَتُهُ، وَعَمَلٌ تَذْهَبُ مُؤْنَتُهُ وَيَبْقَى أَجْرُهُ (٦).

٢٣٣١. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مِنْ كَفَّارَاتِ الذُّنُوبِ الْعِظَامِ إِغَاثَةُ الْمَلْهُوفِ (٧)، وَالتَّنْفِيسُ عَنِ الْمَكْرُوبِ (٨).

٢٣٣٢. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: فَاعِلُ الْخَيْرِ خَيْرٌ مِنْهُ، وَفَاعِلُ الشَّرِّ شَرٌّ مِنْهُ (٩).

٢٣٣٣. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِيَّاكَ وَمُصَاحَبَةَ الْأَحْمَقِ؛ فَإِنَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَنْفَعَكَ فَيُضِرُّكَ، وَإِيَّاكَ وَمُصَاحَبَةَ الْكَذَّابِ؛ فَإِنَّهُ كَسْرَابٌ يُقَرَّبُ إِلَيْكَ الْبَعِيدَ وَيُبْعَدُ مِنْكَ الْقَرِيبَ.

وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ تَوَاضَعَ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَى السَّمَاءِ السَّابِعَةِ، وَمَنْ تَكَبَّرَ وَضَعَهُ اللَّهُ إِلَى الْأَرْضِ السَّابِعَةِ (١٠).

٢٣٣٤. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا رَأَيْتُمُ الْمُتَوَاضِعِينَ فَتَوَاضَعُوا، وَإِذَا رَأَيْتُمُ الْمُتَكَبِّرِينَ فَتَكَبَّرُوا لَهُمْ (١١).

٢٣٣٥. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: تَوَاضَعُوا مَعَ الْمُتَوَاضِعِينَ؛ فَإِنَّ التَّوَاضُعَ مَعَ الْمُتَوَاضِعِينَ صَدَقَةٌ، وَتَكَبَّرُوا مَعَ الْمُتَكَبِّرِينَ؛ فَإِنَّ التَّكَبُّرَ مَعَ الْمُتَكَبِّرِينَ عِبَادَةٌ.

٢٣٣٦. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: رَأْسُ التَّوَاضُعِ أَنْ يَبْدَأَ بِالسَّلَامِ عَلَى مَنْ لَقِيَهُ مِنَ الْمُسْلِمِينَ، وَأَنْ يَرْضَى بِالذُّونِ فِي الْمَجْلِسِ (١٢).

ص: ٣٥٦

١- (١). المراد من العلم - كما يدل عليه التنوع في الأخبار - علم الدين من المعارف والأصول والفروع والأخلاق و... وغيره فضل لا يضرب من جهله. فطالب العلم تطلبه الجنة وتحترمه الملائكة تضع أجنحتها له، وطالب الدنيا تطلبه النار؛ لأن طالب الدنيا لا يعتنى بالحلال والحرام ويغمض في المطالب، فيقع في النار.

٢- (٢). كنز العمال، ج ١٠، ص ١٦٢، ح ٢٨٨٤٢، وفيه: في طلب المعصية كانت...».

٣- (٣). ورد ذلك في أخبار كثيرة جمعها العلامة المجلسي قدس سره في البحار: ١٣٩-٨٨/٧٢ والعلامة الفيض الكاشاني في الوافي: ٩٣/٢ و ص ١٥٥ والمحجّج البيضاء: ٤٢٧/٣-٤٤٤ و توجد في الكافي والوسائل وسائر كتب الحديث، ويستفاد من المجموع أنّ صلة الأرحام وقطعها أثرها عاجلٌ، ولو كان الذي يصل كافرًا أو الذي يقطع مؤمنًا، فراجع.

٤- (٤). سنن ابن ماجه، ج ٢، ص ١٤٠٨. باختلافٍ يسير.

- ٥- (٥) . شرح نهج البلاغه، ج ١٩، ص ٧٥، ح ٢٣٩.
- ٦- (٦) . شرح نهج البلاغه، ج ١٨، ص ٣١٠، ح ١١٧.
- ٧- (٧) . الملهوف: المظلوم ينادى ويستغيث (العين: ٥٢/٤).
- ٨- (٨) . شرح نهج البلاغه، ج ١٨، ص ١٣٥، ح ٢٤.
- ٩- (٩) . شرح نهج البلاغه، ج ١٨، ص ١٤٩، ح ٣٢.
- ١٠- (١٠) . شرح نهج البلاغه، ج ١٨، ص ١٥٧، ح ٣٨؛ التواضع والخمول، ص ١٥٦، ص ١٢٠.
- ١١- (١١) . تذكره الموضوعات، ١٩١.
- ١٢- (١٢) . كنز العمال، ج ٣، ص ٧٠١، ح ٨٥٠٦.

۲۳۲۷. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: هر که در طلب علم است، بهشت در طلب اوست. و هر که در طلب دنیا باشد، جهنم در جستجوی اوست.

۲۳۲۸. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: ثواب دو چیز به سرعت می رسد: رسیدگی به خویشاوندان، و یاری مظلوم. و کیفر دو چیز سریعتر داده می شود: قطع رابطه با خویشان، و ستم.

۲۳۲۹. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: پرهیزکار باش، گرچه درجه کم. و بین خود و خدا پرده ای بگذار [حیا کن]، گرچه نازک.

۲۳۳۰. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: چقدر فرق است بین عملی که لذتش برود و عذابش بماند، و عملی که رنجش بگذرد و اجرش بماند.

۲۳۳۱. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: دادرسی مظلوم و رفع غصه از اندوهگین، از کفاره ی گناهان بزرگ است.

۲۳۳۲. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: انسان خیر، از خود خیر بهتر است. و شرور، از خود شر بدتر است.

۲۳۳۳. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: از دوستی با احمق پرهیز، چون او می خواهد به تو سود برساند، ضرر می زند. و از دوستی با دروغگو پرهیز کن، چون او مثل سراب، دور را نزدیک و نزدیک را دور جلوه می دهد.

۲۳۳۴. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که تواضع کند، خدا او را تا آسمان هفتم بالا برد. و کسی که تکبر کند، خدا او را تا زمین هفتم فرو برد.

در برابر متواضع، فروتن باشید. و در مقابل متکبران، تکبر کنید.

۲۳۳۵. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: با اهل تواضع، فروتن باشید که این فروتنی صدقه است. و با متکبرین، تکبر کنید که عبادت است.

۲۳۳۶. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: بالاترین تواضع این است که به هر مسلمان سلام کنید. و به پائین مجلس راضی شوید.

٢٣٣٧. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: كُفُّوا ذِي نِعْمَةٍ مَحْسُودًا لِصَاحِبِ التَّوَضُّعِ، وَالتَّوَضُّعُ مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ، وَالْكِبْرُ مِنْ أَخْلَاقِ الْكُفَّارِ وَالْفِرَاعِنَةِ.

٢٣٣٨. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِيَّاكُمْ وَالتَّوَضُّعَ لِعَنِيَّ، فَمَا تَضَعَّعَ (١) أَحَدٌ لِعَنِيَّ إِلَّا ذَهَبَ نَصِيْبُهُ مِنَ الْجَنَّةِ.

٢٣٣٩. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا يَوْضَعُ فِي مِيزَانِ امْرِئٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَفْضَلُ مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ، وَأَكْثَرُ مَا تَلْجَأُ بِهِ أُمَّتِي الْجَنَّةَ تَقْوَى اللَّهِ وَحُسْنُ الْخُلُقِ. (٢)

٢٣٤٠. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: حُسْنُ الْخُلُقِ وَحُسْنُ الْجَوَارِ يَعْمُرَانِ الدِّيَارَ، وَيَزِيدَانِ فِي الْأَعْمَارِ. (٣)

٢٣٤١. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ ضَمِنَ لِي مَا بَيْنَ لِحْيَيْهِ وَمَا بَيْنَ رِجْلَيْهِ، ضَمِنْتُ لَهُ الْجَنَّةَ. (٤)

٢٣٤٢. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: كَلَامُ ابْنِ آدَمَ كُلُّهُ عَلَيْهِ لَا لَهُ، إِلَّا أَمْرًا بِمَعْرُوفٍ أَوْ نَهْيًا عَنْ مُنْكَرٍ أَوْ ذِكْرًا لِلَّهِ. (٥)

٢٣٤٣. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: نِعْمَتَانِ مَغْبُونٌ فِيهِمَا كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ: الصَّحَّةُ وَالْفِرَاعُ. (٦)

٢٣٤٤. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَيْنَانِ لَا تَمْسُهُمَا النَّارُ: عَيْنٌ بَكَتْ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ، وَعَيْنٌ بَاتَتْ تَحْرُسُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. (٧)

٢٣٤٥. وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ (قَالَ): خَطَبَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ! إِنِّي تَرَكْتُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ خَلِيفَتَيْنِ؛ إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا بَعْدِي، أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْآخَرِ: كِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ، وَعِزَّتِي وَهُمْ أَهْلُ بَيْتِي، لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ (أوردته الثعلبي وأحمد في مسندهما) (٨). (٩)

٢٣٤٦. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: حَصَلْتَانِ مَنْ كَانَتْ فِيهِ كَتَبَةُ اللَّهِ شَاكِرًا صَابِرًا: مَنْ نَظَرَ فِي دِينِهِ إِلَى مَنْ هُوَ فَوْقَهُ فَاقْتَدَى بِهِ، وَنَظَرَ فِي دُنْيَاهُ إِلَى مَنْ هُوَ دُونَهُ فَحَمِدَ اللَّهَ عَلَى مَا فَضَّلَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ؛ كَتَبَةُ اللَّهِ شَاكِرًا صَابِرًا.

وَمَنْ نَظَرَ فِي دِينِهِ إِلَى مَنْ هُوَ دُونَهُ، وَنَظَرَ فِي دُنْيَاهُ إِلَى مَنْ هُوَ فَوْقَهُ، فَاسِيفَ عَلَى مَا فَاتَهُ مِنْهُ؛ لَمْ يَكْتُبَهُ اللَّهُ شَاكِرًا وَلَا صَابِرًا. (١٠)

ص: ٣٥٨

١- (١). تَضَعَّعَ: يَعْنِي خَضَعَ وَذَلَّ (لسان العرب: ٢٢٤/٨).

٢- (٢). سنن ابن داود، ج ٢، ص ٤٣٦، ح ٤٧٩٩ وفيه صدره نحوه؛ كنز العمال، ج ٣، ص ٦٩٨ وفيه ذيله.

٣- (٣). مسند أحمد، ج ٦، ص ١٥٩.

٤- (٤). مسند أبي يعلى، ج ٣، ص ٣٨١، ح ١٨٥٥.

٥- (٥). مسند أبي يعلى، ج ١٣، ص ٥٨، ح ٧١٣٤.

٦- (٦). سنن ابن ماجه، ج ٢، ص ١٣٩٦، ح ٤١٧٠.

٧-٧) . مسند الشاميين، ج ٣، ص ٣٣٧، ح ٢٤٢٧.

٨-٨) . مرّ الكلام في هذا الحديث.

٩-٩) . تفسير ابن كثير، ج ٤، ص ١٢٣؛ كنز العمال، ج ١، ص ١٧٣، ح ٨٧٣.

١٠-١٠) . سنن الترمذی، ج ٤، ص ٧٤، ح ٢٦٣٠.

۲۳۳۷. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: به هر صاحب نعمتی حسادت می شود، جز صاحب تواضع. و فروتنی از اخلاق پیامبران و تکبیر از اخلاق کفار و طاغوتیان است.

۲۳۳۸. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: از فروتنی در مقابل ثروتمندان پرهیز کنید. که هر کس در برابر ثروتمندی کرنش کند نصیب بهشت خود را از دست می دهد.

۲۳۳۹. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: در روز قیامت، رفتاری بهتر از خوش اخلاقی در میزان کسی نمی نهند.

پرهیزکاری و خوش اخلاقی بیش از همه چیز امت مرا به بهشت وارد می کند.

۲۳۴۰. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: خوش اخلاقی و خوش همسایگی، خانه ها را آباد و عمرها را طولانی می کند.

۲۳۴۱. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: هر کسی که شکم و شهوت خود را کنترل کند، من بهشت را برایش ضمانت می کنم.

۲۳۴۲. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: گفتار انسان همه به ضرر اوست، جز امر بمعروف و نهی از منکر و ذکر خدا.

۲۳۴۳. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: دو نعمت است که بسیاری از مردم در آن مغبون هستند؛ سلامتی و فراغت.

۲۳۴۴. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: دو چشم را آتش جهنم لمس نمی کند؛ یکی آنکه در نیمه شب از ترس خدا بگرید. و دیگر آنکه در راه خدا شب نگهبانی دهد.

۲۳۴۵. ابوسعید خدری گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله در خطبه ای فرمود: ای مردم! من دو امانت نفیس در میان شما به یادگار می گذارم، که اگر به آنها چنگ بزنید، هرگز بعد از من گمراه نشوید: کتاب خدا که از دیگری بزرگتر و رسته ای که از آسمان به زمین کشیده شده است. و عترتم یعنی خاندانم. این دو از هم جدا نخواهند شد، تا کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.

۲۳۴۶. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: دو خصلت است که در هر کس باشد خداوند او را شاکر و صابر می نامد. کسی که در امور دین به برتر از خود بنگرد. و از او پیروی کند. و در کار دنیا به زیر دست نظر کند. و خدا را بر نعمتی که به او داده شکر گزارد. خدا چنین کسی را شاکر و صابر می نامد. و کسی که در دین به زیر دست، و در کار دنیا به مافوق خود بنگرد. و برای آنچه ندارد تأسف بخورد، خداوند او را شاکر و صابر نمی نامد.

٢٣٤٧. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْهُوَمَانِ (١) لَا يَشْبَعَانِ: طَالِبٌ عِلْمٍ وَطَالِبٌ دُنْيَا. (٢)

٢٣٤٨. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَهْرَمُ ابْنُ آدَمَ وَيَشِبُّ مِنْهُ اثْنَتَانِ: الْحِرْصُ عَلَى الْمَالِ، وَالْحِرْصُ عَلَى الْعُمْرِ. (٣)

٢٣٤٩. جُبِلَتِ النُّفُوسُ عَلَى حَبِّ مَنْ أَحْسَنَ إِلَيْهَا، وَبُغِضَ مَنْ أَسَاءَ إِلَيْهَا. (٤)

٢٣٥٠. جَفَّ الْقَلَمُ (٥) بِالشَّقِيِّ وَالسَّعِيدِ. (٦)

٢٣٥١. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ كَالْمَغْرِبِ وَالْمَشْرِقِ؛ فَإِذَا قَرَّبْتَ مَنْ وَاحِدِهِ بَعُدَتْ مِنَ الْآخِرَى. (٧)

٢٣٥٢. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْحَرِيصُ الْجَاهِدُ وَالْقَانِعُ الرَّاهِدُ يَسْتَوِيَانِ أَكْلَهُمَا غَيْرَ مُنْتَقِصٍ مِنْهُ شَيْءٌ؛ فَعَلَامَ التَّهَاتُ فِي

النَّارِ؟! (٨)

٢٣٥٣. وَرُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ مَرَّ عَلَى الْبَقِيعِ فَوَقَفَ عَلَى قَبْرِ ثَمَّ قَالَ: الْآدَمُ أَقْعِدُوهُ وَسَيِّأَلُوهُ، وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَقَدْ ضَرَبُوهُ بِمِرْزَبِهِ (٩) مِنْ نَارٍ، لَقَدْ تَطَايَرَ قَلْبُهُ نَارًا.

ثُمَّ وَقَفَ عَلَى قَبْرِ آخَرَ فَقَالَ مِثْلَ مَقَالَتِهِ عَلَى الْقَبْرِ الْأَوَّلِ، ثُمَّ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَوْلَا أَنِّي أَخَشَى عَلَى قُلُوبِكُمْ لَسَأَلْتُ اللَّهَ أَنْ يُسَمِعَكُمْ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ مِثْلَ الَّذِي أَسْمَعُ.

فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا كَانَ فِعْلُ هَذَيْنِ الرَّجُلَيْنِ؟ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: كَانَ أَحَدُهُمَا يَمْشِي بِالنَّمِيمَةِ بَيْنَ النَّاسِ، وَكَانَ الْآخَرَ لَا يَسْتَبْرِي مِنَ الْبَوْلِ - أَى لَمْ يَغْسِلْ بَوْلَهُ، أَوْ لَمْ يَعْتَنِ بِبُطْلَانِ وَضُوئِهِ وَصَلَاتِهِ -.

٢٣٥٤. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اقْتَصِدُوا فِي الطَّلَبِ؛ فَإِنَّ مَا رُزِقْتُمُوهُ أَشَدُّ طَلَبًا لَكُمْ مِنْكُمْ، وَمَا حُرِمْتُمُوهُ فَلَنْ تَنَالُوهُ وَلَوْ حَرَصْتُمْ.

ص: ٣٦٠

١- (١). النَّهْمُ - بِالْتَحْرِيكِ -: إِفْرَاطُ الشَّهْوَةِ فِي الطَّعَامِ، وَأَنْ لَا تَمْتَلِي عَيْنَ الْأَكْلِ وَلَا تَشْبَع. وَقَدْ نُهْمَ بِكَذَا فَهُوَ مِنْهُومٌ: أَى مَوْلَعٌ بِهِ (لسان العرب: ٥٩٣/١٢).

٢- (٢). مسند الشهاب، ج ١، ص ٢١٢، ح ٣٢٢.

٣- (٣). مسند الشهاب، ج ١، ص ٣٥٢، ح ٦٠١.

٤- (٤). مسند الشهاب، ج ١، ص ٣٥٠، ح ٥٩٩، فى المصادر: «جبلت القلوب».

٥- (٥). جَفَّ الْقَلَمُ: كُنَايَةٌ عَمَّا كُتِبَ فِي اللُّوحِ الْمُحْفُوظِ أَوْ عَمَّا قَدَّرَ لَهُ مِنَ السَّعَادَةِ وَالشَّقَاوَةِ، فَإِنْ كَانَ الْمُرَادُ السَّعَادَةَ وَالشَّقَاوَةَ الدُّنْيَوِيَّةَ فَلَا يَهْمُ الْبَحْثُ عَنْهُ، وَإِنْ كَانَ الْمُرَادُ مِنْهُمَا الْآخِرِيَّةَ فَفِيهِ أبحاثٌ طَوِيلَةٌ فِي الْكُتُبِ الْمَعْدَّةِ لِذَلِكَ، وَمُلَخَّصُهُ أَنَّهُ إِنْ كَانَ الْمُرَادُ أَنَّهُ فِي عِلْمِ اللَّهِ سَبْحَانَهُ كَذَلِكَ فَلَا إِشْكَالَ؛ إِذْ عِلْمُهُ عَزَّوَجَلَّ لَا يَكُونُ عَلَيْهِ لِأَفْعَالِ الْعِبَادِ، وَإِنْ كَانَ الْمُرَادُ أَنَّهُ قَدَّرَ كَذَلِكَ بِمَعْنَى أَنَّهُ أَرَادَ اللَّهُ تَعَالَى ذَلِكَ تَكْوِينًا فَلَا إِشْكَالَ أَيْضًا؛ لِأَنَّ التَّقْدِيرَ لَيْسَ عَلَيْهِ تَامَهُ بَلْ هُوَ مُقْتَضٍ، بَلْ فِي الْأَخْبَارِ أَنَّ كُلَّ إِنْسَانٍ فِيهِ اقْتِضَاءُ الْخَيْرِ وَالشَّرِّ فَهُوَ بِاخْتِيَارِهِ يَرْجِيحُ أَيْضًا مِنْهُمَا شَاءَ. وَفِي مَجْمَعِ الْبَحْرَيْنِ: فَجَعَلَ جَفَافَ الْقَلَمِ كُنَايَةً عَنْ جَرِيَانِهِ بِالْمَقَادِيرِ

وإمضائها والفراغ منها تمثيلاً وذلك أبلغ في المراد؛ لأنّ الكاتب إنّما يجفّ قلمه بعد الفراغ ممّا يكتب، قال بعض شراح الحديث: ولم يوجد هذا اللفظ مستعملاً على هذا الوجه فيما انتهى إلينا من كلام العرب، فيمكن أن يكون من الألفاظ المستعاره التي لم يهتد إليها البلغاء، فاقتضتها فصاحه النبويّه.

٦- (٦). مسند الشهاب، ج ١، ص ٣٥٢، ح ٦٠١.

٧- (٧). فيض القدير، ج ٦، ص ٤١. (متوفى ١٣٣١)

٨- (٨). عن الحسن: شرح نهج البلاغه، ج ٣، ص ١٥٨ نحوه.

٩- (٩). المرزبه: المطرقه الكبيره التي تكون للحدّاد (لسان العرب: ٤١٦/١).

۲۳۴۷. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: دو حریص اشباع نمی شوند: طالب علم و طالب دنیا.

۲۳۴۸. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: انسان هر چه پیر می شود دو خصلت در او جوان تر می گردد: عشق به مال و حرص به بقا.

۲۳۴۹. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: سرشت انسان چنین است؛ هر کس را که به او نیکی کند دوست دارد. و از هر کس که به او بدی کند متنفر است.

۲۳۵۰. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: قلم تقدیر، سرنوشت سعادت‌مند و شقی را رقم زده است.

۲۳۵۱. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: دنیا و آخرت چون مغرب و مشرق است، به هر جهت نزدیک شوی از دیگری دور خواهی شد.

۲۳۵۲. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: حریص کوشا و قانع پارسا، رزق خود را بی کم و کاست می خورد.

پس این همه دور آتش گردیدن برای چه؟! [کنایه از مذمومیت این در و آن در زدن حریص].

۲۳۵۳. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از قبرستان بقیع عبور می کردند. بر سر قبری ایستادند و فرمودند: الان او را نشانند و از او سؤال کردند. قسم به خدائی که مرا نبوت داد، با گرز آتشین بر او زدند که شعله ای از قلبش زبانه کشید. سپس کنار قبر دیگری ایستاده و همان سخنان را تکرار کردند. و فرمودند: اگر نگران قلبهای شما نبودم، از خداوند می خواستم که صدای این عذابها را همان گونه که من می شنوم به گوش شما برساند.

پرسیدند: یا رسول الله عمل اینها چه بوده؟

فرمودند: یکی سخن چین بوده، و دیگری خود را پس از ادرار پاک نمی کرد. یا به باطل شدن وضو و نمازش اعتنا نمی کرد.

۲۳۵۴. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: در کسب روزی میانه روی کنید. آنچه سهم شما باشد، سریعتر از شما بدنبال شما می آید. و آنچه سهم شما نباشد، هر چه بکوشید به آن نمی رسید.

٢٣٥٥. (وروى ابنُ بابويه رحمه الله في أماليه) عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: مَنْ وَصَلَ أَحَدًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فِي هَذِهِ الدُّنْيَا بِقِرَاطٍ، كَافَيْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِقِنطَارٍ (١). (٢).

٢٣٥٦. وَقَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَثَلُ الْأَخْوَيْنِ مَثَلُ الْيَدَيْنِ؛ تَغْسِلُ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى.

٢٣٥٧. وَعَنْهُ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِهِ خَيْرًا رَزَقَهُ حَلِيلًا صَالِحًا؛ إِنْ نَسِيَ ذِكْرَهُ، وَإِنْ ذَكَرَ أَعَانَهُ. (٣).

٢٣٥٨. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَوَّلُ مَا يَوْضَعُ فِي الْمِيزَانِ حُسْنُ الْخُلُقِ وَالسَّخَاءُ، وَلَمَّا خَلَقَ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ الْإِيمَانَ قَالَ: اللَّهُمَّ قَوِّنِي، فَقَوَّاهُ بِحُسْنِ الْخُلُقِ وَالسَّخَاءِ. وَلَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الْكُفْرَ قَالَ: اللَّهُمَّ قَوِّنِي، فَقَوَّاهُ بِالْبَخْلِ وَسُوءِ الْخُلُقِ. (٤).

٢٣٥٩. وَعَنْهُ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ حُسْنَ الْخُلُقِ يُذِيبُ الْخَطِيئَةَ كَمَا تُذِيبُ الشَّمْسُ الْجَلِيدَ. (٥).

٢٣٦٠. وَعَنْهُ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: حُسْنُ الْخُلُقِ زِمَامٌ فِي أَنْفِ صَاحِبِهِ، وَالزِّمَامُ بِيَدِ الْمَلِكِ، وَالْمَلِكُ يَجْرُهُ إِلَى الْخَيْرِ، وَالْخَيْرُ يَجْرُهُ إِلَى الْجَنَّةِ؛ وَسُوءُ الْخُلُقِ زِمَامٌ فِي أَنْفِ صَاحِبِهِ، وَالزِّمَامُ بِيَدِ الشَّيْطَانِ، وَالشَّيْطَانُ يَجْرُهُ إِلَى الشَّرِّ، وَالشَّرُّ يَجْرُهُ إِلَى النَّارِ. (٦).

٢٣٦١. وَعَنْهُ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ أَصْبَحَ مَرْضِيًّا لِأَبَوَيْهِ أَصْبَحَ لَهُ بَابَانِ مَفْتُوحَانِ إِلَى الْجَنَّةِ، وَمَنْ أَمْسَى مِثْلَ ذَلِكَ، وَإِنْ كَانَ وَاحِدًا فَوَاحِدًا؛ وَمَنْ أَصْبَحَ مُسَخِطًا لِأَبَوَيْهِ أَصْبَحَ لَهُ بَابَانِ مَفْتُوحَانِ إِلَى النَّارِ، وَمَنْ أَمْسَى مِثْلَ ذَلِكَ، وَإِنْ كَانَ وَاحِدًا فَوَاحِدًا. (٧).

٢٣٦٢. وَعَنْهُ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْجَنَّةُ يَوْجَدُ رِيحُهَا مِنْ مَسِيرِهِ حَمْسِمِئَةٍ عَامٍ، وَلَا يَجِدُ رِيحُهَا عَاقٌ وَلَا قَاطِعَ الرَّحِمِ. (٨).

٢٣٦٣. وَقَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَعْلَمَ كَيْفَ مَنَزَلَتُهُ عِنْدَ اللَّهِ، فَلْيَنْظُرْ كَيْفَ مَنَزَلَةُ اللَّهِ عِنْدَهُ؛ فَإِنَّ كُلَّ مَنْ خَيْرٌ لَهُ الْأَمْرَانِ؛ أَمْرَ الدُّنْيَا وَأَمْرَ الْآخِرَةِ، فَاخْتَارَ أَمْرَ الدُّنْيَا فَذَاكَ الَّذِي يُحِبُّ اللَّهُ، وَمَنْ اخْتَارَ أَمْرَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ فَذَلِكَ الَّذِي لَا مَنَزَلَةَ لِلَّهِ عِنْدَهُ. (٩).

ص: ٣٦٢

١- (١). القيراط جزء من أجزاء الدينار وهو نصف عشره في أكثر البلاد، وأهل الشام يجعلونه جزءاً من أربعة وعشرين، والياف فيه بدل من الرء؛ فإن أصله قراط كذا في النهاية. وقال أيضاً: القنطار: في الحديث أن القنطار ألف ومائتا اوقيه. وقال أبو عبيد: القناطر واحدها قنطار، ولا تجد العرب وزنه ولا واحد للقنطار من لفظه. وقال ثعلب: المعمول عليه عند العرب الأكثر أنه أربعة آلاف دينار. وقيل: إن القنطار ملء جلد ثور ذهباً. وقيل ثمانون ألف. وقيل: هو جملة كثيره من المال. وذكر في مجمع البحرين ما ذكرنا وزاد: قيل: مائه وعشرون رطلاً وفي الحديث خمسة عشر ألف مثقال الخ.... وقال الراغب: القناطر جمع القنطرة، والقنطرة من المال فيه عبور الحياه تشبيهاً بالقنطرة، وذلك غير محدود القدر في نفسه، وإنما هو بحسب الإضافة كالغنى، فرب إنسان يستغنى بالقليل، والآخر لا يستغنى بالكثير، ولما قلنا اختلفوا في حده؛ فقيل: أربعون اوقيه وقال الحسن: ألف ومائتا دينار. وقيل: ملء مسك ثور ذهباً إلى غير ذلك.

- ٢- (٢) . الأمالى للصدوق، ص ٤٨٣، ح ١٤/٤٥٤.
- ٣- (٣) . سنن النسائى، ج ٧، ص ١٥٩.
- ٤- (٤) . فىض القدفر، ج ٣، ص ١١٥. وففه صدره فقط.
- ٥- (٥) . كنز العمال، ج ٣، ص ٣، ح ٥١٣٤.
- ٦- (٦) . شرح نهج البلاغه، ج ٦، ص ٣٣٨.
- ٧- (٧) . تفسير القرطبى، ج ١٠، ص ٢٤٥.
- ٨- (٨) . كنز العمال، ج ١٦، ص ٧٧، ح ٤٣٩٩٩.
- ٩- (٩) . المستدرک، ج ١، ص ٤٩٥ وففه صدره نحوه.

۲۳۵۵. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: هر کس در دنیا به اندازه یک قیراط [۱/۲۱ مثقال] به اهل بیت من کمک کند در آخرت یک قطار [یک مشک بزرگ از پوست گاو] به او عوض می دهد.

۲۳۵۶. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: دو برادر چون دو دست هستند، یکی دیگری را می شوید.

۲۳۵۷. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: خدا برای کسی که خیر بخواهد، دوست صالح نصیب می کند. که اگر خدا را فراموش کرد، به یادش آورد. و اگر به یاد خدا بود، او را کمک دهد.

۲۳۵۸. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: اولین صفتی که در میزان نهند، اخلاق نیکو و سخاوت است. هنگامی که خداوند ایمان را آفرید، ایمان گفت: خدایا مرا تقویت کن. خداوند ایمان را با اخلاق و سخاوت تقویت نمود. و زمانی که خداوند کفر را آفرید، گفت: خدایا مرا نیرو ده. خداوند با بخل و اخلاق بد کفر را تقویت کرد.

۲۳۵۹. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: اخلاق پسندیده، خطا را ذوب می کند. همانطور که خورشید یخ را ذوب می کند.

۲۳۶۰. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: اخلاق نیک چون رشته ای به صاحبش آویخته است. زمام آن بدست فرشته ای است که او را به طرف خیر می کشد. و خیر او را به طرف بهشت می کشاند. و اخلاق بد چون رشته ای به بینی صاحبش بسته شده و زمام آن بدست شیطان است که او را به طرف شر. و شر هم او را بطرف دوزخ می کشاند.

۲۳۶۱. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: کسی که [شب را] با رضایت پدر و مادرش صبح کند، دو در از درهای بهشت به روی او باز می شود. و همچنین است کسی که با رضایت پدر و مادرش روز را به شب رساند. و اگر یکی از پدر یا مادر از او راضی باشند یک درب بهشت به رویش باز می شود. و کسی که بامداد یا شامگاه پدر و مادر از او ناراضی باشند، دو در از دوزخ به رویش باز می شود. و اگر یکی از آنها ناراضی باشند، یک در دوزخ برویش باز می شود.

۲۳۶۲. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: بوی بهشت از فاصله پانصد سال راه به مشام می رسد. و عاق پدر و مادر و کسی که قطع رحم کند، آن را استشمام نمی کنند.

۲۳۶۳. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: کسی که می خواهد بداند نزد خدا چه مقامی دارد، ببیند خدا در نظر او چه منزلتی دارد. اگر بین کار دنیا و آخرت، مخیر شود و آخرت را انتخاب کند، خدا را دوست دارد. و اگر دنیا را انتخاب کند، خدا نزد او منزلتی ندارد.

٢٣٦٤. وَرَوَى ابْنُ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَكْثَرُوا ذِكْرَ هَادِمِ اللَّذَاتِ؛ فَإِنَّكُمْ إِنْ ذَكَرْتُمُوهُ فِي ضَيْقٍ وَسَعَةٍ عَلَيَّكُمْ فَرَضَيْتُمْ بِهِ، وَإِنْ ذَكَرْتُمُوهُ فِي غِنَى بَغَّضْتُمْ إِلَيْكُمْ فَجَدْتُمْ بِهِ فَائِتُمْ؛ فَإِنَّ الْمَنَايَا قَاطِعَاتُ الْأَمَالِ، وَاللَّيَالِي مُدْنِيَاتُ الْأَجَالِ.

وَأَنَّ الْمَرَّةَ بَيْنَ يَوْمَيْنِ؛ يَوْمٌ قَدْ مَضَى، حُصِيَ فِيهِ عَمَلُهُ فَخُتِمَ عَلَيْهِ، وَيَوْمٌ قَدْ بَقِيَ فَلَا يَدْرِي لَعَلَّهُ لَا يَصِلُ إِلَيْهِ. إِنَّ الْعَبْدَ عِنْدَ خُرُوجِ نَفْسِهِ وَحُلُولِ رَمْسِهِ يَرَى أَجْزَاءَ مَا أَسْلَفَ، وَقَلَّ غَنَاءٍ مَا أَخْلَفَ (١)، وَلَعَلَّهُ مِنْ بَاطِلٍ جَمَعَهُ أَوْ مِنْ حَقٍّ مَنَعَهُ. (٢)

ص: ٣٦٤

-
- ١- (١). يقال لما يُحْتَى على القبر من التراب: رمس، وللقبر نفسه أيضاً، ولعلَّ الصحيح الجزاء بدل الإجزاء، والمراد أنه يرى جزاء ما أسلف من طاعه الله سبحانه وقلة غناء ما أخلفه على الوارث.
- ٢- (٢). مسند الشهاب، ج ١، ص ٣٩١، ح ٦٦٨ وفيه صدره نحوه.

۲۳۶۴. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: نابود کننده لذتها [مرگ] را فراوان یاد کنید، چون اگر در تنگدستی باشید با یاد مرگ تنگدستی دنیا در نظرتان گشایش جلوه می کند و راضی خواهید شد. و اگر در رفاه به یاد مرگ باشید، شما را به مال بی میل می کند. و آن را انفاق می کنید. و به ثواب می رسید. زیرا مرگ رشته آرزوها را قطع می کند و [گذشتن] شب ها اجل را نزدیک می کند. انسان بین دو روز است: روز گذشته که عملش ثبت شده و تمام شده است. و روز آینده که شاید به آن نرسد.

انسان هنگام جان دادن و سرازیر شدن در خاک، جزای آنچه را پیش فرستاده و بی حاصل بودن آنچه را باقی گذاشته می بیند. و شاید از راه باطل آن را جمع کرده یا حقوق آن را نپرداخته است.

ص: ۳۶۵

الفصل الثالث: ممّا روته الخاصّه عن النبيّ صلى الله عليه و آله فى العلم

٢٣٦٥. قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله: مَا مِنْ عَالِمٍ أَوْ مُتَعَلِّمٍ يَمُرُّ بِقَرِيْبِهِ مِنْ قُرَى الْمُسْلِمِيْنَ أَوْ بَلَدِهِ مِنْ بِلَادِ الْمُسْلِمِيْنَ وَلَمْ يَأْكُلْ مِنْ طَعَامِهِمْ وَلَمْ يَشْرَبْ مِنْ شَرَابِهِمْ، وَدَخَلَ مِنْ جَانِبٍ وَخَرَجَ مِنْ جَانِبٍ آخَرَ، إِلَّا رَفَعَ اللَّهُ تَعَالَى عَذَابَ قُبُورِهِمْ أَرْبَعِينَ يَوْمًا.

٢٣٦٦. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله: عُلَمَاءُ هَذِهِ الْأُمَّةِ رَجُلَانِ: رَجُلٌ آتَاهُ اللَّهُ تَعَالَى عِلْمًا فَيَذَلُّهُ لِلنَّاسِ وَلَمْ يَأْخُذْ عَلَيْهِ طَعْمًا (١) وَلَمْ يَشْرَبْ بِهِ ثَمَنًا (٢)، فَذَلِكَ يَسْتَغْفِرُ لَهُ حَيْثَانُ الْبَحْرِ وَدَوَابُّ الْبَرِّ وَالطَّيْرُ فِي حَيَوِّ السَّمَاءِ، وَيَقْدَمُ عَلَى اللَّهِ سَيِّدًا شَرِيفًا حَتَّى يُرَافِقَ الْمُرْسَلِينَ. وَرَجُلٌ آتَاهُ اللَّهُ تَعَالَى عِلْمًا فَيَبْخُلَ بِهِ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ تَعَالَى، وَأَخَذَ عَلَيْهِ طَعْمًا، وَشَرَى بِهِ ثَمَنًا، فَذَلِكَ يُلْجَمُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِلِجَامٍ مِنْ نَارٍ، وَيُنَادَى مُنَادٍ: هَذَا الَّذِى آتَاهُ اللَّهُ تَعَالَى عِلْمًا فَيَبْخُلَ بِهِ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ تَعَالَى، وَأَخَذَ عَلَيْهِ طَعْمًا، وَاشْتَرَى بِهِ ثَمَنًا، وَكَذَلِكَ حَتَّى يُفْرَغَ مِنَ الْحِسَابِ. (٣)

٢٣٦٧. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله: الْعِلْمُ عِلْمَانِ: فَعِلْمٌ فِي الْقَلْبِ، فَذَلِكَ الْعِلْمُ النَّافِعُ، وَعِلْمٌ عَلَى اللِّسَانِ فَذَلِكَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى ابْنِ آدَمَ. (٤)

٢٣٦٨. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله: إِنِّى لَا أَتَخَوَّفُ عَلَى أُمَّتِى مُؤْمِنًا وَلَا مُشْرِكًا؛ فَأَمَّا الْمُؤْمِنُ فَيَحْجُزُهُ إِيمَانُهُ، وَأَمَّا الْمُشْرِكُ فَيَقْمَعُهُ كَفْرُهُ، وَلَكِنْ أَتَخَوَّفُ عَلَيْكُمْ مُنَافِقًا عَلِيمَ اللِّسَانِ يَقُولُ مَا تَعْرِفُونَ وَيَعْمَلُ مَا تُنْكِرُونَ. (٥)

ص: ٣٦٦

١- (١). الطَّعْمُ: شِبْهُ الرِّزْقِ. وَجَمَعَهَا: طَعَّمَ (لسان العرب: ٣٦٥/١٢) وَفِي الْبَحَارِ وَرَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ: «طَعْمًا».

٢- (٢). لَمْ يَشْرَبْ: أَيْ لَمْ يَبْعَ، مِنْ شَرَى يَشْرَى؛ أَيْ لَمْ يَبْعَ بِشَمْنٍ، أَوْ بِمَعْنَى الْإِشْتِرَاءِ أَيْ لَمْ يَشْتَرِ بِهِ ثَمَنًا، فَالْثَمَنُ مَبْعَعٌ حِينَئِذٍ وَيُمْكِنُ أَنْ يَكُونَ بِمَعْنَى الْمُبَادَلَةِ كَمَا أَوْعِزُّ إِلَيْهِ الرَّاعِبُ.

٣- (٣). رَوْضَةُ الْوَاعِظِينَ، ص ١١.

٤- (٤). مِنْهُ الْمَرِيدُ، ص ١٣٦.

٥- (٥). مِنْهُ الْمَرِيدُ، ص ١٣٧.

فصل سوم: احادیثی از طریق شیعه از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله

۲۳۶۵. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: اگر عالم یا طالب علم از روستا یا شهر مسلمانان عبور کند، خداوند تا چهل روز عذاب از قبرهای آن محل بر می دارد، گرچه از یک طرف وارد و از طرف دیگر خارج شود و آب و غذای آنها را نخورد.

۲۳۶۶. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: علمای این امت دو گروه هستند: یک گروه علم خدادادی را بدون طمع به مردم یاد می دهند، و علم خود را به آب و نان نمی فروشند. برای اینها ماهیان دریا و حیوانات زمین و پرندگان آسمان، استغفار می کنند. و با سیادت و شرف بر خداوند وارد می شوند. و با پیامبران همنشین خواهند شد.

گروه دوم کسانی که از علم خود نسبت به مردم بخل می ورزند. و علم خود را به آب و نان یا مال می فروشند، این گروه را در قیامت با لجام آتشین مهار می کنند و ندادهنده ای فریاد می زند: اینها هستند که خداوند تعالی به آنها علم داده بود ولی در انتشار آن بخیل بودند. و علم را می فروختند و در همین وضعیت می مانند تا مردم از حساب رسی قیامت فراغت حاصل کنند.

۲۳۶۷. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: علم دو نوع است: یک نوع در قلب نفوذ می کند، که علم مفید است. و یک نوع فقط بر زبان است، که این علم برای صاحبش اتمام حجت است.

۲۳۶۸. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: من از مؤمن و مشرک بر امت خویش بیم ندارم. چون مؤمن را ایمانش حفظ می کند. و مشرک را کفرش نابود می کند. ولی از عالم منافق می ترسم، چون گفتار نیک و کردار زشت دارد.

٢٣٦٩. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَلَا إِنَّ شَرَّ الشَّرِّ أَشْرَارُ الْعُلَمَاءِ، وَإِنَّ خَيْرَ الْخَيْرِ خِيَارُ الْعُلَمَاءِ. (١)

٢٣٧٠. وَرَوَى عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْعُلَمَاءُ رُجُلَانِ: رَجُلٌ عَالِمٌ آخِذٌ بِعِلْمِهِ، فَهَذَا نَاجٍ، وَعَالِمٌ تَارِكٌ لِعِلْمِهِ، فَهَذَا هَالِكٌ، وَإِنَّ أَهْلَ النَّارِ لَيَتَأَذَوْنَ مِنْ رِيحِ الْعَالِمِ التَّارِكِ لِعِلْمِهِ، وَإِنَّ أَشَدَّ أَهْلِ النَّارِ نَدَامَةً وَحَسْرَةً رَجُلٌ دَعَا عَبْدًا إِلَى اللَّهِ (تَبَارَكَ وَتَعَالَى) فَاسْتَجَابَ لَهُ وَقَبِلَ مِنْهُ، فَأَطَاعَ اللَّهَ (تَعَالَى)، فَأَدْخَلَهُ اللَّهُ (تَعَالَى) الْجَنَّةَ، وَأَدْخَلَ الدَّاعِيَ النَّارَ بِتَرْكِهِ عِلْمَهُ، وَاتِّبَاعِهِ الْهَوَى. (٢)

٢٣٧١. وَعَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ أَخْوَفَ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي اتِّبَاعَ الْهَوَى وَطُولَ الْأَمَلِ؛ أَمَّا اتِّبَاعُ الْهَوَى فَيَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ، وَأَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْآخِرَةَ. (٣)

٢٣٧٢. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ تَعَلَّمَ حِدِيثَيْنِ يَنْفَعُ بِهِمَا نَفْسَهُ أَوْ يُعَلِّمُهُمَا غَيْرَهُ فَيَنْتَفِعُ بِهِمَا، كَانَ خَيْرًا لَهُ مِنْ عِبَادَةِ سِتِّينَ سَنَةً. (٤) وَرَوَتْ الْعَامَّةُ هَذِهِ الْأَحَادِيثَ الْخَمْسَةَ:

٢٣٧٣. قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ مَثَلًا مَا بَعَثَنِي بِهِ رَبِّي مِنَ الْهُدَى وَالْعِلْمِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَصَابَ أَرْضًا مِنْهَا طَائِفَةٌ طَيِّبَةٌ، فَقَبِلَتْ الْمَاءَ فَأَنْبَتَتِ الْعُشْبَ (٥) وَالْكَأَلَ الْكَثِيرَ، وَكَانَ مِنْهَا أَجَادِبٌ (٦) أَمْسَكَتِ الْمَاءَ فَفَنَعَ اللَّهُ تَعَالَى بِهَا النَّاسَ وَشَرِبُوا مِنْهَا وَسَقَوْا وَزَرَعُوا، وَأَصَابَ طَائِفَةٌ مِنْهَا أُخْرَى إِنَّمَا هِيَ قِيَعَانٌ (٧) لَا تُمْسِكُ مَاءً وَلَا تُنْبِتُ كَلًّا فَذَلِكَ مَثَلُ مَنْ فَقِهَ فِي دِينِ اللَّهِ تَعَالَى، وَتَفَقَّهَ (٨) فِيمَا بَعَثَنِي اللَّهُ تَعَالَى بِهِ، فَعِلْمٌ وَعِلْمٌ، وَمَثَلُ مَنْ لَمْ يَرْفَعْ بِذَلِكَ رَأْسًا وَلَمْ يَقْبَلْ هُدَى اللَّهِ تَعَالَى الَّذِي أَرْسَلْتُ بِهِ. (٩)

ص: ٣٦٨

- ١- (١). منيه المريد، ص ١٣٧.
- ٢- (٢). الكافي، ج ١، ص ٤٤، ح ١.
- ٣- (٣). الكافي، ج ١، ص ٤٤، ح ١.
- ٤- (٤). منيه المريد، ص ٣٧٢.
- ٥- (٥). العشب: الكَلُّ الرُّطْبُ (لسان العرب: ٦٠١/١).
- ٦- (٦). الأَجَادِبُ: صلاب الأرض التي تُمسك الماء، فلا تشربه سريعاً. وقيل: هي الأراضي التي لانبات بها، مأخوذ من الجذب؛ وهو القحط (لسان العرب: ٢٥٦/١).
- ٧- (٧). القاع: ما استوى من الأرض وصلب ولم يكن فيه نبات. والجمع قيعان (لسان العرب: ٣٠٤/٨).
- ٨- (٨). فمن تفقه وعمل فهو كأرض قبلت الماء فأنبتت، ومن تفقه وعلم ولم يعمل فهو كأرض أمسكت الماء فاستفاد منها الناس، ومن لم يقبل هدى الله ولم يرفع بذلك رأساً - أى لم يلتفت - فهو كأرض لم تقبل ولم تمسك الماء.
- ٩- (٩). منيه المريد، ص ١٠٢.

۲۳۶۹. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: بدترین اشرار، علماء شرور هستند. و بهترین نیکان، عالم خوب است.

۲۳۷۰. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: عالم دو قسم است: یک قسم کسی که به علم خود عمل کند، نجات یافته است. یک قسم کسی که به علم خود عمل نکند، هلاک می شود. و اهل دوزخ از بوی تعفن این قسم اذیت می شوند.

بیشترین پشیمانی و حسرت در دوزخ برای کسی است که دیگری را به راه خدا دعوت کند، و او قبول کند. و به اطاعت خدا پردازد. و خداوند او را به بهشت ببرد. اما خودش به علم خود عمل نکند، و از هوای نفس پیروی کند و به جهنم درآید.

۲۳۷۱. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: برای امت خود از پیروی هوای نفس و آرزوهای دراز بیشتر از همه چیز بیم دارم. چون پیروی از هوای نفس راه حق را مسدود می کند. و آرزوی دراز آخرت را به فراموشی می سپارد.

۲۳۷۲. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: کسی که دو حدیث بیاموزد، تا خود عمل کند، یا به دیگران یاد بدهد تا عمل کنند، برای او از شصت سال عبادت بهتر است.

۲۳۷۳. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: این علم و هدایتی که خداوند مرا به آن مبعوث گردانید مانند بارانی است که بر زمین بیارد، آنجا که حاصل خیز است آب را جذب می کند و گیاه می رویاند. و همچنین در منابع زیرزمینی ذخیره می کند، تا مردم برای نوشیدن و زراعت از آن بهره برداری کنند. ولی زمینی که بایر است آب را نگه نمی دارد و حاصل نمی دهد. مردم هم عده ای علم دین می گیرند. و عمل می کنند. و به دیگران می آموزند. و عده ای نه عمل می کنند. و نه به دیگران تعلیم می دهند.

٢٣٧٤. وقال صلى الله عليه وآله: لا - حَسِيْدٌ - يَعْنِي لا غِيْبَةٌ (١) - إِيْلَافِي اثْنَيْنِ: رَجُلٌ آتَاهُ اللهُ تَعَالَى مَا لَمْ يَسْأَلْهُ عَلَى هَلَكْتِهِ فِي الْحَقِّ (٢)، وَرَجُلٌ آتَاهُ اللهُ تَعَالَى الْحِكْمَةَ، فَهُوَ يَقْضِي بِهَا وَيُعَلِّمُهَا النَّاسَ. (٣)

٢٣٧٥. وقال صلى الله عليه وآله: مَنْ دَعَا إِلَى هُدًى كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ، مِثْلُ اجْوَرٍ مَنْ اتَّبَعَهُ لَا يَنْقُصُ ذَلِكَ مِنْ اجْوَرِهِمْ شَيْئاً، وَمَنْ دَعَا إِلَى ضَلَالَةٍ كَانَ عَلَيْهِ مِنَ الْإِثْمِ مِثْلُ آثَامٍ مَنْ اتَّبَعَهُ لَا يَنْقُصُ ذَلِكَ مِنْ آثَامِهِمْ شَيْئاً. (٤)

٢٣٧٦. وقال صلى الله عليه وآله: الْعَالِمُ وَالْمُتَعَلِّمُ شَرِيكَانِ فِي الْأَجْرِ، وَلَا خَيْرَ فِي سَائِرِ النَّاسِ. (٥)

٢٣٧٧. وقال النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ زَادَ فِي الْعِلْمِ زُشْداً وَلَمْ يَزِدْ فِي الدُّنْيَا زَهْداً لَمْ يَزِدْ مِنَ اللهِ إِلَّا بُعْداً. (٦)

٢٣٧٨. وَعَنْ سَهْلِ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللهِ، دُلَّنِي عَلَى عَمَلٍ إِذَا أَنَا عَمِلْتُهُ أَحَبَّنِي اللهُ وَأَحَبَّنِي النَّاسَ. فَقَالَ: ازْهَدْ فِي الدُّنْيَا يُحِبِّكَ اللهُ، وَازْهَدْ فِيمَا فِي أَيْدِي النَّاسِ يُحِبِّكَ النَّاسَ. (٧)

٢٣٧٩. وَقِيلَ: أَتَى النَّبِيَّ رَجُلٌ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللهِ، إِنِّي لَا أَصُومُ إِلَّا شَهْرَ رَمَضَانَ لَا أَزِيدُ عَلَيْهِ، وَلَا أَصَلِّي إِلَّا الْخَمْسَ لَا أَزِيدُ عَلَيْهَا، وَلَيْسَ لِي عِنْدِي صِدْقَةٌ وَلَا حَيْجٌ وَلَا تَطَوُّعٌ؛ أَنَا أَيْنَ إِذَا مِتُّ؟ قَالَ: مَعِيَ فِي الْجَنَّةِ: إِذَا حَفِظْتَ لِسَانَكَ مِنَ اثْنَيْنِ: الْغِيْبِ وَالْكَذِبِ، وَقَلْبِكَ مِنَ اثْنَيْنِ: الْغِلِّ (٨) وَالْحَسَدِ، وَنَظَرَكَ مِنَ اثْنَيْنِ: تَرَكَ النَّظَرَ إِلَى مَا حَرَّمَ اللهُ، وَأَنْ لَا تُؤْذِيَ مُسْلِماً - دَخَلْتَ مَعِيَ فِي الْجَنَّةِ.

٢٣٨٠. وقال صلى الله عليه وآله: إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَتَيْتَ اللَّهُ لِبَطْنِهِ مِنْ أُمَّتِي أَجْنَحَهُ فَيَطِيرُونَ مِنْ قُبُورِهِمْ إِلَى الْجَنَانِ يَسْرَحُونَ (٩) فِيهَا وَيَتَمَتَّعُونَ فِيهَا كَيْفَ شَاءُوا، فَيَقُولُ لَهُمُ الْمَلَائِكَةُ: هَلْ رَأَيْتُمْ الْحِسَابَ؟ فَيَقُولُونَ: مَا

ص: ٣٧٠

١- (١). الحسد: تمنى زوال نعمه من مستحق لها، والغبطة: أن يتمنى أن يكون له مثلها ولا يتمنى زوالها عنه كما في النهايه و الراغب والمجمع - فعلى هذا ولاجه لتفسير الحسد بالغبطه؛ لأنه تفسير بالمباين، ولكن السيد ره في شرح الصحيفة ص ١٣٧ قال - بعد نقل ما مر من معانها - وقيل: هو عبارته عن فرط حرص المرء على امتيازته في جميع المقتنيات من أبناء جنسه، وشده اهتمامه على إزالتها من غيره، وجذبها إلى نفسه. وقال الراغب: الذي ينال الإنسان بسبب خير يصل إلى غيره إذا كان على سبيل التمني أن يكون له مثله فهو غبطه، وإذا كان مع ذلك سعى منه في أن يبلغ هو مثل ذلك من الخير أو ما هو فوقه فمنافسه وكلاهما محمودان، وإن كان مع ذلك سعى في إزالتها فهو حسد، وهو الحرام المذموم انتهى فعلى هذا لا بأس بتفسير الحسد ببعض معناه - راجع الشرح -.

٢- (٢). أي صرفه في المصارف المشروعه.

٣- (٣). منيه المرید، ص ١٠٢.

٤- (٤). منيه المرید، ص ١٠٢.

٥- (٥). عوالمى اللآلى، ج ١، ص ٨١ ح ٢.

٦- (٦). كتر الفوائد، ص ٢٣٩.

٧-٧) . الأمالى للطوسى، ص ١٤٠، ح ٤١/٢٢٨.

٨-٨) . الغلّ: الحقد الكامن (العين: ٣٤٧/٤).

٩-٩) . يسرحون: من سرحت الإبل بنفسها من غير صاءٍ يصدّها، ولا مانع يمنعها (مجمع البحرين: ٣٧٢/٢).

۲۳۷۴. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: جز بر دو کس نباید حسرت - یعنی غبطه - خورد: یکی مردی که خدا به او مال داده و در راه خدا خرج می کند. دوم کسی که خدا به او حکمت داده و با آن قضاوت می کند، و به مردم تعلیم می دهد.

۲۳۷۵. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: کسی که مردم را هدایت کند به اندازه ی کسانی که از او پیروی کنند، اجر دارد. بدون اینکه از اجر پیروانش کاسته شود. و کسی که مردم را به ضلالت دعوت کند، به اندازه ی پیروانش گناه کرده است. بدون اینکه از گناه آنان کاسته شود.

۲۳۷۶. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: عالم و طالب علم هر دو اجر دارند. و در مردم دیگر خیری نیست.

۲۳۷۷. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: کسی که بر علم خود بیفزاید ولی به زهد خود بر دنیا نیفزاید، جز دوری از خدا نیفزوده است.

۲۳۷۸. سهل بن سعد گوید: مردی به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: یا رسول الله صلی الله علیه و آله به من کاری بیاموزید که نزد خدا و مردم محبوب شوم. حضرت فرمود: در دنیا زاهد باش، خدا تو را دوست می دارد. و به مال مردم چشم مدوز، تا تو را دوست بدارند.

۲۳۷۹. شخصی از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: من فقط ماه رمضان روزه می گیرم و نه بیشتر. و فقط نمازهای واجب پنج گانه را بپا می دارم. و هیچ صدقه و حج و عمل مستحبی دیگری ندارم، اگر بمیرم چه مقامی دارم؟ حضرت فرمودند: در بهشت با من خواهی بود. اگر زبان خود را از غیبت و دروغ و قلب خود را از کینه و حسد و چشم خود را از نگاه به حرام و اذیت مسلمان، حفظ کنی همراه من وارد بهشت می شوی.

۲۳۸۰. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: خداوند در روز قیامت به جمعی از امت من بالهایی عطا کند، که از قبر به سوی بهشت پرواز کنند. و به دلخواه خود از نعمتهای بهشت بهره گیرند. ملائکه از آنها می پرسند: آیا حساب را دیده اید؟ می گویند: نه، می پرسند: آیا از صراط عبور کردید؟ می گویند: نه، می پرسند: آیا جهنم را دیدید؟ می گویند: چیزی ندیدیم. ملائکه می پرسند:

شما امت چه کسی هستید؟ می گویند: امت محمد صلی الله علیه و آله. می پرسند: شما را به خدا در دنیا چه

رَأَيْنَا حِسَابًا، فَيَقُولُونَ: هَلْ جُزْتُمْ الصِّرَاطَ؟ فَيَقُولُونَ: مَا رَأَيْنَا صِرَاطًا، فَيَقُولُونَ: هَلْ رَأَيْتُمْ جَهَنَّمَ؟ فَيَقُولُونَ: مَا رَأَيْنَا شَيْئًا، فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ: مِنْ أُمَّهِ مَنْ أَنْتُمْ؟ فَيَقُولُونَ: مِنْ أُمَّهِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَيَقُولُونَ:

نَشَدْنَاكُمْ اللَّهُ حَدِّثُونَا مَا كَانَتْ أَعْمَالُكُمْ فِي الدُّنْيَا، فَيَقُولُونَ: حَصَلَتَانِ كَانَتَا فِيْنَا، فَبَلَّغَنَا اللَّهُ هَذِهِ الْمَنْزِلَةَ بِفَضْلِ رَحْمَتِهِ، فَيَقُولُونَ: وَمَا هُمَا؟ فَيَقُولُونَ: كُنَّا إِذَا خَلَوْنَا نَسْتَحْيِي أَنْ نَعْصِيَهُ، وَنَرْضَى بِالْيَسِيرِ بِمَا قَسَمَ لَنَا، فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ: حَقُّ لَكُمْ هَذِهِ. (١)

ص: ٣٧٢

١- (١). مسكن الفؤاد، ص ٨٠.

عملی انجام داده اید؟ می گویند: دو خصلت داشتیم که خداوند به فضل و رحمت خود ما را به این منزلت رسانده است. می پرسند: آن دو خصلت چیست؟ می گویند: در خلوت از معصیت شرم می کردیم. و به کم قانع بودیم. ملائکه می گویند: آری شایسته این مقام هستید.

ص: ۳۷۳

٢٣٨١. عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: يَهْلِكُ فِي اثْنَانِ - وَلَا ذَنْبَ لِي - مُجِبُّ غَالٍ، وَمُفَرِّطٌ قَالَ (١). (٢).

٢٣٨٢. قَالَ ذَلِكَ اعْتِدَاراً مِنْهُ أَنَّهُ لَا يَرْضَى بِمَا يَقُولُ فِيهِ الْغَالِي وَالْمُفَرِّطُ، وَلَعَمْرِي إِنَّ عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ لَوْ سَكَتَ لِمَا قَالَتْ فِيهِ النَّصَارَى لَعَذَّبَهُ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ (٣). هَذَا مَا قَالَهُ ابْنُ بَابُوَيْهٍ فِي أَمَالِيهِ بَعْدَمَا رَوَى هَذَا الْحَدِيثَ.

٢٣٨٣. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الصَّبْرُ صَبْرَانِ: الصَّبْرُ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ (٤) حَسَنٌ جَمِيلٌ، وَأَحْسَنُ مِنْ ذَلِكَ الصَّبْرُ عِنْدَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْكَ. وَالذِّكْرُ ذِكْرَانِ: ذِكْرُ اللَّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ، وَأَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ ذِكْرُ اللَّهِ عِنْدَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْكَ، فَيَكُونُ حَاجِزاً (٥).

٢٣٨٤. وَسُئِلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْخَيْرِ مَا هُوَ؟ فَقَالَ: لَيْسَ الْخَيْرُ أَنْ يَكْثُرَ مَالُكَ وَوَلَمُدُّكَ، وَلَكِنَّ الْخَيْرَ أَنْ يَكْثُرَ عِلْمُكَ، وَأَنْ يَعْظُمَ حِلْمُكَ، وَأَنْ يُبَاهِيَ بِعِبَادَتِكَ رَبُّكَ، فَإِنْ أَحْسَنْتَ حَمِدَتَ اللَّهُ، وَإِنْ أَسَأْتَ اسْتَغْفَرَتَ اللَّهُ (٦).

ص: ٣٧٤

١- (١). الْقَلْبِيُّ: الْبُغْضُ. قَلْبِيته قَلْبِي: أَبْغَضْتَهُ وَكْرِهْتَهُ غَايَةَ الْكِرَاهَةِ فَتَرَكْتَهُ (لسان العرب: ١٥/١٩٨).

٢- (٢). الْأَمَالِيُّ لِلصَّدُوقِ، ص ٧٠٩، ح ١٠/٩٧٨؛ كُنْزُ الْعَمَالِ، ج ١١، ص ٣٢٤، ح ٣١٦٣٣.

٣- (٣). الْأَمَالِيُّ لِلصَّدُوقِ، ص ٧٠٩، ح ١٠/٩٧٨.

٤- (٤). نَقَلَ فِي الْكَافِي: ٩٠/٢ هَذَا الْحَدِيثَ، وَنَقَلَ فِي ص ٩١ حَدِيثاً فِي أَنَّ الصَّبْرَ ثَلَاثَةٌ: صَبْرٌ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ، وَصَبْرٌ عَلَى الطَّاعَةِ، وَصَبْرٌ عَنِ الْمَعْصِيَةِ؛ فَمَنْ صَبَرَ عَلَى الْمُصِيبَةِ حَتَّى يَرُدَّهَا بِأَحْسَنِ عَزَائِهَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ ثَلَاثِمِئَةَ دَرَجَةٍ؛ مَا بَيْنَ الدَّرَجَةِ إِلَى الدَّرَجَةِ كَمَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، وَمَنْ صَبَرَ عَلَى الطَّاعَةِ كَتَبَ اللَّهُ بِهِ سِتِّمِئَةَ دَرَجَةٍ مَا بَيْنَ الدَّرَجَةِ إِلَى الدَّرَجَةِ كَمَا بَيْنَ تَخُومِ الْأَرْضِ إِلَى الْعَرْشِ، وَمَنْ صَبَرَ عَنِ الْمَعْصِيَةِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ تِسْعِمِئَةَ دَرَجَةٍ مَا بَيْنَ الدَّرَجَةِ إِلَى الدَّرَجَةِ كَمَا بَيْنَ تَخُومِ الْأَرْضِ إِلَى مَنْتَهَى الْعَرْشِ.

٥- (٥). الْكَافِي، ج ٢، ص ٩٠، ح ١١؛ الدَّرُّ الْمُنْثُورُ، ج ١، ص ٦٥، مَعَ اخْتِلَافٍ يَسِيرٍ.

٦- (٦). نَهْجُ الْبَلَاغَةِ، ج ٤، ص ٢١، الْحَكْمَةُ ٩٤؛ كُنْزُ الْعَمَالِ، ج ١٦، ص ٢٠٨، ح ٤٤٢٣٣.

فصل چهارم: احادیثی که شیعه و سنی از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند

۲۳۸۱. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: دو کس نسبت به من هلاک می شوند - و گناه از من نیست -:

دوستدار غلو کننده و دشمن کینه توز افراطگر.

۲۳۸۲. مرحوم ابن بابویه در کتاب امالی پس از نقل این حدیث می فرماید: امیرالمؤمنین علیه السلام این سخن را فرمود تا اهل غلو و افراط بدانند که آن حضرت از این عقاید بیزار است. به جان خودم سوگند: اگر حضرت عیسی علیه السلام هم در برابر آنچه که نصاری دربارہ وی گفت خاموش می نشست، خدا او را عذاب می کرد.

۲۳۸۳. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: صبر دو نوع است. صبر هنگام مصیبت که خوب و زیباست. و از آن بهتر، صبر در برابر عمل حرام است. ذکر [یاد خدا] دو نوع است. یکی در وقت مصیبت، و از این بالاتر یاد خدا در مقابل گناه که مانع معصیت می شود.

۲۳۸۴. از حضرت علی علیه السلام پرسیدند: خیر چیست؟ فرمودند: خیر این نیست که مال و فرزند تو زیاد شود. بلکه خیر این است که علم تو بسیار و بردباری تو زیاد شود. و پروردگارت به عبادت کردن تو مباحث کند. و اگر احسان کردی خدا را شکر کنی و اگر خطا کردی توبه نمایی.

ص: ۳۷۵

٢٣٨٥. لا خَيْرَ فِي الدُّنْيَا إِلَّا لِلرَّجُلَيْنِ: رَجُلٌ أَذْنَبَ ذُنُوبًا، فَهُوَ يَتَدَارَكُهَا بِالتَّوْبَةِ، وَرَجُلٌ يُسَارِعُ فِي الْخَيْرَاتِ، وَلَا يَقِلُّ عَمَلٌ مَعَ تَقْوَى، وَكَيْفَ يَقِلُّ مَا يُتَّقَبَلُ (١)؟! (٢)

٢٣٨٦. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ وَلِيَّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ وَإِنْ بَعُدَتْ لِحَمَّتُهُ (٣)، وَإِنْ عَدُوٌّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنْ عَصَى اللَّهَ وَإِنْ قُرِبَتْ قَرَابَتُهُ. (٤)

٢٣٨٧. وَقَالَ لِإِبْنِهِ الْحَسَنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: يَا بَنِيَّ، خَفِ اللَّهَ خَوْفًا أَنْتَكَ لَوْ أَتَيْتَهُ بِحَسَنَاتِ أَهْلِ الْأَرْضِ لَمْ يَقْبَلْهَا مِنْكَ، وَارْجُ اللَّهَ رَجَاءً أَنْتَكَ لَوْ أَتَيْتَهُ بِسَيِّئَاتِ أَهْلِ الْأَرْضِ غَفَرَهَا لَكَ. (٥)

٢٣٨٨. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الدُّنْيَا دَارُ مَمَرٍّ، وَالْآخِرَةُ دَارُ مَقَرٍّ، وَالتَّيَّاسُ فِيهَا رَجُلَانِ: رَجُلٌ بَاعَ نَفْسَهُ فَأَوْبَقَهَا، (٦) وَرَجُلٌ ابْتَاعَ نَفْسَهُ فَأَعْتَقَهَا. (٧)

٢٣٨٩. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ عَدُوَانِ مُتَفَاوِتَانِ، وَسَبِيلَانِ مُخْتَلِفَانِ؛ فَمَنْ أَحَبَّ الدُّنْيَا وَتَوَلَّاهَا أَبْغَضَ الْآخِرَةَ وَعَادَاهَا، وَهُمَا بِمَنْزِلَةِ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ، وَالْمَاشِي بَيْنَهُمَا كُلَّمَا قَرَّبَ مِنْ وَاحِدِهِ بَعُدَ مِنَ الْآخَرِي. (٨)

٢٣٩٠. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْقَنَاعَةُ وَالطَّاعَةُ يُوْجِبَانِ الْغِنَى وَالْعِزَّ، وَالْمَعْصِيَةُ وَالْحِرْصُ يُكْسِبَانِ الشَّقَاءَ وَالذُّلَّ. (٩)

٢٣٩١. وَقَالَ لِإِبْنِهِ الْحَسَنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: يَا بَنِيَّ، أَكْرَمَ مَنْ كَانَ لَهُ بَيْتٌ فِي الْأَصْلِ، وَلَا يُعْرَئُكَ سَوْءُ حَالِهِ مِنْ انْقِلَابِ الزَّمَانِ عَلَيْهِ؛ فَإِنَّ الدَّهْرَ يَجْبُرُ مَا كَسَرَ، وَيَكْسِرُ مَا جَبَرَ. وَاعْلَمْ يَا بَنِيَّ أَنَّ النُّعْمَةَ زَائِلَةٌ، وَإِذَا أَحْوَجَتْكَ الْحَاجَةُ وَأَعْوَرَتْكَ الْقِلَّةُ (١٠) فَعَلَيْكَ بِبَطْنِ جَاعَتِ بَعْدَ الشُّبْعِ؛ فَإِنَّ الْخَيْرَ فِيهَا مَضْمُونٌ. وَاللَّهُ! لِأُمْدَنْ يَدِي

ص: ٣٧٦

١- (١). هذه الرواية تحريض على تهذيب النفس من الرذائل المانعة عن قبول العمل، كما في الأخبار الكثيرة والآية الكريمة: «إِنَّمَا يَقْبَلُ اللَّهُ» الخ، وَأَنَّ الْعَمَلَ الْقَلِيلَ مَعَ التَّقْوَى عَنِ الْمَعَاصِي كَثِيرٌ؛ لِأَنَّهُ مَقْبُولٌ.

٢- (٢). نهج البلاغة، ج ٤، ص ٢١، الحكمة ٩٤؛ كنز العمال، ج ١٦، ص ٢٠٨، ح ٤٤٢٣٣. لا يقل عمل مع الخ، نهج البلاغة، ج ٤، ص ٢١، الحكمة ٩٥.

٣- (٣). اللُّحْمَةُ - بِالضَّمِّ - : الْقَرَابَةُ (لسان العرب: ٥٣٨/١٢).

٤- (٤). نهج البلاغة، ج ٤، ص ٢٢، ح ٩٦؛ شرح نهج البلاغة، ج ١٨، ص ٢٥٢، ح ٩٢.

٥- (٥). الأُمَالِي لِلصَّدُوقِ، ص ٧٦٦، ح ٥/١٠٣١، مع اختلافٍ يسير.

٦- (٦). أَوْبَقَهَا: أَهْلَكَهَا (الصَّحَاحُ: ١٥٦٢/٤).

٧- (٧). خصائص الانمته، ص ١٠٣؛ شرح نهج البلاغة، ج ١٨، ص ٣٢٨، ح ١٢٩.

٨- (٨). نهج البلاغة، ج ٤، ص ٢٣، ح ١٠٣؛ شرح نهج البلاغة، ج ١٨، ص ٢٦٤، ح ١٠٠.

٩- (٩). عيون الحكم والمواعظ، ص ٤٩٨ و ٤٤؛ شرح كلمات امير المؤمنين عليه السلام، ص ٣٩.

١٠- (١٠) . أوجه الحاجه: أى جعلته فقيراً، وأعورته القلّه: أى أوجدت فيه خللاً؛ أى إذا احتجت أظهر حاجتك لغنى وصاحب شرف ولو كان افتقر، لادنى استغنى وصار صاحب شرف إذا دار الأمر بينهما.

۲۳۸۵. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: در دنیا جز برای دو نفر خیری نیست. یکی آن که گناه خود را با توبه جبران کند. و دیگری در کارهای خوب شتاب کند. هیچ عملی که با تقوی انجام شود کوچک نیست. چگونه عملی را که خداوند قبول نماید کوچک است؟

۲۳۸۶. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: دوستدار حضرت محمد صلی الله علیه و آله کسی است که از خدا اطاعت کند، گرچه با آن حضرت نسبت [خویشاوندی] نداشته باشد. و دشمن آن حضرت کسی است که گناه کند، گرچه خویشاوند آن حضرت باشد.

۲۳۸۷. امیرالمؤمنین علیه السلام به فرزندش امام حسن علیه السلام فرمود: فرزندم از خداوند چنان بترس که اگر به اندازه ی اهل زمین عبادت کنی، از تو قبول نکنند. و به خداوند آنقدر امیدوار باش که اگر به اندازه ی اهل زمین گناه کرده باشی تو را عفو نماید.

۲۳۸۸. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: دنیا گذرگاه و آخرت محل استقرار است. و مردم در دنیا دو دسته اند: یکی خود را [به دنیا] می فروشند و هلاک می کنند. و یکی [با دادن دنیا] جان خود را می خرد و آزاد می کند.

۲۳۸۹. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: دنیا و آخرت دو دشمن ناسازگار و دو راه مختلف هستند؛ کسی که دنیا را دوست بدارد و برگزیند، با آخرت دشمنی کرده و آن را از دست بدهد. آندو مانند شرق و غرب هستند، هر کس به هر کدام نزدیک شود از دیگری دور خواهد شد.

۲۳۹۰. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: قناعت و اطاعت موجب بی نیازی و عزت هستند. و گناه و حرص، بدبختی و ذلت به بار می آورد.

۲۳۹۱. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به امام حسن علیه السلام فرمود: فرزندم، کسی را که از خاندان اصیل است گرامی دار. و حال خراب و تغییر زمانه بر علیه او، تو فریب ندهد چون روزگار شکسته را جبران می کند. و پیوند خورده را می شکنند.

فرزندم بدان نعمت از دست می رود، اگر نیازمند و تنگدست شدی از کسی که پس از توانگری گرسنه شده، استمداد کن، چون سعادت در او تضمین شده است. بخدا قسم من

إلى فَمِ ثَعْبَانٍ وَلَا أُمِيدَ نَهَا إِلَى مَنْ كَانَ جَائِعًا وَهُوَ الْآنَ شَبَعَانُ؛ فَإِنَّ الْكَرِيمَ كَلَّمَا اغْتَنَّمَهُ (١) أَوْ كَسَبَهُ احْتَقَرَ ذَلِكَ فِي نَفْسِهِ ، وَمَثَلُهُ كَالشَّمْسِ لَا تَمْنَعُ نَفْعَهَا وَلَوْ كَانَ عَلَيْهَا غَيْمٌ، وَاللَّيْمُ كَالْحَنْظَلِ؛ كَلَّمَا ازْدَادَ (٢) رَيْعًا يَزْدَادُ مُرُورَةً.

٢٣٩٢. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِبَعْضِ أَصْحَابِهِ: لَا تَجْعَلَنَّ أَكْثَرَ شُغْلِكَ لِأَهْلِكَ وَوَلَدِكَ، وَإِنْ يَكُنْ أَهْلُكَ وَوَلَدُكَ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَوْلِيَاءَهُ، وَإِنْ يَكُونُوا أَعْدَاءَ اللَّهِ؛ فَمَا عَمَلُكَ وَشُغْلُكَ بِأَعْدَاءِ اللَّهِ!؟ (٣)

٢٣٩٣. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِابْنِهِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا بُنَيَّ، لَا تُخَلِّقَنَّ وِرَاءَكَ شَيْئًا مِنَ الدُّنْيَا؛ فَإِنَّكَ تُخَلِّقُهُ لِأَحَدِ رَجُلَيْنِ: إِمَّا رَجُلٌ عَمِلَ فِيهِ بِطَاعَةِ اللَّهِ؛ فَسَيَعِدُّ بِمَا شَقِيتَ بِهِ ، وَإِمَّا رَجُلٌ عَمِلَ فِيهِ بِمَعْصِيَةِ اللَّهِ؛ فَكَانَتْ لَهُ عَوْنًا عَلَى مَعْصِيَتِهِ ، وَلَيْسَ أَحَدٌ هَادِيًا حَقِيقًا أَنْ تُؤْتِرَ (٤) عَلَى نَفْسِكَ، وَتَحْمِلَ لَهُ عَلَى ظَهْرِكَ. (٥)

٢٣٩٤. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي ذَمِّ الدُّنْيَا: مَا أَصْفُ مِنْ دَارٍ أَوْلُهَا عَنَاءٌ وَآخِرُهَا فَنَاءٌ، فِي حَلَالِهَا حِسَابٌ وَفِي حَرَامِهَا عِقَابٌ، مَنْ اسْتَغْنَى فِيهَا فُتِنَ وَمَنْ افْتَقَرَ فِيهَا حَزِنَ، وَمَنْ سَاعَاها (٦) فَاتَتْهُ وَمَنْ قَعِدَ عَنْهَا وَاتَتْهُ، وَمَنْ أَبْصَرَ بِهَا بَصْرَتَهُ وَمَنْ أَبْصَرَ إِلَيْهَا أَعْمَتْهُ (٧). (٨)

٢٣٩٥. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا تَمَّ الْعَقْلُ نَقَصَ الْكَلَامُ. (٩)

٢٣٩٦. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْعَقْلُ عَقْلَانِ: مَطْبُوعٌ (١٠) وَمَسْمُوعٌ، وَلَا يَنْفَعُ مَسْمُوعٌ إِذَا لَمْ يَكُنْ مَطْبُوعٌ، كَمَا لَا تَنْفَعُ الشَّمْسُ وَضُوءُ الْعَيْنِ مَمْنُوعٌ. (١١)

ص: ٣٧٨

١- (١) . يُقَالُ: غَنِمَهُ كَذَا أَي: أَعْطَاهُ إِيَّاهُ. وَيُقَالُ كَسَبَتْ زَيْدًا مَالًا وَاکْتَسَبَتْ زَيْدًا مَالًا: اعْتَنَتْهُ عَلَى كَسْبِهِ، أَوْ جَعَلْتَهُ يَكْسِبُهُ. يَعْنِي أَنَا الْكَرِيمُ يَحْتَقِرُ عَطَايَاهُ فِي نَفْسِهِ، فَلَا يَسْتَكْثِرُ وَلَا يَمْنَنُ، بَلْ قَدْ يَعْتَذِرُ مِنَ الْقَلْبِ.

٢- (٢) . الرَّيْعُ: النَّمَاءُ وَالزِّيَادَةُ (لسان العرب: ١٣٧/٨).

٣- (٣) . نَهَجَ الْبَلَاغَةَ، ج ٤، ص ٨٢ ح ٣٥٢؛ شرح نهج البلاغة، ج ١٩، ص ٢٤٨، ح ٣٥٨.

٤- (٤) . آثَرُهُ: أَي فَضَّلَهُ؛ أَي لَيْسَ أَحَدٌ مِنَ هَذَيْنِ الرَّجُلَيْنِ حَقِيقًا أَنْ تَفْضُلَهُ وَتَخْتَارَهُ عَلَى نَفْسِكَ وَتَحْمِلَ لَهُ الْوِزْرَ عَلَى ظَهْرِكَ.

٥- (٥) . نَهَجَ الْبَلَاغَةَ، ج ٤، ص ٩٧، ح ٤١٦؛ كنز العمال، ج ٣، ص ٧٢١، ح ٨٥٧٢.

٦- (٦) . أَي مِنْ جَرَى مَعَهَا فِي مَطَالِبِهَا يَعْنِي بِذَلِكَ أَنَّهُ اهْتَمَّ وَجَدَّ فِي طَلِبِهَا فَاتَتْهُ أَي سَبَقَتْهُ، فَإِنَّهُ كَلَّمَا نَالَ شَيْئًا فَتَحَتْ لَهُ أَبْوَابَ الْأَمَالِ فِيهَا، فَلَا يَكَادُ يَقْضَى مَطْلُوبًا حَتَّى يَهْتَفَ بِهِ أَلْفُ مَطْلُوبٍ. هَكَذَا فَسَّرَهُ بَعْضُ. وَفَسَّرَهُ الْبَحْرَانِيُّ فِي شَرْحِهِ عَلَى نَهْجِ الْبَلَاغَةِ بِنَحْوِ آخِرِ، فَرَاغَ الشَّرْحَ: ج ٢، ص ٢٢٩. وَمَنْ قَعَدَ عَنْهَا وَلَمْ يَطْلُبْهَا وَتَرَكَهَا وَاتَتْهُ: أَي طَاوَعْتَهُ وَوَافَقْتَهُ وَأَقْبَلْتَ إِلَيْهِ، أَوْ طَاوَعْتَهُ يَعْنِي اسْتَرَاخَ هُوَ فِيهَا.

٧- (٧) . مِنْ جَعَلَهَا سَبَبَ هِدَايَتِهِ وَاعْتَبَرَ مِنْهَا وَاسْتَدَلَّ بِآيَاتِهَا جَعَلْتَهُ بَصِيرًا وَمَنْ أَبْصَرَ إِلَيْهَا؛ أَي جَعَلَهَا مَوْضِعَ هَمَّتِهِ وَطَلَبَهُ أَعْمَتَهُ عَنْ إِدْرَاكِ الْحَقَائِقِ وَعَنْ مَعْرِفَةِ عِيُوبِهَا، وَلِذَلِكَ صَارَ حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسَ كُلِّ خَطِيئَةٍ.

٨- (٨) . نَهَجَ الْبَلَاغَةَ، ج ١، ص ١٣١، ح ٨٢؛ شرح نهج البلاغة، ج ٦، ص ٢٣٨، ح ٨١.

- ٩-٩) . نهج البلاغه، ج ٤، ص ١٥، ح ٧١؛ شرح نهج البلاغه، ج ١٨، ص ٢١٧، ح ٦٩.
- ١٠-١٠) . عقلٌ مطبوع: عقل ذاتي فطري.
- ١١-١١) . نهج البلاغه، ج ٤، ص ٧٩، ح ٣٣٨؛ مفردات غريب القرآن، ص ٣٤٢.

دست خود را در دهان اژدها فرو می برم ولی به سوی، نوکیسه [تازه به دوران رسیده] دراز نمی کنم. زیرا کریم آنچه از خیرسانی و مال دار کردن دیگران انجام دهد آن را حقیر شمارد. و مانند خورشید به همه نفع می رساند گرچه خود پشت ابر باشد. و فرومایه مانند حنظل [هنداونه ابوجهل] است هرچه بزرگتر شود تلخ تر است.

۲۳۹۲. به یکی از یاران خود فرمود: بیشترین شغل خود را برای همسر و فرزند قرار مده. اگر آنان دوست خدا باشند، خداوند دوستش را ضایع نمی کند. و اگر دشمن خدا باشند، تو را با دشمنان خدا چه کار؟

۲۳۹۳. به امام حسن علیه السلام فرمود: فرزندم! پس از مرگ چیزی از مال دنیا باقی نگذار. چون وراثت تو یکی از این دو نفر است: یا مال را صرف طاعت می کند و با آنچه مایه ی بدبختی تو شده به سعادت می رسد. یا در گناه مصرف می کند و تو یاور او در گناه شده ای. هیچ یک سزاوار نیست که او را بر خود ترجیح دهی و بار او را بر دوش کشی.

۲۳۹۴. در نکوهش دنیا فرمود: از دنیا چه گویم که اولش رنج است و آخرش فناء. حلال آن حساب و حرامش عذاب دارد. کسی که در دنیا بی نیاز شود فتنه دامنگیرش می شود و کسی که در آن نیازمند شود، محزون می گردد. از کسی که بدنبال آن رود گریزان و به سوی کسی که به آن توجه نکند روی آورد. هر کس را که با بصیرت به آن بنگرد، بینا کند. و هر که به آن چشم دوزد، کور گرداند.

۲۳۹۵. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: زمانی که عقل کامل شود، سخن کوتاه می شود.

۲۳۹۶. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: عقل دو نوع است: فطری و اکتسابی. اگر عقل فطری نباشد، عقل اکتسابی سودی نبخشد. چنان که نور خورشید به حال نایبانیان نفعی ندارد.

٢٣٩٧. وقال: لا خَيْرَ فِي الصَّمْتِ مِنَ الْحِكْمِ، كَمَا لَا خَيْرَ فِي الْقَوْلِ بِالْجَهْلِ. (١)

٢٣٩٨. رَوَى ابْنُ بَابُوَيْهِ فِي الْخِصَالِ بِسَيِّدِهِ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبِي يُحَدِّثُ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّ رَجُلًا قَامَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! بِمَا عَرَفْتَ رَبَّكَ؟ قَالَ يَفْسُخِ الْعَزْمَ (العزائم خ ل) وَتَقْضِي الْهَمَمَ (٢)؛ لَمَّا أَنَّ هَمَمْتُ فَحَالَ بَيْنِي وَبَيْنَ هَمِّي، وَعَزَمْتُ فَخَالَفَ الْقَضَاءُ عَزْمِي، عَلِمْتُ أَنَّ الْمُدَبَّرَ غَيْرِي.

قَالَ: فَبِمَاذَا شَكَرْتَ نِعْمَاءَهُ؟ قَالَ: نَظَرْتُ إِلَى بَلَاءٍ قَدْ صَرَفَهُ عَنِّي وَأَبْلَى بِهِ غَيْرِي؛ فَعَلِمْتُ أَنَّهُ قَدْ أَنْعَمَ عَلَيَّ فَشَكَرْتُهُ.

قَالَ: فَبِمَاذَا أَحْبَبْتَ لِقَاءَهُ؟ قَالَ: لَمَّا رَأَيْتُهُ قَبْدَ اخْتَارَ لِي دِينَ مَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَأَنْبِيَائِهِ؛ عَلِمْتُ أَنَّ الَّذِي أَكْرَمَنِي بِهَذَا لَيْسَ يَنْسَانِي، فَأَحْبَبْتُ لِقَاءَهُ. (٣)

٢٣٩٩. وَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَانَ فِي النَّاسِ أَمَانَانِ: رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَالِاسْتِغْفَارُ، فَرَفَعَ مِنْهُمْ أَمَانٌ وَهُوَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَبَقِيَ أَمَانٌ وَهُوَ الْاسْتِغْفَارُ. (٤)

٢٤٠٠. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَبِي الطُّفَيْلِ عَامِرِ بْنِ وَاثِلَةَ الْكِنَانِيِّ: يَا أَيُّهَا الطُّفَيْلُ، الْعِلْمُ عِلْمَانِ: عِلْمٌ لَا يَسْعُ النَّاسَ إِلَّا النَّظَرُ فِيهِ؛ وَهُوَ ضَيْعَةٌ (٥) الْإِسْلَامِ، وَعِلْمٌ يَسْعُ النَّاسَ تَرَكَ النَّظَرَ فِيهَا؛ وَهُوَ قُدْرَةُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. (٦)

٢٤٠١. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: السُّنَّةُ سُنَّتَانِ: سُنَّتُهُ فِي الْفَرِيضَةِ؛ الْأَخْذُ بِهَا هُدًى وَتَرْكُهَا ضَلَالَةٌ، وَسُنَّتُهُ فِي غَيْرِ فَرِيضَةٍ؛ الْأَخْذُ بِهَا فَضِيلَةٌ وَتَرْكُهَا غَيْرُ خَطِيئَةٍ. (٧)

٢٤٠٢. وَعَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: قَامَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَجُلٌ بِالْبَصْرَةِ فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَخْبِرْنَا عَنِ الْإِخْوَانِ، قَالَ: الْإِخْوَانُ صِنْفَانِ: إِخْوَانُ الثَّقَفِ، وَإِخْوَانُ الْمُكَاشَرَةِ؛ فَأَمَّا إِخْوَانُ الثَّقَفِ فَهُمْ الْكُفُّ وَالْجِنَاحُ وَالْأَهْلُ وَالْمَالُ، فَإِذَا كُنْتَ مِنْ أَخِيكَ عَلَى جَنْبِ الثَّقَفِ فَاذْبُلْ لَهُ مَالَكَ وَبَدْنَكَ، وَصَافٍ مَنْ

ص: ٣٨٠

١- (١). نهج البلاغة، ج ٤، ص ٤٣، ح ١٨٢؛ أنساب الأشراف، ص ١١٤، ح ٥٥.

٢- (٢). نقله في نهج البلاغة؛ الحكمه ٢٥٠ هكذا: «عرفت الله سبحانه بفسخ العزائم وحل العقود». قال في مجمع البحرين: الهمبلاًمر: حديث النفس بفعله، والفرق بين الهمم بالشيء والقصد إليه أنه قد يهمل بالشيء قبل أن يريد ويقصده بأن يحدث نفسه به وهو مع ذلك مقبل على فعله (مجمع البحرين: ٤/٤٣٦).

٣- (٣). الخصال، ص ٣٣، ح ١.

٤- (٤). إرشاد القلوب، ج ١، ص ٣١؛ الدر المنثور، ج ٣، ص ١٨٢.

٥- (٥). ضيعة الرجل: حرفته وصناعته ومعاشه وكسبه (لسان العرب: ٨/٢٣٠). والكلام مجاز.

٦- (٦). الخصال، ص ٤١، ح ٣٠.

٧- (٧). الكافي، ج ١، ص ٧١، ح ١٢؛ كنز العمال، ج ٧، ص ٧٦٩، ح ٢١٣٢٦، مع اختلاف يسير.

۲۳۹۷. از گفتار حکمت آمیز دم فرو بستن خیری ندارد. چنانکه گفتار جاهلانه نفع ندارد.

۲۳۹۸. امام صادق علیه السلام فرمود: شنیدم پدرم از پدرش نقل فرمود: مردی نزد امیر المؤمنین علیه السلام برخاست و پرسید: یا امیر المؤمنین، خدا را با چه چیزی شناختی؟ فرمودند: با فسخ عزم ها و نقض همت ها. هنگامی که تصمیم می گیرم بین من و تصمیم فاصله می اندازد، زمانی هم که عزم به کاری داشتم، قضا مخالفت کرد. پس دانستم که تدبیر به دست کس دیگری است.

آن مرد پرسید: با چه چیزی نعمتهای خدا را شکر می گزاری؟ حضرت فرمودند: به بلاهایی که خدا از من دور کرد و دیگران را گرفتار کرد نظر کردم، دانستم که به من نعمت داده است پس شکر کردم.

پرسید: برای چه لقاء خدا را دوست داری؟ فرمودند: وقتی دیدم که خداوند دین فرشتگان و پیامبران را برای من برگزید، دانستم آنکه مرا چنین گرامی داشته است مرا فراموش نمی کند، پس ملاقات او را دوست دارم.

۲۳۹۹. امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: در میان مردم دو امان [از عذاب] وجود داشت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و استغفار. یک امان یعنی حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله برداشته شد. و امان دیگر یعنی استغفار باقی است.

۲۴۰۰. حضرت علی علیه السلام به عامر فرزند واثله ی کنانی فرمودند: یا اباطفیل، دو علم وجود دارد: یکی علم اسلام که مردم چاره ای جز توجه به آن ندارند. دوم قدرت خداوند که مردم مجازند دانستن آن را ترک کنند.

۲۴۰۱. امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: آداب دو دسته اند: [اول] آداب در واجبات که رعایت آن موجب هدایت، و ترک آن موجب گمراهی می شود. [دوم] آداب در غیر واجبات که رعایت آن موجب برتری است، و ترک آن گناه نیست.

۲۴۰۲. امام باقر علیه السلام فرمودند: مردی در بصره از امیر المؤمنین علیه السلام درباره ی حقوق رفیق پرسید.

حضرت فرمودند: رفیق دو صنف هستند: رفیق [واقعی و] مورد اعتماد و رفیق ظاهری.

رفیق با اخلاص [در حوادث] دست و بازو و خویشاوند و مال است. اگر به رفیقی اطمینان

صافاهُ، وعادٍ من عاداهُ، واكتم سرّه وعيبهُ، وأظهر منه الحسنَ، وأعلم أيّها السائل أنّهم أقلّ من الكبريتِ الأحمرِ (١).

وأما إخوانُ المُكاشِرهِ فَإِنَّكَ تُصِيبُ مِنْهُمْ لَمَذَّتَكَ، فَلَا تَقْطَعَنَّ ذَلِكَ مِنْهُمْ، وَلَا تَطْلُبَنَّ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ مِنْ ضَمِيرِهِمْ، وَابْذُلْ لَهُمْ مَا بَدَّلُوا لَكَ مِنْ طَلَاقِهِ الْوَجْهِ، وَحَلَاوَةِ اللِّسَانِ (٢).

٢٤٠٣. وقال عليه السلام: أهلك الناس اثنان: خوف الفقر، وطلب الفخر (٣).

٢٤٠٤. وقال عليه السلام: قَطَعَ ظَهْرِي رَجُلَانِ مِنَ الدُّنْيَا: رَجُلٌ عَلِيمُ اللِّسَانِ فَاسِقٌ، وَرَجُلٌ جَاهِلُ القَلْبِ نَاسِكٌ، هَذَا يَصِيدُ (٤) بِلِسَانِهِ عَن فِسْقِهِ، وَهَذَا يُنْسِكُهُ عَن جَهْلِهِ؛ فَاتَّقُوا الفَاسِقَ مِنَ العُلَمَاءِ، وَالجَاهِلَ مِنَ الْمُتَعَبِّدِينَ، أُولَئِكَ فَتَنُهُ كُلُّ مَفْتُونٍ؛ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: يَا عَلِيُّ، هَلَاكُ أُمَّتِي عَلَى يَدَي كُلِّ مُنَافِقٍ عَلِيمِ اللِّسَانِ (٥).

٢٤٠٥. وقال عليه السلام لبنيه: يَا بَنِيَّ، إِنَّا كُمْ وَمُعَادَاةُ الرِّجَالِ! فَإِنَّكُمْ لَا تَخْلُونَ مِنْ ضَرَبَيْنِ: مِنْ عَاقِلٍ يَمْكُرُ بِكُمْ، أَوْ جَاهِلٍ يَعْبَلُ عَلَيْكُمْ (٦)، وَالكَلَامُ ذَكَرٌ وَالجَوَابُ انْتِي، فَإِذَا اجْتَمَعَ الرُّوجَانِ فَلَا بُدَّ مِنَ النُّتَاجِ. ثُمَّ انشأ يقول:

سَلِيمُ العَرَضِ مَنْ حَذَرَ الجَوَابَا وَمَنْ دَارَى الرِّجَالَ فَقَدْ أَصَابَا

وَمَنْ هَابَ الرِّجَالَ تَهَيَّبُوهُ وَمَنْ حَقَرَ الرِّجَالَ فَلَنْ يَهَابَا (٧)

٢٤٠٦. وَرُوِيَ عَنِ بَعْضِ العُلَمَاءِ: أَنَّ الحَجَّاجَ بْنَ يوسُفَ - لَعْنَةُ اللّٰهِ - كَتَبَ إِلَى الحَسَنِ البَصْرِيِّ، وَإِلَى عَمْرِو بْنِ عُيَيْدٍ، وَإِلَى وَاصِلِ بْنِ عَطَاءٍ، وَإِلَى عَامِرِ الشَّعْبِيِّ، أَنْ يَذْكُرُوا مَا عِنْدَهُمْ وَمَا وَصَلَ إِلَيْهِمْ فِي القَضَاءِ وَالقَدْرِ.

ص: ٣٨٢

١- (١). الكبريت الأحمر: يقال هو من الجوهر، ومعدنه خلف بلاد التبت؛ وادى النمل الذي مرّ به سليمان على نبينا وعليه الصلاه والسلام (لسان العرب: ٧٦/٢). الكبريت: معروف، والأحمر منه عزيز الوجود، وهو مثل قولهم: أعزّ من بيض الأنثوق [وهو طائر يبيض في قمم الجبال و الأماكن الصعبة البلوغ] (مجمع البحرين: ١٢/٤).

٢- (٢). الخصال، ص ٤٩، ح ٥٦.

٣- (٣). الخصال، ص ٦٩، ح ١٠٢.

٤- (٤). صدّ يصدّ عنه أعرض ومال ومنع وصرف عنه ومنه من باب نصر؛ أي يمنع بلسانه عن ظهور فسقه، وكذا الناسك الجاهل.

٥- (٥). الخصال، ص ٦٩، ح ١٠٣.

٦- (٦). المكر هو صرف الغير عما يقصده بحيله، وذلك ضربان: محمود وذلك أن يتحرى بذلك فعل جميل، ومذموم وهو أن يتحرى به فعل قبيح وبالمعنى الأول قال الله تعالى: «وَاللَّهُ خَيْرٌ الْمَاكِرِينَ» والمراد هنا أن الذي عاديتموه إن كان عاقلاً يحتال عليكم فيضركم آجلاً، وإن كان جاهلاً يعجل عليكم بالشر.

٧- (٧). الخصال، ص ٧٣، ح ١١١؛ كنز العمال، ج ٣، ص ٦٩٥، ح ٨٤٨٩.

کردی از مال و جان برای او دریغ مکن. با دوستان او دوستی و با دشمنانش دشمنی کن.

عیب و راز او را بپوشان. و خوبی او را آشکار کن. و بدان که این صنف از یاقوت سرخ کمیاب ترند. و اما از رفیق ظاهری، در معاشرت استفاده کن و رابطه ات را با او قطع نکن. و از او انتظار خلوص باطنی نداشته باش. تو هم چون او خوش برایش زبان و گشاده رو باش.

۲۴۰۳. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: دو چیز مردم را هلاک می کند: ترس از فقر و فخر فروشی.

۲۴۰۴. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: دو کس در دنیا پشت مرا شکستند: زبان باز گناه کار و نادان عابد.

اولی با زبان خود، گناهش را مخفی می کند. و دومی با عبادت، جهل خود را می پوشاند.

پس از دانای گناه کار و نادان عبادت پیشه دوری کنید. اینها دام هر فریب خورده هستند. از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: یا علی، هلاک امت من در دست هر منافق زبان باز است.

۲۴۰۵. به فرزندانش فرمود: فرزندانم از دشمنی با بزرگان پرهیز کنید. چون اگر عاقل باشند، مکر می کنند. و اگر نادان باشند، شتابزده عمل [ناشایست] انجام می دهند. سخن گفتن، نراست.

و جواب دادن، ماده. چون در کنار هم قرار گیرند نتیجه [کینه و دشمنی] می دهند. سپس حضرت فرمودند: آبرومند از جواب دادن مردان حذر می کند و کسی را که هیبت مردان را رعایت کند، با هیبت بدانید. و کسی که بزرگان را تحقیر کند، هیبت ندارد.

۲۴۰۶. یکی از علما نقل می کند: حجاج بن یوسف ثقفی - لعنه الله علیه - به چهار نفر از علما، حسن بصری، عمرو بن عبید، واصل بن عطا و عامر شعبی نوشت که آنچه درباره ی قضا و قدر می دانند بنویسند. حسن بصری نوشت: بهترین جواب آن است که از امیرالمؤمنین علیه السلام شنیده ام او فرمود: تو پنداری خدایی که تو را از گناه منع کرده، ترا به آن وادار کرده است؟! نه، شهوت و شکم تو را به گناه وادار کرده است. و خدا از آن بیزار است.

فَكَتَبَ إِلَيْهِ الْحَسَنُ الْبَصْرِيُّ: إِنَّ مِنْ أَحْسَنِ مَا أَنْتَهَى إِلَيْنَا مَا سَمِعْتُ مِنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: أَتَطُنُّ أَنْ الَّذِي نَهَاكَ ذَهَاكَ؟ إِنَّمَا ذَهَاكَ أَسْفَلُكَ وَأَعْلَاكَ، وَاللَّهُ بَرِيءٌ مِنْ ذَاكَ.

وَكَتَبَ إِلَيْهِ عَمْرُو: أَحْسَنُ مَا سَمِعْتُ فِي الْقَضَاءِ وَالْقَدْرِ قَوْلَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَوْ كَانَ الْوِزْرُ (١) فِي الْأَصْلِ مَحْتَوْماً، لَكَانَ الْمَوْزُورُ فِي الْقِصَاصِ مَظْلُوماً.

وَكَتَبَ إِلَيْهِ وَاصِلٌ: أَحْسَنُ مَا سَمِعْتُ قَوْلَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَيْدُوكَ عَلَى الطَّرِيقِ وَيَأْخُذُ عَلَيْكَ الْمَضِيقَ (٢)؟! هَذَا فِي الْعَقْلِ لَا يَلِيقُ.

وَكَتَبَ إِلَيْهِ الشَّعْبِيُّ: أَحْسَنُ مَا سَمِعْتُ قَوْلَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كُلُّ مَا اسْتَغْفَرْتَ اللَّهُ مِنْهُ فَهُوَ مِنْكَ، وَكُلُّ مَا حَمَدْتَ اللَّهَ - تَعَالَى - عَلَيْهِ فَهُوَ مِنْهُ.

فَلَمَّا وَصَلَتْ إِلَيْهِ كُتُبُهُمْ وَوَقَفَ عَلَيْهَا قَالَ: لَقَدْ أَخَذُوهَا مِنْ عَيْنِ صَافِيَةٍ! هَذَا مَعَ مَا كَانَ عَلَيْهِ مِنَ الْعَدَاوَةِ (٣).

٢٤٠٧. اللَّيْمُ إِذَا احتَاجَ إِلَيْكَ أَجْفَاكَ (٤)، وَإِذَا احتَاجَتْ إِلَيْهِ عَنَّكَ (٥). (٤).

٢٤٠٨. وَاصِلُوا مَنْ تَوَاصَلْتُمْ فِي اللَّهِ سُبْحَانَهُ، وَاهْجُرُوا مَنْ تَهَجَّرْتُمْ فِي اللَّهِ سُبْحَانَهُ. (٧).

٢٤٠٩. وَاَعْجَبًا مِمَّنْ يَعْمَلُ لِلدُّنْيَا وَهُوَ يُرْزَقُ فِيهَا بِغَيْرِ عَمَلٍ، وَلَا يَعْمَلُ لِالْآخِرَةِ وَهُوَ لَا يُرْزَقُ فِيهَا إِلَّا بِالْعَمَلِ! (٨).

٢٤١٠. الْقَبْرِ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ، أَوْ حَفْرَةٌ مِنْ حُفْرِ النَّيرانِ. (٩).

٢٤١١. قَبُولُ عُذْرِ الْمُجْرِمِ مِنْ مَوَاجِبِ الْكِرَامِ، وَمَحَاسِنِ الشَّيْمِ. (١٠).

٢٤١٢. كَانَ فِي الْأَرْضِ أَمَانَانِ مِنَ عَذَابِ اللَّهِ، وَقَدْ رُفِعَ أَحَدُهُمَا، فَدُونَكُمْ الْآخَرَ فَتَمَسَّكُوا بِهِ، أَمَّا الْأَمَانُ الَّذِي رُفِعَ فَهُوَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، وَأَمَّا الْأَمَانُ الْبَاقِي فَالِاسْتِغْفَارُ. (١١).

ص: ٣٨٤

١- (١). الوزر: الحمل والثقل؛ أى لو كان العصيان محتوماً لكان الموزور أى العاصى فى عذاب الله إياه مظلوماً لعذابه بما ليس باختياره.

٢- (٢). المضيق: ماضق من الأماكن والأمور؛ أى يهديك إلى السعادة فيمنعك. وكنى عن المنع بأخذ المضيق؛ لأن قاطعى الطريق يكمنون فيه.

٣- (٣). الطرائف، ص ٣٣٠ و ٣٢٩.

٤- (٤). الغرر ط النجف: أعياك؛ والترجمه: أحفاك. وأحفاه: سأله فأكثر عليه فى الطلب (لسان العرب: حفو).

٥- (٥). عناه: آذاه (أقرب الموارد: عنى).

- ٦-٦) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٦١، ح ٥٥٨٣.
- ٧-٧) . عيون الحكم والمواعظ، ص ٥٠٤؛ تصنيف غررالحكم، ص ٤٢٣، ح ٩٧٠٨.
- ٨-٨) . شرح نهج البلاغ، ج ٢٠، ص ٣٢٥، ح ٧٢١.
- ٩-٩) . الخرائج والجرائح، ج ١، ص ١٧٢، ح ٢؛ كنز العمال، ج ١٥، ص ٧٠٠، ح ٤٢٧٩٧.
- ١٠-١٠) . عيون الحكم والمواعظ، ص ٣٧٠؛ تصنيف غررالحكم، ص ٤٤٧، ح ١٠٢٤٣.
- ١١-١١) . نهج البلاغ، ج ٤، ص ١٩، ح ٨٨؛ شرح نهج البلاغ، ج ١٨، ص ٢٤٠، ح ٨٥.

عمرو نوشت: عالی ترین جواب، سخنی است که در این باره علی بن ابیطالب علیه السلام فرموده است: اگر جرم و جنایت تقدیر حتمی خدا بود، قصاص کردن جانی ستم بود.

واصل بن عطا جواب داد: بهترین سخن که شنیده ام فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام است: آیا خدا تو را به چیزی راهنمایی کند و خود راه را بر تو سد کند؟ این را عقل شایسته نمی داند.

شعبی نوشت: بهترین سخن از امیرالمؤمنین علیه السلام شنیده ام که فرمود: هر کاری که باید از آن توبه کنی، از توست. و هر چه که بر آن شکر خدا کنی، از طرف خداست.

هنگامی که نامه ها به حجاج رسید، با آن همه دشمنی که با حضرت علی علیه السلام داشت گفت: الحق که از چشمه ی زلالی گرفته اند.

۲۴۰۷. انسان فرومایه اگر به تو نیاز داشته باشد، بیچاره ات می کند [از بس که درخواست می کند]. و اگر تو به او نیازمند شوی، تو را آزار می دهد.

۲۴۰۸. با هر کس رابطه برقرار می کنید، برای خداوند سبحان باشد. و با هر کس قطع رابطه می کنید، برای خداوند سبحان باشد.

۲۴۰۹. عجب از کسی است که برای دنیا تلاش می کند در حالی که روزی اش در دنیا بدون تلاش خواهد رسید اما برای آخرت که بدون عمل در دنیا چیزی نمی دهند تلاش نمی کند.

۲۴۱۰. قبر، یا باغی از باغهای بهشت یا گودالی از حفره های دوزخ است.

۲۴۱۱. پذیرفتن عذر مجرم، از کرامت و خلق نیکوست.

۲۴۱۲. در زمین دو امان از عذاب خدا وجود داشت، یکی از آنها که رسول خدا صلی الله علیه و آله بود برداشته شد.

اما به دیگری که باقی است یعنی استغفار تمسک جوید.

٢٤١٣. العارِفُ وَجْهُهُ مُسْتَبَشِرٌ مُتَبَسِّمٌ، وَقَلْبُهُ وَجِلٌ مَحْزُونٌ. (١).

٢٤١٤. العاْفِيَةُ إِذَا دَامَتْ جُهِلَتْ، وَإِذَا فُقِدَتْ عُرِفَتْ. (٢).

٢٤١٥. هَلْ يَنْتَظِرُ أَهْلُ بَضَاضِهِ (٣) الشَّابَّ الْإِخْوَانِي (٤) الْهَرَمِ؟! وَأَهْلُ غَضَارِهِ (٥) الصَّحَّهِ الْإِنْوَازِلِ السَّقَمِ؟ (٦)

٢٤١٦. النَّبْلُ بِالتَّحْلَى بِالْجُودِ، وَالْوَفَاءُ بِالْعُهُودِ. (٧).

٢٤١٧. العاْفِلُ إِذَا تَكَلَّمَ بِكَلِمَةٍ أَتْبَعَهَا حِكْمَةً وَمَثَلًا، وَالْأَحْمَقُ إِذَا تَكَلَّمَ بِكَلِمَةٍ أَتْبَعَهَا حِلْفًا (٨). (٩).

٢٤١٨. هَلَكْتُ فِي رَجُلَانِ: مُحِبٌّ غَالٍ، وَمُبْغِضٌ قَالٍ (١٠). (١١).

٢٤١٩. (يَا كَمِيلُ)، نَحْنُ الثَّقَلُ الْأَصْعَرُ، وَالْقُرْآنُ الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ. (١٢).

٢٤٢٠. العاْفِلُ بِخُشُونِهِ الْعَيْشِ مَعَ الْعُقْلَاءِ، آنَسُ مِنْهُ بِلِينِ الْعَيْشِ مَعَ السُّفَهَاءِ. (١٣).

٢٤٢١. نَحْنُ دَعَائِمُ الْحَقِّ، وَأَيْمَةُ الْخَلْقِ. (١٤).

٢٤٢٢. الْعَدْرُ بِكُلِّ أَحَدٍ قَبِيحٌ؛ وَهُوَ بَدْوِي الْقُدْرَةِ وَالسُّلْطَانِ أَفْبَحٌ. (١٥).

٢٤٢٣. نَدِمُ الْقَلْبُ يُكْفِرُ الذَّنْبَ، وَيَمْحُصُ الْجَرِيرَةَ. (١٦).

٢٤٢٤. قَدْ جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ الْإِسْتِغْفَارَ سَبَبًا لِدُرُورِ (١٧) الرِّزْقِ، وَرَحْمَةَ الْخَلْقِ. (١٨).

٢٤٢٥. هُمُ السَّعِيدِ آخِرَتُهُ، وَهُمُ الشَّقِيِّ دُنْيَاةٌ. (١٩).

ص: ٣٨٦

١- (١). عيون الحكم والمواعظ، ص ٦٠؛ تصنيف غررالحكم، ص ١٥٣، ح ٢٨٣٥.

٢- (٢). عيون الحكم والمواعظ، ص ٥٧، مع اختلافٍ يسير؛ تصنيف غررالحكم، ص ٤٨٣، ح ١١١٥٢.

٣- (٣). البضاضة: رقة اللون وشفاهة الذي يؤثر فيه أدنى شيء (لسان العرب: بضع).

٤- (٤). حواني الهرم: هي التي تقوس ظهر الشيخ وتكبه (لسان العرب: حنى).

٥- (٥). الغضارة: طيب العيش (أقرب الموارد: غضر).

٦- (٦). نهج البلاغة، ج ١، ص ١٣٩؛ شرح نهج البلاغة، ج ٦، ص ٢٦٠.

٧- (٧). تصنيف غررالحكم، ص ٣٧٥، ح ٨٤٤٨.

٨- (٨). الحلف: القسم (لسان العرب: حلف).

٩- (٩). شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٢٨٩، ح ٣٠٦.

- ١٠- (١٠). قَلَاةٌ: أَبْغَضُهُ وَكَرِهَهُ غَايَةَ الْكَرَاهَةِ فَتَرَكَهُ فَهُوَ قَالٍ (أقرب الموارد: قلى).
- ١١- (١١). نهج البلاغه، ج ٤، ص ٢٨، ح ١١٧؛ شرح نهج البلاغه، ج ١٨، ص ٢٨٢، ح ١١٣.
- ١٢- (١٢). بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٧٦.
- ١٣- (١٣). شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ح ٨٩٥.
- ١٤- (١٤). عيون الحكم والمواعظ، ص ٤٩٩.
- ١٥- (١٥). عيون الحكم والمواعظ، ص ٥٥؛ تصنيف غررالحكم، ص ٢٩١، ح ٦٥٠٣.
- ١٦- (١٦). تصنيف غررالحكم، ص ١٩٥، ح ٣٨٠٥.
- ١٧- (١٧). دَرَبِ السَّمَاءِ بِالْمَطَرِ دُرُورًا: إِذَا كَثُرَ مَطَرُهَا (لسان العرب: درر).
- ١٨- (١٨). نهج البلاغه، ج ٢، ص ٢٥، ح ١٤٣؛ شرح نهج البلاغه، ج ٩، ص ٧٦.
- ١٩- (١٩). إرشاد القلوب، ج ١، ص ٣٢؛ شرح نهج البلاغه، ج ٩، ص ٧٦.

۲۴۱۳. عارف، چهره اش شاد و با تبسم است، اما قلبش غمگین و محزون است.
۲۴۱۴. سلامتی تا ادامه دارد ناشناخته است. وقتی از دست برود قدرش دانسته می شود.
۲۴۱۵. آیا جوانان با طراوت جز شکستگی پیری، و اهل شادابی سلامتی جز درماندگی بیماری را انتظار می کشند؟
۲۴۱۶. نجابت، در بخشندگی و وفاداری به عهد است.
۲۴۱۷. عاقل بدنبال سخن خود، حکمت و مثل بیان می کند. و احمق بدنبال سخن خود، قسم می خورد.
۲۴۱۸. دو کس درباره ی من هلاک شدند: دوست افراطی، و دشمن کینه توز.
۲۴۱۹. ای کمیل، ما ثقل اصغر هستیم. و قرآن ثقل اکبر است.
۲۴۲۰. عاقل به سختی زندگی با عاقلان بیشتر از خوشی با سفیهان، انس دارد.
۲۴۲۱. ما ارکان حق، و امامان مردم هستیم.
۲۴۲۲. مکر کردن از هر کس زشت، و از قدرتمند و حاکم زشت تر است.
۲۴۲۳. پشیمانی قلب، کفاره گناه و اثر آن را برطرف پاک می کند.
۲۴۲۴. خداوند سبحان استغفار کردن را سبب فراوانی روزی و رحمت بر مردم قرار داده است.
۲۴۲۵. سعادتمند به آخرت، و بدبخت به دنیا اهتمام می ورزد.

٢٤٢٦. الفِسْقُ نَجَاسَةٌ فِي الْهَيْمَةِ، وَ كَلْبٌ فِي الطَّبِيعَةِ. (١)
٢٤٢٧. كَثْرَةُ الدِّينِ تُصَيِّرُ الصَّادِقَ كَاذِبًا، وَالْمُنْجِزَ مُخْلِفًا. (٢)
٢٤٢٨. مَا أَضْمَرَ أَحَدٌ شَيْئًا إِلَّا ظَهَرَ مِنْ فَلَاتٍ لِسَانِهِ وَصَفَحَاتٍ وَجْهِهِ. (٣)
٢٤٢٩. الْعَاقِلُ مَنْ لَا يُضِيعُ لَهُ نَفْسًا فِيمَا لَا يَنْفَعُهُ، وَلَا يَقْتَنِي مَا لَا يَصْحَبُهُ. (٤)
٢٤٣٠. قَدْ دَرَسَتْ مَنَارُ الْهُدَى، وَظَهَرَتْ أَعْلَامُ الرَّدَى. (٥)
٢٤٣١. نَزَّهُوا أَدْيَانَكُمْ عَنِ الشُّبُهَاتِ، وَصَوَّنُوا أَنْفُسَكُمْ عَنِ مَوَاقِعِ الرِّيبِ الْمَوْبِقَاتِ. (٦)
٢٤٣٢. قَدْ صِرْتُمْ بَعْدَ الْهَجْرَةِ أَعْرَابًا، وَبَعْدَ الْمُوَالَاهِ أَحْزَابًا. (٧)
٢٤٣٣. (قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي تَفْسِيرِ صَوْتِ النَّاقُوسِ: قَدْ ضَيَّعْنَا دَارًا تَبْقَى، وَاسْتَوَطَّنَا دَارًا تَفْنَى. (٨)
٢٤٣٤. (لَا تَكُنْ مِمَّنْ) يُحِبُّ الصَّالِحِينَ وَلَا يَعْمَلُ عَمَلَهُمْ، وَيُبْغِضُ الْمُنْذِرِينَ وَهُوَ أَحَدُهُمْ. (٩)
٢٤٣٥. لَا تَأْمَنْ صَدِيقَكَ حَتَّى تَخْتَبِرَهُ، وَكُنْ مِنْ عَدُوِّكَ عَلَى أَشَدِّ الْحَذَرِ. (١٠)
٢٤٣٦. نِصْفُ الْعَاقِلِ احْتِمَالٌ، وَنِصْفُهُ تَغَافُلٌ. (١١)
٢٤٣٧. كَثْرَةُ الْمِزَاحِ تُذْهِبُ الْبُهَاءَ، وَتُوجِبُ الشَّحْنَاءَ. (١٢)
٢٤٣٨. الْعَالِمُ كُلُّ الْعَالِمِ مَنْ لَمْ يَمْنَعْ الْعِبَادَ الرَّجَاءَ لِرَحْمَةِ اللَّهِ، وَلَمْ يُؤْمِنْهُمْ مَكْرَ اللَّهِ. (١٣)
٢٤٣٩. مَا أَقْبَحَ الْخُضُوعَ عِنْدَ الْحَاجِهِ، وَالْجَفَاءَ عِنْدَ الْغِنَى. (١٤)

ص: ٣٨٨

- ١- (١) ؟؟؟؟؟؟ شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٢٥٦، ح ٧.
- ٢- (٢) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٦٢، ح ٨٢١٤.
- ٣- (٣) . نهج البلاغه، ج ٤، ص ٧، ح ٢٦؛ شرح نهج البلاغه، ج ١٨، ص ١٣٧، ح ٢٦.
- ٤- (٤) . عيون الحكم والمواعظ، ص ٦٨؛ تصنيف غررالحكم، ص ٥٤، ح ٤٧٢.
- ٥- (٥) . نهج البلاغه، ج ١، ص ١٥٧؛ شرح نهج البلاغه، ج ٦، ص ٣٨٧، ح ٨٨.
- ٦- (٦) . تصنيف غررالحكم، ص ٧٣، ح ١٠٨٥.
- ٧- (٧) . عيون الحكم والمواعظ، ص ٣٢٧؛ شرح نهج البلاغه، ج ١٣، ص ١٧٩.

- ٨- (٨) . ارشاد القلوب، ج ٢، ص ٣٧٣.
- ٩- (٩) . نهج البلاغ، ج ٤، ص ٣٨؛ شرح نهج البلاغ، ج ١٨، ص ٣٥٦، ح ١٤٦.
- ١٠- (١٠) . عيون الحكم والمواعظ، ص ٥٢٣؛ تصنيف غررالحكم، ص ٤١٦، ح ٩٤٩٩.
- ١١- (١١) . عيون الحكم والمواعظ، ص ٤٩٩؛ تصنيف غررالحكم، ص ٢٤٥، ح ٥٠٢٦.
- ١٢- (١٢) . عيون الحكم والمواعظ، ص ٣٩٠؛ تصنيف غررالحكم، ص ٢٢٢، ح ٤٤٦٩.
- ١٣- (١٣) . عيون الحكم والمواعظ، ص ٥٥، وفيه: «يمنع الناس»؛ تصنيف غررالحكم، ص ٤٨، ح ٢٤٩.
- ١٤- (١٤) . نهج البلاغ، ج ٣، ص ٥٥؛ شرح نهج البلاغ، ج ١٦، ص ١١٢.

۲۴۲۶. گناه نجاست همت، و سگ گونه بودن سرشت انسان را می رساند.

۲۴۲۷. بدهکاری زیاد، انسان صادق را دروغگو و انسان با وفا را بی وفا می کند.

۲۴۲۸. کسی که چیزی را پنهان کند، از لابلای سخنان و حرکات چهره اش آشکار می شود.

۲۴۲۹. عاقل کسی است که حتی یک نفس را بیهوده ضایع نمی کند. و چیزی را که برایش نمی ماند، ذخیره نمی کند.

۲۴۳۰. نشانه هدایت از بین رفت. و علامت فرومایگی، آشکار گردید.

۲۴۳۱. دین خود را از شبهات پاک کرده و خویش را از تردیدهای هلاک کننده محافظت کنید.

۲۴۳۲. شما پس از اسلام آوردن، به جاهلیت رفتید. و پس از ولایت، متفرق شدید.

۲۴۳۳. امیرالمؤمنین علیه السلام در تفسیر صدای ناقوس فرمودند: خانه ی جاویدان [آخرت] را از دست داده، و در خانه ای که ویران می شود [دنیا] سکونت داریم.

۲۴۳۴. [از کسانی نباشید که] صالحان را دوست دارند ولی اعمال آنان را انجام نمی دهند، و از گنهکاران نفرت دارند و خود یکی از آنها هستند.

۲۴۳۵. تا دوست خود را نیازموده ای او را امین بدان. و از دشمن خود بشدت پرهیز کن.

۲۴۳۶. نیمی از عاقل تحمل کردن و نیم دیگر خود را به غفلت زدن است.

۲۴۳۷. شوخی زیاد، ارزش ارج و احترام را می برد و کینه بوجود می آورد.

۲۴۳۸. عالم کامل کسی است که مردم را از رحمت خدا ناامید نکند. و آنها را از مکر خدا ایمن ندارد.

۲۴۳۹. خضوع هنگام نیاز و جفا در بی نیازی چقدر زشت است.

٢٤٤٠. الْوَفَاءُ حِلْيَةُ الْعَقْلِ، وَعُنْوَانُ النَّبْلِ. (١).

٢٤٤١. الْعَالِمُ يَعْرِفُ الْجَاهِلَ؛ لِأَنَّهُ كَانَ (قَبْلَ) جَاهِلًا. الْجَاهِلُ لَا يَعْرِفُ الْعَالِمَ؛ لِأَنَّهُ لَمْ يَكُنْ (قَبْلَ) عَالِمًا. (٢).

٢٤٤٢. الْوَفَاءُ لِأَهْلِ الْغَدْرِ غَدْرٌ عِنْدَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ، وَالْغَدْرُ بِأَهْلِ الْغَدْرِ وَفَاءٌ عِنْدَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ. (٣).

٢٤٤٣. غَضِبَ الْعَاقِلُ فِي فِعْلِهِ، وَغَضِبَ الْجَاهِلُ فِي قَوْلِهِ. (٤).

٢٤٤٤. مَا أَقْبَحَ بِكَ أَنْ يُنَادَى عَدَاً: يَا أَهْلَ خَطِيئَتِهِ كَذَا، فَتَقُومُ مَعَهُمْ! ثُمَّ يُنَادَى ثَانِيًا: يَا أَهْلَ خَطِيئَتِهِ كَذَا، فَتَقُومُ مَعَهُمْ، مَا أَرَاكَ يَا مَسْكِينُ إِلَّا تَقُومُ مَعَ أَهْلِ كُلِّ خَطِيئَتِهِ. (٥).

٢٤٤٥. يُسْتَدَلُّ عَلَى حِلْمِ الرَّجُلِ بِكَثْرَةِ احْتِمَالِهِ، وَعَلَى نُبْلِهِ بِكَثْرَةِ إِنْعَامِهِ. (٦).

٢٤٤٦. هَيْهَاتَ! لَا يُخَدَعُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ عَنْ جَنَّتِهِ، وَلَا يُنَالُ مَا عِنْدَهُ إِلَّا بِمَرْضَاتِهِ. (٧).

٢٤٤٧. يُسْتَدَلُّ عَلَى عَقْلِ الرَّجُلِ بِحُسْنِ مَقَالِهِ، [وَعَلَى طَهَارَتِهِ أَصْلِهِ بِجَمِيلِ أَعْمَالِهِ]. (٨).

٢٤٤٨. نِعَمَ الرَّفِيقِ الْوَرَعِ، وَبِئْسَ الْقَرِينُ الطَّمَعُ. (٩).

٢٤٤٩. يُسْتَدَلُّ عَلَى كَرَمِ الرَّجُلِ بِحُسْنِ بَشْرِهِ، وَبِذَلِ بَرِّهِ. (١٠).

٢٤٥٠. مَا أَكْثَرَ الْإِخْوَانَ عِنْدَ الْجِفَانِ (١١)، وَأَقْلَهُمْ عِنْدَ حَادِثَاتِ الزَّمَانِ. (١٢).

٢٤٥١. وَقُودُ النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ كُلُّ غَنِيِّ بَخِلٍ بِمَالِهِ عَلَى الْفُقَرَاءِ، وَكُلُّ عَالِمٍ بَاعَ الدِّينَ بِالدُّنْيَا. (١٣).

٢٤٥٢. لَا تُجْرِ لِسَانَكَ إِلَّا بِمَا يُكْتَبُ لَكَ أَجْرُهُ، وَيَجْمَلُ عَنْكَ نَشْرُهُ. (١٤).

٢٤٥٣. الْعَبْدُ حُرٌّ مَا قَنَعَ. الْحُرُّ عَبْدٌ مَا طَمَعَ. (١٥).

ص: ٣٩٠

١- (١). تصنيف غررالحكم، ص ٢٥١، ح ٥٢٤٩

٢- (٢). عيون الحكم والمواعظ، ص ٥٣؛ شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٣٣٢، ح ٨١٣.

٣- (٣). نهج البلاغة، ج ٤، ص ٥٧، ح ٢٥٩؛ شرح نهج البلاغة، ج ٢، ص ٣١٦.

٤- (٤). بحار الأنوار، ج ١، ص ١٦٠، ح ٤٢؛ شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٢٨٥، ح ٢٥٥.

٥- (٥). شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٣١٥، ح ٦١٩.

٦- (٦). تصنيف غررالحكم، ص ٤٢٠، ح ٩٦٤٢.

- ٧-٧) . عيون الحكم والمواعظ، ص ٥١٢؛ شرح نهج البلاغ، ج ٨، ص ٢٤٤.
- ٨-٨) . عيون الحكم والمواعظ، ص ٥٥٠؛ تصنيف غررالحكم، ص ٢٠٩، ح ٤٠٣٤.
- ٩-٩) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٧٠، ح ٥٨٧٢.
- ١٠-١٠) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٧٧، ح ٨٥٠٣.
- ١١-١١) . الجَفْنَةُ: أَعْظَمُ ما يكون مِنَ الْقِصَاعِ، والجمع: جفان (لسان العرب: جفن).
- ١٢-١٢) . عيون الحكم والمواعظ، ص ٤٧٩؛ تصنيف غررالحكم، ص ٤١٩، ح ٩٦١٣.
- ١٣-١٣) . عيون الحكم والمواعظ، ص ٥٠٤؛ تصنيف غررالحكم، ص ٤٨، ح ٢٤١.
- ١٤-١٤) . عيون الحكم والمواعظ، ص ٥٢٣؛ تصنيف غررالحكم، ص ٢١٣، ح ٤١٤١.
- ١٥-١٥) . عيون الحكم والمواعظ، ص ٣٣؛ شرح نهج البلاغ، ج ٢٠، ص ٢٩٣، ح ٣٥٨.

۲۴۴۰. وفا، زینت عقل و نشان جوانمردی است.
۲۴۴۱. عالم، نادان را می شناسد چون خودش قبلاً نادان بوده است. نادان، دانا را نمی شناسد چون قبلاً دانا نبوده است.
۲۴۴۲. نزد خداوند سبحان، وفاداری با مردم مکار مکر است. و مکر با آنان وفاداری است.
۲۴۴۳. غضب عاقل در رفتار او و غضب نادان در گفتار اوست.
۲۴۴۴. چه بسیار زشت است که فردا [در قیامت] بانگ بر آرند ای اهل فلان گناه، و تو همراه آنان برخیزی. بار دوم ندا دهند ای اهل فلان گناه و تو همراه آنان نیز باشی. ای که به همراه اهل همه گناهان بر می خیزی چه بینوائی تو.
۲۴۴۵. دلیل بردباری انسان، تحمل زیاد و دلیل جوانمردی او، نیکوکاری فراوان است.
۲۴۴۶. هرگز بهشت خدا با خدعه حاصل نمی شود. و به آنچه نزد خداست بدون رضایت او دسترسی ممکن نیست.
۲۴۴۷. گفتار نیکو دلیل بر عقل انسان است. و رفتار زیبا دلیل نژاد پاک اوست.
۲۴۴۸. پرهیزکاری، رفیق خوب و طمع، همنشین بد است.
۲۴۴۹. خوش روئی و بذل و بخشش انسان، دلیل کرم اوست.
۲۴۵۰. به هنگام شادی دوستان چه بسیارند. و هنگام حوادث چه کمیاب می شوند.
۲۴۵۱. هیزم آتش دوزخ در قیامت دو گروهند: ۱ - ثروتمندی که از مال خود به فقرا ندهد. ۲ - عالمی که دین خود را به دنیا بفروشد.
۲۴۵۲. زبان را مگشا، مگر بر چیزی که برای تو پاداش آورد. و گفتنش شایسته باشد.
۲۴۵۳. برده قانع، آزاده است. و انسان طمع کار، برده است.

٢٤٥٤. لَا تَجْعَلْ ذَرْبَ (١) لِسَانِكَ عَلَى مَنْ أَنْطَقَكَ، وَلَا بِلَاغَةَ قَوْلِكَ عَلَى مَنْ سَدَّدَكَ. (٢)

٢٤٥٥. الْكَرِيمُ بَدَلَ الْجُودِ، وَإِنْجَازُ الْمَوْعُودِ. (٣)

٢٤٥٦. لَا تَحْتَقِرَنَّ صَغِيرًا يُمَكِّنُ أَنْ يَكْبُرَ، وَلَا قَلِيلًا يُمَكِّنُ أَنْ يَكْثُرَ. (٤)

٢٤٥٧. غِنَى الْعَاقِلِ بِحِكْمَتِهِ، وَعِزُّهُ بِقَنَاعَتِهِ. (٥)

٢٤٥٨. الْعَجَبُ مِمَّنْ يَخَافُ الْعِقَابَ فَلَا يَكْفُ، وَيَرْجُو الثَّوَابَ وَلَا يَتَوَبُّ. (٦)

٢٤٥٩. قَدَّمُوا بَعْضًا يَكُنْ لَكُمْ، وَلَا تُخَلِّفُوا كَلًّا فَيَكُونَ عَلَيْكُمْ. (٧)

٢٤٦٠. الْكَرِيمُ إِذَا احتَاجَ إِلَيْكَ أَعْفَاكَ، وَإِذَا احتَاجَتْ إِلَيْهِ كَفَاكَ. (٨)

٢٤٦١. الْغِنَى فِي الْغُرْبَةِ وَطَنٌ، وَالْفَقْرُ فِي الْوَطَنِ غُرْبَةٌ. (٩)

٢٤٦٢. الْكَرِيمُ إِذَا وَعَدَ وَفَى، وَإِذَا تَوَعَّدَ عَفَا. (١٠)

٢٤٦٣. عَجَبًا لِمَنْ قِيلَ فِيهِ الْخَيْرُ، وَلَيْسَ فِيهِ، كَيْفَ يَفْرَحُ؟! وَعَجَبًا لِمَنْ قِيلَ فِيهِ الشَّرُّ، وَلَيْسَ فِيهِ، كَيْفَ يَغْضَبُ؟! (١١)

٢٤٦٤. الْغِنَى وَالْفَقْرُ يَكْشِفَانِ جَوَاهِرَ الرِّجَالِ وَأَوْصَافَهَا. (١٢)

٢٤٦٥. عَجِبْتُ لِأَقْوَامٍ يَحْتَمُونَ (١٣) الطَّعَامَ مَخَافَةَ الْأَذَى، كَيْفَ لَا يَحْتَمُونَ الذُّنُوبَ مَخَافَةَ النَّارِ؟! (١٤)

٢٤٦٦. يُعْجِبُنِي مِنَ الرَّجُلِ أَنْ يُرَى عَقْلُهُ زَائِدًا عَلَى لِسَانِهِ، وَلَا يُرَى لِسَانُهُ زَائِدًا عَلَى عَقْلِهِ. (١٥)

٢٤٦٧. وَيَلِ لِمَنْ سَاءَ خُلُقُهُ وَقَبِحَ خَلْقُهُ.

٢٤٦٨. يُغْتَنَّمُ مُوَاخَاةُ الْأَخْيَارِ، وَيُجْتَنَّبُ مُصَاحَبَةُ الْأَشْرَارِ وَالْفُجَّارِ. (١٦)

ص: ٣٩٢

١- (١). ذَرْبُ اللِّسَانِ: حَدَّثُهُ (لسان العرب: ذرب).

٢- (٢). عيون الحكم والمواعظ، ص ٥٢٤؛ شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٤٨، ح ٤١٩.

٣- (٣). تصنيف غرر الحكم، ص ٣٧٧، ح ٨٤٩٢.

٤- (٤). شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٢٨٣، ح ٢٤٠.

٥- (٥). تصنيف غرر الحكم، ص ٣٩٢، ح ٩٠١٧.

٦- (٦). تحف العقول، ص ١٠٠.

- ٧-٧). الإرشاد، ج ١، ص ٢٩٦؛ شرح نهج البلاغ، ج ٦، ص ٢٣٣.
- ٨-٨). عيون الحكم والمواعظ، ص ٦٣؛ تصنيف غررالحكم، ح ٨٦٣٥.
- ٩-٩). نهج البلاغ، ج ٤، ص ١٤، ح ٥٦؛ شرح نهج البلاغ، ج ١٨، ص ١٩٠، ح ٥٤.
- ١٠-١٠). عيون الحكم والمواعظ، ص ٢٧؛ تصنيف غررالحكم، ص ٢٥٢، ح ٥٢٦٩.
- ١١-١١). شرح نهج البلاغ، ج ٢٠، ص ٢٩٢، ح ٣٤٩.
- ١٢-١٢). تصنيف غررالحكم، ص ٣٦٦، ح ٨٢٦٩.
- ١٣-١٣). إحتَمَى: امتنَع (لسان العرب: حمى).
- ١٤-١٤). تحف العقول، ص ٢٠٤.
- ١٥-١٥). عيون الحكم والمواعظ، ص ٥٥١؛ تصنيف غررالحكم، ص ٥٦، ح ٥١٥.
- ١٦-١٦). عيون الحكم والمواعظ، ص ٥٥٦؛ تصنيف غررالحكم، ص ٤١٧، ح ٩٥٤٥.

۲۴۵۴. تیزی زیانت را به سوی کسی که به تو سخن گفتن آموخته [مانند پدر و مادر و معلم] نشانه مرو و برتری سخن گفتنت را بر کسی که تو را استوار ساخته [هدایت کرده] قرار مده.

۲۴۵۵. کرامت، در بخشیدن مال و وفای به وعده است.

۲۴۵۶. هرگز کوچکی را که امکان بزرگ شدن دارد و کم را که امکان زیاد شدن دارد، تحقیر مکن.

۲۴۵۷. بی نیازی عاقل، در حکمت و عزت او، در قناعت اوست.

۲۴۵۸. تعجب از کسی است که از جزای عمل می ترسد ولی خودداری نمی کند. و امید پاداش دارد ولی نیکی نمی کند.

۲۴۵۹. اندکی پیش فرستید تا [در قیامت] ذخیره شما شود [انفاق کنید] و همه [اموال را برای دیگران] بر جا مگذارید که [در قیامت حساب آنها] بر علیه شماست.

۲۴۶۰. کریم اگر به تو احتیاج پیدا کند تو را معذور می دارد. و اگر به او احتیاج داشته باشی تو را بی نیاز می کند.

۲۴۶۱. بی نیازی در غربت، وطن است و فقر در وطن، غربت است.

۲۴۶۲. کریم، اگر وعده دهد وفا کند. و اگر وعده عقوبت بدهد عفو کند.

۲۴۶۳. دو چیز تعجب آور است. یکی شادی کسی که او را مدح کنند به صفتی که در او نیست. و دیگری غضب کسی که به او صفت بدی نسبت دهند که در او نیست.

۲۴۶۴. بی نیازی و فقر، باطن و اوصاف انسانها را آشکار می کنند.

۲۴۶۵. تعجب می کنم از کسانی که از ترس ضرر از غذا پرهیز می کنند. ولی از ترس جهنم، از گناه پرهیز نمی کنند.

۲۴۶۶. از مردی خوشم می آید که عقلش بیشتر از سخنش نمود پدا کند و زبانش بیشتر از عقلش بکار نیافتد.

۲۴۶۷. وای بر کسی که بد سیما [زشت رو] و بد اخلاق است.

۲۴۶۸. دوستی با نیکان را غنیمت شمیرید. و از همنشینی با اشرار و گنه کاران پرهیزید.

٢٤٦٩. الْكَرِيمُ مَنْ صَانَ عِرْضَهُ بِمَالِهِ ، وَاللَّيْمُ مَنْ صَانَ مَالَهُ بِعِرْضِهِ .(١)

٢٤٧٠. يَقْبُحُ بِالرَّجُلِ أَنْ يَقْصُرَ عَمَلَهُ عَنِ عِلْمِهِ ، وَيَعْجِزُ فِعْلُهُ عَنِ قَوْلِهِ .(٢)

٢٤٧١. قَرِينُ الشَّهْوَةِ مَرِيضُ النَّفْسِ ، مَعْلُولُ الْعَقْلِ .(٣)

٢٤٧٢. يَقْطَعُ الْبَلِيغُ عَنِ الْمَسْأَلَةِ أَمْرَانِ: ذُلُّ الطَّلَبِ ، وَخَوْفُ الرَّدِّ .(٤)

٢٤٧٣. الْكَرِيمُ يَلِينُ إِذَا اسْتُعِطِفَ ، وَاللَّيْمُ يَقْسُو إِذَا لُوْطِفَ .(٥)

٢٤٧٤. يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: يَا بَنَ آدَمَ، لَمْ أَخْلُقْكَ لِرَّيْحِ عَلَيْكَ، إِنَّمَا خَلَقْتُكَ لِرَّيْحِ عَلَيَّ، فَاتَّخِذْنِي بَدَلًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ؛ (فَإِنِّي نَاصِرٌ لَكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ) .(٦)

٢٤٧٥. غَيْرَةُ الْمَرْأَةِ كَفْرٌ، وَغَيْرَةُ الرَّجُلِ إِيمَانٌ .(٧)

٢٤٧٦. لَا تُخْلِ نَفْسَكَ مِنْ فِكْرِهِ تَزِيدُكَ حِكْمَةً، وَعَبْرَهُ تُفِيدُكَ عِصْمَةً .(٨)

٢٤٧٧. لَا تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَجِهِ: إِمَّا ظَاهِرًا مَشْهُورًا، وَإِمَّا بَاطِنًا مَغْمُورًا؛ لِنَلَّا تَبْطُلُ حُجُجَ اللَّهِ وَبَيِّنَاتُهُ .(٩)

٢٤٧٨. لَا تُخْنِ مَنْ ائْتَمَنَكَ وَإِنْ خَانَكَ، وَلَا تَشْنِ (١٠) عَدُوَّكَ وَإِنْ شَانَكَ .(١١)

٢٤٧٩. قَصَمَ (١٢) ظَهْرِي رَجُلَانِ: جَاهِلٌ مُتَنَسِّكٌ، وَعَالِمٌ مُتَهْتِكٌ (١٣) .(١٤)

٢٤٨٠. كَفَاكَ مُؤَبِّخًا عَلَى الْكَذِبِ عِلْمُكَ بِأَنَّكَ كَاذِبٌ، [وَكَفَاكَ نَاهِيًا عَنْهُ خَوْفُكَ مِنْ تَكْذِيبِكَ حَالَ إِخْبَارِكَ] .(١٥)

ص: ٣٩٤

-
- ١- (١) . عيون الحكم والمواعظ، ص ٦٨؛ تصنيف غررالحكم، ص ٣٧٥، ح ٨٤٤٩.
 - ٢- (٢) . عيون الحكم والمواعظ، ص ٥٥٥؛ تصنيف غررالحكم، ص ١٥٣، ح ٢٨٤٤.
 - ٣- (٣) . عيون الحكم والمواعظ، ص ٣٧٢؛ تصنيف غررالحكم، ص ٣٠٥، ح ٦٩٨٥.
 - ٤- (٤) . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٣٢٠، ح ٦٧٦.
 - ٥- (٥) . تحف العقول، ص ٢٠٤؛ شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٢٩٦، ح ٣٩٠.
 - ٦- (٦) . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٣١٩، ح ٦٦٥.
 - ٧- (٧) . نهج البلاغه، ج ٤، ص ٢٩، ح ١٢٤؛ شرح نهج البلاغه، ج ١٨، ص ٣١٢، ح ١١٩.
 - ٨- (٨) . عيون الحكم والمواعظ، ص ٥١٩؛ تصنيف غررالحكم، ص ٥٧، ح ٥٥٤.
 - ٩- (٩) . نهج البلاغه، ج ٤، ص ٣٧؛ شرح نهج البلاغه، ج ١٨، ص ٣٤٧.

- ١٠- (١٠) . الشَّيْنُ: القُبْحُ والعيب (لسان العرب: شين).
- ١١- (١١) . عيون الحكم والمواعظ، ص ٥١٩؛ تصنيف غررالحكم، ص ٤٦٠، ح ١٠٥٣٥.
- ١٢- (١٢) . قَصَمَهُ: كَسَرَهُ كَسْرًا فِيهِ يَبْنُونَهُ (لسان العرب: قضم).
- ١٣- (١٣) . رَجُلٌ مُتَهَتِّكٌ: أَي لَا يُبَالِي أَنْ يُهْتَكَ سِتْرُهُ (أقرب الموارد: هتك).
- ١٤- (١٤) . معدن الجواهر، ص ٢٦؛ شرح نهج البلاغ، ج ٢٠، ص ٢٨٤، ح ٢٤٨.
- ١٥- (١٥) . تصنيف غررالحكم، ص ٢٢١، ح ٤٤١٤؛ شرح نهج البلاغ، ج ٢٠، ص ٣٣٢، ح ٨١٢.

۲۴۶۹. کریم، از مال خود می گذرد تا آبروی خویش را حفظ کند. و لئیم آبرویش را می دهد تا مال خود را حفظ کند.

۲۴۷۰. برای انسان زشت است که عمل او کمتر از دانش او باشد. و رفتار او از گفتارش عاجز باشد.

۲۴۷۱. شهوت ران، بدنش مریض و عقلش ناتوان است.

۲۴۷۲. دو چیز انسان بلیغ را از خواهش باز می دارد. ذلت گرفتن و ترس از باز پس دادن.

۲۴۷۳. هنگامی که از کریم عطفوت خواهی شود، نرم خوئی کند. و هنگامی که به لئیم ملاطفت شود، سنگدل است.

۲۴۷۴. خدای متعال می فرماید: ای آدمیزاده؛ تو را نیافریدم که از تو سود برم، تو را فقط برای سود بردن از من آفریدم. پس بجای هر چیزی مرا انتخاب کن. [من هم از هر چیزی به تو یاری می رسانم.]

۲۴۷۵. غیرت زن کفر است. و غیرت مرد ایمان است.

۲۴۷۶. از تفکری که برای تو حکمت آفرین و عبرتی که عصمت آفرین است، دوری مکن.

۲۴۷۷. زمین از قائم به حجت برای خدا خالی نمی شود. او یا ظاهر و مشهور و یا باطن و در غیبت است. تا دلائل و براهین خدا باطل نشود.

۲۴۷۸. به کسی که تو را امین کرده است خیانت مکن، گرچه او به تو خیانت کرده باشد. از دشمن خود عیب جوئی مکن، گرچه او از تو عیب جوئی کرده باشد.

۲۴۷۹. دو کس کمر مرا شکستند: نادانِ عبادت کننده و عالم پرده در.

۲۴۸۰. همین که می دانی دروغ گو هستی، برای توبیخ کردن دروغ تو کافی است. [همین که در حال خبر دادن، ترس از روشن شدن دروغ گویت داری، برای نهی کردن از دروغ کافی است.]

٢٤٨١. ما جالسَ أحدُ هذا القرآنَ إلّاقامَ بزيادِهِ أو نُقصانٍ؛ زيادِهِ في هُدىً، أو نُقصانٍ في عمى. (١).

٢٤٨٢. يَتَّبِعِي أن تَكُونَ أفعالَ الرَّجُلِ أَحسَنَ من أقوالِهِ ، ولا تَكُونَ أقوالُهُ أَحسَنَ من أفعالِهِ. (٢).

٢٤٨٣. قَلْبُ الأَحْمَقِ في فِيهِ ، وَلِسانُ العاقِلِ في قَلْبِهِ. (٣).

٢٤٨٤. قَلْبُ الأَحْمَقِ وراءَ لِسَانِهِ ، وَلِسانُ العاقِلِ وراءَ قَلْبِهِ. (٤).

٢٤٨٥. يَتَّبِعِي لِلعاقِلِ اذا عَلَّمَ أن لا يَعْنِفَ (٥) ، وإذا عَلَّمَ أن لا يَأْنَفَ (٦). (٧).

٢٤٨٦. القَلْبُ يَنْبُوعُ الحِكْمَةِ ، والأُذُنُ مَغِيضُها (٨). (٩).

٢٤٨٧. يَتَّبِعِي لِلعاقِلِ أن يُكثِرَ من صُحْبَةِ العُلَماءِ [وَ] الأَبْرارِ ، [وَيَجْتَنِبَ] (١٠) مُقارَنَةَ الأَشْرارِ وَالْفُجَّارِ. (١١).

٢٤٨٨. قَلْبُهُ الكَلَامُ تَسْتُرُ العُيُوبِ ، وتُقَلِّلُ الذُّنُوبَ. (١٢).

٢٤٨٩. العَيْدُ صِوْرَةٌ واحِدَةٌ ، وَالجورُ صِوْرٌ كَثِيرَةٌ ، وَلِهَذَا سَيَهَلُ ارتِكابُ الجورِ ، وصِيْعَبُ تَحَرِّيِ العَدْلِ ، وهُما يُشْبِهانِ الإِصابَةَ في الرِّمائيَةِ وَالخَطَأَ فِيها ، وإنَّ الإِصابَةَ تَحْتَاجُ إلى ارتِياضٍ وَتَعَهْدٍ ، وَالخَطَأُ لا يَحْتَاجُ إلى شَيْءٍ من ذَلِكَ. (١٣).

٢٤٩٠. قَلَّمَا يُنصِفُ اللِّسانُ في نَشْرِ قَبِيحٍ أو إِحسانٍ. (١٤).

٢٤٩١. كَفَى بِالمرءِ جَهلاً أن يَجْهَلَ عُيُوبَ نَفْسِهِ ، وَيَطْعَنَ عَلى النَّاسِ بِما لا يَسْتَطِيعُ التَّحَوُّلَ عَنْهُ. (١٥).

٢٤٩٢. يُنبئُ عَن قِيَمِهِ كُلِّ امرئٍ عِلْمُهُ وَعَقْلُهُ. (١٦).

ص: ٣٩٦

١- (١) . عيون الحكم والمواعظ، ص ٤٧٨؛ تصنيف غررالحكم، ص ١١١، ح ١٩٧٥.

٢- (٢) . تصنيف غررالحكم، ص ٢١١، ح ٤٠٧١.

٣- (٣) . نهج البلاغه، ج ٤، ص ١٢، ح ٤١؛ المناقب للخوارزمي، ص ٣٧٦.

٤- (٤) . عيون الحكم والمواعظ، ص ٣٧١؛ المناقب للخوارزمي، ص ٣٧٧.

٥- (٥) . عَنَفٌ بِهِ: لَمْ يَرْفِقْ بِهِ (أقرب الموارد: عنف).

٦- (٦) . الغرر - ط الهند -: لا يَأْنَفُ بالتَّسليمِ ، وَأَنْفٌ مِنَ الشَّيْءِ: كَرِهَهُ (لسان العرب: أنف).

٧- (٧) . عيون الحكم والمواعظ، ص ٥٥٢؛ تصنيف غررالحكم، ص ٤٤، ح ١٠٣.

٨- (٨) . مَغِيضُ المائِ: مَدْخَلُهُ في الأَرْضِ (أقرب الموارد: غيض).

٩- (٩) . عيون الحكم والمواعظ، ص ٦٢؛ تصنيف غررالحكم، ص ٦٦، ح ٨٨٠.

- ١٠- (١٠) . الزيادة ما بين المعاقيف من غرر الحكم.
- ١١- (١١) . عيون الحكم والمواعظ، ص ٥٥٥؛ تصنيف غرر الحكم، ص ٤٣٠، ح ٩٧٩٦.
- ١٢- (١٢) . عيون الحكم والمواعظ، ص ٣٧١.
- ١٣- (١٣) . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٢٧٦، ح ١٨٦.
- ١٤- (١٤) . عيون الحكم والمواعظ، ص ٣٦٩؛ تصنيف غرر الحكم، ص ٢١٣، ح ٤١٥٦.
- ١٥- (١٥) . عيون الحكم والمواعظ، ص ٣٨٦؛ تصنيف غرر الحكم، ص ٤٣٨، ح ١٠٠٣٣.
- ١٦- (١٦) . عيون الحكم والمواعظ، ص ٥٤٩؛ تصنيف غرر الحكم، ص ٤١، ح ١٢.

۲۴۸۱. هیچ کسی با این قرآن ننشست مگر اینکه با اضافه یا کاستی برخاست. اضافه شدن بر هدایت و کاستی از گمراهی.

۲۴۸۲. شایسته است که رفتار انسان بهتر از گفتار او باشد، و گفتار او بهتر از رفتارش نباشد.

۲۴۸۳. قلب احمق در دهان و زبان عاقل در قلب اوست. [احمق بدون فکر سخن می گوید. ولی عاقل پس از تفکر زبان می گشاید].

۲۴۸۴. قلب احمق پشت زبان اوست. [زبانش بدون کنترل حرکت می کند]. و زبان عاقل پشت قلب اوست. [یعنی قلب عاقل زبانش را کنترل می کند تا هر سخنی را نگوید].

۲۴۸۵. شایسته است که عاقل زمانی که یاد می دهد، درشتی نکند. و هنگامی که می آموزد سرپیچی نکند.

۲۴۸۶. قلب، سرچشمه حکمت و گوش، درگاه آن است.

۲۴۸۷. شایسته است که عاقل با علماء و نیاکان، زیاد معاشرت کند. و از همراهی با اشرار و گنه کاران دوری نماید.

۲۴۸۸. کم سخن گفتن، عیبها را می پوشاند. و از گناهان می کاهد.

۲۴۸۹. عدل یک چهره و ستم چهره های فراوان دارد. به همین دلیل ارتکاب ستم آسان است. اما عادل بودن دشوار است. مانند به هدف زدن و خطا کردن در تیر اندازی که به هدف زدن احتیاج به تمرین و آمادگی دارد. اما خطا به هیچ چیزی احتیاج ندارد.

۲۴۹۰. کم یاب است آنکه با انصاف زبان را در انتشار زشتی یا نیکی بکار می گیرد.

۲۴۹۱. برای نادانی انسان همین کافی است که عیبهای خود را نداند. و به دیگران طعنه به عیبی می زند که نمی تواند خود را از آن عیب رها کند.

۲۴۹۲. علم و عقل هر کس از قیمت [ارزش] او خبر می دهد.

٢٤٩٣. (لا تَكُن مِمَّن) يَنْهَى وَلَا يَنْتَهَى، وَيَأْمُرُ بِمَا لَا يَأْتِي. (١).

٢٤٩٤. كَفَى بِالْمَرْءِ كَيْسًا أَنْ يَقِفَ عَلَى مَعَايِهِ، وَيَقْتَصِدَ فِي مَطَالِبِهِ. (٢).

٢٤٩٥. مَا قَصَمَ (٣) ظَهْرِي إِلَّا الرَّجُلَانِ: عَالِمٌ مُتَهْتِكٌ، وَجَاهِلٌ مُتَسَكِّكٌ؛ هَذَا يُنْفِرُ عَنْ حَقِّهِ بِهَتِكِهِ، وَهَذَا يَدْعُو إِلَى بَاطِلِهِ بِنُسْكِهِ (٤).

٢٤٩٦. مَا كَذَبَ عَاقِلٌ، وَلَا زَنَى مُؤْمِنٌ. (٥).

٢٤٩٧. (إِيَّاكُمْ وَالْعُلُوَّ فِينَا)، قُولُوا: إِنَّا عِبَادٌ مَرْبُوبُونَ، وَقُولُوا فِي فَضْلِنَا مَا شِئْتُمْ. (٦).

٢٤٩٨. (يَا كَمِيلُ)، مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَأَنَا أَفْتَحُهُ، وَمَا مِنْ سِرٍّ إِلَّا وَالْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَخْتُمُهُ. (٧).

٢٤٩٩. لَا تَضَعُوا مَنْ رَفَعْتَهُ التَّقْوَى، وَلَا تَرْفَعُوا مَنْ رَفَعْتَهُ الدُّنْيَا. (٨).

٢٥٠٠. الْعَقْلُ صَاحِبُ جَيْشِ الرَّحْمَنِ، وَالْهَوَى قَائِدُ جَيْشِ الشَّيْطَانِ، وَالنَّفْسُ مُتَجَادِبَةٌ بَيْنَهُمَا، فَأَيُّهُمَا غَلَبَ كَانَتْ فِي حَيْرِهِ. (٩).

٢٥٠١. الْعَقْلُ مَلِكٌ وَالْخِصَالُ رَعِيَّتُهُ، فَإِذَا ضَعُفَ عَنِ الْقِيَامِ عَلَيْهَا وَصَلَ الْخَلَلُ إِلَيْهَا. (١٠).

٢٥٠٢. الْمَالُ وَالْبَنُونَ حَرْثُ الدُّنْيَا، وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ حَرْثُ الْآخِرَةِ، وَقَدْ جَمَعَهُمَا اللَّهُ لِأَقْوَامٍ. (١١).

٢٥٠٣. الْعَقْلُ وَالْعِلْمُ مَقْرُونَانِ فِي قَرْنٍ (١٢)؛ لَا يَفْتَرِقَانِ وَلَا يَتَبَايَنَانِ. (١٣).

٢٥٠٤. الْمَالُ يَرْفَعُ صَاحِبَهُ فِي الدُّنْيَا، وَيَضَعُهُ فِي الْآخِرَةِ. (١٤).

٢٥٠٥. لَا تَعْرَبْ بَعْدَ الْهَجْرَةِ، وَلَا هِجْرَةَ بَعْدَ الْفَتْحِ. (١٥).

ص: ٣٩٨

١- (١). نهج البلاغه، ج ٤، ص ٣٨، ح ١٥٠؛ جواهر المطالب في مناقب الإمام علي عليه السلام، ج ٢، ص ١٤٦، ح ٤٦.

٢- (٢). تصنيف غررالحكم، ص ٢٣٤، ح ٤٦٩٦.

٣- (٣). قَصَمَهُ: كَسَرَهُ وَأَبَانَهُ (أقرب الموارد: قصم).

٤- (٤). عيون الحكم والمواعظ، ص ٤٧٩؛ تصنيف غررالحكم، ص ٤٨، ح ٢٤٥.

٥- (٥). عيون الحكم والمواعظ، ص ٤٧٦؛ تصنيف غررالحكم، ص ٢٢٠، ح ٤٣٨٠.

٦- (٦). تحف العقول، ص ١٠٤.

٧- (٧). تحف العقول، ص ١٧١.

٨- (٨). نهج البلاغه، ج ٢، ص ١٣٥؛ شرح نهج البلاغه، ج ١٣، ص ١١٦.

- ٩- (٩) . عيون الحكم والمواعظ، ص ٦٤؛ تصنيف غررالحكم، ص ٥٠، ح ٣٠٤.
- ١٠- (١٠) . مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ج ١، ص ٦٢؛ شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٤٢.
- ١١- (١١) . تحف العقول، ص ٢١٧؛ كنز العمال، ج ١٦، ص ٢٢٦، ح ٤٤٢٥٨.
- ١٢- (١٢) . القَرْنُ: الحَبْلُ الَّذِي يُشَدُّانِ بِهِ (لسان العرب: قرن).
- ١٣- (١٣) . عيون الحكم والمواعظ، ص ٥٣؛ تصنيف غررالحكم، ص ٥٣، ح ٤٤٤.
- ١٤- (١٤) . نهج البلاغه، ج ٢، ص ٧، ح ١٢٦؛ شرح نهج البلاغه، ج ٨، ص ١٠٩.
- ١٥- (١٥) . الخصال، ص ٦٢١.

۲۴۹۳. از کسانی مباش که دیگران را [از کاری] نهی می کند ولی خودش [از آن] دست نمی کشد. و دیگران را به چیزی امر می کند که خودش انجام نمی دهد.

۲۴۹۴. در زیرکی انسان همین بس که از عیبهای خود آگاه باشد. و در پی جویی کارهایش میانه روی کند.

۲۴۹۵. دو کس کمر مرا شکستند: عالم پرده در و جاهل عبادت گر. این با پرده دری از حق منفور می کند. و آن با عبادتش به باطل دعوت می کند.

۲۴۹۶. عاقل دروغ نمی گوید. و مؤمن زنا نمی کند.

۲۴۹۷. [از غلّ در حق ما بپرهیزید] بگوئید: ما [اهل بیت] بندگان پروردگار هستیم. و در فضل ما هر چه خواستید بگوئید.

۲۴۹۸. [ای کمیل] هیچ علمی نیست مگر اینکه من گشاینده آن هستم [با دست من آن علم آغازیده است]. و هیچ سزای [دانشی] نیست مگر اینکه حضرت قائم علیه السلام آن را به نهایت خواهد رساند.

۲۴۹۹. کسی را که تقوی رفعت داده است پائین نیاورید. و کسی را که دنیا رفعت داده است بالا نبرید.

۲۵۰۰. عقل، فرمانده لشکر خداوند است. و هوس، پیشوای لشگریان شیطان است. نفس در میان آندو قرار دارد. هر کدام غلبه کنند در کنار او قرار می گیرد.

۲۵۰۱. عقل، پادشاه است. و خصلتها زیر دستان او، هنگامی که عقل بر خصلتها سرپرستی نکند [مسلط نشود] نابسامانی در آنها پیدا خواهد شد [در خصال آدمی خلل وارد خواهد شد].

۲۵۰۲. مال و فرزند، محصول دنیا هستند. و عمل صالح، محصول آخرت است. و خداوند آنها را برای عده ای جمع کرده است.

۲۵۰۳. علم و عقل، در یک ریسمانی به هم پیوسته اند. نه از هم جدا می شوند. و نه با هم مخالفت می کنند.

۲۵۰۴. مال، صاحبش را در دنیا بالا می برد. و در آخرت پست می کند.

۲۵۰۵. بعد از هجرت به جاهلیت گراییدن و بعد از پیروزی هجرت کردن معنا ندارد [کار نادرستی است].

٢٥٠٦. كُلِّ مِنَ الطَّعَامِ مَا تَشْتَهِي، وَالْبَسِ مِنَ الثِّيَابِ مَا يَشْتَهِي النَّاسُ. (١)

٢٥٠٧. لَا تَعْمَلْ شَيْئاً مِنَ الْخَيْرِ رِيَاءً، وَلَا تَتْرُكْهُ حَيَاءً. (٢)

٢٥٠٨. مُجَالَسَةُ الْحُكَمَاءِ حَيَاةُ الْعُقُولِ، وَشِفَاءُ النَّفُوسِ. (٣)

٢٥٠٩. مُجَامَلَةُ أَعْدَاءِ اللَّهِ فِي دَوْلَتِهِمْ تَقِيَّتُهُ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ، وَحَذَرٌ مِنْ مَعَارِكِ الْبَلَاءِ فِي الدُّنْيَا. (٤)

٢٥١٠. لَا تَفْرَحْ بِالْغِنَاءِ وَالرِّخَاءِ، وَلَا تَعْتَمِ بِالْفَقْرِ وَالْبَلَاءِ؛ فَإِنَّ الذَّهَبَ يُجَرَّبُ بِالنَّارِ، وَالْمُؤْمِنُ يُجَرَّبُ بِالْبَلَاءِ. (٥)

٢٥١١. الْكَلِمَةُ إِذَا خَرَجَتْ مِنَ الْقَلْبِ وَقَعَتْ فِي الْقَلْبِ، وَإِذَا خَرَجَتْ مِنَ اللِّسَانِ لَمْ تُجَاوِزِ الْآذَانَ. (٦)

٢٥١٢. عِلْمٌ لَا يُصْلِحُكَ ضَلَالٌ، وَمَالٌ لَا يَنْفَعُكَ وَبَالٌ. (٧)

٢٥١٣. الْمُحْسِنُ مُعَانٌ، الْمُسِيءُ مُهَانٌ. (٨)

٢٥١٤. كَمِ مِنْ عَالِمٍ فَاجِرٍ، وَعَابِدٍ جَاهِلٍ؛ فَاتَّقُوا الْفَاجِرَ مِنَ الْعُلَمَاءِ، وَالْجَاهِلَ مِنَ الْمُتَعَبِّدِينَ. (٩)

٢٥١٥. الْمَرْءُ بِأَصْغَرِيهِ : بِقَلْبِهِ وَلِسَانِهِ ؛ إِنْ قَاتَلَ قَاتِلَ بَجْنَانٍ، وَإِنْ نَطَقَ نَطَقَ بَيِّنَانٍ. (١٠)

٢٥١٦. لَا تَكْفُوا عَنْ مَقَالِهِ بِحَقٍّ، أَوْ مَشُورِهِ بِعَدْلٍ. (١١)

٢٥١٧. لَا تَكُنْ عِنْدَ النَّعْمَاءِ بَطْرًا، وَلَا عِنْدَ الْبُؤْسَاءِ فَشِلًّا. (١٢)

٢٥١٨. مَرَارَةُ الدُّنْيَا حَلَاوَةٌ الْآخِرَةِ، وَحَلَاوَةُ الدُّنْيَا مَرَارَةُ الْآخِرَةِ. (١٣)

٢٥١٩. مَرَارَةُ النَّصِيحِ أَنْفَعُ مِنْ حَلَاوَةِ الْغِيْثِ. (١٤)

٢٥٢٠. مَرْتَبَةُ الرَّجُلِ عَقْلُهُ، وَصَدْرُهُ خِزَانَتُهُ سِرِّهِ. (١٥)

ص: ٤٠٠

١- (١). شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٣١٢، ح ٥٨٣.

٢- (٢). عيون الحكم والمواعظ، ص ٥٢٢؛ تصنيف غررالحكم، ص ٣١١، ح ٧١٩٣.

٣- (٣). تصنيف غررالحكم، ص ٤٣٠، ح ٩٧٩٠.

٤- (٤). عيون الحكم والمواعظ، ص ٤٨٨؛ تصنيف غررالحكم، ص ٣٤٨، ح ٨٠٢٥.

٥- (٥). عيون الحكم والمواعظ، ص ٥٢٠؛ تصنيف غررالحكم، ص ٩٩، ح ١٧١٦.

٦- (٦). شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٢٨٧، ح ٢٧٩.

- ٧-٧) . عيون الحكم والمواعظ، ص ٣٣٩؛ تصنيف غررالحكم، ص ٤٦، ح ١٩٣.
- ٨-٨) . عيون الحكم والمواعظ، ص ٦٠؛ تصنيف غررالحكم، ص ٣٨٦، ح ٨٨١٧.
- ٩-٩) . عيون الحكم والمواعظ، ص ٣٧٩؛ تصنيف غررالحكم، ص ٤٨، ح ٢٤٤.
- ١٠-١٠) . عيون الحكم والمواعظ، ص ٦٤؛ تصنيف غررالحكم، ص ٦٦، ح ٨٨١.
- ١١-١١) . نهج البلاغه، ج ٢، ص ٢٠١؛ شرح نهج البلاغه، ج ١١، ص ١٠٢.
- ١٢-١٢) . نهج البلاغه، ج ٣، ص ٥٨؛ شرح نهج البلاغه، ج ١٦، ص ١٣٨.
- ١٣-١٣) . نهج البلاغه، ج ٤، ص ٥٥، ح ٢٥١؛ شرح نهج البلاغه، ج ١٩، ص ٨٥.
- ١٤-١٤) . عيون الحكم والمواعظ، ص ٤٨٩؛ تصنيف غررالحكم، ص ٢٢٧، ح ٤٦٠٤.
- ١٥-١٥) . تحف العقول، ص ٣٠١.

۲۵۰۶. غذایی که خود دوست داری، بخور. و لباسی که مردم می پسندند، بپوش. [غذا را به میل خود و لباس را با توجه به عرف انتخاب کن.]

۲۵۰۷. هیچ کار خیری را برای ریا انجام نده. و از روی حیاء ترک مکن.

۲۵۰۸. همنشینی با حکیمان، عقلها را زنده می کند. و جانها را شفا می دهد.

۲۵۰۹. خویشنداری در رفتار با دشمنان خدا در حکومت آنان، انسان را از عذاب خدا نجات می دهد و در دنیا از گرفتاریها باز می دارد.

۲۵۱۰. به ثروت و آسایش، شادی مکن. و به فقر و گرفتاری، غمگین مباش. چون طلا با آتش آزموده می شود. و مؤمن با بلا آزموده می شود.

۲۵۱۱. سخن، چون از دل برآید بر دل نشیند. و اگر از زبان برآید از گوش تجاوز نمی کند.

۲۵۱۲. علمی که تو را اصلاح نکند، گمراهی است. و مالی که نفع نداشته باشد، رنج و مرارت است.

۲۵۱۳. نیکوکار، یاری می شود و خطا کار، خوار می گردد.

۲۵۱۴. چه بسا عالمی که گنه کار است. و چه بسا عابدی که نادان است. پس از گنه کار دانشمند و نادان عابد دوری کن.

۲۵۱۵. ارزش انسان به دو عضو اوست: قلب و زبان.

اگر بجنگد با [قوت] قلب می جنگد. و اگر سخن بگوید، با زبان می گوید.

۲۵۱۶. از گفتن سخن حق و مشورت به عدل، خودداری نکنید.

۲۵۱۷. هنگام برخورداری از نعمت ها، فخر فروش و هنگام تنگدستی، از هم گسیخته مباش.

۲۵۱۸. تلخی دنیا، لذت آخرت بدنبال دارد. و لذت دنیا، تلخی در آخرت.

۲۵۱۹. تلخی نصیحت مفیدتر از لذت غش [سرپوش گذاشتن بر عیب] است.

۲۵۲۰. مقام انسان، به عقل اوست. و سینه او، مخزن سر اوست.

٢٥٢١. عَلَى لِسَانِ الْمُؤْمِنِ نَوْزٌ يَسْطَعُ، وَعَلَى لِسَانِ الْمُنَافِقِ شَيْطَانٌ يَنْطِقُ. (١)

٢٥٢٢. لَا تَمَازِحَنَّ صَدِيقًا فَيُعَادِيكَ، وَلَا عَدُوًّا فَيُرْدِيكَ. (٢)

٢٥٢٣. كَمَالُ الْمَرْءِ عَقْلُهُ، وَوَقِيمَتُهُ فَضْلُهُ. (٣)

٢٥٢٤. الْمَرِيضُ يُعَادُ، وَالصَّحِيحُ يُزَارُ. (٤)

٢٥٢٥. لَا تَنْدَمَنَّ عَلَى عَفْوٍ، وَلَا تَبْتَهَجَنَّ (٥) بِعُقُوبِهِ. (٦)

٢٥٢٦. لَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ، وَانظُرْ إِلَى مَا قَالَ. (٧)

٢٥٢٧. عَلَيْكَ بِالْعَدْلِ فِي الصَّدِيقِ وَالْعَدُوِّ، وَالْقَصْدِ فِي الْفَقْرِ وَالْغِنَى. (٨)

٢٥٢٨. كُنْ صَمُوتًا مِنْ غَيْرِ عَيٍّْ؛ فَإِنَّ الصَّمْتَ زِينَةُ الْعَالِمِ، وَسِتْرُ الْجَاهِلِ. (٩)

٢٥٢٩. كُنْ فِي الدُّنْيَا بِبَدَنِكَ، وَفِي الْآخِرَةِ بِقَلْبِكَ وَعَمَلِكَ. (١٠)

٢٥٣٠. لا- تُؤَيِّسْ مُدْبِئًا، فَكَمْ مِنْ عَاكِفٍ عَلَى ذَنْبِهِ خُتِمَ لَهُ بِخَيْرٍ، وَكَمْ مِنْ مُقْبِلٍ عَلَى عَمَلِهِ مُفْسِدٌ فِي آخِرِ عُمُرِهِ، صَائِرٌ إِلَى النَّارِ. (١١)

٢٥٣١. كُنْ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا، وَلِلظَّالِمِ خَصْمًا. (١٢)

٢٥٣٢. عَلَيْكُمْ بِرَهْبِهِ تَسْكُنُ قُلُوبُكُمْ، وَخَشْيِهِ تُدْرَى (١٣) دُمُوعُكُمْ. (١٤)

٢٥٣٣. عَلَيْكُمْ بِطَاعَةِ أَيْمَتِكُمْ؛ فَإِنَّهُمْ الشُّهَدَاءُ عَلَيْكُمْ الْيَوْمَ، وَالشُّفَعَاءُ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ غَدًا. (١٥)

٢٥٣٤. الْكَيْسُ مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ، وَأَخْلَصَ أَعْمَالَهُ. (١٦)

ص: ٤٠٢

١- (١). شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٢٨٠، ح ٢١٨.

٢- (٢). عيون الحكم والمواعظ، ص ٥٢٩؛ تصنيف غررالحكم، ص ٢٢٣، ح ٤٤٨٦.

٣- (٣). تصنيف غررالحكم، ص ٤١، ح ١١.

٤- (٤). شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٢٩٧، ح ٤٠٥.

٥- (٥). الشرح والغرر - ط الهند -: وَلَا تَبْتَهَجَنَّ، وَابْتَهَجَ بِهِ: سُرَّ بِهِ (أقرب الموارد: بهج).

٦- (٦). عيون الحكم والمواعظ، ص ٥٢٨؛ شرح نهج البلاغه، ج ١٧، ص ٣٢.

- ٧-٧) . غررالحكم، ٥٠٤٨؛ كنز العمال، ج ١٦، ص ١٩٧، ح ٤٤٢١٨.
- ٨-٨) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٥٣، ح ٨٠٥٨.
- ٩-٩) . عيون الحكم والمواعظ، ص ٣٩٢؛ تصنيف غررالحكم، ص ٢١٦، ح ٤٢٣٤.
- ١٠-١٠) . عيون الحكم والمواعظ، ص ٣٩١؛ تصنيف غررالحكم، ص ١٤٥، ح ٢٦٢٦.
- ١١-١١) . تحف العقول، ص ٩١.
- ١٢-١٢) . عيون الحكم والمواعظ، ص ٣٩٣؛ تصنيف غررالحكم، ص ٤٨١، ح ١١٠٩١.
- ١٣-١٣) . تُذَرِي: تُسْقِطُ وَتَطْرُحُ (لسان العرب: ذرو).
- ١٤-١٤) . بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٣٤٢، ح ٢٨؛ شرح نهج البلاغة، ج ١٩، ص ١٤١؛ المصباح للكفعمي، ص ٧٤١.
- ١٥-١٥) . تصنيف غررالحكم، ص ١١٦، ح ٢٠٢٥.
- ١٦-١٦) . عيون الحكم والمواعظ، ص ٤٥؛ تصنيف غررالحكم، ص ٢٣٢، ح ٤٦٢٩.

۲۵۲۱. از زبان مؤمن نور می بارد. و از زبان منافق، شیطان سخن می گوید.

۲۵۲۲. با دوست خود مزاح مکن که با تو دشمن می شود. و با دشمن مزاح مکن که تو را هلاک می کند [یا به زحمت می اندازد].

۲۵۲۳. کمال انسان به عقل اوست. و ارزش انسان به برتری اوست.

۲۵۲۴. مریض عیادت می شود. و تندرست زیارت می شود. [به عیادت مریض و زیارت تندرست بروید].

۲۵۲۵. [اگر کسی را بخشیدی] از عفو کردن پشیمان مشو. و از مجازات کردن خوشحال نباش.

۲۵۲۶. به گوینده سخن نگاه نکن به سخن او توجه کن.

۲۵۲۷. نسبت به دوست و دشمن عادل باش. و در [حال] فقر و ثروت میانه روی کن.

۲۵۲۸. کم حرف باش گرچه می توانی سخن بگوئی، چون کم حرفی زینت عالم و حجاب نادان است.

۲۵۲۹. با جسم [بدن] خود در دنیا باش و با قلب و عمل در آخرت [چنان بیندیش و عمل کن که گویا در آخرت هستی].

۲۵۳۰. [اگر] گناه کردی نا امید مباش. چه بسا گناه کاری که عاقبت به خیر می شود. و چه بسا کسی که عمل نیکو دارد ولی در آخر عمر عملش را فاسد می کند. و به دوزخ می رود.

۲۵۳۱. یاور مظلوم و دشمن ظالم باش.

۲۵۳۲. ترس [از خداوند] داشته باشید، که قلب شما را آرامش دهد. و خشیتی داشته باشید، که اشکهای شما را جاری کند.

۲۵۳۳. از امامان خود اطاعت کنید. چون در دنیا شاهد شما هستند. و در آخرت نزد خدا، شما را شفاعت می کنند.

۲۵۳۴. زیرک کسی است که خود را بشناسد. و اعمالش را خالص [برای خدا] کند.

٢٥٣٥. لا خَيْرَ فِي الدُّنْيَا إِلَّا لِأَحَدٍ رَجُلَيْنِ: رَجُلٌ أَذْنَبَ ذُنُوبًا فَهُوَ يَتَدَارَكُهَا بِالتَّوْبَةِ، وَرَجُلٌ يُجَاهِدُ نَفْسَهُ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ. (١)

٢٥٣٦. لا خَيْرَ فِي السُّكُوتِ عَنِ الْحَقِّ، كَمَا أَنَّهُ لَا خَيْرَ فِي الْقَوْلِ بِالْجَهْلِ. (٢)

٢٥٣٧. عَمَلُ الْجَاهِلِ وَبَالٌ، وَعِلْمُهُ ضَلَالٌ. (٣)

٢٥٣٨. الْمَغْبُوطُ مَنْ سَلِمَ لَهُ دِينُهُ، وَحَسَنَ يَقِينُهُ. (٤)

٢٥٣٩. الْمَغْبُوعُ مَنْ غَبِنَ دِينُهُ، وَالْمَغْبُوطُ مَنْ حَسَنَ يَقِينُهُ. (٥)

٢٥٤٠. الْمَغْبُوعُ مَنْ غَبِنَ نَفْسَهُ، وَالْمَغْبُوطُ مَنْ سَلِمَ لَهُ دِينُهُ. (٦)

٢٥٤١. عَوْدَ لِسَانِكَ لِيَنَّ الْكَلَامَ، وَبَدَلَ السَّلَامِ؛ يَكْثُرُ مُجْبُوكٌ، وَيَقِلُّ مُبْغُضُوكٌ. (٧)

٢٥٤٢. عَيْنُ الْمُحِبِّ عَمِيَّةٌ عَنِ مَعَايِبِ الْمَحْبُوبِ، وَأُذُنُهُ صَمَاءٌ عَنِ قُبْحِ مَسَاوِيهِ. (٨)

٢٥٤٣. الْمُلْكُ بِالذِّينِ يَبْقَى، وَالذِّينُ بِالْمُلْكِ يَقْوَى. (٩)

٢٥٤٤. مُلُوكُ الْجَنَّةِ الْأَتْقِيَاءُ وَالْمُخْلِصُونَ. (١٠)

٢٥٤٥. الْمُلُوكُ حُكَّامٌ عَلَى النَّاسِ، وَالْعُلَمَاءُ حُكَّامٌ عَلَى الْمُلُوكِ. (١١)

٢٥٤٦. مِمَّا تَكْتَسِبُ بِهِ الْمَحَبَّةُ أَنْ تَكُونَ عَالِمًا كَجَاهِلٍ، وَوَاعِظًا كَمَوْعِظٍ. (١٢)

٢٥٤٧. لَا عَمَلَ إِلَّا بِتَيْبَةٍ، وَلَا عِبَادَةَ إِلَّا بِالْيَقِينِ. (١٣)

٢٥٤٨. (يَا كَمِيلُ)، لَا غَزْوَ إِلَّا مَعَ إِمَامٍ عَادِلٍ، وَلَا نَفْلَ (١٤) إِلَّا مِنْ إِمَامٍ فَاضِلٍ. (١٥)

ص: ٤٠٤

١- (١). مكارم الأخلاق، ص ٣١٤؛ تصنيف غررالحكم، ص ١٩٤، ح ٣٧٨٧.

٢- (٢). عيون الحكم والمواعظ، ص ٥٤٢؛ تصنيف غررالحكم، ص ٧٠، ح ٩٩١.

٣- (٣). عيون الحكم والمواعظ، ص ٣٤٢؛ تصنيف غررالحكم، ص ٧٤، ح ١١٢٧.

٤- (٤). تحف العقول، ص ٢٠٧؛ جواهر المطالب في مناقب الإمام علي عليه السلام، ج ١، ص ٣٢٩.

٥- (٥). تحف العقول، ص ١٥١؛ جواهر المطالب في مناقب الإمام علي عليه السلام، ج ١، ص ٣٢٩.

٦- (٦). نهج البلاغة، ج ١، ص ١٥٠؛ شرح نهج البلاغة، ج ٦، ص ٣٥٣.

٧- (٧). عيون الحكم والمواعظ، ص ٣٤٠؛ تصنيف غررالحكم، ص ٤٣٥، ح ٩٩٤٦.

- ٨- (٨) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٨١، ح ١١٠٦١
- ٩- (٩) . كنزالفوائد، ص ١٩٦؛ شرح نهج البلاغ، ج ٢٠، ص ٣٢٨، ح ٧٥٩.
- ١٠- (١٠) . عيون الحكم والمواعظ، ص ٤٨٧؛ تصنيف غررالحكم، ص ١٩٨، ح ٣٩١٠.
- ١١- (١١) . [الأمالى للطوسى، ص ٥٦؛] شرح نهج البلاغ، ج ٢٠، ص ٣٠٤، ح ٤٨٤.
- ١٢- (١٢) . شرح نهج البلاغ، ج ٢٠، ص ٣٣٠، ح ٧٨٨.
- ١٣- (١٣) . معدن الجواهر، ص ٣٩؛ كنزالعمال، ج ١، ص ٢١٧، ح ١٠٨٣، مع اختلافٍ يسير.
- ١٤- (١٤) . النَّفْلُ: الْغَنِيمَةُ وَالْهَيْبَةُ (لسان العرب: نفل).
- ١٥- (١٥) . تحف العقول، ص ١٧٥.

۲۵۳۵. در دنیا خیر نیست مگر برای دو نفر: [اول] کسی که گناهی کرده و با توبه آن را جبران می نماید [دوم] کسی که در راه اطاعت خداوند سبحان با نفس خود مبارزه می کند [و آن را وادار به اطاعت خدا می کند].
۲۵۳۶. در مورد حق سکوت کردن، خیر ندارد. همانطور که در سخن از روی نادانی خیری نیست.
۲۵۳۷. رفتار نادان، گناه و دانش او، گمراهی است.
۲۵۳۸. به کسی که دین سالم و یقین نیکو دارد غبطه می خورند.
۲۵۳۹. کسی که دینش فاسد شود زیانکار، و کسی که یقین نیکو دارد مورد غبطه است.
۲۵۴۰. کسی که نفس خود را بیازد [و نتواند آن را اصلاح کند] زیانکار است. و کسی که دین سالم دارد مورد غبطه است.
۲۵۴۱. زبان خود را به کلام نرم و سلام کردن عادت دهید تا دوستان زیاد و دشمنان کم شود.
۲۵۴۲. چشم عاشق عیبهای محبوب را نمی بیند. و گوش او بدیهای او را نمی شنود.
۲۵۴۳. حکومت یا سلطنت با دین داری باقی می ماند. و دین با حکومت یا سلطنت تقویت می شود.
۲۵۴۴. فرمانروایان بهشت، مردم باتقوا و مخلص هستند.
۲۵۴۵. پادشاهان، بر مردم حکومت می کنند. و علماء بر پادشاهان.
۲۵۴۶. برای جلب محبت دیگران، گرچه عالم هستی مثل دیگران باش. در حال موعظه کردن مثل موعظه شوندگان باش.
۲۵۴۷. عمل با نیت و عبادت با یقین کامل می گردد.
۲۵۴۸. [ای کمیل] جنگ واجب نیست مگر در رکاب پیشوایان عادل. و بخشش گرفته نمی شود مگر از دست امام صاحب فضیلت [معصوم].

٢٥٤٩. مَنْ أَثْرَى (١) كَثُرَ عَلَى أَهْلِهِ ، وَمَنْ أَمْلَقَ هَانَ عَلَى وَلَدِهِ (٢).

٢٥٥٠. لَا نَذَرَ فِي مَعْصِيَةٍ ، وَلَا يَمِينَ فِي قَطِيعَةٍ (٣).

٢٥٥١. لَا نِعْمَةَ فِي الدُّنْيَا أَعْظَمَ مِنْ طَوْلِ الْعُمُرِ ، وَصِحِّهِ الْجَسَدِ (٤).

٢٥٥٢. لَا نِفَادَ لِفَائِدِهِ إِذَا شُكِرَتْ ، وَلَا بَقَاءَ لِنِعْمِهِ إِذَا كُفِّرَتْ (٥).

٢٥٥٣. مَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ ، وَمَنْ شَاوَرَ الرِّجَالَ شَارَكَهَا فِي عُقُولِهَا (٦).

٢٥٥٤. لَا يُخَدِّعُ اللَّهُ عَن جَنَّتِهِ ، وَلَا تُنَالُ مَرْضَاتُهُ إِلَّا بِطَاعَتِهِ (٧).

٢٥٥٥. لَا يَسْعُدُ أَحَدٌ إِلَّا بِإِقَامَةِ حُدُودِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ ، وَلَا يَشْقَى أَحَدٌ إِلَّا بِإِضَاعَتِهَا (٨).

٢٥٥٦. لَا يُعَابُ الرَّجُلُ بِأَخْذِ حَقِّهِ ؛ وَإِنَّمَا يُعَابُ بِأَخْذِ مَا لَيْسَ لَهُ (٩).

٢٥٥٧. لَا يَعْرِفُ قَدْرَ مَا بَقِيَ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا النَّبِيُّ أَوْ صَدِيقُهُ (١٠).

٢٥٥٨. مَنْ اقْتَصَرَ فِي أَكْلِهِ كَثُرَتْ صِحَّتُهُ ، وَصَلَحَتْ فِكْرَتُهُ (١١).

٢٥٥٩. لَا يُؤْنَسَنَّكَ إِلَّا الْحَقُّ ، وَلَا يُوحِشَنَّكَ إِلَّا الْبَاطِلُ (١٢).

٢٥٦٠. لِتَكُنْ دَارَكَ أَوَّلَ مَا يُبْتِاعُ ، وَآخِرَ مَا يُبَاعُ (١٣).

٢٥٦١. اللَّجَاجُ يُنْتِجُ الحُرُوبَ ، وَيُوغِرُ (١٤) القُلُوبَ (١٥).

٢٥٦٢. لِحُبِّ الدُّنْيَا صُمَّتِ الْأَسْمَاعُ عَن سَمَاعِ الحِكْمَةِ ، وَعَمِيَّتِ القُلُوبُ عَن نُورِ البَصِيرَةِ (١٦).

٢٥٦٣. مَنْ بَالَعَ فِي الخِصَامِ أَثْمًا ، وَمَنْ قَصَرَ عَنْهُ خِصَمٌ (١٧).

ص: ٤٠٦

١- (١) . أَثْرَى: كَثُرَ مَالُهُ (أقرب الموارد: ثرى).

٢- (٢) . شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٣٠٨، ح ٥٢٩.

٣- (٣) . الكافي، ج ٥، ص ٤٤٣؛ شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٢٦٣، ح ٧٨.

٤- (٤) . شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٣٤١، ح ٩٠٥.

٥- (٥) . الارشاد، ج ١، ص ٣٠٠.

٦- (٦) . نهج البلاغة، ج ٤، ص ٤١، ح ١٦١؛ شرح نهج البلاغة، ج ١٨، ص ٣٨٢، ح ١٦٣.

- ٧-٧) . نهج البلاغ، ج ٢، ص ١٢، ح ١٢٩؛ شرح نهج البلاغ، ج ٨، ص ٢٤٤.
- ٨-٨) . تصنيف غررالحكم، ص ١٦٧، ح ٣٢٩٤
- ٩-٩) . عيون الحكم والمواعظ، ص ٥٤٢؛ تصنيف غررالحكم، ص ٦٧، ح ٩٤٢.
- ١٠-١٠) . عيون الحكم والمواعظ، ص ٥٤٠؛ تصنيف غررالحكم، ص ١٥٩، ح ٣٠٢٠.
- ١١-١١) . تصنيف غررالحكم، ص ٣٠، ح ٧٤٠٤.
- ١٢-١٢) . تصنيف غررالحكم، ص ٦٨، ح ٩٥٥؛ نهج البلاغ، ج ٢، ص ١٣، ح ١٣١.
- ١٣-١٣) . شرح نهج البلاغ، ج ٢٠، ص ٣١٢، ح ٥٨٤.
- ١٤-١٤) . وَغَرَّ عَلَيْهِ صَدْرُهُ: تَوَقَّدَ عَلَيْهِ مِنَ الْغَيْظِ (أقرب الموارد: وغر).
- ١٥-١٥) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٦٤، ح ١٠٦٥٦؛ عيون الحكم والمواعظ، ص ٥٢.
- ١٦-١٦) . تصنيف غررالحكم، ص ١٤٢، ح ٢٥٢٣؛ عيون الحكم والمواعظ، ص ٤٠٤.
- ١٧-١٧) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٦١، ح ١٠٥٧٤.

۲۵۴۹. کسی که مالش زیاد باشد در نزد اهل خود گرامی است. و کسی که مال نداشته باشد در نزد فرزند خودش هم خوار است.

۲۵۵۰. نذر برای گناه کردن، صحیح نیست و در قطع رحم کردن قسم خوردن ارزش ندارد.

۲۵۵۱. در دنیا هیچ نعمتی بزرگتر از عمر طولانی و سلامتی بدن نیست.

۲۵۵۲. نعمتی را که شکر کنی نابودی ندارد. و نعمتی که ناسپاسی کنی باقی نمی ماند.

۲۵۵۳. کسی که استبداد رأی داشته باشد هلاک می شود. و کسی که با مردم مشورت کند در عقل آنها شریک است.

۲۵۵۴. بهشت خدا با خدعه حاصل نمی شود. و رضایت خداوند بدون طاعت او بدست نمی آید.

۲۵۵۵. کسی سعادت مند نمی شود مگر با رعایت کردن حدود خداوند سبحان. و کسی شقاوتمند نمی شود مگر با ضایع کردن آن.

۲۵۵۶. گرفتن حق خود، برای مرد عیب نیست. فقط برداشتن آنچه مال خودش نیست، عیب است.

۲۵۵۷. قدر باقیمانده عمر را کسی جز نبی یا صدیق نمی شناسد.

۲۵۵۸. کسی که کم خوراک باشد، سلامتیش زیاد و فکرش صالح است.

۲۵۵۹. انس برقرار مکن مگر با حق. و جز باطل از چیزی وحشت مکن.

۲۵۶۰. اولین چیزی که می خری و آخرین چیزی که می فروشی خانه ات باشد.

۲۵۶۱. لجاجت جنگ ها را شعله ور و قلبها را کینه دار می کند.

۲۵۶۲. حبّ دنیا، گوشها را از شنیدن حکمت کر و قلبها را از نور بصیرت نابینا می کند.

۲۵۶۳. کسی که در مجادله و جرّ و بحث زیاده روی کند، گناه کرده است و کسی که در حجت آوردن و مجادله کوتاهی کند مغلوب می شود.

٢٥٦٤. اللسانُ معيارُ أَرْجَحَهُ العَقْلُ، وَأَطَاشَهُ (١) الجَهْلُ. (٢)

٢٥٦٥. لِطَالِبِ العِلْمِ عِزُّ الدُّنْيَا وَفَوْزُ الأُخْرَى. (٣)

٢٥٦٦. لَعَنَ اللهُ الأَمْرِينَ بِالمَعْرُوفِ التَّارِكِينَ لَهُ، وَالنَّاهِينَ عَنِ المُنْكَرِ العَامِلِينَ بِهِ. (٤)

٢٥٦٧. مَنْ بَصَّرَكَ عَيْبَكَ (وَحَفِظَكَ فِي غَيْبِكَ)، فَهُوَ الصَّدِيقُ فَاحْفَظْهُ. (٥)

٢٥٦٨. لَقَدْ أَتَعَبَكَ مَنْ أَكْرَمَكَ إِنْ كُنْتَ كَرِيمًا، وَلَقَدْ أَرَاكَ مَنْ أَهَانَكَ إِنْ كُنْتَ حَلِيمًا. (٦)

٢٥٦٩. مَنْ تَفَقَّهَ وَفَرَّ، وَمَنْ تَكَبَّرَ حُقِّرَ. (٧)

٢٥٧٠. لِكُلِّ غَمٍّ فَرَحٌ، وَلِكُلِّ دَاءٍ دَوَاءٌ.

٢٥٧١. لِلإِنْسَانِ فَضِيلَتَانِ: عَقْلٌ، وَمَنْطِقٌ؛ فَبِالعَقْلِ يَسْتَفِيدُ، وَبِالْمَنْطِقِ يُفِيدُ. (٨)

٢٥٧٢. مَنْ تَهَاوَنَ بِالدِّينِ هَانَ، وَمَنْ غَالَبَ الحَقَّ لَانَ. (٩)

٢٥٧٣. لَمْ يَتْرِكِ اللهُ سُبْحَانَهُ خَلْقَهُ مُغْفَلًا، وَلَا أَمْرَهُمْ مُهْمَلًا. (١٠)

٢٥٧٤. لَمْ يُخَلِّ اللهُ سُبْحَانَهُ عِبَادَةً مِنْ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ، أَوْ كِتَابٍ مُنَزَّلٍ. (١١)

٢٥٧٥. لَمْ يُصِفِ اللهُ سُبْحَانَهُ الدُّنْيَا لِأَوْلِيَائِهِ، وَلَمْ يَضِنَّ (١٢) بِهَا عَلَى أَعْدَائِهِ. (١٣)

٢٥٧٦. لَمْ يُؤَفِّقْ مَنْ بَخَلَ عَلَى نَفْسِهِ بِخَيْرِهِ، وَخَلَّفَ مَالَهُ لِغَيْرِهِ. (١٤)

٢٥٧٧. لِمِثْلِ أَهْلِ الإِعْتِبَارِ يُضْرَبُ الأَمْثَالُ، وَلِمِثْلِ أَهْلِ الفَهْمِ تُصَرَّفُ الأَقْوَالُ. (١٥)

ص: ٤٠٨

١- (١). الطَّيْشُ: خِفَّةُ العَقْلِ (لسان العرب: طيش).

٢- (٢). تصنيف غررالحكم، ص ٢١١، ح ٤٠٧٥؛ عيون الحكم والمواعظ، ص ٥٩.

٣- (٣). تصنيف غررالحكم، ص ٤٣، ح ٩٠.

٤- (٤). نهج البلاغه، ج ٢، ص ١٢، ح ١٢٩؛ شرح نهج البلاغه، ج ٨، ص ٢٤٥.

٥- (٥). تصنيف غررالحكم، ص ٤١٥، ح ٩٤٧٥؛ عيون الحكم والمواعظ، ص ٤٦٢.

٦- (٦). تصنيف غررالحكم، ص ٣٨٥، ح ٨٧٨٩؛ عيون الحكم والمواعظ، ص ٤٠٥.

٧- (٧). الكافي، ج ٨، ص ٢٠.

- ٨- (٨) . عيون الحكم والمواعظ، ص ٤٠٣؛ تصنيف غررالحكم، ص ٥٠، ح ٣٣٠.
- ٩- (٩) . عيون الحكم والمواعظ، ص ٤٢٦؛ تصنيف غررالحكم، ص ٦٨، ح ٩٣٩.
- ١٠- (١٠) . عيون الحكم والمواعظ، ص ٤١٣؛ تصنيف غررالحكم، ص ٨٣، ح ١٣٢١.
- ١١- (١١) . عيون الحكم والمواعظ، ص ٤١٤؛ تصنيف غررالحكم، ص ٩٤، ح ١٩٣٨.
- ١٢- (١٢) . ضَنَّ بِهِ: يَخْلَ (أقرب الموارد: ضنن).
- ١٣- (١٣) . عيون الحكم والمواعظ، ص ٤١٣؛ تصنيف غررالحكم، ص ٩٩، ح ١٧١٢.
- ١٤- (١٤) . محاسبه النفس، للكفعمي، ص ٧٧؛ تصنيف غررالحكم، ص ٢٩٢، ح ٦٥٢٢.
- ١٥- (١٥) . عيون الحكم والمواعظ، ص ٤٢٠؛ تصنيف غررالحكم،

۲۵۶۴. زبان [کفه] ترازویی است که عقل آن را سنگین می کند و جهل آن را سبک می کند.

۲۵۶۵. عزت دنیا و رستگاری آخرت، برای طالب علم است.

۲۵۶۶. لعنت خداوند بر کسانی که امر به معروف و نهی از منکر کنند. ولی خود عمل نکنند.

۲۵۶۷. کسی که تو را بر عیب تو آگاه کند [و در نبودت تو را حفظ کند]، دوست واقعی است. او را حفظ کن.

۲۵۶۸. اگر کریم باشی، کسی که به تو اکرام کند، تو را به سختی انداخته است. اگر بردبار باشی کسی که به تو اهانت کند، تو را آسوده کرده است.

۲۵۶۹. کسی که فقیه شود، گرامی داشته می شود. و کسی که تکبر ورزد، تحقیر می شود.

۲۵۷۰. هر غصه ای شادی دارد. و هر دردی دارو دارد.

۲۵۷۱. انسان دو فضیلت دارد: عقل و سخن، با عقل بهره می برد. و با سخن فائده می دهد.

۲۵۷۲. کسی که در دین سستی کند، پست شود. و کسی که با حق مبارزه کند، تسلیم شود.

۲۵۷۳. خداوند سبحان، از حق خود غافل نمی شود و کار آنان را بی حاصل، رها نمی کند.

۲۵۷۴. خداوند سبحان، بندگان خود را بدون نبی یا کتاب نمی گذارد.

۲۵۷۵. خداوند سبحان، دنیا را برای اولیاء خود گوارا نکرده است، و برای دشمنان بخل نورزیده است. [دنیا را در اختیار دشمنانش قرار داده است].

۲۵۷۶. کسی که از خیرش برای خودش بخل ورزد. و مالش را برای دیگران باقی گذارد، موفق نمی شود.

۲۵۷۷. ضرب المثل برای عبرت گیرندگان است. و بررسی آراء برای اهل فهم است.

٢٥٧٨. مَنْ حَسُنَ خُلُقُهُ كَثُرَ مُجِيبُوهُ، وَأَنْسَتِ النَّفُوسُ بِهِ. (١)

٢٥٧٩. لَوْ أَنَّ الْبَاطِلَ خَلَصَ مِنْ مِزَاجِ الْحَقِّ لَمْ يَخْفَ عَلَى الْمُرتَادِينَ، وَلَوْ أَنَّ الْحَقَّ خَلَصَ مِنْ لُبِّ الْبَاطِلِ انْقَطَعَتْ عَنْهُ الشُّيُنُ الْمُعَانِدِينَ. (٢)

٢٥٨٠. لَوْ رَخَّصَ اللَّهُ شُبْحَانَهُ فِي الْكِبْرِ لِأَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ لَرَخَّصَ فِيهِ لِأَنْبِيَائِهِ، لَكِنَّهُ كَرِهَ إِلَيْهِمُ التَّكْبِيرَ، وَرَضِيَ لَهُمُ التَّوَاضُعَ. (٣)

٢٥٨١. مَنْ رَأَى أَنَّهُ مُسِيءٌ فَهُوَ مُحْسِنٌ، وَمَنْ رَأَى أَنَّهُ مُحْسِنٌ فَهُوَ مُسِيءٌ. (٤)

٢٥٨٢. لَيْتَ شِعْرِي أَى شَيْءٍ أَدْرَكَ مِنْ فَاتِهِ الْعِلْمُ؟! بَلِ أَى شَيْءٍ فَاتَ مَنْ أَدْرَكَ الْعِلْمَ؟! (٥)

٢٥٨٣. لَيْسَ الْخَيْرُ أَنْ يَكْثُرَ مَالُكَ وَوَلَدُكَ، إِنَّمَا الْخَيْرُ أَنْ يَكْثُرَ عِلْمُكَ وَيَعْظَمَ حِلْمُكَ. (٦)

٢٥٨٤. لَيْسَ فِي شَرْبِ الْمُسْكَرِ وَالْمَسْحِ عَلَى الْخُنْفَيْنِ تَقِيَّةٌ. (٧)

٢٥٨٥. لَيْسَ كُلُّ مَكْتُومٍ يَسُوعُ إِظْهَارُهُ لَكَ، وَلَا كُلُّ مَعْلُومٍ يَجُوزُ أَنْ تُعَلِّمَهُ غَيْرَكَ. (٨)

٢٥٨٦. لَيْسَ كُلُّ مَنْ طَلَبَ وَجَدَ، وَلَا كُلُّ مَنْ تَوَقَّى نَجَا. (٩)

٢٥٨٧. لَيْسَ لِأَحَدٍ بَعْدَ الْقُرْآنِ مِنْ فَاقِهِ، وَلَا لِأَحَدٍ قَبْلَ الْقُرْآنِ غِنَى. (١٠)

٢٥٨٨. لَيْسَتْ تَصْلُحُ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِصَلَاحِ الْوَلَاةِ، وَلَا تَصْلُحُ الْوَلَاةُ إِلَّا بِاسْتِقَامَةِ الرَّعِيَّةِ. (١١)

٢٥٨٩. لَيْكُنْ آثَرُ النَّاسِ [عِنْدَكَ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكَ عَيْبَكَ، وَأَعَانَكَ عَلَى نَفْسِكَ]. (١٢)

٢٥٩٠. مَنْ طَابَقَ سِرُّهُ عِلَاقَتَهُ، وَوَافَقَ فِعْلُهُ مَقَالَتَهُ، فَهُوَ الَّذِي أَدَّى الْأَمَانَةَ وَتَحَقَّقَتْ عِدَالَتُهُ. (١٣)

٢٥٩١. مَنْ طَالَ صَمْتُهُ اجْتَلَبَ مِنَ الْهَيْبَةِ مَا يَنْفَعُهُ، وَمِنْ الْوَحْشَةِ مَا لَا يَضُرُّهُ. (١٤)

٢٥٩٢. مَنْ عَفَّ حَفَّ وَزُرُهُ، وَعَظُمَ عِنْدَ اللَّهِ قَدْرُهُ. (١٥)

ص: ٤١٠

١- (١). تصنيف غررالحكم، ص ٢٥٥، ح ٥٣٧٥.

٢- (٢). الكافي، ج ٨، ص ٥٨، ح ٢١، مضمون.

٣- (٣). نهج البلاغة، ج ٢، ص ١٤٣، ح ١٩٢؛ تصنيف غررالحكم، ص ٣١٠، ح ٧١٣٣.

٤- (٤). شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٣١٧، ح ٦٤١.

٥- (٥). شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٢٨٩، ح ٢٩٩.

- ٦-٦) . نهج البلاغ، ج ٤، ص ٢١، ح ٩٤؛ شرح نهج البلاغ، ج ١٨، ص ٢١، ح ٩١.
- ٧-٧) . الخصال، ص ٦١٤، ح ١٠.
- ٨-٨) . شرح نهج البلاغ، ج ٢٠، ص ٣٣٦، ح ٨٥٩.
- ٩-٩) . تحف العقول، ص ٨٤؛ كنز العمال، ج ١٦، ص ١٨١.
- ١٠-١٠) . نهج البلاغ، ج ٢، ص ٩١، ح ١٧٥؛ شرح نهج البلاغ، ج ١٠، ص ١٨، ح ١٧٧.
- ١١-١١) . الكافي، ج ٨، ص ٣٥٣، ح ٥٥٠؛ شرح نهج البلاغ، ج ١١، ص ٩١، ح ٢٠٩.
- ١٢-١٢) . تصنيف غررالحكم، ص ٤١٥، ح ٩٤٦٩.
- ١٣-١٣) . عيون الحكم والمواعظ، ص ٤٤٠؛ تصنيف غررالحكم، ص ٢١١، ح ٤٠٦٩.
- ١٤-١٤) . شرح نهج البلاغ، ج ٢٠، ص ٣٠٨، ح ٥٣٣.
- ١٥-١٥) . عيون الحكم والمواعظ، ص ٤٥٩؛ تصنيف غررالحكم، ص ٢٥٦، ح ٥٤٢٦.

۲۵۷۸. کسی که اخلاقش را نیکو سازد، دوستدارانش زیاد می شوند. و مردم به او انس می گیرند.

۲۵۷۹. اگر باطل با حق آمیخته نمی شد، برای شکاکان پوشیده نمی ماند. و اگر حق از باطل خالص می شد، زبان دشمنان از گفتن حق باز می ماند [نمی توانستند از حق سوء استفاده کنند].

۲۵۸۰. اگر خداوند سبحان برای کسی تکبر را مجاز می دانست پیامبران مجاز بودند. اما خداوند برای آنان تکبر را نپسندید. و برای آنان تواضع را پسندید.

۲۵۸۱. کسی که خود را خطا کار بداند، نیکو کار است. و کسی که خود را نیکو کار بداند، خطا کار است.

۲۵۸۲. کاش می دانستم کسی که علم را از دست داده چه چیزی بدست آورده است؟ و کسی که تحصیل علم کرده چه چیزی از دست داده است؟

۲۵۸۳. خیر در فراوانی مال و فرزند تو نیست. بلکه خیر در فراوانی علم و زیادی بردباری توست.

۲۵۸۴. در دو چیز تقیه نیست: نوشیدن خمر و مسح کردن از روی کفش.

۲۵۸۵. آشکار کردن هر چیز پنهان و یاد دادن هر علمی به دیگران جایز نیست.

۲۵۸۶. هر جوینده ای یابنده نیست. و هر خودداری کننده ای نجات نمی یابد.

۲۵۸۷. هیچ کس بعد از [انس با] قرآن کمبود ندارد و هیچ کس غیر از قرآن سرمایه ندارد.

۲۵۸۸. مردم اصلاح نمی شوند مگر با اصلاح شدن فرمانروایان. و فرمانروایان اصلاح نمی شوند مگر با مقاومت مردم.

۲۵۸۹. بهترین مردم نزد تو کسی باشد که: عیب ترا به تو هدیه کند. و تو را بر غلبه بر هوای نفس یاری کند.

۲۵۹۰. کسی که در ظاهر و باطن یکسان باشد و گفتار و رفتارش منطبق باشد، امانت را ادا کرده است. و عدالت را تحقق بخشیده است.

۲۵۹۱. کسی که سکوتش طولانی باشد: از هیبت برخوردار می شود. و وحشت به او ضرر نمی رساند.

۲۵۹۲. کسی که عفت داشته باشد، گناهش کم است. و مقامش نزد خدا والاست.

٢٥٩٣. مَنْ قَدَّرَ رِزْقَهُ اللَّهُ، وَمَنْ بَدَّرَ حَرَمَهُ اللَّهُ. (١)

٢٥٩٤. مَنْ لَزِمَ الْمَشَاوِرَةَ لَمْ يُعَدِّمْ عِنْدَ الصَّوَابِ مَادِحًا، وَعِنْدَ الْخَطَا عَازِرًا. (٢)

٢٥٩٥. مَنْ لَمْ يَخْتَلِفْ سِرُّهُ وَعَلَانِيَتُهُ وَفِعْلُهُ وَمَقَالَتُهُ، فَقَدْ أَدَّى الْأَمَانَةَ، وَأَخْلَصَ الْعِبَادَةَ. (٣)

٢٥٩٦. مِنْ أَحَبَّ السُّبُلِ إِلَى اللَّهِ جُرْعَتَانِ: جُرْعَةُ غَيْظٍ تُرَدُّهَا بِحِلْمٍ، وَجُرْعَةُ حُزْنٍ تُرَدُّهَا بِصَبْرٍ. (٤)

٢٥٩٧. مِنْ أَحَبَّ السُّبُلِ إِلَى اللَّهِ خُطْوَتَانِ: خُطْوَةُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ يَشُدُّ بِهَا صَفًّا فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَخُطْوَةُ فِي صِلَةِ الرَّحِمِ، وَهِيَ أَفْضَلُ مِنْ خُطْوَةٍ يَشُدُّ بِهَا صَفًّا فِي سَبِيلِ اللَّهِ. (٥)

٢٥٩٨. مِنْ أَحَبَّ السُّبُلِ إِلَى اللَّهِ قَطْرَتَانِ: قَطْرَةُ دُمُوعٍ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ، وَقَطْرَةُ دَمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. (٦)

٢٥٩٩. مِنَ الْإِيمَانِ مَا يَكُونُ ثَابِتًا مُسْتَقِيمًا فِي الْقُلُوبِ، وَمِنْهُ مَا يَكُونُ عَوَارِيًّا بَيْنَ الْقُلُوبِ وَالصُّدُورِ [إِلَى أَجْلِ مَعْلُومٍ]. (٧)

٢٦٠٠. مِنَ الْخُرْقِ الْعَجَلَةُ قَبْلَ الْإِمْكَانِ، وَالْأَنَاءُ بَعْدَ إِصَابِهِ الْفُرْصَةِ. (٨)

٢٦٠١. مِنَ الْمَفْرُوضِ عَلَى كُلِّ عَالِمٍ أَنْ يَصُونَ بِالْوَرَعِ جَانِبَهُ، وَأَنْ يَبْدُلَ عِلْمَهُ لِطَالِبِهِ. (٩)

٢٦٠٢. مِنَ تَوْفِيقِ الرَّجُلِ وَضْعُ مَعْرُوفِهِ عِنْدَ مَنْ لَا يَكْفُرُهُ، وَسِرُّهُ عِنْدَ مَنْ يَسْتُرُهُ. (١٠)

٢٦٠٣. مِنْ شَرَفِ هَذِهِ الْكَلِمَةِ؛ وَهِيَ الْحَمْدُ لِلَّهِ: أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَهَا فَاتِحَةَ كِتَابِهِ، وَجَعَلَهَا خَاتِمَةَ دَعْوَى أَهْلِ جَنَّتِهِ، فَقَالَ: «وَأَخِرُّ دَعْوَلَهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». (١١)

٢٦٠٤. الْمَوْتُ أَلْزَمُ لَكُمْ مِنْ ظِلِّكُمْ، وَأَمْلَكُ بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ. (١٢)

٢٦٠٥. الْمُؤْمِنُ إِذَا سُئِلَ أَسْعَفَ (١٣)، وَإِذَا سَأَلَ خَفَّفَ. (١٤)

٢٦٠٦. الْمُؤْمِنُ صَدُوقُ اللِّسَانِ، بَدُولُ الْإِحْسَانِ. (١٥)

ص: ٤١٢

١- (١). تحف العقول، ص ٢٢١؛ مسند الشهاب، ج ١، ص ٢٢١، ح ٣٣٦.

٢- (٢). عيون الحكم والمواعظ، ص ٤٣٣؛ تصنيف غرر الحكم، ص ٤٤٢، ح ١٠٠٦٤.

٣- (٣). نهج البلاغ، ج ٣، ص ٢٦، ح ٢٦؛ شرح نهج البلاغ، ج ١٥، ص ١٥٨، ح ٢٦.

٤- (٤). تحف العقول، ص ٢١٩.

٥- (٥). تحف العقول، ص ٢١٩.

- ٦- (٦) . تحف العقول، ص ٢١٩.
- ٧- (٧) . نهج البلاغه، ج ٢، ص ١٢٨، ح ١٨٩؛ ينابيع الموده، ج ٣، ص ٤٥٢، ح ١٠.
- ٨- (٨) . عيون الحكم والمواعظ، ص ٤٧٢؛ تصنيف غررالحكم، ص ٢٦٦، ح ٥٧٧٢.
- ٩- (٩) . تصنيف غررالحكم، ص ٤٤، ح ١٣٧.
- ١٠- (١٠) . عيون الحكم والمواعظ، ص ٤٧٠.
- ١١- (١١) . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٣٤٧، ح ٩٨٢.
- ١٢- (١٢) . تصنيف غررالحكم، ص ١٦٣، ح ٣١٦١.
- ١٣- (١٣) . أسعفه على الأمر: أعانه (لسان العرب: سعف).
- ١٤- (١٤) . عيون الحكم والمواعظ، ص ٢٢؛ تصنيف غررالحكم، ص ٩٠، ح ١٥٢٩.
- ١٥- (١٥) . عيون الحكم والمواعظ، ص ٤٩؛ تصنيف غررالحكم، ص ٨٩، ح ١٥٢١.

۲۵۹۳. کسی که به اندازه مصرف کند، خداوند روزیش را می‌رساند. و کسی که اسراف کند، خداوند او را محروم می‌کند.
۲۵۹۴. کسی که مشورت می‌کند: وقتی درست عمل کند، ستایش می‌شود. و هنگام خطا، عذر دارد.
۲۵۹۵. کسی که ظاهر و باطنش و گفتار و رفتارش فرق نداشته باشد: امانت را ادا کرده است. و عبادتش خالص است.
۲۵۹۶. از محبوب‌ترین راه‌ها [کارها] نزد خداوند دو جرعه است: جرعه غضب با بردباری و جرعه اندوه که با صبر برطرف می‌کند.
۲۵۹۷. از محبوب‌ترین راه‌ها [کارها] نزد خداوند دو قدم است: قدم مرد مسلمانی که با آن در راه خدا تقویت می‌شود. و قدمی در راه صله رحم، که این قدم از اولی برتر است.
۲۵۹۸. از محبوب‌ترین راه‌ها [کارها] نزد خداوند دو قطره است: قطره اشک در دل شب. و قطره خون در راه خدا.
۲۵۹۹. نوعی از ایمان در قلب ثابت است. و نوعی از ایمان در قلب و سینه عاریه است. [تا اجل فرا رسد]
۲۶۰۰. [دو چیز] از نادانی و حماقت است: عجله کردن قبل از امکان، درنگ در هنگام فرصت.
۲۶۰۱. بر هر عالمی دو چیز واجب است: پرهیزکار باشد، و علمش را به مشتاقان بیاموزد.
۲۶۰۲. موفقیت انسان در [دو چیز است]: به کسی عطا کند که ناسپاس نباشد. و سرش را به کسی بگوید که راز دار باشد.
۲۶۰۳. شرف کلمه الحمدلله، در این است که خداوند قرآن را با آن شروع کرده است. و آن را آخرین سخن اهل بهشت قرار داده است. و فرموده است: «آخرین کلام اهل بهشت این است الحمدلله رب العالمین».
۲۶۰۴. مرگ از سایه به شما نزدیکتر است. و از خودتان به شما مسلطتر است.
۲۶۰۵. مؤمن، اگر از او درخواست کنند، [زود] کمک می‌کند. و اگر خودش در خواست کند، تخفیف می‌دهد.
۲۶۰۶. مؤمن [دو علامت دارد] بسیار راستگو و بسیار احسان کننده است.

٢٦٠٧. الْمُؤْمِنُ عَفِيفٌ، مُقْتَبِعٌ، مُتَنَزَّهٌ، مُتَوَرِّعٌ. (١)

٢٦٠٨. الْمُؤْمِنُ قَلِيلُ الرَّزْلِ، كَثِيرُ الْعَمَلِ. (٢)

٢٦٠٩. الْمُؤْمِنُ نَفْسُهُ أَصْلَبُ مِنَ الصَّلْدِ، وَهُوَ أَذَلُّ مِنَ الْعَبْدِ. (٣)

٢٦١٠. الْمُؤْمِنُ نَفْسُهُ مِنْهُ فِي تَعَبٍ، وَالنَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ. (٤)

٢٦١١. مِيزَةُ الرَّجُلِ عَقْلُهُ، وَجَمَالُهُ مُرُوءَتُهُ. (٥)

٢٦١٢. قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَصِيحَمُ (٦) ظَهَرِي رَجُلَانِ: عَالِمٌ مُتَهْتِكٌ وَجَاهِلٌ مُتَنَسِّكٌ؛ هَذَا يَضُرُّ النَّاسَ بِتَهْتِكِهِ، وَالْآخَرُ يَغُثُّ النَّاسَ بِتَنَسُّكِهِ. (٧)

٢٦١٣. أَقَلُّ النَّاسِ قِيَمَةً أَقَلُّهُمْ عِلْمًا؛ إِذْ قِيَمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يُحْسِنُهُ. (٨)

٢٦١٤. كَفَى فِي الْعِلْمِ شَرَفًا أَنَّهُ يَدَّعِيهِ مَنْ لَا يُحْسِنُهُ وَيَفْرُحُ إِذَا نُسِبَ إِلَيْهِ، وَكَفَى بِالْجَهْلِ ضَعْفًا أَنْ يَتَبَرَّأَ مِنْهُ مَنْ هُوَ فِيهِ وَيَغْضَبُ إِذَا نُسِبَ إِلَيْهِ. وَالنَّاسُ عَالِمٌ أَوْ مُتَعَلِّمٌ، وَسَائِرُهُمْ هَمَجٌ لَا خَيْرَ فِيهِمْ. (٩)

٢٦١٥. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْعَقْلُ عَقْلَانِ: عَقْلُ الطَّبِيعِ، وَعَقْلُ التَّجْرِبَةِ، وَكِلَاهُمَا يُؤَدِّي إِلَى الْمَنْفَعَةِ وَالْوُثُوقِ إِلَى صَاحِبِ الْعَقْلِ وَالَّذِينَ، وَمَنْ فَاتَهُ الْعَقْلُ وَالْمُرُوءَةُ فَرَأْسُ مَالِهِ الْمَعْصِيَةُ. (١٠)

٢٦١٦. وَصَدِيقُ كُلِّ امْرِئٍ عَقْلُهُ؛ وَعَدُوُّهُ جَهْلُهُ. (١١)

٢٦١٧. وَلَيْسَ الْعَاقِلُ مَنْ يَعْرِفُ الْخَيْرَ وَالشَّرَّ، وَلَكِنَّ الْعَاقِلَ مَنْ يَعْرِفُ خَيْرَ الشَّرِّينِ. (١٢)

٢٦١٨. وَمُجَالَسَةُ الْعُقَلَاءِ تَزِيدُ فِي الشَّرْفِ. (١٣)

ص: ٤١٤

١- (١). عيون الحكم والمواعظ، ص ٥٢؛ تصنيف غررالحكم، ص ٨٩ ح ١٥٢٣.

٢- (٢). مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ج ١، ص ٩٨؛ تصنيف غررالحكم، ص ٨٩ ح ١٥١٩.

٣- (٣). نهج البلاغه، ج ٤، ص ٧٩، ح ٣٣٣؛ شرح نهج البلاغه، ج ١٩، ص ٢٤٥، ح ٣٣٩.

٤- (٤). تحف العقول، ص ١١٠.

٥- (٥). عيون الحكم والمواعظ، ص ٤٨٥؛ تصنيف غررالحكم، ص ٥٠، ح ٣٢٤.

٦- (٦). القصم: كسر الشيء الشديد حتى يبين (لسان العرب: ٤٨٥/١٢).

٧- (٧). معدن الجواهر، ص ٢٦؛ شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٢٨٤، ح ٢٤٨.

- ٨- (٨) . يوجد هذا المقطع: «اذ قيمه كل امرئ ما يحسنه» في المصادر الشيعيه: الأمالى للصدوق، ص ٧٣، ح ٤/٤١؛ ينابيع الموده، ج ٢، ص ٤١٦، ح ١٤١.
- ٩- (٩) . منيه المريد، ص ٧٢؛ المجموع، ج ١، ص ١٩.
- ١٠- (١٠) . بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٦، ح ٥٨.
- ١١- (١١) . تحف العقول، ص ٤٤٣؛ شرح نهج البلاغه، ج ١٨، ص ١٨٦، ح ٥٢.
- ١٢- (١٢) . بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٦، ح ٥٨؛ شرح نهج البلاغه، ج ٦، ص ٣٢٢. نُسب هذا الكلام فى مصادر أهل السنّه إلى عمرو بن العاص
- ١٣- (١٣) . بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٦، ح ٥٨.

۲۶۰۷. مؤمن با عفت و قانع و پاکیزه و پرهیزکار است.

۲۶۰۸. مؤمن [دو علامت دارد] کم خطا و پرکار است.

۲۶۰۹. مؤمن [دو علامت دارد] از کوه استوارتر است و از برده ذلیل تر است.

۲۶۱۰. مؤمن [دو نشانه دارد] خودش آرامش ندارد. و مردم از او در آسایش هستند.

۲۶۱۱. برتری مرد به عقل اوست. و جمالش در جوانمردی اوست.

۲۶۱۲. دو کس کمر مرا شکستند: عالم پرده در، و نادان عبات گر. اولی با پرده دری به مردم ضرر می رساند. و دومی با عبادت مردم را فریب می دهد.

۲۶۱۳. کم ارزش ترین مردم، کم دانش ترین آنهاست. چون ارزش هر کس به چیزی است که خوب بلد است.

۲۶۱۴. دو شرف برای علم کافی است: کسی که آن را ندارد ادعای داشتن آن را می کند. و اگر علم را به او نسبت دهند، خوشحال می شود.

دو خفت برای جهل کافی است: کسی که جاهل است از آن تبّری می کند. و اگر جهل را به او [جاهل] نسبت دهند، خشمگین می شود.

مردم دو دسته اند: عالم و طالب علم، بقیه ارزشی ندارند.

۲۶۱۵. عقل دو نوع است: عقل طبیعی و عقل تجربی و هر دو برای صاحب عقل و دین منفعت دارند. و موجب اطمینان می شوند. و کسی که عقل و جوانمردی نداشته باشد، سرمایه اش معصیت است.

۲۶۱۶. دوست هر کس عقل او و دشمن وی جهل او است.

۲۶۱۷. کسی که خیر و شر را بشناسد عاقل نیست. بلکه عاقل کسی است که از بین دو شرّ بهتر را بشناسد. [بد و بدتر را بشناسد].

۲۶۱۸. همنشینی با عاقلان، شرافت را زیاد می کند.

٢٦١٩. وَالْعَقْلُ الْكَامِلُ قَاهِرٌ لِلطَّعْنِ فِي السُّوءِ. (١)

٢٦٢٠. وَعَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يُحَصِّصَ عَلَى نَفْسِهِ مَسَاوِيهَا فِي الدِّينِ وَالرَّأْيِ وَالْأَخْلَاقِ وَالْأَدَبِ وَجَمِيعِ ذَلِكَ فِي صِدْرِهِ أَوْ فِي كِتَابٍ، وَيَعْمَلُ فِي إِزَالَتِهَا. (٢)

٢٦٢١. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الشَّيْءُ شَيْئَانِ: شَيْءٌ قَصُرَ عَنِّي وَلَمْ ارْزُقْهُ فِيمَا مَضَى وَلَا أَرْجُوهُ فِيمَا بَقِيَ، وَشَيْءٌ لَا أَنَالُهُ دُونَ وَقْتِهِ وَلَوْ اسْتَعْنَتْ عَلَيْهِ بِقُوَّةِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، فَمَا أَعْجَبَ أَمْرَ هَذَا الْإِنْسَانِ أَنْ يَسِيرَ دَرَكًا مَا لَمْ يَكُنْ لِيَفُوتَهُ، وَيَسُوءَهُ فَوْتٌ مَا لَمْ يَكُنْ لِيُدْرِكَهُ! وَلَوْ أَنَّهُ أَبْصَرَ لَعَلِمَ أَنَّهُ مُدَبَّرٌ، وَاقْتَصَرَ عَلَى مَا تَيْسَّرَ وَلَمْ يَتَعَرَّضْ لِمَا تَعَسَّرَ، وَاسْتَرَاحَ قَلْبُهُ مِمَّا اسْتَوْعَرَ، فَبَأَى هَذَا هَذَا عُمْرِي؟! فَكُونُوا أَهْلًا مَا تَكُونُونَ فِي الْبَاطِنِ أَمْوَالًا، أَحْسَنَ مَا تَكُونُونَ فِي الظَّاهِرِ أَحْوَالًا؛ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَدَّبَ عِبَادَهُ الْمُؤْمِنِينَ أَدَبًا حَسَنًا، فَقَالَ جَلَّ مِنْ قَائِلٍ: «يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْلُونَ النَّاسَ إِحْفَافًا». (٣)

ص: ٤١٦

١- (١) . بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٦، ح ٥٨.

٢- (٢) . بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٦، ح ٥٨.

٣- (٣) . تحف العقول، ص ٢١٢.

۲۶۱۹. عقل کامل، بر طبیعت گرایش به بدی غلبه می کند.

۲۶۲۰. بر عاقل لازم است که زشتیهای خود را در دین و اندیشه و اخلاق و ادب حساب کند. و آن را در سینه اش یا نوشته ای جمع کند و در زدودن آنها تلاش نماید.

۲۶۲۱. اشیاء دو دسته اند: چیزی که از من دور است. و در گذشته دسترسی نداشته ام. و در آینده هم امید ندارم. و چیزی که در غیر زمان خود به آن نمی رسم، گر چه تمام نیروهای زمین و آسمانها را بکار گیرم.

کار این انسان عجیب است داشتن چیزی که امکان نداشت به او نرسد او را شاد می کند.

و نداشتن چیزی که امکان نداشت به او برسد او را ناراحت می کند. اگر او بصیرت داشت، می دانست که تدبیر کار او در دست دیگری [خدا] است و به آنچه ممکن است، اکتفا نماید.

و به آنچه غیر ممکن است، نپردازد. و قلب خود را آرام کند که برای کدامیک از این دو عمرم را فنا می کنم؟!

پس مانند کسانی باشید که در واقع مال کمتری دارند. و در ظاهر حال بهتری دارند. چون خداوند تعالی بندگان مؤمن خود را نیک ادب فرمود. و فرموده است: «نادان، آنان را ثروتمند به حساب می آورد. آنها را از چهره می توانی بشناسی که از مردم درخواستی ندارند».

٢٦٢٢. عَنِ الْإِمَامِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: اتَّقُوا اللَّهَ فِي الضَّعِيفِينَ؛ يَعْنِي بِذَلِكَ الْيَتِيمَ وَالنِّسَاءَ. (١)

٢٦٢٣. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ عَالَ ابْنَتَيْنِ أَوْ عَمَّتَيْنِ أَوْ خَالَتَيْنِ حَجَبَتْهُ عَنِ النَّارِ. (٢)

٢٦٢٤. وَعَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصِّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، عَنْ أَبِيهِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: أَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِلَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تَفْرَحَ بِكَثْرَةِ الْمَالِ، وَلَا تَدْعَ ذِكْرِي عَلَى كُلِّ حَالٍ؛ فَإِنَّ كَثْرَةَ الْمَالِ تُنْسِي الذُّنُوبَ، وَتَرْكَ ذِكْرِي يُقْسِي الْقُلُوبَ. (٣)

٢٦٢٥. وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: تَقْلِيمُ الْأَطْفَارِ وَأَخْذُ الشَّارِبِ مِنْ جُمُعِهِ إِلَى جُمُعِهِ أَمَانٌ مِنَ الْجُذَامِ. (٤)

٢٦٢٦. وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: بَكَى أَبُو ذَرٍّ رَحِمَهُ اللَّهُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ عِزِّ وَجَلِّ حَتَّى اشْتَكَى بَصَرَهُ، فَقِيلَ لَهُ: يَا أَبَا ذَرٍّ، لَوْ دَعَوْتَ اللَّهَ أَنْ يَشْفِيَ بَصَرَكَ، فَقَالَ: إِنِّي عَنْهُ لَمَشْغُولٌ وَمَا هُوَ أَكْبَرُ هَمِّي، قَالُوا: وَمَا يَشْغَلُكَ عَنْهُ؟ قَالَ:

الْعَظِيمَتَانِ: الْجَنَّةُ وَالنَّارُ. (٥)

٢٦٢٧. وَعَنْ أَبِي جَعْفَرٍ، عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، قَالَ: قَامَ أَبُو ذَرٍّ رَحِمَهُ اللَّهُ عِنْدَ الْكَعْبَةِ فَقَالَ: أَنَا جُنْدَبٌ (٦) بِنِ السَّكَنِ، فَكَتَفَهُ (٧) النَّاسُ، فَقَالَ: لَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ أَرَادَ سَفْرًا لَاتَّخَذَ فِيهِ مِنَ الزَّادِ مَا يُصْلِحُهُ، فَسَفَرُ يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَمَا تُرِيدُونَ فِيهِ مَا يُصْلِحُكُمْ؟

فَقَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَقَالَ: أُرْسِدْنَا.

فَقَالَ: صُمُّ يَوْمًا شَدِيدَ الْحَرِّ لِلنُّشُورِ، وَحُجَّ حَجَّةَ لِعِظَائِمِ الْأُمُورِ، وَصَلِّ رَكَعَتَيْنِ فِي سَوَادِ اللَّيْلِ لَوْحَشَةِ الْقُبُورِ. (٨)

ص: ٤١٨

- ١- (١). الخصال، ص ٣٧، ح ١٣.
- ٢- (٢). الخصال، ص ٣٧، ح ١٤.
- ٣- (٣). قصص الانبياء راوندى، ص ١٦٩، ح ١٩٢ (معجم).
- ٤- (٤). الخصال، ص ٣٩، ح ٢٤.
- ٥- (٥). الخصال، ص ٣٩، ح ٢٥.
- ٦- (٦). جندب بضم الجيم وسكون النون وبفتح الدال، والمشهور جندب بن جناده - بضم الجيم -.
- ٧- (٧). اكتنفوه: أحاطوا به (لسان العرب: ٣٠٨/٩).
- ٨- (٨). الخصال، ص ٤٠، ح ٢٦.

۲۶۲۲. امام صادق علیه السلام فرمودند: در حق دو ناتوان از خدا بترسید: یتیم و زن.

۲۶۲۳. امام صادق علیه السلام فرمودند: کسی که دو دختر یا عمه یا دو خاله را اداره کند، او را از آتش حفظ می کنند.

۲۶۲۴. از پدر بزرگوارشان امام باقر علیه السلام نقل می کنند: خداوند به موسی وحی کرد: به مال زیاد خرسند مشو. و یاد کردن مرا در هیچ حال فراموش مکن. چون مال زیاد، گناهان را از یاد می برد. و ترک ذکر خدا، دل را سخت می کند.

۲۶۲۵. امام صادق علیه السلام فرمودند: هر جمعه، ناخن گرفتن و کوتاه کردن سیل، از بیماری خوره پیشگیری می کند.

۲۶۲۶. امام صادق علیه السلام فرمودند: ابوذر رحمه الله از ترس خدا آنقدر گریه کرد که چشمانش بیمار شد. به او گفتند: از خدا بخواه چشمانت را شفا دهد. گفت: من به چیز مهمتری مشغول هستم. گفتند:

چه چیز؟ گفت: دو چیز بزرگ: بهشت و دوزخ.

۲۶۲۷. امام صادق علیه السلام فرمودند: ابوذر در کنار کعبه ایستاد و گفت: من جناب پسر سکن هستم.

مردم اطراف او جمع شدند. گفت: اگر یکی از شما بخواهد سفر کند، ره توشه مناسب بر می دارد. پس آیا می دانید چه چیزی برای سفر آخرت لازم است؟ شخصی گفت: ما را راهنمایی کن. ابوذر گفت: یک روز بسیار گرم را بیاد محشر روزه بگیر. و برای کارهای بزرگ یک حج بجای آر. و برای وحشت قبر در تاریکی شب دو رکعت نماز بخوان.

٢٦٢٨. كَلِمَةُ خَيْرٍ تَقُولُهَا وَكَلِمَةٌ شَرٌّ تَسْكُتُ عَنْهَا؛ صَدَقَهُ مِنْكَ عَلَى مِسْكِينٍ (١)، لَعَلَّكَ تَنْجُو يَا مِسْكِينٌ مِنْ يَوْمٍ عَسِيرٍ. (٢)

٢٦٢٩. اجْعَلِ الدُّنْيَا دِرْهَمَيْنِ: دِرْهَمًا أَنْفَقْتَهُ عَلَى عِيَالِكَ، وَدِرْهَمًا قَدَّمْتَهُ لِأَخْرَجِكَ، وَالثَّالِثُ يَضُرُّ وَلَا يَنْفَعُ لَا تَزِدْهُ. (٣)

٢٦٣٠. اجْعَلِ الدُّنْيَا كَلِمَتَيْنِ: كَلِمَةً فِي طَلَبِ الْحَلَالِ، وَكَلِمَةً لِلْأَجْرَةِ، وَالثَّالِثَةُ تَضُرُّ وَلَا تَنْفَعُ لَا تُرِدْهَا. ثُمَّ قَالَ:

قَتَلَنِي هُمَّ يَوْمٍ لَا أَدْرِكُهُ (٤). (٥)

٢٦٣١. وَعَنْ مُوسَى بْنِ أَكِيلٍ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: لَا يَكُونُ الرَّجُلُ فَقِيهًا حَتَّى لَا يُبَالِيَ أَىَّ ثَوْبِيهِ ابْتَدَلَ، وَبِمَا سَدَّ فُورَةَ الْجُوعِ (٦). (٧)

٢٦٣٢. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا خَيْرَ فِي الدُّنْيَا إِلَّا لِأَحَدٍ رَجُلَيْنِ: رَجُلٍ يَزِدَادُ فِي كُلِّ يَوْمٍ إِحْسَانًا، وَرَجُلٍ يَتَدَارَكُ ذَنْبَهُ بِالتَّوْبَةِ، وَأَنَّى لَهُ بِالتَّوْبَةِ؟! وَاللَّهِ، لَوْ سَجَدَ حَتَّى يَنْقَطِعَ عُنُقُهُ مَا قَبِلَ اللَّهُ مِنْهُ إِلَّا بَوْلًا يَتَنَا. (٨)

٢٦٣٣. وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَهَيَّطَ مَلَكًا إِلَى الْأَرْضِ فَلَبِثَ فِيهَا دَهْرًا طَوِيلًا، ثُمَّ عَرَجَ إِلَى السَّمَاءِ فَقِيلَ لَهُ: مَا رَأَيْتَ؟ قَالَ: رَأَيْتُ عَجَائِبَ كَثِيرَةً، وَأَعْجَبُ مَا رَأَيْتُ أَنِّي رَأَيْتُ عَبْدًا مُتَقَلِّبًا فِي نِعْمَتِكَ يَا كُلُّ رِزْقِكَ وَيَدْعِي الرُّبُوبِيَّةَ، فَعَجِبْتُ مِنْ جُرْأَتِهِ عَلَيْكَ وَمِنْ حِلْمِكَ عَنْهُ!

فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: فَمِنْ حِلْمِي عَجِبْتَ؟ قَالَ: نَعَمْ. قَالَ: قَدْ أَمَهَلْتُهُ أَرْبَعِمِئَةِ سَنَةٍ لَا يَضْرِبُ عَلَيْهِ عِرْقٌ، وَلَا يُرِيدُ شَيْئًا مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا نَالَهُ، وَلَا يَتَغَيَّرُ عَلَيْهِ فِيهَا مَطْعَمٌ وَلَا مَشْرَبٌ. (٩)

٢٦٣٤. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: فِي الْجَيْدِ دَعْوَتَانِ، وَفِي الرَّدِيِّ دَعْوَتَانِ؛ يُقَالُ لِصَاحِبِ الْجَيْدِ: بَارَكَ اللَّهُ فِيكَ وَفِي مَنْ بَاعَكَ، وَيُقَالُ لِصَاحِبِ الرَّدِيِّ: لَا بَارَكَ اللَّهُ فِيكَ وَلَا فِي مَنْ بَاعَكَ. (١٠)

٢٦٣٥. وَعَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: مَا نَاصِحَ (١١) اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَبْدًا مُسْلِمًا فِي نَفْسِهِ فَأَخَذَ الْحَقُّ مِنْهَا، وَأَخَذَ الْحَقُّ لَهَا؛ إِلَّا أُعْطِيَ خَصْلَتَيْنِ: رِزْقًا مِنَ اللَّهِ يَقْنَعُ بِهِ، وَرِضًى مِنَ اللَّهِ يُنْجِيهِ. (١٢)

ص: ٤٢٠

١- (١). أراد بالمسكين الإنسان نفسه.

٢- (٢). الخصال، ص ٤٠، ح ٢٦.

٣- (٣). الخصال، ص ٤٠، ح ٢٦.

٤- (٤). ذم لنفسه؛ أي قتلني هموم الدنيا، أو إشارته إلى الفتن الآتية، وأن هذه الفتن أهمته بحيث اشتد عليه وإن علم أنه لا يدركه.

٥- (٥). الخصال، ص ٤٠، ح ٢٦.

٦- (٦). أي أي ثوبيه - الجديد أو الخلق - استعمله لعدم الفرق عنده بينهما؛ لعدم اعتناؤه بالدنيا - واعتبارياتها. والفوره: الشده؛

أى شدّه الجوع.

٧- (٧) . الخصال، ص ٤٠، ح ٢٧.

٨- (٨) . الخصال، ص ٤١، ح ٢٩.

٩- (٩) . الخصال، ص ٤١، ح ٣١.

١٠- (١٠) . الخصال، ص ٤٦، ح ٤٦.

١١- (١١) . النصيحة كلمه يعبر بها عن جمله هي إرادته الخير للمنصوح له، ومعنى نصيحه الله صحّه الاعتقاد في وحدانيته،

وإخلاص التيه في عبادته. قوله: فأخذ الحق الخ كأنه تفسير للنصيحه.

١٢- (١٢) . الخصال، ص ٤٦، ح ٤٧.

۲۶۲۸. امام صادق علیه السلام فرمودند: سخن نیکو را بگو. سخن زشت را به زبان نیاور. به فقیر صدقه بده تا شاید در روز سختی نجات یابی.

۲۶۲۹. امام صادق علیه السلام فرمودند: دنیا را دو قسمت کن: یک قسمت را برای خانواده ات مصرف کن. و یک قسمت را برای آخرت خود ذخیره کن. که غیر از ایندو ضرر دارد و نفعی ندارد.

۲۶۳۰. امام صادق علیه السلام فرمودند: دنیا را در دو کلمه خلاصه کن: یک کلمه در طلب حلال و یک کلمه برای آخرت، کلمه سوم ضرر دارد و نفع ندارد.

سپس ابوذر گفت: شدت روزی که آن را درک نکرده ام، مرا می کشد.

۲۶۳۱. موسی پسر اکیل گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: انسان تا از لباس به دو جامه کهنه و از غذا به آنچه شکم را سیر کند قناعت نکند، به مقام فقاوت نمی رسد.

۲۶۳۲. امام صادق علیه السلام فرمودند: دنیا جز بر دو کس خیری ندارد: آنکه هر روز به نیکوکاری خود بیفزاید. و کسی که گناهان خود را با توبه جبران کند اما چه توبه ای؟!

بخدا قسم اگر آنقدر سجده را طول دهد که گردنش قطع شود، بدون ولایت ما خداوند توبه اش را نمی پذیرد.

۲۶۳۳. امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند تعالی فرشته ای را به زمین فرستاد و مدت طولانی در زمین ماند و سپس به آسمان عروج کرد. به او گفتند: چه دیدی؟ گفت: دیدنی های بسیار عجیب و عجیب ترین چیزی که دیدم کسی بود که در نعمت تو فرو رفته بود و از رزق تو می خورد.

و ادعای خدایی می کرد. از جرأت او و از حلم تو تعجب کردم! خداوند فرمود: از حلم من تعجب کردی؟ گفت: آری. فرمود: به او چهارصد سال مهلت دادم. هیچ دردی نداشت. و هر چیزی از دنیا خواست به آن رسید. و خوردنی و آشامیدنی او هیچ تغییری نکرده است.

۲۶۳۴. امام صادق علیه السلام فرمودند: به کسی که به مردم جنس خوب یا بد بفروشد دو دعا می کنند. اگر خوب باشد می گویند: خدا به تو و کسی که تو را فروخته برکت دهد. و اگر بد باشد می گویند: خدا برکت را از تو و از کسی که تو را فروخته بگیرد.

۲۶۳۵. معاویه فرزند وهب گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: خداوند به مسلمانی که حق را از نفس خود بگیرد و حق را برای نفس خود فراهم کند، دو خصلت عطا می فرماید:

رزقی که به آن قانع شود، و رضایتی از خدا که او را نجات دهد.

٢٦٣٦. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْمَعْرُوفُ شَيْءٌ سِوَى الزَّكَاةِ، فَتَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ عِزِّ وَجَلِّ بِالْبِرِّ وَصَلِّهِ الرَّحِمِ. (١)

٢٦٣٧. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَمَّا هَبَطَ نُوحٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ السَّفِينَةِ أَتَاهُ إِبْلِيسُ فَقَالَ: مَا فِي الْأَرْضِ رَجُلٌ أَعْظَمَ مِنْهُ عَلَيَّ مِنْكَ؛ دَعَوْتُ اللَّهَ عَلَى هَؤُلَاءِ الْفُسَّاقِ فَأَرَحَنِي مِنْهُمْ، أَلَا-اعْلَمُكَ خَصَلَتَيْنِ؟ إِيَّاكَ وَالْحَسِدَ؛ فَهُوَ الَّذِي عَمِلَ بِي مَا عَمِلَ، وَإِيَّاكَ وَالْحِرْصَ؛ فَهُوَ الَّذِي عَمِلَ بِأَدَمَ مَا عَمِلَ. (٢)

٢٦٣٨. وَعَنْ مُفَضَّلِ بْنِ يَزِيدَ، قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنْهَاكَ عَنِ خَصَلَتَيْنِ فِيهِمَا هَلَكَ الرَّجَالُ: أَنْ تَدِينَنَّ اللَّهَ بِالْبَاطِلِ، وَتُفْتِيَ النَّاسَ بِمَا لَا تَعْلَمُ. (٣)

٢٦٣٩. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْهُوْمَانِ لَا يَشْبَعَانِ: مَنْهُوْمٌ عِلْمٌ، وَمَنْهُوْمٌ مَالٌ. (٤)

٢٦٤٠. وَقَالَ: إِنَّ مِنْ حَقِيقَةِ الْإِيمَانِ أَنْ تُؤَثِّرَ الْحَقُّ وَإِنْ ضَرَّكَ عَلَى الْبَاطِلِ وَإِنْ نَفَعَكَ، وَأَنْ لَا يَجُوزَ مَنْطِقُكَ عِلْمَكَ. (٥)

٢٦٤١. وَقَالَ: غَسَلَ الْإِنَاءَ وَكَسَحَ (٦) الْفِنَاءَ تَجَلُّبٌ (مَجْلِبُهُ) الرَّزْقِ. (٧)

٢٦٤٢. وَقَالَ: بَرُّوا آبَاءَكُمْ يَبْرُكْكُمْ أَبْنَاؤُكُمْ، وَعَفَّوْا عَنِ نِسَاءِ النَّاسِ تَعَفَّ نِسَاؤُكُمْ. (٨)

ص: ٤٢٢

- ١- (١). الخصال، ص ٤٨، ح ٥٢.
- ٢- (٢). الخصال، ص ٥١، ح ٦١.
- ٣- (٣). الخصال، ص ٥٢، ح ٦٥.
- ٤- (٤). الخصال، ص ٥٣، ح ٦٩.
- ٥- (٥). الخصال، ص ٥٣، ح ٧٠.
- ٦- (٦). الكشح: الكنس (لسان العرب: ٥٧١/٢).
- ٧- (٧). الخصال، ص ٥٤، ح ٧٣.
- ٨- (٨). الخصال، ص ٥٥، ح ٧٥.

۲۶۳۶. امام صادق علیه السلام فرمودند: معروف چیزی غیر از زکات است. پس با دو چیز به خدا تقرّب جوئید: ۱ - نیکی کردن، ۲ - صله رحم.

۲۶۳۷. امام صادق علیه السلام فرمودند: چون حضرت نوح علیه السلام از کشتی پیاده شد، شیطان آمد و گفت: در روی زمین کسی به اندازه ی تو بر من مَنّت ندارد. با یک نفرین مرا از شرّ این همه گنه کار آسوده کردی. [در عوض] دو خصلت به تو یاد می دهم. از حسد دوری کن، که حسد با من چنین کرد. و از طمع بپرهیز، که آدم را طمع گرفتار کرد.

۲۶۳۸. امام صادق علیه السلام فرمود: تو را از دو خصلت که مردم را هلاک کرد منع می کنم: باطل را در دین خدا وارد نکن. و به حکمی که نمی دانی فتوا مده.

۲۶۳۹. امام صادق علیه السلام فرمودند: دو گرسنه هرگز سیر نمی شوند: گرسنه علم، و گرسنه مال.

۲۶۴۰. امام صادق علیه السلام فرمودند: حقیقت ایمان این است که: حق را بر باطل ترجیح دهی گرچه حق به ضرر تو و باطل به نفع تو باشد. و بیشتر از علم خود سخن نگو.

۲۶۴۱. امام صادق علیه السلام فرمودند: دو چیز روزی را زیاد می کند: شستن ظرف و جاروب کردن جلو خانه.

۲۶۴۲. امام صادق علیه السلام فرمودند: به پدران [و مادران] خود نیکی کنید، فرزندان به شما نیکی می کنند. به زنان مردم خیانت نکنید، زنان شما با عفت می شوند.

٢٦٤٣. قيل لعابد: كيف أصبحت؟ فقال: بين نعمتين: رزقٍ موفورٍ، وذنبٍ مستورٍ. (١)

٢٦٤٤. وقيل: يتبغى للعاقِل أن يتخذَ مرأتين: فينظرُ في إحداهما مساوئِ نفسه؛ فيصاغَرَ منها (٢) ويُصلِح ما استطاعَ منها، وينظرُ في الأخرى محاسِنِ الناس؛ فيتَحلى بها ويكتسِب منها ما استطاع. (٣)

٢٦٤٥. وقيل: شيان لا يعرفُ فضلُهُما إلّا مَنْ فقدَهُما: العافية والشباب. (٤)

٢٦٤٦. وقيل لبعض الحكماء: هل تعرفُ نعمةً لا يحسدُ صاحبُها عليها، وبلاءً لا يرحمُ صاحبُه عليه؟ قال: نعم؛ أمّا النعمةُ فالتواضعُ، وأمّا البلاءُ فالكبرُ. (٥) وقيل لعبدِ الله بنِ جعفرِ الطيّارِ وقد نُظرَ إليه يُمَاكِسُ في درهمٍ: أتمّاكِسُ في درهمٍ وأنتَ تجودُ بما تجودُ به؟ فقال: ذلكَ مالي جُدتُ به، وهذا عَقلي بَخِلْتُ به. (٦)

٢٦٤٧. وقيل لبعضهم: من الرّاضى؟ فقال: من لم يحزنه المنعُ، ولم يسره العطاءُ.

٢٦٤٨. وقيل لآخر: من الزاهد؟ فقال: التاركُ لما حرّمَ الله، الآخذُ بما أحلّه الله. (٧)

٢٦٤٩. وقيل لآخر: من الزاهد؟ قال: الرّاعِبُ في الآخِرَةِ، التاركُ لما نُهيَ عنه، العاَمِلُ بما امرَ به. (٨)

٢٦٥٠. وقيل لآخر: من الزاهد؟ قال: من اعتصمَ بالحلالِ عن الحرام. (٩)

ص: ٤٢٤

١- (١). مجموعهُ ورّام، ج ٢، ص ١٤.

٢- (٢). أى يذلّ نفسه من الأطلاع على المساوئ.

٣- (٣). مجموعهُ ورّام، ج ٢، ص ١٤.

٤- (٤). تصنيف غررالحكم، ص ٣٢٤، ح ٧٥٣٢ عن الإمام عليّ عليه السلام.

٥- (٥). مجموعهُ ورّام، ج ٩، ص ٨٨.

٦- (٦). مجموعهُ ورّام، ج ٢، ص ٢٤٨.

٧- (٧). مجموعهُ ورّام، ج ٢، ص ٢٤٩.

٨- (٨). مجموعهُ ورّام، ج ٢، ص ٢٤٩. مضمون

٩- (٩). مجموعهُ ورّام، ج ٢، ص ٢٤٩.

۲۶۴۳. از عابدی پرسیدند: در چه حالی؟ گفت: میان دو نعمت: رزق فراوان، و گناه پنهان شده.

۲۶۴۴. گفته شده: عاقل باید دو آینه داشته باشد: در یکی بدیهای خود را ببیند. تا خود را کوچک شمارد. و هرچه می تواند خود را اصلاح کند. و در دیگری خوبیهای دیگران را ببیند. و خود را بدان ها بیاراید. و هرچه می تواند از آن خوبیها بدست آورد.

۲۶۴۵. گفته شده: دو چیز تا از دست نرود قدرش را نمی شناسند: تندرستی و جوانی.

۲۶۴۶. از حکیمی پرسیدند: آیا نعمتی می شناسی که بر صاحبش حسادت نکنند یا بلایی که بر گرفتارش دلسوزی نکنند؟ گفت: آری، آن نعمت تواضع و آن بلا تکبر است.

و به جعفر طیار در حالی که درباره درهمی چونه می زد نگاه می کردند گفتند: آیا در یک درهم چونه می زنی در حالی که شما در بخشیدن آنگونه [فراوان] می بخشی؟ گفت:

آن مال من بود بخشیدم و این عقل من است که به آن بخل می ورزم.

۲۶۴۷. از حکیمی پرسیدند: راضی کیست؟ گفت: کسی که از منع شدن غمگین نشود. و از عطا مسرور نگردد.

۲۶۴۸. از حکیمی پرسیدند: زاهد کیست؟ گفت: کسی که حرام خدا را ترک کند، و فقط آنچه حلال است بگیرد.

۲۶۴۹. از حکیم دیگری پرسیدند: زاهد کیست؟ گفت: کسی که به آخرت رغبت داشته باشد، و آنچه نهی شده را ترک و به آنچه امر شده عمل کند.

۲۶۵۰. از سومی پرسیدند: زاهد کیست؟ گفت: کسی که از حرام به حلال پناه برد.

٢٦٥١. وَقِيلَ لِبَعْضِهِمْ: مَنْ الْعَاقِلُ؟ فَقَالَ: الْحَرِيصُ عَلَى الْخَيْرِ، السَّاعِي فِي الصَّالِحَاتِ. (١)

٢٦٥٢. وَسُئِلَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ عَنِ الزُّهْدِ، قَالَ: مَنْ يَقْنَعُ بِدُونِ قُوَّتِهِ، وَيَسْتَعِدُّ لِيَوْمِ مَوْتِهِ.

٢٦٥٣. وَقَالَ مُحَمَّدُ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْبِرُّ وَحُسْنُ الْخُلُقِ يَعْمُرَانِ الدِّيَارَ، وَيَزِيدَانِ فِي الْأَعْمَارِ. (٢)

٢٦٥٤. وَقَالَ يَحْيَى بْنُ مُعَاذٍ: التَّوَّاضُعُ حَسَنٌ وَلَكِنْ فِي الْأَغْنِيَاءِ أَحْسَنُ، وَالتَّكَبُّرُ سَمْحٌ فِي الْخُلُقِ (٣) وَلَكِنْ فِي الْفُقَرَاءِ أَسْمَحُ. (٤)

٢٦٥٥. وَنُقِلَ عَنِ الشَّافِعِيِّ أَنَّهُ قَالَ: الْإِنْقِبَاضُ عَنِ النَّاسِ مَكْتَسِبَةٌ لِعِدَاوَتِهِمْ، وَالْإِنْبِسَاطُ إِلَيْهِمْ مَجْلِبَةٌ لِثُرْنَاءِ الشُّوْءِ، فَكُنْ بَيْنَ الْمُتَنَبِّضِ وَالْمُتَبَسِّطِ.

(وَفِي الْحَدِيثِ الْقُدْسِيِّ): لَيْسَ شَيْءٌ مِنَ الْعِبَادَةِ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنَ الصَّوْمِ وَالصَّمْتِ، وَمَنْ صَامَ وَلَمْ يَحْفَظْ لِسَانَهُ كَانَ كَمَنْ قَامَ وَلَمْ يَقْرَأْ شَيْئًا فِي الصَّلَاةِ، فَأَعْطِيهِ أَجْرَ الْقِيَامِ وَلَا أَعْطِيهِ أَجْرَ الْعَابِدِينَ. (٥)

٢٦٥٦. وَقَالَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: وَعِزَّتِي وَجَلَالِي! إِنَّ أَوَّلَ الْعِبَادَةِ الصَّمْتُ وَالصَّوْمُ. (٦)

٢٦٥٧. وَقَالَ تَعَالَى: عَلَيْكَ بِالصَّمْتِ؛ فَإِنِّي أَعْمُرُ مَجْلِسَ قُلُوبِ الصَّالِحِينَ وَالصَّامِتِينَ، وَأُخْرِبُ قُلُوبَ الْمُتَكَلِّمِينَ بِمَا لَا يَعْنِيهِمْ. (٧)

٢٦٥٨. (وَقَالَ جَلَّ وَعَلَا): إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا جَاعَ بَطْنُهُ وَحَفِظَ لِسَانَهُ؛ عَلَّمَتْهُ الْحِكْمَةَ. (٨)

٢٦٥٩. وَقَالَ ابْنُ أَبِي عَدِيٍّ: صَامَ دَاوُدُ بْنُ أَبِي هِنْدٍ أَرْبَعِينَ سَنَةً لَا يَعْلَمُ بِهِ أَهْلُهُ؛ كَانَ خَزَايَا (٩) يَحْمِلُ غِذَاءَهُ مِنْ عِنْدِهِمْ فَيَتَصَدَّقُ بِهِ فِي الطَّرِيقِ، وَيَرْجِعُ عَشِيًّا فَيُفِطِرُ مَعَهُمْ.

٢٦٦٠. وَكَانَ بَشْرُ بْنُ الْحَارِثِ يَقُولُ: حَسْبُكَ أَنْ قَوْمًا مَاتُوا تَحِييَ الْقُلُوبَ بِذِكْرِهِمْ، وَأَنْ قَوْمًا أَحْيَاءُ تَقْسُو الْقُلُوبَ بِرُؤْيَيْهِمْ.

وَكَانَ بَشْرٌ يَقُولُ:

أَقْسِمُ بِاللَّهِ لَرَضِخُ (١٠) النَّوَى وَشُرْبُ مَاءِ الْقَلْبِ (١١) الْمَالِحَةِ

ص: ٤٢٦

١- (١). مجموعہ ورام، ج ٢، ص ٢٤٦.

٢- (٢). عن الإمام الصادق عليه السلام. الكافي، ج ٢، ص ١٠٠، ح ٨.

٣- (٣). سمح في الخلق!! أقول: العجب من هذا الرجل كيف عزف الكبر الحرام سمحاً؟! بل الكبر قبيح إلامن الفقير.

٤- (٤). شرح نهج البلاغه، ج ١١، ص ١٩٦.

٥- (٥). شرح نهج البلاغه، ج ١٠، ص ٥١. (وفي الحديث القدسي الخ)

٦- (٦). إرشاد القلوب، ج ١، ص ٢٠٣.

- ٧-٧) . ارشاد القلوب، ج ١، ص ٢٠٣.
- ٨-٨) . ارشاد القلوب، ج ١، ص ٢٠٥.
- ٩-٩) . أى يبيع الخَزَّ.
- ١٠-١٠) . رَضَخَ النوى: كَسَرَه (لسان العرب: ١٩/٣).
- ١١-١١) . القليب: البئر لم تُطَوَّ [أى تُبنى بالحجاره] وجمع الكثير: قَلْبٌ (لسان العرب: ٦٨٩/١).

۲۶۵۱. از حکیمی پرسیدند: عاقل کیست؟ گفت: کسی که در کار خیر حرص داشته باشد. و در نیکوکاری تلاش کند.

۲۶۵۲. از امام سجاد علیه السلام پرسیدند: زاهد کیست؟ فرمود: کسی که به کمتر از قوت بسازد. و آماده روز مرگ باشد.

۲۶۵۳. امام محمد باقر علیه السلام فرمود: نیکوکاری و اخلاق خوش، شهرها را آباد و عمرها را طولانی می کند.

۲۶۵۴. یحیی بن معاذ گوید: فروتنی از همه خوب است. اما از ثروتمندان بهتر است.

۲۶۵۵. شافعی گوید: کناره گیری از مردم دشمنی آنانرا در پی دارد. و انبساط با آنها همنشین بد را جلب می کند. پس شما بینابین باشید.

[در حدیث قدسی آمده است]: هیچ عبادتی نزد من محبوب تر از روزه و سکوت نیست. و کسی که روزه بگیرد اما زبان خود را حفظ نکند مثل کسی است که قیام کند برای نماز ولی چیزی قرائت نکند. پس به او اجر [ثواب] قیام داده می شود نه پاداش عبادت کنندگان.

۲۶۵۶. خداوند تبارک و تعالی فرمودند: قسم به عزّت و جلال خودم، آغاز عبادت سکوت و روزه است.

۲۶۵۷. خداوند فرمودند: سکوت اختیار کنید. چون من مجلس قلبهای صالحان و ساکتان را آباد می کنم. و قلبهای کسانی که سخنان بیهوده و غیر مهم می گویند را خراب می کنم.

۲۶۵۸. خداوند متعال فرمودند: زمانیکه بنده گرسنه باشد و زبانش را حفظ کند، به او حکمت می آموزم.

۲۶۵۹. ابن ابی عدی گوید: داود بن ابی هند چهل سال بدون اینکه خانواده اش بدانند روزه گرفت.

لباس فروش بود غذایش را روزها از خانه بر می داشت و در بین راه به فقرا می بخشید و شبها به خانه برمی گشت و با آنها افطار می کرد.

۲۶۶۰. بشر بن حارث همیشه می گفت: همین بس که یاد کردن بعضی از مردگان، قلبها را زنده می کند. و دیدن بعضی از مردم، قلبها را سنگ دل می کند.

بشر می گفت: بخدا قسم که شکستن هسته و نوشیدن آب از چاه شور برای انسان بهتر است از حرص و از خواهش [گدائی کردن] از مردم عبوس. پس از خدا بی نیازی طلب کن

أَعَزُّ لِلْإِنْسَانِ مِنْ حَرِّهِ وَمِنْ سُؤَالِ الْأَوْجِهِ الْكَالِحَةِ (١)

فَاسْتَغْنِ بِاللَّهِ تَكُنْ ذَا غِنَى مُغْتَبِطًا بِالصَّفْقَةِ الرَّابِحَةِ

الْيَأْسُ عِزٌّ وَالتُّقَى سُودٌ وَرَغْبَةُ النَّفْسِ لَهَا فَاضِحَةٌ

مَنْ كَانَتْ الدُّنْيَا بِهِ بَرَّةً فَإِنَّهَا يَوْمًا لَهُ ذَابِحَةٌ

٢٦٦١. وَقَالَ بَشْرٌ: هَلَكَ الْقَرَاءُ فِي هَاتَيْنِ الْخَصَلَتَيْنِ: الْغَيْبَةِ وَالْعُجْبِ.

٢٦٦٢. وَقَالَ أَفْلَاطُونُ: الْجُوعُ سَحَابٌ يُمِطُّ الْعِلْمَ وَالْحِلْمَ، وَالشُّبْعُ سَحَابٌ يُمِطُّ الْحُمُقَ وَالْجَهْلَ.

٢٦٦٣. وَقَالَ: الْجَاهِلُ عَدُوٌّ لِنَفْسِهِ، فَكَيْفَ يَكُونُ صَدِيقًا لغيرِهِ.

٢٦٦٤. وَقَالَ: مَنْ كَانَ هِمَّتُهُ مَا يَدْخُلُ فِي بَطْنِهِ، كَانَ قِيمَتُهُ مَا يَخْرُجُ مِنْهَا.

٢٦٦٥. وَقِيلَ لِدِيوجانس: أَيُّ الْخِصَالِ أَحْمَدُ عَاقِبَةً؟ قَالَ: الْإِيمَانُ بِاللَّهِ، وَبِرُّ الْوَالِدَيْنِ.

٢٦٦٦. وَقَالَ بَقْرَاطُ: حَسَاسَةُ الْإِنْسَانِ تَظْهَرُ فِي شَيْئَيْنِ: بَأَن يَكْتَبِرَ كَلَامَهُ فِيمَا لَا نَفْعَ فِيهِ، أَوْ يُخْبِرَ بِمَا لَا يُسْأَلُ عَنْهُ.

٢٦٦٧. وَمِنْ كَلَامِهِمْ: إِيَّاكَ وَفُضُولَ الْكَلَامِ؛ فَإِنَّهَا تَظْهَرُ مِنْ عُيُوبِكَ مَا بَطْنٌ، وَتُحَرِّكَ مِنْ عَدُوِّكَ مَا سَكَنَ. (٢)

٢٦٦٨. وَمِنْ كَلَامِهِمْ: مَنْ أَفْرَطَ فِي الْمَقَالِ زَلٌّ، وَمَنْ اسْتَحَقَّرَ الرَّجَالَ ذَلٌّ.

٢٦٦٩. وَمِنْ كَلَامِهِمْ: يُسْتَدَلُّ عَلَى عَقْلِ الرَّجَالِ بِقَلْبِهِ مَقَالِهِ، وَعَلَى فَضْلِهِ بِكَثْرَةِ احْتِمَالِهِ.

٢٦٧٠. وَقَالَ بَعْضُ الْمُدَقِّقِينَ: الْجَوَادُ مُحْتَكِرٌ (٣) الْبِرِّ لِامْتِحَانِ الْبِرِّ.

٢٦٧١. وَقَالَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَا الَّذِي أَكْبَبْتُ الدُّنْيَا لَوَجْهِهَا وَجَلَسْتُ عَلَى ظَهْرِهَا؛ لَيْسَ لِي وَلَدٌ يَمُوتُ، وَلَا بَيْتٌ يَخْرُبُ. (٤)

٢٦٧٢. وَعَيْنُ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: لَا وَاللَّهِ، مَا أَرَادَ اللَّهُ مِنَ النَّاسِ إِلَّا خَصَلَتَيْنِ: أَنْ يَقْرَؤَا لَهُ بِالنَّعْمِ فَيَزِيدَهُمْ، وَبِالدُّنُوبِ

فَيَغْفِرَ لَهَا لَهُمْ. (٥)

٢٦٧٣. وَقَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ: يَا بُنَيَّ، كُنْ ذَا قَلْبَيْنِ: قَلْبٍ تَخَافُ بِهِ اللَّهَ خَوْفًا لَا تُخَالِطُهُ بِتَفْرِيطٍ، وَقَلْبٍ تَرْجُو بِهِ اللَّهَ رَجَاءً لَا تُخَالِطُهُ (٦)

بِتَغْرِيرٍ. (٧)

١- (١) . الكَلُوح: تَكَشَّرَ فِي عُبُوس (لسان العرب: ٥٧٤/٢).

٢- (٢) . تصنيف غررالحكم، ص ٢١٢، ح ٤١٠٤. عن الإمام علي عليه السلام.

٣- (٣) . أي الجواد محتكر البر؛ وهو الاحسان يجمعه لنفسه، لا محتكر البر؛ أي الحنطة.

٤- (٤) . مجموعه ورام، ج ٢، ص ١٦.

٥- (٥) . مجموعه ورام، ج ١، ص ١٨.

٦- (٦) . أي لا- تخالط الخوف بالتفريط؛ وهو التضييع الحاصل من العجز الحاصل من الخوف، وكذا لا تخالط الرجاء بالغرور

المتولد من الرجاء. وهو تحذير عمّا قد يعرض الإنسان من الخوف والرجاء.

٧- (٧) . مجموعه ورام، ج ١، ص ٥٠.

تا بی نیاز شوی. و در معامله پرسود نفع ببری. ناامیدی [از مردم] عزت است. و تقوی سرمایه است. و تمایل نفس انسان رسوایی است. کسی که دنیا به کامش است روزی گردن او را می زند [به مراد انسان بودن دنیا مغرور نباید شد].

۲۶۶۱. بشر گوید: سخن گویان را این دو خصلت هلاک می کند: غیبت و خودخواهی.

۲۶۶۲. افلاطون گوید: گرسنگی چون ابری است که از آن دانش و بردباری می بارد. پرخوری ابری است که از آن حماقت و نادانی می بارد.

۲۶۶۳. افلاطون: نادان دشمن خویش است، چگونه دوست دیگران باشد.

۲۶۶۴. افلاطون: کسی که همتش، خوراکی است که وارد شکم کند قیمتش آن است که از او خارج می شود.

۲۶۶۵. از دیوژن پرسیدند: سرانجام کدام صفت بهتر است؟ گفت: ایمان به خدا و نیکی به پدر و مادر.

۲۶۶۶. بقراط گوید: خسیس بودن انسان در دو چیز آشکار می شود: سخن بی فایده زیاد گوید. و از چیزی که نرسیده اند خبر دهد.

۲۶۶۷. سخن حکیمان: از حرف اضافه پرهیز چون، عیبهای مخفی تو را آشکار می کند. و دشمنانت را تحریک می کند.

۲۶۶۸. سخن حکیم: کسی که در گفتار زیاده روی کند بلغزد. و کسی که مردم [بزرگان] را تحقیر کند، ذلیل شود.

۲۶۶۹. از سخن حکیمان: دلیل عقل بزرگان، کم حرفی آنان است. و دلیل فضیلت آنان تحمل زیاد است.

۲۶۷۰. حکیم دقت پردازی گوید: انسان بخشنده، نیکی احتکار می کند نه گندم.

۲۶۷۱. حضرت عیسی علیه السلام فرمودند: من کسی هستم که دنیا را با صورتش به زمین زدم و بر پشت آن نشستم. نه فرزندی دارم که بمیرد و نه خانه ای که خراب شود.

۲۶۷۲. امام باقر علیه السلام فرمودند: بخدا قسم خداوند متعال از مردم جز دو خصلت اراده نکرد: به نعمتهای او اقرار کنند پس خدا بر آن بیفزاید. و به گناهان خود اقرار کنند تا آنها را بیامزد.

۲۶۷۳. لقمان به فرزندش گفت: فرزندم، دو قلب داشته باش: قلبی که با آن از خدا بدون کوتاهی کردن بترسی. و قلبی که با آن به خداوند بدون مغرور شده امیدوار باشی.

٢٦٧٤. وَقَالَ أَيْضاً لِبَنِيهِ: يَا بَنِيَّ، الذَّهَبُ وَالْفِضَّةُ يُخْتَبَرَانِ بِالنَّارِ، وَالْمُؤْمِنُ يُخْتَبَرُ بِالْبَلَايَا.

٢٦٧٥. وَعَنْ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ: لَا تُدْخِلُوا أَجْوَابَكُمْ إِلَّا طَيْبًا، وَلَا يَخْرُجَ مِنْ أَفْوَاهِكُمْ إِلَّا طَيْبٌ. (١)

٢٦٧٦. وَعَنْ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْحَيَاءُ وَالذِّينُ مَعَ الْعَقْلِ حَيْثُ كَانَ. (٢)

٢٦٧٧. إِسْحَاقُ بْنُ عَمَّارٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: مَا وَرَدَ عَلَيْنَا قَطُّ إِلَّا أَوْصَانًا بِخَصَلَتَيْنِ: عَلَيْكُمْ بِصِدْقِ الْحَدِيثِ، وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ؛ فَإِنَّهُمَا مِفْتَاحُ الرَّزْقِ. (٣)

٢٦٧٨. وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِشَيْفِيَانَ النَّوْرِيِّ: يَا شَيْفِيَانَ، خَصَلَتَانِ مَنِ لَزِمَهُمَا دَخَلَ الْجَنَّةَ. قَالَ: وَمَا هُمَا يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَحْتِمَالُ مَا تَكْرَهُهُ إِذَا أَحَبَّهُ اللَّهُ، وَتَرْكُ مَا تُحِبُّهُ إِذَا أَبْغَضَهُ اللَّهُ، فَاعْمَلْ بِهِمَا وَأَنَا شَرِيكَكَ. (٤)

٢٦٧٩. وَقَالَ رَجُلٌ لِأَحَدِ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: عِظْنِي يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، فَقَالَ: لَا تَحَدِّثْ نَفْسَكَ (٥) بِشَيْئَيْنِ: بِفَقْرٍ، وَلَا بِطَوْلِ عُمُرٍ. (٦)

٢٦٨٠. وَقَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: الدُّنْيَا سُبَاتٌ (٧)، وَالْآخِرَةُ يَقْظَةٌ، وَنَحْنُ بَيْنَهُمَا أَضْغَاثٌ (٨) أَحْلَامٌ. (٩)

٢٦٨١. وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُؤَقِّرْ كَبِيرًا، وَلَمْ يَرَحِمْ صَغِيرًا. (١٠)

٢٦٨٢. وَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا التَّقِيَا وَتَصَافَحَا، أَدْخَلَ اللَّهُ بَيْنَ أَيْدِيهِمَا فَصَافِحَ أَشَدَّهُمَا حُبًّا لِصَاحِبِهِ (١١).

٢٦٨٣. وَقَالَ الْحَسَنُ الْبَصْرِيُّ: إِنَّ هَذَيْنِ الْحَجْرَيْنِ (١٢) قَدْ أَهْلَكَا مِنْ قَبْلِكُمْ، وَإِنَّهُمَا مُهْلِكَاكُمْ؛ فَانظُرُوا كَيْفَ تَعْمَلُونَ. (١٣)

٢٦٨٤. وَقَالَ الْحَسَنُ: بَعِ دُنْيَاكَ بِآخِرَتِكَ تَرَبِّحْهُمَا، وَلَا تَبِعْ آخِرَتَكَ بِدُنْيَاكَ تَخْسِرْهُمَا. (١٤)

ص: ٤٣٠

١- (١). شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٢٤١ عن سليمان بن داود عليه السلام.

٢- (٢). كشف الغمّة، ج ٢، ص ٢٦٩ عن الإمام علي عليه السلام.

٣- (٣). الأمالى للطوسى، ص ٦٧٦.

٤- (٤). مجموعه ورام، ج ٢، ص ١٠٩.

٥- (٥). لعلّ قوله: «لا تحدّث نفسك» أى لا تتمنّ الفقر وطول العمر لما فيهما من التعب والعناء، بل قد يصير الفقر كفرًا، وطول العمر شقاءً.

٦- (٦). إرشاد القلوب، ج ١، ص ١٧.

٧- (٧). السُّبَات: النَّوْم، وَأَصْلُهُ الرَّاحَةُ (لسان العرب: ٣٧/٢).

٨- (٨). أَضْغَاثُ أَحْلَامِ الرُّؤْيَا: الَّتِي لَا يَصِحُّ تَأْوِيلُهَا لِاخْتِلَاطِهَا، وَالضُّغْثُ: الحُلمُ الَّذِي لَا تَأْوِيلَ لَهُ وَلَا خَيْرَ فِيهِ (لسان العرب:

- ۹- (۹). ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۸۳.
- ۱۰- (۱۰). الکافی، ج ۲، ص ۱۶۵، ح ۲.
- ۱۱- (۱۱). الکافی، ج ۲، ص ۱۷۹، ح ۲.
- ۱۲- (۱۲). الحِجْران: الذهب والفضّه (لسان العرب: ۱۷۱/۴).
- ۱۳- (۱۳). از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده: مجموعه ورام، ج ۲، ص ۲۱۷.
- ۱۴- (۱۴). از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده: مجموعه ورام، ج ۲، ص ۲۱۷.

۲۶۷۴. لقمان به فرزندش گفت: فرزندانم، طلا و نقره را با آتش محک می زنند. و مؤمن را با بلاها آزمایش می کنند.

۲۶۷۵. حضرت داود علیه السلام به بنی اسرائیل فرمود: جز حلال وارد شکم خود نکنید. و جز حرف نیکو از زبان شما خارج نشود.

۲۶۷۶. امام رضا علیه السلام فرمودند: حضرت علی علیه السلام فرموده است: حیاء و دین هر جا باشند با عقل همراه هستند.

۲۶۷۷. اسحاق بن عمار گوید: حضرت امام صادق علیه السلام همیشه ما را به دو خصلت توصیه می فرمودند: راست گو باشید و امانت دار برای نیکوکار و گنه کار باشید. چون این دو خصلت کلید رزق هستند.

۲۶۷۸. حضرت امام صادق علیه السلام به سفیان ثوری فرمودند: ای سفیان هر کس دو خصلت را داشته باشد وارد بهشت می شود. پرسید: کدام خصلت؟ حضرت فرمودند: ۱ - آنچه را دوست نداری اگر خدا دوست دارد تحمل کن. و آنچه را دوست داری اگر خدا نمی پسندد ترک کن. به این دو عمل کن من هم با تو شریک هستم [یعنی من هم چنین می کنم].

۲۶۷۹. شخصی به یکی از امامان علیهم السلام گفت: ای فرزند رسول خدا مرا موعظه کن. حضرت علیه السلام فرمودند: دو چیز را به خودت وعده نده. فقر و عمر طولانی.

۲۶۸۰. حضرت امام سجاد علیه السلام فرمود: دنیا خواب است و آخرت بیداری. و ما میان آن دو رؤیای بدون تعبیر هستیم.

۲۶۸۱. امام صادق علیه السلام: از ما نیست کسی که: به بزرگترها احترام نکند. و به کودکان رحم نکند.

۲۶۸۲. امام باقر علیه السلام فرمودند: وقتی که مردم مؤمن با یکدیگر ملاقات و مصافحه می کنند خداوند بین آن دو با کسی که دیگری را بیشتر دوست دارد مصافحه می کند.

۲۶۸۳. حسن بصری گوید: این دو سنگ [طلا و نقره] مردم قبل از شما را هلاک کردند. و شما را هم هلاک خواهند کرد. پس مراقب اعمال خود باشید.

۲۶۸۴. حسن گوید: دنیا را به آخرت بفروش در هر دو سود می بری. آخرت را به دنیا بفروش که در هر دو زیان خواهی کرد.

٢٦٨٥. وَسَمِعَ بَعْضُ حَازِمِ بْنِ خُزَيْمَةَ يَقُولُ فِي خُطْبَتِهِ: إِنَّ يَوْمًا أُسْكِرَ الْكِبَارَ، وَشَيَّبَ الصَّغَارَ، يَوْمَ عَسِيرٍ شَرُّهُ مُسْتَطِيرٌ (١). (٢).

٢٦٨٦. وَقَالَ بَعْضُهُمْ: الطَّمَعُ حَبْلٌ فِي الْقَلْبِ، وَالْحِرْصُ قَيْدٌ لِلرَّجُلِ؛ فَمَنْ حَلَّ الْحَبْلَ مِنْ قَلْبِهِ انْفَكَ الْقَيْدُ مِنْ رِجْلِهِ (٣).

٢٦٨٧. وَقَالَ بَعْضُهُمْ: الصَّدْقُ عِزٌّ، وَالكَذِبُ ذُلٌّ (٤).

٢٦٨٨. وَقَالَ آخَرُ: الْكَرِيمُ يَلِينُ إِذَا اسْتُعِطِفَ، وَاللَّيِّمُ يَقْسُو إِذَا طُفِيَ (٥).

٢٦٨٩. وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: خَصَلَتَانِ قَرِيضَتَانِ عَلَى كُلِّ ذِي إِيمَانٍ: طَلَبُ الْعِلْمِ، وَطَلَبُ الْكَسْبِ؛ طَلَبُ الْعِلْمِ لِصَلَاحِ دِينِهِ، وَطَلَبُ الْكَسْبِ لِصَلَاحِ دُنْيَاهُ. فَمَنْ طَلَبَ الْعِلْمَ وَلَمْ يَطْلُبِ الْكَسْبَ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُفْلِسًا (٦).

٢٦٩٠. وَمِمَّا وَرَدَ فِي مَدْحِ الْغَنِيِّ وَذَمِّ الْفَقِيرِ: كَانَ ابْنُ عَيَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَقُولُ: النَّاسُ لِصَاحِبِ الْمَالِ الْأَرْزَمِ مِنْ شُعَاعِ الشَّمْسِ لِلشَّمْسِ، وَهُوَ عِنْدَهُمْ أَعْدَبُ مِنَ الْمَاءِ، وَأَرْفَعُ مِنَ السَّمَاءِ، وَأَحْلَى مِنَ الشَّهْدِ، وَأَزْكَى مِنَ الْوَرْدِ، خَطُّهُ صَوَابٌ، وَسَيِّئَاتُهُ حَسِيئَاتٌ، وَقَوْلُهُ مَقْبُولٌ، يُرْفَعُ مَجْلِسُهُ، وَلَا يَمَلُّ حَدِيثُهُ.

٢٦٩١. وَالْمُفْلِسُ عِنْدَ النَّاسِ أَكْذَبُ مِنْ لَمَعَانِ السَّرَابِ، وَأَثْقَلُ مِنَ الرَّصَاصِ، لَا- يُسَيَّلَمُ عَلَيْهِ إِنْ قَدِمَ، وَلَا يُسَأَلُ عَنْهُ، إِنْ غَابَ شَمُوهُ، وَإِنْ حَضَرَ ذَمُّهُ، وَإِنْ غَضِبَ صَنَعُوهُ (٧)، مُصَافِحَتُهُ تَنْقُضُ الْوُضُوءَ، وَقِرَاءَتُهُ تَقْطَعُ الصَّلَاةَ.

ص: ٤٣٢

١- (١). المستطير: من طار يطير بمعنى المنتشر المتفرق، والذاهب بسرعة؛ أي شره متفرق فاش بسرعة.

٢- (٢). مجموعه ورّام، ج ٢، ص ٢١٧ عن رسول الله صلى الله عليه وآله.

٣- (٣). مجموعه ورّام، ج ٢، ص ٢٤٧ عن رسول الله صلى الله عليه وآله.

٤- (٤). مجموعه ورّام، ج ٢، ص ٢٥٢ عن رسول الله صلى الله عليه وآله.

٥- (٥). تحف العقول، ص ٢٠٤ عن رسول الله صلى الله عليه وآله.

٦- (٦). هذا إذا أمكن الكسب مع طلب العلم فلم يطلبه كي يكون كالماء على الناس، بل جعل العلم طريقاً إلى المعاش وطلب

الدنيا من طريق العلم، ومن المعلوم أنّ الفساد في العلماء لا ينشأ إلا من ذلك. كما قال أمير المؤمنين عليه السلام في النهج الخطبه

٨٥: وآخر قد تسمى عالماً وليس به، قد اقتبس جهائل من جهال، وأضاليل من ضلال، ونصب للناس شركاً من حبال غرور وقول

زور، قد حمل الكتاب على آرائه، وعطف الحق على أهوائه، يؤمن من العظائم ويهون كبير الجرائم، يقول: أقف عند الشبهات

وفيها وقع، وأعتزل البدع وبينها اضطجع، فالصوره صوره إنسان والقلب قلب حيوان إلخ... وأما طلب العلم في زمان لا يمكن معه

الكسب كما لا يخفى على أهل الدرايه فلا، وقد فصل الشيخ رحمه الله في المكاسب البحث في ذلك فراجع.

٧- (٧). الظاهر أنه مصحف، والصحيح وضعوه: أي حقره وسخروا منه.

۲۶۸۵. حازم بن خزیمه: روزی که پیران را مست و کودکان را پیر می کند روز دشواری است. که شرّ آن به سرعت دامنگیر خواهد شد. [منظور روز قیامت است]

۲۶۸۶. گویند: طمع ریسمانی بر قلب و حرص زنجیری بر پا است. کسی که ریسمان را از قلب خود باز کند. زنجیر از پا رها می شود.

۲۶۸۷. گویند: راستگویی عزت است. و دروغگوئی ذلت است.

۲۶۸۸. گویند: کریم هنگامی که از او طلب عطوفت کنند نرمخو است. و به لئیم هنگامی که لطف شود سنگدل است.

۲۶۸۹. امام صادق علیه السلام فرمودند: بر هر کسی که ایمان دارد دو خصلت واجب است: طلب علم، و طلب کسب. تحصیل علم برای صلاح دین و طلب کسب برای صلاح دنیا. و کسی که تحصیل علم کند ولی طلب کسب نکند، در روز قیامت ورشکسته حاضر می شود.

۲۶۹۰. در مدح غنی و مذمت فقیر؛ ابن عباس می گفت: مردم به ثروتمند نزدیک تر از شعاع خورشید به خورشید هستند. ثروتمند نزد مردم گواراتر از آب و بلندتر از آسمان و شیرین تر از شهد و پاک تر از گل است. اشتباه او صحیح و بدیهای او نیکی و گفتارش پذیرفته می شود. در بالای مجلس او را می نشانند و از سخنش ملول نمی شوند.

۲۶۹۱. ورشکسته نزد مردم از درخشیدن سراب دروغگوتر و از سرب سنگین تر است. به او سلام نمی کنند. و از او سؤال نمی کنند. در غیبت او را دشنام دهند. و در حضورش مذمت کنند.

اگر عصبانی شود او را مسخره می کنند. [به نگاه مردم] دیده بوسی با او وضو را و قرائتش نماز را باطل می کند.

٢٦٩٢. رُوِيَ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ الحَسَنَةَ فِي الدُّنْيَا شَيْئَانِ: طَيْبُ المَعَاشِ، وَحُسْنُ الخُلُقِ، وَفِي الآخِرَةِ شَيْئَانِ:

رِضْوَانُ اللَّهِ، وَالجَنَّةِ.

وَعَنِ الحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هِيَ العِلْمُ وَالعِبَادَةُ فِي الدُّنْيَا، وَالجَنَّةُ فِي الآخِرَةِ.

وَعَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هِيَ المَرَأَةُ الصَّالِحَةُ فِي الدُّنْيَا، وَالجَنَّةُ فِي العُقْبَى (١). (٢).

٢٦٩٣. وَقَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: سُمِّيَتِ الدُّنْيَا دُنْيَا لِأَنَّهَا أَدْنَى مِنْ كُلِّ شَيْءٍ، وَسُمِّيَتِ الآخِرَةُ آخِرَةً لِتَأخُّرِهَا. (٣).

٢٦٩٤. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ رَضِيَ مِنَ الدُّنْيَا بِمَا يُجْزِيهِ كَانَ أَيْسَرُ مَا فِيهَا يَكْفِيهِ، وَمَنْ لَمْ يَرْضَ مِنَ الدُّنْيَا بِمَا يُجْزِيهِ لَمْ يَكُنْ

فِيهَا شَيْءٌ يَكْفِيهِ. (٤).

٢٦٩٥. وَقَالَ أميرُ المُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مِسْكِينُ ابْنِ آدَمَ؛ لَهُ بَطْنٌ يَقُولُ املأني وإلما فضحتك! وإذا امتلأ يقول: فرغني وإلما

فضحتك! وهو أبدأ بين فضيحتين.

٢٦٩٦. وَقِيلَ لِأَبِي حَازِمٍ: مَا مَالُكَ؟ فَقَالَ: شَيْئَانِ: الرِّضَى عَنِ اللَّهِ، وَالعِنَى عَنِ النَّاسِ. (٥).

٢٦٩٧. وَقَالَ: شَيْئَانِ هُمَا خَيْرُ الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ، قِيلَ: وَمَا هُمَا؟ قَالَ: تَحَمُّلُ مَا تَكْرَهُ إِذَا أَحَبَّهُ اللَّهُ، وَتَرْكُ مَا تُحِبُّ إِذَا كَرِهَهُ اللَّهُ.

٢٦٩٨. وَقَالَ: انظُرِ الَّذِي تُحِبُّ أَنْ يَكُونَ مَعَكَ فِي الآخِرَةِ فَقَدِمَهُ اليَوْمَ، وَانظُرِ الَّذِي تَكْرَهُ أَنْ يَكُونَ مَعَكَ فَاتْرَكَهُ اليَوْمَ.

٢٦٩٩. وَقَالَ: مَنْ عَرَفَ الدُّنْيَا لَمْ يَفْرَحْ فِيهَا بِرِخَاءٍ، وَلَمْ يَحْزَنْ عَلَى بَلَاءٍ.

٢٧٠٠. وَقَالَ: مَا فِي الدُّنْيَا شَيْءٌ يَسْرُوكَ إِلَّا وَقَدِ الزَّقَ بِهِ (بِكَ خ ل) شَيْءٌ يَسْوُوكَ.

٢٧٠١. وَقَالَ: اكْتُمُ حَسَنَاتِكَ أَشَدَّ مِمَّا تَكْتُمُ سَيِّئَاتِكَ.

٢٧٠٢. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَفْضَلُ خِصْلَةٍ تُرْجَى لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَكُونَ أَشَدَّ النَّاسِ خَوْفًا عَلَى نَفْسِهِ، وَأَرْجَاهُ لِكُلِّ مُسْلِمٍ.

٢٧٠٣. وَقَالَ بَعْضُ الحُكَمَاءِ: مَنْ تَرَكَ نَصِيْبَهُ مِنَ الدُّنْيَا اسْتَوْفَى حَظَّهُ مِنَ الآخِرَةِ.

ص: ٤٣٤

١- (١). كَأَنَّ هَذِهِ الأَخْبَارَ إِشَارَةً إِلَى الآيَةِ الشَّرِيفَةِ «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً».

٢- (٢). عَنِ الصَّادِقِ الخ: مَعْدِنُ الجَوَاهِرِ، ص ٢٧. عَنِ الحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ الخ: فَتَحَ البَارِي، ج ١١، ص ١٦٢؛ عَنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ

السَّلَامِ (الخ) زَبَدَةُ البَيَانِ، ص ٢٧٧.

٣- (٣). بَحَارُ الأَنْوَارِ، ج ١٠، ص ١٢.

- ٤-٤) . تحف العقول، ص ٢٠٧.
- ٤-٥) . شرح نهج البلاغه، ج ٢، ص ٩٣.

۲۶۹۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است: حسنه در دنیا دو چیز است. معاش نیکو و اخلاق خوب و در آخرت حسنه دو چیز است: رضوان خدا و بهشت.

و از امام حسن علیه السلام روایت شده: حسنه در دنیا علم و عبادت است و در آخرت بهشت.

و از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است: حسنه در دنیا همسر صالح و در آخرت بهشت است.

۲۶۹۳. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: دنیا را دنیا نامیده اند چون نزدیک تر از هر چیز است. و آخرت را آخرت نامیده اند چون بعد از همه چیز است.

۲۶۹۴. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: کسی که به آنچه کفایت کند راضی شود، کمترین چیز برایش کافی است. و کسی که به آنچه کفایت کند راضی نشود، هیچ چیز در دنیا برایش کافی نیست.

۲۶۹۵. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: بیچاره آدمی زاده، یک شکم دارد که می گوید مرا پر کن و گرنه تو را رسوا می کنم. وقتی پر شد، می گوید: مرا تخلیه کن و گرنه رسوا می کنم، او همیشه بین این دو رسوائی است.

۲۶۹۶. به ابی حازم گفتند: سرمایه ات چیست؟ گفت: دو چیز: خشنودی خدا و بی نیازی از مردم.

۲۶۹۷. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: دو چیز خیر دنیا و آخرت هستند. پرسیدند چه چیزی؟ گفت:

تحمل سختی، اگر خدا دوست داشته باشد. و ترک خواهش نفس، اگر خدا آن را نمی پسندد.

۲۶۹۸. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: دقت کن آنچه دوست داری در آخرت با تو باشد امروز فراهم کن. و آنچه دوست داری که با تو نباشد امروز ترک کن.

۲۶۹۹. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: کسی که دنیا را بشناسد بر آسایش آن شاد و بر بلای آن محزون نمی شود.

۲۷۰۰. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: در دنیا هر چیز تو را شاد کند، در کنارش چیزی است که تو را غمگین می کند.

۲۷۰۱. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: حسنات خود را بیشتر از بدیهایت بپوشان.

۲۷۰۲. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: برترین خصلت مؤمن این است که نسبت به خود خائف ترین مردم و نسبت به هر مسلمان امیدوارترین شخص باشد.

۲۷۰۳. حکیمی گفته است: کسی که سهم خود از دنیا را ترک کند، بهره خود از آخرت را بدست آورده است.

٢٧٠٤. وَقَالَ آخِرُ: الزَّاهِدُ مَنْ لَا يَطْلُبُ الْمَفْقُودَ حَتَّى يَفْقِدَ الْمَوْجُودَ.

٢٧٠٥. وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لِيَكُونَ لِلْعَبْدِ مَنَزَلَةٌ عِنْدَ اللَّهِ؛ فَمَا يَنَالُهَا إِلَّا بِأَخْرِجِ الْخَصْلَتَيْنِ؛ إِمَّا بِمَذْهَابٍ مَالِهِ، أَوْ بِبَيْتِهِ فِي جَسَدِهِ. (١)

٢٧٠٦. وَرُوِيَ أَنَّهُ ذُكِرَ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَجُلَانِ كَانَ أَحَدُهُمَا يُصَيِّمُ لِي الْمَكْتُوبَةَ وَيَجْلِسُ وَيُعَلِّمُ النَّاسَ الْخَيْرَ، وَكَانَ الْآخَرُ يَصُومُ النَّهَارَ وَيَقُومُ اللَّيْلَ، فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: فَضَّلُ الْأَوَّلَ عَلَى الثَّانِي كَفَضْلِي عَلَى أَدْنَاكُمْ. (٢)

٢٧٠٧. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عِلْمٌ لَا يَنْتَفَعُ بِهِ كَكَتْرٍ لَا يَنْفَعُ مِنْهُ. (٣)

٢٧٠٨. قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْعِلْمُ عِلْمَانِ: عِلْمٌ بِاللِّسَانِ؛ وَهُوَ الْحُجَّةُ عَلَى صَاحِبِهِ، وَعِلْمٌ بِالْقَلْبِ؛ وَهُوَ النَّافِعُ لِمَنْ عَمِلَ بِهِ. (٤)

٢٧٠٩. وَقَالَ بَعْضُ الْعَارِفِينَ: الْمُصِيبَةُ وَاحِدَةٌ، فَإِنْ جَزَعَ صَاحِبُهَا فَاتَّانٍ؛ يَعْنِي فَقَدَ الْمُصَابِ، وَفَقَدَ الصَّوَابِ (٥). (٤)

٢٧١٠. وَفِي الْحَدِيثِ: بُعِثْتُ إِلَى الْأَسْوَدِ وَالْأَحْمَرِ. أَيْ إِلَى الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ؛ لِأَنَّ الْغَالِبَ عَلَى أَلْوَانِ الْعَرَبِ الْأُدْمَةَ (٧) وَالسُّمْرَةَ، وَالْغَالِبَ عَلَى أَلْوَانِ الْعَجَمِ الْبَيَاضَ وَالْحُمْرَةَ، وَالْمُرَادُ بِالْعَجَمِ مَا عِدَا الْعَرَبِ. وَقِيلَ: الْمُرَادُ بِالْأَسْوَدِ وَالْأَحْمَرِ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ؛ فَالْأَسْوَدُ كِنَايَةٌ عَنِ الْجِنَّ؛ لِغَدَمِ ظُهُورِهِمْ، وَالْأَحْمَرُ عَنِ الْإِنْسِ.

وَالْقَوْلُ الْأَوَّلُ هُوَ الْمَشْهُورُ. (٨)

٢٧١١. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: خَصَلْتَانِ لِأَشْيَاءَ أَفْضَلُ مِنْهُمَا: الْإِيمَانُ بِاللَّهِ، وَالنَّفْعُ لِلْمُسْلِمِينَ، وَخَصَلْتَانِ لِأَشْيَاءَ أَخْبَثُ مِنْهُمَا: الشَّرْكُ بِاللَّهِ، وَالْإِضْرَارُ لِلْمُسْلِمِينَ. (٩) وَرُوِيَ أَنَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: مَا رَأَيْتُ مِثْلَ الْجَنَّةِ نَامَ طَالِبِيهَا، وَمَا رَأَيْتُ مِثْلَ النَّارِ نَامَ هَارِبِيهَا!

٢٧١٢. وَقَالَ بَعْضُهُمْ: أَجَلٌ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ التَّوْفِيقُ، وَأَجَلٌ مَا يَصْعَدُ إِلَى السَّمَاءِ الْإِخْلَاصُ.

ص: ٤٣٦

١- (١). الكافي، ج ٢، ص ٢٥٧، ح ٢٣.

٢- (٢). إرشاد القلوب، ج ١، ص ١٣.

٣- (٣). إرشاد القلوب، ج ١، ص ١٥.

٤- (٤). إرشاد القلوب، ج ١، ص ١٥.

٥- (٥). كذا وفي شرح نهج البلاغة نقله عن ابن السماك، وفيه «الثواب» بدل «الصواب» ولعله هو الصواب.

٦- (٦). شرح نهج البلاغة، ج ١، ص ٣٢٢.

٧- (٧). الأدمه: السُّمْره (لسان العرب: ١١/١٢).

٨- (٨). شرح نهج البلاغة، ج ٥، ص ٥٤.

٩- (٩) . تحف العقول، ص ٣٥؛ الأمل للطوسي، ص ٥٢٥، ح ١/١١٦٢.

۲۷۰۴. دیگری گفته است: زاهد کسی است که آن قدر در طلب گمشده نباشد که آنچه دارد را هم از دست بدهد.

۲۷۰۵. امام صادق علیه السلام فرمودند: بنده نزد خداوند منزلتی دارد که به آن نمی رسد مگر با دو خصلت:

از دست دادن مال و مبتلا شدن به بیماری در جسم.

۲۷۰۶. نزد حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله سخن از دو نفر به میان آمد، یکی از آنها نمازهای واجب را بجا می آورد و به مردم نیکی آموزش می دهد، و دیگری روز را روزه می گیرد و شبها را به نماز می گذراند، حضرت فرمودند: برتری اولی بر دومی مانند برتری من بر کمترین شما است.

۲۷۰۷. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: علمی که کاربرد نداشته باشد مانند گنجی است که انفاق نشود.

۲۷۰۸. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: علم دو نوع است؛ علم زبانی، این علم حجت بر علیه صاحبش خواهد بود. و علم قلبی، این علم برای کسی که به آن عمل کند مفید است.

۲۷۰۹. شخص عارفی گفت: مصیبت یکی است و اگر مصیبت زده جزع کند دو برابر می شود. یعنی هم آنچه از دست داده و هم ثواب آن که از دست می رود.

۲۷۱۰. در حدیث نبوی آمده است: برای هدایت سیاه و سرخ مبعوث شدم یعنی برای عرب و عجم، چون رنگ پوست غالب در عرب سیاه است و رنگ غالب در عجم سفید و سرخ. مراد از عجم، غیر عرب است.

بعضی گفته اند: مراد از سیاه و سرخ، جنّ و انس است. اسود کنایه از جنّ است چون ظاهر نمی شوند. و احمر یعنی انس. قول اول مشهورتر است.

۲۷۱۱. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: دو خصلت است که از آنها بهتر وجود ندارد: ایمان به خدا و نفع برای مسلمانان. و دو خصلت است که از آنها بدتر وجود ندارد: شرک به خدا و ضرر رساندن به مسلمانان.

حضرت صلی الله علیه و آله فرمودند: چیزی مثل بهشت ندیدم که طالب آن خواب باشد. و چیزی مثل جهنم ندیدم که فراری از آن خواب باشد.

۲۷۱۲. گفته اند: گرانقدرترین چیزی که از آسمان نزل می کند، توفیق است. و گرانقدرترین چیزی که به آسمان صعود می کند، اخلاص است.

٢٧١٣. وقال آخر: قَبَّحَ اللَّهُ الدُّنْيَا؛ فَإِنَّهَا إِذَا أَقْبَلَتْ عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْطَتْهُ مَحَاسِنَ غَيْرِهِ، وَإِذَا أَدْبَرَتْ عَنْهُ سَلَبَتْهُ مَحَاسِنَ نَفْسِهِ. (١)

٢٧١٤. وقال أفلاطون: انظر في المرآة؛ فإن كان وجهك حسناً فاعمل ما يناسبه، وإن كان وجهك قبيحاً فلا تجمع بين القبيحين!

٢٧١٥. وسئل بعض الحكماء: من أسوء الناس حالاً ومالاً؟ قال: من لا يثق بأحدٍ لسوء ظنه، ولا يثق به أحدٌ لسوء فعله.

٢٧١٦. وقال نوح عليه السلام: وجدت الدنيا بيتاً له بابان، دخلت من أحدهما وخرجت من الآخر. (٢)

٢٧١٧. ذكر الثعلبي في تفسيره: أن بختيشوع بن جبرئيل المتطبب النصراني كان يخدم الرشيد وكان حاذقاً، فقال يوماً بحضرة الرشيد لعلني بن واقد الواقدي: ليس في كتابكم من علم الطب شيء، والعلم علمان: علم الأبدان، وعلم الأديان.

فقال له علي بن واقد: قد جمع الله الطب في نصف آية من كتابه؛ وهو قوله تعالى: «وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا».

فقال النصراني: أو لا يروى عن نبيكم شيء من الطب؟

فقال الواقدي: جمع النبي صلى الله عليه وآله الطب في كلمات؛ وهي قوله: «المعدة بيت الداء، والحمة رأس كل دواء، وأعط كل بدن ما عودته».

فقال النصراني: ما ترك كتابكم ولا نبيكم لجالينوس طيباً! (٣)

٢٧١٨. وقال الحسن البصري: إن المؤمن لا يصبح إلا خائفاً وإن كان محسباً، ولا يمسي إلا خائفاً وإن كان محسباً، ولا يصلح له إلا ذلك؛ لأنه بين مخافتين: بين ذنب قد مضى لا يدرى ما يصنع الله فيه، وبين أجل قد بقى لا يدرى ما يصيب فيه من الهلكات. (٤)

٢٧١٩. وقال: أوحى الله إلى عيسى عليه السلام أن قل ليني إسرائيل يحفظوا عني حرقين: أن يرضوا بدني الدنيا لسلامة دينهم، كما أن أهل الدنيا رضوا بدني الدين لسلامة دنياهم. (٥)

ص: ٤٣٨

١- (١). بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٠٥، ح ٤٧٠.

٢- (٢). مجموعه ورام، ج ١، ص ١٣١.

٣- (٣). مجمع البيان، ج ٤، ص ٢٤٤.

٤- (٤). الأمل للطوسي، ص ٢٠٨، ح ٨/٣٥٨ عن الإمام علي عليه السلام.

٥- (٥). كتاب الرضا عن الله بقضائه، ابن أبي الدنيا، ص ٩٥.

۲۷۱۳. دیگری گفته است: خداوند دنیا را زشت گرداند چون اگر دنیا به کسی روی آورد محاسن دیگران را به او می دهد. و اگر روی برگرداند، محاسن خود او را هم از او سلب می کند.

۲۷۱۴. افلاطون گفت: در آینه نظر کن اگر سیمای تو زیباست، عمل خود را هم به مناسبت آن زیبا کن. اگر سیمای تو زشت است با عمل زشت، در خودت دو زشتی جمع نکن.

۲۷۱۵. از حکیمی پرسیدند: حال و سرنوشت چه کسی از همه مردم بدتر است؟ گفت: کسی که به جهت سوء ظن به کسی اطمینان نمی کند. و هیچ کس هم به جهت بدرفتاری او به او اطمینان نمی کند.

۲۷۱۶. نوح علیه السلام گفت: دنیا چون خانه ای است که دو در دارد از یکی وارد شدم و از دیگری خارج شوم.

۲۷۱۷. ثعلبی در تفسیرش آورده است: بختیشوع فرزند جبرئیل، طیب مسیحی که چیره دست بود به هارون الرشید خدمت می کرد. روزی در حضور هارون الرشید به علی بن واقد واقدی گفت: در کتاب شما [قرآن] از علم طب چیزی وجود ندارد. در حالی که علم دو قسم است علم بدن و علم دین.

علی بن واقد گفت: خداوند تمام علم طب را در نیم آیه جمع کرده است و فرموده است:

«کلوا و اشربوا و لاتسرفوا یعنی بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید».

مسیحی گفت: از پیامبر شما روایتی در علم طب نقل شده است؟

واقدی گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله علم طب را در چند کلمه جمع فرموده اند: معده خانه درد است.

پرهیز کردن ریشه همه درمان هاست. به هر بدنی آنچه عادتش داده ای بده.

مسیحی گفت: کتاب شما و پیامبر شما چیزی از طب را برای جالینوس نگذاشته اند.

۲۷۱۸. حسن بصری گفت: مؤمن گرچه نیکوکار باشد شبانه روز در حال خوف است و این حال او را اصلاح می کند. چون از دو چیز خوف دارد: یکی گناهان گذشته که نمی داند خدا با او چه می کند. و دیگری اینکه نمی داند در باقیمانده عمرش با چه امور مهلکی مواجه خواهد شد.

۲۷۱۹. و نیز حسن گوید: خداوند به عیسی علیه السلام وحی فرمود: به بنی اسرائیل بگو: دو چیز را به خاطر بسپارند: از دنیا به کم قناعت کنند تا دین آنها سالم بماند. چنان که اهل دنیا برای حفظ دنیای خود به مقدار کمی از دین قناعت کرده اند.

٢٧٢٠. رَأَى يَهُودِيَّ الحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَام فِي أَبِيهِ زِيٍّ وَأَحْسَنِهِ، وَاليَهُودِيَّ فِي حَالِ رَدِيٍّ وَأَشْمَالٍ (١). رَثَّ، فَقَالَ:

أَلَيْسَ قَالَ رَسُولُكُمْ: «الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَجَنَّةُ الكَافِرِ»؟ قَالَ: نَعَمْ، فَقَالَ: هَذَا حَالِي، وَهَذَا حَالُكَ! فَقَالَ: غَلَطْتَ يَا أَخَا اليَهُودِ (٢)، لَوْ رَأَيْتَ مَا وَعَدَنِي اللَّهُ مِنَ الثَّوَابِ وَمَا أَعَدَّ لَكَ مِنَ العِقَابِ لَعَلِمْتَ أَنَّكَ فِي الجَنَّةِ، وَأَنَا فِي السِّجْنِ (٣).

٢٧٢١. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَام: عِلْمُ النَّاسِ عِلْمُكَ، وَتَعَلُّمُ عِلْمٍ غَيْرِكَ؛ فَتَكُونَ قَدْ أَنْفَقْتَ عِلْمَكَ وَعَلِمْتَ مَا لَمْ تَعْلَمْ (٤).

٢٧٢٢. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَام: لَا تَأْتِ رَجُلًا إِلَّا أَنْ تَرْجُوَ بَرَكَهَ دُعَائِهِ، أَوْ تَصِلَ رَحِمًا بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ (٥).

٢٧٢٣. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَام: مَا رَأَيْتُ ظَالِمًا أَشْبَهَ بِمَظْلُومٍ مِنْ حَاسِدٍ (٦).

٢٧٢٤. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَام: اجْعَلْ مَا طَلَبْتَ مِنَ الدُّنْيَا فَلَمْ تَظْفَرْ بِهِ بِمَنْزِلِهِ مَا لَمْ يَخْطُرْ بِإِلَاحِثِكَ، وَاعْلَمْ أَنَّ مُرُوءَةَ القَنَاعَةِ وَالرِّضَى أَكْبَرُ مِنَ مُرُوءَةِ الإِعْطَاءِ، وَتَمَامُ الصَّنِيعَةِ (٧) خَيْرٌ مِنْ ابْتِدَائِهَا (٨).

٢٧٢٥. وَرُويَ فِي كِتَابِ دَعَائِمِ الإِسْلَامِ عَنِ الحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَام أَنَّهُ قَالَ: النَّاسُ فِي دَارِ سِيْهِوٍ وَغَفْلَةٍ؛ يَعْمَلُونَ وَلَا يَعْلَمُونَ، فَإِذَا صَارُوا إِلَى الآخِرَةِ صَارُوا إِلَى دَارِ يَقِينٍ؛ يَعْلَمُونَ وَلَا يَعْمَلُونَ (٩).

ص: ٤٤٠

١- (١). الشَّمْلَةُ: الكِسَاءُ وَالمُتَزَرُّ يَشْتَعُ بِهِ (لسان العرب: ٣٦٨/١١).

٢- (٢). الأَخ: مَنْ جَمَعَكَ وَإِيَاهُ صَلَبَ أَوْ بَطَنَ أَوْ قَبِيلَهُ أَوْ دِينَ أَوْ صَنَعَهُ أَوْ مَعَامَلَهُ أَوْ مَوَدَّهُ أَوْ فَعَلَ.

٣- (٣). تصحيح اعتقادات الإمامية، ص ٩٧.

٤- (٤). بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١١١، ح ٦.

٥- (٥). بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١١١، ح ٦.

٦- (٦). بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١١١، ح ٦.

٧- (٧). الصنيعه: العطيته والكرامه والإحسان (لسان العرب: ٢٠٩/٨).

٨- (٨). بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١١١، ح ٦.

٩- (٩). دعائم الإسلام، ج ١، ص ١٦٨.

۲۷۲۰. یک یهودی که لباس و ظاهر پستی داشت حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام را در لباس فاخر و ظاهری آراسته دید و به او گفت: آیا پیامبر شما نگفته است که دنیا برای مؤمن زندان و برای کافر بهشت است؟

حضرت فرمودند: بله. یهودی گفت: این حال من است و آن حال شما.

حضرت فرمودند: ای برادر یهود اشتباه می کنی اگر وعده ثوابی که خداوند متعال به من داده است و وعده عذابی که به تو داده است می دانستی، آنگاه می فهمیدی که تو در بهشت و من در زندان هستم.

۲۷۲۱. امام حسن علیه السلام فرمودند: علم خود را به مردم بیاموز و علم دیگران را بدست آور. آنگاه علم خود را انفاق کرده ای و آنچه نمی دانستی یاد گرفته ای.

۲۷۲۲. امام حسن علیه السلام فرمودند: نزد کسی نرو مگر به امید برکت دعای او یا برای انجام صله رحم.

۲۷۲۳. امام حسن علیه السلام فرمودند: ظالمی را شبیه تر به مظلوم از حسود ندیدم.

۲۷۲۴. امام حسن علیه السلام فرمودند: آنچه از دنیا خواستی و بدست نیاوردی مانند چیزهایی قرار داده که اصلاً به ذهنت خطور نکرده است و بدان که مردانگی قناعت و رضا، بزرگتر از مردانگی بخشش است. و کامل کردن کار نیکو، بهتر از شروع آن است.

۲۷۲۵. در کتاب دعائم الاسلام از امام حسن علیه السلام نقل شده است که فرمودند: مردم در دنیا در خانه فراموشی و غفلت هستند کار می کنند ولی نمی دانند و در آخرت به خانه یقین وارد می شوند و می دانند و کار نمی کنند.

٢٧٢٦. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: غَسَلَ الْيَدَيْنِ قَبْلَ الطَّعَامِ يَنْفِي الْفَقْرَ، وَبَعْدَهُ يَنْفِي الْهَمَّ.

وَأَمْتَنَعَ رَجُلٌ مِنْ غَسْلِ الْيَدَيْنِ قَبْلَ الطَّعَامِ عِنْدَهُ، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اغْسِلْهُمَا؛ فَالْعَسَلَةُ الْأُولَى لَنَا، وَالثَّانِيَةُ لَكَ؛ فَإِنْ شِئْتَ اتْرُكْهَا. (١)

٢٧٢٧. وَسُئِلَ عَنِ النَّذْلِ وَاللُّؤْمِ، فَقَالَ: مَنْ لَا يَغْضَبُ مِنَ الْجَفْوَةِ، وَلَا يَشْكُرُ عَنِ النَّعْمَةِ.

٢٧٢٨. وَنَقَلَ الْحَافِظُ أَبُو نَعِيمٍ فِي حُلِيِّهِ بِسَيِّدِهِ فِيهَا: أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ سَأَلَ ابْنَهُ الْحَسَنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَشْيَاءٍ مِنْ أَمْرِ الْمَرْوَةِ، فَقَالَ: يَا بَنِيَّ، مَا السَّدَادُ (٢)؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا أَبَتِ، السَّدَادُ دَفْعُ الْمُنْكَرِ بِالْمَعْرُوفِ.

قَالَ: فَمَا الشَّرْفُ؟ قَالَ: اصْطِنَاعُ (٣) الْعَشِيرَةِ، وَحَمْلُ الْجَرِيرَةِ.

قَالَ: فَمَا الْمَرْوَةُ (٤)؟ قَالَ: الْعَفَافُ، وَإِصْلَاحُ الْمَالِ.

قَالَ: فَمَا الدَّقَّةُ (٥)؟ قَالَ: النَّظْرُ فِي الْيَسِيرِ، وَمَنْعُ الْحَقِيرِ.

قَالَ: فَمَا اللُّؤْمُ؟ قَالَ: إِحْرَازُ الْمَرْءِ نَفْسَهُ، وَبَدْلُ عُرْسِهِ.

قَالَ: فَمَا السَّمَاخُ؟ قَالَ: الْبَدْلُ فِي الْعُسْرِ وَالْيَسْرِ.

قَالَ: فَمَا الشُّخُّ؟ قَالَ: أَنْ تَرَى مَا فِي يَدِكَ شَرَفًا، وَمَا أَنْفَقْتَهُ تَلْفًا.

قَالَ: فَمَا الْإِخَاءُ؟ قَالَ: الْمُسَاوَاةُ فِي الشَّدَةِ وَالرِّخَاءِ.

قَالَ: فَمَا الْجُبْنُ؟ قَالَ: الْجُرْأَةُ عَلَى الصَّدِيقِ، وَالنُّكُولُ عَلَى الْعَدُوِّ.

قَالَ: فَمَا الْغَنِيمَةُ؟ قَالَ: الرَّغْبَةُ فِي التَّقْوَى، وَالرَّهَادَةُ (٦) فِي الدُّنْيَا هِيَ الْغَنِيمَةُ الْبَارِدَةُ.

ص: ٤٤٢

١- (١). الدعوات، ص ١٤٢، ح ٣٦٤؛ مكارم الأخلاق، ص ١٣٩؛ عن النبي الأكرم صلى الله عليه وآله وفيه ذيله من «امتنع...».

[امتنع الخ]؛ بحار، ج ٧٥، ص ٣٤٩، ح ٦. عن الرضا. كشف الغم، ج ٣، ص ١٠٠ (معجم).

٢- (٢). السداد بالفتح: الاستقامة، وبالكسر: ما سدّت به خللاً. والمعنى أنّ الاستقامة هي دفع المنكر بالمعروف، بأن لا يتجاوز في دفعه عن الحدود الشرعية.

٣- (٣). اصطناع العشيرة: الإحسان إليهم وإعطاؤهم. والجريه الجنايه والذنب. وحملها إمّا بأن يعفو عن ذنوبهم ويغض عن جرائمهم، وإمّا بأن يحتمل جرائمهم بإعطاء ما عليهم من الديات.

٤- (٤). مضى معنى المرؤه غير مرّه، وفسره عليه السلام بالعفاف وإصلاح المال. وفي روايه تحف العقول قيل: فما المرؤه؟ قال: حفظ الدين، وإعزاز النفس، ولين الكفّ، وتعهد الصنيعه، وأداء الحقوق، والتحبب إلى الناس. وفي روايه اخرى: سأل معاويه

الحسن بن عليّ عليهما السلام عن المروّه فقال: شُحَّ الرجل على دينه، وإصلاحه ماله، وقيامه بالحقوق. ونقله يعقوبى بنحو آخر.
٥- (٥) . كذا فى تاريخ ابن عساكر وبحار الأنوار. وفى التحف: «الدينه»، وفى حليه الأولياء: «الرؤوفه»، والذى يظهر من الجواب
أنّه هو «الدينه» يعنى الخساسة والدناءه؛ إذ النظر فى القليل ومنع الحقير دناءه. وفى شرح ابن أبى الحديد ومعانى الأخبار: «الزقه».
٦- (٦) . قوله: والزهاده يحتمل أن يكون مستأنفاً؛ و «هى الغنيمه» خبره، أو مبتدأً ثانياً عطف على قوله: «الرغبه» و «هى الغنيمه»
خيرٌ لهما.

۲۷۲۶. امام حسن علیه السلام فرمودند: شستن دستها قبل از غذا فقر و بعد از غذا غصه را دور می کند.

شخصی در حضور امام علیه السلام قبل از غذا از شستشوی دستهایش خودداری کرد، حضرت فرمودند: دستهایت را بشوی، شستن قبل از غذا برای ما [یعنی از آلودگی غذای ما جلوگیری می کند] و شستن بعد از غذا مخصوص به خود توست اگر خواستی ترک کن.

۲۷۲۷. درباره فرومایه و خوار سؤال کردند، حضرت امام حسن علیه السلام فرمودند: کسی است که از جفا خشمگین نشود. و شکر نعمت بجا نیاورد.

۲۷۲۸. حافظ ابونعیم در کتاب حلیه نقل کرده است که امیرالمؤمنین علیه السلام از فرزندش حسن علیه السلام درباره اموری از مروّت سؤال کردند و فرمودند:

پسرم سداد [استواری] چیست؟ فرمودند: دفع بدی با نیکی.

حضرت پرسیدند: شرف چیست؟ فرمودند: احسان به خویشان و پرداخت جرائم ایشان.

پرسیدند: مروّت چیست؟ فرمودند: پاکدامنی و اصلاح مال.

پرسیدند: دقّت (۱) چیست؟ فرمودند: خرده گیری در امور ساده و بخل از مال بی مقدار.

پرسیدند: فرومایگی چیست؟ فرمودند: حفظ کردن خود و رها کردن ناموس.

پرسیدند: کرم چیست؟ فرمودند: بخشش در تنگدستی و رفاه.

پرسیدند: بخل شدید چیست؟ فرمودند: تصور اینکه آنچه داری شرف است و آنچه بخشیده ای تلف شده است.

پرسیدند: برادری چیست؟ فرمودند: برابری در سختی و آسایش.

پرسیدند: ترس چیست؟ فرمودند: جرأت بر دوست و تسلیم در برابر دشمن.

پرسیدند: غنیمت چیست؟ فرمودند: تمایل به پرهیزکاری و بی میلی به دنیا که غنیمت گواراست.

ص: ۴۴۳

قال: فَمَا الْحِلْمُ؟ قال: كَظْمُ الْغَيْظِ، وَمِلْكُ النَّفْسِ (١).

قال: فَمَا الْغِنَى؟ قال: رِضَى النَّفْسِ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ تَعَالَى لَهَا وَإِنْ قَلَّ، وَإِنَّمَا الْغِنَى غِنَى النَّفْسِ.

قال: فَمَا الْفَقْرُ؟ قال: شَرُّهُ (٢) النَّفْسِ فِي كُلِّ شَيْءٍ.

قال: فَمَا الْمَنَعَةُ؟ قال: شِدَّةُ الْبَأْسِ، وَمُنَازَعَةُ عِزِّ النَّاسِ (٣).

قال: فَمَا الذُّلُّ؟ قال: الْفِرْعُ عِنْدَ الْمَصْدُوقِ (٤).

قال: فَمَا الْغَيُّ (٥)؟ قال: الْعَبَثُ بِاللَّحِيهِ، وَكَثْرَةُ الْبِرْقِ عِنْدَ الْمُخَاطَبِ.

قال: فَمَا الْجِزَاءُ (٦)؟ قال: مُوَافَقَةُ الْأَقْرَانِ.

قال: فَمَا الْكُلْفَةُ؟ قال: كَلَامُكَ فِيَمَا لَا يَعْينُكَ (٧).

قال: فَمَا الْمَجْدُ؟ قال: أَنْ تُعْطِيَ فِي الْغَرَمِ، وَتَعْفُو عَنِ الْجُرْمِ (٨).

قال: فَمَا الْعَقْلُ؟ قال: حِفْظُ الْقَلْبِ كُلِّ مَا اسْتَوْعَيْتَهُ (٩).

قال: فَمَا الْخَوْفُ (١٠)؟ قال: مُعَادَاثُكَ إِمَامَكَ، وَرَفْعُكَ عَلَيْهِ كَلَامَكَ.

قال: فَمَا السَّنَاءُ (١١)؟ قال: إِتْيَانُ الْجَمِيلِ، وَتَرْكُ الْقَبِيحِ.

قال: فَمَا الْجُودُ (١٢)؟ قال: طَوْلُ الْأَنَاهِ، وَالرَّفْقُ بِالْوُلَاهِ.

ص: ٤٤٤

١- (١) . كذا في الحليه والمعاني، وملك النفس جامع لمعنى الحلم، بل هو الصبر أيضاً.

٢- (٢) . كذا في المعاني والحليه. والشَّرُّه: شدّه الحرص.

٣- (٣) . وفي الحليه: منازعه أعزاء الناس. وفي تاريخ ابن عساكر: مقارعه أشداء الناس. وفي المعاني منازعه أعز الناس. والمعنى واضح.

٤- (٤) . والمصدوقه: الصدق؛ وهو الشدّه والصلابه.

٥- (٥) . وفي الحليه: العمى بدل الغنى. وفي المعاني: العي. والجواب مطابق للحليه. وفي المعاني كذا: العبث باللحيه وكثره التنحج عند المنطق، وهو موافق لمعنى العي، كما أنّ ما في المتن موافق لمعنى العمى. والبزاق ماء الفم ينتشر عند المخاطبه وغيرها.

٦- (٦) . الصحيح الجراه كما في الحليه والمعاني، والموافقه والمصادقه والتقارن؛ وافق فلان فلاناً: ضدّ خالفه. والمراد أنّ الجراه

والهجوم على الأمور هو التوافق مع الأقران إذ به يعرف ملكه نفسه وتسلطه على أهوائه.

٧- (٧) . لعله بيان لأدنى مرتبه الكلفه.

٨- (٨) . الغرم: الدَّيْنُ وما يلزم أدائه. والجُرم: الذنب.

٩- (٩) . وفي ابن عساكر: «استودعته» بدل «استوعبته»، والحليه موافق للمتن، وكلاهما صحيح بحسب المعنى.

١٠- (١٠) . الصحيح الخرق بدل الخوف كما فى الحليه. والخرق - بالضم - : الجهل والحمق وجوابه واضح المعنى، ولكن فى

تحف العقول: قال: مناواتك أمرك، ومن يقدر على ضرّك. والمناواه: المعاداه.

١١- (١١) . السَّناء - بالمدّ - : الرفعه (مجمع البحرين: ٢٣١/١).

١٢- (١٢) . الصحيح الحزم بدل الجود؛ وهو سوء الظنّ، وضبط الرجل أمره، والحذر من فواته، وأخذه بالثقه، ففسره عليه السلام

بطول الأناء؛ أى الرفق والمهله وعدم العجله و «الرفق بالولاه» أى اللين والल्पف: ضد العنف. وزاد ابن عساكر والتحف والحليه:

والاحتراس من الناس بسوء الظن (من جميع الناس خ ل).

پرسیدند: حلم چیست؟ فرمودند: غلبه بر خشم و خویشتن داری.

پرسیدند: ثروت چیست؟ فرمودند: رضایت به آنچه خدا تقسیم کرده گر چه کم باشد، ثروت فقط در بی نیازی نفس است.

پرسیدند: فقر چیست؟ فرمودند: بدترین فقر، تمایل به هر چیز است.

پرسیدند: نیرومندی چیست؟ فرمودند: دلاوری در جنگ و بدست آوردن عزت مردم.

پرسیدند: ذلت چیست؟ فرمودند: بی تابی در ناملايمات.

پرسیدند: فساد چیست؟ فرمودند: بازی کردن با موی سر و صورت، و انداختن آب دهان هنگام صحبت کردن با دیگران.

پرسیدند: جرأت چیست؟ فرمودند: موافقت با هم ردیفان.

پرسیدند: تکلف چیست؟ فرمودند: سخن گفتن در چیزهایی که بیهوده است.

پرسیدند: مجد چیست؟ فرمودند: به دیگران غرامت پرداختن و از جرم دیگران گذشتن.

پرسیدند: عقل چیست؟ فرمودند: حفظ کردن قلب از آنچه بر آن عرضه می شود.

پرسیدند: خوف چیست؟ فرمودند: دشمنی کردن با امام و سخن خود را بالاتر از او دانستن.

پرسیدند: فروغ چیست؟ فرمودند: انجام دادن کار نیکو و ترک کردن زشتی ها.

پرسیدند: حزم چیست؟ فرمودند: درنگ طولانی بسیار و مدارا کردن با زمامداران.

قال: فَمَا السَّفَهُ (١)؟ قال: اتِّبَاعُ الدُّنَاهِ، وَمُصَاحَبَةُ الْغَوَاهِ.

قال: فَمَا الْغَفْلَةُ؟ قال: تَرَكُّكَ الْمَسْجِدَ (٢)، وَطَاعَتُكَ الْمُفْسِدَ.

قال: فَمَا الْحِرْمَانُ؟ قال: تَرَكُّ حَظِّكَ وَقَدْ عُرِضَ عَلَيْكَ.

قال: فَمَنِ السَّيِّدُ (٣)؟ قال: الْأَحْمَقُ فِي مَالِهِ، وَالْمُتَهَاوِنُ فِي عَرِضِهِ (٤)؛ يُسْتَمُّ فَلَا يُجِيبُ. وَالْمُهْتَمُّ بِأَمْرِ عَشِيرَتِهِ هُوَ السَّيِّدُ (٥).

٢٧٢٩. وقال: عِظِ النَّاسَ بِفِعْلِكَ، وَلَا تَعْظُهُمْ بِقَوْلِكَ (٦).

٢٧٣٠. وقال: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى ضَرَبَ ابْنَ آدَمَ بِالْمَوْتِ وَالْفَقْرِ، وَإِنَّهُ مَعَ ذَلِكَ لَوَثَّابٌ (٧).

٢٧٣١. وقال: إِنَّ الرَّجُلَ لَيَعْمَلُ الْحَسَنَةَ فَيَكُونُ نُورًا فِي قَلْبِهِ وَقُوَّةً فِي يَدَيْهِ، وَإِنَّ الرَّجُلَ لَيَعْمَلُ السَّيِّئَةَ فَيَكُونُ ظُلْمَةً فِي قَلْبِهِ وَوَهْنًا فِي بَدَنِهِ (٨).

٢٧٣٢. وقال مُحَمَّدُ الْبَاقِرُ لِابْنِهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: إِيَّاكَ وَالْكَسَلَ وَالضَّجَرَ؛ فَإِنَّهُمَا مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ؛ إِنَّكَ إِنْ كَسَلْتَ لَمْ تُؤَدِّ حَقًّا، وَإِنْ ضَجَرْتَ لَمْ تَصْبِرْ عَلَى حَقٍّ (٩).

٢٧٣٣. وقال النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَوْ يَعْلَمُ الْمُؤْمِنُ مَا عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْعُقُوبَةِ مَا طَمِعَ بِجَنَّتِهِ أَبَدًا، وَلَوْ عَلِمَ الْكَافِرُ مَا عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الرَّحْمَةِ مَا قَنَطَ مِنَ الْجَنَّةِ أَبَدًا (١٠).

٢٧٣٤. وقال صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ كَانَ ذَا وَجْهَيْنِ فِي الدُّنْيَا كَانَ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لِسَانَانِ مِنَ نَارٍ (١١).

٢٧٣٥. وقال صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ أَحَبَّ لِقَاءَ اللَّهِ أَحَبَّ اللَّهُ لِقَاءَهُ، وَمَنْ كَرِهَ لِقَاءَ اللَّهِ كَرِهَ اللَّهُ لِقَاءَهُ.

فَإِنَّهُ يَدُلُّ بِظَاهِرِهِ عَلَى أَنَّ الْمُؤْمِنَ الْحَقِيقِيَّ لَا يَكْرَهُ الْمَوْتَ بَلْ يَرِغُبُ فِيهِ، كَمَا نُقِلَ عَنِ

ص: ٤٤٤

١- (١). كذا في الحليه والمعاني، والمراد أن السفه - وهو الخفه والطيش والاضطراب في الرأي - اتِّباع السفله ومن لا خير فيه. ومصاحبه الضلال والدُّناه: جمع الدنى.

٢- (٢). كذا في ابن عساكر، وفي الحليه: «المجدد» بدل «المسجد».

٣- (٣). كذا، وفي مجمع الزوائد: «فما الأحق؟». وقال في الهامش: في الكبير: «المفسد» بدل «الأحمق».

٤- (٤). كما في الحليه، وفي المعاني نقله إلى قوله: «في عرضه». أقول: نقل هذا الحديث أبو نعيم في حليه الأولياء: ١٣٢/٢، وكشف الغمّه: ١٦٩ والفصول المهمّه لابن الصبّاغ: ١٦٤، وتحف العقول وابن عساكر في تاريخه: ٢١٧/٤، ومعاني الأخبار وسائر كتب الحديث، وبحار الأنوار: ١٧ ولم ينقل المصنّف جميعها، فراجع المصادر المذكوره، وتحف العقول، والوافي: ٦٧/٣.

- ٥- (٥) . مجمع الزوائد، ج ١٠، ص ٢٨٢.
- ٦- (٦) . مجموعه ورام، ج ٢، ص ٣٠؛ كتب بعض الصالحين إلى أخ له.
- ٧- (٧) . الخصال، ص ١١٣، ح ٨٩.
- ٨- (٨) . المصنف، ج ٨، ص ٢٥٥.
- ٩- (٩) . الكافي، ج ٥، ص ٨٥ عن الإمام الصادق عليه السلام.
- ١٠- (١٠) . مسند أحمد، ج ٢، ص ٣٣٤.
- ١١- (١١) . كشف الرية، ص ٤٨. [نور]

پرسیدند: سفاهت چیست؟ فرمودند: پیروی کردن از فرومایگان و هم نشینی با گمراهان.

پرسیدند: غفلت چیست؟ فرمودند: ترک مسجد و اطاعت کردن از مفسد.

پرسیدند: محرومیت چیست؟ فرمودند: از دست دادن فرصتی که در اختیار داری.

پرسیدند: کیست؟ فرمودند: کسی که در مالش احمق باشد، در آبرویش باشد، اگر دشنام داده شود جواب نمی دهد، و کسی که به امور خویشان اهمیت بدهد، آفاست.

۲۷۲۹. امام حسن علیه السلام فرمودند: مردم را با رفتار خود موعظه کن نه با گفتار.

۲۷۳۰. امام حسن علیه السلام فرمودند: خداوند متعال بنی آدم را با مرگ و فقر رام فرموده است. ولی باز هم چموش است.

۲۷۳۱. فرمودند: کسی کار نیکو انجام می دهد آن کار قلب را روشن و تن را نیرومند می کند. و گناه باعث ظلمت در قلب و ناتوانی بدن می شود.

۲۷۳۲. امام محمد باقر به فرزندش علیهم السلام فرمودند: از تنبلی و بی قراری پرهیز که این دو کلید شر هستند. اگر کسل شوی نمی توانی حقی را ادا کنی. و اگر بی قرار شوی حق را تحمل نمی کنی.

۲۷۳۳. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: اگر مؤمن بداند چه عقوبتهایی در پیش دارد هرگز به بهشت طمع نکند. و اگر کافر از رحمت خدا آگاه شود هرگز از بهشت ناامید نشود.

۲۷۳۴. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس در دنیا دو رو باشد در قیامت با دو زبان آتشین ظاهر شود.

۲۷۳۵. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس که دیدار خدا را دوست بدارد، خدا هم دیدار او را دوست دارد.

و کسی که لقاء خدا را دوست ندارد، خدا هم لقای او را دوست ندارد.

ظاهر این حدیث دلالت دارد که مؤمن حقیقی از مرگ نمی ترسد. بلکه به آن تمایل دارد. چنان که از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است که می فرمودند: انس فرزند ابوطالب به مرگ، از علاقه کودک به پستان مادر بیشتر است.

و هنگامی که ابن ملجم لعنت الله علیه به حضرت ضربت زدند حضرت فرمودند: به خدای

أمير المؤمنين عليه السلام كان يقول: إن ابن أبي طالب آتس بالموت من الطفل بثدي أمه. وأنه قال حين ضربته ابن ملجم لعنه الله عليه: فزت برّب الكعبة. (١)

٢٧٣٦. وروت العامة خبراً آخر في الصحيح عن النبي صلى الله عليه وآله أنه قال: من أحب لقاء الله أحب لقاءه، ومن كره لقاء الله كره لقاءه.

قيل: يا رسول الله، إننا لنكره الموت!

فقال: ليس ذلك، ولكن المؤمن إذا حضره الموت بشر برضوان الله وكرامته، فليس شيء أحب إليه مما أمامه، فأحب لقاء الله، فأحب لقاءه، وإن الكافر إذا حضر يبشر بعذاب الله، فليس شيء أكره إليه مما أمامه، كره لقاء الله، فكره لقاءه. (٢)

٢٧٣٧. روى أن رجلاً قال: يا رسول الله، ذهب مالي، وسيقم جسمي، فقال صلى الله عليه وآله: لا خير في عبد لا يذهب ماله ولا يسقم جسمه، إن الله تعالى إذا أحب عبداً، ابتلاه ثم صبره. (٣)

٢٧٣٨. عن أمير المؤمنين عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: يقول الله تعالى: يا ابن آدم، ما تنصت فني! أتحبب إليك بالنعمه وتمقت (٤) إني بالمعاصي، خيري إليك نازل، وشرك إني صاعد! (٥)

ص: ٤٤٨

١- (١). بحار الأنوار، ج ٦، ص ١٣٣، ح ٣٢؛ مصباح الشريعة، ص ١٧١.

٢- (٢). مسند أحمد، ج ٣، ص ١٠٧.

٣- (٣). كشف الخفاء (العجلوني)، ج ١، ص ٧٧، ح ١٨٥.

٤- (٤). مقتته مقتاً: أبغضه (لسان العرب: ٩٠/٢).

٥- (٥). الأمالى للطوسى، ص ٢٧٨، ح ٧٠/٥٣٢.

کعبه رستگار شدم.

۲۷۳۶. عامه خبر صحیح از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که فرمود: هر که لقای خدا را دوست بدارد، خداوند لقای او را دوست دارد. و هر کس لقای خدا را دوست ندارد، خدا لقای او را دوست ندارد. گفتند: یا رسول الله ما همه از مرگ کراهت داریم. فرمود: مراد این نیست.

هنگام مرگ مؤمن را به رضا و لطف خدا بشارت می دهند. و هیچ چیز محبوب تر از آنچه در پیش دارد نیست. لذا لقاء خدا را دوست دارد. و خدا هم لقای او را دوست دارد. و هنگام مرگ کافر به او خبر از عذاب الهی می دهند. و هیچ چیز منفورتر از آنچه در پیش دارد نیست. لذا لقاء خدا را نمی خواهد. و خدا هم لقای او را دوست ندارد.

۲۷۳۷. شخصی گفت: یا رسول الله، مال من از دستم رفت. و بدنم رنجور شده است.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: در آن بنده که مالش از دستش نرود و بیمار نشود خیری نیست.

خدای متعال زمانی که بنده ای را دوست بدارد، او را مبتلا می کند. و به او صبر می دهد.

۲۷۳۸. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند متعال می فرماید: ای فرزند آدم تو با من به انصاف رفتار نمی کنی! من با نعمت به تو محبت می کنم. و تو با گناه کردن با من دشمنی می کنی. خیر من به سوی تو نازل می شود. و شر تو بسوی من بالا می آید.

ص: ۴۴۹

الفصل الثامن: فى الثنائيات الواردة فى فضلِ على عليه السلام

٢٧٣٩. قال أمير المؤمنين عليه السلام: اختبروا شيعتى بخصلتين؛ فإن كانتا فيهم فهن شيعتى: محافظتهم على أوقات الصلاة، ومواساتهم مع إخوانهم المؤمنين بالمال، فإن لم يكونا فاغرب (١) ثم اغرب (٢).

٢٧٤٠. وعن سيد البشر صلى الله عليه وآله أنه قال: يا على، لا يحبك إلا المؤمن، ولا يبغضك إلا المنافق (٣).

٢٧٤١. وقال صلى الله عليه وآله: أتانى جبرئيل عليه السلام من قبيل ربي جل جلاله فقال: يا محمد، إن الله عز وجل يقرئك السلام ويقول لك:

بشر أحاك علياً بأنى لا أعدب من تولاه، ولا أرحم من عاداه (٤).

٢٧٤٢. وقال صلى الله عليه وآله: على منى كنفسى؛ طاعته طاعتى، ومعصيته معصيتى (٥).

٢٧٤٣. وقال صلى الله عليه وآله: حرب على حرب الله، وسلم على سلم الله (٦).

٢٧٤٤. وقال صلى الله عليه وآله: ولئى على ولئى الله، وعدو على عدو الله (٧).

٢٧٤٥. وقال صلى الله عليه وآله: على حجة الله وخليفته على عباده (٨).

٢٧٤٦. وقال صلى الله عليه وآله: حُب على إيمان، وبُغضه كفر (٩).

٢٧٤٧. وقوله صلى الله عليه وآله: حزب على حزب الله، وحزب أعدائه حزب الشيطان (١٠).

ص: ٤٥٠

١- (١). بالغين المعجمه والراء المهمله: أى تنح وابعد، وإن كان بالعين المهمله والزاء المهمله فكذلك.

٢- (٢). جامع الأخبار، ص ٣٥.

٣- (٣). مسند أحمد، ج ١، ص ٩٥.

٤- (٤). الأمالى للصدوق، ص ٩٣، ح ٩/٦٩.

٥- (٥). الخصال، ص ٤٩٥، ح ٥.

٦- (٦). الخصال، ص ٤٩٥، ح ٥.

٧- (٧). الخصال، ص ٤٩٥، ح ٥.

٨- (٨). الخصال، ص ٤٩٥، ح ٥.

٩- (٩). الخصال، ص ٤٩٥، ح ٥.

١٠- (١٠). الخصال، ص ٤٩٥، ح ٥.

۲۷۳۹. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: شیعیان مرا با دو خصلت بیازمایید؛ نمازها را در اول وقت بجا می آورند. و برادران مؤمن خود را از مال خود بهره مند می کنند. و هر کس چنین نباشد از او بگریز، باز از او بگریز.

۲۷۴۰. سید بشر صلی الله علیه و آله فرمودند: یا علی کسی جز مؤمن تو را دوست ندارد. و کسی جز منافق با تو دشمن نیست.

۲۷۴۱. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: جبرئیل از طرف پروردگار وحی آورد: یا محمد، خداوند عزّ و جلّ تو را سلام رساند و فرمود: به برادرت علی مژده بده من هر کس که او را دوست بدارد عذاب نمی کنم. [کسی که با ایمان صحیح بمیرد.] و بر دشمنان او ترحم نکنم.

۲۷۴۲. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: علی جان من است، اطاعت از او اطاعت از من و نافرمانی از او مخالفت با من است.

۲۷۴۳. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: جنگ با علی جنگ با خداست. و صلح با او صلح با خداست.

۲۷۴۴. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: دوست علی دوست خدا فرشتگان و دشمن او دشمن خداست.

۲۷۴۵. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: علی حجت و خلیفه خدا بر بندگان است.

۲۷۴۶. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: محبت به علی ایمان و بغض به او کفر است.

۲۷۴۷. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: حزب علی حزب خداست. و حزب دشمنانش حزب شیطان است.

٢٧٤٨. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ؛ لَا يَفْتَرِقَانِ حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ. (١)

٢٧٤٩. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَلِيٌّ قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ. (٢)

٢٧٥٠. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ فَارَقَ عَلِيًّا فَقَدْ فَارَقَنِي، وَمَنْ فَارَقَنِي فَقَدْ فَارَقَ اللَّهَ عِزَّ وَجَلَّ. (٣)

٢٧٥١. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا حُذَيْفَةَ، إِنَّ حُجَّةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ بَعْدِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْكُفْرُ بِهِ كُفْرٌ بِاللَّهِ، وَالشِّرْكُ (٤) بِهِ شِرْكٌ بِاللَّهِ، وَالشُّكُّ بِهِ شُكٌّ بِاللَّهِ، وَالْإِلْحَادُ (٥) فِيهِ إِلْحَادٌ فِي اللَّهِ، وَالْإِنْكَارُ لَهُ إِنْكَارٌ (٦) لِلَّهِ، وَالْإِيمَانُ بِهِ إِيمَانٌ بِاللَّهِ؛ لِأَنَّهُ أَخُو رَسُولِ اللَّهِ وَوَصِيِّهِ، وَإِمَامُ أُمَّتِهِ وَمَوْلَاهُمْ، وَهُوَ حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينُ (٧) وَعُرْوَتُهُ الْوُثْقَى الَّتِي لَأَنْفِصَامِ (٨) لَهَا، وَسَيَهْلِكُ فِيهِ اثْنَانِ - وَلَا ذَنْبَ لَهُ -: مُحِبٌّ غَالٍ، وَمُقَصِّرٌ قَالٍ.

يَا حُذَيْفَةَ، لَا تُفَارِقَنَّ عَلِيًّا فَتُفَارِقَنِي، وَلَا تُخَالَفَنَّ عَلِيًّا فَتُخَالَفَنِي، وَإِنَّ عَلِيًّا مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ؛ مَنْ أَسْخَطَهُ فَقَدْ أَسْخَطَنِي، وَمَنْ أَرْضَاهُ فَقَدْ أَرْضَانِي. (٩)

٢٧٥٢. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا وَتَوَلَّاهُ؛ أَكْرَمَهُ اللَّهُ وَأَدْنَاهُ، وَمَنْ أَبْغَضَ عَلِيًّا وَعَادَاهُ؛ مَقَتَهُ اللَّهُ وَأَخْرَاهُ. (١٠)

٢٧٥٣. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا كَانَ طَاهِرًا الْأَصْلَ (١١)، وَمَنْ أَبْغَضَهُ نَدِمَ يَوْمَ الْفَصْلِ. (١٢)

٢٧٥٤. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فَقَدْ اهْتَدَى، وَمَنْ أَبْغَضَهُ فَقَدْ اعْتَدَى. (١٣)

٢٧٥٥. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا عَلِيُّ، مَنْ أَحَبَّكَ فَقَدْ أَحَبَّنِي، وَمَنْ أَحَبَّنِي فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ، وَمَنْ أَبْغَضَكَ فَقَدْ أَبْغَضَنِي، وَمَنْ أَبْغَضَنِي فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ، وَمَنْ أَبْغَضَ اللَّهَ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ. (١٤)

ص: ٤٥٢

- ١- (١). الخصال، ص ٤٩٥، ح ٥.
- ٢- (٢). الخصال، ص ٤٩٥، ح ٥.
- ٣- (٣). الخصال، ص ٤٩٥، ح ٥.
- ٤- (٤). أى الشرك به فى الولاية.
- ٥- (٥). الإلحاد: العدول عن الشيء. يلحدون فى أسمائه: أى يميلون فى صفاته إلى غير ما وصف به نفسه.
- ٦- (٦). كذا فى الأصل، ولعل المراد إنكار على عليه السلام إنكار فى أوامر الله ونواهيه.
- ٧- (٧). أى نوره وهدهاء، وقيل: عهده وأمانه الذى يؤمن من العذاب والحبل: العهد والميثاق.
- ٨- (٨). العروة من الدلو والكوز: المقبض، والعروة الوثقى كناية عن الشيء الوثيق الذى يؤخذ به، قال تعالى: «وَمَنْ يُشْرِكْ بِإِلَهِهِ فَقَدْ جَاءَ بِذُنُوبِهِ عِلْمًا غَدِيرًا يَصْرَعُ» (١٤٠) وَجَهَّهُو إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى « وَمِنْ أَوْثِقِ الْعُرَى حُبُّ أَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. وَالْإِنْفِصَامُ: الْإِنْكَسَارُ وَالْإِنْقِطَاعُ.

- ٩-٩) . الأمالى للصدوق، ص ٢٦٤، ح ٣/٢٨٢.
- ١٠-١٠) . جامع الأخبار، ص ١٤.
- ١١-١١) . طاهر الأصل: ليس ولد زنا.
- ١٢-١٢) . جامع الأخبار، ص ١٤.
- ١٣-١٣) . جامع الأخبار، ص ١٤.
- ١٤-١٤) . نظم درر السمطين، ص ١٠٣، مع اختلافٍ يسير.

۲۷۴۸. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: علی همیشه با حق و حق با علی است. از یکدیگر جدا نخواهند شد. تا وقتی که کنار حوض کوثر نزد من آیند.

۲۷۴۹. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: علی قسمت کننده بهشت و جهنم است.

۲۷۵۰. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که از علی جدا شود از من جدا شده است. و هر کس از من جدا شود از خدا جدا شده است.

۲۷۵۱. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: یا حذیفه، بعد از من حجت خدا بر شما علی بن ابیطالب علیه السلام است. کفر ورزیدن به علی، کفر به خداست. و برای او شریک قرار دادن [در خلافت] شرک به خداست. شک در علی، شک در خداست. و انحراف از علی، انحراف از خداست و انکار او انکار خداست. و ایمان به او ایمان به خداست. زیرا او برادر و وصی رسول خداست. و امام امت و پیشوای آنان و رابطه محکم خداوند و دستاویز ناگسستنی است.

به زودی دو گروه در رابطه با او هلاک می شوند در حالی که او مقصر نیست: دوست افراطی و کسی که در حق او کوتاهی کند.

ای حذیفه: از علی جدا نشو که از من جدا شده ای. و با علی مخالفت نکن که با من مخالفت کرده ای. علی از من است. و من از او هستم. کسی که او را خشمگین کند. مرا به خشم آورده است. و کسی که او را خشنود کند، مرا خشنود کرده است.

۲۷۵۲. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که علی را دوست بدارد، و مولای خود بداند، خداوند او را گرامی دارد. و به خود نزدیک گرداند. و کسی که با علی دشمنی کند، و بغض علی در سینه داشته باشد، خداوند او را دشمن دارد. و رسوا نماید.

۲۷۵۳. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کسی علی را دوست بدارد، پاک سرشت است [ولد زنا نیست]. و کسی که بغض علی در سینه داشته باشد، در قیامت پشیمان شود.

۲۷۵۴. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که علی را دوست بدارد هدایت یافته است. و کسی که با او دشمنی کند ستمگر است.

۲۷۵۵. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: یا علی هر که تو را دوست بدارد مرا دوست داشته. و کسی که مرا دوست بدارد خدا را دوست داشته است. و هر کس بغض تو را در دل دارد با من کینه ورزیده است.

و کسی که با من کینه ورزد، با خدا کینه ورزیده است. و کسی که با خدا کینه ورزد، لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم بر او باد.

٢٧٥٦. وَنُقِلَ عَنِ الشَّافِعِيِّ أَنَّهُ قَالَ: اجْتَمَعَ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَضَائِلٌ لَمْ تُجْمَعْ فِي غَيْرِهِ إِلَّا نَادِرًا: اجْتَمَعَ فِيهِ الْعِلْمُ وَالْعَمَلُ بِالْكَمَالِ، وَقَلَّمَا يَكُونُ الْعَالِمُ عَامِلًا. وَاجْتَمَعَ فِيهِ الْفَقْرُ وَالسَّخَاءُ بِالْكَمَالِ، وَقَلَّمَا يَكُونُ الْفَقِيرُ سَخِيًّا. وَاجْتَمَعَ فِيهِ الشُّجَاعَةُ وَرِقَّةُ الْقَلْبِ بِالْكَمَالِ، وَقَلَّمَا يَكُونُ الشُّجَاعُ رَقِيقَ الْقَلْبِ.

وَاجْتَمَعَ فِيهِ الزُّهْدُ وَحُسْنُ الْخُلُقِ بِالْكَمَالِ، وَقَلَّمَا يَكُونُ الزَّاهِدُ حَسَنَ الْخُلُقِ. وَاجْتَمَعَ فِيهِ الْحَسِبُ (١) وَالتَّوَاضُّعُ، وَقَلَّمَا يَكُونُ الْحَسِبُ مُتَوَاضِعًا.

٢٧٥٧. وَرُوِيَ أَيْضًا عَنِ الشَّافِعِيِّ إِذْ قِيلَ لَهُ: مَا تَقُولُ فِي حَقِّ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ؟ فَقَالَ: مَا أَقُولُ فِي رَجُلٍ أَخَفَّتْ أَوْلِيَاؤُهُ فَضَائِلَهُ خَوْفًا، وَأَخَفَّتْ أَعْدَاؤُهُ فَضَائِلَهُ حَسَدًا، وَشَاعَ لَهُ مِنْ هَذَيْنِ مَا مَلَأَ الْخَافِقِينَ (٢). (٣)

٢٧٥٨. وَقَالَ لِقَمَانٍ لَابِنِهِ: يَا بُنَيَّ، بَعِ دُنْيَاكَ بِأَخْرَتِكَ؛ تَرْبِحُهُمَا جَمِيعًا، وَلَا تَبِعْ أَخْرَتَكَ بِدُنْيَاكَ؛ تَخْسِرُهُمَا جَمِيعًا. (٤)

ص: ٤٥٤

١- (١). الْحَسِبُ: الشرف الثابت في الآباء (العين: ١٤٨/٣).

٢- (٢). الْخَافِقَانُ: المشرق والمغرب (لسان العرب: ٨٣/١٠).

٣- (٣). الصراط المستقيم، ج ٣، ص ٢١٧.

٤- (٤). مجموعه ورام، ج ١، ص ١٣٧.

۲۷۵۶. از شافعی نقل شده است که گفت: فضیلت هایی در علی بن ابیطالب علیه السلام وجود دارد که در غیر او وجود ندارد مگر به ندرت. نهایت علم و عمل در او جمع شده است و کمتر عالمی است که عامل باشد.

فقر و کمال سخاوت در علی وجود دارد. در حالی که کمتر فقیری است که سخاوت مند باشد.

شجاعت و کمال عطف در علی وجود دارد. در حالی که کمتر شجاع پرعاطفه وجود دارد.

زهد و کمال خوش اخلاقی در علی وجود دارد. در حالی که کمتر زاهدی خوش اخلاق است.

افتخار و تواضع در او وجود دارد. و کمتر کسی است که افتخار داشته باشد و متواضع باشد.

۲۷۵۷. از شافعی پرسیدند: درباره علی چه می گوئی؟ گفت: چه گویم درباره کسی که دوستانش از ترس و دشمنانش از حسد فضائل او را مخفی کردند. با این حال فضائل او شرق و غرب را فرا گرفته است.

۲۷۵۸. لقمان به پسرش گفت: فرزندم دنیا را به آخرت بفروش از هر دو سود می بری. و آخرت را به دنیا بفروش که در هر دو زیان می کنی.

البابُ الثالثُ: في المواعظ الثلاثياتِ

البابُ الثالثُ: في المواعظ الثلاثياتِ

ص: ٤٥٦

باب سوم: پندهای سه گانه

اشاره

باب سوم: پندهای سه گانه

ص: ۴۵۷

٢٧٥٩. قَالَ اللَّهُ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - لِمُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا مُوسَى، أَنَا أَفَعَلُ بِكَ ثَلَاثَةَ أَفْعَالٍ، أَنْتَ أَيْضًا أَفَعَلْ ثَلَاثَةً، فَقَالَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا هَذِهِ الثَّلَاثَةُ؟ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: الْأَوَّلُ: وَهَبْتُكَ نَعِيمًا كَثِيرًا وَلَمْ أَمُنَّ عَلَيْكَ، فَهَكَذَا إِذَا أُعْطِيتَ خَلْقِي شَيْئًا فَلَا تَمَنَّ عَلَيْهِمْ. وَالثَّانِي: لَوْ أَكْثَرْتَ الْجَفَا مَعِيَ لَقَبِلْتُ مَعَذِرَتَكَ إِذَا أَقْبَلْتَ إِلَيَّ، فَكَذَلِكَ أَقْبَلْ مَعَذِرَةَ مَنْ جَفَاكَ لَوْ اعْتَذَرَ إِلَيْكَ. وَالثَّلَاثُ: لَمْ أَكَلِّفْكَ عَمَلًا غَدًا، فَلَا تُكَلِّفْنِي رِزْقَ غَدٍ.

٢٧٦٠. وَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: مَا مِنْ عَبْدٍ مَنَعَ مِنْ فِيهِ لُقْمَةٌ مِنْ شَهْوَاهِ إِلَّا كَافَيْتُهُ فِي الدُّنْيَا بِثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ، وَفِي الْآخِرَةِ بِثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ؛ أَمَّا فِي الدُّنْيَا إِبَارِكُ فِي عُمْرِهِ، وَأَوْسَعُ عَلَيْهِ رِزْقَهُ، وَأَنْوَرُ قَبْرَهُ، وَأَمَّا فِي الْعَقْبَى فَمَا يَبْيُضُّ وَجْهَهُ، وَأَمْنَعُ مِنْهُ تَرَادُفَ حُصُومِهِ، وَأُرِيهِ وَجْهِي الْكَرِيمَ (١).

٢٧٦١. وَقَالَ اللَّهُ - جَلَّ شَأْنُهُ - لِمُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَلْ عَمِلْتَ لِي عَمَلًا خَالِصًا؟ قَالَ: نَعَمْ، صَيَّلْتُ لَكَ، وَصُمْتُ لَكَ، وَسَبَّحْتُ وَهَلَّلْتُ لَكَ. قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: الصَّلَاةُ لَكَ جَوَازٌ عَلَى الصَّرَاطِ، وَالصَّوْمُ جُنَّةٌ (٢) لَكَ مِنَ النَّارِ، وَالتَّسْبِيحُ وَالتَّهْلِيلُ لَكَ دَرَجَاتٌ فِي الْجَنَّةِ.

ص: ٤٥٨

١- (١). قَالَ فِي الْمَجْمَعِ: وَفِي الْحَدِيثِ الْقُدْسِيِّ فِيمَنْ سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ: «أَقْبَلْ إِلَيْهِ بِفَضْلِي، وَأُرِيهِ وَجْهِي». قَالَ الصَّدُوقُ: وَجْهَ اللَّهِ أَنْبِيَآؤُهُ وَحُجْجُهُ، ثُمَّ قَالَ بَعْدَ ذَلِكَ: وَلَا- يَجِبُ أَنْ تُنْكَرَ مِنَ الْأَخْبَارِ أَلْفَاظَ الْقُرْآنِ، أَنْتَهَى. وَتَصَدِيقُ ذَلِكَ مَا رَوَى عَنْ أَبِي الصَّيْلِتِ عَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ: يَا بَنَ رَسُولَ اللَّهِ، مَا مَعْنَى الْخَبْرِ الْعَدِيِّ رَوَاهُ «أَنَّ ثَوَابَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ: النَّظَرُ إِلَى وَجْهِ اللَّهِ؟» فَقَالَ: مَنْ وَصَفَ اللَّهَ بِوَجْهِهِ كَالْوَجْهِ فَقَدْ كَفَرَ، وَلَكِنْ وَجْهُ اللَّهِ أَنْبِيَآؤُهُ وَرَسَلُهُ وَحُجْجُهُ الَّذِينَ بِهِمْ يَتَوَجَّهُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى دِينِهِ وَالنَّظَرُ إِلَى أَنْبِيَآءِ اللَّهِ وَرَسَلِهِ وَحُجْجِهِ فِي دَرَجَاتِهِمْ ثَوَابٌ عَظِيمٌ لِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، أَنْتَهَى. وَلِلرُّؤْيَى تَأْوِيلٌ ذَكَرَهُ الْعَلَّامَةُ الْمَجْلِسِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ فِي بَحَارِ الْأَنْوَارِ: ٢٢١/٨.

٢- (٢). الْجُنَّةُ: الْوَقَايَةُ؛ أَيِ يَقِي صَاحِبَهُ مَا يُؤْذِيهِ مِنَ الشَّهَوَاتِ (لِسَانَ الْعَرَبِ: ٩٤/١٣).

۲۷۵۹. خداوند تبارک و تعالی به موسی خطاب فرمود: موسی برای تو سه کار می کنم، تو هم سه کار انجام بده.

موسی گفت: آنها چیست؟ خدای متعال فرمود: اول: من نعمتهای فراوان به تو دادم و بر تو منت نگذاختم. تو هم اگر به بندگان من چیزی دادی منت مگذار.

دوم: وقتی که به سوی من توبه کنی عذر ترا می پذیرم گرچه نافرمانی بسیار کرده باشی. تو نیز عذر کسی که بر تو جفا کرده و از تو عذر خواهی کرد بپذیر.

سوم: من عمل فردا را امروز نمی خواهم. تو نیز امروز روزی فردا را نخواه.

۲۷۶۰. خدا [در حدیث قدسی] فرمود: به بنده ای که لقمه ای را با کمال میل از دهان خود بازگیرد، سه پاداش در دنیا و سه پاداش در آخرت خواهم داد.

در دنیا عمرش را با برکت و روزی او را زیاد و قبرش را نورانی می کنم.

در آخرت چهره اش را نورانی می کنم، مدعیان را از او برطرف می نمایم. و روی مبارک خود را به او نمایان می کنم.

۲۷۶۱. خداوند جلیل به موسی فرمود: آیا عمل خالصی برای من انجام داده ای؟

موسی گفت: بله، نماز و روزه انجام داده ام و تو را تسبیح و تهلیل گفته ام.

خداوند متعال فرمود: نماز، تو را از صراط عبور می دهد. و روزه، سپر آتش توست.

تسبیح و تهلیل درجات تو را در بهشت ترفیع می دهد. پس همه برای خودت بوده است.

فَبِكَيْ، وَقَالَ: يَا رَبِّ، ذُلَّنِي عَلَى عَمَلٍ خَالِصٍ لَكَ، قَالَ: هَلْ نَصَيْرْتَ مَظْلُومًا؟ هَلْ كَسَوْتَ عُريَانًا؟ هَلْ سَقَيْتَ عَطْشَانًا؟ هَلْ أَكْرَمْتَ عَالِمًا؟ هَذَا لِي عَمَلٌ خَالِصٌ.

٢٧٦٢. وَقَالَ جَلٌّ وَعَلَا: ثَلَاثَةٌ أَنَا خَصْمُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: رَجُلٌ أَعْطَى لِي ثُمَّ غَدَرَ (١)، وَرَجُلٌ بَاعَ حُرًّا فَأَكَلَ ثَمَنَهُ، وَرَجُلٌ اسْتَأْجَرَ أَجِيرًا فَاسْتَوْفَى مِنْهُ وَلَمْ يُعْطِهِ أَجْرَهُ (٢).

٢٧٦٣. وَأَوْحَى اللَّهُ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - إِلَى عَزِيرِ النَّبِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا أَذْنَبْتَ ذَنْبًا صَغِيرًا فَلَا تَنْظُرْ إِلَى صِغَرِهِ، وَانظُرْ مِنَ الَّذِي أَذْنَبْتَ لَهُ، وَإِذَا أَصَابَكَ خَيْرٌ صَغِيرٌ فَلَا تَنْظُرْ إِلَى صِغَرِهِ وَانظُرْ مِنَ الَّذِي رَزَقَكَ، وَإِذَا أَصَابَكَ بَلِيَّةٌ فَلَا تَشْكُ إِلَى خَلْقِي كَمَا لَا أَشْكُو إِلَى مَلَائِكَتِي إِذَا صَعِدَتْ إِلَيَّ مَسَاوِيكَ.

٢٧٦٤. وَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى بَعْضِ الْأَنْبِيَاءِ: مَنْ لَقِينِي وَهُوَ يُحِبُّنِي أَدْخَلْتُهُ جَنَّتِي، وَمَنْ لَقِينِي وَهُوَ يَخَافُنِي أَنْجَيْتُهُ مِنْ نَارِي، وَمَنْ لَقِينِي وَهُوَ يَسْتَحِينِي مَنِي أَنْسَيْتُ الْحَفْظَةَ ذُنُوبَهُ (٣).

٢٧٦٥. قَوْلُهُ تَعَالَى: «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ (٤) بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (٥)، أَشَارَ سُبْحَانَهُ فِي هَذِهِ الْآيَةِ الْكَرِيمَةِ إِلَى الْمَقَامَاتِ الثَّلَاثَةِ: أَوْلَاهَا التَّوَكُّلُ، وَثَانِيهَا الرِّضَى، وَثَالِثُهَا: التَّسْلِيمُ.

ص: ٤٦٠

١- (١). أَيِ اعْطَى لِلَّهِ ثُمَّ غَدَرَ؛ أَيِ كَفَرَ نِعْمَةَ الْمَنْعَمِ وَلَمْ يَشْكُرْهُ. هَذَا إِذَا كَانَ اعْطَى مَجْهُولًا، وَإِلَّا يَكُونُ الْمَعْنَى اعْطَى لِلَّهِ عَهْدًا تَمْتَنُّضُ أَوْ عَاهِدَ النَّاسِ بِذِمَّةِ اللَّهِ أَوْ عَاهِدَهُمْ وَجَعَلَ اللَّهُ شَهِيدًا عَلَيْهِ ثُمَّ غَدَرَ.

٢- (٢). الْخِلَافُ، ج ٣، ص ٤٨٦.

٣- (٣). الْأَمَالِي لِلطُّوسِي، ص ١٠٧، ح ١٦٢/١٦٦، بِالْمُضْمُونِ.

٤- (٤). شَجَرَ بَيْنَهُمُ الْأَمْرُ: تَنَازَعُوا فِيهِ (لِسَانُ الْعَرَبِ: ٣٩٦/٤).

٥- (٥). سُورَةُ النِّسَاءِ: الْآيَةُ ٦٥.

موسی گریست و گفت: خدایا به من کاری بیاموز که فقط برای تو باشد.

خدا فرمود: آیا مظلومی را یاری کرده ای؟ برهنه ای را پوشانده ای؟ تشنه ای را سیراب کرده ای؟ به عالمی احترام کرده ای؟ اینها عمل خالص برای من هستند.

۲۷۶۲. خداوند جلّ و علا فرمودند: من در قیامت با سه کس خصومت کنم. کسی که با من عهد بندد و پیمان شکنی کند. کسی که شخصی آزاد را بفروشد و پولش را بخورد. کسی که شخصی را اجیر کند و به کار گیرد و اجرت او را ندهد.

۲۷۶۳. خداوند تبارک و تعالی به عزیر پیغمبر وحی فرمود: چون گناه کوچکی مرتکب شوی کوچکی گناه را نبین. بلکه بین چه کسی [خداوند بزرگ] را نافرمانی کرده ای.

چون خیر کوچکی به تو رسید، اندازه خیر را نبین. بلکه عظمت کسی را ببین که نعمت را به تو عطا کرده است.

و چون به بلائی گرفتار شوی به خلق من شکایت نکن. همان طور که وقتی گناه می کنی من به فرشتگانم شکایت نمی کنم.

۲۷۶۴. خداوند به یکی از پیامبران وحی فرمود: کسی را که با عشق و محبت به ملاقات من آید وارد بهشت می کنم. و کسی را که با دلی ترسان به ملاقات من آید از عذاب آتش نجات می دهم. و کسی که مرا ملاقات کند در حالی که از من خجالت می کشد گناهایش را از یاد فرشتگانم می برم.

۲۷۶۵. در آیه کریمه «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» خداوند سبحان به سه مقام اشاره می فرماید. اول: توکل دوم: رضا و سوم: تسلیم. [آیه ۶۵ سوره نساء]

الفصل الثانی: مِمَّا رَوَتْهُ الْعَامَّةُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

٢٧٦٦. قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ثَلَاثَةٌ تُقْسَى الْقَلْبَ (١): اسْتِمَاعُ اللَّهْوِ، وَطَلْبُ الصَّيْدِ، وَإِتْيَانُ بَابِ السُّلْطَانِ (٢).

٢٧٦٧. وَرَوَى عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: لَمَّا اسْرَى بِي إِلَى السَّمَاءِ رَأَيْتُ عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ ثَلَاثَةً أُسْطَرِّ: السَّطْرُ الْأَوَّلُ:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا سَبَقَتْ رَحْمَتِي غَضَبِي».

وَالسَّطْرُ الثَّانِي: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الصَّدَقَةُ بِعَشْرِهِ، وَالْقَرْضُ بِثَمَانِيَةِ عَشْرٍ، وَصِلَةُ الرَّحِمِ بِثَلَاثِينَ».

وَالسَّطْرُ الثَّلَاثُ: «مَنْ عَرَفَ قَدْرِي (٣) وَرُبُوبِيَّتِي فَلَا يَتَّهَمُنِي فِي الرِّزْقِ».

٢٧٦٨. وَصَيَّيْهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِعَلِّيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا عَلِيُّ، أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي، وَإِنِّي

أَوْصِيكَ الْيَوْمَ بِوَصِيَّتِهِ إِنْ أَنْتَ حَفِظْتَهَا عِشْتَ حَمِيداً وَمُتَّ شَهِيداً، وَيَبْعَثُكَ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَقِيهاً عَالِماً.

يَا عَلِيُّ، اعْلَمْ أَنَّ لِلْمُؤْمِنِ ثَلَاثَ عِلَامَاتٍ: الصُّومَ وَالصَّلَاةَ وَالصَّدَقَةَ.

يَا عَلِيُّ، وَلِلْمُنَافِقِ ثَلَاثَ عِلَامَاتٍ: إِنْ حَدَّثَ كَذَباً، وَإِنْ وَعَدَ أَخْلَفَ، وَإِنْ أَوْثَمَنَ خَانَ، وَلَا تَنْفَعُهُ الْمَوْعِظَةُ.

يَا عَلِيُّ، وَلِلْمُرَائِي ثَلَاثَ عِلَامَاتٍ: لَا يُتَمُّ زُكُوعُهُ وَسُجُودُهُ، وَيَنْفَرِدُ (٤) إِذَا صَلَّى وَحْدَهُ، وَيَذْكُرُ اللَّهَ بَيْنَ الْمَلَأِ وَيَسَاهُ إِذَا خَلَا.

ص: ٤٦٢

١- (١). قسا قلبه: أى صلب وغلظ، والقساوه تحصل من نسيان الله سبحانه وعدم ذكر الموت، ومن العصيان، يعنى لا يذكر الله فيقسو القلب، فيعصى، فيزيد قساوه، وكلاهما ورد في القرآن الكريم، والأخبار الواردة عن النبي صلى الله عليه وآله والأئمة عليهم السلام.

٢- (٢). الخصال، ص ١٢٦، ح ١٢٢.

٣- (٣). القدر - محرکه -: ما يقدره الله تعالى؛ أى من عرف قدر الله والحكمه الموجوده فيه، وعرف ربوبيته وعلم أن ما قدر الله فهو حتم كائن علم أن رزقه يصل إليه، وعلم أن المقدار الواصل هو الحق الصالح.

٤- (٤). كذا في الأصل، والمذكور في المصادر: «يكسل إذا كان وحده».

فصل دوم: روایاتی که اهل تسنن از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده اند

۲۷۶۶. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: سه چیز موجب قساوت قلب می شود، شنیدن موسیقی، شکار کردن حیوانات، و رفتن به دربار شاهان.

۲۷۶۷. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: وقتی که مرا به معراج بردند دیدم بر در بهشت سه سطر نوشته شده است.

سطر اول: بسم الله الرحمن الرحيم خدائی جز من نیست. و رحمت من از غضبم پیشی گرفته است.

سطر دوم: بسم الله الرحمن الرحيم، صدقه ده برابر و قرض هیچده برابر و صلۀ رحم سی برابر ثواب دارد.

سطر سوم: کسی که به مقام و خداوندی من معرفت یابد، در روزی رسان بودن من بد گمان نشود.

۲۷۶۸. وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام:

یا علی؛ تو نسبت به من مثل هارون نسبت به موسی هستی فقط بعد از من پیامبری نیست. امروز به تو وصیتی می کنم که اگر بکار بندی، ستوده زندگی کنی. و شهید بمیری. و خداوند تو را در قیامت فقیه و عالم محشور نماید.

یا علی؛ مؤمن سه نشانه دارد، روزه و نماز و صدقه.

یا علی؛ منافق سه نشانه دارد، هنگام سخن دروغ گوید. اگر وعده دهد تخلف کند، و اگر چیزی نزد او امانت گذارند خیانت کند. و موعظه در او اثر نکند.

یا علی؛ ریاکار سه نشانه دارد، رکوع و سجود نماز را کامل نمی کند. و در خلوت نماز را با کسالت بجا می آورد. در بین مردم ذکر خدا بگوید. و در خلوت خدا را فراموش می کند.

يا عَلِيُّ، وَلِلظَّالِمِ ثَلَاثُ عِلَامَاتٍ: يَقَهَّرُ مَنْ دُونَهُ بِالْعَلْبَةِ، وَيَتَبَسَّطُ إِنْ أَمَكَّنَهُ مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ (١)، وَلَا يُبَالِي مِنْ أَيْنَ مَأْكَلُهُ.

يا عَلِيُّ، وَلِلْحَسُودِ ثَلَاثُ عِلَامَاتٍ: يَتَمَلَّقُ إِذَا حَضَرَ، وَيَغْتَابُ إِذَا غَابَ، وَيَشْهَدُ بِالْبَاطِلِ.

يا عَلِيُّ، وَلِلْكَسَلَانِ ثَلَاثُ عِلَامَاتٍ: يَتَوَانَى فِي طَاعَةِ اللَّهِ، وَيُفَرِّطُ حَتَّى يُضَيِّعَ، وَيُوَخِّرُ الصَّلَاةَ حَتَّى تَفُوتَ أَوْقَاتَهَا.

يا عَلِيُّ، وَلِلتَّيَّابِ ثَلَاثُ عِلَامَاتٍ: اجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ، وَالْحِرْصُ فِي طَلَبِ الْعِلْمِ، وَأَنْ لَا يَعُودَ إِلَى الذَّنْبِ كَمَا لَا يَعُودُ الْحَلِيبُ إِلَى الضَّرْعِ.

يا عَلِيُّ، وَلِلْعَاقِلِ ثَلَاثُ عِلَامَاتٍ: الْإِسْتِهَانَةُ بِالْدُّنْيَا، وَاحْتِمَالُ الْجَفَاءِ، وَالصَّبْرُ عَلَى الشَّدَائِدِ.

يا عَلِيُّ، وَلِلْحَلِيمِ ثَلَاثُ عِلَامَاتٍ: يَصِلُ مَنْ قَطَعَهُ، وَيُعْطَى مَنْ حَرَمَهُ، وَلَا يَدْعُو عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ (٢).

يا عَلِيُّ، وَلِلْأَحْمَقِ ثَلَاثُ عِلَامَاتٍ: التَّهَاؤُنُ فِي فَرَائِضِ اللَّهِ، وَالِاسْتِهْزَاءُ بِعِبَادِ اللَّهِ، وَكَثْرَةُ الْكَلَامِ فِي غَيْرِ ذِكْرِ اللَّهِ.

يا عَلِيُّ، وَلِلصَّالِحِ ثَلَاثُ عِلَامَاتٍ: يُصْلِحُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ بِالْعَمَلِ الصَّالِحِ، وَيُصْلِحُ دِينَهُ بِالْعِلْمِ، وَيَرْضَى لِلنَّاسِ مَا يَرْضَاهُ لِنَفْسِهِ.

يا عَلِيُّ، وَلِلتَّقِيِّ ثَلَاثُ عِلَامَاتٍ: يَتَّقِي جَلِيسَ السُّوءِ وَيَتَّقِي جَلِيسَ الْكُذْبِ (٣)، وَيَتَّقِي الْغَيْبَةَ، وَيَدْعُ شَطْرًا مِنَ الْحَلَالِ مَخَافَةَ أَنْ يَقَعَ فِي الْحَرَامِ.

يا عَلِيُّ، وَلِلْقَاسِيِ ثَلَاثُ عِلَامَاتٍ: لَا يَرْحَمُ الضَّعِيفَ، وَلَا يَقْنَعُ بِالْيَسِيرِ، وَلَا تَنْفَعُهُ الْمَوْعِظَةُ (٤).

يا عَلِيُّ، وَلِلصَّادِقِ (٥) ثَلَاثُ عِلَامَاتٍ: كِتْمَانُ الصَّدَقَةِ، وَكِتْمَانُ الْمُصِيبَةِ، وَكِتْمَانُ الْعِبَادَةِ.

ص: ٤٦٤

١- (١) . أى يأخذ أموال الناس إن أمكنه، فلا يعبأ بالحرام.

٢- (٢) . كذا فى الأصل، ولعل المراد أنه لا يدعى على الظالم حقاً بل يعفو ويسكت، ويحتمل أن يكون الصحيح يدعو؛ أى لا يدعو على الظالم بل يدعو له ويطلب صلاحه.

٣- (٣) . لعل المراد من الجليس هنا الملازم؛ أى يتقى من يلزم السوء والكذب، فيكون المعنى أن يتقى الكذاب والفاسقين.

٤- (٤) . ليس المراد أن المجموع علامه، بل كل واحد منها علامه القسوه، فعدم القناعه علامه لغلظه القلب بالنسبه إلى مواعيد الله سبحانه، فيصير حريصاً على الدنيا وجمع الأموال مثلاً، وكذا عدم نفع الموعظه وعدم الرحمه بالنسبه إلى الضعفاء.

٥- (٥) . الصَّادِقُ: من كثر منه الصدق. وقيل: بل لمن صدق بقوله واعتقاده، وحقَّق صدقَه بفعله. وقيل: يقال لمن لا يكذب قط.

وقيل: بل لمن لا يتأتى منه الكذب لتعوده الصدق. قال الطبرسى: الصَّادِقُ: المداوم على التصديق بما يوجبه الحقُّ، وهذه العلاماتُ الثلاثُ علامه للصَّادِقِ لأنَّ من كان دائم التصديق للحقَّ يبعد عن الرياء، فيكتم أعماله ومصائبه لئلا تبطل، وكذا من كان صادقاً دائماً فى أعماله وأقواله يلزمه المجانبه عن الرياء؛ لأنَّ الرياء والسمعه تكشف عن الكذب فى العمل والعقيده.

یا علی؛ ظالم سه نشانه دارد، با زیردستان قلدری کند. هرچه تواند از مال مردم بر می دارد. و اهمیت نمی دهد از کجا بدست می آورد.

یا علی؛ حسود سه علامت دارد، در حضور چاپلوسی کند. پشت سر غیبت کند. و شهادت باطل می دهد.

یا علی؛ تنبل سه علامت دارد، در طاعت خدا سستی کند. و آن قدر کوتاهی کند تا عمل ضایع شود. و نماز را به تأخیر می اندازد تا وقت آن بگذرد.

یا علی؛ توبه کننده سه علامت دارد، از حرام دوری کند. در طلب علم کوشش کند. و به گناه برنگردد همانطور که شیر به پستان بر نمی گردد.

یا علی؛ عاقل سه علامت دارد، بی اعتنائی به دنیا، تحمل جفا، و صبر در ناملایمات.

یا علی؛ بردبار سه علامت دارد، با هر که از او ببرد پیوند برقرار کند، و به هر که او را محروم کند عطا نماید. و کسی که به او ظلم کند را نفرین نمی کند [برای هدایت او دعا می کند].

یا علی؛ احمق سه علامت دارد، کم توجهی به واجبات دینی، مسخره کردن بندگان خدا، و پرحرفی در غیر ذکر خدا.

یا علی؛ صالح سه علامت دارد، بین خود و خدا را با عمل شایسته اصلاح کند. دین خود را با علم و دانش اصلاح کند. و آنچه برای خود می خواهد برای مردم هم بپسندد.

یا علی؛ پرهیزکار سه علامت دارد، از همنشین بد و دروغ گو دوری می کند. از غیبت دوری می کند. برای اینکه به حرام مبتلا نشود از قسمتی از حلال صرف نظر می کند.

یا علی؛ سنگدل سه علامت دارد، به ضعیف رحم نمی کند. به مقدار کم قانع نمی شود. و موعظه در او اثر ندارد.

یا علی؛ صدیق سه علامت دارد، مخفی کردن صدقه، پنهان کردن مصیبت، و پوشاندن عبادت.

يا عَلِيُّ، وَلِلْفَاسِقِ (١) ثَلَاثُ عَلامَاتٍ: حُبُّ الفَسادِ، وَضُرُّ العِبادِ، وَاجْتِنابُ الرِّشادِ.

يا عَلِيُّ، وَلِلسَّفيلِ ثَلَاثُ عَلامَاتٍ: عِصيانُ الرِّحْمَنِ، وإِذاءُ الجِيرانِ، وَحُبُّ الطُّغيانِ.

يا عَلِيُّ، وَلِلعابِدِ ثَلَاثُ عَلامَاتٍ: مَقَتُ النَّفْسِ في ذاتِ اللَّهِ، وَمَقَتُ الشَّهواتِ في اللَّهِ، وَطولُ القِيامِ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ (٢).

يا عَلِيُّ، وَلِلْمُخْلِصِ (٣) ثَلَاثُ عَلامَاتٍ: بُغْضُ المَالي، وَبُغْضُ الدُّنيا، وَبُغْضُ المَعْصِيَةِ.

يا عَلِيُّ، وَلِلعالمِ ثَلَاثُ عَلامَاتٍ: صِدْقُ الكَلامِ، وَاجْتِنابُ الحِرامِ، وَالتَّواضُعُ لِسائِرِ الأَنامِ.

يا عَلِيُّ، وَلِلسَّخِيّ ثَلَاثُ عَلامَاتٍ: العَفْوَ عِنْدَ المَقْدِرِ، وإِخراجُ الزَّكاهِ، وَحُبُّ الصَّدَقَةِ.

يا عَلِيُّ، وَلِلصَّديقِ ثَلَاثُ عَلامَاتٍ: أَنْ يَجْعَلَ مالَهُ دُونَ مالِكَ، وَعِرضَهُ دُونَ عِرضِكَ، وَنَفْسَهُ دُونَ نَفْسِكَ، مَعَ كِتمانِ سِرِّكَ.

يا عَلِيُّ، وَلِلفاجِرِ (٤) ثَلَاثُ عَلامَاتٍ: يَفْجُرُ بِالأيمانِ، وَيُخَدِّعُ بِالنِّسوانِ، وَيَأْتِي بِالبُهتانِ.

يا عَلِيُّ، وَلِلكافِرِ ثَلَاثُ عَلامَاتٍ: الشُّكُّ في دينِ اللَّهِ، وَالبُغْضُ لِعبادِ اللَّهِ، وَالغَفْلَةُ في طاعَةِ اللَّهِ.

يا عَلِيُّ، وَلِلْمُسيءِ ثَلَاثُ عَلامَاتٍ: الأَمْنُ مِنَ مَكْرِ اللَّهِ، وَاليأسُ مِنَ رَحْمَةِ اللَّهِ، وَالمُخالَفَةُ لِرسولِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ (٥).

٢٧٦٩. وَعَنِ ابنِ مَسعودٍ قالَ: سَمِعْتُ رَسولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقولُ: مَنْ تَهاوَنَ في الصَّلاةِ مِنَ الرِّجالِ وَالنِّساءِ عاقَبَهُ اللَّهُ تَعالي بِشَمانى عَشْرَةَ عُقوبَةً: سِتِّهِ في الدُّنيا، وَثَلَاثَةَ عِنْدَ مَوْتِهِ، وَثَلَاثَةَ في قَبْرِهِ، وَثَلَاثَةَ في مَحشَرِهِ، وَثَلَاثَةَ عِنْدَ الصُّراطِ.

فَما أَلَّتْ في الدُّنيا: ذَهابُ البَرَكةِ مِنَ رِزقِهِ، وَذَهابُ البَرَكةِ مِنَ حَياتِهِ، وَذَهابُ التَّورِ مِنَ وَجْهِهِ، وَلا حَظَّ لَهُ في الإِسلامِ، وَلا يُشْرِكُهُ اللَّهُ في دُعاءِ الصَّالِحِينَ، وَلا يُسْتَجابُ دُعاؤُهُ.

ص: ٤٦٦

١- (١). أصلُ الفسوقِ الخروجُ عن الاستقامَةِ، وَبه سَمِيَ العاصيُ فاسِقاً. فسَقَ فلانٌ: خَرَجَ عَنِ حَدِّ الشَّرْعِ، فسَقَ الرُّطْبُ إِذا خَرَجَ عَنِ قَشْرِهِ. وَهذِهِ العَلاماتُ كَلِماتُ جِامِعِهِ لِلخُرُوجِ عَنِ حَدِّ الشَّرْعِ.

٢- (٢). العبودية: إِظْهَارُ التَّذَلُّلِ وَالعِبادَةِ أَبْلَغَ مَنها لِأَنَّها غايَةُ التَّذَلُّلِ وَلا يَسْتَحِقُّها إِلا مَن لَه غايَةُ الإِفْضالِ وَغايَةُ التَّذَلُّلِ دُونَ اللَّهِ سَبْحانَهُ يَسْتَلْزِمُ مَقَتُ النَّفْسِ في اللَّهِ لِكُونِها أَمارَةً بِالسُّوءِ إِلا ما رَحِمَ اللَّهُ سَبْحانَهُ، وَلِقُصُورِها في القِيامِ بِواجِبِ العِبادَةِ، وَكَذلِكَ مَقَتُ الشَّهواتِ لِكُونِها حِجاباً وَمَبْعِداً عَنِ الحَقِّ سَبْحانَهُ وَيَسْتَلْزِمُ أَيضاً طَولَ القِيامِ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ فَلا يَسأمُ عَنِ المَنجاءِ.

٣- (٣). لِأَنَّ المَخْلِصَ يَرى هذِهِ كَلِّها حِجاباً دُونَ اللَّهِ، وَمانِعاً عَنِ دِوامِ الذِّكْرِ وَالإِخْلاصِ فَيَبْغِضُها.

٤- (٤). الفاجر: هُوَ المُنْبَعِثُ في المَعْصِيَةِ وَالْمَحارِمِ. وَالفَجْرُ: شَقُّ الشَّيْءِ شَقًّا وَاسِعاً، وَالفاجِرُ يَشقُّ سِترَ الدِّيانَةِ، يَفْجُرُ بِالأيمانِ؛ أَي يَحِثُّ وَيُخالِفُ عَهْدَهُ وَيَمِينَهُ؛ فَمَنْ فَعَلَ هذِهِ الثَّلاثَةَ فَفَجَرَ سِترَ الدِّيانَةِ.

٥- (٥) . مسند أحمد، ج ١، ص ١٧٩ وفيه صدره إلى «لأ نبيّ بعدى»؛ السيره النبويّه لابن كثير، ج ٤، ص ٥٠١ وفيه من: «إني أوصيك اليوم» إلى «الصلاه والصدقه»؛ نظم درر السمطين، ص ١٥٥ وفيه جزء من الحديث.

یا علی؛ گنه کار سه علامت دارد، علاقه به فساد، ضرر رساندن به بندگان خدا، و دوری کردن از راه راست.

یا علی؛ فرومایه سه علامت دارد، نافرمانی خدا، اذیت کردن همسایه، و میل به طغیان گری.

یا علی؛ عابد سه علامت دارد، مخالفت با نفس برای رضای خدا، مخالفت با شهوت برای رضای خدا، و طول دادن نماز در مقابل خداوند.

یا علی؛ مخلص سه علامت دارد، نفرت از مال، نفرت از دنیا، نفرت از گناه.

یا علی؛ دانشمند سه علامت دارد، راست گوئی، دوری از گناه، فروتنی در مقابل مردم.

یا علی، سخاوتمند سه علامت دارد: وقتی قدرت یافت عفو می کند و زکات را پرداخت می کند و صدقه دادن را دوست می دارد.

یا علی؛ دوست حقیقی سه علامت دارد، برای حفظ مال تو از مال خودش بگذرد. برای حفظ آبروی تو از آبروی خودش بگذرد، خودش را فدای تو کند، و راز تو را فاش نکند.

یا علی؛ تبهکار سه علامت دارد، قسم دروغ، و فریب زنان، و تهمت ناروا بستن.

یا علی؛ کافر سه علامت دارد، شک در دین خدا، و دشمنی با بندگان خدا، و غفلت از عبادت خدا.

یا علی؛ خطا کار سه علامت دارد، خود را از مکر خدا در امان می داند. از رحمت خدا مأیوس است. و با رسول خدا صلی الله علیه و آله مخالفت می کند.

۲۷۶۹. ابن مسعود گوید: شنیدم پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: هر مرد یا زنی که در نماز سستی کند، خداوند او را هیچده کیفر کند؛ شش کیفر در دنیا و سه کیفر هنگام مرگ و سه کیفر در قبر و سه کیفر در محشر و سه کیفر هنگام عبور از صراط.

اما در دنیا: خداوند برکت از روزی، و از زندگی او بردارد. از چهره اش نور برگیرد. و از اسلام بهره ای به او ندهد. او را در دعای صالحان شریک نکند. و دعایش را مستجاب نکند.

وَأَمَّا الَّتِي عِنْدَ الْمَوْتِ؛ فَالْأَوَّلُ: يَمُوتُ ذَلِيلًا وَعَلَيْهِ ثِقْلًا (١) كَأَنَّهُ الْجَبَلُ، وَبِهِ ضَعْفًا (٢) كَأَنَّهُ يُضْرَبُ بِالسَّيَاطِ، وَالثَّانِيَةُ: يَمُوتُ عَطْشَانًا؛ وَلَوْ شَرِبَ مَاءَ الدُّنْيَا لَمْ يَرَوْ، وَالثَّلَاثَةُ: يَمُوتُ جَائِعًا؛ وَلَوْ أَكَلَ طَعَامَ الدُّنْيَا لَمْ يَشْبِعِ.

وَأَمَّا الَّتِي فِي قَبْرِهِ؛ فَالْأَوَّلُ: الْعَمُّ الشَّدِيدُ، وَيُظَلِّمُ عَلَيْهِ قَبْرُهُ، وَالثَّانِيَةُ: يُضَيِّقُ عَلَيْهِ الْقَبْرُ وَيَكُونُ مُعَذَّبًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَالثَّلَاثَةُ: لَا تُبَشِّرُهُ الْمَلَائِكَةُ بِالرَّحْمَةِ.

وَأَمَّا الَّتِي فِي الْمَحْشَرِ: فَإِنَّهُ يَقُومُ عَلَى صَوْرَةِ الْحِمَارِ، وَيُعْطَى كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ، وَيُحَاسِبُهُ اللَّهُ حِسَابًا طَوِيلًا.

وَأَمَّا الَّتِي عَلَى الصَّرَاطِ: فَلَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَلَا يُرَكِّبُهُ، وَلَا يَقْبَلُ مِنْهُ صِرْفًا وَلَا عَيْدًا (٣)، وَيُحَاسِبُهُ اللَّهُ عَلَى الصَّرَاطِ أَلْفَ عَامٍ، ثُمَّ يَأْتُرُ بِهِ إِلَى النَّارِ مَعَ الدَّاخِلِينَ، وَهُوَ قَوْلُهُ تَعَالَى: «مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ * قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ».

٢٧٧٠. وَعَنْ أَنَسٍ قَالَ: جَاءَ ثَلَاثَةٌ رَهْطٍ (٤) إِلَى أَزْوَاجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَسْأَلُونَ عَنْ عِبَادَةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَلَمَّا اخْبَرُوا بِهَا كَانَتْهُمْ تَقَالُوهَا (٥)، فَقَالُوا: أَيْنَ نَحْنُ مِنَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقَدْ عَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ؟ فَقَالَ أَحَدُهُمْ: أَمَا أَنَا فَأَصَلَّى اللَّيْلَ أَبَدًا، وَقَالَ الْآخَرُ: أَنَا أَصُومُ النَّهَارَ وَلَا أَفْطِرُ، وَقَالَ الْآخَرُ: أَنَا اعْتَرَلُ النِّسَاءَ فَلَا أَتَزَوَّجُ أَبَدًا.

فَجَاءَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَيْهِمْ فَقَالَ: أَنْتُمْ الَّذِينَ قُلْتُمْ كَذَا وَكَذَا؟! أَمَا وَاللَّهِ إِنِّي لَأَخْشَاكُمْ لِلَّهِ، وَأَتَقَاكُمْ لَهُ، وَلَكِنِّي أَصُومُ وَأَفْطِرُ، وَأَصَلِّي وَأَرْقُدُ، وَأَتَزَوَّجُ النِّسَاءَ؛ فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي. (٦)

٢٧٧١. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: تَعَلَّمُوا مِنَ الْغُرَابِ خِصَالًا ثَلَاثَةً: اسْتِتَارَهُ بِالسَّفَادِ (٧)، وَبُكُورَهُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ، وَحَذْرَهُ. (٨)

٢٧٧٢. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَلَامَةُ الْمُؤْمِنِ ثَلَاثَةٌ: قَلُّهُ الْأَكْلِ لِاخْتِيَارِ الصَّوْمِ، وَقَلُّهُ فَضُولِ الْكَلَامِ لِاخْتِيَارِ الذِّكْرِ، وَقَلُّهُ النَّوْمِ لِاخْتِيَارِ الصَّلَاةِ. (٩)

ص: ٤٦٨

١- (١). كَذَا جَاءَ مَنْصُوبًا.

٢- (٢). كَذَا جَاءَ مَنْصُوبًا.

٣- (٣). قَوْلُهُمْ: لَا- يَقْبَلُ لَهُ صِرْفٌ وَلَا عَيْدٌ؛ الصَّرْفُ: الْحِيلَةُ، وَالْعِدَالُ: الْفِدَاءُ. وَقِيلَ: الصَّرْفُ: التَّطَوُّعُ، وَالْعِدَالُ: الْفَرْضُ. وَقِيلَ: الصَّرْفُ: التَّوْبَةُ، وَالْعِدَالُ: الْفِدْيَةُ. وَقِيلَ: الصَّرْفُ: الْوِزْنُ، وَالْعِدَالُ: الْكَيْلُ. وَقِيلَ: الصَّرْفُ: الْقِيَمَةُ، وَالْعِدَالُ: الْمَثَلُ. وَأَصْلُهُ فِي الْفِدْيَةِ (لسان العرب: ١٩١/٩).

٤- (٤). الرَّهْطُ: عَدَدٌ يَجْمَعُ مِنْ ثَلَاثَةِ إِلَى عَشْرَةٍ، وَبَعْضُ يَقُولُ: مِنْ سَبْعَةٍ إِلَى عَشْرَةٍ (لسان العرب: ٣٠٥/٧).

٥- (٥). تَقَالَّتْ مَا أُعْطَانِي: أَيِ اسْتَقَلَّتْ (لسان العرب: ٥٦٥/١١).

٦- (٦). النِّهَايَةُ فِي غَرِيبِ الْحَدِيثِ، ج ٤، ص ١٠٤، وَفِيهِ صَدْرُ الْحَدِيثِ فَقَطْ. وَنَقَلَ بَاقِرُ شَرِيفِ الْقُرَشِيِّ الْحَدِيثَ كَامِلًا فِي كِتَابِهِ: النِّظَامُ السِّيَاسِيُّ فِي الْإِسْلَامِ، ص ١٣٤..

٧- (٧). السَّفَادُ: نَزْوُ الذِّكْرِ عَلَى الْأُنْثَى (لسان العرب: ٢١٨/٣).

٨- (٨) . الخصال، ص ١٠٠، ح ٥٢.

٩- (٩) . هذا الحديث هو جزء من حديث المستدرک، ج ١، ص ١٨٣.

اما هنگام مرگ: با ذلت و در حالی که گویا بار سنگین کوهها را تحمل می کند. و چنان ضعیف که گویا بر او شلاق می زند جان دهد. تشنه جان دهد. و هر چه آب بیاشامد سیر نشود. گرسنه جان دهد. و هر چه بخورد سیر نشود.

اما در قبر: غصه شدید با ظلمت قبر، فشار قبر و عذاب تا قیامت بکشد. و از بشارت ملائکه رحمت محروم شود.

اما در محشر: به صورت الاغ محشور شود. نامه عملش را به دست چپ او بدهند. و محاسبه او طولانی شود.

اما در صراط: خداوند متعال به او نظر رحمت نکند. و از گناه پاک نکند. و عملی از او قبول نکند. حسابرسی او را هزار سال طول بدهد. سپس او را روانه جهنم کند. چنان که خداوند در قرآن می فرماید [از دوزخیان پرسند]: «چه چیز شما را به دوزخ کشید؟ گویند:

ما از نماز گزاران نبودیم».

۲۷۷۰. سه نفر [از اصحاب] از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله درباره عبادت آن حضرت پرسیدند، و چون آگاه شدند گویا اعمال خود را کم دیدند و گفتند: ما چقدر از پیامبر صلی الله علیه و آله فاصله داریم؟ یکی از آنها گفت: از این پس تمام شبها را به نماز سپری می کنم. دیگری گفت: همیشه روزه می گیرم و روزه هیچ روزی را فرو نمی گذارم. و دیگری گفت من از زنان کناره می گیرم و هیچ وقت ازدواج نخواهم کرد.

پیامبر صلی الله علیه و آله نزد آنها آمد و فرمود: شما هستید که چنین و چنان گفتید؟ بدانید که من از همه شما بیشتر از خدا می ترسم و با تقوی تر هستم. ولی گاهی روزه می گیرم و گاهی افطار می کنم، نماز می خوانم و به خواب هم می روم و ازدواج هم می کنم هر کس از سنت من دوری کند از امت من نیست.

۲۷۷۱. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: سه خصلت را از کلاغ بیاموزید: مخفی کردن آمیزش، صبح زود بدنبال رزق رفتن، و بر حذر بودن از دشمن.

۲۷۷۲. حضرت فرمودند: علامت مؤمن سه چیز است: کم خوراک است چون روزه می گیرد کمتر سخن می گوید. چون ذکر خدا می گوید و کم خواب است چون نماز می خواند.

٢٧٧٣. وقال صلى الله عليه وآله: لا يُعَدُّبُ أَحَدٌ فِي قَبْرِهِ إِلَّا بِأَحَدِي ثَلَاثٍ: الْغِيْبَةِ، وَالنَّمِيْمَةِ، وَالْبَوْلِ.

٢٧٧٤. وقال صلى الله عليه وآله: ثَلَاثٌ أَخَافُهُنَّ عَلَى أُمَّتِي بَعْدِي: الضَّلَالَةُ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ، وَمُضِلَّاتُ الْفِتَنِ، وَشَهْوَةُ الْبَطْنِ وَالْفَرْجِ. (١)

٢٧٧٥. وقال: مَنْ لَمْ يَتَوَرَّعْ فِي دِينِ اللَّهِ ابْتِلَاءَهُ اللَّهُ بِثَلَاثِ خِصَالٍ: إِمَّا أَنْ يُمِيْتَهُ شَابًا، أَوْ يُوَقِّعَهُ فِي خِدْمَةِ السُّلْطَانِ، أَوْ يُسَكِّنَهُ فِي الرِّسَاتِيْقِ (٢). (٣)

٢٧٧٦. وَرُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: ثَلَاثٌ يَسْتَغْفِرُ لَهُنَّ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُونَ السَّبْعُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَالْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ وَاللَّيْلُ وَالنَّهَارُ: الْعُلَمَاءُ، وَالْمُتَعَلِّمُونَ، وَالْعَامِلُونَ. (٤)

٢٧٧٧. وقال صلى الله عليه وآله: ثَلَاثٌ لَا يَغْلُ (٥) عَلَيْهِنَّ قَلْبُ مُسْلِمٍ: إِخْلَاصُ الْعَمَلِ لِلَّهِ، وَالنَّصِيْحَةُ لِلْمُسْلِمِينَ، وَلِزْوَمِ جَمَاعَتِهِمْ؛ فَإِنَّ دَعْوَتَهُمْ تُحِيْطُ (٦) مِنْ وَرَائِهِمْ. (٧)

٢٧٧٨. وقال صلى الله عليه وآله: إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثٍ: مِنْ صَدَقَةٍ جَارِيَةٍ (٨)، أَوْ عِلْمٍ يُنْتَفَعُ بِهِ، أَوْ وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ. (٩)

ص: ٤٧٠

١- (١). الكافي، ج ٢، ص ٧٩، ح ٦.

٢- (٢). قال ياقوت: الذي شاهدناه في زماننا في بلاد الفرس أنهم يعنون بالرستاق كل موضع فيه مزدراع وقرى، ولا يقال ذلك للمدن كالبصرة وبغداد (تاج العروس: ٣٥٥/٦).

٣- (٣). جامع الأخبار، ص ١٣٩.

٤- (٤). كنز العمال، ج ١٥، ص ٨٤٢، ح ٤٣٣٤٦.

٥- (٥). هو من الإغلال؛ الخيانة في كل شيء، ويروى يغل - بفتح الياء - من الغل؛ وهو الحقد والشحناء؛ أى لا يدخله حقد يزيله عن الحق. وروى يَغْلُ - بالتخفيف - من الوغول في الشر، والمعنى أن هذه الخلال الثلاث تُستصلح بها القلوب؛ فمن تَمَيَّك بها طَهَّرَ قَلْبَهُ مِنَ الْخِيَانَةِ وَالِدَّغْلِ وَالشَّرِّ، و«عليهن» في موضع الحال تقديره لا يغل كائناً عليهن قلب مؤمن (النهاية: ٣٨١/٣). أقول هذه الجملة جزء من خطبته صلى الله عليه وآله نقلها القمى في تفسيره في يوم منى في مسجد الخيف، والاحتجاج: ٧٦ في يوم عرفه، والأمالى للشيخ الصدوق أيضاً، وفي البحار في أحوال الإمام الصادق عليه السلام، والخصال في باب الثلاثة، وأعيان الشيعة وتاريخ يعقوبى والمستدرک للنورى: ٢٥٠/٢، وابن عساكر: ٢٨٨/٧، وتمام الخطبة على ما نقله الخصال: ١١٨ قال: خطب رسول الله صلى الله عليه وآله الناس بمنى في حجة الوداع في مسجد الخيف فحمد الله وأثنى عليه ثم قال: «نُصِرَ اللَّهُ عَبْدًا سَمِعَ مَقَالَتِي فَوَعَاها، ثُمَّ بَلَّغَهَا إِلَى مَنْ لَمْ يَسْمَعْها؛ فَرُبَّ حَامِلٍ فَفَقِهَ غَيْرَ فَفَقِيهِ، وَرُبَّ حَامِلٍ فَفَقِهَ إِلَى مَنْ هُوَ أَفْقَهُ مِنْهُ ثَلَاثٌ: لَا يَغْلُ عَلَيْهِنَّ قَلْبُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ: إِخْلَاصُ الْعَمَلِ لِلَّهِ، وَالنَّصِيْحَةُ لِأُمَّةِ الْمُسْلِمِينَ، وَاللِّزْوَمُ لِمَجْمَاعَتِهِمْ؛ فَإِنَّ دَعْوَتَهُمْ مَحِيْطَةٌ مِنْ وَرَائِهِمْ، الْمُسْلِمُونَ إِخْوَةٌ تَتَكَافَأُ دِمَاؤُهُمْ يَسْعَى بِذَمَّتِهِمْ أَدْنَاهُمْ، وَهَمَّ يَدُّ عَلَى مَنْ سِوَاهُمْ».

٦- (٦). أى تحوطهم وتكفئهم وتحفظهم والدعوة المره من الدعاء (النهاية: ١٢٢/٢). ولعل المراد من الدعوه هنا كلمه الشهاده؛

- أى إنّ كلمه التوحيد تحفظهم وتكنفهم، أو المراد دعوه الرسول صلى الله عليه و آله لهم بأن يحفظوا، والظاهر هو الأوّل.
- ٧-٧) . تهذيب الكمال، ج ١٦، ص ٤٩٤.
- ٨-٨) . الصدقه الجارويه: الدارّه المتّصله؛ كالوقوف الباقيه والعين المسئله المنفعه.
- ٩-٩) . جامع بيان العلم و فضلّه، ج ١، ص ١٥.

۲۷۷۳. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: سه چیز عذاب قبر تنها از این سه چیز است: غیبت، سخن چینی و [رعایت نکردن نجاست] ادرار.

۲۷۷۴. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: از سه چیز بر اتم بعد از خودم می ترسم: گمراهی بعد از معرفت، فتنه های گمراه کننده، شهوت رانی و شکم پرستی.

۲۷۷۵. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که در دین خدا پرهیزکار نباشد به سه بلا گرفتار می شود. یا جوان مرگ می شود. یا به خدمت شاهان ظالم درمی آید. یا در مناطق بی فرهنگ ساکن می شود.

۲۷۷۶. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: آسمانها و زمین هفت گانه و ساکنان آنها و فرشتگان مقرب و شب و روز برای سه کس استغفار می کنند: علما، جویندگان علم، عمل کنندگان به علم.

۲۷۷۷. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: قلب مسلمان در سه چیز خیانت نمی کند: خالص کردن عمل برای خداوند خیرخواهی برای مسلمان، و شرکت در اجتماع آنان، تا دعای آنان همه را فراگیرد.

۲۷۷۸. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: پس از مرگ دست انسان از عمل کوتاه می شود مگر از سه چیز: صدقه جاریه [یعنی کارهای خیری که بنا نهاده است و جریان دارد، مثل مدرسه، مسجد، درمانگاه،...] علمی که مردم از آن سود برند. فرزند صالح که برایش دعا کند.

٢٧٧٩. وقال صلى الله عليه وآله: ثلاثه يوم القيامة تحت عرش الله يوم لا ظل إلا ظلل الله، قيل: من هم يا رسول الله؟ قال: من فرج عن مكروب من امتي، ومن أحيى سنتي، ومن أكثر الصلاة علي.

٢٧٨٠. روى عن الصادق عليه السلام أنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أفضل الأعمال من امتي ثلاثه: طالب العلم حبيب الله، والغازي ولي الله، والكاسب من يده خليل الله. (١)

٢٧٨١. وقال صلى الله عليه وآله: يشفع يوم القيامة ثلاثه: الأنبياء، ثم العلماء، ثم الشهداء؛ فأعظم مرتبه هي تلو النبوه وفوق الشهاده. (٢)

٢٧٨٢. وقال صلى الله عليه وآله: ثلاث من كن فيه وحيد خلاوة الإيمان: من كان الله ورسوله أحب إليه مما سواهما، ومن أحب عبداً لا يحبهُ إلا الله، ومن يكره أن يعود في الكفر بعد إذ أنقذه الله منه كما يكره أن يلقى في النار. (٣)

٢٧٨٣. وقال صلى الله عليه وآله: إن ثلاثه في بنى إسرائيل أبرص وأقرع وأعمى، فأراد الله أن يبتليهم، فبعث إليهم ملكاً فأتى الأبرص فقال: أئى شىء أحب إليك؟ قال: لون حسن، وجلد حسن، ويذهب عني الذي قد رنى الناس. قال: فمسح به، فذهب عنه قذره، وأعطى لونا حسناً وجلداً حسناً. قال: فأئى المال أحب إليك؟ قال: الإبل - أو قال: البقر - فأعطى ناقه عشاء (٤)، فقال: بارك الله لك فيها.

فأتى الأقرع فقال: أئى شىء أحب إليك؟ قال: شعر حسن، ويذهب عني الذي قد قد رنى الناس.

فمسح به، فذهب عنه وأعطى شعراً حسناً. فقال: أئى المال أحب إليك؟ قال: البقر، فأعطى بقرًا حاملاً، قال: بارك الله لك فيها.

قال: فأتى الأعمى فقال: أئى شىء أحب إليك؟ قال: أن يرذ الله إلى بصري، فأبصر به الناس.

فمسح به، فرذ الله إليه بصره. قال: فأئى المال أحب إليك؟ قال: الغنم، فأعطى شاهة والداً، فأنتج هذان، وولد هذا.

ص: ٤٧٢

١- (١). جامع الأخبار، ص ٣٨.

٢- (٢). تهذيب الكمال، ج ٢٢، ص ٥٥١.

٣- (٣). المعجم الأوسط، ج ٢، ص ٣٤.

٤- (٤). ناقه عشاء: مضى لحملها عشره أشهر أو ثمانية والأول أولى؛ لمكان لفظه (لسان العرب: ٥٧٢/٤).

۲۷۷۹. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: سه کس در قیامت وقتی هیچ سایه بانی وجود ندارد در سایه عرش خدا هستند. پرسیدند آنان چه کسانی هستند؟ حضرت فرمودند: کسی که غصه ای از گرفتاری امت من دور کند. و کسی که سنت مرا احیا کند. و کسی که زیاد بر من صلوات فرستد.

۲۷۸۰. امام صادق علیه السلام فرمودند: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: برترین افراد امت من سه گروه هستند. جوینده علم که حبیب الله است. رزمنده که ولی الله است. و کسی که حاصل دست رنج خود را می خورد که خلیل الله است.

۲۷۸۱. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: سه گروه در قیامت شفاعت می کنند: پیامبران، علماء و شهداء. رتبه علماء بعد از رتبه پیامبران و بالاتر از شهداء است.

۲۷۸۲. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس سه صفت داشته باشد، لذت ایمان را چشیده است: خدا و پیامبر را از هر چیز بیشتر دوست داشته باشد. کسی دیگران را فقط برای خدا دوست داشته باشد، پس از ایمان آوردن. همانطور که از افتادن در آتش بیزار است، از برگشت به کفر بیزار باشد.

۲۷۸۳. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: سه نفر از بنی اسرائیل یکی مبتلا به برص و دیگری طاسی و سومی نابینا بود، خداوند فرشته ای فرستاد تا آنان را بیازماید.

فرشته نزد اولی آمد و پرسید: چه چیزی را خیلی دوست داری؟ گفت: رنگ خوب، پوست خوب و اینکه بیماری پوستی من که مرا در نزد مردم زشت گردانیده برطرف شود.

فرشته دست خود را بر او کشید بیماری او برطرف شد. و رنگ و پوست او زیبا شد.

فرشته پرسید: چه مالی را دوست داری؟ گفت: شتر. فرشته به او شتر داد و به او تبریک گفت.

فرشته نزد دومی رفت و پرسید: چه چیزی را خیلی دوست داری؟ گفت: موهای زیبا و برطرف شدن طاسی که مرا در نزد مردم زشت گردانیده. فرشته دستی بر او کشید، بیماری او برطرف شد. و موهای زیبا روئید.

فرشته پرسید: چه مالی را دوست داری؟ گفت: گاو. فرشته به او گاو باردار داد و تبریک گفت.

نزد سومی آمد و پرسید: چه چیزی را خیلی دوست داری؟ گفت: خداوند بینائی را به من بازگرداند تا مردم را ببینم. فرشته دستی بر او کشید و بینا شد.

فَكَانَ لِهَذَا وَادٍ مِنَ الْإِبِلِ، وَلِهَذَا وَادٍ مِنَ الْبَقَرِ، وَلِهَذَا وَادٍ مِنَ الْغَنَمِ.

قَالَ: ثُمَّ إِنَّهُ أَتَى الْأَبْرَصَ فِي صَوْرَتِهِ وَهَيْئَتِهِ، فَقَالَ: رَجُلٌ مِسْكِينٌ قَدْ انْقَطَعَتْ بِي الْجِبَالُ فِي سَفَرِي، فَلَا بَلَاغَ لِي الْيَوْمَ إِلَّا بِاللَّهِ ثُمَّ بِكَ، أَسْأَلُكَ بِالَّذِي أَعْطَاكَ الْجِلْدَ الْحَسَنَ وَاللَّوْنَ الْحَسَنَ وَالْمَالَ؛ أَعْطِنِي بَعِيرًا أَتَبْلُغُ (١) عَلَيْهِ فِي سَفَرِي.

فَقَالَ: الْحَقُّوْكَ كَثِيرَةٌ. فَقَالَ لَهُ: كَأَنِّي أَعْرِفُكَ! أَلَمْ تَكُنْ أَبْرَصَ يُقَدِّرُكَ النَّاسُ، وَكُنْتَ فَقِيرًا فَأَعْطَاكَ اللَّهُ؟! فَقَالَ: أَنَا وَرِثْتُ هَذَا كَابِرًا عَنِ كَابِرٍ! فَقَالَ: إِنْ كُنْتَ كَاذِبًا صَيَّرَكَ اللَّهُ إِلَيَّ مَا كُنْتُ.

قَالَ: فَأَتَى الْأَفْرَعَ فِي صَوْرَتِهِ، وَقَالَ لَهُ مِثْلَ مَا قَالَ لِهَذَا، وَرَدَّ عَلَيْهِ مِثْلَ مَا رَدَّ عَلَيَّ هَذَا، قَالَ: إِنْ كُنْتَ كَاذِبًا فَصَيَّرَكَ اللَّهُ إِلَيَّ مَا كُنْتُ.

قَالَ: فَأَتَى الْأَعْمَى فِي صَوْرَتِهِ وَهَيْئَتِهِ، فَقَالَ: رَجُلٌ مِسْكِينٌ وَابْنٌ سَبِيلٍ انْقَطَعَتْ بِي الْجِبَالُ فِي سَفَرِي، فَلَا بَلَاغَ لِي الْيَوْمَ إِلَّا بِاللَّهِ ثُمَّ بِكَ، أَسْأَلُكَ بِالَّذِي رَدَّ عَلَيْكَ بَصَرَكَ شَاءَ أَتَبْلُغُ بِهَا فِي سَفَرِي.

فَقَالَ: قَدْ كُنْتُ أَعْمَى فَزَدَّ اللَّهُ إِلَيَّ بَصْرِي، فَخُذْ مَا شِئْتَ، وَدَعْ مَا شِئْتَ، فَوَاللَّهِ لَا أَجْهَدُكَ (٢) الْيَوْمَ شَيْئًا اتَّخَذْتَهُ لِلَّهِ.

فَقَالَ: أَمْسِكْ مَالَكَ؛ فَإِنَّمَا ابْتَلَيْتُمُ، قَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنْكَ وَسَخِطَ عَلَيَّ صَاحِبِيكَ (٣).

٢٧٨٤. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَبْغَضُ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ ثَلَاثَةٌ: مُلْحِدٌ فِي الْحَرَامِ (٤)، وَمُبْتَغٍ (٥) فِي الْإِسْلَامِ سُنَّةَ جَاهِلِيَّةٍ، وَمُتَطَلِّبٌ دَمَ امْرَأَةٍ بَغَيْرِ حَقٍّ لِيُهْرِيْقَ دَمَهُ (٦).

٢٧٨٥. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ خَبٌّ (٧)، وَلَا بَخِيلٌ، وَلَا مَنَّانٌ (٨). (٩).

ص: ٤٧٤

- ١- (١). تَبْلُغُ بِالشَّيْءِ: وَصَلَ إِلَى مَرَادِهِ. وَالبَلَاغُ: مَا يَتَبَلَّغُ بِهِ وَيَتَوَصَّلُ إِلَى الشَّيْءِ الْمَطْلُوبِ (لسان العرب: ٤١٩/٨).
- ٢- (٢). أَى: لَا أَجْهَدُ الْيَوْمَ بِشَيْءٍ أَخَذْتَهُ لِلَّهِ، لَا أَشُقُّ عَلَيْكَ وَأُرَدِّكَ فِي شَيْءٍ تَأْخُذُهُ مِنْ مَالِي لِلَّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ (النهاية: ٣٠٩/١).
- ٣- (٣). صحيح البخارى، ج ٤، ص ١٤٦.
- ٤- (٤). فِي الْأَصْلِ: مُلْحِدٌ فِي الْحَرَمِ. وَالمُلْحِدُ: الَّذِي يَمِيلُ عَنِ الْحَقِّ.
- ٥- (٥). ابْتِغَيْتَهُ: طَلَبْتَهُ (العين: ٤٥٣/٤).
- ٦- (٦). المجمع، ج ١٨، ص ٣٨١.
- ٧- (٧). الخَبُّ - بِالْفَتْحِ وَالتَّشْدِيدِ غَيْرُ مَهْمُوزٍ -: الخَدَاعُ، وَمَعْنَاهُ الَّذِي يُفْسِدُ النَّاسَ بِالْخَدَاعِ وَيَمَكُرُ وَيَحْتَالُ فِي الْأَمْرِ (مجمع البحرين: ٤١٦/١).
- ٨- (٨). المَنَّانُ: الَّذِي لَا يُعْطِي شَيْئًا إِلَّا مَنَّهُ وَاعْتَدَّ بِهِ عَلَى مَنْ أَعْطَاهُ، وَهُوَ مَذْمُومٌ؛ لِأَنَّ الْمَنَّهُ تَفْسِدُ الصَّنِيعَةَ (لسان العرب: ٤١٨/١٣).
- ٩- (٩). كَنْزُ الْعَمَالِ، ج ٣، ص ٥٤٦، ح ٧٨٢٦.

فرشته پرسید: چه مالی را دوست داری؟ گفت: گوسفند. فرشته گوسفندی زاینده به او داد و تبریک گفت.

هر کدام از آنها پس از مدتی صاحب گله ای شتر و گاو و گوسفند شدند. سپس فرشته به صورت پیسی گرفته نزد اولی [کسی که پیسی داشت] رفت و گفت: از راه دور به اینجا آمده ام و رفتن به این کوه ها امانم را بریده است و جز خدا کسی ندارم و به تو پناه آورده ام.

تو را به آن کسی که پوست زیبا و رنگ زیبا داد و شتر به تو داد یک شتر به من بده با آن سفر کنم. گفت: مخارج من زیاد است [و نمی توانم].

فرشته گفت: گویا تو را می شناسم، تو همان بیماری نیستی که مردم تو را مسخره می کردند؟ و فقیر بودی اما خدا به تو مال داد؟ گفت: نه این اموال را از اجدادم به ارث برده ام.

فرشته گفت: اگر دروغ بگوئی خدا تو را به حال اول بازگرداند.

فرشته به صورت همان طاسی که او قبلاً داشت نزد دومی رفت، و با او نیز مثل اولی گفت و گو کرد. دومی هم فرشته را رد کرد. فرشته گفت: اگر دروغ بگوئی خدا تو را به حال اول بازگرداند.

فرشته به صورت نابینا نزد سومی آمد و گفت: فقیر و در راه مانده ام و از راه دور آمده ام و غیر از خدا کسی ندارم، تو را به آن کسی که بینائی تو را برگرداند قسم می دهم گوسفندی به من بده.

آن مرد گفت: من نابینا بودم. خدا بینائی را به من بازگرداند، از این گوسفندان هر مقدار را می خواهی نگهدار، بخدا قسم هر کدام را برداری از تو دریغ نمی کنم.

فرشته گفت: اموال خود را نگهدار، شما آزمایش شدید، خداوند از تو راضی است. اما از دو نفر اول بیزار است.

۲۷۸۴. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: سه کس منفورترین انسان نزد خدا هستند: کسی که با عمل حرام از حق دوری کند. کسی که در اسلام سنت جاهلیت را رواج دهد. کسی که به دنبال ریختن خون بی گناهی باشد.

۲۷۸۵. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: فریب کار و بخیل و کسی که بر دیگران منت گذارد، وارد بهشت نمی شوند.

٢٧٨٦. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ: آيَةٌ مُحْكَمَةٌ (١)، أَوْ سِيْنَةٌ قَائِمَةٌ، أَوْ فَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ، وَمَا كَانَ سِوَى ذَلِكَ فَهُوَ فَضْلٌ. (٢).

٢٧٨٧. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اتَّقُوا الْمَلَاعِنَ الثَّلَاثَةَ: الْبِرَازَ فِي الْمَوَارِدِ (٣)، وَقَارِعَهُ (٤) الطَّرِيقِ، وَالظَّلَّ (٥).

٢٧٨٨. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ثَلَاثَةٌ كُلُّهُمْ ضَامِنٌ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: رَجُلٌ خَرَجَ غَازِيًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ فَهُوَ ضَامِنٌ (٦) عَلَى اللَّهِ حَتَّى يَتَوَفَّاهُ فَيُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ أَوْ يُرُدَّهُ بِمَا نَالَ مِنْ أَجْرٍ أَوْ غَنِيمَةٍ. وَرَجُلٌ رَاحَ إِلَى الْمَسْجِدِ؛ فَهُوَ ضَامِنٌ عَلَى اللَّهِ. وَرَجُلٌ دَخَلَ الْبَيْتَ بِسَلَامٍ؛ فَهُوَ ضَامِنٌ عَلَى اللَّهِ (٧).

٢٧٨٩. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: وَعَلَيْكُمْ بِقِيَامِ اللَّيْلِ؛ فَإِنَّهُ دَابُّ (٨) الصَّالِحِينَ قَبْلَكُمْ، فَهُوَ قُرْبَةٌ لَكُمْ إِلَى رَبِّكُمْ، وَمُكْفَرَةٌ لِلْسَّيِّئَاتِ، وَمَنْهَاةٌ عَنِ الْإِثْمِ (٩). (١٠).

٢٧٩٠. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ثَلَاثَةٌ يَضْحَكُ (١١) اللَّهُ إِلَيْهِمْ: الرَّجُلُ إِذَا قَامَ بِاللَّيْلِ يُصَلِّي، وَالْقَوْمُ إِذَا صَفَّوْا فِي الصَّلَاةِ، وَالْقَوْمُ إِذَا صَفَّوْا فِي قِتَالِ الْعَدُوِّ. (١٢).

٢٧٩١. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا يَحِلُّ الْكَذِبُ إِلَّا فِي ثَلَاثٍ: كَذِبُ الرَّجُلِ عَلَى امْرَأَتِهِ لِيَرْضِيهَا، وَالْكَذِبُ فِي الْحَرْبِ، وَالْكَذِبُ لِيُصَلِّحَ بَيْنَ النَّاسِ. (١٣).

٢٧٩٢. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: يَا بَنَ آدَمَ، مَرَضْتُ فَلَمْ تَعِدْنِي! قَالَ: يَا رَبِّ، كَيْفَ أَعُوذُكَ وَأَنْتَ رَبُّ الْعَالَمِينَ؟ قَالَ: أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ عَبْدِي فُلَانًا مَرَضَ فَلَمْ تَعُدَّهُ؟ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّكَ لَوْ عُدْتَهُ لَوَجَدْتَنِي عِنْدَهُ؟

ص: ٤٧٦

١- (١). الآيه المحكمه في مقابل المتشابه، واختلف فيهما الأقوال إلى ستّة عشر قولاً- ذكرت كلها في تفسير الميزان، وفي الحديث: «المحكم ما يعمل به، والمتشابه ما اشتبه على جاهله». والذي يظهر أنّ المحكم ما لا يشبهه في المراد منها، والمتشابه ما فيه شبهه.

٢- (٢). سنن ابن ماجه، ج ١، ص ٢١.

٣- (٣). الموارِد: المناهل، واحدا مَوْرِد: والمورِدَةُ: الطريق إلى الماء (لسان العرب: ٤٥٦/٣).

٤- (٤). قارِعُهُ الطريق: هي وسطُهُ. وقيل: أعلاه. والمراد به هاهنا نفسُ الطريق ووجهه (لسان العرب: ٢٦٨/٨).

٥- (٥). سنن ابن ماجه، ج ١، ص ١١٩، ح ٣٢٨.

٦- (٦). قال الجزري: أي ذو ضمان؛ لقوله تعالى: «وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ مِثْقَلِ ذَرَّةٍ مَهْجُورًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ» هكذا أخرجه الهروي والزمخشري من كلام علي عليه السلام (لسان العرب: ٢٥٧/١٣).

٧- (٧). سنن ابن داوود، ج ١، ص ٥٥٩.

٨- (٨). الدَّأْبُ: العادة والشأن، هو من دَأَبَ في العمل: إذا جَدَّ وَتَعَبَ (لسان العرب: ٣٦٩/١).

٩- (٩) . أى حالة من شأنها أن تنهى عن الإثم، أو هى مكان مختصّ بذلك، وهى مفعلة من النهى، والميم الزائده. (لسان العرب: ٣٤٣/١٥).

١٠- (١٠) . سنن الترمذى، ج ٥، ص ٢١٢.

١١- (١١) . قيل: إطلاق الضحك على الله يراد به لازمته وهو الرضا (مجمع البحرين: ٧/٣).

١٢- (١٢) . مسند أحمد، ج ٣، ص ٨٠.

١٣- (١٣) . سنن الترمذى، ج ٣، ص ٢٢٢.

۲۷۸۶. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: علم سه تاست: آیه محکم [عقاید] و سنت استوار [اخلاق] واجبی که بر پا داشته شود [احکام]. و غیر اینها فضل است.

۲۷۸۷. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: در سه مکان مراقبت کنید تا مردم لعنت نکنند: آبشخوار، وسط راه، زیر سایه.

۲۷۸۸. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: سه کس در ضمان خدا هستند: مردی که برای خدا به جبهه جنگ برود در ضمان خداست. یا کشته شود، و خدا او را وارد بهشت نماید. یا با پاداش و غنیمت به وطن بازگردد. مردی که به مسجد می رود. و کسی که با سلامت وارد مسجد الحرام شود.

۲۷۸۹. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: نماز شب را فراموش نکنید که روش شایستگان سابق است و موجب تقرب به خدا، و کفاره گناهان، و بازدارنده از معصیت است.

۲۷۹۰. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند از سه کس رضایت دارد: کسی که نماز شب بپا دارد. کسانی که برای جماعت صف کشیده اند. کسانی که در جبهه برای نابودی دشمن صف کشند.

۲۷۹۱. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: دروغ جایز نیست مگر در سه مورد: برای جلب رضایت همسر، در جنگ، و دروغ برای آشتی دادن مردم.

۲۷۹۲. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: روز قیامت خداوند می فرماید: پسر آدم! بیمار شدم به عیادت من نیامدی؟ گوید: خداوند! چگونه به عیادت تو می آمدم تو خود پروردگار عالمیان هستی؟

فرماید: مگر ندانستی که فلان بنده من بیمار شد چرا عیادت نکردی؟ آیا ندانستی که اگر به عیادت او می رفتی مرا نزد او می یافتی؟

ابن آدم، اسْتَطَعْمُكَ فَلَمْ تُطْعِمْنِي! قَالَ: يَا رَبِّ، كَيْفَ اطْعِمُكَ وَأَنْتَ رَبُّ الْعَالَمِينَ؟! فَقَالَ:

اسْتَطَعْمَكَ فَلَانَ فَلَمْ تُطْعِمَهُ، أَمَا عَلِمْتَ أَنَّكَ لَوْ اطْعَمْتَهُ لَوَجَدْتَ ذَلِكَ عِنْدِي؟

يَابْنَ آدَمَ، اسْتَسْقَيْتُكَ فَلَمْ تَسْقِنِي! قَالَ: يَا رَبِّ، كَيْفَ أَسْقِيكَ وَأَنْتَ رَبُّ الْعَالَمِينَ؟! قَالَ:

اسْتَسْقَاكَ عَبْدِي فَلَانَ فَلَمْ تَسْقِهِ، أَمَا عَلِمْتَ أَنَّكَ لَوْ سَقَيْتَهُ لَوَجَدْتَ ذَلِكَ عِنْدِي؟ (١)

٢٧٩٣. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ ثَلَاثَةٌ: التَّوَاضُّعُ عِنْدَ الدَّوْلَةِ (٢)، وَالْعَفْوُ عِنْدَ الْقُدْرَةِ، وَالْعَطِيَّةُ بِغَيْرِ الْمَنِّهِ (٣).

٢٧٩٤. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ثَلَاثَةٌ أَنَا خَصْمُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: رَجُلٌ أَعْطَى بِي ثُمَّ غَدَرَ، وَرَجُلٌ بَاعَ حُرًّا فَأَكَلَ ثَمَنَهُ، وَرَجُلٌ اسْتَأْجَرَ أَجِيرًا فَاسْتَوْفَى مِنْهُ وَلَمْ يُعْطِهِ أَجْرَهُ (٤).

٢٧٩٥. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا قَبِيضَهُ، إِنَّ الْمَسْأَلَةَ لَا تَحِلُّ إِلَّا لِأَخِيْدٍ ثَلَاثَةٌ: رَجُلٌ تَحَمَّلَ حَمَالَةً (٥)؛ فَحَلَّتْ لَهُ الْمَسْأَلَةُ حَتَّى يُصِيبَهَا ثُمَّ يُمَسِّكَ.

وَرَجُلٌ أَصَابَتْهُ جَائِحَةٌ (٦) اجْتَاَحَتْ مَالَهُ؛ فَحَلَّتْ لَهُ الْمَسْأَلَةُ حَتَّى يُصِيبَ قِوَامًا مِنْ عَيْشٍ. وَرَجُلٌ أَصَابَتْهُ فَاقَةٌ، حَتَّى تَقُولَ ثَلَاثَةٌ مِنْ دَوَى الْحِجَى (٧) مِنْ قَوْمِهِ: لَقَدْ أَصَابَتْ فُلَانًا فَاقَةٌ فَحَلَّتْ لَهُ الْمَسْأَلَةُ حَتَّى يُصِيبَ سِدَادًا مِنْ عَيْشٍ.

فَمَا سِوَاهُنَّ مِنَ الْمَسْأَلَةِ - يَا قَبِيضَهُ - سُحَّتْ يَأْكُلُهَا صَاحِبُهَا سُحْتًا (٨).

٢٧٩٦. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِأَبِي ذَرٍّ رَحِمَهُ اللَّهُ: تَبَّ بِالْفِكْرِ قَلْبِكَ، وَجَافِ عَنِ النَّوْمِ جَبْتِكَ، وَاتَّقِ اللَّهَ رَبَّكَ (٩).

٢٧٩٧. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ثَلَاثٌ يَزِدْنَ فِي الْحِفْظِ وَيَذْهَبْنَ بِالْبَلْغَمِ: قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ، وَالْعَسَلُ، وَاللَّبَانُ (١٠). (١١).

٢٧٩٨. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْعَقْلُ ثَلَاثَةٌ أَجْزَاءٌ؛ فَمَنْ تَكَّنَ فِيهِ فَهُوَ الْعَاقِلُ، وَمَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ فَلَا عَقْلَ لَهُ: حُسْنُ مَعْرِفَةِ اللَّهِ، وَحُسْنُ طَاعَةِ اللَّهِ، وَحُسْنُ الظَّنِّ بِاللَّهِ (١٢).

ص: ٤٧٨

١- (١). صحيح مسلم، ج ٨، ص ١٣.

٢- (٢). الدولة: الانتقال من حال الشدة إلى حال الرخاء (لسان العرب: ٢٥٢/١١).

٣- (٣). لسان الميزان، ج ٤، ص ٣٤١.

٤- (٤). مسند أحمد، ج ٢، ص ٣٥٨.

٥- (٥). الحماله - بالفتح -: ما يتحمله الإنسان عن غيره من ديه أو غرامه؛ مثل أن تقع حرب بين فريقين تسفك فيها الدماء، فيدخل بينهم رجل يتحمل ديات القتلى ليصلح ذات البين.

- ٦-٦) . الجائحه: هي الآفات التي تهلك الثمار والأموال وتستأصلها، وكلّ مصيبه عظيمه وفتنه مبيره.
- ٧-٧) . ذو الحجى: صاحب العقل.
- ٨-٨) . «يا قبيصه»: صحيح مسلم، ج ٣، ص ٩٧.
- ٩-٩) . معدن الجواهر، ص ٣٢.
- ١٠-١٠) . اللبان - بالضم -: الكُنْدُر [ضَرْبٌ من العلك] (مجمع البحرين: ٣٠٦/٦).
- ١١-١١) . عيون أخبار الرضا، ج ١، ص ٤٢، ح ١١١.
- ١٢-١٢) . الموضوعات لابن الجوزى، ج ١، ص ١٧٢ من دون إسناد إليه صلى الله عليه و آله.

فرزند آدم! از تو غذا خواستم چرا ندادی؟ گوید: خدایا چگونه به تو غذا بدهم تو خدای همه هستی؟ فرماید: فلان فقیر از تو غذا خواست ندادی، آیا ندانستی اگر به او غذا می دادی آن غذا را نزد من می یافتی؟

فرزند آدم! از تو آب خواستم ندادی؟ گوید: چگونه به تو آب دهم تو پروردگار جهانی؟ فرماید: فلان بنده من از تو آب خواست ندادی. آیا نمی دانستی اگر او را سیراب می کردی آن آب را نزد من می یافتی؟

۲۷۹۳. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: بهترین کارها سه چیز است: تواضع هنگام توانگری، گذشت هنگام قدرت، و بخشش بدون منت.

۲۷۹۴. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند متعال فرمود: من با سه کس در قیامت خصومت می کنم: کسی با من عهد و پیمان ببندد سپس نقض عهد کند. کسی که انسان آزادی را بفروشد، و پولش را بخورد. کسی که کارگری را به کار گمارد، و حقوق او را ندهد.

۲۷۹۵. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: گدائی جایز نیست مگر برای سه کس: کسی که غرامتی را بعهده گرفته و از پرداخت آن عاجز است، به همان مقدار از مردم درخواست کند.

دوم: کسی که اموالش را در حادثه از دست داده و محتاج شده است، به مقدار رفع نیاز از دیگران کمک بگیرد. سوم کسی که دچار فقر شده بطوری که چند نفر از عقلای اقوام فقر او را تأیید کنند، جایز است از مردم طلب کند تا زندگی اش سامان یابد.

هر کس غیر از اینها از مردم مالی بگیرد حرام است، حرام.

۲۷۹۶. پیامبر صلی الله علیه و آله به ابوذر فرمودند: با فکر کردن قلب خود را هشیار کن. کمتر بخواب. و تقوا پیشه کن.

۲۷۹۷. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: سه چیز حافظه را قوی و بلغم را برطرف می کند: خواندن قرآن، غسل و کندر.

۲۷۹۸. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: عقل سه جزء دارد، هر کس داشته باشد عاقل است، و هر که ندارد بی خرد است؛ خدا را خوب شناختن و خوب اطاعت کردن و خوش گمان بودن به خدا.

٢٧٩٩. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ اشْرَبَ قَلْبُهُ حُبَّ الدُّنْيَا وَرَكَنَ إِلَيْهَا؛ التَّاطَ (١) مِنْهَا بِشُغْلٍ عَنَّا، وَأَمَلٍ لَا يَبْلُغُ مُنْتَهَاهَا، وَحِرْصٍ لَا يُدْرِكُ مَدَاهَا. (٢)

٢٨٠٠. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ثَلَاثُ مُنْجِيَاتٍ، وَثَلَاثُ مُهْلِكَاتٍ؛ أَمَّا الْمُنْجِيَاتُ فَخِيفَهُ اللَّهُ تَعَالَى فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ، وَالْقَصْدُ فِي الْفَقْرِ وَالْغِنَى، وَالْعَدْلُ فِي الْعُزْبِ وَالرِّضَى، وَأَمَّا الْمُهْلِكَاتُ فَشُحُّ مَطَاعٍ، وَهَوَى مُتَّبَعٍ، وَإِعْجَابُ الْمَرْءِ بِنَفْسِهِ. (٣)

٢٨٠١. وَعَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ثَلَاثَةٌ نَفَرٍ يُظِلُّهُمْ اللَّهُ تَحْتَ ظِلِّ عَرْشِهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّ الْعَرْشِ: الْمُتَوَضُّعِيُّ فِي مَكَانِهِ، وَالْمَاشِي إِلَى الْمَسْجِدِ فِي الظُّلْمِ، وَمُطْعِمُ الْجَائِعِ.

ص: ٤٨٠

١- (١) . التاط به: التصق به؛ أى من أحب الدنيا لصق بقلبه شغل فيملؤه همًا وغمًا وحزنًا وعناه: أى أهمه وشغله.

٢- (٢) . كنز العمال، ج ٣، ص ٢٢٤.

٣- (٣) . مجمع الزوائد، ج ١، ص ٩١.

۲۷۹۹. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس قلبش از حب دنیا پر شود و به آن دل خوش کند به سه بلا گرفتار شود: زحمت درد آور، آرزوی بی پایان، و حرص بی انتها.

۲۸۰۰. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: سه چیز نجات بخش است: ترس از خدا در نهان و عیان، میانه روی در فقر و توانگری، و عدالت در غضب و خشنودی.

و سه چیز مهلک است: اطاعت از بخل، پیروی از هوس، و خودخواهی.

۲۸۰۱. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: روزی که سایه ای جز سایهٔ عرش نیست خداوند سه کس را در سایهٔ عرش پناه دهد: کسی که همیشه با وضو باشد. کسی که در تاریکی به مسجد می رود. و کسی که گرسنه ای را سیر کند.

ص: ۴۸۱

الفصل الثالث: مِمَّا رَوَتْهُ الْخَاصَّةُ وَالْعَامَّةُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

٢٨٠٢. قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْعِبَادُ ثَلَاثَةٌ: قَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ خَوْفًا؛ فَتَلَكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ، وَقَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ طَلَبًا لِلثَّوَابِ؛ فَتَلَكَ عِبَادَةُ الْأَجْرَاءِ (١)، وَقَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ حُبًّا لَهُ؛ فَتَلَكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ، وَهِيَ أَفْضَلُ الْعِبَادَاتِ (٢).

٢٨٠٣. وَعَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ خَرَجَ مِنْ دُلِّ الْمَعْصِيَةِ إِلَى عِزِّ الطَّاعَةِ أَغْنَاهُ اللَّهُ مِنْ غَيْرِ مَالٍ، وَأَيَّدَهُ مِنْ غَيْرِ جُنْدٍ، وَأَعَزَّهُ مِنْ غَيْرِ عَشِيرَةٍ (٣).

٢٨٠٤. وَعَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَنَّهُ قَالَ ذَاتَ يَوْمٍ لِأَصْحَابِهِ: كَيْفَ أَصَبَحْتُمْ؟ قَالُوا: أَصَبَحْنَا مُؤْمِنِينَ بِاللَّهِ، قَالَ: وَمَا عَلَامَةُ إِيمَانِكُمْ؟ قَالُوا: نَصَبْنَا عَلَى الْبَلَاءِ، وَنَشَكَرْنَا فِي الرِّخَاءِ، وَنَرَضِيَ بِالْقَضَاءِ، فَقَالَ: نَعَمْ، أَنْتُمْ مُؤْمِنُونَ حَقًّا وَرَبُّ الْكَعْبَةِ (٤).

٢٨٠٥. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْمَحَبَّةُ أَسَاسُ الْمَعْرِفَةِ وَالْعِفَّةُ غَايَةُ الْيَقِينِ، وَرَأْسُ الْيَقِينِ الرِّضَى بِتَقْدِيرِ اللَّهِ تَعَالَى.

٢٨٠٦. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْأَمْرُ ثَلَاثَةٌ: أَمْرٌ بَيْنَ رُشْدِهِ فَاتَّبِعْهُ، وَأَمْرٌ بَيْنَ غَيْهِ فَاجْتَنِبْهُ، وَأَمْرٌ اخْتَلَفَ فِيهِ فَكَلِّهِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (٥).

٢٨٠٧. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ اللَّهَ يَرْضَى لَكُمْ ثَلَاثًا، وَيَكْرَهُ لَكُمْ ثَلَاثًا؛ فَيَرْضَى لَكُمْ أَنْ تَعْبُدُوهُ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا، وَأَنْ تَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَتَفَرَّقُوا، وَأَنْ تُنَاصِحُوا مَنْ وَلَّاهُ اللَّهُ أَمْرًا. وَيَكْرَهُ لَكُمْ الْقَيْلَ وَالْقَالِ، وَكَثْرَةَ السُّؤَالِ، وَإِضَاعَةَ الْمَالِ (٦).

ص: ٤٨٢

١- (١). الأجراء: جمع الأجير.

٢- (٢). عيون الحكم والمواعظ، ص ١٥٨؛ شرح نهج البلاغة، ج ١٩، ص ٦٨، ح ٢٣٤.

٣- (٣). بحار الأنوار، ج ٧٢، ص ٣٥٩، ح ٧٤.

٤- (٤). مسكن الفؤاد، ص ٧٩.

٥- (٥). الكافي، ج ١، ص ٦٨، ح ١٠؛ تاريخ مدينة دمشق، ج ٥٥، ص ١٣٤.

٦- (٦). معدن الجواهر، ص ٣١؛ كتاب الموطأ، ج ٢، ص ٩٩٠.

فصل سوم: احادیثی که شیعه و سنی از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده اند

۲۸۰۲. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: عبادت کنندگان سه گروهند: گروهی از ترس عبادت می کنند، این عبادت غلامان است. گروهی به طمع ثواب عبادت می کنند، این عبادت مزدگیران است. و عده ای از محبت خدا او را عبادت می کنند، این عبادت آزادگان و بهترین عبادت هاست.

۲۸۰۳. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که از ذلت گناه به عزت طاعت رود، خداوند او را بدون مال غنی کند. و بدون لشکر کمک می نماید. و بدون قبیله عزت بخشد.

۲۸۰۴. پیامبر صلی الله علیه و آله روزی از اصحاب پرسیدند در چه حالی به سر می برید؟ گفتند: در حال ایمان به خدا. حضرت فرمودند: علامت ایمان شما چیست؟ گفتند: در بلا صبر می کنیم. و در حال رفاه شکر می گزاریم. و به تقدیر الهی راضی هستیم.

فرمود: آری، به پروردگار کعبه قسم که شما مؤمنان حقیقی هستید.

۲۸۰۵. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: عشق به خدا اساس معرفت است. و پاکدامنی نتیجه یقین است. و والاترین یقین رضایت به تقدیر خداست.

۲۸۰۶. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: کارها سه نوع هستند: بعضی رشد و هدایت واضح است از آن پیروی کنید. بعضی ضلالت و گمراهی واضح است، از آنها دوری کنید. بعضی هم مورد اختلاف است، آن را به خدا واگذارید.

۲۸۰۷. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند سه چیز را برای شما می پسندد: او را عبادت کنید، چیزی را شریک او قرار ندهید. و به ریسمان الهی چنگ زید و متفرق نشوید. و نسبت به کسی که خدا ولایت او را بر شما قرار داده است خیر خواهی کنید.

و سه چیز را برای شما نمی پسندد: اختلاف و جنجال، زیاد درخواست کردن، ضایع کردن مال.

٢٨٠٨. وَقَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْعَبْدَ التَّقِيَّ الْغَنِيَّ الْخَفِيَّ (١). (٢).

٢٨٠٩. وَقَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: تَمَرَةُ الْإِيمَانِ ثَلَاثَةٌ أَشْيَاءُ: الْحُبُّ فِي اللَّهِ، وَالْبُغْضُ فِي اللَّهِ، وَالْحَيَاءُ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى (٣).

٢٨١٠. وَعَنْهُ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: الْكِرْمُ التَّقْوَى، وَالشَّرْفُ التَّوَضُّعُ، وَاللِّانِقِيَاذُ الْيَقِينُ (٤).

٢٨١١. سَأَلَ نَبِيُّنَا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَلْ تَضْحَكُ الْمَلَائِكَةُ وَتَبْكِي؟ قَالَ: نَعَمْ، تَضْحَكُ فِي ثَلَاثٍ تَعْجَبًا، وَتَبْكِي فِي ثَلَاثٍ تَرْحُمًا:

أَمَّا الْأَوَّلُ: فَالرَّجُلُ يَلْغُو كُلَّ الْيَوْمِ، ثُمَّ يُصَلِّيَ الْعِشَاءَ وَيَأْخُذُ بَعْدَهَا فِي اللَّغْوِ؛ فَتَضْحَكُ الْمَلَائِكَةُ وَتَقُولُ: لَمْ تَشْبَعْ فِي طَوْلِ يَوْمِكَ يَا غَافِلٌ، أَفَتَشْبَعُ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ؟!

وَالثَّانِي: الدَّهْقَانُ يُأْخُذُ الْمَرَوَةَ (٥) وَيَضْرِبُ الْجَدْرَ (٦) الْمُشْتَرَكُ مُرَائِيًّا أَنَّهُ يَعْمُرُ نَصِيْبَهُ، وَيُزِيلُ الْحَشِيْشَ وَغَرَضُهُ أَنْ يَزِيدَ فِي كَرَوْتِهِ (٧)؛ فَتَضْحَكُ مِنْهُ الْمَلَائِكَةُ وَتَقُولُ: إِنَّكَ مَا شَبِعْتَ مِنْ هَذَا الْجَرِيْبِ (٨)، أَفَتَشْبَعُ مِنْ هَذَا؟!

وَالثَّلَاثُ: الْمَرْأَةُ الْبَارِزَةُ (٩) إِذَا مَاتَتْ فَيَسِيْجِي قَبْرَهَا حَتَّى يُسَوِّيَ عَلَيْهِ اللَّبْنَ لِنَلَّا يُطَّلِعَ عَلَى حَجْمِهَا؛ فَتَضْحَكُ الْمَلَائِكَةُ وَتَقُولُ: حِينَ كَانَتْ مُشْتَهَاءَةً فَمَا سَجَّيْتُمُوهَا، وَالْآنَ صَارَتْ مُنْفَرَّةً فَسَجَّيْتُمُوهَا؟!

وَأَمَّا بُكَائُهُمْ فِي الثَّلَاثِ؛ فَالْأَوَّلُ: الْعَرِيْبُ إِذَا خَرَجَ لِطَلَبِ الْعِلْمِ فَأَدْرَكَهُ الْمَوْتُ.

ص: ٤٨٤

١- (١). فسره المؤلف بقوله: قلت: الظاهر أنه عليه السلام أراد الغني عن الناس وإن كان فقيراً. والخفي: غير المشهور.

٢- (٢). مجمع البحرين، ج ١، ص ٦٧٤؛ مسند أحمد، ج ١، ص ١٤٨.

٣- (٣). مضمون: أوثق عرى الإيمان الحب في الله والبغض في الله، وتوالي أولياء الله والتبني من أعداء الله. الكافي، ج ٢، ص ١٢٦، ش ٦. «... الولايه في الله: الحب في الله، والبغض في الله» (السنن الكبرى، ج ١٠، ص ٢٣٣).

٤- (٤). الجامع الصغير، ج ٢، ص ٣٠١، ح ٦٤٥٨. الكرم التقوى: الكافي، ج ٨، ص ٢٢٠، ح ٢٧٢. تمام الشرف التواضع: عيون الحكم والمواعظ، ص ١٩٩.

٥- (٥). المروه: حجر أبيض براق. وقيل: هي التي يقدح منها الغار. وفي الأصل يأخذ المرّ - بفتح الميم - وهو المسحاه، أو المحراث أو مقبضهما.

٦- (٦). الجدر: هو ما رُفِعَ حول المزرعه كالجدار، وقيل: هو لغه في الجدار وقيل: أصل الجدار، ويمكن أن يكون بالضم جمع جدار.

٧- (٧). الكروه - بالضم والكسر -: اسم من كراهه مكاراه؛ أي غرضه أن يزيد في اجرته. ويحتمل أن يكون الكروه من كريت الأرض أي حفرتها، والمراد أن يزيد في حفرتها أي سهمه من الأرض. ويحتمل أن يكون بالدال المهملة بمعنى الأرض المزروع كما في القاموس وأقرب الموارد.

- ٨- (٨) . الجريب من الأرض: ستون ذراعاً. ونقل عن قدامه الكاتب أنه ثلاثة آلاف وستمائيه ذراع وقيل: إنه عشره آلاف ذراع.
- ٩- (٩) . امرأه بوزة: بارزه المحاسن (لسان العرب: ٣١٠/٥).

۲۸۰۸. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند بنده پرهیزکار و بی نیاز و گمنام را دوست دارد.

۲۸۰۹. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: ثمره ایمان سه چیز است: دوستی برای خدا، دشمنی برای خدا و حیا از خدا.

۲۸۱۰. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: کرامت تقوی است، شرف فروتنی است، و تسلیم خدا بودن یقین است.

۲۸۱۱. پیامبر صلی الله علیه و آله از جبرئیل پرسیدند: آیا ملائکه گریه و خنده دارند؟ گفت: آری بر سه کس از روی تعجب می خندند: یکی کسی که سراسر روز را بیهوده سپری کند و چون نماز عشاء خواند دوباره بیهودگی را از سر گیرد. ملائکه با خنده گویند: از صبح تا شام سیر نشدی! اکنون [از بیهودگی] سیر می شوی؟

دوم، دهقانی که به بهانه اصلاح زمین مرز مشترک را به زمین خود اضافه می کند، ملائکه با خنده می گویند: آن زمین پنهاور تو را سیر نکرد! آیا با این مقدار سیر می شوی؟

سوم، زنی که در زندگی خود را از نامحرم نپوشانیده وقتی پس از مرگ او را در قبر می گذارند بدنش را می پوشانند تا از دیده ها پنهان شود. ملائکه می خندند و می گویند:

هنگامی که به او رغبتی بود او را نپوشانیدید [و ادا نکردید خود را بپوشاند] حال که مورد انزجار است می پوشانیدش؟!!

و در سه جا ملائکه گریه می کنند: اول، بر کسی که برای طلب علم از وطن خود دور شود و در غربت بمیرد. دوم، زن و مرد سال خورده ای که در آخر عمر خداوند آرزویشان را برآورد و صاحب فرزندی شوند و با خوشحالی بگویند در آخر عمر به ما کمک خواهد

والثاني: الشيخ والشيخه إذا تمنيا ولدا ورزقهم الله وفرحا وقالوا: هو خادمنا في آخر عمرنا، ومشيّع جنازتنا، ثم أدركه الموت في حياتهما؛ فإن الملائكة تبكى قبل بكائهما على ولديهما.

والثالث: اليتيم إذا استيقظ من منامه وأخذ يبكي لتسرع إليه أمه وهو لا يذكر موتها، فلما سمعت الداية بكاءه صاحت عليه بصوت كراهية: ما هذا البكاء؟! فلما سمع صوتها تذكر لموت الوالده فيسكت آيساً، فعند ذلك تبكى الملائكة. (١)

٢٨١٢. ورؤي عن النبي صلى الله عليه وآله أنه قال: للمنافق ثلاث علامات: يخالف لسانه قلبه، وقوله فعله، وعلايته سره.

وعلامه الحاسد ثلاثة: يغتاب إذا غاب، ويتملق إذا شهد، ويتشمت بالمصيبة. (٢)

٢٨١٣. نُقِلَ مِنْ حَظِّ نَاصِرِ الْحَقِّ وَالِدَيْنِ - طَابَ ثَرَاهُ - أَنَّهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ قَالَ بَعْدَ فَرِيضَةِ الصُّبْحِ مِثْلَهُ مَرَّةً: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ»، فَعَمِلَ اللَّهُ مَعَهُ ثَلَاثَةَ سَهْلٍ عَلَيْهِ عُسْرَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَيُؤْمِنُهُ مِنْ شَرِّ السُّلْطَانِ وَشَرِّ الشَّيْطَانِ، وَلَا يَزُولُ إِيْمَانُهُ بِالذَّنْبِ.

وَمَنْ قَالَ بَعْدَ صَلَاةِ الظُّهْرِ مِثْلَهُ مَرَّةً: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»، فَعَمِلَ اللَّهُ مَعَهُ ثَلَاثَةَ الْأَوَّلِ: لَا يَغْرَمُ (٣)؛ وَإِنْ كَانَ غَرِمَ أَذَاهُ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ، وَيُحْفَظُ إِيْمَانَهُ مِنَ الزَّوَالِ، وَلَا يُسَأَلُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَنْ نِعَمِهِ.

وَمَنْ قَالَ بَعْدَ صِيَاةِ الْعَصْرِ مِثْلَهُ مَرَّةً: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ»، فَعَمِلَ اللَّهُ مَعَهُ ثَلَاثَةَ: يَعْفُو عَنْهُ ذَنْبَ سَيِّئَتِهِ، وَيُوسِّعُ عَلَيْهِ رِزْقَهُ، وَيُجِيبُ دَعَاءَهُ.

وَمَنْ قَالَ بَعْدَ صِيَاةِ الْمَغْرِبِ مِثْلَهُ مَرَّةً: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ»، فَعَمِلَ اللَّهُ مَعَهُ ثَلَاثَةَ: لَا يَزُولُ إِيْمَانُهُ بِالذَّنْبِ، وَيَرْضَى اللَّهُ عَنْهُ، وَيَأْمَنُهُ مِنَ عَذَابِ الْقَبْرِ.

وَمَنْ قَالَ بَعْدَ صِيَاةِ الْعِشَاءِ مِثْلَهُ مَرَّةً: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»، فَعَمِلَ اللَّهُ مَعَهُ ثَلَاثَةَ: يَكْتُبُ لَهُ عَشْرَةَ آلَافٍ حَسَنَةٍ، وَمَحَا عَنْهُ عَشْرَةَ آلَافٍ سَيِّئَةٍ، وَيُنِي لَهُ فِي الْجَنَّةِ خَمْسِمِئَةِ أَلْفِ قَصْرِ مِنْ لَوْلُؤٍ وَزَبَرَجِدٍ.

٢٨١٤. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ثَلَاثَةٌ نِسَاءٍ يَرْفَعُ اللَّهُ عَنْهُنَّ عَذَابَ الْقَبْرِ، وَحَشْرَهُنَّ مَعَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ: امْرَأَةٌ صَبَرَتْ عَلَى عُسْرِ زَوْجِهَا، وَامْرَأَةٌ صَبَرَتْ عَلَى سُوءِ خُلُقِ زَوْجِهَا، وَامْرَأَةٌ وَهَبَتْ صَدَاقَهَا. (٤)

ص: ٤٨٦

١- (١). شجره طوبى، ج ٢، ص ٤٣١ نقلاً عن كشكول الشيخ البهائي.

٢- (٢). الخصال، ص ١٢١، ح ١١٣؛ تاريخ يعقوبى، ج ٢، ص ٢٠٨.

٣- (٣). الغرم: اللذين، ويريد به ما استدين فيما يكرهه الله، أو فيما يجوز ثم عجز عن أدائه (لسان العرب: ١٢/٤٣٦).

٤- (٤). إرشاد القلوب، ج ١، ص ١٧٥.

کرد و جنازه ما را تشییع می کند. اما قبل از پدر و مادر بمیرد. ملائکه قبل از پدر و مادر بر او می گریند. سوم: بر یتیمی که نیمه شب بیدار شود و گریان سراغ مادر گیرد. غافل از اینکه مادرش مرده است، نامادری با خشونت فریاد زند: چرا گریه می کنی؟ کودک به خود آید و ناامیدانه ساکت شود. ملائکه در این حال گریه می کنند.

۲۸۱۲. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: منافق سه نشانه دارد: زبانش مخالف قلب اوست. و گفتارش مخالف رفتارش است. و عیانش مخالف نهانش است.

و حسود سه نشانه دارد: در غیاب غیبت می کند. و در حضور تملق می کند. و در مصیبت شماتت و سرزنش می کند.

۲۸۱۳. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که بعد از نماز صبح صد مرتبه بگوید: «لا اله الا الملك الحق المبين» خداوند برایش سه کار می کند: مشکلات دنیا و آخرت او را آسان می کند. از شر سلطان و شیطان ایمن می دارد. و ایمان او با گناه از بین نمی رود.

و کسی که بعد از نماز ظهر صد مرتبه بگوید: «اللهم صلّ علی محمد و آل محمد» خداوند برایش سه کار می کند: به غرامت مبتلا نمی شود. و اگر مبتلا شود خداوند برایش ادا می کند. ایمانش را از نابودی حفظ می کند. قیامت درباره نعمت از او سؤال نمی کند.

و کسی که بعد از نماز عصر صد مرتبه بگوید: «استغفر الله و اتوب اليه» خداوند سه کار می کند: گناه او را می بخشد. رزق او را وسیع می کند. و دعایش را مستجاب می کند.

و کسی که بعد از نماز مغرب صد مرتبه بگوید: «لا اله الا الله محمد رسول الله» خداوند سه کار می کند: ایمانش را با گناه از بین نمی برد. خدا از او راضی می شود. و او را از عذاب قبر در امان می دارد.

و کسی که بعد از نماز عشاء صد مرتبه بگوید: «سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم» خداوند برایش سه کار می کند: ده هزار حسنه می نویسد. و ده هزار لغزش او را محو می کند. و برای او در بهشت پانصد هزار قصر از لؤلؤ و یاقوت بنا می کند.

۲۸۱۴. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند عذاب قبر را از سه زن بر می دارد و آنها را با فاطمه زهرا علیها السلام محشور می کند: زنی که در هنگام تنگدستی شوهر صبر کند. زنی که با بد اخلاقی شوهر بسازد. زنی که مهریه خود را ببخشد.

٢٨١٥. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ثَلَاثَةٌ مِنْ خِصَالِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَلَا تَكُونُ هَذِهِ إِلَّا فِي الْكَرِيمِ: الْإِحْسَانُ إِلَى مَنْ جَفَاكَ، وَالْعَفْوُ عَمَّنْ يَظْلِمُكَ، وَالْعَطَاءُ لِمَنْ لَمْ يَرْجُوكَ.

٢٨١٦. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ثَلَاثَةٌ فِي ظِلِّ الْعَرْشِ: مَنْ وَصَلَ الرَّحِمَ، وَأَمْرَأَةٌ مَاتَ زَوْجُهَا وَهِيَ تُرَبَّى يَتِيمًا وَلَمْ تَتَزَوَّجْ، وَرَجُلٌ أَطْعَمَ الْمَسَاكِينَ وَالْأَسَارَى.

٢٨١٧. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَلَامَةُ الْأَبْلَهِ ثَلَاثَةٌ: عِصْيَانُ اللَّهِ، وَإِيذَاءُ الْجَارِ، وَلَا يَتَّبِعُ فِي الْعَهْدِ.

عَلَامَةُ الزُّهْدِ ثَلَاثَةٌ: الْبَعْدُ مِنْ جَلِيسِ السُّوءِ، وَمِنَ الْكَذِبِ، وَمِنَ الْمُحَرَّمَاتِ.

عَلَامَةُ الشَّقِيئِ ثَلَاثَةٌ: أَكْلُ لُقْمِهِ الْحَرَامِ، وَتَرْكُ صُحْبَةِ الْعُلَمَاءِ، وَعَدَمُ الرَّحْمَةِ عَلَى الضُّعْفَاءِ.

عَلَامَةُ الْعَاقِلِ ثَلَاثَةٌ: تَرْكُ الدُّنْيَا، وَتَحَمُّلُ عَنَاءِ الْخَلَائِقِ، وَالصَّبْرُ فِي الْبَلِيَّاتِ.

٢٨١٨. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا عَلِيُّ، لِلتَّسْعِيدِ ثَلَاثُ عَلَامَاتٍ: قُوَّةُ الْحَلَالِ فِي بَلَدِهِ، وَمُجَالَسَةُ الْعُلَمَاءِ، وَالصَّلَاةُ الْخَمْسُ بِالْإِمَامِ.

وَلِلشَّقِيئِ ثَلَاثُ عَلَامَاتٍ: قُوَّةُ الْحَرَامِ، وَالِاجْتِنَابُ عَنِ الْعُلَمَاءِ، وَالصَّلَاةُ وَحْدَهُ.

٢٨١٩. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْقَلْبُ ثَلَاثَةٌ أَنْوَاعٍ: قَلْبٌ مَشْغُولٌ بِالدُّنْيَا، وَقَلْبٌ مَشْغُولٌ بِالْعُقْبَى، وَقَلْبٌ مَشْغُولٌ بِالْمَوْلَى؛ أَمَّا الْقَلْبُ الْمَشْغُولُ بِالدُّنْيَا فَلَهُ الشُّدَّةُ وَالْبَلَاءُ، وَأَمَّا الْقَلْبُ الْمَشْغُولُ بِالْعُقْبَى فَلَهُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى، وَأَمَّا الْقَلْبُ الْمَشْغُولُ بِالْمَوْلَى فَلَهُ الدُّنْيَا وَالْعُقْبَى وَالْمَوْلَى.

٢٨٢٠. قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ثَلَاثَةٌ لَا يَجِدُونَ رِيحَ الْجَنَّةِ، وَإِنَّ رِيحَهَا لَيُوجَدُ مِنْ مَسِيرِهِ خَمْسَةَ جَمْعٍ عَامٍ -: الْبَخِيلُ الْمَنَّانُ، وَمُدْمِنُ الْخَمْرِ (١)، وَالْعَاقُ لِلْوَالِدِينَ (٢).

٢٨٢١. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ثَلَاثَةٌ تَسْتَغْفِرُ لَهُنَّ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُونَ وَالْمَلَائِكَةُ وَاللَّيْلُ وَالنَّهَارُ: الْعُلَمَاءُ، وَالْمُتَعَلِّمُونَ، وَالْأَسْحِيَاءُ.

وَثَلَاثَةٌ لَا تُرَدُّ لَهُمْ دَعْوَةٌ: السَّخِيُّ، وَالْمَرِيضُ، وَالتَّائِبُ.

وَثَلَاثَةٌ لَا تَمْسُهُمُ النَّارُ: الْمَرْأَةُ الْمُطِيعَةُ لِزَوْجِهَا، وَالْمَرْأَةُ الصَّابِرَةُ عَلَى عُسرِ زَوْجِهَا، وَالْبَارُ بِوَالِدَيْهِ .

وَثَلَاثَةٌ عُصِمُوا مِنْ إِبْلِيسَ: الذَّاكِرُونَ اللَّهَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَالْمُسْتَغْفِرُونَ بِالْأَسْحَارِ، وَالْبَاكُونَ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ.

١- (١) . البخيل المَنَّان: الّذى يعطى فيمَنّ، وفيه إشارة إلى أنّ المنّ ناشئه من البخل، والكريم: السخى لايمَنّ، وإدمان الخمر: ملازمته وشربه دائماً.

٢- (٢) . كنز العمال، ج ١٦، ص ٥٤، ح ٤٣٩٠٥.

۲۸۱۵. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: سه صفت از خصلتهای اهل بهشت است و جز در مردم گرامی وجود ندارد: نیکی به کسی که به تو جفا کرده است. گذشتن از کسی که به تو ظلم کرده است.

بخشیدن به کسی که از تو توقع ندارد.

۲۸۱۶. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: سه کس در سایه عرش خدا هستند: کسی که با خویشان رابطه برقرار کند. زنی که پس از مرگ شوهر یتیم او را تربیت کند، و شوهر نکند. کسی که به مستمند و اسیر غذا بدهد.

۲۸۱۷. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: علامت ابله سه چیز است: معصیت خداوند، آزردن همسایه، عهد شکنی.

علامت زهد سه چیز است: دوری از همنشین بد، دوری از دروغ، و دوری از حرام.

علامت بد بخت سه چیز است: خوردن غذای حرام، دوری از علما، رحم نکردن به ضعیفان.

علامت عاقل سه چیز است: ترک دنیا، تحمّل رنج مردم، صبر در بلاها.

۲۸۱۸. فرمودند: یا علی، سعادت مند سه علامت دارد: روزی حلال در وطن، همنشینی با علما و نمازهای پنج گانه را به جماعت خواندن.

و بدبخت سه علامت دارد: غذای حرام، دوری از علما، نماز فرادی.

۲۸۱۹. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: قلبها سه نوع هستند: قلب عاشق دنیا که در سختی و بلاست. قلب عاشق آخرت که به درجات عالی می رسد. قلب عاشق خدا که دنیا و آخرت و خدا را دارد.

۲۸۲۰. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: سه کس رایحه بهشت را درک نمی کنند با اینکه آن رائحه از فاصله مسیر پانصد سال درک می شود: بخیل که بر دیگران منت گذارد. میگسار. و عاق والدین.

۲۸۲۱. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: آسمانها و زمین و ملائکه و شب و روز برای سه کس استغفار می کنند:

علماء، طالب علم و سخاوتمندان.

و دعای سه کس رد نمی شود: سخی، مریض، توبه کننده.

- سه نفر آتش دوزخ را لمس نمی کنند: زن مطیع شوهر، زنی که بر مشکلات شوهر صبر کند. و کسی که به پدر و مادرش نیکی کند.

- سه کس از شیطان در امان هستند: آنان که شب و روز به یاد خدا هستند. کسی که سحر گاهان استغفار می کند. کسی که از ترس خدا گریه می کند.

وثلثه رُفِعَ عَنْهُمْ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: الرَّاضِي بِقَضَاءِ اللَّهِ، وَالنَّاصِحُ لِلْمُسْلِمِينَ، وَالذَّالُّ عَلَى الْخَيْرِ.

وثلثه على كتيب (١) المسك الأذفر يوم القيامة لا يهلونهم فزع، ولا ينالهم حساب: رَجُلٌ قَرَأَ الْقُرْآنَ ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ (٢)، وَرَجُلٌ أَمَّ بِقَوْمٍ وَهُمْ عَنْهُ رَاضُونَ، وَرَجُلٌ أَدَّنَ فِي مَسْجِدٍ ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ تَعَالَى.

وثلثه يدخلون الجنة بغير حساب: رَجُلٌ يَغْسِلُ قَمِيصَهُ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ يَدٌ، وَرَجُلٌ لَمْ يَطْبِخْ عَلَى مَطْبَخٍ قَدْرَيْنِ (٣)، وَرَجُلٌ كَانَ عِنْدَهُ قُوَّةٌ يَوْمَ لَمْ يَهْتَمَّ لِعَدِّ.

وثلثه يدخلون النار بغير حساب: أَشْمَطُ (٤) زَانٍ، وَعَاقُ الْوَالِدَيْنِ، وَمُدْمِنُ الْخَمْرِ (٥).

٢٨٢٢. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا أَرَادَ اللَّهُ تَعَالَى بَعْدَ خَيْرٍ زَهْدَهُ فِي الدُّنْيَا، وَفَقَّهُهُ فِي الدِّينِ، وَبَصَّرَهُ عُيُوبَهُ، وَمَنْ أَوْتِيَهُنَّ فَقَدَ أَوْتِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ (٦).

٢٨٢٣. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ تَعَلَّقَ قَلْبُهُ بِالدُّنْيَا تَعَلَّقَ قَلْبُهُ بِثَلَاثِ خِصَالٍ: هَمٌّ لَا يَفْنَى، وَأَمَلٌ لَا يُدْرِكُ، وَرَجَاءٌ لَا يَنَالُ (٧).

٢٨٢٤. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ثَلَاثُ مُهْلِكَاتٍ، وَثَلَاثُ مُنْجِيَّاتٍ؛ فَالْثَلَاثُ الْمُهْلِكَاتُ: شُحٌّ مُطَاعٌ، وَهَوَى مُتَّبَعٌ، وَإِعْجَابُ الْمَرْءِ بِنَفْسِهِ. وَالثَلَاثُ الْمُنْجِيَّاتُ: حَشِيئَةُ اللَّهِ فِي السَّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ، وَالْقَصْدُ (٨) فِي الْفَقْرِ وَالْغِنَى، وَالْعَدْلُ فِي الْغَضَبِ وَالرِّضَى (٩).

٢٨٢٥. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَفْضَلُ الْحِرْفِ ثَلَاثَةٌ: الْفَقْرُ، وَالْعِلْمُ، وَالزُّهْدُ.

٢٨٢٦. وَسُئِلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا الْفَقْرُ؟ فَقَالَ: خَزَائِنُهُ مِنْ خَزَائِنِ اللَّهِ. قِيلَ ثَانِيًا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا الْفَقْرُ؟ فَقَالَ: كَرَامَةٌ مِنَ اللَّهِ. قِيلَ ثَالِثًا: مَا الْفَقْرُ؟ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: شَيْءٌ لَا يُعْطِيهِ اللَّهُ إِلَّا نَبِيًّا مُرْسَلًا أَوْ مُؤْمِنًا كَرِيمًا عَلَى اللَّهِ تَعَالَى (١٠).

٢٨٢٧. فَقَامَ رَجُلٌ مِنَ الصَّحَابَةِ وَاسْمُهُ أَبُو هُرَيْرَةَ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَمَا جَزَاءُ مُؤْمِنٍ فَقِيرٍ يَصْبِرُ عَلَى فَقْرِهِ؟ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ فِي الْجَنَّةِ غُرْفَةً مِنْ يَاقُوتَةٍ حَمْرَاءَ يَنْظُرُ إِلَيْهَا أَهْلُ الْجَنَّةِ كَمَا يَنْظُرُ أَهْلُ الْأَرْضِ إِلَى نُجُومِ السَّمَاءِ، لَا يَدْخُلُ فِيهَا إِلَّا نَبِيٌّ فَقِيرٌ، أَوْ مُؤْمِنٌ فَقِيرٌ، أَوْ شَهِيدٌ فَقِيرٌ (١١).

ص: ٤٩٠

١- (١). الكتيب: الرمل المستطيل المحدودب (مجمع البحرين: ١٥٢).

٢- (٢). أي رضى الله سبحانه أو طريقه ودينه.

٣- (٣). كناية عن زهدهم وعدم اهتمامهم بالمأكل والمشرب، فلا يهينون أكثر من طيبخ واحد.

٤- (٤). الشَّمَطُ: بياض شعر الرأس يخالط سواده، شَمَطٌ شَمَطًا وهو أشمط (لسان العرب: ٣٣٦/٧).

٥- (٥). إرشاد القلوب، ج ١، ص ١٩٦، وفيه صدره فقط كنز العمال، ج ١٥، ص ٨٤٢، ح ٤٣٣٤٦.

٦- (٦). الكافي، ج ٢، ص ١٣٠، ح ١٠؛ تاريخ مدنيه دمشق، ج ٥٥، ص ١٤٤.

٧- (٧). الكافي، ج ٢، ص ٣٢٠، ح ١٧.

- ٨-٨) . القصد فى المعيشه: ألتأسرف ولا تقتر (العين: ٥٤/٥).
- ٩-٩) . الخصال، ص ٨٤، ح ١١؛ شرح نهج البلاغه، ج ٢، ص ٣٢٠.
- ١٠-١٠) . جامع الأخبار، ص ١٠٩.
- ١١-١١) . جامع الأخبار، ص ١٠٩.

- روز قیامت از سه کس عذاب برداشته می شود: راضی به قضاء خدا، خیرخواه برای مسلمانان، و راهنمای به خیر.

- سه کس در قیامت خوش رانحه هستند و از فزع ترسی ندارند و از حساب معاف هستند: کسی که برای رضای خدا قرآن قرائت کند. کسی که امام جماعت گروهی شود و مردم از او راضی باشند. و کسی که برای رضای خدا در مسجد اذان بگوید.

- سه گروه بدون حساب وارد بهشت می شوند: کسی که لباسش را می شوید و لباس دیگری ندارد. کسی که در آشپزخانه اش [هر وعده] فقط یک غذا طبخ می شود. کسی که قوت امروز را دارد و نگران فردا نیست.

- سه گروه بدون حساب وارد جهنم می شوند: میانسال زناکار، عاق والدین و شراب خوار.

۲۸۲۲. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: زمانی که خدا برای بنده ای خیر بخواهد او را در دنیا زاهد و در دین فقیه و بر عیب خود آگاه می کند. و هر کس این سه را داشته باشد خیر دنیا و آخرت را دارد.

۲۸۲۳. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که به دنیا دل بستگی دارد قلبش سه صفت دارد: نگرانی بی پایان، آرزوی دست نیافتنی، و امید واهی.

۲۸۲۴. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: سه چیز کشنده است: بخل ورزیدن، هوس رانی، خودخواهی.

و سه چیز نجات بخش است: ترس از خدا در نهان و آشکار، اعتدال در فقر و ثروت، عدل در خشم و خشنودی.

۲۸۲۵. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: بهترین سخن سه چیز است: فقر، علم، زهد.

۲۸۲۶. از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدند: فقر چیست؟ فرمودند: خزانه ای از خزائن خدا. دوباره پرسیدند: یا رسول الله فقر چیست؟ فرمودند: کرامتی از خدا. بار سوم پرسیدند: یا رسول الله فقر چیست؟ فرمودند: چیزی است که خداوند نمی دهد مگر به رسولان خود یا مؤمنی که نزد خدا کریم است.

۲۸۲۷. ابوهریره از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: یا رسول الله پاداش کسی که در فقر صبر کند چیست؟ فرمودند: در بهشت غرفه ای از یاقوت سرخ که اهل بهشت به آن می نگرند همان گونه که اهل زمین به ستاره های آسمان نگاه می کنند. کسی وارد آن نمی شود مگر پیامبر فقیر یا مؤمن فقیر، یا شهید فقیر.

٢٨٢٨. وَقَالَ الْفُقَرَاءُ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ الْأَغْنِيَاءَ ذَهَبُوا بِالْجَنَّةِ؛ يَحْجُونَ وَيَعْتَمِرُونَ وَيَتَصَدَّقُونَ، وَإِنَّا لَأَنْقَدِرُ، فَقَالَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: إِنَّ مَنْ صَبَرَ وَاحْتَسَبَ مِنْكُمْ تَكُنْ لَهُ ثَلَاثُ خِصَالٍ لِيَسْتِ لِلْأَغْنِيَاءِ:

أَحَدُهَا: إِنَّ فِي الْجَنَّةِ غُرْفًا يَنْظُرُ إِلَيْهَا أَهْلُ الْجَنَّةِ كَمَا يَنْظُرُ أَهْلُ الْأَرْضِ إِلَى نُجُومِ السَّمَاءِ، لَا يَدْخُلُهَا إِلَّا نَبِيٌّ فَقِيرٌ أَوْ شَهِيدٌ فَقِيرٌ أَوْ مُؤْمِنٌ فَقِيرٌ.

وثانيها: يَدْخُلُ الْفُقَرَاءُ الْجَنَّةَ قَبْلَ الْأَغْنِيَاءِ بِخَمْسِمِئَةٍ عَامٍ.

وثالثها: إِذَا قَالَ الْغَنِيُّ: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ»، وَقَالَ الْفَقِيرُ مِثْلَ ذَلِكَ لَمْ يَلْحَقِ الْغَنِيُّ الْفَقِيرَ وَإِنْ أَنْفَقَ فِيهَا عَشْرَةَ آلَافٍ دِرْهَمٍ، وَكَذَلِكَ أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا.

فَقَالُوا: رَضِينَا! (١)

٢٨٢٩. وَسُئِلَ عَابِدٌ: مَا الْفَرْقُ بَيْنَ قَوْلِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «الْفَقْرُ فَخْرِي»، وَبَيْنَ قَوْلِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «الْفَقْرُ سَوَادُ الْوَجْهِ فِي الدَّارَيْنِ»، وَبَيْنَ قَوْلِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا»؟

قَالَ: اعْلَمْ أَنَّ الْفَقْرَ الْإِحْتِيَاجُ، وَالْإِحْتِيَاجُ عَلَى ثَلَاثَةِ أَنْوَاعٍ: إِحْتِيَاجٌ إِلَى اللَّهِ فَقَطْ، وَإِحْتِيَاجٌ إِلَى الْخَلْقِ فَقَطْ، وَإِحْتِيَاجٌ إِلَيْهِمَا.

فَالْحَدِيثُ الْأَوَّلُ إِشَارَةٌ إِلَى الْمَعْنَى الْأَوَّلِ؛ وَهُوَ الْإِحْتِيَاجُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى. وَالْحَدِيثُ الثَّانِي إِلَى الْمَعْنَى الثَّانِي؛ وَهُوَ الْإِحْتِيَاجُ إِلَى الْخَلْقِ. وَالْحَدِيثُ الثَّلَاثُ إِشَارَةٌ إِلَى الْمَعْنَى الثَّلَاثِ؛ وَهُوَ الْإِحْتِيَاجُ إِلَى الْخَلْقِ وَالْحَقِّ، فَافْتَهُمَ.

٢٨٣٠. وَعَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: كَلَّمَنِي رَبِّي فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ، إِذَا أَحْبَبْتَ عَبْدًا أَجْعَلْ مَعَهُ ثَلَاثَةَ أَشْيَاءَ: قَلْبُهُ حَزِينًا، وَبَدَنُهُ سَقِيمًا، وَيَدُهُ خَالِيَةٌ مِنْ حُطَامِ الدُّنْيَا. وَإِذَا أَبْغَضْتَ عَبْدًا أَجْعَلْ مَعَهُ ثَلَاثَةَ أَشْيَاءَ: قَلْبُهُ مَسْرُورًا، وَبَدَنُهُ صَحِيحًا، وَيَدُهُ مَمْلُوءَةٌ مِنْ حُطَامِ الدُّنْيَا. (٢)

٢٨٣١. وَعَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ثَلَاثَةٌ يَشْفَعُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي النَّاسِ مِثْلَ شَفَاعَةِ النَّبِيِّينَ: الْعَالِمُ، وَالْخَادِمُ، وَالْفَقِيرُ الصَّابِرُ. (٣)

٢٨٣٢. وَعَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْآبَاءُ ثَلَاثَةٌ: أَبٌ وَكَدَكٌ، وَأَبٌ زَوْجَكَ (٤)، وَأَبٌ عَلَمَكَ. (٥)

٢٨٣٣. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: زِينَةُ الدُّنْيَا ثَلَاثَةٌ: الْمَالُ وَالْوَلَدُ وَالنِّسَاءُ، وَزِينَةُ الْآخِرَةِ ثَلَاثَةٌ: الْعِلْمُ وَالْوَرَعُ وَالصَّدَقَةُ.

وَأَمَّا زِينَةُ الْبَدَنِ: فَلَهُ الْأَكْلُ وَقَلُّهُ النَّوْمُ وَقَلُّهُ الْكَلَامُ، وَأَمَّا زِينَةُ الْقَلْبِ: فَالصَّبْرُ وَالصَّمْتُ وَالشُّكْرُ.

ص: ٤٩٢

١- (١). جامع الأخبار، ص ١١٠. مضمون: المحلى، ج ٤، ص ١٩٣.

٢- (٢). جامع الأخبار، ص ١١٠.

- ٣-٣) . كذا فى الأصل، ولعلّه لصبره على الشدّه.
- ٤-٤) . يحتمل أن يكون المراد هو الذى زوّجه لا أبو زوجته.
- ٥-٥) . الغدير، ج ١، ص ١٤١٦.

۲۸۲۸. بی نوایان به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتند: یا رسول الله ثروتمندان به بهشت می روند چون حج و عمره بجا می آورند و صدقه می دهند. ولی ما قدرت نداریم.

حضرت فرمودند: هر کدام از شما برای رضای خدا صبر کند سه خصلت دارد که ثروتمندان ندارند: یکی: در بهشت غرفه ای است که اهل بهشت به آن می نگرند همان گونه که اهل زمین به ستاره های آسمان می نگرند و کسی داخل آن نمی شود مگر پیامبر فقیر، یا شهید فقیر یا مؤمن فقیر.

دوم: بی نوایان پانصد سال زودتر از ثروتمندان وارد بهشت می شوند.

سوم: وقتی که فقیر و ثروتمند بگویند: سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر، ثواب ثروتمند به فقیر نمی رسد حتی اگر ده هزار درهم هم انفاق کند. و همینطور بقیه کارهای نیک. آنها گفتند: راضی شدیم.

۲۸۲۹. از عابدی پرسیدند: فرق این دو جمله از پیامبر صلی الله علیه و آله چیست؟ که فرمودند: فقر افتخار من است. و فقر روسپاهی در دنیا و آخرت است. و بین این جمله که فرمودند: فقر چیزی نزدیک به کفر است.

گفت: فقر یعنی احتیاج و احتیاج سه نوع است: اول؛ فقط احتیاج به خدا. و حدیث اول اشاره به این معنا است. دوم؛ فقط احتیاج به مردم. و حدیث سوم اشاره به این معنا است.

سوم؛ احتیاج به خدا و مردم. و حدیث دوم اشاره به این معنا است.

۲۸۳۰. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند با من چنین سخن گفتند: یا محمد، هرگاه بنده ای را دوست بدارم به او سه چیز می دهم: قلب محزون، بدن بیمار، و دست خالی از اموال دنیا. و زمانی که بنده ای را دشمن دارم سه چیز به او می دهم: قلب مسرور، بدن سالم، ثروت دنیا.

۲۸۳۱. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: در قیامت سه کس مثل پیامبران شفاعت می کنند: عالم، خادم، فقیر بردبار.

۲۸۳۲. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: سه کس پدر شما هستند: پدری که تو را بدنیا آورد، پدری برایت همسر فراهم کرده است، پدری که تو را آموزش می دهد.

۲۸۳۳. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: سه چیز زینت دنیاست: مال، فرزند، همسر. و سه چیز زینت آخرت است: دانش، پرهیزکاری، صدقه. و سه چیز زینت بدن است: کم خوردن، کم خوابیدن، کم سخن گفتن. و سه چیز زینت قلب است: صبر، سکوت، شکر.

٢٨٣٤. وَرَوَى عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: أُعْطِيَتْ ثَلَاثًا وَعَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مُشَارِكٌ فِيهَا، وَأُعْطِيَ عَلِيٌّ ثَلَاثًا وَلَمْ يُشَارِكْ فِيهَا.

فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا الثَّلَاثُ الَّتِي شَارَكَكَ فِيهَا؟

قَالَ: لِي إِتْوَاءُ الْحَمْدِ وَعَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَامِلُهُ، وَلِي الْكَوْثُرُ وَعَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَاقِيهِ، وَلِي الْجَنَّةُ وَالنَّارُ وَعَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَاسِمُهُمَا. وَأَمَّا الثَّلَاثُ الَّتِي لَمْ يُشَارِكْ فِيهَا: فَإِنَّهُ أُعْطِيَ حَمَوًّا وَلَمْ يُعْطَ مِثْلَهُ، وَأُعْطِيَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ زَوْجَةً وَلَمْ يُعْطَ مِثْلَهَا، وَأُعْطِيَ وَلَدَيْهِ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَلَمْ يُعْطَ مِثْلَهُمَا. (١)

٢٨٣٥. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْعَقْلُ ثَلَاثَةٌ أَجْزَاءٌ؛ فَمَنْ تَكُنَّ فِيهِ فَهَوَّ الْعَاقِلُ، وَمَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ فَلَا عَقْلَ لَهُ: حُسْنُ مَعْرِفَةِ اللَّهِ، وَحُسْنُ طَاعَةِ اللَّهِ، وَحُسْنُ الظَّنِّ بِاللَّهِ. (٢)

٢٨٣٦. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ثَلَاثَةٌ يَزِيدَنَّ فِي الْحِفْظِ: السُّوَاكُ، وَالصُّوْمُ، وَقِرَاءَةُ الْقُرْآنِ. (٣)

٢٨٣٧. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ قَصَرَ (قَصَّ خ ل) شَارِبَهُ أُعْطَاهُ اللَّهُ ثَلَاثَةَ أَنْوَارٍ: نُورٌ فِي وَجْهِهِ، وَنُورٌ فِي قَبْرِهِ، وَنُورٌ فِي الْقِيَامَةِ، وَرَفَعَ عَنْهُ ثَلَاثَةَ أَنْوَاعٍ مِنَ الْعَذَابِ: عَذَابُ الْقَبْرِ، وَعَذَابُ مُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ، وَشِدَّةُ الْقِيَامَةِ.

٢٨٣٨. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْأَيْدِي ثَلَاثَةٌ: سَائِلَةٌ، وَمُنْفِقَةٌ، وَمُمْسِكَةٌ، وَخَيْرُ الْأَيْدِي الْمُنْفِقَةُ. (٤)

٢٨٣٩. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْأَيْدِي ثَلَاثٌ: يَدُ اللَّهِ الْعَلِيَا، وَيَدُ الْمُعْطَى الَّتِي تَلِيهَا، وَيَدُ الْمُعْطَى أَسْفَلَ الْأَيْدِي، فَاسْتَعْفُوا عَنِ السُّؤَالِ مَا اسْتَطَعْتُمْ؛ إِنَّ الْأَرْزَاقَ دُونَهَا حُجْبٌ؛ فَمَنْ شَاءَ فَنِي حَيَاءَهُ (٥) وَأَخَذَ رِزْقَهُ، وَمَنْ شَاءَ هَتَكَ الْحِجَابَ وَأَخَذَ رِزْقَهُ.

وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ! لَمَّا نَ يُأْخِذُ أَحَدُكُمْ حَبَلًا وَيَأْخِذُ عَرَضَ هَذَا الْوَادِي فَيَحْتَطِبُ حَتَّى لَا يَلْتَقِيَ طَرْفَاهُ، ثُمَّ يَدْخُلُ بِهِ إِلَى السُّوقِ فَيَبِيعُهُ بِمُدٍّ مِنْ تَمْرٍ وَيَأْخِذُ ثُلْثَهُ وَيَتَّصِدَّقُ بِثُلْثَيْهِ، خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَسْأَلَ النَّاسَ؛ أَعْطَوْهُ أَوْ حَرَمَوْهُ. (٦)

٢٨٤٠. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: قُرْءَانِ الثَّلَاثَةُ: رَجُلٌ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَاتَّخَذَهُ بِضَاعَةً، وَاسْتَجَرَّ بِهِ الْمُلُوكُ (٧)، وَاسْتَطَالَ عَلَى النَّاسِ، وَرَجُلٌ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَحَفِظَ حُرُوفَهُ وَضَيَّعَ حُدُودَهُ (٨)، وَرَجُلٌ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَوَضَعَ دَوَاءَ الْقُرْآنِ عَلَى

ص: ٤٩٤

١- (١). الفضائل، شاذان بن جبرئيل، ص ١١١.

٢- (٢). الدر المنثور، ج ١، ص ١٥٩، وفيه «حسن الصبر لله» بدل «حسن الظن بالله».

٣- (٣). الفصول المهمه، ج ٣، ص ٢٣٢، ح ٢٨٨٩.

٤- (٤). الكافي، ج ٤، ص ٤٣، ح ٦.

٥- (٥). قنيت حياي: لزمته (العين: ٢١٧/٥).

٦- (٦). الكافي، ج ٤، ص ٢٠، ح ٣؛ سنن ابن داود، ج ١، ص ٣٧٢، ح ١٦٤٩.

٧- (٧) . استجّر به الملوک: أی جرّهم إلیه وجذبهم. ویحتمل أن ینکون الصّحیح استأجر به؛ أی استخدمهم بالقرآن وأخذ منهم الدنیا.

٨- (٨) . ضیع حدوده: أی لم ینعمل بما فیہ من الأحکام.

۲۸۳۴. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: به من سه نعمت داده شد و علی علیه السلام در آنها مشارکت دارد. و به علی علیه السلام سه نعمت داده شده که من در آنها مشارکت ندارم. پرسیدند: چه نعمتهایی؟

حضرت فرمودند: به من پرچم حمد را دادند و علی حامل آن پرچم است. به من کوثر عطا فرمودند و علی ساقی آن است. به من بهشت و دوزخ دادند و علی تقسیم کننده آنهاست.

اما سه نعمتی که به علی دادند و من مشارکت ندارم: پدر همسری به علی دادند که مثل آن را به من ندادند. همسری چون فاطمه علیها السلام به او دادند که مثل او را به من ندادند. و حسن و حسین دو فرزندی به او دادند که مثل آنها را به من ندادند.

۲۸۳۵. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: عقل سه جزء دارد. هر کس آنها را دارد عاقل است. و هر کس آنها را ندارد عقل ندارد: خوب شناختن خدا، خوب اطاعت کردن از خدا، و گمان نیکو به خدا داشتن.

۲۸۳۶. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: سه چیز حافظه را تقویت می کند: مسواک زدن، روزه و قرائت قرآن.

۲۸۳۷. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس موی سبیل خود را کوتاه کند خداوند به او سه نور عطا فرماید:

نور چهره، نور قبر، نور قیامت. و سه عذاب از او بر می دارد: عذاب قبر، عذاب منکر و نکیر، و سختی قیامت.

۲۸۳۸. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: دستها سه گونه اند: دست گدائی، دست بخشنده، و دست خسیس.

بهترین آنها دست بخشنده است.

۲۸۳۹. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: دستها سه نوع هستند: دست خدا که بالاترین است. دست بخشنده بعد از آن است. دست گیرنده که پائین ترین است. پس تا آنجا که می توانید دست خواهش دراز نکنید. بدرستی که روزی در پس حجاب است. پس هر کس خواهد حیاء خود را حفظ کند و روزی را بگیرد. و هر که خواهد حیاء را از کف بدهد و روزی بگیرد. پس قسم به خدائی که جانم در دست قدرت اوست اگر کسی ریسمان بردارد، و در صحرا هیزم جمع کند، و در بازار به یک مد [۷۵۰ گرم] خرما بفروشد، و ثلث آن را برای خود بردارد، و دو ثلث آن را صدقه بدهد، بهتر از آن است که از مردم درخواست کند. به او بدهند یا ندهند.

۲۸۴۰. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: قاریان قرآن سه دسته اند: کسی که قرائت قرآن را سرمایه قرار داده و به وسیله آن با اهل قدرت و حکومت تجارت می کند. و بر مردم فخر می کند.

دَاءِ قَلْبِهِ ، فَأَسْهَرَ بِهِ لَيْلَهُ وَأَظْمَأَ بِهِ نَهَارَهُ ، وَقَامَ بِهِ فِي مَسَاجِدِهِ ، وَتَجَافَى بِهِ عَنِ فِرَاشِهِ ؛ فَبَاوَلَيْتَكَ يَدْفَعُ اللَّهُ الْبَلَاءَ ، وَبَاوَلَيْتَكَ يُدِيلُ (١) اللَّهُ مِنَ الْأَعْدَاءِ ، وَبَاوَلَيْتَكَ يُنَزِّلُ اللَّهُ الْغَيْثَ مِنَ السَّمَاءِ . وَاللَّهُ ! لَهُؤُلَاءِ فِي قُرْآنِ الْقُرْآنِ أَعَزُّ مِنَ الْكِبْرِيتِ (٢) الْأَحْمَرِ . (٣)

٢٨٤١ . وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ مَاتَ غَيْرَ تَائِبٍ زَفَرَتْ جَهَنَّمُ فِي وَجْهِهِ ثَلَاثَ زَفَرَاتٍ ؛ فَأَوْلُهَا لَا تَبْقَى دَمْعَةٌ إِلَّا جَرَتْ مِنْ عَيْنِهِ ، وَالزَّفَرَةُ الثَّانِيَةُ لَا يَبْقَى دَمٌ إِلَّا خَرَجَ مِنْ مَنْخَرِيهِ ، وَالزَّفَرَةُ الثَّلَاثَةُ لَا يَبْقَى قَيْحٌ إِلَّا خَرَجَ مِنْ فَمِهِ ؛ فَرِحِمَ اللَّهُ مَنْ تَابَ ثُمَّ أَرْضَى الْخُصْمَاءَ ؛ فَمَنْ فَعَلَ فَأَنَا كَفِيلُهُ بِالْجَنَّةِ . (٤)

٢٨٤٢ . وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنَّمَا مَثَلُ أَحَدِكُمْ وَأَهْلِهِ وَمَالِهِ وَعَمَلِهِ كَرَجُلٍ لَهُ ثَلَاثَةُ إِخْوَةٍ ، فَقَالَ لِأَخِيهِ الَّذِي هُوَ مَالُهُ حِينَ خَضَرَتْهُ الْوَفَاءُ وَنَزَلَ بِهِ الْمَوْتُ : مَا عِنْدَكَ ؟ فَقَدْتُ تَرَى مَا نَزَلَ بِي ، فَقَالَ لَهُ أَخُوهُ الَّذِي هُوَ مَالُهُ : مَا لَكَ عِنْدِي غِنَاءٌ وَلَا نَفْعٌ إِلَّا مَا دُمْتُ حَيًّا ، فَخُذْ مِنِّي الْآنَ مَا شِئْتَ ، فَإِذَا فَارَقْتِكَ فَسَيُذْهِبُ بِي إِلَى مَذْهَبٍ غَيْرِ مَذْهَبِكَ ، وَسَيَأْخُذُنِي مَنْ تَكْرَهُ .

فَالْتَفَتَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ : هَذَا الْأَخُ الَّذِي هُوَ مَالُهُ ، فَأَيُّ أَخٍ تَرَوْنَ هَذَا ؟ فَقَالُوا : أَخٌ لَا نَرَى لَهُ طَائِلًا (٥) !

ثُمَّ قَالَ لِأَخِيهِ الَّذِي هُوَ أَهْلُهُ وَقَدِ نَزَلَ بِهِ الْمَوْتُ : مَاذَا عِنْدَكَ فِي نَفْعِي وَلِلدَّفْعِ عَنِّي ؟ فَقَدْتُ نَزَلَ بِي مَا تَرَى ، فَقَالَ : عِنْدِي لَكَ أَنْ امْرُؤُكَ وَأَقَوْمٌ عَلَيْكَ ، فَإِذَا مِتَّ غَسَلْتُكَ ثُمَّ كَفَّنْتُكَ وَأَحْمَلْتُكَ فِي الْحَامِلِينَ .

فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : هَذَا أَخُوهُ الَّذِي هُوَ أَهْلُهُ ، فَأَيُّ أَخٍ تَرَوْنَ هَذَا ؟ فَقَالُوا : أَخٌ غَيْرُ طَائِلٍ يَا رَسُولَ اللَّهِ !

ثُمَّ قَالَ لِأَخِيهِ الَّذِي هُوَ عَمَلُهُ : مَاذَا عِنْدَكَ فِي نَفْعِي وَالِدَّفْعِ عَنِّي ؟ فَقَدْتُ تَرَى مَا نَزَلَ بِي ، فَقَالَ لَهُ :

أُونِسُ وَحَشَّتْكَ ، وَأَذْهَبُ عَمَّكَ ، وَأُجَادِلُ عَنكَ فِي الْقَبْرِ ، وَأُوسِّعُ عَلَيْكَ جَهْدِي (٦) .

ثُمَّ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : هَذَا أَخُوهُ الَّذِي هُوَ عَمَلُهُ ، فَأَيُّ أَخٍ تَرَوْنَ هَذَا ؟ فَقَالُوا : خَيْرُ أَخٍ يَا رَسُولَ اللَّهِ .

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : الْأَمْرُ هَكَذَا .

ص : ٤٩٦

١- (١) . يقال: ادليل لنا على أعدائنا: أي نصبرنا عليهم وكانت الدولة لنا (مجمع البحرين: ٣٧٤/٥).

٢- (٢) . مرّ معنى الكبريت الأحمر. ويمكن أن يكون المراد أنّ الكبريت في الغالب يكون أصفر فالأحمر منه عزيز الوجود، وهذا القارئ أعزّ من الكبريت، وهذا المعنى أقرب ممّا نقلناه عن المجمع.

٣- (٣) . الكافي، ج ٢، ص ٦٢٧، ح ١؛ كنز العمال، ج ١، ص ٦٢٣.

٤- (٤) . جامع الأخبار، ص ١٥٧.

٥- (٥) . الطائيل: الفضل والقدره والغنى والسعه والعلوّ (لسان العرب: ٤١٤/١١).

٦- (٦) . الجهد والجهد: الطاقه (لسان العرب: ١٣٣/٣).

کسی که قرآن قرائت می کند و حروف آن را حفظ کرده اما حدود آن را ضایع می کند.

کسی که قرائت قرآن می کند و داروی قرآن را بر بیماری قلب خود نهاده و شب و روز را با آن می گذرانند. و نماز و سجده خود را با آن به سر می برد. و از بستر با آن برمی خیزد.

پس خداوند به این دسته بلا را دفع می کند. و با اینها بر دشمن پیروز می گردانند. و به اینها از آسمان باران نازل می کند. بخدا قسم این قاریان قرآن از کبریت احمر هم کمیاب ترند.

۲۸۴۱. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که قبل از توبه بمیرد جهنم بر چهره او سه بار شعله می زند: با اولین آنها هر چه اشک دارد جاری می شود. با دومین شعله هر چه خون دارد از بینی او جاری می شود. و با سومین شعله محتویات مغز او از دهانش خارج می شود.

پس خدای رحمت کند کسی را که توبه کند. و طلب کاران را راضی نماید. و اگر کسی چنین کند من بهشت را برای او تضمین می کنم.

۲۸۴۲. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: مثل شما با بستگان و مال و عملش، مثل کسی است که سه برادر دارد و هنگام مرگ به آن برادر که مال است می گوید: حال مرا می بینی، برایم چه می کنی؟ مال به او می گوید: از من تا وقتی زنده بودی بهره مند شدی اینک برای تو نفعی ندارم. هرچه می خواهی از من بردار وقتی از تو جدا شوم مرا به کس دیگری خواهند داد و بزودی کسانی که دوست نداری مرا برمی دارند.

پیامبر صلی الله علیه و آله رو به اصحاب فرمودند: این برادر همان مال است. آن را چگونه برادری می دانید؟ گفتند: برادری که فایده ندارد.

سپس به برادر دیگر که بستگان او هستند [هنگام مرگ] می گوید: برای من چه کاری انجام می دهی تا مرگ را از من دور کنی؟ حال مرا می بینی؟ او می گوید: وقتی بیمار هستی در کنار تو از تو پرستاری می کنم، وقتی مُردی تو را غسل می دهم و کفن می کنم و تا قبر حمل می کنم.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: این برادر همان بستگان هستند او را چگونه برادری می دانید؟ گفتند: یا رسول الله برادری که نفعی ندارد.

سپس به برادر دیگر که عمل اوست می گوید: حال مرا می بینی، برای رفع گرفتاری من

أَلَا وَإِنَّ الظُّلْمَ ثَلَاثَةٌ: فَظُلْمٌ لَا يُغْفَرُ، وَظُلْمٌ لَا يُتْرَكُ، وَظُلْمٌ مَغْفُورٌ لَا يُطَلَّبُ.

(فَأَمَّا) الظُّلْمُ الَّذِي لَا يُغْفَرُ فَالشُّرْكُ بِاللَّهِ؛ لِقَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ»

(وَأَمَّا) الظُّلْمُ الَّذِي لَا يُتْرَكُ فَظُلْمُ الْعِبَادِ بَعْضُهُمْ بَعْضًا؛ الْعِقَابُ هُنَالِكَ شَدِيدٌ، لَيْسَ جِرْحًا بِالْمُدَى (١)، وَلَا ضَرْبًا بِالسَّيَاطِ، وَلَكِنَّهُ مَا يُسْتَصْعَرُ ذَلِكَ مَعَهُ.

(وَأَمَّا) الظُّلْمُ الَّذِي يُغْفَرُ فَظُلْمُ الْمَرْءِ نَفْسَهُ عِنْدَ بَعْضِ الْحَفَنَاتِ (٢). (٣)

٢٨٤٣. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَعْقِدُ الشَّيْطَانُ عَلَى قَافِيهِ (٤) رَأْسَ أَحَدِكُمْ إِذَا هُوَ نَامَ ثَلَاثَ عُقَدٍ، يَضْرِبُ عَلَى كُلِّ عُقَدَةٍ:

عَلَيْكَ لَيْلٌ طَوِيلٌ فَارْقُدْ، فَإِنْ اسْتَيْقَظَ وَذَكَرَ اللَّهَ انْحَلَّتْ عُقَدَتُهُ، وَإِنْ تَوَضَّأَ انْحَلَّتْ عُقَدَتُهُ، فَإِنْ صَلَّى انْحَلَّتْ عُقَدَتُهُ؛ فَأَصْبَحَ نَشِيطًا طَيِّبَ النَّفْسِ، وَإِلَّا أَصْبَحَ خَبِيثَ النَّفْسِ كَسَلَانَ (٥). (٦)

٢٨٤٤. وَعَنْ جَابِرٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: قَالَتْ أُمُّ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ لِسُلَيْمَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا بُنَيَّ، لَا تُكْثِرِ النَّوْمَ بِاللَّيْلِ؛ فَإِنَّ كَثْرَةَ النَّوْمِ بِاللَّيْلِ تَتْرُكُ الرَّجُلَ فَقِيرًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (٧)

٢٨٤٥. وَعَنْ جَابِرٍ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: مَنْ لَدَّدَ أَخَاهُ بِمَا يَشْتَهِي، كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَلْفَ حَسَنَةٍ، وَمَحَا عَنْهُ أَلْفَ أَلْفِ سَيِّئَةٍ، وَرَفَعَ لَهُ أَلْفَ أَلْفِ دَرَجَةٍ، وَأَطْعَمَهُ اللَّهُ مِنْ ثَلَاثِ: جَنَّةِ الْفِرْدَوْسِ (٨)، وَجَنَّةِ عَمْدِنَ، وَجَنَّةِ الْخُلْدِ، وَأَنْ لَا يَقُولَ: أَقْدِمَ طَعَامًا (٩)، بَلْ يَقْدِمْ؛ فَإِنْ اشْتَهَى أَكَلَ، وَإِلَّا رَفَعَ.

وَقَالَ بَعْضُ الشُّعْرَاءِ فِي هَذَا الْمَعْنَى وَأَجَادَ:

جَنَّةُ الْفِرْدَوْسِ لَا تَصْلُحُ إِلَّا لِلْكَرَامِ كُنْ كَرِيمًا وَادْخُلِ الْجَنَّةَ عَفْوًا بِسَلَامٍ (١٠)

ص: ٤٩٨

١- (١). مُدَى: جَمْعُ مُدِيهِ؛ وَهِيَ السُّكَيْنُ وَالشَّفْرَه (لسان العرب: ٢٧٣/١٥).

٢- (٢). الحفنه: مِلءُ الكَفَيْنِ مِنْ طَعَامٍ. وَحَفْنَةُ لِفْلَانٍ حَفْنَةٌ: أُعْطِيَتْهُ قَلِيلًا (لسان العرب: ١٢٥/١٣).

٣- (٣). نزهه الناظر، ص ٤٠، ح ١٢٤؛ كتاب أمثال الحديث، ابن خلاد الرامهرمزي، ص ١١١؛ نهج البلاغه، ج ٢، ص ٩٥، ح ١٧٦؛ از پیامبر باختلافِ يسير، مسند أبي داود الطيباسي، ص ٢٨٢.

٤- (٤). قافيه الرأس: مؤخره، وقيل وسطه، أراد تثقيله في النوم وإطالته، فكأنه قد شد عليه شدة شداً و عقده ثلاث عقده (لسان العرب: ١٩٣/١٥).

٥- (٥). خبيث النفس: أى ثقيلها كربه الحال، كأن الكسلان تفسير له.

٦- (٦). صحيح البخارى، ج ٢، ص ٤٦.

٧- (٧). من لا يحضره الفقيه، ج ٣، ص ٥٥٦، ح ٤٩١٣؛ سنن ابن ماجه، ج ١، ص ٤٢٢.

٨- (٨) . الفردوس: بستان فيه الكرم والأشجار، ومنه جنه الفردوس، والعدن: الإقامة، جنّه عدن: أى إقامة. قال الراغب: قال ابن عباس: إنّما قال جنّات بلفظ الجمع لكون الجنان سبعاً: جنه فردوس، وعدن، وحنّ النعيم، ودار الخلد، وحنّ المأوى، ودار السلام، وعلّين.

٩- (٩) . الظاهر أنه منادى منصوب بأداة نداء محذوفه باعتباره نكره غير مقصوده.

١٠- (١٠) . شرح الأزهار، ج ٤، ص ١٠٦ وليس فيه ذيله.

چه نفعی داری؟ می گوید: مونس وحشت تو هستم. و غم را از تو دور می کنم. و در قبر تو را کمک می کنم. و تمام تلاش خود را خواهم کرد.

آنگاه پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: این برادر همان عمل اوست. او را چگونه برادری می دانید؟ گفتند: یا رسول الله بهترین برادر.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: امر اینگونه است. پس آگاه باشید که ظلم سه گونه است: ظلمی که بخشیده نمی شود. و آن شرک به خداست چون خداوند متعال می فرماید: «خداوند شرک به او را نمی آمرزد و غیر از شرک را می آمرزد».

و ظلمی که ترک نمی شود و آن ظلم مردم به دیگران است. عذاب این ظلم شدید است نه زخم تیغ است و نه ضربه تازیانه، کوچکترین ظلم از این نوع همراه اوست. و ظلمی که آمرزیده می شود و آن ظلم انسان به خویش است.

۲۸۴۳. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: هنگامی که هر کدام از شما به خواب رود شیطان در شب طولانی به سر شما سه گره می زند و می گوید بخواب. پس اگر بیدار شود و ذکر خدا بگوید، یک گره باز می شود و اگر وضو بگیرد گره دیگر باز می شود، و اگر نماز بخواند گره دیگر هم باز می شود و روز را با نشاط و آرامش آغاز می کند و گرنه روز را با کسالت و خمودگی آغاز می کند.

۲۸۴۴. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: مادر حضرت سلیمان علیه السلام به او گفت: پسرم شب زیاد نخواب. چون زیاد خوابیدن در شب انسان را در قیامت فقیر می کند.

۲۸۴۵. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که به برادر [دینی] خود لذتی که او تمایل دارد بچشاند خداوند هزاران حسنه برایش ثبت می کند. و هزاران لغزش او را محو می کند. و هزاران درجه بر او می افزاید. و سه چیز به او می چشاند: جنت فردوس و جنت عدن و جنت خلد. [و در آن بهشت ها] نمی گوید غذا بیاورید بلکه غذا را پیش کش می کنند اگر خواست می خورد و گرنه بر می دارند.

شاعری گوید:

جنت فردوس شاید بر کرام شو کریم و داخل آن با سلام

٢٨٤٦. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَنَا زَعِيمٌ لِثَلَاثٍ أَنْفُسٍ لِثَلَاثٍ: لِلْمُكِبِّ عَلَى الدُّنْيَا الْحَرِيصِ عَلَيْهَا الشَّحِيحِ؛ بِفَقْرٍ لَاغْنَاءَ فِيهِ، وَشُغْلٍ لَا فِرَاحَ مِنْهُ، وَهَمٍّ لَا فَرَجَ مِنْهُ.

٢٨٤٧. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي وَصِيَّتِهِ لِأَبِي ذَرٍّ الْغِفَارِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ: يَا أبا ذَرٍّ، مَنْ لَمْ يَأْتِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِثَلَاثٍ فَقَدْ خَسِرَ.

قُلْتُ: مَا الثَّلَاثُ فِدَاكَ أَبِي وَأُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: وَرَعٌ يَحْجُزُهُ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ، وَحِلْمٌ يَرُدُّ بِهِ جَهْلَ السَّفِيهِ، وَخُلُقٌ يُدَارِي بِهِ النَّاسَ.

يَا أبا ذَرٍّ إِنْ سَيَّرَكَ أَنْ تَكُونَ أَقْوَى النَّاسِ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ، وَإِنْ سَيَّرَكَ أَنْ تَكُونَ أَكْرَمَ النَّاسِ فَاتَّقِ اللَّهَ، وَإِنْ سَيَّرَكَ أَنْ تَكُونَ أَغْنَى النَّاسِ فَكُنْ بِمَا فِي يَدِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَوْثَقَ مِنْكَ بِمَا فِي يَدِكَ. (١)

٢٨٤٨. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: صِدْقُ الْمَحَبَّةِ فِي ثَلَاثَةٍ: يَخْتَارُ كَلَامَ حَبِيبِهِ عَلَى كَلَامِ غَيْرِهِ، وَيَخْتَارُ مُجَالَسَةَ حَبِيبِهِ عَلَى مُجَالَسَةِ غَيْرِهِ، وَيَخْتَارُ رِضَى حَبِيبِهِ عَلَى رِضَى غَيْرِهِ.

٢٨٤٩. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَقُولُ ابْنُ آدَمَ: مَا لَكَ، مَا لَكَ، مَا لَكَ! وَهَلْ لَكَ مِنْ مَالِكَ إِلَّا مَا تَصَدَّقْتَ فَأَبْقَيْتَ، وَمَا أَكَلْتَ فَأَفْنَيْتَ، أَوْ لَبَسْتَ فَأَبْلَيْتَ؟! (٢)

٢٨٥٠. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ثَلَاثٌ لَا يَعْزِضُ أَحَدُكُمْ نَفْسَهُ عَلَيْهِنَّ وَهُوَ صَائِمٌ: الْحِجَامَةُ، وَالْحَمَامُ، وَالْمَرْأَةُ الْحَسَنَاءُ. (٣)

٢٨٥١. وَقَالَ عُقْبَةُ بْنُ عَامِرٍ: ثَلَاثٌ سَاعَاتٍ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ يَنْهَانَا أَنْ نُصَلِّيَ فِيهِنَّ وَأَنْ نَقْبِرَ فِيهِنَّ مَوْتَانَا: حِينَ تَطْلُعُ الشَّمْسُ بَارِزَةً حَتَّى تَرْتَفِعَ، وَحِينَ يَقُومُ قَائِمُ الظَّهِيرَةِ (٤) حَتَّى تَمِيلَ الشَّمْسُ، وَحِينَ تَضِيْقُ الشَّمْسُ لِلْغُرُوبِ حَتَّى تَعْرُبَ. (٥)

٢٨٥٢. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ثَلَاثَةٌ لَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ: شَيْخُ زَانٍ، وَإِمَامٌ كَذَّابٌ، وَعَائِلٌ (٦) مَرْهُوٌّ (٧). (٨). (٩)

ص: ٥٠٠

١- (١). مكارم الأخلاق، ص ٤٦٨.

٢- (٢). أى يقول الإنسان لصاحبه: مالك ومالى، فينسب المال إلى نفسه.

٣- (٣). الأمالى للطوسى، ص ٥١٩، ح ٤٨/١١٤١؛ مسند أحمد، ج ٤، ص ٢٦.

٤- (٤). مسند زيد بن على، ص ٤٩٩.

٥- (٥). تكرر ذكر الظهيره فى الحديث، وهو شدة الحر نصف النهار، ولا يقال فى الشتاء ظهيره (لسان العرب: ٥٢٧/٤) والمراد الظهر مطلقاً.

٦- (٦). انتهى المطلب (ط. ق) ج ٤، ص ١٤١؛ مسند أحمد، ج ٤، ص ١٥٢.

٧-٧) . العائل: الفقير (لسان العرب: ٤٨٨/١١).

٨-٨) . الزَّهْو: الكِبَر والتَّيِّه والفخر والعظمه (لسان العرب: ٣٦٠/١٤).

٩-٩) . العهود المحمديّه، ص ٨٦٢ ينتقل روايه للبخاري. وجاءت أحاديث كثيره بهذا المضمون. الكافي، ج ٢، ص ٣١١، ح ١٤؛ مسند أحمد، ج ٢، ص ٤٨٠.

۲۸۴۶. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: من سه چیز را برای سه کس ضمانت می کنم: دلدادۀ دنیا به فقری که پایان ندارد. و حریص به دنیا از گرفتاری که امان ندارد. و بخیل از غصه ای که درمان ندارد مبتلا می شوند.

۲۸۴۷. پیامبر صلی الله علیه و آله به ابوذر وصیت فرمودند: یا اباذر، کسی که در قیامت سه چیز با خود نیاورد زیان کرده است. ابوذر گفت: پدر و مادرم فدایت یا رسول الله آن ها کدامند؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

پرهیزکاری که او را از گناه حفظ کند. بردباری که نادانی سفیه را به او برگرداند. و اخلاق نیکو که با مردم مدارا کند.

یا اباذر، اگر دوست داری قویترین مردم باشی به خدا توکل کن. و اگر دوست داری گرامی ترین مردم باشی تقوا پیشه کن. و اگر دوست داری غنی ترین مردم باشی به آنچه که در دست خدا است بیشتر از آنچه در دست خود داری، اعتماد داشته باشی.

۲۸۴۸. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: محبت صادقانه در سه چیز است: سخن دوست خود را به سخن دیگران برگزیند. همنشینی دوست را بر همنشینی دیگران برگزیند. و رضایت دوست را بر رضایت دیگران برگزیند.

۲۸۴۹. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: انسان می گوید: مال من، مال تو! آیا مال تو جز آن مالی است که صدقه دادی و ابقاء کردی؟ آنچه خوردی نابود کردی و آنچه پوشیدی کهنه اش کردی.

۲۸۵۰. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: در حال روزه داری خود را در معرض سه چیز قرار ندهید: حجامت، حمام، همسر زیبا.

۲۸۵۱. عقبه بن عامر گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله از نماز خواندن و دفن میت در سه زمان نهی فرمودند: هنگام طلوع خورشید، تا زمانی که خورشید بالا رود. و هنگام شده گرمای خورشید، تا زمانی که زوال خورشید واقع شود. نزدیک غروب، تا زمانی که غروب کند.

۲۸۵۲. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: در قیامت خداوند با سه نفر سخن نمی گوید و به آنها نظر نمی کند و آنان دچار عذاب دردناک می شوند: پیرمرد زنا کار، امام دروغگو، فقیر متکبر.

وَوَجَدْتُ هَذَا الْحَدِيثَ بِهَذَا اللَّفْظِ سِوَى لَفْظَيْنِ، وَهُمَا قَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: وَمَلِكٌ كَذَّابٌ، وَعَائِلٌ مُسْتَكْبِرٌ. (١)

٢٨٥٣. قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: أَنَا مِنَ الدُّنْيَا - يَا مُحَمَّدُ - أَحِبُّ ثَلَاثَةَ أَشْيَاءَ: قَلْبًا شَاكِرًا، وَلِسَانًا ذَاكِرًا، وَبَدَنًا لِلْبَلَاءِ صَابِرًا.

٢٨٥٤. وَرَوَى أَيْضًا: يُحِبُّ رَبُّ الْعِزَّةِ مِنْ عِبَادِهِ ثَلَاثَ خِصَالٍ: بَدَلَ الْإِسْتِطَاعَةِ، وَالثُّبُكَاءَ عِنْدَ النَّدَامَةِ، وَالصَّبْرَ عِنْدَ الْفَاقَةِ (٢).

٢٨٥٥. وَقَالَ جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَا مِنَ الدُّنْيَا أَحِبُّ ثَلَاثَةَ أَشْيَاءَ: إِرْشَادَ الضَّالِّ، وَإِعَانَةَ الْمَظْلُومِ، وَمَحَبَّةَ الْمَسَاكِينِ.

٢٨٥٦. وَقَالَ أَيْضًا: أَنَا حُبِّبٌ إِلَى مَنْ دُنِيَائِكُمْ ثَلَاثَةٌ: إِرْشَادُ الْمُضِلِّينَ، وَمُؤَانَسَةُ الْغُرَبَاءِ الْغَائِبِينَ، وَمُعَاوَنَةُ أَهْلِ الْعِيَالِ الْمُعْسِرِينَ.

٢٨٥٧. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: حُبِّبَ إِلَيَّ مِنْ دُنْيَاكُمْ ثَلَاثٌ: الطَّيِّبُ، وَالنِّسَاءُ، وَجُعِلَتْ قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ (٣).

٢٨٥٨. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَنَا مِنَ الدُّنْيَا أَحِبُّ ثَلَاثَةَ أَشْيَاءَ: الصَّوْمَ فِي الصَّيْفِ، وَالضَّرْبَ بِالسَّيْفِ، وَإِكْرَامَ الضَّيْفِ (٤).

٢٨٥٩. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَنَا مِنَ الدُّنْيَا أَحِبُّ ثَلَاثَةَ أَشْيَاءَ: الْمَشَى إِلَى الْمَسَاجِدِ، وَمَجَالِسَ الْعُلَمَاءِ، وَصَلَاةَ الْجَنَائِزِ.

٢٨٦٠. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: خُذْ مِنَ الدِّينِ مَا صَفَا، وَمِنَ الْعَيْشِ مَا كَفَى، وَدَعْ الظُّلْمَ وَالْجَفَا؛ فَإِنَّ الْعُمَرَ قَصِيرٌ، وَالنَّاقِدَ بَصِيرٌ.

٢٨٦١. وَمِنْ كَلَامِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

ثَلَاثَةٌ يُحِبُّهَا اللَّهُ: قَلُّهُ الْكَلَامِ، وَقَلُّهُ الْمَنَامِ، وَقَلُّهُ الطَّعَامِ.

ثَلَاثَةٌ يُبْغِضُهَا اللَّهُ: كَثْرَةُ الْكَلَامِ، وَكَثْرَةُ الْمَنَامِ، وَكَثْرَةُ الطَّعَامِ.

ثَلَاثَةٌ يُحِبُّهَا اللَّهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى: الْقِيَامُ بِحَقِّهِ، وَالتَّوَاضُّعُ لِخَلْقِهِ، وَالْإِحْسَانُ إِلَى عِبَادِهِ.

ثَلَاثَةٌ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ: الطَّهْوَرُ، وَالنِّكَاحُ، وَالْوَرَعُ.

ثَلَاثَةٌ مِنْ عِلَامَاتِ الْحُمُقِ: كَثْرَةُ الْهَزْلِ، وَاللَّهُوُ، وَالْخُرْقُ (٥).

ثَلَاثَةٌ مِنْ خُلُقِ أَهْلِ النَّارِ: الْكِبْرُ، وَالْعُجْبُ، وَسَوْءُ الْخُلُقِ.

ثَلَاثٌ تُخْلِصُ الْمَوَدَّةَ: إِهْدَاءُ الْعَيْبِ (٦)، وَحِفْظُ الْغَيْبِ، وَالْمَعُونَةُ فِي الشَّدَّةِ.

ثَلَاثَةٌ لَاخَوْفٌ عَلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: الْمُخْلِصُ فِي الْإِيمَانِ، وَالْمُجَازِي فِي الْإِحْسَانِ، وَالسُّلْطَانُ الْعَادِلُ.

ص: ٥٠٢

- ٢-٢) . الفاقه: الفقر والحاجه. ولا فِعَل لها (لسان العرب: ٣١٩/١٠).
- ٣-٣) . الخصال، ص ١٦٥، ح ٢١٨؛ الجامع الصغير، ج ١، ص ٥٦٧، ح ٣٦٦٩.
- ٤-٤) . كشف الخفاء، ج ١، ص ٣٤١.
- ٥-٥) . الخُزُق: نقيض الرِّفق (لسان العرب: ٧٥/١٠).
- ٦-٦) . أى ذكر عيب المؤمن نصيحه له وإخلاصاً فى المودّه.

این حدیث به لفظ دیگری هم آمده است: پیرمرد زنا کار، حکمران دروغگو، فقیر مستکبر.

۲۸۵۳. خداوند متعال فرمود: یا محمد من از دنیا سه چیز را دوست دارم: قلب شاکر، زبان ذاکر، بدن صابر در بلا.

۲۸۵۴. و نیز روایت شده: پروردگار عزیز سه خصلت از بندگانش را دوست دارد: بذل توانائی، گریه هنگام پشیمانی، و صبر کردن در فقر.

۲۸۵۵. جبرئیل علیه السلام فرمود: من سه چیز دنیا را دوست دارم: راهنمائی گمراه، یاری مظلوم، و محبت به بینویان.

۲۸۵۶. جبرئیل علیه السلام فرمود: سه چیز از دنیای شما برایم محبوب است: راهنمائی گمراهان، انس با غریبان، کمک کردن به خانوار بی بضاعت.

۲۸۵۷. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: از دنیای شما سه چیز محبوب من است: عطر، زنان، و نماز نورچشم من است.

۲۸۵۸. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: من از دنیا سه چیز را دوست دارم: روزه در تابستان، جنگ در راه خدا، تکریم میهمان.

۲۸۵۹. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: از دنیا سه چیز را دوست دارم: رفتن به مسجد، جلسه علماء، و نماز میت.

۲۸۶۰. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: دین پیراسته را برگزین، مال و معاش بقدر کفایت داشته باش. و ظلم و جفا را رها کن. زیرا عمر کوتاه است. و آنکه اعمال شما را ارزیابی می کند بیناست.

۲۸۶۱. از سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله: خداوند سه چیز را دوست دارد: کم سخن گفتن، کم خوابیدن و کم خوردن.

خداوند از سه چیز نفرت دارد: زیاده گوئی، زیاد خوابیدن، پرخوری.

خداوند سبحان سه کار را دوست دارد: بجا آوردن حق خدا، فروتنی در برابر خلق خدا، نیکی به بندگان خدا.

سه چیز از سنتهای پیامبران است: طهارت، ازدواج، پرهیزکاری.

سه چیز نشانه حماقت است: شوخی زیاد، کار بیهوده، مدارا نکردن با دوستان.

سه چیز از اخلاق دوزخیان است: تکبر، خودخواهی، بداخلاقی.

سه چیز دوستی را خالص می کند: هدیه کردن عیب، در نبود دوست جانب او را حفظ کردن، کمک کردن در سختی ها.

سه کس در قیامت خوف ندارد: کسی که در ایمان خالص باشد، پاداش دهنده به کار نیک سلطان عادل.

ثَلَاثَةٌ لَا يُخَالِفُهُمُ إِلَّا شَقِيٌّ: الْعَالِمُ الْعَامِلُ، وَاللَّيْبُ (١) الْعَاقِلُ، وَالْإِمَامُ الْمُقْسِطُ (٢).

ثَلَاثَةٌ لَيْسَ لَهُمْ غَيْبَةٌ: الْإِمَامُ الْجَائِزُ، وَالْمَعْلَنُ بِالْفِسْقِ، وَمُدْمِنُ الْخَمْرِ.

ثَلَاثَةٌ لَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا- يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ: الْمُتَبَغَى بِعِلْمِهِ حُطَامَ الدُّنْيَا، وَمُسْتَحِلُّ الْمُحَرَّمَاتِ بِالشُّبُهَاتِ، وَالزَّانِي بِحَلِيلِهِ جَارِهِ.

ثَلَاثَةٌ أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ: الشَّهِيدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَمَمْلُوكٌ لَمْ يَشْغَلْهُ مَلِكٌ رِقَّةً عَنِ طَاعَةِ رَبِّهِ، وَفَقِيرٌ ذُو عِيَالٍ مُتَعَفِّفٌ.

ثَلَاثَةٌ يُبْغِضُهُمُ اللَّهُ: الْمَنَّانُ بِصِدْقَتِهِ، وَالْمُقْتَرُّ مَعَ سَعَتِهِ، وَالْفَقِيرُ الْمُسْرِفُ.

ثَلَاثٌ أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ النَّارَ: أَمِيرٌ مُتَسَلِّطٌ بِالْجَوْرِ، وَذُو ثَرَوَةٍ مِنَ الْمَالِ لَا يُخْرِجُ الرَّكَاةَ، وَفَقِيرٌ فَاجِرٌ.

ثَلَاثٌ لَيْسَ لِأَحَدٍ مِنْهُمْ رُخْصَةٌ: الْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ لِمُسْلِمٍ كَانَ أَوْ كَافِرٍ، وَبُزُّ الْوَالِدَيْنِ مُسْلِمِينَ كَانَا أَوْ كَافِرِينَ، وَأَدَاءُ الْأَمَانَةِ لِمُسْلِمٍ كَانَ أَوْ كَافِرٍ.

ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ فَقَدِ اسْتَكَمَلَ الْإِيمَانَ: مَنْ لَا يَخَافُ فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَائِمَةً، وَلَا يُرَائِي بِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِهِ، وَإِذَا عَرَّضَ لَهُ أَمْرَانِ أَحَدُهُمَا لِلدُّنْيَا وَالْآخِرِ لِلْآخِرَةِ آثَرَ الْآخِرَةِ عَلَى الدُّنْيَا.

ثَلَاثٌ هُنَّ مِنَ أَفْضَلِ الْأَعْمَالِ: مُجَاهَدَةُ النَّفْسِ، وَمُغَالَبَةُ الْهَوَى، وَالْإِعْرَاضُ عَنِ الدُّنْيَا.

ثَلَاثٌ لَا تُؤَخَّرُ: الصَّلَاةُ إِذَا أَتَتْ، وَالْجَنَازَةُ إِذَا حَضَرَتْ، وَالْإِيْمُ (٣) إِذَا وَجَدَتْ كُفْوًا (٤).

٢٨٦٢. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ثَلَاثَةٌ لَا يَسْتَحِفُّ بِحَقِّهِمُ الْإِمْنَا فِيقُ: ذُو شَيْبَةٍ فِي الْإِسْلَامِ، وَإِمَامٌ مُقْسِطٌ، وَمُعَلِّمٌ الْخَيْرِ (٥).

٢٨٦٣. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ثَلَاثٌ مَنْ كَانَتْ فِيهِ وَاحِدَةٌ مِنْهَا زَوَّجَهُ اللَّهُ مِنَ الْحَوْرِ الْعَيْنِ: رَجُلٌ ائْتَمَنَ عَلَى أَمَانَةِ خَفِيَّتِهِ فَأَذَاهَا مَخَافَةً مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَرَجُلٌ عَفَا عَنْ قَاتِلِهِ، وَرَجُلٌ قَرَأَ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» عَشْرَ مَرَّاتٍ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ (٦).

ص: ٥٠٤

١- (١). اللَّبُّ: خَالِصٌ كُلُّ شَيْءٍ، وَالْعَقْلُ، أَوْ الْخَالِصُ مِنَ الشَّوَابِ، أَوْ مَا زَكَ مِنَ الْعَقْلِ، فَكُلُّ لَبٍّ عَقْلٌ وَلَا عَكْسَ.

٢- (٢). الْمُقْسِطُ: الْعَادِلُ (لسان العرب: ٣٧٧/٧).

٣- (٣). الْإِيْمُ: الَّتِي لِأَزْوَاجِهَا بَكَرًا كَانَتْ أَوْ نَبِيًّا (لسان العرب: ٣٩/١٢).

٤- (٤). مَجْمُوعَةٌ وَرَّامٌ، ج ٢، ص ١٢١.

٥- (٥). مَجْمُوعَةٌ وَرَّامٌ، ج ٢، ص ٢١٢؛ الْجَامِعُ الصَّغِيرُ، ج ١، ص ٥٤٦، ح ٣٥٣٣.

٦- (٦). مَجْمُوعَةٌ وَرَّامٌ، ج ٢، ص ٢٢٦؛ الْجَامِعُ الصَّغِيرُ، ج ١، ص ٥٢٥، ح ٣٤٢٤.

با سه کس جز بدبخت دشمنی ندارد: عالم اهل عمل، عاقل خردمند، پیشوای عادل.

سه کس غیبت ندارند: پیشوای ظالم، کسی که تظاهر به گناه کند، میگسار.

خداوند در قیامت به سه نفر نظر نمی کند و به عذاب دردناک مبتلا می شوند: کسی که دانش خود را برای جمع کردن مال دنیا بکار گیرد. کسی که حرام را با شبهه ای حلال بشمارد. زنا با زن همسایه.

سه نفرند که اول از همه وارد بهشت می شوند: شهید در راه خدا، غلامی که بردگی اش از طاعت خدا غافلش نکند. فقیر عیالوار که با عفت زندگی کند.

سه گروه را خداوند دشمن می دارد: کسی که در صدقه دادن منت گذارد، توانمندی که بخل بورزد، و تهدستی که اسراف کند.

سه نفرند که اول از همه وارد آتش می شوند: فرمانروایی که با زور سر کار آید، ثروتمندی که زکات مالش را نمی دهد و تهیدستی بدکار.

هیچ کس در سه چیز رخصت ندارد: وفای به عهد با مسلم باشد یا کافر، نیکی به پدر و مادر مسلمان باشند یا کافر، و ادای امانت مسلمان باشد یا کافر.

هر کس سه صفت داشته باشد ایمانش کامل است: در راه خدا از سرزنش ملامت کنندگان نترسد. در هیچ عملی ریا کار نباشد. هرگاه در مقابل کار دنیا و کار آخرت قرار گرفت، کار آخرت را برگزیند.

سه کار از بهترین کارهاست: جهاد [مبارزه] با هوای نفس، غلبه بر تمایلات، بی میلی به دنیا.

سه کار را نباید به تأخیر انداخت: نماز اول وقت، دفن جنازه، بی همسری که خواستگار مناسب دارد.

۲۸۶۲. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: در حق سه کس، جز منافق کوتاهی نمی کند: کسی که عمری در اسلام گذرانده است. پیشوای عادل. معلم خیر.

۲۸۶۳. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس یکی از این سه خصلت را داشته باشد خداوند به او حورالعین عطا می کند: کسی که از ترس خدا امانت مخفی را به صاحبش برساند. کسی که قاتل را عفو کند. کسی که بعد از هر نماز ده مرتبه قل هو الله احد را بخواند.

٢٨٦٤. وقال صلى الله عليه وآله: ثلاثٌ ليسَ عليهنَّ غيبَةٌ: من جَهَرَ بِفِسْقِهِ، ومن جَارَ في حُكْمِهِ، ومن خَالَفَ قَوْلَهُ فَعَلَهُ. (١)

٢٨٦٥. وقال صلى الله عليه وآله: لا تَعْتَدُوا إِلَّاءِ إِلَى عَالِمٍ يَدُلُّكُمْ مِنْ ثَلَاثٍ إِلَى ثَلَاثٍ: مِنَ الْكِبَرِ إِلَى التَّوَضُّعِ، وَمِنَ الْمُدَاهَنَةِ (٢) إِلَى الْمُنَاصَحَةِ، وَمِنَ الْجَهْلِ إِلَى الْعِلْمِ. (٣)

٢٨٦٦. وقال صلى الله عليه وآله: هَلَاكُ النَّفْسِ فِي ثَلَاثٍ: الْكِبَرِ، وَالْحِرْصِ، وَالْحَسَدِ؛ فَالْكِبَرُ هَلَاكُ الدِّينِ وَبِهِ لُعِنَ إبليسُ، وَالْحِرْصُ عَدُوُّ النَّفْسِ وَبِهِ أَخْرَجَ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ الْجَنَّةِ، وَالْحَسَدُ رَائِدُ الشَّوْءِ، وَمِنْهُ قَتَلَ قَابِيلُ هَابِيلَ.

٢٨٦٧. وقال النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ رَجُلٍ هَفَاهٍ وَحَفَاهٍ وَنَفَاهٍ؛ الْهَفَاءُ (٤) رَجُلٌ يُظْهِرُ الْمَحَبَّةَ بِلِسَانِهِ وَيَكُونُ عَدُوًّا فِي قَلْبِهِ، وَالْحَفَاءُ هُوَ الَّذِي يَكُونُ كَثِيرَ الْمَقَالِ، وَلَا يَكُونُ الْفَائِدَةَ فِي مَقَالَتِهِ، وَالنَّفَاهُ هُوَ الَّذِي يَقُولُ وَلَا يَعْمَلُ بِمَا يَقُولُ.

٢٨٦٨. وقال صلى الله عليه وآله: لا يَرُدُّ دُعَاءَ أَوْلَيْهِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، فَإِنَّ أُمَّتِي يَأْتُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهُمْ يَقُولُونَ:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، فَيُنْقَلُ حَسَنَاتُهُمْ فِي الْمِيزَانِ، فَيُقَالُ: أَلَا مَا أَرْجَحَ مَوَازِينَ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ! فَتَقُولُ الْأَنْبِيَاءُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: إِنَّ ابْتِدَاءَ كَلَامِهِمْ ثَلَاثَةٌ أَسْمَاءٍ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ لَوْ وُضِعَتْ فِي كَفِّهِ الْمِيزَانِ وَوُضِعَتْ سَيِّئَاتُ الْخَلْقِ فِي كَفِّهِ أُخْرَى لَرَجَحَتْ حَسَنَاتُهُمْ. (٥)

٢٨٦٩. وَعَيْنُ ابْنِ عَبَّاسٍ: نَظَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى الْكَعْبَةِ فَقَالَ: مَرَحَبًا بِحُكِّكَ مِنْ بَيْتِ، مَا أَعْظَمَكَ وَمَا أَعْظَمَ حُرْمَتَكَ! وَاللَّهِ، إِنَّ الْمُؤْمِنَ أَعْظَمَ حُرْمَةً عِنْدَ اللَّهِ مِنْكَ؛ إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ مِنْكَ وَاحِدَةً، وَمِنَ الْمُؤْمِنِ حَرَّمَ ثَلَاثًا: دَمَهُ، وَمَالَهُ، وَأَنْ يُظَنَّ بِهِ ظَنُّ الشَّوْءِ. (٦)

٢٨٧٠. وَعَنِ الصَّيَادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ عَرَفَ اللَّهَ مَنَعَ فَاهُ مِنَ الْكَلَامِ، وَبَطَنَهُ مِنَ الطَّعَامِ، وَعَنَى نَفْسَهُ (٧) بِالصَّيَامِ وَالْقِيَامِ. (٨)

٢٨٧١. وقال صلى الله عليه وآله: ثَلَاثَةٌ تُقْسِي الْقَلْبَ: اسْتِمَاعُ اللَّهْوِ، وَطَلْبُ الصَّيْدِ، وَإِتْيَانُ بَابِ السُّلْطَانِ. (٩)

ص: ٥٠٦

١- (١). مجموعهُ وَرَّام، ج ٢، ص ٢٥٢.

٢- (٢). المداهنه: أن ترى منكراً وتقدر على دفعه ولم تدفعه حفظاً لجانب مرتكبه أو جانب غيره، أو لقله المبالاه بالدين.

٣- (٣). مجموعهُ وَرَّام، ج ٢، ص ٢٢٣.

٤- (٤). فُسِّرَ بما لم أجده في اللغه إذ الهفاه: الأحمق، والنفاه: الدنيى والردل، والحفاه: المبالغ في السؤال.

٥- (٥). مجموعهُ وَرَّام، ج ١، ص ٣٢.

٦- (٦). مجموعهُ وَرَّام، ج ١، ص ٥٢؛ شرح نهج البلاغه، ج ١٨، ص ٢٧٨.

٧- (٧). العناء: التعنيه والمشقه (العين: ٢٥٣/٢).

- ٨- (٨) . الكافي، ج ٢، ص ٢٣٧، ح ٢٥.
- ٩- (٩) . من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٣٦٦، ح ٥٧٦٢.

۲۸۶۴. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: سه کس غیبت ندارند: کسی که آشکارا گناه کند. قاضی که در قضاوت ستم کند. کسی که گفتارش مخالف رفتارش باشد.

۲۸۶۵. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: نزد عالمی بنشینید که از سه چیز به سه چیز راهنمایی کند: از تکبر به فروتنی، از بی توجهی به مسائل دینی به نصیحت کردن، از نادانی به دانش.

۲۸۶۶. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: نابودی در سه چیز است: تکبر که دین را نابود می کند، و شیطان به خاطر آن لعن شد. حرص که دشمن انسان است، و آدم علیه السلام به خاطر آن از بهشت رانده شد. و حسد که ریشه بدی است، و قاییل از حسد هاییل را به قتل رسانید.

۲۸۶۷. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: پناه به خدا می برم از کسی که هفاه و حفاه و نفاه است. هفاه یعنی کسی که به زبان اظهار محبت می کند و در قلب دشمن است. و حفاه یعنی پرحرف و بیهوده گو. و نفاه یعنی کسی که به آنچه می گوید عمل نمی کند.

۲۸۶۸. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: دعای کسی که با بسم الله الرحمن الرحیم شروع شود رد نمی شود. امت من در حالی که بسم الله الرحمن الرحیم می گویند وارد قیامت می شوند و حسنات آنان در میزان سنگین می شود. پس ندا میرسد که حسنات امت محمد صلی الله علیه و آله در ترازو سنگین ترین است. سپس پیامبران علیهم السلام می گویند: چون امت محمد صلی الله علیه و آله در آغاز سخن سه نام از نامهای خدا را بر زبان می آورند که اگر آنها را در یک کفه و تمام خطاهای مردم را در کفه دیگر بگذارند، حسنات آنان بیشتر می شود.

۲۸۶۹. ابن عباس: پیامبر صلی الله علیه و آله به کعبه نگاه کردند و فرمودند: مرحبا بر تو ای خانه که با عظمتی و حرمت تو عظیم است. به خدا قسم حرمت مؤمن از حرمت تو بیشتر است. خداوند برای تو یک حرمت و برای مؤمن سه حرمت قرار داد: حرمت خون و مال او و سوء ظن به مؤمن داشتن.

۲۸۷۰. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس خدا را بشناسد، دهان از سخن و شکم از غذا فروبندد. و خود را با روزه و نماز به مشقت اندازد.

۲۸۷۱. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: سه چیز قساوت قلب می آورد: شنیدن موسیقی، شکار کردن، و رفتن به دربار شاهان.

٢٨٧٢. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْجِيرَانُ ثَلَاثٌ: جَارٌ لَهُ حَقٌّ وَاحِدٌ، وَجَارٌ لَهُ حَقَّانِ، وَجَارٌ لَهُ ثَلَاثُ حُقُوقٍ؛ أَمَّا الَّذِي لَهُ حَقٌّ وَاحِدٌ الْجَارُ الْمُشْرِكُ، وَالَّذِي لَهُ حَقَّانِ الْجَارُ الْمُسْلِمُ، وَالَّذِي لَهُ ثَلَاثُ حُقُوقٍ الْجَارُ الْمُسْلِمُ ذِي الرَّحِمِ (١). (٢).

٢٨٧٣. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ آوَاهُ اللَّهُ تَعَالَى فِي كَنَفِهِ (٣)، وَنَشَرَ عَلَيْهِ رَحْمَتَهُ، وَأَدْخَلَهُ فِي مَحَبَّتِهِ. قِيلَ:

وَمَنْ ذَاكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: مَنْ إِذَا أُعْطِيَ شَكَرَ، وَإِذَا قَدَرَ غَفَرَ، وَإِذَا غَضِبَ فَتَرَ (٤). (٥).

٢٨٧٤. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ وَجَدَ حَلَاوَةَ الْإِيمَانِ: مَنْ كَانَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِمَّا سِوَاهُمَا، وَمَنْ أَحَبَّ عَبْدًا لَا يُحِبُّهُ إِلَّا لِلَّهِ، وَمَنْ يَكْرَهُ أَنْ يَعُودَ فِي الْكُفْرِ بَعْدَ أَنْ أَنْقَذَهُ اللَّهُ كَمَا يَكْرَهُ أَنْ يُلْقَى فِي النَّارِ. (٦).

٢٨٧٥. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ذَاقَ طَعْمَ الْإِيمَانِ مَنْ رَضِيَ بِاللَّهِ رَبًّا، وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا، وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا. (٧).

٢٨٧٦. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ثَلَاثَةٌ لَهُمْ أَجْرَانِ: رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمَنَ بِنَبِيِّهِ وَآمَنَ بِمُحَمَّدٍ، وَالْعَبْدُ الْمَمْلُوكُ إِذَا أَدَّى حَقَّ اللَّهِ وَحَقَّ مَوَالِيهِ، وَرَجُلٌ كَانَتْ عِنْدَهُ أَمَةٌ يَطُوقُهَا فَأَدَّبَهَا فَأَحْسَنَ تَأْدِيبَهَا وَعَلَّمَهَا فَأَحْسَنَ تَعْلِيمَهَا، ثُمَّ أَعْتَقَهَا فَتَزَوَّجَهَا، فَلَهُ أَجْرَانِ. (٨).

٢٨٧٧. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ثَلَاثَةٌ يَكُونُ (٩) فِي ظِلِّ الْعَرْشِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا لِلَّهِ: إِمَامٌ عَادِلٌ، وَمُؤَدِّنٌ حَافِظٌ عَلَى الْأَذَانِ، وَقَارِئٌ يَقْرَأُ كُلَّ يَوْمٍ مِئْتَى آيَةٍ. (١٠).

٢٨٧٨. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَصْدِقَاؤُكَ ثَلَاثَةٌ: صِدِّيقُكَ، وَصِدِّيقُ صِدِّيقِكَ، وَعَدُوُّكَ، وَأَعْدَاؤُكَ ثَلَاثَةٌ: عَدُوُّكَ، وَعَدُوُّ صِدِّيقِكَ، وَصِدِّيقُ عَدُوِّكَ. (١١).

٢٨٧٩. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الصَّدِّيقُونَ ثَلَاثَةٌ: حَبِيبُ النَّجَارِ مُؤْمِنٌ آلِ يَاسِينَ، وَخَرِبِيلُ مُؤْمِنٌ آلِ فِرْعَوْنَ، وَعَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَهُوَ أَفْضَلُهُمْ. رَوَاهُ صَاحِبُ الْفِرْدَوْسِ. (١٢).

ص: ٥٠٨

١- (١). أَى حَقُّ الْجَوَارِ، وَحَقُّ الْإِسْلَامِ، وَحَقُّ الرَّحِمِ.

٢- (٢). كَشَفَ الْخِفَاءَ، ج ١، ص ٣٢٨، ح ١٠٥٥.

٣- (٣). الْكَنْفُ - بِالْتَحْرِيكِ -: الْجَانِبُ وَالنَّاحِيَةُ. آوَاهُ: أَى ضَمَّهُ إِلَيْهِ وَحَفِظَهُ؛ أَى حَفِظَهُ اللَّهُ فِي كَنَفِهِ.

٤- (٤). فَتَرَ فُتُورًا: سَكَنَ عَنْ حِدَّتِهِ، وَلَانَ بَعْدَ شِدَّتِهِ (الْعَيْنُ: ١١٤/٨).

٥- (٥). الْمُسْتَدْرِكُ لِلْحَاكِمِ النَّيْسَابُورِيِّ، ج ١، ص ١٢٥.

٦- (٦). مَشْكَاهُ الْأَنْوَارِ، ص ٢٢٠؛ مَسْنَدُ أَحْمَدَ، ج ٣، ص ١٠٣.

٧- (٧). مَسْنَدُ أَحْمَدَ، ج ١، ص ٢٠٨.

٨- (٨). مَسْنَدُ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ، ص ٣٩٥؛ صَحِيحُ الْبُخَارِيِّ، ج ١، ص ٣٣.

٩- (٩). كَذَا.

- ١٠- (١٠) . جاء الحديث فى المصادر بهذا النحو: «الإمام العادل، و شابُّ نشأ فى عباده الله عز و جل و رجل قلبه متعلق بالمسجد إذا خرج منه حتى يعود إليه» الخ. الخصال، ص ٣٤٣، ح ٨؛ صحيح البخارى، ج ٢، ص ١١٦.
- ١١- (١١) . جاء فى نهج البلاغه، ج ٤، ص ٧١، ح ٢٩٥ و ينابيع الموده للقندوزى، ج ٢، ص ٢٤٧، ح ٦٩٥ عن الإمام على عليه السلام.
- ١٢- (١٢) . مسند زيد بن على، ص ٤٠٦؛ الجامع الصغير، ج ٢، ص ١١٥، ح ٥١٤٩.

۲۸۷۲. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: همسایه سه نوع است: همسایه ای که فقط یک حق دارد؛ همسایه کافر است. همسایه ای که دو حق دارد؛ همسایه مسلمان است. و همسایه ای که سه حق دارد، همسایه مسلمان و خویشاوند است [که حق همسایگی و حق اسلام و حق خویشاوندی دارد].

۲۸۷۳. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: سه چیز در هر کس باشد خداوند متعال او را در جوار خود جای دهد. و بر او رحمت کند. و او را به محبت خود وارد کند. پرسیدند: آن سه چیست یا رسول الله؟ فرمودند: کسی که اگر به او چیزی داده شد شکر آن را به جا آورد. و اگر قدرت پیدا کرد گذشت می کند. و هنگام غضب آرامش خود را حفظ می کند.

۲۸۷۴. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: سه چیز در هر کس باشد، شیرینی ایمان را چشیده است: کسی که خدا و رسول خدا محبوبترین کس نزد او باشند. کسی که اگر بنده ای را دوست دارد برای خدا باشد. و کسی که بعد از ایمان آوردن از بازگشت به کفر به اندازه افتادن در آتش نفرت دارد.

۲۸۷۵. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که راضی باشد پروردگار خدای او و اسلام دین او و محمد رسول او باشد، طعم ایمان را چشیده است.

۲۸۷۶. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: سه کس دو اجر دارند: کسی از اهل کتاب که به پیامبر خود و سپس به محمد صلی الله علیه و آله ایمان آورد. غلامی که حق خدا و حق سرور خود را بجا آورد. و کسی که کنیزی داشته باشد با او زندگی کند و او را خوب ادب کند و خوب تعلیم دهد. سپس او را آزاد کند و با او ازدواج کند دو اجر دارد.

۲۸۷۷. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: روزی که سایه ای جز سایه عرش نیست سه کس در سایه عرش هستند:

پیشوای عادل، و مؤذنی بر اذان گفتن محافظت می کند. و قاری قرآن که روزانه دو بیست آیه قرائت کند.

۲۸۷۸. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: دوستان تو سه گروهند: دوست تو، دوست دوست تو، و دشمن دشمن تو.

و دشمنان تو سه گروهند: دشمن تو، دشمن دوست تو، دوست دشمن تو.

۲۸۷۹. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: صدیقین سه نفرند: حبیب نَجَّار که مؤمن آل یس بود. و خربیل که مؤمن آن فرعون بود. و علی بن ابی طالب علیه السلام که از همه افضل است.

٢٨٨٠. وَرَوَى أَيْضاً فِي الْكِتَابِ الْمَذْكُورِ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَ ذُرِّيَّةَ كُلِّ نَبِيٍّ فِي صُلْبِهِ، وَجَعَلَ ذُرِّيَّتِي فِي صُلْبِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ (١). (٢).

٢٨٨١. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: آمَتِي عَلَى ثَلَاثَةِ أَصْنَافٍ: صِنْفٌ يُشْبِهُونَ الْمَلَائِكَةَ، وَصِنْفٌ يُشْبِهُونَ الْأَنْبِيَاءَ، وَصِنْفٌ يُشْبِهُونَ الْبَهَائِمَ؛ أَمَّا الَّذِينَ يُشْبِهُونَ الْمَلَائِكَةَ فَهَمَّتُهُمْ تَسْبِيحٌ وَتَهْلِيلٌ، وَأَمَّا الَّذِينَ يُشْبِهُونَ الْأَنْبِيَاءَ فَهَمَّتُهُمُ الصَّلَاةُ وَالصَّدَقَةُ وَالصَّوْمُ، وَأَمَّا الَّذِينَ يُشْبِهُونَ الْبَهَائِمَ فَهَمَّتُهُمْ أَكْلٌ وَشُرْبٌ وَنَوْمٌ. (٣).

٢٨٨٢. وَرَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: تَكُونُ أُمَّتِي فِي الدُّنْيَا عَلَى ثَلَاثَةِ أَطْبَاقٍ:

أَمَّا الطَّبَقُ الْأَوَّلُ فَلَا يُحِبُّونَ جَمْعَ الْمَالِ وَادِّخَارَهُ، وَلا يَسْعَوْنَ فِي اقْتِنَائِهِ وَاحْتِكَارِهِ، وَإِنَّمَا رِضَاهُمْ مِنَ الدُّنْيَا سُدُّ جُوعِهِ، وَسِتْرُ عَوْرِهِ، وَغَنَاهُمْ مِنْهَا مَا بَلَغَ الْآخِرَةَ، فَأُولَئِكَ الْأَمْنُونَ الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلا هُمْ يَحْزَنُونَ.

(وَأَمَّا الطَّبَقُ الثَّانِي) فَإِنَّهُمْ يُحِبُّونَ جَمْعَ الْمَالِ مِنْ أَطْيَبِ وُجُوهِهِ وَأَحْسَنِ سُبُلِهِ، يَصْتَلِمُونَ بِهِ أَرْحَامَهُمْ، وَيَبْرُونَ بِهِ إِخْوَانَهُمْ، وَيُؤَاسُونَ (٤) فَقَرَاءَهُمْ، وَلَعَضُّ أَحَدِهِمْ عَلَى الرَّصِيفِ (٥) أَيْسَرُ عَلَيْهِ مِنْ أَنْ يَكْتَسِبَ دِرْهَمًا مِنْ غَيْرِ حِلِّهِ، أَوْ يَمْنَعَهُ مِنْ حَقِّهِ، أَوْ يَكُونَ لَهُ خَازِنًا إِلَى يَوْمِ مَوْتِهِ، فَأُولَئِكَ الَّذِينَ إِنْ نَوَقَشُوا عَذَّبُوا وَإِنْ عَفِيَ عَنْهُمْ سَلِمُوا.

(وَأَمَّا الطَّبَقُ الثَّلَاثُ) فَإِنَّهُمْ يُحِبُّونَ جَمْعَ الْمَالِ مِمَّا حَلَّ وَحَرَّمَ، وَمَنْعَهُ مِمَّا افْتَرَضَ وَوَجَبَ، إِنْ أَنْفَقُوا أَنْفَقُوهُ إِسْرَافًا وَبِدَارًا (٦)، وَإِنْ أَمْسَكُوهُ أَمْسَكُوهُ بُخْلًا وَاحْتِكَارًا، أُولَئِكَ الَّذِينَ مَلَكَتِ الدُّنْيَا زِمَامَ قُلُوبِهِمْ حَتَّى أوردَتْهُمْ النَّارَ بِذُنُوبِهِمْ. (٧).

٢٨٨٣. وَقَالَ الْبَاقِرُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: إِذَا ابْتَلَيْتُ عَبْدِي وَلَمْ يَشْكُ عَلَيَّ عَوَادِهِ ثَلَاثًا، أَبَدَلْتُهُ

ص: ٥١٠

١- (١). وردت روايات كثيرة في هذا المعنى في كتب الفضائل؛ كينابيع المودة ونور الأبصار والفصول المهمة لابن الصبغ بالفاظ مختلفة، فراجع.

٢- (٢). الجامع الصغير، ج ١، ص ٢٦٢، ح ١٧١٧؛ الأمالي للصدوق، ص ٤٥٠؛ ح ١٩/٦٠٩، شماره ٢٨٨٢ و ٢٨٨٠.

٣- (٣). جامع الأخبار، ص ١٠١.

٤- (٤). المواساة: من آسى مهموزاً فبدلت الهمزة ألفاً بمعنى المشاركة والمساهمة في المعاش والرزق.

٥- (٥). الرِّصْفُ: الحجارة المترصفة، واحدها رَصِيفٌ - بالتحريك - ورصِفَ الحجر: بناه فوصل بعضه ببعض (لسان العرب: ١١٩/٩).

٦- (٦). بداراً: أى مبارزةً ومسبقاً. يقال: بَدَرَ إِلَى الشَّيْءِ بَدُورًا وَبَادَرَ إِلَيْهِ مَبَادِرَهُ وَبِدَارًا: أُسْرِعَ (مجمع البحرين: ٢١٦/٣).

٧- (٧). بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٨٤، التاسع والشعرون.

۲۸۸۰. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند ذریّه هر پیامبری را در صلب او قرار داد ولی ذریّه مرا در صلب علی بن ابی طالب علیه السلام قرار داد.

۲۸۸۱. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: امت من سه گروه هستند: گروهی شبیه ملائکه هستند، همت این گروه تسبیح و تهلیل است. گروهی شبیه پیامبران هستند، همت این گروه نماز و روزه و صدقه است. گروهی هم شبیه حیوانات هستند، همت این گروه خوردن و آشامیدن و خوابیدن است.

۲۸۸۲. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: امت من در دنیا سه طبقه هستند: طبقه اول، جمع کردن مال و ذخیره کردن را دوست ندارند. و برای پس انداز کردن و احتکار تلاش نمی کنند. به مقدار رفع گرسنگی و پوشش بدن راضی هستند و به بی نیازی در آخرت راضی هستند. ایشان کسانی هستند که ایمان آورده اند و خوف ندارند و محزون نمی شوند.

طبقه دوم: دوست دارند که مال را از پاکترین صورت و بهترین راه بدست آورند. و با آن روابط خویشاوندی برقرار کنند. و به برادران خود احسان کنند. و به فقیران کمک نمایند. جویدن سنگ برای آنها آسان تر است از بدست آوردن مال حرام و یا منع کسی از حق خودش و یا حقی را تا زمان مرگ به عهده داشته باشند. این طبقه کسانی هستند که اگر خوب حساب رسی شوند در عذابند و اگر مورد عفو قرار گیرند در سلامتی هستند.

طبقه سوم: جمع کردن مال را از راه حلال و حرام دوست دارند. و وظائف واجب را انجام نمی دهند. اگر مال را مصرف کنند، اسراف و زیاده روی می کنند. و اگر نگه دارند بخل و احتکار می کنند. دنیا زمام قلب ایشان را بدست گرفته است، تا به سبب گناه ایشان را به دوزخ رهسپار کند.

۲۸۸۳. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند می فرماید: اگر بنده ای را سه روز مبتلا کردم و به عیادت

لِحِمَاً خَيْراً مِنْ لَحْمِهِ ، وَجِلْداً خَيْراً مِنْ جِلْدِهِ، وَدَمًا خَيْراً مِنْ دَمِهِ، إِنْ تَوَفَّيْتُهُ فَإِلَى رَحْمَتِي، وَإِنْ عَافَيْتُهُ عَافَيْتُهُ وَلَا ذَنْبَ عَلَيهِ. (١)

٢٨٨٤. وَرَوَى عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: قُسِمَ الْعَقْلُ عَلَى ثَلَاثَةِ أَجْزَاءٍ؛ فَمَنْ كُنَّ فِيهِ كَمَلَ عَقْلُهُ، وَمَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ فَلَا عَقْلَ لَهُ، وَهِيَ: حُسْنُ الْمَعْرِفَةِ بِاللَّهِ تَعَالَى، وَحُسْنُ الطَّاعَةِ لَهُ، وَحُسْنُ الصَّبْرِ عَلَى مَا أَمَرَ اللَّهُ. (٢)

٢٨٨٥. وَعَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: سَيِّدُ الْأَعْمَالِ ثَلَاثَةٌ: إِنْصَافُ النَّاسِ مِنْ نَفْسِكَ، وَمُوَاسَاةُ الْأَخِ فِي اللَّهِ، وَذِكْرُ اللَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ. (٣)

٢٨٨٦. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ثَلَاثَةٌ مِنَ الذُّنُوبِ تُعَجَّلُ عُقُوبَتُهَا فِي الدُّنْيَا لَا تُؤَخَّرُ إِلَى الْآخِرَةِ: الْعَاقُ وَالْإِدْيِي، وَالبَاغِي عَلَى النَّاسِ، وَكَفْرُ الْإِحْسَانِ.

وأوصى - عليه الصلاة والسلام - أبا ذرٍّ رَحِمَهُ اللَّهُ بِثَلَاثٍ: تَبَّ بِالذِّكْرِ قَلْبَكَ، وَجَافِ عَنِ النَّوْمِ جَنْبَكَ، وَاتَّقِ اللَّهَ رَبَّكَ. (٤)

٢٨٨٧. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَكْثَرُوا مِنْ ذِكْرِ ثَلَاثٍ تَهْنُ عَلَيْكُمْ الْمَصَائِبُ: أَكْثَرُوا ذِكْرَ الْمَوْتِ، وَيَوْمَ خُرُوجِكُمْ مِنَ الْمَقَابِرِ، وَيَوْمَ قِيَامِكُمْ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عِزِّ وَجَلِّ. (٥)

ص: ٥١٢

١- (١) . مكارم الأخلاق، ص ٣٥٩.

٢- (٢) . الخصال، ص ١٠٢، ح ٥٨؛ كتاب العقل وفضله، ص ٦٨.

٣- (٣) . الكافي، ج ٢، ص ١٤٥، ح ٧.

٤- (٤) . الأمالي للمفيد، ص ٢٣٧؛ مجموعه ورام، ج ٢، ص ١١٧ وفيه: «والمجازى الإحسان بكفر» بدل: «وكفر الإحسان».

٥- (٥) . معدن الجواهر، ص ٣٢.

کنندگان شکایت نکرد، گوشت و پوست و خونی بهتر از قبلش به او عطا می‌کنم. اگر بمیرد به رحمت من پیوسته است. و اگر سلامت یابد گناهِش را ببخشم.

۲۸۸۴. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: عقل سه قسمت است هر کس همه را دارد عاقل است و هر کس آنها را ندارد بی عقل است: خدا را درست شناختن، خوب اطاعت کردن، در انجام وظیفه خوب صبر کردن.

۲۸۸۵. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: برترین کارها سه چیز است: با مردم انصاف داشتن، در راه خدا مال خود را با دیگران مصرف کردن، به یاد خدا در همه حال بودن.

۲۸۸۶. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: کیفر سه گناه در دنیا است و تا آخرت به تأخیر نمی‌افتد: آزردن پدر و مادر، ظلم به مردم، در مقابل خوبی بدی کردن.

و ابوذر را به سه چیز توصیه فرمودند: قلب خود را با یاد خدا بیدار کن. پهلو از خواب تهی کن [کمتر بخواب]. از خدای خود بترس.

۲۸۸۷. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: برای اینکه مصیبتها بر شما آسان شود سه چیز را بسیار یاد کنید: مرگ، وقت بیرون آمدن از قبر، و ایستادن در مقابل خدای عزّ و جل [برای حساب].

٢٨٨٨. رُوِيَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ثَلَاثٌ خِصَالٍ مَنْ كُنَّ فِيهِ أَوْ وَاحِدَةٌ مِنْهُنَّ كَانَ فِي ظِلِّ عَرْشِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا لِلَّهِ: رَجُلٌ أُعْطِيَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ مَا هُوَ سَائِلُهُمْ لَهَا، وَرَجُلٌ لَمْ يُقَدِّمَ رَجُلًا وَلَمْ يُؤَخَّرْ آخَرَ حَتَّى يَعْلَمَ أَنَّ ذَلِكَ لِلَّهِ فِيهِ رِضَى أَوْ سَخَطٌ، وَرَجُلٌ لَمْ يَعِْبْ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ بِعَيْبٍ حَتَّى يَنْفَى ذَلِكَ الْعَيْبَ مِنْ نَفْسِهِ؛ فَإِنَّهُ لَا يَنْفَى مِنْهَا عَيْبًا إِلَّا بَدَأَ لَهُ عَيْبٌ، وَكَفَى بِالْمَرْءِ شُغْلًا بِنَفْسِهِ عَنِ النَّاسِ. (١)

٢٨٨٩. وَعَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: سَأَلْتُ رَبِّي تَبَارَكَ وَتَعَالَى ثَلَاثَ خِصَالٍ فَأَعْطَانِي اثْنَتَيْنِ وَمَنْعَنِي وَاحِدَةً. قُلْتُ: يَا رَبِّ لَا تَهْلِكْ أُمَّتِي جَوْعًا، قَالَ: لَكَ هَذِهِ. قُلْتُ: يَا رَبِّ لَا تَسْلُطْ عَلَيْهِمْ عِدُوًّا مِنْ غَيْرِهِمْ - يَعْنِي الْمُشْرِكِينَ - فَيَجْتَاخَهُمْ، قَالَ: لَكَ ذَلِكَ. قُلْتُ: يَا رَبِّ لَا تَجْعَلَ بَأْسَهُمْ بَيْنَهُمْ، فَمَنْعَنِي هَذِهِ. (٢)

٢٨٩٠. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ثَلَاثٌ مَوْبِقَاتٌ (٣)؛ نَكَثُ (٤) الصَّفَقَةِ، وَتَرَكَ السُّنَّةَ، وَفَرَّقَ الْجَمَاعَةَ. وَثَلَاثٌ مُنْجِيَاتٌ: تَكْفُ لِسَانِكَ، وَتَبْكِي عَلَى خَطِيئَتِكَ، وَتَلْزَمُ بَيْتَكَ. (٥). (٦)

٢٨٩١. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ثَلَاثَةٌ وَإِنْ تَظَلَّمَهُمْ ظَلَمُوكَ: السَّفَلَةُ، وَزَوْجَتُكَ، وَخَادِمُكَ. (٧). (٨)

ص: ٥١٤

- ١- (١). الخصال، ص ٨١، ح ٣.
- ٢- (٢). الخصال، ص ٨٣، ح ٩.
- ٣- (٣). الموبقات: أى الذنوب المهلكات (لسان العرب: ٣٧٠/١٠).
- ٤- (٤). النكث: نقض ما تعقده وتصلحه من بيعه وغيرها (لسان العرب: ١٩٦/٢).
- ٥- (٥). هذه من الروايات الآمرة بالعزلة فى مقابل روايات أمره بالاجتماع وأداء الحقوق وزياره الإخوان، ويمكن الجمع بينهما بأن الأولى مختصه بمن لا- أثر له فى المجتمع، والثانية لمن له أثر فى إصلاحه، أو أن الأولى لمن يتأثر بفساد المجتمع وتفسد أخلاقه، والثانية لمن لا يتأثر ولا تفسد أخلاقه.
- ٦- (٦). الخصال، ص ٨٥، ح ١٣.
- ٧- (٧). ليس المراد تجويز ظلمهم، بل المراد توطين النفس لتحمل أذاهم والصبر على ما يصدر منهم.
- ٨- (٨). الخصال، ص ٨٦، ح ١٥.

فصل چهارم: احادیثی که شیعه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده است

۲۸۸۸. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که یکی از این سه خصلت را داشته باشد در قیامت که هیچ سایه ای نیست، در سایه عرش خداست: کسی که با مردم آن گونه باشد که خود از آنها توقع دارد.

کسی که یک قدم به جلو یا عقب برندارد مگر آنکه بداند آیا خدا از آن راضی است یا ناخشنود کسی که از برادر مسلمان خود عیب جوئی نکند مگر اینکه آن عیب را از خود دور کرده باشد، و از خود عیبی را دور نمی کند مگر اینکه عیب دیگری از خود را بشناسد.

و انسان به جای عیب دیگران به عیب خود پردازد، وقت کافی ندارد [چه رسد که به عیب دیگران پردازد].

۲۸۸۹. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: از پروردگام سه خصلت خواستم. خداوند دو خصلت عطا فرمود و از دیگری منع نمود: گفتم: خدایا امت مرا از گرسنگی هلاک نکن. خداوند عطا فرمود.

گفتم: خدایا دشمنان امت مرا [یعنی مشرکین] را بر امت من مسلط نکن و امت مرا محتاج آنان مگردان. خداوند عطا فرمود.

گفتم: خدایا بین امت من اختلاف قرار مده. خداوند منع فرمود.

۲۸۹۰. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: سه خصلت موجب هلاک می شوند: نقض قرار داد و معاهده، ترک سنتهای نیکو و جدا شدن از اجتماع.

و سه خصلت موجب نجات می شوند: زبان خود را نگه دار، بر خطای خود گریه کن و [هنگامی که بیرون آمدن از خانه مفسده دارد] در خانه بمان.

۲۸۹۱. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: سه کس گرچه آنها را نیازی تو را اذیت می کنند: فرومایه، همسر و خادم. [در معاشرت با این سه دقت و تدبیر بیشتری لازم است]

٢٨٩٢. عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثَلَاثَةً: الْأَكْبَلَ زَادَهُ وَحْدَهُ، وَالرَّاكِبَ فِي الْفَلَاحِ (١) وَحْدَهُ، وَالنَّائِمَ فِي بَيْتٍ وَحْدَهُ. (٢)

٢٨٩٣. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ فِي الْجَنَّةِ دَرَجَةً لَا يَنْالُهَا إِلَّا إِمَامٌ عَادِلٌ، أَوْ ذُو رَحِمٍ وَصُولٌ، أَوْ ذُو عِيَالٍ صَبُورٌ. (٣)

٢٨٩٤. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: كُلُّ عَيْنٍ بَاكِيَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا ثَلَاثَةً أَعْيُنٍ: عَيْنٌ بَكَتْ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ، وَعَيْنٌ غَضَّتْ (٤) عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ، وَعَيْنٌ بَاتَتْ سَاهِرَةً فِي سَبِيلِ اللَّهِ.

وَقَالَ: يَا عَلِيُّ، لَا تُشَاوِرَنَّ جَبَانًا؛ فَإِنَّهُ يُضَيِّقُ عَلَيْكَ الْمَخْرَجَ، وَلَا تُشَاوِرَنَّ الْبَخِيلَ؛ فَإِنَّهُ يَقْصُرُ بِكَ عَنْ غَايَتِكَ، وَلَا تُشَاوِرَنَّ حَرِيصًا؛ فَإِنَّهُ يُزَيِّنُ لَكَ شَرَّهَا (٥).

وَأَعْلَمَ يَا عَلِيُّ أَنَّ الْجُبْنَ وَالْبُخْلَ وَالْحِرْصَ (٦) غَرِيزَةٌ وَاحِدَةٌ يَجْمَعُهَا سُوءُ الظَّنِّ. (٧)

٢٨٩٥. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ثَلَاثُ خِصَالٍ مَنْ كُنَّ فِيهِ اسْتَكْمَلَتْ خِصَالَ الْإِيمَانِ: الَّذِي إِذَا رَضِيَ لَمْ يَدْخُلْهُ رِضَاءٌ فِي إِثْمٍ وَلَا بَاطِلٍ، وَإِذَا غَضِبَ لَمْ يُخْرِجْهُ الْغَضَبُ مِنَ الْحَقِّ، وَإِذَا قَدَّرَ لَمْ يَتَعَاطَ (٨) مَا لَيْسَ لَهُ. (٩)

٢٨٩٦. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ثَلَاثَةٌ لَا يَكْلُمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ: رَجُلٌ بَاعَ إِمَامًا وَلَا يُبَايِعُهُ إِلَّا لِلدُّنْيَا؛ إِنْ أَعْطَاهُ مِنْهَا مَا يُرِيدُ وَفِي لَهُ وَإِلَّا لَمْ يَفِ، وَرَجُلٌ بَاعَ رَجُلًا بِسَلْعَةٍ بَعْدَ الْعَصْرِ فَحَلَفَ بِاللَّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ لَقَدْ أَعْطَى بِهَا كَذًا وَكَذًا، فَصَدَّقَهُ فَأَخَذَهَا وَلَمْ يُعْطَ بِهَا مَا قَالَ، وَرَجُلٌ عَلِيَ فَضْلَ مَاءٍ بِالْفَلَاحِ يَمْنَعُهُ ابْنُ السَّبِيلِ. (١٠)

٢٨٩٧. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ صَوَّرَ صُورَةَ عُذْبٍ وَكَلَّفَ أَنْ يَنْفَخَ فِيهَا وَلَيْسَ بِفَاعِلٍ. وَمَنْ كَذَّبَ فِي حُلْمِهِ عُذْبٌ وَكَلَّفَ أَنْ يَعْقِدَ بَيْنَ شُعَيْرَتَيْنِ (١١) وَلَيْسَ بِفَاعِلٍ. وَمِنْ اسْتَمَعَ إِلَى حَدِيثِ قَوْمٍ وَهُمْ لَهُ كَارِهُونَ يُصَبُّ فِي أُذُنِهِ الْأَنْكُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، (الْأَنْكُ: الرَّصَاصُ). (١٢)

ص: ٥١٦

١- (١) . الفلاح: التي لا ماء بها ولا أنيس (لسان العرب: ١٦٤/١٥).

٢- (٢) . الخصال، ص ٩٣، ح ٣٨.

٣- (٣) . الخصال، ص ٩٣، ح ٣٩.

٤- (٤) . غض طرفه: أي كسره وأطرق ولم يفتح عينه (النهاية: ٣٧١/٣).

٥- (٥) . أي مشاوره الحريص تزيدك حرصاً.

٦- (٦) . أي كلها غريزه واحده؛ لأن الحريص يخاف الفوت، وكذا البخل، ومنشؤها سوء الظن بالله تعالى.

٧- (٧) . الخصال، ص ٩٨، ح ٤٦. وقال: يا علي، لا تشاورن الخ...: الخصال، ص ١٠٢، ح ٥٧.

٨- (٨) . التعاطى: تناول ما لا يحق ولا يجوز تناوله (لسان العرب: ٧٠/١٥).

٩- (٩) . الخصال، ص ١٠٥، ح ٦٦.

١٠- (١٠). الخصال، ص ١٠٦، ح ٧٠.

١١- (١١). قال الجزرى: إن قيل: إن كذب الكاذب فى منامه لا يزيد على كذبه فى يقظته، فلم زادت عقوبته ووعيده وتكليفه عقْد الشّعيرتين؟ قيل: قد صحّ الخبر أنّ الرؤيا الصادقة جزءٌ من النبؤه، والنبؤه لا تكون إلّا وحيًا، والكاذب فى رؤياه يدّعى أنّ الله تعالى أراه ما لم يره، وأعطاه جزءاً من النبؤه ولم يُعطه إياه، والكاذب على الله تعالى أعظمُ فريه مَمّن كذب على الخلق أو على نفسه (لسان العرب: ١٢/١٤٥).

١٢- (١٢). الخصال، ص ١٠٩، ح ٧٧.

۲۸۹۲. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: پیامبر صلی الله علیه و آله سه دسته را لعنت فرمودند: کسی که توشه اش را به تنهایی مصرف کند. کسی که در بیابان بی آب، تنها براه افتد. و کسی که به تنهایی در خانه اش بخوابد.

۲۸۹۳. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: در بهشت رتبه ای است که جز پیشوای عادل و کسی که خوب صلۀ رحم می کند و عیال وار صبور به آن دست نمی یابند.

۲۸۹۴. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: هر چشمی در قیامت گریان است. جز سه چشم: چشمی که از ترس خدا گریسته و چشمی که از نگاه به نامحرم فروهشته و چشمی که در راه خدا شب نخوابیده است.

و فرمودند: یا علی؛ با آدم ترسو مشورت نکن که راه را بر تو تنگ خواهد کرد. و با بخیل مشورت نکن که از رسیدن به هدف جلوگیری می کند. و با حریص مشورت نکن که حرص و آز را در نظرت جلوه می دهد.

یا علی بدانکه ترس و بخل و حرص یک غریزه هستند که از بدگمانی به خدا ناشی می شوند.

۲۸۹۵. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: سه خصلت در هر کس باشد همه صفات ایمان را دارد: در زمان خشنودی به گناه و باطل نگراید. و در زمان غضب و خشم از حریم حق خارج نشود. و هنگام قدرت از حق خود تجاوز نکند.

۲۸۹۶. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند در قیامت با سه گروه سخن نگوید و آنان را از گناه پاک نکند و آنان دچار عذاب دردناک می شوند:

کسی که برای رسیدن به دنیا با امامی بیعت کند و اگر به مقصد خود رسید وفادار بماند و اگر به آن نرسید به عهد خود وفا نکند. و کسی که در نیمه روز متاعی را بفروشد و قسم به خدا یاد کند که به فلان قیمت تمام شده است و مشتری به او اطمینان کند و بخرد در حالی که به آن قیمت تمام نشده باشد.

و کسی که در بیابان آب اضافه دارد و از کسی که در راه مانده دریغ نماید.

۲۸۹۷. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که مجسمه ای بسازد عذابش کنند و می گویند در آن روح بدمد و نمی تواند. کسی که خواب دروغ جعل کند، عذاب شود و مجبورش می کنند که دو حبه ی جو را به هم گره بزند و نمی تواند. و کسی که سخن سری دیگران را گوش دهد، روز قیامت سرب در گوش او بریزند.

٢٨٩٨. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ أَسْرَعَ الْخَيْرِ ثَوَابًا الْبُرُّ، وَإِنَّ أَسْرَعَ الشَّرِّ عِقَابًا الْبَغْيُ، وَكَفَى بِالْمَرْءِ عَيْبًا أَنْ يَنْظُرَ مِنَ النَّاسِ مَا يَعْمَى عَنْهُ مِنْ نَفْسِهِ، وَيُعَيِّرَ النَّاسَ بِمَا لَا يَسْتَطِيعُ تَرْكَهُ، وَيُوذَى جَلِيسَهُ بِمَا لَا يَعْنِيهِ. (١)

٢٨٩٩. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ لَمْ يُحِبَّ عِتْرَتِي فَهُوَ لِأَحَدِي ثَلَاثٌ: إِمَّا لِمُنَافِقٍ، وَإِمَّا لِزَيْنِي (٢)، وَإِمَّا امْرُؤٌ حَمَلَتْ بِهِ أُمَّهُ فِي غَيْرِ طَهْرٍ. (٣)

٢٩٠٠. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا سَهْرَ إِلَّا فِي ثَلَاثٍ: مُتَهَجِّدٌ بِالْقُرْآنِ، وَفِي طَلَبِ الْعِلْمِ، أَوْ عَرُوسٌ تُهْدَى إِلَى زَوْجِهَا. (٤)

٢٩٠١. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ثَلَاثُ دَعَوَاتٍ مُسْتَجَابَاتٌ لِشَاكِّ فِيهِنَّ: دَعْوَةُ الْمَظْلُومِ، وَدَعْوَةُ الْمُسَافِرِ، وَدَعْوَةُ الْوَالِدِ عَلَى وَوَلَدِهِ. (٥)

٢٩٠٢. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: زِينَةُ الدُّنْيَا ثَلَاثَةٌ: الْمَالُ، وَالْوَالِدُ، وَالنِّسَاءُ. وَزِينَةُ الْآخِرَةِ ثَلَاثَةٌ: الْعِلْمُ، وَالْوَرَعُ، وَالصَّدَقَةُ.

وَزِينَةُ الْبَدَنِ ثَلَاثَةٌ: قَلَّةُ الْكَلَامِ، وَقِلَّةُ النَّوْمِ، وَقِلَّةُ الْأَكْلِ. وَزِينَةُ الْعَقْلِ ثَلَاثَةٌ: الصَّبْرُ، وَالشُّكْرُ، وَالصَّمْتُ.

٢٩٠٣. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَوْلَا ثَلَاثٌ فِي ابْنِ آدَمَ مَا طَاطَأَ رَأْسُهُ بِشَيْءٍ: الْمَرَضُ، وَالْفَقْرُ، وَالْمَوْتُ، وَكُلُّهُمْ فِيهِ وَإِنَّهُ مَعَهُنَّ لَوَثَابٌ (٦). (٧)

٢٩٠٤. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أُسْرَى بِي رَبِّي وَأَوْحَى إِلَيَّ فِي عَلِيٍّ بِثَلَاثٍ: إِمَامُ الْمُتَّقِينَ، وَسَيِّدُ الْمُؤْمِنِينَ، وَقَائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ. (٨)

٢٩٠٥. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اغْدُ عَالِمًا أَوْ مُتَعَلِّمًا، أَوْ أَحِبِّ الْعُلَمَاءَ، وَلَا تَكُنْ رَابِعًا فَتَهْلِكَ بِيُغْضِبِهِمْ. (٩)

٢٩٠٦. وَمِمَّا رَوَتْهُ الْخَاصَّةُ فِي الثَّلَاثِيَّاتِ وَصِيَّةَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: فِيمَا كَانَ أَوْصَى بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلِيًّا:

يَا عَلِيُّ، أَنْهَاكَ عَنْ ثَلَاثِ خِصَالٍ عِظَامٍ: الْحَسَدِ، وَالْحِرْصِ، وَالْكَذِبِ.

يَا عَلِيُّ، سَيِّدُ الْأَعْمَالِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: إِنْصَافُكَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ، وَمُوَاسَاةُ الْأَخِ فِي اللَّهِ عِزٍّ وَجَلٍّ، وَذِكْرُ اللَّهِ تَعَالَى عَلَى كُلِّ حَالٍ.

ص: ٥١٨

١- (١). الخصال، ص ١١٠، ح ٨١.

٢- (٢). يقال للولد من الزنا: هو ليزنيه (مجمع البحرين: ٢٠٨/١).

٣- (٣). الخصال، ص ١١٠، ح ٨٢.

٤- (٤). الخصال، ص ١١٢، ح ٨٨.

- ٥-٥) . الدعوات، ص ٣٠، ح ٥٩.
- ٦-٦) . الوثوب: القيام والطفرة. والمراد أنه مع هذه الثلاثة لقوام إلى أغراضه الدنيويّه وميوله وهواه.
- ٧-٧) . الخصال، ص ١١٣، ح ٨٩.
- ٨-٨) . الخصال، ص ١١٦، ح ٩٥.
- ٩-٩) . الخصال، ص ١٢٣، ح ١١٧.

۲۸۹۸. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

پاداش احسان و نیکی از هر عملی زودتر می رسد و کیفر ظلم از هر گناهی زودتر می رسد.

برای انسان همین عیب بس که عیبی را که در دیگران می بیند در خود نبیند. و مردم را به چیزی سرزنش کند که خود توان ترک آن را ندارد. و همنشین خود را با کارهای بیهوده بیازارد.

۲۸۹۹. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که اهل بیت مرا دوست ندارد به یکی از این سه علت است: یا منافق است. یا زنازاده است. و یا مادرش در حال ناپاکی باردار شده است.

۲۹۰۰. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: شب زنده داری در غیر سه کار سزاوار نیست: تلاوت قرآن، تحصیل علم، عروسی.

۲۹۰۱. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: سه دعا بدون تردید مستجاب می شود: دعای مظلوم، دعای مسافر، دعای پدر بر علیه فرزند.

۲۹۰۲. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: زینت دنیا سه چیز است: مال، فرزند، همسر.

زینت آخرت سه چیز است: دانش، پرهیزگاری، صدقه.

زینت بدن سه چیز است: کم گفتن، کم خوابیدن و کم خوردن.

زینت عقل سه چیز است: صبر، شکر، سکوت.

۲۹۰۳. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: اگر سه چیز نبود آدمیزاده در مقابل هیچ چیز سر فرود نمی آورد:

بیماری، فقر، مرگ. و همه اینها در انسانها هست و با این حال سرکشی می کنند.

۲۹۰۴. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: پروردگارم مرا به معراج برد و درباره ی علی سه چیز به من وحی فرمود:

امام پرهیزکاران، سرور مؤمنان و پیشوای پیشانی سفیدان [در قیامت].

۲۹۰۵. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: یا عالم باش یا در طلب علم و یا علما را دوست داشته باش. و دشمن علما نباش که هلاک خواهی شد.

۲۹۰۶. امام صادق علیه السلام فرمودند: پیامبر صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام وصیت فرمودند: یا علی، از سه خصلت بزرگ بر حذر باش: حسادت، حرص، دروغ.

یا علی، برترین کارها سه خصلت است: انصاف با مردم. برای رضای خدای عزّ و جل مال خود را با مؤمنان در میان نهادن، و

یاد خدای متعال در هر حال.

یا علی، مؤمن در دنیا سه شادی دارد: ملاقات برادران، افطار از روزه و عبادت در آخر شب.

ص: ۵۱۹

يا عَلِيُّ، ثَلَاثُ فَرَحَاتٍ لِلْمُؤْمِنِ فِي الدُّنْيَا: لِقَاءُ الإِخْوَانِ، وَالْإِفْطَارُ مِنَ الصَّيَامِ، وَالتَّهَجُّدُ مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ.

يا عَلِيُّ، ثَلَاثَةٌ مَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ لَمْ يَقُمْ لَهُ عَمَلٌ: وَرِعٌ يَحْجُزُهُ عَنِ مَعَاصِيِ اللَّهِ عِزُّ وَجَلُّ، وَخُلُقٌ يُدَارِي بِهِ النَّاسَ، وَحِلْمٌ يَرُدُّ بِهِ جَهْلَ الْجَاهِلِ.

يا عَلِيُّ، ثَلَاثٌ مِنْ حَقَائِقِ الإِيمَانِ: الإِنْفَاقُ فِي الإِقْتَارِ (١)، وَإِنصَافُ النَّاسِ مِنْ نَفْسِكَ، وَبَدَلُ العِلْمِ لِلْمُتَعَلِّمِ.

يا عَلِيُّ، ثَلَاثٌ خِصَالٍ مِنْ مَكَارِمِ الأَخْلَاقِ: تُعْطَى مَنْ حَرَمَكَ، وَتَصِلُ مَنْ قَطَعَكَ، وَتَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمَكَ. (٢)

٢٩٠٧. وَعَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ أَبِيهِ عَنِ جَدِّهِ عَنِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ فِي وَصِيَّتِهِ:

يا عَلِيُّ، ثَلَاثٌ مَنْ لَقِيَ اللَّهَ بِهِنَّ فَهُوَ أَفْضَلُ النَّاسِ: مَنْ أَتَى بِمَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ فَهُوَ مِنْ أَعْيَدِ النَّاسِ، وَمَنْ وَرِعَ عَنِ مَحَارِمِ اللَّهِ فَهُوَ مِنْ أَوْرَعِ النَّاسِ، وَمَنْ فَنَعَ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ فَهُوَ مِنْ أَقْنَعِ النَّاسِ.

يا عَلِيُّ، ثَلَاثٌ لَا تُطِيقُهَا هَذِهِ الأُمَّةُ: المُوَاسَاةُ لِلأَخِ فِي مَالِهِ، وَإِنصَافُ النَّاسِ مِنْ نَفْسِهِ، وَذِكْرُ اللَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ، وَلَيْسَ هُوَ «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ»، وَلَكِنْ إِذَا وَرَدَ عَلَى مَا يُحَرِّمُ اللَّهُ عَلَيْهِ خَافَ اللَّهُ عِزُّ وَجَلُّ عِنْدَهُ وَتَرَكَهُ.

يا عَلِيُّ، ثَلَاثَةٌ مُجَالَسَتُهُمْ تُمِيتُ القَلْبَ: مُجَالَسَةُ الأَنْدَالِ (٣)، وَمُجَالَسَةُ الأَغْنِيَاءِ، وَالحَدِيثُ مَعَ النِّسَاءِ.

يا عَلِيُّ، ثَلَاثَةٌ يَزِدْنَ فِي الحِفْظِ وَيُذْهِبْنَ الشُّقْمَ: اللُّبَانُ، وَالسَّوَاكُ، وَقِرَاءَةُ القُرْآنِ.

يا عَلِيُّ، أَنهَآكَ عَنِ ثَلَاثِ خِصَالٍ: الحَسَدِ، وَالْحِرْصِ، وَالكِبَرِ.

يا عَلِيُّ، ثَلَاثٌ يُقْسِنُ القَلْبَ: اسْتِمَاعُ اللَّهْوِ، وَطَلْبُ الصَّيْدِ، وَإِتْيَانُ بَابِ السُّلْطَانِ.

يا عَلِيُّ، العَيْشُ فِي ثَلَاثِ خِصَالٍ: دَارِ قوراء (٤)، وَجَارِيَةِ حَسَنَاءَ، وَفَرَسِ قَبَاءَ (الصَّامِرِ البُطْنِ). (٥)

٢٩٠٨. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ جَبْرَيْلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَتَانِي فَقَالَ: إِنَّا مَعَاشِرَ المَلَائِكَةِ لَا نَدْخُلُ بَيْتًا فِيهِ كَلْبٌ، وَلَا تَمَثَالُ (٦)، وَلَا إِنَاءٌ يُبَالُ فِيهِ. (٧)

ص: ٥٢٠

١- (١). الإقتار: التضييق على الإنسان في الرزق (لسان العرب: ٧١/٥).

٢- (٢). الخصال، ص ١٢٤، ح ١٢١.

٣- (٣). النذل من الناس: الذي تزدرية في حلقتة وعقله. والخسيس المٌحتقر في جميع أحواله، والجمع أنذال (لسان العرب: ٦٥٦/١١).

٤- (٤). القوراء: الواسعة (مجمع البحرين: ٤٦٤/٣).

٥-٥) . الخصال، ص ١٢٥، ح ١٢٢.

٦-٦) . التمثال: من مثل الشيء لفلان؛ صورته له بالكتابه وغيرها حتى جعله كأنه ينظر إليه، ومثل الشيء بالشيء تمثيلاً وتمثالاً - بالفتح - سواه وشبهه به وجعله مثله. وهو يصدق على الرسوم والمجسمات.

٧-٧) . الخصال، ص ١٣٨، ح ١٥٥.

یا علی، سه صفت اگر در کسی نباشد اعمالش پایدار نمی شود: تقوا که او را از گناه باز دارد. اخلاق که با مردم مدارا کند. بردباری که نادانی جاهل را تحمل کند.

یا علی، سه خصلت از حقیقت ایمان است: انفاق در تنگدستی. رعایت انصاف نسبت به دیگران آموختن علم به جویندگان آن.

یا علی، سه خصلت از مکارم اخلاق است: بخشیدن به کسی که تو را محروم کرده است. پیوند با کسی که با تو قطع رابطه کرده است. عفو کردن کسی که به تو ظلم کرده است.

۲۹۰۷. وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام:

یا علی، هر کس با این سه صفت از دنیا برود برترین مردم است: کسی که واجبات را انجام دهد، عابدترین مردم است. کسی که از حرام اجتناب کند، پرهیزکارترین مردم است.

و کسی که به رزقی که خدا به او داده قانع باشد، قانع ترین مردم است.

یا علی، سه کار است که این امت طاقت آن را ندارد: مال خود را با برادر دینی قسمت کردن، انصاف در حق مردم، یاد خدا در هر حال. یعنی وقتی با گناه مواجه شد از خدا بترسد و آن را ترک کند نه اینکه همیشه بگوید: سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر.

یا علی، همنشینی با سه کس قلب را می میراند: فرومایگان، ثروتمندان، و سخن گفتن با زنان.

یا علی، سه چیز حافظه را زیاد می کند و بیماری را برطرف می کند: گُندُر، مسواک، قرائت قرآن.

یا علی، تو را از سه خصلت بر حذر می دارم: حسد، حرص، تکبر.

یا علی، سه چیز انسان را سنگدل می کند: شنیدن موسیقی، شکار، به دربار شاهان رفتن.

یا علی، خوشی دنیا در سه چیز است: خانه وسیع، همسر زیبا، مرکب عالی.

۲۹۰۸. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: جبرئیل علیه السلام نزد من آمد و گفت: ما فرشتگان به خانه ای که در آن سگ، یا مجسمه، یا ظرفی که در آن ادرار کنند باشد، وارد نمی شویم.

٢٩٠٩. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ أَمَرَ بِمَعْرُوفٍ، أَوْ نَهَى عَنِ مُنْكَرٍ، أَوْ دَلَّ عَلَى خَيْرٍ أَوْ أَشَارَ بِهِ؛ فَهُوَ شَرِيكٌ. (١)

٢٩١٠. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا عَجَبْتُ (٢) الْأَرْضُ إِلَى رَبِّهَا عَزَّ وَجَلَّ كَعَجَبِهَا مِنْ ثَلَاثَةٍ: مِنْ دَمٍ حَرَامٍ يُسْفِكُ عَلَيْهَا، وَاغْتِسَالٍ مِنْ زِنَى، أَوْ النَّوْمِ عَلَيْهَا قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ. (٣)

٢٩١١. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَنَا زَعِيمٌ بَيْتٍ فِي رَبِضِ (٤) الْجَنَّةِ، وَبَيْتٍ فِي وَسْطِ الْجَنَّةِ، وَبَيْتٍ فِي أَعْلَى الْجَنَّةِ؛ لِمَنْ تَرَكَ الْمِرَاءَ وَإِنْ كَانَ مُحِقًّا، وَلِمَنْ تَرَكَ الكَذِبَ وَإِنْ كَانَ هَازِلًا، وَلِمَنْ حَسَنَ خُلُقَهُ. (٥)

٢٩١٢. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ لِلَّهِ حُرْمَاتٍ ثَلَاثَ [ثَلَاثًا]، مَنْ حَفِظَهُنَّ حَفِظَ اللَّهُ لَهُ أَمْرَ دِينِهِ وَدُنْيَاهُ، وَمَنْ لَمْ يَحْفَظْهُنَّ لَمْ يَحْفَظِ اللَّهُ لَهُ شَيْئًا: حُرْمَةُ الْإِسْلَامِ، وَحُرْمَتِي، وَحُرْمَةُ عِزَّتِي. (٦)

٢٩١٣. وَعَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: بَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذَاتَ يَوْمٍ فِي بَعْضِ أَسْفَارِهِ إِذَا لَقِيَهُ رَكْبٌ، فَقَالُوا: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَالْتَفَتَ فِيهِمْ [إِيهِمْ] وَقَالَ: مَا أَنْتُمْ؟ فَقَالُوا: مُؤْمِنُونَ، قَالَ: فَمَا حَقِيقَةُ إِيْمَانِكُمْ؟ قَالُوا: الرِّضَى بِقَضَاءِ اللَّهِ، وَالتَّسْلِيمِ لِأَمْرِ اللَّهِ، وَالتَّفْوِيزِ إِلَى اللَّهِ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ: عُلَمَاءُ حَكَمَاءُ كَادُوا أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْحِكَمَةِ أَنْبِيَاءَ، فَإِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ فَلَا تَبْنُوا مَا لَا تَسْكُنُونَ، وَلَا تَجْمَعُوا مَا لَا تَأْكُلُونَ، وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تَرْجِعُونَ. (٧)

٢٩١٤. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ثَلَاثٌ يَشْفَعُونَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَيُشَفَّعُونَ: الْأَنْبِيَاءُ، ثُمَّ الْعُلَمَاءُ، ثُمَّ الشُّهَدَاءُ. (٨)

٢٩١٥. وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ قَالَ: سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَيُّ الْأَعْمَالِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى؟ قَالَ: الصَّلَاةُ لَوْ قَتَلْتَهُ. ثُمَّ أَيُّ شَيْءٍ؟ قَالَ: بَرُّ الْوَالِدَيْنِ. قُلْتُ: ثُمَّ أَيُّ شَيْءٍ؟ قَالَ: الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. (٩)

٢٩١٦. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَشَدُّ مَا أَتَخَوَّفُ عَلَى أُمَّتِي ثَلَاثَةٌ: زَلَّةُ عَالِمٍ، أَوْ جِدَالٌ مُنَافِقٍ بِالْقُرْآنِ، أَوْ دُنْيَا تَقْطَعُ رِقَابَكُمْ؛ فَاتَّهَمُوهَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ. (١٠)

ص: ٥٢٢

١- (١). الخصال، ص ١٣٨، ح ١٥٦.

٢- (٢). عَجَّ: رَفَعَ صَوْتَهُ وَصَاحَ (لسان العرب: ٣١٨/٢).

٣- (٣). الخصال، ص ١٤١، ح ١٦٠.

٤- (٤). الرَّبِضُ: مَا حَوْلَ الْمَدِينَةِ (لسان العرب: ١٥٢/٧). فَهُوَ تَشْبِيهُهُ بِالْأَنْبِيَةِ الَّتِي حَوْلَ الْمَدِينَةِ وَتَحْتَ الْقَلْعِ.

٥- (٥). الخصال، ص ١٤٤، ح ١٧٠.

٦- (٦). الخصال، ص ١٤٦، ح ١٧٣.

٧- (٧). الخصال، ص ١٤٦، ح ١٧٥.

٨- (٨). الخصال، ص ١٥٦، ح ١٩٧.

٩- (٩). الخصال، ص ١٦٣، ح ٢١٣.

۲۹۰۹. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که امر به معروف و نهی از منکر یا راهنمایی و اشاره به کار خیر کند در آن کار شریک است.

۲۹۱۰. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: زمین از هیچ کاری که روی آن انجام شود مثل این سه کار به درگاه پروردگار ناله نمی کند: ریختن خون بی گناه، غسل از زنا، خواب با حالت جنب از زنا قبل از طلوع خورشید.

۲۹۱۱. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: من ضمانت می کنم خانه ای در ابتدای بهشت و خانه ای در وسط و خانه ای در بالای بهشت برای کسی که جدال بی مورد نکند گرچه حق با او باشد، دروغ نگوید حتی به شوخی، و اخلاقش نیکو باشد.

۲۹۱۲. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: نزد خداوند سه چیز محترم است کسی که حرمت آنها را نگه دارد، خداوند دین و دنیای او را حفظ خواهد کرد، و کسی که حرمت آنها را نگه ندارد خداوند چیزی را برای او حفظ نخواهد کرد: حرمت اسلام، حرمت من و حرمت عترت من.

۲۹۱۳. امام باقر علیه السلام: پیامبر صلی الله علیه و آله در سفری با کاروانی مواجه شدند و آنان به پیامبر صلی الله علیه و آله سلام کردند.

پیامبر فرمودند: شما چه کسانی هستید؟ گفتند: مؤمنین هستیم.

حضرت فرمودند: حقیقت ایمان شما چیست؟ گفتند: راضی به قضاء خداوند و تسلیم امر او هستیم، و امور را به او واگذار می کنیم.

حضرت فرمودند: شما عالم و حکیم هستید و در حکمت مانند پیامبران هستید. پس اگر راست می گوئید، خانه ای که در آن سکونت [ابدی] نخواهید کرد نسازید، و آنچه نخواهید توانست بخورید جمع نکنید، و از خدائی که بازگشت شما بسوی اوست پروا داشته باشید.

۲۹۱۴. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: سه گروه نزد خداوند شفاعت می کنند و شفاعت آنها پذیرفته می شود: پیامبران، سپس علماء، سپس شهداء.

۲۹۱۵. عبدالله بن مسعود گوید: از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدم: چه کاری نزد خدا محبوب تر است؟ فرمودند:

نماز اول وقت، پرسیدم: پس از آن چه چیزی؟ فرمودند: نیکی به پدر و مادر. پرسیدم: پس از آن چه چیزی؟ فرمودند: جهاد در راه خدا.

۲۹۱۶. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: بدترین چیزی که بر امت خود می ترسم سه چیز است: لغزش عالم، یا مجادله کردن منافق در استدلال به قرآن. دنیا که گردن شما را قطع می کند، پس با اتهام به دنیا بنگرید. [به آن دل نبندید]

مشخصات کتاب

سرشناسه : مشکینی اردبیلی، علی، ۱۳۰۰ - ۱۳۸۶.

عنوان قراردادی : المواعظ العددیه. فارسی - عربی

عنوان و نام پدیدآور : المواعظ العددیه (نصایح شمارشی) [کتاب] / [علی مشکینی]؛ ترجمه و تحقیق سیدمرتضی موسوی قافله باشی.

مشخصات نشر : قم : موسسه علمی فرهنگی دارالحديث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۹۲ -

مشخصات ظاهری : ۳ ج.

فروست : مجموعه آثار آیهالله علی مشکینی قدس سره؛ ۱۳، ۱۴، ۱۵

شابک : دوره : ۲-۷۲۶-۴۹۳-۹۶۴-۹۷۸ ؛ ۱۶۰۰۰۰ ریال : ج. ۱ : ۹-۷۲۷-۴۹۳-۹۶۴-۹۷۸ ؛ ج. ۲ : ۶-۷۲۸-۴۹۳-۹۶۴-۹۷۸ ؛

۱۱۰۰۰۰ ریال : ج. ۳ : ۴-۷۴۸-۴۹۳-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : فارسی - عربی.

یادداشت : این کتاب به شالوده ی اصلی کتاب "الاثنی عشریه" تالیف محمد عاملی ملحق شده است.

یادداشت : ج. ۳ (چاپ اول: ۱۳۹۲) (فپا).

یادداشت : کتابنامه. به صورت زیرنویس.

موضوع : احادیث اخلاقی

موضوع : اخلاق اسلامی

شناسه افزوده : موسوی قافله باشی، سیدمرتضی، مترجم

شناسه افزوده : موسسه علمی فرهنگی دارالحديث. سازمان چاپ و نشر

رده بندی کنگره : BP۲۴۹/م۵۴۱/۸۰۴۱ ۱۳۹۲

رده بندی ديويي : ۲۹۷/۲۱۸

شماره کتابشناسی ملی : ۳۳۳۰۰۱۲

ص : ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٢

المواعظ العددیه (نصایح شمارشی)

علی مشکینی

ترجمه و تحقیق: سیدمرتضی موسوی قافله باشی

ص: ۳

سرشناسه : مشکینی اردبیلی، علی، ۱۳۰۰-۱۳۸۶.

عنوان قراردادی : المواعظ العددیه. فارسی - عربی

عنوان و نام پدیدآور : المواعظ العددیه (نصایح شمارشی) [کتاب]/[علی مشکینی]؛ ترجمه و تحقیق سیدمرتضی موسوی قافله باشی.

مشخصات نشر : قم : موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۹۲ -

مشخصات ظاهری : ۳ ج.

فروست : مجموعه آثار آیةالله علی مشکینی قدس سره؛ ۱۳، ۱۴، ۱۵

شابک : دوره : ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۷۲۶-۲ ؛ ۱۶۰۰۰۰ ریال : ج. ۱ : ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۷۲۷-۹ ؛ ج. ۲ : ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۷۲۸-۶ ؛

۱۱۰۰۰۰ ریال : ج. ۳ : ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۷۴۸-۴

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : فارسی - عربی.

یادداشت : این کتاب به شالوده ی اصلی کتاب "الائنی عشریه" تالیف محمد عاملی ملحق شده است.

یادداشت : ج. ۳ (چاپ اول: ۱۳۹۲) (فیپا).

یادداشت : کتابنامه. به صورت زیرنویس.

موضوع : احادیث اخلاقی

موضوع : اخلاق اسلامی

شناسه افزوده : موسوی قافله باشی، سیدمرتضی، مترجم

شناسه افزوده : موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث. سازمان چاپ و نشر

رده بندی کنگره : BP۲۴۹/م۵۴۱ ۸۰۴۱ ۱۳۹۲

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۲۱۸

شماره کتابشناسی ملی : ۳۳۳۰۰۱۲

فهرست

تصویر

□

ص: ۵

تصوير

□

ص: ٦

تصوير

□

ص: ٧

٢٩١٧. وقال صلى الله عليه وآله: مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَجْلِسُ عَلَى مَائِدَةٍ يُشْرَبُ عَلَيْهَا الْخَمْرُ، وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَدْخُلُ الْحَمَّامَ إِلَّا بِمِثْرٍ، وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَدْعُ حَلِيَّتَهُ تَخْرُجُ إِلَى الْحَمَّامِ.

أقول: كَانَتِ الْحَمَّامَاتُ آتِنْدِي فِي مَعْرِضٍ تَعْرُضُ الْأَرَاذِلَ لِلنِّسَاءِ. (١).

٢٩١٨. وقال صلى الله عليه وآله: إِنَّمَا أَتَخَوَّفُ عَلَى أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي ثَلَاثَ خِصَالٍ: أَنْ يَتَأَوَّلُوا الْقُرْآنَ عَلَى غَيْرِ تَأْوِيلِهِ، أَوْ يَتَّبِعُوا زَلَّةَ الْعَالِمِ، أَوْ يَظْهَرَ فِيهِمْ الْمَالُ حَيْثَى يَطْعَوُا وَيَبْطَرُوا (٢)، وَسَيَأْتِبُكُمْ بِالمَخْرَجِ مِنْ ذَلِكَ؛ أَمَّا الْقُرْآنُ فَاعْمَلُوا بِمُحْكَمِهِ وَآمِنُوا بِمُتَشَابِهِهِ (٣)، وَأَمَّا الْعَالِمُ فَانْتَظِرُوا فِيهِ (٤) وَلَا تَتَّبِعُوا زَلَّتَهُ، وَأَمَّا الْمَالُ فَإِنَّ المَخْرَجَ مِنْهُ شُكْرُ النِّعْمَةِ وَأَدَاءُ حَقِّهِ. (٥)

٢٩١٩. وقال صلى الله عليه وآله: الْإِيمَانُ مَعْرِفَةٌ بِالْقَلْبِ، وَإِقْرَارٌ بِاللِّسَانِ، وَعَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ (٦). (٧).

٢٩٢٠. وقال صلى الله عليه وآله يوماً: يَا أَنَسُ، أَسْبَغِ الوُضوءَ تَمَرَّ عَلَى الصُّرَاطِ مَرَّ السَّحَابِ، أَفْشِ السَّلَامَ يَكْثُرُ خَيْرٌ بَيْتِكَ، أَكْثَرُ مِنْ صَدَقَةِ السَّرِّ فَإِنَّهَا تُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ. (٨)

٢٩٢١. وقال صلى الله عليه وآله لأبي ذرٍّ رحمه الله: يَا أَبَا ذَرٍّ، إِيَّاكَ وَالسُّؤَالَ؛ فَإِنَّهُ ذُلٌّ حَاضِرٌ، وَفَقْرٌ اسْتَعْجَلْتَهُ، وَفِيهِ حِسَابٌ طَوِيلٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

يَا أَبَا ذَرٍّ، تَعِيشُ وَحَدَّكَ، وَتَمُوتُ وَحَدَّكَ، وَتَدْخُلُ الْجَنَّةَ وَحَدَّكَ، يَسْعَدُ بِكَ قَوْمٌ مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ يَتَوَلَّوْنَ غُسْلَكَ وَتَجْهِيْزَكَ وَدَفْنَكَ.

ص: ٨

١- . الخصال، ص ١٦٣، ح ٢١٥.

٢- . البطر: الطغيان عند النعمة وطول الغنى (لسان العرب: ٤/٦٨).

٣- . مرّ معنى المتشابه.

٤- . فاء الرجل يفىء فيئاً: رجع. نفىء إلى أمر الله: أى ترجع إلى الحق (المصباح المنير: ٤٨٦).

٥- . الخصال، ص ١٦٤، ح ٢١٦.

٦- . ورد فى أحاديث كثيرة - أوردها العلماء المجلسى (ره) فى بحار الأنوار - أنّ الإيمان مركّب من معرفة القلب، والإقرار باللسان، والعمل على طبقه، ولكن مقتضى التحقيق فى الآيات والأخبار أن الإيمان هو المعرفة بالقلب والإقرار باللسان والعمل شرائط ومكملات. ومن الموضح لما ذكرنا أنّ القرآن يذكر بعد الإيمان العمل الصالح، وهو دليل على أنّ العمل ليس داخلياً فى

حقيقته، وللإيمان مراتب كما أنّ للإسلام مراتب عشره أو سبعة أو سبعين. ويحتمل أن تكون هذه الأعداد كناية عن الكثرة، فلاحداً لمراتبه، ولذلك ورد في الحديث: «الإيمان أن يطاع الله فلا يُعصى» وهو مساوق للعصمه فراجع البحار تجد أبواباً كثيرة في شؤون الإيمان.

٧- . الخصال، ص ١٧٨ و ١٧٩، ح ٢٤٠ و ٢٤١.

٨- . الخصال، ص ١٨١، ح ٢٤٦.

۲۹۱۷. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد بر سر سفره ای که در آن شراب است ننشیند و کسی که خدا و قیامت ایمان دارد بدون لنگ وارد حمام نشود، و کسی که به خدا و قیامت ایمان دارد اجازه ندهد همسرش به حمام [عمومی] و استخری برود [که در معرض فساد است].

۲۹۱۸. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: بعد از خودم برای سه خصلت این امت نگرانم: تأویل نادرست قرآن، پیروی از لغزش عالم، مال زیاد که موجب طغیان و عیاشی شود. پس راه نجات را به شما خبر می دهم: اما قرآن، به آیات محکم عمل کنید و به آیات متشابه ایمان داشته باشید. اما عالم، منتظر بازگشت او به حق باشید و از لغزش او پیروی نکنید. اما مال، راه نجات در شکر نعمت و پرداخت حقوق واجب است.

۲۹۱۹. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: ایمان عبارت است از: عقیده و معرفت قلبی، و اقرار با زبان، و عمل کردن با اعضاء.

۲۹۲۰. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: یا انس، وضو را کامل بگیر تا از صراط به سرعت ابرها عبور کنی. بلند سلام کن تا خانه ات برکت داشته باشد. مخفیانه زیاد صدقه بده که غضب و خشم پروردگار را فرو می نشاند.

۲۹۲۱. پیامبر صلی الله علیه و آله به اباذر فرمودند: ای ابوذر، مبادا از کسی چیزی طلب کنی، چون این خود ذلت فعلی است، و در آینده فقر بدنبال دارد، و روز قیامت حسابش طول می کشد. یا اباذر، به تنهایی زندگی می کنی و به تنهایی می میری و به تنهایی وارد بهشت می شوی.

و گروهی از اهل عراق بوسیله تو سعادتمند شوند چون ترا غسل و کفن و دفن می کنند.

يا أبادرُ، لا تسأل بكفك، وإن أتاك شيء فاقبله. (١).

٢٩٢٢. ثُمَّ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِأَصْحَابِهِ: أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِشَرَارِكُمْ؟ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: الْمَشَاوُونَ بِالنَّمِيمَةِ، الْمُفْرَقُونَ بَيْنَ الْأَحْبَةِ، الْبَاغُونَ لِلْبُرِّ آءِ (٢) الْعَيْبِ (٣). (٤)

٢٩٢٣. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ: طُوبَى لِمَنْ ذَلَّ فِي نَفْسِهِ، وَأَنْفَقَ الْفَضْلَ مِنْ مَالِهِ، وَأَمْسَكَ الْفَضْلَ مِنْ كَلَامِهِ (٥).

٢٩٢٤. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: بَيْنَا ثَلَاثَةٌ نَفَرٍ مِمَّنْ كَانَ قَبْلَكُمْ يَمْشُونَ إِذَا أَصَابَهُمْ مَطَرٌ، فَأَوَّوْا إِلَى غَارٍ فَانْطَبَقَ عَلَيْهِمْ.

فَقَالَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ: يَا هَوْلَاءِ! مَا يُنْجِيكُمْ إِلَّا الصَّدْقُ؛ فَلْيَدْعُ كُلُّ رَجُلٍ مِنْكُمْ مَا يَعْلَمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنَّهُ قَدْ صَدَقَ فِيهِ.

فَقَالَ أَحَدُهُمْ: اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّهُ كَانَ لِي أَجِيرٌ عَمِلَ لِي عَمَلًا عَلَى فَرْقٍ (٦) مِنْ أَرْزٍ، فَذَهَبَ وَتَرَكَهُ، فَزَرَعْتُهُ، فَصَارَ مِنْ أَمْرِهِ أَنِّي اشْتَرَيْتُ مِنْ ذَلِكَ الْفَرْقِ بَقْرًا، ثُمَّ أَتَانِي فَطَلَبَ أَجْرَهُ، فَقُلْتُ اعْمِدْ إِلَى تِلْكَ الْبَقْرِ فَسِقْمَهَا فَإِنَّهَا مِنْ اجْرَتِكَ، فَسَاقَهَا؛ فَإِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنِّي فَعَلْتُ ذَلِكَ مِنْ خَشْيَتِكَ فَفَرِّجْ عَنَّا.

فَانْسَاحَتْ عَنْهُمْ الصَّخْرَةُ.

وَقَالَ آخَرُ: اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّهُ كَانَ لِي أَبُوَانِ شَيْخَانِ كَبِيرَانِ كُنْتُ آتِيَهُمَا كُلَّ لَيْلَةٍ بَلْبِنِ غَنَمٍ لِي، فَأَبْطَأْتُ عَلَيْهِمَا ذَاتَ لَيْلَةٍ، فَأَتَيْتُهُمَا وَقَدْ رَقَدَا، وَأَهْلِي وَعِيَالِي يَتَضَاعُونَ (٧) مِنَ الْجُوعِ، وَكُنْتُ لَا أَسْقِيهِمْ حَتَّى يَشْرَبَ أَبُوَايَ، فَكَرِهْتُ أَنْ أَوْقِظَهُمَا مِنْ رَقَدَتِهِمَا، وَكَرِهْتُ أَنْ أَرْجِعَ فَيَسْتَيْقِظَا لِشُرْبِهِمَا، فَلَمْ أَزَلْ أَنْتَظِرُهُمَا حَتَّى طَلَعَ الْفَجْرُ؛ فَإِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنِّي فَعَلْتُ ذَلِكَ مِنْ خَشْيَتِكَ فَفَرِّجْ عَنَّا. فَانْسَاحَتْ عَنْهُمْ الصَّخْرَةُ حَتَّى نَظَرُوا إِلَى السَّمَاءِ.

ص: ١٠

١- الخصال، ص ١٨٢، ح ٢٤٩.

٢- هو جمع برىء.

٣- النميمة: من نَمَّ الحديث؛ أى أبلغه على وجه الإشاعة والإفساد. مشى بها: أى مشى بين الاثنين لغرض النَمِّ، ولعلَّ قوله عليه السلام: المفروقون بين الأحبة بيان للنمِّ، ويمكن أن يكون أعم من النميمة؛ لأن التفريق بين الأحبة له طرق منها النميمة. والباغون للبرآء العيب؛ أى الطالبون لهم العيب، وهم الذين يتجسسون أعمال الناس كى يعثروا لهم على عيب.

٤- الخصال، ص ١٨٢، ح ٢٤٩.

٥- نهج البلاغة، ج ٤، ص ٢٩، ح ١٢٣ عن الإمام على عليه السلام.

٦- الفرق - بالتحريك -: مكيال يسع ستّة عشر رطلاً؛ وهى اثنا عشر مُدًّا وثلاثة أصواع عند أهل الحجاز. وقيل: الفرق خمسة أقساط، والقسط نصف صاع. وأما الفرق - بالسكون - فمائة وعشرون رطلاً (لسان العرب: ٣٠٥/١٠).

٧- يقال: رأيت صبياناً يتضاعون: إذا تباكوا (لسان العرب: ٤٨٥/١٤).

یا اباذر، دست خود نزد مردم دراز نکن، اما اگر کسی به تو نیکی کرد رد نکن.

۲۹۲۲. پیامبر صلی الله علیه و آله به اصحاب خود فرمودند: آیا شرورترین افراد را به شما معرفی نمایم؟ گفتند: بلی یا رسول الله. حضرت فرمودند: آنان که با سخن چینی میان دوستان تفرقه می اندازند، و از بیگناهان عیب جویی می کنند.

۲۹۲۳. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: خوشا به حال کسی که خود را کوچک شمارد. زیادی مال خود را انفاق کند. و سخن اضافه نگوید.

۲۹۲۴. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: سابقاً سه نفر در بیابان می رفتند، باران باریدن گرفت، به شکاف کوهی پناهنده شدند، شکاف کوه با تخته سنگی بسته شد. با هم گفتند: اینجا جز صداقت چیزی ما را نجات نمی دهد. هر یک دعا کنیم و کاری را که خدا می داند برای او انجام داده ایم ذکر کنیم.

یکی از آنها گفت: خدایا تو می دانی که من کارگری داشتم که یک پیمانانه برنج اجرت او بود.

او اجرت خود را نگرفت و رفت، من آن را کاشتم و از محصول آن گاوی خریدم. پس از مدتی آن کارگر آمد و اجرت خود را مطالبه کرد. به او گفتم: این گاو از اجرت توست، او گاو را برد. خدایا اگر تو می دانی که من راست می گویم و آن کار را از ترس تو انجام داده ام ما را نجات ده. صخره اندکی کنار رفت.

دیگری گفت: خدایا تو می دانی که پدر و مادرم در کهولت سن بودند و من هر شب برای آنان شیر گوسفند خود را می آوردم. شبی دیر کردم آنها خوابیده بودند و همسر و فرزندانم از گرسنگی ناله می کردند. من از آن شیر تا پدر و مادرم را سیر نمی کردم به فرزندانم نمی دادم. از طرفی هم نمی خواستم آنان را از خواب بیدار کنم و باز نمی خواستم به خانه خود بروم و آنها وقتی بیدار شدند گرسنه باشند، تا صبح انتظار کشیدم. خدایا اگر می دانی این کار را از ترس تو انجام داده ام گشایشی در کار ما بفرما. صخره کمی کنار رفت بطوری که آسمان دیده می شد.

وقال الآخر: اللهم إن كنت تعلم أنه كانت لى ابنه عم أحب الناس لى، وأنى راودتها عن نفسها فأبت على إلا أن آتيتها بمئه دينار، فطلبتها حتى قدرت عليها، فجنث بها فدفعتها إليها، فأمكننى من نفسها، فلما قعدت بين رجلها قالت: اتق الله ولا تفض الخاتم إلا بحقه! فقممت عنها وتركت لها المئه؛ فإن كنت تعلم أنى فعلت ذلك من خشيتك ففرج عنا. ففرج الله عز وجل عنهم فخرجوا. (وروته العامة) أيضاً. (١)

٢٩٢٥. وقال صلى الله عليه وآله: إن أحب الأعمال إلى الله عز وجل: الصلاة، والبر، والجهاد. (٢)

ص: ١٢

١- . نهج البلاغه، ص ١٨٤، ح ٢٥٥.

٢- . نهج البلاغه، ص ١٨٥، ح ٢٥٦.

سومی گفت: خدایا تو می دانی که دختر عموی خود را بسیار دوست داشتم. وقتی خواستم از او کامجویی کنم، قبول نکرد مگر به شرط اینکه صد دینار بپردازم. با زحمت زیاد آن مبلغ را تهیه کردم و به او دادم. وقتی که آماده شد و در مقابل او نشستم گفت: از خدا بترس.

و دست به ناحق مگشا. من از جا برخاستم و از آن صد دینار صرف نظر کردم. اگر این کار از ترس تو بود ما را نجات بده. خداوند آنان را نجات داد و از غار خارج شدند. [این روایت را اهل تسنن هم نقل کرده اند]

۲۹۲۵. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: محبوب ترین کارها نزد خداوند، نماز و نیکی کردن و جهاد است.

الفصل الخامس: مِمَّا رَوَتْهُ الْخَاصَّةُ عَنِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٢٩٢٦. قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الرَّجَالُ ثَلَاثَةٌ: عَاقِلٌ وَأَحْمَقٌ، وَفَاجِرٌ؛ فَالْعَاقِلُ: الدِّينُ شَرِيعَتُهُ، وَالْحِلْمُ طَبِيعَتُهُ، وَالرَّأْيُ (١) سَجِيَّتُهُ، وَإِنْ سُئِلَ أَجَابَ، وَإِنْ تَكَلَّمَ أَصَابَ، وَإِنْ سَمِعَ وَعَى (٢)، وَإِنْ تَحَدَّثَ صَدَقَ، وَإِنْ اطمَأَنَّ إِلَيْهِ أَحَدٌ وَفَى.

وَالْأَحْمَقُ: إِنْ اسْتَنْبَهَ بِجَمِيلِ عَقْلٍ، وَإِنْ اسْتَنْزَلَ عَنِ حَسَنِ نَزْلِ، وَإِنْ حُمِلَ عَلَى جَهْلٍ جَهْلًا، وَإِنْ حَدَّثَ كَذَبًا، لَا يَفْقَهُهُ، وَإِنْ فُقِّهَهُ لَمْ يَتَفَقَّهُهُ.

وَالْفَاجِرُ: إِنْ ائْتَمَنَتْهُ خَانَكَ، وَإِنْ صَاحَبَتْهُ شَانَكَ، وَإِنْ وَثِقَتْ بِهِ لَمْ يَنْصَحَكَ. (٣)

٢٩٢٧. وَعَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْعَقْلُ شَجَرَةٌ أَصْلُهَا التَّقَى، وَفَرْعُهَا الْحَيَاءُ، وَثَمَرَتُهَا الْوَرَعُ؛ فَالْتَّقَى تَدْعُو إِلَى خِيَالِ ثَلَاثٍ: إِلَى الْفِقْهِ فِي الدِّينِ، وَالزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا، وَالْإِنْقِطَاعِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى.

وَالْحَيَاءُ يَدْعُو إِلَى ثَلَاثِ خِيَالٍ: إِلَى الْيَقِينِ، وَحُسْنِ الْخُلُقِ، وَالتَّوَاضُعِ.

وَالْوَرَعُ يَدْعُو إِلَى خِيَالِ ثَلَاثٍ: إِلَى صِدْقِ اللِّسَانِ، وَالْمُسَارَعَةِ إِلَى الْبِرِّ، وَتَرْكِ الشُّبُهَاتِ (٤).

ص: ١٤

١- الرَّأْيُ: التَّفَكُّرُ فِي مَبَادِي الْأُمُورِ، وَالنَّظَرُ فِي عَوَاقِبِهَا، وَعِلْمٌ مَا يُؤُولُ إِلَيْهِ مِنَ الْخَطَأِ وَالصَّوَابِ (مَجْمَعُ الْبَحْرِينَ: ١٧٠/١).

٢- وَعَى الْحَدِيثُ: حِفْظُهُ (مَخْتَارُ الصَّحَاحِ: ٦٢٥).

٣- الْخِيَالُ، ص ١١٦، ح ٩٦.

٤- رَجُوعُ هَذِهِ الصِّفَاتِ إِلَى أَصُولِهَا يَحْتَاجُ إِلَى دَقِّ نَظَرٍ، مِثْلًا الْفِقْهُ فِي الدِّينِ وَالزُّهْدِ وَالْإِنْقِطَاعِ تَتَرْتَّبُ عَلَى التَّقْوَى؛ لِأَنَّ مِنَ اتَّقَى وَوَقَى نَفْسَهُ يَرَى نَفْسَهُ مَحْتَاجًا إِلَى الْعِلْمِ بِالْحَلَالِ وَالْحَرَامِ وَالْوَاجِبِ وَمَا يُرْضَى الرَّبَّ وَمَا يُسْخِطُهُ، وَيُزْهَدُ فِي الدُّنْيَا لِكَوْنِهَا مَبْعُدَةٌ عَنِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ، وَيَنْقُطِعُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى؛ لِأَنَّ الْإِعْتِمَادَ عَلَى غَيْرِهِ خِلَافُ التَّوْحِيدِ. وَكَذَا الْحَيَاءُ يَتَرْتَّبُ عَلَيْهِ الْيَقِينُ؛ لِأَنَّهُ يَسْتَحْيِي أَنْ لَا يَعْرِفَ خَالِقَهُ وَمُدَبِّرَهُ وَالْمَحْسَنَ إِلَيْهِ، وَكَذَلِكَ يَدْعُو الْحَيَاءُ إِلَى حُسْنِ الْخُلُقِ وَالتَّوَاضُعِ، وَكَذَلِكَ وَاضِحٌ، وَكَذَا الْوَرَعُ وَفُرُوعُهُ.

فصل پنجم: روایاتی که شیعه از امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل کرده است

۲۹۲۶. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: مردم سه دسته هستند: عاقل، احمق و فاجر. برای عاقل، دین راه ارتباط با خداست. و بردباری طبیعت اوست. و تفکر خصلت اوست. اگر از او سؤال شود جواب می دهد. و اگر سخن بگوید درست می گوید. و اگر گوش دهد می فهمد. و اگر خبر دهد راست می گوید. و اگر کسی به او اطمینان کند وفادار است.

به احمق اگر پیشنهاد خوبی شود غفلت می کند. و اگر از او بخواهند کار خوب را ترک کند قبول می کند. و اگر به جهالت دعوت شود می پذیرد. و اگر خبر دهد دروغ می گوید. ادراک درست ندارد. و اگر به او علم دین بیاموزند در نمی یابد.

فاجر کسی است که اگر به او اطمینان کنی، خیانت می کند. و اگر با او رفاقت کنی باعث زشتی توست. و اگر به او اعتماد کنی خیرخواه تو نیست.

۲۹۲۷. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: عقل درختی است که ریشه اش تقوا، شاخه اش حیا و میوه اش ورع و دوری از گناه است.

تقوا به سه چیز دعوت می کند: آموختن دین، عدم وابستگی به دنیا، و دل بستگی به خدای متعال.

حیا به سه خصلت دعوت می کند: یقین، خوشرفتاری، و فروتنی.

ورع به سه خصلت دعوت می کند: راست گویی، سرعت به کارهای خیر، و ترک کارهای شبهه ناک.

٢٩٢٨. وَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ (فِي كِتَابِ الْحِكْمِ): ثَلَاثَةٌ مُهْلِكَةٌ: الْجُرْأَةُ عَلَى السُّلْطَانِ، وَالْأَمَانَةُ لِخَوَانٍ (١)، وَشُرْبُ السَّمِّ لِلتَّجْرِبَةِ (٢).

٢٩٢٩. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: تُحِلُّ الْفُرُوجُ بِثَلَاثَةِ وُجُوهِ: نِكَاحٍ بِمِيرَاثٍ (٣)، وَنِكَاحٍ بِأَمِيرَاثٍ (٤)، وَنِكَاحٍ بِمِلْكٍ يَمِينٍ (٥).

٢٩٣٠. وَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ثَلَاثٌ بِهِنَّ يَكْمُلُ الْمُسْلِمُ: التَّفَقُّهُ فِي الدِّينِ، وَالتَّقْدِيرُ فِي الْمَعِيشَةِ، وَالصَّبْرُ عَلَى النَّوَائِبِ (٦).

٢٩٣١. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَانَتْ الْحُكَمَاءُ وَالْفُقَهَاءُ إِذَا كَاتَبَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا كَتَبُوا بِثَلَاثٍ لَيْسَ مَعَهُنَّ رَابِعَةٌ: مَنْ كَانَتْ الْآخِرَةُ هَمَّتُهُ كَفَاهُ اللَّهُ هَمَّهُ مِنَ الدُّنْيَا، وَمَنْ أَصْلَحَ سِرِيرَتُهُ أَصْلَحَ اللَّهُ عَلَانِيَتَهُ، وَمَنْ أَصْلَحَ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَصْلَحَ اللَّهُ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّاسِ (٧).

ثَلَاثَةٌ مُهْلِكَاتٌ: بُخْلٌ وَهَوَىٌّ وَعُجْبٌ (٨). (٩).

ثَلَاثُ الْإِيمَانِ الْحَيَاءُ، وَثَلَاثُ الْوَفَاءِ، وَثَلَاثُ السَّخَاءِ.

٢٩٣٢. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي وَصِيَّتِهِ لِابْنِهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنَفِيَّةِ: إِيَّاكَ وَالْعُجْبَ، وَسَوْءَ الْخُلُقِ، وَقَلَّةَ الصَّبْرِ؛ فَإِنَّهُ لَا يَسْتَقِيمُ لَكَ عَلَى هَذِهِ الْخِصَالِ الثَّلَاثِ صَاحِبٌ، وَلَا يَزَالُ لَمَكَ عَلَيْهَا مِنَ النَّاسِ مُجَانِبٌ (١٠)، وَأَلْزَمَ نَفْسَهُ كَيْ التَّوَدُّدِ، وَالصَّبْرِ (١١) [وَصَبْرًا] عَلَى مَوَازِينِ النَّاسِ نَفْسَكَ، وَابْتَدَلَ لِصَدِيقِكَ نَفْسَكَ وَمَالَكَ، وَلِمَعْرِفَتِكَ (١٢) رِفْدَكَ وَمَحْضَرَكَ، وَلِلْعَامَّةِ بِشْرَكَ (١٣) وَمَحَبَّتَكَ، وَلِعَدُوِّكَ عَدْلَكَ وَإِنْصَافَكَ، وَاضْنُ (١٤) بِدِينِكَ وَعَرَضَكَ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ؛ فَإِنَّهُ أَسْلَمَ لِدِينِكَ وَدُنْيَاكَ (١٥).

٢٩٣٣. وَفِي الْخَبْرِ: لَمَّا قَاتَلَ عُثْمَانُ بْنُ عَفَّانٍ جَلَسَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَقَامَهُ، فَجَاءَ أَعْرَابِيٌّ فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! إِنِّي مَأْخُودٌ بِثَلَاثِ عِلَلٍ: عِلَّةِ النَّفْسِ، وَعِلَّةِ الْفَقْرِ، وَعِلَّةِ الْجَهْلِ. فَأَجَابَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

ص: ١٦

١- . أى يكون أميناً للخائن.

٢- . تصنيف غررالحكم، ص ٣٤٧، ح ٨٠٠٣.

٣- . المراد إرث الإمام.

٤- . النكاح الدائم والمتعه.

٥- . الخصال، ص ١١٩، ح ١٠٦.

٦- . الخصال، ص ١٢٤، ح ١٢٠.

٧- . الخصال، ص ١٢٩، ح ١٣٣.

٨- . العجب: أن ترى نفسك صالحاً في أمورك حتى ترى رأيك صواباً ورأى غيرك خطأ.

٩- . الخصال، ص ٨٤، ح ١١، بالمضمون.

١٠- . جَانِبُهُ وَاجْتَنَبَهُ بِمَعْنَى: وَجَنِبَهُ الشَّيْءَ: نَحَاهُ عَنْهُ (مَخْتَارُ الصَّحَاحِ: ١١١).

١١- . صَبْرَةٌ: حَبْسَهُ (مختار الصحاح: ٣١٥).

١٢- . المعرفة: واحدُ المعارف، ومعارف الرجل أصحابه الذين يعرفهم، وأهل مودّته، ومَن يكون بينه وبينهم معرفةً. الرّفد: العطاء والمعونه. ومحضرك: أى حسن المحضر بالذكر بالخير إذا غابوا، وحسن المعاشره معهم إذا حضروا.

١٣- . بِشْرِك: أى الملاقاه بالبشر من التّبسم وحسن الخلق وطلاقه الوجه.

١٤- . ضَنَّ بالشىء: بِخِلَ (المصباح المنير: ٣٦٥).

١٥- . الخصال، ص ١٤٧، ح ١٧٨.

۲۹۲۸. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: سه چیز کشنده است: جرأت در برابر سلطان، امانت دار خائن بودن و خوردن زهر برای آزمایش.

۲۹۲۹. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: زن از سه راه بر مرد حلال می شود: ازدواج دائم، ازدواج موقت و ازدواج از راه مالک شدن کنیز.

۲۹۳۰. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: با سه چیز مسلمان به کمال می رسد: فهمیدن دین و اندازه گیری در معاش و زندگی، و صبر در مصیبتها.

۲۹۳۱. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: حکیمان و فقیهان وقتی به یکدیگر مکاتبه می کنند، سه چیز می نویسند:

کسی که تمام همتش آخرت است، خداوند دنیای او را کفایت می کند.

و کسی که باطن خود را اصلاح کند، خداوند امور ظاهری او را اصلاح می کند.

و کسی که رابطه بین خود و خدا را اصلاح کند، خداوند رابطه او با مردم را اصلاح می کند.

- سه چیز کشنده است: بخل، هوسرانی، خودخواهی.

- ثلث ایمان حیا است و ثلث دیگرش وفا و ثلث باقیمانده، سخاوت است.

۲۹۳۲. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در وصیت به فرزندش محمد حنفیه فرمودند: از خودخواهی و بداخلاقی و کم صبر بودن اجتناب کن. چون با این سه صفت برای تو دوست و همراه نمی ماند.

و خود را به دوست داشتن مردم و صبر بر نیازهای مردم تمرین ده. و برای دوست جان و مال خود را فدا کن. و برای آشنایان هدیه و حضور خود و برای عموم مردم خوشروئی و محبت را بذل کن. و با دشمن عدل و انصاف داشته باش. اما دین و آبروی خود را از همه کس حفظ کن. تا دین و دنیای تو سلامت بماند.

۲۹۳۳. پس از مرگ عثمان امیرالمؤمنین علی علیه السلام به مقام خلافت رسید. شخصی آمد و گفت: یا امیرالمؤمنین من سه مرض دارم: بیماری بدن، فقر و جهل.

وقال: يا أخا العَرَبِ! عَلَّه النَّفْسُ تُعَرِّضُ عَلَيَّ الطَّيِّبِ، وَعَلَّه الْفَقْرُ تُعَرِّضُ عَلَيَّ الْكَرِيمِ، وَعَلَّه الْجَهْلُ تُعَرِّضُ عَلَيَّ الْعَالِمِ، فَقَالَ الْأَعْرَابِيُّ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! أَنْتَ الطَّيِّبُ، وَأَنْتَ الْكَرِيمُ، وَأَنْتَ الْعَالِمُ.

فَأَمَرَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِأَنْ يُعْطَى لَهُ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ ثَلَاثَةَ آلَافِ دِرْهَمٍ، وَقَالَ: تُنْفِقُ أَلْفًا بَعْلَهُ النَّفْسِ، وَأَلْفًا بَعْلَهُ الْفَقْرِ، وَأَلْفًا بَعْلَهُ الْجَهْلِ. (١)

٢٩٣٤. وَرَوَى عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ دَعَاهُ رَجُلٌ، فَقَالَ لَهُ: عَلِيٌّ أَنْ تَضَمَّنَ لِي ثَلَاثَ خِصَالٍ، قَالَ: وَمَا هِيَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟ قَالَ: لَا تُدْخِلْ عَلَيْنَا شَيْئًا مِنْ خَارِجٍ، وَلَا تُدْخِرْ (٢) عَنَّا شَيْئًا فِي الْبَيْتِ، وَلَا تَجْحَفْ (٣) بِالْعِيَالِ. قَالَ: ذَلِكَ لَكَ. فَأَجَابَهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (٤)

٢٩٣٥. وَرَوَى ابْنُ بَابُوَيْهٍ فِي أَمَالِيهِ حَدِيثًا طَوِيلًا نَقَلْتُ مِنْهُ مَا يُنَاسِبُ هَذَا الْبَابَ:

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: سَمِعْتَنِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي، فَقَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ أَقْصَى الْمَسْجِدِ مُتَوَكِّئًا عَلَيَّ عُنَاظِهِ، فَلَمْ يَزَلْ يَتَخَطَّى النَّاسَ حَتَّى دَنَا مِنْهُ، فَقَالَ: أَيُّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ! دُلَّنِي عَلَيَّ عَمَلٍ إِذَا أَنَا عَمِلْتُهُ نَجَانِي اللَّهُ مِنَ النَّارِ. فَقَالَ لَهُ: اسْمَعْ يَا هَذَا! تَمَّ أَفْهَمُ، ثُمَّ اسْتَيْقِنَ:

قَامَتِ الدُّنْيَا بِثَلَاثَةِ: بِعَالِمٍ نَاطِقٍ مُسْتَعْمِلٍ لِعِلْمِهِ، وَبِعِنِّي لَا يَبْخُلُ بِمَالِهِ عَلَيَّ أَهْلَ دِينِ اللَّهِ عِزِّ وَجَلِّ، وَبِفَقِيرٍ صَابِرٍ؛ فَإِذَا كَتَمَ الْعَالِمُ عِلْمَهُ، وَبَخَلَ الْعِنِّيَّ، وَلَمْ يَصْبِرِ الْفَقِيرُ، فَعِنْدَهَا الْوَيْلُ وَالثُّبُورُ، (٥) وَعِنْدَهَا يَعْرِفُ الْعَارِفُونَ بِاللَّهِ أَنَّ الدَّارَ قَدْ رَجَعَتْ إِلَى بَدَائِهَا؛ أَيُّ إِلَى الْكُفْرِ بَعْدَ الْإِيمَانِ.

أَيُّهَا السَّائِلُ! فَلَا تَغْتَرَّنْ بِكَثْرَةِ الْمَسَاجِدِ، وَجَمَاعَةِ أَقْوَامٍ أَجْسَادُهُمْ مُجْتَمِعَةٌ وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى.

أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّمَا النَّاسُ ثَلَاثَةٌ: زَاهِدٌ، وَرَاغِبٌ، وَصَابِرٌ؛ فَأَمَّا الزَّاهِدُ فَلَا يَفْرَحُ بِشَيْءٍ مِنَ الدُّنْيَا أَتَاهُ، وَلَا يَحْزَنُ عَلَيَّ شَيْءٍ مِنْهَا فَاتَهُ. وَأَمَّا الصَّابِرُ فَيَتَمَنَّاهُ بِقَلْبِهِ، فَإِنْ أَدْرَكَ مِنْهَا شَيْئًا صَرَفَ عَنْهَا نَفْسَهُ لِمَا يَعْلَمُ مِنْ سُوءِ عَاقِبَتِهَا. وَأَمَّا الرَّاغِبُ فَلَا يُبَالِي مِنْ حِلِّ أَصَابِهَا أَمْ مِنْ حَرَامِ.

قال: يا أمير المؤمنين! فما علامة المؤمن في ذلك الزمان؟

ص: ١٨

١- . جامع الأخبار، ص ١٣٨.

٢- . أى لا تمنعنا مما فى البيت، وهو افتعال من ذخر.

٣- . أجمعت بهم الفاقة: أى أفقرتهم الحاجه وأذهبت أموالهم (النهايه: ٢٣٤/١).

٤- . الخصال، ص ١٨٩، ح ٢٦٠.

٥- . الثُّبُور: الهلاك والخسران (مختار الصحاح: ٨٥).

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: ای برادر عرب، برای بیماری به طیب و برای فقر به کریم و برای جهل به عالم مراجعه می کنند.

عرب گفت: یا امیرالمؤمنین تو طیب و کریم و عالم هستی.

حضرت دستور دادند از بیت المال سه هزار درهم به او بدهند و فرمودند: هزار درهم برای معالجه و هزار درهم برای رفع فقر و هزار درهم برای مداوای جهل مصرف کن.

۲۹۳۴. شخصی حضرت علی علیه السلام را برای صرف غذایی دعوت کرد، حضرت فرمودند: به شرط اینکه سه کار را تضمین کنی. پرسید: یا امیرالمؤمنین کدام کار؟

حضرت فرمودند: چیزی از خارج خانه تهیه نکنی. هرچه در خانه داری مضایقه نکنی. و اهل خانه را به زحمت نیندازی. آن شخص قبول کرد و حضرت دعوت او را پذیرفتند.

۲۹۳۵. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: پیش از آنکه مرا از دست بدهید از من هرچه می خواهید پرسید. شخصی از انتهای مسجد بلند شد و عصا زنان از میان جمعیت خود را نزدیک حضرت رساند و گفت: یا امیرالمؤمنین، به من عملی بیاموز که با انجام آن از آتش دوزخ نجات یابم.

حضرت فرمودند: درست گوش کن و بفهم و یقین کن، دنیا بر سه شخصیت استوار است:

عالمی که عملش را بکار برد. و ثروتمندی که از مصرف کردن اموالش برای مسلمانان دریغ نکند. و فقیری که صبر کند.

اگر عالم دانش خود را کتمان کند و ثروتمند بخل ورزد و فقیر صبر نکند، نابودی و هلاک در پیش است. و آن زمان مردم خداشناس در می یابند که جامعه حرکت قهقرائی دارد.

یعنی بعد از ایمان دوباره به کفر روی آورده اند.

ای پرسشگر! آن گاه به فراوانی مساجد و جماعت‌های زیاد که بدن‌ها نزدیک هم و دل‌ها از هم فاصله دارند مغرور نشوید. ای مردم؛ انسان‌ها سه دسته اند: زاهد و راغب و صابر.

زاهد کسی است که اگر از دنیا چیزی بدست آورد خرسند نشود، و اگر چیزی از دست داد غمگین نشود.

صابر کسی است که در دل دنیا را آرزو می کند، اگر چیزی یافت از آن روی بر می گرداند چون عاقبت بد دنیا را می شناسد.

راغب کسی است که از بدست آوردن حلال و حرام باکی ندارد.

آن شخص پرسید: یا امیرالمؤمنین، نشانه مؤمن در آن زمان چیست؟

قَالَ: يَنْظُرُ إِلَى مَا أَوْجَبَ اللَّهُ عَلَيْهِ مِنْ حَقِّ فَيْتَوَلَّاهُ، وَيَنْظُرُ إِلَى مَا خَالَفَهُ فَيَتَبَرَّأُ مِنْهُ وَإِنْ كَانَ حَبِيْبًا قَرِيْبًا.

قَالَ: صَدَقَتْ - وَاللَّهِ - يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ.

ثُمَّ غَابَ الرَّجُلُ فَلَمْ نَرَهُ، فَطَلَبْتُهُ النَّاسُ فَلَمْ يَجِدُوهُ، فَتَبَسَّمَ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى الْمَيْتَرِ ثُمَّ قَالَ: مَا لَكُمْ؟! هَذَا أَخِي الْخَضِرُ عَلَيْهِ السَّلَام... ثُمَّ ذَكَرَ الْحَدِيثَ إِلَى آخِرِهِ. (١)

٢٩٣٦. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ثَلَاثَةٌ تَنْقُصُ النَّفْسَ: الْفَقْرُ، وَالْخَوْفُ، وَالْحُزْنُ. وَثَلَاثَةٌ تُحْيِيهَا: كَلَامُ الْعُلَمَاءِ، وَلِقَاءُ الْأَصْدِقَاءِ، [و] مَرُّ الْأَيَّامِ بِقَلْبِهِ الْبَلَاءِ. (٢)

٢٩٣٧. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: طَلَّابُ الْعِلْمِ عَلَى ثَلَاثَةِ أَصْنَافٍ فَاعْرِفُوهُمْ بِصِفَاتِهِمْ وَنُعُوتِهِمْ: طَائِفَةٌ طَلَبَتْهُ لِلْمِرَاءِ وَالْحَيْدَلِ (٣)، وَطَائِفَةٌ طَلَبَتْهُ لِلِاسْتِطَالَةِ وَالْحَيْلِ (٤)، وَطَائِفَةٌ لِلْفِقْهِ وَالْعَمَلِ.

أَمَّا صَاحِبُ الْمِرَاءِ وَالْجَهْلِ مُؤَذِّ، مُمَارٍ، مُتَّصِدٌ لِلْمَقَالِ فِي أُنْدِيَةِ (٥) الرَّجَالِ، فَهُوَ كَاسِ السَّجْعِ، عَارٍ مِنَ الْوَرَعِ (٦)، فَأَعْمَى اللَّهُ مِنْ هَذَا خَبْرَهُ (٧)، وَقَطَعَ مِنْ آثَارِ الْعُلَمَاءِ أَثْرَهُ (٨).

وَأَمَّا صَاحِبُ الْإِسْتِطَالَةِ وَالْحَيْلِ (٩) فَذُو حُبِّ (١٠) وَمَلَقٍ، مَائِلًا إِلَى أَشْكَالِهِ، مُضَاهٍ لِأَمْثَالِهِ (١١)، وَهُوَ

ص: ٢٠

١- . الأمالى للصدوق، ص ٤٢٤ و ٤٢٥.

٢- . جامع الأخبار، ص ١٨٤.

٣- . نقل هذا الحديث في الكافي: ٤٩/١ وفي بحار الأنوار: ٤٦/١. عن الأمالى للصدوق والخصال مع اختلاف في ألفاظه.

٤- . الاستطالة: الترفع. استطال على الناس: أى ترفع عليهم ووقع فيهم. والحيل بالمهملة غلط والصحيح الختل - بالمعجمه المفتوحه - أى الخدعه والمراوغه من ختل الذئب الصيد أى تخفى له.

٥- . الأنديه جمع النادى وهو مجتمع القوم ومجلسهم.

٦- . فى الكافي: «بتذاكر العلم وصفه الحلم قد تسربل بالخشوع وتخلّى من الورع»، والمعنى أنه لبس السجع يتكلم بلسان ذلق، وتخلّى من الورع.

٧- . دعاء عليه بمحو أثره وإعفاء الخبر كناية عن عدمه وعدم أثر له. وفى الكافي والخصال وبحار الأنوار نقله فى الدعاء على صاحب الاستطاله، ولكن فى لفظ الثانى «فأعمى الله من هذا بصره» وفى الأول «فأعمى الله على هذا خبره».

٨- . قطع الأثر إما دعاء عليه بالزمانه، أو بالموت، أو ببيان للجمله المتقدمه.

٩- . الصحيح الختل وقد مرّ.

١٠- . حُبّ - بالمهملة - معلوم ولعل المراد أنه يتملقه يُظهر الحبّ، ولكنّ الصحيح كما فى الكافي بالمعجمه؛ أى الخدعه، وهو

- بالفتح - الخداع وهو الذى يسعى بين الناس بالفساد، وقد تُكسّر. والمَلَق - بالتحريك -: الزيادة فى التودّد والدعاء والتضرّع

فوق ما ينبغي.

١١- . في الخصال: «فإنه يستطيل على أشباهه من أشكاله»، وفي الكافي: «يستطيل على مثله من أشباهه» والمراد معلوم. وأمّا ما نقله في المتن فالمراد منه أنه يميل إلى أشكاله ويمائل أشباهه ويعاشرهم ولا يميل إلى الأتقياء البرره، ولا يريد أن يكون من الأتقياء.

حضرت فرمودند: با دقت نظر می‌کند به حقی که خدا واجب فرموده است و آن را [امام حق] ولی خود می‌گیرد و از آنکه مخالف آن است براءت می‌جوید اگر چه آن مخالف دوست و خویشاوندش باشد.

آن شخص گفت: بخدا قسم راست گفتم یا امیرالمؤمنین. سپس آن شخص آنجا را ترک کرد و دیگر دیده نشد و مردم بدنبالش جستجو کردند ولی او را نیافتند. حضرت علی علیه السلام بالای منبر تبسم فرمودند و پرسیدند: دنبال چه می‌گردید؟ او برادرم خضر علیه السلام بود.

۲۹۳۶. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: سه چیز باعث نقصان شخصیت می‌شود: فقر، خوف و اندوه.

و سه چیز شخصیت را احیاء می‌کند: سخن علما و دیدار دوستان، و سپری کردن روزگار با بلاهای اندک.

۲۹۳۷. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: جویندگان علم سه گروه هستند آنها را با صفات و ویژگیهایشان بشناسید: یک گروه علم را برای جدل و خودنمایی می‌آموزند. یک گروه برای فریب دیگران و کسب موقعیت خود و گروه سوم برای فهمیدن و عمل کردن می‌آموزند.

اما کسی که برای مجادله و جهل می‌آموزد انسان موزی، جر و بحث کننده، پرحرف در مجامع است، و واژه های متنوع بکار می‌گیرد ولی تقوی ندارد. خداوند او را از بین ببرد و ذکرش را از میان علماء محو کند.

اما موقعیت طلب و فریبکار، چاپلوس است و با افراد مانند خود نشست و برخاست

لِحَلْوَائِهِمْ هَاضِمٌ (١) ، و لِدِينِهِ حَاطِمٌ ، فَهَسَمَ اللَّهُ مِنْ هَذَا خَيْشُومَهُ ، وَقَطَعَ مِنْهُ حَيْرُومَهُ (٢) .

وَأَمَّا صَاحِبُ التَّفَقُّهِ وَالْعَمَلِ فَذُو حُزْنٍ (٣) وَكَآبِهِ ، كَثِيرِ الْخَوْفِ وَالثُّبَاءِ ، طَوِيلِ الْإِبْتِهَالِ (٤) وَالِدُّعَاءِ ، عَارِفًا بِزَمَانِهِ (٥) ، مُقْبِلًا عَلَى شَأْنِهِ ، مُسْتَوْحِشًا مِنْ أَوْثِقِ إِخْوَانِهِ ، قَدْ خَشَعَ فِي بُرْنِسِهِ (٦) ، وَقَامَ اللَّيْلَ فِي حِنْدِسِهِ (٧) ، فَشَدَّ اللَّهُ (٨) مِنْ هَذَا أَرْكَانَهُ ، وَأَعْطَاهُ مِمَّا يَخَافُ أَمَانَتَهُ (٩) .

٢٩٣٨ . وَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ لَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ سُنَّةُ اللَّهِ وَسُنَّةُ رَسُولِهِ وَسُنَّةُ أَوْلِيَائِهِ فَلَيْسَ فِي يَدِهِ شَيْءٌ .

قِيلَ : وَمَا سُنَّةُ اللَّهِ ؟ قَالَ : كِتْمَانُ السَّرِّ . قِيلَ : وَمَا سُنَّةُ رَسُولِهِ ؟ قَالَ : الْمُدَارَاةُ . قِيلَ : وَمَا سُنَّةُ أَوْلِيَائِهِ ؟ قَالَ : اِحْتِمَالُ الْأَذَى .

٢٩٣٩ . وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : جُمِعَ الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي ثَلَاثٍ : النَّظَرِ ، وَالسُّكُوتِ ، وَالْكَلامِ ؛ فَكُلُّ نَظَرٍ لَيْسَ فِيهِ اعْتِبَارٌ فَهُوَ سِيْهُوٌ ، وَكُلُّ سُكُوتٍ لَيْسَ فِيهِ فِكْرَةٌ فَهُوَ غَفْلَةٌ ، وَكُلُّ كَلَامٍ لَيْسَ فِيهِ ذِكْرٌ فَهُوَ لَعْوٌ (١٠) .

٢٩٤٠ . وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا يَكُونُ الصَّدِيقُ صَدِيقًا حَتَّى يَحْفَظَ أَخَاهُ فِي ثَلَاثٍ : فِي نَكْبَتِهِ (١١) ، وَغَيْبَتِهِ ، وَوَفَاتِهِ (١٢) .

٢٩٤١ . وَكَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ : إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ امْرِئِنَا أَنْ نُطْعِمَ الطَّعَامَ ، وَنُؤَدِّيَ فِي النَّاسِ النَّائِبَةَ (١٣) ، وَنُصَلِّيَ إِذَا نَامَ النَّاسُ (١٤) .

٢٩٤٢ . وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : كُنْ عِنْدَ اللَّهِ خَيْرَ النَّاسِ ، وَكُنْ عِنْدَ نَفْسِكَ شَرَّ النَّاسِ ، وَكُنْ عِنْدَ النَّاسِ وَاحِدًا مِنَ النَّاسِ .

ص : ٢٢

١- . فهو لحلوائهم هاضم: أى لأطعمتهم اللذيذه. وفي بعض النسخ - على ما فى بحار الأنوار - «لحلوانهم» أى لرشوتهم. ولدينه حاطم؛ أى كاسر؛ يعنى أن أكل أطعمتهم اللذيذه هلاك دينه.

٢- . الحيزوم: ما استدار بالظهر والبطن، أو ضلع الفؤاد، أو ما اكتنف بالحلقوم من جانب الصدر. والخيشوم: أقصى الأنف. وهما كنايةتان عن إذلاله.

٣- . المراد من الحزن حزن الآخرة. والكآبه - بالتحريك والمد والتسكين - : سوء الحال والانكسار من شدة الهم والحزن.

٤- . الابتهاال: أن تمدّ يديك جميعاً، وأصله التضرع والمبالغة فى السؤال.

٥- . وفى الكافى: «عارفاً بأهل زمانه»، والمراد معرفته بالناس وعقله وفطنته ونتيجته الوحشه من الناس من أن يهلكوا دينه.

٦- . البرنس: قلنسوه طويله كان يلبسها النساك فى صدر الإسلام كما عن الجوهري، أو كلُّ ثوبٍ رأسه منه ملتزق به من درّاعه أو جُبهه أو ممطراً وغيره.

٧- . الحندس - بالكسر -: الظلمه.

٨- . فشَدَّ اللَّهُ من هذا أركانه: أى أعضاءه وجوارحه أو الأعمم منها ومن عقله وفهمه ودينه وأركان إيمانه. والفرق بين الصنفين الأولين بأنّ الأوّل غرضه الجاه والتفوق بالعلم، والثانى غرضه المال والترفع به، أو الأوّل غرضه إظهار الفضل على العوام وإقبالهم إليه، والثانى قرب السلاطين والتسلط على الناس بالمناصب الدنيويه - كما فى بحار الأنوار - .

٩- . الخصال، ص ١٩٤، ح ٢٦٩ .

- ١٠- . الخصال، ص ٩٨، ح ٤٧.
- ١١- . النكبه: المصبيه.
- ١٢- . نهج البلاغه، ج ٤، ص ٣٣، ح ١٣٤.
- ١٣- . النائبه: ما ينوب الإنسان أى ينزل به من المهمات والحوادث؛ أى أمرنا أن نؤدى نوائبهم، ونعينهم على الحوادث.
- ١٤- . الكافي، ج ٤، ص ٥٠.

دارد و از غذای لذیذ مردم می خورد و دین آنها را از بین می برد. خداوند این گروه را ذلیل و پست نماید.

اما اهل فهم و عمل، دارای حزن و وقار، اشک و آه بسیار و دعا و مناجات طولانی است، آگاه به زمان خود، وظیفه شناس است و از دوستان مورد اعتماد خود وحشت دارد، تاج خشوع بر سر دارد و در ظلمت شب به عبادت بر می خیزد. خداوند او را حفظ کند و از هر چه می ترسد ایمن دارد.

۲۹۳۸. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: کسی که سنّت خدا و سنّت پیامبر و سنّت اولیاء خدا را ندارد، هیچ ندارد. پرسیدند: سنّت خدا چیست؟ حضرت فرمودند: رازداری و حفظ اسرار. پرسیدند:

سنّت پیامبر چیست؟ حضرت فرمودند: مدارا با مردم. پرسیدند: سنّت اولیاء خدا چیست؟ حضرت فرمودند: تحمّل اذیت.

۲۹۳۹. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: همه خیر در سه چیز است: نگاه، سکوت، سخن. نگاه بدون عبرت آموزی خطاست. سکوت بدون تفکر غفلت است. و سخن خالی از یاد خدا بیهوده است.

۲۹۴۰. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: دوست واقعی آن است که دوست خود را در سه حال حفظ کند: در مصیبت، در غیبت، در وفات.

۲۹۴۱. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: ما اهل بیت موظفیم: اطعام طعام کنیم، به مردم درمانده یاری رسانیم، و چون مردم به خواب روند نماز بخوانیم.

۲۹۴۲. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: نزد خدا بهترین بنده باش. و نزد خود بدترین کس. و نزد مردم یکی از آنها باش.

عبدالله مسعود از آن حضرت نقل کرده است: واجبات الهی را انجام ده تا از همه عابدتر

(وَأَخَذَ هَذَا الْمَعْنَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ) فَقَالَ: أَدَّ مَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْكَ تَكُنْ أَعْيَدَ النَّاسِ، وَاجْتَنِبْ عَنِ مَحَارِمِ اللَّهِ تَكُنْ أَزْهَدَ النَّاسِ، وَارْضَ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لَكَ تَكُنْ أَعْنَى النَّاسِ.

٢٩٤٣. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: تَفَضَّلْ عَلَى مَنْ شِئْتَ فَأَنْتَ أَمِيرُهُ، وَاسْتَغْنِ عَمَّنْ شِئْتَ فَأَنْتَ نَظِيرُهُ، وَاسْأَلْ مَنْ شِئْتَ فَأَنْتَ أُسِيرُهُ. (١)

٢٩٤٤. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ثَلَاثٌ يَزِدْنَ فِي الْحِفْظِ وَيُذْهِبْنَ الْبَلْغَمَ: السُّوَاكُ، وَالصَّوْمُ، وَقِرَاءَةُ الْقُرْآنِ. (٢)

٢٩٤٥. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الدُّنْيَا تَعْرُ وَتَضُرُّ وَتَمُرُّ. (٣)

وَقَالَ الشَّاعِرُ:

كُنْ غَرِيبًا وَاجْعَلِ الدُّنْيَا - يَا سَيِّلًا لِلْعُبُورِ

وَارْفُضِ الدُّنْيَا وَلَا تَسْ - كُنْ إِلَى دَارِ الْغُرُورِ (٤)

٢٩٤٦. وَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا طَالِبَ الْعِلْمِ! لِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمَةٌ بِهَا يَشْهَدُ لَهُ وَعَلَيْهِ؛ فَلِلدِّينِ ثَلَاثُ عِلْمَاتٍ:

الإيمان بالله، وبكُتُبِهِ، وبِرُسُلِهِ.

وللعلمِ ثَلَاثُ عِلْمَاتٍ: المَعْرِفَةُ بِاللَّهِ، وَمَا يُحِبُّ، وَيَكْرَهُ.

وللعملِ ثَلَاثُ عِلْمَاتٍ: الصَّلَاةُ، وَالزَّكَاةُ، وَالصَّوْمُ.

وللتمكُّلِ ثَلَاثُ عِلْمَاتٍ: يُنَازِعُ مَنْ فَوْقَهُ، وَيَقُولُ مَا لَا يَعْلَمُ، وَيَتَعَاطَى مَا لَا يَنَالُهُ.

وللْمُنَافِقِ ثَلَاثُ عِلْمَاتٍ: يُخَالِفُ لِسَانُهُ قَلْبَهُ، وَقَوْلُهُ فِعْلُهُ، وَسَرِيرَتُهُ عِلَانِيَتُهُ.

وللظالمِ ثَلَاثُ عِلْمَاتٍ: يَظْلِمُ مَنْ فَوْقَهُ بِالْمَعْصِيَةِ، وَلِمَنْ دُونَهُ بِالْعَلْبَةِ، وَيُظَاهِرُ الظَّالِمَةَ.

وللْمُرَائِي ثَلَاثُ عِلْمَاتٍ: يَكْسَلُ إِذَا كَانَ وَحْدَهُ، وَيَحْرِصُ إِذَا كَانَ مَعَهُ غَيْرُهُ، وَيَحْرِصُ عَلَى كُلِّ أَمْرٍ يَعْلَمُ فِيهِ الْمِدْحَةَ.

وللغافلِ ثَلَاثُ عِلْمَاتٍ: السَّهُوُ وَاللَّهُوُ وَالنَّسْيَانُ. (٥)

ص: ٢٤

١- . بحار الأنوار، ج ٧٠، ص ١٦٩، ح ٦.

٢- . الفصول المهمّة، ج ٣، ص ٢٣٢، ح ٢٨٨٩.

٣- . تصنيف غرر الحكم، ص ١٣٥، ح ٢٣٤٧.

٤- . روضه الواعظين، ص ٤٤٨.

٥- . مجموعه ورام، ج ٢، ص ١١٧.

باشی. و از حرام دوری کن تا زاهدترین مردم باشی. و به آنچه خدا قسمت تو کرده راضی باش تا بی نیازترین مردم باشی.

۲۹۴۳. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: به هر که نیکی کنی سرور او هستی. از هر کس بی نیاز باشی نظیر او هستی. از هر کس درخواست کنی اسیر او هستی.

۲۹۴۴. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: سه چیز حافظه را تقویت و خلط را رفع می کند: مسواک، روزه و قرائت قرآن.

۲۹۴۵. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: دنیا فریب می دهد، زیان می رساند و می گذرد.

شاعر می گوید:

غریب باش و از دنیا عبور کن دنیا را کوچک شمار و در آن ساکن مشو

۲۹۴۶. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: ای جوینده علم؛ هر چیز نشانه ای دارد که برای آن چیز یا بر علیه آن گواهی می دهد:

دین سه نشانه دارد: ایمان به خدا، ایمان به رسول خدا، ایمان به کتاب خدا.

علم سه نشانه دارد: شناخت خدا، شناخت آنچه خدا دوست دارد و آنچه دوست ندارد.

عمل سه نشانه دارد: نماز، زکات، روزه.

انسان متکلف سه علامت دارد: با مافوق خود نزاع می کند. بدون آگاهی سخن می گوید.

بدنبال چیزهایی می رود که به آنها نمی رسد.

منافق سه علامت دارد: زبان او مخالف قلب اوست. گفتارش با کردارش و باطن او با ظاهرش متفاوت است.

ستمگر سه علامت دارد: به مافوق خود با سرپیچی و به زیردست خود با زورگویی ستم می کند و با ستمگران همیاری می کند.

ریا کار سه علامت دارد: در تنهایی کسل است. در میان مردم تحرک دارد. و هر کاری را که بدانند مردم می ستایند انجام می دهد.

غافل سه علامت دارد: بی توجهی، سرگرمی، فراموشی.

٢٩٤٧. وقال عليه السلام: لله عز وجل في كل ليلة ثلاثه عساكر: فعسكر ينزل من الأصلاب إلى الأرحام، وعسكر من الأرحام إلى الأرض، وعسكر يرتحل من الدنيا إلى الآخرة. (١)

٢٩٤٨. وقال عليه السلام في كلام له طويل في ذم الدنيا: الدنيا ثلاثة أيام: يوم مضى بما فيه فليس بعائد، ويوم أنت فيه يحق عليك اغتنامه، ويوم لاتدرى من أهله ولعلك راحل فيه؛ فأما أمس فحكيم مؤدب، وأما اليوم فصديق مؤدع، وأما غد فإتما في يديك منه الأمل. (٢)

٢٩٤٩. وقال عليه السلام: خيار خصال النساء شراز خصال الرجال: الزهو، والجبن، والبخل. (٣)

٢٩٥٠. وقال عليه السلام: استعن على العدل بحسن التيه في الرعيه، وقله الطمع، وكثره الورع. (٤)

٢٩٥١. وقال أمير المؤمنين عليه السلام: سيكون زمان لا يستقيم لهم الملك إلا بالقتل والجور، ولا يستقيم لهم الغنى إلا بالبخل، ولا يستقيم لهم الصبحه في الناس إلا باتباع أهوائهم والاستخراج من الدين؛ فمن أدرك ذلك الزمان فصبر على الفقر وهو يقدر على الغنى، وصبر على الذل وهو يقدر على العز، وصبر على بغضه الناس وهو يقدر على المحبه؛ أعطاه الله تعالى ثواب خمسين صديقاً. (٥)

٢٩٥٢. وقال عليه السلام: من أراد البقاء - ولا بقاء - فليأكر الغداء، وليخفف الرداء (٦)، وليقل غشيان النساء. (٧)

٢٩٥٣. وقال علي عليه السلام: كن لما لا ترجو أرجى منك لما ترجو؛ فإن موسى بن عمران خرج يفتبس لأهله ناراً فكلمه الله عز وجل فرجع نبياً، وخرجت ملكه سبياً فأسلمت مع سليمان عليه السلام، وخرج سحره فرعون يطلبون العزة لفرعون فرجعوا مؤمنين. (٨)

٢٩٥٤. وقال علي عليه السلام في وصيته لكميل بن زياد: يا كميل، إن هذه القلوب أوعية وخيرها أوعاها، احفظ عني ما أقول لك: الناس ثلاثة: عالم رباني، ومتعلم على سبيل النجاه، وهمج زعاع (٩) أتباع كل ناعق،

ص: ٢٦

١- شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٣١٨، ح ٦٥٧.

٢- التحصين، ابن فهد الحلبي، ص ١٦، ح ٢٨.

٣- نهج البلاغه، ج ٤، ص ٥٢، ح ٢٣٤.

٤- عيون الحكم والمواعظ، ص ٧٧.

٥- تحف العقول، ص ٦٠.

٦- قال الجزري: وفي حديث علي عليه السلام: «من أراد البقاء - ولا بقاء - فليخفف الرداء، قيل: وما خفف الرداء؟ قال: قلله اللين». سمي رداءً لقولهم: دینک فی ذمتی وعنقی، وهو لازم فی رقتی، وهو موضع الرداء (النهاية: ٢١٧/٢).

٧- الدعوات، ص ٧٥، ح ١٧٦.

٨- . من لا يحضره الفقيه، ج ٣، ص ١٦٥، ح ٣٦٠٩.

٩- . رَعَا النَّاسَ: أَي غَوَّاهُمْ وَسَقَّاهُمْ وَأَخْلَطَهُمْ (النهاية: ٢/٢٣٥).

۲۹۴۷. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: خداوند در هر شب سه لشکر دارد: یک لشکر از صلب پدران به رحم مادران می روند، یک لشکر از رحم به روی زمین، و یک لشکر از دنیا به آخرت کوچ می کنند.

۲۹۴۸. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نکوهش دنیا فرمودند: دنیا سه روز است: روزی که با همه کارهای انجام شده در آن گذشت و بر نمی گردد. روزی که در آن هستی و آن را غنیمت شمار. و روزی که نمی دانی تو زنده هستی شاید نباشی.

پس دیروز حکیمی ادب آموز است. و امروز دوستی در حال وداع. و فردا آرزویی بیش نیست.

۲۹۴۹. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: بهترین خصلتهای زنان، بدترین خصلت مردان است: تکبر، و ترس، و بخل.

۲۹۵۰. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: برای عدالت به زیردستان، از نیت خوش و کاستن طمع و پرهیزکاری فراوان، یاری بجوی.

۲۹۵۱. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: زمانی می رسد که حکومتها جز با کشتار و ستم تداوم نمی یابند. و ثروت ها جز با بخل باقی نمی ماند. و دوستی ها جز با هواپرستی و خروج از دین باقی نمی ماند کسی که آن زمان را درک کند و در فقر صبر کند گرچه قدرت ثروت اندوزی دارد، با خواری زندگی کند گرچه امکان تحصیل عزت نامشروع دارد، و بر خشم مردم صبر کند گرچه جلب محبت مردم برایش ممکن است، خداوند پاداش پنجاه صدیق را به او بدهد.

۲۹۵۲. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: هر کس زندگی جاوید خواهد - گرچه امکان ندارد - صبح زود غذا بخورد، لباس سبک بپوشد [منظور آن است که قرض کم تر بگیرد]، و با زنان کمتر بیامیزد.

۲۹۵۳. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: به آنچه ناامیدی امیدوارتر باش تا آنچه امید داری. موسی بن عمران به قصد آوردن آتش برای همسرش رفت که خدا با او سخن گفت و با مقام پیامبری برگشت. و ملکه سبا [به ملاقات سلیمان] رفت و ایمان آورد. و ساحران فرعون برای عزت فرعون رفتند اما با ایمان به خدا باز گشتند.

۲۹۵۴. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در وصیت به کمیل فرمودند: یا کمیل، این قلبها ظرف هستند و بهترین آنها با ظرفیت ترین آنهاست. آنچه می گویم به خاطر بسپار:

يَمِيلُونَ مَعَ كُلِّ رِيحٍ، لَمْ يَسْتَضِيئُوا بِنُورِ الْعِلْمِ، وَلَمْ يَلْجُوا إِلَى رُكْنٍ وَثِيقٍ. (١)

٢٩٥٥. وَرُوِيَ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِنَّ لِلْعَالَمِ ثَلَاثَ عِلَامَاتٍ: الْعِلْمَ، وَالْحِلْمَ، وَالصَّمْتَ، وَلِلْمُتَكَلِّفِ ثَلَاثَ عِلَامَاتٍ: يُنَازِعُ مَنْ فَوْقَهُ بِالْمَعْصِيَةِ، وَيَظْلِمُ مَنْ دُونَهُ بِالْعَلْبَةِ، وَيُظَاهِرُ الظَّلْمَةَ. (٢)

٢٩٥٦. وَرُوِيَ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: الْأَعْمَالُ عَلَى ثَلَاثَةِ أَحْوَالٍ: فَرَائِضُ، وَفَضَائِلُ، وَمَعَاصِي؛ فَأَمَّا الْفَرَائِضُ فَبِأَمْرِ اللَّهِ، وَبِرِضَاءِ اللَّهِ، وَبِقَضَاءِ اللَّهِ وَمَشِيئَتِهِ وَعِلْمِهِ، وَأَمَّا الْفَضَائِلُ فَلَيْسَتْ بِأَمْرِ اللَّهِ وَلَكِنْ بِرِضَاءِ اللَّهِ، وَبِقَضَاءِ اللَّهِ وَمَشِيئَتِهِ وَعِلْمِهِ، وَأَمَّا الْمَعَاصِي فَلَيْسَتْ بِأَمْرِ اللَّهِ وَلَا بِقَضَاءِ اللَّهِ وَقَدَرِهِ وَلَا بِمَشِيئَتِهِ، وَلَكِنْ بِعِلْمِهِ، ثُمَّ يُعَاقَبُ عَلَيْهَا. (٣)

٢٩٥٧. النَّاسُ ثَلَاثَةٌ أَصْنَافٍ: زَاهِدٌ مُعْتَزِمٌ، وَصَابِرٌ عَلَى مُجَاهَدَةِ هَوَاهُ، وَرَاغِبٌ مُنْقَادٌ لَشَهْوَاتِهِ. (٤)

٢٩٥٨. يَا بَنَ آدَمَ، هَلْ تَنْتَظِرُ إِلَّا هَرَمًا حَائِلًا، أَوْ مَرَضًا شَاغِلًا، أَوْ مَوْتًا نَازِلًا!

قَدْ أَصْبَحْتُمْ فِي زَمَنِ لَا يَزِدَادُ الْخَيْرُ فِيهِ إِلَّا إِدْبَارًا، وَلَا الشَّرُّ فِيهِ إِلَّا إِقْبَالًا، وَلَا الشَّيْطَانُ فِي هَلَاكِ النَّاسِ إِلَّا طَمَعًا. (٥)

٢٩٥٩. الْعَاقِلُ إِذَا سَكَتَ فَكَّرَ، وَإِذَا نَطَقَ ذَكَرَ، وَإِذَا نَظَرَ اعْتَبَرَ. (٦)

٢٩٦٠. قَدْ بَصُرْتُمْ إِنْ أَبْصَرْتُمْ، وَقَدْ هُدَيْتُمْ إِنْ اهْتَدَيْتُمْ، وَأَسْمِعْتُمْ إِنْ اسْتَمَعْتُمْ. (٧)

٢٩٦١. هَلَكَ مَنْ بَاعَ الْيَقِينَ بِالشُّكِّ، وَالْحَقَّ بِالْبَاطِلِ، وَالْأَجَلَ بِالْعَاجِلِ. (٨)

٢٩٦٢. يَا كَمِيلُ، الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ؛ الْعِلْمُ يَحْرُسُكَ وَأَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ، وَالْمَالُ تُفْنِيهِ النَّفَقَةُ، وَالْعِلْمُ يَزُكُو عَلَى الْإِنْفَاقِ، الْعِلْمُ حَاكِمٌ وَالْمَالُ مَحْكُومٌ عَلَيْهِ. (٩)

٢٩٦٣. يَا كَمِيلُ بَنَ زِيَادٍ، إِنَّ (١٠) هَذِهِ الْقُلُوبُ أَوْعِيَةٌ، فَخَيْرُهَا أَوْعَاهَا (١١)، فَاحْفَظْ (١٢) عَنِّي مَا أَقُولُ لَكَ؛ النَّاسُ ثَلَاثَةٌ:

ص: ٢٨

١- . نهج البلاغه، ج ٤، ص ٣٥ و ٣٦، ح ١٤٧، مع اختلافٍ يسير.

٢- . الكافي، ج ١، ص ٣٧، ح ٧.

٣- . الخصال، ص ١٦٨، ح ٢٢١.

٤- . دستور معالم الحكم، ص ١٥١.

٥- . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٣٢٣، ح ٧٠٣.

٦- . عيون الحكم والمواعظ، ص ٥٤.

٧- . شرح نهج البلاغه، ج ٤، ص ٤٠، ح ١٥٧.

٨- . عيون الحكم والمواعظ، ص ٥١١.

٩- . تحف العقول، ص ١٧.

١٠- . القانون: يا كميلُ إنَّ.

١١- . وفيه: أوعاها للعلم.

١٢- . وفيه: إحفظ.

مردم سه گروهند: عالم ربّانی، و جوینده علم در طریق نجات، و آدم های بی ارزش که به دنبال هر صدائی می رود. و به هر بادی میل می کند. و با نور علم روشن نشود. و به ستون استوار تکیه نزند.

۲۹۵۵. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: عالم سه علامت دارد: علم و بردباری و سکوت. عالم نما سه علامت دارد: با مافوق خود مخالفت کند. و به زیر دست با قهر و غلبه ستم کند. و با ستمگران همکاری کند.

۲۹۵۶. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: کردار انسان در سه حال است: واجبات، و فضائل، معاصی.

واجبات به امر خداوند و با رضای او و به حکم و خواست و علم خداست.

فضائل به امر خداوند نیست. اما با رضای او و به حکم و خواست و علم خداوند است.

معاصی نه به امر خداوند است. و نه به رضا و حکم و خواست او ولیکن به علم خداوند است و بر معاصی مؤاخذه می فرماید.

۲۹۵۷. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: مردم سه گروه هستند: پارسای کوشا، صابر در جهاد با نفس، و مایل به دنیا و شهوتران.

۲۹۵۸. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: ای فرزند آدم آیا در انتظار چیزی جز پیری پیش رو یا بیماری مبتلا کننده یا مرگ فرا رس هستی؟

در زمانی زندگی می کنید که کارهای خیر از شما رویگردان و شرارت به شما روی کرده و شیطان به نابودی شما طمع کرده است.

۲۹۵۹. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: عاقل اگر سکوت کند تفکر می نماید. و اگر سخن بگوید به یاد خداست و اگر نظر کند عبرت گیرد.

۲۹۶۰. به شما نشان داده اند اگر بنگرید و راهنماییتان کرده اند اگر هدایت شوید و به گوشه‌تان خوانده اند اگر بشنوید.

۲۹۶۱. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: کسی که یقین را به شک و حق را به باطل و آخرت را به دنیا بفروشد، نابود می شود.

۲۹۶۲. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: یا کمیل؛ دانش بهتر از ثروت است. دانش ترا حفظ می کند ولی تو باید مال را حفظ کنی. مال با خرج کردن نابود می شود اما علم با انفاق رشد می کند.

علم حاکم است ولی مال محکوم.

۲۹۶۳. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: یا کمیل؛ این قلبها ظرف هستند بهترین آنها، نگهدارنده ترین

فَعَالِمٌ (١) رَبِّيَانِيٌّ، وَمُتَعَلِّمٌ عَلَى سَبِيلِ نَجَاهٍ، وَهَمَّيْجٌ رُعَاعٌ، أَتْبَاعُ كُلِّ نَاعِقٍ (٢)، يَمِيلُونَ مَعَ كُلِّ رِيحٍ، لَمْ يَسْتَضِيئُوا بِنُورِ الْعِلْمِ، وَلَمْ يَلْجَأُوا إِلَى رُكْنٍ وَثِيقٍ. (٣)

٢٩٦٤. لَا بُدَّ لِلْعَاقِلِ مِنْ ثَلَاثٍ: أَنْ يَنْظُرَ فِي شَأْنِهِ، وَيَحْفَظَ لِسَانَهُ، وَيَعْرِفَ زَمَانَهُ. (٤)

٢٩٦٥. هُمُ الْكَافِرِ لِدُنْيَاهُ، وَسَعِيهِ لِعَاجِلَتِهِ (٥)، وَغَايَتُهُ شَهْوَتُهُ. (٦)

٢٩٦٦. الْعَاقِلُ مَنْ يَمْلِكُ نَفْسَهُ إِذَا غَضِبَ، وَإِذَا رَغِبَ، وَإِذَا رَهَبَ (٧). (٨)

٢٩٦٧. الْوَرَعُ يُصْلِحُ الدِّينَ، وَيَصُونُ النَّفْسَ، وَيَزِينُ (٩) الْمُرُوءَةَ. (١٠)

٢٩٦٨. يَحْتَاجُ الْإِمَامُ إِلَى قَلْبٍ عَقُولٍ، وَلِسَانٍ قَوْلٍ، وَجَنَانٍ عَلَى إِقَامَةِ الْحَقِّ صَوُولٍ (١١). (١٢)

٢٩٦٩. قَدْ قَسَمَ اللَّهُ أَرْزَاقَكُمْ، وَعَلَّمَ أَعْمَالَكُمْ، وَكَتَبَ آجَالَكُمْ. (١٣)

٢٩٧٠. فِعْلُ الْمَعْرُوفِ وَإِغَاثَةُ الْمَلْهُوفِ وَإِقْرَاءُ الضُّيُوفِ، آلَةُ السِّيَادَةِ. (١٤)

٢٩٧١. (إِنَّ الدَّهْرَ) يَرْمِي الشَّبَابَ بِالْهَرَمِ، وَالصَّحِيحَ بِالسَّقَمِ، وَالْحَيَاةَ بِالْمَوْتِ. (١٥)

٢٩٧٢. يُسْتَدَلُّ عَلَى الْإِيمَانِ بِكَثْرَةِ التَّقَى، وَمِلْكِ الشَّهْوَةِ، وَعَلْبَةِ الْهَوَى. (١٦)

٢٩٧٣. الْعَامِلُ بِالظُّلْمِ وَالْمُعِينُ عَلَيْهِ وَالرَّاضِي بِهِ، شُرَكَاءُ ثَلَاثَةٌ. (١٧)

٢٩٧٤. يُسْتَدَلُّ عَلَى اللَّئِيمِ بِسُوءِ الْفِعْلِ، وَقُبْحِ الْخُلُقِ، وَذَمِيمِ الْبُخْلِ. (١٨)

٢٩٧٥. عَامِلُوا الْأَحْرَارَ بِالْكَرَامَةِ الْمَحْضَةِ، وَالْأَوْسَاطَ بِالرَّغْبَةِ وَالرَّهْبَةِ (١٩)، وَالسَّفَلَةَ بِالْهَوَانِ. (٢٠)

ص: ٣٠

١- . وفيه: عالمٌ.

٢- . وفيه: ناعقٍ غاوٍ.

٣- . تحف العقول، ص ١٦٩ و ١٧٠، مع اختلافٍ يسير.

٤- . تحف العقول، ص ٢٠٣.

٥- . النَّاسِخُ: لِعَاجِلِهِ.

٦- . عيون الحكم والمواعظ، ص ٥١٤.

٧- . النَّاسِخُ: وَإِذَا رَغِبَ وَرَهَبَ.

٨- . عيون الحكم والمواعظ، ص ٦٢.

- ٩- . النَّاسِخُ: النَّفْسَ وَالْيَقِينَ وَيَزِينُ.
- ١٠- . عيون الحكم والمواعظ، ص ٥٥.
- ١١- . الصُّؤُولُ مِنَ الرَّجَالِ: الَّذِي يَضْرِبُ النَّاسَ وَيَتَطَاوَلُ عَلَيْهِمْ (لسان العرب: صول).
- ١٢- . عيون الحكم والمواعظ، ص ٥٥٦.
- ١٣- . عيون الحكم والمواعظ، ص ٣٦٨.
- ١٤- . عيون الحكم والمواعظ، ص ٣٥٨.
- ١٥- . عيون الحكم والمواعظ، ص ١٤٧.
- ١٦- . تصنيف غررالحكم، ص ٢٧١، ح ٥٩٢٥.
- ١٧- . الكافي، ج ٢، ص ٣٣٣، ح ١٦.
- ١٨- . تصنيف غررالحكم، ص ٢٩٣، ح ٦٥٤٧.
- ١٩- . الرَّهْبَةُ: الْخَوْفُ وَالْفَزَعُ (لسان العرب: رهب).
- ٢٠- . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٣١١، ح ٥٧٤.

آنهاست. آنچه می‌گویم به خاطر بسیار، مردم سه گروه هستند: عالم ربّانی، و کسی که علم را برای نجات می‌آموزد، و هرزه گرد که از آوازی پیروی می‌کنند، و به هر سو منحرف می‌شوند، از نور علم نوراتیت نمی‌جویند، و به پناهگاه محکم پناه نمی‌برند.

۲۹۶۴. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: عاقل باید در سه چیز دقت کند: مقام خود را درک کند. و زبانش را نگه دارد. و زمانش را بشناسد.

۲۹۶۵. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: اهتمام کافر برای دنیا و تلاش او برای کارهای زودگذر و هدف او شهوت است.

۲۹۶۶. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: عاقل کسی است که هنگام خشم و هنگام تمایل و هنگام ترسیدن، خود را کنترل کند.

۲۹۶۷. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: پرهیزکاری، دین را اصلاح و نفس را مصون و جوانمردی را زینت می‌کند.

۲۹۶۸. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: امام، به قلب متفکر و زبان گویا و روحیه ای با پشت کار برای برقراری حق نیاز دارد.

۲۹۶۹. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: خداوند، روزی شما را تقسیم کرده و از اعمال شما آگاه و اجل شما را معین کرده است.

۲۹۷۰. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: کار نیکو و یاری درمانده و پذیرائی از میهمان، وسایل بزرگواری هستند.

۲۹۷۱. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: دنیا، جوانی را به پیری و سلامتی را به بیماری و زندگی را به مرگ می‌رساند.

۲۹۷۲. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: برای وجود ایمان، به تقوای زیاد و مالکیت شهوت و غلبه بر هوای نفس، استدلال می‌شود.

۲۹۷۳. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: ستمگر و یاری رسان او و راضی به ستم، هر سه شریک هستند.

۲۹۷۴. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: بد رفتاری و بداخلاقی و بخل، نشانه فرومایگی است.

۲۹۷۵. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: با آزادگان به کرامت و با مردم متوسط با میل و رغبت و با مردم پست با پستی رفتار کنید.

٢٩٧٦. يُسْتَدَلَّ عَلَى الْيَقِينِ بِقَصْرِ الْأَمَلِ، وَإِخْلَاصِ الْعَمَلِ، وَالزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا. (١).

٢٩٧٧. عِبَادَ اللَّهِ! احذروا يوماً تُفَحَّصُ فِيهِ الْأَعْمَالُ، وَيَكْثُرُ فِيهِ الزَّلْزَالُ، وَتَشِيبُ فِيهِ الْأَطْفَالُ. (٢).

٢٩٧٨. لَا تُجَالِسُوا إِلَّا مَنْ يُذَكِّرُكُمْ اللَّهَ رُؤْيَتَهُ، وَيَزِيدُ فِي عَمَلِكُمْ مَنْطِقَهُ، وَيُرَغِّبُكُمْ فِي الْآخِرَةِ عَمَلَهُ. (٣).

٢٩٧٩. قَدَّرَ ثُمَّ اقْطَعْ، وَفَكَّرَ ثُمَّ انْطِقْ، وَتَبَيَّنَ ثُمَّ اعْمَلْ. (٤).

٢٩٨٠. كُرُورُ الْأَيَّامِ أَحْلَامٌ، وَلَدَائِهَا آلَامٌ، وَمَوَاهِبُهَا فَنَاءٌ وَأَسْقَامٌ. (٥).

٢٩٨١. يُضَيِّرُ النَّاسَ أَنْفُسَهُمْ فِي ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ: الْإِفْرَاطِ فِي الْأَكْلِ اتِّكَالًا عَلَى الصَّحَّةِ، وَتَكْلُفِ حَمَلٍ مَا لَا يُطَاقُ اتِّكَالًا عَلَى الْقُوَّةِ، وَالتَّفْرِيطِ فِي الْعَمَلِ اتِّكَالًا عَلَى الْقَدْرِ. (٦).

٢٩٨٢. الْكَرِيمُ إِذَا قَدَرَ صَفَحَ (٧)، وَإِذَا مَلَكَ سَمَحَ، وَإِذَا سُئِلَ أَنْجَحَ. (٨).

٢٩٨٣. قَصِّرُوا الْأَمَلَ، وَخَافُوا بَعْتَهُ الْأَجَلَ، وَبَادِرُوا صَالِحَ الْعَمَلِ. (٩).

٢٩٨٤. يَكْتَسِبُ الصَّادِقُ بِصِدْقِهِ ثَلَاثًا: حُسْنَ الثَّقَةِ بِهِ، وَالْمَحَبَّةَ لَهُ، وَالْمَهَابَةَ مِنْهُ. (١٠).

٢٩٨٥. يَكْتَسِبُ الْكَاذِبُ بِكَذِبِهِ (ثَلَاثًا): سَخَطَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ عَلَيْهِ، وَاسْتِهَانَةَ النَّاسِ بِهِ، وَمَقْتَ (١١) الْمَلَائِكَةِ لَهُ. (١٢).

٢٩٨٦. فِي الْقُرْآنِ نَبَأٌ مَا قَبْلَكُمْ، وَخَبْرٌ مَا بَعْدَكُمْ، وَحُكْمٌ مَا بَيْنَكُمْ. (١٣).

٢٩٨٧. فِي الْمَالِ ثَلَاثُ خِصَالٍ مَذْمُومَةٌ: إِمَّا أَنْ يُكْتَسَبَ مِنْ غَيْرِ حِلِّهِ، أَوْ يُمْنَعُ إِنْفَاقُهُ فِي حَقِّهِ، أَوْ يُشْغَلَ بِإِصْلَاحِهِ عَنِ عِبَادَةِ اللَّهِ تَعَالَى. (١٤).

٢٩٨٨. يَتَبَغَى أَنْ يَكُونَ الرَّجُلُ مُهَيِّمًا (١٥) عَلَى نَفْسِهِ، مُرَاقِبًا قَلْبَهُ، حَافِظًا لِسَانَهُ. (١٦).

ص: ٣٢

١- . تصنيف غررالحكم، ص ٦٢، ح ٧٥٠.

٢- . شرح نهج البلاغة، ج ٩، ص ٢١٠، ح ١٥٨.

٣- . شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٣٢٥، ح ٧٢٢.

٤- . تصنيف غررالحكم، ص ٦١، ح ٦٩٩٦.

٥- . تصنيف غررالحكم، ص ١٣٣، ح ٢٣٠٢.

٦- . شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٢٦٣، ح ٧٠.

٧- . صَفَحَ عَنْهُ: أَعْرَضَ عَنْ ذَنْبِهِ (لسان العرب: صفح).

- ٨- . تصنيف غررالحكم، ص ٢٦٤، ح ٥٠٣٤.
- ٩- . تصنيف غررالحكم، ص ١٦٤، ح ٣١٩٣.
- ١٠- . تصنيف غررالحكم، ص ٢١٩، ح ٤٣٥٨.
- ١١- . المَقْتُ: أَشَدُّ البُغْضِ (لسان العرب: مقت).
- ١٢- . تصنيف غررالحكم، ص ٢٢١، ح ٤٤١٨.
- ١٣- . الكافي، ج ٢، ص ٦١، ح ٩ مع اختلافٍ يسير؛ تصنيف غررالحكم، ص ١١٠، ح ١٩٦٥.
- ١٤- . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٣٢٤، ح ٧١١.
- ١٥- . المُهَيِّمُنُ: الشَّاهِدُ (لسان العرب: همن).
- ١٦- . تصنيف غررالحكم، ص ٢٣٩، ح ٤٧٣٢.

۲۹۷۶. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: آرزوی کم و اخلاص در عمل و وارستگی در دنیا، علامت یقین است.

۲۹۷۷. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: بندگان خدا از روزی بر حذر باشید که کردار شما بررسی می شود. و زلزله در آن زیاد است. و اطفال در آن روز پیر می شوند.

۲۹۷۸. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: همنشینی نکنید مگر با کسی که دیدارش شما را به یاد خدا بیندازد. و گفتارش بر عمل شما بیفزاید. و کردارش شما را به آخرت متمایل کند.

۲۹۷۹. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: اندازه بگیر، بعد قطع کن. و فکر کن، بعد سخن بگو. و بررسی کن، بعد انجام بده.

۲۹۸۰. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: تکرار روزها رؤیا است. و لذت آن درد است. و موهبت های آن نابودی و بیماری است.

۲۹۸۱. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: مردم در سه چیز به خود ضرر می زنند: زیاده روی در خوردن با اعتماد به سلامتی. و برداشتن بار سنگین با اعتماد به قدرت. و کوتاهی در عمل با اعتقاد به قضا و قدر.

۲۹۸۲. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: کریم، هنگام قدرت گذشت دارد، در توانگری سخاوتمند است، و به هنگام درخواست بخشنده است.

۲۹۸۳. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: آرزوها را کم کنید. و از مرگ ناگهانی بترسید. و به رفتار صالح شتاب کنید.

۲۹۸۴. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: راستگو از صداقت سه چیز بدست می آورد: جلب اطمینان، محبت، شخصیت.

۲۹۸۵. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: دروغگو از دروغ سه چیز بدست می آورد: خشم خدا، بی احترامی مردم، و بغض فرشتگان.

۲۹۸۶. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: در قرآن خبر قبل از شما و خبر بعد از شما و آنچه که در میان شما اتفاق می افتد بیان شده است.

۲۹۸۷. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: در مال سه صفت زشت است: یا از راه نامشروع بدست می آید، یا در جای خود مصرف نمی شود. یا مشغول شدن به آن از عبادت خدا باز می دارد.

۲۹۸۸. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: شایسته است انسان، مسلط بر خود و مراقب قلب و نگهبان زبانش باشد.

٢٩٨٩. ما خاف امرؤ عدل في حكمه ، وأطعم من قوته ، وذخر من دُنياه لِآخِرَتِهِ. (١)

٢٩٩٠. عداوة الضعفاء للأقوياء، والشفهاء للعلماء، والأشرار للأخيار، طبع لا يُستطاع تغييرُهُ. (٢)

٢٩٩١. يَبْغَى لِلوَالِي أَنْ يَعْمَلَ بِخِصَالِ ثَلَاثٍ: تَأْخِيرِ الْعُقُوبَةِ مِنْهُ فِي سُلْطَانِ الْغَضَبِ، وَ الْأَنَاهِ فِيمَا يَرْتَبِيهِ (٣) مِنْ رَأْيٍ، وَتَعْجِيلِ مُكَافَأَةِ الْمُحْسَنِ بِالْإِحْسَانِ؛ فَإِنَّ فِي تَأْخِيرِ الْعُقُوبَةِ إِمْكَانَ الْعَفْوِ، وَفِي تَعْجِيلِ الْمُكَافَأَةِ بِالْإِحْسَانِ طَاعَةَ الرَّعِيَّةِ، وَفِي الْأَنَاهِ انْفِسَاحَ الرَّأْيِ، وَحَمْدَ الْعَاقِبَةِ، وَوُضُوحَ الصَّوَابِ. (٤)

٢٩٩٢. لَا تَسْأَلِ الْحَوَائِجَ غَيْرَ أَهْلِهَا، (وَلَا تَسْأَلْهَا فِي غَيْرِ حِينِهَا)، وَلَا تَسْأَلْ مَا لَسْتَ لَهُ مُسْتَحِقًّا فَتَكُونَ لِلْحَرَمَانِ مُسْتَوْجِبًا. (٥)

٢٩٩٣. عَرَفْتُ اللَّهَ سُبْحَانَهُ بِفَسْخِ الْعَزَائِمِ، وَحَلِّ الْعُقُودِ، وَنَقْضِ الْهَمَمِ. (٦)

٢٩٩٤. مَا لِبَيْنِ آدَمَ وَاللُّعْجِبِ وَأَوَّلُهُ نُطْفَةٌ مَذْرُوءَةٌ، وَآخِرُهُ جِيْفَةٌ قَذِرَةٌ، وَهُوَ بَيْنَ ذَلِكَ يَحْمِلُ الْعَذْرَةَ! (٧)

٢٩٩٥. قِوَامُ الشَّرِيعَةِ الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ، وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَإِقَامَةُ الْحُدُودِ.

مَا كُلُّ ذِي قَلْبٍ بَلِيبٍ، وَلَا كُلُّ ذِي سَمْعٍ بِسَمِيعٍ، وَلَا كُلُّ نَاطِرٍ بِبَصِيرٍ. (٨)

٢٩٩٦. لَا تَشْتَغِلْ بِمَا لَا يَعْنِيكَ، وَلَا تَتَكَلَّفْ فَوْقَ مَا يَكْفِيكَ، وَاجْعَلْ كُلَّ هَمِّكَ لِمَا يُنْجِيكَ. (٩)

٢٩٩٧. لَا تَصْحَبِ الْإِعَاقِلَ (تَقِيًّا)، وَلَا تُعَاشِرِ إِلَّا عَالِمًا زَكِيًّا، وَلَا تُودِعِ سِرَّكَ إِلَّا مُؤْمِنًا وَفِيًّا. (١٠)

٢٩٩٨. الْعَقْلُ مَنْفَعَةٌ، وَالْعِلْمُ مَرْفَعَةٌ، وَالصَّبْرُ مَدْفَعَةٌ. (١١)

ص: ٣٤

١- . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٢٥٥، ح ٣.

٢- . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٢٥٦، ح ٩.

٣- . إرتأى: فَكَرَّ (لسان العرب: رأى).

٤- . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٢٦٩، ح ١١٧.

٥- . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٣٢١، ح ٦٨٢.

٦- . نهج البلاغه، الحكمة ٢٥٠.

٧- . تصنيف غررالحكم، ص ٣٠٨، ح ٧٠٨٧.

٨- . تصنيف غررالحكم، ص ٣٣٢، ح ٧٦٣٩.

٩- . تصنيف غررالحكم، ص ٤٧٧، ح ١٠٩٤٩.

١٠- . تصنيف غررالحكم، ص ٤٢٤، ح ٩٧٤٢.

١١- . تصنيف غررالحكم، ص ٥٣، ح ٤٤٥.

۲۹۸۹. کسی که در قضاوتش [یا حکومتش] عدالت ورزد و از روزیش اطعام کند و از دنیایش برای آخرت خود ذخیره کند هیچ جای ترسی [در قیامت] ندارد.

۲۹۹۰. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: دشمنی ضعیفان با قدرتمندان، و دشمنی سفیهان با مردم بردبار و دشمنی مردم شرور با نیکان سرشتی است که قابل تغییر نیست.

۲۹۹۱. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: سران حکومت شایسته است با سه خصلت رفتار کنند: در هنگام خشم، مجازات را به تأخیر بیندازند. در هنگام نظر دادن تفکر و درنگ کند، و در پاداش و جوایز نیکان عجله نکنند. چون با تأخیر مجازات امکان عفو وجود دارد. و با تعجیل پاداش، افراد مطیع می شوند. و با درنگ کردن نظرات دقیق تر و سرانجام کار پسندیده تر و نتیجه بخش تر خواهد شد.

۲۹۹۲. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: نیازهای خود را از کسانی که شایستگی ندارند و در غیر زمان مناسب و بیشتر از حق خود درخواست نکنید. چون موجب محرومیت می شود.

۲۹۹۳. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: خدا را با بر هم خوردن تصمیم ها و قراردادهای و نقض شدن همت ها شناختم.

۲۹۹۴. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: آدمیزاد چگونه است که خودپسند می شود؟ اولش نطفه متعفن، آخرش مردار نجس و در این میان حامل نجاست است.

۲۹۹۵. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: پایداری شریعت، به امر به معروف و نهی از منکر و پیاداشتن حدود است.

هر صاحب قلبی صاحب دل نیست. و هر صاحب گوش شنوا نیست. و هر صاحب چشمی بصیر نیست.

۲۹۹۶. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: به آنچه برای تو اهمیت ندارد مشغول نشو. و بیشتر از قدر کفایت خود را به زحمت نینداز. و همت خود را برای نجات خود بکار گیر.

۲۹۹۷. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: عقل منفعت و علم وسیله رفعت و صبر وسیله دفع بلاست.

۲۹۹۸. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: جز با عاقل باتقوا همنشین می کن. و جز با عالم خود ساخته معاشرت نکن. و اسرار خود را جز به مؤمن وفادار مگو.

٢٩٩٩. العِلْمُ ثَلَاثَةٌ: الفِقهُ لِلأَدِيانِ، وَالطَّبُّ لِلأَبْدانِ، وَالنَّحْوُ لِللسانِ. (١)

٣٠٠٠. العِلْمُ قَائِدٌ، وَالعَمَلُ سائِقٌ، وَالنَّفْسُ حَرُونَ. (٢)

٣٠٠١. العِلْمُ وِرائَةُ كَرِيمَةٍ، وَالآدابُ حُلُلٌ مُجَدَّدَةٌ، وَالفِكرُ مِرآةٌ صافِيَةٌ. (٣)

٣٠٠٢. المَرْءُ يَتَغَيَّرُ فِي ثَلَاثٍ: القُرْبِ مِنَ المُلُوكِ، وَالوِلايَاتِ، وَالغِناءِ بَعْدَ الفَقْرِ، فَمَنْ لَمْ يَتَغَيَّرْ فِي هَذِهِ فَهُوَ ذُو عَقْلِ قَوِيمٍ وَخُلُقٍ مُسْتَقِيمٍ. (٤)

٣٠٠٣. لا- تَكُونَنَّ عَلَيَّ الإِساءَةُ أَقوى مِنْكَ عَلَيَّ الإِحسانِ، ولا عَلَيَّ البُخْلِ أَقوى مِنْكَ عَلَيَّ البِذْلِ، ولا عَلَيَّ التَّقْصِيرِ أَقوى مِنْكَ عَلَيَّ الفِضْلِ. (٥)

٣٠٠٤. المَرْوَةُ العَدْلُ فِي الإِمْرَةِ، وَالعَفْوُ مَعَ القُدْرَةِ، وَالْمُواساةُ فِي العُسْرَةِ. (٦)

٣٠٠٥. المَرْوَةُ بِلا- مالٍ كالأَسَدِ الَّذِي يُهابُ وَلَمْ يَفْتَرِسْ، وَكَالسَّيْفِ الَّذِي يُخافُ وَهُوَ مُغْمِغٌ؛ وَالْمالُ بِلا مَرْوَةٍ كَالكَلْبِ الَّذِي يُجْتَنَّبُ عَقْرًا وَلَمْ يَعْقِرْ. (٧)

٣٠٠٦. كُنْ بِطِيءِ الغَضَبِ، سَرِيعِ الفِئءِ (٨)، مُجِيبًا لِقَبُولِ العُذْرِ. (٩)

٣٠٠٧. لا تَنْفُكُ المَدِينَةَ مِنْ شَرِّ حَتَّى يَجْتَمِعَ مَعَ قُوَّةِ السُّلطانِ قُوَّةُ دِينِهِ وَقُوَّةُ حِكْمَتِهِ. (١٠)

٣٠٠٨. لا تَنْكِحُوا النِّساءَ لِحُسْنِهِنَّ، فَعَسَى حُسْنُهُنَّ أَنْ يُرْدِيَهُنَّ، ولا لِأَمْوالِهِنَّ، فَعَسَى أَمْوالُهُنَّ أَنْ تُطْغِيَهُنَّ، وَأَنْكِحُوهُنَّ عَلَيَّ الدِّينِ، وَلِأَمَّةِ سِوَداءِ حَرَماءَ (١١) ذاتُ دِينٍ أَفْضَلُ. (١٢)

٣٠٠٩. كُنْ كالأَنْحَلِ؛ إِذا أَكَلَتْ أَكَلَتْ طَيِّبًا، وَإِذا وَضَعَتْ وَضَعَتْ طَيِّبًا، وَإِنْ وَقَعَتْ عَلَيَّ عودٌ لَمْ تَكْسِرُهُ. (١٣)

ص: ٣٦

١- . تحف العقول، ص ٢٠٨.

٢- . تحف العقول، ص ٢٠٨.

٣- . الأُمالي للمفيد، ص ٣٣٦، ح ٧.

٤- . عيون الحكم والمواعظ، ص ٦٥.

٥- . تحف العقول، ص ٨٢.

٦- . تصنيف غرر الحكم، ص ٢٥٨، ح ٥٤٩٢.

٧- . شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٣٠٤، ح ٤٨٢.

٨- . النَّاسِخُ: الرِّضا، وَالْفِئءُ: الرُّجُوعُ، يُقالُ: هُوَ سَرِيعُ الفِئءِ عَنِ غَضَبِهِ: أَي سَرِيعُ الرُّجُوعِ (أقرب الموارد: في ء).

- ٩- . تصنيف غررالحكم، ص ٤٤٧، ح ١٠٢٤٤.
- ١٠- . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٢٥٨، ح ٢٩.
- ١١- . الأخرم والخرماء: المثقوب الأذن، والذي قُطعت وتَرَهُ أنفه (لسان العرب: خرم).
- ١٢- . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٣٣٦، ح ٨٤٨.
- ١٣- . عيون الحكم والمواعظ، ص ٣٩٢.

۲۹۹۹. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: علم سه نوع است: شناخت کامل دین، علوم پزشکی و ادبیات زیانها.

۳۰۰۰. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: علم، پیشوا است. و عمل، راننده است. و نفس، سرکش است.

۳۰۰۱. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: علم، میراث گرانقدر و آداب، لباس فاخر و فکر، آئینه شفاف است.

۳۰۰۲. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: انسان در سه حال تغییر می کند: نزدیک شدن به سران حکومت، و در پست و مقام، و ثروت بعد از فقر. و هر کس در این سه حالت تغییر نکند صاحب عقل استوار و اخلاق پایدار است.

۳۰۰۳. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: چنان نباش که بدی تو بیشتر از نیکی، و بخل تو بیشتر از بذل و کمبود تو بیشتر از فضیلت تو باشد.

۳۰۰۴. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: جوانمردی عبارت است از: عدل در حکومت، عفو با داشتن قدرت، در میان گذاشتن مال با دیگران در حال تنگدستی.

۳۰۰۵. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: جوانمردی بدون مال، چون شیر با هیبت است که حمله نکند.

و چون شمشیر ترسناک که در قلاف است. و مال بدون جوانمردی مانند سگ نگهبان است که نگهبانی نمی کند.

۳۰۰۶. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: دیر خشمگین شو. سریع به حال عادی بازگرد. پذیرفتن عذر را دوست داشته باش.

۳۰۰۷. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: تمدن از شرارت جدا نمی شود مگر اینکه حکومت با دین و حکمت تقویت شود.

۳۰۰۸. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: با زنان فقط به دلیل زیبایی ازدواج نکنید چه بسا زیبایی زن باعث نکبت و سقوط او شود. برای مال آنان هم ازدواج نکنید چون مال باعث طغیان زن می شود. و به خاطر دین زنان با آنان ازدواج کنید. زن سیاه زشت بینی بریده ولی متدین [از زن زیبای بی دین] بهتر است.

۳۰۰۹. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: همچون زنبور عسل باش که اگر می خورد، بهترین خوراک را بر می گزیند. و اگر از خود چیزی بر زمین می نهد بهترین اثر [عسل] باقی می گذارد. و اگر بر شاخه ای می نشیند آن را نمی شکند.

٣٠١٠. عَلَيْكُمْ بِالْأَدَبِ، فَإِنْ كُنْتُمْ مُلُوكًا بَرَزْتُمْ، وَإِنْ كُنْتُمْ وَسَطًا فُقْتُمْ، وَإِنْ أَعْوَزَ تَكْمُ (١) الْمَعِيشَةُ عِشْتُمْ بِأَدَبِكُمْ (٢).

٣٠١١. كُنْ مِنَ الْكَرِيمِ عَلَى حَذَرٍ إِنْ أَهَنْتَهُ، وَمِنَ اللَّئِيمِ إِنْ أَكْرَمْتَهُ، وَمِنَ الْحَلِيمِ إِنْ أَحْرَجْتَهُ (٣).

٣٠١٢. عَلَيْكُمْ بِالْعِلْمِ وَالْأَدَبِ، فَإِنَّ الْعَالِمَ يُكْرَمُ وَإِنْ لَمْ يَنْتَسِبْ، وَيُكْرَمُ وَإِنْ كَانَ فَقِيرًا، وَيُكْرَمُ وَإِنْ كَانَ حَدَثًا (٤).

٣٠١٣. كُنْتُ أَنَا وَالْعَبَّاسُ وَعُمَرُ نَتَذَاكِرُ الْمَعْرُوفَ، فَقُلْتُ أَنَا: خَيْرُ الْمَعْرُوفِ سَتْرُهُ. وَقَالَ الْعَبَّاسُ: خَيْرُهُ تَصْغِيرُهُ.

وَقَالَ عُمَرُ: خَيْرُهُ تَعْجِيلُهُ، فَخَرَجَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: فِيمَ أَنْتُمْ؟ فَذَكَرْنَا لَهُ، فَقَالَ: خَيْرُهُ أَنْ يَكُونَ هَذَا كُلُّهُ فِيهِ (٥).

٣٠١٤. مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّ النِّسَاءَ نَوَاقِصُ الْإِيمَانِ، نَوَاقِصُ الْعُقُولِ، نَوَاقِصُ الْحُظُوظِ؛ فَأَمَّا نُقْصَانُ إِيْمَانِهِنَّ فَتَقَعُودُهُنَّ فِي أَيَّامِ الْحَيْضِ عَنِ الصَّلَاةِ وَالصِّيَامِ، وَأَمَّا نُقْصَانُ حُظُوظِهِنَّ فَمَوَارِيثُهُنَّ عَلَى نِصْفِ مَوَارِيثِ الرِّجَالِ، وَأَمَّا نُقْصَانُ عُقُولِهِنَّ فَشَهَادَةُ امْرَأَتَيْنِ كَشَهَادَةِ رَجُلٍ؛ فَاتَّقُوا شِرَارَ النِّسَاءِ، وَكُونُوا مِنْ خِيَارِهِنَّ عَلَى حَذَرٍ (٦).

٣٠١٥. عَمِلَ الرَّجُلُ بِمَا يَعْلَمُ أَنَّهُ خَطَأٌ هَوَى؛ وَالْهَوَى آفَةُ الْعَفَافِ، وَتَرَكَ الْعَمَلَ بِمَا يَعْلَمُ أَنَّهُ صَوَابٌ تَهَاوَنُ، وَالتَّهَؤُنُ آفَةُ الدِّينِ، وَإِقْدَامُهُ عَلَى مَا لَا يَدْرِي أَصَوَابٌ هُوَ أَمْ خَطَأٌ لَجَاجٌ؛ وَاللَّجَاجُ آفَةُ الْعَقْلِ (٧).

٣٠١٦. لَا خَيْرَ فِي عِبَادَةٍ لَيْسَ فِيهَا تَفَقُّهُ، وَلَا خَيْرَ فِي عِلْمٍ لَيْسَ فِيهِ تَفَكُّرٌ، وَلَا خَيْرَ فِي قِرَاءَةٍ لَيْسَ فِيهَا تَدَبُّرٌ (٨).

٣٠١٧. لَا خَيْرَ فِي قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ، وَعَيْنٍ لَا تَدْمَعُ، وَعَمَلٍ لَا يَنْفَعُ (٩).

ص: ٣٨

١- . أَعْوَزَ الْمَطْلُوبُ فَلَانًا: أَعْجَزَهُ وَاشْتَدَّ عَلَيْهِ (أقرب الموارد: عوز).

٢- . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٣٠٤، ح ٤٨٣.

٣- . عيون الحكم والمواعظ، ص ٣٩٢.

٤- . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٣٣٢، ح ٨١٤.

٥- . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٢٧٠، ح ١٢٣.

٦- . نهج البلاغه، ج ١، ص ١٢٩، ح ٨٠.

٧- . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٢٩٥، ح ٣٧٦.

٨- . تحف العقول، ص ٢٠٤.

٩- . تصنيف غرر الحكم، ص ١٩١، ح ٣٧٢١.

۳۰۱۰. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: ادب داشته باشید اگر از سران جامعه باشید جلوه گر می شوید. و اگر متوسط باشید سرور می شوید. و اگر در تنگدستی گرفتار شدید با ادب خود زندگی می کنید.

۳۰۱۱. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: بر حذر باشی از کریم اگر به او توهین کردی. و از فرومایه اگر به او نیکی کردی. و از بردبار اگر او را در تنگنا قرار دادی.

۳۰۱۲. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: علم و ادب بیاموزید، چون عالم مورد احترام است گر چه به خاندان بزرگی نسبت نداشته باشد. و گرچه فقیر باشد. و گرچه معروف نباشد.

۳۰۱۳. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: من و عباس و عمر در باره معروف [کار خیر] مذاکره می کردیم، من گفتم: بهترین معروف مخفی کردن آن است. و عباس گفت: بهترین معروف، کوچک شمردن آن است. عمر گفت: بهترین معروف عجله کردن در انجام آن است.

پیامبر صلی الله علیه و آله بر ما گذر کرد و پرسید: چه می کنید؟ برای او توضیح دادیم، حضرت فرمودند:

بهترین معروف آن است که هر سه اینها در آن باشد

۳۰۱۴. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: ای مردم: تکلیف و عقل و سهم زنان، کمتر است. اما تکالیف شرعی آنان کمتر است چون در ایام حیض نماز و روزه بر آنان واجب نیست.

سهم آنان در ارث، نصف سهم مردان است. و کمبود عقل آنان به خاطر شهادت دادن دو زن، به جای شهادت یک مرد است. از زنان شرور دوری کنید و مراقب زنان خوب باشید.

۳۰۱۵. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: انجام دادن کاری که انسان می داند خطاست، هوسرانی است.

و هوسرانی آفت پاکدامنی است.

ترک کردن عملی که انسان می داند درست است، سبک شمردن است. و سبک شمردن آفت دین است.

اقدام کردن به کاری که نمی داند درست است یا خطا، لج بازی است. و لج بازی آفت عقل است.

۳۰۱۶. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: خیری در عبادت بدون فهم و علم بدون تفکر و قرائت بدون تدبیر نیست.

۳۰۱۷. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: خیری در قلب بدون خشوع و چشم بدون اشک و عمل بدون نفع نیست.

٣٠١٨. المعروفُ لا يَتَمُّ إِلَّا بِثَلَاثٍ: بِتَصْغِيرِهِ، وَتَعْجِيلِهِ، وَسْتِرِهِ؛ فَإِنَّكَ إِذَا صَغَّرْتَهُ فَقَدْ عَظَّمْتَهُ، وَإِذَا عَجَّلْتَهُ فَقَدْ هَنَّأْتَهُ، وَإِذَا سَتَرْتَهُ فَقَدْ تَمَمْتَهُ. (١)

٣٠١٩. لا شَيْءَ أَحْسَنُ مِنْ عَقْلِ مَعَ عِلْمٍ، وَعِلْمٍ مَعَ حِلْمٍ، وَحِلْمٍ مَعَ قُدْرَةٍ. (٢)

٣٠٢٠. لا كَثِيرٌ مَعَ إِسْرَافٍ، وَلَا قَلِيلٌ مَعَ احْتِرَافٍ، وَلَا ذَنْبٌ مَعَ اعْتِرَافٍ. (٣)

٣٠٢١. مَنِ أَخَذَ بِالتَّقْوَى عَزَبَتْ (٤) عَنْهُ الشَّدَائِدُ بَعْدَ دُنُوهَا، وَاحْمَلَتْ لَهُ الْأُمُورَ بَعْدَ مَرَاتِبِهَا، وَانْفَرَجَتْ عَنْهُ الْأَمْوَاجُ بَعْدَ تَرَكَمِهَا. (٥)

٣٠٢٢. مَنْ أَرَادَ الْبَقَاءَ وَلَا بَقَاءَ: فَلْيَبْكَرِ الْعِدَاءَ، وَلْيَقِلِّ غَشِيَانَ النِّسَاءِ، وَلْيُخَفِّفِ الرِّدَاءَ (٦). (٧)

٣٠٢٣. لا يُخْطِئُ الْمُخْلِصُ فِي الدُّعَاءِ إِحْدَى ثَلَاثٍ: ذَنْبٌ يُغْفَرُ، أَوْ خَيْرٌ يُعَجَّلُ، أَوْ شَرٌّ يُؤَجَّلُ. (٨)

٣٠٢٤. مَنْ أَصْبَحَ وَالْآخِرَةُ هَمُّهُ؛ اسْتَغْنَى بِغَيْرِ مَالٍ، وَاسْتَأْنَسَ بِغَيْرِ أَهْلِ، وَعَزَّ بِغَيْرِ عَشِيرَةٍ. (٩)

٣٠٢٥. لا يَسْتَقِيمُ قَضَاءُ الْحَوَائِجِ إِلَّا بِثَلَاثٍ: بِتَصْغِيرِهَا لِتَعْظُمَ، وَسْتِرِهَا لِتُظْهَرَ، وَتَعْجِيلِهَا لِتَهْتَوَى. (١٠)

٣٠٢٦. لا يَضِلُّ مَنْ تَبِعَنَا، وَلَا يَهْتَدِي مَنْ أَنْكَرْنَا، وَلَا يَنْجُو مَنْ أَعَانَ (عَلَيْنَا) عَدُوَّنَا. (١١)

٣٠٢٧. مَنْ اعْجَبَ بِرَأْيِهِ ضَلَّ، وَمَنْ اسْتَغْنَى بِعِلْمِهِ زَلَّ، وَمَنْ تَكَبَّرَ عَلَى النَّاسِ ذَلَّ. (١٢)

٣٠٢٨. لا يَكُونُ الصَّدِيقُ صَدِيقًا حَتَّى يَحْفَظَ أَخَاهُ فِي غَيْبَتِهِ، وَنَكِيَّتِهِ، وَوَفَاتِهِ. (١٣)

ص: ٤٠

١- . تصنيف غررالحكم، ص ٣٨٨، ح ٨٨٧.

٢- . تصنيف غررالحكم، ص ٤٤، ح ١٢٦.

٣- . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٣٠٣، ح ٤٧٤.

٤- . عَزَبَ: بَعُدَ وَغَابَ (أقرب الموارد: عذب).

٥- . شرح نهج البلاغه، ج ١٠، ص ١٨٩، ح ١٩١.

٦- . خَفِيفُ الرِّدَاءِ: أَيْ قَلِيلُ الْعِيَالِ وَالذَّيْنِ (أقرب الموارد: ردى).

٧- . مجموعه ورام، ج ٢، ص ٨٠.

٨- . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٢٧٦، ح ١٨٧.

٩- . مجموعه ورام، ج ٢، ص ٧١.

١٠- . تصنيف غررالحكم، ص ٣٩٠، ح ٨٩٧٢.

- ١١- . تحف العقول، ص ١٢٠.
- ١٢- . مجموعه ورام، ج ٢، ص ٣٩، وفيه: «ومن استغنى بعقله».
- ١٣- . تصنيف غررالحكم، ص ٤٢١، ح ٩٦٤٨.

۳۰۱۸. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: کار نیکو با سه ویژگی کامل می شود: کوچک شمردن آن، با سرعت انجام دادن و مخفی نگه داشتن آن. پس اگر کار خوب خود را کوچک شمردی آن را عظمت داده ای. و اگر به سرعت انجام دادی آن را گوارا کرده ای. و اگر مخفی کنی کامل نموده ای.

۳۰۱۹. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: چیزی بهتر از عقل همراه با علم و علم همراه با بردباری و بردباری همراه با قدرت نیست.

۳۰۲۰. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: فراوانی با اسراف و کمبود با حرفه داشتن و گناه با اعتراف باقی نمی ماند.

۳۰۲۱. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: کسی که تقوا پیشه کند دشواری ها که به او نزدیک شده اند دور می شوند. و کارهای سخت و تلخ بر او شیرین می شود. و امواج بلا پس از تراکم دفع می شوند.

۳۰۲۲. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: کسی که می خواهد باقی بماند که باقی نمی ماند، صبحانه را زود بخورد. کمتر با زن همبستر شود. و لباس خود را کم کند [کمتر قرض بگیرد].

۳۰۲۳. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: کسی که خالصانه دعا کند یکی از این سه مورد را بدست می آورد: یا گنااهش بخشیده می شود یا در رسیدن خیر به او سرعت داده می شود یا در رسیدن شرّ به او تأخیر می افتد.

۳۰۲۴. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: کسی که همت او آخرت باشد؛ بدون مال ثروتمند است.

بدون خانواده انس می گیرد. و بدون بستگان عزیز می شود.

۳۰۲۵. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: برطرف کردن نیازها در سه صورت زیر به درستی انجام شده است: کوچک شمردن آن تا در نزد خداوند بزرگ شود و پنهان کردن تا خداوند خودش آن را ظاهر کند و زود انجام دادن تا بر گیرنده گوارا شود.

۳۰۲۶. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: کسی که از ما پیروی کند گمراه نخواهد شد. و کسی که ما را انکار کند هدایت نخواهد شد. و کسی که دشمن ما را یاری کند، نجات نمی یابد.

۳۰۲۷. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: کسی که از نظر خودش خوشش بیاید، گمراه می شود. کسی که به علم خود اکتفا کند، دچار لغزش می شود. و کسی که بر مردم تکبر ورزد، ذلیل شود.

۳۰۲۸. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: دوست صمیمی کسی است که حق دوست را در غیاب او و گرفتاری او و بعد از مرگ او رعایت کند.

٣٠٢٩. لَا يَنْتَصِفُ ثَلَاثَةٌ مِنْ ثَلَاثَةٍ: بَرٌّ مِنْ فَاجِرٍ، وَعَاقِلٌ مِنْ جَاهِلٍ، وَكَرِيمٌ مِنْ لَئِيمٍ. (١)
٣٠٣٠. لَقَدْ بَصُرْتُمْ إِنْ أَبْصَرْتُمْ، وَأَسْمِعْتُمْ إِنْ سَمِعْتُمْ، وَهَدَيْتُمْ إِنْ اهْتَدَيْتُمْ. (٢)
٣٠٣١. لِلظَّالِمِ مِنَ الرِّجَالِ ثَلَاثٌ عِلَامَاتٍ: يَظْلِمُ مَنْ فَوْقَهُ بِالْمَعْصِيَةِ، وَمَنْ دُونَهُ بِالغَلْبَةِ، وَيُظَاهِرُ الْقَوْمَ الظَّالِمَةَ. (٣)
٣٠٣٢. لِلْمُتَّقِي ثَلَاثٌ عِلَامَاتٍ: إِخْلَاصُ الْعَمَلِ، وَقَصْرُ الْأَمَلِ، وَاغْتِنَامُ الْمَهْلِ. (٤)
٣٠٣٣. مَنْ حَسَنَتْ (نَيْتُهُ، كَثُرَتْ) مَثُوبَتُهُ، وَطَابَتْ عَيْشَتُهُ، وَوَجِبَتْ مَوَدَّتُهُ. (٥)
٣٠٣٤. لَوْلَا ثَلَاثٌ لَمْ يُسَلِّ سَيْفٌ: سِلْكٌ أَدْقُ مِنْ سِلْكِكَ، وَوَجْهٌ أَصْبَحَ مِنْ وَجْهِهِ، وَلُقْمَةٌ أَسْوَعُ (٦) مِنْ لُقْمِهِ. (٧)
٣٠٣٥. لَيْسَ الْمُسْلِمُ بِالْكَذُوبِ إِذَا نَطَقَ، وَلَا بِالْمُخْلِيفِ إِذَا وَعَدَ، وَلَا بِالْخَائِنِ إِذَا أَوْثَمَنَ. (٨)
٣٠٣٦. لَيْسَ لِلْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ شَاخِصًا إِلَّا فِي ثَلَاثٍ: خُطُوه (٩) فِي مَعَادٍ، أَوْ مَرَمَةٍ لِمَعَاشٍ، أَوْ لَدَّهِ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ. (١٠)
٣٠٣٧. مَنْ شَبِعَ عَوْقَبَ فِي الْحَالِ ثَلَاثَ عُقُوبَاتٍ: يُلْقَى الْغِطَاءُ عَلَى قَلْبِهِ، وَالنُّعَاسُ عَلَى عَيْنِهِ، وَالْكَسَلُ عَلَى بَدَنِهِ. (١١)
٣٠٣٨. لَيْكُنْ سُورُوكَ بِمَا قَدَّمْتَ، وَأَسْفَكَ عَلَى مَا خَلَّفْتَ، وَهَمُّكَ فِيمَا بَعْدَ الْمَوْتِ. (١٢)
٣٠٣٩. مَنْ صَبَرَ فَنَفْسَهُ وَقَرَّ، وَبِالثَّوَابِ ظَفَرَ، وَلِلَّهِ سُبْحَانَهُ أَطَاعَ. (١٣)
٣٠٤٠. مَنْ قَلَّ حَزْمُهُ ضَعُفَ عَزْمُهُ. (١٤)

ص: ٤٢

- ١- . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٢٧٦، ح ١٨٨.
- ٢- . تصنيف غرر الحكم، ص ٩٤، ح ١٦٥٦.
- ٣- . تصنيف غرر الحكم، ص ٤٥٦، ح ١٠٣٩٨.
- ٤- . تصنيف غرر الحكم، ص ٢٧٤، ح ٥٩٩٤.
- ٥- . تصنيف غرر الحكم، ص ٩٢، ح ١٦٠٤.
- ٦- . شراب أسوغ: عذب (لسان العرب: سوغ).
- ٧- . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٢٩٤، ح ٣٦٩.
- ٨- . تحف العقول، ص ٢٠٣.
- ٩- . الشرح: خطوه، وأشير فيه إلى ما ذكرناه في المتن، وفي التحف: خطوه لِمَعَادِهِ، وَالْحُطُوهُ: الْمَكَانَةُ وَالْمَنْزِلَةُ وَالْحِطُّ (أقرب الموارد: حظو).

- ١٠- . تصنيف غررالحكم، ص ٥٥، ح ٤٩٠.
- ١١- . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٣٢٠، ح ٦٧٤.
- ١٢- . نهج البلاغه، ص ٤٥٧.
- ١٣- . تصنيف غررالحكم، ص ٢٨٣، ح ٦٣٢٦.
- ١٤- . تصنيف غررالحكم، ص ٤٧٤، ح ١٠٨٥٨.

۳۰۲۹. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: سه نفر از سه نفر انصاف نخواهند دید: نیکوکار از گناهکار، و عاقل از نادان، و کریم از فرومایه.

۳۰۳۰. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: به درستی که بینا شدید اگر بینید، به گوشتان رسید اگر بشنوید، راهنمایی شدید اگر بخواهید هدایت شوید.

۳۰۳۱. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: ستمگر سه علامت دارد: به مافوق با نافرمانی ظلم می کند. و به زیر دست با زور رفتار می کند. و به ستمگران یاری می رساند.

۳۰۳۲. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: شخص با تقوا سه علامت دارد: اخلاص در عمل، و کوتاهی در آرزو، و غنیمت شمردن فرصتها.

۳۰۳۳. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: کسی که خوش نیت باشد: ثوابش بسیار، زندگی او پاکیزه، و دوستی او واجب می شود.

۳۰۳۴. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: اگر سه چیز نبود شمشیری کشیده نمی شد: دقیقتر بودن رشته ای از رشته ای، زیباتر بودن چهره ای از چهره ای، لذیذتر بودن لقمه ای از لقمه دیگر.

۳۰۳۵. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: مسلمان، هنگام سخن گفتن دروغ گو و هنگام وعده دادن خلاف کار و هنگام امانت داری خیانت کار نیست.

۳۰۳۶. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: عاقل فقط برای سه هدف به مسافرت می شود: گام برداشتن در راه برای معاد، یا تلاش برای معاش یا لذت بردن از راه حلال.

۳۰۳۷. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: کسی که پرخوری کند به سه عقوبت نقد گرفتار شود: حجاب بر قلب و خواب آلودگی بر چشم و کسالت بر بدن او غلبه می کند.

۳۰۳۸. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: بکوش شادی تو برای آنچه از پیش فرستاده ای و تأسف تو بر خطاهای گذشته و همت تو برای پس از مرگ باشد.

۳۰۳۹. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: کسی که صبر کند: با وقار شود. و به ثواب دست یابد. و خداوند سبحان را اطاعت نماید.

۳۰۴۰. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: هر که دوراندیشی اش کم باشد، اراده اش ضعیف است.

٣٠٤١. مَنْ كَانَ فِيهِ ثَلَاثٌ سَلِمَتْ لَهُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ: يَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ وَيَأْتِمُرُ بِهِ ، وَيَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَيَنْتَهِي عَنْهُ، وَيُحَافِظُ عَلَى حُدُودِ اللَّهِ جَلًّا وَعَلَا. (١)

٣٠٤٢. مَنْ كُنَّ فِيهِ ثَلَاثٌ خِصَالٍ سَلِمَتْ لَهُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ: مَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّمَرَ بِهِ ، وَنَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَانْتَهَى عَنْهُ، وَحَافِظَ عَلَى حُدُودِ اللَّهِ. (٢)

٣٠٤٣. مَنْ لَمْ يَتَدَارَكَ نَفْسَهُ بِإِصْلَاحِهَا أَعْضَلَ (٣) دَاوَةَ، وَأَعْيَا شِفَاؤَهُ، وَعَدِمَ الطَّيِّبَ. (٤)

٣٠٤٤. مِنَ الْحِكْمَةِ طَاعَتُكَ لِمَنْ فَوْقَكَ، وَإِجْلَالُكَ مَنْ فِي طَبَقَتِكَ، وَإِنْصَافُكَ لِمَنْ دُونَكَ. (٥)

٣٠٤٥. مِنَ الْخَيْطِ الضَّعِيفِ يُفْتَلُ الْحَبْلُ الْحَصِيفُ (٦) ، وَمَنْ مَقَدَحَهُ صَغِيرَهُ تَحْتَرِقُ مَدِينَتُهُ كَبِيرَهُ، وَمَنْ لَبِنَهُ لَبْنَهُ تَبْنِي قَرْيَتَهُ حَصِينَةً. (٧)

٣٠٤٦. مِنَ كَرَمِ الْمَرْءِ بُكَاءُهُ عَلَى مَا مَضَى مِنْ زَمَانِهِ ، وَحَنِينُهُ (٨) إِلَى أَوْطَانِهِ، وَحِفْظُهُ قَدِيمِ إِخْوَانِهِ. (٩)

٣٠٤٧. الْمَوْقِنُونَ وَالْمُخْلِصُونَ وَالْمُؤَثِّرُونَ مِنْ رِجَالِ الْأَعْرَافِ. (١٠)

٣٠٤٨. الْمُؤْمِنُ مِنْ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ، فَلَا يَعْشُهُ وَلَا يَعْيِيهِ وَلَا يَدْعُ نُصْرَتَهُ. (١١)

ص: ٤٤

١- . تصنيف غررالحكم، ص ٣٣٢، ح ٧٦٤٥.

٢- . الأما لي للمفيد، ص ١١٨.

٣- . التاسخ: عَضَلْ، وَأَعْضَلَ الْأَمْرُ: إِشْتَدَّ وَاسْتَعْلَقَ (أقرب الموارد: عضل).

٤- . تصنيف غررالحكم، ص ٢٣٧، ح ٤٧٧٣.

٥- . تصنيف غررالحكم، ص ٥٩، ح ٦٣٧.

٦- . ثَوْبٌ حَصِيفٌ: إِذَا كَانَ مُحْكَمُ النَّسِجِ (لسان العرب: حصف).

٧- . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٢٩٢، ح ٣٤٧.

٨- . حَنَّ إِلَيْهِ حَنِينًا: اشْتَقَّ إِلَيْهِ (أقرب الموارد: حن).

٩- . شرح نهج البلاغه، ص ٢٧٤، ح ١٧٣.

١٠- . تصنيف غررالحكم، ص ١٦٨، ح ٣٣١٢.

١١- . دستور معالم الحكم، ابن سلامه، ص ١٩.

۳۰۴۱. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: هر کس سه ویژگی داشته باشد دنیا و آخرت او سلامت خواهد شد: امر به معروف می کند و امر به معروف می پذیرد. و نهی از منکر می کند و نهی از منکر می پذیرد. و حدود خداوند را رعایت می کند.

۳۰۴۲. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: کسی که سه ویژگی دارد دنیا و آخرت او محفوظ است: امر به معروف کند و امر به معروف را بپذیرد. و نهی از منکر کند و نهی از منکر را بپذیرد. و حدود خداوند را مراعات کند.

۳۰۴۳. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: کسی که خود را اصلاح نکند بیماری او شدت یابد. و شفا یافتن او دور شود. و طیب نمی یابد.

۳۰۴۴. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: از نشانه های حکمت: اطاعت از مافوق، و تجلیل از هم ردیف و انصاف با زیر دست است.

۳۰۴۵. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: از نخ های نازک ریسمان محکم تابیده می شود. و از جرقه کوچک شهر بزرگی دچار حریق می شود. و از خشت خست سازه های مقاوم بنا می شود.

۳۰۴۶. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: از نشانه های کرامت انسان: گریستن بر زمان از دست رفته، و اشتیاق به وطن و حفظ کردن دوستان قدیمی است.

۳۰۴۷. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: اهل یقین و اهل اخلاص و اهل ایثار از اعرافیان اند.

۳۰۴۸. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: مؤمن برادر مؤمن است. پس او را فریب نمی دهد. و او را معیوب نمی کند. و از یاری او دست بر نمی دارد.

٣٠٤٩. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ثَلَاثَةٌ يُدْخِلُهُمُ اللَّهُ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ: إِمَامٌ عَادِلٌ، وَتَاجِرٌ صَدُوقٌ، وَشَيْخٌ أَفْنَى عُمُرِهِ فِي طَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. وَأَمَّا الثَّلَاثَةُ الَّذِينَ يُدْخِلُهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي النَّارِ بِغَيْرِ حِسَابٍ: فِإِمَامٌ جَائِرٌ، وَتَاجِرٌ كَذُوبٌ، وَشَيْخٌ زَانٍ. (١)

٣٠٥٠. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ثَلَاثَةٌ أَشْيَاءٌ لَا يُحَاسِبُ اللَّهُ عَلَيْهَا الْمُؤْمِنِينَ: طَعَامٌ يَأْكُلُهُ، وَثَوْبٌ يَلْبَسُهُ، وَزَوْجَةٌ صَالِحَةٌ تُعَاوَنُهُ وَتُحَصِّنُهُ فَرَجَهُ. (٢)

٣٠٥١. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ثَلَاثَةٌ فِي ظِلِّ عَرْشِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ: رَجُلٌ أَنْصَفَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ، وَرَجُلٌ لَمْ يُقَدِّمِ رَجُلًا وَلَمْ يُؤَخِّرْ آخَرَ حَتَّى يَعْلَمَ أَنَّ ذَلِكَ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ رِضَى أَوْ سَخَطٌ، وَرَجُلٌ لَمْ يَعِْبْ أَخَاهُ بِعَيْبٍ حَتَّى يَنْفَى ذَلِكَ الْعَيْبَ مِنْ نَفْسِهِ؛ فَإِنَّهُ لَا يَنْفَى مِنْهَا عَيْبًا إِلَّا أَبَدَا لَهُ عَيْبٌ آخَرَ، وَكَفَى بِالْمَرْءِ شُغْلًا بِنَفْسِهِ عَنِ النَّاسِ. (٣)

٣٠٥٢. وَرَوَى زُرَّارَةُ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: ثَلَاثَةٌ إِنْ تَعَلَّمَهُنَّ الْمُؤْمِنُ كَانَتْ زِيَادَةً فِي عُمُرِهِ، وَبَقَاءٌ لِلنَّعْمَةِ عَلَيْهِ. فَقُلْتُ: وَمَا هُنَّ؟ قَالَ: تَطْوِيلُهُ فِي رُكُوعِهِ وَسُجُودِهِ فِي صَلَاتِهِ، وَتَطْوِيلُهُ بِجُلُوسِهِ عَلَى طَعَامِهِ إِذَا أَطْعَمَ عَلَى مَائِدَتِهِ، وَاصْطِنَاعُهُ الْمَعْرُوفَ (٤) إِلَى أَهْلِهِ. (٥)

ص: ٤٦

١- الخصال، ص ٨٠ ح ١.

٢- الخصال، ص ٨٠ ح ٢.

٣- الخصال، ص ٨١ ح ٤.

٤- أى إحسانه بالمعروف إلى أهله، والاصطناع افتعال من الصنيعه؛ أى العطية والكرامه والإحسان.

٥- كافي، ج ٤، ص ٤٩.

فصل ششم: روایاتی که از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است

۳۰۴۹. امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند سه گروه را بدون حساب وارد بهشت خواهد کرد: امام عادل و تاجر راست گو، و پیر مردی که عمرش را در اطاعت خدا صرف کرده است. و سه گروه را بدون حساب وارد جهنم می کند: رهبر ستمگر، تاجر دروغگو و پیر مرد زناکار.

۳۰۵۰. امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند سه چیز را از مؤمن محاسبه نمی کند: غذائی که می خورد. و لباسی که می پوشد. و همسر صالح و پاکدامن که به او کمک می کند.

۳۰۵۱. امام صادق علیه السلام فرمودند: در روزی که سایه ای جز عرش خدا نیست سه کس در سایه عرش خدا هستند. کسی که نسبت به مردم انصاف داشته باشد. و کسی که قدم از قدم بر ندارد مگر اینکه بداند خداوند از این کار راضی است یا نه.

و کسی که از دیگران عیب نگیرد مگر اینکه خود را از آن عیب پاک کرده باشد. و انسان عیبی را از خود پاک نمی کند مگر اینکه عیب دیگری برایش ظاهر می شود. و برای مردم همین بس که مشغول اصلاح خود باشند و از دیگران عیب جوئی نکنند.

۳۰۵۲. زراره گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: سه کار است که اگر مؤمن آن را بیاموزد عمرش طولانی و نعمتش پایدار شود. پرسیدم: چه کاری؟

حضرت فرمودند: رکوع و سجود را در نماز طولانی کند، و نشستن سر سفره را هنگامی که به دیگران طعام می دهد طولانی کند.

٣٠٥٣. وقال أبو عبد الله عليه السلام: ثلاثه هم أقرب الخلق إلى الله يوم القيامة حتى يُفرغ من الحساب: رجل لم تدعه قدرته في حال غضبه إلى أن يحيف (١) على من تحت يديه، ورجل مشى بين اثنين فلم يميل مع أحدهما على الآخر بشعيره، ورجل قال الحق فيما له وعليه (٢).

٣٠٥٤. وعنه عليه السلام قال: إذا اقشعر جلدك، ودمعت عينك، ووجل قلبك، فدونك دونك (٣) فقد قصد قصدك (٤). (٥)

٣٠٥٥. وقال عليه السلام: لا يؤمن رجل فيه الشح (٦) والحسد والجبن، ولا يكون المؤمن جباناً ولا حريصاً ولا شحيحاً (٧).

٣٠٥٦. وقال عليه السلام: ثلاث من كن فيه زوجه الله من الحور العين كيف شاء: كظم الغيظ، والصبر على السيوف لله عز وجل، ورجل أشرف على مال حرام فتركه لله عز وجل (٨).

٣٠٥٧. وقال عليه السلام: إنني أرحم ثلاثة - وحق لهم أن يرحموا - : عزيز أصابته المذلة بعد العز، وغني أصابته حاجة بعد الغنى، وعالم يستخف به أهله والجهلة (٩).

٣٠٥٨. وقال عليه السلام: إن الله عز وجل يبغض الغني الظلوم، والشيخ الفاجر، والصيعلوك (١٠) المختال. ثم قال: أتدرى ما الصيعلوك المختال؟ قال: فقلت: القليل المال، قال: لا، هو الذي لا يتقرب إلى الله بشيء من ماله (١١).

٣٠٥٩. قال أبو عبد الله عليه السلام: من صدق لسانه زكاه عمله، ومن حسنت نيته زاد الله في رزقه، ومن حسن بره بأهله زاد الله في عمره (١٢).

٣٠٦٠. وقال عليه السلام: من تعلق قلبه بالدنيا تعلق منها بثلاث خصال: هم لا يفنى، وأمل لا يدرك، ورجاء لا ينال (١٣).

ص: ٤٨

١- . الحيف: الجور والظلم (القاموس المحيط: ١٣١/٣).

٢- . الخصال، ص ٨١ ح ٥.

٣- . أي هو دونك أو قريب منك، يقال: هذا دونه أي قريب منه، ودونك إغراء، والتكرير للمبالغة.

٤- . قصد قصد فلان أي نحا نحوه. قصد قصدك: أي توجه غرضك أن يحصل.

٥- . الخصال، ص ٨٢ ح ٦.

٦- . الشح: البخل.

٧- . الخصال، ص ٨٣ ح ٨.

٨- . الخصال، ص ٨٥ ح ١٤.

٩- . الخصال، ص ٨٧ ح ١٨.

١٠- . الصيعلوك: الفقير الذي لا مال له ولا اعتماد (لسان العرب: ٤٥٦/١٠).

١١- . الخصال، ص ٨٧ ح ١٩.

١٢- . الخصال، ص ٨٨ ح ٢١.

١٣- . الخصال، ص ٨٨ ح ٢٢.

۳۰۵۳. امام صادق علیه السلام فرمودند: روز قیامت سه گروه تا پایان حساب از همه به خدا نزدیکترند: کسی که با وجود قدرت داشتن به زیر دست خود ستم نکند. و کسی که در میانجیگری به اندازه جبهه جو به یک طرف تمایل نداشته باشد. و کسی که در صورت سود یا زیان خود حق را بگوید.

۳۰۵۴. امام صادق علیه السلام فرمودند: هنگامی که از ترس خدا بدن تو لرزید و اشک تو جاری شد و قلب تو ترسید، مقصد تو نزدیک شده است [پس در این هنگام درخواست های خود را از خدا بطلبید].

۳۰۵۵. امام صادق علیه السلام فرمودند: کسی که بخل و حسد و ترس دارد ایمان ندارد. و مؤمن ترسو و حریص و بخیل نمی شود.

۳۰۵۶. امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس سه صفت دارد خداوند هر حورالعین را که او بخواهد نصیبش کند: خشم خود فرو برد. و در جنگ برای خدا صبر کند. و هنگامی که مال حرام به چنگ او آمد، برای خدا در آن تصرف نکند.

۳۰۵۷. امام صادق علیه السلام فرمودند: من به سه کس ترحم می کنم - و ترحم حق آنان است - : عزیزی که بعد از عزت دچار ذلت شود. ثروتمندی که پس از ثروت نیازمند شود. عالمی که اطرافیان و مردم نادان قدر او را نشناسند.

۳۰۵۸. امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند از ثروت مند ظالم و پیرمرد زنا کار و صعلوک متکبر متنفر است. سپس فرمودند: آیا می دانی صعلوک کیست؟ راوی گفت: کسی که مال ندارد. امام فرمود: نه، کسی است که مالش را در راه خدا مصرف نکند.

۳۰۵۹. امام صادق علیه السلام فرمودند: کسی که زبانش راست بگوید، عملش پاک شود. و کسی که نیت خود را خوب کند، خداوند رزقش را زیاد کند. و کسی که به خاندانش نیکی کند، خدا عمرش را زیاد کند.

۳۰۶۰. امام صادق علیه السلام فرمودند: کسی که دل به دنیا بندد، گرفتار سه چیز شود: غصه بی پایان. آرزوی غیر قابل درک و امید واهی.

٣٠٦١. وقال عليه السلام: ثلاث خصال فيهنّ المقت من الله تبارك وتعالى: نوم من غير سهر، وضحك من غير عجب، وأكل على الشبع. (١)

٣٠٦٢. وقال عليه السلام: الهدية على ثلاثة أوجه: هديّة مكافأة، وهديّة مُصانعة، وهديّة لله عز وجل. (٢)

٣٠٦٣. وقال عليه السلام: أصول الكفر ثلاثة: الحرص والاستكبار والحسد؛ فأما الحرص فآدم حين نهي عن الشجره حملة الحرص على أن أكل منها، وأما الاستكبار فإبليس حين أمر بالسجود فأبى، وأما الحسد فابن آدم حين قتل أحدهما صاحبه حسداً. (٣)

٣٠٦٤. وقال الصادق عليه السلام: ثلاثة لا يسلمون: الماشي مع الجنّازة، والماشي إلى جمعه، وفي بيت حمام. (٤)

٣٠٦٥. وقال عليه السلام: ثلاث من سنن المرسلين: العطر، وإحفاء الشعر، وكثرة الطرقة (٥). وقيل له عليه السلام: أي الخصال بالمرء أجمل؟ قال: وقار بلا مهابة، وسماح (٦) بلا طلب مكافأة، وتشاغل بغير متاع الدنيا. (٧)

٣٠٦٦. وقال عليه السلام: السرف في ثلاثة: ابتذالك ثوب صونك، وإلقائك النوى يمينا وشمالا، وإهراقك فضله الماء. (٨)

٣٠٦٧. وعنه عليه السلام قال: تذكروا الشؤم عند رسول الله صلى الله عليه وآله فقال صلى الله عليه وآله: الشؤم في ثلاثة: في المرأة والدابة والدار؛ فأما شؤم المرأة فكثرة مهرها وعقوق زوجها، وأما الدابة فسوء خلقها ومنعها ظهرها، وأما الدار فضيق ساحتها وسوء جيرانها وكثرة عيوبها. (٩)

٣٠٦٨. وقال عليه السلام: ثلاثة في حرز الله تعالى إلى أن يفرغ الله من الحساب: رجل لم يهمن بزنى قط، ورجل لم يشب (١٠) ماله بربا قط، ورجل لم يسع فيهما قط. (١١)

٣٠٦٩. وقال عليه السلام: من اعطى ثلاثة لم يحرم ثلاثة: من اعطى الدعاء اعطى الإجابة، ومن اعطى الشكر اعطى الزيادة، ومن اعطى التوكل اعطى الكفاية؛ فإن الله عز وجل يقول في كتابه: «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ

ص: ٥٠

١- الخصال، ص ٨٩، ح ٢٥.

٢- كافي، ج ٥، ص ١٤١، ح ١.

٣- الخصال، ص ٩٠، ح ٢٨.

٤- الخصال، ص ٩١، ح ٣١.

٥- يريد كثره الجماع، وغشيان الرجل أزواجه وما أحل له (مجمع البحرين: ٤٥/٣).

٦- السّماح: الجود (الصّحاح: ٣٧٦/١).

٧- الخصال، ص ٩٢، ح ٣٤.

٨- الخصال، ص ٩٣، ح ٣٧.

٩- . الخصال، ص ١٠٠، ح ٥٣.

١٠- . الشَّوب: الخَلط (القاموس المحيط: ٩٠/١).

١١- . الخصال، ص ١٠١، ح ٥٥.

۳۰۶۱. امام صادق علیه السلام فرمودند: در سه صفت غضب خداوند است: خوابی که شب زنده داری ندارد و خنده بدون سبب، و خوردن در حال سیری.

۳۰۶۲. امام صادق علیه السلام فرمودند: هدیه سه نوع است: یکی هدیه در مقابل هدیه، هدیه برای سازش طرف، هدیه برای رضای خدا.

۳۰۶۳. امام صادق علیه السلام فرمودند: اساس کفر سه چیز است: حرص و تکبر و حسد. حرص، که حضرت آدم را وادار کرد از درخت ممنوعه بخورد. تکبر، که شیطان را از سجده به امر خدا بازداشت. حسد، که قایل پسر آدم را به قتل برادر واداشت.

۳۰۶۴. امام صادق علیه السلام فرمودند: به سه نفر سلام نمی کنند: کسی که همراه جنازه حرکت می کند. کسی که در نماز جمعه است. و کسی که در حمام است.

۳۰۶۵. امام صادق علیه السلام فرمودند: سه خصلت از سنت پیامبران است: عطر، شانه کردن موها، زیاد نزدیکی کردن.

از آن حضرت پرسیدند: چه صفتی برای انسان برازنده تر است؟ فرمودند: وقار بدون ترساندن، و بخشش بدون توقع، و پرداختن به غیر دنیا.

۳۰۶۶. امام صادق علیه السلام فرمودند: سه کار اسراف است: لباس رسمی را در وقت کار پوشیدن، هسته [قابل کشت] را دور انداختن، اضافه آب را دور ریختن.

۳۰۶۷. امام صادق علیه السلام فرمودند: در حضور رسول الله صلی الله علیه و آله درباره شوم و نحس بودن صحبت شد.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: نحسی در سه چیز است: زن و حیوان و خانه. نحسی زن مهر زیاد و اذیت شوهر است. نحسی حیوان رفتار بد و بار نکشیدن، و نحسی خانه کوچک بودن و همسایه بد و عیب زیاد آن است.

۳۰۶۸. امام صادق علیه السلام فرمودند: سه گروه در پناه خدا هستند تا از حساب فارغ شوند: کسی که هرگز فکر زنا نکرده باشد. و کسی که هیچوقت مالش به ربا آلوده نشده باشد. و کسی که برای زنا و ربا میانجیگری نکرده باشد.

۳۰۶۹. امام صادق علیه السلام فرمودند: به هر کس سه چیز داده شود از سه چیز محروم نیست: به کسی که دعا داده شود اجابت هم داده شده است. به کسی که شکر داده شود، زیادی نعمت داده شده است. و به کسی که توکل داده شود، کفایت خدا داده شده است. خداوند در قرآن

حَسْبُهُو»، وَيَقُولُ: «لَلَّ - نِ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ» وَيَقُولُ: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ».

وقال عليه السلام: يُعْتَبَرُ عَقْلُ الرَّجُلِ فِي ثَلَاثَةٍ: طَوْلِ لِحْيَتِهِ، وَفِي نَقْشِ خَاتَمِهِ، وَفِي كُتَيْبَتِهِ. (١)

٣٠٧٠. وقال عليه السلام: ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ اسْتَكْمَلَ خِصَالَ الْإِيمَانِ: مَنْ صَبَرَ عَلَى الظُّلْمِ، وَكَظَمَ غَيْظَهُ، وَاحْتَسَبَ وَعَفَا وَعَفَّرَ؛ كَانَ مِمَّنْ يُدْخِلُهُ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ، وَيُشَفِّعُهُ فِي مِثْلِ رَبِيعَةَ وَمُضَرَ. (٢)

٣٠٧١. وقال عليه السلام: مَنْ رَقَعَ جَبِيئَهُ، وَخَصَفَ نَعْلَهُ، وَحَمَلَ سِلْعَتَهُ؛ فَقَدْ أَمِنَ مِنَ الْكِبَرِ. (٣)

٣٠٧٢. وقال عليه السلام: قَالَ إبليسُ - لَعَنَهُ اللَّهُ - لِعُجُودِهِ: إِذَا اسْتَمَكَنْتُمْ مِنْ ابْنِ آدَمَ فِي ثَلَاثَةٍ لَمْ أَبَالِ مَا عَمِلَ؛ فَإِنَّهُ غَيْرُ مَقْبُولٍ مِنْهُ: إِذَا اسْتَكْتَرَّ عَمَلَهُ، وَنَسِيَ ذَنْبَهُ، وَدَخَلَهُ الْعُجْبُ. (٤)

٣٠٧٣. وقال أبو عبد الله عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عِزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: إِنِّي قَدْ تَطَوَّلْتُ عَلَى عِبَادِي بِثَلَاثٍ: أَلْقَيْتُ عَلَيْهِ الرِّيحَ (٥) بَعْدَ الرُّوحِ؛ وَلَوْلَا ذَلِكَ مَا دَفَنَ حَمِيمٌ (٦) حَمِيمًا، وَأَلْقَيْتُ عَلَيْهِمُ السَّلْوَةَ بَعْدَ الْمُصِيبَةِ؛ وَلَوْلَا ذَلِكَ لَمْ يَتَّهَنَنَّ أَحَدٌ بِعَيْشِهِ، وَخَلَقْتُ هَذِهِ الدَّابَّةَ وَسَلَّطْتُهَا عَلَى الْحِنْطَةِ وَالشَّعِيرِ؛ وَلَوْلَا ذَلِكَ لَكُنَّزَهَا مَلُوكُهُمْ كَمَا يَكْتَنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ. (٧)

٣٠٧٤. وقال عليه السلام: أَوْحَى اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ إِلَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ عِبَادِي لَمْ يَتَّقَرَّبُوا إِلَيَّ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ ثَلَاثِ خِصَالٍ. قَالَ:

يَا رَبِّ، وَمَا هِيَ؟ قَالَ: يَا مُوسَى، الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا، وَالْوَرَعُ عَنِ الْمَعَاصِي، وَالْبُكَاءُ مِنْ خَشْيَتِي. قَالَ مُوسَى: يَا رَبِّ، مَا لِمَنْ صَنَعَ ذَا؟ فَأَوْحَى اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ: يَا مُوسَى، أَمَّا الزَّاهِدُونَ فِي الدُّنْيَا فَفِي الْجَنَّةِ، وَأَمَّا الْبُكَاءُونَ مِنْ خَشْيَتِي فَفِي الرَّفِيعِ الْأَعْلَى لَا يُشَارِكُهُمْ فِيهِ أَحَدٌ، وَأَمَّا الْوَرِعُونَ عَنِ مَعَاصِي فَإِنِّي افْتَشُّ النَّاسَ وَلَا افْتَشُّهُمْ. (٨)

ص: ٥٢

١- . الخصال، ص ١٠١، ح ٥٦ و ص ١٠٣، ح ٦٠، وفيه من «يعتبر عقل الرجل...».

٢- . الخصال، ص ١٠٤، ح ٦٣.

٣- . الخصال، ص ١٠٩، ح ٧٨.

٤- . الخصال، ص ١١٢، ح ٨٦.

٥- . لعل المراد من الريح هنا التنن؛ إذ الريح يطلق على الزائحه، وهي هنا كريهه شديده. وبعد الروح: أي بعد خروج الروح من جسده.

٦- . الحميم: القريب (القاموس المحيط: ١٠٠/٤).

٧- . الخصال، ص ١١٢، ح ٨٧.

٨- . الكافي، ج ٢، ص ٤٨٣، ح ٦.

می فرماید: کسی که به خدا توکل کند خدا او را کفایت می کند. و می فرماید: اگر شکر کنید، بر نعمت شما می افزایم. و می فرماید: مرا بخوانید، شما را اجابت کنم.

حضرت فرمودند: عقل انسان با سه چیز آزموده می شود: بلندی ریش، نقش انگشتر و کنیه و لقب او. [انتخاب متعارف، نشانه عقل است.]

۳۰۷۰. امام صادق علیه السلام فرمودند: سه خصلت در هر کس باشد صفات ایمان او کامل است: صبر کردن بر ظلم. فرو بردن خشم، عفو کردن و بخشیدن خطای دیگران. خداوند چنین کسی را بدون حساب به بهشت می برد. و شفاعت او را درباره [جمعیت های فراوان] به اندازه قبیله ربیع و مضر قبول می کند.

۳۰۷۱. امام صادق علیه السلام فرمودند: کسی که لباسش را وصله زند و کفش خود را پینه زند و متاع خود را خودش حمل کند از تکبر در امان است. [یعنی کسی که کارهای شخصی را خودش انجام دهد و به دیگران تحمیل نکند.]

۳۰۷۲. امام صادق علیه السلام فرمودند: شیطان - خدا لعنتش کند - به لشکریانش گفت: اگر در سه چیز بر انسان غلبه کنید دیگر باکی ندارم و عمل او در درگاه خداوند قبول نمی شود: کار خیرش را بزرگ شمارد. و گناهش را فراموش کند. و مغرور شود.

۳۰۷۳. امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند متعال می فرماید: من بر بندگانم سه لطف نموده ام: بوی بد را بعد از مرگ بر آنان مسلط کرده ام. که اگر چنین نبود کسی نزدیکان خود را دفن نمی کرد. و فراموشی بعد از مصیبت، که اگر چنین نبود زندگی بر آنان دشوار می شد. و حشرات را بر گندم و جو مسلط کرده ام، که اگر چنین نبود قدرتمندان آن را ذخیره می کردند. همانطور که طلا و نقره را ذخیره می کنند.

۳۰۷۴. امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند عزّ و جل بر موسی علیه السلام وحی فرمود: بندگان من با هیچ چیزی به اندازه این سه خصلت نمی توانند به من تقرّب جویند. موسی گفت: پروردگارا! آنها چیست؟ فرمود: ای موسی، زهد در دنیا، دوری از گناه، و گریه از ترس من.

موسی گفت: پروردگارا! کسی که چنین کند چه پاداشی دارد؟

خداوند وحی فرمود: یا موسی، زاهد در دنیا وارد بهشت می شود. گریه کنندگان در بالاترین مقام هستند که کسی به آن دست نیابد. و پرهیزکاران را هنگامی که اعمال مردم را در قیامت حسابرسی می کنم از آنان حساب رسی نمی کنم.

٣٠٧٥. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَبِيهِ ، قَالَ: إِنَّ الْإِمَامَةَ لَا تَصْلُحُ إِلَّا لِلرَّجُلِ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: وَرَعٌ يَحْجُزُهُ عَنِ الْمَحَارِمِ ، وَحِلْمٌ يَمْلِكُ بِهِ غَضَبَهُ ، وَحُسْنُ الْخِلَافَةِ عَلَى مَنْ وُلِيَ حَتَّى يَكُونَ لَهُ كَالْوَالِدِ الرَّحِيمِ. (١)

٣٠٧٦. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ فِي قَمِيصِ يُوْسُفَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثَلَاثُ آيَاتٍ: قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَجَاءُوا عَلَى قَمِيصِهِ بِطَمَمٍ كَذِبٍ»، وَقَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ: «إِنْ كَانَ قَمِيصُهُ وَقَدْ مِنْ قَبْلٍ» الْآيَةَ، وَقَوْلُهُ تَعَالَى: «اذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا». (٢)

٣٠٧٧. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَكْتُوبٌ فِي حِكْمِهِ آلِ دَاوُدَ: لَا يَطْعَنُ (٣) الرَّجُلُ إِلَّا فِي ثَلَاثٍ: زَادٍ لِمَعَادٍ ، أَوْ مَرَمَةٍ (٤) لِمَعَاشٍ ، أَوْ لَذَّةٍ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ. ثُمَّ قَالَ: مَنْ أَحَبَّ الْحَيَاةَ ذَلَّ. (٥)

٣٠٧٨. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ نَظَرَ إِلَى فِرَاشِ دَارِ رَجُلٍ ، فَقَالَ: فِرَاشٌ لِلرَّجُلِ ، وَفِرَاشٌ لِأَهْلِهِ ، وَفِرَاشٌ لِمَعَاشِهِ ، وَفِرَاشٌ لِلزَّائِعِ لِلشَّيْطَانِ. (٦)

٣٠٧٩. وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ: يَا بُنَيَّ، لِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمٌ يُعْرَفُ بِهَا وَيَشْهَدُ عَلَيْهَا، وَإِنَّ لِلدِّينِ ثَلَاثَ عِلْمَاتٍ: الْعِلْمُ وَالْإِيمَانُ وَالْعَمَلُ.

وَلِلْإِيمَانِ ثَلَاثُ عِلْمَاتٍ: الْعِلْمُ بِاللَّهِ وَبِمَا يُحِبُّ وَمَا يَكْرَهُ. (٧)

٣٠٨٠. وَلِلْعَاقِلِ ثَلَاثُ عِلْمَاتٍ: الصَّلَاةُ وَالصِّيَامُ وَالزَّكَاةُ. (٨)

٣٠٨١. وَلِلْمُتَكَلِّفِ ثَلَاثُ عِلْمَاتٍ: يُنَازِعُ مَنْ فَوْقَهُ، وَيَقُولُ مَا لَمْ يَعْلَمْ، وَيَتَعَاطَى مَا لَمْ يَنْلِ. (٩)

٣٠٨٢. وَلِلظَّالِمِ ثَلَاثُ عِلْمَاتٍ: يَظْلِمُ مَنْ فَوْقَهُ بِالْمَعْصِيَةِ، وَمَنْ دُونَهُ بِالْغَلْبَةِ، وَيُعِينُ الظَّلْمَةَ. (١٠)

٣٠٨٣. وَلِلْمُنَافِقِ ثَلَاثُ عِلْمَاتٍ: يُخَالِفُ لِسَانَهُ قَلْبَهُ، وَقَلْبُهُ فِعْلَهُ، وَعَلَانِيَتُهُ سِرِّيَتَهُ. (١١)

٣٠٨٤. وَلِللَّائِمِ ثَلَاثُ عِلْمَاتٍ: يَجُورُ، وَيَكْذِبُ، وَيُخَالِفُ مَا يَقُولُ. (١٢)

٣٠٨٥. وَلِلْمُرَائِيِ ثَلَاثُ عِلْمَاتٍ: يَكْسَلُ إِذَا كَانَ وَحْدَهُ، وَيَنْشَطُ إِذَا كَانَ النَّاسُ عِنْدَهُ، وَيَتَعَرَّضُ فِي كُلِّ أَمْرٍ لِلْمَحْمَدَةِ. (١٣)

ص: ٥٤

١- . الخصال، ص ١١٦، ح ٩٧.

٢- . الخصال، ص ١١٨، ح ١٠٤.

٣- . ظعن: سار وارتحل (مجمع البحرين: ٨٨/٣).

٤- . رمت الشيء رمًا ومرمته: إذا أصلحته (الصحيح: ١٩٣٦/٥).

٥- . الخصال، ص ١٢٠، ح ١١٠.

- ٦- . الخصال، ص ١٢٠، ح ١١١.
- ٧- . الخصال، ص ١٢١، ح ١١٣.
- ٨- . الخصال، ص ١٢١، ح ١١٣.
- ٩- . الخصال، ص ١٢١، ح ١١٣.
- ١٠- . الخصال، ص ١٢١، ح ١١٣.
- ١١- . الخصال، ص ١٢١، ح ١١٣.
- ١٢- . الخصال، ص ١٢١، ح ١١٣.
- ١٣- . الخصال، ص ١٢١، ح ١١٣.

۳۰۷۵. امام صادق علیه السلام فرمودند: پدرم فرمودند: رهبری، زیننده نیست مگر بر کسی که سه صفت داشته باشد: پرهیزکاری که او را از گناه باز دارد. و بردباری که بر خشم خود غلبه کند. و خوشرفتاری بر مردم چون پدر مهربان.

۳۰۷۶. امام صادق علیه السلام فرمودند: در لباس یوسف سه علامت بود [که در قرآن ذکر شده است]: خون دروغین در پیراهن او، پاره شدن پیراهن یوسف از پشت، و آورده شدن آن برای شفای حضرت یعقوب.

۳۰۷۷. امام صادق علیه السلام فرمودند: در حکمت آل داود نوشته شده است، کسی سفر نکند جز برای سه کار: ره توشه آخرت، اصلاح امور زندگی، لذت بردن حلال. سپس حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند: کسی که دلبستگی به زندگی داشته باشد. ذلیل شود.

۳۰۷۸. امام صادق علیه السلام نگاهش به فرشهای خانه مردی افتاد و فرمودند: فرشی برای مرد، فرشی برای خانواده اش، فرشی برای میهمان، فرش چهارم برای شیطان.

۳۰۷۹. امام صادق علیه السلام فرمودند: لقمان به پسرش گفت: پسرم، هر چیزی نشانه ای دارد که آن را معرفی می کند، و دین سه نشانه دارد: علم و ایمان و عمل. ایمان هم سه نشانه دارد:

شناختن خدا و آنچه خدا دوست دارد و آنچه خدا نفرت دارد.

۳۰۸۰. امام صادق علیه السلام فرمودند: عاقل سه علامت دارد: نماز و روزه و زکات.

۳۰۸۱. امام صادق علیه السلام فرمودند: متکلف سه علامت دارد: با مافوق خود درگیر می شود. و آنچه نمی داند می گوید. و بدنبال چیزی می رود که به آن نمی رسد.

۳۰۸۲. امام صادق علیه السلام فرمودند: ظالم سه علامت دارد: با نافرمانی به مافوق ظلم می کند. و با اعمال قدرت به زیر دست ستم می کند. و با ستمگران همکاری دارد.

۳۰۸۳. امام صادق علیه السلام فرمودند: منافق سه علامت دارد: زبانش با قلب او و قلبش با رفتارش و ظاهر او با باطنش فرق دارد.

۳۰۸۴. امام صادق علیه السلام فرمودند: گناهکار سه علامت دارد: ستم می کند. دروغ می گوید. رفتارش خلاف گفتار اوست.

۳۰۸۵. امام صادق علیه السلام فرمودند: ریاکار [دو رو] سه علامت دارد: در تنهایی کسل است. وقتی مردم نزد او هستند با نشاط است. و هر کاری را برای ستایش دیگران از خودش انجام می دهد.

٣٠٨٦. ولِلْحَاسِدِ ثَلَاثُ عِلَامَاتٍ: يَغْتَابُ إِذَا غَابَ، وَيَتَمَلَّقُ (١) إِذَا شَهِدَ، وَيَشْمَتُ بِالْمُصِيبَةِ (٢).

٣٠٨٧. وَلِلْمُسْرِفِ ثَلَاثُ عِلَامَاتٍ: يَشْتَرِي مَا لَيْسَ لَهُ، وَيَلْبَسُ مَا لَيْسَ لَهُ، وَيَأْكُلُ مَا لَيْسَ لَهُ (٣). (٤)

٣٠٨٨. وَلِلْكَسَلَانِ ثَلَاثُ عِلَامَاتٍ: يَتَوَانَى حَتَّى يُفِرِّطَ، وَيُفِرِّطُ حَتَّى يُضَيِّعَ، وَيُضَيِّعُ حَتَّى يَأْتِمَ (٥).

٣٠٨٩. وَلِلْغَافِلِ ثَلَاثُ عِلَامَاتٍ: اللَّهْوُ وَالسَّهْوُ وَالنَّسْيَانُ (٦).

٣٠٩٠. قَالَ حَمَادُ بْنُ عَيْسَى: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْ هَذِهِ الْعِلَامَاتِ شُعْبٌ يَبْلُغُ الْعِلْمَ بِهَا أَكْثَرَ مِنْ أَلْفِ بَابٍ وَأَلْفِ بَابٍ وَأَلْفِ بَابٍ؛ فَكُنْ يَا حَمَادُ طَالِبًا لِلْعِلْمِ فِي آنَاءِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ؛ فَإِنْ أَرَدْتَ أَنْ تَقَرَّ عَيْنُكَ وَتَنَالَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَاقْطَعْ الطَّمَعَ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ، وَعَيْدَ نَفْسِكَ فِي الْمَوْتَى، وَلَا تُحَدِّثْ نَفْسَكَ أَنَّكَ فَوْقَ أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ، وَاخْزَنْ لِسَانَكَ كَمَا تَخْزُنُ مَالَكَ (٧).

٣٠٩١. وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثَلَاثَةٌ لَا عُذْرَ لِأَحَدٍ فِيهَا: أَدَاءُ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ، وَبُرُّ الْوَالِدَيْنِ بَرِّينَ كَانَا أَوْ فَاجِرَيْنِ، وَالْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ لِلْبَرِّ وَالْفَاجِرِ (٨).

٣٠٩٢. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُ بِشَيْءٍ أَشَدَّ عَلَيْهِ مِنْ خِصَالِ ثَلَاثٍ يُحْرَمُهَا. قِيلَ: وَمَا هِيَ؟ قَالَ: الْمُوَاسَاةُ فِي ذَاتِ يَدِهِ، وَالْإِنْصَافُ مِنْ نَفْسِهِ، وَذِكْرُ اللَّهِ كَثِيرًا؛ أَمَا إِنِّي لَا أَقُولُ لَكُمْ: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» وَلَكِنْ ذِكْرُ اللَّهِ عِنْدَ مَا أَحَلَّ لَهُ، وَذِكْرُ اللَّهِ عِنْدَ مَا حَرَّمَ عَلَيْهِ (٩).

٣٠٩٣. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ لِلَّهِ عِزًّا وَجَلًّا فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ مَلَكًا يُنَادِي: مَهَلًا مَهَلًا عِبَادَ اللَّهِ عَنِ مَعَاصِي اللَّهِ! فَلَوْلَا بِهِائِمُ رُتَعٌ، وَصِيبِيَّةُ رُضْعٌ، وَشَيْوُخُ رُكْعٌ؛ لَصَبَّ عَلَيْكُمْ الْبَلَاءُ صَبًّا تُرَضُّونَ بِهِ رَضًّا (١٠).

٣٠٩٤. وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ثَلَاثٌ لَا يُطِيقُهُنَّ النَّاسُ: الصَّفْحُ عَنِ النَّاسِ، وَمُوَاسَاةُ الْأَخِ أَخَاهُ فِي مَالِهِ، وَذِكْرُ اللَّهِ كَثِيرًا (١١).

ص: ٥٦

١- . الملق: هو المدح بما ليس في الممدوح فوق الحد. قال الجزري هو - بالتحريك - : الزيادة في التودد والدعاء والتضرع فوق ما ينبغي.

٢- . الخصال، ص ١٢١، ح ١١٣.

٣- . أى ليس أن يلبس ويشترى ويأكل، بل يفعل ذلك لرياء الناس.

٤- . الخصال، ص ١٢١، ح ١١٣.

٥- . الخصال، ص ١٢٢.

٦- . الخصال، ص ١٢٢.

- ٧- . الخصال، ص ١٢٢.
- ٨- . الخصال، ص ١٢٣، ح ١١٨.
- ٩- . الخصال، ص ١٢٨، ح ١٣٠.
- ١٠- . الخصال، ص ١٢٨، ح ١٣١.
- ١١- . الخصال، ص ١٣٣، ح ١٤٢.

۳۰۸۶. امام صادق علیه السلام فرمودند: حسود سه علامت دارد: پشت سر غیبت می کند. و در حضور تملق می گوید. و در مصیبت شماتت می کند.

۳۰۸۷. امام صادق علیه السلام فرمودند: اسراف کار سه علامت دارد: چیزی که نیاز ندارد می خرد. و لباسی که مناسب او نیست می پوشد. و غذایی که مناسب او نیست می خورد.

۳۰۸۸. امام صادق علیه السلام فرمودند: تنبل سه علامت دارد: تا حد تقصیر و کوتاهی سستی می کند. و آنقدر کوتاهی می کند تا ضایع می کند. و آنقدر ضایع می کند تا گناه می کند.

۳۰۸۹. امام صادق علیه السلام فرمودند: غافل سه علامت دارد: سرگرمی بیهوده، اشتباه، فراموشی.

۳۰۹۰. حماد بن عیسی گفت: امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کدام از این علامتها شعبه هایی دارد که علم به آنها به هزار باب و هزار باب و هزار باب می رسد. ای حماد: شب و روز بدنبال علم باش. و اگر آرامش و خیر دنیا و آخرت می خواهی به اموال مردم طمع نداشته باش. و خود را از مردگان بحساب آور [بزودی خواهی مُرد]. و گمان مبر که از مردم برتر هستی. و زبانت را چون مال خود حفظ کن.

۳۰۹۱. امام صادق علیه السلام فرمودند: سه چیز است که کسی در آن عذر ندارد: رد امانت به نیکوکار یا گناه کار. نیکی به پدر و مادر خوب باشند یا بد. وفای به عهد با مردم خوب یا بد.

۳۰۹۲. امام صادق علیه السلام فرمودند: گرفتاری برای مؤمن شدیدتر از این نیست که به این سه خصلت گرفتار شود [و نتواند انجام دهد]. پرسیدند: کدام خصلتها؟ حضرت فرمودند: مالی که دارد با دیگران در میان گذارد. و با دیگران انصاف داشته باشد. و همیشه به یاد خدا باشد. یاد خدا فقط گفتن سبحان الله والحمد لله و لا اله الا الله والله اکبر نیست. بلکه هنگام مواجه شدن با حلال و حرام به یاد خدا باشد [و حرام را ترک کند].

۳۰۹۳. امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند فرشته ای دارد که هر روز صدا می زند: بندگان خدا دست از گناه بردارید که اگر حیوانات چرنده و اطفال شیر خوار و پیران خمیده نبودند بلائی بر شما فرود می آمد که درهم شکنید.

۳۰۹۴. امام صادق علیه السلام فرمودند: مردم طاقت سه چیز ندارند: گذشت با مردم، تقسیم کردن اموال با دیگران، ذکر خدا در هر حال.

٣٠٩٥. وَعَنْ جَارُودِ بْنِ الْمُنْذِرِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: سَيِّدُ الْأَعْمَالِ ثَلَاثَةٌ: إِنْصَافُ النَّاسِ مِنْ نَفْسِكَ حَتَّى لَا تَرْضَى بِشَيْءٍ إِلَّا رَضِيَتْ لَهُمْ مِثْلَهُ، وَمُوَاسَاةُ الْأَخِ فِي الْمَالِ، وَذِكْرُ اللَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ؛ لَيْسَ «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» فَقَطْ، وَلَكِنْ إِذَا وَرَدَ عَلَيْكَ شَيْءٌ أَمَرَ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ، أَخَذْتَ بِهِ، وَإِذَا وَرَدَ عَلَيْكَ شَيْءٌ نَهَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنْهُ تَرَكَتَهُ. (١)

٣٠٩٦. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: رَأَيْتُ الْمَعْرُوفَ لَا يَصْلُحُ إِلَّا بِثَلَاثِ خِصَالٍ، تَصْغِيرِهِ، وَتَسْتِيرِهِ، وَتَعْجِيلِهِ؛ فَإِنَّكَ إِذَا صَغَّرْتَهُ عَظَّمْتَهُ عِنْدَ مَنْ تَصَنَعُهُ إِلَيْهِ، وَإِذَا سَتَرْتَهُ تَمَمْتَهُ، وَإِذَا عَجَّلْتَهُ هَنَأْتَهُ، فَإِنْ كَانَ غَيْرَ ذَلِكَ سَخَفْتَهُ (٢) وَنَكَدْتَهُ. (٣)

٣٠٩٧. وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ رَجُلًا مَرَّ بِعُثْمَانَ وَهُوَ قَاعِدٌ عَلَى بَابِ الْمَسْجِدِ، فَأَمَرَ لَهُ بِخَمْسَةِ دَرَاهِمٍ، فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ: أُرِيدُنِي، فَقَالَ لَهُ عُثْمَانُ: دُونَكَ الْفِتْيَةُ الَّذِينَ تَرَى - وَأَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى نَاحِيَةِ مِنَ الْمَسْجِدِ فِيهَا الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَعَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، فَمَضَى الرَّجُلُ نَحْوَهُمْ حَتَّى سَلَّمَ عَلَيْهِمْ وَسَأَلَهُمْ، فَقَالَ لَهُ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا هَذَا! إِنَّ الْمَسْأَلَةَ لَا تَحِلُّ إِلَّا لِي إِحْدَى ثَلَاثٍ: دَمٌ مُفْجِعٌ، أَوْ دَيْنٌ مُقْرِحٌ (٤)، أَوْ فَقْرٌ مُدْقِعٌ (٥)، فَفِي أَيِّهَا تَسْأَلُ؟ فَقَالَ: فِي وَجْهِ مِنْ هَذِهِ الثَّلَاثَةِ، فَأَمَرَ لَهُ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِخَمْسِينَ دِينَارًا، وَأَمَرَ لَهُ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِتِسْعَةٍ وَأَرْبَعِينَ دِينَارًا، وَأَمَرَ لَهُ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ بِثَمَانِيَةٍ وَأَرْبَعِينَ دِينَارًا.

وَأَنْصَرَفَ الرَّجُلُ، فَمَرَّ بِعُثْمَانَ فَقَالَ لَهُ: مَا صَنَعْتَ؟ فَقَالَ: مَرَرْتُ بِكَ فَسَأَلْتُكَ فَأَمَرْتَ لِي بِمَا أَمَرْتَ وَلَمْ تَسْأَلْنِي فِيمَا أَسْأَلُ، وَإِنَّ صَاحِبَ الْوَفْرَةِ (٦) لَمَّا سَأَلْتَهُ فَقَالَ لِي: يَا هَذَا فِيمَا تَسْأَلُ؟ فَإِنَّ الْمَسْأَلَةَ لَا تَحِلُّ إِلَّا لِي إِحْدَى ثَلَاثٍ، فَأَخْبَرْتَهُ بِالْوَجْهِ الَّذِي لَهُ أَسْأَلُ مِنَ الثَّلَاثَةِ، فَأَعْطَانِي خَمْسِينَ دِينَارًا، وَأَعْطَانِي الثَّانِي تِسْعَةً وَأَرْبَعِينَ دِينَارًا، وَأَعْطَانِي الثَّلَاثَ ثَمَانِيَةً وَأَرْبَعِينَ دِينَارًا.

ص: ٥٨

- ١- الكافي، ج ٢، ص ١٤٤، ح ٣.
- ٢- السِّخْفُ - بِالْفَتْحِ -: رَقَّةُ الْعَيْشِ، وَبِالضَّمِّ: رَقَّةُ الْعَقْلِ. وَقِيلَ: هِيَ الْخَفَّةُ الَّتِي تَعْتَرِي الْإِنْسَانَ مِنَ الْجُوعِ، وَالسِّخْفُ الضَّعِيفُ؛ أَيْ إِذَا لَمْ يَجْمَعْ الْمَعْرُوفَ هَذِهِ الْخِصَالَ فَقَدْ ضَعَّفَتْهُ وَنَقَّصَتْهُ وَنَكَدَتْهُ؛ أَيْ جَعَلَتْهُ قَلِيلَ الْخَيْرِ.
- ٣- الخصال، ص ١٣٣، ح ١٤٣.
- ٤- الْمُفْجِعُ: الْمَوْجِعُ وَالْمُؤْلِمُ، وَالْمُرَادُ هُنَا الدِّينَ اللَّازِمَ مِنْ إِهْرَاقِ الدَّمِ. وَدَيْنٌ مُقْرِحٌ - بِالْقَافِ - أَيْ مُؤْلِمٌ، وَيَحْتَمَلُ أَوْ يَكُونُ بِالْفَاءِ، يُقَالُ: أَفْرَحَ الدِّينَ: إِذَا أَثْقَلَهُ. وَفَقْرٌ مُدْقِعٌ: أَيْ شَدِيدٌ.
- ٥- مُدْقِعٌ: أَيْ شَدِيدٌ يَغْضِي بِصَاحِبِهِ إِلَى الدَّقْعَاءِ [وَهُوَ التَّرَابُ]. وَقِيلَ: هُوَ سُوءُ احْتِمَالِ الْفَقْرِ (النَّهَائِيَّةُ: ١٢٧/٢).
- ٦- الْوَفْرَةُ: شَعْرُ الرَّأْسِ إِذَا وَصَلَ شَحْمَةُ الْأُذُنِ (النَّهَائِيَّةُ: ٢١٠/٥).

۳۰۹۵. امام صادق علیه السلام فرمودند: برترین کارها سه چیز است: انصاف با مردم بطوری که هر چه برای خود می پسندد برای دیگران بیسندد. تقسیم کردن اموال با برادر دینی، و ذکر خدا در هر حال نه اینکه فقط بگوید سبحان الله والحمد لله و لا اله الا الله والله اکبر بلکه هر چه خدا امر کرده بپذیری و هر چه نهی فرموده ترک کنی.

۳۰۹۶. امام صادق علیه السلام فرمودند: به نظر من کار نیکو جز با سه خصلت اصلاح نمی شود: کوچک شمردن، مخفی کردن و با سرعت انجام دادن. چون اگر آن را کوچک شمردی نزد کسی که برایش کاری کرده ای در واقع آن را بزرگ کرده ای. و اگر مخفی کنی، کامل کرده ای. و اگر با سرعت انجام دهی، گوارا کرده ای. و اگر جز این باشد ضعیف و کم فایده است.

۳۰۹۷. امام صادق علیه السلام فرمودند: عثمان در کنار در مسجد نشسته بود، فقیری عبور کرد. دستور داد پنج درهم به او بدهند. فقیر گفت: مرا راهنمایی کن. عثمان گفت: برو نزد جوانانی که در گوشه مسجد نشسته اند. به امام حسن و امام حسین و عبدالله جعفر اشاره کرد. نزد آنها رفت و درخواست کرد: امام مجتبی علیه السلام فرمود: درخواست روا نیست مگر در سه حال:

خون بها، و قرض سنگین یا فقر طاقت فرسا.

تو به کدام درخواست می کنی؟ گفت: یکی از همین سه مورد.

حضرت دستور دادند، پنجاه درهم به او دادند. امام حسین دستور داد: چهل و نه دینار به او دادند. و عبدالله جعفر دستور داد چهل و هشت دینار به او دادند. وقتی فقیر برگشت عثمان پرسید: چه کردی؟ گفت: من از تو درخواست کردم بدون سؤال پنج درهم دادی. اما از آن جوان صاحب گیسوان درخواست کردم چنین پرسید و ماجرا را توضیح داد.

فَقَالَ عُثْمَانُ: وَمَنْ لَكَ بِمِثْلِ أَوْلِيكَ الْفِتْيَةِ؟! أَوْلِيكَ فَطَمُوا الْعِلْمَ فَطَمًا (١)، وَحَازُوا الْخَيْرَ وَالْحِكْمَةَ (٢).

قَالَ ابْنُ بَابُوَيْهِ فِي الْخِصَالِ: مَعْنَى قَوْلِهِ: «فَطَمُوا الْعِلْمَ فَطَمًا» أَيْ قَطَعُوهُ عَنْ غَيْرِهِمْ قَطْعًا، أَوْ جَمَعُوهُ لِأَنْفُسِهِمْ جَمْعًا (٣).

٣٠٩٨. وَعَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ حَمَّادٍ، عَمَّنْ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: إِنِّي كُنتُ أَسْأَلُ النَّاسَ؛ فَإِنَّهُ ذُلٌّ فِي الدُّنْيَا، وَفَقْرٌ تُعْجَلُونَ، وَحِسَابٌ طَوِيلٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (٤).

٣٠٩٩. وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ثَلَاثَةٌ يُسَمَّنَنَّ، وَثَلَاثَةٌ يُهَزَلَنَّ: فَأَمَّا الَّتِي يُسَمَّنَنَّ فِإِدْمَانِ الْحَمَامِ، وَشَمُّ الرِّائِحَةِ الطَّيِّبَةِ، وَلُبْسُ الثِّيَابِ اللَّيِّنَةِ، وَأَمَّا الَّتِي يُهَزَلَنَّ فِإِدْمَانِ أَكْلِ الْبَيْضِ وَالسَّمَكِ وَالطَّلَعِ (٥).

قَالَ ابْنُ بَابُوَيْهِ رَحِمَهُ اللَّهُ: يَعْنِي بِإِدْمَانِ الْحَمَامِ أَنْ يَدْخُلَهُ يَوْمٌ وَيَوْمٌ لَا؛ لِأَنَّهُ إِنْ دَخَلَهُ كُلَّ يَوْمٍ نَقَصَ مِنْ لَحْمِهِ (٦).

٣١٠٠. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كُلُوا الْبَصَلَ؛ فَإِنَّ فِيهِ ثَلَاثَ خِصَالٍ: يُطَيِّبُ النَّكْهَةَ، وَيَشُدُّ اللَّثَّةَ، وَيَزِيدُ فِي الْمَاءِ وَالْجَمَاعِ (٧).

٣١٠١. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ كَسَبَ مَالًا مِنْ غَيْرِ حِلِّهِ سُلِّطَ عَلَى الْبِنَاءِ وَالْمَاءِ وَالطِّينِ (٨).

٣١٠٢. وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ثَلَاثٌ لِلْمُؤْمِنِ فِيهِنَّ رَاحَةٌ: دَارٌ وَسِجَّةٌ تُوَارَى عَوْرَتَهُ وَسُوءَ حَالِهِ مِنَ النَّاسِ، وَامْرَأَةٌ صَالِحَةٌ تُعِينُهُ عَلَى أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَابْنَةٌ أَوْ اخْتُ يُخْرِجُهَا مِنْ مَنْزِلِهِ بِمَوْتٍ أَوْ تَرْوِيحٍ (٩).

٣١٠٣. وَعَنِ الْوَلِيدِ بْنِ صَبِيحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: كُنْتُ عِنْدَهُ وَعِنْدَهُ جَفَنَةٌ (١٠) مِنْ رُطْبٍ، فَجَاءَ سَائِلٌ فَأَعْطَاهُ، ثُمَّ جَاءَ سَائِلٌ فَأَعْطَاهُ، ثُمَّ جَاءَ آخَرَ فَقَالَ: وَسَعِ اللَّهُ عَلَيْكَ، ثُمَّ قَالَ: إِنْ رَجُلًا لَوْ كَانَ لَهُ مَالٌ يَبْلُغُ ثَلَاثِينَ أَوْ أَرْبَعِينَ أَلْفًا ثُمَّ شَاءَ أَنْ لَا يَبْقَى مِنْهُ شَيْءٌ إِلَّا قَسَمَهُ فِي حَقِّ فَعَلٍ فَيَبْقَى لَا مَالَ لَهُ، فَيَكُونُ مِنَ الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ يُرَدُّ دُعَاؤُهُمْ عَلَيْهِمْ.

ص: ٦٠

١- الفطم: القطع وفطمت المرضع الرضيع فصلته عن الرضاع. والمراد هنا أنهم فطموا العلم وقطعوه فحازوه، أو فطموا: أى اعطوا العلم كما يرزق الرضيع فى الصبا إلى الفطام الكامل.

٢- الخصال، ص ١٣٦، ح ١٤٩.

٣- الخصال، ص ١٣٦، ح ١٤٩.

٤- الكافي، ج ٤، ص ٢٠.

٥- الخصال، ص ١٥٥، ح ١٩٤.

٦- الخصال، ص ١٥٥، ح ١٩٤.

٧- الخصال، ص ١٥٨، ح ٢٠٠.

٨- الخصال، ص ١٥٩، ح ٢٠٥.

٩- الخصال، ص ١٥٩، ح ٢٠٦.

١٠- . الجفنه: أعظم مايكون من القصاع (لسان العرب: ١٣/٨٩).

عثمان گفت: کجا مثل این جوانمردان پیدا می کنی؟ اینها صاحبان علم و خیر و حکمت هستند.

ابن بابویه در کتاب خصال گوید: معنای عبارت آخر حدیث این است که علم فقط نزد آنان است و بس.

۳۰۹۸. امام صادق علیه السلام فرمودند: در خواست کمک از مردم نکنید. چون ذلت در دنیا و فقر زودرس و حساب طولانی در قیامت است.

۳۰۹۹. امام صادق علیه السلام فرمودند: سه کار انسان را چاق می کند: حمام مستمر، بوئیدن رایحه خوش و پوشیدن لباس نرم. و سه کار لاغر می کند: هر روز خوردن تخم مرغ و ماهی و خرما تاز به بار نشسته.

ابن بابویه رحمه الله گوید: حمام مستمر یعنی یک روز در میان حمام کنی. چون استحمام روزانه باعث لاغری می شود.

۳۱۰۰. امام صادق علیه السلام فرمودند: پیاز بخورید که سه خاصیت دارد: بوی دهان را برطرف می کند. لثه را محکم می کند. قدرت جماع را زیاد می کند.

۳۱۰۱. امام صادق علیه السلام فرمودند: کسی که مال حرام بدست آورد، خداوند آن را گرفتار می کند که در ساختن و آب و خاک مصرف کند [و او را گرفتار خانه سازی می کند].

۳۱۰۲. امام صادق علیه السلام فرمودند: سه چیز آرامش مؤمن است: خانه وسیع که ناموس و بی پولی او را بپوشاند. همسر شایسته که در کار دنیا و آخرت به او کمک کند. دختر یا خواهر که به خانه بخت بفرستد یا به قبر.

۳۱۰۳. ولید بن صبیح گوید: خدمت امام صادق علیه السلام بودم، ظرف خرما نزد حضرت بود، فقیری آمد، حضرت مقداری به او داد. سپس فقیر دیگری آمد، حضرت مقداری به او داد، فقیر سوم آمد، حضرت فرمود: خدا بر تو گشایش دهد.

سپس فرمودند: اگر کسی سی یا چهل هزار درهم داشته باشد و بخواهد همه را در راه حق تقسیم کند می تواند ولی دعایش در میان سه نفر مستجاب نمی شود.

قال: قلت: جعلت فداك! من هم؟

قال: رجل رزقه الله عز وجل مالا فأنفقه في وجوهه، ثم قال: يا رب أرزقني، فيقول الرب: ألم أرزقك؟ ورجل دعا على امرأته وهو ظالم لها، فيقال ألم أجعل أمرها بيدك؟ ورجل جلس في بيته وترك الطلب، يقول: يا رب أرزقني، فيقول الرب عز وجل: أو لم أجعل لك السبيل إلى الطلب للرزق؟ (١)

٣١٠٤. وعن علي بن حمزة عن أبيه، قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عما جرت به السنة في الصوم من رسول الله صلى الله عليه وآله، قال: ثلاثه أيام في كل شهر: خميس في العشر الأول، وأربعاء في العشر الأوسط، وخميس في العشر الآخر، تعدل صيام من صام الدهر، لقول الله عز وجل: «من جاء بالحسنة فله عشر أمثالها»، فمن لم يقدر عليها لضعف صدقة درهم أفضل من صيام يوم. (٢)

٣١٠٥. كان مالك بن أنس بن عامر فقيه المدينة يقول: كنت أدخل على الصادق عليه السلام فيقدم إلي مخددة ويعرف لي قدرا، ويقول: يا مالك، اني احبك، فكنت اسر بذكك واحمد الله عليه، وكان عليه السلام لا يخلو من إحدى ثلاث خصال: إما صائما، وإما قائما، وإما ذاكرا. وكان من عظماء العباد وأكابر الزهاد الذين يخشون الله عز وجل، وكان كثير الحديث، طيب المجلس، كثير الفوائد، فإذا قال: «قال رسول الله صلى الله عليه وآله» اصفر مرة واخضر أخرى حتى ينكره من يعرفه.

ولقد حججت معه سنة، فلما استوت به راحلته عند الإحرام كان كلما همم بالتلبية (٣) انقطع الصوت في حلقه، وكاد أن يخر عن راحلته، فقلت: قل يا ابن رسول الله، فلا بيدك من أن تقول، فقال: يا ابن أبي عامر! كيف أجسر أن أقول: لبيك اللهم لبيك، وأخشى أن يقول لي عز وجل: لا لبيك ولا سعديك! (٤)

٣١٠٦. وعن سفيان الثوري، قال: لقيت الصادق بن الصادق محمد عليهما السلام، فقلت له: يا ابن رسول الله، أوصني،

ص: ٦٢

١- الخصال، ص ١٥٩، ح ٢٠٨.

٢- الخصال، ص ١٥٩، ح ٢٠٩.

٣- التلبية: هي إجابته المنادي؛ أي إجابتي لك يا رب، وهو مأخوذ من لب بالمكان وألب به: إذا أقام به، وألب على كذا: أي لم يفارقه. ولم يستعمل إلا على لفظ التثنية في معنى التكرير: أي إجابته بعد إجابته. وهو منصوب على المصدر بعامل لا يظهر، كأنك قلت: ألب إلبا بعد إلباب. والتلبية من لبيك كالتهليل من لا إله إلا الله. وقيل: معناه اتجاهي وقصدي يا رب إليك... وقيل: معناه إخلاصي لك (النهاية: ٢٢٢/٤).

٤- الخصال، ص ١٦٧، ح ٢١٩.

گفتم: کدام سه نفر؟ حضرت فرمودند: یکی آنکه خدا مالی به او عطا کند و همه را خرج کند و بگوید خدایا به من روزی بده. جواب آید: مگر روزی تو را ندادم.

دوم: کسی که همسرش را نفرین کند و بر او ستم کند. خداوند می فرماید: مگر طلاق او را در اختیار تو قرار ندادم؟

سوم: مردی که در خانه بنشیند و کاری نکند و بگوید: خدایا روزی مرا برسان.

خداوند می فرماید: مگر راه بدست آوردن روزی را برای تو باز نکرده ام؟

۳۱۰۴. علی بن حمزه می گوید: از امام صادق علیه السلام درباره روش پیامبر صلی الله علیه و آله در روزه پرسیدم. حضرت فرمودند: سه روز در هر ماه، پنج شنبه ای از ده روز اول ماه و چهار شنبه ای از ده روز دوم و پنج شنبه ای از ده روز سوم، که معادل روزه یک عمر است. چون خداوند می فرماید: «هر کس کار نیکو انجام دهد ده برابر پاداش دارد». پس هر کس به علت ضعف جسمانی قدرت روزه گرفتن ندارد یک درهم صدقه دادن بهتر از یک روز روزه گرفتن است.

۳۱۰۵. مالک بن انس فقیه مدینه می گفت: به حضور امام صادق علیه السلام شرفیاب می شدم، حضرت بالمش برایم می آورد و از من پذیرایی می نمود. و می فرمود: ای مالک من تو را دوست دارم. من از این رفتار آن حضرت مسرور می شدم. و خدای را شکر می گذاردم.

امام صادق علیه السلام همیشه در یکی از این سه ویژگی بودند: یا روزه یا نماز یا ذکر خداوند. و آن حضرت از بزرگترین عبادت کنندگان و سرآمد زاهدان که از خدا می ترسند، بود. حدیث بسیار می فرمود. همنشینی با او لذت بخش بود. و فایده بسیار داشت.

هنگامی که امام صادق علیه السلام می فرمودند: پیامبر صلی الله علیه و آله چنین فرمود. [با یاد و نام پیامبر] گاهی چهره آن حضرت زرد و گاهی کبود می شد بطوری که تغییر می کرد و شناخته نمی شد. یک سال در سفر حج همراه آن حضرت بودم هنگامی که حضرت می خواستند احرام بپوشند و لیبیک بگویند صدا در گلوی آن حضرت قطع می شد و نزدیک بود از مرکب به زمین بیفتند.

به او گفتم: یا بن رسول الله، ناچار باید لیبیک بگوئید.

حضرت فرمودند: ای پسر ابی عامر چگونه جسارت کنم و بگویم: لیبیک اللهم لیبیک. در حالی که می ترسم خدا در جوابم بگوید: لا لیبیک و لا سعدیک.

۳۱۰۶. سفیان ثوری گوید: امام صادق علیه السلام را زیارت کردم و گفتم: یا بن رسول الله به من توصیه ای بفرمائید.

فَقَالَ: يَا سُفْيَانُ، مَنْ أَرَادَ عِزًّا بِإِلَّا عَشِيرِهِ، وَغِنًى بِإِلَّا مَالٍ، وَهَيْبَةً بِإِلَّا سُلْطَانٍ فَلْيَتَّقِلْ مِنْ ذَلِكَ مَعْصِيَةَ اللَّهِ إِلَى عِزِّ طَاعَتِهِ .

فَقُلْتُ: زِدْنِي يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، فَقَالَ لِي: يَا سُفْيَانُ، أَمَرَنِي وَالِدِي عَلَيْهِ السَّلَامُ بِثَلَاثٍ وَنَهَانِي عَنْ ثَلَاثٍ، وَكَانَ فِيمَا قَالَ لِي: يَا بُنَيَّ، مَنْ يَصْحَبُ صَاحِبَ السُّوءِ لَا يَسْلَمُ، وَمَنْ يَدْخُلُ مَدَاخِلَ السُّوءِ يُتَّهَمُ، وَمَنْ لَا يَمْلِكُ لِسَانَهُ يَأْتُمُ، ثُمَّ أَنْشَدَنِي:

عَوَّدَ لِسَانَكَ قَوْلَ الْحَقِّ تَحَظُّ بِهِ إِنَّ اللِّسَانَ لِمَا عَوَّدَتْ مُعْتَادُ

مَوْكَلٌ يَتَّقِاضِي مَا سَنَنْتَ لَهُ فِي الْخَيْرِ وَالشَّرِّ فَانظُرْ كَيْفَ تَعْتَادُ(١)

٣١٠٧. وقال أبو عبد الله عليه السلام: أَيُّمَا ثَلَاثَةٍ مُؤْمِنِينَ اجْتَمَعُوا عِنْدَ أَخٍ لَهُمْ يَأْمَنُونَ بِوَأْتِقَهُ(٢) ، وَلَا يَخَافُونَ عَوَائِلَهُ(٣) ، وَيَرْجُونَ مَا عِنْدَهُ؛ إِنْ دَعَوْا اللَّهَ أَجَابَهُمْ، وَإِنْ سَأَلُوا أَعْطَاهُمْ، وَإِنْ اسْتَزَادُوا زَادَهُمْ، وَإِنْ سَكَنُوا ابْتَدَأَهُمْ(٤).

٣١٠٨. وقال عليه السلام: مَنْ غَضِبَ عَلَيْكَ ثَلَاثَ مَرَاتٍ وَلَمْ يَقُلْ فِيكَ سُوءًا، فَاتَّخِذْهُ لِنَفْسِكَ خَلِيلًا(٥).

٣١٠٩. وقال عليه السلام لِبَعْضِ إِخْوَانِهِ: أَقَلُّ لِمَنْ مَعْرِفَةُ النَّاسِ، وَأَنْكَرٌ مَنْ عَرَفَتْ مِنْهُمْ، وَإِنْ كَانَ لَكَ مِنْهُ صِدِيقٌ فَاطْرَحْ تَسَعَّهُ وَتَسْعِينَ، وَكُنْ مِنَ الْوَاحِدِ عَلَى حَذَرٍ(٦).

٣١١٠. وقال عليه السلام: كَمَالُ الْمُؤْمِنِ ثَلَاثٌ: تَفَقُّهُ فِي دِينِهِ، وَالصَّبْرُ عَلَى النَّائِبَةِ(٧) ، وَالتَّقْدِيرُ فِي الْمَعِيشَةِ(٨).

٣١١١. وقال عليه السلام: ثَلَاثَةٌ لَا يَرْفَعُ اللَّهُ لَهُمْ عَمَلًا: عَبْدٌ آبَقٌ، وَامْرَأَةٌ زَوْجُهَا عَلَيْهَا سَاحِطٌ، وَالْمُدْبِلُ إِزَارَهُ(٩).

٣١١٢. وقال عليه السلام: ثَلَاثَةٌ قَلِيلَةٌ فِي كُلِّ زَمَانٍ: الْإِحَاءُ فِي اللَّهِ، وَالزَّوْجَةُ الصَّالِحَةُ الْأَلْيَفَةُ فِي دِينِ اللَّهِ، وَالْوَالِدُ

ص: ٦٤

١- الخصال، ص ١٦٩، ح ٢٢٢.

٢- بوائقه: أي غوائله وشروعه، واحدها بائقه؛ وهي الداهية (النهاية: ١٦٠/١).

٣- الغائله: الحقد الباطن والشَّرُّ (القاموس المحيط: ٢٧/٤).

٤- الكافي، ج ٢، ص ١٧٨، ح ١٤.

٥- معدن الجواهر، ص ٣٤.

٦- هذا مقطع من حديث: التحصين لابن فهد الحلبي، ص ١١.

٧- النائبة: ما ينوب الإنسان؛ أي تنزل به من المهمات والحوادث (مجمع البحرين: ٣٨٧/٤).

٨- معدن الجواهر، ص ٣٢، عن رسول الله صلى الله عليه وآله مع اختلافٍ يسير.

٩- بحار الأنوار، ج ٧١، ص ١٤٥، ح ٧.

فرمودند: ای سفیان کسی که می خواهد بدون داشتن اقوام عزّت و بدون داشتن مال ثروت و بدون سلطنت، هیبت داشته باشد از ذلت گناه به عزّت طاعت خدا منتقل شود.

گفتم: توصیه بیشتری بفرمائید. حضرت فرمودند: ای سفیان پدرم مرا به سه چیز امر فرمود. و از سه کار بازداشت. پدرم فرمود: پسرم کسی که دوست بد داشته باشد سالم نمی ماند. و کسی که به مکان بد برود متهم می شود. و کسی که زبانش را نگه ندارد، گناه می کند.

سپس امام صادق علیه السلام فرمودند: زبان را به سخن حق عادت ده، و بهره ببر. چون زبان به هر چه عادت داده شود معتاد می شود. و هر خیر یا شر را بخواهی همان کند. پس دقت کن که زبان را چگونه عادت می دهی.

۳۱۰۷. امام صادق علیه السلام فرمودند: هر گاه سه نفر مؤمن نزد کسی روند که از شرّ او در امان باشند و از فتنه او نهراسند و امید به نیکی او داشته باشند، چنین افرادی اگر دعا کنند خدا آنان را اجابت کند. و اگر از او کمک بخواهند دریغ نکند. و اگر بیشتر بخواهند بدهد. و اگر خودشان چیزی نطلبند خود خدا به آنان [نعمت] می دهد.

۳۱۰۸. امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس سه بار از تو خشمگین شد و حرف بدی به تو نگفت، او را بهترین دوست خود بدان.

۳۱۰۹. امام صادق علیه السلام فرمودند: آشنایی با مردم را کم کن. و آشنایان را هم نشناخته بحساب آور. اگر صد نفر دوست داری نود و نه نفر را کنار بگذار. و از آن یکی هم بر حذر باش.

۳۱۱۰. امام صادق علیه السلام فرمودند: کمال مؤمن در سه چیز است: شناخت [معارف] دین، صبر در حوادث، و اندازه گیری در مخارج زندگی.

۳۱۱۱. امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند عمل سه نفر را نمی پذیرد: بنده فراری، زنی که شوهرش از او خشمگین است. و متکبر.

۳۱۱۲. امام صادق علیه السلام فرمودند: سه چیز در هر زمان کمیاب است: برادری در راه خدا و همسر شایسته که در دین با شوهر تفاهم داشته باشد. و فرزند رشید.

الرَّشِيدُ؛ فَمَنْ أَصَابَ أَحَدَ الثَّلَاثَةِ فَقَدْ أَصَابَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْحِظَّ الْأَوْفَرَ. (١)

٣١١٣. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ثَلَاثٌ مَنْ لَمْ تُكُنْ فِيهِ فَلَا يُرْجَى خَيْرُهُ أَيْدَاءُ: مَنْ لَمْ يَخْشَ اللَّهَ فِي الْغَيْبِ، وَلَمْ يَرَعِ عِنْدَ الشَّيْبِ، وَلَمْ يَسْتَحِ مِنَ الْعَيْبِ. (٢)

٣١١٤. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كُلُّ عَيْنٍ بَاكِئَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا ثَلَاثَ عَيُونٍ: عَيْنٌ غَضَّتْ عَنِ مَحَارِمِ اللَّهِ، وَعَيْنٌ سَهَرَتْ فِي طَاعَةِ اللَّهِ، وَعَيْنٌ بَكَتْ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ مَنْ خَشِيَ اللَّهَ. (٣)

٣١١٥. وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نَجْوَى الْعَارِفِينَ تَدْوُرُ عَلَى ثَلَاثَةِ أَصُولٍ: الْخَوْفِ، وَالرَّجَاءِ، وَالْحُبِّ؛ فَالْخَوْفُ فَرَعُ الْعِلْمِ، وَالرَّجَاءُ فَرَعُ الْيَقِينِ، وَالْحُبُّ فَرَعُ الْمَعْرِفَةِ؛ فَدَلِيلُ الْخَوْفِ الْهَرَبُ، وَدَلِيلُ الرَّجَاءِ الطَّلَبُ، وَدَلِيلُ الْحُبِّ إِشَارُ الْمَحْبُوبِ عَلَى مَا سِوَاهُ، فَإِذَا تَحَقَّقَ الْعِلْمُ فِي الصَّدْرِ خَافَ، وَإِذَا صَيَّحَ الْخَوْفُ هَرَبَ، وَإِذَا هَرَبَ نَجَا، وَإِذَا أَشْرَقَ نُوْرُ الْيَقِينِ فِي الْقَلْبِ شَاهَدَ الْفَضْلَ، وَإِذَا تَمَكَّنَ مِنْهُ [مِنْ] رُؤْيِهِ الْفَضْلِ رَجَا، وَإِذَا وَجَدَ خَلَاوَةَ الرَّجَاءِ طَلَبَ، وَإِذَا وُفِّقَ لِلطَّلَبِ وَجَدَ، وَإِذَا تَجَلَّى ضِيَاءُ الْمَعْرِفَةِ فِي الْفُؤَادِ هَاجَ رِيحُ الْمَحَبَّةِ، وَإِذَا هَاجَ رِيحُ الْمَحَبَّةِ اسْتَأْنَسَ فِي ظِلَالِ الْمَحْبُوبِ، وَإِذَا اسْتَأْنَسَ فِي ظِلَالِ الْمَحْبُوبِ آثَرَهُ عَلَى مَا سِوَاهُ وَبَاشَرَ أَوَامِرَهُ وَاجْتَنَبَ نَوَاهِيَهُ وَأَخْتَارَهُمَا عَلَى كُلِّ شَيْءٍ غَيْرِهِمَا، فَإِذَا اسْتَقَامَ عَلَى بِسَاطِ الْأُنْسِ بِالْمَحْبُوبِ مَعَ أَدَاءِ أَوَامِرِهِ وَاجْتِنَابِ نَوَاهِيهِ وَصَلَّ إِلَى رُوحِ الْمُنَاجَاةِ وَالْقُرْبِ.

وَمِثَالُ هَذِهِ الْأَصُولِ الثَّلَاثَةِ كَالْحَرَمِ وَالْمَسْجِدِ وَالْكَعْبَةِ؛ فَمَنْ دَخَلَ الْحَرَمَ أَمِنَ مِنَ الْخَلْقِ، وَمَنْ دَخَلَ الْمَسْجِدَ أَمِنَتْ جَوَارِحُهُ أَنْ يَسْتَعْمِلَهَا فِي الْمَعْصِيَةِ، وَمَنْ دَخَلَ الْكَعْبَةَ أَمِنَ قَلْبُهُ مِنْ أَنْ يُشْغَلَ بِغَيْرِ ذِكْرِ اللَّهِ تَعَالَى.

فَمَا نَظَرَ أَيُّهَا الْمُؤْمِنُ فَإِنِ كَانَتْ حَالَتِكَ حَالَهُ تَرْضَاهَا لِحُلُولِ الْمَوْتِ فَاشْكُرِ اللَّهَ تَعَالَى عَلَى تَوْفِيقِهِ وَعِصْمَتِهِ، وَإِنِ تَكُنِ الْأُخْرَى فَانْتَقِلْ عَنْهَا بِصِحَّةِ الْعَزِيمَةِ، وَأَنْدَمْ عَلَى مَا سَلَفَ مِنْ عُمْرِكَ فِي الْغَفْلَةِ، وَاسْتَعِنِ بِاللَّهِ عَلَى تَطْهِيرِ الظَّاهِرِ مِنَ الذُّنُوبِ، وَتَنْظِيفِ الْبَاطِنِ مِنَ الْعُيُوبِ، وَقَطِّعْ زِيَادَةَ الْغَفْلَةِ عَنِ

ص: ٦٦

١- . مصباح الشريعة، ص ١٥٠.

٢- . من لا يحضره الفقيه، ج ٣، ص ٥٥٨، ح ٤٩١٨.

٣- . عدّه الداعي، ص ١٥٧.

هر کس یکی از این سه نعمت را یافت، خیر دنیا و خوشبختی را یافته است.

۳۱۱۳. امام صادق علیه السلام فرمودند: سه صفت در هر کس نباشد هرگز به خیر او امید نیست: در خلوت از خدا ترسد. و در پیری رعایت تقوی نکند. و از عیب حیا نکند.

۳۱۱۴. امام صادق علیه السلام فرمودند: همه چشمها روز قیامت گریانند جز سه چشم: چشمی که به حرام نگاه نکرده، و چشمی که در طاعت خدا نخوابیده و چشمی که در نیمه شب از ترس خدا گریسته است.

۳۱۱۵. امام صادق علیه السلام فرمودند: نجوای عارفین سه محور دارد: خوف، رجاء، محبت. خوف از علم ناشی می شود. و رجاء از یقین بدست می آید. و محبت شاخه ای از معرفت است.

علامت خوف، فرار کردن [به سوی خداست] و علامت رجاء، طلبیدن، و علامت حب هم ایثار کردن همه چیز برای محبوب است.

پس اگر علم در سینه ای جا می گیرد، آن شخص خوف دارد. و اگر خوف صحیح باشد، فرار کند. و وقتی فرار کرد، نجات یابد.

و هنگامی که نور یقین بر قلب بتابد شاهد فضیلت شود. و همینکه توانست فضیلت را رؤیت کند امیدوار شود. و چون لذت امید را چشید طلب کند. و وقتی توفیق طلب یابد، پیدا کند.

و هنگامی که روشنی معرفت در دل تجلی کند، رایحه محبت استشمام کند. و وقتی رایحه محبت استشمام کرد، در سایه محبوب انس گیرد. و وقتی در سایه محبوب انس گرفت، او را بر همه چیز برگزیند. و اوامر او را اطاعت کند. و از نواهی او دوری گزیند. و امر و نهی او را بر همه چیز ترجیح دهد.

هنگامی که بر سفره انس محبوب نشست و امر و نهی او را اطاعت کرد، به روح مناجات و قرب می رسد. و دایره این سه اصل مانند حرم و مسجد الحرام و کعبه است. کسی که داخل حرم شود از مردم در امان است. کسی که وارد مسجد الحرام شد اعضای بدنش از حرام دوری می کنند. و کسی که وارد کعبه شد قلبش از اشتغال به غیر خدا در امان خواهد شد.

پس ای مؤمن؛ دقت کن اگر حال تو حالتی است که به رسیدن مرگ راضی است، خدا را شکر کن بر این توفیق و عصمت. و اگر حالت دیگری است پس به حالت صحیح تصمیم گیری [جدید] تغییر ده. و از عمری که در غفلت گذرانده ای پشیمان شو. و از

قَلْبِكَ، وَأَطْفِ نَارَ الشَّهْوَةِ مِنْ نَفْسِكَ. (١)

٣١١٦. عَنْ زُرَّارَةَ قَالَتْ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ [أ] الصَّادِقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: ثَلَاثَةٌ إِنْ يَعْلَمَهُنَّ (٢) الْمُؤْمِنُ كَانَ زِيَادَةً فِي عُمْرِهِ وَبَقَاءً النَّعْمِ عَلَيْهِ. فَقُلْتُ: وَمَا هُنَّ؟ قَالَ: تَطْوِيلُهُ فِي رُكُوعِهِ وَسُجُودِهِ فِي صَلَاتِهِ، وَتَطْوِيلُهُ بِجُلُوسِهِ عَلَى طَعَامِهِ إِذَا طَعِمَ عَلَى مَا نَدَّتْهُ، وَاصْطِنَاعُهُ الْمَعْرُوفَ إِلَى أَهْلِهِ. (٣)

(بيان) الضَّمِيرُ فِي أَهْلِهِ إِنْ عَادَ إِلَى الْمَعْرُوفِ - وَهُوَ الظَّاهِرُ - فَالْمُرَادُ الْإِحْسَانُ إِلَى مَنْ يَسْتَحِقُّ الْإِحْسَانَ، وَإِنْ عَادَ إِلَى الرَّجُلِ فَالْمُرَادُ أَقَارِبُهُ وَعَشِيرَتُهُ.

٣١١٧. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عِلَامَاتُ وَلَدِ الزَّانَا ثَلَاثٌ: سُوءُ الْمَحْضَرِ (٤)، وَالْحَيْنُ إِلَى الزَّانَا، وَبُغْضُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ. (٥)

٣١١٨. وَقَالَ الصِّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: التَّقْوَى عَلَى ثَلَاثَةِ أَوْجُهٍ: تَقْوَى بِاللَّهِ فِي اللَّهِ؛ وَهُوَ تَرْكُ الْحَلَالِ فَضْلاً عَنِ الشُّبْهِهِ، وَهُوَ تَقْوَى خَاصَّ الْخَاصِّ، وَتَقْوَى مِنَ اللَّهِ؛ وَهُوَ تَرْكُ الشُّبْهَاتِ فَضْلاً عَنِ الْحَرَامِ، وَهُوَ تَقْوَى الْخَاصِّ، وَتَقْوَى مِنْ خَوْفِ النَّارِ وَالْعِقَابِ؛ وَهُوَ تَرْكُ الْحَرَامِ، وَهُوَ تَقْوَى الْعَامِّ.

وَمَثَلُ التَّقْوَى كَمَا يَجْرَى فِي نَهْرٍ، وَمَثَلُ هَذِهِ الطَّبَقَاتِ الثَّلَاثِ فِي مَعْنَى التَّقْوَى كَأَشْجَارٍ مَغْرُوسَةٍ عَلَى حَافَةِ ذَلِكَ النَّهْرِ مِنْ كُلِّ لَوْنٍ وَجِنْسٍ، كُلُّ شَجَرَةٍ مِنْهَا تَسْتَمِصُّ الْمَاءَ مِنْ ذَلِكَ عَلَى قَدْرِ جَوْهَرِهِ وَطَعْمِهِ وَلَطَافَتِهِ وَكَثَافَتِهِ، ثُمَّ مَنَافِعُ الْخَلْقِ مِنْ ذَلِكَ الْأَشْجَارِ وَالشُّمَارِ عَلَى قَدْرِهَا وَقِيَمَتِهَا. (٦)

٣١١٩. وَقَالَ الصِّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْمَرَضَى ثَلَاثَةٌ: عَيْنِ النَّفْسِ، وَعَيْنِ الْقَلْبِ، وَعَيْنِ الزَّوْجِ؛ فَمَرَضُ الْمُنَافِقِ عَيْنِ النَّفْسِ، وَمَرَضُ الْمُؤْمِنِ عَيْنِ الْقَلْبِ، وَمَرَضُ الْعَارِفِ عَيْنِ الزَّوْجِ؛ فَدَوَاءُ الْمُنَافِقِ دَارُ جَهَنَّمَ، وَدَوَاءُ الْمُؤْمِنِ مَعْرِفَتُهُ وَحُبُّهُ، وَدَوَاءُ الْعَارِفِ لِقَاؤُهُ وَقُرْبُهُ، وَقُرْبُهُ الْمُنَافِقِ فِي دَرَكِهِ الشَّقَاوَةِ وَالْمَطْبُوعِ عَلَيْهَا اللَّعْنَةُ، وَالْمُؤْمِنِ فِي دَرَجَةِ السَّلَامَةِ وَالْمَخْتَوْمِ عَلَيْهَا السَّعَادَةُ، وَالْعَارِفِ فِي دَرَجَةِ الْوَلَايَةِ الْمَخْتَوْمِ بِالرُّؤْيَةِ (٧) وَالْكَرَامَةِ.

ص: ٤٨

١- . مصباح الشريعة، ص ١١٩.

٢- . فى وسائل الشيعة (ج ٤، ص ٣٠٥، ح ٨٠٣٧): «تعلمهن» بدل «يعلمهن».

٣- . الكافي، ج ٤، ص ٤٩، ح ١٥.

٤- . سوء المحضر: هو أن يكون مؤذياً للناس بمحضره بلسانه أو إشارات وأعماله.

٥- . الأموال للصدوق، ص ٤١٨، ح ٢٢/٥٥٥.

٦- . مصباح الشريعة، ص ٣٨.

٧- . المراد هو رؤيه القلب؛ لأنه تعالى لا يرى بالبالصره. أقول: هذه الروايه وأضرابها فى النفس منها شيء كما لا يخفى.

خداوند کمک بخواه برای پاک کردن ظاهر از گناهان و باطن از عیبه‌ها. و غفلت را از قلب خود بیرون کن. و آتش شهوت را از خود خاموش کن.

۳۱۱۶. امام صادق علیه السلام فرمودند: اگر مؤمن سه چیز را می‌دانست، عمرش طولانی و نعمتهایش پایدار می‌شد.

زراره پرسید: آن سه چیست؟ امام فرمودند: طولانی کردن رکوع و سجود در نماز. و طول دادن مدت نشستن بر سفره غذا. و نیکی کردن به خویشان.

۳۱۱۷. امام صادق علیه السلام فرمودند: علامت ولد زنا سه چیز است: بد مجلس بودن [یعنی همنشینی با او به علت رفتار و گفتار زشت آزار دهنده است]. تمایل به زنا. و دشمنی با ما اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله.

۳۱۱۸. امام صادق علیه السلام فرمودند: تقوی سه نوع است: ۱ - برای خدا و در راه خدا؛ که عبارت است از ترک کردن قسمتی از کارهای حلال چه رسد به شبهه ناک. این تقوای خاص الخاص است.

۲ - تقوا از خدا؛ یعنی ترک کردن شبهات چه رسد به حرام. این تقوای خاص است.

۳ - تقوای از ترس آتش و عذاب؛ یعنی فقط ترک کردن حرام. این تقوای عام است.

مثلاً تقوا چون نهر جاری است. و این درجات مانند درختان رنگارنگ کاشته شده در کنار نهر است. همه از یک آب سیراب می‌شوند. اما جوهر و طعم و لطافت و ضخامت آنها متفاوت است. و بهره برداری مردم از این درختان و میوه‌ها به اندازه و ارزش آنها بستگی دارد.

۳۱۱۹. امام صادق علیه السلام فرمودند: بیماری و مرض سه دسته است: از نفس، از قلب، از روح. مرض منافق از نفس، و مرض مؤمن از قلب و مرض عارف از روح است. داروی منافق دوزخ است، درمان مؤمن معرفت و محبت است. و دواء عارف ملاقات و قرب خداست.

جایگاه منافق در درک بدبختی و سهم او لعنت است. و مؤمن در سلامت است. و به سعادت ختم می‌شود. و عارف در مرتبه ولایت است. و به رؤیت و کرامت ختم می‌شود.

٣١٢٠. وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الشَّيْعَةُ ثَلَاثٌ: مُحِبُّ وَأُدُّ فَهُوَ مِنَّا، وَمُتَرَيِّنٌ بِنَا؛ وَنَحْنُ زَيْنٌ لِمَنْ تَرَيَّنَ بِنَا، وَمُسْتَأْكَلٌ بِنَا النَّاسَ؛
وَمَنْ اسْتَأْكَلَ (١) بِنَا افْتَقَرَ. (٢)

٣١٢١. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: امْتَحِنُوا شَيْعَتَنَا عِنْدَ ثَلَاثٍ: عِنْدَ مَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ كَيْفَ مُحَافِظَتُهُمْ عَلَيْهَا، وَعِنْدَ أَسْرَارِهِمْ كَيْفَ حِفْظُهُمْ
لَهَا مِنْ عَدُوِّنَا، وَإِلَى أَمْوَالِهِمْ كَيْفَ مُوَسَّاتُهُمْ لِإِخْوَانِهِمْ فِيهَا. (٣)

٣١٢٢. وَعَنْ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: ثَلَاثٌ قَلِيلُهُنَّ كَثِيرٌ: النَّارُ، وَالْفَقْرُ، وَالْقَرْضُ. (٤)

ص: ٧٠

١- . لعل المراد بالمستأكل من ليس في قلبه حب وود، وإنما يتظاهر بالحب لجمع الدنيا، وأما العدين يمدحون أو يرثون على الحقيقة ولا يعدمون الصلة من محبي أهل البيت عليهم السلام فليس بمستأكل، بل هو من القسم الأول.

٢- . الخصال، ص ١٠٣، ح ٦١.

٣- . الخصال، ص ١٠٣، ح ٦٢.

٤- . الخصال، ص ٢٣٨، ح ٨٤. مع اختلاف.

۳۱۲۰. امام صادق علیه السلام فرمودند: شیعیان سه دسته اند: ۱- دوست دل‌باخته، این گروه از ما هستند. ۲- کسانی که خود را با ما زینت کرده اند. و ما زینت کسانی هستیم که خود را به ما تزئین کنند.

۳- کسانی که بوسیله ما از مردم کسب می کنند و روزی می خورند. و هر کس چنین کند فقیر می شود.

۳۱۲۱. امام صادق علیه السلام فرمودند: شیعه ما را در سه مورد بیازمایید: وقت نماز چگونه مراقبت می کنند که وقت نماز نگذرد. و حفظ اسرار از دشمنان ما. و بهره مند کردن برادران دینی از اموال او چگونه است.

۳۱۲۲. امام صادق علیه السلام فرمودند: سه چیز است که کم آن هم زیاد است: آتش، فقر، قرض.

٣١٢٣. قال الحسینُ عليه السلام: هلاکُ النَّاسِ فی ثلاثٍ: الکِبَرُ وَالْحِرْصُ وَالْحَسَدُ؛ فَالکِبَرُ هلاکُ الدِّینِ؛ وَبِهِ لُعِنَ إبْلِیسُ، وَالْحِرْصُ عَدُوُّ النَّفْسِ؛ وَبِهِ اخْرَجَ آدَمُ مِنَ الْجَنَّةِ، وَالْحَسَدُ رَائِدُ السَّوْءِ؛ وَمِنْهُ قَتَلَ قَابِلٌ هَابِلًا. (١)

٣١٢٤. وَعَنِ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: خَرَجَ أَبُو حَنِيفَةَ ذَاتَ يَوْمٍ مِنْ عِنْدِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَاسْتَقْبَلَهُ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ لَهُ: يَا غُلَامُ مِمَّنِ الْمَعْصِيَةُ، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تَخْلُو مِنْ ثَلَاثَةٍ: إِمَّا أَنْ تَكُونَ مِنَ اللَّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ وَلَيْسَتْ مِنْهُ؛ فَلَا يَنْبَغِي لِكَرِيمٍ أَنْ يُعَذَّبَ عَبْدُهُ بِمَا لَمْ يَكْتَسِبْهُ، وَإِمَّا أَنْ تَكُونَ مِنَ اللَّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ وَمِنْ الْعَبْدِ؛ فَلَا يَنْبَغِي لِلشَّرِيكِ الْقَوِيِّ أَنْ يَظْلِمَ الشَّرِيكَ الضَّعِيفَ، وَإِمَّا أَنْ تَكُونَ مِنَ الْعَبْدِ وَهِيَ مِنْهُ، فَإِنْ عَاقَبَهُ اللَّهُ فَبِدَنْبِهِ، وَإِنْ عَفَا عَنْهُ فَبِكَرَمِهِ وَجُودِهِ. (٢)

٣١٢٥. وَعَنِ الرُّضَا عَلِيِّ بْنِ مُوسَى عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، قَالَ: لَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَكُونَ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: سُنَّةٌ مِنْ رَبِّهِ، وَسُنَّةٌ مِنْ نَبِيِّهِ، وَسُنَّةٌ مِنْ وَلِيِّهِ. فَأَمَّا السُّنَّةُ مِنْ رَبِّهِ فَكِتْمَانُ سِرِّهِ، قَالَ اللَّهُ عِزٌّ وَجَلٌّ: «عَلِمَ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا * إِلَّا مَنْ ارْتَضَى مِنْ رَسُولٍ».

وَأَمَّا السُّنَّةُ مِنْ نَبِيِّهِ فَمَيْدَارُهُ النَّاسِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ عِزٌّ وَجَلٌّ أَمَرَ نَبِيَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِمَيْدَارِهِ النَّاسِ فَقَالَ: «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ».

وَأَمَّا السُّنَّةُ مِنْ وَلِيِّهِ فَالضَّبْرُ فِي الْبِئْسَاءِ وَالضَّرَاءِ وَحِينَ الْبِئْسِ (٣) «أَوَّلٌ - كِ الدِّينِ صَدَقُوا وَ أَوَّلٌ - كِ

ص: ٧٢

١- . كشف الغمّة، ج ٢، ص ١٩٤.

٢- . عيون أخبار الرضا، ج ٢، ص ١٢٦، ح ٣٧.

٣- . البأس: الشدة والنكايه. والضراء: الشدة. والنقص في الأموال والأنفس مقابل السراء، وفرق بينهما بعض أهل التفسير فقال: والبأساء مصدر كالْبِئْس وهو الشدة والفقر، والضراء مصدر كالضَّر وهو أن يتضرر الإنسان بمرض أو ذهاب مال أو موت ولد، والبأس شدّة الحرب (تفسير الميزان - مجمع البيان).

۳۱۲۳. امام حسن علیه السلام فرمودند: نابودی مردم در سه چیز است: تکبر، حرص و حسد. تکبر دین را نابود می کند، و شیطان برای تکبر لعنت می شود. حرص دشمن نفس است، و آدم برای حرص از بهشت رانده شد. و حسد زشتی بیار می آورد، و قاییل برای حسد هابیل را به قتل رساند.

۳۱۲۴. امام رضا علیه السلام فرمودند: روزی ابوحنیفه از حضور امام صادق علیه السلام بازمی گشت با حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام مواجه شد و گفت: پسر جان گناه از طرف کیست؟ امام کاظم علیه السلام فرمودند: از سه حال خارج نیست: یا فقط از طرف خداست و بنده نقشی ندارد، در این صورت سزاوار نیست خدای کریم بنده را به جرمی که در اختیار او نبوده عذاب کند.

یا از طرف خدا و بنده با هم که در این صورت هم نباید شریک قوی به شریک ضعیف و ناتوان ظلم کند.

یا از طرف بنده است که چنین است پس اگر خدا او را عذاب کند برای گناه اوست و اگر او را ببخشد با کرم و بخشش خداست.

۳۱۲۵. امام رضا علیه السلام فرمودند: تا سه ویژگی در کسی نباشد مؤمن نیست: یک ویژگی از پروردگار که پوشاندن اسرار است. خداوند در قرآن فرموده است: «دانای غیب است و کسی را از غیب خویش آگاه نسازد جز پیامبری که او را دوست دارد». ویژگی دوم از پیامبر صلی الله علیه و آله است که همان مدارا کردن با مردم است. خداوند به پیامبر فرمود: «عفو را پیشه کن و به کار نیکو امر کن و از مردم نادان روی گردان». ویژگی سوم از امامان علیهم السلام است که همان صبر کردن در سختی ها و تنگدستی ها و جنگ ها. خدا می فرماید: «ایشان راستگویند و ایشان با

وقد تقدّم مثل هذا الحديث عن عليّ عليه السلام غير أنّه اقتصر على ثلاث الخصال، ولم يذكر فيه الآيات المذكوره هنا.

٣١٢٦. وَعَنِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَعْطَى الْمُؤْمِنَ ثَلَاثَ خِصَالٍ: الْعِزَّةَ فِي الدُّنْيَا، وَالْفَلَاحَ (٢) فِي الْآخِرَةِ، وَالْمَهَابَةَ فِي صُدُورِ الظَّالِمِينَ. (٣)

٣١٢٧. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ لِلَّهِ جَنَّةً لَا يَدْخُلُهَا إِلَّا الثَّلَاثَةُ: رَجُلٌ حَكَمَ عَلَى نَفْسِهِ بِالْحَقِّ، وَرَجُلٌ زَارَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ فِي اللَّهِ، وَرَجُلٌ آثَرَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ فِي اللَّهِ. (٤)

٣١٢٨. وَقَالَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا هِشَامَ بْنَ الْحَكَمِ، مَنْ سَلَطَ ثَلَاثًا عَلَى ثَلَاثٍ فَكَأَنَّمَا أَعَانَ عَلَى هَدْمِ عَقْلِهِ: مَنْ أَظْلَمَ نَوْرَ تَفَكُّرِهِ بِطَوْلِ أَمَلِهِ، وَمَحَا طَرَائِفَ حِكْمَتِهِ بِفُضُولِ كَلَامِهِ، وَأَطْفَأَ نَوْرَ عِبْرَتِهِ (٥) بِشَهَوَاتِ نَفْسِهِ؛ فَكَأَنَّمَا أَعَانَ هَوَاهُ عَلَى هَدْمِ عَقْلِهِ، وَمَنْ هَدَمَ عَقْلَهُ فَسَدَ عَلَيْهِ دِينُهُ وَدُنْيَاهُ. (٦)

٣١٢٩. وَقَالَ مُحَمَّدُ الْبَاقِرُ ابْنُ عَلِيِّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: ثَلَاثُ دَرَجَاتٍ، وَثَلَاثُ كَفَّارَاتٍ، وَثَلَاثُ مَوْبِقَاتٍ، وَثَلَاثُ مُنْجِيَّاتٍ.

فَأَمَّا الدَّرَجَاتُ: فإِفْشَاءُ السَّلَامِ، وَإِطْعَامُ الطَّعَامِ وَالصَّلَاةُ بِاللَّيْلِ وَالنَّاسُ نِيَامًا.

وَالْكَفَّارَاتُ: إِسْبَاحُ الْوُضُوءِ فِي الشَّتَوَاتِ (٧)، وَالْمَشْيُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِلَى الصَّلَوَاتِ، وَالْمُحَافَظَةُ عَلَى الْجَمَاعَاتِ. وَالْمَوْبِقَاتُ: فَشْحُ مَطَاعٍ (٨)، وَهَوَى مُتَّبِعٍ، وَإِعْجَابُ الْمَرْءِ بِنَفْسِهِ.

وَالْمُنْجِيَّاتُ: خَوْفُ اللَّهِ فِي السَّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ، وَالْقَصْدُ فِي الْغِنَى وَالْفَقْرِ، وَكَلِمَةُ الْعَدْلِ فِي الرِّضَى وَالْغَضَبِ. (٩)

ص: ٧٤

١- الكافي، ج ٢، ص ٢٤١، ح ٣٩.

٢- الفلّح - محرّكه -: الفوز والنجاة، والبقاء في الخير (القاموس المحيط: ٢٤٠/١).

٣- الخصال، ص ١٥٢، ح ١٨٧.

٤- الكافي، ج ٢، ص ١٧٨، ح ١١.

٥- العبره - بالكسر -: اسم من الاعتبار، أعنى الاتعاظ (مجمع البحرين: ١١١/٣).

٦- الكافي، ج ١، ص ١٧، ح ١٢.

٧- الشتوات - كما في الأصل -: جمع شتاء ظاهراً وإن لم أجدّه في اللغة، بل قيل: إن شتاء جمع شتوه، نحو كلبه وكراب.

٨- شخ مطاع: أي البخل الذي يطيعه صاحبه في منع الحقوق التي أوجبها الله في ماله. وقد مضى معنى الشخ.

٩- الخصال، ص ٨٤، ح ١١.

مشابه این حدیث از امیر المؤمنین علیه السلام گذشت. فقط در آن حدیث آیات قرآن ذکر نشده است.

۳۱۲۶. امام باقر علیه السلام فرمودند: خداوند به مؤمن سه خصلت داده است: عزت در دنیا و رستگاری در آخرت و مهابت در دل ستمکاران.

۳۱۲۷. امام باقر علیه السلام فرمودند: خداوند بهشتی دارد که جز سه گروه وارد آن نمی شوند: کسی که به علیه خود قضاوت بر حق کند. و کسی که برادر مؤمن را برای خدا ملاقات کند. و کسی که برادر مؤمن خود را به خاطر خدا بر خود مقدم دارد.

۳۱۲۸. امام کاظم علیه السلام فرمودند: ای هشام بن حکم کسی که سه چیز را بر سه چیز مسلط کند گویا به نابودی عقل خود کمک کرده است: کسی که نور تفکرش را با آرزوی دراز تیره کند. و مطالب حکمت آمیز را با سخن گزافه باطل کند. و نور عبرت را با شهوت خود خاموش کند. گویا هوس او بر نابودی عقلش کمک کرده است. و کسی که عقل خود را نابود کند، دین و دنیای او فاسد می شود.

۳۱۲۹. امام باقر علیه السلام فرمودند: سه چیز امتیاز است و سه چیز کفاره گناه و سه چیز کشنده و سه چیز نجات بخش است:

امتیاز در سلام کردن به همه، و غذا دادن، و نماز در نیمه شب وقتی مردم خوابند.

کفاره: وضو گرفتن در زمستانهای سرد، شب و روز به مسجد رفتن، و مواظبت بر نماز جماعت.

اما سه چیز کشنده است: بخلی که از آن پیروی شود. و هوس که از آن تبعیت شود. و خودپسندی.

اما سه چیز نجات بخش: ترس از خدا در نهان و آشکار، اعتدال در ثروتمندی و فقر، سخن عادلانه در حال خشنودی و خشم.

٣١٣٠. وقال عليه السلام: العبد بين ثلاثه: بلاء وقضاء (١) ونعمه، فعليه في البلاء من الله الصبر فريضه، وعليه في القضاء من الله التسليم فريضه، وعليه في النعمه من الله عز وجل الشكر فريضه. (٢)

٣١٣١. وقال أبو الحسن موسى بن جعفر عليهما السلام: إن الأنبياء وأولاد الأنبياء وأتباعهم خصوا بثلاث خصال: الشقم في الأبدان، وخوف السلطان، والفقر. (٣)

٣١٣٢. وقال أبو الحسن الرضا عليه السلام: إن أوحش ما يكون هذا الخلق في ثلاثه مواطن: يوم يولد ويخرج من بطن أمه فيرى الدنيا، ويوم يموت ويرى الآخرة وأهلها، ويوم يبعث فيرى أحكاماً لم يرها في دار الدنيا، وقد سئل الله على يحيى في هذه المواطن الثلاثه وآمن روعته، فقال: «وَسَلَّمَ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَ يَوْمَ يَمُوتُ وَ يَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا»، وقد سئل عيسى بن مريم على نفسه في هذه المواطن الثلاثه وآمن روعته، فقال: «وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَ يَوْمَ أُمُوتُ وَ يَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا». (٤)

٣١٣٣. وقال علي بن موسى الرضا عليه السلام: من زارني على بعد داري أتته يوم القيامة في ثلاثه مواطن حتى أخلصه من أهوالها: إذا تطايرت الكتب يمينا وشمالا، وعند الصراط، وعند الميزان. (٥)

٣١٣٤. قال علي بن الحسين عليهما السلام: العامل بالظلم، والمعين له، والراضي به؛ شركاء ثلاثه. (٦)

٣١٣٥. وعنه عليه السلام قال: كان مما أوصى به الخضر موسى بن عمران عليهما السلام أن قال: لا تُعَيِّرَنَّ أحدا بذنب. وإن أحب الأمور إلى الله عز وجل ثلاثه: القصد في الجده (٧)، والعفو في القدره، والرفق بعباد الله، وما رفق أحد بأحد في الدنيا إلا رفق الله عز وجل به يوم القيامة. ورأس الحكمة مخافة الله تبارك وتعالى. (٨)

٣١٣٦. وعن أبي مالك قال: قلت لعلي بن الحسين عليهما السلام: أخبرني بجميع شرائع الدين، قال: قول الحق والحكم بالعدل والوفاء بالعهد جميع شرائع الدين. (٩)

٣١٣٧. وقال علي بن الحسين عليهما السلام: أشد ساعات ابن آدم ثلاث ساعات: التي يعاين فيها ملك الموت، والساعه التي يقوم فيها من قبره، والساعه التي يقوم فيها بين يدي الله عز وجل فإما إلى الجنة وإما إلى النار. (١٠)

ص: ٧٦

١- . أى الحوادث الواردة عليه إما بلاء واختبار يصير عليه العبد أو قضاء وحتم من الله فلا بد من التسليم.

٢- . الخصال، ص ٨٦ ح ١٧.

٣- . الخصال، ص ٨٨ ح ٢٤.

٤- . الخصال، ص ١٠٧، ح ٧١.

٥- . الخصال، ص ١٦٨، ح ٢٢٠.

٦- . الخصال، ص ١٠٧، ح ٧٢.

٧- . وجد جده: استغنى، والوجد: الغنى (القاموس المحيط: ٣٤٣/١).

٨- . الخصال، ص ١١١، ح ٨٣.

٩- . الخصال، ص ١١٣، ح ٩٠.

١٠- . الخصال، ص ١١٩، ح ١٠٨.

۳۱۳۰. امام باقر علیه السلام فرمودند: بنده همیشه بین سه رویداد است: بلا، قضا و قدر، نعمت. در برابر بلائی که از خدا می رسد صبر کردن واجب است. و در برابر قضای خداوند تسلیم واجب است. و در برابر نعمت خدا هم شکر واجب است.

۳۱۳۱. امام کاظم علیه السلام فرمودند: پیامبران و فرزندان و پیروان آنان به سه خصلت ویژه شده اند:

بیماری بدن، ترس از سلطان و فقر.

۳۱۳۲. امام رضا علیه السلام فرمودند: وحشتناک ترین مرحله زندگی انسان سه وقت است:

روز تولد که چشم به دنیا می گشاید. زمان مرگ که دنیای دیگر و اهل آن را می بیند. و روز قیامت که چیزهایی را مشاهده می کند که در دنیا ندیده است.

خداوند در این سه زمان بر حضرت یحیی سلام فرستاده است و او را از ترس آن ایمن کرده است: «سلام بر او هنگام ولادت، و هنگام مرگ و هنگامی که از قبر بر می خیزد» و حضرت عیسی هم بر خودش در این سه زمان سلام فرستاده است: «سلام بر من هنگامی که به دنیا آمده ام و روزی که می میرم و روزی که زنده مبعوث می شوم».

۳۱۳۳. امام رضا علیه السلام فرمودند: کسی که مرا در غربت زیارت کند روز قیامت در سه جا به کمک او خواهم آمد: زمانی که نامه های عمل را به دست چپ یا راست افراد می دهند. هنگام عبور از صراط، و هنگام سنجش اعمال.

۳۱۳۴. امام سجاد علیه السلام فرمودند: ظالم و کسی که او را یاری کند و کسی که به ظلم او راضی باشد، هر سه در ظلم شریک هستند.

۳۱۳۵. امام سجاد علیه السلام فرمودند: از سفارشهای حضرت خضر به حضرت موسی علیه السلام این بود که فرمود:

کسی را به گناه سرزنش مکن. و محبوب ترین کارها نزد خدا سه کار است: اعتدال در توانگری، و عفو در قدرتمندی، و ارفاق به بندگان خدا. و کسی که در دنیا به دیگری ارفاق کند خداوند در قیامت به او ارفاق خواهد کرد. مهمترین حکمت، ترس از خداست.

۳۱۳۶. ابومالک از امام سجاد پرسید: همه برنامه های دین را بیان کنید. حضرت فرمودند: گفتار حق، حکم عادلانه، و وفاء به عهد.

۳۱۳۷. امام سجاد علیه السلام فرمودند: دشوارترین لحظات انسان سه وقت است: لحظه ای که عزرائیل را می بیند. و لحظه ای که از قبر بر می خیزد. و لحظه ای که در برابر خدا می ایستد تا فرمان بهشت یا جهنم صادر شود.

٣١٣٨. وَقَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: إِنِّي لَأَرْجُو النَّجَاةَ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ لِمَنْ عَرَفَ حَقَّنَا مِنْهُمْ، إِلَّا لِأَخِي ثَلَاثَةً: صَاحِبِ سَيْلِطَانَ جَائِرٍ، وَصَاحِبِ هَوًى، وَالْفَاسِقِ الْمُعْلِنِ. (١)

٣١٣٩. وَعَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لِلَّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ جَنَّةٌ لَا يَدْخُلُهَا إِلَّا ثَلَاثَةٌ: رَجُلٌ حَكَمَ نَفْسَهُ بِالْحَقِّ، وَرَجُلٌ زَارَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ فِي اللَّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ، وَرَجُلٌ آثَرَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ فِي اللَّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ. (٢)

٣١٤٠. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَمَّا دَعَا نُوحٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَبَّهُ عِزٌّ وَجَلٌّ عَلَى قَوْمِهِ أَتَاهُ إِبْلِيسُ فَقَالَ: يَا نُوحُ، إِنَّ لَكَ عِنْدِي يَدًا أُرِيدُ أَنْ أَكْفِيَنَّكَ عَلَيْهَا، فَقَالَ لَهُ نُوحٌ: وَاللَّهِ إِنِّي لَبَغِيضٌ إِلَيْكَ أَنْ يَكُونَ لَكَ عِنْدِي يَدٌ؛ فَمَا هِيَ؟

قَالَ: بَلَى، دَعَوْتُ اللَّهَ عَلَى قَوْمِكَ فَأَغْرَقَهُمْ فَلَمْ يَبْقَ أَحَدٌ مِنْهُمْ إِلَّا (٣)، فَأَنَا مُسْتَرِيحٌ حَتَّى يَنْشَأَ قَرْنٌ آخَرَ فَأَغْوِيَهُمْ.

قَالَ لَهُ: فَمَا الَّذِي تُرِيدُ أَنْ تُكَافِئَنِي بِهِ؟

قَالَ لَهُ: أَذْكَرُنِي فِي ثَلَاثِ مِوَاطِنَ؛ فَبِإِنِّي أَقْرَبُ مَا أَكُونُ مِنَ الْعَبْدِ إِذَا كَانَ فِي إِحْدَاهُنَّ: أَذْكَرُنِي عِنْدَ غَضَبِكَ، وَأَذْكَرُنِي إِذَا حَكَمْتَ بَيْنَ اثْنَيْنِ، وَأَذْكَرُنِي إِذَا كُنْتُ مَعَ امْرَأَةٍ جَالِسًا لَيْسَ مَعَكُمْ أَحَدٌ. (٤)

٣١٤١. وَعَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: ابْنُ آدَمَ: تَطَوَّلْتُ عَلَيْكَ بِثَلَاثٍ: سَتَرْتُ عَلَيْكَ مَا لَوْ يَعْلَمُ بِهِ أَهْلُكَ مَا وَارَوْكَ، وَأَوْسَعْتُ عَلَيْكَ فَاسْتَقْرَضْتُ مِنْكَ فَلَمْ تُقَدِّمْ خَيْرًا، وَجَعَلْتُ لَكَ نَظْرَةً عِنْدَ مَوْتِكَ فِي ثُلُثِكَ (٥) فَلَمْ تُقَدِّمْ خَيْرًا. (٦)

٣١٤٢. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عِزٌّ وَجَلٌّ أَعْطَى الْمُؤْمِنَ ثَلَاثَ خِصَالٍ: الْعِزَّةَ فِي الدُّنْيَا، وَالْفَلَاحَ فِي الْآخِرَةِ، وَالْمَهَابَةَ فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ. ثُمَّ قَرَأَ: «وَاللَّهِ الْعِزَّةَ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ» وَقَرَأَ: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» إِلَى قَوْلِهِ:

«هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ». (٧)

٣١٤٣. وَعَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عِزٌّ وَجَلٌّ أَمَرَ بِثَلَاثَةٍ مَقْرُونَةٍ بِثَلَاثَةٍ أُخْرَى: أَمَرَ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ؛ فَمَنْ صَلَّى وَلَمْ يُزَكَّ لَمْ تُقْبَلْ مِنْهُ صَلَاةٌ، وَأَمَرَ بِالشُّكْرِ لَهُ وَلِلْوَالِدَيْنِ؛ فَمَنْ لَمْ يَشْكُرْ وَالِدَيْهِ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ، وَأَمَرَ

ص: ٧٨

١- الخصال، ص ١١٩، ح ١٠٧.

٢- الخصال، ص ١٣١، ح ١٣٦.

٣- اغويته: أى اضلّه، والغى الفساد وخلاف الحق.

٤- الخصال، ص ١٣٢، ح ١٣٩.

٥- أى فى ثلث مالک، فتوصى فيه بما فيه نجاتك.

٦- الخصال، ص ١٣٦، ح ١٥٠.

٧- الخصال، ص ١٥٢، ح ١٨٧.

۳۱۳۸. امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس از این امت که حق ما را بشناسد امید نجات او هست مگر سه نفر: پادشاه ستمگر، و هوسران، گناهکار علنی.

۳۱۳۹. امام باقر علیه السلام فرمودند: خداوند سه بهشت دارد که جز سه نفر وارد آن نمی شوند: کسی که بر علیه خود به حق قضاوت کند، و کسی که برای خدا، به دیدار برادر مؤمن برود. و کسی که به برادر مؤمن در راه خدا ایثار کند.

۳۱۴۰. امام باقر علیه السلام فرمود: زمانی که نوح قوم خود را نزد خدا نفرین کرد، شیطان نزد نوح آمد و گفت:

تو به من نیکی کرده ای و می خواهم پاداش تو را بدهم.

نوح گفت: به خدا قسم که من بدم می آید به تو کمک کنم. من چه خدمتی به تو کرده ام؟ شیطان گفت: آری تو نفرین کرده ای خدا قوم تو را غرق کرد و دیگر کسی نماند که من رنج گمراه کردن او را تحمل کنم. و من راحت هستم و تا قوم دیگری به دنیا بیاید و رشد کند تا من گمراهش کنم.

نوح گفت: چه پاداشی می خواهی به من بدهی؟ شیطان گفت: در سه حال به یاد من باش.

من در این سه حال به انسان نزدیک هستم:

هنگام خشم به یاد من باش. هنگام داوری بین دو نفر به یاد من باش. هنگام خلوت کردن با زن نامحرم به یاد من باش.

۳۱۴۱. امام باقر علیه السلام فرمودند: خداوند می گوید: ای آدمیزاده من به تو سه لطف کرده ام: گناهان تو را پوشاندم که اگر بستگان تو می فهمیدند جسد تو را دفن نمی کردند. به تو نعمت دادم سپس از تو قرض خواستم، اما تو خیری را ذخیره نکرده ای. هنگام مرگ تو ثلث اموال را برای تو قرار دادم اما تو خیری از پیش نمی فرستی.

۳۱۴۲. امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند به مؤمن سه خصلت عطا کرده است: عزت در دنیا و رستگاری در آخرت و ترس در دل‌های جهانیان. در قرآن فرموده: «عزت برای خدا و رسول خدا و مؤمنان است». و «قد أفلح المؤمنون» را قرائت کردند تا اینجا آیه: «هم فیها خالدون».

۳۱۴۳. امام رضا علیه السلام فرمود: خداوند سه چیز را همراه سه چیز واجب فرمود: نماز را با زکات، پس کسی که نماز بخواند و زکات ندهد نمازش قبول نمی شود.

بِاتِّقَاءِ اللَّهِ وَصَلِهِ الرَّحِمِ؛ فَمَنْ لَمْ يَصِلْ رَحِمَهُ لَمْ يَتَّقِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ. (١)

٣١٤٤. وَعَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَهُوَ الْمُؤْمِنُ فِي ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ: التَّمَتُّعُ بِالنِّسَاءِ، وَمُفَاكَهَةُ الْإِخْوَانِ، وَالصَّلَاةُ بِاللَّيْلِ. (٢)

٣١٤٥. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الظُّلْمُ ثَلَاثَةٌ: ظُلْمٌ يَغْفِرُهُ اللَّهُ، وَظُلْمٌ لَا يَغْفِرُهُ اللَّهُ، وَظُلْمٌ لَا يَدْعُهُ اللَّهُ؛ فَأَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يَغْفِرُهُ اللَّهُ فَالشُّرْكُ، وَأَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي يَغْفِرُهُ اللَّهُ ظُلْمَ الرَّجُلِ نَفْسَهُ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ، وَأَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يَدْعُهُ فَالْمُدَايَنَةُ بَيْنَ الْعِبَادِ. (٣)

ص: ٨٠

-
- ١- . عيون أخبار الرضا، ج ٢، ص ٢٣٤، ح ١٣.
 - ٢- . الخصال، ص ١٦١، ح ٢١٠.
 - ٣- . الكافي، ج ٢، ص ٣٣١، ح ١.

شکر خدا به همراه تشکر از پدر و مادر، کسی که از پدر و مادرش تشکر نکند خدا را شکر نکرده است. تقوا با صلۀ رحم، کسی که با خویشان ارتباط ندارد تقوا ندارد.

۳۱۴۴. امام باقر علیه السلام فرمود: سرگرمی و تفریح مؤمن در سه چیز است: لذت بردن از همسر، شوخی با دوستان و نماز شب.

۳۱۴۵. امام باقر علیه السلام فرمود: ظلم سه نوع است: ظلمی که خدا نمی‌آمرزد که شرک است. ظلمی که خدا می‌آمرزد ظلم به خود است. یعنی بین خود و خدا گناهی مرتکب شود. ظلمی که خدا از آن صرف نظر نمی‌کند حقوق مردم است.

الفصل الثامن: كَلامُ الأنبياءِ والزُّهادِ والحُكَماءِ

٣١٤٦. عَن لُقمانَ الحَكيمِ أَنَّهُ قالَ لِإِبنِهِ : يا بُنَيَّ، النَّاسُ ثَلاثَةٌ أَثَلاثٍ: ثُلُثٌ لِلَّهِ، وَثُلُثٌ لِنَفْسِهِ، وَثُلُثٌ لِلدُّودِ؛ فَأَما ما هُوَ لِلهِ فَروحُهُ، وَأَما ما هُوَ لِنَفْسِهِ فَعِلْمُهُ، وَأَما ما هُوَ لِلدُّودِ فَجِسْمُهُ.

٣١٤٧. وَقَالَ بَعْضُ هُم: الإِخوانُ ثَلاثٌ طَبَقاتٍ: طَبَقَةُ كَالعِزَّةِ الَّذي لا يَستَغنى عَنهُ؛ وَهُم إِخوانُ الدِّينِ، وَطَبَقَةُ كَالدَّواءِ الَّذي يَحتاجُ إِلَيهِ في وَقْتٍ وَيَستَغنى عَنهُ في أوقاتٍ كَثيرَةٍ، وَهُم إِخوانُ المُعاشَرَةِ عَلى أحوالِ الدُّنيا، وَطَبَقَةُ لا تُترادُّ ولا يَحتاجُ إِلَيهِم؛ وَهُم إِخوانُ الطَّمعِ. (١)

٣١٤٨. وَقَالَ سَيِّهَلُ بنُ عَبْدِ اللَّهِ: لا يَستَحِقُّ الإِنسانُ الرِّئاسَةَ حَتَّى يَجتمَعَ فيهِ ثَلاثٌ خِصالٍ: صِرفُ جَهِلِهِ عَنِ النَّاسِ، وَيَتَحَمَّلُ جَهِلَ النَّاسِ، وَيَتَرَكُّ ما في أَيديهِم وَيَبذُلُ ما في يَدِهِ لهُم.

٣١٤٩. وَقَالَ بَعْضُ الحُكَماءِ: إِذا أَرَدتَ أن تَعرِفَ وَفاءَ الرَّجُلِ فَانظُرْ إِلى حَنيئِهِ إِلى إِخوانِهِ، وَشوقِهِ إِلى أَوطانِهِ، وَبُكائِهِ عَلى ما مَضى مِنَ زَمانِهِ.

٣١٥٠. وَقَالَ آخَرُ: حُسنُ السَّمْتِ وطُولُ الصَّمْتِ وَمَشى القَصدِ (٢) مِنَ أَخلاقِ الأنبياءِ. وَسوءُ السَّمْتِ وَقِلَّةُ الصِّمْتِ وَمَشى الخِلاءِ (٣) مِنَ أَخلاقِ الأشقياءِ. (٤)

٣١٥١. وَقَالَ بَعْضُ العُقلاءِ:

ثَلاثَةٌ لَيسَ لَها نَهايةُ الأَمْنِ وَالصَّحَّةِ وَالكِفايةِ

ص: ٨٢

١- . مجموعهُ ورَّام، ج ٢، ص ٢٤٩.

٢- . القصد: الوسط. والمراد أن تكون أعماله بين إفراط وتفريط، أو المشى في الطريق بين كبر وذله، والثاني أقرب.

٣- . الخيلاء: الكبر والعجب (النهاية: ٩٣/٢).

٤- . مجموعهُ ورَّام، ج ٢، ص ٢٥١.

۳۱۴۶. لقمان حکیم گفت: فرزندم، انسان سه قسمت می شود: یک سوم برای خدا، یک سوم برای خود، یک سوم برای کرمها.

روح انسان سهم خداست و دانش او سهم انسان است و بدن انسان سهم کرمهاست.

۳۱۴۷. حکیمی گفته: دوستان سه دسته اند: گروهی چون غذا هستند که انسان از آنها بی نیاز نیست اینها برادران دینی هستند. گروهی چون دارو هستند که گاهی مورد نیازند و بیشتر اوقات نیاز به آنها نیست. اینها دوستان هم صحبت دنیایی هستند. دسته سوم آنهایی هستند که هیچگاه مورد نیاز نیستند، اینها دوستان طمع کارند.

۳۱۴۸. سهل گوید: انسان تا سه خصلت نداشته باشد صلاحیت ریاست ندارد: نادانی خود را به مردم تحمیل نکند. نادانی مردم را تحمیل نکند. به اموال مردم طمع نکند و اموال خود را به دیگران بذل نماید.

۳۱۴۹. یکی از حکیمان گفته است: اگر خواستی وفاء کسی را ارزیابی کنی در سه خصلت او دقت کن: علاقه او به دوستان، اشتیاق او به وطن، گریستن او بر عمر از دست رفته.

۳۱۵۰. حکیم دیگر گوید: خوشرفتاری و کم حرفی و میانه روی از اخلاق پیامبران است. و بدرفتاری و پر حرفی و تکبر از اخلاق بدبختان است.

۳۱۵۱. عاقلی گفته است: سه چیز خوش باشد و بی نهایت، ایمنی و سلامت و کفایت.

٣١٥٢. وَقَالَ بَعْضُ الْحُكَمَاءِ: ثَلَاثَةٌ لَا يَتَّبِعِي لِشَرِيفٍ أَنْ يَأْتَفَ (١) مِنْهَا وَإِنْ كَانَ مَلِكًا: قِيَامُهُ مِنْ مَجْلِسِهِ لِوَالِدَيْهِ، وَالْعَالِمُ يَسْتَفِيدُ مِنْهُ لِآخِرَتِهِ، وَخِدْمَتُهُ لِلضَّيْفِ. (٢)

٣١٥٣. وَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ: لِجَلِيسِي عَلَيَّ ثَلَاثٌ: أَنْ أُرْمِيَهُ بِطَرْفِي إِذَا أَقْبَلَ، وَأَوْسَعَ لَهُ إِذَا جَلَسَ، وَأُصْغِيَ لَهُ إِذَا حَدَّثَ. وَمُجَالَسَةُ الْأَحْمَقِ خَطَرٌ، وَالْقِيَامُ عَنْهُ ظَفَرٌ. (٣)

٣١٥٤. وَقَالَ أَيْضًا: لَمْ يَرِنَّ (٤) إِبْلِيسُ مِثْلَ ثَلَاثِ رَنَاتٍ قَطُّ: رَنَّهُ حِينَ لُعِنَ فَأُخْرِجَ مِنْ مَلَكَوَاتِ السَّمَاوَاتِ، وَرَنَّهُ حِينَ وُلِدَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَرَنَّهُ حِينَ انزَلَتْ الْحَمْدُ وَفِي ابْتِدَائِهَا «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». (٥)

٣١٥٥. وَقَالَ بَعْضُهُمْ: ثَلَاثَةٌ تُذْهِبُ الْبَلْغَمَ وَتَزِيدُ فِي الْحِفْظِ: الصَّوْمُ، وَالسَّوَاكُ، وَقِرَاءَةُ الْقُرْآنِ. (٦)

٣١٥٦. وَقَالَ الْعَزَالِيُّ: التَّوْبَةُ لَا تَسْتَقِيمُ وَلَا تَتِمُّ إِلَّا بِثَلَاثَةٍ: التَّرْكُ فِي الْحَالِ، وَالْعَزْمُ فِي الْإِسْتِقْبَالِ، وَالتَّدَاوُكُ وَالْإِصْلَاحُ فِي الْمَاضِي.

٣١٥٧. وَقَالَ أَرِسْطَاطَالِيسَ: السَّعَادَةُ ثَلَاثَةٌ: إِمَّا فِي النَّفْسِ؛ وَهِيَ الْمَعْرِفَةُ وَالْحِكْمَةُ وَالشَّجَاعَةُ، وَإِمَّا فِي الْبَدَنِ؛ وَهِيَ الْمَالُ وَالْجَاهُ وَالْحَسَبُ.

٣١٥٨. عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَيِّئُ طَائِفَةٍ مِنْ أَصْحَابِهِ: مَا أَنْتُمْ؟ قَالُوا: مُؤْمِنُونَ، فَقَالَ: مَا عَلَامَةُ إِيمَانِكُمْ؟ قَالُوا: نَصَبُ عَلَيِّ الْبَلَاءِ، وَنَشْكُرُهُ عِنْدَ الرَّخَاءِ، وَنَرْضَى بِمَوَاقِعِ الْقَضَاءِ، قَالَ: مُؤْمِنُونَ وَرَبُّ الْكَعْبَةِ! (٧)

٣١٥٩. وَعَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: أَيُّمَا رَجُلٍ قَدَّمَ ثَلَاثَةَ أَوْلَادٍ لَمْ يَبْلُغُوا الْحِنْتَ، أَوْ امْرَأَةٍ قَدَّمَتْ ثَلَاثَةَ أَوْلَادٍ؛ فَهُمْ جُنَّةٌ لَهُ يَسْتُرُونَهُ مِنَ النَّارِ. (٨)

٣١٦٠. وَعَنْ أَبِي ذَرٍّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا مِنْ مُسْلِمٍ يُقَدِّمَانِ لَهَا ثَلَاثَةَ أَوْلَادٍ لَمْ يَبْلُغُوا الْحِنْتَ إِلَّا أَدْخَلَهُمَا اللَّهُ الْجَنَّةَ بِفَضْلِهِ.

(الْحِنْتُ - بكسر الحاء المهملة وآخره مثلثة - الإثم والذنب، والمعنى أنهم لم يبلغوا السن الذي يكتب عليهم فيه الذنوب). (٩)

ص: ٨٤

١- . أَنْفٌ مِنَ الشَّيْءِ يَأْتَفُ أَنْفًا: اسْتَنكَفَ (الصَّحَاحُ: ١٣٣٣/٤).

٢- . مَجْمُوعَةٌ وَرَّامٌ، ج ٢، ص ٢٥٠.

٣- . مَجْمُوعَةٌ وَرَّامٌ، ج ١، ص ٢٩.

٤- . يَرِنُّ رَيْنًا: صَاحَ (الْقَامُوسُ الْمَحِيطُ: ٢٢٩/٤).

٥- . مَجْمُوعَةٌ وَرَّامٌ، ج ١، ص ٣٢.

٦- . مِصْبَاحُ الْكِفْعَمِيِّ، ص ٢٠٠.

٧- . مَجْمُوعَةٌ وَرَّامٌ، ج ١، ص ٢٢٩.

٨- . مسكن الفؤاد، ص ١٩.

٩- . جامع الأخبار، ص ١٠٥.

۳۱۵۲. حکیم گفته: آدم شریف حتی اگر پادشاه باشد نباید از سه چیز خودداری کند: برخاستن جلوی پای پدر و مادر، بهره مندی از عالم و دانشمند برای آخرت، پذیرایی و خدمت مهمان.

۳۱۵۳. ابن عباس گفت: همنشین سه حق بر من دارد: چون رو به من کند به او بنگرم. و چون بنشیند به او جای دهم. و چون سخن گوید گوش دهم. و همنشینی با احمق خطر است. و برخاستن از کنار او پیروزی است.

۳۱۵۴. ابن عباس گفت: هرگز شیطان مانند سه لحظه ناله نکرده است: لحظه لعنت خدا و اخراج از ملکوت آسمانها. هنگام تولد حضرت محمد صلی الله علیه و آله. و هنگام نزول بسم الله الرحمن الرحیم در ابتدای سوره حمد.

۳۱۵۵. فرزانه ای گفته است: سه چیز بلغم را از بین می برد و حافظه را تقویت می کند: روزه، و مسواک، و قرائت قرآن.

۳۱۵۶. غزالی گفت: توبه جز با سه شرط حاصل نمی شود: ترک گناهان در حال حاضر، و تصمیم بر انجام ندادن در آینده، و جبران گذشته.

۳۱۵۷. ارسطاطیس گفت: سعادت روح و بدن سه چیز است: سعادت روح؛ معرفت و حکمت و شجاعت است. و سعادت بدن، مال و مقام و موقعیت است.

۳۱۵۸. پیامبر صلی الله علیه و آله از گروهی از یارانش پرسیدند شما که هستید؟ گفتند: مؤمن هستیم. حضرت فرمودند: علامت ایمان شما چیست؟ گفتند: صبر بر بلا، شکر در رفاه، و رضایت به قضاء.

حضرت فرمودند: به خدای کعبه مؤمن هستید.

۳۱۵۹. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: هر مردی که سه فرزند نا بالغ او بمیرد و هر زنی که داغ سه فرزند ببیند، از آتش جهنم در امان است.

۳۱۶۰. ابوذر گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: هر پدر و مادر مسلمانی که سه فرزند خود را قبل از رسیدن به سن تکلیف از دست بدهند، خداوند آنان را به فضل خود وارد بهشت خواهد کرد.

٣١٦١. وقال آخر: مَنْ خَافَ اللَّهَ لَمْ يُشْفِ غَيْظُهُ (١)، وَمَنْ اتَّقَى اللَّهَ لَمْ يَصْنَعْ مَا يُرِيدُ، وَمَنْ حَذَرَ الْمُحَاسِبَةَ لَمْ يَطْعَمْ كَدْلَ مَا يَشْتَهَى (٢).

٣١٦٢. وَعَنِ الْأَحْنَفِ بْنِ قَيْسٍ لَمَّا سَأَلَهُ مُعَاوِيَةُ عَنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ: كَانَ آخِذًا بِثَلَاثٍ تَارِكًا لِثَلَاثٍ:

آخِذًا بِقُلُوبِ الرِّجَالِ إِذَا حُدِّثَ، حُسْنِ السَّمْعِ إِذَا حُدِّثَ، أَيْسَرِ الْأَمْرَيْنِ عَلَيْهِ إِذَا حَلَفَ (٣)؛ تَارِكًا لِمُقَارَبَةِ اللَّئِيمِ، تَارِكًا لِمَا يُعْتَدَرُ مِنْهُ، تَارِكًا لِلْمِرَاءِ (٤).

٣١٦٣. وَقَالَ مُعَاوِيَةُ لِخَالِدِ بْنِ مَعْمَرٍ: عَلَى مَا أَحْبَبْتَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ؟ فَقَالَ: عَلَى ثَلَاثٍ خِصَالٍ: عَلَى حِلْمِهِ إِذَا غَضِبَ، وَعَلَى صِدْقِهِ إِذَا قَالَ، وَعَلَى عَدْلِهِ إِذَا وُلِيَ (٥).

٣١٦٤. وَقَالَ الْحَسَنُ الْبَصْرِيُّ: إِنَّ فِي مُعَاوِيَةَ لثَلَاثًا مُهْلِكَاتٍ مَوْبِقَاتٍ: غَضَبَ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَمْرًا وَفِيهِمْ بَقَايَا مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَوَلَّى عَلَيْهِمْ ابْنَهُ يَزِيدَ سَكِيرًا خَمِيرًا يَلْبَسُ الْحَرِيرَ وَيَضْرِبُ بِالطُّنْبُورِ، وَادَّعَى زِيَادًا وَوَلَّاهُ الْعِرَاقَ (٦).

٣١٦٥. وَقَالَ حَكِيمٌ: تُطَلَّبُ الدُّنْيَا لِثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ: لِلْغِنَى وَالْعِزَّ وَالرَّاحَةَ؛ فَمَنْ زَهَدَ فِيهَا عَزَّ، وَمَنْ قَبِعَ اسْتَغْنَى، وَمَنْ قَلَّ سَعِيُّهُ اسْتَرَاحَ (٧).

٣١٦٦. وَقَالَ الْأَحْنَفُ بْنُ قَيْسٍ: مَا نَارَعَنِي أَحَدٌ إِلَّا أَخَذْتُ فِي أَمْرِي بِأَحَدِي ثَلَاثًا: إِنْ كَانَ فَوْقِي عَرَفْتُ قَدْرَهُ، وَإِنْ كَانَ دُونِي أَكْرَمْتُ نَفْسِي عَنْهُ، وَإِنْ كَانَ مِثْلِي تَفَضَّلْتُ عَلَيْهِ.

٣١٦٧. وَقَالَ مُحَمَّدُ بْنُ السَّمَاكِ: طَلَبْتُ الْمَالَ سِتِّينَ فَتَفَكَّرْتُ بِقَارُونَ، فَمَا رَأَيْتُ شَيْئًا يُقَرِّبُنِي إِلَى اللَّهِ أَفْضَلَ مِنْ ثَلَاثٍ: مِنْ قَلْبٍ وَرِعٍ، وَلِسَانٍ صَادِقٍ، وَبَدَنٍ صَابِرٍ.

٣١٦٨. وَقَالَ يَحْيَى بْنُ مُعَاذٍ: الْحِرْصُ أَسِيدٌ، وَالنِّيَاسُ فِيهِ ثَلَاثُ رِجَالٍ: رَجُلٌ أَسِيدُهُ مُطْلَقٌ؛ وَهُمْ أَبْنَاءُ الدُّنْيَا، وَرَجُلٌ أَسِيدُهُ مَرْبُوطٌ بِالسَّلَاسِلِ؛ وَهُمْ الزُّهَادُ، وَرَجُلٌ أَسَدُهُ مَذْبُوحٌ؛ وَهُمْ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ وَالصَّادِقُونَ.

ص: ٨٦

١- . أَى لَمْ يَنْتَقِمَ مِنْ أَعْدَائِهِ؛ مِنْ أَشْفِيَتْ بِالْعَدُوِّ وَتَشَفَّفِيَتْ بِهِ مِنْ ذَلِكَ؛ لِأَنَّ الْغَضَبَ الْكَامِنَ كَالدَّاءِ فَإِذَا زَالَ مَا يَطْلُبُ الْإِنْسَانَ مِنْ عَدُوِّهِ فَكَأَنَّهُ بَرِيءٌ مِنَ الدَّاءِ.

٢- . مَجْمُوعُهُ وَرَّامٌ، ج ٢، ص ٢٤٣.

٣- . كَذَا فِي الْأَصْلِ، وَأَصْلُ الْحَلْفِ: الْعَقْدُ لِعِزْمٍ وَالنِّيَّةِ، فَيَكُونُ الْمَعْنَى: إِذَا عَزَمَ أَحَدٌ بِأَيْسَرِ الْأَمْرَيْنِ، وَإِنْ كَانَ الْحَلْفُ بِمَعْنَى الْيَمِينِ فَيَحْتَمِلُ أَنْ يَكُونَ الْمُرَادُ أَنَّهُ إِذَا حَلَفَ فَرَأَى غَيْرَهَا أَيْسَرَ - أَى خَيْرًا - عَدَلَ إِلَيْهِ.

٤- . مَجْمُوعُهُ وَرَّامٌ، ج ٢، ص ١٤.

٥- . مَجْمُوعُهُ وَرَّامٌ، ج ٢، ص ٧٥.

٦- . مَجْمُوعُهُ وَرَّامٌ، ج ١، ص ٣٨.

۳۱۶۱. بزرگی گفت: هر کس از خدا بترسد، خشم خود فرو برد. و کسی که از خدا پروا کند، به خواهش خود عمل نمی کند. و آنکه از محاسبه حذر می کند، هر چه دلش بخواهد نمی خورد.

۳۱۶۲. وقتی که معاویه از احنف بن قیس درباره حضرت علی علیه السلام پرسید، احنف گفت: او سه کار می کرد و سه کار نمی کرد: وقتی سخن می گفت قلبها را می ربود. سخنانش گوش نواز بود. و آسان ترین کار را انتخاب می کرد. با فرومایه معاشرت نمی کرد. هر کاری که باعث معذرت خواهی شود انجام نمی داد و ریاکاری نمی کرد.

۳۱۶۳. معاویه به خالد بن معمر گفت: علی علیه السلام را برای چه دوست داری؟ گفت: برای سه خصلت:

بردباری او هنگام خشم، صداقت او هنگام سخن گفتن، و عدالت او در حکومت.

۳۱۶۴. حسن بصری گفت: معاویه سه کار هلاکت آور و بدبخت کننده انجام داد: حکومت را در حالی غصب کرد که از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله افراد شایسته ای بودند. پسرش یزید را که همیشه مست و اهل تشریفات و نوازنده بود جانشین خود کرد. و «زیاد» را برادر خود خوانده و به فرمانداری عراق نصب کرد.

۳۱۶۵. حکیمی گفت: دنیا را برای سه چیز می خواهند: بی نیازی، عزت، راحتی. پس هر که در دنیا زاهد باشد عزیز است. و هر که قانع باشد بی نیاز است. و هر که کمتر رنج دنیا برد راحت تر است.

۳۱۶۶. احنف بن قیس گفت: هر کس با من در افتاد با او یکی از این سه کار را کردم: اگر بالاتر از من بود قدر او را دانستم. و اگر پایین تر از من بود خود را از شر او حفظ کردم. و اگر مثل من بود به او نیکی کردم.

۳۱۶۷. محمد بن سماک گوید: چند سال دنبال مال بودم تا وقتی که به یاد قارون افتادم، دیدم چیزی بهتر از این سه مرا به خدا نزدیک نمی کند: قلب پرهیزکار، زبان راستگو، بدن صابر.

۳۱۶۸. یحیی بن معاذ گفت: حرص، شیر درنده است، و مردم نسبت به آن سه دسته اند: گروهی آن را رها کرده اند اینها دنیا پرستانند. گروهی آن را زنجیر کرده اند اینها زاهد هستند. گروهی آن را از پای در آورده اند اینها اولیاء خدا و صدیقان هستند. و به سه چیز توصیه می کردند و می نوشتند: کسی که برای آخرتش تلاش کند خداوند دنیای او را تأمین می کند. و کسی

وكانوا من قبل يتواصون بثلاثه أشياء ويكاتبون بها: من عمل لآخرته كفاه الله أمر دنياه، ومن أحسن سريره أحسن الله علاقته، ومن أصلح ما بينه وبين الله أصلح الله ما بينه وبين الناس.

٣١٦٩. وعن ابن عباس: الزهد ثلاثة أحرف: زاء وهاء ودال؛ فالزائد زاد المعاد، والهاء هدى في الدين، والدال الدوام على طاعة الله تعالى.

٣١٧٠. وعن بعض الحكماء: ثلاثة من كنوز الله تعالى لا يعطيها إلا لمن يحب: الفقر، والمرض، والصبر.

٣١٧١. وعن ابن عباس حين سئل: ما خير الأيام، وما خير الشهور، وما خير الأعمال؟ فقال: خير الأيام الجمعة، وخير الشهور شهر رمضان، وخير الأعمال الصلوات الخمس لوقتها.

فبلغ ذكك علينا عليه السلام فقال: لو سئل العلماء والحكماء من المشرق إلى المغرب لما أجابوا إلا بمثلها، ألا إنني أنا أقول: خير الأعمال ما يتقبل الله منك، وخير الشهور ما تتوب فيه، وخير الأيام ما تخرج فيه إلى الله مؤمناً.

٣١٧٢. وعن بعض حكماء اليونان: ثلاثة لا عار فيهن: المرض، والفقر، والموت.

٣١٧٣. وقال وهب: مكتوب في التوراه: الحريص فقير وإن ملك الدنيا، والمطيع مطاع وإن كان مملوكاً، والقانع غني وإن كان جائعاً.

٣١٧٤. ومما أوحاه الله إلى بعض أنبيائه: هب لي من قلبك الخشوع، ومن نفسك الخشوع، ومن عينك الدموع، وأسألني؛ فإني قريب مجيب. (١)

٣١٧٥. وقال بعضهم: علامه المنافق ثلاثة: إذا أوتمن خان، وإذا حدث كذب، وإذا وعد أخلف. (٢)

٣١٧٦. وروى أن رجلاً زار حكيماً، فلما لقيه ذكر له عن بعض أصحابه مقالاً فيه، فقال المزور: يا أخي! قد أبطأت في الزياره وأتيتني بثلاث جنایات: بغضت الی أخي الحبيب، وأشعلت قلبی الفارغ، وأنهمت نفسك الأمينه فيما أتيت به.

٣١٧٧. وقال بعض الحكماء: ثلاث من كن فيهم استكمل عقله: أن يكون مالكا للسانه، عارفاً بزمانه، مقبلاً على شأنه.

ص: ٨٨

١- . عدّه الداعي، ص ٢٠٧.

٢- . جاء مضمون هذا الكلام في حديث عن رسول الله صلى الله عليه و آله ذكره الكليني في الكافي، ج ٢، ص ٢٩٠، ح ٨.

که باطن خود را نیکو گردانند، خداوند ظاهر او را نیکو نماید. و کسی که رابطه خود و خدا اصلاح کند، خداوند رابطه او با مردم را اصلاح می نماید.

۳۱۶۹. ابن عباس گفت: زهد سه حرف است: ز: یعنی زاد و توشه برای معاد و قیامت. ه: هدایت در دین، د: دوام طاعت خدا.

۳۱۷۰. حکیمی فرمود: سه چیز از گنجهای خداوند است و فقط به کسی که دوست دارد عطا می کند:

فقر، مرض، صبر.

۳۱۷۱. از ابن عباس پرسیدند: بهترین روز و بهترین ماه و بهترین عمل کدامند؟

گفت: بهترین روز جمعه، بهترین ماه رمضان و بهترین عمل نماز در اول وقت است.

این جواب به حضرت علی علیه السلام رسید حضرت فرمودند: اگر از دانشمندان و حکیمان مشرق تا مغرب می پرسیدند، جز مثل او جواب نمی داد. اما من می گویم: بهترین عمل آن است که خداوند بپذیرد. و بهترین ماه آن است که در آن توبه کنی. و بهترین روز، روزی است که با ایمان به سوی خدا بروی.

۳۱۷۲. حکیمی از یونان گفته است: سه چیز ننگ ندارد: فقر، مرض، مرگ.

۳۱۷۳. وهب گفت: در تورات آمده است: حریص گرچه مالک همه دنیا شود فقیر است. مطیع خدا، فرمانرواست گرچه غلام باشد. و قانع، بی نیاز است گرچه گرسنه باشد.

۳۱۷۴. خداوند به یکی از پیامبران وحی فرمود: با قلب خاشع و روح متواضع و چشم گریان به درگاه من بیا و از من درخواست کن، من نزدیک و اجابت کننده ام.

۳۱۷۵. گفته اند: علامت منافق سه چیز است: امانت نزد او بگذارند خیانت می کند. و زمانی که سخن بگویند دروغ می گویند. و هنگامی که وعده دهد تخلف می کند.

۳۱۷۶. مردی به دیدار حکیمی رفت و گفت: دوست تو سخن ناشایست درباره تو گفته است. حکیم گفت: پس از مدتی که به ملاقات من آمدی سه جنایت در حق من مرتکب شدی: دوست مرا در نظرم منفور کردی. قلب پاک مرا آلودی. خودت را که امین بودی با این سخنان متهم کردی.

۳۱۷۷. حکیمی گفت: هر کس سه چیز داشته باشد عقل او کامل است: کنترل زبان، شناختن زمان، و سرگرم کار خود باشد.

٣١٧٨. وَقَالَ بَعْضُهُمْ: إلهي! أَحْيِلْ الطَّاعَاتِ فِي قَلْبِي رَجَاؤَكَ، وَأَعِدْبُ الْكَلَامِ عَلَى لِسَانِي ثَنَاؤَكَ، وَأَحْبِبْ السَّاعَاتِ إِلَيَّ سَاعَةَ لِقَائِكَ.

٣١٧٩. وَرُوي أَنَّ جَبْرَيْلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: يَا مُحَمَّدُ، لَوْ كَانَتْ عِبَادَتُنَا عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ لَعَمِلْنَا ثَلَاثَ خِصَالٍ: سَيَقَى الْمَاءِ لِلْمُسْلِمِينَ، وَإِعَانَةَ أَصْحَابِ الْعِيَالِ، وَسِتْرَ الذُّنُوبِ. (١)

٣١٨٠. وَعَنْ بَعْضِ الرَّبَّيَانِيِّينَ: وَقَالَ [تعالى]: التَّقَى وَالْعِلْمُ وَالْعَقْلُ ثَلَاثُ مَرَاتِبٍ، وَمَا جَعَلْتُ وَاحِدَةً مِنْهُنَّ فِي أَحَدٍ مِنْ خَلْقِي وَأَنَا أَرِيدُ هَلَاكَهُ. (٢)

٣١٨١. وَرُوي أَنَّهُ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَقَالَ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، رُوي عَنْ جَدِّكَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: إِذَا كَانَ لِأَخِي دِكْمٌ حَاجَةٌ فَلْيَطْلُبْهَا مِنْ ثَلَاثَةِ نَفَرٍ: مِنْ رَجُلٍ قُرَشِيٍّ، أَوْ مِنْ رَجُلٍ حَامِلٍ كِتَابِ اللَّهِ، أَوْ مِنْ رَجُلٍ صَبِيحِ الْوَجْهِ، وَقَدْ جُمِعَتْ فِيكَ هَذِهِ الْخِصَالُ.

قَالَ: وَكَانَ مُتَكِنًا فَاسْتَوَى جَالِسًا فَقَالَ: إِنَّهُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَنْزِلُوا النَّاسَ مَنَازِلَهُمْ، وَأَنَا أَسْأَلُكَ عَنْ ثَلَاثِ خِصَالٍ إِنْ أُجِبْتَنِي أَعْطَيْتُكَ ثَلَاثِمِئَةَ دِينَارٍ، قَالَ: سَلْ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

فَقَالَ لَهُ: مَا زِينَةُ الْمَرْءِ؟ قَالَ: عِلْمٌ مَعَهُ حِلْمٌ، قَالَ: فَإِنْ فَاتَهُ ذَلِكَ؟ قَالَ: كَرَمٌ مَعَهُ وَرَعٌ، قَالَ: فَإِنْ فَاتَهُ ذَلِكَ؟ قَالَ: فَقَرٌّ مَعَهُ صَبْرٌ، قَالَ: فَإِنْ فَاتَهُ ذَلِكَ؟ قَالَ: صَاعِقَةٌ مِنَ السَّمَاءِ تَهْشِمُ جِلْدَهُ وَعَظْمَهُ! فَتَبَسَّمَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَضَاعَفَ لَهُ مَا طَلَبَ.

٣١٨٢. وَقَالَ بَعْضُ الْحُكَمَاءِ: مَنْ ادَّعَى ثَلَاثًا بِغَيْرِ ثَلَاثِ فَاعَلِمَ بِمَآنِ الشَّيْطَانِ يَسْخَرُ مِنْهُ: أَوْلَاهَا: مَنْ ادَّعَى حَلَاوَةَ الذِّكْرِ مَعَ حُبِّ الدُّنْيَا، وَالثَّانِي: مَنْ ادَّعَى رِضَى خَالِقِهِ مِنْ غَيْرِ سَخَطِ نَفْسِهِ، وَالثَّلَاثُ: مَنْ ادَّعَى الْإِخْلَاصَ مَعَ حُبِّ ثَنَاءِ الْمَخْلُوقِينَ. (٣)

٣١٨٣. وَقِيلَ لِإِبْرَاهِيمَ بْنِ أَدَهَمَ: بِمَا وَجَدْتَ الزُّهْدَ؟ قَالَ: بِثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ: رَأَيْتُ الْقَبْرَ مَوْحِشًا وَلَيْسَ لِي مُؤَنِّسٌ، وَرَأَيْتُ الطَّرِيقَ طَوِيلًا وَلَيْسَ مَعِيَ زَادٌ، وَرَأَيْتُ الْجَبَّارَ قَاضِيًا وَلَيْسَ مَعِيَ حُجَّةٌ.

٣١٨٤. وَقِيلَ لِإِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: بِأَيِّ شَيْءٍ اتَّخَذَكَ اللَّهُ خَلِيلًا؟ قَالَ: بِثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ: اخْتَرْتُ أَمْرَ اللَّهِ عَلَى أَمْرِ غَيْرِهِ، وَمَا

ص: ٩٠

- ١- مجموعه وزام، ج ١، ص ٣٩.
- ٢- بحار الأنوار، ج ١، ص ٢٠٦، ح ٣٨، عن الزبور.
- ٣- جاء مضمون هذا الكلام في حديث في جامع الأخبار، ص ١٣٧.

۳۱۷۸. دیگری گفت: خدایا بزرگترین طاعت در قلب من امید به توست. و شیرین ترین سخن من مدح و ثنای توست. و بهترین ساعت ها نزد من ساعت دیدار توست.

۳۱۷۹. جبرئیل علیه السلام گفت: یا محمد، اگر عبادت ما فرشتگان، روی زمین بود سه کار را ترک نمی کردیم: آب دادن به مسلمانان، کمک به مردم عیالوار، پوشاندن گناه دیگران.

۳۱۸۰. شخصی ربّانی گفت: خداوند فرمود: پرهیزکاری و علم و عقل سه رتبه است. و کسی را که بخواهم هلاک کنم هیچ یک از آنها را در او قرار نخواهم داد.

۳۱۸۱. شخصی نزد امام حسن مجتبی علیه السلام آمد و گفت: از جدّ تو روایت شده است که اگر نیازی دارید از کسی درخواست کنید که از سادات باشد یا حامل کتاب خدا باشد یا خوش سیما باشد. هر سه خصلت در تو وجود دارد.

حضرت که تکیه کرده بود، نشست و فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس را در جایگاه خودش قرار دهید. من از تو سه سؤال می پرسم اگر جواب دادی سیصد دینار به تو می دهم.

گفت: پرس و لا قوه الا بالله. [یعنی به حول و قوه خدا جواب می دهم]

حضرت فرمودند: زینت انسان چیست؟ گفت: علم که با بردباری همراه باشد.

حضرت فرمودند: اگر آن را نداشت چه؟ گفت: کرم که با پرهیزکاری باشد.

حضرت فرمودند: اگر آن را نداشت چه؟ گفت: فقر که با صبر همراه باشد.

حضرت فرمودند: اگر آن را نداشت چه؟ گفت: صاعقه ای از آسمان بیاید و پوست و استخوانش را در هم بریزد.

حضرت تبسمی فرمودند و دو برابر خواسته اش به او عطا کردند.

۳۱۸۲. حکیم گفت: هر کس سه برتری را بدون سه چیز ادعا کند، بدان که شیطان او را مسخره می کند.

اول: ادعای چشیدن شیرینی ذکر خدا بدون ترک محبت دنیا.

دوم: ادعای رضایت خدا بدون خشم بر خود.

سوم: ادعای اخلاص با تمایل به ستایش کردن مردم.

۳۱۸۳. از ابراهیم ادهم پرسیدند: زهد را از چه بدست آوردی؟ گفت: سه چیز: دیدم قبر وحشتناک است و من مونس ندارم.

راه طولانی است و توشه ندارم. خداوند قاضی است و من دلیل و مدرک ندارم.

۳۱۸۴. از ابراهیم خلیل علیه السلام پرسیدند: برای چه خدا تو را خلیل خود برگزید؟ گفت: برای سه چیز:

ص: ۹۱

اهتممت بما تكفل الله لي، وما تعشيت ولا تغديت إلامع الضيف.

٣١٨٥. وقيل: أسعد الناس من له قلب عالم، وبدن صابر، وقناعه بما في يده.

٣١٨٦. وقيل: ثلاثة من لم تكن فيه فليس بفاضل؛ وهي: حلم يرد به جهل من جهل عليه، وورع يحجزه عن المحارم، وحسن خلق يدارى به الناس.

٣١٨٧. وقيل: ثلاثة لا يعرفون إلفي ثلاثة مواطن: لا يعرف الجواد إلفي الجديب (١)، ولما الشجاع إلفي الحرب، ولما الحليم إلفي الغضب (٢).

٣١٨٨. وقيل: جاء رجل إلى ابن عباس فقال لابن عباس: إني أريد أن أمر بالمعروف وأنهاى عن المنكر، قال:

أبلغت ذلك؟ قال: أرجو، قال: إن لم تخش أن تفتضح بثلاث آيات في كتاب الله تعالى فافعل، قال:

وما هن؟ قال: قوله تعالى: «أتأثمرون الناس بالبر وتنسون أنفسكم»، أحكمت هذه الآية؟ قال:

لا، قال: فالحرف الثاني؟ قال: قوله تعالى: «لم تقولون ما لاتفعلون * كبر مقتا عند الله أن تقولوا ما لاتفعلون» أحكمت هذه الآية؟ قال: لا، قال: فالحرف الثالث؟ قال: قول العبد الصالح شعيب عليه السلام: «و ما أريد أن أخالفكم إلى ما أنهل - كم عنه» أحكمت هذه الآية؟ قال: لا، قال: فأبدأ بنفسك (٣).

٣١٨٩. وقيل: علامة العقل ثلاثة: تقوى الله، وصدق (الحق) الحديث، وترك ما لا يعنى.

٣١٩٠. وقيل: يا رسول الله، بم يعرف المؤمن؟ فقال: بوقاره، ولبنه، وصدق حديثه (٤).

٣١٩١. وقيل: دخل بعض الأدباء على ملك فاستأذنه فى الكلام، فقال: بشرط، فقال: وما هو؟ قال: على أن لاتمدحنى فى وجهى؛ فإننى أعرف منك بنفسى، وعلى أن لاتكذبنى عن ضميرك، وعلى أن لاتغتاب عندى أحداً (٥).

ص: ٩٢

١- الجذب: القحط (النهاية: ٢٣٥/١).

٢- مجموعه ورام، ج ٢، ص ٢٤٧.

٣- مجموعه ورام، ج ٢، ص ١١.

٤- مجموعه ورام، ج ٢، ص ٢٩٢.

٥- مجموعه ورام، ج ٢، ص ٢٩٢.

من فرمان خدا را بر فرمان غیر خدا اختیار کردم. به دنبال روزی ای را که خدا بر عهده گرفته نرفتم و هرگز بدون مهمان نگذراندم و غذا نخوردم.

۳۱۸۵. گفته اند: خوشبخت ترین مردم کسی است که قلب دانا، بدن شکيبا، و قناعت بر آنچه که در دست دارد.

۳۱۸۶. گفته شده است: هر که سه صفت ندارد فضیلت ندارد: بردباری که نادانی جاهلان را تحمل کند. پرهیزکاری که او را از حرام باز دارد. رفتار خوش که با مردم مدارا کند.

۳۱۸۷. گفته اند: سه کس را جز در سه جا نمی توان شناخت: سخاوتمند را در قحطی، شجاع را در جنگ، بردبار را به هنگام خشم.

۳۱۸۸. شخصی نزد ابن عباس رفت و گفت: می خواهم امر بمعروف و نهی از منکر کنم.

ابن عباس گفت: آیا معروف و منکر را می شناسی؟ گفت: امیدوارم.

ابن عباس گفت: اگر نمی ترسی که با سه آیه از آیات قرآن مفتضح شوی انجام بده. پرسید:

کدام آیات؟ ابن عباس گفت: این آیه: «آیا دیگران را امر به نیکی می کنید و خود را فراموش کرده اید؟» به این آیه عمل کرده ای؟ گفت: نه.

پرسید: آیه دوم چیست؟ ابن عباس گفت: «چرا چیزی می گوید که خود عمل نمی کنید.

گناه بزرگی است نزد خدا آنچه را که انجام نمی دهید بگوئید». آیا به این آیه عمل کرده ای؟ گفت: نه.

پرسید: آیه سوم چیست؟ ابن عباس گفت: سخن بنده صالح شعیب علیه السلام است: «من قصد مخالفت با شما ندارم در آنچه که شما را از آن نهی می کنم». آیا به این آیه عمل کرده ای؟ گفت: نه. ابن عباس گفت: ابتدا از خودت شروع کن.

۳۱۸۹. گفته اند: علامت عقل سه چیز است: پرهیزکاری، راست گویی، ترک کردن هرزگی.

۳۱۹۰. از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدند: مؤمن با چه چیزی شناخته می شود؟ فرمودند: وقار، نرمخویی، و راستگویی.

۳۱۹۱. ادیبی نزد سلطان رفت و اجازه سخن خواست. سلطان گفت: به یک شرط. گفت: چه شرطی؟ سلطان گفت: در مقابل مرا ستایش نکنی چون خود را بهتر از تو می شناسم. و در دل خود از من بد نگوئی. و نزد من از کسی غیبت نکنی.

٣١٩٢. وقيل: لا تتقدم الأصاغِرُ على الأكابرِ في ثلاثٍ: إذا ساروا ليلاً، وخاضوا سيلاً، وواجهوا خيلاً.

٣١٩٣. وقيل: صفاتُ الأولياءِ الكاملينِ ثلاثَةٌ: فأولُها: الصِّمْتُ وحِفظُ اللِّسانِ؛ الَّذِي هُوَ بابُ النَّجاةِ، وثانيها:

الجوعُ؛ وهُوَ مفتاحُ الخيراتِ، وثالثُها: إيتابُ النَّفسِ في العباداتِ وصيامُ النَّهارِ وقيامُ اللَّيْلِ.

٣١٩٤. وقيل: الصُّحْبَةُ مَعَ الخَلْقِ ضلالٌ، وَالِاشْتِغالُ بِالْحَقِّ كمالٌ، وَطَلَبُ العِلْمِ بِلا عَمَلٍ وَبِالْأَمْرِ (١).

٣١٩٥. وقيل: مِنَ الحِكْمَةِ الإِعراضُ عَن ثلاثَةٍ: سَفاهَةِ الجاهِلِ (٢)، وَزَلَّةِ العاقِلِ، وَجَهْلِهِ الغافلِ.

٣١٩٦. وقيل في الأمثالِ: ثلاثَةٌ تَجْلُو البَصَرَ: النَّظَرُ إِلَى الخُضْرَةِ، وَالْماءِ الجارى، وَإِلَى الوَجْهِ الحَسَنِ.

٣١٩٧. وقيل فيه شعراً:

ثلاثَةٌ تَجْلُو عَنِ القَلْبِ الحَزْنَ الماءُ وَالخُضْرَةُ وَالوَجْهُ الحَسَنُ

٣١٩٨. وقيل: ثلاثَةٌ لا تَعْرِفُهُم إِلا عِنْدَ ثلاثٍ: الحَلِيمُ عِنْدَ الغَضَبِ، وَالشُّجاعُ عِنْدَ الخَوْفِ، وَالأخُ عِنْدَ حاجَتِكَ إِليه (٣).

٣١٩٩. وَ عَن عيسى عليه السلام: مَنْ عِلِمَ وَعَمِلَ وَعَلِمَ، عُدَّ فِي المَلَكُوتِ الأَعْظَمِ عَظِيماً (٤).

٣٢٠٠. وَقَالَ عيسى عليه السلام: بِحَقِّ أَقولُ لَكُمْ: كَما يَضطَّرُّ المَرِيضُ إِلى الطَّعامِ فَلا يَلتَمِدُ بِهِ مِنْ شِدَّةِ الوَجعِ، كَذلكَ صَاحِبُ الدُّنيا لا يَلتَمِدُ بِالعِبادَةِ ولا يَجِدُ حَلاوتَها مَعَ ما يَجِدُهُ مِنْ حَلاوَةِ الدُّنيا (٥).

٣٢٠١. بِحَقِّ أَقولُ لَكُمْ: إِنَّ الدابَّةَ إِذا لَم تُرَكَبَ تَصَيَّبَتْ وَتَغَيَّرَ خُلُقُها، كَذلكَ القُلُوبُ إِذا لَم تُرَقِّقَ بِمَذْكَرِ المَوتِ وَبِنَصيبِ (٦) العِبادَةِ تَقسو وَتَغْلُظُ (٧).

٣٢٠٢. بِحَقِّ أَقولُ لَكُمْ: إِنَّ الرِّقَّ (٨) إِذا لَم يَتَخَرَّقَ يوشِكُ أَنْ يَكُونَ وِعاءَ العَسَلِ، كَذلكَ القُلُوبُ ما لَم تَخَرِقَها الشَّهواتُ وَيُدنِّسَها الطَّمعُ أو يَقسِها النِّعيمُ فَسَوفَ تَكُونُ أوَعِيَةَ الحِكْمَةِ (٩).

ص: ٩٤

١- الوبال: الوخامة وسوء العاقبة. وعذابٌ وبيل: أى شديد (مجمع البحرين: ٤/٤٦١).

٢- سفاهةُ الجاهل: أعماله القبيحة الدنية.

٣- شرح نهج البلاغة، ج ١١، ص ٢١٩.

٤- مجموعه ورام، ج ١، ص ٨٢.

٥- مجموعه ورام، ج ١، ص ١٤٨.

٦- النَّصَب: التعب (النهاية: ٥/٦٢).

٧- . مجموعه ورام، ج ١، ص ١٤٨.

٨- . الزَّقُّ: السَّقاء أو جلدٌ يُجَزَّ ولا يُتَنَّف للشراب وغيره (القاموس المحيط: ٢٤١/٣).

٩- . مجموعه ورام، ج ١، ص ١٤٨.

۳۱۹۲. گفته اند: کودکان در سه جا از بزرگان سبقت نگیرند: حرکت شبانه، ورود در سیل و مواجه شدن با سپاه دشمن.

۳۱۹۳. گفته اند: صفات اولیاء کامل سه چیز است: اول: سکوت و نگه داشتن زبان که در نجات است.

دوم: گرسنگی که کلید خوبیهاست. سوم: تحمل سختی در عبادتها و روزه داری در روز و نماز در شب.

۳۱۹۴. گفته اند: همراهی با مردم گمراهی است. ارتباط و پیوستگی با خدا کمال است. و آموختن علم بدون بکارگیری آن عذاب است.

۳۱۹۵. گفته اند: دوری از سه چیز نشانه حکمت است: رفتار زشت مردم نادان، و لغزش عاقل و نادانی غافل.

۳۱۹۶. ضرب المثلی می گوید: سه چیز باعث جلای چشم می شود: نگاه کردن به سبزه و آب روان و صورت زیبا.

۳۱۹۷. در شعر آمده است: سه چیز اندوه را از قلب می برد: آب، سبزه، چهره زیبا.

۳۱۹۸. گفته اند: سه کس را در سه جا می توان شناخت: انسان بردبار را هنگام خشم. شجاع را هنگام ترس. و دوست را هنگام احتیاج.

۳۱۹۹. حضرت عیسی علیه السلام فرمود: کسی که یاد بگیرد و بکار برد و به دیگران هم بیاموزد، در ملکوت اعظم بزرگ شمرده می شود.

۳۲۰۰. حضرت عیسی علیه السلام فرمود: به حق می گویم: همانطور که مریض از شدت درد از غذا خوردن لذت نمی برد. همانطور دنیاپرست هم از عبادت لذت نمی برد. و با چشیدن شیرینی دنیا، شیرینی عبادت را نخواهد چشید.

۳۲۰۱. حضرت عیسی علیه السلام: به حق می گویم: همانطور که اگر از حیوان سواری نگیری چموش و نافرمان می شود. قلب هم اگر با یاد مرگ و سختی عبادت نرم نشود، سخت و سنگدل می شود.

۳۲۰۲. حضرت عیسی علیه السلام: به حق می گویم: اگر مشک پاره نباشد ممکن است ظرف غسل شود.

همچنین اگر قلب با شهوت دریده نشود و با طمع آلوده نشود و یا نعمتها آن را سرسخت نکند، جایگاه حکمت خواهد شد.

٣٢٠٣. وَرَوَى أَنَّ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ اشْتَدَّ بِهِ الْمَطَرُ وَالرَّعْدُ وَالْبَرْقُ يَوْمًا، فَجَعَلَ يَطْلُبُ شَيْئًا يَلْجَأُ إِلَيْهِ، فَرَفَعَتْ لَهُ خَيْمَةٌ مِنْ بَعِيدٍ، فَأَتَاهَا فَإِذَا فِيهَا امْرَأَةٌ، فَجَازَ عَنْهَا فَإِذَا هُوَ بِكَهْفٍ فِي جَبَلٍ، فَأَتَاهُ فَإِذَا فِيهِ أَسَدٌ، فَوَضَعَ يَدَهُ عَلَيْهِ فَقَالَ: إِلَهِي! لِكُلِّ شَيْءٍ مَأْوَى، وَلَمْ تَجْعَلْ لِي مَأْوَى!

فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ: مَأْوَاكَ فِي مُسْتَقَرِّ رَحْمَتِي، وَلِأَزْوَجَتِكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِمَنْهَ حَوْرَاءَ خَلَقْتُهُا بِيَدِي، وَلَأَطْعَمَنَّ فِي عُرْسِكَ أَرْبَعَةَ آلَافٍ عَامًا، يَوْمَ مِنْهَا كَعْمَرِ الدُّنْيَا، وَلَأَمُرَنَّ مُنَادِيًا يُنَادِي: أَيْنَ الزُّهَادُ فِي الدُّنْيَا؟ هَلُمُّوا إِلَى عُرْسِ الزَّاهِدِ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ. (١)

٣٢٠٤. وَقِيلَ: الدِّينُ يَخَافُ النَّارَ، وَالكَرِيمُ يَخَافُ الْعَارَ، وَالْعَاقِلُ يَخَافُ الشَّرَّ؛ فَمَنْ جُمِعَ فِيهِ الدِّينُ وَالكَرَمُ وَالْعَقْلُ فَقَدْ أَمِنَ مِنَ النَّارِ وَالْعَارِ وَالشَّرِّ.

٣٢٠٥. وَقَالَ جَالِينُوسُ: إِذَا سَلِمَ يَدُنَ الْإِنْسَانِ مِنَ الْأَمْرَاضِ الَّتِي تَعَوَّقُهُ مِنَ الْكِتَابَةِ وَالْقِرَاءَةِ وَالتَّعْلِيمِ، وَسَلِمَ عَقْلُهُ، وَرُزِقَ كِفَايَتَهُ، فَخُزِنَتْهُ عَلَى مَا سِوَى ذَلِكَ فِي غَيْرِ مَوْضِعِهِ.

٣٢٠٦. (وَقَالَ آخَرُ): عَلَامَةُ الْعَاقِلِ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُحْصَى وَتُعَدُّ، أَمَّا عَلَامَةُ الْأَحْمَقِ عِنْدَنَا ثَلَاثُ خِصَالٍ: أَوَّلُهَا: لَا يُبَالِي مِنْ تَضْيِيعِ عُمْرِهِ، وَالثَّانِي: لَا يَشْبَعُ عَنْ فَضُولِ أَقْوَابِهِ، وَالثَّلَاثُ: لَا يُطِيقُ صُحْبَةَ مَنْ يَرَى عَيْبَهُ.

٣٢٠٧. مِنْ كَلَامِ بَعْضِ الْعَارِفِينَ: ثَلَاثَةُ أَشْيَاءٍ تُقْسِي الْقُلُوبَ: الضَّحْكُ بِغَيْرِ عَجَبٍ، وَالْأَكْلُ مِنْ غَيْرِ جُوعٍ، وَالْكَلامُ مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ.

٣٢٠٨. وَقَالَ أَفَلَاطُونُ: لَا تَزُرْ مَنْ يَسْتَنْقِلُكَ (٢)، وَلَا تُحَدِّثْ مَنْ يُكَذِّبُكَ، وَلَا تُخَاطَبْ مَنْ لَا يَسْمَعُ مِنْكَ.

٣٢٠٩. وَقَالَ أَفَلَاطُونُ: إِنَّ الْمَرْءَ يَتَغَيَّرُ فِي ثَلَاثِ مَوَاطِنَ: فِي الْقُرْبِ مِنَ الْمُلُوكِ، وَفِي الْإِنَاثِ إِذَا تَوَلَّاهَا، وَفِي الْمَالِ إِذَا جَمَعَهُ؛ فَمَنْ لَمْ يَتَغَيَّرْ خُلُقُهُ فِي وَاحِدَةٍ مِنْ هَذِهِ الثَّلَاثِ فَهُوَ صَاحِبُ الْحُكْمِ صَاحِبِ الْمُعَامَلَةِ.

٣٢١٠. وَقَالَ بَعْضُ الْحُكَمَاءِ: الْعِلْمُ لَهُ ثَلَاثَةُ أَشْبَارٍ: مَنْ دَخَلَ فِي شِبْرِهِ الْأَوَّلِ تَكَبَّرَ، وَمَنْ دَخَلَ فِي شِبْرِهِ الثَّانِي تَوَاضَعَ، وَمَنْ دَخَلَ فِي شِبْرِهِ الثَّلَاثِ عَلِمَ أَنَّهُ لَا يَعْلَمُ.

ص: ٩٦

١- . مجموعه ورام، ج ١، ص ١٣٣.

٢- . أى يعدّ زيارتك إياه أمراً ثقیلاً عليه، ويكره لقاءك.

۳۲۰۳. روزی حضرت عیسی علیه السلام در باران و رعد و برق شدید گرفتار شد. و بدنبال پناهگاه می گشت. از دور خیمه ای دید خود را به آن رسانید که در آن زنی بود. از آن خیمه عبور کرد. به غاری در کوه رسید. دید شیری در آن پناه گرفته است. دست بر غار نهاد و گفت:

خدای من برای هر چیزی پناهی قرار دادی، برای من پناه قرار نداده ای؟

خداوند به او وحی کرد: پناهگاه تو در سایه رحمت من است. و روز قیامت صد فرشته ای که بدست خود آفریده ام به تو تزویج کنم. و در جشن عروسی تو چهار هزار سال که هر روز آن به اندازه عمر دنیاست غذا بدهم. و فرمان دهم فرشته ای ندا دهد: کجایید کسانی که در دنیا زاهد زیستید. به جشن عروسی عیسی بن مریم زاهد بیایید.

۳۲۰۴. گفته اند: دین دار از جهنم و کریم از ننگ و عاقل از شربیم دارد. کسی که اهل دین و کرم و عقل باشد از جهنم و ننگ و شرایمن است.

۳۲۰۵. جالینوس گفت: اگر بدن انسان از بیماریهایی که مانع نوشتن و خواندن و آموختن است سلامت باشد و عقل سالم و رزق کافی داشته باشد، غصه خوردن برای چیزهای دیگر بی مورد است.

۳۲۰۶. کسی گفته است: علامت عاقل بیشتر از آن است که قابل شمردن باشد اما علامت احمق سه ویژگی است: اول، از ضایع شدن عمرش نگران نیست. دوم، از زیاده گویی سیر نمی شود.

سوم، طاقت کسی که عیب او را بگوید ندارد.

۳۲۰۷. عارفی گفته است: سه چیز قلب را سر سخت می کند: خنده بدون دلیل، خوردن بدون گرسنگی، و سخن گفتن غیر لازم.

۳۲۰۸. افلاطون گفت: به دیدار کسی که دیدارت برایش سنگین است، نرو. و با کسی که سخن تو را تکذیب می کند سخن مگو. و با کسی که به تو گوش فرا ندهد حرف نزن.

۳۲۰۹. افلاطون گفت: انسان در سه جا تغییر می کند: نزدیکی سلطان، دوست داشتن زنان و هنگام ذخیره کردن مال. کسی که اخلاقش در یکی از این سه مورد تغییر نکند قضاوت و معامله اش صحیح است.

۳۲۱۰. حکیمی گفت: علم سه وجه است: کسی که وارد وجه اول آن شود تکبر کند. کسی که به وجه دوم برسد فروتن شود. و کسی که به وجه سوم دست یابد می داند که چیزی نمی داند.

٣٢١١. أقول: ثلاث اعجوبات ذكرها الله سبحانه في ثلاث سور من القرآن - وهي سورة بنى إسرائيل، والكهف، ومريم - متعاقبة؛ فسورة بنى إسرائيل اشتملت على الإسراء بجسد خاتم النبيين صلى الله عليه وآله من مكة إلى المسجد الأقصى، والسورة الثانية اشتملت على قصة أهل الكهف ونوم القوم فيه مدة ثلاثمئة سنة وثياف (١)، وسورة مريم اشتملت على حدوث الولد من دون أب.

٣٢١٢. وقال الشيخ نجم الدين: الفقر على ثلاثه أصناف: فقر إلى الله دون غيره، وفقر إلى الله مع غيره، وفقر إلى الغير دون الله، وقد أشار النبي صلى الله عليه وآله إلى الأول بقوله: «الفقر فخرى»، وإلى الثاني: «كاد الفقر أن يكون كفراً»، وإلى الثالث: «الفقر سواد الوجه في الدارين».

٣٢١٣. وقال بعض الحكماء: لا تفتكر في ثلاثه أشياء: لا تفتكر في الفقر فيكثر همك، ولا تفتكر في طول البقاء في الدنيا فتحب الجمع وتضيع العمر، ولا تفتكر في ظلم من ظلمك فيغلظ قلبك ويزيد غضبك.

٣٢١٤. وقال أرسطاطاليس: ثلاثة إن لم تظلمهم ظلموك: ولدك، وعبدك، وزوجتك؛ فسبب صلاح حالهم التعداد عليهم (٢).

٣٢١٥. وقال آخر: أيام الدهر ثلاثة: يوم مضى لا يعود إليك، ويوم أنت فيه لا يدوم عليك، ويوم مستقبل لم تدبر ما حاله، ولا تدري من أهله.

٣٢١٦. وقال أبو ذر رحمة الله: الدنيا ثلاث ساعات: ساعة مضت، وساعة أنت فيها، وساعة لا تدري أتدركها أم لا، فلست تملك في الحقيقه إلا ساعة واحدة؛ إذ الموت يدركك ساعة فساعة (٣).

٣٢١٧. (ومن كلام بعض الحكماء): أفضل الأمور ثلاثة: الحياة، وضعف الحياة، وما هو خير من الحياة؛ فأما الحياة فالراحة وحسن العيش، وأما ضعف الحياة فالمحمدة وحسن الثناء، وأما ما هو خير من الحياة فريضان الله تعالى والجنة.

وشر الأمور ثلاثة: الموت، وضعف الموت، وما هو شر من الموت؛ أما الموت فالفاقة والفقر، وأما ضعف الموت فالمذمة وسوء الثناء، وأما ما هو شر من الموت فسخط الله نعوذ بالله منه!

ص: ٩٨

١- . النيف: الزيادة. يخفف ويشدد، وأصله من الواو. وكل ما زاد على العقد فهو نيف حتى يبلغ العقد الثاني (الصحاح: ١٤٣٦/٤).

٢- . مضى حديث في هذا المعنى وليس فيه هذا الذيل: «فسبب الخ» وشرحناه.

٣- . مجموعه ورام، ج ٢، ص ٢٠.

۳۲۱۱. مؤلف گوید: خداوند سه مطلب عجیب را در سه سوره پی در پی قرآن یعنی سوره های بنی اسرائیل و کهف و مریم بیان فرموده است: در سوره بنی اسرائیل سفر جسمانی پیامبر صلی الله علیه و آله به معراج از مکه به مسجد الاقصی را بیان فرموده است. در سوره کهف رویداد اصحاب کهف و خواب سیصد و چند ساله آنان را ذکر کرده است. و در سوره مریم تولد فرزند بدون پدر را بیان کرده است.

۳۲۱۲. شیخ نجم الدین گوید: فقر سه نوع است: فقر به خدا نه دیگران؛ پیامبر صلی الله علیه و آله به این فقر اشاره فرمود: فقر افتخار من است. فقر به خدا و غیر خدا؛ که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: فقر نزدیک است که سبب کفر شود؛ فقر به غیر خدا که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: فقر روسیاهی دنیا و آخرت است.

۳۲۱۳. حکیمی گفته است: در سه چیز فکر نکن: در فقر نیندیش که غصه ات را زیاد می کند. به زندگانی طولانی در دنیا فکر نکن که عمر را با دوست داشتن جمع آوری مال تباه می کند. در ظلم کردن به کسی که به تو ستم کرده است فکر نکن که قلب ترا سخت و بر خشم تو می افزاید.

۳۲۱۴. ارسطاطاليس گوید: به سه نفر اگر ظلم نکنی بر تو ظلم می کنند: فرزند، غلام، همسر برای اصلاح حال آنان باید بر آنان غلبه کرد.

۳۲۱۵. دیگری گفته است: روزگار سه روز است: روزی که گذشت و بر نمی گردد. روزی که در آن هستی و دائمی نیست. روز آینده که معلوم نیست تو در آن باشی.

۳۲۱۶. ابوذر فرمود: دنیا سه ساعت است: ساعتی که گذشت و ساعتی که در آن هستی. و ساعت بعد که نمی دانی به آن خواهی رسید یا نه. و در حقیقت تو فقط یک ساعت را در اختیار داری.

چون مرگ ساعت به ساعت فرا می رسد.

۳۲۱۷. از سخنان حکمیان: بهترین ها سه چیز است: زندگی، دو برابر زندگی، و چیزی که بهتر از زنده بودن است.

زندگی عبارت است از آسایش و رفاه [در دنیا]. دو برابر زندگی، نام نیک است. [در زندگی و پس از آن]. بهتر از زنده بودن، رضایت خدا و بهشت است.

بدترین ها سه چیز است: مرگ که عبارت از فقر و تنگدستی است. دو برابر مرگ یعنی بدنامی. بدتر از مرگ، غضب و خشم خداوند است. پناه بر خدا.

٣٢١٨. وَقَالَ لِقَمَانٍ لَابِنِهِ : يَا بُنَيَّ، إِذَا امْتَلَأَتِ الْمَعِدَّةُ نَامَتِ الْفِكْرَةُ، وَخَرَسَتِ الْحِكْمَةُ، وَقَعَدَتِ الْأَعْضَاءُ عَنِ الْعِبَادَةِ. (١)

٣٢١٩. وَقَالَ الْمُحَقِّقُ فِي الْأَخْلَاقِ النَّاصِرِيِّ: قَالَ بَعْضُ الْحُكَمَاءِ: عِبَادَةُ اللَّهِ تَعَالَى عَلَى ثَلَاثَةِ أَنْوَاعٍ:

الْأَوَّلُ: مَا يَجِبُ عَلَى الْأَبْدَانِ؛ كَالصَّلَاةِ وَالصَّيَامِ وَالسَّعْيِ فِي الْمَوَاقِفِ الشَّرِيفَةِ لِمُنَاجَاتِهِ جَلَّ ذِكْرُهُ.

الثَّانِي: مَا يَجِبُ عَلَى النُّفُوسِ؛ كَالِاعْتِقَادَاتِ الصَّحِيحَةِ مِنَ الْعِلْمِ بِتَوْحِيدِ اللَّهِ وَمَا يَسْتَحِقُّهُ مِنَ الثَّنَاءِ وَالتَّمجِيدِ، وَالفِكْرِ فِيمَا أَفَاضَهُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ عَلَى الْعَالَمِ مِنْ وُجُودِهِ وَحِكْمَتِهِ، ثُمَّ الْإِتْسَاعُ فِي هَذِهِ الْمَعَارِفِ.

الثَّلَاثُ: مَا يَجِبُ عِنْدَ مُشَارَكَاتِ النَّاسِ فِي الْمِدُنِ؛ وَهِيَ الْمُعَامَلَاتُ، وَالْمُزَارَعَاتُ، وَالْمُنَاكِحُ وَتَأْدِيَةُ الْأَمَانَاتِ، وَنُصْحُ الْبَعْضِ لِلْبَعْضِ بِضُرُوبِ الْمُعَاوَنَاتِ، وَجِهَادِ الْأَعْدَاءِ، وَالذَّبِّ عَنِ الْحَرِيمِ، وَحِمَايَةِ الْحَوْزَةِ. (٢)

٣٢٢٠. اعْلَمْ أَنَّ الصَّبْرَ فِي اللُّغَةِ حَبْسُ النَّفْسِ عَنِ الْفَزَعِ مِنَ الْمَكْرُوهِ، وَهُوَ ثَلَاثَةٌ أَنْوَاعٍ: الْأَوَّلُ: صَبْرُ الْعَوَامِّ؛ وَهُوَ حَبْسُ النَّفْسِ فِي النَّايِبَاتِ لِتَكُونَ حَالُهُ عِنْدَ النَّاسِ مَرْضِيَّةً، الثَّانِي: صَبْرُ الزُّهَّادِ وَالْعَبَادِ لِتَوْفَعِ ثَوَابِ الْآخِرَةِ، وَالثَّلَاثُ: صَبْرُ الْعَارِفِينَ؛ وَإِنْ لِيَعْضَةَ هِمِّ التِّدَاذِ بِالْمَكْرُوهِ لِتَصَوُّرِهِمْ أَنَّ مَعْبُودَهُمْ خَصَّهُمْ بِهِ مِنْ دُونَ النَّاسِ.

٣٢٢١. اعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ وَصَفَ الصَّابِرِينَ فِي تَيْفٍ وَسَبْعِينَ مَوْضِعًا، وَالْأَخْبَارُ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُحْصَى.

٣٢٢٢. وَعَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ثَلَاثٌ مَنْ رُزِقَهُنَّ فَقَدَ رُزْقَ خَيْرِ الدَّارَيْنِ: الرُّضَى بِالْقَضَاءِ، وَالصَّبْرُ عَلَى الْبَلَاءِ، وَالِدُّعَاءُ فِي الرَّخَاءِ. (٣)

٣٢٢٣. وَعَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الصَّبْرُ ثَلَاثَةٌ: صَبْرٌ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ، وَصَبْرٌ عَلَى الطَّاعَةِ، وَصَبْرٌ عَنِ الْمَعْصِيَةِ؛ فَمَنْ صَبَرَ عَلَى الْمُصِيبَةِ حَتَّى يَزِدَّهَا بِحُسْنِ عَزَائِهَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ سِتِّمْتَهُ دَرَجَةً؛ مَا بَيْنَ الدَّرَجَةِ إِلَى الدَّرَجَةِ كَمَا بَيْنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ.

ص: ١٠٠

١- . مجموعه وزام، ج ١، ص ١٠٢.

٢- . حوزة الإسلام: أي حدوده ونواحيه، وفلان مانع لحوزته: أي لما في حيزه. والحوزه: فعله سُميت بها الناحية.

٣- . بحار الأنوار، ج ٧٩، ص ١٣٨.

۳۲۱۸. لقمان به پسرش گفت: فرزندم، وقتی معده پر شود، فکر به خواب رود. و حکمت از کار می افتد. و اعضای بدن از عبادت فروماند.

۳۲۱۹. محقق در اخلاق ناصری گوید: حکیمی گفت: عبادت خدا سه نوع است:

اول: عبادت بدن یعنی: نماز، روزه و رفتن به عبادتگاه برای مناجات با خدا.

دوم: عبادت روح: مثل اعتقاد صحیح به توحید و صفات خدا و فکر درباره وجود و حکمت خدا و توسعه در معارف.

سوم: عبادات اجتماعی یعنی معاملات و مزارعه و ازدواج و امانت داری، خیر خواهی، کمک به مسلمانان، جهاد با دشمنان، دفاع از ناموس، و حمایت از حوزه دین.

۳۲۲۰. بدان صبر در لغت به معنای خودداری از بی تابی و مقاومت در ناملايمات است که بر سه قسم است: صبر مردم عادی یعنی خودداری در ناملايمات به منظور حفظ آبرو نزد مردم. صبر زاهدان و عابدان به منظور ثواب در آخرت. صبر عارفان که گاه از سختی لذت می برند.

چون تصور می کنند خداوند آنان را از بین مردم برگزیده و مبتلا کرده است.

۳۲۲۱. خداوند صابران را در هفتاد و چند مورد توصیف فرموده است و روایات قابل شمارش نیست.

۳۲۲۲. ابن مسعود گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: به هر کس سه چیز داده اند خیر دنیا و آخرت داده اند:

رضایت به قضا و قدر خداوند. صبر در بلا. دعا در حال رفاه.

۳۲۲۳. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: صبر سه نوع است: صبر در مصیبت. صبر در اطاعت از خدا. صبر برای خود داری از گناه.

کسی که در مصیبت صبر کند تا بخوبی سپری شود خداوند برای او ششصد درجه عنایت فرماید. که فاصله هر دو درجه به اندازه فاصله زمین تا آسمانهاست.

کسی که در طاعت خدا صبر کند خداوند به او ششصد درجه بدهد. که فاصله آن از اعماق زمین تا عرش است.

وَمَنْ صَبَرَ عَلَى الطَّاعَةِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ سِتْمِيَّةَ دَرَجَةٍ؛ مَا بَيْنَ الدَّرَجَةِ إِلَى الدَّرَجَةِ كَمَا بَيْنَ تَخُومِ الْأَرْضِ إِلَى الْعَرْشِ.

وَمَنْ صَبَرَ عَلَى الْمَعْصِيَةِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ سَبْعِمِئَةَ دَرَجَةٍ؛ مَا بَيْنَ الدَّرَجَةِ إِلَى الدَّرَجَةِ كَمَا بَيْنَ تَخُومِ الْأَرْضِ إِلَى مُتْنَيْ الْعَرْشِ. (١)

٣٢٢٤. وَقَالَ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: الْبِرُّ ثَلَاثَةٌ: الْمَنْطِقُ، وَالنَّظْرُ، وَالصَّمْتُ؛ فَمَنْ كَانَ مَنْطِقُهُ فِي غَيْرِ ذِكْرِ فَقَدْ لَغَا، وَمَنْ كَانَ نَظْرُهُ فِي غَيْرِ اعْتِبَارٍ فَقَدْ سَهَا، وَمَنْ كَانَ صَمْتُهُ فِي غَيْرِ فِكْرٍ فَقَدْ لَهَا.

٣٢٢٥. وَقَالَ خَالِدُ بْنُ صَفْوَانَ: لَيْسَ لِثَلَاثِ حَيْلَةٍ: فَكَّرٌ يُخَالِطُهُ كَسَلٌ، وَخُصُومَةٌ يُدَاخِلُهَا حَسَدٌ، وَمَرَضٌ يُمَارِجُهُ هَرَمٌ.

٣٢٢٦. وَقَالَ بَعْضُهُمْ: صَفَاءُ الْعَيْشِ فِي ثَلَاثَةٍ: سَعَةِ الْمَنْزِلِ، وَكَثْرَةِ الْخَدَمِ، وَمُؤَافَقَةِ الْأَهْلِ.

٣٢٢٧. ثَلَاثَةٌ تَجِبُ مُدَارَاتُهُمْ: السُّلْطَانُ، وَالْمَرِيضُ، وَالْمَرْأَةُ.

٣٢٢٨. وَقَالَ الْخَلِيلُ: إِنَّمَا يَجْمَعُ الْمَرْءُ الْمَالَ لِأَحَدِ ثَلَاثَةٍ كُلُّهُمْ أَعْدَاؤُهُ: إِمَّا زَوْجَ امْرَأَتِهِ، أَوْ زَوْجَهُ ابْنَهُ، أَوْ زَوْجَ ابْنَتِهِ.

٣٢٢٩. وَقَالَ: قَالَ الْحَارِثُ الْمَحَاسِبِيُّ: ثَلَاثَةٌ أَشْيَاءُ عَزِيزَةٌ أَوْ مَعْدُومَةٌ: حُسْنُ الْوَجْهِ مَعَ الصِّيَانَةِ، وَحُسْنُ الْخُلُقِ مَعَ الدِّيَانَةِ، وَحُسْنُ الْإِحْيَاءِ مَعَ الْأَمَانَةِ.

٣٢٣٠. وَقَالَ بَعْضُ الْحُكَمَاءِ: أَوَّلُ الْفُرُوضِ الْفَلَسَفَةُ فِيهِ طَاعَةُ اللَّهِ تَعَالَى، ثُمَّ بِرُّ الْوَالِدَيْنِ، ثُمَّ إِكْرَامُ أَهْلِ الْفَضْلِ؛ فَمَنْ عَمِلَ ذَلِكَ جَعَلَهُ اللَّهُ تَعَالَى كَرِيمًا جَلِيلًا عَظِيمًا.

٣٢٣١. وَرَوَى عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: مَنْ أَرَادَ الدُّنْيَا فَلْيَتَّجِرْ، وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ فَلْيَتْرَهَدْ، وَمَنْ أَرَادَهُمَا فَلْيَتَعَلَّمْ.

٣٢٣٢. وَرَوَى فِي الْحَدِيثِ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى حَبَأَ ثَلَاثَةَ أَشْيَاءَ تَحْتَ ثَلَاثَةٍ؛ حَبَأَ رَحْمَتَهُ تَحْتَ طَاعَتِهِ مِنْ طَاعَاتِهِ؛ فَلَا يَسْتَقِيلُ الْإِنْسَانُ شَيْئًا مِنْ طَاعَتِهِ كَيْمَا تَكُونُ هِيَ الَّتِي تَحْتَهَا رَحْمَةُ اللَّهِ.

وَحَبَأَ عِقَابَهُ تَحْتَ مَعْصِيَتِهِ مِنْ مَعْصِيَتِهِ؛ فَلَا يَسْتَقِيلُ الْإِنْسَانُ شَيْئًا مِنْ مَعْصِيَةِ اللَّهِ كَيْمَا يَكُونُ عِقَابُهُ تَحْتَ تِلْكَ الْمَعْصِيَةِ.

ص: ١٠٢

کسی که بر گناه صبر کند خداوند به او ششصد درجه بدهد. که فاصله هر درجه تا درجه بعدی از اعماق زمین تا انتهای عرش است.

۳۲۲۴. حضرت عیسی علیه السلام فرمود: نیکی سه نوع است: گفتار، کسی که گفتارش غیر از یاد خدا باشد بیهوده است.

نگاه، کسی که نگاهش عبرت آموزی نباشد غافل است.

سکوت، کسی که سکوتش در غیر تفکر باشد هرزه است.

۳۲۲۵. خالد بن صفوان گفت: سه چیز چاره ندارد: فقر آمیخته به تنبلی. دشمنی آمیخته به حسد. و بیماری همراه پیری.

۳۲۲۶. بعضی گفته اند: صفای زندگی در سه چیز است: خانه وسیع، و خادم بسیار، و تفاهم خانوادگی.

۳۲۲۷. گویند: با سه نفر باید مدارا کرد: سلطان، بیمار، زن.

۳۲۲۸. خلیل گوید: مال را برای سه نفر جمع می کنند که هر سه دشمن هستند: شوهر زن [یعنی پس انداز را زن ارث برده و به خانه شوهر می برد]، همسر پسر و همسر دختر.

۳۲۲۹. حارث محاسبی گفت: سه چیز کمیاب یا نایاب هستند: زیبایی همراه با عفت، خوشرفتاری همراه با دیانت و وظیفه شناسی و برادری همراه با امانت.

۳۲۳۰. حکیمی گوید: نخستین واجب از نظر فلسفه، اطاعت خداست. سپس نیکی به پدر و مادر، و سرانجام احترام به مردم با فضیلت. کسی که این سه واجب را ادا کند، خداوند او را کریم و جلیل و بزرگوار کند.

۳۲۳۱. از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمودند: هر که دنیا خواهد تجارت کند. هر که آخرت خواهد زهد داشته باشد. و هر که دنیا و آخرت خواهد علم بیاموزد.

۳۲۳۲. در حدیث آمده است: خداوند سه چیز را در سه چیز پنهان فرموده است: رحمت خود را در طاعتی از طاعات پنهان کرده است. پس انسان نباید هیچ طاعتی را کوچک شمارد چون ممکن است همان موجب رضایت خدا شود.

عذاب را در گناهی از گناهان پنهان کرده است. پس نباید هیچ گناهی را کوچک شمارد چرا که شاید عذاب الهی در همان باشد.

وَحَيّاً عَبْدَهُ الصَّالِحَ بَيْنَ عِبَادِهِ؛ فَلَا يَسْتَحِقُّرَنَّ بِأَحَدٍ مِمَّنْ خَلَقَ اللهُ كَيْمَا يَكُونُ ذَلِكَ وَلِيُّ اللهِ، فَتَكُونُ قَدْ ذَلَّيْتِ (١) وَلِيُّ اللهُ
وَاسْتَحَقَّرْتِ بِهِ (٢).

٣٢٣٣. وَقِيلَ لِمُحَمَّدِ بْنِ إِدْرِيسَ الشَّافِعِيِّ: مَا تَقُولُ فِي عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ؟ فَقَالَ: مَا أَقُولُ فِي شَخْصٍ اجْتَمَعَتْ لَهُ ثَلَاثَةٌ مَعَ ثَلَاثَةٍ
لَا يَجْتَمِعْنَ قَطُّ لِأَحَدٍ مِّنْ بَنِي آدَمَ: الْجُودُ مَعَ الْفَقْرِ، وَالشُّجَاعَةُ مَعَ الرَّأْيِ، وَالْعَمَلُ مَعَ الْعِلْمِ!

ص: ١٠٤

١- . كذا في الأصل، ولكن الصحيح ظاهراً: أذلت.

٢- . بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٨٧، ح ٢٧.

خداوند بندهٔ صالح خود را در میان بندگان مخفی کرده است. پس هیچکس را تحقیر نکنید. شاید او ولی خدا باشد. و شما ولی خدا را تحقیر و ملامت کرده باشید.

۳۲۳۳. به شافعی [رئیس یکی از چهار مذهب اهل تسنن] گفتند: دربارهٔ علی علیه السلام چه می گویی؟ جواب داد: چه بگویم در حق کسی که سه خصلت در وجودش با سه صفت جمع شده بود که در هیچ انسانی جمع نمی شود: سخاوت و فقر، شجاعت و عقل، علم و عمل.

ص: ۱۰۵

البابُ الرابعُ: في المَواعِظِ الرُّباعِيَّاتِ

باب چهارم: پندهای چهار گانه

اشاره

ص: ۱۰۷

الفصل الأول: مِمَّا رَوَتْهُ الْخَاصَّةُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

٣٢٣٤. قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَرْبَعَةٌ أَنَا الشَّفِيعُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَوْ أَتَوْنِي بِذُنُوبِ أَهْلِ الْأَرْضِ: مُعِينُ أَهْلِ بَيْتِي، وَالْقَاضِي لَهُمْ حَوَائِجَهُمْ عِنْدَمَا اضْطَرُّوا إِلَيْهِ، وَالْمُحِبُّ لَهُمْ بِقَلْبِهِ وَلِسَانِهِ، وَالِدَّافِعُ عَنْهُمْ بِيَدِهِ. رَوَاهُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (١)

٣٢٣٥. وَرُوِيَ أَيْضًا عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ فِي وَصِيَّتِهِ: يَا عَلِيُّ، مَنْ أَطَاعَ امْرَأَتَهُ أَكْبَهُ اللَّهُ عَلَى وَجْهِهِ فِي النَّارِ.

فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَمَا تِلْكَ الطَّاعَةُ؟ قَالَ: يَأْذَنُ لَهَا فِي الذَّهَابِ إِلَى الْحَمَّامَاتِ، وَالْعُرْسَاتِ، وَالنِّيَاحَاتِ، وَلُبْسِ الثِّيَابِ الدَّقَاقِ (٢) (الرِّقَاقِ خ ل). (٣)

٣٢٣٦. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ: يَا عَلِيُّ، أَرْبَعَةٌ لَا تُرَدُّ لَهُمْ دَعْوَةٌ: إِمَامٌ عَادِلٌ، وَوَالِدٌ لَوْلَدِهِ، وَالرَّجُلُ يَدْعُو لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ، وَالْمَظْلُومُ؛ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: وَعِزَّتِي وَجَلَالِي! لَأَنْتَصِرَنَّ لَكَ وَلَوْ بَعْدَ حِينٍ (٤). (٥)

ص: ١٠٨

١- الخصال، ص ١٩٦، ح ١.

٢- ورد النهي عن ذهاب النساء إلى الحمام والإذن لهن في ذلك، قال صلى الله عليه وآله: «أنهى نساء أمي عن دخول الحمام»، وقال: «من كان يؤمن بالله واليوم الآخر فلا يبعث بحليلته إلى الحمام». أخرج هذه الأحاديث في الوسائل والمستدرک في كتاب النكاح، وكذا سائر كتب الحديث وسفينه البحار في حمم، والخصال. ولعل الحمامات والعرسات والنائحات لم تكن وقتذاك مأمونة عن دخول الرجال الأجانب، كما شاهدت ذلك في بعض الحمامات من جلوس الرجال والنساء في مكان واحد ينتظرون التوبه، أو كانت فيها وقتئذ نساء اليهود أو النصراني، فنهى عن الدخول فيها للزوم التكشف بين يدي اليهوديه والنصرانيه، وذلك حرام أو مكروه، أو لأن الحمام يدخلن النساء فيها بغير مئزر. والعرسات كانت فيها آلات اللهب. والنائحات كانت يناح فيها بالباطل.

٣- الخصال، ص ١٩٦، ح ٢.

٤- أي بعد مدّه. والتكثير هنا للتكثير؛ أي ولو بعد مدّه طويله.

٥- الخصال، ص ١٩٧، ح ٤.

۳۲۳۴. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: در قیامت چهار کس را شفاعت می کنم گرچه با گناه همه اهل زمین نزد من بیایند: کسی که اهل بیت مرا یاری کند. کسی که هنگام نیاز حاجت اهل بیت مرا برآورد. کسی که با قلب و زبان به آنان محبت ورزد. کسی که در عمل از آنها دفاع کند. این حدیث را حضرت علی علیه السلام نقل کرده است.

۳۲۳۵. پیامبر صلی الله علیه و آله در وصیت خود فرمودند: یا علی؛ کسی که از زن اطاعت کند خدا او را به صورت در آتش افکند. حضرت علی علیه السلام پرسیدند: این چه اطاعتی است؟ حضرت فرمودند:

موافقت کردن با رفتن زن به حمام [یا استخرهایی که فساد بدنبال دارد] و عروسی و عزا و پوشیدن لباس نازک (۱).

۳۲۳۶. پیامبر صلی الله علیه و آله در وصیت فرمودند: یا علی؛ خدا دعای چهار کس را رد نمی کند: دعای پیشوای عادل، دعای پدر برای فرزند، دعای انسان برای برادرش در غیاب او. و دعای مظلوم که خداوند می فرماید به عزت و جلالم انتقام تو را خواهم گرفت گرچه مدتی بگذرد.

ص: ۱۰۹

۱- . از رفتن زنان به حمام (و استخر) و اجازه دادن شوهر برای رفتن به این مکانها نهی شده است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: من زنان امت خود را از رفتن به حمام عمومی نهی می کنم. و فرمودند: کسی که به خدا و قیامت ایمان دارد همسرش را به حمام نمی فرستد. از رفتن زنان مسلمان به مکانهایی مانند حمام و عروسی و عزا که احتمال ورود مرد هست (یا احتمال عسکبرداری و فیلم برداری مخفیانه وجود دارد) و یا زن و مرد در انتظار نوبت هستند، یا زنان یهودی و مسیحی تردد می کنند، نهی شده است و به همین جهت حرام یا مکروه است. یا به دلیل عریان شدن زنان بدون لنگ در حمام، و لهو در عروسی، و اشعار باطل در مجالس عزا، نهی شده است.

٣٢٣٧. وقال النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: دَعَائِمُ الْإِيمَانِ أَرْبَعَةٌ: الْأُولَى: أَنْ تَعْرِفَ رَبَّكَ. الثَّانِيَةُ: أَنْ تَعْرِفَ مَا صَنَعَ بِكَ (١). الثَّلَاثَةُ: أَنْ تَعْرِفَ مَا أَرَادَ مِنْكَ. الرَّابِعَةُ: أَنْ تَعْرِفَ مَا يُخْرِجُكَ مِنْ دِينِكَ. (٢)

٣٢٣٨. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا يُؤْمِنُ عَبْدٌ حَتَّى يُؤْمِنَ بِأَرْبَعَةٍ: حَتَّى يَشْهَدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّي رَسُولُ اللَّهِ بَعَثَنِي بِالْحَقِّ، وَحَتَّى يُؤْمِنَ بِالْبَعْثِ بَعْدَ الْمَوْتِ، وَحَتَّى يُؤْمِنَ بِالْقَدْرِ (٣). (٤)

٣٢٣٩. وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ أَبُو بَكْرٍ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَسْرَعَ إِلَيْكَ الشَّيْبُ! قَالَ: شَيَّبْتَنِي هُوْدٌ، وَالْوَأَقِعَةُ، وَالْمُرْسِيَّاتُ، وَعَمَّ يَتَسَاءَلُونَ (٥). (٦)

٣٢٤٠. وَعَنْ أَبِي اسَامَةَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فُضِّلْتُ بِأَرْبَعٍ: جُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَطَهْرًا؛ وَأَيُّمَا رَجُلٍ مِنْ أُمَّتِي أَرَادَ الصَّلَاةَ فَلَمْ يَجِدْ مَاءً وَوَجَدَ الْأَرْضَ فَقَدْ جُعِلَتْ لَهُ مَسْجِدًا وَطَهْرًا، وَنُصِرْتُ بِالرُّعْبِ مَسِيرَةَ شَهْرٍ يَسِيرُ بَيْنَ يَدَيَّ، وَأُحِلَّتْ لَأُمَّتِي الْغَنَائِمُ، وَأُرْسِلَتْ إِلَيَّ النَّاسُ كَافَّةً. (٧)

٣٢٤١. وَعَنِ أَبِي اسَامَةَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَرْبَعَةٌ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: عَاقٌ، وَمَنِيَّانٌ، وَمُكَذِّبٌ بِالْقَدْرِ (٨)، وَمُدْمِنٌ خَمْرٍ. (٩)

٣٢٤٢. وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: خَطَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَرْبَعَ خُطَطٍ فِي الْأَرْضِ، وَقَالَ: أَتَدْرُونَ مَا هَذَا؟ فَقُلْنَا: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ، وَفَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ، وَمَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ، وَأَسِيَّةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ امْرَأَةُ فِرْعَوْنَ. (١٠)

٣٢٤٣. وَقَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي وَصِيَّتِهِ لِعَلِيِّ: يَا عَلِيُّ، أَرْبَعَةٌ مِنْ قَوَاصِمِ الظُّهْرِ (١١): إِمَامٌ يَعَصِي اللَّهَ وَيُطَاعُ امْرَأَهُ، وَزَوْجَةٌ يَحْفَظُهَا زَوْجُهَا وَهِيَ تَخُونُهُ، وَفَقْرٌ لَا يَجِدُ صَاحِبَهُ لَهُ مُدَاوِيًا، وَجَارٌ سَوِيءٌ فِي دَارٍ مُقَامٍ. (١٢)

ص: ١١٠

١- . أي أحسن إليك من بدو انعقاد نطفتك، فتعرف بذلك عطفه ورحمته وإحسانه؛ فيلزمك شكره.

٢- . الخصال، ص ٢٣٩، ح ٨٧.

٣- . أي بتقدير الله.

٤- . الخصال، ص ١٩٨، ح ٨.

٥- . قيل: لما فيهما - أي هود والواقعه - من أهوال يوم القيامة، والمثلاث بالنوازل بالأمم الماضية. والحديث مروى في نور الثقلين في أول سورة هود عن الخصال. والعله المذكوره مشتركه بين السور الأربعة.

٦- . الخصال، ص ١٩٩، ح ١٠.

٧- . الخصال، ص ٢٠١، ح ١٤.

٨- . هم المفوضه الذين يقولون إن الله فوض أعمال العباد إليهم ليس له فيها المشيئه، ويقال لهم القدرية.

- ٩- . الخصال، ص ٢٠٣، ح ١٨.
- ١٠- . الخصال، ص ٢٠٥، ح ٢٢.
- ١١- . القَصْمُ: كسرُ الشيء وإبانتُه (النهايه: ٧٤/٤). وقد يستعار للبلايا المُهلكه.
- ١٢- . الخصال، ص ٢٠٦، ح ٢٤.

۳۲۳۷. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: اساس ایمان چهار چیز است: خدای خود را بشناسی. بدانی با تو چه کرده است [چه نیروهایی در تو به ودیعت نهاده و خلقت تو را کامل ترین قرار داده است] بدانی از تو چه می خواهد. بدانی چه چیزی تو را از دین خارج می کند.

۳۲۳۸. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: انسان تا به چهار چیز ایمان نیاورد مؤمن نیست: شهادت به یگانگی خداوند و شهادت به اینکه من رسول خدا هستم و مرا به حق مبعث کرد. و ایمان به عالم بعد از مرگ. و ایمان به قضا و قدر.

۳۲۳۹. ابوبکر گفت: یا رسول الله زود پیر شدید. حضرت فرمودند: سوره های هود و واقعه و المرسلات و عمّ یتسائلون مرا پیر کرد.

۳۲۴۰. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند چهار امتیاز به من داده است: زمین را برایم سجده گاه و پاک کننده قرار داده و هر کس از امت من بخواهد نماز بپا دارد و آب پیدا نکند روی زمین تیمم کند و سجده کند. خداوند مرا با ترس در قلب دشمنانم یاری کرده است به هر طرف حرکت کنم به اندازه مسیر یک ماه جلوتر ترس در دلها می افتد. غنائم جنگی برای امت من حلال است. مرا پیامبر برای همه مردم قرار داده است.

۳۲۴۱. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند در قیامت به چهار گروه نظر نمی کند: عاق پدر و مادر. کسی که به دیگران منت نهد. کسی که قضا و قدر را تکذیب کند. شراب خوار.

۳۲۴۲. ابن عباس گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله روی زمین چهار خط کشید و فرمود: آیا می دانید اینها چیست؟ گفتیم: خدا و رسولش می دانند.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: بهترین زنان اهل بهشت خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر محمد و مریم دختر عمران و آسیه دختر مزاحم همسر فرعون هستند.

۳۲۴۳. پیامبر صلی الله علیه و آله در وصیت فرمودند: یا علی، چهار چیز پشت انسان را می شکند: پیشوای گناهکار که مردم از او اطاعت کنند. و زنی که شوهرش از او مراقبت کند ولی او به شوهر خیانت کند. فقری که راه حل نداشته باشد. همسایه بد در محل سکونت.

٣٢٤٤. وَعَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ النَّبِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ: يَا عَلِيُّ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَشْرَفَ عَلَى الدُّنْيَا فَاخْتَارَنِي مِنْهَا عَلَى رِجَالِ الْعَالَمِينَ، ثُمَّ أَطَّلَعَ الثَّانِيَةَ فَاخْتَارَكَ عَلَى رِجَالِ الْعَالَمِينَ بَعْدِي، ثُمَّ أَطَّلَعَ الثَّالِثَةَ فَاخْتَارَ الْأَيْمَةَ مِنْ وُلْدِكَ عَلَى رِجَالِ الْعَالَمِينَ بَعْدَكَ، ثُمَّ أَطَّلَعَ الرَّابِعَةَ فَاخْتَارَ فَاطِمَةَ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ. (١)

٣٢٤٥. وَعَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ: يَا عَلِيُّ، إِنِّي رَأَيْتُ اسْمَكَ مَقْرُونًا إِلَى اسْمِي فِي أَرْبَعِ مَوَاطِنَ، فَأَنْسَتْ بِالنَّظَرِ إِلَيْهِ: إِنِّي لَمَّا بَلَغْتُ بَيْتَ الْمَقْدِسِ فِي مِعْرَاجِي إِلَى السَّمَاءِ وَجَدْتُ عَلَى صِيخَرِهِ مَكْتُوبًا: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، أَيَّدْتُهُ بِوَزِيرِهِ، وَنَصَرْتُهُ بِوَزِيرِهِ، فَقُلْتُ لِجَبْرَائِيلَ: مَنْ وَزِيرِي؟ فَقَالَ: عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ.

فَلَمَّا انْتَهَيْتُ إِلَى سِدْرِهِ الْمُتَنَهَى وَجَدْتُ مَكْتُوبًا عَلَيْهَا: إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا وَحْدِي، مُحَمَّدٌ صِيْفُوتِي مِنْ خَلْقِي، أَيَّدْتُهُ بِوَزِيرِهِ، وَنَصَرْتُهُ بِوَزِيرِهِ، فَقُلْتُ لِجَبْرَائِيلَ: مَنْ وَزِيرِي؟ فَقَالَ: عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

فَلَمَّا جَاوَزْتُ السُّدْرَةَ انْتَهَيْتُ إِلَى عَرْشِ رَبِّ الْعَالَمِينَ جَلَّ جَلَالُهُ، فَوَجَدْتُ مَكْتُوبًا عَلَى قَوَائِمِهِ:

أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا وَحْدِي، مُحَمَّدٌ حَبِيبِي، أَيَّدْتُهُ بِوَزِيرِهِ، وَنَصَرْتُهُ بِوَزِيرِهِ.

فَلَمَّا رَفَعْتُ رَأْسِي نَظَرْتُ إِلَى بُطْنَانِ الْعَرْشِ (٢) مَكْتُوبًا: أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا، مُحَمَّدٌ عَبْدِي وَرَسُولِي، أَيَّدْتُهُ بِوَزِيرِهِ، وَنَصَرْتُهُ بِوَزِيرِهِ. (٣)

٣٢٤٦. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَانَ فِي نَوْرِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ: مَنْ كَانَتْ عِصْمَةُ أَمْرِهِ شَهَادَةً أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَتَى رَسُولُ اللَّهِ، وَمَنْ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا: إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، وَمَنْ إِذَا أَصَابَ خَيْرًا قَالَ:

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَمَنْ إِذَا أَصَابَتْهُ خَطِيئَةٌ قَالَ: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ. (٤)

٣٢٤٧. وَرَوَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ لِأَصْحَابِهِ: أَلَا اخْبِرُكُمْ بِشَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ فَعَلْتُمُوهُ تَبَاعَدَ الشَّيْطَانُ مِنْكُمْ كَمَا تَبَاعَدَ الْمَشْرِقُ مِنَ الْمَغْرِبِ؟ قَالُوا: بَلَى، قَالَ: الصَّوْمُ يُسَوِّدُ وَجْهَهُ، وَالصَّدَقَةُ تَكْسِرُ ظَهْرَهُ،

ص: ١١٢

١- الخصال، ص ٢٠٧، ح ٢٥.

٢- من بطنان العرش: أي من وسطه. وقيل: من أصله. وقيل: البطانان جمع بطن؛ وهو الغامض من الأرض، يريد من دواخل العرش (النهاية: ١٣٧/١).

٣- الخصال، ص ٢٠٧، ح ٢٦.

٤- الخصال، ص ٢٢٢، ح ٤٩.

۳۲۴۴. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: یا علی؛ خدا نظری به دنیا انداخت و مرا بر همه مردم جهان برگزید.

بار دیگر نظر فرمود و تو را پس از من بر مردم عالم برگزید. و بار سوم نظر فرمود و امامان از نسل تو را بعد از تو بر مردم دنیا برگزید. بار چهارم نظر فرمود و فاطمه را بر زنان جهان برگزید.

۳۲۴۵. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: یا علی؛ در چهار جا اسم تو را در کنار اسم خودم دیدم و با دیدن آن انس گرفتم: زمانی که برای معراج حرکت می کردم به بیت المقدس رسیدم و دیدم بر صخره نوشته شده است: لا اله الا الله، محمد رسول الله، او را به کمک وزیرش یاری و پیروزی دادیم. از جبرئیل علیه السلام پرسیدم وزیر من کیست؟ گفت: علی بن ابیطالب علیه السلام.

زمانی که به سدره المنتهی رسیدم و دیدم بر آن نوشته شده است: همانا من خداوند یگانه هستم و جز من خدایی نیست، محمد برگزیده من از مخلوقات من است. او را به وزیرش یاری و نصرت دادم. به جبرئیل گفتم: وزیر من کیست؟ گفت: علی بن ابیطالب علیه السلام.

وقتی از سدره گذشتم و به عرش پروردگار عالم جل جلاله رسیدم دیدم بر ستونهای عرش نوشته است: من خدای یگانه هستم جز من خدایی نیست. محمد حبیب من است، او را به کمک وزیرش یاری و نصرت دادم.

زمانی که سرم را بلند کردم و وسط عرش را دیدم نوشته بود: من خداوند یگانه هستم. جز من خدایی نیست، محمد بنده و رسول من است، او را به وزیرش تأیید کردم و نصرت بخشیدم.

۳۲۴۶. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: چهار صفت در هر کس باشد او در نور خدای بزرگ بسر می برد: کسی که با شهادت لا-اله الا-الله و رسالت من از گناه دوری کند. کسی که هنگام مصیبت بگوید: انا لله و انا الیه راجعون [ما از خدا هستیم و بسوی او باز می گردیم]. کسی که هنگام رسیدن به نعمت بگوید: الحمد لله رب العالمین. کسی که اگر گناهی از او سر زد توبه کند و بگوید:

استغفر الله ربی و اتوب الیه.

۳۲۴۷. پیامبر صلی الله علیه و آله به یارانش فرمودند: آیا می خواهید کاری به شما بیاموزم که اگر انجام دهید شیطان به اندازه فاصله میان مشرق از مغرب از شما دور شود؟ گفتند: آری.

پیامبر فرمودند: روزه روی شیطان را سیاه می کند. و صدقه کمر او را می شکنند.

وَالْحُبُّ فِي اللَّهِ وَالْمُوازِرَةُ عَلَى الْعَمَلِ الصَّالِحِ يَقْطَعُ دَابِرَهُ، وَالْإِسْتِغْفَارُ يَقْطَعُ وَتِينَهُ (١). وَلِكُلِّ شَيْءٍ زَكَاةٌ وَزَكَاةُ الْأَبْدَانِ الصِّيَامُ. (٢)

٣٢٤٨. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ سَلِمَ مِنْ رِجَالِ أُمَّتِي مِنْ أَرْبَعِ خِصَالٍ فَلَهُ الْجَنَّةُ: مَنْ الدُّخُولِ فِي الدُّنْيَا، وَاتِّبَاعِ الْهَوَى، وَشَهْوَةِ الْبَطْنِ، وَشَهْوَةِ الْفَرْجِ.

وَمَنْ سَلِمَ مِنْ نِسَاءِ أُمَّتِي مِنْ أَرْبَعِ خِصَالٍ فَلَهَا الْجَنَّةُ: إِذَا حَفِظَتْ مَا بَيْنَ رِجْلَيْهَا، وَأَطَاعَتْ زَوْجَهَا، وَصَلَّتْ خَمْسَةَ صَلَاةٍ، وَصَامَتْ شَهْرَهَا. (٣)

٣٢٤٩. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - اخْتَارَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ أَرْبَعَةً:

اخْتَارَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ جِبْرَائِيلَ، وَمِيكَائِيلَ، وَإِسْرَافِيلَ، وَمَلَكَ الْمَوْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامَ.

وَاخْتَارَ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ أَرْبَعَةً لِلسَّيْفِ: إِبْرَاهِيمَ، وَدَاوُدَ، وَمُوسَى، وَأَنَا.

وَاخْتَارَ مِنَ الْبُيُوتِ أَرْبَعَةً: فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَنُوحًا وَعِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ».

وَاخْتَارَ مِنَ الْبُلْدَانِ أَرْبَعَةً: فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ: «وَالَّتَيْنِ وَالزَّيْتُونَ * وَطُورِ سَيْنِينَ * وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ»، فَالَّتَيْنِ: الْمَدِينَةُ، وَالزَّيْتُونَ: بَيْتُ الْمَقْدِسِ، وَطُورِ سَيْنِينَ: الْكُوفَةُ، وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ: مَكَّةُ.

وَاخْتَارَ مِنَ النِّسَاءِ أَرْبَعَةً: مَرْيَمَ، وَآسِيَةَ، وَخَدِيجَةَ، وَفَاطِمَةَ.

وَاخْتَارَ مِنَ الْحَجِّ أَرْبَعَةً: الْعَجَّةَ، وَالنَّجَّ، وَالْإِحْرَامَ، وَالطَّوْفَ؛ فَأَمَّا النَّجُّ: فَالنَّحْرُ، وَالْعَجَّةُ: ضَجِيجُ النَّاسِ بِالتَّلْبِيَةِ.

وَاخْتَارَ مِنَ الْأَشْهُرِ أَرْبَعَةً: رَجَبًا، وَشَوَّالًا، وَذَا الْقَعْدَةِ، وَذَا الْحِجَّةِ.

وَاخْتَارَ مِنَ الْأَيَّامِ أَرْبَعَةً: يَوْمَ الْجُمُعَةِ، وَيَوْمَ التَّرْوِيحِ، وَيَوْمَ عَرَفَةَ، وَيَوْمَ النَّحْرِ. (٤)

٣٢٥٠. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَرْبَعٌ يُمْتَنَ الْقَلْبُ: الدَّنْبُ عَلَى الدَّنْبِ، وَكَثْرَةُ مُنَاقَشَةِ النِّسَاءِ؛ يَعْنِي مُحَادَثَتَهُنَّ، وَمُمَارَاةَ الْأَحْمَقِ؛ يَقُولُ وَتَقُولُ وَلَا يَرْجِعُ إِلَى خَيْرٍ أَبَدًا، وَمُجَالَسَةُ الْمَوْتَى. فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا الْمَوْتَى؟ فَقَالَ: كُلُّ غَنِيٍّ مُتَرَفٍّ. (٥)

ص: ١١٤

١- . الوتين: عرق في القلب إذا انقطع مات صاحبه (النهاية: ١٥٠/٥).

٢- . الكافي، ج ٤، ص ٦٢، ح ٢.

٣- . الخصال، ص ٢٢٣، ح ٥٤.

٤- . الخصال، ص ٢٢٥، ح ٥٨.

٥- . الخصال، ص ٢٢٨، ح ٦٥.

و دوستی در راه خدا و همکاری در کار خیر ریشه او را قطع می کند. و استغفار رگ قلب او را قطع می کند. و هر چیز زکات دارد زکات بدن روزه است.

۳۲۴۸. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: هر مردی از امت من از چهار خصلت ایمن باشد بهشت پاداش اوست:

فرو رفتن در دنیا، و پیروی از خواهش نفسانی و شکم پرستی، و شهوترانی.

و هر زنی از امت من چهار خصلت داشته باشد بهشت پاداش اوست: حفظ عفت و پاکدامنی، اطاعت شوهر، نمازهای پنج گانه، روزه ماه رمضان.

۳۲۴۹. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند تبارک و تعالی از هر چیز چهار مورد را برگزید: از فرشتگان جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل را برگزید.

از پیامبران چهار نفر را برای غلبه برگزید: ابراهیم و داود و موسی و من.

از خاندان ها چهار مورد برگزید و فرمود: خدا آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر عالمیان برگزید.

از شهرها چهار مورد برگزید و فرمود: والتّین والزیتون و طور سینین و هذا البلد الامین.

تین مدینه است، زیتون بیت المقدس و طور سینین کوفه و هذا البلد الامین مکه است.

از زنان چهار نفر برگزید: مریم و آسیه و خدیجه و فاطمه.

از حج چهار چیز برگزید: عَجّ و ثَجّ و احرام و طواف. ثج یعنی قربانی کردن شتر. عَجّ یعنی ضجه و ناله مردم هنگام لبیک گفتن.

از ماهها چهار ماه را برگزید: رجب، شوال، ذی قعدة و ذی حجه.

از روزها هم چهار روز را برگزید: جمعه و هشتم ذی حجه، نهم ذی حجه که روز عرفه است و دهم ذیحجه که عید قربان است.

۳۲۵۰. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: چهار چیز قلب را هلاک می کند: گناه روی گناه و گفتگوی زیاد با زنان و بحث کردن با احمق او بگوید و تو بگویی و هرگز به نتیجه نرسد. و همنشینی با مردگان.

پرسید: یا رسول الله مردگان چه کسانی هستند؟ فرمود: ثروتمندان عیاش.

٣٢٥١. وَعَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ: يَا عَلِيُّ، أَرْبَعَةٌ أَسْرَعُ شَيْءٌ عُقُوبَتُهُ: رَجُلٌ أَحْسَنَتْ إِلَيْهِ فَكَافَأَكَ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِ إِسَاءَةً، وَرَجُلٌ لَا تَبْغِي عَلَيْهِ وَهُوَ يَبْغِي عَلَيْكَ، وَرَجُلٌ عَاهَدْتَهُ عَلَى أَمْرٍ فَوَفَّيْتَهُ لَهُ وَعَدَرْتَهُ بِكَ، وَرَجُلٌ وَصَلَ قَرَابَتَهُ وَقَطَعُوهُ. (١)

٣٢٥٢. ثُمَّ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا عَلِيُّ، مَنْ اسْتَوْلَى عَلَيْهِ الصَّجْرُ رَحَلَتْ عَنْهُ الرَّاحَةُ. (٢)

٣٢٥٣. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَلْزَمُ الْحَقُّ لِأُمَّتِي فِي أَرْبَعٍ: يُحِبُّونَ التَّيَّابِ، وَيَرْحَمُونَ الضَّعِيفَ، وَيُعِينُونَ الْمُحْسِنَ، وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلْمُذْنِبِ. (٣)

٣٢٥٤. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: النَّسَاءُ أَرْبَعٌ: جَامِعٌ مُجْمِعٌ، وَرَبِيعٌ مُرْبِعٌ، وَكَرْبٌ مُقْمِعٌ، وَعُغْلٌ قَمْلٌ. (٤)

٣٢٥٥. (قَالَ ابْنُ بَابُوَيْهٍ رَحِمَهُ اللَّهُ): جَامِعٌ مُجْمِعٌ: أَي كَثِيرُهُ الْخَلْفِ مُخَصَّصَةٌ، وَرَبِيعٌ مُرْبِعٌ: الَّتِي فِي حَجْرِهَا وَلَمْدٌ وَفِي بَطْنِهَا آخِرٌ، وَكَرْبٌ مُقْمِعٌ: أَي سَيِّئَةُ الْخُلُقِ مَعَ زَوْجِهَا، وَعُغْلٌ قَمْلٌ: أَي هِيَ عِنْدَ زَوْجِهَا كَالْعُغْلِ الْقَمْلِ، وَهُوَ عُغْلٌ مِنْ جِلْدٍ يَقَعُ فِيهِ الْقَمْلُ فَيَأْكُلُهُ وَلَا يَتَهَيَّأُ لَهُ أَنْ يَحُلَّ مِنْهُ شَيْءٌ. وَهُوَ مَثَلٌ لِلْعَرَبِ. (٥)

٣٢٥٦. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَرْبَعٌ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ: الْعِطْرُ، وَالنِّسَاءُ، وَالسُّوَاكُ، وَالْحِنَاءُ. (٦)

٣٢٥٧. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَلَامَاتُ الشَّقَاءِ: جُمُودُ الْعَيْنِ، وَقَسْوَةُ الْقَلْبِ، وَشِدَّةُ الْحَرِصِ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ، وَالْإِصْرَارُ عَلَى الذَّنْبِ. (٧)

٣٢٥٨. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا عَلِيُّ لَا تُمَاسِكْ فِي أَرْبَعِ أَشْيَاءَ: فِي شِرَاءِ الْأُضْحِيَّةِ، وَالْكَفَنِ، وَالنَّسَمَةِ (٨)، وَالْكَرَاءِ إِلَى مَكَّةَ. (٩)

٣٢٥٩. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لِلْمَرِيضِ أَرْبَعُ خِصَالٍ: يُرْفَعُ عَنْهُ الْقَلَمُ، وَيَأْمُرُ اللَّهُ الْمَلَكَ فَيَكْتُبُ كُلَّ فَضْلٍ كَانَ يَعْمَلُهُ فِي صِحَّتِهِ، وَيَتَّبِعُ مَرَضُهُ كُلَّ غَضُوٍّ مِنْ جَسَدِهِ فَيَسْتَخْرِجُ ذُنُوبَهُ مِنْهُ؛ فَإِنْ مَاتَ مَاتَ مَغْفُورًا لَهُ، وَإِنْ عَاشَ عَاشَ مَغْفُورًا لَهُ. (١٠)

ص: ١١٦

١- الخصال، ص ٢٣٠، ح ٧٢.

٢- الخصال، ص ٢٣٠، ح ٧٢.

٣- الخصال، ص ٢٣٩، ح ٨٨.

٤- الخصال، ص ٢٤١، ح ٩٢.

٥- الخصال، ص ٢٤١، ح ٩٢.

٦- الخصال، ص ٢٤٢، ح ٩٣.

٧- الخصال، ص ٢٤٣، ح ٩٦.

٨- . النَّسْمَةُ: الْإِنْسَانُ، وَتُطْلَقُ عَلَى الْمَمْلُوكِ، ذَكَرًا كَانَ أَوْ أُنْثَى (مَجْمَعُ الْبَحْرِينَ: ٣٠٦/٤).

٩- . الْخِصَالُ، ص ٢٤٥، ح ١٠٣.

١٠- . الدَّعَوَاتُ، ص ١٦٣، ح ٤٥٠.

۳۲۵۱. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: یا علی؛ کیفر چهار کس به سرعت می رسد: کسی که به او نیکی کردی در مقابل بدی کرد. کسی که به او ظلم نکنی و او به تو ظلم کند. کسی که با او عهد و پیمان بسته ای و تو وفا کنی او وفا نکند. کسی که با خویشان صله رحم کند ولی آنان با او قطع رابطه کنند.

۳۲۵۲. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: یا علی؛ کسی که کم تحمّلی بر او غلبه کند آرامش از کف بدهد.

۳۲۵۳. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: امت من چهار حق را رعایت کنند: توبه کننده را دوست دارند. و بر ضعیف ترحم کنند. و به نیکوکار یاری دهند. و برای گناهکار استغفار کنند.

۳۲۵۴. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: زنان چهار گروهند: زن پر خیر و خوش روزی. زن شیر ده که بلافاصله باردار شود. بد اخلاق و بد رفتار با شوهر. آزار دهنده و مزاحم.

۳۲۵۵. ابن بابویه در شرح حدیث قبلی گوید: جامع مجمع یعنی زنی که روزی فراوان دارد. ربیع مربع یعنی زنی که یک بچه در دامن دارد و یک بچه در رحم. کرب مقمع یعنی بد اخلاق با شوهر. و غلّ و قمل یعنی زن نسبت به شوهرش مثل شپش است که به پوست انگل می شود و اذیت می کند.

۳۲۵۶. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: چهار چیز از سنت های پیامبران است: عطر، ازدواج، مسواک و حناء.

۳۲۵۷. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: بدبختی چهار علامت دارد: خشکی چشم [گریه نکند]، سنگدلی، حرص و طمع زیاد برای بدست آوردن روزی. اصرار بر گناه.

۳۲۵۸. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: یا علی؛ در چهار چیز چانه نزن: خرید قربانی، خرید کفن، غلام و کرایه سفر مکه.

۳۲۵۹. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: بیمار چهار ویژگی دارد: تکلیفش آسان است. خداوند به فرشتگان دستور می دهد عبادتی که در سلامتی انجام می داده برایش بنویسند. بیماری در هر عضو باشد گناه آن عضو بخشیده می شود. پس اگر بمیرد، آمرزیده شود. و اگر زنده بماند گناهِش بخشیده شده است.

٣٢٦٠. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا تَزُولُ قَدَمَا عَبْدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يُسْأَلَ عَنِ أَرْبَعٍ: عَنِ عُمُرِهِ فِيمَا أَفْنَاهُ، وَعَنِ شَبَابِهِ فِيمَا أَبْلَاهُ، وَعَنِ مَالِهِ مِنْ أَيْنَ كَسَبَهُ وَفِيمَا أَنْفَقَهُ، وَعَنِ حُبِّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ. (١)

٣٢٦١. وَعَنْ بُرَيْدَةَ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَمَرَنِي بِحُبِّ أَرْبَعَةٍ مِنْ أَصْحَابِي وَأَخْبَرَنِي أَنَّهُ يُحِبُّهُمْ، فَقُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَمَنْ هُمْ؟ فَكُنَّا نَحِبُّ أَنْ نَكُونَ مِنْهُمْ، فَقَالَ: أَلَا- إِنَّ عَلِيًّا مِنْهُمْ، ثُمَّ سَكَتَ، ثُمَّ قَالَ: أَلَا إِنَّ عَلِيًّا مِنْهُمْ، وَأَبُو ذَرٍّ، وَسَلْمَانَ الْفَارِسِيُّ، وَالْمِقْدَادُ بْنُ الْأَسْوَدِ الْكِنْدِيُّ. (٢)

٣٢٦٢. وَعَنِ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنِ آبَائِهِ، عَنِ عَلِيِّ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، قَالَ: شَكَوتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَسِيدًا مَنْ يَحْسِدُنِي، فَقَالَ:

يَا عَلِيُّ، أَمَا تَرْضَى أَنْ أَوَّلَ أَرْبَعَةٍ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ أَنَا وَأَنْتَ، وَذَرَارِينَا (٣) خَلَفَ ظُهُورِنَا، وَشِيعَتُنَا عَنِ أَيْمَانِنَا وَعَنِ شِمَائِلِنَا؟ (٤)

٣٢٦٣. وَرَوَتْ الْعَامَّةُ هَذَا الْحَدِيثَ عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: شَكَوتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَسَدَ النَّاسِ لِي، فَقَالَ: أَمَا تَرْضَى أَنْ تَكُونَ رَابِعَ أَرْبَعَةٍ أَوَّلَ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ؟ أَنَا وَأَنْتَ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ، وَأَزْوَاجُنَا عَنِ أَيْمَانِنَا وَشِمَائِلِنَا، وَذُرِّيَّتُنَا خَلَفَ أَزْوَاجِنَا؟ (٥)

٣٢٦٤. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَرْبَعَةٌ يَخْرُجُونَ مِنَ الْقُبُورِ وَيَدْخُلُونَ فِي النَّارِ بِغَيْرِ حِسَابٍ: النَّائِمُونَ فِي الْعَدَاةِ، وَالْغَافِلُونَ فِي الْعَشِيَّاتِ (٦)، وَالْمَانِعُونَ الزَّكَاةَ، وَالْمُصْرُونَ فِي السَّيِّئَاتِ. (٧)

٣٢٦٥. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَرْبَعَةٌ قَلِيلُهَا كَثِيرٌ: الْفَقْرُ، وَالْوَجْعُ، وَالْعَدَاوَةُ، وَالنَّارُ. (٨)

٣٢٦٦. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: قِيَامُ الدِّينِ أَرْبَعَةٌ: عَالِمٌ مُسْتَعْمِلٌ لِعِلْمِهِ، وَجَاهِلٌ لَا يَسْتَنْكِفُ أَنْ يَتَعَلَّمَ، وَجَوَادٌ لَا يَمُنُّ بِمَعْرُوفِهِ، وَفَقِيرٌ لَا يَبِيعُ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاهُ.

وَرَوَتْ الْعَامَّةُ مِثْلَ هَذَا، وَسَيَجِيءُ. (٩)

٣٢٦٧. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: سَوْءُ الْخُلُقِيِّ سُؤْمٌ، وَطَاعَةُ الْمَرْأَةِ نَدَامَةٌ، وَحُسْنُ الْمَلَكَهَ بِهَاءٍ (١٠)، وَالصَّدَقَةُ تَمْنَعُ مِيتَةَ السُّوءِ. (١١)

ص: ١١٨

١- . الخصال، ص ٢٥٣، ح ١٢٥.

٢- . الخصال، ص ٢٥٤، ح ١٢٧.

٣- . جمع ذرّيته.

٤- . الخصال، ص ٢٥٤، ح ١٢٨.

٥- . تفسير القرطبي، ج ١٦، ص ٢٢.

- ٦- . المراد من يترك صلاتي الفجر والعشاء.
- ٧- . في مصادر أهل السنّه: ينايع الموده، ج ٢، ص ٢٤٣.
- ٨- . ينايع الموده، ج ٢، ص ٢٤٣.
- ٩- . ينايع الموده، ج ٢، ص ٢٥٠.
- ١٠- . يقال: فلان حسن المملكه: إذا كان حسن الصنيع إلى ممالكه، وسيئ الملكه أى الذى يسىء صحبه الممالك (النهايه: ٣٥٨/٤).
- ١١- . تفسير القرطبي، ج ٥، ص ١٩١. لم يرد فى مصادر الشيعة سوى صدر الحديث. من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٣٦٤.

۳۲۶۰. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: روز قیامت کسی قدم از قدم بر نمی دارد تا چهار سؤال از او پرسند: عمر را در چه راهی مصرف کردی؟ جوانی را چگونه گذراندی؟ مال خود را از چه راهی بدست آوردی و در چه راهی مصرف کردی؟ از محبت ما اهل بیت علیهم السلام؟

۳۲۶۱. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند به من دستور داد چهار نفر از اصحاب خود را دوست داشته باشم و خبر داد که خود آنها را دوست می دارد. پرسیدند: یا رسول الله آنها کیستند؟ همه دوست داشتیم از آنها باشیم. حضرت فرمودند: علی از آنهاست. ساکت شدند دوباره فرمودند:

علی از آنهاست و ابوذر و سلمان فارسی و مقداد بن اسود کندی.

۳۲۶۲. علی علیه السلام فرمود: از حسد کسانی که به من حسادت می کردند به پیامبر شکایت کردم.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: یا علی؛ تو خرسند نیستی که اولین چهار گروهی که وارد بهشت می شوند من و تو هستیم و فرزندانمان پشت سرما و شیعیان در طرف راست و چپ ما هستند؟

۳۲۶۳. این روایت را اهل سنت هم چنین نقل کرده اند: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند [در جواب شکایت حضرت علی علیه السلام از حسودان]: آیا خشنود نیستی از اینکه تو چهارمین نفر از اولین گروهی که وارد بهشت می شوند هستی. من و تو و حسن و حسین. و همسران ما از راست و چپ و فرزندان نسل ما در پی همسران ما.

۳۲۶۴. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: چهار کس از قبر خارج می شوند و بدون حساب به دوزخ می روند: آنان که صبح بخوابند [نماز صبح را از دست بدهند]. آنانکه شب در غفلت باشند [نماز عشاء را از دست بدهند]. کسانی که زکات ندهند. کسانی که بر گناه کردن اصرار ورزند.

۳۲۶۵. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: چهار چیز اندکش بسیار است: فقر، درد، دشمنی، آتش.

۳۲۶۶. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: پایداری دین بر چهار چیز استوار است: عالمی که به عمل خود عمل کند. و جاهلی که از یاد گرفتن خودداری نکند. و سخاوتمندی که منت نگذارد. و فقیری که آخرت خود را به دنیا نفروشد.

۳۲۶۷. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: بد رفتاری شوم است. اطاعت از زن پشیمانی دارد. خوب سرپرستی کردن شخصیت می آورد. صدقه از مرگ بد جلوگیری می کند.

٣٢٦٨. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الرَّجَالُ أَرْبَعَةٌ: سَخِيٌّ، وَكَرِيمٌ، وَبَخِيلٌ، وَلَثِيمٌ؛ فَالسَّخِيُّ الَّذِي يَأْكُلُ وَيُعْطَى، وَالكَرِيمُ الَّذِي لَا يَأْكُلُ وَيُعْطَى، وَالْبَخِيلُ الَّذِي يَأْكُلُ وَلَا يُعْطَى، وَاللَّثِيمُ الَّذِي لَا يَأْكُلُ وَلَا يُعْطَى.

٣٢٦٩. وَعَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، قَالَ: أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ أَوْ كَانَتْ فِيهِ وَاحِدَةٌ مِنْهُنَّ كَانَتْ فِيهِ خَصَلَةٌ مِنَ النُّفَاقِ حَتَّى يَدْعَهَا: مَنْ إِذَا حَدَّثَ كَذَبَ، وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ، وَإِذَا عَاهَدَ غَدَرَ، وَإِذَا خَاصَمَ فَجَرَ (١). (٢).

ص: ١٢٠

١- . فجَرَ الحَالْفُ: كَذَبَ وَمَالَ عَنِ الصَّدَقِ. وَيَحْمَلُ الْفَجُورَ هُنَا عَلَى الْبُذَاءِ، وَالْفَحْشَى فِي الْقَوْلِ، وَالْبَهْتِ عِنْدَ الْخُصُومِ (مَجْمَعُ الْبَحْرِينَ: ٣/٣٦٥).

٢- . الْخُصَالُ، ص ٢٥٤، ح ١٢٩.

۳۲۶۸. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: مردان چهار گروه هستند: سخی، کسی است که می خورد و می بخشد.

کریم، کسی است که نمی خورد و می بخشد. بخیل کسی که می خورد و نمی بخشد. لئیم، کسی که نمی خورد و نه می بخشد.

۳۲۶۹. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: چهار خصلت است که اگر یکی از آنها در وجود کسی باشد شعبه ای از نفاق است تا زمانی که آن را ترک کند: کسی که هنگام سخن گفتن دروغ بگوید. زمانی که وعده دهد تخلف کند. زمانی که عهد بندد نیرنگ کند. و هنگام دشمنی کردن مرتکب گناه شود.

ص: ۱۲۱

الفصل الثاني: مِمَّا رَوَتْهُ الْعَامَّةُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

٣٢٧٠. قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: قَامَتِ الدُّنْيَا بِأَرْبَعَةٍ: بِعَالِمٍ يَسْتَعْمِلُ عِلْمَهُ، وَبِعِنِّي لَا يَبْخُلُ بِمَالِهِ، وَبِجَاهِلٍ لَا يَسْتَنْكِفُ عَنِ التَّلُّمِ، وَبِفَقِيرٍ لَا يَبِيعُ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاةٍ. (١)

٣٢٧١. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَفْضَلُ الْكَلَامِ أَرْبَعٌ: سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ. (٢)

٣٢٧٢. وَفِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: أَحَبُّ الْكَلَامِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى أَرْبَعٌ: سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ؛ لَا يَضُرُّكَ بِأَيِّهِنَّ بَدَأْتَ. (٣)

٣٢٧٣. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى وَضَعَ أَرْبَعًا فِي أَرْبَعٍ: بَرَكَهَ الْعِلْمِ فِي تَعْظِيمِ الْأَسْتَاذِ، وَبَقَاءَ الْإِيمَانِ فِي تَعْظِيمِ اللَّهِ، وَلَذَّةَ الْعَيْشِ فِي بِرِّ الْوَالِدَيْنِ، وَالنَّجَاةَ مِنَ النَّارِ فِي تَرْكِ إِذْيَاءِ الْخَلْقِ.

٣٢٧٤. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَرْبَعَةٌ يُبْغِضُهُمُ اللَّهُ تَعَالَى: الْبَيْعُ الْحَلَّافُ، وَالْفَقِيهُ الْمُخْتَالُ، وَالشَّيْخُ الزَّانِي، وَالْإِمَامُ الْجَائِزُ. (٤)

٣٢٧٥. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ كَانَتْ فِيهِ أَرْبَعٌ خِصَالٍ بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ: مَنْ كَانَتْ عِصْمَةُ أَمْرِهِ شَهَادَةً أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَإِذَا أَصَابَتْهُ نِعْمَةٌ حَمِدَ اللَّهَ، وَإِذَا أَذِنَتْ ذَنْبًا اسْتَغْفَرَ اللَّهَ، وَإِذَا أَصَابَتْهُ مُصِيبَةٌ اسْتَرْجَعَ اللَّهَ. (٥)

٣٢٧٦. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَرْبَعَةٌ يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيُرَكِّبُهُمْ: مَنْ فَرَّجَ عَن لَهْفَانٍ (٦) كُرْبَةً (٧)، وَمَنْ أَعْتَقَ نَسَمَةً مُؤْمِنَةً، وَمَنْ زَوَّجَ عَزْبًا، وَمَنْ حَجَّ صَرُورَةً (٨). (٩)

ص: ١٢٢

١- . شرح نهج البلاغة، ج ١٩، ص ٣٠٣، ح ٣٧٨ عن الإمام علي عليه السلام.

٢- . صحيح البخاري، ج ٧، ص ٢٢٩.

٣- . السنن الكبرى، ج ٦، ص ٢١١، ح ١٠٨٢.

٤- . السنن الكبرى، ج ٢، ص ٤٦، ح ٢٣٥٧.

٥- . الشكر لله، ابن أبي الدنيا، ص ١٦٩، ح ٢٠١.

٦- . لهفان: المظلوم المضطر يستغيث ويتحسر (القاموس المحيط: ١٩٧/٣).

٧- . الكربة: الغم الذي يأخذ بالنفس (الصحاح: ٢١١/١).

٨- . الصروره: الذي لم يحج قط، وأصله من الصر: الحبس والمنع (النهاية: ٢٢/٣).

٩- . معدن الجواهر، ص ٣٩.

فصل دوم: روایاتی که اهل تسنن از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده اند

۳۲۷۰. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: دنیا بر چهار چیز استوار است: عالم به علم خود عمل کند. ثروتمندی که بخل نوزد. جاهلی که از یادگرفتن خودداری نکند. فقیری که آخرت را به دنیا نفروشد.

۳۲۷۱. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: بهترین سخن چهار جمله است: سبحان الله، والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر.

۳۲۷۲. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: محبوب ترین سخن نزد خدا چهار جمله است: سبحان الله، والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر و هر جمله را اول بگوئی اشکال ندارد.

۳۲۷۳. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند چهار چیز را در چهار چیز قرار داده است: برکت علم را در تعظیم استاد، و بقای ایمان را در تعظیم خدا، و لذت زندگی را در نیکی به پدر و مادر، و نجات از جهنم را در اذیت نکردن مردم.

۳۲۷۴. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند از چهار کس متنفر است. فروشنده ای که زیاد قسم می خورد و فقیه متکبر و پیرمرد زنا کار و فرمانروای ستمگر.

۳۲۷۵. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که چهار خصلت داشته باشد خدا برایش قصری در بهشت بنا می نهد: کسی که با شهادت به یگانگی خدا از گناه دوری کند. و هنگام برخورداری از نعمت خدا را شکر کند. و هنگام گرفتاری به گناه توبه کند. و هنگام مصیبت بگوید: انا لله و انا الیه راجعون.

۳۲۷۶. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند در قیامت به چهار کس نظر می کند و آنها را پاک می فرماید:

کسی که غصه ای را از دلی دور کند. و کسی که مؤمنی را آزاد کند. کسی که به جوانی مجرد همسر دهد [اسباب ازدواج او را مهیا کند]. و کسی که بار اول به حج برود.

٣٢٧٧. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَرْبَعٌ مَنْ عَمِلَ بِهِنَّ أَجْرَى اللَّهُ لَهُ نَهْرًا فِي الْجَنَّةِ: مَنْ أَصْبَحَ صَائِمًا، وَعَادَ مَرِيضًا، وَشَبَّعَ جَنَازَةً، وَتَصَدَّقَ عَلَى مَسْكِينٍ. (١)

٣٢٧٨. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ لَمْ يَهْلِكْ (٢) عَلَى اللَّهِ بَعْدَهُنَّ إِلَّا هَالِكٌ: يَهُمُّ الْعَبْدُ بِالْحَسَنَةِ لِيَعْمَلَهَا؛ فَإِنْ هُوَ لَمْ يَعْمَلَهَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حَسَنَةً بِحَسَنَتَيْهِ، وَإِنْ هُوَ عَمِلَهَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عَشْرًا، وَيَهُمُّ بِالسَّيِّئَةِ؛ فَإِنْ لَمْ يَعْمَلَهَا لَمْ يُكْتَبْ عَلَيْهِ شَيْءٌ، فَإِنْ عَمِلَهَا أَجَلَ سَبْعِ سَاعَاتٍ، وَقَالَ صَاحِبُ الْحَسَنَاتِ لِصَاحِبِ السَّيِّئَاتِ - وَهُوَ صَاحِبُ الشَّمَالِ -: لَا تَعْجَلْ عَسَى أَنْ يُتْبِعَهَا بِحَسَنَةٍ تَمَحُّوَهَا؛ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: «إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ»، فَإِنْ قَالَ: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ» لَمْ يُكْتَبْ عَلَيْهِ شَيْءٌ، وَإِنْ مَضَتْ سَبْعُ سَاعَاتٍ وَلَمْ يُتْبِعَهَا بِحَسَنَةٍ وَلَا اسْتَغْفَرَ قَالَ صَاحِبُ الْحَسَنَاتِ لِصَاحِبِ السَّيِّئَاتِ: اكْتُبْ عَلَى الشَّقِيِّ الْمَحْرُومِ. (٣)

٣٢٧٩. وَعَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: اتَّقُوا اللَّهَ فِي الرِّيَاءِ؛ فَإِنَّهُ شَرِكٌ بِاللَّهِ؛ لِأَنَّ الْمُرَائِي يُدْعَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِأَرْبَعَةِ أَسْمَاءٍ: يَا كَافِرُ! يَا فَاجِرُ! يَا غَادِرُ! يَا خَاسِرُ! حَبِطَ عَمَلُكَ، وَبَطَلَ أَجْرُكَ، وَلَا خَلَقَ (٤) لَكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَالْتَمِسْ أَجْرَكَ مِمَّنْ كُنْتَ تَعْمَلُ لَهُ. (٥)

٣٢٨٠. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَرْبَعٌ مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ: زَوْجَةٌ صَالِحَةٌ، وَوَلَدٌ أَبْرَارٌ، وَخُلَطَاءٌ (٦) صَالِحُونَ، وَمَعِيشَةٌ فِي بِلَادِهِ. (٧)

٣٢٨١. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَلَامَةُ الشَّقَاوَةِ أَرْبَعَةٌ: نِسْيَانُ الذُّنُوبِ الْمَاضِيَةِ وَهِيَ عِنْدَ اللَّهِ مَحْفُوظَةٌ، وَذِكْرُ الْحَسَنَاتِ الْمَاضِيَةِ وَلَا يَدْرِي قُبِلَتْ أَوْ رُدَّتْ، وَنَظَرُهُ إِلَى مَنْ هُوَ فَوْقَهُ فِي الدُّنْيَا، وَإِلَى مَنْ هُوَ دُونَهُ فِي الدِّينِ.

وَعَلَامَةُ السَّعَادَةِ أَرْبَعَةٌ: ذِكْرُ الذُّنُوبِ الْمَاضِيَةِ، وَنِسْيَانُ الْحَسَنَاتِ الْمَاضِيَةِ، وَنَظَرُهُ إِلَى مَنْ هُوَ فَوْقَهُ فِي الدِّينِ، وَإِلَى مَنْ هُوَ دُونَهُ فِي الدُّنْيَا.

ص: ١٢٤

- ١- . معدن الجواهر، ص ٣٩.
- ٢- . الهلاك في قوله: «يهلك» بمعنى الخسران واستحقاق العقاب، وفي قوله: «هالك» بمعنى الضلال والشقاوة الجبليته، وتعديته بكلمه «على» إما بتضمين معنى الورود؛ أى لم يهلك حين وروده على الله، أو معنى الاجترأ؛ أى مجترئاً على الله، أو معنى العلو والرفعه؛ كأن من يعصيه تعالى يترفع عليه ويخاصمه، ويحتمل أن يكون «على» بمعنى فى (مرآة العقول: ٢٩٤/١١).
- ٣- . الكافي، ج ٢، ص ٤٢٩، ح ٤.
- ٤- . الخلاق: الحظ والنصيب (النهاية: ٧٠/٢).
- ٥- . معانى الأخبار، ص ٣٤١، ح ١.
- ٦- . الخلطاء: الشركاء، وهو جمع خليط بمعنى الشريك (مجمع البحرين: ٦٨٢/١).
- ٧- . الجامع الصغير، ج ١، ص ١٤١، ح ٩٢٠.

۳۲۷۷. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: چهار عمل است که هر کس انجام دهد خداوند برایش نهری در بهشت جاری می کند: روزه گرفتن، عیادت از مریض، تشییع جنازه، و صدقه به فقیر.

۳۲۷۸. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند چهار لطف به بندگان فرموده که با وجود آن کسی جز تبهکار هلاک نشود: کسی که به کار خیر همت گمارد اگر موفق به انجام نشد خداوند برای نیت او یک ثواب بدهد. و اگر انجام دهد خداوند ده ثواب بدهد.

کسی که به گناه همت گمارد اگر انجام نداد چیزی ننویسد و اگر انجام داد تا هفت ساعت مهلت می دهد که توبه کند. فرشته جمع آوری حسنات به فرشته جمع آوری گناهان می گوید: عجله نکن شاید کاری بکند که زشتی گناه را محو کند. خداوند می فرماید:

«نیکی بدی ها را از بین می برد». حال اگر توبه کرد به درگاه خداوند یگانه آگاه به غیب و شهادت خدای عزیز و حکیم و بخشنده و مهربان و صاحب جلال و کرامت، چیزی برای او نوشته نمی شود و اگر هفت ساعت گذشت و کار خیری انجام نداد و توبه نکرد فرشته خوبیها به فرشته مأمور گناهان می گوید: گناه این بنده بدبخت را ثبت کن.

۳۲۷۹. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: به خدا پناه ببرید از ریا که شرک به خداوند است. چون در قیامت ریاکار را به چهار نام صدا می زنند: ای کافر، ای گنه کار، ای خیانت کار، ای زیانکار. عمل تو ضایع شد و پاداش تو باطل گردید. و روز قیامت بهره ای نداری. و پاداش خود را از کسی بگیر که برای او عمل را انجام دادی.

۳۲۸۰. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: چهار چیز از سعادت مرد است: همسر خوب، فرزندان شایسته، دوستان صالح، شغل مناسب در وطن.

۳۲۸۱. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: چهار چیز نشانه بدبختی است: فراموشی گناهان گذشته در حالی که نزد خدا محفوظ است. یادآوری خوبیهای گذشته که انسان نمی داند قبول شده یا رد شده است. در امور دنیا به مافوق نظر کردن. و در امور دین به پائین تر از خود نظر کردن.

٣٢٨٢. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْخَلْقُ أَرْبَعَةٌ أَصْنَافٍ: الْمَلَائِكَةُ، وَالشَّيَاطِينُ، وَالْجِنُّ، وَالْإِنْسُ، ثُمَّ جَعَلَ الْأَصْنَافَ الْأَرْبَعَةَ عَشْرَةَ أَجْزَاءً؛ فَتَسَعَهُ مِنْهَا الْمَلَائِكَةُ وَجُزْءٌ مِنْهَا الشَّيَاطِينُ وَالْجِنُّ وَالْإِنْسُ، ثُمَّ جَعَلَ هَؤُلَاءِ الثَّلَاثَةَ: عَشْرَةَ أَجْزَاءً؛ فَتَسَعَهُ مِنْهَا الشَّيَاطِينُ وَجُزْءٌ وَاحِدٌ الْجِنُّ وَالْإِنْسُ، ثُمَّ جَعَلَ الْجِنُّ وَالْإِنْسُ عَشْرَةَ أَجْزَاءً؛ فَتَسَعَهُ مِنْهَا الْجِنُّ وَجُزْءٌ وَاحِدٌ الْإِنْسُ. (١)

٣٢٨٣. وَعَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: أَرْبَعَةٌ تُفْسِدُ (٢) الصَّوْمَ وَأَعْمَى أَلِ الْخَيْرِ: الْغِيْبَةُ، وَالْكَذِبُ، وَالنَّمِيمَةُ، وَالنَّظْرُ إِلَى الْأَجْنَبِيِّ. (٣)

٣٢٨٤. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الطَّعَامُ إِذَا اجْتَمَعَ فِيهِ أَرْبَعٌ خِصَالٍ فَقَدْ تَمَّ: إِذَا كَانَ مِنْ حَلَالٍ، وَكَثُرَتِ الْأَيْدِي، وَسُمِّيَ فِي أَوَّلِهِ، وَحَمِدَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي آخِرِهِ. (٤)

٣٢٨٥. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا فَرَّغَ أَحَدُكُمْ مِنَ التَّشَهُدِ الْآخِرِ فَلْيَتَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنْ أَرْبَعٍ: مِنْ عَذَابِ جَهَنَّمَ، وَمِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ، وَمِنْ شَرِّ الْمَسِيحِ (٥) الدَّجَالِ. (٦)

٣٢٨٦. وَعَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يُعَلِّمُهُمْ هَذَا الدُّعَاءَ كَمَا يُعَلِّمُهُمُ السُّورَةَ مِنَ الْقُرْآنِ؛ يَقُولُ: قَوْلُوا: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ جَهَنَّمَ، وَعَذَابِ الْقَبْرِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ: وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ.

وقيل: فِي الْمَسِيحِ الدَّجَالِ أَرْبَعَةٌ مَعَانٍ، قِيلَ: الْمَسِيحُ لَقَبُ الدَّجَالِ مَاخُوذٌ مِنْ مَسَاحِهِ الْأَرْضِ.

وقيل: الدَّجَالُ: الْكَذَّابُ. وقيل: مَمْسُوحُ الْعَيْنِ؛ أَيِ إِحْدَى عَيْنَيْهِ ذَاهِبَةٌ. وقيل: ابْعَدَ عَن كُلِّ خَيْرٍ. (٧)

٣٢٨٧. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَكْرَمُ الْبُيُوتِ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ أَرْبَعَةٌ: الْكَعْبَةُ، وَبَيْتُ الْمَقْدِسِ، وَبَيْتٌ يُقْرَأُ فِيهِ الْقُرْآنُ، وَالْمَسَاجِدُ؛ وَأَفْضَلُهَا مَسْجِدُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَسْجِدُ الْكُوفَةِ.

وَأَكْرَمُ الرِّجَالِ عِنْدَ اللَّهِ: الْأَنْبِيَاءُ، وَالْأَوْصِيَاءُ، وَالتَّائِبُونَ النَّادِمُونَ.

وَأَكْرَمُ النِّسَاءِ بَعْدَ الْأَنْبِيَاءِ: الْمُؤْمِنَاتُ، الْمُطِيعَاتُ لِأَزْوَاجِهِنَّ، الْجَالِسَاتُ فِي بُيُوتِهِنَّ.

ص: ١٢٦

١- . شرح نهج البلاغه، ج ١، ص ٩٣.

٢- . المراد من الفساد هو عدم القبول.

٣- . مواهب الجليل، ج ٣، ص ٣٠٣ وذكر الغيبة والكذب فقط.

٤- . تهذيب الكمال، المزي، ج ٣، ص ١٦٩.

٥- . المسيح: قال الجزري: أما الدجال فسمي لأن عينه الواحدة ممسوحة (النهاية: ٣٢٧/٤). ويأتي من المصنّف رحمه الله أيضاً.

٦- . مسند أحمد، ج ٢، ص ٢٣٧.

٧- . كتاب الموطأ، ج ١، ص ٢١٥، ح ٣٣.

۳۲۸۲. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: آفریدگان چهار گروه هستند: فرشتگان، شیطانها، جن و انسان. چهار گروه به ده دسته تقسیم می شوند که نه قسمت آنها فرشته و یک دهم باقی مانده شیطانها و جن و انسانها هستند. از این سه گروه نه قسمت شیطان و یک قسمت جن و انسان و از جن و انسان نه قسمت جن و یک قسمت انسان است.

[از هزار موجود ۹۰۰ عدد فرشته + ۹۰ عدد شیطان + ۹ عدد جن + ۱ نفر انسان است]

۳۲۸۳. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: چهار چیز روزه و اعمال خیر را تباہ می کند: غیبت و دروغ و سخن چینی و نگاه به نامحرم.

۳۲۸۴. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: اگر در غذا چهار نکته رعایت شود تغذیه کامل است: از حلال تهیه شود.

و افراد زیادی از آن بخورند. و با بسم الله الرحمن الرحیم شروع شود. و در پایان شکر خدا بجا آورده شود.

۳۲۸۵. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: پس از اتمام نماز از چهار چیز به خدا پناه برید: عذاب جهنم و عذاب قبر و فتنه در زندگی و مرگ. و از شر مسیح دجال.

۳۲۸۶. ابن عباس گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله همچنان که قرآن می آموخت این دعا را به مردم می آموخت:

خدایا به تو پناه می برم از عذاب جهنم و عذاب قبر. و به تو پناه می برم از فتنه در زندگی و مرگ و به تو پناه می برم از مسیح دجال.

برای مسیح دجال چهار معنا گفته اند: بعضی گفته اند دجال یعنی دروغ گو.

بعضی گفته اند: مسیح لقب دجال است که از مساحت زمین گرفته شده است.

بعضی گفته اند: مسیح یعنی کسی که یک چشم او نایبنا است. و بعضی گفته اند: مسیح یعنی تبهکاری که از هر خیری به دور است.

۳۲۸۷. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: گرمی ترین خانه ها روی زمین چهار خانه است: کعبه و بیت المقدس و خانه ای که در آن قرآن خوانده می شود. و مساجد که برترین مسجد، مسجد النبی صلی الله علیه و آله و مسجد کوفه است.

و گرمی ترین مردان نزد خدا، پیامبران و اوصیاء و توبه کنندگان و کسانی که از بدی پشیمانند. و گرمی ترین زنان بعد از پیامبران، زنان مؤمن و مطیع شوهر و و آنهایی که در خانه های خود می مانند هستند.

وَالَّذِمُّ عَلَى فِعْلِ الذَّنْبِ تَوْبَهُ مَعَ الْإِسْتِغْفَارِ وَالْعَزْمِ عَلَى تَرْكِ الْمَعَاوَدَةِ إِلَيْهِ .

وَمَنْ بَكَى عَلَى نَفْسِهِ حَشِيَةً مِنَ اللَّهِ تَعَالَى وَخَوْفًا مِنْ لِقَائِهِ دَخَلَ الْجَنَّةَ.

٣٢٨٨. وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْأَرْبَعِ: مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ، وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ، وَمِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ، وَمِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ. (١)

٣٢٨٩. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَرْبَعَةٌ تَزِيدُ فِي الْعُمُرِ: التَّزْوِيجُ بِالْأَبْكَارِ، وَاللِّاغْتِسَالُ بِالْمَاءِ الْحَارِّ، وَالنُّوْمٌ عَلَى الْيَسَارِ، وَأَكْلُ التُّفَاحِ بِالْأَسْحَارِ.

٣٢٩٠. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْمُؤْمِنُ لَا يَنْجُو مِنْ عَذَابِ اللَّهِ حَتَّى يَتْرُكَ أَرْبَعَةً: الْبُخْلَ، وَالْكَذِبَ، وَسُوءَ الظَّنِّ بِاللَّهِ، وَالْكَبْرَ.

٣٢٩١. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَرْبَعَةٌ جَوَاهِرٌ تَزِيلُهَا أَرْبَعَةٌ: أَمَّا الْجَوَاهِرُ فَالْعَقْلُ، وَالذِّينُ، وَالْحَيَاءُ، وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ؛ أَمَّا الْغَضَبُ فَيَزِيلُ الْعَقْلَ، وَأَمَّا الْحَسَدُ فَيَزِيلُ الذِّينَ، وَأَمَّا الطَّمَعُ فَيَزِيلُ الْحَيَاءَ، وَأَمَّا الْغَيْبَةُ فَيَزِيلُ الْعَمَلَ الصَّالِحَ.

٣٢٩٢. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ مِنْ يَوْمِ الْفَرَجِ الْأَكْبَرِ: إِذَا أُعْطِيَ شَيْئًا قَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ، وَإِذَا أُذْنَبَ ذَنْبًا قَالَ:

اسْتَغْفِرُ اللَّهَ، وَإِذَا أَصَابَتْهُ مُصِيبَةٌ قَالَ: إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، وَإِنْ كَانَ لَهُ حَاجَةٌ سَأَلَ رَبَّهُ، وَإِذَا خَافَ شَيْئًا لَجَأَ إِلَى رَبِّهِ. (٢)

٣٢٩٣. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أُمَّتِي عَلَى أَرْبَعَةٍ أَصْنَافٍ: صِيْنَفٌ يُصَيِّلُونَ وَلَكِنَّهُمْ فِي صِيْلَاتِهِمْ سَاهُونَ (٣)، فَكَانَ لَهُمُ الْوَيْلُ؛ وَالْوَيْلُ اسْمٌ دَرَكَهُ مِنْ دَرَكَاتِ جَهَنَّمَ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ * الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ».

وَصِيْنَفٌ يُصَيِّلُونَ أَحْيَانًا وَلَا يُصَيِّلُونَ أَحْيَانًا، فَكَانَ لَهُمُ الْعَيْ؛ وَالْعَيْ اسْمٌ دَرَكَهُ مِنْ دَرَكَاتِ جَهَنَّمَ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «فَخَلَفَ مِنْ مِ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَةَ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ عَذَابًا».

وَصِيْنَفٌ لَا يُصَلُّونَ أَبَدًا، فَكَانَ لَهُمْ سَقَرٌ؛ وَسَقَرٌ اسْمٌ دَرَكَهُ مِنْ دَرَكَاتِ جَهَنَّمَ، قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ * قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ».

وَصِيْنَفٌ يُصَلُّونَ أَبَدًا وَهُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ، قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ * الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ».

ص: ١٢٨

١- . مسند أحمد، ج ٢، ص ٣٤٠.

٢- . مجموعه ورام، ج ٢، ص ٢٣٧.

٣- . سها في الشئء: تركه عن غير علم وسها عنه تركه مع العلم. قال أبو علي: هم الذين يؤخرون الصلاة عن أوقاتها. وقيل: يريد المنافقين الذين لا يرجون لها ثواباً إن صلوا، ولا يخافون عليها عقاباً إن تركوا. كذا في النهاية والمجمع.

و ندامت از گناه یعنی توبه کردن به همراه استغفار و عزم بر تکرار نکردن گناه است. و کسی که از ترس خدا و خوف ملاقات او بر حال خویش گریه کند، وارد بهشت شود.

۳۲۸۸. پیامبر صلی الله علیه و آله بسیار می فرمودند: خدایا، من از چهار چیز به تو پناه می برم: علمی که نفع ندارد. و قلبی که خشوع ندارد. و بدنی که سیر نمی شود. و دعایی که شنیده نشود.

۳۲۸۹. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: چهار چیز عمر را زیاد می کند: ازدواج با دوشیزه، غسل با آب گرم، و خوابیدن به چپ و خوردن سیب در سحر.

۳۲۹۰. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: مؤمن تا چهار خصلت را ترک نکند از عذاب نجات نمی یابد: بخل و دروغ و گمان بد به خدا و خود پسندی.

۳۲۹۱. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: چهار گوهر را چهار صفت از بین می برد: خشم عقل را از بین می برد.

حسد دین را از بین می برد. طمع حیاء را از بین می برد. غیبت عمل صالح را از بین می برد.

۳۲۹۲. پیامبر صلی الله علیه و آله: چهار خوی در هر کس باشد روز قیامت در امان است: وقتی چیزی به او می دهند بگوید: الحمد لله. وقتی گناه کرد بگوید: استغفر الله. وقتی مصیبت دید بگوید: انا لله و انا الیه راجعون. وقتی حاجت داشت از پروردگارش درخواست کند. و اگر از چیزی می ترسد به پروردگارش پناه برد.

۳۲۹۳. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: امت من چهار گروه هستند: کسانی که نماز بجا می آورند، اما به اول وقت اهمیت نمی دهند. که ویل بر آنان باد. ویل اسم دره ای در جهنم است. خداوند فرمودند:

«ویل بر نمازگزارانی که به آن اهتمام ندارند».

«گروهی که گاهی نماز می خوانند، و گاهی ترک می کنند. غیّ بر آنان باد. غیّ اسم دره ای از جهنم است. خداوند می فرماید: گروهی نماز را ضایع می کنند و از شهوت پیروی می کنند اینان بزودی با غیّ مواجه می شوند».

کسانی که اصلاً نماز نمی خوانند، که سقر جای آنان است. سقر اسم دره ای از جهنم است.

خداوند می فرماید: «از آنان می پرسند: چه چیز شما را به سقر کشاند؟ می گویند: نماز بجا نیاوردیم».

گروهی که همیشه نماز بجا می آورند، و در نماز خاشع هستند. خداوند تعالی می فرماید:

«مؤمنان رستگارند. آنان در نماز خاشع هستند».

٣٢٩٤. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ اعْطِيَ أَرْبَعَ خِصَالٍ فَقَدْ اعْطِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَفَازَ بِحَظِّهِ مِنْهُمَا: وَرَعَّ يَعْصِمُهُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ، وَحَسُنُ خُلُقٍ يَعْيشُ بِهِ فِي النَّاسِ، وَحِلْمٌ يَدْفَعُ بِهِ جَهْلَ الْجَاهِلِ، وَزَوْجَةٌ صَالِحَةٌ تُعِينُهُ. (١)

٣٢٩٥. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ جُمِعَ لَهُ أَرْبَعُ خِصَالٍ فَقَدْ جُمِعَ لَهُ خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ: قَلْبٌ شَاكِرٌ، وَلِسَانٌ ذَاكِرٌ، وَبَدَنٌ صَابِرٌ، وَزَوْجَةٌ صَالِحَةٌ. (٢)

٣٢٩٦. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ اللَّهَ شَيْبَحَانُهُ يَحْتَجُّ بِأَرْبَعِهِ أَنْفُسٍ عَلَى أَرْبَعِهِ أَجْنَاسٍ مِنَ النَّاسِ: عَلَى الْأَغْنِيَاءِ بِسُلَيْمَانَ، وَعَلَى الْفُقَرَاءِ بِعَيْسَى، وَعَلَى الْعَبِيدِ بِيُوسُفَ، وَعَلَى الْمَرْضَى بِأَيُّوبَ عَلَيْهِمُ أَفْضَلُ الصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ.

٣٢٩٧. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: خُلِقَ أَرْبَعَةٌ لِأَرْبَعِهِ: الْمَالُ لِلِإِنْفَاقِ لَا لِلِإِمْسَاكِ، وَالْعِلْمُ لِلْعَمَلِ لَا لِلْمُجَادَلَةِ، وَالْعَبْدُ لِلتَّعَبُدِ لَا لِلتَّنَعُّمِ، وَالْدُّنْيَا لِلْعِبْرَةِ لَا لِلْعِمَارَةِ.

٣٢٩٨. وَعَنْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: ثَلَاثٌ أَقْسِمُ عَلَيْهِنَّ، وَأَحَدٌ تُكْمَلُنَّ حَدِيثًا فَاحْفَظُوهُ؛ فَأَمَّا الَّذِينَ أَقْسِمُ عَلَيْهِنَّ: فَإِنَّهُ مَا نَقَصَ مَالُ عَبْدٍ مِنْ صَدَقَةٍ، وَلَا ظَلَمَ عَبْدٌ مَظْلَمَةً صَبَرَ عَلَيْهَا إِلَّا زَادَهُ اللَّهُ بِهَا عِزًّا، وَلَا فَتَحَ عَبْدٌ بَابَ مَسْأَلَةٍ إِلَّا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ بَابَ فَقْرٍ.

وَأَمَّا الَّذِي أَحَدْتُمْ فَاحْفَظُوهُ فَقَالَ: إِنَّمَا الدُّنْيَا لِأَرْبَعِهِ نَفَرٍ:

عَبْدٌ رَزَقَهُ اللَّهُ مَالًا وَعِلْمًا، فَهُوَ يَتَّقِي فِيهِ رَبَّهُ، وَيَصِلُ رَحِمَهُ، وَيَعْمَلُ لِلَّهِ فِيهِ بِحَقِّهِ؛ فَهَذَا بِأَفْضَلِ الْمَنَازِلِ.

وَرَجُلٌ رَزَقَهُ اللَّهُ عِلْمًا وَلَمْ يَرِزُقْهُ مَالًا، فَهُوَ صَادِقُ النَّيِّ يَقُولُ: لَوْ أَنَّ لِي مَالًا لَعَمِلْتُ بِعَمَلِ فُلَانٍ، فَأَجْرُهُمَا سَوَاءٌ.

وَعَبْدٌ رَزَقَهُ اللَّهُ مَالًا وَلَمْ يَرِزُقْهُ عِلْمًا، فَهُوَ يَتَخَبَّطُ فِي مَالِهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ؛ لَا يَتَّقِي فِيهِ رَبَّهُ، وَلَا يَصِلُ فِيهِ رَحِمَهُ، وَلَا يَعْمَلُ فِيهِ بِحَقِّهِ؛ فَهَذَا بِأَخْبَثِ الْمَنَازِلِ.

وَعَبْدٌ لَمْ يَرِزُقْهُ اللَّهُ مَالًا وَلَا عِلْمًا، فَهُوَ يَقُولُ: لَوْ أَنَّ لِي مَالًا لَعَمِلْتُ فِيهِ بِعَمَلِ فُلَانٍ، فَهُوَ كَذَا نَيْتُهُ، وَوَزْرُهُمَا سَوَاءٌ. (٣)

ص: ١٣٠

١- . الأمالى للطوسى، ص ٥٧٧، ح ٤/١١٩٠.

٢- . الشكر لله، ص ٨١، ح ٣٤.

٣- . مسند أحمد، ج ٤، ص ٢٣١.

۳۲۹۴. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: به هر کس چهار ویژگی بدهند خیر دنیا و آخرت داده اند. و بهره خود را از دنیا و آخرت برده است: ورع که او را از حرام بازدارد. رفتار خوش که با مردم زندگی کند.

بردباری که نادانی مردم را تحمل کند. همسر صالح که او را یاری رساند.

۳۲۹۵. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: در هر کس چهار خصلت باشد خیر دنیا و آخرت دارد: قلب شاکر و زبان ذاکر و بدن صابر و همسر صالح.

۳۲۹۶. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند سبحان چهار کس را حجت بر چهار گروه قرار داده است:

سلیمان حجت بر ثروتمندان، عیسی حجت بر فقیران، یوسف حجت بر بنندگان و ایوب حجت بر بیماران. صلوات خداوند بر این چهار نفر.

۳۲۹۷. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: چهار چیز برای چهار کار آفریده شده است: مال برای خرج کردن نه ذخیره کردن. علم برای عمل نه جدل. بنده برای بندگی نه خوشگذرانی. دنیا برای عبرت نه برای آباد کردن.

۳۲۹۸. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: بر سه چیز قسم می خورم و یک حدیث می گویم آن را حفظ کنید: قسم می خورم که مال کسی با صدقه کم نشود. کسی که بر ستمی صبر کند خداوند عزّت او را زیاد کند. کسی که در گدایی باز کند، خداوند در فقر او به روی او باز خواهد کرد.

اما حدیث: فرمودند: دنیا برای چهار نفر است: کسی که خدا به او مال و علم داده است و او از خدا پروا دارد و به خویشان خود رسیدگی می کند و حق خدا را بجا می آورد. این برترین جایگاه است. کسی که خدا به او علم داده ولی مال نداده است و با نیت صادق می گوید اگر مال داشتم فلان کار را انجام می دادم در پاداش آن عمل شریک است. کسی که خدا به او مال داده است و علم ندارد مالش را با نادانی تلف می کند و از خدا پروا ندارد و به نزدیکان خود رسیدگی نمی کند و حق خدا را بجا نمی آورد. این پست ترین جایگاه است.

کسی که خدا به او داده است و نه علم و می گوید اگر مال داشتم مثل آن پول دار نادان رفتار می کردم و این نیت اوست و او در گناه همانند اوست.

٣٢٩٩. وقال صلى الله عليه وآله: لا- يُؤْمِنُ عَبْدٌ حَتَّى يُؤْمِنَ بِأَرْبَعٍ: يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنِّي رَسُولُ اللَّهِ بَعَثَنِي بِالْحَقِّ، وَيُؤْمِنُ بِالْمَوْتِ وَبِالْبَعْثِ بَعْدَ الْمَوْتِ، وَيُؤْمِنُ بِالْقَدَرِ. (١)

٣٣٠٠. وقال النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا بُدَّ لِلْمُؤْمِنِ مِنْ أَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ: دَابَّةٍ فَارِهِه (٢)، ودارٍ واسعَةٍ، وثيابٍ جميلَةٍ، وسراجٍ مُنِيرٍ.

قالوا: يا رَسُولَ اللَّهِ، لَيْسَ لَنَا ذَلِكَ، فَمَا هِيَ؟

قالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَمَّا الدَّابَّةُ فَالْفَارِهُهُ فَعَقْلُهُ، وَأَمَّا الدَّارُ الواسِعَةُ فَصَبْرُهُ، وَأَمَّا الثَّيَابُ الْجَمِيلَةُ فَحَيَاةُ، وَأَمَّا السَّرَاجُ الْمُنِيرُ فَعِلْمُهُ.

٣٣٠١. وقالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَرْبَعٌ لَا يَدْخُلُ بَيْتاً وَاحِدَةً مِنْهَا إِلَّا خَرِبَ وَلَمْ يَعْمُرْ بِمَالِ بَرَكَةٍ: الْخِيَانَةُ، وَالسَّرِقَةُ، وَشُرْبُ الْخَمْرِ، وَالزُّنَا. (٣)

٣٣٠٢. وقالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي وَصِيَّتِهِ لِأَبِي ذَرٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: يَا أبا ذَرٍّ، أَرْبَعٌ لَا يُصَيِّبُهُنَّ إِلَّا الْمُؤْمِنُ: الصَّمْتُ؛ وَهُوَ أَوَّلُ الْعِبَادَةِ، وَالتَّوَضُّعُ لِلَّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ، وَذِكْرُ اللَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ، وَقِلَّةُ الشَّيْءِ - يَعْنِي قِلَّةَ الْمَالِ - (٤).

٣٣٠٣. وقالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ الْأَمَّهَاتِ أَرْبَعَةٌ: أُمُّ الْأَدْوِيَةِ، وَأُمُّ الْأَدَابِ، وَأُمُّ الْعِبَادَاتِ، وَأُمُّ الْأَمَانِيِّ (٥)؛ أُمِّيَا أُمَّ جَمِيعِ الْأَدْوِيَةِ قِلَّةُ الْأَكْلِ، وَأُمِّيَا أُمَّ جَمِيعِ الْأَدَابِ قِلَّةُ الْكَلَامِ، وَأُمِّيَا أُمَّ جَمِيعِ الْعِبَادَاتِ قِلَّةُ الذُّنُوبِ، وَأُمِّيَا أُمَّ جَمِيعِ الْأَمَانِيِّ الصَّبْرُ.

٣٣٠٤. وَرُوِيَ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ لِأَبِي ذَرٍّ الْغِفَارِيُّ: جَدِّدِ السَّفِينَةَ فَإِنَّ الْبَحْرَ عَمِيقٌ، وَخُذِ الزَّادَ كَامِلاً فَإِنَّ السَّفَرَ بَعِيدٌ، وَخَفِّفِ الْحِمْلَ فَإِنَّ الْعَقَبَةَ شَدِيدٌ، وَأَخْلِصِ الْعَمَلَ فَإِنَّ النَّاقِدَ (٦) بَصِيرٌ.

٣٣٠٥. وَعَنِ أَبِي إِمَامَةَ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَرْبَعَةٌ لَعَنَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ فَأَمَّنتَ عَلَيْهِ مَلَائِكَتُهُ: الَّذِي يَحْضُرُ نَفْسَهُ (٧) فَلَا يَتَزَوَّجُ وَلَا يَتَسَرَّى (٨) لِنَلَا يُولَدُ لَهُ، وَالرَّجُلُ يَتَشَبَّهُ بِالنِّسَاءِ وَقَدْ خَلَقَهُ اللَّهُ ذَكَراً، وَالْمَرْأَةُ تَتَشَبَّهُ

ص: ١٣٢

١- . مسند أحمد، ج ١، ص ٩٧.

٢- . دابَّه فارهه: أى نسيطة حادة قويته (النهاية: ٤٤١/٣).

٣- . الأمالى للطوسى، ص ٤٣٩، ح ٣٩/٩٨٢.

٤- . الأمالى للطوسى، ص ٥٣٦، ح ١/١١٦٢.

٥- . الأمانى: جمع امئيه - بضم الألف وكسر النون وتشديد الياء -؛ البغيه، وما يُتمنى ويقدر، والكذب، والظاهر هنا الثانى، وكون الصبر أمّا لها لعله من جهة أنّ الصبر يوصل إليها ولا يمكن الوصول إلّاه.

٦- . الناقد: الذى يستخرج العيب. وهذه الجملة كلّها لبيان شدائد الموت والبروج والقيامه ومواقفها.

٧- . أى يحبس. والحضور الذى يحبس نفسه عن الجماع.

٨- . هو مأخوذ من سرر، والاستسرار اتّخاذ السرارى، والسريّه - بضمّ السين وكسر الزّاء وفتح الياء المشدّدتين، والجمع سرارى :-

۳۲۹۹. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی تا به چهار چیز ایمان نداشته باشد مؤمن نیست: شهادت به یگانگی خدا و اینکه من رسول خدا هستم و مرا به حق مبعوث کرد. ایمان به مرگ. ایمان به رستاخیز. و ایمان به قضا و قدر.

۳۳۰۰. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: مؤمن از چهار چیز باید برخوردار باشد: مرکب سر حال و قوی و خانه وسیع و لباس زیبا و چراغ روشن.

مردم گفتند: یا رسول الله ما اینها را نداریم. مراد شما چیست؟

حضرت فرمودند: مرکب قوی عقل است. و خانه وسیع صبر است. و لباس زیبا حیا است.

و چراغ روشن علم است.

۳۳۰۱. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: چهار چیز است که اگر یکی از آنها وارد خانه ای شود آن را ویران می کند.

و برکت را می برد: خیانت، سرقت، شراب، زنا.

۳۳۰۲. پیامبر صلی الله علیه و آله در وصیت به اباذر فرمودند: یا اباذر، چهار صفت فقط در مؤمن است: سکوت که اولین عبادت است. تواضع برای خدا. یاد خدا در همه حال. تنگدستی.

۳۳۰۳. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: چهار چیز مادر است: مادر داروها کم خوری است. مادر همه ادب ها کم حرفی است. مادر همه عبادات گناه نکردن است. مادر همه آرزوها صبر است.

۳۳۰۴. پیامبر صلی الله علیه و آله به ابوذر فرمودند: کشتی را آماده کن که دریا عمیق است. توشه بردار که سفر طولانی است. بار را سبک کن که گردنه سختی در پیش است. عمل را خالص گردان که بازرس دقیق و آگاه است.

۳۳۰۵. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند از فوق عرش چهار کس را لعنت می کند و فرشتگان آمین می گویند: مردی که از ترس بچه ازدواج نکند. مردی که خودش را شبیه زنان کند، با اینکه خدا او را مرد آفریده است. زنی که خود را شبیه مردان کند، با اینکه خدا او را زن آفریده

بِالرِّجَالِ وَقَدْ خَلَقَهَا اللَّهُ انثى، وَمُضَمَّلُ النَّاسِ - يُرِيدُ الَّذِي يَهْزَأُ بِهِمْ - يَقُولُ لِلْمُسْلِمِ: هَلُمَّ اعطيك، فَإِذَا جَاءَ يَقُولُ: لَيْسَ مَعِيَ شَيْءٌ، وَيَقُولُ لِلْمَكْفُوفِ: أَتَقِ الدَّابَّةَ، وَلَيْسَ بَيْنَ يَدَيْهِ شَيْءٌ، وَالرَّجُلُ يَسْأَلُ عَنِ دَارِ الْقَوْمِ فَيُضَلِّهُ. (١)

٣٣٠٦. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ آتَسَهُ اللَّهُ بِقُرْبِهِ أَعْطَاهُ أَرْبَعَ خِصَالٍ: عِزًّا مِنْ غَيْرِ عَشِيرَةٍ، وَعِلْمًا مِنْ غَيْرِ طَلَبٍ، وَغِنًى مِنْ غَيْرِ مَالٍ، وَأَنْسًا مِنْ غَيْرِ جَمَاعَةٍ. (٢)

٣٣٠٧. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ فَرِحَ بِأَرْبَعَةٍ حَزَنَ فِي أَرْبَعَةٍ: مَنْ فَرِحَ بِطَوْلِ الْبَقَاءِ حَزَنَ عِنْدَ الْمَوْتِ، وَمَنْ فَرِحَ بِسِعَةِ الْبَيْتِ حَزَنَ عِنْدَ ضَيْقِ الْقَبْرِ، وَمَنْ فَرِحَ عِنْدَ الْمَعْصِيَةِ حَزَنَ عِنْدَ الْعُقُوبَةِ، وَمَنْ فَرِحَ بِأَكْلِ الْحَرَامِ حَزَنَ عِنْدَ الْحِسَابِ.

٣٣٠٨. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَرْبَعٌ إِذَا كُنَّ فِيكَ فَلَا عَلَيْكَ مَا فَاتَكَ مِنَ الدُّنْيَا: حِفْظُ أَمَانَةٍ، وَصِدْقُ حَدِيثٍ، وَحُسْنُ خَلِيقَةٍ (٣)، وَعِفَّةٌ فِي طَعْمِهِ (٤).

٣٣٠٩. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَكُونُ الْغُرْبَاءُ فِي الدُّنْيَا أَرْبَعَةً: قُرْآنٌ فِي جَوْفِ ظَالِمٍ، وَمَسْجِدٌ بَيْنَ قَوْمٍ لَا يَصِلُونَ فِيهِ، وَمُصْحَفٌ فِي بَيْتٍ لَا يَتَقَرَأُ فِيهِ، وَرَجُلٌ صَالِحٌ فِي قَوْمٍ سَوْءٍ.

وقيل: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَخْبِرْنَا بِالْخِصَالِ الَّتِي تَعْرِفُ بِهَا الْمُنَافِقِينَ، قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ خَلَفَ فَفَجَرَ، وَمَنْ عَاهَدَ فَغَدَرَ، وَحَدَّثَ فَكَذَبَ، وَوَعَدَ فَأَخْلَفَ. (٥)

٣٣١٠. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَرْبَعَةٌ لَا تَبْلَى: الْأَنْبِيَاءُ، وَالشُّهَدَاءُ، وَالْعُلَمَاءُ، وَحَمَلَةُ الْقُرْآنِ.

٣٣١١. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ أَكْثَرَ مِنَ الْإِسْتِغْفَارِ جَعَلَ اللَّهُ لَهُ مِنْ كُلِّ هَمٍّ وَعَمٍّ فَرْجًا، وَمِنْ كُلِّ ضَيْقٍ مَخْرَجًا، وَمِنْ كُلِّ خَوْفٍ أَمْنًا، وَرَزَقَهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ (٦). (٧)

ص: ١٣٤

١- . كترالعمال، ج ١٦، ص ٧٢، ح ٤٣٩٨٠. توضيح: تفسير مجمع البيان، ج ٧، ص ٢٤٥.

٢- . تاريخ مدينة دمشق، ج ٢٠، ص ٩١.

٣- . الخليفة: الطيعة (العين: ١٥١/٤) والمراد ظاهر حسن الخلق.

٤- . مسند أحمد، ج ٢، ص ١٧٧.

٥- . كترالعمال، ج ١، ص ٦١٧، ح ٢٨٤٥.

٦- . ورد ذلك في أخبار كثيرة واستشهد بقوله تعالى: «فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُوَ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا * وَ يُمِدِّدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَيْنِينَ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا» راجع نور الثقلين: ٤٢٣/٥-٤٢٤ وسفينه البحار: ٣٢٢/٢.

٧- . مسند أحمد، ج ١، ص ٢٤٨.

است. و کسی که مردم را مسخره کند. مثل کسی که به مردم بگوید: بیا چیزی به تو بدهم وقتی آمد، بگوید چیزی ندارم. یا به آدم کور بگوید: مواظب باش حیوان تو را نیازارد، در حالی که حیوان نیست. یا کسی که آدرس اشتباه به مردم بدهد، و آنان را گمراه کند.

۳۳۰۶. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کسی که خدا او را به قرب خود مانوس کند چهار خصلت بدهد: عزت بدون فامیل. علم بدون رنج تحصیل. ثروت بدون مال. آرامش بدون داشتن همراه و انیس.

۳۳۰۷. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که با چهار چیز شادمان شود با چهار چیز غمگین می شود: کسی که به عمر طولانی شاد شود، هنگام مرگ غمگین می شود. کسی که با خانه وسیع شاد شود، با تنگی قبر غمگین می شود. کسی که با گناه خوشحال شود با عذاب غمگین می شود. کسی که با خوردن مال حرام شاد شود، با حسابرسی غمگین می شود.

۳۳۰۸. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: هر گاه چهار خصلت در تو باشد هر چه از دنیا از دست بدهی پاک نداشته باش: حفظ امانت، راست گویی، اخلاق خوش، عفت در غذا. [غذای حلال و پاک خوردن]

۳۳۰۹. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: چهار کس در دنیا غریب هستند: قرآن در سینه ستمگر. مسجد در میان مردم بی نماز. قرآن در خانه ای که قرائت نشود. مرد صالح در میان مردم بد.

پرسیدند: یا رسول الله علامتهای منافق چیست؟ حضرت فرمودند: کسی که قسم بخورد و تخلف کند. عهد ببندد و پیمان شکنی کند. سخن دروغ بگوید. خلف وعده کند.

۳۳۱۰. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: چهار کس پوسیده نشوند: پیامبران. شهیدان. علما و حاملان قرآن.

۳۳۱۱. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که زیاد استغفار کند، خدا از هر غم و غصه ای او را رها کند. و از هر تنگنا نجات دهد. و از هر خوف ایمن گرداند. و از جایی که فکر نمی کند، او را روزی دهد.

٣٣١٢. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا تَصْلُحُ عَوَامُّ أُمَّتِي إِلَّا بِخَوَاصِّهَا. قِيلَ: مَا خَوَاصُّ أُمَّتِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَقَالَ: خَوَاصُّ أُمَّتِي أَرْبَعَةٌ: الْمُلُوكُ، وَالْعُلَمَاءُ، وَالْعِبَادُ، وَالتُّجَّارُ. قِيلَ: كَيْفَ ذَلِكَ؟

قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْمُلُوكُ رُعَاهُ الْخَلْقِ؛ فَإِذَا كَانَ الرَّاعِي ذَيْبًا فَمَنْ يَرَعَى الْغَنَمَ؟ وَالْعُلَمَاءُ أَطْبَاءُ الْخَلْقِ؛ فَإِذَا كَانَ الطَّبِيبُ مَرِيضًا فَمَنْ يُدَاوِي الْمَرِيضَ؟ وَالْعِبَادُ دَلِيلُ الْخَلْقِ؛ فَإِذَا كَانَ الدَّلِيلُ ضَالًّا فَمَنْ يَهْدِي السَّالِكَ؟ وَالتُّجَّارُ أَمْنَاءُ اللَّهِ فِي الْخَلْقِ؛ فَإِذَا كَانَ الْأَمِينُ خَائِنًا فَمَنْ يُعْتَمَدُ؟

ص: ١٣٦

۳۳۱۲. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: عوام امت مرا جز خواص اصلاح نمی کنند. پرسیدند: خواص امت شما چه کسانی هستند؟ حضرت فرمودند: خواص امت من چهار گروه هستند: فرمانروایان، علما و عابدان و تاجران.

پرسیدند: چگونه غیر از اینها کسی اصلاح نمی کند؟ فرمودند: فرمانروایان نگهبان مردم هستند. اگر نگهبان گرگ باشد، چه کسی از گوسفند مراقبت کند؟

علما طیب مردم هستند. اگر طیب بیمار باشد، چه کسی بیمار را معالجه کند؟

عابدان راهنمای مردم هستند. اگر راهنما گمراه باشد، چه کسی رهرو را راهنمایی کند؟ تاجر امین خدا در بین مردم هستند. اگر امین خائن باشد، باید به چه کسی اعتماد کرد؟

ص: ۱۳۷

٣٣١٣. قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قِوَامُ الدِّينِ بِأَرْبَعَةٍ: بِعَالِمٍ نَاطِقٍ مُسْتَعْمِلٍ لَهُ، وَبِعَنِيٍّ لَا يَبْخُلُ بِفَضْلِهِ عَلَى أَهْلِ دِينِ اللَّهِ، وَبِفَقِيرٍ لَا يَبِيعُ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاةٍ، وَبِجَاهِلٍ لَا يَتَكَبَّرُ عَنِ طَلَبِ الْعِلْمِ؛ فَإِذَا كَتَمَ الْعَالِمُ عِلْمَهُ، وَبَخَلَ الْعَنِيُّ، وَبَاعَ الْفَقِيرُ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاةٍ، وَاسْتَكْبَرَ الْجَاهِلُ عَنِ طَلَبِ الْعِلْمِ؛ رَجَعَتِ الدُّنْيَا عَلَى ثَرَاثِمِهَا قَهْقَرَى (١)، فَلَا تُغَرِّكُمْ كَثْرَةُ الْمَسَاجِدِ وَأَجْسَادِ قَوْمٍ مُخْتَلِفَةٍ.

قِيلَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، كَيْفَ الْعَيْشُ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ؟ فَقَالَ: خَالِطُوهُمْ بِالْبَرَايَةِ (٢) - يَعْنِي فِي الظَّاهِرِ - وَخَالَفُوهُمْ فِي الْبَاطِنِ، لِلْمَرْءِ مَا اكْتَسَبَ وَهُوَ مَعَ مَنْ أَحَبَّ، وَانْتَظِرُوا مَعَ ذَلِكَ الْفَرَجَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (٣).

٣٣١٤. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - أَخْفَى أَرْبَعَةً فِي أَرْبَعَةٍ: أَخْفَى رِضَاهُ فِي طَاعَتِهِ؛ فَلَا تَسْتَصْغِرْ شَيْئًا مِنْ طَاعَتِهِ فَزُبَّيْمًا وَافَقَ رِضَاهُ وَأَنْتَ لَا تَعْلَمُ. وَأَخْفَى سَيِّئُهَا فِي مَعْصِيَتِهِ؛ فَلَا تَسْتَصْغِرَنَّ شَيْئًا مِنْ مَعْصِيَتِهِ فَزُبَّيْمًا وَافَقَ سَيِّئُهَا وَأَنْتَ لَا تَعْلَمُ. وَأَخْفَى إِجَابَتُهُ فِي دَعْوَتِهِ؛ فَلَا تَسْتَصْغِرَنَّ شَيْئًا مِنْ دُعَائِهِ فَزُبَّيْمًا وَافَقَ إِجَابَتُهُ وَأَنْتَ لَا تَعْلَمُ. وَأَخْفَى وِلْيَتُهُ فِي عِبَادِهِ؛ فَلَا تَسْتَصْغِرَنَّ عَبْدًا مِنْ عِبِيدِ اللَّهِ فَزُبَّيْمًا يَكُونُ وِلْيَتُهُ وَأَنْتَ لَا تَعْلَمُ (٤).

ص: ١٣٨

- ١- . أى إلى الجاهلية في الحقيقة وإن كانوا يصلون ويصومون. وفي بعض المصادر: «ورائها» بدل «تراثها».
- ٢- . البراني: العلانية، والألف والنون من زيادات النسب؛ كما قالوا في صنعاء: صنعاني. وأصله من قولهم خرج برأ؛ أى خرج إلى البرِّ والصحراء (النهاية: ١١٧/١).
- ٣- . الخصال، ص ١٩٧، ح ٥.
- ٤- . الخصال، ص ٢٠٩، ح ٣١.

فصل سوم: روایاتی که شیعیان از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند

۳۳۱۳. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: پایداری دین بر چهار پایه استوار است: عالم سخنور که به علم خود عمل کند. ثروتمندی که مازاد ثروت را بین مؤمنین توزیع کند. فقیری که آخرتش را به دنیا نفروشد. نادانی که از آموختن تکبر نداشته باشد.

زمانی که عالم عمل خود را کتمان کند و ثروتمند بخل ورزد و فقیر آخرتش را به دنیا فروشد و جاهل از آموختن تکبر داشته باشد، دنیا به فقهرا [عقب] برگردد. آن گاه تعداد زیاد مسجد و اجتماعات که دلها از هم جداست، شما را مغرور نکند.

گفتند: یا امیرالمؤمنین؛ در آن زمان چگونه باید زندگی کرد؟ فرمودند: در ظاهر با مردم زندگی کنید. اما در باطن با آنها مخالف باشید. که قرین انسان عمل اوست. و هر که را دوست دارد، با او محشور می شود. و در این حال از خداوند انتظار فرج داشته باشید.

۳۳۱۴. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: خدای تبارک و تعالی چهار چیز را در چهار چیز پنهان کرده است:

خشنودی خود را در اطاعت مخفی کرده است. پس هیچ اطاعتی را کوچک نشمار، بسا که همان موافق رضایت خدا باشد و تو ندانی.

خشم خود را در گناه مخفی کرده است پس هیچ گناهی را کوچک نشمار بسا که در همان گناه خشم خدا نهفته باشد و تو ندانی.

اجابت را در دعا نهاده است. پس هیچ دعایی را ناچیز مپندار، بسا همان دعا اجابت شود و تو ندانی.

خداوند دوست خود را در میان بندگان مخفی کرده است. پس هیچ بنده ای را تحقیر مکن، بسا او ولی خدا باشد و تو ندانی.

٣٣١٥. وقال عليه السلام: للدُّعاءِ شُرُوطٌ أربَعَةٌ: الأوَّلُ: إحصاءُ النَّبِيِّ. الثَّانِي: إخلاصُ السَّرِيرَةِ. الثَّالِثُ: مَعْرِفَةُ الْمَسْئُولِ. الرَّابِعُ: الإِنصَافُ فِي الْمَسْأَلَةِ (١). (٢).

٣٣١٦. وَعَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ، قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ اللَّهُ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - لِمُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا مُوسَى، احْفَظْ وَصِيَّتِي إِلَيْكَ بِأَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ: أَوَّلُهُنَّ: مَا دُمْتَ لَا تَرَى ذُنُوبَكَ قَدْ غُفِرَتْ فَلَا تَشْتَغِلْ بِغُيُوبِ غَيْرِكَ.

وَالثَّانِيَةُ: مَا دُمْتَ لَا تَرَى كُنُوزِي قَدْ نَفَدَتْ فَلَا تَعْتَمَّ بِسَبَبِ رِزْقِكَ. وَالثَّالِثَةُ: مَا دُمْتَ لَا تَرَى زَوَالَ مُلْكِي فَلَا تَرْجُ أَحَدًا غَيْرِي. وَالرَّابِعَةُ: مَا دُمْتَ لَا تَرَى الشَّيْطَانَ مَيِّتًا فَلَا تَأْمَنَ مَكْرَهُ. (٣)

٣٣١٧. وَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْإِيمَانُ أَرْبَعَةٌ أركان: الرِّضَى بِقَضَاءِ اللَّهِ، وَالتَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ، وَتَفْوِضُ الْأَمْرِ إِلَى اللَّهِ، وَالتَّسْلِيمُ لِأَمْرِ اللَّهِ. (٤)

٣٣١٨. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَصْعَبُ الْأَعْمَالِ أَرْبَعَةٌ: الْعَفْوُ عِنْدَ الْغَضَبِ، وَالْجُودُ مِنَ الْيَسِيرِ، وَالْعِفَّةُ فِي الْخَلْوَةِ، وَقَوْلُ الْحَقِّ عِنْدَ مَنْ تَخَافُهُ وَتَرْجُوهُ. (٥)

٣٣١٩. وَعَنِ ابْنِ الْمَسَيَّبِ قَالَ: خَرَجَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمًا مِنَ الْبَيْتِ، فَاسْتَقْبَلَهُ سَلْمَانٌ فَقَالَ لَهُ: كَيْفَ أَصْبَحْتَ يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ؟ قَالَ: أَصْبَحْتُ فِي غُموٍ أَرْبَعَةٍ: غَمِّ الْعِيَالِ يَطْلُبُونَ الْخُبْزَ وَالشَّهَوَاتِ، وَالْخَالِقِ يَطْلُبُ الطَّاعَةَ، وَالشَّيْطَانِ يَأْمُرُ بِالْمَعْصِيَةِ، وَمَلِكِ الْمَوْتِ يَطْلُبُ الرُّوحَ.

فَقَالَ لَهُ: يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ، فَإِنَّ لَكَ بِكُلِّ خَصَلَةٍ دَرَجَاتٍ. (٦)

٣٣٢٠. وَسُئِلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْعِلْمِ، فَقَالَ: أَرْبَعُ كَلِمَاتٍ: أَنْ تَعْبُدَ اللَّهَ بِقَدْرِ حَاجَتِكَ إِلَيْهِ، وَأَنْ تَعَصِيَهُ بِقَدْرِ صَبْرِكَ عَلَى النَّارِ، وَأَنْ تَعْمَلَ لِدُنْيَاكَ بِقَدْرِ عُمْرِكَ فِيهَا، وَأَنْ تَعْمَلَ لِآخِرَتِكَ بِقَدْرِ بَقَائِكَ فِيهَا. (٧)

٣٣٢١. وَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَرْبَعَةُ أَشْيَاءَ لَا يَعْرِفُ قَدْرَهَا إِلَّا أَرْبَعَةٌ: الشَّبَابُ؛ لَا يَعْرِفُ قَدْرَهُ إِلَّا الشُّبُوحُ، وَالْعَافِيَةُ؛ لَا يَعْرِفُ قَدْرَهَا إِلَّا أَهْلُ الْبَلَاءِ، وَالصَّحَّةُ؛ لَا يَعْرِفُ قَدْرَهَا إِلَّا الْمَرْضَى، وَالْحَيَاءُ؛ لَا يَعْرِفُ قَدْرَهَا إِلَّا الْمَوْتَى.

ص: ١٤٠

١- . لعلَّ المراد من الإِنصَافِ فِي الْمَسْأَلَةِ أَنْ لَا يَكُونَ سؤَالُهُ خِلافَ زِيَّةٍ وَصِلاحِهِ، وَغَيْرَ لَازِمٍ أَوْ غَيْرِ جَائِزٍ أَوْ يَكُونَ السُّؤالُ عَلَى كَيْفِيَّتِهِ مَناسِبَةً مِنْ شِرايِطِ الدُّعاءِ كَعَدَمِ كَوْنِ السَّائِلِ عَاصِيًا أَوْ سَاحِيًا أَوْ ظالِمًا لِبَعْضِ العِبادِ أَوْ سَاطِئًا.

٢- . مَجموعه وَرَام، ج ١، ص ٣٠٢.

٣- . التَّوْحِيدِ، ص ٣٧٢، ح ١٤.

٤- . الكَافِي، ج ٢، ص ٥٦، ح ٥.

٥- . فِي مِصادرِ أَهْلِ السُّنَّةِ: يَنابِيعِ المِودَةِ، ج ٢، ص ٢٣٠.

٦- . جامع الأخبار، ص ٩١.

٧- . مجموعه وزّام، ج ٢، ص ٣٧.

۳۳۱۵. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: دعا چهار شرط دارد: حضور قلب، اخلاص، شناختن خدا، انصاف در خواهش.

۳۳۱۶. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: خداوند متعال به موسی فرمود: یا موسی توصیه من درباره چهار چیز را به خاطر بسپار: تا زمانی که آموزش گناه خود را ندیده ای، به عیب دیگران نپرداز.

تا زمانی که گنجهای مرا پایان یافته ندیدی، غصه روزی مخور. تا زمانی که پایان حکومت مرا ندیده ای، به غیر من امیدوار مشو. تا زمانی که مرگ شیطان را ندیده ای، از نیرنگ او ایمن مباش.

۳۳۱۷. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: ایمان چهار رکن است، راضی شدن به قضا و حکم خدا. توکل بر خدا. و واگذاری کار به خدا. و تسلیم امر خدا.

۳۳۱۸. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: دشوارترین کارها چهار کار است: عفو کردن در حال خشم، بخشیدن از مال اندک، پاکدامنی در خلوت، و گفتن حق نزد کسی که از او می ترسی یا به او امید داری.

۳۳۱۹. امیرالمؤمنین علیه السلام از خانه خارج شد و با سلمان مواجه شد و از او پرسید: در چه حالی؟ سلمان گفت: چهار غم دارم: اهل و عیال، نان و چیزهای دیگر می خواهند. خداوند، اطاعت می خواهد. شیطان، گناه می خواهد. و عزرائیل، جان مرا می خواهد. حضرت فرمودند: یا اباعبدالله؛ برای هر خصلت درجاتی داری.

۳۳۲۰. از امیرالمؤمنین علیه السلام درباره علم پرسیدند. حضرت فرمودند: چهار کلمه است: خدا را به اندازه نیازت به او عبادت کن. خدا را به اندازه صبرت بر آتش نافرمانی کن. برای دنیا به مقدار عمر خود تلاش کن. برای آخرت به مقدار بقاء خود در آن تلاش کن.

۳۳۲۱. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: قدر چهار چیز را فقط چهار نفر می دانند: قدر جوانی را غیر از پیران نمی دانند. قدر آسایش را غیر از گرفتار نمی دانند. قدر سلامت را غیر از بیمار نمی دانند. قدر زندگی را غیر از مردگان نمی دانند.

٣٣٢٢. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَوْلَدِهِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تَلَمْ إِنْسَانًا يَطْلُبُ قُوَّتَهُ؛ فَمَنْ عُدِمَ قُوَّتُهُ كَثُرَتْ خَطَايَاهُ.

يَا بُنَيَّ، الْفَقِيرُ حَقِيرٌ لَا يُسْمَعُ كَلَامُهُ، وَلَا يُعْرَفُ مَقَامُهُ، لَوْ كَانَ الْفَقِيرُ صَادِقًا يُسْمَوْنَهِ كَاذِبًا، وَلَوْ كَانَ زَاهِدًا يُسْمَوْنَهِ جَاهِلًا.

يَا بُنَيَّ، مَنْ ابْتَلَى بِالْفَقْرِ فَقَدِ ابْتَلَى بِأَرْبَعِ خِصَالٍ: بِالضَّعْفِ فِي يَقِينِهِ، وَالنَّقْصَانِ فِي عَقْلِهِ، وَالرَّقَّةِ فِي دِينِهِ (١)، وَقَلِّهِ الْحَيَاءِ فِي وَجْهِهِ، نَعُودُ بِاللَّهِ مِنَ الْفَقْرِ! (٢)

٣٣٢٣. وَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَوْلَدِهِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا بُنَيَّ، إِذَا نَزَلَتْ بِكَ شِدَّةٌ فَادْكُرْهَا لِبَعْضِ إِخْوَانِكَ، إِنَّكَ لَمْ تُعَدِّمْ مِنْهُمْ خَصْلَةً مِنْ أَرْبَعَةٍ: إِمَّا كِفَايَةً، أَوْ مَعُونَةً، أَوْ مَشُورَةً، أَوْ دَعْوَةً مُسْتَجَابَةً.

٣٣٢٤. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَوْلَدِهِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا بُنَيَّ، احْفَظْ عَنِّي أَرْبَعًا وَأَرْبَعًا. قَالَ الْحَسَنُ: قُلْتُ: يَا أَبَتِ، وَمَا هُنَّ؟ قَالَ:

إِنَّ أَعْنَى الْغِنَى الْعَقْلُ، وَأَكْبَرَ الْفَقْرِ الْحُمُقُ (٣)، وَأَوْحَشَ الْوَحْشَةَ الْعُجْبُ، وَأَكْرَمَ الْحَسْبِ حُسْنَ الْخُلُقِ.

قُلْتُ: يَا أَبَتِ فَهَذِهِ أَرْبَعٌ فَأَعْطِنِي الْأَرْبَعَ الْآخَرَ.

قَالَ: يَا بُنَيَّ، إِيَّاكَ وَمُصَادَقَةَ الْأَحْمَقِ؛ فَإِنَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَنْفَعَكَ فَيُضِرُّكَ، وَإِيَّاكَ وَمُصَادَقَةَ الْكَذَّابِ؛ فَإِنَّهُ يُقَرِّبُ عَلَيْكَ الْبَعِيدَ وَيُبْعِدُ عَلَيْكَ الْقَرِيبَ، وَإِيَّاكَ وَمُصَادَقَةَ الْبَخِيلِ؛ فَإِنَّهُ يَقْعِدُ بِكَ عِنْدَ أَحْوَجِ مَا تَكُونُ إِلَيْهِ، وَإِيَّاكَ وَمُصَادَقَةَ الْفَاجِرِ؛ فَإِنَّهُ يَبِيعُكَ فِي نِفَاقِهِ (٤). (٥)

٣٣٢٥. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِابْنِهِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَلَا أَعْلَمُكَ أَرْبَعَ خِصَالٍ تَسْتَغْنِي بِهَا عَنِ الطَّبِّ؟ فَقَالَ: بَلَى يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، فَقَالَ: لَا- تَجْلِسْ عَلَى الطَّعَامِ إِلَّا وَأَنْتَ جَائِعٌ، وَلَا تَقُمْ عَنِ الطَّعَامِ إِلَّا وَأَنْتَ تَشْتَهِيهِ، وَجُودِ الْمَضْغِ، وَإِذَا نِمْتَ فَأَعْرِضْ نَفْسَكَ عَلَى الْخَلَاءِ، فَإِذَا اسْتَعْمَلْتَ هَذِهِ اسْتَغْنَيْتَ. (٦)

ص: ١٤٢

١- الرِّقَّةُ: أَنْ يُظْهَرَ شَيْئًا وَهُوَ يَرِيدُ غَيْرَهُ، وَلَعَلَّهُ كِنَايَةٌ عَنِ الرِّيَاءِ أَوْ النِّفَاقِ، أَوْ الْمَرَادِ مِنَ الرِّقَّةِ الضَّعْفِ وَالْوَهْنِ وَفِي الدُّعَاءِ: «ارْحَم رِقَّةَ جِلْدِي» يَعْنِي أَنَّ الْفَقْرَ يَلْزَمُ ذَلِكَ إِلَّا فِيمَنْ عَصَمَهُ اللَّهُ تَعَالَى.

٢- جَامِعُ الْأَخْبَارِ، ص ١١٠.

٣- لِأَنَّهُ فَقِيرٌ مِنْ أَفْضَلِ النِّعَمِ وَهُوَ الْعَقْلُ.

٤- يَحْتَمِلُ أَنْ يَكُونَ الْمَرَادُ أَنَّهُ يَبِيعُكَ لَوْجُودِ صِفَةِ النِّفَاقِ فِيهِ، أَوْ يَبِيعُكَ فِي نِفَقَتِهِ؛ لِأَنَّ النِّفَاقَ جَمْعُ النِّفْقَةِ، وَفِي نَهْجِ الْبَلَاغَةِ، الْحِكْمَةُ ٣٨: «وَأِيَّاكَ وَمُصَادَقَةَ الْفَاجِرِ؛ فَإِنَّهُ يَبِيعُكَ بِالتَّافِهِ» أَيِ الشَّيْءِ الْقَلِيلِ.

٥- نَهْجُ الْبَلَاغَةِ، ص ٤٧٥، ح ٣٨.

٦- الْخِصَالُ، ٢٢٩، ح ٦٧.

۳۳۲۲. امیرالمؤمنین علیه السلام به فرزندش حسن علیه السلام فرمودند: کسی را که برای روزی خود تلاش می کند، ملامت مکن. کسی که خرج روزش را نداشته باشد، خطایش زیاد شود.

فرزندم؛ فقیر بی مقدار است. و به سخن او گوش ندهند. و ارزش او را نمی دانند. اگر راستگو هم باشد، او را دروغگو می پندارند. اگر دانا هم باشد، او را نادان می نامند.

فرزندم؛ کسی که به فقر مبتلا شود، به چهار خصلت مبتلا می شود: در یقین ضعیف می شود.

عقلش کم می شود. دینش سست می شود. حیاء در چهره اش کم می شود.

از فقر به خدا پناه می بریم.

۳۳۲۳. امیرالمؤمنین علیه السلام به فرزندش حسن علیه السلام فرمودند: فرزندم وقتی گرفتار سختی شدی آن را با بعضی از دوستان در میان بگذار، یکی از این چهار فایده را دارد: یا آن را به عهده می گیرد. یا کمک می کند. یا مشورت می دهد، یا دعایش برای تو مستجاب می کند.

۳۳۲۴. امیرالمؤمنین علیه السلام به فرزندش حسن علیه السلام فرمودند: پسرم چهار چیز و چهار چیز از من به خاطر بسپار. پرسید: پدر جان آنها چیستند؟

حضرت فرمودند: بالاترین ثروت، عقل است. بزرگترین فقر، حماقت است. و بدترین وحشت، خود پسندی و گرامی ترین حسب، اخلاق خوش است.

گفت: پدر جان این چهار مورد بود چهار مورد دیگر را بفرمایید.

حضرت فرمودند: پسرم، از دوستی با احمق بر حذر باش. چون می خواهد سود برساند ولی زیان می رساند. از دوستی با دروغگو بپرهیز. چون دور را نزدیک و نزدیک را دور جلوه می دهد. از دوستی با بخیل دوری کن. چون در موقع نیاز تو را تنها می گذارد. و از دوستی با گناهکار و سرکش اجتناب کن. چون در اثر نفاق تو را خواهد فروخت.

۳۳۲۵. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: پسرم آیا می خواهی چهار چیز به تو بیاموزم تا از دکتر بی نیاز شوی؟ فرمود: بله یا امیرالمؤمنین.

حضرت فرمودند: تا گرسنه نشدی، سر سفره نشین. و تا میل به غذا داری، از غذا خوردن دست بردار. غذا را خوب بجو. و قبل از خواب به دستشویی برو. اگر به اینها عمل کنی از دکتر بی نیاز می شوی.

٣٣٢٦. وقيل: جاء رجلٌ إلى أمير المؤمنين عليّ بن أبي طالبٍ عليه السلام فقال: أسألك عن أربع مسائل، فقال: سل وإن كانت أربعين. فقال: ما الواجب، وما الأوجب؟ وما القريب، وما الأقرب؟ وما العجيب، وما الأعجب؟ وما الأصعب؟ (١)

قال عليه السلام: أمّا الواجبُ فطاعةُ الله تعالى، وأمّا الأوجبُ فتركُ الذنوب. وأمّا القريبُ فالقيامُ، والأقربُ منها الموت. وأمّا العجيبُ فالدنيا، والأعجبُ منها حبُّ الدنيا. وأمّا الصَّعبُ فالقبر، والأصعبُ منه الذهابُ بلا زادٍ. (٢)

٣٣٢٧. قال عليه السلام: قدرُ الرَّجلِ على قدرِ همِّتهِ، وصِدْقُهُ على قدرِ مُرَوَّتهِ، وشجاعتهُ على قدرِ أنْفتهِ (٣)، وعِفَّتُهُ على قدرِ غَيْرَتِهِ. (٤)

٣٣٢٨. وعَنِ الْحَسَنِ (ل) بنِ عَلِيٍّ عليه السلام قال: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْكَوْفَةِ فِي الْجَامِعِ، إِذْ قَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ، فَسَأَلَهُ عَنْ مَسَائِلَ، فَكَانَ فِيهَا سَأَلُهُ أَنْ قَالَ لَهُ: أَخْبِرْنِي عَنِ النَّوْمِ عَلَى كَمِ وَجْهِ هُوَ؟ فَقَالَ:

النَّوْمُ عَلَى أَرْبَعَةٍ أَوْجُهُ: الْأَنْبِيَاءُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ تَنَامُ عَلَى أَقْفِيَّتِهَا (٥) مُسْتَلْقِيَةً؛ وَأَعْيُنُهَا لَا تَنَامُ مُتَوَقَّعَةً لَوْحِي اللَّهِ عِزُّ وَجَلُّ، وَالْمُؤْمِنُ يَنَامُ عَلَى يَمِينِهِ مُسْتَقْبِلَ الْقِبْلَةِ، وَالْمَلُوكُ وَأَبْنَاؤُهَا تَنَامُ عَلَى شِمَائِلِهَا لِيَسْتَمِرُّوا (٦) مَا يَأْكُلُونَ، وَإِبْلِيسُ وَإِخْوَانُهُ وَكُلُّ مَجْنُونٍ وَذِي عَاهِهِ يَنَامُ عَلَى وَجْهِهِ مُبْطِحاً. (٧)

٣٣٢٩. وَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ يَضْمَنَ لِي خِصْلَةً وَاحِدَةً أَضْمَنَ لَهُ أَرْبَعَةً: مَنْ يَضْمَنُ لِي صِدْقَةً الرِّجْمِ أَضْمَنَ بِحُبِّ أَهْلِهِ، وَبِكَثْرَةِ مَالِهِ، وَبِطَوْلِ عُمُرِهِ، وَبِدُخُولِهِ جَنَّةَ رَبِّهِ. (٨)

٣٣٣٠. وَكَتَبَ [أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ] كِتَابًا لِشُرَيْحِ الْقَاضِي لَمَّا ابْتَاعَ دَارًا بِالْكَوْفَةِ:

هَذَا مَا اشْتَرَى عَبْدٌ ذَلِيلٌ مِنْ مَيِّتٍ قَدْ ازْعَجَ لِلرَّحِيلِ دَارًا مِنْ دَارِ الْغُرُورِ مِنْ جَانِبِ الْفَانِينَ وَخِطَهُ الْهَالِكِينَ (٩).

ص: ١٤٤

- ١- . جامع الأخبار، ص ١٣٨، مع اختلافٍ يسير.
- ٢- . جامع الأخبار، ص ١٣٨، مع اختلافٍ يسير.
- ٣- . الأنفة: حمّية الأنف، وثوران الغضب لما يتخيّل من مكروه يعرض استنكاراً له واستنكافاً من وقوعه، وظاهر كونه مبدءاً للشجاعه في الإقدام على الأمور (مجمع البحرين: ١/١٢٣).
- ٤- . نهج البلاغه، ج ٤، ص ١٣، ح ٤٧.
- ٥- . القفا: وراء العنق، الجمع: أقيته (القاموس المحيط: ٣٧٩/٤). والمراد النوم على الظهر.
- ٦- . أي ليهضموا.
- ٧- . الخصال، ص ٢٦٣، ح ١٤٠.
- ٨- . جامع الأخبار، ص ١٠٦.
- ٩- . خطّه - بكسر الخاء -: هي في الأصل الأرض التي يختطها الإنسان لنفسه؛ أي يُعلم عليها علامهً بالخطّ ليعمرها.

۳۳۲۶. شخصی به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: چهار سؤال دارم. حضرت فرمودند: بپرس حتی اگر چهل سؤال باشد. گفت: واجب چیست؟ و چه چیزی از آن واجب تر است؟ نزدیک چیست؟ و نزدیکتر کدام است؟ عجیب چیست؟ و عجیب تر چیست؟ دشوار چیست؟ و دشوارتر چیست؟

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: واجب اطاعت خداست. و ترک گناه واجب تر است. قیامت نزدیک است. و مرگ نزدیکتر از آن است. دنیا عجیب است. و علاقه به دنیا عجیب تر است. و دشوار قبر است. و دشوارتر از آن رفتن بدون توشه است.

۳۳۲۷. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: ارزش انسان به قدر همت اوست. و صداقت او به اندازه جوانمردی او و شجاعتش به قدر مناعت او و پاکدامنی او به مقدار غیرت اوست.

۳۳۲۸. امام حسین علیه السلام فرمودند: امیرالمؤمنین علیه السلام در مسجد کوفه بودند، مردی از اهل شام بلند شد و چند سؤال پرسید، یکی از سؤالها این بود: خواب چند صورت دارد؟ حضرت فرمودند:

خواب چهار نوع است: خواب پیامبران که به قفا می خوابند. و چشمها نمی خوابند. و منتظر وحی هستند. خواب مؤمن که به پهلوی راست می خوابد. و رو به قبله است. خواب شاهان و فرزندانشان به پهلوی چپ است. تا آنچه خورده اند هضم شود. شیطان و دوستانش و دیوانگان و فجّار به رو می خوابند.

۳۳۲۹. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: هر کس به یک عمل متعهد شود من برای او چهار خصلت را تضمین می کنم: کسی که برای من متعهد شود با خویشان خود صلّه رحم کند، من تضمین می کنم که خویشان او وی را دوست بدارند. مالش بسیار شود. عمرش طولانی شود. و وارد بهشت گردد.

۳۳۳۰. وقتی که شریح قاضی خانه ای در کوفه خرید امیرالمؤمنین علیه السلام به او نامه ای نوشت:

این خانه ای است که بنده ای ذلیل از کسی که در چنگال مرگ است، خریده است. این خانه در سرزمین مرگ و وادی هلاکت است. چهار ضلع آن عبارتند از:

وَيَجْمَعُ هَذِهِ الدَّارَ خِدودًا أَرْبَعَةً: الْأَوَّلُ يَنْتَهِي إِلَى دَوَاعِي (١) الْآفَاتِ، وَالثَّانِي إِلَى دَوَاعِي الْمُصِيبَاتِ، وَالثَّلَاثُ إِلَى الْهَوَى الْمُرْدِي (٢). وَالرَّابِعُ إِلَى الشَّيْطَانِ الْمَغْوَى.

يَشْرَعُ بَابُهُ إِلَى كَوَاذِبِ الْأَمَالِ، وَأَسِيرِ الْغُرُورِ الْمُرْعَجِ (٣) بِالْخُرُوجِ مِنْ عِزِّ الْقَنَاعَةِ، وَالِدُخُولِ فِي ذُلِّ الطَّلَبِ، شَهْدَ بِذَلِكَ الْعِلْمِ وَالْعَقْلِ إِذَا خَرَجَ مِنْ أَسْرِ الْهَوَى، وَسَلِمَ مِنْ عِلَاقِ الدُّنْيَا (٤).

٣٣٣١. وَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اغْدُ عَالِمًا أَوْ مُتَعَلِّمًا أَوْ مُسْتَمِعًا أَوْ مُجِبًّا، وَلَا تَكُنِ الْخَامِسَ فَتَهْلِكَ.

أَقُولُ: الْمُرَادُ مِنْ قَوْلِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «وَلَا تَكُنِ الْخَامِسَ» هُوَ مَنْ عَادَى الْعُلَمَاءَ وَأَبْغَضَهُمْ، وَهُوَ مَأخُودٌ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الَّذِي ذَكَرَ؛ وَهُوَ قَوْلُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنْ اسْتَطَعْتَ فَكُنْ عَالِمًا، فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ فَكُنْ مُتَعَلِّمًا، وَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ فَأَحْبِبَّهُمْ، وَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ فَلَا تَبْغِضَهُمْ» (٥).

٣٣٣٢. وَرُوِيَ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْقُلُوبُ أَرْبَعَةٌ: صِيْدَرٌ، وَقَلْبٌ، وَفُؤَادٌ، وَلُبٌّ؛ فَالْصِّدْرُ مَوْضِعُ الْإِسْلَامِ: «أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صِيْدَرَهُ وَ لِلْإِسْلَامِ»، وَالْقَلْبُ مَوْضِعُ الْإِيمَانِ: «أَوَّلٌ - كَكْتُبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ»، وَالْفُؤَادُ مَوْضِعُ الْمَعْرِفَةِ: «مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَى»، وَاللُّبُّ مَوْضِعُ الذِّكْرِ: «وَلْيَذْكُرْ أَوْلُوهُ الْأَلْبَابِ» (٦).

٣٣٣٣. وَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَرَأْتُ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَالزَّبُورَ وَالْفُرْقَانَ، وَاخْتَرْتُ مِنْ كُلِّ كِتَابٍ كَلِمَةً؛ فَمِنَ التَّوْرَةِ: مَنْ صَمَّتْ نَجَا. وَمِنَ الْإِنْجِيلِ: مَنْ قَنَعَ شَبِعَ. وَمِنَ الزَّبُورِ: مَنْ تَرَكَ الشَّهَوَاتِ سَلِمَ مِنَ الْآفَاتِ. وَمِنَ الْفُرْقَانِ: «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» (٧).

٣٣٣٤. وَمِمَّا يُنْسَبُ إِلَيْهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ :

ص: ١٤٦

١- الداعية: السبب. ودواعي الدهر صروفه. ودواعي الصدر: همومه. والمراد هنا - ظاهراً - الأول.

٢- المردى: المهلك.

٣- هذه الجملة فيها سقط وتصحيف كما يظهر من روايه النهج والأمالى فيه: «وفيه يشرع باب هذه الدار، اشترى هذا المفتون بالأمل من هذا المرعج بالأجل جميع هذه الدار بالخروج من عز القنوع والدخول في ذل الطلب الخ» نقلناه عن الأمالى، وعبارة النهج قريبة منه.

٤- نهج البلاغه، ج ٣، ص ٥.

٥- مجموعه ورام، ج ١، ص ٨٤.

٦- أقول: لعل المراد أنه أربعه بحسب اللفظ في مصطلح القرآن وإنما فالكل واحد؛ إذ شرح الصدر باعتبار كون القلب فيه وكذلك الفؤاد واللّب، والذى ينبغى التدبر فيه أنّ القرآن الكريم نسب العلم والزيغ والضيق والشرح والعمى و... إلى القلوب التى فى الصدور، مع تصديق العلوم الطبيعیه بأنّ كل ذلك فى الدماغ، فراجع وتدبر. ولا بأس بأن يقال: إنّ المركز الوحيد هو

القلب، والدماغ آله لذلك.
٧- . جامع الأخبار، ص ١٨٣.

ضلع اول به اسباب آفت منتهی می شود. ضلع دوم به سرزمین مصیبت و ضلع سوم به خواهشهای مهلک و ضلع چهارم به ناحیه شیطان گمراه کننده منتهی می شود. درب خانه بسوی آرزوهای کاذب باز می شود. و قیمت آن خارج شدن خریدار اسیر غرور، از عزت قناعت و وارد شدن به ذلت حرص است.

گواه و شاهد این کلام علم و عقلی است که اسیر هوس نباشد. و از وابستگی های دنیا خلاص شده باشد.

۳۳۳۱. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: یا عالم باش یا جوینده علم و یا شنونده و یا دوستدار این گروه و نفر پنجم نباش که هلاک می شوی.

مؤلف گوید: نفر پنجم یعنی کسی که با علما دشمنی دارد. این معنا از سخن آن حضرت استفاده می شود که در جای دیگر فرمودند: اگر می توانی عالم باش اگر نمی توانی دنبال تحصیل علم برو. و اگر نمی توانی آنها را دوست بدار. و اگر نمی توانی با آنان دشمنی نکن.

۳۳۳۲. از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده: قلب چهار نوع است: سینه و قلب و دل و لب. سینه جایگاه اسلام است. قرآن می فرماید: «آن کسی که خدا سینه اش را برای اسلام وسعت داد».

قلب جایگاه ایمان است: «در قلوب آنان ایمان نوشته شده است».

دل جایگاه معرفت است: «دل دروغ نمی گوید و اشتباه نمی کند».

لب و فهم جایگاه یاد خداست: «صاحبان لب خدا را یاد کنند».

۳۳۳۳. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: تورات و انجیل و زبور و قرآن را قرائت کردم و از هر کتاب یک جمله برگزیدم. از تورات: کسی که سکوت کرد نجات یافت. از انجیل: کسی که قانع بود، سیر شد. از زبور: کسی که شهوت را ترک کرد، از آفت سالم ماند. از فرقان: «کسی که به خدا توکل کرد، خدا برای او بس است».

۳۳۳۴. جملاتی به آن حضرت نسبت داده شده است که اشعار عربی است:

أَرْبَعَةٌ فِي النَّاسِ مَيِّزَتُهُمْ أَحْوَالُهُمْ مَكشُوفَةٌ ظَاهِرَةٌ

فَوَاحِدٌ دُنْيَاهُ مَذْمُومَةٌ يَتَّبِعُهَا آخِرُهُ فَآخِرُهُ

وَوَاحِدٌ دُنْيَاهُ مَسْرُورَةٌ لَيْسَ لَهُ مِنْ بَعْدِهَا آخِرُهُ

وَوَاحِدٌ قَدْ حَازَ كِلْتَيْهِمَا قَدْ حَصَلَ الدُّنْيَا مَعَ الْآخِرِ

وَوَاحِدٌ قَدْ ضَاعَ مِنْ بَيْنِهِمْ لَأَحْصَلَ الدُّنْيَا وَلَا الْآخِرِ

٣٣٣٥. وَمِمَّا يُنْسَبُ أَيْضًا إِلَى عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

حُسْنُ الْخِصَالِ مِنَ الصَّلَاحِ (١) مَقْصُودٌ وَالْمَرْءُ بِالْفِعْلِ مَمْدُوحٌ وَمَرْدُودٌ

وَإِنَّمَا يَرْفَعُ الْإِنْسَانَ أَرْبَعَةٌ الْحِلْمُ وَالْعِلْمُ وَالْإِحْسَانُ وَالْجُودُ

٣٣٣٦. قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لِلْمُرَائِي أَرْبَعٌ عَلَامَاتٍ: يَكْسَلُ إِذَا كَانَ وَحْدَهُ، وَيَنْشَطُ إِذَا كَانَ فِي النَّاسِ، وَيَزِيدُ فِي الْعَمَلِ إِذَا اثْنَى

عَلَيْهِ، وَيَنْقُصُ مِنْهُ إِذَا لَمْ يُثْنِ عَلَيْهِ.

٣٣٣٧. رُوِيَ أَنَّ أَرْبَعَةً مِنَ الرَّهْبَانِيَّةِ أَتَوْا عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ لِيَمْتَحِنُوهُ، فَقَالُوا: نَسَأَلُكَ عَنْ مَعْنَى وَاحِدٍ بِلَفْظِ وَاحِدٍ، فَإِنْ أَجَابَ بِجَوَابٍ

وَاحِدٍ فَهُوَ نَاقِصٌ.

فَدَخَلَ وَاحِدٌ وَقَالَ: أَجْمَعُ الْمَالَ أَفْضَلُ أَمْ جَمَعُ الْعِلْمِ؟ فَقَالَ: بَلِ جَمْعُ الْعِلْمِ؛ لِأَنَّ الْمَالَ يَنْقُصُ بِالْإِنْفَاقِ وَالْعِلْمُ يَزْدَادُ.

ثُمَّ دَخَلَ الثَّانِي فَسَأَلَهُ مِثْلَ ذَلِكَ، فَقَالَ: بَلِ الْعِلْمِ؛ إِذِ الْعِلْمُ يَحْفَظُ صَاحِبَهُ، وَصَاحِبُ الْمَالِ يَحْفَظُ مَالَهُ.

ثُمَّ دَخَلَ الثَّلَاثُ فَسَأَلَهُ كَذَلِكَ، فَقَالَ: بَلِ الْعِلْمِ؛ لِأَنَّ مَنْ جَمَعَ الْعِلْمَ يَزْدَادُ تَوَاضَعُهُ، وَمَنْ جَمَعَ الْمَالَ يَزْدَادُ تَكَبُّرُهُ.

ثُمَّ دَخَلَ الرَّابِعُ وَسَأَلَهُ كَذَلِكَ، وَقَالَ: بَلِ الْعِلْمِ؛ لِأَنَّ مَنْ جَمَعَ الْعِلْمَ يَزْدَادُ أَحْبَابًا، وَمَنْ جَمَعَ الْمَالَ يَزْدَادُ أَعْدَاؤُهُ. (٢)

ص: ١٤٨

١- الصلصال: الطين اليابس الذي يصوت؛ أي حسن الخلق مطلوب حتى من الصلصال أو حتى من الإنسان حال كونه صلصالاً.

٢- شرح نهج البلاغة، ج ٢، ص ١٨٠. (روى أن أربعه الخ...)

مردم را در چهار گروه متمایز دیدم که احوال آنان روشن است:

یک گروه دنیایش ناپسند است و آخرت فاخر بدنبال دارند.

گروه دیگر در دنیا مسرورند ولی آخرت ندارند.

گروه دیگر هم دنیا دارند و هم آخرت که هر دو را با هم بدست آورده اند.

گروه چهارم کسانی هستند که هم دنیا و آخرت خود را ضایع کرده اند، و چیزی ندارند.

۳۳۳۵. این جملات نیز به شکل رباعی عربی است به آن حضرت نسبت داده شده است:

هدف از خلقت، اخلاق و صفات نیکوست. و انسان به رفتار خود نکوهش یا ستایش می شود.

و چهار چیز انسان را بالا می برد: بردباری، علم، نیکوئی و بخشندگی.

۳۳۳۶. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: ریاکار چهار علامت دارد: در تنهایی کسل است. در میان مردم با نشاط است. اگر او را تعریف کنند، بیشتر کار می کند. و اگر تمجید نکنند، کم کاری می کند.

۳۳۳۷. چهار راهب نصرانی برای آزمایش کردن نزد آن حضرت رفتند. و با هم تباری کردند که از یک مسئله سؤال کنند. و گفتند: جداگانه هر کدام از او می پرسیم، اگر به همه یک جواب داد، علم او ناقص است.

اولی رفت و پرسید: جمع کردن مال بهتر است یا اندوختن علم؟ حضرت فرمودند:

اندوختن علم بهتر است. چون مال با خرج کردن کم می شود. ولی علم بیشتر می شود.

دومی رفت و پرسید: حضرت جواب دادند: علم بهتر است. چون علم صاحبش را حفظ می کند. ولی صاحب مال باید از مال محافظت کند.

سومی پرسید: حضرت جواب دادند: علم بهتر است. چون اندوختن علم تواضع و فروتنی را بیشتر می کند، اما اندوختن مال تکبر را زیاد می کند.

چهارمی پرسید: حضرت جواب دادند: علم برتر است. چون اندوختن علم دوستان انسان را زیاد می کند، اما مال دشمنان انسان را بیشتر می کند.

٣٣٣٨. وَعَنْ كَمِيلِ بْنِ زِيَادٍ، قَالَ: سَأَلْتُ مَوْلَانَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ قُلْتُ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، أَرِيدُ أَنْ تُعَرِّفَنِي نَفْسِي، قَالَ: يَا كَمِيلُ، أَيُّ الْأَنْفُسِ تُرِيدُ أَنْ أَعَرِّفَكَ؟ قُلْتُ: يَا مَوْلَايَ، وَهَلْ هِيَ إِلَّا نَفْسٌ وَاحِدَةٌ؟ فَقَالَ: يَا كَمِيلُ، إِنَّمَا هِيَ أَرْبَعَةٌ: النَّامِيَةُ النَّبَاتِيَّةُ، وَالْحَسِّيَّةُ الْحَيَوَانِيَّةُ، وَالنَّاطِقَةُ الْقُدْسِيَّةُ، وَالْمَلَكَةُ (١) الْإِلَهِيَّةُ؛ وَلِكُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْ هَذِهِ خَمْسٌ قُوَى وَخَاصِّيَّتَانِ:

فَالنَّامِيَةُ النَّبَاتِيَّةُ لَهَا خَمْسٌ قُوَى: مَاسِكَةٌ، وَجَادِبَةٌ، وَهَاضِمَةٌ، وَدَافِعَةٌ، وَمُرَبِّيَّةٌ. وَلَهَا خَاصِّيَّتَانِ:

الزِّيَادَةُ وَالنَّقْصَانُ، وَانْبِعَاثُهَا (٢) مِنَ الْكَبِدِ، وَهِيَ أَشْبَهُ الْأَشْيَاءِ بِأَنْفُسِ الْحَيَوَانِ.

وَالْحَسِّيَّةُ الْحَيَوَانِيَّةُ لَهَا خَمْسٌ قُوَى: سَمْعٌ، وَبَصَرٌ، وَشَمٌّ، وَذَوْقٌ، وَلَمْسٌ. وَلَهَا خَاصِّيَّتَانِ: الرِّضَى وَالغَضَبُ، وَانْبِعَاثُهَا مِنَ الْكَبِدِ، وَهِيَ أَشْبَهُ الْأَشْيَاءِ بِأَنْفُسِ السَّبَاعِ.

وَالنَّاطِقَةُ الْقُدْسِيَّةُ لَهَا خَمْسٌ قُوَى: فِكْرٌ، وَذِكْرٌ، وَعِلْمٌ، وَحِلْمٌ، وَنَبَاهَةٌ (٣)، وَلَيْسَ لَهَا انْبِعَاثٌ، وَهِيَ أَشْبَهُ الْأَشْيَاءِ بِأَنْفُسِ الْمَلَائِكَةِ. وَلَهَا خَاصِّيَّتَانِ: النَّزَاهَةُ وَالْحِكْمَةُ.

وَالْمَلَكَةُ الْإِلَهِيَّةُ لَهَا خَمْسٌ قُوَى: بَقَاءٌ فِي فَنَاءٍ، وَنَعِيمٌ فِي شَقَاءٍ، وَعِزٌّ فِي ذُلٍّ، وَفَقْرٌ فِي غِنَاءٍ، وَصَبْرٌ فِي بَلَاءٍ. وَلَهَا خَاصِّيَّتَانِ: الْحِلْمُ وَالكَرَمُ، وَهَذِهِ الَّتِي مَبْدُؤُهَا مِنَ اللَّهِ تَعَالَى وَإِلَيْهِ تَعَوُّدٌ؛ لِقَوْلِهِ تَعَالَى:

«فَفَخْحَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا»، وَأَمَّا عَوْدُهَا فَلِقَوْلِهِ تَعَالَى: «يَأْتِيَنَّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَلِ - نَهْ * ارْجِعِي إِلَى رَبِّكَ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً»، وَالْعَقْلُ وَسَطًا (٤) لِكَيْلَا يَعْقِلَ أَحَدُكُمْ شَيْئًا مِنَ الْخَيْرِ وَالشَّرِّ إِلَّا بِقِيَاسٍ مَعْقُولٍ (٥).

٣٣٣٩. يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَبْقَى مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ، وَمِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ، مَسَاجِدُهُمْ يَوْمَئِذٍ عَامِرَةٌ مِنَ الْبِنَاءِ، خَالِيَةٌ مِنَ الْهُدَى. غَارَ (٦) الصُّدُقِ، وَفَاضَ (٧) الْكَذِبِ، وَاسْتَعْمَلَتِ الْمَوَدَّةَ بِاللِّسَانِ، وَتَشَاجَرَ النَّاسُ بِالْقُلُوبِ. الْكَافِرُ: الدُّنْيَا جَنَّتُهُ، وَالْعَاجِلَةُ هَمَّتُهُ، وَالْمَوْتُ شَقَاوَتُهُ، وَالنَّارُ غَايَتُهُ (٨).

ص: ١٥٠

١- . بحار الأنوار: (الكلية الإلهية) هنا وفيما سيأتي.

٢- . الانبعاث: قبول البعث والهيجان؛ أي نشؤها من الكبد.

٣- . نباهه - بالفتح -: الشرف والفتنه وضد الخمول، والظاهر هنا الفطنة.

٤- . كذا، وفي بحار الأنوار: «والعقل في وسط الكل». وقال العلامة المجلسي بعد ذكر هذه الرواية: أقول: هذه الاصطلاحات لم تكد توجد في الأخبار المعتمده المتداوله، وهي شبيهه بأضغاث أحلام الصوفيه (بحار الأنوار: ٨٥/٥٨).

٥- . بحار الأنوار، ج ٥٨، ص ٨٤.

٦- . غَارَ الْمَاءِ غُورًا: ذَهَبَ فِي الْأَرْضِ وَسَقَلَ فِيهَا (أقرب الموارد: غور).

٧- . فاض الماء: كَثُرَ (لسان العرب: فيض).

٨- . بحار الأنوار، ج ٤، ص ٣٦٩.

۳۳۳۸. کمیل از حضرت پرسید: یا امیرالمؤمنین نفس مرا به من معرفی فرمائید. حضرت فرمودند: یا کمیل؛ کدام نفس را می خواهی به تو معرفی کنم؟ کمیل پرسید: مگر بیشتر از یک نفس داریم؟

حضرت فرمودند: ای کمیل چهار نفس وجود دارد. و هر کدام پنج قدرت و دو خاصیت دارند.

نفس نامیه و روینده است که پنج قدرت دارد. قدرت نگه داری، جاذبه، هضم کننده و دفع کننده و پرورش دهنده. و این نفس دو خاصیت افزایش و نقصان دارد. و منشاء این نفس از کبد است و به حیوان بیشترین شباهت را دارد.

نفس حسی و حیوانی که قوای پنج گانه آن عبارتند از: گوش، چشم و بویایی و ذائقه و لامسه. دو خاصیت آن عبارتند از خشنودی و خشم. از کبد منبعث می شود. و به نفس درندگان بیشترین شباهت را دارد.

نفس ناطقه قدسی قوای پنج گانه آن عبارتند از: فکر و ذکر و علم و بردباری و زکات. این نفس انبعاث ندارد. و به فرشتگان بیشترین شباهت را دارد. و دو خاصیت آن عبارتند از:

پاکیزگی و حکمت.

نفس الهی، قوای پنج گانه آن عبارتند از: بقاء در فنا، و نعمت در بدبختی، و عزت در خواری، و فقر در ثروت، و صبر در بلا. دو خاصیت آن بردباری و کرامت است. مبداء این نفس از خداوند متعال است. که خدا فرمود: «از روح خود در آن دمیدیم»، و بازگشت آن هم به سوی خداست که فرمود: «ای نفس مطمئن، بسوی پروردگارت بازگرد. در خشنودی و رضایت». و عقل وسط است تا کسی از شما، جز با مقیاس عقلی چیزی از خیر و شر را نداند.

۳۳۳۹. زمانی خواهد آمد که برای مردم از قرآن جز رسم آن و از اسلام جز اسم آن باقی نماند.

ساختمان مسجدها آباد است، ولی از هدایت خالی می شوند. راستگویی می رود، و دروغگویی فراوان می شود. بر زبان دوستی جاری است، و در دلها مردم از هم متنفرند.

برای کافر دنیا بهشت است، و همتش صرف دنیا می شود، و مرگ بدبختی او و عاقبتش دوزخ است.

٣٣٤٠. عَادَةُ التَّبَلَاءِ (١) السَّخَاءُ وَالكَظْمُ وَالْعَفْوُ وَالْحِلْمُ. (٢).

٣٣٤١. مَا أَرَأَكُمْ إِلَّا شَبَاحًا بِلَا أَرْوَاحٍ، وَأَرْوَاحًا بِلَا فَلَاحٍ، وَنُسَاكًا بِلَا صَلَاحٍ، وَتُجَارًا بِلَا أَرْبَاحٍ. (٣).

٣٣٤٢. نَحْنُ أَمَنَاءُ لِلَّهِ شُبْحَانُهُ عَلَى عِبَادِهِ، وَمُقِيمُو الْحَقِّ فِي بِلَادِهِ، بِنَا يَنْجُو الْمَوَالِي، وَبِنَا يَهْلِكُ الْمُعَادِي. (٤).

٣٣٤٣. لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، عَزِيمَةُ الْإِيمَانِ، وَفَاتِحَةُ الْإِحْسَانِ، وَمَرْضَاةُ الرَّحْمَنِ، وَمَدْحَرَةُ (٥) الشَّيْطَانِ. (٦).

٣٣٤٤. مَا أَسْرَعَ السَّاعَاتِ فِي الْأَيَّامِ، وَأَسْرَعَ الْأَيَّامِ فِي الشُّهُورِ، وَأَسْرَعَ الشُّهُورِ فِي السَّنَةِ، وَأَسْرَعَ السَّنَةِ فِي الْعُمُرِ. (٧).

٣٣٤٥. قَدْ تَوَاحَى النَّاسُ عَلَى الْفُجُورِ، وَتَهَاجَرُوا عَلَى الدِّينِ، وَتَحَابَبُوا عَلَى الْكَذِبِ، وَتَبَاغَضُوا عَلَى الصِّدْقِ.

قَدْ خَاضُوا بِحَارِ الْفِتَنِ، وَأَخَذُوا بِالْبِدَعِ دُونَ السُّنَنِ، وَتَوَغَّلُوا الْجَهْلَ، وَأَطْرَحُوا الْعِلْمَ. (٨).

٣٣٤٦. (لَا تَكُنْ مِمَّنْ) يُبَالِغُ إِذَا سَأَلَ، وَيُقَصِّرُ إِذَا عَمِلَ، يَخْشَى الْمَوْتَ، وَلَا يُبَادِرُ الْفَوْتَ. (٩).

٣٣٤٧. قَدْ ظَهَرَ أَهْلُ الشَّرِّ، وَبَطَنَ أَهْلُ الْخَيْرِ، وَفَاضَ الْكَذِبُ، وَغَاضَ (١٠) الصِّدْقُ. (١١).

٣٣٤٨. لَا تَأْمَنَ عَدُوَّكَ، وَلَا تَفْرَعْ إِلَى صَدِيقِكَ (١٢)، وَأَقْبِلِ الْعُذْرَ وَإِنْ كَانَ كَذِبًا، وَدَعْ الْجَوَابَ عَنْ قُدْرِهِ وَإِنْ كَانَ لَكَ. (١٣).

٣٣٤٩. هُوَ هُدًى لِمَنْ اتَّخَمَ بِهِ، وَزِينَةٌ لِمَنْ تَحَلَّى بِهِ، وَعِصْمَةٌ لِمَنْ اعْتَصَمَ بِهِ، وَحَبْلٌ لِمَنْ تَمَسَّكَ بِهِ. (١٤).

٣٣٥٠. مَا أَقْبَحَ الْقَطِيعَةَ بَعْدَ الصَّلَاةِ، وَالْجَفَاءَ بَعْدَ الْإِحْيَاءِ، وَالْعَدَاوَةَ بَعْدَ الصَّفَاءِ، وَزَوَالَ الْآلْفَةَ بَعْدَ اسْتِحْكَامِهَا. (١٥).

٣٣٥١. يَسْتَدِلُّ عَلَى إِدْبَارِ الدُّوَلِ بِأَرْبَعٍ: تَضْيِيعِ الْأَصُولِ، وَالتَّمَسُّكِ بِالْفُرُوعِ، وَتَقْدِيمِ الْأَرَادِلِ، وَتَأْخِيرِ الْأَفَاضِلِ. (١٦).

ص: ١٥٢

١- . النُّبُلُ: الدُّكَاةُ وَالنَّجَابَةُ، وَقَدْ نُبِّلَ وَهُوَ نَبِيلٌ، وَقِيلَ: نَبِيلٌ: أَي حَازِقٌ (لِسَانَ الْعَرَبِ: نَبِل).

٢- . تَصْنِيفُ غُرَرِ الْحِكْمِ، ص ٤٣٦، ح ٩٩٨٣.

٣- . عِيُونُ الْحِكْمِ وَالْمَوَاعِظِ، ص ٤٨٠.

٤- . عِيُونُ الْحِكْمِ وَالْمَوَاعِظِ، ص ٤٩٩.

٥- . دَحْرَةٌ دَحْرًا وَمَدْحَرَةٌ: طَرْدَةٌ وَأَبْعَدَةٌ (أَقْرَبُ الْمَوَارِدِ: دَحْر).

٦- . عِيُونُ الْحِكْمِ وَالْمَوَاعِظِ، ص ٥٤٣.

٧- . عِيُونُ الْحِكْمِ وَالْمَوَاعِظِ، ص ٤٨٠.

٨- . تَصْنِيفُ غُرَرِ الْحِكْمِ، ص ١٢٣، ح ٢١٤٦.

٩- . نَهْجُ الْبَلَاغَةِ، ج ٤، ص ٣٩، ح ١٥٠.

١٠- . غَاضَ الْمَاءُ: نَقَصَ أَوْ غَارَ فَذَهَبَ (لسان العرب: غيض).

١١- . عيون الحكم والمواعظ، ص ٣٦٦.

١٢- . في غرر الحكم: «ولا تَقْرَعِ صَدِيقَكَ»، والظاهر أنه الصواب.

١٣- . عيون الحكم والمواعظ، ص ٥٢٩.

١٤- . عيون الحكم والمواعظ، ص ٥١٣.

١٥- . عيون الحكم والمواعظ، ص ٤٨٤.

١٦- . تصنيف غرر الحكم، ص ٣٤٢، ح ٧٨٣٥.

۳۳۴۰. عادت مردم نجیب و زیرک، سخاوت و فرو بردن خشم و عفو و بردباری است.

۳۳۴۱. شما را جز شبح بدون روح و روح بدون رستگاری و عابدانی بدون صلاح و تجارت شما را بدون سود، نمی بینم.

۳۳۴۲. ما [اهل بیت] امین خداوند سبحان بر بندگان او و برپا دارنده حق در جوامع هستیم. دوستان ما نجات می یابند. و دشمنان ما نابود می شوند.

۳۳۴۳. ذکر لا اله الا الله سررشته ایمان و سرآغاز احسان و موجب رضایت خداوند و دور کننده شیطان است.

۳۳۴۴. ساعت ها در روز و روزها در ماه و ماهها در سال و سالها در عمر با سرعت می گذرند.

۳۳۴۵. مردم برای انجام دادن گناهان برادری می کنند. و به خاطر دین از هم دور می شوند. همدیگر را برای دروغ گفتن به هم دوست دارند. و از صداقت بیزارند.

در دریاهاى فتنه شناورند. و بجای سنتها بدعتها را می پذیرند، و در جهالت فرو رفته اند و علم را کنار می زنند.

۳۳۴۶. چنان مباش که هنگام درخواست، مبالغه و هنگام عمل، کوتاهی کنی و از مرگ ترسی و نگران از دست دادن فرصت نباشی.

۳۳۴۷. اهل شرارت، آشکار و اهل خیر، پنهان و دروغ، فراوان و صداقت، کمیاب شده است.

۳۳۴۸. از دشمن ایمن مباش. و به دوست خود مکر نکن. و عذر را بپذیر. گرچه دروغ باشد. و در هنگام قدرت جواب مده. گرچه حق با توست.

۳۳۴۹. او هدایت است برای کسی که به او اقتدا کند. و زینت است برای کسی که خود را به او بیاراید.

و نگه دارنده است برای کسی که به او چنگ زند. و رشته محکم است برای کسی که به او بیاویزد.

۳۳۵۰. چقدر زشت است قطع رابطه بعد از ارتباط و ستم بعد از برادری و دشمنی بعد از صفاء و نابودی الفت بعد از برقراری آن.

۳۳۵۱. دلیل افول دولتها چهار چیز است: ضایع کردن اصول، دست آویختن به فروع و مقدم کردن اراذل و کنار زدن نخبگان.

٣٣٥٢. يُسْتَدَلُّ عَلَى الْإِدْبَارِ بِأَرْبَعٍ: سَوْءِ التَّدْبِيرِ، وَقُبْحِ التَّبْدِيرِ، وَقَلْبِهِ الْإِعْتِبَارِ، وَكَثْرَةِ الْإِغْتِرَارِ. (١)

٣٣٥٣. يُسْتَدَلُّ عَلَى الْعَاقِلِ بِأَرْبَعٍ: بِالْحَزْمِ، وَالْإِسْتِظْهَارِ، وَقَلْبِهِ الْإِغْتِرَارِ، وَتَحْصِينِ الْأَسْرَارِ.

٣٣٥٤. لَا تَتَمُّ مُرُوءَةُ الرَّجُلِ حَتَّى يَتَفَقَّهُ فِي دِينِهِ، وَيَقْتَصِدَ فِي مَعِيشَتِهِ، وَيَصْبِرَ عَلَى النَّائِبَةِ إِذَا نَزَلَتْ بِهِ، وَيَسْتَعْدِبَ مَرَارَةَ إِخْوَانِهِ (٢).

٣٣٥٥. قَدَرُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ، وَصِدْقُهُ عَلَى قَدْرِ مُرُوءَتِهِ، وَشَجَاعَتُهُ عَلَى قَدْرِ أَنْفَتِهِ (٣)، وَعَفْفَتُهُ عَلَى قَدْرِ غَيْرَتِهِ (٤).

٣٣٥٦. (قال عليه السلام في وصف النار: غمر (٥) قارؤها، مُظْلِمَةٌ أَقْطَارُهَا، حَامِيَةٌ قُدُورُهَا، فَطِيعَةٌ أُمُورُهَا. (٦)

٣٣٥٧. يُعْجِبُنِي أَنْ يَكُونَ الرَّجُلُ حَسَنَ الْوَرَعِ، مُتَنَزِّهًا عَنِ الطَّمَعِ، كَثِيرَ الْإِحْسَانِ، قَلِيلَ الْإِمْتِنَانِ. (٧)

٣٣٥٨. الْكَرِيمُ (مَنْ) يَعْفُو مَعَ الْقُدْرَةِ، وَيَعْدِلُ مَعَ الْإِمْرَةِ، وَيَكْفُ إِسَاءَتَهُ، وَيَبْذُلُ إِحْسَانَهُ. (٨)

٣٣٥٩. (لَا تَكُنْ مِمَّنْ) يَقُولُ فِي الدُّنْيَا بِقَوْلِ الرَّاهِدِينَ، وَيَعْمَلُ فِيهَا بِعَمَلِ الرَّاعِيَيْنِ، إِنْ أُعْطِيَ مِنْهَا لَمْ يَشْبَعِ، وَإِنْ مُنِعَ مِنْهَا لَمْ يَقْنَعِ. (٩)

٣٣٦٠. يَتَبَغَى لِلْعَالِمِ أَنْ يَكُونَ صَدُوقًا لِيُؤْمَنَ عَلَى مَا قَالَ، وَأَنْ يَكُونَ شَكُورًا لِيَسْتَوْجِبَ الْمَزِيدَ، وَأَنْ يَكُونَ حَمُولًا لِيَسْتَحِقَّ السِّيَادَةَ، وَأَنْ يَعْمَلَ بِعِلْمِهِ لِيَقْتَدِيَ النَّاسُ بِهِ. (١٠)

٣٣٦١. قِوَامُ الدُّنْيَا بِأَرْبَعٍ: عَالِمٌ يَعْمَلُ بِعِلْمِهِ، وَجَاهِلٌ لَا يَسْتَنْكِفُ أَنْ يَتَعَلَّمَ، وَغَنِيٌّ يَجُودُ بِمَالِهِ عَلَى الْفُقَرَاءِ، وَفَقِيرٌ لَا يَبِيعُ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاهُ؛ فَإِذَا لَمْ يَعْمَلِ الْعَالِمُ بِعِلْمِهِ اسْتَنْكَفَ الْجَاهِلُ أَنْ يَتَعَلَّمَ، وَإِذَا بَخَلَ الْغَنِيُّ بِمَالِهِ بَاعَ الْفَقِيرُ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاهُ. (١١)

٣٣٦٢. مَا كَذَبْتُ وَلَا كُذِّبْتُ، وَلَا ضَلَلْتُ وَلَا ضُلُّ بِي. (١٢)

ص: ١٥٤

١- . عيون الحكم والمواعظ، ص ٥٢٢.

٢- . تحف العقول، ص ٢٢٣.

٣- . أَنْفٌ مِنَ الشَّيْءِ أَنْفَةٌ: حَمِيٌّ، اسْتَنْكَفَ (لسان العرب: أنف).

٤- . نهج البلاغة، ج ٤، ص ١٣، ح ٤٧.

٥- . غَمْرُ الْخُلُقِ: أَيْ وَاسِعُ الْخُلُقِ، وَغَمْرَةُ الْمَوْتِ: شِدَّةُ هُمُومِهِ (لسان العرب: غمر).

٦- . عيون الحكم والمواعظ، ص ٣٤٩.

٧- . عيون الحكم والمواعظ، ص ٥٥٤.

٨- . عيون الحكم والمواعظ، ص ٦٣.

- ٩- . نهج البلاغه، ج ٤، ص ٣٨.
- ١٠- . تحف العقول، ص ٣٦٤، مع اختلافٍ يسير.
- ١١- . عيون الحكم والمواعظ، ص ٣٧٠.
- ١٢- . نهج البلاغه، ج ٤، ص ٤٣، ح ١٨٥.

۳۳۵۲. دلیل عقب ماندگی چهار چیز است: تدبیر بد، زشتی اسراف، عبرت نگرفتن و غرور زیاد.

۳۳۵۳. به چهار چیز برای عاقل بودن استدلال می شود: دوران‌دیشی، پشت گرمی و فریب نخوردن و راز داری.

۳۳۵۴. جوانمردی کسی کامل نمی شود مگر با فهمیدن و آموختن دین، و میانه روی در معاش و صبر در مشکلاتی که پیش می آید و شریک شدن در غم برادر دینی او.

۳۳۵۵. ارزش انسان به اندازه همت او و صداقتش به قدر جوانمردی او و شجاعتش به مقدار مناعتش و پاکدامنی او به قدر غیرت اوست.

۳۳۵۶. امیرالمؤمنین علیه السلام در توصیف دوزخ فرمودند: دامنه اش گسترده، زوایایش ظلمانی و شعله هایش فراگیر و عذابش جانکاه است.

۳۳۵۷. خوشم می آید از کسی که پرهیزکاری او زیبا و از طمع پیراسته و نیکوکاری او بسیار و منت نهادنش کم باشد.

۳۳۵۸. انسان کریم با وجود قدرت عفو می کند. و در حکومت عادل است. و از بدی خودداری می کند. و نیکی خود را به دیگران بذل می نماید.

۳۳۵۹. چنان مباش که درباره دنیا چون زاهد سخن گوید، و در عمل شیفته دنیاست. و اگر از دنیا هرچه به او بدهند سیر نمی شود. و اگر به او ندهند قانع نیست.

۳۳۶۰. شایسته است که عالم راستگو باشد. تا مردم در آنچه می گوید اعتماد کنند. و شکر گزار باشد تا بر نعمت او افزوده شود. و تحمل او زیاد باشد تا سزاوار بزرگی شود. و به علم خود عمل کند تا مردم به او اقتدا کنند.

۳۳۶۱. استواری دنیا به چهار چیز است: عالمی که علم خود را بکار گیرد، و جاهلی که از آموختن خودداری نکند. و ثروتمندی که از مال خود به فقرا ببخشد. و فقیری که آخرتش را به دنیا نفروشد. اگر عالم به علم خود عمل کند، جاهل از آموختن استنکاف می کند. و اگر ثروتمند از مال خود بخل ورزد، فقیر آخرتش را به دنیا می فروشد.

۳۳۶۲. دروغ نگفتم، و دروغ به من گفته نشده. و گمراه نشدم. و کسی را هم گمراه نکردم.

٣٣٦٣. عَقْلُ الْمَرْءِ نِظَامُهُ، وَأَدَبُهُ قِوَامُهُ، وَصِدْقُهُ إِمَامُهُ، وَشُكْرُهُ تَمَامُهُ. (١).

٣٣٦٤. الْعَقْلُ خَلِيلُ الْمُؤْمِنِ، وَالْحِلْمُ وَزِيرُهُ، وَالرِّفْقُ وَالِدُهُ، وَاللِّينُ أَخُوهُ. (٢).

٣٣٦٥. الْعِلْمُ أَفْضَلُ الْكُنُوزِ وَأَجْمَلُهَا؛ خَفِيفُ الْمَحْمَلِ، عَظِيمُ الْجَدْوَى (٣)، فِي الْمَلَأِ جَمَالٌ، وَفِي الْوَحْدَةِ انْسَانٌ. (٤).

٣٣٦٦. لَا تَغْضِبُوا وَلَا تُغْضِبُوا، أَفْشُوا السَّلَامَ، وَأَطِيبُوا الْكَلَامَ. (٥).

٣٣٦٧. كُنْ بِالْمَعْرُوفِ آمِرًا، وَعَنِ الْمُنْكَرِ نَاهِيًا، وَبِالْخَيْرِ عَامِلًا، وَلِلشَّرِّ مَانِعًا. (٦).

٣٣٦٨. كُنْ بِالْمَعْرُوفِ آمِرًا، وَعَنِ الْمُنْكَرِ نَاهِيًا، وَلِمَنْ قَطَعَكَ وَاصِلًا، وَلِمَنْ حَزَمَكَ مُعْطِيًا. (٧).

٣٣٦٩. الْمُصْطَبِحُ إِلَى اللَّيْلِ كَمَنْ طَوَّقَ الْخَنْزِيرَ تَبْرًا، وَقَرَّطَ (٨) الْكَلْبَ دُرًّا، وَأَلْبَسَ الْحِمَارَ وَشِيَاءً، وَأَلْقَمَ الْأَفْعَى شَهْدًا. (٩).

٣٣٧٠. مَنْ اتَّبَعَ هَوَاهُ؛ أَعْمَاهُ وَأَصَمَّهُ وَأَذَلَّهُ وَأَضَلَّهُ. (١٠).

٣٣٧١. مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكْمَلَ إِيمَانَهُ فَلْيُكُنْ حُبُّهُ لِلَّهِ، وَبُغْضُهُ لِلَّهِ، (وَرِضَاهُ لِلَّهِ)، وَسَخَطُهُ لِلَّهِ. (١١).

٣٣٧٢. مَنْ اسْتَطَاعَ أَنْ يَمْنَعَ نَفْسَهُ مِنْ أَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ فَهُوَ خَلِيقٌ بَانَ لَا يَنْزِلُ بِهِ مَكْرُوهٌ أَبَدًا. قِيلَ: وَمَا هُنَّ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟ قَالَ: الْعَجَلَةُ، وَاللَّجَاجَةُ، وَالْعُجْبُ، وَالتَّوَانِي (١٢). (١٣).

٣٣٧٣. مَنْ اشْتَقَّ خَدَمَ، وَمَنْ خَدَمَ اتَّصَلَ، وَمَنْ اتَّصَلَ وَصَلَ، وَمَنْ وَصَلَ عَرَفَ. (١٤).

٣٣٧٤. لا- يَزُولُ قَدَمُ ابْنِ آدَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ عُمْرِهِ فِيْمَ أَفْنَاهُ، وَعَنْ شَبَابِهِ فِيْمَ أَبْلَاهُ، وَعَنْ مَالِهِ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ وَفِيْمَ أَنْفَقَهُ، وَعَمَّا عَمِلَ فِيْمَا عَلِمَ. (١٥).

٣٣٧٥. مَنْ أَعْطَى فِي اللَّهِ، وَمَنَعَ فِي اللَّهِ، (وَأَحَبَّ فِي اللَّهِ)، (وَأَبْغَضَ فِي اللَّهِ)؛ فَقَدْ اسْتَكْمَلَ الْإِيمَانَ. (١٦).

ص: ١٥٦

١- . تصنيف غررالحكم، ص ٢٧٧، ح ٦١٢٣.

٢- . تحف العقول، ص ٢٠٣.

٣- . الجدوى: النَّفْعُ (أقرب الموارد: جدو).

٤- . شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٣٣٩، ح ٨٨٥.

٥- . الكافي، ج ٢، ص ٦٤٥، ح ٧.

٦- . عيون الحكم والمواعظ، ص ٣٩٣.

٧- . تصنيف غررالحكم، ص ٣٣٢، ح ٧٦٤١ مع طياً معطياً.

- ٨- . قَرَطَ الْجَارِيَةَ: أَلْبَسَهَا الْقُرْطَ وَهُوَ الَّذِي يُعَلَّقُ فِي شَحْمَةِ الْأُذُنِ مِنْ دُرِّهِ وَنَحْوِهَا (أَقْرَبُ الْمَوَارِدِ: قُرْطَ).
- ٩- . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٣٣٥، ح ٨٤١.
- ١٠- . تصنيف غررالحكم، ص ٦٥، ح ٨٣٦.
- ١١- . تصنيف غررالحكم، ص ٨٨، ح ١٤٧٣.
- ١٢- . تَوَانِي فِي حَاجَتِهِ: قَصَّرَ وَفَتَّرَ وَلَمْ يُبَادِرْ إِلَى ضَبْطِهَا (أَقْرَبُ الْمَوَارِدِ: وَنِي).
- ١٣- . تحف العقول، ص ٢٢٢.
- ١٤- . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٣٤٢، ح ٩٣٣.
- ١٥- . شرح نهج البلاغه، ص ٢٥٩، ح ٣٣.
- ١٦- . تصنيف غررالحكم، ص ٨٨، ح ١٤٧٤.

۳۳۶۳. عقل انسان نظام اوست. و ادب قوام او. و صداقت امام او. و شکرگزاری تمام او.

۳۳۶۴. عقل، دوست صمیمی مؤمن است. بردباری، وزیر او و مدارا کردن، پدر او و ملایمت، برادر اوست.

۳۳۶۵. علم برترین و زیباترین گنجهاست، جابجایی آن آسان، نفع آن بسیار، و در آشکار زیبایی و در خلوت مونس انسان است.

۳۳۶۶. خشمگین نشوید. و دیگران را خشمگین نکنید. بلند سلام کنید. و سخن سنجیده بگویید.

۳۳۶۷. به کارهای خوب امر کن. و از کارهای بد نهی بنما. و به کار خیر مشغول باش. و از شرارت منع کن.

۳۳۶۸. به واجبات امر کنید. و از کارهای بد نهی نمایید. و با کسی که از شما بریده پیوند برقرار کنید.

و به کسی که شما را محروم کرده عطا کنید.

۳۳۶۹. کسی که به فرومایه احسان نماید چون کسی است که گردنبد به گردن خوگ انداخته. و گوشواره دُر به گوش سگ کند. و لباس فاخر به الاغ بپوشاند. و انگشت عسل به دهان افعی کند.

۳۳۷۰. کسی که بدنبال هوس خود باشد، او را کور و کر و ذلیل و گمراه می کند.

۳۳۷۱. کسی که دوست دارد ایمانش را کامل کند، باید برای خدا دوست بدارد. برای خدا متنفر باشد. برای خدا خشنود شود. و برای خدا خشمگین گردد.

۳۳۷۲. کسی که بتواند خودش را از چهار چیز بازدارد شایسته است که هیچوقت گرفتار نشود.

پرسیدند: آن چهار چیز کدام است؟ فرمودند: عجله و لجاجت و خود پسندی و تنبلی.

۳۳۷۳. کسی که مشتاق است خدمت می کند. و کسی که خدمت می کند متصل می شود. و کسی که متصل می شود می رسد. و کسی که برسد معرفت یابد.

۳۳۷۴. در قیامت کسی قدم بر ندارد مگر اینکه از او سؤال شود: عمرش را چگونه گذرانده؟ جوانی را چگونه سپری کرده؟ و مالش را از کجا بدست آورده و چگونه مصرف کرده؟ و به آنچه می دانست عمل کرده است یا نه؟

۳۳۷۵. کسی که برای خدا عطا کند و برای خدا منع کند و برای خدا دوست بدارد و برای خدا نفرت دارد، ایمانش کامل است.

٣٣٧٦. مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْهِ كَفَاهُ، وَمَنْ سَأَلَهُ أَعْطَاهُ، وَمَنْ أَقْرَضَهُ قَضَاهُ، وَمَنْ شَكَرَهُ جَزَاهُ. (١)

٣٣٧٧. لِلْمُؤْمِنِ عَقْلٌ وَفِيٌّ، وَحِلْمٌ مَرَضِيٌّ، وَرَغْبَةٌ فِي الْحَسَنَاتِ، وَفَرَارٌ مِنَ السَّيِّئَاتِ. (٢)

٣٣٧٨. مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ: الْبُرِّ، وَإِخْفَاءُ الْعَمَلِ، وَالصَّبْرُ عَلَى الرِّزَايَا، وَكِنَمَانُ الْمَصَائِبِ. (٣)

٣٣٧٩. الْمَنْجِمُ كَالكَاهِنِ، وَالكَاهِنُ كَالسَّاحِرِ، وَالسَّاحِرُ كَالكَافِرِ، وَالكَافِرُ فِي النَّارِ. (٤)

٣٣٨٠. (قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي ذِكْرِ الْأَمِيرِينَ بِالمَعْرُوفِ وَالنَّاهِينَ عَنِ الْمُنْكَرِ): مِنْهُمْ الْمُنْكَرُ لِلْمُنْكَرِ بِيَدِهِ وَلِسَانِهِ وَقَلْبِهِ؛ فَمَذَلِكِ الْمُسْتَكْمِلُ لِخِصَالِ الْخَيْرِ، وَمِنْهُمْ الْمُنْكَرُ بِلِسَانِهِ وَقَلْبِهِ وَالتَّيَارِكُ بِيَدِهِ؛ فَمَذَلِكِ الْمَتَمَسِّكُ بِخِصَلَتَيْنِ مِنْ خِصَالِ الْخَيْرِ وَمُضَيِّعُ خِصَلَةٍ، وَمِنْهُمْ الْمُنْكَرُ بِقَلْبِهِ وَالتَّارِكُ بِلِسَانِهِ وَيَدِهِ؛ فَمَذَلِكِ مُضَيِّعُ أَشْرَفِ الْخِصَلَتَيْنِ مِنَ الثَّلَاثِ وَمَتَمَسِّكُ بِوَاحِدِهِ، وَمِنْهُمْ تَارِكُ لِإِنْكَارِ الْمُنْكَرِ بِقَلْبِهِ وَلِسَانِهِ وَيَدِهِ؛ فَمَذَلِكِ مَيِّتٌ [بَيْنَ الْأَحْيَاءِ]. (٥)

٣٣٨١. الْمُؤْمِنُ: الدُّنْيَا مِضْمَارُهُ، وَالْعَمَلُ هِمَّتُهُ، وَالْمَوْتُ تُحَفَّتُهُ، وَالْجَنَّةُ سُبْقَتُهُ. (٦). (٧)

٣٣٨٢. الْمُؤْمِنُ بَيْنَ نِعَمِهِ وَخَطِيئَتِهِ، لَا يُصْلِحُهُمَا إِلَّا الشُّكْرُ وَالِاسْتِغْفَارُ. (٨)

٣٣٨٣. الْمُؤْمِنُ حَيٌّ، غَنِيٌّ، مَوْقِنٌ، تَقِيٌّ. (٩)

٣٣٨٤. الْمُؤْمِنُ قَرِيبٌ أَمْرُهُ، بَعِيدٌ هَمُّهُ، كَثِيرٌ صَمْتُهُ، خَالِصٌ عَمَلُهُ. (١٠)

٣٣٨٥. الْمُؤْمِنُ مَنْ كَانَ حُبُّهُ لِلَّهِ، وَبُغْضُهُ لِلَّهِ، وَأَخْذُهُ لِلَّهِ، وَتَرْكُهُ لِلَّهِ. (١١)

٣٣٨٦. الْمُؤْمِنُونَ أَنْفُسُهُمْ عَفِيفَةٌ، وَحَاجَاتُهُمْ خَفِيفَةٌ، وَخَيْرَاتُهُمْ مَأْمُولَةٌ، وَشُرُورُهُمْ مَأْمُونَةٌ. (١٢)

ص: ١٥٨

- ١- . نهج البلاغه، ج ١، ص ١٥٩.
- ٢- . تصنيف غررالحكم، ص ٩١، ح ١٥٦٤.
- ٣- . تحف العقول، ص ٢٠٠.
- ٤- . نهج البلاغه، ج ١، ص ١٢٨.
- ٥- . تصنيف غررالحكم، ص ٣٣٢، ح ٧٦٥١.
- ٦- . السُّبْقَةُ: الْخَطَرُ يَوْضَعُ بَيْنَ أَهْلِ السَّبَاقِ وَهُوَ مَا يَتْرَاهُنُونَ عَلَيْهِ (أَقْرَبُ الْمَوَارِدِ: سَبَقَ).
- ٧- . تصنيف غررالحكم، ص ٩٠، ح ١٥٣٤.
- ٨- . تصنيف غررالحكم، ص ٩٠، ح ١٥٢٧.
- ٩- . تصنيف غررالحكم، ص ٩٠، ح ١٥٣٠.

- ١٠- . تصنيف غررالحكم، ص ٩٠، ح ١٥٣٦.
- ١١- . تصنيف غررالحكم، ص ٨٩، ح ١٥٢٤.
- ١٢- . تصنيف غررالحكم، ص ٢٧٣، ح ٥٩٨١.

۳۳۷۶. کسی که به خدا توکل کند، خدا او را کفایت کند. و کسی که از خدا طلبد، او عطا کند. و کسی که از خدا قرض بخواهد، خدا حاجتش را روا کند و کسی که شکر کند، خدا پاداش دهد.

۳۳۷۷. مؤمن عقل جامع و بردباری پسندیده و تمایل به حسنات دارد. و از بدیها فرار می کند.

۳۳۷۸. از گنجهای بهشت، نیکوکاری و پنهان داشتن عمل [خوب] و صبر در ناملایمات و کتمان مصیبت هاست.

۳۳۷۹. منجم مثل کاهن است. و کاهن مثل جادوگر. و جادوگر مثل کافر. و کافر هم در دوزخ است.

۳۳۸۰. امیرالمؤمنین علیه السلام درباره کسانی که امر به معروف و نهی از منکر می کنند فرمودند: بعضی از آنها کار زشت را با دست و زبان و قلب خود انکار می کنند. اینان خصلتهای خیر را بطور کامل دارند. بعضی با زبان و قلب انکار می کنند اما در عمل ترک می کنند. اینان دو خصلت از خصلتهای خیر را دارند و یک خصلت را ضایع کرده اند. بعضی فقط با قلب انکار می کنند اما با زبان و عمل کاری انجام نمی دهند. اینان دو خصلت برتر را ضایع کرده اند و فقط یک خصلت را نگه داشته اند. بعضی نهی از منکر را با قلب و زبان و عمل ترک کرده اند. اینان مرده هایی در بین زندگان هستند.

۳۳۸۱. برای مؤمن دنیا چون میدان مسابقه است. و همت او عمل کردن و مرگ برایش تحفه و بهشت جایزه است.

۳۳۸۲. مؤمن میان نعمت و خطاست. که جز شکر و استغفار آن را اصلاح نمی کند.

۳۳۸۳. مؤمن با حیا و بی نیاز و اهل یقین و پرهیزکار است.

۳۳۸۴. کار مؤمن نزدیک و همت او بلند و سکوت او بسیار و عمل او برای خداست.

۳۳۸۵. مؤمن کسی است که دوست داشتن او برای خدا و بغض او برای خدا و حرکت او برای خدا و ترک کردن او برای خدا باشد.

۳۳۸۶. مؤمنان خودشان پاکدامن هستند. و نیازشان اندک است. و امید به خیرات آنان هست. و از شرارت آنان ایمنی وجود دارد.

٣٣٨٧. قَالَ: مَنْ أَعْطِيَ أَرْبَعًا لَمْ يُحْرَمِ أَرْبَعًا: مَنْ أَعْطِيَ الدُّعَاءَ لَمْ يُحْرَمِ الْإِجَابَةَ، وَمَنْ أَعْطِيَ الْإِسْتِغْفَارَ لَمْ يُحْرَمِ التَّوْبَةَ، وَمَنْ أَعْطِيَ الشُّكْرَ لَمْ يُحْرَمِ الزِّيَادَةَ، وَمَنْ أَعْطِيَ الصَّبْرَ لَمْ يُحْرَمِ الْأَجْرَ. (١)

٣٣٨٨. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَرْبَعَةٌ أَوْتُوا سَمْعَ الْخَلَائِقِ: النَّبِيُّ، وَالْحَوْرُ الْعَيْنُ، وَالْجَنَّةُ، وَالنَّارُ؛ فَمَا مِنْ عَبْدٍ يُصَيِّرُنِي عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ أَوْ يُسَيِّرُنِي عَلَيْهِ إِلَّا بَلَغَهُ ذَلِكَ وَسَمِعَهُ، وَمَا مِنْ أَحَدٍ قَالَ: اللَّهُمَّ زَوِّجْنِي مِنَ الْحَوْرِ الْعَيْنِ إِلَّا سَمِعْتَهُ وَقُلْتَنِي: يَا رَبَّنَا، إِنَّ فُلَانًا قَدْ حَطَبَنَا إِلَيْكَ فَزَوِّجْنَا مِنْهُ، وَمَا مِنْ أَحَدٍ يَقُولُ: اللَّهُمَّ ادْخِلْنِي الْجَنَّةَ إِلَّا قَالَتِ الْجَنَّةُ: اللَّهُمَّ أَسْكِنهُ فِيَّ، وَمَا مِنْ أَحَدٍ يَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ إِلَّا قَالَتِ النَّارُ: يَا رَبِّ أَعِذْهُ مِنِّي. (٢)

٣٣٨٩. وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ أَوْجِبْنَ لَهُ أَرْبَعًا عَلَى النَّاسِ: إِذَا حَدَّثْتَهُمْ لَمْ يَكْذِبْهُمْ، وَإِذَا خَالَطْتَهُمْ لَمْ يَظْلِمْهُمْ، وَإِذَا وَعَدْتَهُمْ لَمْ يُخْلِفْهُمْ؛ وَجَبَ أَنْ يَظْهَرَ فِي النَّاسِ عَدَالَتُهُ، وَتَظْهَرَ فِيهِمْ مَوَدَّتُهُ، وَأَنْ يَحْرُمَ عَلَيْهِمْ غَيْبَتُهُ، وَأَنْ يَجِبَ عَلَيْهِمْ اخْوَاتُهُ. (٣)

٣٣٩٠. وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَرْبَعٌ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ: كِتْمَانُ الْمُصِيبَةِ، وَكِتْمَانُ الْوَجْعِ، وَكِتْمَانُ الصَّدَقَةِ،

ص: ١٦٠

١- الخصال، ص ٢٠٢، ح ١٦.

٢- الخصال، ص ٢٠٢، ح ١٧، وفيه: «يا ربِّ أجزه منِّي».

٣- الخصال، ص ٢٠٨، ح ٢٩.

۳۳۸۷. امام صادق علیه السلام فرمودند: به کسی که چهار توفیق داده شود، از چهار چیز محروم نمی شود: به کسی که دعا داده شود، از اجابت محروم نمی شود. و کسی که به او استغفار داده شود، از توبه محروم نمی شود. و به کسی که شکر داده شود، از زیادت محروم نمی شود. و به کسی که صبر داده شود، از پاداش محروم نمی شود.

۳۳۸۸. امام صادق علیه السلام فرمودند: به چهار موجود قدرت شنیدن صدای مخلوقات داده شده است:

پیامبر صلی الله علیه و آله و حورالعین و بهشت و جهنم. پس هیچ بنده ای نیست که بر پیامبر و آل او صلوات بفرستد، مگر اینکه صدایش به آن حضرت می رسد و او می شنود.

و هیچ کس نیست که بگوید: خدایا حورالعین را به ازدواج من درآور. مگر اینکه آنها صدایش را بشنوند و بگویند: ای پروردگار ما، فلانی از ما خواستگاری کرد ما را به ازدواج او درآور.

و هیچ کس نیست که بگوید: خدایا مرا وارد بهشت کن. مگر اینکه بهشت صدای او را بشنود و بگوید: خدایا او را در من جای ده.

و هیچ بنده ای نیست که از دوزخ به خدا پناه برد. مگر اینکه دوزخ بگوید: پروردگارا او را از من پناه ده.

۳۳۸۹. امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس سه صفت داشته باشد، چهار امتیاز به مردم دارد: زمانی که با مردم صحبت می کند دروغ نگوید. و هنگامی که با آنان معاشرت می کند ظلم نکند. و اگر به آنها وعده می دهد تخلف نکند، واجب است که عدالت او بر مردم آشکار شود. و محبت او در دلها قرار گیرد. و غیبت کردن او حرام و برادری با او واجب می شود.

۳۳۹۰. امام صادق علیه السلام فرمودند: چهار ویژگی از گنجهای بهشت است: پنهان کردن مصیبت، و پنهان

٣٣٩١. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لِأَهْلِ الْجَنَّةِ أَرْبَعُ عِلَامَاتٍ: وَجْهٌ مُتَبَسِّطٌ، وَلِسَانٌ لَطِيفٌ، وَقَلْبٌ رَحِيمٌ، وَيَدٌ مُعْطِيَةٌ. (٢).

٣٣٩٢. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَرْبَعٌ لَا تَجُوزُ فِي أَرْبَعَةٍ: الْخِيَانَةُ، وَالْغُلُولُ، وَالسَّرِقَةُ، وَالرِّبَاءُ، لَا يَجُزْنَ فِي حَيْجٍ، وَلَا عُمْرَةٍ، وَلَا نِكَاحٍ، وَلَا صَدَقَةٍ. (٣).

٣٣٩٣. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ لَمْ يُبَالِ بِمَا قَالَ وَمَا قِيلَ فِيهِ (لَهُ خ ل) فَهُوَ شَرِكُ الشَّيْطَانِ (٤)، وَمَنْ [لَمْ] (٥) يُبَالِ أَنْ يَرَاهُ النَّاسُ مُسِيئًا فَهُوَ شَرِكُ شَيْطَانٍ، وَمَنْ شُعِفَ (٦) بِمَحَبَّةِ الْحَرَامِ وَالزُّنَا فَهُوَ شَرِكُ الشَّيْطَانِ، وَمَنْ اغْتَابَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ مِنْ غَيْرِ تَرَاهُ (٧) بَيْنَهُمَا فَهُوَ شَرِكُ شَيْطَانٍ. (٨).

٣٣٩٤. ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ لَوْلِدَ الزُّنَا عِلَامَاتٍ: أَحَدُهَا: بُغْضُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، وَثَانِيهَا: أَنَّهُ يَحْنُ إِلَى الْحَرَامِ الَّذِي خُلِقَ مِنْهُ، وَثَالِثُهَا: الْإِسْتِخْفَافُ بِالذِّينِ، وَرَابِعُهَا: سُوءُ الْمَحْضَرِ (٩) لِلنَّاسِ؛ وَلَا يُسَىءُ مَحْضَرُ إِخْوَانِهِ إِلَّا مَنْ لَمْ يُولَدِ عَلَى فِرَاشِ أَبِيهِ أَوْ مَنْ حَمَلَتْ بِهِ أُمُّهُ فِي حَيْضِهَا. (١٠).

٣٣٩٥. وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَرْبَعَةٌ لَا يَشْبَعَنَّ مِنْ أَرْبَعَةٍ: الْأَرْضُ مِنَ الْمَطَرِ، وَالْعَيْنُ مِنَ النَّظَرِ، وَالْأَنْثَى مِنَ الذَّكْرِ، وَالْعَالِمُ مِنَ الْعِلْمِ. (١١).

٣٣٩٦. وَعَيْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ يَضْمَنَ لِي أَرْبَعَةً أَضْمَنَ لَهُ بِأَرْبَعَةٍ آيَاتٍ فِي الْجَنَّةِ: مَنْ أَنْفَقَ وَلَمْ يَخَفْ فَقَرَأَ، وَأَنْصَفَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ، وَأَفْشَى السَّلَامَ فِي الْعَالَمِ (١٢)، وَتَرَكَ الْمِرَاءَ وَإِنْ كَانَ مُحِقًّا. (١٣).

٣٣٩٧. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَرْبَعٌ خِصَالٍ لَا تَكُونُ فِي مُؤْمِنٍ: لَا يَكُونُ مَجْنُونًا، وَلَا يَسْأَلُ أَبْوَابَ النَّاسِ، وَلَا يُولَدُ مِنَ الزُّنَا، وَلَا يُنْكِحُ فِي دُبُرِهِ. (١٤).

ص: ١٦٢

١- . الأُمَالِي لِلْمُفِيدِ، ص ٨ ح ٤، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَعَ اخْتِلَافٍ يَسِيرٍ.

٢- . مَجْمُوعُهُ وَرَّامٌ، ج ٢، ص ٩١.

٣- . الْخِصَالُ، ص ٢١٦، ح ٣٨، وَفِيهِ: «الرِّبَا» بَدَلَ «الرِّبَاءِ» وَ «جِهَادٌ» بَدَلَ «نِكَاحٍ».

٤- . أَيْ شَرِكَ الشَّيْطَانِ فِيهِ كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَأَشْرِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ»، وَفُسِّرَ بِحَثِّ الشَّيْطَانِ إِيَّاهُمْ عَلَى التَّوَصُّلِ إِلَيْهَا بِالسَّبَبِ الْمُحَرَّمِ مِنَ الزُّنَا وَنَحْوِهِ، أَوْ تَسْمِيَتِهِمْ بِعَبْدِ الْعَزَى وَعَبْدِ اللَّاتِ، أَوْ تَضْلِيلِ الْأَوْلَادِ بِمَا يَحْمَلُ عَلَى الْأَدْيَانِ الزَّائِفَةِ وَالْأَفْعَالِ الْقَبِيحَةِ. وَتُوجَدُ هَذِهِ الْأَخْبَارُ فِي الْمَجْمَعِ: كَلِمَةُ شَرِكٍ، وَالْوَسَائِلُ: ٩٦/٧-٩٧، وَنَقَلَهُ فِي نُورِ الثَّقَلَيْنِ: ١٨١/٣-١٨٥ فِي تَفْسِيرِ هَذِهِ الْآيَةِ.

٥- . أَضْفَنَاهَا مِنَ الْخِصَالِ، وَلَا يَصِحُّ الْكَلَامُ بِدُونِهَا.

٦- . شُعِفَ بِفُلَانٍ: ارْتَفَعَ حُجُّهُ إِلَى أَعْلَى الْمَوَاضِعِ مِنْ قَلْبِهِ (تَاجُ الْعُرُوسِ: ١٥٧/٦). وَفِي الْكَثِيرِ مِنَ الْمَوَاضِعِ: شُعِفَ.

- ٧- . وَتَرَهُ يَتَرُّهُ وَتَرًا وَتَرَةً: أَفْزَعُهُ وَأَدْرِكُهُ بِمَكْرُوهِ، وَوَتَرُهُ مَالُهُ: نَقَصَهُ إِيَّاهُ (القاموس المحيط: ١٥٢/٢).
- ٨- . الخصال، ص ٢١٦، ح ٤٠.
- ٩- . أَي يَسِيءُ إِلَيْهِمْ بِحُضُورِهِ بِإِشَارِهِ أَوْ فَحْشٍ أَوْ غَيْبِهِ أَوْ اسْتِهْزَاءٍ وَنَحْوِهَا.
- ١٠- . الخصال، ص ٢١٦، ح ٤٠.
- ١١- . الخصال، ص ٢٢١، ح ٤٧.
- ١٢- . المراد ظاهراً أن يسلم على جميع الناس.
- ١٣- . الخصال، ص ٢٢٣، ح ٥١.
- ١٤- . الخصال، ص ٢٢٩، ح ٦٨.

کردن درد، و صدقه دادن پنهانی، و مخفی کردن احتیاج.

۳۳۹۱. امام صادق علیه السلام فرمودند: اهل بهشت چهار علامت دارند: چهره ای گشاده، و زبان لطیف، و قلب مهربان، و دست بخشنده.

۳۳۹۲. امام صادق علیه السلام فرمودند: چهار کار در چهار مورد جایز نیست: خیانت و فریب و سرقت و ریا در حج و عمره و ازدواج و صدقه، جایز نیست.

۳۳۹۳. امام صادق علیه السلام فرمودند: کسی که اهمیت ندهد چه می گوید و دیگران درباره او چه می گویند و کسی که اهمیت ندهد که مردم او را گناهکار بشناسند و کسی که از رابطه حرام و زنا خوشحال شود و کسی که بدون سابقه از دیگری غیبت کند، شیطان در نطفه اش شرکت کرده است.

۳۳۹۴. امام صادق علیه السلام فرمودند: ولد زنا چهار علامت دارد: دشمن با اهل بیت پیامبر علیهم السلام. تمایل به زنا. سبک شمردن دین. بدرفتاری با مردم. و با مردم بدرفتاری نمی کند مگر کسی که فرزند پدرش نباشد یا مادرش در ناپاکی به او حامله شود.

۳۳۹۵. امام صادق علیه السلام فرمودند: چهار چیز از چهار چیز سیر نمی شود: زمین از باران، چشم از نگاه، زن از مرد و عالم از علم.

۳۳۹۶. امام صادق علیه السلام فرمودند: کسی که چهار عمل را برای من تضمین کند، من چهار قصر در بهشت برایش ضامن شوم: انفاق کند و از فقر نهراسد. و در حق مردم نسبت به خود انصاف دهد. و به همه سلام کند. و جدال نکند گرچه بر حق باشد.

۳۳۹۷. امام صادق علیه السلام فرمودند: چهار خصلت در مؤمن نیست: دیوانه نشود. از مردم گدایی نکند. و از زنا متولد نشود. و از لواط بر حذر است.

٣٣٩٨. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الْمُؤْمِنِ عَلَى أَنْ لَا يُقْبَلَ قَوْلُهُ، وَلَا يُصَدَّقَ (١) حَدِيثُهُ، وَلَا يَنْتَصِفَ (٢) مِنْ عَدُوِّهِ، وَلَا يَشْفِي غَيْظَهُ إِلَّا بِفَضِيحِهِ نَفْسِهِ (٣)؛ لِأَنَّ كُلَّ مُؤْمِنٍ مُلَجَّمٌ (٤).

٣٣٩٩. وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: يَا سَيِّمَاعَةَ، لَا يَنْفَعُكَ الْمُؤْمِنُ مِنْ خِصَالٍ أَرْبَعٍ: مِنْ جَارٍ يُؤْذِيهِ، وَشَيْطَانٍ يُغْوِيهِ، وَمُنَافِقٍ يَقْفُو أَثَرَهُ، وَمُؤْمِنٍ يَحْسِدُهُ. ثُمَّ قَالَ: يَا سَيِّمَاعَةَ، أَمَا إِنَّهُ أَشَدُّهُمْ عَلَيْهِ. قُلْتُ: كَيْفَ ذَلِكَ؟ قَالَ: إِنَّهُ يَقُولُ فِيهِ الْقَوْلَ فَيَصَدِّقُ عَلَيْهِ (٥).

٣٤٠٠. قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَلَا- اخْبِرُكُمْ مَنْ تَحْرُمُ عَلَيْهِ النَّيَّارُ؟ قِيلَ: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: الْهَيْنُ (٦) اللَّيِّنُ الْقَرِيبُ السَّهْلُ (٧).

٣٤٠١. وَعَنْ صَالِحٍ يَرْفَعُهُ بِإِسْنَادِهِ: أَرْبَعَةُ الْقَلِيلِ مِنْهَا كَثِيرٌ: النَّيَّارُ؛ الْقَلِيلُ مِنْهَا كَثِيرٌ، وَالنَّوْمُ؛ الْقَلِيلُ مِنْهُ كَثِيرٌ، وَالْمَرَضُ؛ الْقَلِيلُ مِنْهُ كَثِيرٌ، وَالْعِدَاوَةُ؛ الْقَلِيلُ مِنْهَا كَثِيرٌ (٨).

٣٤٠٢. وَعَنْ سُفْيَانَ بْنِ عُيَيْنَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: وَجَدْتُ عِلْمَ النَّاسِ كُلِّهِمْ فِي أَرْبَعٍ: أَوَّلُهَا: أَنْ تَعْرِفَ رَبَّكَ. وَالثَّانِي: أَنْ تَعْرِفَ مَا صَنَعَ بِكَ. وَالثَّلَاثُ: أَنْ تَعْرِفَ مَا أَرَادَ مِنْكَ. وَالرَّابِعُ: أَنْ تَعْرِفَ مَا يُخْرِجُكَ عَنْ دِينِكَ (٩).

٣٤٠٣. وَعَنْ فَضِيلِ بْنِ عِيَّاضٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْجِهَادِ أَسِنَّةً هُوَ أَمْ فَرِيضَةٌ؟ فَقَالَ: الْجِهَادُ عَلَى أَرْبَعَةٍ أَوْجِهٍ: فَجِهَادَانِ فَرَضٌ (١٠) اللَّهُ، وَجِهَادٌ سُنَّةٌ لَا يُقَامُ إِلَّا مَعَ فَرَضٍ، وَجِهَادٌ سُنَّةٌ.

فَأَمَّا أَحَدُ الْفَرَضَيْنِ فَمُجَاهِدَةُ الرَّجُلِ نَفْسَهُ عَنْ مَعَاصِي اللَّهِ عِزُّ وَجَلٌّ، وَهُوَ مِنْ أَعْظَمِ الْجِهَادِ. وَمُجَاهِدَةُ الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ فَرَضٌ.

ص: ١٦٤

١- . أَى [أَخَذَ مِيثَاقَهُ] عَلَى الصَّبْرِ عَلَى أَنْ لَا تُصَدَّقَ مَقَالَتُهُ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ، أَوْ أَهْلِ الْبَاطِلِ مُطْلَقًا. وَالْإِنْتِصَافُ: الْإِنْتِقَامُ (بِحَارِ الْأَنْوَارِ: ٢١٦/٦٥).

٢- . أَى لَا يُؤْخَذُ حَقُّهُ مِنْ عَدُوِّهِ، وَلَا يَنْتَقِمُ مِنْهُ.

٣- . وَلَعَلَّ الْمُرَادَ أَنَّ الْمُؤْمِنَ لَا يَجَازِي إِلَّا طَاعَةً لِلَّهِ سَبْحَانَهُ لَا لِلتَّشْفِيِّ، فَإِذَا كَانَ عَمَلُهُ لِلتَّشْفِيِّ يَفْضَحُ نَفْسَهُ، وَذَلِكَ تَنْبِيهُ مِنَ اللَّهِ سَبْحَانَهُ لَهُ. وَقِيلَ: إِنَّ الْحَدِيثَ نَازِلًا إِلَى بَعْضِ الْأَزْمَنِ الَّتِي يَصِيرُ الْمُنْكَرُ فِيهَا مَعْرُوفًا وَبِالْعَكْسِ، فَإِذَا تَشَفَّى الْمُؤْمِنُ عِنْدَ النَّاسِ فَضِيحَةً.

٤- . الْخِصَالُ، ص ٢٢٩، ح ٦٩.

٥- . الْخِصَالُ، ص ٢٢٩، ح ٧٠.

٦- . الْهَيْنُ: قَالَ الْجَزْرِيُّ فِيهِ: «الْمُسْلِمُونَ هَيِّنُونَ لَيِّنُونَ؛ هُمَا تَخْفِيفُ الْهَيْنِ وَاللَّيِّنِ، قَالَ ابْنُ الْأَعْرَابِيِّ: الْعَرَبُ تَمْدَحُ بِالْهَيْنِ وَاللَّيِّنِ مَخْفَفِينَ وَتَذَمُّ بِهَمَا مَثْقَلِينَ، وَهَيِّنٌ فَيَعْمَلُ مِنَ الْهَوْنِ وَهِيَ السَّكِينَةُ وَالْوَقَارُ وَالسَّهْوَلَةُ انْتَهَى. وَاللَّيِّنُ أَيْضًا فَسَّرَ بِالسَّكُونِ وَالْوَقَارِ، وَكَأَنَّ

الجزرى لم يقبل تفصيل ابن الأعرابى واعتقد بأنهما بمعنى الوقار والسكينة مشدداً ومخففاً والهيّن - فى الأصل - : السهل، وكذا اللين ضدّ الخشونه.

٧- . الخصال، ص ٢٣٨، ح ٨٣.

٨- . الخصال، ص ٢٣٨، ح ٨٤.

٩- . الخصال، ص ٢٣٩، ح ٨٧، مع اختلافٍ يسير.

١٠- . فى الخصال و الكافى و غيرهما: «فَرَضٌ».

۳۳۹۸. امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند از مؤمن پیمان گرفته که سخنش را نپذیرند و خیرش را تصدیق نکنند و دشمن او با او با انصاف برخورد نکند و خشم او فرو نشانده نشود مگر با خواری خودش چون هر مؤمنی دهان بسته است.

۳۳۹۹. امام صادق علیه السلام فرمودند: ای سماعه، مؤمن از چهار بلا آسوده نمی شود: از همسایه موذی، و شیطان گمراه کننده، و منافق عیب جو، و مؤمن حسود. ای سماعه، مؤمن حسود از همه بدتر است.

سماعه پرسید: چگونه؟ حضرت فرمودند: چون سخنی که مؤمن می گوید همه می پذیرند.

۳۴۰۰. امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: آیا خبر بدهم که آتش بر چه کسی حرام است؟ گفتند: آری یا رسول الله. حضرت فرمودند: بر آدم ملایم و نرم خوی و صمیمی و سهل گیر.

۳۴۰۱. از چهار چیز مقدار کم هم زیاد است: آتش، خواب، بیماری، دشمنی.

۳۴۰۲. امام صادق علیه السلام فرمودند: علم مردم در چهار چیز خلاصه می شود: اول: پروردگارت را بشناسی. دوم: بدانی با تو چه کرده است. سوم: بدانی از تو چه می خواهد. چهارم: بدانی چه چیزی تو را از دین خارج می کند.

۳۴۰۳. فضیل بن عیاض از امام صادق علیه السلام پرسید: جهاد واجب است یا مستحب؟ امام علیه السلام فرمودند:

جهاد چهار قسم است: دو قسم را خدا واجب فرمود. یک قسم مستحب است، اما با واجب انجام می شود. یک قسم هم مستحب است.

جهاد با نفس که از گناه خودداری کند، بزرگترین جهاد و واجب است. جهاد با کافران [که مسلمین را به خطر می اندازند] واجب است.

وَأَمَّا الْجِهَادُ الَّذِي هُوَ سُنَّةٌ لِإِقَامِ الْإِمَامِ فَرَضٌ؛ فَإِنَّ مُجَاهِدَةَ الْعَدُوِّ فَرَضٌ عَلَى جَمِيعِ الْأُمَّةِ، وَلَوْ تَرَكَوا الْجِهَادَ لِأَتَاهُمُ الْعَذَابُ، وَهَذَا هُوَ مِنْ عَذَابِ الْأُمَّةِ، وَهُوَ سُنَّةٌ عَلَى الْإِمَامِ أَنْ يَأْتِيَ الْعَدُوَّ مَعَ الْأُمَّةِ فَيُجَاهِدَهُمْ.

وَأَمَّا الْجِهَادُ الَّذِي هُوَ سُنَّةٌ؛ فَكُلُّ سُنَّةٍ أَقَامَهَا الرَّجُلُ وَجَاهِدَ فِي إِقَامَتِهَا وَبُلُوغِهَا وَأَحْيَاها، فَالْعَمَلُ وَالسَّعْيُ فِيهَا مِنْ أَفْضَلِ الْأَعْمَالِ؛ لِأَنَّهُ أَحْيَا سُنَّةً. (١).

٣٤٠٤. قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَيِّنَ سَيِّئِ سُنَّةٍ حَسَنَةً فَلَمْهَ أَجْرُهَا وَأَجْرُ مَيِّنَ عَمَلٍ بِهَا مِنْ غَيْرِ أَنْ يُنْتَقَصَ مِنْ أَجْوَرِهِمْ شَيْءٌ. (٢). (٣).

٣٤٠٥. وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَرْبَعَةٌ لَا تُقْبَلُ لَهُمْ صَلَاةُ: الْإِمَامُ الْجَائِرُ، وَالرَّجُلُ يَوْمَ الْقَوْمِ وَهُمْ لَهُ كَارِهُونَ، وَالْعَبْدُ الْآبِقُ مِنْ مَوَالِيهِ مِنْ غَيْرِ ضَرُورَةٍ، وَالْمَرْأَةُ تَخْرُجُ مِنْ بَيْتِ زَوْجِهَا بِغَيْرِ إِذْنِهِ. (٤).

٣٤٠٦. وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا فَشَتْ أَرْبَعَةٌ ظَهَرَتْ أَرْبَعَةٌ: إِذَا فَشَا الزَّنَا ظَهَرَتْ الزَّلَازِلُ، وَإِذَا امْسَكَتِ الزَّكَاةُ هَلَكَتِ الْمَاشِيَةُ، وَإِذَا جَارَ الْحُكَّامُ فِي الْقَضَاءِ امْسَكَ الْقَطْرُ مِنَ السَّمَاءِ، وَإِذَا حُقِرَتْ (٥) الذِّمَّةُ نُصِرَ الْمُشْرِكُونَ عَلَى الْمُسْلِمِينَ. (٦).

٣٤٠٧. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْقُضَاءُ أَرْبَعَةٌ: قَاضٍ بِالْحَقِّ وَهُوَ لَا يَعْلَمُ أَنَّهُ حَقٌّ؛ فَهُوَ فِي النَّارِ، وَقَاضٍ قَضَى بِالْبَاطِلِ وَهُوَ لَا يَعْلَمُ أَنَّهُ بَاطِلٌ؛ فَهُوَ فِي النَّارِ، وَقَاضٍ قَضَى بِالْبَاطِلِ وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ بَاطِلٌ؛ فَهُوَ فِي النَّارِ، وَقَاضٍ قَضَى بِالْحَقِّ وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ حَقٌّ؛ فَهُوَ فِي الْجَنَّةِ. (٧).

٣٤٠٨. وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ الصَّبْرَ وَالْبِرَّ وَالْحِلْمَ وَحُسْنَ الْخُلُقِ مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. (٨).

٣٤٠٩. سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْكُرَاتِ، فَقَالَ: كُلُّهُ؛ فَإِنَّ فِيهِ أَرْبَعٌ خِصَالٍ: يُطَيَّبُ النَّكْهَةَ (٩)، وَيَطْرُدُ الرِّيَّاحَ، وَيَقْطَعُ الْبُوسَيْرَ، وَهُوَ أَمَانٌ مِنَ الْجُدَامِ لِمَنْ أَدَمَّنَ عَلَيْهِ. (١٠).

ص: ١٦٦

١- الخصال، ص ٢٤٠، ح ٨٩.

٢- الوسائل: كتاب الجهاد، باب أقسام الجهاد.

٣- الخصال، ص ٢٤٠، ح ٨٩.

٤- الخصال، ص ٢٤٢، ح ٩٤.

٥- كذا، وفي جميع المصادر التي روت الحديث: «خُفِرَتْ». خُفِرَتْ بِالرَّجُلِ: عَدَرَتْ بِهِ.

٦- الخصال، ص ٢٤٢، ح ٩٥.

٧- الخصال، ص ٢٤٧، ح ١٠٨.

٨- الخصال، ص ٢٥١، ح ١٢١.

٩- النكحة: ريح الفم (الصحاح: ٢٢٥٣/٦).

قسم سوم: جنگ با کفار بر همه مردم واجب است و اگر ترک کنند عذاب خدا نازل می شود و این عذاب امت است و آن بر امام مستحب است که همراه مردم شود با دشمن جهاد کند.

قسم چهارم که مستحب است: برپا داشتن سنت و تلاش برای برپایی و تبلیغ و زنده نگه داشتن و کوشش در راه آن، برترین اعمال است. چون زنده کردن سنت پیامبر است.

۳۴۰۴. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که سنت نیکویی بنا نهد از پاداش آن و پاداش تمام کسانی که به آن عمل کنند برخوردار می شود. بدون اینکه از پاداش آنان چیزی کاسته شود.

۳۴۰۵. امام صادق علیه السلام فرمودند: نماز از چهار نفر پذیرفته نمی شود: پیشوای ستمگر و امام جماعتی که مردم از او راضی نباشند. و غلامی که بی جهت فرار کند. و زنی که بدون اجازه شوهر از خانه خارج شود.

۳۴۰۶. امام صادق علیه السلام فرمودند: هرگاه چهار گناه فراوان شود چهار عذاب ظاهر می شود: زمانی که زنا آشکار شود، زلزله ها ظاهر می شود. زمانی که زکات پرداخت نشود چهار پایان تلف می شوند. زمانی که قضات در قضاوت ستم کنند باران قطع می شود. و هنگامی پیمان شکنی و خیانت رواج پیدا کند مشرکان بر مسلمین غلبه می کنند.

۳۴۰۷. امام صادق علیه السلام فرمودند: قضات، چهار گروه هستند: قاضی که بدون آگاهی به حق حکم کند.

این شخص اهل دوزخ است. قاضی که بدون آگاهی به باطل حکم کند. او هم در آتش است. قاضی که با آگاهی به باطل حکم کند. اهل آتش است. قاضی که با آگاهی به حق حکم کند. این شخص اهل بهشت است.

۳۴۰۸. امام صادق علیه السلام فرمودند: صبر و نیکوکاری و بردباری و خوش رفتاری از اخلاق پیامبران است.

۳۴۰۹. از امام صادق علیه السلام درباره تره [سبزی] پرسیدند: حضرت فرمودند: آن را بخور که چهار خاصیت دارد: بوی دهان را خوش می کند. نفخ را از بین می برد. بواسیر را درمان می کند. و کسی که دائماً از آن استفاده کند از جزام در امان است.

٣٤١٠. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مِنْ مَخْزُونِ عِلْمِ اللَّهِ عِزُّهُ وَجَلُّ الْإِتِمَامُ فِي أَرْبَعَةِ مَوَاطِنَ: حَرَمِ اللَّهِ عِزُّهُ وَجَلُّ، وَحَرَمِ رَسُولِهِ، وَحَرَمِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامِ، وَحَرَمِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ. (١)

٣٤١١. وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ الْعَزَائِمَ أَرْبَعٌ: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ»، وَالنَّجْمُ، وَتَنْزِيلُ السَّجْدَةِ، وَحَمِ السَّجْدَةِ. (٢)

٣٤١٢. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: رَنَّ (٣) إِبْلِيسُ أَرْبَعَ رَنَاتٍ: أَوَّلَهُنَّ يَوْمَ لُعِنَ، وَحِينَ اهْبِطَ إِلَى الْأَرْضِ، وَحِينَ بُعِثَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى حِينِ فِتْرِهِ (٤) مِنَ الرُّسُلِ، وَحِينَ أَنْزَلَتْ أُمُّ الْكِتَابِ.

وَنَخَرَ (٥) نَخْرَتَيْنِ: حِينَ أَكَلَ آدَمُ مِنَ الشَّجَرَةِ، وَحِينَ اهْبِطَ مِنَ الْجَنَّةِ. (٦)

٣٤١٣. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَرْبَعَةٌ يَذْهَبْنَ ضَمِياعاً: الْبَدْرُ فِي السَّبْحِ، وَالسَّرَاجُ فِي الْقَمَرِ، وَالْأَكْلُ عَلَى الشَّبَعِ، وَالْمَعْرُوفُ إِلَى مَنْ لَيْسَ بِأَهْلِهِ. (٧)

٣٤١٤. وَعَنْ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَمْ لِلْمُسْلِمِينَ مِنْ عِيدٍ؟ فَقَالَ: أَرْبَعَةٌ أعيادٍ. قَالَ:

قُلْتُ: قَدْ عَرَفْتُ الْعِيدَيْنِ وَالْجُمُعَةَ، فَقَالَ لِي: أَعْظَمُهَا وَأَشْرَفُهَا يَوْمُ الثَّامِنِ عَشَرَ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ؛ هُوَ الَّذِي أَقَامَ فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامِ وَنَصَبَهُ لِلنَّاسِ عِلْمًا.

قَالَ: قُلْتُ: فَمَا يَجِبُ عَلَيْنَا فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ؟ قَالَ: يَجِبُ عَلَيْكُمْ صِيَامُهُ شُكْرًا لِلَّهِ وَحَمْدًا لَهُ، مَعَ أَنَّهُ أَهْلٌ أَنْ يُشْكَرَ كُلَّ سَاعَةٍ، وَكَذَلِكَ أَمَرَتِ الْأَنْبِيَاءُ أَوْصِيَاءَهَا أَنْ يَصُومُوا (٨) الْيَوْمَ الَّذِي يُقَامُ فِيهِ الْوَصِيَّةُ يَتَّخِذُونَهُ عِيدًا، وَمَنْ صَامَهُ كَانَ أَفْضَلَ مِنْ عَمَلِ سِتِّينَ شَهْرًا. (٩)

٣٤١٥. وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عِزُّهُ وَجَلُّ: «فَخُذْ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّيْرِ فَصِرْزُهُنَّ (١٠) إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَى كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُرَّةً» الْآيَةَ، قَالَ: أَخَذَ الْهُدْهَيْدَ وَالصُّرْدَ (١١) وَالطَّاوُوسَ وَالغُرَابَ؛ فَذَبَحَهُنَّ، وَعَزَلَ (١٢) رَأْسَيْهُنَّ، ثُمَّ نَجَرَ (١٣) أَبْدَانَهُنَّ فِي الْمِنْجَارِ بَرِيشَهُنَّ وَلُحُومَهُنَّ وَعِظَامَهُنَّ حَتَّى اخْتَلَطَتْ، ثُمَّ جَزَّاهُنَّ أَرْبَعَةَ أَجْزَاءٍ

ص: ١٤٨

١- الخصال، ص ٢٥٢، ح ١٢٣.

٢- الخصال، ص ٢٥٢، ح ١٢٤.

٣- الرِّئَةُ: الصَّيْحَةُ الْحَزِينَةُ (العين: ٢٥٤/٨).

٤- المراد الزمان الذي انقطعت فيه الرساله.

٥- نَخَرَ: مَدَّ الصَوْتَ فِي خِيَاشِمِهِ (القاموس المحيط: ١٣٩/٢).

٦- الخصال، ص ٢٤٣، ح ١٤١.

- ٧- . الخصال، ص ٢٦٣، ح ١٤٢.
- ٨- . فى الأصل: «يصوم»، وصحناه من الخصال.
- ٩- . الخصال، ص ٢٦٤، ح ١٤٥.
- ١٠- . أى اقطعهنّ صورته صورته، قال فى التفسير الأصفى: أمّلهنّ واضممهنّ إليك لتتأملها وتعرف شأنها لئلا يلتبس عليك بعد الإحياء. الأصفى فى تفسير القرآن، ج ١، ص ١٢٥.
- ١١- . الضرد: طائر ضخّم الرأس أبيض البطن أخضر الظهر يصطاد صغار الطير.
- ١٢- . عزل: أى فرّق رأسهنّ عن البدن.
- ١٣- . النجر: القّطع، ومنه نجر النجار (لسان العرب: ١٩٣/٥).

۳۴۱۰. امام صادق علیه السلام فرمودند: در خزانه علم خداست که نماز در چهار مکان تمام است: حرم خدا و حرم رسول خدا صلی الله علیه و آله و حرم امیرالمؤمنین علیه السلام و حرم امام حسین علیه السلام.

۳۴۱۱. امام صادق علیه السلام فرمودند: سوره های عزائم [سجده] چهار سوره اند: سوره اقراء و سوره نجم و سوره الم سجده و سوره حم سجده.

۳۴۱۲. امام صادق علیه السلام فرمودند: شیطان در چهار موقع ناله زد: اول: روزی که خدا او را از رحمت خود دور کرد. دوم: زمانی که به زمین آمد، سوم: زمان بعثت حضرت محمد صلی الله علیه و آله بعد از فاصله ای که از رسالت پیامبران گذشته بود. چهارم: هنگام نزول سوره حمد.

و دو بار باد به دماغ انداخت: یکی هنگام خوردن آدم از درخت. دوم: هنگام اخراج از بهشت.

۳۴۱۳. امام صادق علیه السلام فرمودند: چهار چیز ضایع می شود: بذر در شوره زار، چراغ در روشنی، خوردن هنگام سیری، و نیکی کردن به کسی که شایستگی ندارد.

۳۴۱۴. مفضل بن عمر گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: مسلمانان چند عید دارند؟

حضرت فرمودند: چهار عید. مفضل گوید: گفتم عید فطر و قربان و جمعه را می شناسم.

حضرت فرمودند: بزرگترین و شریفترین عیدها روز هیجدهم ذی حجه [عید غدیر] است. و آن روزی است که رسول الله صلی الله علیه و آله امیرالمؤمنین علیه السلام را برافراشت. و به رهبری مردم نصب کرد.

مفضل گوید: گفتم: در این روز چه چیزی بر ما واجب است؟

حضرت فرمودند: بر شما روزه این روز به شکرانه و حمد خدا لازم است. با اینکه خداوند شایسته است در هر ساعت شکر شود.

[همچنین هر روزی که پیامبران گذشته وصی خود را نصب می کردند روزه می گرفتند.] کسی که عید غدیر روزه بگیرد برتر از عبادت شصت سال است.

۳۴۱۵. امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه: «فَخُذْ أَرْبَعَهُ مِنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَى كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءًا».

فرمودند: حضرت ابراهیم علیه السلام هدهد و گنجشک و طاووس و کلاغ را گرفت. و سرهای آنان را جدا کرد. و بدنهای آنان را تکه تکه کرد. و حتی پرها و گوشت و استخوان آنها را خرد کرده و با هم مخلوط کرد. آنگاه آن را به چهار قسمت تقسیم کرد. و اجزاء را بر بالای

على عَشْرِهِ أَجْبَلٍ، ثُمَّ وَضَعَ عِنْدَهُ حَبًّا وَمَاءً، ثُمَّ جَعَلَ مَنَاقِيرَهُنَّ بَيْنَ أَصَابِعِهِ، ثُمَّ قَالَ: آتَيْنَ سَعِيًّا بِإِذْنِ اللَّهِ، فَتَطَايَرَ بَعْضُهَا إِلَى بَعْضِ اللَّحُومِ وَالرِّيشِ وَالْعِظَامِ حَتَّى اسْتَوَتْ الْأَبْدَانُ كَمَا كَانَتْ، وَجَاءَ كُلُّ بَدَنٍ حَتَّى التَّرَقَّ بِرَقَبَتِهِ الَّتِي فِيهَا رَأْسُهُ وَالْمَنْقَارُ، فَخَلَّى إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ مَنَاقِيرِهِنَّ، فَوَقَعْنَ يَشْرِبْنَ مِنْ ذَلِكَ الْمَاءِ وَيَلْقَطْنَ مِنْ ذَلِكَ الْحَبِّ، ثُمَّ قُلْنَ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ، أَحْيَيْتَنَا أَحْيَاكَ اللَّهُ! فَقَالَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: بَلِ اللَّهُ يُحْيِي وَيُمِيتُ. فَهَذَا تَفْسِيرُ الظَّاهِرِ.

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَتَفْسِيرُهُ فِي الْبَاطِنِ: خُذْ أَرْبَعَهُ مِمَّنْ يَحْتَمِلُ الْكَلَامَ فَاسْتَوِدِعْهُنَّ عِلْمَكَ، ثُمَّ ابْعَثْنَهُنَّ فِي أَطْرَافِ الْأَرْضِينَ حُجَجًا لَكَ عَلَى النَّاسِ، وَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ يَأْتَوْكَ دَعْوَتُهُمْ بِالِاسْمِ الْأَكْبَرِ يَأْتُونَكَ سَعِيًّا بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى.

وَقَالَ ابْنُ بَابُوَيْهٍ رَحِمَهُ اللَّهُ: الَّذِي عِنْدِي فِي ذَلِكَ أَنَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَمَرَ بِالْأَمْرَيْنِ جَمِيعًا. (١)

٣٤١٦. وَرُوِيَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَمَرَ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ يَذْبَحَ أَرْبَعَهُ مِنَ الطَّيْرِ: طَاووسًا وَنَسْرًا وَدِيكًا وَبَطًّا؛ فَالطَّاووسُ يُرِيدُ بِهِ زِينَةَ الدُّنْيَا، وَالنَّسْرُ يُرِيدُ بِهِ الْأَمَلَ الطَّوِيلَ، وَالْبَطُّ يُرِيدُ بِهِ الْحِرْصَ، وَالْدِيكُ يُرِيدُ بِهِ الشَّهْوَةَ؛ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: إِنْ أَرَدْتَ أَنْ تُحْيِيَ قَلْبَكَ وَيَطْمَئِنَّ مَعِيَ فَأَخْرِجْ عَنْهُ هَذِهِ الْأَشْبَاهَ الْأَرْبَعَةَ؛ فَإِنَّهُ إِذَا كَانَتْ هَذِهِ الْأَشْيَاءُ فِي قَلْبٍ لَا يَطْمَئِنُّ مَعِيَ.

وَسَيَأْتِي: كَيْفَ؟ قَالَ: أَوْ لَمْ تُؤْمِنْ؟ - مَعَ عِلْمِهِ بِسِرِّهِ وَحَالِهِ - فَقَالَ: إِنَّهُ لَمَّا قَالَ: «رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى» كَانَ ظَاهِرُ هَذِهِ اللَّفْظَةِ تَوْهِيمًا أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ بَيِّنِينَ، فَقَرَّرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِسُؤَالِهِ عَنْهُ إِسْقَاطًا لِلتُّهْمَةِ عَنْهُ وَتَنْزِيهًا لَهُ مِنَ الشَّكِّ. (٢)

٣٤١٧. وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كِتَابُ اللَّهِ عَلَى أَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ: عَلَى الْعِبَارَاتِ، وَالْإِشَارَاتِ، وَاللِّطَائِفِ، وَالْحَقَائِقِ؛ فَالْعِبَارَاتُ لِلْعَوَامِّ، وَالْإِشَارَاتُ لِلْخَوَاصِّ، وَاللِّطَائِفُ لِلْأَوْلِيَاءِ، وَالْحَقَائِقُ لِلْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. (٣)

٣٤١٨. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا آدَمُ، إِنِّي أَجْمَعُ لَكَ الْحِكْمَةَ فِي أَرْبَعِ كَلِمَاتٍ: وَاحِدَةً لِي، وَوَاحِدَةً لَكَ، وَوَاحِدَةً فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَكَ، وَوَاحِدَةً بَيْنَكَ وَبَيْنَ النَّاسِ.

ص: ١٧٠

١- الخصال، ص ٢٦٤، ح ١٤٦.

٢- الخصال، ص ٢٦٤، ح ١٤٦.

٣- عوالي اللآلي، ج ٤، ص ١٠٥، عن علي عليه السلام.

ده کوه قرار داد. آنگاه مقداری آب و دانه نزد خود گذاشت. و منقارهای آنها را بین انگشتان خود گرفت. و گفت: به فرمان خدا شتابان بیاید. ناگهان تکه های گوشت و پر و استخوان آنها به هم پیوستند تا بدنها کامل شد. و هر بدنی به سر خود متصل شد. آنگاه حضرت ابراهیم سرها را رها کرد. مرغان شروع به خوردن آب و دانه کردند. و گفتند: ای پیامبر خدا ما را زنده کردی. خدا تو را زنده کند. ابراهیم علیه السلام گفت: خداوند زنده می کند و می میراند.

این تفسیر ظاهر آیه است اما تأویل باطن آیه این است: چهار مردی را که تحمل سخن دارند پیدا کرده آنان را از علم خود بهره مند کن. سپس به چهار گوشه زمین بفرست. تا حجت تو بر مردم باشند. و زمانی که خواستی آنها را احضار کنی، اسم اعظم خدا را بخوان و صدا بزنی به فرمان خدا. شتابان نزد تو می آیند.

صدوق رحمه الله گوید: به نظر من حضرت ابراهیم علیه السلام هر دو مأموریت [سر بردن مرغان و فرستادن نماینده] را داشته است.

۳۴۱۶. روایت شده است: خداوند به ابراهیم علیه السلام دستور داد که چهار پرنده ذبح کند: طاووس و کرکس و خروس و مرغابی. طاووس چون سمبل زیبایی دنیاست. و کرکس به نشانه آرزوهای دراز و خروس نماد شهوت و مرغابی نشانه حرص است. یعنی اگر خواهی دل را زنده کنی و اطمینان خاطر داشته باشی، از این چهار خصلت خارج شو. و تا زمانی که این خصلتها در قلب باشند، قلب آرامش ندارد.

ابراهیم علیه السلام سؤال کرد: چگونه؟ خداوند فرمود: مگر ایمان نداری؟ [با اینکه ابراهیم علیه السلام علم داشت]. ابراهیم علیه السلام زمانی که گفت: خداوندا به من نشان ده چگونه مرده را زنده می کنی. از ظاهر عبارت به نظر می رسد که او یقین نداشته است. اما خداوند برای اینکه تهمت و شک را از او دفع کند فرمود: مگر ایمان نداری؟ ابراهیم علیه السلام جواب داد: آری. لکن برای اطمینان قلب من.

۳۴۱۷. امام صادق علیه السلام فرمودند: کتاب خدا چهار جزء است: عبارات، اشارات، لطیفه ها و حقیقت ها.

عبارات برای عموم مردم، اشارات برای علماء و لطائف برای اولیاء و حقائق برای پیامبران علیهم السلام است.

۳۴۱۸. امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند به آدم وحی فرمود: ای آدم من حکمت را برای تو در چهار کلمه جمع می کنم. یکی برای من یکی برای تو یکی میان من و تو و یکی میان تو و مردم.

فَأَمَّا الَّتِي لِي؛ فَتَعْبُدُنِي لِأَتَشْرِكَ بِى شَيْئاً، وَأَمَّا الَّتِي لَكَ؛ فَأُجَازِيكَ بِعَمَلِكَ أَحْوَجَ مَا تَكُونُ إِلَيْهِ، وَأَمَّا الَّتِي فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَكَ؛ فَعَلَيْكَ الدُّعَاءُ وَعَلَى الْإِجَابَةِ، وَأَمَّا الَّتِي بَيْنَكَ وَبَيْنَ النَّاسِ؛ فَتَرْضَى لِلنَّاسِ مَا تَرْضَى لِنَفْسِكَ. (١)

٣٤١٩. وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ لِأَهْلِ الْجَنَّةِ أَرْبَعَ عِلَامَاتٍ: وَجْهٌ مُتَبَسِّطٌ، وَلسَانٌ لَطِيفٌ، وَقَلْبٌ رَحِيمٌ، وَيَدٌ مُعْطِيَةٌ. (٢)

٣٤٢٠. وَعَنْ صَيْفَوَانَ الْجَبَّالِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ وَكَنْزٌ لَهُمَا»؟ فَقَالَ: أَمَا إِنَّهُ مَا كَانَ ذَهَباً وَلَا فِضَّةً، وَإِنَّمَا كَانَ أَرْبَعَ كَلِمَاتٍ: لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا؛ فَمَنْ أَيْقَنَ بِالْمَوْتِ لَمْ تَضْحَكِ سِنُّهُ، وَمَنْ أَيْقَنَ بِالْحِسَابِ لَمْ يَفْرَحِ قَلْبُهُ، وَمَنْ أَيْقَنَ بِالْقَدَرِ لَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ، وَمَنْ يَرَى النَّشَاءَ الْأُولَى فَكَيْفَ يُنْكِرُ النَّشَاءَ الْآخِرَةَ؟

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: أَرْبَعَةٌ لَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ: الْكَاهِنُ، وَالْمُنَافِقُ، وَمُدْمِنُ الْخَمْرِ، وَالْقَتَاتُ؛ وَهُوَ النَّمَامُ. (٣)

٣٤٢١. وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تَطْلُبْ مِنَ الدُّنْيَا أَرْبَعَةً فَإِنَّكَ لَا تَجِدُهَا، وَأَنْتَ لَا بُدَّ لَكَ مِنْهَا: عَالِماً يَسْتَعْمِلُ عِلْمَهُ؛ فَتَبْقَى بِلَا عَالِمٍ، وَعَمَلًا بِلَا رِيَاءٍ؛ فَتَبْقَى بِلَا عَمَلٍ، وَطَعَامًا بِلَا شُبْهَةٍ؛ فَتَبْقَى بِلَا طَعَامٍ، وَصَدِيقًا بِلَا عَيْبٍ؛ فَتَبْقَى بِلَا صَدِيقٍ. (٤)

٣٤٢٢. وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَرْبَعَةٌ لَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ دَعْوَةٌ: الرَّجُلُ جَالِسٌ فِي بَيْتِهِ يَقُولُ: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي، فَيُقَالُ لَهُ أَلَمْ آمُرْكَ بِالطَّلَبِ؟ وَرَجُلٌ كَانَتْ لَهُ امْرَأَةٌ (٥) فَدَعَا عَلَيْهَا، فَيُقَالُ لَهُ: أَلَمْ أَجْعَلْ أَمْرَهَا إِلَيْكَ؟ وَرَجُلٌ كَانَ لَهُ مَالٌ فَأَفْسَدَهُ، فَيُقَالُ: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي، فَيُقَالُ لَهُ: أَلَمْ آمُرْكَ بِالِاقْتِصَادِ؟ أَلَمْ آمُرْكَ بِالِاصْلَاحِ؟ ثُمَّ قَالَ:

ص: ١٧٢

١- الخصال، ص ٢٤٣، ح ٩٨.

٢- مجموعه وزام، ج ٢، ص ٩١.

٣- الكافي، ج ٢، ص ٥٨، وفيه ذيله من: «و من يرى النشأه الأولى» الخ....

٤- جامع الأخبار، ص ١٨٠.

٥- لعل المراد منه الأمه.

آنکه برای من است: مرا عبادت کن. و برای من شریک تصور نکن.

آنکه برای توست: پاداش عمل تو را در چنان روزی [قیامت] به تو می‌دهم که از هر زمان دیگری به آن نیازمندتری.

آنکه میان من و توست: تو دعا کن و من اجابت نمایم.

آنکه میان تو و مردم است: برای مردم آنچه را پسند که برای خود می‌پسندی.

۳۴۱۹. امام صادق علیه السلام فرمودند: اهل بهشت چهار علامت دارند: چهره گشاده، زبان لطیف، قلب مهربان و دست بخشنده.

۳۴۲۰. صفوان جمال گوید: از امام صادق علیه السلام تفسیر آیه شریفه «وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا» را پرسیدم.

حضرت فرمودند: آن گنج طلا و نقره نبود. بلکه چهار کلمه بود: نیست خدائی جز من. پس هر کس به مرگ یقین دارد در عمرش نمی‌خندد. و کسی که به حساب یقین دارد شادی نمی‌کند. و کسی که یقین به قضا و قدر دارد جز خدا از کسی نمی‌ترسد. و کسی که زندگی دنیا را می‌بیند چگونه زندگی آخرت را انکار می‌کند؟

امام صادق علیه السلام فرمودند: چهار کس وارد بهشت نمی‌شوند: کاهن و منافق و شراب خوار و سخن چین.

۳۴۲۱. امام صادق علیه السلام فرمودند: در دنیا به دنبال چهار چیز نگرد که پیدا نخواهی کرد. و تو به آنها نیاز داری. عالم که علم خود را بکار گیرد. پس بدون عالم خواهی ماند. عمل بدن ریا، [اگر دنبال آن باشی] بدون عمل خواهی ماند. و اگر دنبال غذای بدون شبهه باشی، بدون غذا خواهی ماند. و اگر دنبال دوست بی عیب باشی، بدون دوست می‌مانی.

۳۴۲۲. امام صادق علیه السلام فرمودند: دعای چهار نفر مستجاب نمی‌شود:

کسی که در خانه بنشیند و بگوید خدایا روزی مرا برسان. جواب می‌آید: مگر دستور کسب به تو ندادم؟

مردی که زن خود را نفرین کند. جواب می‌آید: مگر طلاق او را به دست تو ندادم.

کسی که مال خود را تلف کند بعد دعا کند خدایا به من روزی بده. جواب می‌آید: مگر به تو فرمان میانه روی ندادم؟ مگر به تو فرمان ندادم اصلاح کنی؟ سپس حضرت این آیه

«وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا»، وَرَجُلٌ كَانَ لَهُ مَالٌ فَأَدَانَهُ رَجُلًا وَلَمْ يُشْهَدِ عَلَيْهِ فَجَحَدَهُ،
فَيُقَالُ لَهُ: أَلَمْ آمُرَكَ بِالشَّهَادَةِ؟! (١)

٣٤٢٣. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يُسْتَجَابُ الدُّعَاءُ فِي أَرْبَعِ مَوَاطِنَ: فِي الْوَتْرِ، وَبَعْدَ النَّجْرِ، وَبَعْدَ الظُّهْرِ، وَبَعْدَ الْمَغْرِبِ.

وَفِي رِوَايَةٍ: أَنَّهُ يَسْجُدُ بَعْدَ الْمَغْرِبِ، وَيَدْعُو فِي سُجُودِهِ. (٢)

٣٤٢٤. وَعَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِعْرَابُ الْقُلُوبِ عَلَى أَرْبَعِ أَنْوَاعٍ: رَفَعٌ، وَفَتْحٌ، وَخَفْضٌ، وَوَقْفٌ؛ فَرَفَعَ الْقَلْبُ فِي ذِكْرِ اللَّهِ تَعَالَى، وَفَتْحَ الْقَلْبُ فِي الرِّضَى عَنِ اللَّهِ تَعَالَى، وَخَفَضَ الْقَلْبُ فِي الْإِسْتِغَالِ بِغَيْرِ اللَّهِ تَعَالَى، وَوَقَفَ الْقَلْبُ فِي الْغَفْلَةِ عَنِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى.

الْأَتْرَى إِلَى الْعَبْدِ إِذَا ذَكَرَ اللَّهَ بِالتَّعْظِيمِ خَالِصًا ارْتَفَعَ كُلُّ حِجَابٍ كَانَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ تَعَالَى مِنْ قَبْلِ ذَلِكَ؟

وَإِذَا انْقَادَ الْقَلْبُ لِمُورِدِ قَضَاءِ اللَّهِ تَعَالَى بِشَرْطِ الرِّضَى عَنْهُ كَيْفَ يَنْفَتِحُ الْقَلْبُ بِالسُّرُورِ وَالرَّاحَةِ وَالرَّوْحِ؟

وَإِذَا اشْتَغَلَ قَلْبُهُ بِشَيْءٍ مِنْ أَسْبَابِ الدُّنْيَا كَيْفَ تَجِدُهُ إِذَا ذَكَرَ اللَّهَ تَعَالَى بَعْدَ ذَلِكَ وَأَنَابَ مُنْخَفِضًا مُظْلِمًا كَمَيِّتٍ خَرَابٍ لَيْسَ فِيهِ عُمُرَانٌ وَلَا مُؤَنَسٌ؟

فَإِذَا غَفَلَ عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ تَعَالَى كَيْفَ تَرَاهُ بَعْدَ ذَلِكَ مَوْقُوفًا مَحْجُوبًا قَدْ قَسَا وَأَظْلَمَ مُنْذُ فَارَقَ نَوْرَ التَّعْظُمِ؟

فَعَلَامَةُ الرَّفَعِ ثَلَاثَةُ أَشْيَاءَ: [وُجُودُ الْمُوَافَقَةِ، وَفَقْدُ الْمُخَالَفَةِ، وَدَوَامُ الشُّوقِ. وَعَلَامَةُ الْفَتْحِ ثَلَاثَةُ أَشْيَاءَ: (٣) التَّوَكُّلُ عَلَيْهِ، وَالصِّدْقُ، وَالْيَقِينُ. وَعَلَامَةُ الْخَفْضِ ثَلَاثَةُ أَشْيَاءَ: الْعُجْبُ، وَالرِّيَاءُ، وَالْحِرْصُ. وَعَلَامَةُ الْوَقْفِ ثَلَاثَةُ أَشْيَاءَ: زَوَالُ حَلَاوَةِ الطَّاعَةِ، وَمَرَارَةُ الْمَعْصِيَةِ، وَالتَّبَاسُّ عِلْمِ الْحَلَالِ بِالْحَرَامِ. (٤)]

ص: ١٧٤

١- . عوَالِي اللَّالِكِيِّ، ج ٤، ص ٢٢، ح ٦٥.

٢- . مَكَارِمُ الْأَخْلَاقِ، ص ٢٧١. عَدَةُ الدَّاعِي، ص ٥٩.

٣- . هَذِهِ الزِّيَادَةُ نَقَلْنَاهَا مِنْ بَحَارِ الْأَنْوَارِ.

٤- . مِصْبَاحُ الشَّرِيعَةِ، ص ١٢١.

را تلاوت کردند: «کسانی که هنگام انفاق کردن، اسراف و سخت گیری نمی کنند و بین این دو را بر می گزینند».

کسی که مالش را به دیگری قرض بدهد و شاهد نگیرد و او هم انکار کند. به او می گویند:

مگر به تو امر نکردیم، شاهد بگیری؟

۳۴۲۳. امام صادق علیه السلام فرمودند: در چهار جا دعا مستجاب می شود: نماز وتر، بعد از اذان صبح، بعد از ظهر و بعد از مغرب. [آن حضرت بعد از مغرب سجده می کردند و در سجده دعا می کردند].

۳۴۲۴. امام صادق علیه السلام فرمودند: قلب چهار اعراب دارد:

رفع قلب در ذکر خداوند است. فتح قلب در خشنودی از خداوند متعال است. و کسر قلب در مشغول شدن به غیر خداست. و وقف قلب در غفلت از خداوند سبحان است. آیا نمی بینید که هنگامی که بنده با تعظیم خالصانه خدا را یاد می کند، تمام حجابها از میان او و خداوند سبحان برداشته می شود؟

و زمانی که قلب در برابر قضای خداوند تسلیم و خشنود باشد، چگونه قلب به سرور و راحتی و آسایش می رسد؟

و زمانی که قلب به یکی از امور دنیا مشغول شود. وقتی پس از آن به یاد خدا بیفتد و گریه کند، در هم شکسته است مانند خرابه ای که آبادی و سکنه ندارد؟

و هنگامی که از یاد خدا غافل می شود چگونه قلب را متوقف و راکد می بینی که سخت شده و چون از نور عظمت فاصله بگیرد ظلمانی می شود؟

علامت رفع قلب سه چیز است: داشتن موافقت، نداشتن مخالفت، و اشتیاق مداوم. و علامت فتح قلب سه چیز است: توکل بر خدا، صداقت و یقین. و علامت خفض قلب سه چیز است: خود پسندی و ریا و حرص. و علامت وقف قلب سه چیز است: از بین رفتن شیرینی اطاعت، و از بین رفتن تلخی معصیت و اشتباه در شناخت حلال از حرام.

٣٤٢٥. وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا رَاحَةَ لِمُؤْمِنٍ عَلَى الْحَقِيقَةِ إِلَّا عِنْدَ لِقَاءِ اللَّهِ، وَمَا سِوَى ذَلِكَ فَنَفَى أَرْبَعَهُ أَشْيَاءَ:

صَمِتَ تَعْرِفُ بِهِ حَالَ قَلْبِكَ وَنَفْسِكَ فِيمَا يَكُونُ بَيْنَكَ وَبَيْنَ بَارِئِكَ، وَخَلَوْهُ تَنَجُّوْا بِهَا مِنْ آفَاتِ الزَّمَانِ ظَاهِرًا وَبَاطِنًا، وَجُوعَ تُمِيتُ بِهِ الشَّهَوَاتِ وَالْوَسَاوِسَ، وَسَهَرَ تُنَوِّرُ بِهِ قَلْبَكَ، وَتُصَفِّي بِهِ طَبْعَكَ، وَتُرَكِّي بِهِ رُوحَكَ. (١)

٣٤٢٦. وَقِيلَ: إِنَّ الْمَنْصُورَ الْخَلِيفَةَ الْعَبَّاسِيَّ أَرْسَلَ إِلَى الصَّيِّدِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَالَ لَهُ: لِمَ لَا تَغْشَانَا (٢) كَمَا يَغْشَانَا سَائِرُ النَّاسِ؟ فَأَرْسَلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَيْهِ فِي الْجَوَابِ: مَا عِنْدَنَا مِنَ الدُّنْيَا مَا نَخَافُكَ عَلَيْهِ، وَلَا عِنْدَكَ مِنَ الْآخِرَةِ مَا نَرْجُوكَ لَهُ، وَلَا أَنْتَ فِي نِعْمِهِ فَهَنَيْتَ عَلَيْهَا، وَلَا تُعَدُّهَا نِقْمَةً فَتُعْزِيكَ عَلَيْهَا، فَلِمَ نَغْشَاكَ عَلَيْهَا؟

فَأَرْسَلَ إِلَيْهِ ثَانِيَةً: تَصْحَبْنَا لِنَتَّصِحَّ. فَأَرْسَلَ الْإِمَامُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ أَرَادَ الدُّنْيَا فَلَا يَنْصَحُكَ، وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ فَلَا يَصْحَبُكَ. (٣)

٣٤٢٧. وَقَالَ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: مَطْلُوبَاتُ النَّاسِ فِي الدُّنْيَا الْفَانِيَةُ أَرْبَعَةٌ: الْغِنَى، وَالِدَّعَةُ (٤)، وَقَلَّةُ الْإِهْتِمَامِ، وَالْعِزُّ. فَأَمَّا الْغِنَى فَمَوْجُودٌ فِي الْقِنَاعِ؛ فَمَنْ طَلَبَهُ فِي كَثْرَةِ الْمَالِ لَمْ يَجِدْهُ، وَأَمَّا الدَّعَةُ فَمَوْجُودَةٌ فِي خِفَّةِ الْمَحْمَلِ (٥)؛ فَمَنْ طَلَبَهَا فِي ثِقَلِهِ لَمْ يَجِدْهَا، وَأَمَّا قَلَّةُ الْإِهْتِمَامِ فَمَوْجُودٌ فِي قَلَّةِ الشُّغْلِ؛ فَمَنْ طَلَبَهَا فِي كَثْرَتِهِ لَمْ يَجِدْهَا، وَأَمَّا الْعِزُّ فَمَوْجُودٌ فِي خِدْمَةِ الْخَالِقِ؛ فَمَنْ طَلَبَهُ فِي خِدْمَةِ الْمَخْلُوقِ لَمْ يَجِدْهُ. (٦)

٣٤٢٨. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: عَجِبْتُ لِمَنْ فَرَعَ مِنْ أَرْبَعٍ كَيْفَ لَا يَفْرُغُ إِلَى أَرْبَعٍ! عَجِبْتُ لِمَنْ يَخَافُ شَيْئًا مِنْ سُوءِ كَيْفٍ لَا يَفْرُغُ إِلَى قَوْلِهِ عِزٌّ وَجَلٌّ: «حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ»؛ فَإِنِّي سَمِعْتُ اللَّهَ عِزٌّ وَجَلٌّ يَقُولُ بِعَقِبِهَا: «فَانْقَلَبُوا بِنِعْمِهِ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلِهِ لَمْ يَمَسُّهُمْ سُوءٌ». (٧)

ص: ١٧٦

- ١- . مصباح الشريعة، ص ١١٥.
- ٢- . غشينا رفقة: قصدناهم (مجمع البحرين: ٣/٣١٤).
- ٣- . كشف الغممة، ج ٢، ص ٤٢٧.
- ٤- . الدعة: الراحة والسكون (تاج العروس: ٥/٢٦).
- ٥- . كذا في الأصل، والمراد من المحمل ما يتحمّله الإنسان.
- ٦- . الخصال، ص ١٩٨، ح ٧.
- ٧- . آل عمران: ١٧٤.

۳۴۲۵. امام صادق علیه السلام فرمودند: مؤمن آسایش حقیقی ندارد مگر در لقای پروردگار. و در غیر آن صورت در چهار چیز آسایش است: سکوتی که در آن حال قلب و روح خود را در ارتباط با خدا بشناسی. و خلوتی که از آفت‌های ظاهر و باطن زمان نجات یابی. و گرسنگی که با آن شهوت و وسوسه را بمیرانی. و شب بیداری که با آن قلب خود را نورانی و طبع خود را با صفا و روح خود را پاک گردانی.

۳۴۲۶. منصور خلیفه عباسی برای امام صادق علیه السلام پیام فرستاد که چرا شما مثل دیگران به دربار رفت و آمد نمی کنید؟ حضرت جواب فرستادند: ما از دنیا چیزی نداریم که برای از دست دادن آن بوسیله تو نگران باشیم. و تو از آخرت چیزی نداری که به تو امیدوار باشیم. و تو در نعمت نیستی که به تو تبریک بگوئیم. و تو حکومت را بدبختی نمی دانی که به تو تسلیت گوئیم. پس برای چه به دربار رفت و آمد کنیم؟

منصور دوباره پیام فرستاد: برای نصیحت و ارشاد ما بیایید.

امام علیه السلام جواب فرستادند: کسی که دنیا را بخواهد تو را نصیحت نمی کند. و کسی که آخرت را بخواهد با تو همنشینی نخواهد کرد.

۳۴۲۷. امام صادق علیه السلام فرمودند: مردم در دنیای فانی در پی چهار چیز هستند: ثروت می خواهند که در قناعت است. و کسی که آن را در مال زیاد جستجو کند به آن نمی رسد. آسایش که در سبک باری است و کسی که آن را در بار سنگین بجوید به آن نمی رسد. غصه کم که در کم بودن گرفتاری و شغل است و کسی که آن را در گرفتاری زیاد جستجو کند به آن نمی رسد.

عزت که در خدمت به خداوند است. و کسی که آن را در خدمت به مردم جستجو کند نخواهد یافت.

۳۴۲۸. امام صادق علیه السلام فرمودند: عجیب است کسی که از چهار چیز می ترسد چرا به چهار چیز پناه نمی برد: کسی که از بدی می ترسد چرا به ذکر: حسبنالله و نعم الوکیل پناه نمی برد که پس از آن خداوند می فرماید: با «نعمت و فضل الهی بازگشتند و به آنها آسیب نرسید».

وَعَجِبْتُ لِمَنْ اعْتَمَّ كَيْفَ لَا يَفْزَعُ إِلَى قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ»؛ فَإِنِّي سَمِعْتُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ بِعَقِبِهَا: «فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَجَّعْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ» (١).

وَعَجِبْتُ لِمَنْ مُكْرَبٌ بِهِ كَيْفَ لَا يَفْزَعُ إِلَى قَوْلِهِ: «وَأَفْوِضْ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ»؛ إِنِّي سَمِعْتُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ بِعَقِبِهَا: «فَقُلْ - هُوَ اللَّهُ سَيِّاتِ مَا مَكْرُوءًا» (٢).

وَعَجِبْتُ لِمَنْ أَرَادَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا كَيْفَ لَا يَفْزَعُ إِلَى قَوْلِهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «مَا شَاءَ اللَّهُ لَأَقْوَمَهُ إِلَّا بِاللَّهِ»؛ فَإِنِّي سَمِعْتُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ بِعَقِبِهَا: «إِنْ تَرَى أَنَا أَقَلَّ مِنْكَ مَالًا وَوَلَدًا * فَعَسَى رَبِّي أَنْ يُؤْتِيَنَّ خَيْرًا مِنْ بَحْتِكَ» وَعَسَى مُوجِبُهُ (٣). (٤)

٣٤٢٩. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لِأَنْزَادِ أَفْضَلُ مِنَ التَّقْوَى، وَلَا شَيْءَ أَحْسَنُ مِنَ الصَّمْتِ، وَلَا عَيْدٌ وَأَضْرُّ مِنَ الْجَهْلِ، وَلَا دَاءٌ أَدْوَأُ مِنَ الْكُذْبِ (٥).

٣٤٣٠. وَعَنْ سُفْيَانَ الثَّوْرِيِّ قَالَ: لَقِيْتُ الصِّادِقَ بْنَ الصَّادِقِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَقُلْتُ لَهُ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ أَوْصِنِي، فَقَالَ لِي: يَا سُفْيَانُ، لَا مَرْوَةَ لِكُذُوبٍ، وَلَا أَخَ لِمَلُولٍ، وَلَا رَاخَةَ لِحَسُودٍ، وَلَا سُودَدَ (٦) لِسَيِّئِ الْخُلُقِ.

فَقُلْتُ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، زِدْنِي، فَقَالَ لِي: يَا سُفْيَانُ، ثِقْ بِاللَّهِ تَكُنْ مُؤْمِنًا، وَارْضَ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لَكَ تَكُنْ غَنِيًّا، وَأَحْسِنْ مُجَاوِرَةَ مَنْ جَاوَرَكَ تَكُنْ مُسْلِمًا، وَلَا تَصْحَبِ الْفَاجِرَ فَيَعْلَمَكَ مِنْ فُجُورِهِ، وَشَاوِرْ فِي أَمْرِكَ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ (٧).

ص: ١٧٨

١- . الأنبياء: ٨٨.

٢- . غافر: ٤٥.

٣- . موجه: أى توجب وتلزم كما فى النهايه، يعنى عسى فى قوله تعالى: «فَعَسَى أَنْ يُؤْتِيَنِي» تفيد حصول النتيجة حتماً، فمن توكل على الله سبحانه يصل إليه مطلوبه.

٤- . الخصال، ص ٢١٨، ح ٤٣.

٥- . كشف الغممه، ج ٢، ص ٤٠٠.

٦- . السؤدد: المجد والشرف (مجمع البحرين: ٤٤٩/٢).

٧- . تحف العقول، ص ٣٧٦.

کسی که غصه دارد چرا پناه نمی برد به این آیه: «جز تو خدایی نیست تو پاکی و من از ستمکارانم». خداوند بدنبال آن می گوید: «ما دعای او را مستجاب کردیم و از غصه نجات دادیم و همه مؤمنان را اینچنین نجات می دهیم».

و کسی که از خدعه و مکر می ترسد چرا نمی گوید: «کار خود را به خدا واگذار کردم که او به بندگان بصیر است». و خداوند بدنبال آن می گوید: «خداوند او را از شر نیرنگها حفظ کرد».

و کسی که دنیا و زیباییهای آن را می خواهد چرا نمی گوید: «هر چه خدا خواهد همان شود. نیرویی جز خدا نیست». و خداوند بدنبال آن وعده برآوردن حاجات داده است.

۳۴۲۹. امام صادق علیه السلام فرمودند: هیچ توشه ای برتر از تقوی نیست. و هیچ چیز بهتر از سکوت نیست.

و هیچ دشمنی بدتر از جهل و نادانی نیست. و هیچ دردی بدتر از دروغ نیست.

۳۴۳۰. سفیان ثوری به امام صادق علیه السلام گفت: یابن رسول الله مرا نصیحت فرماید.

حضرت فرمودند: ای سفیان دروغگو، جوانمردی ندارد. زود رنج، دوست ندارد. و حسود، آسایش ندارد. و بداخلاق، بزرگواری ندارد.

سفیان گفت: یابن رسول الله باز هم نصیحت فرماید.

امام علیه السلام فرمودند: ای سفیان به خدا اعتماد کن تا مؤمن شوی. به آنچه خدا داده است راضی باش تا ثروتمند شوی. و با همسایگان خوشرفتاری کن تا مسلمان باشی. با گنهکار بی دین دوستی نکن که گناه را به تو می آموزد. در کارهایت با کسانی که از خدا می ترسند، مشورت کن.

٣٤٣١. وَرَوَى عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَمَلٌ إِسْلَامُهُ، وَمُحَصَّتٌ عَنْهُ ذُنُوبُهُ (١)، وَلَقِيَ رَبَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَهُيَّوَ عَنْهُ رَاضٍ: مَنْ وَفَى لِلَّهِ عِزًّا وَجَلَّ مِمَّا يَجْعَلُ عَلَى نَفْسِهِ لِلنَّاسِ، وَصَدَقَ لِسَانُهُ مَعَ النَّاسِ، وَاسْتَحْيَى مِنْ كُلِّ قَبِيحٍ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ النَّاسِ، وَحَسَّنَ خُلُقَهُ مَعَ أَهْلِهِ (٢).

٣٤٣٢. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ: مَنْ آوَى الْيَتِيمَ، وَرَحِمَ الضَّعِيفَ، وَأَشْفَقَ عَلَى الْوَالِدِيَّةِ، وَرَفَقَ بِمَمْلُوكِهِ (٣).

٣٤٣٣. وَعَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَرْبَعَةٌ أَسْرَعُ شَيْءٍ عُقُوبَتُهُ: الرَّجُلُ أَحْسَنَتْ إِلَيْهِ وَيُكَافِئُكَ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِ إِسَاءَةً، وَرَجُلٌ لَا تَبْغَى عَلَيْهِ وَيَبْغَى عَلَيْكَ، وَرَجُلٌ عَاهَدْتَهُ عَلَى أَمْرٍ؛ فَمِنْ أَمْرِكَ الْوَفَاءُ لَهُ وَمِنْ أَمْرِهِ الْغَدْرُ بِكَ، وَرَجُلٌ يَصِلُ قَرَابَتَهُ وَيَقْطَعُونَهُ (٤).

٣٤٣٤. وَقَالَ الْجَوَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَرْبَعٌ خِصَالٌ تُعِينُ الْمَرْءَ عَلَى الْعَمَلِ: الصَّحَّةُ، وَالْغِنَى، وَالْعِلْمُ، وَالتَّوْفِيقُ (٥).

٣٤٣٥. وَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَرْبَعٌ صَلَوَاتٍ يُصَلِّيهَا الرَّجُلُ فِي كُلِّ سَاعَةٍ: صَلَاةُ فَاتَتِكَ؛ فَمَتَى ذَكَرْتَهَا أَذْيَبَتْهَا، وَصَلَاةُ رَكَعَتِي طَوَافِ الْفَرِيضَةِ، وَصَلَاةُ الْكُسُوفِ، وَالصَّلَاةُ عَلَى الْمَيِّتِ، هَؤُلَاءِ يُصَلِّيهِنَّ الرَّجُلُ فِي السَّاعَاتِ كُلِّهَا (٦).

ص: ١٨٠

١- . أصل المحصن: التخليص ومنه تمحيص الذنوب: أى إزالتها (النهاية: ٣٠٢/٤).

٢- . الخصال، ص ٢٢٢، ح ٥٠.

٣- . الخصال، ص ٢٢٣، ح ٥٣.

٤- . الخصال، ص ٢٣٠، ح ٧١.

٥- . كشف الغم، ج ٣، ص ١٣٨.

٦- . الخصال، ص ٢٤٧، ح ١٠٧.

۳۴۳۱. امام باقر علیه‌السلام فرمودند: پدرم امام سجاد علیه‌السلام فرمود: چهار صفت در هر کس باشد اسلامش کامل است. و گناهش آمرزیده و هنگام مرگ خدا از او راضی است.

برای خدا به عهد خود با مردم وفا کند. راستگو باشد. از کارهای زشت نزد خدا و مردم حیا کند. با خانواده اش خوش اخلاق باشد.

۳۴۳۲. امام باقر علیه‌السلام فرمودند: چهار خصلت در هر کس باشد خدا برای او قصری در بهشت بنا کند:

پناه دادن به یتیم، رحم کردن به ضعیف، ملامت با پدر و مادر، و مدارا با زیر دست.

۳۴۳۳. امام باقر علیه‌السلام فرمودند: عقوبت چهار خصلت سریع فرا می‌رسد: کسی که به او نیکی کرده‌ای، در مقابل بدی کند. و کسی که به او ظلم نکرده‌ای، به تو ستم کند. و کسی که با او در کاری پیمان بسته‌ای، تو در کارت وفا کرده‌ای ولی او خیانت کند. کسی که با نزدیکان رابطه برقرار کند، اما آنان با او قطع رابطه کنند. [عقوبت آنان به سرعت فرا رسد].

۳۴۳۴. امام جواد علیه‌السلام فرمود: چهار خصلت به انسان برای عمل کردن کمک می‌کند: سلامتی و ثروت و علم و توفیق.

۳۴۳۵. امام باقر علیه‌السلام فرمود: چهار نماز را در هر ساعتی می‌توان به جای آورد: نماز قضا را هر وقت به یاد آمد بجای آور. و دو رکعت نماز طواف واجب، و نماز آیات برای خورشید گرفتگی و نماز میت. این چهار نماز را در هر ساعتی از شبانه روز می‌توان بجای آورد.

٣٤٣٦. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - لَمْ يَبْعَثْ أَنْبِيَاءَ مُلُوكًا فِي الْأَرْضِ إِلَّا أَرْبَعَهُ بَعْدَ نُوحٍ: ذُو الْقَرْنَيْنِ؛ وَاسْمُهُ عَيْشٌ، وَدَاوُدُ، وَسُلَيْمَانُ، وَيُوسُفُ. فَأَمَّا عَيْشٌ فَمَلِكٌ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ، وَأَمَّا دَاوُدُ فَمَلِكٌ مَا بَيْنَ الشَّامَاتِ إِلَى بِلَادِ إِصْطَخَرَ (١)، وَكَذَلِكَ سُلَيْمَانُ، وَأَمَّا يُوسُفُ فَمَلِكٌ مِصْرَ وَبَرَارِيهَا وَلَمْ يُجَاوِزْهَا إِلَى غَيْرِهَا.

٣٤٣٧. أَرْبَعَةٌ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ تَكَلَّمُوا بِأَرْبَعِ كَلِمَاتٍ:

قَالَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ قَطَعَ قَرِينَ السُّوءِ (٢) فَكَأَنَّمَا عَمِلَ بِالتَّوْرَاهِ.

وَقَالَ دَاوُدُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ مَنَعَ نَفْسَهُ عَنِ الشَّهَوَاتِ فَكَأَنَّمَا عَمِلَ بِالتَّوْبِ.

وَقَالَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ رَضِيَ بِقِسْمَةِ اللَّهِ فَكَأَنَّمَا عَمِلَ بِالْإِنْجِيلِ.

وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ حَفِظَ لِسَانَهُ فَكَأَنَّمَا عَمِلَ بِالتَّوْرَانِ (٣).

٣٤٣٨. وَعَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الرِّيحِ الْأَرْبَعِ: الشَّمَالِ وَالْجَنُوبِ وَالدَّبُورِ (٤) وَالصَّبَا، وَقُلْتُ لَهُ: إِنَّ النَّاسَ يَذْكُرُونَ أَنَّ الشَّمَالَ مِنَ الْجَنَّةِ، وَالْجَنُوبَ مِنَ النَّارِ، فَقَالَ:

إِنَّ لِلَّهِ عِزٌّ وَجَلُّ جُنُودًا مِنْ رِيحٍ يُعِيدُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عَصَاهُ، وَلِكُلِّ رِيحٍ مَلِكٌ مُوَكَّلٌ بِهَا، فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ عِزًّا وَجَلًّا أَنْ يُعِيدَ قَوْمًا بِنَوْعٍ مِنَ الْعَذَابِ أَوْحَى إِلَى الْمَلِكِ الْمُوَكَّلِ بِذَلِكَ النَّوْعِ مِنَ الرِّيحِ الَّتِي يُرِيدُ أَنْ يُعَذِّبَهُمْ بِهَا، قَالَ: فَيَأْمُرُهَا الْمَلِكُ فَتَهِيحُ كَمَا يَهِيحُ الْأَسِيدُ الْمُغْضَبُ، وَلِكُلِّ رِيحٍ مِنْهَا اسْمٌ، أَمَا تَسْمَعُ قَوْلَهُ تَعَالَى: «كَذَّبَتْ عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرِي» وَذَكَرَ رِيحًا فِي الْعَذَابِ، ثُمَّ قَالَ: رِيحُ الشَّمَالِ وَرِيحُ الصَّبَا وَرِيحُ الْجَنُوبِ وَرِيحُ الدَّبُورِ أَيْضًا يُضَافُ إِلَى الْمَلَائِكَةِ (٥). (٦)

ص: ١٨٢

١- . اصطخر: كانت من بلاد فارس القديمة تُعمل فيها الأكسبه الاصطخرية الجياد السود كما في العقد الفريد.

٢- . أى قطع الرابطه مع قرين السوء.

٣- . الخصال، ص ٢٤٨، ح ١١٠.

٤- . الرِيحُ الدَّبُورُ: الرِيحُ الَّتِي تَقَابِلُ الصَّبَا تَهَبُ مِنْ نَاحِيَةِ الْمَغْرِبِ، قِيلَ: سَمِيَتْ بِذَلِكَ لِأَنَّهَا تَأْتِي مِنْ دُبْرِ الْكَعْبَةِ، قَالَ فِي النِّهَايَةِ: وَليْسَ بِشَيْءٍ (مَجْمَعُ الْبَحْرَيْنِ: ٩/٢).

٥- . أى تسمى كل ريح باسم الملك الموكل به.

٦- . الخصال، ص ٢٦٠، ح ١٣٨.

۳۴۳۶. امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند تبارک و تعالی بعد از حضرت نوح به هیچ پیامبری حکومت و فرمانروایی در روی زمین نداد جز چهار پیامبر: ذوالقرنین که اسم او عیاش بود. و داود و سلیمان و یوسف.

عیاش فرمانروایی غرب تا شرق زمین را در اختیار داشت. داوود از شام تا اصرخ و همچنین سلیمان [از شام تا اصرخ] حکومت کرد. یوسف هم بر سرزمین مصر و صحرای آن حکومت کرد.

۳۴۳۷. چهار نفر از پیامبران چهار سخن گفته اند: حضرت موسی علیه السلام فرمود: کسی که از دوست بد قطع رابطه کند گویا به تورات عمل کرده است. حضرت داود علیه السلام فرمود: کسی که از شهوت خودداری کند گویا به زبور عمل کرده است. حضرت عیسی علیه السلام فرمود: کسی که به قسمت خدایی خشنود باشد گویا به انجیل عمل کرده است.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که زبان خود را حفظ کند گویا به قرآن عمل کرده است.

۳۴۳۸. ابو بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام درباره بادهای چهار گانه پرسیدم: باد شمال، باد جنوب و باد دَبُور و باد صبا. و گفتم: مردم می گویند: باد شمال از بهشت می وزد. و باد جنوب از جهنم.

حضرت فرمودند: خداوند لشگریانی از بادهای دارد که بوسیله آن هر گنه کاری را که بخواهد عذاب می کند. و برای هر باد یک فرشته ای گمارده است. و زمانی که اراده کند گروهی را به نوعی عذاب کند به فرشته گمارده آن باد آنان را عذاب می کند.

هنگامی که خداوند به آن فرشته فرمان می دهد، او چون شیر خشمگین به هیجان در می آید. هر باد نام مخصوصی دارد. آیا این آیه را نشنیده ای: «قوم عاد کفر ورزیدند. و گرفتار عذاب شدند». و نام بادهای عذاب ذکر فرمود.

سپس حضرت فرمودند: شمال و جنوب و دَبُور و صبا نام چهار فرشته است که هر باد به نام آن فرشته اضافه شده است.

الفصل السادس: مِمَّا وَرَدَ مِنْ كَلَامِ الْعُلَمَاءِ وَالْحُكَمَاءِ

٣٤٣٩. قَالَ حَامِدٌ: أَرْبَعَةٌ طَلَبْنَا فِي أَرْبَعَةٍ فَأَخْطَأْنَا طُرُقَهَا وَوَجَّحْنَا فِي أَرْبَعَةٍ أُخْرَى: طَلَبْنَا الْغِنَى فِي الْمَالِ فَوَجَّحْنَا فِي الْقَنَاعَةِ، وَطَلَبْنَا الْجَاهَ فِي الْحَسَبِ فَوَجَّحْنَا فِي التَّقْوَى، وَطَلَبْنَا الرَّاحَةَ فِي ثَرَوِهِ الْمَالِ فَوَجَّحْنَا فِي قَلَّةِ الْمَالِ، وَطَلَبْنَا النِّعَمَةَ فِي اللَّبَاسِ وَالطَّعَامِ وَنَيْلِ الْمُشْتَهَى فَوَجَّحْنَا فِي الْبَدَنِ الصَّحِيحِ.

٣٤٤٠. وَقَالَ حَاتِمٌ: مَنْ سَوَّفَ أَرْبَعًا إِلَى أَرْبَعٍ دَخَلَ الْجَنَّةَ: النَّوْمَ إِلَى الْقَبْرِ، وَالْفَخْرَ إِلَى الْمِيزَانِ، وَالرَّاحَةَ إِلَى الصُّرَاطِ، وَالشَّهْوَةَ إِلَى الْجَنَّةِ.

٣٤٤١. وَقَالَ بَعْضُ الْعُلَمَاءِ: أَرْبَعٌ مِنْ كُنُوزِ الْبِرِّ: كِتْمَانُ الْفَاقِهِ، وَكِتْمَانُ الصَّدَقَةِ، وَكِتْمَانُ الْوَجْعِ، وَكِتْمَانُ الْبَلَايَا. (١)

٣٤٤٢. وَقَالَ بَعْضُ آخَرٍ: أَرْبَعٌ مِنْ عِلْمَاتِ الشَّقَاءِ: قَسْوَةُ الْقَلْبِ، وَجُمُودُ الْعَيْنِ (٢)، وَكَثْرَةُ الْمَنْعِ (٣)، وَطَوْلُ الْأَمَلِ. (٤)

٣٤٤٣. وَقَالَ آخَرٌ: أَرْبَعٌ مِنْ عِلْمَاتِ الْكِرَمِ: بَذْلُ النَّدَى (٥)، وَكُفُّ الْأَذَى، وَتَعْجِيلُ الْمَثُوبَةِ، وَتَأْخِيرُ الْعُقُوبَةِ.

وَأَرْبَعٌ تَرُقَى بِهَا إِلَى أَرْبَعَةٍ: بِالْعَقْلِ إِلَى الرَّئَاسَةِ، وَبِالرَّأْيِ إِلَى السِّيَاسَةِ، وَبِالْعِلْمِ إِلَى التَّصْدِيرِ، وَبِالْحِلْمِ إِلَى التَّوْقِيرِ.

وَأَرْبَعَةٌ تُعْرَفُ بِأَرْبَعَةٍ: الْكَاتِبُ بِالْكِتَابَةِ، وَالْعَالِمُ بِجَوَابِهِ، وَالْحَكِيمُ بِأَفْعَالِهِ، وَالْحَلِيمُ بِاحْتِمَالِهِ.

[و] أَرْبَعَةٌ تَدُلُّ عَلَى السَّعَادَةِ: حُبُّ الْعِلْمِ، وَحُسْنُ الْحِلْمِ، وَصِحَّةُ الْجَوَابِ، وَكَثْرَةُ الصَّوَابِ.

ص: ١٨٤

١- تحف العقول، ص ٢٩٥، نقلًا عن المعصوم عليه السلام.

٢- أي عن البكاء؛ فلايبكى في الله والله.

٣- أي عن قبول الحق أو اعطاء المال.

٤- مجموعه وزام، ج ٢، ص ٢٤١.

٥- أندى: كثرت عطاياه (القاموس المحيط: ٣٩٥/٤).

۳۴۳۹. حامد گوید: چهار چیز را در چهار مورد جستجو کردیم و نیافتیم. و در چهار جای دیگر یافتیم: ثروت را در مال جستجو کردیم، اما در قناعت یافتیم. مقام را در حسب و نسب طلب کردیم، اما در پرهیزکاری یافتیم. آسایش را در ثروت و مال دنبال می کردیم در کمی مال پیدا کردیم. نعمت را در لباس و غذا و رسیدن به خواسته ها جستجو می کردیم، اما در بدن سالم بدست آوردیم.

۳۴۴۰. حاتم گوید: کسی که چهار چیز را به چهار مورد تأخیر اندازد، وارد بهشت شود.

خواب را به قبر، و افتخار را به میزان، و آسایش را به صراط، و شهوت را به بهشت.

۳۴۴۱. عالمی گوید: پوشاندن چهار چیز از گنجهای نیکی است: احتیاج و صدقه و درد و بلا.

۳۴۴۲. یکی از علما می گوید: چهار صفت علامت بدبختی است: سنگ دلی و خشکی چشم و بخل و آرزوی طولانی.

۳۴۴۳. عالم دیگر گوید: چهار خصلت از نشانه های کرامت است: بخشش و بی آزاری و عجله در پاداش خوب دادن و تأخیر کیفر.

و چهار چیز وسیله ترقی به چهار مقام است: با عقل به ریاست و با تدبیر به سیاست و با علم به صدارت و با بردباری به وقار می توان رسید.

وَأَرْبَعَةٌ تَدُلُّ عَلَى الدَّهَاءِ: تَجَرُّعُ الْغُصَصِ، وَانْتِهَازُ الْفَرْصِ، وَاسْتِمْدَادُ الْآرَاءِ، وَمُدَاهَنَةُ (١) الْأَعْدَاءِ.

وَأَرْبَعَةٌ تَوْصِلُكَ إِلَى أَرْبَعَةٍ: الصَّبْرُ إِلَى الْمَحْبُوبِ، وَالْجِدُّ إِلَى الْمَطْلُوبِ، وَالزُّهْدُ إِلَى التُّقَى، وَالْقَنَاعَةُ إِلَى الْغِنَى.

أَرْبَعَةٌ خِصَالٍ إِذَا اعْطَيْتَهَا دَفَعَتْ عَنْكَ كَثِيرًا مِنَ الْهَمِّ وَالْغَمِّ وَالذَّمِّ: حُسْنُ الْخُلُقِ، وَالْقَنَاعَةُ، وَصِدْقُ الْحَدِيثِ، وَأَدَاءُ الْأَمَانَةِ (٢).

٣٤٤٤. وَعَنْ بَعْضِ أَهْلِ الْمَعْرِفَةِ أَنَّهُ قَالَ: اغْسِلُوا أَرْبَعًا بِأَرْبَعٍ: وُجُوهَكُمْ بِمَاءِ أَعْيُنِكُمْ، وَأَلْسِنَتَكُمْ بِذِكْرِ خَالِقِكُمْ، وَقُلُوبَكُمْ بِخَشْيَةِ رَبِّكُمْ، وَذُنُوبَكُمْ بِالتَّوْبَةِ إِلَى مَوْلَاكُمْ.

٣٤٤٥. وَقَالَ بَعْضُ الْعُلَمَاءِ: ثَمَرَةُ الْعِلْمِ أَرْبَعَةٌ: أَحَدُهَا مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ وَهُوَ الْخَشْيَةُ، وَالثَّانِي مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْخَلْقِ وَهُوَ الشَّفَقَةُ، وَالثَّلَاثُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّفْسِ وَهُوَ الصَّبْرُ، وَالرَّابِعُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الدُّنْيَا وَهِيَ الزَّهَادَةُ.

٣٤٤٦. وَقِيلَ: الرِّجَالُ أَرْبَعَةٌ: فَرَجُلٌ يَدْرِي وَلَا يَدْرِي أَنَّهُ يَدْرِي؛ فَذَلِكَ نَاسٌ فَذَكْرُوهُ، وَرَجُلٌ لَا يَدْرِي وَيَدْرِي أَنَّهُ لَا يَدْرِي؛ فَذَلِكَ مُسْتَرْشِدٌ فَارْتُدُّهُ، وَرَجُلٌ لَا يَدْرِي وَلَا يَدْرِي أَنَّهُ لَا يَدْرِي؛ فَذَلِكَ جَاهِلٌ فَارْفُضُوهُ، وَرَجُلٌ يَدْرِي وَيَدْرِي أَنَّهُ يَدْرِي؛ فَذَلِكَ عَالِمٌ فَاتَّبِعُوهُ.

٣٤٤٧. وَقَالَ بَقْرَاطُ: الْبَلَاءُ أَرْبَعَةٌ: كَثْرَةُ الْعِيَالِ، وَقِلَّةُ الْمَالِ، وَالْجَارُ السَّوِيُّ، وَزَوْجَةٌ خَائِنَةٌ.

٣٤٤٨. وَقَالَ أَيْضًا: أَرْبَعَةٌ تَهْدِمُ الْعُمُرَ: إِدْخَالُ الطَّعَامِ عَلَى الطَّعَامِ قَبْلَ الْإِنْهِيصِ، وَالشُّرْبُ عَلَى الرِّيقِ، وَالتَّمَتُّعُ فِي الْحَمَامِ، وَنِكَاحُ الْعَجُوزِ.

٣٤٤٩. وَقَالَ بَعْضُ الْحُكَمَاءِ: لِأَشْيَاءٍ أُضْيَعُ مِنْ أَرْبَعٍ: مَوَدَّةٌ تَمْنَحُهَا مَنْ لَا وِفَاءَ لَهُ، وَبَلَاءٌ تَصْطِنِعُهُ عِنْدَ مَنْ لَا شُكْرَ لَهُ، وَأَدَبٌ تُؤَدِّبُ بِهِ مَنْ لَا يَنْتَفِعُ بِهِ، وَسِرٌّ تَسْتَوْدِعُهُ مَنْ لَا صِيَانَةَ لَهُ.

ص: ١٨٤

١- . المداهنة: المداراه؛ وهي أن ترى منكرًا تقدر على دفعه ولم تدفعه حفظاً لجانب مرتكبه، أو جانب غيره، أو لقله المبالاه بالدين.

٢- . معدن الجواهر، ص ٤٦.

و چهار کس را از چهار صفت می توان شناخت: کاتب را از نوشتن، عالم را از جواب سؤال و حکیم را از رفتارش و بردبار را از تحملش، می توان شناخت.

چهار چیز به سعادت رهنمون می کند: دوست داشتن علم و بردباری نیکو و جواب صحیح و فراوانی کار صحیح.

چهار چیز نشانه زیرکی است: فرو خوردن غصه و استفاده از فرصت و مشورت کردن با صاحبان رأی و مدارا با دشمن.

چهار صفت تو را به چهار چیز می رساند: صبر به محبوب و کوشش به مطلوب و زهد به پرهیزکاری و قناعت ترا به ثروت می رساند.

اگر چهار خصلت داشته باشی غم و غصه و اندوه را از تو دور می کنند: اخلاق خوش و قناعت و راستگویی و امانت داری.

۳۴۴۴. عارفی گوید: چهار چیز را با چهار چیز بشوئید: چهره را با اشک چشمان و زبان را با یاد پروردگار و قلب را با ترس از پروردگار و گناهان را با توبه و بازگشت به سوی مولای خود، بشوئید.

۳۴۴۵. یکی از علما گوید: ثمره علم چهار چیز است: یکی: خشیت است که میان انسان و خداست.

دوم: ملاحظت است که میان انسان و مردم است. سوم: صبر است که میان انسان و روح خود است. چهارم: زهد است که میان انسان و دنیا است.

۳۴۴۶. مردان چهار نفرند: کسی که می داند و نمی داند که می داند. به این شخص تذکر بدهید.

دوم: کسی که نمی داند و نمی داند که نمی داند. او را راهنمایی کنید.

سوم: کسی که نمی داند و می داند که نمی داند. او نادان است. او را رها کنید.

چهارم: کسی که می داند و می داند که می داند. او عالم است. از او پیروی کنید.

۳۴۴۷. بقراط گوید: چهار چیز بلاء است: زیادی عیال و کمی مال و همسایه بد و همسر خائن.

۳۴۴۸. بقراط گوید: چهار چیز عمر را تلف می کند: خوردن غذا قبل از هضم شدن غذای قبل، نوشیدن آب در ناشتا و نزدیکی کردن در حمام و ازدواج با پیرزن.

۳۴۴۹. حکیمی گفته است: چهار چیز از همه چیز بیشتر هدر می رود: دوست داشتن کسی که بی وفاء است. و تحمل گرفتاری برای کسی که قدرشناس نیست. و ادب کردن به کسی که از ادب سودی نبرد. و راز گفتن به کسی که رازدار نیست.

٣٤٥٠. وقال بعض الحكماء: من التمس أربعاً أربعاً بالرياء التمس ما لا يكون، ومن التمس مودة الناس بالغلظة التمس ما لا يكون، ومن التمس وفاء الإخوان بغير وفاء لهم التمس ما لا يكون، ومن التمس العلم براحه الجسد التمس ما لا يكون.

٣٤٥١. وقالت حكماء الهند: أربعة لا تشبع من أربعة: عاقل من أدب، وعالم من كتب، وأصيل من نسب، وجاهل من لعب.

٣٤٥٢. قالت حكماء الفرس: أربعة لا تشبع من أربعة: عين من مليح (١)، وأذن من فصيح، وقلب من نصيح، ومسافر من طيب ربح.

٣٤٥٣. وقالت حكماء الروم: أربعة لا تشبع من أربعة: عين من نظر، وأذن من خبر، وأرض من مطر، وأنثى من ذكر.

٣٤٥٤. وقالت حكماء العرب: أربعة لا تشبع من أربعة: شجاع من لقاء، وسخي من عطاء، وتقي من دعاء، ومحسن من ثناء.

٣٤٥٥. واختار الحكماء من أربع كتب من السماء أربع كلمات:

من التوراه: من رضى بما أعطاه الله استراح في الدنيا والآخرة.

ومن الزبور: من نفرّد عن الناس نجا في الدنيا والآخرة.

ومن الإنجيل: من هدم الشهوات عزّ في الدنيا والآخرة.

ومن الفرقان: من حفظ اللسان سلم في الدنيا والآخرة.

٣٤٥٦. وقال حكيم: لا تصاحب إلا أحد أربعة: رجل ترجو نواله، أو تخاف شره، أو تستفيد من علمه، أو ترجو بركة دعائه.

٣٤٥٧. وعن بعض الحكماء قال: إن شعار حكماء الإسلام أربعة: التقوى، والحياء، والشكر، والصبر.

٣٤٥٨. ومن وصايا لقمان لابنه: يا بني، اعلم أنك ستسأل غداً إذا وقفت بين يدي الله عز و جل عن أربع: شبايك فيم أبلتة؟ وعمرِكَ فيم أفنته؟ ومالكٍ ممّا اكتسبتة؟ وفيما أنفقتة؟ فأعد له جواباً.

ص: ١٨٨

١- . ملح الشيء: أي حسن فهو مليح (الصحاح: ١/٤٠٦ «ملح»).

۳۴۵۰. یکی از حکیمان گفته است: کسی که برای چهار خصلت به چهار چیز متوسل شود بی بهره ماند: کسی که برای پادشاه، به ریا متوسل شود. و کسی که برای دوست داشتن مردم، به خشونت متوسل شود. و کسی که به امید وفاداری مردم، بیوفائی کند. و کسی که برای بدست آوردن علم، به تن پروری متوسل شود.

۳۴۵۱. حکیمان هندی گویند: چهار نفر از چهار چیز سیر نمی شوند: عاقل از ادب و عالم از کتاب و اصیل از نسب و نادان از هرزگی.

۳۴۵۲. حکیمان فارس گویند: چهار چیز از چهار چیز سیر نمی شود: چشم از زیبایی و گوش از شنیدن و قلب از نصیحت و مسافر از بوی خوش.

۳۴۵۳. حکیمان روم گویند: چهار چیز از چهار چیز سیر نمی شود: چشم از دیدن و گوش از خبر و زمین از باران و زن از مرد.

۳۴۵۴. حکیمان عرب گویند: چهار نفر از چهار چیز سیر نمی شوند: شجاع از رویارویی، سخی از بخشیدن و پرهیزکار از دعا و نیکوکار از ستایش.

۳۴۵۵. حکیمان از چهار کتاب آسمانی چهار جمله برگزیده اند:

از تورات: کسی که به آنچه خدا قسمت او کرده خشنود باشد، در دنیا و آخرت آرامش دارد.

از زبور: کسی که از مردم کناره گیرد، در دنیا و آخرت نجات یابد.

از انجیل: کسی که شهوت ها را از بین ببرد، در دنیا و آخرت عزیز می شود.

از قرآن: کسی که زبانش را حفظ کند، در دنیا و آخرت به سلامت باشد.

۳۴۵۶. حکیمی گوید: همنشینی مکن مگر با یکی از این چهار نفر: کسی که به خیر او امیدواری. یا از شر او می ترسی. یا از علم او بهره ببری. یا از برکت دعایش برخوردار شوی.

۳۴۵۷. یک حکیم گفته است: شعار حکیمان مسلمان چهار چیز است: تقوی و حیاء و شکر و صبر.

۳۴۵۸. از وصیت لقمان به فرزندش: پسرم بدان وقتی که تو فردای قیامت در مقابل پروردگار بایستی به چهار سؤال باید پاسخ دهی: جوانی را در چه راهی گذراندی؟ عمر را چگونه فنا کردی؟ مال خود را از کجا بدست آوردی؟ و در چه کاری مصرف کردی؟ پس جواب را آماده کن.

٣٤٥٩. وقال أيضاً لابنائه: يا بني، أعلم أنني خدمتُ أربعمئة نبيٍّ وأخذتُ من كلامهم أربع كلماتٍ، وهي: إذا كنتَ في الصَّلاه فاحفظ قلبك، وإذا كنتَ على المائدة فاحفظ حلقك، وإذا كنتَ في بيت الغير فاحفظ عينك، وإذا كنتَ بين الخلق فاحفظ لسانك.

٣٤٦٠. وسألوا بقراط: ما الإنسانيَّة؟ قال: التواضع عند الرفعة، والعفو عند القدرة، والسخاء عند القلة، والعطاء بغير المنه.

٣٤٦١. ويُقال: إنَّ أربعة من الحكماء ماتوا بأربعة أمراض؛ فإنَّ أفلاطون مات مُبرسماً (١)، وإنَّ أرسطاطاليس مات مجذوماً، ويُقال: مات بالسلِّ، وبقراط مات مفلوجاً، وجالينوس مات مبطوناً (٢)، ولقد أجاد الشاعر حيث قال:

ألا يا أيُّها المغرورُ تب من غير تأخير

فإنَّ الموت قد يأتي ولو صيرت قارونا

فكم قد مات ذو طبٍّ وكم قد مات ذو مالٍ

يُلاقى بطشه (٣) الجبار ذا عقلٍ ومجنونا

بسيلٍ مات أرسطاليسُ سُ أفلاطونُ برسام

وبقراطٌ يافلاجٍ

وجالينوسُ مبطونا

٣٤٦٢. وقال أبو عليّ الثَّقَفِيُّ: أربعة أشياء لا بُدَّ للعاقِل من حفظهنَّ: الأمانة، والصدق، والأخ الصالح، والسريرة.

٣٤٦٣. وسئل ابنُ جمهورٍ عن حاله في نكته فقال: عولتُ على أربعة أشياء هَوَّنت عليَّ ما أنا فيه: أولها: أنني قلتُ: القضاء والقدر لا بُدَّ من وقوعهما. الثاني: قلتُ: إن لم أصبر فما أصنع؟ الثالث: قد كان يجوزُ أن يكونَ أشدَّ من هذا. الرابع: قلتُ: لعلَّ الفرج قريبٌ.

ص: ١٩٠

١- البرسام - بالكسر - : التهاب في الحجاب الذي بين الكبد والقلب فارسي مركب معناه التهاب الصدر.

٢- أي بدء البطن أو من به اسهال يمتد أشهراً لضعف المعده.

٣- البطشه: السطوه والأخذ بالعنف (الصحاح: ٩٩٦/٣).

۳۴۵۹. لقمان گفت: فرزندم، من به چهارصد پیامبر خدمت کرده‌ام. و از آنها چهار جمله برگزیده‌ام:

زمانی که به نماز می‌ایستی حضور قلب داشته باش. و زمانی که سر سفره می‌نشینی از گلویت محافظت کن [زیاد نخور]. و زمانی که به خانه دیگران می‌روی چشم خود را حفظ کن. و زمانی که در میان مردم هستی زبان خود را کنترل کن.

۳۴۶۰. از بقراط پرسیدند: انسانیت چیست؟ گفت: فروتنی در جایگاه مقام و عفو هنگام قدرت و سخاوت در تنگدستی و بخشش بدون منت گذاردن.

۳۴۶۱. گویند: چهار حکیم با چهار بیماری جان داده‌اند: افلاطون با بیماری کبد جان داد.

ارسطاطیس با بیماری خوره [جزام] جان باخت. بعضی گفته‌اند با سل جان داد. بقراط با فلج از پا درآمد. و جالینوس از بیماری اسهال جان سپرد.

شاعر چه نیکو گفته است: الا ای آدم مغرور بدون تأخیر توبه کن. که مرگ خواهد آمد.

گرچه قارون شوی. چه بسیار طبیبانی که مرده‌اند، چه بسیار ثروتمندانی که مرده‌اند. افراد عاقل و مجنون همه گرفتار اخذ خداوند شدند. ارسطاطیس با سل مرد و افلاطون با بیماری کبد. بقراط فلج شد و جالینوس از درد معده جان باخت.

۳۴۶۲. ابو علی ثقفی گوید: عاقل باید چهار خصلت را حفظ کند: امانت، صداقت، دوست شایسته و باطن.

۳۴۶۳. از ابن‌جمهور پرسیدند: در زمان بدبختی چه حالتی داشتی؟ گفت: به چهار چیز اعتماد کردم.

و دشواری بر من آسان شد: اول: می‌گفتم که از قضا و قدر چاره‌ای نیست. دوم: می‌گفتم اگر صبر نکنم چه کنم؟ سوم: شاید حال من از این که هست بدتر شود. چهارم: می‌گفتم شاید گشایش نزدیک باشد.

٣٤٦٤. وَقَالَ بَعْضُهُمْ: لَا يَكْمُلُ الرَّجُلُ حَتَّى يَسْتَوِيَ فِي قَلْبِهِ أَرْبَعَةُ أَشْيَاءَ: الْمَنَعُ وَالْعَطَاءُ، وَالْعِزُّ وَالذَّلَّةُ.

٣٤٦٥. وَقَالَ مُحَمَّدُ بْنُ وَاسِعٍ: أَرْبَعٌ يُمْتَنُ الْقَلْبُ: الذَّنْبُ عَلَى الذَّنْبِ، وَكَثْرَةُ مُنَافَسَةِ [\(١\)](#) النِّسَاءِ؛ وَهُوَ حَيْدِيْتُهُنَّ، وَمُلاحَاةُ الْأَحْمَقِ؛ تَقُولُ لَهُ وَيَقُولُ لَكَ، وَمُجَالَسَةُ الْمَوْتَى. قِيلَ: وَمَا الْمَوْتَى؟ قَالَ: كُلُّ غَنِيٍّ مُتَرَفٍّ، وَسُلْطَانٍ جَائِرٍ.

٣٤٦٦. وَقَالَ بِلَالُ بْنُ سَعْدٍ: يَا عِبَادَ الرَّحْمَنِ! أَرْبَعُ خِصَالٍ جَارِيَاتٌ مِنْهُ عَلَيْكُمْ مَعَ خَطَايَاكُمْ: أَمَّا رِزْقُهُ فَدَارٌ عَلَيْكُمْ، وَأَمَّا رَحْمَتُهُ فَغَيْرُ مَحْجُوبَةٍ عَنْكُمْ، وَأَمَّا سِنْرُهُ فَسَابِعٌ عَلَيْكُمْ، وَأَمَّا عِقَابُهُ فَلَمْ يُعَجَّلْ لَكُمْ، ثُمَّ أَنْتُمْ الْيَوْمَ تَتَكَلَّمُونَ وَاللَّهُ سَاكِتٌ، وَيُوشِكُ اللَّهُ أَنْ يَتَكَلَّمَ وَتَسْكُتُونَ.

ص: ١٩٢

١- . كذا، وفي الخصال (ص ٢٢٨): مناقشه، وهو الصواب.

۳۴۶۴. بعضی از حکیمان گفته اند: انسان کامل نمی شود مگر اینکه در قلب او چهار چیز مساوی گردد: خودداری با بخشش مساوی شود و عزت با ذلت.

۳۴۶۵. محمد فرزند واسع گوید: چهار چیز قلب را می میراند: گناه پس از گناه. و زیاد با زنان هم سخن شدن. دهان به دهان شدن با احمق و گفتگو با احمق. هم نشینی با مردگان. کسی پرسید: مردگان کیستند؟ گفت: هر ثروتمند خوشگذران و فرمانروای ستمگر.

۳۴۶۶. بلال فرزند سعد گوید: ای بنده های خدا، با وجود خطاهای شما چهار خصلت از او بر شما جاری است. رزق خدا برای شما برقرار است. و رحمت خدا شما را فرا گرفته است. و پرده پوشی خدا شامل شما شده است. و عذاب خدا عجله ای برای فرود آمدن ندارند.

پس شما امروز سخن می گوئید و خدا ساکت است. و بزودی او سخن می گوید و شما ساکت هستید.

الفصل السابع: مِمَّا وَرَدَ مِنْ كَلَامِ بَعْضِهِمْ بِلَفْظِ «قِيلَ»

٣٤٦٧. قِيلَ: إِنَّ الْحِكْمَةَ تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ فَلَا تَسْكُنُ قَلْبًا فِيهِ أَرْبَعَةٌ: الرُّكُونُ إِلَى الدُّنْيَا، وَهَمُّ الْعَدِي، وَحُبُّ الْفُضُولِ، وَحَسَدُ الْأَخ.

٣٤٦٨. وقِيلَ: اجْتَمَعَتِ الْعَرَبُ وَالْعَجَمُ عَلَى أَرْبَعِ كَلِمَاتٍ: الْأَوَّلُ: لَا تَحْمَلْ قَلْبَكَ مَا لَا يُطِيقُ. الثَّانِي: لَا تَعْتَرَّ بِالْمَالِ. الثَّلَاثُ: لَا تَتَّقِ إِلَى امْرَأَةٍ. الرَّابِعُ: لَا تَعْمَلْ عَمَلًا لَا يَنْفَعُكَ.

٣٤٦٩. وقِيلَ: اجْتَمَعَتِ الْعُلَمَاءُ عَلَى أَرْبَعِ كَلِمَاتٍ وَاخْتَارَتَهَا مِنْ أَرْبَعِ كُتُبٍ: مِنَ التَّوْرَةِ: مَنْ قَنَعَ شَبَعٍ. وَمِنَ الرَّبُورِ: مَنْ سَيَّكَتَ سَلَمًا. وَمِنَ الْإِنْجِيلِ: مَنْ اعْتَرَلَ نَجَا. وَمِنَ الْقُرْآنِ: «وَمَنْ يَعْصِمِ بِاللَّهِ فَقَدْ هَدَىٰ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ».

٣٤٧٠. وقِيلَ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَىٰ أَوْحَىٰ إِلَىٰ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ الْعَاقِلَ الْحَكِيمَ لَا يَخْلُو مِنْ أَرْبَعِ سَاعَاتٍ: سَاعَةٍ يُنَاجِي فِيهَا رَبَّهُ، وَسَاعَةٍ يُحَاسِبُ فِيهَا نَفْسَهُ، وَسَاعَةٍ يَمْشِي فِيهَا إِلَىٰ الْإِخْوَانِ الَّذِينَ يُخْبِرُونَهُ بِعُيُوبِهِ، وَسَاعَةٍ يَتَخَلَّىٰ فِيهَا بَيْنَ نَفْسِهِ وَبَيْنَ لَذَاتِهَا الْحَلَالِ.

٣٤٧١. يُقَالُ: نُورُ الْقَلْبِ مِنْ أَرْبَعِهِ أَشْيَاءُ: بَطْنٍ جَائِعٍ، وَصَاحِبٍ صَالِحٍ، وَحِفْظِ الذَّنْبِ الْقَدِيمِ، وَقَصْرِ الْأَمَلِ.

٣٤٧٢. وقِيلَ: الصَّدَقُ يَنْقَسِمُ إِلَىٰ أَرْبَعِهِ أَقْسَامٍ: وَاجِبٍ، وَحَرَامٍ، وَمَكْرُوهٍ، وَحَسَنٍ؛ فَالصَّدَقُ الْوَاجِبُ أَداءُ الشَّهَادَةِ، وَالصَّدَقُ الْحَرَامُ النَّمِيمَةُ، وَالصَّدَقُ الْمَكْرُوهُ أَنْ تَمْدَحَ إِنْسَانًا وَهُوَ حَاضِرٌ، وَالصَّدَقُ الْحَسَنُ أَنْ تَمْدَحَ إِنْسَانًا وَهُوَ غَائِبٌ.

۳۴۶۷. گفته شده است: حکمت از آسمان فرود می آید و در قلبی که چهار چیز باشد جای نمی گیرد:

اعتماد به دنیا و غصه فردا و دوست داشتن زیادی و حسادت دوست.

۳۴۶۸. گفته اند: عرب و عجم در چهار جمله توافق دارند:

اول: بر قلب خود آنچه طاقت ندارد تحمیل نکن. دوم: به مال مغرور نشو. سوم: به زن اعتماد نکن. چهارم: کار بیهوده انجام نده.

۳۴۶۹. گفته اند: علما در چهار جمله که از چهار کتاب برگزیده اند توافق دارند:

از تورات: کسی که قانع باشد سیر می شود. از زبور: کسی که ساکت باشد سالم می ماند. از انجیل: کسی که [از مردم] کناره گیرد نجات یابد. از قرآن: «هر کس به خدا روی آورد به راه مستقیم هدایت شود».

۳۴۷۰. گفته اند: خداوند متعال به داود علیه السلام وحی کرد: وقت عاقل حکیم از چهار ساعت خالی نیست:

ساعتی برای مناجات با پروردگارش و ساعتی برای محاسبه رفتارش و ساعتی برای رفت و آمد با کسانی که عیب های او را گوشزد می کنند. و ساعتی برای لذتهای حلال.

۳۴۷۱. گفته می شود: نور قلب از چهار چیزست: شکم گرسنه و دوست شایسته و یاد گناهان گذشته و کوتاهی آرزوها.

۳۴۷۲. گفته اند: صداقت چهار قسم است: واجب و حرام و مکروه و مستحب.

صداقت واجب، ادای شهادت است. صداقت حرام، سخن چینی است. صداقت مکروه، ستایشی کسی در حضور خودش است. اما صداقت مستحب ستایش کسی در غیاب اوست.

وقيل: أربعه قبيحه وهى فى أربعه أقبیح: البخل فى الأغنياء، والفحش فى النساء، والغضب فى العلماء، والكذب فى القضاء.

وأربعه لا يستقل قليلها: الدين، والنار، والعداوة، والمرض.

٣٤٧٣. وقيل: للعاقل أربعه أشياء: الحلم عن الجاهل، و ردُّ النفس عن الباطل، وإنفاق المال فى حقه، ومعرفة صديقه من عدوه.

٣٤٧٤. وقيل: وجد مكتوباً على صخره فى جبال بيت المقدس: كل عاصٍ مستوحش، وكل طائعٍ مستأنس، وكل قانعٍ عزيز، وكل حريصٍ ذليل.

٣٤٧٥. وقيل: كتب يوسف عليه السلام على باب السجن الذى كان فيه أربع كلمات، وهى: هذه منازل أهل البلوى، وقبور الأحياء، وشماته الأعداء، وتجربه الأصدقاء.

٣٤٧٦. وقيل: وجد فى كتاب لجعفر بن يحيى أربعه أسطر مكتوبه بالذهب: الرزق مقسوم، والحريص محروم، والبخيل مدموم، والحسود مغموم.

٣٤٧٧. وذكر عن إبراهيم بن أدهم أن القراء قد اجتمعوا ليستمعوا ما عنده من الأحاديث، فقال: إني مشغول بأربعه أشياء فلا أتفرغ لروايه الحديث، فقيل له: وما ذلك الشغل؟ قال:

أحيدهما: إني أتفكر فى يوم الميثاق حيث قال: هؤلاء فى الجنه ولا ابالى، وهؤلاء فى النار ولا ابالى؛ فلا أدري من أى الفريقين كنت فى ذلك الوقت.

والثانى: حين صورنى فى رحم امى فقال الملك الذى هو موكل على الأرحام: يا رب شقى هو أم سعيد؟ فلا أدري كيف كان الجواب فى ذلك الوقت.

والثالث: حين يقبض ملك الموت روحى فيقول: يا رب، مع الكفر أم مع الإيمان؟ فلا أدري كيف يخرج.

والرابع: حين يقول: «وافتروا اليوم أيها المجرمون»، فلا أدري مع أى الفريقين أكون.

٣٤٧٨. وورد فى الحديث القدسي: إني وضعت أربعه فى أربعه مواضع، والناس يطلبونها فى غيرها فلا يجدون [ن] ها أبداً:

گفته اند: چهار صفت زشت است اما در چهار نفر زشت تر است: بخل در ثروتمندان و فحش در زنان و خشم در علماء و دروغ در قاضی.

و چهار چیز اندکش هم کم نیست: بدهی و آتش و دشمنی و بیماری.

۳۴۷۳. گفته اند: عاقل چهار خصلت دارد: بردباری در برابر نادان و خودداری از باطل، مصرف کردن مال در مورد حق و شناختن دوست از دشمن.

۳۴۷۴. گفته اند: بر صخره ای از کوههای بیت المقدس نوشته ای یافته اند: هر گناهکاری وحشت دارد. و هر انسان مطیع خدا مأنوس است. هر کس قانع باشد عزیز است. و هر کس حریص باشد ذلیل است.

۳۴۷۵. گفته اند: یوسف علیه السلام بر در زندانی که در آن بود چهار جمله نوشت: اینجا محل مبتلایان و قبر زندگان و شماتت دشمنان و تجربه دوستان است.

۳۴۷۶. گفته اند: در کتاب جعفر بن یحیی چهار سطر با طلا نوشته شده است: روزی تقسیم شده است.

و طمع کار محروم و بخیل سرزنش شده و حسود غمگین است.

۳۴۷۷. قاریان نزد ابراهیم ادهم جمع شده بودند تا از او احادیث بشنوند، گفت: من به چهار چیز مشغول هستم. و فرصت ندارم برای شما حدیث نقل کنم. گفتند: به چه چیزی مشغول هستی؟ گفت: اول: من فکر می کنم به روزی که این گروه اهل بهشت و این گروه اهل دوزخ هستند و من نمی دانم در آن روز در کدام گروه هستم.

دوم: زمانی که در رحم مادر بودم فرشته ای که موکل بر رحمهاست گفت: پروردگارا، این بدبخت است یا سعادتمند؟ نمی دانم در آن روز چه جوابی شنید.

سوم: زمانی که عزرائیل روح مرا قبض می کند می گوید: این شخص کافر است یا مؤمن.

من نمی دانم چگونه روح از بدنم خارج می شود.

چهارم: زمانی که گفته می شود: «ای مردم مجرم از هم جدا شوید». نمی دانم در کدام گروه هستم.

۳۴۷۸. در حدیث قدسی آمده است [که خداوند می فرماید]: من چهار چیز را در چهار موضع قرار داده ام. و مردم آنها را در جای دیگری جستجو می کنند. و هرگز به آنها دست نمی یابند:

إِنِّي وَضَعْتُ الْعِلْمَ فِي الْجُوعِ وَالْغُرْبَةِ، وَالنَّاسُ يَطْلُبُونَهُ فِي الشُّبْعِ وَالْوَطَنِ فَلَمْ يَجِدُوهُ أَبَدًا.

وَإِنِّي وَضَعْتُ الْعِزَّةَ فِي خِدْمَتِي، وَالنَّاسُ يَطْلُبُونَهَا فِي خِدْمَةِ السَّلَاطِينِ فَلَمْ يَجِدُوهَا أَبَدًا.

وَإِنِّي وَضَعْتُ الْغِنَى فِي الْقَنَاعَةِ، وَالنَّاسُ يَطْلُبُونَهُ بِالْأَمْوَالِ فَلَمْ يَجِدُوهُ أَبَدًا.

وَإِنِّي وَضَعْتُ الرَّاحَةَ فِي الْجَنَّةِ، وَالنَّاسُ يَطْلُبُونَهُ فِي الدُّنْيَا فَلَمْ يَجِدُوهَا أَبَدًا.

٣٤٧٩. مَكْتُوبٌ فِي حِكْمَةِ آلِ دَاوُدَ: حَقٌّ عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ لَا يَعْجَلَ عَنْ أَرْبَعِ سَاعَاتٍ: فَسَاعَةٌ فِيهَا يُتَاجَى رَبَّهُ، وَسَاعَةٌ فِيهَا يُحَاسِبُ نَفْسَهُ، وَسَاعَةٌ يُفْضَى (١) إِلَى إِخْوَانِهِ يَصِيءُ لِدُونِهِ عَنْ عُيُوبِ نَفْسِهِ، وَسَاعَةٌ يُخَلَّى بَيْنَ نَفْسِهِ وَبَيْنَ لَمَدَّتِهَا فِيمَا يَحِلُّ وَيَجْمَلُ؛ فَإِنَّ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ عَوْنًا لِتِلْكَ السَّاعَاتِ.

ص: ١٩٨

١- . أفضى إليه بسرّه: أعلمه به، أفضى إليه وصل. والمراد هنا الثاني.

علم را در گرسنگی و غربت قرار داده ام. در حالی که مردم علم را در سیری و وطن جستجو می کنند. و هرگز نمی یابند.

من عزت را در خدمت کردن به خودم قرار داده ام. و مردم در خدمت کردن به فرمانروایان می جویند. و هرگز به آن دست نمی یابند.

من ثروت را در قناعت قرار داده ام. و مردم آن را در مال می جویند. و به آن نمی رسند.

من آسایش را در بهشت قرار داده ام. و مردم آن را در دنیا طلب می کنند. و هرگز به آن دست نمی یابند.

۳۴۷۹. در حکمت آل داود آمده است: بر عاقل لازم است که از چهار ساعت غفلت نکند: ساعتی را با پروردگارش مناجات کند. و ساعتی به محاسبه رفتار خود پردازد. و ساعتی با دوستانی بنشیند که عیب او را گوشزد کنند. و ساعتی را برای لذتهای حلال و نیکو قرار دهد. که این ساعت فرصت را برای بقیه ساعتها آماده می کند.

الفصل الثامن: نذكر فيه أشياء من الحكم الفارسيه

روتها الفرس من كلام الحكماء فحولتها

إلى الفاظ عربيه، وفيه فوائد اخر

٣٤٨٠. أربعه تجب ميداتهم: الأول: السلطان الجائر. الثاني: المريض. الثالث: السكارى الذين هم فى غمرات الجهل حيارى. الرابع: الخليل المحسن إليك أو من تكون أفعاله حسنه.

٣٤٨١. أربعه أشياء تدل على البخت الحسن (١): الأول: أصل طاهر. الثاني: قلب طاهر. الثالث: يد طاهره.

الرابع: رأى مستقيم.

٣٤٨٢. أربعه أشياء من ارتكبها زل: الأول: النظر إلى نفسه بعين الرضى والتكبر على الخلق. الثاني: ذكر عيوب الخلق والتلمذ بالتهمة لمن يحسده بنسبه العيوب إليه. الثالث: البخل على الخلق بما يملك.

الرابع: التوقع من السفله.

٣٤٨٣. أربعه أشياء تدل على السعاده: الأول: الوفاء بالقول والعهد. الثاني: التواضع على جميع الأحوال.

الثالث: السعى فى طلب المعاش والكسب الحلال. الرابع: المواظبه على إكرام النجباء الصلحاء.

٣٤٨٤. أربعه أشياء تؤول عاقبتها إلى أربعه: الأول: عاقبه الغيظ الندم. الثاني: عاقبه اللجاج الفصيحه. الثالث:

عاقبه الكلام القبيح العداوه. الرابع: عاقبه الكسل الذله.

ص: ٢٠٠

١- . البخت: الحظ وزناً ومعنى، وهو عجمي (المصباح المنير: ٣٧).

فصل هشتم: حکمت‌های فارسی که به زبان عربی ترجمه شده اند

۳۴۸۰. مدارا کردن با چهار نفر لازم است: اول: فرمانروای ستمگر، دوم: بیمار، سوم: افراد مست که در حال مستی و نادانی بسر می‌برند. چهارم: دوستی که به تو نیکی می‌کند، یا رفتار نیکو دارد.

۳۴۸۱. چهار چیز نشانه خوشبختی است: اول: نژاد پاک دوم: قلب پاک سوم: دست پاک چهارم:

اندیشه صحیح.

۳۴۸۲. چهار خصلت است که هر کس به آن مبتلا شود دچار لغزش می‌شود:

اول: از خود راضی بودن و تکبر بر مردم. دوم: بیان کردن عیب مردم و لذت بردن از تهمت زدن به کسی که به او حسادت می‌ورزد. سوم: بخل ورزیدن از مال خود نسبت به مردم.

چهارم: انتظار داشتن از فرومایگان.

۳۴۸۳. چهار چیز نشانه سعادت است: اول: وفا کردن به قول و عهد. دوم: فروتنی در همه حال. سوم:

تلاش برای بدست آوردن مال از راه حلال. چهارم: مراقبت بر بزرگداشت و احترام به فرزندان شایسته.

۳۴۸۴. عاقبت چهار خصلت، چهار چیز است: اول عاقبت خشم، پشیمانی است. دوم: عاقبت لج بازی، رسوائی است. سوم: عاقبت سخن زشت، دشمنی است. چهارم: عاقبت تنبلی، ذلت است.

ص: ۲۰۱

٣٤٨٥. أَرْبَعَةُ أَشْيَاءَ تَتِمُّ بِأَرْبَعَةٍ: الْأَوَّلُ: الْعِلْمُ يَتِمُّ بِالْعَقْلِ، الثَّانِي: الطَّاعَةُ تَتِمُّ بِالزُّهْدِ وَالْوَرَعِ. الثَّلَاثُ: الْعَمَلُ يَتِمُّ بِصِدْقِ النَّيِّهِ. الرَّابِعُ: النَّعْمَةُ تَتِمُّ بِشُكْرِهَا. (١)

٣٤٨٦. أَرْبَعَةُ أَشْيَاءَ تَأْتِي بِأَرْبَعَةٍ: الْأَوَّلُ: السُّكُوتُ يَأْتِي بِالرَّاحَةِ. الثَّانِي: فَضُولُ الْكَلَامِ يَأْتِي بِالْمَلَامِ. الثَّلَاثُ:

السَّخَاوَةُ تَأْتِي بِالرَّفْعَةِ. الرَّابِعُ: الشُّكْرُ يَأْتِي بِالزِّيَادَةِ فِي الرِّزْقِ، وَذَلِكَ مُصَدِّقُ قَوْلِهِ تَعَالَى: «لَلَّ - نِ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ».

٣٤٨٧. أَرْبَعَةٌ تُضْعِفُ الرَّجُلَ وَتَذْهَبُ بِقُوَّتِهِ: الْأَوَّلُ: كَثْرَةُ الْعَدُوِّ. الثَّانِي: كَثْرَةُ الْقَرْضِ. الثَّلَاثُ: كَثْرَةُ الذُّنُوبِ.

الرَّابِعُ: كَثْرَةُ الْعِيَالِ.

٣٤٨٨. أَرْبَعَةُ أَشْيَاءَ تَضْحَكُ عَلَى أَرْبَعَةٍ: الْأَوَّلُ: التَّقْدِيرُ يَضْحَكُ عَلَى التَّدْبِيرِ. الثَّانِي: الْأَجَلُ يَضْحَكُ عَلَى الْأَمَلِ. الثَّلَاثُ: الْقَضَاءُ وَالْقَدَرُ يَضْحَكُ عَلَى الْحَذَرِ. الرَّابِعُ: الرِّزْقُ يَضْحَكُ عَلَى الْحَرِيصِ.

٣٤٨٩. أَرْبَعَةٌ مِنَ النَّاسِ لَا تَكُونُ فِيهِمْ أَرْبَعَةٌ: الْأَوَّلُ: لَامُرَّةً لِكَذُوبٍ. الثَّانِي: لَارَاحَةً لِحَسُودٍ. الثَّلَاثُ: لاسَعَادَةً لِبَخِيلٍ. الرَّابِعُ: لارِفْعَةً لِسَيِّئِ الْخُلُقِ. (٢)

٣٤٩٠. أَرْبَعَةُ أَشْيَاءَ تَوْجِبُ سَعَادَةَ الدَّارَيْنِ: الْأَوَّلُ: طَاعَةُ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْإِثْمَةُ الْمَعْصُومِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ. الثَّانِي: طَاعَةُ الْوَالِدَيْنِ، الثَّلَاثُ: خِدْمَةُ الْعُلَمَاءِ، الرَّابِعُ: الشَّفَقَةُ عَلَى خَلْقِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى.

٣٤٩١. وَقَالَ أَرْدَشِيرُ بْنُ بَابَكٍ: أَرْبَعَةٌ تَحْتَاجُ إِلَى أَرْبَعَةٍ: الْحَسَبُ إِلَى الْأَدَبِ، وَالسُّرُورُ إِلَى الْأَمْنِ، وَالْقَرَابَةُ إِلَى الْمَوَدَّةِ، وَالْعَقْلُ إِلَى التَّجَرُّبَةِ.

ص: ٢٠٢

١- . الخصال، ص ٢٧٢، ح ١٣.

٢- . الخصال، ص ٢٩٣، ح ٥٨.

۳۴۸۵. چهار چیز، با چهار چیز کامل می شود: اول: علم با عقل کامل می شود. دوم: اطاعت خدا با زهد و پرهیزکاری کامل می شود. سوم: عمل انسان با نیت صادقانه کامل می شود. چهارم:

نعمت با شکر کامل می شود.

۳۴۸۶. چهار خصلت، چهار نتیجه دارد: اول: سکوت، باعث آرامش است. دوم: سخن گزافه، موجب سرزنش می شود. سوم: سخاوت، بزرگی بدنبال دارد. چهارم: تشکر کردن، باعث اضافه شدن نعمت می شود. قرآن می فرماید: «اگر شکر کنید، بر نعمت می افزایم».

۳۴۸۷. چهار چیز، نیروی انسان را هدر می کند: اول: دشمن زیاد، دوم: بدهی زیاد، سوم: گناه زیاد، چهارم: عیال زیاد.

۳۴۸۸. چهار چیز، بر چهار چیز می خندد: اول: تقدیر، بر تدبیر. دوم: اجل، بر آرزوها. سوم: قضا و قدر، بر حذر. چهارم: روزی، بر حریص.

۳۴۸۹. چهار گروه از مردم، چهار خصلت ندارند: اول: دروغگو، جوانمردی ندارد. دوم: حسود، آسایش ندارد. سوم: بخیل، سعادت ندارد. چهارم: بداخلاق، سربلندی ندارد.

۳۴۹۰. چهار رفتار، موجب سعادت دنیا و آخرت می شود: اول: اطاعت از خدا و پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام. دوم: اطاعت پدر و مادر. سوم: خدمت به علماء. چهارم: مهربانی با بندگان خدا.

۳۴۹۱. اردشیر پسر بابک گفت: چهار چیز، به چهار چیز نیاز دارد: حسب به ادب، و شادی به امنیت، و خویشاوندان به دوستی، و عقل به تجربه نیاز دارد.

البابُ الخامس: في المَواعِظِ الخَماسِيَّاتِ

باب پنجم: پندهای پنج گانه

اشاره

ص: ۲۰۵

الفصل الأول: مِمَّا رَوَتْهُ الْخَاصَّةُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

٣٤٩٢. قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: خَمْسٌ مَا أَثْقَلُهُنَّ فِي الْمِيزَانِ: سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَالْوَلَدُ الصَّالِحُ يُتَوَفَّى لِمُسْلِمٍ فَيَصْبِرُ وَيَحْتَسِبُ. (١)

٣٤٩٣. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَإِقَامِ الصَّلَاةِ، وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ، وَالْحَجِّ، وَصِيَامِ شَهْرِ رَمَضَانَ. (٢)

٣٤٩٤. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: خَمْسٌ مَنْ أَتَى بِهِنَّ أَوْ بِوَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ: مَنْ سَقَى هَامَةً صَادِيَةً (٣)، أَوْ أَطْعَمَ كَبِدًا هَافِيَةً (٤)، أَوْ كَسَا جِلْدَةً عَارِيَةً، أَوْ حَمَلَ قَدَمًا حَافِيَةً، أَوْ أَعْتَقَ رَقَبَةً عَائِيَةً (٥). (٦)

٣٤٩٥. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: خَمْسٌ كَلِمَاتٍ فِي التَّوْرَةِ يَتَّبِعِي أَنْ تُكْتَبَ بِمَاءِ الذَّهَبِ: أُولَاهَا حَجْرُ الْعَصَبِ فِي الدَّارِ رَهْنٌ عَلَى خَرَابِهَا، وَالْغَالِبُ بِالظُّلْمِ هَيَّوَالْمَغْلُوبُ، وَمَا ظَفِرَ مِنْ ظَفِرٍ بِالْإِثْمِ، وَمِنْ أَقْلٍ حَقَّ اللَّهُ عَلَيْكَ أَنْ لَا تَسْتَعِينَ بِنِعْمِهِ عَلَى مَعَاصِيهِ، وَوَجْهَكَ مَاءٌ جَامِدٌ يَقْطُرُ عِنْدَ السُّؤَالِ؛ فَانْظُرْ إِلَى مَنْ تُقْطِرُهُ.

٣٤٩٦. وَعَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: سَأَلْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَلْقَاهَا آدَمُ مِنْ رَبِّهِ فَتَابَ عَلَيْهِ، قَالَ: سَأَلَهُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحُسَيْنِ وَالْحُسَيْنِ إِلَّا تَبَّتْ عَلَيَّ؛ فَتَابَ عَلَيْهِ. (٧)

ص: ٢٠٦

- ١- الخصال، ص ٢٦٧، ح ١.
- ٢- الخصال، ص ٢٧٨، ح ٢١، عن الإمام الصادق عليه السلام.
- ٣- . يعني إنساناً عطشاناً.
- ٤- . هفا: جاع (القاموس المحيط: ٤٠٤/٤).
- ٥- . العاني: الأسير (النهاية: ٣١٤/٣).
- ٦- . شرح نهج البلاغة، ج ١٦، ص ٨٦.
- ٧- . الخصال، ص ٢٧٠، ح ٨.

فصل اول: احادیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله که شیعیان نقل کرده اند

۳۴۹۲. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: پنج چیز در میزان عمل گرانقدر است: سبحان الله، والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر و فرزند صالح انسان که می میرد و انسان بر مصیبت او صبر می کند و ثواب می برد.

۳۴۹۳. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: اسلام بر پنج پایه استوار شده است: شهادت بر یگانگی خدا، بر پا داشتن نماز، دادن زکات، حج، روزه ماه رمضان.

۳۴۹۴. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: پنج چیز است که هر کس آنها را، یا یکی از آنها را داشته باشد وارد بهشت می شود: کسی که انسان تشنه ای را سیراب کند. سیر کردن گرسنه. پوشاندن لباس بر کسی که لباس ندارد. سوار کردن پیاده. آزاد کردن اسیر گرفتار.

۳۴۹۵. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: پنج جمله از تورات را باید با آب طلا نوشت:

سنگ غصبی در خانه، گروگان خرابی است. کسی که با ظلم غلبه کند شکست خورده است. کسی که با گناه پیروز شود، پیروز نیست. کمترین حق خدا بر تو این است که با نعمتهای او گناه نکنی. آبروی تو، چون آب جامد است که هنگام خواهش تقطیر می شود.

[قطره قطره می ریزد.] بین آبروی خود را نزد چه کسی می ریزی؟

۳۴۹۶. ابن عباس گوید: از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدم: کلماتی که آدم آموخت و توبه اش پذیرفته شد چه بود؟

فرمودند: آدم، خدا را به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین قسم داد. توبه اش قبول شد.

٣٤٩٧. وَعَنِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: خَمْسٌ لَسْتُ بِتَارِكِهِنَّ حَتَّى الْمَمَاتِ: لِبَاسَتَى الصَّوْفِ، وَرُكُوبِي الْحِمَارَ مُؤَكَّفًا (١)، وَأَكْلِي مَعَ الْعَبِيدِ، وَخَصْفِي النَّعْلَ بِيَدِي، وَتَسْلِيمِي عَلَى الصَّبِيَانِ لِيَكُونَ سُنَّةً مِنْ بَعْدِي. (٢)

٣٤٩٨. وَعَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ بَاعَ وَاشْتَرَى فَلْيَجْتَنِبْ خَمْسَ خِصَالٍ وَإِلَّا فَلَا يَبِيعَنَّ وَلَا يَشْتَرِيَنَّ:

الرُّبَا، وَالْحَلْفَ، وَكَيْتْمَانَ الْعَيْبِ، وَالْحَمْدَ إِذَا بَاعَ، وَالذَّمَّ إِذَا اشْتَرَى (٣). (٤)

٣٤٩٩. وَعَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أُعْطِيْتُ خَمْسًا لَمْ يُعْطَهَا أَحَدٌ قَبْلِي: جُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَطَهُورًا، وَنُصِرْتُ بِالرُّعْبِ، وَأُحِلَّ لِي الْمَغْنَمُ، وَأُعْطِيْتُ جَوَامِعَ الْكَلِمِ (٥)، وَأُعْطِيْتُ الشَّفَاعَةَ. (٦)

٣٥٠٠. قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: أُعْطَانِي اللَّهُ عِزًّا وَجَلَّ خَمْسًا، وَأُعْطِي عَلِيًّا خَمْسًا: أُعْطَانِي جَوَامِعَ الْكَلِمِ وَأُعْطِي عَلِيًّا جَوَامِعَ الْعِلْمِ، وَجَعَلَنِي نَبِيًّا وَجَعَلَهُ وَصِيًّا، وَأُعْطَانِي الْكَوَاثِرَ وَأُعْطَاهُ السَّلْسِيلَ (٧)، وَأُعْطَانِي الْوَحْيَ وَأُعْطَاهُ الْإِلَهَامَ، وَأَسْرَى بِي إِلَيْهِ وَفَتَحَ لَهُ أَبْوَابَ السَّمَاءِ وَالْحُجُبَ حَتَّى نَظَرَ إِلَى مَا نَظَرْتُ. (٨)

٣٥٠١. وَعَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ آبَائِهِ، عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اسْتَحْيُوا مَنْ اللَّهُ حَقُّ الْحَيَاءِ، قَالُوا: وَمَا نَفَعِلُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: فَإِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ فَلَا يَبِيتَنَّ أَحَدُكُمْ إِلَّا وَأَجْلُهُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ، وَلِيَحْفَظِ الرَّأْسَ وَمَا وَعَى، وَالْبَطْنَ وَمَا حَوَى، وَلِيَذْكُرَ الْقَبْرَ وَالْبَلِي، وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ فَلْيَدْعُ زِينَةَ الدُّنْيَا. (٩)

٣٥٠٢. وَعَنْ تَمِيمِ الدَّارِيِّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ يَضْمَنَ لِي خَمْسًا أَضْمَنَ لَهُ الْجَنَّةَ: التَّصِيحَةَ لِلَّهِ عِزًّا وَجَلَّ،

ص: ٢٠٨

١- آكَفَ الدَّابَّةِ: وَضَعَ عَلَيْهَا الْإِكْفَ؛ وَالْإِكْفُ مِنَ الْمَرَكَبِ: شِبْهُ الرَّحَالِ وَالْأَقْتَابِ (لسان العرب: ٨/٩ و ٩).

٢- الخصال، ص ٢٧٢، ح ١٣.

٣- بعضها حرام، وبعضها مكروه.

٤- الخصال، ص ٢٨٦، ح ٣٨.

٥- جوامع الكلم: قال الجزري: وفيه: «أوتيت جوامع الكلم» يعنى القرآن؛ جمع الله بلطفه فى الألفاظ اليسيره منه معانى كثيره واحدها جامع. ومنه الحديث فى صفته «أنه كان يتكلم بجوامع الكلم» أى أنه كان كثير المعانى قليل الألفاظ (النهايه: ٢٨٤/١).

والمراد هنا بقريته مقابلته فى الحديث الآتى مع جوامع العلم: القرآن؛ إذ المراد من جوامع العلم غير القرآن من الكلمات الجامعه.

٦- الخصال، ص ٢٩٢، ح ٥٦.

٧- السلسيل: عين فى الجنه، أى سلسه لينه سائعه (مجمع البحرين: ٣٣٣/٢).

٨- الخصال، ص ٢٩٣، ح ٥٧.

٩- الخصال، ص ٢٩٣، ح ٥٨.

۳۴۹۷. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: از پنج کار تا دم مرگ دست بر نمی دارم: لباس پشمینه. سواری دو ترکه با الاغ. غذا خوردن با غلامان. وصله زدن کفش با دستان خود. [مراد زندگی کردن در پائین تر سطح مادی و ساده زیستی است]. سلام کردن به کودکان. تا پس از من سنت شود.

۳۴۹۸. حضرت علی علیه السلام فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که خرید و فروش می کند، باید از پنج کار اجتناب ورزد. و گرنه خرید و فروش نکند: ربا، قسم، عیب پوشی [نکند]، تعریف جنس هنگام فروش، مذمت در موقع خرید.

۳۴۹۹. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: به من پنج امتیاز داده شده که به احدی قبل از من نداده اند: زمین برای من سجده گاه و پاک کننده است. با ترس در دل دشمن پیروز می شوم. غنیمت جنگی، بر من حلال است. سخنان جامع گفتن و شفاعت.

۳۵۰۰. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند متعال پنج صفت به من و پنج صفت به علی داده است:

سخنان جامع به من و علوم جامع به علی. پیامبری به من و امامت به علی. کوثر به من و سلسبیل به علی. وحی به من و الهام به علی. معراج به من و گشایش درهای آسمان به روی علی، بطوری که آنچه را من دیدم او هم دید.

۳۵۰۱. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: بطور شایسته از خدا شرم کنید. پرسیدند: چگونه یا رسول الله؟ حضرت فرمودند: اگر می خواهید کاری بکنید هر کس پیش از آنکه بخوابد، مرگ را پیش روی خود بیند. سر و افکارش را حفظ کند. شکم و غذایش را حفظ کند. قبر و پوسیدن بدن را فراموش نکند. کسی که آخرت می خواهد، دنیا و زیورش را ترک کند.

۳۵۰۲. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس پنج کار را برای من تعهد کند، بهشت را برایش تضمین می کنم:

وَالنَّصِيحَةَ لِرَسُولِهِ ، وَالنَّصِيحَةَ لِكِتَابِ اللَّهِ ، وَالنَّصِيحَةَ لِدِينِ اللَّهِ ، وَالنَّصِيحَةَ لِحَمَاعَةِ الْمُسْلِمِينَ (١). (٢).

٣٥٠٣. وَعَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اعطيتُ في عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَمْسًا: أَمَّا وَاحِدَةٌ فَيُؤَارَى عَوْرَتِي، وَأَمَّا الثَّانِيَةُ فَيَقْضَى دِينِي، وَأَمَّا الثَّلَاثَةُ فَإِنَّهُ مُتَّكَأٌ لِي (٣) يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي طَوْلِ الْمَوْقِفِ، وَأَمَّا الرَّابِعَةُ فَهُوَ عَوْنِي عَلَى عُقْرِ (٤) حَوْضِي، وَأَمَّا الْخَامِسَةُ فَإِنِّي لَا أَخَافُ عَلَيْهِ أَنْ يَرْجِعَ كَافِرًا بَعْدَ إِيمَانِي، وَلَا زَانِيًا بَعْدَ إِحْصَانِي (٥).

٣٥٠٤. وَعَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ: يَا عَلِيُّ، إِنَّ عَبْدَ الْمُطَّلِبِ سَنَّ فِي الْجَاهِلِيَّةِ خَمْسًا أَجْرَاهَا اللَّهُ لَهُ فِي الْإِسْلَامِ:

حَرَّمَ نِسَاءَ الْأَبَاءِ عَلَى الْأَبْنَاءِ؛ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ».

وَوَجَدَ كَنْزًا فَأَخْرَجَ مِنْهُ الْخُمْسَ وَتَصَدَّقَ بِهِ؛ فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ» الْآيَةَ.

وَلَمَّا حَفَرَ زَمْرَمَ سَمَّاهَا سِقَايَةَ الْحَاجِّ؛ فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى: «أَجْعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ» الْآيَةَ.

وَسَنَّ فِي الْقَتْلِ مِتَّةً مِنَ الْإِبْلِ فَأَجْرَى اللَّهُ تَعَالَى ذَلِكَ فِي الْإِسْلَامِ.

وَلَمْ يَكُنْ لِلطَّوَافِ عَدْدٌ عِنْدَ قُرَيْشٍ، فَسَنَّ فِيهِمْ عَبْدَ الْمُطَّلِبِ سَبْعَةَ أَشْوَاطٍ، فَأَجْرَى اللَّهُ ذَلِكَ فِي الْإِسْلَامِ.

ص: ٢١٠

١- . قال ابن الأثير: وهي كلمة جامعته لإرادته الخير للمنصوح، وأصل النصح في اللغة الخلوص، ومعنى نصيحه الله صحه الاعتقاد في وحدانيته وإخلاص التيه في عبادته والنصيحه لكتاب الله هو التصديق به والعمل بما فيه ونصيحه رسوله التصديق بنبوته ورسالته، والانقياد بما جاء به، ونصيحه الأئمة أن يطيعهم في الحق ولا يرى الخروج عليهم إذا جاروا ونصيحه عامه المسلمين إرشادهم إلى مصالحهم (النهاية: ٦٣/٥). وفي كلامه نظر لأن قوله «لا يرى الخروج...» هو خلاف النصيحة لله ولرسوله ولكتابه مع ان الاعتقاد والعمل هو اراده خير له لا للمنصوح له، بل معناها إرادته الخير فنصيحه الله أرادته الخير لدينه وكذا الرسول والكتاب والإمام.

٢- . الخصال، ص ٢٩٤، ح ٦٠.

٣- . أي أتكى عليه يوم القيامة، ولعله كناية عن اعتماده عليه في الأمور من الشفاعة والسقى في الحوض والحساب والصراف.

٤- . عُقْرِ الْحَوْضِ - بِالضَّمِّ -: مَوْضِعُ الشَّارِبِ مِنْهُ (النهاية: ٢٧١/٣).

٥- . الخصال، ص ٢٩٥، ح ٦١.

نصیحت و خیر خواهی برای خدا و رسول خدا و کتاب خدا و دین خدا و جامعه مسلمانان.

۳۵۰۳. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: درباره علی به من پنج چیز داده شده است:

بدن مرا می پوشاند. قرض مرا ادا می کند. روز قیامت در طول موقف [برای شفاعت و حساب و...] تکیه گاه من خواهد بود. او یاور من در کنار حوض کوثر است از او ترسی ندارم که بعد از ایمان کفر ورزد. و بعد از پاکدامنی آلوده شود.

۳۵۰۴. پیامبر صلی الله علیه و آله در وصیت به حضرت علی علیه السلام فرمودند: یا علی؛ عبدالمطلب در جاهلیت پنج رسم را بنا نهاد. که خداوند آنها را در اسلام جاری نمود: همسران پدران را بر پسران حرام کرد.

خداوند آیه ای نازل فرمودند: «با زنانی که پدرانتان ازدواج کرده اند شما ازدواج نکنید».

عبدالمطلب گنجی پیدا کرد و خمس آن را صدقه داد. خداوند این آیه را نازل فرمود:

«بدانید غنیمتی که به دست می آورید یک پنجم آن مال خداست».

زمزم را حفر کرد. و نامش را آب دادن حجاج گذاشت. خداوند نازل کرد: «آیا آب دادن حجاج و تعمیر مسجد را چون ایمان به خدا و قیامت می دانید».

دیه قتل را صد شتر قرار داد. خداوند آن را در اسلام جاری کرد.

طواف در قریش عدد خاصی نداشت و او طواف را هفت دور تعیین کرد. خداوند آن را در اسلام جاری کرد.

يا عَلِيُّ، إِنَّ عَبْدَ الْمُطَلِّبِ كَانَ لَا يَسْتَقْسِمُ (١) بِالْأَزْلَامِ (٢)، وَلَا يَعْبُدُ الْأَصْنَامَ، وَلَا يَأْكُلُ مَا ذُبِحَ عَلَى النَّصِيبِ (٣)، وَيَقُولُ: أَنَا عَلَى دِينِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (٤)

٣٥٠٥. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا- وَلِيْمَةَ إِلَّا فِي خَمْسٍ: فِي عُرْسٍ، أَوْ خُرْسٍ (٥)، أَوْ عِذَارٍ (٦)، أَوْ رِكَازٍ، أَوْ وَكَارٍ؛ فَأَمَّا الْعُرْسُ فَالْتَزْوِيجُ، وَالْخُرْسُ بِالْوَلَدِ (٧)، وَالْعِذَارُ الْخِتَانُ، وَالرِّكَازُ الَّذِي يَقْدَمُ مِنْ مَكَّةَ، وَالْوِكَارُ الرَّجُلُ يَشْتَرِي الدَّارَ. (٨)

٣٥٠٦. وَعَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا عَلِيُّ، سَأَلْتُ رَبِّي فَيَكُ خَمْسَ خِصَالٍ فَأَعْطَانِي: أَمَّا أَوْلَاهَا فَسَأَلْتُ رَبِّي أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ تَنْشَقُّ عَنْهُ الْأَرْضُ وَأَنْفُضَ التُّرَابَ عَنْ رَأْسِي وَأَنْتَ مَعِيَ فَأَعْطَانِي، وَأَمَّا الثَّانِيَةُ فَسَأَلْتُ رَبِّي أَنْ يَقْفَنِي عِنْدَ كَفِّهِ الْمِيزَانَ وَأَنْتَ مَعِيَ فَأَعْطَانِي، وَأَمَّا الثَّلَاثَةُ فَسَأَلْتُ رَبِّي أَنْ

ص: ٢١٢

١- . الاستقسام: طلب القسم الذي قسّم له وقدر، ممّا لم يقسم له ولم يقدر. وهو استفعال منه (النهاية: ٦٣/٤).
٢- . الأزلام: جمع الزلم؛ وهي القداح التي كانت في الجاهلية عليها مكتوب الأمر والنهي افعّل ولا- تفعل، كان الرجل منهم يضعها في وعاء له، فإذا أراد سفراً أو زواجاً أو أمراً مهماً أدخل يده فأخرج منها زلماً، فإن خرج الأمر مضى لشأنه، وإن خرج النهي كفّ عنه، وإذا خرج ما ليس فيه شيء أعادها. هذا أحد الوجهين في معنى الاستقسام بالأزلام. وقيل: إنّ المراد بالاستقسام بالأزلام هو أنّ الأزلام القداح العشره المعروفه فيما بينهم في الجاهليه، والقصه في ذلك أنّه كان يجتمع العشره من الرجال فيشتركون بغيراً فيما بينهم وينحرونه ويقسمونه عشره أجزاء وكان لهم عدّه قداح لها أسماء: الفذّ وله سهم، والتوأم وله سهمان، والرقيب وله ثلاثه، والحلس وله أربعة، والنافس وله خمسة، والمسبل وله ستّه، والمعلّى وله سبعة، وثلاثه لا أنصباء لها وهي: المنيح والسفيح والوغد، وكانوا يجعلون القداح في خريطه ويضعونها على يد من يثقون به، فيحرّكها ويُدخل يده في تلك الخريطه ويخرج باسم كلّ قدح؛ فمن خرج له قدح لا أنصباء له لم يأخذ شيئاً وألزم بأداء ثلث قيمه البعير، فلا يزال يُخرج واحداً بعد واحد حتّى يأخذ أصحاب الأنصباء السبعة أنصباء التي لهم ويغرم الثلاثة الذين لا أنصباء لهم قيمه البعير. راجع فيما ذكرنا مجمع البيان في تفسير الآيه ٣ من المائده ومجمع البحرين والميزان: ٢/٢٠٠ و ٥/١٧٦ في تفسير الآيه ٣ من المائده و ص ٢٠٤ و ج ٦/١٢٥، فإن كان المراد الأوّل كان نهياً عن الطيره، وإن كان الثاني كان نهياً عن القمار. والأنصباء جمع النصيب، ويأتي بعض الكلام فيه.

٣- . النّصْب: حجر كانوا ينصبونه في الجاهليه ويتخذونه صنماً يعبدونه والجمع أنصاب. وقيل: حجر كانوا ينصبونه ويذبحون عليه فيحمرّ بالدم كذا في النهايه والمجمع.

٤- . الخصال، ص ٣١٣، ح ٩٠.

٥- . الخرس: طعام يدعى إليه عند الولاده.

٦- . العذار: طعام يدعى إليه في الختان والبناء، وأن تستفيد شيئاً جديداً، فتتخذ طعاماً تدعو إليه إخوانك كذا في الأقرب. وفي النهايه والقاموس الأوّل. والركاز - كما في الخصال: ١/٢٥٥ -: الغنيمه، كأنه يريد أنّ في اتّخاذ الطعام للقدوم من مكّه غنيمه لصاحبه من الثواب الجزيل، ولم أجده في الكتب الموجوده عندي. وقال الجزري: الوكيره الطعام على البناء، والتوكير الإطعام، وكذا قال الفيروزآبادي، وأما الوكار فلم أجده. وفي الخصال: يقال للطعام الذي يُدعى إليه الناس عند بناء الدار وشرائها الوكير،

والوڪار منه.

٧- . في الخصال و جميع المصادر التي أوردت الحديث؛ كالتهذيب والفقيه والوسائل وغيرهما: «والخرس النفاس بالولد»،

فالظاهر سقوط كلمه «النفاس» هنا.

٨- . الخصال، ص ٣١٣، ح ٩١.

یا علی، عبدالمطلب نه قمار کرد و نه بت پرستید و نه از گوشت قربانی برای بت ها خورد. و می گفت: من بر دین ابراهیم علیه السلام هستم.

۳۵۰۵. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: جز پنج چیز ولیمه ندارد: عروسی، تولد فرزند، ختنه، بازگشت از مکه و خرید خانه.

۳۵۰۶. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: یا علی، درباره تو از خداوند پنج خصلت درخواست کردم. و به من عطا کرد:

از خداوند خواستم آن گاه که زمین شکافته می شود و من اولین نفر هستم که بر می خیزم تو در کنار من باشی، خدا عطا کرد. از خدا خواستم هنگام میزان تو در کنار من

ص: ۲۱۳

يَجْعَلُكَ فِي الْقِيَامَةِ صَاحِبَ لِيَاكُنِي فَأَعْطَانِي، وَأَمَّا الرَّابِعَةُ فَسَأَلْتُ رَبِّي أَنْ يَسْقِيَّ أُمَّتِي مِنْ حَوْضِي بِيَدِكَ فَأَعْطَانِي، وَأَمَّا الْخَامِسَةُ فَسَأَلْتُ رَبِّي أَنْ يَجْعَلَكَ قَائِدَ أُمَّتِي إِلَى الْجَنَّةِ فَأَعْطَانِي، فَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيَّ بِذَلِكَ. (١)

٣٥٠٧. وَعَنْ أَبِي لُبَابَةَ بْنِ عَبْدِ الْمُنْذِرِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ يَوْمَ الْجُمُعَةِ سَيِّدُ الْأَيَّامِ، وَأَعْظَمُ عِنْدَ اللَّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ مِنْ يَوْمِ الْأَضْحَى وَيَوْمِ الْفِطْرِ، فِيهِ خَمْسُ خِصَالٍ: خَلَقَ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ فِيهِ آدَمَ، وَأَهْبَطَ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ فِيهِ آدَمَ إِلَى الْأَرْضِ، وَفِيهِ تَوَفَّى اللَّهُ آدَمَ، وَفِيهِ سَاعَةٌ لَا يَسْأَلُ الْعَبْدُ فِيهَا شَيْئًا إِلَّا آتَاهُ اللَّهُ؛ مَا لَمْ يَسْأَلْ حَرَامًا، وَمَا مِنْ مَلِكٍ مُقَرَّبٍ وَلَا سَيِّمَاءٍ وَلَا أَرْضٍ وَلَا رِيحٍ وَلَا جِبَالٍ وَلَا بَرٍّ وَلَا بَحْرٍ إِلَّا وَهْنٌ يُشْفِقَنَّ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ أَنْ تَقُومَ فِيهِ السَّاعَةُ. (٢)

٣٥٠٨. وَعَنْ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنْ خِيَارِ الْعِبَادِ، قَالَ: الَّذِينَ إِذَا أَحْسَنُوا اسْتَبَشَرُوا، وَإِذَا أَسَاؤُوا اسْتَغْفَرُوا، وَإِذَا أَعْطُوا شَكَرُوا، وَإِذَا ابْتَلُوا صَبَرُوا، وَإِذَا غَضِبُوا غَفَرُوا. (٣)

٣٥٠٩. وَعَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: أَعْطَيْتُ أُمَّتِي فِي شَهْرِ رَمَضَانَ خَمْسًا لَمْ يُعْطَهُنَّ أُمَّهُ نَبِيٌّ قَبْلِي:

أَمَّا وَاحِدَةٌ فَإِذَا كَانَ أَوَّلُ لَيْلِهِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ نَظَرَ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِمْ، وَمَنْ نَظَرَ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ لَمْ يُعَذِّبْهُ أَبَدًا.

وَأَمَّا الثَّانِيَةُ فَإِنَّ خَلُوفَ أَفْوَاهِهِمْ عِنْدَ اللَّهِ عِزَّ وَجَلَّ أَطْيَبُ مِنْ رِيحِ الْمِسْكِ.

وَأَمَّا الثَّلَاثَةُ فَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُمْ فِي لَيْلِهِمْ وَنَهَارِهِمْ.

وَأَمَّا الرَّابِعَةُ فَإِنَّ اللَّهَ عِزَّ وَجَلَّ يَأْمُرُ جَنَّتَهُ أَنْ اسْتَغْفِرَ وَتَزَيِّنَ لِعِبَادِي؛ فَيُوشِكُ أَنْ يَذْهَبَ عَنْهُمْ نَصِيبُ (٤) الدُّنْيَا وَأُذَاهَا، وَيَصِيرُوا إِلَى جَنَّتِي وَكَرَامَتِي.

وَأَمَّا الْخَامِسَةُ فَإِذَا كَانَ آخِرُ لَيْلِهِ غُفِرَ لَهُمْ جَمِيعًا.

فَقَالَ رَجُلٌ: فِي لَيْلِهِ الْقَدْرِ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَقَالَ: أَلَمْ تَرَ إِلَى الْعُمَّالِ إِذَا فَرَّغُوا مِنْ أَعْمَالِهِمْ وَفُؤَا؟ (٥)

ص: ٢١٤

١- . الخصال، ص ٣١٤، ح ٩٣.

٢- . الخصال، ص ٣١٥، ح ٩٧.

٣- . الخصال، ص ٣١٧، ح ٩٩.

٤- . نَصِبَ الرَّجُلُ - بِالْكَسْرِ - نَصَبًا: تَعَبَ (الصَّحَاحُ: ٢٢٥/١).

٥- . الخصال، ص ٣١٧، ح ١٠١.

باشی و عطا کرد. از خدا خواستم در قیامت صاحب لوای من باشی و خدا عطا کرد. از خدا خواستم امت مرا به دست تو از حوض من سیراب کند و خدا عطا کرد. از خدا خواستم تو را پیشوای امت بسوی بهشت قرار دهد و خدا عطا کرد. سپاس خدای را که این منت بر من نهاد.

۳۵۰۷. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: جمعه بهترین روز نزد خداست. و از عید قربان و فطر بزرگتر است. و پنج امتیاز دارد: خداوند، آدم را در آنروز خلق فرمود. در روز جمعه آدم به زمین فرود آمد.

جمعه آدم فوت کرد. در جمعه ساعتی است که در آن انسان هر چه بخواهد اگر حرام نباشد خدا به او عطا می کند. و هر فرشته مقرب و آسمان و زمین و بادها و کوهها و دریا و خشکی همه از روز جمعه نگرانند که مبادا قیامت در روز جمعه برپا شود.

۳۵۰۸. از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدند: بهترین بندگان چه کسانی هستند؟ حضرت فرمودند: کسانی که هنگامی که کار خوب انجام دهند، شاد شوند. و هنگام کار ناپسند استغفار کنند. و هنگام نعمت شکر گزارند. و هنگام بلا صبر کنند. و هنگام خشم گذشت کنند.

۳۵۰۹. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: به امت من در ماه رمضان پنج امتیاز داده اند که به هیچ امتی قبل از من نداده اند:

اولین شب رمضان خداوند به امت من نظر کند. و کسی که خدا به او نظر کند هرگز او را عذاب نمی کند.

نزد خدا بوی دهان روزه داران بهتر از بوی مشک است.

ملائکه شبانه روز برای آنان استغفار می کنند.

خداوند به بهشت می فرماید خود را تزئین کن. و برای بندگان طلب رحمت کن. که به زودی از رنج و اذیت دنیا رها می شوند. و بسوی بهشت و کرامت من می آیند.

آخرین شب رمضان همه آنان را می آمرزد. کسی پرسید: شب قدر بیامرزد؟ حضرت فرمودند: مگر نمی بینی که کارگران در آخر کار مزد می گیرند.

٣٥١٠. وَعَنْ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ عَنْ أَبِيهِ ، قَالَ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: مَنْ شَرُّ خَلْقِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؟ قَالَ: خَمْسَةٌ:

إِبْلِيسُ، وَابْنُ آدَمَ الَّذِي قَتَلَ أَخَاهُ، وَفِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ (١)، وَرَجُلٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ رَدَّاهُمْ عَنْ دِينِهِمْ، وَرَجُلٌ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ يُبَايِعُ عَلِيًّا كُفْرًا عِنْدَ بَابِ لُدٍّ (٢).

قَالَ: ثُمَّ قَالَ: إِنِّي لَمَّا رَأَيْتُ مُعَاوِيَةَ يُبَايِعُ عِنْدَ بَابِ لُدٍّ ذَكَرْتُ قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَلَحِقْتُ بِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَكُنْتُ مَعَهُ (٣).

٣٥١١. وَعَنْ مُعَاذٍ قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَخْبِرْنِي بِعَمَلٍ يُدْخِلُنِي الْجَنَّةَ وَيُبَاعِدُنِي مِنَ النَّارِ، قَالَ: يَا مُعَاذُ، لَقَدْ سَأَلْتَ عَنْ شَيْءٍ عَظِيمٍ! إِنَّهُ لَيْسَ يَسِيرٌ عَلَيَّ مَنْ يَسْرَهُ اللَّهُ: تَعْبُدُ اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا، وَتُقِيمُ الصَّلَاةَ، وَتُؤْتِي الزَّكَاةَ، وَتَصُومُ رَمَضَانَ، وَتَحِجُّ الْبَيْتَ الْحَرَامَ إِنْ اسْتَطَعْتَ إِلَيْهِ سَبِيلًا (٤).

ص: ٢١٦

١- الأوتاد: جمع وتد - بالكسر - وهو أفصح من الفتح. قيل: كان إذا عذب رجلاً بسطه على الأرض أو على خشب ووتد يديه ورجليه بأربعة أوتاد ثم تركه على حاله (مجمع البحرين: ٤/٤٦١).

٢- لُد: موضع بالشام. وقيل: بفلسطين (النهاية: ٤/٢٤٥).

٣- الخصال، ص ٣١٩، ح ١٠٤.

٤- بحار الأنوار، ج ٨٤، ص ١٢٣.

۳۵۱۰. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: بدترین خلق خدا پنج موجود هستند: شیطان و قابیل پسر آدم که برادرش را کشت. و فرعون که مردم بی گناه را با میخ به زمین می کوبید. شخصی از بنی اسرائیل که مردم را از دین بر می گرداند. و مردی از امت من که در شام از این امت بیعت بر کفر می گیرد. راوی گوید: زمانی که معاویه را در شام دیدم که بیعت می گیرد، به یاد سخن پیامبر صلی الله علیه و آله افتادم، و بسوی علی علیه السلام رفتم، و در کنار او ماندم.

۳۵۱۱. معاذ گوید: به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتم: یا رسول الله عملی به من بیاموز که مرا به بهشت برد و از جهنم دور کند.

حضرت فرمود: یا معاذ، مطلب عظیمی پرسیدی. اما برای هر که خدا خواهد آسان شود:

خداوند را عبادت کن. و شریک برای خدا قرار مده. نماز اقامه کن. زکات بده. رمضان را روزه بگیر. اگر مستطیع شدی حج بجای آور.

ص: ۲۱۷

٣٥١٢. رُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: مَنْ أَهَانَ خَمْسًا خَسِرَ خَمْسًا: مَنْ اسْتَخَفَّ بِالْعُلَمَاءِ خَسِرَ الدِّينَ، وَمَنْ اسْتَخَفَّ بِالْأَمْرَاءِ خَسِرَ الدُّنْيَا، وَمَنْ اسْتَخَفَّ بِالْجِيرَانِ خَسِرَ الْمَنَافِعَ، وَمَنْ اسْتَخَفَّ بِالْأَقْرَبَاءِ خَسِرَ الْمُرُوءَةَ، وَمَنْ اسْتَخَفَّ بِأَهْلِهِ خَسِرَ طَيْبَ عَيْشِهِ .

٣٥١٣. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يُعْطِي أَحَدًا خَمْسًا إِلَّا وَقَدْ أَعَدَّ لَهُ خَمْسًا آخَرَ: لَا يُعْطِيهِ الشُّكْرَ إِلَّا وَقَدْ أَعَدَّ لَهُ الزِّيَادَةَ، وَلَا يُعْطِيهِ الدُّعَاءَ إِلَّا وَقَدْ أَعَدَّ لَهُ الْإِجَابَةَ، وَلَا يُعْطِيهِ الْإِسْتِغْفَارَ إِلَّا وَقَدْ أَعَدَّ لَهُ الْقَبُولَ، وَلَا يُعْطِيهِ الصَّدَقَةَ إِلَّا وَقَدْ أَعَدَّ لَهُ الْخَلْفَ، وَلَا يُعْطِيهِ الْإِيمَانَ إِلَّا وَقَدْ أَعَدَّ لَهُ الْجَنَّةَ.

٣٥١٤. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اغْتَنِمْ خَمْسًا قَبْلَ خَمْسٍ: شَبَابَكَ قَبْلَ شَيْبِكَ (١)، وَغِنَاكَ قَبْلَ فَقْرِكَ، وَفِرَاعَكَ قَبْلَ شُغْلِكَ، وَصِحَّتَكَ قَبْلَ سَقَمِكَ، وَحَيَاتَكَ قَبْلَ مَمَاتِكَ. (٢)

٣٥١٥. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: خَمْسٌ بِخَمْسٍ، قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا خَمْسٌ بِخَمْسٍ؟ قَالَ: مَا نَقَضَ قَوْمٌ الْعَهْدَ إِلَّا سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ عَيْدُوهُمْ، وَمَا حَكَمُوا بِغَيْرِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَّا فَشَا فِيهِمْ الْفَقْرُ، وَمَا ظَهَرَتْ فِيهِمْ الْفَاحِشَةُ (٣) إِلَّا فَشَا فِيهِمُ الْمَوْتُ، وَلَا طَفَّفُوا الْكَيْلَ إِلَّا تَمُنَّعُوا النَّبَاتَ وَأُخِذُوا بِالسِّنِينَ، وَلَا مَنَعُوا الزَّكَاةَ إِلَّا حَبَسَ عَنْهُمْ الْمَطْرُ. (٤)

ص: ٢١٨

١- . رواه الشيخ في الأمالي في وصاياه صلى الله عليه وآله لأبي ذر.

٢- . مسند الشهاب، ج ١، ص ٤٢٥، ح ٧٢٩، مع اختلافٍ يسير.

٣- . وفي الوسائل في كتاب الجهاد باب تحريم التظاهر بالمنكرات: إذا ظهر الزنا من بعدى كثر موت الفجاء، ولعل المراد من الفاحشه هنا: الزنا، ومن الموت: الفجاء.

٤- . الجامع الصغير، ج ١، ص ٦٠٩، ح ٣٩٤٥، مع اختلافٍ يسير.

فصل دوم: روایاتی که اهل تسنن از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده اند

۳۵۱۲. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس به پنج گروه اهانت کند، پنج ضرر بیند: کسی که علماء را سبک شمارد، در دین خود ضرر می کند. کسی که به زمامداران توهین کند، دنیا را از دست بدهد.

کسی که به همسایه توهین کند، از منافی محروم شود. کسی که به خویشاوندان خود توهین کند، جوانمردی را از دست بدهد. کسی که همسر خود را تحقیر کند، لذت زندگی را از دست بدهد.

۳۵۱۳. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند به هر کس پنج توفیق عطا کند، پنج امتیاز برایش آماده می کند:

شکر گزاری نمی دهد مگر اینکه فراوانی نعمت برایش آماده کند. دعا کردن نمی دهد مگر اینکه اجابت را آماده کند. استغفار نمی دهد مگر اینکه پذیرش آن را آماده کند. توفیق صدقه دادن نمی دهد مگر اینکه عوض آن را آماده کند. ایمان نمی دهد مگر اینکه بهشت را برایش فراهم کند.

۳۵۱۴. حضرت فرمودند: پنج نعمت را قبل از پنج چیز غنیمت شمار: جوانی را قبل از پیری. ثروت را قبل از فقر. فراقت را قبل از گرفتاری. سلامت را قبل از بیماری. زندگی را قبل از مرگ.

۳۵۱۵. حضرت فرمودند: پنج چیز در برابر پنج چیز است: کسانی که پیمان شکنی کنند خداوند دشمن را بر آنان مسلط کند. کسانی که قانونی غیر از حکم خدا وضع کنند فقر بر آنان مسلط شود. در جامعه ای که فحشاء رواج یابد، مرگ و میر زیاد شود. هر جا کم فروشی شایع شود به قحطی دچار شوند. اگر زکات ندهند باران نبارد.

٣٥١٦. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ فَعَلَ خَمْسَةَ أَشْيَاءَ فَلَا بُدَّ لَهُ مِنْ خَمْسَةٍ، وَلَا بُدَّ لِصَاحِبِ الْخَمْسَةِ مِنَ النَّارِ:

الأول: مَنْ شَرِبَ الْمُتَلَّثَّ (١) فَلَا بُدَّ لَهُ مِنْ شُرْبِ الْخَمْرِ، وَلَا بُدَّ لِشَارِبِ الْخَمْرِ مِنَ النَّارِ.

الثاني: مَنْ جَالَسَ النِّسَاءَ فَلَا بُدَّ لَهُ مِنَ الزَّانَا، وَلَا بُدَّ لِلزَّانِي مِنَ النَّارِ.

الثالث: مَنْ لَبَسَ الثِّيَابَ الْفَاحِشَةَ فَلَا بُدَّ لَهُ مِنَ التَّكْبَرِ، وَلَا بُدَّ لِلْمُتَكَبِّرِ مِنَ النَّارِ.

الرابع: مَنْ جَلَسَ عَلَى بَسَاطِ السُّلْطَانِ فَلَا بُدَّ أَنْ يَتَكَلَّمَ بِهَوَى السُّلْطَانِ، وَلَا بُدَّ لِصَاحِبِ الْهَوَى مِنَ النَّارِ.

الخامس: مَنْ بَاعَ وَاشْتَرَى بِلَا فِقْهِ فَلَا بُدَّ لَهُ مِنَ الرِّبَا، وَلَا بُدَّ لِأَكْلِ الرِّبَا مِنَ النَّارِ.

٣٥١٧. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اجْلِسُوا عِنْدَ كُلِّ عَالِمٍ يَدْعُوكُمْ مِنْ خَمْسٍ إِلَى خَمْسٍ: مِنَ الشُّكِّ إِلَى الْيَقِينِ، وَمِنَ الرِّيَاءِ إِلَى الْإِحْلَاصِ، وَمِنَ الرِّغْبَةِ إِلَى الرِّهْدِ، وَمِنَ الْكِبْرِ إِلَى التَّوَاضُّعِ، وَمِنَ الْعِدَاوَةِ إِلَى الْمَحَبَّةِ (٢).

٣٥١٨. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: سَيَأْتِي زَمَانٌ عَلَى أُمَّتِي يُحِبُّونَ خَمْسًا وَيَنْسَوْنَ خَمْسًا: يُحِبُّونَ الدُّنْيَا وَيَنْسَوْنَ الْآخِرَةَ، وَيُحِبُّونَ الْمَالَ وَيَنْسَوْنَ الْحِسَابَ، وَيُحِبُّونَ النِّسَاءَ وَيَنْسَوْنَ الْحُورَ، وَيُحِبُّونَ الْقُصُورَ وَيَنْسَوْنَ الْقُبُورَ، وَيُحِبُّونَ النَّفْسَ وَيَنْسَوْنَ الرَّبَّ، أَوْلَيْكَ بَرِيئُونَ مِنِّي وَأَنَا بَرِيءٌ مِنْهُمْ.

٣٥١٩. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: آمُرُكُمْ بِخَمْسٍ: بِالْجَمَاعَةِ، وَالسَّمْعِ، وَالطَّاعَةِ، وَالْهَجْرَةِ، وَالْجِهَادِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. وَإِنَّهُ مَنْ خَرَجَ مِنَ الْجَمَاعَةِ قِيدَ (٣) شِبْرٍ فَقَدْ خَلَعَ رِبْقَةَ الْإِسْلَامِ (٤) مِنْ عُنُقِهِ إِنْ لَمْ يَرْجِعْ، وَمَنْ ادَّعَى بِدَعْوَى الْجَاهِلِيَّةِ فَهُوَ مِمَّنْ جَثَا فِي جَهَنَّمَ وَإِنْ صَامَ وَصَلَّى وَزَعَمَ أَنَّهُ مُسْلِمٌ (٥).

٣٥٢٠. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لِي خَمْسَةُ أَسْمَاءٍ: مُحَمَّدٌ، وَأَحْمَدٌ، وَالْمَاحِي (٦)، وَالْحَاشِرُ (٧)، وَالْعَاقِبُ (٨). (٩)

ص: ٢٢٠

١- . المتلث من الشراب: ما طبخ من عصير العنب حتى ذهب ثلثاه وبقي ثلثه ويسمى بالطلاء بالكسر والمد كما في القاموس والمجمع وغيرهما. والذي يظهر منه هنا هو ما ذهب ثلثه وبقي ثلثاه، كما ورد في روايات العصير أن بعض الناس كانوا يشربونه على الثلث.

٢- . كثر العمال، ج ٩، ص ١٤٧، ح ٢٥٤٥٠، مع اختلافٍ يسير.

٣- . القيد - بالكسر - : القدر. ومعناه: قدر شبرٍ، يريد المبالغة في عدم المفارقة (مجمع البحرين: ٥٧٤/٣).

٤- . الربقه - في الأصل - : عروة في جبل تجعل في عنق البهيمة أو يدها تمسكها، فاستعارها للإسلام يعني ما يشد به المسلم نفسه من عرى الإسلام؛ أي حدوده وأحكامه وأوامره ونواهيته (النهاية: ١٩٠/٢).

٥- . كثر العمال، ج ١٥، ص ٩١٤.

٦- . لمحوه آثار الجاهليته من شرك ونحوه.

٧- . الحاشر: اسم له صلى الله عليه وآله؛ لأنه مجاهد أو لجلائه عن وطنه أو لحشره الناس وجمعهم على مله واحده أو لحشرهم إلى الجهاد.

٨- . العاقب: الذى يخلف السيد، ويتلوه، فهو صلى الله عليه وآله يخلف الأنبياء عليهم السلام.

٩- . الجامع الصغير، ج ١، ص ٣٧٢، ح ٢٤٣٧.

۳۵۱۶. کسی که پنج کار انجام دهد به پنج بلا گرفتار شود و نتیجه اش دوزخ است:

کسی که آب انگور جوشیده بنوشد، بناچار شراب خوار شود. و گرفتار دوزخ گردد.

کسی که با زنان نامحرم بنشیند، گرفتار زنا شود. و زناکار اهل آتش است.

کسی که لباس قیمتی بپوشد، به تکبر مبتلا شود. و متکبر اهل آتش است.

کسی که سر سفره سلطان ستمگر بنشیند، باید به میل او سخن گوید. و سرانجامش دوزخ است.

کسی که بدون آگاهی از احکام خرید و فروش کند دچار ربا شود، و ربا خوار چاره ای از دوزخ ندارد.

۳۵۱۷. حضرت فرمودند: با عالمی رفت و آمد کنید که شما را از پنج چیز به پنج چیز دعوت کند: از شک به یقین. از دورویی به اخلاص. از دنیا پرستی به زهد. از خود پسندی به فروتنی. از دشمنی و کینه به محبت.

۳۵۱۸. حضرت فرمودند: زمانی بر امت من خواهد آمد که پنج چیز را دوست بدارند. و پنج چیز را فراموش کنند: دنیا را دوست دارند. و آخرت را فراموش کنند. مال را دوست دارند. و حساب را فراموش کنند. زنان را دوست دارند. و حوریان را فراموش کنند. کاخ را دوست دارند. و قبر را فراموش کنند. خود را دوست دارند. و پروردگار را فراموش کنند.

اینان از من بیزارند. و من از آنان بیزارم.

۳۵۱۹. حضرت فرمودند: شما را به پنج کار امر می کنم: جماعت، شنیدن [کلام حق]، طاعت، هجرت، جهاد.

کسی که یک وجب از جامعه اسلامی دور شود، از اسلام خارج شود. مگر اینکه باز گردد. و کسی که شعارهای جاهلیت سر دهد، در جهنم زانو زده است. گر چه روزه بگیرد. و نماز بخواند. و گمان کند مسلمان است.

۳۵۲۰. حضرت فرمودند: من پنج اسم دارم: محمد، احمد، ماحی [محو کننده آثار شرک]، حاشر [جامع کمالات]، عاقب [آخرین پیامبر].

الفصل الثالث: مِمَّا رَوَتْهُ الْخَاصَّةُ وَالْعَامَّةُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

٣٥٢١. وَمِمَّا أَوْصَى النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: يَا عَلِيُّ: خَمْسَةٌ تُمِيتُ الْقَلْبَ: كَثْرَةُ الْأَكْلِ، وَكَثْرَةُ النَّوْمِ، وَكَثْرَةُ الضَّحِكِ، وَكَثْرَةُ هَمِّ الْقَلْبِ، وَأَكْلُ الْحَرَامِ يَطْرُدُ الْإِيمَانَ.

وَخَمْسَةٌ تَنْوِّرُ الْقَلْبَ: كَثْرَةُ قِرَاءَةِ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»، وَقَلَّةُ الْأَكْلِ، وَمُجَالَسَةُ الْعُلَمَاءِ، وَالصَّلَاةُ فِي اللَّيْلِ، وَالْمَشْيُ فِي الْمَسَاجِدِ.

يَا عَلِيُّ، وَخَمْسَةٌ تَجْلُو الْقَلْبَ وَتُذْهِبُ الْقَسَاوَةَ: مُجَالَسَةُ الْعَالِمِ، وَمَسْحُ رَأْسِ الْيَتِيمِ، وَكَثْرَةُ الْإِسْتِغْفَارِ بِالْأَسْحَارِ، وَالسَّهْرُ الْكَثِيرُ، وَالصَّوْمُ.

يَا عَلِيُّ، وَخَمْسَةٌ تَزِيدُ فِي النَّظَرِ: النَّظَرُ إِلَى الْكَعْبَةِ، وَالنَّظَرُ فِي الْمُصْحَفِ، وَالنَّظَرُ إِلَى الْوَالِدَيْنِ، وَالنَّظَرُ إِلَى وَجْهِ الْعَالِمِ، وَالنَّظَرُ إِلَى الْمَاءِ الْجَارِي.

٣٥٢٢. يَا عَلِيُّ، خَمْسَةٌ تُسْرِعُ فِي الشَّيْبِ: كَثْرَةُ الدِّينِ، وَكَثْرَةُ الطَّيْبِ، وَكَثْرَةُ الْبُخُورِ، وَكَثْرَةُ الْبَلْغَمِ (١).

يَا عَلِيُّ، اصْنَعِ الْمَعْرُوفَ وَلَوْ إِلَى السَّفَلَةِ؛ الَّذِي إِذَا وُعِظَ لَمْ يَتَّعِظْ، وَإِذَا زُجِرَ لَمْ يَنْزَجِرْ، وَلَا يُبَالِي بِمَا قَالَ وَلَا بِمَا قِيلَ لَهُ. إِلَى آخِرِ الْوَصِيَّةِ.

٣٥٢٣. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا شَرِبَ الرَّجُلُ شَرِبَهُ مِنَ الْخَمْرِ ابْتِلَاةُ اللَّهِ بِخَمْسَةِ أَشْيَاءَ: الْأَوَّلُ: قَسَاوَةُ قَلْبِهِ. الثَّانِي:

يَتَّبَرُّ مِنْهُ جَبْرَائِيلُ وَمِيكَائِيلُ وَإِسْرَافِيلُ وَجَمِيعُ الْمَلَائِكَةِ. وَالثَّلَاثُ: يَتَّبَرُّ مِنْهُ جَمِيعُ الْأَنْبِيَاءِ. وَالرَّابِعُ:

يَتَّبَرُّ مِنْهُ الْجَبَّارُ (٢). وَالخَامِسُ: أَدْخَلَهُ النَّارَ (٣).

ص: ٢٢٢

١- . كَذَا، وَلَمْ يُذَكَّرِ الْخَامِسُ.

٢- . مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ تَعَالَى الْجَبَّارِ، وَمَعْنَاهُ الَّذِي يَقْهَرُ الْعِبَادَ عَلَى مَا أَرَادَ مِنْ أَمْرٍ وَنَهَى (النِّهَايَةُ: ١/٢٢٨).

٣- . جَامِعُ الْأَخْبَارِ، ص ١٥٠.

فصل سوم: احادیثی که شیعه و اهل تسنن از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده اند

۳۵۲۱. پیامبر صلی الله علیه و آله در وصیت خود فرمودند: یا علی، پنج چیز قلب را می میراند: پرخوری، زیاد خوابیدن، زیاد خندیدن، زیاد غصه خوردن، حرام خوردن که ایمان را دور می کند.

پنج چیز قلب را نورانی می کند: زیاد قرائت کردن سوره توحید. کم خوردن. همنشینی علماء. نماز شب. رفتن به مسجد.

یا علی، پنج چیز قلب را جلا می دهد و سنگدلی را برطرف می کند: همنشینی با عالم، نوازش یتیم، زیاد استغفار کردن در سحر، شب زنده داری زیاد، روزه.

یا علی، پنج چیز دید چشم را زیاد می کند: نگاه به کعبه. نگاه به قرآن. نگاه به پدر و مادر.

نگاه به چهره عالم. نگاه به آب جاری.

۳۵۲۲. یا علی، پنج چیز پیری را تسریع می کند: بدهی زیاد. عطر زیاد. بخور زیاد. بلغم زیاد. [مورد پنجم ذکر نشده است]

یا علی، نیکی کن حتی با فرومایه ای که موعظه ناپذیر باشد. و نهی کردن او از زشتی اثر نداشته باشد. و به آنچه می گوید و آنچه درباره اش می گویند اهمیت نمی دهد.

۳۵۲۳. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: خدا کسی را که جرعه ای شراب بنوشد، به پنج بلا گرفتار نماید:

سنگدلی، بیزاری جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و همه فرشتگان از او، بیزاری همه پیامبران از او، بیزاری خدا از او، عذاب جهنم.

٣٥٢٤. وقال صلى الله عليه وآله: خَمْسٌ مَن خَانَ اللَّهَ فِيهَا لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَقَدْ بَرَّئَ مِنْ رَحْمَتِهِ وَمَصِيرُهُ إِلَى النَّارِ: مَن خَانَ اللَّهَ فِي وُضُوئِهِ وَلَمْ يُتِمَّهُ كَمَا أَمَرَهُ نَبِيُّ اللَّهِ، وَمَن خَانَ اللَّهَ فِي صِيَلَاتِهِ فَلَمْ يُصَلِّهَا كَمَا أَمَرَهُ نَبِيُّ اللَّهِ، وَمَن خَانَ اللَّهَ فِي صَوْمِهِ فَلَمْ يَصِيِّمْهُ كَمَا أَمَرَهُ نَبِيُّ اللَّهِ، وَمَن خَانَ اللَّهَ فِي حَجِّهِ فَلَمْ يَحِجَّ كَمَا أَمَرَهُ نَبِيُّ اللَّهِ، وَمَن خَانَ اللَّهَ فِي زَكَاتِهِ فَلَمْ يَقْضِهَا كَمَا أَمَرَهُ نَبِيُّ اللَّهِ.

٣٥٢٥. وقال صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ يُبَاهِي الْمَلَائِكَةَ بِخَمْسِهِ: الْمُجَاهِدِينَ، وَالْفُقَرَاءَ، وَالشَّبَابَ الَّذِينَ يُعَفِّرُونَ نَوَاصِيَهُمْ (١) لِلَّهِ تَعَالَى، وَغَنَى الْفَقِيرِ كَثِيرًا وَلَا يَمُنُّ عَلَيْهِ، وَرَجُلٍ يَبْكِي مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ تَعَالَى فِي خَلْوِهِ.

٣٥٢٦. وقال النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: خَمْسَةٌ أَشْيَاءٌ حَسَنَةٌ فِي خَمْسَةٍ مِنَ النَّاسِ: الْعَمَلُ، وَالْعِدْلُ، وَالسَّخَاوَةُ، وَالصَّبْرُ، وَالْحَيَاءُ؛ الْعَمَلُ فِي الْعُلَمَاءِ، وَالْعِدْلُ فِي السَّلَاطِينِ، وَالسَّخَاوَةُ فِي الْأَغْنِيَاءِ، وَالصَّبْرُ فِي الْفُقَرَاءِ، وَالْحَيَاءُ فِي النِّسَاءِ.

العِلْمُ بِلا- عَمَلٌ كَالْبَيْتِ بِلا- سَقْفٌ، وَالسُّلْطَانُ بِلا- عِدْلٌ كَالنَّهْرِ بِلا- مَاءٍ، وَالغِنَى بِلا- سَخَاوَةٍ كَالشَّجَرِ بِلا- ثَمَرٍ، وَالْفَقِيرُ بِلا- صَبْرٍ كَالْقَنْدِيلِ بِلا- ضِيَاءٍ، وَالنِّسَاءُ بِلا- حَيَاءٍ كَالطَّعَامِ بِلا- مِلْحٍ.

٣٥٢٧. وقال صلى الله عليه وآله: حَقُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ خَمْسٌ: رَدُّ السَّلَامِ، وَعِيَادَةُ الْمَرِيضِ، وَاتِّبَاعُ الْجَنَائِزِ، وَإِجَابَةُ الدَّعْوَةِ، وَتَسْمِيَةُ الْعَاطِسِ (٢).

٣٥٢٨. وَعَنْ أَبِي ذَرٍّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ يَأْخُذُ مِنِّي هُوَ لِأَيِّ الْكَلِمَاتِ فَيَعْمَلُ بِهِنَّ أَوْ يُعَلِّمُ مَنْ يَعْمَلُ بِهِنَّ؟ قُلْتُ: أَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَأَخَذَ بِيَدِي فَعَدَّ خَمْسًا فَقَالَ: اتَّقِ الْمَحَارِمَ تَكُنْ أَعْيَدَ النَّاسِ، وَارْضَ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لَكَ تَكُنْ أَعْنَى النَّاسِ، وَأَحْسِنَ إِلَى جَارِكَ تَكُنْ مُؤْمِنًا، وَأَجِبْ لِلنَّاسِ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ تَكُنْ مُسْلِمًا، وَلَا تَكْثِرِ الضَّحِكَ فَإِنَّ كَثْرَةَ الضَّحِكِ يُمِيتُ الْقَلْبَ.

٣٥٢٩. وقال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَحِبُّ الصَّبِيَانَ لِخَمْسٍ: الْأَوَّلُ: أَنَّهُمْ هُمُ الْبَكَاءُونَ. وَالثَّانِي: يَتَمَرَّغُونَ بِالتُّرَابِ. وَالثَّلَاثُ: يَخْتَصِمُونَ مِنْ غَيْرِ حَقْدٍ. وَالرَّابِعُ: لَا يَدْخِرُونَ لِعَدِ شَيْئًا. وَالخَامِسُ: يَعْمُرُونَ ثُمَّ يُخْرَبُونَ.

ص: ٢٢٤

١- الناصيه: قصاص الشعر فوق الجبهه، والجمع النواصي (مجمع البحرين: ٣٢٤/٤).

٢- تسميت العاطس: الدعاء له بقول يرحمك الله، من سمت يسمت.

۳۵۲۴. حضرت فرمودند: هر کس در پنج چیز به خدا خیانت کند [خیانت یعنی آنگونه که پیامبر فرموده انجام ندهد.] روز قیامت از رحمت خدا بی نصیب خواهد شد. و سرانجامش آتش است: وضو، نماز، روزه، حج، زکات.

۳۵۲۵. حضرت فرمودند: خداوند به پنج گروه بر ملائکه مباحثات می کند: مجاهدان. فقیران. جوانانی که برای خدا سجده می کنند. ثروتمندی که به فقیر کمک فراوان می کند و منت نمی گذارد.

کسی که در خلوت از ترس خدا گریه کند.

۳۵۲۶. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: پنج چیز در پنج نفر نیکوست:

عمل کردن در علماء. عدالت در سلاطین. سخاوت در ثروتمندان. صبر در فقیران. حیاء در بانوان.

علم بدون عمل چون خانه بدون سقف است. سلطان بدون عدالت چون رود بدون آب است. ثروتمند بدون سخاوت چون درخت بی ثمر است. و فقیر بدون صبر مثل چراغ بی نور است. و بانوی بی حیاء مثل غذای بی نمک است.

۳۵۲۷. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: مسلمان پنج حق بر مسلمان دارد: جواب سلام. عیادت مریض. تشییع جنازه. پذیرفتن دعوت. دعا کردن کسی که عطسه می کند با این جمله: یرحمکم الله.

۳۵۲۸. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: چه کسی این جملات را از من می آموزد و بکار می بندد یا به کسی یاد می دهد که عمل می کند؟ ابوذر گفت: من یا رسول الله. حضرت دست او را گرفت و پنج مورد شمرد: از حرام دوری کن عابدترین مردم می شوی. به قسمت خداوندی راضی باش ثروتمندترین مردم می شوی. به همسایه نیکی کن تا مؤمن باشی. برای مردم آنچه دوست داشته باش که برای خود دوست داری. زیاد نخند چون خنده زیاد تو را دل مرده می کند.

۳۵۲۹. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: کودکان را برای پنج چیز دوست دارم: زیاد گریه می کنند. با خاک بازی می کنند. با هم درگیر می شوند ولی کینه ندارند. برای فردا چیزی ذخیره نمی کنند.

می سازند و خراب می کنند.

٣٥٣٠. وقال صلى الله عليه وآله للحسين بن عليّ عليهما السلام: اعْمَلْ بِفِرَائِضِ اللَّهِ تَكُنْ أَتَقَى النَّاسِ، وَارْضَ بِقَسَمِ اللَّهِ تَكُنْ أَغْنَى النَّاسِ، وَكُفَّ عَن مَحَارِمِ اللَّهِ تَكُنْ أَوْرَعَ النَّاسِ، وَأَحْسِنَ مُجَاوِرَةَ مَنْ جَاوَرَكَ تَكُنْ مُؤْمِنًا، وَأَحْسِنَ مَصَاحِبَةَ مَنْ صَاحَبَكَ تَكُنْ مُسْلِمًا. (١)

٣٥٣١. وقال صلى الله عليه وآله: شِدَائِدُ الدُّنْيَا خَمْسَةٌ: الدِّينُ وَلَوْ كَانَ دِرْهَمًا، وَالْفِرْقَةُ وَلَوْ كَانَتْ سِنُّورًا (٢)، وَالسُّؤَالُ وَإِنْ كَانَ خَرْدَلًا (٣)، وَالسَّفَرُ وَإِنْ كَانَ مِيلًا، وَالْبِنْتُ وَإِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً.

٣٥٣٢. وقال صلى الله عليه وآله: أَلَا - أَدُلُّكُمْ عَلَى أَكْسَلِ النَّاسِ، وَأَسْرَقِ النَّاسِ، وَأَبْخَلِ النَّاسِ، وَأَجْفَى النَّاسِ، وَأَعْجَزِ النَّاسِ؟ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: أَمَّا أَبْخَلُ النَّاسِ فَرَجُلٌ يَمُرُّ بِمُسْلِمٍ فَلَا يُسَلِّمُ عَلَيْهِ، وَأَمَّا أَكْسَلُ النَّاسِ فَعَبْدٌ صَحِيحٌ فَارِعٌ لَا يَذْكُرُ اللَّهَ بِشَفِّهِ وَلَا بِلِسَانِ (٤)، وَأَمَّا أَسْرَقُ النَّاسِ فَالَّذِي يَسْرِقُ مِنْ صَلَاتِهِ؛ تَلَفٌ كَمَا يُلْفُ الثَّوْبُ الْخَلْقُ (٥) فَيَضْرِبُ بِهَا وَجْهَهُ، وَأَمَّا أَجْفَى النَّاسِ فَرَجُلٌ ذُكِرَتْ بَيْنَ يَدَيْهِ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ، وَأَمَّا أَعْجَزُ النَّاسِ فَمَنْ عَجَزَ عَنِ الدُّعَاءِ. (٦)

٣٥٣٣. وقال النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله: ذَهَبَ عُمُرٌ مَنْ لَمْ يَصْرِفْهُ فِي صَالِحِ الْعِلْمِ، وَذَهَبَ عِلْمٌ مَنْ لَمْ يَصْرِفْهُ فِي صَالِحِ الْعَمَلِ، وَذَهَبَ عَمَلٌ مَنْ لَمْ يَضْبِطْهُ بِالْإِخْلَاصِ، وَذَهَبَ إِخْلَاصٌ مَنْ لَمْ يُحِطْهُ (٧) بِالِاسْتِقَامَةِ، وَذَهَبَتْ اسْتِقَامَةٌ مَنْ لَمْ يُحِطْهَا بِالْخَاتِمَةِ؛ وَذَلِكَ لِأَنَّ مَلَكَ الْأَعْمَالِ خَوَاتِيمُهُ.

٣٥٣٤. وقال صلى الله عليه وآله: أَلَا وَإِنَّ الْقَبْرَ يُنَادِي بِخَمْسِ كَلِمَاتٍ فَيَقُولُ: يَا بَنَ آدَمَ، تَمْشَى عَلَى ظَهْرِي وَمَصِيرُكَ فِي بَطْنِي! تَفْرُحُ عَلَى ظَهْرِي ثُمَّ تَحْزَنُ فِي بَطْنِي! تُذَنِّبُ عَلَى ظَهْرِي وَتُعَذِّبُ فِي بَطْنِي! تَضْحَكُ عَلَى ظَهْرِي وَتَبْكِي فِي بَطْنِي! تَأْكُلُ الْحَرَامَ عَلَى ظَهْرِي ثُمَّ تَأْكُلُكَ الدِّيدَانُ فِي بَطْنِي!

ص: ٢٢٦

- ١- . الأُمَالِي لِلصَّدُوقِ، ص ٢٦٩، ح ١٦/٢٩٥.
- ٢- . السَّنُورُ: حَيَوَانٌ مَعْرُوفٌ يَأْلَفُ الْبُيُوتَ، وَلَعَلَّ الْمُرَادَ أَنَّ الْمَفَارِقَةَ شَدِيدَةً مِنْ شِدَائِدِ الدُّنْيَا وَلَوْ كَانَ مَفَارِقُهُ سَنُورًا؛ إِذْ قَدْ يَحْصُلُ لِلْإِنْسَانِ انْسٌ بِهِ.
- ٣- . الْخَرْدَلُ: حَبٌّ صَغِيرٌ جَدًّا أَسْوَدٌ مَقْرَحٌ؛ أَيْ وَإِنْ كَانَ السُّؤَالُ طَلَبَ خَرْدَلٍ.
- ٤- . لِأَنَّ مِنَ الْأَذْكَارِ مَا لَا يَحْتَاجُ فِي التَّفَوُّهِ بِهِ إِلَى الشَّفِّهِ نَحْوَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَيَا اللَّهُ، وَمِنْهَا مَا يَحْتَاجُ إِلَى الشَّفِّهِ إِذَا كَانَ فِيهِ مِنَ الْحُرُوفِ الشَّفْوِيَّةِ.
- ٥- . شَيْءٌ خَلَقَ: بِالِ (لِسَانِ الْعَرَبِ: ٨٨/١٠).
- ٦- . عَدَّةُ الدَّاعِي، ص ٣٤.
- ٧- . أَحَاطَ بِالْأَمْرِ أَيْ أَحْدَقَ بِهِ مِنْ جَوَانِبِهِ. وَالْمُرَادُ الْإِحَاطَةَ بِالْإِخْلَاصِ مِنْ جَوَانِبِهِ بَحِيثٌ لَا يَشُوبُهُ شَرَكٌ مِنْ أَيْ جِهَةٍ.

۳۵۳۰. پیامبر صلی الله علیه و آله به حسین بن علی علیهما السلام فرمودند: به واجبات عمل کن، پرهیزکارترین مردم می شوی.

به قسمت الهی راضی باش، ثروتمندترین مردم می شوی. از حرام دوری کن، پاکیزه ترین مردم می شوی. به همسایه ات احسان کن، تا مؤمن باشی. و با همشین خود خوشرفتار باش، که شرط مسلمانی است.

۳۵۳۱. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: دشواریهای دنیا پنج چیز است: بدهی گرچه اندک باشد. جدایی گرچه جدایی گریه ای باشد که انسان به آن انس داشته است. درخواست کردن از دیگران گرچه یک خردل باشد. سفر گرچه به اندازه یک میل باشد. دختر گرچه یکی باشد.

۳۵۳۲. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: آیا می خواهید تنبل ترین، دزدترین، بخیل ترین، جفاکارترین و عاجزترین مردم را معرفی کنم؟ گفتند: بلی یا رسول الله.

حضرت فرمودند: بخیل ترین مردم کسی است که از کنار مسلمان می گذرد و به او سلام نمی کند.

تنبل ترین مردم کسی است که بدنش سالم است و کاری ندارد و ذکر خدا نگوید.

دزدترین مردم کسی است که از نماز خود بدزدد. و چنین نمازی را چون لباس کهنه ای به صورت او پرتاب می کنند.

جفاکارترین مردم کسی است که نام مرا بشنود و صلوات نفرستد.

عاجزترین مردم کسی است که از دعا کردن عاجز باشد.

۳۵۳۳. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: عمری که در تحصیل علم مفید مصرف نشود تلف شده است. علمی که برای عمل نیکو مصرف نشود تلف شده است. عملی که با اخلاص نباشد تلف شده است.

اخلاصی که با مقاومت پایدار نشود تلف شده است. مقاومتی که سرانجام خیر نداشته باشد تلف شده است. چون ملاک هر کاری عاقبت آن است.

۳۵۳۴. حضرت فرمودند: آگاه باشید که قبر پنج جمله می گوید: ای آمیزاده، بر پشت من راه می روی و مسیر تو به درون من است. بر پشت من شادمانی و در درون من محزون خواهی شد. بر پشت من گناه می کنی و در درون من عذاب می شوی. بر پشت من می خندی و در درون من گریه می کنی. بر پشت من حرام می خوری و در درون من بوسيله کرمها خورده می شوی.

٣٥٣٥. وقال النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْقَبْرُ يُنَادِي بِخَمْسِ كَلِمَاتٍ: أَنَا بَيْتُ الْوَحْدَةِ؛ فَاحْمِلُوا إِلَيَّ أَنْيسًا، وَأَنَا بَيْتُ الْحَيَاتِ؛ فَاحْمِلُوا إِلَيَّ تَرِياقًا، وَأَنَا بَيْتُ الظُّلْمِ (١) فَاحْمِلُوا إِلَيَّ سِرَاجًا، وَأَنَا بَيْتُ التُّرَابِ فَاحْمِلُوا إِلَيَّ فِرَاشًا، وَأَنَا بَيْتُ الْفَقْرِ فَاحْمِلُوا إِلَيَّ كَنْزًا.

٣٥٣٦. وقال صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا يَكْمُلُ إِيمَانُ الْعَبْدِ بِاللَّهِ حَتَّى يَكُونَ فِيهِ خَمْسُ خِصَالٍ: التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ، وَالتَّفْوِيضُ إِلَى اللَّهِ، وَالتَّسْلِيمُ لِأَمْرِ اللَّهِ، وَالرِّضَاءُ بِقَضَاءِ اللَّهِ، وَالصَّبْرُ عَلَى بَلَاءِ اللَّهِ؛ إِنَّهُ مَنْ أَحَبَّ فِي اللَّهِ، وَأَبْغَضَ فِي اللَّهِ، وَأَعْطَى لِلَّهِ، وَمَنَعَ لِلَّهِ؛ فَقَدْ اسْتَكْمَلَ الْإِيمَانَ. (٢)

٣٥٣٧. وقال النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: سَأَلْتُ جِبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الصَّدَقَةِ، فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ، خَمْسُهُ أَوْجُهٌ: الْوَاحِدَةُ بَعَشْرَهُ، وَالوَاحِدَةُ بِسَبْعِينَ، وَالوَاحِدَةُ بِسَبْعِمِئَةٍ، وَالوَاحِدَةُ بِسَبْعِينَ أَلْفًا، وَالوَاحِدَةُ بِمِئَةِ أَلْفٍ. فَقُلْتُ: يَا جِبْرَائِيلُ، أَخْبِرْنِي عَنِ الْوَاحِدَةِ بَعَشْرَهُ، فَقَالَ: تَدْفَعُهَا إِلَى رَجُلٍ صَاحِحِ الْيَدَيْنِ وَالرَّجَلَيْنِ وَالْعَيْنَيْنِ، وَالوَاحِدَةُ الَّتِي بِسَبْعِينَ: تَدْفَعُهَا إِلَى زَمِينٍ (٣)، وَالَّتِي بِسَبْعِمِئَةٍ تَدْفَعُهَا إِلَى الْوَالِدَيْنِ، وَالَّتِي بِسَبْعِينَ أَلْفًا:

تَدْفَعُهَا إِلَى الْأَمْوَاتِ، وَالَّتِي بِمِئَةِ أَلْفٍ: تَدْفَعُهَا إِلَى طَالِبِ الْعِلْمِ.

٣٥٣٨. وقال صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: نَزَلَ الْقُرْآنُ عَلَى خَمْسِيهِ أَوْجُهٌ: حَلَالٍ، وَحَرَامٍ، وَمُحْكَمٍ، وَمُتَشَابِهٍ، وَأَمْثَالٍ؛ فَأَحِلُّوا الْحَلَالَ، وَحَرَّمُوا الْحَرَامَ، وَعَمَلُوا بِالْمُحْكَمِ، وَآمَنُوا بِالْمُتَشَابِهِ (٤)، وَاعْتَبَرُوا بِالْأَمْثَالِ.

٣٥٣٩. وقال النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَلَامَةُ الْمُؤْمِنِ خَمْسَةٌ: الْوَرَعُ فِي الْخَلْوَةِ، وَالصَّدَقَةُ فِي الْقَلْبِ (٥)، وَالصَّبْرُ عَلَى الْمُصِيبَةِ، وَالصُّدُقُ عِنْدَ الْخَوْفِ، وَالْحِلْمُ عِنْدَ الْغَضَبِ.

٣٥٤٠. وقال صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ أَضَافَ وَاحِدًا فَكَأَنَّمَا أَضَافَ آدَمَ، وَمَنْ أَضَافَ اثْنَيْنِ فَكَأَنَّمَا أَضَافَ آدَمَ وَحَوَاءَ، وَمَنْ أَضَافَ ثَلَاثَةً فَكَأَنَّمَا أَضَافَ جِبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ، وَمَنْ أَضَافَ أَرْبَعَةً فَكَأَنَّمَا قَرَأَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَالزَّبُورَ وَالْفُرْقَانَ، وَمَنْ أَضَافَ خَمْسَةً فَكَأَنَّمَا صَلَّى صَلَاةَ الْخَمْسِ فِي جَمَاعَةٍ.

ص: ٢٢٨

١- . كذا، والظاهر أنه الظلمه كما في مصادر اخرى.

٢- . بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٧٧، ح ١٠؛ مجمع الزوائد، ج ١، ص ٩٠.

٣- . الزمّن: الذى أصابته الزمانه؛ وهى عاهه ومرض يدوم زماناً طويلاً، أو عدم بعض الأعضاء.

٤- . مضى الكلام فى معنى المحكم والمتشابه.

٥- . أى قلبه المال والفقير.

۳۵۳۵. حضرت فرمودند: قبر پنج ندا دارد: من خانه تنهائیم با خود انیس بیاورید. من خانه مارهایم با خود پادزهر بیاورید. من خانه تاریکیم با خود چراغ بیاورید. من خانه خاکی هستم با خود فرش بیاورید. من خانه فقر هستم با خود گنج بیاورید.

۳۵۳۶. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: تا پنج خصلت در کسی نباشد ایمان او کامل نگردد: توکل به خدا، واگذاری کار به خدا، تسلیم در برابر او، خشنودی به قضاء خدا، و صبر در برابر بلاء خدا. کسی که دوست داشتن و نفرت داشتن و بخشیدن و منع کردن او برای خدا باشد، ایمانش کامل است.

۳۵۳۷. حضرت فرمودند: از جبرئیل سؤال کردم ثواب صدقه چقدر است؟

جبرئیل فرمود: یا محمد صدقه پنج نوع است: یکی به ده. یکی به هفتاد. یکی به هفتصد. یکی به هفتاد هزار. یکی به صد هزار.

گفتم: یا جبرئیل یکی به ده را توضیح بده. گفت: صدقه به کسی است که دو دست و دو پا و دو چشم او صحیح باشد.

یکی به هفتاد، صدقه به کسی است که زمینگیر باشد. یکی به هفتصد، صدقه ای است که به پدر و مادر خود بدهی. یکی به هفتاد هزار، صدقه ای است که برای اموات بدهی. یکی به صد هزار صدقه ای است که به طالب علم بدهی.

۳۵۳۸. حضرت فرمودند: قرآن به پنج صورت نازل شده است: حلال، حرام، محکم و متشابه و مثلها.

پس حلال را حلال بدانید. حرام را تحریم کنید. به محکم عمل کنید. به متشابه ایمان بیاورید. و از مثلها عبرت بگیرید.

۳۵۳۹. حضرت فرمودند: علامت مؤمن پنج چیز است: پرهیزکاری در خلوت. صدقه در تنگدستی.

صبر بر مصیبت. راستگوئی هنگام ترس. بردباری هنگام خشم.

۳۵۴۰. حضرت فرمودند: کسی که یک نفر را میهمان کند، گویا حضرت آدم علیه السلام را میهمان کرده است.

کسی که دو نفر را میهمان کند، گویا آدم و حوا را میهمان کرده است. کسی که سه نفر را میهمان کند، گویا جبرئیل و میکائیل و اسرافیل را میهمان کرده است. کسی که چهار نفر را میهمان کند، گویا تورات و انجیل و زبور و قرآن را میهمان کرده است. کسی که پنج نفر میهمان کند، گویا نماز پنج گانه را به جماعت خوانده است.

٣٥٤١. وقال النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ فِي جَمْعِ الْمَالِ خَمْسَةَ أَشْيَاءَ: الْعِنَاءَ فِي جَمْعِهِ ، وَالشُّغْلَ عَنِ ذِكْرِ اللهِ بِإِصْلَاحِهِ ، وَالْخَوْفَ مِنْ سَالِيهِ وَسَارِقِهِ ، وَاحْتِمَالَ اسْمِ الْبُخْلِ لِنَفْسِهِ ، وَمُفَارَقَةَ الصَّالِحِينَ لِأَجْلِهِ .

وفى تَفْرِيقِهِ خَمْسَةَ أَشْيَاءَ: رَاحَةَ النَّفْسِ مِنْ طَلْبِهِ ، وَالْفَرَاغَ لِذِكْرِ اللهِ مِنْ حِفْظِهِ ، وَالْأَمْنَ مِنْ سَالِيهِ وَسَارِقِهِ ، وَاكْتِسَابَ اسْمِ الْكِرَامِ لِنَفْسِهِ ، وَمُصَاحَبَةَ الصَّالِحِينَ .

٣٥٤٢. وَرُوِيَ أَنَّ خَمْسَةَ أَشْيَاءَ تَوْرَثُ الْحِفْظَ: أَكَلَ الْحُلُوفِ ، وَأَكَلَ اللَّحْمِ مِمَّا يَلِي الْعُنُقَ ، وَأَكَلَ الْعَيْدَسِ ، وَأَكَلَ الْخُبْزِ الْبَارِدِ ، وَقِرَاءَةَ آيَةِ الْكُرْسِيِّ .

٣٥٤٣. وقال صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: خَمْسَةٌ مِنْ مَصَائِبِ الْآخِرَةِ: فَوَاتُ الصَّلَاةِ ، وَمَوْتُ الْعَالِمِ ، وَرُدُّ السَّائِلِ ، وَمُخَالَفَةُ الْوَالِدِينَ ، وَفَوْتُ الزَّكَاةِ .

وخمسة من مصائب الدنيا: فوت الحبيب، وذهاب المال، وشماتة الأعداء، وترك العمل، وامرأة السوء.

٣٥٤٤. وقال رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: خَمْسَةٌ يُظِلُّهُمُ اللهُ تَعَالَى تَحْتَ عَرْشِهِ يَوْمَ لَاظِلُّ إِلَّا ظِلُّهُ: الْمُصَلِّينَ ، وَالْمُزَكِّينَ أَمْوَالَهُمْ ، وَالصَّائِمِينَ ، وَالْمُجَاهِدِينَ فِي سَبِيلِ اللهِ ، وَالْحُجَّاجَ إِلَى بَيْتِ اللهِ الْحَرَامِ .

۳۵۴۱. حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: جمع کردن مال پنج عیب دارد:

رنج بدست آوردن. غفلت از یاد خدا به خاطر رسیدگی به مال. ترس از دزد و غیره. تحمل اسم بخیل. دوری از صالحان برای مال.

مصرف مال هم پنج نتیجه دارد: آسایش جان. فراغت خاطر برای ذکر خدا. ایمنی از دزد.

بدست آوردن صفت کریم. همنشینی صالحان.

۳۵۴۲. حضرت فرمودند: پنج چیز حافظه را تقویت می کند:

خوردن شیرینی. خوردن گوشت محل اتصال گردن به بدن. خوردن عدس. خوردن نان سرد. قرائت آیه الکرسی.

۳۵۴۳. حضرت فرمودند: پنج چیز از مصیبت های آخرت است: از دست رفتن نماز. مرگ عالم.

ناامید کردن سائل. نافرمانی پدر و مادر. ندادن زکات.

پنج چیز مصیبت دنیا است: مرگ دوست. از دست دادن مال. سرزنش دشمن. ترک عمل.

زن بد.

۳۵۴۴. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند در روزی که سایه ای جز عرش خدا نیست پنج نفر را در سایه عرش جای

دهد: نماز گزار زکات دهنده. روزه دار. مجاهد راه خدا. حجاج بیت الله حرام.

ص: ۲۳۱

الفصل الرابع: مِمَّا وَرَدَ عَنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٣٥٤٥. قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَوْلَا خَمْسُ خِصَالٍ لَصَارَ النَّاسُ كُلُّهُمْ صَالِحِينَ: أَوْلَاهَا الْقَنَاعَةُ بِالْجَهْلِ، وَالْحِرْصُ عَلَى الدُّنْيَا، وَالشُّحُّ بِالْفَضْلِ، وَالرِّيَاءُ فِي الْعَمَلِ، وَالْإِعْجَابُ بِالرَّأْيِ.

٣٥٤٦. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: رَأَيْتُ جَمِيعَ الْأَخْلَاءِ فَلَمْ أَرْ خَلِيلًا أَفْضَلَ مِنْ حِفْظِ اللِّسَانِ، وَرَأَيْتُ جَمِيعَ اللِّبَاسِ فَلَمْ أَرْ لِبَاسًا أَفْضَلَ مِنَ الْوَرَعِ، وَرَأَيْتُ جَمِيعَ الْأَمْوَالِ فَلَمْ أَرْ مَالًا أَفْضَلَ مِنَ الْقَنَاعَةِ، وَرَأَيْتُ جَمِيعَ الْبِرِّ فَلَمْ أَرْ بِرًّا أَفْضَلَ مِنَ الرَّحْمَةِ وَالشَّفَقَةِ، وَذُقْتُ جَمِيعَ الْأَطْعِمَةِ فَلَمْ أَرْ طَعَامًا أَلَدَّ مِنَ الصَّبْرِ.

٣٥٤٧. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: خُتِمَتِ التَّوْرَةُ بِخَمْسِ كَلِمَاتٍ، فَأَنَا أَحِبُّ أَنْ اطَّلِعُهَا فِي صَبِيحِهِ كُلِّ يَوْمٍ: الْأَوَّلُ: الْعَالِمُ الَّذِي لَا يَعْمَلُ بَعِلْمِهِ فَهُوَ وَإِبْلِيسُ سَوَاءٌ.

وَالثَّانِي: سُلْطَانٌ لَا يَعْدِلُ بِرِعْيَتِهِ فَهُوَ وَفِرْعَوْنُ سَوَاءٌ.

وَالثَّلَاثُ: فَقِيرٌ يَتَدَلَّلُ لِعَيْتِهِ طَمَعًا فِي مَالِهِ فَهُوَ وَالْكَلْبُ سَوَاءٌ.

وَالرَّابِعُ: غَنِيٌّ لَا يَنْتَفِعُ بِمَالِهِ فَهُوَ وَالْأَجْرُ سَوَاءٌ.

وَالخَامِسُ: امْرَأَةٌ تَخْرُجُ مِنْ بَيْتِهَا بِغَيْرِ ضَرُورَةٍ هِيَ وَالْأَمَةُ سَوَاءٌ.

٣٥٤٨. وَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: احْفَظُوا عَنِّي خَمْسًا، فَلَوْ رَكِبْتُمُ الْإِبِلَ لَأَنْضَيْتُمُوهُنَّ (١) فِي طَلِبِهِنَّ قَبْلَ أَنْ تُدْرِكُوهُنَّ:

لَا يَرْجُونَ عَبْدَ الْإِرْبَةِ، وَلَا يَخَافَنَّ الْإِدَابَةَ، وَلَا يَسْتَحْيِي جَاهِلٌ أَنْ يَسْأَلَ عَمَّا لَا يَعْلَمُ، وَلَا يَسْتَحْيِي عَالِمٌ إِذَا سُئِلَ عَمَّا لَا يَعْلَمُ أَنْ يَقُولَ: اللَّهُ أَعْلَمُ، وَالصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ، وَلَا إِيْمَانُ لِمَنْ لَا صَبْرَ لَهُ.

ص: ٢٣٢

١- . أنضاه: هزله (القاموس المحيط: ٣٩٦/٤).

۳۵۴۵. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: اگر پنج خصلت نبود همه مردم صالح بودند:

قناعت به نادانی. طمع به دنیا. بخل از زیادی نعمت. تظاهر و دورویی. خودپسندی در عقیده.

۳۵۴۶. حضرت فرمودند: دوستی بهتر از حفظ زبان، در میان دوستان ندیدم. در میان لباسها، لباسی برتر از تقوا ندیدم. در میان اموال، مالی برتر از قناعت ندیدم. در میان همه نیکی ها، برتر از مهربانی ندیدم. و در همه غذاها لذت بخش تر از صبر ندیدم.

۳۵۴۷. حضرت فرمودند: تورات به پنج جمله ختم شده است و دوست دارم هر روز صبح آن را مطالعه کنم:

اول: عالمی که به علم خود عمل نکند، با شیطان برابر است.

دوم: فرمانروایی که با مردم عدالت نداشته باشد، با فرعون برابر است.

سوم: فقیر طمع کاری که در برابر ثروتمند خضوع کند، با سنگ برابر است.

چهارم: ثروتمندی که از مال خود بهره نبرد، با آجر مساوی است.

پنجم: زنی که بی مورد از خانه خارج شود، با کنیز یکسان است.

۳۵۴۸. حضرت فرمودند: پنج نصیحت از من فرا گیرید. که اگر برای آموختن آن با شتر دور دنیا بگردید، شتر از پای در آید و به هدف نرسید:

به هیچ کس غیر خدا امیدوار نباشید. از چیزی جز گناه نترسید. نادان از پرسیدن آنچه نمی داند شرم نکند. اگر از عالم چیزی پرسیدند که نمی داند، شرم نکند و بگوید: خدا داناست. صبر نسبت به ایمان، مثل سر به بدن است و کسی که صبر ندارد ایمان ندارد.

٣٥٤٩. وسئِلَ عليه السلام عن العبوديَّة، قال: العبوديَّة خمسُ أشياء: خُلُوُّ البطنِ، وقراءةُ القرآنِ، وقيامُ الليلِ، والتَّضَرُّعُ عندَ الصُّبحِ، والبكاءُ من خشيةِ الله. (١).

٣٥٥٠. وقال عليه السلام: الميؤمنُ يتقلَّبُ في خمسِ مِنَ النُّورِ: مَدخلُهُ نورٌ، ومخرجهُ نورٌ، وعلمُهُ نورٌ، وكلامُهُ نورٌ، ومنظرُهُ يومَ القيامةِ إلى النُّورِ. (٢).

٣٥٥١. وقال عليه السلام: خُصِّصنا بِخمسِة: بِفصاحِةٍ، وصباحِةٍ، وسماحةٍ (٣)، ونحوه (٤)، وخطوه عند الناس (٥). (٦).

٣٥٥٢. وقال عليُّ عليه السلام: العلمُ لا يحصلُ إلا بخمسِة أشياء: أولها: بكثرةُ السُّؤالِ. والثاني: بكثرةُ الاشتغالِ.

والثالثُ: بتطهيرِ الأفعالِ. والرابعُ: بِخدمِةِ الرُّجالِ. والخامِسُ: باستِعانِةِ ذِي الجلالِ.

٣٥٥٣. وقال عليه السلام: إنَّ في جَهَنَّمَ رَحِيَّ تَطحُنُ، أفلا تَسألونني ما طَحَنُها؟ فقالوا: ما طَحَنُها يا أميرَ المؤمنين؟ فقال:

العُلَماءُ الفَجَرَةُ، والفقراءُ الفَسَقَةُ، والجبابرةُ الظَّلَمَةُ، والوزراءُ الخَوَنَةُ، والعرفاءُ الكَذِبَةُ. (٧).

٣٥٥٤. وعن جعفرِ بنِ مُحَمَّدٍ، عن آباءِهِ عليهم السلام: أنَّ أميرَ المؤمنينَ عليه السلامَ كَتَبَ إلى عَمِّهِ إليه: أدفوا أفلانكم، وقاربوا بين سطوركم، واحذفوا عني فضولكم، واقصدوا قصد المعاني، وإياكم والإكثار؛ فإنَّ أموالَ المسلمينَ لا تحتملُ الإضرارَ. (٨).

٣٥٥٥. وقال عليُّ عليه السلام: خمسِةُ أشياء يَجِبُ على القاضي الأخذُ فيها بظاهرِ الحُكمِ: الولائيَّةُ، والمناكحُ، والميواريثُ، والذَّبائِحُ، والشَّهاداتُ؛ إذا كانَ ظاهرُ الشُّهودِ مأموناً جازتْ شهادتُهُم ولايسألُ عن باطنِهِم. (٩).

٣٥٥٦. وقال عليه السلام: السُّباقُ خمسِة: أنا سابقُ العَرَبِ، وسلمانُ سابقُ فارسَ، وصُهَيْبُ سابقُ الرُّومِ، وبلالٌ سابقُ الحبشِ، وخبَّابُ سابقُ التَّبَطِ (١٠). (١١).

ص: ٢٣٤

١- . جامع الأخبار، ص ١٧٨.

٢- . الخصال، ص ٢٧٧، ح ٢٠.

٣- . السماحة: الجود (لسان العرب: ٤٨٩/٢).

٤- . لعلَّ المراد النخوة عند الباطل فيمَرَّ عليه مرور الكرام، ولا يقربه، أو المراد الفخر بالنبوَّة والإمامه وطهاره الآباء والأُمَّهات.

٥- . الخطوة: المكانه والمنزله للرجل من ذى سلطان ونحوه (لسان العرب: ١٨٥/١٤). وفي الأصل: «خطوه عند النساء».

٦- . الخصال، ص ٢٨٦، ح ٤٠، مع اختلافٍ يسير.

٧- . الخصال، ص ٢٩٦، ح ٦٥.

٨- . الخصال، ص ٣١٠، ح ٨٥.

٩- . الخصال، ص ٣١١، ح ٨٨.

١٠- . النبط: جيلٌ معروف، كانوا ينزلون بالبطائح بين العراقيين (النهايه: ٩/٥).

١١- . الخصال، ص ٣١٢، ح ٨٩.

۳۵۴۹. از امیرالمؤمنین علیه السلام درباره عبودیت پرسیدند. حضرت فرمودند: بندگی به پنج چیز است:

خالی نگهداشتن شکم. خواندن قرآن. نماز شب. گریه صبحگاهی. گریه از ترس خدا.

۳۵۵۰. حضرت فرمودند: مؤمن پنج نور دارد: محل ورودش. محل خروجش. علم مؤمن. سخن مؤمن. روز قیامت نگاه مؤمن به نور است.

۳۵۵۱. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: خداوند پنج ویژگی به ما داده است: فصاحت، جمال، کرم، بزرگی، احترام نزد مردم.

۳۵۵۲. حضرت فرمودند: علم، جز با پنج کار بدست نمی آید: زیاد پرسیدن. زیاد زحمت کشیدن.

پاکیزه کردن کارها. خدمت گزاری بزرگان. کمک گرفتن از خدا.

۳۵۵۳. حضرت فرمودند: در جهنم آسیابی است که می چرخد. آیا نمی پرسید چه چیزی را خرد می کند؟ گفتند: یا امیرالمؤمنین چه چیزی؟ حضرت فرمودند: علماء گنهکار و فقیران معصیت پیشه و حاکمان ستمگر و وزیران خائن و عارفان دروغگو.

۳۵۵۴. امیرالمؤمنین علیه السلام به فرمانداران خود نوشت: نوک قلمهارا نازک تر کنید، سطرها را به هم نزدیکتر. و کلمات اضافی را حذف. و معانی متوسط را انتخاب کنید. و از زیاده روی و اسراف پرهیز کنید. که اموال مسلمانان ضرر نبیند.

۳۵۵۵. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: در پنج مورد بر قاضی لازم است که به ظاهر حکم کند: ولایت.

ازدواج. ارث. ذبح حیوانات. شهادت.

همینکه شهود ظاهراً امین بودند از باطن آنها جستجو نشود.

۳۵۵۶. حضرت فرمودند: پشتان پنج نفرند: من پشتان عرب هستم. و سلمان پشتان فارس و صهیب پشتان روم و بلال پشتان حبشه و خباب پشتان بطن.

٣٥٥٧. عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْكَوْفَةِ فِي الْجَامِعِ، إِذْ قَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ فَسَأَلَهُ عَنْ مَسَائِلَ؛ فَكَانَ فِيهَا سَأَلُهُ أَنْ قَالَ لَهُ: أَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ * وَأُمِّهِ * وَأَبِيهِ * وَصَحْبَتِهِ * وَبَيْنِهِ» مَنْ هُمْ؟ (١)

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَابِلُ يَفِرُّ مِنْ هَابِلَ، وَالَّذِي يَفِرُّ مِنْ أُمِّهِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَالَّذِي يَفِرُّ مِنْ أَبِيهِ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَالَّذِي يَفِرُّ مِنْ صَاحِبَتِهِ لَوْطٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَالَّذِي يَفِرُّ مِنْ ابْنِهِ نُوحٌ، وَالَّذِي يَفِرُّ مِنْ بَنِيهِ كَنْعَانُ. (٢)

قَالَ ابْنُ بَابُوَيْهِ رَحِمَهُ اللَّهُ: إِنَّمَا يَفِرُّ مُوسَى مِنْ أُمِّهِ خَشْيَةً أَنْ يَكُونَ قَصَرَ فِيهَا وَجَبَ عَلَيْهِ مِنْ حَقِّهَا، وَإِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّمَا يَفِرُّ مِنَ الْأَبِ الْمُشْرِكِ الْمُرَبِّي لَا مِنَ الْأَبِ الْوَالِدِ وَهُوَ تَارِخُ. (٣)

٣٥٥٨. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْكَوْفَةِ فِي الْجَامِعِ، إِذْ قَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ فَسَأَلَهُ عَنْ مَسَائِلَ، فَكَانَ فِيهَا سَأَلُهُ أَنْ قَالَ لَهُ: أَخْبِرْنِي عَنْ خَمْسَةٍ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ تَكَلَّمُوا بِالْعَرَبِيَّةِ، فَقَالَ: هُوْدٌ، وَصَالِحٌ، وَشُعَيْبٌ، وَإِسْمَاعِيلُ، وَمُحَمَّدٌ «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ». (٤)

٣٥٥٩. وَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَسَمْتُ أُمُورَ النَّاسِ إِلَى خَمْسَةٍ وَعِشْرِينَ قِسْمًا: خَمْسَةٌ بِالْقَضَاءِ وَالْقَدْرِ، وَخَمْسَةٌ بِالْإِجْتِهَادِ، وَخَمْسَةٌ بِالْعَادَةِ، وَخَمْسَةٌ بِالْجَوْهَرِ (٥)، وَخَمْسَةٌ بِالْوَرَاثَةِ.

فَأَمَّا الَّتِي بِالْقَضَاءِ وَالْقَدْرِ فَالْعُمْرُ، وَالرِّزْقُ، وَالْأَجَلُ، وَالْوَلَدُ، وَالسُّلْطَانُ.

وَأَمَّا الَّتِي بِالْإِجْتِهَادِ فَالْعِلْمُ، وَالْكِتَابَةُ، وَالْفُرُوسِيَّةُ، وَالْجَنَّةُ، وَالنَّارُ.

وَأَمَّا الَّتِي بِالْعَادَةِ فَالْأَكْلُ، وَالنَّوْمُ، وَالْمَشْيُ، وَالنَّكَاحُ، وَالتَّعَوُّطُ.

وَأَمَّا الَّتِي بِالْجَوْهَرِ فَالْمُرُوءَةُ، وَالْأَمَانَةُ، وَالسَّخَاءُ، وَالصَّدْقُ، وَالتَّوَاصُلُ.

وَأَمَّا الَّتِي بِالْوَرَاثَةِ فَالشَّكْلُ، وَالْجِسْمُ، وَالْهَيْئَةُ، وَالذَّهْنُ، وَالْخَلْقُ (٦).

٣٥٦٠. وَمِنْ كَلَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ صَيَّرَ يَوْمَهُ فِي غَيْرِ حَقِّ قَضَاءٍ أَوْ فَرَضٍ أَدَاهُ أَوْ حَمْدٍ حَصَلَهُ أَوْ خَيْرٍ أَسَّسَهُ أَوْ عِلْمٍ اقْتَبَسَهُ؛ فَقَدْ عَقَى يَوْمَهُ. (٧)

ص: ٢٣٦

١- . الخصال، ص ٣١٨، ح ١٠٢.

٢- . الخصال، ص ٣١٨، ح ١٠٢.

٣- . الخصال، ص ٣١٨، ح ١٠٢.

٤- . الخصال، ص ٣١٩، ح ١٠٣.

- ٥- . جوهر الشيء: ما وُضعت عليه جِبَلَّتُهُ، وكلّ حجر يستخرج منه شيء ينتفع به، وما يقابل العرض. والمراد هنا المعنى الأوّل.
- ٦- . الخلق بالضمّ السجّيه والطبع، وهذا معنى دقيق في معرفه الإنسان وسجاياه وتأثير الوراثه فيه.
- ٧- . شرح نهج البلاغّه، ج ٢٠، ص ٣٣٤، ح ٨٣٣.

۳۵۵۷. امیرالمؤمنین علیه السلام در مسجد کوفه بودند، مردی از شام از آن حضرت چند سؤال پرسید. یکی از سؤالات این بود: در قرآن می فرماید: «روزی که انسان از برادر و مادر و پدر و همسر و فرزندش فرار می کند». اینان چه کسانی هستند؟

حضرت فرمودند: قایل از هابیل فرار می کند. موسی از مادرش. و ابراهیم از پدرش. و لوط از همسرش. و نوح از فرزندش. و کنعان هم از فرزندانش فرار می کنند.

ابن بابویه رحمه الله گوید: موسی از مادرش فرار می کند، برای اینکه می ترسد حق او را ادا نکرده باشد. ابراهیم هم از پدرش فرار نمی کند بلکه از مربی خود که پدر خوانده اوست و مشرک بود فرار می کند.

۳۵۵۸. امیرالمؤمنین علیه السلام در مسجد کوفه بودند مرد شامی سؤال کرد: پنج پیامبر که عربی صحبت کردند کدام بودند: حضرت فرمودند: هود و صالح و شعیب و اسماعیل و محمد صلی الله علیه و آله.

۳۵۵۹. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: امور مردم به بیست و پنج قسمت تقسیم می شود:

پنج قسمت مربوط به قضا و قدر است که عبارتند از: عمر و رزق و مرگ و فرزند و سلطنت.

پنج قسمت مربوط به تلاش و کوشش است که عبارتند از: علم، نوشتن، زیرکی، بهشت و جهنم.

پنج قسمت مربوط به عادت است: خوردن، خوابیدن، راه رفتن، ازدواج و تخلیه شکم.

پنج قسمت مربوط به گوهر انسان است: جوانمردی، امانت داری، سخاوت، صداقت و رابطه اجتماعی.

پنج قسمت مربوط وراثت است: شکل و جسم و ترکیب و ذهن و خلقت.

۳۵۶۰. حضرت فرمودند: کسی که روز خود را در غیر این پنج مورد مصرف کند در حق آن روز ستم کرده است: ادای حق، انجام واجب، تحصیل ستایش، بنای خیر، فراگیری دانش.

٣٥٦١. القرآن آمِرٌ زاجِرٌ، وصامِتٌ ناطِقٌ، حُجَّةٌ اللهُ على خلقه. (١).

٣٥٦٢. العَجْزُ آفَةٌ، وَالصَّبْرُ شَجَاعَةٌ، وَالزُّهْدُ ثَرَوَةٌ، وَالْوَرَعُ جُنَّةٌ، وَنِعَمَ الْقَرِينِ الرَّضَى.

٣٥٦٣. يَتَبَغَى أَنْ يَكُونَ التَّفَاخُرُ بَعْلِيًّا (٢) الْهَمَمِ، وَالْوَفَاءُ بِالذَّمَمِ، وَالْمُبَالَغَةُ فِي الْكِرَمِ، لَا يَبْوَالِي (٣) الرَّمَمِ (٤)، وَرَدَائِلِ الشَّيْمِ (٥).

٣٥٦٤. الْعَجَلَةُ فِي الْأُمُورِ مَكْسَبَةٌ لِلْمَذَلَّةِ، وَزِمَامٌ لِلنَّدَامَةِ، وَسَلْبٌ لِلْمُرُوءَةِ، وَشَيْنٌ لِلْحِجَى (٦)، وَدَلِيلٌ عَلَى ضَعْفِ الْعَقِيدَةِ (٧).

٣٥٦٥. يَتَبَغَى لِلْعَاقِلِ أَنْ يَحْتَرِسَ [مِنْ] (٨) سِيْكَرِ الْمَالِ، وَسِيْكَرِ الْعِلْمِ، وَسِيْكَرِ الْقُدْرَةِ، وَسِيْكَرِ الْمَدْحِ، وَسِيْكَرِ الشَّبَابِ؛ فَإِنَّ (٩) لِكُلِّ (وَاحِدٍ مِنْ) (١٠) ذَلِكَ رِيْحًا (١١) حَبِيْئَةً، تَسْلُبُ الْعَقْلَ وَتَسْتَخْفُ الْوَقَارَ (١٢).

٣٥٦٦. قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي ذِكْرِ الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ: نُوْرٌ لِمَنْ اسْتَضَاءَ بِهِ، وَشَاهِدٌ لِمَنْ خَاصَمَ بِهِ، وَفَلَجٌ (١٣) لِمَنْ حَاجَّ بِهِ، وَعِلْمٌ (١٤) لِمَنْ وَعَى (١٥)، وَحُكْمٌ لِمَنْ قَضَى (١٦).

٣٥٦٧. لَا- تَصْحَبُ الْجَاهِلَ فَإِنَّ فِيهِ خِصَالًا، فَاعْرِفُوهُ بِهَا: يَغْضَبُ مِنْ غَيْرِ غَضَبٍ، وَيَتَكَلَّمُ فِي غَيْرِ نَفْعٍ، وَيُعْطَى فِي غَيْرِ مَوْضِعِ الْإِعْطَاءِ، وَلَا يَعْرِفُ صَدِيْقَهُ مِنْ عَدُوِّهِ، وَيُنْفِشُ سِرَّهُ إِلَى كُلِّ أَحَدٍ (١٧).

٣٥٦٨. مَا وَلَدْتُمْ فَلِلَّتْرَابِ، وَمَا بَنَيْتُمْ فَلِلْخَرَابِ، وَمَا جَمَعْتُمْ فَلِلذَّهَابِ، وَمَا عَمِلْتُمْ فَفِي كِتَابٍ مُدَّخَرٍ (١٨) لِيَوْمِ الْحِسَابِ (١٩).

٣٥٦٩. لَيْسَ شَيْءٌ أَحْسَنَ مِنْ عَقْلِ زَانَةٍ عِلْمٍ، وَمِنْ عِلْمِ زَانَةٍ حِلْمٍ، وَمِنْ حِلْمِ زَانَةٍ صِدْقٍ، وَمِنْ صِدْقِ زَانَةٍ رِفْقٍ، وَمِنْ رِفْقِ زَانَةٍ تَقْوَى (٢٠).

ص: ٢٣٨

- ١- . نهج البلاغه، ج ٢، ص ١١١.
- ٢- . الناسخ: بُلُوٌّ.
- ٣- . بَلَى الثَّوْبُ: خَلِقَ وَرَثَ (أقرب الموارد: بلى).
- ٤- . الرَّمَمُ: الْعِظَامُ الْبَالِيَةُ (أقرب الموارد: رمم).
- ٥- . عيون الحكم والمواعظ، ص ٥٥٥.
- ٦- . الْحِجَى: الْعَقْلُ وَالْفِطْنَةُ (لسان العرب: حجو).
- ٧- . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٢٧٢.
- ٨- . أثبتناه من باقى النسخ.
- ٩- . الناسخ: وَإِنَّ.
- ١٠- . ليس فى الناسخ.
- ١١- . الغرر - ط النجف - والناسخ: ريحاً.

- ١٢- . تصنيف غررالحكم، ص ٦٦، ح ٨٧٥.
- ١٣- . الفلج: الظفر والفوز (لسان العرب: فلج).
- ١٤- . الغرر - ط النجف - والترجمه: وحلم.
- ١٥- . وعى: حفظ (المجمع: وعى).
- ١٦- . تصنيف غررالحكم، ص ١١٠، ح ١٩٦٧.
- ١٧- . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٢٧٧، ح ١٩٣.
- ١٨- . الترجمة: الكتاب مدخر.
- ١٩- . تصنيف غررالحكم، ص ١٣٣، ح ٢٣٠٨.
- ٢٠- . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٢٦٧، ح ٩٩.

۳۵۶۱. حضرت فرمودند: قرآن امر می کند و باز می دارد، ساکت و ناطق و حجه خدا بر خلق است.

۳۵۶۲. حضرت فرمودند: عجز آفت است. و صبر شجاعت. و زهد ثروت. و پرهیزکاری سپر است. و بهترین همنشین رضایت است.

۳۵۶۳. حضرت فرمودند: سزاوار است که به همت عالی و وفای به عهد و کرامت بسیار فخر کنند. نه به استخوانهای پوسیده و خصلتهای ناپسند.

۳۵۶۴. حضرت فرمودند: عجله کردن در کارها باعث ذلت و پشیمانی و سلب جوانمردی و کاستن عقل می شود. و دلیل ضعف عقیده است.

۳۵۶۵. حضرت فرمودند: سزاوار است که عاقل از پنج مستی پرهیز کند: مستی مال. مستی علم.

مستی قدرت. مستی ستایش شدن. مستی جوانی.

هر یک از اینها بوی زشت دارند. و عقل را سلب می کنند. و باعث کم شدن وقار می شوند.

۳۵۶۶. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام درباره قرآن فرمودند: نور است برای کسی که از آن روشنائی بخواهد. و شاهد است برای کسی که با آن مخاصمه کند. پیروزی است برای کسی که به آن استدلال کند. علم است برای کسی که آن را حفظ کند. و حکم است برای کسی که با آن قضاوت کند.

۳۵۶۷. حضرت فرمودند: با نادان همنشین مشو که پنج عیب دارد: بدون علت خشمگین می شود.

بی فایده سخن می گوید. بی مورد عطا می کند. و دوست خود را از دشمن نمی شناسد. و راز خود را با هر کس بازگو می کند.

۳۵۶۸. حضرت فرمودند: اولاد شما برای خاک و بناهای شما برای خرابی و آنچه جمع کرده اید برای از بین رفتن و اعمال شما در نامه ای برای روز حساب ذخیره می شود.

۳۵۶۹. حضرت فرمودند: چیزی بهتر از عقلی که با علم و علمی که با بردباری و بردباری ای که با صداقت و صداقتی که با مدارا و مدارایی که با تقوا زینت شده است، نیست. بردباری موازن با صداقت و صداقت موازن با رفق و رفق موازن با پرهیزکاری نیست.

٣٥٧٠. مَنْ عَلِمَ أَنَّهُ يُفَارِقُ الْأَحْبَابَ، وَيَسْكُنُ التُّرَابَ، وَيُوجِهُ الْحِسَابَ، وَيَسْتَعْنِي عَمَّا تَرَكَ، وَيَفْتَقِرُ إِلَى مَا قَدَّمَ؛ كَانَ حَرِيًّا بِقَصْرِ الْأَمَلِ، وَطَوَّلِ الْعَمَلِ. (١)

٣٥٧١. مَنْ كَثُرَ كَلَامُهُ كَثُرَ خَطَاؤُهُ، وَمَنْ كَثُرَ خَطَاؤُهُ قَلَّ حَيَاؤُهُ، وَمَنْ قَلَّ حَيَاؤُهُ قَلَّ وَرَعُهُ، وَمَنْ قَلَّ وَرَعُهُ مَاتَ قَلْبُهُ، وَمَنْ مَاتَ قَلْبُهُ دَخَلَ النَّارَ. (٢)

٣٥٧٢. الْمَوْتُ رَاحَةٌ لِلشَّيْخِ الْفَانِي مِنَ الْعَمَلِ، وَلِلشَّابِّ السَّقِيمِ (٣) مِنَ السَّقَمِ، وَلِلْغُلَامِ النَّاشِئِ مِنَ اسْتِقْبَالِ الْكَدِّ وَالْجَمْعِ لِغَيْرِهِ، وَلِمَنْ رَكِبَهُ الدَّيْنُ مِنْ غُرْمَائِهِ، وَلِلْمَطْلُوبِ بِالْوَتْرِ (٤)، وَهُوَ فِي جُمْلَةِ الْأَمْرِ أَمِّيَّةٌ كُلُّ مَلْهُوفٍ مَجْهُودٍ. (٥)

٣٥٧٣. الْمُؤْمِنُ لَا يُعَيِّرُ أَخَاهُ، وَلَا يَخُونُهُ، وَلَا يَتَّهَمُهُ، وَلَا يَخْذُلُهُ، وَلَا يَتَّبِرُ مِنْهُ. (٦)

٣٥٧٤. الْمُؤْمِنُونَ لِأَنْفُسِهِمْ مُتَّهَمُونَ، وَمِنْ فَارِطٍ زَلَّ لَهُمْ وَجِلُونَ، وَلِلدُّنْيَا عَائِفُونَ (٧)، وَإِلَى الْآخِرَةِ مُشْتَاقُونَ، وَإِلَى الطَّاعَاتِ مُسَارِعُونَ. (٨)

ص: ٢٤٠

١- . شرح نهج البلاغه، ص ٢٦٨، ح ١٠٧.

٢- . تحف العقول، ص ٨٩.

٣- . الحكم: المسقام.

٤- . الوتر: الجنایه التي يجنيها الرجل على غيره من قتل أو نهب أو سبي (لسان العرب: وتر).

٥- . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٢٦٠، ح ٤٠.

٦- . تحف العقول، ص ١١٢.

٧- . عائفون: كارهون (لسان العرب: عيف).

٨- . عيون الحكم والمواعظ، ص ٦٦.

۳۵۷۰. حضرت فرمودند: کسی که بداند از دوستانش جدا می شود و در خاک جای می گیرد و با حسابرسی روبرو می شود و از آنچه باقی گذاشته بی نیاز می شود و به اعمالی که از پیش فرستاده محتاج می شود. شایسته است که آرزو را کوتاه و عمل را طولانی کند.

۳۵۷۱. حضرت فرمودند: کسی که زیاد حرف بزند، خطایش زیاد می شود. و کسی که خطایش زیاد شود، حیاء او کم می شود. و کسی که حیاء او کم شود، تقوای او کم می شود. و کسی که تقوایش کم شود، قلبش می میرد. و کسی که قلبش بمیرد، اهل جهنم است.

۳۵۷۲. حضرت فرمودند: مرگ راحتی پنج نفر از پنج چیز است: پیرمرد از عمل. جوان بیمار از بیماری. جوان تازه کار از کار کردن برای دیگران. بدهکار از طلبکاران. جانی از مجازات.

خلاصه مرگ ایمنی هر گرفتار مبتلاست.

۳۵۷۳. حضرت فرمودند: مؤمن برادرش را سرزنش نمی کند. و به او خیانت نمی کند. و تهمت نمی زند. و برادرش را تنها نمی گذارد. و از برادرش بیزار نمی شود.

۳۵۷۴. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: مؤمنان نزد خود خویش را متهم می دانند. و از لغزش زیاد وحشت دارند. و به دنیا بی میل هستند. و به آخرت اشتیاق دارند. و بسوی طاعت سرعت می گیرند.

٣٥٧٥. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: وَجَدْنَا فِي كِتَابِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْكِبَائِرَ خَمْسًا: الشُّرْكَ بِاللَّهِ، وَعُقُوقَ الْوَالِدِينَ، وَأَكَلَ الرَّبَا بَعْدَ الْبَيْتِ، وَالْفِرَارَ مِنَ الرَّحْفِ، وَالتَّعْرُبَ بَعْدَ الْهَجْرَةِ. (١)

٣٥٧٦. وَعَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ: أَخْبِرْنِي عَنِ الْكِبَائِرِ، فَقَالَ: هُنَّ خَمْسٌ، وَهِنَّ مِمَّا أَوْجَبَ اللَّهُ عَلَيْهِنَّ النَّارَ: قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْفُونَ سِيعِيرًا»، وَقَالَ: «يَأْيُهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا» إِلَى آخِرِ الْآيَةِ، وَقَالَ: «يَأْيُهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحَفُوا فَلَا تُولُوهُمْ الْأَدْبَارَ» إِلَى آخِرِ الْآيَةِ، وَرَمَى الْمُحْصَنَاتِ (٢) الْغَافِلَاتِ، وَقَتَلَ الْمُؤْمِنِينَ مُتَعَمِّدًا. (٣)

٣٥٧٧. وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الصَّدَاقَةُ مَحْدُودَةٌ؛ فَمَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ تِلْكَ الْحُدُودُ فَلَا تَنْسِبُهُ إِلَى كَمَالِ الصَّدَاقَةِ، وَمَنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ شَيْءٌ مِنْ تِلْكَ الْحُدُودِ فَلَا تَنْسِبُهُ إِلَى شَيْءٍ مِنَ الصَّدَاقَةِ:

أُولُهَا: أَنْ تَكُونَ سَرِيرَتُهُ وَعَلَانِيَتُهُ لَكَ وَاحِدَةً. وَالثَّانِيَةُ: أَنْ يَزِينَكَ زِينُهُ وَيَشِينَكَ شَيْنُهُ. وَالثَّلَاثَةُ:

أَنْ لَا يُعَيِّرَهُ مَالٌ وَلَا وِلَايَةٌ. وَالرَّابِعَةُ: لَا يَمْنَعُكَ شَيْئًا مِمَّا تَصِلُ إِلَيْهِ مَقْدِرَتُهُ. وَالخَامِسَةُ: لَا يُسَلِّمُكَ عِنْدَ النَّكَاتِ. (٤)

ص: ٢٤٢

١- الخصال، ص ٢٧٣، ح ١٦.

٢- المحصنات: المتعففات وذوات الأزواج.

٣- الخصال، ص ٢٧٣، ح ١٧.

٤- الخصال، ص ٢٧٧، ح ١٩.

۳۵۷۵. امام صادق علیه السلام فرمودند: در کتاب علی بن ابیطالب علیه السلام دیدیم، گناهان کبیره پنج گناه است:

شرک به خدا و اذیت پدر و مادر و ربا خواری بعد از آگاهی از حکم و فرار از جنگ و بازگشت به کفر بعد از هجرت به اسلام.

۳۵۷۶. عبید بن زراره از امام صادق علیه السلام درباره گناهان کبیره پرسید. حضرت فرمودند: پنج گناه است که خدا وعده آتش به آن داده است:

«کسانی که مال یتیم می خورند، آتش به شکم خود می ریزند. و بزودی وارد جهنم می شوند».

ربا، خدا می فرماید: «ای مؤمنان از خدا بترسید و ربا را رها کنید».

فرار از جنگ، می فرماید: «ای مؤمنان هنگامی که با کفار روبرو می شوید، از جنگ فرار نکنید».

تهمت زدن به زنان شوهردار پاکدامن.

قتل عمدی مؤمن.

۳۵۷۷. امام صادق علیه السلام فرمودند: دوستی محدوده ای دارد. و هر کس همه این حدود در او نیست، دوست کامل نیست. و هر کس هیچ یک از این حدود در او نیست، اصلاً دوست نیست.

اول: ظاهر و باطن او برای تو یکی باشد. دوم: خوبی او خوبی تو و بدیش بدی تو باشد.

سوم: مال و مقام او را تغییر نمی دهد. چهارم: آنچه در توان دارد از تو مضایقه نمی کند.

پنجم: در سختیها تو را تنها نمی گذارد.

٣٥٧٨. وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: خَمْسُ خِصَالٍ مَنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ خِصْلَةٌ مِنْهَا فَلَيْسَ فِيهِ كَبِيرٌ مُسْتَمْتَعٌ:

أَوَّلُهَا: الْوَفَاءُ. وَالثَّانِيَةُ: التَّدْبِيرُ. وَالثَّلَاثَةُ: الْحَيَاءُ. وَالرَّابِعَةُ: حُسْنُ الْخُلُقِ. وَالخَامِسَةُ - وَهِيَ تَجَمُّعُ هَذِهِ الْخِصَالِ -: الْحُرِّيَّةُ. (١)

٣٥٧٩. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: خَمْسُ خِصَالٍ مَنْ فَقَدَ مِنْهُنَّ وَاحِدَةً لَمْ يَزَلْ نَاقِصَ الْعَيْشِ زَائِلَ الْعَقْلِ مَشْغُولَ الْقَلْبِ، فَأَوَّلُهَا:

صِحَّةُ الْيَدَنِ. وَالثَّانِيَةُ: الْأَمْنُ. وَالثَّلَاثَةُ: السَّعَةُ فِي الرِّزْقِ. وَالرَّابِعَةُ: الْأَنْيَسُ الْمُوَافِقُ؛ قُلْتُ: وَمَا الْأَنْيَسُ الْمُوَافِقُ؟ قَالَ: الرَّوْجُ الصَّالِحُ، وَالْوَالِدُ (٢) الصَّالِحُ، وَالْخَلِيطُ الصَّالِحُ. وَالخَامِسَةُ - وَهِيَ تَجَمُّعُ هَذِهِ الْخِصَالِ -: الدَّعَةُ. (٣)

٣٥٨٠. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا يُقَسَّمُ بَيْنَ الْعِبَادِ أَقْلٌ مِنْ خَمْسٍ: الْيَقِينُ، وَالْقُنُوعُ، وَالصَّبْرُ، وَالشُّكْرُ، وَالَّذِي يَحْمِلُ هَذَا كُلَّهُ الْعَقْلُ. (٤)

٣٥٨١. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: قَالَ إِبْلِيسُ: خَمْسَةٌ أَشْيَاءَ لَيْسَ لِي فِيهِنَّ حِيلَةٌ وَسَائِرُ النَّاسِ فِي قَبْضَتِي: مَنْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ مِنْ نَيْتِهِ صَادِقَةً فَاتَّكَلَ عَلَيْهِ فِي جَمِيعِ أُمُورِهِ، وَمَنْ كَثُرَ تَسْبِيحُهُ فِي لَيْلِهِ وَنَهَارِهِ، وَمَنْ رَضِيَ لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ مَا يَرْضَاهُ لِنَفْسِهِ، وَمَنْ لَمْ يَجْزَعْ عَلَى الْمُصِيبَةِ حِينَ تُصِيبُهُ، وَمَنْ رَضِيَ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لَهُ وَلَمْ يَهْتَمَّ لِرِزْقِهِ. (٥)

٣٥٨٢. عَنْ عَدِّهِ مِنْ أَصْحَابِنَا يَرْفَعُونَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: خَمْسَةٌ لَا يُعْطَوْنَ مِنَ الرَّكَاهِ: الْوَالِدُ، وَالْوَالِدَانِ، وَالْمَرْأَةُ، وَالْمَمْلُوكُ؛ لِأَنَّهُ يَجِبُ عَلَى الرَّجُلِ النَّفْقَةُ عَلَيْهِمْ. (٦)

٣٥٨٣. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: خَمْسَةٌ مِنْ فَاكِهَةِ الْجَنَّةِ فِي الدُّنْيَا: الرُّمَّانُ الْإِمْلِسِيُّ (٧)، وَالتَّفَّاحُ، وَالسَّفْرَجِيلُ، وَالْعِنْبُ، وَالرُّطْبُ الْمُشَانُ (٨). (٩)

٣٥٨٤. وَعَنْ أَبِي اسَامَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَلَا أَخْبِرُكُمْ بِخَمْسَةٍ لَمْ يُطَّلِعِ اللَّهُ عَلَيْهَا أَحَدًا مِنْ خَلْقِهِ؟ قَالَ:

قُلْتُ: بَلَى، قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ، وَيُنزَّلُ الْعَيْثُ، وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ، وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَازَا تَكْسِبُ عَدَاءً، وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ، إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ. (١٠)

ص: ٢٤٤

١- . الخصال، ص ٢٨٤، ح ٣٣.

٢- . في الأصل: «الوالد» وصححناه من الخصال و البحار و غيرهما.

٣- . الخصال، ص ٢٨٤، ح ٣٤.

٤- . الخصال، ص ٢٨٥، ح ٣٦.

٥- . الخصال، ص ٢٨٥، ح ٣٧.

٦- . الخصال، ح ٤٥، ص ٢٨٨.

٧- . الإمليس: الفلاه ليس بها نبات. والرمان الإمليسي كأنه منسوب إليه (القاموس المحيط: ٢/٢٥٢).

٨- . المشان: نوع من التمر، أو هو أطيبه.

٩- . الخصال، ص ٢٨٩، ح ٤٧.

١٠- . الخصال، ص ٢٩٠، ح ٤٩.

۳۵۷۸. امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس یکی از این پنج خصلت را نداشته باشد، از او فائده زیادی انتظار نمی رود:
اول: وفاء. دوم: تدبیر. سوم: حياء. چهارم: اخلاق خوش. پنجم: آزادگی، که همه خصلتها در آن جمع می شود.

۳۵۷۹. امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس یکی از این پنج وصف را نداشته باشد، زندگی خوش ندارد.

و عقل او پریده و دغدغه فکری دارد: اول: سلامتی بدن. دوم: امنیت. سوم: مال کافی.

چهارم: انیس موافق. راوی پرسید: انیس موافق کیست؟ حضرت فرمودند: همسر شایسته و فرزند صالح و دوست صالح.

پنجم: آرامش خاطر که جامع همه موارد است.

۳۵۸۰. امام صادق علیه السلام فرمودند: آنچه کمتر از همه چیز، بین مردم تقسیم شده است پنج چیز است:

یقین. قناعت. صبر. شکر. عقل [که جامع همه موارد است].

۳۵۸۱. حضرت فرمودند: شیطان گفت: من برای پنج نفر چاره ای ندارم بقیه مردم در چنگ من هستند: کسی که در همه کار با نیت صادق توکل به خدا کند. کسی که در شبانه روز زیاد تسبیح گوید. کسی که برای برادرش آنچه پسندد که برای خود می پسندد. کسی که در مصیبت جزع نکند [صبر کند]. کسی که به قسمت الهی خشنود باشد. و غصه روزی نخورد.

۳۵۸۲. حضرت فرمودند: زکات را به پنج نفر نمی شود داد: فرزند، پدر، مادر، همسر، غلام. چون مخارج اینها بعهده انسان است.

۳۵۸۳. حضرت فرمودند: در دنیا پنج میوه بهشتی هست: انار. سیب. به. انگور. رطب.

۳۵۸۴. امام صادق علیه السلام فرمودند: آیا می خواهید از پنج چیز خبر بدهم که خدا احدی از مخلوقات را به آن آگاه نکرده است؟ ابواسامه گفت: بلی.

حضرت فرمودند: علم ساعت قیامت، نزد خداست. نزول باران. آنچه در رحم مادران است. کسی نمی داند فردا چه می کند. کسی نمی داند در کجا می میرد. خدا به همه چیز آگاه است.

٣٥٨٥. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يَقُولُ: إِنَّ الْمَعْرِفَةَ بِكَمَالِ دِينِ الْمُسْلِمِ تَرْكُهُ الْكَلَامَ فِيمَا لَا يَعْنِيهِ، وَقِلَّةَ الْمِرَاءِ، وَحِلْمُهُ، وَصَبْرُهُ، وَحُسْنَ خُلُقِهِ. (١)

٣٥٨٦. عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّمَا شِيعَةُ جَعْفَرٍ مَنْ كَفَّ بَطْنَهُ وَفَرَجَهُ، وَاشْتَدَّ جِهَادُهُ، وَعَمِلَ لِخَالِقِهِ، وَرَجَا ثَوَابَهُ، وَخَافَ عِقَابَهُ؛ وَإِذَا رَأَيْتَ أَوْلِيكَ فَأَوْلِيكَ شِيعَةُ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (٢)

٣٥٨٧. وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: خَمْسَةٌ يُتَمَوَّنَ فِي سَفَرٍ كَانُوا أَوْ فِي حَضْرٍ: الْمُكَارِيُّ، وَالْكَرِيُّ (٣)، وَالْإِشْتِقَانُ؛ وَهُوَ الْبَرِيدُ، وَالزَّرَاعِيُّ، وَالْمَلَّاحُ؛ لِأَنَّهُ عَمَلُهُمْ. (٤)

٣٥٨٨. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: خَمْسٌ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْيَمَانِيُّ، وَالسُّفْيَانِيُّ، وَالْمُنَادَى مِنَ السَّمَاءِ، وَخَسْفُ الْبِيَدَاءِ، وَقَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ. (٥)

٣٥٨٩. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: شَاوِرْ فِي أُمُورِكَ مِمَّا يَفْتَضِي الدِّينَ مِنْ فِيهِ خَمْسٌ خِصَالٍ: عَقْلٌ، وَعِلْمٌ، وَتَجْرِبَةٌ، وَنُصْحٌ، وَتَقْوَى. فَإِنْ لَمْ تَجِدْ فَاسْتَعْمِلِ الْخَمْسَةَ وَاعْزِمِ وَتَوَكَّلْ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ يُؤَدِّيكَ إِلَى الصَّوَابِ. (٦)

٣٥٩٠. رُوِيَ عَنْ زَكَرِيَّا بْنِ مَالِكٍ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ سَأَلَهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ»، قَالَ: أَمَّا خُمُسُ الرَّسُولِ فَلِأَقْرَبِهِ، وَخُمُسُ ذَوِي الْقُرْبَىٰ فَهُمْ أَقْرَبَاؤُهُ، وَالْيَتَامَىٰ أَهْلُ بَيْتِهِ، فَجَعَلَ هَذِهِ الْأَرْبَعَةَ سَهْمًا فِيهِمْ، وَأَمَّا الْمَسَاكِينُ وَأَبْنَاءُ السَّبِيلِ فَقَدْ عَلِمْتَ أَنَّا لَا نَأْكُلُ الصَّدَقَةَ وَلَا تَحِلُّ لَنَا، فَهِيَ لِلْمَسَاكِينِ وَأَبْنَاءِ السَّبِيلِ. (٧)

ص: ٢٤٦

- ١- الخصال، ص ٢٩٠، ح ٥٠.
- ٢- الخصال، ص ٢٩٥، ح ٦٣.
- ٣- الكرى - بالفتح -: المكترى؛ فعيل بمعنى مفتعل، وقد يجيء بمعنى المكري.
- ٤- الخصال، ص ٣٠٢، ح ٧٧.
- ٥- الخصال، ص ٣٠٣، ح ٨٢.
- ٦- مصباح الشريعة، ص ١٥٢.
- ٧- الخصال، ص ٣٢٤، ح ١٢.

۳۵۸۵. حضرت فرمودند: امام سجاد علیه السلام می فرمود: شناختن کمال دین مسلمان به پنج چیز است:

سخن بیهوده نگفتن. جدل نکند. بردباری او. صبر او. اخلاق خوش او.

۳۵۸۶. امام صادق علیه السلام فرمودند: شیعه من کسی است که: شکم و شهوت خود را کنترل کند. تلاش زیاد کند. کار برای خدا انجام دهد. امید به پاداش خدا داشته باشد. ترس از عذاب داشته باشد. اگر چنین کسی را دیدی، او شیعه جعفری است.

۳۵۸۷. امام صادق علیه السلام فرمودند: پنج نفر نماز را تمام بخوانند. در سفر باشند یا وطن: کرایه بر. دوره گرد. نامه رسان [پست چی]. چوپان. دریانورد چون اینان کارشان سفر است.

۳۵۸۸. امام صادق علیه السلام فرمودند: قبل از قیام امام زمان علیه السلام پنج علامت ظاهر می شود: خروج شخصی از یمن. خروج شخصی از آل سفیان. ندای آسمانی. فرو رفتن بخشی از زمین بیداء [بین مکه و مدینه]. کشته شدن نفس زکیه.

۳۵۸۹. حضرت فرمودند: در امور دینی با کسی مشورت کن که پنج خصلت داشته باشد: عقل و علم و تجربه و خیرخواهی و تقوی. اگر چنین کسی پیدا نکردی خود این امور را بکار گیر. و به خدا توکل کن. راه درست را خواهی یافت.

۳۵۹۰. زکریا از امام صادق علیه السلام درباره این آیه قرآن سؤال کرد: «بدانید خمس آنچه غنیمت بدست آوردید برای خدا و رسول و سادات و یتیمان و مساکین و در راه ماندگان است».

حضرت فرمود: خمس پیامبر برای نزدیکان اوست. و خمس سادات هم بستگان آن حضرت هستند. و یتیمان هم از اهل بیت آن حضرت هستند. این چهار سهم را خدا برای آنان قرار داده است. اما مسکین و در راه مانده، بدان که ما صدقه مصرف نمی کنیم. و بر ما حلال نیست. و صدقه برای فقیران و در راه ماندگان است.

٣٥٩١. عَنْ أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: إِقَامَةِ الصَّلَاةِ، وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ، وَحِجِّ الْبَيْتِ، وَصَوْمِ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَالْوَلَايَةِ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، فَجَعَلَ فِي أَرْبَعٍ مِنْهَا رُخْصَةً، وَلَمْ يَجْعَلْ فِي الْوَلَايَةِ رُخْصَةً؛ مَنْ لَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ مَالٌ لَمْ يَكُنْ عَلَيْهِ الزَّكَاةُ، وَمَنْ لَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ مَالٌ فَلَيْسَ عَلَيْهِ حِجٌّ، وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا صَيَّمَا قَاعِدًا، وَأَفْطَرَ شَهْرَ رَمَضَانَ، وَالْوَلَايَةَ صَيِّحِيحًا كَانَ أَوْ مَرِيضًا أَوْ ذُو مَالٍ أَوْ لَا مَالٍ لَهُ فَهِيَ لِأَرْزَمَةٍ. (١)

٣٥٩٢. وَعَنْ أَبِي بَكْرٍ الْخَضْرَمِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ لِي: يَا أَبَا بَكْرٍ، أَتَدْرِي كَمْ الصَّلَاةُ عَلَى الْمَيِّتِ؟ قُلْتُ:

لَا، قَالَ: اخِذَتِ الْخَمْسُ مِنْ خَمْسِ صَلَوَاتٍ؛ مِنْ كُلِّ صَلَاةٍ تَكْبِيرَةٌ. (٢)

٣٥٩٣. وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ اشْتَهَى فَاكِهَةً، فَانْطَلَقَ هَبَهُ اللَّهُ (٣) يَطْلُبُ لَهُ فَاكِهَةً، فَاسْتَقْبَلَهُ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ: أَيْنَ تَذْهَبُ يَا هَبَةَ اللَّهِ؟ فَقَالَ هَبَةُ اللَّهِ: إِنَّ آدَمَ يَشْتَكِي، وَإِنَّهُ اشْتَهَى فَاكِهَةً، قَالَ:

ارْجِعْ؛ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ قَبِضَ رُوحَهُ، قَالَ: فَارْجِعْ فَوَجَدَهُ قَدْ قَبِضَهُ اللَّهُ تَعَالَى، فَغَسَلَتْهُ الْمَلَائِكَةُ، ثُمَّ وُضِعَ، وَأَمَرَ هَبَةُ اللَّهِ أَنْ يَتَّقَدَّمَ فَيَصِيَّ لِي عَلَيْهِ وَالْمَلَائِكَةُ خَلْفَهُ، وَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ أَنْ يُكَبِّرَ خَمْسًا وَأَنْ يَسْأَلَهُ (٤) وَيَسْتَوِي (٥) قَبْرَهُ، ثُمَّ قَالَ: هَكَذَا فَاصْنَعُوا بِمَوْتَاكُمْ. (٦)

ص: ٢٤٨

- ١- الخصال، ص ٢٧٨، ح ٢١.
- ٢- الخصال، ص ٢٨١، ح ٢٦.
- ٣- هبة الله: هو شيث بن آدم وصييه.
- ٤- أي ويسأل الله سبحانه في التكبيرات ويدعو.
- ٥- كذا، وفي الخصال وغيره: «يُسَوِّي»، والظاهر أنه الصواب.
- ٦- الخصال، ص ٢٨١، ح ٢٧.

۳۵۹۱. امام باقر علیه السلام فرمود: اسلام بر پنج پایه بنا نهاده شده است: نماز گزاردن. و زکات دادن. و حج.

و روزه ماه رمضان. و ولایت اهل بیت علیهم السلام.

در چهار مورد رخصت داده اند، اما در ولایت رخصت نداده اند.

کسی که مال ندارد، زکات ندارد. و حج بر او واجب نیست. کسی که مریض باشد، نماز را نشسته می خواند. و روزه نمی گیرد.

اما ولایت بر مریض و سالم و فقیر و ثروتمند لازم است.

۳۵۹۲. ابو بکر حضرمی گوید: امام باقر علیه السلام به من فرمودند: می دانی بر میت چند نماز خوانده می شود؟ گفتم: نه. حضرت فرمودند: پنج تکبیر از پنج نماز گرفته شده است. از هر نمازی یک تکبیر گرفته شده است.

۳۵۹۳. امام صادق علیه السلام فرمودند: حضرت آدم هوس میوه کرد، هبه الله [فرزندش] برای آوردن میوه رفت و با جبرئیل علیه السلام روبرو شد. جبرئیل علیه السلام گفت: ای هبه الله کجا می روی؟ هبه الله گفت:

آدم مریض است و میوه می خواهد.

جبرئیل گفت: برگرد. خداوند روح او را گرفت. هبه الله بازگشت و دید آدم مرده است.

ملائکه او را غسل دادند. به هبه الله امر شد که جلو بایست و نماز بخوان. ملائکه پشت سر او ایستادند. خداوند به او وحی فرستاد که پنج تکبیر بگوید و پس از هر تکبیر دعا کند. و قبر آدم را [پس از دفن] هموار کند. سپس گفت: با مرده ها چنین کنید.

٣٥٩٤. وَعَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِقَوْمٍ فَأَمَرَ بِقَتْلِهِمْ، وَخَلَّى رَجُلًا مِنْ بَيْنِهِمْ، فَقَالَ الرَّجُلُ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ، كَيْفَ أَطَلَقْتَ عَنِّي مِنْ بَيْنِهِمْ؟ قَالَ: أَخْبَرَنِي جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنَّ فِيكَ خَمْسَ خِصَالٍ يُحِبُّهَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ: الْغِيْرَةَ الشَّدِيْدَةَ عَلَى حَرَمِكَ، وَالسَّخَاءَ، وَحُسْنَ الْخُلُقِ، وَصِدْقَ اللِّسَانِ، وَالشَّجَاعَةَ.

فَلَمَّا سَمِعَهَا الرَّجُلُ أَسْلَمَ وَحَسَّنَ إِسْلَامَهُ، وَقَاتَلَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قِتَالًا شَدِيْدًا حَتَّى اسْتَشْهَدَ. (١)

٣٥٩٥. وَقَالَ الْكَاطِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَلَاتَنَسَ نَهْيَكَ مِنَ الدُّنْيَا» قَالَ: لَاتَنَسَ صِحَّتَكَ، وَقُوَّتَكَ، وَفِرَاعَكَ، وَشَبَابَكَ، وَنَشَاطَكَ؛ أَنْ تَطْلُبَ بِهَا الْآخِرَةَ. (٢)

٣٥٩٦. عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَرِيْعٍ قَالَ: سَمِعْتُ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: لَا يَجْتَمِعُ الْمَالُ إِلَّا بِخَمْسِ خِصَالٍ: بِبُخْلِ شَدِيْدٍ، وَأَمَلٍ طَوِيْلِ، وَحِرْصٍ غَالِبٍ، وَقَطِيْعَةٍ رَحِيْمٍ، وَإِيْثَارِ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ. (٣)

٣٥٩٧. وَعَنْ أَبِي الصَّلْتِ عَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى نَبِيِّ مِنْ أَنْبِيَائِهِ: إِذَا أَصْبَحْتَ فَأَوَّلُ شَيْءٍ يَسْتَقْبِلُكَ فَكُلْهُ، وَالثَّانِي فَارْكُمْهُ، وَالثَّلَاثُ فَاقْبَلْهُ، وَالرَّابِعُ فَلَا تُؤَيِّسْهُ، وَالْخَامِسُ فَاهْرُبْ مِنْهُ.

قَالَ: فَلَمَّا أَصْبَحَ مَضَى فَاسْتَقْبَلَهُ جَبَلٌ أَسْوَدٌ عَظِيْمٌ، فَوَقَفَ وَقَالَ: أَمَرَنِي عَزَّ وَجَلَّ أَنْ أَكُلَ هَذَا! وَبَقِيَ مُتَحَيِّرًا، ثُمَّ رَجَعَ إِلَى نَفْسِهِ فَقَالَ: إِنَّ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ لَا يَأْمُرُنِي إِلَّا بِمَا أَطِيقُ، فَمَشَى إِلَيْهِ لِيَأْكُلَهُ، فَلَمَّا دَنَا مِنْهُ صَغُرَ حَتَّى انْتَهَى إِلَيْهِ فَوَجَدَهُ لُقْمَةً، فَأَكَلَهَا فَوَجَدَهَا أَطِيْبَ شَيْءٍ أَكَلًا.

ثُمَّ مَضَى فَوَجَدَ طَشْتًا مِنْ ذَهَبٍ، فَقَالَ: أَمَرَنِي رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ أَنْ أَكْتُمَ هَذَا فَحَفَرَ لَهُ مَوْضِعًا وَجَعَلَهُ فِيهِ وَأَلْقَى عَلَيْهِ التُّرَابَ وَمَضَى، فَالْتَفَتَ فَإِذَا الطُّشْتُ قَدْ ظَهَرَ، فَقَالَ: قَدْ فَعَلْتُ مَا أَمَرَنِي رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ.

فَمَضَى فَإِذَا هُوَ بِطَيْرٍ وَخَلْفَهُ بَازِي، فَطَافَ الطَّيْرُ حَوْلَهُ فَقَالَ: أَمَرَنِي رَبِّي أَنْ أَقْبَلَ هَذَا، فَفَتَحَ كُمَّهُ فَدَخَلَ الطَّيْرُ فِيهِ، فَقَالَ لَهُ الْبَازِي: أَخَذْتَ مِنِّي صَيْدِي وَأَنَا خَلْفُهُ مُنْذُ أَيَّامٍ! فَقَالَ: أَمَرَنِي رَبِّي أَنْ لَا أُوَيِّسَ هَذَا، فَفَطَعْتُ مِنْ فِخْذِهِ قِطْعَةً فَأَلْفَاها إِلَيْهِ.

ص: ٢٥٠

١- . الخصال، ص ٢٨٢، ح ٢٨.

٢- . الأمالى للصدوق، ص ٢٩٩، ح ١٠/٣٣٦.

٣- . الخصال، ص ٢٨٢، ح ٢٩.

۳۵۹۴. امام باقر علیه السلام فرمود: گروهی را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آوردند. پیامبر دستور دادند همه را بکشند. و تنها یکی را از آنان آزاد کرد. آن مرد گفت: ای پیامبر خدا چگونه مرا از میان آنان رها کردی.

حضرت فرمودند: جبرئیل علیه السلام از طرف خدا به من خبر داد که در وجود تو پنج خصلت هست که خدا و پیامبر آنها را دوست دارند: غیرت. سخاوت. اخلاق خوش.

راستگویی. شجاعت.

وقتی که مرد این سخن را شنید اسلام آورد و مسلمان خوبی شد. و در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله در جنگ با کفار شرکت کرد. و سرانجام به شهادت رسید.

۳۵۹۵. امام کاظم علیه السلام فرمودند: علی بن ابیطالب علیه السلام در تفسیر آیه قرآن که می فرماید: «سهم خود را از دنیا فراموش نکن».

فرمودند: سلامتی و نیرو و فراغت و جوانی و نشاط خود را فراموش نکن. و بوسیله آن آخرت خود را تأمین کن.

۳۵۹۶. اسماعیل بن بزیع گوید: شنیدم امام رضا علیه السلام فرمودند: مال جمع نمی شود، مگر با پنج صفت:

بخل شدید و آرزوی طولانی و طمع زیاد و قطع ارتباط با خویشان و برگزیدن دنیا بر آخرت.

۳۵۹۷. اباصلت از امام رضا علیه السلام نقل کرد حضرت فرمودند: خداوند به یکی از پیامبران وحی فرمود چون صبح شد اولین چیزی را که دیدی بخور، دومی را بپوشان. سومی را بپذیر. و چهارمی را ناامید نکن. و از پنجمین چیز بگریز.

صبح حرکت کرد و به کوه بزرگی رسید ایستاد و با خود گفت: خداوند به من امر کرده است.

این را بخورم، متحیر شد. پس از تفکر گفت: پروردگار من مرا به چیزی که طاقت ندارم امر نمی کند پس جلو رفت تا بخورد. هرچه جلوتر رفت کوه کوچکتر شد تا به اندازه لقمه ای در آمد وقتی آن را خورد دید خوراک گوارایی است.

حرکت کرد و طشتی از طلا دید، آن را در گودالی گذاشت و خاک بر روی آن ریخت و حرکت کرد و به پشت سر نگاه کرد دید طشت بیرون افتاده است با خود گفت: من فرمان پروردگارم را انجام دادم.

به حرکت خود ادامه داد دید شاهبازی پرنده ای را تعقیب کرده است و پرنده اطراف او پرواز می کند، آستین خود را باز کرد پرنده را در آن مخفی کرد.

شاهین به او گفت: صید مرا گرفتی من چند روز است بدنبال آن هستم.

ثُمَّ مَضَى فَإِذَا هُوَ بِلَحْمٍ مِثْيَهُ مَدُودٍ، فَقَالَ: أَمَرَنِي رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ أَنْ أَهْرُبَ مِنْهُ، فَهَرَبْتُ.

وَرَجَعَ فَرَأَى فِي الْمَنَامِ كَأَنَّهُ قَدْ قِيلَ لَهُ: إِنَّكَ قَدْ فَعَلْتَ مَا أَمَرْتُ بِهِ، فَهَلْ تَدْرِي مَاذَا كَانَ؟ قَالَ: لَا، قِيلَ لَهُ: أَمَّا الْجَبَلُ فَهُوَ الْغَضَبُ؛ إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا غَضِبَ لَمْ يَرِ نَفْسَهُ وَجَهْلَ قَدْرَهُ مِنْ عِظَمِ الْغَضَبِ، فَإِذَا حَفِظَ نَفْسَهُ وَعَرَفَ قَدْرَهُ وَسَيَّكَنَ غَضَبَهُ كَانَتْ عَاقِبَتُهُ كَاللُّقْمَةِ الطَّيِّبَةِ الَّتِي أَكَلَهَا.

وَأَمَّا الطَّشْتُ فَهُوَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ؛ إِذَا كَتَمَهُ الْعَبْدُ وَأَخْفَاهُ أَبِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا أَنْ يُظْهِرَهُ لِمَنْ يُزَيِّنُهُ بِهِ مَعَ مَا يَدَّخِرُهُ لَهُ مِنْ ثَوَابِ الْآخِرَةِ.

وَأَمَّا الطَّيْرُ فَهُوَ الرَّجُلُ الَّذِي يَأْتِيكَ بِنَصِيحَةٍ فَاقْبَلْهُ، وَاقْبَلِ نَصِيحَتَهُ.

وَأَمَّا الْبَازِيُّ فَهُوَ الَّذِي يَأْتِيكَ فِي حَاجَةٍ فَلَا تُؤَيِّسُهُ.

وَأَمَّا اللَّحْمُ الْمُتَنِّنُ فَهُوَ الْغَيْبَةُ فَاهْرُبْ مِنْهَا. (١)

٣٥٩٨. وَعَنْ طَاوُوسِ الْيَمَانِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يَقُولُ: عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ، قُلْتُ: وَمَا هُنَّ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ؟ قَالَ: الْوَرَعُ فِي الْخَلْوَةِ، وَالصَّدَقَةُ فِي الْقَلْبِ، وَالصَّبْرُ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ، وَالْحِلْمُ عِنْدَ الْغَضَبِ، وَالصَّدَقُ عِنْدَ الْخَوْفِ. (٢)

٣٥٩٩. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: خَمْسٌ خِصَالٍ إِذَا اجْتَمَعَتْ فِي الْمُؤْمِنِ كَانَ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُوجِبَ لَهُ الْجَنَّةَ: النُّورُ فِي الْقَلْبِ، وَالْفِقْهُ فِي الْإِسْلَامِ، وَالْوَرَعُ فِي الدِّينِ، وَالْمَوَدَّةُ فِي النَّاسِ، وَحُسْنُ السِّيَمَةِ (٣) فِي الْوَجْهِ. (٤)

٣٦٠٠. وَعَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: خَمْسٌ مِنَ الشُّنَنِ فِي الرَّأْسِ، وَخَمْسٌ فِي الْجَسَدِ؛ فَأَمَّا الَّتِي فِي الرَّأْسِ:

فَالسُّوَاكُ، وَأَخْذُ الشُّارِبِ، وَفَرْقُ الشَّعْرِ، وَالْمُضْمَضَةُ، وَالِاسْتِشْقَاقُ؛ وَأَمَّا الَّتِي فِي الْجَسَدِ: فَالْخِتَانُ، وَحَلْقُ الْعَانَةِ، وَتَتْفِ الْإِبْطِينِ، وَتَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ، وَالِاسْتِنْجَاءُ.

٣٦٠١. عَنْ زُرَّارَةَ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا تُعَادُ الصَّلَاةَ إِلَّا مِنْ خَمْسِهِ: الطُّهُورِ، وَالْوَقْتِ، وَالْقِبْلَةِ، وَالرُّكُوعِ، وَالسُّجُودِ. (٥)

ص: ٢٥٢

١- الخصال، ص ٢٦٨، ح ٢.

٢- الخصال، ص ٢٦٩، ح ٤.

٣- السِّيَمَةُ - بالكسر -: العلامة (القاموس المحيط: ١٣٣/٤).

٤- معدن الجواهر، ص ٤٩.

٥- الخصال، ص ٢٨٥، ح ٣٥.

پیامبر گفت: خداوند به من فرمان داده است که آن را ناامید نکنم، قطعه ای از گوشت پرنده را به شاهباز داد.

دوباره حرکت کرد به مرداری رسید که کرمها از آن می خوردند به فرمان خداوند از آن گریخت.

شب وقتی به خانه بازگشت، در خواب دید گویا به او می گویند: مأموریت خود را انجام دادی.

آیا علت آن را می دانی؟ گفت: نه.

به او گفتند: آن کوه خشم تو بود. اگر انسان خشمگین شود و خودش را نبیند و عظمت خود را درک نکند، خشم بزرگ جلوه می کند. اما اگر اعتماد به نفس داشته باشد، و قدر خود را بشناسد، و خشم خود را کنترل کند، مثل لقمه ای گوارا قابل هضم است.

اما طشت طلا، عمل صالح است که اگر انسان آن را مخفی کند خدا آن را آشکار می کند. و ثواب آخرت را هم به او می دهد.

اما پرنده، کسی است که تو را نصیحت می کند آن را بپذیر.

اما شاهباز، کسی است که به تو نیاز دارد او را نا امید نکن.

اما مردار کرم زده، همان غیبت است که از آن باید فرار کرد.

۳۵۹۸. امام سجاد علیه السلام فرمودند: علامتهای مؤمن پنج چیز است: طاوس یمانی پرسید: آنها کدامند؟ حضرت فرمودند: پرهیزکاری در خلوت. و صدقه در تنگدستی. و صبر در مصیبت. و بردباری هنگام خشم. و راستگوئی هنگام ترس.

۳۵۹۹. امام سجاد علیه السلام فرمودند: اگر پنج خصلت در کسی وجود داشته باشد خداوند او را وارد بهشت می کند: نور در قلب. و فقه در اسلام. و پرهیزکاری در دین. و دوست داشتن مردم. و سیمای خوش.

۳۶۰۰. امام موسی کاظم علیه السلام فرمود: پنج سنت اسلامی در سر و پنج سنت در سایر اعضا است: آداب مربوط به سر عبارتند: مسواک، و کوتاه کردن سبیل، و مرتب کردن موی سر، و شستن دهان [مضمضه]، و شستن بینی [استنشاق].

آداب مربوط به بدن عبارتند از: ختنه، و تراشیدن موی زیر شکم، و موی زیر بغل، و گرفتن ناخن، و پاک کردن بدن پس از دستشویی.

۳۶۰۱. امام باقر علیه السلام فرمودند: نماز را جز در پنج مورد اعاده [تکرار] نمی شود: نداشتن طهارت، خارج وقت، رو به قبله نخواندن، ترک رکوع، و سجده [در صورت خواندن نماز با یکی از این پنج حالت نماز صحیح نیست. و باید دوباره خوانده شود].

٣٦٠٢. ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْقِرَاءَةُ سُنَّةٌ وَالتَّشَهُدُ سُنَّةٌ، وَلَا تَنْقُضُ السُّنَّةَ الْفَرِيضَةَ. (١)

٣٦٠٣. عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: خَمْسَةٌ يُجْتَنَّبُونَ عَلَى كُلِّ حَالٍ: الْمَجْدُومُ، وَالْأَبْرَصُ، وَالْمَجْنُونُ، وَوَلَدُ الزَّنَا، وَالْأَعْرَابِيُّ (٢). (٣)

٣٦٠٤. وَعَنْ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: فِي الدَّيْكَ الْأَبْيَضِ خَمْسُ خِصَالٍ مِنْ خِصَالِ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: مَعْرِفَتُهُ بِأَوْقَاتِ الصَّلَاةِ، وَالغَيْرَةُ، وَالسَّخَاءُ، وَالشَّجَاعَةُ وَكَثْرَةُ الطَّرِيقَةِ (٤). (٥)

٣٦٠٥. عَنْ أَبِي حَمْرَةَ الثُّمَالِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ: قَوْلُكَ: «مَجِدُوا اللَّهَ فِي خَمْسٍ» مَا هِيَ؟ قَالَ:

إِذَا قُلْتَ: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ» رَفَعْتَ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَمَّا يَقُولُ الْعَادِلُونَ (٦) بِهِ، فَإِذَا قُلْتَ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ» وَهِيَ كَلِمَةُ الْإِخْلَاصِ الَّتِي لَا يَقُولُهَا عَبْدٌ إِلَّا اعْتَقَهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ إِلَّا الْمُسْتَكْبِرِينَ وَالْجَبَّارِينَ، وَمَنْ قَالَ: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» فَوَّضَ الْأَمْرَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، إِلَّا الْمُسْتَكْبِرَ الَّذِي يُصَيِّرُ عَلَى الذَّنْبِ الَّذِي قَدْ غَلَبَهُ هَوَاهُ وَآثَرَ دُنْيَاهُ عَلَى آخِرَتِهِ، وَمَنْ قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ» فَقَدْ أَدَّى شُكْرَ كُلِّ نِعْمَةٍ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ. (٧)

٣٦٠٦. وَعَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَوْلُوا الْعِزْمَ مِنَ الرُّسُلِ خَمْسَةٌ: نُوحٌ، وَإِبْرَاهِيمُ، وَمُوسَى، وَعِيسَى عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَمُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ (٨). (٩)

٣٦٠٧. وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: الْقَوْلُ الْحَسَنُ يُثْرِي الْمَالَ، وَيُنْمِي الرِّزْقَ، وَيُنْسِي (١٠) فِي الْأَجَلِ، وَيُحَبِّبُ إِلَى الْأَهْلِ، وَيُدْخِلُ الْجَنَّةَ.

٣٦٠٨. عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: لَا يَخْلُو الْمُؤْمِنُ مِنْ خَمْسَةٍ: مِسْوَاكِ، وَمُشْطٍ، وَسَيِّجَادِهِ، وَسِيَّجِهِ فِيهَا أَرْبَعٌ وَثَلَاثُونَ حَبَّةً، وَخَاتَمٍ عَقِيْقٍ. (١١)

ص: ٢٥٤

- ١- . الخصال، ص ٢٨٥، ح ٣٥.
- ٢- . الأعرابي: سَكَانُ الْبَادِيَةِ خَاصَّةً.
- ٣- . الخصال، ص ٢٨٧، ح ٤٢.
- ٤- . كثره الطرِيقه: أي كثره الجماع لئلا يحصل لهم الميل إلى الحرام.
- ٥- . الخصال، ص ٢٩٨، ح ٧٠.
- ٦- . العادلون به: أي الذين يجعلون له عدلاً، وهم المشركون.
- ٧- . الخصال، ص ٢٩٩، ح ٧٢.
- ٨- . المراد بأولى العزم أصحاب الشرائع المستقله والكتب السماويه.
- ٩- . الخصال، ص ٣٠٠، ح ٧٣.

١٠- . نسات الشيء: إذ أخرته (النهاية: ٤٤/٥).

١١- . مكارم الأخلاق، ص ٢٨١.

۳۶۰۲. امام باقر علیه السلام فرمودند: قرائت حمد و سوره و تشهد در نماز سنت است، و فراموش کردن آنها نماز را باطل نمی کند.

۳۶۰۳. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: در هر حال از پنج نفر باید مراقبت کرد: کسی که جذام گرفته است. بیمار مبتلا به برص [پسی]. دیوانه. ولد زنا. بیابانگرد.

۳۶۰۴. امام رضا علیه السلام فرمود: خروس سفید پنج خصلت پیامبران را دارد:

شناختن وقت نمازها. غیرت. سخاوت. شجاعت. آمیزش زیاد [که در انسان باعث پیشگیری از حرام می شود].

۳۶۰۵. ابو حمزه ثمالی از امام سجاد علیه السلام پرسید: شما فرمودید خداوند را در پنج مورد تمجید کنید کدام مورد است؟ حضرت فرمودند: وقتی بگویی: خداوند منزّه است و او را سپاس می گویم، خداوند را از سخن مشرکان برتر دانسته ای. زمانی که بگویی: جز خداوند خدایی نیست یگانه است و شریک ندارد، این سخن اخلاص است کسی که آن را بزبان آورد خداوند او را از عذاب دوزخ نجات دهد جز مستکبران و ستمگران.

کسی که بگوید: قدرت و نیرویی جز خداوند نیست. کارهایش را به او واگذار کرده است.

به استثنای مستکبری که بر گناه خود اصرار دارد و دنیا را بر آخرت ترجیح داده است.

کسی که بگوید: الحمد لله شکر تمام نعمت هارا بجای آورده است.

[مورد پنجم ذکر نشده است].

۳۶۰۶. امام باقر علیه السلام فرمود: پیامبران اولوالعزم پنج نفرند: نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد صلی الله علیه و آله.

۳۶۰۷. امام سجاد علیه السلام فرمودند: سخن نیکو مال را زیاد و روزی را فراوان و عمر را طولانی می کند. و باعث محبوبیت در خانواده و ورود به بهشت می شود.

۳۶۰۸. امام کاظم علیه السلام فرمودند: مؤمن همیشه پنج چیز همراه دارد: مسواک، شانه، سجاده، تسبیح، انگشتر عقیق.

٣٦٠٩. وَرَوَى عَنِ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ: صِيْلَاهُ إِحْدَى وَخَمْسِينَ، وَزِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ، وَالتَّخْتُّمْ فِي الْيَمِينِ، وَتَعْفِيرُ الْجَبِينِ (١)، وَالْجَهْرُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (٢).

٣٦١٠. وَعَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَنَّهُ جَاءَ رَجُلٌ وَقَالَ: أَنَا رَجُلٌ عَاصٍ وَلَا صَبْرَ لِي عَنْ (عَلِيٍّ خ ل) الْمَعْصِيَةِ بِهِ، يَبْفَعُنِي بِمَوْعِظِهِ، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: افْعَلْ خَمْسَةَ أَشْيَاءَ وَأَذِيبَ مَا شِئْتُمْ: لَا تَأْكُلْ رِزْقَ اللَّهِ وَأَذِيبَ مَا شِئْتُمْ، وَأَطْلُبْ مَوْضِعًا لَا يَرَاكَ اللَّهُ وَأَذِيبَ مَا شِئْتُمْ، وَاخْرُجْ مِنْ وِلَايَةِ اللَّهِ وَأَذِيبَ مَا شِئْتُمْ، وَإِذَا جَاءَكَ مَلِكُ الْمَوْتِ لِيَقْبِضَ رَوْحَكَ فَادْفَعْهُ عَنْ نَفْسِكَ وَأَذِيبَ مَا شِئْتُمْ، وَإِذَا أَدْخَلَكَ مَلِكُ النَّارِ فَلَا تَدْخُلْ فِي النَّارِ وَأَذِيبَ مَا شِئْتُمْ (٣).

٣٦١١. وَمِمَّا أَوْصَى بِهِ مَوْلَانَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ «صَلِّمَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا» لِجَابِرِ بْنِ زَيْدِ الْجُعْفِيِّ قَالَ: يَا جَابِرُ، اغْتَنِمْ مِنْ أَهْلِ زَمَانِكَ خَمْسًا: إِنْ حَضَرْتَ لَمْ تُعْرِفْ، وَإِنْ غَبْتَ لَمْ تُفْتَقِدْ، وَإِنْ قُلْتَ لَمْ يَقْبَلْ قَوْلُكَ، وَإِنْ شَهِدْتَ لَمْ تُشَاوِرْ، وَإِنْ حَاطَبْتَ لَمْ تُزَوِّجْ.

أَوْصِيكَ بِخَمْسٍ: إِنْ ظَلَمْتَ فَلَا تَظْلِمْ، وَإِنْ خَانُوكَ فَلَا تَخُنْ، وَإِنْ كُذِّبْتَ فَلَا تَغْضَبْ، وَإِنْ مُدِحَتْ فَلَا تَفْرَحْ، وَإِنْ ذُمِمْتَ فَلَا تَجْرَعْ، وَفَكَّرْ فِيمَا قِيلَ فِيكَ؛ فَإِنْ عَرَفْتَ مِنْ نَفْسِكَ مَا قِيلَ فِيكَ فَسُدِّ قُوطِكَ مِنْ عَيْنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عِنْدَ غَضَبِكَ مِنَ الْحَقِّ أَعْظَمَ مُصِيبَةٍ مِمَّا خَفَتْ مِنْ سُقُوطِكَ مِنْ أَعْيُنِ النَّاسِ، وَإِنْ كُنْتَ عَلَى خِلَافِ ذَلِكَ فَتَوَابٌ اِكْتَسَبْتَهُ مِنْ غَيْرِ تَعَبٍ بِذَلِكَ (٤).

٣٦١٢. وَقَالَ مُحَمَّدُ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَوْصَانِي أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: لَا تَصْحَبَنَّ خَمْسَةَ وَلَا تُرَافِقُهُمْ فِي الطَّرِيقِ: لَا تَصْحَبَنَّ فَاسِقًا؛ فَإِنَّهُ بَايِعُكَ بِأَكْلِهِ فَمَا دُونَهَا، قُلْتُ: يَا أَبَتِ، وَمَا دُونَهَا؟ قَالَ: يَطْمَعُ فِيهَا ثُمَّ لَا يَنَالُهَا. وَلَا تَصْحَبَنَّ الْبَخِيلَ؛ فَإِنَّهُ يَقْطَعُكَ فِي مَالِهِ أَحْوَجَ مَا كُنْتَ إِلَيْهِ. وَلَا تَصْحَبَنَّ كَذَابًا؛ فَإِنَّهُ بِمَنْزِلَةِ السَّرَابِ (٥) يُبْعِدُ مِنْكَ الْقَرِيبَ وَيُقَرِّبُ مِنْكَ الْبَعِيدَ. وَلَا تَصْحَبَنَّ الْأَحْمَقَ؛ فَإِنَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَنْفَعَكَ فَيُضِرُّكَ. وَلَا تَصْحَبَنَّ

ص: ٢٥٦

١- . التعفير: أن يمسح المصلى جبينه حال السجود على العفر؛ وهو التراب. وعفره يُعْفَرُه تعفيراً: أى مرَّغه (مجمع البحرين: ٢٠٧/٣).

٢- . تهذيب الأحكام، ج ٦، ص ٥٢، ح (١٢٢) ٣٧.

٣- . جامع الأخبار، ص ١٣٠.

٤- . تحف العقول، ص ٢٨٤.

٥- . السراب: ما يشاهد عند نصف النهار فى اشتداد الحرِّ كأنه ماء، يضرب به المثل فى الكذب والخداع.

۳۶۰۹. امام حسن عسگری علیه السلام فرمودند: علامت مؤمن پنج چیز است: پنجاه و یک رکعت نماز در روز [۱۷ رکعت نماز واجب + ۳۴ رکعت نافله]. زیارت اربعین. انگشتر در دست راست.

سجده بر خاک. بلند گفتن بسم الله الرحمن الرحيم.

۳۶۱۰. شخصی نزد امام حسن علیه السلام آمد و گفت: من گناهکار هستم. و قدرت خودداری از گناه ندارم، مرا موعظه فرماید.

حضرت فرمودند: پنج کار انجام بده بعد هر چه خواهی گناه کن:

از نعمتهای خدا نخور. مکانی پیدا کن که خدا نبیند. از ولایت خدا خارج شو. عزرائیل را از خود دور کن. وقتی مالک جهنم تو را به جهنم می اندازد به آتش نرو. آن گاه هر چه می خواهی گناه کن.

۳۶۱۱. توصیه امام حسین علیه السلام به جابر بن یزید جعفی: ای جابر از اهل زمان خود پنج چیز را غنیمت بدان: تا حاضر هستی تو را نمی شناسند. غایب شوی سراغ تو نمی آیند. گفتار تو را نمی پذیرند.

اگر شاهد باشی با تو مشورت نمی کنند. اگر خواستگاری کنی، کسی با تو ازدواج نمی کند.

پنج توصیه برای تو دارم: اگر به تو ظلم کردند تو ظلم نکن. اگر به تو خیانت کردند تو خیانت نکن. اگر تو را تکذیب کردند خشمگین نشو. اگر تو را مدح کردند خوشحال مشو.

و اگر تو را سرزنش کردند ناراحت نشو.

به آنچه درباره تو می گویند فکر کن اگر راست بگویند و تو خشمگین شوی، مصیبت رسوایی نزد خدا بزرگتر از رسوایی نزد مردم است. و اگر دروغ بگویند، تو بدون رنج ثواب بدست آورده ای.

۳۶۱۲. امام باقر علیه السلام فرمودند: پدرم امام سجاد علیه السلام به من توصیه فرمودند: با پنج نفر همنشینی و رفاقت نکن:

با گنه کار دوستی نکن. که تو را به یک لقمه یا کمتر می فروشد. پرسیدم: پدر جان کمتر از یک لقمه یعنی چه؟ حضرت فرمودند: به طمع لقمه که به آن نمی رسد.

با بخیل دوستی نکن. چون در هنگام احتیاج تو را از مال خود محروم می کند.

با دروغگو دوستی نکن. چون او مثل سراب است دور را نزدیک و نزدیک را دور جلوه می دهد.

قَاطِعِ رَحِمٍ؛ فَإِنِّي وَجَدْتُهُ مَلْعُونًا فِي كِتَابِ اللَّهِ فِي ثَلَاثَةِ مَوَاضِعَ. (١)

٣٦١٣. قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مُخَاطِبًا لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا أَحْمَدُ، هَلْ تَدْرِي مَتَى يَكُونُ الْعَبْدُ عَابِدًا؟ قَالَ: لَا يَا رَبِّ، قَالَ: إِذَا اجْتَمَعَ فِيهِ سَبْعُ خِصَالٍ: وَرِعٌ يَحْجُزُهُ عَنِ الْمَحَارِمِ، وَصِيْمَةٌ يَكْفُهُ عَمَّا لَا- يَعْنِيهِ، وَخَوْفٌ يَزِدَادُ كَمَلَّ يَوْمٍ فِي بُكَائِهِ، وَحَيَاءٌ يَسْتَحْيِي فِي الْخَلَاءِ (٢)، وَأَكْلٌ مَا لَا بُدَّ مِنْهُ، وَبُغْضٌ الدُّنْيَا لِبُغْضِي لَهَا، وَمَحَبَّةُ الْأَخْيَارِ لِحُبِّي إِيَّاهُمْ. (٣)

٣٦١٤. وَفِي الْحَدِيثِ: حَمْسٌ مِّنْ كُفْرٍ فِيهِ كُفْرٌ عَلَيْهِ: النَّكْتُ، وَالْبَغْيُ، وَالْمَكْرُ (٤)، وَالْجِدَاعُ، وَالظُّلْمُ؛ أَمَّا النَّكْتُ فَقَدْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «فَمَنْ نَكَتْ فَإِنَّمَا يَنْكُتْ عَلَى نَفْسِهِ»، وَأَمَّا الْمَكْرُ فَقَدْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَلَا يَحِيقُ (٥) الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ»، وَأَمَّا الْبَغْيُ فَقَدْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «يَأْتِيهَا النَّاسُ إِنَّمَا بُغِيكُمْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ»، وَأَمَّا الْجِدَاعُ فَقَدْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «يُخَدِّعُونَ اللَّهَ وَالدِّينَ ءَأَمَنُوا» وَمَا يُخَدِّعُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ»، وَأَمَّا الظُّلْمُ فَقَدْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَمَا ظَلَمْنَا وَلَكِن كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ». (٦)

٣٦١٥. وَمِن كِتَابِ ابْتِلَاءِ الْأَخْيَارِ: أَنَّ عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ لَقِيَ إِبْلِيسَ وَهُوَ يَسُوقُ خَمْسَةَ أَحْمُرٍ (٧) عَلَيْهَا أَحْمَالٌ، فَسَأَلَهُ عَنِ الْأَحْمَالِ فَقَالَ: تِجَارَةٌ أُطْلَبُ لَهَا مُشْتَرِينَ، فَقَالَ: وَمَا هَذِهِ التِّجَارَةُ؟ قَالَ: أَحَدُهَا الْجَوْرُ، قَالَ: وَمَنْ يَشْتَرِيهِ؟ قَالَ: السَّلَاطِينُ. وَالثَّانِي: الْكِبْرُ، قَالَ: وَمَنْ يَشْتَرِيهِ؟ قَالَ: الدَّهَاقِينُ (٨). وَالثَّلَاثُ: الْحَسِيْدُ، قَالَ: وَمَنْ يَشْتَرِيهِ؟ قَالَ: الْعُلَمَاءُ. وَالرَّابِعُ: الْخِيَانَةُ، قَالَ: وَمَنْ يَشْتَرِيهِ؟ قَالَ: التُّجَّارُ. وَالْخَامِسُ:

الْكَيْدُ (٩)، قَالَ: وَمَنْ يَشْتَرِيهِ؟ قَالَ: النِّسَاءُ. (١٠)

ص: ٢٥٨

- ١- . كشف الغمه، ج ٢، ص ٢٩٣.
- ٢- . الخلاء: المكان لاشيء فيه (مجمع البحرين: ١/٦٩٨).
- ٣- . بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٣٠. وهذا الحديث يناسب وضعه في باب الخامس.
- ٤- . المكر: صرف الغير عمياً يقصده بحيله، وذلك ضربان: محمود؛ وذلك بأن يتحرى بذلك فعلٌ جميلٌ، وعلى ذلك قال: «وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ» ومذموم؛ وهو أن يتحرى به فعلٌ قبيحٌ.
- ٥- . حاق يحيق - يائي -: أى أحاط، حاق بهم العذاب أى نزل بهم أى لا يحيط المكر السيئ إلا بأهله، وهو الماكر.
- ٦- . معدن الجواهر، ص ٤٨.
- ٧- . أحمر: جمع حمار.
- ٨- . الدهقان - بتثنية الدال وإن كان الضم أشهر الثلاثة -: رئيس القرية ومقدم أصحاب الزراعه (مجمع البحرين: ٢/٦٤٤).
- ٩- . الكيد: ضرب من الاحتيال وهو مذموم ومحمود. وإن كان يستعمل في المذموم أكثر.
- ١٠- . بحار الأنوار، ج ٦١، ح ١٩٦.

با احمق دوستی نکن. چون می خواهد به تو کمک کند اما ضرر می رساند.

با کسی که از خویشان خود قطع رابطه کرده دوستی نکن. چون در سه جای قرآن لعنت شده است.

۳۶۱۳. خداوند تبارک و تعالی به پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: یا احمد آیا می دانی چه موقع بنده ای عابد می شود؟ فرمودند: پروردگارا، نمی دانم.

خدا فرمود: زمانی که در او هفت خصلت وجود داشته باشد: پرهیزکاری که او را از گناهان باز دارد. سکوتی که او را از گفتار بی فایده نگهدارد. ترسی که گریه اش را هر روز بیشتر کند. حیائی که در تنهایی هم از خدا شرم کند. خوردن به مقدار ضرورت. و بغض دنیا به خاطر دشمن داشتن خدا آن را، و دوستی نیکان به خاطر دوست داشتن خدا آنان را.

۳۶۱۴. در حدیث آمده است: پنج صفت در هر کس باشد به زیان اوست.

بیعت شکنی، خداوند می فرماید: «هر کس پیمان شکنی کند به زیان خود شکسته است».

مکر، خداوند می فرماید: «مکر بد جز مکار را گرفتار نمی کند».

تجاوز، خداوند می فرماید: «ای مردم تجاوز گری شما به زیان خودتان است».

فریب، خداوند می فرماید: «می خواهند خدا و مؤمنان را فریب دهند اما خود را فریب داده اند».

ظلم، خداوند می فرماید: «ما به آنان ظلم نکردیم بلکه خودشان به خویش ظلم کرده اند».

۳۶۱۵. در کتاب ابتلاء اخیار آمده است: حضرت عیسی علیه السلام شیطان را دید که بدنبال پنج الاغ حرکت می کند که بارهایی حمل می کنند و پرسید این بارها چیست؟ شیطان گفت: تجارتی است که دنبال مشتری هستم.

حضرت عیسی پرسید: این چه تجارتی است؟ گفت: یکی از آنها ستم است. پرسید:

مشتری آن چه کسی است؟ شیطان گفت: سلاطین.

دوم: تکبر است. عیسی علیه السلام پرسید: مشتری آن کیست؟ شیطان گفت: کدخداهای روستاها.

سوم: حسد است. حضرت پرسید: مشتری آن کیست؟ شیطان گفت: علماء.

چهارم: خیانت است. حضرت پرسید: مشتری آن کیست؟ شیطان گفت: تجار.

پنجم: حيله گری است. حضرت پرسید: مشتری آن کیست؟ شیطان گفت: زنان.

الفصل السابع: مِمَّا وَرَدَ مِنْ كَلَامِ الْعُلَمَاءِ وَالزُّهَادِ وَالْحُكَمَاءِ

٣٦١٦. قَالَ بَعْضُ الْعُلَمَاءِ: خَمْسٌ مِنْ عِلَامَاتِ الْمُتَّقِينَ: أَوْلَاهَا لَا يُجَالِسُ إِلَّا مَنْ يَصْلُحُ مَعَهُ الدِّينُ وَيَغْلِبُ الْفَرْجَ وَاللِّسَانَ (١)، وَإِذَا أَصَابَهُ شَيْءٌ عَظِيمٌ مِنَ الدُّنْيَا رَأَاهُ وَبِالْأَلَّا (٢)، وَإِذَا أَصَابَهُ شَيْءٌ قَلِيلٌ مِنَ الدِّينِ اغْتَمَّ لِتَدْلِكَ، وَلَا يَمَامًا بَطْنُهُ مِنَ الْحَلَالِ خَوْفًا أَنْ يُخَالِطَهُ حَرَامٌ، وَيَرَى النَّاسَ قَدْ نَجَوْا وَيَرَى نَفْسَهُ قَدْ هَلَكَتْ.

٣٦١٧. وَقَالَ بَعْضُ الْعُلَمَاءِ: قَدْ خَصَّ اللَّهُ آدَمَ وَاخْتَارَهُ بِخَمْسَةِ أَشْيَاءَ: أَوْلَاهَا: أَنَّهُ خَلَقَهُ بِأَحْسَنِ صُورِهِ بِقُدْرَتِهِ .

وَالثَّانِي: أَنَّهُ عَلَّمَهُ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا. وَالثَّلَاثُ: أَمَرَ الْمَلَائِكَةَ بِأَنْ يَسْجُدُوا لَهُ. وَالرَّابِعُ: أَسْكَنَهُ الْجَنَّةَ.

وَالخَامِسُ: جَعَلَهُ أَبَا الْبَشَرِ.

٣٦١٨. وَاخْتَارَ نُوحًا عَلَيْهِ السَّلَامُ بِخَمْسَةِ أَشْيَاءَ: أَوْلَاهَا: أَنَّهُ جَعَلَهُ أَبَا الْبَشَرِ؛ لِأَنَّ النَّاسَ كُلَّهُمْ غَرِقُوا وَصَارَ ذُرِّيَّتُهُ هُمُ الْبَاقِينَ. وَالثَّانِي: أَنَّهُ طَالَ عُمُرُهُ؛ وَيُقَالُ: طُوبَى لِمَنْ طَالَ عُمُرُهُ وَحَسَنَ عَمَلُهُ. وَالثَّلَاثُ: أَنَّهُ اسْتَجَابَ دُعَاءَهُ عَلَى الْكُفَّارِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ (٣). وَالرَّابِعُ: أَنَّهُ حَمَلَهُ عَلَى السَّفِينَةِ. وَالخَامِسُ: أَنَّهُ كَانَ أَوَّلَ مَنِ نَسِيَخَ بِهِ الشَّرَائِعَ، وَكَانَ قَبْلَ ذَلِكَ لَمْ يُحْرَمَ تَزْوِيجُ الْأَخْوَاتِ وَالْعَمَيَاتِ وَالخَالَاتِ (٤).

ص: ٢٦٠

١- . أَى يَمْنَعُهَا عَنِ شَهْوَاتِهَا.

٢- . الْوَبَالُ - فِي الْأَصْلِ - : الثَّقَلُ وَالْمَكْرُوهُ (النَّهَائِيَّة: ١٤٦/٥).

٣- . أَى لِلْمُؤْمِنِينَ.

٤- . عَلَى خِلَافِ فِيهِ بَيْنَ الْعُلَمَاءِ وَبَيْنَ الْأَخْبَارِ، وَإِنْ كَانَ ظَاهِرَ الْآيَةِ الْأُولَى مِنْ سُورَةِ النِّسَاءِ يُعْطَى مَا ذَكَرَ فِي الْمَتْنِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَجَدِهِ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً...» إِذْ ظَاهِرُ «بَثَّ مِنْهُمَا» أَنَّ النَّسْلَ كَانَ مِنْهُمَا مِنْ دُونِ دَخْلِ جَنِّيٍّ أَوْ حُورِ الْعَيْنِ.

۳۶۱۶. یکی از علماء گوید: پنج خصلت از علامتهای تقوا پیشگان است:

فقط با کسی ارتباط برقرار می کنند که دین آنها را اصلاح کند و بر شهوت و زبان خود کنترل دارد. مصیبتهای بزرگ دنیا را وبال [کیفر گناه] می دانند. اگر مصیبت اندکی در دین او وارد شود بسیار غمگین می شوند. شکم خود را از حلال پر نمی کنند مبادا دچار حرام شوند.

مردم را رستگار و خود را هلاک شده می پندارند.

۳۶۱۷. عالمی گوید: خداوند آدم را برگزید و به او پنج امتیاز داد: به قدرت خود او را زیبا آفرید.

نامها را به او آموخت. به ملائکه فرمان داد به او سجده کنند. او را در بهشت جای داد. او را پدر بشر قرار داد.

۳۶۱۸. نوح را با پنج امتیاز برگزید: او را پدر بشر قرار داد. چون همه مردم غرق شدند و از نسل او جهانیان باقی ماندند. عمر طولانی به او داد گفته می شود: خوشا به حال کسی که عمرش طولانی و رفتارش نیکوست. دعای او را برای مؤمنین و نفرین او برای کفار مستجاب کرد.

او را بر کشتی سوار کرد. برای نخستین بار بدست او دینهای گذشته را نسخ فرمود.

٣٦١٩. واختار إبراهيم عليه السلام بخمسه أشياء: أولها: أنه جعله أياً الأنبياء؛ لأنه روى أنه خرج من صلبه ألف نبي من وقت زمانه إلى زمن النبي صلى الله عليه وآله. والثاني: أنه اتخذ خيلاً. والثالث: أنه أنجاه من النار. والرابع: أنه جعله للناس إماماً. والخامس: أنه ابتلاه بكلمات فوفقه حتى أتمهن.

٣٦٢٠. وقيل: خمس خصال من أقيح خصال الناس: العشق من الشيخ، والحدّة (١) من السلطان، والكذب من ذوى الأحساب، والبخل من الغنى، والحرص من العلماء. (٢)

٣٦٢١. وقال بعض العلماء: إن التفكير على خمسه أوجه: فكره في آيات الله يتوكل منها التوحيد واليقين، وفكره في نعمه الله يتوكل منها الشكر والمحبة، وفكره في وعيد الله يتوكل منها الرهبة، وفكره في وعد الله يتوكل منها الرغبة، وفكره في تقصير النفس عن الطاعة مع إحسان الله يتوكل منها الحياء.

٣٦٢٢. وقال بعضهم: من أراد العلم فعليه بخمس خصال: تقوى الله في السر والعلانية، وقراءة آية الكرسي، ودوام الوضوء، وصلاة الليل ولو بركتين، والأكل للقوة لا للشهوة.

٣٦٢٣. قال سيفيان الثوري: لا يجتمع في هذا الزمان لأحد ما لا وعنده خمس خصال: طول الأمل، وحرص غالب، وشح شديد، وقلة الورع، ونسيان الآخر.

٣٦٢٤. وقال حاتم الأصم: العجلة من الشيطان إلفى خمس؛ فإنها من سنة رسول الله صلى الله عليه وآله: إطعام الضيف إذا نزل، وتجهيز الميت إذا مات، وتزويج البنت إذا أدركت، وقضاء الدين إذا وجب، والتوبة من الذنب إذا فرط (٣).

٣٦٢٥. وقال محمد الدوري: شقي إبليس لعنه الله بخمسه أشياء: لم يقرب بالذنب، ولم يندم عليه، ولم يلم نفسه، ولم يعزم على التوبة، وقطع من رحمه الله.

٣٦٢٦. وسعد آدم عليه السلام بخمسه أشياء: أقر بذنبه، وندم عليه، ولا م نفسه، وأسرع في التوبة، ولم يقنط من رحمه الله.

ص: ٢٦٢

١- الحدّة: ما يأخذ الإنسان من الغضب.

٢- مجموعه ورام، ج ٢، ص ٢٥١.

٣- فرط: أى سبق وتقدم (النهاية: ٤٣٤/٣).

۳۶۱۹. ابراهیم علیه السلام را با پنج امتیاز برگزید: او را پدر پیامبران قرار داد چون روایت شده از زمان او تا زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله هزار پیامبر از نسل او بودند. خدا او را خلیل خود قرار داد. او را از آتش نجات داد. او را امام مردم قرار داد. او را به آزمونهای بزرگ مبتلا کرد و از همه سرافراز بیرون آمد.

۳۶۲۰. گفته اند: پنج خصلت از زشت ترین خصلتهاست: عشق بازی پیران. خشونت فرمانروایان.

دروغ گفتن بزرگمردان. بخل از ثروتمند. حرص از علماء.

۳۶۲۱. عالمی گفته است: تفکر پنج صورت دارد: تفکر در نشانه های خدا که از آن توحید و یقین بدست می آید. تفکر در نعمت خدا که شکر و محبت به بار می آورد. تفکر در وعده عذاب که ترس بدنبال دارد. تفکر در ثواب الهی که رغبت ایجاد می کند. تفکر در تقصیر خود از اطاعت خدا با وجود احسان خدا که حیاء بوجود می آورد.

۳۶۲۲. یکی گفته است: هر کس علم می خواهد باید پنج خصلت داشته باشد: تقوای خدا در پنهان و آشکار. قرائت آیه الکرسی. وضوء همیشگی. نماز شب و لو با دو رکعت. خوردن برای نیرو گرفتن نه برای شهوترانی.

۳۶۲۳. سفیان ثوری گفت: در این زمان برای کسی مال جمع نمی شود مگر با پنج صفت: آرزوی طولانی. طمع زیاد. بخل شدید. تقوای کم. فراموشی آخرت.

۳۶۲۴. حاتم اصم گوید: عجله از شیطان است، مگر در پنج مورد که رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است:

پذیرایی از میهمان. تجهیز میت. ازدواج دختر. پرداخت بدهی. توبه از گناه.

۳۶۲۵. محمد دوری گوید: شیطان ملعون برای پنج ویژگی بد بخت شد: اقرار به گناه نکرد. پشیمان نشد. خود را سرزنش نکرد. تصمیم به توبه نگرفت. از رحمت خدا ناامید شد.

۳۶۲۶. حضرت آدم علیه السلام با پنج ویژگی سعادت مند شد: به گناه خود اقرار کرد. پشیمان شد. خود را سرزنش کرد. سرعت توبه کرد. از رحمت خدا ناامید نشد.

٣٦٢٧. وقال أبو زيد: علامه الانتباه خمس: إذا ذكر نفسه افتقر، وإذا ذكر ربه استغفر، وإذا ذكر الدنيا اعتبر، وإذا ذكر الآخرة استبشر، وإذا ذكر المولى افتخر.

٣٦٢٨. وقال شقيق البلخي: عليكم بخمس خصال فاعملوها: اعبدوا الله بقدر حاجتكم إليه، وخذوا من الدنيا بقدر عمركم فيها، واعصوه بقدر طاقتكم بعذابه، وتزودوا بقدر مكنكم في القبر، واعملوا للجنة بقدر ما تريدون المقام فيها.

٣٦٢٩. وقال شقيق البلخي: اختار الفقراء خمسا، واختار الأغنياء خمسا؛ اختار الفقراء راحة النفس، وفراغ القلب، وعبودية الرب، وخفة الحساب، والدرجة العليا.

واختار الأغنياء تعب النفس، وشغل القلب، وعبودية الدنيا، وشدة الحساب، والدرجة السفلى. (١)

٣٦٣٠. وقال شقيق بن إبراهيم: سألت سبعمه عالم عن خمس أشياء، كلهم أجابوا بجواب واحد، فقلت: من العاقل؟ قالوا: من لم يحب الدنيا، فقلت: من الكيس؟ قالوا: من لم تغره الدنيا، فقلت: من العني؟ قالوا: الذي يرضى بما قسم الله له، فقلت: من الفقير؟ قالوا: الذي قلبه مع طلب الزيادة، فقلت: من البخيل؟ قالوا: الذي يمنع حق الله من ماله.

٣٦٣١. وكان يقال: كل الدنيا فصول إلا خمسا: خبز يشبعه، وماء يرويه، وثوب يستبر به، وبيت يسكنه، وعلم يستعمله.

٣٦٣٢. وقال ذو النون المصري: علامه أهل الجنة خمس: وجه حسن، وخلق حسن، وصلة رحم، ولسان لطيف، واجتناب المحارم.

وعلامه أهل النار خمس: سوء الخلق، وقلب قاس، وارتكاب المعاصي، ولسان سليط، ووجه حامض. (٢)

٣٦٣٣. وقال الأنطاكى: خمس من دواء القلب: مجالسة الصالحين، وقراءة القرآن، وخلاء القلب، وقيام الليل، والتضرع عند الصبح.

ص: ٢٦٤

١- . مجموعه ورام، ج ٢، ص ١١٢، بالمضمون.

٢- . رجل حامض الفؤاد: متغيره فاسده (القاموس المحيط: ٣٢٨/٢).

۳۶۲۷. ابو زید گفت: علامت هوشیاری پنج چیز است: چون به خود فکر کند احساس نیاز کند. چون به یاد پروردگار افتد استغفار کند. وقتی به یاد دنیا افتد عبرت بگیرد. و با یاد آخرت خوشحال شود. به خداوندی خدا افتخار کند.

۳۶۲۸. شفیق بلخی گفت: پنج خصلت را بکار گیرید: خدا را به قدر نیازتان به او عبادت کنید. از دنیا به قدر زندگی در آن بهره گیرید. به قدر طاقت بر عذاب نافرمانی خدا کنید. توشه آخرت به قدر ماندن در قبر آماده کنید. به قدری که می خواهید در بهشت بمانید برای آن تلاش کنید.

۳۶۲۹. شفیق بلخی گفت: بینوایان پنج ویژگی برگزیده اند: راحت جان. فراغت دل عبادت پرورگار. آسانی حساب. درجه عالی.

ثروتمندان پنج ویژگی برگزیده اند: بلای جان. دغدغه خاطر. بندگی دنیا. سختی حساب. مقام پائین.

۳۶۳۰. شفیق ابراهیم گفت: از هفتصد عالم پنج مسئله را پرسیدم، همه یک جواب داند:

پرسیدم: عاقل کیست؟ گفتند: کسی که دنیا را دوست نداشته باشد.

پرسیدم: زیرک کیست؟ گفتند: کسی که دنیا او را فریب ندهد.

پرسیدم: ثروتمند کیست؟ گفتند: کسی که به قسمت خدا خشنود باشد.

پرسیدم: فقیر کیست؟ گفتند: کسی که طمع دارد.

پرسیدم: بخیل کیست؟ گفتند: کسی که حق خدا را از مال خود نپردازد.

۳۶۳۱. گفته می شود: همه دنیا اضافه است جز پنج چیز: نانی برای سیر شدن. آبی برای نوشیدن.

لباسی برای پوشیدن. خانه ای برای سکونت. علمی برای کاربرد.

۳۶۳۲. ذوالنون مصری گفت: نشانه اهل بهشت پنج چیز است: سیمای زیبا. اخلاق خوش. صله رحم کردن با خویشاوندان. زبان شیرین. دوری از حرام.

علامت اهل دوزخ پنج چیز است: اخلاق بد. سنگدلی. گناهکاری. زبان خشن. چهره درهم کشیده.

۳۶۳۳. انطاکی گفت: پنج چیز داروی قلب است: رابطه با صالحان. قرائت قرآن. قلب آرام. نماز شب. زاری به درگاه خدا در سلامتی.

٣٦٣٤. وَقَالَ بَعْضُ الْحُكَمَاءِ: مَنْ لَمْ يَخْشَ اللَّهَ لَمْ يَنْجُ مِنْ زَلَّةِ اللِّسَانِ، وَمَنْ لَمْ يَخْشَ قُدُومَهُ عَلَى اللَّهِ لَمْ يَنْجُ مِنَ الْحَرَامِ وَالشُّبْهَةِ، وَمَنْ لَمْ يَكُنْ عَنِ الْخَلْقِ آيسًا لَمْ يَنْجُ مِنَ الطَّمَعِ، وَمَنْ لَمْ يَكُنْ عَلَى عَمَلِهِ حَافِظًا لَمْ يَنْجُ مِنَ الرِّيَاءِ، وَمَنْ لَمْ يَسْتَيْقِنْ بِاللَّهِ عَلَى احْتِرَاسِ قَلْبِهِ لَمْ يَنْجُ مِنَ الْحَسَدِ.

٣٦٣٥. وَقِيلَ: إِنَّ الْحُكَمَاءَ نَظَرُوا فَرَأَوْا مَصَائِبَ الْعَالَمِ وَمِحَنَهَا فِي خَمْسٍ: الْمَرَضِ فِي الْغُرْبَةِ، وَالْفَقْرِ فِي الشَّيْبِ، وَالْمَيُوتِ فِي الشُّبَابِ، وَالْعَمَى بَعْدَ الْبَصْرِ، وَالنَّكْرَ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ.

٣٦٣٦. وَقِيلَ: اتَّفَقَ حُكَمَاءُ الْهِنْدِ وَالرُّومِ وَفَارِسٍ أَنَّ جَمِيعَ الْأَمْرَاضِ تَتَوَلَّدُ مِنْ خَمْسَةِ أَشْيَاءٍ: الْأَوَّلُ: كَثْرَةُ الْأَكْلِ. الثَّانِي: كَثْرَةُ الْمُبَاشَرَةِ. الثَّلَاثُ: كَثْرَةُ النَّوْمِ فِي النَّهَارِ. الرَّابِعُ: قَلَّةُ النَّوْمِ فِي اللَّيْلِ. وَالخَامِسُ: شُرْبُ الْمَاءِ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ.

٣٦٣٧. وَمِمَّا رُوِيَ: أَنَّهُ وُجِدَ فِي خَزَائِهِ كِسْرَى أَنْوَشِيروَانَ لَوْحٌ مِنْ زَبْرَجِدٍ وَعَلَيْهِ خَمْسَةُ أَسْطُرٍ: الْأَوَّلُ: مَنْ لَا وُلْدَ لَهُ لَا قُرَّةَ عَيْنٍ لَهُ. وَالثَّانِي: مَنْ لَا أَخَ لَهُ لَا عَضْدَ لَهُ. وَالثَّلَاثُ: مَنْ لَا زَوْجَ لَهُ لَا عَيْشَ لَهُ. وَالرَّابِعُ: مَنْ لَا مَالَ لَهُ لَا جَاةَ لَهُ. وَالخَامِسُ: مَنْ لَا تَكُونَ لَهُ هَذِهِ الْأَشْيَاءُ لَا غُصَّةَ (قِسَطَ خ ل) لَهُ.

٣٦٣٨. وَقَالَ كِسْرَى: مَنْ قَدَّرَ أَنْ يَحْتَرِزَ مِنْ خَمْسِ خِصَالٍ لَمْ يَكُنْ فِي تَدْبِيرِهِ خَلَلٌ: الْحِرْصُ، وَالْأَمَلُ، وَالْعُجْبُ، وَاتِّبَاعُ الْهَوَى، وَالتَّوَانِي؛ فَالْحِرْصُ يَسْلُبُ الْحَيَاءَ، وَالْعُجْبُ يَجْلِبُ الْمَقْتَ، وَاتِّبَاعُ الْهَوَى يورِثُ الْفُضِيحَةَ، وَالتَّوَانِي يُكْسِبُ التَّدَامَةَ.

٣٦٣٩. وَقَالَ الْحَسَنُ الْبَصْرِيُّ: مَكْتُوبٌ فِي التَّوَارِهِ خَمْسَةُ أَحْرُفٍ: أَوَّلُهَا أَنَّ الْغُنْيَةَ (١) فِي الْقَنَاعَةِ، وَأَنَّ السَّلَامَةَ فِي الْعَزَلَةِ، وَأَنَّ الْحُرِّيَّةَ فِي رَفْضِ الدُّنْيَا، وَأَنَّ التَّمَتُّعَ فِي أَيَّامٍ طَوِيلَةٍ، وَأَنَّ الصَّبْرَ فِي أَيَّامٍ قَصِيرَةٍ.

٣٦٤٠. وَقِيلَ: الْقَنَاعَةُ رَاحَةُ الْيَدَنِ، وَكَثْرَةُ التَّجَارِبِ زِيَادَةٌ فِي الْعَقْلِ، وَمَنْ سَعَى بِالنَّمِيمَةِ حَيْدَرَةَ الْقَرِيبِ وَالْبَعِيدِ، وَمَنْ يُشَاوِرُ النِّسَاءَ فَسَدَ رَأْيُهُ، وَمَنْ حَلَّمَ سَادَ.

وَمِنْ كِتَابِ الرِّيَاضِ الزَّاهِرَةِ وَالْأَنْوَارِ الْبَاهِرَةِ: رُوِيَ عَنِ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ أَوْصَى ابْنَهُ شَيْثَ بِخَمْسَةِ أَشْيَاءَ، وَأَمَرَهُ بِأَنْ يُوَصِّيَ بِهَا أَوْلَادَهُ بَعْدَهُ:

أَوَّلُهَا: قَالَ لَهُ: قُلْ لِأَوْلَادِكَ: لَا تَطْمَئِنُّوا بِالْدُّنْيَا؛ فَإِنِّي اطْمَأْنَنْتُ بِالْجَنَّةِ الْبَاقِيَةِ فَلَمْ يَرْضَيْنِ اللَّهُ

۳۶۳۴. حکیم گفت: کسی که از خدا نترسد از لغزش زبان نجات نمی یابد. و کسی که از جرأت بر خدا نترسد از حرام و شبهه نجات نمی یابد. و کسی که از مردم ناامید نباشد از طمع نجات نمی یابد. و کسی که مراقب علم خود نباشد از دورویی نجات نمی یابد. و کسی که برای حراست قلب خود به خدا یقین ندارد از حسد نجات نمی یابد.

۳۶۳۵. گفته اند: حکیمان مصیبتها و دشواریهای دنیا را در پنج چیز دیده اند: ۱- بیماری در غربت ۲- فقر در پیری ۳- مرگ در جوانی ۴- کوری بعد از بینایی ۵- گمنامی بعد از شهرت.

۳۶۳۶. گفته اند: پزشکان هند و روم و فارس معتقدند که همه بیماری ها از پنج چیز ناشی می شوند:

۱- پرخوری ۲- آمیزش زیاد ۳- خواب زیاد در روز ۴- کم خوابی در شب ۵- نوشیدن آب در نیمه شب.

۳۶۳۷. گفته اند: در خزانه انوشیروان بر لوحی پنج سطر نوشته بود:

۱- کسی که فرزند ندارد، نور دیده ندارد. ۲- کسی که برادر ندارد، یاور ندارد. ۳- کسی که همسر ندارد، عیش ندارد. ۴- کسی که مال ندارد، موقعیت ندارد. ۵- کسی که هیچیک از اینها را ندارد، غصه ندارد.

۳۶۳۸. کسری گفت: کسی که بتواند از پنج چیز دوری کند در تدبیر او نقصی نیست: طمع که حیاء را سلب می کند. خود پسندی که خشم خدا بدنبال دارد. هوا پرستی که رسوایی بدنبال دارد.

سستی که پشیمانی بیار آرد.

۳۶۳۹. حسن بصری گوید: در تورات پنج جمله هست: ۱- ثروت در قناعت است. ۲- سلامت در گوشه گیری است. ۳- آزادی در بریدن از دنیا است. ۴- لذت بردن در زندگی ابدی است.

۵- صبر در زندگی کوتاه دنیا است.

۳۶۴۰. گفته اند: قناعت آسایش بدن است. تجربه زیاد بر عقل می افزاید. کسی که سخن چینی کند دوست و دشمن از او دوری می کنند. کسی که با زنان مشورت کند به خطا رود. هر که بردباری کند بزرگوار شود.

در کتاب ریاض الزاهره و انوار الباهره آمده است: حضرت آدم علیه السلام به پسرش شیث پنج وصیت کرد و دستور داد که او هم وصیت کند:

۱- به فرزندان بگو: به دنیا اطمینان نکنید چون من به بهشت اطمینان کردم و خدا را

تعالى، وأخرجني منها.

والثاني: قل لهم: لا تعملوا بهواء نساءكم؛ فإني عملت بهواء امرأتي وأكلت من الشجره فلحقني الندامه.

والثالث: كل عمل تريدونه انظروا عاقبته؛ فإني لو نظرت عاقبه الأمر لم يصبني ما أصابني.

والرابع: إذا اضطرت قلوبكم بشيء فاجتنبوه؛ فإني حين أكلت من الشجره اضطرب قلبي فلم أرجع، فلحقني الندم والنعاس.

والخامس: استشيروا في الأمر؛ فلو شاورت الملائكه لم يصبني ما أصابني.

تتمه: اعلم أن للمتصدين خمس كرامات: الأولى: قضاء الحوائج. الثانية: الخلاص من الشدايد. الثالثة: زياده الرزق والنجاه من ميته السوء. الرابعة: تكفير الخطيئات، الخامسة: طول العمر وإدرا الرزق.

والأخبار في فضل الصدقه كثيره:

٣٦٤١. منها: ما روى عن النبي صلى الله عليه وآله أنه سأل إبليس عن الصدقه فقال له: يا ملعون! لم تمنع الصدقه؟ فقال: يا محمداً، كأن المنشار يوضع على رأسى، وينشر كما ينشر الخشب، فقال النبي صلى الله عليه وآله: لماذا؟ قال: لأن في الصدقه خمس خصال: أولها: يزيد في الأموال. وثانيها: شفاء للمريض. وثالثها: تدفع البلاء.

ورابعها: يمرّون على الصراط كالبرق الخاطف. وخامسها: يدخلون الجنة بغير حساب ولا عذاب.

فقال النبي صلى الله عليه وآله: زادك الله عذاباً فوق العذاب!

٣٦٤٢. وقال النبي صلى الله عليه وآله: إذا خرجت الصدقه من يد صاحبها تتكلم بخمس كلمات: أولها: كنت فانياً فأبنتني، وكنت صغيراً فكبرتني، وكنت عدواً فأحببتني، وكنت تحزنى والآن أنا أحزبك إلى يوم القيامة.

ثم اعلم أن الصدقه على خمس أقسام:

الأول: صدقه المال.

الثاني: صدقه الجاه؛ وهى الشفاعه، قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أفضل الصدقه صدقه اللسان، قيل: يا رسول الله، وما صدقه اللسان؟ قال: الشفاعه تفكك بها الأسير، وتحقن بها الدم، وتجرب بها المعروف.

خشنود نکردم مرا از بهشت اخراج کرد.

۲ - به آنان بگو: از شهوت زنان پیروی نکنید من به خواسته همسر من دادم و از درخت ممنوعه خوردم و پشیمان شدم.

۳ - برای هر کاری به عاقبت آن بیندیشید اگر من چنین می کردم گرفتار نمی شدم.

۴ - هر گاه در دل خود دغدغه احساس کردید آن کار را انجام ندهید چون من هنگام خوردن آن میوه دغدغه خاطر پیدا کردم ولی به آن اعتنا نکردم و پشیمان شدم.

۵ - در کارها مشورت کنید اگر من با فرشتگان مشورت می کردم گرفتار نمی شدم.

بدانکه صدقه دهندگان پنج کرامت دارند: برآوردن نیاز دیگران. رهایی از سختی ها.

فراوانی رزق و نجات از مرگ بد. کفاره گناهان. عمر طولانی و رزق زیاد.

روایات درباره صدقه بسیارند از جمله آنها:

۳۶۴۱. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است: که از شیطان پرسیدم: ای ملعون چرا از صدقه جلوگیری می کنی؟
جواب داد: ای محمد، کسی که صدقه می دهد گویا آزه بر سر من گذاشته و مثل چوب مرا می بُرد.

پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدند: چرا؟ گفت: چون در صدقه پنج امتیاز است: مال را زیاد می کند.

مریض را شفا می دهد. بلا را دور می کند. صدقه دهنده از صراط با سرعت برق عبور می کند. بدون حساب و عذاب وارد بهشت می شود.

پیامبر صلی الله علیه و آله به شیطان فرمودند: خدا عذاب تو را افزون نماید.

۳۶۴۲. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: وقتی که صدقه از دست انسان خارج می شود پنج جمله می گوید: من فانی بودم تو مرا جاوید کردی. کوچک بودم مرا بزرگ کردی. دشمن تو بودم مرا دوست خود کردی. تو مرا حفظ کردی. اینک من تو را تا قیامت حفظ می کنم.

اقسام صدقه:

صدقه پنج قسم است: ۱ - صدقه مال ۲ - صدقه مقام: یعنی شفاعت کردن از دیگران.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: برترین صدقه، صدقه زبان است. پرسیدند: یا رسول الله صدقه زبان

إلى أخيك، وتَدْفَعُ بِهَا الْكَرِيهَةَ، وَقِيلَ: الْمَوَاسَاةُ فِي الْجَاهِ وَالْمَالِ عَوْدُهُ بَقَائِهِمَا.

الثَّالِثُ: صَدَقَهُ الْعَقْلُ وَالرَّأْيُ؛ وَهِيَ الْمَشْوَرَةُ، وَعَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: تَصَدَّقُوا عَلَيَّ أُخِيكُمْ بِعِلْمٍ يَرشُدُهُ، وَرَأْيٍ يُسَدِّدُهُ.

الرَّابِعُ: صَدَقَهُ اللَّسَانُ؛ وَهِيَ الْوَسَاطَةُ بَيْنَ النَّاسِ، وَالسَّعْيُ فِيهَا يَكُونُ سَبَبًا لِإِطْفَاءِ النَّائِرَةِ (١) وَإِصْلَاحِ ذَاتِ الْبَيْنِ، قَالَ تَعَالَى: «لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّنْ نَّجْوَى هُمْ إِلَّا مَن أَمَرَ بِصَدَقِهِ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ مِّمَّن بَيْنَ النَّاسِ».

الخَامِسُ: صَدَقَهُ الْعِلْمُ؛ وَهِيَ بَذْلُهُ لِأَهْلِهِ، وَنَشْرُهُ عَلَى مُسْتَحِقِّهِ.

٣٦٤٣. عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: وَمِنَ الصَّدَقَةِ أَنْ يَتَعَلَّمَ الرَّجُلُ الْعِلْمَ وَيُعَلِّمَهُ النَّاسَ. (٢)

٣٦٤٤. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: زَكَاهُ الْعِلْمُ تَعْلِيمُهُ مَن لَا يَعْلَمُهُ. (٣)

٣٦٤٥. الْأَصُولُ الَّتِي يَجِبُ تَقْرِيرُهَا فِي كُلِّ شَرِيْعَةٍ خَمْسَةٌ:

الأَوَّلُ: حِفْظُ النَّفْسِ بِالْقِصَاصِ.

الثَّانِي: حِفْظُ الدِّينِ بِقَتْلِ الْمُرْتَدِّ.

الثَّالِثُ: حِفْظُ الْمَالِ بِقَطْعِ السَّارِقِ.

الرَّابِعُ: حِفْظُ الْعَقْلِ بِحَدِّ شُرْبِ الْمُسْكِرِ.

الخَامِسُ: حِفْظُ النَّسَبِ بِحَدِّ الزَّانِي.

٣٦٤٦. أَصُولُ الدِّينِ خَمْسَةٌ (٤): التَّوْحِيدُ، وَالْعَدْلُ، وَالنُّبُوَّةُ، وَالْإِمَامَةُ، وَالْمَعَادُ.

٣٦٤٧. قَوَاعِدُ الدِّينِ خَمْسَةٌ: مَعْرِفَةُ الْمَعْبُودِ، وَالْقَنَاعَةُ بِالْمَوْجُودِ، وَالْوَقْفُ عَلَى الْحُدُودِ، وَالْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ، وَالصَّبْرُ عَلَى الْمَفْقُودِ.

٣٦٤٨. وَقَالَ الشَّاعِرُ:

لِي خَمْسَةٌ أَطْفَى بِهِمْ حَرَّ الْجَحِيمِ الْحَاطِمَةِ (٥) الْمُصْطَفَى وَالْمُرْتَضَى وَابْنَاهُمَا وَفَاطِمَةَ

ص: ٢٧٠

١- . بينهم نائره: أى عداوه (لسان العرب: ٢٤٧/٥).

٢- . عدّه الدّاعى، ص ٦٣.

٣- . عدّه الدّاعى، ص ٦٣.

- ٤- . هذا على خلاف المصطلح؛ لأنَّ اصول الدين ثلاثه: التوحيد والنبؤه والمعاد، وأصول المذهب اثنان: الإمامه والعدل، والحقّ أنَّ اصول المذهب أكثر من ذلك، وإنَّما اكتفوا بهما لأهمّيتهما.
- ٥- . الحاطمه: اسم لجهنم.

چیست؟ حضرت فرمودند: شفاعتی که تو اسیری را آزاد کنی، یا خون بیگناهی را حفظ کنی، و به کسی نیکی برسانی و بدی را از کسی دور کنی.

گفته اند: در میان گذاردن مال و جاه برای استفاده دیگران باعث بقای مال و مقام می شود.

۳ - صدقه عقل و فکر یعنی مشورت دادن. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: به برادر خود با دانشی که او را ارشاد کند و فکری که او را راهنمایی کند، صدقه بدهید.

۴ - صدقه زبان، یعنی میانجیگری بین مردم و تلاش برای خاموش کردن آتش فتنه و کینه، و برقراری آرامش بین مردم.

خداوند می فرماید: «سخنان در گوشی، اینان خیری ندارد، مگر اینکه دستور به صدقه یا کار نیک یا آشتی بین مردم باشد».

۵ - صدقه علم، یعنی انتشار علم در بین جویندگان علم که صلاحیت آن را دارند.

۳۶۴۳. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: یاد گرفتن و یاد دادن نوعی صدقه است.

۳۶۴۴. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: زکات علم آموختن آن به کسی است که نمی داند.

۳۶۴۵. اصول هر شریعت و دین این پنج چیز است:

اول: حفظ نفس با قصاص است. دوم: حفظ دین با کشتن مرتد است. سوم: حفظ مال با قطع کردن دست سارق است. چهارم: حفظ عقل با مجازات شرابخوار است. پنجم: حفظ نژاد با مجازات کردن زناکار است.

۳۶۴۶. اصول دین پنج چیز است: توحید، عدل، نبوت، امامت، معاد.

۳۶۴۷. پایه های دین پنج چیز است: خداشناسی، قناعت به امکانات موجود، رعایت کردن حد و مرزها، وفا به عهد، صبر بر گمشده.

۳۶۴۸. شاعر گوید: پنج شفیع دارم که آتش دوزخ را به وسیله آنها فرو می نشانم. پیامبر و امیرالمؤمنین و فاطمه و دو فرزندشان علیهم السلام.

تَغَرَّبَ عَنِ الْأَوْطَانِ فِي طَلَبِ الْعُلَى وَسَافِرَ فِي الْأَسْفَارِ خَمْسُ فَوَائِدٍ

تَفَرُّجٌ هُمْ وَآكِثَابٌ مَعِيشَةٍ وَعَقْلٌ (١) وَآدَابٌ وَصُحْبَةٌ مَاجِدٌ

فَإِنْ قِيلَ فِي الْأَسْفَارِ ذُلٌّ وَغُرْبَةٌ وَكَثْرَةٌ هُمْ وَارْتِكَابُ الشَّدَائِدِ

فَمَوْتُ الْفَتَى خَيْرٌ لَهُ مِنْ حَيَاتِهِ بِدَارِ هَوَانٍ بَيْنَ وَاشٍ وَحَاسِدٍ

٣٦٥٠. وَرَوَى: أَنَّهُ مَنْ أَرَادَ الْجَنَّةَ فَعَلِيهِ بِمُلَازِمَةِ خَمْسَةِ أُمُورٍ: فَلَأَوَّلُ: الْاجْتِنَابُ عَنِ الْمَعَاصِي خَوْفًا مِنَ اللَّهِ تَعَالَى؛ لِقَوْلِهِ: «وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ الْهَوَىٰ * فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ».

وَالثَّانِي: الرِّضَى مِنَ الدُّنْيَا بِقُوَّةٍ وَشَمَلِهِ (٢) وَتَرْكُ الْبَوَاقِي؛ فَإِنَّهُ قِيلَ: تَمَنُّ الْجَنَّةِ تَرَكَ حُطَامَ الدُّنْيَا.

وَالثَّلَاثُ: الْحِرْصُ عَلَى الطَّاعَاتِ وَالْعِبَادَاتِ وَعَلَى كَمَلِ شَيْءٍ يُظَنُّ فِيهِ رِضَاءُ اللَّهِ وَرَسُولِهِ؛ لِقَوْلِهِ تَعَالَى: «وَتَلْعَكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ».

وَالرَّابِعُ: الْجُلُوسُ مَعَ أَهْلِ الْعِلْمِ وَالصَّلَاحِ، وَمَحَبَّةُ الْفُقَرَاءِ؛ لِأَنَّ الْمَرْءَ يُحْشَرُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ مَنْ أَحَبَّ.

وَالخَامِسُ: الْخُشُوعُ وَالْخُضُوعُ وَالِدُّعَاءُ لِلَّهِ تَعَالَى عَلَى التَّوَاتُرِ وَالتَّوَالِي؛ لِأَنَّ فِي الْخَبْرِ: مَنْ طَلَبَ مِنَ اللَّهِ الْجَنَّةَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، تَقُولُ الْجَنَّةُ: يَا رَبِّ بَلِّغْهُ إِلَيَّ وَبَلِّغْنِي إِلَيْهِ .

٣٦٥١. وَرَوَى أَنَّهُ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسِأَلَهُ عَنِ عَمَلٍ يُدْخِلُهُ الْجَنَّةَ، فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ: صَلِّ الْمَكْتُوبَاتِ، وَصُمْ شَهْرَ رَمَضَانَ، وَاغْتَسِلْ مِنَ الْجَنَابَةِ، وَأَجِبْ عَلِيًّا وَأَوْلَادَهُ الْمَعْصُومِينَ؛ وَادْخُلِ الْجَنَّةَ مِنْ

١- . وعلم (خ ل).

٢- . الشملة: كساء يتغطى ويتلفف فيه (النهاية: ٥٠١/٢).

۳۶۴۹. شافعی گوید: [بعضی از این اشعار را به امیرالمؤمنین علیه السلام نسبت داده اند]

برای بدست آوردن شرف از وطن خود دور شو و غربت گزین.

و مسافرت کن که در سفر پنج فائده وجود دارد:

ناراحتی و غم و غصه بر طرف می شود، روزی بدست می آید.

علم و ادب و دوست خوب پیدا می شود.

اگر بگویند: در سفر خواری و غربت است.

و اندوه و رنج فراوان دارد.

اما برای جوانمرد مرگ بهتر است از زندگی

در خانه ذلت، میان سخن چینان حسود.

۳۶۵۰. در روایت آمده است: هر کس بهشت خواهد بر پنج چیز مداومت کند: ۱- از گناهان برای ترس از خدا اجتناب کند، چون خدا فرمود: «کسی که از مقام پروردگارش بترسد و از هوای نفس دوری کند جایگاه او بهشت خواهد بود».

۲- به مقدار نیاز روزانه از دنیا قناعت کند و مازاد را ترک کند. چون گفته اند: قیمت بهشت ترک متاع دنیاست.

۳- حرص در اطاعت خدا و عبادات و هر چیزی که گمان دارد خشنودی خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله در آن است. خداوند فرموده است: «این بهشت را در مقابل اعمال آنان بدست آورده اید».

۴- همنشینی با علماء و صالحان و محبت به فقیران، چون انسان هر که را دوست دارد با او محشور می شود.

۵- خشوع و تضرع و دعا در درگاه خداوند متعال بطور متوالی و پیوسته. چون در حدیث آمده است: کسی که از خداوند سه بار بهشت را طلب کند. بهشت گوید: پروردگارا او را به من برسان و مرا به او برسان.

۳۶۵۱. شخصی از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: چه عملی مرا به بهشت می برد: حضرت فرمودند: نمازهای روزانه را بخوان. ماه رمضان روزه بگیر. غسل جنابت انجام بده. حضرت علی علیه السلام را

أَيُّ بَابٍ شِئْتِ، فَوَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا وَبِالرِّسَالَةِ نَجِيًّا! لَوْ صَيَّلْتِ أَلْفًا، وَحَجَّجْتِ أَلْفًا، وَصُمْتِ أَلْفًا، وَغَزَوْتِ أَلْفًا، وَأَعْتَقْتِ أَلْفَ رَقَبَةٍ، وَقَرَأْتِ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَالزَّبُورَ وَالْفُرْقَانَ، وَلَقِيتِ الْأَنْبِيَاءَ كُلَّهُمْ، وَعَيَّدَتِ اللَّهَ (تَعَالَى)، وَغَزَوْتِ مَعَ كُلِّ نَبِيٍّ أَلْفَ غَزْوَةٍ، وَحَجَّجْتِ مَعَ كُلِّ نَبِيٍّ أَلْفَ حَجَّهِ وَعُمْرَهُ، وَلَمْ يَكُنْ فِي قَلْبِكَ حُبٌّ عَلَيَّ وَأَوْلَادِهِ الْمَعْصُومِينَ؛ دَخَلْتَ النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِينَ.

فَلْيَبْلُغِ الشَّاهِدُ الْغَائِبَ هَذَا الْكَلَامَ، فَقُولُوا (١) فِي عَلِيٍّ؛ فَإِنِّي مَا أَقُولُ فِي عَلِيٍّ إِلَّا بِأَمْرِ جَبْرَائِيلَ؛ وَجَبْرَائِيلُ لَا يُخْبِرُنِي إِلَّا عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَإِنَّ جَبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يَتَّخِذْ أَحَدًا فِي الدُّنْيَا إِلَّا عَلِيًّا، مَنْ شَاءَ فَلْيُحِبَّهُ، وَمَنْ شَاءَ فَلْيُبْغِضْهُ؛ فَإِنَّ اللَّهَ (تَعَالَى) آلَى عَلِيٍّ نَفْسِهِ إِلَّا يُخْرِجُ مُبْغِضَ عَلِيٍّ مِنَ النَّارِ مَا دَامَ مُحِبُّهُ فِي الْجَنَّةِ.

ص: ٢٧٤

١ - . كذا.

دوست داشته باش. فرزندان معصوم حضرت علی علیه السلام را دوست داشته باش، از هر دری که خواهی وارد بهشت می شوی. قسم به خدایی که مرا به حق به پیامبری مبعوث کرد و به رسالت رساند، اگر هزار نماز و هزار حج و هزار روزه و هزار جنگ بجا آوری و هزار بنده آزاد کنی و تورات و انجیل و زبور و قرآن را قرائت کنی و همه پیامبران را زیارت کنی و خدا را عبادت کنی و با هزار پیامبر در هزار جنگ شرکت کنی و با هر پیامبر هزار حج و عمره بجا آوری. اما در قلب تو حبّ علی و اولاد معصوم او نباشد با دوزخیان وارد جهنم می شوی.

حاضران این سخنان را به غایبان برسانند و درباره علی بگوئید: من این سخنان را درباره علی جز بفرمان جبرئیل نمی گویم و جبرئیل هم جز از طرف خدا خبر نمی دهد.

جبرئیل در دنیا جز علی علیه السلام کسی را به برادری برنگزید. هر کس می خواهد علی را دوست داشته باشد. و هر کس می خواهد او را دشمن دارد.

خداوند سوگند یاد کرده است دشمن علی را از جهنم رها نکند. تا زمانی که دوستان علی در بهشت هستند.

الباب السادس: في المَوَاعِظِ السُّداسِيَّاتِ

باب ششم: پندهای شش گانه

اشاره

ص: ۲۷۷

الفصل الأول: مِمَّا رَوَتْهُ الْخَاصَّةُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

٣٦٥٢. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا مَعْشَرَ الْمُسْلِمِينَ! إِيَّاكُمْ وَالزَّانَا؛ فَإِنَّ فِيهِ سِتَّةَ خِصَالٍ: ثَلَاثٌ فِي الدُّنْيَا، وَثَلَاثٌ فِي الْآخِرَةِ؛ أَمَّا الَّتِي فِي الدُّنْيَا: فَإِنَّهُ يَذْهَبُ بِالْبَهَاءِ، وَيُورِثُ الْفَقْرَ، وَيَنْقُصُ الْعُمُرَ؛ أَمَّا الَّتِي فِي الْآخِرَةِ فَإِنَّهُ يُورِثُ سَيِّئَ حَظِّ الرَّبِّ، وَسُوءَ الْحِسَابِ، وَالْخُلُودَ فِي النَّارِ. (١)

(ثُمَّ) قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: سَوَّلَتْ (٢) لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ. (٣)

٣٦٥٣. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَلَيْكُمْ بِالصَّدَقَةِ؛ فَإِنَّ فِيهَا سِتَّةَ خِصَالٍ: ثَلَاثٌ فِي الدُّنْيَا وَثَلَاثٌ فِي الْآخِرَةِ؛ أَمَّا الَّتِي فِي الدُّنْيَا: تَزِيدُ فِي الْعُمُرِ، وَتُدِرُّ الرِّزْقَ، وَتَعْمُرُ الدِّيَارَ.

وَأَمَّا الثَّلَاثُ الَّتِي فِي الْآخِرَةِ: فَتَسْتُرُ الْعَوْرَةَ، وَتُظِلُّ عَلَى الشَّخْصِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَتَكُونُ سِتْرًا بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّارِ.

٣٦٥٤. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: تَقَبَّلُوا إِلَيَّ بِسِتِّ أَتَقَبَّلُ لَكُمْ بِالْجَنَّةِ: إِذَا تَحَدَّثْتُمْ فَلَا تَكْذِبُوا، وَإِذَا وَعَدْتُمْ فَلَا تُخْلِفُوا، وَإِذَا أَوْثَمْتُمْ فَلَا تَخُونُوا، وَغَضُّوا أَبْصَارَكُمْ، وَاحْفَظُوا فُرُوجَكُمْ وَكُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَلْسِنَتَكُمْ. (٤)

٣٦٥٥. وَعَنْ أَبِي إِمَامَةَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي، وَلَا أُمَّةَ بَعْدَكُمْ، أَلَا فَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ، وَصَلُّوا خَمْسَةَ كُفٍّ، وَصُومُوا شَهْرَكُمْ، وَحُجَّجُوا بَيْتَ رَبِّكُمْ، وَأَدُّوا زَكَاةَ أَمْوَالِكُمْ طَيِّبَةً (٥) بِهَا أَنْفُسِكُمْ، وَأَطِيعُوا وُلاةَ أَمْرِكُمْ، تَدْخُلُوا جَنَّةَ رَبِّكُمْ. (٦)

ص: ٢٧٨

١- الخصال، ص ٣٢٠، ح ٢.

٢- التسويل: تحسين الشيء وتزيينه وتحبيبه إلى الإنسان ليفعله أو يقوله (النهاية: ٤٢٥/٢).

٣- الخصال، ص ٣٢٠، ح ٢.

٤- الخصال، ص ٣٢١، ح ٥.

٥- أي تعطون الزكاة وأنتم منشرحة صدوركم بحيث تلتذون بها.

٦- الخصال، ص ٣٢٢، ح ٦.

فصل اول: روایاتی که شیعیان از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده اند

۳۶۵۲. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: ای مسلمانان؛ از زنا دوری کنید. که شش کیفر دارد: سه کیفر در دنیا:

شخصیت را نابود می کند. فقر می آورد. عمر را کوتاه می کند.

و سه کیفر در آخرت: خشم پروردگار. دشواری حساب. جاودانگی در عذاب جهنم.

پیامبر صلی الله علیه و آله در ادامه فرمودند: نفس آنان گناه را در نظرشان جلوه داد، که خدا بر آنان غضب کرده و در عذاب جاویدند.

۳۶۵۳. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: صدقه بدهید که شش ثواب دارد:

سه پاداش در دنیا: عمر را زیاد می کند. روزی را زیاد می کند. شهرها را آباد می کند.

سه پاداش در آخرت: عورت را می پوشاند. سایبان در قیامت است. مانع از جهنم می شود.

۳۶۵۴. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: شش چیز را از من بپذیرید بهشت را برای شما تضمین می کنم: دروغ نگوئید. از

وعده تخلف نکنید. در امانت خیانت نکنید. چشم از گناه پوشید. عفت داشته باشید. دست و زبان خود را از گناه بازدارید.

۳۶۵۵. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: بعد از من پیامبری نیست. بعد از شما امتی نیست. خدا را عبادت کنید. نمازهای

پنج گانه را بجای آورید. ماه رمضان روزه بگیرید. حج بجا آورید. زکات اموال را با رغبت پردازید. از امامان اطاعت کنید.

وارد بهشت پروردگار شوید.

٣٦٥٦. وَعَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: دَخَلْتُ الْجَنَّةَ فَرَأَيْتُ عَلَى بَابِهَا مَكْتُوبًا بِالذَّهَبِ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ حَبِيبُ اللَّهِ، عَلِيٌّ وَلِيُّ اللَّهِ، فَاطِمَةُ أُمُّهُ اللَّهُ، الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ صَفْوَةُ (١) اللَّهِ، عَلَى مُبِغْضِهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ (٢).

٣٦٥٧. وَقَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: سِتُّ خِصَالٍ مِنَ الْمُرُوءَةِ: ثَلَاثٌ فِي السَّفَرِ، وَثَلَاثٌ فِي الْحَضَرِ؛ فَأَمَّا الَّتِي فِي الْحَضَرِ؛ فِتْلَاوَةُ كِتَابِ اللَّهِ، وَعِمَارَةُ مَسَاجِدِ اللَّهِ، وَاتِّخَاذُ الْإِخْوَانِ فِي اللَّهِ عِزًّا وَجَلًّا.

وَأَمَّا الَّتِي فِي السَّفَرِ؛ فَبَدَلُ الزَّادِ، وَحُسْنُ الْخُلُقِ، وَالْمِزَاحُ فِي غَيْرِ الْمَعَاصِي (٣).

٣٦٥٨. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ اللَّهَ عِزٌّ وَجَلٌّ كَرِهَةٌ لِي سِتُّ خِصَالٍ، وَكَرِهَةٌ لِلْأَوْصِيَاءِ مِنْ وُلْدِي وَأَتْبَاعِهِمْ مِنْ بَعْدِي:

الْعَبَثُ فِي الصَّلَاةِ، وَالرَّفَثُ (٤) فِي الصَّوْمِ، وَالْمَنُّ بَعْدَ الصَّدَقَةِ، وَإِتْيَانُ الْجُنُبِ مَسْجِدًا، وَالتَّطَلُّعُ فِي الدَّوْرِ، وَالضَّحِكُ بَيْنَ الْقُبُورِ (٥).

٣٦٥٩. وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَتَعَوَّذُ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ سِتِّ خِصَالٍ: مِنَ الشَّكِّ، وَالشَّرِكِ، وَالْحَمِيَّةِ (٦)، وَالغَضَبِ، وَالْبَغْيِ، وَالْحَسَدِ (٧).

٣٦٦٠. وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَوَّلُ مَا عُصِيَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِسِتِّ خِصَالٍ: حُبُّ الدُّنْيَا، وَحُبُّ الرِّئَاسَةِ، وَحُبُّ الطَّعَامِ، وَحُبُّ النِّسَاءِ، وَحُبُّ النَّوْمِ، وَحُبُّ الرَّاحَةِ (٨).

٣٦٦١. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لِلدَّابَّةِ سِتُّ خِصَالٍ عَلَى صَاحِبِهَا: يَبْدَأُ بِعَلْفِهَا إِذَا نَزَلَ، وَيَعْرِضُ عَلَيْهَا الْمَاءَ إِذَا مَرَّ بِهِ [بِهَا]، وَلَا يَضْرِبُ وَجْهَهَا؛ فَإِنَّهَا تُسَبِّحُ بِحَمْدِ رَبِّهَا، وَلَا يَقِفُ عَلَى ظَهْرِهَا إِلَّا فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِزًّا وَجَلًّا، وَلَا يُحْمَلُهَا فَوْقَ طَاقَتِهَا، وَلَا يُكَلِّفُهَا مِنَ الْمَشْيِ إِلَّا مَا تُطِيقُ (٩).

٣٦٦٢. وَعَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى جَمَاعَةٍ فَقَالَ: عَلَى مَا اجْتَمَعْتُمْ؟ قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، هَذَا مَجْنُونٌ يُصْرَعُ فَاجْتَمَعْنَا عَلَيْهِ، فَقَالَ: لَيْسَ هَذَا بِمَجْنُونٍ حَقًّا الْمَجْنُونِ، وَلَكِنَّهُ الْمُبْتَلَى.

ثُمَّ قَالَ: أَلَا أَخْبِرُكُمْ بِالْمَجْنُونِ حَقًّا الْمَجْنُونِ؟ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: إِنَّ الْمَجْنُونَ حَقًّا

ص: ٢٨٠

١- . الصفوة من كل شيء خالصه. والمراد هنا من اختاره الله وأخذه صفوة: أي خالصه. واصطفى أي تناول صفوة الشيء.

٢- . الخصال، ص ٣٢٤، ح ١٠.

٣- . الخصال، ص ٣٢٤، ح ١١.

٤- . الرفث: كلام متضمن لما يستقبح من ذكر الجماع ودواعيه، وجعل كناية عن الجماع في قوله تعالى: «أَحَلَّ لَكُمْ لِيَلْهَأَنَّكُمْ الرِّفْثُ إِلَى نِسَائِكُمْ» تنبيهاً على جواز دعائهن إلى ذلك ومكالمتهن فيه.

٥- . الخصال، ص ٣٢٧، ح ١٩.

٦- . الحميّه: الأنفّه والغيره (النهايه: ١/٤٣٠).

٧- . الخصال، ص ٣٢٩، ح ٢٤.

٨- . الخصال، ص ٣٣٠، ح ٢٧.

٩- . الخصال، ص ٣٣٠، ح ٢٨.

۳۶۵۶. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: وارد بهشت شدم. دیدم بر در آن با آب طلا نوشته اند: لا اله الا الله، محمد حبيب الله، على ولي الله، فاطمه امه الله، الحسن و الحسين صفوه الله [برگزیده خدا].

بر دشمنانشان لعنت خدا.

۳۶۵۷. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: شش خصلت از جوانمردی است:

سه خصلت در وطن: تلاوت کتاب خدا، تعمیر مساجد، دوست پیدا کردن برای رضای خدا.

سه خصلت در سفر: بذل کردن توشه، اخلاق خوش، شوخی حلال.

۳۶۵۸. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند شش کار را برای من و جانشینان من و پیروان آنان ناپسند شمرده است: بازی در نماز، آمیزش در روزه [شهوترانی]، منت گذاردن بعد از صدقه، با حال جنابت به مسجد رفتن، سرک کشیدن به خانه های مردم، خنده در قبرستان.

۳۶۵۹. رسول الله صلی الله علیه و آله: هر روز از شش گناه به خدا پناه می بردند:

شک و شرک و تعصب و خشم و ستم و حسادت.

۳۶۶۰. امام صادق علیه السلام فرمودند: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: سبب اولین معصیت شش چیز بود: دوستی دنیا و دوستی ریاست و دوستی غذا و دوستی زنان و دوستی خواب و راحت طلبی.

۳۶۶۱. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: حیوان شش حق بر صاحبش دارد: به موقع علف او را بدهد. آب او را بدهد. بر صورت حیوان نزند چون تسبیح خدا می گوید. بر پشت حیوان سوار شده و نیایستد مگر در راه خدا. بیش از قدرت حیوان بار نکند. بیش از قدرت حیوان آن را حرکت ندهد.

۳۶۶۲. رسول الله صلی الله علیه و آله از جایی می گذشتند، پرسیدند: چرا جمع شده اید؟ گفتند: یا رسول الله این شخص دیوانه شده است. حضرت فرمودند: او دیوانه حقیقی نیست، بلکه بیمار است. آیا می خواهید بگویم دیوانه واقعی کیست؟ گفتند: بله یا رسول الله. حضرت فرمودند: دیوانه واقعی کسی است که: در هنگام راه رفتن تکبر دارد. و با غرور نگاه می کند. و با تکبر به دو

المجنون: الْمُتَّبَخَّرُ فِي مَشِيهِ، النَّاطِرُ فِي عَطْفِيهِ (١)، الْمُحَرَّكَ جَنَبِيهِ بِمَنْكِبِيهِ، يَتَمَنَّى عَلَى اللَّهِ جَنَّتَهُ وَهُوَ يَعْصِيهِ، الَّذِي لَا يُؤْمَنُ شَرَّهُ، وَلَا يُرْجَى خَيْرُهُ. فَذَلِكَ الْمَجْنُونُ وَهَذَا الْمُبْتَلَى (٢).

٣٦٦٣. عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: سَتَّةٌ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَكُلُّ نَبِيٍّ مُجَابٍ: الزَّائِدُ (٣) فِي كِتَابِ اللَّهِ، وَالْمُكَدَّبُ بِقَدْرِ اللَّهِ (٤)، وَالتَّارِكُ لِسُنَّتِي (٥)، وَالْمُسْتَحِلُّ مِنْ عَتْرَتِي مَا حَرَّمَ اللَّهُ (٦)، وَالْمُسَلِّطُ بِالْجَبْرُوتِ (٧) لِيُذِلَّ مَنْ أَعَزَّهُ اللَّهُ وَيُعِزَّ مَنْ أَدَلَّهُ اللَّهُ، وَالْمُسْتَأْثِرُ (٨) بِفِيءِ الْمُسْلِمِينَ الْمُسْتَحِلُّ لَهُ (٩).

٣٦٦٤. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَالِمٌ وَرِعٌ أَجْرُهُ كَأَجْرِ عَيْسَى بْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، وَعَنْتَى سَيْخِي أَجْرُهُ كَأَجْرِ الْخَلِيلِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَقَقِيرٌ صَبُورٌ أَجْرُهُ كَأَجْرِ النَّبِيِّ أَيُّوبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَأَمِيرٌ عَادِلٌ أَجْرُهُ كَأَجْرِ سُليْمَانَ بْنِ دَاوُدَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، وَشَابٌّ تَائِبٌ أَجْرُهُ كَأَجْرِ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، وَامْرَأَةٌ حَيِيَّةٌ (١٠) أَجْرُهَا كَأَجْرِ مَرْيَمَ ابْنَةِ عِمْرَانَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ.

٣٦٦٥. قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْمُنَافِقُ مَنْ إِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ، وَإِذَا فَعَلَ أَسَاءَ، وَإِذَا قَالَ كَذَبَ، وَإِذَا أُوتِيَ خَانَ، وَإِذَا رُزِقَ طَاشَ (١١)، وَإِذَا مُنِعَ عَاشَ.

ص: ٢٨٢

- ١- . عطف الرجل: جانبه من لدن رأسه إلى وركيه (الصحيح: ١٤٠٥/٤). ونظر في عطفه: أى نظر في جانبيه نظر متكبر معجب بنفسه، وهو كناية عن التكبر كالجمله الآتية.
- ٢- . الخصال، ص ٣٣٢، ح ٣١.
- ٣- . أى من زاد فى كتاب الله.
- ٤- . هم المفوضه وقد يعبر عنهم بالقدرية، ويقال لمخالفيهم الجبرية والمجبره.
- ٥- . أى تارك السنه فى الواجب والحرام أو تارك السنه والمعرض عنها ولو كان فى المندوبات.
- ٦- . وهو إيذاؤهم وقطع صلتهم وترك مودتهم وإنكار ولايتهم وترك موالاتهم.
- ٧- . الجبروت: فعلوت من الجبر - بفتح الجيم وسكون الباء وفتحها وضّم الجيم مع سكون الباء - صيغه مبالغه بمعنى العظمه والكبر والقدره والسلطنه.
- ٨- . أى المستبدّ به الذى يخصّه على نفسه ولا يعطيهم حقّهم.
- ٩- . الخصال، ص ٣٣٨، ح ٤١.
- ١٠- . الخيبه كذا فى الأصل، ولعلّ المراد التى حرمت من الزوج، من الخيبه بمعنى الحرمان.
- ١١- . أى ذهب عقله وخفّ وتعدّى على الحدود الشرعيه.

طرف خود برمی گردد. و در حالی که گناه می کند آرزوی بهشت از خدا می کند. و از شر او ایمنی نیست. و امید خیر به او نیست. این دیوانه حقیقی است.

۳۶۶۳. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: خدا و همه پیامبران شش نفر را لعنت می کنند:

کسی که به قرآن چیزی بیفزاید. و کسی که قضا و قدر را تکذیب کند. و کسی که سنت مرا ترک کند یا آنچه در مورد اهل بیت من خدا حرام کرده او حلال کند. و با زور بر مردم حکومت کند تا کسانی را که خدا عزیز کرده است ذلیل کند. و کسانی را که خدا ذلیل کرده است عزیز گرداند. و کسی که در اموال مسلمانان تصرف کند.

۳۶۶۴. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: پاداش عالم پرهیزکار چون پاداش عیسی بن مریم علیه السلام است. پاداش ثروتمند سخاوتمند چون ابراهیم علیه السلام است. و پاداش فقیر صبور مانند ایوب است. و پاداش حاکم عادل مثل پاداش سلیمان بن داود علیه السلام است. و پاداش جوان توبه کننده مثل پاداش یحیی است. پاداش زن پاکدامن چون پاداش دختر عمران علیهما السلام است.

۳۶۶۵. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: منافق کسی است که: وعده دهد و تخلف کند. کار زشت انجام دهد. و دروغ بگوید و خیانت در امانت کند. و چون به نعمت رسد سبکسری کند. و چون تهیدست شود آرام گیرد.

الفصل الثانی: مِمَّا رَوَتْهُ الْعَامَّةُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

٣٦٦٦. قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: سِتَّةٌ تَدْخُلُ النَّارَ بِسِتِّهِ أَشْيَاءُ: السُّلْطَانُ بِالْجَوْرِ، وَالْعَرَبُ بِالْعَصِيْبَةِ، وَالذَّهَاقِينُ بِالْكَذِبِ، وَالتَّاجِرُ بِالْخِيَانَةِ، وَأَهْلُ الْقُرَى بِالْجَهْلِ، وَالْعُلَمَاءُ بِالْحَسَدِ. (١)

٣٦٦٧. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: حَقُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ سِتَّةٌ: إِذَا لَقِيْتَهُ فَسَلِّمْ عَلَيْهِ، وَإِذَا دَعَاكَ فَأَجِبْهُ، وَإِذَا اسْتَنْصَحَكَ فَانصَحْ لَهُ، وَإِذَا عَطَسَ وَحَمِدَ اللَّهَ فَسَمِّتْهُ (٢)، وَإِذَا مَرِضَ فَعُدَّهُ، وَإِذَا مَاتَ فَاتَّبِعْهُ. (٣)

٣٦٦٨. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: سِتَّةٌ أَشْيَاءٌ غَرِيبَةٌ فِي سِتِّهِ مَوَاطِنٌ: الْمَسْجِدُ غَرِيبٌ فِيْمَا بَيْنَ قَوْمٍ لَا يَصِلُونَ فِيهِ، وَالْمُصْحَفُ غَرِيبٌ فِي دَارِ قَوْمٍ لَا يَقْرَأُونَ مِنْهُ، وَالْقُرْآنُ غَرِيبٌ فِي حِوْفِ فَاسِقٍ (٤)، وَالْمَرْأَةُ الْمُسْلِمَةُ غَرِيبَةٌ فِي يَدِ رَجُلٍ فَاسِقٍ ظَالِمٍ سَيِّئِ الْخُلُقِ، وَالرَّجُلُ الْمُسْلِمُ الصَّالِحُ غَرِيبٌ فِي يَدِ امْرَأَةٍ رَدِيَّةٍ سَيِّئَةِ الْخُلُقِ، وَالْعَالِمُ غَرِيبٌ فِي قَوْمٍ لَا يَسْتَمِعُونَ مِنْهُ؛ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

٣٦٦٩. وَقِيلَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: عَلَّمَنِي عَمَلًا إِذَا عَمِلْتُهُ أَحَبَّنِي اللَّهُ وَالنَّاسُ، وَيُثْرِي مَالِي، وَيُصِحُّ بَدَنِي، وَيُطِيلُ عُمْرِي، وَيَحْشُرُنِي مَعَكَ. فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: هَذِهِ سِتُّ خِصَالٍ: إِذَا أَرَدْتَ أَنْ يُحِبَّكَ اللَّهُ فَخَفِّهِ وَأَتَّقِهِ، وَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ يُحِبَّكَ النَّاسُ فَاقْطَعْ عَن مَافِي أَيْدِيهِمْ، وَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ يُثْرِيَ مَالَكَ فَأَكْثِرْ مِنَ الصَّدَقَةِ، وَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ يُصِحَّ يَدَنَكَ فَأَكْثِرْ مِنَ الصَّوْمِ، وَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ يُطِيلَ عُمْرَكَ فَصَلِّ أَرْحَامَكَ، وَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ يَحْشُرَكَ اللَّهُ مَعِيَ فَأَكْثِرْ مِنَ السُّجُودِ بَيْنَ يَدَيِ الْوَاحِدِ الْفَهَّارِ. (٥)

ص: ٢٨٤

١- . كُنْزُ الْعَمَالِ، ج ١٦، ص ٨٧، مَعَ اخْتِلَافٍ يَسِيرٍ.

٢- . سَمَّيْتُهُ: أَمْرٌ مِنَ التَّفْعِيلِ، يُقَالُ: سَمَّيْتُ فُلَانًا لِلْعَاطِسِ: دَعَا لَهُ بِقَوْلِهِ يَرْحَمُكَ اللَّهُ وَنَحْوَهُ، وَيُقَالُ أَيْضًا بِالشِّينِ بِهَذَا الْمَعْنَى.

٣- . الْكَامِلُ فِي ضَعْفَاءِ الرِّجَالِ، ج ٧، ص ٢٤٦.

٤- . أَيْ لَا يَسْتَقِرُّ فِيهِ، أَوْ وَإِنْ اسْتَقَرَّ فَحَيْثُ لَا يَعْمَلُ بِهِ فَهُوَ غَرِيبٌ لِأَنَّهُ لَيْسَ أَهْلًا لِذَلِكَ.

٥- . بَحَارُ الْأَنْوَارِ، ج ٨٢، ص ١٦٤، ح ١٢.

فصل دوم: احادیثی که اهل تسنن از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده اند

۳۶۶۶. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: شش گروه با شش گناه به دوزخ می روند: سران حکومت با ستم و عرب با تعصب و رعیت با دروغ و تاجر با خیانت و روستایی با نادانی و علما با حسد.

۳۶۶۷. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: مسلمان بر مسلمان شش حق مسلم دارد: هنگام روبرو شدن سلام کند. و دعوت او را بپذیرد. و اگر مشورت کند خیرخواهی نماید. و اگر عطسه کرد و گفت الحمد لله او را دعا کند و بگوید یرحمک الله. و اگر بیمار باشد از او عیادت کند. و در تشییع جنازه او شرکت کند.

۳۶۶۸. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: شش چیز در شش جا غریب است: مسجد در محله ای که نماز نمی خوانند. قرآن در خانه ای که قرآن نمی خوانند. قرآن در سینه گنهکار. زن مسلمان در خانه مرد گنهکار ظالم بد اخلاق. مرد مسلمان صالح در دست زن پست بد اخلاق. و عالم در میان کسانی که از علم او بهره نبرند. خداوند در قیامت به آنان نظر نمی کند.

۳۶۶۹. شخصی نزد رسول الله صلی الله علیه و آله آمد و گفت: عملی به من بیاموز که اگر به آن عمل کنم خدا مرا دوست داشته باشد. مردم مرا دوست بدارند. و مال من زیاد و بدن سالم و عمرم طولانی شود. و در قیامت مرا با شما محشور کند.

٣٦٧٠. وقال النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: قَالَ اللهُ تَعَالَى لَمَّا خَلَقَ الْجَنَّةَ: طُوبَى لِلْمُؤْمِنِينَ - قَالَهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ - فَسَيَجْمَعُ الْمَلَائِكَةُ حَمَلَهُ الْعَرْشِ فَقَالُوا: طُوبَى لِلْمُؤْمِنِينَ - ثَلَاثًا - ثُمَّ قَالَ: أَلَا - وَمَنْ كَانَ فِيهِ سِتُّ خِصَالٍ فَهُوَ مِنْهُمْ: مَنْ صَدَقَ (١) حَدِيثُهُ، وَأَنْجَزَ وَعْدَهُ، وَأَدَّى أَمَانَتَهُ، وَبَرَّ وَالِدَيْهِ، وَوَصَلَ رَحِمَهُ، وَاسْتَغْفَرَ مِنْ ذَنْبِهِ .

٣٦٧١. وقال النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لِلشَّهِيدِ عِنْدَ اللهِ سِتُّ خِصَالٍ: يُغْفَرُ لَهُ فِي أَوَّلِ وَقَعِهِ، وَيَرَى مَقْعِدَهُ فِي الْجَنَّةِ، وَيُجَارُ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَيَأْمَنُ مِنَ الْفَزَعِ (٢) الْأَكْبَرِ، وَيُوضَعُ عَلَى رَأْسِهِ تَاجُ الْوَقَارِ؛ وَالْيَاقُوتَةُ مِنْهَا خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا، وَيُزَوَّجُ ثِنْتَيْنِ وَسَبْعِينَ زَوْجَةً مِنَ الْحُورِ الْعِينِ، وَيُشَفَّعُ فِي سَبْعِينَ مِنْ أَقْرَبَائِهِ (٣).

ص: ٢٨٦

-
- ١- . أى كان صادقاً فى حديثه، والمرادُ صدقُ المتكلم لا صدقُ الكلام كما يوهمه ظاهر العبارة.
 - ٢- . الفزع: الخوف، والمراد هنا القيامة وأهوالها.
 - ٣- . سنن الترمذى، ج ٣، ص ١٠٦، ح ١٧١٢.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: اینها که تو می خواهی شش مطلب است. و باید شش کار انجام دهی:

اگر می خواهی خدا تو را دوست بدارد از او ترس و پرهیز کار باش. اگر می خواهی مردم تو را دوست بدارند به اموال آنان طمع نداشته باش. اگر می خواهی مالت زیاد شود زیاد صدقه بده. و برای سلامتی بدن زیاد روزه بگیر. و برای طول عمر با خویشان خوش رفتار باش. و برای اینکه خدا تو را با من محشور کند برای خداوند قهار زیاد سجده کن.

۳۶۷۰. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند وقتی بهشت را آفرید سه مرتبه فرمود: خوشا به حال مؤمنان ملائکه حامل عرش شنیدند و سه بار گفتند: خوشا به حال مؤمنان. آنگاه خداوند فرمود:

کسی که شش خصلت داشته باشد از مؤمنان است: راستگویی، و وفا به عهد، و امانت داری، و نیکی به پدر و مادر، و به خویشاوندان خود رسیدگی کند، و استغفار از گناهان.

۳۶۷۱. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: شهید نزد خداوند شش امتیاز دارد: لحظه ای که بر زمین می افتد گناهانش را خدا می آمرزد. و جایگاه خود را در بهشت می بیند. از عذاب قبر رها می شود.

و از وحشت قیامت در امان است. و تاج و قاری بر سر او می گذارند که یک یاقوت آن از همه دنیا بهتر است. و هفتاد و دو حور العین با او ازدواج می کنند. و شهید هفتاد نفر از نزدیکان خود را شفاعت می کند.

٣٦٧٢. قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: يَا عِبَادِي، سِتَّةٌ مِنِّي وَسِتَّةٌ مِنْكُمْ: الْمَغْفِرَةُ مِنِّي وَالتَّوْبَةُ مِنْكُمْ، وَالْجَنَّةُ مِنِّي وَالطَّاعَةُ مِنْكُمْ، وَالرِّزْقُ مِنِّي وَالشُّكْرُ مِنْكُمْ، وَالْقَضَاءُ مِنِّي وَالرِّضَاءُ مِنْكُمْ، وَالْبَلَاءُ مِنِّي وَالصَّبْرُ مِنْكُمْ، وَالْإِجَابَةُ مِنِّي وَالِدُّعَاءُ مِنْكُمْ.

٣٦٧٣. وَقَالَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: افْتِخَارُ النَّاسِ فِي الدُّنْيَا عَلَى سِتَّةٍ أَوْجُهُ:

أَوَّلُهُ: بِالْوَجْهِ الْحَسَنِ. وَالثَّانِي: بِالْفَصَاحَةِ. وَالثَّلَاثُ: بِالْمَالِ. وَالرَّابِعُ: بِالْحَسَبِ (١) وَالنَّسَبِ.

وَالخَامِسُ: بِالْقُوَّةِ. وَالسَّادِسُ: بِالْمُلْكِ.

٣٦٧٤. قُلْ يَا مُحَمَّدُ لِمَنِ افْتَخَرَ بِالْوَجْهِ الْحَسَنِ: «تَلْفُحُ (٢) وَجُوهُهُمُ النَّارُ وَ هُمْ فِيهَا كَلْحُونِ (٣)»، وَقُلْ لِمَنِ افْتَخَرَ بِالْمَالِ وَالْوَالِدِ: «يَوْمَ لَمَّا يَنْفَعُ مِرَالٌ وَ لَمَّا يَنْوَنُ»، وَقُلْ لِمَنِ افْتَخَرَ بِالْقُوَّةِ: «عَلَيْهَا مَلَلٌ - كَهْ غَلَاظٌ شَدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَ يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ»، وَقُلْ لِمَنِ افْتَخَرَ بِالْحَسَبِ وَالنَّسَبِ: «فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ - ذِي وَ لَا يَتَسَاءَلُونَ»، وَقُلْ لِمَنِ افْتَخَرَ بِالْمُلْكِ: «لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ».

ص: ٢٨٨

١- الحسب - فى الأصل - : شرف من جهة الآباء. وقيل: إنه مطلق الشرف يكسبه الإنسان لنفسه.

٢- لفحته النار: أى أصابت وجهه وأعالى جسده فأحرقته (العين: ٢٣٤/٣).

٣- الكالِح: العابس أو المفرط فى العبوس والظاهر أنه سقط من الأصل أيضاً هنا الإنذار لمن افتخر بالفصاحة.

۳۶۷۲. خداوند متعال فرمود: بندگان من شش چیز از من و شش چیز از شماست: آمرزش از من و توبه از شماست. بهشت از من و طاعت از شماست. رزق از من و شکر از شما. قضا از من و رضا از شما. بلا از من و صبر از شما. و اجابت از من و دعا از شما.

۳۶۷۳. خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: افتخار مردم در دنیا به شش چیز است: ۱ - چهره زیبا.

۲ - خوش زبانی. ۳ - مال. ۴ - حسب و نسب. ۵ - قدرت. ۶ - مقام.

۳۶۷۴. یا محمد به کسی که به چهره زیبا افتخار می کند بگو: «چهره های آنان را آتش می سوزاند و با عذاب درهم کشیده می شود».

و به کسانی که به مال و فرزند افتخار می کنند بگو: «روزی فرا رسد که مال و فرزند نفعی ندارد».

و به کسانی که به نیرو و قدرت افتخار می کنند بگو: «آنجا فرشته های سخت گیر و خشن هستند که از دستورات خدا نافرمانی نمی کنند و به وظایف خود عمل می کنند».

و به کسانی که به حسب و نسب افتخار می کنند بگو: «در آن روز نسبتها از میان می رود».

و به کسانی که به ملک و مقام افتخار می کنند بگو: «امروز مُلک برای کیست؟ برای خداوند واحد قهار».

الفصل الرابع: مِنْ وَصَايَا النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٣٦٧٥. قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا عَلِيُّ، تُرِيدُ سِتْمَتَهُ أَلْفَ شَاهٍ أَوْ سِتْمَتَهُ أَلْفَ دِينَارٍ أَوْ سِتْمَتَهُ أَلْفَ كَلِمَةٍ؟ قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ سِتْمَتَهُ أَلْفَ كَلِمَةٍ، فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اجْمَعِ سِتْمَتَهُ أَلْفَ كَلِمَةٍ فِي سِتِّ كَلِمَاتٍ:

يَا عَلِيُّ، إِذَا رَأَيْتَ النَّاسَ يَشْتَغِلُونَ بِالْفَضَائِلِ (١) فَاشْتَغِلْ أَنْتَ بِإِتْمَامِ الْفَرَائِضِ.

وَإِذَا رَأَيْتَ النَّاسَ يَشْتَغِلُونَ بِعَمَلِ الدُّنْيَا فَاشْتَغِلْ أَنْتَ بِعَمَلِ الْآخِرَةِ.

وَإِذَا رَأَيْتَ النَّاسَ يَشْتَغِلُونَ بِعُيُوبِ النَّاسِ فَاشْتَغِلْ أَنْتَ بِعُيُوبِ نَفْسِكَ.

وَإِذَا رَأَيْتَ النَّاسَ يَشْتَغِلُونَ بِتَرْبِيَةِ الدُّنْيَا فَاشْتَغِلْ أَنْتَ بِتَرْبِيَةِ الْآخِرَةِ.

وَإِذَا رَأَيْتَ النَّاسَ يَشْتَغِلُونَ بِكَثْرَةِ الْعَمَلِ فَاشْتَغِلْ أَنْتَ بِصَفْوَةِ الْعَمَلِ.

وَإِذَا رَأَيْتَ النَّاسَ يَتَوَسَّلُونَ بِالْخَلْقِ فَتَوَسَّلْ أَنْتَ بِالْخَالِقِ.

يَا عَلِيُّ، يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ الْمُؤْتَرُّ بِالْحَقِّ فِيهِ نَاجٍ (٢)، قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَأَيْنَ الْعَمَلُ؟ قَالَ: لَا عَمَلَ يَوْمَئِذٍ.

٣٦٧٦. وَقَالَ النَّبِيُّ فِي وَصِيَّتِهِ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا عَلِيُّ، أَوْصِيكَ فِي نَفْسِكَ بِخِصَالٍ فَاحْفَظْهَا عَنِّي، ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ أَعِنِّي:

أَمَّا الْأُولَى فَالْصُّدُقُ؛ لَا يَخْرُجَنَّ مِنْ فَيْكَ كَذِبُهُ أَبَدًا.

ص: ٢٩٠

١- . أَى النوافل فى مقابل الفرائض.

٢- . الظاهر أن المراد منه يوم القيامة أو البرزخ، أو فى محيط الكفر فى الدنيا إذا أسلم بعضهم ولم يعلم الأحكام، أو لم يمكنه العمل بها.

فصل چهارم: توصیه های پیامبر صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام

۳۶۷۵. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: یا علی، ششصد هزار گوسفند یا ششصد هزار دینار می خواهی یا ششصد هزار کلمه؟ حضرت علی علیه السلام فرمود: یا رسول الله ششصد هزار کلمه. حضرت فرمودند:

ششصد هزار کلمه را در شش جمله خلاصه می کنم:

یا علی، زمانی که دیدی مردم به مستحبات مشغول هستند به تمام کردن واجبات پرداز.

و زمانی که دیدی مردم به کارهای دنیا مشغولند تو به کارهای آخرت پرداز.

و زمانی که دیدی مردم به عیب دیگران مشغولند تو به اصلاح عیب خود پرداز.

و زمانی که دیدی مردم به زینت دنیا مشغولند تو به تزین آخرت پرداز.

و زمانی که دیدی مردم به کارهای زیاد مشغولند تو به کارهای برگزیده پرداز.

و زمانی که دیدی مردم به مخلوق روی آورده اند تو به خالق توسل بجوی.

یا علی، زمانی خواهد آمد که کسانی که به حق اقرار کنند نجات می یابند.

گفتند: یا رسول الله پس عمل چه می شود؟ حضرت فرمودند: آن زمان عمل نیست.

۳۶۷۶. پیامبر در وصیت به حضرت علی علیه السلام فرمودند: یا علی، تو را توصیه می کنم به خصلتهایی که لازم است آنها را از من حفظ کنی. آنگاه دعا فرمودند: خدایا علی را یاری کن.

الثانى: الْوَرَعُ؛ لَا تَجْتَرِي عَلَى خِيَانِهِ أَبَدًا.

الثالث: الْخَوْفُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ كَأَنَّكَ تَرَاهُ.

الرابع: كَثْرَةُ الْبُكَاءِ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ يُبْنَى لَكَ أَلْفُ بَيْتٍ فِي الْجَنَّةِ.

الخامس: بِذَلِكَ مَالُكَ وَدَمُكَ دُونَ دِينِكَ.

السادس: الْأَخْذُ بِسُنَّتِي فِي صِيَلَاتِي وَصَوْمِي وَصَدَقَتِي؛ أَمَّا الصَّلَاةُ فَالْخَمْسُونَ رَكَعَةً، وَأَمَّا الصَّيَامُ فَثَلَاثُ أَيَّامٍ فِي الشَّهْرِ: الْخَمِيسُ فِي أَوَّلِهِ، وَالْأَرْبَعَاءُ فِي أَوْسَطِهِ، وَالْخَمِيسُ فِي آخِرِهِ، وَأَمَّا الصَّدَقَةُ فَجُهْدُكَ (١) حَتَّى تَقُولَ: قَدْ أَسْرَفْتُ، وَلَمْ تُسْرِفْ.

وَعَلَيْكَ بِصِيَلَةِ اللَّيْلِ - ثَلَاثًا - وَعَلَيْكَ بِصِيَلَةِ الزَّوَالِ، وَعَلَيْكَ بِصِيَلَةِ الزَّوَالِ، وَعَلَيْكَ بِصَلَاةِ الزَّوَالِ، وَعَلَيْكَ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ عَلَى كُلِّ حَالٍ، وَعَلَيْكَ بِرَفْعِ يَدَيْكَ فِي صَلَاتِكَ وَتَقْلِيلِهَا (٢)، وَعَلَيْكَ بِالسَّوَاكِ عِنْدَ كُلِّ وُضوءٍ، وَعَلَيْكَ بِمَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ فَارْكَبْهَا، وَمَسَاوِي الْأَخْلَاقِ فَاجْتَنِبْهَا؛ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَلَا تَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَكَ. (٣)

ص: ٢٩٢

١- . الجهد بالضم: الوسع والطاقة، وبالفتح: المشقة وقيل: المبالغة والغاية (النهاية: ٣٠٨/١).

٢- . لعل المراد من التقليل ما مضى من أنحاء رفع اليد في الدعاء لطلب الرزق والتبتل والابتهاال.

٣- . المحاسن، ج ١، ص ١٧، ح ٤٨.

۱ - صداقت، هرگز از دهان تو دروغ خارج نشود. ۲ - پرهیزکاری، هرگز جرأت خیانت نکن. ۳ - ترس از خدا بطوری که گویا او را می بینی. ۴ - گریه زیاد از ترس خدا برای تو هزار قصر در بهشت بنا می کند. ۵ - مال و جان خود را در راه دین بده. ۶ - سنت مرا در نماز و روزه و صدقه پیادار. اما نماز، پنجاه و یک رکعت [۱۷ رکعت نماز واجب روزانه و ۳۴ رکعت نوافل]. اما روزه، سه روز در هر ماه یعنی پنج شنبه اول هر ماه و چهارشنبه وسط ماه و پنجشنبه آخر ماه. اما صدقه آنقدر صدقه بده که گمان کنی اسراف کرده ای و اسراف در صدقه نیست.

نماز شب بجای آور. [این جمله را سه بار تکرار فرمودند] نماز ظهر، نماز ظهر، نماز ظهر بجای آور. در هر حال قرآن را تلاوت کن. در نماز دستهایت را بلند کن. هنگام وضو مسواک کن. رفتار خوش را ترک نکن. اخلاق زشت را ترک کن. اگر این توصیه ها را عمل نکنی کسی را جز خودت سرزنش نکن.

الفصل الخامس: مِمَّا رَوَتْهُ الْخَاصَّةُ وَالْعَامَّةُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

٣٦٧٧. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ غَابَتْ شَمْسُ يَوْمِهِ بِغَيْرِ حَقٍّ يَقْضِيهِ، أَوْ فَرَضٍ يُؤَدِّيهِ، أَوْ عِلْمٍ اقْتَبَسَهُ، أَوْ خَيْرٍ أُسْسَهُ، أَوْ حَمْدٍ حَصَلَهُ، أَوْ مَجْدٍ أَثَلَهُ (١)؛ فَقَدْ عَقَّ يَوْمَهُ، وَظَلَمَ نَفْسَهُ، وَاسْتَوْجَبَ الْعُقُوبَةَ مِنْ رَبِّهِ .

٣٦٧٨. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: يَا بَنَ آدَمَ، تُؤْتِي كُلَّ يَوْمٍ رِزْقَكَ وَأَنْتَ تَحْزَنُ، وَيَنْقُصُ كُلَّ يَوْمٍ عُمْرَكَ وَأَنْتَ تَفْرَحُ، أَيْتَ فِيمَا يَكْفِيكَ وَأَنْتَ تَطْلُبُ مَا يُطْغِيكَ، لَا بِقَلِيلٍ تَقْنَعُ، وَلَا بِكَثِيرٍ تَشْبَعُ! (٢)

٣٦٧٩. وَنَهَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنِ سِتِّهِ أَشْيَاءَ: التَّطْرِيقِ (٣)، وَالتَّطْوِيقِ (٤)، وَالتَّطْلِيقِ (٥)، وَالتَّطْبِيقِ (٦)، وَالتَّطْفِيقِ.

ص: ٢٩٤

١- . التَّأْتِيلُ: التَّأْصِيلُ (مجمع البحرين: ٣٦/١).

٢- . بحار الأنوار، ج ١٠٠، ص ٢٧، ح ٣٩.

٣- . التطريق: لم أجده بهذا العنوان في كتب اللغة، ولعله إمّا نهى عن التكهن، من طرق الكاهن: أى ضرب بالحصى، أو عن إتيان المسافر أهله ليلاً، يقال: فلان طرق القوم: أى أتاهم ليلاً، أو عن النهى عن الكلا من قولهم طرق الراعى الإبل: حبسها عن الكلا.

٤- . التطويق: لعله من طوّقه الشيء تطويقاً؛ أى كلفه إياه، فيكون نهياً عن إيجاد الكلفه والمشقة للنفس أو للغير.

٥- . التطلق: الظاهر أنه نهى عن الطلاق.

٦- . التطبيق فى الصلاة: جعل اليدين بين الفخذين فى الركوع (القاموس المحيط: ٢٥٦/٣).

فصل پنجم: احادیثی که شیعیان و اهل تسنن از پیامبر صلی الله علیه و آله ذکر کرده اند

۳۶۷۷. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که روزش غروب شود بدون اینکه حقی را ادا کند یا واجبی را بجا آورد یا علمی بیاموزد یا خیری بنا نهد یا ستایشی بدست آورد یا تمجیدی کند. به آن روز ستم کرده و به خود ظلم کرده و مستحق عذاب از پروردگارش گردیده است.

۳۶۷۸. حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند می فرماید: ای فرزند آدم هر روز روزی تو داده می شود ولی ناراحت هستی. اما از عمر تو هر روز کاسته می شود و خوشحالی! من بقدر کفایت به تو می دهم و تو بقدری می خواهی که ترا به طغیان وادار کند! نه به کم قناعت می کنی و نه با زیاد سیر می شوی!

۳۶۷۹. پیامبر صلی الله علیه و آله از شش چیز نهی فرمودند: ۱ - شب دیر وقت از سفر به خانه رفتن، ۲ - برده فروشی ۳ - طلاق دادن ۴ - هر دو دست را در رکوع میان ران قرار دادن ۵ - [معنای تطمیق یافت نشد]. ۶ - دست روی دست گذاشتن در نماز.

٣٦٨٠. قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ جَمَعَ سِتَّ خِصَالٍ مَا يَدْعُ لِلجَنَّةِ مَطْلَبًا، وَلَا عَنِ النَّارِ مَهْرَبًا (١): مَنْ عَرَفَ اللَّهَ فَطَاعَهُ، وَعَرَفَ الشَّيْطَانَ فَعَصَاهُ، وَعَرَفَ الْحَقَّ فَاتَّبَعَهُ، وَعَرَفَ الْبَاطِلَ فَاتَّقَاهُ، وَعَرَفَ الدُّنْيَا فَرَفَضَهَا (٢)، وَعَرَفَ الْآخِرَةَ فَطَلَبَهَا (٣).

٣٦٨١. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ لِلجِسْمِ سِتَّةَ أَحْوَالٍ: الصُّحَّةَ، وَالْمَرَضَ، وَالْمَوْتَ، وَالْحَيَاةَ، وَالنَّوْمَ، وَالْيَقَظَةَ، وَكَذَلِكَ الرُّوحُ؛ فَحَيَاتُهَا عِلْمُهَا، وَمَوْتُهَا جَهْلُهَا، وَمَرَضُهَا شَكُّهَا، وَصِحَّتُهَا يَقِينُهَا، وَنَوْمُهَا غَفْلَتُهَا، وَيَقَظَتُهَا حِفْظُهَا (٤).

٣٦٨٢. وَعَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: كَانَ: أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ بِالْكُوفَةِ فِي الْجَامِعِ، إِذْ قَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ فَسَأَلَهُ عَنْ مَسَائِلَ، فَكَانَ فِيهَا سَأَلُهُ أَنْ قَالَ لَهُ: أَخْبِرْنِي عَنْ سِتَّةٍ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ لَهُمْ اسْمَانِ. قَالَ: يُوْشَعُ بْنُ نُونٍ؛ وَهُوَ ذُو الْكِفْلِ، وَيَعْقُوبُ؛ وَهُوَ إِسْرَائِيلُ؛ وَالْخَضِرُّ؛ وَهُوَ خَلِيقَا، وَيُونُسُ؛ وَهُوَ ذُو النَّوْنِ، وَعِيسَى؛ وَهُوَ الْمَسِيحُ، وَمُحَمَّدٌ؛ وَهُوَ أَحْمَدُ صِلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ (٥).

٣٦٨٣. عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ بِالْكُوفَةِ فِي الْجَامِعِ إِذْ قَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ فَسَأَلَهُ عَنْ مَسَائِلَ، فَكَانَ فِيهَا سَأَلُهُ: أَخْبِرْنِي عَنْ سِتَّةٍ لَمْ يَرْكُضُوا (٦) فِي رَحِمِ. فَقَالَ: آدَمُ، وَحَوًّا، وَكَبْشُ إِسْمَاعِيلَ، وَعَصَا مُوسَى، وَنَاقَةُ صَالِحٍ، وَالْحُقَاشُ الَّذِي عَمِلَهُ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ فَطَارَ بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (٧).

ص: ٢٩٦

١- . أى لا يدع مطلباً إلا سلكه وعمل به، ولا مهرباً إلا استفاد منه.

٢- . الرِّفْضُ: التَّرْكُ (الصَّحاح: ١٠٧٨/٣).

٣- . جامع الأخبار، ص ١٠٨.

٤- . التوحيد، ص ٣٠٠، ح ٧.

٥- . الخصال، ص ٣٢٢، ح ٧.

٦- . ركض: أى حرك رجله، والمراد هنا أنهم لم يتحركوا فى رحم كناية عن عدم تكونهم فى الرحم.

٧- . الخصال، ص ٣٢٣، ح ٨.

۳۶۸۰. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: کسی که شش خصلت داشته باشد دیگر چیزی برای طلب کردن بهشت و فرار کردن از جهنم باقی نگذاشته است: کسی که خدا را بشناسد و از او اطاعت کند. و شیطان را بشناسد و با او مخالفت کند. و حق را بشناسد و از آن پیروی کند. و باطل را بشناسد و از آن دوری کند. و دنیا را بشناسد و از آن کناره گیری کند. و آخرت را بشناسد و آن را طلب کند.

۳۶۸۱. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: بدن شش حالت دارد: سلامتی و بیماری و مرگ و زندگی و خواب و بیداری.

روح هم شش حالت دارد: زندگی آن علم و مرگ آن نادانی و بیماری آن شک و سلامتی آن یقین و خواب آن غفلت و بیداری آن مراقبت است.

۳۶۸۲. امام حسین علیه السلام فرمودند: در مسجد کوفه کسی از امیرالمؤمنین علیه السلام سؤال پرسید: شش پیامبری که هر کدام دو اسم داشتند کدامند؟ حضرت فرمود: یوشع بن نون ذوالکفل و یعقوب اسرائیل و خضر خلیقا و یونس ذوالنون و عیسی مسیح و محمد احمد صلوات خدا بر آنان باد.

۳۶۸۳. امام حسین علیه السلام فرمودند: در مسجد کوفه مردی از امیرالمؤمنین علیه السلام پرسید: شش موجودی که از شکم مادر متولد نشده اند کدامند؟ حضرت فرمودند: آدم و حوا و گوسفندی که به جای اسماعیل قربانی شد و عصای موسی و شتر صالح [که از کوه بیرون آمد]. خفاشی که حضرت عیسی علیه السلام [از گل] ساخت و به فرمان خدا پرواز کرد.

٣٦٨٤. عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُعَذِّبُ سِتَّةً بِسِتَّةٍ: الْعَرَبَ بِالْعَصِيْبَةِ (١)، وَالذَّهَاقِينَ بِالْكِبْرِ، وَالْأَمْرَاءَ بِالْجَوْرِ، وَالْفُقَهَاءَ بِالْحَسَدِ، وَالتُّجَّارَ بِالْخِيَانَةِ، وَأَهْلَ الرِّسْتَاقِ (٢) بِالْجَهْلِ (٣).

٣٦٨٥. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الشُّحُّ تَمِينُ المِيَةِ، وَتَمِينُ الكَلْبِ، وَتَمِينُ الخَمْرِ، وَمَهْرُ البَغِيِّ، وَالرِّشْوَةُ فِي الحُكْمِ، وَأَجْرُهُ الكَاهِنِ (٤).

٣٦٨٦. عَنْ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ: سَمِعْتُ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: سِتُّ (٥) لَا يَتَّبِعُنِي أَنْ يُسَلِّمَ عَلَيْهِمْ، وَسِتَّةٌ لَا يَتَّبِعُنِي لَهُمْ أَنْ يُؤْمُوا، وَسِتَّةٌ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ مِنْ أَخْلَاقِ قَوْمِ لوطٍ.

(أَمَّا) الَّذِينَ لَا يَتَّبِعُنِي السَّلَامُ عَلَيْهِمْ: فَالْيَهُودُ، وَالنَّصَارَى، وَأَصْحَابُ النَّرْدِ وَالشُّطْرَنْجِ، وَأَصْحَابُ الخَمْرِ وَالتَّبْرِيطِ (٦) وَالتُّنْبُورِ، وَالتَّمْتَفِكِّهُونَ (٧) بِسَبِّ الْأُمَّهَاتِ، وَالشُّعْرَاءِ.

(وَأَمَّا) الَّذِينَ لَا يَتَّبِعُنِي أَنْ يُؤْمُوا مِنَ النَّاسِ: فَوَلَدُ الزَّانَا، وَالتَّمْرُتُّدُ، وَالْأَعْرَابِيُّ بَعْدَ هِجْرِهِ (٨)، وَشَارِبُ الخَمْرِ، وَالتَّمْحَدُودُ، وَالتَّأَغْلُفُ.

(وَأَمَّا) الَّذِي مِنْ أَخْلَاقِ قَوْمِ لوطٍ: فَالتَّجْلَاهِقُ (٩)؛ وَهُوَ التُّبْدُقُ، وَالتَّخْضَفُ (١٠)، وَالتَّحْدَفُ، وَمَضْغُ العِلْكَ، وَإِرْخَاءُ الإِزَارِ مِنَ القَبَا وَالتَّمْيِصِ (١١).

٣٦٨٧. وَعَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: خَرَجَ أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ وَعُثْمَانُ وَطَلْحَةُ وَالزُّبَيْرُ وَسَعْدُ وَعَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ عَيُوفٍ وَغَيْرُ وَاحِدٍ مِنَ الصَّحَابَةِ يَطْلُبُونَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي بَيْتِ أُمِّ سَلَمَةَ، فَوَجَدُونِي عَلَى البَابِ جَالِسًا، فَسَأَلُونِي عَنْهُ

ص: ٢٩٨

١- . العَصِيْبَةُ: أَنْ يَدْعُو الرَّجُلَ إِلَى نَصْرِهِ عَصْبَتَهُ، وَالتَّأَلُّبُ مَعَهُمْ عَلَى مَنْ يَنَاقِبُهُمْ ظَالِمِينَ كَانُوا أَوْ مَظْلُومِينَ (لِسَانِ العَرَبِ: ٦٠٦/١).

٢- . الرِّسْتَاقُ: فَارْسِي مَعْرَبٌ، وَالتَّجْمَعُ الرِّسَاتِيْقُ؛ وَهِيَ السُّوَادُ. وَيَسْتَعْمَلُ الرِّسْتَاقُ فِي النَّاحِيَةِ: طَرَفُ الإِقْلِيمِ (مَجْمَعُ البَحْرَيْنِ: ١٧٥/٢).

٣- . الخِصَالُ، ص ٣٢٥، ح ١٤.

٤- . الخِصَالُ، ص ٣٢٩، ح ٢٥.

٥- . فِي الخِصَالِ: «سِتَّةٌ».

٦- . التَّبْرِيطُ: مَلْهَأَةٌ تُشَبِّهُ العُودَ، وَهُوَ فَارْسِي مَعْرَبٌ، وَأَصْلُهُ بَرَبْتُ؛ لِأَنَّ الضَّارِبَ بِهِ يَضَعُهُ عَلَى صَدْرِهِ، وَاسْمُ الصَّدْرِ: بَرُّ (النِّهَايَةُ: ١١٢/١).

٧- . هُمُ الَّذِينَ يَشْتَمُونَهُنَّ مِمَّا زَحِينٌ (النِّهَايَةُ: ٤٦٦/٣).

٨- . الْمُرَادُ أَنْ يَصِيرَ أَعْرَابِيًّا بَعْدَ هِجْرِهِ، وَالْأَعْرَابِيُّ سَاكِنُ البَادِيَةِ قَالَ الْجَزْرِيُّ: التَّعَرَّبَ بَعْدَ هِجْرِهِ هُوَ أَنْ يَعُودَ إِلَى البَادِيَةِ وَيَقِيمَ مَعَ الأَعْرَابِ بَعْدَ أَنْ كَانَ مَهَاجِرًا، وَكَانَ مِنْ رَجَعِ بَعْدَ هِجْرِهِ إِلَى مَوْضِعِهِ مِنْ غَيْرِ عِذْرِ يَعْدُونِهِ كَالْمُرْتَدِّ. وَقَالَ فِي الْمَجْمَعِ: يَعْنِي

التحاق ببلاد الكفر والإقامة بها بعد المهاجرة عنها إلى بلاد الإسلام... وفي كلام بعض علمائنا التعرّب بعد الهجرة في زماننا: أن يشتغل الإنسان بتحصيل العلم ثم يتركه... وروى: المتعرّب بعد الهجرة التارك لهذا الأمر بعد معرفته (راجع معانى الأخبار ص ٢٦٥).

٩- . الجلاهق - بضم الجيم -: آله يرمى بها البندق؛ وهو جسم كروى يصنع من الطين وغيره، وتفسيره بالبندق - كما فى كتب اللغة - ليس على ما ينبغى.

١٠- . خضفَ: شرط (لسان العرب: ٧٤/٩). كأنه كان شائعاً عندهم فى نادىهم المنكر.

١١- . الخصال، ص ٣٣١، ح ٢٩.

۳۶۸۴. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: خداوند شش گروه را برای شش گناه عذاب می کند: عرب برای تعصب و کدخدایان برای تکبر و حاکمان برای ستم و علما برای حسد و تاجران برای خیانت و اهل روستا برای نادانی.

۳۶۸۵. حضرت فرمودند: پول حیوان مردار و پول سگ و پول شراب و مهریه زنا کار و رشوه و اجرت جادوگر حرام است.

۳۶۸۶. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: به شش نفر نباید سلام کرد: ۱ - یهودی ۲ - مسیحی ۳ - کسانی که نرد و شطرنج بازی کنند ۴ - اهل شراب و موسیقی ۵ - کسانی که به مادرشان دشنام می دهند [به شوخی] ۶ - شعراء [شاعری که اشعار مستهجن بسراید].

شش نفر نباید امام جماعت شوند: ۱ - ولد زنا ۲ - مرتد ۳ - کسانی که بعد از اسلام آوردن دوباره به دوره جاهلیت برگردند. ۴ - شراب خوار ۵ - کسی که برای گناهی مجازات حد شده باشد. ۶ - کسی که ختنه نکرده است.

شش چیز از اخلاق قوم لوط است: ۱ - قمار بازی ۲ - تیز دادن ۳ - متلک گفتن ۴ - جویدن صمغ ۵ و ۶ - طولانی کردن دنباله قبا و لباس بطوری که روی زمین کشیده شود.

۳۶۸۷. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: ابوبکر و عمر و عثمان و طلحه و زبیر و سعد و عبدالرحمن بن عوف و چند نفر دیگر برای دیدن پیامبر صلی الله علیه و آله بسوی خانه ام سلمه [همسر پیامبر] حرکت کردند و مرا دیدند که کنار در خانه نشسته ام. از من پرسیدند. و من گفتم: الان از خانه

فَقُلْتُ يَخْرُجُ السَّاعَةَ، فَلَمْ يَلْبَثْ أَنْ خَرَجَ وَضَرَبَ بِيَدِهِ عَلَى ظَهْرِي، فَقَالَ: كُنْ يَا بَنَ أَبِي طَالِبٍ؛ فَإِنَّكَ تُخَاصِمُ النَّاسَ بَعْدِي بِسِتِّ خِصَالٍ فَتَخْصِمُهُمْ؛ لَيْسَتْ فِي قُرَيْشٍ مِنْهَا شَيْءٌ: إِنَّكَ أَوْلَاهُمْ إِيْمَانًا بِاللَّهِ وَأَقْوَمُهُمْ (١) بِاللَّهِ عِزًّا وَجَلًّا، وَأَوْفَاهُمْ بِعَهْدِ اللَّهِ، وَأَرَأَفَهُمْ بِالرَّعِيَّةِ، وَأَعْلَمُهُمْ بِالْقَضِيَّةِ (٢)، وَأَقْسَمُهُمْ بِالسَّوِيَّةِ، وَأَفْضَلُهُمْ عِنْدَ اللَّهِ عِزًّا وَجَلًّا (٣).

٣٦٨٨. عَنْ نَوْفٍ قَالَ: بَتُّ لَيْلَهُ عِنْدَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَكَانَ يُصَيِّمُ اللَّيْلَ كُلَّهُ وَيَخْرُجُ سَاعَةً بَعْدَ سَاعَةٍ فَيَنْظُرُ إِلَى السَّمَاءِ وَيَتْلُو الْقُرْآنَ، قَالَ: فَمَرَّ بِي بَعْدَ هَدْيٍ (٤) مِنَ اللَّيْلِ (٥) فَقَالَ: يَا نَوْفُ، إِيَّاكَ أَنْ تَكُونَ عَشَارًا (٦) أَوْ شَاعِرًا (٧) أَوْ شَرْطِيًّا (٨) أَوْ عَرِيفًا (٩) أَوْ صَاحِبَ عَرَطِهِ (١٠) - وَهِيَ الطُّنْبُورُ - أَوْ صَاحِبَ كُوبِهِ - وَهُوَ الطُّبْلُ - فَإِنَّ نَبِيَّ اللَّهِ خَرَجَ ذَاتَ لَيْلَةٍ فَنَظَرَ إِلَى السَّمَاءِ فَقَالَ: إِنَّهَا السَّاعَةُ الَّتِي لَا تَرُدُّ فِيهَا دَعْوَةٌ، إِلَّا دَعْوَةُ عَرِيفٍ، أَوْ دَعْوَةُ شَاعِرٍ، أَوْ دَعْوَةُ شَرْطِيٍّ أَوْ صَاحِبِ عَرَطِهِ، أَوْ صَاحِبِ كُوبِهِ (١١).

٣٦٨٩. وَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَمَالُ الرَّجُلِ بِسِتِّ خِصَالٍ: بِأَصْغَرِيهِ، وَأَكْبَرِيهِ، وَبِقِيَّتِيهِ. فَأَمَّا أَصْغَرَاؤُهُ: فَالْقَلْبُ وَاللِّسَانُ؛ إِنْ قَاتَلَ قَاتِلَ بَجْنَانٍ، وَإِنْ تَكَلَّمَ تَكَلَّمَ بِلِسَانٍ. وَأَمَّا أَكْبَرَاؤُهُ: فَعَقْلُهُ وَإِيْمَانُهُ. وَأَمَّا بَقِيَّتَاؤُهُ: فَمَالُهُ وَجَمَالُهُ.

٣٦٩٠. قِيلَ: سُئِلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْكَرِيمِ، فَقَالَ: مَنْ إِذَا دَعَوْتَهُ لِبَاكَ، وَإِذَا أَطَعْتَهُ

ص: ٣٠٠

- ١- . أَى أَعْدَلُهُمْ بِعَوْنِ اللَّهِ تَعَالَى، أَوْ أَقْوَمُهُمْ فِي مَعْرِفَةِ اللَّهِ تَعَالَى حَقَّ مَعْرِفَتِهِ.
- ٢- . أَى الْقَضَاءِ بَيْنَ النَّاسِ.
- ٣- . الْخِصَالُ، ص ٣٣٦، ح ٣٩.
- ٤- . أَنَا نَا بَعْدَ هَدْيٍ مِنَ اللَّيْلِ، وَهَدْيٍ، وَهَدْوٍ: أَى حِينَ هَدَأَ اللَّيْلُ وَالرَّجُلُ، أَوْ الْهَدْيُ: أَوَّلَ اللَّيْلِ إِلَى ثَلَاثَةِ (الْقَامُوسِ الْمَحِيْطِ: ٣٣/١).
- ٥- . أَى بَعْدَ طَائِفَةٍ مِنَ اللَّيْلِ وَبَعْدَ أَنْ سَكَنَ النَّاسُ، وَالْهَدْمُ: السُّكُونُ عَنِ الْحَرَكَاتِ.
- ٦- . الْعَشَارُ الَّذِي يَأْخُذُ الْعَشُورَ؛ لِأَنَّ الْإِسْلَامَ لَيْسَ فِيهِ عَشُورٌ، بَلْ فِيهِ صَدَقَاتٌ وَاجِبَةٌ وَمَنْدُوبَةٌ عَلَى شُرَاطِئِ خَاصَّةٍ، وَكَانَ ذَلِكَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ، فَهُوَ مِنْ عَمَلِ الْجَاهِلِيَّةِ. وَيُمْكِنُ أَنْ يَشْمَلَ هَذَا الْحَدِيثُ عَمَالَ الصَّدَقَاتِ مِنْ قَبْلِ سُلْطَانِ الْجُورِ.
- ٧- . الظَّاهِرُ أَنَّ الْمُرَادَ مِنَ الشَّاعِرِ هُنَا مَنْ يَهْجُو وَيَتَشَبَّبُ وَيُنَالُ مِنْ أَعْرَاضِ النَّاسِ وَيَقُولُ الْبَاطِلَ، فَلَا يَشْمَلَ مَنْ يَقُولُ أَشْعَارَ الْحِكْمِ، وَفِي الْحَدِيثِ: «إِنَّ مِنَ الشَّعْرِ لِحِكْمَهُ».
- ٨- . الشَّرْطِيُّ: خِيَارُ أَعْوَانِ الْوَلَاةِ، وَفِي عَصْرِنَا هَذَا يُطْلَقُ عَلَى كُلِّ أَعْوَانِ الضَّبَاطِ.
- ٩- . الْعَرِيفُ - كَأَمِيرٍ -: قِيمُ أُمُورِ الْقَبِيلَةِ أَوْ الْجَمَاعَةِ مِنَ النَّاسِ بَلْ أُمُورِهِمْ، وَيَتَعَرَّفُ الْأَمِيرُ مِنْهُ أَحْوَالَهُمْ، فَعَيْلٌ بِمَعْنَى فَاعِلٌ، وَالْعَرَاةُ عَمَلُهُ.
- ١٠- . فُسِّرَتْ بِالْعُودِ مِنَ الْمَلَاهِي، وَيُقَالُ: الطُّبْلُ، وَفُسِّرَتْ فِي بَعْضِ الْأَخْبَارِ بِالطُّنْبُورِ وَالْعُودِ. وَفُسِّرَتْ الْكُوبَةُ بِالطُّبْلِ، وَقِيلَ: الْعَرَطَةُ: الطُّبْلُ، وَالْكُوبَةُ: الطُّنْبُورُ (مَجْمَعُ الْبَحْرِينَ: ١٥٨/٣).
- ١١- . الْخِصَالُ، ص ٣٣٧، ح ٤٠.

خارج می شود، حضرت خارج شدند و با دست بر پشت من زدند و فرمودند: ای پسر ابوطالب پس از من تو با مردم [آن افراد] مخاصمه می کنی. تو شش خصلت داری که در قریش وجود ندارد: تو اولین کسی هستی که ایمان آوردی. پایدارترین آنان در دین خدا.

وفادارترین مردم به عهد خدا. مهربانترین آنان با مردم. داناترین مردم در قضاوت. بهترین کسی که مساوات برقرار می کند. و برترین مردم نزد خدا هستی.

۳۶۸۸. نوف گوید: شبی را با امیرالمؤمنین علیه السلام گذراندم تمام شب را به نماز مشغول بود. و ساعت به ساعت از خانه خارج شده و به آسمان نگاه می کرد. و قرآن تلاوت می فرمود.

بعد از گذشت پاسی از شب نزد من آمد و گفت: ای نوف عشار [کسی که در زمان جاهلیت از مردم پول می گرفت] نباش، و نیز شاعر و شرطی [دستیار سلطان] و عریف [عامل حکومت ظالم] و صاحب عرطبه [نوازنده] و صاحب کوبه [کسی که بر طبل می کوبد] نباش.

بدرستی که پیامبر خدا شبی از خانه خارج شد و به آسمان نگاه کرد و فرمود: این ساعت زمانی است که هیچ دعایی در آن رد نمی شود. جز دعای عریف و شاعر و شرطی و صاحب عرطبه و صاحب کوبه.

۳۶۸۹. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: کمال انسان در شش خصلت است: دو عضو کوچک و دو چیز بزرگ و دو چیز بقیه اوست:

آن دو عضو کوچکش: قلب و زبان است. در جنگ قلب به کار آید. و در گفتار زبان.

اما دو چیز بزرگ: ایمان و عقل است. و دو چیز بقیه: مال و جمال است.

۳۶۹۰. از امیرالمؤمنین سؤال کردند کریم کیست؟ فرمودند: کسی که وقتی او را دعوت کنی قبول

جازاك، وإن عصيته أولاك، وإن أدبرت عنه ناداك، وإن أقبلت عليه أدناك، وإن توكلت عليه كفاك. (١).

٣٦٩١. وقال أمير المؤمنين عليه السلام: سبته أشياء حسن ولكنّها من سبته أحسن: العبدل حسن وهو من الأمراء أحسن، والصبر حسن وهو من الفقراء أحسن، والورع حسن وهو من العلماء أحسن، والسخاء حسن وهو من الأغنياء أحسن، والتوبة حسن وهي من الشباب أحسن، والحياء حسن وهو من النساء أحسن.

وأمير لا عديل له كغمام (٢) لا غيث (٣) له، وفقير لا صبر له كمصباح لا ضوء له، وعالم لا ورع له كشجرة لا ثمر لها، وغني لا سخاء له كمكان لا نبت له، وشاب لا توبة له كنهير لا ماء له، وامرأة لا حياء لها كطعام لا ملح له. (٤)

٣٦٩٢. وقال عليه السلام: لا خير في صبحه من اجتمع فيه ست خصال: إن خدتك كذبك وإن خدته كذبك، وإن اتمنتته خانك وإن اتمنتك [أهانك]، وإن أنعمت عليه كفرك وإن أنعم عليك من بنعمته. (٥)

٣٦٩٣. ما أصف من دار أولها عناء، وآخرها فناء، في حلاليها حساب، وفي حرامها عقاب، من استغنى فيها فتن، ومن افتقر فيها حزن. (٦)

٣٦٩٤. مسكين ابن آدم؛ مكتوم (٧) الأجل، مكنون العليل، محفوظ العمل، تؤلمه البقه، وتنته العرقه (٨)، وتقتله الشرقه (٩). (١٠)

٣٦٩٥. عليكم بتقوى الله في الغيب والشهادة، وكلمه الحق في الرضى والغضب، والقصد في الغنى والفقر، وبالعدل على العيود والصدق، وبالعمل في النشاط والكسل، والرضى عن الله في الشده والرخاء. (١١)

ص: ٣٠٢

- ١- الخصال، ص ٣٣٨، ح ٤٢. (- قيل: سئل ...)
- ٢- العمام: السحاب الأبيض (مجمع البحرين: ٣/٣٣٢).
- ٣- الغيث: المطر (النهاية: ٢/٤٠٠).
- ٤- كثر العمال، ج ١٥، ص ٩٠١، ح (٤٣٥٥١-).
- ٥- معدن الجواهر، ص ٥٤.
- ٦- نهج البلاغه، ج ١، ص ١٣٠، ح ٨٢.
- ٧- الترجمة: مكتوب.
- ٨- وفيه: وتفينه العرقه.
- ٩- شرق فلان بريقه: غص به، ويقال: أخذته شرقه فكاد يموت (لسان العرب: شرق).
- ١٠- نهج البلاغه، ج ٤، ص ٩٨، ح ٤١٩.
- ١١- تحف العقول، ص ٩٩.

کند. و اگر اطاعت کنی پاداش دهد. و اگر مخالفت کنی به تو احسان کند. و اگر روی برگردانی تو را صدازند. و اگر روی آوری به تو نزدیک شود. و اگر به او توکل کنی تو را کفایت کند.

۳۶۹۱. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: شش خصلت نیکوست، اما در شش نفر نیکوتر است:

عدالت نیکوست اما در حاکمان نیکوتر است. صبر نیکوست ولی در فقیران نیکوتر است.

پرهیزکاری نیکوست اما در علما نیکوتر است. سخاوت نیکوست ولی در ثروتمندان نیکوتر است. توبه نیکوست اما در جوانان نیکوتر است. حیا نیکوست ولی در زنان نیکوتر است.

فرمانروایی که عادل نباشد مثل ابر بی باران است. و فقیر بی صبر مثل چراغ بی نور است.

و عالم بی تقوا مثل درخت بی ثمر است. و ثروتمند بی سخاوت مثل زمین بی حاصل است. جوان بی توبه مثل نهر بی آب است. و زن بی حیا مثل غذای بی نمک است.

۳۶۹۲. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: صحبت با کسی که شش خصلت دارد نفعی ندارد: در گفتار به تو دروغ گوید. و اگر تو بگویی تو را تکذیب کند. اگر او را امین قرار دهی به تو خیانت کند. و اگر برایش امانت داری کنی به تو امانت کند. اگر به او نعمت دهی ناسپاسی کند. و اگر به تو چیزی بدهد منت گذارد.

۳۶۹۳. چه گویم از دنیا که اولش سختی و آخرش نابودی و در حلال آن حساب و برای حرام آن عذاب است. کسی که از آن بی نیاز شود به سختی آزمایش می شود. و کسی که به آن محتاج باشد غمگین است.

۳۶۹۴. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: آمیزاد بیچاره اجلش پنهان، و بیماریهایش نهفته، اعمالش محفوظ است. پشه او را آزار می رساند. با فرو رفتن در آب هلاک می شود، و با گرفتن گلویش خفه می شود.

۳۶۹۵. حضرت فرمودند: تقوا داشته باشید در نهان و عیان. و حق را بگوئید در خشنودی و خشم. و میانه روی کنید در ثروت و فقر. عدالت ورزید بر دشمن و دوست. کوشش کنید در نشاط و کسل. و از خدا خشنود باشید در سختی و رفاه.

٣٦٩٦. عَلَيْكُمْ بِكِتَابِ اللَّهِ؛ فَإِنَّهُ الْحَبْلُ الْمَتِينُ، وَالنُّورُ الْمُبِينُ، وَالشُّفَاءُ النَّافِعُ، وَالرُّبِيُّ النَّافِعُ (١)، وَالْعِصْمَةُ لِلْمَتَمَسِّكِ، وَالنَّجَاهُ لِلْمَتَعَلِّقِ (٢).

٣٦٩٧. مَنْ أَمْضَى يَوْمَهُ فِي غَيْرِ حَقِّ قَضَاءٍ، أَوْ فَرَضٍ أَدَاءٍ، أَوْ مَجْدٍ بِنَاءٍ، أَوْ حَمْدٍ حَصْلَةٍ، أَوْ خَيْرٍ أَسَّسَهُ، أَوْ عِلْمٍ اقْتَبَسَهُ (٣)؛ فَقَدْ عَقَّ يَوْمَهُ (٤).

٣٦٩٨. مَنْ جَمَعَ سِتَّ خِصَالٍ لَمْ يَدْعَ لِلْجَنَّةِ مَطْلَبًا، وَلَا عَنِ النَّارِ مَهْرَبًا (٥): مَنْ عَرَفَ اللَّهَ فَأَطَاعَهُ، وَعَرَفَ الشَّيْطَانَ فَعَصَاهُ، وَعَرَفَ الْحَقَّ فَاتَّبَعَهُ، وَعَرَفَ الْبَاطِلَ فَاتَّقَاهُ، وَعَرَفَ الدُّنْيَا فَرَفَضَهَا، وَعَرَفَ الْآخِرَةَ فَطَلَبَهَا (٦).

٣٦٩٩. مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ رِيحًا، وَمَنْ غَفَلَ عَنْهَا خَسِرًا، وَمَنْ خَافَ أَمِنَ، وَمَنْ اعْتَبَرَ أَبْصَرَ، وَمَنْ أَبْصَرَ فَهَمَّ، وَمَنْ فَهَمَّ عَلِمَ (٧).

ص: ٣٠٤

- ١- . نَقَعَ الْمَاءُ الْعَطَشَ: أَذْهَبَهُ وَسَكَّنَهُ (لسان العرب: نقع).
- ٢- . نَهَجَ الْبَلَاغَةَ، ج ٢، ص ٤٩.
- ٣- . اقْتَبَسَ: اسْتَفَادَ (أقرب الموارد: قبس).
- ٤- . شَرَحَ نَهَجَ الْبَلَاغَةَ، ج ٢٠، ص ٣٣٤، ح ٨٣٣.
- ٥- . الْمَهْرَبُ: الْمَوْضِعُ الَّذِي يُهْرَبُ إِلَيْهِ (المجمع: هرب).
- ٦- . جَامِعُ الْأَخْبَارِ، ص ١٠٨.
- ٧- . نَهَجَ الْبَلَاغَةَ، ج ٤، ص ٤٧، ح ٢٠٨.

۳۶۹۶. حضرت فرمودند: به قرآن تمسک کنید که: ریسمان محکم و نور روشن گر و داروی شفا بخش و جرعه آرامبخش است. و نگهدارنده کسی است به آن چنگ زند. و کسی که به آن آوزید نجات یابد.

۳۶۹۷. کسی که روز خود را در غیر شش مورد بگذراند به آن روز ستم کرده است: ادای حق یا انجام دادن واجب یا بنا کردن بزرگواری یا تحصیل ستایش یا تأسیس خیریه یا آموختن علم.

۳۶۹۸. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: کسی که شش خصلت داشته باشد دیگر چیزی برای طلب کردن بهشت و فرار کردن از جهنم باقی نگذاشته است: کسی که خدا را بشناسد و از او اطاعت کند. و شیطان را بشناسد و با او مخالفت کند. و حق را بشناسد و از آن پیروی کند. و باطل را بشناسد و از آن دوری کند. و دنیا را بشناسد و از آن کناره گیری کند. و آخرت را بشناسد و آن را طلب کند.

۳۶۹۹. حضرت فرمودند: کسی که به حساب خود رسیدگی کند سود برده. و کسی که از آن غافل شود زیان کرده است. و کسی که [از خدا] بترسد در امان است. و کسی که عبرت بگیرد بصیرت یابد. و کسی که بصیرت یابد بفهمد. و کسی که بفهمد دانا شود.

الفصل السابع: مِمَّا وَرَدَ عَنِ الْإِمَامِ جَعْفَرِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٣٧٠٠. عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُعْبِرِ الْبَصْرِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: سِتَّةٌ لَا تَكُونُ فِي الْمُؤْمِنِ:

الْعِشُّ، وَالنَّكَدُ (١)، وَاللَّجَاجَةُ، وَالْكَذِبُ، وَالْحَسَدُ، وَالْبَغْيُ.

سِتَّةٌ لَا يُسَلِّمُ عَلَيْهِمُ: الْيَهُودِيُّ، وَالْمَجُوسِيُّ، وَالنَّصْرَانِيُّ، وَالرَّجُلُ عَلَى غَائِطِهِ، وَعَلَى مَوَائِدِ الْخَمْرِ، وَعَلَى الشَّاعِرِ الَّذِي يَقْدِفُ الْمُحْصَنَاتِ، وَعَلَى الْمُتَفَكِّهِينَ بِالْأُمَّهَاتِ (٢).

٣٧٠١. عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ سَلِمَانُ رَحِمَهُ اللَّهُ: عَجِبْتُ لِسِتِّ، ثَلَاثٌ أَضْحَكْتَنِي وَثَلَاثٌ أَبْكَتَنِي؛ أَمَّا الَّتِي أَبْكَتَنِي: فَفِرَاقُ الْأَحَبِّ مُحَمَّدٍ وَحَزْبِهِ، وَهُوَ الْمَطَّلَعُ (٣)، وَالْوُقُوفُ بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

وَأَمَّا الَّتِي أَضْحَكْتَنِي: فَطَالِبُ الدُّنْيَا وَالْمَيُوتُ يَطْلُبُهَا، وَغَافِلٌ وَلَيْسَ بِمَغْفُولٍ عَنْهُ، وَضَاحِكٌ مِثْلَهُ فِيهِ لَا يُدْرِي أَرْضَى اللَّهُ أَمْ سَخِطَ (٤).

٣٧٠٢. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَتَعَوَّذُ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ سِتِّ خِصَالٍ: مِنَ الشُّكِّ وَالشَّرِكِ وَالْحَمِيَّةِ وَالغَضَبِ وَالْبَغْيِ وَالْحَسَدِ (٥).

٣٧٠٣. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: النَّاسُ عَلَى سِتِّ فِرَاقٍ: مُسْتَضْعَفٍ، وَمُؤَلَّفٍ (٦)، وَمُرْجِيٍّ (٧)، وَمُعْتَرِفٍ بِذَنْبِهِ، وَنَاصِبٍ، وَمُؤْمِنٍ (٨).

ص: ٣٠٦

- ١- . النَّكَدُ: الشُّؤْمُ وَاللُّؤْمُ (لسان العرب: ٤٢٧/٣).
- ٢- . الخصال، ص ٣٢٥، ح ١٥ و ١٦.
- ٣- . الهول: الفزع. والمطلع: موضع الاطلاع. والمراد ما يراه الإنسان عند الموت وبعده. قال الجزري: يريد به الموقف يوم القيامة أو ما يشرف عليه من أمر الآخرة عقيب الموت، فشبَّهه بالمطلع الذي يشرف عليه من موضع عالٍ (النهاية: ١٣٣/٣).
- ٤- . الخصال، ص ٣٢٦، ح ١٧.
- ٥- . الخصال، ص ٣٢٩، ح ٢٤.
- ٦- . هو المؤلَّفُ قلبه إلى الإسلام بإعطاء الدنئى من المال والمقام.
- ٧- . لعلَّ المراد من خلط عملاً صالحاً وآخر سيئاً من المسلمين. ويحتمل أن يكون المراد الفرقة المعروفة منهم يعتقدون أنه لا يضرُّ مع الإيمان معصيته كما لا ينفع مع الكفر طاعه.
- ٨- . الخصال، ص ٣٣٣، ح ٣٤.

۳۷۰۰. امام صادق علیه السلام فرمودند: شش ویژگی در مؤمن نیست: غش [یعنی مخلوط کردن جنس نامرغوب با مرغوب]. لثم بودن لج بازی. دروغ. حسادت. ظلم.

به شش نفر سلام نباید کرد: یهودی، مجوسی، مسیحی، کسی که در توالی یا بر سفره شراب نشسته است، شاعری که نسبت ناروا به زنهای شوهردار می دهد، و کسی که شوخی او فحش مادر است.

۳۷۰۱. امام صادق علیه السلام فرمودند: سلمان گفت: از شش چیز در شگفتم، سه چیز مرا به گریه انداخته و سه چیز مرا خندانده است اما سه چیز اول: فراق محمد صلی الله علیه و آله و اصحابش، و وحشت مردن و بعد از آن، و ایستادن در برابر خدا.

و اما سه چیز خنده دار: کسی که بدنبال دنیا و مرگ بدنبال اوست. غافلی که از او غفلت نمی کنند. کسی که خنده می کند و نمی داند خدا خشنود است یا خشمگین.

۳۷۰۲. امام صادق علیه السلام فرمودند: پیامبر صلی الله علیه و آله هر روز از شش خصلت به خدا پناه می برد: شک. شرک. تعصب. خشم. ظلم. حسد.

۳۷۰۳. امام صادق علیه السلام فرمودند: مردم شش دسته هستند: مستضعف. کسانی که به کمک زکات دلهایشان به اسلام متمایل می شود. امیدوار به بهشت. معترف به گناه. دشنام گو. مؤمن.

٣٧٠٤. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَعْفَى عَنْ شَيْعَتِنَا مِنْ سِتِّ: الْجُنُونِ، وَالْجُدَامِ، وَالْبَرَصِ، وَالْأَبْنَةِ (١)، وَأَنْ يُولَدَ مِنَ الزَّانَا، وَأَنْ يَسْأَلَ النَّاسَ بِكُفِّهِ (٢).

٣٧٠٥. وَعَنِ الْمُفْضَلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: أَلَا إِنَّ شَيْعَتَنَا قَدْ أَعَادَهُمُ اللَّهُ مِنْ سِتِّ: أَنْ يُجْذَمُوا، أَوْ يَطْعَمُوا طَعْمَ الْغُرَابِ (٣)، أَوْ يَهْرُوا هَرِيرَ الْكَلْبِ (٤)، أَوْ يُنْكَحُوا فِي أَدْبَارِهِمْ، أَوْ يُلْدُوا (٥) مِنَ الزَّانَا، أَوْ يَتَّصِدَّقُوا عَلَى الْأَبْوَابِ (٦).

٣٧٠٦. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْمُحَمَّدِيَّةُ السَّمْحَةُ: إِقَامُ الصَّلَاةِ، وَإِيتَاءُ الزَّكَاةِ، وَصِيَامُ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَحُجُّ الْبَيْتِ، وَالطَّاعَةُ لِلْإِمَامِ، وَأَدَاءُ حُقُوقِ الْمُؤْمِنِ؛ فَإِنَّ مَنْ حَبَسَ حَقَّ الْمُؤْمِنِ أَقَامَهُ اللَّهُ عِزًّا وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَمْسَةَ مِائَةِ عَامٍ عَلَى رِجْلَيْهِ حَتَّى يَسِيلَ مِنْ عَرْقِهِ أَوْ دَمِهِ، ثُمَّ يُنَادِي مُنَادٍ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ عِزًّا وَجَلًّا: هَذَا الظَّالِمُ الَّذِي حَبَسَ عَنِ اللَّهِ حَقَّهُ، قَالَ: فَيُؤْتَى أَرْبَعِينَ عَامًا ثُمَّ يُؤْمَرُ بِهِ إِلَى نَارِ جَهَنَّمَ (٧).

٣٧٠٧. وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سِتُّ خِصَالٍ يَنْتَفِعُ بِهَا الْمُؤْمِنُ بَعْدَ مَوْتِهِ: وَلَدُّ صَالِحٍ يَسْتَغْفِرُ لَهُ، وَمُصْحَفٌ يُقْرَأُ فِيهِ، وَقَلْبٌ (٨) يَحْفَرُهُ، وَغَرْسٌ يَغْرِسُهُ، وَصَدَقَةٌ مُجْرَاهُ، وَسُنَّةٌ حَسَنَةٌ يُؤْخَذُ بِهَا بَعْدَهُ (٩).

٣٧٠٨. وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لِلزَّانِي سِتُّ خِصَالٍ: ثَلَاثٌ فِي الدُّنْيَا، وَثَلَاثٌ فِي الْآخِرَةِ؛ فَأَمَّا الَّتِي فِي الدُّنْيَا:

فَإِنَّهُ يَذْهَبُ بِنُورِ الْوَجْهِ، وَيُورِثُ الْفَقْرَ، وَيُعْجَلُ الْفَنَاءَ. وَأَمَّا الَّتِي فِي الْآخِرَةِ: فَسَيَخُطُّ الرَّبُّ جَلَّ جَلَالُهُ، وَسُوءَ الْحِسَابِ، وَالْخُلُودَ فِي النَّارِ (١٠).

٣٧٠٩. وَرَدَّ فِي الْحَدِيثِ: سِتَّةٌ لَا تُفَارِقُهُمُ الْكَآبَةُ (١١): الْحَقُّودُ، وَالْحَسُودُ، وَفَقِيرٌ قَرِيبُ الْعَهْدِ بِالْغِنَى، وَغَنِيٌّ يَخْشَى الْفَقْرَ، وَطَالِبٌ رُتْبَةٍ يَقْصُرُ عَنْهَا قَدْرٌ (١٢)، وَجَلِيسٌ أَهْلِ الْأَدَبِ وَلَيْسَ مِنْهُمْ (١٣).

ص: ٣٠٨

١- . الأبنه: العيب، والحقد، والجمع ابن ويقال: في حسبه ابن: عيوب. والمأبون: المتهم (المعجم الوسيط: ٣/١).

٢- . الخصال، ص ٣٣٦، ح ٣٧.

٣- . كذا في الأصل، ولعل الصحيح: «أو يطمعوا طمع الغراب»؛ لأن طمع الغراب يضرب به المثل عند العرب. وفي الحديث عن الصادق عليه السلام: «شيعتنا من لا يهر هريز الكلب، ولا يطمع طمع الغراب» راجع سفينه البحار كلمه غرب، والخصال: ٢٧٥/١.

٤- . الهرير: صوت الكلب دون النباح، وقد يستعمل في النباح أيضاً؛ أي لا يهر في وجه مؤمن، بل يلاقه بلين وبشر.

٥- . الظاهر أن الصحيح: «يولدوا من الزنا» كما مر.

٦- . الخصال، ص ٣٣٦، ح ٣٨.

٧- . الخصال، ص ٣٢٨، ح ٢٠.

٨- . القلب: البئر.

٩- . الخصال، ص ٣٢٣، ح ٩.

- ١٠- .الخصال، ص ٣٢١، ح ٤.
- ١١- .الكآبه: سوء الحال والانكسار من الحزن (الصحاح: ٢٠٧/١).
- ١٢- . كذا، و لعلّ الصواب: «قَدْرُهُ».
- ١٣- . معدن الجواهر، ص ٥٣.

۳۷۰۴. امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند تعالی شیعیان ما را از شش عیب حفظ کرده است: جنون.

جذام. پیسی. لواط. ولد زنا. گدایی.

۳۷۰۵. امام صادق علیه السلام فرمودند: خدا شیعیان را از شش چیز حفظ کرده است: بیماری جذام. خوردن کلاغ. داد و فریاد کردن. لواط دادن. به دنیا آمدن از زنا. صدقه گرفتن از در خانه های مردم.

۳۷۰۶. امام صادق علیه السلام فرمودند: آئین سهل و ساده محمد صلی الله علیه و آله عبارت است از: اقامه نماز. پرداخت زکات. روزه رمضان. حج. اطاعت از امام معصوم علیه السلام. اداء حق مؤمن.

کسی که حق مؤمن را ادا نکند، روز قیامت خداوند او را پانصد سال برپا نگه می دارد تا عرق یا خون او جاری شود، آن گاه فرشته ای ندا می دهد: این ظالم کسی است که حق خدا را نپرداخته است. آنگاه چهل سال توبیخ می شود. سپس به جهنم رانده می شود.

۳۷۰۷. امام صادق علیه السلام فرمودند: مؤمن پس از مرگ از شش چیزی که بر جای گذاشته بهره می برد:

فرزند صالح که برای او استغفار کند. قرآنی که خوانده شود. چاه آبی که حفر کرده باشد.

درختی که کاشته است. صدقه جاریه [مانند وقف مدرسه، مسجد، امثال آن]. سنت نیکویی که برپا کرده است.

۳۷۰۸. امام صادق علیه السلام فرمودند: زنا کار شش مجازات می بیند، سه مورد در دنیا و سه مورد در آخرت:

در دنیا: نور چهره اش از بین می رود. و فقیر می شود. و عمرش کوتاه می گردد.

در آخرت: پروردگار از او خشمگین است. و حساب سخت دارد. و در جهنم جاوید می ماند.

۳۷۰۹. اندوه از شش گروه جدا نمی شود: کینه ورز و حسود. و فقیری که تازه مالش را از دست داده.

ثروتمندی که از فقر می ترسد. جوایای مقام که به آن نرسیده است. و همنشین با اهل ادب که خود از آنان نیست.

٣٧١٠. وَقَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: النَّاسُ فِي زَمَانِنَا عَلَى سِتِّ طَبَقَاتٍ: أَسَدٌ، وَذئْبٌ، وَثَعْلَبٌ، وَكَلْبٌ، وَخَنزِيرٌ، وَشَاهٌ.

فَأَمَّا الْأَسَدُ فَفَلَوْكَ الدُّنْيَا؛ يُحِبُّ كُلَّ وَاحِدٍ أَنْ يَغْلِبَ وَلَا يُغْلَبَ.

وَأَمَّا الذُّئْبُ فَتَجَارُكُمْ؛ يَدْمُونَ إِذَا اشْتَرَوْا وَيَمْدَحُونَ إِذَا بَاعُوا.

وَأَمَّا الثَّعْلَبُ فَهَؤُلَاءِ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ بِأَدْيَانِهِمْ وَلَا يَكُونُ فِي قُلُوبِهِمْ مَا يَصِفُونَ بِالسِّنْتِهِمْ.

وَأَمَّا الْخَنزِيرُ فَهَؤُلَاءِ مُخَنَّثُونَ (١) وَأَشْبَاهُهُمْ؛ لَا يَدْعُونَ إِلَى فَاحِشِهِ إِلَّا أَجَابُوا.

وَأَمَّا الْكَلْبُ يَهْرُ عَلَى النَّاسِ بِلِسَانِهِ، وَيُكْرِمُهُ النَّاسُ مِنْ شَرِّ لِسَانِهِ.

وَأَمَّا الشَّاهُ فَالْمُؤْمِنُ؛ يُجْزُّ شُعُورَهُمْ، وَتُؤَكَّلُ لُحُومُهُمْ، وَيُكْسِرُ عَظْمُهُمْ؛ فَكَيْفَ تَصْنَعُ الشَّاهُ بَيْنَ أَسَدٍ وَذئْبٍ وَثَعْلَبٍ وَكَلْبٍ

وَخَنزِيرٍ؟! (٢)

ص: ٣١٠

١- . الْمُخَنَّثُ - بفتح النون والتشديد -: وهو من يوطأ في دبره لما فيه من الانخناث؛ وهو التكريير والتثني (مجمع البحرين:

٧٠٥/١).

٢- . الخصال، ص ٣٣٩، ح ٤٣.

۳۷۱۰. امام سجاد علیه السلام فرمودند: مردم در زمان ما شش طبقه هستند:

شیر درنده؛ سران قدرت که هر کدام دوست دارند بر دیگری غلبه کنند.

گرگ؛ تاجر و بازاری که هنگام خرید جنس را مذمت و هنگام فروش مدح می کنند.

روباه؛ کسانی که از دین خود روزی می خورند. و در باطن آنان آنچه که با زبان می گویند وجود ندارد.

خوک؛ کسانی که اگر به فحشاء دعوت شوند، قبول می کنند.

سگ؛ کسانی که با زبان به مردم حمله می کنند. و مردم از شر زبان به آنها احترام می کنند.

گوسفند؛ مؤمن مانند گوسفند است که پشم و گوشت و استخوان او مفید است. پس گوسفند چگونه در میان شیر و گرگ و روباه و سگ و خوک چگونه زندگی کند؟

ص: ۳۱۱

٣٧١١. قَالَ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا وُضِعَ فِي الْمَنْجَنِقِ غَضِبَ جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: يَا جِبْرِئِيلُ مَا يُغْضِبُكَ؟ قَالَ: يَا رَبِّ، خَلَيْتُكَ لَيْسَ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ أَحَدٌ يَعْبُدُكَ غَيْرُهُ سَلَطْتَ عَلَيْهِ عِدْوَكَ وَعَدُوَّهُ!

فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ: اسْكُتْ؛ إِنَّمَا الْعَبْدُ الَّذِي هُوَ مِثْلُكَ يَخَافُ الْقَوْتَ، فَأَمَّا أَنَا فَهُوَ عَبْدِي آخُذُهُ إِذَا شِئْتُ.

قَالَ: فَطَابَتْ نَفْسُ جِبْرِئِيلَ، ثُمَّ التَفَّتْ إِلَى إِبْرَاهِيمَ فَقَالَ: هَلْ لَكَ حَاجَةٌ؟ فَقَالَ: أَمَا إِلَيْكَ فَلَا، فَأَهْبَطَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عِنْدَهَا خَاتَمًا فِيهِ سِتَّةٌ أَحْرُفٍ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، فَوَضَعْتُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ، أَسْنَدْتُ ظَهْرِي إِلَى اللَّهِ، حَسْبِيَ اللَّهُ.

قَالَ: فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ أَنْ يَتَخْتَمَ بِهَذَا الْخَاتَمِ فَإِنِّي أَجْعَلُ النَّارَ عَلَيْكَ بَرْدًا وَسَلَامًا. (١)

٣٧١٢. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: لَا بَأْسَ بِالْعَزْلِ فِي سِتِّهِ وَجُوهِ الْمَرْأَةِ الَّتِي أَيْقَنْتَ أَنَّهَا لَا تَلِدُ، وَالْمُسْتَنْهَ، وَالْمَرْأَةُ السَّلِيْطَةُ، وَالْبَدِيْئَةُ، وَالْمَرْأَةُ الَّتِي لَا تُرْضِعُ وَلَدَهَا، وَالْأَمَةُ. (٢)

٣٧١٣. وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنْفِيَّةِ يَقُولُ: فِينَا سِتُّ خِصَالٍ لَمْ تَكُنْ فِي أَحَدٍ مِمَّنْ كَانَ قَبْلَنَا وَلَا تَكُونُ فِي أَحَدٍ بَعْدَنَا:

مِنَّا مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَيِّدُ الْمُرْسَلِينَ، وَعَلِيٌّ سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ، وَحَمْرَةُ سَيِّدُ الشُّهَدَاءِ، وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَجَعْفَرُ بْنُ أَبِي طَالِبٍ الْمُرَيَّنُ بِالْجَنَاحِينَ يَطِيرُ بِهِمَا فِي الْجَنَّةِ حَيْثُ يَشَاءُ، وَمَهْدِيُّ هَذِهِ الْأُمَّةِ الَّذِي يُصَيِّرُنِي خَلْفَهُ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فِي الدُّنْيَا. (٣)

ص: ٣١٢

١- . الخصال، ص ٣٣٥، ح ٣٦.

٢- . الخصال، ص ٣٢٨، ح ٢٢.

٣- . الخصال، ص ٣٢٠، ح ١.

۳۷۱۱. امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمودند: ابراهیم علیه السلام را زمانی که در منجنیق گذاشتند جبرئیل غضب کرد و گفت: پروردگارا، بر دوست تو که کسی جز او در روی زمین تو را عبادت نمی کند، دشمنان سلطه یافته اند.

خداوند وحی فرستاد: خاموش باش، بنده ای چون تو می ترسد که فرصت از دست برود.

اما من بنده ام را هر وقت بخواهم نجات می دهم.

جبرئیل آرام شد و به ابراهیم گفت: آیا حاجتی داری؟ ابراهیم گفت: از تو چیزی نمی خواهم. آنگاه خداوند انگشتی برای او فرستاد که در آن شش کلمه بود: لا اله الا الله، محمد رسول الله، لا حول ولا قوة الا بالله [قدرتی جز خدا نیست]، فوضت امری الی الله [کار خود را به خدا واگذارم]، اسندت ظهري الی الله [به خدا اتکا کردم]، حسبی الله [خدا مرا بس است].

خداوند به ابراهیم وحی کرد که این انگشت را در دست کن که من آتش را برای تو سرد و سلامت خواهم کرد.

۳۷۱۲. امام کاظم علیه السلام فرمود: بیرون ریختن نطفه در شش مورد اشکال ندارد: زن عقیم باشد. زن پیر باشد. زن بی ادب و بد زبان باشد. زن بی حیا باشد. زن به بچه شیر ندهد. کنیز.

۳۷۱۳. محمد بن حنفیه می گفت: ما شش امتیاز داریم که کسی قبل از ما نداشته و بعد از ما هم نخواهد داشت: محمد صلی الله علیه و آله سرور پیامبران از ما، و علی علیه السلام سرور اوصیاء از ما، و حمزه سرور شهیدان از ما، و حسن و حسین سرور جوانان اهل بهشت از ما، و جعفر بن ابیطالب که خدا او را با دو بال آراسته و در بهشت به هر جا که بخواهد می رود از ما، و مهدی علیه السلام که حضرت عیسی علیه السلام پشت سر او نماز می گذارد از ما هستند.

٣٧١٤. أوحى الله تعالى إلى موسى بن عمران عليه السلام قال: يا موسى، سئته أشياء في سئته مواضع، والناس يطلبونها في سئته أشياء فلم يجدوه أبداً:

إني وضعت الراحة في الجنة، والناس يطلبونها في الدنيا.

إني وضعت العلم في الجوع، والناس يطلبونه في الشبع.

إني وضعت العز في قيام الليل، والناس يطلبونه في أبواب السلاطين.

إني وضعت الرفعة والدرجة في التواضع، والناس يطلبونها في التكبر.

إني وضعت إجابة الدعاء في لقمه الحلال، والناس يطلبونها في القيل والقال.

إني وضعت الغنى في القناعة، والناس يطلبونه في كثرة العروض (١)، ولم يجدوه أبداً.

٣٧١٥. وأوحى الله تعالى إلى داود عليه السلام: يا داود، من عرفني ذكرني، ومن ذكرني قصي دني، ومن قصي دني طلبني، ومن طلبني وجدني، ومن وجدني حفظني، ومن حفظني لا يختار علي غيري.

٣٧١٦. وقال أمير المؤمنين عليه السلام: ضمنت لسنه الجنة: رجل خرج بصدقه فمات فله الجنة، ورجل خرج يعود مريضاً فمات فله الجنة، ورجل خرج مجاهداً في سبيل الله فمات فله الجنة، ورجل خرج حاجاً فمات فله الجنة، ورجل خرج إلى الجمعة فمات فله الجنة، ورجل خرج إلى جنازه مسلم فمات فله الجنة. (٢)

٣٧١٧. وقال عليه السلام لقاتل قال بحضرته: «استغفر الله»: ثكلتك أمك، أتدرى ما الاستغفار؟! إن الاستغفار درجة العليين (٤)، وهو اسم واقع على سته معان:

أولها: الندم على ما مضى.

والثاني: العزم على ترك العود إليه أبداً.

ص: ٣١٤

١- . العرض: متاع الدنيا وحطامها (مجمع البحرين: ١٥٥/٣).

٢- . من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ١٤٠.

٣- . ثكلتك: فقدتك، كأنه دعا عليه بالموت لسوء عمله، والموت يعم كل أحد، فإذا الدعاء كلاً- دعاء، أو أراد إن كنت هكذا فالموت خير لك لئلا تزداد سوءاً. ويجوز أن يكون من الألفاظ التي تجرى على ألسنة العرب ولا يراد بها الدعاء كقولهم: تربت يداك، وقاتلك الله (النهاية: ٢١٢/١).

٤- . قال الجزرى: عليّون اسم للسماء السابعه. وقيل: هو اسم لديوان الملائكه الحفظه تُرفع إليه أعمالُ الصالحين من العباد. وقيل: أراد أعلى الأمكنه وأشرف المراتب وأقربها من الله فى الدار الدنيا (النهايه: ٢٩٤/٣). قال الله تعالى: «كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عَلِيّينَ * وَ مَا أَدْرَاكَ مَا عَلِيّونَ * كِتَابٌ مَّرْهُومٌ * يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ» وراجع المجمع أيضاً.

۳۷۱۴. خداوند به موسی بن عمران وحی کرد: ای موسی شش چیز در شش جا قرار دارد و مردم در جای دیگر طلب می کنند و هرگز به آنها نمی رسند:

آرامش را در بهشت نهاده ام، و مردم در دنیا طلب می کنند.

علم را در گرسنگی نهاده ام، و مردم در سیری طلب می کنند.

عزت را در نماز شب قرار داده ام، و مردم در دربار فرمانروایان می جویند.

رفعت و مقام را در فروتنی نهاده ام، و مردم در تکبر طلب می کنند.

اجابت دعا را در غذای حلال قرار داده ام، و مردم در سر و صدا می جویند.

ثروت را در قناعت قرار داده ام، و مردم در زیادی مال می جویند. و هرگز نخواهند یافت.

۳۷۱۵. خداوند به داود علیه السلام وحی فرمود: ای داود هر کس مرا شناخت مرا یاد کند. و کسی که مرا یاد کند مرا قصد خواهد کرد. و هر کس که مرا قصد کند مرا می جوید. و کسی که مرا جوید مرا خواهد یافت. و هر کس مرا یافت مرا از دست ندهد. و هر که مرا از دست ندهد بسوی غیر من نخواهد رفت.

۳۷۱۶. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: بهشت را برای شش نفر تضمین می کنم:

کسی که برای دادن صدقه از خانه خارج شود و بمیرد. کسی که برای عیادت مریض خارج شود و بمیرد. کسی که برای جهاد در راه خدا خارج شود و بمیرد. کسی که برای سفر حج خارج شود و بمیرد. کسی که برای نماز جمعه خارج شود و بمیرد. کسی که برای تشییع جنازه مسلمان خارج شود و بمیرد.

۳۷۱۷. کسی در حضور امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: استغفرالله.

حضرت فرمود: مادرت در عزایت بگرید آیا می دانی استغفار چیست؟ استغفار درجه عالی رتبه است و شش معنا دارد: پشیمانی از گذشته. تصمیم بر اینکه هرگز آن گناه را تکرار نکند. پرداختن حقوق مردم به طوری که هنگام مرگ حق کسی به عهده تو نباشد.

وَالثَّالِثُ: أَنْ تُؤَدِّيَ إِلَى الْمَخْلُوقِينَ حُقُوقَهُمْ حَتَّى تَلْقَى اللَّهَ أَمَلَسَ لَيْسَ عَلَيْكَ تَبِعُهُ.

وَالرَّابِعُ: أَنْ تَعْمَدَ إِلَى كُلِّ فَرِيضَةٍ عَلَيْكَ ضَيَّعْتَهَا فَتُؤَدِّيَ حَقَّهَا.

وَالخَامِسُ: أَنْ تَعْمَدَ إِلَى اللَّحْمِ الَّذِي نَبَتَ عَلَى الشُّحْتِ فَتُذَيِّبُهُ بِالْأَحْزَانِ حَتَّى تُلْصِقَ الْجِلْدَ بِالْعَظْمِ وَيَنْشَأَ بَيْنَهُمَا لَحْمٌ جَدِيدٌ.

وَالسَّادِسُ: أَنْ تُذَيِّقَ الْجِسْمَ أَلْمَ الطَّاعَةِ كَمَا أَذَقْتَهُ حَلَاوَةَ الْمَعْصِيَةِ، فَعِنْدَ ذَلِكَ تَقُولُ: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ. (١)

٣٧١٨. وَقِيلَ: إِنَّ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ جَالِسًا فِي مَوْضِعٍ فَأَتَاهُ سِتَّةُ أَشْخَاصٍ وَجَلَسُوا عِنْدَهُ؛ ثَلَاثَةٌ عَنْ يَمِينِهِ وَثَلَاثَةٌ عَنْ يَسَارِهِ، ثَلَاثَةٌ مِنْهَا بَيَاضٌ وَثَلَاثَةٌ مِنْهَا سُودٌ، وَقَالَ آدَمُ لِوَاحِدٍ مِنَ الْبَيَاضِ: مَنْ أَنْتَ؟ فَقَالَ: أَنَا الْعَقْلُ، فَقَالَ: أَيْنَ مَقَامُكَ؟ فَقَالَ: فِي الدِّمَاغِ. فَقَالَ لِلثَّانِي: مَنْ أَنْتَ؟ فَقَالَ: أَنَا الشَّفَقَةُ، فَقَالَ: أَيْنَ مَقَامُكَ؟ فَقَالَ: فِي الْقَلْبِ. فَقَالَ لِلثَّلَاثِ: مَنْ أَنْتَ؟ فَقَالَ: أَنَا الْحَيَاءُ، فَقَالَ: أَيْنَ مَقَامُكَ؟ فَقَالَ: فِي الْعَيْنِ.

ثُمَّ رَجَعَ إِلَى يَسَارِهِ فَقَالَ لِوَاحِدٍ مِنَ السُّودِ: مَنْ أَنْتَ؟ قَالَ: أَنَا الْكِبْرُ، فَقَالَ: أَيْنَ مَقَامُكَ؟ قَالَ: فِي الدِّمَاغِ، قَالَ: هَلْ يَكُونُ الْعَقْلُ فِيهِ؟ فَقَالَ: إِذَا دَخَلْتُ يَخْرُجُ الْعَقْلُ. فَقَالَ لِلثَّانِي: مَنْ أَنْتَ؟ قَالَ: أَنَا الْحَسِيْدُ، فَقَالَ: أَيْنَ مَقَامُكَ؟ قَالَ: الْقَلْبُ، قَالَ: هَلْ يَكُونُ الشَّفَقَةُ فِيهِ؟ قَالَ: إِذَا دَخَلْتُ تَخْرُجُ الشَّفَقَةُ.

ثُمَّ قَالَ لِلثَّلَاثِ: مَنْ أَنْتَ؟ قَالَ: أَنَا الطَّمَعُ، فَقَالَ: أَيْنَ مَقَامُكَ؟ قَالَ: فِي الْعَيْنِ، قَالَ: هَلْ يَكُونُ الْحَيَاءُ فِيهِ؟ قَالَ: إِذَا دَخَلْتُ يَخْرُجُ الْحَيَاءُ.

ص: ٣١٦

جبران واجباتی که از دست رفته اند. کاری کنی که گوشتی که از حرام در بدن توست آب شود و پوست به استخوان بچسبید و گوشت جدید از مال حلال بروید. بدن رنج طاعت را احساس کند همانطور که لذت گناه را احساس کرده. آن وقت بگو: استغفرالله.

۳۷۱۸. گویند: حضرت آدم علیه السلام نشسته بود سه نفر طرف راست او و سه نفر طرف چپ او نشستند که از آن شش نفر سه نفر سفید و سه نفر سیاه بودند.

آدم به یکی از سفیدها گفت: تو کیستی؟ گفت: من عقل هستم.

آدم گفت: جای تو کجاست؟ گفت: در مغز.

آدم به دومی گفت: تو کیستی؟ گفت: من مهربانی هستم. پرسید: جای تو کجاست؟ گفت:

در قلب. از سومی پرسید: تو کیستی؟ گفت: حياء. پرسید: جای تو کجاست؟ گفت: در چشم.

آدم به سمت چپ نگاه کرد و به یکی از سیاهان گفت: تو کیستی؟ گفت: تکبر. پرسید: جای تو کجاست؟ گفت: مغز. پرسید: با عقل در یک جا هستید؟ گفت: وقتی من بیایم عقل می رود. از دومی پرسید: تو کیستی؟ گفت: حسد. آدم گفت: جای تو کجاست؟ گفت: قلب آدم پرسید: با مهربانی در یک جا هستید؟ گفت: وقتی من بیایم، مهربانی می رود. از سومی پرسید: تو کیستی؟ گفت: طمع. پرسید: جای تو کجاست؟ گفت: چشم. پرسید آیا با حیا در یک جا هستی؟ گفت: وقتی من بیایم حیا می رود.

٣٧١٩. وَقَالَ أَفَلَاطُونُ: الْعَالَمُ كُرَّةٌ، وَالْأَرْضُ مَرَكَزٌ، وَالْأَفْلَاكُ قِسِيٌّ، وَالْحَوَادِثُ سِهَامٌ، وَالْإِنْسَانُ هَدْفٌ، وَاللَّهُ الرَّامِي؛ فَأَيْنَ الْمَفْرُؤُ؟! فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَفَرَّزُوا إِلَيَّ اللَّهُ. جَوَابًا لِأَفَلَاطُونَ.

٣٧٢٠. وَقَالَ بَعْضُ الْحُكَمَاءِ: سِتُّ خِصَالٍ تُعَرِّفُ مِنَ الْجَهْلِ: الْعَضْبُ فِي غَيْرِ شَيْءٍ، وَالْكَلَامُ فِي غَيْرِ نَفْعٍ، وَالْعَطِيَّةُ فِي غَيْرِ مَوْضِعٍ، وَإِفْشَاءُ السَّرِّ عِنْدَ كُلِّ أَحَدٍ، وَالثِّقَّةُ بِكُلِّ أَحَدٍ، وَأَنْ لَا يَعْرِفَ صَدِيقَهُ مِنْ عَدُوِّهِ. (١)

٣٧٢١. وَقَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ: يَا بُنَيَّ، أَوْصِيكَ بِسِتِّ خِصَالٍ اجْتَمَعَ فِيهَا عِلْمُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ: لَا تَشْغَلْ قَلْبَكَ إِلَى الدُّنْيَا إِلَّا بِقَدْرِ بَقَائِكَ فِيهَا، وَاعْمَلْ لِلْآخِرَةِ بِقَدْرِ بَقَائِكَ فِيهَا، وَأَطِعْ رَبَّكَ بِقَدْرِ حَاجَتِكَ إِلَيْهِ، وَليُكُنْ سَعِيكَ فِي فَكَاكِ رَقَبَتِكَ مِنَ النَّارِ، وَليُكُنْ جُرْأَتَكَ عَلَى الْمَعَاصِي بِقَدْرِ صَبْرِكَ فِي النَّارِ، وَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَعِصِيَ مَوْلَاكَ فَاطْلُبْ مَكَانًا لَا يَرَاكَ.

٣٧٢٢. وَقَالَ بُرْجُمَهْرٌ: سِتُّ خِصَالٍ تَعْدِلُ جَمِيعَ الدُّنْيَا: أَوْلُهَا: الطَّعَامُ الْمَرِيءُ (٢). وَالثَّانِي: الْوَلَدُ الصَّالِحُ.

وَالثَّلَاثُ: الزَّوْجَةُ الْمُوَافِقَةُ. وَالرَّابِعُ: الْكَلَامُ الْمُحْكَمُ. وَالخَامِسُ: كَمَالُ الْعَقْلِ. وَالسَّادِسُ:

صِحَّةُ الْبَدَنِ.

ص: ٣١٨

١- . معدن الجواهر، ص ٥٣، من كلام المعصومين عليهم السلام.

٢- . يقال: مرأى الطعام: إذا لم يثقل على المعدة وانحدر عنها طيباً (النهاية: ٣١٣/٤).

۳۷۱۹. افلاطون: عالم کروی است. و زمین مرکز آن. و افلاک چون کمان. و حوادث چون تیر. و انسان هدف. و خداوند هم تیر انداز است. پس به کجا باید فرار کرد؟ امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب فرموده اند: بسوی خدا فرار کنید.

۳۷۲۰. حکیمی گفته: شش چیز نشانه نادانی است: خشم بی مورد. سخن بی فایده. هدیه بی مورد.

فاش کردن سر نزد هر کس. اعتماد به همه کس. شناختن دوست از دشمن.

۳۷۲۱. لقمان به پسرش گفت: پسرم، شش توصیه دارم که عصاره علم اولین و آخرین است: قلب خود را به دنیا مشغول نکن مگر به اندازه ماندن تو در آن. برای آخرت به قدر بقاء در آن تلاش کن. به قدر نیاز به خدا از او اطاعت کن. برای رهایی از آتش کوشش کن. جرأت تو بر گناه به قدر صبر تو بر آتش باشد. هر گاه خواستی گناه کنی به جایی برو که پروردگارت تو را نبیند.

۳۷۲۲. بوذرجمهر: شش چیز معادل تمام دنیا است [یعنی هر کس داشته باشد گویا همه دنیا را دارد]:

۱ - غذای گوارا ۲ - فرزند صالح ۳ - همسر مورد توافق ۴ - سخن محکم ۵ - کمال عقل ۶ - سلامت بدن.

٣٧٢٣. مِنْ بَعْضِ التَّوَارِيخِ: سَيَخُطُ كِسْرَى عَلَى بُزْجَمِهَرٍ فَحَبَسَهُ فِي بَيْتٍ مُظْلِمٍ وَأَمَرَ أَنْ يُصَيِّدَ بِالْحَدِيدِ، فَبَقِيَ أَيَّامًا عَلَى تِلْكَ الْحَالِ، فَأَرْسَلَ إِلَيْهِ مَنْ يَسْأَلُهُ عَنْ حَالِهِ، فَإِذَا هُوَ مُنْشَرِحُ الصَّدْرِ مُطْمَئِنُّ النَّفْسِ، فَقَالُوا لَهُ: أَنْتَ فِي هَذِهِ الْحَالِ مِنَ التَّضْيِيقِ وَنَرَاكَ نَاعِمَ الْبَالِ!

فَقَالَ: أَضْفْتُ سِتَّةَ أَخْلَاطٍ فَعَجَّنْتُهَا وَاسْتَعْمَلْتُهَا فِيهِ الَّتِي أَبْقَنْتَنِي عَلَى مَا تَرَوْنَ.

قَالُوا لَهُ: صِفْ لَنَا هَذِهِ الْأَخْلَاطَ لَعَلَّنَا نَنْتَفِعَ بِهَا عِنْدَ الْبَلْوَى.

فَقَالَ: نَعَمْ، أَمَّا الْخَلْطُ الْأَوَّلُ فَالثَّقَةُ بِاللَّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ، وَأَمَّا الثَّانِي فَكُلُّ مُقَدَّرٍ كَائِنٌ، وَأَمَّا الثَّلَاثُ فَالصَّبْرُ خَيْرٌ مِمَّا اسْتَعْمَلَهُ الْمُمْتَحَنُ، وَأَمَّا الرَّابِعُ فَإِذَا لَمْ أَصْبِرْ فَمَاذَا أَصْنَعُ وَلَا أَعِينُ عَلَى نَفْسِي بِالْجَزَعِ؟ وَأَمَّا الْخَامِسُ فَقَدْ يَكُونُ أَشَدَّ مِمَّا أَنَا فِيهِ، وَأَمَّا السَّادِسُ فَمِنْ سَاعِهِ إِلَى سَاعِهِ فَرَجٌّ.

فَبَلَغَ مَا قَالَهُ كِسْرَى، فَأَطْلَقَهُ وَأَعَزَّهُ.

٣٧٢٤. وَقَالَ بَعْضُ الْحُكَمَاءِ: مَنْ أَرَادَ الدُّنْيَا وَاخْتَارَهَا عَلَى الْآخِرَةِ عَاقَبَهُ اللَّهُ بِسِتِّ عُقُوبَاتٍ: ثَلَاثٌ فِي الدُّنْيَا وَثَلَاثٌ فِي الْآخِرَةِ؛ أَمَّا الثَّلَاثَةُ فِي الدُّنْيَا: فَأَمَلٌ لَيْسَ فِيهِ مُنْتَهَى، وَحِرْصٌ غَالِبٌ لَيْسَ فِيهِ قَنَاعَةٌ، وَأَخَذٌ مِنْهُ حَلَاوَةٌ الْإِيمَانِ فِي الْعِبَادَةِ. أَمَّا الثَّلَاثَةُ الَّتِي فِي الْآخِرَةِ: هَوَلٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَالْحِسَابُ الشَّدِيدُ، وَالْحَسْرَةُ الطَّوِيلَةُ.

٣٧٢٥. وَقَالَ أَرِسْطَاطَالِسٌ: اصْحَبِ السُّلْطَانَ بِالْحَيْدَرِ، وَالصَّدِيقَ بِالتَّوَاضُعِ، وَالْعَدُوَّ بِالْجَحْدِ (١)، وَالْعَامَّةَ بِالْبِشْرِ الْحَسَنِ، وَنَفْسَكَ بِرَفْضِ الْهَوَى، وَرَبِّكَ بِالتَّقْوَى. (٢)

٣٧٢٦. وَقَالَ بَعْضُ الْحُكَمَاءِ: سِتُّ خِصَالٍ لَا يُطِيقُهَا إِلَّا مَنْ كَانَتْ نَفْسُهُ شَرِيفَةً: الثَّبَاتُ عِنْدَ خُرُودِ النَّعْمَةِ الْجَسِيمَةِ، وَالصَّبْرُ عِنْدَ خُرُودِ الْمُصِيبَةِ الْعَظِيمَةِ، وَجِدْبُ النَّفْسِ إِلَى الْعَقْلِ عِنْدَ دَوَاعِي الشَّهْوَةِ، وَكِتْمَانُ السَّرِّ عَنِ الْأَصْدِقَاءِ وَالْأَعْدَاءِ، وَالصَّبْرُ عَلَى الْجُوعِ، وَاحْتِمَالُ الْجَارِ السُّوءِ. (٣)

٣٧٢٧. وَقَالَ بَعْضُ الْحُكَمَاءِ: عِمَارَةُ الدُّنْيَا مَنْوُطَةٌ (٤) بِسِتَّةِ أَشْيَاءَ:

ص: ٣٢٠

١- الجحد: نقيض الإقرار (لسان العرب: ١٠٦/٣).

٢- رواه في البحار عن الإمام الرضا عليه السلام: ج ٧١، ص ١٦٧ (- الحسن و نفسك الخ...)

٣- معدن الجواهر، ص ٥٥.

٤- ناط الشيء ينوطه: علّقه (لسان العرب: ٤١٨/٧ «نوط»).

۳۷۲۳. در تاریخ آمده: کسری از بوذر جمهر خشمگین شد و او را در خانه تاریک زندانی و به زنجیر کشید. پس از چند روز افرادی را فرستاد از او پرسند حالش چگونه است؟ دیدند در کمال آرامش و اطمینان خاطر است. گفتند: با این سختی ها حال خوشی داری؟ گفت:

معجونى از شش چیز را بکار برده ام، و در این حال هستم که می بینید. گفتند: به ما هم بیاموز تا در گرفتاریها بکار بریم.

گفت: اعتماد به خدا. هر چه در تقدیر باشد اتفاق می افتد. صبر بهترین وسیله برای گرفتار است. اگر صبر نکنم چه کنم؟ با ناله کردن خود را اذیت می کنم. از این حالت من بدتر هم وجود دارد. از این ساعت تا ساعت دیگر فرج است. وقتی به کسری گزارش دادند او را آزاد کرد و گرامی داشت.

۳۷۲۴. حکیمی گفته است: هر که دنیا را بر آخرت ترجیح دهد خداوند او را شش کیفر دهد: سه کیفر در دنیا: آرزوهای بی پایان. حرص شدیدی که به هیچ چیز قانع نشود. از دست دادن شیرینی ایمان در حال عبادت.

سه کیفر در آخرت: وحشت قیامت. حساب شدید. حسرت طولانی.

۳۷۲۵. ارسطاطیس: در همنشینی با سلطان بر حذر و با دوست متواضع و با دشمن انکارکننده بدگمان و با مردم خوشرو و با خود بر خلاف میل و با خدا پرهیزکار باش.

۳۷۲۶. یکی از حکما گفته است: شش خصلت جز برای شرافتمند امکان پذیر نیست:

ثبات [گم نکردن خود] هنگام رسیدن به نعمت بزرگ. صبر در مصیبتهای بزرگ.

پیروی از عقل در هیجان شهوت. راز داری از دوستان و دشمنان. صبر بر گرسنگی. تحمل همسایه بد.

۳۷۲۷. حکیم دیگر گفته است: آبادانی دنیا با شش چیز است:

أولها: التَّوَفُّرُ عَلَى الْمَنَاحِجِ، وَقُوَّةُ الدَّاعِي إِلَيْهَا؛ إِذْ لَوْ انْقَطَعَتْ لَانْقَطَعَ التَّنَاسُلُ.

وثانيها: الحُنُوُّ عَلَى الْأَوْلَادِ؛ إِذْ لَوْلَاهُ لَزَالَتِ الْبَوَاعِثُ عَلَى التَّرْبِيَةِ، وَكَانَ فِي ذَلِكَ هَلَاكُ الْوَلَدِ.

وثالثها: طَوْلُ الْأَمَالِ وَانْبِسَاطُهَا؛ إِذْ لَوْلَاهَا لَكُرِّتِ الْأَعْمَالُ وَالْعِمَارَاتُ.

ورابعها: عَدَمُ الْعِلْمِ لِمَبْلَغِ الْأَجْلِ وَمُدَّةِ الْعُمُرِ؛ إِذْ لَوْلَا ذَلِكَ لَمْ يَتَبَسَّطِ الْأَمَلُ.

وخامسها: اخْتِلَافُ حَالِ النَّاسِ فِي الْغِنَى وَالْفَقْرِ، وَاحْتِيَاجُ بَعْضِهِمْ إِلَى بَعْضٍ لِسَبَبِ ذَلِكَ؛ إِذْ لَوْ تَسَاوَوْا فِي حَالِهِ وَاحِدِهِ لَمْ يَنْتَظِمِ مَعَاشُهُمُ الْبَتَّةَ.

وسادسها: وُجُودُ السُّلْطَانِ الْعَادِلِ؛ إِذْ لَوْلَاهُ لَأَهْلَكَ النَّاسُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا. (١)

ص: ٣٢٢

١- . معدن الجواهر، ص ٥٥.

- ۱ - آمار بالای ازدواج و انگیزه قوی برای آن چون اگر ازدواج کم باشد نسل بشر منقطع می شود.
- ۲ - مهرورزی با فرزند، چون اگر محبت نباشد تربیت فرزند آسیب می بیند و فرزندان فاسد می شوند.
- ۳ - آرزوی طولانی، که اگر نباشد تلاش و کوشش و عمران کم می شود.
- ۴ - ندانستن وقت مرگ و مدت عمر چون اگر بداند دیگر آرزو معنا ندارد.
- ۵ - اختلاف طبقات فقیر و ثروتمند و نیاز بعضی به دیگران. چون اگر همه مساوی بودند نظام زندگی برقرار نمی شد.
- ۶ - وجود پیشوای عادل، چون اگر حاکم عادل نباشد بعضی از مردم دیگران را هلاک می کردند.

٣٧٢٨. قَالَ بَعْضُهُمْ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى كَتَمَ سِتِّتَهُ فِي سِتِّتِهِ: رِضَاهُ فِي الطَّاعَةِ، وَغَضَبُهُ فِي الْمَعْصِيَةِ، وَالِاسْمُ الْأَعْظَمُ فِي الْقُرْآنِ، وَأَوْلِيَاءُهُ فِيمَا بَيْنَ الْخَلْقِ، وَالْمَوْتُ فِي الْعُمُرِ، وَلَيْلَةُ الْقَدْرِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، وَالصَّلَاةُ الْوُسْطَى فِي الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ.

٣٧٢٩. وَقَالَ آخَرُ: إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي سِتِّتِهِ أَنْوَاعٌ مِنَ الْخَوْفِ:

أَحَدُهَا: مِنْ قَبْلِ اللَّهِ تَعَالَى أَنْ يَأْخُذَهُ بَعْتَهُ. وَالثَّانِي: مِنْ قَبْلِ الْحَفْظِ أَنْ يَكْتُبُوا عَلَيْهِ مَا يُفْتَضَّحُ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. وَالثَّلَاثُ: مِنْ قَبْلِ الشَّيْطَانِ أَنْ يُبْطِلَ عَلَيْهِ عَمَلَهُ. وَالرَّابِعُ: مِنْ قَبْلِ الْمَوْتِ أَنْ يَأْخُذَهُ فِي غَفْلَةٍ بَعْتَهُ. وَالخَامِسُ: مِنْ قَبْلِ الدُّنْيَا أَنْ يَغْتَرَّ بِهَا فَتَشْغَلَهُ عَنِ الْآخِرَةِ. وَالسَّادِسُ: مِنْ قَبْلِ الْأَهْلِ وَالْعِيَالِ أَنْ يَشْتَغَلَ بِهِمْ فَيَشْغَلُوهُ عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ.

٣٧٣٠. وَنُقِلَ عَنِ ذِي النَّوْنِ أَنَّهُ قَالَ: وَجِدْتُ عَلَى صِيْحْرِهِ فِي بَيْتِ الْمَقْدِسِ مَكْتُوبًا هَذِهِ الْكَلِمَاتِ: كُلُّ خَائِفٍ هَارِبٌ، وَكُلُّ رَاجٍ طَالِبٌ، وَكُلُّ عَاصٍ مُسْتَوْحِشٌ، وَكُلُّ طَائِعٍ مُسْتَأْنَسٌ، وَكُلُّ قَانِعٍ عَزِيزٌ، وَكُلُّ طَامِعٍ ذَلِيلٌ. فَظَنَرْتُ فَإِذَا هَذَا الْكَلَامُ أَصْلٌ لِكُلِّ شَيْءٍ. (١)

٣٧٣١. وَقَالَ يَحْيَى بْنُ مُعَاذٍ: الْعِلْمُ دَلِيلُ الْعَمَلِ، وَالْفَهْمُ وَعَاءُ الْعِلْمِ، وَالْعَقْلُ قَائِدُ الْخَيْرِ، وَالْهَيْوَى مَرْكَبُ الذُّنُوبِ، وَالْأَمَلُ زَادُ الْمُتَكَبِّرِينَ، وَالذُّنْيَا سَوْقُ الْآخِرَةِ. (٢)

ص: ٣٢٤

١- . مجموعه ورام، ج ٢، ص ٢٤٤.

٢- . أعلام الدين، ص ٩٦ عن علي بن الحسين عليه السلام.

۳۷۲۸. عابدی گفته است: خداوند شش چیز را در شش چیز پنهان کرده است: خشنودی خودش را در طاعت، و خشم خود را در گناه، و اسم اعظم را در قرآن، و دوستانش را در میان مردم، و مرگ را در عمر، و شب قدر را در رمضان، و نماز وسط [برتر] را در میان نمازهای پنج گانه.

۳۷۲۹. دیگری گفته: مؤمن از شش جهت بیم دارد:

۱ - از خداوند که مبادا ناگهان او را بگیرد. ۲ - از فرشتگان نویسنده اعمال که مبادا چیزی از او ثبت کنند که در قیامت او را رسوا کند. ۳ - از شیطان که مبادا عمل او را باطل کند.

۴ - از مرگ که مبادا در حال غفلت فرا رسد. ۵ - از دنیا که او را فریب دهد و از آخرت غافل کند. ۶ - از خانواده خود که به آنها مشغول شود و از یاد خدا باز بماند.

۳۷۳۰. ذی النون گفت: بر صخره ای در بیت المقدس نوشته است:

هر ترسانی فرار می کند. و هر امیدواری جوینده است. و هر گنهکاری وحشت زده است. و هر مطیع مأنوس است. و هر قانع عزیز است. و هر طعمکاری ذلیل است. دقت کردم این جملات در هر چیز اصل است.

۳۷۳۱. یحیی بن معاذ گفت: علم راهنمای عمل است. و فهم ظرف علم و عقل پیشوای خیر و هوس مرکب گناهان، و آرزو توشه متکبران و دنیا بازار آخرت است.

٣٧٣٢. وَقَالَ الْأَحْنَفُ بْنُ قَيْسٍ: لَا رَاحَةَ لِحَسُودٍ، وَلَا مُرُوءَةَ لِكَذُوبٍ، وَلَا خُلَّةَ (١) لِبَخِيلٍ، وَلَا وَفَاءَ لِمُلُوكٍ، وَلَا سُودَدَ لِسَيِّئِ الْخُلُقِ، وَلَا رَادًّا لِقَضَاءِ اللَّهِ تَعَالَى... (٢)

٣٧٣٣. وَقَالَ الْأَحْنَفُ بْنُ قَيْسٍ حِينَ سُئِلَ مَا خَيْرٌ مَا يُؤْتَى الْعَبْدُ؟ قَالَ: عَقْلٌ غَرِيظٌ. قِيلَ: فَإِنْ لَمْ يَكُنْ؟ قَالَ:

أَدَبٌ صَالِحٌ. قِيلَ: فَإِنْ لَمْ يَكُنْ؟ قَالَ: صَاحِبٌ مُوَافِقٌ. قِيلَ: فَإِنْ لَمْ يَكُنْ؟ قَالَ: فَقَلْبٌ مُرْتَبِطٌ (٣). قِيلَ:

فَإِنْ لَمْ يَكُنْ؟ قَالَ: طَوْلُ الصَّمْتِ. قِيلَ: فَإِنْ لَمْ يَكُنْ؟ قَالَ: مَوْتُ حَاضِرٍ! (٤)

٣٧٣٤. وَقَالَ (سُئِلَ خ ل) بَعْضُهُمْ: هَيْلٌ يَعْرِفُ الْعَبْدُ إِذَا تَابَ أَنْ تَوْبَتَهُ قُبِلَتْ أَمْ رُدَّتْ؟ فَقَالَ: لَا حُكْمَ فِي ذَلِكَ، وَلَكِنَّ إِتْدِلِكَ عِلَامَاتٍ: إِحْدَاهَا: أَنْ لَا يَرَى نَفْسَهُ مَعْصُومَةً عَنِ الْمَعْصِيَةِ بِهِ، وَيَرَى الْفَرَحَ عَنِ قَلْبِهِ غَائِبًا وَالْحُزْنَ شَاهِدًا، وَيُقَرِّبُ أَهْلَ الْخَيْرِ وَيُبَاعِدُ أَهْلَ الشَّرِّ وَالْفِسْقِ، وَيَرَى الْقَلِيلَ مِنَ الدُّنْيَا كَثِيرًا، وَيَرَى الْكَثِيرَ مِنْ عَمَلِ الْآخِرَةِ قَلِيلًا، وَيَرَى قَلْبَهُ مُشْتَغِلًا بِمَا لَمْ يَضْمَنْ اللَّهُ تَعَالَى، فَارِغًا عَمَّا ضَمِنَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ (٥)، وَيَكُونُ حَافِظَ اللُّسَانِ دَائِمَ الْفِكْرَةِ (٦) لِأَزْمِ الْغَمِّ (٧) وَالنَّدَامَةِ.

٣٧٣٥. وَقَالَ أَبُو سَيْلَمَانَ الدَّارَانِيُّ: مَنْ شَبِعَ دَخَلَ عَلَيْهِ (سِتُّ): فَقَدَ حِلَاوَةَ الْعِبَادَةِ، وَتَعَدَّرَ عَلَيْهِ حِفْظُ الْحِكْمَةِ، وَحُرِمَ الشَّفَقَةُ عَلَى الْخَلْقِ؛ لِأَنَّهُ إِذَا شَبِعَ ظَنَّ أَنَّ الْخَلْقَ كُلَّهُمْ شَبَاعٌ، وَثَقُلَ عَنِ الْعِبَادَةِ، وَزِيَادَةُ الشَّهَوَاتِ، وَأَنَّ سَائِرَ الْمُؤْمِنِينَ يَدُورُونَ حَوْلَ الْمَسَاجِدِ وَهُوَ يَدُورُ حَوْلَ الْمَزَابِلِ.

٣٧٣٦. وَكَتَبَ الْعَلَمَاءُ الدَّوَانِي فِي آخِرِ رِسَالِهِ مِنْ رِسَائِلِهِ بِخَطِّهِ: قِيلَ: عَلَيْكَ بِكِتْمَانِ سِتِّهِ أَشْيَاءٌ؛ فَإِنَّهَا مِنْ أَعْمَالِ الصَّالِحِينَ وَجَوَاهِرِ الْمُتَّقِينَ: عَلَيْكَ بِكِتْمَانِ الْفَاقَةِ حَتَّى كَأَنَّكَ غَنِيٌّ، وَعَلَيْكَ بِكِتْمَانِ الصَّدَقَةِ حَتَّى كَأَنَّكَ بَخِيلٌ، وَعَلَيْكَ بِكِتْمَانِ الْبُغْضِ حَتَّى كَأَنَّكَ مُحِبٌّ، وَعَلَيْكَ بِكِتْمَانِ الْغَضَبِ حَتَّى كَأَنَّكَ رَاضٍ، وَعَلَيْكَ بِكِتْمَانِ التَّوَافُلِ حَتَّى كَأَنَّكَ مُقَصِّرٌ، وَعَلَيْكَ بِكِتْمَانِ الْأَلَمِ حَتَّى كَأَنَّكَ مُعَافٍ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

ص: ٣٢٦

١- الخُلَّة: الصداقه (القاموس المحيط: ٣٧٠/٣).

٢- الخصال، ص ١٦٩، ح ٢٢٢ عن المعصوم عليه السلام بالمضمون.

٣- قلب مرتبط: قوى محكم.

٤- هو الخلاص من شدائد الموت وعالم البرزخ والقيامة.

٥- هو الرزق في الدنيا.

٦- أى فى آيات الله وعظمته وما يجب وما يحرم.

٧- أى ملازم الغم لما أفرط فى جنب الله.

۳۷۳۲. احنف بن قیس: حسود آرامش ندارد. دروغگو مروت ندارد. بخیل صداقت ندارد. فرمانروا وفا ندارد. بد اخلاق بزرگواری ندارد. قضاء خداوند متعال چاره ندارد.

۳۷۳۳. از احنف بن قیس پرسیدند: بهترین چیزی که به بنده می دهند چیست؟ گفت: عقل فطری. گفتند: اگر نبود؟ گفت: ادب نیکو. گفتند: اگر نبود؟ گفت: دوست موافق. گفتند:

اگر نبود؟ گفت: قلب قوی. گفتند: اگر نبود؟ گفت: سکوت طولانی. گفتند: اگر نبود؟ گفت:

مرگ فوری.

۳۷۳۴. از کسی سؤال کردند اگر انسان توبه کند آیا می فهمد توبه اش قبول شده یا رد شده است؟

گفت: حکم قطعی ندارد اما علامتهایی وجود دارد: یک علامت این است که خود را دور از گناه نبیند و می بیند که شادی از قلب بیرون رفته و حزن در قلب نشسته است. به نیکان نزدیک می شود و از گناهکاران دوری می نماید. اندکی از دنیا را زیاد می بیند و کار زیاد برای آخرت را اندک می پندارد. قلبش از آنچه خدا نمی پسندد فارغ و به آنچه خدا می پسندد مشغول است. مراقب زبان و دائماً در تفکر و همیشه نالان و پشیمان است.

۳۷۳۵. ابو سلمان دارانی: کسی که سیر می شود شش حالت به او دست می دهد: شیرینی عبادت میرود. حفظ حکمت برایش ممکن نیست. از مهربانی با مردم محروم می شود، چون خودش سیر است گمان دارد همه سیر هستند. عبادت برایش سنگین می شود. شهوت او زیاد می شود. بقیه مؤمنین اطراف مساجد تردد می کنند، او اطراف زباله می گردد.

۳۷۳۶. علامه دوانی در آخر یکی از رساله هایش نوشته است: شش چیز را که از کارهای صالحان و گوهرهای پرهیزکاران است پنهان کن: فقر را چنان پنهان کن که همه تو را توانگر بدانند.

صدقه را کتمان کن تا همه تو را بخیل بحساب آورند. نفرت را پنهان کن گویا تو محبت داری. خشم را پنهان کن چنان که گویا خشنودی. نوافل را پنهان کن گویا نماز را شکسته می خوانی. درد را پنهان کن گویا سلامت هستی. الحمدلله رب العالمین.

٣٧٣٧. وَقَالَ شَقِيقُ الْبَلْخِيِّ: دَخَلَ الْفَسَادُ فِي الْخَلْقِ مِنْ سِتِّهِ أَشْيَاءَ: أَوْلُهُ: ضَعْفُ التَّيِّهِ فِي الْعَمَلِ لِالْآخِرِهِ.

وَالثَّانِي: صَارَتْ أَبْدَانُهُمْ رَهِينَةً بِشَهْوَاتِهِمْ. وَالثَّلَاثُ: غَلَبَ طَوْلُ الْأَمَلِ عَلَى قُرْبِ أَجْلِهِمْ. وَالرَّابِعُ:

اتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ وَتَبَذُوا سُنَّةَ رَسُولِهِمْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ. وَالْخَامِسُ: آثَرُوا رِضَى الْمَخْلُوقِينَ فِيمَا يَشْتَهُونَ عَلَى رِضَى خَالِقِهِمْ فِيمَا يَكْرَهُونَ. وَالسَّادِسُ: جَعَلُوا زَلَّاتِ السَّلَفِ دِينًا وَمَنَاقِبَ لِنَفْسِهِمْ.

٣٧٣٨. وَقَالَ سَيِّهْلُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ: لَا يَكُونُ الْمُرِيدُ مُرِيدًا حَتَّى تَكُونَ فِيهِ سِتِّتُهُ أَشْيَاءَ: مُخَالَفَةُ النَّفْسِ، وَمُخَالَفَةُ الْأَشْيَاءِ، وَلُزُومُ الذِّكْرِ، وَحَلَاوَةُ الْإِيمَانِ، وَزِيَادَةُ الرَّغْبَةِ فِي الْإِحْسَانِ، وَالْخَشْيَةُ مِنَ الْمَعْصِيَةِ.

٣٧٣٩. وَقَالَ بَعْضُهُمْ: الْإِنْسَانُ مُسَافِرٌ وَمَنَازِلُهُ سِتِّتُهُ، وَقَدْ قَطَعَ مِنْهَا ثَلَاثَةً وَبَقِيَ ثَلَاثَةٌ؛ فَالَّتِي قَطَعَهَا؛ أَوْلُهَا: مِنْ كَتْمِ الْعَيْدَمِ إِلَى صُلْبِ (١) الْأَبِ وَتَرَائِبِ (٢) الْأُمِّ؛ كَمَا قَالَ تَعَالَى: «يَخْرُجُ مِنْ مِ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَالِ بِ». وَثَانِيهَا:

رَحِمُ الْأُمِّ؛ قَالَ سُبْحَانَهُ: «هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ». وَثَالِثُهَا: مِنَ الرَّحِمِ إِلَى فِضَاءِ الدُّنْيَا؛ قَالَ عَزَّ مِنْ قَائِلٍ: «وَ حَمْلُهُ وَ وَ فِصْلُهُ وَ ثَلَاثُونَ شَهْرًا».

وَأَمَّا الْمَنَازِلُ الثَّلَاثُ الَّتِي لَمْ يَقْطَعْهَا؛ فَأَوْلُهَا: الْقَبْرُ؛ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْقَبْرُ أَوَّلُ مَنَزِلٍ مِنَ مَنَازِلِ الْآخِرَةِ وَآخِرُ مَنَزِلٍ مِنَ مَنَازِلِ الدُّنْيَا. وَثَانِيهَا: فِضَاءُ الْمَحْشَرِ؛ قَالَ سُبْحَانَهُ: «وَ عُرِضُوا عَلَيَّ رَبِّكَ صَفًّا».

وَثَالِثُهَا: الْجَنَّةُ أَوْ النَّارُ؛ قَالَ سُبْحَانَهُ: «فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَ فَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ».

وَنَحْنُ الْآدَنُ فِي قَطْعِ مَرَحَلَةِ الْمَنَزِلِ الرَّابِعِ، وَمُيَدَّهُ قَطْعُهَا مُيَدَّهُ عُمُرِنَا، فَأَيَّامُنَا فَرَا سِخْ، وَسَاعَاتُنَا أُمِّيَالُ، وَأَنْفَاسُنَا خَطَوَاتُ، فَكَمْ مِنْ شَخْصٍ بَقِيَ لَهُ فَرَا سِخْ، وَآخِرُ بَقِيٍّ لَهُ خَطَوَاتُ.

٣٧٤٠. وَقَالَ خُلَيْدٌ: تَلَقَى الْمُؤْمِنَ فِيهِ سِتُّ خِصَالٍ: عَفِيفًا سَوْوَلًا، عَزِيزًا ذَلِيلًا، غَنِيًّا فَقِيرًا؛ عَفِيفًا مِنَ النَّاسِ سَوْوَلًا لِرَبِّهِ، عَزِيزًا فِي نَفْسِهِ ذَلِيلًا لِرَبِّهِ، غَنِيًّا مِنَ النَّاسِ فَقِيرًا إِلَى رَبِّهِ، أَحْسَنَ النَّاسِ مَعُونَةً وَأَهْوَنَهُمْ مَوْوَنَةً.

٣٧٤١. وَقَالَ إِبْرَاهِيمُ بْنُ أَدَهَمَ: نَزَلَ عِنْدِي أَضْيَافٌ فَظَنَنْتُ أَنَّهُمْ بَدَلَاءُ (٣)، فَقُلْتُ لَهُمْ: أَوْصُونِي بِوَصِيَّتِهِ بِالْغَيْهِ حَتَّى أَخَافَ اللَّهُ تَعَالَى مِثْلَ خَوْفِكُمْ، قَالُوا: نَوْصِي بِسِتِّهِ أَشْيَاءَ:

ص: ٣٢٨

١- . الصُّلْبُ: كُلُّ ظَهْرٍ لَهُ فَقَارٌ (المصباح المنير: ٣٤٥).

٢- . التَرَائِبُ: ضُلُوعُ الصَّدْرِ، الْوَاحِدَةُ تَرْبِيَةٌ (مفردات غريب القرآن: ٧٤).

٣- . قوم من الصالحين لا تخلو الدنيا منهم، إذا مات واحد منهم أبدل الله مكانه آخر. وفي القاموس: الأبدال: قوم يقيم الله بهم الأرض، وهم سبعون (مجمع البحرين: ١/١٦٥).

۳۷۳۷. شفیق بلخی: فساد از شش چیز به مردم رسوخ می کند:

۱ - ضعف نیت در تلاش برای آخرت. ۲ - بدنها در گرو شهوت باشند. ۳ - غلبه کردن آرزوها بر نزدیکی مرگ. ۴ - پیروی کردن از هوسها و رها کردن سنت پیامبر صلی الله علیه و آله.

۵ - ترجیح دادن خشنودی مردم بر خشنودی خدا. ۶ - لغزشهای گذشتگان را دین و افتخار خود بدانند.

۳۷۳۸. سهل بن عبدالله: کسی اراده ندارد مگر اینکه شش خصلت داشته باشد: مخالفت نفس.

مخالفت با هر چیز. به یاد خدا بودن. شیرینی ایمان. رغبت زیاد در نیکو کاری. ترس از گناه.

۳۷۳۹. بعضی گفته اند: انسان مسافر است و باید از شش مرحله بگذرد که سه مرحله را گذرانده: ۱ - از نیستی به کمر پدر و پهلوی مادر. خداوند می فرماید: «از بین صلب پدر و استخوانهای پهلوی مادر خارج می شود». ۲ - رحم مادر، خدا فرموده است: «خداوند شما را در رحم مادر صورت بخشید». ۳ - از رحم به دنیا می آید. خداوند می فرماید: «حمل و شیرخواری او سی ماه بطول می انجامد». و سه مرحله را در پیش دارد: ۴ - قبر است که در حدیثی فرموده اند: قبر آخرین منزل دنیا و اولین منزل آخرت است. ۵ - محشر، خداوند می فرماید: «در محشر صف کشیده و به خداوند عرضه می شوند». ۶ - بهشت یا جهنم، خداوند می فرماید: «گروهی در بهشت و گروهی در جهنم».

ما اینک بسوی مرحله چهارم در حرکت هستیم. و مدت آن به اندازه عمر ماست. روزهای ما فرسنگها و ساعتها می میل ها و نفس های ما قدمهای این حرکت است. گروهی چند فرسنگ در پیش دارند و جمعی چند قدم.

۳۷۴۰. خلیل: مؤمن را با شش صفت متضاد می بینی: عقیف و پرخواهش، عزیز و ذلیل، بی نیاز و فقیر. از مردم عقیف و از خداوند پرخواهش، در نفس خود عزیز و در مقابل خدا ذلیل، و از مردم بی نیاز و از پروردگار فقیر. مؤمن از همه بیشتر کمک می کند. و از همه کم هزینه تر است.

۳۷۴۱. ابراهیم ادهم گفت: گروهی به میهمانی من آمدند و گمان کردم آنها ابدال هستند، گفتم:

اندرزی به من بگویید که چون شما از خدا بترسم. گفتند: شش توصیه می کنیم.

أولها: مَنْ كَثُرَ كَلَامُهُ فَلَا يَطْمَعُ فِي رِقَّةِ قَلْبِهِ . وثانيها: مَنْ كَثُرَ نَوْمُهُ فَلَا يَطْمَعُ فِي قِيَامِ اللَّيْلِ .

وثالثها: مَنْ كَثُرَ اخْتِلَاطُهُ مَعَ النَّاسِ فَلَا يَطْمَعُ فِي حَلَاوَةِ الْعِبَادَةِ، ورابعها: مَنْ اخْتَارَ الظَّالِمِينَ فَلَا يَطْمَعُ فِي اسْتِقَامَةِ الدِّينِ .
وخامسها: مَنْ كَانَتْ الْغِيْبَةُ وَالْكَذِبُ عَادَتَهُ فَلَا يَطْمَعُ أَنْ يَخْرُجَ مِنَ الدُّنْيَا بِالْإِيمَانِ . وسادسها: مَنْ طَلَبَ رِضَى النَّاسِ فَلَا يَطْمَعُ فِي رِضَاءِ اللَّهِ .

فَتَأَمَّلْتُ هَذِهِ الْمَوْعِظَةَ فَوَجَدْتُ فِيهَا عِلْمَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ .

٣٧٤٢ . وَقَالَ الْحَسَنُ الْبَصْرِيُّ: قَسَاوَةُ الْقَلْبِ مِنْ سِتِّهِ أَشْيَاءُ:

أولها: يُذْنِبُونَ بِرَجَاءِ التَّوْبَةِ . والثاني: يَتَعَلَّمُونَ وَلَا يَعْمَلُونَ . والثالث: إِذَا عَمِلُوا لَا يُخْلِصُونَ .

والرَّابِعُ: يَأْكُلُونَ وَلَا يَشْكُرُونَ . والخامِسُ: لَا يَرْضَوْنَ بِقِسْمِهِ اللَّهُ تَعَالَى . وَالسَّادِسُ: يَدْفِنُونَ أَمْوَاتَهُمْ وَلَا يَعْتَبِرُونَ .

ص: ٣٣٠

۱ - از کسی که زیاد سخن می گوید، انتظار نرم دلی نداشته باش. ۲ - کسی که زیاد می خوابد، انتظار نماز شب نداشته باشد.
۳ - کسی که زیاد با مردم در آمیزد، آرزوی شیرینی عبادت نکند. ۴ - کسی که با ظالمین همکاری کند، طمع دین داری نکند. ۵ - کسی که به غیبت و دروغ عادت کرده است، امید نداشته باشد با ایمان بمیرد. ۶ - کسی که خشنودی مردم را می خواهد، خشنودی خدا را نخواهد.

چون در این پندها دقت کردم دیدم علم اولین و آخرین در آن نهفته است.

۳۷۴۲. حسن بصری: سنگ دلی از شش چیز بوجود می آید:

۱ - به امید توبه گناه کنند. ۲ - آموختن علم و بکار نبستن آن. ۳ - عمل بدون اخلاص. ۴ - خوردن و شکر نکردن. ۵ - راضی نبودن به تقدیر الهی. ۶ - دفن کردن مردگان و عبرت نگرفتن.

ص: ۳۳۱

الباب السابع: في الموعظ السبعينيات

باب هفتم: پندهای هفت گانه

اشاره

ص: ۳۳۳

الفصل الأول: ما وردَ مِنَ الْأَخْبَارِ عَنِ النَّبِيِّ الْمُخْتَارِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

٣٧٤٣. عَنِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ قَالَ: أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِسَبْعٍ: بِاتِّبَاعِ الْجَنَائِزِ، وَعِيَادَةِ الْمَرِيضِ، وَتَسْمِيَةِ الْعَاطِسِ، وَنُصْرَةِ الْمَظْلُومِ، وَإِفْشَاءِ السَّلَامِ، وَإِجَابَةِ الدَّاعِي، وَإِبْرَارِ الْقَسَمِ (١). (٢).

٣٧٤٤. وَنَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ يُصَيَّمِي فِي سَبْعَةِ مَوَاطِنَ: فِي الْمَرْبَلَةِ، وَالْمَجْزَرَةِ، وَالْمَقْبَرَةِ، وَقَارِعَةِ الطَّرِيقِ (٣)، وَفِي الْحَمَامِ، وَفِي مَعَاظِنِ (٤) الْإِبِلِ، وَفَوْقَ ظَهْرِ بَيْتِ اللَّهِ. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: صَيِّمُوا فِي مَرَابِضِ (٥) الْغَنَمِ، وَلَا تُصَيِّمُوا فِي أَعْطَانِ الْإِبِلِ (٦).

٣٧٤٥. وَعَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ فِي وَصِيَّتِهِ لِعَلِيِّ: يَا عَلِيُّ حُرِّمَ مِنَ الشَّاهِ سَبْعَةُ أَشْيَاءَ: الدَّمُّ، وَالْمِذَاكِيرُ (٧)، وَالْمِثَانَةُ، وَالنُّخَاعُ (٨)، وَالْغَدْدُ، وَالطَّحَالُ، وَالْمَرَارَةُ (٩).

٣٧٤٦. وَعَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ فِي وَصِيَّتِهِ لِعَلِيِّ: يَا عَلِيُّ، إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَعْطَانِي فِيكَ سَبْعَ خِصَالٍ: أَنْتَ أَوَّلُ مَنْ يَنْشَقُّ عَنْهُ الْقَبْرُ، وَأَنْتَ أَوَّلُ مَنْ يَقِفُ عَلَى الصُّرَاطِ مَعِي، وَأَنْتَ أَوَّلُ مَنْ يُكْسَى إِذَا كُسِيَتْ وَتَحْيَى إِذَا حَيَّتْ، وَأَنْتَ أَوَّلُ مَنْ يَسْكُنُ مَعِي عَلِيَيْنَ، وَأَنْتَ أَوَّلُ مَنْ يَشْرَبُ مَعِي مِنَ الرَّحِيقِ الْمُخْتَوْمِ (١٠) الَّذِي خَتَامُهُ مِسْكٌ (١١).

ص: ٣٣٤

- ١- . أى العمل على طبق يمينه.
- ٢- . الخصال، ص ٣٤١، ح ٢.
- ٣- . قارعه الطريق: هى وسطه، وقيل: أعلاه. والمراد به هاهنا نفس الطريق و وجهه (النهاية: ٤/٤٥).
- ٤- . العطن: وطن الإبل ومبركها حول الحوض (القاموس المحيط: ٤/٢٤٨).
- ٥- . ربض الغنم: مأواها (لسان العرب: ٧/١٤٩).
- ٦- . سنن الترمذى، ج ١، ص ٢١٧، ح ٣٤٤. مع اختلافٍ يسير.
- ٧- . أى آله الذكور من القضيبي والأنثيين.
- ٨- . النخاع: عرق أبيض فى داخل العنق يمتد فى فقار الصلب إلى عجب الذنب.
- ٩- . الخصال، ص ٣٤١، ح ٣.
- ١٠- . الرحيق: الخالص من الشراب، وعن الخليل: أفضل الخمر وأجودها. والمختوم: أى يختم أوانيه بمسك، يدل عليه قوله تعالى: «خَتَمُهُ مِسْكٌ» أى آخر ما يجدون منه رائحة المسك (مجمع البحرين: ٢/٢٥٧).
- ١١- . الخصال، ص ٣٤٢، ح ٥.

فصل اول: احادیثی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله

۳۷۴۳. رسول الله صلی الله علیه و آله به هفت کار توصیه فرمودند: تشییع جنازه، عیادت مریض، دعا کردن به کسی که عطسه کند. یاری مظلوم، سلام کردن به همه، قبول کردن دعوت، عمل کردن به سوگند.

۳۷۴۴. رسول الله صلی الله علیه و آله از نماز خواندن در هفت مکان منع فرمودند: زباله دان، کشتارگاه حیوان، مقبره، خیابان، حمام، آبشخوار شتر، بام کعبه.

حضرت فرمودند: در آغل گوسفندان نماز خواندن اشکال ندارد اما در جایگاه شتر نماز نخوانید.

۳۷۴۵. در وصیت به حضرت علی علیه السلام فرمودند: یا علی، از گوسفند هفت جزء حرام است: ۱ - خون ۲ - بیضه و آلت حیوان ۳ - مثانه ۴ - نخاع ۵ - غدد ۶ - طحال ۷ - کیسه صفراء.

۳۷۴۶. در وصیت به حضرت علی علیه السلام فرمودند: یا علی، خداوند متعال با وجود تو هفت خصلت به من عطا فرموده است: تو اولین کسی هستی که بعد از من از قبر بیرون خواهی آمد. تو اولین کسی هستی که بر صراط در کنار من خواهی بود. تو اولین کسی هستی که مرا می پوشانی.

زمانی که من زنده می شوم زنده خواهی شد. تو اولین کسی هستی که در عالیترین درجه بهشت با من ساکن می شوی. تو اولین کسی هستی که همراه من از نوشیدنی های بهشت که با مشک مهر و موم شده اند، خواهی نوشید.

٣٧٤٧. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: سَبْعَةٌ يُظَلِّهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي ظِلِّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ: إِمَامٌ عَادِلٌ، وَشَابٌّ نَشَأَ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَرَجُلٌ قَلْبُهُ مُتَمَلِّقٌ بِالْمَسْجِدِ إِذَا خَرَجَ مِنْهُ حَتَّى يَعُودَ إِلَيْهِ، وَرَجُلَانِ كَانَا فِي طَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَاجْتَمَعَا عَلَى ذَلِكَ وَتَفَرَّقَا، وَرَجُلٌ ذَكَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ خَالِيًا فَفَاضَتْ عَيْنَاهُ، وَرَجُلٌ دَعَتْهُ امْرَأَةٌ ذَاتُ حَسَبٍ وَجَمَالٍ فَقَالَتْ:

إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ، وَرَجُلٌ تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ فَأَخْفَاهَا حَتَّى لَا تَعْلَمَ شِمَالَهُ مَا يَتَصَدَّقُ بِئِمِينِهِ. (١)

٣٧٤٨. وَعَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَلَيْكُمْ بِالزَّيْبِ؛ فَإِنَّهُ يَكْشِفُ الْمِرَّةَ، وَيَذْهَبُ بِالْبَلْغَمِ، وَيَشُدُّ الْعَصَبَ، وَيَذْهَبُ بِالْإِعْيَاءِ، وَيُحَسِّنُ الْخُلُقَ، وَيُطَيِّبُ النَّفْسَ، وَيَذْهَبُ بِالْغَمِّ. (٢)

٣٧٤٩. وَقَالَ أَبُو ذَرٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: أَوْصَانِي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ أَنْظُرَ إِلَى مَنْ هُوَ دُونِي، وَلَا أَنْظُرَ إِلَى مَنْ هُوَ فَوْقِي، وَأَوْصَانِي بِحُبِّ الْمَسَاكِينِ وَالذُّنُوفِ مِنْهُمْ، وَأَوْصَانِي أَنْ أَقُولَ الْحَقَّ وَإِنْ كَانَ مُرًّا، وَأَوْصَانِي أَنْ أَصِلَ رَحِمِي وَإِنْ أَدْبَرْتُ (٣)، وَأَوْصَانِي أَنْ لَا أَخَافَ فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَائِمًا، وَأَوْصَانِي أَنْ اسْتَكْبَرْتُ مِنْ قَوْلٍ: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»؛ فَإِنَّهَا مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ. (٤)

٣٧٥٠. وَعَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ: يَا عَلِيُّ، سَبْعَةٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ فَقَدِ اسْتَكْمَلَ حَقِيقَةَ الْإِيمَانِ وَأَبْوَابَ الْجَنَّةِ مَفْتُوحَةً لَهُ: مَنْ أَسْبَغَ وُضُوءَهُ، وَأَحْسَنَ صَلَاتَهُ، وَأَدَّى زَكَاةَ مَالِهِ، وَكَفَّ غَضَبَهُ، وَسَجَنَ لِسَانَهُ، وَاسْتَغْفَرَ لِدُنْبِهِ، وَأَدَّى النَّصِيحَةَ (٥) لِأَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّهِ. (٦)

٣٧٥١. وَعَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَصُومُ شَهْرَ رَمَضَانَ احْتِسَابًا إِلَّا أَوْجَبَ اللَّهُ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - لَهُ سَبْعَ خِصَالٍ:

أَوَّلُهَا: يَزِيدُ مِنَ الْحَرَامِ مِنْ جَسَدِهِ. وَالثَّانِيَةُ: يَقْرُبُ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. وَالثَّلَاثَةُ: يَكُونُ قَدْ كَفَّرَ خَطِيئَتَهُ أَبِيهِ آدَمَ. وَالرَّابِعَةُ: يُهَوِّنُ اللَّهُ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - عَلَيْهِ سَيِّئَاتِ الْمَوْتِ، وَالْخَامِسَةُ: أَمَانٌ مِنَ الْجُوعِ وَالْعَطَشِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. وَالسَّادِسَةُ: يُطْعِمُهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ طَيِّبَاتِ الْجَنَّةِ. وَالسَّابِعَةُ: يُعْطِيهِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بَرَاءَةً مِنَ النَّارِ. (٧)

ص: ٣٣٦

١- الخصال، ص ٣٤٣، ح ٧.

٢- الخصال، ص ٣٤٤، ح ٩.

٣- المراد من الأدبار القطع، أي أمرني بالصله للرحم وإن قطع؛ كما ورد: «صل من قطعك».

٤- الخصال، ص ٣٤٥، ح ١٢.

٥- النصيحة: هي كلمة يعبر بها عن جملة هي إرادته الخير للمنصوح له، وأصل النصيح في اللغة الخلوص (النهاية: ٦٢/٥).

٦- الخصال، ص ٣٤٥، ح ١٣.

٧- الخصال، ص ٣٤٦، ح ١٤.

۳۷۴۷. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند بر روی هفت نفر سایه می افکند در روزی که سایه ای جز سایه رحمت خدا نیست: امام عادل. جوانی که با عبادت خدا رشد کند. کسی که از وقتی که از مسجد خارج می شود تا بازگردد دلش در مسجد است. کسانی که برای عبادت خدا با هم در یک جا جمع می شوند و سپس پراکنده می شوند. کسی که در خلوت از ترس خدا بگریزد. مردی که اگر زن زیبا روی او را به هوسرانی دعوت کند بگوید: من از خدا می ترسم. کسی که چنان مخفیانه صدقه بدهد که اگر با دست راست می دهد دست چپ خودش خیر دار نشود.

۳۷۴۸. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: کشمش بخورید که: تلخی مزاج را می برد، بلغم [خلط] را می برد، عصب را تقویت می کند، خستگی مفاصل را می برد، اخلاق را خوش می کند، دهان را خوش بو می کند، غصه را می برد.

۳۷۴۹. ابوذر گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله به من توصیه فرمودند: به زیر دست خود بنگرم، به مافوق خود نگاه نکنم، فقیران را دوست داشته باشم و به آنها نزدیک شوم، حق را بگویم گرچه تلخ باشد، به خویشان خود رسیدگی کنم گرچه آنان رابطه برقرار نکنند، و در راه خدا از سرزنش کسی نترسم، لا حول ولا قوه الا بالله العظیم را زیاد بگویم که از گنجهای بهشت است.

۳۷۵۰. فرمودند: یا علی، هفت خصلت اگر در کسی باشد ایمانش کامل و درهای بهشت بروی او باز است: وضوی کامل گرفتن. نیکو نماز خواندن. پرداختن زکات مال. فرو بردن خشم. نگه داشتن زبان. استغفار از گناه. خیرخواهی را نسبت به اهل بیت پیامبر علیهم السلام ادا کند.

۳۷۵۱. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: هر مؤمن که ماه رمضان را برای خاطر خدا روزه بگیرد، خداوند برای او هفت امتیاز قرار می دهد: ۱ - حرام را از بدن او ذوب می کند. ۲ - به رحمت خدا نزدیک می کند. ۳ - کفاره خطاهای پدرش آدم حساب می شود. ۴ - خداوند مرگ را بر او آسان می کند. ۵ - از گرسنگی و تشنگی قیامت ایمن است. ۶ - از غذاهای گوارای بهشت بهره مند شود. ۷ - خداوند او را از آتش دوزخ نجات دهد.

٣٧٥٢. وقال رسول الله صلى الله عليه وآله: إني لعتت سبعة لعنهم الله وكل نبيي مجاب قبلي، فقيل: ومن هم يا رسول الله؟ قال:

الزائد في كتاب الله، والمكذب بقدر الله، والمخالف لسنتي، والمستحل من عترتي ما حرم الله، والمتسلط بالجبر ليعز من أدل الله ويذل من أعز الله، والمستأثر على المسلمين بغيرهم مستحلاً له، والمستحل لما حرم الله والمحرّم ما أحلّ الله عز وجل. (١)

٣٧٥٣. عن عليّ عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا غضب الله على أمه ولم ينزل بها العذاب؛ غلت أسعارها، وقصرت أعمارها، ولم تربح تجارتها، ولم تترك أثمارها، وحبس عنها أمطارها، ولم تجر أنهارها، وسلط عليها أشرارها. (٢)

٣٧٥٤. وقال صلى الله عليه وآله: حبي وحب أهل بيتي نافع في سبعة مواطن أهوالهنّ عظيمه: عند الوفاة، وفي القبر، وعند النشور، وعند الكتاب، وعند الحساب، وعند الميزان، وعند الصراط. (٣)

٣٧٥٥. وقال صلى الله عليه وآله لعليّ عليه السلام: اخاصمك بالتبوه ولا نبيّ بعدى، وتخصم الناس بسبع ولا يحاجك فيهم أحد من قريش: إنك لأنت أولهم إيماناً، وأوفاهم بعهد الله، وأقومهم بأمر الله، وأقسدهم بالسويّة، وأعدلهم في الرعيّة، وأبصروهم بالقضيّة (٤)، وأعظمهم عند الله مزيّة (٥). (٦)

ص: ٣٣٨

١- الخصال، ص ٣٤٩، ح ٢٤.

٢- الخصال، ص ٣٦٠، ح ٤٨.

٣- الخصال، ص ٣٦٠، ح ٤٩.

٤- أي بالقضاء بين الناس.

٥- المزيّة: الفضيله، ولا يبنى منه فعل (الصحاح: ٢٤٩/٦): والفضيله أعم من الكرم والشجاعه والسخاء والشرف ونحو ذلك ممّا يمتاز به الإنسان.

٦- الخصال، ص ٣٦٣، ح ٥٤.

۳۷۵۲. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: من هفت گروه را که خدا و پیامبران آنان را لعنت کرده اند، لعنت می کنم. پرسیدند: آنان کیستند؟ حضرت فرمودند: کسی که به قرآن چیزی اضافه کند.

کسی که تقدیر خداوند را تکذیب کند. مخالف با سنت من. کسی که به عترت من تعدی کند. کسی که با زور بخواهد عزیزان را ذلیل و ذلیل نزد خدا را عزیز کند. ستمگری که اموال مسلمین را به نفع خود ضبط کند. کسی که حلال خدا را حرام یا حرام را حلال کند.

۳۷۵۳. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: زمانی که خداوند بر گروهی غضب کند و عذاب نازل نشود: قیمت ها گران می شود. عمرها کوتاه می شود. تجارت آنان سود ندارد. میوه ها نامرغوب می شوند.

باران نمی بارد. نهرها خشک می شوند. و افراد شرور بر آنها مسلط می شوند.

۳۷۵۴. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: دوستی من و اهل بیت من در هفت موقعیت وحشتناک مفید است:

هنگام مرگ. در قبر. هنگام زنده شدن. موقع دادن نامه عمل. هنگام حساب. سنجش اعمال. در صراط.

۳۷۵۵. به علی علیه السلام فرمودند: در پیامبری از تو برترم و بعد از من پیامبری نیست. و تو هم در هفت چیز از دیگران برتری و هیچ کس از قریش این امتیازها را ندارد؟

تو اولین مؤمن، و وفادارترین آنها به عهد خدا، و پایدارترین آنها در کار خدا، و برقرار کننده مساوات در تقسیم اموال، و عادل ترین آنها با مردم، و داناترین مردم در قضاوت، و والاترین آنها نزد خدا هستی.

الفصل الثانی: مِمَّا رَوَتْهُ الْعَامَّةُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

٣٧٥٦. قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الشُّهَدَاءُ سَبْعَةٌ سِوَى الْمَقْتُولِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ: الْمَبْطُونُ شَهِيدٌ، وَالْمُحْتَرَقُ شَهِيدٌ، وَالْمَيِّتُ تَحْتَ الْهَدْمِ شَهِيدٌ، وَالْعَرِيقُ، وَصَاحِبُ ذَاتِ الْجَنْبِ (١) شَهِيدٌ، وَالْمَطْعُونُ (٢)، وَالْمَرْأَةُ إِذَا مَاتَتْ عَلَى الْوِلَادَةِ... (٣)

٣٧٥٧. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: سَبْعَةٌ يُبَوِّتُ لَاتَنْزِلُ عَلَيْهَا الرَّحْمَةُ: بَيْتٌ فِيهِ مُطْلَقَةٌ (٤)، وَبَيْتٌ فِيهِ عَاصِيَةٌ لِرُؤُوسِهَا، وَبَيْتٌ فِيهِ خِيَانَةٌ لِلْأَمَانَةِ، وَبَيْتٌ فِيهِ مَالٌ لَا يُزَكَّى، وَبَيْتٌ فِيهِ وَصِيَّةٌ لِلْمَيِّتِ، وَبَيْتٌ فِيهِ خَمْرٌ، وَبَيْتٌ فِيهِ امْرَأَةٌ سَارِقَةٌ لِمَالِ زَوْجِهَا....

٣٧٥٨. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ أَقَامَ الصَّلَاةَ الْخَمْسَ، وَاجْتَنَبَ الْكِبَائِرَ السَّبْعَ، نُوْدِيَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مِنْ أَيِّ بَابٍ شَاءَ.

قال الراوى: ما هى الكبائر السبع؟ قال صلى الله عليه وآله: الشرك بالله، وعقوق الوالدين، وقذف المحصنات (٥)، والقتل، والفراغ من الزحف، وأكل مال اليتيم، والزنا. (٦)

٣٧٥٩. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا يَنْظُرُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَى سَبْعَةٍ نَفَرٍ وَيُؤَمَّرُ بِهِمْ إِلَى النَّارِ: اللَّوْطِيُّ (٧)، وَالَّذِي يُمْنَى بِيَدِهِ، وَالَّذِي يَأْتِي الْبَهَائِمَ، وَالَّذِي فَجَرَ بِغُلَامٍ (٨)، وَالَّذِي يَجْتَمِعُ مَعَ ابْنِهِ زَوْجَتِهِ، وَالَّذِي يَزْنِي بِالْجَارِ، وَالَّذِي يُؤْذِي الْجَارَ....

ص: ٣٤٠

- ١- ذات الجنب: هى الديبله والدمله الكبيره التى تظهر فى باطن الجنب وتنفجر إلى داخل، وقلما يسلم صاحبه (النهايه: ٢٩٣/١).
- ٢- يقال: طعن الرجل فهو مطعون وطعين: إذا أصابه الطاعون؛ وهو المرض العام والوباء الذى يفسد له الهواء فتفسد به الأمزجه والأبدان (النهايه: ١٢٧/٣).
- ٣- المحلى، ج ١١، ص ١٠٨.
- ٤- لعل المراد من كانت مكرهه زوجها للطلاق وكانت سبباً لذلك، أو مطلق المطلقه.
- ٥- المحصنات: أى المتعففات، أو ذوات البعول، وقذفهن عبارة عن نسيه الزنا أو السحق إليهن.
- ٦- الدر المنثور، ج ٢، ص ١٤٦.
- ٧- اللوطى: الذى يلو ط أو يفعل به ذلك.
- ٨- أى لاط به وأوقبه، وذلك قرينه على أن اللوطى هو من يفعل به.

۳۷۵۶. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: جز کشته شدگان در راه خدا، شهیدان هفت گروه هستند: کسی که با دل درد بيمرد. سوخته. زیر آوار. غرق شده. کسی که با سینه پهلو بيمرد. کسی که با طاعون بيمرد. زنی که هنگام زایمان بيمرد.

۳۷۵۷. فرمودند: در هفت خانه رحمت نازل نمی شود: خانه ای که زن مطلقه در آن است. خانه ای که زن نافرمان از شوهر باشد. خانه ای که در آن به امانت خیانت کنند. خانه ای که در آن مال زکات نپرداخته باشد. خانه ای که در آن وصیت برای میت باشد [که عمل نکرده اند].

خانه ای که شراب وجود داشته باشد. خانه ای که زن از مال شوهر سرقت کند.

۳۷۵۸. فرمودند: به کسی که نماز پنج گانه بجا آورد و از هفت گناه دوری کند در قیامت ندا می دهند:

از هر دری که می خواهی وارد بهشت شو. پرسیدند: هفت گناه کدام است؟ فرمودند: شرک به خدا، عاق والدین، نسبت زنا دادن به زنان پاکدامن، قتل، فرار از جنگ، خوردن مال یتیم، زنا.

۳۷۵۹. فرمودند: روز قیامت خداوند به هفت نفر نظر نمی کند و دستور می دهد آنها را به دوزخ اندازند: لواط دهنده، کسی که با دست استمناء کند، کسی که با حیوانات نزدیکی کند، لواط کننده، کسی که با دختر همسرش نزدیکی کند، کسی که با همسایه زنا کند، کسی که همسایه خود را آزار دهد.

٣٧٦٠. وقال صلى الله عليه وآله: لَعَنَ اللَّهُ سَبْعَهُ؛ كُلٌّ وَاحِدٍ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ: مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ عَمِلَ عَمَلٌ لَوْ طِ، مَلْعُونٌ - ثلاثاً - مَنْ أَتَى بِهِمَهُ، مَلْعُونٌ - ثلاثاً - مَنْ شَتَمَ وَالِدَيْهِ، مَلْعُونٌ - ثلاثاً - مَنْ سَرَقَ تُخُومَ الْأَرْضِينَ (١)، مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ جَمَعَ بَيْنَ امْرَأَةٍ وَأُمِّهَا، مَلْعُونٌ - ثلاثاً - مَنْ ادَّعَى إِلَى غَيْرِ أَبِيهِ، مَلْعُونٌ - ثلاثاً - مَنْ ذَبَحَ لِغَيْرِ اللَّهِ (٢).

٣٧٦١. وقال النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: سَبَعُهُ أَسْبَابٌ يُكْتَبُ لِلْعَبْدِ ثَوَابُهَا بَعْدَ وَفَاتِهِ: رَجُلٌ غَرَسَ نَخْلًا، أَوْ حَفَرَ بئرًا، أَوْ أَجْرَى نَهْرًا، أَوْ بَنَى مَسْجِدًا، أَوْ كَتَبَ مُصْحَفًا، أَوْ وَرِثَ عِلْمًا، أَوْ خَلَفَ وَلَدًا صَالِحًا يَسْتَغْفِرُ لَهُ بَعْدَ وَفَاتِهِ (٣).

٣٧٦٢. وقال صلى الله عليه وآله: يَا عَلِيُّ، تَمَنَّى جَبْرَيْلُ أَنْ يَكُونَ مِنْ بَنِي آدَمَ بِسَبْعِ خِصَالٍ: وَهِيَ الصَّلَاةُ فِي الْجَمَاعَةِ، وَمُجَالَسَةُ الْعُلَمَاءِ، وَالصُّلْحُ بَيْنَ الْأَثْنَيْنِ، وَإِكْرَامُ الْيَتِيمِ، وَعِيَادَةُ الْمَرِيضِ، وَتَشْيِيعُ الْجَنَازَةِ، وَسَقْيُ الْمَاءِ فِي الْحَجِّ؛ فَاحْرِصْ عَلَى ذَلِكَ.

٣٧٦٣. وقال النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا عَلِيُّ، إِنَّ اللَّهَ أَعْطَى شِيَعَتَكَ سَبْعَ خِصَالٍ: الرَّفْقَ عِنْدَ الْمَوْتِ، وَالْأَنْسَ عِنْدَ الْوَحْشَةِ، وَالتَّوَرَّعَ عِنْدَ الظُّلْمَةِ، وَالْأَمْنَ عِنْدَ الْفَرَعِ (٤)، وَالْقِسْطَ عِنْدَ الْمِيزَانِ، وَالْجَوَازَ عَلَى الصُّرَاطِ، وَدُخُولَ الْجَنَّةِ قَبْلَ الْأُمَّمِ بِأَرْبَعِينَ عَامًا (٥).

٣٧٦٤. وَعَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: إِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ اعْطَيْنَا سَبْعَ خِصَالٍ لَمْ تُجْمَعْ لِأَحَدٍ بَعْدَنَا: الصَّبَاحَةَ (٦)، وَالْفَصَاحَةَ، وَالسَّمَاحَةَ، وَالشُّجَاعَةَ، وَالْعِلْمَ، وَالْحِلْمَ، وَالْمَحَبَّةَ فِي النِّسَاءِ (٧).

٣٧٦٥. وقال صلى الله عليه وآله: سَبْعُ خِصَالٍ مَنْ عَمِلَ بِهَا مِنْ أُمَّتِي حَشَرَهُ اللَّهُ مَعَ النَّبِيِّينَ وَالصُّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ.

فَقِيلَ: وَمَا هِيَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَقَالَ: مَنْ زَوَّدَ حَاجًّا، وَأَعَانَ مَلْهُوفًا، وَرَبَّى يَتِيمًا، وَهَيَّأَ ضَالًّا، وَأَطْعَمَ جَائِعًا، وَأَرَوَى عَطْشَانًا، وَصَامَ فِي يَوْمٍ حَرًّا شَدِيدًا (٨).

ص: ٣٤٢

١- تُخُومُ الْأَرْضِ: أَي مَعَالِمُهَا وَحُدُودُهَا، وَاحِدُهَا تُخْمٌ. وَقِيلَ: أَرَادَ بِهَا حُدُودَ الْحَرَامِ خَاصَّةً. وَقِيلَ: هُوَ عَامٌّ فِي جَمِيعِ الْأَرْضِ، وَأَرَادَ الْمَعَالِمَ الَّتِي يَهْتَدَى بِهَا فِي الطَّرِيقِ. وَقِيلَ: هُوَ أَنْ يَدْخُلَ الرَّجُلُ فِي مَلِكٍ غَيْرِهِ فَيَقْطَعُهُ ظُلْمًا (النِّهَايَةُ: ١/١٨٠٠). وَالْمُرَادُ مِنَ السَّرِقَةِ أَنْ يَدْخُلَ أَحَدُ الشَّرِيكِينَ حُدُودَ الْأَرْضِ فِي مَلِكِهِ وَيَجْعَلُ الْحَدَّ فِي مَلِكِ صَاحِبِهِ.

٢- الْمُسْتَدْرَكُ، ج ٤، ص ٣٥٦.

٣- مَجْمُوعُهُ وَرَّامٌ، ج ٢، ص ١١٠.

٤- أَي فِرْعَ الْقِيَامَةِ.

٥- الْخِصَالُ، ص ٤٠٣، ح ١١٢. فِيهِ «وَدُخُولُ الْجَنَّةِ قَبْلَ النَّاسِ، نَوْرُهُمْ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَأَيْمَانِهِمْ».

٦- الصَّبَاحَةُ: الْجَمَالُ (الْقَامُوسُ الْمَحِيطُ: ١/٢٣٣).

٧- النُّوَادِرُ لِلرَّوَانِدِيِّ، ص ١٢٣.

٨- مَعْدِنُ الْجَوَاهِرِ، ص ٦٢.

۳۷۶۰. فرمودند: خداوند هفت گروه را سه بار لعنت فروده است: ملعون است ملعون است ملعون است کسی که لواط کند. ملعون است ملعون است ملعون است کسی که با حیوانات نزدیکی کند. ملعون است ملعون است ملعون است کسی که به پدر و مادرش دشنام دهد. ملعون است ملعون است ملعون است کسی که با دختر و مادرش جمع کند [ازدواج کند]. ملعون است ملعون است ملعون است کسی که زمین سرقت کند. ملعون است ملعون است ملعون است کسی که خود را به غیر پدرش نسبت دهد. ملعون است ملعون است ملعون است کسی که هنگام سر بریدن حیوان نام غیر خدا را ببرد.

۳۷۶۱. فرمودند: ثواب هفت عمل بعد از مرگ هم ثبت می شود: کاشت نخل، حفر چاه آب، جاری کردن نهر، ساخت مسجد، نوشتن قران، باقی گذاشتن علم، باقی گذاشتن فرزند صالح که برایش استغفار کند.

۳۷۶۲. فرمودند: یا علی، جبرئیل برای هفت عمل آرزو داشت انسان باشد: نماز جماعت. همنشینی با علماء. آشتی بین دو نفر. سرپرستی یتیم. عیادت مریض. تشییع جنازه. آب دادن به حجاج. پس در این کارها کوشا باش.

۳۷۶۳. فرمودند: یا علی، خداوند به شیعیان تو هفت امتیاز داده است: راحتی هنگام مرگ، آرامش هنگام وحشت، نور در هنگام ظلمت، ایمنی در قیامت، کمک در میزان، عبور از صراط، ورود بهشت چهل سال قبل از بقیه امتها.

۳۷۶۴. فرمودند: به اهل بیت ما هفت ویژگی داده شده که هرگز در کسی بعد از ما جمع نمی شود:

جمال، فصاحت، کرامت، شجاعت، علم، بردباری، علاقه به همسر.

۳۷۶۵. فرمودند: کسی که به هفت کار مشغول شود خداوند او را با پیامبران و صدیقان و شهیدان و صالحان محشور کند. پرسیدند: چه کارهایی یا رسول الله؟

فرمودند: کسی را به حج بفرستد، به ستمدیده ای کمک کند، یتیمی را سرپرستی کند، گمراهی را هدایت کند، گرسنه ای را سیر کند، به تشنه ای آب بدهد، در روز گرم روزه بگیرد.

٣٧٦٦. قَالَ اللَّهُ: يَا أَحْمَدُ، أَلَمْ تَعَلِّمْ مَتَى يَكُونُ الْعَبْدُ عَابِدًا؟ قَالَ: لَا، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: إِذَا اجْتَمَعَ فِيهِ سَبْعُ خِصَالٍ:

وَرَعٌ يَحْجُزُهُ عَنِ الْمَحَارِمِ، وَصِيْمَةٌ يَكْفُهُ عَمَّا لَا يَعْنِيهِ، وَخَوْفٌ يَزِدَادُ كُلَّ يَوْمٍ فِي بُكَائِهِ، وَحَيَاءٌ يَسْتَحْيِي مَنِّي فِي الْخَلَاءِ، وَأَكْلُ مَا لَا بُدَّ مِنْهُ، وَيُبْغِضُ الدُّنْيَا لِبُغْضِي لَهَا، وَيُحِبُّ الْأَخْيَارَ. (١)

٣٧٦٧. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ أَدَّى زَكَاةَ مَالِهِ طَيِّبَةً بِهَا نَفْسُهُ لِلَّهِ تَعَالَى لَا يَرِيدُ بِهِ سِوَاهُ؛ سِيَّمَى فِي سَمَاءِ الدُّنْيَا سَخِيًّا، وَفِي الثَّانِيَةِ جَوَادًا، وَفِي الثَّلَاثَةِ مُطِيعًا، وَفِي الرَّابِعَةِ بَارًّا، وَفِي الْخَامِسَةِ مُعْطِيًّا، وَفِي السَّادِسَةِ مُبَارَكًا مَحْفُوظًا عَلَيْهِ، وَفِي السَّابِعَةِ مَغْفُورًا.

وَمَنْ لَمْ يُؤَدِّ الزَّكَاةَ سِيَّمَى فِي سَمَاءِ الدُّنْيَا بَخِيلًا وَفِي الثَّانِيَةِ لَنِيمًا، وَفِي الثَّلَاثَةِ مُمَسِّكًا، وَفِي الرَّابِعَةِ مَمْقُوتًا (٢)، وَفِي الْخَامِسَةِ عَابِسًا، وَفِي السَّادِسَةِ مَنزُوعًا بَرَكَهَ مَالِهِ غَيْرَ مَحْفُوظٍ فِي بَرٍّ وَلَا- بَحْرٍ وَلَا- جَبَلٍ، وَفِي السَّابِعَةِ مَرْدُودًا عَلَيْهِ صِيَالَتُهُ مَضْرُوبًا بِهَا وَجْهُهُ. (٣)

٣٧٦٨. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الدُّنْيَا دَارٌ لِمَنْ لَا دَارَ لَهُ، وَمَالٌ لِمَنْ لَا مَالَ لَهُ، وَلَهَا يَجْمَعُ مَنْ لَا عَقْلَ لَهُ، وَيَطْلُبُ شَهْوَاتِهَا مَنْ لَا فَهْمَ لَهُ، وَعَلَيْهَا يُعَاقَبُ مَنْ لَا عِلْمَ لَهُ، وَلَهَا يَحْسُدُ مَنْ لَا بَقَاءَ لَهُ، وَلَهَا يَسْعَى مَنْ لَا يَقِينَ لَهُ. (٤)

٣٧٦٩. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا- زَالَ جَبْرَيْلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُوَصِّنِي بِالنِّسَاءِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ يُحَرِّمُ طَلَاقَهُنَّ، وَمَا زَالَ يُوصِّنِي بِالْمَمَالِيكِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ يُجْعَلُ لَهُمْ وَقْتًا يُعْتَقُونَ فِيهِ، وَمَا زَالَ يُوصِّنِي بِالْجَارِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ يُجْعَلُ لِي وَاثِنًا، وَمَا زَالَ يُوصِّنِي بِالسُّوَاكِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ فَرِيضَةٌ، وَمَا زَالَ يُوصِّنِي بِالصَّلَاةِ فِي الْجَمَاعَةِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ صَلَاةَ الْإِنْفِي الْجَمَاعَةِ، وَمَا زَالَ يُوصِّنِي بِذِكْرِ اللَّهِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ لَا يَنْفَعُ قَوْلَ الْآبَةِ، وَمَا زَالَ يُوصِّنِي بِقِيَامِ اللَّيْلِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ لَا نَوْمَ بِاللَّيْلِ. (٥)

ص: ٣٤٤

١- . مسند الرضا، ص ٨٢.

٢- . مَقْتَهُ: أَبْغَضُهُ، فَهُوَ مَقِيْتٌ وَمَمْقُوتٌ (الصَّحَاحُ: ٢٦٦/١).

٣- . مستدرک الوسائل، ج ٧، ص ١٢، ح ٧٥٢٢، نقلًا عن لبِّ اللباب لقطب الدين الراوندى.

٤- . كشف الخفاء، العجلونى، ج ١، ص ٤١٠، ح ١٣١٥.

٥- . تفسير القرطبي، ج ٥، ص ١٩١ و من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ١٣ مع اختلافٍ يسير.

۳۷۶۶. خداوند فرمود: یا احمد، آیا می دانی چه موقع بنده ای عابد می شود؟ فرمودند: نه.

خداوند فرمود: زمانی که هفت خصلت داشته باشد: پروایی [تقوا] که او را از حرام باز دارد. سکوتی که او را از گفتار بیجا بازدارد. ترسی که هر روز بر گریه او بیفزاید. حیاء که در خلوت از من شرم کند. خوردن به مقدار ضروری. نفرت از دنیا برای نفرت من از آن.

دوست داشتن نیکان.

۳۷۶۷. رسول الله فرمودند: کسی که زکات مالش را با میل قلبی برای خدا بدهد و هدف دیگر نداشته باشد در آسمان اول سخاوتمند، و در آسمان دوم جواد، و در آسمان سوم مطیع، و در آسمان چهارم نیکوکار، و در آسمان پنجم بخشنده، و در آسمان ششم مبارک، و بیمه شده و در آسمان هفتم آمرزیده، خوانده می شود.

و کسی که زکات ندهد در آسمان دنیا بخیل، و در آسمان دوم پست، و در آسمان سوم خودداری کننده، و در آسمان چهارم غضب شده، و در آسمان پنجم روی در هم کشیده، و در آسمان ششم بی برکت و مالش در خشکی و دریا و کوه بدون نگهبان است. و در آسمان هفتم نمازش رد شده و به صورت او زده شده است.

۳۷۶۸. فرمودند: دنیا خانه کسی است که خانه ندارد. و مال کسی است که مال ندارد. کسی که عقل ندارد برای دنیا ذخیره می کند. و کسی که فهم ندارد بدنبال شهوات آن می رود. و نادان برای رسیدن دنیا شکنجه کند. و کسی که ناپایدار است برای دنیا حسد ورزد. و کسی که یقین ندارد برای دنیا تلاش کند.

۳۷۶۹. فرمودند: جبرئیل چندان سفارش زنان را فرمود که من گمان کردم طلاق دادن آنان حرام باشد. و آنقدر سفارش بردگان فرمود که گمان کردم وقتی معین می کند خود آزاد شوند. و به حدی همسایه را توصیف نمود که تصور کردم ارث می برد. و آنقدر تأکید بر مسواک داشت که گمان کردم واجب است. و آنقدر توصیه به نماز جماعت نمود که گمان کردم نماز بدون جماعت را خدا نمی پذیرد. و آنقدر به یاد خدا توصیه کرد که گمان کردم سخنی جز یاد خدا فایده ندارد. و آنقدر توصیه به نماز شب کرد که گمان کردم شب نباید خوابید.

الفصل الثالث: مِمَّا وَرَدَ عَن أميرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِمَا السَّلَام

٣٧٧٠. رُوِيَ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَام لِدَفْعِ كُلِّ دَاءٍ إِلَى السَّنَةِ الْقَابِلَةِ سَبْعَ سِنَاتٍ (١): تُكْتَبُ بِمَاءِ الْوَرْدِ وَالزَّعْفَرَانِ وَالْمِسْكِ عَلَى ظَرْفِ صِينِيٍّ (٢). يَوْمَ النَّيروزِ وَيُشْرَبُ، وَهِيَ هَذِهِ: «سَلِّمْ قَوْلًا مِّن رَّبِّ رَجِيمٍ»، «سَلِّمْ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَلَمِينَ»، «سَلِّمْ عَلَى إِبْرَاهِيمَ»، «سَلِّمْ عَلَى مُوسَى وَهَارُونَ»، «سَلِّمْ عَلَى إِبْرَاهِيمَ»، «سَلِّمْ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَلِدِينَ»، «سَلِّمْ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ».

٣٧٧١. رُوِيَ عَن أميرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَام أَنَّهُ قَالَ: الْمُؤْمِنُ مَن طَابَ مَكْسَبُهُ، وَحَسُنَتْ خَلِيقَتُهُ، وَصَحَّتْ سَرِيرَتُهُ، وَأَنْفَقَ الْفَضْلَ مِّن مَالِهِ، وَأَمْسَكَ الْفَضْلَ مِّن قَوْلِهِ، وَكَفَى النَّاسَ مِنْ شَرِّهِ، وَأَنْصَفَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ (٣).

٣٧٧٢. وَعَيْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَام أَنَّهُ قَالَ: سَبْعَةٌ لَا يَقْرَأُونَ الْقُرْآنَ: الرَّاحِطُ، وَالسَّاجِدُ، وَفِي الْكَنِيفِ (٤)، وَفِي الْحَمَامِ، وَالْجُنْبُ، وَالْحَائِضُ، وَالنَّفْسَاءُ (٥).

٣٧٧٣. وَسُئِلَ عَلَيْهِ السَّلَام: مَا أَثْقَلُ مِنَ السَّمَاءِ؟ وَمَا أَوْسَعُ مِنَ الْأَرْضِ؟ وَمَا أَغْنَى مِنَ الْبَحْرِ؟ وَمَا أَشَدُّ مِنَ الْحَجَرِ؟ وَمَا أَخْرُ مِنْ النَّارِ؟ وَمَا أَبْرَدُ مِنَ الزَّمْهَرِيرِ؟ وَمَا أَمْرٌ مِنَ السَّمِّ؟

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَام: الْبُهْتَانُ عَلَى الْبَرِيِّ أَثْقَلُ مِنَ السَّمَاءِ، وَالْحَقُّ أَوْسَعُ مِنَ الْأَرْضِ، وَقَلْبُ الْقَانِعِ أَغْنَى مِنَ

ص: ٣٤٦

- ١- . أى سبع كلمات أو آيات أولها سين.
- ٢- . الصينى: الآنيه المنسوبه إلى «الصين»، يسمى بالفارسيه «چينى» فى قبال الظروف المصنوعه من الحديد أو الحجر أوغير ذلك.
- ٣- . الخصال، ص ٣٥١، ح ٣٠.
- ٤- . الكنيف: الخلاء (لسان العرب: ٣١٠/٩).
- ٥- . الخصال، ص ٣٥٧، ح ٤٢.

۳۷۷۰. از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است، برای دور کردن بلا تا سال بعد، نوروز هفت سین را با گلاب و زعفران و مشک بر ظرف چینی بنویسند و بنوشند، هفت سین عبارتند از:

۱ - سلام قولاً من ربِّ رحیم [سلام گفتار پروردگار مهربان است].

۲ - سلام علی نوح فی العالمین [سلام بر نوح در جهانیان]

۳ - سلام علی ابراهیم [سلام بر ابراهیم]

۴ - سلام علی موسی و هارون [سلام بر موسی و هارون]

۵ - سلام علی آل یاسین [سلام بر یاسین]

۶ - سلام علیک طبتم فادخلوها خالدین [سلام بر شما وارد بهشت شوید و جاودان بمانید].

۷ - سلام هی حتّی مطلع الفجر [سلامت است شب قدر تا طلوع فجر].

۳۷۷۱. امیرالمؤمنین علیه السلام: مؤمن کسی است که: کسب حلال، و اخلاق خوش، و باطن پاک دارد. و مال اضافه خود را می بخشد. و سخن اضافه نمی گوید. و به مردم شر نمی رساند. و با دیگران انصاف دارد.

۳۷۷۲. امیرالمؤمنین علیه السلام: هفت نفر قرآن قرائت نکنند: در حال رکوع، در سجده، در توالی، در حمام، جُنُب، حائض، و زنی که در نفاس است.

۳۷۷۳. از امیرالمؤمنین علیه السلام پرسیدند: چه چیزی سنگین تر از آسمان و پهناورتر از زمین و بی نیازتر از دریا و سخت تر از سنگ و داغ تر از آتش و سردتر از زمهریر و تلخ تر از سم است؟

فرمودند: تهمت به بی گناه، سنگین تر از آسمان، و حق وسیع تر از زمین، و قلب قانع

البحر، وَقَلْبُ الْمُنَافِقِ أَشَدُّ مِنْ الْحَجَرِ، وَالسُّلْطَانُ الْجَائِزُ أَحَرُّ مِنَ النَّارِ، وَالْحَاجَةُ إِلَى الْبَخِيلِ أَبْرَدُ مِنَ الزَّمْهَرِيرِ، وَالصَّبْرُ أَمْرٌ مِنَ السَّمِّ.

٣٧٧٤. وَرَوَى عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّهُ قَالَ: الْعِلْمُ أَفْضَلُ مِنَ الْمَالِ بِسَبْعَةٍ:

الأول: إِنَّ الْعِلْمَ مِيرَاثُ الْأَنْبِيَاءِ، وَالْمَالُ مِيرَاثُ الْفَرَاعِئَةِ.

الثاني: الْعِلْمُ لَا يَنْقُصُ بِالْفَقْرِ، وَالْمَالُ يَنْقُصُ بِهَا.

الثالث: يَحْتَاجُ الْمَالُ إِلَى الْحَافِظِ، وَأَمَّا الْعِلْمُ يَحْفِظُ صَاحِبَهُ.

الرابع: الْعِلْمُ يَدْخُلُ فِي الْكَفَنِ، وَالْمَالُ لَا يَدْخُلُ.

الخامس: الْمَالُ يَحْصُلُ لِلْمُؤْمِنِ وَالْكَافِرِ، وَالْعِلْمُ لَا يَحْصُلُ إِلَّا لِلْمُؤْمِنِ (١).

السادس: جَمِيعُ النَّاسِ يَحْتَاجُونَ إِلَى الْعِلْمِ فِي أُمُورِ دِينِهِمْ، وَلَا يَحْتَاجُونَ إِلَى صَاحِبِ الْمَالِ.

السابع: الْعِلْمُ يَقْوَى صَاحِبَهُ عَلَى الْمُرُورِ عَلَى الصَّرَاطِ، وَالْمَالُ يَمْنَعُهُ (٢).

٣٧٧٥. يَا أَهْلَ الْغُرُورِ! مَا أَلْهَجَكُمُ (٣) بِدَارِ خَيْرِهَا زَهِيدٌ (٤)، وَشَرُّهَا عَتِيدٌ، وَنَعِيمُهَا مَسْلُوبٌ [وَعَزِيزُهَا مَنْكُوبٌ] وَمُسَالِمُهَا مَحْرُوبٌ، وَمَالُهَا مَمْلُوكٌ، وَتُرَاثُهَا مَتْرُوكٌ (٥).

٣٧٧٦. نَحْنُ شَجَرَةُ النَّبُوَّةِ، وَمَحَطُّ الرِّسَالَةِ، وَمُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ، وَيَنَابِيعُ الْحُكْمِ، وَمَعَادِنُ الْعِلْمِ، نَاصِرُنَا وَمُجِبُّنَا يَنْتَظِرُ الرَّحْمَةَ، وَعَدُونَا وَمُبْغِضُنَا يَنْتَظِرُ السُّطُورَةَ (٦).

٣٧٧٧. الْمُؤْمِنُ ذَابَهُ زَهَادَتُهُ، وَهَمُّهُ دِيَانَتُهُ، وَعِزُّهُ قَنَاعَتُهُ، وَجِدُّهُ لِآخِرَتِهِ، قَدِ كَثُرَتْ حَسَنَاتُهُ، وَعَلَتْ دَرَجَاتُهُ، وَشَارَفَ خَلَائِقُهُ وَنَجَاتُهُ (٧).

٣٧٧٨. عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ الرَّبِيعِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لِلْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ سَبْعَةٌ حُقُوقٍ وَاجِبَةٌ لَهُ مِنْ اللَّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ، وَاللَّهُ سَائِلُهُ مَا صَنَعَ فِيهَا: الْإِجْلَالُ لَهُ فِي عَيْنِهِ، وَالْوُدُّ لَهُ فِي صَدْرِهِ (٨)، وَالْمُؤَاسَاةُ لَهُ

ص: ٣٤٨

١- . الظاهر أن المراد هو علم الدين من المعارف الإلهية والأحكام والأخلاق؛ لأن العلم في الاصطلاح والأخبار ذلك، والباقي فضل كما في الحديث.

٢- . منيه المريد، ص ١١٠.

٣- . ألْهَجَ: أَوْلِعَ بِهِ وَاعْتَادَهُ (لسان العرب: لهج).

٤- . الزَّهِيدُ: الْقَلِيلُ (أقرب الموارد: زهد).

٥- . عيون الحكم والمواعظ، ص ٥٥٦.

٦- . نهج البلاغه، ج ١، ص ٢١٥.

٧- . تصنيف غررالحكم، ص ٩٠، ح ١٥٤٢.

٨- . الإجلال له في العين، والودّ له، وأن يحبّ له ما يحبّ لنفسه امورٌ قلبية لا بدّ من تحصيلها وإن كانت صعبه لأنّ مقدماتها اختيارية، وكذا كلّ ما كان من الأمور القلبية كالأمور الاعتقادية، وكحبّ الله وحبّ أوليائه وبغض أعدائه، وكذا تزكية النفس عن الصفات الرذيله الكامنه في النفس أعاننا الله على ذلك.

بی نیازتر از دریا، و قلب منافق سخت تر از سنگ، و فرمانروای ستمگر سوزان تر از آتش، و نیاز به بخیل سردتر از زمهریر، و صبر تلخ تر از سم است.

۳۷۷۴. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: علم از ثروت بهتر است به هفت دلیل:

۱ - علم میراث پیامبران است و مال میراث فرعون ها. ۲ - علم با دادن به دیگران کم نمی شود ولی ثروت کم می شود. ۳ - علم تو را حفظ می کند ولی تو باید ثروت را حفظ کنی. ۴ - علم پس از مرگ هم مفید است، ثروت مفید نیست. ۵ - ثروت را مؤمن و کافر بدست می آورند ولی علم فقط بدست مؤمن می رسد. ۶ - همه مردم در امور دینی به علم نیاز دارند ولی به ثروت نیاز ندارند. ۷ - علم صاحب خود را در عبور از صراط یاری می دهد ولی ثروت مشکل آفرین است.

۳۷۷۵. فرمودند: ای مردم فریب خورده! چه چیزی شما را به خانه ای [دنیا] عادت داده است. که خیر آن اندک، و شر آن مداوم، و نعمتهایش ناپایدار، و عزت آن سرکوب شده، و سلامتی آن نا امن، و مالک آن مملوک، و میراث آن رها شده است.

۳۷۷۶. فرمودند: ما اهل بیت درخت نبوت و جایگاه رسالت و محل تردد فرشتگان و چشمه های حکمت و معدن علم هستیم. دوستان و یاران ما در انتظار رحمت، و دشمن و مخالف ما در انتظار بدبختی هستند.

۳۷۷۷. فرمودند: مؤمن کسی است که: رفتارش زهد و همتش دیانت و عزتش قناعت و تلاش او برای آخرت است. نیکی او بسیار و درجات او والا و در شرف خلاصی و نجات است.

۳۷۷۸. امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند برای مؤمن هفت حق بر مؤمن قرار داده است و از او سؤال خواهد کرد که چه کرده است؟

او را در حضورش احترام کند. در قلب او را دوست داشته باشد، از نظر مالی به او کمک کند. آنچه برای خود می پسندد برای او هم پسندد. غیبت او را حرام بداند. در

فِي مَالِهِ ، وَأَنْ يُحِبَّ لَهُ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ ، وَأَنْ يُحَرِّمَ غَيْبَتَهُ ، وَأَنْ يَعُودَهُ فِي مَرَضِهِ ، وَأَنْ يُشَيِّعَ جَنَازَتَهُ ، وَأَنْ لَا يَقُولَ بَعْدَ مَوْتِهِ إِلَّا خَيْرًا. (١)

٣٧٧٩. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْمُؤْمِنُونَ عَلَى سَبْعِ دَرَجَاتٍ: صَاحِبُ دَرَجَةٍ مِنْهُمْ فِي مَزِيدٍ مِنَ اللَّهِ عِزٍّ وَجَلٍّ لَا يُخْرِجُهُ ذَلِكَ الْمَزِيدُ مِنْ دَرَجَةٍ إِلَى دَرَجَةٍ غَيْرِهِ، [وَمِنْهُمْ شُهَدَاءُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ ، وَمِنْهُمْ النَّجَبَاءُ ، وَمِنْهُمْ الْمُمْتَحَنَةُ (٢) ، وَمِنْهُمْ النَّجْدَاءُ (٣) ، وَمِنْهُمْ أَهْلُ الْعَبْرِ (٤) ، وَمِنْهُمْ أَهْلُ التَّقْوَى ، وَمِنْهُمْ أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ. (٥)]

خَاتِمَةٌ

٣٧٨٠. قَالَ الْإِمَامُ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: سَبَعُهُ أَشْيَاءٌ مِنَ الْإِسْتِهْزَاءِ: مَنْ اسْتَفْعَرَ اللَّهَ بِلِسَانِهِ وَلَمْ يَنْدَمْ قَلْبُهُ فَقَدْ اسْتَهْزَأَ بِنَفْسِهِ ، وَمَنْ سَأَلَ اللَّهَ التَّوْفِيقَ وَلَمْ يَجْتَهِدْ فَقَدْ اسْتَهْزَأَ بِنَفْسِهِ ، وَمَنْ سَأَلَ اللَّهَ الْجَنَّةَ وَلَمْ يَصْبِرْ عَلَى الشَّدَائِدِ فَقَدْ اسْتَهْزَأَ بِنَفْسِهِ ، وَمَنْ تَعَوَّذَ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ وَلَمْ يَتْرَكَ شَهَوَاتِ الدُّنْيَا فَقَدْ اسْتَهْزَأَ بِنَفْسِهِ ، وَمَنْ ذَكَرَ الْمَوْتَ وَلَمْ يَسْتَعِدَّ لَهُ فَقَدْ اسْتَهْزَأَ بِنَفْسِهِ ، وَمَنْ ذَكَرَ اللَّهَ وَلَمْ يَشْتَقِ إِلَى لِقَائِهِ فَقَدْ اسْتَهْزَأَ بِنَفْسِهِ ، وَمَنْ أَصْرَّ عَلَى الْمَعَاصِي وَطَلَبَ الْعَفْوَ مِنْ رَبِّهِ وَلَمْ يَتُبْ فَقَدْ اسْتَهْزَأَ بِنَفْسِهِ. (٦)

٣٧٨١. وَرَوَى عَنِ الْعَالِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: سَبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ فَقْدِ اسْتِكْمَلِ حَقِيقَةَ الْإِيمَانِ وَفُتِحَتْ لَهُ أَبْوَابُ الْجَنَانِ: مَنْ أَسْبَغَ وَضُوءَهُ ، وَأَحْسَنَ صِيْلَاتَهُ ، وَأَدَّى زَكَاهَ مَالِهِ ، وَكَفَّ غَضَبَهُ ، وَسَجَنَ لِسَانَهُ ، وَتَفَقَّهَ لِدِينِهِ ، وَأَدَّى النَّصِيحَةَ لِأَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

وَأَصُولُ مُعَامَلَةِ النَّفْسِ سَبْعَةٌ: الْجُهْدُ (٧) ، وَالْخَوْفُ ، وَحَمْلُ الْأَذَى ، وَالرِّيَاضَةُ ، وَطَلَبُ الصِّدْقِ ، وَالْإِخْلَاصُ ، وَإِخْرَاجُهَا مِنْ مَحْبُوبِهَا ، وَرَبْطُهَا فِي الْفَقْرِ.

ص: ٣٥٠

- ١- . جامع الأخبار، ص ٨٥.
- ٢- . الذين اختبروا بالبلية.
- ٣- . النجد: الشجاع الماضي فيما يعجز غيره.
- ٤- . أى الذين يعتبرون من الدنيا وأحوالها.
- ٥- . الخصال، ص ٣٥٢، ح ٣١.
- ٦- . معدن الجواهر، ص ٥٩.
- ٧- . الجُهد - بالضم -: الطاقه والمشقه؛ أى حملها على ما يشق عليها.

بیماری از او عیادت کند. در تشییع جنازه او شرکت کند. پس از مرگ او هم جز خوبی چیزی از او نگوید.

۳۷۷۹. امام صادق علیه السلام فرمودند: مؤمنان هفت درجه هستند که صاحب هر درجه از الطاف خداوند برخوردار است و امتیاز ویژه دارد:

گروهی شهیدان خدا بر خلق هستند. گروهی نجیب، و گروهی آزموده شده، و گروهی شجاعان، و گروهی اهل عبرت، و گروهی اهل تقوی، و گروهی اهل آمرزش.

خاتمه

۳۷۸۰. حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمودند: هفت چیز مسخره هست:

کسی که با زبان استغفار کند، ولی قلب او پشیمان نباشد، خود را مسخره کرده است.

کسی که از خداوند توفیق بخواهد، ولی کوشش نکند، خود را مسخره کرده است.

کسی که از خداوند بهشت درخواست کند، ولی در سختی ها صبر نکند، خود را مسخره کرده است.

کسی که از آتش به خداوند پناه برد، ولی شهوت را ترک نکند، خود را مسخره کرده است.

کسی که به یاد مرگ باشد، ولی خود را آماده برای مرگ نکند، خود را مسخره کرده است.

کسی که به یاد خدا باشد، ولی شوق دیدار او ندارد، خود را مسخره کرده است.

کسی که از پروردگار عفو می خواهد، ولی بر گناه اصرار دارد، خود را مسخره کرده است.

۳۷۸۱. از امام رضا علیه السلام روایت شده است: هفت خصلت در هر کس باشد ایمان او کامل و درهای بهشت به روی او باز می شود: وضویش را نیکو، و نمازش را با حضور قلب بجا آورد.

زکات مالش را بپردازد. خشم خود را کنترل کند. و زبانش را حبس کند. و دین خود را بیاموزد. و حق اهل بین پیامبر علیهم السلام را ادا کند.

اصول کنترل نفس هفت چیز است: کوشش، و ترس، و تحمل اذیت، و تحمل مشکلات به دنبال صداقت بودن، و اخلاص و خارج کردن نفس از کارهایی که دوست دارد، و تمرین دادن نفس به فقر.

وَأُصُولُ مُعَامَلَةِ الْخَلْقِ سَبْعَةٌ: الْحِلْمُ، وَالْعَفْوُ، وَالتَّوَاضُّعُ، وَالسَّخَاءُ، وَالشَّفَقَةُ، وَالنُّصْحُ، وَالْعَدْلُ، وَالْإِنْصَافُ.

وَأُصُولُ مُعَامَلَاتِ الدُّنْيَا سَبْعَةٌ: الرِّضَى بِالذُّونِ، وَالْإِيثَارُ بِالْمَوْجُودِ، وَتَرْكُ طَلَبِ الْمَفْقُودِ، وَبُعْضُ الْكَثْرَةِ، وَاخْتِيَارُ الزُّهْدِ، وَمَعْرِفَةُ آفَاتِهَا، وَرَفْضُ شَهَوَاتِهَا، مَعَ رَفْضِ الرِّئَاسَةِ.

فَإِذَا جُعِلَتْ هَذِهِ الْخِصَالُ بِحَقِّهَا فِي نَفْسٍ، فَهِيَ مِنْ خَاصَّةِ اللَّهِ وَعِبَادِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَأَوْلِيَائِهِ. (١)

٣٧٨٢. وَقَالَ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: لَا يَخْلُو الْبَخِيلُ مِنْ إِحْدَى سَبْعٍ: إِمَّا أَنْ يَمُوتَ وَبِرِّثَتِهِ مِنْ بَعْدِهِ وَيُنْفِقَهُ فِي غَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ، أَوْ يُسَلِّطَ اللَّهُ جَائِرًا فَيَأْخُذَهُ مِنْهُ بَعْدَ تَذَلُّلِ نَفْسِهِ، أَوْ تَهَيِّجَ بِهِ شَهْوَةً تُفْسِدُ عَلَيْهِ مَالَهُ، أَوْ يَبْدُو لَهُ رَأْيٌ فِي بِنَاءِ دَارِهِ أَوْ عِمَارَةِ خَرَابٍ فَيَذْهَبَ فِيهِ مَالَهُ، أَوْ يُصِيبَهُ نَكْبَةٌ مِنَ الدُّنْيَا أَوْ غَرَقٌ أَوْ حَرَقٌ أَوْ سَرِقَةٌ وَمَا أَشْبَهَ ذَلِكَ، أَوْ يُصِيبُهُ عِلَّةٌ دَائِمَةٌ فَيُنْفِقَ مَالَهُ فِي أَدْوِيَةٍ، أَوْ يَدْفِنُهُ فِي مَوْضِعٍ مِنَ الْمَوَاضِعِ فَيَنْسَاهُ فَلَا يَجِدُهُ.

٣٧٨٣. وَعَنْ بَعْضِ الْحُكَمَاءِ: الْعَجَبُ كُلُّ الْعَجَبِ لِمَنْ عَرَفَ اللَّهَ وَلَمْ يُطِعهُ، وَلِمَنْ رَجَا ثَوَابَهُ وَلَمْ يَعْمَلْ لَهُ، وَلِمَنْ خَافَ عِقَابَهُ وَلَمْ يَحْتَرِزْ، وَلِمَنْ عَلِمَ شَرَفَ الْعِلْمِ وَرَضِيَ لِنَفْسِهِ بِالْجَهْلِ، وَلِمَنْ صَيَّرَ جَمِيعَ هِمَّتِهِ إِلَى عِمَارَةِ الدُّنْيَا مَعَ عِلْمِهِ بِفِرَاقِهَا، وَلِمَنْ أَلْهَى عَنِ الْآخِرَةِ وَخَرَّبَ مُسْتَقَرَّهُ فِيهَا مَعَ عِلْمِهِ بِانْتِقَالِهِ إِلَيْهَا، وَلِمَنْ جَرَى فِي مِيدَانِ أَمَلِهِ وَلَا يَعْلَمُ مَتَى يَعْثُرُ بِأَجَلِهِ.

٣٧٨٤. وَقَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ: يَتَّبِعِي لِحَامِلِ الْقُرْآنِ أَنْ يُعْرِفَ بَلِيلَهُ إِذَا النَّاسُ نَائِمُونَ، وَبِنَهَارِهِ إِذَا النَّاسُ يَفْطَرُونَ، وَبِبُكَائِهِ إِذَا النَّاسُ يَضْحَكُونَ، وَبِوَرَعِهِ إِذَا النَّاسُ يَخْلِطُونَ، وَبِخُشُوعِهِ إِذَا النَّاسُ يَخْتَالُونَ، وَبِحُزْنِهِ إِذَا النَّاسُ يَفْرَحُونَ، وَبِصَيِّمَتِهِ إِذَا النَّاسُ يَخُوضُونَ. (٢)

٣٧٨٥. وَقَالَ بَعْضُهُمْ: سَبْعَةٌ تُزِينُ الصَّدَقَةَ وَتَرْفَعُهَا: الْأَوَّلُ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْحَلَالِ كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ»، وَمِنْ الْقَلِيلِ، وَأَنْ تَكُونَ قَبْلَ الْمَوْتِ، وَأَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَيِّدِ، وَأَنْ

ص: ٣٥٢

١- . مصباح الشريعة، ص ٥-٦، مع اختلافٍ يسير.

٢- . المجموع، ج ٢، ص ١٦٩.

اصول معامله با مردم هفت چیز است: بردباری، و عفو، و فروتنی، و سخاوت، و مهربانی، و خیرخواهی، و عدالت، و انصاف.

اصول معاملات دنیا هفت چیز است: خشنودی به اقل امکانات، و ایثار کردن آنچه داری، و آنچه نداری طلب نکنی، و نفرت از مال زیاد، و انتخاب زهد، و شناختن آفتهای دنیا، کنار گذاشتن شهوت و ریاست.

اگر این خصلتها را بطور کامل در خود بوجود آورد، از بندگان خاص و مقرب و اولیاء خدا خواهد شد.

۳۷۸۲. سلمان فارسی: بخیل یکی از حالت ها را دارد: یا پس از مرگ کسی از او ارث می برد که در راه خدا مصرف نمی کند. یا خداوند ستمگری را بر او مسلط می کند و پس از خوار کردن او اموالش را می گیرد. یا هوسی به سرش می زند که مالش را از بین می برد. یا به فکر نوسازی و تعمیر ویرانه می افتد و مالش را مصرف می کند. یا گرفتار نکبت یا غرق یا آتش سوزی یا سرقت و امثال آن می شود. یا به مرضی مبتلا می شود که اموالش را برای درمان مصرف کند. یا در مکانی دفن می کند و فراموش می کند و دیگر آن را پیدا نمی کند.

۳۷۸۳. حکیم: تعجب از کسی است که: خدا را بشناسد و اطاعت نکند. امید ثواب داشته باشد و کاری نکند. از عذاب بترسد ولی مراقبت نکند. شرف علم را بداند ولی به نادانی تن بدهد.

تمام همت خود را برای دنیا بکار گیرد با اینکه می داند آن را ترک می کند. آخرت را از دست بدهد و جایگاه خود را ویران کند با اینکه می داند به آنجا منتقل می شود. در میدان آرزو می تازد و خبر از مرگ ندارد.

۳۷۸۴. عبدالله بن مسعود: حافظ قرآن شایسته است که: قدر شب را بداند وقتی که مردم خوابند [نماز شب بخواند]. قدر روز را بداند وقتی که مردم می خورند [روزه بگیرد]. گریه کند وقتی که مردم می خندند. و وقتی که مردم به خوش گذرانی مشغولند پرهیزکار باشد. وقتی مردم توجه ندارند خشوع داشته باشد. وقتی مردم شادی می کنند محزون باشد. وقتی دیگران سرگرم گفتگو هستند سکوت کند.

۳۷۸۵. هفت چیز صدقه را زینت می دهد و آن را بالا می برد:

از مال حلال باشد خداوند فرماید: «از مال پاک خود انفاق کنید». از مال کم هم صدقه

تَكُونَ مَخْفِيًّا، وَتَرَكَ الْمَنَّهُ كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى»، وَأَنْ لَا يَجُورَ عَلَيْهِ .

٣٧٨٦. وَمِمَّا يُنسَبُ إِلَى الإِمَامِ جَعْفَرِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الأَيَّامِ النَّحْسَةِ فِي كُلِّ شَهْرٍ:

تَوَقَّ سَبْعَةَ أَيَّامٍ قَدْ اطَّرَدَتْ فِي كُلِّ شَهْرٍ هِلَالِيٍّ مَنَاحِسُهَا

فَثَالِثُ الشَّهْرِ مَذْمُومٌ وَخَامِسُهُ وَثَالِثُ العَشْرَةِ الوُسْطَى وَسَادِسُهَا

ثُمَّ اخْتَشَ حَادِي عِشْرِينَ فَخَشِيئَتُهُ حَتَمٌ وَرَابِعُهَا أَيْضًا وَخَامِسُهَا

وَجَمَعَ بَعْضُ الشُّعْرَاءِ الأَيَّامَ النَّحْسَةَ فِي كُلِّ شَهْرٍ فَقَالَ:

سَبْعَةٌ لِاتِّحَمَدُ فِيهَا حَرَكَهٌ مِثَالُهَا جَهَّ يَجُّ يُوْكَا كَدُ كَهْ

٣٧٨٧. وَقَالَ بَعْضُ المَوْحِدِينَ: إِسْمَاكُ النَّفْسِ عَنِ البَاطِلِ صَوْمٌ، وَاشْتِغَالُهَا بِالحَقِّ صِيَالَةٌ، وَإِصَالُ النَّفْعِ إِلَى الغَيْرِ زَكَاةٌ، وَطَلْبُ أَهْلِ الحَقِّ حُجٌّ، وَالكُفُّ عَنِ الأَذَى صَدَقَةٌ، وَحِفْظُ الجَوَارِحِ عَمَّا لَا يَتَّبِعِي عِبَادَةً، وَتَرَكَ هَوَى النَّفْسِ جِهَادٌ.

٣٧٨٨. رُوِيَ فِي بَعْضِ الأَخْبَارِ: أَنَّ النَّاسَ يَنْقَسِمُونَ فِي جَوَازِ الصَّرَاطِ سَبْعَةَ أَقْسَامٍ:

فَيَجُوزُ أَوَّلُ قِسْمٍ مِنَ الرِّجَالِ والنِّسَاءِ كَطَرَفِهِ عَيْنٍ، وَالقِسْمُ الثَّانِي كَالْبَرْقِ الخَاطِفِ، وَالقِسْمُ الثَّلَاثُ كَالرِّيحِ القَاصِفِ (١)، وَالقِسْمُ الرَّابِعُ كَالطَّيْرِ المُّجِدِّ، وَالقِسْمُ الخَامِسُ كَالجَوَادِ فِي جَرِيهَا، وَالقِسْمُ السَّادِسُ كَالمَاشِي، وَالقِسْمُ السَّابِعُ كَالْمَهْزُولِ.

فَأَمَّا القِسْمُ الأَوَّلُ فَهُمُ أَصْحَابُ الصَّدَقَاتِ وَقُؤَامُ اللَّيْلِ وَالعُلَمَاءُ يَقْدَمُونَ نَهُم.

وَالقِسْمُ الثَّانِي هُمُ الَّذِينَ اسْتَقَامُوا عَلَى أَدَاءِ الفَرَائِضِ وَلَمْ يُفَرِّطُوا فِيهَا وَأَدَّوْهَا فِي أَوْقَاتِهَا.

وَالقِسْمُ الثَّلَاثُ هُمُ الَّذِينَ أَدَّوْا الزَّكَاةَ وَلَزِمُوا صُحْبَةَ العُلَمَاءِ وَأَحْبَبُوهُمْ.

ص: ٣٥٤

بدهد. قبل از مرگ بدهد. بهترین چیز را بدهد. مخفیانه بدهد. منت نگذارد. خداوند می فرماید:

«صدقات خود را با منت گذاشتن و اذیت، باطل نکنید». ستم نکند.

۳۷۸۶. به امام صادق علیه السلام نسبت داده اند که روزهای نحس در هر ماه قمری:

مراقبت کن هفت روز را عموماً

در هر ماه قمری از نحوست آن

سوم و پنجم مذمت شده است

سیزدهم و شانزدهم

سپس از نحوست روز بیست و یکم بترس که ترس آن

و بیست و چهارم و بیست و پنجم حتمی است.

شاعری ایام نحس هر ماه را به حروف ابجد در آورده است: هفت روز است که حرکت در آن خوب نیست روزهای ۳، ۵، ۱۳،

۱۶، ۲۱، ۲۴، ۲۵.

۳۷۸۷. یکی از مؤخّدین گفته است: خودداری از باطل، روزه است. و پرداختن به حق، نماز است. و نفع رساندن به دیگران،

زکات است. و جستجوی اهل حق، حج است. و خودداری از آزار مردم، صدقه است. و نگهداری اعضاء بدن از کارهای

بیهوده، عبادت است. و ترک کردن هوسها، جهاد است.

۳۷۸۸. در روایتی آمده است: مردم هنگام عبور از صراط هفت گروه هستند:

۱ - گروهی از زنان و مردان در چشم بهم زدن عبور می کنند. ۲ - گروهی مثل برق عبور می کنند. ۳ - گروهی مثل صوت. ۴

- گروهی مثل پرونده تیز پرواز. ۵ - گروهی مثل اسب.

۶ - گروهی مثل افراد پیاده. ۷ - گروهی مانند آدم لاغر و بیمار.

اما گروه اول اهل صدقه دادن و نماز شب هستند که پیشاپیش آنها علما هستند.

گروه دوم: در انجام واجبات استقامت کرده اند و کوتاهی نکرده اند و هر واجب را در وقت خود انجام داده اند.

گروه سوم: زکات داده اند و علما را دوست داشته اند و با آنان معاشرت کرده اند.

وَالْقِسْمُ الرَّابِعُ هُمُ الَّذِينَ وَصَلُوا أَرْحَامَهُمْ وَطَلَبُوا بِصَلَتِهَا رِضَى مَوْلَاهُمْ.

وَالْقِسْمُ الْخَامِسُ هُمُ الَّذِينَ غَضُوا أَبْصَارَهُمْ عَنِ مَحَارِمِ اللَّهِ، وَصَانُوا فُرُوجَهُمْ عَنِ الْفَوَاحِشِ، وَحَفِظُوا أَزْوَاجَهُنَّ عَمَّا لَا يَحِلُّ لَهُنَّ.

وَالْقِسْمُ السَّادِسُ هُمُ الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ الرِّبَا وَالْحَرَامَ وَيَجْتَنِبُونَ الْخِيَانَةَ فِي الْمِكْيَالِ وَالْمِيزَانِ.

وَالْقِسْمُ السَّابِعُ هُمُ الَّذِينَ بُرُّوا الْوَالِدَيْنِ وَبُرُّوا الْأَزْوَاجَ وَبُرُّوا الْجِيرَانَ وَبُرُّوا الْإِخْوَانَ، وَلَزِمُوا الْمَسَاجِدَ، وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ، وَحَفِظُوا حُدُودَ اللَّهِ وَلَمْ يَأْخُذْهُمْ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ وَعَمِلُوا بِكِتَابِ اللَّهِ وَسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

ص: ٣٥٦

گروه چهارم: به خویشان خود صلّه داده اند و با آن رضایت خدا را طلب کرده اند.

گروه پنجم: چشم از گناه پوشیده و از فحشاء دوری کرده و همسران خود را از حرام حفظ کرده اند.

گروه ششم: از ربا و حرام و خیانت در خرید و فروش خودداری کرده اند.

گروه هفتم: به پدر و مادر نیکی، به همسر و همسایه و اقوام نیکی کرده اند، عبادات خود را در مسجد بجا آورده اند. امر به معروف و نهی از منکر و حدود خدا را رعایت کرده اند و در راه خدا از سرزنش کسی بیم به دل راه نداده اند و به کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله عمل کرده اند.

ص: ۳۵۷

البابُ الثَّامِنُ: فِي المَوَاعِظِ الثَّمَانِيَّاتِ

باب هشتم: پنجاهای هشت گانه

اشاره

ص: ۳۵۹

الفصل الأول: مِمَّا وَرَدَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

٣٧٨٩. رَوَى جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ: يَا عَلِيُّ يَتَبَغَى أَنْ يَكُونَ فِي الْمُؤْمِنِ ثَمَانُ خِصَالٍ: وَقَارٌ عِنْدَ الْهَزَاهِزِ (١)، وَصَبْرٌ عِنْدَ الْبَلَاءِ، وَشُكْرٌ عِنْدَ الرَّخَاءِ، وَقُنُوعٌ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ، لَا يَظْلِمُ الْأَعْدَاءَ، وَلَا يَتَحَامَلُ لِلْأَصْدِقَاءِ (٢)، بَدَنُهُ مِنْهُ فِي تَعَبٍ، وَالنَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ (٣).

٣٧٩٠. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ثَمَانِيَةٌ أَشْيَاءٌ لَا تَشْبَعُ مِنَ ثَمَانِيَةِ: الْعَيْنُ مِنَ النَّظْرِ، وَالْأَرْضُ مِنَ الْمَطَرِ، وَالْأَنْثَى مِنَ الذَّكَرِ، وَالْعَالِمُ مِنَ الْعِلْمِ، وَالسَّائِلُ مِنَ الْمَسْأَلَةِ، وَالْحَرِيصُ مِنَ الْجَمْعِ، وَالْبَحْرُ مِنَ الْمَاءِ، وَالنَّارُ مِنَ الْحَطَبِ (٤).

٣٧٩١. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ثَمَانِيَةٌ لَا تُقْبَلُ لَهُمْ صَلَاةٌ: الْعَبْدُ الْآبِقُ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى مَوْلَاهُ، وَالنَّاشِزَةُ عَنِ زَوْجِهَا وَهُوَ عَلَيْهَا سَاخِطٌ، وَمَانِعُ الزَّكَاةِ، وَتَارِكُ الصَّلَاةِ، وَالْجَارِيَةُ الْمُدْرِكَةُ تُصَيِّمِي بِنَعِيرِ خِمَارٍ، وَإِمَامٌ قَوْمٍ يُصَيِّمِي بِهِمْ وَهُمْ لَهُ كَارِهُونَ، وَالزَّبِينُ (٥)؛ - قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا الزَّبِينُ؟ قَالَ: الَّذِي يُدَافِعُ الْبَوْلَ وَالْغَائِطَ - وَالسَّكَرَانُ، فَهَؤُلَاءِ ثَمَانِيَةٌ لَا تُقْبَلُ مِنْهُمْ صَلَاةٌ.

أَقُولُ: لَعَلَّ الْمُرَادَ مِنَ الرَّابِعِ مَنْ قَدْ يُصَلِّي وَقَدْ يَتْرُكُ (٦).

ص: ٣٦٠

١- . الهزاهز: هي الفتن، وتحريك البلايا والحروب بين الناس (مجمع البحرين: ٤/٤٢٨).

٢- . ولا يتحامل للأصدقاء: في القاموس: تحامل في الأمر وبه: تكلفه على مشقته، وعليه: كلفه ما لا يطيق. فالكلام يحتمل وجوهاً: الأول: أنه لا يظلم الناس لأجل الأصدقاء. الثاني: أنه لا يتحمل الوزر لأجلهم، كأن يشهدهم بالزور، أو يكتم الشهادة لرعايتهم، أو يسعى لهم في حرام. الثالث: أنه يراد به أنه لا يحمل على نفسه للأصدقاء ما لا يمكنه الخروج عنه (بحار الأنوار: ٦٤/٢٦٩).

٣- . من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٣٥٤، ح ٥٧٦٢.

٤- . الموضوعات، ج ١، ص ٢٣٥.

٥- . الزبِين: في بعض النسخ بالباء الموحدة، وفي بعضها بالنون، وكلاهما صحيحان. قال في النهاية: الزبِين: هو الذي يدافع الأخبثين، وهو بوزن السجين، هكذا رواه بعضهم، والمشهور بالنون كما روى: «لا يصلين أحدكم هو زنين» أي حاقن (بحار الأنوار: ٨١/٣١٩).

٦- . الهدايه للصدوق، ص ١٦٧، ح ٧٢.

فصل اول: احادیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله

۳۷۸۹. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: یا علی، سزاوار است که در مؤمن هشت ویژگی باشد: وقار در گرداب ها و فتنه ها، صبر در بلا، شکر گزاری در رفاه، قناعت به آنچه خدا داده، ظلم نکردن به دشمن، تحمیل نکردن بر دوست، بدن مؤمن در سختی است، و مردم از او در آسایش هستند.

۳۷۹۰. فرمودند: هشت چیز از هشت چیز سیر نمی شود: چشم ازدیدن، زمین از باران، زن از مرد، عالم از علم، سائل از درخواست، حریص از جمع کردن مال، دریا از آب، آتش از هیزم.

۳۷۹۱. فرمودند: نماز هشت نفر پذیرفته نمی شود: بنده ای که از مولای خود فرار کند تا زمانی که برگردد. زنی که از شوهر نافرمانی کرده و شوهر از او خشمگین باشد. مانع زکات، ترک کننده نماز، دختر بالغ اگر بدون حجاب نماز بخواند. امام جماعتی که مردم از او راضی نباشند. و زین. پرسیدند: یا رسول الله زین کیست؟ حضرت فرمودند: کسی که ادرار و مدفوع خود را تخلیه نکرده به نماز بایستد و مست.

توضیح: شاید مراد از تارک نماز کسی باشد که گاهی نماز بخواند و گاهی ترک کند.

٣٧٩٢. رُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: ثَمَانُ خِصَالٍ مَنْ عَمِلَ بِهَا مِنْ أُمَّتِي حَشَرَهُ اللَّهُ مَعَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشَّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، فَقِيلَ: وَمَا هِيَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟

قال: مَنْ زَوَّدَ حَاجِيًّا، وَزَوَّجَ عَزْبًا، وَأَغَاثَ مَلْهُوفًا، وَرَبَّى يَتِيمًا، وَهَدَى ضَالِّمًا، وَأَطْعَمَ جَائِعًا، وَأَرَوَى عَطْشَانًا، وَصَامَ فِي يَوْمِ حَرٍّ شَدِيدٍ. (١)

٣٧٩٣. وَعَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا أَلْهَمَهُ ثَمَانِي خِصَالٍ، قِيلَ: وَمَا هِيَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟

قال: غَضُّ البَصِيرِ عَنِ مَحَارِمِ النَّاسِ، وَالْخَوْفُ مِنَ اللَّهِ عِزًّا وَجَلًّا، وَالْحَيَاءُ، وَالتَّخَلُّقُ بِأَخْلَاقِ الصِّدِّيقِينَ، وَالصَّبْرُ، وَأَدَاءُ الْأَمَانَةِ، وَالصَّدْقُ، وَالسَّخَاءُ. (٢)

٣٧٩٤. وَرَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَمَّا اسْرَى بِي إِلَى السَّمَاءِ أَمَرَ بِعَرْضِ الْجَنَّةِ وَالتَّارِ عَلَيَّ فَرَأَيْتُهُمَا جَمِيعًا، وَرَأَيْتُ الْجَنَّةَ وَالْوَانَ نَعِيمَهَا، وَرَأَيْتُ التَّارَ وَالْوَانَ عَذَابِهَا، فَلَمَّا رَجَعْتُ قَالَ لِي جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَرَأْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا كَانَ مَكْتُوبًا عَلَى أَبْوَابِ الْجَنَّةِ وَمَا كَانَ مَكْتُوبًا عَلَى أَبْوَابِ التَّارِ؟ فَقُلْتُ: لَا يَا جَبْرَائِيلُ، فَقَالَ: إِنَّ لِلْجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ، عَلَى كُلِّ بَابٍ مِنْهَا أَرْبَعُ كَلِمَاتٍ؛ كُلُّ كَلِمَةٍ مِنْهَا خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا لِمَنْ تَعَلَّمَهَا وَعَرَفَهَا، فَقُلْتُ: يَا جَبْرَائِيلُ، ارْجِعْ مَعِيَ لِأَقْرَأَهَا، فَرَجَعَ مَعِيَ جَبْرَائِيلُ، فَبَدَأَ بِأَبْوَابِ الْجَنَّةِ:

فَإِذَا عَلِيَ الْبَابِ الْأَوَّلِ مَكْتُوبٌ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلِيُّ وَلِيُّ اللَّهِ. لِكُلِّ شَيْءٍ حَلِيَّةٌ وَحَلِيَّةُ طَيْبِ الْعَيْشِ فِي الدُّنْيَا أَرْبَعُ خِصَالٍ: الْقَنَاعَةُ، وَنَبْذُ الْحِقْدِ، وَتَرْكُ الْحَسَدِ، وَمُجَالَسَةُ أَهْلِ الْخَيْرِ.

وَعَلَى الْبَابِ الثَّانِي مَكْتُوبٌ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلِيُّ وَلِيُّ اللَّهِ. لِكُلِّ شَيْءٍ حَلِيَّةٌ، وَحَلِيَّةُ الشُّرُورِ فِي الْآخِرَةِ أَرْبَعُ خِصَالٍ: مَسْحُ رَأْسِ الْيَتِيمِ، وَالتَّعَطُّفُ عَلَى الْأَرَامِلِ، وَالسَّعْيُ فِي قِضَاءِ حَوَائِجِ الْمُسْلِمِينَ، وَتَفْقُّدُ الْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ.

وَعَلَى الْبَابِ الثَّلَاثِ مَكْتُوبٌ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلِيُّ وَلِيُّ اللَّهِ. لِكُلِّ شَيْءٍ حَلِيَّةٌ، وَحَلِيَّةُ الصَّحَّةِ فِي الدُّنْيَا أَرْبَعُ خِصَالٍ: قَلَّةُ الطَّعَامِ، وَقَلَّةُ الْكَلَامِ، وَقَلَّةُ الْمَنَامِ، وَقَلَّةُ الشَّهْوَةِ.

ص: ٣٤٢

١- . معدن الجواهر، ص ٦٢.

٢- . معدن الجواهر، ص ٦٣.

۳۷۹۲. فرمودند: هشت خصلت است که هر کس از امت من به آن عمل کند خدا او را با پیامبران و صدیقین و شهدا و صالحان محشور می کند. پرسیدند: یا رسول الله چه خصلتهایی؟

فرمودند: کسی را به حج فرستادن. برای جوانی ازدواج برپا کردن. فریادرسی مظلوم.

سرپرستی یتیم. هدایت کردن گمراه. غذا دادن به گرسنه. آب دادن به تشنه. روزه گرفتن در روز گرم.

۳۷۹۳. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: اگر خدا کسی را دوست داشته باشد به او هشت صفت الهام می کند:

پرسیدند: یا رسول الله آن صفات کدامند؟ حضرت فرمودند: چشم پوشی از نامحرم. ترس از خدا. حیا. اخلاق صالحان. صبر. امانت داری. صداقت. سخاوت.

۳۷۹۴. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: زمانی که مرا به معراج بردند بهشت و جهنم را به من نشان دادند. و همه را دیدم. بهشت و نعمت های رنگارنگ آن و جهنم و عذابهای گوناگون آن را دیدم. وقتی بازگشتم جبرئیل گفت: یا رسول الله آیا دیدی بر درهای بهشت و جهنم چه نوشته بود؟ گفتم: نه، ای جبرئیل.

جبرئیل گفت: بهشت هشت در دارد و بر هر دری چهار جمله نوشته اند که هر جمله از تمام دنیا و نعمتهای آن بهتر است برای کسی که یاد بگیرد و بشناسد.

گفتم: ای جبرئیل باز گردیم تا من آنها را بخوانم. جبرئیل با من بازگشت. و از درهای بهشت آغاز کردیم. بر در اول بهشت نوشته شده بود: لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله، هر چیزی زینتی دارد و زینت زندگی خوب در دنیا چهار خصلت است: قناعت و ترک کینه و ترک حسادت و همنشینی با نیکان.

بر در دوم نوشته بود: لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله، هر چیزی زینت دارد و زینت شادی در آخرت چهار چیز است: دست نوازش بر سر یتیم کشیدن و ملاحظت با افراد بی کس و تلاش برای انجام کارهای مسلمانان و رسیدگی به فقرا و مساکین.

بر در سوم نوشته بود: لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله، هر چیزی زینت دارد و زینت سلامتی در دنیا چهار خصلت است، کم خوری، کم گویی، کم خوابی، کم شهوت بودن.

وَعَلَى الْبَابِ الرَّابِعِ مَكْتُوبٌ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلِيُّ وَلِيُّ اللَّهِ. مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيَبْرِرْ وَالدَّيَّةَ، مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيَقُلْ خَيْرًا أَوْ يَسْكُتْ.

وَعَلَى الْبَابِ الْخَامِسِ مَكْتُوبٌ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلِيُّ وَلِيُّ اللَّهِ. مَنْ أَرَادَ أَنْ لَا يُذَلَّ فَلَا يُذَلَّ، وَمَنْ أَرَادَ أَنْ لَا يُشْتَمَ فَلَا يُشْتَمَ، وَمَنْ أَرَادَ أَنْ لَا يُظَلَّمَ فَلَا يُظَلَّمَ، وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَسْتَمْسِكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى فَلْيَسْتَمْسِكْ بِقَوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ.

وَعَلَى الْبَابِ السَّادِسِ مَكْتُوبٌ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلِيُّ وَلِيُّ اللَّهِ. مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ قَبْرُهُ وَسِيعًا فَسَيَحًا فَلْيَأْتِ الْمَسَاجِدَ. مَنْ أَحَبَّ أَنْ لَا تَأْكُلَهُ الدِّيدَانُ تَحْتَ الْأَرْضِ فَلْيَكُنْ مِنَ الْمَسَاجِدِ.

مَنْ أَحَبَّ أَنْ لَا يُظَلَّمَ لِحَدِّهِ فَلْيَتَوَرَّ الْمَسَاجِدَ. مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَبْقَى طَرِيًّا تَحْتَ الْأَرْضِ فَلْيَشْتَرِ بُسْطَ الْمَسَاجِدِ.

وَعَلَى الْبَابِ السَّابِعِ مِنْهَا مَكْتُوبٌ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلِيُّ وَلِيُّ اللَّهِ. بِيَاضِ الْقَلْبِ فِي أَرْبَعِ خِصَالٍ: فِي عِيَادَةِ الْمَرِيضِ، وَاتِّبَاعِ الْجَنَازَةِ، وَشِرَاءِ أَكْفَانِ الْمَوْتَى، وَأَدَاءِ الْقَرْضِ.

وَعَلَى الْبَابِ الثَّامِنِ مِنْهَا مَكْتُوبٌ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلِيُّ وَلِيُّ اللَّهِ. مَنْ أَرَادَ الدُّخُولَ مِنْ هَذِهِ الْأَبْوَابِ الثَّمَانِيَةِ فَلْيَسْتَمْسِكْ بِأَرْبَعِ خِصَالٍ: بِالصَّدَقَةِ، وَالسَّخَاءِ، وَحُسْنِ الْخُلُقِ، وَكَفِّ الْأَذَى عَنِ عِبَادِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

ثُمَّ جِئْنَا إِلَى النَّارِ فَإِذَا عَلَى الْبَابِ الْأَوَّلِ مِنْهَا مَكْتُوبٌ ثَلَاثُ كَلِمَاتٍ: لَعْنُ اللَّهِ الْكَاذِبِينَ، لَعْنُ اللَّهِ الْبَاخِلِينَ، لَعْنُ اللَّهِ الظَّالِمِينَ.

وَعَلَى الْبَابِ الثَّانِي مِنْهَا مَكْتُوبٌ: مَنْ رَجَا اللَّهَ سَعِدَ، وَمَنْ خَافَ اللَّهَ أَمِنَ، وَالْهَالِكُ الْمَغْرُورُ مَنْ رَجَا سِوَى اللَّهِ وَخَافَ غَيْرَهُ.

وَعَلَى الْبَابِ الثَّلَاثِ مِنْهَا مَكْتُوبٌ: مَنْ أَرَادَ أَنْ لَا يَكُونَ فِي الْقِيَامَةِ عُرْيَانًا فَلْيَكْسُ الْجُلُودَ الْعَارِيَةَ (١)، وَمَنْ أَرَادَ أَنْ لَا يَكُونَ عَطْشَانًا فِي يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلْيَسِقِ الْعَطْشَانَ فِي الدُّنْيَا، وَمَنْ أَرَادَ أَنْ لَا يَكُونَ جَائِعًا فِي الْقِيَامَةِ فَلْيُطْعِمِ الْجَائِعَ فِي الدُّنْيَا.

ص: ٣٦٤

بر در چهارم نوشته بود: لا اله الا الله محمد رسول الله على ولي الله، هر کس به خدا و قیامت ایمان دارد به پدر و مادر نیکی کند و کسی که به خدا و قیامت ایمان دارد سخن نیکو بگوید یا ساکت بماند.

بر در پنجم نوشته بود: لا اله الا الله محمد رسول الله على ولي الله، کسی که می خواهد ذلیل نشود کسی را ذلیل نکند. و کسی که می خواهد دشنام داده نشود دشنام ندهد. کسی که می خواهد به او ظلم نشود، ظلم نکند. و کسی که می خواهد به ریسمان محکم چنگ بزند، لا اله الا الله و محمد رسول الله را بگوید.

بر در ششم نوشته بود: لا اله الا الله محمد رسول الله على ولي الله، کسی که می خواهد قبر او وسیع و راحت باشد به مساجد برود و کسی که می خواهد کرمها بدن او را در قبر نخورند مسجد را نظافت کند. و کسی که می خواهد قبر او تاریک نباشد مسجد را روشن کند. و کسی که می خواهد در قبر بدنش سالم بماند فرش های مسجد را بخرد.

بر در هفتم نوشته بود: لا اله الا الله محمد رسول الله على ولي الله، سفیدی قلب در چهار خصلت است: عیادت مریض و تشییع جنازه و خریدن کفن برای مرده و دادن بدهی.

بر در هشتم نوشته بود: لا اله الا الله محمد رسول الله على ولي الله، کسی که می خواهد از این هشت در بهشت وارد شود چهار خصلت داشته باشد: صدقه، سخاوت، اخلاق خوش، اذیت نکردن مردم.

سپس به طرف جهنم رفتیم بر در اول آن سه جمله نوشته بود: لعنت خدا بر دروغگو، لعنت خدا بر بخیل، لعنت خدا بر ظالم.

بر در دوم نوشته بود: کسی که به خدا امیدوار بود سعادت مند شد و کسی که از خدا ترسید ایمن شد و کسی که به غیر خدا امید بست و از غیر خدا ترسید فریب خورد و هلاک شد.

بر در سوم نوشته بود: کسی که می خواهد در قیامت عریان نباشد در دنیا به بی لباس، لباس بپوشاند. و کسی که می خواهد در قیامت تشنه نباشد در دنیا به تشنه ای آب بدهد. و کسی که می خواهد در قیامت گرسنه نباشد در دنیا به گرسنه ای غذا بدهد.

وَعَلَى الْبَابِ الرَّابِعِ مِنْهَا مَكْتُوبٌ: أَذَلَّ اللَّهُ مَنْ أَهَانَ الْإِسْلَامَ، أَذَلَّ اللَّهُ مَنْ أَهَانَ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّ اللَّهِ، أَذَلَّ اللَّهُ مَنْ أَهَانَ الظَّالِمِينَ عَلَى ظُلْمِ الْمَخْلُوقِينَ.

وَعَلَى الْبَابِ الْخَامِسِ مِنْهَا مَكْتُوبٌ: لَا تَتَّبِعِ الْهَوَى؛ فَإِنَّ الْهَوَى يُجَانِبُ الْإِيمَانَ، وَلَا تُكْثِرْ مَنْطِقَكَ فِيمَا لَا يَعْنِيكَ فَتَسْقُطَ مِنْ عَيْنِ رَبِّكَ، وَلَا تَكُنْ عَوْنًا لِلظَّالِمِينَ؛ فَإِنَّ الْجَنَّةَ لَمْ تُخْلَقْ لِلظَّالِمِينَ.

وَعَلَى الْبَابِ السَّادِسِ مِنْهَا مَكْتُوبٌ: أَنَا حَرَامٌ عَلَى الْمُجْتَهِدِينَ (١)، أَنَا حَرَامٌ عَلَى الْمُتَصَدِّقِينَ، أَنَا حَرَامٌ عَلَى الصَّائِمِينَ.

وَعَلَى الْبَابِ السَّابِعِ مِنْهَا مَكْتُوبٌ: حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسِبُوا، وَوَبِّخُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُوبَّخُوا، وَادْعُوا اللَّهَ قَبْلَ أَنْ تَرُدُّوا عَلَيْهِ فَلَا تَقْدِرُوا عَلَى ذَلِكَ. (٢)

٣٧٩٥. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَعْبَدُ النَّاسَ مِنْ أَقَامِ الْفَرَائِضِ، وَأَزْهَدُ النَّاسَ مَنْ اجْتَنَبَ الْحَرَامَ، وَأَتْقَى النَّاسَ مَنْ قَالَ الْحَقَّ فِي مَا لَهُ وَعَلَيْهِ، وَأَوْرَعُ النَّاسِ مَنْ تَرَكَ الْمِرَاءَ (٣) وَإِنْ كَانَ مُحِقًّا، وَأَشَدُّ النَّاسِ اجْتِهَادًا مَنْ تَرَكَ الذُّنُوبَ، وَأَكْرَمُ النَّاسِ اتَّقَاهُمْ، وَأَعْظَمُ النَّاسِ قَدْرًا مَنْ تَرَكَ مَا لَا يَعْنِيهِ، وَأَسْعَدُ النَّاسِ مَنْ خَالَطَ كِرَامَ النَّاسِ. (٤)

٣٧٩٦. وَقَالَ أَيْضًا: مَنْ جَلَسَ مَعَ ثَمَانِيَةِ أَصْنَافٍ مِنَ النَّاسِ زَادَهُ اللَّهُ تَعَالَى ثَمَانِيَةَ أَشْيَاءَ:

مَنْ جَلَسَ مَعَ الْأَغْنِيَاءِ زَادَهُ اللَّهُ تَعَالَى حَبَّ الدُّنْيَا وَالرَّغْبَةَ فِيهَا.

وَمَعَ الْفُقَرَاءِ حَصَلَ لَهُ الشُّكْرُ وَالرِّضَى بِقَسَمِ اللَّهِ تَعَالَى.

وَمَعَ السُّلْطَانَ زَادَهُ اللَّهُ تَعَالَى الْقَسْوَةَ وَالْكَبْرَ.

وَمَعَ النِّسَاءِ زَادَهُ اللَّهُ تَعَالَى الْجَهْلَ وَالشَّهْوَةَ.

وَمَعَ الصُّبْيَانِ زَادَتْ مِنَ الْجُرْأَةِ عَلَى الذُّنُوبِ وَتَسْوِيفِ التَّوْبَةِ.

ص: ٣٦٦

١- . أى الذين يجتهدون فى إتيان ما يرضى الربَّ سبحانه وترك ما يسخطه.

٢- . مدنيه المعاجز، ج ٢، ص ٣٥٨، ح ٦٠٥.

٣- . المراء: الجدل مع الشكِّ والريبه، أو النزاع بعد إبانه الحقِّ، أو الجدل مطلقاً.

٤- . روضه الواعظين، ص ٤٣٢.

بر در چهارم نوشته بود: خدا کسی را که به اسلام توهین کند ذلیل نماید. خدا ذلیل می کند کسی را که به اهل بیت پیامبر علیهم السلام توهین کند. خدا ذلیل می کند کسی را که به ظالمین کمک کند.

بر در پنجم نوشته بود: هوسرانی نکنید که مخالف ایمان است. سخن بیهوده نگویند که از چشم پروردگار می افتید. به ستمگران کمک نکنید که بهشت برای ستمگران آفریده نشده است.

بر در ششم نوشته بود: من بر کسانی که در راه خدا تلاش می کنند حرام هستم. من بر کسانی که روزه بگیرند حرام هستم.

بر در هفتم نوشته بود: قبل از اینکه به حساب شما رسیدگی شود به حساب خود رسیدگی کنید. و خودتان را توبیخ کنید قبل از اینکه شما را توبیخ کنند. خدا را بخوانید قبل از اینکه قدرت دعا را از دست بدهید و شما را به سوی خدا برگردانند.

۳۷۹۵. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: عابدترین مردم کسی است که واجبات را بجا آورد. زاهدترین مردم کسی است که از حرام دوری کند. با تقواترین مردم کسی است که حق را بگوید به نفع یا ضرر خود. و پرهیزکارترین مردم کسی است که جدال نکند گرچه بر حق باشد. و پر تلاش ترین مردم کسی است که گناهان را ترک کند. و گرامی ترین مردم پرهیزکارترین آنان است. ارزشمندترین مردم کسی است که کارهای بیهوده را ترک کند. و سعادت‌مندترین مردم کسی است که با مردم بزرگوار معاشرت کند.

۳۷۹۶. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که با هشت گروه از مردم بنشیند خدای متعال هشت خصلت او را زیاد می کند:

کسی که با ثروتمندان بنشیند خداوند علاقه و میل به دنیا را در او زیاد می کند.

کسی که با فقیران بنشیند خداوند شکرگزاری و خشنودی از خدا را در او زیاد می کند.

کسی که با فرمانروایان بنشیند خداوند سنگدلی و تکبر را در او زیاد می کند.

کسی که با زنان بنشیند خداوند نادانی و شهوت را در او زیاد می کند.

کسی که با کودکان بنشیند خداوند جرأت بر گناه و تأخیر توبه را در او زیاد می کند.

وَمَعَ الصَّالِحِينَ ازْدَادَ رَغْبَةً فِي الطَّاعَاتِ.

وَمَعَ الْعُلَمَاءِ ازْدَادَ مِنَ الْعِلْمِ.

وَمَعَ الزُّهَادِ ازْدَادَ رَغْبَةً فِي الْآخِرَةِ.

وإِيَّاكَ وَمُصَاحِبَهُ مَنْ طَبَعُهُ يَمِيلُ إِلَى خِلَافِ مَا تُرِيدُ وَرُبَّمَا خَالَفَ جَمِيعَ أَقْوَالِكَ، وَلَقَدْ أَحْسَنَ الْقَائِلُ حَيْثُ قَالَ:

وَإِذَا صَاحَبْتَ فَاصْحَبْ مَا جَدَّ ذَا حَيَاءٍ وَوَفَاءٍ وَكَرَمٍ

وَقَوْلُهُ لِلشَّيْءِ: لَا إِنْ قُلْتَ: لَا وَإِذَا قُلْتَ: نَعَمْ قَالَ: نَعَمْ (١)

ص: ٣٦٨

١- . منه المريد، ص ١٢٣. وردت الإشارة إلى هذا الحديث ولم يأت كاملاً.

کسی که با صالحان بنشیند خداوند تمایل به طاعتها را در او زیاد می کند.

کسی که با علما بنشیند خداوند علم را در او زیاد می کند.

کسی که با مردم زاهد بنشیند خداوند تمایل به آخرت را در او زیاد می کند.

از همنشینی با کسی که طبع او مخالفت با توست پرهیز و چه بسا با همه سخنان تو مخالفت کند. و چه زیبا گفته اند:

اگر دوستی می کنی با انسان بزرگوار دوستی کن که حیاء و وفاء و کرم داشته باشد

و اگر در موردی گفتی: نه او هم بگوید: نه و اگر گفتی: بله او هم بگوید: بله

ص: ۳۶۹

الفصل الثانی: مِمَّا وَرَدَ عَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ

٣٧٩٧. قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ لِلْجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ: بَابٌ يَدْخُلُ مِنْهُ النَّبِيُّونَ وَالصَّادِقُونَ، وَبَابٌ يَدْخُلُ مِنْهُ الشُّهَدَاءُ وَالصَّيِّحُونَ، وَخَمْسَةُ أَبْوَابٍ تَدْخُلُ مِنْهُ شِيعَتُنَا وَمُحِبُّونَا، فَلَا أَزَالَ وَقِفًا عَلَى الصَّرَاطِ أَدْعُو وَأَقُولُ:

«رَبِّ سَيِّمِ شِيعَتِي وَمُحِبِّي وَأَنْصَارِي وَمَنْ تَوَلَّانِي فِي دَارِ الدُّنْيَا»، فَإِذَا النِّدَاءُ مِنْ بُطْنَانِ الْعَرْشِ: «قَدْ أُجِبْتُ (١) دَعْوَتَكَ وَشُفِّعْتَ (٢) فِي شِيعَتِكَ». وَيَشْفَعُ كُلُّ رَجُلٍ مِنْ شِيعَتِي وَمَنْ تَوَلَّانِي وَنَصِيْرَنِي وَحَارَبَ مِنْ حَارَبَتِي بِفِعْلٍ أَوْ قَوْلٍ فِي سَبْعِينَ أَلْفًا مِنْ جِيرَانِهِ وَأَقْرَبَائِهِ .

وَبَابٌ يَدْخُلُ مِنْهُ سَائِرُ الْمُسْلِمِينَ مِمَّنْ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يَكُنْ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ مِنْ بُغْضِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ. (٣)

٣٧٩٨. وَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا خَيْرَ فِي صِيْلَةٍ لَا خُشُوعَ فِيهَا، وَلَا خَيْرَ فِي صَوْمٍ لَا امْتِنَاعَ فِيهِ مِنَ الْغَوْرِ، وَلَا خَيْرَ فِي قِرَاءَةٍ لَا تَدَبُّرَ فِيهَا، وَلَا خَيْرَ فِي عِلْمٍ لَا وَرَعَ فِيهِ، وَلَا خَيْرَ فِي مَالٍ لَا سِيْخَاءَ فِيهِ، وَلَا خَيْرَ فِي خَلْوَةٍ لَا حِفْظَ فِيهَا، وَلَا خَيْرَ فِي نِعْمَةٍ لَا بَقَاءَ فِيهَا، وَلَا خَيْرَ فِي دُعَاءٍ لَا إِخْلَاصَ فِيهِ وَلَا إِجْلَالَ (٤).

٣٧٩٩. وَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ثَمَانِيَةٌ إِنْ اهْبَنُوا فَلَا يَلُومُوا إِلَّا أَنْفُسَهُمْ: الْجَالِسُ عَلَى مَائِدَةٍ لَمْ يُدْعَ إِلَيْهَا، وَالْمُتَأَمِّرُ عَلَى رَبِّ الدَّارِ، وَطَالِبُ الْخَيْرِ مِنْ أَعْدَائِهِ، وَطَالِبُ الْفَضْلِ مِنَ اللَّثَامِ، وَالِدَاخِلُ بَيْنَ اثْنَيْنِ فِي حَدِيثٍ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُدْخِلَهُ فِيهِ، وَالْمُسْتَخْفُ بِالْإِسْلَامِ، وَالْجَالِسُ فِي مَجْلِسٍ لَيْسَ لَهُ بِأَهْلٍ، وَالْمُقْبِلُ بِحَدِيثِهِ عَلَى مَنْ لَا يَسْمَعُهُ. (٥)

ص: ٣٧٠

١- . في الخصال والبحار: اجيبت.

٢- . أى قبلت شفاعتك.

٣- . الخصال، ص ٤٠٨، ح ٦.

٤- . الإجلال: التعظيم بالحمد والثناء وذكر عظمه الله تعالى.

٥- . الخصال، ص ٤١٠، ح ١٢.

۳۷۹۷. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: بهشت هشت در دارد: دری که پیامبران و صدیقان وارد می شوند.

دری که شهدا و صالحان وارد می شوند. پنج در برای ورود شیعیان و دوستان ما. من در صراط ایستاده ام و دعا می کنم و می گویم: پروردگارا شیعه و دوستدار و یاور من و کسی که در دنیا ولایت مرا پذیرفته به سلامت دار.

و از عرش جواب می آید که دعا و شفاعت تو را در حق شیعه تو پذیرفتم.

و هر شیعه و هر کسی که ولایت مرا پذیرفته و مرا یاری کرده و با دشمنان من با عمل و زبان جنگیده است، هفتاد هزار نفر از همسایگان و بستگان خود را شفاعت می کند.

و یک در هم برای ورود بقیه مسلمانانی که شهادت لا اله الا الله داده اند و در قلب آنان ذره ای از بغض ما اهل بیت نیست قرار داده شده است.

۳۷۹۸. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: نمازی که با خشوع نباشد خیری ندارد. و روزه ای که با پرهیز از کار بیهوده نباشد خیری ندارد. و قرائت که با تدبّر نباشد خیر ندارد. و علمی که با پرهیزکاری نباشد خیری ندارد. و مالی که با سخاوت نباشد خیری ندارد. و خلوتی که با مواظبت بر ترک گناه نباشد خیری ندارد. نعمتی که پایدار نباشد خیر ندارد. و دعایی که با اخلاص و تعظیم پروردگار نباشد خیری ندارد.

۳۷۹۹. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: هشت گروه اگر اهانت دیدند جز خود کسی را ملامت نکنند: کسی که بی دعوت بر سفره ای حاضر شود. و کسی که بر صاحب خانه دستور بدهد. و کسی که از دشمن خیر بخواهد. و کسی که از فرومایگان چیزی بخواهد. و کسی که بدون اجازه وارد سخنان محرمانه دیگران شود. و کسی که به فرمانروا توهین کند. و کسی که در مجلسی که اهل آن نیست بنشیند. و آن که برای کسی سخن بگوید که گوش فرا نمی دهد.

٣٨٠٠. وَرَوَى أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ دَخَلَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذَاتَ يَوْمٍ فَقَالَ: كَيْفَ أَصْبَحْتَ يَا أَبَا الْحَسَنِ؟ فَقَالَ:

يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَصْبَحْتُ مُطَالِبًا بِثَمَانٍ خِصَالٍ: اللَّهُ يُطَالِبُنِي بِالْفَرَضِ، وَأَنْتَ بِالسُّنَّةِ، وَالْمَلَكَانِ بِصِدْقِ اللِّسَانِ، وَمَلَكُ الْمَوْتِ بِالزَّوْحِ، وَالْعِيَالُ بِالْقُوَّةِ، وَالشَّيْطَانُ بِالْمَعْصِيَةِ، وَالنَّفْسُ بِالشَّهْوَةِ، وَالدُّنْيَا بِالرَّغْبَةِ (١).

٣٨٠١. وَرَوَى الْأَصْبَغُ بْنُ نُبَاتَةَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ يَقُولُ: مَنْ اخْتَلَفَ إِلَى الْمَسَاجِدِ أَصَابَ إِحْدَى الثَّمَانِ: أَخَا مُسْتَفَادًا فِي اللَّهِ، أَوْ عِلْمًا مُسْتَطَرَفًا (٢)، أَوْ آيَةً مُحْكَمَةً، أَوْ رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً، أَوْ كَلِمَةً تَرُدُّهُ عَنِ الرَّدَى (٣)، أَوْ يَسْمَعُ كَلِمَةً تَدُلُّهُ عَلَى هُدًى، أَوْ يَتْرُكُ ذَنْبًا خَشِيئَةً أَوْ حَيَاءً (٤).

٣٨٠٢. (قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي ذِكْرِ جَهَنَّمَ: نَارٌ شَدِيدٌ كَلْبُهَا (٥)، عَالٍ لَجْبُهَا (٦)، سَاطِعٌ لَهَبُهَا، مُتَأَجِّجٌ (٧) سَعِيرُهَا، مُتَغَيِّظٌ زَفِيرُهَا، بَعِيدٌ خُمُودُهَا، ذَاكٍ (٨) وَقُودُهَا، مُتَخَوِّفٌ وَعِيدُهَا (٩).

٣٨٠٣. مَغْرَسُ الْكَلَامِ الْقَلْبُ، وَمُسْتَوَدَعُهُ الْفِكْرُ، وَمَقْوِيهِ الْعَقْلُ، وَمُبْدِيهِ اللِّسَانُ، وَجِسْمُهُ الْحُرُوفُ، وَرُوحُهُ الْمَعْنَى، وَحِلْيَتُهُ الْإِعْرَابُ، وَنِظَامُهُ الصَّوَابُ (١٠).

٣٨٠٤. عَنْ أَبِي يَحْيَى الْوَاسِطِيِّ: قِيلَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَتَرَى هَذَا الْخَلْقَ، كُلَّهُمْ مِنَ النَّاسِ؟ فَقَالَ: أَلْقِ مِنْهُمْ التَّيَارِكَ لِلسَّوَاكِ، وَالْمُتَرَّعَ فِي مَوْضِعِ الضُّبِقِ، وَالذَّاخِلَ فِيمَا لَا يَبْنِيهِ، وَالْمُمَارِيَ فِيمَا لَا عِلْمَ لَهُ، وَالْمُسْتَمْرِضَ مِنْ غَيْرِ عِلْمِهِ، وَالْمُتَشَعِّثَ (١١) مِنْ غَيْرِ مُصِيئَةٍ، وَالْمُخَالِفَ عَلَى أَصْحَابِهِ فِي الْحَقِّ وَقَدْ اتَّفَقُوا عَلَيْهِ، وَالْمُفْتَخِرَ الَّذِي يَفْتَخِرُ بِآبَائِهِ وَهُوَ خَلَعَ مِنْ صَالِحِ أَعْمَالِهِمْ؛ فَهَوَّ بِمَنْزِلِهِ الْخَلْنَجَ (١٢) يُقَشِّرُ لَحْيَ (١٣) عَنْ لَحْيٍ حَتَّى يُوَصِّلَ إِلَى جَوْهَرِيَّتِهِ، وَهُوَ كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَمِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا» (١٤).

ص: ٣٧٢

- ١- . الأما لي للطوسي، ص ٤٤٠، ح ٨/١٣٢٢ عن الإمام زين العابدين عليه السلام
- ٢- . علماً مستطرفاً: أي علماً يُعَدُّ حَسِيناً طريفاً بديعاً، أو علماً لم يكن عنده، فيكون عنده طريفاً، قال في القاموس: المُسْتَطَرَفُ: الحديث من المال. وامرأة طَرَفُ الحديث: حسنته يستطرفه من يسمعه (بحار الأنوار: ٣٥٢/٨٠).
- ٣- . الرَّدَى: الهلاك (النهاية: ٢١٦/٢).
- ٤- . الخصال، ص ٤٠٩، ح ١٠.
- ٥- . دَفَعْتُ عَنْكَ كَلْبَ فُلَانٍ: أي أذاه وشره (لسان العرب: كلب).
- ٦- . اللَّجْبُ: الصَّوْتُ وَالصِّيَاخُ (لسان العرب: لجب).
- ٧- . مُتَأَجِّجٌ: مُلْتَهَبٌ (أقرب الموارد: أجاج).
- ٨- . ذَكَتِ النَّارُ: إِشْتَدَّ لَهَبُهَا (أقرب الموارد: ذكو).
- ٩- . عيون الحكم والمواعظ، ص ٤٩٩.

- ١٠- . تصنيف غررالحكم، ص ٢١١، ح ٤٠٨٠.
- ١١- . الشَّعْثُ: المغبُّرُ الرأس، المنتفِ الشعر، الحافُّ الذي لم يدهن (لسان العرب: ١٦٠/٢) وهنا كناية عن عدم الزينه.
- ١٢- . الخَلْنَجُ: شجر فارسي معرَّبٌ تُتَّخَذُ من خشبه الأواني (لسان العرب: ٢٦١/٢).
- ١٣- . اللَّحْيُ: قشر العود أو الشجر؛ أى ينحت قشرٌ بعد قشرٍ.
- ١٤- . الخصال، ص ٤٠٩، ح ٩.

۳۸۰۰. رسول الله صلی الله علیه و آله روزی از امیرالمؤمنین علیه السلام پرسیدند: در چه حالی؟ فرمود: در حالی که هشت طلبکار دارم: خداوند واجبات را از من می خواهد. شما سنت را می خواهید. دو فرشته ای که اعمال را ثبت می کنند راستگویی می خواهند. فرشته مرگ روح مرا می خواهد. خانواده امکانات می خواهد. و شیطان گناه می خواهد. و نفس شهوت می خواهد. و دنیا تمایل می خواهد.

۳۸۰۱. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: کسی که به مسجد رفت و آمد کند یکی از این هشت خصلت را بدست می آورد: برادری که در راه خدا با او دوستی کند. یا علم جدید. یا آیه محکم. یا رحمتی که در انتظارش بود. یا جمله ای که او را از هلاکت نجات دهد. یا شنیدن سخنی که او را هدایت کند. یا گناهی را از ترس خدا ترک کند. یا حیاء.

۳۸۰۲. امیرالمؤمنین علیه السلام درباره جهنم فرمودند: آتشی است که اذیت آن شدید، و صدای غرش آن بلند، و شعله آن سرکش، و زبانه آن ملتهب، و نالیدن آن خشمگین، و فروکش کردن آن بعید است. و هیزم آن سخت، و وعید آن وحشتناک است.

۳۸۰۳. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: سخن در قلب می نشیند. و در فکر پرورش می یابد. و در عقل تقویت می شود. و در زبان ظاهر می گردد.

جسم سخن از حروف، و روح آن معنا، و زینت آن حرکات، و نظام آن صواب است.

۳۸۰۴. ابویحیی واسطی گوید: به امام صادق علیه السلام گفتند: آیا شما همه مردم را انسان می دانید؟ فرمودند: گروه زیر را از آنان جدا کن: بعضی که مسواک نمی زنند. و در جای تنگ چهار زانو می نشینند. در کارهایی که مهم نیست وارد می شود. به جایی که نمی خواهند می روند.

و در آنچه نمی دانند اظهار نظر می کنند. و بدون بیماری تظاهر به بیماری می کنند. بدون مصیبت جزع و ناله می کنند. و با حق دوستان خود مخالفت می کنند، در حالی که قبلاً آن حق را قبول کرده اند. و کسی که به پدران خود افتخار می کند، در حالی که از اعمال صالح آنان جدا شده است. مثل خدنک [خار شتر] است که تا مغز خود پوسته پوسته می شود.

این افراد همانطور که خداوند می فرماید «مثل چهار پایان بلکه گمراهند».

٣٨٠٥. وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: قُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ! مَا لَنَا نَشْهَدُ عَلَى مَنْ خَالَفَنَا بِالْكَفْرِ وَالنَّارِ، وَلَا نَشْهَدُ لِأَنْفُسِنَا وَلِأَصْحَابِنَا أَنَّهُمْ فِي الْجَنَّةِ؟ قَالَ: مَنْ ضَعَفِكُمْ، إِنْ لَمْ يَكُنْ فِيكُمْ شَيْءٌ مِنَ الْكِبَائِرِ فَاشْهَدُوا أَنَّكُمْ فِي الْجَنَّةِ. فَقُلْتُ: وَأَيُّ شَيْءٍ الْكِبَائِرُ جُعِلَتْ فِدَاكَ؟

قَالَ: الْكِبَائِرُ: الشَّرْكُ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَعُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ، وَالتَّعَرُّبُ بَعْدَ الْهِجْرَةِ، وَقَذْفُ (١) الْمُحْصَنَةِ، وَالْفِرَاؤُ مِنَ الزَّحْفِ (٢)، وَأَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ ظُلْمًا، وَالزُّبَا بَعْدَ الْبَيْتَةِ، وَقَتْلُ الْمُؤْمِنِ.

فَقُلْتُ لَهُ: وَالزُّنَا وَالسَّرِقَةُ؟ فَقَالَ: لَيْسَ مِنْ ذَلِكَ.

قَالَ ابْنُ بَابُوَيْهِ رَحِمَهُ اللَّهُ: الْأَخْبَارُ فِي الْكِبَائِرِ لَيْسَتْ بِمُخْتَلَفَةٍ وَإِنْ كَانَ بَعْضُهَا وَرَدَ بِأَنَّهَا خَمْسٌ وَبَعْضُهَا سَبْعٌ وَبَعْضُهَا ثَمَانٌ وَبَعْضُهَا بِأَكْثَرٍ؛ لِأَنَّ كُلَّ ذَنْبٍ بَعْدَ الشَّرْكِ كَبِيرٌ بِالْإِضَافَةِ إِلَى مَا هُوَ أَصْغَرُ مِنْهُ. (٣)

٣٨٠٦. وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي سَبَاطٍ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ، قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: جَنَّبُوا مَسَاجِدَ كُمْ الشُّرَاءِ، وَالبَيْعِ، وَالمَجَانِينَ، وَالصَّبِيَّانَ، وَالصَّالَةَ (٤)، وَالأَحْكَامَ، وَالحُدُودَ، وَرَفَعَ الصُّوْتِ. (٥)

٣٨٠٧. وَرَوَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ لِبَعْضِ تَلَامِيذِهِ يَوْمًا: أَيُّ شَيْءٍ تَعَلَّمْتَ مِنِّي؟

فَقَالَ: ثَمَانَ مَسَائِلَ، قَالَ: قُصِّهَا عَلَيَّ لِأَعْرِفَهَا.

قَالَ: الْأُولَى: رَأَيْتُ كُلَّ مَحْبُوبٍ يُفَارِقُهُ حَبِيبُهُ عِنْدَ الْمَوْتِ؛ فَصَيَّرْتُ هِمَّتِي إِلَى مَا لَا يُفَارِقُنِي بَلْ يُؤْنِسُنِي فِي وَحْدَتِي وَهُوَ فِعْلُ الْخَيْرِ.

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَحْسَنْتَ وَاللَّهِ! وَالثَّانِيَةُ؟

قَالَ: رَأَيْتُ قَوْمًا يَفْتَخِرُونَ بِالحَسَبِ، وَآخَرُونَ بِالمَالِ وَالْوَلَدِ، وَإِذَا ذَلِمَكَ الفَخْرُ لَا فَخْرَ فِيهِ، فَرَأَيْتُ الفَخْرَ العَظِيمَ فِي قَوْلِهِ: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَلُّ - كُمْ»، فَاجْتَهَدْتُ لَهُ أَنْ أَكُونَ عِنْدَ اللَّهِ كَرِيمًا.

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَحْسَنْتَ وَاللَّهِ! وَالثَّالِثَةُ؟

قَالَ: رَأَيْتُ لَهْوَ النَّاسِ وَسَمِعْتُ قَوْلَهُ تَعَالَى: «وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ

ص: ٣٧٤

١- . أى نسبة الزنا أو السحق إلى المتعفف أو المتزوج.

٢- . الزحف أصله انبعاث مع جرّ الرجل، يقال: زحف العسكر إلى العدو: إذا مشوا إليهم فى ثقل لكثرتهم، ويطلق على الجهاد ولقاء العدو.

- ٣- . بحار الأنوار، ج ٨٥ ص ٢٨.
- ٤- . أى إنشاد الضّاله وإعلامها.
- ٥- . الخصال، ص ٤١٠، ح ١٣.

۳۸۰۵. محمد بن مسلم به امام صادق علیه السلام گفتم: فدایت شوم چرا ما بر کفر و جهنم مخالفین خود [مخالفین شیعه] شهادت می دهیم اما برای خود و دوستانمان شهادت به ایمان و بهشت نمی دهیم؟

حضرت فرمودند: از ضعف شماس. اگر گناه کبیره نکنید، شهادت بدهید که اهل بهشت هستید.

پرسیدم: گناهان کبیره کدامند؟ فرمودند: گناهان کبیره: شرک به خدا، و ظلم به پدر و مادر، و بازگشت به جاهلیت پس از هجرت به اسلام، و نسبت ناروا به زن پاکدامن، و فرار از جنگ، و خوردن ظالمانه مال یتیم، و ربا پس از دانستن، و قتل مؤمن. پرسیدم: زنا و سرقت چطور؟ فرمودند: از اینها نیست.

ابن بابویه رحمه الله گوید: روایات مربوط به گناهان کبیره مختلف نیستند. گرچه در بعضی پنج گناه و در بعضی هفت گناه و در بعضی روایات هشت گناه یا بیشتر شمرده شده است. چون هر گناهی بعد از شرک به خدا نسبت به گناه کوچکتر از خود گناه بزرگ شمرده می شود.

۳۸۰۶. امام صادق علیه السلام فرمودند: از مساجد خود، خرید و فروش و دیوانه و بچه و معرفی گمشده و قضاوت و اجرای حد و سر و صدا را دور کنید.

۳۸۰۷. روزی امام صادق علیه السلام به یکی از شاگردان خود فرمودند: از من چه چیزی یاد گرفته ای؟ گفت:

هشت مسئله. حضرت فرمودند: بگو بینم. گفت: اول: دیدم هر کس هنگام مرگ از محبوب خود جدا می شود پس همت خود را صرف چیزی کردم که از من جدا نشود و بلکه در تنهایی همراه من باشد و آن کار خیر است. خداوند می فرماید: «هر کس کار خیر انجام دهد پاداش گیرد».

امام علیه السلام فرمودند: بخدا نیکو گفتمی. دومی چیست؟ گفت: گروهی را دیدم که به اقوام خود افتخار می کنند. گروهی به مال و فرزند. در حالی که اینها افتخار ندارند. افتخار بزرگ در تقواست که خداوند می فرماید: «گرامی ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست». لذا کوشیدم نزد خدا گرامی تر باشم.

امام علیه السلام فرمودند: احسن والله. اما سومی؟

گفت: سرگرمی مردم را دیدم و آیه قرآن را شنیدم که می فرماید: «کسی که از مقام

الْهَوَى * فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى»، فَاجْتَهَدْتُ فِي صَرْفِ الْهَوَى عَنِ نَفْسِي حَتَّى اسْتَقَرَّتْ فِي مَرْضَاهِ اللَّهِ.

قال عليه السلام: أَحَسَّنْتَ وَاللَّهِ! وَالرَّابِعَةُ؟

قال: رَأَيْتُ كُلَّ مَنْ وَجَدَ شَيْئاً مُكْرَماً اجْتَهَدَ فِي حِفْظِهِ، وَسَمِعْتُ قَوْلَ اللَّهِ تَعَالَى: «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضاً حَسِيباً يُضَعِّفُهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ»، فَأَحْبَبْتُ الْمُضَاعَفَةَ وَلَمْ أَرِ أَحْفَظَ مِمَّا يَكُونُ عِنْدَهُ، فَلَمَّا وَجِدْتُ شَيْئاً مُكْرَماً عِنْدِي وَجَّهْتُ بِهِ إِلَيْهِ لِيَكُونَ لِي دُخْرًا إِلَى وَقْتِ حَاجَتِي.

قال عليه السلام: أَحَسَّنْتَ وَاللَّهِ! وَالْخَامِسَةُ؟

قال: رَأَيْتُ حَسِيدَ النَّاسِ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ فِي الرِّزْقِ، وَسَمِعْتُ قَوْلَهُ تَعَالَى: «نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا (١) وَرَحِمْتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ»، مَا حَسَدْتُ أَحَدًا وَلَا أَسِفْتُ عَلَيَّ مَا فَاتَنِي.

قال عليه السلام: أَحَسَّنْتَ وَاللَّهِ! وَالسَّادِسَةُ؟

قال: رَأَيْتُ عِدَاوَةَ النَّاسِ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ فِي دَارِ الدُّنْيَا، وَالْحَزَازَاتِ (٢) الَّتِي فِي صُدُورِهِمْ، وَسَمِعْتُ قَوْلَ اللَّهِ تَعَالَى: «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا»، فَاشْتَعَلْتُ بِعِدَاوَةِ الشَّيْطَانِ عَنِ عِدَاوَةِ غَيْرِهِ.

قال: أَحَسَّنْتَ وَاللَّهِ! وَالسَّابِعَةُ؟

قال: رَأَيْتُ كَدْحَ (٣) النَّاسِ وَاجْتِهَادَهُمْ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ، وَسَمِعْتُ قَوْلَهُ تَعَالَى: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ * مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعَمُونِ * إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ» (٤) فَعَلِمْتُ أَنَّ وَعْدَهُ حَقٌّ، وَقَوْلُهُ صِدْقٌ، فَسَدَّ كَنْتُ إِلَى وَعْدِهِ، وَرَضِيْتُ بِقَوْلِهِ، وَاشْتَعَلْتُ بِمَا لَهُ عَلَيَّ مِمَّا لِي عِنْدَهُ.

ص: ٣٧٤

١- التسخير: سياقه إلى الغرض المختص قهراً (مفردات غريب القرآن: ٢٢٧).

٢- الحزازات: جمع الحزازة؛ وهي وجع القلب من غيظ ونحوه (لسان العرب: ٣٣٤/٥).

٣- الكدح: العمل والسعي والكسب (الصحاح: ٣٩٨/١).

٤- الذاريات: ٥٦-٥٨.

پروردگارش بترسد و خود را از هوس بازدارد در بهشت جای دارد». پس تلاش کردم که هوس را از خود دور کنم تا در رضایت خدا جای گیرم.

حضرت فرمودند: احسنت واللّه. اما چهارم؟

گفت: دیدم هر کس چیز گران بها پیدا می کند در حفظ آن تلاش می کند و آیه قرآن را شنیدم که می فرماید: «کیست که به خدا قرض نیکویی بدهد تا خداوند آن را مضاعف کند و پاداش بزرگ بدهد».

من پاداش مضاعف را دوست داشتم و محفوظتر از نزد خدا جایی را نیافتم. پس هر چیز گرانبهایی یافتم آن را نزد خدا برای هنگام نیازم ذخیره کردم.

امام علیه السلام فرمود: احسنت واللّه. اما پنجم؟

گفت: دیدم بعضی از مردم نسبت به روزی دیگران حسادت می کنند و آیه قرآن را شنیدم:

«ما روزی مردم را در میان آنان تقسیم می کنیم و بعضی را از دیگران بالاتر می بریم تا دیگران را مسخره کنند. اما رحمت پروردگارت بهتر از آن است که آنان جمع می کنند».

بنابراین به کسی حسادت نکردم و برای آنچه از دست داده ام تأسف نمی خورم.

امام علیه السلام فرمودند: احسنت واللّه. ششم؟

گفت: دیدم بعضی از مردم در دنیا با دیگران دشمنی می کنند. و سخنان خدا را شنیدم:

«شیطان دشمن شماست پس با او دشمنی کنید».

من به جای دشمنی با کسی به دشمنی با شیطان پرداختم.

امام علیه السلام فرمودند: احسنت واللّه. هفتم؟

گفت: زحمت مردم را دیدم که برای بدست آوردن روزی تلاش می کنند. و سخنان خدا را شنیدم: «من انسان و جن را جز برای عبادت نیافریدم از آنان رزق و غذا نمی خواهم خدا روزی ده است و نیرومند و متین است». پس دانستم که وعده خدا حق است و گفتار او راست. پس به وعده او تسکین یافته و به سخن او راضی شدم و به آنچه به من داده است مشغول شدم.

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَحْسَنْتَ وَاللَّهِ! وَالثَّامِنَةُ؟

فَقَالَ: رَأَيْتُ قَوْمًا يَتَّكِلُونَ عَلَى صِدْحِهِ أَبْدَانِهِمْ، وَقَوْمًا عَلَى كَثْرَةِ أَمْوَالِهِمْ، وَقَوْمًا عَلَى خَلْقِ مِثْلِهِمْ، وَسَمِعْتُ قَوْلَهُ تَعَالَى: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ وَمَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ»، فَاتَّكَلْتُ عَلَى اللَّهِ وَزَالَ اتِّكَالِي عَلَى غَيْرِهِ.

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَهُ: وَاللَّهِ، إِنَّ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَالزَّبُورَ وَالْفُرْقَانَ وَسَائِرَ الْكُتُبِ تَرْجِعُ إِلَى هَذِهِ الْمَسَائِلِ. (١)

ص: ٣٧٨

١- . مجموعه ورام، ج ١، ص ٣٠٣.

امام علیه السلام فرمودند: احسنت واللّه. هشتم؟

گفت: گروهی را دیدم که به سلامتی خود و گروهی به مال زیاد و گروهی به افرادی مثل خود تکیه دارند و سخنان خدا را شنیدم: «کسی که از خدا پروا داشته باشد، خدا برایش راه رهایی قرار می دهد و از جایی که حساب نمی کرد روزی می رساند و کسی که به خدا توکل کند خدا او را کفایت کند». پس من هم به خدا توکل کردم و از اعتماد به غیر خدا دوری کردم.

امام علیه السلام فرمودند: بخدا قسم تورات و انجیل و زبور و قرآن و بقیه کتابها به همین مسائل بر می گردد.

ص: ۳۷۹

٣٨٠٨. قَالَ بَعْضُ الرَّهَادِ لِأَحَدِ الْقُضَاةِ: قَدْ كُنْتُ أَحِبُّ لَكَ الْخَلَاصَ مِنَ التَّعَرُّضِ لِلْحُكْمِ بَيْنَ النَّاسِ، فَإِذَا قَدْ بُلِيتَ بِذَلِكَ فَيَجِبُ أَنْ تَنْفِيَ عَنِ نَفْسِكَ ثَمَانِي خِصَالٍ: يَجِبُ أَنْ لَا تَكْرَهُ اللَّوَائِمَ، وَلَا تُحِبَّ الْمَحَامِدَ، وَلَا تَخَافَ الْعَزَلَ (١)، وَلَا تَأْتَفَ عَنِ الْمُشَاوَرَةِ وَإِنْ كُنْتَ عَالِمًا، وَلَا تَتَوَقَّفَ عَنِ الْقَضَاءِ إِذَا كُنْتَ بِالْحَقِّ عَارِفًا، وَلَا تَقْضِيَ وَأَنْتَ غَضْبَانٌ، وَلَا تَتَّبِعَ الْهَوَى، وَلَا تَسْمَعَ شَكْوَى أَحَدٍ لَيْسَ مَعَهُ حَاصِمُهُ (٢).

٣٨٠٩. ثَمَانِيَةُ أَشْيَاءَ هِيَ زِينَةُ ثَمَانِيَةٍ: الْعِفَافُ زِينَةُ الْفَقْرِ، وَالشُّكْرُ زِينَةُ الْغِنَى، وَالصَّبْرُ زِينَةُ الْبَلَاءِ، وَالتَّوَاضُّعُ زِينَةُ الْحَسَبِ، وَالْحِلْمُ زِينَةُ الْعَالِمِ، وَالتَّذَلُّلُ زِينَةُ الْمُتَعَلِّمِ، وَالبِكَاؤُ زِينَةُ الْخَوْفِ، وَالحُشُوعُ زِينَةُ الصَّلَاةِ (٣).

٣٨١٠. وَقَالَ آخَرُ: مَنْ تَرَكَ ثَمَانِيَةَ مُبْتَحِ ثَمَانِيَةٍ: مَنْ تَرَكَ فُضُولَ الْكَلَامِ مُنِحَ الْحِكْمَةِ، وَمَنْ تَرَكَ فُضُولَ النَّظْرِ مُنِحَ خُشُوعَ الْقَلْبِ، وَمَنْ تَرَكَ فُضُولَ الطَّعَامِ مُنِحَ لَذَّةَ الْعِبَادَةِ، وَمَنْ تَرَكَ حُبَّ الدُّنْيَا مُنِحَ حُبَّ الْآخِرَةِ، وَمَنْ تَرَكَ الْإِشْتِغَالَ بِعُيُوبِ غَيْرِهِ مُنِحَ الْإِشْتِغَالَ بِإِصْلَاحِ عُيُوبِ نَفْسِهِ، وَمَنْ تَرَكَ التَّجَسُّسَ فِي كَيْفِيَّةِ اللَّهِ تَعَالَى مُنِحَ الْبِرَاءَةَ مِنَ النِّفَاقِ، وَمَنْ تَرَكَ عِدَاوَةَ النَّاسِ مُنِحَ الْمَحَبَّةَ، وَمَنْ تَرَكَ الْحَسَدَ مُنِحَ الرَّاحَةَ.

٣٨١١. وَقَالَ الشَّيْخُ بَهَاءُ الدِّينِ رَحِمَهُ اللَّهُ تَعَالَى: اعْلَمْ أَنَّ نِعْمَتَهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى وَإِنْ جَلَّتْ عَنْ أَنْ يُحِيطَ بِهَا نِطَاقُ

ص: ٣٨٠

١- . أَى أَنْ يَعِزْلَكَ السُّلْطَانُ.

٢- . مَجْمُوعُهُ وَرَامَ، ج ٢، ص ١١١.

٣- . بَحَارُ الْأَنْوَارِ، ج ٧٥، ص ٩١، ح ٩٦، بِالْمُضْمُونِ.

۳۸۰۸. زاهدی به یک قاضی گفت: دوست دارم از این مقام قضاوت بین مردم کناره گیری کنی. حال که گرفتار شده ای بر تو واجب است از هشت چیز خود را حفظ کنی:

از ملامت کسی نترسی. مدح کردن را دوست نداشته باش. از بر کنار شدن نترس. گرچه عالم هستی اما از مشورت کردن امتناع نکن. وقتی که حق را شناختی در قضاوت توقف نکن. در حال خشم قضاوت نکن. از هوس پیروی نکن. به کسی که یطرفه شکایت می کند گوش نده تا هر دو طرف حاضر شوند.

۳۸۰۹. هشت چیز زینت هشت چیز است: عفت زینت فقر. و شکرگزاری زینت ثروت. و صبر زینت بلا. و فروتنی زینت حسب [نژاد نیکو]. و بردباری زینت عالم. و کوچکی زینت شاگرد. و گریه زینت خوف. و خشوع زینت نماز است.

۳۸۱۰. کسی که هشت چیز را ترک کند به هشت چیز دست یابد:

کسی که زیاده گویی را ترک کند به حکمت دست یابد. و کسی که نگاه بی جا را ترک کند خشوع قلب بدست می آورد. و کسی که پرخوری نکند لذت عبادت را می چشد. و کسی که حب دنیا را ترک کند به حب آخرت دست می یابد. و کسی که به عیب دیگران پردازد عیب خود را اصلاح می کند. و کسی که در کیفیت خدا جستجو نکند از نفاق رها می شود.

و کسی که دشمنی مردم را ترک کند به محبت دست یابد. و کسی که حسد را ترک کند آسوده شود.

۳۸۱۱. شیخ بهاء الدین رحمه الله فرمود: نعمتهای خداوند سبحان گرچه از شمارش خارج است چنانکه

الْحَصْرِ كَمَا قَالَ حَيْلٌ شَأْنُهُ: «وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَاتُحْصَوْهَا» لِكِنَّهَا ثَمَانِيَةٌ أَنْوَاعٌ؛ لِأَنَّهَا إِمَّا دُنْيَوِيَّةٌ أَوْ آخِرَوِيَّةٌ، وَكُلٌّ مِنْهُمَا إِمَّا مَوْهَبِيٌّ أَوْ كَسْبِيٌّ، وَكُلٌّ مِنْهُمَا إِمَّا رُوحَانِيٌّ؛ كَتَحْلِيهِ النَّفْسِ بِالْأَخْلَاقِ الزَّكِيَّةِ، أَوْ جِسْمَانِيٌّ؛ كَتَزْيِينِ اليَدَنِ بِالْهَيْئَاتِ الْمَطْبُوعَةِ، آخِرَوِيٌّ مَوْهَبِيٌّ إِمَّا رُوحَانِيٌّ؛ كَغُفْرَانِ دُنُوبِنَا مِنْ غَيْرِ سَبَقِ تَوْبِهِ، أَوْ جِسْمَانِيٌّ؛ كَالْأَنْهَارِ مِنَ اللَّبَنِ وَالْعَسَلِ فِي الْجَنَّةِ، آخِرَوِيٌّ كَسْبِيٌّ إِمَّا رُوحَانِيٌّ؛ كَغُفْرَانِ الذُّنُوبِ بَعْدَ التَّوْبَةِ، أَوْ جِسْمَانِيٌّ؛ كَالْمَلَذَاتِ الْجِسْمَانِيَّةِ الْمُتَسَجِّلَةِ بِفِعْلِ الطَّاعَاتِ.

٣٨١٢. وَرَوَى الْكَلْبِيُّ قَالَ: إِنَّ آدَمَ وَحَوًّا لَمَّا اهْبَطَا إِلَى الْأَرْضِ كَانَا عُرْيَانَيْنِ، فَلَمَّا رَأَى اللَّهُ تَعَالَى عُرَى آدَمَ وَحَوًّا أَنْزَلَ مِنَ الْجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ: مِنَ الضَّأْنِ (١) اثْنَيْنِ، وَمِنَ الْمَعَزِ اثْنَيْنِ، وَمِنَ الْإِبِلِ اثْنَيْنِ، وَمِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ، وَأَمَرَ آدَمَ أَنْ يَأْخُذَ صُوفَ الْكَبْشِ، فَأَخَذَهُ فَعَزَلْتُهُ حَوًّا وَنَسَجْتُهُ هِيَّ وَآدَمَ، فَجَعَلَ مِنْهُ آدَمَ جُبَّةً لِنَفْسِهِ، وَجَعَلَ لِحَوًّا دِرْعًا وَخِمَارًا، فَلَبِسَاهُ، وَجَاءَ جِبْرَائِيلُ بِحَبَاتٍ مِنَ الشَّجَرَةِ الَّتِي أَكَلَ مِنْهَا وَعَلَّمَهُ الزَّرْعَ وَالْحِرْفَ (٢) كُلَّهَا وَقَالَ: يَا آدَمَ، لَا تَأْكُلْ خُبزًا بَرِيَّتٍ إِلَّا بَعَرَكَ الْجِبِينِ.

فَيَتَبَغَى لَوْلَدِهِ أَنْ يَتَعَلَّمُوا الْحِرْفَ لِيَسْتَعْنُوا بِهَا عَنِ الطَّمَعِ وَأَكَلَ أَمْوَالِ النَّاسِ. نَسَأَلُ اللَّهَ أَنْ يُغْنِيَنَا بِفَضْلِهِ وَجُودِهِ، وَأَنْ يُلْهِمَنَا التَّوَكُّلَ عَلَيْهِ وَتَفْوِيضَ أَمْرِنَا إِلَيْهِ .

٣٨١٣. قَالَ الشَّاعِرُ:

رَضِيْتُ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لِي وَفَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَى خَالِقِي

لَقَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ فِيمَا مَضَى كَذَلِكَ يُحْسِنُ فِيمَا بَقِيَ (٣)

ص: ٣٨٢

١- الضأن: هو خلاف المعز من ذوات الصوف من الغنم (مجمع البحرين: ٣/٣).

٢- الحرف: جمع الحرفة؛ أي الصنعة وجهه الكسب (النهاية: ٣٥٥/١).

٣- مصباح الشريعة، ص ١٧٥.

قرآن فرمود: «اگر نعمتهای خدا را حساب کنید نمی توانید آنها را بشمارید». اما هشت نوع هستند: چون نعمتها یا دنیایی هستند یا آخرتی. و هر کدام یا موهبتی هستند یا اکتسابی. و هر کدام از این چهار صورت یا روحی هستند مثل آراستن خود به اخلاق نیکو یا جسمی مثل آراستن بدن به صورتهای دلخواه.

آخرتی موهبتی روحانی مثل بخشیدن گناه بدون توبه. آخرتی موهبتی جسمی مثل نهرهای شیر و عسل در بهشت. آخرتی اکتسابی روحی مثل آموزش گناهان بعد از توبه و آخرتی اکتسابی جسمی مثل لذتهای جسمی که با انجام طاعت بدست می آیند.

۳۸۱۲. کلبی گفت: آدم و حوا وقتی به زمین هبوط کردند عریان بودند. وقتی خداوند متعال عریان بودن آنها را دید از بهشت هشت حیوان جفت یعنی یک جفت بز و یک جفت گوسفند و یک جفت شتر و یک جفت گاو را فرستاد و به آدم امر فرمود از پشم گوسفند نر بچیند و حوا آن را ریسید و با کمک آدم بافت. و آدم از آن جبهه ای برای خود و پائین پوش و چادر برای حوا درست کرد و پوشیدند.

جبرئیل از دانه های درختی که در بهشت خوردند و از آنجا رانده شدند آورد و زراعت و شغل های دیگر را به آدم آموخت. و گفت: ای آدم نان نخور مگر از عرق پیشانی خود.

بر اولاد آدم لازم است که حرفه ای بیاموزند تا از طمع و خوردن مال دیگران بی نیاز شوند.

از خداوند می خواهیم ما را به فضل خود بی نیاز کند و توکل به خود و واگذاری کار به خودش را به ما الهام فرماید.

۳۸۱۳. شاعر گوید:

خشنودم به آنچه خدا نصیب من فرموده و کار خود را به خالق خود واگذار نمودم

در گذشته خداوند به من احسان کرده است همچنین در بقیه عمر هم احسان می کند

ص: ۳۸۳

فِي حِفْظِ اللِّسَانِ:

٣٨١٤. أقول: عَلَيْكَ - أَيُّهَا الْأَخُ - بِحِفْظِ اللِّسَانِ، فَإِنَّمَا خُلِقَ لَكَ لِتُكْتَبَرُ بِهِ ذِكْرَ اللَّهِ تَعَالَى وَتِلَاوَةَ الْقُرْآنِ، وَتُرْشَادَ بِهِ خَلْقَ اللَّهِ إِلَى طَرِيقِهِ، وَتُظْهِرَ بِهِ مَا فِي ضَمِيرِكَ مِنْ حَاجَاتِ دِينِكَ وَدُنْيَاكَ، فَإِذَا اسْتَعْمَلْتَهُ فِي غَيْرِ مَا خُلِقَ لَهُ فَقَدْ خَسِرْتِ خُسْرَانًا مُبِينًا. فَالْوَاجِبُ عَلَيْكَ أَنْ تَحْفَظَهُ مِنْ ثَمَانِيَةِ أَشْيَاءَ:

الأول: الكَذِبُ؛ فَاحْفَظْ لِسَانَكَ فِي الْجِدِّ وَالْهَزْلِ، وَلَا تُعَوِّدْ نَفْسَكَ الكَذِبَ هَزْلًا فَتَتَدَاعَى إِلَى الجِدِّ، فَالْكَذِبُ مِنْ أَمَّهَاتِ الكَبَائِرِ.

الثاني: الخُلْفُ فِي الوَعْدِ، فَإِيَّاكَ أَنْ تَعْتَدَ بِشَيْءٍ، يَلِيبُ يَتَّبَعِي أَنْ يَكُونَ إِحْسَانُكَ إِلَى النَّاسِ فِعْلًا، بَلْ أَقُولُ: فَإِنْ اضْطَرَّتْ إِلَى الوَعْدِ، فَإِيَّاكَ أَنْ تُخْلِفَ إِلَّا بِعِزٍّ أَوْ ضَرُورَةٍ، فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ أَمَارَاتِ النِّفَاقِ وَخَبَائِثِ الْأَخْلَاقِ.

الثالث: حِفْظُ اللِّسَانِ مِنَ الغَيْبِ.

الرابع: المِرَاءُ وَمُنَاقَشَةُ النَّاسِ فِي الكَلَامِ، فَذَلِكَ فِيهِ إِيْذَاءٌ لِلْمُخَاطَبِ وَتَجْهِيلٌ لَهُ وَطَعْنٌ فِيهِ، وَفِيهِ ثَنَاءٌ عَلَى النَّفْسِ وَتَرْكِيهٌ لَهَا بِمَزِيدِ الفِطْنَةِ وَالعِلْمِ.

الخامس: تَرْكِيهُ النَّفْسِ، وَهُوَ قَبِيحٌ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «فَلَا تُرْكُوا أَنفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى».

وقيلَ لِبَعْضِ الحُكَمَاءِ: مَا الصِّدْقُ القَبِيحُ؟ قَالَ: ثَنَاءُ المَرءِ عَلَى نَفْسِهِ.

السادس: اللُّعْنُ؛ فَإِيَّاكَ أَنْ تَجْتَرِيَّ عَلَى لَعْنِ المُؤْمِنِينَ وَالمُسْلِمِينَ.

۳۸۱۴. درباره نگهداری زبان می گویم: برادر تا توانی زبان خود را نگه دار. چون این عضو را برای تو آفریده اند تا بوسیله آن به یاد خدا باشی. و قرآن تلاوت کنی. و بندگان خدا را به راه خدا ارشاد کنی. و خواسته های خود را در دنیا و آخرت با زبان بگویی.

پس اگر در غیر این موارد بکارگیری سخت زیان کرده ای. بر تو واجب است که زبان را از هشت چیز نگه داری:

۱ - دروغ، در شوخی و جدی مراقب باش و زبان خود را در شوخی به دورغ عادت نده که به هنگام جدی دروغ بگویی. دروغ از مادر گناهان است.

۲ - خلف وعده، پرهیز کن که وعده ای بدهی و تخلف کنی. باید احسان تو به مردم با عمل باشد نه با حرف. اگر در وضعیت اضطراری مجبور شدی وعده بدهی، تخلف نکن مگر از روی ناتوانی و ضرورت. چون تخلف از وعده از نشانه های نفاق و اخلاق زشت است.

۳ - حفظ زبان از غیبت.

۴ - جدال و کشمکش لفظی با مردم، که موجب آزار مردم و عیب جوئی و از علائم جهل است و خودستایی، از این قبیل است. و خود را پاک از جهل و با زکاوت و دانش نشان دادن است.

۵ - خودستایی هم زشت است. خداوند متعال می فرماید: «خودستایی نکنید. خداوند به پرهیزکاران داناست».

به حکیمی گفتند: راستگویی زشت کدام است؟ گفت: ستایش خود.

۶ - لعنت کردن، از لعنت کردن مؤمنان و مسلمانان خودداری کن.

السَّيِّئَاتِ: أَحْفَظْ لِسَانَكَ عَنِ الدُّعَاءِ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ تَعَالَى وَإِنْ ظَلَمَكَ، وَكَلِّمْ أَمْرَهُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى، فَفِي الْحَدِيثِ: «إِنَّ الْمَظْلُومَ لَيَدْعُو عَلَى ظَالِمِهِ حَتَّى يُكَافِئَهُ اللَّهُ، ثُمَّ يَبْقَى لِلظَّالِمِ فَضْلٌ عِنْدَهُ يُطَالِبُ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

الثَّامِنُ: المَرْحُ وَالسُّخْرِيَّةُ وَالِاسْتِهْزَاءُ بِالنَّاسِ فَاحْفَظْ لِسَانَكَ مِنْهُ؛ فَإِنَّهُ يُرِيْقُ مَاءَ الْوَجْهِ وَيُسْقِطُ الْمَهَابَةَ، وَهُوَ مَبْدَأُ الْعِدَاوَةِ وَيَغْرِسُ الْحِقْدَ فِي الْقُلُوبِ؛ فَلَا- تُمَارِحْ أَحَدًا، وَإِنْ مَارَحَكَ غَيْرُكَ فَلَا- تُجِبْهُ وَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثِ غَيْرِهِ، وَكُنْ مِنَ الَّذِينَ إِذَا مَرَّوْا بِاللَّغْوِ مَرَّوْا كِرَامًا.

فَهَذِهِ مَجَامِعُ آفَاتِ اللِّسَانِ، وَلَا- يُغْنِيكَ عَنْهُ وَلَا يَقِيكَ مِنْ آفَاتِهِ إِلَّا الْعُزْلَةُ وَمُلَازِمَةُ الصَّمْتِ إِلَّا بِقَدْرِ الضَّرُورَةِ، فَاحْتَرِزْ مِنْهُ؛ فَإِنَّهُ أَقْوَى أَسْبَابِ هَلَاكِكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (١)

٣٨١٥. تَتَمَّةٌ: قَالَ بَعْضُ هُمْ: طَلَبْتُ ثَمَانِي خِصَالٍ، فَوَجِدْتُ بِهَا خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ: طَلَبْتُ الْقَدْرَ وَالْمَنْزِلَةَ فَمَا وَجِدْتُ إِلَّا بِلَعْمٍ؛ تَعَلَّمُوا لِيُعْظَمَ قَدْرُكُمْ فِي الدَّارَيْنِ.

وطلبت الكرامة فما وجدت إلا بالتقوى؛ اتقوا لتكثروا.

وطلبت الغنى فما وجدت إلا بالقناعة؛ عليكم بالقناعة تستغنوا.

وطلبت الراحة فما وجدت إلا بترك مخالطة الناس لِقِوَامِ عَيْشِ الدُّنْيَا؛ اتركوا مخالطة الناس تستريحوا في الدارين، وتأمنوا من العذاب.

وطلبت السلامة فما وجدت إلا بطاعة الله؛ أطيعوا الله تسلموا.

وطلبت الخضوع فما وجدت إلا بقبول الحق؛ اقبلوا الحق، فإن قبول الحق يُبعد من الكبر.

وطلبت العيش فما وجدت إلا بترك الهوى؛ فاتركوا الهوى ليطيب عيشكم.

وطلبت المدح فما وجدت إلا بالسخاوة؛ كونوا من الأسخياء تمدحوا.

ولقد طلبت نعيم الدنيا والآخرة فما وجدتُها إلا في هذه الخصال التي ذكرناها.

ص: ٣٨٦

۷- نفرین، زبان خود را از دعا کردن بر علیه کسی گرچه به تو ظلم کرده باشد حفظ کن. و او را به خدا واگذار کن. در حدیث آمده است:

مظلوم آنقدر بر علیه ظالم دعا می کند تا خداوند ظالم را مکافات کند. با این کار حقی برای ظالم پیدا می شود که در قیامت از مظلوم طلب می کند.

۸- شوخی و مسخره کردن مردم، زبان را از این حفظ کن چون آبروی افراد ریخته می شود.

و مهابت از بین می رود. و آن شروع دشمنی است. و تخم کینه را در دل می کارد. پس با کسی شوخی نکن گرچه با تو شوخی کند. و به او جواب نده تا به دیگران مشغول شود. و چنان باش که هنگام مرور بر کار بیهوده با کرامت مرور کنی.

اینها جمعی از آفتهای زبان است. پس از آفتهای رها نمی شوی مگر اینکه سکوت اختیار کنی و فقط بقدر ضرورت سخن بگویی. چون زبان قویترین سبب هلاکت تو در دنیا و آخرت است.

۳۸۱۵. حکیمی گفته است: هشت خصلت را جستجو کردم و با کمک آنها خیر دنیا و آخرت را یافتم:

دنبال قدر و منزلت بودم و در چیزی جز علم نیافتم. علم بیاموزید تا قدر شما در دنیا و آخرت بالا رود.

دنبال کرامت بودم که در چیزی جز تقوا نیافتم. تقوا داشته باشید تا گرامی داشته شوید.

در جستجوی ثروت بودم که در چیزی جز قناعت نیافتم. قانع باشید تا بی نیاز شوید.

در جستجوی راحتی بودم که آن را فقط در ترک معاشرت با مردم برای امور دنیا یافتم. با مردم کمتر معاشرت کنید در دو سرا راحت زندگی کنید و از عذاب ایمن شوید.

در جستجوی سلامتی بودم که آن را فقط در طاعت خدا یافتم. از خدا اطاعت کنید سلامت شوید.

در جستجوی خضوع بودم که آن را فقط در قبول کردن حق یافتم. حق را بپذیرید که قبول کردن حق انسان را از تکبر دور می کند.

در جستجوی عیش بودم که آن را فقط در ترک هوس یافتم. هوس را ترک کنید تا خوش بگذرانید.

در جستجوی ستایش بودم که آن را فقط در سخاوت یافتم. سخی باشید تا ستایش شوید.

در جستجوی نعمتهای دنیا و آخرت بودم که آنها را فقط در این خصلتها یافتم که ذکر شد.

٣٨١٦. وَقِيلَ لِحَكِيمٍ: مَيَا النِّعْمَةُ؟ فَقَالَ: فِي ثَمَانٍ: الْغِنَى، وَالْأَمْنُ، وَالصَّحَّةُ، وَالشَّبَابُ، وَحُسْنُ الْخُلُقِ، وَالْعِزُّ، وَالْإِخْوَانُ، وَالزَّوْجَةُ الصَّالِحَةُ. (١)

٣٨١٧. وَقِيلَ لِحَكِيمٍ: مَيَا الَّذِي لَا يَمِيلُ مِنْهُ وَإِنْ تَكَرَّرَ؟ فَقَالَ: ثَمَانِيَّةٌ: الْخُبْزُ الْبَارِدُ، وَلَحْمُ الضَّانِ، وَالْمَاءُ الْبَارِدُ، وَالنُّوبُ اللَّيِّنُ، وَالْفِرَاشُ الْوَطِيُّ، وَالرَّائِحَةُ الطَّيِّبَةُ، وَالنَّظَرُ إِلَى مَنْ تُحِبُّ، وَمُحَادَثَةُ إِخْوَانِ الصِّدْقِ.

٣٨١٨. وَقَالَ قَيْصَرٌ لِقَيْسٍ: مَا أَفْضَلُ الْحِكْمَةِ؟ قَالَ: مَعْرِفَةُ الْإِنْسَانِ بِقَدْرِهِ.

قَالَ: فَمَا أَكْمَلُ الْعَقْلِ؟ قَالَ: وَقُوفُ الْإِنْسَانِ عِنْدَ عِلْمِهِ .

قَالَ: فَمَا أَوْفَرُ الْحِلْمِ؟ قَالَ: حِلْمُ الْإِنْسَانِ عِنْدَ شَتْمِهِ .

قَالَ: فَمَا أَصَوْنُ الْمُرُوءِ، قَالَ: اسْتِبْقَاءُ الْإِنْسَانِ مَاءً وَجْهَهُ .

قَالَ: فَمَا أَكْمَلُ الْمَالِ؟ قَالَ: مَا أُعْطِيَ الْحَقُّ مِنْهُ.

قَالَ: فَمَا أَحْسَنُ السَّخَاءِ؟ قَالَ: الْبَدَلُ قَبْلَ السُّؤَالِ.

قَالَ: فَمَا أَنْفَعُ (٢) الْأَشْيَاءِ؟ قَالَ: تَقْوَى اللَّهِ وَإِخْلَاصُ الْعَمَلِ لَهُ.

قَالَ: فَمَأَى الْمُلُوكِ خَيْرٌ؟ قَالَ: أَقْرَبُهُمْ مِّنَ الْحِلْمِ عِنْدَ الْقُدْرَةِ، وَأَبْعَدُهُمْ مِّنَ الْجَهْلِ عِنْدَ الْغَضَبِ، وَمَنْ يَرَى أَنَّهُ لَا يَمْلِكُ أَمْرَهُ إِلَّا بِالْعَدْلِ بَيْنَ رَعِيَّتِهِ .

ص: ٣٨٨

١- . معدن الجواهر، ص ٦٨.

٢- . الظاهر أنفع بالفاء، وإن كان أنفع بالقاف فهو بمعنى أروى، أى فما هو أروى للإنسان وأدفع لعطشه.

۳۸۱۶. از حکیم پرسیدند: نعمت چیست؟ گفت: در هشت چیز: بی نیازی، امنیت، سلامت، جوانی و اخلاق خوش و عزت و برادران و همسر شایسته.

۳۸۱۷. از حکیمی پرسیدند: چه چیزی گرچه تکراری شود ملال آور نیست؟ گفت: هشت چیز: نان سرد و گوشت گوسفند و آب سرد و لباس نرم و همسر و عطر خوش و نگاه کردن کسی که دوست داری و گفتگو با دوستان صمیمی.

۳۸۱۸. قیصر روم به کشیشی گفت: برترین حکمت چیست؟ گفت: شناختن قدر خویش.

پرسید: کامل ترین عقل کدام است؟ گفت: به آنچه علم دارد استوار بماند.

پرسید: بیشترین بردباری کدام است؟ گفت: بردباری در هنگامی که به او فحش بدهند.

پرسید: بهترین نگهبان جوانمردی چیست؟ گفت: نگهداشتن آبرو.

پرسید: کامل ترین مال چیست؟ گفت: آن که حقوقش پرداخته شود.

پرسید: بهترین سخاوت چیست؟ گفت: بخشش قبل از تقاضا.

پرسید: سودمندترین چیز کدام است؟ گفت: تقوای خدا و اخلاص عمل برای او.

پرسید: کدام حاکم خوب است؟ گفت: آنکه در هنگام قدرت بردبار و هنگام خشم نادانی او از همه کمتر و آنکه بدانند حکومت جز با عدالت برقرار نمی ماند.

البابُ التَّاسِعُ: فِي المَوَاعِظِ التُّسَاعِيَاتِ

باب نهم: پندهای نه گانه

اشاره

ص: ۳۹۱

٣٨١٩. رُوِيَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: آفَةُ الْحَدِيثِ الْكَذِبُ، وَآفَةُ الْعِلْمِ النَّسْيَانُ، وَآفَةُ الْحِلْمِ الشَّفَهُ، وَآفَةُ الْعِبَادَةِ الْفِتْرَةُ (١)، وَآفَةُ الظَّرْفِ الصَّلْفُ (٢)، وَآفَةُ الشَّجَاعَةِ الْبَغْيُ، وَآفَةُ السَّخَاءِ الْمَنُّ، وَآفَةُ الْجَمَالِ الْخِيَلَاءُ، وَآفَةُ الْحَسَبِ الْفَخْرُ (٣).

٣٨٢٠. وَعَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: لَمَّا افْتَتَحَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ خَيْرَ دَعَا بِقَوْسِهِ فَاتَّكَى عَلَى سَيْتِهَا (٤)، ثُمَّ حَمَدَ اللَّهَ وَأَثَى عَلَيْهِ وَذَكَرَ مَا فَتَحَ اللَّهُ لَهُ وَنَصَرَ بِهِ، وَنَهَى عَنْ خِصَالٍ تِسْعٍ: عَنْ مَهْرِ الْبَغْيِ، وَعَنْ عَسْبِ الدَّائِبَةِ؛ يَعْنِي كَسْبَ الْفَحْلِ (٥)، وَعَنْ خَاتَمِ الدَّهَبِ، وَعَنْ ثَمَنِ الْكَلْبِ، وَعَنْ مَيَاثِرِ الْأَرْجَوَانِ (٦) - قَالَ أَبُو عُرْوَةَ: الْأَرْجَوَانُ مَيَاثِرُ الْحُمْرِ (٧) - وَعَنْ لَبُوسِ ثِيَابِ الْقَسِيِّ - وَهِيَ ثِيَابٌ تُنْسَجُ بِالشَّامِ - وَعَنْ أَكْلِ لُحُومِ السَّبَاعِ، وَعَنْ صَيْرَفِ الدَّهَبِ بِالدَّهَبِ وَالْفِضَّةِ بِالْفِضَّةِ وَبَيْنَهُمَا فَضْلٌ، وَعَنِ النَّظْرِ فِي النُّجُومِ (٨).

٣٨٢١. وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: رُفِعَ عَنِّ أُمَّتِي تِسْعَةٌ: الْخَطَأُ، وَالنَّسْيَانُ، وَمَا كَرِهُوا عَلَيْهِ، وَمَا لَا يَعْلَمُونَ، وَمَا لَا يُطِيقُونَ، وَمَا اضْطُرُّوا إِلَيْهِ، وَالْحَسِيدُ، وَالطَّيْرَةُ (٩)، وَالتَّفَكُّرُ، وَالْوَسْوَسَةُ فِي الْخَلْقِ مَا لَمْ يَنْطِقْ بِشَفِهِ (١٠). (١١)

ص: ٣٩٢

- ١- . الفتره: الضعف والتواني. والمراد أن آفتها التواني المفضى إلى تركها.
- ٢- . الظرف: الكياسه والحذاقه والبراعه وحسن الأدب، قال الجزرى: الظرف فى اللسان: البلاغه، وفى الوجه: الحسن، وفى القلب: الذكاء. والصلف: التمدح بما ليس فيه والعجب والتكبر والغلو فى الظرف.
- ٣- . الخصال، ص ٤١٦، ح ٧.
- ٤- . سية القوس: ما عطف من طرفيها (النهاية: ٤٣٥/٢).
- ٥- . أى أخذ الثمن على إرسال الفحل على الأثني.
- ٦- . ميثره الأرجوان: وطاء محشو يترك على رجل البعير تحت الراكب. والأرجوان: صبغ أحمر كالفراش الصغير ويحشى بقطن أو صوف يجعل الراكب تحته على الرجال فوق الجمال (لسان العرب: ٢٧٨/٥).
- ٧- . كذا.
- ٨- . الخصال، ص ٤١٧، ح ١٠.
- ٩- . الطيرة: التشأم بالشىء (النهاية: ١٥٢/٣).
- ١٠- . أى فى خالقه بأن يقول له الشيطان: من خلقك؟ فيقول: الله، فيقول: فمن خلقه؟ أو الوسوسة فى الخلق بسوء الظن فى الناس - كما ورد فى الحديث -.
- ١١- . الخصال، ص ٤١٧، ح ٩.

۳۸۱۹. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: آفت گفتار دروغ و آفت علم فراموشی و آفت بردباری بی خردی و آفت عبادت تنبلی و آفت طبع خوش گزافه گویی و آفت شجاعت ظلم و آفت سخاوت منت گذاری و آفت زیبایی تکبر و آفت نژاد پاک افتخار کردن است.

۳۸۲۰. زمانی که رسول الله صلی الله علیه و آله خیبر را فتح کردند به کمان تکیه کردند و پس از حمد و ثناء خداوند و یادآوری فتح و پیروزی که نصیب آنها نموده است. از نه خصلت نهی فرمودند: اجرت زنا و کرایه دادن حیوان برای جفت گیری و انگشتر طلا و بهای سگ ولگرد یا تزئینی. و زیر انداز قدیمی که روی شتر می اندازند و لباس حریر و خوردن گوشت درندگان. صرافی طلا- به طلا- یا نقره به نقره که یک طرف بهتر باشد. [مثلاً طلای مرغوب به طلای شکسته خرید و فروش کنند] و مطالعه در نجوم.

۳۸۲۱. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: نه چیز [تکلیف] از امت من برداشته شده است: خطا و فراموشی و آنچه به اجبار مبتلا شوند و آنچه نمی دانند و آنچه طاقت ندارند و حال اضطرار و حسد [در مواردی که اختیاری نباشد] و فال بد زدن و فکر [گناه] و وسوسه بین مردم تا وقتی که بزبان نیامده باشد.

٣٨٢٢. وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: بَيْنَمَا نَحْنُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذْ وَرَدَ عَلَيْهِ وَفَدَّ عَبْدَ الْقَيْسِ، فَسَلَّمُوا عَلَيْهِ ثُمَّ وَضَعُوا بَيْنَ يَدَيْهِ جُلَّةَ تَمْرٍ (١)، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ: أَصَدَقَهُ أَوْ هَدَيْتَهُ؟ قَالُوا: بَلْ هَدَيْتَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: مِنْ أَيِّ تَمْرَاتِكُمْ؟ قَالُوا: الْبُرْنِيِّ، فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: فِي تَمْرَتِكُمْ هَذِهِ تِسْعَ خِصَالٍ: إِنَّ هَذَا جَبْرَيْئِيلَ يُخْبِرُكُمْ أَنَّ فِيهِ تِسْعَ خِصَالٍ: تُطَيِّبُ النَّكْهَةَ، وَتُطَيِّبُ الْفَمَ، وَيُقَوِّى الْمَعْدَةَ، وَتَهْضُمُ الطَّعَامَ، وَتَزِيدُ فِي السَّمْعِ وَالْبَصِيرِ، وَتُقَوِّى الظَّهْرَ، وَتَخْتَلُ (٢) الشَّيْطَانَ، وَتُقَرِّبُ مِنَ اللَّهِ عِزَّ وَجَلَّ، وَتُبَاعِدُ مِنَ الشَّيْطَانِ.

تِسْعَ خِصَالٍ أَعْطَاهَا اللَّهُ نَبِيَّهُ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: (٣)

٣٨٢٣. عَنْ أُمِّ هَانِي بِنْتِ أَبِي طَالِبٍ، قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَظْهَرَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْإِسْلَامَ عَلَى يَدِي، وَأَنْزَلَ الْفُرْقَانَ عَلَيَّ، وَفَتَحَ الْكَعْبَةَ عَلَى يَدِي، وَفَضَّلَنِي عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ، وَجَعَلَنِي فِي الدُّنْيَا سَيِّدَ وُلْدِ آدَمَ، وَفِي الْآخِرَةِ زَيْنَ الْقِيَامَةِ، وَحَرَّمَ دُخُولَ الْجَنَّةِ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ حَتَّى أَدْخُلَهَا أَنَا، وَحَرَّمَهَا عَلَى أُمَّهَمُ حَتَّى تَدْخُلَ أُمَّتِي، وَجَعَلَ الْخِلَافَةَ فِي أَهْلِ بَيْتِي مِنْ بَعْدِي إِلَى النَّفْخِ فِي الصُّورِ، فَمَنْ كَفَرَ بِمَا أَقُولُ فَقَدْ كَفَرَ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ. (٤)

٣٨٢٤. عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ، قَالَ: كُنْتُ ذَاتَ يَوْمٍ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا أَقْبَلَ بِوَجْهِهِ عَلَيَّ بِنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ: يَا أَبَا الْحَسَنِ؟ قَالَ: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: هَذَا جَبْرَيْئِيلُ يُخْبِرُنِي عَنِ اللَّهِ عِزَّ وَجَلَّ أَنَّهُ قَالَ: قَدْ أَعْطَى شِيَعَتَكَ وَمُحِبِّيكَ تِسْعَ خِصَالٍ: الرَّفَقَ عِنْدَ الْمَوْتِ، وَالْأَنْسَ عِنْدَ الْوَحْشَةِ (٥)، وَالتَّوَرَ عِنْدَ الظُّلْمَةِ (٦)، وَالْأَمْنَ عِنْدَ الْفَرَعِ، وَالْقِسْطَ عِنْدَ الْمِيزَانِ، وَالْجَوَازَ عَلَى الصُّرَاطِ، وَدُخُولَ الْجَنَّةِ قَبْلَ سَائِرِ النَّاسِ، وَنورَهُمْ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ.

اعطى النبي صلى الله عليه وآله في علي عليه السلام تسع خصال: (٧)

٣٨٢٥. عَنْ زَيْدِ بْنِ أَرْقَمٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اعطيتُ فيكَ يا عَلِيُّ تِسْعَ خِصَالٍ: ثَلَاثٌ فِي الدُّنْيَا،

ص: ٣٩٤

١- . الجِلَّ - بكسر الجيم - من المتاع: البسط والأكيسه. والجلَّة - بضمها - وعاء التمر.

٢- . ختله: أى خدعه، وختل الذئب الصيد إذا تخفى له ليأخذه.

٣- . الخصال، ص ٤١٦، ح ٨.

٤- . الخصال، ص ٤١٣، ح ١.

٥- . لعل المراد وحشه القبر، أو القيامة، أو الأمن والاطمئنان فى حياتهم الدنيوية.

٦- . لعل المراد ظلّمه يوم القيامة أو الأعمّ منها ومن ظلمات الدنيا من ضلالتها وشبهاتها.

٧- . الخصال، ص ٤٠٢، ح ١١٢.

۳۸۲۲. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: در حضور رسول الله صلی الله علیه و آله بودیم که فرستاده عبدالقیس وارد شدند و سلام کردند و طبقی از خرما را جلوی حضرت گذاشتند.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: این صدقه است یا هدیه؟ گفتند: هدیه است یا رسول الله. فرمودند: از کدام نوع خرمای شماست؟ گفت: برنی.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: در این نوع خرمای شما نه ویژگی وجود دارد: این جبرئیل است که از نه ویژگی به شما خبر می دهد: نفس را خوشبو می کند. و دهان را خوشبو می کند. و معده را تقویت می کند. غذا را هضم می کند. گوش و چشم را تقویت، و کمر را محکم می کند. و شیطان را فریب می دهد. و به خدا نزدیک، و از شیطان دور می کند.

۳۸۲۳. ام هانی دختر ابوطالب گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند اسلام را بدست من ظاهر کرد.

و قرآن را بر من نازل فرمود. کعبه را به دست من فتح کرد. و مرا بر همه مخلوقات برتری داد. و مرا در دنیا سرور فرزندان آدم و در آخرت زینت قیامت قرار داد. و ورود به بهشت را قبل ورود من بر پیامبران حرام کرد. بر امتهای دیگر تا امت من وارد نشود ورود به بهشت را ممنوع کرد. خلافت را پس از من تا قیامت در اهل بیت من قرار داد. پس هر کس به آنچه می گویم کفر ورزد، به خدای عظیم کفر ورزیده است.

۳۸۲۴. جابر بن عبدالله انصاری گوید: روزی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بودم که به علی بن ابیطالب علیه السلام رو کرد و فرمود: ای ابوالحسن می خواهی به تو مژده ای بدهم؟ گفت: بله یا رسول الله. فرمودند: این جبرئیل است که از طرف خدای عزّ و جل خیر می دهد که به شیعه تو و دوست دار تو نه امتیاز عطا شده است: راحتی هنگام مرگ، و انس در وحشت، و نور در ظلمت، و ایمنی از ترس در قیامت، و عدالت در میزان، و عبور از صراط، و ورود به بهشت قبل از بقیه مردم، و نور آنها پیشاپیش و از طرف راست آنها می شتابد.

۳۸۲۵. رسول الله صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمودند: با وجود تو به من نه خصلت داده اند:

سه خصلت در دنیا: تو وصی من و جانشین من در امت و ادا کننده دین من هستی.

وَالثَّلَاثُ فِي الْآخِرَةِ، وَالثَّنَانِ لَكَ، وَوَحِدَةً أَخْفَاهَا عَلَيْكَ:

فَأَمَّا الثَّلَاثُ الَّتِي فِي الدُّنْيَا؛ فَإِنَّكَ وَصِيِّي، وَخَلِيفَتِي فِي أَهْلِي، وَقَاضِي دِينِي.

وَأَمَّا الثَّلَاثُ الَّتِي فِي الْآخِرَةِ؛ فَإِنِّي اعطى لِيَاءِ الْحَمْدِ فَأَجْعَلُهُ فِي يَدِكَ وَآدَمَ وَذُرِّيَّتَهُ يَمْشِيَانِ تَحْتَ لِيَائِي، وَتُعِينَنِي عَلَى مَفَاتِيحِ الْجَنَّةِ، وَأُحْكَمُكَ فِي شَفَاعَتِي لِمَنْ أَحَبَّبْتَ.

وَأَمَّا الثَّنَانِ لَكَ، فَإِنَّكَ لَنْ تَرْجِعَ مِنْ بَعْدِي كَافِرًا، وَلَا ضَالًّا.

وَأَمَّا الَّتِي أَخْفَاهَا عَلَيْكَ فَغَدْرُهُ (١) قُرَيْشٍ بِكَ مِنْ بَعْدِي يَا عَلِيُّ (٢).

٣٨٢٦. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا خَلَقَ اللَّهُ شَيْئًا إِلَّا وَجَعَلَ لَهُ سَيِّدًا: فَالنَّسْرُ سَيِّدُ الطُّيُورِ، وَالبَقْرُ سَيِّدُ البِهَائِمِ، وَالأَسَدُ سَيِّدُ السَّبَاعِ وَالْوُحُوشِ، وَإِسْرَافِيلُ سَيِّدُ المَلَائِكَةِ، وَآدَمُ سَيِّدُ البَشَرِ، وَالجُمُعَةُ سَيِّدُ الأَيَّامِ، وَرَمَضانُ سَيِّدُ الشُّهُورِ، وَأنا سَيِّدُ الأنبياءِ، وَعَلِيُّ سَيِّدُ الأَوْصِيَاءِ (٣).

٣٨٢٧. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَوْصَانِي رَبِّي بِتِسْعٍ، وَأنا أَوْصِيكُمْ بِمَا أَوْصَانِي بِهِ رَبِّي: بِالإِخْلَاصِ فِي السَّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ، وَالعَيْدِ فِي الرِّضَى وَالغَضَبِ، وَالقَصْدِ فِي الغِنَى وَالفَقْرِ، وَأَنْ أَعْفُوَ عَمَّنْ ظَلَمَنِي، وَأُعْطِيَ مَن حَرَمَنِي، وَأَصِلَ مَن قَطَعَنِي، وَأَنْ يَكُونَ صَمْتِي فِكْرًا، وَنُطْقِي ذِكْرًا، وَنَظْرِي عِبْرًا (٤).

٣٨٢٨. وَعَنْ صَيْفَوَانَ بْنِ عَسَّالٍ قَالَ: قَالَ يَهُودِيُّ لِصَاحِبِهِ: إِذْهَبْ بِنَا إِلَى هَذَا النَّبِيِّ، فَقَالَ لَهُ صَاحِبُهُ: لَا تَقُلْ لَهُ نَبِيٌّ، إِنَّهُ لَوْ سَمِعَكَ لَكَانَ لَهُ أَرْبَعَةُ أَعْيُنٍ!! فَأَتَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَسَأَلَهُ عَنْ تِسْعِ آيَاتٍ بَيَّنَّاتٍ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

لَا تُشْرِكُوا بِاللَّهِ شَيْئًا، وَلَا تُسْرِفُوا، وَلَا تَزْنُوا، وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ، وَلَا تَمْشُوا بِبِرْيٍ إِلَى ذِي سُلْطَانٍ لِيَقْتُلَهُ، وَلَا تَسْحَرُوا، وَلَا تَأْكُلُوا الرِّبَا، وَلَا تَقْذِفُوا مُحْصِيَّهٖ، وَلَا تُؤَلُّوا لِلْفِرَارِ يَوْمَ الزَّحْفِ، وَعَلَيْكُمْ خَاصَّةً يَهُودِ أَنْ لَا تَعْتَدُوا فِي السَّبْتِ. وَقَالَ: فَقَبَّلَا- يَدَيْهِ وَرِجْلَيْهِ وَقَالَا: نَشْهَدُ أَنَّكَ نَبِيٌّ، قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: فَمَا يَمْنَعُكُمْ أَنْ تَتَّبِعُونِي؟ قَالَا: إِنَّ دَاوُدَ دَعَا رَبَّهُ أَنْ لَا يَزَالَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ نَبِيٌّ وَإِنَّا نَخَافُ أَنْ اتَّبِعْنَاكَ أَنْ يَقْتُلَنَا الْيَهُودُ.

ص: ٣٩٦

١- . أى نقضهم العهد.

٢- . الخصال، ص ٤١٥، ح ٥.

٣- . شرح الأخبار، ج ١، ص ٢٢٣.

٤- . تحف العقول، ص ٣٦.

سه خصلت در آخرت: پرچم حمد را که به من داده اند در دست توست و آدم و فرزندانش زیر پرچم من حرکت می کنند. تو در کلیدهای بهشت مرا یاری می کنی. تو را حاکم می کنم در شفاعت من برای هر که دوست داری.

دو خصلت برای توست: تو بعد از من گمراه و کافر نخواهی شد.

از یک خصلت در مورد تو ترس دارم: قریش بعد از من با تو مکر و پیمان شکنی می کنند.

۳۸۲۶. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند برای هر چه آفریده سروری قرار داده است:

کرکس سرور پرندگان است. و گاو سرور چهار پایان، و شیر سرور درندگان وحشی، و اسرافیل سرور فرشتگان، و آدم سرور بشر، و جمعه سید روزها، و رمضان سید ماهها، و من سید پیامبران، و علی سید اوصیاء است.

۳۸۲۷. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: پروردگرم مرا به نه چیز توصیه فرمود. و من شما را به آنچه پروردگرم فرموده توصیه می نمایم: اخلاص در نهان و آشکار، عدالت در خشنودی و خشم، میانه روی در ثروت و فقر، بیخشم کسی را که به من ظلم کرد، عطا کنم به کسی که مرا محروم کرد. صلۀ رحم کنم با کسی که از من قطع رابطه کرد. و سکوت من فکر، و گفتار من ذکر، و نظر من عبرت باشد.

۳۸۲۸. یک یهودی به دوستش گفت: برویم نزد این پیامبر. دوستش گفت: نگو پیامبر، اگر بشنود به خود می بالد.

آمدند و پرسیدند: نه نشانه روشن کدامند؟ حضرت فرمودند: به خدا شرک نورزید. اسراف نکنید. زنا نکنید. کسی را به ناحق به قتل نرسانید. بی گناه را به دام حاکم زورگو نیندازید تا او را بکشد. جادو نکنید. ربا نخورید. به زنان پاکدامن تهمت نزنید. از جنگ فرار نکنید.

شما یهودیان در روز شنبه تعدی نکنید.

دو یهودی دست و پای پیامبر صلی الله علیه و آله را بوسیدند و گفتند: شهادت می دهیم که تو پیامبر هستی.

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: چرا از من پیروی نمی کنید؟ گفتند: می ترسیم اگر به تو ایمان آوریم یهودیان ما را بکشند.

قال بعضهم: المراد بتسع آيات معجزات موسى عليه السلام، وقال آخرون: التسع المذكورة في الحديث كما ذكره النبي صلى الله عليه وآله، والأخير مخصوص باليهود، وهو قوله: لا تعتدوا؛ لئلا يلزم أن الآيات عشر.

وقولهما: لا يزال في ذريته نبي؛ أي لا تنقطع النبوة في ذريته إلى يوم القيامة فيكون دعاؤه مستجاباً، فيكون في ذريته نبي، وهو افتراء على داود، ولم يكن اليهوديان مؤمنين حقيقه.

٣٨٢٩. قال عليه السلام: الكبائر في الإسلام تسع: أربع في اللسان: الشرك، وشهادة الزور، وقذف المحصنه، والسحر، واثنان في الباطن: أكل الربا، وأكل أموال اليتامى ظلماً؛ وواحدة في اليد: قتل النفس بغير حق؛ وواحدة في الرجل: الفرار من الزحف؛ وواحدة في الجسد كله: عقوق الوالدين. فإن أردت النجاة من الهلاك فاترك هذه الكبائر التسع.

ص: ٣٩٨

برخی گفته اند: منظور از نه آیه، معجزه های موسی علیه السلام است. دیگرانی گفته اند: نه تای ذکر شده در حدیث، - همان گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده - و این آخری، ویژه یهودند، و آن آخری، گفته «تجاوز نکنید است»، و این از آن روست که آیه ها، ده نشود.

اما این گفته آن دو نفر که همواره در ذریه داود، پیامبری خواهد بود، یعنی نبوت در نسل او تا روز قیامت قطع نخواهد شد، و بنابراین، دعای او اجابت شده است، و در نسلش پیامبری خواهد بود. این حرف، افترای بر داود است. و آن دو یهودی مؤمن واقعی نبودند.

۳۸۲۹. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: گناهان بزرگ [کبیره] در اسلام نه گناه است:

چهار گناه مربوط به زبان: شرک و شهادت دروغ و تهمت ناروا به افراد پاکدامن و سحر.

دو گناه مربوط به شکم: خوردن ربا و خوردن مال یتیم.

یک گناه مربوط به دست: کشتن انسان بی گناه.

یک گناه مربوط به پا: فرار از جنگ.

یک گناه مربوط به تمام بدن: ستم به پدر و مادر.

اگر خواهی از هلاکت نجات یابی این نه گناه را ترک کن.

ص: ۳۹۹

٣٨٣٠. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَاللَّهِ! لَقَدْ أَعْطَانِي اللَّهُ تِسْعَةَ أَشْيَاءَ لَمْ يُعْطِهَا أَحَدًا قَبْلِي خِلا النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَتَمَدَّ فُتِنَتْ لِي السُّبُلُ (١)، وَعُلِّمْتُ الْأَسْبَابَ (٢)، وَأُجِرْتُ إِلَى السَّحَابِ (٣)، وَعُلِّمْتُ الْمَنَائِي وَالتَّبَايَا (٤)، وَفَصَّلَ الْخِطَابِ (٥)، وَلَقَدْ نَظَرْتُ إِلَى الْمَلَكَوَاتِ بِإِذْنِ رَبِّي حَيْلَ جَلَالُهُ؛ فَمَا غَابَ مِنِّي حَتَّى عَلِمْتُ مَا كَانَ قَبْلِي وَمَا يَأْتِي مِن بَعْدِي، وَإِنَّ بَوْلَاتِي أَكْمَلَ اللَّهُ تَعَالَى لِهَذِهِ الْأُمَّةِ دِينَهُمْ، وَأَتَمَّ عَلَيْهِمُ النَّعَمَ، وَرَضِيَ إِسْلَامَهُمْ، إِذْ يَقُولُ يَوْمَ الْوَلَايَةِ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا مُحَمَّدُ، أَخْبِرْهُمْ أَنِّي الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَهُمْ دِينَهُمْ، وَأَتَمَمْتُ عَلَيْهِمْ نِعَمَاتِي، وَرَضَيْتُ لَهُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا. كُلُّ ذَلِكَ مِنْ مَنِّ اللَّهِ بِهِ عَلَيَّ، فَلَهُ الْحَمْدُ. (٦)

٣٨٣١. وَعَنْ عَامِرِ الشَّعْبِيِّ قَالَ: تَكَلَّمَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِتِسْعِ كَلِمَاتٍ ارْتَجَلَهُنَّ ارْتِجَالًا (٧) فَقَاتَ عُيُونَ الْبَلَاغَةِ، وَأَيْتَمَنَ (٨) جَوَاهِرَ الْحِكْمَةِ، وَقَطَعَنَ جَمِيعَ الْأَنَامِ عَنِ اللَّحَاقِ بِوَاحِدِهِ مِنْهُنَّ (٩)؛ ثَلَاثٌ مِنْهَا فِي الْمُنَاجَاةِ، وَثَلَاثٌ مِنْهَا فِي الْحِكْمَةِ، وَثَلَاثٌ مِنْهَا فِي الْأَدَابِ:

ص: ٤٠٠

- ١- . لعلّ المراد سبل العلم.
- ٢- . لعلّ المراد بالأسباب العلل.
- ٣- . أى سخر له السحاب فتجرى بأمره.
- ٤- . المنايا: جمع المنية: أى الموت، والبلايا: الحوادث، جمع البلية، يعنى أنه عليه السلام علّم آجال الناس أو مطلق الآجال، وَعَلِمَ الْحَوَادِثَ مَتَى وَكَيْفَ وَأَيْنَ تَقَعُ.
- ٥- . فصل الخطاب: ما فيه قطع الحكم، فالمراد إمّا القضاء بين الناس أو كلّ مطلب يقينى.
- ٦- . الخصال، ص ٤١٤، ح ٤.
- ٧- . ارتجل الكلام: تكلم به من غير أن يهينّه.
- ٨- . أى جعلنّ جواهر الحكمة أيتامًا ضعافًا.
- ٩- . أى قطعوهم عن الإتيان بأمثالهنّ.

فصل دوم: احادیثی از امیرالمؤمنین علیه السلام

۳۸۳۰. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: بخدا قسم، خداوند به من نه امتیاز داده است که قبل از من جز به پیامبر صلی الله علیه و آله به کسی نداده است: راهها به روی من باز شده است. و از اسباب [و علت کارها] خبر دارم. ابر برای من به حرکت افتاد. از مرگ و گرفتاریها اطلاع دارم. و حق و باطل را می شناسم. با اذن پروردگار به ملکوت نگریستم و آگاه شدم به آنچه قبل از من بوده و آنچه بعد از من می آید. و با ولایت من خداوند متعال دین این امت را کامل کرد و نعمت را بر آنها تمام فرمود. و از اسلام آنان خوشنود شد. چون در روز ولایت [عید غدیر] به محمد صلی الله علیه و آله فرمود: یا محمد به آنها بگو: امروز دین شما را کامل کردم. و نعمت را بر شما تمام و اسلام را برای شما برگزیدم.

همه اینها از منتهای خداوند بر من است. پس حمد سزاوار اوست.

۳۸۳۱. امیرالمؤمنین علیه السلام بالبداهه و بدون آمادگی قبلی نه جمله فرمودند که چشمان بلاغت را حیرت زده و گوهرهای حکمت را ناتوان و همه مردم را از درک جمله ای از آن عاجز نمودند:

سه جمله در رابطه با مناجات: خدایا این عزت مرا بس که بنده توام. و این افتخار مرا بس که تو پروردگار منی. تو چون آنی که من دوست دارم، مرا چنان قرار ده که دوست داری.

فَأَمَّا اللَّامَاتِي فِي الْمُنَاجَاةِ: إِلَهِي كَفَى بِي عِزًّا أَنْ أَكُونَ لَكَ عَبْدًا، وَكَفَى بِي فَخْرًا أَنْ تَكُونَ لِي رَبًّا، أَنْتَ كَمَا أَحِبُّ فَاجْعَلْنِي كَمَا تُحِبُّ.

وَاللَّامَاتِي فِي الْحِكْمَةِ فَقَالَ: قِيمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يُحْسِنُهُ، وَمَا هَلَكَ امْرُؤٌ عَرَفَ قَدْرَهُ، وَالْمَرْءُ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ .

وَاللَّامَاتِي فِي الْآدَابِ فَقَالَ: اأْمُنْ (١) عَلَى مَنْ شِئْتَ تَكُنْ أَمِيرَهُ، وَاحْتِجْ إِلَى مَنْ شِئْتَ تَكُنْ أُسِيرَهُ، وَاسْتَعِنْ عَمَّنْ شِئْتَ تَكُنْ نَظِيرَهُ.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ! ازْهَدُوا فِي الدُّنْيَا؛ فَإِنَّ عَيْشَهَا قَصِيرٌ، وَخَيْرُهَا يَسِيرٌ، وَإِنَّهَا لِدَارٌ شَخُوصٌ (٢) ، وَمَحَلَّةٌ تَنْغِيصٌ (٣) ، وَإِنَّهَا لَتُدْنِي الْأَجَالَ، وَتَقْطَعُ الْأَمَالَ، أَلَا وَهِيَ الْمُتَصَدِّيقَةُ (٤) الْعَنُونَ، وَالْجَامِحَةُ الْحَرُونَ (٥) ، وَالْمَائِنَةُ (٦) الْخَوْونُ (٧).

ص: ٤٠٢

- ١- . اأْمُنْ: أَي مَنَّ عَلَيْهِ بِالْإِعْطَاءِ، وَبِمَا يَكُونُ لَكَ الْفَضْلُ وَالْمَنَّةُ عَلَيْهِ، كَمَا يُقَالُ فِي أَسْمَاءِ اللَّهِ تَعَالَى: مَنَّانٌ، وَلَيْسَ الْمُرَادُ الْمَنَّةُ الْمُبْطَلَةُ لِلْعَمَلِ، بَلْ كُنَايَةٌ عَنِ الْإِعْطَاءِ.
- ٢- . شَخُوصٌ شُخُوصًا: ذَهَبَ (لِسَانُ الْعَرَبِ: شَخُوصٌ).
- ٣- . نَغَّصَ عَلَيْهِ الْعَيْشَ تَنْغِيصًا: كَدَّرَهُ (الْمَجْمَعُ: نَغَصَ).
- ٤- . الْمُتَصَدِّيقَةُ الْعَنُونَ: أَي الَّتِي تَتَعَرَّضُ لِلنَّاسِ (لِسَانُ الْعَرَبِ: عَنَنْ).
- ٥- . الْحَرُونَ: الَّذِي لَا يَنْقَادُ (الْمَجْمَعُ: حَرَنْ).
- ٦- . الْمَائِنُ: الْكَاذِبُ (لِسَانُ الْعَرَبِ: مِين).
- ٧- . الْخِصَالُ، ص ٤٢٠، ح ١٤؛ عِيُونَ الْحِكْمِ وَالْمَوَاعِظُ، ص ٥٥٦.

سه جمله در حکمت: قیمت هر کس به قدر معرفت و دانش اوست. و کسی که قدر خود را بشناسد نابود نمی شود. آدمی در پس زبان خود نهفته است.

سه جمله در آداب: به هر که خواهی عطا کن، بر او امیر خواهی شد. و از هر کس طلب کنی اسیر او می شوی. و از هر کس بی نیاز باشی با او برابر خواهی بود.

ای مردم در دنیا زاهد باشید، چون عیش آن کوتاه و خیر آن اندک است. و دنیا خانه گذر و محله کدورت است. و دنیا مرگ را نزدیک و آرزوها را قطع می کند. بدانید دنیا خود را عرضه می کند اما فرمانبردار نیست. و دروغگو و خائن است.

ص: ۴۰۳

٣٨٣٢. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: وَضَعَ رَسُولُ اللَّهِ الزَّكَاةَ عَلَى تِسْعَةِ أَشْيَاءَ وَعَفَا عَمَّا سِوَى ذَلِكَ: الْحِنْطَةَ، وَالشَّعِيرَ، وَالتَّمْرَ، وَالزَّبَّابَ، وَالذَّهَبَ، وَالْفِضَّةَ، وَالبَقْرَ، وَالغَنَمَ، وَالْإِبِلَ.

فَقَالَ السَّائِلُ: فَالذُّرَّةُ؟ فَغَضِبَ ثُمَّ قَالَ: كَانَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّماسِمُ (١) وَالذُّرَّةُ وَالذُّخْنُ (٢) وَجَمِيعَ ذَلِكَ.

فَقِيلَ: إِنَّهُمْ يَقُولُونَ لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَإِنَّمَا وَضَعَ عَلَى التَّسْعَةِ لَمَّا لَمْ يَكُنْ بِحَضْرَتِهِ غَيْرَ ذَلِكَ.

فَغَضِبَ وَقَالَ: كَذَبُوا! وَهَلْ يَكُونُ الْعَفْوُ إِلَّا عَن شَيْءٍ قَدْ كَانَ؟! وَلَا وَاللَّهِ، مَا عَرَفْنَا شَيْئًا عَلَيْهِ الزَّكَاةَ غَيْرَ هَذَا «فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ» (٣).

٣٨٣٣. رَوَى هَارُونُ بْنُ حَمَزَةَ الْغَنَوِيُّ الصِّيرْفِيُّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ التَّسْعِ الْآيَاتِ الَّتِي أَوْتِيَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ: الْجَرَادُ، وَالْقُمَّلُ، وَالضَّفَادِعُ، وَالذَّمُّ، وَالطُّوفَانُ، وَالبَحْرُ، وَالحَجْرُ، وَالعَصَا، وَيَدُهُ (٤).

٣٨٣٤. وَرَوَى يُونُسُ بْنُ زَبْيَانَ، قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ تِسْعَةُ أَسْمَاءٍ عِنْدَ اللَّهِ عِزُّ وَجَلُّ: فَاطِمَةُ، وَالصَّدِيقَةُ، وَالْمُبَارَكَةُ، وَالطَّاهِرَةُ، وَالزَّكِيَّةُ، وَالرَّضِيَّةُ، وَالْمَرْضِيَّةُ، وَالْمُحَدَّثَةُ، وَالزَّهْرَاءُ.

١- السَّماسِمُ: جَمْعُ سَمَسِمٍ (النِّهَايَةُ: ٤٠٠/٢).

٢- الذُّخْنُ: حَبُّ الْجَاوَرِسِ، أَوْ حَبُّ أَصْغَرِ مِنْهُ، أَمْلَسَ جَدًّا حَابِسًا لِلطَّبْعِ (القَامُوسُ الْمُحِيطُ: ٢٢١/٤).

٣- الخِصَالُ، ص ٤٢١، ح ١٩.

٤- الخِصَالُ، ص ٢٢٩، ح ٤٥٩.

۳۸۳۲. امام صادق علیه السلام فرمودند: رسول الله صلی الله علیه و آله در نه چیز زکات واجب فرمودند. و سایر اموال را از زکات معاف نمودند: آن نه چیز عبارتند: از گندم و جو و خرما و کشمش و طلا و نقره و گاو و گوسفند و شتر.

شخصی پرسید: ذرت چطور؟ حضرت برآشفتند و فرمودند: در زمان رسول الله صلی الله علیه و آله کنجد و ذرت و ارزن و امثال اینها هم وجود داشت. [ولی حضرت زکات را در آنها واجب نفرمودند].

گفتند: مردم می گویند: اینها در زمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله وجود نداشته است. و زکات را در نه چیز واجب کردند، چون فقط همان نه چیز در آن زمان بوده است.

امام علیه السلام فرمودند: دروغ گفته اند. معاف کردن در مورد چیزهایی است که وجود داشته باشند. و بخدا قسم غیر از اینها چیزی را نمی شناسیم که زکات داشته باشد. هر کس می خواهد ایمان بیاورد. و هر کس می خواهد کفر ورزد.

۳۸۳۳. هارون بن حمزه گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: نه نشانه ای که خدا به حضرت موسی علیه السلام داده چیست؟ فرمودند: ملخ و شپش و قورباغه و خون و طوفان و دریا [شکافتن نیل و عبور حضرت] و شکافتن سنگ [بیرون آمدن چشمه] و عصا و ید بیضاء.

۳۸۳۴. امام صادق علیه السلام فرمودند: فاطمه زهرا علیها السلام نزد خداوند نه اسم دارند: فاطمه، صدیقه، مبارکه، طاهره، زکیه، رضیه، مرضیه و محدثه و زهراء.

ثُمَّ قَالَ: تَدْرِي لِأَيِّ شَيْءٍ سُمِّيتِ فَاطِمَةُ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا -؟ قُلْتُ: أَخْبِرْنِي يَا سَيِّدِي، قَالَ:

فَطَمْتُ مِنَ الشَّرِّ.

قَالَ: ثُمَّ قَالَ: لَوْلَا - أَنْ أُمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ - تَزَوَّجَهَا لَمَا كَانَ لَهَا كُفُوٌّ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ مِنْ آدَمَ فَمَنْ دُونَهُ. (١)

٣٨٣٥. وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الدُّنْيَا بِمَنْزِلَةِ صُورِهِ رَأْسُهَا الْكَبِيرُ، وَعَيْنُهَا الْحِرْصُ، وَأُذُنُهَا الطَّمَعُ، وَلِسَانُهَا الرِّيَاءُ، وَيَدُهَا الشَّهْوَةُ، وَرِجْلُهَا الْعُجْبُ، وَقَلْبُهَا الْغَفْلَةُ، وَكَوْنُهَا الْفَنَاءُ، وَحَاصِلُهَا الرِّوَالُ؛ فَمَنْ أَحَبَّهَا أَوْرَثَتْهُ الْكِبْرَ، وَمَنْ اسْتَحْسَبَ نَهَا أَوْرَثَتْهُ الْحِرْصَ، وَمَنْ طَلَبَهَا أَوْرَثَتْهُ الطَّمَعُ، وَمَنْ مَدَّحَهَا أَلْبَسَتْهُ الرِّيَاءَ، وَمَنْ أَرَادَهَا مَكَّنَتْهُ مِنَ الْعُجْبِ، وَمَنْ اطْمَأَنَّ إِلَىهَا أَوْلَتْهُ (٢) الْغَفْلَةَ، وَمَنْ أَعْجَبَهُ مَتَاعَهَا أَفْتَنَتْهُ وَلَا يَبْقَى، وَمَنْ جَمَعَهَا وَبَخَلَ بِهَا رَدَّتْهُ إِلَى مُسْتَقَرِّهَا وَهِيَ النَّارُ. (٣)

٣٨٣٦. وَرُوِيَ أَنَّ مِنْ كَمَالِ إِيْمَانِ الْعَبْدِ أَنْ يَكُونَ فِيهِ تِسْعَةُ خِصَالٍ: لَا يَدْخُلُهُ الرِّضَى فِي بَاطِلٍ، وَلَا يُخْرِجُهُ الْعَضْبُ عَنْ حَقٍّ، وَلَا تَحْمِلُهُ الْقُدْرَةُ عَلَى تَنَاوُلِ مَا لَيْسَ لَهُ، وَأَنْ يُمْسِكَ الْفَضْلَ مِنْ قَوْلِهِ، وَيُخْرِجَ الْفَضْلَ مِنْ مَالِهِ، وَيُحْسِنَ تَقْدِيرَ مَعِيشَتِهِ، وَيَكُونَ ذَا تَقْيَةٍ جَمِيلَةٍ، وَحُسْنِ خُلُقٍ، وَسَخَاءِ نَفْسٍ. (٤)

٣٨٣٧. وَرَوَى الْعَامَّةُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي التَّوْرَةِ: أَنَّ أُمَّهَاتِ الْخَطَايَا ثَلَاثَةٌ: الْكِبْرُ، وَالْحِرْصُ، وَالْحَسِيْدُ؛ فَانْتَشَرَ مِنْهَا سِتَّةٌ فَصَارَتْ تِسْعَةً: الشُّبُعُ، وَالنُّومُ (٥)، وَحُبُّ الْمَالِ، وَحُبُّ الْمَحْمَدِ وَالشَّنَاءِ، وَحُبُّ الرِّئَاسَةِ. (٦)

٣٨٣٨. وَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْبُكَاءُ ثَلَاثَةٌ: أَحَدُهَا مِنْ خَوْفِ اللَّهِ، وَمِنْ هَرَبِ (٧) الْخَطِيئَةِ، وَمِنْ خَشْيَةِ الْقَطِيعَةِ (٨)؛ فَأَمَّا الْأَوَّلُ فَهُوَ كَفَّارَةُ الذُّنُوبِ، وَالثَّانِي فَهُوَ طَهَارَةُ الْعُيُوبِ، وَالثَّلَاثُ فَهُوَ الْوَلَايَةُ مَعَ رِضَاءِ الْمَحْبُوبِ؛ فَثَمَرُهُ كَفَّارَةُ الذُّنُوبِ النَّجَاهُ مِنَ الْعُقُوبَاتِ، وَثَمَرُهُ طَهَارَةُ الْعُيُوبِ النَّعِيمُ الْمُقِيمُ وَاللِّدْرَجَةُ الْعُلْيَا، وَثَمَرُهُ الْوَلَايَةُ مَعَ رِضَاءِ الْمَحْبُوبِ الرُّؤْيَةُ وَالرِّيَازَةُ.

ص: ٤٠٦

١- . الأُمَالِي لِلصَّدُوقِ، ص ٥٩٢؛ الْخِصَالِ، ص ٤١٤، ح ٣.

٢- . أَوْلَتْهُ: أَيِ أَعْطَتْهُ ابْتِدَاءً مِنْ غَيْرِ مِكَافَأَةٍ.

٣- . مِصْبَاحُ الشَّرِيعَةِ، ص ١٣٩.

٤- . الْكَافِي، ج ٢، ص ٢٣٩، ح ٢٩ وَفِيهِ جِزْءٌ مِنَ الْحَدِيثِ.

٥- . فِي بَعْضِ الْمِصَادِرِ: «وَالرَّاحَةُ» بَعْدَ «وَالنُّومِ».

٦- . تَهْذِيبُ الْكَمَالِ، الْمَرْوِيُّ، ج ٢٣، ص ١٦٨.

٧- . أَيِ بُكَاءِ نَاشٍ مِنَ الْفِرَارِ عَنِ الْخَطِيئَةِ حَيْثُ نَدِمَ وَتَابَ. وَالظَّاهِرُ أَنَّهُ مِصْحَفٌ وَالصَّحِيحُ «قُرْبٌ».

٨- . أَيِ مِنْ خَشْيَةِ أَنْ يَقْطَعَ عَنْهُ رَحْمَتَهُ وَعِطَاءَهُ.

سپس فرمودند: می دانی چرا فاطمه نامیده شده اند علیها السلام؟ گفتم: سرورم شما بفرمایید.

فرمودند: چون از شر جدا شده اند. [یعنی وجود نازنین ایشان خیر محض است.]

و آنگاه فرمودند: اگر امیرالمؤمنین علیه السلام با ایشان ازدواج نمی کرد، در روی زمین تا قیامت کسی از فرزندان آدم همتای او یافت نمی شد.

۳۸۳۵. امام صادق علیه السلام فرمودند: دنیا مثل تصویری است که سر آن تکبر و چشم آن حرص و گوش آن طمع و زبان آن دو رویی و دست آن شهوت و پای آن خود پسندی و قلب آن غفلت و وجود آن فنا و حاصل آن نابودی است.

کسی که دنیا را دوست بدارد، تکبر را ارث می برد. و کسی که دنیا را تحسین کند، حرص را ارث می برد. و کسی که دنبال آن رود، طمع نصیبش می شود. و کسی که دنیا را مدح کند، لباس ریا بر او بپوشاند. و کسی که دنیا را بخواهد، او را خود پسند می کند. و کسی که به دنیا اطمینان کند، دچار غفلت شود. و کسی که متاع دنیا در چشمش جلوه کند، فریفته شود و باقی نماند. و کسی که مال دنیا را جمع کند و بخل ورزد، به مقرّ دنیا یعنی دوزخ روانه شود.

۳۸۳۶. نشانه کمال ایمان انسان داشتن نه خصلت است: خوشی او را به باطل نمی کشد. و خشم او را از حق خارج نمی کند. و قدرت سبب تجاوز به حقوق دیگران نمی شود. و سخن گزافه نمی گوید. و مازاد مال خود را انفاق می کند. و میانه روی در زندگی را می داند. و بخوبی مدارا می کند. و اخلاق خوب، و سخاوت دارد.

۳۸۳۷. اهل تسنن از رسول الله صلی الله علیه و آله نقل کرده اند: خداوند متعال در تورات به حضرت موسی علیه السلام فرمود: اساس گناهان سه چیز است: تکبر و حرص و حسد. از این ها شش خوی بد تولید می شود. که مجموعاً نه خصلت زشت می شوند: پر خوری، پر خوابی، مال دوستی، علاقه به ستایش و چاپلوسی، و عشق به ریاست.

۳۸۳۸. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: گریه سه نوع است: ۱ - از ترس خدا، که کفاره گناهان و ثمره اش نجات از کیفر است.

۲ - از شرم گناه، که از عیب پاک می کند و ثمره اش نعمت جاویدان و درجه عالی است.

۳ - ترس از دور شدن خدا، که پیوند با خدا و خشنودی اوست. و ثمره اش رؤیت و فزونی است.

٣٨٣٩. وَقَالَ بَعْضُ الصَّحَابَةِ: مَنْ حَفِظَ الصَّلَاةَ (١) الْخَمْسَ بِوَقْتِهَا وَدَاوَمَ عَلَيْهَا أَكْرَمَهُ اللَّهُ بِتَسْعِ كَرَامَاتٍ: أُولَئِكَ أَنْتَ يُحِبُّهُ اللَّهُ، وَيَكُونُ يَدُّهُ صَدِيحًا، وَتَحْرُسُهُ الْمَلَائِكَةُ، وَتَنْزِلُ الْبَرَكَاتُ فِي دَارِهِ، وَيُظَهَّرُ فِي وَجْهِهِ سِيمَاءُ الصِّالِحِينَ، وَيَلِينُ قَلْبُهُ، وَيَمُرُّ عَلَى الصَّرَاطِ كَالْبَرْقِ اللَّامِعِ، وَيُنَجِيهِ اللَّهُ مِنَ النَّارِ، وَيُنزِلُهُ فِي جِوَارِهِ مَعَ الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ.

٣٨٤٠. وَقِيلَ: لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ، وَلَا عَمَلٍ لِمَنْ لَا دِينَ لَهُ، وَلَا نِيَّةَ لِمَنْ لَا عِلْمَ لَهُ، وَلَا رَاحَةَ لِمَنْ لَا قَنَاعَةَ لَهُ، وَلَا تَوْفِيقَ لِمَنْ خَبَثَتْ سَرِيرَتُهُ.

مَنْ اسْتَعْمَلَ الْجَزَمَ فَازَ بِالسَّلَامَةِ، وَمَنْ اسْتَوَلَى عَلَيْهِ التَّوَانِي أَحَاطَتْ بِهِ النَّدَامَةُ. مَنْ لَا يَتَّقِي الذَّنْبَ لَا يَتَّقِي الرَّبَّ. مَنْ لَا يَعِصِي هَوَاهُ لَا يَطْعُ (٢) عَقْلَهُ. مَنْ لَا يُبْغِضُ الرِّذَائِلَ لَمْ يُحِبِّ الْفَضَائِلَ.

وَأَعْلَمُ أَنَّ النَّيِّامَ يَتَّبِعِي أَنْ يُبْغِضَ وَلَا يُوْتَقَ بِصِدْقَتِهِ، وَكَيْفَ لَا يُبْغِضُ وَهُوَ لَا يَنْفَكُ عَنْ تَسْعَةِ خَبَائِثٍ مُهْلِكَاتٍ: وَهِيَ الْكُذْبُ، وَالْغَيْبَةُ، وَالْعَدْرُ، وَالْخِيَانَةُ، وَالْغُلُّ، وَالْحَسَدُ، وَالنَّفَاقُ، وَالْإِفْسَادُ بَيْنَ النَّاسِ، وَالْحَدِيثُ، وَهُوَ مَنْ سَعَى فِي قَطْعِ مَا أَمَرَ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ أَنْ يُوَصَلَ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوَصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ».

وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ».

وَالنَّيِّامُ مِنْهُمْ.

ص: ٤٠٨

١- . الظاهر أنَّ الصواب: «الصَّلوات».

٢- . كذا، ولعلَّ الصواب: «لم يَطْع» أو: «لا يَطْع».

۳۸۳۹. یکی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: کسی که پنج نماز را همیشه اول وقت بخواند. خداوند او را با نه کرامت گرامی دارد: ۱ - خدا او را دوست دارد. ۲ - بدنش صحیح ماند. ۳ - ملائکه او را حفظ می کنند. ۴ - برکت در خانه اش نازل می شود. ۵ - در چهره او سیمای صالحان ظاهر می شود. ۶ - قلبش نرم می شود. ۷ - از صراط چون برق جهنده می گذرد. ۸ - خدا او را از آتش نجات می دهد. ۹ - در جوار خدا با کسانی که نه ترس دارند و نه اندوه مأنوس شود.

۳۸۴۰. گفته اند: کسی که عقل ندارد دین ندارد. کسی که دین ندارد عمل ندارد. و کسی که علم ندارد فکر صحیح ندارد. و کسی که قانع نیست آسایش ندارد. و کسی که باطن پلید دارد توفیق نیابد. کسی که احتیاط کند سالم بماند. و کسی که تنبلی بر او چیره شود پشیمانی او را احاطه کند. کسی که از گناه پرهیز نکند از خدا نمی ترسد. کسی که با هوس مخالفت نکند از عقل اطاعت نکرده است. کسی که از رذائل اخلاقی نفرت ندارد فضائل اخلاقی را دوست ندارد.

بدان: باید سخن چین منفور باشد و به صداقت او اعتماد نشود. چون از نه صفت زشت و مهلک جدا نمی شود: دروغ، غیبت، پیمان شکنی، خیانت، مکر، حسد، نفاق، فتنه انگیزی و فریبکاری.

سخن چین کسی است که تلاش می کند رابطه ای را که خدا امر فرموده برقرار شود، قطع کند.

خداوند می فرماید: «قطع می کنند آنچه را که خدا امر فرموده برقرار شود. و در زمین فساد می کنند».

خداوند می فرماید: «کسانی که به مردم ظلم می کنند و در روی زمین بناحق ستم می کنند محکوم هستند». و سخن چیز از آنان است.

وقال الله: «وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ» قيل: الهُمَزَةُ النَّمَامُ.

وقال تعالى عن امرأه نوح وامرأه لوط: «فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغَيِّبَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ»، قيل: كان امرأه لوط تخبر بالضيفان (١)، وامرأه نوح تخبر بأنه مجنون (٢).

٣٨٤١. وقيل: لَمَّا مات وزير كسرى بوزر جمهر ووجد مكتوباً على منطقتيه تسع كلمات، وهي: إن كان الله تكفل بأرزاق العباد فالهم لِمَاذَا؟ وإن كانت الأرزاق قُسمت فالحرص لِمَاذَا؟ وإن كانت الدنيا غرارة فالركون إليها لِمَاذَا؟ وإن كانت الجنة حقاً فترك العَمَلِ لِمَاذَا؟ وإن كان القبر حقاً فتشيد البنين لِمَاذَا؟ وإن كانت النار حقاً فكثرة الضحك لِمَاذَا؟ وإن كان الحساب حقاً فجمع المال لِمَاذَا؟ وإن كان يوم القيامة حقاً فقله جزع لِمَاذَا؟ وإن كان إبليس عدوك فاتباعك عدوك لِمَاذَا؟

ص: ٤١٠

١- . جمع ضيف.

٢- . لعل الصواب: «لم يُطع».

خداوند می فرماید: «وای بر هَمَزَه». همزه نَمَام است.

خداوند درباره همسر نوح و لوط می فرماید: «آن دو زن به همسران خود خیانت کردند. و چیزی آنها را از دوزخ نجات نمی دهد و به آنها گفته می شود با داخل شوندگان به جهنم داخل شوید».

گفته اند: همسر لوط مردم را از آمدن میهمان برای لوط آگاه کرد. و زن نوح او را دیوانه معرفی می کرد.

۳۸۴۱. وقتی که بوذر جمهر وزیر کسری مُرد. نه جمله روی کمر بند او نوشته بود:

۱ - خداوند کفیل روزی بندگان است. غصه برای چه؟

۲ - اگر روزی تقسیم شده است، دیگر حرص برای چه؟

۳ - اگر دنیا فریبنده است، پس اعتماد به آن برای چه؟

۴ - اگر بهشت حق است، پس چرا عمل برای آن ترک شود؟

۵ - اگر قبر حق است، ساختمانهای محکم برای چه؟

۶ - اگر دوزخ حق است، خندیدن زیاد چرا؟

۷ - اگر حساب حق است، جمع کردن مال برای چه؟

۸ - اگر قیامت حق است، چرا کم جزع کنیم؟

۹ - اگر شیطان دشمن توست، پیروی از دشمن برای چه؟

ص: ۴۱۱

الباب العاشر: فِي المَوَاعِظِ العُشَارِيَّةِ

باب دهم: پندهای ده گانه

اشاره

ص: ۴۱۳

الفصل الأول: مِمَّا رَوَتْهُ الْعَامَّةُ وَالْخَاصَّةُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

٣٨٤٢. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَلَيْكُمْ بِالصَّدَقَةِ؛ فَإِنَّ فِيهَا عَشْرَ خِصَالٍ: خَمْسَةٌ فِي الدُّنْيَا وَخَمْسَةٌ فِي الْآخِرَةِ؛ أَمَّا الدُّنْيَا: تَطْهِيرُ أَمْوَالِكُمْ، وَتَطْهِيرُ أَبْدَانِكُمْ، وَدَوَاءُ مَرْضَاكُم، وَدُخُولُ الْمَسِيرَةِ فِي الْقُلُوبِ، وَزِيَادَةُ الْأَمْوَالِ، وَسَيِّعَةُ الرِّزْقِ، وَأَمَّا فِي الْعُقْبَى: ظِلٌّ فِي الْقِيَامَةِ، وَسَهْوَةٌ الْحِسَابِ، وَرُجْحَانُ الْمِيزَانِ بِالثَّوَابِ، وَجَوَازٌ عَلَى الصَّرَاطِ، وَدَرَجَةٌ الْأَعْلَى (١).

٣٨٤٣. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا ظَهَرَتْ فِي أُمَّتِي عَشْرُ خِصَالٍ عَاقَبَهُمُ اللَّهُ تَعَالَى بِعَشْرِهِ. قِيلَ: وَمَا هِيَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا قَلَّلُوا الدُّعَاءَ نَزَلَ الْبَلَاءُ، وَإِذَا تَرَكُوا الصَّدَقَاتِ كَثُرَتِ الْأَمْرَاضُ، وَإِذَا مَنَعُوا الزَّكَاةَ هَلَكَتِ الْمَوَاشِي، وَإِذَا جَارَ الشُّلْطَانُ مَنَعَ الْمَطْرَ، وَإِذَا كَثُرَ فِيهِمُ الزُّنَا كَثُرَ فِيهِمْ مَوْتُ الْفَجْأَةِ، وَإِذَا كَثُرَ الرِّيَاءُ كَثُرَ الزَّلَازِلُ، وَإِذَا حَكَمُوا بِخِلَافِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى سَيَّلَ عَلَيْهِمْ عَيْدُوهُمْ، وَإِذَا نَقَضُوا الْعَهْدَ ابْتَلَاهُمُ اللَّهُ بِالْقِتْلِ، وَإِذَا طَفَّقُوا الْكَيْلَ أَخَذَهُمُ اللَّهُ بِالسِّنِينَ. ثُمَّ قَرَأَ: «ظَهَرَ الْفُسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»

٣٨٤٤. وَرَوَى قَتَادَةُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: خَافُوا مِنَ اللَّهِ، وَصَلُّوا الرَّحِمَ؛ فَإِنَّهُمَا فِي الدُّنْيَا بَرَكَهٌ، وَفِي الْعُقْبَى مَغْفِرَةٌ.

وَفِي صَلِّهِ الرَّحِمَ عَشْرُ خِصَالٍ: رِضَاءُ الرَّبِّ، وَفَرْحُ الْقُلُوبِ، وَفَرْحُ الْمَلَائِكَةِ، وَتَنَاءُ النَّاسِ، وَتَرْغِيمُ (٢) الشَّيْطَانِ، وَزِيَادَةُ الْعُمْرِ، وَزِيَادَةُ الرِّزْقِ، وَفَرْحُ الْأَمْوَالِ، وَزِيَادَةُ الْمَرْوَةِ، وَزِيَادَةُ الثَّوَابِ.

ص: ٤١٤

١- . كَذَا، وَلَعَلَّ الصَّوَابُ: «وَالدَّرَجَةُ الْعُلْيَا».

٢- . الرَّغَامُ: التَّرَابُ. وَيُقَالُ: أَرغَمَ اللَّهُ أَنْفَهُ: أَيِ أَلصَقَهُ بِالرَّغَامِ (الصَّحَاحُ: ١٩٣٤/٥).

۳۸۴۲. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: صدقه بدهید که ده اثر دارد پنج اثر در دنیا که عبارتند از: پاک کردن مال، پاک کردن بدن، داروی بیماران، شادی بخش دلها و زیادی مال و توسعه رزق. و پنج اثر در آخرت دارد که عبارتند از: سایبان قیامت، آسانی حساب، سنگینی کفّه ثواب، عبور از صراط، و درجه اعلا.

۳۸۴۳. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: هرگاه ده خصلت در امت من پدیدار شود خداوند آنان را به ده چیز کیفر می دهد: اگر کم دعا کنند، بلا نازل می شود. اگر صدقه ندهند، بیماری زیاد می شود. اگر زکات ندهند، چهارپایان هلاک می شوند. اگر حکومت ستم کند، باران نمی بارد. اگر زنا زیاد شود، مرگ ناگهانی زیاد می شود. اگر دورویی و ریا زیاد شود، زلزله زیاد می شود. اگر قضاوت بر خلاف حکم خدا کنند، دشمن بر آنان مسلط شود. اگر پیمان شکنند، آدم کشی شایع شود. اگر کم فروشی کنند، خداوند آنان را به قحطی مبتلا کند.

سپس این آیه را تلات فرمودند: «فساد در زمین و دریا ظاهر شود. خدا به سبب آنچه کرده اند قسمتی از کارهای زشت را به آنان بنمایاند شاید باز گردند».

۳۸۴۴. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: از خدا بترسید و با خویشان رابطه برقرار کنید. که در دنیا موجب برکت می شوند. و در آخرت موجب آمرزش. و در صله رحم ده اثر وجود دارد: خشنودی پروردگار، شادی قلبها، شادی فرشتگان، ستایش مردم، خفت شیطان، و طول عمر، و زیادی رزق، و شادی اموات، و زیادی جوانمردی، و فزونی ثواب.

٣٨٤٥. منقول من كتاب لب اللباب: جاء رجل إلى النبي صلى الله عليه وآله فقال له: أتأذن لي أن أتمنى الموت، فقال صلى الله عليه وآله:

الموت شئ لا بد منه، وسفر طويل يتبعني لمن أرادته أن يرفع عشر هدايا، فقال: وما هي؟ قال صلى الله عليه وآله:

هدية عزرائيل، وهدية القبر، وهدية منكرو نكير، وهدية الميزان، وهدية الصراط، وهدية مالك (١)، وهدية رضوان (٢)، وهدية النبي صلى الله عليه وآله، وهدية جبرئيل، وهدية الله تعالى.

أما هدية عزرائيل فأربعة أشياء: رضاء الخصماء، وقضاء الفوائت، والشوق إلى الله، والتأني للموت (٣).

وهدية القبر أربعة أشياء: ترك النميمه، واستبراؤه من البول، وقراءة القرآن، وصلاة الليل (٤).

وهدية منكرو نكير أربعة أشياء: صدق اللسان، وترك الغيبه، وقول الحق، والتواضع لكل أحد (٥).

وهدية الميزان أربعة أشياء: كظم الغيظ، وورع صادق، والمسئى إلى الجماعات، والتداعي (٦) إلى المغفرت.

وهدية الصراط أربعة أشياء: إخلاص العمل، وحسن الخلق، وكثرة ذكر الله، واحتمال الأذى (٧).

وهدية مالك أربعة أشياء: البكاء من خشية الله، وصدق السر، وترك المعاصي، وبر الوالدين.

وهدية رضوان أربعة أشياء: الصبر على المكاره، والشكر على نعمه، وإنفاق المال في طاعته، وحفظ الأمانه في الوقف.

وهدية النبي صلى الله عليه وآله أربعة أشياء: محبته، والإقتداء بسنته، ومحبته أهل بيته، وحفظ اللسان عن الفحشاء.

وهدية جبرئيل أربعة أشياء: قلة الأكل، وقلة النوم، ومداومه الحمد، وقلة الكلام.

وهدية الله تعالى أربعة أشياء: الأمر بالمعروف، والنهي عن المنكر، والنصيحه للخلق، والرحمه على كل أحد (٨).

ص: ٤١٦

١- . خازن النار.

٢- . خازن الجنة.

٣- . أى الراحة عند الموت تحصل بهذه الأربعة.

٤- . أى هذه الخصال الأربعة ترفع ضغطه القبر.

٥- . يعنى هذه الخصال ترفع سؤالهما أو تسهله.

٦- . التداعي: التتابع (مجمع البحرين: ٤١/٢).

٧- . أى إن هذه الأربعة تسهل المرور على الصراط.

٨- . مستدرک سفینه البحار، ج ١٠، ص ٤٩٨ (نقلًا عن الاثنی عشریّه عن لب اللباب)

۳۸۴۵. در کتاب لب اللباب آمده است: شخصی نزد رسول الله صلی الله علیه و آله آمد و گفت: آیا به من اجازه می دهید آرزوی مرگ کنم؟ حضرت فرمودند: مرگ که چاره ای ندارد و سفر طولانی است و کسی که مرگ می خواهد، باید ده تحفه با خود ببرد.

پرسید: چه چیزهایی؟ حضرت فرمودند: هدیه ای برای عزرائیل، هدیه ای برای قبر، هدیه ای برای نکیر و منکر، هدیه ای برای میزان، هدیه ای برای صراط، هدیه ای برای مالک، و هدیه ای برای رضوان، و هدیه ای برای پیامبر صلی الله علیه و آله، و هدیه ای برای جبرئیل علیه السلام، و هدیه ای برای خداوند متعال.

اما هدیه عزرائیل چهار چیز است: رضایت طلبکاران، قضای واجباتی که ترک شده اند. و شوق به خداوند و آرزوی مرگ.

هدیه قبر چهار چیز است: ترک سخن چینی، استبراء از ادرار، تلاوت قرآن و نماز شب.

هدیه منکر و نکیر چهار چیز است: راستگویی، ترک غیبت، سخن حق، فروتنی در برابر همه.

هدیه میزان چهار چیز است: فروبردن خشم، پروای واقعی، رفتن به جماعت و دعا برای مغفرت.

هدیه صراط چهار چیز است: اخلاص در عمل، اخلاق خوش، زیاد به یاد خدا بودن، تحمل اذیت.

هدیه مالک [فرشته دوزخ] چهار چیز است: گریه از ترس خدا، صدقه مخفی، ترک گناهان، نیکی به پدر و مادر.

هدیه رضوان [فرشته بهشت] چهار چیز است: صبر در سختی، شکر در نعمت، انفاق مال در طاعت خدا و حفظ امانت در وقف.

هدیه پیامبر صلی الله علیه و آله چهار چیز است: دوست داشتن او، پیروی از سنت او، محبت اهل بیت او علیهم السلام، نگهداری زبان از گناهان.

هدیه جبرئیل علیه السلام چهار چیز است: کم خوردن، کم خوابیدن، حمد مداوم، کم حرفی.

هدیه خداوند متعال چهار چیز است: امر بمعروف، نهی از منکر، خیر خواهی برای مردم و مهربانی با همه.

٣٨٤٦. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَشْرَةٌ مِنْ أُمَّتِي يَسْخَطُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَأْمُرُ بِهِمْ إِلَى النَّارِ، فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَنْ هَؤُلَاءِ؟ فَقَالَ: شَيْخُ زَانَ، وَإِمَامٌ ضَالٌّ، وَمِيدَمٌ الْخَمْرِ، وَعَاقٌ وَالْتَدِيهِ، وَقَازِفٌ الْمُحْصَيْنَةَ، وَالْمَاشِي بِالنَّمِيمَةِ، وَشَاهِدُ الزُّورِ، وَمَانِعُ الزَّكَاةِ، وَالظَّالِمِ، وَتَارِكُ الصَّلَاةِ؛ أَلَا- وَإِنَّ تَارِكَ الصَّلَاةِ يُضَاعَفُ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَيَأْتِي وَقَدْ غُلَّتْ يَدَاهُ إِلَى عُنُقِهِ، وَالْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَهُ عَلَى حُرٍّ (١) وَجَبِيهِ بِمَقَامِعِ (٢) مِنْ نَارٍ، وَتَقُولُ لَهُ الْجَنَّةُ: لَسْتَ مِنِّي وَلَا أَنْتَ مِنْ أَهْلِي، وَتَقُولُ لَهُ النَّارُ: ادْنُ مِنِّي فَلَا عَذَابَ لَكَ عَذَابًا شَدِيدًا، فَعِنْدَ ذَلِكَ تَصِيحُ لَهُ جَهَنَّمُ فَيَدْخُلُهَا كَالسَّهْمِ الْمُسْرِعِ، فَيَهْوِي عَلَى أُمَّ رَأْسِهِ إِلَى عِنْدِ قَارُونَ إِلَى الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ.

٣٨٤٧. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا عُبِدَ اللَّهُ تَعَالَى إِلَّا بِالْعَقْلِ، وَلَا يَتِمُّ عَقْلُ الْمَرْءِ حَتَّى يَكُونَ فِيهِ عَشْرُ خِصَالٍ: الْخَيْرُ مِنْهُ مَأْمُولٌ، وَالشَّرُّ مِنْهُ مَأْمُونٌ، يَسْتَقِلُّ كَثِيرَ الْخَيْرِ مِنْ عِنْدِهِ، وَيَسْتَكْتِرُ قَلِيلَ الْخَيْرِ مِنْ غَيْرِهِ، وَلَا يَتَّبِرُّمُ مِنْ طَلَبِ الْحَاجَةِ، وَلَا يَسْأَمُ مِنْ طَلَبِ الْعِلْمِ طَوْلَ عُمُرِهِ، الْفَقْرُ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنَ الْغِنَى، وَالذُّلُّ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنَ الْعِزِّ، نَصِيئُهُ مِنَ الدُّنْيَا الْقَوْتُ، وَالْعَاشِرُ الَّذِي لَا يَرَى أَحَدًا مِنَ النَّاسِ إِلَّا قَال: هُوَ خَيْرٌ مِنِّي. (٣)

٣٨٤٨. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَشْرَةٌ أَشْيَاءُ تَوَرَّثَ الشَّيْبُ: كَثْرَةُ مُعَانَقَةِ النِّسَاءِ، وَغَسْلُ الرَّأْسِ بِالطَّيْنِ، وَطَوْلُ الْمَقَامِ عَلَى الْخَلَاءِ، وَالْكَلَامُ عَلَى رَأْسِ الْحَدَثِ، وَكَثْرَةُ الطَّيْبِ، وَشُرْبُ الْمَاءِ بِاللَّيْلِ، وَالنَّظَرُ إِلَى الْفَرْجِ، وَالتَّوْمُ عَلَى الْوَجْهِ، وَشُرْبُ الْمَاءِ مِنْ قِيَامٍ، وَمَسْحُ الْوَجْهِ بِالْكُمَيْنِ.

ص: ٤١٨

١- حُرُّ الْوَجْهِ: مَا أَقْبَلَ عَلَيْكَ وَبَدَأَ لَكَ مِنْهُ (النهاية: ٣٥١/١).

٢- الْمَقَامِعُ: سِيَاطُ تُعْمَلُ مِنْ حَدِيدٍ رُؤُوسُهَا مَعْوَجَةٌ (النهاية: ١١٠/٤).

٣- معدن الجواهر، ص ٧٠.

۳۸۴۶. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: ده گروه از امت من در قیامت مورد غضب خداوند هستند و به دوزخ رانده می شوند. پرسیدند: آنان کیستند یا رسول الله؟

حضرت فرمودند: پیر زناکار، پیشوای گمراه، شراب خوار، ستمکار به پدر و مادر، تهمت زننده به زنان پاک دامن، سخن چین، کسی که شهادت دروغ دهد، کسی که زکات ندهد، ظالم، کسی که نماز را ترک کند، بدانید که عذاب کسی که نماز را ترک کند در قیامت مضاعف می شود. او را در حالی که دستانش به گردن آویخته می آورند. و فرشتگان با تازیانه های آتشین بر صورت و پیشانی او می زنند. و بهشت به او می گوید: تو از من و اهل من نیستی. و دوزخ به او می گوید: نزدیک شو که تو را به عذاب سخت شکنجه می کنم. و در این حال جهنم فریاد بر می آورد و نگون بخت چون تیر با سر به جهنم پرتاب می شود و در کنار قارون در بدترین جای درک می افتد.

۳۸۴۷. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند را جز با عقل نمی تواند عبادت کرد. و عقل انسان کامل نمی شود مگر اینکه ده خصلت در او باشد:

مردم به خیر او امیدوار باشند. و از شر او در امان باشند. و کارهای خیر فراوان خود را اندک بشمارد. و اندک کار خیر دیگران را بزرگ بشمارد. و از اینکه مردم از او کمک بخواهند ناراحت نشود. و از تحصیل علم در تمام عمر خود خسته نشود. و فقر را بیشتر از ثروت دوست داشته باشد. و ذلت را بیشتر از عزت دوست داشته باشد. و سهم او از دنیا بقدر قوت او باشد. و دهم اینکه همه را از خود بهتر بداند.

۳۸۴۸. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: ده چیز انسان را پیر می کند:

زیاد نزدیکی کردن با زنان، شستن سر با گل [گل سرشوی]، توقف طولانی در توالی، سخن گفتن هنگام قضای حاجت، استعمال زیاد عطر، نوشیدن آب در شب، نگاه کردن به آلت تناسلی زن، خوابیدن به صورت، نوشیدن آب در حال ایستاده، و پاک کردن صورت با آستین لباس.

٣٨٤٩. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَمْ يُعْبَدِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنَ الْعَقْلِ، وَلَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ عَاقِلًا حَتَّى يُجْمَعَ فِيهِ عَشْرُ خِصَالٍ: الْخَيْرُ مِنْهُ مَيَامُومٌ، وَالشَّرُّ مِنْهُ مَأْمُونٌ، وَيَسْتَكْتِرُ قَلِيلَ الْخَيْرِ مِنْ غَيْرِهِ، وَيَسْتَقْبِلُ كَثِيرَ الْخَيْرِ مِنْ نَفْسِهِ، لَا يَسْأَمُ مِنْ طَلَبِ الْعِلْمِ طَوْلَ عُمْرِهِ، وَلَا يَتَّبِرُّمُ بِطُلَّابِ الْحَوَائِجِ قَبْلَهُ، وَالذُّلُّ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنَ الْعِزِّ، وَالْفَقْرُ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنَ الْغِنَى، نَصِيْبُهُ مِنَ الدُّنْيَا الْقَوْتُ، وَالْعَاشِرَةُ - وَمَا الْعَاشِرَةُ! - أَنْ لَا يَرَى أَحَدًا إِلَّا قَالَ: هُوَ خَيْرٌ مِنِّي وَأَتَقَى.

إِنَّمَا النَّاسُ رَجُلَانِ: فَرَجُلٌ هُوَ خَيْرٌ مِنْهُ وَأَتَقَى، وَآخَرُ هُوَ شَرٌّ مِنْهُ وَأَدْنَى، فَإِذَا رَأَى مَنْ هُوَ خَيْرٌ مِنْهُ وَأَتَقَى تَوَاضَعَ لَهُ لِيَلْحَقَ بِهِ، وَإِذَا لَقِيَ الَّذِي هُوَ شَرٌّ مِنْهُ وَأَدْنَى قَالَ: عَسَى خَيْرٌ هَذَا بَاطِنٌ وَشَرٌّ ظَاهِرٌ وَعَسَى أَنْ يُخْتَمَ لَهُ بِخَيْرٍ، فَإِذَا فَعَلَ ذَلِكَ فَقَدْ اعْتَلَى مَجْدُهُ (١)، وَسَادَ أَهْلَ زَمَانِهِ (٢).

٣٨٥٠. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مُدْمِنٌ خَمْرٍ سَكِيرٌ، وَلَا عَاقٌ، وَلَا شَدِيدُ السَّوَادِ، وَلَا ذَيُّوْتٌ، وَلَا قَلَّاحٌ (٣)؛ وَهُوَ الشَّرْطِيُّ، وَلَا ذَنُوقٌ (٤)؛ وَهُوَ الْخُنْثِيُّ، وَلَا جَيُوفٌ؛ وَهُوَ التَّبَاشُ، وَلَا عَشَارٌ، وَلَا قَاطِعٌ

ص: ٤٢٠

- ١- .المجد في كلام العرب: الشرف الواسع، ورجل ماجد: مفضل كثير الخير شريف. وقيل: هو الكريم الفعال، وقيل: إذا قارن شرف الذات حسن الفعال سمى مجداً (النهاية: ٢٩٨/٤) وقيل المجد: العز والرفعه.
- ٢- . الخصال، ص ٤٣٣، ح ١٧.
- ٣- . قلاح، ويأتي في ح ٣٨٤٧: القلاح بالعين بدل الحاء، وهو الصحيح؛ لأن القلاح ليس له معنى مناسب للمقام، إذ القلح صفره تعلو الأسنان، مع أن المصنف نقل فيما تقدم أن القلاح هو الذي يمشى بين يدي الأمراء، وفير القلاح هنا بالشرطي، وهو يؤيد ما ذكرنا.
- ٤- . نقل في معاني الأخبار ص ٣٣٠ «ولازنوق» بالزاء، وهو المخثث. والحيوف - بالحاء المهملة -: وهو التباش.

۳۸۴۹. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند با چیزی بهتر از عقل عبادت نشود و مؤمن تا در وجودش ده خصلت نباشد عاقل نیست:

به خیر او امیدوار باشند. و از شر او در امان باشند. و اندک خیر دیگران را بزرگ شمارد. و خیر فراوان خود را اندک بیند. و از تحصیل علم در تمام عمر خسته نشود. و از درخواست نیاز دیگران ناراحت نشود. و ذلت نزد او محبوبتر از عزت باشد. و فقر نزد او محبوبتر از ثروت باشد. و از دنیا بقدر قوت خود سهم برگیرد. و دهمین که مهم است اینکه هر که را می بیند بگوید: او از من بهتر و با تقواتر است.

چون مردم دو دسته هستند، دسته ای از او بهتر و با تقواتر و دسته ای بدتر و پائین تر. وقتی که مردم بهتر از خود را می بیند اظهار فروتنی کند تا به آنها ملحق شود. و زمانی که مردم بدتر از خود را می بیند بگوید: شاید خیر اینها از من مخفی است و شر اینها عیان است و شاید عاقبت به خیر باشند.

پس اگر چنین کند مجد خود را عالی نموده و سرور اهل زمان خود شود.

۳۸۵۰. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: نه شراب خوار وارد بهشت شود و نه عاق والدین و نه سیاه دل و نه دیوث و نه شرطی [مأمور مالیاتی ظالمان] و نه لواط دهنده و نه کسی که قبر مؤمنی را

رَحِمَ، وَلَا قَدْرِيٌّ.

قَالَ ابْنُ بَابَوَيْهِ رَحِمَهُ اللَّهُ: يَعْنِي بِشَدِيدِ السَّوَادِ الَّذِي لَا يَبْيَضُ شَيْءٌ مِنْ شَعْرِ رَأْسِهِ وَلَا مِنْ شَعْرِ لِحْيَتِهِ، وَيُسَمَّى الْغَرِيبُ.

أَقُولُ: لَيْسَ هَذَا أَمْرًا اخْتِيَارِيًّا لِيَكُونَ مَانِعًا عَنِ دُخُولِ الْجَنَّةِ، بَلِ الظَّاهِرُ أَنَّ الْمُرَادَ مِنَ اشْتِدَادِ سَوَادِ قَلْبِهِ لِكَثْرَةِ الْمَعْصِيَةِ (١).

٣٨٥١. عَنْ أَبِي الطُّفَيْلِ عَنِ حُذَيْفَةَ بْنِ اسِيدٍ، قَالَ: أَطَّلَعَ عَلَيْنَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنْ غُرِفَ لَهُ وَنَحْنُ نَتِيدَاكُرُ السَّاعَةَ، فَقَالَ: لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَكُونَ عَشْرُ آيَاتٍ: الدَّجَالُ، والدُّخَانُ، وَطُلُوعُ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا، وَدَابَّةُ الْأَرْضِ، وَيَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ، وَثَلَاثُ خُسُوفَاتٍ: خَسْفٌ بِالْمَشْرِقِ وَخَسْفٌ بِالمَغْرِبِ وَخَسْفٌ بِجَزِيرَةِ الْعَرَبِ، وَنَارٌ تَخْرُجُ مِنْ قَرْنِ عَدْنٍ (٢) تَسُوقُ النَّاسَ إِلَى المَحْشَرِ، تَنْزِلُ مَعَهُمْ إِذَا نَزَلُوا، وَتُقِيلُ مَعَهُمْ إِذَا قَالُوا (٣).

٣٨٥٢. وَمِنْ مَجْمُوعِ الْغَرَائِبِ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَشْرُ عِلَامَاتٍ قَبْلَ السَّاعَةِ لَا بَيِّدٌ مِنْهَا: الشُّفْيَانِيُّ، وَالدَّجَالُ، وَالدُّخَانُ، وَالدَّابَّةُ، وَخُرُوجُ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَطُلُوعُ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا، وَنُزُولُ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، وَخَسْفٌ بِالْمَشْرِقِ، وَخَسْفٌ بِجَزِيرَةِ الْعَرَبِ، وَنَارٌ تَخْرُجُ مِنْ قَعْرِ عَدْنٍ تَسُوقُ النَّاسَ إِلَى المَحْشَرِ (٤).

٣٨٥٣. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا عَلِيُّ، اقْرَأ «يَس»؛ فَإِنَّ فِي «يَس» عَشْرَ بَرَكَاتٍ: مَا قَرَأَهَا جَائِعٌ إِلَّا شَبِعَ، وَلَا ظَمَانٌ إِلَّا رَوِيَ، وَلَا عَارٌ إِلَّا كَسِيَ، وَلَا عَزْبٌ إِلَّا تَزَوَّجَ، وَلَا خَائِفٌ إِلَّا أَمِنَ، وَلَا مَرِيضٌ إِلَّا بَرِيَ، وَلَا مَحْبُوسٌ إِلَّا أُخْرِجَ، وَلَا مُسَافِرٌ إِلَّا أُعِينَ عَلَى سَفَرِهِ، وَلَا يَقْرَؤُونَهَا عِنْدَ مَيِّتٍ إِلَّا خَفَّفَ اللَّهُ عَنْهُ، وَلَا قَرَأَهَا رَجُلٌ عَلَى ضَالَّةٍ إِلَّا وَجَدَ طَرِيقَهَا (٥).

٣٨٥٤. وَعَنْ مُعَاذِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ سَأَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنْ أَهْوَالِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ، فَقَالَ: يَا مُعَاذُ سَأَلْتَ عَنْ أَمْرٍ عَظِيمٍ مِنَ الْأُمُورِ، ثُمَّ أُرْسِلَ عَيْنُهُ بِالدُّمُوعِ وَقَالَ: يُحْشَرُ عَشْرَةُ أَصْنَافٍ مِنْ أُمَّتِي؛ بَعْضُهُمْ عَلَى صُورَةِ الْقِرَدَةِ،

ص: ٤٢٢

١- الخصال، ص ٤٣٦، ح ٢٣.

٢- كذا، وفي أكثر المصادر: «قعر عدن»، وفي بعضها: «قبل عدن».

٣- الخصال، ص ٤٣١، ح ١٣.

٤- الخرائج و الجرائح، ج ٣، ص ١١١٤٨، ح ٥٧.

٥- الدعوات للراوندي، ص ٢١٥، ح ٥٧٩.

بشکافد و نه باجگیر و نه کسی که با خویشاوندان قطع رابطه کند. و نه قدری [منکر قضا و قدر].

ابن بابویه رحمه الله گوید: شدید السواد یعنی کسی که در سر و صورت او هیچ موی سفید نباشد که غریب نامیده می شود.

مؤلف گوید: سپیدی مو امری اختیاری نیست تا مانع از ورود به بهشت شود. بلکه منظور کسی که بعلت گناه زیاد قلبش سیاه است [و به همین دلیل سیاه دل ترجمه شد].

۳۸۵۱. حدیفه گوید: ما درباره الساعه گفتگو می کردیم که پیامبر صلی الله علیه و آله از غرفه خود به ما توجه نموده و فرمودند: تا ده نشانه ظاهر نشود ساعه فرا نمی رسد: دجال، و دخان، و طلوع خورشید از مغرب، و دابّه الارض، و یاجوج و ماجوج، و سه فرو رفتن زمین: یکی در مشرق، یکی در مغرب، و یکی در جزیره العرب، و آتشی که از طرف عدن خارج می شود و مردم را بسوی محشر سوق می دهد. زمانی که فرود آیند با آنها فرود می آید و زمانی که بگویند به آنها روی می آورد.

۳۸۵۲. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: قبل از ساعه ده علامت باید اتفاق بیفتد: سفیانی، دجال و دخان و دابّه و قیام حضرت مهدی علیه السلام و طلوع خورشید از مغرب و فرود آمدن حضرت عیسی علیه السلام و فرو رفتن زمین در مشرق و در جزیره العرب و آتشی که از اعماق عدن مردم را بسوی محشر سوق می دهد.

۳۸۵۳. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: یا علی سوره یس را قرائت کن که در آن ده برکت وجود دارد: اگر گرسنه ای قرائت کند سیر شود. اگر تشنه ای قرائت کند سیراب شود. اگر عریان قرائت کند لباس به او پوشیده شود. اگر فرد مجرّدی قرائت کند ازدواج می کند. اگر ترسان قرائت کند ایمنی یابد. و اگر مریض قرائت کند خوب شود. و اگر زندانی قرائت کند آزاد شود. و اگر مسافر قرائت کند یاری شود. و اگر نزد میت قرائت کنند خداوند به آن میت تخفیف دهد. و اگر بر گمشده ای قرائت کنند راه را پیدا کند.

۳۸۵۴. معاذ از وحشت های قیامت پرسید. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: یا معاذ از یک امر بزرگ پرسیدی.

آنگاه اشک حضرت از چشم های مبارک جاری شد و فرمودند: امت من در ده

وَبَعْضُهُمْ عَلَى صُورِهِ الْخَنْزِيرِ، وَبَعْضُهُمْ عَلَى وُجُوهِهِمْ مُنْكَسُونَ؛ أَرْجُلُهُمْ (١) فَوْقَ رُؤُوسِهِمْ يُسْحَبُونَ عَلَيْهَا، وَبَعْضُهُمْ عِمِيَانٌ، وَبَعْضُهُمْ صُمَّمْ وَبُكْمٌ، وَبَعْضُهُمْ يَمْضَغُونَ أَلْسِنَتَهُمْ فِيهِ مَمْدُودَةً عَلَى صُدُورِهِمْ يَسِيلُ الْقَيْحُ [مِنْهُمْ] يَتَيَأَذَى مِنْهُمْ أَهْلُ الْجَمْعِ، وَبَعْضُهُمْ مُقَطَّعَةُ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ، وَبَعْضُهُمْ مُصَلَّبُونَ عَلَى جُذُوعٍ مِنْ نَارٍ، وَبَعْضُهُمْ أَشَدُّ نَتْنًا مِنَ الْجَيْفِ، وَبَعْضُهُمْ مُلَبَّسُونَ جِابَابًا (٢) سَابِغَةً مِنْ قَطْرَانٍ (٣) لَازِقَةً بِجُلُودِهِمْ.

فَأَمَّا الَّذِينَ عَلَى صُورِهِ الْقِرَدَةِ فَالْقَتِيَاتُ مِنَ النَّاسِ، وَأَمَّا الَّذِينَ عَلَى صُورِهِ الْخَنْزِيرِ فَأَهْلُ السُّحْتِ، وَأَمَّا الْمُنْكَسُونَ عَلَى رُؤُوسِهِمْ فَأَكَلَةُ الرَّبَا، وَأَمَّا الْعُمَى الَّذِينَ يَجُورُونَ فِي الْحُكْمِ، وَأَمَّا الصُّمُّ الْبُكْمُ فَالْمُعْجَبُونَ بِأَعْمَالِهِمْ، وَأَمَّا الَّذِينَ يَمْضَغُونَ أَلْسِنَتَهُمْ فَهُمْ الْمُغْتَابُونَ، وَأَمَّا الَّذِينَ قُطِّعَتْ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ فَهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ الْجِيرَانَ، وَأَمَّا الْمُصَلَّبُونَ عَلَى جُذُوعٍ مِنْ نَارٍ فَالْشُّعَاءُ (٤) بِالنَّاسِ إِلَى السُّلْطَانِ، وَأَمَّا الَّذِينَ هُمْ أَشَدُّ نَتْنًا مِنَ الْجَيْفِ فَالَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ وَاللَّذَاتِ وَمَنَعُوا حَقَّ اللَّهِ مِنْ أَمْوَالِهِمْ، وَأَمَّا الَّذِينَ يَلْبَسُونَ الْجِابَابَ أَهْلُ الْكِبْرِ وَالْفَخْرِ وَالْخِيَلِ (٥).

٣٨٥٥. وَعَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ [عَنْ أَبِيهِ عَنِ عَمْرِو بْنِ أَبِي عَمْرِو بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ] (٦) عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ: يَا عَلِيُّ، كَفَرَ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ عَشْرَةٌ: الْقَتَاتُ، وَالسَّاحِرُ، وَالْدِّيُوثُ، وَنَاكِحُ الْمَرْأَةِ حَرَامًا فِي دُبُرِهَا، وَنَاكِحُ الْبَهِيمَةِ، وَمَنْ نَكَحَ ذَاتَ مَحْرَمٍ مِنْهُ، وَالسَّاعِي فِي الْفِتْنَةِ، وَبَائِعُ السَّلَاحِ مِنْ أَهْلِ الْحَرْبِ، وَمَانِعُ الزَّكَاةِ، وَمَنْ وَجَدَ سَعَةً فَمَاتَ وَلَمْ يُحَجَّ (٧).

٣٨٥٦. رُوِيَ عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا عَلِيُّ، بَشَّرْتُ شِيعَتَكَ وَأَنْصَارَكَ بِخِصَالٍ عَشْرٍ:

أَوَّلُهَا: طَيْبُ الْمَوْلِدِ. وَثَانِيهَا: حُسْنُ إِيْمَانِهِمْ بِاللَّهِ. وَثَالِثُهَا: حُبُّ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَهُمْ. وَرَابِعُهَا: الْفُسْحَةُ فِي

ص: ٤٢٤

- ١- . أَى مَقْلُوبُونَ بِحَيْثُ يَكُونُونَ عَلَى رُؤُوسِهِمْ.
- ٢- . الْجِبَابُ - بِالْكَسْرِ -: جَمْعُ الْجَبَّةِ؛ وَهِيَ ثَوْبٌ مَقْطُوعُ الْكَمِّ طَوِيلٌ يُلْبَسُ فَوْقَ الثِّيَابِ وَالذَّرْعِ.
- ٣- . الْقَطْرَانُ - بَفَتْحِ الْقَافِ وَسُكُونِ الطَّاءِ -: النِّحَاسُ الْمَذَابُ. وَفِي الْمَجْمَعِ: الْقَطْرَانُ... الَّذِي يُطْلَى بِهِ الْإِبِلُ الَّتِي فِيهَا الْجَرْبُ فَيَحْرَقُ بِحَدِّتِهِ وَحَرَارَتِهِ الْجَرْبَ، يُتَّخَذُ مِنْ حَمَلِ شَجَرِ الْعَرَعْرِ. وَقَدْ أَوْعَدَ اللَّهُ الْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعَذِّبَهُمْ بِهِ لِمَعَانٍ أَرْبَعَةٍ: لِلْعَذَّةِ، وَحَرْقَتِهِ، وَاشْتِعَالِ النَّارِ فِيهِ وَاسْرَاعِهَا فِي الْمَطْلِيِّ بِهِ، وَسَوَادِ لَوْنِهِ.
- ٤- . السَّعَاهُ: جَمْعُ السَّاعِي.
- ٥- . الدَّرَّ الْمُنْثُورُ، ج ٦، ص ٣٠٧.
- ٦- . أَضْفَنَّا مَا بَيْنَ الْمُعْقُوفِينَ مِنَ الْخِصَالِ.
- ٧- . الْخِصَالُ، ص ٤٥١، ح ٥٦.

گروه محشور می شوند: بعضی به صورت میمون، بعضی به صورت خوک، بعضی وارونه که پاهای آنان روی سرشان و با صورت آنان را بر زمین می کشند، بعضی کورند، بعضی کر و لال، و بعضی زبان خود را که تا روی سینه شان آویخته و از آن عفونت جاری است و اهل محشر را اذیت می کند می جویند، و بعضی دست و پای قطع شده، و بعضی بر دارهای آتشین آویخته، و بعضی از مردار متعفن ترند، و بعضی هم تن پوش آتشین دارند که به پوست بدنشان چسبیده است.

آنان که به صورت میمون هستند، مردم سخن چین هستند. آنان که به صورت خوک هستند، حرام خوارند. آنان که صورتشان روی زمین کشیده می شود و پاهای آنان به طرف بالاست اینان ربا خوارند. آنان که کورند، قضات ستمگرند. آنان که کر و لال هستند مردم خود پسند بودند. آنان که زبان خود را می جویند زبانشان تا روی سینه آویخته و عفونت از آن جاری است بطوری که همه اذیت می شوند، غیبت می کردند. آنان که دست و پایشان بریده است، همسایه را آزار می دادند. آنان که به دارهای آتشین آویخته اند، جاسوسی مردم را نزد حاکمان ظالم می کرده اند. آنان که از مردار متعفن ترند، شهوترانی می کرده اند. آنان که تن پوش آتشین به تن دارند که به پوست بدنشان چسبیده است، مردم متکبر و فخر فروش و خیال پرداز بوده اند.

۳۸۵۵. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: یا علی، ده گروه از این امت به خداوند بزرگ کفر ورزیده اند:

سخن چین و جادوگر و دیوث و کسی که به حرام با زنی از پشت نزدیکی کند. و کسی که با حیوان نزدیکی کند. و کسی که با محارم خود زنا کند. و فتنه گر و فروشنده سلاح به دشمنان در حال جنگ. و کسی که زکات ندهد. و کسی که توانایی داشته باشد و بدون انجام حج بمیرد.

۳۸۵۶. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: یا علی، به شیعیان و یاران خود ده خصلت را بشارت ده: ۱ - حلال زادگی ۲ - ایمان صحیح به خدا ۳ - خدا آنان را دوست دارد. ۴ - وسعت قبر ۵ - روشنی

قُبُورِهِمْ. وَخَامِسِيَّهَا: النَّوْرُ عَلَى الصَّرَاطِ بَيْنَ أَعْيُنِهِمْ. وَسَادِسِيَّهَا: نَزْعُ الْفَقْرِ مِنْ بَيْنِ أَعْيُنِهِمْ، وَغِنَى قُلُوبِهِمْ. وَسَابِعِيَّهَا: الْمَقْتُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِأَعْدَائِهِمْ. وَثَامِنِيَّهَا: الْأَمْنُ مِنَ الْجُذَامِ. يَا عَلِيُّ، وَتَاسِعِيَّهَا: انْحِطَاطُ الذُّنُوبِ وَالسَّيِّئَاتِ عَنْهُمْ، وَعَاشِرِيَّهَا: هُمْ مَعِيَ فِي الْجَنَّةِ وَأَنَا مَعَهُمْ. (١)

٣٨٥٧. قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَانَ لِي مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَشْرُ خِصَالٍ مَا أَحِبُّ أَنْ لِي بِإِحْدَاهُنَّ مَا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ؛ قَالَ لِي: أَنْتَ أَخِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَأَقْرَبُ الْخَلَائِقِ مِنِّي فِي الْمَوْقِفِ، وَأَنْتَ الْوَزِيرُ، وَالْوَصِيُّ، وَالْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ، وَأَنْتَ آخِذٌ لِي وَائِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَلِيَّكَ وَلِيِّي، وَعَدُوُّكَ عَدُوِّي، وَعَدُوُّكَ عَدُوُّ اللَّهِ. (٢)

٣٨٥٨. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَشْرَةُ أَشْيَاءٍ تَوَرَّثُ الْفَرَحَ وَالنَّجَاةَ مِنَ الْعَمِّ: قِرَاءَةُ «يَس»، وَتَقْلِيمُ الْأَطْفَارِ، وَحَلْقُ الْعَانَةِ، وَالِإِغْتِسَالُ، وَالرَّكُوبُ عَلَى الْفَرَسِ، وَالسَّوَاكُ، وَمُؤْنَةُ الْإِخْوَانِ، وَتَمَشِيطُ اللَّحْيَةِ عِنْدَ الْغَسْلِ، وَالْوُضُوءُ.

٣٨٥٩. وَسَيَّأَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جِبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَلْ تَنْزَلُ إِلَيَّ الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِي؟ قَالَ: نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؛ أَنْزَلُ إِلَيَّ الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِكَ عَشْرَ مَرَّاتٍ، وَأَرْفَعُ عَشْرَ جَوَاهِرٍ مِنْ وَجْهِ الْأَرْضِ. قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا هَذِهِ الْجَوَاهِرُ؟

فَقَالَ: الْأَوَّلُ: أَنْزَلُ إِلَيَّ الْأَرْضِ وَأَرْفَعُ الْبَرَكَهَ مِنْهَا. وَالثَّانِي: أَرْفَعُ مِنْهَا الرَّحْمَةَ. وَالثَّلَاثُ: أَرْفَعُ مِنْهَا الْحَيَاءَ مِنْ عُيُونِ النَّسَاءِ. وَالرَّابِعُ: أَرْفَعُ الْحَمِيَّةَ مِنْ رُؤُوسِ الرِّجَالِ. وَالْخَامِسُ: أَرْفَعُ الْعِدْلَ مِنْ قُلُوبِ السَّلَاطِينِ. وَالسَّادِسُ: أَرْفَعُ الصِّدْقَ مِنْ قُلُوبِ الْأَصْدِقَاءِ. وَالسَّابِعُ: أَرْفَعُ السَّخَاوَةَ مِنْ قُلُوبِ الْأَغْنِيَاءِ. الثَّمَانُ: أَرْفَعُ الصَّبْرَ عَنِ الْفُقَرَاءِ. التَّاسِعُ: أَرْفَعُ الْحِكْمَةَ مِنْ قُلُوبِ الْحُكَمَاءِ. الْعَاشِرُ: أَرْفَعُ الْإِيمَانَ مِنْ قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ.

أَقُولُ: يَوْجِدُ فِي كُلِّ مَرَّةٍ أَثْرًا مِنْ تِلْكَ الْآثَارِ بِأَمْرِ رَبِّهِ جَزَاءً بِمَا عَمِلُوا مِنْ صُنُوفِ الْمَعَاصِي.

٣٨٦٠. وَسَيَّأَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا لَنَا نَدْعُو اللَّهَ فَلَا يَسْتَجِيبُ دُعَاءَنَا وَقَالَ تَعَالَى: «أَدْعُونِي اسْتَجِبْ لَكُمْ»؟! فَأَجَابَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقَالَ: إِنَّ قُلُوبَكُمْ مَاتَتْ بِعَشْرَةِ أَشْيَاءَ:

أَوَّلُهَا: أَنْكُمْ عَرَفْتُمْ اللَّهَ فَلَمْ تُؤَدِّوا طَاعَتَهُ. وَالثَّانِي: أَنْكُمْ قَرَأْتُمْ الْقُرْآنَ فَلَمْ تَعْمَلُوا بِهِ. وَالثَّلَاثَةُ:

ص: ٤٢٤

١- . الخصال، ص ٤٣٠، ح ١٠.

٢- . الخصال، ص ٤٢٠، ح ٦.

صراط ۶ - نرسیدن از فقر و بی نیازی قلب آنان ۷ - خشم خدا بر دشمنان آنان ۸ - ایمنی از جدام.

یا علی، نهمین مورد آموزش گناهان و بدیهای آنان و ۱۰ - آنان در بهشت با من و من با آنان هستم.

۳۸۵۷. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: ده افتخار از رسول الله صلی الله علیه و آله به من رسیده است که هر یک از آنها را از همه آنچه خورشید بر آن تابیده است بیشتر دوست دارم:

به من فرمودند: تو در دنیا و آخرت برادرم هستی. در محشر از همه به من نزدیکتر هستی.

تو وزیر، وصی، و جانشین من در اهل و مال من هستی، تو پرچمدار من در دنیا و آخرت هستی، دوست تو دوست من، و دشمن تو دشمن من و دشمن تو دشمن خداست.

۳۸۵۸. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: ده چیز موجب شادی و رهایی از غم می شود: قرائت سوره یس و گرفتن ناخن و تراشیدن موی زیر شکم و غسل و اسب سواری و مسواک و یاری کردن مردم و شانه کردن ریش هنگام شستن و وضوء.

۳۸۵۹. رسول الله صلی الله علیه و آله از جبرئیل پرسیدند: آیا پس از من هم به زمین فرود می آیی؟ فرمود: بله یا رسول الله پس از شما ده بار به زمین فرود می آیم. و ده گوهر را از زمین می برم.

پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدند: این گوهرها کدامند؟

گفت: اول فرود می آیم و برکت را از روی زمین بر می دارم. دوم: مهربانی را بر می دارم.

سوم: حیاء را از چشمان زنان بر می دارم. چهارم: غیرت را از سر مردان می برم. پنجم:

عدالت را از قلب فرمانروایان می برم. ششم: صداقت را از قلب دوستان می برم. هفتم:

سخاوت را از قلب ثروتمندان می برم. هشتم: صبر را از فقیران می برم. نهم: حکمت را از قلب حکیمان می برم. دهم: ایمان را از قلب مؤمنان بر می دارم.

مؤلف گوید: هر بار به امر پروردگار یکی از آثار رفتار مردم و سزای عمل آنان پیدا می شود.

۳۸۶۰. از رسول الله صلی الله علیه و آله پرسیدند: چرا دعا می کنیم ولی مستجاب نمی شود؟ در حالی که خداوند متعال فرموده است: «بخوانید مرا. اجابت کنم شما را».

حضرت فرمودند: چون ده چیز قلبهای شما را میرانده است.

۱ - خدا را شناختن ولی اطاعت نکردید. ۲ - قرآن را قرائت کردید ولی عمل نکردید.

ادَّعَيْتُمْ مَحَبَّةَ لِرَسُولِهِ وَأَبْغَضْتُمْ أَوْلَادَهُ. وَالرَّابِعَةُ: ادَّعَيْتُمْ عَدَاوَةَ الشَّيْطَانِ وَوَأَفَقْتُمُوهُ. وَالْخَامِسَةُ:

ادَّعَيْتُمْ مَحَبَّةَ الْجَنَّةِ فَلَمْ تَعْمَلُوا لَهَا. وَالسَّادِسَةُ: ادَّعَيْتُمْ مُخَافَةَ النَّارِ وَرَمَيْتُمْ أَبْدَانَكُمْ فِيهَا. وَالسَّابِعَةُ:

اشْتَغَلْتُمْ بِعُيُوبِ النَّاسِ عَنِ عُيُوبِ أَنْفُسِكُمْ. وَالثَّامِنَةُ: ادَّعَيْتُمْ بُغْضَ الدُّنْيَا وَجَمَعْتُمُوهَا. وَالتَّاسِعَةُ:

أَقْرَرْتُمْ بِالْمَوْتِ فَلَمْ تَسْتَعِدُّوا لَهُ. وَالْعَاشِرَةُ: دَفَنْتُمْ مَوْتَكُمْ فَلَمْ تَعْتَبِرُوا بِهِمْ.

فَلِهَذَا لَا يُسْتَجَابُ دُعَاؤُكُمْ. (١)

٣٨٤١. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْإِحْتِكَارُ فِي عَشْرَةِ أَشْيَاءَ: الْبُرِّ، وَالشَّعِيرِ، وَالتَّمْرِ، وَالزَّبِيبِ، وَالذَّرَّةِ، وَالسَّمَنِ، وَالْعَسَلِ،

وَالجَبِينِ، وَالْجُوزِ، وَالزَّيْتِ. (٢)

٣٨٤٢. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الشَّرِيعَةُ أَقْوَالِي، وَالطَّرِيقَةُ أَعْمَالِي، وَالْحَقِيقَةُ أَحْوَالِي، وَالْمَعْرِفَةُ رَأْسُ عَقْلِي، وَالْعِلْمُ

صَلَاحِي، وَالتَّوَكُّلُ رِدَائِي، وَالْقَنَاعَةُ كَنْزِي، وَالصَّدَقُ مَنْزِلِي، وَاليَقِينُ مَأْوَايَ، وَالْفَقْرُ فَخْرِي، وَبِهِ افْتَخِرَ عَلَى سَائِرِ الْأَنْبِيَاءِ

وَالْمُرْسَلِينَ (٣). (٤)

ص: ٤٢٨

١- . روى الطبرسي هذا عن إبراهيم بن أدهم: مجمع البيان، ج ٢، ص ١٩.

٢- . بحار الأنوار، ج ٥٩، ص ٢٩٢.

٣- . هذه الرواية فيها أثر الافتعال بين، بل هو أشبه بكلام بعض العرفاء.

٤- . عوالي اللآلي، ج ٤، ص ١٢٤، ح ٢١٢.

۳- ادعای محبت رسول خدا دارید ولی با اولاد او دشمنی کردید. ۴- ادعای دشمنی شیطان دارید ولی از او پیروی کردید. ۵- ادعا می کنید بهشت را دوست دارید ولی برای آن تلاش نمی کنید. ۶- ادعا می کنید از آتش می ترسید ولی بدن خود را در آن می اندازید.

۷- بجای عیب خود به عیب دیگران پرداختید. ۸- ادعا کردید دنیا را دوست ندارید ولی به جمع اموال پرداختید. ۹- به مرگ اعتراف می کنید ولی برای آن آماده نیستید.

۱۰- مردگان را دفن کردید ولی عبرت نگرفتید. بنابراین دعای شما مستجاب نمی شود.

۳۸۶۱. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: احتکار در ده چیز است:

گندم و جو و خرما و کشمش و ذرت و روغن و عسل و پنیر و بادام یا گردو و روغن زیتون.

۳۸۶۲. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند:

شریعت گفتار من است. و طریقت رفتار من. و حقیقت احوال من. و معرفت بنیان عقل من است. و علم صلاح من. و توکل ردای من. و قناعت گنج من. و صداقت منزل من. و یقین جایگاه من. و فقر افتخار من است. و من بر سایر پیامبران و رسولان به فقر افتخار می کنم.

ص: ۴۲۹

الفصل الثالث: مِمَّا رَوَتْهُ الْعَامَّةُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

٣٨٦٣. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَلَيْكُمْ بِالسَّوَاكِ؛ فَإِنَّ فِيهِ عَشْرَ خِصَالٍ: يُطَهِّرُ الْقَمَمَ، وَيُرْضِي الرَّبَّ، وَيُسَخِّطُ الشَّيْطَانَ، وَيُجَبِّهُ الْحَفْظَةَ، وَيَشُدُّ اللَّتَّةَ، وَيَقْطَعُ الْبَلْعَمَ، وَيُطَيِّبُ النَّكْهَةَ وَيُطْفِئُ الْمِرَّةَ، وَيُجَلِّي الْبَصِيرَ، وَيُذْهِبُ الصُّفْرَةَ مِنَ السِّنِّ - وَفِي بَعْضِ النَّسَخِ: وَيُذْهِبُ الْحَفْرَةَ (١) - وَهُوَ مِنَ السُّنَّةِ (٢).

٣٨٦٤. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَشْرَةٌ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ كُفَّارٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَظَنُوا أَنَّهُمْ مُؤْمِنُونَ: الْقَاتِلُ بِغَيْرِ حَقٍّ، وَالْدَّيُّوتُ، وَمَانِعُ الزَّكَاةِ، وَشَارِبُ الْخَمْرِ، وَمَنْ وَجَدَ إِلَى الْحَجِّ سَبِيلًا فَلَمْ يَحُجَّ، وَالسَّاعِي فِي الْفِتَنِ، وَبَائِعُ السَّلَاحِ لِأَهْلِ الْحَرْبِ، وَنَاكِحُ الْمَرْأَةِ فِي دُبُرِهَا، وَنَاكِحُ الْبَهِيمَةِ، وَنَاكِحُ ذَاتِ مَحْرَمٍ.

٣٨٦٥. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْعَافِيَةُ عَلَى عَشْرَةِ أَوْجُهٍ: خَمْسَةٌ فِي الدُّنْيَا، وَخَمْسَةٌ فِي الْآخِرَةِ، فَأَمَّا الَّتِي فِي الدُّنْيَا: الْعِلْمُ، وَالْعِبَادَةُ، وَالرِّزْقُ الْحَلَالُ، وَالصَّبْرُ عَلَى الشَّدَةِ، وَالشُّكْرُ عَلَى النِّعَمَةِ.

وَأَمَّا الَّتِي فِي الْآخِرَةِ: فَإِنَّهُ يَأْتِيهِ مَلَكُ الْمَوْتِ بِلُطْفٍ وَرَحْمَةٍ، وَلَا يُرْوَعُهُ (٣) مُنْكَرٌ وَنَكِيرٌ فِي الْقَبْرِ، وَيَكُونُ آمِنًا مِنَ الْفِرْعِ الْأَكْبَرِ (٤)، وَيُمْحَى سَيِّئَاتُهُ، وَحَسَنَاتُهُ مَقْبُولَةٌ، وَيَمُرُّ عَلَى الصُّرَاطِ كَالْبَرْقِ اللَّامِعِ، وَيَدْخُلُ الْجَنَّةَ فِي السَّلَامَةِ.

ص: ٤٣٠

١- الحَفْرَةُ - بالتحريك - : سِلاَقٌ (أَي تَقَشَّر) فِي أَصُولِ الْأَسْنَانِ، أَوْ صَفْرُهُ تَعْلُوها، وَيُسَكَّنُ (القاموس المحيط: ١٢/٢).

٢- . تلخيص الحبير، ج ١، ابن حجر، ص ٣٨٤، مع اختلافٍ يسير.

٣- . أي لا يخوفه.

٤- . شدائد يوم القيامة أو دخول النار أو انطباق بابها على العاصين، وهو انقباض ونفار يعترى الإنسان من الشيء المخيف، وهو من جنس الجزع.

۳۸۶۳. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: مسواک بزیند که ده اثر دارد: دهان پاک می شود. و پروردگار خشنود.

و شیطان خشمگین می شود. و ملائکه مسواک زدن را دوست دارند. و لثه محکم می شود. و بلغم را قطع می کند. و بوی دهان را خوش، و صفرا را قطع می کند. و بینایی را زیاد، و دندان را سفید می کند. و مسواک زدن سنت [پیامبر صلی الله علیه و آله] است.

۳۸۶۴. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: ده گروه از این امت به خداوند عظیم کافرند و خود را مؤمن می پندارند: قاتل انسان بی گناه، دیوث، مانع زکات، شراب خوار، کسی که بتواند حج به جا آورد ولی به جا نیاورد. و فتنه گر، و فروشنده اسلحه به دشمن مسلمان در حال جنگ.

کسی که از پشت با زن نزدیکی کند. و کسی که با حیوان نزدیکی کند. کسی که با محارم خود زنا کند.

۳۸۶۵. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: عافیت ده صورت دارد:

پنج صورت در دنیا: علم و عبادت و رزق حلال و صبر در سختی و شکر بر نعمت.

پنج صورت در آخرت: فرشته مرگ با لطف و مهربانی روبرو می شود. نکیر و منکر در قبر نمی ترسانند. ایمنی از وحشت قیامت و از بین رفتن خطاها و پذیرش اعمال نیکو، از صراط چون برق جهنده عبور می کند و به سلامتی وارد بهشت می شود.

٣٨٦٦. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَشْرٌ مِمَّا عَلَّمَهُنَّ أَبُوكُمْ إِبْرَاهِيمُ: خَمْسٌ فِي الرَّأْسِ وَخَمْسٌ فِي الْجَسَدِ؛ فَأَمَّا اللَّوَاتِي فِي الرَّأْسِ: فَالْسَّوَاكُ، وَالْمَضْمَضَةُ، وَالِاسْتِنْشَاقُ، وَقَصُّ الشَّارِبِ، وَإِعْفَاءُ (١) اللَّحْيَةِ.

وَالْخَمْسَةُ الَّتِي فِي الْجَسَدِ: فَالْخِتَانُ، وَالِاسْتِحْدَادُ (٢)، وَالِاسْتِنْجَاءُ، وَتَنُفُّ الإِبْطِ، وَقَصُّ الْأَظْفَارِ (٣).

٣٨٦٧. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَشْرَةٌ أَصْنَافٍ مِنْ أُمَّتِي لَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ إِلَّا أَنْ يَتَوَبَّعُوا: أَوْلَهُمُ الْقَلَّاعُ، وَالْجَيُوفُ، وَالْفَتَاتُ، وَالْدَّيُوثُ، وَصَاحِبُ العَرَطِيبِ، وَصَاحِبُ الكُوبَةِ، وَالعُتْلُ، وَالزَّنِيمُ، وَالْمُغْتَابُ، وَالعَاقُ وَالدِّيَةِ.

قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَمَا الْقَلَّاعُ؟ قَالَ: الَّذِي يَمْشِي بَيْنَ يَدَيْ الأَمْرَاءِ. قِيلَ: وَمَا الْجَيُوفُ؟ قَالَ:

التَّبَاشُ. قِيلَ: وَمَا الْفَتَاتُ؟ قَالَ: التَّنِيمُ. قِيلَ: وَمَا الدَّيُوثُ؟ قَالَ: الَّذِي لَا يَغَارُ عَلَى أَهْلِهِ. قِيلَ: وَمَا صَاحِبُ العَرَطِيبِ؟ قَالَ: الَّذِي يَضْرِبُ بِالطَّبْلِ. قِيلَ: وَمَا صَاحِبُ الكُوبَةِ؟ قَالَ: الَّذِي يَضْرِبُ بِالطَّنْبُورِ.

قِيلَ: فَمَا العُتْلُ؟ قَالَ: الَّذِي لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ وَلَا يُقْبِلُ العَثْرَةَ. قِيلَ: فَمَا الزَّنِيمُ؟ قَالَ: وَلَدُ الزَّانَا. قِيلَ: وَمَا الْمُغْتَابُ؟ قَالَ: الَّذِي يَقْعُدُ عَلَى الطَّرِيقِ فَيَغْتَابُ النَّاسَ. وَالعَاقُ لِوَالِدِيهِ مَشْهُورٌ.

٣٨٦٨. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَشْرَةٌ نَفَرٌ لَا يَقْبِلُ اللَّهُ صِدْلَاتِهِمْ: رَجُلٌ صَدَّقَ وَاحِدًا (٤) بِغَيْرِ قِرَاءَةٍ، وَرَجُلٌ صَدَّقَ وَلَا يُؤَدِّي الزَّكَاةَ، وَرَجُلٌ يُؤْمِ قَوْمًا وَهُمْ لَهُ كَارِهُونَ، وَرَجُلٌ مَمْلُوكٌ أُبِقَ إِلَى أَنْ يَرْجِعَ، وَرَجُلٌ شَارِبُ الخَمْرِ مُدْمِنٌ، وَامْرَأَةٌ بَاتَتْ وَزَوْجُهَا سَاخِطٌ عَلَيْهَا، وَامْرَأَةٌ حُرَّةٌ تُصَدِّقُ بِغَيْرِ خِمَارٍ، وَالْإِمَامُ الجَائِرُ، وَآكِلُ الرِّبَا، وَرَجُلٌ لَا تَنْهَاهُ صِدْلَاتُهُ عَنِ الفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ لَا يَزِيدُ مِنَ اللَّهِ إِلَّا بُعْدًا (٥).

٣٨٦٩. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لِلدَّخْلِ فِي الْمَسْجِدِ عَشْرُ خِصَالٍ: أَوْلَاهَا أَنْ يَتَعَاهَدَ خُفَّيْهِ (٦) أَوْ نَعْلَيْهِ، وَأَنْ يَبْدَأَ بِالرَّجْلِ الْيَمْنِيِّ، وَإِذَا دَخَلَ يَقُولُ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، بِسْمِ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ، اللَّهُمَّ افْتَحْ لَنَا أَبْوَابَ فَضْلِكَ وَأَبْوَابَ رَحْمَتِكَ إِنَّكَ أَنْتَ الوَهَّابُ»، وَأَنْ يُسَلِّمَ عَلَى أَهْلِ الْمَسْجِدِ، وَأَنْ يَقُولَ إِذَا لَمْ يَكُنْ فِي الْمَسْجِدِ أَحَدٌ: «السَّلَامُ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ».

ص: ٤٣٢

١- . هو أن يوفّر شعرها، من عفا الشيء: إذا كثر.

٢- . الاستحداد: حلق العانة بالحديد (النهاية: ٣٤٠/١). وقيل: مطلق الحلق بالحديد.

٣- . المستدرک، ج ٢، ص ٢٦٦.

٤- . كذا في الأصل، ولعل المراد صلى حال كونه إماماً لأحد بغير قراءة. وفي عبارته نقص أو تصحيف.

٥- . الاختصاص للمفيد، ص ١٤٢ مع اختلاف يسير.

٦- . الخف: ما يستر القدم من فوق وتحت وخلف. والنعل: ما يستر تحت القدم مع قليل من الفوق.

۳۸۶۶. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: ده سنت از پدرتان ابراهیم علیه السلام مانده است:

پنج سنت در سر: مسواک و مضمضه [شستن دهان] و استنشاق [شستن بینی] و کوتاه کردن سیبل و بلند کردن ریش.

پنج سنت در بدن: ختنه کردن و نوره و تراشیدن موی زیر شکم و طهارت گرفتن با کلوخ و تراشیدن موی زیر بغل و گرفتن ناخن.

۳۸۶۷. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: ده گروه از این امت به بهشت نمی روند مگر اینکه توبه کنند: القلاء یعنی کسانی که زمامداران [ظالم] را اسکورت می کنند. جیوف یعنی کسی که قبر مسلمان را بشکافد. قئات یعنی سخن چین. دیوث یعنی بی غیرت که دیگران با همسر او زنا کنند.

صاحب عرطبه یعنی کسی که طبل می زند. صاحب الکوبه یعنی نوازنده. عتَل یعنی کسی که گناه را نمی بخشد و پوزش را نمی پذیرد. زنیم یعنی حرامزاده. مغتاب یعنی کسی که غیبت می کند. بد رفتار با پدر و مادر.

۳۸۶۸. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: نماز ده نفر پذیرفته نمی شود:

کسی که فرادی نماز بخواند و قرائت نکند. کسی که نماز بخواند ولی زکات ندهد. امام جماعتی که مردم به امامت او راضی نباشند. بنده ای که فراری باشد تا برگردد. شراب خوار. زنی که شوهرش از او راضی نباشد. زنی که بدون چادر نماز بخواند. پیشوای ستمگر. ربا خوار. کسی که نمازش او را از فحشاء و منکر باز ندارد بلکه از خدا دورتر شود.

۳۸۶۹. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: آداب ورود به مسجد ده چیز است:

کفشها را کنترل کند [نجاست یا کثافت به مسجد نرسد]. با پای راست وارد مسجد شود.

هنگام ورود بگوید: بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله و الحمد لله و السلام علی رسول الله و الملائکه اللهم افتح لنا ابواب فضلك و ابواب رحمتك انک انت الوهاب. به اهل مسجد سلام کند و اگر کسی در مسجد نیست بگوید: السلام علی عباد الله الصالحین اشهد ان

اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ»، وَأَنْ لَا يُؤْمَرُ بَيْنَ يَدَيْ الْمُصَلِّي، وَأَنْ لَا يَدْخُلَ إِلَّا بِوُضوءٍ، وَأَنْ لَا يَعْمَلَ فِيهِ بِعَمَلِ الدُّنْيَا، وَأَنْ لَا يَتَكَلَّمَ بِكَلَامِ الدُّنْيَا، وَأَنْ لَا يُخْرِجَ حَتَّى يُصَلِّيَ لِمَى رَكَعَتَيْنِ، وَأَنْ يَقُولَ إِذَا قَامَ لِيَخْرُجَ: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ».

٣٨٧٠. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ، وَفِيهَا عَشْرُ خِصَالٍ: زَيْنُ الْوَجْهِ، وَنُورُ الْقَلْبِ، وَرَاحَةُ الْيَدَيْنِ، وَأَنْسُ الْقُبُورِ، وَمَنْزِلُ الرَّحْمَةِ، وَمِصْبَاحُ السَّمَاءِ، وَثِقَلُ الْمِيزَانِ، وَمَرْضَاةُ الرَّبِّ، وَتَمَنُّ الْجَنَّةِ، وَحِجَابُ مِنَ النَّارِ، وَمَنْ أَقَامَهَا فَقَدْ أَقَامَ الدِّينَ، وَمَنْ تَرَكَهَا فَقَدْ هَدَمَ الدِّينَ.

٣٨٧١. وَرَوَى ابْنُ عَبَّاسٍ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ لِلْعَبَّاسِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ: يَا عَمَاهُ! أَلَا أَعْلَمُكَ؟ أَلَا أَحْبُوكَ عَشْرَ خِصَالٍ إِذَا أَنْتَ فَعَلْتَ ذَلِكَ غُفِرَ لَكَ ذَنْبُكَ أَوَّلُهُ وَآخِرُهُ، قَدِيمُهُ وَحَدِيثُهُ، خَطُؤُهُ وَعَمْدُهُ، صَغِيرُهُ وَكَبِيرُهُ، سَيِّئُهُ وَعَلَانِيَتُهُ؟ أَنْ تُصَلِّيَ لِمَى أَرْبَعِ رَكَعَاتٍ، تَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَسُورَةٍ، فَإِذَا فَرَّغْتَ مِنَ الْقِرَاءَةِ قُلْتَ وَأَنْتَ قَائِمٌ: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» حَمْسَ عَشْرَةَ مَرَّةً، ثُمَّ تَرَكَعَ فَتَقُولُهَا عَشْرًا، ثُمَّ تَرْفَعُ رَأْسَكَ مِنَ الرَّكُوعِ فَتَقُولُهَا عَشْرًا، ثُمَّ تَسْجُدُ فَتَقُولُهَا عَشْرًا، ثُمَّ تَرْفَعُ رَأْسَكَ فَتَقُولُهَا عَشْرًا قَبْلَ أَنْ تَقُومَ، فَذَلِكَ حَمْسٌ وَسَبْعُونَ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ، إِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تُصَلِّيَهَا فِي كُلِّ يَوْمٍ مَرَّةً فَافْعَلْ، فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فِي كُلِّ شَهْرٍ، فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فِي كُلِّ سَنَةٍ، فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فِي عُمْرِكَ مَرَّةً.

[أقول:] رَوَتْ عُلَمَاؤُنَا - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ - هَذِهِ الصَّلَاةَ عَنْ أَيْمَنِ الْهُدَى صَيِّمَاتٍ اللَّهُ عَلَيْهِمْ، وَهِيَ مَشْهُورَةٌ عِنْدَنَا بِصِيْلِهِ جَعْفَرٍ، وَيُقَالُ لَهَا أَيْضًا: صَلَاةُ الْحَبْوَةِ (١)، وَفِيهَا ثَوَابٌ جَزِيلٌ (٢).

٣٨٧٢. قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَدْخُلَ أَهْلَ الْجَنَّةِ الْجَنَّةَ يَبْعَثُ إِلَيْهِمْ مَلَكًا (٣) وَمَعَهُ هَدِيَّةٌ وَكِسْوَةٌ مِنَ الْجَنَّةِ، فَمَاذَا أَرَادُوا أَنْ يَدْخُلُوهَا قَالَ لَهُمُ الْمَلَكُ: قِفُوا فَإِنَّ مَعِيَ هَدِيَّةً مِنَ رَبِّ الْعَالَمِينَ، قَالُوا: وَمَا تِلْكَ الْهَدِيَّةُ؟ قَالَ الْمَلَكُ: هِيَ عَشْرَةُ خَوَاتِيمٍ: مَكْتُوبٌ فِي أَحَدِهَا: «سَلِّمْ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ». وَفِي الثَّانِي مَكْتُوبٌ: «ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ». وَفِي الثَّلَاثِ مَكْتُوبٌ: ذَهَبَتْ عَنْكُمْ الْأَحْزَانُ وَالْهُمُومُ.

ص: ٤٣٤

١- الجبوه - بالتثنية -: العطية.

٢- سنن ابن ماجه، ج ١، ص ٤٤٣.

٣- لعل المراد من هذا الملك رئيس طوائف كثيره من الملائكة غير محصور، عندهم من الخواتيم ما لا يحصى حتى يمكنهم إعطاء عشره خواتيم لكل فرد من أهل الجنة.

لا اله الا الله و اشهد ان محمداً عبده و رسوله. از جلوی کسی که نماز می خواند عبور نکند. بدون وضو وارد مسجد نشود. در مسجد به کار دنیا مشغول نشود. سخن از دنیا نگوید. تا دو رکعت نماز نخوانده از مسجد خارج نشود. هنگام خارج شدن از مسجد بگوید: سبحانک اللهم و بحمدک اشهد ان لا اله الا انت استغفرک و اتوب الیک.

۳۸۷۰. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: نماز ستون دین است و ده مزیت دارد: زینت چهره، و نور قلب، و آرامش بدن، و مونس قبر، و راه نزول رحمت، و چراغ آسمانها، و سنگینی میزان، و خشنودی پروردگار، و بهای بهشت، و سپر جهنم است. و کسی که نماز اقامه کند دین را بر پا داشته و کسی که آن را ترک کند دین را ویران کرده است.

۳۸۷۱. رسول الله صلی الله علیه و آله به عباس فرمودند: عموی من، آیا به شما بیاموزم؟ آیا به شما ده خصلت هدیه بدهم که اگر انجام دهی تمام گناهان گذشته و حال و خطا و عمد و کوچک و بزرگ و مخفی و آشکار آمرزیده شود؟

چهار رکعت نماز بخوان. در هر رکعت حمد و یک سوره. بعد از سوره در حال ایستاده پانزده بار بگو: سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر. به رکوع برو و در رکوع ده بار این تسیحات را تکرار کن. از رکوع بلند شو ده بار بگو. به سجده برو در سجده ده بار از سجده بلند شدی ده بار دوباره در سجده دوم ده بار بعد از سجده هم ده بار تکرار کن. در هر رکعت این تسیحات را هفتاد و پنج بار تکرار کن. [در مجموع چهار رکعت سیصد بار]

اگر هر روز توانستی این نماز را بجای آور. و اگر نتوانستی هر ماه یک بار. اگر نتوانستی هر سال یکبار. و اگر نتوانستی در عمر خود یکبار بجای آور.

- این حدیث را علمای شیعه هم از امامان معصوم علیهم السلام نقل کرده اند که به نماز جعفر مشهور است. نماز هدیه هم نامیده می شود. و ثواب بسیاری دارد.

۳۸۷۲. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: زمانی که خداوند می خواهد اهل بهشت را وارد آن کند فرشته ای را با هدیه و لباس بهشتی می فرستد وقتی که خواستند وارد بهشت شوند، فرشته به آنها می گوید: بایستید من با خود هدیه ای از پروردگار جهانیان آورده ام. می گویند: چه هدیه ای آورده ای؟ فرشته می گوید: ده انگشتر که روی یکی نوشته است: «سلام بر شما پاکیزه اید پس وارد بهشت شوید و جاودان بمانید». روی دومی نوشته است: «به سلامت وارد

وَفِي الرَّابِعِ مَكْتُوبٌ: أَلْبَسْنَاكُمْ الْحُلِيَّ وَالْحُلَلَ. وَفِي الْخَامِسِ مَكْتُوبٌ: زَوَّجْنَاكُمْ الْحَوْرَ الْعَيْنَ. وَفِي السَّادِسِ مَكْتُوبٌ: «إِنِّي جَزَيْتُهُمْ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا». وَفِي السَّابِعِ مَكْتُوبٌ: صَبَرْتُمْ شَبَابًا لَا تَهْرَمُونَ أَبَدًا. وَفِي الثَّامِنِ مَكْتُوبٌ: رَافَقْتُمُ الْأَنْبِيَاءَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءَ وَالصَّالِحِينَ. وَفِي التَّاسِعِ مَكْتُوبٌ:

صَبَرْتُمْ آمِنِينَ لَا تَخَافُونَ أَبَدًا. وَفِي الْعَاشِرِ مَكْتُوبٌ: كُنْتُمْ فِي جِوَارِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ذِي الْعَرْشِ الْكَرِيمِ الْعَظِيمِ.

ثُمَّ يَقُولُ الْمَلَكُ: ادْخُلُوهَا، فَيَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ، فَيَقُولُونَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ»، «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَّهُوْا وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَّبِعُوا مِنْ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَمَلِينَ».

وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ تَعَالَى أَنْ يُدْخَلَ أَهْلَ النَّارِ النَّارَ يَبْعَثُ إِلَيْهِمْ مَلَكًا وَمَعَهُ (عَشْرُ) خَوَاتِيمَ: أَوَّلُهَا مَكْتُوبٌ: ادْخُلُوا جَهَنَّمَ لَا تَمُوتُونَ فِيهَا أَبَدًا وَلَا تَخْرُجُونَ. وَفِي الثَّانِي مَكْتُوبٌ: خُوضُوا فِي الْعَذَابِ لَا رَاحَةَ لَكُمْ. وَفِي الثَّلَاثِ مَكْتُوبٌ: أَيَسُوا مِنْ رَحْمَتِي. وَفِي الرَّابِعِ مَكْتُوبٌ: ادْخُلُوا فِي الْغَمِّ وَالْحُزَنِ أَبَدًا. وَفِي الْخَامِسِ مَكْتُوبٌ: لِبَاسِكُمُ النَّارُ وَطَعَامُكُمُ النَّارُ، وَشَرَابُكُمُ النَّارُ، وَمِهَادُكُمُ النَّارُ، وَغَوَاشِكُمْ (١) النَّارُ. وَفِي السَّادِسِ مَكْتُوبٌ: سَيَخْطِي عَلَيْكُمْ فِي النَّارِ أَبَدًا. وَفِي السَّابِعِ مَكْتُوبٌ: هَذَا جَزَاؤُكُمْ الْيَوْمَ بِمَا فَعَلْتُمْ مِنَ الْمَعْصِيَةِ بِهِ. وَفِي الثَّامِنِ مَكْتُوبٌ: عَلَيْكُمْ لَعْنَتِي بِمَا تَعَمَّدْتُمْ مِنَ الذُّنُوبِ الْكَبَائِرِ، وَلَمْ تَتُوبُوا وَلَمْ تَتَدَمَّوْا. وَفِي التَّاسِعِ مَكْتُوبٌ: اتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ، وَآثَرْتُمُ الدُّنْيَا، وَتَرَكْتُمُ الْآخِرَةَ؛ هَذَا جَزَاؤُكُمْ. وَفِي الْعَاشِرِ مَكْتُوبٌ: لَوْمُوا أَنْفُسَكُمْ لِارْتِكَابِهَا الْمَعَاصِيَ وَمَا نُهِيتُمْ عَنْهُ فَلَمْ تَنْتَهُوْا، وَأَمَرْتُمْ بِهِ فَلَمْ تَأْتَمِرُوا؛ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كَفَرْتُمْ.

٣٨٧٣. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذَاتَ يَوْمٍ لِإِبْلِيسَ لَعَنَهُ اللَّهُ: كَمْ أَصْدِقَاؤُكَ مِنْ أُمَّتِي يَا إِبْلِيسُ؟ قَالَ: عَشْرَةٌ نَفَرٌ: أَوَّلُهُمُ الْأَمِيرُ الْجَائِرُ، وَالْعَيْنِيُّ الْمُتَكَبِّرُ، وَالَّذِي لَا يُبَالِي مِنْ أَيْنَ يَكْتَسِبُ وَفِي مَاذَا يُنْفِقُهُ، وَالْعَالِمُ الَّذِي صَدَّقَ الْأَمِيرَ عَلَى جَوْرِهِ، وَالتَّاجِرُ الْخَائِنُ، وَالْمُحْتَكِرُ، وَالزَّانِي، وَآكِلُ الرِّبَا، وَالْبَخِيلُ، وَالَّذِي لَا يُبَالِي مِنْ أَيْنَ يَجْمَعُ الْمَالَ.

ص: ٤٣٦

١- . يعنى ما يغشاهم فيعطيههم من أنواع العذاب (مجمع البحرين: ٣/٣١٣).

بهشت شوید». روی سومی نوشته: الان حزن و اندوه از شما دور شد. روی چهارمی نوشته: حله و زیور به شما می پوشانیم. روی پنجمی نوشته: حورالعین به ازدواج شما در می آوریم.

روی ششمی نوشته: «امروز پاداش صبر آنها را دادم». روی هفتمی نوشته: جوان شدید و دیگر پیر نخواهید شد. روی هشتمی نوشته: با پیامبران و صدیقین و شهدا و صالحین همنشین هستید. روی نهمی نوشته: در امان هستید و هرگز نخواهید ترسید. روی دهمی نوشته: شما در جوار رحمان و رحیم و صاحب عرش کریم عظیم هستید.

آنگاه فرشته می گوید: بفرماید وارد شوید. و آنها وارد بهشت می شوند. و می گویند: «حمد خدای را که حزن و اندوه را از ما دور کرد. پروردگار ما بخشنده و قدر شناس است».

«حمد خدای را که به وعده اش وفا کرد. و این مکان را میراث ما قرار داد. تا هر جای بهشت که خواهیم منزل اختیار کنیم. و چه پاداش خوبی برای اهل عمل است».

زمانی که خداوند می خواهد اهل دوزخ را وارد جهنم کند، فرشته ای با ده انگشتر به سوی آنها می فرستد:

روی اولی نوشته: وارد جهنم شوید که هرگز نمی میرید و از آن خارج نمی شوید. روی دومی نوشته: در عذاب فرو روید که هرگز آسایش ندارید. روی سومی نوشته: از رحمت من نا امید شوید. روی چهارمی نوشته: تا ابد وارد غم و اندوه شوید. روی پنجمی نوشته:

لباس و غذا و آب و بستر و روانداز شما آتشین است. روی ششمی نوشته: همیشه در آتش مورد خشم من هستید. روی هفتمی نوشته: این سزای گناهان شماست که امروز می بینید.

روی هشتمی نوشته: لعنت من بر شما باد چون عمداً گناه کردید. و توبه نکردید. و پشیمان نشدید. روی نهمی نوشته: از شیطان پیروی کردید. و دنیا را برگزیدید. و آخرت را رها کردید. این سزای عمل شماست. روی دهمی نوشته است: خود را سرزنش کنید. چون مرتکب گناهان شدید. و به امر به معروف و نهی از منکر توجه نکردید. اینک برای کفر ورزیدن عذاب را لمس کنید.

۳۸۷۳. رسول الله صلی الله علیه و آله روزی به شیطان لعنت الله علیه فرمودند: ای شیطان چقدر از دوستان تو از امت من هستند؟ گفت: ده گروه.

٣٨٧٤. ثُمَّ قَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: فَكَمْ أَعْدَاؤُكَ مِنْ أُمَّتِي؟ قَالَ: خَمْسَةَ عَشَرَ نَفَرًا: أَوْلَاهُمْ أَنْتَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّي أَبْغِضُكَ، وَالْعَالِمَ الْعَامِلَ بِالْعِلْمِ، وَحَامِلَ الْقُرْآنِ إِذَا عَمَلَ بِمَا فِيهِ، وَالْمُؤَدِّنَ لِلَّهِ خَمْسَةَ أَوقَاتٍ، وَمُحِبَّ الْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْيَتَامَى، وَذَوْ قَلْبٍ رَحِيمٍ، وَالْمُتَوَاضِعَ لِلْحَقِّ، وَشَابًّا نَشَأَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ الَّذِي يُصَلِّي بِاللَّيْلِ وَالنَّاسُ نِيَامٌ، وَالَّذِي يُمَسِّكُ نَفْسَهُ عَنِ الْحَرَامِ، وَالَّذِي يَنْصَحُ فِي اللَّهِ - وَفِي رِوَايَةٍ: يَدْعُو لِلْإِخْوَانِ وَلَيْسَ فِي قَلْبِهِ شَيْءٌ - وَالَّذِي أَبَدًا يَكُونُ عَلَى الْوُضوءِ، وَصَاحِبَ السَّخَاءِ وَحُسْنِ الْخُلُقِ، وَالْمُصَدِّقَ بِمَا ضَمِنَ اللَّهُ لَهُ، وَالْمُحَصِّنَاتِ الْمَسْتوراتِ، وَالْمُسْتَعِدَّ لِلْمَوْتِ.

حاکم ستمکار، ثروتمند متکبر، کسی که اهمیت نمی دهد از کجا بدست آورد و در چه راهی مصرف کند، عالمی که حاکم را در ستم تأیید کند. تاجر خائن، محتکر، زنا کار، ربا خوار، بخیل و کسی که اهمیت ندهد از چه راهی مال جمع کند.

۳۸۷۴. رسول الله صلی الله علیه و آله به شیطان فرمودند: چقدر از دشمنان تو از امت من هستند؟

گفت: پانزده نفر: خود شما که من بغض شما را دارم، عالم عامل، حامل قرآن که به آن عمل کند، مؤذن که پنج وقت اذان بگوید، دوستدار فقیر و مسکین و یتیم. کسی که قلب مهربانی دارد. فروتن در برابر حق، جوانی که برای اطاعت خدا نماز شب بخواند در وقتی که همه خوابند. کسی که از حرام خودداری کند، کسی که در راه خدا خیر خواهی کند. [در روایتی آمده: کسی که برای دوستان خود دعا کند و در قلبش کینه کسی را ندارد.] کسی که همیشه وضو دارد. سخاوتمند، خوش اخلاق، آنکه وعده خدا را تصدیق کند، زنان پاکدامن و با حجاب، کسی که خود را برای مرگ آماده کرده است.

ص: ۴۳۹

٣٨٧٥. رُوِيَ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَانَتْ الْحُكَمَاءُ فِيمَا مَضَى مِنَ الدَّهْرِ تَقُولُ: يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ
الِاخْتِلَافُ إِلَى الْأَبْوَابِ لِعَشْرِهِ أَوْجُهُ:

أَوَّلُهَا: بَيْتُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ لِقَضَاءِ نُسُكِهِ، وَالْقِيَامِ بِحَقِّهِ، وَأَدَاءِ فَرَضِهِ.

وَالثَّانِي: أَبْوَابُ الْمُلُوكِ الَّذِينَ إِطَاعَتْهُمْ مُتَّصِلَةٌ بِطَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَحَقُّهُمْ وَاجِبٌ، وَنَفْعُهُمْ عَظِيمٌ، وَضَرَرُهُمْ شَدِيدٌ.

وَالثَّلَاثُ: أَبْوَابُ الْعُلَمَاءِ الَّذِينَ يُسْتَفَادُ مِنْهُمْ عِلْمُ الدِّينِ وَالدُّنْيَا.

وَالرَّابِعُ: أَبْوَابُ أَهْلِ الْجُودِ وَالْعَطَايَا وَالْبَذْلِ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ التَّمَّاسَ الْحَمْدِ وَرَجَاءِ الْآخِرَةِ.

الخَامِسُ: أَبْوَابُ السُّفَهَاءِ الَّذِينَ يُحْتَاجُ إِلَيْهِمْ فِي الْحَوَادِثِ وَيُنْفَرُ إِلَيْهِمْ فِي الْحَوَائِجِ.

وَالسَّادِسُ: أَبْوَابُ مَنْ يَتَقَرَّبُ إِلَيْهِ مِنَ الْأَشْرَافِ؛ لِاتِّمَامِ الْهَيْبَةِ وَالْمُرُوءَةِ وَالْحَاجَةِ.

وَالسَّابِعُ: أَبْوَابُ مَنْ يُرْتَجَى عِنْدَهُمُ النَّفْعُ فِي الرَّأْيِ وَالْمَشُورَةِ وَتَقْوِيَةِ الْحَزْمِ وَأَخَذِ الْأَهْبَةِ (١) لِمَا يُحْتَاجُ إِلَيْهِ.

وَالثَّامِنُ: أَبْوَابُ الْإِخْوَانِ؛ لِمَا يَجِبُ مِنْ مَوَاصِلَتِهِمْ، وَيَلْزَمُ مِنْ حُقُوقِهِمْ.

وَالتَّاسِعُ: أَبْوَابُ الْأَعْدَاءِ الَّذِينَ تَسْكُنُ بِالْمُدَارَاهِ غَوَائِلُهُمْ، وَتُدْفَعُ بِالْحَيْلِ وَالرَّفْقِ وَاللُّطْفِ

۳۸۷۵. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: حکیمان در زمانهای گذشته می گفتند: شایسته است رفتن به سراغ درها به یکی از این جهات ده گانه باشد:

- ۱ - در خانه خدا برای انجام مناسک و ادا کردن حق و واجبات آن.
- ۲ - در خانه حاکمانی که اطاعت آنها اطاعت از خداست. و حق آنان واجب است. و منفعت آنها بسیار و ضررشان شدید.
- ۳ - در خانه علمایی که از آنها علم دین و دنیا آموخته می شود.
- ۴ - در خانه صاحبان جود و عطا و بخشش که اموالشان را به امید آخرت انفاق می کنند.
- ۵ - در خانه سفیهانی که در حوادث به آنها محتاج می شوند و نیاز پیدا می کنند.
- ۶ - در خانه کسانی که بوسیله آنها به اشراف نزدیک شوند تا هدیه و جوانمردی و حاجتی برآورده شود.
- ۷ - در خانه کسانی که امید می رود از تجربه و نظر آنان برای تقویت تصمیم گیری در زمان احتیاج استفاده شود.
- ۸ - در خانه دوستانی که رابطه با آنها واجب و حقوق آنان لازم است.
- ۹ - در خانه دشمنانی که غائله آنان آرام و حيله و کینه ورزی آنان با رفق و لطف

وَالْعَاشِرُ: أَبْوَابٌ مَنْ يُتَّفَعُ بِغَشِيَانِهِمُ الْمُؤَدِّبِينَ الَّذِينَ يَسْتَفَادُ مِنْهُمْ حُسْنَ الْأَدَبِ، وَيُؤَنَسُ بِمُحَادَثَتِهِمْ. (١)

٣٨٧٦. وَعَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ الْعَقْلَ مِنْ نُورٍ مَكْنُونٍ مَخْزُونٍ فِي سَابِقِ عِلْمِهِ لَمْ يَطَّلِعْ عَلَيْهِ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ، فَجَعَلَ الْعِلْمَ نَفْسِيَّةً، وَالْفَهْمَ رُوحِيَّةً، وَالرَّأْفَةَ قَلْبِيَّةً، وَالرَّحْمَةَ ذَهْنِيَّةً، وَالزُّهْدَ رَأْسِيَّةً، وَالْحِلْمَ وَجْهِيَّةً، وَالْحَيَاءَ عَيْنِيَّةً، وَالْحِكْمَةَ لِسَانِيَّةً، وَالْخَيْرَ سَمْعِيَّةً، وَالْغَيْرَةَ بَصَرِيَّةً.

ثُمَّ قَوَاهُ بِعَشْرَةِ أَشْيَاءَ: الْخَوْفِ، وَالرَّجَاءِ، وَالْإِيمَانِ، وَالْيَقِينِ، وَالصِّدْقِ، وَالسَّكِينَةِ، وَالْفَتْوَةَ، وَالْقَنُوعَ، وَالرِّضَى، وَالتَّسْلِيمَ. (٢)

٣٨٧٧. وَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَشْرَةٌ يَفْتَنُونَ أَنْفُسَهُمْ وَغَيْرَهُمْ: ذُو الْعِلْمِ الْقَلِيلِ يَتَكَلَّفُ أَنْ يَعْلَمَ النَّاسَ كَثِيرًا، وَالرَّجُلُ الْحَكِيمُ ذُو الْعِلْمِ الْكَثِيرِ لَيْسَ بِذِي فِطْنَةٍ (٣)، وَالَّذِي يَطْلُبُ مَا لَا يَدْرِكُ وَلَا يَتَّبِعِي لَهْ، وَالكَادُّ عِنْدَ الْمُتَيْدِّ (٤)، [وَالْمُتَيْدُّ الَّذِي لَيْسَ لَهُ مَعَ تَوُدِّهِ عِلْمٌ، وَعَالِمٌ لَيْسَ مُؤَيَّدًا لِلصَّلَاحِ، وَمُرِيدٌ لِلصَّلَاحِ (٥) لَيْسَ بِعَالِمٍ، وَعَالِمٌ يُحِبُّ الدُّنْيَا، وَالرَّحِيمُ بِالنَّاسِ يَبْخُلُ بِمَا عِنْدَهُ، وَطَالِبُ الْعِلْمِ يُجَادِلُ فِيهِ مَنْ هُوَ أَعْلَمُ مِنْهُ فَإِذَا عَلِمَهُ لَمْ يَقْبَلْ مِنْهُ. (٦)]

٣٨٧٨. رُوِيَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: بَيْنَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الرَّحْبَةِ وَالنَّاسُ مُتْرَاكِمُونَ (٧)؛ فَمِنْ بَيْنِ مُسْتَفْتٍ وَمِنْ بَيْنِ مُسْتَعْدٍ، إِذْ قَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، فَنَظَرَ إِلَيْهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِعَيْنَيْهِ هَاتِيكَ الْعَظِيمَتَيْنِ ثُمَّ قَالَ: وَعَلَيْكَ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، مَنْ أَنْتَ؟ قَالَ: أَنَا رَجُلٌ مِنْ رَعِيَّتِكَ وَأَهْلِ بِلَادِكَ، فَقَالَ: مَا أَنْتَ مِنْ رَعِيَّتِي وَلَا مِنْ أَهْلِ بِلَادِي وَلَوْ سَلَّمْتَ عَلَيَّ يَوْمًا وَاحِدًا مَا خَفَيْتَ عَلَيَّ، فَقَالَ: الْأَمَانُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَلْ أَحْدَثْتَ فِي مِصْرِي هَذَا حَدَثًا مُنْذُ دَخَلْتَهُ؟ قَالَ: لَا، قَالَ: فَعَلَّكَ (٨) مِنْ رِجَالِ أَهْلِ الْحَرْبِ؟ قَالَ: نَعَمْ، قَالَ: إِذَا وَضَعْتَ الْحَرْبَ

ص: ٤٤٢

١- . الخصال، ص ٤٢٦، ح ٣.

٢- . الخصال، ص ٤٢٧، ح ٤.

٣- . أى ليس له فهم حال المجتمع وعرافان بزمانه وإدراكك لسياسته.

٤- . أى المتعب نفسه من غير تثبيت وتدبير.

٥- . فى الخصال: «وعالم غير مرید للصّلاح».

٦- . الخصال، ص ٤٣٧، ح ٢٥.

٧- . أى مجتمعون بعضهم على بعض، وهو كناية عن كثرة الاجتماع وازدحام الناس.

٨- . أى فلعلك.

برطرف می شود.

۱۰ - در خانه کسانی که از ادب نیکو و گفتار خوب آنان بهره برداری شود.

۳۸۷۶. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: خداوند متعال عقل را از نور پنهان در خزانه علم خود که هیچ ملک مقرّبی از آن خبر نداشت آفرید. و خود عقل را علم، و روح آن را فهم، و قلب آن را مهربانی، و ذهن آن را رحمت، و سر آن را زهد، و چهره آن را بردباری، و دو چشم آن را حیا، و زبان آن را حکمت، و گوش آن را خیر، و بینایی آن را غیرت قرار داد.

سپس آن را با ده چیز تقویت کرد: ترس و امید و ایمان و یقین و صداقت و آرامش و جوانمردی و قناعت و رضا و تسلیم.

۳۸۷۷. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: ده نفر خودشان و دیگران را گرفتار می کنند:

کسی که اندکی علم دارد و می خواهد به مردم زیاد بیاموزد. انسان حکیم دانا که زیرک نیست. کسی که آنچه را درک نمی کند، و شایسته او نیست طلب کند. پر تلاشی که دانش آن کار را ندارد. عالمی که مصلحت را نمی شناسد. مریدی که مصلحت می خواهد ولی علم ندارد. عالمی که دنیا دوست باشد. کسی که به مردم مهربان ولی بخیل باشد [و از نزد خود چیزی ندهد]. دانش جویی که با عالم تر از خودش مجادله کند. و وقتی که به او یاد داد قبول نکند.

۳۸۷۸. امام باقر علیه السلام فرمودند: روزی مردم اطراف امیرالمؤمنین علیه السلام جمع بودند و سؤال می پرسیدند مردی برخاست و گفت: السلام علیک یا امیرالمؤمنین و رحمه الله و برکاته.

امیرالمؤمنین علیه السلام به او نگاه کردند و فرمودند: و علیک السلام و رحمه الله و برکاته. تو کیستی؟ گفت: من مردی از رعیت و اهل مملکت شما هستم.

حضرت فرمودند: تو رعیت و اهل مملکت من نیستی. اگر روزی به من سلام کرده بودی تو را به یاد می آوردم. گفت: یا امیرالمؤمنین به من امان دهید.

حضرت فرمود: آیا از وقتی که به سرزمین من آمدی مرتکب کاری شده ای؟ گفت: نه.

حضرت فرمود: شاید از جنگجویان میدان نبرد هستی؟ گفت: آری.

أوزارها فلا- يئأس، قال: أنا رجلٌ بعثني إليك معاويةً مُتَغَفِّلاً لَكَ (١) أسألك عن شىءٍ بعث فيه ابنُ الأصفرِ (٢)، وقال له: إن كنتَ أحقَّ بهذا الأمرِ والخليفةَ بعدَ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله فأجبنى عمياً أسألك؛ فإنك إذ [فَعَلْتَ ذَلِكَ اتَّبَعْتُكَ وَبَعَثْتُ إِلَيْكَ الْجَائِزَةَ، فَلَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ جَوَابٌ وَقَدْ أَقْلَقَهُ ذَلِكَ، فَبَعَثَنِي إِلَيْكَ لِأَسْأَلَكَ عَنْهَا. (٣)

٣٨٧٩. فقال أمير المؤمنين عليه السلام: قاتل الله ابن آكله الأكباد! ما أضلُّهُ وأعماهُ ومن معه! والله لقد أعتق جاريته فما أحسن أن يتزوَّج بها، حكَمَ اللهُ بيني وبين هذه الأمة! قطعوا رحمتي، وأضاعوا (٤) أيامي، ودفعوا حقي، وصغروا عظيم منزلتي، وأجمعوا على جميع (٥) منازعتي. علَى بِالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدٍ.

فأحضروا، فقال: يا شامي، هذان ابنا رسول الله صلى الله عليه وآله، وهذا ابني، فسأل أيُّهُما أحببت، فقال: أسأل هذا ذا الوفرة (٦) - يعني الحسن عليه السلام، وكان صبيّاً - فقال له الحسن عليه السلام: سلني عما بدا لك.

فقال الشامي: كم بين الحقِّ والباطل؟ وكم بين السماء والأرض؟ وكم بين المشرق والمغرب؟ وما قوس قزح؟ وما العين التي تأوى إليها أرواح المشركين؟ وما العين التي تأوى إليها أرواح المؤمنين؟ وما المؤنث؟ وما عشرة أشياء بعضها أشد من بعض؟

فقال الحسن عليه السلام: بين الحقِّ والباطل أربع أصابع؛ فما رأيتُهُ بعينك فهو الحقُّ، وما سمعته بأذنيك باطلٌ كثيراً (٧). قال الشامي: صدقت.

قال: وبين السماء والأرض دَعْوَةُ المَظْلُومِ ومُدُّ البَصْرِ، فمن قال لك غير هذا فكذبه. قال:

صَدَقْتَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ.

قال: وبين المشرق والمغرب مسيرة يومٍ للشمس تنظرُ إليها حين تغيب من مغربها. قال الشامي:

ص: ٤٤٤

١- . تغفله: تحين غفلته وتعمدها أي يريد معاوية أن يستفيد من غفلتك.

٢- . أي ملك الروم.

٣- . الخصال، ص ٤٤٠، ح ٣٣.

٤- . أي أعماله العظيمة في الأيام المشهورة كبدر وأحيد وخيبر، يقال: أيام العرب؛ أي وقائعها، وأيام الله أي الآتات التي أفاض الله فيها على عباده أو نصر أنبياءه.

٥- . الظاهر زياده كلمه «جميع» هنا، ولا توجد في الخصال والبحار.

٦- . الوفرة: شعر الرأس إذا وصل إلى شحمه الأذن (النهاية: ٢١٠/٥).

٧- . في عبارته سقط، والصحيح: «وقد تسمع به بأذنيك باطلاً كثيراً» كما في تحف العقول، ونقلنا هذه الرواية عن التحف ص ٢٢٨ والخرائج للراوندي وروضه الواعظين ص ٤١ والاحتجاج للطبرسي والخصال للصدوق (ره) والعيون في كتابنا.

حضرت فرمودند: وقتی جنگ تمام شد دیگر مهم نیست.

گفت: من مردی هستم که معاویه مرا مخفیانه فرستاده تا از شما سؤالی بپرسم که پادشاه روم از معاویه پرسیده و گفته است: اگر تو جانشین حضرت محمد صلی الله علیه و آله هستی جواب بده. و اگر جواب دهی من هم مسلمان می شوم. و برای تو هدیه می فرستم. و معاویه نتوانسته است جواب بدهد. فرستاده پادشاه روم را حبس کرده تا من از شما جواب بگیرم.

۳۸۷۹. امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب فرمودند: خدا معاویه فرزند آن زن جگر خوار را بکشد. و چه گمراه و نادان هستند او و همراهانش. بخدا قسم کنیزی را آزاد کرد و بلد نبود با او ازدواج کند. خداوند بین من و این امت حکم کند. که رحم من را قطع کردند [رعایت خویشاوندی من با پیامبر را نکردند]. و دوران مرا ضایع و حق مرا غصب و جایگاه عظیم مرا تحقیر کردند. و توافق کردند بر کنار گذاشتن من.

فرمود: حسن و حسین و محمد بیاید. آنها حاضر شدند. آنگاه فرمود: ای مرد شامی این دو فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله هستند و این [محمد] پسر من است. از هر کدام که می خواهی سؤال کن. [اشاره به حسن علیه السلام کردند] و فرمودند از او بپرس. حسن علیه السلام آن زمان نوجوان بود. حسن علیه السلام گفت: هر چه می خواهی از من بپرس. مرد شامی گفت: فاصله میان حق و باطل چقدر است؟ فاصله بین زمین و آسمان چقدر است؟ فاصله میان مشرق و مغرب چقدر است؟ قوس قزح چیست؟ کدام چشمه است که روح مشرکین بسوی آن می رود؟ و روح مؤمنین بسوی کدام چشمه می رود؟ مؤنث چیست؟ ده چیزی که بعضی شدیدتر از بعض دیگرند کدام است؟

حضرت حسن علیه السلام فرمودند: بین حق و باطل چهار انگشت فاصله است. آنچه با چشم خود دیدی حق و آنچه با گوش شنیدی باطل است. شامی گفت: راست گفتی.

حضرت فرمود: بین زمین و آسمان به اندازه دعای مظلوم و امتداد دید فاصله است. و هر کس غیر از این به تو گوید دروغ گفته است. مرد شامی گفت: راست گفتی ای پسر رسول خدا.

حضرت فرمود: بین مشرق و مغرب به اندازه حرکت یک روز خورشید است. از زمانی

صَدَقَتْ. فَمَا قَوْسٌ قَزَحَ؟ قَالَ: وَيَحِيكَ! لَا تَقْل: قَوْسٌ قَزَحَ؛ فَإِنَّ قَزَحَ اسْمُ شَيْطَانٍ، هُوَ قَوْسُ اللَّهِ، وَعَلَامَةُ الْخِصْبِ، وَأَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ مِنَ الْعَرَقِ.

وَأَمَّا الْعَيْنُ الَّتِي تَأْوِي إِلَيْهَا أَرْوَاحُ الْمُشْرِكِينَ فَهِيَ عَيْنٌ يُقَالُ لَهَا: بَرَهَوْتُ، وَأَمَّا الْعَيْنُ الَّتِي تَأْوِي إِلَيْهَا أَرْوَاحُ الْمُؤْمِنِينَ فَهِيَ عَيْنٌ يُقَالُ لَهَا: سَلِمَى.

وَأَمَّا الْمُؤَنَّثُ فَهُوَ الَّذِي لَا يَدْرِي أَذَكَرَ هُوَ أَمْ اُنْثَى، فَإِنَّهُ يُنْتَظَرُ بِهِ، فَإِنْ كَانَ ذَكَرًا احْتَلَمَ، وَإِنْ كَانَ اُنْثَى حَاضَتْ وَبَدَأَ تَدْبِهَا، وَإِلَّا قِيلَ لَهُ: بُلْ عَلَى الْحَائِطِ؛ فَإِنْ أَصَابَ بَوْلُهُ الْحَائِطَ فَهُوَ ذَكَرٌ، وَإِنْ انْتَكَصَ (١) بَوْلُهُ كَمَا يَنْتَكِصُ بَوْلُ الْبَعِيرِ فَهِيَ امْرَأَةٌ.

وَأَمَّا عَشْرَةٌ بَعْضُهَا أَشَدُّ مِنْ بَعْضٍ فَأَشَدُّ شَيْءٍ خَلَقَهُ اللَّهُ عِزٌّ وَجَلُّ الْحَجَرِ، وَأَشَدُّ مِنَ الْحَجَرِ الْحَدِيدُ الَّذِي يُقَطَّعُ بِهِ الْحَجَرُ، وَأَشَدُّ مِنَ الْحَدِيدِ النَّارُ تَذِيبُ الْحَدِيدِ، وَأَشَدُّ مِنَ النَّارِ الْمَاءُ يُطْفِئُ النَّارَ، وَأَشَدُّ مِنَ الْمَاءِ السَّحَابُ يَحْمِلُ الْمَاءَ، وَأَشَدُّ مِنَ السَّحَابِ الرِّيحُ يَحْمِلُ السَّحَابَ، وَأَشَدُّ مِنَ الرِّيحِ الْمَلَكُ الَّذِي يُرْسِلُهَا، وَأَشَدُّ مِنَ الْمَلَكِ مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي يُمِيتُ الْمَلَكَ، وَأَشَدُّ مِنَ مَلَكِ الْمَوْتِ الْمَوْتُ، وَأَشَدُّ مِنَ الْمَوْتِ أَمْرُ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

فَقَالَ الشَّامِيُّ: صَدَقْتَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ، وَأَنَّ عَلِيًّا أَوْلَى بِالْأَمْرِ مِنْ مُعَاوِيَةَ.

ثُمَّ كَتَبَ هَذِهِ الْجَوَابَاتِ وَذَهَبَ بِهَا إِلَى مُعَاوِيَةَ، فَبَعَثَهَا مُعَاوِيَةَ إِلَى ابْنِ الْأَصْفَرِ، فَكَتَبَ إِلَيْهِ ابْنُ الْأَصْفَرِ: يَا مُعَاوِيَةَ! لِمَ تُكَلِّمُنِي بِغَيْرِ كَلَامِكَ، وَتُجِئُنِي بِغَيْرِ جَوَابِكَ؟! اِقْسِمُ بِالْمَسِيحِ، مَا هَذَا جَوَابِكَ وَمَا هُوَ إِلَّا مِنْ مَعْدِنِ التُّبُوهِ وَمَوْضِعِ الرِّسَالَةِ، وَأَمَّا أَنْتَ فَلَوْ سَأَلْتَنِي دِرْهَمًا مَا أَعْطَيْتَكَ. (٢)

٣٨٨٠. وَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْعِلْمُ خَيْرٌ مِيرَاثٍ، وَالْعَقْلُ خَيْرٌ مَوْهَبٍ، وَالْأَدَبُ خَيْرٌ حَرْفِهِ، وَالتَّقْوَى خَيْرٌ زَادٍ، وَالْعِبَادَةُ أَرْبَحُ بِضَاعَةٍ، وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ خَيْرٌ قَائِدٍ، وَحُسْنُ الْخُلُقِ خَيْرٌ قَرِينٍ، وَالْحِلْمُ خَيْرٌ وَزِيرٍ، وَالْقَنَاعَةُ أَفْضَلُ غَنَى، وَالتَّوْفِيقُ خَيْرٌ عَوْنٍ.

ص: ٤٤٤

١- . نكص على عقبه: أي رجع (الصحاح: ١٠٦٠/٣).

٢- . الخصال، ص ٤٤٠، ح ٣٣.

که غروب می کند. مرد شامی گفت: راست گفתי. قوس قزح چیست؟

حضرت فرمود: وای بر تو. نگو: قوس قزح. چون قزح اسم شیطان است. قوس الله صحیح است که علامت فراوانی و حاصل خیزی و ایمنی اهل زمین از غرق شدن است.

اما چشمه ای که روح مشرکین جای می گیرد چاهی است که برهوت نام دارد. و چشمه ای که ارواح مؤمنین در آنجا مأمو می گیرند سلمی نام دارد.

مؤنث کسی است که نمی داند مرد است یا زن. پس صبر می کنند تا بالغ شود. اگر محتلم شد مرد است. و اگر زن باشد حیض می شود و دو پستان او ظاهر می شود. و اگر چنین نشد به او می گویند: به طرف دیوار ادرار کن، اگر ادرار او بطرف دیوار پاشیده شد مرد است. و اگر بطرف پائین ریخت زن است.

اما ده چیزی که بعضی از بعض دیگر شدیدتر است: سخت ترین چیزی است که خدا آن را آفرید سنگ است. از سنگ سخت تر آهن است که با آن سنگ را می برند. و از آهن سخت تر آتش است که آهن را ذوب می کند. از آتش سخت تر آب است که آن را خاموش می کند. از آب سخت تر ابر است که آب را حمل می کند. از ابر سخت تر باد است که آن را جابجا می کند. از باد سخت تر فرشته ای است که باد را می فرستد. و از آن فرشته سخت تر، فرشته مرگ است که آن فرشته را می میراند. و از فرشته مرگ سخت تر، مرگ است. و از مرگ سخت تر امر خداوند است.

مرد شامی گفت: راست گفתי شهادت می دهم که تو پسر رسول خدا هستی. و علی برای ولایت شایسته تر از معاویه است.

سپس این جوابها را نوشت و برای معاویه برد. معاویه آن را برای پادشاه روم فرستاد.

پادشاه روم به معاویه نامه نوشت: ای معاویه گفتار کسی غیر از خودت را برایم فرستادی و جوابها از تو نیست. به مسیح قسم می خورم که این جوابها از تو نیست. بلکه از معدن نبوت و رسالت است. اینک اگر تو از من حتی یک درهم هم بخواهی نمی دهم.

۳۸۸۰. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: علم بهترین میراث است. عقل بهترین موهبت است. ادب بهترین حرفه است. تقوا بهترین توشه است. عبادت سودمندترین سرمایه است. عمل صالح بهترین پیشواست. اخلاق خوش بهترین همراه است. بردباری بهترین وزیر است. قناعت برتر از ثروت است. توفیق بهترین یاور است.

٣٨٨١. وَيُرَوَّى عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ كَانَ يُنْشِدُ هَذِهِ الْآيَاتِ:

إِنَّ الْمَكَارِمَ أَخْلَاقٌ مُطَهَّرَةٌ فَالْعَقْلُ أَوْلَاهَا وَالذِّينُ ثَانِيهَا

وَالْعِلْمُ ثَالِثُهَا وَالْحِلْمُ رَابِعُهَا وَالْجُودُ خَامِسُهَا وَالْعُرْفُ (١) سَادِسُهَا

وَالْبِرُّ سَابِعُهَا وَالصَّبْرُ ثَامِنُهَا وَالشُّكْرُ تَاسِعُهَا وَاللِّينُ عَشْرِيهَا

وَالْعَيْنُ تَعْلَمُ مِنْ عَيْنِي مُحَدِّثُهَا إِنْ كَانَ مِنْ حِزْبِهَا أَوْ مِنْ أَعَادِيهَا

وَالنَّفْسُ تَعْلَمُ أَنِّي لَا أَصَدِّقُهَا وَلَسْتُ أَرْشُدُ إِلَّا حِينَ أَعْصِيهَا (٢)

٣٨٨٢. عَشْرَةُ أَشْيَاءٍ مِنْ عِلَامَاتِ السِّيَاحَةِ: طُلُوعُ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا، وَالذَّجَالُ، وَدَابَّةُ الْأَرْضِ، وَثَلَاثَةُ خُسُوفٍ: خَسْفٌ بِالْمَشْرِقِ، وَخَسْفٌ بِالْمَغْرِبِ، وَخَسْفٌ بِجَزِيرَةِ الْعَرَبِ، وَخُرُوجُ عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَخُرُوجُ الْمَهْدِيِّ مِنْ وُلْدِي، وَخُرُوجُ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ؛ وَيَكُونُ ذَلِكَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ، وَخُرُوجُ نَارٍ مِنَ الْيَمَنِ مِنْ قَعْرِ الْأَرْضِ لَا تَدْعُ خَلْفَهَا أَحَدًا، تَسُوقُ النَّاسَ إِلَى الْمَحْشَرِ (٣).

٣٨٨٣. عَشْرَةُ خِصَالٍ مِنَ الْمَكَارِمِ: صِدْقُ النَّاسِ، وَصِدْقُ اللِّسَانِ، وَتَرْكُ الْكُذْبِ، وَأَدَاءُ الْأَمَانَةِ، وَصِدْقَةُ الرَّحِمِ، وَإِقْرَاءُ الضَّيْفِ، وَإِطْعَامُ السَّائِلِ، وَالْمُكَافَأَةُ عَلَى الصَّنَائِعِ، وَالذَّمُّ (٤) لِلْمُصَاحِبِ، وَرَأْسُهُنَّ الْحَيَاءُ (٥).

٣٨٨٤. عَشْرَةُ خِصَالٍ مَنْ لَقِيَ اللَّهَ بِهِنَّ دَخَلَ الْجَنَّةَ: شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَالْإِقْرَارُ بِمَا جَاءَ مِنَ عِنْدِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَإِقَامُ الصَّلَاةِ، وَإِيتَاءُ الزَّكَاةِ، وَصَوْمُ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَالْحَيْجُ إِلَى بَيْتِهِ الْحَرَامِ، وَالْوَلَايَةُ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ، وَالْبِرَاءَةُ مِنَ أَعْدَاءِ اللَّهِ، وَاجْتِنَابُ كُلِّ مُنْكَرٍ (٦).

٣٨٨٥. مَكَارِمُ الْأَخْلَاقِ عَشْرُ خِصَالٍ: السَّخَاءُ، وَالْحَيَاءُ، وَالصَّدْقُ، وَأَدَاءُ الْأَمَانَةِ، وَالتَّوَاضُّعُ، وَالغَيْرَةُ، وَالشَّجَاعَةُ، وَالْحِلْمُ، وَالصَّبْرُ، وَالشُّكْرُ (٧).

ص: ٤٤٨

١- . العرف - بالضم -: المعروف والجود. واسم لكل ما تبدله وتعطيه.

٢- . ديوان الإمام علي، ص ٤٧٩.

٣- . الخصال، ص ٤٣١، ح ١٣ عن النبي صلى الله عليه وآله.

٤- . الذم: العهد والأمان والضمان، والجمع: ذم (أقرب الموارد: ذم).

٥- . الخصال، ص ٤٣١، ح ١١ عن أبي عبد الله عليه السلام.

٦- . الخصال، ص ٤٣٢، ح ١٥، عن أبي جعفر عليه السلام.

٧- . شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٢٧٥، ح ١٧٧.

۳۸۸۱. گویند: امیرالمؤمنین علیه السلام گاهی اشعاری را قرائت می کردند که معنای آن این است: عالی ترین خوی انسان، اخلاق پاکی است که اولش عقل و دومش دین و علم سومین آن و بردباری چهارم است. سخاوت پنجم و نیکی ششمین آن است. احسان هفتم و صبر هشتم، شکر نهم و نرمخویی دهم است.

چاه از چشم من می آموزد. اگر از حزب اخلاق باشد یا از دشمنان آن.

هوای نفس می داند که من او را تصدیق نمی کنم. و ارشاد نمی شوم مگر زمان مخالفت با آن.

۳۸۸۲. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: ده چیز علامت ساعه [قیامت] است.

طلوع خورشید از مغرب. و دجّال و جنبنده زمین. و سه فرو رفتن زمین در مشرق و مغرب و جزیره العرب. و خروج حضرت عیسی علیه السلام و قیام حضرت مهدی علیه السلام از فرزندان من و قیام یاجوج و ماجوج و اینها در آخرالزمان اتفاق می افتد. و خارج شدن آتش از دل زمین در یمن که مردم را بسوی محشر سوق می دهد.

۳۸۸۳. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: ده خصلت از مکارم اخلاق است:

صداقت مردم و راستگویی زبان و ترک دروغ و پس دادن امانت و صلّه رحم و پذیرایی از مهمان و غذا دادن به فقیر و پاداش متقابل به نیکوکاران و خدمت کردن به همراهان و اساسی تر از همه حیاء است.

۳۸۸۴. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: ده خصلت است که هر کس خدا را با آنها ملاقات کند وارد بهشت شود: شهادت لا اله الا الله و محمداً رسول الله و اقرار به آنچه رسول الله صلی الله علیه و آله از طرف خداوند متعال آورده است. و اقامه نماز و پرداخت زکات و روزه رمضان و حجّ و ولایت اولیاء خدا [ائمہ معصومین علیهم السلام] و برائت از دشمنان خدا و دوری کردن از هر کار زشتی.

۳۸۸۵. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: مکارم اخلاق ده خصلت است: سخاوت و حیاء و صداقت و دادن امانت و فروتنی و غیرت و شجاعت و بردباری و صبر و شکر.

٣٨٨٦. رُوِيَ عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الصَّلَاةَ، وَسَنَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى عَشْرِهِ أَوْجُهُ: صِيْلَاةَ الْحَضَرِ، وَصِيْلَاةَ السَّفَرِ، وَصِيْلَاةَ الْخَوْفِ عَلَى ثَلَاثَةِ أَوْجُهُ، وَصِيْلَاةَ الْكُسُوفِ لِلشَّمْسِ وَالْقَمَرِ، وَصِيْلَاةَ الْعِيْدَيْنِ، وَصَلَاةَ الْإِسْتِسْقَاءِ، وَالصَّلَاةَ عَلَى الْمَيِّتِ.

أقول: لَعَلَّهُ عَدَّ الْكُسُوفَيْنِ أَوْ الْعِيْدَيْنِ صَلَاتَيْنِ. (١)

٣٨٨٧. فِي الشَّيْخِ عَشْرُ خِصَالٍ: عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا أَبَا الْمِقْدَامِ، إِنَّمَا شِيعَةُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ الشَّاحِبُونَ (٢) النَّاحِلُونَ الدَّابِلُونَ، ذَابِلَةٌ شِفَاهُهُمْ، خَمِيصَةٌ بَطُونُهُمْ (٣)، مُتَغَيِّرَةٌ أَلْوَانُهُمْ، مُصْفَرَّةٌ وُجُوهُهُمْ، إِذَا جَنَّهُمُ اللَّيْلُ اتَّخَذُوا الْأَرْضَ فِرَاشًا، وَاسْتَقْبَلُوا الْأَرْضَ بِجِبَاهِهِمْ، كَثِيرٌ سُجُودُهُمْ، كَثِيرَةٌ دُمُوعُهُمْ، كَثِيرَةٌ دُعَاؤُهُمْ، كَثِيرَةٌ بُكَاءُهُمْ (٤)، يَفْرَحُ النَّاسُ وَهُمْ مَحْزُونُونَ. (٥)

٣٨٨٨. وَعَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَعَنَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْخَمْرِ عَشْرَةَ: غَارِسِيَهَا، وَحَارِسِيَهَا، وَعَاصِرِيَهَا، وَشَارِبِيَهَا، وَسَاقِيَهَا، وَحَامِلِيَهَا، وَالْمَحْمُولَةَ إِلَيْهِ، وَبَانِعِيَهَا، وَمُشْتَرِيَهَا، وَآكِلَ ثَمَنِهَا. (٦)

ص: ٤٥٠

- ١- . الكافي، ج ٣، ص ٢٧٢، ح ٣.
- ٢- . الشاحبون - بالشين المعجمه - : جمع الشاحب؛ أى متغير اللون من سفر أو جوع أو مرض أو نحوها.
- ٣- . هذه أوصاف شيعه علي عليه السلام الحاكيه عن كثره إيمانهم وشوقهم إلى لقاء الله، إذ المراد تغير ألوانهم من الصيام والقيام والسهر، وكذا هزالهم من كثره الجوع لله وخوفهم منه ومن العقبات التي أمامهم وذلك أذهب نضارتهم وأخمس بطونهم.
- ٤- . فى البحار (ج ٦٨ ص ١٨٦ ح ٢) والوسائل (ج ٦ ص ٩٠ ح ٧٦٩٩): كثير دعائهم، كثير بكائهم....
- ٥- . الخصال، ص ٤٤٤، ح ٤٠.
- ٦- . الخصال، ص ٤٤٥، ح ٤١.

۳۸۸۶. امام باقر علیه السلام فرمودند: خداوند عز و جل نماز را واجب فرمود. و پیامبر صلی الله علیه و آله نماز را به ده صورت تشریح کرد: نماز در وطن و نماز مسافر و نماز خوف که سه صورت است و نماز آیات [خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی] و نماز عید فطر و قربان و نماز باران و نماز بر میت.

۳۸۸۷. شیعه ده خصلت دارد:

امام باقر علیه السلام به ابو مقدم فرمودند: ای ابا مقدم، شیعیان علی علیه السلام جسم لاغر ضعیف رنجور دارند، شکمهای فرورفته و رنگ پریده و صورتشان زرد شده است. وقتی شب فرا رسد بستر آنان زمین است. و پیشانی را روی زمین می گذارند. و سجده های آنان طولانی و اشک آنان بسیار و دعایشان فراوان و گریه آنان زیاد است. وقتی مردم شادی می کنند آنان غمگین هستند.

۳۸۸۸. امام باقر علیه السلام فرمودند: در مورد شراب خداوند ده گروه را لعنت فرمود: کسی که درخت کاشت و کسی که درخت را پرورش داد و کسی که شراب ساخت و کسی که نوشید و ساقی شراب و حمل کننده و انبار دار و فروشنده و خریدار و مصرف کننده بهای شراب.

٣٨٨٩. بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى عَشْرَةِ أَهْمٍ: عَلَى شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ؛ وَهِيَ الْمِلَّةُ، وَالصَّلَاةُ؛ وَهِيَ الْفَرِيضَةُ فِي اللَّيْلِ وَالْيَوْمِ، وَالصَّوْمُ؛ وَهِيَ الْجُنَّةُ، وَالزَّكَاةُ؛ وَهِيَ الطُّهْرَةُ، وَالْحَجُّ؛ وَهِيَ الشَّرِيعَةُ، وَالْجِهَادُ؛ وَهُوَ الْعِزُّ، وَالْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ؛ وَهُوَ الْوَفَاءُ، وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ؛ وَهُوَ الْحُجَّةُ، وَالْجَمَاعَةُ؛ وَهِيَ الْأَلْفَةُ، وَالْعِصْمَةُ؛ وَهِيَ الطَّاعَةُ. (١)

٣٨٩٠. وَعَنِ الْفُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: عَشْرَةٌ مَن لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بِهِنَّ دَخَلَ الْجَنَّةَ: شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَالْإِقْرَارُ بِمَا جَاءَ مِنَ عِنْدِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَإِقَامُ الصَّلَاةِ، وَإِتْيَاءُ الزَّكَاةِ، وَصَوْمُ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَحُجُّ الْبَيْتِ، وَالْوَلَايَةُ لِلْأَوْلِيَاءِ اللَّهِ، وَالْبِرَاءَةُ مِنَ أَعْدَاءِ اللَّهِ، وَاجْتِنَابُ كُلِّ مُنْكَرٍ.

الأزلام التي كانت أهل الجاهلية يستقسمون بها عشرة في قوله تعالى: «وَأَنْ تَشْتَقِسُوا بِالْأَزْلَمِ ذَلِكُمْ فِسْقٌ»، قال: كانوا يعمدون إلى الجزور (٢) فيجزوناه عشرة أجزاء (وفي بعض الروايات: ثمانية وعشرين جزءاً) ثم يجتمعون عليه فيخرجون السهام فيدفعونها إلى رجل؛ وهي عشرة؛ سبعة لها أنصبة (٣) وثلاثة لا أنصبة لها؛ فالتى لها أنصبة: الفد والثوأم والمسبل والنافس والحليس والرقيب والمعلى؛ فالفد له سبعة، والثوأم له سهمان، والمسبل له ثلاثة أسهم، والنافس له أربعة أسهم، والحليس له خمسة أسهم، والرقيب له ستة أسهم، والمعلى له سبعة أسهم، والتى لا أنصبة لها السفيح والمسيح والوغد. وتمن الجزور على من لم يخرج له من الأنصبة شيء، وهو القمار، فحرمه الله تعالى. (٤)

ص: ٤٥٢

- ١- الخصال، ص ٤٤٧، ح ٤٧.
- ٢- الجزر: النحر والذبح، والجزور: ما يجر من النوق أو الغنم، ولكن يطلق على البعير كما صرح به الجزري، أو خاصبالناقه كما احتمله في القاموس.
- ٣- الأنصبة: جمع النصيب؛ وهو الحظ والسهم.
- ٤- الخصال، ص ٤٣٣، ح ١٦.

۳۸۸۹. امام باقر علیه السلام فرمودند: اسلام بر ده چیز بنا شده است:

شهادت لا اله الا الله و محمداً رسول الله که ملت اسلام نامیده می شود. و نماز که در شبانه روز واجب است. و روزه که سپر آتش است. و زکات که پاک کننده اموال است. و حج که شریعت است. و جهاد که عزت است. و امر به معروف که وفاء است. و نهی از منکر که حجت است. و جماعت که الفت است. و عصمت که اطاعت است.

۳۸۹۰. امام باقر علیه السلام فرمودند: ده خصلت است که هر کس خدا را با آنها ملاقات کند وارد بهشت شود: شهادت لا اله الا الله و محمد رسول الله و اقرار به آنچه او از طرف خدای متعال آورده است. و اقامه نماز و پرداخت زکات و روزه رمضان و حج و ولایت اولیاء خدا و براءت از دشمنان خدا و پرهیز از هر عمل حرام.

ازلام [قمار] که قرآن می فرماید: ازلام را تقسیم می کردند و آن گناه است. و اهل جاهلیت مرتکب می شدند ده قسمت است. آنان شتری را می کشتند و آن را ده قسمت می کردند. [در بعضی روایات بیست و هشت قسمت آمده است.] آنگاه جمع می شدند و ده قرعه می انداختند که سه تای آن [پوچ بود و] سهمی نداشت. و هفت تای دیگر به این ترتیب سهم می بردند. یک قرعه فذ نام داشت و یک سهم می برد. یکی توأم دو سهم می برد.

یکی مسبل سه سهم می برد. و یکی نافس بود که چهار سهم. و یکی حلیس بود پنج سهم. و یکی رقیب بود که شش سهم. و یکی معلی که هفت سهم برنده می شود. آن سه قرعه که سهمی نداشتند سفیح و مسیح و وغذ نام داشتند. که باید قیمت شتر را می دادند. این قمار را خداوند متعال حرام فرمود.

٣٨٩١. عَنْ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْحَلَبِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: لَا يَطْمَعَنَّ ذُو الْكِبَرِ فِي الثَّنَاءِ الْحَسَنِ، وَلَا الْخَبُّ (١) فِي كَثْرَةِ الصَّدِيقِ، وَلَا السَّيِّئِ الْأَدَبِ فِي الشَّرَفِ، وَلَا الْبَخِيلُ فِي صِلَةِ الرَّحِمِ، وَلَا الْمُسْتَهْزِئُ بِالنَّاسِ فِي صِدْقِ الْمَوَدَّةِ، وَلَا الْقَلِيلُ الْفِقْهَ فِي الْقَضَاءِ، وَلَا الْمُعْتَابُ فِي السَّلَامَةِ، وَلَا الْحَسُودُ فِي رَاحَةِ الْقَلْبِ، وَلَا الْمُعَاقِبُ عَلَى الذَّنْبِ الصَّغِيرِ فِي السُّؤْدَدِ، وَلَا الْقَلِيلُ التَّجْرِبَةَ الْمُعْجَبُ بِرَأْيِهِ فِي الرَّئَاسَةِ (٢).

٣٨٩٢. وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: عَشْرَةٌ مَوَاضِعَ لَا يُصَيِّمُنِي فِيهَا: الطَّيْنُ، وَالْمَاءُ، وَالْحَمَامُ، وَمَسَانُ الطَّرِيقِ (٣)، وَقُرَى النَّمْلِ، وَمَعَاظِنُ الْإِبِلِ، وَمَجَارِي الْمَاءِ، وَالسَّبْحَةُ، وَالثَّلْجُ، وَوَادِي ضَجْنَانَ (٤). (أَيُّ الصَّلَاةِ مَكْرُوهَةٌ فِي هَذِهِ الْأَمَكْنَةِ) (٥).

٣٨٩٣. وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا يُؤَكَّلُ مِنَ الشَّاهِ عَشْرَةٌ أَشْيَاءَ: الْفَرْتُ، وَالذَّمُّ، وَالطَّحَالُ، وَالنُّخَاعُ، وَالغُدُدُ، وَالْقَضِيبُ، وَالْأَنْثِيَانِ [وَالْأَنْثِيَانِ!]، وَالرَّحْمُ، وَالْحَيَاءُ (٦)، وَالْأَوْدَاجُ - أَوْ قَالَ: الْعُرُوقُ - (٧).

٣٨٩٤. وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَشْرَةٌ أَشْيَاءَ مِنَ الْمِيْتَةِ ذِكِّيْتُهُ: الْعَظْمُ، وَالشَّعْرُ، وَالصُّوفُ، وَالرَّيْشُ، وَالْقَرْنُ،

ص: ٤٥٤

١- الخَبُّ - بفتح الخاء وتشديد الباء -: الخَدَاعُ؛ وهو الجربز الذي يسعى بين الناس بالفساد (النهاية: ٣/٢).

٢- الخصال، ص ٤٣٤، ح ٢٠.

٣- قال في المغرب: سنن الطريق: معظمه ووسطه. وفي القاموس: سنن الطريقه: سار فيها كاستسنها. وسنن الطريق - مثلته وبضمّتين -: نهجه وجهته. والمسَانُّ من الإبل: الكبار. انتهى. ولعلّ المراد هنا الطرق المسلوكة أو العظيمة (بحار الأنوار: ٣٠٨/٨٠).

٤- ضجنان: جليل بناحية مكة. قال الأزهرى: أمّا ضجن فلم أسمع فيه شيئاً غير جبل بناحية تهامه يقال له: ضجنان (لسان العرب: ٢٥٣/١٣).

٥- الخصال، ص ٤٣٤، ح ٢١.

٦- الحياء - بالمد -: الفرج من ذوات الخف والظلف كما قال الجزرى والفيروزآبادى.

٧- الخصال، ص ٤٣٣، ح ١٨.

۳۸۹۱. امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: متکبر طمع ستایش، و حيله گر طمع دوست زیاد، و بی ادب طمع شرف، و بخیل طمع صله رحم نداشته باشند. و کسی که مردم را مسخره می کند طمع دوست داشتن واقعی، و بی سواد طمع قضاوت، و غیبت کننده طمع سلامتی، و حسود طمع آرامش قلبی، و خرده گیر طمع بزرگی، و بی تجربه خود رأی طمع ریاست نداشته باشند.

۳۸۹۲. امام صادق علیه السلام فرمودند: در ده مکان نماز خوانده نشود: [نماز خواندن در این مکانها مکروه است]. در زمین گِل و در آب و حمام و وسط راه و لانه مورچه و آبشخور شتر و در نهر و شوره زار و روی برف و وادی ضحجان نام کوهی در اطراف مکه.

۳۸۹۳. امام صادق علیه السلام فرمودند: از اجزای بدن گوسفند ده چیز را نباید خورد: سرگین و خون و طحال و نخاع و غدد و آلت نری و مادگی و تخم دان و بچه دان و رگها.

۳۸۹۴. امام صادق علیه السلام فرمودند: ده جزء از مردار پاک است: استخوان و مو و پشم و پر و شاخ و سُم و

٣٨٩٥. رَوَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الثُّشْرَةُ عَلَى عَشْرَةِ أَجْزَاءٍ فِي الْمَشَى، وَالرُّكُوبِ، وَالْإِرْتِمَاسِ فِي الْمَاءِ، وَالنَّظَرِ فِي الْخُضْرَةِ، وَالْأَكْلِ، وَالشُّرْبِ، وَالنَّظَرِ إِلَى الْمَرْأَةِ الْحَسَنَاءِ، وَالْجِمَاعِ، وَالسُّوَاكِ، وَمُحَادَثَةِ الرَّجَالِ (٤).

٣٨٩٦. عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: جَاءَ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ: يَا أَبَى أَنْتَ وَأُمِّي عِظْنِي مَوْعِظَةً، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنْ كَانَ اللَّهُ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - قَدْ تَكْفَّلَ بِالرِّزْقِ فَاهْتَمِّمْكَ لِمَاذَا؟ وَإِنْ كَانَ الرِّزْقُ مَقْسُومًا فَالْحِرْصُ لِمَاذَا؟ وَإِنْ كَانَ الْحِسَابُ حَقًّا فَالْجَمْعُ لِمَاذَا؟ وَإِنْ كَانَ الْخَلْفُ مِنَ اللَّهِ حَقًّا فَالْبُخْلُ لِمَاذَا؟ وَإِنْ كَانَتِ الْعُقُوبَةُ مِنَ اللَّهِ النَّارَ فَالْمَعْصِيَةُ لِمَاذَا؟ وَإِنْ كَانَ الْمَوْتُ حَقًّا فَالْفَرَحُ لِمَاذَا؟ وَإِنْ كَانَ الْعَرَضُ عَلَى اللَّهِ حَقًّا فَالْمَكْرُ لِمَاذَا؟ وَإِنْ كَانَ الْمَمَرُّ عَلَى الصَّرَاطِ حَقًّا فَالْعَجْبُ لِمَاذَا؟ وَإِنْ كَانَ كُلُّ شَيْءٍ بَقْضَاءٍ وَقَدَرٍ فَالْحُزْنُ لِمَاذَا؟ وَإِنْ كَانَتِ الدُّنْيَا فَانِيَةً فَالطَّمَأْنِينَةُ إِلَيْهَا لِمَاذَا؟ (٥)

٣٨٩٧. وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْمَكَارِمُ عَشْرٌ: فَمِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَكُونَ فِيكَ فَلتَكُنْ فَإِنَّهَا تَكُونُ فِي الرَّجُلِ وَلَا تَكُونُ فِي وَلَدِهِ، وَتَكُونُ فِي وَلَدِهِ وَلَا تَكُونُ فِي أَبِيهِ، وَتَكُونُ فِي الْعَبْدِ وَلَا تَكُونُ فِي الْحُرِّ: صِدْقٌ مَعَ النَّاسِ (٦) ، وَصِدْقُ اللِّسَانِ، وَأَدَاءُ الْأَمَانَةِ، وَصِلَةُ الرَّحِمِ، وَإِقْرَاءُ الضَّيْفِ، وَإِطْعَامُ السَّائِلِ، وَالْمُكَافَأَةُ عَلَى الصَّنَائِعِ (٧) ، وَالتَّذَمُّ لِلْجَارِ (٨) ، وَالتَّذَمُّ لِلصِّاحِبِ، وَرَأْسُهُنَّ الْحَيَاءُ (٩).

٣٨٩٨. وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - حَصَّ رَسُولَهُ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ، فَامْتَحِنُوا أَنْفُسَكُمْ؛ وَإِنْ كَانَتْ فِيكُمْ فَاحِمَةٌ دُوا اللَّهُ عِزُّ وَجَلُّ وَارْغَبُوا إِلَيْهِ فِي الزِّيَادَةِ مِنْهُ. فَذَكَرَهَا عَشْرَةَ: الْيَقِينَ، وَالْقَنَاعَةَ، وَالصَّبْرَ، وَالشُّكْرَ، وَالرِّضَى، وَحُسْنَ الْخُلُقِ، وَالسَّخَاءَ، وَالغَيْرَةَ، وَالشَّجَاعَةَ، وَالْمُرُوءَةَ (١٠).

ص: ٤٥٦

- ١- . الحافر للدابة: بمنزله القدم للإنسان.
- ٢- . الإنفحة - بكسر الهمزة، وقد تشددت الحاء وقد تكسر الفاء -: شئ يستخرج من بطن الجدى الرضيع، أصفر فيعصر في صوفه فيغلظ كالجبين، فإذا أكل الجدى فهو كرش (القاموس المحيط: ٢٥٣/١).
- ٣- . الخصال، ص ٤٣٤، ح ١٩.
- ٤- . المحاسن، ج ١، ص ١٤.
- ٥- . الخصال، ص ٤٥٠، ح ٥٥.
- ٦- . وفي الخصال: صدق البأس بدل صدق مع الناس، والمراد من الأول الشجاعه، ومن الثاني هو الصدق في المعاشرة معهم بأن لا يكون فيه نفاق وخديعه.
- ٧- . الصنائع: جمع الصنيعه؛ الإحسان.
- ٨- . هو أن يحفظ ذمامه، ويطرح عن نفسه ذم الناس له إن لم يحفظه. والذمام: الحق الحرمة التي يذم مضيعها (النهاية: ١٦٩/٢).
- ٩- . الخصال، ص ٤٣١، ح ١١.
- ١٠- . الخصال، ص ٤٣١، ح ١٢.

تخم پرندگان و پنیر مایه و شیر و دندان.

۳۸۹۵. امام صادق علیه السلام فرمودند: نشاط و شادی ده جزء دارد: پیاده روی و سواری و شنا و دیدن سبزه و خوردن و آشامیدن و نگاه کردن به همسر زیبا و نزدیکی کردن و مسواک و گفتگو با مردان.

۳۸۹۶. مردی نزد امام صادق علیه السلام آمد و گفت: پدر و مادرم بفضیلت مرا موعظه ای فرمائید:

حضرت فرمودند: اگر خداوند متعال متکفل روزی است پس غصه خوردن چرا؟ اگر روزی تقسیم شده است، حرص چرا؟ اگر حساب حق است جمع کردن مال چرا؟ اگر خدا عوض می دهد بخل چرا؟ اگر کیفر خدا آتش است گناه چرا؟ اگر مرگ حق است عیاشی چرا؟ اگر اعمال به خدا عرضه می شود نیرنگ چرا؟ اگر عبور از صراط حق است خود پسندی چرا؟ اگر هر چیز به قضا و قدر است اندوه چرا؟ اگر دنیا ناپایدار است اعتماد به آن برای چه؟

۳۸۹۷. امام صادق علیه السلام فرمودند: مکارم ده خصلت است. اگر توانایی داری آنان را در خود فراهم کن.

گاهی در پدر هست ولی در پسر نیست. و گاهی در پسر هست و در پدر نیست. گاهی در غلام هست و در ارباب نیست. صداقت با مردم، و راستگویی، و دادن امانت، و صلح رحم، و پذیرایی از مهمان، و غذا دادن به فقیر، و پاداش دادن به نیکی، و مراعات حقوق همسایه، و دوست، و سرآمد همه حیاء است.

۳۸۹۸. امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند تبارک و تعالی رسول خود را به اخلاق عالی ممتاز فرمود.

شما خود را بیازمایید اگر در وجود شما هست خدا را شکر کنید. و در اضافه شدن آن بکوشید، آن گاه آنها را ده تا شمرد: یقین و قناعت و صبر و شکر و خشنودی و خوش اخلاقی و سخاوت و غیرت و شجاعت و جوانمردی.

٣٨٩٩. وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كُلُوا الْبَطِيخَ؛ فَإِنَّ فِيهِ عَشْرَ خِصَالٍ: هُوَ شَحْمَةُ الْأَرْضِ لَا دَاءَ فِيهِ وَلَا غَائِلَةٌ، وَهُوَ طَعَامٌ، وَهُوَ شَرَابٌ، وَهُوَ فَاكِهَةٌ، وَهُوَ رِيحَانٌ، وَهُوَ اشْنَانٌ (١)، وَهُوَ إِدَامٌ، وَيَزِيدُ فِي الْبَاهِ (٢)، وَيَغْسِلُ الْمَثَانَةَ، وَيُدِرُّ الْبَوْلَ. (٣)

ص: ٤٥٨

-
- ١- . الأشنان - بالضم والكسر -: ما يغسل به اليد، معروف، وُصف البطيخ به؛ لأنه ينقى ويزيل الأوساخ من الأمعاء.
 - ٢- . الباه: النكاح، وقيل: الحظ من النكاح. قال الجوهري: والباه - مثل الجاه -: لغه في الباء؛ وهو الجماع (لسان العرب: ١٣/٤٧٩).
 - ٣- . روضه الواعظين، ص ٣١١.

۳۸۹۹. امام صادق علیه السلام فرمودند: خریزه بخورید که ده خاصیت دارد:

چربی زمین است نه بیماری زاست و نه ناراحتی. هم غذاست و هم آشامیدنی و هم میوه است. هم گُل. و شوینده [دستگاه گوارش] است. و خورش است. و قدرت نزدیکی را زیاد می کند. و مثانه را شستشو می دهد. و ادرار را زیاد می کند.

ص: ۴۵۹

٣٩٠٠. قَالَ الْوَاقِدِيُّ فى رِوَايَتِهِ: كَانَ فى وَقْتِ حَبْلِ آمَنَهُ عَشْرُ عَجَائِبَ، وَفى وَقْتِ وِلَادَتِهِ عَشْرُ آخَرَى؛ أَمَّا الَّتى فى وَقْتِ الْحَبْلِ:

أَوَّلُهَا: أَنَّ أَصْنَامَ الدُّنْيَا أَصْبَحَتْ كُلُّهَا مَنْكُوسَةً.

وِثَانِيهَا: أَنَّ عَرْشَ إِبْلِيسَ أَصْبَحَ مَنْكُوساً.

وِثَالِثُهَا: أَنَّ إِبْلِيسَ غَرِقَ فى الْبَحْرِ أَرْبَعِينَ يَوْماً.

وِرَابِعُهَا: أَنَّ كُلَّ دَابَّةٍ لِقُرَيْشٍ نَطَقَتْ تِلْكَ اللَّيْلَةَ فَقَالَتْ: حَمَلَتْ آمِنَهُ بِمُحَمَّدٍ وَرَبِّ الْكَعْبَةِ.

وَخَامِسُهَا: أَنَّهُ لَمْ يَبْقَ كَاهِنَةٌ فى قُرَيْشٍ وَلَا فى الْعَرَبِ إِلَّا حُجِبَتْ عَن صَاحِبَتِهَا (١)، وَانْتَزَعَ عِلْمُ الْكُهَانَةِ عَنْهَا.

وِسَادِسُهَا: أَنَّهُ لَمْ يَبْقَ سَرِيرٌ مَلِكٍ مِنْ مُلُوكِ الدُّنْيَا إِلَّا أَصْبَحَ مَنْكُوساً.

وِسَابِعُهَا: أَنَّهُ لَمْ يَبْقَ مِنْ مُلُوكِ الدُّنْيَا إِلَّا أَصْبَحَ أَخْرَسَ لَا يَنْطِقُ يَوْمَهُ ذَلِكَ.

وَثَامِنُهَا: أَنَّهُ مَرَّ وَحَشَّ الْمَشْرِقِ إِلَى وَحَشِّ الْمَغْرِبِ بِالْبِشَارَةِ، وَكَذَلِكَ أَهْلُ الْبَحْرِ بَشَّرَ بَعْضُهَا بَعْضاً بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

وَتَاسِعُهَا: أَنَّ آمِنَهُ كَانَتْ تُحَدِّثُ أَنَّهَا آتِيَتْ (٢) حِينَ حَمَلَتْ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقِيلَ لَهَا: إِنَّكَ حَمَلْتِ بِسَيِّدِ هَذِهِ الْأُمَّةِ، فَاذًا وَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ فَقُولِي: اعِيْذُهِ بِالْوَاحِدِ، مِنْ شَرِّ كُلِّ حَاسِدٍ، ثُمَّ سَمَّيَهُ مُحَمَّدًا.

وَعَاشِرُهَا: أَنَّ آمِنَهُ رَأَتْ حِينَ حَمَلَتْ بِهِ أَنَّهُ خَرَجَ مِنْهَا نُورٌ رَأَتْ قُصُورَ بَصْرَى بِأَرْضِ الشَّامِ وَلَمْ

١- . كانوا يزعمون أنّ لكلّ كاهن صاحباً من الجنّ يُلقى إليه المغيّبات، فلمّا وُلِدَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بطلت الكهانة باحتجاب الجنّ عن الكاهن.

٢- . أى أتاها الملك.

۳۹۰۰. واقدی [مورخ] می گوید: زمان بارداری آمنه ده چیز عجیب وجود داشت و در حین ولادت هم ده چیز عجیب دیگر. اما در زمان بارداری:

۱ - تمام بتها وارونه شدند.

۲ - تخت شیطان وارونه شد.

۳ - شیطان چهل روز در دریا غرق بود.

۴ - حیوانات قریش در آن شب به سخن آمده و گفتند: قسم به پروردگار کعبه آمنه به محمد حامله شده است.

۵ - هر کس در قریش و عرب با جنّ آشنا بود از جنّ فاصله گرفتند و علم جن گیری از آنها گرفته شد.

۶ - تخت همه پادشاهان واژگون شد.

۷ - در آن روز پادشاهان همه لال شدند و نمی توانستند دستور بدهند.

۸ - وحوش و ماهیها به یکدیگر بشارت می دادند.

۹ - فرشته ای به آمنه گفت: تو به سرور این امت حامله شده ای وقتی او را بدینا آوردی بگو:

او را از شر هر حسودی به واحد [خداوند یگانه] می سپارم و نام او را محمد بگذار.

۱۰ - آمنه در حین بارداری نوری از خود مشاهده می کرد که قصرهای شام را می دید.

تَرَمِنْ حَمَلٍ قَطَّ أَخْفَ وَلَا أَيْسَرَ مِنْهُ.

وَأَمَّا الْعَشْرَةُ الَّتِي كَانَتْ فِي وَقْتِ الْوِلَادَةِ:

أَوَّلُهَا: أَنَّ آمَنَةَ أُمَّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَتْ: لَقَدْ أَخَذَنِي الطَّلُقُ وَإِنِّي لَوَحِيدَةٌ فِي الْمَنْزِلِ إِذَا سَمِعْتُ وَجِبَهُ (١) عَظِيمَةً فَهَالَنِي ذَلِكَ، فَرَأَيْتُ كَأَنَّ جَنَاحَ طَيْرٍ أبيضَ مَسَحَ عَلَيَّ فُوَادِي، فَذَهَبَ عَنِّي الزَّوْعُ وَكُلُّ وَجِدٍ (٢) أَجْدُهُ، فَهَذِهِ أَوَّلُ عَجِيئِهِ.

وِثَانِيهَا: أَنِّي التَّفْتُ فَإِذَا أَنَا بِشَرِيهِ بِيضَاءَ ظَنَنْتُهَا لَبْنًا وَكُنْتُ عَطَشِي، فَتَنَاوَلْتُهَا وَشَرِبْتُهَا، ثُمَّ رَأَيْتُ نِسْوَةً كَالنَّخِيلِ طَوَّلًا يُحَدِقْنَ (٣) بِي، وَإِذَا بِدِيَابِجٍ (٤) أبيضَ قَدْ مَدَّ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، وَإِذَا قَائِلٌ يَقُولُ:

خُذُوهُ عَن أَعْيُنِ النَّاسِ.

وِثَالِثُهَا: أَنِّي رَأَيْتُ قِطْعَةً مِنَ الطَّيْرِ قَدْ أَقْبَلَتْ مِنْ حَيْثُ لَا أَشْعُرُ حَتَّى غَطَّتْ حِجْرِي، مَنَاقِيرُهَا مِنَ الزُّمُرِّدِ وَأَجْنِحَتُهَا مِنَ الْيَاقُوتِ، وَكُشِفَ عَن بَصِيرِي فَرَأَيْتُ تِلْكَ السَّيِّعَةَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا، فَرَأَيْتُ ثَلَاثَةَ أَعْلَامٍ مَضْرُوبَاتٍ: عَلَمٌ فِي الْمَشْرِقِ، وَعَلَمٌ فِي الْمَغْرِبِ، وَعَلَمٌ فِي طَرْفِ الْكَعْبَةِ؛ فَأَخَذَنِي الْمَخَاضُ فَوَلَدْتُ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

وِرَابِعُهَا: أَنَّهُ لَمَّا خَرَجَ مِنْ بَطْنِي نَظَرْتُ إِلَيْهِ فَإِذَا أَنَا بِهِ سَاجِدًا قَدْ رَفَعَ إصْبَعَهُ إِلَى السَّمَاءِ كَالْمُبْتَهْلِ الْمُتَضَرِّعِ.

وَخَامِسُهَا: أَنِّي رَأَيْتُ سَحَابَةً قَدْ أَقْبَلَتْ حَتَّى غَشِيَتْهُ وَسَمِعْتُ مِنْهَا مُنَادِيًا يُنَادِي: طُوفُوا بِمُحَمَّدٍ شَرْقَ الْأَرْضِ وَعَرَبَهَا وَأَدْخِلُوهُ الْبِحَارَ كُلَّهَا لِيَعْرِفَ بِاسْمِهِ وَنَعِيهِ وَصِفَتِهِ، ثُمَّ تَجَلَّتْ عَنْهُ فِي أَسْرَعٍ مِنْ طَرْفِهِ عَيْنٍ فَإِذَا أَنَا بِهِ مُدْرَجًا فِي دِيَابِجِ أبيضَ وَتَحْتَهُ حَرِيرَةٌ خَضْرَاءُ قَدْ قَبِضَ عَلَى ثَلَاثَةِ مَفَاتِيحَ مِنَ اللُّؤْلُؤِ الرَّطْبِ، وَإِذَا قَائِلٌ يَقُولُ: قَبِضْ مُحَمَّدًا عَلَى مِفْتَاحِ النَّصْرَةِ، وَمِفْتَاحِ الدَّوْلَةِ، وَمِفْتَاحِ النَّبُوَّةِ.

وِسَادِسُهَا: أَنِّي رَأَيْتُ سَحَابَةً أُخْرَى قَدْ أَقْبَلَتْ أَعْظَمَ مِنَ الْأُولَى غَشِيَتْهُ، فَسَمِعْتُ مِنْهَا مُنَادِيًا يُنَادِي: اعْرِضُوهُ عَلَى رُوحَانِي الْجِنِّ وَالطَّيْرِ وَالسَّبَّاحِ، وَأَعْطُوهُ صِفَاءَ آدَمَ، وَرِقَّةَ نُوحَ، وَلِسَانَ إِسْمَاعِيلَ، وَجَمَالَ يَوْسُفَ، وَصَوْتَ دَاوُدَ، وَصَبْرَ أَيُّوبَ، وَزُهْدَ عِيسَى، وَكَرَمَ يَحْيَى صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، ثُمَّ تَجَلَّتْ عَنْهُ فِي أَسْرَعٍ مِنْ طَرْفِهِ عَيْنٍ.

ص: ٤٦٢

١- الوجه: صوت السقوط (النهاية: ١٥٤/٥).

٢- الوجه: الحزن.

٣- كلُّ شَيْءٍ اسْتَدَارَ بِشَيْءٍ وَأَحَاطَ بِهِ فَقَدْ أَحْدَقَ بِهِ (لسان العرب: ٣٨/١٠).

٤- الدِّيَابِجُ: الثِّيابُ المَتَّخِذَةُ مِنَ الْإِبْرَيْسِمِ، فَارْسِيٌّ مَعْرَبٌ، وَقَدْ تُفْتَحُ دَالُهُ (النهاية: ٩٧/٢).

و هیچ بارداری به آن آسانی را تجربه نکرده بودند.

اما ده حادثه عجیب زمان ولادت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله:

۱ - آمنه مادر رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت: هنگامی که درد زایمان گرفتم من تنها در اطاق بودم حالت عجیبی به من دست داد صدای افتادنی شنیدم که مرا هول برداشت. دیدم بال پرنده سفید رو قلب مرا لمس کرد. ناراحتی از دلم بیرون رفت و حالت وجد پیدا کردم.

۲ - توجه کردم ناگهان شربتی سفید دیدم تشنه بودم گمان کردم شیر است آن را برداشتم و خوردم. سپس زنانی را دیدم که قامت بلندی مثل نخل داشتند. به من نگاه می کردند. و پارچه سفید ابریشمی در دست داشتند، که بین زمین و آسمان کشیده شده بود. و کسی صدا می زد: او را از چشمان مردم نگاه دارید.

۳ - ناگهان پرندگانی را دیدم که ندانستم از کجا آمدند و حجره مرا پوشاندند. منقارهای آنها از زمرد و بالهای آنان از یاقوت بود. و حجاب از چشم من برداشته شد. در آن لحظه مغرب و مشرق زمین را دیدم. و دیدم سه پرچم برپاست. یک پرچم در مشرق و یک پرچم در مغرب و یک پرچم در طرف کعبه. و وقت زایمان رسید و محمد صلی الله علیه و آله بدنیا آمد.

۴ - پس از تولد به او نگاه کردم که به حال سجده بود و انگشت خود را به آسمان بلند کرده بود و حال تضرع و گریه داشت.

۵ - ابری را دیدم که به من نزدیک شد تا مرا فرا گرفت. و صدایی را از آن شنیدم که می گفت: محمد را به شرق و غرب زمین ببرید و به دریاها معرفی کنید تا او را به اسم و خصوصیات و اوصاف بشناسند. و به سرعت چشم بر هم زدن ابر دور شد. و ناگهان دیدم در پارچه ای از ابریشم سفید. است و زیر او حریر سبز رنگی است. و سه کلید از لؤلؤ در دست گرفته است. و منادی می گوید: محمد کلید نصرت و کلید دولت و کلید نبوت را گرفت.

۶ - ابر دیگری را دیدم که از اولی بزرگتر بود که مرا پوشاند. و صدایی از آن شنیدم که می گفت: او را به روحانی جنّ و پرندگان و درندگان نشان دهید. و صفاء آدم و مهربانی نوح و زبان اسماعیل و جمال یوسف و صوت داود و صبر ایوب و زهد عیسی و کرم یحیی صلوات الله علیهم را به او بدهید. و در چشم بر هم زدن دور شد.

وسابِعُهَا: أَنَّى رَأَيْتُ ثَلَاثَةَ نَفَرٍ ظَنَنْتُ أَنَّ الشَّمْسَ تَطْلُعُ مِنْ خِلَالِ وُجُوهِهِمْ؛ فِي يَدِ أَحَدِهِمْ إِبْرِيْقٌ مِنْ فِضَّةٍ تَفُوْحُ مِنْهُ رِيْحُ الْمِسْكِ، وَفِي يَدِ الثَّانِي طَسْتُ مِنْ زُمُرْدَةٍ خَضْرَاءَ، وَفِي يَدِ الثَّلَاثِ حَرِيرَةٌ بِيضَاءَ مَطْوِيَّةٍ، فَنَشَرَهَا فَأَخْرَجَ مِنْهَا خَاتَمًا حَارًّا مِنْهُ أَبْصَارُ النَّاطِرِينَ، ثُمَّ حَمَلَ ابْنِي فَنَاوَلَهُ صَاحِبَ الطُّشْتِ، فَغَسَلَهُ بِذَلِكَ الْمَاءِ مِنَ الْإِبْرِيْقِ سَبْعَ مَرَّاتٍ، ثُمَّ خَتَمَ بَيْنَ كَتِفَيْهِ بِالْخَاتَمِ خَتَمًا وَاحِدًا وَلَفَّهُ فِي الْحَرِيرَةِ وَرَدَّهُ عَلَيَّ كَالْبَدْرِ تَسَطَّعَ رِيْحُهُ كَالْمِسْكِ، ثُمَّ مَضُوا فَلَمْ أَرَهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ.

وَتَامِنُهَا: مَا رَأَى عَبْدُ الْمُطَّلِبِ، قَالَ الْوَاقِدِيُّ فِي رِوَايَتِهِ: قَالَ عَبْدُ الْمُطَّلِبِ: كُنْتُ تِلْكَ اللَّيْلَةَ فِي الْكَعْبَةِ، فَلَمَّا انْتَصَفَ اللَّيْلُ إِذَا أَنَا بِالْبَيْتِ الْحَرَامِ قَدْ اسْتَهَلَّ (١) بِجَوَانِبِهِ الْأَرْبَعِ أَسْمَعُ مِنْهُ تَكْبِيرًا عَجَبِيًّا يُنَادِي: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ رَبُّ الْمُصْطَفِينَ الْمُطَهَّرِينَ، أَنْجَيْتَنِي مِنْ أَنْجَاسِ الْمُشْرِكِينَ.

وَتَاسِعُهَا: قَالَ عَبْدُ الْمُطَّلِبِ: ثُمَّ رَأَيْتُ الْأَصْنَامَ قَدْ انْقَضَتْ (٢) كَمَا يَنْقُضُ الثَّوْبُ، وَأَنْكَبَ هُبْلٌ عَلَى وَجْهِهِ، وَسَمِعْتُ مَنَادِيًّا يُنَادِي: أَلَا إِنَّ آمِنَةَ قَدْ وَلَدَتْ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

وَعَاشِرُهَا: أَنَّ عَبْدَ الْمُطَّلِبِ خَرَجَ مَبَادِرًا لِيُخْبِرَ قُرَيْشًا ذَلِكَ، فَأَخَذَ اللَّهُ لِسَانَهُ فَلَمْ يَنْطِقْ بِهَذِهِ الْكَلِمَةِ وَحَدَّهَا سَبْعَةَ أَيَّامٍ، قَالَ: فَلَمَّا مَضَتْ مِنْ وِلَادَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ أُرْسِلَتْ آمِنَةُ إِلَى عَبْدِ الْمُطَّلِبِ أَنْ آتِ فَانْظُرْ إِلَيَّ وَلَدِكَ فَآتَاهُ فَنَظَرَهُ....

٣٩٠١. وَرَوَى فِي قِصَصِ الْأَنْبِيَاءِ حَدِيثُ الْمِعْرَاجِ؛ وَهُوَ حَدِيثٌ طَوِيلٌ نَقَلْتُ مِنْهُ مَحَلَّ الْحَاجَةِ: وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

يَا مُحَمَّدُ، سَبِّحْ تَعَطَّ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِيصْرًا (٣) وَشِدَّةً وَجَهْدًا فَتُحَرِّمَ عَلَيْنَا بَتْرِكِهِ وَنَقْضِهِ الطَّيِّبَاتِ، كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَيَّ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا، قَالَ اللَّهُ: قَدْ رَفَعْتُ الْإِيصْرَ وَالشِّدَّةَ عَنْ أُمَّتِكَ؛ قَوْلُهُ:

«وَمَا جَعَلْ عَلَيْنَكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» وَقَوْلُهُ: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمْ الْيُسْرَ». وَكَانَ الْإِيصْرُ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي عَشْرَةِ أَشْيَاءَ:

الْأَوَّلُ: كَانُوا إِذَا أَذْنَبُوا ذَنْبًا يُحَرِّمُ عَلَيْهِمْ طَعَامًا طَيِّبًا؛ كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «فَبِظُلْمٍ مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ» الْآيَةَ.

ص: ٤٦٤

١- . استهَلَّ: أَي صَاحَ عِنْدَ الْوِلَادَةِ (الصَّحَاحُ: ١٨٥٢/٥).

٢- . انْقَضَّ الْحَائِطُ: سَقَطَ (الصَّحَاحُ: ١١٠٢/٣).

٣- . أَي ثَقَلًا، وَأَصْلُ الْإِيصْرِ الضِّيْقُ، وَيُطْلَقُ عَلَى الْعَهْدِ الْمُؤَكَّدِ الَّذِي يَشْطُ نَاقِضُهُ عَنِ الثَّوَابِ وَالْخَيْرَاتِ.

۷- سه نفر را دیدم که گمان کردم خورشید در صورت آنان طلوع کرده است. در دستان یکی آبریزی از نقره بود که بوی مشک از آن منتشر می شد. در دست دومی طشت زمرد سبز و در دست سومی حریر سفید معطر که آن را باز کرد و از آن خاتمی بیرون آورد که چشم نواز بود. سپس فرزندم را به صاحب طشت داد. و با آن آب هفت بار شست. و با آن خاتم بر دو کتف او مهری زد. و او را در حریر پوشانید. و به من داد که مانند بدر می درخشید. و بوی او چون مشک بود. سپس رفتند و آنان را ندیدم.

۸- آنچه عبدالمطلب دید: واقعی نقل می کند که: عبدالمطلب گفت: آن شب در کعبه بودم. چون نیمه شب شد، در چهار طرف کعبه صدای تکبیر عجیب شنیدم که صدا می زد:

اللّٰه اکبر اللّٰه اکبر پروردگار برگزیدگان پاک که مرا از نجاست مشرکین رها کرد.

۹- عبدالمطلب گوید: دیدم بتهای کعبه چون لباس فروریختند. هُبل [یکی از بتهای معروف] به صورت افتاده بود. و صدایی را شنیدم که می گفت: آمنه محمّد را بدنیا آورد.

۱۰- عبدالمطلب سریع خارج شد. تا خبر را به قریش برساند. خداوند زبان او را بست بطوری که تا هفت روز نتوانست این خبر را تلفظ کند.

وقتی سه روز از ولادت رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله گذشت، آمنه به عبدالمطلب پیغام فرستاد که بیا و فرزندت محمد را ببین. او آمد و محمد را دید....

۳۹۰۱. در کتاب قصص الانبیاء حدیث طولانی معراج را نقل کرده است در اینجا قسمتی از آن را بیان می کنیم:

خداوند متعال گفت: یا محمد، بخواه به تو بدهیم.

پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: خدایا بارهای سنگین و طاقت فرسا بر عهده ما قرار مده، که با ترک آن حلالها را بر ما حرام کنی. چنانکه با اقوام قبل از ما کردی.

خداوند فرمود: سختی و شدّت از امت تو برداشته شد. در آیه قرآن آمده است: «خدا در دین بر شما سخت گیری نکرده است.» و در جای دیگر می فرماید: «خداوند آسایش شما را خواسته است.»

سختی که بر بنی اسرائیل واجب بوده ده چیز است:

۱- وقتی گناه می کردند غذاهای پاک بر آنان حرام می شد. چنانکه در قرآن می فرماید: «با ظلمی که از یهودیان اتفاق افتاد غذاهای پاکیزه که بر آنان حلال بود را حرام کردیم.»

وَالثَّانِي: كَانَ لَهُمْ خَمْسُونَ صَلَاةً.

وَالثَّلَاثُ: كَانَ الزَّكَاةُ عَلَيْهِمْ رُبْعَ الْمَالِ.

وَالرَّابِعُ: كَانُوا إِذَا أَصَابَتْهُمْ حَدَثٌ مِنْ جَنَابَيْهِ أَوْ حَيْضٍ أَوْ نَفَاسٍ وَلَا يَجِدُونَ الْمَاءَ يَبْقُونَ نَجَسًا قَدْرًا وَلَا يَطَهَّرُهُمْ غَيْرُ الْمَاءِ.

وَالخَامِسُ: كَانَ عَلَيْهِمْ فَرِيضَةٌ أَنْ يُصَلُّوا فِي الْمَسْجِدِ وَلَا يَجُوزُ لَهُمْ أَنْ يُصَلُّوا فِي غَيْرِ الْمَسْجِدِ.

وَالسَّادِسُ: كَانُوا فِي صِيَامِهِمْ إِذَا صَلُّوا الْعَتَمَةَ أَوْ نَامُوا يَحْرُمُ عَلَيْهِمُ الطَّعَامُ وَالشَّرَابُ إِلَى اللَّيْلِ الْقَابِلِ.

وَالسَّابِعُ: كَانَ عَلَيْهِمْ حَرَامًا الْجَمَاعُ بَعْدَ صَلَاةِ الْعَتَمَةِ أَوْ النَّوْمِ.

وَالثَّمَانُ: كَانَ قَبُولُ صِدْقَاتِهِمْ بِالْقُرْبَانِ مَعَ الْفَضِيحَةِ؛ إِذَا تَصَدَّقُوا بِشَيْءٍ إِنْ قَبِلَهُ اللَّهُ تَجِيءُ نَارٌ وَتُحْرِقُهُ يَأْكُلُ بَعْضَهُ، ثُمَّ يَأْكُلُ بَقِيَّتَهُ الْمَسَاكِينِ، وَإِنْ لَمْ يَقْبَلْهُ اللَّهُ لَا تُحْرِقُهُ النَّارُ، فَيُنْفِضُ صَاحِبُهُ.

وَالتَّاسِعُ: كَانُوا إِذَا أَصَابَ ثِيَابُهُمْ قَدْرٌ كَانَ عَلَيْهِمُ الْقَطْعُ وَلَا يَجُوزُ لَهُمُ الْغَسْلُ.

وَالْعَاشِرُ: كَانَ ذَنْبُهُمْ أَيْضًا مَعَ الْفَضِيحَةِ؛ كَانُوا إِذَا أَذْنَبُوا ذَنْبًا بِاللَّيْلِ، فَإِذَا أَصْبَحُوا كَانَ مَكْتُوبًا عَلَى بَابِ دَارِهِمْ فَافْتَضَحُوا.

فَكَانَتْ هَذِهِ الْأَشْيَاءُ الْعَشْرَةَ إِصْرًا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ، فَرَفَعَ اللَّهُ هَذِهِ الْعَشْرَةَ عَنِ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِدَعْوَةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَزَادَهُمْ عَشْرَةَ بِضِدِّ تِلْكَ الْعَشْرَةِ الْمُتَقَدِّمَةِ بِفَضْلِهِ لَمَّا دَعَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: «رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا» الْآيَةَ، فَقَالَ اللَّهُ: يَا مُحَمَّدُ، لَا - أَحْرَمُ عَلَى أُمَّتِكَ الطَّيِّبَاتِ بِذُنُوبِهِمْ كَمَا حَرَمْتُ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ؛ لِأَجْلِ دَعْوَتِكَ، وَمَا حَرَمْتُ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فَقَدْ أَحَلَلْتُ لِأُمَّتِكَ بِفَضْلِي. فَذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى:

«الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ» إِلَى قَوْلِهِ: «الْخَبَائِثُ».

يَا مُحَمَّدُ، لَا أَمْرًا مَتَّكَ بِخَمْسِينَ صِيْلَةً كَمَا أَمَرْتُ بَنِي إِسْرَائِيلَ؛ لِأَجْلِ دَعْوَتِكَ، وَأَطَهَّرُهُمْ مِنَ الْجَنَابَةِ وَالْحَيْضِ وَالنَّفَاسِ بِالثَّرَابِ وَالتَّيْمِمْ؛ بِفَضْلِي. فَذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى: «وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى» الْآيَةَ.

يَا مُحَمَّدُ، لَا أَفْسِدُ صِيْلَةَ أُمَّتِكَ إِذَا صِيَلُوا فِي غَيْرِ الْمَسْجِدِ كَمَا أَفْسَدْتُ صِيْلَةَ بَنِي إِسْرَائِيلَ؛ لِأَجْلِ دَعْوَتِكَ، وَأَجْعَلُ صَلَاتَهُمْ فِي غَيْرِ الْمَسْجِدِ بِفَضْلِي مَقْبُولَةً. فَذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى: «وَاللَّهُ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ» الْآيَةَ، وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «جُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ كُلُّهَا مَسْجِدًا وَطَهورًا».

۲ - پنجاه نماز واجب داشتند. [در اسلام پنج نماز واجب است]

۳ - زکات آنان یک چهارم اموالشان بود.

۴ - وقتی برای جنابت یا حیض یا نفاس آب پیدا نمی کردند آلوده باقی می ماندند تا آب پیدا کنند. و جز آب چیز دیگری آنها را طاهر نمی کرد. [در اسلام با تیمم طهاره حاصل می شود].

۵ - آنان فقط باید در مسجد نماز می خواندند. و در غیر مسجد جایز نبود.

۶ - هنگام روزه داری وقتی افطار می کردند اگر نماز عشاء می خواندند یا می خوابیدند دیگر حق غذا خوردن نداشتند تا شب بعد افطار کنند.

۷ - بعد از نماز عشاء یا خوابیدن نزدیکی کردن بر آنان حرام بود.

۸ - صدقه آنان رد می شد باعث رسوائی آنان بود. چون در صورت قبولی آتشی می آمد و قسمتی از آن را می سوزاند و بقیه را به مساکین می دادند. و اگر قبول نمی شد آتش نمی آمد.

و صاحب آن رسوا می شد.

۹ - اگر نجاست به لباس آنها برخورد می کرد، باید آن قسمت نجس را قطع می کردند و شستن جایز نبود.

۱۰ - اگر شب هنگام گناه می کردند صبحگاهان بر در خانه آنان نوشته می شد. و گنهکار مفتضح می شد.

این ده مجازات در قوم بنی اسرائیل بود. ولی با دعای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از این امت برداشته شد. و در مقابل ده چیز با دعای حضرت ضد آنها را به فضل خود اضافه فرمود.

زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله دعا فرمود خدایا سختی بر ما قرار مده.

خداوند فرمود: یا محمد، بدلیل دعای تو. در مقابل گناه امت تو غذاهای پاک را بر آنها حرام نمی کنم. چنان که بر بنی اسرائیل حرام کردم. و آنچه بر بنی اسرائیل حرام کردم به فضل خود بر امت تو حلال نمودم. یا محمد با دعای تو بر امت تو مثل بنی اسرائیل پنجاه نماز واجب نکردم. و با فضل خود آنها را از جنابت و حیض و نفاس با تیمم بر خاک، پاک نمودم.

یا محمد، اگر امت تو در غیر مسجد نماز بخوانند به خاطر دعای تو نمازشان را مثل نماز بنی اسرائیل فاسد نمی کنم. و به فضل خود نمازشان را در غیر مسجد هم می پذیرم.

يَا مُحَمَّدُ، لَا أَحْرَمُ عَلَى أُمَّتِكَ الطَّعَامَ وَالشَّرَابَ بَعْدَ صِيَّ لَاهِ الْعِشَاءِ وَالنَّوْمِ وَقَبْلَ صِيَّ لَاهِ الْعِشَاءِ كَمَا حَرَّمَتُ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ؛ لِأَجْلِ دَعْوَتِكَ، وَرَخَّصْتُ لَهُمُ الْأَكْلَ وَالشَّرْبَ إِلَى تَبْيِينِ الصُّبْحِ؛ بِفَضْلِي.

فَذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى: «كُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ». وَرَفَعْتُ أَيْضاً الْحِسَابَ عَمَّا يَأْكُلُ أُمَّتَكَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ.

يَا مُحَمَّدُ، لَا أَحْرَمُ عَلَى أُمَّتِكَ الْخَلْوَةَ بَعْدَ صِيَّ لَاهِ الْعِشَاءِ كَمَا حَرَّمَتُ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ؛ لِأَجْلِ دَعْوَتِكَ، وَرَخَّصْتُ لَهُمُ الْخَلْوَةَ إِلَى تَبْيِينِ الصُّبْحِ بِفَضْلِي. فَذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى: «أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ» إِلَى قَوْلِهِ: «فَالآنَ بَاشِرُوهُمْ» الْآيَةَ.

يَا مُحَمَّدُ، لَا أَجْعَلُ صِيَّ دَقَاتِ أُمَّتِكَ مَعَ الْفَضِيحَةِ كَمَا جَعَلْتُ صَدَقَاتِ بَنِي إِسْرَائِيلَ؛ لِأَجْلِ دَعْوَتِكَ، وَأَخَذُ صَدَقَاتِهِمْ إِذَا تَصَدَّقُوا بِيَمِينِي؛ بِفَضْلِي. فَذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى: «هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ».

يَا مُحَمَّدُ، لَا أَجْعَلُ طَهَارَةَ ثِيَابِ أُمَّتِكَ - إِذَا أَصَابَ ثِيَابَهُمُ الْقَدَرُ - الْقَطْعَ كَمَا جَعَلْتُ طَهَارَةَ ثِيَابِ بَنِي إِسْرَائِيلَ؛ لِأَجْلِ دَعْوَتِكَ، فَأَنْزَلُ عَلَيْهِمْ مَاءً طَهُورًا لِيُطَهَّرَهُمْ بِفَضْلِهِ. فَذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى: «وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا».

يَا مُحَمَّدُ، لَا أَفْضَحُ أُمَّتَكَ بِكِتَابِهِ الذُّنُوبِ عَلَى أَبْوَابِهِمْ إِذَا أَذْنَبُوا كَمَا فَضَحْتُ بَنِي إِسْرَائِيلَ؛ لِأَجْلِكَ، وَأَسْتُرُ ذُنُوبَهُمْ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَالْخَلَائِقِ بِفَضْلِي.

یا محمد، به خاطر دعای تو بعد از نماز عشاء یا خوابیدن بر امت تو مثل بنی اسرائیل خوردن و آشامیدن را حرام نکردم. و به فضل خود خوردن و آشامیدن را بر آنان تا اذان صبح حلال قرار دادم به فضل خود.

همچنین حساب را از آنچه امت تو در ماه رمضان می خوردند برداشتم.

یا محمد، بخاطر دعای تو به فضل خود بر امت تو مثل بنی اسرائیل نزدیکی بعد از نماز عشاء را حرام نکردم و تا اذان صبح رخصت دادم.

یا محمد، صدقات امت تو را مثل بنی اسرائیل با رسوائی همراه نکردم بخاطر دعای تو و به فضل خود صدقات امت ترا خودم قبول می کنم.

یا محمد، بخاطر دعای تو و به فضل خود طهارت لباس امت تو را مثل بنی اسرائیل بریدن محل نجس قرار ندادم و با شستن بوسیله آب پاک قرار دادم.

یا محمد، به فضل خود به خاطر تو امت تو را مثل بنی اسرائیل هنگامی که مرتکب گناه شوند، با نوشتن گناهشان بر در خانه رسوا نمی کنم. و گناهان امت تو را از ملائک و مخلوقات می پوشانم.

الأول: أن يتَرَصَّد (١) لدُعائه الأوقات الشريفة كيوم عَرَفَه مِن السَّنَه، وشَهْرِ رَمَضانَ مِنَ الشُّهُورِ، وَيَوْمِ الجُمُعَةِ مِنَ الأَسْبوعِ، وَوَقْتِ السَّحْرِ مِنَ سَاعَاتِ اللَّيْلِ، قَالَ اللهُ تَعَالَى: «وَبِالْأَشْيَاحِ حَارِهُمُ يَشْتَغْفِرُونَ»، وَلِقَوْلِهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يُنَزِّلُ اللهُ مَلَكًا إِلَى سَمَاءِ الدُّنْيَا كُلِّ لَيْلَةٍ حِينَ يَبْقَى ثُلُثُ اللَّيْلِ الأَخِيرِ، فَيَقُولُ: مَنْ يَدْعُونِي فَأَسْتَجِيبُ لَهُ، وَمَنْ يَسْأَلُنِي فَأُعْطِيهِ، وَمَنْ يَسْتَغْفِرُنِي فَأَغْفِرُ لَهُ (٢). وَقِيلَ: إِنَّ يَعْقُوبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا قَالَ: سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي؛ لِيَدْعُوَ فِي وَقْتِ السَّحْرِ (٣)، فَقِيلَ: إِنَّهُ قَامَ وَقْتِ السَّحْرِ وَأَوْلَادُهُ يُؤَمِّنُونَ خَلْفَهُ، فَأَوْحَى اللهُ تَعَالَى: أَنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَهُمْ وَجَعَلْتُهُمْ أَنْبِيَاءَ.

الثاني: أن يَغْتَنِمَ الأَحْوالَ الشَّرِيفَةَ؛ فَفَقَدَ رُوِيَ أَنَّ أَبْوابَ السَّمَاءِ تُفْتَحُ (٤) عِنْدَ زَحْفِ الصُّفُوفِ فِي سَبِيلِ اللهِ، وَعِنْدَ نَزْوِلِ الغَيْثِ، وَعِنْدَ إِقامَةِ الصَّلَاةِ المَكْتُوبَةِ، وَاغْتَنِمُوا الدُّعَاءَ فِيهَا، وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

الدُّعَاءُ بَيْنَ الأَذَانِ وَالإِقامَةِ لا يُرَدُّ (٥)، وَقَالَ: الصَّائِمُ لا تُرَدُّ دَعْوَتُهُ (٦) وَحَالَهُ السُّجُودِ أَيْضاً جَدِيدٌ بِالإِجابَةِ لِقَوْلِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَقْرَبُ ما يَكُونُ العَبْدُ (٧) مِنْ رَبِّهِ وَهُوَ ساجِدٌ، فَأَكْثَرُوا فِيهِ مِنَ الدُّعَاءِ.

- ١- . الترقب: الانتظار (مجمع البحرين: ٢٠٨/٢).
- ٢- . الكافي، ج ٣، ص ٤١٤، ح ٦، مع اختلاف.
- ٣- . وقيل: إن يعقوب... ليدعو في وقت السحر: الكافي، ص ٤٧٧، ح ٦.
- ٤- . فقد روى أن أبواب السماء تفتح... الصلاة المكتوبة: السنن الكبرى، ج ٣، ص ٣٦٠.
- ٥- . وقال النبي صلى الله عليه وآله: «الدعاء بين الأذان والإقامة لا يرد» الدعوات، ص ٣٦، ح ٨٧.
- ٦- . قال: الصائم لا ترد دعوته؛ فتح الوهاب، ج ١، ص ١٥١.
- ٧- . أقرب ما يكون العبد... فيه من الدعاء: مغنى المحتاج، ج ١، ص ١٧٠.

آداب دعا ده چیز است:

۱ - برای دعا کردن، وقتیهای شریف را انتخاب کنید. از روزهای سال مثل روز عرفه و از ماهها مثل ماه رمضان و روز جمعه در هفته و سحر از ساعت‌های شب.

خداوند متعال می فرماید: «در سحرها استغفار می کنند».

پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: هر شب وقتی ثلث شب باقی ماند، خداوند فرشته ای به آسمان دنیا فرود می فرستد و می گوید: کیست مرا دعا کند او را اجابت کنم؟ چه کسی از من می خواهد به او بدهم؟ چه کسی استغفار می کند تا پیامرم؟ گفته اند: [وقتی فرزندان یعقوب به او گفتند: برای ما دعا کن] یعقوب گفت: بزودی برای شما از پروردگار استغفار می کنم، تا در وقت سحر دعا کند.

گفته اند: هنگام سحر یعقوب دعا کرد و فرزندانش آمین گفتند. خداوند تعالی وحی فرمود:

آنان را آمرزیدم. و آنان را پیامبر قرار دادم.

۲ - حالات شریف را غنیمت شمارد. روایت شده است که در حال صف کشیدن برای جنگ در راه خدا درهای آسمان باز می شود. همچنین هنگام نزول باران و اقامه نماز واجب. پس در این حالات دعا را غنیمت شمارید.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: دعا بین اذان و اقامه رد نمی شود. همچنین فرمودند: دعای روزه دار رد نمی شود.

حالت سجده هم برای دعا مناسب است. چون پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: نزدیکترین حال بنده به پروردگارش وقتی است که او در سجده است. پس در سجده زیاد دعا کنید.

الثالث: أن يدعوا مستقبلاً القبلة فيرفع يديه بحيث يرى بياض إبطيه، وروى سليمان - رضي الله عنه -: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إن ربكم حيي كريم (١) يستحي من عبده إذا رفع يديه أن يردهما صفراً.

رُوي أن رسول الله صلى الله عليه وآله كان إذا مد يديه (٢) في الدعاء لم يردهما حتى يمسح بهما وجهه.

الرابع: خفض الصوت بين المخافتة والجهر، قال الله تعالى: «ادعوا ربكم تضرعاً وخفية».

الخامس: أن لا يتكلف السجع في الدعاء (٣)، قال صلى الله عليه وآله: سيكون قوم يعتدون في الدعاء، وقد قال الله تعالى: «ادعوا ربكم تضرعاً وخفية إنه ولا يحب المعتدين»، قيل: معناه التكلف للأسجاع.

السادس: التضرع والخشوع والرغبة والرهبة، قال الله تعالى: «إنهم كانوا يسرعون في الخيرات ويدعوننا رغباً ورهبا»، وقال: «تضرعاً وخفية»، وقال صلى الله عليه وآله: إذا أحب الله عبداً ابتلاه حتى يسمع تضرعه.

السابع: أن يجزم بالدعاء، ويوقن بالإجابة ويصدق رجاءه فيه، قال صلى الله عليه وآله: لا يقل أحدكم إذا دعا:

«اللهم اغفر لي إن شئت»، «اللهم ارحمني إن شئت»، فليجزم المسألة؛ فإنه لا مكره له. وقال صلى الله عليه وآله: إذا دعا أحدكم (٤) فليعظم الرغبة؛ فإن الله تعالى لا يتعاظم شيء. وقال صلى الله عليه وآله: ادعوا الله وأنتم موقنون بالإجابة، واعلموا أن الله عز وجل لا يستجيب دعاء من قلب غافل.

الثامن: أن يلح في الدعاء ويكرره ثلاثاً، قال ابن مسعود: كان النبي صلى الله عليه وآله إذا دعا ثلاثاً، وإذا سأل سأل ثلاثاً. (٥)

ويتبعي أن لا يستبطئ الإجابة؛ لقوله صلى الله عليه وآله: يستجاب لأحدكم ما لم يعجل (٦)؛ فيقول: دعوت فلم يستجب لي! فإذا دعوت فاسأل الله كثيراً؛ فإنك تدعو كريماً.

ص: ٤٧٢

١- إن ربكم حيي كريم... يردهما صفراً: الذكرى، ص ٢١٢.

٢- كان إذا مد يده... بهما وجهه، سبل السلام، ج ٤، ص ٢١٩، ح ١٦.

٣- سيكون قوم يعتدون في الدعاء... المعتدين: مسند أحمد، ج ١، ص ١٧٢.

٤- لا يقل أحدكم إذا دعا... فإنه لا مكره له: كتاب الموطأ، ج ١، ص ٢١٣، ح ٢٨.

٥- إذا دعا دعا ثلاثاً وإذا سأل سأل ثلاثاً: صحيح مسلم، ج ٥، ص ١٨٠.

٦- مستجاب للحكم ما لم يعجل... فلم يستجب لي؛ المجموع، ج ٨، ص ١١٣.

۳ - دعا رو به قبله باشد. و دستها را آنقدر بطرف آسمان بلند کند که سفیدی زیر بغل نمایان شود. سلمان گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: پروردگار شما با حیا و کریم است. وقتی بنده دستهایش را بلند کند خدا حیا می کند که آن دستها را خالی برگرداند.

رسول الله صلی الله علیه و آله زمانی که دستها را برای دعا بلند می کردند تا به صورت مبارک نمی کشیدند پائین نمی آوردند.

۴ - با صدا دعا کند. بطوری که نه بلند باشد و نه ساکت. خداوند می فرماید: «پروردگارتان را با تضرع و مخفیانه دعا کنید».

۵ - هنگام دعا کردن خود را به زحمت سجع نیندازید. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: قومی خواهند آمد که در دعا تعدی می کنند. در حالی که خداوند متعال فرموده است:

«پروردگارتان را با تضرع و مخفیانه بخوانید. و او تعدی کنندگان را دوست ندارد».

گفته اند: تعدی یعنی زحمت سجع.

۶ - با تضرع و خشوع و بیم و امید دعا کنید. خداوند متعال می فرماید: «آنان در خیرات سرعت می گیرند و با رغبت و بیم دعا می کنند». و فرموده است: «با تضرع و مخفی دعا کنید». و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: زمانی که خداوند بنده ای را دوست بدارد او را مبتلا می کند تا صدای تضرع او را بشنود.

۷ - هنگام دعا جزم داشته و به اجابت یقین داشته باشد. و امید خود را در دعا تصدیق کند.

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی از شما هنگام دعا کردن نگوید: خدایا اگر خواستی مرا بیمارز. اگر خواستی مرا رحمت فرست. بلکه با جزم درخواست کند. چون کسی خدا را مجبور نمی کند. و حضرت فرمودند: هنگام دعا کردن درخواست بزرگ داشته باشید.

چون چیزی برای خداوند بزرگ نیست. و حضرت فرمودند: دعا کنید و یقین به اجابت داشته باشید. و بدانید که خدای عز و جلّ دعای دل غافل را مستجاب نمی کند.

۸ - هنگام دعا الحاح و اصرار کند و سه بار تکرار کند. ابن مسعود گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی دعا می فرمود سه بار تکرار می فرمودند. وقتی درخواست می کردند سه بار تکرار می کردند. شایسته است عجله نداشته باشد. چون حضرت فرمودند: کسی که دعا کند و عجله نکند مستجاب می شود. نگوئید: دعا کردم مستجاب نشد. وقتی دعا کردی از خداوند زیاد بخواه چون تو کریم را می خوانی.

التَّيَاسُعُ: أَنْ يَفْتَتِحَ الدُّعَاءَ بِذِكْرِ اللَّهِ فَلَا يَبْدَأُ بِالسُّؤَالِ، قَالَ سَلَمَةُ بْنُ الْأَكْوَعِ: مَا سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَسْتَفْتِحُ الدُّعَاءَ إِلَّا اسْتَفْتَحَهُ بِقَوْلِهِ: سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى الْوَهَّابِ (١)، وَرُوِيَ فِي الْخَبَرِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: إِذَا سَأَلْتُمُ اللَّهَ حَاجَةً فَابْدُؤُوا بِالصَّلَاةِ عَلَيَّ؛ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَكْرَمُ مِنْ أَنْ يُسَالَ حَاجَتَيْنِ فَيَقْضِيَ إِحْدَاهُمَا وَيُرَدَّ الْأُخْرَى (٢). رَوَاهُ أَبُو طَالِبٍ الْمَكِّيُّ.

العاشِرُ: دُعَاءُ الْإِسْتِسْقَاءِ (٣)، وَهُوَ أَدَبُ الْبَاطِنِ، وَهُوَ الْأَصْلُ فِي الْإِجَابَةِ؛ مِثْلُ التَّوْبَةِ وَرَدُّ الْمَظَالِمِ وَالْإِقْبَالِ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى بِكُنْهِ الْهَمِّهِ، فَذَلِكَ هُوَ السَّبَبُ الْقَرِيبُ فِي الْإِجَابَةِ.

ثُمَّ أَعْلَمَ أَنَّ مَا يُقَارَنُ حَالَ الدُّعَاءِ مِنَ الْأَدَابِ عَشْرَةٌ، فَيَتَّبَعِي لِلدَّاعِي أَنْ يَعْتَمِدَ عَلَى عَشْرَةِ أُمُورٍ:

الأوَّلُ: التَّلَبُّثُ بِالذُّعَاءِ وَتَرْكُ الْإِسْتِعْجَالِ فِيهِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا دَعَا لَمْ يَزَلِ اللَّهُ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - فِي حَاجَتِهِ مَا لَمْ يَسْتَعْجَلِ (٤).

الثَّانِي: الْإِلْحَاحُ فِي الدُّعَاءِ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ السَّائِلَ اللَّحُوحَ (٥)، رَوَى الْوَلِيدُ بْنُ عُقْبَةَ الْهَجْرِيُّ (٦) قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: وَاللَّهِ، لَا يُلَاحِظُ عَبْدٌ مُؤْمِنٌ عَلَى اللَّهِ فِي حَاجَتِهِ إِلَّا قَضَاهَا لَهُ (٧)، وَرَوَى أَبُو الصَّبَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ كَرِهَ الْإِحْسَاحَ النَّاسِ بَعْضِهِمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الْمَسْأَلَةِ وَأَحَبَّ ذَلِكَ لِنَفْسِهِ، إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ يُسَالَ وَيُطَلَّبَ مَا عِنْدَهُ (٨).

الثَّالِثُ: تَسْمِيَةُ الْحَاجَةِ، رَوَى أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْفَرَّاءُ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - يَعْلَمُ مَا يُرِيدُ الْعَبْدُ إِذَا دَعَا، وَلَكِنَّهُ يُحِبُّ أَنْ يَبْتُ (٩) إِلَيْهِ الْحَوَائِجُ (١٠).

الرَّابِعُ: الْإِسْرَارُ بِالذُّعَاءِ؛ لِتُعَدِّهِ عَنِ الرِّيَاءِ، وَلِقَوْلِهِ تَعَالَى: «ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً»؛ وَلِرِوَايَةِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ هَمَّامٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: دَعْوَةُ الْعَبْدِ سِرًّا دَعْوَةٌ وَاحِدَةٌ تَعْدِلُ سَبْعِينَ

ص: ٤٧٤

- ١- . قال سلمه بن الأكوع... الأعلى الوهاب: مجمع الزوائد، ج ١٠، ص ١٥٦.
- ٢- . إذا سألتم الله حاجة... ويرد الأخرى: تذكره الموضوعات، ص ٥٦.
- ٣- . في عبارته سقط لا يخفى على من تدبر، وكذا في الأصل أيضاً، ولم أجد اللفظ الصحيح.
- ٤- . إنَّ العبد إذا دعا لم يزل... ما لم يستعجل. الكافي، ج ٢، ص ٤٧٤، ح ١.
- ٥- . إنَّ الله يحب السائل اللحوح: عدّه الداعي، ص ١٨٩.
- ٦- . الهجري - محرکه - نسبه إلى هجر من بلاد البحرين، وكانت عاصمه البحرين في صدر الإسلام.
- ٧- . روى الوليد بن عقبة الهجري... الأ قضاها له: الكافي، ج ٢، ص ٤٧٥، ح ٣.
- ٨- . روى أبو الصباح عن أبي عبد الله... ويطلب ما عنده، الكافي، ج ٢، ص ٤٧٥، ح ٤.
- ٩- . البث - في الأصل -: شدّه الحزن والمرض الشديد، كأنه من شدته يبتّه صاحبه (النهاية: ٩٦/١).

١٠- . روى أبو عبد الله الفراء... إليه الحوائج: الكافي، ج ٢، ص ٤٧٦، ح ١، باب تسميه الحاجه فى الدعاء.

۹ - دعا را با ذکر خدا شروع کند و با درخواست شروع نکند. سلمه گوید نشنیدم رسول الله دعایی را شروع کند مگر اینکه ابتدا می فرمود: سبحان ربی الاعلی الوهاب [منزه است پروردگار بلند مرتبه و بخشنده من]

روایت شده است حضرت فرمودند: زمانی که از خدا حاجت خواستید با صلوات بر من شروع کنید. خداوند کریم تر از آن است که دو حاجت از او بخواهند یکی را اجابت کند و دیگری را رد کند.

۱۰ - رعایت ادب باطنی دعا که اساس اجابت است. مثل توبه و ردّ مظالم و توجه به خدا با تمام وجود، که اینها از اسباب نزدیک اجابت است.

بدان که مقارن این آداب ده گانه دعا، سزوار است دعا کننده به ده امر اعتماد کند:

۱ - استمرار دعا و عجله نکردن. امام صادق علیه السلام فرمودند: بنده زمانی که دعا کند خدا تبارک و تعالی او را در نیازش رها نمی کند. البته اگر عجله نکند.

۲ - الحاح و اصرار کردن در دعا. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند دعا کننده را که اصرار کند را دوست دارد. ولید بن عقبه گوید: شنیدم امام باقر علیه السلام می فرمود: بخدا قسم عبد مؤمن در دعایش اصرار نکند مگر اینکه خداوند حاجت او را بر آورد.

ابو الصباح از امام صادق علیه السلام نقل کند: خداوند اصرار کردن مردم به یکدیگر را در نیازها دوست ندارد اما اصرار کردن از خودش را دوست دارد. خداوند دوست دارد که از او خواسته شود. و از آنچه نزد اوست طلب شود.

۳ - نام بردن حاجت. امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند تبارک و تعالی خواسته بنده را هنگام دعا می داند. اما دوست دارد که حاجتها را به او عرضه کند.

۴ - در خلوت دعا کردن برای اینکه از ریا دور باشد. چون خداوند فرمود: «پروردگارتان را با تضرع و مخفیانه دعا کنید». و امام رضا علیه السلام فرمود: یک دعا مخفیانه عبد معادل هفتاد دعای علنی است. در روایت دیگر است: یک دعا که آن را مخفی کنی

دَعْوَةٌ عَلَانِيَةٌ، وَفِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: دَعْوَةٌ تُخْفِيهَا أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ دَعْوَةً تُظَهِّرُهَا. (١)

الخَامِسُ: التَّعْمِيمُ فِي الدُّعَاءِ، رَوَى ابْنُ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا دَعَا أَحَدُكُمْ فَلْيُعَمِّمْ؛ فَإِنَّهُ أَوْجِبَ لِلدُّعَاءِ. (٢)

السَّادِسُ: الْاجْتِمَاعُ فِي الدُّعَاءِ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ».

وَأَمَرَ تَعَالَى بِالْاجْتِمَاعِ لِلْمُبَاهَلَةِ، وَرَوَى أَبُو خَالِدٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا مِنْ رَهْطٍ أَرْبَعِينَ رَجُلًا اجْتَمَعُوا فَدَعَوْا اللَّهَ فِي أَمْرٍ إِلَّا اسْتَجَابَ لَهُمْ، فَإِنْ لَمْ يَكُونُوا أَرْبَعِينَ فَأَرْبَعَةٌ يَدْعُونَ اللَّهَ عَشْرَ مَرَّاتٍ إِلَّا اسْتَجَابَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُمْ، فَإِنْ لَمْ يَكُونُوا أَرْبَعَةً فَوَاحِدٌ يَدْعُو اللَّهَ أَرْبَعِينَ مَرَّةً يَسْتَجِيبُ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ لَهُ (٣). وَرَوَى عَبْدُ الْأَعْلَى عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا اجْتَمَعَ أَرْبَعَةٌ قَطُّ عَلَى أَمْرٍ فَدَعَوْا اللَّهَ إِلَّا تَفَرَّقُوا عَنْ إِجَابَتِهِ (٤).

وَالْمُؤْمِنُ شَرِيكٌ فِي الدُّعَاءِ؛ قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ: «قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا».

وَرَوَى عَلِيُّ بْنُ عَقَبَةَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: كَانَ أَبِي إِذَا أَحْزَنَهُ أَمْرٌ جَمَعَ النِّسَاءَ وَالصِّبْيَانَ ثُمَّ دَعَا وَأَمَّنَا (٥)، وَرَوَى السَّكُونِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: الدَّاعِي وَالْمُؤْمِنُ شَرِيكَانِ. (٦)

السِّيَاحُ: إِظْهَارُ الْخُشُوعِ، قَالَ تَعَالَى: «ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً»، وَفِي دُعَائِهِمْ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: وَلَا يُنْجِي مِنْكَ إِلَّا التَّضَرُّعُ إِلَيْكَ. وَفِيمَا أَوْحَى اللَّهُ إِلَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا مُوسَى، كُنْ إِذَا دَعَوْتَنِي خَائِفًا مُشْفِقًا (٧) وَجَلًّا، وَعَفْرٌ وَجَهَكَ فِي التُّرَابِ، وَاسْجُدْ لِي بِمَكَارِمِ يَدَيْكَ، وَاقْتِ بَيْنَ يَدَيَّ فِي الْقِيَامِ وَنَاجِنِي حَيْثُ تُنَاجِنِي بِخَشْيَةٍ مِنْ قَلْبٍ وَجَلِّ (٨). وَأَوْحَى اللَّهُ إِلَى عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَذِلَّ لِي قَلْبَكَ، وَأَكْثِرْ ذِكْرِي فِي الْخُلُوتِ. (٩)

ص: ٤٧٦

- ١- . إسماعيل بن همام... دعوه تغصرها: الكافي، ج ٢، ص ٤٧٦، ح ١، باب إخفاء الدعاء.
- ٢- . روى ابن القداح... أوجب للدعاء: عدّه الداعي، ص ١٤٤.
- ٣- . روى أبو خالد قال... الجبار له: الكافي، ج ٣، ص ٤٨٧، ح ١.
- ٤- . روى عبد الأعلى... عن إجابته الدعوات، ص ٢٩، ح ٥٥.
- ٥- . روى علي بن عتبة عن رجل... دعا و أمنا: الكافي، ج ٢، ص ٤٨٧، ح ٣.
- ٦- . روى السكوني... شريكان: الكافي، ج ٢، ص ٤٨٧، ح ٤.
- ٧- . الإشفاق: عنايه مختلطة بخوف؛ لأنّ المُشْفِقَ يَحِبُّ المُشْفِقَ عَلَيْهِ وَيَخَافُ مَا يَلْحَقُهُ (مفردات غريب القرآن: ٢٦٤).
- ٨- . أوحى الله إلى موسى... قلب و جل: الكافي، ج ٨، ص ٤٤، ح ٨.
- ٩- . أوحى الله إلى عيسى... في الخلوات: عدّه الداعي، ص ٢٤.

برتر از هفتاد دعاست که آشکار کنی.

۵ - دعای عمومی، یعنی برای همگان دعا کردن. امام صادق علیه السلام فرمودند: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: زمانی که کسی از شما دعا می کند همگانی دعا کند چون که این برای استجاب دعا مؤثرتر است.

۶ - دعا با جماعت. خداوند می فرماید: «خود را با صبر همراه با کسانی کن که پروردگارشان را می خوانند». خداوند متعال برای مباحثه امر به اجتماع فرمودند. امام صادق علیه السلام فرمودند: جمعی که چهل نفرند در یکجا جمع شوند و با هم دعا کنند و از خدا چیزی بخواهند خداوند اجابت می کند. و اگر چهل نفر نبودند، چهار نفر ده بار خدا را بخوانند اجابت می کند. و اگر چهار نفر نبودند، یک نفر چهل بار خدا را بخواند خداوند عزیز جبار اجابت می فرماید.

امام صادق علیه السلام فرمودند: اگر چهار نفر خدا را برای حاجتی بخوانند متفرق نمی شوند مگر با اجابت. و آمین گو در دعا شریک است. خداوند سبحان فرمود: «دعای شما دو نفر مستجاب شد».

امام صادق علیه السلام فرمودند: پدرم هرگاه برای امری محزون می شدند زنان و کودکان را جمع می فرمودند. سپس دعا می کردند و آنان آمین می گفتند.

امام صادق علیه السلام فرمودند: دعا کننده و آمین گو شریک هستند.

۷ - اظهار خشوع. خدای متعال فرمود: «پروردگارتان را تضرع بخوانید».

در دعای معصومین علیهم السلام آمده است: چیزی از تو نجات نمی دهد مگر تضرع بسوی تو.

خداوند به حضرت موسی علیه السلام وحی فرمود: یا موسی، وقتی مرا می خوانی ترسان و لرزان و نالان باش. و روی خود را بر خاک بگذار. و با اعضای عزیز بدنت مرا سجده کن. و در حال ایستاده در حضورم قنوت کن. و هرگاه با من مناجات می کنی با خشوع و دل لرزان باش.

خداوند به حضرت عیسی علیه السلام وحی فرمود: قلب خود را برای من ذلیل کن. و در خلوت زیاد مرا یاد کن.

الثامن: تقديم مدحه لله والشأن قبل المسألة. روى الحارث بن المغيرة قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: إياكم إذا أراد أن يسأل أحدكم ربه شيئاً من حوائج الدنيا حتى يبدأ بالشأن على الله عز وجل والمدحه له والصلاة على النبي صلى الله عليه وآله ثم يسأل الله حوائجه.

التاسع: تقديم الصلاة على النبي صلى الله عليه وآله، روى أبو بصير عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

مَنْ ذُكِرْتُ عِنْدَهُ فَنَسِيَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ خَطَأَ اللَّهِ بِهِ طَرِيقَ الْجَنَّةِ (١). (٢) وَرَوَى ابْنُ الْقَدَّاحِ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَمِعَ أَبِي رَجُلًا مُتَعَلِّقًا بِالْبَيْتِ يَقُولُ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ، فَقَالَ: لَا تَبْتَرِهَا وَلَا تَظْلِمْنَا حَقَّنَا، قُلْ:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ. (٣)

العاشر: البكاء حالة الدعاء، وهو سيد الآداب وذروة (٤) سنامها، قال الصادق عليه السلام: إذا اقشعرت جلدك ودومت عينك ووجلت قلبك؛ فدونك دونك (٥) فقد قصد قصدك (٦)، (٧) قال الله لعيسى عليه السلام: يا عيسى، هب لي من عينك الدموع، ومن قلبك الخشية (٨)، وقم على قبور الأموات فنادهم بالصوت الرفيع، فلعلك تأخذ موعظتك منهم، وقيل إنى لا حق في اللاحقين (٩). وعن أمير المؤمنين عليه السلام: لما كلم الله موسى عليه السلام قال: إلهي، ما جزاء من دومت عيناه من خشيتك، قال: يا موسى، أقى وجهه من حر النار وأمنه يوم الفرع الأكبر (١٠). وقال الصادق عليه السلام: ما من شيء إلا وله كيل أو وزن إلا الدموع؛ فإن القطرة تطفئ بحاراً من نار، فإذا اغرورقت العين بما فيها لم يرهق وجهه قطرة (١١) ولا ذلة، وإذا فاضت حرمة الله على النار، ولو أن باكياً بكى في أمه لرحموا. (١٢)

ص: ٤٧٨

١- . أى جعله الله مخطئاً طريق الجنة غير مجيب إياه.

٢- . روى أبو بصير عن... طريق الجنة: الكافي، ج ٢، ص ٤٩٥، ح ٢٠.

٣- . روى ابن القداح... وأهل بيته: الكافي، ج ٢، ص ٤٩٥، ح ٢١.

٤- . الذروه - بكسر الذال وضمها -: العلو، والمكان المرتفع، والسنام: حذبه في ظهر البعير، وسنام القوم: كبيرهم ورفيعهم؛ أى حاله البكاء هى أرفع ما يكون من حالات الدعاء.

٥- . أى خذه واغتنم هذه الحالة.

٦- . قصد قصدك: أى استقام طريقك إلى إجابته الدعاء، ويحتمل أن يكون «قصد» مبيئاً للمفعول؛ أى قصد قصدك؛ يعنى مقصودك بالإجابة والإعطاء.

٧- . قال الصادق عليه السلام: إذا اقشعرت... قصدك: الكافي، ج ٢، ص ٤٧٨، ح ٨.

٨- . الخشية: خوف يشوبه تعظيم، وأكثر ما يكون ذلك عن علم بما يخشى منه، ولذلك خص العلماء بها فى قوله: «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» (مفردات غريب القرآن: ١٤٩).

- ٩- . قال الله لعيسى... فى اللاحقين: بحار الأنوار، ج ٧٩، ص ١٧٨، ح ٢٠.
- ١٠- . عن أمير المؤمنين عليه السلام: لَمَّا كَلَّمَ... الفزع الأكبر: الأمالى للصدوق، ص ٢٧٧.
- ١١- . القَتْر: الغبره (القاموس المحيط: ١١٣/٢).
- ١٢- . قال الصادق عليه السلام: ما من شىء... امه لرحموا: من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ٣١٧، ح ٩٤١.

۸ - مقدم کردن مدح و ثنای خدا قبل از درخواست. امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس از شما خواست پروردگارش را بخواند، حتماً با ثناء خدا و مدح او و صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله شروع کند. آنگاه حاجت خود را از خدا بخواهد.

۹ - مقدم کردن صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله. امام صادق علیه السلام فرمودند: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که نام من نزد او برده شود و صلوات بر من را فراموش کند خداوند راه بهشت را بر او می پوشاند.

حضرت صادق علیه السلام فرمودند: پدرم شنید کسی به خانه کعبه چسبیده و می گوید: اللهم صل علی محمد. پدرم فرمود: صلوات را ناقص و در حق ما ظلم نکن. بگو: اللهم صل علی محمد و اهل بیته.

۱۰ - گریه کردن در حال دعا، که مهمترین آداب و والاترین آن است. امام صادق علیه السلام فرمودند: زمانی که متأثر شدی و اشکت جاری شد و قلبت شکست، این حال را غنیمت شمار که به هدف نزدیک شده ای و راه اجابت باز شده است.

خداوند به عیسی علیه السلام فرمود: یا عیسی، از چشم خود اشک را و از قلب خود ترس را به من ده و بر قبرهای مردگان بایست و آنان را با آوای بلند صدا بزن. شاید از آنان پندگیری. و بگو من هم با بقیه به شما ملحق خواهم شد.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: زمانی که خداوند با موسی علیه السلام سخن گفت. موسی گفت: خدایا پاداش کسی که از ترس تو اشک بریزد چیست؟ فرمود: یا موسی چهره او را از حرارت آتش ننگه می دارم و از وحشت قیامت ایمن می کنم.

امام صادق علیه السلام فرمود: هر چیزی اندازه و وزن دارد جز اشک. چون یک قطره اشک، دریایی از آتش را خاموش می کند. زمانی که چشم با اشک لبریز شود آن چهره دیگر غبار ذلت نبیند. و وقتی اشک جاری شود خداوند آن چهره را بر آتش حرام نماید. و اگر کسی برای یک امت گریه کند خداوند به آنان رحم کند.

٣٩٠٢. قَالَ بَعْضُ الْحُكَمَاءِ: يَتَّبِعِي لِلْعَاقِلِ إِذَا تَابَ تَابَ بِعَشْرِهِ أَشْيَاءَ: اسْتِغْفَارٌ بِاللِّسَانِ، وَنَدَمٌ بِالْقَلْبِ، وَإِقْلَاعٌ بِالْيَدَيْنِ، وَالْعَزْمُ أَنْ لَا يَعُودَ، وَحُبُّ الْآخِرَةِ، وَبُغْضُ الدُّنْيَا، وَقَلَّةُ الْأَكْلِ، وَقَلَّةُ الشُّرْبِ، وَقَلَّةُ الْكَلَامِ، وَقَلَّةُ النَّوْمِ.

٣٩٠٣. وَقَالَ حَكِيمٌ: لِلْعَاقِلِ عَشْرُ خِصَالٍ: حَمْسٌ مِنْهَا فِي الظَّاهِرِ؛ وَهِيَ الصَّمْتُ، وَحُسْنُ الخُلُقِ، وَالتَّوَاضُّعُ، وَصِدْقُ القَوْلِ، وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ.

وَخَمْسٌ فِي الْبَاطِنِ؛ وَهِيَ التَّفَكُّرُ، وَالْإِعْتِبَارُ، وَالْخُشُوعُ، وَتَصْغِيرُ النَّفْسِ، وَذِكْرُ المَوْتِ.

٣٩٠٤. وَقَالَ بَعْضُ الْحُكَمَاءِ: فِي السَّفَرِ عَشْرُ خِصَالٍ مَذْمُومَةٍ: مُفَارَقَةُ الْإِنْسَانِ مَنْ يَأْلَفُهُ، وَمُصَاحَبَةُ مَنْ لَا يُشَاكِلُهُ (١)، وَالْمُخَاطَرَةُ بِمَا يَمْلِكُهَا، وَمُخَالَفَةُ العَادَةِ فِي أَكْلِهِ وَنَوْمِهِ، وَمُبَاشَرَةُ الحَرِّ وَالبَرْدِ بِجَسْمِهِ، وَمُجَاهَدَةُ البَيُولِ فِي إِمْسَاكِهَا، وَمُقَاسَاةُ سَوْءِ عَشْرِهِ الْمَكَارِينِ، وَمُلاقَاةُ الهَوَانِ مِنَ العَشَّارِينَ، وَالدَّهْشَةُ الَّتِي تَنَالُهُ عِنْدَ دُخُولِ البَلَدِ، وَالدُّلُّ الَّذِي يَلْحَقُهُ مِنَ ارْتِيَادِ المَنْزِلِ.

٣٩٠٥. وَقَالَ بَعْضُ الْحُكَمَاءِ: عَشْرُ خِصَالٍ يُبْغِضُهَا اللَّهُ مِنْ عَشْرِهِ أَنْفُسٌ: البُخْلُ مِنَ الْأَغْنِيَاءِ، وَالكِبْرُ مِنَ الْفُقَرَاءِ، وَالتَّطَمُّعُ مِنَ الْعُلَمَاءِ، وَقَلَّةُ الحَيَاءِ مِنَ النِّسَاءِ، وَحُبُّ الدُّنْيَا مِنَ المَشَاطِيخِ، وَالكَسِيلُ مِنَ الشَّبَابِ، وَالحِدَادَةُ مِنَ السُّلْطَانِ، وَالجُبْنُ مِنَ الغَزَاهِ، وَالتَّعَجُّبُ مِنَ الرُّهَادِ، وَالرِّيَاءُ مِنَ العُبَادِ.

۳۹۰۲. حکیمی گفت: توبه کردن عاقل به ده چیز است: استغفار با زبان و پشیمانی با قلب و دست کشیدن از گناه با اعضا و جوارح و تصمیم بر تکرار نکردن و دوست داشتن آخرت و نفرت از دنیا و کم خوردن و کم آشامیدن و کم گفتن و کم خوابیدن.

۳۹۰۳. حکیمی گفته: عاقل ده خصلت دارد، پنج خصلت در ظاهر: سکوت و اخلاق خوش و فروتنی و راستگویی و عمل صالح. و پنج خصلت در باطن: تفکر و عبرت گیری و خشوع و کوچک شمردن خود و یاد مرگ.

۳۹۰۴. حکیمی گفته: در مسافرت ده صفت زشت وجود دارد: جدایی انسان از کسی که به او انس گرفته است، و همراهی [اجباری] با کسی که تفاهم ندارد. و به خطر افتادن مال، و بر خلافت عادت غذا خوردن، و خوابیدن، و روپرو شدن با سرما و گرما، مجبور بودن به نگهداشتن ادرار، و تحمل کردن بداخلاقی رانندگان، و دیدار با افراد فرومایه، و وحشت هنگام ورود به شهر، تحمل کردن ذلت برای پیدا کردن محل اقامت.

۳۹۰۵. حکیمی گفته: خدا ده خصلت را از ده نفر نمی پسندد:

بخل از ثروتمندان و تکبر از فقیران و طمع از عالمان و حیاء کم از زنان و دنیا دوستی از سالمندان و تنبلی از جوانان و خشونت از سلطان و ترس از رزمندگان و خودپسندی از زاهدان و دورویی از عابدان.

٣٩٠٦. وقال لقمان عليه السلام لابنه: يا بُنَيَّ، إِنَّ الْحِكْمَةَ تَعْمَلُ عَشْرَةَ أَشْيَاءَ: أَحَدُهَا: تُحْيِي الْقُلُوبَ الْمَيَّتَةَ، وَتُجْلِسُ الْمَسْكِينِ مَجَالِسَ الْمُلُوكِ، وَتُشْرِفُ الْوَضِيعَ، وَتُحَرِّزُ الْعَبِيدَ، وَتُؤْوِي الْغَرِيبَ، وَتُغْنِي الْفَقِيرَ، وَتَزِيدُ لِأَهْلِ الشَّرَفِ شَرَفًا وَلِلسَّيِّدِ سُودَدًا، وَهِيَ أَفْضَلُ مِنَ الْمَالِ، وَحِرْزٌ مِنَ الْخَوْفِ، وَدِرْعٌ فِي الْحَرْبِ، وَبِضَاعَةٌ حِينَ يَرِيحُ، وَهِيَ شَفِيعَةٌ حِينَ يَعْتَرِيهِ الْهَوْلُ، وَهِيَ دَلِيلُهُ حِينَ يَنْتَهَى بِهِ الْيَقِينُ، وَسُتْرَةٌ حِينَ لَا يَسْتُرُهُ ثَوْبٌ.

٣٩٠٧. قيل: جَمَعَ بَعْضُ الْمُلُوكِ خَمْسَةَ مِنَ الْحُكَمَاءِ فَأَمَرَهُمْ أَنْ يَتَكَلَّمُ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ حِكْمَةً، فَقَالَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ حِكْمَتَيْنِ فَصَارَتْ عَشْرَةً:

أَمَّا الْأَوَّلُ فَقَالَ: خَوْفُ الْخَالِقِ أَمْنٌ، وَأَمْنُهُ كُفْرٌ، وَأَمْنُ الْمَخْلُوقِ عِتْقٌ وَخَوْفُهُ رِقٌّ.

وقال الثاني: الرَّجَاءُ إِلَى اللَّهِ غِنَى لَا يَضُرُّ مَعَهُ فَقْرٌ، وَالْإِيَّاسُ مِنْهُ فَقْرٌ لَا يَنْفَعُ مَعَهُ غِنَى.

وقال الثالث: لَا يَضُرُّ مَعَ غِنَى الْقَلْبِ فَقْرُ الْكَيْسِ، وَلَا يَنْفَعُ مَعَ فَقْرِ الْقَلْبِ غِنَى الْكَيْسِ.

وقال الرابع: لَا يَزِيدُ غِنَى الْقَلْبِ مَعَ الْجُودِ إِلَّا غِنَى، وَلَا يَزِيدُ غِنَى الْقَلْبِ مَعَ فَقْرِ الْكَيْسِ إِلَّا غِنَى.

وَالْأَجُودُ أَنْ يُقَالَ: لَا يَزِيدُ فَقْرُ الْقَلْبِ مَعَ غِنَى الْكَيْسِ إِلَّا شَحًّا (١).

وقال الخامس: أَخَذَ الْقَلِيلُ مِنَ الْخَيْرِ خَيْرٌ مِنْ تَرَكَ الْكَثِيرَ مِنَ الشَّرِّ، وَتَرَكَ الْجَمِيعَ مِنَ الشَّرِّ خَيْرٌ مِنْ أَخَذَ الْقَلِيلَ مِنَ الْخَيْرِ.

٣٩٠٨. وقال حكيم: عُقْبَى الدُّنْيَا زَوَالٌ، وَعُقْبَى الْحَيَاةِ مَمَاءٌ، وَعُقْبَى الطَّعَامِ الْمَزَابِلُ، وَعُقْبَى الْجَمْعِ الْحِسَابُ، وَعُقْبَى الْعِمَارَةِ الْخَرَابُ، وَعُقْبَى الظَّالِمِ الْعَذَابُ، وَعُقْبَى الشَّمْلِ الشَّنَاتُ، وَعُقْبَى التِّيَابِ الْغُفْرَانُ، وَعُقْبَى الْمَيْذِنِ الْخِذْلَانُ (٢)، وَعُقْبَى الزُّهْدِ الرِّضْوَانُ، وَعُقْبَى الْأَشْيَاءِ الْهَلَاكُ مَا خَلَا وَجَهَ اللَّهُ تَعَالَى:

«كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ وَ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ».

٣٩٠٩. وقال أفلاطون: عَشْرَةٌ أَدْلَاءُ أَبَدًا: الْمَدْيُونُ، وَالنَّمَامُ، وَالْكَذَّابُ، وَالْحَاسِدُ، وَالْعَاشِقُ، وَالْمُحْتَاجُ، وَالطَّمَاعُ، وَالْأَسِيرُ، وَالْمُتَّهَمُ، وَالْجَاهِلُ.

ص: ٤٨٢

١- . الشَّحُّ: الْبَخْلُ عَلَى تَفْصِيلٍ مَرَّ مَرَارًا. وَالْكِيسُ: ظَرْفٌ لِلدَّرْهِمِ وَالِدِينَارِ إِذَا خِيطَ مِنْ خَرَقٍ، وَأَمَّا إِذَا كَانَ مِنَ الْأَدِيمِ وَالْخِرَقِ فَهُوَ خَرِيطَةٌ.

٢- . الْخِذْلَانُ: تَرَكَ النَّصْرَةَ، وَمَنْ اللَّهُ تَعَالَى عَدَمَ عَصْمَتِهِ مِنَ الشُّبْهِ وَالْعَذَابِ، وَالْمَرَادُ هُنَا خِذْلَانُ اللَّهِ سَبْحَانَهُ عَبْدَهُ الْمَذْنِبِ.

۳۹۰۶. لقمان به پسرش گفت: فرزندم، حکمت ده اثر دارد: قلب مرده را زنده می کند. و مسکین را در مجلس شاهان می نشاند. و به بی مقدار شرف می دهد. و غلام را آزاد می کند. به غریب پناه می دهد. و فقیر را بی نیاز می کند. و به شرف شرافتمند و بزرگی بزرگان می افزاید. از مال برتر است. و امان از ترس و زره میدان جنگ و سرمایه پرسود و شفیع هنگام ترس است. و راهنمای مسیر یقین و پوشاننده عیبی است که لباس آن را نمی پوشاند.

۳۹۰۷. گفته اند: پادشاهی پنج حکیم را دعوت کرد و از هر کدام حکمتی خواست. و هر کدام دو حکمت گفتند که مجموع به ده حکمت رسید:

اولی گفت: ترس از خالق امان، و ایمنی از او کفر است. و امان مخلوق، آزادی و ترس از او اسارت است.

دومی گفت: امید به خدا ثروتی است که فقر با وجود آن ضرر ندارد و ناامیدی از او فقری است که هیچ ثروتی آن را جبران نمی کند.

سومی گفت: با بی نیازی قلب، خالی بودن جیب ضرر ندارد. و با فقر قلب، پر بودن جیب فایده ندارد.

چهارمی: بی نیازی قلب، با جود بیشتر می شود. و بی نیازی قلب با خالی بودن جیب بی نیازتر می شود. بهتر است گفته شود: با فقر قلب ثروت مالی فقط بخل را بیشتر می کند.

پنجمی: انجام دادن خیر اندک، بهتر از ترک شر زیاد است. و ترک همه شرارتها، بهتر از انجام دادن خیر اندک است.

۳۹۰۸. حکیمی گفت: سرانجام دنیا، نابودی. و سرانجام زندگی، مرگ. و سرانجام غذا، زباله دان. و سرانجام جمع کردن مال، حساب. و سرانجام آبادی، خرابی. و سرانجام ظالم، عذاب. و سرانجام اجتماع، پراکندگی. و سرانجام توبه، آمرزش. و سرانجام گناهکار، ذلت. و عاقبت زهد، رضایت. و عاقبت همه چیز جز خداوند، نابودی است. خداوند می فرماید: «همه چیز نابود می شود جز خداوند که همه چیز به سوی او باز می گردد».

۳۹۰۹. افلاطون گفت: ده نفر همیشه ذلیل هستند:

بدهکار و سخن چین و دروغگو و حسود و عاشق و نیازمند و طمعکار و اسیر و متهم و نادان.

٣٩١٠. قَالَ بَعْضُهُمْ: أَضِيحُ الْأَشْيَاءِ عَشْرَةٌ: عَالِمٌ لَا يُسْأَلُ، وَعِلْمٌ لَا يُعْمَلُ بِهِ، وَرَأْيٌ صَوَابٌ لَا يُقْبَلُ، وَسِلَاحٌ لَا يُسْتَعْمَلُ، وَمَسْجِدٌ لَا يُصَلَّى فِيهِ، وَمُصْحَفٌ لَا يُقْرَأُ فِيهِ، وَمَالٌ لَا يُنْفَقُ مِنْهُ، وَخَيْلٌ لَا يُرَكَّبُ، وَعِلْمٌ فِي بَطْنٍ مَنْ يُرِيدُ بِهِ الدُّنْيَا، وَعُمُرٌ طَوِيلٌ لَا يَتَرَوَّدُ فِيهِ لِسَفَرِهِ.

٣٩١١. وَقَالَ أَنَسُ بْنُ مَالِكٍ: إِنَّ الْأَرْضَ تُنَادِي كُلَّ يَوْمٍ بِعَشْرِ كَلِمَاتٍ، تَقُولُ: يَا بَنَ آدَمَ، تَسْعَى عَلَى ظَهْرِي وَمَصِيرُكَ فِي بَطْنِي! وَتَضْحَكُ فِي ظَهْرِي وَتَبْكِي فِي بَطْنِي! وَتَأْكُلُ الْحَرَامَ عَلَى ظَهْرِي وَتَذِلُّ فِي بَطْنِي! وَتَعْصِي عَلَى ظَهْرِي وَتُعَذِّبُ فِي بَطْنِي! وَتَمْشِي مَسْرُورًا عَلَى ظَهْرِي وَتَقْعُ حَزِينًا فِي بَطْنِي! وَتَمْشِي فِي النُّورِ عَلَى ظَهْرِي وَتَقْعُ فِي الظُّلُمَاتِ فِي بَطْنِي! وَتَمْشِي فِي الْمَجَامِعِ عَلَى ظَهْرِي وَتَقْعُ وَحِيدًا فِي بَطْنِي!

٣٩١٢. وَقِيلَ: فِي الْكَلْبِ عَشْرُ خِصَالٍ مَنْ كَانَتْ فِيهِ سَعِدَ:

الْأَوَّلُ: أَنَّهُ لَيْسَ لَهُ بَيْتٌ، وَذَلِكَ مِنْ صِفَاتِ الْمُجْرَدِينَ.

الثَّانِي: أَنَّهُ يَسْهَرُ بِاللَّيْلِ، وَذَلِكَ مِنْ صِفَاتِ الْعَابِدِينَ.

الثَّلَاثُ: أَنَّهُ إِذَا سَافَرَ لَا يَحْمِلُ زَادَهُ، وَذَلِكَ مِنْ عِلَامَاتِ الْمُتَوَكِّلِينَ.

الرَّابِعُ: إِذَا حَضَرَ الطَّعَامَ جَلَسَ عَنْهُ بَعِيدًا بِمَعزِلٍ، وَذَلِكَ مِنْ عِلَامَاتِ النَّازِحِينَ.

الخَامِسُ: إِذَا ضَرَبَ وَطُرِدَ يَعُودُ بِأَدْنَى شَيْءٍ، وَذَلِكَ مِنْ عِلَامَاتِ الْمُرِيدِينَ (١).

السَّادِسُ: لَا يُفَارِقُ صَاحِبَهُ عَلَى الشَّدَّةِ وَالرِّخَاءِ، وَذَلِكَ مِنْ عِلَامَاتِ الصَّابِرِينَ.

السَّابِعُ: أَنَّهُ إِذَا مَاتَ لَمْ يُخَلَّفْ مِيرَاثًا، وَذَلِكَ مِنْ عِلَامَاتِ الزَّاهِدِينَ.

۳۹۱۰. زاهد گفت: ده چیز است که از همه بیشتر به هدر می رود: عالمی که از او سؤال نشود.

و علمی که به کار نرود. و اندیشه صحیح که پذیرفته نشود. و اسلحه ای که استفاده نشود.

و مسجدی که در آن نماز خوانده نشود. و قرآنی که قرائت نشود. و مالی که انفاق نشود.

و اسب که برای سواری بکار گرفته نشود. و دانش نزد کسی که دنیا دوست است. و عمر طولانی که در آن توشه برای آخرت ذخیره نشود.

۳۹۱۱. انس بن مالک گفت: هر روز زمین ده جمله می گوید: ای آدم بر پشت من راه می روی و مسیر تو بسوی من است. و بر پشت من می خندی و در درون من گریه می کنی. و بر پشت من مال حرام می خوری و در درون من ذلت می بینی. و بر پشت من گناه می کنی و در درون من عذاب می شوی. و بر پشت من شادماه راه می روی و درون من غمگین می شوی. و بر پشت من در روشنائی هستی و در درون من در ظلمت خواهی بود. و بر پشت من در اجتماع هستی و در درون من تنها می شوی.

۳۹۱۲. گویند در سگ ده صفت هست که در هر کس باشد سعادت مند شود.

اول: خانه ندارد و این صفت مجزدهاست. دوم: شبها بیدار است. که صفت عابدین است. سوم: در سفر توشه بر نمی دارد. که علامت متوکلین است. چهارم:

وقتی غذا حاضر شود با فاصله در انتظار می ماند. و این علامت مردم دور از دنیا است. پنجم: وقتی رانده می شود با کمترین چیز بر می گردد. و این علامت مریدان است. ششم: صاحب خود را در سختی و رفاه تنها نمی گذارد. و این علامت صابران است. هفتم: پس از مرگ ارث باقی نمی گذارد. و این علامت زاهدان است.

الثامن: أَنَّهُ لَا يَزَالُ جُوعَانًا، وَذَلِكَ مِنْ عِلَامَاتِ الْمُجَاهِدِينَ.

التاسع: أَنَّهُ لَا يَزَالُ خَائِفًا، وَذَلِكَ مِنْ عِلَامَاتِ الصَّالِحِينَ.

العاشر: أَنَّهُ يَرْضَى بِالْقَلِيلِ مِنَ الدُّنْيَا، وَذَلِكَ مِنْ عِلَامَاتِ الْعَاشِقِينَ.

تنبيه: يَتَّبَعِي أَنْ يَكُونَ لِلْمُرِيدِ جَرِيدَةٌ يُنْبِتُ فِيهَا جُمْلَةَ الصِّفَاتِ الْمُهْلِكَاتِ، وَجُمْلَةَ الصِّفَاتِ الْمُنْجِيَاتِ، وَجُمْلَةَ الْمَعَاصِي وَالطَّاعَاتِ، وَيَعْرِضُ نَفْسَهُ عَلَيْهَا كُلَّ يَوْمٍ.

وَيَكْفِيهِ مِنَ الْمُهْلِكَاتِ عَشْرَةٌ؛ فَإِنَّهُ إِنْ سَلِمَ مِنْهَا سَلِمَ مِنْ غَيْرِهَا؛ وَهِيَ: الْبُخْلُ، وَالْكِبْرُ، وَالْعُجْبُ، وَالرِّيَاءُ، وَالْحَسَدُ، وَشِدَّةُ الْغَضَبِ، وَشَرُّهُ الطَّعَامُ، وَشَرُّهُ الْوِقَاعُ(١)، وَحُبُّ الْمَالِ، وَحُبُّ الْجَاهِ.

وَمِنَ الْمُنْجِيَاتِ عَشْرَةٌ: النَّدَمُ عَلَى الذُّنُوبِ، وَالصَّبْرُ عَلَى الْبَلَاءِ، وَالرِّضَى بِالْقَضَاءِ، وَالشُّكْرُ عَلَى النِّعْمَاءِ، وَاعْتِدَالُ الْخَوْفِ وَالرَّجَاءِ، وَالزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا، وَالْإِخْلَاصُ فِي الْأَعْمَالِ، وَحُسْنُ الْخُلُقِ مَعَ الْخَلْقِ، وَحُبُّ اللَّهِ تَعَالَى، وَالْخُشُوعُ لَهُ.

فَهَذِهِ عِشْرُونَ خِصْلَةً: عَشْرَةٌ مَذْمُومَةٌ، وَعَشْرَةٌ مَحْمُودَةٌ.

٣٩١٣. وَصِيَّةُ الرُّومِيِّ، وَهِيَ عَشْرَةٌ خِصَالٍ، قَالَ لِبَعْضِ أَصْحَابِهِ: أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ فِي السَّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ، وَبِقِلَّةِ الطَّعَامِ، وَقِلَّةِ الْمَنَامِ، وَقِلَّةِ الْكَلَامِ، وَهَجْرِ الْمَعَاصِي وَالْآثَامِ، وَتَرْكِ الشَّهَوَاتِ عَلَى الدَّوَامِ، وَالْمُؤَاطَبَةِ عَلَى الصِّيَامِ وَدَوَامِ الْقِيَامِ، وَاحْتِمَالِ الْجَفَا مِنْ جَمِيعِ الْأَنَامِ، وَتَرْكِ مُجَالَسَةِ السُّفَهَاءِ وَالْعَوَامِّ، وَمُصَاحَبَةِ الصَّالِحِينَ وَالْكَرَامِ.

٣٩١٤. وَقِيلَ: كَانَ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ رَجُلٌ عَابِدٌ زَاهِدٌ، فَاسْتَأْذَنَ مَلِكُ رَبِّهِ فِي زِيَارَتِهِ وَقَالَ لَهُ: عِظْنِي وَأَوْصِنِي، فَقَالَ الْعَابِدُ: أَوْصِيكَ بِعَشْرَةِ أَشْيَاءَ فَافْهَمَهَا: كُنْ عَالِمًا جَاهِلًا، مُحِبًّا مُبْغِضًا، رَاغِبًا زَاهِدًا، سَخِيًّا بَخِيلًا، شُجَاعًا عَاجِزًا.

قَالَ الْمَلِكُ: وَمَا ذَاكَ؟! قَالَ الْعَابِدُ: كُنْ عَالِمًا بِاللَّهِ جَاهِلًا بِغَيْرِهِ، مُحِبًّا لِأَوْلِيَائِهِ مُبْغِضًا لِأَعْدَائِهِ، زَاهِدًا فِي الدُّنْيَا رَاغِبًا فِي الْآخِرَةِ، سَخِيًّا بِالدُّنْيَا بَخِيلًا بِالدِّينِ، شُجَاعًا فِي طَاعَةِ اللَّهِ عَاجِزًا عَنْ مَعْصِيَتِهِ. قُمْ حَفِظَكَ اللَّهُ! أَشْغَلْتَنِي عَنْ عِبَادَةِ رَبِّي.

ص: ٤٨٦

١- . الوقاع: مواقعه الرجل امرأته إذا باضعها وخالطها (لسان العرب: ٤٠٥/٨).

هشتم: همیشه گرسنه است و این علامت مجاهدان است. نهم: همیشه در ترس است. و این علامت صالحان است. دهم: به اندکی از دنیا راضی می شود. که علامت عاشقان است.

تنبيه:

بر هر انسان مرید لازم است که دفترچه ای همراه داشته باشد و در آن صفات زشت و کشنده و همچنین نجات بخش و گناهان و طاعتها را ثبت کند و هر روز با تکرار آن خود را ارزیابی کند. از صفات مهلک ده صفت کافی است که اگر از آنها خود را حفظ کند از بقیه هم سلامت خواهد بود. ده صفت عبارتند از:

بخل و تکبر و خودپسندی و ریا و حسد و خشم زیاد و خوردن زیاد و شهوت زیاد و مال دوستی و مقام پرستی.

و از صفات نجات بخش ده صفت:

پشیمانی از گناه، و صبر در بلا، و خشنودی به قضا و قدر، و شکر نعمتها، و اعتدال در خوف و رجا، و زهد در دنیا، و اخلاص در کارها، و خوشرفتاری با مردم، و دوست داشتن خدا، و خشوع برای او.

۳۹۱۳. مولای رومی به یکی از دوستانش ده توصیه کرد:

ترابه تقوای خدا در پنهان و آشکار توصیه می کنم. کمتر بخور. و کمتر بخواب. و کم سخن بگو. و از گناهان دوری کن. و دائماً شهوت را ترک کن. و مواظبت بر روزه. و نماز را دائماً پیادار. و جفای مردم را تحمل کن. و با مردم کم عقل و نادان همنشینی نکن. و با صالحان و کریمان همنشینی کن.

۳۹۱۴. گفته اند: در بنی اسرائیل عابد زاهدی بود. فرشته ای از پروردگار اجازه گرفت و به دیدار او رفت و گفت: مرا موعظه کن. عابد گفت: ده توصیه می کنم فراگیر:

عالم و جاهل باش. دوست و دشمن باش. علاقه مند و بی میل باش. سخاوت مند و بخیل باش. شجاع و عاجز باش.

فرشته پرسید: توضیح بده یعنی چه؟

عابد گفت: عالم به خدا و جاهل به غیر او باش. دوست اولیاء خدا و دشمن دشمنانش باش.

بی میل به دنیا و علاقمند به آخرت باش. سخاوتمند در مال و بخیل در دین باش. شجاع در طاعت خدا و عاجز در معصیت باش. برخیز خدا نگهدارت. مرا از عبادت خدا بازداشتی.

٣٩١٥. جُمَلُهُ ما ذَكَرُوهُ مِنَ الْأَسْبَابِ الْبَاعِثَةِ عَلَى الْغَيْبَةِ عَشْرَةٌ أَشْيَاءٌ قَدَّمَهُ الْإِمَامُ النَّاطِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّادِقُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِجْمَالًا بِقَوْلِهِ: أَوَّلُ الْغَيْبَةِ تَنَوُّعُ بَعْثَرِهِ أَنْوَاعٌ: شَتَاءٌ غَيْظٌ، وَمُسَاعَدَةٌ قَوْمٍ (١)، وَتَصَدِيقُ خَبَرٍ بِلا كَشْفٍ (٢)، وَتَهْمَةٌ (٣)، وَسَوْءُ ظَنٍّ، وَحَسَدٍ، وَسُخْرِيَّةٍ، وَتَعْجَبٍ، وَتَبْرُمٍ، وَتَرْزِينٍ.

وَنَحْنُ نُشِيرُ إِلَيْهَا مُفَصَّلَةً:

الأوَّلُ: تَشْفَى الْغَيْظُ، وَذَلِكَ إِذَا جَرَى سَبَبٌ غَضِبَ بِهِ عَلَيْهِ، وَإِذَا هَاجَ غَيْظُهُ تَشْفَى بِذِكْرِ مَسَاوِيهِ.

الثَّانِي: مُوَافَقَةُ الْأَقْرَانِ وَمُجَامَلَةُ الرُّفَقَاءِ وَمُسَاعَدَتُهُمْ عَلَى الْكَلَامِ؛ فَإِنَّهُمْ إِذَا كَانُوا يَتَفَكَّهُونَ بِذِكْرِ الْأَعْرَاضِ، فَيَرى أَنَّهُ لَوْ أَنْكَرَ أَوْ قَطَعَ الْمَجْلِسَ اسْتَنْقَلَوْهُ وَنَفَرُوا عَنْهُ، فَيَسَاعِدُهُمْ.

الثَّالِثُ: أَنْ يَسْتَشْعَرَ مِنْ إِنْسَانٍ أَنَّهُ سَيَقْصِدُهُ وَيُطَوِّلُ لِسَانَهُ فِيهِ أَوْ يُقَبِّحُ حَالَهُ عِنْدَ مُحْتَسِمٍ، أَوْ يَشْهَدُ عَلَيْهِ بِشَهَادَةٍ، فَيُبَادِرُهُ قَبْلَ ذَلِكَ وَيَطْعَنَ فِيهِ لِيُسْقِطَ أَثَرَ شَهَادَتِهِ وَفِعْلُهُ، أَوْ يَتَّيِدِي بِذِكْرِ مَا هُوَ فِيهِ صَادِقًا لِيَكْذِبَ عَلَيْهِ بَعْدَهُ، فَيُرَوِّجُ كَذِبَهُ بِالصِّدْقِ الْأَوَّلِ، وَيَسْتَشْهَدُ بِهِ وَيَقُولُ: مَا مِنْ عَادَتِي الْكَذِبِ، فَإِنِّي أَخْبَرْتُكُمْ بِكَذَا وَكَذَا مِنْ أَحْوَالِهِ فَكَانَ كَمَا قُلْتُ.

الرَّابِعُ: أَنْ يُنْسَبَ إِلَيْهِ شَيْءٌ فَيُرِيدَ أَنْ يَتَّبِعَهُ مِنْهُ، فَيَذْكُرُ الَّذِي فَعَلَهُ وَلَا يُنْسَبُ غَيْرُهُ إِلَيْهِ أَوْ يَذْكُرُ غَيْرَهُ بِأَنَّهُ كَانَ مُشَارِكًا لَهُ فِي الْفِعْلِ لِيُتَّهَدَ بِذَلِكَ عُذْرَ نَفْسِهِ فِي فِعْلِهِ.

الخَامِسُ: إِرَادَةُ التَّصَيُّعِ وَالْمُبَاهَاةِ؛ وَهُوَ أَنْ يَرْفَعَ نَفْسَهُ بِتَنْقِيسِ غَيْرِهِ، فَيَقُولُ: فُلَانٌ جَاهِلٌ، وَفَهْمُهُ رَكِيكٌ، وَكَلَامُهُ ضَعِيفٌ؛ وَغَرَضُهُ أَنْ يُثَبَّتَ فِي ضِمْنِ ذَلِكَ فَضْلَ نَفْسِهِ، وَيُرِيهِمْ أَنَّهُ أَفْضَلُ مِنْهُ. أَوْ يَحْدَرُ

ص: ٤٨٨

١- . يمكن أن يكون المراد هو مساعده قوم، فيغتابه ليفيدهم.

٢- . لعل المراد أن منشأ الغيبه قد يكون وصول خبر فلا يتبين بل يصدق فيغتاب، أو تصديق هذا الخبر بنفسه غيبه.

٣- . قدر المصنّف بالدفع هنا، ففسّره بدفع التهمه بالغيبه، ولكن من المحتمل كون التهمه منشأ للغيبه بأن يتهم شخصاً فيغتابه بذلك.

اشاره

۳۹۱۵. امام صادق علیه السلام کلیه اسبابی را که موجب غیبت می شوند ده چیز بیان فرموده اند: غیبت به ده نوع تقسیم می شود: آرام شدن خشم، همیاری با مردم، تأیید خبر بدون اطلاع، تهمت، بدگمانی، حسادت، مسخره کردن، تعجب، شنیدن برای همراهی با کسی که غیبت می کند، آراستن خود.

اینک شرح حدیث:

اول: وقتی چیزی او را به خشم آورده است، با یاد آوری بدیهای دیگران خود را آرام می کند.

دوم: وقتی مردم به خوشگذرانی و شوخی مشغولند. چون اگر از آنان کناره گیری کند ممکن است او را طرد کنند بنابراین مساعدت می کند.

سوم: وقتی پیش بینی می کند کسی می خواهد به او حمله کند یا می خواهد صاحب نفوذی را به او بدین کند یا شهادت دروغ درباره او بدهد، برای پیشگیری شروع به بدگویی او می کند.

چهارم: گاهی برای تبرئه خود به دیگران تهمت می زند. تا با این کار عذر خودش را بیان کند.

پنجم: برای بالابردن مقام خود دیگران را خرد می کند و می گوید: فلانی نادان است و... و هدفش این است که خود را برتر جلوه دهد تا مردم او را برتر بدانند. یا برای اینکه

أَنْ يُعْظَمَ مِثْلَ تَعْظِيمِهِ فَيَقْدَحَ (١) فِيهِ لِذَلِكَ.

السادس: الحسد؛ وهو أنه رُبما يحسد من يئس الناس عليه ويحبونه ويكرمونه، فيريد زوال تلك النعمة عنه، فلا يجد سبيلاً إليه إلا بالقدح فيه، فيريد أن يسقط ماء وجهه عند الناس حتى يكفوا عن إكرامه والثناء عليه.

السابع: اللعب والهزل والمطايبه وترجيئه الوقت بالصحك، فيذكر غيره مما يضحك الناس على سبيل المحاكاه والتعجب.

الثامن: السخريه والاستهزاء استحقاراً له؛ فإن ذلك قد يجرى في الحضور وقد يجرى أيضاً في الغيبه، ومنشؤه التكبر واستصغار المستهزأ به.

التاسع: وهو ما أخذ دقيق رُبما يقع فيه الخواص وأهمل الحذر من مزال اللسان، وهو أن يعتَم بسبب ما يبتلى به أحد فيقول: يا مسكين، فلان قد غمى أمره وما ابتلى به، ويدكر سبب الغم فيكون صادقاً في اهتمامه، ويُلهمه الغم عن الحذر عن ذكر اسمه، فيذكره بما يكرهه فيصير به مغتاباً؛ فيكون غمّه ورحمته خيراً، ولكن ساقه إلى شرٍّ من حيث لا يدري.

العاشر: الغضب لله تعالى؛ فإنه قد يغضب على منكر قارفه إنسان فيظهر غضبه ويذكر اسمه على غير وجه النهي عن المنكر، وكان الواجب أن يظهر غضبه عليه على ذلك الوجه خاصه، وهذا مما يقع فيه الخواص أيضاً؛ فإنهم يظنون أن الغضب إذا كان لله تعالى كان عذراً كيف كان، وليس كذلك.

في الأعدار المرخصه

فاعلم أن الأعدار المرخصه في الغيبه عشره أيضاً، وهي ذكر مساءه (٢) الغير، وهو عرض صحيح في الشرع لا يمكن التوصل إليه إلا به، فيدفع ذلك إثم الغيبه، وقد حصرها في عشره أشياء:

الأول: التظلم؛ فإن من ذكر قاضياً بالظلم والخيانه وأخذ الرشوه كان مغتاباً عاصياً، أما المظلوم من جهه القاضى فله أن يتظلم إلى من يرجو منه إزاله ظلمه وينسب القاضى إلى الظلم؛ إذ

ص: ٤٩٠

١- الظاهر أنه تفسير لسوء الظن، وفيه ما لا يخفى؛ لأن الظاهر أن سوء الظن أصل للغيبه، وهو أن يسىء الظن بشخص فيكون ذلك سبباً لغيبته؛ وما ذكر لاربط له بسوء الظن.

٢- في العبارة سقط، ولعل الصحيح: وهي ذكر مساءه الغير لغرض صحيح وهو الإصلاح.

دیگران را از او برتر ندانند.

ششم: حسد، وقتی می بیند مردم کسی را تمجید می کنند و دوست دارند و مورد احترام است برای اینکه به آن شخص ضربه بزند راهی جز عیب جویی و بردن آبروی او ندارد.

هفتم: بازی و خوشگذرانی و برای خنداندن دیگران، عیب دیگری را بازگو می کند.

هشتم: استهزاء که این کار گاهی در حضور و گاهی در غیبت اتفاق می افتد. که از تکبر خود و کوچک شمردن دیگری ناشی می شود.

نهم: این انگیزه گاهی از خواص و نیکوکاران اتفاق می افتد و از ناراحتی دیگران غمگین می شود به او می گوید: کار فلانی مرا غمگین کرده است. و سبب غم و غصه خود را بیان می کند که ناراحتی خودش را صادقانه می گوید. اما با این بیان که ریشه غم و غصه دیگری است ناخواسته مرتکب غیبت می شود. و بیان عیب او می شود.

دهم: غضب برای خدا. گاهی برای کار زشت دیگران خشمگین می شود. و بدون اینکه قصد نهی از منکر داشته باشد نام و گناه او را آشکار می کند.

اظهار خشم از گناه دیگران فقط با نیت نهی از منکر جایز است. این سبب فقط از بندگان خاص اتفاق می افتد که فکر می کنند خشم اگر برای خدا باشد به هر صورت جایز است. در حالی که چنین نیست.

عذرهایی که با وجود آنها غیبت جایز است

با ده عذر غیبت جایز است، غیبت یعنی بیان کردن عیب و بدی دیگری، و اگر هدف صحیح شرعی وجود داشته باشد که رسیدن به آن جز با غیبت ممکن نیست. این هدف شرعی گناه غیبت را دفع می کند.

۱ - دادخواهی، اگر ظلم و خیانت و رشوه گرفتن به قاضی نسبت دهد، غیبت و گناه است.

اما اگر مظلوم باشد و برای دادخواهی نزد کسی که امیدوار است حق او را مطالبه کند نسبت ظلم به قاضی بدهد چون بدون آن به حق خود نمی رسد اشکال ندارد. پیامبر صلی الله علیه و آله

لَا يُمْكِنُهُ اسْتِيفَاءُ حَقِّهِ إِلَّا بِهِ ، وَقَدْ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : «لِصَاحِبِ الْحَقِّ مَقَالٌ» ، وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : «مَطْلُ الْوَاجِدِ يُجِلُّ عُقُوبَتَهُ وَعِرْضُهُ» .(١)

الثاني: الاستعانة على تغيير المنكر ورد العاصي إلى منهج الصلاح، ومرجع الأمر في هذا إلى القصد الصحيح؛ فإن لم يكن ذلك هو المقصود كان حراماً.

الثالث: الاستفتاء، كما تقول للمفتي: قد ظلمني أبي أو أخي، فكيف طريقي في الخلاص؟

الرابع: تحذير المسلم من الوقوع في الخطر والشر، ونصح المستشير، فإذا رأيت متفقها يتلبس بما ليس من أهله فلك أن تتبه الناس على نقصه وقصوره عما يؤهل نفسه لهم، وكذلك إذا رأيت رجلاً يتردد إلى فاسق يخفي أمره وخفت عليه من الوقوع بسبب الصحبه فيما لا يوافق الشرع، فلك أن تتبه على فسقه .

الخامس: الجرح والتعديل للشاهد والراوى.

السادس: أن يكون المقول فيه مستحقاً لتلك لظهوره بسببه؛ كالفاسق المظاهر بفسقه، قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «من ألقى جلباب الحياء عن وجهه فلا غيبه له».

السابع: أن يكون الإنسان معروفاً باسم يُعرب عن غيبته؛ كالأعرج والأعمش (٢) والأعور، فلا إثم على من يقول ذلك.

الثامن: لو اطلع العدد الذين يثبت بهم الحد أو التعزير (٣) على فاحشه جاز ذكرها عند الحاكم بصوره الشاهد في حضره الفاعل.

التاسع: قيل: إذا علم اثنان من رجل معصيته شاهداها، فأجرى أحدهما ذكرها في غيبه ذلك العاصي جاز.

العاشر: إذا سمع أحد مغتاباً لآخر وهو لا يعلم استحقاق المقول عنه، فيحمل فعل القائل على الصحة ما لم يعلم فساده؛ لأن ردعه يستلزم انتهاك حرمة، وهو أحد المحرمين. (٤)

ص: ٤٩٢

١- المطل في الدين: التسوية في أدائه، وهو يُجلُّ عقوبته من قبل الحاكم، أو في الآخرة - والظاهر الأول - ويُجلُّ عرضه: أى غيبته.

٢- العمش: أن لاتزال العين تُسيل الدمع، ولا يكاد الأعمش يبصر بها. وقيل: العمش: ضعف رؤيه العين مع سَيِّلان دمعه في أكثر أوقاتها (لسان العرب: ٣٢٠/٦).

٣- الحد: ما كان محدود المقدار من الشرع والتعزير: ما كان مفوضاً إلى الحاكم.

٤- الرسائل الشهيد الثاني، ص ٢٩٤.

فرمودند: صاحب حق می تواند بگوید.

حضرت فرمودند: کسی که بی جهت صاحب حق را معطل کند، اهانت و تنبیهش جایز است.

۲ - استمداد برای جلوگیری از گناه و اصلاح گنهکار که اگر با هدف صحیح باشد اشکال ندارد. و اگر هدف صحیح نباشد حرام است.

۳ - مسأله پرسیدن. مثلاً می پرسد: پدرم یا برادرم به من ظلم کرده است. چه کنم؟

۴ - هشدار دادن به مسلمان برای اینکه به خطر نیفتند. یا نصیحت کسی که مشورت می کند.

وقتی که مشاهده می شود کسی به خطا می رود باید مردم را به عیب و نقص او آگاه کرد تا از او پیروی نکنند. و همچنین مثلاً اگر می بینی مسلمانی می خواهد سرمایه اش را نزد کسی بگذارد که کلاهبردار است اینجا آگاه کردن مسلمان از خطر و غیبت کردن که بگوید: آن شخص کلاهبردار است.

۵ - در نقد و بررسی وضعیت راویان حدیث و شاهدان.

۶ - اگر کسی تظاهر به گناه کند مثلاً علنی روزه می خورد یا دروغ می گوید.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که پرده حیا را درید غیبت ندارد.

۷ - کسی که مشهور به لقب اهانت آمیز است. مثل، شل، کچل، کور و... البته اگر به قصد اهانت نباشد.

۸ - شهادت دادن به گناهایی که حد دارد در حضور قاضی در دادگاه و با شرایط مخصوص.

۹ - اگر دو نفر که گناه کسی را دیده اند با یکدیگر درباره آن گناه سخن بگویند.

۱۰ - اگر بشنود کسی غیبت می کند باید احتمال دهد که از موارد جواز غیبت باشد. چون که منع کردن او باعث اهانت و هتک حرمت او می شود و این جایز نیست.

فَائِدَةٌ: قَرَنَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ فِي كِتَابِهِ الْعَزِيزِ بَيْنَ عَشْرِهِ: قَرَنَ بَيْنَ الْخَبِيثِ وَالطَّيِّبِ؛ قَوْلُهُ تَعَالَى: «قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ»؛ وَبَيْنَ الْأَعْمَى وَالْبَصِيرِ، وَالظُّلْمَةِ وَالنُّورِ، وَالْجَنَّةِ وَالنَّارِ، وَالظُّلِّ وَالْحَرُورِ (١)، فَإِذَا تَأَمَّلْتَ تَفْسِيرَ ذَلِكَ وَجَدْتَ مَرَجِعَهُ جَمِيعاً إِلَى الْعِلْمِ.

قَوْلُهُ: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالاخْتِلافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلُوكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَّاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ»، تَضَمَّنَتْ هَذِهِ الْآيَةُ عَشْرَ آيَاتٍ: خَلَقَ السَّمَاوَاتِ، خَلَقَ الْأَرْضَ، اخْتِلافَ اللَّيْلِ، اخْتِلافَ النَّهَارِ، جَرِيَانَ الْفُلُوكِ، أَنْزَالَ الْمَاءَ، إِحْيَاءَ الْأَرْضِ، الدَّابَّةَ، تَصْرِيفَ الرِّيحِ، السَّحَابَ الْمُسَخَّرَ.

وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى ذَكَرَ عَشْرَةَ أَشْيَاءَ وَوَصَفَهَا بِالنُّورِ: أَحَدُهَا: وَصَفَ ذَاتَهُ بِالنُّورِ؛ «اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ».

وِثَانِيهَا: الرَّسُولُ؛ «لَقَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ».

وَثَالِثُهَا: الْقُرْآنُ؛ «وَاتَّبِعُوا النُّورَ الَّذِي أَنْزَلَ مَعَهُ».

وِرَابِعُهَا: الْإِيمَانُ؛ «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ».

وَخَامِسُهَا: عَدْلُ اللَّهِ؛ «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا».

وَسَادِسُهَا: ضِيَاءُ الْقَمَرِ؛ «فِيهِمْ نُورٌ».

وَسَابِعُهَا: النَّهَارُ؛ «وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ».

وَثَامِنُهَا: الْبَيِّنَاتُ؛ «إِنَّا أَنْزَلْنَا النُّورَ لَه فِيهَا هُدًى وَنُورٌ».

وِتَاسِعُهَا: الْأَنْبِيَاءُ؛ «نُورٌ عَلَى نُورٍ».

وَعَاشِرُهَا: الْمَعْرِفَةُ؛ «مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ».

تتمه: تذکر چند فایده مهم

فایده: خداوند در قرآن عزیز ده چیز را کنار هم یاد کرده است:

آلوده و پاک، می فرماید: «آلوده و پاک مساوی نیستند».

نابینا و بینا، ظلمت و نور، بهشت و جهنم، سایه و گرما.

با دقت در تفسیر اینها روشن می شود مرجع همه علم است.

خداوند می فرماید: «در آفرینش آسمانها و زمین و گردش شب و روز و حرکت کشتیها در دریا به نفع مردم و آبی که از آسمان می بارد و زمین مرده را زنده می کند و به حیوانات حیات می بخشد و حرکت بادها و ابرهایی که میان آسمان و زمین حرکت می کنند، نشانه هایی برای افرادی است که تعقل می کنند».

در این آیه ده نشانه است: آفرینش آسمانها، آفرینش زمین، گردش روز، گردش شب، حرکت کشتی، باران، حیات زمین، حیوانات، حرکت بادها، ابرها.

بدانکه خداوند ده چیز را به نور توصیف فرموده است:

۱ - ذات خودش: «اللّه نور آسمانها و زمین است».

۲ - رسول خدا صلی الله علیه و آله: «از طرف خدا برای شما نور و کتاب مبین آمد».

۳ - قرآن، «از نوری که فرستادیم پیروی کنید».

۴ - ایمان، «[کفار] می خواهند نور خدا را خاموش کنند».

۵ - عدل خدا، «زمین با نور پروردگارش روشن شد».

۶ - نور ماه، «در ستارگان نور است».

۷ - روز، «خداوند تاریکی و نور قرار داد».

۸ - بینات [شواهد صدق پیامبران]، «ما تورات را که شامل هدایت و نور بود فرستادیم».

۹ - پیامبران، «نور علی نور».

۱۰ - معرفت، «مثل نور خدا مانند مشکات است».

فَائِدَةٌ: النَّجَاسَاتُ عَشْرَةٌ: الْبَوْلُ وَالْغَائِطُ مِمَّا لَا يُؤْكَلُ لِحَمِّهِ مِنْ ذِي نَفْسٍ سَائِلِهِ، وَالْمَنِيُّ مِنْ ذِي النَّفْسِ السَّائِلِهِ مُطْلَقًا، وَكَذَا الْمَيْتَةُ، وَالْدَّمُ مِنْهُ، وَالْكَلْبُ، وَالْخِنْزِيرُ، وَالْكَافِرُ، وَالْمُسْكِرُ، وَالْفُقَّاعُ.

وَقَدْ نَظَّمَ بَعْضُ الشُّعْرَاءِ هَذِهِ النَّجَاسَاتِ الْعَشْرَةَ فِي هَذَيْنِ الْبَيْتَيْنِ فَقَالَ:

فَدَالَ ثُمَّ عَيْنٌ ثُمَّ بَاءٌ وَمِيمَاتٌ ثَلَاثٌ ثُمَّ خَاءٌ

فَهَذَا سَبْعُهُ زِدْهَا ثَلَاثًا هِيَ الْكَافَانِ جَمْعًا ثُمَّ فَاءٌ

وَأَمَّا الْمُطَهَّرَاتُ فَعَشْرَةٌ أَيْضًا: الْمَاءُ، وَالشَّمْسُ، وَالْأَرْضُ الطَّاهِرَةُ، وَالْحَجَرُ مِنْهَا، وَالنَّارُ، وَالِاسْتِحَاةُ - كَصَيْرُورِهِ الْعَذْرَةَ وَالْدَّمُ تُرَابًا، وَالنُّطْفَةَ وَالْعَلْقَةَ وَالْدَّمُ فِي وَسْطِ الْبَيْضِ حَيَوَانًا، وَالْمَاءُ النَّجَسِ بَوْلِ الْحَيَوَانِ مُحَلَّلٌ (١)، وَكَصَيْرُورِهِ الدَّمُ قَيْحًا أَوْ صَدِيدًا خَالِيًا عَنْهُ - وَإِسْلَامُ الْكَافِرِ، وَانْتِقَالُ الدَّمِ النَّجَسِ إِلَى الْبَعُوضِ وَالْبَرِغُوثِ وَشِبْهَيْهِمَا، وَنَقْضُ ثُلْثِي الْعَصِيرِ بِالْعَلْيَانِ وَلَوْ بِالشَّمْسِ، وَانْقِلَابُ الْخَمْرِ وَالْعَصِيرِ النَّجَسِ خَلْمًا وَإِنْ كَانَ بِعِلَاجٍ، وَالْجِسْمُ الطَّاهِرُ فِي الْإِسْتِنْجَاءِ مِنَ الْغَائِطِ غَيْرِ الْمُتَعَدِّي لَكِنْ بِثَلَاثَةِ أَحْجَارٍ أَوْ غَيْرِهَا مِنَ الْأَجْسَامِ الطَّاهِرَةِ حَتَّى تَزُولَ النَّجَاسَةُ، فَإِنْ لَمْ تَزَلْ بِثَلَاثَةِ زَادَ عَلَيْهَا حَتَّى تَزُولَ النَّجَاسَةُ، وَزَوَالُ عَيْنِ النَّجَاسَةِ مِنْ غَيْرِ الْأَدْمِيِّ مِنَ الْحَيَوَانِ وَإِنْ لَمْ يَغِبْ، وَمِنَ الْأَدْمِيِّ فِي نَحْوِ بَاطِنِ الْعَيْنِ وَالْأَنْفِ وَالْقَمِّ وَصِمَاخِ (٢) الْأُذُنِ وَالْإِحْلِيلِ وَفَرْجِ الْمَرْأَةِ.

وَنَظَّمَ بَعْضُ الشُّعْرَاءِ هَذِهِ الْمُطَهَّرَاتِ فِي هَذِهِ الْأَبْيَاتِ فَقَالَ:

تُرَابٌ وَمَاءٌ ثُمَّ شَمْسٌ مُنِيرَةٌ وَإِيمَانٌ صِدْقٌ ثُمَّ نَارٌ تَسْعَرُ

وَنَقْضُ عَصِيرٍ وَانْقِلَابٌ لِيَخْمَرَهُ كَذَاكَ لِلِاسْتِنْجَاءِ حَجَرٌ مُطَهَّرٌ

وَعَيْبَةُ حَيَوَانٍ كَذَاكَ اسْتِحَاةٌ وَهَذَا تَمَامُ الْعَشْرِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ

فَائِدَةٌ: الْجِرَاحَاتُ فِي الرَّأْسِ عَشْرٌ: أَوْلُهَا الْخَارِصَةُ؛ وَهِيَ شِبْهُ الْخَدَشِ، وَفِيهَا بَعِيرٌ. وَالْدَّامِيَّةُ؛ وَهِيَ الَّتِي تَسْقُ اللَّحْمَ، وَفِيهَا بَعِيرَانِ. ثُمَّ الْبَاضِعَةُ؛ وَهِيَ الَّتِي تَبْضَعُ اللَّحْمَ، وَفِيهَا ثَلَاثَةٌ أَبْعَرَهُ، وَسَمِّيَ

ص: ٤٩٦

١- . كذا، لعلّ في العبارة سقطاً.

٢- . الصّماخ: ثقب الأذن (النهاية: ٥٢/٣).

فایده: ده چیز نجس است: ادرار، و مدفوع حیوان حرام گوشت و دارای خون جهنده، حیوانی که خون جهنده دارد چه حلال گوشت باشد و چه حرام گوشت منی و خون و مردارش نجس است. و سگ و خوک و کافر و مشروبات مست کننده و آب جو.

شاعری این نجاسات را بر حسب حرف اول آنها در دو بیت آورده است:

دم غائط بول منی مسکر میته خنزیر

به این هفت سه تا اضافه کن کلب و کافر و فجاج

مطهرات [پاک کننده ها] ده چیز هستند:

۱- آب، ۲- خورشید، ۳- زمین پاک و سنگ پاک، ۴- آتش، ۵- استحاله [تغییر هویت نجس مثلاً اگر سگ در نمک زار تبدیل به فسیل نمکی شود پاک می شود] مثل خاک شدن مدفوع یا خون یا تبدیل شدن نطفه به حیوان یا حیوان پاک آب نجس را بخورد، یا تغییر هویت خون، ۶- اسلام آوردن کافر، ۷- انتقال خون نجس به بدن پشه و مانند آن، ۸- کاسته شدن دو ثلث آب انگور پس از جوشیدن. [گرچه جوشیدن با حرارت خورشید باشد]. ۹- تبدیل شدن شراب به سرکه، ۱۰- برطرف شدن عین نجاست از بدن حیوانات غیر از انسان. و برطرف شدن نجاست از باطن بدن انسان مثلاً خون از داخل بینی یا دهان یا گوش برطرف شود پاک می شود.

شاعری این مطهرات را در چند بیت شمرده است:

خاک و آب و خورشید تابان و ایمان صادقانه و آتش سوزان

و نقص آب انگور و انقلاب شراب همچین سنگ استنجا

و غیبت حیوان و استحاله اینها ده مورد است الله اکبر

فایده: جراحتهایی که در سر انسان بوجود می آید ده صورت دارد:

۱- خارصه: شبیه خراش است. و اگر کسی دیگری را مجروح کند کفاره اش یک شتر است.

۲- دامیه، گوشت زخمی شود، کفاره اش دو شتر است.

۳- باضعه، گوشت شکافته شود، کفاره اش سه شتر است. [متلاحمه هم نامیده شده است]

ابن إدريس الباذية عنه متلاحمة. ثم السمحاق؛ وهي التي تبلغ القشرة التي بين العظم واللحم، وفيها أربعة أبعره. ثم الموضحة؛ وهي التي تبلغ العظم، وفيها خمسة أبعره. ثم الهاشمة؛ وهي التي تهشم العظم وتكسره من غير أن يفسد، وفيها عشرة أبعره. ثم المنقلة (١)، وهي التي تحوم (٢) إلى نقل العظم من موضع إلى موضع، وفيها خمسة عشر بعيراً. ثم المأمومة؛ وهي التي تبلغ أم الرأس وهي الخريطة التي فيها الدماغ وهو الميخ، وفيها ثلث الدية ثلاثة وثلاثون بعيراً. ثم الدامغة؛ وهي التي تحرق الخريطة وتصل إلى جوف الدماغ، وفيها ما في المأمومة في الرأس.

وقال بعض الشعراء - ونعم ما قال :-

سعادة المرء على كل حال عشر خصال يالها من خصال

علم وحلم وتقى خالص وصحة الجسم ومال حلال

وولد برّ وجار الرضى وزوجه فيها التقى والجمال

وأمن قلت من مخافته (٣) والعمل الصالح رأس الكمال

وقال بعضهم في إكرام الضيف:

للضيف عشر خصال إن أقمت بها وإلا فاعلم أن الضيف قد بخسا

البشر أول والترحال (٤) ثابته إنالكرامه يطفى نورها العبسا (٥)

واجلس بجانبه كيما تؤنسه إن المضيف إذا حدثته أنسا

لا تشكون إليه حاجة عسرت لا تشكون إليه الفقر والفلسا

وإن أضافك شيخ مسه كبر فأحضر له خبز لئن لا يكن يبسا

وإن طبخت له لحماً فأنضجه وإن يكن في الشتا فأسبل (٦) عليه كسا

ما كان عندك من شيء فعجله لا تكرم الضيف حتى تكرم الفرسا

ص: ٤٩٨

١- المنقلبه: هي التي تخرج منها صغار العظام و تنتقل الى أماكنها. وقيل: هي التي تنقل العظم أى تكسره (النهاية: ١١٠/٥).

٢- كذا.

٣- كذا.

٤- كذا و لعل الصواب: «الترحاب».

٥- يعنى أن كون المضيف عبوسا يطفى نور الاحسان.

٦- أى ألبسه كساء يقال: أسبل الستر: أى أرخاه و أسبل عليه الثوب غطاه به.

۴ - سمحاق، به پرده روی استخوان برسد، کفاره اش چهار شتر است.

۵ - موضحه، به استخوان برسد، کفاره اش پنج شتر است.

۶ - هاشمه، استخوان خراش یا ترک بردارد، کفاره اش ده شتر است.

۷ - منقله، استخوان شکسته و جابجا شود، کفاره اش پانزده شتر است.

۸ - مأمومه، استخوان سر شکسته شود و به پرده محافظ مغز برسد، کفاره اش سی و سه شتر است.

۹ - دامغه، پرده مغز پاره شود، ديه اش سی و سه شتر است.

[جراحات نه اسم دارد و مناسب بود در عدد نه ذکر می شد]

- شاعر اسباب سعادت را ده چیز شمرده است:

همیشه سعادت انسان / در ده خصلت است

علم و بردباری و تقوای خالص / و سلامتی بدن و مال حلال

فرزند صالح و همسایه خوب / همسر با تقوی و زیبا

امنیت که ترس نباشد / از همه مهمتر عمل صالح است که سرآمد است.

شاعری درباره پذیرایی مهمان گفته است:

مهمان ده حق دارد اگر بجای آوری / و گرنه بدان که در حق میهمان کوتاهی شده است

اول خوشرویی و دوم استقبال / نور کرامت ناراحتی میهمان را برطرف می کند

در کنار او بنشین و انس بگیر / اگر با میزبان سخن بگویی مأنوس می شود

از خواسته های دشوار نزد او شکایت نکن / از فقر و بیچارگی نزد او شکایت نکن

اگر شخص مسن میهمان تو شد / برایش نان نرم آماده کن که خشک نباشد

اگر برایش گوشت فراهم کردی کاملاً پخته باشد / و اگر زمستان است عبا بر دوش او بگذار

هر چه نزد تو هست آماده کن / وقتی پذیرایی مهمان کامل می شود که به اسب او هم غذا بدهی.

مشخصات کتاب

سرشناسه : مشکینی اردبیلی، علی، ۱۳۰۰ - ۱۳۸۶.

عنوان قراردادی : المواعظ العددیه. فارسی - عربی

عنوان و نام پدیدآور : المواعظ العددیه (نصایح شمارشی) [کتاب] / [علی مشکینی]؛ ترجمه و تحقیق سیدمرتضی موسوی قافله باشی.

مشخصات نشر : قم : موسسه علمی فرهنگی دارالحديث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۹۲ -

مشخصات ظاهری : ۳ ج.

فروست : مجموعه آثار آیهالله علی مشکینی قدس سره؛ ۱۳، ۱۴، ۱۵

شابک : دوره : ۲-۷۲۶-۴۹۳-۹۶۴-۹۷۸ ؛ ۱۶۰۰۰۰ ریال : ج. ۱ : ۹-۷۲۷-۴۹۳-۹۶۴-۹۷۸ ؛ ج. ۲ : ۶-۷۲۸-۴۹۳-۹۶۴-۹۷۸ ؛

۱۱۰۰۰۰ ریال : ج. ۳ : ۴-۷۴۸-۴۹۳-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : فارسی - عربی.

یادداشت : این کتاب به شالوده ی اصلی کتاب "الاثنی عشریه" تالیف محمد عاملی ملحق شده است.

یادداشت : ج. ۳ (چاپ اول: ۱۳۹۲) (فپا).

یادداشت : کتابنامه. به صورت زیرنویس.

موضوع : احادیث اخلاقی

موضوع : اخلاق اسلامی

شناسه افزوده : موسوی قافله باشی، سیدمرتضی، مترجم

شناسه افزوده : موسسه علمی فرهنگی دارالحديث. سازمان چاپ و نشر

رده بندی کنگره : BP۲۴۹/م۵۴۱/۱۳۹۲

رده بندی ديويي : ۲۹۷/۲۱۸

شماره کتابشناسی ملی : ۳۳۳۰۰۱۲

ص : ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٢

المواعظ العددیه (نصایح شمارشی)

علی مشکینی

ترجمه و تحقیق سیدمرتضی موسوی قافله باشی

ص: ۳

سرشناسه : مشکینی اردبیلی، علی، ۱۳۰۰-۱۳۸۶.

عنوان قراردادی : المواعظ العددیه. فارسی - عربی

عنوان و نام پدیدآور : المواعظ العددیه (نصایح شمارشی) [کتاب]/[علی مشکینی]؛ ترجمه و تحقیق سیدمرتضی موسوی قافله باشی.

مشخصات نشر : قم : موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۹۲ -

مشخصات ظاهری : ۳ ج.

فروست : مجموعه آثار آیةالله علی مشکینی قدس سره؛ ۱۳، ۱۴، ۱۵

شابک : دوره : ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۷۲۶-۲ ؛ ۱۶۰۰۰۰ ریال : ج. ۱ : ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۷۲۷-۹ ؛ ج. ۲ : ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۷۲۸-۶ ؛

۱۱۰۰۰۰ ریال : ج. ۳ : ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۷۴۸-۴

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : فارسی - عربی.

یادداشت : این کتاب به شالوده ی اصلی کتاب "الاثنی عشریه" تألیف محمد عاملی ملحق شده است.

یادداشت : ج. ۳ (چاپ اول: ۱۳۹۲) (فیپا).

یادداشت : کتابنامه. به صورت زیرنویس.

موضوع : احادیث اخلاقی

موضوع : اخلاق اسلامی

شناسه افزوده : موسوی قافله باشی، سیدمرتضی، مترجم

شناسه افزوده : موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث. سازمان چاپ و نشر

رده بندی کنگره : BP۲۴۹/م۵۴۱۸۰۴۱ ۱۳۹۲

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۲۱۸

شماره کتابشناسی ملی : ۳۳۳۰۰۱۲

تصویر

□

ص: ۵

تصوير

□

ص: ٦

تصوير

□

ص: ٧

٣٩١٦. أَلَا - وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيدًا، أَلَا - وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مَغْفُورًا لَهُ، أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ تَائِبًا، أَلَا - وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مُؤْمِنًا مُسْتَكْمِلَ الْإِيمَانِ، أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ بَشْرَهُ مَلَكَ الْمَوْتِ بِالْجَنَّةِ ثُمَّ مُنْكَرٌ وَنَكِيرٌ، أَلَا - وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ فَتَرَحَّ اللَّهُ لَهُ فِي قَبْرِهِ أَبًا إِلَى الْجَنَانِ، أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ جَعَلَ اللَّهُ قَبْرَهُ مَزَارَ مَلَائِكَةِ الرَّحْمَةِ، أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ عَلَى السُّنَّةِ وَالْجَمَاعَةِ.

أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَكْتُوبٌ بَيْنَ عَيْنَيْهِ «آيِسٌ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ»، أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ كَافِرًا، أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ لَمْ يَشَمَّ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ. (١)

٣٩١٧. رَوَى أَبُو بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ: إِنَّ لِأَهْلِ الدِّينِ عِلَامَاتٍ يُعْرَفُونَ بِهَا: صِدْقُ الْحَدِيثِ، وَأَدَاءُ الْأَمَانَةِ، وَالْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ، وَصِلَةُ الرَّحِمِ، وَرَحْمَةُ الضُّعْفَاءِ، وَقِلَّةُ الْمَوَاتَاهِ (٢) لِلنِّسَاءِ، وَيَذَلُّ الْمَعْرُوفِ، وَحُسْنُ الْخُلُقِ، وَسَعَةُ الْخُلُقِ، وَاتِّبَاعُ الْعِلْمِ، وَالْقُرْبُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. طَوْبَى لَهُمْ وَحُسْنُ مَا ب. (٣)

ص: ١٠

١- . ينابيع الموده، ج ١، ص ٩١.

٢- المواتاه: حسن المطاوعه والموافقه. وأصله الهمز، فخفف وكثر حتى صار يقال بالواو الخالصه. وليس بالوجه (النهايه: ٢٢/١).

ولعل المراد طاعتهم أو مشاورتهم أو محادثتهم.

٣- . الكافي، ج ٢، ص ٢٣٩، ح ٣٠.

فصل اول: احادیثی از رسول الله صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام

۳۹۱۶. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: آگاه باشید، هر کس با محبت آل محمد بمیرد شهید است. آگاه باشید، هر کس با محبت آل محمد بمیرد آمرزیده شود. آگاه باشید، هر کس با محبت آل محمد بمیرد مؤمن و با ایمان کامل مرده است. آگاه باشید، هر کس با محبت آل محمد بمیرد فرشته مرگ و نکیر و منکر به او بشارت بهشت دهند. آگاه باشید، هر کس با محبت آل محمد بمیرد از قبر او دری به بهشت باز شود. آگاه باشید، هر کس با محبت آل محمد بمیرد خداوند قبر او را زیارتگاه فرشتگان رحمت قرار دهد. آگاه باشید، هر کس با محبت آل محمد بمیرد با سنت [پیامبر] و جماعت مسلمین مرده است. آگاه باشید، هر کس با بغض آل محمد بمیرد روز قیامت بر پیشانی او نوشته است: مأیوس از رحمت خدا. آگاه باشید، هر کس با بغض آل محمد بمیرد کافر مرده است. آگاه باشید، هر کس با بغض آل محمد بمیرد بوی بهشت را استشمام نمی کند.

۳۹۱۷. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

اهل دین علامتهایی دارند که با آن شناسایی می شوند: راستگویی و امانت داری و وفاء به عهد و صله رحم و مهربانی با ضعیفان و کمتر از زنان پیروی کردن و نیکوکاری و خوشرفتاری و تحمل زیاد و پیروی از علم و نزدیکی به خداوند عز و جل و خوشا به حال آنان و عاقبت خیر برای ایشان باد.

٣٩١٨. من علاماتِ المِأْمونِ عَلَى دِينِ اللَّهِ بَعْدَ الإِقْرَارِ وَالْعَمَلِ: الحَزْمُ فِي أَمْرِهِ، وَالصِّدْقُ فِي قَوْلِهِ، وَالْعِدْلُ فِي حُكْمِهِ، وَالشَّفَقَةُ عَلَى رَعِيَّتِهِ، لَا- تُخْرِجُهُ الْقُدْرَةُ إِلَى خُرْقٍ (١)، وَلَمَّا اللَّيْنُ إِلَى ضَعْفٍ، وَلَا- تَمْنَعُهُ الْعِزَّةُ مِنْ كَرَمِ عَفْوٍ، وَلَا يَدْعُوهُ الْعَفْوُ إِلَى إِضَاعِهِ حَقًّا، وَلَا يُدْخِلُهُ الإِعْطَاءُ فِي سَرْفٍ، وَلَا يَتَخَطَّى بِهِ الْقَصْدُ إِلَى بُخْلِ، وَلَا تَأْخُذُهُ نِعَمُ اللَّهِ بِبَطْرِ (٢).

ص: ١٢

١- الخُرْقُ: نَقِيضُ الرِّفْقِ، الجَهْلُ والحُمُوقُ (لسان العرب: خرق).

٢- . شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٢٥٥، ح ٦.

نشانه های امین بر دین خدا بعد از اقرار زبانی و عمل: دوراندیشی در کار و صداقت در گفتار و عدالت در حکم و مهربانی با زیردستان و پرده دری نکردن در حال قدرت و خارج نشدن به بی دینی در حال ضعف و در حال عزت هم عفو کریمانه دارد. و عفو کردن او را به ضایع کردن حق وادار نمی کند. و در بخشش اسراف نمی کند. و میانه روی او را به بخل وادار نمی کند. و نعمت های خدا او را به هرزه گری و تکبر نمی کشاند.

٣٩١٩. قيل: المواضع التى لا يسلم فيها أحد عشر:

الأول: على اليهودى والنصرانى. الثانى: إذا صلى الجمعة والإمام يخطب لا يسلم لاشتغال الناس بالاستماع. الثالث: العارى فى الحمام وغيره. الرابع: المشتغل بالأذان والإقامة. الخامس:

القارئ للقرآن. السادس: المشتغل بروايه الحديث ومذاكره العلم. السابع: اللاعب بالترد والشطرنج. الثامن: المغنى. التاسع: مطير الحمام؛ وفى معناه كل مشتغل بالمعصيه. العاشر: من كان مشتغلاً بقضاء الحاجه. الحادى عشر: المرأه الأجنبيه.

٣٩٢٠. وقال بعض العلماء: الباعث على زياده الحفظ أحد عشر شيئاً:

الأول: تناول الحلال. الثانى: أكل الحلو. الثالث: أكل اللحم. الرابع: أكل العدى. الخامس:

قراءه آيه الكرسي. السادس: المداومه على الوضوء. السابع: الجلوس إلى جهه القبلة. الثامن:

إطاعه الوالدين. التاسع: رؤيه العلماء والنظر إلى وجوههم. العاشر: استماع كلامهم والعمل به.

الأحد عشر: إحياء الليل بالعباده والطاعه.

٣٩٢١. وقال بعض العلماء: أحد عشر حصله تزيد فى العمر:

الأول: التصديق الكثير. الثانى: كثرة الدعاء. الثالث: طاعه الوالدين. الرابع: الصلاه بالليل، الخامس: الاستغفار قبل طلوع الفجر. السادس: المواظبه على النوافل اليوميه.

۳۹۱۹. گویند در یازده مورد سلام کردن مکروه است:

۱ - به یهودی و مسیحی ۲ - هنگامی که امام جمعه خطبه می خواند و مردم گوش می دهند نباید سلام کرد تا حواس آنان از خطبه منحرف نشود. ۳ - به کسی که در حمام و غیر آن عریان است. ۴ - به کسی که در حال اذان یا اقامه گفتن است. ۵ - به قاری قرآن.

۶ - کسی که به بیان حدیث و بحث علمی مشغول است. ۷ - به قمار باز در حال نرد و شطرنج. ۸ - به آوازه خوان. ۹ - به کبوتر باز و هر گناهکار. ۱۰ - کسی که در توالی است.

۱۱ - زن نامحرم.

۳۹۲۰. عالمی گفته است: یازده چیز حافظه را تقویت می کند:

۱ - خوردن حلال ۲ - شیرینی ۳ - گوشت ۴ - عدس ۵ - قرائت آیه الکرسی ۶ - وضوی دائم ۷ - رو به قبله نشستن ۸ - اطاعت پدر و مادر ۹ - نگاه کردن به صورت عالم ۱۰ - شنیدن و عمل کردن به سخنان علماء ۱۱ - بیداری در شب برای عبادت و اطاعت.

۳۹۲۱. عالم دیگری گفته است: یازده چیز عمر را زیاد می کند:

۱ - صدقه زیاد ۲ - دعای بسیار ۳ - اطاعت پدر و مادر ۴ - نماز شب ۵ - استغفار قبل از

السَّيِّئَاتُ: الصَّلَاةُ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ. الثَّامِنُ: الدُّعَاءُ لِلْمُؤْمِنِينَ. التَّاسِعُ: كَثْرَةُ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ. العَاشِرُ: ذِكْرُ اللَّهِ - حَيْلٌ وَعَلَا - فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ. الْحَادِي عَشَرَ: الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ .

٣٩٢٢. وقيل: أصول الأخلاق المذمومة أحد عشر: شَرُّهُ الطَّعَامِ، وَشَرُّهُ الْكَلَامِ، وَالْعُضْبُ، وَالْحَسِيدُ، وَحُبُّ الْمَالِ، وَحُبُّ الْجَاهِ، وَالْكِبْرُ، وَالْعُجْبُ، وَالرِّيَاءُ، وَالنَّخْوَةُ (١)، وَالْبُخْلُ.

وأصول الأخلاق المحموده أحد عشر: التَّوْبَةُ، وَالْخَوْفُ، وَالرَّجَاءُ، وَالزُّهْدُ، وَالصَّبْرُ، وَالشُّكْرُ، وَالْإِحْلَاصُ، وَالصَّدْقُ، وَالرِّضَاءُ بِالْقَضَاءِ، وَالْمَحَبَّةُ، وَذِكْرُ الْمَوْتِ.

ص: ١٦

١- . النخوه: الكبر والعظمة (الصحيح: ٢٥٠٥/٦).

اذان صبح ۶ - خواندن نافله های روز ۷ - نماز جماعت ۸ - دعا برای مؤمنان ۹ - قرآن خواندن زیاد ۱۰ - یاد خدا در نهران و آشکار ۱۱ - صلوات بر محمد و آل محمد.

۳۹۲۲. گویند: اساس اخلاق زشت یازده چیز است:

۱ - پر خوری ۲ - زیاده گویی ۳ - خشم ۴ - حسد ۵ - مال دوستی ۶ - مقام پرستی ۷ - تکبر ۸ - خود پسندی ۹ - ریا ۱۰ - نخوت ۱۱ - بخل.

اساس اخلاق پسندیده یازده چیز است:

۱ - توبه ۲ - ترس ۳ - امید ۴ - زهد ۵ - صبر ۶ - شکر گزاری ۷ - اخلاص ۸ - صداقت ۹ - خشنودی به قضا ۱۰ - محبت ۱۱ - یاد مرگ.

ص: ۱۷

البابُ الثاني عشر: في المَواعِظِ الاثني عَشْرِيَّة

باب دوازدهم: پنجاهی دوازده گانه

اشاره

ص: ۱۹

الفصل الأول: ما وَرَدَ مِنَ الْأَخْبَارِ عَنِ النَّبِيِّ الْمُخْتَارِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

٣٩٢٣. قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ تَهَاوَنَ فِي الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ فِي الْجَمَاعَةِ عَاقَبَهُ اللَّهُ بِاثْنَتَيْ عَشْرَةَ حَاصِلَةً؛ ثَلَاثَةً فِي الدُّنْيَا، وَثَلَاثَةً فِي الْقَبْرِ، وَثَلَاثَةً عِنْدَ الْمَوْتِ، وَثَلَاثَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ:

أَمَّا الَّتِي فِي الدُّنْيَا: يَرْفَعُ اللَّهُ بَرَكَتَهُ مِنْ كَسْبِهِ، وَيَنْزِعُ سِيْمَاءَ (١) الْخَيْرِ مِنْ وَجْهِهِ، وَيَكُونُ بَعْضُهَا فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ.

وَأَمَّا الَّتِي عِنْدَ الْمَوْتِ: فَإِنَّهُ يَقْبِضُ رُوحَهُ جَائِعًا، عَطْشَانًا، شَدِيدَ الْفَزَعِ.

وَأَمَّا الَّتِي فِي الْقَبْرِ: مُسَائِلُهُ مُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ، وَظُلْمُهُ الْقَبْرِ، وَضِيقُ اللَّحْدِ.

وَأَمَّا الَّتِي فِي الْقِيَامَةِ: شِدَّةُ الْحِسَابِ، وَعَظْبُ الرَّبِّ، وَالْعِقَابُ بِالنَّارِ.

٣٩٢٤. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِأَحَدِ أَصْحَابِهِ وَهُوَ زَيْدُ بْنُ ثَابِتٍ: تَزَوَّجْ؛ فَإِنَّ التَّزْوِيجَ بَرَكَهٌ، وَالتَّعَفُّفُ (٢) مَعَ عِفَّتِكَ، وَلَا تَزَوَّجْ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ مِنَ النِّسَاءِ.

قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا اثْنَتَيْ عَشْرَةَ نِسَاءً؟

قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا تَزَوَّجْ هَنْقَعَةً (٣)، وَلَا عَنْفَصَةً (٤)، وَلَا شَهْبَرَةً (٥)، وَلَا سَلْقَلَقَةً (٦)، وَلَا مَذْبُوبَةً (٧)، وَلَا حَنَانَةً (٨)،

ص: ٢٠

١- السِيْمَاءُ: الْعِلْمُ يَعْرِفُ بِهَا الْخَيْرَ وَالشَّرَّ. وَفِيهِ لُغَةٌ أُخْرَى: السِيْمَاءُ - بِالْمَدِّ - (لسان العرب: ٣١٢/١٢).

٢- الظَّاهِرُ تَسْتَعْفَى؛ أَي تَسْتَزِيدُ الْعَفْهَ عَلَى الْعَفْهِ.

٣- هَنْقَعَةٌ: لَمْ أَجِدْهَا فِي كِتَابِ اللُّغَةِ الْمَوْجُودِ عِنْدِي، وَلَعَلَّ الصَّحِيحَ هَيْبَةُ - بِالْهَاءِ ثُمَّ الْيَاءُ ثُمَّ النُّونُ ثُمَّ الْغَيْنُ الْمَعْجَمَةُ -: الْفَاجِرَةُ وَالْمُظْهِرَةُ سِرِّهَا إِلَى كُلِّ أَحَدٍ، وَالْمُغَازِلَةُ الضَّحَاكَةَ كَمَا فِي الْقَامُوسِ وَالْأَقْرَبِ، أَوْ هَنْبَغَةٌ - بِالْهَاءِ ثُمَّ النُّونُ ثُمَّ الْبَاءُ الْمَوْحِدَةُ ثُمَّ الْغَيْنُ -: الْمَرْأَةُ الضَّعِيفَةُ الْبَطْشُ أَوْ الْحَمَقَاءُ، أَوْ هَنْبِغَةٌ - بِالْهَاءِ ثُمَّ النُّونُ ثُمَّ الْيَاءُ الْمَشَاهُ مِنْ تَحْتِ ثُمَّ الْبَاءُ الْمَوْحِدَةُ ثُمَّ الْغَيْنُ - الْحَمَقَاءُ، كَذَا فِي الْأَقْرَبِ، وَفِي الْقَامُوسِ: هَيْبَةُ - بِتَقْدِيمِ الْبَاءِ مَكَانَ النُّونِ وَتَأْخِيرِ النُّونِ مَكَانَ الْبَاءِ -.

٤- عَنْفَصَةٌ: الْمَرْأَةُ الْقَلِيلَةُ الْحَيَاءِ، وَالْقَلِيلَةُ الْجِسْمِ الْكَثِيرَةُ الْحَرَكَةِ، وَالْقَصِيرَةُ الْمُخْتَالَةُ، وَالذَّاعِرَةُ الْخَيْثَةُ.

٥- الشَّهْبَرَةُ: مَرَّ تَفْسِيرُهُ.

٦- السَّلْقَلَقَةُ: الَّتِي تَصِيحُ عِنْدَ الْمَصِيبِ، وَالسَّلْقَلَقِيَّةُ الَّتِي تَحِيضُ مِنْ دَبْرِهَا.

٧- الْمَذْبُوبَةُ: الْمَجْنُونَةُ، كَمَا فِي الْقَامُوسِ وَالْأَقْرَبِ.

٨- الْحَنَانَةُ: الَّتِي كَانَ لَهَا زَوْجٌ تَذَكَّرَهُ بِالْحَيْنِ؛ أَي بِالشُّوقِ وَشِدَّةِ الْبُكَاءِ.

فصل اول: احادیثی از رسول الله صلی الله علیه و آله

۳۹۲۳. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که در اقامه نمازهای پنج گانه به جماعت سستی کند خداوند او را به دوازده کیفر بدهد:

سه کیفر در دنیا: برکت از کسب او می رود، سیمای خیر را از صورتش می گیرد، و در قلوب مؤمنین منفور می شود.

سه کیفر در هنگام مرگ: تشنه و گرسنه و با وحشت جان می دهد.

سه کیفر در قبر: نکیر و منکر با خشونت از او پرسش کنند و قبرش تاریک و لحد او تنگ می شود.

سه کیفر در قیامت: سختگیری در حساب و خشم خداوند و آتش دوزخ.

۳۹۲۴. رسول الله صلی الله علیه و آله به زید بن ثابت فرمودند:

ازدواج کن که ازدواج برکت دارد و بر پاکدامنی تو می افزاید. ولی با دوازده زن ازدواج نکن. پرسیده شد: یا رسول الله آن زنان چه کسانی هستند؟

حضرت فرمودند: ازدواج نکن با زنی که اسرارش را به همه بازگو می کند. بی حیاء.

مشهور به فساد. بی صبر در مصیبت. دیوانه [کم عقل]. زنی که زیاد گریه می کند.

ولا مَنَانَةً (١) ، ولا رَفَاءً (٢) ، ولا هَدِيرَةً (٣) ، ولا لَفَوَاتًا (٤). (٥)

٣٩٢٥. وَرَوَى عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: فِي السُّوَائِكِ اثْنَا عَشْرَةَ حَاصِلَةً: مَطَهْرَةٌ لِلْفَمِ، وَمَرْضَاةٌ لِلرَّبِّ، وَيُبَيِّضُ الْأَسْنَانَ، وَيَذْهَبُ بِالْحَفْرِ، وَيُقِلُّ الْبَلْعَمَ، وَيُشَدُّهُ الطَّعَامَ، وَيُضَاعِفُ الْحَسِنَاتِ، وَتُصَابُ بِهِ السُّنَّةُ، وَتَحْضُرُهُ الْمَلَائِكَةُ، وَيَشُدُّ اللَّتَّةَ، وَهُوَ يَمُرُّ بِطَرِيقِهِ الْقُرْآنِ (٦) ، وَرَكَعَتَيْنِ بِسِوَاكِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ سَبْعِينَ رَكَعَةً بِغَيْرِ سِوَاكِ (٧).

ص: ٢٢

- ١- . أى التى تمنّ على كلّ خدمه وعمل.
- ٢- . الرفقاء: كثيره الشهوه وذات الشبق. والرفث: الجماع وكلّ ما يريد به الرجل من المرأه.
- ٣- . الهديره والهديره: التى انتهت فى الكبر وسقطت وتمّ عمرها.
- ٤- . اللفوت ق: مرّ تفسيره.
- ٥- . كذا فى المصدر؛ ذكر عشره فقط، وفى بعض المصادر إضافه إلى هذه العشره: «ولامذموته، ولا ذقناه» فىكون المجموع اثنتى عشره؛ جامع الأخبار، ص ١٠٢.
- ٦- كذا، ولعلّ الصواب: يَمُرُّ بِطَرِيقِهِ الْقُرْآنُ.
- ٧- . الخصال، ص ٤٨٠، ح ٥٢.

مَنْت گذار. پر شهوت. زنی که زیاد جیغ می کشد. زنی که به دیگران هم تمایل دارد. زن سرزنش کننده. زن چانه دراز کنایه از زن پرحرف است.

۳۹۲۵. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: مسواک زدن دوازده اثر دارد:

دهان را پاک می کند. و پروردگار را خشنود، و دندان را سفید می کند. و زردی دندان را می برد. و بلغم را کاهش می دهد. و اشتها می آورد. و نیکی ها را مضاعف می کند. و عمل به سنّت است. و ملائکه نزد مسواک زننده حاضر می شوند، و لثه را محکم می کند. و دهان محل عبور قرآن است [پس باید تمیز باشد]. و دو رکعت نماز با مسواک نزد خداوند محبوبتر از هفتاد رکعت بدون مسواک است.

ص: ۲۳

٣٩٢٦. رَوَى أَبُو بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْبَاقِرِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، قَالَ: كَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِنَّ لِأَهْلِ التَّقْوَى عِلْمَاتٍ يُعْرَفُونَ بِهَا: صِدْقُ الْحَدِيثِ، وَأَدَاءُ الْأَمَانَةِ، وَالْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ، وَقَلَّةُ الْفَخْرِ، وَالتَّحَمُّلُ (١)، وَصِدْقَةُ الْأَرْحَامِ، وَرَحْمَةُ الضُّعَفَاءِ، وَقَلَّةُ الْمَوَاتِنِ لِلنِّسَاءِ، وَبَيْدَلُ الْمَعْرُوفِ، وَحُسْنُ الْخُلُقِ، وَسِعَةِ الْحُكْمِ (٢)، وَاتِّبَاعُ الْعِلْمِ فِيمَا يُقَرِّبُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى، طُوبَى لَهُمْ وَحُسْنُ مَأْبٍ، وَطُوبَى شَجَرَةٍ فِي الْجَنَّةِ أَصْلُهَا فِي دَارِ رَسُولِ اللَّهِ، فَلَيْسَ مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَفِي دَارِهِ غُصْنٌ مِنْ أَغْصَانِهَا لَا يَنْوِي فِي قَلْبِهِ شَيْئًا إِلَّا أَتَاهُ ذَلِكَ الْغُصْنُ بِهِ، أَلَا فَفِي هَذَا فَاغْبُوا.

إِنَّ الْمُؤْمِنَ نَفْسُهُ مِنْهُ فِي شُغْلٍ وَالنَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ، إِذَا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ فَرَشَ وَجْهَهُ وَسَجَدَ لِلَّهِ - تَعَالَى ذِكْرُهُ - بِمَكَارِمِ بَدَنِهِ (٣)، وَيُنَاجِي الَّذِي خَلَقَهُ فِي فَكَاكِ رَقَبَتِهِ . أَلَا فَهَكَذَا فَكُونُوا. (٤)

٣٩٢٧. وَرَوَى عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: اخْتَرْتُ مِنَ التَّوْرَةِ اثْنَيْ عَشَرَ (٥) آيَةً فَنَقَلْتُهَا إِلَى الْعَرَبِيَّةِ وَأَنَا أَنْظَرُ إِلَيْهَا فِي كُلِّ يَوْمٍ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ:

الأولى: يَا بَنَ آدَمَ، لَا تَخَافَنَّ سُلْطَانًا مَا دَامَ سُلْطَانِي عَلَيْكَ بَاقٍ، وَسُلْطَانِي عَلَيْكَ بَاقٍ أَبَدًا.

الثانية: يَا بَنَ آدَمَ، لَا تَأْسَسْ بِأَحَدٍ مَا وَجَدْتَنِي، فَمَتَى أَرَدْتَنِي مَمْلُوءًا، (٦) وَخَزَائِنِي مَمْلُوءًا أَبَدًا.

ص: ٢٤

١- التحمل: الصبر على الشدائد.

٢- الحلم كما في الأصل.

٣- . أي وجهه ويديه.

٤- . الكافي، ج ٢، ص ٢٣٩، ح ٦.

٥- كذا، والصواب: «اثنتي عشرة»، والظاهر أنه تصحيف.

٦- . الظاهر أن في العبارة سقطاً، ولعل الصحيح: فمتى أردتني وجدت خزائني مملوءة.

۳۹۲۶. امام باقر علیه السلام فرمودند: امیرالمؤمنین می فرمودند: اهل تقوی علامتهایی دارند که با آنها شناسایی می شوند: راستگویی و امانت داری و وفاء به عهد و افتخار نکردن و صبر و صلح و رحم و مهربانی با ضعیفان و کمتر از زنان پیروی کردن [در کارهای بیهوده از زنان پیروی نکردن] و نیکوکاری و خوشرفتاری و بردباری و پیروی از علم در کارهایی که به نزدیکی خدا منتهی می شود. طوبی برای آنان و عاقبت نیکو در انتظارشان باد.

طوبی نام درختی است که در بهشت در خانه رسول الله صلی الله علیه و آله وجود دارد و شاخه های آن در خانه های همه مؤمنان در بهشت وجود دارد. و هر چیزی را که در قلب خود اراده کنند بوسیله شاخه آن درخت فراهم می شود.

پس به سوی آن رغبت داشته باشید. مؤمن برای خود زحمت دارد ولی مردم از او در آسایش هستند. چون شب فرا رسد پیشانی بر خاک می گذارد. و با بهترین اعضای بدنش در برابر پروردگار سجده می کند. و با آنکه او را آفریده مناجات می کند. تا وی را از آتش نجات دهد. پس این گونه باشید.

۳۹۲۷. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

از تورات دوازده آیه برگزیده و به عربی ترجمه کرده ام. و هر روز سه بار به آن نظر می افکنم:

۱ - پسر آدم، تا سلطنت من پایدار است از کسی نترس و سلطنت من بر تو تا ابد باقی است.

۲ - پسر آدم، تا خزانه من پر است به کسی امیدوار نباش. خزانه من تا ابد پر است.

الثَّالِثَةُ: يَا بَنَ آدَمَ، لَا تَأْنَسْ بِأَحَدٍ مَا وَجَدْتَنِي، فَمَتَى أَرَدْتَنِي وَجَدْتَنِي بَارًا قَرِيبًا.

الرَّابِعَةُ: يَا بَنَ آدَمَ، إِنِّي أَحْبَبْتُكَ فَأَنْتَ أَيْضًا أَحْبَبْنِي.

الخَامِسَةُ: يَا بَنَ آدَمَ، لَا تَأْمَنَ مِنْ قَهْرِي حَتَّى تَجُوزَ عَلَى الصَّرَاطِ.

السَّادِسَةُ: يَا بَنَ آدَمَ، خَلَقْتُ الْأَشْيَاءَ كُلَّهَا لِأَجْلِكَ، وَخَلَقْتُكَ لِأَجْلِي، وَأَنْتَ تَفِرُّ مِنِّي!

السَّابِعَةُ: يَا بَنَ آدَمَ، خَلَقْتُكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ مِزْجِهِ وَلَمْ أَعِ بِخَلْقِكَ، أَيْعِينِي رَغِيفٌ أَسْوَفُهُ إِلَيْكَ؟!

الثَّامِنَةُ: يَا بَنَ آدَمَ، أَتَغْضَبُ عَلَيَّ مِنْ أَجْلِ نَفْسِكَ وَلَا تَغْضَبُ عَلَيَّ نَفْسِكَ لِأَجْلِي؟!

التَّاسِعَةُ: يَا بَنَ آدَمَ، عَلَيْكَ فَرِيضَتِي وَعَلَيَّ رِزْقُكَ، فَإِنْ خَالَفْتَنِي فِي فَرِيضَتِي فَأِنِّي لَا أَخَالَفُكَ فِي رِزْقِكَ.

العَاشِرَةُ: يَا بَنَ آدَمَ، كُلُّ يَوْمٍ يُرِيدُكَ لِأَجْلِهِ وَأَنَا أُرِيدُكَ لِأَجْلِكَ، فَلَا تَفِرَّ مِنِّي.

الحَادِيَةَ عَشْرَةَ: يَا بَنَ آدَمَ، لَا تُطَالِبْنِي بِرِزْقِ غَدٍ كَمَا لَا اطَالِبُكَ بِعَمَلِ غَدٍ.

الثَّانِيَةَ عَشْرَةَ: يَا بَنَ آدَمَ، إِنْ رَضَيْتَ بِمَا قَسَمْتُ لَكَ أَرَحْتَ قَلْبَكَ وَبَدَنَكَ وَأَنْتَ مَحْمُودٌ، وَإِنْ لَمْ تَرْضَ بِمَا قَسَمْتُ لَكَ سَلَّطْتُ عَلَيْكَ الدُّنْيَا تَرْكُضُ فِيهَا كَرِكْضِ الْوَحْشِ فِي الْبَرِّيَّةِ وَلَا تَنَالُ إِلَّا مَا قَدَّرْتُ لَكَ وَأَنْتَ مَذْمُومٌ.

٣٩٢٨. عَنْ عَطَاءِ بْنِ طَاوُوسٍ قَالَ: أَتَى قَوْمٌ مِنَ الْيَهُودِ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ وَهُوَ يَوْمئِذٍ وَالِ عَلَى النَّاسِ، فَقَالُوا لَهُ: أَنْتَ وَالِي هَذَا الْأَمْرِ مِنْ بَعْدِ نَبِيِّكُمْ، وَقَدْ أَتَيْنَاكَ نَسَأَلُكَ عَنْ أَشْيَاءَ، فَإِنْ أَنْتَ أَخْبَرْتَنَا آمَنَّا بِكَ وَصَدَّقْنَاكَ وَاتَّبَعْنَاكَ، فَقَالَ عُمَرُ: سَلُونِي عَمَّا بَدَأَ لَكُمْ، قَالُوا: أَخْبِرْنَا عَنْ أَقْفَالِ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَمَفَاتِيحِهَا، وَأَخْبِرْنَا عَنْ قَبْرِ سَارِ بِصَاحِبِهِ، وَأَخْبِرْنَا مَنْ أَنْذَرَ قَوْمَهُ لَيْسَ مِنَ الْجِنِّ وَلَا مِنَ الْإِنْسِ، وَأَخْبِرْنَا عَنْ مَوْضِعِ طَلَعَتْ فِيهِ الشَّمْسُ لَمْ تَعُدْ فِيهِ، وَأَخْبِرْنَا عَنْ خَمْسَةٍ لَمْ يُخْلَقُوا فِي الْأَرْحَامِ، وَعَنْ وَاحِدٍ وَاثْنَيْنِ وَثَلَاثَةٍ وَأَرْبَعَةٍ وَخَمْسَةٍ وَسِتِّهِ وَسَبْعَةٍ وَثَمَانِيَةٍ وَتِسْعَةٍ وَعَشْرَةٍ وَحَادِي عَشْرَ وَثَانِي عَشْرَ.

۳ - پسر آدم، من تو را دوست دارم تو هم مرا دوست داشته باش.

۵ - پسر آدم، تا از صراط عبور نکردی از خشم من در امان نباش.

۶ - پسر آدم، همه چیز را برای تو آفریدم، و تو را برای خودم آفریدم، تو از من فرار می کنی!

۷ - پسر آدم، تو را از خاک سپس از نطفه سپس از مضغه آفریدم و در خلقت تو درنماندم، آیا برای نانی که برایت می فرستم در می مانم؟

۸ - پسر آدم، به خاطر خود بر من غضب می کنی. اما برای من بر خودت غضب نمی کنی؟

۹ - پسر آدم، واجبات من بر عهده توست و روزی تو بعهده من است. اگر تو در واجبات من مخالفت کنی من در رزق تو مخالفت نمی کنم.

۱۰ - پسر آدم، همه تو را برای خودشان می خواهند. و من تو را برای خودت می خواهم. از من مگریز.

۱۱ - پسر آدم، از من روزی فردا را نخواه، چنان که من تکلیف فردا را از تو نمی خواهم.

۱۲ - پسر آدم، اگر به قسمت خود خشنود شوی قلب و بدن تو را آسوده کنم و ستوده می شوی. و اگر خشنود نشوی دنیا را بر تو مسلط می کنم تا چون آهوی وحشی مدام به دنبالش بدوی و جز روزی خود نیابی و نکوهیده می شوی.

۳۹۲۸. عطاء بن طاووس گوید: گروهی از یهودیان نزد عمر بن خطاب رفتند و گفتند تو بعد از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله والی هستی آمده ایم از تو چند سؤال بپرسیم اگر جواب صحیح بدهی به تو ایمان می آوریم. و تو را تصدیق و از تو پیروی می کنیم. عمر گفت: هر چه می خواهید از من پرسید.

گفتند: بگو بدانیم از قفلهای آسمانهای هفت گانه و کلیدهای آن، و از قبری که صاحبش را برد، و از کسی که قوم خود را انذار کرد که نه جن بودند و نه انس، و از مکانی که خورشید از آن طلوع کرد و دیگر بازنگشت. و از پنج موجودی که از رحم مادر خلق نشدند.

و از یک و دو و سه و چهار و پنج و شش و هفت و هشت و نه و ده و یازده و دوازده چه می دانی؟

عمر ساعتی سرش را پایین انداخت آنگاه چشم باز کرد و گفت: از عمر چیزی پرسیدید که اهلش نیست. اما پسر عموی رسول خدا صلی الله علیه و آله جواب سؤالات شما را می داند. کسی را فرستاد و او را دعوت کرد. زمانی که آن حضرت آمدند. گفت: یا اباالحسن، گروهی یهودی از من سؤالاتی پرسیدند که نتوانستم جواب بدهم و گفته اند اگر جواب بدهی به

قَالَ: فَطَاطَرَ قَوْمَهُ سَاعَةً، ثُمَّ فَتِيحَ عَيْنَهُ وَقَالَ: سَأَلْتُمْ عُمَرَ عَمَّا لَيْسَ لَهُ! وَلَكِنَّ ابْنَ عَمِّ رَسُولِ اللَّهِ يُخْبِرُكُمْ بِمَا سَأَلْتُمُونِي عَنْهُ. فَأَرْسَلَ إِلَيْهِ فَدَعَاهُ، فَلَمَّا أَتَاهُ قَالَ: يَا أَبَا الْحَسَنِ، إِنَّ مَعْشَرَ الْيَهُودِ سَأَلُونِي عَنْ أَشْيَاءَ لَمْ أَجِبْهُمْ فِيهَا بِشَيْءٍ، وَقَدْ ضَمِنُوا لِي إِنْ أَخْبَرْتَهُمْ يُؤْمِنُوا بِالنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

فَقَالَ لَهُمْ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا مَعْشَرَ الْيَهُودِ، اعْرَضُوا عَلَيَّ مَسَائِلَكُمْ، فَقَالُوا لَهُ مِثْلَ مَا قَالُوا لِعُمَرَ، فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَتُرِيدُونَ أَنْ تَسْأَلُوا عَنْ شَيْءٍ سِوَى هَذَا؟ قَالُوا لَهُ: لَا يَا أَبَا شُبَيْرٍ وَشُبَيْرِ.

فَقَالَ لَهُمْ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَمَا أَفْقَالُ السَّمَاوَاتِ فَالشَّرِكُ بِاللَّهِ، وَمَفَاتِيحُهَا قَوْلُ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ».

وَأَمَّا الْقَبْرِ الَّذِي سَارَ بِصَاحِبِهِ فَالْحَوْتُ؛ سَارَ بِيُونَسَ فِي بَطْنِهِ الْبِحَارِ السَّبْعَةَ.

وَأَمَّا الَّذِي أَنْذَرَ قَوْمَهُ لَا مِنْ الْجِنِّ وَلَا مِنَ الْإِنْسِ فَتِلْكَ النَّمْلَةُ الَّتِي أَنْذَرَتْ قَوْمَهَا مِنْ قَوْمِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ.

وَأَمَّا الْمَوْضِعُ الَّذِي طَلَعَتْ فِيهِ الشَّمْسُ ثَمَّ لَمْ تَعُدْ فِيهِ فَذَاكَ الْبَحْرُ الَّذِي أَنْجَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَغَرِقَ فِيهِ فِرْعَوْنُ وَأَصْحَابُهُ.

وَأَمَّا الْخَمْسَةُ الَّذِينَ لَمْ يُخْلَقُوا فِي الْأَرْحَامِ فَآدَمُ وَحَوَاءُ وَعَصَا مُوسَى وَنَاقَةُ صَالِحٍ وَكَبْشُ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ.

وَأَمَّا الْوَاحِدُ فَهُوَ اللَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ.

وَأَمَّا الْاِثْنَانِ فَآدَمُ وَحَوَاءُ.

وَأَمَّا الثَّلَاثَةُ فَجَبْرَائِيلُ وَمِيكَائِيلُ وَإِسْرَافِيلُ.

وَأَمَّا الْأَرْبَعَةُ فَالتَّوْرَةُ، وَالْإِنْجِيلُ، وَالزَّبُورُ، وَالْفُرْقَانُ الْعَظِيمُ.

وَأَمَّا الْخَمْسَةُ فَخَمْسُ صَلَوَاتٍ مَفْرُوضَاتٍ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

وَأَمَّا السِّتَةُ فَقَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ».

وَأَمَّا السَّبْعَةُ فَقَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا».

وَأَمَّا الثَّمَانِيَةُ فَقَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ - ذِي ثَمَانِيَةٍ».

وَأَمَّا التَّسْعَةُ فَالآيَاتُ الْمُنزَلَةُ عَلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ.

رسول الله صلى الله عليه و آله ايمان مي آورند.

اميرالمؤمنين عليه السلام فرمودند: اي يهوديان سؤالات خود را از من بپرسيد.

آنان سؤالات خود را تکرار کردند.

اميرالمؤمنين عليه السلام فرمودند: آيا سؤالات ديگري هم داريد؟ گفتند: نه اي پدر شبر و شبير.

اميرالمؤمنين عليه السلام فرمودند: قفل آسمانها و زمين شرک به خداوند است و کلید آنها لا اله الا الله است.

قبري که صاحبش را حرکت داد، ماهي بود که يونس را بلعيد و در درياهاي هفت گانه فرو رفت.

کسي که قوم خود را هشدار داد و قومش نه جن بود و نه انس، آن مورچه اي بود که قوم خود را به آمدن سپاهيان سلیمان هشدار داد.

مکانی که خورشيد به آن طلوع کرد و به آنجا بازنگشت، دريایی بود که برای موسی شکافته شد و خداوند عز و جل موسی عليه السلام را نجات داد و قوم فرعون غرق شدند.

اما پنج موجودی بدون رحم مادر آفريده شدند. آدم و حواء و عصای موسی و شتر صالح و گوسفندی که حضرت ابراهيم عليه السلام قربانی کرد.

اما يك: خداوند يگانه. دو آدم و حواء هستند. سه جبرئيل و میکائيل و اسرافيل هستند.

چهار تورات و انجيل و زبور و قرآن عظيم است.

پنج نمازهای يوميه است که پیامبر اسلام صلى الله عليه و آله واجب کرده اند.

شش، سخن خداوند است: «آسمان ها و زمين را در شش روز آفريدیم».

هفت، سخن خداوند است: «بالای شما هفت [آسمان] محکم آفريدیم».

هشت، سخن خداوند است: «عرش پروردگارت را هشت موجود حمل می کنند».

نه، معجزاتی که بر حضرت موسی بن عمران عليه السلام نازل شد.

وَأَمَّا الْعَشْرَةُ فَقَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَوَعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَا بِعَشْرِ».

وَأَمَّا الْحَادِي عَشْرُ فَقَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ: «يَأْتِيَتْ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ».

وَأَمَّا الْإِثْنَا عَشْرُ فَقَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِمُوسَى: «اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا».

قَالَ: فَأَقْبَلَ الْيَهُودُ يَقُولُونَ: نَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَأَنَّكَ ابْنُ عَمِّ رَسُولِ اللَّهِ.

ثُمَّ أَقْبَلُوا عَلَى عُمَرَ، فَقَالُوا: نَشْهَدُ أَنَّ هَذَا أَخُو رَسُولِ اللَّهِ، وَأَنَّهُ أَحَقُّ بِهَذَا الْمَقَامِ مِنْكَ. وَأَسْلَمَ مِنْ كَانَ مَعَهُمْ وَحَسِينَ إِسْلَامُهُمْ (١). (٢).

٣٩٢٩. قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِبَعْضِ مُخَاطَبِيهِ مُسْتَصْغِرًا مِثْلَهُ عَنْ قَوْلٍ مِثْلِ قَوْلِهِ: لَقَدْ طَرَّتْ شَكِيرًا (٣) وَهَدَرَتْ (٤) سَقْبًا (٥). (٦)(٧)

٣٩٣٠. لَوْ تَمَيَّزَتِ الْأَشْيَاءُ كَانَ الْكَذِبُ مَعَ الْجُبْنِ، وَالصَّدْقُ مَعَ الشَّجَاعَةِ، وَالرَّاحَةُ مَعَ الْيَأْسِ، وَالتَّعَبُ مَعَ الطَّمَعِ، وَالْجِرْمَانُ مَعَ الْحَرِصِ، وَالذُّلُّ مَعَ الدِّينِ. (٨)

ص: ٣٠

١- نقل هذه القصة في كتاب علي عليه السلام والخلفاء: ص ١٥٦ عن العرائس والفتح المبين، وص ١٧٩ عن مصادر.

٢- الخصال، ص ٤٥٦، ح ١.

٣- الشَّكِيرُ مِنَ الْفَرْخِ: الزَّرْعُ، وَالزَّرْعُ: الشَّعِيرَاتُ الصُّفْرُ عَلَى رِيشِ الْفَرْخِ (لسان العرب: شكر، زغب).

٤- هَدَرَ الْبَعِيرُ: رَدَدَ صَوْتَهُ فِي حَنْجَرَتِهِ (لسان العرب: هدر).

٥- صَقَبُ النَّاقَةِ: وَلَدُهَا، وَكَذَلِكَ السَّقْبُ (لسان العرب: صقب، سقب).

٦- أَي أَنَّكَ طَرَّتْ وَلَيْسَ هَذَا وَقْتُ طَيْرَانِكَ، وَهَدَرَتْ وَلَمْ يَكُنْ قَدْحَانَ زَمَانُ ذَلِكَ (الشرح).

٧- نهج البلاغه، ج ٤، ص ٩٤، ح ٤٠٢.

٨- شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٣٢٧، ح ٧٣٩.

ده، سخن خداوند است: «با موسی سی شب وعده کردیم و آن را با ده شب دیگر کامل کردیم».

یازده، یوسف به پدرش گفت: «پدر جان [در خواب] دیدم یازده ستاره و خورشید و ماه بر من سجده می کنند».

دوازده، سخن خداوند به موسی است: «عصای خود را به سنگ بزن و از آن دوازده چشمه جوشید».

یهودیان گفتند: شهادت به یگانگی خداوند می دهیم و شهادت می دهیم که محمد رسول خداست و تو پسر عموی پیامبر هستی.

آنگاه رو به عمر کردند و گفتند: شهادت می دهیم که او برادر رسول خداست و برای امامت از تو شایسته تر است. و همه یهودیان اسلام آوردند.

۳۹۲۹. امیرالمؤمنین علیه السلام به کسی که دیگری را با تقلید سخنانش تحقیر کرد فرمودند: بی مورد پریدی و بی مورد صدای خود را بلند کردی.

۳۹۳۰. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: اگر اشیاء از هم متمایز شوند دروغ با ترس است و راستگویی با شجاعت و آسایش با نومیذی [از مردم] و سختی با طمع و محرومیت با حرص و ذلت با بدهی است.

الفصل الثالث: مِمَّا وَرَدَ مِنَ الْأَحَادِيثِ أَنَّ الْخُلَفَاءَ وَالْأَئِمَّةَ بَعْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اثْنَا عَشَرَ

٣٩٣١. رَوَى جَرِيرٌ عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، قَالَ: الْخُلَفَاءُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ كَعَمَدِهِ نُقَبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ. (١)

٣٩٣٢. وَعَنْ جَابِرِ بْنِ سَيِّمَةَ يَقُولُ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: يَكُونُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَمِيرًا، وَقَالَ كَلِمَةً لَمْ أَسْمَعْهَا، فَقَالَ الْقَوْمُ: مَاذَا قَالَ؟ قَالَ: كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ. (٢)

٣٩٣٣. وَعَنْ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسِ الْهَلَالِيِّ عَنِ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَبَاذًا الْحَسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامَ عَلَى فِخْدِيهِ، وَهُوَ يُقَبِّلُ عَيْنَيْهِ وَيَلْتِمُ (٣) فَاهُ وَهُوَ يَقُولُ: أَنْتَ سَيِّدُ ابْنِ سَيِّدٍ، أَنْتَ إِمَامُ ابْنِ إِمَامٍ أَبُو الْأَئِمَّةِ، وَأَنْتَ حُجَّةُ ابْنِ حُجَّةٍ أَبُو حُجَجٍ تَسَعُهُ مِنْ صُلْبِكَ تَأْسِعُهُمْ قَائِمُهُمْ (٤). (٥)

٣٩٣٤. وَعَنْ حُسَيْنِ بْنِ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ آبَائِهِ عَنِ عَلِيِّ عَلَيْهِمُ السَّلَامَ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَبْشِرُوا ثُمَّ أَبْشِرُوا - ثَلَاثَ مَرَّاتٍ - إِنَّمَا مَثَلُ أُمَّتِي كَمَثَلِ غَيْثٍ لَا يَدْرِي أَوْلُهُ خَيْرٌ أَمْ آخِرُهُ، إِنَّمَا مَثَلُ أُمَّتِي كَمَثَلِ حَدِيقَةٍ أُطْعِمَ مِنْهَا فَوْجًا عَامًّا، لَعَلَّ آخِرَهَا فَوْجًا يَكُونُ أَعْرَضَهَا بَحْرًا، وَأَعَمَّقَهَا طَوْلًا

ص: ٣٢

١- . مقتضب الأثر، ص ٩. - الخلفاء الأئمة

٢- . تاريخ بغداد، ج ١٤، ص ٣٥٤، ح ٧٦٧٣.

٣- اللثم: القبله (الصحاح: ٢٠٢٧/٥).

٤- . رواه في البحار: ٢٤١/٣٦ عن كمال الدين والعيون والخصال والطرائف وكفايه الأثر.

٥- . الخصال، ص ٤٧٥، ح ٣٨.

فصل سوم: احادیثی در مورد اینکه جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان دوازده نفرند

۳۹۳۱. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: جانشینان من دوازده نفر به تعداد نقیبان بنی اسرائیل هستند.

۳۹۳۲. جابر بن سمره گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: پس از من دوازده نفر امیر خواهند بود. و جمله ای فرمودند که نشنیدم. مردم گفتند: [بعدش] چه فرمود؟ گفت: حضرت فرمودند:

همه از قریش هستند.

۳۹۳۳. سلمان فارسی گوید: وارد شدم بر رسول الله صلی الله علیه و آله و دیدم که حسین علیه السلام روی زانوی حضرت نشسته بود. و حضرت چشمها و دهان حسین علیه السلام را می بوسید. و می فرمود: تو سید، فرزند سید، و امام، فرزند امام، و پدر امامان هستی. تو حجت خدا، فرزند حجت خدا و پدر نه حجت از فرزندان خود هستی که نهمین آنها قائم آنان است.

۳۹۳۴. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: بشارت، بشارت، بشارت، مثل امت من چون باران است که معلوم نیست اولش بهتر است یا آخرش. امت من چون بوستانی است که هر سال گروهی از میوه آن بهره برند و شاید گروه آخر که از آن بهره برند از همه بیشتر و برتر و پر جمعیت تر باشد.

و چگونه امتی که من اولین آن و پس از من دوازده نفر سعادت مند و خردمند و مسیح

وَفَرَعًا، وَأَحْسَنَهَا خِباءً (١)، وَكَيْفَ تَهْلِكُ أُمَّهُ أَنَا أَوْلُهَا وَاثْنَا عَشَرَ بَعْدَى مِنَ السُّعْدَاءِ وَأُولَى الْأَلْبَابِ وَالْمَسِيحِ عَيْسَى بِنِ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامَ آخِرُهَا، وَلَكِنْ تَهْلِكُ بَيْنَ ذَلِكَ تُتَجُّ (٢) الْهَرَجِ، لَيْسُوا مِنِّي وَلَسْتُ مِنْهُمْ (٣). (٤)

٣٩٣٥. وَرَوَى عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ فِي أَوَّلِ يَوْمِ صَيْعِدِ الْمِئْبَرِ فِي الْخِلَافَةِ قَالَ: وَاللَّهِ لَقَدْ اعْطَى عَلِيٌّ بِنُ أَبِي طَالِبٍ اثْنَيْ عَشَرَ (٥) فَضِيلَةً لَمْ يَكُنْ لِي وَلَا لِأَحَدٍ مِنَ النَّاسِ مِثْلُهَا وَلَا وَاحِدَةٌ مِنْهَا:

الأول: مولده في الكعبة.

الثاني: زواجه من السماء.

الثالث: زوجته فاطمة عليها السلام.

الرابع: الحسن والحسين أولاده.

الخامس: قول النبي صلى الله عليه وآله بحضرتي: من كنت مولاه فعلي مولاه، اللهم وال من والاه، وعاد من عاداه.

السادس: يوم غدير خم قال صلى الله عليه وآله بحضرتي: يا علي، أنت مني بمنزلة هارون من موسى.

السابع: سد أبواب الصحابة، ولم يسد لعلي باب.

الثامن: قول النبي صلى الله عليه وآله: من عبد الله في مثل مكة والمدية ألف سيئه إلخمين عاماً كنوح في قومه، وصبر على حر مكة وجوع المدينة، وأنفق ماله كجبل أبي قبيس، وقاتل بين الصفا والمروة في سبيل الله عامداً محتسباً، ولم يأت بولايتك يا علي؛ فكان عمله وزهده ونفقته هباءً منثوراً.

التاسع: أن تهوى النجوم في داره.

ص: ٣٤

١- في البحار «جنى». والخباء: ما يعمل من شعر ووبر للسكونه، وجنى: أى مجتياً. أقول: ورد هذا الحديث من طرق مختلفه كثيره أخرجها في الينابيع: ص ٤٤٦ والبحار: ٢٢٦/٣٦-٣٧٢ ومنتخب الأثر: ص ١٠ من طرق العامه والخاصه. قال في الينابيع بعد نقل الحديث: قال بعض المحققين: إن الأحاديث الداله على كون الخلفاء بعده صلى الله عليه وآله اثني عشر قد اشتهرت من طرق كثيره، فبشرح الزمان وتعريف الكون والمكان علم أن مراد رسول الله صلى الله عليه وآله من حديثه هذا الأئمه الاثني عشر من أهل بيته وعترته؛ إذ لا يمكن أن يحمل هذا الحديث على الخلفاء بعده من أصحابه؛ لقتلتهم، ولا يمكن أن يحمل على الملوك الأمويين؛ لزيادتهم على الاثني عشر، ولظلمهم الفاحش، ولكونهم غير بني هاشم، وكذا ملوك بني العباس، فلا بد من أن يحمل على الإئمه الاثني عشر، الخ: انتهى ملخصاً فليراجع.

٢- في البحار «تيج الهرج» ثم فسره بقوله تيج الهرج؛ أى من تهياً للهرج والفساد، قال الفيروز آبادي: تاح له الشىء يتوح: تهياً.

- إلى أن قال: وفي أكثر النسخ: نتج الهرج؛ أى من ينتج فى زمان الهرج: ويحتمل أن يكون كناية عن فساد النسب.
- ٣- . رواه فى البحار: ٣٤٢/٣٦ عن كمال الدين والعيون والخصال.
- ٤- . الخصال، ص ٤٧٦، ح ٣٩.
- ٥- . كذا، والصواب: «اثنى عشرة»، والظاهر أنه تصحيف.

عیسی بن مریم علیه السلام آخر امت است هلاک شود؟ [یعنی حضرت مسیح علیه السلام در آخر الزمان در کنار امام زمان علیه السلام خواهد آمد]. آری در این میان گروهی هرزه هلاک خواهند شد. که نه آنان از من هستند. و نه من از آنان هستم.

۳۹۳۵. امام باقر علیه السلام فرمودند: عمر خطاب اولین روزی که در خلافت خود بر منبر رفت گفت: بخدا قسم علی بن ابیطالب علیه السلام دوازده فضیلت دارد که نه من و نه هیچ کس دیگر حتی یکی از آنها را ندارد.

۱ - محل تولدش کعبه.

۲ - ازدواجش از آسمان [نازل شده].

۳ - همسرش فاطمه علیها السلام.

۴ - حسن و حسین فرزندان.

۵ - رسول الله صلی الله علیه و آله در حضور من فرمود: هر کس من مولای اویم علی مولای اوست. خدایا دوست بدار هر کسی را که او را دوست بدارد و دشمن باش با کسی که با او دشمنی کند.

۶ - روز غدیر در حضور من فرمود: یا علی تو نسبت به من مثل هارون نسبت به موسی هستی.

۷ - همه درها را [که از خانه های اطراف به مسجد النبی صلی الله علیه و آله باز بود] بست ولی در خانه علی را نبست.

۸ - رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که مثل نوح که نهصد و پنجاه سال در قوم خود پیامبری کرد، در مکه و مدینه خدا را عبادت کند، و در گرمای مکه و گرسنگی مدینه صبر کند، و از اموالش به اندازه کوه ابو قییس انفاق کند، و بین صفا و مروه در راه خدا جنگ کند، اما ولایت تو را یا علی نداشته باشد، عمل و زهد و انفاقش بر باد رفته است.

۹ - ستارگان در خانه او تعظیم می کنند.

العاشِر: رُدَّتْ لَهُ الشَّمْسُ مَرَّتَيْنِ؛ مَرَّةً بِالْمَدِينَةِ وَمَرَّةً بِالْعِرَاقِ.

والحادى عَشَرَ: أَنَّهُ تَكَلَّمَ مَعَ الْأَمَوَاتِ وَالْأَسَدِ وَالذَّبِّ وَالْغَزَالِ وَالثُّعْبَانِ وَالسَّمَكَةِ يَوْمَ الْخَاتَمِ.

الثَّانِي عَشَرَ: أَنَّهُ قَادِرٌ أَنْ يَقْتُلَ عَمَرَ بِشِمَالِهِ دُونَ يَمِينِهِ .

وكانَ عَلِيُّ بنَ أَبِي طَالِبٍ عليه السلامَ حاضِراً، فَرَفَعَ رَأْسَهُ وَقَالَ: اعْتَرَفَ بِالْحَقِّ قَبْلَ أَنْ يُشْهَدَ عَلَيْهِ (١).

٣٩٣٦. وَقَالَ بَعْضُ الْعَارِفِينَ: إِنَّ خَيْرَاتِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ جُمِعَتْ تَحْتَ كَلِمَةٍ وَاحِدَةٍ هِيَ التَّقْوَى، وَلَنَذُكُرَ لَكَ مِنْ خِصَالِهَا وَأَثَارِهَا الْوَارِدَةَ فِيهَا اثْنَيْ عَشَرَ (٢) خَصْلَةً:

الأولى: المِدْحَةُ وَالشَّنَاءُ، قَالَ تَعَالَى: «وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ».

الثَّانِيَةُ: الْحِفْظُ وَالْحِرَاسَةُ، قَالَ تَعَالَى: «وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَأَيُّضِرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئاً».

الثَّالِثُ: التَّائِيْدُ وَالنَّصْرُ، قَالَ تَعَالَى: «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا».

الرَّابِعَةُ: النَّجَاةُ مِنَ الشَّدَائِدِ وَالرِّزْقُ الْحَلَالُ، قَالَ تَعَالَى: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ وَمَخْرَجاً * وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ».

الخَامِسَةُ: إِصْلَاحُ الْعَمَلِ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيداً * يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ».

السَّادِسَةُ: غُفْرَانُ الذُّنُوبِ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ».

السَّابِعَةُ: مَحَبَّةُ اللَّهِ تَعَالَى، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ».

الثَّامِنَةُ: قَبُولُ الْأَعْمَالِ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «إِنَّمَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ».

التَّاسِعَةُ: الْإِكْرَامُ وَالْإِعْزَازُ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَلُ - كُمْ».

العَاشِرَةُ: الْبِشَارَةُ عِنْدَ الْمَوْتِ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «الَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ».

ص: ٣٦

١- . الروضة في المعجزات والفضائل، ص ١٦٢.

٢- . كذا، والصواب: «اثنتي عشرة»، والظاهر أنه تصحيف.

۱۰ - دو بار خورشید برای او برگردانده شد یکبار در مدینه و یکبار در عراق.

۱۱ - او با مردگان و شیر درنده و گرگ و آهو و اژدها و ماهی سخن گفت.

۱۲ - او توانایی دارد عمر را با دست چپ بدون دست راست هلاک کند.

علی بن ابیطالب علیه السلام حاضر بودند و دست خود را بلند کردند و فرمودند: قبل از اینکه برای حق شاهد بیاورند خود او اقرار کرد.

۳۹۳۶. عارفی گوید: همه خیرات دنیا و آخرت در یک کلمه جمع شده است و آن تقوا است. ما دوازده فایده از آثار آن را [که در قرآن آمده است] ذکر می کنیم:

۱ - مدح و ستایش، خداوند فرمود: «اگر صبر کنید و تقوا داشته باشید این از کارهای محتاج به تصمیم و عزم است».

۲ - ایمنی از شر دشمن، خداوند متعال فرمود: «اگر صبر کنید و تقوا داشته باشید مکر دشمن به شما زیان نرساند».

۳ - نصرت و پیروی و تأیید خداوند، خدای متعال فرمود: «خداوند با کسانی است که تقوا پیشه اند».

۴ - نجات از گرفتاریها و روزی حلال، خداوند متعال فرمود: «کسی که تقوا پیشه کند خداوند برای او راه نجات قرار می دهد و برای او از طریقی که نمی داند روزی می رساند».

۵ - اصلاح عمل، خداوند متعال فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید تقوا پیشه کنید و سخن درست بگویید، خداوند اعمال شما را اصلاح می کند».

۶ - آمرزش گناهان، می فرماید: «گناهان شما را می آمرزد».

۷ - محبت خداوند، خداوند متعال می فرماید: «خدا مردم با تقوا را دوست دارد».

۸ - پذیرش اعمال، خداوند متعال فرمود: «خدا فقط از مردم تقوا پیشه می پذیرد».

۹ - گرمی و عزیز شدن، خداوند متعال فرمود: «گرمی ترین شما نزد خدا با تقواترین شماست».

۱۰ - بشارت هنگام مرگ، خداوند متعال فرمود: «بر کسانی که ایمان دارند و تقوا پیشه کنند در دنیا و آخرت بشارت باد».

الْحَادِيَةَ عَشْرَةَ: النَّجَاهُ مِنَ النَّارِ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَيُنَجِّي اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا».

الثَّانِيَةَ عَشْرَةَ: الْخُلُودُ فِي الْجَنَّةِ، قَالَ تَعَالَى: «أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ».

فَقَدْ ظَهَرَ لِمَكَ أَنَّ سِعَادَةَ الدَّارَيْنِ مُنْطَوِيَةٌ فِيهَا وَمُنْدَرِجَةٌ تَحْتَهَا، وَهِيَ كَنْزٌ عَظِيمٌ وَغَنَمٌ جَسِيمٌ وَخَيْرٌ كَثِيرٌ وَفَوْزٌ كَبِيرٌ، وَلَقَدْ أَجَادَ الشَّاعِرُ حَيْثُ يَقُولُ:

إِذَا آلَ حَالُكَ ذَا ضَيْقِهِ وَيَقْصُرُ رِزْقُكَ عَمَّا يَجِبُ

فَرَأَيْتَ تَقَى اللَّهَ سُبْحَانَهُ يَنْلُوكَ الْأَمَانِيَّ كَمَا تَرْتَقِبُ

وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ

اعْلَمْ أَنَّ فِي آدَابِ التُّعَلُّمِ امْرَأً نُشِيرُ مِنْهَا إِلَى مَا اسْتَعْمَلَهُ مُوسَى مَعَ الْخَضِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى:

«هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَى أَنْ تُعَلِّمَنِ مِمَّا عَلَّمْتَ رُشْدًا»، فَقَدْ دَلَّتْ عَلَى اثْنَتَيْ عَشْرَةَ فَائِدَةً مِنْ فَوَائِدِ الْآدَابِ:

الأوَّلُ: جَعَلَ نَفْسَهُ تَبَعًا لَهُ لِمُقْتَضَى انْحِطَاطِ الْمَنْزِلَةِ فِي جَانِبِ الْمَتَّبِعِ.

الثَّانِي: الْإِسْتِيذَانُ بِهَلْ، أَيْ هَلْ تَأْذُنُ لِي فِي اتِّبَاعِكَ، وَهُوَ مُبَالِغَةٌ عَظِيمَةٌ فِي التَّوَضُّعِ.

الثَّلَاثُ: تَجْهِيلُ نَفْسِهِ وَالْإِعْتِرَافُ لِمُعَلِّمِهِ بِالْعِلْمِ لِقَوْلِهِ: «عَلَى أَنْ تُعَلِّمَنِي».

الرَّابِعُ: الْإِعْتِرَافُ لَهُ بِعِظَمِ النِّعَمَةِ بِالتَّعْلِيمِ؛ لِأَنَّهُ طَلَبَ مِنْهُ أَنْ يُعَامِلَهُ بِمِثْلِ مَا عَامَلَهُ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ، أَيْ يَكُونُ إِعْنَامُكَ عَلَيَّ كَمَا إِعْنَامَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْكَ، وَلِهَذَا الْمَعْنَى قِيلَ: أَنَا عَبْدٌ مَنْ تَعَلَّمْتُ مِنْهُ. وَقَالَ أَيْضًا: مَنْ عَلَّمَ إِنْسَانًا مَسْأَلَةً مَلَكَ رِقَّةً.

الخَامِسُ: أَنَّ الْمُتَابِعَةَ عِبَارَةٌ عَنِ الْإِيتْيَانِ بِمِثْلِ فِعْلِ الْغَيْرِ لِكُونِهِ فِعْلُهُ لَا لِوَجْهِ آخَرَ، وَدَلَّ ذَلِكَ عَلَى أَنَّ الْمُتَعَلِّمَ يَجِبُ عَلَيْهِ مِنْ أَوَّلِ الْأَمْرِ التَّسْلِيمُ وَتَرْكُ الْمُنَازَعَةِ.

السَّادِسُ: الْإِيتْيَانُ بِالْمُتَابِعَةِ مِنْ غَيْرِ تَقْيِيدِ بِشَيْءٍ، بَلْ اتِّبَاعًا مُطْلَقًا لَا يُقَيَّدُ عَلَيْهِ فِيهِ بِقَيْدٍ، وَهُوَ غَايَةُ التَّوَضُّعِ.

السَّابِعُ: الْإِبْتِدَاءُ بِالْإِتِّبَاعِ، ثُمَّ بِالتَّعْلِيمِ، ثُمَّ بِالْخِدْمَةِ، ثُمَّ بِطَلَبِ الْعِلْمِ.

الثَّامِنُ: أَنَّهُ قَالَ: «هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَى أَنْ تُعَلِّمَنِي» أَيْ لَمْ أَطْلُبْ عَلَى تِلْكَ الْمُتَابِعَةِ إِلَّا التَّعْلِيمَ، كَأَنَّهُ

۱۱ - نجات از دوزخ، خداوند متعال فرمود: «خدا مردم با تقوا را نجات می دهد».

۱۲ - جاودانگی در بهشت، خداوند متعال فرمود: «بهشت جاویدان برای مردم تقوا پیشه آماده شده است».

بدین ترتیب بر شما روشن شد که سعادت دنیا و آخرت در تقوا نهفته است. و آن گنج بزرگ و غنیمت ارزشمند و خیر فراوان و رستگاری بزرگی است.

شاعر چه زیبا گفته است:

زمانی که در تنگدستی قرار گرفتی و روزی تو کمتر از نیاز تو شد

مراقب تقوای خداوند سبحان باش ترا ایمنی رساند چنانکه انتظار می رود

کسی که تقوای الهی پیشه کند خداوند برای او رزقی بی حساب فرو فرستد

بدانکه: اموری از آداب آموختن است. ما به دوازده مورد اشاره می کنیم که در داستان موسی و خضر علیه السلام در آیه شریفه آمده است: موسی گفت: «آیا از تو پیروی کنم تا مرا ارشاد کنی»:

۱ - موسی خودش را تابع او قرار داد و در مقابل او خود را ناچیز شمرد.

۲ - اجازه گرفتن با عبارت سؤالی، از او پرسید آیا اجازه می دهی از تو پیروی کنم؟ این نشانه تواضع زیاد است.

۳ - خود را نادان و او را دانا شمرد، گفت: «تا به من بیاموزی».

۴ - اعتراف کردن به اینکه تعلیم نعمت بزرگی است. چون از او طلب کرد که با موسی مثل معامله ای انجام دهد که خدا با خضر معامله کرد. یعنی همانطور که خدا به خضر نعمت تعلیم داد، خضر هم به موسی تعلیم دهد.

به همین دلیل بعضی گفته اند: من بنده کسی هستم که از او آموخته ام. و همچنین گفته اند:

کسی که یک مسأله به انسانی بیاموزد مالک او می شود.

۵ - پیروی عبارت است از انجام کاری مثل کار شخص دیگر چون او انجام می دهد تابع هم انجام می دهد لذا آموزنده باید ابتدا تسلیم باشد و مخالفت نکند.

۶ - پیروی کردن بدون قید و شرط باشد که نهایت فروتنی است.

۷ - اول پیروی، بعد آموختن، بعد خدمت، بعد طلب علم.

۸- موسی گفت: «آیا از تو تبعیت کنم تا به من بیاموزی؟» یعنی هدف از پیروی فقط

ص: ۳۹

قال: لا أطلب منك مالاً ولا جاهاً.

التيسع: قوله: «مِمَّا عَلِّمْتُ» أشار إلى بعض ما عَلَّمَ أى لا- أطلب منك المساواة، بل ببعض ما عَلَّمْتنا، فأنت أيداً مَرْتَفِعَ عَلَيَّ زَائِدُ الْقَدْرِ.

العاشر: قوله «ما عَلِّمْتُ» اعترافٌ بِأَنَّ اللَّهَ (تعالى) عَلَّمَهُ، وفيه تَعْظِيمٌ لِلْمُعَلِّمِ وَالْعِلْمِ، وَتَفْخِيمٌ لِشَأْنِهِمَا.

الحادي عشر: قوله «رُشِداً» طلبُ الإرشادِ، وهو ما لولا حصوله لَعَوَى وَضَلَّ، وفيه اعترافٌ بِشَدَّةِ الْحَاجَةِ إِلَى التَّعْلِيمِ، وَهَضْمٌ عَظِيمٌ لِنَفْسِهِ، وَاحْتِياجٌ بَيْنَ لِعِلْمِهِ .

الثاني عشر: وَرَدَ أَنَّ الْخَضِرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلِمَ أَوَّلًا أَنَّهُ نَبِيُّ لِبْنِي إِسْرَائِيلَ؛ موسى عليه السلام صاحبُ التَّوْرَةِ، الَّذِي كَلَّمَهُ اللَّهُ تَعَالَى بِغَيْرِ واسِطَةٍ، وَخَصَّهُ بِالْمُعْجَزَاتِ، وَقَدِ اتَى مَعَ هَذَا الْمَنْصِبِ بِهَذَا التَّوَاضُعِ الْعَظِيمِ، هَذِهِ الْمَعْرِفَةُ مِنَ الْخَضِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَهَذِهِ الْغَايَةُ مِنَ الْأَدَبِ وَالتَّوَاضُعِ مِنَ موسى عليه السلام، أَجَابَهُ بِجَوَابٍ رَفِيعٍ وَكَلَامٍ مَنِيحٍ مُشْتَمِلٍ عَلَى الْعَظَمَةِ وَالْقُوَّةِ وَعَدَمِ الْأَدَبِ مَعَ موسى عليه السلام، بَلِ وَصَفَهُ بِالْعَجْزِ وَعَدَمِ الصَّبْرِ بِقَوْلِهِ :

«إِنَّكَ لَنْ تَسِيَّطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا»، وَقَدْ دَلَّتْ هَذِهِ الْكَلِمَةُ الْوَجِيزَةُ أَيْضًا عَلَى فَوَائِدٍ كَثِيرَةٍ مِنَ آدَابِ الْعِلْمِ، وَإِعْزَازِهِ لِلْعِلْمِ، وَإِجْلَالِهِ لِمَقَامِهِ .

برای آموختن است. گویا می فرماید: من از تو مال و مقام نمی خواهم.

۹ - آموختن بخشی از دانایی معلم. چون موسی خود را با او مساوی قرار نداد بلکه گفت بخشی از آنچه می دانی به من بیاموزی. این نشان می دهد آموزگار همیشه عالی مقام تر است.

۱۰ - اعتراف به اینکه علم خضر را خداوند به او آموخت. و این نشان از تعظیم شأن معلم و علم است.

۱۱ - طلب ارشاد، چون اگر علم برای ارشاد نباشد بیهوده و گمراه کننده خواهد بود. و در این مطلب اعتراف به نیاز شدید به تعلیم وجود دارد. و اعلام نیاز به علم اوست.

۱۲ - خضر علیه السلام می دانست که موسی یکی از پیامبران بنی اسرائیل و صاحب تورات است که خداوند بی واسطه با او سخن گفته است. و معجزات زیادی دارد اما با این مقام نزد او آمده است. اینجا هم معرفت خضر علیه السلام معلوم می شود و هم ادب و فروتنی موسی علیه السلام.

خضر علیه السلام جواب بلند و سخن حکیمانه ای گفت: تو قدرت صبر کردن با من را نداری.

از آن جمله کوتاه و مفید، فائده های زیادی از آداب علم و عزیز داشتن علم و بزرگداشت مقام دانش دارد.

الباب الثالث عشر: في الموعظ الثلاث عشرية إلى التسع عشرية

باب سیزدهم: پنجاهای سیزده گانه تا نوزده گانه

اشاره

ص: ۴۳

٣٩٣٧. عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَنِ الْمُسُوخِ (١) ، فَقَالَ: هُمْ ثَلَاثَةٌ عَشَرَ: الْفِيلُ، وَالذَّبُّ، وَالْخَنْزِيرُ، وَالْقِرْدُ، وَالْجَرِيثُ (٢) ، وَالضَّبُّ، وَالْوَطَاطُ، وَالْدُّعْمُوصُ (٣) ، وَالْعَقْرَبُ، وَالْعَنْكَبُوتُ، وَالْأَرْنَبُ، وَسُهَيْلٌ، وَالزُّهْرَةُ. فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا كَانَ سَبَبُ مَسْخِهِمْ؟ فَقَالَ:

أَمَّا الْفِيلُ فَكَانَ رَجُلًا لَوْطِيًّا (٤) لَا يَدْعُ رَطْبًا وَلَا يَابِسًا.

وَأَمَّا الذَّبُّ فَكَانَ رَجُلًا مُؤَنَّثًا (٥) يَدْعُو الرِّجَالَ إِلَى نَفْسِهِ .

وَأَمَّا الْخَنْزِيرُ فَقَوْمٌ نَصَارَى سَأَلُوا رَبَّهُمْ أَنْزَالَ الْمَائِدَةَ عَلَيْهِمْ، فَلَمَّا أَنْزَلَتْ عَلَيْهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مَا كَانُوا كُفْرًا وَأَشَدَّ تَكْذِيبًا.

وَأَمَّا الْقِرْدَةُ فَقَوْمٌ اعْتَدَوْا فِي السَّبْتِ.

وَأَمَّا الْجَرِيثُ فَكَانَ رَجُلًا دَيُّوثًا يَدْعُو الرِّجَالَ إِلَى حَلِيلَتِهِ .

وَأَمَّا الضَّبُّ فَكَانَ رَجُلًا أَعْرَابِيًّا يَسْرِقُ الْحَاجَّ بِمِحْجَنِهِ (٦).

وَأَمَّا الْوَطَاطُ فَكَانَ رَجُلًا يَسْرِقُ الثَّمَارَ مِنْ رُؤُوسِ النَّخْلِ.

ص: ٤٤

١- المسوخ: تحويل صورته إلى صورته أقبح، والمسوخ: جمع مسخ بمعنى المفعول.

٢- الجريث: نوع من السمك يشبه الحيات. ويقال له بالفارسيه: المارماهى (النهايه: ٢٤٦/١).

٣- الددعوموص - بضم الدال وسكون العين وضم الميم -: دويبه أو دوده سوداء تكون في الغدران إذا غار ماؤها في الأرض. وقيل: دوده لها رأسان.

٤- منسوب إلى لوط عليه السلام، بحسب ما كان ينهى عمًا يرتكبه قومه من القبائح منها إتيان الرجال. واللوطى - على ما يستفاد من موارد استعماله - يُطلق على من لا يبالي بارتكاب القبائح ولا يترك عملاً لقبحه.

٥- أى كان به انوثته، ويتشبهه بالمرأه فى لينه وإعطائه ما تُعطى المرأه.

٦- المحجن: عصا معقفه الرأس كالصولجان. والميم زائده (النهايه: ٣٣٥/١).

۳۹۳۷. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: از رسول الله صلی الله علیه و آله پرسیدم: حیوانات مسخ شده کدامند؟ فرمودند:

سیزده حیوان هستند: فیل، خرس، خوک، میمون، مار ماهی، سوسمار، شب پره [یا پرستو]، کرم آبی، عقرب، عنکبوت، خرگوش، سهیل، و زهره [دو حیوان دریایی هستند].

پرسیدند: یا رسول الله سبب مسخ چیست؟

حضرت فرمودند: فیل: مردی اهل لواط بوده است.

خرس: مردی ابنه بوده است.

خوک: از مردم نصرانی بوده که از خدا خواستند که برایشان غذای آسمانی فرستاده شود و با وجود اینکه خواسته شان عملی شد بر کفر پایداری کردند.

میمون: کسانی بودند که روز شنبه بر خلاف دستور دین ماهی گرفتند.

مار ماهی: مرد دیوث بوده که همسرش را در اختیار دیگران می گذاشته است.

سوسمار: بادیه نشین بوده که راه حاجیان را می گرفته و اموال آنان را سرقت می کرد.

شب پره: دزدی بوده که خرماي مردم را از بالای نخل سرقت می کرد.

وَأَمَّا الدُّعْمُوصُ فَكَانَ نَمَامًا يُفَرِّقُ بَيْنَ الْأَجْبَةِ.

وَأَمَّا الْعَقْرَبُ فَكَانَ رَجُلًا لَدَاغًا لَا يَسْلَمُ عَلَى (١) لِسَانِهِ أَحَدٌ.

وَأَمَّا الْعَنْكَبُوتُ فَكَانَتْ امْرَأَةً تَخُونُ زَوْجَهَا.

وَأَمَّا الْأَرْنَبُ فَكَانَتْ امْرَأَةً لَا تَطَهَّرُ مِنْ حَيْضٍ وَلَا غَيْرِهِ.

وَأَمَّا سُهَيْلٌ فَكَانَ عَشَّارًا بِالْيَمَنِ.

وَأَمَّا الزُّهْرَةُ فَكَانَتْ امْرَأَةً نَصْرَانِيَّةً وَكَانَتْ لِبَعْضِ مُلُوكِ بَنِي إِسْرَائِيلَ، وَهِيَ الَّتِي فُتِنَ بِهَا هَارُوتُ وَمَارُوتُ، وَكَانَ اسْمُهَا نَاهِيْلَ، وَالنَّاسُ يَقُولُونَ: نَاهِيدَ.

قَالَ الصَّدُوقُ: النَّاسُ يَغْلَطُونَ فِي الزُّهْرَةِ وَسُهَيْلٍ فَيَقُولُونَ إِنَّهُمَا نَجْمَانِ، وَلَيْسَ كَمَا يَقُولُونَ، وَلَكِنَّهُمَا دَابَّتَانِ مِنْ دَوَابِّ الْبَحْرِ سَمِيَّتَا بِاسْمَيْ نَجْمَيْنِ فِي السَّمَاءِ، كَمَا سُمِّيَتْ بُرُوجٌ فِي السَّمَاءِ بِأَسْمَاءِ حَيَوَانٍ فِي الْأَرْضِ، مِثْلَ حَمَلٍ وَالثَّوْرِ وَالسَّرَّطَانِ وَالْعَقْرَبِ وَالْحَوْتِ وَالْحَيْدِي، كَذَلِكَ الزُّهْرَةُ وَسُهَيْلٌ، وَإِنَّمَا غَلَطَ النَّاسُ فِيهِمَا دُونَ غَيْرِهِمَا لِتَعَيُّدِ مُشَاهِدَتَيْهِمَا وَالنَّظَرِ إِلَيْهِمَا؛ لِأَنَّهُمَا دَابَّتَانِ فِي الْبَحْرِ الْمُطِيفِ بِالدُّنْيَا بِحَيْثُ لَا يَبْلُغُهُ سَفِينَةٌ وَلَا تَعْمَلُ فِيهِ حَيْلَةٌ، وَمَا كَانَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِيَمْسَخَ الْعُصَاةَ أَنْوَارًا مُضِيئَةً لِيَهْتَدِيَ بِهِمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ ثُمَّ يُبْقِيَهُمْ مَا بَقِيَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ! وَالْمُسُوخُ لَمْ تَبْقَ أَكْثَرُ مِنْ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ حَتَّى مَاتَتْ وَلَمْ تَتَوَالِدْ، وَهَذِهِ الْحَيَوَانَاتُ الَّتِي تُسَمَّى الْمُسُوخَ فَالْمُسُوخِيَّةُ لَهَا اسْمٌ مُسْتَعَارٌ مَجَازِيٌّ، بَلْ هِيَ مِثْلُ مَا مَسَخَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى صُورَتِهَا قَوْمًا عَصَوْهُ وَاسْتَحَقُّوا بِعَصْيَانِهِمْ تَغْيِيرَ مَا بِهِمْ مِنْ نِعْمَتِهِ، وَحَرَّمَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِحَوْمِهَا لِكَيْلَا يُنْتَفَعَ بِهَا وَلَا يُسْتَخَفَّ بِعُقُوبَتِهَا. حُكِيَتْ لِي هَذِهِ الْحِكَايَةُ عَنْ أَبِي الْحُسَيْنِ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ الْأَسَدِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ. (٢)

٣٩٣٨. عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ: لَقَدْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: إِنَّ فِي عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ خِصَالًا لَوْ كَانَ وَاحِدَةً مِنْهَا فِي جَمِيعِ النَّاسِ لَأَكْتَفَوْا بِهَا فَضْلًا:

قَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ.

وقوله صلى الله عليه وآله: عليٌّ مني كهارون من موسى.

ص: ٤٦

١- . كذا والظاهر: من، أي كان يؤذى الناس كثيراً بلسانه.

٢- . الخصال، ص ٤٩٤، ح ٢.

کرم آبی: سخن چین بوده و بین دوستان اختلاف می انداخته است.

عقرب: مرد بد زبان بوده که کسی از زبان او در امان نبوده است.

عنکبوت: زنی بوده که به شوهرش خیانت می کرد.

خرگوش: زنی بوده که از حیض و غیر آن غسل نمی کرد.

سهیل: مأمور مالیات در یمن بوده است.

زهره: زن مسیحی بوده که هاروت و ماروت را فریب داد. اسم او ناهیل بود و مردم به او ناهید می گفتند.

شیخ صدوق رحمه الله گوید: «مردم درباره زهره و سهیل اشتباه می کنند و آنها را دو ستاره می پندارند اما چنین نیست. آن دو حیوان دریایی هستند که به نام دو ستاره آسمانی نامیده شده اند، همانطور که برجهای آسمان به نام حیوانات زمینی نامیده شده اند. مثل حمل و ثور و سرطان و عقرب و حوت و جدی همچنین زهره و سهیل.

مردم در مورد زهره و سهیل اشتباه می کنند چون مشاهده آن دو ممکن نیست و در اعماق دریا زندگی می کنند. و خداوند این گنهکاران را مسخ کرد بصورت حیوانات خشکی و دریایی و تا زمین و آسمان باقی است این صورتهای را باقی نگاهداشت.

اما خود آن گنهکارانی که مسخ شدند بیشتر از سه روز زنده نمی مانند و تکثیر نسل هم نمی کنند. این حیوانات که مسوخ نامیده می شوند اسم مستعار مجازی است بلکه به صورت آن اقوام گنه کار است که مسخ شده اند و به سبب گناه خود مستحق تغییر نعمتها شدند. اما گوشت این حیوانات که حرام است برای این جهت است که مردم از آن استفاده نکنند تا عقوبت آن گناهان سبک شمرده نشود.

این حکایت را ابی الحسن محمد بن جعفر اسدی برای من نقل کرده است.»

۳۹۳۸. جابر بن عبدالله انصاری گوید: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه و آله می فرمود: در وجود علی علیه السلام خصلتهایی است که اگر یکی از آنها در همه انسانها بود برای فضیلت آنان کافی بود:

۱ - رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که من مولای اویم علی مولای اوست.

۲ - رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: علی نسبت به من مثل هارون نسبت به موسی است.

وَقَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَلِيٌّ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ.

وَقَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَلِيٌّ مِنِّي كَنَفْسِي، طَاعَتُهُ طَاعَتِي، وَمَعْصِيَتُهُ مَعْصِيَتِي.

وَقَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: حَرْبُ عَلِيٍّ حَرْبُ اللَّهِ، وَسِلْمُ عَلِيٍّ سِلْمُ اللَّهِ.

وَقَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: وَلِيُّ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَلِيُّ اللَّهِ، وَعَدُوُّ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَدُوُّ اللَّهِ.

وَقَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَلِيٌّ حُجَّةُ اللَّهِ وَخَلِيفَتُهُ عَلَى عِبَادِهِ.

وَقَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: حُبُّ عَلِيٍّ إِيْمَانٌ، وَبُغْضُهُ كُفْرٌ.

وَقَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: حِزْبُ عَلِيٍّ حِزْبُ اللَّهِ، وَحِزْبُ أَعْدَائِهِ حِزْبُ الشَّيْطَانِ.

وَقَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَهُ، لَا يَفْتَرِقَانِ حَتَّى يَرِدَا عَلِيَّ الْحَوْضَ.

وَقَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَلِيٌّ قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ.

وَقَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ فَارَقَ عَلِيًّا فَقَدْ فَارَقَنِي، وَمَنْ فَارَقَنِي فَقَدْ فَارَقَ اللَّهَ عِزَّ وَجَلَّ.

وَقَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: شِيعَةُ عَلِيٍّ هُمُ الْفَائِزُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

بَابُ أَرْبَعَةِ عَشَرَ

الْغُسْلُ فِي أَرْبَعَةِ عَشَرَ مَوْطِنًا: (١)

٣٩٣٩. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ الْغُسْلَ فِي أَرْبَعَةِ عَشَرَ مَوْطِنًا: غُسْلُ الْمَيْتِ، وَغُسْلُ الْجُنْبِ، وَغُسْلُ مَنْ غَسَلَ الْمَيْتَ، وَغُسْلُ الْجُمُعَةِ، وَالْعِيدَيْنِ، وَيَوْمَ عَرَفَةَ، وَغُسْلُ الْإِحْرَامِ، وَدُخُولِ الْكَعْبَةِ، وَدُخُولِ الْمَدِينَةِ، وَدُخُولِ الْحَرَمِ، وَالزِّيَارَةِ، وَلَيْلَةِ تِسْعَةِ عَشَرَ، وَإِحْدَى وَعِشْرِينَ، وَثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ. (٢)

٣٩٤٠. الْمُنَافِقُ إِذَا نَظَرَ لَهَا (٣)، وَإِذَا سَكَتَ سَهًا، وَإِذَا تَكَلَّمَ لَغًا، وَإِذَا أَصَابَهُ شِدَّةٌ شَكَا، فَهُوَ قَرِيبُ السَّخَطِ، بَعِيدُ

ص: ٤٨

١- الخصال، ص ٤٩٦، ح ٥؛ ينابيع المودّة، ج ١، ص ١٧٢، ح ٢٢.

٢- الخصال، ص ٤٩٩، ح ٥.

٣- لَهَا وَتَلَهَّى عَنِ الشَّيْءِ: غَفَلَ عَنْهُ وَنَسِيَهُ وَإِذَا تَشَاعَلَ بِغَيْرِهِ (لسان العرب: لهو).

۳ - رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: علی از من و من از علی هستم.

۴ - رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: علی جان من است. طاعت او طاعت از من و نافرمانی از او نافرمانی از من است.

۵ - رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: دشمنی با علی دشمنی با خداست و آشتی با علی آشتی با خداست.

۶ - رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: دوست علی دوست خداست و دشمن علی دشمن خداست.

۷ - رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: علی حجت خدا و خلیفه او بر بندگانش است.

۸ - رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: دوست داشتن علی ایمان و دشمن داشتن علی کفر است.

۹ - رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: حزب علی حزب الله و حزب دشمنانش حزب شیطان است.

۱۰ - رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: علی با حق و حق با علی است از هم جدا نمی شوند تا در حوض کوثر به من برسند.

۱۱ - رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: علی قسمت کننده بهشت و دوزخ است.

۱۲ - رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس از علی جدا شود از من جدا شده است و کسی که از من جدا شود از خدا جدا شده است.

۱۳ - رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: شیعه علی روز قیامت رستگار است.

باب چهارده

۳۹۳۹. امام صادق علیه السلام فرمودند: غسل در چهارده مورد است:

غسل میت، غسل جنابت، غسل کسی که میت را می شوید، غسل جمعه، عید فطر و قربان، غسل روز عرفه، غسل احرام، غسل ورود به کعبه، غسل ورود به شهر مکه، غسل ورود به حرم، غسل زیارت و غسل شب نوزده و بیست و یکم و بیست و سوم رمضان.

۳۹۴۰. منافق هنگامی که نگاه می کند [به جای عبرت] سرگرم می شود و وقتی ساکت است به سهو

الرِّضَا، يُسَخِّطُهُ عَلَى اللَّهِ الْيَسِيرُ، وَلَا يُرْضِيهِ الْكَثِيرُ، قُوَّتُهُ تَبْلُغُ، وَنَيْتُهُ لَا تَبْلُغُ، مَغْمُوسَةٌ فِي الشَّرِّ يَدُهُ، يَنْوِي كَثِيرًا مِنَ الشَّرِّ، وَيَعْمَلُ بِطَائِفِهِ مِنْهُ، فَيَتْلَهْفُ عَلَى مَا فَاتَهُ مِنَ الشَّرِّ كَيْفَ لَمْ يَأْمُرْ بِهِ، وَكَيْفَ لَمْ يَعْمَلْ بِهِ! (١) بَابُ خَمْسَةَ عَشَرَ

إِذَا عَمِلْتَ الْأُمَّةَ خَمْسَ عَشْرَةَ حَصَلَهُ حَلٌّ بِهَا الْبَلَاءُ:

٣٩٤١. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنَفِيَّةِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا عَمِلْتَ أُمَّتِي خَمْسَ عَشْرَةَ حَصَلَهُ حَلٌّ بِهَا الْبَلَاءُ، قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا هِيَ؟ قَالَ: إِذَا كَانَتْ الْمَغَانِمُ دُولًا (٢)، وَالْأَمَانَةُ مَغْنَمًا (٣)، وَالزَّكَاةُ مَغْرَمًا (٤)، وَأَطَاعَ الرَّجُلُ زَوْجَتَهُ وَعَقَّ أُمَّهُ، وَبَرَ صَدِيقَهُ وَجَفَا أَبَاهُ، وَكَانَ زَعِيمٌ الْقَوْمِ أَرْدَلَهُمْ وَأَكْرَمَهُ الْقَوْمِ مَخَافَهُ شَرَّهُ، وَارْتَفَعَتِ الْأَصْوَاتُ فِي الْمَسَاجِدِ (٥)، وَلَبَسُوا الْحَرِيرَ، وَاتَّخَذُوا الْقَيْنَاتِ (٦)، وَضَرَبُوا بِالْمِعَازِفِ، وَلَعَنَ آخِرُ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَوْلَهَا، فَلْيُرْتَقَبْ عِنْدَ ذَلِكَ الرِّيحُ الْحَمْرَاءُ وَالْخَسْفُ وَالْمَسْحُ.

السُّنَّةُ فِي التَّوَرَةِ فِي كُلِّ خَمْسَةَ عَشَرَ يَوْمًا: (٧)

٣٩٤٢. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: السُّنَّةُ فِي التَّوَرَةِ فِي كُلِّ خَمْسَةَ عَشَرَ يَوْمًا؛ فَمَنْ أَتَتْ عَلَيْهِ إِحْدَى وَعِشْرُونَ يَوْمًا وَلَمْ يَتَنَوَّرْ فَلَيْسَتْ دِنَ عَلَى اللَّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ وَلَيْتَنَوَّرْ، وَمَنْ أَتَتْ عَلَيْهِ أَرْبَعُونَ يَوْمًا وَلَمْ يَتَنَوَّرْ فَلَيْسَ بِمُؤْمِنٍ وَلَا مُسْلِمٍ، وَلَا كَرَامَةً. (٨)

٣٩٤٣. الْمُؤْمِنَ إِذَا نَظَرَ اعْتَبَرَ، وَإِذَا سَكَتَ تَفَكَّرَ، وَإِذَا تَكَلَّمَ ذَكَرَ، وَإِذَا اسْتَعْنَى شَكَرَ، وَإِذَا أَصَابَتْهُ شِدَّةٌ صَبَرَ، فَهُوَ قَرِيبُ الرِّضَا، بَعِيدُ السَّخَطِ، يُرْضِيهِ عَنِ اللَّهِ الْيَسِيرُ، وَلَا يُسَخِّطُهُ الْبَلَاءُ الْكَثِيرُ، قُوَّتُهُ لَا تَبْلُغُ بِهِ، وَنَيْتُهُ

ص: ٥٠

١- شرح نهج البلاغه، ج ٢٠، ص ٢٨٠، ح ٢١٨.

٢- أى كان لهذا مره ولهذا اخرى.

٣- أى يرى من فى يده أمانه أن الخيانه فيها غنيمه قد غنمها (النهايه: ٧٢/١).

٤- أى يرى رب المال أن إخراج زكاته غرامه يغرمها (النهايه: ٣٦٣/٣).

٥- يعنى بالخصومات أو بالبيع والشراء ونحوها مما نهى عنه فى المساجد.

٦- القينات: أى الإماء المغنيات (النهايه: ١٣٥/٤).

٧- الخصال، ص ٥٠٠، ح ١.

٨- الخصال، ص ٥٠٣، ح ٧.

می افتد. وقتی حرف می زند بیهوده می گوید. وقتی دچار سختی شود شکایت می کند. زود خشمگین شود. دیر خشنود شود. اندک چیزی او را از خدا ناراضی می کند و خیر زیاد او را راضی نمی کند. توان انجام کار را دارد اما نیت آن را ندارد. در شر دست دارد. شرارت زیادی در نیت دارد. قسمتی از آن را عملی می کند. برای شرارتی که از دست داده غصه می خورد که چرا امر به آن نکرده و چرا عمل به آن نکرده است.

باب پانزده

هنگامی که در امت این پانزده خصلت اجرا شود گرفتار بلا خواهد شد.

۳۹۴۱. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: هر گاه امت من پانزده گناه مرتکب شود گرفتار بلا شوند. پرسید: چه گناهایی؟

حضرت فرمودند:

غنیمت جنگی ثروت شخصی شود، امانت مردم غنیمت شمرده شود [خیانت در امانت]. پرداخت زکات را غرامت بحساب آورند. مرد از زن خود اطاعت کند. به مادر ستم کند. به دوستش نیکی کند و به پدر جفا کند. پست ترین مردم زمامدار شود. و مردم از ترس شر زمامدار به او احترام کنند. سر و صدا در مساجد زیاد شود. لباس حریر بپوشند.

موسیقی و خوانندگی رواج یابد، نوازندگی رواج یابد، آخر این امت اول آن را لعنت کند.

پس در این زمان انتظار باد سرخ و فرو رفتن زمین و تغییر خلقت باشند.

۳۹۴۲. امام صادق علیه السلام فرمودند، هر پانزده روز یکبار نوره کشیدن مستحب است. هر کس بیست و یک روز گذشت و نتوانست نوره بخرد، به حساب خدا قرض کند و هر کس چهل روز بگذرد و نوره نکشد مسلمان نیست و احترام ندارد.

۳۹۴۳. مؤمن هنگامی نگاه کند عبرت گیرد. وقتی ساکت شود تفکر کند. هنگام سخن گفتن ذکر گوید. هنگامی بی نیازی شکر کند. هنگام سختی صبر کند. زود راضی شود. دیر خشمگین

تَبْلُغُ، مَغْمُوسَهُ (١) فِي الْخَيْرِ يَدُهُ، يَنْوِي كَثِيرًا مِنَ الْخَيْرِ، وَيَعْمَلُ بِطَائِفِهِ مِنْهُ، وَيَتْلَهْفُ (٢) عَلَى مَا فَاتَهُ مِنَ الْخَيْرِ كَيْفَ لَمْ يَعْمَلْ بِهِ .

بَابُ سِتَّةَ عَشَرَ

سِتَّةَ عَشْرَةَ حِصْلَةً تَزِيدُ فِي الرِّزْقِ: (٣)

٣٩٤٤. سَعِيدُ بْنُ عَلاَقَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:

أَلَا ائْتَبُّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ بِمَا يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ؟ قَالُوا: بَلَى يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، فَقَالَ: الْجَمْعُ بَيْنَ الصَّلاَتَيْنِ تَزِيدُ فِي الرِّزْقِ، وَالتَّعْقِيبُ بَعْدَ الْعَدَاهِ وَبَعْدَ الْعَصْرِ تَزِيدُ فِي الرِّزْقِ، وَصِلَةُ الرَّحِمِ تَزِيدُ فِي الرِّزْقِ، وَكَسْحُ الْفِنَاءِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ، وَمُوَسَاةُ الْأَخِ فِي اللَّهِ عِزٌّ وَجَلُّ تَزِيدُ فِي الرِّزْقِ، وَالتَّبَكُّورُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ، وَالِاسْتِغْفَارُ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ، وَاسْتِعْمَالُ الْأَمَانَةِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ، وَقَوْلُ الْحَقِّ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ، وَإِجَابَةُ الْمُؤَذِّنِ تَزِيدُ فِي الرِّزْقِ (٤)، وَتَرْكُ الْكَلَامِ فِي الْحَلَاءِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ، وَتَرْكُ الْحِرْصِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ، وَشُكْرُ الْمُنْعَمِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ، وَاجْتِنَابُ الْيَمِينِ الْكَاذِبَةِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ، وَالْوُضُوءُ قَبْلَ الطَّعَامِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ، وَأَكْلُ مَا يَسْقُطُ مِنَ الْخِوَانِ (٥) يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ، وَمَنْ سَبَّحَ اللَّهَ كُلَّ يَوْمٍ ثَلَاثِينَ مَرَّةً دَفَعَ اللَّهُ عِزًّا وَجَلَّ عَنْهُ سَبْعِينَ نَوْعًا مِنَ الْبَلَاءِ أَيَسَّرَهَا الْفَقْرُ.

سِتَّةَ عَشْرَةَ حِصْلَةً مِنَ الْحِكْمِ: (٤)

٣٩٤٥. عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: الصَّدْقُ أَمَانَةٌ، وَالْكَذِبُ خِيَانَةٌ، وَالْأَدَبُ رِيَّاسَةٌ، وَالْحَزْمُ كِيَّاسَةٌ، (وَالسَّرْفُ مَتَوَاهُ (٧) خ ل) وَالْقَصْدُ مَثْرَاهُ (٨)، وَالْحِرْصُ مَفْقَرَةٌ، وَالِدِنَاءَةُ مَحْفَرَةٌ، وَالسَّخَاءُ

ص: ٥٢

١- انْعَمَسَ فِي الْمَاءِ: غَاصَ فِيهِ (أَقْرَبُ الْمَوَارِدِ: غَمَسَ).

٢- تَلَهَّفَ عَلَيْهِ: حَزَنَ عَلَيْهِ وَتَحَسَّرَ (أَقْرَبُ الْمَوَارِدِ: لَهْفَ).

٣- تحف العقول، ص ٢١٢.

٤- المراد الصلاة أول الوقت، أو الخروج إلى الجماعة، أو حكاية الأذان.

٥- الخوان: ما يوضع عليه الطعام عند الأكل (النهاية: ٨٩/٢).

٦- الخصال، ص ٥٠٥، ح ٢.

٧- لا توى عليه: أى لاضياغ ولا خساره. وهو من التوى: الهلاك (النهاية: ١٩٦/١).

٨- أى الوسط فى المعيشه يثرى المال ويوجب الثروه.

شود. اندکی از طرف خدا او را خشنود می کند. از بلای بزرگ خشمگین نمی شود. توان کار را ندارد اما نیت انجام آن را دارد [و ثواب آن را می برد] دستی در خیر دارد. خیر زیادی در نیت دارد. قسمتی از آنها را عملی می کند. برای خیراتی که از دست داده غصه می خورد که چرا به آن عمل نکرده است.

باب شانزده

۳۹۴۴. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: آیا به شما خبر دهم که چه چیزهایی رزق را زیاد می کند؟

گفتند: بله یا امیرالمؤمنین. حضرت فرمودند:

نماز ظهر و عصر، مغرب و عشاء را با هم خواندن، تعقیبات نماز صبح و عصر، صلۀ رحم، جاروب کردن آستان و درگاه، برای خدا به برادر دینی کمک مالی کردن، صبح زود برای کسب بیرون رفتن، استغفار کردن، امانت داری، گفتن حق، تکرار جملات اذان پس از مؤذن، ساکت بودن در حال تخلیه، ترک کردن حرص، سپاسگزاری کردن نعمت دهنده، ترک کردن قسم دروغ، شستن دست ها قبل از غذا، خوردن آنچه از سفره می افتد. و کسی که هر روز سی بار سبحان الله بگوید خداوند از او هفتاد بلا دور می کند که یکی از آنها فقر است.

۳۹۴۵. امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمودند:

راست گویی امانت است. و دروغ خیانت، و ادب ریاست، و دوراندیشی زیرکی، [یا اسراف نابودی]، و میانه روی ثروت، و حرص فقر آور، و فرومایگی حقارت آور، و

قُرْبَهُ، وَاللُّؤْمُ غُرْبَهُ (١)، وَالرِّقَّةُ اسْتِكَانُهُ (٢)، وَالْعَجْزُ مَهَانَةٌ، وَالْهَوَى مَيْلٌ، وَالْوَفَاءُ كَيْلٌ، وَالْعَجْبُ هَلَاكٌ، وَالصَّبْرُ مَلَائِكٌ (٣). (٤) يَابُّ سَبْعَةَ عَشَرَ

٣٩٤٦. وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْهَادِي عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَمَّا كَلَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ قَالَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِلَهِي، مَا جَزَاءُ مَنْ شَهِدَ أَنِّي رَسُولُكَ وَنَبِيِّكَ وَأَنَّكَ كَلَّمْتَنِي؟ قَالَ: يَا مُوسَى! تَأْتِيهِ مَلَائِكَتِي فَيُبَشِّرُهُ بِجَنَّتِي.

قَالَ مُوسَى: إِلَهِي، فَمَا جَزَاءُ مَنْ قَامَ بَيْنَ يَدَيْكَ يُصَلِّي؟ قَالَ: يَا مُوسَى! ابَاهِي بِهِ مَلَائِكَتِي رَاكِعًا وَسَاجِدًا وَقَائِمًا وَقَاعِدًا، وَمَنْ بَاهَيْتُ بِهِ مَلَائِكَتِي لَمْ أَعْدْبُهُ.

قَالَ مُوسَى: إِلَهِي، فَمَا جَزَاءُ مَنْ أَطْعَمَ مِسْكِينًا ابْتِغَاءً وَجِهَةً؟ قَالَ: يَا مُوسَى! أَمْرٌ مُنَادِيًا يُنَادِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى رُؤُوسِ الْخَلَائِقِ أَنْ فُلَانٌ بَنُ فُلَانٍ مِنْ عَتَقَاءِ اللَّهِ مِنَ النَّارِ.

قَالَ مُوسَى: إِلَهِي، فَمَا جَزَاءُ مَنْ وَصَلَ رَحِمَهُ؟ قَالَ: يَا مُوسَى! انْسِي لِي لَهُ أَجَلَهُ، وَأَهْوُنُ عَلَيْهِ سَيِّئَاتِ الْمَوْتِ، وَيُنَادِيهِ خَزَنَةُ الْجَنَّةِ: هَلُمَّ إِلَيْنَا فَادْخُلْ مِنْ أَيِّ أَبْوَابِهَا شِئْتَ.

قَالَ مُوسَى: إِلَهِي، فَمَا جَزَاءُ مَنْ كَفَّ أذَاهُ عَنِ النَّاسِ وَيَدَّلَ مَعْرُوفَهُ لَهُمْ؟ قَالَ: يَا مُوسَى! يُنَادِيهِ النَّارُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: لَا سَبِيلَ لِي عَلَيْكَ.

قَالَ: إِلَهِي، فَمَا جَزَاءُ مَنْ ذَكَرَكَ بِلِسَانِهِ وَقَلْبِهِ؟ قَالَ: يَا مُوسَى! اضْلُئْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِظُلِّ عَرْشِي، وَأَجْعَلْهُ فِي كَنَفِي (٥).

قَالَ: إِلَهِي، فَمَا جَزَاءُ مَنْ تَلَا حِكْمَتَكَ (٦) سِرًّا وَجَهْرًا؟ قَالَ: يَا مُوسَى! يَمُرُّ عَلَى الصُّرَاطِ كَالْبَرْقِ.

قَالَ: إِلَهِي، فَمَا جَزَاءُ مَنْ صَبَرَ عَلَى أذى النَّاسِ وَشَتَمَهُمْ فِيكَ؟ قَالَ: أَعَيْنَهُ عَلَى أَهْوَالِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

ص: ٥٤

١- أي يصيِّر الإنسانَ غريباً في وطنه، كما أنَّ السخاءَ يوجد القربان، أي كان الناس أقرباءه فلا يكون غريباً.

٢- الاستكانه: الخضوع.

٣- أي الصبر ملائكة الأمر: أي قوامه.

٤- الخصال، ص ٥٠٥، ح ٣.

٥- يضع عليه كنفه: أي يستره. وقيل: يرحمه ويلطف به. والكنف - بالتحريك - الجانب والناحية. وهذا تمثيل لجعله تحت ظل رحمته (النهاية: ٢٠٥/٤).

٦- تَلَا حِكْمَتَكَ: أي قرأ التوراه.

سختی و نریکی، و پست بودن غربت، و نرم دلی خضوع، و عجز خواری، و هوس آرزو، و وفاء قیمتی، و خودپسندی هلاکت، و صبر استواری است.

باب هفده

۳۹۴۶. امام هادی علی النقی علیه السلام فرمودند: هنگامی که خداوند با موسی علیه السلام سخن گفت.

۱ - حضرت موسی علیه السلام گفت: خدای من پاداشی کسی که شهادت دهد من رسول و پیامبر تو هستم و تو با من سخن گفتی چیست؟ فرمود: یا موسی ملائکه من می آیند و به او بشارت بهشت می دهند.

۲ - موسی گفت: خدای من پاداش کسی که در حضور تو نماز بپا دارد چیست؟ فرمود:

یا موسی من به فرشتگانم در حال رکوع و سجده و قیام و نشستن او مباحات می کنم. و کسی را که من به او مباحات کنم عذاب نمی کنم.

۳ - موسی گفت: الهی، پاداش کسی که برای تو به فقیری غذا بدهد چیست؟ گفت: یا موسی دستور می دهم روز قیامت فرشته ای بالای سر مردم صدا بزند: فلانی از آتش آزاد شده است.

۴ - موسی گفت: الهی، پاداش کسی که به خویشان خود صله رحم کند چیست؟ گفت:

یا موسی، اجل او را به تأخیر می اندازم و سکرات مرگ را بر او آسان می کنم. و فرشتگان بهشت به او می گویند: از هر دری که می خواهی وارد بهشت شو.

۵ - موسی گفت: الهی، پاداش کسی که از اذیت مردم اجتناب کند و به آنان نیکی کند چیست؟ فرمود: یا موسی، دوزخ روز قیامت می گوید: تو به طرف من نخواهی آمد.

۶ - موسی گفت: الهی، پاداش کسی که با زبان و قلب یاد تو کند؟ فرمود: یا موسی، روز قیامت در سایه عرش خود و در کنار خود او را جای دهم.

۷ - موسی گفت: الهی، پاداش کسی که حکمت [تورات] تو را در آشکار و نهان قرائت کند چیست؟ فرمود: یا موسی، از صراط چون برق بگذرد.

۸ - موسی گفت: الهی پاداش کسی که در برابر اذیت و فحش مردم صبر کند چیست؟ فرمود: یا موسی، در وحشت قیامت او را یاری کنم.

قال: إلهي، فما جزاء من دمعت عيناه من خشيتك؟ قال: يا موسى، أقي وجهه من حر النار، وأومئه يوم الفرع الأكبر.

قال: إلهي، فما جزاء من ترك الخيانة حياءً منك؟ قال: يا موسى! له الأمان يوم القيامة.

قال: إلهي، فما جزاء من أحب أهل طاعتك؟ قال: يا موسى! احزمه على نارى.

قال: إلهي، فما جزاء من قتل مؤمناً متعمداً؟ قال: لا أنظر إليه يوم القيامة ولا أقبل عثرته.

قال: إلهي، فما جزاء من دعا نفساً كافرة إلى الإسلام؟ قال: يا موسى! آذن له في الشفاعة يوم القيامة لمن يريد.

قال: إلهي، فما جزاء من صلى الصلوات لوقتها؟ قال: اعطيه سؤلته، وأبيح جنتى.

قال: إلهي، فما جزاء من أتم الوضوء من خشيتك؟ قال: أبعثه يوم القيامة وله نور بين عينيه يتلأأ.

قال: إلهي، فما جزاء من صام شهر رمضان لك محتسباً؟ قال: يا موسى! اقيمه يوم القيامة مقاماً لا يخاف فيه.

قال: إلهي، فما جزاء من صام شهر رمضان يريد به الناس؟ قال: يا موسى! ثوابه كثواب من لم يصمه.... (1) باب ثمانيه عشر

٣٩٤٧. عن عبد الرحمن بن سمره قال: كنا عند رسول الله يوماً فقال: إني رأيت البارحة عجائب، قال: فقلنا: يا رسول الله صلى الله عليه وآله وما رأيت؟ حدثنا به فداك أنفسنا وأهلونا وأولادنا!

فقال: رأيت رجلاً من امتى وقد أتاه ملك الموت ليقبض روحه، فجاءه برؤه بوالديه فمعه منه.

ص: ٥٦

۹ - موسی گفت: الهی، پاداش کسی که از ترس تو اشک بریزد چیست؟ فرمود: یا موسی، چهره او را از حرارت آتش و از وحشت قیامت در امان می دارم.

۱۰ - موسی گفت: الهی، پاداش کسی که از شرم تو خیانت را ترک کند چیست؟ فرمود:
یا موسی، روز قیامت در امان است.

۱۱ - موسی گفت: الهی، پاداش کسی که بندگان مطیع تو را دوست بدارد چیست؟ فرمود: یا موسی، او را بر آتش دوزخ حرام می کنم.

۱۲ - موسی گفت: الهی، سزای کسی که مؤمنی را عمداً به قتل رساند چیست؟ فرمود: یا موسی، روز قیامت به او نظر نمی کنم. و او را از لغزش نجات نمی دهم.

۱۳ - موسی گفت: الهی، پاداش کسی که کافری را به اسلام دعوت کند چیست؟ فرمود:
روز قیامت به او اجازه می دهم هر کس را می خواهد شفاعت کند.

۱۴ - موسی گفت: الهی، پاداش کسی که نماز را در وقت خود بپا دارد چیست؟ فرمود:
یا موسی، هر چه بخواهد به او می دهم. و بهشت را در اختیارش می گذارم.

۱۵ - موسی گفت: الهی، پاداش کسی که از ترس تو وضوء را به خوبی انجام دهد چیست؟ فرمود: یا موسی، روز قیامت نوری از میان دو چشم او می درخشد.

۱۶ - موسی گفت: الهی، پاداش کسی که به خاطر تو رمضان را روزه بگیرد چیست؟ فرمود: روز قیامت به مقامی می رسد که ترسی ندارد.

۱۷ - موسی گفت: الهی، سزای کسی که رمضان را به خاطر مردم روزه بگیرد چیست؟ فرمود: پاداش او مثل کسی است که روزه نگرفته است.

باب هجده

۳۹۴۷. عبد الرحمان بن سمره گفت: روزی نزد رسول الله صلی الله علیه و آله بودیم حضرت فرمودند: من چیزهای عجیبی دیده ام. گفتیم: یا رسول الله چه دیده اید؟ جان و مال و فرزندان ما فدای شما به ما خبر دهید.

فرمودند: مردی از امت خود را دیدم که فرشته مرگ برای گرفتن روح او آمد دوستی پدر و مادرش باعث شد که روح او را نگیرد.

وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي قَدْ بُسِطَ عَلَيْهِ عَذَابُ الْقَبْرِ، فَجَاءَهُ وَضُوءُهُ فَمَنَعَهُ مِنْهُ.

وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي قَدْ احْتَوَشَتْهُ (١) الشَّيَاطِينُ، فَجَاءَهُ ذِكْرُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَجَنَّبَهُ مِنْ بَيْنِهِمْ.

وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي قَدْ احْتَوَشَتْهُ مَلَائِكَةُ الْعَذَابِ، فَجَاءَتْهُ صَلَاتُهُ فَمَنَعَتْهُ مِنْهُمْ.

وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي يَلْهَثُ عَطَشًا؛ كُلَّمَا وَرَدَ حَوْضًا مَنَعَ مِنْهُ، فَجَاءَهُ صِيَامُ شَهْرِ رَمَضَانَ فَسَقَاهُ وَأَرَوَاهُ.

وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي وَالنَّبِيُّونَ حَلَقًا حَلَقًا كُلَّمَا أَتَى حَلَقَهُ طُرِدَ، فَجَاءَهُ اغْتِسَالُهُ مِنَ الْجَنَابَةِ فَأَخَذَ بِيَدِهِ فَأَجْلَسَهُ إِلَى جَنْبِي.

وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي بَيْنَ يَدَيْهِ ظُلْمَةٌ، وَمِنْ خَلْفِهِ ظُلْمَةٌ، وَعَنْ يَمِينِهِ ظُلْمَةٌ، وَعَنْ شِمَالِهِ ظُلْمَةٌ، وَمِنْ تَحْتِهِ ظُلْمَةٌ؛ مُسْتَنْقِعًا فِي الظُّلْمَةِ، فَجَاءَهُ حُجُّهُ وَعُمْرَتُهُ فَأَخْرَجَاهُ مِنَ الظُّلْمَةِ وَأَدْخَلَاهُ النُّورَ.

وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي يُكَلِّمُ الْمُؤْمِنِينَ فَلَا يُكَلِّمُونَهُ، فَجَاءَ صِلَتُهُ لِلرَّحِمِ، فَقَالَ: يَا مَعْشَرَ الْمُؤْمِنِينَ كَلِّمُوهُ؛ فَإِنَّهُ كَانَ وَاصِلًا لِرَحِمِهِ، فَكَلَّمَهُ الْمُؤْمِنُونَ وَصَافَحُوهُ، وَكَانَ مَعَهُمْ.

وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي يَتَّقِي وَهَجَ (٢) النَّيرانِ وَشَرَّهَا بِيَدِهِ وَوَجْهِهِ، فَجَاءَتْهُ صِدْقَتُهُ فَكَانَتْ ظِلًّا عَلَى رَأْسِهِ وَسِتْرًا عَلَى وَجْهِهِ.

وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي قَدْ أَخَذَتْهُ الزَّبَانِيَةُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ، فَجَاءَهُ أَمْرُهُ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهْيُهُ عَنِ الْمُنْكَرِ فَخَلَّصَهُ مِنْ بَيْنِهِمْ وَجَعَلَهُ مَعَ مَلَائِكَةِ الرَّحْمَةِ.

وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي جَائِعًا عَلَى رُكْبَتَيْهِ بَيْنَهُ وَبَيْنَ رَحْمَةِ اللَّهِ حِجَابًا، فَجَاءَهُ حُسْنُ خُلُقِهِ فَأَخَذَهُ بِيَدِهِ وَأَدْخَلَهُ فِي رَحْمَةِ اللَّهِ.

وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي قَدْ هَوَتْ صَحِيفَتُهُ قَبْلَ شِمَالِهِ، فَجَاءَهُ خَوْفُهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَأَخَذَ صَحِيفَتَهُ فَجَعَلَهَا فِي يَمِينِهِ.

وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي قَدْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ، فَجَاءَهُ إِفْرَاطُهُ فِي صَلَاتِهِ فَتَقَلَّتْ مَوَازِينُهُ (فَجَاءَهُ أَفْرَاطُهُ فَتَقَلَّتْ مَوَازِينُهُ).

وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي قَائِمًا عَلَى شَفِيرِ جَهَنَّمَ، فَجَاءَهُ رَجَاؤُهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَاسْتَنْقَذَهُ مِنْ ذَلِكَ.

ص: ٥٨

١- احتوش القوم على فلان: إذا جعلوه وسطهم.

٢- الوهج: توقد النار واشتعالها.

دیدم مردی از امت من دچار عذاب قبر بود ولی وضوی او مانع عذاب قبر می شود.

دیدم مردی از امت مرا شیاطین می ترسانند ولی اذکار او مانع آنان می شود.

دیدم مردی از امت مرا فرشتگان عذاب احاطه کرده اند ولی نماز او مانع آنان می شود.

دیدم مردی از تشنگی رنج می برد، هرچه می خواهد از حوض بنوشد نمی تواند. روزه او آمد و به او آب داد و سیراب کرد.

دیدم مردی از امت من در حالی که پیامبران حلقه حلقه بودند هرگاه می خواست وارد حلقه پیامبران شود کنار زده می شد. آن گاه غسل جنابت دست او را گرفت و در کنار من نشانده.

دیدم مردی از امت من گرفتار ظلمت است که از چپ و راست و جلو و عقب و بالا و پایین او را محاصره کرده است، آن گاه حج و عمره آمد و او را از ظلمت نجات داد و وارد نور کرد.

دیدم مردی از امت من با مؤمنان سخن می گوید ولی آنان با او سخن نمی گویند. آنگاه صله رحم آمد و گفت: ای مؤمنان با او سخن بگویید او به خویشان خود صله رحم کرده است. مؤمنان با او دیده بوسی کرده و سخن گفتند.

دیدم مردی از امت من که از شعله و شرر آتش به دست و صورتش می ترسد آنگاه صدقه ای که داده بود آمد و بر سر و صورت او سایه انداخت.

دیدم مردی از امت من که از همه جا آتش او را فرا گرفته، امر به معروف و نهی از منکرش او را خلاص کرد و نزد فرشتگان رحمت برد.

دیدم مردی از امت من روی زانو ایستاده و بین او و رحمت خدا فاصله افتاده بود، خوشرفتاری او دستش را گرفت و وارد رحمت خدا کرد.

دیدم مردی از امت من نامه عملش از طرف چپ به او نزدیک می شود، ترس از خدا آمد و نامه اش را بدست راست او داد.

دیدم مردی از امت من کفه میزان او سبک است، زیادی نمازش میزان او را سنگین کرد.

دیدم مردی از امت من در پرتگاه جهنم ایستاده است، امید او به خدا او را نجات داد.

وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي قَدِ هَوَى فِي النَّارِ، فَجَاءَتْهُ دُمُوعُهُ الَّتِي بَكَى مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ، فَاسْتَخْرَجَتْهُ مِنْ ذَلِكَ.

وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي عَلَى الصُّرَاطِ يَرْتَعِدُ كَمَا تَرْتَعِدُ السَّعْفَةُ فِي يَوْمِ رِيحٍ عَاصِفٍ، فَجَاءَهُ حُسْنُ ظَنِّهِ بِاللَّهِ فَسَيَّكَرَنَّ رَعْدَتُهُ وَمَضَى عَلَى الصُّرَاطِ.

وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي عَلَى الصُّرَاطِ يَزْحَفُ أحياناً وَيَجْبُو أحياناً وَيَتَعَلَّقُ أحياناً، فَجَاءَتْهُ صِيْلَاتُهُ عَلَيَّ فَأَقَامَتْهُ عَلَيَّ قَدَمِيهِ ، وَمَضَى عَلَى الصُّرَاطِ.

وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي انْتَهَى إِلَى أَبْوَابِ الْجَنَّةِ كُلَّمَا انْتَهَى إِلَى بَابٍ اغْلَقَ دُونَهُ، فَجَاءَتْهُ شَهَادَةٌ «أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» صَادِقًا بِهَا فَفَتَحَتْ لَهُ الْأَبْوَابَ وَدَخَلَ الْجَنَّةَ.

بَابُ تِسْعَةَ عَشَرَ

تِسْعَةَ عَشَرَ شَيْئًا وُضِعَ عَنِ النِّسَاءِ: (١)

٣٩٤٨. عَيْنُ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ أَبِيهِ عَنِ جَدِّهِ عَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ: يَا عَلِيُّ، لَيْسَ عَلَى النِّسَاءِ جُمُعُهُ، وَلَا- جَمَاعَةٌ، وَلَا- أَذَانٌ، وَلَا إِقَامَةٌ، وَلَا عِيَادَةٌ مَرِيضٍ، وَلَا اتِّبَاعُ جَنَازِهِ، وَلَا هَرُوكُهُ بَيْنَ الصِّفَا وَالْمَرَوَةِ، وَلَا اسْتِلامُ الْحَجَرِ، وَلَا حَلْقٌ، وَلَا تَوَلَّى الْقَضَاءِ، وَلَا تَسْتِشَارُ، وَلَا تَدْيِخُ إِلَّا عِنْدَ الضَّرُورَةِ، وَلَا تَجْهَرُ بِالتَّلْبِيَةِ (٢)، وَلَا تُقِيمُ عِنْدَ (٣) قَبْرِ، وَلَا- تَسْمَعُ الْخُطْبَةَ، وَلَا- تَتَوَلَّى التَّرْوِيحَ، وَلَا- تَخْرُجُ مِنْ بَيْتِ زَوْجِهَا إِلَّا بِإِذْنِهِ؛ فَإِنْ خَرَجْتَ بِغَيْرِ إِذْنِهِ لَعَنَهَا اللَّهُ وَجَبْرَيْلُ وَمِيكَائِيلُ، وَلَا تُعْطَى مِنْ بَيْتِ زَوْجِهَا شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَلَا تَبِيْتُ وَزَوْجِهَا عَلَيْهَا سَاحِطٌ وَإِنْ كَانَ ظَالِمًا لَهَا. (٤) أَقُولُ: النَّفْيُ فِي أَكْثَرِ الْمَوَارِدِ الْمَذْكُورَةِ بِعُنْوَانِ الْكِرَاهَةِ. نَعَمْ الظَّاهِرُ أَنَّ فِي الْحَلْقِ وَتَوَلَّى أَمْرَ الْقَضَاءِ وَإِسْتِمَاعِ الْخُطْبَةِ فِي الْجُمُعَةِ وَالْخُرُوجِ مِنْ بَيْتِ زَوْجِهَا بِغَيْرِ إِذْنِهِ إِلَى السَّفَرِ وَنَحْوِهِ الْإِزَامِيُّ، وَالتَّفْصِيلُ فِي الْفِقْهِ .

ص: ٦٠

١- . الأُمَالِي لِلصَّدُوقِ، ص ٣٠١، ح ١/٣٤٢.

٢- أَيْ قَوْلُ: «لِبَيْكُ» عِنْدَ الْإِحْرَامِ، فَلَا تَجْهَرُ كَمَا يَجْهَرُ الرِّجَالُ.

٣- . كَانَ مَعْرُوفًا أَنَّ تَقِيمَ الْمَرْأَةِ عِنْدَ قَبْرِ زَوْجِهَا، فَنَهَى عَنْهُ.

٤- . الْخِصَالُ، ص ٥١١، ح ٢.

دیدم مردی از امت من در حال افتادن به دوزخ است، اشکهایی که از خوف خدا ریخته بود آمد و او را از این حال خارج کرد.

دیدم مردی از امت من در صراط چون شاخ درختان در باد شدید به خود می لرزد، گمان نیک او به خدا او را آرامش داد و از صراط گذراند.

دیدم مردی از امت من در صراط گاهی به عقب بر می گردد و گاهی جلو می رود گاهی می افتد. صلوات او بر من او را بر پا داشت و از صراط گذراند.

دیدم مردی از امت من به سوی هر در از درهای بهشت می رود به روی او بسته می شود.

شهادت صادقانه لا اله الا الله درهای بهشت را برایش باز کرد و وارد بهشت شد.

باب نوزده

۳۹۴۸. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: یا علی، شرکت زنان در نماز جمعه و نماز جماعت واجب نیست.

اذان و اقامه واجب نیست. و عیادت مریض، و تشییع جنازه نمی رود. در سعی بین صفا و مروه هروله [دویدن] نکنند. حجر الاسود را استلام نکنند. سرش را هنگام تقصیر تراشد.

قضاوت نکنند. مشاور نشود. حیوانات را ذبح نکند جز در موارد ضرورت. لبیک را بلند نمی گوید. و کنار قبر نایستد. و خطبه [نماز جمعه] نخواند. خطبه عقد ازدواج نخواند. از خانه بدون اجازه شوهر خارج نشود. و اگر بدون اجازه خارج شود خداوند و جبرئیل و میکائیل او را لعنت می کنند. از خانه شوهر چیزی را بدون اجازه به کسی نبخشد. شب در حالی که شوهر از او راضی نیست نخوابد، حتی اگر شوهر به او ظلم کند.

مؤلف گوید: اکثر موارد فوق کراهت دارد. بله بعضی از موارد مثل تراشیدن سر و قضاوت و خواندن خطبه در نماز جمعه و خارج شدن از خانه بدون اجازه شوهر و مسافرت و امثال آن حرام است.

بَابُ الْعِشْرِينَ وَمَا فَوْقَهَا

باب بیست و بیشتر از آن

اشاره

ص: ۶۳

٣٩٤٩. عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ رَزَقَهُ اللَّهُ حُبَّ الْأَيْمَةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَقَدْ أَصَابَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، فَلَا يَشْكُنَنَّ أَحَدٌ أَنَّهُ فِي الْجَنَّةِ؛ فَإِنَّ فِي حُبِّ أَهْلِ بَيْتِي عِشْرُونَ خَصْلَةً؛ عَشْرٌ مِنْهَا فِي الدُّنْيَا، وَعَشْرٌ مِنْهَا فِي الْآخِرَةِ:

أَمَّا فِي الدُّنْيَا: فَالزُّهْدُ، وَالْحِرْصُ عَلَى الْعَمَلِ (الْعِلْمُ خ ل)، وَالْوَرَعُ فِي الدِّينِ، وَالرَّغْبَةُ فِي الْعِبَادَةِ، وَالتَّوْبَةُ قَبْلَ الْمَوْتِ، وَالتَّشَاهُ فِي قِيَامِ اللَّيْلِ (١)، وَالْيَأْسُ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ، وَالْحَفِظُ لِأَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَالتَّاسِعَةُ: بُغْضُ الدُّنْيَا، وَالْعَاشِرَةُ: السَّخَاءُ.

وَأَمَّا فِي الْآخِرَةِ: فَلَا- يُشْرُ لَهُ دِيوَانٌ، وَلَا يُنْصَبُ لَهُ مِيزَانٌ، وَيُعْطَى كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ، وَيُكْتَبُ لَهُ بَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ، وَيُبَيِّضُ وَجْهَهُ، وَيُكْسِي مِنَ حُلْلِ الْجَنَّةِ، وَيُشْفَعُ فِي مَنْهُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَيَنْظُرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ بِالرَّحْمَةِ، وَيَتَوَجَّحُ مِنْ تِجَانِ الْجَنَّةِ، وَالْعَاشِرَةُ: يَدْخُلُ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ، فَطُوبَى لِمُجِبِّي أَهْلِ بَيْتِي. (٢)

٣٩٥٠. عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لِلْمُؤْمِنِ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عِشْرُونَ خَصْلَةً يَفِي لَهُ بِهَا: عَلَى اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنْ لَا يَفْتِنَهُ وَلَا يُضِلَّهُ، وَلَهُ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يُعْرِئَهُ وَلَا يُجَوِّعَهُ، وَلَهُ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يَشْمِتَ بِهِ عِيدُوهُ، وَلَهُ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يَخْذُلَهُ وَيُعِزَّهُ، وَلَهُ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يَهْتِكَ سِتْرَهُ، وَلَهُ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يُمِيتَهُ غَرْقًا وَلَا- حَرْقًا، وَلَهُ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يَقَعَ عَلَى شَيْءٍ وَلَا يَقَعَ عَلَيْهِ شَيْءٌ، وَلَهُ عَلَى اللَّهِ أَنْ يَقِيَهُ مَكْرَ الْمَاكِرِينَ، وَلَهُ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُعِيدَهُ مِنْ سَيِّطَاتِ الْجَبَّارِينَ، وَلَهُ عَلَى اللَّهِ [أَنْ] (٣) يَجْعَلُهُ مَعَنَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَلَهُ عَلَى اللَّهِ أَنْ

١- إشاره إلى قوله تعالى: «إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً» والمراد النفس التي تنشأ من مضجعها إلى العبادة أو قيام الليل أو العبادة التي تنشأ بالليل أو غيرها من المحتملات.

٢- . مشكاة الأنوار، ص ١٥٣.

٣- أضفناها من الخصال والبحار: ج ٢٧ ص ١٢٣.

۳۹۴۹. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که خداوند به او محبت امامان اهل بیت مرا بدهد، به خیر دنیا و آخرت رسیده است. و کسی شک نکند که او در بهشت است. در محبت اهل بیت من بیست امتیاز وجود دارد:

ده امتیاز در دنیا: زهد، علاقه به عمل [یا علم]، پرهیزکاری در دین، تمایل به عبادت، توبه قبل از مرگ، برکت نماز شب، بی اعتنایی به مال مردم، محافظت از امر و نهی خداوند متعال، نفرت از دنیا، و سخاوت.

ده امتیاز در آخرت: محاکمه نمی شود، میزان برایش بر پا نمی شود، نامه عملش به دست راست او داده می شود، برائت از آتش به او می دهند، چهره اش نورانی می شود.

پوشاک بهشتی به او پوشانده می شود. صد نفر از خانواده خود را شفاعت می کند. خداوند به او نظر رحمت می افکند. تاج بهشتی بر سرش نهاده می شود. و بی حساب وارد بهشت می شود.

طوبی بر دوستداران اهل بیت من.

۳۹۵۰. امام باقر علیه السلام فرمود: برای مؤمن نزد خداوند بیست امتیاز است که خداوند به آن وفا می کند:

بر خداست که او را به فتنه نیاندازد و گمراه نکند. حق او بر خداست که او را عریان و گرسنه نگذارد. حق او بر خداست که دشمن، او را شتمات نکند. او را ذلیل نکند و عزیز گرداند. حق او بر خداست که او را رسوا نکند. حق او بر خداست که او را دچار غرق یا سوختگی نکند. حق او بر خداست که روی چیزی نیفتد و چیزی روی او نیفتد. حق او بر خداست که او را از مکر مکاران نگه دارد. حق او بر خداست که او را از نقشه زورگویان حفظ کند. حق او بر خداست که او را در دنیا و آخرت با ما اهل بیت قرار دهد. حق او بر

لَا يُسَلِّطُ عَلَيْهِ مِنَ الْأَدْوَاءِ مَا يَشِينُ خَلْقَتَهُ، وَلَهُ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُعِيدَهُ مِنَ الْبَرَصِ وَالْجُدَامِ، وَلَهُ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يُمَيِّتَهُ عَلَى كَبِيرِهِ، وَلَهُ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يُنْسِيَهُ مَقَامَهُ فِي الْمَعَاصِي حَتَّى يُحَدِّثَ لَهُ تَوْبَةً (١)، وَلَهُ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يَحْبُبَ عَنْهُ عِلْمَهُ وَمَعْرِفَتَهُ لِحُجَّتِهِ، وَلَهُ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يُعَزِّزَ [فِي] (٢) قَلْبِهِ الْبَاطِلَ، وَلَهُ عَلَى اللَّهِ أَنْ يَحْشُرَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَنُورُهُ يَسْعَى بَيْنَ يَدَيْهِ، وَلَهُ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُؤَفِّقَهُ لِكُلِّ خَيْرٍ، وَلَهُ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يُسَلِّطَ عَلَيْهِ عَدُوَّهُ وَيُذِلَّهُ (٣)، وَلَهُ عَلَى اللَّهِ أَنْ يَخْتِمَ لَهُ بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ وَيَجْعَلَهُ مَعَنَا فِي الرَّفِيقِ الْأَعْلَى. هَذِهِ شَرَايِطُ اللَّهِ عِزِّ وَجَلِّ لِلْمُؤْمِنِينَ. (٤) مِنْ حِكْمِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٣٩٥١. فَرَضَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً مِنَ الشَّرِكِ، وَالصَّلَاةَ تَنْزِيهاً عَنِ الْكِبْرِ، وَالزَّكَاةَ تَسْبِيحاً لِلرِّزْقِ، وَالصَّيَامَ ابْتِلَاءً لِإِخْلَاصِ الْخَلْقِ، وَالْحِجَّ تَقْوِيَةً لِلدِّينِ، وَالْجِهَادَ عِزًّا لِلْإِسْلَامِ، وَالْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلِحَةً لِلْعَوَامِّ، وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ رَدْعاً لِلشُّفَهَاءِ، وَصَلَاةَ الْأَرْحَامِ مَنَاماً (٥) لِلْعَدَدِ، وَالْقِصَاصَ حَقّاً (٦) لِلدَّمَاءِ، وَإِقَامَةَ الْحُدُودِ إِعْظَاماً لِلْمَحَارِمِ، وَتَرْكَ شُرْبِ الْخَمْرِ تَحْصِيناً لِلْعَقْلِ، وَمُجَانَبَةَ الشَّرْقِ إِجَاباً لِلْعَفْهِ، وَتَرْكَ الزُّنَا تَحْصِيناً لِلْأَنْسَابِ، وَتَرْكَ اللَّوَاظِ تَكْتِيهاً لِلنَّسْلِ، وَالشَّهَادَاتِ اسْتِظْهَاراً عَلَى الْمُجَاحِدَاتِ، وَتَرْكَ الْكُذْبِ تَشْرِيفاً لِلصِّدْقِ، وَالْإِسْلَامَ أَمَاناً مِنَ الْمَخَاوِفِ، وَالْأَمَانَةَ نِظَاماً لِلْأَمَّةِ، وَالطَّاعَةَ تَعْظِيماً لِلْإِمَامَةِ. (٧)

٣٩٥٢. عِشْرُونَ حَخْصَةً فِي مُحَبِّ أَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: عِشْرَةٌ مِنْهَا فِي الدُّنْيَا، وَعِشْرَةٌ مِنْهَا فِي الْآخِرَةِ:

فَأَمَّا الَّتِي فِي الدُّنْيَا: فَالزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا، وَالْحِرْصُ عَلَى الْعِلْمِ، وَالْوَرَعُ فِي الدِّينِ، وَالرَّعْبَةُ فِي الْعِبَادَةِ، وَالتَّوْبَةُ قَبْلَ الْمَمَاتِ، وَالنَّشَاطُ فِي قِيَامِ اللَّيْلِ، وَالْيَأْسُ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ، وَالْحِفْظُ لِأَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ، وَبُغْضُ الدُّنْيَا، وَالسَّخَاءُ.

ص: ٦٦

١- في الخصال والبحار: «حتى يحدث توبته».

٢- أضفناها من الخصال والبحار.

٣- في الخصال والبحار: «فيذله».

٤- الخصال، ص ٥١٦، ح ٢.

٥- منامة: الزيادة (المجمع: نمي).

٦- حَقَنْتُ دَمَهُ: مَنَعْتُ أَنْ يُسْفِكَ (لسان العرب: حقن).

٧- نهج البلاغه، ج ٤، ص ٥٥، ح ٢٥٢.

خداست بیماریهایی که آفرینش او را زشت می کند بر او مسلط نکند. حق او بر خداست که او را از جذام و برص حفظ کند. حق او بر خداست که در حال گناه کبیره مرگ او را نرساند.

حق او بر خداست که او را در گناهان به خود رها نکند تا موفق به توبه شود. حق او بر خداست که علم خود و معرفت حجت خود را بر او نبوشاند. حق او بر خداست که باطل قلب او را نفریبد. حق او بر خداست که او را روز قیامت در حالی محشور کند که نور او پیش رویش را روشن کند. حق او بر خداست که او را به هر خیری توفیق دهد. حق او بر خداست که دشمن را بر او مسلط نکند. و دشمنش را ذلیل کند. حق او بر خداست که عاقبت او را با ایمان و امن ختم کند. و او را با ما در رفیق اعلی قرار دهد. اینها حقوق مؤمنین بر خداوند است.

حکمت های امیرالمؤمنین علیه السلام

۳۹۵۱. خداوند سبحان ایمان را پاک کننده از شرک، و نماز را پاک کننده از تکبر، و زکات را سبب رزق، و روزه را آزمایشی برای اخلاص، و حج را تقویت دین، و جهاد را عزت اسلام، و امر به معروف را به مصلحت عموم مردم، و نهی از منکر را منع کردن سفیهان، و صلّه رحم را زیاد کردن عمر و قصاص را برای حفظ جانها، و بر پا داشتن حدود را برای بزرگ شمردن حرام، و ترک نوشیدن شراب را برای محافظت عقل، و اجتناب از دزدی را برای عفت، و ترک زنا را برای حفظ نسله، و ترک لواط را برای تکثیر نسل، و شهادت را ظاهر کننده انکارها، و دروغ نگفتن را برای شرف دادن به راستگویی، و اسلام را امان از ترسها، و امانت را نظام برای مسلمانان، و طاعت را بزرگ شمردن امامت قرار داد.

۳۹۵۲. محبت اهل بیت علیهم السلام بیست اثر دارد:

ده اثر در دنیا: زهد در زندگی و حرص در علم، و تقوی در دین، و تمایل به عبادت، و توبه قبل از مرگ، و طراوت در نماز شب، و طمع نداشتن به مال مردم، و مراقبت از امر و نهی خداوند، و نفرت از دنیا، و سخاوت.

وَأَمَّا الْعَشْرَةُ الَّتِي فِي الْآخِرَةِ: فَلَا يُشْرُ لَهُ دِيْوَانٌ، وَلَا يُنْصَبُ لَهُ مِيزَانٌ، وَيُعْطَى كِتَابُهُ بِيَمِينِهِ، وَتُكْتَبُ لَهُ بَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ، وَيَبْيَضُّ وَجْهُهُ، وَيُكْسَى مِنْ حُلَامِ الْجَنَّةِ، وَيُشْفَعُ فِي مَنْهُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَيَنْظُرُ اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ بِالرَّحْمَةِ، وَيَتَوَجَّحُ بِتَاجٍ مِنْ تِجَانِ الْجَنَّةِ، فَيَدْخُلُهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ، فَطُوبَى لِمُجِيبِي وُلْدِي وَعِترَتِي وَأَهْلِ بَيْتِي. (١)

بَابُ اثْنَيْنِ وَعِشْرِينَ: خِصَالُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٣٩٥٣. ذَكَرَ اثْنَتَيْنِ وَعِشْرِينَ خَصَلَةً مِنَ الْخِصَالِ الْمَحْمُودَةِ الَّتِي وَصِفَ بِهَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

عَنْ حَمْرَانَ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يُصَلِّي فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ أَلْفَ رَكَعَةٍ كَمَا يَفْعَلُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، كَانَتْ لَهُ حَمْسِمِيَّةٌ نَحَلَهُ، فَكَانَ يُصَلِّي عِنْدَ كُلِّ نَحْلَةٍ رَكَعَتَيْنِ.

وَكَانَ إِذَا قَامَ فِي صَلَاتِهِ غَشِيَ لَوْنَهُ لَوْنُ آخِرٍ.

وَكَانَ قِيَامُهُ فِي صَلَاتِهِ قِيَامَ الْعَبْدِ الدَّلِيلِ بَيْنَ يَدَيْ الْمَلِكِ الْجَلِيلِ. كَانَتْ أَعْضَاؤُهُ تَرْتَعِدُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ عِزِّ وَجَلِّ.

وَكَانَ يُصَلِّي صِيْلَةَ مُودِّعٍ يَرَى أَنَّهُ لَا يُصَلِّي بَعْدَهَا أَبَدًا، وَلَقَدْ صَلَّى ذَاتَ يَوْمٍ فَسَقَطَ الرِّدَاءُ عَنْ إِحْدَى مَنَكِبَيْهِ فَلَمْ يُسَوِّهِ حَتَّى فَرَّغَ مِنْ صِيْلَاتِهِ، فَسَأَلَهُ بَعْضُ أَصْحَابِهِ عَنِ ذَلِكَ فَقَالَ: وَيَحْكُ! أَتَدْرِي بَيْنَ يَدَيَّ مَنْ كُنْتُ؟ إِنَّ الْعَبْدَ لَا يَقْبَلُ مِنْ صِيْلَاتِهِ إِلَّا مَا أَقْبَلَ عَلَيْهِ مِنْهَا بِقَلْبِهِ. فَقَالَ الرَّجُلُ: هَلَكْنَا! فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَلَّا، إِنَّ اللَّهَ عِزُّ وَجَلِّ مُتَمِّمٌ ذَلِكَ بِالنَّوْفِلِ.

وَكَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِيَخْرُجَ فِي اللَّيْلِ الظُّلَمَاءِ فَيَحْمِلُ الْجِرَابَ عَلَى ظَهْرِهِ وَفِيهِ الصُّرْرُ (٢) مِنَ الدَّنَانِيرِ

ص: ٦٨

١- الخصال، ص ٥١٥، ح ١.

٢- الصُّرْرُ: جمع الصُّرَّة - بالضم -، ما توضع فيها الدراهم والدنانير.

و ده اثر در آخرت: دفتر حسابرسی برای او گشوده نمی شود، میزان برپا نمی شود، نامه عمل را به دست راست می دهند، او را از آتش رها می کنند، چهره اش نورانی می شود. و از لباسهای بهشتی می پوشد، و صد نفر از بستگان خود را شفاعت می کند. و خداوند به او نظر رحمت می افکند. و از تاجهای بهشتی بر سر او می گذارد. و بی حساب وارد بهشت می شود.

پس طوبی بر دوستداران فرزندان و عترت و اهل بیت من.

باب بیست و دو: خصلتهای امام سجاد علیه السلام

۳۹۵۳. امام سجاد علیه السلام به بیست و دو صفت پسندیده آراسته بود.

امام باقر علیه السلام فرمود: امام سجاد علیه السلام در شبانه روز مانند امیرالمؤمنین علیه السلام هزار رکعت نماز به جا می آورد. امیرالمؤمنین علیه السلام پانصد نخل داشتند که در کنار هر کدام دو رکعت نماز به جا می آورد.

هنگامی که به نماز می ایستاد از خود بی خود شده و رنگ چهره اش تغییر می کرد.

هنگام نماز مثل بنده ذلیل در حضور مالک جلیل می ایستاد.

اعضای بدن مبارکش از ترس خدا می لرزید.

چنان نماز می خواند که گویا آخرین نماز اوست. روزی هنگام نماز یک طرف عبا از دوش حضرت افتاد و آن را درست نکرد تا نماز تمام شد. کسی از او سؤال کرد [چرا عبا را در حال نماز درست نکردید؟] حضرت فرمودند: وای بر تو آیا می دانی در حضور چه کسی بودم؟ از نماز بنده فقط آن مقداری که حضور قلب داشته باشد قبول می شود.

آن شخص گفت: نابود شدیم. امام علیه السلام فرمودند: این کمبودها را خداوند با نافلة کامل می کند.

شبهای تاریک کسیه ای از درهم و دینار بر دوش می گرفتند، گاهی هم غذا یا هیزم

وَالدَّرَاهِمِ، وَرُبَّمَا حَمَلَ عَلَى ظَهْرِهِ الطَّعَامَ أَوْ الْحَطَبَ حَتَّى يَأْتِيَ أَبَا بَابًا فَيَقْرَعُهُ، ثُمَّ يُنَاوِلَ مَنْ يَخْرُجُ إِلَيْهِ.

وَكَانَ يُعْطَى وَجْهَهُ إِذَا نَاوَلَ فَقِيرًا لَيْثًا يَعْرِفُهُ، فَلَمَّا تُوفِّيَ فَتَدَاوَى ذَلِكَ، فَعَلِمُوا أَنَّهُ كَانَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ. وَلَمَّا وُضِعَ عَلَى الْمُغْتَسَلِ نَظَرُوا إِلَى ظَهْرِهِ وَعَلَيْهِ مِثْلُ رُكْبِ الْإِبِلِ مِمَّا كَانَ يَحْمِلُ عَلَى ظَهْرِهِ إِلَى مَنَازِلِ الْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ.

وَلَقَدْ خَرَجَ ذَاتَ يَوْمٍ وَعَلَيْهِ مِطْرَفٌ (١) خَزٌّ، فَتَعَرَّضَ لَهُ سَائِلٌ فَتَعَلَّقَ بِالْمِطْرَفِ، فَمَضَى وَتَرَكَهُ.

وَكَانَ يَشْتَرِي الْخَزَّ فِي الشِّتَاءِ، فَإِذَا جَاءَ الصَّيْفُ بَاعَهُ فَتَصَدَّقَ بِثَمَنِهِ.

وَلَقَدْ نَظَرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ عَرَفَةَ إِلَى قَوْمٍ يَسْأَلُونَ النَّاسَ فَقَالَ: وَيَحْكُمُ! أَعْيَرَ اللَّهُ تَسْأَلُونَ فِي مِثْلِ هَذَا الْيَوْمِ؟! إِنَّهُ لَيُرْجَى فِي مِثْلِ هَذَا الْيَوْمِ لِمَا فِي بُطُونِ الْحُبَالَى أَنْ يَكُونُوا سَعْدَاءَ.

وَلَقَدْ كَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَأْبَى أَنْ يُؤَاكَلَ أُمَّهُ، فَقِيلَ لَهُ: يَا بِنَ رَسُولِ اللَّهِ، أَنْتَ أَبْرُّ النَّاسِ وَأَوْصِيَهُمْ لِلرَّحِمِ، فَكَيْفَ لَا تُؤَاكِلُ أُمَّكَ؟! فَقَالَ: إِنِّي أَكْرَهُ أَنْ تَسْبِقَ يَدِي إِلَى مَا سَبَقَتْ عَيْنُهَا إِلَيْهِ.

وَلَقَدْ قَالَ لَهُ رَجُلٌ: يَا بِنَ رَسُولِ اللَّهِ، إِنِّي لِأُجْبِكَ فِي اللَّهِ شَدِيدًا، فَقَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَحَبَّ فِيكَ وَأَنْتَ لِي مُبْغِضٌ.

وَلَقَدْ حَجَّ عَلَى نَاقِهِ لَهُ عِشْرِينَ حَجَّةً فَمَا قَرَعَهَا بِسَوْطٍ، فَلَمَّا نَفَقَتْ (٢) أَمَرَ بِدَفْنِهَا لَيْثًا تَأْكُلُهَا السَّبَاعُ.

وَلَقَدْ سئِلَتْ عَنْهُ مَوْلَاهُ لَهُ فَقَالَتْ: أَطْنِبُ أَوْ أَخْتَصِرُ؟ فَقِيلَ لَهَا: بَلِ اخْتَصِرِي، فَقَالَتْ: مَا أَتَيْتُهُ بِطَعَامٍ نَهَارًا قَطُّ، وَمَا فَرَشْتُ لَهُ فِرَاشًا بَلِيلٍ قَطُّ.

وَلَقَدْ انْتَهَى ذَاتَ يَوْمٍ إِلَى قَوْمٍ يَغْتَابُونَهُ، فَوَقَفَ عَلَيْهِمْ فَقَالَ: إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ فَغْفَرَ اللَّهُ لِي، وَإِنْ كُنْتُمْ كَاذِبِينَ فَغْفَرَ اللَّهُ لَكُمْ.

وَكَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا جَاءَهُ طَالِبٌ عِلْمٍ فَقَالَ: مَرَحَبًا بِوَصِيَّتِهِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ثُمَّ يَقُولُ: إِنَّ طَالِبَ الْعِلْمِ إِذَا

ص: ٧٠

١- . المطرف - بكسر الميم وفتحها وضمها -: الثوب الذي في طرفه علمان. والميم زائده (النهاية: ١٢١/٣).

٢- نفقت الدابة: أى ماتت (الصحيح: ١٥٦/٤).

حمل می کردند، و درب خانه نیازمندان را می زدند، و به آنها می دادند.

هنگامی که به فقیر کمک می کرد چهره اش را می پوشانید تا او را نشناسد. زمانی که به شهادت رسید فقیران فهمیدند که او امام سجاد علیه السلام بوده است.

هنگامی که او را روی مغتسل گذاشتند بر پشت آن حضرت آثار کیسه [مانند آثار بند شتر] که برای فقیران حمل می کردند مشاهده می شد.

روزی آن حضرت لباسی از خز بر دوش داشت سائلی گوشه آن را گرفت و به حضرت تعرض کرد. حضرت لباس را رها کرد و رفت.

در زمستان لباس خز می خرید و در تابستان آن را می فروخت و پولش را صدقه می داد.

روز عرفه گروهی را دیدند که از مردم درخواست کمک می کردند. امام علیه السلام فرمود: وای بر شما در چنین روزی از غیر خدا درخواست می کنید. در چنین روزی امید می رود که جنین های در شکم مادران سعادتمند شود؟!

حضرت علیه السلام با مادرش غذا نمی خورد. به او گفتند: پسر رسول خدا شما نیکوترین مردم هستید و از همه بهتر صله رحم را رعایت می کنید پس چرا با مادر غذا نمی خورید؟

فرمودند: دوست ندارم دست به لقمه ای دراز کنم که قبل از من چشم مادرم به آن باشد.

مردی به آن حضرت گفت: پسر رسول خدا من تو را بخاطر خدا بشدت دوست دارم حضرت فرمودند: خدایا به تو پناه می برم که به خاطر تو مرا دوست داشته باشند و تو از من نفرت داشته باشی.

بیست سفر حج با شتر رفتند ولی یک تازیانه به حیوان زدند وقتی شتر مرد دستور دادند شتر را دفن کنند تا حیوانات درنده او را نخورند.

از یکی از کنیزان حضرت درباره او پرسیدند. گفت: توضیح بدهم یا خلاصه بگویم؟ گفتند: خلاصه بگو. گفت: هرگز روزها برایش غذا نیاوردم و شبها برایش بستر نیاوردم.

روزی به گروهی رسیدند که به غیبت آن حضرت مشغول بودند. ایستادند و فرمودند:

اگر راست می گوئید خدا مرا بیامرزد. و اگر دروغ می گوئید خدا شما را بیامرزد.

هرگاه کسی در جستجوی علم نزد حضرت می آمد، می فرمود: مرحبا به وصیت

خَرَجَ مِنْ مَنْزِلِهِ لَمْ يَضَعْ رِجْلَهُ عَلَى رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ مِنَ الْأَرْضِ إِلَّا سَبَّحَتْ لَهُ إِلَى الْأَرْضِينَ السَّبْحَ.

وَلَقَدْ كَانَ يَعُولُ مِثَّهُ أَهْلَ بَيْتٍ مِنْ فُقَرَاءِ الْمَدِينَةِ.

وَكَانَ يُعْجِبُهُ أَنْ يَحْضُرَ طَعَامَهُ الْيَتَامَى وَالْأَضْرَاءَ (١) وَالزَّمَنِي (٢) وَالْمَسَاكِينَ الَّذِينَ لَاحِلَةٌ لَهُمْ.

وَكَانَ يُنَاوِلُهُمْ بِيَدِهِ، وَمَنْ كَانَ لَهُ مِنْهُمْ عِيَالٌ حَمَلَهُ إِلَى عِيَالِهِ مِنْ طَعَامِهِ .

وَكَانَ لَا يَأْكُلُ طَعَامًا حَتَّى يَبْدَأَ فَيَتَصَدَّقَ بِمِثْلِهِ .

وَلَقَدْ كَانَ يَسْقُطُ مِنْهُ كُلُّ سَنَةٍ سَبْعَ ثَفَنَاتٍ (٣) مِنْ مَوَاضِعِ سُجُودِهِ لِكَثْرَةِ صَلَاتِهِ ، وَكَانَ يَجْمَعُهَا، فَلَمَّا مَاتَ دُفِنَتْ مَعَهُ.

وَلَقَدْ بَكَى عَلَى أَبِيهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ عِشْرِينَ سَنَةً، وَمَا وُضِعَ بَيْنَ يَدَيْهِ طَعَامٌ إِلَّا بَكَى، حَتَّى قَالَ لَهُ مَوْلَى: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَمَا أَنْ لِحُزْنِكَ أَنْ يَنْقُضِيَ؟ فَقَالَ لَهُ: وَيَحْكُ! إِنَّ يَعْقُوبَ النَّبِيَّ كَانَ لَهُ اثْنَا عَشَرَ ابْنًا، فَغَيَّبَ اللَّهُ عَنْهُ وَاحِدًا مِنْهُمْ فَأَبْيَضَتْ عَيْنَاهُ مِنْ كَثْرَةِ بُكَائِهِ عَلَيْهِ ، وَشَابَ رَأْسُهُ مِنَ الْحُزْنِ، وَاحْدَوْدَبَ ظَهْرُهُ مِنَ الْعَمِّ، وَكَانَ ابْنُهُ حَيًّا فِي الدُّنْيَا، وَأَنَا نَظَرْتُ إِلَى أَبِي وَأَخِي وَعَمِّي وَسَبْعَةَ عَشَرَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي مَقْتُولِينَ حَوْلِي، فَكَيْفَ يَنْقُضِي حُزْنِي؟! (٤) بَابُ أَرْبَعَةٍ وَعِشْرِينَ

٣٩٥٤. آيَةُ الْمِيدَانِيَّةِ تَدُلُّ عَلَى أَرْبَعَةٍ وَعِشْرِينَ حُكْمًا، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِعَدِينٍ إِلَى أَعْيُنِ مُسِيئِي فَآكُتِبُوهُ...» إِلَى آخِرِ الْآيَةِ (٥).

اعْلَمْ أَنَّ الْآيَةَ الشَّرِيفَةَ أَطْوَلُ آيَةٍ فِي أَطْوَلِ سُورَةٍ مِنَ الْقُرْآنِ، وَتَشْتَمِلُ عَلَى أَحْكَامٍ كَثِيرَةٍ؛ وَضَعِيَّةٍ وَتَكْلِيفِيَّةٍ، وَجُوبِيَّةٍ وَتَحْرِيمِيَّةٍ، مَوْلُويَّةٍ وَإِرْشَادِيَّةٍ، لَعَلَّهَا تَبْلُغُ أَرْبَعَةَ وَعِشْرِينَ حُكْمًا، كَمَا أَنَّ هَذِهِ السُّورَةَ لَعَلَّهَا تَشْتَمِلُ عَلَى خَمْسِمِئَةٍ حُكْمٍ، فَهَا إِلَيْكَ الْأَحْكَامُ الَّتِي نَسْتَفِيدُهَا مِنَ الْآيَةِ الْكَرِيمَةِ:

ص: ٧٢

١- الأضرَاء: جمع الضرير.

٢- الزَّمانه: العاهه، زمنَ فهو زَمَنٌ، الجمع زَمَنِي (لسان العرب: ١٣/١٩٩).

٣- الثفنه من البعير: ما وقع على الأرض.

٤- الخصال، ص ٥١٧، ح ٤.

٥- سورة البقره الآيه: ٢٨٢.

رسول الله صلی الله علیه و آله. سپس می فرمود: طالب علم زمانی که از خانه خارج می شود قدم خود را بر خشک و مرطوب نمی گذارد مگر اینکه برای او زمین هفت گانه تسبیح می گویند.

همیشه صد نفر از فقیران مدینه را سرپرستی می فرمود.

همیشه سر سفره آن حضرت یتیمان و بیماران و معلولین و فقیران بیچاره حاضر بودند.

همیشه با دست مبارک خود به آنان غذا می داد و آنان که خانواده داشتند غذایشان را به خانواده ایشان می رسانید.

همیشه قبل از اینکه غذا بخورد باندازه غذای خود صدقه می دادند.

به علت سجده زیاد هر سال هفت پینه از اعضای هفتگانه سجده ایشان جدا می شد.

پینه ها را جمع می کردند که پس از شهادت همراه آن حضرت دفن شد.

بیست سال برای پدرش حضرت سید الشهداء حسین علیه السلام گریه کرد. و هر گاه غذا حاضر می کردند آن حضرت گریه می کرد. یکی از غلامان گفت: یابن رسول الله صلی الله علیه و آله آیا زمان حزن شما تمام نشده است؟

حضرت فرمودند: وای بر تو، یعقوب پیامبر دوازده فرزند داشت خداوند یکی از آنها را غایب کرد، از شدت گریه چشم او سفید شد. و از غصه سرش پیر شد. و از غم کمرش خمید. در حالی که پسرش زنده بود. من دیدم پدرم و برادرم و عمویم و هفده نفر از اهل بیت من اطراف من کشته شدند. چگونه حزن من تمام شود؟

باب بیست و چهار

۳۹۵۴. آیه مداینه [۲۸۳ از سوره بقره] به بیست و چهار حکم دلالت دارد.

این آیه طولانی ترین آیه قرآن است که احکام وضعی و تکلیفی و واجب و حرام و ارشادی زیادی را بیان می کند. شاید به بیست و چهار حکم برسد. همانطور که سوره بقره حدود پانصد حکم را بیان می کند. اینک احکامی که از این آیه استفاده کرده ایم:

ص: ۷۳

استحبابُ كتابه الدِّينِ عِنْدَ الْمَدِينَةِ بِقَوْلِهِ تَعَالَى: «فَاكْتُبُوهُ»؛ سِوَاءَ أَكَانَ حُصُولُهُ بِإِقْتِرَاضٍ، أَوْ الشَّرَاءِ سِوَالْمَا أَوْ الْبَيْعِ نَسِيئَةً، أَوْ بِالْإِجَارَةِ، أَوْ بِالنِّكَاحِ، أَوْ الْخُلْعِ، أَوْ غَيْرِهَا. وَقِيلَ بِوُجُوبِ الْكِتَابَةِ، وَالْحَمْلُ عَلَى الْإِرْشَادِ أَوْلَى.

مَطْلُوبِيَّتُهُ (١) كَوْنِ أَجْلِ الدِّينِ مَحْدُودًا بِقَوْلِهِ تَعَالَى: «إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى»، وَهَذَا شَرْطٌ فِي بَعْضِ الْعُقُودِ كَالْبَيْعِ وَالْإِجَارَةِ، وَمَنْدُوبٌ فِي بَعْضِهَا الْآخَرَ كَالْقَرْضِ وَالصَّدَاقِ وَنَحْوِهِمَا.

اسْتِحْبَابُ التَّوَكُّلِ فِي الْكِتَابَةِ إِنْ لَمْ يَقْدِرِ الدَّائِنُ عَلَى الْمُبَاشَرَةِ؛ لِقَوْلِهِ تَعَالَى: «وَلْيَكْتُبْ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ».

وُجُوبُ الْعَمَلِ بِالْعَدْلِ عَلَى الْكَاتِبِ؛ وَهُوَ الْاسْتِوَاءُ فِي الْعَمَلِ وَعَيْدَمُ الْإِنْجِرَافِ عَنِ الْحَقِّ، وَتَرْكُ الظُّلْمِ وَالْحَيْفِ فِي أَصْلِ الدِّينِ وَكَيْفِيَّتِهِ وَكَمِّيَّتِهِ وَأَجَلِهِ وَغَيْرِ ذَلِكَ مِنَ الْخُصُوصِيَّاتِ، وَالْوُجُوبُ هُنَا شَرْطِيٌّ، قَالَ تَعَالَى: «وَلْيَكْتُبْ... بِالْعَدْلِ».

حُرْمَةُ امْتِنَاعِ الْكَاتِبِ عَنِ الْكِتَابَةِ أَوْ كَرَاهَتُهُ، فَلْيَكْتُبْهُ فِي صِيكِّ وَنَحْوِهِ، وَلَا- يَلْزَمُ أَنْ تَكُونَ الْكِتَابَةُ بِإِجْرِهِ قَالَ تَعَالَى: «وَلَا يَأْبُ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ» أَيْ كَمَا عَلَّمَ اللَّهُ الْكِتَابَةَ بِالْقَلَمِ، وَعَلَّمَ الْكَاتِبَ مَا لَمْ يَعْلَمَ.

اسْتِحْبَابُ الْإِمْلَالِ - أَيْ الْإِمْلَاءِ - مِنَ الْمَدِينِ؛ بِأَنْ يُقَرَّرَ بِلِسَانِهِ وَيُملِئِهِ عَلَى الْكَاتِبِ، بِقَوْلِهِ تَعَالَى:

«وَلْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ» (٢).

حُرْمَةُ بَخْسِ مَنْ عَلَيْهِ الدِّينُ وَخِيَانَتِهِ فِي إِمْلَائِهِ، كَأَنْ يُنْقِصَ مِنَ الدِّينِ أَوْ يُغَيِّرَ بَعْضَ شَرَايِطِهِ، قَالَ تَعَالَى: «وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَوَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا»، وَالْبَخْسُ: النِّقْصُ وَالظُّلْمُ.

لُزُومُ إِمْلَاءِ الْوَلِيِّ وَلَايَتِهِ فِيمَا إِذَا كَانَ مَنْ عَلَيْهِ الْحَقُّ قَاصِرًا، قَالَ تَعَالَى: «فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَهِيفًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمْلَأَ هُوَ فَلْيُمْلَأْ وَوَيْتِهِ»، وَالسَّهِيفُ النَّاqِصُ عَقْلُهُ وَغَيْرُ الرَّشِيدِ، وَالضَّعِيفُ إِمَّا ضَعِيفُ الْبَدَنِ؛ فَالْمُرَادُ الصَّغِيرُ، أَوْ ضَعِيفُ الْعَقْلِ؛ فَالْمُرَادُ الْمَجْنُونُ، وَغَيْرُ الْمُسْتَطِيعِ لِمَرَضٍ أَوْ هَرَمٍ أَوْ نَحْوِهِمَا.

ص: ٧٤

١- المطلوبية المطلقة تكون في بعض الموارد واجباً كما في السلم أو النسيئة.

٢- الحمل على الاستحباب إنما هو بالقرينه لا- بظاهاها؛ إذ الظاهر الوجوب أو المطلوبية المطلقة حتى تشمل موارد الوجوب كما عبرتم في الولي باللزوم.

۱ - استحباب نوشتن بدهی هنگام قرض گرفتن. خداوند فرمود: «بدهی را بنویسید.» خواه بدهی از قرض گرفتن باشد یا خرید و فروش نسیه یا اجاره یا مهریه در ازدواج یا طلاق یا غیر اینها. بعضی از علماء گفته اند: نوشتن واجب است. ولی امر در اینجا ارشادی است.

۲ - مطلوب بودن تعیین مدت. خداوند فرمود: «تا زمان معین.» تعیین زمان در بعضی از معاملات مثل بیع و اجاره شرط است. و در بعضی دیگر مثل قرض و مهریه مستحب است.

۳ - اگر طرفین قادر به نوشتن نیستند مستحب است وکیل بگیرند. خداوند فرمود:

«یک نویسنده عادل بنویسد» و ظلم نکند. و اصل بدهی و کیفیت و کمیت و زمان و سایر خصوصیات آن را تغییر ندهد. و خوب در اینجا شرط است. قرآن می فرماید: «و بنویسید... عادلانه»

۴ - خودداری از نوشتن یا بی میلی حرام است. پس باید در دفتر و امثال آن نوشته شود.

۵ - و لازم نیست نوشتن رایگان باشد. خداوند می فرماید: نویسنده همانگونه که خدا به او نوشتن را یاد داده است از نوشتن خودداری نکند. [یعنی همانطور که نوشتن را بلد نبود و خدا نوشتن با قلم را به او آموخت.]

۶ - مستحب است املاء از طرف بدهکار باشد. یعنی بدهکار اقرار کند و نویسنده بنویسد. در قرآن می فرماید: بدهکار عادلانه املاء کند.

۷ - حرام است اگر بدهکار هنگام املاء کردن بدهی کمتر بگوید یا خیانت کند یا بعضی از خصوصیات آن را تغییر دهد. قرآن می فرماید: از الله پروردگار خود پروا داشته باشد و چیزی از بدهی را کم نگوید.

۸ - اگر بدهکار خودش به دلیل سفاهت یا ضعف یا بی سوادى نتواند باید ولی او املاء بدهی را بر عهده گیرد. خداوند می فرماید: اگر بدهکار سفیه یا ضعیف یا ناتوان از ضعف املاء کردن باشد ولی او املاء کند.

سفیه یعنی ناقص عقل. ضعیف یا ضعف در بدن است. مثل کودک یا ضعف در عقل است که مجنون است. ناتوان هم یا به علت پیری است یا بیماری و....

وَجُوبٌ كَوْنِ إِمْلَاءِ الْوَالِيِّ نَظِيرَ إِمْلَاءِ نَفْسِ الْمَيْدِنِ بِالْعَدْلِ، وَمِنْ غَيْرِ نَقْصٍ وَظَلْمٍ فِي أَصْلِ الدِّينِ وَخُصُوصَةِ بَيَاتِهِ، قَالَ تَعَالَى: «فَلْيُمْلِلْ وَيُئْتِهِ وَبِالْعَدْلِ».

اسْتِحْبَابُ الْإِشْهَادِ عَلَى الدِّينِ أَوْ وَجُوبُهُ، وَهَذَا الْإِسْتِشْهَادُ إِمْرًا بِتَحْمِيلِ الشَّهَادَةِ حِفْظًا عَنِ ظَهْرِ الْقَلْبِ، أَوْ بِكِتَابَتِهِ الْوَاقِعَةِ فِي وَرْقِهِ مُسْتَقْلَةً، أَوْ بِإِمضَاءِ الصُّكُوكِ، قَالَ تَعَالَى: «وَاسْتَشْهَدُوا».

اشْتِرَاطُ التَّعَدُّدِ فِي الشَّاهِدِ وَأَقْلَهُ اثْنَانِ، فَالْتَّحْدِيدُ فِي طَرَفِ الْقَلْبِ لَأَلْكَثَرِهِ، قَالَ تَعَالَى: «وَاسْتَشْهَدُوا شَهِدَيْنِ».

اشْتِرَاطُ كَوْنِ الشَّاهِدَيْنِ رَجُلَيْنِ، فَلَا تَكْفِي الْمَرَاتَانِ إِلَّا فِي الْمَوَارِدِ الَّتِي ذَكَرُوهَا فِي كِتَابِ الشَّهَادَةِ وَغَيْرِهِ، قَالَ تَعَالَى: «وَاسْتَشْهَدُوا شَهِدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ».

اشْتِرَاطُ كَوْنِ الشَّاهِدَيْنِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ، فَلَا تَكْفِي شَهَادَةُ أَهْلِ الْكُفْرِ، قَالَ تَعَالَى: «مِنْ رِجَالِكُمْ» أَي مِنْ أَهْلِ دِينِكُمْ وَنَحْلَتِكُمْ.

اشْتِرَاطُ اسْتِشْهَادِ رَجُلٍ وَامْرَأَتَيْنِ عِنْدَ عَيْدَمِ وُجُودِ الرَّجُلَيْنِ، فَلَا تَكْفِي امْرَأَتَانِ وَلَا رَجُلٌ وَامْرَأَةٌ، قَالَ تَعَالَى: «فَإِنْ لَمْ يَكُنَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ».

اشْتِرَاطُ الْعِدَالَةِ فِي الشَّهِيدِ سِوَاءَ كَانُوا مِنَ الرِّجَالِ أَوْ مِنَ النِّسَاءِ، قَالَ تَعَالَى: «مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ» أَي تَرْضَوْنَ دِينَهُ وَأَمَانَتَهُ وَصِيْلَتَهُ وَتَعْرِفُونَهُ بِالسُّتْرِ وَالْعَفَافِ كَمَا أَوْضَحْتَهُ أَجْبَارُ الْبَابِ، وَقَوْلُهُ تَعَالَى فِي الْآيَةِ الشَّرِيفَةِ: «أَنْ تَضِلَّ إِحْدَى لَهَا هُمَا فَتَذَكَّرْ إِحْدَى لَهَا هُمَا الْآخَرَى» يَعْنِي أَنَّ اشْتِرَاطَ الْمَرَاتَيْنِ لِأَجْلِ أَنَّهُ إِنْ ضَلَّتْ أَوْ نَسِيَتْ إِحْدَى الْمَرَاتَيْنِ ذَكَرَتْهَا الْآخَرَى، فَقَوْلُهُ «الْآخَرَى» صِفَةٌ لِكَلِمَةِ «إِحْدَى» الثَّانِيَةِ، وَتَقْدِيرُ الْكَلَامِ: يَجِبُ اسْتِشْهَادُ امْرَأَتَيْنِ مَخَافَةَ أَنْ تَضِلَّ وَتَنْسَى إِحْدَاهُمَا وَحِينَئِذٍ فَتَذَكَّرُهَا الْآخَرَى.

حُرْمَةُ إِبَاءِ الشَّهِيدِ وَامْتِنَاعُهُمْ عَنِ الشَّهَادَةِ؛ لِقَوْلِهِ تَعَالَى: «وَلَمَّا يَأْبِ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا» أَي لَا يَأْبُوا عَنِ تَحْمِيلِ الشَّهَادَةِ إِذَا دُعُوا لِيُطَّلَعُوا عَلَى الْمَدَائِنِ، أَوْ لَا يَأْبُوا عَنِ أَدَائِهَا إِذَا كَانُوا عَالِمِينَ بِالْوَاقِعَةِ، أَوْ الْمُرَادُ الْأَعْمَ، وَهَذَا مَرُوءِيٌّ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

كَرَاهَةُ الضَّجَرِ وَالْمَلَالِ وَالسَّامَةِ عَنِ كِتَابَتِهِ الْحَقِّ وَتَثْبِيْتِهِ فِي صَكِّ وَنَحْوِهِ قَلِيلًا كَانَ أَوْ كَثِيرًا؛ فَإِنَّ

۹- واجب است املاء ولی هم مثل املاء خود بدهکار باشد بدون نقص و ظلم در اصل و خصوصیات بدهی. خداوند می فرماید: ولیّ عادلانه املاء کند.

۱۰- شاهد گرفتن بر بدهی واجب یا مستحب است. و این شاهد گرفتن با حضور و به خاطر سپردن است یا با یادداشت کردن یا امضا کردن.

خداوند می فرماید: شاهد بگیرید.

۱۱- واجب است شاهد دو نفر مرد باشند و دو نفر زن کافی نیست در مواردی که در کتاب شهادت و غیره ذکر کرده اند. خداوند فرمود: از مردان خود دو نفر شاهد بگیرید.

۱۲- دو نفر باید مسلمان باشند. و شهادت کافر کافی نیست. دو نفر از مردان خود [مسلمان] شاهد بگیرید.

۱۳- اگر دو مرد نبود، یک مرد و دو زن شاهد باشند شهادت یک مرد و یک زن یا شهادت دو زن کافی نیست. قرآن می فرماید: اگر دو مرد نبود یک مرد و دو زن.

۱۴- شاهد باید عادل باشد. خواه زن باشد یا مرد. خداوند می فرماید: شاهد از کسانی باشد که از آنها راضی باشید. یعنی از دین و صلاح او را راضی باشید. و به پاکدامنی و رازداری مشهور باشند. خداوند می فرماید: اگر یکی از شاهدان گمراه شد دیگری او را راهنمایی کند.

دو زن شاهد برای این است که اگر یکی از آنان منحرف شد دیگری او را راهنمایی کند.

۱۵- خودداری کردن شاهد از اداء شهادت در حضور قاضی حرام است. خداوند می فرماید: شاهدان از شهادت دادن خودداری نکنند. یعنی زمانی که از آنها دعوت می شود که اداء شهادت کنند خودداری نکنند. یا اگر از بدهی آگاهی دارند از شهادت دادن خودداری نکنند. یا به هر دو معنا باشد که این صورت سوم از امام صادق علیه السلام روایت شده است.

۱۶- ناراحتی و ملال از نوشتن حق و ثبت کردن آن مکروه است. و فرقی ندارد بدهی

ذَلِكَ أَقْرَبُ إِلَى السَّلَامَةِ وَعَدَمِ وَقُوعِ الْجِدَالِ وَالنِّزَاعِ، قَالَ تَعَالَى: «وَلَا تَسْمُوا أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰ أَجَلِهِ».

عَدَمُ الْبَأْسِ بِتَرْكِ الْكِتَابَةِ فِي الْمِدَائِنِ إِذَا كَانَتْ بِنَحْوِ الْمُعَامَلَةِ النَّقْدِيَّةِ وَيَدًا بِيَدٍ، قَالَ تَعَالَى: «إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجْرَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ» أَيْ مُعَامَلَةً حَالَةً مُتَدَاوِلَةً فِيمَا بَيْنَكُمْ.

اسْتِحْبَابُ الْإِشْهَادِ فِي الْمُعَامَلَاتِ الْحَالَّةِ أَيْضًا وَإِنْ لَمْ تُكْتَبْ، قَالَ تَعَالَى: «وَأَشْهَدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ»، وَهَذَا أَبْعَدُ عَنْ عُرُوضِ الْإِخْتِلَافِ لِاسْتِحْبَابِ الْأَمْوَالِ النَّفِيسَةِ.

حُرْمَةُ مُضَارَّةِ الْكَاتِبِ وَالشَّاهِدِ - بِمَعْنَى إِضْرَارِهِمَا - عَلَى مَنْ لَهُ الْحَقُّ وَعَلَيْهِ الْحَقُّ؛ بِأَنْ يَكْتُبَ الْكَاتِبُ أَوْ يَشْهَدَ الشَّاهِدُ عَلَى (1) أَزِيدٍ مِنَ الْوَاقِعِ أَوْ أَنْقَصَ مِنْهُ، أَوْ بِأَنْ يَتْرَكَ الْكِتَابَةَ أَوْ الشَّهَادَةَ، قَالَ تَعَالَى: «وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ»، وَهَذَا بِنَاءٍ عَلَى كَوْنِ «لَا يُضَارُّ» بِصِيغَةِ الْفَاعِلِ، وَيُحْتَمَلُ كَوْنُهُ اسْمَ مَفْعُولٍ، فَالْمَعْنَى: لَا يَجُوزُ الْإِضْرَارُ عَلَى الْكَاتِبِ بِالْإِضْرَامِ عَلَى الْكِتَابَةِ مَجَانًا أَوْ فِي غَيْرِ وَقْتِ الْكِتَابَةِ، وَالزَّمَّ الشَّاهِدِ بِالْحُضُورِ مَعَ إِمْكَانِ حُضُورِ الْمُتَدَايِنِينَ عِنْدَهُ، وَنَحْوِ ذَلِكَ، وَيُؤَكِّدُهُ قَوْلُهُ: «وَإِنْ تَفْعَلُوا فَإِنَّهُ فُسُوقٌ م بِكُمْ»، فَقَوْلُهُ «لَا يُضَارُّ» نَهَى تَحْرِيمًا.

اسْتِحْبَابُ أَخْذِ الرَّهْنِ إِذَا لَمْ يَكُنِ الْكِتَابَةُ؛ كَمَا فِي السَّفَرِ وَنَحْوِهِ، قَالَ تَعَالَى: «وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهْنٌ مَّقْبُوضَةٌ»، وَالرَّهَانُ: الْعَيْنُ الْمَرْهُونَةُ، وَتَقْدِيرُ الْآيَةِ: فَالْوَثِيقَةُ هِيَ الرَّهَانُ بَدَلُ الْكِتَابَةِ.

اشْتِرَاطُ الْقَبْضِ وَالْإِقْبَاضِ فِي الرَّهْنِ، قَالَ تَعَالَى: «فَرِهْنٌ مَّقْبُوضَةٌ»، فَإِنَّ تَوْصِيْفَ الرَّهَانِ بِكَوْنِهَا مَقْبُوضَةً يَدُلُّ عَلَى دَخْلِهِ فِي الْحُكْمِ، مَعَ أَنْ أَخْبَارَ الْبَابِ تَوْضُّحُهُ.

عَدَمُ الْبَأْسِ بِتَرْكِ الرَّهَانِ عِنْدَ الْوُثُوقِ وَطَمَآنِينِهِ بَعْضِ الْمُتَدَايِنِينَ بِبَعْضٍ، قَالَ تَعَالَى: «فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي أُؤْتِمِنَ أَمَنَّتَهُ» أَيْ فَلْيُعْطِ مَنْ عَلَيْهِ الْحَقُّ عِنْدَ حُلُولِ الْأَجْلِ مَا عَلَيْهِ مِنَ الْمَالِ، وَلْيُؤَدِّ دَيْنَهُ الَّذِي هُوَ كَالْأَمَانَةِ عِنْدَهُ.

ص: ٧٨

١- أو يكتبها أو يشهدا بأجره تضرر بأن تكون بأكثر من أجره المثل بكثير أو...

کم باشد یا زیاد. چون با رعایت این مورد حقوق رعایت می شود و درگیری و اختلاف بوجود نمی آید.

خداوند می فرماید: از نوشتن بدهی تا پایان مدت آن ناراحت نشوید.

۱۷ - اگر قرض دادن به صورت معامله نقد و دست به دست باشد نوشتن اشکال ندارد.

خداوند می فرماید: بنویسید... مگر اینکه تجارت نقد باشد که انجام می دهید. یعنی معامله نقد و متداول بین شما باشد.

۱۸ - در معاملات نقدی هم نوشتن مستحب است. خداوند می فرماید: شاهد بگیریید هنگام خرید و فروش. شاهد گرفتن مانع اختلافات می شود خصوصاً در موارد اشیاء نفیس و قیمتی.

۱۹ - ضرر رساندن کاتب به طلبکار یا بدهکار حرام است. مثلاً اگر مبلغ بدهی را زیاد یا کم بنویسد و شاهد بگیرد یا بعضی از خصوصیات را ننویسد یا شاهد نگیرد.

خداوند می فرماید: کاتب و شاهد ضرر نرسانند. البته احتمال دارد ضرر رساندن به کاتب و شاهد هم حرام باشد. مثلاً مجبور کنند رایگان بنویسد یا با وجود امکان حضور طلبکار و بدهکار نزد شاهد، شاهد را مجبور کنند نزد آنان برود و...

این معنا را آیه شریفه تأکید می کند: اگر چنین کنند ستم است بر شما.

۲۰ - اگر در سفر بودند و نوشتند مستحب است وثیقه بگیرند. خداوند می فرماید: اگر در سفر بودید و کاتب در دسترس نبود وثیقه بگیرید. رهن چیزی است که رهن می گذارند. وثیقه همان رهن است که به جای کتابت گرفته می شود.

۲۱ - در وثیقه شرط است که بدهکار به طلب کار تحویل دهد و او تحویل بگیرد.

خداوند فرمود: رهن مقبوضه. رهن را به مقبوضه توصیف کرد که دلالت دارد که تحویل گرفتن در حکم دخالت دارد. روایات هم این مطلب را توضیح می دهند.

حُرْمَهُ كِتْمَانِ الشَّهَادَةِ عَلَى كُلِّ أَحَدٍ بَعْدَ تَحْمِيلِهَا سِوَاءَ فِي ذَلِكَ الْمَدَائِنُ وَغَيْرِهَا مِنَ الْأُمُورِ الْمُحْتَاجِ إِلَى الشَّهَادَةِ، قَالَ تَعَالَى: «وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ».

٣٩٥٥. قَالَ زَيْدُ بْنُ صُوحَانَ الْعَبْدِيُّ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، أَيُّ سُلْطَانٍ أَغْلَبَ وَأَقْوَى؟ قَالَ: الْهَوَى.

قَالَ: فَأَيُّ ذُلٍّ أَدْلُ؟ قَالَ: الْحِرْصُ عَلَى الدُّنْيَا.

قَالَ: فَأَيُّ فَقْرٍ أَشَدُّ؟ قَالَ: الْكُفْرُ بَعْدَ الْإِيمَانِ.

قَالَ: فَأَيُّ دَعْوَةٍ أَضَلُّ؟ قَالَ: الدَّاعِي (١) بِمَا لَا يَكُونُ.

قَالَ: فَأَيُّ عَمَلٍ أَفْضَلُ؟ قَالَ: التَّقْوَى.

قَالَ: فَأَيُّ عَمَلٍ أَنْجَحُ (٢)؟ قَالَ: طَلَبُ مَا عِنْدَ اللَّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ.

قَالَ: فَأَيُّ صَاحِبٍ لَكَ شَرٌّ؟ قَالَ: الْمُزِينُ لَكَ مَعْصِيَةَ اللَّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ.

قَالَ: فَأَيُّ الْخَلْقِ أَشَقَى؟ قَالَ: مَنْ بَاعَ دِينَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ.

قَالَ: فَأَيُّ الْخَلْقِ أَقْوَى؟ قَالَ: الْحَلِيمُ.

قَالَ: فَأَيُّ الْخَلْقِ أَشْحُ (٣)؟ قَالَ: مَنْ أَخَذَ الْمَالَ مِنْ غَيْرِ حِلِّهِ فَجَعَلَهُ فِي غَيْرِ حَقِّهِ.

قَالَ: فَأَيُّ النَّاسِ أَكْبَسُ؟ قَالَ: مَنْ أَبْصَرَ رُشْدَهُ مِنْ غَيْرِهِ (٤) فَمَالَ إِلَى رُشْدِهِ.

قَالَ: فَمَنْ أَحْلَمَ النَّاسِ؟ قَالَ: الَّذِي لَا يَغْضَبُ.

قَالَ: فَأَيُّ النَّاسِ أَثْبَتُ رَأْيًا؟ قَالَ: مَنْ لَمْ يَغْرَهُ النَّاسُ مِنْ نَفْسِهِ وَلَمْ تَغْرَهُ الدُّنْيَا بِتَشَوُّقِهَا.

قَالَ: فَأَيُّ النَّاسِ أَحْمَقُ؟ قَالَ: الْمُغْتَرُّ بِالدُّنْيَا وَهُوَ يَرَى مَا فِيهَا مِنْ تَقَلُّبِ أَحْوَالِهَا.

ص: ٨٠

١- راجع سفينه البحار: ١/٤٤٧ باب المنع عن سؤال ما لا يحل وما لا يكون... بأن لا- يقول: اللهم لاتحوجني إلى أحد من

خلقك؛ فإنه ليس من أحد إلا وهو محتاج إلى الناس.

٢- بأن يقصد بعمله الثواب والجنة لا الدنيا فإنه ليس نجاحاً وإن اعطى ما أراه.

٣- الشح: أشد البخل وهو أبلغ في المنع من البخل. وقيل: هو البخل مع الحرص.

٤- الغي: من غوى الرجل أي ضلّ وخاب، والانهماك في الباطل.

۲۲- اگر مردم متدین به یکدیگر اطمینان دارند نگرفتن وثیقه اشکال ندارد: خداوند می فرماید: اگر بعضی از شما به بعض دیگر اعتماد دارید به آنکس که اعتماد دارید قرض بدهید. یعنی بدهکار هنگام فرا رسیدن وقت پرداخت بدهی چون امانت دار، بدهی را بپردازد.

۲۳- کتمان شهادت بر کسانی که شاهد بوده اند حرام است. این حکم در قرض و غیر آن از مواردی که احتیاج به شهادت است وجود دارد. خداوند می فرماید: کتمان شهادت نکنید. و کسی که کتمان کند قلب او گنه کار است. و خداوند به رفتار شما داناست.

۳۹۵۵. زید بن صوحان عبدی از امیر المؤمنین علیه السلام پرسید کدام سلطه و قدرت پیروزتر و قوی تر است؟ حضرت فرمودند: هوای نفس.

پرسید: کدام خواری ذلت بارتر است؟ فرمودند: آزمندی بر دنیا.

پرسید: کدام فقر سخت تر است؟ فرمودند: بی دینی پس از ایمان.

پرسید: کدام دعوت گمراه تر است؟ فرمودند: دعوت به چیزی که نمی شود.

پرسید: کدام عمل برتر است؟ فرمودند: تقوی.

پرسید: کدام عمل نجات بخش تر است؟ فرمودند: خواستن آنچه نزد خداست.

پرسید: کدام دوست بدتر است؟ فرمودند: کسی که گناه را نزد تو نیکو جلوه دهد.

پرسید: کدام آفریده بدبخت تر است؟ فرمودند: کسی که دین خود را به دنیای دیگران بفروشد.

پرسید: کدام موجود قویتر است؟ فرمودند: بردبار.

پرسید: کدام موجود بخیل تر است؟ فرمودند: کسی که از راه نامشروع مال بدست آورد. و در راه نامشروع مصرف کند.

پرسید: کدام انسان زیرک تر است؟ فرمودند: کسی که رشد و هدایت خود را از گمراهی تشخیص دهد و به هدایت روی آورد.

پرسید: چه کسی بردبارتر است؟ فرمودند: کسی که خشمگین نشود.

پرسید: چه کسی دارای نظر و رأی استوارتر است؟ فرمودند: کسی که مردم او را به خود بینی فریب ندهند. و دنیا با زیبائیهایش او را فریب ندهد.

قال: فَأَيُّ النَّاسِ أَشَدُّ حَسْرَةً؟ قال: الَّذِي حُرِمَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ «ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ» (١).

قال: فَأَيُّ الْخَلْقِ أَعْمَى؟ قال: الَّذِي عَمِلَ لِغَيْرِ اللَّهِ، يَطْلُبُ بِعَمَلِهِ الثَّوَابَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

قال: فَأَيُّ الْقُنُوعِ أَفْضَلُ؟ قال: الْقَانِعُ بِمَا أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ.

قال: فَأَيُّ الْمَصَائِبِ أَشَدُّ؟ قال: الْمُصِيبَةُ بِالَّذِينَ.

قال: فَأَيُّ الْأَعْمَالِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؟ قال: انْتِظَارُ (٢) الْفَرَجِ.

قال: فَأَيُّ النَّاسِ خَيْرٌ عِنْدَ اللَّهِ؟ قال: أَخَوْفُهُمْ لِلَّهِ وَأَعْمَلُهُمْ بِالتَّقْوَى، وَأَزْهَدُهُمْ فِي الدُّنْيَا.

قال: فَأَيُّ الْكَلَامِ أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؟ قال: كَثْرَةُ ذِكْرِهِ وَالتَّضَرُّعُ إِلَيْهِ بِالدُّعَاءِ.

قال: فَأَيُّ الْقَوْلِ أَصْدَقُ؟ قال: شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ.

قال: فَأَيُّ الْأَعْمَالِ أَعْظَمُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؟ قال: التَّسْلِيمُ وَالْوَرَعُ.

قال: فَأَيُّ النَّاسِ أَصْدَقُ؟ قال: مَنْ صَدَقَ فِي الْمَوَاطِنِ (٣).

٣٩٥٦. عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ آبَائِهِ عَنِ عَلِيِّ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ كَرِهَ لَكُمْ أُتَيْتُهَا الْأُمَّةُ أَرْبَعًا وَعِشْرِينَ خَصَلَهُ وَنَهَاكُمْ عَنْهَا:

كَرِهَ لَكُمْ الْعَبَثَ فِي الصَّلَاةِ، [و] (٤) كَرِهَ الْمَيَّنَّ فِي الصَّدَقَةِ، وَكَرِهَ الضَّحَكَ بَيْنَ الْقُبُورِ، وَكَرِهَ التَّطَلُّعَ فِي الدَّوْرِ، وَكَرِهَ النَّظَرَ إِلَى فُرُوجِ النِّسَاءِ، [و] (٥) قَالَ: «يُورِثُ الْعَمَى»، وَكَرِهَ الْكَلَامَ عِنْدَ الْجَمَاعِ، وَقَالَ:

«يُورِثُ الْخَرَسَ» يَعْنِي فِي الْوَلَدِ (٦)، وَكَرِهَ النَّوْمَ قَبْلَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ، وَكَرِهَ الْيَدِيثَ بَعْدَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ، وَكَرِهَ الْغُسْلَ تَحْتَ السَّمَاءِ بِغَيْرِ مِثْرٍ، وَكَرِهَ الْمُجَامَعَةَ تَحْتَ السَّمَاءِ، وَكَرِهَ دُخُولَ الْحَمَامَاتِ إِلَّا بِمِثْرٍ (٧)، وَكَرِهَ الْكَلَامَ بَيْنَ الْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ فِي صِيْلَةِ الْغَمْدَاءِ حَتَّى تُقْضَى الصَّلَاةُ، وَكَرِهَ رُكُوبَ الْبَحْرِ فِي هَيْجَانِهِ،

ص: ٨٢

١- . الْحِجَّ: ١١.

٢- . انْتِظَارُ الْفَرَجِ الْمُرَادُ أَمَّا انْتِظَارُ ظَهْوَرِ الْحِجَّةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَمَا هُوَ الْمَتَبَادِرُ أَوْ انْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنْ كُلِّ شِدَّةٍ. وَعَلَى كُلِّ حَالٍ فَرَاغٌ مِنْ سَفِينَةِ الْبَحَارِ: ٥٩٦/٢.

٣- . مِنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيهَ، ج ٤، ص ٣٨٢، ح ٥٨٣٣.

٤- أَضْفَنَاهَا مِنَ الْفَقِيهِ.

٥- أضفناها من الفقيه.

٦- لا توجد جملة: «يعنى فى الولد» فى الفقيه.

٧- فى الفقيه: «وكره دخول الأنهار بلا مئزر».

پرسید: چه کسی احمق است؟ فرمودند: کسی که دنیا او را فریب دهد در حالی که می بیند حالات دنیا پایدار نیست.

پرسید: چه کسی بیشتر حسرت می خورد؟ فرمودند: کسی که از دنیا و آخرت محروم شود و این خسارت آشکار است.

پرسید: چه کسی ناینیاست؟ فرمودند: کسی که برای غیر خدا کار کند و ثوابش را از خدا بخواهد.

پرسید: چه قناعتی برتر است؟ فرمودند: قناعت به آنچه خدا داده است.

پرسید: چه مصیبتی شدیدتر است؟ فرمودند: مصیبت در دین.

پرسید: چه عملی نزد خدا محبوبتر است؟ فرمودند: انتظار فرج.

پرسید: چه کسی نزد خدا بهتر است؟ فرمودند: کسی که از خدا بیشتر بترسد و با تقواتر باشد و در دنیا زاهدتر باشد.

پرسید: چه سخنی نزد خدا برتر است؟ فرمودند: بسیار نام خدا را بردن و با دعا به درگاه او ناله کردن.

پرسید: چه گفتاری صادق تر است؟ فرمودند: شهادت لا اله الا الله.

پرسید: چه عملی نزد خدا بزرگتر است؟ فرمودند: در برابر خدا سر فرود آوردن و پارسایی.

پرسید: چه کسی راستگوتر است؟ فرمودند: کسی که در همه جا راست گوید.

۳۹۵۶. امام صادق علیه السلام از پدراناش علیهم السلام از امیر المؤمنین علیه السلام که فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله

فرمود: ای امت، خداوند بیست و چهار خصلت را برای شما نپسندید و شما را نهی فرمود:

بازی در حال نماز، و منت گذاری در صدقه، و خندیدن در قبرستان، و سرک کشیدن به خانه های مردم، و نگاه کردن به

آلت تناسلی زن، حضرت فرمودند نگاه کردن باعث کوری می شود. و سخن گفتن در حال نزدیکی با همسر. فرمودند: باعث

گنگ شدن فرزند می شود. و خوابیدن قبل از نماز عشاء، و سخن گفتن بعد از نماز عشاء، و غسل در فضای باز بدون پوشش.

نزدیکی کردن در فضای باز، و رفتن به حمام های عمومی بدون شورت، و سخن گفتن بین اذان و اقامه نماز صبح تا آخر

نماز، و سفر دریایی در طوفان، و خوابیدن

وَكْرِهَ النَّوْمَ فِي سَيْطِحٍ لَيْسَ بِمُحَجَّرٍ، وَقَالَ: «مَنْ نَامَ عَلَى سَيْطِحٍ غَيْرِ ذِي (١) مُحَجَّرٍ فَقَدْ بَرِئَتْ مِنْهُ الذَّمَّةُ»، وَكَرِهَ أَنْ يَنَامَ الرَّجُلُ فِي بَيْتٍ وَحْدَهُ، وَكَرِهَ لِلرَّجُلِ أَنْ يَغْتَسِيَ امْرَأَتَهُ وَهِيَ حَائِضٌ فَإِنْ غَسَّ بِهَا فَخَرَجَ الْوَلَدُ مَجْذُومًا أَوْ أَبْرَصَ فَلَا يَلُومَنَّ الْإِنْفَسَهُ، وَكَرِهَ أَنْ يَغْتَسِيَ الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ وَقَدْ احْتَلَمَ حَتَّى يَغْتَسِلَ مِنْ احْتِلَامِهِ الَّذِي رَأَى فَإِنْ فَعَلَ فَخَرَجَ الْوَلَدُ مَجْنُونًا فَلَا يَلُومَنَّ الْإِنْفَسَهُ، وَكَرِهَ أَنْ يُكَلِّمَ الرَّجُلُ مَجْذُومًا إِلَّا أَنْ يَكُونَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْمَجْذُومِ قَدَرٌ ذِرَاعٍ، وَقَالَ: «فَرَّ مِنَ الْمَجْذُومِ كَفَرَارِكَ مِنَ الْأَسَدِ»، وَكَرِهَ الْبَوْلَ عَلَى شَطِّ نَهْرٍ جَارٍ، وَكَرِهَ أَنْ يُحَدِّثَ الرَّجُلُ تَحْتَ شَجَرِهِ قَدْ أُبْنِعَتْ؛ يَعْنِي أَثْمَرَتْ، وَكَرِهَ أَنْ يَنْتَعِلَ الرَّجُلُ وَهُوَ قَائِمٌ، وَكَرِهَ أَنْ يَدْخُلَ الرَّجُلُ الْبَيْتَ الْمُظْلِمَ إِلَّا أَنْ يَكُونَ بَيْنَ يَدَيْهِ نَارٌ، وَكَرِهَ النَّفْخَ فِي مَوْضِعِ الصَّلَاةِ. (٢)

بَابُ تِسْعَةٍ وَعِشْرِينَ

فِي الصَّلَاةِ تِسْعٌ وَعِشْرُونَ حَخْصَلَةً:

٣٩٥٧. عَنْ ضَمْرَةَ بْنِ حَبِيبٍ قَالَ: سُئِلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنِ الصَّلَاةِ، فَقَالَ: الصَّلَاةُ مِنْ شَرَائِعِ الدِّينِ، وَفِيهَا مَرْضَاةُ الرَّبِّ عَزَّ وَجَلَّ، وَهِيَ مِنْهَاجُ الْأَنْبِيَاءِ، وَلِلْمُصَلِّي حُبُّ الْمَلَائِكَةِ، وَهُدْيٌ، وَإِيمَانٌ، وَنُورٌ الْمَعْرِفَةِ، وَبَرَكَةٌ فِي الرِّزْقِ، وَرَاحَةٌ لِلْيَدَيْنِ، وَكَرَاهَةٌ لِلشَّيْطَانِ، وَسِتْرٌ عَلَى الْكَافِرِ، وَإِجَابَةٌ لِلدُّعَاءِ، وَقَبُولٌ لِلْأَعْمَالِ، وَزَادَ لِلْمُؤْمِنِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَى الْآخِرَةِ، وَشَفِيعٌ بَيْنَهُ وَبَيْنَ مَلَكِ الْمَوْتِ، وَأَنْسٌ فِي قَبْرِهِ، وَفِرَاشٌ تَحْتَ جَنْبِهِ، وَجَوَابٌ لِمُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ، وَتَكُونُ صِيْلَةُ الْعَبْدِ عِنْدَ الْمَحْشَرِ تَاجًا عَلَى رَأْسِهِ، وَنُورًا عَلَى وَجْهِهِ، وَلِبَاسًا عَلَى يَدَيْهِ، وَسِتْرًا بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّارِ، وَحُجَّةً بَيْنَهُ وَبَيْنَ الرَّبِّ جَلَّ جَلَالُهُ، وَنَجَاةً لِيَدَيْهِ مِنَ النَّارِ، وَجَوَازًا عَلَى الصُّرَاطِ، وَمِفْتَاحًا لِلجَنَّةِ، وَمُهَوْرًا لِلْحُورِ الْعِينِ، وَثَمَنًا لِلجَنَّةِ. بِالصَّلَاةِ يَبْلُغُ الْعَبْدُ إِلَى الدَّرَجَةِ الْعُلْيَا؛ لِأَنَّ الصَّلَاةَ تَسْبِيحٌ وَتَهْلِيلٌ وَتَكْبِيرٌ وَتَمْجِيدٌ وَتَقْدِيسٌ وَقَوْلٌ وَدَعْوَةٌ. (٣)

ص: ٨٤

١- في الفقيه: «على سطح غير محجّر».

٢- من لا يحضره الفقيه، ج ٣، ص ٥٥٦، ح ٤٩١٤.

٣- الخصال، ص ٥٢٢، ح ١١.

بالای بام که دیوار ندارد. فرمودند: کسی که روی بام بدون دیوار بخوابد ایمنی ندارد. و تنها در خانه خوابیدن، و نزدیکی با زن در حال حیض، پس اگر نزدیکی کند در حیض و فرزندش جذام یا برص بگیرد کسی را جز خودش ملامت نکند. و وقتی که محتلم شده و غسل نکرده است با همسرش نزدیکی نکند و اگر چنین کند و فرزند دیوانه بدنیا آورد کسی را جز خودش ملامت نکند. و از بیمار جذامی هنگام سخن گفتن به اندازه یک ذراع فاصله بگیرد. فرمودند: از جذامی فرار کن آن گونه که از شیر فرار می کنی. و ادرار کردن در آب نهر، و ادرار کردن زیر درخت میوه، و ایستاده کفش پوشیدن، و وارد شدن به اطاق تاریک بدون چراغ، و تمیز کردن مکان نماز با فوت کردن.

باب بیست و نه

۳۹۵۷. نماز بیست و نه خاصیت دارد:

ضمیره بن حبیب گوید: راجع به نماز از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدند: فرمود: نماز از واجبات دین است. و خشنودی پروردگار در آن است. و نماز روش پیامبران است. و برای نماز گزار محبت فرشتگان، و هدایت، و ایمان، و نور معرفت، و برکت رزق، و آسایش بدن، و خشم شیطان، و اسلحه ای در برابر کفار است، و اجابت دعا، و پذیرش اعمال، و توشه مؤمن از دنیا برای آخرت، و شفیع بین مؤمن و فرشته مرگ می شود. و مونس در قبر، و فرش زیر پهلو در قبر، و جواب نکیر و منکر است. در محشر نماز انسان تاج سر او، و نور چهره اش، و لباس بدنش، و فاصله ای بین او و آتش، و حجت بین او و پروردگار جل جلاله، و نجات بدن نماز گزار از آتش، و عبور از صراط، و کلید بهشت، و مهریه حوری بهشتی، و بهای بهشت است. با نماز انسان به مقام عالی می رسد. چون نماز شامل سبحان الله و الحمد لله و تکبیر و تمجید و تقدیس و گفتار و دعاست.

ص: ۸۵

فِي الْعِلْمِ تَسْعَ وَعِشْرُونَ خَصَلَةً:

٣٩٥٨. عَنْ جَمَاعَةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا رَفَعُوهُ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: تَعَلَّمُوا الْعِلْمَ؛ فَإِنَّ تَعَلُّمَهُ حَسْبُهُ، وَمُدَارَسَتُهُ تَسْبِيحٌ، وَالْبَحْثُ عَنْهُ جِهَادٌ، وَتَعْلِيمُهُ مَنْ لَا يَعْلَمُهُ صِدْقَةٌ، وَبَيِّدُهُ لِأَهْلِهِ قُرْبَةٌ؛ لِأَنَّهُ مَعَالِمُ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ، وَسَالِكُ بَطَالِيهِ سَبِيلُ الْجَنَّةِ، هُوَ أُنَيْسٌ فِي الْوَحْشَةِ، وَصَاحِبٌ فِي الْوَحْدَةِ، وَدَلِيلٌ عَلَى السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ، وَسِلَاحٌ عَلَى الْأَعْدَاءِ، وَزَيْنٌ لِلْأَخْلَاءِ، يَرْفَعُ اللَّهُ بِهِ أَقْوَامًا لِيَجْعَلَهُمْ فِي الْخَيْرِ أُمَّةً يُقْتَدَى بِهِمْ؛ تَرْمَقُ (١) أَعْمَالُهُمْ، وَتُقْتَبَسُ آثَارُهُمْ، وَتَرْغَبُ الْمَلَائِكَةُ فِي خَلَّتِهِمْ، يَمْسِي حَوْنَهُمْ فِي صِيَلَاتِهِمْ بِأَجْنَحَتِهِمْ، وَيَسْتَغْفِرُ لَهُمْ كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى حَيْتَانُ الْبُحُورِ وَهَوَامُّهَا وَسِبَاعُ الْبَرِّ وَأَنْعَامُهَا (٢)؛ لِأَنَّ الْعِلْمَ حَيَاةَ الْقُلُوبِ، وَنُورَ الْأَبْصَارِ مِنَ الْعَمَى، وَقُوَّةَ الْأَبْدَانِ مِنَ الضَّعْفِ، يُنَزِّلُ اللَّهُ حَامِلَهُ مَنَازِلَ الْأَخْيَارِ، وَيَمْنَحُهُ مَجَالِسَ الْأَبْرَارِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، بِالْعِلْمِ يُطَاعُ اللَّهُ وَيُعَيَّدُ، بِالْعِلْمِ يُعْرَفُ اللَّهُ وَيُوَحَّدُ، وَبِالْعِلْمِ تُوَصَّلُ الْأَرْحَامُ، وَبِهِ يُعْرَفُ الْحَلَالُ وَالْحَرَامُ، وَالْعِلْمُ إِمَامُ الْعَمَلِ، وَالْعَمَلُ تَابِعُهُ، يُلْهِمُهُ اللَّهُ السُّعْدَاءَ، وَيَحْرِمُهُ الْأَشْقِيَاءَ. (٣)

٣٩٥٩. عَنْ أَبِي ذَرٍّ - رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ - قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ فِي الْمَسْجِدِ جَالِسٌ وَحَدَهُ فَاعْتَمَمْتُ خَلْوَتَهُ، فَقَالَ لِي: يَا أَبَا ذَرٍّ لِلْمَسْجِدِ تَحِيَّةٌ، قُلْتُ: وَمَا تَحِيَّتُهُ؟ قَالَ: رَكَعَتَانِ تَرَكَعَهُمَا.

قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّكَ أَمَرْتَنِي بِالصَّلَاةِ، فَمَا الصَّلَاةُ؟ قَالَ: خَيْرٌ مَوْضُوعٍ؛ فَمَنْ شَاءَ أَقَلَّ، وَمَنْ شَاءَ أَكْثَرَ.

قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَيُّ الْأَعْمَالِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؟ فَقَالَ: إِيمَانٌ بِاللَّهِ، وَجِهَادٌ فِي سَبِيلِهِ.

قُلْتُ: فَأَيُّ وَقْتِ اللَّيْلِ أَفْضَلُ؟ قَالَ: جَوْفُ اللَّيْلِ الْغَائِبِ.

قُلْتُ: فَأَيُّ الصَّلَاةِ أَفْضَلُ؟ قَالَ: طَوْلُ الْقُنُوتِ.

قُلْتُ: وَأَيُّ الصَّدَقَةِ أَفْضَلُ؟ قَالَ: جُهْدٌ مِنْ مِقْلٍ (٤) فِي فَقِيرٍ ذِي سِنَّ.

ص: ٨٦

١- رمق: أطال النظر؛ أي تلاحظ أعمالهم وتُنظر كي يُقتدى بهم.

٢- الأنعام: جمع النعم - بفتحيتين - تطلق على الإبل والبقر والغنم.

٣- الخصال، ص ٥٢٢، ح ١٢.

٤- أي صدقه مع جهد ومشقه من فقير مقل يعطيها.

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: علم [مراد علم دین است] را بیاموزید، آموختن آن حسنه، و مطالعه اش تسبیح، و بحث درباره آن جهاد، و یاد دادن به کسی که نمی داند صدقه، و بذل آن به اهلش عبادت است. زیرا آن آگاهی های حلال و حرام است. و جوینده اش را بسوی بهشت می برد. مونس در وحشت، و دوست زمان تنهایی است. در سختی ها راهنما، و اسلحه ای در برابر دشمن، و زیور دوستان است. و خداوند بوسیله آن گروه هایی را رفعت می بخشد تا پیشوای خیر باشند. و مردم به آنها اقتدا کنند. و به اعمال آنان چشم بدوزند. و رفتار آنها را اقتباس کنند. و فرشتگان به دوستی با آنان تمایل می یابند. و در حال نماز بالهای خود را به آنان بکشند. و همه چیز حتی ماهی ها و موجودات دریاها و درندگان و حیوانات خشکی ها برای او استغفار می کنند.

زیرا علم مایه زنده شدن دل هاست. و نور چشمها، و نیروی بدنهاست. و بوسیله علم خدا پرستیده و عبادت می شود. و با علم معرفت به خدا حاصل می شود. و به یگانگی او اقرار می شود. علم باعث صله ارحام می شود. و با علم حلال از حرام شناخته می شود. و علم پیشوای رفتار است. و رفتار از علم پیروی می کند. خداوند علم را به سعادت‌مندان الهام و شقاوت‌مندان را از آن محروم می نماید.

۳۹۵۹. ابوذر رحمه الله گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله به تنهایی در مسجد نشسته بود. فرصت را غنیمت شمردم. حضرت به من فرمودند: ای ابوذر مسجد تحیت دارد. پرسیدم: تحیت آن چیست؟ حضرت فرمودند: دو رکعت نماز.

پرسیدم: یا رسول الله به من دستور نماز می دهید؟ نماز چیست؟ حضرت فرمودند:

بهترین تکلیف است که هر کس خواهد کم بجا آورد و هر که خواهد زیاد بجا آورد.

پرسیدم: یا رسول الله چه عملی نزد خدا محبوب تر است؟ حضرت فرمودند: ایمان به خدا و جهاد در راه خدا.

پرسیدم: برترین ساعت شب کدام است؟ حضرت فرمودند: دل شب.

پرسیدم: برترین قسمت نماز کدام است؟ حضرت فرمودند: قنوت طولانی.

پرسیدم: برترین صدقه کدام است؟ حضرت فرمودند: صدقه ای که در تنگدستی به فقیر سالمند بدهد.

قُلْتُ: مَا الصَّوْمُ؟ قَالَ: فَرَضَ مَجْرِيٌّ، (١) وَعِنْدَ اللَّهِ أضعافٌ كَثِيرَةٌ.

قُلْتُ: فَأَيُّ الرِّقَابِ أَفْضَلُ؟ قَالَ: أَغْلَاهَا تَمَنَّا، وَأَنْفَسَهَا عِنْدَ أَهْلِهَا. قُلْتُ: فَأَيُّ الْجِهَادِ أَفْضَلُ؟ قَالَ: مَنْ عَقَرَ جَوَادَهُ، وَأَهْرَيْقَ دَمَهُ.

قُلْتُ: فَأَيُّ آيَةٍ أَنْزَلَهَا اللَّهُ عَلَيْكَ أَعْظَمُ؟ قَالَ: آيَةُ الْكُرْسِيِّ.

ثُمَّ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا أَبَا ذَرٍّ، مَا السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ فِي الْكُرْسِيِّ إِلَّا كَحَلَقِهِ مُلْقَاهُ فِي أَرْضِ فَلَاةٍ، وَفَضْلُ الْعَرْشِ عَلَى الْكُرْسِيِّ كَفَضْلِ الْفَلَاةِ عَلَى تِلْكَ الْحَلَقَةِ.

قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، كَمْ النَّبِيِّينَ؟ قَالَ: مِنْهُ أَلْفٌ وَأَرْبَعَةٌ وَعِشْرُونَ أَلْفَ نَبِيٍّ.

قُلْتُ: كَمْ الْمُرْسَلُونَ مِنْهُمْ؟ قَالَ: ثَلَاثُمِئَةٍ وَثَلَاثَةٌ عَشَرَ جَمًّا (٢) غَفِيرًا.

قُلْتُ: مَنْ كَانَ أَوَّلَ الْأَنْبِيَاءِ؟ قَالَ: آدَمُ. قُلْتُ: وَكَانَ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ مُرْسَلًا؟ قَالَ: نَعَمْ خَلَقَهُ اللَّهُ بِيَدِهِ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ.

ثُمَّ قَالَ: يَا أَبَا ذَرٍّ، أَرْبَعَةٌ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ سَيْرِيَانِيُونَ: آدَمُ وَشَيْثٌ وَأَخْنُوخٌ - وَهُوَ إِدْرِيسُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ؛ وَهُوَ أَوَّلُ مَنْ خَطَطَ بِالْقَلَمِ - وَنُوْحٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَأَرْبَعَةٌ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ مِنَ الْعَرَبِ: هُوْدٌ وَصَالِحٌ وَشُعَيْبٌ وَنَبِيِّكَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَوَّلُ نَبِيٍّ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مُوسَى، وَآخِرُهُمْ عِيسَى وَسَيِّمُهُ نَبِيٌّ.

قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، كَمْ أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ؟ قَالَ: مِنْهُ كِتَابٌ وَأَرْبَعَةٌ كُتُبٌ؛ أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى شَيْثٍ خَمْسِينَ صَحِيفَةً، وَعَلَى إِدْرِيسَ ثَلَاثِينَ صَحِيفَةً، وَعَلَى إِبْرَاهِيمَ عِشْرِينَ صَحِيفَةً، وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَالزَّبُورَ وَالْفُرْقَانَ.

قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَمَا كَانَتْ صُحُفُ إِبْرَاهِيمَ؟ قَالَ: كَانَتْ أَمْثَالًا كُلُّهَا، وَكَانَ فِيهَا:

أَيُّهَا الْمَلِكُ الْمُبْتَلَى الْمَغْرُورُ! إِنِّي لَمْ أَبْعَثْكَ لِتَجْمَعَ الدُّنْيَا بَعْضَهَا إِلَى بَعْضٍ، وَلَكِنْ بَعَثْتُكَ لِتُرَدَّ عَنِّي دَعْوَةُ الْمَظْلُومِ؛ فَإِنِّي لَا أُرُدُّهَا وَإِنْ كَانَتْ مِنْ كَافِرٍ.

ص: ٨٨

١- . كذا، والظاهر أن الصواب: «مَجْرِيٌّ» كما في الخصال ومصادر كثيرة أخرى.

٢- . الجَمِّ: الكثير من كل شيء، جاؤوا جمًّا غفيرًا: أى جاؤوا بجماعتهم الشريفة منهم والوضيع ولم يتخلف أحد وكانت فيهم كثره.

پرسیدم: روزه چیست؟ حضرت فرمودند: واجب لازم الاجراء است که خداوند چند برابر پاداش می دهد.

پرسیدم: آزاد کردن کدام بنده برتر است؟ فرمودند: آن که قیمتش گرانتر و نزد صاحبش نفیس تر باشد.

پرسیدم: کدام جهاد برتر است؟ فرمودند: جهاد آنکه اسبش را بزنند و خودش را بریزند.

پرسیدم: عظیم ترین آیه قرآن کدام است؟ فرمودند: آیه الکرسی.

سپس فرمودند: ای ابوذر آسمانهای هفت گانه در مقابل کرسی، مانند حلقه ای است که در دشت پنهاور افتاده باشد. و برتری عرش بر کرسی مانند بزرگی دشت پنهاور نسبت به آن حلقه است.

پرسیدم: یا رسول الله پیامبران چند نفر بودند؟ فرمودند: یکصد و بیست و چهار هزار پیامبر.

پرسیدم: چند نفر از طرف خدا رسالت داشتند؟ فرمودند: سیصد و سیزده نفر عده ای زیاد.

پرسیدم: اولین پیامبر که بود؟ فرمودند: آدم.

پرسیدم: او رسول هم بود؟ فرمودند: آری خداوند او را با قدرت خود آفرید و از روح خود در او دمید.

سپس فرمودند: ای ابوذر چهار پیامبر سریانی بودند: آدم، شیث و اخنوخ که ادريس نام داشت. و اولین کسی بود که با قلم نوشت. و نوح علیه السلام.

چهار پیامبر عرب بودند: هود و صالح و شعيب و پیامبر تو محمد صلی الله علیه و آله.

پیامبران بنی اسرائیل ششصد نفر بودند که اولین آنها موسی و آخرین آنان عیسی علیه السلام بود.

پرسیدم: یا رسول الله خداوند چند کتاب نازل فرموده است؟ فرمودند: صد و چهار کتاب. پنجاه صحیفه بر شیث و سی صحیفه بر ادريس و بیست صحیفه بر ابراهیم علیه السلام نازل شد. تورات و انجیل و زبور و فرقان.

پرسیدم: یا رسول الله صحیفه های ابراهیم چه بوده است؟ فرمودند: همه مثل بوده اند. از جمله آنها: ای پادشاه مغرور من تو را نفرستادم تا مال ذخیره کنی. تو را فرستادم تا نگذاری آه مظلوم به سوی من آید. من آه مظلوم را حتی اگر کافر باشد رد نمی کنم. عاقل

وَعَلَى الْعَاقِلِ مَا لَمْ يَكُنْ مَغْلُوبًا أَنْ يَكُونَ لَهُ ثَلَاثُ سَاعَاتٍ: سَاعَةٌ يُنَاجِي فِيهَا رَبَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، وَسَاعَةٌ يُحَاسِبُ نَفْسَهُ، وَسَاعَةٌ يَتَفَكَّرُ فِيهَا صَيِّحُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ، وَسَاعَةٌ يَخْلُو فِيهَا بِحِطِّ نَفْسِهِ مِنَ الْحَلَالِ؛ فَإِنَّ هَذِهِ السَّاعَةَ عَوْنٌ لَتِلْكَ السَّاعَاتِ وَاسْتِجْمَامٌ لِلْقُلُوبِ وَتَوْزِيْعٌ لَهَا.

وَعَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ بَصِيرًا بِزَمَانِهِ، مُقْبِلًا عَلَى شَأْنِهِ، حَافِظًا لِسَانَهُ؛ فَإِنَّ مِنْ حَسَبِ كَلَامِهِ مِنْ عَمَلِهِ قَلَّ كَلَامُهُ إِلَّا فِيمَا يَعْنِيهِ .

وَعَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ طَالِبًا لِثَلَاثٍ: مَرَمَةٍ (١) لِمَعَاشٍ، أَوْ تَزُودٍ لِمَعَادٍ، أَوْ تَلَذُّذٍ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ.

قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَمَا كَانَتْ صُحُفُ مُوسَى؟ قَالَ: كَانَتْ عِبْرَاتِيَّ كُلُّهَا، وَفِيهَا:

عَجِبْتُ لِمَنْ أَيْقَنَ بِالمَوْتِ كَيْفَ يَفْرَحُ، وَلِمَنْ أَيْقَنَ بِالنَّارِ كَيْفَ يَضْحَكُ، وَلِمَنْ يَرَى الدُّنْيَا وَتَقَلُّبُهَا بِأَهْلِهَا كَيْفَ يَطْمَئِنُّ إِلَيْهَا، وَلِمَنْ يُؤْمِنُ بِالْقَدْرِ كَيْفَ يَنْصَبُ، وَلِمَنْ أَيْقَنَ بِالحِسَابِ لِمَ لَا يَعْمَلُ!

قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، هَلْ فِي أَيْدِينَا مِمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ شَيْءٌ مِمَّا كَانَ فِي صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى؟ قَالَ: يَا أَبَا ذَرٍّ، اقْرَأ: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى * وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى * بَلْ تُؤَثِّرُونَ الحَيَوَةَ الدُّنْيَا * وَالأُخْرَةَ خَيْرٌ وَابْقَى * إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الأُولَى * صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى».

قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَوْصِنِي. قَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللهِ؛ فَإِنَّهُ رَأْسُ الأَمْرِ كُلِّهِ .

قُلْتُ: زِدْنِي. قَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَلَيْكَ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ وَذِكْرِ اللهِ كَثِيرًا؛ فَإِنَّهُ ذِكْرٌ لَكَ فِي السَّمَاءِ وَنُورٌ لَكَ فِي الأَرْضِ.

قُلْتُ: زِدْنِي. قَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَلَيْكَ بِالجِهَادِ؛ فَإِنَّهُ رَهْبَانِيَّةُ أُمَّتِي.

قُلْتُ: زِدْنِي. قَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَلَيْكَ بِطُولِ الصَّمْتِ؛ فَإِنَّهُ مَطْرَدَةٌ الشَّيْطَانِ، وَعَوْنٌ لَكَ عَلَى أَمْرِ دِينِكَ.

قُلْتُ: زِدْنِي. قَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِيَّاكَ وَكَثْرَةَ الضُّحْكَ؛ فَإِنَّهُ يُمِيتُ القَلْبَ، وَيَذْهَبُ بِنَضْرِهِ (٢) الوَجْهَ .

ص: ٩٠

١- . رَمَّ الشَّيْءَ: أَصْلَحَهُ (لسان: ٢٥٢/١٢).

٢- . النضرة: الحُسن والرونق (لسان العرب: ٢١٢/٥).

اگر شکست خورده نباشد زمان را سه قسمت می کند: ساعتی برای مناجات با پروردگارش.

ساعتی برای محاسبه رفتارش، و ساعتی برای تفکر در آنچه که خداوند به او عنایت فرموده است. و پرداختن به لذتهای حلال به کمک آن سه ساعت می آید. و دلها را آماده می کند.

عاقل باید آگاه به زمان خود و موقعیت شناس و حافظ زبانش باشد. زیرا کسی که گفتارش را هم از اعمال خود بحساب آورد کمتر سخن می گوید.

عاقل باید در جستجوی سه چیز باشد: اصلاح معاش، و توشه برای آخرت، و لذت حلال.

پرسیدم: یا رسول الله صحیفه های موسی چه بوده است؟ فرمودند: همه به زبان عبری بوده است و در آن آمده است: تعجب می کنم از کسی که به مرگ یقین دارد چگونه شادی می کند؟! و کسی که به دوزخ یقین دارد چگونه می خندد؟! و کسی که دنیا و فریبکاری آن را با مردم می بیند چگونه به آن اعتماد می کند؟! و کسی که به قضا و قدر ایمان دارد چگونه خود را به زحمت می اندازد؟! و کسی که یقین به حساب دارد چرا کاری انجام نمی دهد!؟

پرسیدم: یا رسول الله در آیات قرآن چیزی از صحیفه های ابراهیم و موسی آمده است؟

فرمودند: ای ابوذر قرائت کن: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى - تا - صحف ابراهیم و موسی». آنکه خود را پاک کرد. و نام خدا را بر زبان آورد. و نماز گذارد. رستگار شد. ولی شما زندگی دنیا را ترجیح دادید. در حالی که آخرت برای شما بهتر و جاودانه است. این مطلب در صحیفه های ابراهیم و موسی هم آمده است.

پرسیدم: یا رسول الله توصیه ای به من بفرمائید؟ فرمودند: تو را به پروای از خدا توصیه می کنم. که سرآمد همه کارهاست.

گفتم: بیشتر بفرمائید؟ فرمودند: قرآن تلاوت کن. و زیاد خداوند را یاد کن. چون باعث یاد کرد تو در آسمان می شود. و در زمین برای تو نور است.

گفتم: بیشتر بفرمائید. فرمودند: جهاد کن. که رهبانیت امت من است.

گفتم: بیشتر بفرمائید. فرمودند: مدت طولانی سکوت کن. که شیطان را از تو دور کرده، و تو را در امر دین یاری می کند.

گفتم: بیشتر بفرمائید. فرمودند: از خنده زیاد پرهیز کن. که قلب را می میراند. و زیبایی چهره را می برد.

قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ زِدْنِي. قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: انْظُرْ إِلَى مَنْ هُوَ تَحْتَكَ وَلَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ هُوَ فَوْقَكَ؛ فَإِنَّهُ أَجْدَرُ أَنْ لَا تَزْدِرِي نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكَ.

قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ زِدْنِي. قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: صَلِّ قَرَابَتَكَ وَإِنْ قَطَعُوكَ.

قُلْتُ: زِدْنِي. قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَحِبَّ الْمَسَاكِينَ وَمُجَالَسَتَهُمْ.

قُلْتُ: زِدْنِي. قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: قُلِ الْحَقَّ وَإِنْ كَانَ مَرًّا.

قُلْتُ: زِدْنِي. قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا تَخَفْ فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَائِمًا.

قُلْتُ: زِدْنِي. قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لِيَحْبُزَكَ عَنِ النَّاسِ مَا تَعَلَّمُ مِنْ نَفْسِكَ، وَلَا تَجِدُ عَلَيْهِمْ فِيمَا تَأْتِي.

وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: كَفَى بِالْمَرْءِ عَيْبًا أَنْ يَكُونَ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: يَعْرِفُ مِنَ النَّاسِ مَا يَجْهَلُ مِنْ نَفْسِهِ، وَيَسْتَحْيِي لَهُمْ مِمَّا هُوَ فِيهِ، وَيُؤْذِي جَلِيسَهُ بِمَا لَا يَعْنِيهِ.

ثُمَّ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا أَبَا ذَرٍّ، لَا عَقْلَ كَالْتَدْيِيرِ، وَلَا وَرَعَ كَالْكُفِّ، وَلَا حَسَبَ كَحَسَنِ الْخُلُقِ. (١) بَابُ أَرْبَعَةٍ وَثَلَاثِينَ

٣٩٦٠. عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: سُئِلَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الْفُرُوجِ فِي الْقُرْآنِ وَعَمَّا حَرَّمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي سُنَّتِهِ، فَقَالَ: الَّذِي حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَرْبَعَةٌ وَثَلَاثُونَ وَجِهًا: سَبْعَةٌ عَشْرٌ فِي الْقُرْآنِ، وَسَبْعَةٌ عَشْرٌ فِي السُّنَّةِ، فَأَمَّا الَّتِي فِي الْقُرْآنِ فَالَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ» وَ «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمُ الَّتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُمُ الَّتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِلُكُمْ الَّتِي فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمْ الَّتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَمَنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ بِهِنَّ فَلَئِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَمَّا جُنِحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَلْتُمْ - لَأَبْنَاءُكُمْ مِنَ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ»، وَالْحَائِضُ حَتَّى تَطْهَرَ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهُرْنَ»، وَالنِّكَاحُ فِي الْإِعْتِكَافِ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَلَا تُبَشِّرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَكْفُونَ فِي الْمَسْجِدِ».

ص: ٩٢

گفتم: یا رسول الله بیشتر بفرمائید. فرمودند: [در امور مادی] به زیر دست خود بنگر. نه به مافوق چون باعث می شود که نعمتهای خدا را کوچک نشماری.

گفتم: یا رسول الله بیشتر بفرمایید. فرمودند: با خویشاوندان رابطه برقرار کن. گرچه آنان از تو قطع رابطه کنند.

گفتم: بیشتر بفرمایید. فرمودند: فقیران و همنشینی با آنان را دوست داشته باش.

گفتم: بیشتر بفرمایید. فرمودند: سخن حق بگو گرچه تلخ باشد.

گفتم: بیشتر بفرمائید. فرمودند: در راه خدا از ملامت کسی نترس.

گفتم: بیشتر بفرمائید. فرمودند: به جای عیب مردم به عیب خود پرداز. و عیبی که خودت داری از دیگران خرده مگیر.

و فرمودند: این عیب برای انسان بس است که سه خصلت داشته باشد: عیب خود را نداند و عیب مردم را ببیند. کار زشت خود را چون از دیگران ببیند شرم کند. و همنشین خود را بیهوده بیازارد.

سپس فرمودند: یا ابوذریه؛ هیچ عقلی چون تدبیر نیست. و هیچ پرهیزی مثل خودداری از گناه نیست. و هیچ نسبی مثل اخلاق خوش نیست.

باب سی و چهار

۳۹۶۰. امام صادق علیه السلام فرمودند: از پدرم پرسیدند: آمیزشهایی که خداوند در قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله حرام فرموده اند کدامند؟ فرمودند: سی و چهار مورد است که هفده مورد آن در قرآن و هفده مورد در سنت پیامبر صلی الله علیه و آله ذکر شده است.

اما در قرآن: زنا، خداوند می فرماید: به زنا نزدیک نشوید. ازدواج با همسر پدر، خداوند فرمود: با زنانی که پدران شما ازدواج کرده اند ازدواج نکنید و حرام است ازدواج با مادران و دختران و خواهران و عمه ها و خاله ها و دختران برادر و دختران خواهر و مادران رضاعی و خواهران رضاعی و مادر زن و دختر زنی که با او ازدواج و آمیزش کرده اید. و همسر پسر و ازدواج با دو خواهر به صورت همزمان، و آمیزش در زمان اعتکاف.

وَأَمَّا الَّتِي فِي السَّنَةِ فَالْمُوقَعَةُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ نَهَارًا، وَتَزْوِجُ الْمَلَاعِنَةِ بَعْدَ اللَّعَانِ، وَالتَّزْوِجُ فِي الْعِدَّةِ، وَالْمُوقَعَةُ فِي الْإِحْرَامِ، وَالْمَحْرَمُ يَتَزَوَّجُ أَوْ يُزَوَّجُ، وَالْمُظَاهِرُ (١) قَبْلَ أَنْ يُكْفَرَ، وَتَزْوِجُ الْمُشْرِكَةِ، وَتَزْوِجُ الرَّجُلِ امْرَأَةً قَدْ طَلَّقَهَا لِلْعِدَّةِ تِسْعَ تَطْلِيقَاتٍ، وَتَزْوِجُ الْأُمِّهِ عَلَى الْحُرِّهِ، وَتَزْوِجُ الذَّمِّيِّهِ عَلَى الْمُسْلِمِهِ، وَتَزْوِجُ الْمَرَأَةَ عَلَى عَمَّتِهَا وَخَالَتِهَا، وَتَزْوِجُ الْأُمِّهِ مِنْ غَيْرِ إِذْنِ مَوْلَاهَا، وَتَزْوِجُ الْأُمِّهِ عَلَى مَنْ يَقْدِرُ عَلَى تَزْوِجِ الْحُرِّهِ، وَالْجَارِيَّةُ مِنَ السَّبِيِّ قَبْلَ الْقِسْمِهِ، وَالْجَارِيَّةُ الْمُشْرِكَةُ، وَالْجَارِيَّةُ الْمُشْتَرَاةُ قَبْلَ أَنْ يَسْتَبْرَأَ، وَالْمُكَاتِبَةُ الَّتِي قَدْ أَذَتْ بَعْضَ الْمُكَاتِبِهِ (٢).

٣٩٦١. عَنْ زُرَّارَةَ عَنِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّمَا فَرَضَ اللَّهُ مِنَ الْجُمُعَةِ إِلَى الْجُمُعَةِ خَمْسًا وَثَلَاثِينَ صَلَاةً فِيهَا، صَلَاةً وَاحِدَةً فَرَضَهَا اللَّهُ فِي جَمَاعَةٍ وَهِيَ الْجُمُعَةُ (٣).

ص: ٩٤

-
- ١- الْمُظَاهِر - هنا -: من ظاهر امرأته على ما ذكر في الفقه في كتاب الظهار.
 - ٢- الخصال، ص ٥٣٢، ح ١٠.
 - ٣- الخصال، ص ٤٢٢، ح ٢١.

اما در سنت پیامبر صلی الله علیه و آله: آمیزش در روز ماه رمضان و ازدواج با زنی که او را لعان کرده است. [اگر شوهر به همسرش که فرزندی بدنیا آورده نسبت زنابدهد. و یا بگوید: او فرزند من نیست. و زن منکر شود. این زن و شوهر با تشریفات خاصی که لعان نامیده می شود از یکدیگر جدا می شوند.] ازدواج در حال عده و آمیزش در حال احرام، و ازدواجی که عقد آن در حال احرام واقع شود. ازدواج بعد از ظهار و قبل از کفاره دادن، و ازدواج با زن مشرک و ازدواج با زن کافر اهل کتاب که در ذمه اسلام است در حالیکه زن مسلمان دارد و ازدواج با زنی پس از ازدواج با عمه یا خاله آن زن. ازدواج با کنیز بدون اجازه صاحب آن، و ازدواج با کنیز برای کسی که می تواند با زن آزاده ازدواج کند. و ازدواج با کنیزکی که اسیر شده است قبل از تقسیم غنائم جنگی. و کنیز مشرک و کنیزکی که خریداری شده قبل از استبراء [یعنی مدتی که یقین حاصل شود که کنیزک باردار نیست.] و کنیز مکاتبه [یعنی کنیزی که با صاحب خود قرار داد بسته که مبلغی بپردازد و آزاد شود.] که مقداری از مبلغ را پرداخته باشد.

۳۹۶۱. امام باقر علیه السلام فرمودند: خداوند از جمعه تا جمعه بعد، سی و پنج نماز واجب فرموده است. که فقط نماز جمعه باید به جماعت خوانده شود. [بدون جماعت صحیح نیست].

بَابُ الْأَرْبَعِينَ وَمَا فَوقَهَا

باب چهل و بیشتر از آن

اشاره

ص: ۹۷

ما وَرَدَ عَنِ الْأَئِمَّةِ الْمَعْصُومِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

٣٩٦٢. عَنِ الْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: مَنْ شَرِبَ الْخَمْرَ لَمْ تُقْبَلْ صَلَاتُهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا، فَإِنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ فِي هَذِهِ الْأَيَّامِ ضَوَّعَ عَلَيْهِ الْعَذَابُ لِتَرْكِ الصَّلَاةِ.

وَفِي حَبْرٍ آخَرَ: إِنَّ شَارِبَ الْخَمْرِ تَوَقَّفُ صَلَاتُهُ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، فَإِذَا تَابَ رُدَّتْ عَلَيْهِ. (١).

٣٩٦٣. عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ قَدَّمَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا مِنْ إِخْوَانِهِ فَدَعَا لَهُمْ ثُمَّ دَعَا لِنَفْسِهِ اسْتَجِيبَ لَهُ فِيهِمْ وَفِي نَفْسِهِ. (٢).

٣٩٦٤. عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا مَاتَ الْمُؤْمِنُ فَخَضَرَ جَنَازَتُهُ أَرْبَعُونَ رَجُلًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالُوا: اللَّهُمَّ إِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهُ إِلَّا خَيْرًا وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنَّا، قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: إِنَّهُ قَدْ أَجَزْتُ شَهَادَتَكُمْ وَغَفَرْتُ لَهُ مَا عَلِمْتُ مِمَّا لَا تَعْلَمُونَ. (٣).

٣٩٦٥. عَنِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَتْرُكُ حَلْقَ الْعَانَةِ فَوْقَ الْأَرْبَعِينَ، فَإِنْ لَمْ يَجِدْ مُوسَى فَلْيَسْتَقْرِضْ بَعْدَ الْأَرْبَعِينَ وَلَا يُؤَخَّرْ. (٤).

٣٩٦٦. عَنِ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا عَنْ أَبِيهِ عَنِ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَمَّا اسْرَى بِي إِلَى السَّمَاءِ رَأَيْتُ رَحِمًا مُتَعَلِّقَةً بِالْعَرْشِ تَشْكُو رَحِمًا إِلَى رَبِّهَا، فَقُلْتُ لَهَا: كَمْ بَيْنَكَ وَبَيْنَهَا مِنْ أَبٍ؟ فَقَالَتْ: نَلْتَقِي فِي أَرْبَعِينَ أَبًا. (٥).

ص: ٩٨

١- الخصال، ص ٥٣٤، ح ١.

٢- روضه الواعظين، ص ٣٢٦.

٣- الخصال، ص ٥٣٨، ح ٤.

٤- الخصال، ص ٥٣٨، ح ٥.

٥- عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ٢، ص ٢٣١، ح ٥.

۳۹۶۲. امام باقر علیه السلام فرمودند: کسی که شراب بنوشد تا چهل روز نمازش قبول نمی شود. و اگر در این مدت نماز را ترک کند برای ترک نماز عذابش مضاعف می شود.

در حدیث دیگر آمده است: نماز شراب خوار در بین زمین و آسمان متوقف می شود.

پس اگر توبه کند نمازش به او می رسد.

۳۹۶۳. امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که ابتدا برای چهل نفر از برادران خود دعا کند سپس برای خود دعا کند. دعایش برای آنان و خودش مستجاب می شود.

۳۹۶۴. امام صادق علیه السلام فرمودند: زمانی که مؤمنی بمیرد. و چهل نفر از مؤمنان بر جنازه او حاضر شوند و بگویند: خدایا ما از او جز ایمان چیزی نمی دانیم. و توبه او داننا تر از ما هستی.

خداوند تبارک و تعالی می گوید: من شهادت شما را پذیرفتم. و گناهانش را که شما نمی دانید آمرزیدم.

۳۹۶۵. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که به خداوند و روز قیامت ایمان دارد تراشیدن موی زیر شکم را تا چهل روز ترک نکند. و اگر وسیله تراشیدن نداشت بعد از چهلمین روز قرض کند. و تراشیدن را به تأخیر نیندازد.

۳۹۶۶. امام رضا علیه السلام از پدران خود علیهم السلام از رسول الله صلی الله علیه و آله نقل فرمودند: زمانی که مرا به معراج بردند دیدم کسی به عرش آویخته و از خویشاوندش شکایت می کند. پرسیدم: بین شما دو نفر چقدر فاصله بود؟ گفت: چهل پدر. [یعنی لازم است انسان تا اجداد نسل چهل خود را در دعا و کارهای خیر و ثواب شریک کند. و برای آنان طلب مغفرت نماید.]

٣٩٦٧. عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ حَفِظَ مِنْ أُمَّتِي حَدِيثًا مِمَّا يَحْتَاجُونَ إِلَيْهِمْ مِنْ أَمْرِ دِينِهِمْ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَقِيهًا عَالِمًا. (١)

٣٩٦٨. عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَوْصَى إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَكَانَ فِيهَا أَوْصَى بِهِ أَنْ قَالَ لَهُ:

يَا عَلِيُّ، مَنِ حَفِظَ مِنْ أُمَّتِي حَدِيثًا يَطْلُبُ بِذَلِكَ وَجَهَ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ وَالِدَارِ الْآخِرَةَ حَشَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أَوْلِيكَ رَفِيقًا.

فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا هَذِهِ الْأَحَادِيثُ؟

قَالَ: أَنْ تُؤْمِنَ بِاللَّهِ وَحَدَهُ لِشَرِيكَ لَهُ، وَتَعْبُدَهُ وَلَا تَعْبُدَ غَيْرَهُ، وَتُقِيمَ الصَّلَاةَ بِوُضوءٍ سَابِعٍ (٢) فِي مَوَاقِيتِهَا، وَلَا تُؤَخِّرَهَا فَإِنَّ فِي تَأْخِيرِهَا مِنْ غَيْرِ عَلَيْهِ غَضَبَ اللَّهِ عِزَّ وَجَلَّ، وَتُؤَدِّيَ الزَّكَاةَ، وَتَصُومَ شَهْرَ رَمَضَانَ، وَتَحِجَّ الْبَيْتَ إِذَا كَانَ لَكَ مَالٌ وَكُنْتَ مُسْتَطِيعًا، وَأَنْ لَا تَعُقَّ (٣) وَالذِّكَّ، وَلَا تَأْكُلَ مَالَ الْيَتِيمِ ظُلْمًا، وَلَا تَأْكُلَ الرِّبَا، وَلَا تَشْرَبَ الْخَمْرَ وَلَا شَيْئًا مِنَ الْأَشْرِبَةِ الْمُسْكِرَةِ، وَلَا تَزْنِي، وَلَا تَلُوطَ، وَلَا تَمَسِّيَ بِالنَّمِيمَةِ، وَلَا تَحْلِفَ بِاللَّهِ كَاذِبًا، وَلَا تُسْرِفَ، وَلَا تَشْهَدَ شَهَادَةَ الزُّورِ لِأَحَدٍ قَرِيبًا كَانَ أَوْ بَعِيدًا، وَأَنْ تَقْبَلَ الْحَقَّ مِمَّنْ جَاءَ بِهِ صِدْقًا أَوْ كِبِيرًا، وَأَنْ لَا تُرَكِّنَ إِلَى ظَالِمٍ وَإِنْ كَانَ حَمِيمًا قَرِيبًا، وَأَنْ لَا تَعْمَلَ بِالْهَوَى، وَلَا تَقْذِفَ الْمُحْصَنَةَ، وَلَا تُرَائِي؛ فَإِنَّ أَيْسَرَ الرِّيَاءِ شَرُّكَ بِاللَّهِ عِزَّ وَجَلَّ، وَأَنْ لَا تَقُولَ لِقَاصِرٍ: يَا قَاصِرُ، وَلَا لِطَوِيلٍ: يَا طَوِيلُ تُرِيدُ بِذَلِكَ عَيْبَهُ، وَأَنْ لَا تَسْخَرَ مِنْ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ، وَأَنْ تَصْبِرَ عَلَى الْبَلَاءِ وَالْمُصِيبَةِ، وَأَنْ تَشْكُرَ نِعْمَ اللَّهِ الَّتِي أَنْعَمَ بِهَا عَلَيْكَ، وَأَنْ لَا تَأْمَنَ عِقَابَ اللَّهِ عَلَى ذَنْبٍ تُصِيبُهُ، وَأَنْ لَا تَقْنَطَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ، وَأَنْ تَتُوبَ إِلَى اللَّهِ عِزَّ وَجَلَّ مِنْ ذُنُوبِكَ؛ فَإِنَّ الثَّائِبَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ، وَأَنْ لَا تُصِرَّ عَلَى الذُّنُوبِ مَعَ الْإِسْتِغْفَارِ فَتَكُونَ كَالْمُسْتَهْزِئِ بِاللَّهِ وَأَنْبِيَائِهِ وَرُسُلِهِ، وَأَنْ تَعْلَمَ أَنَّ مَا أَصَابَكَ لَمْ يَكُنْ لِيُخْطِئَكَ، وَأَنَّ مَا أَخْطَأَكَ لَمْ يَكُنْ لِيُصِيبَكَ، وَأَنْ لَا تَطْلُبَ سِخْطَ الْخَالِقِ بِرِضَى الْمَخْلُوقِ، وَلَا تُؤَثِّرَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ؛ لِأَنَّ الدُّنْيَا فَايَةٌ وَالْآخِرَةُ بَاقِيَةٌ، وَأَنْ لَا تَبْخَلَ عَلَى إِخْوَانِكَ بِمَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ،

ص: ١٠٠

١- مضمون: تحرير الأحكام، ج ١، ص ٤٠.

٢- أسبغ الوضوء: أبلغه مواضعه، ووفى كل عضو حقه (القاموس المحيط: ١٠٧/٣).

٣- العقوق: العصيان، وترك الشفقة والإحسان، وضد البر.

۳۹۶۷. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس از امت من چهل حدیث مربوط به نیازهای دینی مردم را حفظ کند، خداوند او را در قیامت فقیه عالم محشور فرماید.

۳۹۶۸. حضرت امام حسین علیه السلام فرمودند: رسول الله صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام وصیت فرمودند: یا علی هر کس از امت من چهل حدیث را فقط برای خدا و روز قیامت حفظ کند، خداوند او را در قیامت با پیامبران و صدیقان و شهیدان و صالحان محشور فرماید. و اینان رفیق نیکو هستند.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: یا رسول الله چه احادیثی؟ حضرت فرمودند: اینکه به خدای یگانه و بدون شریک ایمان آوری. و تنها او را عبادت کنی. و غیر او را عبادت نکنی. و نماز را با وضوی نیکو در اول وقت بجا آوری و تأخیر نیندازی. چون اگر بدون عذر تأخیر کنی خداوند غضب می کند. و زکات را بپردازی. و ماه رمضان روزه بگیری. و هنگامی که مستطیع شدی حج بجا آوری. و پدر و مادرت را نیازاری. و مال یتیم را با ظلم نخوری. و شراب و دیگر مشروبات مست کننده را نیاشامی. و زنا و لواط و سخن چینی و قسم دروغ و اسراف و شهادت دروغ را ترک کنی. و حق را از هر کس کوچک یا بزرگ بگیری. و به ظالم اعتماد نکنی گرچه دوست صمیمی تو باشد. هوسران نباش. و به زنان پاکدامن نسبت ناروا نده. و ریا کار نباش. و کمترین ریا شرک به خداوند متعال است. به عنوان عیب جویی به کوتاه قد نگو: کوتوله. و به بلند قد نگو: دراز. و هیچکس از بندگان خدا را مسخره نکن. و در مصیبت و بلا صبر کن. و شکر نعمتهای خدا را که به تو عطا کرده است بجای آور. و از عذاب خدا بر گناه خود ایمن مباش. و از رحمت خدا ناامید نباش. و از گناهان خود به درگاه خدا توبه کن. کسی که توبه کند مانند کسی است که گناه ندارد. اصرار بر گناه پس از استغفار نکن. چون این کار مثل مسخره کردن خدا و پیامبران و رسولان است. و بدان آنچه به تو رسیده است قابل تخلف نبوده است. و آنچه به تو نرسیده است امکان رسیدن نداشته است. و در ظاهر و باطن یکسان باش. رضایت مردم را با خشم خداوند فراهم مکن و دنیا را بر آخرت مقدم نکن چون دنیا نابود می شود و آخرت می ماند و از آنچه که می توانی به دیگران کمک کنی بخل نکن.

وَأَنْ تَكُونَ سَيْرِيْرُتُكَ كَعَلَانِيَّتِكَ، وَأَنْ لَا تَكُونَ عَلَانِيَّتِكَ حَسِيْنَةً وَسَيْرِيْرُتِكَ قَبِيْحَةً، فَإِنْ فَعَلْتَ ذَلِكَ كُنْتَ مِنَ الْمُنَافِقِيْنَ، وَأَنْ لَا تَكْذِبَ، وَلَا تُخَالِطَ الْكَذَّابِيْنَ، وَأَنْ لَا تَغْضَبَ إِذَا سَمِعْتَ حَقًّا، وَأَنْ تُؤَدِّبَ نَفْسَكَ وَأَهْلَكَ وَوَلَدَكَ وَجِيرَانَكَ عَلَى حَسَبِ الطَّاقَةِ، وَأَنْ تَعْمَلَ بِمَا عَلِمْتَ، وَلَا تُعَامِلَنَّ أَحَدًا مِنْ خَلْقِ اللَّهِ عِزَّ وَجَلَّ إِلَّا بِالْحَقِّ، وَأَنْ تَكُونَ سِيْهَلًا لِلْقَرِيْبِ وَالْبَعِيْدِ، وَأَنْ لَا تَكُونَ جَبَّارًا عَنِيْدًا، وَأَنْ تُكْثِرَ مِنَ التَّسْبِيْحِ وَالتَّهْلِيْلِ وَالدُّعَاءِ وَذِكْرِ الْمَوْتِ وَمَا بَعْدَهُ مِنَ الْقِيَامَةِ وَالْجَنَّةِ وَالنَّارِ، وَأَنْ تُكْثِرَ مِنْ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ، وَتَعْمَلَ بِمَا فِيهِ، وَأَنْ تَسْتَغْنِمَ الْبِرَّ وَالْكَرَامَةَ بِالْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، وَأَنْ تَنْظُرَ إِلَى كُلِّ مَا لَا تَرْضَى فَعَلَهُ لِنَفْسِكَ فَلَا تَفْعَلَهُ بِأَحَدٍ مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ، وَلَا تَمِيلَ مِنْ فِعْلِ الْخَيْرِ، وَأَنْ لَا تُثَقِّلَ (١) عَلَى أَحَدٍ، وَأَنْ لَا تَمُنَّ عَلَى أَحَدٍ إِذَا أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ، وَأَنْ تَكُونَ الدُّنْيَا عِنْدَكَ سِجْنًا حَتَّى يَجْعَلَ اللَّهُ لَكَ جَنَّةً.

فَهَذِهِ أَرْبَعُونَ حَدِيثًا مِنْ اسْتِقَامَ عَلَيْهَا وَحَفِظَهَا عَنِّي مِنْ أُمَّتِي دَخَلَ الْجَنَّةَ بِرَحْمَةِ اللَّهِ، وَكَانَ مِنْ أَفْضَلِ النَّاسِ وَأَحَبِّهِمْ إِلَى اللَّهِ عِزَّ وَجَلَّ بَعْدَ النَّبِيِّيْنَ وَالْوَصِيِّيْنَ، وَحَشْرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ النَّبِيِّيْنَ وَالصَّادِقِيْنَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِيْنَ وَحَسُنَ أَوْلِيَاكَ رَفِيْقًا. (٢)

٣٩٦٩. عَنْ أَبِي بَصِيْرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ الْعَبْدَ لَفِي فُسْحِهِ مِنْ أَمْرِهِ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ أَرْبَعِيْنَ سَنَةً، فَإِذَا بَلَغَ أَرْبَعِيْنَ سَنَةً أَوْحَى اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ إِلَى مَلَكِيْهِ: إِنِّي قَدْ عَمَّرْتُ عَبْدِي عُمْرًا (وَقَدْ طَالَ خ ل) فَغَلَّظًا وَشَدَّدًا وَتَحَفَّظًا وَكُتِبَا عَلَيْهِ قَلِيْلٌ عَمَلِهِ وَكَثِيْرَةٌ وَصَغِيْرَةٌ وَكَبِيْرَةٌ. (٣)

٣٩٧٠. عَنْ الزُّهْرِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَقَالَ لِي: يَا زُهْرِيُّ، مِنْ أَيْنَ جِئْتَ؟ قُلْتُ: مِنَ الْمَسْجِدِ، قَالَ: فِيمَ كُنْتُمْ؟ قَالَ: تَذَاكَرْنَا أَمْرَ الصَّوْمِ فَأَجْمَعَ رَأْيِي وَرَأَى أَصْحَابِي أَنَّهُ لَيْسَ مِنَ الصَّوْمِ شَيْءٌ وَاجِبٌ إِلَّا الصَّوْمُ شَهْرِ رَمَضَانَ، فَقَالَ: يَا زُهْرِيُّ، لَيْسَ كَمَا قُلْتُمْ، إِنَّ الصَّوْمَ عَلَى أَرْبَعِيْنَ وَجْهًا؛ فَعَشْرَةٌ أَوْجُهُ مِنْهَا وَاجِبَةٌ كَوُجُوبِ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَعَشْرَةٌ أَوْجُهُ مِنْهَا صِيَامُهُنَّ حَرَامٌ، وَأَرْبَعَةٌ عَشْرٌ وَجْهًا مِنْهَا صَاحِبُهَا فِيهَا بِالْخِيَارِ إِنْ شَاءَ صَامَ وَإِنْ شَاءَ أَفْطَرَ، وَصَوْمُ الْإِذْنِ عَلَى ثَلَاثَةِ أَوْجُهُ، وَصَوْمُ التَّأْدِيْبِ، وَصَوْمُ الْإِبَاحَةِ، وَصَوْمُ السَّفَرِ وَالْمَرَضِ.

ص: ١٠٢

١- أَى لَا تُتَلَقَ كُلُّ نَفْسِكَ وَثِقَلَهَا عَلَى أَحَدٍ، فَتَكُونَ ثَقِيْلًا عَلَيْهِ، أَوْ لَا تَصَاحِبَ مِنْ لَا يَرِيْدُ صَحْبَتِكَ فَتَكُونَ ثَقِيْلًا عَلَيْهِ.

٢- الخصال، ص ٥٤٣، ح ١٩.

٣- روضه الواعظين، ص ٤٧٦.

و در ظاهر نیکوکار و باطن زشت نداشته باش. اگر چنین باشی منافق هستی. و دروغ نگو.

و با مردم دروغگو همراهی نکن. و زمانی که حق را شنیدی خشمگین مشو. و خود و خانواده و فرزندان و همسایگان را در حد توان با ادب کن. و به آنچه می دانی عمل کن. و با کسی از بندگان خدا جز به حق رفتار نکن. و با نزدیکان و بیگانه سخت گیری نکن. و ستمگر سر سخت نباش. و بسیار تسبیح و تهلیل بگو. و زیاد دعا کن. و به یاد مرگ و بعد از آن مثل قیامت و بهشت و دوزخ باش. و قرآن را زیاد قرائت کن. و به آن رفتار نما. و نیکی و احترام به مردان و زنان مؤمن را غنیمت شمار. و دقت کنی هر کاری درباره خود را نمی پسندی با هیچ یک از مؤمنان انجام نده. و در کار خیر سستی نکن. و بار خود بر دوش کسی نگذار. و اگر به کسی احسان کردی بر او منت نگذار. و دنیا را برای خود زندان بشمار. تا خداوند بهشت را به تو عطا کند.

این چهل حدیث است که هر کس بر آن استقامت کند. و از من برای امت من حفظ کند.

با رحمت خدا وارد بهشت شود. و از بهترین و محبوبترین مردم پس از پیامبران و اوصیاء نزد خدا خواهد بود. و خداوند او را در قیامت با پیامبران و صدیقین و شهداء و صالحان محشور می کند و اینان رفیق نیکو هستند.

۳۹۶۹. امام صادق علیه السلام فرمود: هر بنده تا قبل از چهل سالگی در گشایش و آسودگی است. زمانی که به چهل سالگی رسید، خداوند به دو فرشته او وحی می کند: من به این بنده ام عمر [طولانی] دادم از این پس بر او سخت گیری کنید. و با دقت و شدت رفتار اندک و زیاد و کوچک و بزرگ او را ثبت کنید.

۳۹۷۰. زهری گوید: نزد امام زین العابدین علیه السلام رفتم. حضرت به من فرمود: ای زهری از کجا آمده ای؟ گفتم: از مسجد. فرمود: چکار می کردید؟ گفتم: در مورد روزه مذاکره می کردیم.

و همه به این نتیجه رسیدیم که جز ماه رمضان روزه واجب نیست.

حضرت فرمودند: ای زهری آنطور که گفتید نیست. روزه چهل صورت است. ده صورت آن مثل ماه رمضان واجب است. ده صورت حرام است. و چهارده صورت انسان مختار است روزه بگیرد یا نگیرد. سه صورت روزه اذن است. و روزه تأدیب و روزه مباح و روزه در سفر و مرض.

قُلْتُ: فَسَّرُهُنَّ لِي جُعِلَتْ فِدَاكَ!

قَالَ: أَمَّا الْوَاجِبُ فَصِيَامُ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ لِمَنْ أَفْطَرَ يَوْمًا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ مُتَعَمِّدًا، وَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ فِي قَتْلِ الْخَطَا لِمَنْ لَمْ يَجِدِ الْعِتْقَ وَاجِبًا، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَى أَهْلِهَا» إِلَى قَوْلِهِ: «فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامَ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ (١)».

وَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ فِي كَفَّارَةِ الظَّهَارِ لِمَنْ لَمْ يَجِدِ الْعِتْقَ وَاجِبًا، قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى:

«وَالَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا ذَلِكُمْ تُوَعِّظُونَ بِهِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ* فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامَ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا (٢)».

وَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي كَفَّارَةِ الْيَمِينِ وَاجِبٌ لِمَنْ لَمْ يَجِدِ الْإِطْعَامَ، قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَرُهُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ (٣)»، كُلُّ ذَلِكَ مُتَتَابِعٌ وَلَيْسَ بِمُتَفَرِّقٍ.

وَصِيَامُ أَذَى الْحَلْقِ حَلْقِ الرَّأْسِ وَاجِبٌ، قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ فَفَدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ (٤)»، وَصَاحِبُهَا فِيهَا بِالْخِيَارِ وَإِنْ صَامَ صَامَ ثَلَاثًا.

وَصَوْمُ دَمِ الْمُتَعَةِ وَاجِبٌ لِمَنْ لَمْ يَجِدِ الْهَدْيَ، قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ (٥)».

[و] صَوْمُ جِزَاءِ الصَّيْدِ وَاجِبٌ، قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «وَمَنْ قَتَلَهُمْ مِنْكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعْمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ هَدْيًا بَالِغَ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَرَةٌ طَعَامُ مَسْكِينٍ أَوْ عَدْلٌ ذَلِكَ

ص: ١٠٤

١- . النساء: ٩٢.

٢- . المجادلة: ٣ و ٤. «يتماسا» أى يجامعا.

٣- . المائدة: ٨٩.

٤- البقرة: ١٩٦. وقوله: «نسك» جمع نسيكه؛ وهى الذبيحه.

٥- . البقرة: ٨٦.

گفتم: فدایت شوم آنها را برایم تفسیر فرمایید.

حضرت فرمودند: روزه واجب: روزه ماه رمضان و روزه دو ماه پی در پی برای کسی که یک روزه ماه رمضان را عمداً خورده باشد. و روزه دو ماه پی در پی کفاره قتل خطاء برای کسی که بنده ای برای آزاد کردن نیابد. خداوند فرمود: کسی که مؤمنی را به خطا کشت باید بنده ای مؤمن را آزاد کند. و دیه مقتول را به بستگان او بدهد. و کسی که بنده نیافت دو ماه پی در پی روزه بگیرد.

و روزه دو ماه پی در پی در کفاره ظهار برای کسی که بنده نیافت تا آزاد کند. خداوند فرمود: کسانی که همسران خود را ظهار کنند سپس از آنچه گفته اند برگردند، بنده مؤمنی را آزاد کنند. و اگر نیافتند قبل از تماس با همسر خود دو ماه پی در پی روزه بگیرند. [ظهار یعنی اینکه شوهر همسرش را به مادر یا خواهر خود تشبیه کند: و پس از گفتن این جمله:

ظَهْرُكَ كَظْهِرِ امِّي. نزدیکی کردن با همسر حرام می شود و قبل از آن باید کفاره بدهد و کفاره اش آزاد کردن بنده یا دو ماه پی در پی روزه گرفتن است.]

و سه روز روزه برای کفاره قسم واجب است. البته اگر نتواند به ده نفر فقیر غذا بدهد.

خداوند متعال می فرماید: کسی که نتوانست پس باید سه روز روزه بگیرد. این کفاره قسم است اگر سوگند یاد کنید. روزه در تمام موارد پی در پی است. و فاصله بین روزه ها نیست.

و روزه برای کسی که در حج بعلت بیماری پوستی سر نتواند سر خود را بتراشد واجب است. خداوند می فرماید: هر کس از شما بیمار باشد یا در سر او بیماری باشد پس باید بجای آن یا روزه بگیرد. یا صدقه بدهد. یا قربانی کند. در این مورد انسان مخیر است اگر روزه را انتخاب کرد سه روز روزه بگیرد.

روزه قربانی حج تمتع واجب است. کسی که قربانی پیدا نکند. خداوند می فرماید:

کسی که عمره را به حج برگرداند. پس باید حیوانی را که می تواند قربانی کند. و اگر نتوانست باید سه روز در حج، و هفت روز وقتی به وطن خود بازگشت روزه بگیرد.

مجموعاً ده روز می شود.

روزه کفاره شکار واجب است. خداوند می فرماید: کسی که حیوانی را عمداً بکشد کفاره اش معادل آن حیوانی است که کشته است. و باید دو نفر عادل بر مساوی بودن حکم کنند. قربانی را به مکه برساند. یا به کفاره آن به فقیران غذا بدهد. یا معادل آن روزه بگیرد.

صِيَامًا (١)»، ثُمَّ قَالَ: أَوْ تَدْرِي كَيْفَ يَكُونُ عِدْلُ ذَلِكَ صِيَامًا يَا زُهْرِيُّ؟ فَقُلْتُ: لَا أَدْرِي، قَالَ: تُقَوِّمُ الصَّيْدَ قِيَمَهُ، ثُمَّ تَفُضُّ تِلْكَ الْقِيَمَةَ عَلَى الْبُرِّ، ثُمَّ يُكَالُ ذَلِكَ الْبُرُّ أَصْوَاعًا، فَيَصُومُ لِكُلِّ نِصْفِ صَاعٍ يَوْمًا.

وَصَوْمُ النَّذْرِ وَاجِبٌ، وَصَوْمُ الْإِعْتِكَافِ وَاجِبٌ.

وَأَمَّا الصَّوْمُ الْحَرَامُ فَصَوْمُ يَوْمِ الْفِطْرِ، وَيَوْمِ الْأَضْحَى، وَثَلَاثَةُ أَيَّامٍ مِنْ أَيَّامِ التَّشْرِيقِ (٢)، وَصَوْمُ يَوْمِ الشُّكْرِ أَمْرًا بِهِ وَنُهْنًا عَنْهُ، أَمْرًا أَنْ نَصُومَهُ مَعَ شَعْبَانَ، وَنُهْنًا أَنْ يَنْفَرِدَ الرَّجُلُ بِصِيَامِهِ فِي الْيَوْمِ الَّذِي يَشُكُّ فِيهِ النَّاسُ.

قُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ! فَإِنْ لَمْ يَكُنْ صَامَ مِنْ شَعْبَانَ شَيْئًا كَيْفَ يَصْنَعُ؟ قَالَ: يَنْوِي لَيْلَةَ الشُّكِّ أَنَّهُ صَائِمٌ مِنْ شَعْبَانَ، فَإِنْ كَانَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ أَجْرًا عَنْهُ، وَإِنْ كَانَ مِنْ شَعْبَانَ لَمْ يَضُرَّ.

قُلْتُ: وَكَيْفَ يَجْزَى صَوْمَ تَطَوُّعٍ عَنْ فَرِيضَةٍ؟ فَقَالَ: لَوْ أَنَّ رَجُلًا صَامَ يَوْمًا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ تَطَوُّعًا وَهُوَ لَا يَدْرِي وَلَا يَعْلَمُ أَنَّهُ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ، ثُمَّ عَلِمَ بَعْدَ ذَلِكَ أَجْرًا عَنْهُ لِأَنَّ الْفَرِيضَةَ إِنَّمَا وَقَعَ عَلَى الْيَوْمِ بَعِيْنِهِ.

وَصَوْمُ الْوِصَالِ حَرَامٌ، وَصَوْمُ الصَّمْتِ حَرَامٌ، وَصَوْمُ النَّذْرِ لِلْمَعْصِيَةِ حَرَامٌ، وَصَوْمُ الدَّهْرِ حَرَامٌ.

وَأَمَّا الصَّوْمُ الَّذِي صَاحِبُهُ فِيهِ بِالْخِيَارِ فَصَوْمُ يَوْمِ الْجُمُعَةِ وَالْخَمِيسِ وَالْإِثْنَيْنِ، وَصَوْمُ أَيَّامِ الْبَيْضِ، وَصَوْمُ سِتِّتِهِ أَيَّامٍ مِنْ سُؤَالٍ بَعْدَ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَيَوْمِ عَرَفَةَ، وَيَوْمِ عَاشُورَاءَ، كُلُّ ذَلِكَ صَاحِبُهُ فِيهِ بِالْخِيَارِ؛ إِنْ شَاءَ صَامَ، وَإِنْ شَاءَ أَفْطَرَ.

وَأَمَّا صَوْمُ الْإِذْنِ فَإِنَّ الْمَرْأَةَ لَا تَصُومُ تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِ زَوْجِهَا، وَالْعَبْدَ لَا يَصُومُ تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِ سَيِّدِهِ، وَالصَّيْفَ لَا يَصُومُ تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِ صَاحِبِهِ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «فَمَنْ نَزَلَ عَلَى قَوْمٍ فَلَا يَصُومَنَّ تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِهِمْ».

ص: ١٠٦

١- المائدة: ٩٥.

٢- لمن كان بمنى ناسكًا.

آنگاه فرمود: ای زهری آیا می دانی روزه معادل آن چقدر است؟ گفتم: نه. فرمود: آن صید قیمت گذاری شود و به ازای هر نصف صاع گندم یک روز روزه بگیرد. [مثلاً اگر قیمت آن معادل ده صاع یا ۳۰ کیلو گندم است، باید ۲۰ روز روزه بگیرد].
و روزه نذر واجب. و روزه اعتکاف واجب.

اما روزه های حرام: روزه عید فطر و عید قربان و ایام تشریق [یعنی سه روز بعد از عید قربان] برای کسی که در سرزمین منی باشد و مناسک حج انجام دهد.

و روزه یوم الشک که به روزه آن امر شده ایم و از روزه نهی شده ایم یعنی اگر از آنروز از ماه شعبان است [به نیت شعبان] روزه بگیریم و اگر مردم در آن تردید دارند کسی به تنهایی [آنروز را به نیت رمضان] روزه نگیرد.

گفتم: فدایت شوم اگر از ماه شعبان هیچ روزی روزه نگرفته باشد چه کند؟

فرمود: در آن شبی که فردایش مورد تردید است نیت کند به عنوان روزی از شعبان روزه بگیرد. اگر آن روز واقعاً اول رمضان باشد روزه واجب محسوب شود. و اگر آخر شعبان باشد ضرری ندارد.

گفتم: چگونه روزه مستحب به جای روزه واجب کفایت می کند؟

فرمود: اگر کسی روزی از ماه رمضان را روزه مستحب بگیرد و نداند که آن روز رمضان است و بعداً بداند که رمضان بوده است. آن روزه کافی است. چون واجب در همان روز واقع شده است.

و روزه وصال یعنی از سحر تا سحرگاه بعد روزه بگیرد حرام است.

و روزه سکوت [یعنی روزه ای که در آن با سکوت کردن، سخن گفتن را بر خود حرام کند]. حرام است. و روزه نذر برای گناه و روزه تمام عمر حرام است.

اما روزهایی که انسان مختار است:

روز جمعه و پنجشنبه و دوشنبه و ایام بیض [روزهای سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم هر ماه قمری] و روزه شش روز از ماه شوال بعد از عید فطر و روز عرفه و روز عاشورا. در این روزها انسان مختار است روزه بگیرد یا نگیرد.

روزه اذن: زن برای روزه مستحب با اجازه شوهر روزه بگیرد. عبد با اجازه مولای خود روزه مستحب بگیرد. میهمان برای روزه مستحب باید از میزبان اجازه بگیرد. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که میهمان گروهی می شود نباید روزه مستحب بگیرد مگر با اجازه آنان.

وَأَمَّا صَوْمُ التَّأْدِيبِ فَإِنَّهُ يُؤْمَرُ الصَّبِيُّ إِذَا رَاهِقَ (١) بِالصَّوْمِ تَأْدِيبًا وَلَيْسَ بِفَرْضٍ، وَكَذَلِكَ مَنْ أَفْطَرَ لِعَلِّهِ مِنْ أَوَّلِ النَّهَارِ ثُمَّ قَوِيَ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا بِالْإِمْسَاكِ بَقِيَّةَ يَوْمِهِ تَأْدِيبًا وَلَيْسَ بِفَرْضٍ، وَكَذَلِكَ الْمُسَافِرُ إِذَا أَكَلَ مِنْ أَوَّلِ النَّهَارِ، ثُمَّ قَدِمَ أَهْلُهُ أَمْرًا بِالْإِمْسَاكِ بَقِيَّةَ يَوْمِهِ تَأْدِيبًا وَلَيْسَ بِفَرْضٍ.

وَأَمَّا صَوْمُ الْإِبَاحَةِ فَمَنْ أَكَلَ أَوْ شَرِبَ نَاسِيًا أَوْ تَقِيًّا مِنْ غَيْرِ تَعَمُّدٍ فَقَدْ أَبَاحَ اللَّهُ ذَلِكَ لَهُ وَأَجْزَأَ عَنْهُ صَوْمُهُ.

وَأَمَّا صَوْمُ السَّفَرِ وَالْمَرَضِ فَإِنَّ الْعَامَّةَ اخْتَلَفَتْ فِيهِ؛ فَقَالَ قَوْمٌ: يَصُومُ، وَقَالَ قَوْمٌ: إِنْ شَاءَ صَامَ، وَإِنْ شَاءَ أَفْطَرَ، وَأَمَّا نَحْنُ فَنَقُولُ: يُفْطَرُ فِي الْحَالَيْنِ جَمِيعًا؛ فَإِنْ صَامَ فِي السَّفَرِ أَوْ فِي حَالِ الْمَرَضِ فَعَلَيْهِ الْقَضَاءُ فِي ذَلِكَ؛ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: «فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ». (٢) بَابُ سِتِّهِ وَأَرْبَعِينَ

مِنْ وَصِيَّتِهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِكَمِيلِ بْنِ زِيَادٍ مُخْتَصَرَهُ:

٣٩٧١. يَا كَمِيلُ، سَمِّ كُلَّ يَوْمٍ بِاسْمِ اللَّهِ، وَقُلْ: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»، وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ، وَاذْكُرْنَا وَسَمِّ بِأَسْمَائِنَا وَصَلِّ عَلَيْنَا، وَأَدِرْ بِذَلِكَ عَلَى نَفْسِكَ (٣) وَمَا تَحَوَّطَهُ عِنَايَتُكَ، تُكْفَ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

يَا كَمِيلُ، إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَذَبَهُ اللَّهُ، وَهُوَ أَذَّبَنِي، وَأَنَا أَوَدَّبْتُ الْمُؤْمِنِينَ وَأَوَّرْتُ الْأَدَابَ الْمُكْرَمِينَ.

يَا كَمِيلُ، مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَأَنَا أَفْتَحُهُ، وَمَا مِنْ سِرٍّ إِلَّا وَالْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَخْتِمُهُ.

يَا كَمِيلُ، ذُرِّيَّةٌ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ.

ص: ١٠٨

١- رَاهِقُ الْغُلَامِ فَهُوَ مَرَاهِقٌ: إِذَا قَارَبَ الْإِحْتِلَامَ (الصَّحَاحُ: ١٤٨٧/٤).

٢- تَفْسِيرُ الْقَمِّي، ج ١، ص ١٨٥-١٨٧.

٣- أَدِرْ بِذَلِكَ عَلَى نَفْسِكَ: أَي طَوَّفْ بِهِ عَلَى نَفْسِكَ، مِنْ دَارِ الشَّيْءِ يَدُورُ بِهِ: إِذَا طَافَ حَوْلَهُ؛ يَعْنِي أَنْ يَدُورَ بِهَذَا الْاسْمِ عَلَى نَفْسِهِ، مِثْلًا أَنْ يَقْرَأَهُ حَوْلَهُ أَوْ يَنْفِثَ بَعْدَ الْقِرَاءَةِ حَوْلَهُ. وَالْمُرَادُ بِقَوْلِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَمَا تَحَوَّطَهُ عِنَايَتُكَ: أَي مَا تَحْفَظُهُ وَتَعْتَدِيهِ عِنَايَتِكَ مِنَ الْمَالِ وَالْأَوْلَادِ مِنْ كُلِّ مَا يَهْمُهُ. وَالْحَوَاطُ وَالْعِنَايَةُ بِمَعْنَى وَهُوَ الْحَفِظُ.

روزه تأدیبه: زمانی که کودک به سن بلوغ نزدیک شد برای تأدیبه به او امر کنند روزه بگیرد. این روزه واجب نیست. همینطور کسی که با عذر اول روز افطار کرد سپس عذر او برطرف شد امر می کنند که بقیه روز خودداری کند. این روزه هم واجب نیست و فقط برای تأدیبه است.

همچنین به مسافر که ابتدای روز در سفر بوده و پس از افطار کردن وارد وطن خود شده است، امر می شود، بقیه روز را خودداری کند. البته واجب نیست و برای تأدیبه است.

روزه اباحه: کسی که به علت فراموشی یا تقیه و غیر عمد چیزی بخورد یا بیاشامد، خداوند آن را بر او مباح فرموده است. و روزه اش صحیح است.

روزه سفر و بیماری: اهل تسنن در آن اختلاف دارند. عده ای گفته اند: روزه بگیرید و عده ای گفته اند: اگر خواست روزه بگیرید و اگر خواست بخورد.

اما علمای شیعه گفته اند: در سفر و بیماری روزه نگیرد. و اگر در سفر یا در حال بیماری روزه بگیرد باید قضای آن را بگیرد. چون خداوند می فرماید: اگر کسی از شما بیمار یا مسافر باشد روزهای دیگر [به تعداد روزهای بیماری یا سفر] روزه بگیرد.

باب چهل و شش

اشاره

۳۹۷۱. خلاصه ای از وصیت امیرالمؤمنین علیه السلام به کمیل بن زیاد:

ای کمیل؛ هر روز نام خدا را ببر و بگو: لا حول ولا قوه الا بالله [نیرو و قدرتی جز خداوند نیست]. و به خداوند توکل کن. و ما را یاد کن. و اسامی ما را ببر. و بر ما صلوات بفرست. و بوسیله تکرار آن خود و نیازهای خود را محافظت نما. با این کار شر آن روز را از خود دور کرده ای ان شاء الله.

ای کمیل؛ خداوند به رسول الله صلی الله علیه و آله ادب آموخت. و او به من ادب آموخت. و من به مؤمنین ادب می آموزم. و آداب را به بزرگواران به ارث می گذارم.

ای کمیل؛ دانشی نیست جز اینکه من آن را می گشایم. سرّی نیست جز اینکه حضرت قائم علیه السلام آن را به پایان می رساند [تمام اسرار در زمان ایشان معلوم خواهد شد].

ای کمیل؛ نسل ما [اهل بیت و سلسله امامت] فرزندان هستند که هر یک از فرزندان قبلی ها هستند. و خداوند شنوا و داناست.

يا كَمِيلُ، لا تَأْخُذِ الْإِعْنَا تَكُنْ مِنَّا.

يا كَمِيلُ، ما مِنْ حَرَكَهٍ إِلَّا وَأَنْتَ مُحْتَاجٌ فِيهَا إِلَى مَعْرِفِهِ.

يا كَمِيلُ، إِذَا أَكَلْتَ الطَّعَامَ فَسَمِّ بِاسْمِ الَّذِي لَا يُضِرُّ مَعَ اسْمِهِ دَاءٌ، وَفِيهِ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ الْأَسْوَاءِ.

يا كَمِيلُ، وَابْكِلِ الطَّعَامَ وَلَا تَبْخَلْ عَلَيْهِ؛ فَإِنَّكَ لَنْ تَرزُقَ النَّاسَ شَيْئاً، وَاللَّهُ يُجْزِلُ لَكَ الثَّوَابَ بِذَلِكَ، أَحْسِنِ عَلَيْهِ خُلُقَكَ، وَابْسُطْ جَلِيْسَكَ، وَلَا تَتَّبِعْ خَادِمَكَ.

يا كَمِيلُ، إِذَا أَكَلْتَ فَطَوَّلْ أَكْلَكَ لِيَسْتَوْفِي مَنْ مَعَكَ وَيُرزُقَ مِنْهُ غَيْرُكَ.

يا كَمِيلُ: إِذَا اسْتَوْفَيْتَ طَعَامَكَ فَاحْمَدِ اللَّهَ عَلَى مَا رَزَقَكَ وَارْفَعْ بِذَلِكَ صَوْتَكَ يَحْمَدُهُ سِوَاكَ؛ فَيَعْظُمُ بِذَلِكَ أَجْرُكَ.

يا كَمِيلُ، لَا تَوْقِرَنَّ مَعِدَتَكَ طَعَاماً وَدَعِ فِيهَا لِلْمَاءِ مَوْضِعاً وَلِلرَّيْحِ مَجَالاً، وَلَا تَرْفَعِ يَدَكَ مِنَ الطَّعَامِ إِلَّا وَأَنْتَ تَشْتَهِيهِ، فَإِنْ فَعَلْتَ ذَلِكَ فَأَنْتَ تَسْتَمِرُّهُ؛ فَإِنَّ صِحَّةَ الْجِسْمِ مِنْ قَلِّهِ الطَّعَامِ وَقَلِّهِ الْمَاءِ.

يا كَمِيلُ، الْبَرَكَهُ فِي مَالٍ مَنْ آتَى الزَّكَاةَ وَوَأَسَى الْمُؤْمِنِينَ وَوَصَلَ الْأَقْرَبِينَ.

يا كَمِيلُ، زِدْ قَرَابَتَكَ الْمُؤْمِنِ عَلَى مَا تُعْطِي سِوَاهُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، وَكُنْ بِهِمْ أَرْأَفَ وَعَلَيْهِمْ أَعْطَفَ، وَتَصَدَّقْ عَلَى الْمَساكِينِ.

يا كَمِيلُ، لَا تَرُدِّ سَائِلاً وَلَوْ مِنْ شَطْرِ حَبِّهِ عَنَبٍ أَوْ شِقِّ تَمْرِهِ؛ فَإِنَّ الصَّدَقَةَ تَنْمُو عِنْدَ اللَّهِ.

يا كَمِيلُ، أَحْسِنُ حِلْيَةَ الْمُؤْمِنِ التَّوَاضُّعُ، وَجَمَالُهُ التَّعَقُّفُ، وَشَرَفُهُ التَّفَقُّهُ، وَعِزُّهُ تَرْكُ الْقَالِ وَالْقِيلِ.

يا كَمِيلُ، فِي كُلِّ صَنِيفٍ قَوْمٌ أَرْفَعُ مِنْ قَوْمٍ؛ فَإِيَّاكَ وَمُنَازَرَةَ الْخَسِيسِ (١) مِنْهُمْ وَإِنْ أَسْمَعُوكَ، وَاحْتَمِلْ وَكُنْ مِنَ الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ: «وَ إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَمًا» (٢).

يا كَمِيلُ، قُلِ الْحَقَّ عَلَى كُلِّ حَالٍ، وَوَادِّ الْمُتَّقِينَ، وَاهْجُرِ الْفَاسِقِينَ، وَجَانِبِ الْمُنَافِقِينَ، وَلَا تُصَاحِبِ الْخَائِنِينَ.

ص: ١١٠

١- الخسيس: الدني. والخساسه والخسيسه الحاله التي يكون عليها الخسيس. وإن أسمعوك: أى أسمعوك المكروه.

٢- . سورة الفرقان الآية: ٦٣.

ای کمیل؛ [دین و دانش را] جز از ما نیاموز تا از ما باشی.

ای کمیل؛ هیچ حرکتی نیست جز اینکه تو در آن به آگاهی نیازمندی.

ای کمیل؛ وقتی غذا می خوری نام خدا را ذکر کن. که با اسم خدا هیچ دردی ضرر نمی رساند. و اسم او شفای هر رنجی است.

ای کمیل؛ به دیگران اطعام کن و بخل نداشته باش. چون تو به مردم روزی نمی دهی. و خدا ثواب زیاد برای این کار به تو می دهد. و اخلاق خود را خوب کن. و با همنشین خود خوشرو باش. و خدمتکار خود را متهم نکن.

ای کمیل؛ هنگام غذا خوردن، آن را طولانی کن. تا کسی که با تو غذا می خورد خوب بهره مند شود. و از غذای تو دیگری هم برخوردار شود.

ای کمیل؛ زمانی که غذای خود را به پایان بردی خدا را شکر کن. و با صدای بلند بگو:

الحمدلله. تا دیگران هم خدا را شکر کنند. و ثواب تو زیاد شود.

ای کمیل؛ معده خود را از غذا پر نکن. و برای آب و نفس هم مجال بگذار. و هنگامی که هنوز اشتها داری از غذا دست بردار. چون اگر چنین رفتار کنی غذا برای تو گوارا خواهد شد. و سلامتی بدن از کم خوردن و کم آشامیدن است.

ای کمیل؛ برکت در مال کسی است که زکات بدهد. و با مالش به مؤمنان یاری رساند. و با نزدیکان رابطه برقرار کند.

ای کمیل؛ به خویشاوندان مؤمن خود بیشتر از دیگران هدیه بده. و با آنان مهربان تر و عطف بیشتر داشته باش. و به فقیران صدقه بده.

ای کمیل؛ فقیر را رد نکن. گرچه با نصف حبه انگور یا نصف خرما. چون صدقه نزد خدا رشد می کند. و زیاد می شود.

ای کمیل؛ بهترین زینت مؤمن فروتنی است. و پاکدامنی جمال او، و فقه و فهم دین شرف او، و ترک قیل و قال عزت اوست.

ای کمیل؛ در هر صنفی گروهی از دیگران برترند. از گفتگو با افراد پست پرهیز کن. گرچه به تو ناسزا گویند. و تحمل کن. و از کسانی باش که خداوند آنان را توصیف فرموده:

«زمانی که جاهلان به آنان خطاب می کنند، [آنان در جواب] می گویند سلام».

ای کمیل؛ در همه حال حق بگو. و با پرهیزکاران دوستی و از گنهکاران دوری کن. و از

يا كميل، لا تطرق أبواب الظالمين للاختلاط بهم والاكتساب معهم، وإياك أن تُعظمهم وأن تشهد في مجالسهم بما يسخط الله عليك، وإن اضطرت إلى حضورهم فداوم ذكر الله والتوكل عليه، واستعد بالله من شرورهم وأطرق عنهم وأنكر بقلبك فعلهم، واجهر بتعظيم الله تسميهم؛ فإنك بها تؤيد وتكفي شرهم.

يا كميل، إن أحب ما تمتلئه العباد إلى الله بعد الإقرار به وبأوليائه التّعفف والتحمل والإصطبار.

يا كميل، لا تُر الناس إقتارك (١) واصبر عليه احتساباً بعز وتستر.

يا كميل، لا بأس أن تعلم أخاك سترك. ومن أخوك؟ أخوك الذي لا يخذلك عند الشديده، ولا يقعد عنك عند الجريه، ولا يدعك حتى تسأله، ولا يذرك وأمرك حتى تعلمه، فإن كان مميلاً أصلحه (٢).

يا كميل، المؤمن مرآة المؤمن؛ لأنه يتأمله فيسُد فاقته ويجميل حالته.

يا كميل، المؤمنون إخوة ولا شيء آثر عند كل أخ من أخيه.

يا كميل، إن لم تحب أخاك فليست أخاه، إن المؤمن من قال بقولنا؛ فمن تخلف عنه قصر عنا، ومن قصر عنا لم يلحق بنا، ومن لم يكن معنا ففي الدرك الأسفل من النار.

يا كميل، كل مصدر ينفت (٣)؛ فمن نفت إليك منا بأمر أمرك بستره فإياك أن تبديته، وليس لك من إبدائه توبه، وإذا لم يكن توبه فالمصير إلى لظى.

يا كميل، إذاعه سر آل محمد - صلوات الله عليهم - لا يقبل منها، ولا يحتمل أحد عليها، وما قالوه فلا تعلم إلامؤمناً موقفاً.

ص: ١١٢

١- الإقتار على الإنسان في الرزق: أي الضيق يعني إذا ضاق عليك الرزق وقر لا تذكره للناس، واصبر لله تعالى.
٢- الجريه: الجنايه؛ لأنها تجر العقوبه إلى الجاني. ولا يذرك: أي لا يدعك. لا يقعد عنك عند الجريه: أي لا يتأخر عنك عند الجريه؛ وهي الجنايه، بل يسرع إلى معاونتك وموازرتك، وفي البحار: «ولا يخذلك عند الشده ولا يغفل عنك عند الجريه، ولا يخذعك حين تسأله...». فإن كان مميلاً أي مائلاً عن الحق وجائراً عن القصد. أصلحه: أي يتدخل في أمر للإصلاح.

٣- المصدر: الذي يشتكى صدره. النفث: شبيه النفخ. أي كل من كان اصيب صدره لا بد أن ينفث؛ كناية عن أن الذي عرّضه أمر همّه أو غمّه لا بد وأن يظهره.

منافقان اجتناب کن. و با خائنان همراهی نکن.

ای کمیل؛ درب خانه ستمگران را برای همراهی و کسب با آنان مزن. و مبادا به آنان تعظیم کنی و در مجالسی که خشم خدا بر تو را فراهم کند حاضر شوی. و اگر بناچار حاضر شوی، پیوسته به یاد خدا باش. و به او توکل کن. و از شر آنان به خدا پناه ببر. و از آنان چشم پوش. و در قلب خود با رفتار آنان مخالفت کن. و با صدای بلند تعظیم خداوند را به گوش آنان برسان. زیرا با این کار تو تأیید می شوی. و از شر آنان در امان خواهی بود.

ای کمیل؛ محبوبترین اطاعت بندگان نزد خداوند پس از اعتراف به خدا و اولیاء او پاکدامنی و بردباری و صبر است.

ای کمیل؛ تنگدستی خود را برای مردم آشکار نکن. و با عزت و آبرومندی برای نیل به ثواب صبر کن.

ای کمیل؛ اگر راز خود را به برادرت بگویی اشکال ندارد. برادرت کیست؟ برادرت کسی است که در سختی تو را تنها رها نکند. و هنگامی که از دست تو خطایی در رفت و جنایتی واقع شد از یاری تو کوتاهی نکند. و تو را وانگذارد تا مجبور شوی از او کمک خواهی.

تو را با مشکلات تنها نگذارد تا به او اطلاع بدهی. اگر انحرافی رخ داد آن را اصلاح کند.

ای کمیل؛ مؤمن آینه مؤمن است. زیرا در او می نگرد. و با دقت کمبود او را برطرف می کند. و وضعیت او را روبراه می کند.

ای کمیل؛ مؤمنان برادرند. و برای هر کس چیزی ارزشمندتر از برادرش نیست.

ای کمیل؛ اگر برادرت [دوستت] را دوست نداری پس تو برادر او نیستی. مؤمن کسی است که گفتار ما را بگوید. و کسی که از حق دوستش کوتاهی کند از ما کوتاهی کرده است. و کسی که از ما کوتاهی کند به ما ملحق نمی شود. و کسی که با ما نباشد در بدترین درک جهنم جای دارد.

ای کمیل؛ هر انسان دلتنگ آه می کشد. و هر کس نزد تو از ما درد دلی گفت و خواست که راز داری کنی، مبادا آن را فاش سازی. و برای افشاء آن توبه تو پذیرفته نمی شود. و اگر توبه پذیرفته نشود، سرانجام دوزخ است.

ای کمیل؛ فاش کردن سرّ آل محمد صلی الله علیه و آله پذیرفتنی نیست. و کسی [در صورت فاش شدن] تحمّل آن را ندارد. و آنچه را گفته اند جز به مؤمن موفق اعلام نکن.

يا كَمِيلُ، قُلْ عِنْدَ كُلِّ شِدَّةٍ: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» تُكْفَمُهَا، وَقُلْ عِنْدَ كُلِّ نِعْمَةٍ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ» تَرَدَّدَ مِنْهَا، وَإِذَا أَبْطَأَتِ الْأَرْزَاقُ عَلَيْكَ فَاسْتَغْفِرِ اللَّهَ يُوسِّعْ عَلَيْكَ فِيهَا.

يا كَمِيلُ: اُنْجِ بَوْلَانِيَّتِنَا مِنْ أَنْ يَشْرَكَكَ الشَّيْطَانُ فِي مَالِكَ وَوَلَدِكَ.

يا كَمِيلُ: إِنَّهُ مُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ، فَاحْذَرِ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْمُسْتَوْدَعِينَ، وَإِنَّمَا يَسْتَحِقُّ أَنْ يَكُونَ مُسْتَقَرًّا (١) إِذَا لَزِمَتْ الْجَادَّةُ الْوَاضِحَةَ الَّتِي لَا تُخْرِجُكَ إِلَى عَوَجٍ وَلَا تُزِيلُكَ عَنْ مَنْهَجٍ.

يا كَمِيلُ، لَا رُخْصَةَ فِي فَرَضٍ، وَلَا شِدَّةَ فِي نَافِلَةٍ.

يا كَمِيلُ، إِنَّ ذُنُوبَكَ أَكْثَرُ مِنْ حَسَنَاتِكَ، وَغَفَلَتِكَ أَكْثَرُ مِنْ ذِكْرِكَ، وَنِعَمَ اللَّهِ عَلَيْكَ أَكْثَرُ مِنْ عَمَلِكَ.

يا كَمِيلُ، إِنَّكَ لَا تَخْلُو مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عِنْدَكَ وَعَافِيَتِهِ إِلَّا بِكَ، فَلَا تَخُلْ [مِنْ] (٢) تَحْمِيدِهِ وَتَمْجِيدِهِ وَتَسْبِيحِهِ وَتَقْدِيرِهِ وَشُكْرِهِ وَذِكْرِهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ.

يا كَمِيلُ، لَا تَكُونَنَّ مِنَ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ: «نَسُوا اللَّهَ فَنَسِلْ - هُمْ أَنْفُسَهُمْ» (٣) وَنَسَبَهُمْ إِلَى الْفِسْقِ فَهُمْ فَاسِقُونَ.

يا كَمِيلُ، لَيْسَ الشَّانُ أَنْ تُصَلِّيَ وَتَصُومَ وَتَتَصَدَّقَ، الشَّانُ أَنْ تَكُونَ الصَّلَاةَ بِقَلْبٍ نَقِيٍّ وَعَمَلٍ عِنْدَ اللَّهِ مَرْضِيٍّ وَخُشُوعٍ سَوِيٍّ، وَانْظُرْ فِيمَا تُصَلِّيَ وَعَلَى مَا تُصَلِّيَ إِنْ لَمْ يَكُنْ مِنْ وَجْهِهِ وَحِلَّهُ فَلَا قَبُولَ.

يا كَمِيلُ، اللِّسَانُ يَنْزُحُ الْقَلْبَ (٤)، وَالْقَلْبُ يَقُومُ بِالْغِذَاءِ، فَانْظُرْ فِيمَا تُغْذِي قَلْبَكَ وَجِسْمَكَ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ حَلَالًا لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ تَسْبِيحَكَ وَلَا شُكْرَكَ.

يا كَمِيلُ، افْهَمْ وَعَلِّمْ أَنَا لَا- نُرَخِّصُ فِي تَرْكِ آدَاءِ الْأَمَانَةِ لِأَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ، فَمَنْ رَوَى عَنِّي فِي ذَلِكِ رُخْصَةً فَقَدْ أَبْطَلَ وَأَثَمَ وَجَزَاؤُهُ النَّارُ بِمَا كَذَبَ، اقْسِمُ لَسَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ لِي قَبْلَ وَفَاتِهِ بِسَاعَةٍ مَرَارًا ثَلَاثًا: يَا أَبَا الْحَسَنِ أَدِّ (٥) الْأَمَانَةَ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ فِيمَا جَلَّ وَقَلَّ حَتَّى الْخَيْطِ وَالْمَخِيطِ (٦).

ص: ١١٤

١- . أَى إِنَّ الْإِيمَانَ مُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ، وَإِنَّ الْاسْتِقْرَارَ يَتَحَقَّقُ بِالتَّقْوَى وَتَرْكِ الْمَعَاصِي.

٢- أَضْفَنَاهَا مِنْ تَحْفِ الْعُقُولِ وَالْبِحَارِ.

٣- سوره الحشر الآية: ١٩.

٤- ينزح القلب: أى كَلَّ ما فى القلب يظهر باللسان. وفى البحار: أَنَّ اللِّسَانَ يَبُوحُ مِنَ الْقَلْبِ، وَلَعَلَّ الْمُرَادَ: أَنَّ اللِّسَانَ فى أَعْمَالِهِ يَسْتَمِدُّ مِنَ الْقَلْبِ، وَالْقَلْبُ يَحْتَاجُ إِلَى الْغِذَاءِ حَتَّى يَمُدَّ اللِّسَانَ فَإِنْ كَانَ الْغِذَاءُ مِنْ حَرَامٍ لَا يَقْبَلُ عَمَلُ اللِّسَانَ.

٥- . آدَاء (خ ل).

٦- . أَى حَفِظَ الْأَمَانَةَ مِنْ حَقُوقِ الْإِنْسَانِ عَلَى الْإِنْسَانِ وَإِنْ كَانَ كَافِرًا.

ای کمیل؛ در هر سختی بگویی: لا حول ولا قوه الا بالله. از آن رها می شوی. و در هر نعمت بگو: الحمد لله. آن نعمت فراوان می شود. و هنگامی که روزی تو به کندی می رسد استغفار کن. روزی وسعت یابد.

ای کمیل؛ با ولایت ما از شراکت شیطان در مال و فرزند خود نجات یاب.

ای کمیل؛ ولایت بر دو نوع پایدار و ناپایدار است. بر حذر باش از اینکه تو ولایت مدار ناپایدار باشی. و وقتی ولایت شایسته پایدار می شود که در راه روشنی حرکت کنی، که تو را منحرف نسازد، و از پیمودن راه باز ندارد.

ای کمیل؛ در واجبات رخصت ترک و در مستحبات فشاری برای انجام دادن نیست.

ای کمیل؛ گناهان تو از حسنات تو بیشتر است. و غفلت تو بیشتر از توجه توست. و نعمتهای خدا بر تو فراوان تر از کردار توست.

ای کمیل؛ هرگز از نعمتهای خداوند به تو و سلامتی که به تو داده است جدا نیستی. پس تو نیز ستایش و ثناگویی و تسبیح و تقدیس و شکر و یاد خدا را در هر حال بجای آور.

ای کمیل؛ از کسانی نباش که خداوند فرموده: «خداوند را فراموش کردند. و خدا هم خودشان را از یادشان برده است».

ای کمیل؛ هدف این نیست که فقط نماز بخوانی، و روزه بگیری، و صدقه بدهی، مهم این است که نماز با قلب پاک و عملی مورد پسند خدا و فروتنی درست باشد. دقت کن در چه لباسی و روی چه چیزی نماز می خوانی. که اگر آنها از راه حلال و صحیح نباشد نماز پذیرفته نمی شود.

ای کمیل؛ زبان از قلب می تراود. و قلب با غذا زنده است. و در آنچه با آن قلب و بدن خود را تغذیه می کنی دقت کن. که اگر حلال نباشد خداوند تسبیح و شکر تو را نمی پذیرد.

ای کمیل؛ دریاب و بدان ما به کسی اجازه نمی دهیم که ادای امانت را ترک کند. و کسی که از من چنین اجازه را روایت کند باطل گفته و گناه کرده است. و سزای دروغ او دوزخ است. سوگند می خورم که شنیدم رسول الله صلی الله علیه و آله ساعتی قبل از وفات به من سه با فرمود: یا ابالحسن امانت را به نیکوکار و گنه کار ادا کن، کم باشد یا زیاد حتی نخ و سوزن.

يا كَمِيلُ، لا غَزَوْا لِمَا عَادِلٍ، ولا نَفَلِ (١) إِلَّا مِنْ إِمَامٍ فَاضِلٍ.

يا كَمِيلُ، لو لم يَظْهَرْ نَبِيُّ وَكَانَ فِي الْأَرْضِ مُؤْمِنٌ تَقِيٌّ لَكَانَ فِي دُعَائِهِ إِلَى اللَّهِ مُخْطِئًا أَوْ مُصِيبًا، بَلِ وَاللَّهِ مُخْطِئًا حَتَّى يَنْصِبَهُ اللَّهُ لَذَلِكَ وَيُؤْهِلَهُ لَهُ (٢).

يا كَمِيلُ، الدِّينُ لِلَّهِ؛ فَلا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْ أَحَدٍ الْقِيَامَ بِهِ إِلَّا رَسُولًا أَوْ نَبِيًّا أَوْ وَصِيًّا.

يا كَمِيلُ، هِيَ تَبَوُّهُ وَرِسَالَهُ وَإِمَامَهُ، وَلَيْسَ بَعْدَ ذَلِكَ إِلَّا مَوَالِيْنٌ مُتَّبِعِينَ، أَوْ عَامِهِيْنَ مُبْتَدِعِينَ «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ» (٣).

يا كَمِيلَ، إِنَّ اللَّهَ كَرِيمٌ حَلِيمٌ عَظِيمٌ رَحِيمٌ دَلَّنَا عَلَى اخْتِلاقِهِ، وَأَمَرَنَا بِالْأَخْذِ بِهَا، وَحَمَلَ النَّاسَ عَلَيْهَا، فَقَدَّ أَدِينًا غَيْرَ مُتَخَلِّفِينَ، وَأَرْسَلَنَا غَيْرَ مُنَافِقِينَ، وَصَدَّقَنَا غَيْرَ مُكَذِّبِينَ، وَقَبَلَنَا غَيْرَ مُرْتَابِينَ.

يا كَمِيلُ، لَسْتُ - وَاللَّهِ - مُتَمَلِّقًا حَتَّى اطِيعَ، وَلا - مُمْنِيًّا حَتَّى لا - اعصَى، وَلا مَائِلًا لِطِغَامِ الْأَعْرَابِ حَتَّى انْحَلَّ (٤) إِمْرَةَ الْمُؤْمِنِينَ وَأُدْعَى بِهَا (٥).

يا كَمِيلُ، إِنَّمَا حَظِي مَنْ حَظِي بِدُنْيَا زَائِلَةٍ مُدْبِرَةٍ، وَنَحَظِي (٦) بِآخِرِهِ بِاقِيهِ ثَابِتَةٍ.

يا كَمِيلُ، إِنَّ كَلًّا يَصِيرُ إِلَى الْآخِرَةِ، وَالَّذِي نَرَعُبُ فِيهِ مِنْهَا رَضِيَ اللَّهُ وَالذَّرَجَاتِ الْعُلَى مِنَ الْجَنَّةِ الَّتِي يورِثُهَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا.

يا كَمِيلُ، مَنْ لا يَسْكُنُ الْجَنَّةَ فَبَشْرُهُ بِعَذَابِ أَلِيمٍ وَخِزْيٍ مُقِيمٍ.

يا كَمِيلُ، أَنَا أَحْمَدُ اللَّهُ عَلَى تَوْفِيقِهِ، وَعَلَى كُلِّ حَالٍ إِذَا شِئْتَ فَقُمْ (٧).

ص: ١١٦

١- . النَّفَلُ - محَرَّكُه - الغنيمه.

٢- . يعنى أَن الدِّعْوَه إِلَى اللَّهِ تَعَالَى لا بَدَّ وَأَنْ يَكُونَ بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى، وَلَعَلَّمَهُ إِشَارَهُ إِلَى قَوْلِهِ تَعَالَى: «يَهْدِيكَ بِأَمْرِنَا» وَنَحْنُ الْمُسْلِمُونَ نَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ مِثْلًا بِأَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى فِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ.

٣- . أَى الدِّعْوَه إِلَى اللَّهِ تَعَالَى لَيْسَتْ إِلَّا نَبْوُهُ أَوْ رِسَالَهُ أَوْ إِمَامَهُ، وَلَيْسَ بَعْدَ ذَلِكَ إِلَّا أَنْ يَكُونَ دَاعِيًّا مَوَالِيًّا تَابِعًا لِلنَّبِيِّ أَوْ الْإِمَامِ أَوْ عَامِهًا مُبْتَدِعًا وَالْعَمَهُ فِي الْبَصِيرَةِ كَالْعَمَى فِي الْبَصْرِ.

٤- . أَنْحَلَّ فَلانًا شَيْئًا: أَعْطَاهُ إِيَّاهُ وَخَصَّه بِهِ. وَفِي بَشَارَةِ الْمُصْطَفَى: «حَتَّى أَنْتَحِلَّ».

٥- . أَى لا - اطِيعَ بِتَمَلُّقِي لِلنَّاسِ مِنْ رُؤَسَاءِ الْقَبَائِلِ وَالْعَشَائِرِ وَغَيْرِهِمْ. وَلا اطِيعَ بِإِعْطَاءِ مَالٍ، وَالظَّاهِرُ مِنْ مُمْنٍ هُوَ الَّذِي يَمْنُ يَعْنِي يَعْطَى مِنَ الْمَنْ بِمَعْنَى الْعِطَاءِ كَمَا فِي الْبَحَارِ: ٢٧٥/٧٧ «وَلا مَمْنًا حَتَّى اعصَى» وَفِي ص ٤١٦ «وَلا مَمْنِيًّا حَتَّى اعصَى» مِنَ الْأَمْنِيَّةِ بِمَعْنَى التَّمْنَى، فَيَكُونُ الْمُرَادُ: لا - اطِيعَ بِالْوَعْدِ لِلنَّاسِ مِنْ مَقَامٍ أَوْ مَالٍ. وَطِغَامِ النَّاسِ: مَنْ لا عَقْلَ لَهُ وَلا مَعْرِفَةَ، وَقِيلَ: هُمْ أَوْغَادُ النَّاسِ وَأَرَاذِلُهُمْ؛ وَلا مَائِلًا لِلْأَرَاذِلِ وَالْجَهَّالِ حَتَّى أَصِيرَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ. وَفِي الْبَحَارِ: ٤١٦/٧٧ «وَلا مَائِلًا» مِنَ الْمِيرَةِ بِمَعْنَى الطِّغَامِ؛ أَى وَلا - مَعْطِيًّا طِغَامًا لِلطِّغَامِ مِنَ الْأَعْرَابِ؛ أَى لا - أَسْتَعِينُ مِنَ الطِّغَامِ. وَالَّذِي يَخْطُرُ بِالْبَالِ أَنَّ كَلَامَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِشَارَهُ إِلَى مَنْ

تقدّمه، حيث استمدّوا من هذه الطرق.

٦- . حطّى: أى سعد. حطّى كلُّ من الزوجين عند الآخر؛ أى صار ذا مكانه وحظّ ومنزله.

٧- . تحف العقول، ص ١٧١-١٧٦.

ای کمیل؛ جنگیدن جایز نیست مگر با اجازه امام معصوم. و غنیمت گفتن جایز نیست مگر با اجازه امام با فضیلت.

ای کمیل؛ اگر پیامبری ظهور نمی کرد و در زمین مؤمن پرهیزکاری بود و به درگاه خداوند [دعا می کرد] در دعای خود خطا کار بود و یا درستکار؟ بلکه بخدا قسم خطا کار بود تا خداوند او را برای این کار معین می کرد و صلاحیت می بخشید.

ای کمیل؛ دین برای خداست. و خداوند قیام برای دین را از کسی جز رسول یا پیامبر یا وصی نمی پذیرد.

ای کمیل؛ آن مقام، پیامبری و رسالت و امامت است. و پس از آن کسی نیست جز دوستان پیرو یا کور دلان بدعت گزار. «خداوند فقط از پرهیزکاران می پذیرد». [سوره مائده/ آیه ۲۷]

ای کمیل؛ خداوند کریم و حلیم و عظیم و رحیم است. و ما را به اخلاق خود رهنمون شد و امر کرد که آن را فراگیریم و مردم را به آن سوق دهیم. و ما بدون تخلف انجام دادیم. و بدون نفاق بسوی مردم فرستادیم. و بدون تکذیب آن را تصدیق کردیم. و بدون تردید آن را قبول کردیم.

ای کمیل؛ به خدا سوگند تملق و چاپلوسی نمی کنم تا از من اطاعت کنند و وعده نمی دهم تا مخالفت نکنند، و به فرومایگان عرب تمایل ندارم تا به فرمانروایی مؤمنین برسم و مرا امیرالمؤمنین بخوانند.

ای کمیل؛ کسی که از دنیا بهره مند شد، به دنیایی ناپایدار و گذرا بهره مند شده است. و ما از آخرت پایدار و برقرار بهره مندیم.

ای کمیل؛ هر دو بسوی آخرت حرکت می کنند. و آنچه ما به آن رغبت داریم خشنودی خدا و مقامات عالی در بهشت است. که مردم پرهیزکار به آن می رسند.

ای کمیل؛ کسی را که در بهشت ساکن نشود به عذاب دردناک و خواری پایدار بشارت ده.

ای کمیل؛ من خداوند را بر توفیقی که داده است و در همه حال شکر می کنم. هر وقت خواستی برخیز.

مختاراً من خطبه النبي صلى الله عليه وآله في يوم الغدير

٣٩٧٢. أمر رسول الله صلى الله عليه وآله يوم الغدير أن ينصب له أحجاراً كهيئة المبر، فقام فوقها وخطب الناس وخاطبهم بأكثر من خمسين مرة، وأوصى في أمر الولاية ونصب علياً بالخلافه، فأتم وأوكد وأبلغ وأكمل، فأليك بُد من غر ما ألقاه من الدرر:

قال صلى الله عليه وآله: معاشر الناس! إن الله قد نصب به لكم ولياً وإماماً مفترضاً طاعته على المهاجرين والأنصار، وعلى التابعين لهم بإحسان، وعلى البادية والحاضرة، وعلى الأعجمي والعربي، والحُرِّ والمملوك، والصغير والكبير، وعلى الأبيض والأسود، وعلى كل مؤحد، ماض حكمه جائز قوله، نافذ أمره، ملعون من خالفه مرحوم من تبعه.

معاشر الناس! إنه آخر مقام أقومته في هذا المشهد، فاسمعوا وأطيعوا وانقادوا لأمر ربكم فإن الله هو ربكم ووليكم، ثم من دونه محمد صلى الله عليه وآله ووليكم، ثم من بعدى علي ووليكم وإمامكم، ثم الإمامة في ذريتي من ولده إلى يوم القيامة، لا حلال إلا ما أحله إليه، ولا حرام إلا ما حرّمه إليه.

معاشر الناس! ما من علم إلا وقد أحصاه الله في، وكل علم علمتته فقد أحصيته في علي.

معاشر الناس! لا تصلوا عنه، ولا تنفروا منه، ولا تستنكفوا من ولايته.

معاشر الناس! فضلوه فقد فضله الله، واقلوه فقد نصبه الله.

معاشر الناس! إنه إمام من الله ولن يتوب الله على أحد أنكر ولايته، ولن يغفر الله له.

معاشر الناس! حبانى (١) الله بهذه الفضيلة منّا منه علي وإحساناً منه إلى.

معاشر الناس! فضلوا علياً؛ فإنه أفضل الناس بعدى من ذكر وانشى، بنا أنزل الله الرزق وبقي الخلق.

ص: ١١٨

١- . حباه كذا و بكذا: إذا أعطاه. والحباء: العطيه (النهايه: ٣٢٥/١).

۳۹۷۲. رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز غدیر دستور داد که برای او سنگهایی را مثل منبر نصب کنند. و بر بالای آن ایستاد و خطبه خواند. و بیش از پنجاه بار به مردم خطاب کرد. و درباره امیرالمؤمنین توصیه فرمود. و علی علیه السلام را به امامت و خلافت نصب فرمود. و دقت تمام و تأکید و ابلاغ کامل نمود.

اینک گزیده ای از سخنان گهربار آن حضرت را ذکر می کنیم:

حضرت فرمودند: ای مردم؛ خداوند علی علیه السلام را برای شما ولی و امام واجب الطاعه بر مهاجرین و انصار نصب فرمود. و بر تابعان اصحاب و شهری و بادیه نشین و عرب و عجم و آزاده و برده و کوچک و بزرگ و سفید و سیاه پوست و هر یکتاپرست اطاعت از او را واجب فرمود. حکم او ثابت و گفتار او روا و امر او مطاع است. هر که با او مخالفت کند ملعون. و هر کس از او پیروی کند مورد رحمت الهی است.

ای مردم؛ این آخرین مکانی است که در حضور جمع می ایستم، پس گوش فرا دهید و اطاعت کنید. و در برابر فرمان پروردگارتان سر فرود آورید. زیرا خداوند پروردگار و سرپرست شماست. سپس محمد صلی الله علیه و آله سرپرست شما و پس از من علی سرپرست و امام شماست. و پس از او امامت تا قیامت در نسل من از فرزندان او خواهد بود. و حلال نیست جز آنچه او حلال کند. و حرام نیست جز آنچه که او آن را حرام فرماید.

ای مردم؛ دانشی وجود ندارد مگر اینکه خداوند آن را به من داده است. و هر علمی که آموخته ام آن را به علی داده ام.

ای مردم؛ از علی منحرف نشوید. و از او دوری نکنید. و از ولایت او سرپیچی نکنید.

ای مردم؛ علی را برترین شخص بدانید که خداوند او را برترین قرار داد. و او را بپذیرید که خداوند او را منصوب فرموده است.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّهُ جَنْبٌ (١) اللَّهُ، نَزَلَ فِي كِتَابِهِ: «أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَحْسِرَتِي عَلَى مَا فَرَطْتُ فِي جَنَمٍ - بِِ اللَّهِ».

مَعَاشِرَ النَّاسِ! تَدَبَّرُوا الْقُرْآنَ، وَافْهَمُوا آيَاتِهِ، وَانظُرُوا إِلَى مُحْكَمَاتِهِ، وَلَا تَتَّبِعُوا مُشَابِهَهُ، فَوَاللَّهِ لَنْ يُبَيِّنَ لَكُمْ زَوَاجِرَهُ وَلَا يُوضِّحَ لَكُمْ تَفْسِيرَهُ إِلَّا الَّذِي أَنَا آخِذٌ بِيَدِهِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّ عَلِيًّا وَالطَّيِّبِينَ مِنْ وُلْدِي هُوَ الثَّقَلُ الْأَصْغَرُ، وَالْقُرْآنَ هُوَ الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ، فَكُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُ عَنِ صَاحِبِهِ وَمُوَافِقٌ لَهُ حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ (٢).

مَعَاشِرَ النَّاسِ! هَذَا عَلِيٌّ أَخِي وَوَصِيِّي وَوَاعِي عِلْمِي وَخَلِيفَتِي عَلَى أُمَّتِي وَعَلَى تَفْسِيرِ كِتَابِ اللَّهِ، بِأَمْرِ اللَّهِ أَقُولُ: اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّمَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَكْمَلَ دِينَكُمْ بِإِسْمِهِ؛ فَمَنْ لَمْ يَأْتَمْ بِهِ وَبِمَنْ يَقُومُ مَقَامَهُ مِنْ وُلْدِي فَأُولَئِكَ الْعَزِيزِينَ حَبَطَتْ أَعْمَالُهُمْ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! هَذَا عَلِيٌّ أَنْصَرُّكُمْ لِي، وَأَحَقُّكُمْ بِي، وَأَقْرَبُكُمْ إِلَيَّ، وَأَعَزُّكُمْ عَلَى اللَّهِ، وَاللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَأَنَا عَنْهُ رَاضِيَانِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! هُوَ نَاصِرٌ دِينَ اللَّهِ، وَالْمُجَادِلُ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ، وَهُوَ التَّقِيُّ النَّقِيُّ وَالْهَادِي الْمَهْدِيُّ، نَبِيُّكُمْ خَيْرُ نَبِيٍّ، وَوَصِيُّكُمْ خَيْرُ وَصِيٍّ، وَبَنُوهُ خَيْرُ الْأَوْصِيَاءِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! ذُرِّيَّهُ كُلُّ نَبِيٍّ مِنْ صُلْبِهِ، وَذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِ عَلِيٍّ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّ إِبْلِيسَ أَخْرَجَ آدَمَ مِنَ الْجَنَّةِ بِالْحَسَدِ، فَلَا تَحْسُدُوهُ فَتَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ، وَتَرُلُّ أَعْدَابُكُمْ.

ص: ١٢٠

١- نقل في البحار: ١٩١/٢٤-١٩٩ أحاديث في أنهم عليهم السلام هم جنب الله ثم قال: قال الصِّدِّيقُ رَحِمَهُ اللَّهُ: الْجَنْبُ: الطَّاعَةُ فِي لُغَةِ الْعَرَبِ يُقَالُ: هَذَا صَغِيرٌ فِي جَنْبِ اللَّهِ؛ أَي فِي طَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَمَعْنَى قَوْلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَا جَنْبُ اللَّهِ أَي أَنَا الَّذِي وَلَايَتِي طَاعَةُ اللَّهِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَحْسِرَتِي عَلَى مَا فَرَطْتُ فِي جَنَمٍ - بِِ اللَّهِ» أَي فِي طَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

٢- . حديث الثقلين المتواتر من طرق الفريقين نقل عنه صلى الله عليه وآله في مواقف مختلفة؛ منها في حديث خطبه الغدير، وقد أُلِفَ الْعِلْمُ الْمَتَّبِعُ الشَّيْخِ قَوَامِ الْوَشْنَوِيِّ الْقَمِّيِّ رَسَالَهُ فِي ذَلِكَ طُبِعَتْ فِي مِصْرَ، وَرَاجِعَ الْمَرَاجِعَاتِ وَالْعَبَقَاتِ وَغَيْرِهَا. قَالَ ابْنُ الْأَثِيرِ فِي النَّهَائِيهِ فِي مَادَّةِ «ثَقَلٌ» فِيهِ: «إِنِّي تَارَكَ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعَتْرَتِي» سَمَّاهُمَا ثَقَلَيْنِ لِأَنَّ الْأَخْذَ بِهِمَا وَالْعَمَلَ بِهِمَا ثَقِيلٌ، وَيُقَالُ لِكُلِّ خَطِيرٍ: ثَقُلَ، فَسَمَّاهُمَا ثَقَلَيْنِ إِعْظَامًا لِقَدْرِهِمَا، وَتَفْخِيمًا لِشَأْنِهِمَا.

ای مردم؛ علی از طرف خداوند به امامت رسیده است. و کسی که ولایت او را انکار کند توبه اش پذیرفته نمی شود. و هرگز خداوند او را نیامرزد.

ای مردم؛ خداوند این عطیه را با منت و احسان خود به من هدیه کرد.

ای مردم؛ علی را برتری دهید که او پس از من برترین مردم از مردان و زنان است. و خداوند به برکت وجود ما روزی نازل می کند. و مخلوقات زنده می مانند.

ای مردم؛ علی جنب الله است، خداوند در کتاب خود نازل فرمود: «کسی بگوید آه و حسرت بر آنچه در جنب الله کوتاهی کردم». [جنب در لغت یعنی طاعت. جنب الله یعنی اطاعت خدا]

ای مردم؛ در قرآن تدبّر کنید. و آیات آن را بفهمید. و در محکّمات آن دقت کنید. و متشابهات آن را دنبال نکنید. به خدا سوگند به جز این کسی که من دست او را گرفته ام کسی نهی قرآن را برای شما بیان نمی کند. و تفسیر آن را برای شما توضیح نخواهد داد.

ای مردم؛ علی و فرزندان پاک از نسل من ثقل اصغر، و قرآن ثقل اکبر است. و هر کدام از دیگری خبر می دهد و موافق یکدیگرند. تا در حوض کوثر بر من وارد شوند.

ای مردم؛ این علی برادر و وصی و دارنده علم من و جانشین من در امت من و در تفسیر قرآن است. و به دستور خداوند می گویم: پروردگارا دوست بدار هر که را او را دوست دارد. و دشمن باش با دشمن علی.

ای مردم؛ خداوند با امامت او دین شما را کامل گردانید. پس کسی که به او و جانشین او از فرزندانم اقتدا نکند از کسانی است که اعمالشان باطل و بیهوده است.

ای مردم؛ این علی از همه شما بیشتر مرا یاری کرده است. و حق بیشتری بر من دارد. و به من نزدیکتر و نزد خداوند عزیزتر است. و خدا و من از او راضی هستیم.

ای مردم؛ علی یاور دین خداست. و در دفاع از رسول الله رزمنده است. و او پرهیزکار پاکیزه هدایت گر هدایت یافته است. پیامبر شما بهترین پیامبر و وصی شما بهترین وصی و فرزندان او بهترین اوصیاء هستند.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلَ مَعَهُ «مِن قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ (١) وُجُوهًا فَتَرُدَّهَا عَلَى أُدْبَارِهَا» (٢).

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنِّي أَنْذَرُكُمْ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِي الرُّسُلُ، أَفَإِن مِّتُّ أَوْ قُتِلْتُ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ! (٣).

مَعَاشِرَ النَّاسِ! لَا تَمُنُّوا عَلَى اللَّهِ إِسْلَامَكُمْ فَيَسْحَطَ عَلَيْكُمْ وَيُصِيبِكُمْ بِعَذَابٍ مِّنْ عِنْدِهِ إِنَّهُ لَبِالْمِرْصَادِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! سَيَكُونُ مِن بَعْدِي أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصِرُونَ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّ اللَّهَ وَأَنَا بَرِيئَانِ مِنْهُم.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّهُمْ وَأَشْيَاعُهُمْ وَأَتْبَاعُهُمْ وَأَنْصَارُهُمْ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنِّي أَدْعُهَا أَمَانَةً وَوِرَاثَةً فِي عَقْبِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَقَدْ بَلَغْتُ مَا أَمَرْتُ بِتَبْلِيغِهِ، فَلْيَبْلِغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَدْرِكْكُمْ عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَمِيزَ الْحَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ، وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّهُ مَا مِنْ قَرِيهِ إِلَّا وَاللَّهُ مُهْلِكُهَا بِتَكْذِيبِهَا، وَكَذَلِكَ يُهْلِكُ الْقُرَى وَهِيَ ظَالِمَةٌ كَمَا ذَكَرَ اللَّهُ، وَهُوَ إِمَامُكُمْ وَوَلِيُّكُمْ، وَهُوَ مَوَاعِيدُ اللَّهِ، وَاللَّهُ يَصْدُقُ مَا وَعَدَهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! قَدْ ضَلَّ قَبْلَكُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ، وَاللَّهُ لَقَدْ أَهْلَكَ الْأَوَّلِينَ وَهُوَ مُهْلِكُ الْآخِرِينَ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! شَتَّانَ مَا بَيْنَ السَّعِيرِ وَالْجَنَّةِ، عَدُونَا مِنْ ذَمِّهِ اللَّهُ وَلَعْنَهُ وَوَلِيِّنَا مَنْ أَحَبَّهُ اللَّهُ وَمَدَحَهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنِّي نَبِيُّ وَعَلِيِّ وَصِيِّ، أَلَا وَإِنَّ خَاتِمَ الْأَنْبِيَاءِ مِنَّا الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ.

ص: ١٢٢

١- الطمس: من طمس: أى درس وانمحي، وطمس فلان الشيء طمسا: أى محاه وأهلكه.

٢- النساء: ٤٧.

٣- انقلبتم على أعقابكم: أى رجعتم، ومعلوم أن المراد هو الرجوع عن الدين.

ای مردم؛ فرزندان هر پیامبری از نسل او ولی فرزندان من از نسل علی هستند.

ای مردم؛ شیطان با حسادت آدم را از بهشت خارج کرد. پس نسبت به علی حسادت نکنید. که اعمال شما بیهوده می شود. و گامهایتان می لغزد.

ای مردم؛ به خداوند و رسول او و نوری که همراه او نازل شده ایمان آورید. «قبل از آنکه چهره هایی را محو کنیم و به پشت سرشان برگردانیم». [آیه ۸ تغابن و ۴۷ نساء]

ای مردم؛ چقدر فاصله است بین آتش و بهشت، دشمن ما کسی است که خدا او را مذمت و لعن کرده است و ولی است که خدا او را دوست می دارد و او را ستایش کرده است.

ای مردم؛ من شما را آگاه می کنم که من رسول خدا هستم به سوی شما، و قبل از من رسولانی بودند. آیا اگر بمیرم یا کشته شوم به گذشته خود [کفر و جاهلیت] باز می گردید؟

ای مردم؛ اسلام آوردن خود را بر خدا منت نگذارید. که بر شما خشمگین شود. و عذابی بر شما فرود آورد. همانا خداوند در کمین [ستمگران] است.

ای مردم؛ پس از من رهبرانی خواهند آمد، که به دوزخ دعوت می کنند. و آنان در قیامت یاری نخواهند شد.

ای مردم؛ خدا و من از آنان بیزار هستیم.

ای مردم؛ آنان با شیعیان و پیروان و یارانشان در پست ترین درک دوزخ خواهند بود.

ای مردم؛ من آن [امامت] را پس از خود تا قیامت نزد شما امانت و میراث می گذارم. و من وظیفه خود را به شما رساندم. پس حاضران به غائبان برسانند.

ای مردم؛ خداوند شما را به حال خود واگذار نمی کند. تا پلید از پاک جدا شود. و خداوند شما را بر غیب آگاه نسازد.

ای مردم؛ خداوند هر آبادی را که مردم آن خدا را انکار کنند هلاک فرموده است. و همچنین هر آبادی که مردم آن ستمکارند. چنان که خداوند یاد آوری فرموده است. و علی امام و ولی شماست و آن وعده های خداوند است. و خداوند در وعده اش راست می گوید.

ای مردم؛ قبل از شما اکثر پیشینیان گمراه شدند. و خداوند آنان را نابود کرد. و او آیندگان را هم نابود خواهد کرد.

ای مردم؛ چقدر فاصله است بین آتش و بهشت، دشمن ما کسی است که خدا او را مذمت و لعن کرده است و ولی ما کسی است که خدا او را دوست می دارد و او را ستایش کرده است.

ای مردم؛ من پیامبرم و علی وصی است. آگاه باشید که آخرین امام از ما حضرت مهدی

ص: ۱۲۳

مَعَاشِرِ النَّاسِ! قَدْ بَيَّنْتُ لَكُمْ وَأَفْهَمْتُكُمْ، وَهَذَا عَلَيَّ يُفْهَمُكُمْ بَعْدِي.

مَعَاشِرِ النَّاسِ! إِنَّ الْحَجَّ وَالصَّفَا وَالْمَرَوَةَ وَالْعُمْرَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ، فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَتَطَوَّفَ بِهِمَا.

مَعَاشِرِ النَّاسِ! حُجُّوا الْبَيْتَ؛ فَمَا وَرَدَهُ أَهْلُ بَيْتِ إِبْرَاهِيمَ، وَلَا تَخَلَّفُوا عَنْهُ إِلَّا فَتَقَرُّوا.

مَعَاشِرِ النَّاسِ! مَا وَقَفَ بِالْمَوْقِفِ مُؤْمِنٌ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا سَلَفَ مِنْ ذَنْبِهِ إِلَى وَقْتِهِ ذَلِكَ، فَإِذَا انْقَضَتْ حَجَّتُهُ اسْتَأْنَفَ عَمَلَهُ.

مَعَاشِرِ النَّاسِ! الْحُجَّاجُ مُعَانُونَ، وَنَفَقَاتُهُمْ مُخْلَفَةٌ، وَاللَّهُ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ.

مَعَاشِرِ النَّاسِ! حُجُّوا الْبَيْتَ بِكَمَالِ الدِّينِ وَالتَّقْوَى، وَلَا تَنْصَرِفُوا عَنِ الْمَشَاهِدِ الْبَاتِيئَةِ وَإِقْلَاعِ (١).

مَعَاشِرِ النَّاسِ! أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ، لِيُنْ طَالَ عَلَيْكُمُ الْأَمَدُ فَتَقْصُرْتُمْ أَوْ نَسِيْتُمْ فَعَلَيَّْ وَلِيَّتِكُمْ وَمُبَيِّنٌ لَكُمْ.

مَعَاشِرِ النَّاسِ! وَكُلُّ حَلَالٍ دَلَلْتُمْ عَلَيْهِ، وَكُلُّ حَرَامٍ نَهَيْتُمْ عَنْهُ فَإِنِّي لَمْ أَرْجِعْ عَنْ ذَلِكَ وَلَمْ أَبَدِّلْ، أَلَا وَإِنَّ رَأْسَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ أَنْ تَنْتَهَوْا إِلَى قَوْلِي وَتُبَلِّغُوهُ مَنْ لَمْ يَحْضُرْهُ، وَتَأْمُرُوهُ بِقَبُولِهِ، وَتَنْهَوُهُ عَنِ مُخَالَفَتِهِ.

مَعَاشِرِ النَّاسِ! الْقُرْآنُ يُعْرِفُكُمْ أَنَّ الْأئِمَّةَ مِنْ بَعْدِهِ وُلدُهُ، وَعَرَفْتُمْ أَنَّهُمْ مِنِّي وَمِنْهُ، حَيْثُ يَقُولُ اللَّهُ:

«وَجَعَلَهَا كَلِمَةً م بَاقِيَةٍ فِي عَقِبِهِ»، وَقُلْتُ: لَنْ تَضِلُّوا مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا (٢).

مَعَاشِرِ النَّاسِ! التَّقْوَى التَّقْوَى! احذَرُوا السَّاعَةَ كَمَا قَالَ اللَّهُ: «إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ».

مَعَاشِرِ النَّاسِ! إِنَّكُمْ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُصَافِقُونِي بِكُفٍّ وَاحِدَةٍ، وَأَمَرَنِي اللَّهُ أَنْ آخُذَ مِنَ أَلْسِنَتِكُمْ الْإِقْرَارَ

ص: ١٢٤

١- أفلح من الأمر: كَفَّ عَنْهُ. والظاهر هنا الإقلاع عن المعاصي أو الإقلاع عن الدنيا بمعنى قلع حبها عن القلب.

٢- راجع البحار: ٢٠١/٣٧-٢١٨ عن الاحتجاج ولعل المراد أن القرآن ينص أن إبراهيم عليه السلام بدعائه في قوله: «قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي» جعلها - أي الولايه والإمامه - كلمه باقيه في عقبه، ودعاؤه عليه السلام ذلك لذريته مع ضم قوله تعالى: «لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» تُفيد أن الولايه إنما هو في المعصومين من ذريته وليس إلفي علي عليه السلام وولده - صلوات الله عليهم أجمعين - بحسب الأدله من الكتاب والسنة.

قائم است.

ای مردم؛ برای شما بیان کردم و به شما فهماندم و پس از من این علی به شما می فهماند.

ای مردم؛ حج و صفا و مروه و عمره از شعائر خدا هستند. پس هر کسی که حج یا عمره بجا آورد اشکال ندارد به آن دو [صفا و مروه] طواف کند.

ای مردم؛ در خانه خدا حج کنید زیرا هیچ خاندانی به آن وارد نشدند مگر اینکه بی نیاز شدند. و هر گروهی که آن را ترک کردند فقیر و نیازمند شدند.

ای مردم؛ هیچ مؤمنی در موقف [عرفات] وقوف نکرد مگر اینکه خداوند گناهان گذشته تا زمان وقوف او را آمرزید. و پس از حج اعمال خود را از سر گیرد.

ای مردم؛ حاجیان یاری می شوند. و هزینه های آنان تأمین می شود. و خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نخواهد کرد.

ای مردم؛ خانه خدا را با دین کامل و ادراک حج کنید. و از اماکن مقدس جز با توبه و ریشه کنی گناه باز نگردید.

ای مردم؛ نماز پیا دارید. و زکات بدهید. همانطور که خداوند به شما فرمان داده است.

و اگر مدت بر شما طولانی شد و کوتاهی یا فراموش کردید، علی سرپرست شماست و برای شما بیان می کند.

ای مردم؛ به هر حلال شما را راهنمایی کردم. و از هر حرام شما را باز داشتم. من از آن برنگشته ام و آن را عوض نکرده ام. آگاه باشید که سرآمد امر به معروف آن است که به گفتار من برسید. و به غایبان اطلاع دهید. و از آنان بخواهید که قبول کنند. و از مخالفت با گفتار من نهی کنید.

ای مردم؛ قرآن شما را آگاه می کند که امامان پس از او فرزندان او هستند و من به شما معرفی کردم که آنان از من هستند. خداوند می گوید: «آن را کلمه ای باقی مانده در پشت سر او قرار دادیم». [آیه ۲۸ زخرف] و گفتیم: اگر به آندو [قرآن و امامان] تمسک جوئید، هرگز گمراه نخواهید شد.

ای مردم؛ پرهیزکاری! پرهیزکاری! از الساعة [قیامت] بر حذر باشید. چنانکه خداوند می فرماید: «زلزله الساعة بزرگ و هولناک است». [آیه ۱ سوره حج]

ای مردم؛ شما بیشتر از آن هستید که یکباره با من دست بیعت دهید. و خداوند به من

بِمَا عَقَدْتُ لِعَلِيِّ مِنْ إِمْرِهِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ جَاءَ بَعْدَهُ مِنَ الْأَيْمَةِ مِنِّي وَمِنْهُ، فَقُولُوا بِأَجْمَعِكُمْ: إِنَّا سَامِعُونَ مُطِيعُونَ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! مَا تَقُولُونَ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ كُلَّ صَوْتٍ وَخَافِيَةٍ كُلِّ نَفْسٍ؛ فَمَنْ اهْتَدَى فَلِنَفْسِهِ، وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا، وَمَنْ بَايَعَ فَإِنَّمَا يُبَايِعُ اللَّهَ، يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! فَاتَّقُوا اللَّهَ وَبَايَعُوا عَلِيًّا وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَالْأَيْمَةَ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! قُولُوا الَّذِي قُلْتُ لَكُمْ وَسَيَلِمُوا عَلِيًّا بِإِمْرِهِ الْمُؤْمِنِينَ وَقُولُوا: سَدِّعْنَا وَأَطْعْنَا غُفْرَانِكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ، وَقُولُوا: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّ فَضَائِلَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عِنْدَ اللَّهِ، وَقَدْ أَنْزَلَهَا عَلَيَّ فِي الْقُرْآنِ أَكْثَرَ مِنْ أَنْ أَحْصِيَهَا فِي مَكَانٍ وَاحِدٍ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَعَلِيًّا وَالْأَيْمَةَ الَّذِينَ ذَكَرْتُهُمْ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! [السَّابِقُونَ] (١) إِلَى مُبَايَعَتِهِ وَمُؤَالَاتِهِ وَالتَّسْلِيمِ عَلَيْهِ بِإِمْرِهِ الْمُؤْمِنِينَ، أَوْلِيكَ هُمُ الْفَائِزُونَ فِي جَنَابِ النَّعِيمِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! قُولُوا مَا يَرْضَى اللَّهُ بِهِ عَنكُمْ مِنَ الْقَوْلِ؛ فَإِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا.

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاغْضَبْ عَلَيَّ الْكَافِرِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

فَنَادَاهُ الْقَوْمُ: نَعَمْ، سَدِّعْنَا وَأَطْعْنَا عَلَى أَمْرِ اللَّهِ وَأَمْرِ رَسُولِهِ بِقُلُوبِنَا وَالسِّمَّتِنَا وَأَيْدِينَا. فَتَدَاكُوا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَعَلَى عَلِيٍّ وَصَافَقُوا بِأَيْدِيهِمْ. انْتَهَى مُلَخَّصًا (تفسير الصَّافِي فِي ذَيْلِ آيَةِ الْوَلَايَةِ). (٢)

ص: ١٢٦

١- أضفناها من الاحتجاج والبحار: ج ٣٧، ص ٢١٧.

٢- الاحتجاج للطبرسي، ج ١، ص ٧٤.

فرمان داد که از زبانهای شما بر ولایت مؤمنین که برای علی و فرزندان او و من قرار دادم، اعتراف بگیرم. پس همگی بگویید: ما شنوا و مطیع هستیم.

ای مردم؛ چه می گوئید؟ بدرستی که خداوند هر صدا و پنهان هر کسی را می داند. و هر کس هدایت شود به نفع خودش و هر کس گمراه شود به زیان خودش خواهد بود. و هر کس بیعت کند با خداوند بیعت کرده است. دست خدا بالایی دستهاست. [آیه ۱۰ سوره فتح]

ای مردم؛ از خدا پروا کنید. و با علی و حسن و حسین و امامان بیعت نمایید.

ای مردم؛ آنچه را به شما گفتم بگوئید. و بر علی به عنوان امیر مؤمنان سلام کنید. و بگوئید: شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا آمرزش تو را می خواهیم و بسوی تو حرکت می کنیم. و بگوئید: ستایش خداوند را که ما را به این موضوع [امامت] هدایت فرمود و اگر خداوند هدایت نمی کرد ما هدایت نمی شدیم.

ای مردم؛ فضیلت‌های علی بن ابی طالب نزد خداست. و خداوند آنها را در قرآن بر من نازل فرمود. و بیشتر از آن است که در یک مکان برای شما برشمردم.

ای مردم؛ کسی که از خدا و رسول او و علی و امامانی که نامبردم اطاعت کند به رستگاری عظیم نائل شده است.

ای مردم؛ بسوی بیعت با او و ولایت او و تسلیم شدن به او بعنوان امیر مؤمنان [حرکت کنید] که اینان رستگاران در بهشت‌های پر از نعمت هستند.

ای مردم؛ سخنی بگوئید که خداوند از آن خشنود شود. اگر شما و همه اهل زمین کافر شوند خداوند ضرر نمی بیند.

خداوندا مردان و زنان با ایمان را بیامرز. و بر کافران خشم گیر. و ستایش برای پروردگار جهانیان است.

آنگاه مردم فریاد زدند: آری شنیدیم و فرمان خدا و رسول او را با قلب و زبان و دست اطاعت کردیم. سپس بسوی رسول خدا و علی هجوم بردند و دست بیعت دادند.

[با اختصار از تفسیر صافی در ذیل آیه ولایت]

بَابُ الْخَمْسِينَ وَمَا فَوْقَهَا

باب پنجاه و بیشتر از آن

اشاره

ص: ۱۲۹

٣٩٧٣. عَنْ أَبِي سُلَيْمَانَ الْهَلَوَانِيِّ (١) ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: صِفَةُ الْمُؤْمِنِ: قُوَّةٌ فِي دِينٍ، وَحَزْمٌ فِي لِينٍ (٢) ، وَإِيمَانٌ فِي يَقِينٍ (٣) ، وَحِرْصٌ فِي فِقْهِ، وَنَشَاطٌ فِي هُدًى، وَبِرٌّ فِي اسْتِقَامَةٍ (٤) ، وَإِعْمَاضٌ عِنْدَ شَهْوَةٍ، وَعِلْمٌ فِي حِلْمٍ، وَشُكْرٌ فِي رِفْقٍ، وَسَخَاءٌ فِي حَقٍّ، وَقَصْدٌ (٥) فِي غِنَى، وَتَجَمُّلٌ فِي فِاقَةٍ، وَعَفْوٌ فِي قُدْرَةٍ، وَطَاعَةٌ فِي نَصِيحَةٍ (٦) ، وَوَرَعٌ (٧) فِي رَغْبَةٍ، وَحِرْصٌ فِي جِهَادٍ، وَصِيَالَةٌ فِي شُغْلٍ، وَصِيْبَةٌ فِي شِدَّةٍ، وَفِي الْهَزَاهِزِ (٨) وَقَوْرٌ، وَفِي الْمَكَارِهِ صِيْبُورٌ، وَفِي الرَّخَاءِ شُكُورٌ، لَا يَغْتَابُ، وَلَا يَتَكَبَّرُ، وَلَا يَبْغِي (٩) ، وَإِنْ

ص: ١٣٠

- ١- لم أجده. ولعله إبراهيم بن مسلم الحلواني، ولكن لم أعر على عنوانه بهذه الكنية.
- ٢- حزمٌ في لين: أي احتياط واحتراز في جميع الأمور ولكنه يكون في لين، وهذا من المشاكل الأخلاقية، إذ الاحتياط والتأني كثيراً يلازم الخشونة والجفاء، فالمؤمن الكامل هو الذي يجمع بينهما.
- ٣- هذا في مقابل الإيمان بالظنون والتقاليد الباطلة، بل الأوهام، يعني المؤمن ينشأ إيمانه عن يقينه من دون أي تعصب أو تقليد أو وهم؛ لأنه عاقل يتفكر ويتدبر ويتعقل فيؤمن.
- ٤- الاستقامة هي الدوام على الطاعة والنبات عليها، قال تعالى: «فَاسْتَقِمُّوا كَمَا أُمِرْتُمْ» و«إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا» و«لَوْ اسْتَقَمُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ»، وتتحقق الاستقامة بشيئين: الدوام على العمل من دون فتره، وعدم الاعوجاج والانحراف، فالذي عليه المؤمن هو البر دائماً من دون اعوجاج وانحراف. والنشاط هو الإسراع إلى العمل بطيب نفس، يعني يكون ميل المؤمن وعمله بطيب نفس هو في الهدى.
- ٥- القصد هو الوسط بين طرفي الإفراط والتفريط، أي المؤمن الغنى لا يخرج في صرف المال عن القصد إلى الإتراف والإسراف ولا إلى البخل والإقتار، كما أنه في فقره يتجمل حتى لا يظهر فقره ولا يرى عليه البؤس والضرر فيشمت العدو ويحزن الصديق، كما يأتي في نفس الحديث.
- ٦- النصيحة: كلمه يعبر بها عن جملة هي إرادته الخير للمنصوح له، وليس يمكن أن يعبر هذا المعنى بكلمه واحده تجمع معناها غيرها. وأصل النصح الخلوص.
- ٧- الورع: الكف عن المحارم؛ أي يكون كفه عن ترغبه لا تكلف وعنف.
- ٨- الهزاهز: الفتن التي تهز الناس والحروب والشدائد.
- ٩- أي لا يظلم.

۳۹۷۳. امام صادق علیه السلام فرمود: صفت مؤمن [عبارت است از]: نیرومندی در دین، و احتیاط در نرمش، و ایمان در باور، و حرص و میل شدید به فهمیدن فقه، و نشاط در هدایت، و نیکی در پایداری، و چشم پوشی در شهوت، و دانش در بردباری، و شکر در مدارا، و سخاوت در حق، و میانه روی در بی نیازی، و آراستگی در تهی دستی، و عفو در حال قدرت، و اطاعت در خیرخواهی، و پرهیزکاری در تمایلات، و حرص در جهاد، و نماز در گرفتاری، و صبر در سختی، و وقار در تنگناها، و شکیبایی در ناملایمات، و شکرگزاری در رفاه است. و غیبت نمی کند. و خود پسند نیست. و تجاوز نمی کند. و اگر به حق او تجاوز شود

بُعِيَ عَلَيْهِ صَبْرٌ، وَلَا يَقْطَعُ الرَّحِمَ، وَلَيْسَ بِوَاهِنٍ (١) وَلَا فَظٌّ وَلَا غَلِيظٌ، وَلَا يَسْبِقُهُ بَصِيرَةٌ، وَلَا يَفْضَحُهُ بَطْنُهُ، وَلَا يَغْلِبُهُ فَرْجُهُ، وَلَا يَحْسِدُ النَّاسَ، وَلَا يَفْتَرُ (٢) وَلَا يَبِيدُ وَلَا يُسْرِفُ، بَلْ يَقْتَصِدُ، يَنْصِيرُ الْمَظْلُومَ، وَيَرْحَمُ الْمَسَاكِينَ، نَفْسُهُ مِنْهُ فِي عَنَاءٍ وَالنَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ، لَا يَرِغُبُ فِي عِزِّ الدُّنْيَا، وَلَا يَجْزَعُ مِنَ الْمَهْمَا، لِلنَّاسِ هَمٌّ قَدْ أَقْبَلُوا عَلَيْهِ، وَلَهُ هَمٌّ قَدْ شَغَلَهُ، لَا يُرَى فِي حِلْمِهِ نَقْصٌ، وَلَا فِي رَأْيِهِ وَهْنٌ، وَلَا فِي دِينِهِ ضَيَاعٌ (٣)، يُرْشِدُ مِنَ اسْتِشَارَةٍ، وَيُسَاعِدُ مِنَ سَاعِدَةٍ، وَيَكْبَعُ (٤) عَنِ الْبَاطِلِ وَالْخَنَا وَالْجَهْلِ.

فَهَذِهِ صِفَةُ الْمُؤْمِنِ. (٥) رِسَالَةُ الْإِمَامِ السَّجَادِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْحُقُوقِ

٣٩٧٤. عَنْ أَبِي حَمَزَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ: هَذِهِ رِسَالَةُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِلَى بَعْضِ أَصْحَابِهِ (٦):

اعْلَمْ أَنَّ لِلَّهِ عِزًّا وَجَلَّ عَلَيْكَ حُقُوقًا مُحِيطَةً بِحُكْمِكَ فِي كُلِّ حَرَكَةٍ تَحَرَّكْتُهَا أَوْ سَكَنَةٍ سَكَنْتُهَا أَوْ حَالٍ حُلَّتْهَا، أَوْ مَنْزِلَةٍ نَزَلَتْهَا أَوْ جَارِحَةٍ قَلَبَتْهَا أَوْ آلَةٍ تَصَرَّفَتْ فِيهَا.

فَأَكْبَرُ حُقُوقِ اللَّهِ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - عَلَيْكَ مَا أَوْجَبَ عَلَيْكَ لِنَفْسِهِ مِنْ حَقِّهِ الَّذِي هُوَ أَصْلُ الْحُقُوقِ.

ثُمَّ مَا أَوْجَبَ اللَّهُ عَلَيْكَ لِنَفْسِكَ مِنْ فَرْقِكَ (٧) إِلَى قَدَمِكَ عَلَى اخْتِلَافِ جَوَارِحِكَ؛ فَجَعَلَ عِزًّا وَجَلَّ لِسَانَكَ عَلَيْكَ حَقًّا، وَلَيْسَ مَعَكَ عَلَيْكَ حَقًّا، وَلِيَصْرِحَ عَلَيْكَ حَقًّا، وَلِيَدِكَ عَلَيْكَ حَقًّا، وَلِرِجْلِكَ عَلَيْكَ حَقًّا، وَلِيُطِنِكَ عَلَيْكَ حَقًّا، وَلِفَرْجِكَ عَلَيْكَ حَقًّا؛ فَهَذِهِ الْجَوَارِحُ السَّبْعُ الَّتِي بِهَا تَكُونُ الْأَفْعَالُ.

ص: ١٣٢

١- الوهن: الضعف في الأمر والعمل والبدن. رجلٌ واهن؛ أي ضعيف لا بطش له، كما في الحديث: «إِنَّ اللَّهَ يَبْغِضُ الْمُؤْمِنَ الَّذِي لَا زَبْرَ لَهُ» أَي الَّذِي لَا يَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ. وَرَجُلٌ فَظٌّ: أَي سَيِّئُ الْخَلْقِ، قَالَ تَعَالَى: «وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ».

٢- كَذَا فِي الْخِصَالِ، وَالظَّاهِرُ أَنَّ الصَّوَابَ: «يُقْتَرُ» كَمَا فِي الْبَحَارِ: ج ٦٧ ص ٢٩٤ ح ١٨.

٣- أَي دِينَهُ مَتِينٌ لَا يَضِيعُ بِالشُّكُوكِ وَالشَّبَهَاتِ، وَلَا بَارْتِكَابِ الْمَعَاصِي.

٤- كَاعٍ عَنْهُ يَكْبَعُ: جَبْنٌ عَنْهُ وَهَابَةٌ. وَفِي بَعْضِ النُّسخِ «يَكْتَعُ» بِالتَّاءِ الْمَثْنَاءُ الْفَوْقِيَّةُ؛ مِنْ كَتَعَ يَكْتَعُ: هَرَبٌ. وَالْخَنَا: الْفَحْشُ، وَالْجَهْلُ مَقَابِلُ الْعِلْمِ أَوْ السَّفَاهَةِ.

٥- الْخِصَالِ، ص ٥٧١، ح ٢.

٦- رَوَاهُ الصَّدُوقُ فِي الْخِصَالِ: ص ٥٦٥، وَالْفَقِيهَ: ٣٧٦/٢ ط الْآخُونَدِيُّ، وَالْمَجَالِسُ: ص ٢٢٢، وَرَوَاهُ فِي تَحْفِ الْعُقُولِ: ص ٢٥٥، وَالْبَحَارُ ج ١٦ ط الْكُمبَانِيُّ ص ٩-٣، وَالْمُسْتَدْرَكُ: ٢٧٤/٣، وَأُورْدَنَاهُ فِي تَتَمِّهِ مَعَادِنِ الْحِكْمَةِ.

٧- الْفَرْقُ: طَرِيقٌ يَحْصُلُ فِي الشَّعْرِ مِنْ تَشْرِيحِهِ، وَيُطْلَقُ عَلَى مَا فَوْقَ النَّاصِيَةِ إِلَى الْوَسْطِ.

صبر می کند. و از خویشاوندان قطع رابطه نمی کند. و سست، و سخت دل، و خشن نیست.

و نگاه او از کنترل خارج نمی شود. و شکم، او را رسوا نمی کند. و شهوت بر او غلبه نمی کند. به مردم حسادت نمی ورزد. تنبلی نمی کند. و زیاده روی و اسراف نمی کند، بلکه میانه روی می کند. به مظلوم یاری می رساند. و با فقیران مهربان است. جاننش از او در زحمت، و مردم از او در آسایش اند. به عزت دنیا تمایل ندارد. و از درد دنیا نمی نالد. مردم به غم های [دنیایی] خود مشغولند ولی هم او [به آخرت و دین] او را به خود مشغول کرده است. در بردباری خود کوتاهی نمی بیند. و در نظر خود سستی ندارد. و دین خود را ضایع نمی کند. هر کس را که با او مشورت کند ارشاد می کند. و هر کس از او کمک بخواهد کمک می کند. از باطل و فحش و نادانی می گریزد. اینها صفات مؤمن است.

رسالة امام سجاد علیه السلام در حقوق

۳۹۷۴. ابو حمزه ثمالی گوید: این رساله علی بن الحسین علیهما السلام به بعضی از اصحاب آن حضرت است:

بدانکه خداوند بر تو حقوقی دارد که تو را در همه حال فرا گفته است. در هر حرکت یا سکون یا حالت یا مکانی که قرار داری، یا هر عضوی که در اختیار داری، یا ابزاری که بکار می بری، بزرگترین حق خداوند تبارک و تعالی بر تو حقی است که برای خود به عهده تو گذاشته و ریشه بقیه حقوق است. سپس حقی است که خداوند برای اعضای بدن تو از سر تا پا قرار داده است.

خداوند برای زبان تو حقی و برای چشم تو حقی و برای گوش تو حقی و برای دست و پا و شکم و آلت تناسلی تو حقوقی بر عهده تو گذاشته است. این هفت عضوی که کارها را با آن انجام می دهی.

ص: ۱۳۳

ثُمَّ جَعَلَ عِزَّ وَجَلَّ لِأَفْعَالِكَ عَلَيْكَ حُقُوقًا، فَجَعَلَ لِيَصِي لَاتِكَ عَلَيْكَ حَقًّا، وَلِصَوْمِكَ عَلَيْكَ حَقًّا، وَلِصِدْقَتِكَ عَلَيْكَ حَقًّا، وَلِهَدْيِكَ (١) عَلَيْكَ حَقًّا، وَلِأَفْعَالِكَ عَلَيْكَ حَقًّا.

ثُمَّ تَخْرُجُ الْحُقُوقُ مِنْكَ إِلَى غَيْرِكَ مِنْ ذَوِي الْحُقُوقِ الْوَاجِبِ عَلَيْكَ، فَأَوْجِبُهَا عَلَيْكَ حُقُوقَ أَنْمَتِكَ، ثُمَّ حُقُوقَ رَعِيَّتِكَ، ثُمَّ حُقُوقَ رَحِمِكَ، فَهَذِهِ حُقُوقٌ يَتَشَعَّبُ مِنْهَا حُقُوقٌ:

فَحُقُوقُ أَنْمَتِكَ ثَلَاثَةٌ، أَوْجِبُهَا عَلَيْكَ: حَقُّ سَائِسِكَ (٢) بِالسُّلْطَانِ، ثُمَّ حَقُّ سَائِسِكَ بِالْعِلْمِ، ثُمَّ حَقُّ سَائِسِكَ بِالْمُلْكِ.

وَحُقُوقُ رَعِيَّتِكَ ثَلَاثَةٌ، أَوْجِبُهَا عَلَيْكَ: حَقُّ رَعِيَّتِكَ بِالسُّلْطَانِ، ثُمَّ حَقُّ رَعِيَّتِكَ بِالْعِلْمِ؛ فَإِنَّ الْجَاهِلَ رَعِيَّةَ الْعَالِمِ، ثُمَّ حَقُّ رَعِيَّتِكَ بِالْمُلْكِ مِنَ الْأَزْوَاجِ وَمَا مَلَكَتِ الْأَيْمَانُ.

ثُمَّ رَعِيَّتُكَ كَثِيرَةٌ (٣) مُتَّصِلَةٌ بِقَدْرِ اتِّصَالِ الرَّحِمِ فِي الْقَرَابَةِ، فَأَوْجِبُهَا عَلَيْكَ حَقُّ أُمَّكَ، ثُمَّ حَقُّ أَبِيكَ، ثُمَّ حَقُّ وَلَدِكَ، ثُمَّ حَقُّ أَخِيكَ، ثُمَّ الْأَقْرَبُ فَلِأَقْرَبِ، وَالْأَوْلَى فَلِأَوْلَى، ثُمَّ حَقُّ مَوْلَاكَ الْمُنْعَمِ عَلَيْكَ، ثُمَّ حَقُّ مَوْلَاكَ الْجَارِيَةِ نِعْمَتُهُ عَلَيْكَ، ثُمَّ حَقُّ ذَوِي الْمَعْرُوفِ لَدَيْكَ، ثُمَّ حَقُّ مُؤَدِّنِكَ لِيَصِي لَاتِكَ، ثُمَّ حَقُّ إِمَامِكَ فِي صَلَاتِكَ، ثُمَّ حَقُّ جَلِيسِكَ، ثُمَّ حَقُّ جَارِكَ، ثُمَّ حَقُّ صَاحِبِكَ، ثُمَّ حَقُّ شَرِيكَكَ، ثُمَّ حَقُّ مَالِكَكَ، ثُمَّ حَقُّ غَرِيْبِكَ الَّذِي يُطَالِبُكَ، ثُمَّ حَقُّ خَلِيْطِكَ، ثُمَّ حَقُّ خَصْمِكَ الْمُدْعَى عَلَيْكَ، ثُمَّ حَقُّ خَصْمِكَ الَّذِي تَدْعَى عَلَيْهِ، ثُمَّ حَقُّ مُسْتَشِيرِكَ، ثُمَّ حَقُّ مُشِيرِكَ عَلَيْكَ، ثُمَّ حَقُّ مُسْتَنْصِحِكَ، ثُمَّ حَقُّ النَّاصِحِ لَكَ، ثُمَّ حَقُّ مَنْ هُوَ أَكْبَرُ مِنْكَ، ثُمَّ حَقُّ مَنْ هُوَ أَصْغَرُ مِنْكَ، ثُمَّ حَقُّ سَائِلِكَ، ثُمَّ حَقُّ مَنْ سَأَلْتَهُ، ثُمَّ حَقُّ مَنْ جَرَى لَكَ عَلَى يَدَيْهِ مَسَاءَةٌ (٤) مِنْ قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ عَنِ تَعَمُّدٍ مِنْهُ أَوْ غَيْرِ تَعَمُّدٍ، ثُمَّ حَقُّ أَهْلِ مِلَّتِكَ عَلَيْكَ، ثُمَّ حَقُّ أَهْلِ ذِمَّتِكَ، ثُمَّ الْحُقُوقُ الْجَارِيَةُ بِقَدْرِ عِلَلِ الْأَحْوَالِ وَتَصَرُّفِ الْأَسْبَابِ، فَطُوبَى لِمَنْ أَعَانَهُ اللَّهُ عَلَى قِضَاءِ مَا أَوْجَبَ عَلَيْهِ مِنْ حُقُوقِهِ وَوَفَّقَهُ لِذَلِكَ وَسَدَّدَهُ.

وَأَمَّا حَقُّ اللَّهِ الْأَكْبَرُ عَلَيْكَ فَإِنَّ تَعَبُّدَهُ وَلَا تُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا، فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ بِالْإِحْلَاصِ جَعَلَ لَكَ

ص: ١٣٤

١- الهدى: ما يهدى إلى الحرم، أو ما يُذبح لله تعالى.

٢- السائس: المتولَّى القائم بالأمر بما يُصلحه، يقال: ساس السلطان والوالى الرعيه: تولَّى أمرها ودبرها وأحسن النظر إليها.

٣- كذا في الخصال، والظاهر أن الصواب: «وَحُقُوقُ رَحِمِكَ كَثِيرَةٌ» بدل «ثُمَّ رَعِيَّتِكَ كَثِيرَةٌ» كما في البحار: ج ٧ ص ٣ ح ١.

٤- المساءة: ما يسوء الإنسان. والمراد أن من أساء إليك له حقُّ عليك.

سپس برای رفتار تو حقوقی بر تو نهاده است. برای نماز تو و روزه تو و صدقه تو و هدیه و افعال دیگر تو حقوقی بر عهده تو گذاشته است.

سپس حقوق از خود تو به دیگران که بر تو حق واجب دارند می رسد. که واجب ترین آنها حق امامان تو سپس حق زبردستان و خویشاوندان است که از اینها حقوق متعددی منشعب می شود.

حقوق امامان سه حق است که بر تو واجب کرده است: حق زمامدار و فرمانرواست که با حکومت بر تو دارد، بعد حق مربی علمی و بعد حق مربی اقتصادی است.

حقوق زیر دستان سه حق واجب است: حق زیر دستی که بر او سلطه داری، سپس حق شاگردی که به او دانش می آموزی چون جاهل رعیت عالم است. و سپس حق زبردستی که با ازدواج بر تو واجب می شود.

زبردستان هم فراوان و بهم پیوسته اند به تعداد روابط فامیلی. که از همه مهمتر حق مادر توست. سپس حق پدر، بعد حق فرزند بعد حق برادر. سپس هر که نزدیکتر است حقش مقدم است و اولویت دارد. سپس حق سرپرستی که بر تو نعمت داده است. سپس حق دوستانی که نعمت آنها در اختیار توست. سپس حق کسانی که به تو نیکی کرده اند.

سپس حق مؤذن برای نماز و حق امام جماعت و حق همنشین و همسایه و دوست و شریک و سرمایه و طلبکار. سپس حق کسی که با تو رفت و آمد دارد. و حق خصم تو که از تو شکایت دارد. سپس حق خصم تو که از او شکایت داری. سپس حق مشاور و حق کسی که به او مشاوره می دهی. و حق کسی که از تو نصیحت خواهد. و حق کسی که تو را نصیحت کند. سپس حق بزرگ تر از تو و نیز حق کسی که از تو کوچک تر است سپس حق کسی که از او سؤال کرده ای. سپس حق کسی که از او سؤال کرده ای. و سپس حق کسی که به تو بدی کرده است در گفتار یا رفتار عمدی یا غیر عمد. سپس حق هم کیشان. سپس حق هم وطنان. و سپس حقوقی که به قدر علت‌های هر حالت و تصرفات اسباب وجود دارد.

خوشا به حال کسی که خداوند او را در اداء حقوقی که بر او واجب است یاری کند. و توفیق دهد. و استقامت عنایت کند.

اما حق خداوند بلند مرتبه بر تو این است که او را عبادت کنی. و چیزی را شریک او

عَلَى نَفْسِهِ أَنْ يَكْفِيكَ أَمْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

وَحَقُّ نَفْسِكَ عَلَيْكَ أَنْ تَسْتَعْمِلَهَا بِطَاعَةِ اللَّهِ عِزِّ وَجَلِّ.

وَحَقُّ اللِّسَانِ إِزَامُهُ عَنِ الْخَنَا، وَتَعْوِيدُهُ الْخَيْرَ وَتَرْكُ الْفُضُولِ الَّتِي لَا فَايِدَةَ فِيهَا، وَالْبِرُّ بِالنَّاسِ وَحُسْنُ الْقَوْلِ فِيهِمْ.

وَحَقُّ السَّمْعِ تَزْيِيهُهُ عَنِ سَمَاعِ الْغَيْبِ وَسَمَاعِ مَا لَا يَحِلُّ سَمَاعُهُ.

وَحَقُّ الْبَصَرِ أَنْ تَعْضَهُ عَمَّا لَا يَحِلُّ لَكَ، وَتَعْتَبِرَ بِالنَّظَرِ بِهِ .

وَحَقُّ يَدِكَ أَنْ لَا تَبْسُطَهَا إِلَى مَا لَا يَحِلُّ لَكَ.

وَحَقُّ رِجْلِكَ أَنْ لَا تَمْشِيَ بِهِمَا إِلَى مَا لَا يَحِلُّ لَكَ فِيهِمَا تَقِفُ عَلَى الصِّرَاطِ، فَانظُرْ أَنْ لَا تَرْتَلَّا بِكَ فَتَرْدَى فِي النَّارِ.

وَحَقُّ بَطْنِكَ أَنْ لَا تَجْعَلَهَا وَعَاءً لِلْحَرَامِ، وَلَا تَزِيدَ عَلَى الشُّبْعِ.

وَحَقُّ فَرْجِكَ أَنْ تُحَصِّنَهُ عَنِ الزُّنَا، وَتَحْفَظَهُ مِنْ أَنْ يُنظَرَ إِلَيْهِ .

وَحَقُّ الصَّلَاةِ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّهَا وَفَادَةٌ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَأَنَّكَ فِيهَا قَائِمٌ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عِزِّ وَجَلِّ، فَإِذَا عَلِمْتَ ذَلِكَ كُنْتَ حَقِيقًا أَنْ تَقُومَ فِيهَا مَقَامَ الدَّلِيلِ الْحَقِيرِ الرَّاغِبِ الرَّاهِبِ (١) الرَّاجِي الْخَائِفِ الْمُسْتَكِينِ الْمُنْتَضِعِ الْمُعْظَمِ لِمَنْ كَانَ بَيْنَ يَدَيْهِ بِالسُّكُونِ وَالْوَقَارِ وَتُقْبَلُ عَلَيْهَا بِقَلْبِكَ وَتُقِيمُهَا بِحُدُودِهَا وَحُقُوقِهَا.

وَحَقُّ الْحَجِّ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّهُ وَفَادَةٌ إِلَى رَبِّكَ وَفِرَارٌ إِلَيْهِ مِنْ ذُنُوبِكَ، وَبِهِ قَبُولُ تَوْبَتِكَ وَقَضَاءُ الْفَرْضِ الَّذِي أَوْجَبَ اللَّهُ عَلَيْكَ.

وَحَقُّ الصَّوْمِ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّهُ حِجَابٌ ضَرَبَهُ اللَّهُ عَلَى لِسَانِكَ وَسَمِعِكَ وَبَصِيرِكَ وَبَطْنِكَ وَفَرْجِكَ لِيَسْتُرَكَ بِهِ مِنَ النَّارِ، فَإِذَا تَرَكْتَ الصَّوْمَ حَرَقَتْ سِتْرَ اللَّهِ عَلَيْكَ.

وَحَقُّ الصَّدَقَةِ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّهَا دُخْرُكَ عِنْدَ رَبِّكَ عِزِّ وَجَلِّ وَوَدِيعَتُكَ الَّتِي لَا تَحْتَاجُ إِلَى الْإِشْهَادِ عَلَيْهَا، فَإِذَا عَلِمْتَ ذَلِكَ كُنْتَ بِمَا تَسْتَوِدُّهُ سِرًّا أَوْ تَقَّ مِنْكَ بِمَا تَسْتَوِدُّهُ عَلَانِيَةً، وَتَعْلَمَ أَنَّهَا تَدْفَعُ الْبَلَايَا وَالْأَسْقَامَ

ص: ١٣٦

١- الرهبة: مخافه مع تحرّز واضطراب (مفردات غريب القرآن: ٢٠٤). والراهب: الخائف، وله معنى اصطلاحى نهى عنه الشارع، وهو التبتل والانقطاع عن الدنيا والناس للعباده.

قرار ندهی. پس اگر با اخلاص چنین کردی خداوند بر خود لازم کرده است که امر دنیا و آخرت تو را تأمین کند.

حق خودت بر تو این است که خود را در اطاعت خدا بکارگیری.

حق زبان آن است که از دشنام نگهداری. و به گفتار خوب عادت دهی. و سخنان گزافه که فایده ای ندارد نگویی. و به مردم نیکی کنی. و سخن خوب درباره آنان بگویی.

حق گوش، پاک نگه داشتن آن از شنیدن غیبت و صدای حرام است.

حق چشم، بستن از حرام و عبرت گرفتن با دیدن بوسیله چشم است.

حق دست، این است که آن را بسوی حرام دراز نکنی.

حق پای تو این است که بوسیله آن به مکان حرام نروی. چون با آنها باید از صراط بگذری. پس دقت کن که در صراط نلغزد. و تو را به دوزخ افکند.

حق شکم تو این است که آن را ظرف حرام نکنی. و بیش از اندازه نخوری.

حق آلت تناسلی این است که آن را از زنا نگه داری. و از چشمها بیوشانی.

حق نماز این است که بدانی ورود به درگاه خداوند متعال است. و تو در پیشگاه او ایستاده ای. پس هنگامی که این را دانستی شایسته است که در نماز مثل بنده ای ذلیل و کوچک و راغب و ترسان و امیدوار و بیمناک و بیچاره و زار و تعظیم کننده در برابر خداوند با آرامش و وقار بایستی. و در نماز حضور قلب داشته باش. و نماز را با حدود و حقوقش اقامه کن.

و حق حج، این است که بدانی بار یافتن به دربار پروردگار تو است. و از گناهان بسوی او فرار می کنی. و با حج توبه تو قبول می شود. و واجبی که خدا از تو خواسته انجام می شود.

و حق روزه، این است که بدانی: روزه پرده ای است که خداوند آن را بر زبان و گوش و چشم و شکم و شهوت تو انداخته تا تو را بوسیله آن از آتش بیوشاند. و اگر روزه را ترک کنی پرده خدا را پاره کرده ای.

و حق صدقه: این است که بدانی آن ذخیره ای برای تو نزد خداست. و امانتی است که نیاز به شاهد گرفتن ندارد. وقتی این را دانستی به صدقه محرمانه از صدقه آشکارا مطمئن تر می شوی. و بدانی که صدقه بلاها و بیماریها را در دنیا از تو دور می کند. و در

عَنكَ فِي الدُّنْيَا وَتَدْفَعُ عَنكَ النَّارَ فِي الآخِرَةِ.

وَحَقُّ الْهَدْيِ أَنْ تُرِيدَ بِهِ وَجْهَ اللَّهِ وَلَا تُرِيدَ بِهِ خَلْقَهُ، وَلَا تُرِيدَ بِهِ إِلَّا التَّعَرُّضَ لِرَحْمَةِ اللَّهِ وَنَجَاهِ رَوْحِكَ يَوْمَ تَلْقَاؤِهِ.

وَحَقُّ السُّلْطَانِ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّكَ جُعِلْتَ لَهُ فِتْنَةً وَأَنَّهُ مُبْتَلَىٰ فِيكَ بِمَا جَعَلَهُ اللَّهُ عِزًّا وَجَلَّ عَلَيْكَ مِنَ السُّلْطَانِ، وَأَنَّ عَلَيْكَ أَنْ لَا تَتَعَرَّضَ لِسَخَطِهِ فَتَلْقَىٰ بِيَدِكَ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَتَكُونَ شَرِيكًا لَهُ فِي مَا يَأْتِي إِلَيْكَ مِنْ سُوءٍ.

وَحَقُّ سَائِسِكَ بِالْعِلْمِ التَّعْظِيمِ وَالتَّوْقِيرِ لِمَجْلِسِهِ وَحُسْنِ الْإِسْتِمَاعِ إِلَيْهِ وَالْإِقْبَالَ عَلَيْهِ، وَأَنْ لَا تَرْفَعَ عَلَيْهِ صَوْتَكَ، وَأَنْ لَا تُجِيبَ أَحَدًا يُسْأَلُهُ عَنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ يَكُونَ هُوَ الَّذِي يُجِيبُ، وَلَا تُحَدِّثَ فِي مَجْلِسِهِ أَحَدًا وَلَا تَغْتَابَ عِنْدَهُ أَحَدًا، وَأَنْ تَدْفَعُ عَنْهُ إِذَا ذُكِرَ عِنْدَكَ بِسُوءٍ، وَأَنْ تَسْتُرَ عُيُوبَهُ وَتُظْهِرَ مَنَاقِبَهُ، وَلَا تُجَالِسَ لَهُ عَدُوًّا، وَلَا تُعَادِيَ لَهُ وَلِيًّا، فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ شَهِدَ لَكَ مَلَائِكَةُ اللَّهِ بِأَنَّكَ قَصَدْتَهُ وَتَعَلَّمْتَ عِلْمَهُ لِلَّهِ - جَلَّ اسْمُهُ - لَا لِلنَّاسِ.

وَأَمَّا حَقُّ سَائِسِكَ بِالْمُلْكِ فَأَنْ تُطِيعَهُ وَلَا تَعْصِيَهُ إِلَّا فِي مَا يُسَخِّطُ اللَّهُ عِزًّا وَجَلًّا؛ فَإِنَّهُ لَا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ.

وَأَمَّا حَقُّ رَعِيَّتِكَ بِالسُّلْطَانِ فَأَنْ تَعْلَمَ أَنَّهُمْ صَارُوا رَعِيَّتَكَ لِضَعْفِهِمْ وَقُوَّتِكَ، فَيَجِبُ أَنْ تَعْدِلَ فِيهِمْ وَتَكُونَ لَهُمْ كَالْوَالِدِ الرَّحِيمِ، وَتَغْفِرَ لَهُمْ جَهْلَهُمْ وَلَا تُعْجِلَهُمْ بِالْعُقُوبَةِ، وَتَشْكُرَ اللَّهَ عِزًّا وَجَلًّا عَلَى مَا آتَاكَ مِنَ الْقُوَّةِ عَلَيْهِمْ.

وَأَمَّا حَقُّ رَعِيَّتِكَ بِالْعِلْمِ فَأَنْ تَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عِزًّا وَجَلًّا إِنَّمَا جَعَلَكَ قِيَمًا لَهُمْ فِي مَا آتَاكَ مِنَ الْعِلْمِ، وَفَتَّحَ لَكَ مِنْ خَزَائِنِهِ؛ فَإِنْ أَحْسَيْتَ فِي تَعْلِيمِ النَّاسِ وَلَمْ تَخْرُقْ بِهِمْ وَلَمْ تَضْجِرْ عَلَيْهِمْ زَادَكَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ، وَإِنْ أَنْتَ مَنَعْتَ النَّاسَ عِلْمَكَ أَوْ خَرَقْتَ بِهِمْ عِنْدَ طَلْبِهِمُ الْعِلْمَ مِنْكَ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ عِزًّا وَجَلًّا أَنْ يَسْلُبَكَ الْعِلْمَ وَبِهَاءَهُ، وَيُسْقِطَ مِنَ الْقُلُوبِ مَحَلَّكَ.

وَأَمَّا حَقُّ الزَّوْجَةِ فَأَنْ تَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عِزًّا وَجَلًّا جَعَلَهَا لَكَ سَكَنًا وَأُنْسًا، فَتَعْلَمَ أَنَّ ذَلِكَ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ عَلَيْكَ

آخرت آتش را از تو دفع می کند.

و حق قربانی، آن است که تنها برای خدا انجام دهی، مخلوقی را در نظر نگیری و از آن [قربانی] چیزی جز رحمت خداوند و نجات در قیامت را نخواهی.

و حق فرمانروا، این است که بدانی خدا ترا وسیله آزمایش او قرار داده است. و او با سلطه ای که خدا بر تو قرار داده آزموده شود. و تو خود را در معرض خشم او قرار نده، که خود را به هلاکت افکنده ای. و با او در این ستمی که بر تو می کند شریک می شوی.

و حق آموزگار تو، این است که او را تعظیم نموده به او احترام کنی. و با دقت و توجه به سخنان او گوش فرا دهی. و صدایت را بر او بلند نکنی. و تا زمانی که او درباره چیزی به دیگران جواب می دهد تو جواب ندهی. و در کلاس او با کسی صحبت نکنی. و در حضور او از کسی غیبت نکنی. و اگر عیب او را گفتند تو دفاع کنی. و عیب او را بپوشانی. و کمالات او را اظهار کنی. و با دشمن او ننشینی. و با دوست او دشمنی نکنی. اگر اینها را رعایت کردی، فرشتگان خدا شهادت می دهند که هدف تو خداست. و برای خدا علم معلم را آموخته ای نه برای مردم.

و حق مالک و مولا این است که از او اطاعت کنی و نافرمان نباشی بجز در کاری که خشم خدا را بدنبال دارد. که نباید در معصیت خدا از مخلوق اطاعت کرد.

حق زیر دست تو که بر او حکومت می کنی این است که بدانی به دلیل ضعف او و قدرت تو زیر دست تو واقع شده است. پس واجب است که عدالت داشته باشی. و برای آنان همچون پدر مهربان باش و نادانی آنان را نادیده بگیر. و در کیفر آنان شتاب نکن. و شکر خدا را برای قدرت تو بر آنان بجای آور.

حق شاگردان و دانش آموزان تو این است که بدانی خدا با علمی که به تو داده است تو را سرپرست آنان قرار داده است. و گنجینه دانش را به روی تو باز کرده است. پس اگر در آموزش مردم به خوبی کوشش کنی، و بخل نداشته باشی، و بر شاگردان سخت نگیری، خداوند فضل خود را بر تو می افزاید. و اگر مردم را از علم خود محروم گردانی، یا با دانش جویان هنگامی که از تو سؤال می پرسند بدرفتاری نمایی، سزاوار است که خداوند علم و رونق آن را از تو سلب کند. و موقعیت تو را در قلبها متزلزل نماید.

حق همسر و زوجه تو این است که بدانی خداوند او را سبب آرامش و الفت تو قرار

فَتَكْرِمَهَا وَتَرْفُقَ بِهَا، وَإِنْ كَانَ حَقُّكَ عَلَيْهَا أَوْجَبَ فَإِنَّ لَهَا عَلَيْكَ أَنْ تَرْحَمَهَا لِأَنَّهَا أَسِيرُكَ، وَتُطْعِمَهَا وَتَكْسُوَهَا، فَإِذَا جَهَلْتَ عَفْوَتَ عَنْهَا.

وَأَمَّا حَقُّ مَمْلُوكِكَ فَإِنَّ تَعَلَّمَ أَنَّهُ خَلَقَ رَبُّكَ وَابْنُ أَبِيكَ وَأُمَّكَ وَلِحْمِكَ وَدَمِّكَ، لَمْ تَمْلِكْهُ لِأَنَّكَ صَيَّرْتَهُ دُونَ اللَّهِ، وَلَا خَلَقْتَ شَيْئاً مِنْ جَوَارِحِهِ، وَلَا أَخْرَجْتَ لَهُ رِزْقاً، وَلَكِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ كَفَاكَ ذَلِكَ ثُمَّ سَخَّرَهُ لَكَ وَاتَّمَنَّاكَ عَلَيْهِ وَاسْتَوَدَعَكَ إِيَّاهُ لِتَحْفَظَ لَكَ مَا تَأْتِيهِ مِنْ خَيْرٍ إِلَيْهِ، فَأَحْسِنَ إِلَيْهِ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ، وَإِنْ كَرِهْتَهُ اسْتَبَدَلْتَ بِهِ وَلَمْ تُعَذِّبْ خَلْقَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

وَحَقُّ أُمَّكَ أَنْ تَعَلَّمَ أَنَّهَا حَمَلَتْكَ حَيْثُ لَا يَتَحَمَّلُ أَحَدٌ أَحَدًا، وَأَعْطَتْكَ مِنْ ثَمَرِهِ قَلْبَهَا مَا لَا يُعْطَى أَحَدٌ أَحَدًا، وَوَقَّتَكَ بِجَمِيعِ جَوَارِحِهَا، وَلَمْ تُبَالِ أَنْ تَجُوعَ وَتُطْعِمَكَ، وَتَعْطَشَ وَتَسْقِيَكَ، وَتَعْرِى وَتَكْسِيَّوَكْ، وَتَضْحَى وَتُظْلِكَ، وَتَهْجُرَ النَّوْمَ لِأَجْلِكَ، وَوَقَّتَكَ الْحَرَّ وَالْبَرْدَ لِتَكُونَ لَهَا؛ فَإِنَّكَ لَا تُطِيقُ شُكْرَهَا إِلَّا بِعَوْنِ اللَّهِ وَحُسْنِ تَوْفِيقِهِ.

وَأَمَّا حَقُّ أَبِيكَ فَإِنَّ تَعَلَّمَ أَنَّهُ أَصْلُكَ، وَأَنَّهُ لَوْلَا لَمْ تَكُنْ، فَفَمَهْمَا رَأَيْتَ مِنْ نَفْسِكَ مِمَّا يُعْجِبُكَ فَاعْلَمْ أَنَّ أَبَاكَ أَصْلُ النِّعَمِ عَلَيْكَ فِيهِ، فَاحْمَدِ اللَّهَ وَاشْكُرْهُ عَلَى قَدْرِ ذَلِكَ، وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

وَأَمَّا حَقُّ وَلَدِكَ فَإِنَّ تَعَلَّمَ أَنَّهُ مِنْكَ وَمُضَافٌ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَشَرِّهِ، وَأَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وَلِيْتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَالِدَلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَالْمَعُونَةِ لَهُ عَلَى طَاعَتِهِ، فَاعْمَلْ فِي أَمْرِهِ عَمَلٌ مَنْ يَعْلَمُ أَنَّهُ مَنَابٌ عَلَى الْإِحْسَانِ إِلَيْهِ، مُعَاقِبٌ عَلَى الْإِسَاءَةِ إِلَيْهِ.

وَأَمَّا حَقُّ أَخِيكَ فَإِنَّ تَعَلَّمَ أَنَّهُ يَدُوكَ وَعِزُّكَ وَقُوَّتُكَ، فَلَا تَتَّخِذْهُ سَيِّئاً عَلَى مَعْصِيَةِ اللَّهِ، وَعِيْدَةً (١) لِلظُّلْمِ لِخَلْقِ اللَّهِ، وَلَا تَدْعَ نُصْرَتَهُ عَلَى عَدُوِّهِ، وَالنَّصِيحَةَ لَهُ؛ فَإِنْ أَطَاعَ اللَّهَ وَإِلَّا فَلْيَكُنِ اللَّهُ أَكْرَمَ عَلَيْكَ مِنْهُ، وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

ص: ١٤٠

١- العُدَّة - بالضَّم - : الاستعداد وما أعددتَه لحوادث الدهر من مال أو سلاح.

داده است. و بدانی که او نعمت خدا برای توست. پس به او تکریم و ملاطفت کن. گر چه حق تو بر او واجب است. اما حق او بر توست که به وی رحمت آوری. چون او در اختیار توست. و باید خوراک و پوشاکش را فراهم کنی. و اگر نادانی کرد عفو نمایی.

حق برده تو این است که بدانی پروردگار تو او را آفریده است. و پدر و مادر و گوشت و خون او با تو یکی است. مالکیت تو به این جهت نیست که تو او را یا عضوی از اعضای او را آفریده ای یا روزی او دست توست. بلکه خداوند چنین کاری را بر عهده دارد. و او را مسخر تو گردانده است. و امانت به تو سپرده است. تا هر نیکی که به او نمایی برایت حفظ کند. پس چنانکه خدا به تو احسان کرده است، تو هم به او احسان کن. و اگر او را نمی پسندی، با دیگری عوض کن. و مخلوق خدا را میازار. که نیرویی جز خدا نیست.

حق مادرت این است که بدانی وقتی تو را حمل کرده است که هیچ کس، دیگری را حمل نمی کرد. و از ثمره قلب خود به تو داده است که کسی به دیگری نمی دهد. و با همه وجود از تو مراقبت کرد. و باکی نداشت که خود گرسنه بماند و تو را سیر کند. خودش تشنه باشد و تو را سیراب کند. و خودش پوشاک مناسب نداشته باشد اما ترا بپوشاند. خود در حرارت باشد و بر تو سایه افکند. خود بیدار باشد تا تو را بخواباند. و تو را از سرما و گرما نگاه دارد. تا تو برای او باشی. تو هرگز توان شکر او را نداری. مگر با کمک و توفیق خداوند.

حق پدرت این است که بدانی او منشاء وجود توست. و اگر نبود تو نبود. پس هرگاه در وجود خود چیزی خوشایند یافتی بدان که اصل آن نعمت از پدر توست. پس خدا را بقدر این نعمت سپاس و شکر گزار. و نیرویی جز خدا نیست.

حق فرزند تو این است که بدانی او از توست. و خیر و شر او در دنیا به تو نسبت دارد. و تو درباره تربیت و ادب و خداشناسی و یاری او برای اطاعت از خدا مسئولیت داری. پس رفتار تو با فرزندت مثل کسی باشد که می داند اگر به او نیکی کنی ثواب می بری. و اگر به او بدی کنی مؤاخذه خواهی شد.

حق برادرت این است که بدانی او دست تو و عزت و قدرت توست. پس او را برای نافرمانی خدا و ظلم بر مردم بکار مگیر. و در مقابل دشمن او را یاری کن. و خیرخواه وی باش. در صورتی که او مطیع خدا باشد. و گرنه باید خدا نزد تو از برادرت گرامی تر باشد. و نیرویی جز خدا نیست.

وَأَمَّا حَقُّ مَوْلَاكَ الْمُنْعَمِ عَلَيْكَ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهُ أَنْفَقَ فِيكَ مَالَهُ، وَأَخْرَجَكَ مِنْ دُلِّ الرَّقِّ وَوَحْشَتِهِ إِلَى عِزِّ الْحُرِّيَّةِ وَأُنْسِهَا، فَأَطْلَقَكَ مِنْ أَسْرِ الْمَلِكِيَّةِ، وَفَكَكَ عَنْكَ قَيْدَ الْعُبُودِيَّةِ، وَأَخْرَجَكَ مِنَ السَّجْنِ، وَمَلَكَكَ نَفْسِيكَ، وَفَرَّغَكَ لِعِبَادَةِ رَبِّكَ، وَتَعْلَمَ أَنَّهُ أَوْلَى الْخَلْقِ بِكَ فِي حَيَاتِكَ وَمَوْتِكَ، وَأَنَّ نُصْرَتَهُ عَلَيْكَ وَاجِبَةٌ بِنَفْسِكَ وَمَا احتاجَ إِلَيْهِ مِنْكَ، وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

وَأَمَّا حَقُّ مَوْلَاكَ الَّذِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَ عِتْقَكَ لَهُ وَسِيلَةً إِلَيْهِ وَحِجَاباً لَكَ مِنَ النَّارِ، وَأَنَّ ثَوَابَكَ فِي الْعَاجِلِ مِيرَاثُهُ إِذَا لَمْ يَكُنْ لَهُ رَحِمٌ؛ مُكَافَأَةً بِمَا أَنْفَقْتَ مِنْ مَالِكَ، وَفِي الْآجِلِ الْجَنَّةُ.

وَأَمَّا حَقُّ ذِي الْمَعْرُوفِ عَلَيْكَ فَإِنَّ تَشْكُرُهُ وَتَذْكُرُ مَعْرُوفَهُ، وَتُكْسِبُهُ الْمَقَالَةَ الْحَسَنَةَ، وَتُخْلِصَ لَهُ الدُّعَاءَ فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ كُنْتَ قَدْ شَكَرْتَهُ سِرّاً وَعَلَانِيَةً، ثُمَّ إِنْ قَدَرْتَ عَلَى مُكَافَأَتِهِ يَوْماً كَافَيْتَهُ.

وَحَقُّ الْمُؤَدِّنِ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّهُ مُذَكَّرٌ لَكَ رَبِّكَ عَزَّ وَجَلَّ، وَدَاعٍ لَكَ إِلَى حِطِّكَ، وَعَوْنِكَ عَلَى قَضَاءِ فَرَضِ اللَّهِ عَلَيْكَ، فَاشْكُرْهُ عَلَى ذَلِكَ شُكْرَكَ الْمُحْسِنِ إِلَيْكَ.

وَحَقُّ إِمَامِكَ فِي صَلَاتِكَ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهُ قَدْ تَقَلَّدَ السَّفَارَةَ (١) فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ رَبِّكَ عَزَّ وَجَلَّ، وَتَكَلَّمَ عَنْكَ وَلَمْ تَتَكَلَّمْ عَنْهُ، وَدَعَا لَكَ وَلَمْ تَدْعُ لَهُ (٢)، وَكَفَاكَ هَوَلَ الْمَقَامِ بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، فَمِنْ كَانَ بِهِ نَقْصٌ كَانَ بِهِ دُونَكَ، وَإِنْ كَانَ تَمَاماً كُنْتَ شَرِيكَهُ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ عَلَيْكَ فَضْلٌ، فَوَقَى نَفْسَكَ بِنَفْسِهِ وَصَلَاتِكَ بِصَلَاتِهِ، فَاشْكُرْ لَهُ عَلَى قَدْرِ ذَلِكَ.

وَأَمَّا حَقُّ جَلِيسِكَ فَإِنَّ تُلِينَ لَهُ جَانِبِكَ، وَتُنْصِتَ لَهُ فِي مُجَارَاهِ (٣) اللَّفْظِ، فَلَا تَقُومَ مِنْ مَجْلِسِكَ إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَمَنْ يَجْلِسُ إِلَيْكَ يَجُوزُ لَهُ الْقِيَامُ بِغَيْرِ إِذْنِكَ، وَتَنْسَى زَلَّاتِهِ، وَتَحْفَظُ خَيْرَاتِهِ، وَلَا تُسْمِعُهُ إِلَّا خَيْراً.

ص: ١٤٢

١- السفاره: الرساله من قوم إلى قوم للإصلاح، فالإمام رسول القوم إلى الله تعالى.

٢- دعا لهم بقوله: اهدنا الصراط المستقيم، أو في قنوته.

٣- المجاراه: المجادله. قال الجزري في الرياء: من طلب العلم ليجارى به العلماء أى يجرى معهم فى المناظره والجدال ليظهر علمه على الناس. والمراد أن تنصف الجليس فى المجاراه.

حق مولا- و مالک تو که تو را آزاد کرد این است که بدانی او سرمایه خود را برای تو هزینه کرد. و تو را از ذلت و وحشت بردگی به عزت و الفت آزادگی رساند. و تو را از اسارت بردگی رها نمود. و زنجیر بردگی را از پای تو گشود. و تو را از زندان نجات داد. تو را مالک سرنوشت خود قرار داد. و برای عبادت پروردگار رهایی بخشید.

و بدان که او در زندگی و مرگ تو از همه مردم به تو اولویت دارد. و بر تو واجب است که با جان و غیره او را یاری کنی. و نیرویی جز خداوند نیست.

حق برده ای که آزاد کرده ای بر تو این است که بدانی خداوند آزادی او را برای تو وسیله تقرب و حجاب از دوزخ قرار داد. و پاداش تو در دنیا میراث اوست اگر وارث نداشته باشد. و در آخرت بهشت پاداش توست.

حق کسی است که به تو احسان کرده است، این است که از او تشکر کنی. و به یاد احسان او باشی. و او را به نیکی شهرت دهی و بین خود و خدا خالصانه به او دعا کن. و اگر چنین کردی در نهان و عیان از او تشکر کرده ای. سپس اگر روزی توانستی جبران کنی.

حق مؤذن این است که بدانی او تو را به یاد خدا می اندازد. و به عبادت دعوت می کند. و در به جا آوردن فریضه تو را یاری می نماید. از او تشکر کن. چون کسی است که به تو احسان کرده است.

حق امام جماعت این است که سفارت بین تو و پروردگارت را به عهده گرفته است. و از جانب تو سخن می گوید. ولی تو از جانب او سخن نگفته ای. به تو دعا کرده است. و تو به او دعا نکرده ای. در اضطراب ایستادن در برابر پروردگار پیشگام شده است. اگر در نماز او نقص باشد به عهده اوست نه تو. و اگر نمازش کامل باشد تو در آن شریک هستی. و او نسبت به تو برتری ندارد. او خود را سپر تو و نمازش را سپر نماز تو قرار داده است. از او به این اندازه تشکر کن.

حق همنشین تو این است که با او به نرمی رفتار کنی و با انصاف با او سخن بگویی. و بدون اجازه جلسه را ترک نکنی. ولی کسی که با تو نشیند می تواند بدون اجازه تو جلسه را ترک کند. و تو لغزش او را فراموش کن. و خوبیهایی او را به یاد داشته باش. و جز خیر از تو سخنی نشود.

وَأَمَّا حَقُّ جَارِكَ فَحِفْظُهُ غَائِبًا، وَإِكْرَامُهُ شَاهِدًا، وَنُصْرَتُهُ إِذَا كَانَ مَظْلُومًا، وَلَا تَتَّبِعْ لَهُ عَوْرَةً، فَإِنْ عَلِمْتَ عَلَيْهِ سَوْءًا سَتْرْتَهُ عَلَيْهِ، وَإِنْ عَلِمْتَ أَنَّهُ يَقْبَلُ نَصِيحَتَكَ نَصِيحَتَهُ فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ، وَلَا تُسَلِّمُهُ عِنْدَ شَدِيدِهِ، وَتُقْبِلُ عَثْرَتَهُ، وَتَغْفِرُ ذَنْبَهُ، وَتُعَاشِرُهُ مُعَاشِرَةً كَرِيمَةً، وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

وَأَمَّا حَقُّ الصَّاحِبِ فَإِنْ تَصَحَّبَهُ بِالْتَفَضُّلِ وَالْإِنْصَافِ، وَتُكْرِمَهُ كَمَا يُكْرِمُكَ، وَلَا تَدْعُهُ يَسْبِقُ إِلَى مَكْرَمِهِ، وَإِنْ سَبَقَ كَافِيَتَهُ، وَتَوَدَّهَ كَمَا يُوَدُّكَ، (١) وَتَزْجُرُهُ عَمَّا يَهُمُّ بِهِ مِنْ مَعْصِيَتِهِ، وَكُنْ عَلَيْهِ رَحِمَةً وَلَا تُكُنْ عَلَيْهِ عَذَابًا، وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

وَأَمَّا حَقُّ الشَّرِيكِ فَإِنْ غَابَ كَفَيْتَهُ، وَإِنْ حَضَرَ رَعَيْتَهُ، وَلَا تَحْكُمُ (٢) دُونَ حُكْمِهِ، وَلَا تَعْمَلُ بِرَأْيِكَ دُونَ مُنَاطَرَتِهِ (٣)، وَتَحْفَظُ عَلَيْهِ مَالَهُ، وَلَا تُحَوِّنُهُ (٤) فِيمَا عَزَّ أَوْ هَانَ مِنْ أَمْرِهِ، فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى الشَّرِيكِينِ مَا لَمْ يَتَخَاوْنَا، وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

وَأَمَّا حَقُّ مَالِكَ فَإِنْ لَا تَأْخُذُهُ الْإِمَانُ جِلَّةً، وَلَا تُؤَثِّرُ عَلَى نَفْسِكَ مَنْ لَا يَحْيِي دُكَّكَ، فَاعْمَلْ فِيهِ بِطَاعَةِ رَبِّكَ، وَلَا تَبْخَلْ بِهِ فِتْبَاءً بِالْحَسْرَةِ وَالنَّدَامَةِ مَعَ التَّبِعِ، وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

وَأَمَّا حَقُّ غَرِيمِكَ الَّذِي يُطَالِبُكَ فَإِنْ كُنْتَ مُوسِرًا أَعْطَيْتَهُ، وَإِنْ كُنْتَ مُعْسِرًا أَرْضَيْتَهُ بِحُسْنِ الْقَوْلِ، وَرَدَدْتَهُ عَنِ نَفْسِكَ رَدًّا لَطِيفًا.

وَحَقُّ الْخَلِيطِ (٥) أَنْ لَا تُغْرَهُ وَلَا تُغْشَهُ، وَلَا تَخْدَعَهُ، وَتَتَّقِيَ اللَّهَ تَبَارَكَ فِي أَمْرِهِ.

وَحَقُّ الْخَصْمِ الْمِدْعَى عَلَيْكَ؛ فَإِنْ كَانَ مَا يَدْعَى عَلَيْكَ حَقًّا كُنْتَ شَاهِدَهُ عَلَى نَفْسِكَ وَلَا تَظْلِمُهُ وَوَفَيْتَهُ حَقَّهُ، وَإِنْ كَانَ مَا يَدْعَى بِاطِلًا رَفَقْتَ بِهِ، وَلَمْ تَأْتِ فِي أَمْرِهِ غَيْرَ الرَّفْقِ، وَلَمْ تُسْخِطْ رَبَّكَ فِي أَمْرِهِ، وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

وَحَقُّ خَصْمِكَ الَّذِي تَدْعَى عَلَيْهِ إِنْ كُنْتَ مُحِقًّا فِي دَعْوَاكَ أَجْمَلْتَ مُقَاوَلَتَهُ وَلَمْ تَجِدْ حَقَّهُ، وَإِنْ

ص: ١٤٤

١- أى توقره كما يوقرك. وليس ذلك فى الخصال المطبوعه على الحروف.

٢- أى لا تحكم بعد أن حكم الشريك، أو لا تحكم قبل أن يحكم.

٣- أى قبل مشورته.

٤- . أى لا تخنه فى الجليل والحقير.

٥- . الخليط: من يخالط الرجل كالجليس والنديم. والغرور: الخدعه والغفله.

حق همسایه تو این است که وقتی غایب است از او دفاع کنی. وقتی حضور دارد به او احترام نمایی. وقتی مظلوم واقع شود به او یاری کنی. در پی عیب او نباشی. و اگر خطایی از او می‌دانی افشا نکنی. و اگر نصیحت پذیر است در تنهایی او را نصیحت کنی. و در هنگام سختی او را تنها نگذاری. و از لغزش او بگذری. و گناهش را ببخشی. و با او رابطه‌ی محترمانه داشته باشی. و نیرویی جز خدا نیست.

حق رفیق و دوست این است که به بزرگواری و انصاف با او رفتار کنی. و همانطور که تو را گرامی دارد او را گرامی داری. و در کارهای خوب همیشه سبقت بگیر. و اگر او از تو سبقت گرفت احسان او را جبران کن. و او را دوست داشته باش، همانطور که تو را دوست دارد. و اگر به فکر گناه افتاد، او را منصرف کن. و با او مهربان باش. و برای او زحمت و آزار نداشته باش. و نیرویی جز خدا نیست.

حق شریک این است که در غیاب او کارش را انجام بده. و در حضورش [حقوق] او را رعایت کن. و با او مخالفت نکن. و بدون نظر خواهی از او کار انجام نده. مال او را حفظ کن. و در امور مهم یا جزئی به او خیانت نکن. زیرا دست خدا بر سر شریکان است. تا زمانی که به یکدیگر خیانت نکنند. و نیرویی جز خدا نیست.

اما حق سرمایه تو این است که جز از راه حلال بدست نیاوری. و کسی که حق شناس تو نیست را بر خود ترجیح ندهی. با سرمایه ات در اطاعت پروردگار بکوش. و بخل نوز.

که حسرت و پشیمانی و عذاب بدنبال دارد. و نیرویی جز خداوند نیست.

اما حق طلبکار این است که اگر قدرت داری پردازی. و اگر نداری با خوشگفتاری رضایت او را جلب کنی. و با ملاطفت او را از خود دوری کنی.

حق ارباب رجوع این است که او را فریب ندهی. و با او تقلب و خدعه نکنی. و در انجام کار او از خداوند متعال پروا داشته باشی.

حق کسی که از تو شکایت کرده این است اگر ادعای او بر علیه تو حق است. تو بر علیه خود شاهد باش. و به او ظلم نکن. و به حق او وفا کن. و اگر ادعای او باطل است، به ملایمت با او رفتار کن. و خدا را در کار او به خشم نیاور. و نیرویی جز خدا نیست.

حق کسی که تو از او شکایت کرده ای این است که اگر ادعای تو حق است، به زیبایی با او سخن بگو. و حق او را انکار نکن. و اگر ادعای تو باطل است، از خدا پروا داشته باش.

كُنْتُ مُبْطَلًا فِي دَعْوَاكَ اتَّقَيْتَ اللَّهَ عِزَّ وَجَلَّ وَتُبْتُ إِلَيْهِ وَتَرَكْتُ الدَّعْوَى.

وَحَقُّ الْمُسْتَشِيرِ إِنْ عَلِمْتَ لَهُ رَأْيًا أَشْرَتْ إِلَيْهِ ، وَإِنْ لَمْ تَعْلَمْ أُرْشَدْتَهُ إِلَى مَنْ يَعْلَمُ.

وَحَقُّ الْمُسْتَشِيرِ عَلَيْكَ أَنْ لَا تَتَّهِمَهُ (١) فِيمَا لَا يُؤَافِقُكَ مِنْ رَأْيِهِ ، وَإِنْ وَافَقَكَ حَمِدْتَ اللَّهَ عِزَّ وَجَلَّ.

وَحَقُّ الْمُسْتَنْصِحِ أَنْ تُؤَدِّيَ إِلَيْهِ النَّصِيحَةَ ، وَلِيَكُنْ مَذْهَبُكَ الرَّحْمَةَ وَالرَّفْقَ بِهِ .

وَحَقُّ النَّاصِحِ أَنْ تُلَيِّنَ لَهُ جَنَاحَيْكَ ، وَتُصَغِّيَ إِلَيْهِ بِسِيَمِيعِكَ ؛ فَإِنْ أَتَى الصَّوَابَ حَمِدْتَ اللَّهَ عِزَّ وَجَلَّ ، فَإِنْ لَمْ يُؤَفِّقْ رَحِمْتَهُ وَلَمْ تَتَّهِمَهُ ، وَإِنْ عَلِمْتَ أَنَّهُ أَخْطَأَ لَمْ تُؤَاخِذْهُ بِذَلِكَ ، إِلَّا أَنْ يَكُونَ مُسْتَحِقًّا ، فَلَا تَعْبَأُ (٢) بِشَيْءٍ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى حَالٍ ، وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ .

وَحَقُّ الْكَبِيرِ تَوْقِيرُهُ لِسِتْنِهِ ، وَإِجْلَالُهُ لِتَقَدُّمِهِ فِي الْإِسْلَامِ قَبْلَكَ ، وَتَرْكُ مُقَابَلَتِهِ عِنْدَ الْخِصَامِ ، وَلَا تَسْبِقُهُ إِلَى طَرِيقٍ ، وَلَا تَتَّقَدَّمُهُ ، وَلَا تَسْتَجْهِلُهُ ، وَإِنْ جَهِلَ عَلَيْكَ احْتِمَلْتَهُ وَأَكْرَمْتَهُ لِحَقِّ الْإِسْلَامِ وَحُرْمَتِهِ .

وَحَقُّ الصَّغِيرِ رَحْمَتُهُ فِي تَعْلِيمِهِ ، وَالْعَفْوُ عَنْهُ ، وَالسِّرُّ عَلَيْهِ ، وَالرَّفْقُ بِهِ وَالْمَعُونَةُ لَهُ .

وَحَقُّ السَّائِلِ إِعْطَاؤُهُ عَلَى قَدْرِ حَاجَتِهِ .

وَحَقُّ الْمَسْئُولِ إِنْ أُعْطِيَ فَاقْبَلْ مِنْهُ بِالشُّكْرِ وَالْمَعْرِفَةِ بِفَضْلِهِ ، وَإِنْ مَنَعَ فَاقْبَلْ عُذْرَهُ .

وَحَقُّ مَنْ سَرَّكَ لِلَّهِ - تَعَالَى ذِكْرُهُ - أَنْ تَحْمَدَ اللَّهَ عِزَّ وَجَلَّ أَوَّلًا ، ثُمَّ تَشْكُرُهُ .

وَحَقُّ مَنْ أَسَاءَكَ أَنْ تَعْفُوَ عَنْهُ ، فَإِنْ عَلِمْتَ أَنَّ الْعَفْوَ عَنْهُ يَضُرُّ انْتَصَرْتَ ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى : «وَلَمَنْ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ يَأْوُلْ - كَيْ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ» .

وَحَقُّ أَهْلِ مِلَّتِكَ إِضْمَارُ السَّلَامَةِ لَهُمْ ، وَالرَّحْمَةُ وَالرَّفْقُ بِمُسِيئِهِمْ ، وَتَأَلُّفُهُمْ وَاسْتِصْلَاحُهُمْ وَشُكْرُ مُحْسِنِيهِمْ ، وَكَفُّ الْأَذَى عَنْهُمْ ، وَتُحِبُّ لَهُمْ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ ، وَتَكْرَهُ لَهُمْ مَا تَكْرَهُ لِنَفْسِكَ ،

ص: ١٤٦

١- . أى لا تنسبه إلى الخيانة فيما أشار إليه.

٢- . ما عبأتُ بفلان: أى ما باليتُ به (الصحاح: ٦٢١/١).

و توبه کن. و ادعای خود را رها کن.

حق مشورت کننده این است که اگر نظری داری، اظهار کنی. و اگر نمی دانی، او را به کسی که آگاهی دارد راهنمایی کن.

حق کسی که با او مشورت می کنی این است که در مواردی که نظر او با تو موافق نیست، او را متهم نکن. و اگر با تو موافق است، خدا را سپاس گذار باش.

حق نصیحت خواه این است که با مهربانی و ملاطفت او را نصیحت کنی.

حق نصیحت کننده این است که در برابر او فروتن باش. و با دقت گوش فرا ده. و اگر درست می گوید، سپاس خدای را بجا آور. و اگر نادرست می گوید، با او مهربان باش. و او را متهم نکن. و اگر دانستی که اشتباه می کند، از او مؤاخذه نکن. مگر اینکه مستحق سرزنش باشد. که در این صورت در هیچ حال او اعتباری ندارد. و نیرویی جز خدا نیست.

حق افراد بزرگتر این است که به اقتضای سن او را محترم شماری. و به دلیل اینکه سابقه او در اسلام از تو بیشتر است. از او تجلیل نمایی. و با او ستیزه جویی نکن. و در راه از او جلوتر حرکت نکن. و قبل از او حرکت نکن. و او را نادان بحساب نیاور. و اگر در مورد تو نادانی کرد تحمل کن. و برای حق تقدم او در اسلام به وی احترام کن. و او را گرامی دار.

حق کوچکتر این است که در آموزش او مهربان باش. و عفو کن. و عیب او را بپوشان. و با ملاطفت به او کمک کن.

حق درخواست کننده این است که به قدر نیازش به او بدهی.

حق کسی که از او درخواست می کنی این است که اگر به تو عطا کرد، با قدردانی قبول کن. و حق شناس باش. و اگر خودداری کرد، عذر او را بپذیر.

حق کسی که تو را برای رضای خدا خشنود کرده این است که ابتدا سپاس خدا را بجا آور. و سپس از او تشکر کن.

حق کسی که به تو بدی کرده این است که او را عفو کنی. و اگر می دانی عفو کردن او ضرر دارد، از او انتقام بگیری.

خداوند متعال می فرماید: «کسی که اگر ستم دیده انتقام گیرد بر او تعرضی نیست».

حق هم کیش تو این است که سلامتی آنان را در دل آرزو کنی. و با خطاکاران مهربانی و مدارا کنی. و با الفت آنان را اصلاح کنی. و از نیکوکاران تشکر کن. و آنان را اذیت نکن.

وَأَنْ يَكُونَ شِيُوخُهُمْ بِمَنْزِلَةِ أَبِيكَ، وَشَبَابُهُمْ بِمَنْزِلَةِ إِخْوَتِكَ، وَعَجَائِزُهُمْ بِمَنْزِلَةِ امِّكَ، وَالصَّغَارُ بِمَنْزِلَةِ أَوْلَادِكَ.

وَحَقُّ الذَّمِّ أَنْ تَقْبَلَ مِنْهُمْ مَا قَبِلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْهُمْ، وَلَا تَطْلَمَهُمْ مَا وَفَوَا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِعَهْدِهِ. (١)

٣٩٧٥. الْمُؤْمِنُ يَكُونُ صَادِقًا فِي الدُّنْيَا، رَاعِي الْقَلْبِ (٢)، حَافِظَ الْحُدُودِ، وَعَاءَ الْعِلْمِ، كَامِلَ الْعَقْلِ، سَلِيمَ الْقَلْبِ، ثَابِتَ الْجِلْمِ، عَاطِفَ الْيَدَيْنِ، بَازِلَ الْمَالِ، مَفْتُوحَ الْبَابِ لِلْإِحْسَانِ، لَطِيفَ اللِّسَانِ، كَثِيرَ التَّبَسُّمِ، دَائِمَ الْحُزْنِ، كَثِيرَ التَّفَكُّرِ، قَلِيلَ النَّوْمِ، قَلِيلَ الضَّحِكِ، طَيِّبَ الطَّبَعِ، مُمِيتَ الطَّمَعِ، قَاتِلَ الْهَوَى، زَاهِدًا فِي الدُّنْيَا، رَاغِبًا فِي الْآخِرَةِ، يُحِبُّ الضَّيْفَ، وَيُكْرِمُ الْيَتِيمَ، وَيَلطْفُ الصَّغِيرَ، وَيُوقِّرُ الْكَبِيرَ، يُعْطِي السَّائِلَ، وَيَعُودُ الْمَرِيضَ، وَيُشَيِّعُ الْجَنَائِزَ، وَيَعْرِفُ حُرْمَةَ الْقُرْآنِ، وَيُنَاجِي الرَّبَّ، وَيَبْكِي عَلَى الذُّنُوبِ، أَمْرًا بِالْمَعْرُوفِ، نَاهِيًا عَنِ الْمُنْكَرِ، أَكْلَهُ بِالْجُوعِ، وَشُرْبَهُ بِالْعَطَشِ، وَحَرَكَتَهُ بِالْأَدَبِ، وَكَلَامَهُ بِالْغَضَبِ (٣)، وَمَيَّوَعَطْتَهُ بِالرَّفْقِ، لَا يَخَافُ إِلَّا اللَّهَ وَلَا يَرْجُو إِلَّا إِيَّاهُ، وَلَا يَشْغُلُ إِلَّا بِالنَّائِ وَالْحَمْدِ، وَلَا يَتَهَاوَنُ فِي الصَّلَاةِ، وَلَا يَتَكَبَّرُ، وَلَا يَتَفَاخَرُ بِمَالٍ، مَشْغُولٌ بِعُيُوبِ نَفْسِهِ فَارِعٌ عَنِ غَيْرِهِ، الصَّلَاةُ قُرَّةُ عَيْنِهِ، الصِّيَامُ حِرْفَتُهُ، الصَّدَقُ عَادَتُهُ، وَالشُّكْرُ بَرَكَتُهُ، وَالْعَقْلُ قَائِدُهُ، وَالتَّقْوَى زَادُهُ، وَالدُّنْيَا حَانُوتُهُ، وَالْقَبْرُ مَنْزِلَتُهُ، وَاللَّيْلُ وَالنَّهَارُ رَأْسُ مَالِهِ، وَالْجَنَّةُ مَأْوَاهُ، وَالْقُرْآنُ حَرِيفُهُ (٤)، وَمُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ شَفِيعُهُ، وَاللَّهُ جَلَّ ذِكْرُهُ مُؤَنِّسُهُ. (٥)

ص: ١٤٨

١- الخصال، ص ٥٦٤، ح ١.

٢- راعى القلب: أى لا كلفه فيه، أو عالم القلب: أى متدبر وعالم قلبه.

٣- كذا، والظاهر أنّ الصواب: «وكلامه بالنصيحه» كما فى جامع الأخبار ومستدرک الوسائل: ج ١١ ص ١٧٤.

٤- يقال فلان حريف فلان: إذا عامله، فعيل بمعنى فاعل، مثل جليس وأكيل وشريب (غريب الحديث لابن قتيبه: ٣٢١/١).

٥- جامع الأخبار، ص ٨٤.

و هرچه برای خود می پسندی برای آنان بیسند. و هر چه برای خود نمی پسندی برای آنان نیسند. سالمندان را چون پدر خود، و جوانان را چون برادر، و زنان سالخورده را چون مادر، و کودکان را چون فرزند خود بدان.

حق کافر ذمی [کافری که در مملکت اسلامی تحت حمایت است] این است که حقی را که اسلام برای آنان پذیرفته است به رسمیت بشناسی. و تا زمانی که آنان وفادار هستند، به آنان ستم نکن.

۳۹۷۵. مؤمن در دنیا صادق است. قلب خود را حفظ می کند. حدود را رعایت می کند. عقل کامل است. ظرف علم است. قلب سالم دارد [مرض روحی ندارد]. بردبار است. بخشنده مال است. [از دیگران] دستگیری می کند. درهای احسان او باز است. زبان لطیف دارد. خوش رو است. همیشه [در قلب خود] محزون است. زیاد فکر می کند. کم می خوابد. کمتر می خندد. خوش طبع است. طمع ندارد. هوس خود را کشته است. به دنیا بی علاقه و به آخرت رغبت دارد. مهمان را دوست می دارد. یتیم را گرامی می دارد. به کودکان لطف دارد.

به بزرگان احترام می گذارد. به فقیر می بخشد. از بیمار عیادت می کند. در تشییع جنازه شرکت می کند. حرمت قرآن را می شناسد. با پروردگار مناجات می کند. بر گناه خود گریه می کند. امر به معروف و نهی از منکر می کند. تا گرسنه و تشنه نشود نمی خورد و نمی آشامد. رفتارش مؤدبانه است. گفتارش خیرخواهی است. به مدارا کردن پند می دهد.

از کسی جز خدا نمی ترسد و به کسی جز او امید ندارد. همیشه به حمد و ثناء خدا مشغول است. نماز را سبک نمی شمارد، تکبر ندارد. به مال خود فخر نمی کند. به عیب خود می پردازد و به عیب دیگران توجه ندارد. نماز نور چشم اوست. کارش روزه است.

عادتش صداقت است. برکت او در شکر است. پیشوای او عقل و توشه او تقوی است. دنیا دکان او و قبر منزل و شب و روز سرمایه اوست. پناهگاه او بهشت و همکار و همدم او قرآن و شفیع او حضرت محمد صلی الله علیه و آله و خداوند جلیل مونس اوست.

بَابُ السَّبْعِينَ وَمِائَةٍ وَفَوْقَهَا

باب هفتاد و بیشتر از آن

اشاره

ص: ۱۵۱

لَأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامِ سَبْعُونَ مَنْقَبَةً لَمْ يَشْرِكْ فِيهَا أَحَدٌ مِنَ الْأُمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

٣٩٧٦. عَنْ مَكْحُولٍ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَقَدْ عَلِمَ الْمُسْتَحْفَظُونَ (١) مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ لَيْسَ فِيهِمْ رَجُلٌ لَهُ مَنْقَبَةٌ إِلَّا وَقَدْ شَرَكْتَهُ فِيهَا وَفَضَّلْتَهُ، وَلِي سَبْعُونَ مَنْقَبَةً لَمْ يَشْرِكْنِي فِيهَا أَحَدٌ مِنْهُمْ. قُلْتُ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَأَخْبِرْنِي بِهِنَّ، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

إِنَّ أَوَّلَ مَنْقَبَةٍ لِي أَنِّي لَمْ أَشْرِكْ (٢) بِاللَّهِ طَرْفَةَ عَيْنٍ، وَلَمْ أَعْبُدِ اللَّاتَ وَالْعُزَّى.

وَالثَّانِيَةُ: أَنِّي لَمْ أَشْرَبِ الْخَمْرَ قَطُّ.

وَالثَّلَاثَةُ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اسْتَوْهَبَنِي عَنْ أَبِي فِي صِبَائِي وَكُنْتُ أَكِيلُهُ (٣) وَشَرِبِيَهُ وَمُونِسَهُ وَمُحَدِّثَهُ.

وَالرَّابِعَةُ: أَنِّي أَوَّلُ النَّاسِ إِيمَانًا وَإِسْلَامًا.

وَالخَامِسَةُ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ لِي: «يَا عَلِيُّ، أَنْتَ مَنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي».

وَالسَّادِسَةُ: أَنِّي كُنْتُ آخِرَ النَّاسِ عَهْدًا بِرَسُولِ اللَّهِ وَدَلِيَّتُهُ فِي حُفْرَتِهِ.

وَالسَّابِعَةُ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَا مَنِي عَلَى فِرَاشِهِ حَيْثُ ذَهَبَ إِلَى الْغَارِ وَسَجَّانِي بِبُرْدِهِ، فَلَمَّا جَاءَ

ص: ١٥٢

١- استحفظه مالا أو سراً: سأله أن يحفظه. والمستحفظون من الأصحاب: أي الأمناء الذين استحفظوا الكتاب والسنة وصاروا ديعه عندهم.

٢- لم اشرك بالله: المراد إما أنه عليه السلام لم يعبد صنماً ولا وثناً قط، أو أنه معصوم من الشرك الذي يتلى به كثير من الناس؛ كما قال تعالى: «وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ» فهو صلوات الله عليه مطهر عن الرجس الباطني والخارجي؛ كما قال تعالى: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ».

٣- أكيله وشريبه: أي الذي يصاحب في الأكل والشرب، فعيل بمعنى مفاعل.

هفتاد فضیلت مخصوص به امیرالمؤمنین علیه السلام که دیگر ائمه علیهم السلام در آنها سهیم نبودند

۳۹۷۶. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: امنای از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله می دانند که هر یک از آنان امتیازی دارند، من در آن شریک هستم و بلکه در آن برتری دارم ولی من هفتاد فضیلت دارم که هیچ کس با من شریک نیست. راوی [مکحول] گوید: پرسیدم؛ یا امیرالمؤمنین آنها را برایم بازگو فرمایید.

حضرت فرمودند: اولین ویژگی که من دارم این است که؛ یک چشم بر هم زدن هم به خداوند شرک نوزیدم. و بت لات و عزی را نپرستیدم.

دوم: هرگز شراب ننوشیدم.

سوم: رسول الله صلی الله علیه و آله مرا در کودکی از پدرم گرفت. و من هم خوراک و هم کاسه و همدم و هم زبان او بودم. چهارم: اولین کسی هستم که ایمان و اسلام آوردم.

پنجم: رسول الله صلی الله علیه و آله درباره من فرمودند: یا علی تو نسبت به من همانند هارون نسبت به موسی هستی. جز اینکه بعد از من پیامبری نخواهد بود.

ششم: من آخرین نفر بودم که با رسول خدا وداع کردم. و او را به خاک سپردم.

هفتم: رسول الله مرا در بستر خود خوابانید - آنگاه که [برای هجرت از مکه] به غار رفت - و مرا با روانداز خود پوشانید. و هنگامی که مشرکان حمله کردند و مرا بیدار

المُشْرِكُونَ ظَنُّونِي مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَأَيَّقُظُونِي وَقَالُوا: مَا فَعَلَ صَاحِبُكَ؟ فَقُلْتُ: ذَهَبَ فِي حَاجَتِهِ، فَقَالُوا:

لَوْ كَانَ هَرَبَ لَهَرَبَ هَذَا مَعَهُ.

وَأَمَّا الثَّامِنَةُ: فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَّمَنِي أَلْفَ بَابٍ مِنَ الْعِلْمِ يَفْتَحُ كُلُّ بَابٍ أَلْفَ بَابٍ، وَلَمْ يُعَلِّمْ ذَلِكَ أَحَدًا غَيْرِي.

وَأَمَّا التَّاسِعَةُ: فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ لِي: «يَا عَلِيُّ، إِذَا حَشَرَ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ الْأُولِينَ وَالْآخِرِينَ نُصِبَ لِي مِئْبَرٌ فَوْقَ مَنَايِرِ النَّبِيِّينَ، وَنُصِبَ لَكَ مِئْبَرٌ فَوْقَ مَنَايِرِ الْوَصِيِّينَ فَتَرْتَقِي عَلَيْهِ».

وَأَمَّا الْعَاشِرَةُ: فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: «يَا عَلِيُّ، لَا أُعْطَى فِي الْقِيَامَةِ إِلَّا سَأَلْتُ لَكَ مِثْلَهُ».

وَأَمَّا الْحَادِيَةَ عَشْرَةَ: فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: «يَا عَلِيُّ، أَنْتَ أَخِي وَأَنَا أَخُوكَ، يَدُكَ فِي يَدِي حَتَّى تَدْخُلَ الْجَنَّةَ».

وَأَمَّا الثَّانِيَةَ عَشْرَةَ: فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: «يَا عَلِيُّ، مَثَلُكَ فِي أُمَّتِي كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ؛ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا، وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ».

وَأَمَّا الثَّلَاثَةَ عَشْرَةَ: فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَّمَنِي بِعِمَامَةِ نَفْسِهِ بِيَدِهِ، وَدَعَا لِي بِدَعْوَاتِ النَّصْرِ عَلَى أَعْدَاءِ اللَّهِ، فَهَزَمْتُهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ عِزَّ وَجَلَّ.

وَأَمَّا الرَّابِعَةَ عَشْرَةَ: فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَمَرَنِي أَنْ أَمْسَحَ يَدِي عَلَى ضَرْعِ شَاهٍ قَدْ يَبَسَ ضَرْعُهَا فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ بَيْلَ امسِّحِ أَنْتَ، فَقَالَ: «يَا عَلِيُّ، فِعْلُكَ فِعْلِي»، فَمَسَّحْتُ عَلَيْهَا يَدِي فَدَرَّ عَلَيَّ مِنْ لَبِنِهَا، فَسَقَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ شَرِبَهُ، ثُمَّ أَتَتْ عَجُوزَةٌ فَشَكَتِ الظَّمَأَ فَسَقَيْتُهَا، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «إِنِّي سَأَلْتُ اللَّهَ عِزَّ وَجَلَّ أَنْ يُبَارِكَ فِي يَدِكَ فَفَعَلَ».

وَأَمَّا الْخَامِسَةَ عَشْرَةَ: فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَوْصَى إِلَيَّ وَقَالَ: «يَا عَلِيُّ، لَا يَلِي غُسْلِي غَيْرُكَ، وَلَا يُوَارِي عَوْرَتِي غَيْرُكَ؛ فَإِنَّهُ إِنْ رَأَى أَحَدٌ عَوْرَتِي غَيْرُكَ تَفَقَّاتَ عَيْنَاهُ» فَقُلْتُ لَهُ: كَيْفَ لِي بِتَقْلِيكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَقَالَ: «إِنَّكَ سَتَتَعَانُ»، فَوَاللَّهِ مَا أَرَدْتُ أَنْ أَقْلِبَ عُضْوًا مِنْ أَعْضَائِهِ إِلَّا قَلْبَ لِي.

وَأَمَّا السَّادِسَةَ عَشْرَةَ: فَإِنِّي أَرَدْتُ أَنْ أَجْرِدَهُ فَنُودِيْتُ: «يَا وَصِيَّ مُحَمَّدٍ! لَا تُجْرِدْهُ، فَعَسَلُهُ

کردند و پرسیدند: دوست تو کجاست؟ گفتیم: در پی کار خود رفته است. گفتند: اگر فرار می کرد، علی هم همراه او فرار می کرد.

هشتم: رسول الله صلی الله علیه و آله هزار باب علم را به من آموخت. که هر باب آن شامل هزار باب علم است. و این علوم را به کسی جز من نیاموخت.

نهم: رسول الله صلی الله علیه و آله به من فرمود: یا علی زمانی که خداوند اولین و آخرین را در روز محشر جمع می کند، برای من منبری بالاتر از منبر پیامبران نصب می کند. و برای تو منبری بالاتر از منبر اوصیاء نصب می کند. و تو بالای آن منبر خواهی رفت.

دهم: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: یا علی؛ در قیامت هر چه به من بدهند، مثل آن را برای تو درخواست می کنم.

یازدهم: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: یا علی؛ تو برادر من و من برادر تو هستم.

دست تو در دست من است. تا وارد بهشت شوی.

دوازدهم: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: یا علی؛ مثل تو در امت من همانند مثل کشتی نوح است که هر کس سوار شد نجات یافت. و هر کس بجای ماند هلاک شد.

سیزدهم: رسول الله صلی الله علیه و آله عمامه خود را با دست خویش بر سر من نهاد. و برای من دعای پیروزی بر دشمنان خدا کرد. و من آنان را با اذن خدا شکست دادم.

چهاردهم: رسول الله صلی الله علیه و آله به من دستور داد دستم را به پستان گوسفندی بزنم که شیر آن خشکیده بود. گفتیم: یا رسول الله شما دست بزنید. فرمودند: یا علی رفتار تو رفتار من است.

پس با دستم آن را لمس کردم. آنگاه دستم از شیر پر شد. و یک جرعه از آن را به رسول الله نوشانیدم. سپس عجزه ای آمد اظهار تشنگی کرد، او را سیراب کردم. پس رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: از خداوند درخواست کردم که در دست تو برکت قرار دهد. و خداوند مستجاب نمود.

پانزدهم: رسول الله صلی الله علیه و آله به من وصیت فرمود و گفت: یا علی؛ جز تو کسی مرا غسل ندهد. و جسد مرا کفن نکند. زیرا اگر کسی غیر از تو بدن مرا ببیند دو چشم او نابینا شود.

گفتم: ای رسول خدا چگونه بدن شما را بگردانم؟ فرمود: تو یاری خواهی شد. به خدا قسم [هنگام غسل] هر عضوی از اعضاء او را که می خواستم بگردانم، برگردانده می شد.

شانزدهم: می خواستم او را برهنه کنم، به من ندا رسید: ای وصی محمد او را برهنه

ص: ۱۵۵

وَالْقَمِيصُ عَلَيْهِ، «فَلَا وَاللَّهِ الَّذِي أَكْرَمَهُ بِالنَّبُوَّةِ وَخَصَّهُ بِالرِّسَالَةِ مَا رَأَيْتُ لَهُ عَوْرَةً، خَصَّنِي اللَّهُ بِذَلِكَ مِنْ بَيْنِ أَصْحَابِهِ .

وَأَمَّا السَّبَاعَةُ عَشْرَةَ: فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ زَوَّجَنِي فَاطِمَةَ، وَقَدْ كَانَ خَطْبَهَا أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ فَرَزَّوَجَنِي اللَّهُ مِنْ فَوْقِ سَبْعِ سَمَاوَاتِهِ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «هَنِيئًا لَكَ يَا عَلِيُّ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ زَوَّجَكَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَهِيَ بَضْعَةٌ مِنِّي»، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَوْلَسْتُ مِنْكَ؟ فَقَالَ: «بَلَى يَا عَلِيُّ، وَأَنْتَ مِنِّي وَأَنَا مِنْكَ كَيْمِينِي مِنْ شِمَالِي (١)، لَا أَسْتَعْنِي عَنْكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

وَأَمَّا الثَّمَانِيَةَ عَشْرَةَ: فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: «يَا عَلِيُّ، أَنْتَ صَاحِبُ لِيَاءِ الْحَمْدِ فِي الْآخِرَةِ، وَأَنْتَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَقْرَبُ الْخَلَائِقِ مِنِّي مَجْلِسًا، يُسَبِّطُ لِي وَيُسَبِّطُ لَكَ فَأَكُونُ فِي زُمْرَةِ النَّبِيِّينَ وَتَكُونُ فِي زُمْرَةِ الْوَصِيِّينَ، وَيُوضَعُ عَلَيَّ رَأْسُكَ تَاجُ النُّورِ وَإِكْلِيلُ الْكِرَامَةِ، يُحْفُ بِكَ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ حَتَّى يَفْرَعَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ حِسَابِ الْخَلَائِقِ».

وَأَمَّا التَّاسِعَةَ عَشْرَةَ: فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: «سَيُتَقَاتَلُ النَّاكِثِينَ وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ؛ فَمَنْ قَاتَلَكَ مِنْهُمْ فَإِنَّ لَكَ بِكُلِّ رَجُلٍ مِنْهُمْ شَفَاعَةً فِي مَنِّهِ أَلْفٍ مِنْ شِيَعَتِكَ»، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَمَنْ النَّاكِثُونَ؟ قَالَ: «طَلْحَةُ وَالزُّبَيْرُ سَيُبَايِعَانِكَ بِالْحِجَازِ، وَيَنْكُثَانِكَ بِالْعِرَاقِ، فَمَاذَا فَعَلَا- ذَلِكَ فَحَارِبُهُمَا فَإِنَّ فِي قِتَالِهِمَا طَهَارَةً لِأَهْلِ الْأَرْضِ»، قُلْتُ: فَمَنْ الْقَاسِطُونَ؟ قَالَ: «مُعَاوِيَةُ وَأَصْحَابُهُ»، قُلْتُ: فَمَنْ الْمَارِقُونَ؟ قَالَ: «أَصْحَابُ ذِي التُّدَيِّهِ، وَهُمْ يَمْرُقُونَ مِنَ الدِّينِ كَمَا يَمْرُقُ السَّهْمُ مِنَ الرَّمِيَّةِ، فَاقْتُلْهُمْ؛ فَإِنَّ فِي قَتْلِهِمْ فَرْجًا لِأَهْلِ الْأَرْضِ، وَعَذَابًا مُعْجَلًا عَلَيْهِمْ، وَذُخْرًا لَكَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

وَأَمَّا الْعِشْرُونَ: فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ لِي: «مَثَلُكَ فِي أُمَّتِي مَثَلُ بَابِ حِطَّةٍ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ، فَمَنْ دَخَلَ فِي وَلَايَتِكَ فَقَدْ دَخَلَ الْبَابَ كَمَا أَمَرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ (٢)».

ص: ١٥٦

١- . كما قال تعالى: «ذُرِّيَّتَهُمْ بَعْضُهَا مِنْ مِ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»، فعلى هذا يكون المراد الاتحاد في الطينة أو في النور، هذا مضافاً إلى قوله تعالى: «فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي»، والأول وحده تكوينيه واقعيه، والثاني وحده اعتباريه إلحاقه إلهيه.

٢- . هذا الحديث متواتر رواه الفريقان.

نکن. و از روی لباس غسل بده. سوگند به خداوندی که او را به نبوت کرامت بخشید، و به رسالت برگزید، عورتی از او را ندیدم. خداوند از بین اصحاب او این ویژگی را به من داد.

هفدهم: خداوند عزّ و جل فاطمه را به ازدواج من در آورد. در حالی که ابوبکر و عمر او را خواستگاری کردند. اما خداوند از فوق آسمانهای هفت گانه او را به من تزویج کرد. و رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: یا علی، بر تو گوارا باد. زیرا سرور زنان اهل بهشت را زن تو کرد که پاره تن من است. گفتم: یا رسول الله آیا من از تو نیستم؟ فرمود: آری ای علی؛ تو از من و من از تو هستم.

همانند دست راست من نسبت به دست چپ من. در دنیا و آخرت از تو بی نیاز نخواهم شد.

هیجدهم: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: یا علی؛ تو پرچمدار حمد در قیامت هستی. و جایگاه تو در قیامت از همه آفریدگان به من نزدیکتر است. تشریفاتی برای من و تشریفاتی برای تو گسترده می شود. من در میان پیامبران و تو در میان جانشینان پیامبران خواهی بود. بر سر تو تاج نور و نشان کرامت نهاده می شود. هفتاد هزار فرشته پیرامون تو هستند. تا خداوند متعال حسابرسی مخلوقات را پایان رساند.

نوزدهم: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: بزودی با ناکثین [پیمان شکنان در جنگ جمل] و قاسطین [ستمگران در جنگ صفین] و مارقین [خوارج در جنگ نهروان] خواهی جنگید.

به ازای هر کسی که با تو بجنگد می توانی صد هزار نفر از شیعیان خود را شفاعت کنی.

گفتم: یا رسول الله صلی الله علیه و آله؛ ناکثین چه کسانی هستند؟ فرمود: طلحه و زبیر بزودی در حجاز با تو بیعت می کنند. و در عراق با تو می جنگند. پس وقتی که به جنگ تو آمدند با آن دو نبرد کن. که این کار طهارتی برای اهل زمین خواهد بود.

گفتم: قاسطین چه کسانی هستند؟ فرمود: معاویه و یاران او.

گفتم: مارقین چه کسانی هستند؟ فرمود: یاران ذوالشویه، آنان از دین گریخته اند، همانند تیری که از کمان رها شود. آنان را هلاک کن که در نابودی آنان گشایشی برای اهل زمین خواهد بود. و آنان گرفتار عذاب سریع خواهند شد. و ذخیره ای برای تو نزد خداوند در قیامت خواهد شد.

بیستم: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه و آله به من فرمود: مَثَلُ تو در میان امت من همانند مَثَلُ باب حطه در بنی اسرائیل است. کسی که ولایت تو را پذیرد وارد آن باب شده است. همانطور که خداوند به او فرمان داده است.

وَأَمَّا الْحَادِيَةَ وَالْعِشْرُونَ: فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا، وَلَنْ تَدْخُلَ الْمَدِينَةَ إِلَّا مِنْ بَابِهَا» ثُمَّ قَالَ: «يَا عَلِيُّ، إِنَّكَ سَتَرَعَى ذِمَّتِي، وَتُقَاتِلُ عَلَيَّ سُنَّتِي، وَتُخَالِفُكَ أُمَّتِي».

وَأَمَّا الثَّانِيَةَ وَالْعِشْرُونَ: فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: «إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - خَلَقَ ابْنَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنَ مِنْ نُورٍ أَلْقَاهُ إِلَيْكَ وَإِلَى فَاطِمَةَ، وَهُمَا يَهْتَزَانِ كَمَا يَهْتَزُّ الْقُرْطَانِ (١) إِذَا كَانَا فِي الْأُذُنَيْنِ، وَنُورُهُمَا مُتَضَاعِفٌ عَلَى نُورِ الشُّهَدَاءِ سَبْعِينَ أَلْفَ ضِعْفٍ، يَا عَلِيُّ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ وَعَدَنِي أَنْ يُكْرِمَهُمَا كَرَامَةً لَا يُكْرِمُ بِهَا أَحَدًا مَا خَلَا النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ».

وَأَمَّا الثَّلَاثَةَ وَالْعِشْرُونَ: فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَعْطَانِي خَاتَمَهُ فِي حَيَاتِهِ وَدِرْعَهُ وَمِنْطَقَتَهُ وَقَلْدَنِي سَيْفَهُ وَأَصْحَابَهُ كُلَّهُمْ حُضُورًا وَعَمِّي الْعَبَّاسُ حَاضِرًا، فَحَضَّنِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْهُ بِذَلِكَ دُونَهُمْ.

وَأَمَّا الرَّابِعَةَ وَالْعِشْرُونَ: فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَنْزَلَ عَلَيَّ رَسُولَهُ: «يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نَجَّيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَى كُمْ صَدَقَةً» فَكَانَ لِي دِينَارٌ، فَبِعْتُهُ عَشْرَةَ دَرَاهِمٍ، فَكُنْتُ إِذَا نَجَّيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَصَدَّقْتُ قَبْلَ ذَلِكَ بِدِرْهَمٍ، وَاللَّهُ مَا فَعَلَ هَذَا أَحَدٌ مِنْ أَصْحَابِهِ قَبْلِي وَلَا بَعْدِي، فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ:

«ءَأَشْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَى كُمْ صَدَقَاتٍ فَإِذْ لَمْ تَفْعَلُوا وَتَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ» الْآيَةَ، فَهَلْ تَكُونُ التَّوْبَةُ إِلَّا مَنْ ذَنْبٍ كَانَ (٢) !؟

وَأَمَّا الْخَامِسَةَ وَالْعِشْرُونَ: فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: «الْجَنَّةُ مُحَرَّمَةٌ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ حَتَّى أَدْخُلَهَا أَنَا، وَهِيَ مُحَرَّمَةٌ عَلَى الْأَوْصِيَاءِ حَتَّى تَدْخُلَهَا أَنْتَ. يَا عَلِيُّ، إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - بَشَّرَنِي فِيكَ بِبُشْرَى لَمْ يُبَشِّرْ بِهَا نَبِيًّا قَبْلِي، بَشَّرَنِي بِأَنَّكَ سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ وَأَنَّ ابْنَيْكَ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

وَأَمَّا السَّادِسَةَ وَالْعِشْرُونَ: فَإِنَّ جَعْفَرًا أَخِي الطَّيَّارَ فِي الْجَنَّةِ مَعَ الْمَلَائِكَةِ (٣)، الْمُرِّيَّ بِالْجَنَاحِينَ مِنْ

ص: ١٥٨

١- القُرْط: الذى يعلّق فى شحمه الأذن (الصحيح: ١١٥١/٣).

٢- . ظاهره أنّ غيره عليه السلام ارتكبوا النجوى ولم يتصدّقوا، لا أنّ التناجى وإعطاء الصدقة كانا واجبين.

٣- كونه فضيله له عليه السلام لأجل أنّ الله تفضّل عليه بذلك وأنعم عليه، كما أنعم عليه بزوجه وولديه وراه أهلاً لذلك.

بیست و یکم: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه و آله می فرمود: من شهر علم هستم و علی دروازه آن شهر است. و جز از دروازه نمی توان به شهر راه یافت.

سپس فرمود: ای علی؛ تو پیمان مرا مراعات خواهی کرد. و بر طبق سنت من خواهی جنگیدی. و امت من با تو مخالفت خواهند کرد.

بیست و دوم: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند تبارک و تعالی دو فرزندم حسن و حسین را از نوری آفرید که به تو و فاطمه القاء کرد. و آن دو همانند دو گوشواره آویخته بر گوش در جنب و جوش هستند. و نور آن دو هفتاد هزار برابر نور شهیدان است.

یا علی؛ خداوند متعال به من وعده داد که به آن دو کرامتی عطا فرماید که جز پیامبران و رسولان به احدی از مردم نفرموده است.

بیست و سوم: رسول الله صلی الله علیه و آله در زمان حیاتش با حضور همه اصحاب و عمویم عباس، انگشتر و زره و کمر بند خود را به من بخشید. و شمشیر خود را بر من حمایل کرد. خدای عزیز از میان آنان این ویژگی را فقط به من بخشید.

بیست و چهارم: خداوند عزیز و جلیل بر رسول خود نازل فرمود: «ای مؤمنان قبل از اینکه با رسول نجوی کنید صدقه بدهید».

و من یک دینار داشتم و آن را به ده درهم تبدیل کرده، و هر بار که با پیامبر نجوی کردم قبل از آن یک درهم صدقه دادم. سوگند به خدا هیچ یک از اصحاب قبل یا بعد از من چنین کاری نکرد.

سپس خداوند نازل فرمود: «آیا تمایل داشتید قبل از نجوی کردن با پیامبر صدقه بدهید پس اگر صدقه ندادید خداوند بر شما بخشید...».

آیا توبه و آمرزش جز در برابر گناه انجام شده است؟

بیست و پنجم: شنیدم رسول الله صلی الله علیه و آله می فرمود: ورود به بهشت قبل از من بر پیامبران ممنوع است. و ورود بر جانشینان پیامبران قبل از تو ممنوع است. یا علی؛ خداوند تبارک و تعالی در مورد تو به من بشارتی داد که به هیچ پیامبری بشارت نداده است. بشارت داد که در قیامت تو سرور جانشینان پیامبران و حسن و حسین سرور جوانان بهشت هستند.

بیست و ششم: برادر من جعفر در بهشت با دو بال آراسته به درّ و یاقوت و زبرجد

دُرٌّ وَيَاقُوتٍ وَزَبْرَجِدٍ.

وَأَمَّا السَّابِعُهُ وَالْعِشْرُونَ: فَعَمِي حَمْرُهُ سَيِّدُ الشُّهَدَاءِ فِي الْجَنَّةِ.

وَأَمَّا الثَّامِنَةُ وَالْعِشْرُونَ: فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - وَعَدَنِي فِيكَ وَعَدًّا لَنْ يُخْلِفَهُ، جَعَلَنِي نَبِيًّا وَجَعَلَكَ وَصِيًّا، وَسَيَتَلْقَى مِنْ أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي مَا لَقِيَ مُوسَى مِنْ فِرْعَوْنَ، فَاصْبِرْ وَاحْتَسِبْ حَتَّى تَلْقَانِي فَأُوَالِي مَنْ وَالَاكَ، وَأُعَادِي مَنْ عَادَاكَ».

وَأَمَّا التَّاسِعَةُ وَالْعِشْرُونَ: فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: «يَا عَلِيُّ، أَنْتَ صَاحِبُ الْحَوْضِ لَا يَمْلِكُهُ غَيْرُكَ، وَسَيَأْتِيكَ قَوْمٌ فَيَسْتَسْقُونَكَ فَتَقُولُ: لَا، وَلَا مِثْلَ ذَرَّةٍ؛ فَيَنْصَرِفُونَ مُسَوِّدَةً وُجُوهُهُمْ، وَسَتَرُدُّ عَلَيْكَ شِيعَتِي وَشِيعَتَكَ فَتَقُولُ: رُووا (١) رِوَاءَ مَرْوَيْنٍ؛ فَيَرَوْنِ (٢) مُبَيَّنَّهً وُجُوهُهُمْ» (٣).

وَأَمَّا الثَّلَاثُونَ: فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: «يُحْشَرُ أُمَّتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى خَمْسِ رَايَاتٍ، فَأَوَّلُ رَايَةٍ تَرِدُ عَلَيَّ رَايَةُ فِرْعَوْنَ هَذِهِ الْأُمَّةُ؛ وَهُوَ مُعَاوِيَةُ، وَالثَّانِيَةُ مَعَ سَامِرِيِّ هَذِهِ الْأُمَّةُ؛ وَهُوَ عَمْرُو بْنُ الْعَاصِ، وَالثَّلَاثَةُ مَعَ جَائِلِيْقِ هَذِهِ الْأُمَّةُ؛ وَهُوَ أَبُو مُوسَى الْأَشْعَرِيُّ، وَالرَّابِعَةُ مَعَ أَبِي الْأَعْوَرِ السَّلْمِيِّ، وَأَمَّا الْخَامِسَةُ فَمَعِيَ يَا عَلِيُّ تَحْتَهَا الْمُؤْمِنُونَ وَأَنْتَ إِمَامُهُمْ، ثُمَّ يَقُولُ اللَّهُ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - لِلْأَرَبِ: «ارْجِعُوا وَرَاءَ كُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضَرَبَ بَيْنَهُمْ بِسُورٍ لَهُ وَبَابٌ م بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ» وَهُمْ شِيعَتِي، وَمَنْ وَالَانِي وَقَاتَلَ مَعِيَ الْفِتْنَةَ الْبَاغِيَّةَ وَالنَّيَاكِبَةَ عَنِ الصُّرَاطِ، وَبَابُ الرَّحْمَةِ، وَهُمْ شِيعَتِي، فَيَنَادِي هُوَ لِأُولَئِكَ: «أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ قَالُوا بَلَى وَ لَكِنَّا كُنَّا نَمُوتُ أَنْفُسِنَا كُمْ وَ تَرَبَّصْنَا بِكُمْ وَ ارْتَبْتُمْ وَ عَزَّيْتُمْ الْأَمَانِي حَتَّى جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَ عَزَّيْتُمْ بِاللَّهِ الْعَزُورُ * فَالْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ وَ لِمَنْ الَّذِينَ كَفَرُوا مَأْوَلُ كُمْ النَّارُ هِيَ مَوْلَى كُمْ وَ بئسَ الْمَصِيرُ».

ص: ١٦٠

١- في البحار: «ردوا»، والظاهر أنه الصواب.

٢- في البحار: «فيردون»، والظاهر أنه الصواب.

٣- حديث الحوض عن رسول الله صلى الله عليه وآله متواتر وفيه: «إن أصحابه يأتونه فيحال بينه صلى الله عليه وآله وبينهم، فيقول: أصحابي أصحابي! فيقال: إنهم ارتدوا بعدك»، ذكر مصادره السيد جعفر مرتضى في كتابه، وذكرناه في مقال في تفسير آية: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ» طبع في مجله الهادي، السنة السابعة، العدد الرابع، ص ٣٦ فراجع.

همراه فرشتگان پرواز می کند.

بیست و هفتم: عموی من حمزه سرور شهیدان بهشت است.

بیست و هشتم: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند تبارک و تعالی در مورد تو به من وعده ای فرمود که خلاف آن نخواهد کرد. مرا پیامبر و تو را جانشین من قرار داد و بعد از من تو از امت من آنچه خواهی دید که موسی از فرعون دید. پس صبر کن و شکیبیا باش. تا مرا ملاقات کنی. و من دوستی کنم با کسی که با تو دوستی کرد. و دشمنی کنم با کسی که با تو دشمنی کرد.

بیست و نهم: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه و آله می فرمود: یا علی؛ تو صاحب حوض [کوثر] هستی. و جز تو کسی مالک آن نمی شود. و گروهی نزد تو می آیند و از تو می خواهند که آنان را سیراب کنی، و تو می گویی هرگز حتی ذره ای. پس آنان با روی سیاه بر می گردند. و بزودی شیعیان من و شیعیان تو نزد تو می آیند و می گویی: گوآرا باد بنوشید و سیراب شوید. و آنان با چهره های درخشان می نوشند.

سی ام: شنیدم رسول الله صلی الله علیه و آله می فرمود: امت من در قیامت با پنج پرچم محشور می شوند. اولین پرچم که نزد من می آید پرچم فرعون امت من است که او معاویه است.

دومین پرچم با سامری این امت و او عمرو بن عاص است. سومین همراه جاثلیق این امت که ابو موسی اشعری است. و چهارمی همراه ابوالاعور سلمی است و اما پرچم پنجم همراه تو است یا علی. و مؤمنان زیر آن پرچم هستند. و تو امام آنان هستی. آن گاه خداوند متعال به آن چهار گروه می فرماید:

«به عقب برگردید و نوری جستجو کنید. آنگاه میان آنان حصاری کشیده می شود که دروازه ای دارد و درونش رحمت است.»

و ایشان شیعیان من هستند و کسانی که با من دوستی کرده اند. و در کنار من با گروه ستمگر که از صراط و باب رحمت برگشته اند جنگیده اند. و آنان شیعیان من هستند. پس [ستمگران] شیعیان را صدا می زنند: «آیا ما همراه شما نبودیم؟ می گویند: آری ولی خودتان را گرفتار کردید. و مکث کردید. و تردید داشتید. و آرزوها شما را فریب داد. تا فرمان خدا رسید. و فریبده شما را فریب داد. و از خدا دور کرد. امروز از شما کافران عوض و جایگزین نمی گیرند. و جایگاه شما دوزخ است. و آتش دوست شماست، و بد عاقبتی است.»

ثُمَّ تَرَدُّ أُمَّتِي وَشِيعَتِي فَيَرَوْنَ مِنْ حَوْضِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَيَبْدَى عَصَا عَوْسَجٍ أُطْرُدُ بِهَا أَعْدَائِي طَرْدَ غَرِيْبِهِ الْإِبِلِ.

وَأَمَّا الْحَادِيَةُ وَالثَّلَاثُونَ: فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: «لَوْلَا أَنْ يَقُولَ فِيكَ الْغَالُونَ مِنْ أُمَّتِي مَا قَالَتِ النَّصَارَى فِي عَيْسَى ابْنِ مَرْيَمَ لَقُلْتُ فِيكَ قَوْلًا لَا تَمُرُّ بِمَلَأٍ مِنَ النَّاسِ إِلَّا أَخَذُوا التُّرَابَ مِنْ تَحْتِ قَدَمَيْكَ يَسْتَشْفُونَ بِهِ».

وَأَمَّا الثَّانِيَةُ وَالثَّلَاثُونَ: فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: «إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - نَصَّيْرَنِي بِالرُّعْبِ، فَسَأَلْتُهُ أَنْ يَنْصُرَكَ بِمِثْلِهِ، فَجَعَلَ لَكَ مِنْ ذَلِكَ مِثْلَ الَّذِي جَعَلَ لِي».

وَأَمَّا الثَّالِثَةُ وَالثَّلَاثُونَ: فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ التَّقَمَ أُذُنِي وَعَلَّمَنِي مَا كَانَ وَمَا يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، فَسَأَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ إِلَيَّ عَلَى لِسَانِ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

وَأَمَّا الرَّابِعَةُ وَالثَّلَاثُونَ: فَإِنَّ النَّصَارَى أَدَعَوْا أُمَّرَأًا، فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِ: «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ مِ بَعِيدٍ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتِهَلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ»، فَكَانَتْ نَفْسِي نَفْسَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَالنِّسَاءُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ، وَالْأَبْنَاءُ الْحَسَنَ وَالحُسَيْنَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، ثُمَّ نَدِمَ الْقَوْمُ فَسَأَلُوا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْإِعْفَاءَ فَأَعْفَاهُمْ. وَالَّذِي أَنْزَلَ التَّوْرَةَ عَلَى مُوسَى وَالفُرْقَانَ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ! لَوْ بَاهَلُونَا لَمَسَّخُوا قِرْدَةً وَخَنَازِيرَ (١).

وَأَمَّا الْخَامِسَةُ وَالثَّلَاثُونَ: فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَجَّهَنِي يَوْمَ يَدْرُ فَقَالَ: إِيْتَنِي بِكُفِّ حُصَيِّ يَاتٍ مَجْمُوعَةٍ فِي مَكَانٍ وَاحِدٍ، فَأَخَذْتُهَا ثُمَّ شَمَمْتُهَا فَإِذَا هِيَ طَيِّبَةٌ تَفُوحُ مِنْهَا رَائِحَةُ الْمِسْكِ، فَأَتَيْتُهُ بِهَا فَرَمَى بِهَا وَجْهَ الْمُشْرِكِينَ، وَتَلَّكَ الحُصَيِّ يَاتٍ أَرْبَعٍ مِنْهَا كُنَّ مِنَ الْفِرْدَوْسِ، وَحِصَاةٌ مِنَ الْمَشْرِقِ، وَحِصَاةٌ مِنَ الْمَغْرِبِ، وَحِصَاةٌ مِنَ الْعَرْشِ، مَعَ كُلِّ حِصَاةٍ مِنْهُ أَلْفٌ مَلَكٍ مَدِدًا لَنَا، لَمْ يُكْرِمِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهَذِهِ الْفَضِيلَةِ أَحَدًا قَبْلُ وَلَا بَعْدُ.

ص: ١٦٢

١- . حديث المباهلة أيضاً متواتر ذكره الأعلام، وذكرناه في مكاتيب الرسول في الكتاب الذي كتبه إلى أساقفه نجران.

سپس امت و شیعیان من وارد می شوند. و از حوض محمد صلی الله علیه و آله سیراب می شوند. و در دست من عصایی از چوب عوسج [نوعی درخت] است که دشمنانم را همانند شتر غریبه از حوض بیرون می رانم.

سی و یکم: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه و آله می فرمود: اگر بیم آن نبود که غلّو کنندگان امت من درباره تو بگویند آنچه را مسیحیان در مورد عیسی بن مریم گویند، درباره تو سخنی می گفتم که بر هر گروهی از مردم عبور کنی خاک پایت را برای شفا بردارند.

سی و دوم: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه و آله می فرمود: خداوند تبارک و تعالی مرا با وحشت [در قلب دشمن] یاری فرمود. از خدا درخواست کردم که تو را نیز با آن یاری کند. و برای تو نیز قرار داد همانند آنچه برای من قرار داده بود.

سی و سوم: رسول الله صلی الله علیه و آله سر در گوش من نهاد و آنچه را در گذشته بوده و در آینده تا قیامت خواهد بود به من آموخت. و خداوند عزیز آن علم را با زبان پیامبر خود به من رسانید.

سی و چهارم: مسیحیان چیزی را ادعا کردند. و خداوند عزیز درباره آن آیه نازل فرمود: «پس هر کس با تو در مورد آنان احتجاج کند پس از علمی که به تو رسیده است.

پس بگو: بیایید فرزندانمان و فرزندانان و زنانمان و زنانان و خودمان و خودتان را فراخوانیم، و دروغگویان را لعنت کنیم».

[در این آیه] نفس من نفس رسول الله و زنان فاطمه علیها السلام و فرزندان حسن و حسین علیهما السلام است. آن گروه پشیمان شدند. و درخواست لغو [مباهله] کردند. و رسول الله صلی الله علیه و آله آن را پذیرفت. قسم به خدایی که تورات را بر موسی و قرآن را بر محمد صلی الله علیه و آله نازل فرمود اگر مباهله می کردند به صورت میمون و خوک مسخ می شدند.

سی و پنجم: رسول الله صلی الله علیه و آله در روز جنگ بدر مرا فرستاد و گفت: یک مشت ریگ که در یک جا جمع شده باشد بیاور. من آنها را برداشتم و بوئیدم از آن بوی مشک منتشر می شد.

آن را آوردم و پیامبر صلی الله علیه و آله آن را بطرف صورت مشرکان پرتاب کرد. از آن ریگها چهار عدد از فردوس [بهشت] و یکی از مشرق و یکی از مغرب و یکی از پائین عرش بود. که با هر ریگ صد هزار فرشته یاور ما بودند. خداوند هیچ کس را نه قبل از آن و نه بعد از آن به این امتیاز گرامی نداشت.

وَأَمَّا السِّدَّادِسَةُ وَالثَّلَاثُونَ: فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: «وَيْلٌ لِقَاتِلِكَ! إِنَّهُ أَشَقَى مِنْ ثَمُودَ وَمِنْ عَاقِرِ النَّاقَةِ، وَإِنَّ عَرْشَ الرَّحْمَنِ لِيَهْتَرُ لِقَتْلِكَ، وَأَبْشِرْ يَا عَلِيُّ؛ فَإِنَّكَ فِي زُمْرَةِ الصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ».

وَأَمَّا السَّابِعَةُ وَالثَّلَاثُونَ: فَإِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - قَدْ خَصَّنِي مِنْ بَيْنِ أَصْحَابِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِعِلْمِ النَّاسِخِ وَالْمَنْسُوخِ وَالْمُحَكَّمِ وَالْمُتَشَابِهِ وَالْخَاصِّ وَالْعَامِّ، وَذَلِكَ مِمَّا مَنَّ اللَّهُ بِهِ عَلَيَّ وَعَلَى رَسُولِهِ، وَقَالَ لِي الرَّسُولُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَمَرَنِي أَنْ اذْنَيْكَ وَلَا اقْصِيكَ، وَأَعْلَمَكَ وَلَا أُجْفُوكَ، وَحَقُّ عَلَيَّ أَنْ اطَّعَ رَبِّي، وَحَقُّ عَلَيْكَ أَنْ تَعِيَ».

وَأَمَّا الثَّمَانِيَةُ وَالثَّلَاثُونَ: فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَعَثَنِي بَعَثًا وَدَعَا لِي بِدَعَوَاتٍ، وَأَطَّلَعَنِي عَلَى مَا يَجْرِي بَعْدَهُ، فَخَرِنَ لِذَلِكَ بَعْضُ أَصْحَابِهِ، قَالَ: لَوْ قَدَّرَ مُحَمَّدٌ أَنْ يَجْعَلَ ابْنَ عَمِّهِ نَبِيًّا لَجَعَلَهُ! فَشَرَّفَنِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِالْإِطْلَاعِ عَلَى ذَلِكَ عَلَى لِسَانِ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

وَأَمَّا التَّاسِعَةُ وَالثَّلَاثُونَ: فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: «كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُحِبُّنِي وَيُبْغِضُ عَلِيًّا، لَا يَجْتَمِعُ حُبِّي وَحُبُّهُ إِلَّا فِي قَلْبِ مُؤْمِنٍ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَ أَهْلَ حُبِّي وَحُبِّكَ يَا عَلِيُّ فِي أَوَّلِ زُمْرَةِ السَّابِقِينَ إِلَى الْجَنَّةِ، وَجَعَلَ أَهْلَ بُغْضِي وَبُغْضِكَ فِي أَوَّلِ زُمْرَةِ الضَّالِّينَ مِنْ أُمَّتِي إِلَى النَّارِ».

وَأَمَّا الأَرْبَعُونَ: فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَجَّهَنِي فِي بَعْضِ الْعَزَوَاتِ إِلَى رَكِيٍّ (١) فَإِذَا لَيْسَ فِيهِ مَاءٌ، فَارْجَعْتُ إِلَيْهِ فَأَخْبَرْتُهُ، فَقَالَ: أَفِيهِ طِينٌ؟ قُلْتُ: نَعَمْ، فَقَالَ: إِيْتَنِي مِنْهُ، فَأَتَيْتُ مِنْهُ بِطِينٍ فَتَكَلَّمْتُ فِيهِ، ثُمَّ قَالَ: أَلْقِهِ فِي الرُّكِيِّ، فَأَلْقَيْتُهُ، فَإِذَا الْمَاءُ قَدْ نَبَعَ حَتَّى امْتَلَأَ جَوَانِبُ الرُّكِيِّ، فَجِئْتُ إِلَيْهِ فَأَخْبَرْتُهُ، فَقَالَ لِي: وَفَّقْتَ يَا عَلِيُّ وَبَرَكَتِكَ نَبَعَ الْمَاءُ، فَهَذِهِ الْمَنْقَبَةُ خَاصَّةٌ بِي مِنْ دُونِ أَصْحَابِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

وَأَمَّا الْحَادِيَةُ وَالْأَرْبَعُونَ: فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: «أَبْشِرْ يَا عَلِيُّ؛ فَإِنَّ جَبْرَائِيلَ أَتَانِي

ص: ١٦٤

١- الرُّكِيُّ: جَمْعُ رُكِيَةٍ؛ وَهِيَ الْبُئْرُ.

سی و ششم: شنیدم رسول الله صلی الله علیه و آله می فرمود: وای بر قاتل تو. او از ثمود و از پی کننده شتر صالح بد بخت تر است. عرش الهی از قتل تو می لرزد. و یا علی بشارت بر تو باد که تو در گروه صدیقین و شهیدان و صالحان هستی.

سی و هفتم: خداوند تبارک و تعالی از اصحاب محمد صلی الله علیه و آله فقط به من علم ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه و خاص و عام را آموخت. و این مطلب از اموری است که خداوند بر من و رسول خود منت نهاد.

و رسول الله صلی الله علیه و آله به من فرمود: یا علی، خداوند به من امر فرمود که تو را نزدیک کنم. و دور نکنم. و به تو تعلیم دهم. و بی مهری نکنم. و بر من لازم است که از پروردگارم اطاعت کنم. و بر تو لازم است که بیندوزی.

سی و هشتم: رسول الله صلی الله علیه و آله مرا برای کاری فرستاد و برایم دعاهایی فرمود. و بر آنچه از آن پس اتفاق می افتد آگاهی داد. یکی از اصحاب او به همین جهت ناراحت شد. و گفت:

اگر محمد می توانست پسر عمویش را پیامبر کند چنین می کرد.

پس خداوند مرا با زبان پیامبرش به سخن این مرد آگاهی و اطلاع شرف بخشید.

سی و نهم: شنیدم رسول الله صلی الله علیه و آله می فرمود: کسی که گمان دارد مرا دوست می دارد ولی با علی دشمنی کند دروغ می گوید. دوستی من و دوستی او جز در دل مؤمن جمع نمی شود. یا علی، خداوند اهل محبت من و تو را در اولین گروه پیشتازان بسوی بهشت قرار داد. و دشمنان من و تو را در اولین گروه گمراه از امت من در جهنم قرار داد.

چهارم: در یکی از جنگها رسول الله صلی الله علیه و آله مرا به چاهی فرستاد که آب نداشت. باز گشتم و به او خبر دادم. حضرت پرسید: آیا در چاه گل هست؟ گفتم: آری. فرمود: مقداری گل بیاور. مقداری گل از چاه آوردم. و حضرت در آن سخنی گفت. سپس فرمود: آن را در چاه بینداز. وقتی آن را به چاه انداختم. ناگهان آب از چاه جوشید بطوری که اطراف آن پر از آب شد. من نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدم و به او خبر دادم. به من فرمود: یا علی موفق شدی و با برکت تو آب جوشید. این فضیلت مخصوص من است نه اصحاب دیگر.

چهل و یکم: شنیدم رسول الله صلی الله علیه و آله می فرمود: مژده بر تو باد ای علی، که جبرئیل علیه السلام نزد

فَقَالَ لِي: يَا مُحَمَّدُ، إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - نَظَرَ إِلَى أَصْحَابِكَ فَوَجَدَ ابْنَ عَمِّكَ وَخَتَنَكَ عَلَى ابْنَتِكَ فَاطِمَةَ خَيْرِ أَصْحَابِكَ، فَجَعَلَهُ وَصِيَّكَ وَالْمُؤَدَّى عَنكَ».

وَأَمَّا الثَّانِيَةُ وَالْأَرْبَعُونَ: فَبِإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ: «أَبَشِّرْ يَا عَلِيُّ؛ فَإِنَّ مَنَزَلَكَ فِي الْجَنَّةِ مُوَاجِهٌ مَنَزَلِي، وَأَنْتَ مَعِيَ فِي الرَّفِيقِ الْأَعْلَى فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ»، قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَا أَعْلَى عِلِّيُّونَ؟ فَقَالَ: «قُبَّةٌ مِنْ دُرِّهِ بِيضَاءَ لَهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مِصْرَاعٍ، مَسْكُنٌ لِي وَلَكَ يَا عَلِيُّ».

وَأَمَّا الثَّلَاثَةُ وَالْأَرْبَعُونَ: فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ رَسَّخَ حُبِّي فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ وَكَذَلِكَ رَسَّخَ حُبَّكَ يَا عَلِيُّ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ، وَرَسَّخَ بُغْضِي وَبُغْضَكَ فِي قُلُوبِ الْمُنَافِقِينَ، فَلَا يُحِبُّكَ إِلَّا مُؤْمِنٌ تَقِيٌّ، وَلَا يُبْغِضُكَ إِلَّا مُنَافِقٌ كَافِرٌ».

وَأَمَّا الرَّابِعَةُ وَالْأَرْبَعُونَ: فَبِإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: «لَنْ يُبْغِضَكَ مِنَ الْعَرَبِ إِلَّا دَعِيٌّ، وَلَا مِنَ الْعَجَمِ إِلَّا شَقِيٌّ، وَلَا مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا سَلْفَقِيَّةٌ (١)».

وَأَمَّا الْخَامِسَةُ وَالْأَرْبَعُونَ: فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ دَعَانِي وَأَنَا رَمِدُ الْعَيْنِ فَتَفَلَّ فِي عَيْنِي وَقَالَ: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ حَرَّهَا فِي بَرْدِهَا، وَبَرْدَهَا فِي حَرِّهَا»، فَوَاللَّهِ مَا اشْتَكَّتْ عَيْنِي إِلَى هَذِهِ السَّاعَةِ (٢).

وَأَمَّا السَّادِسَةُ وَالْأَرْبَعُونَ: فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَمَرَ أَصْحَابَهُ وَعُمُومَتَهُ بِسِدِّ الْأَبْوَابِ وَفَتْحِ بَابِي بِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، فَلَيْسَ لِأَحَدٍ مَنَقَبَةٌ مِثْلُ مَنَقَبَتِي.

وَأَمَّا السَّابِعَةُ وَالْأَرْبَعُونَ: فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَمَرَنِي فِي وَصِيَّتِهِ بِقَضَاءِ دِيُونِهِ وَعِدَاتِهِ، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَدْ عَلِمْتُ أَنَّهُ لَيْسَ عِنْدِي مَالٌ! فَقَالَ: «سَيُعِينُكَ اللَّهُ»، فَمَا أَرَدْتُ أَمْرًا مِنْ قَضَاءِ دِيُونِهِ وَعِدَاتِهِ إِلَّا لَيْسَرَهُ اللَّهُ لِي حَتَّى قَضَيْتُ دِيُونَهُ وَعِدَاتِهِ، وَأَحْصَيْتُ ذَلِكَ فَبَلَغَ ثَمَانِينَ أَلْفًا، وَبَقِيَ بَقِيَّةٌ أَوْصَيْتُ الْحَسَنَ أَنْ يَقْضِيَهَا.

وَأَمَّا الثَّمَانِيَةُ وَالْأَرْبَعُونَ: فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَتَانِي فِي مَنَزَلِي، وَلَمْ يَكُنْ طَعِمْنَا مُنْذُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ،

ص: ١٦٦

١- السَّلْفَقِيَّةُ: التي تحيض من دبرها. وبهاء: الصحابة (القاموس المحيط: ٢٤٦/٣).

٢- راجع خصائص النسائي ص ٣٨ ومسند أبي داود الطيالسي: ١٢٢/١. والرياض النظره: ١٨٩/٢.

من آمد و به من گفت: ای محمد خداوند تبارک و تعالی به یاران تو نظر کرد، و پسر عمو و شوهر دخترت فاطمه را بهترین یاران تو یافت. و او را وصی و جانشین تو قرار داد.

چهل و دوم: شنیدم رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: یا علی بر تو بشارت باد که منزل تو در بهشت روبروی منزل من است. و تو در رفیق اعلی در اعلی علیین [بالا-ترین و برترین جایگاه بهشت] همراه من خواهی بود. گفتم: یا رسول الله، اعلی علیون چیست؟ فرمود: گنبدی است از گوهر سفید که هفتاد هزار دریچه دارد. و جایگاه من و توست یا علی.

چهل و سوم: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند محبت مرا در قلب مؤمنان نفوذ داد. و همچنین محبت تو را یا علی در قلب مؤمنان جای داد. و کینه مرا و کینه تو را در قلب منافقان جای داد.

پس تو را فقط مؤمن پرهیزکار دوست می دارد. و منافق کافر با تو دشمنی می کند.

چهل و چهارم: شنیدم رسول الله صلی الله علیه و آله می فرمود: از عرب جز زنا زاده و از عجم جز بدبخت و از زنان جز بدکاره بد زبان با تو دشمنی نکند.

چهل و پنجم: رسول الله صلی الله علیه و آله مرا فراخواند در حالی که به چشم درد مبتلا بودم. از آب دهان خود به چشم من مالید و دعا کرد: خدایا حرارتش را در سرمایش و سردی آن را در گرمایش قرار ده. بخدا سوگند تاکنون به بیماری چشم مبتلا نشده ام.

چهل و ششم: رسول الله صلی الله علیه و آله به اصحاب و عموهای خود فرمان داد که درها [خانه هایشان که به مسجد النبی باز می شد] را ببندند و در خانه مرا به امر خداوند متعال باز گذاشت. پس هیچکس امتیازی مثل امتیاز من ندارد.

چهل و هفتم: رسول الله صلی الله علیه و آله در وصیت خود به من فرمود که بدهی ها و تعهدات او را بپردازم. گفتم: یا رسول الله شما می دانید که نزد من مالی نیست. حضرت فرمودند: بزودی خداوند تو را یاری می کند. پس هرگاه اراده کردم بدهی و تعهد او را بپردازم، خدا آن را برایم آسان فرمود. تا آنها را پرداخت کردم. و حساب کردم به مبلغ هشتاد هزار رسید.

و مقداری باقی ماند که وصیت کردم حسن آن را بپردازد.

چهل و هشتم: رسول الله صلی الله علیه و آله به خانه من آمد در حالی که ما سه روز غذا نخورده بودیم.

و فرمود: یا علی، آیا نزد تو [در خانه] چیزی هست؟ گفتم: سوگند به خدایی که تو را

فَقَالَ: يَا عَلِيُّ، هَلْ عِنْدَكَ مِنْ شَيْءٍ؟ فَقُلْتُ: وَالَّذِي أَكْرَمَكَ بِالْكَرَامَةِ وَاصْطَفَاكَ بِالرِّسَالَةِ مَا طَعِمْتُ وَزَوْجَتِي وَابْنَايَ مُنْذُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ! فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا فَاطِمَةُ ادْخُلِي الْبَيْتَ وَانْظُرِي هَلْ تَجِدِينَ شَيْئًا، فَقَالَتْ: خَرَجْتُ السَّاعَةَ، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ ادْخُلْهُ أَنَا؟ فَقَالَ: ادْخُلِي بِاسْمِ اللَّهِ، فَدَخَلْتُ فَإِذَا أَنَا بِطَبَقٍ مَوْضُوعٍ عَلَيْهِ رُطْبٌ مِنْ تَمْرٍ وَجَفْنَةٌ مِنْ ثَرِيدٍ، فَحَمَلْتُهَا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: يَا عَلِيُّ رَأَيْتَ الرَّسُولَ الَّذِي حَمَلَ هَذَا الطَّعَامَ؟ فَقُلْتُ: نَعَمْ، فَقَالَ: صِفْهُ لِي، فَقُلْتُ: مِنْ بَيْنِ أَحْمَرَ وَأَخْضَرَ وَأَصْفَرَ، فَقَالَ: تِلْكَ خَطَطُ جَنَاحِ جِبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مُكَلَّلَهُ بِالذُّرِّ وَالْيَاقُوتِ، فَأَكَلْنَا مِنَ الثَّرِيدِ حَتَّى شَبِعْنَا، فَمَا رُئِيَ إِلَّا خَدَشُ أَيْدِينَا وَأَصَابِعِنَا، فَخَصَّنِي اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ بِذَلِكَ مِنْ بَيْنِ أَصْحَابِهِ .

وَأَمَّا التَّاسِعَةُ وَالْأَرْبَعُونَ: فَإِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - خَصَّ نَبِيَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالتُّبُّوهِ وَخَصَّنِي النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالْوَصِيَّةِ؛ فَمَنْ أَحَبَّنِي فَهُوَ سَعِيدٌ يُحْشَرُ فِي زُمْرَةِ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

وَأَمَّا الْخَمْسُونَ: فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَعَثَ بِرَاءَةَ مَعَ أَبِي بَكْرٍ، فَلَمَّا مَضَى أَتَى جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ، لَا يُؤَدِّي عَنْكَ إِلَّا أَنْتَ أَوْ رَجُلٌ مِنْكَ، فَوَجَّهَنِي عَلَى نَاقَتِهِ الْعِضْبَاءِ فَلَحِقْتُهُ بِدِي الْحُلَيْفَةِ فَأَخَذْتُهَا مِنْهُ، فَخَصَّنِي اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ بِذَلِكَ.

وَأَمَّا الْحَادِيَةُ وَالْخَمْسُونَ: فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَقَامَنِي لِلنَّاسِ كَأَفْهٍ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ، فَقَالَ: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْتِي مَوْلَاهُ، فَبَعْدًا وَسُحْقًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ».

وَأَمَّا الثَّانِيَةُ وَالْخَمْسُونَ: فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: «يَا عَلِيُّ أَلَا أَعْلَمُكَ كَلِمَاتٍ عَلَّمْنِيَهُنَّ جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ؟ فَقُلْتُ: بَلَى، قَالَ: قُلْ: «يَا رَازِقَ الْمُقْلِينَ، يَا رَاحِمَ الْمَسَاكِينِ، يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ، يَا أَبْصِيرَ النَّاطِرِينَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اِرْحَمْنِي وَارْزُقْنِي».

وَأَمَّا الثَّالِثَةُ وَالْخَمْسُونَ: فَإِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - لَنْ يَذْهَبَ بِالدُّنْيَا حَتَّى يَقُومَ مِنْهَا الْقَائِمُ، يَقْتُلُ مُبْغِضِينَا، وَلَا يَقْبَلُ الْجِزْيَةَ، وَيُكَسِّرُ الصَّلِيبَ وَالْأَصْنَامَ، وَيَضَعُ الْحَرْبَ أَوْزَارَهَا، وَيَدْعُو إِلَى أَخَذِ

کرامت بخشید و به رسالت برگزید من و همسر و دو پسر سه روز است که غذا نخورده ایم.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: یا فاطمه به درون خانه برو و بین چیزی می یابی؟ گفت: الان از اطاق خارج شدم.

گفتم: یا رسول الله؛ آیا من به اطاق بروم؟ فرمود: با اسم الله وارد شو. وقتی وارد اطاق شدم ناگهان با یک طبق مواجه شدم که روی آن رطب و کاسه ای بزرگ پر از ترید بود. آن را به حضور رسول الله صلی الله علیه و آله آوردم. حضرت فرمود: یا علی، پیکی که این غذا را آورد دیدی؟ گفتم: آری.

فرمود: او را برایم توصیف کن. گفتم: به رنگ سرخ و سبز و زرد بود.

فرمود: اینها خطوط بالهای جبرئیل علیه السلام است که به درّ و یاقوت آراسته است. آنگاه از آن ترید تناول کردیم. و سیر شدیم. و از آن جز جای دست و انگشتان ما کاسته نشد. و خداوند عزیز و جلیل از میان اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله این امتیاز را به من اختصاص داد.

چهل و نهم: خداوند تبارک و تعالی پیامبرش را به پیامبری برگزید و پیامبر صلی الله علیه و آله مرا به جانشینی خود برگزید. پس کسی که مرا دوست دارد سعادت مند است. و در گروه پیامبران علیهم السلام محشور گردد.

پنجاهم: رسول الله صلی الله علیه و آله سوره براءت را [برای ابلاغ به مشرکان مکه] همراه ابوبکر به مکه فرستاد. وقتی او رفت جبرئیل علیه السلام آمد و گفت: یا محمد رسالت تو را کسی جز تو یا مردی از خودت ادا نمی کند. سپس آن حضرت مرا بر شتر خودش که عضبا نام داشت سوار کرد و فرستاد. و در ذوالحلیفه به ابوبکر رسیدم. و سوره براءت را از او گرفتم. خداوند این ویژگی را به من داد.

پنجاه و یکم: رسول الله صلی الله علیه و آله مرا در روز غدیر خم برای همه مردم بر پا داشت و فرمود:

هر کس من مولای او هستم علی مولای اوست. پس دوری و هلاک بر گروه ستمگران باد.

پنجاه و دوم: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: یا علی، آیا کلماتی را که جبرئیل به من آموخت به تو بیاموزم؟ گفتم: بلی. فرمود: ای روزی بخش بی نوایان، و ای رحم کننده مستمندان، و ای شنواترین شنوایان، و ای بیناترین بینایان، و ای مهربانترین مهربانان، بر من رحمت آور.

و به من روزی عطا فرما.

پنجاه و سوم: خداوند متعال تا قائم ما قیام نکند دنیا را تمام نخواهد کرد. او دشمنان ما را هلاک می کند. و جزیه نمی پذیرد. [همه دین او را می پذیرند. یا هلاک می شوند.]

المالِ فَيَقْسُمُهُ بِالسَّوِيَّةِ، وَيَعْدِلُ فِي الرَّعِيَّةِ.

وَأَمَّا الرَّابِعَةُ وَالْخَمْسُونَ: فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: «يَا عَلِيُّ، سَيَلْعَنُكَ بَنُو أُمَّيَّه، وَيَزُدُّ عَلَيْهِمْ مَلَمَكًا بِكُلِّ لَعْنَةٍ أَلْفَ لَعْنَةٍ، فَإِذَا قَامَ الْقَائِمُ لَعَنَهُمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً».

وَأَمَّا الْخَامِسَةُ وَالْخَمْسُونَ: فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ لِي: «سَيُفْتَنُنُ فِيكَ طَوَائِفُ مِنْ أُمَّتِي فَيَقُولُونَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمْ يُخْلَفْ شَيْئًا فَبِمَاذَا أَوْصَى عَلِيًّا؟ أَوْلَيْسَ كِتَابُ رَبِّي أَفْضَلَ الْأَشْيَاءِ بَعْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؟ وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ! لَئِنْ لَمْ تَجْمَعُهُ بِإِتْقَانٍ لَمْ يُجْمَعِ أَبَدًا»، فَخَصَّنِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِذَلِكَ مِنْ دُونِ الصَّحَابَةِ.

وَأَمَّا السِّدَّاسَةُ وَالْخَمْسُونَ: فَإِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - خَصَّنِي بِمَا خَصَّ بِهِ أَوْلِيَاءَهُ وَأَهْلَ طَاعَتِهِ وَجَعَلَنِي وَارِثَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَكُنَّ سَاءَةً سَاءَةً، وَمَنْ سَرَّهُ سَرَّهُ. وَأَمَّا بِيَدِهِ نَحْوُ الْمَدِينَةِ.

وَأَمَّا السِّبَاعَةُ وَالْخَمْسُونَ: فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ فِي بَعْضِ الْغَزَوَاتِ فَفَقَدَ الْمَاءَ، فَقَالَ لِي: «يَا عَلِيُّ، قُمْ إِلَى هَذِهِ الصَّخْرَةِ وَقُلْ: أَنَا رَسُولُ رَسُولِ اللَّهِ، انْفَجِرْ لِي مَاءً»، فَوَاللَّهِ الَّذِي أَكْرَمَهُ بِالنَّبُوَّةِ! لَقَدْ أبلغَتْهَا الرِّسَالَةَ فَأَطْلَعَ مِنْهَا مِثْلُ ثُدِيِّ الْبَقْرِ، فَسَالَ مِنْ كُلِّ ثُدِيٍّ مِنْهَا مَاءٌ، فَلَمَّا رَأَيْتُ ذَلِكَ أَسْرَعْتُ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَأَخْبَرْتُهُ، فَقَالَ: انْطَلِقْ يَا عَلِيُّ فَخُذْ مِنَ الْمَاءِ، وَجَاءَ الْقَوْمُ حَتَّى مَلَأُوا قِرْبَهُمْ وَإِدَاوَاتِهِمْ وَسَقَوْا دَوَابَّهُمْ وَشَرَبُوا وَتَوَضَّؤُوا، فَخَصَّنِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِذَلِكَ مِنْ دُونِ الصَّحَابَةِ.

وَأَمَّا الثَّمَانِيَةُ وَالْخَمْسُونَ: فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَمَرَنِي فِي بَعْضِ غَزَوَاتِهِ وَقَدْ نَفَدَ الْمَاءُ، فَقَالَ: يَا عَلِيُّ اثْنِي بِتَوْرِ (1)، فَأَتَيْتُهُ بِهِ، فَوَضَعَ يَدَهُ الْيَمْنَى وَيَدِي مَعَهَا فِي التَّوْرِ، فَقَالَ: اتَّبِعْ، فَتَبِعَ الْمَاءُ مِنْ بَيْنِ أَصَابِعِي.

وَأَمَّا التَّاسِعَةُ وَالْخَمْسُونَ: فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَجَّهَنِي إِلَى خَيْبَرَ، فَلَمَّا أَتَيْتُهُ وَجَدْتُ الْبَابَ مُغْلَقًا، فَزَعَزَعْتُهُ شَدِيدًا فَفَلَعْتُهُ وَرَمَيْتُ بِهِ أَرْبَعِينَ خُطْوَةً، فَدَخَلْتُ فَبَرَزَ إِلَيَّ مَرْحَبًا، فَحَمَلَ عَلَيَّ وَحَمَلْتُ

ص: ١٧٠

١- أَيْ قَدْر.

و صلیب ها و بت ها را می شکنند. و جنگ فرو می نشیند و مردم را به گرفتن مال دعوت می کند. و به طور مساوی تقسیم می کند. و در میان مردم عدالت برقرار می کند.

پنجاه و چهارم: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه و آله می فرمود: یا علی، بزودی بنی امیه تو را لعنت خواهند کرد و فرشته ای در برابر هر لعنت، آنان را هزار بار لعنت می کند. و هنگامی که حضرت قائم علیه السلام قیام کند آنان را چهل سال لعنت می کند.

پنجاه و پنجم: رسول الله صلی الله علیه و آله می فرمود: بزودی گروههای از امت من در مورد تو به فتنه گرفتار می شوند و می گویند: رسول الله صلی الله علیه و آله چیزی باقی نگذاشت پس علی را به چه چیزی وصیت کرد؟ آیا کتاب پروردگارم پس از خدای عزیز و جلیل از همه چیز برتر نیست؟ سوگند به آنکه مرا به حق برانگیخت، اگر تو کتاب خدا را به طور صحیح جمع نکنی، هرگز جمع آوری نخواهد شد. و خداوند از میان اصحاب او مرا به این کار [جمع آوری قرآن] ویژگی بخشید.

پنجاه و ششم: خداوند تبارک و تعالی ویژگی اولیاء و اهل طاعت خود را به من عطا فرمود و مرا وارث محمد صلی الله علیه و آله قرار داد. پس کسی که به او [با دست به مدینه اشاره فرمود] بدی کند به خدا بدی کرده است. و کسی که او را شاد کند خدا را شاد کرده است.

پنجاه و هفتم: در یکی از جنگها رسول الله صلی الله علیه و آله آب نداشت و به من فرمود: یا علی، به سوی آن صخره برو و بگو: من فرستاده رسول الله هستم برای من آب روان کن. سوگند به خدایی که او را به پیامبری کرامت بخشید من پیغام حضرت را به آن سنگ رساندم. و از آن سنگ زائده هایی مثل پستان گاو ظاهر شد. و از آن آب جریان یافت. وقتی این صحنه را دیدم سرعت نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفتم و خبر دادم. حضرت فرمود: یا علی برو و آب بردار. و مردم آمدند و مشکها و ظرفهای خود را پر کردند. و حیوانات را سیراب کردند. و خود نیز نوشیدند.

و وضو گرفتند. و خدای عزیز و جلیل از میان اصحاب او این ویژگی را به من اختصاص داد.

پنجاه و هشتم: در یکی از جنگها در حالی که آب تمام شده بود رسول الله صلی الله علیه و آله مرا مأمور کرد و فرمود: یا علی، برایم ظرفی بیاور. آن را برایش آوردم. و دست راست خود و دست مرا در آن نهاد و فرمود: بجوش. ناگهان آب از میان انگشتان ما فوران کرد.

پنجاه و نهم: رسول الله صلی الله علیه و آله مرا بسوی خیبر فرستاد وقتی به آنجا رسیدم دیدم درب قلعه بسته است. آن را بشدت تکان دادم. و از جا کندم. و چهل قدم آنطرف پرتاب کردم. و وارد

عَلَيْهِ ، وَسَقَيْتُ الْأَرْضَ مِنْ دَمِهِ ، وَقَدْ كَانَ وَجَّهَ رَجُلَيْنِ مِنْ أَصْحَابِهِ فَرَجَعَا مُنْكَسِفَيْنِ .

وَأَمَّا السُّتُونَ: فَإِنِّي قَتَلْتُ عَمْرَو بْنَ عَبْدِ وُدٍّ، وَكَانَ يُعَدُّ بِأَلْفِ رَجُلٍ (١).

وَأَمَّا الْحَادِيَةُ وَالسِّتُونَ: فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: «يَا عَلِيُّ، مَثَلُكَ فِي أُمَّتِي مَثَلُ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»؛ فَمَنْ أَحَبَّكَ بِقَلْبِهِ فَكَأَنَّمَا قَرَأَ ثُلُثَ الْقُرْآنِ، وَمَنْ أَحَبَّكَ بِقَلْبِهِ وَأَعَانَكَ بِلسَانِهِ وَنَصَرَكَ بِيَدِهِ فَكَأَنَّمَا قَرَأَ الْقُرْآنَ كُلَّهُ».

وَأَمَّا الثَّانِيَةُ وَالسُّتُونَ: فَإِنِّي كُنْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي جَمِيعِ الْمَوَاطِنِ وَالْحُرُوبِ، وَكَانَتْ رَأَيْتُهُ مَعِي .

وَأَمَّا الثَّلَاثَةُ وَالسُّتُونَ: فَإِنِّي لَمْ أَفِرَّ مِنَ الرَّحْفِ قَطُّ، وَلَمْ يُبَارِزْنِي أَحَدٌ إِلَّا سَقَيْتُ الْأَرْضَ مِنْ دَمِهِ .

وَأَمَّا الرَّابِعَةُ وَالسُّتُونَ: فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَتَى بِطَيْرٍ مَشْوِيٍّ مِنَ الْجَنَّةِ، فَدَعَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يُدْخَلَ عَلَيْهِ أَحَبَّ خَلْقِهِ إِلَيْهِ ، فَوَفَّقَنِي اللَّهُ لِلدُّخُولِ عَلَيْهِ حَتَّى أَكَلْتُ مَعَهُ مِنْ ذَلِكَ الطَّيْرِ .

وَأَمَّا الْخَامِسَةُ وَالسُّتُونَ: فَإِنِّي كُنْتُ اصْتَلَمْتُ فِي الْمَسْجِدِ فَجَاءَ سَائِلٌ فَسَأَلَ وَأَنَا رَاكِعٌ، فَنَاولتُهُ خَاتَمِي مِنْ إصْبَعِي، فَأَنْزَلَ اللَّهُ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - فِي: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» .

وَأَمَّا السِّدَّادِسَةُ وَالسُّتُونَ: فَإِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - رَدَّ عَلَيَّ الشَّمْسَ مَرَّتَيْنِ، وَلَمْ يَرُدَّهَا عَلَيَّ أَحَدٌ مِنْ أُمَّهِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ غَيْرِي .

وَأَمَّا السَّبَاعَةُ وَالسُّتُونَ: فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَمَرَ أَنْ ادْعَى بِإِمْرِهِ الْمُؤْمِنِينَ فِي حَيَاتِهِ وَبَعْدَ مَوْتِهِ ، وَلَمْ يُطَلَّقْ ذَلِكَ لِأَحَدٍ غَيْرِي .

وَأَمَّا الثَّمَانِيَةُ وَالسُّتُونَ: فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: «يَا عَلِيُّ، إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ مِنْ بَطْنَانِ (٢)

ص: ١٧٢

١- . زاد في نسخه من المخطوطه «فقال رسول الله صلى الله عليه وآله في حقِّي: لضربه عليّ يوم الخندق أفضل من أعمال الثقلين» وقال عليه السلام: «برز الإسلام كله إلى الكفر كله» .

٢- من بطنان العرش: أى من وسطه. وقيل: من أصله. وقيل: البطنان: جمع بطن؛ وهو الغامض من الأرض، يريد من دواخل العرش (النهاية: ١/١٣٧).

دژ شدم. مرحب [جنگاور یهود] به نبرد من آمد. و حمله کرد. به او حمله کردم و زمین را از خون او آب دادم. قبل از آن حضرت دو نفر از اصحابش [ابوبکر و عمر] را فرستاده بود. و آنها سرافکننده بازگشتند.

شصتم: عمرو بن عبدود را که با هزار نفر برابری می کرد من کشتم.

شصت و یکم: شنیدم رسول الله صلی الله علیه و آله می فرمود: یا علی، مثل تو در امت من مثل قل هو الله احد است. هر کس تو را از صمیم قلب دوست داشته باشد، گویا ثلث قرآن را قرائت کرده است. و کسی که تو را در قلب دوست داشته باشد و با زبان یاری کند، گویا دو ثلث قرآن را قرائت کرده است. و کسی که تو را در قلب دوست داشته باشد و با زبان کمک کند و با دست یاری نماید، گویا تمام قرآن را قرائت کرده است.

شصت و دوم: در همه صحنه ها و جنگ ها همراه رسول الله صلی الله علیه و آله بودم. و پرچم او در دست من بود.

شصت و سوم: هرگز از جنگ فرار نکردم. و هر کس به جنگ من آمد خونش را به زمین ریختم.

شصت و چهارم: برای رسول الله صلی الله علیه و آله مرغ بریان از بهشت آورده شد. و از خداوند متعال درخواست کرد، محبوبترین بنده خدا آفریدگانش را بر او مهمان کند. و خداوند مرا موفق کرد که مهمان او شوم، و با پیامبر از آن غذا تناول کنم.

شصت و پنجم: در مسجد در حال نماز بودم که فقیری آمد و از من درخواست کمک کرد. من در حال رکوع انگشترم را از انگشتم به او دادم. و خداوند این آیه قرآن را نازل فرمود: «همانا سرپرست شما خدا و رسول او و مؤمنانی هستند که نماز می خوانند و در حال رکوع صدقه می دهند».

شصت و ششم: خداوند تبارک و تعالی دو بار برای من خورشید را بازگردانید. و بجز من برای هیچ کس از امت محمد صلی الله علیه و آله باز نگردانده است.

شصت و هفتم: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمان داد که در زندگی او و پس از او با عنوان امیرالمؤمنین مرا بخوانند. و این عنوان را به هیچ کس غیر از من نداد.

شصت و هشتم: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: چون قیامت بر پا شود، فرشته ای از عرش صدا

العرش: أين سيّد الأنبياء؟ فأقوم، ثمّ يُنادى أين سيّد الأوصياء؟ فتقوم، ويأتيني رضوان بمفاتيح الجنّة، ويأتيني مالك بمقاليد النار، فيقولان: إنّ الله - حيّل جلاله - أمرنا أن ندفعها إليك ونأمرَكَ أن تدفعها إلى عليّ بن أبي طالب، فتكون يا عليّ قسيم الجنّة والنار».

وأما التاسعة والسّتون: فإني سمعتُ رسولَ الله صلى الله عليه وآله يقول: «لولاك ما عرفَ المنافقونَ من المؤمنين».

وأما السّبعون: فإنّ رسولَ الله صلى الله عليه وآله نامَ ونومني وزوجتي فاطمةَ وابنتي الحسينَ والحسينَ وألقى علينا عباءةَ قَطَوَاتِيه، (١) فَأَنْزَلَ اللَّهُ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - فِينَا: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»، وقالَ جَبْرَائِيلُ عليه السلام: أنا منكم يا مُحَمَّدُ، فَكَانَ سَادِسْنَا جَبْرَائِيلُ عليه السلام. (٢) فَرُوقُ أَحْكَامِ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ

٣٩٧٧. عَن جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الجُعْفِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ البَاقِرِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يَقُولُ: لَيْسَ عَلَيَّ النِّسَاءُ أَذَانٌ، وَلَا إِقَامَةٌ، وَلَا - جُمُعَةٌ، وَلَا جَمَاعَةٌ، وَلَا عِيَادَةٌ المَرِيضِ، وَلَا أَتْبَاعُ الجَنَازَةِ، وَلَا إِجْهَارٌ بِالتَّلْبِيهِ، وَلَا الهَرَوَلَةُ بَيْنَ الصِّفَا وَالمَرَوَةِ، وَلَا اسْتِلاَمُ الحَجَرِ الأَسْوَدِ، وَلَا - دُخُولُ الكَعْبَةِ، وَلَا الحَلْقُ؛ إِنَّمَا يُقْصَرَنَ مِنْ شُعُورِهِنَّ، وَلَا - تَتَوَلَّى (٣) المَرَأَةُ القَضَاءَ، وَلَا - تُوَلَّى الإِمَارَةَ، وَلَا تُسْتَشَارُ، وَلَا تَدْبِيحُ إلَّا مِنَ اضْطِرَارٍ، وَتَبْدَأُ فِي الوُضُوءِ بِباطِنِ الذَّرَاعِ وَالرِّجْلِ بظَاهِرِهِ، وَلَا تَمَسُّحُ كَمَا يَمَسُّحُ الرِّجَالُ، بَلْ عَلَيْهَا أَنْ تَلْقَى الخِمَارَ عَن مَوْضِعِ مَسْحِ رَأْسِهَا فِي صِيْلَةِ الغَدَاةِ وَالمَغْرِبِ، وَتَمَسِّحَ عَلَيْهِ، [و] (٤) فِي سَائِرِ الصَّلَوَاتِ تُدْخِلُ إِصْبَعَهَا فَتَمَسِّحُ عَلَيَّ رَأْسِهَا مِنْ غَيْرِ أَنْ تَلْقَى عَنْهَا خِمَارَهَا، فَإِذَا قَامَتْ فِي صِيْلَاتِهَا ضَمَّتْ رِجْلَيْهَا، وَوَضَعَتْ يَدَيْهَا عَلَيَّ صَدْرَهَا، وَتَضَعُ يَدَيْهَا فِي رُكُوعِهَا عَلَيَّ فَيَخِذِيهَا، وَتَجْلِسُ إِذَا أَرَادَتْ

ص: ١٧٤

١- القَطَوَاتِيه: عباءة بيضاء قصيرة الخمل، والنون زائده (النهاية: ٨٥/٤).

٢- الخصال، ص ٥٧٢، ح ١، بحار الأنوار، ج ٣١، ص ٤٣٢.

٣- في البحار: «ولا تُوَلَّى».

٤- أضفنا الواو من البحار كي يستقيم السياق.

می زند: سرور پیامبران کجاست؟ من بر می خیزم. سپس فریاد می زد: سرور جانشینان کجاست؟ تو بر می خیزی. آنگاه رضوان [فرشته بهشت] کلیدهای بهشت را و مالک [فرشته دوزخ] کلیدهای جهنم را به من می دهند و می گویند: خداوند والا مرتبه ما را مأمور ساخته که کلیدها را به تو بدهیم. تو را مأمور می کنیم که آنها را به علی بن ابیطالب بدهی. پس تو ای علی تقسیم کننده بهشت و دوزخ [میان اهل آنها] هستی.

شصت و نهم: شنیدم رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: اگر تو نبودی منافقان از مؤمنان شناخته نمی شوند.

هفتم: رسول الله صلی الله علیه و آله خوابید و من و همسرم فاطمه و دو فرزندم حسن و حسین را در کنار خود خوابانید. و عبا سفید پنبه ای خود را روی ما انداخت. و خداوند این آیه را درباره ما [پنج تن] نازل فرمود:

«همانا خداوند اراده فرمود که هر پلیدی را از شما اهل بیت دور کند و شما را پاک پاک نماید». و جبرئیل علیه السلام فرمود: یا محمد من هم از شما هستم. و ششمین نفر جبرئیل علیه السلام بود.

تفاوت احکام مردان و زنان

۳۹۷۷. جابر بن یزید جعفی گوید: شنیدم امام محمد باقر علیه السلام می فرمود: بر زنان لازم نیست اذان و اقامه، و نماز جمعه، و نماز جماعت، و عیادت مریض، و تشییع جنازه، و بلند گفتن لبیک [برای احرام]، و دویدن در بین صفا و مروه، و استلام حجر الاسود، و وارد کعبه شدن، و تراشیدن سر، بلکه آنها فقط مقداری از موهای خود را کوتاه کنند. و قضاوت کردن، و حکومت کردن، و مشاورت، و ذبح کردن حیوان مگر در صورت اضطرار. و هنگام وضو گرفتن زن از داخل مفصل آرنج شروع کند. و مرد از پشت آرنج شروع کند. هنگام مسح کردن مانند مردان مسح نکنند. بلکه برای نماز صبح و مغرب روسری خود را بردارد و مسح کند. اما برای نماز ظهر و عصر روسری را بر ندارد بلکه دست خود را زیر روسری برد و مسح کند. هنگام ایستادن برای نماز پاهایش را به هم متصل کند. و دستهایش را روی سینه اش بگذارد. و هنگام رکوع دستهایش را روی ران خود بگذارد.

السُّجُودَ وَسَجَدَتْ لِاطِيبِهِ (١) بِالْأَرْضِ، وَإِذَا رَفَعَتْ رَأْسَهَا مِنَ السُّجُودِ جَلَسَتْ ثُمَّ نَهَضَتْ إِلَى الْقِيَامِ، وَإِذَا قَعِدَتْ لِلشَّهْدِ رَفَعَتْ رِجْلَيْهَا وَضَمَّتْ فِجْدَيْهَا، وَإِذَا سَبَّحَتْ عَقَدَتِ الْأَنَامِلَ (٢) لِأَنَّهِنَّ مَسْئُولَاتٌ، وَإِذَا كَانَتْ لَهَا إِلَى اللَّهِ حَاجَةٌ صَدَدَتْ فَوْقَ بَيْتِهَا وَصَلَّتْ رَكَعَتَيْنِ وَرَفَعَتْ (كَشَفَتْ خ ل) رَأْسَهَا إِلَى السَّمَاءِ؛ فَإِنَّهَا إِذَا فَعَلَتْ ذَلِكَ اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهَا وَلَمْ يُخَيِّبْهَا. وَلَيْسَ عَلَيْهَا غَسْلُ الْجُمُعَةِ فِي السَّفَرِ، وَلَا يَجُوزُ لَهَا تَرْكُهُ فِي الْحَضَرِ، وَلَا يَجُوزُ شَهَادَةُ النِّسَاءِ فِي شَيْءٍ مِنَ الْحُدُودِ، وَلَا تَجُوزُ شَهَادَتُهُنَّ فِي الطَّلَاقِ، وَلَا فِي رُؤْيِيهِ الْهَلَالِ، وَتَجُوزُ شَهَادَتُهُنَّ فِيمَا لَا يَجُوزُ لِلرِّجَالِ النَّظَرُ إِلَيْهِ، وَلَيْسَ لِلنِّسَاءِ مِنْ سِرَّوَاتِ (٣) الطَّرِيقِ شَيْءٌ وَلَهُنَّ حَبَّتَاهُ، وَلَا يَجُوزُ لَهُنَّ نُزُولُ الْغُرْفِ (٤)، وَلَا تَعَلَّمَ الْكِتَابَةَ، وَيُسْتَحَبُّ لَهُنَّ تَعَلُّمُ الْمِغْزَلِ وَسُورَةِ النُّورِ، وَيُكْرَهُ لَهُنَّ تَعَلُّمُ سُورَةِ يُونُسَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَإِذَا ارْتَدَّتِ الْمَرْأَةُ عَنِ الْإِسْلَامِ اسْتَيْبَتْ، فَإِنْ تَابَتْ وَإِلَّا خُلِدَتْ فِي السِّجْنِ، وَلَا تُقْتَلُ كَمَا يُقْتَلُ الرَّجُلُ إِذَا ارْتَدَّ وَلَكِنَّهَا تُسْتَخْدَمُ خِدْمَةً شَدِيدَةً وَتُمْنَعُ مِنَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ إِلَّا مَا تُمْسِكُ بِهِ نَفْسَهَا، وَلَا تُطْعَمُ إِلَّا جَشَبَ (٥) الطَّعَامِ، وَلَا تُكْسَى إِلَّا غَلِيظَ الثِّيَابِ وَخَشِيئَتِهَا، وَتُضْرَبُ عَلَى الصَّلَاةِ وَالصِّيَامِ، وَلَا جِزْيَةَ عَلَى النِّسَاءِ، وَإِذَا حَضَرَ وِلَادَةَ الْمَرْأَةِ وَجِبَ إِخْرَاجُ مَنْ فِي الْبَيْتِ مِنَ النِّسَاءِ كِي لَا يَكُنَّ أَوَّلَ نَاطِرٍ إِلَى عَوْرَتِهَا، وَلَا يَجُوزُ لِلْمَرْأَةِ الْحَائِضِ وَلَا الْجُنُبِ الْحُضُورُ عِنْدَ تَلْقِينِ الْمَيِّتِ؛ لِأَنَّ الْمَلَائِكَةَ تَأْذَى بِهِمَا، وَلَا يَجُوزُ لَهُمَا إِدْخَالُ الْمَيِّتِ قَبْرَهُ، وَإِذَا قَامَتِ الْمَرْأَةُ مِنْ مَجْلِسِهَا فَلَا يَجُوزُ لِلرَّجُلِ أَنْ يَجْلِسَ فِيهِ حَتَّى يَبْرُدَ، وَجِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ، وَأَعْظَمُ النَّاسِ حَقًّا عَلَيْهَا زَوْجُهَا، وَأَحَقُّ النَّاسِ بِالصَّلَاةِ عَلَيْهَا إِذَا مَاتَ زَوْجُهَا، وَلَا يَجُوزُ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَنْكُشِفَ بَيْنَ يَدَيْ الْيَهُودِيِّهِ وَالنَّصْرَانِيِّهِ لِأَنَّهِنَّ يَصِفْنَ مِنْ ذَلِكَ لِأَزْوَاجِهِنَّ، وَلَا يَجُوزُ لَهَا أَنْ تَتَطَيَّبَ إِذَا خَرَجَتْ مِنْ بَيْتِهَا، وَلَا يَجُوزُ لَهَا أَنْ تَشَبَّهَ بِالرِّجَالِ؛ لِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَعَنَ الْمُتَشَبِّهِينَ مِنَ الرِّجَالِ

ص: ١٧٦

- ١- لا ط به: إذا لصق به (النهاية: ٢٧٧/٤).
- ٢- أى عددت التسييح بعقد الأنامل - والأنامل: جمع الانملة - بتثليث الميم والهمزة تسع لغات - رأس الإصبع أو العقد الأعلى منه - لأن الأنامل مسؤولات يوم القيامة فيشهدن بالتسييح.
- ٣- أى ظهر الطريق ووسطه، ولكنهن يمشين فى الجوانب (الصالح: ٢٣٧٦/٦).
- ٤- أى العلالى.
- ٥- الجشَب: هو الغليظ الخشن من الطعام. وقيل غير المأدوم. وكل بشع الطعام جشَب (النهاية: ٢٦٣/١).

و برای سجده کردن ابتدا روی زمین بنشیند. و هنگام سجده بدنش را به زمین برساند.

[بدنش را با فاصله زیاد از زمین نگه ندارد.] و بعد از سجده بنشیند. و پس از آن قیام کند.

[مستقیماً از سجده قیام نکند.] و هنگامی که برای تشهد می‌نشیند رانها را به هم متصل کند.

و هنگام تسبیحات سر انگشتها را به هم بپیوندد، چون در قیامت انگشتها شهادت می‌دهند.

و هنگامی که از خداوند حاجتی دارد بر بام خانه اش برود و دو رکعت نماز بخواند. و سر به آسمان بلند کند. اگر چنین کند خداوند دعایش را مستجاب نموده و او را نا امید نسازد.

در سفر غسل جمعه بر زنان لازم نیست. اما در وطن غسل جمعه را ترک نکنند.

در مورد حدود زنان شهادت ندهند. در مورد طلاق شهادت ندهند. در مورد رؤیت هلال شهادت ندهند. در مواردی که [مربوط به زنان است] و نگاه کردن مردان جایز نیست، فقط زنان شهادت بدهند. زنان هنگام عبور و مرور از وسط راه حرکت نکنند. بلکه در کنار حرکت کنند. زنان در غرفه های کنار راه توقف نکنند. نویسنده گی نکنند. آموختن بافندگی و سوره نور بر زنان مستحب است. آموختن سوره یوسف بر زنان مکروه است.

اگر زن مرتد شود او را توبه می دهند اگر توبه کند توبه اش پذیرفته می شود. و اگر توبه نکرد حبس ابد می شود. و زن مرتد اعدام نمی شود. ولی مرد مرتد اعدام می شود. اما زن مرتد به کارهای سخت گمارده می شود. و آب و غذا به مقداری که نمیرد به او داده می شود. غذای لذیذ به او نمی دهند. لباس لطیف نمی پوشد. و برای نماز و روزه تنبیه می شود. زنان جزیه نمی دهند.

هنگام زایمان، اطرافیان و زنان را از اطاق اخراج کنند. تا کسی به عورت او نگاه نکند.

هنگام تلقین میت زنان حائض و جنب حاضر نشوند. چون ملائکه آورده می شوند.

حائض و جنب میت را در قبر نگذارند. هنگامی که زنی از محلی برخاست تا آن محل سرد نشده است مرد آنجا بنشیند. جهاد زن شوهرداری نیکوست. حق شوهر بر زن از همه بزرگتر است. و سزاوارترین کسی برای نماز میت زن شوهر اوست. زن مسلمان در حضور زنان یهودی و مسیحی بی حجاب ظاهر نشوند. چون آنان اوصاف زن مسلمان را برای شوهرانشان بیان می کنند.

جایز نیست هنگام خروج از خانه خودش را آرایش و معطر کند. جایز نیست زن خودش را شبیه مردان کند. [لباس و آرایش مردانه بر زن حرام است.] چون رسول الله صلی الله علیه و آله

بِالنِّسَاءِ، وَلَعَنَ الْمُتَشَبِّهَاتِ مِنَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ، وَلَا يَجُوزُ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تُعْطَلَ نَفْسَهَا وَلَوْ أَنْ تُعْلَقَ فِي عُنُقِهَا خَيْطًا، وَلَا يَجُوزُ أَنْ تُرَى أَظْفِيرُهَا بِيضَاءَ وَلَوْ أَنْ تَمَسَّحَ بِهَا بِالْحِنَاءِ مُسْحًا، وَلَا تَخْضُبُ يَدَيْهَا فِي حَيْضَتِهَا؛ لِأَنَّهُ يُخَافُ عَلَيْهَا الشَّيْطَانُ، وَإِذَا أَرَادَتِ الْمَرْأَةُ الْحَاجَةَ وَهِيَ فِي صَلَاتِهَا صَفَّتْ يَدَيْهَا، وَالرَّجُلُ يُومِئُ بِرَأْسِهِ وَهُوَ فِي صَلَاتِهِ وَيُشِيرُ بِيَدِهِ وَيُسَبِّحُ

جَهْرًا، وَلَا يَجُوزُ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تُصَلِّيَ بِغَيْرِ خِمَارٍ، إِلَّا أَنْ تَكُونَ أُمًّا فَإِنَّهَا تُصَلِّيُ بِغَيْرِ خِمَارٍ مَكْشُوفَةَ الرَّأْسِ، وَيَجُوزُ لِلْمَرْأَةِ لُبْسُ الدِّيَابِجِ وَالْحَرِيرِ فِي غَيْرِ صِيْلَةٍ وَإِحْرَامٍ، وَحُرْمٌ ذَلِكَ عَلَى الرَّجَالِ إِلَّا فِي الْجِهَادِ، وَيَجُوزُ أَنْ تَتَخْتَمَ بِالذَّهَبِ، وَتُصَلِّيَ فِيهِ، وَحُرْمٌ ذَلِكَ عَلَى الرَّجَالِ، قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «يَا عَلِيُّ، لَا تَتَخْتَمَ بِالذَّهَبِ؛ فَإِنَّهُ زِينَتُكَ فِي الْجَنَّةِ، وَلَا تَلْبَسِ الْحَرِيرَ؛ فَإِنَّهُ لِبَاسُكَ فِي الْجَنَّةِ»، وَلَا يَجُوزُ لِلْمَرْأَةِ فِي مَالِهَا عِنَقٌ وَلَا بُرٌّ إِلَّا بِإِذْنِ زَوْجِهَا، وَلَا يَجُوزُ أَنْ تَصُومَ تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِ زَوْجِهَا، وَلَا يَجُوزُ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تُصَافِحَ غَيْرَ ذِي مَحْرَمٍ إِلَّا مِنْ وَرَاءِ ثَوْبِهَا، وَلَا تُبَايِعَ إِلَّا مِنْ وَرَاءِ ثَوْبِهَا، وَلَا يَجُوزُ أَنْ تُحُجَّ تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِ زَوْجِهَا، وَلَا يَجُوزُ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَدْخُلَ الْحَمَّامَ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ مُحْرَّمٌ عَلَيْهَا (١)، وَلَا يَجُوزُ لِلْمَرْأَةِ رُكُوبُ السَّرَجِ إِلَّا مِنْ ضَرُورَةٍ وَفِي سَفَرٍ، وَمِيرَاثُ الْمَرْأَةِ نِصْفُ مِيرَاثِ الرَّجُلِ، وَدَيْتُهَا نِصْفُ دَيْتِ الرَّجُلِ، وَتُعَاقِلُ الْمَرْأَةُ الرَّجُلَ فِي الْجِرَاحَاتِ حَتَّى تَبْلُغَ ثُلُثَ الدَّيَّةِ، فَإِذَا زَادَتْ عَلَى الثُّلُثِ ارْتَفَعَ الرَّجُلُ وَسَيَفَلَّتِ الْمَرْأَةُ، وَإِذَا صَلَّتِ الْمَرْأَةُ وَحَدَّهَا مَعَ الرَّجُلِ قَامَتِ خَلْفَهُ وَلَمْ تَقُمْ بِجَنْبِهِ، وَإِذَا مَاتَتِ الْمَرْأَةُ وَقَفَّ الْمُصَلِّيُ عَلَيْهَا عِنْدَ صِدْرِهَا، وَمِنَ الرَّجُلِ إِذَا صَلَّى [عَلَيْهِ] (٢) عِنْدَ رَأْسِهِ، فَإِذَا ادْخَلَتِ الْقَبْرَ وَقَفَّ زَوْجُهَا فِي مَوْضِعٍ يَتَنَاوَلُ وَرِكَهَا (٣)، وَلَا شَفِيعَ لِلْمَرْأَةِ أَنْجَحَ عِنْدَ رَبِّهَا مِنْ رِضَاءِ زَوْجِهَا، وَلَمَّا مَاتَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ قَامَ عَلَيْهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي رَاضٍ عَنِ ابْنِ نَبِيِّكَ، اللَّهُمَّ إِنَّهَا قَدْ أَوْحِشَتْ فَأَنْسَهَا، اللَّهُمَّ إِنَّهَا قَدْ هُجِرَتْ فَصَلِّهَا، اللَّهُمَّ إِنَّهَا قَدْ ظَلَمَتْ

ص: ١٧٨

١- مَرَّ سَابِقًا فِي عِلَّةِ النَّهْيِ عَنِ دُخُولِ الْحَمَّامِ لِلنِّسَاءِ.

٢- أَضْفَنَاهَا مِنَ الْبَحَارِ.

٣- الْوَرِكُ - كَكَتَفٍ -: فَوْقَ الْفَخْذِ.

لعنت فرمودند مردانی را که خود را شبیه زنان کنند. و زنانی را که خود را شبیه مردان کنند.

برای زن جایز نیست که خود را معطل کند حتی اگر نخ بر گردن خود آویزد. [زن برای شوهر حتماً آرایش کند.] جایز نیست ناخن زن سفید باشد لااقل مقداری حنا بگذارد.

زن در حال حیض دست خود را خضاب نکند چون احتمال وسوسه شیطان می رود.

زمانی که زن در حال نماز است اگر حاجتی دارد دست خود را بر هم بزند. [با زدن دست بر هم دیگران را متوجه کند.] ولی مرد در حال نماز با دست و سر اشاره کند و یا بلند بگوید:

سبحان الله [تا دیگران متوجه منظور او شوند]. برای زن نماز خواندن بدون چادر جایز نیست. اما بردگان می توانند بدون چادر نماز بخوانند. پوشیدن لباس ابریشم و حریر در غیر نماز و احرام برای زنان جایز است. اما برای مردان حرام است مگر هنگام جنگ.

انگشتر طلا برای زن جایز است. و می تواند با آن نماز بخواند. اما برای مرد حرام است.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: یا علی، از انگشتر طلا استفاده نکن. چون طلا زینت تو در بهشت است. و لباس حریر نپوش. چون لباس تو در بهشت است.

بر زن جایز نیست مال خودش را برای آزاد کردن برده یا کار نیک دیگر بدون اجازه شوهر مصرف کند.

زن بدون موافقت شوهرش روزه مستحب نگیرد. زن با مرد نامحرم دست ندهد مگر از زیر لباس. و برای بیعت کردن هم از زیر لباس بیعت کند.

زن برای انجام حج مستحب از شوهر اجازه بگیرد. رفتن زن به حمام عمومی یا استخر حرام است. سوار شدن زن بر زین [اسب یا شتر و...] جایز نیست جز در موارد ضروری و سفر. سهم ارث زن نصف مرد است. دینه زن نصف مرد است. دینه جراحات در زن و مرد تا یک سوم دیه مساوی است. و اگر دیه جراحات از یک سوم دیه تجاوز کند، دینه جراحات زن نصف مرد می شود.

اگر زن در مکانی با مرد نماز می خواند باید پشت مرد بایستد و در کنار مرد نایستد.

هنگام نماز میت زن، نمازگزار مقابل سینه او بایستد. و برای مرد مقابل سر او بایستد.

هنگامی که زن را در قبر می گذارند شوهرش طوری بایستد که اطراف ران او را بگیرد و در قبر بگذارد. و برای زن در حضور پروردگار شفيعی بهتر از رضایت شوهر نجات بخش نیست.

هنگامی که حضرت فاطمه علیها السلام شهید شد امیرالمؤمنین علیه السلام در کنار او ایستاد و فرمود:

خداوندا من از دختر پیامبر تو راضی هستم. پروردگارا اگر او در وحشت است تو مونس او

ص: ۱۷۹

فأحكم لها وأنت خير الحاكمين. (١) جنود العقل والجهل

٣٩٧٨. عن سماعه بن مهران قال: كنت عند أبي عبد الله عليه السلام وعنده جماعة من مواليه، فجری ذكر العقل والجهل، فقال أبو عبد الله عليه السلام: اعرّفوا العقل وجنده والجهل وجنده تهتدوا، قال سماعه: فقلت:

جعلت فداك! لا نعرف إلا ما عرفتنا، فقال أبو عبد الله عليه السلام:

إن الله - جيل ثنائة - خلق العقل وهو أول خلق خلقه من الروحانيين عن يمين العرش من نوره، فقال له: أقبل، فأقبل، ثم قال له: أدبر؛ فأدبر، فقال الله تبارك وتعالى: خلقتك خلقاً عظيماً وكرمتك على جميع خلقى. قال: ثم خلق الجهل من البحر الأجاج ظلماتياً، فقال له: أدبر فأدبر، ثم قال له:

أقبل، فلم يقبل، فقال له: استكبرت! فلعنه.

ثم جعل للعقل خمساً وسبعين جنداً، فلما رأى الجهل ما أكرم الله به العقل وما أعطاه أضمر له العداوة، فقال الجهل: يا رب، هذا خلق مثلى خلقتهم وكرمتهم وقويتهم، وأنا ضده ولا قوة لى به فأعطينى من الجند مثل ما أعطيتهم، فقال: نعم، فإن عصيت بعد ذلك أخرجتكم وجندك من رحمتى، قال: قد رضيت، فأعطاه خمساً وسبعين جنداً، فكان مما أعطى العقل من الخمسة والسبعين الجند: (٢)

ص: ١٨٠

١- الخصال، ص ٥٨٥، ح ١٢، بحار الأنوار، ج ١٠٣، ص ٢٥٤، ح ١.

٢- فى تحقيق معنى العقل فى الأخبار كلاماً للعلامة المجلسى رحمه الله تعالى، راجع البحار: ١: ٩٩ قال: والذى ظهر لنا من تتبع الأخبار المنتميه إلى الأئمة الأبرار - سلام الله عليهم - هو أن الله خلق فى كل شخص من أشخاص المكلفين قوة واستعداد إدراك الأمور من المضارّ والمنافع وغيرها، إلخ. أقول: الإدراك الإنسانى منها ما يشترك فيه الإنسان مع كل حيوان بل النبات أيضاً فى هدايته إلى إدامه حياته إلى كماله المعدّ له من الله تعالى، ومنها ما يختصّ به الإنسان وهو من قبيل العلوم وإدراك الكلى بحيث يدرك علماً ويحكم حكماً بتاتاً، ويسمى الأحكام العقلية، وهذه هى جنود العقل على ما عتبر به الأخبار؛ كإدراكه قبح الظلم والخيانة والكذب وضده يسمى جهلاً.

باش. خداوندا او تنها شده است پس تو با او باش. خداوندا به او ظلم شده است پس تو به نفع او حکم کن. و تو بهترین حکمران هستی.

سپاهیان عقل و جهل

۳۹۷۸. سماعه فرزند مهران گوید: نزد امام صادق علیه السلام بودم و در حضور او عده ای از دوستانش بودند و سخن از عقل و جهل به میان آمد. امام صادق علیه السلام فرمود: عقل و سپاهیان او و جهل و سپاهش را بشناسید تا هدایت شوید.

سماعه گوید: گفتم: فدایت شوم ما چیزی نمی شناسیم جز آنچه شما بشناسانید.

حضرت فرمودند: خداوند بلند مرتبه عقل را آفرید. و عقل اولین آفریده خداست که از نور روحانی جانب راست عرش بوجود آورد. سپس به او فرمود: جلو بیا، او آمد. سپس فرمود: برگرد، و او برگشت.

آن گاه خداوند تبارک و تعالی فرمود: تو را موجودی با عظمت آفریدم و از همه آفریدگانم گرامی تر داشت.

امام علیه السلام فرمود: پس از آن خداوند جهل را از اقیانوس تلخ و تاریک آفرید. و به او گفت: برگرد او برگشت. سپس فرمود: پیش آی، ولی پیش نیامد. خداوند به جهل فرمود:

تکبر کردی. آنگاه خداوند جهل را لعنت نمود. سپس برای عقل هفتاد و پنج لشکر قرار داد. و جهل همین که کرامت خداوند به عقل را دید دشمنی و کینه او را به دل گرفت. و گفت:

پروردگارا: عقل هم موجودی مثل من است او را آفریدی و گرامی داشتی و به او نیرو بخشیدی. و من ضد او هستم و قدرتی بر او ندارم، پس به من هم لشکریانی به اندازه او عطا کن. خداوند فرمود: می پذیرم و اگر پس از آن نافرمانی کنی تو و سپاهیان را از رحمت خود اخراج می کنم.

جهل گفت: پذیرفتم و خداوند به او هفتاد و پنج لشکر عطا کرد.

هفتاد و پنج لشکری که به عقل و جهل بخشید عبارتند از:

الخير وهو وزير العقل، وجعل ضده الشر؛ وهو وزير الجهل، والإيمان وضده الكفر، والتصديق وضده الجحود، والرجاء وضده القنوط، والعدل وضده الجور، والرضى وضده السخط، والشكر وضده الكفر، والطمع وضده اليأس، والتوكل وضده الحرص، والرأفة وضدها الغرّة، والرحمة (١) وضدها الغضب، والعلم وضده الجهل، والفهم وضده الحمق، والعفة وضدها التهتك، والزهد وضده الرغبة، والرفق وضده الخرق (٢)، والرهبة وضدها الجرأة، والتواضع وضده التكبر، والتؤدة وضدها التسرع، والحلم وضده الشفة، والصمت وضده الهذر، والاستسلام وضده الاستكبار، والتسليم (٣) وضده التجبر، والعفو وضده الحقد، والرفق وضدها القسوة، واليقين وضدها الشك (٤) والضبر وضده الجزع، والصفح وضده الانتقام، والغنى وضده الفقر، والتفكير وضده السهو، والحفظ وضده النسيان، والتعطف وضده القطيعة، والقنوع وضده الحرص، والمواساة وضدها المنع، والمودة وضدها العدو، والوفاء وضده الغدر، والطاعة وضدها المعصية، والخضوع وضده التطاول، والسلامة وضدها البلاء، والحب وضده البغض، والصدق وضده الكذب، والحق وضده الباطل، والأمانة وضدها الخيانة، والإخلاص وضده الشوب، والشهامة وضدها البلاهة، والفهم وضده الغباوة (٥)، والمعرفة وضدها الإنكار، والميدارة وضدها المكاشفة، وسلامه الغيب وضدها المماكرة، والكيان وضده الإفشاء، والصلاة وضدها الإضاعة، والصوم وضده الإفطار، والجهاد وضده النكول، والحج وضده نبد الميثاق، وصدق الحديث وضده النميمه، وبر الوالدين وضده العقوق، والحقيقة وضدها الرياء، والمعروف وضده المنكر، والستر وضده التبرج (٦)، والتقية وضدها الإذاعة، والإنصاف وضده الحمية،

ص: ١٨٢

١- الرأفة والرحمة أحدهما مكرر، وفي الكافي والمحاسن «ضد الرأفة القسوة».

٢- الخرق - بالضم والتحريك -: ضد الرفق وأن لا يحسن العمل، والتصرف في الأمور، والحمق (القاموس المحيط: ٢٢٦/٣).

٣- الاستسلام: الانقياد لله تعالى فيما يأمر وينهى، والتسليم: الانقياد لأئمة الحق، وفي الكافي في مقابل التسليم «الشك».

٤- كذا في الخصال، وفي البحار: «وضده».

٥- في العلل: «الفتنة وضدها الغباوة».

٦- التبرج: إظهار الزينة. ولعل هذه الفقرة مخصوصه بالنساء كما احتمله العلامة المجلسي (ره).

۱ - خیر که وزیر عقل است و ضد آن را شر قرار داد که وزیر جهل است. ۲ - ایمان [از لشگریان عقل است] و ضد آن کفر است. ۳ - تصدیق کردن و ضد آن انکار کردن است. ۴ - امید و ضد آن نومیدی است. ۵ - عدالت و ضد آن ظلم است. ۶ - خشنودی و ضد آن نارضایتی است.

۷ - شکر گزاری و ضد آن کفران است. ۸ - طمع داشتن و ضد آن یأس است. ۹ - توکل و ضد آن حرص است. ۱۰ - مهربانی و ضد آن ساده لوحی است. ۱۱ - مهرورزی و ضد آن خشم است.

۱۲ - دانش و ضد آن نادانی است. ۱۳ - فهم و ضد آن حماقت است. ۱۴ - پاکدامنی و ضد آن پرده دری است. ۱۵ - زهد و ضد آن تمایل به دنیا است. ۱۶ - مدارا کردن و ضد آن ناسازگاری است.

۱۷ - پروا داشتن و ضد آن جسارت است. ۱۸ - فروتنی و ضد آن تکبر است. ۱۹ - درنگ و تأمل و ضد آن شتاب کردن است. ۲۰ - بردباری و ضد آن سفاهت است. ۲۱ - سکوت و ضد آن بیهوده گویی است. ۲۲ - گردن نهادن و ضد آن نافرمانی است. ۲۳ - سر فرود آوردن و ضد آن سر بر تافتن است. ۲۴ - عفو کردن و ضد آن کینه ورزی است. ۲۵ - نرم دلی و ضد آن قساوت است. ۲۶ - باور داشتن و ضد آن شک است. ۲۷ - شکیبایی و ضد آن بی تابی است. ۲۸ - گذشت و ضد آن انتقام است. ۲۹ - بی نیازی و ضد آن نیازمندی است. ۳۰ - اندیشیدن و ضد آن سهو است. ۳۱ - به خاطر سپردن و ضد آن فراموشی است. ۳۲ - عطوفت و ضد آن قطع رابطه است. ۳۳ - قناعت و ضد آن حرص است. ۳۴ - یاری رسانی و ضد آن بازداری است. ۳۵ - دوستی و ضد آن دشمنی است.

۳۶ - وفا و ضد آن پیمان شکنی است. ۳۷ - فرمان برداری و ضد آن گناه کردن است. ۳۸ - فروتنی و ضد آن تفاخر است. ۳۹ - سلامتی و ضد آن بلاء است. ۴۰ - محبت و ضد آن کینه است.

۴۱ - راستگویی و ضد آن دروغ است. ۴۲ - حق و ضد آن باطل است. ۴۳ - امانت و ضد آن خیانت است. ۴۴ - اخلاص و ضد آن ناخالصی است. ۴۵ - شهامت و ضد آن ابلهی است. ۴۶ - فهم و درک که ضد آن نفهمی و کودنی است. ۴۷ - معرفت و ضد آن انکار است. ۴۸ - مدارا کردن و ضد آن آشکارا پرده دری کردن است. ۴۹ - خیر خواهی در غیاب دیگران و ضد آن حيله گری است.

۵۰ - رازداری و ضد آن افشاگری است. ۵۱ - نماز بجا آوردن و ضد آن ترک نماز. ۵۲ - روزه داری و ضد آن روزه خواری است. ۵۳ - جهاد و ضد آن بازماندن از جهاد است. ۵۴ - حج و ضد آن بی اعتنایی به پیمان با خداست. ۵۵ - صداقت در گفتار و ضد آن سخن چینی است. ۵۶ - نیکی به پدر و مادر و ضد آن آزردهن آنان است. ۵۷ - درستکاری و ضد آن ریاکاری است. ۵۸ - کار نیک و ضد آن کار زشت است. ۵۹ - حجاب و پوشش و ضد آن ولنگاری است. ۶۰ - تقیه [پنهان داشتن عقیده از دشمن] و ضد آن شایع کردن است. ۶۱ - انصاف و ضد آن تعصب است.

والتَّهَيُّةُ (١) وَضِدَّهَا الْبَغْيُ، وَالنِّظَافَةُ وَضِدَّهَا الْقَدَرُ، وَالْحَيَاءُ وَضِدَّهَا الْخُلَعُ (٢)، وَالْقَصْدُ وَضِدَّهَا الْعُدْوَانُ، وَالرَّاحَةُ وَضِدَّهَا التَّعَبُ، وَالسُّهُولَةُ وَضِدَّهَا الصُّعُوبَةُ، وَالسَّبْرُكَهُ وَضِدَّهَا الْمَحَقُّ، وَالْعَافِيَةُ وَضِدَّهَا الْبَلَاءُ، وَالْقِيَامُ وَضِدَّهَا الْمُكَاتَّرَةُ (٣)، وَالْحِكْمَةُ وَضِدَّهَا الْهَوَى، وَالْوَقَارُ وَضِدَّهَا الْخِفَةُ، وَالسَّعَادَةُ وَضِدَّهَا الشَّقَاءُ، وَالتَّوْبَةُ وَضِدَّهَا الْإِصْرَارُ، وَالْإِسْتِغْفَارُ وَضِدَّهَا الْإِغْتِرَارُ، وَالْمُحَافَظَةُ وَضِدَّهَا التَّهَؤُنُ، وَالِدُّعَاءُ وَضِدَّهَا الْإِسْتِنكَافُ، وَالنَّشَاطُ وَضِدَّهَا الْكَسَلُ، وَالْفَرْحُ وَضِدَّهَا الْحُزْنُ، وَالْأَلْفَةُ وَضِدَّهَا الْفُرْقَةُ (٤)، وَالسَّخَاءُ وَضِدَّهَا الْبُخْلُ (٥).

فَلَا تَجْتَمِعُ هَذِهِ الْخِصَالُ كُلُّهَا مِنْ أَجْنَادِ الْعَقْلِ الْإِلْفَى نَبِيٍّ أَوْ وَصِيٍّ نَبِيٍّ أَوْ مُؤْمِنٍ امْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ، وَأَمَّا سَائِرُ ذَلِكَ مِنْ مَوَالِينَا فَإِنَّ أَحَدَهُمْ لَا يَخْلُو مِنْ أَنْ يَكُونَ فِيهِ بَعْضُ هَذِهِ الْجُنُودِ حَتَّى يَسْتَكْمِلَ وَيَنْقَى مِنْ جُنُودِ الْجَهْلِ، فَعِنْدَ ذَلِكَ يَكُونُ فِي الدَّرَجَةِ الْعُلْيَا مَعَ الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَوْصِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَإِنَّمَا يُدْرِكُ الْفَوْزَ بِمَعْرِفَةِ الْعَقْلِ وَجُنُودِهِ، وَمُجَانِبَةِ الْجَهْلِ وَجُنُودِهِ، وَفَقْنَا اللَّهَ وَإِيَّاكُمْ لِبَطَاعَتِهِ وَمَرْضَاتِهِ . (٤) مِنْ حُطْبَتِهِ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْمَعْرُوفَةُ بِاللَّدِيَاغِ

٣٩٧٩. عِبَادَ اللَّهِ! لَا تَرْتَابُوا (٧) فَتَشْكُوا، وَلَا تَشْكُوا فَتَكْفُرُوا، وَلَا تَكْفُرُوا فَتَنْدَمُوا، وَلَا تَرْتَخَّصُوا لِأَنْفُسِكُمْ فَتُدْهِنُوا وَتَذْهَبَ بِكُمْ الرُّخْصُ مَذَاهِبَ الظُّلْمَةِ فَتَهْلِكُوا، وَلَا تُدْهِنُوا فِي الْحَقِّ إِذَا وَرَدَ عَلَيْكُمْ وَعَرَفْتُمُوهُ

ص: ١٨٤

- ١- يعنى الموافقه والمصالحه بين الجماعه وإمامهم.
- ٢- الخلع - بالخاء المعجمه -: أى خلع لباس الحياء، وهو مجاز شائع. وفي بعض النسخ «الجلع» بالجيم؛ وهو قلله الحياء. والقصد: اختيار الوسط فى الأمور.
- ٣- القوام - بفتح القاف كسحاب -: العدل وما يُعاش به. والمكاتَّره: المغالبه فى الكثره؛ أى تحصيل متاع الدنيا زائداً على قدر الحاجه للمباهاه والمفاخره والمغالبه. وفي بعض نسخ الحديث: «المكاشره» وهى المضاحكه.
- ٤- . فى بعض نسخ الحديث «وضدّها العصبية».
- ٥- . اعلم أنّ ما ذكر من جنود العقل والجهل هنا إحدى وثمانون خصله، وذلك لتكرار النسخ بعض الفقرات بأن يكونوا أضافوا بعض النسخ إلى الأصل.
- ٦- . الخصال، ص ٥٨٩، ح ١٣؛ بحار الأنوار، ج ١، ص ١٠٩، ح ٧.
- ٧- الارتباب مطاوعه من الريب بمعنى الشك، أو الشك مع التهمه؛ أى لا تقبلوا الشك أو التهمه فتشكوا. ولعل المراد هو نفى الحاله النفسانيه فى ضعفاء الناس من التردد فى الأمور والوسواس حتى فى الأمور الواضحه وبعد قيام الدليل أعاذنا الله تعالى منهما؛ فإنّ هذه الحاله إن بقيت ولم يعالجها الإنسان يتبدل إلى الشك الحقيقى، كما أنّ الشك إن لم يعالج بالبراهين والمجاهدات قد يتبدل إلى الجحود والأنكار. «ولا ترخصوا لأنفسكم فتدھنوا» لعل المراد المداھنه مع النفس؛ لأنه إذا رخص نفسه فى هواها ينجز الأمر إلى تحليل الحرام بالتأويل أو إلى ارتكابه بالمسامحه والمساھله، وأشار إليه فى الجمله الآتيه «ولا تدھنوا فى الحق» هذه الجمله أعم من المداھنه مع نفسه أو غيره.

۶۲ - صلح و سازگاری و ضد آن تجاوزگری است. ۶۳ - پاکیزگی و ضد آن پلشتی است.

۶۴ - حیاء و ضد آن بی شرمی است. ۶۵ - میانه روی و ضد آن تند روی است. ۶۶ - آسودگی و ضد آن مشقت است. ۶۷ - آسانی و ضد آن سختی است. ۶۸ - برکت و ضد آن برباد رفتن است. ۶۹ - سلامتی و ضد آن بلاء است. ۷۰ - اعتدال در معاش و ضد آن افزون طلبی است.

۷۱ - حکمت و ضد آن هوی و هوس است. ۷۲ - متانت و ضد آن خفت است. ۷۳ - سعادت و ضد آن بدبختی است. ۷۴ - توبه و ضد آن اصرار به گناه است. ۷۵ - استغفار [طلب آمرزش] و ضد آن فریفتگی است. ۷۶ - مراقبت و ضد آن بی توجهی است. ۷۷ - دعا و ضد آن خودداری است. ۷۸ - نشاط و ضد آن کسالت است. ۷۹ - شادی و ضد آن اندوه است. ۸۰ - الفت [همدلی] و ضد آن تفرقه [جدایی] است. ۸۱ - سخاوت و ضد آن بخل ورزی است.

همه این خصلت ها که از لشکریان عقل است در یک نفر جمع نمی شود مگر در پیامبر یا جانشین پیامبر یا مؤمنی که خدا قلب او را برای ایمان آزموده باشد. اما بقیه دوستان ما دارای بعضی از این خصلتها هستند تا آن گاه که کامل شود. و از سپاه جهل پاک گردد. و در این هنگام در مقام عالی همراه پیامبران و جانشینان قرار می گیرد. و رستگاری فقط با شناخت عقل و لشکریانش و دوری از جهل و سپاهیانش ممکن می شود. خداوند ما و شما را به اطاعت و جلب خشنودی خودش موفق فرماید. [در متن حدیث هفتاد پنج سپاه برای عقل و جهل ذکر شده است ولی در شمارش هشتاد و یک مورد است. احتمالاً بعضی موارد به مورد دیگر بازگشت دارد.]

از خطبه های حضرت علی علیه السلام معروف به دیباج

۳۹۷۹. بندگان خدا! از شک و تردید پرهیز کنید که به وسواس مبتلا می شوید. وسواس نداشته باشید که به کفر مبتلا می شوید. و کفر نورزید که پشیمان می شوید. و به خویشتن رخصت ندهید که به خلاف کاری گرفتار می شوید. و سهل انگاری شما را به راه های ظلمت می برد.

وهلاک می شوید. در حق سهل انگاری نکنید آن گاه که بر شما وارد شد و آن را شناختید که

عِبَادَ اللَّهِ! إِنَّ مَنَ الْحَزْمِ (١) أَنْ تَتَّقُوا اللَّهَ، وَإِنَّ مَنَ الْعِصْمَةِ أَلَّا تَعْتَرُوا بِاللَّهِ.

عِبَادَ اللَّهِ! إِنَّ أَنْصَحَ النَّاسِ لِنَفْسِهِ أَطْوَعُهُمْ لِرَبِّهِ، وَأَعَشَّهُمْ لِنَفْسِهِ أَعْصَاهُمْ لَهُ.

عِبَادَ اللَّهِ! إِنَّ مَنَ يُطِيعَ اللَّهَ يَأْمَنُ وَيَسْتَبْشِرُ، وَمَنَ يَعِصِهِ يَخِبُ (٢) وَيَنْدَمُ وَلَا يَسْلَمُ.

عِبَادَ اللَّهِ! سَلُّوا اللَّهَ الْيَقِينَ، فَإِنَّ الْيَقِينَ رَأْسُ الدِّينِ، وَارْعَبُوا إِلَيْهِ فِي الْعَافِيَةِ (٣)؛ فَإِنَّ أَعْظَمَ النِّعَمِ الْعَافِيَةُ، فَاعْتَنِمُوا لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَارْعَبُوا إِلَيْهِ فِي التَّوْفِيقِ، فَإِنَّهُ اسُّ (٤) وَثِيقٌ، وَاعْلَمُوا أَنَّ خَيْرَ مَا لَزِمَ الْقَلْبَ الْيَقِينَ، وَأَحْسَنُ الْيَقِينَ التَّقَى، وَأَفْضَلُ أُمُورِ الْحَقِّ عَزَائِمُهَا (٥) وَشَرُّهَا مُحَدَّثَاتُهَا، وَكُلُّ مُحَدَّثَةٍ بِدْعَةٌ، وَكُلُّ بِدْعَةٍ ضَلَالَةٌ، وَبِالْبِدَعِ هَدْمُ السُّنَنِ. الْمَغْبُوتُ مَنَ غُبِنَ دِينُهُ، وَالْمَغْبُوتُ مَنَ سَلِمَ لَهُ دِينُهُ وَحَسُنَ يَقِينُهُ، وَالسَّعِيدُ مَنَ وَعِظَ بغيرِهِ، وَالشَّقِيُّ مَنَ انْخَدَعَ لِهَوَاهُ.

عِبَادَ اللَّهِ! اعْلَمُوا أَنَّ يَسِيرَ الرِّيَاءِ شَرِّكَ، وَأَنَّ إِخْلَاصَ الْعَمَلِ الْيَقِينُ (٦)، وَالْهَوَى يَقُودُ إِلَى النَّارِ، وَمُجَالَسَةَ أَهْلِ اللَّهِو يُنْسِي الْقُرْآنَ وَيُحْضِرُ الشَّيْطَانَ، وَالنِّسْيَ (٧) زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ، وَأَعْمَالُ الْعُصَاةِ تَدْعُو إِلَى سَيِّئِ خَطِّ الرَّحْمَنِ، وَسَيِّئِ خَطِّ الرَّحْمَنِ يَدْعُو إِلَى النَّارِ، وَمُحَادَثَةُ النَّسَاءِ تَدْعُو إِلَى الْبَلَاءِ وَيُزِيغُ الْقُلُوبَ، وَالرِّمَقَ (٨) لَهْنٌ يَخْطِفُ نَوْرَ أَبْصَارِ الْقُلُوبِ، وَلَمَحَ الْعُيُونِ مَصَائِدُ الشَّيْطَانِ، وَمُجَالَسَةُ السُّلْطَانِ يُهَيِّجُ النَّيرانَ.

ص: ١٨٦

١- الحزم: ضبط الرجل أمره والحذر من فواته، وفيه «الحزم سوء الظن». «وإن من العصمة»: أى ما يعصمه من المهالك يوم القيامة أن لا تعتروا بالله؛ أى أن لا تظنوا به أن لا يعذبكم بذنوبكم ولا تخدعوا أنفسكم بذلك فتجروا على معصية الله تعالى.

٢- يخب: أى يخسر ويحرم؛ من الخيبة.

٣- العافية: أن تسلم من الأسقام والبلايا؛ وهى الصحه، وضد المرض.

٤- اسُّ: أى أصل.

٥- فيه: «خير الأمور عزائمها» أى فرائضها التى عزم الله عليك بفعالهما، والمعنى ذوات عزمها التى فيها العزم. إياكم ومحدثات الأمور: جمع محدثه - بالفتح - وهى ما لم يكن معروفاً فى كتاب ولا سنه ولا إجماع. من أحدث حدثاً؛ الحدث: الأمر الحادث المنكر الذى ليس بمعتاد ولا معروف فى السنه. «أحسن اليقين التقي»: لعل المراد أن أحسن اليقين ما يثمر ويورث التقوى ويظهر فى العمل.

٦- «وإن إخلاص العمل اليقين»: لعل المعنى أن العمل الخالص ما كان عن يقين.

٧- عن ابن عيَّاس: «كانت النساء فى كنده» النساء - بالضم وسكون السين -: النسئ الذى ذكره الله تعالى فى كتابه من تأخير الشهور بعضها إلى بعض. راجع تفسير الآيه الشريفه / ٣٧ من سوره التوبه (الميزان: ٢٨٣/٩) فإنه كانت لهم فيما بينهم سنه جاهليه فى أمر الأشهر الحرم وهى المسماه بالنسئ، وهو يدل بلفظه على تأخير الحرمه من شهر حرام إلى بعض الشهور غير المحرمه الذى بعده...

٨- الرمق: طول النظر إلى الشيء، واللمحه - بالفتح -: النظره بالعجله.

در آن صورت خسارت آشکاری خواهی داشت.

بندگان خدا؛ دور اندیشی است که از خدا پروا داشته باشید. و از عصمت و ایمنی است که به خدا مغرور نشوید.

بندگان خدا؛ خیرخواه ترین شخص برای خود کسی است که از همه بیشتر در برابر خدا مطیع باشد. و فریب کارتر از همه کسی است که از دیگران بیشتر گناه کند.

بندگان خدا؛ کسی که از خدا اطاعت کند ایمن است و شادمان شود. و کسی که نافرمانی خدا انجام دهد زیان کند و پشیمان شود و در امان نخواهد بود.

بندگان خدا؛ از خدا یقین بخواهید که یقین اساس دین است. و سلامتی بخواهید که بزرگترین نعمت سلامتی است. و آن را برای دنیا و آخرت غنیمت شمارید. و نیز از خدا توفیق بخواهید که توفیق پایگاهی محکم است. و بدانید بهترین همراه و ملازم قلب یقین است. و بهترین یقین تقوی است. و برترین کارها واجبات است. و بدترین کارها نوساخته هاست، و هر نو ساخته ای بدعت است. و هر بدعت گمراهی است. و با بدعتها سنتها از بین می رود. و زیانکار کسی است که دین خود را از دست بدهد. و بهره مند [که به او غبطه می برند] کسی است که دینش را سلامت نگه دارد. و یقینش را نیکو دارد. و سعادت مند کسی است که از دیگران پند گیرد. و بد بخت کسی است که فریفته هوای خود شود.

بندگان خدا؛ بدانید که مقدار اندک ریا شرک است. و بدرستی که اخلاص عمل [نشانه] یقین است. و هوس بسوی دوزخ می برد. و همنشینی با اهل هرزگی موجب فراموشی قرآن، و حاضر شدن شیطان می شود. و تغییر دادن ماههای حرام [که در جاهلیت مرسوم بوده] فرو رفتن در کفر است. و رفتار گناهکاران خشم خدای مهربان را بدنبال دارد. و خشم خدا [آنان را] بسوی دوزخ می برد. و گفتگو با زنان [نامحرم] شخص را بسوی بلا می کشاند. و قلبها را می لغزاند. و نگاه کردن به آنان نور بصیرت قلبها را خاموش می کند. و چشمک زدن دام شیطان است. و همنشینی با شاهان آتش دوزخ را شعله ور می کند.

عِبَادَ اللَّهِ! اصْدُقُوا؛ فَإِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّادِقِينَ، وَجَانِبُوا الكَذِبَ؛ فَإِنَّهُ مُجَانِبٌ لِلإِيمَانِ، وَإِنَّ الصَّادِقَ عَلَى شَرَفٍ مَنجَاهٍ وَكَرَامَةٍ، وَالكَاذِبَ عَلَى شَفَا مَهْوَاهِ (١) وَهَلَكَةٍ، وَقُولُوا الحَقَّ تَعْرِفُوا بِهِ، وَاعْمَلُوا بِهِ تَكُونُوا مِنْ أَهْلِهِ، وَأَدُّوا الأَمَانَةَ إِلَى مَنْ ائْتَمَنَكُمْ عَلَيْهَا، وَصَلُّوا أَرْحَامَ مَنْ قَطَعَكُمْ، وَعُودُوا بِالْفَضْلِ عَلَى مَنْ حَزَمَكُمْ، وَإِذَا عَاقَدْتُمْ فَأَوْفُوا، وَإِذَا حَكَمْتُمْ فَاعْدِلُوا، وَإِذَا ظَلَمْتُمْ فَاصْبِرُوا، وَإِذَا اسْتَيْءَ إِلَيْكُمْ فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا كَمَا تُحِبُّونَ أَنْ يُعْفَى عَنْكُمْ. وَلَا تَفَاخَرُوا بِالأَبَاءِ، «وَلَا تَتَنَابَزُوا» (٢) بِالأَلْقَابِ بِئْسَ الأَسْمُ الفُسُوقُ بَعْدَ الإِيْمَانِ، وَلَا تَمَازِحُوا (٣)، وَلَا تَغَاضَبُوا، وَلَا تَبَاذَحُوا، «وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا» (٤) وَلَا تَحَاسَدُوا؛ فَإِنَّ الحَسِيْدَ يَأْكُلُ الإِيْمَانَ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الحَطَبَ، وَلَا تَبَاغِضُوا فَإِنَّهَا الحَالِقَةُ، وَأَفْشُوا السَّلَامَ فِي العَالَمِ، وَرُدُّوا التَّحِيَّةَ عَلَى أَهْلِهَا بِأَحْسَنِ مِنْهَا، وَارْحَمُوا الأَرْمَلَةَ وَالتَّيْمَانَ، وَأَعِينُوا الضَّعِيفَ وَالمَظْلُومَ وَالعَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَالمُكَاتَبِ وَالمَسَاكِينِ، وَانصُرُوا المَظْلُومَ، وَأَعْطُوا الفُرُوضَ، وَجَاهِدُوا أَنْفُسَكُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ؛ فَإِنَّهُ شَدِيدُ العِقَابِ، وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَأَقْرُوا الضَّعِيفَ، وَاحْسِنُوا الوُضُوءَ، وَحَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ الخَمْسِ فِي أوقَاتِهَا؛ فَإِنَّهَا مِنَ اللَّهِ - جَلَّ وَعَزَّ - بِمَكَانٍ: «وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ» (٥)، «وَتَعَاوَنُوا عَلَى البِرِّ وَالتَّقْوَى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الإِثْمِ وَالعُدْوَانِ» (٦)، «اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ يَ وَلا تَمُوتُنَّ إِيَّالًا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» (٧).

وَاعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ! أَنَّ الأَمَلَ يُذْهِبُ العَقْلَ وَيُكْذِبُ الوَعْدَ وَيُحِثُّ عَلَى العَفْلَةِ وَيُورِثُ الحَسْرَةَ؛

ص: ١٨٨

- ١- شفا: أى جانب. المهواه: البئر العميقة والجو، وما بين الجبلين ونحو ذلك (النهاية وأقرب الموارد).
- ٢- التنابز بالألقاب: أن تدعو إنساناً بلقب يكرهه.
- ٣- التمازح: التداعب والتلاعب. والتباذخ: التفاخر.
- ٤- . سورة الحجرات الآية: ١٢.
- ٥- سورة البقرة الآية: ١٥٨، وقوله: «تطوع» أى تبرع.
- ٦- . سورة المائدة الآية: ٢.
- ٧- . سورة آل عمران الآية: ١٠٢.

بندگان خدا؛ راستگو باشید که خداوند با راستگویان است. و از دروغ پرهیز کنید که دروغ از ایمان دور است. و بدرستی که راستگو دارای شرف نجات و کرامت است. و دروغگو بر لبه پرتگاه و هلاکت است. و سخن حق بگویید تا به حق شناخته شوید. و به حق رفتار کنید تا اهل آن باشید. و امانت را به کسی که به شما سپرده برسانید. و با خویشاوندانی که از شما قطع رابطه کرده اند رابطه برقرار کنید. و به کسی که شما را محروم کرده احسان کنید. و به پیمان خود وفادار باشید. و در قضاوت عدالت ورزید. و اگر به شما ستم شد صبور باشید. و اگر به شما بدی شد عفو و گذشت کنید. چنان که دوست دارید شما را عفو کنند. و به پدران خود تفاخر [فخر فروشی] نکنید. و بر یکدیگر نامهای زشت نگذارید. که پس از ایمان آوردن، گناه کردن بسیار زشت است.

و با یکدیگر شوخی زننده نکنید. و همدیگر را به خشم نیاورید. و فخر فروشی نکنید.

و از غیبت کردن دیگران پرهیزید. آیا کسی دوست دارد که گوشت جسد مرده برادرش را بخورد؟ حسادت نورزید که حسد ایمان را نابود می کند. چنانکه آتش هیزم را می سوزاند.

به همدیگر کینه توز نباشید که ریشه کن کننده است [و دوستی را ریشه کن می کند]. و سلام را در دنیا آشکار کنید. و جواب سلام را بهتر از آن بدهید. و به بیوه زن و یتیم مهربانی کنید.

و به ضعیف و مظلوم و بدهکار و در راه خدا و در راه بازماندگان و گدایان و برای آزادی اسیران و گرفتاران و فقیران یاری رسانید. و برای رهایی مظلوم تلاش کنید. و واجبات مالی [از قبیل خمس، زکات،...] را پردازید. و برای خدا آن چنانکه شایسته است جهاد با نفس کنید. زیرا خداوند سخت کیفر می دهد. و در راه خدا جهاد کنید. و از میهمان پذیرائی کنید. و با دقت و نیکو وضو بگیرید. و نمازهای پنج گانه را در اول وقت بجا آورید. که نماز نزد خداوند مقام شایسته ای دارد. و هر کس با رغبت خیری را [از مستحبات و کارهای نیکو] انجام دهد خداوند قدر شناس و داناست. و در کارهای نیکو و تقوا همکاری کنید. و در گناه و ستمگری مشارکت نکنید. و آنچنان که شایسته است از خدا پروا داشته باشید. و جز با ایمان از دنیا نروید. [تا آخر عمر بر ایمان خود پایدار باشید].

بندگان خدا بدانید: که آرزو عقل را می برد. و وعده [الهی] را تکذیب می کند. و به غفلت وادار می سازد. و حسرت به بار می آورد. پس آرزو را تکذیب کنید. که فریبنده

فَأَكْذِبُوا الْأَمَلَ فَإِنَّهُ غَرُورٌ وَإِنَّ صَاحِبَهُ مَأْزُورٌ (١) ، فَاعْمَلُوا فِي الرَّغْبَةِ وَالرَّهْبَةِ ، فَإِنَّ نَزَلَتْ بِكُمْ رَغْبَةٌ فَاشْكُرُوا وَاجْمَعُوا مَعَهَا رَغْبَةً ؛ فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ تَأَذَّنَ لِلْمُسْلِمِينَ بِالْحُسْنَى ، وَلِمَنْ شَكَرَ بِالزِّيَادَةِ ، فَإِنِّي لَمْ أَرْ مِثْلَ الْجَنَّةِ نَامَ طَالِبُهَا ، وَلَا كَالنَّارِ نَامَ هَارِبُهَا ، وَلَا أَكْثَرَ مُكْتَسَبًا مِمَّنْ كَسَبَهُ لِيَوْمٍ تَدْخَرُ فِيهِ الذَّخَائِرُ وَتُبْلَى فِيهِ السَّرَائِرُ ، وَإِنَّ مَنْ لَا يَنْفَعُهُ الْحَقُّ يَضُرُّهُ الْبَاطِلُ ، وَمَنْ لَا يَسْتَقِيمُ بِهِ الْهُدَى تَضُرُّهُ الضَّلَالَةُ ، وَمَنْ لَا يَنْفَعُهُ الْيَقِينُ يَضُرُّهُ الشَّكُّ ، وَإِنَّكُمْ قَدْ امْرُتُمْ بِالظَّنِّ (٢) وَدَلَّيْتُمْ عَلَى الزَّادِ ، أَلَا - إِنَّ أَخَوْفَ مَا اتَّخَوْفُ عَلَيْكُمْ اثْنَانِ : طَوْلُ الْأَمَلِ وَاتِّبَاعُ الْهَوَى .

أَلَا وَإِنَّ الدُّنْيَا قَدْ أَدْبَرَتْ وَأَذْنَتْ بِانْفِلَاحِ (٣) ، أَلَا - وَإِنَّ الْآخِرَةَ قَدْ أَقْبَلَتْ وَأَذْنَتْ بِاطِّلَاعِ . أَلَا وَإِنَّ الْمِضْمَارَ (٤) الْيَوْمَ وَالسَّبَاقَ (٥) عَدَاءً ، أَلَا - وَإِنَّ السُّبْقَةَ الْجَنَّةَ وَالغَايَةَ النَّارَ . أَلَا وَإِنَّكُمْ فِي أَيَّامٍ مَهَلٍ (٦) مِنْ وَرَائِهِ أَحْيَلٌ ، يَحْتُهُ [ال] عَجَلٌ ؛ فَمَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ عَمَلَهُ فِي أَيَّامِهِ قَبْلَ حُضُورِ أَجَلِهِ نَفَعَهُ عَمَلُهُ وَلَمْ يَضُرَّهُ أَجَلُهُ ، وَمَنْ لَمْ يَعْمَلْ فِي أَيَّامٍ مَهَلِهِ ضُرَّهُ أَجَلُهُ وَلَمْ يَنْفَعَهُ عَمَلُهُ .

عِبَادَ اللَّهِ ! افْرَعُوا إِلَى قِيَامِ دِينِكُمْ بِإِقَامِ الصَّلَاةِ لَوَقْتِهَا ، وَإِبْتَاءِ الزَّكَاةِ فِي حِينِهَا ، وَالتَّضَرُّعِ وَالْخُشُوعِ ، وَصِلَةِ الرَّحِمِ ، وَخَوْفِ الْمَعَادِ ، وَإِعْطَاءِ السَّائِلِ ، وَإِكْرَامِ الضَّعِيفِ [وَالضَّعِيفِ] ، وَتَعَلُّمِ الْقُرْآنِ وَالْعَمَلِ بِهِ ، وَصِدْقِ الْحَدِيثِ ، وَالْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ ، وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ إِذَا اتُّمِنْتُمْ ، وَارْغَبُوا فِي ثَوَابِ اللَّهِ وَارْهَبُوا عِذَابَهُ ، وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ، وَتَزَوَّدُوا مِنَ الدُّنْيَا مَا تَحْرُزُونَ بِهِ أَنْفُسَكُمْ ، وَاعْمَلُوا بِالْخَيْرِ تُجْزَوْا بِالْخَيْرِ ، يَوْمَ يَفُوزُ بِالْخَيْرِ مَنْ قَدَّمَ الْخَيْرَ . أَقُولُ قَوْلِي وَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ لِي وَلَكُمْ . (٧)

ص: ١٩٠

١- مأزور: أى آثم؛ يعنى صاحب الأمل يآثم. قال عليه السلام: «إن أخوف ما أخاف عليكم اتّباع الهوى وطول الأمل» كما سيأتى.

٢- الظن: الرحيل، والأمر تكويني، والمراد بالزاد عمل الصالحات وترك السيئات.

٣- الانقلاع: مطاوعه القلع؛ أى آذنت الدنيا بالذهاب، وعبر عنه بالانقلاع لصعوبته على الإنسان كأنه ينقلع. الاطلاع: الظهور؛ من اطلع الشمس: أى ظهر.

٤- المضمار: الموضع الذى تضمّر فيه الخيل، ويكون وقتاً للأيام التى تضمّر فيها.

٥- السباق: المسابقة. والسبقه - بالضم -: السبق؛ أى ما يوضع بين أهل السباق؛ وهو ما يراهنون عليه.

٦- المهل: التّوده والتباطؤ (النهاية: ٣٧٥/٤).

٧- . تحف العقول، ص ١٥٠-١٥٣.

است. و آرزومند گنهکار است.

و با رغبت [به پاداش الهی] و هراس [از کیفر] رفتار کنید. و اگر رغبت به شما روی آورد شکر گزارید. و رغبت دیگری بدست آورید. که خداوند به مسلمان وعده پاداش و به شاکران وعده فزونی داده است. من چیزی مانند بهشت را ندیده ام که جویای آن خفته است. و مانند دوزخ ندیده ام که فرار کننده از آن در خواب است و کسی ندیده ام که برای ذخیره برای روزی که باید برای آن ذخیره کرد [قیامت] که در آن روز نهران ها آشکار می شود، کسب کند. کسی که از حق سود نبرد، باطل به او زیان رساند. و کسی که هدایت او را به راه راست نیاورد، گمراهی به او ضرر می زند. و کسی که یقین به او نفع نرساند، از شک زیان بیند. شما به کوچ کردن مأمور شده اید. و به توشه راهنمایی شده اید. آگاه باشید:

مخوف ترین چیزی که بر شما بیم دارم دو چیز است: آرزوهای دراز و هوسرانی. آگاه باشید: که دنیا روی گرداننده و زوال و نابودی آغاز گشته است. آگاه باشید: که آخرت پیش روی شماست و [شما را] آگاه نموده است. آگاه باشید: که امروز مسابقه است و فردا نتیجه.

آگاه باشید: که جایزه بهشت است و پایان کار [بازنده] دوزخ است. آگاه باشید که شما روزهای مهلت را می گذرانید. و پس از آن مرگ است که با شتاب فرا می رسد. پس کسی که قبل از رسیدن مرگ رفتار خود را برای خدا خالص سازد، عملش مفید است، و از مرگ زیان نمی بیند. و کسی که در روزهای مهلت کاری نکند، با مرگ ضرر می کند و عملش برای او نفعی ندارد. بندگان خدا؛ بکوشید برای استواری دین خود با برپایی نماز در وقت، و پرداخت زکات به هنگام، فروتنی و خشوع، و صله رحم، و هراس از رستاخیز، و بخشش به فقیر، و مراعات ضعیف، و آموزش قرآن، و عمل به آن، و راست گویی، و وفای به عهد، و رساندن امانت هنگامی که امانتی به شما سپردند. و بسوی ثواب تمایل ورزید. و از عذاب او بهراسید. و در راه خدا با مال و جان خود جهاد کنید. و از دنیا توشه ای که با آن خود را حفظ کنید بگیرید. و احسان نمایید. تا در روزی که کسانی که خیری پیش فرستاده اند، رستگار می شوند شما نیز به پاداش خیر برسید. گفتارم به پایان می برم و برای خودم و شما از خدا آمرزش می طلبم.

ص: ۱۹۱

نَوَاهِي النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

٣٩٨٠. وَرَوَى الصَّدُوقُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ نَهَى عَنْ عَمَلِهِ أُمُورٍ كَثِيرَةٍ؛ وَالنَّهْيُ عَنْ بَعْضِهَا تَحْرِيمِيٌّ، وَعَنْ بَعْضِهَا تَنْزِيهِيٌّ كَرَاهَتِيٌّ، وَنَذَكُرُ بُدْأً مِنْ ذَلِكَ فِي الْمَقَامِ.

فَنَهَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنِ الْأَكْلِ عَلَى الْجَنَابَةِ، وَعَنِ السُّوَائِكِ فِي الْحَمَامِ، وَالْتَنَحُّعِ فِي الْمَسَاجِدِ؛ وَقَالَ: لَا تَجْعَلُوا الْمَسَاجِدَ طُرُقًا حَتَّى تُصَلُّوا فِيهَا رَكَعَتَيْنِ.

وَنَهَى عَنْ أَنْ يَبُولَ أَحَدٌ تَحْتَ شَجَرِهِ مُثْمِرِهِ، أَوْ عَلَى قَارِعِهِ الطَّرِيقِ.

وَنَهَى أَنْ يَأْكُلَ الْإِنْسَانُ بِشِمَالِهِ (١) وَأَنْ يَأْكُلَ وَهُوَ مُتَّكِيٌّ (٢).

وَنَهَى أَنْ يُجَصَّصَ الْمَقَابِرُ وَيُصَلَّى فِيهَا.

وَقَالَ: إِذَا اغْتَسَلَ أَحَدُكُمْ فِي فِضَاءٍ مِنَ الْأَرْضِ فَلْيَحَازِرْ عَلَى عَوْرَتِهِ.

وَنَهَى أَنْ يَبُولَ أَحَدٌ فِي الْمَاءِ الزَّاكِدِ.

وَقَالَ: إِذَا دَخَلْتُمُ الْغَائِطَ فَتَجَبَّأُوا الْقِبْلَةَ (٣).

وَنَهَى عَنِ الرَّثْنِ (٤) عِنْدَ الْمُصَيَّبِ.

وَنَهَى عَنِ النَّيَاحَةِ (٥) وَالِاسْتِمَاعِ إِلَيْهَا.

وَنَهَى أَنْ يَكْذِبَ الرَّجُلُ فِي رُؤْيَاهُ مُتَعَمِّدًا؛ وَقَالَ: يُكَلِّفُهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنْ يَعْقِدَ عَلَى شُعَيْرِهِ وَمَا هُوَ بِعَاقِدِهَا.

وَنَهَى عَنِ التَّصَاوِيرِ؛ وَقَالَ: مَنْ صَوَّرَ صُورَةَ كَلْفَةِ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنْ يَنْفَخَ فِيهَا وَلَيْسَ بِنَافِخٍ.

وَنَهَى أَنْ يُحْرَقَ (٦) شَيْءٌ مِنَ الْحَيَوَانِ بِالنَّارِ.

ص: ١٩٢

١- . نهى عن الأكل بالشمال؛ لأن الشمال للأمور السافله كالاستنجاء وغيره كما في الحديث: «كان صلى الله عليه وآله يحب التيمن في اموره في لبسه وتنعله وترجله».

٢- . ونهى عن الأكل متكئاً لأنه من أخلاق المتكبرين.

٣- . قيل لموضع قضاء الحاجة الغائط؛ لأن العاده أن الحاجة تقضى في المنخفض من الأرض حيث هو أستر له ثم اتسع فيه حتى صار يُطلق على النجو نفسه (النهاية: ٣/٣٩٥).

٤- . الرّنه: الصوت، رنّ الرجل رنيناً: صاح ورفع صوته بالبكاء.

٥- . النياحه: من ناحت المرأة الميت؛ بكت عليه بصياح وعويل. والأخبار في النّوح على الميت وكسب النائح كثيره، فراجع الوسائل كتاب التجاره.

٦- . إحراق الحيوان منهى عنه، كما أنّ قتلَ الحيوان غير المؤذى منهى أيضاً، بل إيذاؤه أيضاً، منهى كما ورد في آداب ذبح الحيوان من تحديد الشفره والذبح بسرعه لئلا يتأذى الحيوان.

اموری که پیامبر صلی الله علیه و آله از آنها نهی فرموده اند

۳۹۸۰. شیخ صدوق از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده است که آن حضرت از امور بسیاری نهی فرموده اند.

که نهی در بعضی موارد حاکی از حرام بودن و در بعضی موارد حاکی از کراهت است. و ما در اینجا گزیده ای را ذکر می کنیم.

پیامبر صلی الله علیه و آله نهی فرمودند از خوردن در حال جنابت، و مسواک زدن در حمام، و انداختن آب دهان و بینی در مسجد، و فرمودند از مسجد عبور نکنید مگر اینکه در آن دو رکعت نماز بجا آورید. نهی فرمودند از ادرار کردن زیر درخت میوه، یا در وسط راه.

نهی فرمودند از خوردن با دست چپ یا در حال تکیه دادن.

نهی فرمودند از گچ کاری مقبره و نماز خواندن در آن.

حضرت فرمودند: وقتی کسی در فضای آزاد غسل می کند، مراقب پوشاندن عورت خود باشد.

و نهی فرمودند از ادرار کردن در آب راکد.

و فرمودند هنگامی که به توالت می روید رو به قبله ننشینید.

و از گریه کردن با صدای بلند هنگام مصیبت نهی فرمودند.

و از نوحه گری زن برای میت و شنیدن صدای آن نهی فرمودند.

و نهی فرمودند از اینکه کسی عمداً و به دروغ خواب و رؤیایی بسازد و نقل کند و فرمودند: خداوند در قیامت به کسی که به دروغ رؤیا و خواب نقل کند، فرمان می دهد که حبه جو را گره بزند و او نمی تواند گره بزند.

پیامبر صلی الله علیه و آله از تصویرگری نهی فرمودند. و گفتند: کسی که صورتی را تصویر کند، خداوند در قیامت به او تکلیف می کند که در آن روح بدمد و او نمی تواند روح بدمد.

و از سوزاندن حیوان منع فرمودند.

وَنَهَى أَنْ يَدْخُلَ الرَّجُلُ فِي سَوْمٍ (١) أَخِيهِ الْمُسْلِمِ.

وَنَهَى أَنْ يُكْثَرَ الْكَلَامُ عِنْدَ الْمُجَامَعَةِ.

وَقَالَ: لَا تُبَيِّنُوا الْقُمَامَةَ (٢) فِي بُيُوتِكُمْ وَأَخْرِجُوهَا نَهَارًا؛ فَإِنَّهَا مَقْعَدُ الشَّيْطَانِ.

وَقَالَ: لَا يَبِيِّنَنَّ أَحَدُكُمْ وَيَدُهُ غَمْرَةٌ (٣) فَإِنْ فَعَلَ فَأَصَابَهُ لَمَمٌ (٤) الشَّيْطَانِ فَلَا يَلُومَنَّ الْإِنْفَسَةَ.

وَنَهَى أَنْ تَخْرُجَ الْمَرْأَةُ مِنْ بَيْتِهَا بِغَيْرِ إِذْنِ زَوْجِهَا، فَإِنْ خَرَجَتْ لَعْنَهَا كُلُّ مَلَكٍ فِي السَّمَاءِ.

وَنَهَى أَنْ تَتَزَيَّنَ لِغَيْرِ زَوْجِهَا، فَإِنْ فَعَلَتْ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُحْرِقَهَا بِالنَّارِ.

وَنَهَى أَنْ تُبَاشِرَ الْمَرْأَةُ الْمَرْأَةَ وَلَيْسَ بَيْنَهُمَا ثَوْبٌ.

وَنَهَى أَنْ تُحَدِّثَ الْمَرْأَةُ الْمَرْأَةَ بِمَا تَخْلُو بِهِ مَعَ زَوْجِهَا.

وَنَهَى أَنْ يُجَامِعَ الرَّجُلُ أَهْلَهُ مُسْتَقْبِلَ الْقِبْلَةِ.

وَنَهَى عَنِ إِيْتَانِ الْعَرَافِ (٥).

وَنَهَى عَنِ اللَّعِبِ بِالنَّرْدِ وَالشُّطْرَنْجِ وَالْكُوبَةِ وَالْعُرْطَبَةِ؛ وَهِيَ الطُّنْبُورُ وَالْعُودُ.

وَنَهَى عَنِ الْغَيْبَةِ وَالِاسْتِمَاعِ إِلَيْهَا.

وَنَهَى عَنِ النَّمِيمَةِ وَالِاسْتِمَاعِ إِلَيْهَا؛ وَقَالَ: لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ قَتَاتٌ؛ يَعْنِي نَمَامًا.

وَنَهَى عَنِ إِجَابَةِ الْفَاسِقِينَ إِلَى طَعَامِهِمْ (٦).

ص: ١٩٤

١- نهى أن يسوم الرجل على سوم أخيه، والمنهى عنه أن يتساوم المتبايعان في السلعة ويتقارب الانعقاد، فيجىء رجل آخر يريد أن يشتري تلك السلعة ويخرجها من يد المشتري الأول بزياده على ما استقر الأمر عليه بين المتساومين ورضيا به قبل الانعقاد، فذلك ممنوع عند المقاربه لما فيه من الإفساد ومباح فى أول العرض والمساومه.

٢- القمامه - بالضم -: الكناسه (مجمع البحرين: ٥٥٠/٣).

٣- الغمره - بالتحريك -: الدسم والزهومه من اللحم أى رائحته. والزهمه الريح المنتنه.

٤- اللمم: طرف من الجنون يلم بالإنسان أى يقرب منه ويعتريه (النهايه: ٢٧٢/٤).

٥- العراف: المنجّم أو الحازى الذى يدعى علم الغيب. والحازى الذى يحزر الأشياء ويقدرها بظنه (النهايه: ٢١٨/٣ و ج

٦- . إجابتهمن منهى عنها لأمر كلها محتمله؛ إما لشبهه فى أموالهم، أو للتأثير الحاصل من مجالستهم، أو لتهمة الحاصله من قربهم، أو لأنّ البلاء إذا نزل عليهم يشمله إذا كان معهم كما فى الحديث. هذا وأمّا بالنظر إلى العناوين الطارئة كالنهى عن المنكر إذا كان الإجابة تنبيهاً لهم وردعاً فيجب، وكذا إذا كان إجابتهم موهناً له بنفسه وخطاً من كرامته، وأمّا إن كانت الإجابة لإصلاحهم وتأليفهم فتكون واجبة أو مستحبة وهكذا....

و از وارد شدن [پیشنهاد بیشتر دادن] کسی در معامله ای که برادر مسلمانی با کسی در حال انجام دادن است نهی فرمودند.

از سخن زیاد گفتن در هنگام نزدیکی منع فرمودند.

فرمودند: زباله را شب در خانه نگه ندارید. و روزانه از خانه بیرون ببرید. زیرا جایگاه شیطان است.

فرمودند: شب با دست آلوده و چرب نخوابید. و اگر کسی چنین کرد و شیطان به او آسیبی رساند جز خودش را سرزنش نکند.

و از خارج شدن زن از خانه بدون اجازه شوهر نهی فرمودند. و اگر خارج شود همه فرشتگان آسمان او را لعنت می کنند. [تا زمانی که به خانه باز گردد].

و از آرایش کردن زن برای غیر شوهر نهی فرمودند. و اگر زنی چنین کند خداوند او را در دوزخ گرفتار می کند.

از همبستر شدن زن با زن دیگر بدون لباس نهی فرمودند.

و از سخن گفتن زن در مورد خلوت با شوهرش برای زنان دیگر نهی فرمودند.

و از نزدیکی کردن با همسر رو به طرف قبله نهی فرمودند.

و از مراجعه به پیشگو [رّمال، کاهل، فالگیر و...] نهی فرمودند.

و از بازی با نرد و شطرنج و تار و تنبور نهی فرمودند.

و از غیبت و شنیدن آن نهی فرمودند.

و از سخن چینی و شنیدن آن نهی فرمودند. و گفتند: سخن چین وارد بهشت نمی شود.

و از پذیرفتن دعوت گنهکاران برای صرف غذا نهی فرمودند.

وَنَهَى عَنِ الْيَمِينِ الْكَاذِبِ؛ وَقَالَ: إِنَّهَا تَتْرُكُ الدِّيَارَ بِلَاقِعِ (١)، وَقَالَ: مَنْ حَلَفَ يَمِينٍ كَاذِبَةٍ صَبْرًا لِيُقَطَعَ بِهَا مَالُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَهُوَ عَلَيْهِ غَضَبَانُ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ وَيَرْجِعَ.

وَنَهَى عَنِ الْجُلُوسِ عَلَى مَائِدَةٍ يُشْرَبُ عَلَيْهَا الْخَمْرُ.

وَنَهَى عَنِ الْمُحَادَثَةِ الَّتِي تَدْعُو إِلَى غَيْرِ اللَّهِ.

وَنَهَى عَنِ تَصْفِيْقِ (٢) الْوَجْهِ .

وَنَهَى عَنِ الشُّرْبِ فِي آتِيهِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ.

وَنَهَى عَنِ لُبْسِ الْحَرِيرِ وَالذَّبِيحِ وَالْقَزِّ (٣) لِلرِّجَالِ، فَأَمَّا النِّسَاءُ فَلَا بَأْسَ.

وَنَهَى عَنِ أَنْ تُبَاعَ الثَّمَارُ حَتَّى تَرْهُو؛ يَعْنِي تَصْفَرُّ أَوْ تَحَمَّرَ.

وَنَهَى عَنِ الْمُحَاقَلَةِ؛ يَعْنِي عَنِ بَيْعِ التَّمْرِ بِالرُّطْبِ وَالزَّيْبِ بِالْعَنْبِ وَمَا أَشْبَهَ ذَلِكَ.

وَنَهَى عَنِ بَيْعِ النَّرْدِ، وَأَنْ يُشْتَرَى الْخَمْرُ، وَأَنْ يُسْقَى الْخَمْرُ؛ وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَعَنَ اللَّهُ الْخَمْرَ، وَغَارِسِيَهَا، وَعَاصِرِيَهَا، وَشَارِبِيَهَا، وَسَاقِيَهَا، وَبَايِعِيَهَا، وَمُشْتَرِيَهَا، وَأَكَلَ ثَمَنِيهَا، وَحَامِلِيهَا، وَالْمَحْمُولَةَ إِلَيْهِ .

وَنَهَى عَنِ أَكْلِ الرَّبَا وَشَهَادَةِ الزُّورِ (٤) وَكِتَابَةِ الرَّبَا؛ وَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ أَكْلَ الرَّبَا، وَمُوكَلَّهُ، وَكَاتِبَهُ، وَشَاهِدِيَهُ .

وَنَهَى عَنِ بَيْعِ وَسَلْفِ (٥).

وَنَهَى عَنِ بَيْعِ فِي بَيْعِ (٦).

ص: ١٩٦

١- البلاقع: جمع بلقع وبلقعه: الأرض القفر التي لا شيء بها. يريد أن الحالف يفتقر ويذهب ما في بيته من الرزق. وقيل: هو أن يفرق الله شمله ويغير عليه ما أولاه من نعمه (النهاية: ١٥١/١).

٢- الصفيق: الوقح. يقال وجه صفيق: أي وقح لحياء له. ويمكن أن يكون المراد من تصفيق الوجه ضربه بأن يلطم وجهه للإعلام أو للتعجب أو للمصيبة (راجع روضه المتقين: ٣٤٦/٩).

٣- الديباج: هو الثوب المتخذ من الأبريسم فارسي معرب. والقز: الأبريسم، وقيل: ضرب منه، معرب، وعن الليث: القز هو ما يسوى منه الأبريسم، ولهذا قال بعضهم: القز والإبريسم مثل الحنطة والدقيق.

٤- الزور: الكذب والباطل.

٥- هو مثل أن يقول: بعثك هذا العبد بألف على أن تسلفني ألفاً؛ في متاع، أو على أن تقرضني ألفاً؛ لأنه إنما يقرضه ليحاييه

فى الثمن؁ فىءءل فى ءء الجءاله؁ ولأن كل قرض جز منفعه فهو ربا (النهايه: ٣٩٠/٢).
٦- . هو أن يقوؑ: بعءك هذا الثوب نقداً بعشره ونسيئه بءمسه عشر؁ فلا يجوز لأنه لا يءرى أيهما الثمن الذى يءتاره ليقع عليه العءء؁ ومن صوره أن يقوؑ: بعءك هذا بعشرين على أن ءبيعنى ثوبك بعشره؁ فلا يصء للشرء الذى فيه (النهايه: ١٧٠/١).

و از سوگند دروغ نهی فرمودند و گفتند: قسم دروغ ویرانی بدنبال می آورد. و فرمودند:

کسی که سوگند دروغ یاد کند تا مال مسلمانی را ببرد، با خشم خدای عزیز و بزرگوار مواجه خواهد شد مگر اینکه توبه کند. و [مال را به صاحبش] برگرداند.

و از نشستن بر سفره ای که بر آن شراب می آشامند نهی فرمودند.

و از گفتگویی که به غیر خدا فراخواند نهی فرمودند.

و از زدن بر صورت در مصیبت [و یا بی حیایی و پرده دری] نهی فرمودند.

و از آشامیدن با ظرف طلا یا نقره نهی فرمودند.

و از پوشیدن لباس حریر و ابریشم برای مردان نهی فرمودند. اما برای زنان اشکال ندارد.

و از فروختن میوه قبل از زرد یا قرمز شدن نهی فرمودند.

و از معامله کردن خرما به رطب، و کشمش به انگور، و نظیر آنها نهی فرمودند.

و از خرید و فروش نرد نهی فرمودند.

و از خریدن شراب و ساقی شدن آن نهی فرمودند و گفتند: خداوند، شراب، و کشاورزی که به قصد شراب بکارد، و سازنده شراب، و شراب خوار، و فروشنده، و خریدار، و کسی که از پول شراب زندگی کند، و حمل کننده، و کسی که برای او می آورند را لعنت فرموده است.

و پیامبر صلی الله علیه و آله از خوردن ربا، و شهادت دروغ، و نوشتن [قرار داد] ربا نهی فرموده و گفتند: خداوند رباخوار و کار گزار آن و نویسنده و شاهد آن را لعنت نموده است.

و از معامله ای که در ضمن آن پیش فروش چیز دیگری شرط شود نهی فرمودند. [مثلاً یک کتاب را نقد بفروشد به شرطی که محصولات یک مزرعه را که هنوز نرسیده است پیش فروش کند].

و از دو معامله در یک قرار داد و عقد نهی فرمودند. [مثلاً در یک عقد قرار داد خانه ای را به مبلغی بفروشد و طرف مقابل هم خانه اش را به این شخص بفروشد].

وَنَهَى عَنِ بَيْعِ مَا لَيْسَ عِنْدَكَ (١).

وَنَهَى عَنِ بَيْعِ مَا لَمْ تَضْمَنْ (٢).

وَنَهَى عَنِ مُصَافَحَةِ الدَّمِيِّ.

وَنَهَى عَنِ ضَرْبِ وُجُوهِ الْبُهَائِمِ.

وَنَهَى أَنْ يَنْظُرَ الرَّجُلُ إِلَى عَوْرَةِ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ أَوْ عَوْرَةِ غَيْرِ أَهْلِهِ مُتَعَمِّدًا، وَقَالَ: مَنْ تَأَمَّلَ عَوْرَةَ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ لَعَنَهُ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ وَأَدْخَلَهُ اللَّهُ مَعَ الْمُنَافِقِينَ الَّذِينَ كَانُوا يَبْحَثُونَ عَنِ عَوْرَاتِ النَّاسِ، وَلَمْ يَخْرُجْ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَفْضَحَهُ اللَّهُ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ.

وَنَهَى أَنْ تَنْظُرَ الْمَرْأَةُ إِلَى عَوْرَةِ الْمَرْأَةِ.

وَنَهَى أَنْ يُصَلِّيَ الرَّجُلُ فِي الْمَقَابِرِ وَالطُّرُقِ وَالْأَرْحِيهِ (٣) وَالْأَوْدِيَةِ وَمَرَابِطِ (٤) الْإِبِلِ.

وَنَهَى عَنِ قَتْلِ النَّحْلِ.

وَنَهَى عَنِ الْوَسْمِ فِي وُجُوهِ الْبُهَائِمِ (٥).

وَنَهَى أَنْ يَحْلِفَ (٦) الرَّجُلُ بِغَيْرِ اللَّهِ.

وَنَهَى أَنْ يَقْعُدَ الرَّجُلُ فِي الْمَسْجِدِ وَهُوَ جُنُبٌ.

وَنَهَى عَنِ الْكَلَامِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَالْإِمَامُ يَخْطُبُ.

وَنَهَى عَنِ التَّخْتُمِ بِخَاتَمِ صُفْرٍ أَوْ حَدِيدٍ.

وَنَهَى أَنْ يُنْقَشَ شَيْءٌ مِنَ الْحَيَوَانِ عَلَى الْخَاتَمِ.

وَنَهَى عَنِ صِيَامِ سِتَّةِ أَيَّامٍ: يَوْمِ الْفِطْرِ وَيَوْمِ الشُّكْرِ، وَالنَّحْرِ، وَأَيَّامِ التَّشْرِيقِ.

وَنَهَى أَنْ يُشْرَبَ الْمَاءُ كَمَا تُشْرَبُ الْبُهَائِمُ؛ وَقَالَ: اشْرَبُوا بِأَيْدِيكُمْ فَإِنَّهَا أَفْضَلُ أَوْ أَيْدِيكُمْ.

ص: ١٩٨

١- . نهى عن بيع ما لا يملك؛ وهو أن يبيع مال الغير لنفسه ثم يشتريه ويعطيه (راجع المكاسب: بيع الفضولى، وراجع الوسائل: ٣٧٣/١٢-٣٧٥).

٢- . رواه فى الوسائل: ٢٦٦/١٢ الرقم ١٢، وقال فى روضه المتقين: ٣٤٧/٩ أى: ما لم يقبض فإنه فى ضمان البائع.

٣- . الأرحيه: جمع الرحي؛ أي الطاحون.

٤- . المربط: موضع ربط الدواب.

٥- . في الحديث: «أنه كان يسم إبل الصدقه» أي يُعلم عليها بالكَيّ، فمنهى أن يكون الوسم في الوجه، وورد ذلك في أخبار كثيره.

٦- . وردت أخبار كثيره في عدم جواز الحلف بغير الله تعالى (راجع الوسائل: ١٥٩/١٦).

و از فروختن مالی که در اختیار تو نیست نهی فرمودند. و از مثل مالی که خریده ای و هنوز تحویل نگرفته ای [فروختن در این حال را] نهی فرمودند.

و از دست دادن با کافر نهی فرمودند.

و از زدن به صورت حیوانات نهی فرمودند.

و از نگاه کردن عمدی مرد به عورت برادر مسلمان خود غیر از همسر نهی کرده و فرمودند: کسی که به عورت برادر مسلمان نگاه کند هفتاد هزار فرشته او را لعنت می کنند. و خداوند او را در گروه منافقانی قرار می دهد که در عورت مردم تجسس می کنند. و خداوند او را قبل از مرگ مفتضح و رسوا می کند مگر اینکه توبه کند.

و از نگاه کردن زن به عورت زن نهی فرمودند.

و از نماز خواندن در مقبره و راه و آسیاب و دره و آغل شتر نهی فرمودند.

و از کشتن زنبور عسل نهی فرمودند.

و از داغ زدن بر چهره حیوانات نهی فرمودند.

و از سوگند خوردن به غیر الله نهی فرمودند.

و از نشستن مرد جُنُب در مسجد نهی فرمودند.

و از سخن گفتن در نماز جمعه وقتی امام جمعه خطبه می خواند نهی فرمودند.

و از انگشتر مسی یا آهنی به دست کردن نهی فرمودند.

و از نقش تصویر حیوان روی انگشتر نهی فرمودند.

و از روزه گرفتن در شش روز [۱ - عید فطر ۲ - یوم الشک ۳ - عید قربان و ۴ - یازدهم و ۵ - دوازدهم و ۶ - سیزدهم ذی حجه] نهی فرمودند.

و از نوشیدن آب مانند حیوانات [سر را در ظرف آب فرو بردن و نوشیدن] نهی کرده و فرمودند: با دستان خود آب بنوشید. که بهترین ظرف است.

وَنَهَى عَنِ الْبُرَاقِ فِي الْبِرِّ الَّتِي يُشْرَبُ مِنْهَا.

وَنَهَى أَنْ يُسْتَعْمَلَ أَجِيرٌ حَتَّى يَعْلَمَ مَا أَجَرْتُهُ.

وَنَهَى عَنِ الْهَجْرَانِ، فَمَنْ كَانَ لِأَبَدٍّ فَاعِلًا فَلَا يَهْجُرُ أَخَاهُ أَكْثَرَ مِنْ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ.

وَنَهَى عَنِ بَيْعِ الذَّهَبِ بِالذَّهَبِ زِيَادَةً إِلَّا وَزَنًا بَوَازِنٍ.

وَنَهَى عَنِ الْمَدْحِ فَقَالَ: احْتُوا فِي وُجُوهِ الْمَدَّاحِينَ الثَّرَابَ.

وَقَالَ: مَنْ تَوَلَّى خُصُومَهُ ظَالِمٍ أَوْ أَعَانَ عَلَيْهَا ثُمَّ نَزَلَ بِهِ مَلَكُ الْمَوْتِ قَالَ لَهُ: أَبِشْرِ بِلَعْنَةِ اللَّهِ وَنَارِ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ.

وَقَالَ: مَنْ مَدَحَ سُلْطَانًا جَائِرًا وَتَخَفَّفَ وَتَضَمَّعَ لَهُ طَمَعًا فِيهِ كَانَ قَرِينَهُ فِي النَّارِ، وَقَالَ: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ» (١).

وَقَالَ: مَنْ وَلَّى جَائِرًا عَلَى جَوْرٍ كَانَ قَرِينًا هَامَانًا فِي جَهَنَّمَ.

وَقَالَ: مَنْ بَنَى بُنْيَانًا رِيَاءً وَسُمِعَهُ (٢) حَمَلَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْأَرْضِينَ السَّابِعَةِ وَهُوَ نَارٌ تَشْتَعِلُ، ثُمَّ يُطَوَّقُ فِي عُنُقِهِ وَيُلْقَى فِي النَّارِ، إِلَّا أَنْ يَتُوبَ.

وَقَالَ: مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ ثُمَّ شَرِبَ عَلَيْهِ حَرَامًا أَوْ آثَرَ عَلَيْهِ حُبَّ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا اسْتَوْجَبَ عَلَيْهِ سَخَطَ اللَّهِ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ، أَلَا وَإِنَّهُ إِنْ مَاتَ عَلَى غَيْرِ تَوْبَةٍ حَاجَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَلَا يُزَايِلُهُ إِلَّا مَدْحُضًا (٣).

أَلَا وَمَنْ زَنَى بِامْرَأَةٍ مُسْلِمَةٍ أَوْ يَهُودِيَّةٍ أَوْ نَصْرَانِيَّةٍ أَوْ مَجُوسِيَّةٍ حُرِّهَ أَوْ أَمَهَ، ثُمَّ لَمْ يَتُبْ مِنْهُ وَمَاتَ مُصْرَبًا عَلَيْهِ، فَتَحَّ اللَّهُ لَهُ فِي قَبْرِهِ ثَلَاثِمِئَةِ بَابٍ تَخْرُجُ مِنْهَا حَيَاتٌ وَعَقَارِبُ وَثُعْبَانٌ، فَهُوَ يَحْتَرِقُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

أَلَا وَإِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ الْحَرَامَ وَحَدَّ الْحُدُودَ، فَمَا أَحَدٌ أَغْيَرَ مِنَ اللَّهِ، وَمِنْ غَيْرَتِهِ حَرَّمَ الْفَوَاحِشَ.

وَنَهَى أَنْ يَطَّلِعَ الرَّجُلُ فِي بَيْتِ جَارِهِ.

ص: ٢٠٠

١- . سورة هود الآية: ١١٣.

٢- البناء رياءً وسمعه هو البناء مفاخره، وفي نفس الحديث: «قيل: يا رسول الله كيف يبني رياءً وسمعه؟ قال: يبني فضلاً على ما يكفيه استطالةً به على جيرانه، ومباهاةً لإخوانه».

٣- . الدحض: أي إبطال حجته، أي لا يزايله إلا بعد إتمام الحجج عليه وإبطال حجته يقال: دحضت حجته إذا بطلت.

و از انداختن آب دهان در چاه آب آشامیدنی نهی فرمودند.

و از بکار گرفتن اجیر قبل از تعیین اجرت نهی فرمودند.

و از قهر و قطع رابطه نهی فرمودند. و اگر کسی ناچار شود بیش از سه روز با برادر دینی خود قهر نکند.

و از فروختن طلا به طلای بیشتر نهی فرمودند مگر آنکه هم وزن باشند.

و از ستایش [چاپلوسانه] نهی فرمودند و گفتند: به چهره ستاینده خاک بپاشید. و فرمودند:

کسی که خصومت ستمگری را بعهده بگیرد [وکیل مدافع ظالمان شود] یا به او کمک کند آن گاه که بمیرد فرشته مرگ به او می گوید: لعنت خدا و آتش دوزخ بر تو باد. و بد سرانجامی است.

و فرمودند: کسی که به طمع پاداش فرمانروای ستمگری را ستایش کند و در برابر او کرنش و خاکساری کند در دوزخ با او همراه است. خداوند فرمود: «به ستمگران تکیه نکنید. که آتش شما را در بر می گیرد».

و فرمودند: کسی که از طرف ظالم عهده دار ستم کردن بر کسی باشد همنشین همامان در جهنم خواهد بود.

و فرمودند: کسی که ساختمانی را برای ریاکاری و خود نمایی بنا نهاد روز قیامت آن را از طبقه هفتم زمین در حالی که آتش شعله ور است و مانند طوق بر گردن اوست حمل می کند، در دوزخ سرنگون می گردد مگر اینکه توبه کند.

و فرمودند: کسی که قرآن قرائت کند سپس حرامی بپاشد یا محبت دنیا و زینت آن را برگزیند با این کار مستوجب دوزخ می گردد. مگر اینکه توبه کند. و اگر بدون توبه بمیرد، در قیامت قرآن با او احتجاج می کند و تا او را محکوم نکند رهاش نمی سازد.

آگاه باشید، کسی که با زن مسلمان یا یهودی یا مسیحی یا مجوسی یا کنیزی زنا کند و از این گناه توبه نکند و با تکرار آن بمیرد خداوند در قبر او سیصد سوراخ باز می کند که از آن مار و عقرب و اژدها وارد قبر او می شوند. و تا قیامت در عذاب می سوزد.

آگاه باشید: خداوند حرام را حرام نمود و کیفر گناهان را معین فرمود. و هیچکس از خدا غیرتمندتر نیست. و از غیرت خداست که فحشاء را حرام نمود.

و سرک کشیدن به خانه همسایه نهی فرمودند.

وَمَنْ لَمْ يَرْضَ بِمَا قَسَمَهُ اللَّهُ لَهُ مِنَ الرِّزْقِ وَبَثَّ شَكْوَاهُ وَلَمْ يَصْبِرْ وَلَمْ يَحْتَسِبْ لَمْ تُرْفَعْ لَهُ حَسَنَتُهُ، وَيَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَهُوَ عَلَيْهِ غَضَبَانُ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ.

وَنَهَى أَنْ يَخْتَالَ الرَّجُلُ فِي مَشِيهِ (١)؛ وَقَالَ: مَنْ لَبَسَ ثَوْبًا فَاخْتَالَ فِيهِ حَسَفَ اللَّهُ بِهِ مِنْ شَفِيرِ جَهَنَّمَ.

وَمَنْ ظَلَمَ امْرَأَةً مَهْرَهَا فَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ زَانٍ، فَيُؤْخَذُ (يَوْمَ الْقِيَامَةِ) مِنْ حَسَنَاتِهِ فَيُدْفَعُ إِلَيْهَا بِقَدْرِ حَقِّهَا، فَإِذَا لَمْ تَبْقَ لَهُ حَسَنَةٌ أَمَرَ بِهِ إِلَى النَّارِ بِنِكَتِهِ لِلْعَهْدِ «إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَشُورًا».

وَنَهَى عَنِ كِتْمَانِ الشَّهَادَةِ، قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ» (٢).

مَنْ آذَى جَارَهُ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ رِيحَ الْجَنَّةِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ.

وَمَنْ ضَيَّعَ حَقَّ جَارِهِ فَلَيْسَ مِنَّا، وَمَا زَالَ جَبْرَيْلُ يُوصِينِي بِالْجَارِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ سَيُورِّثُهُ، وَمَا زَالَ يُوصِينِي بِالسَّوَاكِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ سَيَجْعَلُهُ فَرِيضَةً، وَمَا زَالَ يُوصِينِي بِقِيَامِ اللَّيْلِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّ خِيَارَ أُمَّتِي لَنْ يَنَامُوا.

أَلَا وَمَنْ اسْتَخَفَّ بِفَقِيرٍ مُسْلِمٍ فَقَدْ اسْتَخَفَّ بِحَقِّ اللَّهِ، وَاللَّهُ يَسْتَخِفُّ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ.

مَنْ أَكْرَمَ فَقِيرًا مُسْلِمًا لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهُوَ عَنْهُ رَاضٍ.

وَمَنْ عَرَضَتْ لَهُ فَاحِشَةٌ أَوْ شَهْوَةٌ فَاجْتَنَبَهَا مِنْ مَخَافَةِ اللَّهِ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ النَّارَ.

أَلَا- وَمَنْ عَرَضَتْ لَهُ دُنْيَا وَآخِرَةٌ، فَاخْتَارَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَيْسَتْ لَهُ حَسَنَةٌ يَتَّقَى بِهَا النَّارَ، وَمَنْ اخْتَارَ الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا وَتَرَكَ الدُّنْيَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَغَفَرَ لَهُ مَسَاوِيَّ عَمَلِهِ.

وَمَنْ مَلَأَ عَيْنَهُ مِنْ حَرَامٍ مَلَأَ اللَّهُ عَيْنَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ النَّارِ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ وَيَرْجِعَ.

ص: ٢٠٢

١- أى لا يمشى مشى المتكبرين، ولا يلبس لباسهم للفخر على الفقراء (الروضة: ٣٦٩/٩-٣٧٠).

٢- . سورة البقرة الآية: ٢٨٣.

و کسی که به روزی خود که خدا قسمت فرموده خشنود نباشد، و شکایت کند، و صبر نکند، و آن را به حساب خدا نگذارد. و حسنه ای از او بالا نرود. و خداوند را در حال خشم ملاقات می کند. مگر اینکه توبه کند.

و از راه رفتن با تکبر نهی کرده و فرمودند: کسی که لباسی بپوشد و در آن فخر فروشی کند، خداوند او را در دوزخ فرو برد.

و کسی که در مهریه زنی ستم کند [مهریه اش را ندهد]. زناکار است. و در قیامت به قدر حق زن از ثواب او برداشته و به زن می دهند. و اگر ثواب کافی نداشته باشد، برای پیمان شکنی او را به آتش می اندازند. «همانا از عهد و پیمان سؤال خواهد شد».

و از کتمان شهادت نهی کردند. خداوند تبارک و تعالی فرمود: «شهادت را پنهان نکنید.

و کسی که پنهان کند قلبش گنهکار است».

کسی که همسایه اش را اذیت کند، خداوند بوی بهشت را بر او حرام نماید. و جایگاهش دوزخ است که بد جایگاهی است.

کسی که حق همسایه اش را ضایع کند از ما [مسلمان] نیست. و جبرئیل پیوسته در مورد همسایه به من توصیه می فرمود، بقدری که گمان بردم که همسایه ارث می برد. و پیوسته در مورد مسواک زدن به من توصیه می فرمود، بقدری که گمان بردم مسواک زدن را واجب می کند. و پیوسته در مورد نماز شب به من توصیه می فرمود، بقدری که گمان بردم که خوبان امت من هرگز [شب] نمی خوابند.

آگاه باشید کسی که فقیر مسلمانی را تحقیر کند، حق خدا را کوچک شمرده است. و خداوند در قیامت او را تحقیر خواهد کرد. مگر اینکه توبه کند.

کسی که به فقیر مسلمانی احترام نماید، روز قیامت با خشنودی خدا روبرو شود.

کسی که برایش زن نامحرمی فراهم شود یا شهوت پیش آید، و از ترس خدا از آن خودداری کند، خداوند جهنم را بر او حرام سازد.

آگاه باشید، کسی که دنیا و آخرت برایش میسر شود و دنیا را بر آخرت ترجیح دهد، در قیامت خدا را در حالی ملاقات کند که حسنه ای ندارد تا با آن خود را از آتش حفظ کند. و کسی که آخرت را برگزیند و دنیا را رها کند، خداوند از او خشنود شود. و رفتار زشت او را می آمرزد.

وَمَنْ صَافَحَ امْرَأَةً تَحْرُمُ عَلَيْهِ فَقَدْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ.

وَمَنْ التَّرَمَّ امْرَأَةً حَرَامًا قُرِنَ فِي سِلْسِلِهِ مِنْ نَارٍ مَعَ شَيْطَانٍ، فَيَقْذِفَانِ فِي النَّارِ.

وَمَنْ عَشَّ مُسْلِمًا فِي بَيْعٍ أَوْ شِرَاءٍ فَلَيْسَ مِنَّا، وَيُحْشَرُ مَعَ الْيَهُودِ؛ لِأَنَّهُمْ أَغَشَّ الْخَلْقَ لِلْمُسْلِمِينَ.

وَنَهَى أَنْ يَمْنَعَ أَحَدُ الْمَاعُونَ (١) جَارَهُ، وَقَالَ: مَنْ مَنَعَ الْمَاعُونَ جَارَهُ مَنَعَهُ اللَّهُ خَيْرَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

وَأَيُّمَا امْرَأَةٍ (٢) آذَتْ زَوْجَهَا بِلِسَانِهَا لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهَا صِرْفًا وَلَا عَدْلًا وَلَا حَسَنَةً حَتَّى تُرْضِيَهُ، وَكَذَلِكَ الرَّجُلُ إِذَا كَانَ لَهَا ظَالِمًا.

أَلَا وَمَنْ لَطَمَ خَدَّ امْرِئٍ مُسْلِمٍ أَوْ وَجْهَهُ، بَدَّدَ اللَّهُ عِظَامَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَحُشِرَ مَغْلُوبًا حَتَّى يَدْخُلَ جَهَنَّمَ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ.

وَمَنْ بَاتَ وَفِي قَلْبِهِ غِشٌّ (٣) لِأَخِيهِ الْمُسْلِمِ بَاتَ فِي سَخَطِ اللَّهِ وَأَصْبَحَ كَذَلِكَ حَتَّى يَتُوبَ.

وَنَهَى عَنِ الْغِيْبَةِ.

وَقَالَ: مَنْ كَظَمَ غِيْظًا وَهُوَ قَادِرٌ عَلَىٰ إِنْقَاذِهِ وَحَلَّمَ عَنْهُ، أَعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ شَهِيدٍ.

أَلَا وَمَنْ تَطَوَّلَ عَلَىٰ أَخِيهِ فِي غِيْبِهِ سَمِعَهَا فِيهِ فِي مَجْلِسٍ فَرَدَّهَا (٤) عَنْهُ، رَدَّ اللَّهُ عَنْهُ أَلْفَ بَابٍ مِنَ الشَّرِّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ فَإِنْ هُوَ لَمْ يَرُدَّهَا وَهُوَ قَادِرٌ عَلَىٰ رَدِّهَا كَانَ عَلَيْهِ كَوْزَرٌ مِنْ اغْتَابَتِهِ سَبْعِينَ مَرَّةً.

وَنَهَى عَنِ الْخِيَانَةِ وَقَالَ: مَنْ خَانَ أَمَانَةَ فِي الدُّنْيَا وَلَمْ يَرُدَّهَا إِلَىٰ أَهْلِهَا، ثُمَّ أَدْرَكَهُ الْمَوْتُ، مَاتَ عَلَىٰ غَيْرِ مِلَّتِي، وَيَلْقَى اللَّهُ وَهُوَ عَلَيْهِ غَضْبَانٌ.

وَقَالَ: مَنْ شَهِدَ شَهَادَةً (٥) زُورٍ عَلَىٰ أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ، عُلِقَ بِلِسَانِهِ مَعَ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ.

ص: ٢٠٤

١- الماعون: اسمٌ جامعٌ لمنافع البيت؛ كالقدر والفأس وغيرهما ممَّا جرت العادة بعاريته (النهاية: ٣٤٤/٤).

٢- أى: أيُّمَا امرأة آذت زوجها بلسانها وإن كانت صادقته؛ مثل أن تقول: أنت بخيل، أو ليس لك رجولته أو... وكذلك الرجل إذا كان ظالماً لها.

٣- الغش: ضد النصح من الغشش؛ وهو المشرب الكدر؛ أى من بات وكان معه - أى مع المسلم - بالمكر والخديعة، أو لا يكون طالباً لخيره.

٤- أى أحسن وتفضل برد الغيبة؛ بأن يزر القائل ويمنعه، أو يذكر محملاً حسناً وإن كان بعيداً لما ينسبه إليه.

٥- شهادة زور: أى كذباً وباطلاً.

کسی که به نامحرم نگاه کند خداوند در قیامت چشم او را پر از آتش نماید. مگر اینکه توبه کند و بازگردد. [چشم از حرام بازدارد].

کسی که با زن نامحرم دست بدهد. خشم خداوند را خریده است.

کسی که زنی را به حرام در آغوش گیرد، همراه شیطان با زنجیری از آتش بسته و به دوزخ افکنده شود.

کسی که در خرید یا فروش با مسلمانی خیانت کند، از ما نیست. و با یهودیان محشور شود. زیرا آنان از همه مردم بیشتر به مسلمانان خیانت می کنند.

واز دریغ کردن وسائل خانه از همسایه نهی فرمودند و گفتند: کسی که وسائل خانه را از همسایه دریغ کند، خداوند روز قیامت خیر خود را از او باز دارد.

هر زنی که شوهر خود را با زبانش بیازارد، خداوند هیچ توبه و کفاره و کار نیکی از او نمی پذیرد. تا وقتی که شوهرش را راضی کند. و همینطور مرد اگر به همسرش ستم کند.

آگاه باشید، هر کس به صورت یا چهره مسلمانی سیلی بزند، خداوند در قیامت استخوانهای او را جدا کرده، و او را در زنجیر محشور نماید. مگر اینکه توبه کند.

کسی که با فکر فریب دادن برادر مسلمان خود بخوابد، در بستر خشم خدا خوابیده و بیدار شده است. مگر اینکه توبه کند.

پیامبر صلی الله علیه و آله از غیبت کردن نهی فرمودند.

و فرمودند: کسی که می تواند خشم خود را ابراز کند، ولی آن را فرونشاند و بردباری کند، خداوند به او پاداش شهید عطا می فرماید.

آگاه باشید، کسی که به برادر دینی خود نیکی کند، و در مجلسی که غیبت او را شنید غیبت را رد کند، خداوند هزار نوع شر را از او در دنیا و آخرت دور می کند. و اگر بتواند غیبت را رد کند ولی آن را رد نکند، هفتاد برابر گناه غیبت کننده بر عهده اوست.

از خیانت نهی فرمودند و گفتند: کسی که در دنیا به امانتی خیانت کند و آن را به صاحبش نرساند و بمیرد، با دینی غیر دین من مرده است. و خداوند را خشمگین ملاقات می کند.

فرمودند: کسی که شهادت دروغ بر علیه انسانی بدهد، در قعر دوزخ همراه منافقین به زبان خود آویخته خواهد شد.

وَمَنْ اشْتَرَى (١) خِيَانَهُ وَهُوَ يَعْلَمُ فَهُوَ كَالَّذِي خَانَهَا.

وَمَنْ حَبَسَ عَلَى أَخِيهِ الْمُسْلِمِ شَيْئًا مِنْ حَقِّهِ ، حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بَرَكَهَ الرِّزْقِ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ.

أَلَا وَمَنْ سَمِعَ فَاحِشَةً فَأَفْشَاهَا فَهُوَ كَالَّذِي أَتَاهَا.

وَمَنْ احتَاجَ إِلَيْهِ أَخُوهُ الْمُسْلِمُ فِي قَرْضٍ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ فَلَمْ يَفْعَلْ ، حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ رِيحَ الْجَنَّةِ.

أَلَا وَمَنْ صَبَرَ عَلَى خُلُقِ امْرَأَةٍ سَيِّئَةِ الخُلُقِ وَاحتَسَبَ فِي ذَلِكَ الأَجْرَ ، أعطاهُ اللهُ ثوابَ الشَّاكِرِينَ.

أَلَا وَأَيُّمَا امْرَأَةٍ لَمْ تَرْفُقْ بِرُؤُوسِهَا وَحَمَلْتَهُ عَلَى مَا لَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ ، فَلَمْ يَقْبَلِ اللهُ مِنْهَا حَسَنَةً وَيَلْقَى اللهُ وَهُوَ عَلَيْهِ غَضَبَانُ.

أَلَا وَمَنْ أَكْرَمَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ فَإِنَّمَا يُكْرِمُ اللهُ.

وَمَنْ مَشَى إِلَى ذِي قَرَابَةٍ بِنَفْسِهِ وَمَالِهِ لِيَصِلَ رَحِمَهُ ، أعطاهُ اللهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ أَرْبَعِينَ أَلْفَ حَسَنَةٍ.

وَمَنْ كَفَى ضَرِيرًا (٢) حَاجَةً مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا ، أعطاهُ اللهُ بَرَاءَةً مِنَ النَّارِ ، وَقَضَى لَهُ سَبْعِينَ حَاجَةً.

وَمَنْ مَرِضَ يَوْمًا فَلَمْ يَشْكُ إِلَى عُوَادِهِ (٣) ، بَعَثَهُ اللهُ مَعَ خَلِيلِهِ إِبْرَاهِيمَ حَتَّى يَجُوزَ الصُّرَاطَ كَالْبَرْقِ اللَّامِعِ.

وَمَنْ سَعَى لِمَرِيضٍ فِي حَاجَتِهِ ، قَضَاهَا أَوْ لَمْ يَقْضِهَا ، خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمِ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ.

أَلَا وَمَنْ فَرَّجَ عَنْ مُؤْمِنٍ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ الدُّنْيَا فَرَّجَ اللهُ عَنْهُ اثْنِينَ وَسَبْعِينَ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ الآخِرَةِ وَاثْنِينَ وَسَبْعِينَ مِنْ كُرْبِ الدُّنْيَا ، أَهْوَنُهَا المَغْفِرَةُ.

وَمَنْ يَمْطُلُ (٤) عَلَى ذِي حَقٍّ حَقُّهُ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَى أَدَائِهِ حَقُّهُ ، فَعَلَيْهِ كُلُّ يَوْمٍ خَطِيئَةٌ عَشْرًا.

أَلَا وَمَنْ عَلَّقَ سَوْطًا بَيْنَ يَدَيْ سُلْطَانٍ جَائِرٍ ، جَعَلَ اللهُ ذَلِكَ السَّوْطَ يَوْمَ القِيَامَةِ ثُعْبَانًا مِنْ نَارٍ

ص: ٢٠٦

١- . أى اشترى المال الذى حصل صاحبه ذلك بالخيانة.

٢- . الضرير: الذاهب البصر. وفى الروضة: أعمى أو مضطر.

٣- راجع الوسائل: ٦٢٦/٢ باب استحباب كتم المرضى وترك الشكوى، وص ٦٣١ باب جواز الشكوى إلى المؤمن من دون غيره.

٤- . مطل فلانٌ بدينه: أى سوفه، يعد بالوفاء مره بعد الأخرى.

کسی که می داند مالی از راه خیانت به دست آمده و آن را بخرد، مانند کسی است که خیانت کرده است.

کسی که حق برادر مؤمن خود را ندهد، خداوند برکت روزی را بر او حرام می کند، مگر اینکه توبه کند.

آگاه باشید، کسی که کار زشتی را بشنود و آن را افشا کند، مانند کسی است که مرتکب آن کار شده است.

کسی که برادر مسلمانش نیازمند قرضی از او شود و بتواند قرض بدهد ولی ندهد، خداوند بوی بهشت را بر او حرام می نماید.

آگاه باشید، کسی که به بد اخلاقی زن به امید پاداش پروردگار صبر کند، خداوند به او ثواب شکر گزاران عطا می فرماید.

آگاه باشید، زنی که با شوهرش ناسازگاری کند و کاری که توان آن را ندارد به شوهرش تحمیل کند، خداوند کار نیکوی او را نمی پذیرد. و با خشم خدا روبرو می شود.

آگاه باشید، کسی که به برادر مؤمن خود احترام کند، به خداوند احترام کرده است.

کسی که با جان و مال بسوی فامیل و بستگان خود برود تا صلۀ رحم کند، خداوند به هر گامی که بر می دارد چهل هزار ثواب عطا می کند.

کسی که نیازی از نیازهای شخص نابینا را برطرف کند، خداوند به او امان از دوزخ عطا فرموده و هفتاد حاجت او را برطرف می سازد.

کسی که یک روز بیماری را تحمل کند و نزد عیادت کنندگان شکوه نکند، خداوند او را با خلیل خود ابراهیم علیه السلام مبعوث می کند. تا از صراط به سرعت برق درخشان بگذرد.

کسی که برای رفع نیاز بیماری تلاش کند، چه آن را برطرف کند یا نکند از گناهان خود پاک می شود. مثل روزی که از مادر متولد شده است.

آگاه باشید، کسی که یک گرفتاری دنیا را از مؤمن برطرف سازد، خداوند هفتاد و دو گرفتاری آخرت و هفتاد و دو گرفتاری دنیای او را برطرف می کند. که ساده ترین آنها آموزش است.

کسی که با وجود توانایی در پرداخت حق صاحب حقی وقت گذرانی کند [و به تأخیر اندازد.] بازاء هر روز تأخیر گناه باج گیری بر عهده اوست.

آگاه باشید، هر کس در حکومت ظالم تازیانه ای بدست گیرد خداوند آن تازیانه را در

طوله سبعون ذراعاً، يُسلطه الله عليه في نار جهنم وبئس المصير.

ومن اصطنع إلى أخيه معروفاً فامتنن به، أحبط الله عمله ويثبت وزره ولم يشكر له سعيه، قال الله: حرمت الجنة على الممان والبخيل والفتات؛ وهو التمام.

ألا ومن تصدق بصدقه فله بوزن كل درهم مثل جبل أحد من نعيم الجنة.

ومن مشى بصدقه إلى محتاج، كان له كأجر صاحبها من غير أن ينقص من أجره شيء.

ومن صيلى على ميت صيلى عليه سبعون ألف ملك وغفر الله له ما تقدم من ذنبه وما تأخر، فإن أقام حتى يُدفن ويحشى عليه الثراب كان له بكل قدم مثل جبل أحد من الأجر.

ألا ومن ذرفت (١) عيناه من خشية الله، كان له بكل قطره قطرت من دموعه قصر في الجنة مكلاً بالدرّ والجوهر، فيه ما لا عين رأت ولا أذن سمعت ولا خطر على قلب بشر.

ألا ومن مشى إلى مسجد يطلب فيه الجماعة، كان له بكل خطوه سبعون ألف حسنة.

ألا ومن أذن محتسباً (٢) يريد بذلك وجه الله، يدخل في شفاعته أربعون ألف مسمى من امتي الجنة.

ومن حافظ على الصف الأول والتكبيره الأولى لا يؤذى مسلماً (٣)، أعطاه الله من الأجر ما يعطى المؤذنون في الدنيا والآخرة.

وقال: لا تحقروا شيئاً من الشر وإن صغر في أعينكم، ولا تستكثروا شيئاً من الخير وإن كبر في أعينكم؛ فإنه لا كبيرة مع الاستغفار، ولا صغيرة مع الإصرار. (٤)

ص: ٢٠٨

١- ذرفت العين تذرِف: إذا جرى دمعها.

٢- محتسباً: أى طلباً لوجه الله كما ذكر في نفس الحديث. قال الجزري: وإنما قيل لمن ينوى بعمله وجه الله احتسبه لأن له حينئذ أن يعتد عمله، فجعل في حال مباشره الفعل كأنه معتد به. والاحتساب في الأعمال الصالحة (النهاية: ٣٦٧/١).

٣- قوله صلى الله عليه وآله: «لا يؤذى مسلماً» إشاره إلى ما قد يجرى ممن يواظب الصف الأول من تضييقه على المؤمنين الذين سبقوه بالمكان وغيره.

٤- من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٣-١٨، ح ٤٩٦٨.

قیامت ازدهایی از آتش به طول هفتاد ذراع قرار داده و در جهنم بر او مسلط می نماید. و بد سرنوشتی است.

هر کس به برادر مؤمن خود احسان کند و بر او مَنّت نهد، خداوند عمل او را باطل کرده و گنااهش را ثبت می نماید. و تلاش او را نادیده می انگارد. خداوند فرمود: بهشت را بر مَنّت گذار و بخیل و سخن چین حرام نمودم.

آگاه باشید، کسی که صدقه بدهد، در مقابل هر درهم معادل وزن کوه احد از نعمتهای بهشتی به او می دهند.

کسی که برای رساندن صدقه به محتاج حرکت کند، به اندازه صدقه دهنده پاداش دارد.

بدون اینکه از پاداش صدقه دهنده کاسته شود.

کسی که بر مَیت نماز بخواند، هفتاد هزار فرشته به او درود می فرستند. و خداوند گناهان گذشته و آینده او را می آمرزد. و اگر تا دفن کردن او بماند و خاک بر مَیت بریزد، به ازای هر گام پاداشی به بزرگی کوه احد دارد.

آگاه باشید، کسی که چشمش از ترس خدا اشک بریزد، در مقابل هر قطره اشک که می چکد، قصری آراسته به درّ و گوهر در بهشت دارد، که نه چشمی دیده و نه گوشی شنیده و نه به قلب انسانی خطور کرده است.

آگاه باشید، کسی که برای نماز جماعت به مسجد برود، هر گام او هفتاد هزار حسنه دارد.

کسی که برای رضای خدا اذان بگوید چهل هزار گناهکار امت مرا شفاعت خواهد کرد.

کسی که مواظبت کند در صف اول جماعت و از ابتدای تکبیر حضور یابد بدون این که کسی را بیازارد، خداوند به او پاداشی می دهد که به اذان گویان در دنیا و آخرت عطا می کند.

حضرت فرمودند: هیچ کار بدی را کوچک نشمارید. گرچه به نظر شما کوچک باشد. و هیچ کار خوبی را بزرگ نشمارید. گرچه به نظر شما بزرگ باشد. زیرا با استغفار کردن گناه کبیره ای نمی ماند. و با اصرار کردن بر گناه دیگر صغیره نیست.

وَصَايَا النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٣٩٨١. رَوَى حَمَادُ بْنُ عَمْرٍو عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ لَهُ:

يَا عَلِيُّ، أَوْصِيكَ بِوَصِيَّتِهِ فَاحْفَظْهَا، فَلَا تَزَالُ بِخَيْرٍ مَا حَفِظْتَ وَصِيَّتِي:

يَا عَلِيُّ، مَنْ كَظَمَ غِيظًا (١) وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَى إِمضَائِهِ، أَعْقَبَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَمْنًا وَإِيمَانًا يَجِدُ طَعْمَهُ.

يَا عَلِيُّ، مَنْ لَمْ يُحْسِنِ (٢) وَصِيَّتَهُ عِنْدَ مَوْتِهِ، كَانَ نَقْصًا فِي مُرُوتِهِ وَلَمْ يَمْلِكِ الشَّفَاعَةَ.

يَا عَلِيُّ، أَفْضَلَ الْجِهَادِ مَنْ أَصْبَحَ لَائِيهِمْ بِظُلْمِ أَحَدٍ.

يَا عَلِيُّ، مَنْ خَافَ النَّاسَ لِسَانَهُ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ.

يَا عَلِيُّ، شَرُّ النَّاسِ مَنْ أَكْرَمَهُ النَّاسُ اتِّقَاءً فَحِشَهُ - وَرُوي: شَرُّهُ -.

يَا عَلِيُّ، شَرُّ النَّاسِ مَنْ بَاعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَا، وَشَرُّ مَنْ ذَلِكَ مَنْ بَاعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ.

يَا عَلِيُّ، مَنْ لَمْ يَقْبَلِ الْعُذْرَ مِنْ مُتَّصِلٍ (٣) صَادِقًا كَانَ أَوْ كَاذِبًا، لَمْ يَنْلِ شَفَاعَتِي.

يَا عَلِيُّ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَحَبَّ الْكُذِبَ فِي الصَّلَاحِ، وَأَبْغَضَ الصِّدْقَ فِي الْفَسَادِ.

يَا عَلِيُّ، مَنْ تَرَكَ الْخَمْرَ لِغَيْرِ اللَّهِ سَقَاهُ اللَّهُ مِنَ الرَّحِيقِ (٤) الْمَخْتُومِ، فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لِغَيْرِ اللَّهِ؟! قَالَ: نَعَمْ وَاللَّهِ! صِيَانَهُ لِنَفْسِهِ، يَشْكُرُهُ اللَّهُ عَلَى ذَلِكَ.

يَا عَلِيُّ، شَارِبُ الْخَمْرِ كَعَابِدٍ وَتَنٍ.

يَا عَلِيُّ، شَارِبُ الْخَمْرِ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ صَلَاتَهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا، فَإِنْ مَاتَ فِي الْأَرْبَعِينَ مَاتَ كَافِرًا.

ص: ٢١٠

١- . كظم غيظه كظماً: رده وحبسه.

٢- . أحسن وصيته: أراد بالإحسان الإخلاص (النهاية: ٣٧٢/١)... وقيل: أراد بالإحسان الإشارة إلى المراقبه وحسن الطاعه، فالمراد بعدم الإحسان هو الحيف فيها، أو ترك الواجب، أو الوصيه بالمعصيه.

٣- . فيه: من تنصل إليه أخوه فلم يقبل أي انتفى من ذنبه واعتذر إليه.

٤- الرحيق: من أسماء الخمر؛ يريد خمر الجنه، والمختوم: المصون الذي لم يتبدل لأجل ختامه (النهاية: ٢٠٨/٢).

وصیت های پیامبر صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام

۳۹۸۱. حماد بن عمرو از حضرت امام صادق علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت توسط پدران بزرگوار خود از امیر مؤمنان علیه السلام نقل کرده است که پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمودند: یا علی، وصیتی به تو می کنم آن را به خاطر بسپار. [بر اساس آن رفتار کن.] تازمانی که به وصیت من رفتار کنی همواره در خیر هستی:

یا علی، کسی که می تواند خشم خود را ابراز کند ولی آن را فرو نشاند، خداوند در قیامت به او ایمنی و ایمانی می بخشد که طعم آن را دریابد.

یا علی، کسی که هنگام مرگ وصیت صحیح [عادلانه و مشروع] نکند، جوانمردی او ناقص است. و به شفاعت نائل نشود.

یا علی، برترین جهاد آن است که بدون اینکه در صدد ظلم به کسی باشد [شب را] صبح کند.

یا علی، کسی که مردم از شر زبان او در هراس باشند، اهل دوزخ است.

یا علی، شرورترین مردم کسی است که مردم از ترس بدگویی [در روایتی از ترس شَر] او احترامش کنند.

یا علی، بدترین مردم کسی است که آخرت خود را به دنیا بفروشد. و بدتر از او کسی است که آخرت خود را به دنیای دیگران بفروشد.

یا علی، کسی که عذر شخصی را که عذر خواهی می کند خواه راستگو باشد یا دروغ گو نپذیرد، به شفاعت من نائل نخواهد شد.

یا علی، خداوند دروغ را در مصلحت دوست دارد. و از راستگویی که فساد در پی داشته باشد نفرت دارد.

یا علی، به کسی که شراب را برای غیر خدا ترک کند، از شراب بهشت بنوشاند.

علی علیه السلام گفت: برای غیر خدا؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: بلی به خدا سوگند اگر برای سلامتی خودش هم ترک کند، خداوند از کار او قدر دانی می کند.

یا علی، شراب خوار همانند بت پرست است.

یا علی، خداوند تا چهل روز نماز شراب خوار را نمی پذیرد. و اگر در فاصله چهل روز بمیرد کافر مرده است.

قَالَ الصَّدُوقُ رَحِمَهُ اللهُ: يَعْنِي إِذَا كَانَ مُسْتَحِلًّا لَهَا.

يَا عَلِيُّ، كُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ، وَمَا أَسْكُرَ كَثِيرُهُ فَالْجُرْعَةُ مِنْهُ حَرَامٌ.

يَا عَلِيُّ، جُعِلَتِ الذُّنُوبُ كُلُّهَا فِي بَيْتٍ، وَجُعِلَ مِفْتَاحُهَا شُرْبُ الْخَمْرِ.

يَا عَلِيُّ، يَأْتِي عَلَى شَارِبِ الْخَمْرِ سَاعَةٌ لَا يَعْرِفُ فِيهَا رَبَّهُ عَزَّ وَجَلَّ.

يَا عَلِيُّ، إِنَّ إِزَالَهَ الْجِبَالِ الرَّوَاسِي (١) أَهْوَنُ مِنْ إِزَالِهِ مُلْكٍ مُؤَجَّلٍ لَمْ تَنْقُضِ أَيَّامُهُ.

يَا عَلِيُّ، مَنْ لَمْ تَنْتَفِعْ بِدِينِهِ وَلَا دُنْيَاهُ فَلَا خَيْرَ لَكَ فِي مُجَالَسَتِهِ، وَمَنْ لَمْ يُوَجِبْ لَكَ فَلَا تُوَجِبْ لَهُ، وَلَا كِرَامَةً.

يَا عَلِيُّ، حَرَّمَ اللهُ الْجَنَّةَ عَلَى كُلِّ فَاحِشٍ بَدِيٍّ لَا يُبَالِي مَا قَالَ وَلَا مَا قِيلَ لَهُ.

يَا عَلِيُّ، طُوبَى لِمَنْ طَالَ عُمُرُهُ، وَحَسَنَ عَمَلُهُ.

يَا عَلِيُّ، لَا تَمْرَحَ فِي ذَهَبٍ بِهَاؤُوكَ، وَلَا تَكْذِبَ فِي ذَهَبٍ نُورُوكَ، وَإِيَّاكَ وَخَصَلَتَيْنِ: الضَّجْرَ وَالْكَسَلَ؛ فَإِنَّكَ إِنْ ضَعِجْتَ لَمْ تَصْبِرْ عَلَى حَقٍّ، وَإِنْ كَسَلْتَ لَمْ تُؤَدِّ حَقًّا.

يَا عَلِيُّ، لِكُلِّ ذَنْبٍ تَوْبَةٌ إِلَّا سِوَةَ الْخُلُقِ؛ فَإِنَّ صَاحِبَهُ كُلَّمَا خَرَجَ مِنْ ذَنْبٍ دَخَلَ فِي ذَنْبٍ.

يَا عَلِيُّ، مَنْ اسْتَوَلَى عَلَيْهِ الضَّجْرُ (٢) رَحَلَتْ عَنْهُ الرَّاحَةُ.

يَا عَلِيُّ، خَلَقَ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ الْجَنَّةَ مِنْ لَبَنَيْنِ: لَبَنِهِ مِنْ ذَهَبٍ، وَلَبَنِهِ مِنْ فِضَّةٍ، وَجَعَلَ حَيْطَانَهَا الْيَاقُوتَ، وَسَيِّقَهَا الزَّبْرَجِيدَ، وَحَصَاهَا اللُّؤْلُؤَ، وَتُرَابَهَا الزَّرْعَفْرَانَ وَالْمِسْكَ الْأَذْفَرَ (٣)، ثُمَّ قَالَ لَهَا: تَكَلَّمِي، فَقَالَتْ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، قَدْ سَعِدَ مَنْ يَدْخُلُنِي، قَالَ اللهُ جَلَّ جَلَالُهُ: وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لَا يَدْخُلُهَا مُدْمِنٌ خَمْرٍ وَلَا نَمَامٌ وَلَا دِيوَةٌ وَلَا شُرْطِيٌّ وَلَا مُخَنَّثٌ وَلَا تَبَاشٌ وَلَا عَشَّارٌ

ص: ٢١٢

١- الرواسي: الجبال الثوابت الرواسخ، من رسي (واوي)؛ أي ثبت ورسخ.

٢- الضجرج: القلق والتبرم وسوء الخلق من غم وضيق نفس مع كلام (أقرب الموارد).

٣- هذه أسماء الجواهر، والزعفران: نبات له أصل كالبصل، وزهره أحمر إلى الصفرة. والمسك الأذفر: أي المسك الطيب الريح، ومنه صفة الجنة وترابها مسك أذفر.

شیخ صدوق فرموده است: یعنی کسی که شراب را حلال بشمارد.

یا علی، هر مست کننده ای حرام است. و هر چیزی که مصرف زیاد آن مست کننده باشد یک جرعه آن هم حرام است.

یا علی، همه گناهان را در اطاقی نهاده اند و کلید آن شراب خواری است.

یا علی، برای شراب خوار حالتی پیش می آید که پروردگارش را نمی شناسد.

یا علی، هموار کردن کوه های استوار آسانتر است از نابود کردن حکومت زمانداری که زمان آن به سر نیامده باشد.

یا علی، از همنشینی با کسی که از دین و دنیای خود بهره مند نشده است سودی نخواهی برد. و برای کسی که حقی برای تو نمی شناسد تو نیز او را مراعات نکن. که احترامی ندارد.

یا علی، خداوند بهشت را بر هر کسی که فحاشی کند و توجه ندارد چه می گوید، و دیگران درباره او چه می گویند، حرام کرده است.

یا علی، خوشا به حال کسی که عمرش طولانی و عملش نیکوست.

یا علی، شوخی نکن که ارزش تو را می برد. و دروغ نگو که نور تو را می برد. و از دو خصلت پرهیز کن: ملائمت و کسالت. زیرا اگر ملول و کم طاقت باشی در برابر حق صبر نمی کنی. و اگر کسل باشی حقی را ادا نمی کنی.

یا علی، هر گناهی توبه دارد. مگر بداخلاقی. بداخلاق از هر گناهی خارج شود به گناه دیگر مبتلا می شود.

یا علی، کسی که کم طاقتی بر او مسلط شود، آسایش از او رخت بر بندد.

یا علی، خداوند بهشت را از دو خشت آفرید: یک خشت طلا- و یک خشت نقره، دیوار آن را از یاقوت، و سقف آن را از زبرجد، و سنگهای آن از مروارید، و خاک آن را زعفران و مشک خوشبو آفرید. سپس به بهشت فرمود: با من سخن بگو. بهشت گفت: لا اله الا الله الحی القيوم خدایی نیست جز خداوندی که زنده و پایدار است. کسی که وارد من شود سعادت مند شده است.

خداوند با جلال و عظمت فرمودند: سو گند به عزت و جلال شراب خوار، و سخن چین، و دیوث، [مرد بی غیرت که ناموس خود را از بیگانه حفظ نکند]. محافظان حاکم

ولا قاطِعِ رَحِمٍ ولا قَدْرِي (١).

وقال صلى الله عليه وآله: فِرٌّ مِنَ الْمَجْدُومِ فِرَارَكَ مِنَ الْأَسَدِ (٢).

وَكِرَةٌ أَنْ يَأْتِيَ الرَّجُلُ أَهْلَهُ وَقَدْ احْتَلَمَ حَتَّى يَغْتَسِلَ مِنَ الْإِحْتِلَامِ، فَإِنْ فَعَلَ ذَلِكَ وَخَرَجَ الْوَلَدُ مَجْنُونًا فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ.

وَكِرَةٌ الْبَوْلُ عَلَى شَطِّ (٣) نَهْرٍ جَارٍ.

وَكِرَةٌ أَنْ يُحَدِّثَ الرَّجُلُ تَحْتَ شَجَرِهِ أَوْ نَخْلِهِ قَدْ أَثْمَرَتْ.

وَكِرَةٌ أَنْ يُحَدِّثَ الرَّجُلُ وَهُوَ قَائِمٌ.

وَكِرَةٌ أَنْ يَنْتَعِلَ الرَّجُلُ وَهُوَ قَائِمٌ.

وَكِرَةٌ أَنْ يَدْخُلَ الرَّجُلُ بَيْتًا مُظْلِمًا إِلَّا مَعَ السَّرَاجِ.

يَا عَلِيُّ، آفَةُ الْحَسَبِ (٤) الْإِفْتِخَارُ.

يَا عَلِيُّ، مَنْ خَافَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَافَ مِنْهُ كُلُّ شَيْءٍ، وَمَنْ لَمْ يَخَفِ اللَّهَ أَخَافَهُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ.

يَا عَلِيُّ، لَا رِضَاعَ بَعْدَ فِطَامٍ، وَلَا يَتِمُّ بَعْدَ احْتِلَامٍ.

ص: ٢١٤

١- . النمامه: أى نقل الحديث من قوم إلى قوم على جهه الإفساد والشر. ومدمن الخمر: هو الذى يعاقر شربها ويلازمه ولا ينفك عنه. والديوث: هو الذى لا يغار على أهله، وقيل: هو سريانى معرب (النهايه). والأشراط: العلامات واحداها شَرَطٌ - بالتحريك - وبه سُمِّيت شرط السلطان؛ لأنهم جعلوا لأنفسهم علامات يُعرفون بها، هكذا قال أبو عبيد. وحكى الخطابى عن بعض أهل اللغه أنه أنكر هذه التفسير وقال:.... وشرط السلطان نُخبه أصحابه الذين يقدمهم على غيرهم من جنده (النهايه: ٢/٤٦٠). وفى السفينه ماده شرط: قيل لأصغ: كيف سُمِّيت شَرَطَةُ الخميس؟ فقال: إنا ضمنا له الذبح، وضمن لنا الفتح. المخنث: من كان فيه لين وتكسر. وتخنث فى كلامه: تكلم بلين وتكسر. والعشار: أى من يأخذ العشور عند ورود مال التجاره فى الصِّقَع أو عند بيعه فى السوق، وكان من ضرائب الجاهليه، فنفاها الإسلام وصرح بنفيه فى كتب النبى صلى الله عليه وآله، وفى الحديث: «إن لقيتم عاشراً فاقتلوه» أى إن وجدتم من يأخذ العشر على ما كان يأخذه أهل الجاهليه (النهايه ولسان العرب). والقدرى: هو القائل بأن الخير والشر كله من الله وبتقديره ومشيتته (سفينه البحار).

٢- . ورد فى الحديث النهى عن العدوى، ولا منافاه بينه وبين هذا الحديث، وفى الحديث: «كره أن يكلم الرجل مجذوماً إلا أن يكون بينه وبينه قدر ذراع»، وورد أيضاً: «تغذى الإمام على بن الحسين عليهما السلام مع المجذومين». ولعل المراد من نفى العدوى هو نفى الإفراط والاعتقاد بأنه عله تامه فى المرض بحيث يورث الوسواس وسلب الراحة والاضطراب الروحى، والمراد

من الأمر بالاجتناب هو على حدّ ما يفعل في مقتضيات سائر الأمور وعللها الناقصه.

٣- . الشطّ - بالفتح - : شاطئ النهر والبحر وجانبهما وساحلتهما.

٤- . الحسب - في الأصل - : الشرف بالآباء وما يعدّه الناس من مفاخرهم. وقيل: الحسب والكرم يكونان في الرجل وإن لم يكن له آباء لهم شرف، والشرف والمجد لا يكونان إلا بالآباء (النهايه: ٣٦٧/١).

ستمگر و زن صفت، و کفن دزد، و باجگیر، و قطع رابطه کننده با فامیل، و قدری [یعنی کسی که اعتقاد دارد خیر و شر همه با تقدیر خداوند است و بشر در آن دخالتی ندارد.] وارد بهشت نخواهند شد.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: از جذامی بگریز آن سان که از شیر درنده می گریزی.

یا علی، بر کسی که محتلم شده است قبل از غسل، نزدیکی کردن با همسر مکروه است، و اگر چنین کند و فرزندى بدنیا آید که دیوانه است جز خودش را سرزنش نکند.

ادرار کردن در جوی آب روان، و در زیر درخت میوه، یا نخل میوه دار، و بحالت ایستاده مکروه است. و پوشیدن کفش در حال ایستاده، و رفتن بدون چراغ به خانه تاریک مکروه است.

یا علی، آفت شخصیت، فخر فروشی است.

یا علی، کسی که از خدا بترسد، همه چیز از او می ترسد. و کسی که از خدا نترسد، از همه چیز می ترسد.

یا علی، احکام رضاع [مسائلی از قبیل محرمیت و فرزندى و خواهر و برادر رضاعی و...] پس از پایان شیرخوارگی بوجود نمی آید. و [احکام] یتیمی پس از بلوغ و احتلام وجود ندارد.

يا عَلِيُّ، سِرِّ سَيِّئَتَيْنِ بَرٍّ وَالِدَيْكَ، سِرِّ سَنَّهُ صِلِ رَحِمَكَ، سِرِّ مِيلاً عُدَّ مَرِيضاً، سِرِّ مِيلَيْنِ شَبَّعَ جَنَازَةً، سِرِّ ثَلَاثَةَ أَمِيَالٍ أَجِبْ دَعْوَةَ، سِرِّ أَرْبَعَةَ أَمِيَالٍ زُرْ أَخَاً فِي اللَّهِ، سِرِّ خَمْسَةَ أَمِيَالٍ أَجِبِ الْمَلْهُوفَ، سِرِّ سِتَّةَ أَمِيَالٍ انصُرِ الْمَظْلُومَ، وَعَلَيْكَ بِالِاسْتِغْفَارِ.

يا عَلِيُّ، وَاللَّهِ لَوْ أَنَّ الْوَضِيعَ فِي قَعْرِ بئرٍ لَبَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ رِيحاً تَرْفَعُهُ فَوْقَ الْأَخْيَارِ فِي دَوْلِهِ الْأَشْرَارِ.

يا عَلِيُّ، مَنْ انْتَمَى إِلَى غَيْرِ مَوَالِيهِ (١) فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ. وَمَنْ مَنَعَ أَجيراً أَجْرَهُ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ، وَمَنْ أَحَدَثَ حَدَثاً أَوْ آوَى مُحَدَّثاً فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ، فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا ذَلِكَ الْحَدَثُ؟ قَالَ: الْقَتْلُ.

يا عَلِيُّ، الْمُؤْمِنُ مَنْ آمَنَهُ الْمُسْلِمُونَ عَلَى أَمْوَالِهِمْ وَدِمَائِهِمْ، وَالْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ يَدِهِ وَلِسَانِهِ، وَالْمُهَاجِرُ مَنْ هَجَرَ السَّيِّئَاتِ.

يا عَلِيُّ، أَوْثَقْ عُرَى الْإِيمَانِ الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَالْبُغْضُ فِي اللَّهِ.

يا عَلِيُّ، إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - قَدْ أَذْهَبَ بِالْإِسْلَامِ نَخْوَةَ الْجَاهِلِيَّةِ وَتَفَاخَرَهَا بِأَبَائِهَا، أَلَا إِنَّ النَّاسَ مِنْ آدَمَ وَآدَمُ مِنْ تُرَابٍ، وَأَكْرَمُهُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ.

يا عَلِيُّ، مِنَ السُّحْتِ (٢) ثَمَنُ الْمَيْتَةِ، وَثَمَنُ الْكَلْبِ، وَثَمَنُ الْخَمْرِ، وَمَهْرُ الزَّانِيَةِ، وَالرَّشْوَةُ فِي الْحُكْمِ، وَأَجْرُ الْكَاهِنِ.

يا عَلِيُّ، مَنْ تَعَلَّمَ عِلْماً لِيُمَارِيَ (٣) بِهِ السُّفَهَاءَ، أَوْ يُجَادِلَ بِهِ الْعُلَمَاءَ، أَوْ لِيُدْعُوَ النَّاسَ إِلَى نَفْسِهِ، فَهُوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ.

ص: ٢١٤

١- انتمى إلى غير مواليه: أى انتسب إليهم ومال وصار معروفاً بهم وصار سبباً لضياح حقّ الولاء وغيره.

٢- يقال: مال فلان سحت: أى لاشىء على من استهلكه، ودمه سحت: أى لاشىء على من سفكه. والسحت: الحرام الذى لا يحلّ كسبه لأنه يسحت البركه أى يذهبها (انظر النهاية: ٣٤٥/٢).

٣- ليمارى به السفهاء: المرء: الجدل. التمارى والمماراه: المجادله على مذهب الشكّ والريبه وذمّ المرء مع السفهاء إيعاز إلى أنّ المرء عملهم، فنهى عنه. وذمّ الجدل مع العلماء؛ لأنّ اللّازم للجاهل السكوت والاستماع عن العالم لا المجادله معه وعلى كلّ حال ليس المراد المجادله لتبيين الحقّ ووضوحه، وإنّما المنهى المرء وإيجاد الشكّ والريب للمغالبه وإبطال كلام الخصم، فلو كان نيته المتعلّم فى تعلّمه المرء أو الجدل مع العلماء أو جلب الناس إليه كان مذموماً، وإن كان مراده تحصيل العمل والإرشاد كان حسناً.

یا علی، دو سال در سفر باش تا به پدر و مادرت نیکی کنی [یعنی نیکی کردن به پدر و مادر حتی اگر مسافرت دو ساله لازم دارد آن را انجام بده]. و یک سال در سفر باش تا به خویشاوندان خود صلهٔ رحم کنی. و تا مسافت یک میل برای عیادت مریض، و تا دو میل برای تشییع جنازه، و تا سه میل برای قبول دعوت، و تا چهار میل برای دیدار برادر دینی، و تا پنج میل برای اجابت گرفتار، و تا شش میل برای یاری مظلوم حرکت کن. و بر تو باد که استغفار نمایی. [یعنی اگر همهٔ این موارد را با دقت عمل کنی، باز هم شایسته است که استغفار کنی].

یا علی، سوگند به خدا اگر فرومایه ای در قعر چاه باشد خداوند باد را می فرستد تا او را در حکومت تبهکاران بالاتر از نیکان قرار دهد.

یا علی، کسی که به غیر مولای خود پیوندد لعنت خدا بر او باد. و کسی که اجرت اجیر را ندهد لعنت خدا بر او باد. و کسی که بدعت به وجود آورد یا به پدید آورندهٔ آن پناه دهد لعنت خدا بر او باد. پرسیدند: یا رسول الله این بدعت چیست؟ فرمودند: قتل.

یا علی، مؤمن کسی است که مسلمانان او را در مال و جان خود امین بدانند. و مسلمان کسی است که مسلمانان از دست و زبان او ایمن باشند. و مهاجر کسی است که از بدیها هجرت کند.

یا علی، محکم ترین دستاویز ایمان، محبت در راه خدا و دشمنی در راه خداست.

یا علی، خداوند تبارک و تعالی بوسیلهٔ اسلام نخوت و تکبر جاهلیت و فخر فروشی به پدران را از بین برد. آگاه باشید، مردم از حضرت آدم و آدم از خاک بوجود آمده اند. و گرمی ترین مردم نزد خدا پرهیزکارترین آنها هستند.

یا علی، پولی که از فروختن مردار و سگ و شراب و مهریهٔ زن زناکار و رشوه و جادوگری بدست می آید بی ارزش و حرام است.

یا علی، کسی که دانشی بیاموزد تا بوسیلهٔ آن با جاهلان نزاع کند، یا با عالمان جدل کند، یا مردم را بسوی خود فراخواند، اهل دوزخ است.

يا عَلِيُّ، إِذَا مَاتَ الْعَبْدُ قَالَ النَّاسُ: مَا خَلَفَ؟ وَقَالَتِ الْمَلَائِكَةُ: مَا قَدَّمَ؟

يا عَلِيُّ، الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَجَنَّةُ الْكَافِرِ.

يا عَلِيُّ، مَوْتُ الْفَجَاءِ رَاحَةٌ لِلْمُؤْمِنِ، وَحَسْرَةٌ لِلْكَافِرِ.

يا عَلِيُّ، أَوْحَى اللَّهُ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - إِلَى الدُّنْيَا: اخدمى من خدمنى، وأتعبى من خدَمَكِ.

يا عَلِيُّ، إِنَّ الدُّنْيَا لَوْ عَدَلَتْ عِنْدَ اللَّهِ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - جَنَاحَ بَعُوضَةٍ لَمَا سَقَى الْكَافِرَ مِنْهَا شَرْبَةً مِنْ مَاءٍ.

يا عَلِيُّ، مَا أَحَدٌ مِنَ الْأَوْلِيَيْنِ وَالْآخِرِينَ إِلَّا وَهُوَ يَتَمَنَّى يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنَّهُ لَمْ يُعْطَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا قَوْتًا (١).

يا عَلِيُّ، شَرُّ النَّاسِ مَنْ اتَّهَمَ اللَّهَ فِي قَضَائِهِ .

يا عَلِيُّ، أَنْيَنُ الْمُؤْمِنِ تَسْيِیحٌ، وَصِيَاحُهُ تَهْلِيلٌ، وَنَوْمُهُ عَلَى الْفِرَاشِ عِبَادَةٌ، وَتَقَلُّبُهُ مِنْ جَنْبٍ إِلَى جَنْبٍ جِهَادٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، فَإِنْ عَوَفَى مَشَى فِي النَّاسِ وَمَا عَلَيْهِ مِنْ ذَنْبٍ.

يا عَلِيُّ، لَوْ أَهْدَى إِلَيَّ كُرَاعٌ (٢) لَقَبِلْتُهُ، وَلَوْ دُعِيتُ إِلَى كُرَاعٍ لَأَجَبْتُ.

يا عَلِيُّ، الْإِسْلَامُ عُرْيَانٌ؛ فَلِبَاسُهُ الْحَيَاءُ، وَزِينَتُهُ الْوَفَاءُ، وَمُرُوتُهُ الْعَمَلُ الصَّالِحُ، وَعِمَادُهُ الْوَرَعُ، وَلِكُلِّ شَيْءٍ أَسَاسٌ وَأَسَاسُ الْإِسْلَامِ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ.

يا عَلِيُّ، سُوءُ الْخُلُقِ شُوْمٌ، وَطَاعَةُ الْمَرْأَةِ نَدَامَةٌ.

يا عَلِيُّ، إِنْ كَانَ الشُّومُ فِي شَيْءٍ فَفِي لِسَانِ الْمَرْأَةِ.

يا عَلِيُّ، نَجَا الْمُخْفُونَ (٣) يَا عَلِيُّ، مَنْ كَذَبَ عَلَيَّ مُتَعَمِّدًا فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ.

ص: ٢١٨

١- . لما يرى من شدّه الموقف فى الحساب، كما فى الحديث: «يُسأل عن ماله من أين اكتسبه وأين أنفقه». راجع بحار الأنوار: ٢٥٨/٧.

٢- . الكراع من البقر والغنم بمنزله الوظيف من الفرس، وهو مستدق الساق. وقيل: الكراع من الدواب ما دون الكعب ومن الإنسان: ما دون الركبه.

٣- . وفى المطبوعه «وهلك المثقلون».

یا علی، هنگامی که کسی می‌میرد مردم می‌گویند: چه چیزی باقی گذاشته است؟ و فرشتگان می‌گویند: چه چیزی پیش فرستاده است؟

یا علی دنیا زندان مؤمن و بهشت کافر است.

یا علی مرگ ناگهانی، آسایش مؤمن و حسرت کافر است.

یا علی، خداوند تبارک و تعالی به دنیا وحی کرد: به کسی که به من خدمت می‌کند خدمت کن. و کسی را که به تو [دنیا] خدمت می‌کند رنجور ساز.

یا علی، اگر دنیا نزد خدای تبارک و تعالی بقدر بال پشه ای ارزش داشت به کافر از آن یک جرعه آب نمی نوشانید.

یا علی، هر یک از پیشینیان و آیندگان در روز قیامت آرزو می‌کنند کاش از مال دنیا بیشتر از قوت روزانه به آنها داده نمی شد.

یا علی، بدترین انسان کسی است که خداوند را در قضای او متهم سازد. [و اعتراض کند].

یا علی، ناله مؤمن [هنگام بیماری] تسبیح [ثوابش مانند گفتن سبحان الله است]. و فریاد او تهلیل [گفتن لا اله الا الله] است. و خوابیدن او در بستر [بیماری] عبادت است. و پهلو به پهلو شدن بیمار جهاد در راه خداست. و اگر خوب شد و در میان مردم راه برود همه گناهانش بخشیده شده است.

یا علی، اگر به من پاچه [کم ارزش گوسفند] هدیه شود می‌پذیرم. و اگر برای صرف پاچه دعوت شوم می‌پذیرم.

یا علی، اسلام برهنه است. و لباس آن حیاء است. و زینت آن وفاء، و جوانمردی آن عمل صالح است. و ستون آن پارسایی است. و هر چیزی اساس و پایه ای دارد. پایه اسلام محبت ما اهل بیت است.

یا علی، اخلاق بد شوم است. و پیروی از زن موجب پشیمانی است.

یا علی، اگر در چیزی شومی باشد، در زبان زن است.

یا علی، سبک باران نجات یابند.

یا علی، کسی که عمداً به من دروغ نسبت دهد بداند جایگاهش دوزخ است.

يَا عَلِيُّ، السُّوَاكُ مِنَ السُّنَّةِ، وَمَطَهْرَةٌ لِلْفَمِ، وَيَجْلُو الْبَصِيرَ، وَيُرَضِّي الرَّحْمَانَ، وَيُبَيِّضُ الْأَسْنَانَ، وَيَذْهَبُ بِالْحَفْرِ، وَيَشُدُّ اللَّثَّةَ، وَيُسَهِّي الطَّعَامَ، وَيُذْهِبُ الْبَلْغَمَ، وَيَزِيدُ فِي الْحِفْظِ، وَيُضَاعَفُ الْحَسَنَاتِ، وَتَفْرَحُ بِهِ الْمَلَائِكَةُ.

يَا عَلِيُّ، مَا بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ نَبِيًّا إِلَّا وَجَعَلَ ذُرِّيَّتَهُ مِنْ صُلْبِهِ وَجَعَلَ ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِكَ، وَلَوْلَاكَ مَا كَانَتْ لِي ذُرِّيَّةٌ (١).

يَا عَلِيُّ، إِنَّ عَبْدَ الْمُطَلِّبِ كَانَ لَا يَسْتَقْسِمُ بِالْأَزْلَامِ، وَلَا يُعْبِدُ الْأَصْنَامَ، وَلَا يَأْكُلُ مَا ذُبِحَ عَلَى النَّصْبِ، وَيَقُولُ: أَنَا عَلِيُّ دِينَ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

يَا عَلِيُّ، أَعْجَبُ النَّاسِ إِيْمَانًا وَأَعْظَمُهُمْ يَقِينًا قَوْمٌ يَكُونُونَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ؛ لَمْ يَلْحَقُوا النَّبِيَّ وَحُجِبَ عَنْهُمْ الْحُجَّةُ فَأَمَنُوا بِسَوَادِ عَلِيٍّ بِيَاضٍ.

يَا عَلِيُّ، لَا تُصَلِّ فِي جِلْدٍ مَا لَا تَشْرَبُ لَبَنَهُ وَلَا تَأْكُلُ لَحْمَهُ، وَلَا تُصَلِّ فِي ذَاتِ الْجَيْشِ (٢) وَلَا فِي ذَاتِ الصَّلَاةِ (٣) وَلَا فِي ضَجْنَانَ (٤).

يَا عَلِيُّ، كُلِّ مِنَ الْبَيْضِ مَا اخْتَلَفَ طَرَفَاهُ، وَمِنَ السَّمَكِ مَا كَانَ لَهُ قُشُورٌ، وَمِنَ الطَّيْرِ مَا دَفَّ، وَاتْرَكَ مِنْهُ مَا صَفَّ، وَكُلِّ مِنَ طَيْرِ الْمَاءِ مَا كَانَتْ لَهُ قَانِصَةٌ أَوْ صَيْصِيَّةٌ (٥).

يَا عَلِيُّ، كُلُّ ذِي نَابٍ مِنَ السَّبَاعِ وَمَخْلَبٍ مِنَ الطَّيْرِ فَحَرَامٌ أَكْلُهُ.

يَا عَلِيُّ، لَا قَطْعَ فِي تَمْرٍ، وَلَا كَثْرٍ (٦).

يَا عَلِيُّ، لَيْسَ عَلَى زَانٍ عُقْرٌ، وَلَا حَيْدٌ فِي التَّعْرِيزِ، وَلَا شَفَاعَةٌ فِي حَيْدٍ، وَلَا يَمِينٌ فِي قَطِيعَةِ رَجَمٍ، وَلَا يَمِينٌ لَوْلَدٍ مَعَ الْإِثْمِ، وَلَا لِمَرْأَةٍ مَعَ زَوْجِهَا، وَلَا لِلْعَبْدِ مَعَ مَوْلَاهُ، وَلَا صَمَتْ يَوْمًا إِلَى اللَّيْلِ،

ص: ٢٢٠

١- وردت روايات كثيرة متظافره ومتواتره بهذا المضمون من طرق الفريقين، وأهل البيت كانوا متقيدين به في خطبهم وكلماتهم، وأعداؤهم كانوا ساعين في محوه، وأول من بدأ به معاويه لعنه الله تعالى.

٢- ذات الجيش: واد بين مكة والمدينة بينه وبين ميقات أهل المدينة ميل واحد.

٣- ذات الصلاصل: موضع خسف في طريق مكة.

٤- ضجنان: جبل بناحية مكة.

٥- كُلِّ مَا دَفَّ: أى كُلِّ مَا حَرَّكَ جَنَاحِهِ فِي الطَّيْرَانِ كَالْحَمَامِ وَنَحْوِهِ، وَلَا تَأْكُلُ مَا صَفَّ جَنَاحِهِ كَالنَّسُورِ وَالصَّقُورِ (النهاية:

١٢٥/٢). وقوانص الطير: أى حواصلها بمنزلة المعدة للإنسان. والصيصية: شوكة الديك.

٦- الكثر - بفتحتين -: جَمَارُ النَخْلِ؛ وَهُوَ شَحْمَةُ الذِّى وَسَطِ النَخْلَةِ (النهاية: ١٥٢/٤). أى لَا يُقَطَّعُ يَدُ السَّارِقِ مِنْ أَجْلِهِ.

یا علی، مسواک زدن مستحب است. و دهان را پاک می کند. و چشم را جلا می دهد. و خدای رحمان را خشنود می کند. و دندان ها را سفید و زردی و فساد آن را می برد. و لثه را محکم کرده و بر اشتها بر غذا می افزاید. و بلغم را می برد. و حافظه را زیاد می کند. و حسنات را مضاعف و فرشتگان را شاد می سازد.

یا علی، خداوند متعال پیامبری را مبعوث نکرد مگر اینکه نسل او را در صلش قرار داد. و نسل مرا در صلب تو نهاد. و اگر تو نبودی برای من نسل باقی نمی ماند.

یا علی، عبدالمطلب بوسیله ازلام [نوعی قمار که حیوانی را بین برندگان مسابقه تیراندازی تقسیم می کردند] تقسیم نمی کرد. و بتها را نمی پرستید. و از غذایی که برای بتها ذبح می شد نمی خورد. و می گفت: من بر دین پدرم ابراهیم علیه السلام هستم.

یا علی، شگفت انگیزترین مردم از نظر ایمان و عظیم ترین آنان از نظر یقین گروهی هستند که در آخر الزمان پیامبر را ندیده اند، و امام و حجت از دید آنان غایب است، و تنها با سیاهی روی سپیدی [نوشته های روی کاغذ] ایمان آورده اند.

یا علی، در پوست حیوانی که شیر و گوشت آن حرام است نماز نخوان. و در ذات الجیش [نام مکانی است در بین مکه و مدینه در یک میلی میقات] و ذات الصلاصل [مکانی در راه مکه است] و ضجنان [کوهی است در مکه] نماز مگزار.

یا علی، تخم پرندۀ ای که دو سر آن متفاوت است بخور. [خوردن تخم پرندۀ ای که دو سر تخم همسان باشد، حرام است.] و از ماهیان فلس دار بخور. و پرندگانی که هنگام پرواز بال می زنند بخور. و از پرندگانی که هنگام پرواز با بالهای صاف پرواز می کنند نخور. و پرندۀ ای که سنگدان دارد یا پای آن خار دارد بخور.

یا علی، خوردن گوشت درندۀ ای که دندان نیش دارد، و پرندۀ ای که چنگال دارد حرام است.

یا علی، برای سرقت میوه و روغنی که در وسط نخل وجود دارد [دست سارق] قطع نمی شود.

یا علی، زنا کار مهریه ندارد. برای کنایه زدن و تعریض حدّ جاری نمی شود. در مورد اجرای حد شفاعت پذیرفته نمی شود. برای قطع رابطه خویشاوندی سوگند جایز نیست.

[اگر کسی سوگند بخورد که قطع رابطه خویشاوندی کند نباید به قسم عمل کند.] سوگند

ولا وصالٍ في صيام، ولا تعزّب بعد هجره (١).

يا عليّ، لا يقتل والد بولده.

يا عليّ، لا يقبل الله دعاء قلب ساه.

يا عليّ، نوم العالم أفضل من عباده العابد.

يا عليّ، ركعتين يصلّيهما العالم أفضل من ألف ركعة يصلّيها العابد.

يا عليّ، لا تصوم المرأة تطوعاً إلا بإذن زوجها، ولا يصوم العبد تطوعاً إلا بإذن مولاه، ولا يصوم الضيف تطوعاً إلا بإذن صاحبه .

يا عليّ، صوم يوم الفطر حرام، وصوم يوم الأضحى حرام، وصوم الوصال حرام، وصوم الصمت حرام، وصوم نذر المعصية حرام، وصوم الدهر حرام.

يا عليّ، الربا سبعون جزءاً، فأيسرها مثل أن ينكح الرجل أمه في بيت الله الحرام.

يا عليّ، درهم ربا أعظم عند الله من سبعين زنيه كلها بذات محرّم في بيت الله الحرام.

يا عليّ، من منع قيراطاً من زكاه ماله فليس بمؤمن ولا بمسلم، ولا كرامه!

يا عليّ، تارك الزكاه يسأل الله الرجعة إلى الدنيا، وذلك قول الله عز وجل: «حيّى إذا جاء أحدهم الموت قال رب ارجعون» (٢).

يا عليّ، تارك الحج وهو مستطيع كافر، يقول الله تبارك وتعالى: «ولله على الناس حج البيت من استطاع إليه سبيلاً ومن كفر فإن الله غني عن العالمين» (٣).

ص: ٢٢٢

١- . العقر - بالضم - ما تعطاه المرأة من وطء الشبهه، وأصله أن واطى البكر يعقرها إذا افتضها، فسمى ما تعطاه للعقر عقرًا، ثم صار عامًا لها وللثيب. التعريض في الكلام خلاف التصريح؛ أي ليس فيه حد القذف إذا قال لشخص، أو ليس فيه حد إذا اعترف بالتعريض. لايمين: أي ليس صحيحاً حتى يحرم الحنث. والوصال: هو ألا يفطر يومين أو أياماً. والتعزّب بعد الهجره: هو أن يعود إلى البادية ويقيم مع الأعراب بعد أن كان مهاجراً.

٢- . سورة المؤمنون الآية: ٩٩.

٣- . سورة آل عمران الآية: ٩٧.

فرزند برای مخالفت کردن با پدر، و سوگند زن برای مخالفت با شوهر، و سوگند برده برای مخالفت با مولای خود اعتبار ندارد. روزه سکوت [تمام روز را سکوت کند و با کسی سخن نگوید] جایز نیست.

روزه وصال [دو شبانه روز متوالی روزه بگیرد بدون افطار کردن] جایز نیست.

و بعد از ایمان بازگشت به جاهلیت جایز نیست.

یا علی، پدر را برای کشتن فرزندش قصاص نمی کنند.

یا علی، خداوند دعای کسی که قلبش غافل است را نمی پذیرد.

یا علی، خوابیدن عالم بهتر از عبادت عابد است.

یا علی، دو رکعت نمازی که عالم بجا آورد از هزار رکعت نماز عابد برتر است.

یا علی، زن بدون اجازه شوهر، و بنده بدون اجازه مولا، و میهمان بدون اجازه میزبان، نباید روزه مستحبی بگیرد.

یا علی، روزه گرفتن در عید فطر و عید قربان حرام است. روزه وصال حرام است.

روزه سکوت گرفتن حرام است. روزه نذر معصیت حرام است. [کسی نذر کند اگر فلان گناه را مرتکب شود به شکرانه آن روزه بگیرد. چنین روزه ای حرام است.] صوم دهر [یعنی تمام ایام سال را روزه بگیرد.] حرام است.

یا علی، [گناه] ربا هفتاد جزء است، کمترین آن مثل [گناه] کسی است که با مادرش در کعبه زنا کند.

یا علی، گناه یک درهم ربا نزد خدا بزرگتر از هفتاد زنا با محارم در کعبه است.

یا علی، کسی که یک قیراط [قیراط یک بیست و چهارم درهم یا دینار] از زکات مالش را نپردازد نه ایمان دارد. و نه مسلمان است. و احترامی هم ندارد.

یا علی، کسی که زکات نپردازد از خداوند درخواست می کند که او را به دنیا برگرداند.

این کلام خداوند است: «تا آنگاه که مرگ یکی از آنها فرا می رسد می گوید پروردگارا مرا بازگردان».

یا علی، کسی که مستطیع است ولی حج را ترک کند کافر است. خداوند تبارک و تعالی می فرماید: «برای خدا بر مردم حج خانه خدا واجب است. بر کسی که استطاعت حج دارد. و کسی که کافر شود خداوند از جهانیان بی نیاز است».

يا عَلِيُّ، مَنْ سَوَّفَ الْحَجَّ حَتَّى يَمُوتَ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا.

يا عَلِيُّ، الصَّدَقَةُ تَرُدُّ الْقَضَاءَ الَّذِي قَدِ ابْرَمَ إِبْرَامًا.

يا عَلِيُّ، صَلِّهِ الرَّحِمِ تَزِيدُ فِي الْعُمْرِ.

يا عَلِيُّ، افْتَحِ بِالْمِلْحِ وَاخْتِمِ بِالْمِلْحِ؛ فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنْ اثْنَيْنِ وَسَبْعِينَ دَاءً.

يا عَلِيُّ، لَوْ قَدِ قُتِمَتْ عَلَيَّ الْمَقَامِ الْمَحْمُودِ لَشَفَعْتُ فِي أَبِي وَأُمِّي وَعَمِّي وَأَخِي كَأَنَّ لِي فِي الْجَاهِلِيَّةِ (١).

يا عَلِيُّ، أَنَا ابْنُ الذَّبِيحِينَ (٢).

يا عَلِيُّ، أَنَا دَعْوَةُ (٣) أَبِي إِبْرَاهِيمَ.

يا عَلِيُّ، الْعَقْلُ (٤) مَا اكْتَسَبَ بِهِ الْجَنَّةَ، وَطَلَبَ بِهِ رِضَى الرَّحْمَنِ.

يا عَلِيُّ، إِنَّ أَوَّلَ خَلْقٍ خَلَقَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْعَقْلَ فَقَالَ لَهُ: أَقْبِلْ؛ فَأَقْبَلَ، ثُمَّ قَالَ لَهُ: أَدْبِرْ؛ فَأَدْبَرَ، فَقَالَ اللَّهُ:

وَعَزَّتِي وَجَلَالِي! مَا خَلَقْتَ خَلْقًا هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْكَ، بِكَ آخُذُ وَبِكَ أَعْطِي، وَبِكَ أَعْاقِبُ.

يا عَلِيُّ، لَا صَدَقَةَ وَذُو رَحِمٍ مُحْتَاجٍ.

يا عَلِيُّ، لِأَخِيرِ فِي قَوْلِ الْإِمَامِ الْفِعْلِ، وَلَا فِي الْمَنْظَرِ (٥) الْإِمَامِ الْخَبَرِ، وَلَا فِي الْمَالِ الْإِمَامِ الْجُودِ، وَلَا فِي الصَّدَقِ الْإِمَامِ الْوَفَاءِ، وَلَا فِي

الْفِقْهِ الْإِمَامِ الْوَرَعِ، وَلَا فِي الصَّدَقَةِ الْإِمَامِ النَّيِّهِ، وَلَا فِي الْحَيَاةِ الْإِمَامِ الصَّحْهِ، وَلَا فِي الْوَطَنِ الْإِمَامِ الْأَمْنِ وَالسُّرُورِ.

يا عَلِيُّ، أَلَا اخْبِرُكُمْ بِأَشْبَهِكُمْ بِي خُلُقًا؟ قَالَ: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: أَحْسَنُكُمْ خُلُقًا، وَأَعْظَمُكُمْ

ص: ٢٢٤

١- . هذا دليل على اعتقاد الإمامية من أن آباء النبي صلى الله عليه وآله مؤخِّدون، ولم يعيَّن من هذا الأخ الذي كان له صلى الله

عليه وآله في الجاهلية وهو صلى الله عليه وآله يشفع فيه، يعني كان موخِّداً مؤمناً حتى يجوز الاستغفار له.

٢- . أى إسماعيل وإسحاق، أو إسماعيل وعبد الله بن عبد المطلب عليهم السلام (راجع سفينة البحار: كلمه «ذبح»).

٣- . أنا دعوه أبى ابراهيم عليه السلام أى فى قوله: «وَ ابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا» (راجع نور الثقلين: ١٠٩/١).

٤- . كل ما فى الإنسان من القوى الباعثة إلى تأمين الحياه الحيوانيه التى تسمى الغرائز الحيوانيه، تدعو إلى الشهوات والميول،

وكل ما فى الإنسان من الإدراكات والأحكام العقليه كقبح الظلم والكذب وحسن الإحسان وهكذا تسمى جنود العقل، وكلما

تقدّم الإنسان فى ذلك كان تقدماً فى الإنسانيه، وهو يدعو إلى ما يرضى الرحمن وإلى طاعه الرب سبحانه وتعالى كما سيأتى

فيما بعد.

٥- المنظر: ما نظرت إليه فأعجبك أو ساءك، يقال: منظره خيرٌ من مخبره، والمخبرُ خلافُ المنظر؛ أي لا خيرَ في ظاهرِ حسن يعجب مع عدم المخبر؛ وهو الحسن الباطني والواقع.

یا علی، کسی که حج را به تأخیر اندازد تا بمیرد، خداوند او را در قیامت یهودی یا مسیحی محشور می کند.

یا علی، صدقه قضا و قدر مبرم و حتمی را برطرف می کند.

یا علی، صلۀ رحم عمر را طولانی می کند.

یا علی، غذا را با نمک شروع کن و با نمک ختم کن. زیرا در نمک شفای هفتاد و دو بیماری قرار دارد.

یا علی، هنگامی که بر مقام محمود بایستم پدر و مادر و عمو و برادری را که در دوران جاهلیت داشته ام شفاعت خواهم نمود.

یا علی، من فرزند دو ذبیح هستم. [یک اسماعیل ذبیح الله و دیگری عبدالله فرزند عبدالمطلب که پدرش نذر کرده بود یکی از فرزندان را در راه خدا ذبح کند].

یا علی، من دعای پدرم ابراهیم علیه السلام هستم.

یا علی، عقل آن است که بوسیله اش بهشت بدست آید. و خشنودی خدای رحمان طلب شود.

یا علی، اولین چیزی که خدا آفرید عقل بود و به او فرمود: رو کن و پیش آی. و او آمد.

سپس فرمود: برگرد. و عقل برگشت. خداوند فرمود: به عزّت و جلالم سوگند موجودی نیافریدم که از تو نزد من محبوبتر باشد. به سبب تو می گیرم. و به سبب تو عطا می کنم. و به سبب تو ثواب می دهم. و به سبب تو کیفر می کنم.

یا علی، در حالی که خویشاوندی نیازمند باشد صدقه به دیگری دادن جایز نیست.

یا علی، در گفتار فائده ای نیست مگر با عمل توأم باشد. و آراستن ظاهری سودی ندارد مگر با آرایش باطن باشد. و مال سودی ندارد مگر اینکه با بخشش و سخاوت باشد.

و در راستی سودی نیست مگر اینکه با وفا باشد. در فقه سودی نیست مگر اینکه با پروا باشد.

و در صدقه خیری نیست مگر اینکه با نیت باشد. و زندگی سودی ندارد مگر با سلامت.

و در وطن خیری نیست مگر با امنیت و شادمانی.

یا علی، آیا به شما بگویم چه کسی به من شبیه تر است؟ فرمود: بلی یا رسول الله.

حِلْمًا، وَأَبْرُكُم بِقِرَائَتِهِ ، وَأَشَدُّكُمْ مِنْ نَفْسِهِ إِنْصَافًا.

يَا عَلِيُّ، أَمَانٌ لِأُمَّتِي مِنَ الْعَرَقِ إِذَا هُمْ رَكِبُوا الشُّفْنَ فَقَرُّوْا: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» «وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ ي وَالْمَأْرُضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ م بِيَمِينِهِ ي سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ» (١) «بِسْمِ اللَّهِ مَجْرُلٌ هِيَ وَ مُرْسَلٌ - هَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ» (٢).

يَا عَلِيُّ، أَمَانٌ لِأُمَّتِي مِنَ السَّرَقِ: «قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى» (٣) إِلَى آخِرِ السُّورَةِ.

يَا عَلِيُّ، أَمَانٌ لِأُمَّتِي مِنَ الْهَيْدَمِ: «إِنَّ اللَّهَ يُمَسِّكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَ لَلَّ - نِ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِّنْ مَّ بَعْدِ هِيَ إِنَّهُ وَ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا» (٤).

يَا عَلِيُّ، أَمَانٌ لِأُمَّتِي مِنَ الْهَمِّ: «لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، وَ لَا مَلْجَأَ وَ لَا مَنجَى مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ».

يَا عَلِيُّ، أَمَانٌ لِأُمَّتِي مِنَ الْحَرَقِ: «إِنَّ وَ لِيَّيَ اللَّهُ الَّذِي نَزَلَ الْكِتَابَ وَ هُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ» (٥) «وَ مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ» (٦) الْآيَةِ.

يَا عَلِيُّ، مَنْ خَافَ مِنَ السَّبَاعِ فَلْيَقْرَأْ: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ» (٧) إِلَى آخِرِ السُّورَةِ.

يَا عَلِيُّ، مَنْ اسْتَصَعَبَتْ عَلَيْهِ دَابَّتُهُ فَلْيَقْرَأْ فِي أَذْنِهَا الْيَمْنَى: «وَلَهُوَ أَسْلَمٌ مِّنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا وَ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ» (٨).

يَا عَلِيُّ، مَنْ خَافَ سَاحِرًا أَوْ شَيْطَانًا فَلْيَقْرَأْ: «إِنَّ رَبَّكُمْ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ» (٩) الْآيَةِ.

ص: ٢٢٤

١- . سورة الزمر الآية: ٦٧.

٢- . سورة هود الآية: ٤١.

٣- . سورة الاسراء الآية: ١١٠.

٤- . سورة فاطر الآية: ٤١.

٥- . سورة الأعراف الآية: ١٩٦.

٦- . سورة الزمر الآية: ٦٧.

٧- . سورة التوبة الآية: ١٢٨.

٨- . سورة آل عمران الآية: ٨٣.

٩- . سورة الأعراف الآية: ٥٤ وسورة يونس الآية: ٣.

حضرت فرمود: خوش اخلاق ترین شما و بردبارترین شما و نیکوکارترین کس به بستگان خود، و منصف ترین شما نسبت به خود.

یا علی، امت من از غرق شدن در امان هستند. هنگامی که بر کشتی سوار شوند [این دعا را] بخوانند: بسم الله الرحمن الرحيم «خداوند را چنانکه شایسته اوست نشناختند و همه زمین در قیامت در دست قدرت اوست و آسمانها به نیروی او در هم پیچیده شده است. پاک و منزّه است از آنچه شرک می ورزند» [سوره زمر آیه ۶۷]. «به نام الله است رفتن و ماندن آن. همانا پروردگار آمرزنده مهربان است» [سوره هود آیه ۴۱].

یا علی، [این آیات] امان امت من از سرقت است: «بگو: الله را بخوانید یا رحمان را بخوانید هر کدام را بخوانید نامهای نیکو برای اوست». [تا آخر سوره اسراء خوانده شود].

یا علی، [این آیات] امان امت من از خرابی است: «همانا خداوند آسمانها و زمین را از فرو ریختن نگه می دارد و اگر فرو ریزند هیچکس بعد از او نمی تواند آنها را نگه دارد. همانا او بردبار و آمرزنده است».

یا علی، [این ذکر] امان امت من از اندوه است: هیچ نیرو و قدرتی نیست مگر بوسیله خداوند بلند مرتبه و بزرگ، و پناه و گریزگاهی از خدا جز بسوی او وجود ندارد.

یا علی، [این آیات] امان امت من از آتش سوزی است: «همانا سرپرست و یاور من خدایی است که قرآن را فرستاده است و او نیکوکاران را دوست دارد». «خداوند را چنان که شایسته اوست نشناختند». تا انتهای آیه ۶۷ سوره زمر.

یا علی، کسی که از درندگان بیم دارد [این آیات را] بخواند: «هر آینه رسولی از خودتان نزد شما آمده که رنج شما برای او ناگوار است». [تا آخر سوره توبه را بخواند].

یا علی، کسی که حیوان او چموش است در گوش راست حیوان بخواند: «در برابر او [خداوند] هر کس که در آسمانها و زمین است خواه ناخواه سر فرود می آورد و بسوی او باز گردانده می شوید».

یا علی، کسی که از جادوگر یا شیطانی بترسد [این آیه را] بخواند: «همانا پروردگار شما خداوندی است که آسمانها و زمین را آفرید».

يا عَلِيُّ، حَقُّ الْوَلَدِ عَلَى وَالِدِهِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ وَأَدَبَهُ، وَيَضَعَهُ مَوْضِعاً صَالِحاً (١)، وَحَقُّ الْوَالِدِ عَلَى وَلَدِهِ أَنْ لَا يُسَيِّمِيَهُ بِاسْمِهِ، وَلَا يَمْشِي بَيْنَ يَدَيْهِ، وَلَا يَجْلِسَ أَمَامَهُ، وَلَا يَدْخُلَ مَعَهُ فِي الْحَمَامِ.

يا عَلِيُّ، لَعَنَ اللَّهُ وَالِدَيْنِ حَمَلاً وَلَدَهُمَا عَلَى عُقُوبِهِمَا.

يا عَلِيُّ، يَلْزَمُ الْوَالِدَيْنِ مِنْ عُقُوبِ وَلَدِهِمَا مَا يَلْزَمُ الْوَلَدَ لَهُمَا مِنْ عُقُوبِهِمَا.

يا عَلِيُّ، رَجِمَ اللَّهُ وَالِدَيْنِ حَمَلاً وَلَدَهُمَا عَلَى بَرِّهِمَا.

يا عَلِيُّ، مَنْ أَحْرَزَ وَالِدِيهِ فَقَدْ عَقَّهْمَا.

يا عَلِيُّ، مَنْ اغْتَيْبَ عِنْدَهُ أَخُوهُ الْمُسْلِمَ فَاسْتَطَاعَ نَصْرَهُ فَلَمْ يَنْصُرْهُ، خَذَلَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

يا عَلِيُّ، مَنْ كَفَى يَتِيماً فِي نَفَقَتِهِ بِمَالِهِ حَتَّى يَسْتَغْنِيَ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ الْبَتَّةَ.

يا عَلِيُّ، مَنْ مَسَحَ يَدَهُ عَلَى رَأْسِ يَتِيمٍ تَرَحُّماً لَهُ، أَعْطَاهُ اللَّهُ عِزًّا وَجَلَّ بِكُلِّ شَعْرَةٍ نَوْرًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

يا عَلِيُّ، لَا فَقْرَ أَشَدُّ مِنَ الْجَهْلِ، وَلَا مَالٌ أَعْوَدُ مِنَ الْعَقْلِ، وَلَا وَحْدَةٌ أَوْحَشُ مِنَ الْعُجْبِ، وَلَا عَقْلٌ كَالْتَدْبِيرِ، وَلَا وَرَعٌ كَالْكَفِّ عَنِ مَحَارِمِ اللَّهِ تَعَالَى، وَلَا حَسَبٌ كَحُسْنِ الْخُلُقِ، وَلَا عِبَادَةٌ مِثْلُ التَّفَكُّرِ.

يا عَلِيُّ، آفَةُ الْحَدِيثِ الْكُذْبُ، وَآفَةُ الْعِلْمِ النُّسْيَانُ، وَآفَةُ الْعِبَادَةِ (٢) الْفَتْرَةُ، وَآفَةُ الْجَمَالِ الْخِيَلَاءُ (٣)، وَآفَةُ الْعَمَلِ الْحَسَدُ.

يا عَلِيُّ، مَنْ نَسِيَ الصَّلَاةَ عَلَيَّ قَدْ أَخْطَأَ طَرِيقَ الْجَنَّةِ.

يا عَلِيُّ، إِيَّاكَ وَنَقْرَةَ الْغُرَابِ (٤)، وَفَرَشَةَ الْأَسَدِ.

يا عَلِيُّ، لِأَنَّ ادْخَالَ يَدِي فِي فَمِ التَّنِينِ إِلَى الْمِرْفَقِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَسْأَلَ مَنْ لَمْ يَكُنْ تُمًّا كَانَ.

ص: ٢٢٨

١- ويضعه موضعاً صالحاً: لعل المراد هو الكسب والصنعة: أى يعلمه حرفه وشغلاً حلالاً مناسباً.

٢- المطلوب فى العباده هو الدوام ولو كان قليلاً، فمن شرع فيها زماناً وتركها فكأنه جعلها قليل الأثر أو عديمه.

٣- الخيلاء والخيلاء - بالضم والكسر -: الكبر والعجب (النهاية: ٩٣/٢).

٤- فيه «أنه نهى عن نقره الغراب» يريد تخفيف السجود، وأنه لا يمكث فيه إلا قدر وضع الغراب منقاره فيما يريد أكله. وافتراش

السبع فى الصلاة: هو أن يبسط ذراعيه فى السجود ولا يرفعهما عن الأرض كما يبسط الكلب والذئب (النهاية: ١٠٤/٥) و ج

(٤٢٩/٣).

یا علی، حق فرزند بر پدرش آن است که برایش نام نیکو انتخاب کند. و او را خوب تربیت کند. و در جایگاه شایسته بنشاندش.

و حق پدر بر فرزند این است که او را به اسم صدا نزند. و جلوتر از او راه نرود. و جلوتر از پدر ننشیند. و همراه او به حمام نرود.

یا علی، خدا لعنت کند پدر و مادری را که [با رفتار خود] فرزندانشان را به اذیت [و بی مهری] کردن به پدر و مادر وادار کنند.

یا علی، آزرده فرزند به وسیله پدر و مادر مانند آزرده پدر و مادر توسط فرزند است.

[نتیجه و عقوبت بد دارد.]

یا علی، خداوند رحمت کند پدر و مادری که باعث نیکوکاری فرزندشان به پدر و مادر شوند.

یا علی، کسی که پدر و مادرش را اندوهگین کند، آنان را عاق [اذیت] کرده است.

یا علی، کسی که در حضور او از برادر مؤمن غیبت کنند و بتواند برادرش را یاری کند [مانع غیبت شود] و یاری نکند، خداوند او را در دنیا و آخرت خوار سازد.

یا علی، کسی که از مال خود، یتیمی را بی نیاز کند، قطعاً بهشت بر او واجب می شود.

یا علی، کسی که دست نوازش بر سر یتیمی بکشد خداوند به تعداد موهایی که از زیر دست او می گذرد در روز قیامت نور به او عطا می کند.

یا علی، هیچ فقری سخت تر از نادانی نیست. و هیچ مالی سودمندتر از عقل نیست. و هیچ تنهایی وحشتناک تر از خود پسندی نیست. و هیچ عقلی مثل چاره اندیشی و تدبیر نیست. و هیچ پارسایی مثل خودداری از گناه و آنچه خدا حرام کرده، نیست. و هیچ شرافتی مثل اخلاق خوب نیست. و هیچ عبادتی مثل تفکر نیست.

یا علی، آفت گفتار دروغ است. و آفت علم فراموشی است. و آفت عبادت سستی است. و آفت جمال خودپسندی است. و آفت عمل حسد است.

یا علی، کسی که صلوات بر من را فراموش کند راه بهشت را گم کرده است.

یا علی، از نوک زدن کلاغ بر زمین [کنایه از عجله کردن در نماز و سجده ناقص است] و خوابیدن شیر [یعنی هنگام سجده ساعد و آرنج را به زمین گذاردن] پرهیز کن.

یا علی، فرو بردن دست تا آرنج در دهان شیر برایم بهتر است از اینکه از تازه به ثروت رسیده چیزی درخواست کنم.

ص: ۲۲۹

يا عَلِيُّ، إِنَّ أَعْتَى (١) النَّاسِ عَلَى اللَّهِ عِزٌّ وَجَلُّ الْقَاتِلِ غَيْرَ قَاتِلِهِ، وَالضَّارِبُ غَيْرَ ضَارِبِهِ، وَمَنْ تَوَلَّى غَيْرَ مَوَالِيهِ فَقَدْ كَفَرَ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ عِزٌّ وَجَلُّ عَلِيٍّ.

يا عَلِيُّ، تَخْتَمُ بِالْيَمِينِ؛ فَإِنَّهَا فَضِيلَةٌ مِنَ اللَّهِ عِزٌّ وَجَلُّ لِلْمُقَرَّبِينَ. قَالَ: بِمِ أُنَحِّتُمْ (٢) يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ:

بِالْعَقِيقِ الْأَحْمَرِ؛ فَإِنَّهُ أَوَّلُ جَبَلٍ أَقْرَبَ لِلَّهِ بِالرُّبُوبِيَّةِ، وَلِيٌّ بِالنُّبُوَّةِ، وَلَكَ بِالْوَصِيَّةِ، وَلَوْلَدِكَ بِالْإِمَامَةِ، وَلِشَيْعَتِكَ بِالْجَنَّةِ، وَلِأَعْدَائِكَ بِالنَّارِ.

يا عَلِيُّ: إِنَّ اللَّهَ عِزٌّ وَجَلُّ أَشْرَفَ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا فَاخْتَارَنِي مِنْهَا عَلَى رِجَالِ الْعَالَمِينَ، ثُمَّ أَطَّلَعَ الثَّانِيَةَ فَاخْتَارَكَ عَلَى رِجَالِ الْعَالَمِينَ، ثُمَّ أَطَّلَعَ الثَّلَاثَةَ فَاخْتَارَ الْأَيُّمَةَ مِنْ وُلْدِكَ عَلَى رِجَالِ الْعَالَمِينَ، ثُمَّ أَطَّلَعَ الرَّابِعَةَ فَاخْتَارَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ.

يا عَلِيُّ، إِنِّي رَأَيْتُ اسْمَكَ مَقْرُونًا بِاسْمِي فِي ثَلَاثَةِ مَوَاطِنَ، فَأَنْسَتْ بِالنَّظَرِ إِلَيْهِ: إِنِّي لَمَّا بَلَغْتُ بَيْتَ الْمَقْدَسِ فِي مِعْرَاجِي إِلَى السَّمَاءِ وَجَدْتُ عَلَى صَيْخَرَتِهَا: لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، أَيَّدْتُهُ بِوَزِيرِهِ، وَنَصَّرْتُهُ بِوَزِيرِهِ، فَقُلْتُ لِجَبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ وَزِيرِي؟ فَقَالَ: عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ.

فَلَمَّا انْتَهَيْتُ إِلَى سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى وَجَدْتُ مَكْتُوبًا عَلَيْهَا: إِنِّي أَنَا اللَّهُ لا إِلَهَ إِلَّا أَنَا وَحْدِي، مُحَمَّدٌ صَيْفُوتِي مِنْ خَلْقِي، أَيَّدْتُهُ بِوَزِيرِهِ، وَنَصَّرْتُهُ بِوَزِيرِهِ، فَقُلْتُ لِجَبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ وَزِيرِي؟ فَقَالَ: عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ.

وَلَمَّا جَاوَزْتُ سِدْرَةَ الْمُنْتَهَى انْتَهَيْتُ إِلَى عَرْشِ رَبِّ الْعَالَمِينَ جَلَّ جَلَالُهُ فَوَجَدْتُ مَكْتُوبًا عَلَى قَوَائِمِهِ: إِنِّي أَنَا اللَّهُ لا إِلَهَ إِلَّا أَنَا وَحْدِي، مُحَمَّدٌ حَبِيبِي، أَيَّدْتُهُ بِوَزِيرِهِ، وَنَصَّرْتُهُ بِوَزِيرِهِ. (٣)

ص: ٢٣٠

١- أعتى: من العتو؛ أى التجبر والتكبر؛ يعنى أن هذه المعاصى تنشأ عن العتو والتجبر الشديد على الله تعالى.
٢- التختم باليمين كان من علائم الشيعة، وبذلك وردت روايات كثيرة، كما أن التختم باليسار كان من شعار غيرهم وإن نسبه فى بعض رواياتهم إلى على عليه السلام. أو إلى الحسنين عليهما السلام (انظر سفينة البحار). وإقرار الجمادات بولايتهم عليهم السلام ورد فى روايات كثيرة، ولعل ذلك يدل كسائر الأخبار بل بعض الآيات بوجود الشعور والإدراك فى الموجودات ولو يسيراً.

٣- من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٣٥٢-٣٧٤، ح ٥٧٦٢.

یا علی، سرکش ترین مردم در برابر خداوند کسی است که غیر از قاتل را بکشد. و کسی را بزند که او را نزده است. و کسی که ولایت غیر مولای حقیقی را بپذیرد به آنچه که خداوند بر من نازل کرده است کفر ورزیده است.

یا علی، انگشتر در دست راست بکن که این کار فضیلتی از خداوند برای مقربان است.

پرسید: یا رسول الله چه انگشتری به دست کنم؟ حضرت فرمودند: عقیق سرخ. زیرا آن نخستین کوهی است که اقرار کرد به ربوبیت خدا و پیامبری من و ولایت تو و امامت فرزندان تو و بهشتی بودن شیعیان تو و جهنمی بودن دشمنان تو.

یا علی، خداوند عزیز و جلیل بر اهل دنیا نظر افکند و مرا بر مردان جهان برگزید. بار دیگر نظر کرد و تو را بر مردان عالم برگزید. و بار سوم نظر کرد و امامان از نژاد تو را بر مردان عالم برگزید. و بار چهارم نظر فرمود و فاطمه علیها السلام را بر زنان عالم برگزید.

یا علی، نام تو را در سه جا در کنار نام خویش دیدم. و از دیدن آن لذت بردم. هنگامی که در سفر معراج به بیت المقدس رسیدم دیدم که بر صخره آن نوشته شده بود: لا اله الا الله محمد رسول الله او را به کمک وزیرش تأیید و یاری نمودم. به جبرئیل علیه السلام گفتم: وزیر من کیست؟ گفت: علی بن ابیطالب.

هنگامی که به سدره المنتهی رسیدم دیدم بر آن نوشته شده است: من خداوند یکتا هستم جز من خدایی نیست. محمد برگزیده من از میان آفریدگان است و او را به وسیله وزیرش تأیید و یاری نمودم. به جبرئیل علیه السلام گفتم: وزیر من کیست؟ گفت: علی بن ابی طالب.

هنگامی که از سدره المنتهی عبور کردم و به عرش پروردگار جهانیان جل جلاله رسیدم دیدم بر ستونهای آن نوشته شده است: من خداوند یکتا هستم، جز من خدایی نیست. محمد حبیب من است. او را بوسیله وزیرش تأیید و یاری نمودم.

باب الأربعة

باب چهارصد

اشاره

ص: ۲۳۳

حَدِيثُ أَرْبَعَمِئَةٍ عَنِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٣٩٨٢. عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَمُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، عَنْ آبَائِهِ، أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَّمَ أَصْحَابَهُ فِي مَجْلِسٍ وَاحِدٍ أَرْبَعَمِئَةٍ بَابٍ مِمَّا يَصْلُحُ لِلْمُسْلِمِ فِي دِينِهِ وَدُنْيَاهُ، قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

١. إِنَّ الْحِجَامَةَ تُصِحُّ الْبَدَنَ، وَتَشُدُّ الْعَقْلَ.

٢. وَالطَّيْبُ فِي الشَّارِبِ مِنْ أَخْلَاقِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَكَرَامَةٌ لِلْكَاتِبِينَ.

٣. وَالسُّوَكَ مَرْضَاءٌ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَسُنَّةُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَطْيَبَةٌ لِلْفَمِّ.

٤. وَالذَّهْنُ يُلَيِّنُ الْبَشْرَةَ، وَيَزِيدُ فِي الدِّمَاغِ، وَيُسَهِّلُ مَجَارِيَ الْمَاءِ، وَيُذْهِبُ الْقَشْفَ (١)، وَيُسْفِرُ اللَّوْنَ.

٥. وَغَسَلَ الرَّأْسَ يَذْهِبُ بِالذَّرَنِ (٢)، وَيَنْفِي الْقَدَاءَ (٣).

٦. وَالْمُضْمَضَةَ وَالِاسْتِنْشَاقَ سُنَّةً، وَطَهُورَ الْفَمِّ وَالْأَنْفِ.

٧. وَالسَّعُوطَ (٤) مَصْحَةً لِلرَّأْسِ، وَتَنْقِيَةً لِلْبَدَنِ وَسَائِرِ أَوْجَاعِ الرَّأْسِ.

٨. وَالنُّورَةَ نُشْرَةً (٥)، وَطَهُورَ الْجَسَدِ.

ص: ٢٣٤

١- . الْقَشْفُ: قَدْرُ الْجِلْدِ، وَرِثَاتُهُ الْهَيْئَةُ، وَسُوءُ الْحَالِ. وَيُسْفِرُ اللَّوْنَ: أَي يَضِيؤُهُ (مجمع البحرين: ٥٠٦/٣).

٢- . الذَّرَنُ: الْوَسْخُ (القاموس المحيط: ٢٢١/٤).

٣- . الْقَدَاءُ: مَمْدُودٌ، وَفِي الْبَحَارِ: الْقَدَا مَقْصُورًا، وَعَنِ التَّحْفِ: الْأَقْدَارُ بَدَلُ الْقَدَاءِ، وَفِي الْمَجْمَعِ: الْقَدَا - بِالْفَتْحِ وَالْقَصْرِ -: مَا يَقَعُ فِي الْعَيْنِ وَالشَّرَابِ مِنْ تَرَابٍ أَوْ تَبْنٍ أَوْ وَسْخٍ... وَفِيهِ «غَسَلَ الرَّأْسَ بِالْخَطْمِ يَنْفِي الْأَقْدَارَ» يَعْنِي الْأَوْسَاحَ الَّتِي فِي الرَّأْسِ.

٤- . السَّعُوطُ: مَا يُجْعَلُ مِنَ الدَّوَاءِ فِي الْأَنْفِ (النهاية: ٣٦٨/٢).

٥- . النُّشْرَةُ - بَضْمِ النَّوْنِ -: رُقِيهِ يَعَالِجُ بِهَا الْمَجْنُونُ وَالْمَرِيضُ. وَالْمَرَادُ أَنَّ النَّوْرَةَ رُقِيَهُ تَدْفَعُ الدَّاءَ وَتَذْهِبُ بِالْهَمُومِ. أَوْ النَّشْرَةَ بِمَعْنَى النَّشَاطِ وَالسَّرُورِ، فَالْمَعْنَى أَنَّ النَّوْرَةَ تَوْرَثُ السَّرُورَ، وَهُوَ الْأَقْوَى.

۳۹۸۲. ابو بصیر و محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام نقل کرده اند آن حضرت از پدراناش نقل کرده اند که امیرالمؤمنین علیه السلام در یک مجلس چهارصد باب علم را که برای دین و دنیای مسلمان مفید است به یارانش آموخت.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

۱. حجامت کردن بدن را سلامت و عقل را تقویت می کند.

۲. عطر زدن به شارب [سیل] از اخلاق پیامبر صلی الله علیه و آله و گرامی داشتن نویسندگان [اعمال] است.

۳. مسواک زدن موجب خشودی خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و پاک کننده دهان است.

۴. روغن زدن [کرم زدن] پوست را لطیف و عقل را زیاد می کند. و مجرای آب را روان [روزنه های پوست را برای جریان آب باز می کند] و سختی پوست را بر طرف و رنگ پوست را روشن می گرداند.

۵. شستن سر آلودگی و کثافت را برطرف می کند.

۶. مضمضه [آب در دهان گرداندن] و استنشاق [آب در بینی گرداندن] مستحب است، و دهان و بینی را پاک می کند.

۷. سعوط [نوعی داروی تنفسی است] موجب سلامتی سر و پاکیزگی بدن و سائر دردهای سر می شود.

۸. نوره [موبر] نشاط آور و پاک کننده بدن است.

٩. وَاسْتِجَادَةَ الْحِذَاءِ وَقَايَةَ لِلْبَدَنِ، وَعَوْنَ عَلَى الطَّهْوَرِ وَالصَّلَاةِ.

١٠. وَتَقْلِيمَ الْأَظْفَارِ يَمْنَعُ الدَّاءَ الْأَعْظَمَ، وَيُدِرُّ الرِّزْقَ وَيُورِدُهُ.

١١. وَنَتْفَ الْإِبْطِ يَنْفِي الرَّاِيْحَةَ الْمُنْكَرَةَ، وَهُوَ طَهْوَرٌ وَسُنَّةٌ مِمَّا أَمَرَ بِهِ الطَّيِّبُ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

١٢. غَسَلَ الْيَدَيْنِ قَبْلَ الطَّعَامِ وَبَعْدَهُ زِيَادَةٌ فِي الرِّزْقِ، وَإِمَاطَةَ لِلْغَمْرِ عَنِ الثِّيَابِ، وَيَجْلُو الْبَصَرَ.

١٣. قِيَامُ اللَّيْلِ مَصْحَةٌ لِلْبَدَنِ، وَمَرْضَاةٌ لِلرَّبِّ عَزَّ وَجَلَّ، وَتَعَرُّضٌ لِلرَّحْمَةِ، وَتَمَشُّكٌ بِأَخْلَاقِ النَّبِيِّينَ.

١٤. أَكَلَ التُّفَّاحَ نَضُوحٌ (١) لِلْمَعِدَةِ.

١٥. وَمَضْغُ اللَّبَانِ يَشُدُّ الْأَضْرَاسَ، وَيَنْفِي الْبَلْغَمَ، وَيَذْهَبُ بِرِيحِ الْفَمِ.

١٦. الْجُلُوسُ فِي الْمَسْجِدِ بَعْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ أَسْرَعُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ مِنَ الضَّرْبِ فِي الْأَرْضِ.

١٧. أَكَلَ السَّفْرَجَلِ قُوَّةٌ لِلْقَلْبِ الضَّعِيفِ، وَيُطَيِّبُ الْمَعِدَةَ، وَيَزِيدُ فِي قُوَّةِ الْفُؤَادِ، وَيُشَجِّعُ الْجَبَانَ، وَيُحَسِّنُ الْوَالِدَ.

١٨. أَكَلَ إِحْدَى وَعِشْرِينَ زَبِيْبَةً حَمْرَاءَ فِي كُلِّ يَوْمٍ عَلَى الرِّيقِ يَدْفَعُ جَمِيعَ الْأَمْرَاضِ إِلَّا مَرَضَ الْمَوْتِ.

١٩. يُسْتَحَبُّ لِلْمُسْلِمِ أَنْ يَأْتِيَ أَهْلَهُ أَوَّلَ لَيْلِهِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ؛ لِقَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ»، وَالرَّفَثُ الْمُجَامَعَةُ.

٢٠. وَلَا تَحْتَمُوا بِغَيْرِ الْفِضَّةِ؛ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: مَا طَهَّرْتَ يَدًا فِيهَا خَاتَمٌ حَدِيدٌ.

٢١. وَمَنْ نَفَسَ عَلَى خَاتَمِهِ اسْمَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَلْيَحْوِلْهُ عَنِ الْيَدِ الَّتِي يَسْتَنْجِي بِهَا فِي الْمُتَوَضُّئِ.

٢٢. إِذَا نَظَرَ أَحَدُكُمْ فِي الْمِرْآةِ فَلْيَقُلْ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَنِي فَأَحْسَنَ خَلْقَتِي، وَصَوَّرَنِي فَأَحْسَنَ صَوْرَتِي، وَزَانَ مِنِّي مَا شَانَ مِنْ غَيْرِي، وَأَكْرَمَنِي بِالْإِسْلَامِ.

ص: ٢٣٦

١- النَّضُوحُ - بِالْحَاءِ الْمَهْمَلَةِ -: ضَرْبٌ مِنَ الطَّيْبِ يَفُوحُ رَائِحَتَهُ، وَلَعَلَّ الْمُرَادَ أَنَّ التُّفَّاحَ يَطْيِبُ الْمَعِدَةَ. وَيَحْتَمَلُ أَنْ يَكُونَ بِالْحَاءِ الْمَعْجَمَةِ بِمَعْنَى الْغَسْلِ وَالْإِزَالَةِ؛ أَيِ التُّفَّاحِ يَغْسَلُ الْمَعِدَةَ وَيُزِيلُ مَا فِيهَا مِنَ الْأَذَى.

۹. کفش راحت بدن را حفظ می کند. و کمک برای طهارت و نماز است.

۱۰. گرفتن ناخن ها از بیماری های شدید جلوگیری می کند. و روزی را برکت و توسعه می دهد.

۱۱. تراشیدن موی زیر بغل بوی بد را می برد و پاکی و سستی است که طیب علیه السلام به آن امر فرموده است.

۱۲. شستن دستها قبل و بعد از غذا روزی را زیاد و آلودگی را از لباس دور و قدرت بینایی را بهتر می کند.

۱۳. نماز شب موجب سلامتی بدن و خشنودی پروردگار و جلب رحمت و آراستن به اخلاق پیامبران است.

۱۴. خوردن سیب معده را شستشو می دهد.

۱۵. مکیدن کندر دندانها را محکم کرده. و بلغم را برطرف و بوی دهان را می برد.

۱۶. نشستن در مسجد بعد از طلوع فجر تا طلوع خورشید از سفر کردن برای بدست آوردن روزی سودمندتر است.

۱۷. خوردن گلابی قلب ضعیف را تقویت و معده را پاک و نیروی فکر را زیاد می کند. و به ترسو شجاعت می دهد. و فرزند [زن باردار] را زیبا می گرداند.

۱۸. خوردن بیست و یک عدد کشمش سرخ هر روز ناشتا [قبل از خوردن هر چیز] همه بیماریها را دفع می کند جز مرگ.

۱۹. برای مسلمان مستحب است که شب اول رمضان با همسرش نزدیکی کند چون خداوند تبارک و تعالی می فرماید: «شبِ رمضان رفت با همسرانتان حلال گردیده است». رفت یعنی نزدیکی.

۲۰. جز انگشتر نقره بدست نکنید. زیرا رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: دستی که انگشتری آهنی دارد پاک نمی گردد.

۲۱. کسی که روی انگشترش نام الله را حک کرده است آن را از دستی که استنجاء [پاک کردن بدن از ادرار یا مدفوع] می کند بیرون آورد.

۲۲. کسی که به آینه نگاه می کند بگوید: ستایش خدای را که مرا آفرید و خلقت مرا نیکو گردانید. و صورتگری کرد و صورت مرا نیکو گردانید. و عیبهای دیگران را از من دور گردانید. و مرا با اسلام گرامی داشت.

٢٣. لِيَتَزَيَّنَ أَحَدُكُمْ لِأَخِيهِ الْمُسْلِمِ إِذَا أَتَاهُ كَمَا يَتَزَيَّنُ لِلْغَرِيبِ الَّذِي يُحِبُّ أَنْ يَرَاهُ فِي أَحْسَنِ هَيْئَتِهِ.

٢٤. وَصَوْمُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ؛ أَرْبَعَاءَ بَيْنَ خَمِيسَيْنِ، وَصَوْمُ شَعْبَانَ، يَذْهَبُ بِوَسْوَسَةِ الصُّدُورِ وَبِلَابِلِ (١) الْقَلْبِ.

٢٥. وَالِاسْتِنْجَاءُ بِالْمَاءِ الْبَارِدِ يَقَطِّعُ الْبَوَاسِيرَ.

٢٦. وَغَسْلُ الثِّيَابِ يُذْهِبُ الْهَمَّ وَالْحُزْنَ، وَهُوَ طَهْوَرُ الصَّلَاةِ.

٢٧. (وَلَا تَنْتَفُوا خ ل) لَا يَنْتَفُ الشَّيْبُ؛ فَإِنَّهُ نُورُ الْمُسْلِمِ.

٢٨. وَمَنْ شَابَ شَيْبَتُهُ فِي الْإِسْلَامِ كَانَتْ لَهُ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

٢٩. لَا يَنَامُ الْمُسْلِمُ وَهُوَ جُبُّبٌ.

٣٠. وَلَا يَنَامُ إِلَّا وَهُوَ عَلَى طَهْرٍ، فَإِنْ لَمْ يَجِدِ الْمَاءَ فَلْيَتَيَّمْ بِالصَّعِيدِ؛ فَإِنَّ رُوحَ الْمُؤْمِنِ تُرْفَعُ إِلَى اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى، فَيَقْبَلُهَا وَيُبَارِكُ عَلَيْهَا، فَإِنْ كَانَ أَجْلُهَا قَدْ حَضَرَ جَعَلَهَا فِي كُنُوزِ رَحْمَتِهِ، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ أَجْلُهَا قَدْ حَضَرَ بَعَثَ بِهَا مَعَ أَمْنَائِهِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ فَيُرَدُّونَهَا فِي جَسَدِهِ.

٣١. لَا يَنْفُلُ الْمُؤْمِنُ فِي الْقَبْلَةِ؛ فَإِنْ فَعَلَ ذَلِكَ نَاسِيًا فَلْيَسْتَغْفِرِ اللَّهَ عِزُّ وَجَلُّ.

٣٢. لَا يَنْفُخُ الرَّجُلُ فِي مَوْضِعِ سُجُودِهِ.

٣٣. وَلَا يَنْفُخُ فِي طَعَامِهِ، وَلَا فِي شَرَابِهِ، وَلَا فِي تَعْوِيدِهِ (٢).

٣٤. لَا يَنَامُ الرَّجُلُ عَلَى الْمَحَجَّةِ (٣).

٣٥. وَلَا يَبُولَنَّ فِي سَطْحِ فِي الْهَوَاءِ.

٣٦. وَلَا يَبُولَنَّ فِي مَاءٍ جَارٍ، فَإِنْ فَعَلَ ذَلِكَ فَأَصَابَهُ شَيْءٌ فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ؛ فَإِنَّ لِلْمَاءِ أَهْلًا، وَلِلْهَوَاءِ أَهْلًا.

ص: ٢٣٨

١- . البلابل: وسواس الصدر (لسان العرب: ٦٩/١١).

٢- . لعلّ النفخ في التعويد إشارة إلى النفث في العقد، وهو من السحر؛ أي أنّ المؤمن لا يعمل السحر، بل ولا ما يشبهه.

٣- . المحجّة: جاده الطريق (النهاية: ٣٠١/٤).

۲۳. هر کدام از شما هنگامی که نزد برادر مسلمان خود می رود خود را چنان بیاراید که برای ناآشنا [میهمان] می آراید، و دوست دارد به بهترین صورت دیده شود.

۲۴. روزه گرفتن سه روز در هر ماه: پنج شنبه اول هر ماه، چهارشنبه وسط هر ماه و پنج شنبه آخر ماه، و روزه ماه شعبان و سوسه قلبها و وسواس سینه ها را از بین می برد.

۲۵. استنجاء [شستن محل نجاست پس از مدفوع] با آب سرد بواسیر را برطرف می کند.

۲۶. شستن لباس غم و اندوه را می برد و طهارت برای نماز است.

۲۷. موی صورتتان را نکنید چون ریش نور [چهره] مسلمان است.

۲۸. کسی که جوانی خود را در اسلام سپری کرده و پیر شود برای او نوری در قیامت خواهد بود.

۲۹. مسلمان در حال جنابت نمی خوابد [قبل از خواب یا غسل کند یا وضو بگیرد یا تیمم نماید].

۳۰. [مسلمان] بدون طهارت نمی خوابد و اگر آب نیافت با خاک تیمم کند. زیرا روح مؤمن بسوی خداوند بالا برده می شود و خداوند آن را قبول کرده و مبارک می گرداند و اگر اجل او برسد روحش را در گنجینه های رحمت خود قرار می دهد. و اگر مرگ او فرا نرسیده باشد روح او را بوسیله فرشتگان امین خود به جسم او بر می گرداند.

۳۱. مؤمن به طرف قبله آب دهان نیندازد. و اگر از روی فراموشی چنین کرد استغفار کند.

۳۲. کسی محل سجده خود را فوت نکند.

۳۳. کسی در غذا و آشامیدنی و نیز در حرز خود ندمد.

۳۴. کسی در جاده [محل تردد مردم] نخوابد.

۳۵. هرگز از پشت بام به طرف هوا ادرار نکنند.

۳۶. کسی در آب جاری ادرار نکند. اگر چنین کرد و گرفتاری برایش پیش آمد جز خودش را سرزنش نکند. زیرا در آب و در هوا موجوداتی زندگی می کنند.

٣٧. لَا يَنَامُ الرَّجُلُ عَلَى وَجْهِهِ ، وَمَنْ رَأَيْتُمُوهُ نَائِمًا عَلَى وَجْهِهِ فَانْبَهُوهُ فَلَا تَدْعُوهُ.

٣٨. وَلَا يَقُومَنَّ أَحَدُكُمْ فِي الصَّلَاةِ مُتَّكَاسِلًا وَلَا نَاعِسًا.

٣٩. وَلَا يُفَكِّرَنَّ فِي نَفْسِهِ ؛ فَإِنَّهُ بَيْنَ يَدَيِ رَبِّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ ، وَإِنَّمَا لِلْعَبْدِ مِنْ صَلَاتِهِ مَا أَقْبَلَ عَلَيْهِ مِنْهَا بِقَلْبِهِ .

٤٠. كُلُوا مِمَّا يَسْقُطُ مِنَ الْخِوَانِ ؛ لِأَنَّهُ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ يَأْذِنُ اللَّهُ عِزٌّ وَجَلٌّ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَسْتَشْفِيَ بِهِ .

٤١. إِذَا أَكَلَ أَحَدُكُمْ طَعَامًا فَمَضَّ أَصَابِعَهُ الَّتِي بِهَا أَكَلَ قَالَ اللَّهُ عِزٌّ وَجَلٌّ : بَارَكَ اللَّهُ فِيكَ .

٤٢. الْبَسُوا (ثِيَابَ خ ل) الثِّيَابَ الْقِطْنَ ؛ فَإِنَّهَا لِيَأْسُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَلَمْ يَكُنْ يَلْبَسُ الشَّعْرَ وَالصُّوفَ إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ ، وَقَالَ : إِنَّ اللَّهَ عِزٌّ وَجَلٌّ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ ، وَيُحِبُّ أَنْ يَرَى أَثَرَ نِعْمَتِهِ عَلَى عَبْدِهِ .

٤٣. صَلُّوا أَرْحَامَكُمْ وَلَوْ بِالسَّلَامِ ، يَقُولُ اللَّهُ عِزٌّ وَجَلٌّ : «وَأَتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ يَ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا» .

٤٤. لَا تَقْطَعُوا نَهَارَكُمْ بِكَذَا وَكَذَا ، وَفَعَلْنَا كَذَا وَكَذَا ، فَإِنَّ مَعَكُمْ حَفَظَةً يَحْفَظُونَ عَلَيْنَا وَعَلَيْكُمْ .

٤٥. اذْكُرُوا اللَّهَ فِي كُلِّ مَكَانٍ ؛ فَإِنَّهُ مَعَكُمْ .

٤٦. صَلُّوا عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ؛ فَإِنَّ اللَّهَ عِزٌّ وَجَلٌّ يَقْبَلُ دُعَاءَكُمْ عِنْدَ ذِكْرِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَدَعَائِكُمْ لَهُ وَحِفْظِكُمْ إِيَّاهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ .

٤٧. أَقْرِوْا الْحَارَّ حَتَّى يَبْرُدَ ؛ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا قُرَّبَ إِلَيْهِ طَعَامٌ قَالَ : أَقْرِوْهُ حَتَّى يَبْرُدَ وَيُمْكِنَ أَكْلُهُ ، مَا كَانَ اللَّهُ عِزٌّ وَجَلٌّ لِيُطْعِمَنَا النَّارَ ، وَالْبَرَكَهَ فِي الْبَارِدِ .

٤٨. إِذَا بَالَ أَحَدُكُمْ فَلَا يُطْمَحَنَّ (١) بِبَوْلِهِ ، وَلَا يَسْتَقْبِلُ بِبَوْلِهِ الرِّيحَ .

٤٩. عَلِّمُوا صِبْيَانَكُمْ مَا يَنْفَعُهُمُ اللَّهُ بِهِ ، لَا يَغْلِبُ عَلَيْهِمُ الْمُرْجَةُ بِرَأْيِهَا .

ص: ٢٤٠

١- . أى يرفع بولَه ويرمى به فى الهواء، يقال: طمَح بصره إلى الشيء: ارتفع. وأطمَح فلان بصره: رَفَعَه (مجمع البحرين: ٦٠/٣).

۳۷. کسی به صورت روی زمین نخوابد. و اگر کسی را دیدید که به صورت خوابیده است بیدارش کنید. و او را رها نکنید.

۳۸. هیچ یک از شما کسل و بی حال و خواب آلوده به نماز نایستد.

۳۹. [کسی در حال نماز] به خود نیندیشد چون او در برابر پروردگارش ایستاده است. و بنده از نمازش فقط بمقدار حضور قلبش بهره می برد.

۴۰. آنچه از سفره می افتد بخورید. زیرا با اذن خداوند در آن شفای هر بیماری است برای کسی که آن را به قصد شفا بخورد.

۴۱. هنگامی که شما پس از غذا، انگشتانی را که با آن غذا خورده اید بمکید خداوند متعال گوید: خدا بر تو مبارک گردانید.

۴۲. لباسهای پنبه ای بپوشید. زیرا آن لباس رسول الله صلی الله علیه و آله است. و آن حضرت لباس پشمی یا موئین [لباسی که از موی بز تهیه شده است] را فقط هنگام بیماری می پوشیدند. و فرمودند:

خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد. و دوست دارد آثار نعمتش را بر بنده اش ببیند.

۴۳. با خویشاوندان رابطه برقرار کنید حتی با یک سلام. خداوند می فرماید: «پروا داشته باشید از خداوندی که از او درخواست می کنید و خویشاوندان خود [از قطع رابطه با خویشاوندان پرهیز کنید]. همانا خداوند مراقب شماست» [سوره نساء آیه ۱].

۴۴. روز خود را به خود ستایی و به رخ کشیدن کارها نگذرانید. زیرا همراه شما فرشتگان محافظ هستند که رفتار ما و شما را ضبط می کنند.

۴۵. خداوند را در هر مکان به یاد داشته باشید. زیرا او با شماست.

۴۶. بر محمد و آل او صلوات فرستید. زیرا خداوند دعای شما را می پذیرد هنگامی که محمد و آل او را یاد کنید و برای او دعا کنید و حق او را رعایت نمایید. [اللهم صلّ علی محمد و آل محمد]

۴۷. غذای داغ را بگذارید سرد شود. [سپس میل نمایید.] زیرا هر وقت برای رسول الله صلی الله علیه و آله غذا می آوردند، حضرت می فرمود: بگذارید سرد شود تا میل کردن آن ممکن شود. خداوند نمی خواهد به ما آتش بخوراند. و برکت در سرد است. [غذایی که سرد شده باشد].

۴۸. هنگامی که ادرار می کنید آن را بطرف هوا پرتاب نکنید. و رو به طرف باد ادرار نکنید.

۴۹. به فرزندانان چیزهایی را بیاموزید که خداوند بوسیله آنها به آنان نفع می رساند. [عقاید صحیح به آنان بیاموزید.] تا مرجه [کسانی که عقاید فاسد دارند] با افکارشان بر فرزندان شما غلبه نکنند.

٥٠. كُفُّوا أَلْسِنَتِكُمْ.

٥١. وَسَلَّمُوا تَسْلِيمًا تَعْتَنِمُوا.

٥٢. أَدُّوا الْأَمَانَةَ إِلَى مَنِ اتَّمَمْتُمْ، وَلَوْ إِلَى قَتْلِهِ أَوْلَادِ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

٥٣. أَكْثَرُوا ذِكْرَ اللَّهِ عِزِّ وَجَلِّ إِذَا دَخَلْتُمُ الْأَسْوَاقَ، وَعِنْدَ اسْتِغَالِ النَّاسِ؛ فَإِنَّهُ كَفَّارَةٌ لِلذُّنُوبِ، وَزِيَادَةٌ لِلْحَسَنَاتِ، وَلَا تُكْتَبُوا مِنْ (فِي خ ل) الْغَافِلِينَ.

٥٤. لَيْسَ لِلْعَبْدِ أَنْ يَخْرُجَ إِلَى سَفَرٍ إِذَا حَضَرَ شَهْرُ رَمَضَانَ؛ لِقَوْلِ اللَّهِ عِزِّ وَجَلِّ: «فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ».

٥٥. لَيْسَ فِي شُرْبِ الْمُسْكِرِ وَالْمَسْحِ عَلَى الْخُفَّيْنِ تَقِيَّةٌ.

٥٦. يَاكُمْ وَالْغُلُوفَ فِينَا، قُولُوا: إِنَّا عِبِيدٌ مَرْبُوبُونَ، وَقُولُوا فِي فَضْلِنَا مَا شِئْتُمْ.

٥٧. مَنْ أَحَبَّنَا فَلْيَعْمَلْ بِعَمَلِنَا وَلْيَسْتَعِنِ بِالْوَرَعِ؛ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ مَا يُسْتَعَانُ بِهِ فِي أُمُورِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

٥٨. لَا تُجَالِسُوا لَنَا عَائِبًا، وَلَا تَمْدَحُوا بِنَا عِنْدَ عَدُوِّنَا مُعْلِنِينَ بِإِظْهَارِ حُبِّنَا؛ فَتَذَلُّوا أَنْفُسَكُمْ عِنْدَ سُلْطَانِكُمْ.

٥٩. الزَّمُوا الصِّدْقَ؛ فَإِنَّهُ مَنْجَاهٌ.

٦٠. وَارْغَبُوا فِيمَا عِنْدَ اللَّهِ عِزِّ وَجَلِّ.

٦١. وَاطْلُبُوا طَاعَتَهُ.

٦٢. وَاصْبِرُوا عَلَيْهَا.

٦٣. فَمَا أَقْبَحَ بِالْمُؤْمِنِ أَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ وَهُوَ مَهْتُوكُ السِّتْرِ.

٦٤. لَا تُعْتُونَا (١) فِي طَلْبِ الشَّفَاعَةِ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا قَدَّمْتُمْ.

٦٥. لَا تَفْضَحُوا أَنْفُسَكُمْ عِنْدَ عَدُوِّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَلَا تُكْذِبُوا أَنْفُسَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ عِزِّ وَجَلِّ بِالْحَقِيرِ مِنَ الدُّنْيَا.

ص: ٢٤٢

١- . عنى بحاجه: أى اهتم بها من يعينى أمره، أى يهمنى؛ أى لاتجعلونا فى هم طلب الشفاعة لكم. وفى البحار «فى الطلب والشفاعة لكم» أو لا تكلفونا بالشفاعة.

۵۰. زبان خود را نگه دارید.

۵۱. خوب سلام کنید [و یا کاملاً تسلیم باشید] تا غنیمت ببرید.

۵۲. امانت را به کسی که شما را امین قرار داده است برگردانید. حتی به قاتلان فرزندان پیامبران علیهم السلام.

۵۳. ذکر خدا را زیاد تکرار کنید، هنگامی که وارد بازار می شوید و هنگامی که مردم [به دنیا] مشغولند. زیرا ذکر خدا کفاره گناهان است. و به حسنات می افزاید. [و در این صورت] از غفلت زدگان نخواهید شد.

۵۴. وقتی ماه رمضان رسید کسی به سفر نرود [از سفرهای غیر لازم پرهیز شود]. چون خداوند فرموده است: «کسی که ماه رمضان را درک کرد آن را روزه بگیرد».

۵۵. در شراب خواری و مسح کردن از روی کفش [هنگام وضو] تقیه جایز نیست.

۵۶. از غلو کردن درباره ما اجتناب کنید. بگویید: ما [امامان علیهم السلام] بنده خدا هستیم و پروردگار داریم. آنگاه در فضائل ما هر چه خواستید بگوئید.

۵۷. کسی که ما را دوست دارد مثل ما رفتار کند. و از تقوا یاری بگیرد. زیرا تقوا بهترین چیزی است که از آن برای امور دنیا و آخرت یاری گرفته می شود.

۵۸. در مجالس عیب جویی از ما شرکت نکنید. و در حضور دشمنان ما محبت به ما را با ستایش ما آشکار نکنید. تا خود را نزد سلاطین ذلیل کنید.

۵۹. همیشه راست بگوئید. زیرا وسیله نجات است.

۶۰. به آنچه نزد خداست رغبت جوئید.

۶۱. اطاعت خداوند را طلب کنید.

۶۲. در اطاعت خداوند صبر داشته باشید.

۶۳. چقدر برای مؤمن زشت است در حالی وارد بهشت شود که پوششی نداشته باشد.

۶۴. [در آنچه انجام می دهید] و پیش می فرستید ما را برای شفاعتتان در روز قیامت به زحمت نیاندازید.

۶۵. خود را نزد دشمنان در قیامت رسوا نکنید. و درباره جایگاه خود نزد خداوند برای امور حقیر دنیا خویش را نزد دشمنان دروغگو نکنید. [مقام و منزلت خود نزد خداوند را با امور بی ارزش دنیا عوض نکنید].

٦٦. تَمَسَّكُوا بِمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ بِهِ؛ فَمَا بَيْنَ أَحَدِكُمْ وَبَيْنَ أَنْ يُغْتَبَطَ وَيَرَى مَا يُحِبُّ إِلَّا أَنْ يَحْضُرَهُ رَسُولُ اللَّهِ (١) صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى، وَتَأْتِيهِ الْبِشَارَةُ مِنَ اللَّهِ عِزُّ وَجَلُّ فَتَقَرَّرَ عَيْنُهُ، وَيُحِبُّ لِقَاءَ اللَّهِ.

٦٧. وَلَا تُحَقِّرُوا ضُعْفَاءَ إِخْوَانِكُمْ؛ فَإِنَّهُ مَنْ احْتَقَرَ مُؤْمِنًا لَمْ يَجْمَعْ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ بَيْنَهُمَا فِي الْجَنَّةِ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ.

٦٨. لَا يَكْلِفُ الْمُؤْمِنُ (٢) أَخَاهُ الطَّلَبَ إِلَيْهِ إِذَا عَلِمَ حَاجَتَهُ.

٦٩. تَوَازَرُوا وَتَعَاطَفُوا وَتَبَادَلُوا (وَتَبَادَلُوا خ ل)، وَلَا تَكُونُوا بِمَنْزِلَةِ الْمُنَافِقِ الَّذِي يَصِفُ مَا لَا يَفْعَلُ.

٧٠. تَزَوَّجُوا؛ فَإِنَّ التَّزْوِيجَ سُنَّةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَإِنَّهُ كَثِيرًا مَا كَانَ يَقُولُ: مَنْ كَانَ يُحِبُّ أَنْ يَتَّبِعَ سُنَّتِي فَلْيَتَزَوَّجْ؛ فَإِنَّ مِنْ سُنَّتِي التَّزْوِيجَ.

٧١. وَاطْلُبُوا الْوَلَدَ فَإِنِّي أَكْثَرُ بِكُمْ الْأَمَمَ غَدًا، وَتَوَقَّوْا عَلَى أَوْلَادِكُمْ لَبِنَ الْبَغِيِّ مِنَ النِّسَاءِ وَالْمَجْنُونَةِ؛ فَإِنَّ اللَّبْنَ يُعْدَى.

٧٢. تَتَزَهَّوْا عَنْ أَكْلِ الطَّيْرِ الَّذِي لَيْسَتْ لَهُ قَانِصَةٌ (٣) وَلَا صَيْصِيئُهُ (٤) وَلَا حَوْصَلَتُهُ (٥).

٧٣. وَأَتَّقُوا كُلَّ ذِي نَابٍ مِنَ السَّبَاعِ، وَذِي مَخْلَبٍ مِنَ الطَّيْرِ.

٧٤. وَلَا تَأْكُلُوا الطَّحَالَ؛ فَإِنَّهُ يُنْبِتُ الدَّمَ الْفَاسِدَ.

٧٥. لَا تَلْبَسُوا السَّوَادَ؛ فَإِنَّهُ لِبَاسُ فِرْعَوْنَ.

٧٦. اتَّقُوا الْغُدَدَ مِنَ اللَّحْمِ؛ فَإِنَّهُ يُحَرِّكُ عِرْقَ الْجُدَامِ.

٧٧. لَا تَقْيِسُوا الدِّينَ؛ فَإِنَّ مِنَ الدِّينِ مَا لَا يُقَاسُ، وَسَيَأْتِي أَقْوَامٌ مَقْيِسُونَ (٦) فَهَمَّ أَعْدَاءُ الدِّينِ، وَأَوَّلُ مَنْ قَاسَ إِبْلِيسُ لَعْنَهُ اللَّهُ.

ص: ٢٤٤

١- يعنى الموت أو الملك الموكل به.

٢- أى يبادر إلى حاجته حين علم، ولا يكلفه الطلب إليه.

٣- القانصه للطير كالمعده للإنسان، وفى الاقرب عن التهذيب: القانصه: هنه كأنها حجير فى بطن الطائر.

٤- الصيصيه: شوكة فى رجل الطائر كالإصبع الزائد فى الإنسان.

٥- الحوصله: من الطائر بمنزله المعده للإنسان يجتمع فيه الحب عند الحلق.

٦- فى البحار: «يقيسون».

۶۶. به آنچه خداوند امر فرموده دست یازید. و آنچه را که یکی از شما انجام می دهد و دیگری به آن غبطه می برد و دوست دارد، رسول الله صلی الله علیه و آله حاضر می کند. و آنچه نزد خداوند است نیکو و پایدار است و از سوی خداوند بشارت می رسد و او شاد می شود و لقاء الله را دوست می دارد.

[کسی که به کار خیر دیگران غبطه بخورد، از ثواب آن کار بهره می برد. و شادمان می شود.]

۶۷. دوستان ضعیف خود را تحقیر نکنید. زیرا کسی که مؤمنی را تحقیر کند خداوند آن دو را با هم به بهشت نمی برد مگر اینکه توبه کند.

۶۸. مؤمن، نیاز برادر دینی خود را قبل از آنکه خجالت و زحمت درخواست را تحمل کند برطرف می کند [یعنی نمی گذارد از او درخواست کند و قبل از درخواست نیازش را برطرف می کند].

۶۹. بار یکدیگر را بردارید. [در کارهای سخت به همدیگر کمک کنید.] و به یکدیگر مهرورزی بخشش کنید. و همانند منافق نباشید که کاری که نکرده است را توصیف می کند.

۷۰. ازدواج کنید، زیرا ازدواج سنت رسول الله صلی الله علیه و آله است. و آن حضرت بسیار می فرمودند:

کسی که دوست دارد از سنت من پیروی کند ازدواج کند زیرا ازدواج از سنت من است.

۷۱. [و فرمود:] فرزند طلب کنید [زاد و ولد نمایید]. زیرا فردا [قیامت] من در میان امتهای دیگر به شما افتخار می کنم. فرزندان خود را از خوردن شیر زن فاسد و دیوانه بر حذر دارید. چون شیر [خصلت ها را] انتقال می دهد.

۷۲. از خوردن پرندگان که سنگدان و خار زائد در پا و چینه دان ندارند پرهیز کنید.

۷۳. از خوردن [گوشت] حیواناتی درنده که دندان نیش دارند و پرندگان که چنگال دارند پرهیز کنید.

۷۴. طحال [سپرز] نخورید. زیرا خون فاسد [سرطان خون] تولید می کند.

۷۵. لباس سیاه نپوشید. چون لباس فرعون است.

۷۶. غده های درون گوشت را نخورید. چون عرق جذام [بیماری خوره] را تحریک می کند.

۷۷. در دین قیاس نکنید. زیرا اموری از دین قابل قیاس نیست و بزودی گروههایی می آیند که قیاس می کنند آنان دشمنان دین هستند. و اولین کسی که قیاس کرد شیطان بود.

٧٨. لَا تَتَّخِذُوا الْمَلْسَ (١)؛ فَإِنَّهُ حِذَاءُ فِرْعَوْنَ، وَهُوَ أَوَّلُ مَنْ حَذَا الْمَلْسَ.

٧٩. خَالِفُوا أَصْحَابَ الْمُسْكِرِ.

٨٠. وَكُلُوا التَّمْرَ؛ فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنَ الْأَدْوَاءِ.

٨١. وَاتَّبِعُوا قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَإِنَّهُ قَالَ: مَنْ فَتَحَ عَلَى نَفْسِهِ بَابَ مَسْأَلِهِ فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ بَابَ فَقْرٍ.

٨٢. أَكْثِرُوا الْإِسْتِغْفَارَ تَجَلَّبُوا الرِّزْقَ.

٨٣. قَدِّمُوا مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ عَمَلِ الْخَيْرِ تَجِدُوهُ غَدًا.

٨٤. إِيَّاكُمْ وَالْجِدَالَ؛ فَإِنَّهُ يورثُ الشَّكَّ.

٨٥. مَنْ كَانَ لَهُ إِلَى رَبِّهِ عِزٌّ وَجَلُّ حَاجَةٌ فَلْيَطْلُبْهَا فِي ثَلَاثِ سَاعَاتٍ: سَاعَةٍ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ، وَسَاعَةٍ تَزُولُ الشَّمْسُ، وَحِينَ تَهْبُ الرِّيَّاحُ وَتُفْتَحُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَتَنْزِلُ الرَّحْمَةُ وَيُصَوِّتُ الطَّيْرُ، وَسَاعَةٍ فِي آخِرِ اللَّيْلِ عِنْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ؛ فَإِنَّ مَلَكَيْنِ يُنَادِيَانِ: هَلْ مِنْ تَائِبٍ يُتَابُ عَلَيْهِ؟ هَلْ مِنْ سَائِلٍ يُعْطَى؟ هَلْ مِنْ مُسْتَغْفِرٍ فَيُغْفَرُ لَهُ؟ هَلْ مِنْ طَالِبٍ حَاجَةٍ فَتُقْضَى لَهُ، فَأَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ.

٨٦. وَاطْلُبُوا الرِّزْقَ فِيمَا بَيْنَ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ؛ فَإِنَّهُ أَسْرَعُ فِي طَلْبِ الرِّزْقِ مِنَ الضَّرْبِ فِي الْأَرْضِ، وَهِيَ السَّاعَةُ الَّتِي يُقَسِّمُ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ فِيهَا الرِّزْقَ بَيْنَ عِبَادِهِ.

٨٧. انْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ؛ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عِزٌّ وَجَلُّ انْتِظَارُ الْفَرَجِ مَا دَامَ عَلَيْهِ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ.

٨٨. تَوَكَّلُوا عَلَى اللَّهِ عِزَّ وَجَلَّ عِنْدَ رَكَعَتِي الْفَجْرِ إِذَا صَلَّيْتُمُوهَا؛ فَفِيهَا تُعْطَى الرَّغَائِبُ.

٨٩. لَا تَخْرُجُوا بِالسُّيُوفِ إِلَى الْحَرَمِ.

٩٠. وَلَا يُصَلِّينَ أَحَدُكُمْ وَبَيْنَ يَدَيْهِ سَيْفٌ؛ فَإِنَّ الْقِبْلَةَ أَمْنٌ.

ص: ٢٤٦

١- . الملس كما في الخصال، أو الملسن كما في البحار. وفي النهاية: وفيه «إن نعله كانت ملسية» أي كانت دقيقه على شكل اللسان. وقيل هي التي جعل لها لسان ولسانها الهنة الناتئة في مقدمها. وفي المجمع: «لا تتخذوا الملس فإنه حذاء فرعون» لعل المراد غير المخضرة وهي التي تحتها تمس الأرض بخلاف المخضرة.

۷۸. کفش نوک تیز نپوشید زیرا کفش فرعون است. و فرعون اولین کسی بود که کفش نوک تیز پوشید.

۷۹. با شراب خواران مخالفت کنید.

۸۰. تمر [نوعی خرما است] بخورید. زیرا درمان بیماریهاست.

۸۱. از گفتار رسول الله صلی الله علیه و آله پیروی کنید. ایشان فرمودند: کسی که در خواستن [گدایی] را به روی خود باز کند، خداوند در فقر را به رویش باز می کند.

۸۲. بسیار استغفار کنید تا روزی را جلب کنید.

۸۳. هر چه می توانید کارهای خیر را پیش فرستید. فردا [قیامت] آن را خواهید یافت.

۸۴. از جدال پرهیز کنید. زیرا جدل شک ایجاد می کند.

۸۵. هر کس از پروردگارش حاجتی دارد، آن را در سه ساعت طلب کند: ساعتی در روز جمعه، و ساعت زوال خورشید [هنگام اذان ظهر]، و هنگامی که بادهای آسمان باز می شود. و رحمت می بارد. [باران] و پرندگان می خوانند.

و ساعتی در آخر شب نزدیک طلوع فجر [اذان صبح]. در این ساعت دو فرشته ندا می دهند: آیا توبه کننده ای هست تا توبه اش پذیرفته شود؟ آیا فقیری هست تا به او عطا شود؟ آیا استغفار کننده ای هست تا آمرزیده شود؟ آیا حاجت خواهی هست تا برآورده شود؟ پس دعوت منادی خدا را اجابت کنید.

۸۶. بین طلوع فجر تا طلوع خورشید از خدا طلب روزی کنید. زیرا از سفر تجاری برای طلب روزی بهتر است. و آن ساعتی است که خداوند روزی را میان بندگانش تقسیم می کند.

۸۷. در انتظار فرج باشید. و از رحمت خدا ناامید نشوید. زیرا محبوب ترین کار نزد خدا انتظار فرج است تا زمانی که بنده مؤمن در انتظار فرج باشد.

۸۸. هنگام نماز صبح وقتی نماز بجا آوردید به خدا توکل کنید. در آن هنگام خواسته های بسیار و مرغوب عطا می شود.

۸۹. با شمشیر [مسلحانه] وارد حرم [محدوده ای اطراف شهر مکه] نشوید.

۹۰. هیچ کس هنگام نماز شمشیر [اسلحه] جلوی خود نگذارد. زیرا قبله ایمن است.

٩١. أَلْمُوا (١) بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَجَّكُمْ إِذَا خَرَجْتُمْ إِلَى الْبَيْتِ الْحَرَامِ؛ فَإِنَّ تَرْكَهُ جَفَاءٌ، وَبِذَلِكَ أَمَرْتُمْ.

٩٢. وَأَلْمُوا (٢) بِالْقُبُورِ الَّتِي أَلَزَمَكُمُ اللَّهُ حَقَّهَا وَزِيَارَتَهَا، وَاطْلُبُوا الرِّزْقَ عِنْدَهَا.

٩٣. وَلَا تَسْتَصْغِرُوا قَلِيلَ الْآثَامِ؛ فَإِنَّ الْقَلِيلَ يُحْصَى وَيَرْجَعُ إِلَى الْكَثِيرِ.

٩٤. وَأَطِيلُوا السُّجُودَ؛ فَمَا مِنْ عَمَلٍ أَشَدُّ عَلَى إِبْلِيسَ مِنْ أَنْ يَرَى ابْنَ آدَمَ سَاجِدًا؛ لِأَنَّهُ أَمَرَ بِالسُّجُودِ فَعَصَى، وَهَذَا أَمْرٌ بِالسُّجُودِ فَأَطَاعَ فَنَجَا.

٩٥. أَكْثَرُوا ذِكْرَ الْمَوْتِ وَيَوْمِ خُرُوجِكُمْ مِنْ قُبُورِكُمْ وَقِيَامِكُمْ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عِزِّ وَجَلِّ؛ تَهْنِ عَلَيْكُمُ الْمَصَائِبُ.

٩٦. إِذَا اشْتَكَى أَحَدُكُمْ عَيْنَيْهِ فَلْيَقْرَأْ آيَةَ الْكُرْسِيِّ، وَلْيُضْمِرْ فِي نَفْسِهِ أَنَّهَا تَبْرَأُ؛ فَإِنَّهُ يُعَافَى إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى.

٩٧. تَوَقَّوْا الذُّنُوبَ؛ فَمَا مِنْ بَلِيَّةٍ وَلَا نَقْصِ رِزْقٍ إِلَّا لِبُذْنٍ، حَتَّى الْخَدَشِ (٣) وَالْكَبُورَةِ وَالْمُصِيبَةِ، قَالَ اللَّهُ عِزِّ وَجَلِّ:

«وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ» (٤).

٩٨. وَاذْكُرُوا اللَّهَ عِزِّ وَجَلِّ عَلَى الطَّعَامِ وَلَا تَطْعَمُوا؛ فَإِنَّهَا نِعْمَةٌ مِنَ نِعَمِ اللَّهِ وَرِزْقٌ مِنْ رِزْقِ اللَّهِ يَجِبُ عَلَيْكُمْ فِيهَا شُكْرُهُ وَحَمْدُهُ.

٩٩. أَحْسِنُوا صُحْبَةَ النَّعْمِ قَبْلَ فِرَاقِهَا؛ فَإِنَّهَا تَزُولُ وَتَشْهَدُ عَلَى صَاحِبِهَا بِمَا عَمِلَ فِيهَا.

١٠٠. مَنْ رَضِيَ عَنِ اللَّهِ عِزِّ وَجَلِّ بِالْيَسِيرِ مِنَ الرِّزْقِ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ بِالْيَسِيرِ مِنَ الْعَمَلِ.

١٠١. إِيَّاكُمْ وَالتَّفْرِيطَ فَتَقَعِ الْحَسْرَةُ حِينَ لَا تَنْفَعِ الْحَسْرَةُ.

١٠٢. إِذَا لَقِيتُمْ عَدُوَّكُمْ فِي الْحَرْبِ فَأَقْلُوا الْكَلَامَ.

١٠٣. وَأَكْثَرُوا ذِكْرَ اللَّهِ عِزِّ وَجَلِّ؛ فَلَا تُؤَلِّهُمُ الْأَدْبَارَ فَتَسْخَطُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ، وَتَسْتَوْجِبُوا غَضَبَهُ، وَإِذَا رَأَيْتُمْ مِنْ إِخْوَانِكُمْ

ص: ٢٤٨

١- . أَلْمُوا (خ ل) أى أَلْمُوا حَجَّكُمْ بزيارته صلى الله عليه و آله. وَأَلْمُوا أى انزلوا به بعد حَجَّكُمْ وبالقبور.

٢- . وفى البحار عطفًا على ما تقدم، وفى الخصال: «أَلْمُوا».

٣- الخدش: الأثر الذى يحدث بالتقشير بعود ونحوه، أو الجرح الذى لا يسيل دمه.

٤- . الشورى: ٣٠.

۹۱. زمانی که بسوی بیت الحرام رفتید حج خود را با زیارت رسول الله صلی الله علیه و آله کامل کنید. زیرا ترک آن ستم است. و به زیارت آن حضرت مأمور شده اید.

۹۲. به زیارت قبرهای که خداوند حق و زیارت آنها را بر شما واجب گردانید [قبرهای امامان معصوم و حضرت زهرا علیهم السلام] بروید. و در کنار آن طلب رزق کنید.

۹۳. گناهان کم را ناچیز بشمارید. زیرا کم جمع می شود و در نهایت زیاد خواهد شد.

۹۴. سجده ها را طولانی کنید. هیچ کاری برای شیطان سخت تر از این نیست که انسانی را در حال سجده ببیند. زیرا شیطان مأمور به سجده شد و تخلف کرد. [گناه کرد] و این انسان مأمور به سجده شد و اطاعت کرد و نجات یافت.

۹۵. زیاد مرگ و روز خروج از قبر و ایستادن در برابر خداوند متعال را به یاد آورید. [که این یادآوری] مصیبت ها را برای شما آسان می کند.

۹۶. هنگامی که چشمان کسی درد داشت آیه الکرسی را قرائت کند و در ضمیر خود تلقین کنید که خوب خواهد شد. ان شاء الله خداوند عافیت خواهد داد.

۹۷. از گناهان دوری کنید. چون بلا- و کمبود ارزاق در اثر گناه است. [گر چه گناه کوچک باشد] حتی خراش [که به گناه ایجاد شود] و سوختگی و مصیبت. خداوند فرمود: «هر مصیبتی که می بینید نتیجه رفتار خودتان است. و خداوند از بسیاری [از گناهان] عفو می کند».

۹۸. هنگام غذا خوردن نام خدا را ذکر کنید و طغیان نکنید. زیرا غذا نعمتی از نعمت های خدا و رزقی از رزق خداوند است. و شکر و سپاس آن نعمت بر شما واجب است.

۹۹. تا وقتی که از نعمت ها برخوردار هستید قبل از جدا شدن خوب بهره برداری کنید. زیرا نعمت ها از بین می روند. و [در قیامت] به رفتار صاحب نعمت شهادت می دهند.

۱۰۰. کسی که به نعمت اندک از خداوند خشنود باشد. خداوند از عمل اندک او راضی می شود.

۱۰۱. از کم کاری و کوتاهی کردن اجتناب کنید. چون دچار حسرت می شوید وقتی که حسرت سودی ندارد.

۱۰۲. هنگامی که با دشمن خود در جنگ روبرو شدید کم سخن بگویید.

۱۰۳. بسیار ذکر خدا بگویید. [هنگام جنگ] به دشمن پشت نکنید. [فرار نکنید.] که پروردگارتان را خشمگین می کنید. و مستحق غضب او می شوید. و هنگامی که در جنگ با

فِي الْحَرْبِ الرَّجُلَ الْمَجْرُوحَ أَوْ مَنْ قَدْ نَكَلَ (١) أَوْ مَنْ طَمَعَ عَدُوَّكُمْ فِيهِ فَقُوهُ بِأَنْفُسِكُمْ.

١٠٤. اصْطَنِعُوا الْمَعْرُوفَ بِمَا قَدَرْتُمْ عَلَىٰ اصْطِنَاعِهِ؛ فَإِنَّهُ يَبْقَىٰ مِنْ مَصَارِعِ السُّوءِ.

١٠٥. مَنْ أَرَادَ مِنْكُمْ أَنْ يَعْرِفَ كَيْفَ مَنَزَلَتُهُ عِنْدَ اللَّهِ عِزٍّ وَجَلٍّ فَلْيَنْظُرْ كَيْفَ مَنَزَلَهُ اللَّهُ مِنْهُ عِنْدَ الذُّنُوبِ، كَذَلِكَ تَكُونُ مَنَزَلَتُهُ عِنْدَ اللَّهِ.

١٠٦. مَا يَنْحَدُّ الرَّجُلُ فِي مَنْزِلِهِ لِإِعْيَالِهِ أَفْضَلَ مِنَ الشَّاهِ؛ فَمَنْ كَانَ فِي مَنْزِلِهِ شَاهٌ قَدَّسَتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ كُلَّ يَوْمٍ مَرَّةً، وَمَنْ كَانَ عِنْدَهُ شَاتَانٍ قَدَّسَتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ مَرَّتَيْنِ فِي كُلِّ يَوْمٍ، وَكَذَا فِي الثَّلَاثِ تَقُولُ:

بُورِكَ فِيكُمْ.

١٠٧. إِذَا ضَعُفَ الْمُسْلِمُ فَمَا كَلِ اللَّحْمَ وَاللَّبَنَ؛ فَإِنَّ اللَّهَ عِزٌّ وَجَلٌّ جَعَلَ الْقُوَّةَ فِيهَا.

١٠٨. إِذَا أَرَدْتُمْ الْحَيَّجَّ فَتَقَدَّمُوا فِي شِرَاءِ الْحَوَائِجِ بِبَعْضِ مَا يُقَوِّبُكُمْ عَلَى السَّفَرِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ عِزٌّ وَجَلٌّ يَقُولُ: «وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ وَعُدَّةً».

١٠٩. إِذَا جَلَسَ أَحَدُكُمْ فِي الشَّمْسِ فَلْيَسْتَدْبِرْهَا؛ فَإِنَّهَا تُظْهِرُ الدَّاءَ الدَّفِينِ.

١١٠. إِذَا خَرَجْتُمْ حُجَّاجًا إِلَى بَيْتِ اللَّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ فَمَا كَثُرُوا النَّظَرَ إِلَى بَيْتِ اللَّهِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ عِزٌّ وَجَلٌّ مِئَةٌ وَعِشْرِينَ رَحْمَةً عِنْدَ بَيْتِهِ الْحَرَامِ، مِنْهَا سِتُّونَ لِلطَّائِفِينَ، وَأَرْبَعُونَ لِلْمُصَلِّينَ، وَعِشْرُونَ لِلنَّاطِرِينَ. أَقْرُوا عِنْدَ الْمُلتَزِمِ (٢) بِمَا حَفِظْتُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَمَا لَمْ تَحْفَظُوا، فَقُولُوا: وَمَا حَفِظْتُهُ عَلَيْنَا حَفِظْتِكَ وَنَسِينَاهُ فَاغْفِرْهُ لَنَا؛ فَإِنَّهُ مَنْ أَقْرَبَ بِذَنْبِهِ فِي ذَلِكَ الْمَوْضِعِ وَعُدَّةً وَذَكَرَهُ وَاسْتَغْفَرَ اللَّهُ مِنْهُ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ أَنْ يَغْفِرَ لَهُ.

١١١. تَقَدَّمُوا بِالْإِدْعَاءِ قَبْلَ نُزُولِ الْبَلَاءِ.

١١٢. يُفْتَحُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ فِي خَمْسَةِ مَوَاقِيتَ: عِنْدَ نُزُولِ الْغَيْثِ، وَعِنْدَ الزَّحْفِ، وَعِنْدَ الْأَذَانِ، وَعِنْدَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ، وَمَعَ زَوَالِ الشَّمْسِ، وَعِنْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ.

ص: ٢٥٠

١- . نكل فلان عن العدو: إذا جبن (مجمع البحرين: ٤٧٢/٣).

٢- الملتزم ويقال له المستجار، وهو الموضع المحاذي للباب من خلف قريباً من الركن اليماني.

دوستان خود بر خورد کردید که مجروح شده یا ترسیده یا دشمن ایشان را تعقیب می کند، با جان خود از او دفاع کنید.

۱۰۴. باندازه قدرت و توان خود، کارهای شایسته انجام دهید. زیرا این کار از لغزش های زشت حفظ می کند.

۱۰۵. هر یک از شما که می خواهد منزلت خود را نزد خداوند بداند، دقت کند منزلت خداوند نزد او هنگام گناه چگونه است. منزلت او هم نزد خدا همان گونه است.

۱۰۶. نگهداشتن هیچ چیز در خانه بهتر از گوسفند نیست. کسی که یک گوسفند نگهدارد هر روز فرشتگان یک بار او را تقدیس می کنند. و کسی که دو گوسفند نگه دارد، فرشتگان هر روز دو بار او را تقدیس می کنند. و به همین ترتیب در سه گوسفند می گوید: بر شما مبارک باد.

۱۰۷. مسلمان هنگام ضعف بدنی گوشت را با شیر بخورد. زیرا خداوند در آنها انرژی قرار داده است.

۱۰۸. برای سفر حج اقدام به خرید لوازمی کنید که در سفر شما را تقویت کند. خداوند می فرماید:

«اگر می خواستند [برای جنگ] خارج شوند امکانات لازم را برای سفر فراهم می کردند».

۱۰۹. زمانی که کسی در آفتاب می نشیند پشت به خورشید باشد. زیرا خورشید بیماری مخفی را آشکار می کند.

۱۱۰. هنگامی که به حج بیت الله رفتید بسیار زیاد به کعبه نگاه کنید. زیرا خداوند یکصد و بیست رحمت را در مسجد الحرام قرار داده است که شصت رحمت آن برای طواف کنندگان، و چهل رحمت برای نماز گزاران، و بیست رحمت برای کسانی است که به کعبه نگاه کنند. در ملتزم [نزدیک رکن یمانی نقطه پشت در کعبه است به آنجا مستحار هم می گویند]. به گناهانی که به یاد دارید و گناهانی که فراموش کرده اید اقرار کنید. و بگویید: خدایا گناهانی را که فرشتگان نویسنده اعمال می دانند و من فراموش کرده ام بیامرزد. زیرا کسی که در آن مکان به گناه خود اقرار کند و گناهانش را بشمارد و بیاد آورد و از خدا طلب مغفرت کند، بر خداوند است که او را بیامرزد.

۱۱۱. قبل از فرود آمدن بلا دعا کنید. [پیشاپیش دعا کنید تا بلا نازل نشود].

۱۱۲. درهای آسمان در پنج وقت باز می شود: هنگام باریدن باران، و هنگام جنگیدن، و هنگام اذان، و هنگام قرائت قرآن، و با زوال خورشید [ظهر] و هنگام طلوع فجر.

١١٣. مَنْ غَسَلَ مِنْكُمْ مِيْتًا فَلْيَغْتَسِلْ بَعْدَهَا يُلْبِسُهُ أَكْفَانُهُ.

١١٤. وَلَا تُبْخِزُوا الْأَكْفَانَ، وَلَا تَمَسِّحُوا مَوْتَاكُمْ بِالطَّيْبِ إِلَّا الْكَافُورَ؛ فَإِنَّ الْمَيِّتَ بِمَنْزِلَةِ الْمُحْرَمِ.

١١٥. مُرُوا أَهَالِيكُمْ بِالْقَوْلِ الْحَسَنِ عِنْدَ مَوْتَاكُمْ؛ فَإِنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمَّا قُبِضَ أَبُوهَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَاعَدَتْهَا جَمِيعُ بَنَاتِ بَنِي هَاشِمٍ، فَقَالَتْ: دَعُوا التَّعْدَادَ (١)، وَعَلَيْكُمْ بِالْدُعَاءِ.

١١٦. زوروا موتاكم؛ فإنهم يفرحون بزيارتكم، وليطلب الرجل الحاجه عند قبر أبيه وأمه بعدما يدعو لهما.

١١٧. المسلم مرآه أخيه المسلم؛ فإذا رأيتم من أخيك هفوه (٢) فلا تكونوا عليه وكونوا له كنفسه وأرشدوه وانصه حوه وترفقوا به، وإياكم والخلاف فتفرقوا، وعليكم بالصدق فتزلفوا (٣) وتوجروا.

١١٨. مَنْ يُسَافِرُ مِنْكُمْ بِدَائِهِ فَلْيَبْدَأْ حِينَ يَنْزِلُ بِعَلْفِهَا وَسَقِيهَا.

١١٩. وَلَا تَضْرِبُوا الدَّوَابَّ عَلَى وُجُوهِهَا؛ فَإِنَّهَا تُسَبِّحُ بِحَمْدِ رَبِّهَا.

١٢٠. وَمَنْ ضَلَّ مِنْكُمْ فِي سَفَرٍ أَوْ خَافَ عَلَى نَفْسِهِ فَلْيُنَادِ: يَا صَالِحِ أَغْنِنِي؛ فَإِنَّ فِي إِخْوَانِكُمْ مِنَ الْجَنِّ جَنِيًّا يُسَمِّي صَالِحًا يَسِيحُ (٤) فِي الْبِلَادِ لِمَكَانِكُمْ مُحْتَسِبًا نَفْسَهُ لَكُمْ؛ فَإِذَا سَمِعَ الصَّوْتِ أَجَابَ وَأرْشَدَ الضَّالَّ مِنْكُمْ، وَحَبَسَ عَلَيْهِ دَابَّتَهُ.

١٢١. وَمَنْ خَافَ مِنْكُمْ عَلَى نَفْسٍ مِنَ الْأَسِيدِ أَوْ عَلَى غَنَمِهِ، فَلْيُخِطْ عَلَيْهَا خِطَّةً وَلْيَقُلْ: اللَّهُمَّ رَبِّ دَانِيَالَ وَالْجَبِّ، وَرَبِّ كُلِّ أَسِيدٍ مُسْتَأْسِدٍ، احْفَظْنِي وَاحْفَظْ غَنَمِي.

١٢٢. مَنْ خَافَ مِنْكُمْ الْعَقْرَبَ فَلْيَقْرَأْ هَذِهِ الْآيَاتِ: «سَلِّمْ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَلَمِينَ * إِنَّا كَذَّبْنَاكَ لَكَ نَجْرِي الْمُحْسِنِينَ * إِنَّهُ وَمِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ».

١٢٣. مَنْ خَافَ مِنْكُمْ الْعَرَقَ فَلْيَقْرَأْ: «بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَلُهَا وَمُرْسَلُهَا - هَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ» (٥) بِسْمِ اللَّهِ الْمَلِكِ

ص: ٢٥٢

١- . أى عدّ الفضائل والمفاخر.

٢- الهفوه: الزلّه (الصحاح: ٢٥٣٥/٦).

٣- . الزلف والزلفه والزلفى: القربه والدرجه والمنزله (لسان العرب: ١٣٨/٩).

٤- ساح فى الأرض: إذا ذهب فيها (النهايه: ٤٣٢/٢).

٥- أى باسم الله جريها وثبوتها ومقامها.

۱۱۳. کسی که میت را غسل می دهد پس از کفن کردن میت، خودش غسل مس میت کند.

۱۱۴. کفن را بخور ندهید و مردگان را جز کافور با عطر دیگری معطر نکنید. زیرا میت به منزلهٔ محرم است. [بر محرم استعمال عطر حرام است].

۱۱۵. به بستگان خود بگویید در کنار جنازه سخن نیکو بگویند. زیرا فاطمه علیها السلام وقتی که پدرش محمد صلی الله علیه و آله رحلت کرد همهٔ دختران بنی هاشم او را در گریه یاری می کردند. حضرت فاطمه علیها السلام فرمودند: افتخارات و فضائل را واگذارید و دعا کنید.

۱۱۶. به زیارت [قبر] مردگان خویش بروید. زیرا [ارواح] آنان با زیارت شما شاد می شوند. و انسان در کنار قبر پدر و مادر پس از دعا کردن برای آنان حاجت خود را طلب کند.

۱۱۷. مسلمان آینه ای در مقابل برادر مسلمان است. زمانی که از برادر [مسلمان] خود لغزشی مشاهده کردید، با او دشمنی نکنید. و برای او چون خودش [دلسوز و مهربان] باشید. و او را ارشاد و نصیحت نمائید و به او ارفاق کنید. مبدا مخالفت کنید. و از یکدیگر جدا شوید.

و صداقت بر شما لازم است پس با هم باشید. و بهره مند شوید.

۱۱۸. کسی که بوسیلهٔ حیوان سفر می کند هنگام پیاده شدن اول آب و علف به حیوان بدهد.

۱۱۹. بر چهره چهارپایان نزنید، زیرا آنان تسبیح و ستایش پرور گارشان می گویند.

۱۲۰. هر یک از شما در سفر گم شد یا جانش به خطر افتاد ندا بدهد: یا صالح به فریاد من برس. زیرا از برادران جَنّی شما شخصی صالح نامیده می شود و در شهرها به خاطر شما می گردد و خود را وقف شما کرده است و هنگامی که صدا را بشنود جواب می دهد. و افراد گمشده شما را راهنمایی می کند. و حیوان او را نگه می دارد.

۱۲۱. کسی که جان خود یا گوسفند خود را در معرض حملهٔ شیر درنده می بیند، خطی بر دور آن بکشد و بگوید: بار خدایا پروردگار دانیال [از پیامبران بنی اسرائیل که علم رمل می دانسته است و در شهر شوش دفن است] و جُبّ [چاه] و پروردگار هر شیر دلیر مرا حفظ کن. و گوسفند مرا نگهدار.

۱۲۲. هر یک از شما که از عقرب می ترسد، این آیات را قرائت کند: «سلام بر نوح در عالمیان. ما اینگونه به نیکوکاران پاداش می دهیم. همانا او از بندگان مؤمن ما است.

۱۲۳. کسی که می ترسد غرق شود، بخواند: «جریان و ثبوت آن به اسم الله است. همانا

الْقَوِيُّ، «وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ مِ يَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ».

١٢٤. عَقُّوا (١) عَنْ أَوْلَادِكُمْ يَوْمَ السَّابِعِ، وَتَصَيَّدُوا بِوَزْنِ شَعْرِهِمْ فَضَّهُ عَلَى مُسْلِمٍ، وَكَذَلِكَ فَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَسَائِرِ وُلْدِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

١٢٥. إِذَا نَاوَلْتُمُ السَّائِلَ شَيْئًا فَاسْأَلُوهُ أَنْ يَدْعُوَ لَكُمْ؛ فَإِنَّهُ يُجَابُ فِيكُمْ وَلَا يُجَابُ فِي نَفْسِهِ؛ لِأَنَّهُمْ يَكْذِبُونَ.

١٢٦. وَلْيُرَدِّ الَّذِي يُنَاوِلُهُ يَدَهُ إِلَى فِيهِ فَلْيَقْبَلْهَا؛ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَأْخُذُهَا قَبْلَ أَنْ تَقَعَ فِي يَدِ السَّائِلِ كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ».

١٢٧. تَصَدَّقُوا بِاللَّيْلِ؛ فَإِنَّ صَدَقَةَ اللَّيْلِ تُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ جَلَّ جَلَالُهُ.

١٢٨. احْتَسِبُوا كَلَامَكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ يَقِلَّ كَلَامُكُمْ إِلَّا فِي خَيْرٍ (٢).

١٢٩. أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ؛ فَإِنَّ الْمُنْفِقَ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ فَمَنْ أَيْقَنَ بِالْخَلْفِ جَادَ وَسَخَتْ نَفْسُهُ بِالْفَقْهِ.

١٣٠. مَنْ كَانَ عَلَى يَقِينٍ فَشَكَّ فَلْيَمْضِ عَلَى يَقِينِهِ؛ فَإِنَّ الشَّكَّ لَا يَنْقُضُ الْيَقِينَ.

١٣١. لَا تَشْهَدُوا قَوْلَ الزُّورِ.

١٣٢. وَلَا تَجْلِسُوا عَلَى مَائِدَةٍ يُشْرَبُ عَلَيْهَا الْخَمْرُ؛ فَإِنَّ الْعَبْدَ لَا يَدْرِي مَتَى يُؤْخَذُ.

١٣٣. إِذَا جَلَسَ أَحَدُكُمْ عَلَى الطَّعَامِ فَلْيَجْلِسْ جِلْسَةَ الْعَبْدِ، وَلَا يَضَعْ عَنْ أَحَدِكُمْ إِحْدَى رِجْلَيْهِ عَلَى الْأُخْرَى، وَلَا يَتَرَبَّعَ (٣)؛ فَإِنَّهَا جِلْسَةٌ يُبْغِضُهَا اللَّهُ وَيَمُقَّتْ صَاحِبُهَا.

١٣٤. عَشَاءُ الْأَنْبِيَاءِ بَعْدَ الْعَتَمَةِ (٤).

ص: ٢٥٤

١- . أى اذبحوا عنهم عقيقته؛ وهى ما يذبح فى أيام الولادة.

٢- . أى إن تحتسبوا كلامكم من أعمالكم يقل كلامكم.

٣- . التربع جلسة نهى عنها فى الأخبار؛ وهى أن يجلس على إتيته ويمد ركبته اليمنى إلى اليمين والقدم اليمنى إلى اليسار، ويمد ركبته اليسرى إلى اليسار والقدم اليسرى إلى اليمين، أو يجلس كذلك ويضع القدم اليمنى على الفخذ الأيسر أو بالعكس، وهى جلسة المتكبرين، والتربع المستحب فى الصلاة نحو آخر مذكور فى كتب الفقه.

٤- . العتمة: ظلمة الليل. وكانت الأعراب يسمون صلاة العشاء صلاة العتمة تسميةً بالوقت. وكلا المعنيين محتمل هنا.

پروردگارم آمرزنده و مهربان است». به اسم خداوند مَلِک قوی. «و آنها خداوند را آن گونه که شایسته است، نشناختند. در حالی که همه زمین روز قیامت در اختیار اوست. و آسمانها پیچیده در دست اوست. خداوند منزّه و برتر است از شریکهایی که برای او می پندارند» [سوره زمر آیه ۶۷].

۱۲۴. برای فرزندانان روز هفتم ولادت عقیقه کنید. و هم وزن موی او [موی سر فرزند را بتراشند و وزن کنند]. نقره به مسلمان صدقه بدهید.

رسول الله صلی الله علیه و آله برای حسن و حسین علیهما السلام و بقیه فرزندانانش چنین کردند.

۱۲۵. وقتی به سائل [گدا] چیزی دادید از او بخواهید برای شما دعا کند، زیرا دعای سائل برای شما اجابت می شود. اما برای خودش اجابت نمی شود. زیرا آنها دروغ می گویند.

۱۲۶. دستی را که با آن به فقیر صدقه دادید ببوسید. زیرا قبل از اینکه [صدقه] به دست سائل برسد خداوند آن را می گیرد. همانگونه که خداوند فرمود: «آیا نمی دانید که خداوند توبه بندگانش را می پذیرد. و صدقات را می گیرد».

۱۲۷. شب صدقه بدهید، زیرا صدقه در شب خشم پروردگار با جلالت را فرو می نشاند.

۱۲۸. گفتارتان را جزء اعمالتان به حساب آورید تا سخن گفتنتان بجز در راه خیر کم شود.

۱۲۹. از آنچه خداوند روزی شما فرموده است انفاق کنید. زیرا انفاق کننده همانند رزمنده در راه خداست. پس کسی که به جایگزین شدن انفاق ها یقین دارد به راحتی می بخشد و نفس او در انفاق سخی می شود.

۱۳۰. کسی که یقین داشت سپس شک کرد [به شک اعتنا نکند] و بر اساس یقین خود رفتار کند، همانا شک یقین را نقض نمی کند.

۱۳۱. شهادت دروغ ندهید.

۱۳۲. سر سفره ای که شراب وجود دارد ننشینید. چون انسان نمی داند چه موقع جانس گرفته می شود.

۱۳۳. هنگامی که کنار سفره غذا می نشینید همانند بردگان بنشینید. و کسی یک پا را روی پای دیگر نیندازد. و چهار زانو ننشیند. زیرا خداوند از این گونه نشستن نفرت دارد. و چنین کسی را دشمن می دارد.

۱۳۴. نماز عشاء [یا شام خوردن] پیامبران پس از تاریکی شب بوده است.

١٣٥. وَلَا تَدْعُوا الْعِشَاءَ؛ فَإِنَّ تَرْكَ الْعِشَاءِ خَرَابُ الْبَدَنِ.

١٣٦. الْحُمَّى قَاتِلَةُ الْمَوْتِ وَسَجُنُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ يَحْبَسُ فِيهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ، وَهِيَ تَحْتُ الذُّنُوبِ كَمَا يَتَّحَاتُّ الْوَبْرُ مِنْ سِنَامِ الْبَعِيرِ.

١٣٧. لَيْسَ مِنْ دَاءٍ إِلَّا وَهُوَ مِنْ دَاخِلِ الْجَوْفِ، إِلَّا الْجِرَاحَةَ وَالْحُمَّى؛ فَإِنَّهُمَا يَرِدَانِ عَلَى الْجَسَدِ وَرُودًا.

١٣٨. اكْبَسُوا حَرَّ الْحُمَّى بِالْبَنْفَسِجِ وَالْمَاءِ الْبَارِدِ؛ فَإِنَّ حَرَّهَا مِنْ قِيحِ جَهَنَّمَ.

١٣٩. لَا يَتَدَاوَى الْمُسْلِمُ حَتَّى يَغْلِبَ مَرَضُهُ صِحَّتَهُ.

١٤٠. الدُّعَاءُ يَزِيدُ الْقَضَاءَ الْمُبْرَمَ (١) فَاتَّخِذُوهُ عُدَّةً.

١٤١. الْوُضُوءُ بَعْدَ الطَّهْوَرِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ، فَتَطَهَّرُوا.

١٤٢. وَإِيَّاكُمْ وَالْكَسَلَ؛ فَإِنَّ مَنْ كَسِلَ لَمْ يُؤَدِّ حَقَّ اللَّهِ عِزُّهُ وَجَلُّهُ.

١٤٣. تَنْظَفُوا بِالْمَاءِ مَنْ نَتَنِ الرِّيحِ الَّذِي يُتَأَذَى بِهِ .

١٤٤. تَعَهَّدُوا أَنْفُسَكُمْ؛ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُبْغِضُ مَنْ عِبَادِهِ الْقَاذِرَةَ الَّذِي يَتَأَنَّفُ (٢) بِهِ مَنْ جَلَسَ إِلَيْهِ .

١٤٥. لَا يَعْثِبُ الرَّجُلُ فِي صَلَاتِهِ بِلِحْيَتِهِ وَلَا بِمَا يَشْغَلُهُ عَنِ صَلَاتِهِ .

١٤٦. بَادِرُوا بِعَمَلِ الْخَيْرِ قَبْلَ أَنْ تَشْتَغِلُوا عَنْهُ بِغَيْرِهِ.

١٤٧. الْمُؤْمِنُ نَفْسُهُ مِنْهُ فِي تَعَبٍ وَالنَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ.

١٤٨. لَيْكُنْ كُلُّ كَلَامِكُمْ ذِكْرَ اللَّهِ عِزُّهُ وَجَلُّهُ.

١٤٩. احْذَرُوا الذُّنُوبَ؛ فَإِنَّ الْعَبْدَ لَيَذِنُ بِفَيْحِبْسُ عَنْهُ الرِّزْقُ.

١٥٠. دَاوُوا مَرَضَكُمْ بِالصَّدَقَةِ.

١٥١. حَصَّنُوا أَمْوَالَكُمْ بِالزَّكَاةِ.

١٥٢. الصَّلَاةُ قُرْبَانٌ كُلُّ تَقِيٍّ.

١٥٣. الْحَجُّ جِهَادٌ كُلُّ ضَعِيفٍ.

- ١- المبرم: المحكم؛ أى الدعاء يردّ القضاء المحتوم.
- ٢- أنف من الشيء يأنف أنفاً: إذا كرهه وشرفت نفسه عنه (النهاية: ٧٧/١).

۱۳۵. شام خوردن را ترک نکنید، زیرا شام نخوردن باعث خرابی بدن می شود.
۱۳۶. تب کردن، پیشوای مرگ و زندان خداوند در روی زمین است که هر بنده ای را که بخواهد در آن حبس می کند. و تب کردن، گناهان را می ریزد آن گونه که پشم از پشت شتر ریخته می شود.
۱۳۷. بیماریها از داخل شکم هستند. جز زخم و تب که آن دو از بیرون بدن وارد می شوند.
۱۳۸. حرارت تب را با بنفشه و گلاب بشکنید. همانا حرارت تب از نسیم جهنم است.
۱۳۹. مسلمان تا بیماری بر سلامتش غلبه نکند معالجه نمی کند. [بیماری های سبک را نیروهای دفاعی بدن برطرف می کنند].
۱۴۰. دعا کردن، قضاء حتمی را بر می گرداند. پس به دعا مجهز شوید.
۱۴۱. وضو گرفتن پس از طهارت ده حسنه دارد. پس [همیشه] طاهر شوید.
۱۴۲. از کسالت دوری کنید. زیرا کسی که کسل شود حق خدا ادا نمی کند.
۱۴۳. با آب بوی بد را که آزار دهنده است نظافت کنید.
۱۴۴. خویشتن را [قبل از ورود به مجالس] واریسی کنید. زیرا خداوند متعال بندگان کثیفی را که موجب اذیت همراهان خود شوند دشمنی می دارد.
۱۴۵. مرد هنگام نماز با موی صورت و هر چیز دیگری که او را از حضور قلب باز می دارد بازی نکند.
۱۴۶. به کار خیر اقدام کنید قبل از اینکه به کار دیگری مشغول شوید و از آن باز مانید.
۱۴۷. مؤمن [کسی است که] خودش در زحمت و مردم از او در آسایش هستند.
۱۴۸. باید همه سخنان شما ذکر خدا باشد.
۱۴۹. از گناهان بر حذر باشید. زیرا بنده گناه می کند و روزی او کاسته می شود.
۱۵۰. بیماران خود را با صدقه مداوا کنید.
۱۵۱. اموال خود را با زکات دادن بیمه کنید.
۱۵۲. نماز وسیله تقرب پرهیزکاران است.
۱۵۳. حج جنگیدن ضعیفان است.

١٥٤. جِهَادُ الْمَرَأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ.
١٥٥. الْفَقْرُ هُوَ الْمَوْتُ الْأَكْبَرُ.
١٥٦. قَلَّةُ الْعِيَالِ أَحَدُ الْيَسَارِينِ.
١٥٧. التَّقْدِيرُ نِصْفُ الْعَيْشِ.
١٥٨. الْهَمُّ نِصْفُ الْهَزَمِ.
١٥٩. مَا عَالَ (١) امْرُؤٌ اقْتَصَدَ.
١٦٠. مَا عَطَبَ (٢) امْرُؤٌ اسْتَشَارَ.
١٦١. لَا تَصْلُحِ الصَّنِيعَةُ (٣) إِلَّا عِنْدَ ذِي حَسَبٍ أَوْ دِينٍ.
١٦٢. لِكُلِّ شَيْءٍ ثَمَرَةٌ، وَثَمَرَةُ الْمَعْرُوفِ تَعْجِيلُهُ.
١٦٣. مَنْ أَيْقَنَ بِالْخَلْفِ (٤) جَادَ بِالْعَطِيَةِ.
١٦٤. مَنْ ضَرَبَ يَدَيْهِ عَلَى فِخْدَيْهِ عِنْدَ الْمُصِيبِ حَبِطَ أَجْرُهُ.
١٦٥. أَفْضَلُ أَعْمَالِ الْمَرءِ انْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.
١٦٦. مَنْ أَحْزَنَ وَالِدَيْهِ فَقَدْ عَقَّهُمَا.
١٦٧. اسْتَنْزِلُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ.
١٦٨. ادْفَعُوا أَمْوَاجَ الْبَلَاءِ عَنْكُمْ بِالْدُّعَاءِ قَبْلَ وُرُودِ الْبَلَاءِ، فَوَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسِيمَةَ (٥) الْبَلَاءُ أَسْرَعُ إِلَى الْمُؤْمِنِ مِنْ انْحِدَارِ السَّيْلِ مِنْ أَعْلَى الْقَلْعَةِ (٦) إِلَى أَسْفَلِهَا، وَمِنْ رِكْضِ الْبِرَازِينِ (٧).
١٦٩. سَلُّوا اللَّهَ الْعَافِيَةَ مِنْ جَهْدِ الْبَلَاءِ؛ فَإِنَّ جَهْدَ الْبَلَاءِ ذَهَابُ الدِّينِ.
١٧٠. السَّعِيدُ مَنْ وَعِظَ بغيرِهِ فَاتَّعَظَ.
١٧١. رَوِّضُوا أَنْفُسَكُمْ عَلَى الْأَخْلَاقِ الْحَسَنَةِ؛ فَإِنَّ الْعَبْدَ الْمُسْلِمَ يَبْلُغُ بِحُسْنِ خُلُقِهِ دَرَجَةَ الصَّائِمِ الْقَائِمِ.

- ١- . عال يعيل عيلاً و عيلةً: افتقر (القاموس المحيط: ٢٣/٤).
- ٢- . العطب: الهلاك (الصحاح: ١٨٤/١).
- ٣- . الصنيعه: الإحسان. ولعلّ المراد عدم الإحسان إلّا إلى ذى دين أو ذى شرف وإلّا يذهب ضياعاً.
- ٤- . الخلف هنا عوض ما جاء به من الصواب فى الآخره، أو الجزاء فى الدنيا.
- ٥- النسمه: الروح والنفس، والمراد هنا ظاهراً الإنسان.
- ٦- . فى البحار: التلعه؛ وهى ما علا من الأرض.
- ٧- . البرذون: الدابّه. والبراذين من الخيل: ما كان من غير نتاج العراب (تاج العروس: ٥١/١٣).

۱۵۴. جهاد زن، شوهرداری نیکوست.

۱۵۵. فقر، مرگ بزرگ است.

۱۵۶. کم بودن عیال [افراد تحت تکفل]، یکی از دو آسایش است.

۱۵۷. تدبیر و اندازه گیری، نیمی از زندگی است.

۱۵۸. اندوه و غصه، نصف پیری است.

۱۵۹. کسی که با میانه روی زندگی کند، نیازمند نخواهد شد.

۱۶۰. کسی که مشورت کند نابود نمی شود.

۱۶۱. نیکی کردن شایسته نیست مگر به کسی که شریف یا دیندار باشد.

۱۶۲. هر چیزی ثمره دارد، و ثمره نیکوکاری عجله در کار خیر است.

۱۶۳. کسی که به جایگزین شدن آنچه می بخشد یقین داشته باشد، در بخشیدن جدیت می کند.

۱۶۴. کسی که هنگام مصیبت دستش را به پایش بزند [بی تابی کند] اجر خود را تباه کرده است.

۱۶۵. برترین کارهای انسان، انتظار فرج از خداوند است.

۱۶۶. کسی که پدر و مادرش را غمگین کند، عاق پدر و مادرش شده است.

۱۶۷. روزی خود را با صدقه فرود آورید.

۱۶۸. امواج بلا- را قبل از ورود با دعا دفع کنید. قسم به خداوندی که دانه را شکافت و انسان را آفرید، [فرود آمدن] بلا بر

مؤمن سریعتر است از جاری شدن سیل از بلندی زمین به گودال. و سریعتر است از لگد زدن چهار پایان.

۱۶۹. از خداوند عافیت از دشواری بلا درخواست کنید. زیرا سختی بلا دین را می برد.

۱۷۰. سعادت مند کسی است که از دیگران پند بگیرد و موعظه یابد [رستگار شود].

۱۷۱. خود را به اخلاق خوش ریاضت دهید [تمرین دهید]. همانا بنده مسلمان با اخلاق خوش به مقام کسی که همیشه روزه

دار نماز گزار است می رسد.

١٧٢. مَنْ شَرِبَ الْخَمْرَ وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ حَرَامٌ، سَقَاهُ اللَّهُ مِنْ طِينِهِ خَبَالٍ (١) وَإِنْ كَانَ مَغْفُورًا.

١٧٣. لَا تَذَرِ فِي مَعْصِيَتِهِ.

١٧٤. وَلَا يَمِينَ فِي قَطِيعِهِ رَجِمَ.

١٧٥. الدَّاعِي بِإِلَاءِ عَمَلٍ كَالزَّامِي بِإِلَاءِ وَتَرٍ.

١٧٦. لَتَطَّيَّبَ الْمَرْأَةُ الْمُسْلِمَةُ لِزَوْجِهَا.

١٧٧. الْمَقْتُولُ دُونَ مَالِهِ شَهِيدٌ.

١٧٨. الْمَغْبُونُ غَيْرُ مَحْمُودٍ وَلَا مَأْجُورٍ.

١٧٩. لَا يَمِينُ لَوْلَدٍ مَعَ وَالِدِهِ، وَلَا لِلْمَرْأَةِ مَعَ زَوْجِهَا.

١٨٠. لَا صَمْتَ يَوْمًا إِلَى اللَّيْلِ إِلَّا بِذِكْرِ اللَّهِ عِزِّ وَجَلِّ.

١٨١. لَا تَعْرَبْ (٢) بَعْدَ الْهَجْرَةِ، وَلَا هِجْرَةَ بَعْدَ الْفَتْحِ.

١٨٢. تَعَرَّضُوا لِلتَّجَارَةِ؛ فَإِنَّ فِيهَا غِنًى لَكُمْ عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ، وَإِنَّ اللَّهَ عِزُّ وَجَلُّ يُحِبُّ الْمُحْتَرِفَ (٣) الْأَمِينِ.

١٨٣. لَيْسَ عَمَلٌ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عِزُّ وَجَلُّ مِنَ الصَّلَاةِ؛ فَلَا يَشْغَلَنَّكُمْ عَنْ أَوْقَاتِهَا شَيْءٌ مِنْ أُمُورِ الدُّنْيَا، فَإِنَّ اللَّهَ عِزُّ وَجَلُّ ذَمُّ أَقْوَامًا فَقَالَ: «الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ» يَعْنِي أَنَّهُمْ غَافِلُونَ اسْتَهَانُوا بِأَوْقَاتِهَا.

١٨٤. اعْلَمُوا أَنَّ صَالِحِي عَدُوِّكُمْ يُرَائِي بَعْضُهُمْ بَعْضًا، لَكِنَّ اللَّهَ عِزُّ وَجَلُّ لَا يُؤَفِّقُهُمْ وَلَا يَقْبَلُ إِلَّا مَا كَانَ لَهُ خَالِصًا.

١٨٥. الْبِرُّ لَا يَبْلَى، وَالذَّنْبُ لَا يَنْسَى، وَاللَّهُ الْجَلِيلُ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ.

١٨٦. الْمُؤْمِنُ لَا يَغْتَشُّ أَخَاهُ، وَلَا يَخُونُهُ، وَلَا يَخْذُلُهُ، وَلَا يَنْهَمُهُ، وَلَا يَقُولُ لَهُ: أَنَا مِنْكَ بَرِيءٌ.

١٨٧. اطْلُبْ لِأَخِيكَ عُذْرًا، فَإِنْ لَمْ تَجِدْ لَهُ عُذْرًا فَالْتَمِسْ لَهُ عُذْرًا.

ص: ٢٦٠

١- . جاء تفسيره في الحديث: أن الخبال عصاره أهل النار. والخبال الفساد، ويكون في الأفعال والأبدان والعقول (النهاية: ٨/٢).
٢- . التعرّب: هو أن يعود إلى البدايه ويقيم مع الأعراب بعد أن كان مهاجرًا، وكان من رجع بعد الهجره إلى موضعه من غير عذر يعدّونه كالمتردّ، كذا قال الجزري. وفي المجمع: فيه «لا- تعرّب بعد الهجره» يروى بالعين المهمله؛ يعنى الالتحاق ببلاد الكفر

والإقامه بها بعد المهاجره عنها إلى بلاد الإسلام إلخ.

٣- . احترفَ: اكتسب لعياله من هنا وهنا. والمحترف: الصانع (تاج العروس: ٦٩/٦).

۱۷۲. شراب خواری که می داند شراب حرام است و می نوشد، خداوند از گِل خِبال [خِبال عصارهٔ دوزخیان است.] به او می نوشاند. گر چه گناهان او آمرزیده شود.

۱۷۳. نذر کردن در گناه صحیح نیست.

۱۷۴. سوگند برای قطع رابطه خویشاوندی صحیح نیست.

۱۷۵. دعا کنندهٔ بدون عمل مانند تیر اندازی است که تیر ندارد.

۱۷۶. زن مسلمان خود را برای شوهرش آرایش می کند.

۱۷۷. کسی که برای حفظ مال خود کشته شود شهید است. [اجر شهید دارد.]

۱۷۸. زیانکار نه ستایش شود و نه پاداش دارد.

۱۷۹. سوگند خوردن فرزند در مقابل پدر و زن با شوهرش صحیح نیست.

۱۸۰. سکوت [از] روز تا شب صحیح نیست مگر با ذکر خداوند.

۱۸۱. بازگشت به جاهلیت پس از هجرت جایز نیست. و هجرت پس از پیروزی معنا ندارد.

۱۸۲. اقدام به تجارت کنید. زیرا با تجارت کردن از اموال مردم بی نیاز می شوید. و خداوند صاحب شغل و حرفه و امین را دوست می دارد.

۱۸۳. هیچ کاری نزد خداوند متعال محبوبتر از نماز نیست. پس [مراقب باشید] چیزی از امور دنیا وقت نماز شما را مشغول نکند. زیرا خداوند گروه هایی را ملامت فرمود: «کسانی هستند که در نماز سهو می کنند». [سورهٔ ماعون، آیهٔ ۵] یعنی آنان غفلت می کنند. و وقت نماز را فراموش می کنند.

۱۸۴. بدانید: بهترین دشمنان شما در برابر یکدیگر ریا می کنند، اما خداوند آنان را موقِّع نمی گرداند. و عملی را نمی پذیرد مگر اینکه خالص باشد.

۱۸۵. نیکی کهنه نمی شود. و گناه فراموش نمی شود. و خداوند بلند مرتبه با پارسایان و نیکوکاران است.

۱۸۶. مؤمن برای برادرش غش [مخلوط کردن ناخالصی و جنس نامرغوب با جنس مرغوب] نمی کند. و به او خیانت نمی کند. و او را تنها نمی گذارد. [هنگامی که به کمک نیاز دارد.] و او را متهم نمی سازد و به او نمی گوید: من از تو بیزارم.

۱۸۷. برای [کار نادرست] برادرت عذر پیدا کن و اگر عذری نیافتی، برایش عذری بتراش.

١٨٨. مُزَاوَلَهُ قَلَعَ الْجِبَالِ أَيْسَرُ مِنْ مُنَاوَلِهِ مُلْكٍ مُؤَجَّلٍ، فَاسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا؛ فَإِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ، وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ.

١٨٩. لَا تُعَاجِلُوا الْأَمْرَ قَبْلَ بُلُوغِهِ فَتَنْدَمُوا، وَلَا يَطْوِلَنَّ عَلَيْكُمْ الْأَمَدُ فَتَقْسُو قُلُوبَكُمْ.

١٩٠. اِرْحَمُوا ضُعَفَاءَكُمْ وَاطْلُبُوا الرَّحْمَةَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِالرَّحْمَةِ لَهُمْ.

١٩١. إِيَّاكُمْ وَغِيْبَةَ الْمُسْلِمِ؛ فَإِنَّ الْمُسْلِمَ لَا يَغْتَابُ أَخَاهُ، وَقَدْ نَهَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَلَا يَغْتَابُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا».

١٩٢. لَا يَجْمَعُ الْمُسْلِمُ يَدَيْهِ فِي صَلَاتِهِ (١) وَهُوَ قَائِمٌ بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، يَتَشَبَّهُ بِأَهْلِ الْكُفْرِ؛ يَعْنِي الْمَجُوسَ.

١٩٣. لِيَجْلِسَ أَحَدُكُمْ عَلَى الطَّعَامِ جَلَسَةَ الْعَبْدِ، وَلِيَأْكُلْ عَلَى الْأَرْضِ.

١٩٤. وَلَا يَشْرَبْ قَائِمًا.

١٩٥. إِذَا أَصَابَ أَحَدُكُمْ الدَّابَّةُ (٢) وَهُوَ فِي صَلَاتِهِ فَلْيَدْفِنِهَا، وَيَتْفُلْ عَلَيْهَا أَوْ يُصَيِّرْهَا فِي تُوْبِهِ حَتَّى يَنْصَرِفَ.

١٩٦. الْإِلْتِفَاتُ الْفَاحِشُ يَقْطَعُ الصَّلَاةَ، وَيَتَبَغَى لِمَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ أَنْ يَبْدَأَ الصَّلَاةَ بِالْأَذَانِ وَالتَّكْبِيرِ.

١٩٧. مَنْ قَرَأَ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» قَبْلَ أَنْ تَطْلُعَ الشَّمْسُ (إحدى عشرة مرة خ ل) وَمِثْلَهَا «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» وَمِثْلَهَا آيَةَ الْكُرْسِيِّ؛ مَنَعَ مَالَهُ مِمَّا يَخَافُ. مَنْ قَرَأَ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» وَ «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» قَبْلَ أَنْ تَطْلُعَ الشَّمْسُ لَمْ يُصِبْهُ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ ذَنْبٌ وَإِنْ جَهَدَ إبليسُ.

١٩٨. اسْتَعِيدُوا بِاللَّهِ مِنْ ضَلَعِ الدِّينِ (٣)، وَعَلَبَةِ الرَّجَالِ.

١٩٩. مَنْ تَخَلَّفَ عَنَّا هَلَكَ.

٢٠٠. تَشْمِيرُ الثِّيَابِ طَهْوَرُ لَهَا، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ» أَي فَشَمِّرْ.

ص: ٢٤٢

١- المراد هو النهي عن التكتف ظاهراً كما يفعله العامة، وهو بدعة عند أصحابنا موجب للبطلان.

٢- الظاهر أن المراد هنا القملة أو البرغوث.

٣- أي من اعوجاجه، أو من ثقله على الإنسان حتى يؤدي إلى الاعوجاج والانحراف عن الاعتدال.

۱۸۸. ریشه کن کردن کوهها راحت تر است از ویران کردن حکومتی که زمان معین دارد. پس از خداوند یاری بخواهید و صبر کنید. زیرا زمین از آن خداوند است. و آن را به هر یک از بندگانش که بخواهد می دهد. و عاقبت برای پرهیزکاران است.

۱۸۹. قبل از فرارسیدن امر [قیام حضرت امام عصر علیه السلام] عجله نکنید که پشیمان شوید. و آرزوهای طولانی بر شما چیره نشود که سنگدل شوید.

۱۹۰. با ضعیفان خود [مؤمنان ناتوان] مهربانی کنید. و با مهرورزی به آنان از خداوند طلب رحمت کنید.

۱۹۱. از غیبت کردن مسلمان پرهیزید. همانا مسلمان از برادر مسلمانش غیبت نمی کند. و بدرستی که خداوند نهی فرموده است: هیچ یک از شما غیبت دیگری نکند. آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت جسد برادرش را بخورد؟

۱۹۲. مسلمان در حال نماز دستان خود را روی هم نمی گذارد. و در حالی که در برابر خداوند متعال ایستاده است به شکل کافران یعنی مجوس [زرتشتی] نباشد.

۱۹۳. هر یک از شما کنار [سفره] غذا با فروتنی بنشیند و روی زمین غذا بخورد.

۱۹۴. ایستاده [نوشیدنی] نیاشامید.

۱۹۵. هنگامی که کسی در حال نماز به حشره ای [پشه و امثال آن] برخورد آن را در دستمال پیچد [و بکشد] و نگه دارد تا نمازش تمام شود. [صورت نماز را بر هم نزند].

۱۹۶. روی برگرداندن کامل از قبله نماز را باطل می کند. و شایسته است کسی که چنین کرد نماز را با اذان و تکبیر از نو شروع کند.

۱۹۷. کسی که قبل از طلوع خورشید [یازده مرتبه] قل هو الله احد و مثل آن [یازده مرتبه] انا انزلنا و مثل آن آیه الكرسي را قرائت کند مال خود را از هر چیز که می ترسد بیمه کرده است.

کسی که قبل از طلوع خورشید قل هو الله احد و انا انزلنا را قرائت کند در آن روز به گناه مبتلا نمی شود گر چه شیطان تلاش کند.

۱۹۸. به خداوند پناه ببرید از انحراف دین و چیره شدن قدرتمندان.

۱۹۹. کسی که از ما [اهل بیت علیهم السلام] جدا شود هلاک گردد.

۲۰۰. مرتب کردن لباس، طهارت آن است. خداوند می فرماید: «لباس خود را طاهر گردان»، یعنی مرتب کن.

٢٠١. لَعِقُ الْعَسَلِ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ؛ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «يَخْرُجُ مِنْ مِطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَنُهُ وَفِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ»، وَهُوَ مَعَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ وَمَضْغِ اللَّبَانِ يُذِيبُ الْبَلْغَمَ.

٢٠٢. اَبْدَوْوا بِالْمِلْحِ فِي أَوَّلِ طَعَامِكُمْ؛ فَلَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي الْمِلْحِ لَأَخْتَارُوهُ عَلَى التَّرِياقِ (١) الْمَجْرَبِ. مَنْ ابْتَدَأَ طَعَامَهُ بِالْمِلْحِ ذَهَبَ عَنْهُ سَبْعُونَ دَاءً وَمَا لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ.

٢٠٣. صُبُّوا عَلَى الْمَحْمُومِ الْمَاءَ الْبَارِدَ فِي الصَّيْفِ؛ فَإِنَّهُ يُسَكِّنُ حَرَّهَا.

٢٠٤. صَوْمُوا ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي كُلِّ شَهْرٍ، وَهِيَ تَعْدِلُ صَوْمَ الدَّهْرِ، وَنَحْنُ نَصُومُ خَمِيسَيْنِ بَيْنَهُمَا أَرْبَعَاءَ؛ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ جَهَنَّمَ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ.

٢٠٥. إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ حَاجَةً فَلْيَبْتَغِ فِي طَلَبِهَا يَوْمَ الْخَمِيسِ؛ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: اللَّهُمَّ بَارِكْ لِامْتِي فِي بُكُورِهَا يَوْمَ الْخَمِيسِ.

٢٠٦. وَلْيَقْرَأْ إِذَا خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ الْآيَاتِ مِنْ آخِرِ آلِ عِمْرَانَ، وَآيَةِ الْكُرْسِيِّ، وَ«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» وَأُمَّ الْكِتَابِ؛ فَإِنَّ فِيهَا قَضَاءَ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

٢٠٧. عَلَيْكُمْ بِالصَّفِيقِ (٢) مِنْ الثِّيَابِ؛ فَإِنَّ مِنْ رَقِّ ثَوْبِهِ رَقٌّ دِينُهُ، لَا يَقُومَنَّ أَحَدُكُمْ بَيْنَ يَدَيْ الرَّبِّ جَلَّ جَلَالُهُ وَعَلَيْهِ ثَوْبٌ يَشْفُ (٣).

٢٠٨. تَوَبُوا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَادْخُلُوا فِي مَحَبَّتِهِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ التَّوَابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ، وَ الْمُؤْمِنُ تَوَابٌ.

٢٠٩. إِذَا قَالَ الْمُؤْمِنُ لِأَخِيهِ: أَفٍّ، انْقَطَعَ مَا بَيْنَهُمَا، فَإِذَا قِيلَ لَهُ: أَنْتَ كَافِرٌ، كَفَرَ أَحَدُهُمَا.

٢١٠. وَإِذَا أَتَاهُمُ انْمَاثٌ (٤) الْإِسْلَامُ فِي قَلْبِهِ كَمَا يَنْمِثُ الْمِلْحُ فِي الْمَاءِ.

٢١١. بَابُ التَّوْبَةِ مَفْتُوحٌ لِمَنْ أَرَادَهَا، فَتَوَبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا عَسَى رُبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ.

ص: ٢٤٤

١- الترياق: ما يستعمل لدفع السم من المعاجين، وهو معرّب أصله روميّ ويقال بالبدال أيضاً وقيل: أصله الريق والتاء زائده، فوزنه تفعال بكسر التاء لما فيه من ريق الحيّات.

٢- الصفيق: الكثيف الغليظ.

٣- . شَفَّ عَلَيْهِ ثَوْبُهُ يَشْفُ: أَي رَقَّ حَتَّى يُرَى مَخْلَفُهُ (الصّحاح: ١٣٨٢/٤).

٤- . مَاتَ الْمِلْحُ فِي الْمَاءِ: أَذَابَهُ، وَكَذَلِكَ الطِّينُ، وَقَدْ انْمَاثَ (لسان العرب: ١٩٢/٢).

۲۰۱. اندکی غسل داروی هر درد است. خداوند متعال فرمود: «از شکم آنها [زنبور غسل] شرابی خارج می شود که رنگهای مختلف دارد و برای مردم شفاء است».

غسل و قرائت کردن قرآن و مکیدن پستان، بلغم را می برد.

۲۰۲. ابتدای غذا خوردن با نمک شروع کنید. اگر مردم خواصی را که در نمک است می دانستند آن را بر معجون مجرب ترجیح می دادند. کسی که غذا خوردن را با نمک شروع کند هفتاد بیماری و آنچه جز خدا نمی داند از او دفع می شود.

۲۰۳. در تابستان [به بیمار] تب دار آب سرد بزید حرارت او را تسکین می دهد.

۲۰۴. از هر ماه سه روز روزه بگیرید که برابر است با روزه تمام عمر. ما [اهل بیت علیهم السلام] دو پنجشنبه [اولین و آخرین پنجشنبه ماه] و چهار شنبه وسط آن دو را روزه می گیریم. زیرا خداوند متعال جهنم را روز چهارشنبه آفرید.

۲۰۵. هر یک از شما هنگامی که خواستید فعالیتی انجام دهید آن را روز پنج شنبه شروع کنید. زیرا رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: خدایا برای امت من آنچه را در پنجشنبه شروع می کنند مبارک گردان.

۲۰۶. هنگام خروج از منزل آیات آخر سوره آل عمران و آیه الکرسی و سوره انا انزلنا و حمد را بخوانید. بدرستی که با قرائت آن حوائج دنیا و آخرت برآورده می شود.

۲۰۷. لباس ضخیم بپوشید. کسی که لباس نازک بپوشد دینش ضعیف است. هیچ یک از شما در مقابل پروردگار جلیل و بلند مرتبه [برای نماز] با لباس بدن نما [نازک] نایستد.

۲۰۸. بسوی خدا باز گردید. [توبه کنید.] و به [وادی] محبت خدا وارد شوید. همانا خداوند توبه کنندگان و پاکان را دوست می دارد و مؤمن بسیار توبه کننده است.

۲۰۹. هنگامی که مؤمن به برادر مؤمنش بگوید: اف [کمترین توهین] رابطه آن دو قطع می شود و اگر گفته شود: تو کافری، یکی از آن دو کافر شده است.

۲۱۰. کسی که او [برادر مؤمن خود] را متهم سازد، اسلام در قلب او آب می شود آن گونه که نمک در آب حل می شود.

۲۱۱. در توبه به روی کسی که بخواهد باز است. پس با توبه نصوح [استوار] به سوی خدا باز گردید. باشد که پروردگارتان بدیهای شما را محو نماید.

٢١٢. وأوفوا بالعهد إذا عاهدتم؛ فما زالت نعمته ولا- نضاره عيش إلا بذنوب اجتروها، إن الله ليس بظلام للعبيد، ولو أنهم استقبلوا ذلك بالدعاء والإنايه لما نزل، ولو أنهم إذا نزلت بهم النقم وزالت عنهم النعم فزعوا إلى الله عز وجل بصدق من يتاتهم ولم يهنوا ولم يسرفوا لأصلح الله لهم كل فاسد، ولرد عليهم كل صالح.

٢١٣. وإذا ضاق المسلم فليشتك إلى ربه الذي بيده مقاليد الأمور وتديرها.

٢١٤. في كل امرئ واحدة من ثلاث: الكبر والطيرة والتمنى، فإذا تطير أحدكم فليمض على طيرته، وليذكر الله عز وجل، وإذا خشى الكبر فليأكل مع عبده وخادمه وليحلب الشاة، وإذا تمنى فليسال الله عز وجل وليتهل إليه ولا تنازع نفسه إلى الإثم.

٢١٥. خالطوا الناس بما يعرفون، ودعوهم مما ينكرون، ولا تحملوهم (١) على أنفسكم وعلينا، إن أمرنا صعب مستصعب لا يحتمله إلا الملك مقرب أو نبي مرسل أو عبد قد امتحن الله قلبه للإيمان.

٢١٦. إذا وسوس الشيطان إلى أحدكم فليتعوذ بالله وليقل: آمنت بالله وبرسوله مخلصاً له الدين.

٢١٧. إذا كسى الله مؤمناً ثوباً جديداً فليتوضأ وليصل ركعتين يقرأ فيها أم الكتاب وآية الكرسي و«قل هو الله أحد» و«إنا أنزلناه في ليلة القدر» وليحمد الله الذي ستر عورته وزينه في الناس، وليكثر من قول: لا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم؛ فإنه لا يعصى الله فيه، وله بكل سلك (٢) فيه ملك يقدس له ويستغفر له ويترحم عليه.

٢١٨. أطرحوا سوء الظن بينكم؛ فإن الله نهى عن ذلك.

ص: ٢٦٦

١- أى لا تكلفوهم أن يؤذوكم. نهى عن ترك التقية، وظاهره التقية في إذاعه سرهم وحمل علومهم وأسرارهم إلى الأعداء و الجهال كما ورد في روايات كثيرة.

٢- السلك: الخيط الذي يُخاط به الثوب أو ينظم فيه الخرز.

۲۱۲. اگر پیمان بستید به آن وفا کنید. که هیچ نعمت و لذت زندگی از دست نمی رود مگر اینکه گناهای مرتکب شوند. زیرا خداوند به بندگان ستم نکند. و اگر آنان [گنهکاران] با دعا و تضرع به خدا روی آورند بلا فرود نمی آید. و اگر آن زمان که بلا بر آنان فرود آید و نعمت ها از کف بروند، صادقانه به درگاه خداوند ناله کنند و سست نشوند و زیاده روی نکنند، هر آینه خداوند هر فاسدی را برای آنان اصلاح خواهد کرد. و هر صالحی را [که از آن دور گشته] به آنان باز می گرداند.

۲۱۳. زمانی که مسلمان در تنگنا قرار گرفت باید به پروردگارش که کلیدها و اداره همه امور بدست اوست، شکایت برد.

۲۱۴. برای هر کسی یکی از این خصلت ممکن است: تکبر و طیره [خشم - آزردگی - شرمساری] و تمنی [آرزو]. پس هنگامی که کسی دچار طیره شد، در حال خود تأمل کند و ذکر خدا گوید. و زمانی که از تکبر ترسید با برده و خادم خود غذا بخورد. و شیر گوسفند بدوشد [یعنی کارهایی انجام دهد که زیر دستان انجام می دهند تا از فضای تکبر و خود بزرگ بینی خارج شود]. و هنگامی که دچار آرزوها شد، از خداوند درخواست کند. و در درگاه او زاری نماید. و نفسش او را به گناه وادار نکند.

۲۱۵. با مردم چنان رفتار کنید که انتظار دارند و چیزهایی را که بدشان می آید رها کنید و آنها را وادار نکنید اسرار شما و ما را فاش کنند چرا که امر ما دشوار و مشقت زا است. و [کسی] آن را تحمل نمی کند به جز فرشته مقرب یا پیامبر مرسل [فرستاده شده از طرف خدا] یا بنده ای که خداوند قلب او را برای ایمان آزموده است.

۲۱۶. زمانی که شیطان هر یک از شما را وسوسه کرد به خدا پناه برید. و بگوئید: به خداوند و رسول او با خلوص دین ایمان دارم.

۲۱۷. وقتی خداوند به مؤمنی لباس نو پوشانید [هنگام پوشیدن لباس نو] وضو بگیرد. و دو رکعت نماز [در هر رکعت] حمد و آیه الکرسی و قل هو الله احد و انا انزلنا بخواند. و خداوندی را که او را پوشانده و در میان مردم زینت بخشیده است شکر گزارد. و بسیار بگوید: لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم [نیرو و قدرتی جز خداوند بلند مرتبه و بزرگ نیست]. اگر چنین کند در آن لباس گناه نخواهد کرد. و بازای هر تار نخ آن لباس فرشته ای آن مؤمن را تقدیس می کند و برای او استغفار نموده و به او مهریزی می نماید.

۲۱۸. بد گمانی را از میان خود کنار بزنید. همانا خداوند از این کار نهی فرموده است.

٢١٩. أَنَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَعَ عِترَتِي وَسِبْطِي عَلَى الْحَوْضِ؛ فَمَنْ أَرَادَنَا فَلْيَأْخُذْ بِقَوْلِنَا وَلْيَعْمَلْ عَمَلِنَا؛ فَإِنَّ لِكُلِّ أَهْلِ بَيْتِ نَجِيبٍ (نَجِيباً خ ل) وَلَنَا شَفَاعَةٌ، وَلِأَهْلِ مَوَدَّتِنَا شَفَاعَةٌ، فَتَنَافَسُوا(١) فِي لِقَائِنَا عَلَى الْحَوْضِ، فَإِنَّا نَذُودُ عَنْهُ أَعْدَاءَنَا وَنَسْقِي مِنْهُ أَحِبَّاءَنَا وَأَوْلِيَاءَنَا، وَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ شَرِبَهُ لَمْ يَظْمَأْ بَعْدَهَا أَبَداً، حَوْضُنَا مُتَرَعٌّ فِيهِ مَثَعْبَانٍ(٢) يَنْصَبَانِ مِنَ الْجَنَّةِ: أَحَدُهُمَا مِنْ تَسْنِيمٍ، وَالْآخَرُ مِنْ مَعِينٍ، عَلَى حَافَتَيْهِ(٣) الزَّرْعَفَرَانُ وَحِصَاةُ اللَّوْلُؤِ وَالْيَاقُوتُ؛ وَهُوَ الْكَوْثُرُ.

٢٢٠. إِنَّ الْأُمُورَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَيْسَتْ إِلَى الْعِبَادِ، وَلَوْ كَانَتْ إِلَى الْعِبَادِ مَا كَانُوا لِيُخْتَارُوا عَلَيْنَا أَحَدًا(٤)، وَلَكِنَّ اللَّهَ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ، فَاحْمَدُوا اللَّهَ عَلَى مَا اخْتَصَّكُمْ بِهِ مِنْ بَادِي النِّعَمِ عَلَى طِيبِ الْوِلَادَةِ.

٢٢١. كُلُّ عَيْنٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِأَكْيَهِ، وَكُلُّ عَيْنٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ سَاهِرَةٌ؛ إِلَّا عَيْنَ مَنْ اخْتَصَّهُ اللَّهُ بِكَرَامَتِهِ، وَبَكَى عَلَى مَا انْتَهَكَ مِنَ الْحُسَيْنِ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

٢٢٢. وَاللَّهِ! شِيعَتُنَا بِمَنْزِلَةِ النَّحْلِ، لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ بِمَا فِي أَجْوَاهِهَا لَأَكَلُوهَا.

٢٢٣. لَا تُعْجَلُوا الرَّجُلَ عِنْدَ طَعَامِهِ حَتَّى يَفْرُغَ، وَلَا عِنْدَ غَائِطِهِ حَتَّى يَأْتِيَ عَلَى حَاجَتِهِ .

٢٢٤. إِذَا انْتَبَهَ أَحَدُكُمْ مِنْ نَوْمِهِ فَلْيَقُلْ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، سُبْحَانَ رَبِّ النَّبِيِّينَ وَإِلَهُ الْمُرْسَلِينَ، وَرَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ، وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ، وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»، فَإِذَا جَلَسَ مِنْ نَوْمِهِ فَلْيَقُلْ قَبْلَ أَنْ يَقُومَ: «حَسْبِيَ الرَّبُّ مِنَ الْعِبَادِ، حَسْبِيَ اللَّهُ الَّذِي هُوَ حَسْبِي مُنْذُ كُنْتُ، حَسْبِي

ص: ٢٤٨

١- قال الراغب: المنافسه: مجاهده النفس للتشبهه بالأفاضل والالحوق بهم من غير إضرار على غيره وقال الجزري: التنافس من المنافسه، وهي التنافس في الشيء والانفراد به.

٢- مَثَعْبَانِ: بالثاء المثلثة كما في البحار والخصال، والمثعب: المسيل.

٣- . حافتا النهر: طرفاه.

٤- أى ولايتكم لنا إنا من الله سبحانه، اصطفاكم بذلك ولو كان ذلك باختيارهم لما اختاروا علينا أحداً لما في فطره الإنسان من حكم العقل باختيار الجميل، ولكن الميول النفسانية والشهوات وحب الدنيا والرياسة منعتهم ذلك، والحق سبحانه لم يرفع الموانع عنهم وإنما رفعه عنكم فحسب.

۲۱۹. من همراه رسول الله صلی الله علیه و آله و خانواده و دو فرزندم در حوض [کوثر] هستیم. پس کسی که [وصال] ما را می خواهد، باید گفتار ما را برگزیند و همانند ما رفتار کند. زیرا هر اهل بیتی نجیب دارد. و ما حق شفاعت داریم و دوست داران ما هم حق شفاعت دارند. پس برای ملاقات ما در حوض [کوثر] مجاهدت نمایید. و ما دشمنان خود را از آن دور می کنیم. و از حوض کوثر محبتیان و دوستان خود را سیراب می سازیم. و کسی که از آن جرعه ای بنوشد پس از آن تا ابد تشنگی را احساس نخواهد کرد. حوض ما فزاینده است. و در آن دو مسیل است که از بهشت سرچشمه می گیرد. یکی از تسنیم و دیگری از معین. در دو طرف آن زعفران و دانه های درشت لؤلؤ و یاقوت است. و آن کوثر است.

۲۲۰. همه امور بسوی خداوند است نه بسوی بندگان. و اگر بسوی بندگان بود، احدی را بر ما ترجیح نمی دادند. و لکن خداوند هر که را بخواهد از رحمت خود بهره مند سازد. پس شکر گزار خداوند باشید بر حلال زادگی، که سرآغاز نعمت هایی است که به شما اختصاص داده است.

۲۲۱. هر چشمی در قیامت گریان است، و هر چشمی در قیامت بیدار است [نمی تواند بخوابد]، جز چشمی که خداوند کرامت خویش را به آن بخشیده است و بر هتک حرمت حسین و آل محمد صلی الله علیه و آله گریسته است.

۲۲۲. بخدا سوگند شیعیان ما همانند زنبور عسل هستند. اگر مردم می دانستند زنبور عسل چه در دل دارد [عسل] آن را می خوردند. [اگر مردم شیرینی و لذت ایمان به ولایت را می دانستند همگی آن را در سینه خود جای می دادند.]

۲۲۳. کسی هنگام غذا خوردن به عجله نیاندازد تا [با آرامش] تمام کند و کسی را به هنگام تخلیه به عجله نیاندازد.

۲۲۴. هر یک از شما وقتی که از خواب بیدار می شود بگوید: لا اله الا الله الحليم الكريم... خدایی جز الله حلیم و کریم و حی و قیوم نیست. و او بر هر چیزی تواناست. منزّه است پروردگار پیامبران و رسولان و پروردگار آسمان های هفت گانه و آنچه در آنهاست، و پروردگار زمین هفت گانه و آنچه در آنهاست، و پروردگار عرش عظیم. و سپاس شایسته پروردگار عالمیان است.

هنگامی که بیدار می شود و در بستر می نشیند قبل از برخاستن بگوید: پروردگار برای من از بندگان کافی است. کافی است خداوندی که از ابتدای وجود مرا کفایت کرد. برای

اللَّهُ وَنِعَمَ الْوَكِيلُ».

٢٢٥. وإذا قام أحدكم من الليل فلينظر إلى أكناف السماء، وليقل: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ» إلى قوله: «لَاتُخْلَفُ الْمِعَادَ».

٢٢٦. الإطْلَاعُ فِي بَثْرِ زَمْزَمَ يُذْهِبُ الدَّاءَ؛ فَاشْرَبُوا مِنْ مَائِهَا مِمَّا يَلِي الرُّكْنَ الَّذِي فِيهِ الْحَجَرُ الْأَسْوَدُ؛ فَإِنَّ تَحْتَ الْحَجَرِ أَرْبَعَةَ أَنْهَارٍ مِنْ الْجَنَّةِ: الْفُرَاتُ، وَالنَّيْلُ، وَسِيحَانُ، وَجِيحَانُ؛ وَهُمَا نَهْرَانِ.

٢٢٧. لَا يَخْرُجُ الْمُؤْمِنُ فِي الْجِهَادِ وَهُوَ مَعَ مَنْ لَا يُؤْمِنُ فِي الْحُكْمِ، وَلَا يَنْفُذُ فِي الْفَيْءِ أَمْرَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، فَإِنْ مَاتَ فِي ذَلِكَ كَانَ مُعِينًا لِعَدُوِّنَا فِي حَبْسِ حُقُوقِنَا وَالْإِمَاطَةِ (١) بِدِمَائِنَا، وَمِيتَتُهُ مِيتَةُ الْجَاهِلِيَّةِ.

٢٢٨. ذِكْرُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ شِفَاءً مِنَ الْعِلَلِ وَالْأَسْقَامِ وَوَسْوَاسِ الصُّدُورِ، وَجِهْتُنَا (٢) رَضِيَ الرَّبُّ عَزَّ وَجَلَّ.

٢٢٩. وَالْآخِذُ بِأَمْرِنَا مَعَنَا غَدًا فِي حَظِيرَةِ الْقُدْسِ (٣). [وَالْمُنْتَظَرُ لِأَمْرِنَا كَالْمُتَشَحِّطِ (٤) بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.

٢٣٠. مَنْ شَهِدَنَا فِي حَرْبِنَا أَوْ سَمِعَ وَاعَيْنَنَا فَلَمْ يَنْصُرْنَا أَكَبَّهُ اللَّهُ عَلَى مَنْخَرِيهِ فِي النَّارِ.

٢٣١. نَحْنُ بَابُ الْعَوْنِ وَالْعَوْتِ إِذَا بَغَا وَضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْمِزَاهِبُ، وَنَحْنُ بَابُ حِطَّةٍ، وَهُوَ بَابُ السَّلَامِ، مَنْ دَخَلَهُ نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُ هَوَى.

٢٣٢. بِنَا يَفْتِيحُ اللَّهُ، وَبِنَا يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ، وَبِنَا يُثَبِّتُ، وَبِنَا يَدْفَعُ اللَّهُ الرِّمَانَ الْكَلْبَ (٥)، وَبِنَا يُنَزِلُ الْغَيْثَ، فَلَا يُغَرِّقُكُمْ بِاللَّهِ الْغَرُورُ (٦).

٢٣٣. مَا أَنْزَلَتِ السَّمَاءُ مِنْ قَطْرِهِ مِنْ مَاءٍ مُنْذُ حَبَسَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، وَلَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا لِأَنْزَلَتِ السَّمَاءُ قَطْرَهَا، وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا، وَلَذَهَبَ الشَّحْنَاءُ (٧) مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ، وَاصْطَلَحَتِ السَّبَاعُ وَالْبَهَائِمُ،

ص: ٢٧٠

١- . أماطة: أذهب (لسان العرب: ٤٠٩/٧).

٢- . لعل المراد رعايه جهتهم من الإطاعه والإحسان والحب.

٣- . هي الجنة.

٤- . أى المقتول المضطرب المتمرغ بدمه فى سبيل الله (مجمع البحرين: ٤٨٧/٢).

٥- دهر كلب: ألح على أهله بما يسوؤهم (العين: ٣٧٦/٥).

٦- . الغرور: الشيطان (الصحيح: ٧٦٨/٢).

٧- الشحنةاء: العداوه (النهايه: ٤٤٩/٢).

من الله کافی است و او بهترین وکیل است.

۲۲۵. وقتی شبانگاه بیدار می شود به اطراف آسمان نگاه کند و بگوید: «در آفرینش آسمانها و زمین و گردش شب و روز نشانه هایی برای خردمندان است» تا «خداوند خلف وعده نمی کند» [آیات سوره آل عمران: ۱۹۰-۱۹۴]. آنان که در حال ایستادن و نشستن به یاد خدا هستند. و به پروردگارشان توکل دارند.

۲۲۶. به داخل چاه زمزم نگاه کردن درد را از بین می برد. از آب آن از قسمت روبروی رکنی که حجر الاسود در آن قرار دارد بنوشید [اکنون این کار امکان ندارد]. همانا در زیر حجر الاسود چهار نهر بهشتی است. فرات و نیل و سیحان و جیحان. آنها [سیحان و جیحان] دو نهر هستند.

۲۲۷. مؤمن به همراه کسی که ایمان ندارد و فرمان خدا را درباره غنیمت کردن نمی نهد به جنگ نرود. و اگر در این راه بمیرد دشمن ما را در غصب کردن حق ما و پایمال کردن خون ما یاری کرده است. و مرگ او مرگ جاهلیت است.

۲۲۸. ذکر [نام و یاد] ما اهل بیت شفای بیماریها و ناخوشی ها و وسوسه قلبهاست. و تمایل به ما موجب خشنودی پروردگار است.

۲۲۹. پیروی کننده از ولایت ما فردا در بهشت همراه ماست. و منتظر قیام ما، همانند شهیدی است که در راه خدا در خون خود غلطیده است.

۲۳۰. خداوند کسی را که ما را در جنگ مشاهده کند یا فریاد کمک خواستن ما را بشنود و ما را یاری نکند، به صورت در آتش می افکند.

۲۳۱. ما [اهل بیت علیهم السلام] درگاه یاری و دادخواهی هستیم در زمانی که مورد ستم قرار گیرند و راهها بر آنان بسته شود. و ما درگاه حظه هستیم و آن باب السلام است که هر کس از آن وارد شود نجات یابد. و هر کس از آن تخلف کند هلاک شود.

۲۳۲. خداوند با [وساطت] ما آفرینش را آغاز کرده و با ما هر چیزی را بخواهد نابود می کند [یا آثار را از بین می برد] و با ما ایجاد می کند [یا می نویسد]. و به واسطه ما خداوند زمان پریشانی را دور می کند. و به خاطر ما باران می بارد. پس فریبنده ای شما را از خدا مغرور نکند.

۲۳۳. آبهایی را که آسمان از حبس خداوند نباریده است آنگاه که قائم ما [حضرت صاحب الزمان عجل الله فرجه الشریف] قیام فرماید آسمان خواهد بارید. و زمین گیاهان خود را می رویاند. و کینه ورزی از قلبهای بندگان بیرون می رود. و درندگان و حیوانات رام

حَتَّى تَمْشِيَ الْمَرْأَةُ مِنَ الْعِرَاقِ إِلَى الشَّامِ لَا تَضَعُ قَدَمَهَا إِلَّا عَلَى النَّبَاتِ، وَعَلَى رَأْسِهَا زَيْتَتُهَا لَا يَهَيِّجُهَا (١) سَعَجٌ وَلَا تَخَافُهُ.

٢٣٤. لَوْ تَعْلَمُونَ مَا لَكُمْ فِي مَقَامِكُمْ بَيْنَ عَدُوِّكُمْ وَصَبْرِكُمْ عَلَى مَا تَسْمَعُونَ مِنَ الْأَذَى لَقَرَّتْ أَعْيُنُكُمْ.

٢٣٥. وَلَوْ قَدْ فَقَدْتُ مَوْنِي لَرَأَيْتُمْ مِنْ بَعْدِي أُمُورًا يَتَمَنَّى أَحَدُكُمْ الْمَوْتَ مِمَّا يَرَى مِنْ أَهْلِ الْجُحُودِ وَالْعَمْدَانِ مِنْ أَهْلِ الْأَثَرِ (٢) وَالِاسْتِخْفَافِ بِحَقِّ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرَهُ وَالْخَوْفِ عَلَى نَفْسِهِ، فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا، وَعَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَالتَّقْوَى.

٢٣٦. اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - يُبْغِضُ مَنْ عِبَادِهِ الْمُتَلَوِّنَ.

٢٣٧. وَلَا تَزُولُوا عَنِ الْحَقِّ وَوَلَايَةِ أَهْلِ الْحَقِّ؛ فَإِنَّ مَنْ اسْتَبَدَلَ بِنَا هَلَكَ، وَفَاتَتْهُ الدُّنْيَا وَخَرَجَ مِنْهَا.

٢٣٨. إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمْ مَنْزِلَهُ فَلْيَسَلِّمْ عَلَى أَهْلِهِ يَقُولُ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ أَهْلٌ فَلْيَقُلْ: السَّلَامُ عَلَيْنَا مِنْ رَبِّنَا، وَلْيَقْرَأْ: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» حِينَ يَدْخُلُ مَنْزِلَهُ؛ فَإِنَّهُ يَنْفِي الْفَقْرَ.

٢٣٩. عَلِّمُوا صِبْيَانَكُمْ الصَّلَاةَ وَخُذُوهُمْ بِهَا إِذَا بَلَغُوا ثَمَانِي سِنِينَ.

٢٤٠. تَنَزَّهُوا عَنِ قُرْبِ الْكِلَابِ؛ فَمَنْ أَصَابَ الْكَلْبَ وَهُوَ رَطْبٌ فَلْيَغْسِلْهُ، وَإِنْ كَانَ جَافًا فَلْيَنْضِجْ (٣) تَوْبَهُ بِالْمَاءِ.

٢٤١. إِذَا سَمِعْتُمْ مِنْ حَدِيثِنَا مَا لَا تَعْرِفُونَ فَرُدُّوهُ إِلَيْنَا وَقِفُوا عِنْدَهُ وَسَلِّمُوا، حَتَّى يَتَيَّنَّ لَكُمْ الْحَقُّ.

٢٤٢. وَلَا تَكُونُوا مَذَابِيحَ عَجَلَى (٤).

٢٤٣. إِلَيْنَا يَرْجِعُ الْغَالِي، وَبِنَا يَلْحَقُ الْمُقْصِرُ الَّذِي يُقْصِرُ لِحَقِّنَا.

٢٤٤. مَنْ تَمَسَّكَ بِنَا لِحَقِّ، وَمَنْ سَلَكَ غَيْرَ طَرِيقِنَا غَرِقَ.

ص: ٢٧٢

١- . هاج: أى ثار وتحرك وانبعث واضطرب، والمراد هنا أنه لا يكون لها سبب خوف واضطراب.

٢- بفتح الهمزة والثاء: الاسم من أثر يؤثر إيثاراً: إذا أعطى، والمراد الذين يستأثرون الأموال دون الناس.

٣- النَّضِجُ: الرُّشُّ (الصَّحاح: ٤١١/١).

٤- . المذابيح: الذين يفشون الأمر ولا يحفظون الأسرار. والمراد إذاعه حديثهم وأسرارهم الصعب المستصعب، والظاهر من كلمه عَجَلَى أَنَّ أَحَادِيثَ قَائِمِهِمْ وَحُكُومَتِهِمْ وَعِلَانِهِمْ ذَلِكَ هُوَ الْمُرَادُ مِنَ الْحَدِيثِ الَّذِي أَذَاعُوهُ.

می شوند. بطوری که زنی از عراق تا شام [برود] هر کجا قدم بگذارد سیزه است و در حالی که با زیور آلات خود حرکت کند هیچ درنده ای [یعنی ستمگر و سارق و خونخوار] تحریک نمی شود و او را نمی ترساند. [کنایه از امنیت و آبادانی فوق العاده است].

۲۳۴. اگر مقام و مرتبه خود را در میان دشمنان و صبر شما بر شنیدن اذیت آنان را می دانستید هر آینه چشم های شما مسرور می شدند.

۲۳۵. همانا مرا از دست خواهید داد. و پس از من از منکران حق و دشمنان و غاصبان اموال مردم و کاهلان نسبت به حق خدای متعال چیزهایی خواهید دید و احساس ناامنی خواهید کرد که آرزوی مرگ می کنید. پس در آن زمان همه به ریسمان الهی چنگ زنید. و بر شما باد صبر کردن و نماز و تقیه.

۲۳۶. بدانید خداوند تبارک و تعالی از بندگان ملون [هزار چهره] نفرت دارد.

۲۳۷. از حق و ولایت صاحبان حق دست بردارید. زیرا کسی که دیگری را بجای ما برگزیند هلاک شود. و دنیا از دستش برود و بالاخره خواهد مرد.

۲۳۸. هر یک از شما هنگام ورود به منزلش بر اهل خانه سلام کند. و بگوید: السلام علیکم. و اگر در خانه کسی نباشد بگوید: سلام بر ما از پروردگار ما و هنگام ورود به خانه، قل هو الله احد را بخواند. زیرا فقر را از بین می برد.

۲۳۹. به کودکان خود نماز بیاموزید. و در هشت سالگی آنها را به نماز خواندن وادار کنید.

۲۴۰. از نزدیک شدن به سگ اجتناب کنید. و کسی که با بدن مرطوب با سگ تماس گرفت خود را بشوید. و اگر لباس خشک با سگ تماس گرفت قدری آب به آن پاشد.

۲۴۱. زمانی که از حدیث ما چیزی شنیدید که معنای آن را نمی دانید، آن را به ما واگذار کنید و چیزی نگویید تا حق برای شما روشن شود.

۲۴۲. افشاگر اسرار ما نباشید.

۲۴۳. غلوکننده [در حق ما] به سوی ما بر می گردد. و کوتاهی کننده در حق ما نیز به ما ملحق می شود.

۲۴۴. کسی که به ما متوسل شود به مقصد رسد. و کسی که راهی جز طریق ما پیوید غرق می شود.

٢٤٥. لِمُجِيبِنَا أَفْوَاجٍ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَلِمُبْغِضِنَا أَفْوَاجٍ مِنْ غَضَبِ اللَّهِ.

٢٤٦. طَرِيقُنَا الْقَصْدُ، وَفِي أَمْرِنَا الرُّشْدُ.

٢٤٧. لَا يَكُونُ السَّهْوُ فِي خَمْسٍ: فِي الْوَتْرِ، وَالْجُمُعَةِ، وَالرَّكَعَتَيْنِ الْأُولَيَيْنِ مِنْ كُلِّ صَلَاةٍ، وَفِي الصُّبْحِ، وَفِي الْمَغْرِبِ.

٢٤٨. لَا يَقْرَأُ الْعَبْدُ الْقُرْآنَ إِذَا كَانَ عَلَى غَيْرِ طَهْوَرٍ.

٢٤٩. أَعْطُوا كُلَّ سُورَةٍ حَقَّهَا مِنَ الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ إِذَا كُنْتُمْ فِي الصَّلَاةِ.

٢٥٠. لَا يُصَلِّي الرَّجُلُ فِي قَمِيصٍ مُتَوَشَّحًا (١) بِهِ؛ فَإِنَّهُ مِنْ أَعْمَالِ قَوْمِ لُوطٍ.

٢٥١. تُجْزِي الصَّلَاةَ لِلرَّجُلِ فِي تَوْبٍ وَاحِدٍ يَعْقِدُ طَرْفِيهِ عَلَى عُنُقِهِ، وَفِي الْقَمِيصِ الصَّنْفِيْقِ يَزُرُّهُ عَلَيْهِ.

٢٥٢. لَا يَسْجُدُ الرَّجُلُ عَلَى صُورِهِ وَلَا عَلَى بَسَاطٍ فِيهِ صُورَةٌ، وَيَجُوزُ أَنْ تَكُونَ الصُّورَةُ تَحْتَ قَدَمَيْهِ أَوْ يَطْرُحَ عَلَيْهَا مَائُوَارِيهَا.

٢٥٣. وَلَا يَعْقِدُ الرَّجُلُ الدَّرَاهِمَ الَّتِي فِيهَا صُورَةٌ فِي تَوْبِهِ وَهُوَ يَصِلِّي، وَيَجُوزُ أَنْ تَكُونَ الدَّرَاهِمُ فِي هِمِيَانٍ أَوْ فِي تَوْبٍ إِذَا خَافَ وَيَجْعَلُهَا فِي ظَهْرِهِ.

٢٥٤. لَا يَسْجُدُ الرَّجُلُ عَلَى كُدْسٍ حِنْطَةٍ، وَلَا شَعِيرٍ، وَلَا عَلَى لَوْنٍ مِمَّا يُؤْكَلُ، وَلَا عَلَى الْخُبْزِ.

٢٥٥. وَلَا يَتَوَضَّأُ الرَّجُلُ حَتَّى يُسَمِّيَ؛ يَقُولُ قَبْلَ أَنْ يَمَسَّ الْمَاءَ: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ.

٢٥٦. فَأِذَا فَرَّغَ مِنْ طَهْوَرِهِ قَالَ: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ»، فَعِنْدَهَا يَسْتَحِقُّ الْمَغْفِرَةَ.

٢٥٧. مَنْ أَتَى الصَّلَاةَ عَارِفًا بِحَقِّهَا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ.

٢٥٨. لَا يُصَلِّي الرَّجُلُ نَافِلَةً فِي وَقْتِ فَرِيضَةٍ إِلَّا مِنْ عُدْرٍ، وَلَكِنْ يَقْضَى بَعْدَ ذَلِكَ إِذَا أَمَكَّنَهُ الْقَضَاءُ، قَالَ اللَّهُ

ص: ٢٧٤

١- . التوشح: التغطية. توشح بثوبه أدخله تحت إبطه الأيمن وألقاه على منكبه الأيسر.

۲۴۵. رحمت های خدا برای دوستداران ما و عذابها و خشم خدا برای دشمنان ماست.

۲۴۶. روش ما اعتدال است. و رشد در دستورهای ماست.

۲۴۷. در پنج مورد اشتباه راه ندارد. [شک کردن نماز را باطل می کند]. نماز وتر [رکعت آخر نماز شب] و نماز جمعه و دو رکعت اول هر نماز [ظهر و عصر و عشاء]. نماز صبح و نماز مغرب.

۲۴۸. کسی که طهارت ندارد قرآن قرائت نکند. [با طهارت قرآن را قرائت کنید].

۲۴۹. حق هر سوره از رکوع و سجود را ادا کنید. [سجده های واجب و مستحب را هنگام تلاوت سوره ها بجا آورید].

۲۵۰. هنگام نماز در لباس خود بصورت متوشح [لباس را طوری روی دوش انداختن که یک طرف آن از روی شانه چپ و یک طرف آن از زیر دست راست در جلوی بدن قرار گیرد] نماز نخوانید. زیرا این کار قوم لوط بوده است.

۲۵۱. نماز خواندن برای مرد بطوری که لباس خود را از دو طرف شانه در جلوی گردن گره بزند اشکال ندارد. و همچنین نماز در پیراهن سخت باف که به گردن بسته شده باشد مجزی است.

۲۵۲. کسی بر روی تصویر و زیراندازی که نقش تصویر دارد سجده نکند. اما اگر تصویر زیر پا باشد یا چیزی روی تصویر بیندازند که آن را مخفی کند جایز است.

۲۵۳. کسی سکه های تصویردار را به لباس نماز خود آویزان نکند. اگر [از سرقت] بترسد قرار دادن سکه های تصویردار در همیان یا در لباس و بستن به کمر جایز است.

۲۵۴. کسی روی خرمن گندم یا جو و روی اشیاء خوردنی و نان، سجده نکند.

۲۵۵. کسی تا بسم الله نگفته وضو نگیرد. قبل از تماس با آب بگوید: بسم الله وبالله. اللهم اجعلنی من التوابین واجعلنی من المتطهرین. خداوندا مرا از توبه کنندگان و از پاکان قرار ده.

۲۵۶. هنگامی که طهارت [وضو یا غسل یا تیمم] تمام شد بگوید: شهادت می دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست. و او شریک ندارد. و شهادت می دهم که محمد بنده فرستاده اوست.

پس در این هنگام مستحق آمرزش خواهد بود.

۲۵۷. کسی که با عرفان و شناخت حق نماز را ادا کند خداوند او را می آمرزد.

۲۵۸. کسی [نماز] نافله را در وقت [نماز] فریضه بجا نیاورد مگر اینکه عذر داشته باشد. ولی بعد از انجام فریضه اگر ممکن بود قضای نافله را انجام دهد. خداوند متعال می فرماید:

«کسانی که بر نماز مداومت می کنند»، یعنی کسانی که نمازهای ترک شده در روز را شب

ص: ۲۷۵

تعالى: «الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَأَلْ مُونَ» يَعْنِي الَّذِينَ يَقْضُونَ مَا فَاتَهُمْ مِنَ اللَّيْلِ بِالنَّهَارِ، وَمَا فَاتَهُمْ مِنَ النَّهَارِ بِاللَّيْلِ.

٢٥٩. لَا تَقْضِ النَّافِلَةَ فِي وَقْتِ الْفَرِيضَةِ؛ اِبْدَأْ بِالْفَرِيضَةِ ثُمَّ صَلِّ مَا بَدَأَ لَكَ.

٢٦٠. الصَّلَاةُ فِي الْحَرَمَيْنِ تَعْدِلُ أَلْفَ صَلَاةٍ، وَنَفَقَهُ دِرْهَمٍ فِي الْحَجِّ تَعْدِلُ أَلْفَ دِرْهَمٍ.

٢٦١. لِيَتَخَشَّعَ الرَّجُلُ فِي صَلَاتِهِ؛ فَإِنَّ مِنْ خَشَعِ قَلْبِهِ لِلَّهِ عِزٌّ وَجَلَّ خَشَعَتْ جَوَارِحُهُ، فَلَا تَعْبَثُ بِشَيْءٍ فِي الصَّلَاةِ.

٢٦٢. الْقُنُوتُ فِي صَلَاةِ الْجُمُعَةِ قَبْلَ الرُّكُوعِ، وَيَقْرَأُ فِي الْأُولَى الْحَمْدَ وَالْجُمُعَةَ، وَفِي الثَّانِيَةِ الْحَمْدَ وَالْمُنَافِقُونَ.

٢٦٣. اجْلِسُوا فِي الرَّكَعَتَيْنِ حَتَّى تَسْكُنَ جَوَارِحُكُمْ، ثُمَّ قَوْمُوا؛ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ فِعْلِنَا.

٢٦٤. إِذَا قَامَ أَحَدُكُمْ مِنَ الصَّلَاةِ فَلْيَرْجِعْ (فَلْيَرْفَعْ خ ل) يَدَهُ حِذَاءَ صَدْرِهِ، فَمَاذَا كَانَ أَحَدُكُمْ بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ - حَيْلٌ جَلِيلَةٌ - فَلْيَتَحَرَّى (١) بِصَدْرِهِ؛ وَلْيَقِمِ صُلْبُهُ وَلَا يَنْحَنِ. إِذَا فَرَغَ أَحَدُكُمْ مِنَ الصَّلَاةِ فَلْيَرْفَعْ يَدَهُ إِلَى السَّمَاءِ وَلْيَنْصَبْ فِي الدُّعَاءِ.

فَقَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سَيِّبٍ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، أَلَيْسَ اللَّهُ فِي كُلِّ مَكَانٍ؟ قَالَ: نَعَمْ. قَالَ: فَلِمَ يَرْفَعُ الْعَبْدُ يَدَهُ إِلَى السَّمَاءِ؟ قَالَ أَمَا تَقْرَأُ: «وَ فِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ»، وَمَا وَعَدَ اللَّهُ عِزًّا وَجَلَّ أَنْ يُطَلَّبَ الرِّزْقُ إِلَّا مِنْ مَوْضِعِهِ، وَمَوْضِعُ الرِّزْقِ وَمَا وَعَدَ اللَّهُ السَّمَاءَ.

٢٦٥. وَلَا يَنْفَتِلُ الْعَبْدُ مِنْ صَلَاتِهِ حَتَّى يَسْأَلَ اللَّهَ الْجَنَّةَ، وَيَسْتَجِيرَ بِهِ مِنَ النَّارِ، وَيَسْأَلُهُ أَنْ يَرْزُقَهُ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ.

٢٦٦. إِذَا قَامَ أَحَدُكُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَلْيُصَلِّ صَلَاةَ مُؤَدِّعٍ.

ص: ٢٧٦

١- كذا، والقياس: «فليتحرى»، و في البحار (ج ٨٤ ص ٢٣٩): «فليتحرى»، وقال المجلسى قدس سره: قوله «فليتحرى» بالنون: أى يجعله محاذياً لنحره، أو محاذياً للقلبه، قال الفيروز آبادى: والداران يتناحران: يتقابلان، ونحرتُ الدار - كمنع - استقبلتها، والرجل في الصلاة: انتصب ونهد صدره... انتهى. وفي بعض النسخ بالتاء؛ أى فليقصد بصدرة ليقيمه.

و نمازهای ترک شده در شب را روز قضا می کنند.

۲۵۹. قضای نافله را در وقت فریضه انجام مده. ابتدا فریضه و سپس هر نمازی را که خواستی [نافله یا قضا...] بجای آور.

۲۶۰. نماز در دو حرم [مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله] معادل هزار نماز، و انفاق کردن یک درهم در حج معادل انفاق کردن هزار درهم است.

۲۶۱. انسان در نمازش خشوع [حضور قلب] داشته باشد. زیرا کسی که قلب او در برابر خدا خاشع باشد، اعضای دیگر او هم خاشع خواهند بود. پس در نماز با چیزی بازی نکند.

۲۶۲. قنوت در نماز جمعه قبل از رکوع است. و در نماز جمعه در رکعت اول حمد و سوره جمعه و در رکعت دوم حمد و سوره منافقون قرائت شود.

۲۶۳. در هر رکعت بنشینید [پس از سجده دوم] تا بدن شما کاملاً آرام شود. سپس [برای رکعت بعد] قیام کنید. همانا این کار روش ما [اهل بیت] است.

۲۶۴. زمانی که کسی نماز را به پایان برد دستش را تا مقابل سینه اش بالا ببرد [و دعا کند]. وقتی یکی از شما در برابر خداوند جل جلاله [به نماز] می ایستد حضور قلب داشته باشد. و پشت [ستون فقرات] او مستقیم باشد و منحنی نباشد. و هنگامی که نماز تمام شد، دستش را به آسمان بلند و دعا کند.

عبدالله بن سبأ گفت: یا امیرالمؤمنین، مگر خدا در همه جا نیست؟ حضرت فرمودند: بلی.

عبدالله گفت: پس چرا بنده دست به آسمان بلند کند؟ حضرت فرمودند: آیا قرآن قرائت نکرده ای: «روزی شما و آنچه به شما وعده داده شده در آسمان است». و خداوند وعده طلب رزق نکرده است مگر از موضع خودش. و موضع رزق و آنچه خدا وعده داده است آسمان است.

۲۶۵. بنده از نماز فارغ نشود تا از خدا درخواست بهشت و نجات از جهنم کند. و از خدا حورالعین بخواهد. [تا این موارد را از خدا طلب نکرده از حال نماز خارج نشود].

۲۶۶. هنگام انجام نماز، همانند کسی که آخرین نماز عمرش را می خواند نماز بپا دارید.

٢٦٧. لَا يَقْطَعُ الصَّلَاةَ التَّبَسُّمُ، وَيَقْطَعُهَا الْقَهْقَهَةُ.

٢٦٨. إِذَا خَالَطَ النَّوْمُ الْقَلْبَ وَجَبَ الْوُضُوءُ.

٢٦٩. إِذَا غَلَبَتْكَ عَيْنُكَ وَأَنْتَ فِي الصَّلَاةِ فَاقْطَعْ وَنَمْ؛ فَإِنَّكَ لَا تَدْرِي لَعَلَّ أَنْ تَدْعُو لَكَ أَوْ عَلَى نَفْسِكَ.

٢٧٠. مَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ ، وَأَعَانَنَا بِلسَانِهِ ، وَقَاتَلَ مَعَنَا بِيَدِهِ؛ فَهُوَ مَعَنَا فِي الْجَنَّةِ فِي دَرَجَتِنَا.

٢٧١. وَمَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ ، وَأَعَانَنَا بِلسَانِهِ ، وَلَمْ يُقَاتِلْ مَعَنَا أَعْدَاءَنَا فَهُوَ أَسْفَلُ مِنْ ذَلِكَ بِدَرَجَةٍ.

٢٧٢. وَمَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ ، وَلَمْ يُعِنَّا بِلسَانِهِ وَلَا بِيَدِهِ، فَهُوَ أَسْفَلُ بِدَرَجَتَيْنِ فِي الْجَنَّةِ.

٢٧٣. وَمَنْ أَبْغَضَنَا بِقَلْبِهِ وَلَمْ يُعِنْ عَلَيْنَا بِلسَانِهِ وَلَا بِيَدِهِ فَهُوَ فِي النَّارِ.

٢٧٤. وَمَنْ أَبْغَضَنَا بِقَلْبِهِ ، وَأَعَانَ عَلَيْنَا بِلسَانِهِ وَيَدِهِ، فَهُوَ مَعَ عَدُوِّنَا فِي النَّارِ.

٢٧٥. وَإِنَّ أَهْلَ الْجَنَّةِ لَيَنْظُرُونَ إِلَى مَنَازِلِنَا وَمَنَازِلِ شِيَعَتِنَا كَمَا يَنْظُرُ الْإِنْسَانُ إِلَى الْكَوَاكِبِ فِي السَّمَاءِ.

٢٧٦. إِذَا قَرَأْتُمْ (قَرَأْتُمْ خ ل) مِنَ الْمُسَبِّحَاتِ الْأَخِيرَةِ فَقُولُوا: سُبْحَانَ اللَّهِ الْأَعْلَى.

٢٧٧. وَإِذَا قَرَأْتُمْ: «إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَكًا - كَتَبَهُ وَيُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ» فَصَلُّوا عَلَيْهِ فِي الصَّلَاةِ كُنْتُمْ أَوْ فِي غَيْرِهَا.

٢٧٨. لَيْسَ فِي الْبَدَنِ شَيْءٌ أَقَلُّ شُكْرًا مِنَ الْعَيْنِ؛ فَلَا تُعْطُوهَا سُؤْلَهَا فَتَشْغَلْكُمْ عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

٢٧٩. إِذَا قَرَأْتُمْ «وَالْتَيْنِ» فَقُولُوا فِي آخِرِهَا: وَنَحْنُ عَلَى ذَلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ.

٢٨٠. إِذَا قَرَأْتُمْ: «قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا» فَقُولُوا: آمَنَّا بِاللَّهِ، حَتَّى تَبْلُغُوا إِلَى قَوْلِهِ: «وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ».

۲۶۷. تبسم نماز را باطل نمی کند. و قهقهه نماز را باطل می کند.

۲۶۸. هنگامی که خواب بر قلب چیره شد، وضو واجب می شود.

۲۶۹. هنگامی که در نماز خواب بر چشمانت غلبه کرد نماز را قطع کن و بخواب. زیرا [در آن حال] نمی دانی [چه می گویی]. شاید برای خود دعا کنی یا خود را نفرین کنی.

۲۷۰. کسی که ما را از صمیم قلب دوست داشته باشد و با زبانش یاری کند و با دستش [همه نیرویش] در راه دفاع از ما نبرد کند، در بهشت همراه ما و همپایه ماست.

۲۷۱. کسی که ما را در قلب دوست داشته باشد و با زبان یاری کند ولی از ما در نبرد با دشمنان دفاع نکند، یک درجه پائین تر است.

۲۷۲. کسی که ما را فقط در قلب دوست داشته باشد و با زبان و دست یاری نکند، در بهشت دو درجه پائین تر است.

۲۷۳. کسی که در قلبش بغض ما داشته باشد و با زبان و دست دشمنان ما را یاری نکند، در دوزخ است.

۲۷۴. کسی که در قلبش بغض ما داشته باشد و با زبان و دست دشمنان ما را یاری کند، در دوزخ همراه دشمنان ماست.

۲۷۵. همانا اهل بهشت به جایگاه ما و جایگاه شیعیان ما می نگرند همانگونه که انسان به ستارگان آسمان می نگرد.

۲۷۶. هنگامی که از تسبیحات آخر [نماز] فارغ شدید بگوئید: سبحان الله الاعلی.

۲۷۷. هنگامی که این آیه: «ان الله و ملائکته یصلون علی النبی» را قرائت کردید، بر پیامبر صلوات بفرستید. در حال نماز باشید یا غیر نماز. [در هر حالی این آیه را شنیدید یا قرائت کردید صلوات بفرستید].

۲۷۸. در بدن هیچ عضوی کمتر از چشم شکرگزاری نمی کند. پس خواسته هایش را به او ندهید که شما را از یاد خدا باز می دارد.

۲۷۹. هنگامی که سوره «التین» را قرائت کردید، در آخر آن بگوئید: ما به این مطلب گواهی می دهیم.

۲۸۰. هنگامی که آیه ۱۳۶ سوره بقره «قولوا آمنا بالله... و نحن له مسلمون» را قرائت کردید، بگوئید:

ایمان آوردیم به خدا و آنچه بر ما نازل شده است. و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط نازل شده است و آنچه به موسی و عیسی و پیامبران از طرف پروردگارشان داده شده است ایمان آوردیم و بین هیچ یک از آنها فرق نمی گذاریم. [به هیچ یک کفر نمی ورزیم] و ما به او اسلام آورده ایم. [از آمنا بالله تا آخر آیه را پس قرائت آیه تکرار کنید].

٢٨١. إذا قال العبدُ في الشَّهْدِ الأخيرِ وهو جالسٌ: «أشهدُ أن لا إلهَ إلا اللهُ وحدهُ لا شريكَ له، وأشهدُ أنَّ مُحَمَّدًا عبدهُ ورسولُهُ صلى اللهُ عليه و آله، وأنَّ السَّاعَةَ آتيةٌ لا ريبَ فيها، وأنَّ اللهَ يبعثُ من في القبورِ»، ثمَّ أحدثَ حدثًا فقدَ تَمَّتْ صَلَاتُهُ.

٢٨٢. ما عبَدَ اللهُ بشيءٍ أشدَّ من المَشْيِ إلى بيتهِ .

٢٨٣. اطلبوا الخَيْرَ في أخفافِ الإبلِ وأعناقِها صادرةً وواردةً.

٢٨٤. إنما سَمِيَ اللهُ زَمْزَمَ السَّقَايَةِ (١)؛ لِأَنَّ رَسولَ اللهِ صلى اللهُ عليه و آله أَمَرَ بِزَبِيبِ اِتْيِ بِهِ مِنَ الطَّائِفِ أَنْ يُتَبَدَّ وَيُطْرَحَ فِي حَوْضِ زَمْزَمَ؛ لِأَنَّ مَاءَهَا مَرٌّ، فَأَرَادَ أَنْ يَكْسِرَ مَرَاتَهُ، فَلَا تَشْرِبُوهُ إِذَا عَتَقَ.

٢٨٥. إِذَا تَعَرَّى الرَّجُلُ نَظَرَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ وَطَمَعَ فِيهِ، فَاسْتَبْرُوا، وَلَيْسَ لِلرَّجُلِ أَنْ يَكْشِفَ ثِيَابَهُ عَلَى فِخْذَيْهِ وَيَجْلِسَ بَيْنَ قَوْمٍ.

٢٨٦. مَنْ أَكَلَ شَيْئًا مِنَ الْمُؤَذِيَّاتِ بِرِيحِهَا فَلَا يَقْرَأَنَّ الْمَسْجِدَ.

٢٨٧. لِيُرْفَعَ الرَّجُلُ السَّاجِدُ مُؤَخَّرَهُ فِي الْفَرِيضَةِ إِذَا سَجَدَ.

٢٨٨. إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ الْغُسْلَ فَلْيَبْدَأْ بِذِرَاعَيْهِ فَلْيَغْسِلْهُمَا.

٢٨٩. إِذَا صَلَّيْتَ فَاسْمِعْ نَفْسَكَ الْقِرَاءَةَ وَالتَّكْبِيرَ وَالتَّسْبِيحَ.

٢٩٠. إِذَا انْفَتَلْتَ (٢) مِنَ الصَّلَاةِ فَانْفِتِلْ عَنِ يَمِينِكَ.

٢٩١. تَزَوَّدُوا مِنَ الدُّنْيَا؛ فَإِنَّ خَيْرَ مَا تَزَوَّدَتْ مِنْهَا التَّقْوَى.

٢٩٢. فَقَدَتْ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ امْتَانٍ؛ وَاحِدَةٌ فِي الْبَحْرِ، وَوَاحِدَةٌ فِي الْبَرِّ، فَلَا تَأْكُلُوا إِلَّا مَا عَرَفْتُمْ.

٢٩٣. مَنْ كَتَمَ وَجَعًا أَصَابَهُ ثَلَاثَةٌ أَيَّامٍ مِنَ النَّاسِ وَشَكَا إِلَى اللهِ عِزُّ وَجَلُّ، كَانَ حَقًّا عَلَى اللهِ أَنْ يُعَافِيَهُ مِنْهُ.

٢٩٤. أَبْعُدْ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنَ اللهِ إِذَا كَانَ هُمُّهُ فَرَجُهُ وَبَطْنُهُ.

ص: ٢٨٠

١- وفي البحار والخصال «إنما السقاية»، وعن التحف «إنما سمى نبيذ السقاية».

٢- . انفتل من الصلاة: انصرف عنها وأتمها.

۲۸۱. زمانی که بنده در تشهد آخر نماز نشسته است و می گوید: اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمد عبده و رسوله صلی الله علیه و آله. و ان الساعة.... و گواهی می دهم که قیامت رخ خواهد داد و خداوند کسانی را که در قبرها هستند بر می انگیزد. و ناگهان حدیثی اتفاق بیفتد [وضو باطل شود] نمازش تمام شده و صحیح است.

۲۸۲. هیچ کاری برای عبادت کردن خدا سخت تر از رفتن به خانه او [مسجد الحرام یا هر مسجد دیگر نیست].

۲۸۳. خیر و درآمد را در نگهداری و پرورش شتر بجوئید.

۲۸۴. همانا خداوند زمزم را سقایت نامید زیرا رسول الله صلی الله علیه و آله مأمور شد تا انگوری را که از طائف برای آن حضرت آورده شده بود در حوض زمزم بفشارد. چون آب زمزم تلخ بود و می خواست تلخی آن را از بین ببرد.

۲۸۵. زمانی که انسان عریان شود شیطان به او نگاه کرده و طمع می کند، پس پوشیده باشید. جایز نیست که مرد لباسش را از روی ران کنار بزند، و در حضور جمع بنشیند.

۲۸۶. کسی که خوراکی بد بو [مانند سیر، پیاز و...] خورده است به مسجد نرود. [با بوی بد دهان دیگران را اذیت نکنید].

۲۸۷. مرد هنگام سجده در نماز فریضه قسمت عقب بدن را بالا ببرد.

۲۸۸. هر یک از شما خواستید غسل کنید، ابتدا ساعد دست ها را بشوید.

۲۸۹. هنگام نماز، قرائت و تکبیر و تسبیح را طوری بخواند که خودش بشنود. [نه زیاد آهسته که هیچ تلفظ نکند و نه خیلی بلند].

۲۹۰. هنگام برخاستن [پس از اتمام نماز] از طرف راست برخیز.

۲۹۱. از دنیا توشه برگیرید، همانا بهترین توشه دنیا تقوی است.

۲۹۲. دو گروه از بنی اسرائیل نابود شدند. یک گروه در آب و یک گروه در خشکی [برای نافرمانی و خوردن حرام] پس نخورید جز چیزی را که می شناسید. [حلال است].

۲۹۳. کسی که درد [بیماری] خود را تا سه روز از مردم پنهان کند و به خدا شکایت کند [از خدا شفا طلبد] حق دارد که خدا او را عافیت بخشد.

۲۹۴. بدترین حالتی که انسان را از خدا دور می کند زمانی است که انسان تمام هم و غمش شهوت و شکمش باشد.

٢٩٥. لَا يَخْرُجُ الرَّجُلُ فِي سَفَرٍ يَخَافُ فِيهِ عَلَى دِينِهِ وَصَلَاتِهِ .

٢٩٦. اعطى (١) السَّمْعَ أَرْبَعَةً: النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَالْجَنَّةُ وَالنَّارُ وَالْحَوْرُ الْعَيْنُ، فَإِذَا فَرَّغَ الْعَبْدُ مِنْ صِلَاتِهِ فَلْيُصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ ، وَيَسْأَلِ اللَّهَ الْجَنَّةَ، وَيَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ، وَيَسْأَلُهُ أَنْ يُزَوِّجَهُ مِنَ الْحَوْرِ الْعَيْنِ؛ فَإِنْ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَمِعَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَرُفِعَتْ دَعْوَتُهُ، وَمَنْ سَأَلَ اللَّهَ الْجَنَّةَ قَالَتِ الْجَنَّةُ: يَا رَبِّ، أَعْطِ عَبْدَكَ مَا سَأَلَهُ، وَمَنْ اسْتَجَارَ مِنَ النَّارِ قَالَتِ النَّارُ: يَا رَبِّ أَجْرَ عَبْدِكَ مِمَّا اسْتَجَارَ مِنْهُ، وَمَنْ سَأَلَ الْحَوْرَ الْعَيْنَ قُلْنَ: اللَّهُمَّ أَعْطِ عَبْدَكَ مَا سَأَلَ.

٢٩٧. الْغِنَاءُ نُوْحٌ إِبْلِيسَ عَلَى الْجَنَّةِ.

٢٩٨. إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ النَّوْمَ فَلْيَضَعْ يَدَهُ الْيُمْنَى تَحْتَ خَدِّهِ الْأَيْمَنِ، فَلْيَقُلْ: «بِسْمِ اللَّهِ، وَضَعْتُ جَنْبِي لِلَّهِ، عَلَى مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَدِينِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَوَلَايَةِ مَنْ افْتَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ، مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ»، وَمَنْ قَالَ ذَلِكَ عِنْدَ مَنَامِهِ حُفِظَ مِنَ اللَّصِّ الْمُغِيرِ وَالْهَدْمِ، وَاسْتَغْفَرَتْ لَهُ الْمَلَائِكَةُ.

٢٩٩. مَنْ قَرَأَ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» حِينَ يَأْخُذُ مَضْجَعَهُ وَكَلَّ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ بِهِ خَمْسِينَ أَلْفَ مَلَكٍ يَحْرُسُونَهُ لَيْلَتَهُ.

٣٠٠. إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ النَّوْمَ فَلَا يَضَعْ عَنْ جَبْهُهُ عَلَى الْأَرْضِ حَتَّى يَقُولَ: «أُعِيذُ نَفْسِي وَدِينِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَخَوَاتِيمَ عَمَلِي وَمَا رَزَقَنِي رَبِّي وَخَوَّلَنِي (٢) بِعِزِّهِ، وَعَظَمَهُ اللَّهُ، وَحَبَّرَ بَرِيَّةَ اللَّهِ، وَسَيِّدَانَ اللَّهِ، وَرَحِمَهُ اللَّهُ، وَرَأْفَةَ اللَّهِ، وَغُفْرَانَ اللَّهِ، وَقُوَّةَ اللَّهِ، وَقُدْرَةَ اللَّهِ، وَبِجَلَالِ اللَّهِ، وَبِصُنْعِ اللَّهِ، وَأَرْكَانِ اللَّهِ، وَبِرِسْوَالِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَبِجَمْعِ اللَّهِ، وَبِقُدْرَةِ اللَّهِ عَلَى مَا يَشَاءُ، مِنْ شَرِّ السَّامَةِ (٣) وَالْهَامَةِ (٤) ، وَمِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، وَمِنْ شَرِّ مَا يَدْبُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ

ص: ٢٨٢

١- أى يصغى ويحجب فى أربعه.

٢- خوله الله الشيء: أى ملكه إياه (الصحيح: ١٦٩٠/٤).

٣- السامة: ما يسم ولا يقتل؛ كالعقرب والزنبور ونحوهما (النهاية: ٤٠٤/٢).

٤- الهامة: من همم؛ كل ذات سم يقتل، وقد يقع على ما يدب من الحيوان وإن لم يقتل كالحشرات (النهاية: ٢٧٥/٥).

۲۹۵. انسان به سفری نرود که در آن سفر دین و نمازش به خطر می افتد.

۲۹۶. به چهار مخلوق شنوایی داده شده است: پیامبر صلی الله علیه و آله و بهشت و جهنم و حور العین. پس هنگامی که کسی از نماز فارغ می شود، بر پیامبر و آل او صلوات فرستد. و از خدا بهشت را درخواست کند و از جهنم به خدا پناه برد. و از خدا درخواست کند که حورالعین را به ازدواج او درآورد.

پس اگر بر محمد صلی الله علیه و آله صلوات فرستد، پیامبر صلی الله علیه و آله آن را می شنود و دعایش بالا می رود. و کسی که از خدا بهشت درخواست کند، بهشت می گوید: پروردگارا خواسته بنده ات را بدو عطا کن.

و کسی که از جهنم پناه جوید، جهنم گوید: پروردگارا بنده ات را پناه ده از آنچه به تو پناه آورده است.

و کسی که حور العین درخواست کند، حوریان می گویند: خدایا به بنده ات آنچه می خواهد عطا کن.

۲۹۷. موسیقی ناله شیطان برای [از دست دادن] بهشت است.

۲۹۸. هر یک از شما هنگام خوابیدن دست راست خود را زیر گونه راست خود بگذارد و بگوید:

«با اسم خدا خوابیدم برای [رضای] خدا و بر آئین ابراهیم و دین محمد و ولایت کسی که خدا طاعت او را واجب فرمود. آنچه خدا خواست، شد. و آنچه خدا نخواهد، نمی شود.» و کسی که این مطلب را هنگام خوابیدن بگوید، از دزد و نابودی حفظ می شود. و ملائکه برایش استغفار می کنند.

۲۹۹. کسی که هنگام به بستر رفتن سوره «قل هو الله احد» را بخواند خداوند پنجاه هزار فرشته را مأمور می کند که آن شب از او حراست نمایند.

۳۰۰. هنگامی که یکی از شما می خواهد بخوابد، پهلوی خود را روی زمین نگذارد مگر اینکه بگوید: پناه می برم خودم و دینم و بستگانم و مالم و فرزندانم و سرانجام کارم و آنچه پروردگارم نصیب من فرموده و در اختیارم قرار داده، به عزت خدا و عظمت خدا و جبروت خدا و سلطنت خدا و رحمت خدا و مهرورزی خدا و آمرزش خدا و نیروی خدا و قدرت خدا و جلال خدا و صنع خدا و بنیان خدا [که خدا بنا نهاده است]. و به رسول الله صلی الله علیه و آله و به جمع خدا و قدرت خدا بر هر چیز که می خواهد [پناه می برم] از شر مسمومیت و گرفتاری و از شر جن و انس و از شر موجودات زمینی و موجوداتی که از زمین

دَائِهِ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ؛ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يُعَوِّذُ بِهَا الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ عَلَيْهِمَا السَّلَامَ، وَبِذَلِكَ أَمَرَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

٣٠١. نَحْنُ الْخُزَّانُ لِلدِّينِ وَاللَّهِ، وَنَحْنُ مِفَاتِيحُ الْعِلْمِ، إِذَا مَضَى عَنَّا عِلْمٌ يَدَا عِلْمٍ، لَا يَضِلُّ مَنْ تَبِعَنَا، وَلَا يَهْتَدِي مَنْ أَنْكَرَنَا، وَلَا يَنْجُو مَنْ أَعَانَ عَلَيْنَا عَيْدُونَا، وَلَا يُعَانُ مَنْ أَسْلَمَنَا؛ فَلَا تَتَخَلَّفُوا عَنَّا لِطَمَعِ دُنْيَا، وَحُطَامِ زَائِلٍ عَنكُمْ وَأَنْتُمْ تَزُولُونَ عَنْهُ؛ فَإِنَّ مِنْ آثَرِ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَاخْتَارَهَا عَلَيْهِ عَظُمَتْ حَسْرَتُهُ غَدًا، وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَحْسَرْتِي عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنَمٍ - بِاللَّهِ وَإِنْ كُنْتُ لِمَنْ السَّخِرِينَ» (١).

٣٠٢. اغْسِلُوا صِبْيَانَكُمْ مِنَ الْعَمْرِ؛ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَشُمُّ الْعَمَرَ فَيَفْرَعُ الصَّبِيَّ فِي رُقَادِهِ، وَيَتَأَذَى بِهِ الْكَاتِبَانَ.

٣٠٣. لَكُمْ أَوَّلُ نَظَرِهِ إِلَى الْمَرْأَةِ فَلَا تُتَبِعُوها بِنَظَرِهِ أُخْرَى، وَاحْذَرُوا الْفِتْنَةَ.

٣٠٤. مُدْمِنُ الْخَمْرِ يَلْقَى اللَّهَ حِينَ يَلْقَاهُ كَعَابِدٍ وَثَنٍ. فَقَالَ حُجْرُ بْنُ عَدِيٍّ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، مَا الْمُدْمِنُ؟ قَالَ:

الَّذِي إِذَا وَجَدَهَا شَرِبَهَا.

٣٠٥. مَنْ شَرِبَ الْمُسْكِرَ لَمْ تُقْبَلْ صَلَاتُهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا وَلَيْلَةً.

٣٠٦. مَنْ قَالَ لِلْمُسْلِمِ قَوْلًا يُرِيدُ انْتِقَاصَ مُرُوتِهِ، حَبَسَهُ اللَّهُ تَعَالَى فِي طِينِهِ خَبَالٍ حَتَّى يَأْتِيَ مِمَّا قَالَ بِمُخْرَجٍ.

٣٠٧. لَا يَنَامُ الرَّجُلُ مَعَ الرَّجُلِ فِي ثَوْبٍ وَاحِدٍ؛ فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ وَجَبَ عَلَيْهِ الْأَدْبُ؛ وَهُوَ التَّعْزِيرُ.

٣٠٨. كُلُوا الدُّبَاءَ (٢)؛ فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي الدِّمَاغِ، وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُعْجِبُهُ الدُّبَاءُ.

٣٠٩. كُلُوا الْأُتْرُجَ (٣) قَبْلَ الطَّعَامِ وَبَعْدَهُ؛ فَإِنَّ آلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَفْعَلُونَ ذَلِكَ.

ص: ٢٨٤

١- . سورة الزمر الآيه: ٥٦.

٢- . الدُّبَاءُ: القَرَع (النهايه: ٩٦/٢).

٣- . الْأُتْرُجُ - بضم الهمزة وسكون التاء وضم الراء وتشديد الجيم - و الترنج: ثمر شجر بستانى من جنس الليمون ناعم الورق.

خارج می شوند و از شر هر حیوانی که به فرمان توست. همانا پروردگارم بر صراط مستقیم است. و او بر هر چیز تواناست. و نیرو و قدرتی جز خداوند بلند مرتبه و بزرگ نیست. همانا پیامبر صلی الله علیه و آله این تعویذ را برای حسن و حسین علیهما السلام انجام می دادند. و به ما امر کردند چنین کنیم.

۳۰۱. ما [اهل بیت علیهم السلام] گنجینه هایی برای دین خدا و کلیدهای علم هستیم. هر گاه علم [یکی از] ما از دنیا برود علم [نفر] بعدی ظاهر می شود. کسی که از ما پیروی کند گمراه نخواهد شد. و کسی که ما را انکار کند هدایت نمی شود. و کسی که با دشمنان ما بر علیه ما همکاری کند نجات نمی یابد.

و کسی که ما را اسیر کند یاری نمی شود. [از امداد الهی محروم می شود.] پس به طمع دنیا و اموال بی ارزش که از دست شما می رود و شما از آن جدا می شوید با ما مخالفت نکنید. همانا کسی که دنیا را بر آخرت ترجیح دهد و برگزیند فردا حسرتش بسیار بزرگ خواهد شد. و این فرمایش خداوند است: «مبادا کسی روز قیامت بگوید: واحسرتا [افسوس بر من] از کوتاهی هایی که در اطاعت از فرمان خدا کردم. و از مسخره کنندگان [آیات او] بودم».

۳۰۲. [بدن] کودکان خود را از چربی غذا خوردن بشوید. زیرا شیطان چربی [چسبیده به بدن] را استشمام می کند. و کودک در خواب می ترسد. و دو فرشته کاتب از این رفتار اذیت می شوند.

۳۰۳. نظر اول به زن [نامحرم] اشکال ندارد. اما تکرار نکنید. و از فتنه بر حذر باشید. [یعنی نگاهی که به صورت اتفاقی و اولین بار باشد اشکال ندارد. اما در صورت تکرار یا اینکه از ابتدا عمدی باشد جایز نیست.]

۳۰۴. کسی که همیشه شراب خواری کند در قیامت همانند بت پرست خدا را ملاقات می کند.

حجر بن عدی پرسید: یا امیرالمؤمنین همیشگی یعنی چه؟ فرمودند: کسی که هر گاه شراب یافت بیاشامد.

۳۰۵. کسی که شراب بیاشامد تا چهل شبانه روز نمازش قبول نمی شود. [البته نماز واجب است و باید بخواند و برای پذیرفته شدن آن باید توبه کند.]

۳۰۶. کسی که درباره مسلمانانی سخنی بگوید که شخصیت او را خرد کند خداوند او را در باتلاق تباهی گرفتار می کند. تا از گفتار خود راه خروجی بیابد.

۳۰۷. مرد با مرد دیگر زیر یک پتو نخواهد. اگر چنین کند باید [حاکم شرع] او را با تعزیر [ادب] کند.

۳۰۸. کدو بخورید که دماغ [فهم] را زیاد می کند. و رسول الله صلی الله علیه و آله از کدو خوشش می آمد.

۳۰۹. بالنگه را قبل و بعد از غذا بخورید. همانا آل محمد صلی الله علیه و آله چنین می کردند.

٣١٠. الْكَمَثْرَى يَجْلُو الْقَلْبَ، وَيُسَكِّنُ أَوْجَاعَ الْجَوْفِ.

٣١١. إِذَا قَامَ الرَّجُلُ إِلَى الصَّلَاةِ، أَقْبَلَ إِبْلِيسُ يَنْظُرُ عَلَيْهِ حَسَدًا لِمَا يَرَى مِنْ نِعْمَةِ اللَّهِ الَّتِي تَغْشَاهُ.

٣١٢. شَرُّ الْأُمُورِ مُحَدَّثَاتُهَا، وَخَيْرُ الْأُمُورِ مَا كَانَ لِلَّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ رِضَى.

٣١٣. مَنْ عَبَدَ الدُّنْيَا وَآثَرَهَا عَلَى الْآخِرَةِ اسْتَوْخَمَ (١) الْعَاقِبَةَ.

٣١٤. اتَّخَذُوا الْمَاءَ طَيِّبًا.

٣١٥. وَمَنْ رَضِيَ مِنَ اللَّهِ بِمَا قَسَمَ لَهُ اسْتِرَاحَ بَدَنُهُ.

٣١٦. خَسِرَ مَنْ ذَهَبَتْ حَيَاتُهُ وَعُمُرُهُ فِيمَا يُبَاعِدُهُ عَنِ اللَّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ.

٣١٧. لَوْ يَعْلَمُ الْمُصَلِّي مَا يَغْشَاهُ مِنْ جَلَالِ اللَّهِ، مَا سَرَّهُ أَنْ يَرْفَعَ رَأْسَهُ مِنْ سُجُودِهِ.

٣١٨. إِيَّاكُمْ وَتَسْوِيفَ الْعَمَلِ! بَادِرُوا بِهِ مَا أَمْكَنُكُمْ.

٣١٩. مَا كَانَ لَكُمْ مِنْ رِزْقٍ فَسَيَأْتِيكُمْ عَلَى ضَعْفِكُمْ، وَمَا كَانَ عَلَيْكُمْ فَلَنْ تَقْدِرُوا أَنْ تَدْفَعُوهُ بِحِيلِهِ.

٣٢٠. وَأَمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ، وَانْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ، وَاصْبِرُوا عَلَى مَا أَصَابَكُمْ.

٣٢١. سِرَاجُ الْمُؤْمِنِ مَعْرِفَةُ حَقِّنَا، أَشَدُّ الْعَمَى مَنْ عَمِيَ عَنِ فَضْلِنَا، وَنَاصِيَةُ بَنَى الْعِدَاوَةَ بِلَا ذَنْبٍ سَبَقَ إِلَيْهِ مِنَّا إِلَّا أَنَا دَعَوْنَاهُ إِلَى الْحَقِّ،

وَدَعَاهُ مَنْ سَوَانَا إِلَى الْفِتْنَةِ وَالْدُّنْيَا، فَأَثَرُهُمَا وَنَصَبَ الْبِرَاءَةِ مِنَّا وَالْعِدَاوَةَ لَنَا.

٣٢٢. لَنَا رَأْيُهُ الْحَقُّ؛ مَنْ اسْتَظَلَ بِهَا كَنَّتَهُ (٢)، وَمَنْ سَبَقَ إِلَيْهَا فَازَ، وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا هَلَكَ، وَمَنْ فَارَقَهَا هَوَى، وَمَنْ تَمَسَّكَ بِهَا نَجَا.

٣٢٣. أَنَا يَعْسُوبُ الْمُؤْمِنِينَ، وَالْمَالُ يَعْسُوبُ الظَّالِمِينَ.

٣٢٤. وَاللَّهِ، لَا يُجِبُنِي إِلَّا الْمُؤْمِنُ وَلَا يُبْغِضُنِي إِلَّا الْمُنَافِقُ.

٣٢٥. إِذَا لَقِيتُمْ إِخْوَانَكُمْ فَتَصَافَحُوا، وَأَظْهَرُوا لَهُمُ الْبَشَاشَةَ وَالْبِشْرَ؛ تَتَفَرَّقُوا وَمَا عَلَيْكُمْ مِنَ الْأَوْزَارِ قَدْ ذَهَبَ.

ص: ٢٨٦

١- . استوخم: استثقل، أو صارت عاقبته وخيمته؛ أى رديته.

٢- كَنَّتَهُ: أى سترته فى كنهه وغطته وصانته من الشمس. وفى نسخه: «كفته». ولعله مصحف «كفته»: أى صانته وحفظته.

۳۱۰. گلابی قلب را جلا می دهد. و دردهای شکم را تسکین می دهد.

۳۱۱. زمانی که انسان برای نماز بر می خیزد، شیطان رو به او می کند و به خاطر نعمتی که خداوند به سرپای او پوشانده است با حسادت نگاه می کند.

۳۱۲. بدترین امور بدعتها هستند. و بهترین امور آن است که موجب خشنودی خدا شود.

۳۱۳. کسی که دنیا پرستی کند و دنیا را بر آخرت ترجیح دهد، عاقبت [خودش] را وخیم کرده است.

۳۱۴. آب را مایه پاکیزگی بدانید.

۳۱۵. کسی که به قسمت الهی برای خود خشنود باشد، بدنش راحت است.

۳۱۶. زیان کرده است کسی که زندگیش تمام شده و عمرش را در دوری از خدا صرف کرده است.

۳۱۷. اگر نماز گزار می دانست چقدر از جلال خدا او را در بر گرفته است نمی خواست سر از سجده بردارد.

۳۱۸. کار را به آینده موکول نکنید. [کار امروز را به فردا مگذارید.] در اولین فرصت اقدام کنید.

۳۱۹. آنچه روزی شما باشد به شما خواهد رسید. گرچه ضعیف باشد. و آنچه بر علیه شما مقدر است با هیچ تدبیر و حيله ای نمی توانید [از خود] دور گردانید.

۳۲۰. امر به معروف و نهی از منکر کنید. و بر مصیبتهای خود صبر پیشه کنید.

۳۲۱. چراغ [و راهنمای] مؤمن، شناخت حق ماست. بدترین نابینا کسی که فضیلت ما را نبیند. و بدون اینکه گناهی از ما جز دعوت به حق، به او رسیده باشد با ما دشمنی کند. در حالی که غیر از ما [دیگران] او را به فتنه و دنیا دعوت نماید و او هم فتنه و دنیا را ترجیح دهد و نفرت از ما و دشمنی ما را در پیش گیرد.

۳۲۲. پرچم حق از آن ماست، کسی که در سایه آن قرار گیرد، مصونیت یابد و کسی که بسوی آن بیاید رستگار شود. و کسی که از آن روی برگرداند هلاک شود. و کسی که از آن جدا شود دچار سقوط شود. و کسی که به آن تمسک کند [چنگ زند] نجات یابد.

۳۲۳. من پیشوا و رئیس مؤمنان هستم. و مال، پیشوای ستمگران است.

۳۲۴. به خدا سوگند جز مؤمن مرا دوست ندارد. و جز منافق با من دشمنی نکند.

۳۲۵. هنگامی که با برادران [مؤمن] خود ملاقات می کنید به یکدیگر دست بدهید و با خوشرویی و شادمانی برخورد کنید. در این صورت پس از جد شدن از یکدیگر گناهان شما از بین رفته است.

٣٢٦. إِذَا عَطَسَ أَحَدُكُمْ فَاسْمَتُوهُ (١) ، قولوا: يَرْحَمُكُمُ اللَّهُ، وَهُوَ يَقُولُ: يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَيَرْحَمُكُمْ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّهِ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا» (٢).

٣٢٧. صَافِحَ عَدُوَّكَ وَإِنْ كَرِهَ؛ فَإِنَّهُ مِمَّا أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ عِبَادَهُ؛ يَقُولُ: «ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَوَلِيُّ حَمِيمٍ وَمَا يُلْقِلْ - هَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقِلْ - هَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ» (٣).

٣٢٨. مَا تُكَافِي عَدُوَّكَ بِشَيْءٍ أَشَدَّ عَلَيْهِ مِنْ أَنْ تُطِيعَ اللَّهَ فِيهِ، وَحَسْبُكَ أَنْ تَرَى عَدُوَّكَ يَعْمَلُ بِمَعَاصِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

٣٢٩. الدُّنْيَا دُولٌ (٤) فَاطْلُبْ حَظَّكَ مِنْهَا بِأَجْمَلِ الطَّلَبِ حَتَّى يَأْتِيكَ دَوْلَتُكَ.

٣٣٠. الْمُؤْمِنُ يَقْظَانُ مُتَرَقِّبٌ خَائِفٌ يَنْتَظِرُ إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ، وَيَخَافُ الْبَلَاءَ حَذَرًا مِنْ ذُنُوبِهِ، يَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

٣٣١. لَا يَعْرِى الْمُؤْمِنُ مِنْ خَوْفِهِ وَرَجَائِهِ؛ يَخَافُ مِمَّا تَقَدَّمَ، وَلَا يَسْهُو عَنْ طَلَبِ مَا وَعَدَهُ اللَّهُ، وَلَا يَأْمَنُ مِمَّا خَوَّفَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ.

٣٣٢. أَنْتُمْ عُمَارُ الْأَرْضِ الَّذِينَ اسْتَخْلَفَكُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهَا لِيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ، فَرَأَاهُ فِيمَا يَرَى مِنْكُمْ.

٣٣٣. عَلَيْكُمْ بِالْمَحَجَّةِ الْعُظْمَى فَاسْلُكُوهَا لَا يَسْتَبْدِلُ (٥) بِكُمْ غَيْرُكُمْ.

٣٣٤. مَنْ كَمَلَ عَقْلُهُ حَسَنَ عَمَلُهُ وَنَظَرُهُ إِلَى دِينِهِ.

٣٣٥. سَابِقُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ، فَإِنَّكُمْ لَنْ تَنَالُوهَا إِلَّا بِالْتَّقْوَى.

ص: ٢٨٨

١- سَمَّتْ يُسَمَّتْ - من التفعيل - على الشىء: ذكر اسم الله عليه، وسمت للعاطس: دعا له بقول: يرحمك الله، وهو من قول المؤمن.

٢- . سورة النساء الآية: ٨٦.

٣- . سورة فصلت الآية: ٣٤.

٤- . الدَّوْلَةُ - بالفتح - والدَّوْلَةُ بالضم واحده. وقيل: الدَّوْلَةُ - بالفتح - فى المال، وبالضم فى الحرب. وقيل الدَّوْلَةُ - بالفتح - اسم الشىء الذى يتداول بعينه. وقوله: الدنيا دُولٌ - بضم الدال وفتح الواو - جمع؛ أى الدنيا أموال يتداول بين الناس أو حكومات كذلك.

٥- . أى لا يستبدل الله بكم غيركم.

۳۲۶. هنگامی که یکی از شما عطسه کرد، نام خدا را برای او ذکر کنید و بگوئید: خداوند تو را رحمت نماید. و او [در جواب] بگوید: خداوند شما را بیامرزد و رحمت نماید.

خداوند فرمود: «هنگامی که به شما تحیت و سلام گفتند، شما به همان تحیت یا بهتر از آن پاسخ دهید».

۳۲۷. [هنگام ملاقات] به دشمن خود دست بده، گر چه خوشایند او نباشد. زیرا خداوند به این کار امر فرموده است: «بدی را با نیکی دفع کن چنان که همان کس که میان تو و او دشمنی است گویی دوست صمیمی است». اما «جز کسانی که استقامت کنند به این مقام نمی رسند. و جز کسانی که بهره زیادی [از تقوا] دارند به این مقام نمی رسند». [سوره فصلت: آیه ۳۴ و ۳۵].

۳۲۸. دشمن خود را شدیدتر از آنچه خدا را در باره آن اطاعت کنی مکافات نتوانی کرد. و برای تو همین کافی است که بینی دشمن تو از خدا نافرمانی می کند.

۳۲۹. دنیا دولت سراسر است. سهم خود را به نیکوئی از آن طلب کن. تا دولت تو فرا رسد.

۳۳۰. مؤمن بیدار و هوشیار و ترسان در انتظار یکی از دو نیکی است. و از آزمایش ترسان است که مبادا مرتکب گناه شود. و به رحمت پروردگارش امیدوار است.

۳۳۱. مؤمن [همیشه] از خوف و رجا [ترس و امید] جدا نمی شود. از آنچه گذشته است می ترسد.

و جستجوی آنچه را که خدا وعده داده است فراموش نمی کند. و از آنچه که خدا ترسانده است احساس امنیت نمی کند.

۳۳۲. شما آبادگران زمین هستید که خداوند به شما خلافت و حکومت در زمین بخشید تا ببیند چگونه رفتار می کنید. پس مراقب او باشید در آنچه از شما که زیر نظر دارد.

۳۳۳. بزرگترین راه [ولایت] را برگزیده و آن را بپیمائید. تا خداوند غیر شما را به جای شما [برای پیروی از ولایت] قرار ندهد.

۳۳۴. کسی که عقلش کامل شود رفتارش نیکو گردد. و توجه او به دینش خواهد بود.

۳۳۵. با سرعت بسوی آمرزش از پروردگارتان و بهشتی که در آسمانها و زمین برای پرهیزکاران گسترده شده است حرکت کنید. همانا به آنها جز با تقوی نخواهید رسید.

٣٣٦. مَنْ صُدِّئَ بِالْإِثْمِ عَشَا عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

٣٣٧. مَنْ تَرَكَ الْأَخْذَ عَمَّنْ أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِطَاعَتِهِ قَيْضَ (١) اللَّهُ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ.

٣٣٨. مَا بَالُ مَنْ خَالَفَكُمْ أَشَدَّ بَصِيرَةً فِي ضَلَالَتِهِمْ إِبْدَالًا لِمَا فِي أَيْدِيهِمْ مِنْكُمْ؟! مَا ذَاكَ إِلَّا أَنْتُمْ رَكَنْتُمْ إِلَى الدُّنْيَا فَرَضَيْتُمْ بِالضَّيْمِ، وَشَاحْتُمْ عَلَى الحُطَامِ وَفَرَطْتُمْ فِيهَا فِيهِ عِزُّكُمْ وَسِعَادَتُكُمْ وَقُوَّتُكُمْ عَلَى مَنْ بَغَى عَلَيْكُمْ، لَا مِنْ رَبِّكُمْ تَسْتَحْيُونَ فِيهَا أَمْرَكُمْ! وَلَا لِأَنْفُسِكُمْ تَنْظُرُونَ!

٣٣٩. وَأَنْتُمْ فِي كُلِّ يَوْمٍ تَصَامُونَ (٢) وَلَا تَنْتَبِهُونَ مِنْ رَقَدَتِكُمْ وَلَا تَنْفُضِي فُتُورَكُمْ!

٣٤٠. أَمَا تَرَوْنَ إِلَى بِلَادِكُمْ وَدِينِكُمْ كُلَّ يَوْمٍ يَبْلِي وَأَنْتُمْ فِي غَفْلَةِ الدُّنْيَا؟! يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَكُمْ: «وَلَا تَتَّوَكَّنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا، فَتَمَسَّكُمْ النَّارُ وَ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ».

٣٤١. سَيِّمُوا أَوْلَادَكُمْ، فَإِنْ لَمْ تَدْرُوا أَذَكَرُّهُمْ أَمْ أَنْثَى فَسَيِّمُوهُمْ بِالْأَسْمَاءِ الَّتِي تَكُونُ لِلذَّكَرِ وَالْأُنْثَى؛ فَإِنَّ أَسْقَاطَكُمْ إِذَا لَقَوْكُمْ فِي الْقِيَامَةِ وَلَمْ تُسَمِّوهُمْ، يَقُولُ السَّقَطُ لِأَبِيهِ: أَلَا سَمَّيْتَنِي؟! وَقَدْ سَمَّى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مُحْسِنًا قَبْلَ أَنْ يُولَدَ.

٣٤٢. إِيَّاكُمْ وَشَرِبَ الْمَاءَ مِنْ قِيَامٍ عَلَى أَرْجُلِكُمْ؛ فَإِنَّهُ يورثُ الدَّاءَ الَّذِي لادَوَاءَ لَهُ، وَيُعَافِي (٣) اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ.

٣٤٣. إِذَا رَكِبْتُمُ الدَّوَابَّ فَمَا ذُكِّرُوا اسْمَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَقُولُوا: «سَيِّجَحْنَ الَّذِي سَيَّجَحَرْنَا هَذَا وَ مَا كُنَّا لَهُ وَ مُفْرِنِينَ» (٤) «إِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ».

٣٤٤. إِذَا خَرَجَ أَحَدُكُمْ فِي السَّفَرِ فَلْيَقُلْ: اللَّهُمَّ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ، وَالْحَامِلُ عَلَى الظَّهْرِ، وَالْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَالِدِ.

٣٤٥. وَإِذَا نَزَلْتُمْ مَنَزَلًا فَقُولُوا: اللَّهُمَّ أَنْزِلْنَا مَنَزَلًا مُبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنزِلِينَ.

ص: ٢٩٠

١- . قَيْضُ: سَلَطَ وَقَدَّرَ.

٢- . تَصَامُونَ: أَي تَطْلَمُونَ.

٣- . فِي الْخِصَالِ وَالْبَحَارِ: «أَوْ يُعَافِي».

٤- . أَي مُطِيقِينَ، مِنْ أَقْرَنَ لِلْأَمْرِ؛ إِذَا أَطَاقَهُ.

۳۳۶. کسی که با گناه تیره دل گشته است از یاد خدا غافل شود. [عمر خود با غفلت از خود به پایان برد.]

۳۳۷. کسی که پیروی از شخصی را که خداوند امر به اطاعت او کرده است ترک کند. [کسی که در برابر ولایت امامان معصوم علیهم السلام سر تسلیم فرود نیاورد.] خداوند شیطان را بر او مسلط می گرداند. و او همواره تسلیم و اسیر شیطان خواهد بود.

۳۳۸. مخالفان شما در گمراهی خود به آنچه در اختیار دارند، [راه باطل که در پیش گرفته اند] آگاه تر از شما هستند و به آنچه در اختیار دارند بخشنده ترند و این وضعیت برای این است که به دنیا اعتماد کرده اید. و به بیدادگری تن داده اید. و به مال ناچیز دنیا وابسته اید.

و در آنچه که مایه عزت و سعادت شماست کوتاهی کرده اید. و ستمگران بر خود را تقویت نموده اید. و نه از پروردگارتان در وظائف خود شرم می کنید. و نه به کار خویش می پردازید.

۳۳۹. هر روز به شما ظلم می شود و از خواب بیدار نمی شوید. و بی توجهی شما پایان ندارد.

۳۴۰. آیا به شهرها و دین خود نمی نگرید که هر روز سست تر می شود. و شما در غفلت دنیا گرفتارید. خداوند به شما می گوید: «به ستمگران پناه نبرید که دچار آتش خواهید شد.

جز خدا یآوری برای شما نیست. پس [آن گاه که به ستمگران پناه برید] یاری نخواهید شد».

۳۴۱. برای فرزندان خود نامگذاری کنید. و اگر [قبل از تولد آنها] نمی دانید پسر است یا دختر با اسامی مشترک بین پسر و دختر آنها را نامگذاری کنید. زیرا فرزندان سقط شده شما که بر آنان نامی نهاده اید زمانی که در قیامت شما را می بینند به پدرش می گوید: چرا برای من نام نهاده ای؟ همانا رسول الله صلی الله علیه و آله محسن را قبل از تولد محسن نامیدند.

۳۴۲. از نوشیدن آب در حال ایستاده پرهیزید. زیرا باعث بیماری لاعلاج می شود. و البته خدا [گاهی] عافیت می دهد.

۳۴۳. هنگامی که بر چهارپایان سوار می شوید نام خدا را ذکر کنید. و بگوئید: «منزه است خداوندی که این را به تسخیر ما در آورد و گر نه ما قدرت نداشتیم. ما به سوی پروردگارمان باز می گردیم».

۳۴۴. هنگامی که به سفر می روید هنگام داخل شدن بگوئید: خدایا تو همراه در سفر و حمل کننده بر پشت [مركب] و جانشین در اهل و مال و فرزندم هستی.

۳۴۵. هنگامی که در مکانی توقف کردید، بگوئید: خدایا ما را در مکان مبارک فرود آور. و تو بهترین فرود آورندگان هستی.

٣٤٦. وَإِذَا اشْتَرَيْتُمْ مِمَّا تَحْتَاجُونَ مِنَ السُّوقِ فَقُولُوا حِينَ تَدْخُلُونَ السُّوقَ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ صَفَقَةِ (١) خَاسِرَةٍ، وَيَمِينِ فَاجِرَةٍ (٢)، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ بَوَارِ الْأَيْمِ (٣).

٣٤٧. الْمُنتَظِرُ وَقَتِ الصَّلَاةِ بَعْدَ الصَّلَاةِ مِنْ زُورِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَحَقٌّ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى أَنْ يُكْرِمَ زَائِرَهُ وَأَنْ يُعْطِيَهُ (مَا خ ل) مِمَّا سَأَلَ.

٣٤٨. الْحَاجُّ وَالْمُعْتَمِرُ وَفُدَّ اللَّهُ، وَحَقٌّ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يُكْرِمَ وَفْدَهُ وَيَحْبُوَهُ (٤) بِالْمَغْفِرَةِ.

٣٤٩. مَنْ سَقَى صَبِيًّا مُسْكِرًا وَهُوَ لَا يَعْقِلُ حَبَسَهُ اللَّهُ فِي طِينِهِ الْخَبَالِ حَتَّى يَأْتِيَ مِمَّا صَنَعَ بِمَخْرَجٍ.

٣٥٠. الصَّدَقَةُ جُنَّةٌ عَظِيمَةٌ مِنَ النَّارِ لِلْمُؤْمِنِ، وَوَقَايَةٌ لِلْكَافِرِ مِنْ أَنْ يَتَلَفَ مَالُهُ؛ يُعَجَّلُ لَهُ الْخَلْفُ، وَيُدْفَعُ عَنْهُ الْبَلَايَا، وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ.

٣٥١. بِاللِّسَانِ كُتِبَ أَهْلُ النَّارِ فِي النَّارِ.

٣٥٢. وَبِاللِّسَانِ أُعْطِيَ أَهْلُ النَّارِ النَّارَ، فَاحْفَظُوا أَلْسِنَتَكُمْ وَاشْغَلُوهَا بِذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

٣٥٣. أَحَبُّ الْأَعْمَالِ مَا وَرَثَ الضَّلَالُ، وَخَيْرُ مَا اكْتَسَبَ أَعْمَالُ الْبِرِّ.

٣٥٤. إِيَّاكُمْ وَعَمَلَ الصُّورِ، فَتَسْأَلُوا عَنْهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

٣٥٥. إِذَا اخَذْتَ عَنْكَ قِذَاءً (٥) فَقُلْ: أَمَا طَ اللَّهُ عَنْكَ مَا تَكْرَهُ.

٣٥٦. إِذَا قَالَ لَكَ أَخُوكَ وَقَدْ خَرَجْتَ مِنَ الْحَمَامِ: طَابَ حَمَائِكَ وَحَمِيمِكَ، فَقُلْ: أَنْعَمَ اللَّهُ بِكَ.

٣٥٧. إِذَا قَالَ لَكَ أَخُوكَ: حَيَّاكَ اللَّهُ بِالسَّلَامِ، فَقُلْ: وَأَنْتَ حَيَّاكَ اللَّهُ بِالسَّلَامِ وَأَحَلَّكَ دَارَ الْمَقَامِ.

٣٥٨. لَا تَبْلِ عَلَى الْمَحَجَّةِ، وَلَا تَتَعَوَّطَ عَلَيْهَا.

ص: ٢٩٢

١- الصفقة: كناية عن البيع.

٢- . اليمين الفاجرة: أى الكاذبه.

٣- . الأيم - هى فيعمل مثل كيس :- التى لازوج لها و هى مع ذلك لا يرغب أحد فى تزوجها، والأيم - فيما يتعارفه أهل اللسان :- الذى لازوج له من الرجال والنساء. والبوار: الهلاك.

٤- . يحبو: أى يعطى.

٥- . القذاه: ما يقع فى العين والماء والشراب من تراب أو تبن أو وسخ أو غير ذلك (النهايه: ٣٠/٤).

۳۴۶. و هنگامی که برای خریدن وسائل مورد نیاز به بازار می روید هنگام داخل شدن بگویید:

گواهم که معبودی جز الله نیست. یگانه است. و شریک ندارد. و گواهم که محمد بنده و فرستاده اوست. خدایا از معامله زیانبار و سوگند دروغ و نابودی به تو پناه می برم.

۳۴۷. کسی که پس از نماز در انتظار وقت نماز [بعدی] باشد از زوّار خداوند است. و حقی بر خداوند است که زائر خود را گرامی دارد. و آنچه می خواهد به او عطا کند.

۳۴۸. حاجی و عمره گذار میهمان خدا هستند. و حق بر خداوند است که میهمان خود را گرامی دارد. و آمرزش به او عطا کند.

۳۴۹. کسی که به کودکی شراب بنوشاند و کودک مست شود، خداوند او را در لجن نکبت محبوس می کند. تا زمانی که کار خود را جبران کند.

۳۵۰. صدقه برای مؤمن، پوشش عظیم از آتش و نگهداری مال کافر از تلف شدن است. و بزودی مال کافر [صدقه] جایگزین خواهد شد. و بلا را از او دور می کند ولی در آخرت بهره ای ندارد.

۳۵۱. اهل دوزخ به خاطر [گناهان] زبان در آتش افکنده می شوند.

۳۵۲. و به اهل نور به خاطر [ثواب های] زبان، نور عطا می شود. پس زبان خود را حفظ کنید. و آن را به ذکر خداوند مشغول نمائید.

۳۵۳. پلیدترین کارها آن است که موجب گمراهی شود. و بهترین در آمد کارهای نیک است.

۳۵۴. از صورتگری پرهیز کنید. زیرا روز قیامت مؤاخذه می شوید.

۳۵۵. هنگامی که ناخوشایندی از پیش روی تو برداشته شد بگو: خدا ناخوشایندی را از تو دور می کند.

۳۵۶. هنگامی که از حمام خارج شدی و برادر مؤمن به تو گفت: حمام و آب گوارایت باد. در جواب بگو: خداوند به تو انعام فرماید.

۳۵۷. هنگامی که برادرت به تو گفت: خداوند با سلام بر تو تحیت فرستد. پس تو بگو: خداوند باسلام بر تو تحیت فرستد. و ترا در بهشت جای دهد.

۳۵۸. در مسیر تردد، ادرار و مدفوع نکن.

٣٥٩. السُّؤالُ بَعْدَ المَدْحِ، فَامْدَحُوا اللَّهَ عِزَّ وَجَلَّ ثُمَّ اسْأَلُوا الحَوَائِجَ.

٣٦٠. يا صاحِبَ الدُّعاءِ، لا تَسألُ عَمَّا لا يَحِلُّ ولا يَكُونُ.

٣٦١. إذا هَنَيْتُمُ الرَّجُلَ عَن مَوْلودٍ ذَكَرَ فقولوا: بارَكَ اللَّهُ لَكَ في هَبَّتِهِ، وَبَلَّغَهُ أَشَدَّهُ، وَرَزَقَكَ بِرَّهُ.

٣٦٢. إذا قَدِمَ أخوكَ مِن مَكَّةَ فَقبَّلَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَفاهُ الَّذِي قَبَّلَ بِهِ الحَجَرَ الأسودَ الَّذِي قَبَّلَهُ رَسولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَالعَيْنَ الَّتِي نَظَرَ بِهَا إلى بَيْتِ اللَّهِ عِزَّ وَجَلَّ، وَقبَّلَ مَوْضِعَ سُجودِهِ وَوَجْهَهُ، وَإذا هَنَيْتُمُوهُ فقولوا لَهُ: قَبَّلَ اللَّهُ نُسَيْكَكَ، وَرَحِمَ سَعِيكَ، وَأَخْلَفَ عَلَيْكَ نَفَقَتَكَ، وَلا جَعَلَكَ آخِرَ عَهْدِهِ بِبَيْتِهِ الحَرَامِ.

٣٦٣. احذَرُوا السَّفِيلَةَ (١)؛ فَإِنَّ السَّفِيلَةَ مَنْ لا يَخافُ اللَّهَ عِزَّ وَجَلَّ، فِيهِم قَتْلَةُ الأنبياءِ، وَفيهِم أَعْدائُنَا.

٣٦٤. إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَطَّلَعَ إلى الأَرْضِ فَاخْتارَنَا، وَاخْتارَ لَنَا شِيعَةً يَنْصُرُونَنَا، وَيَفْرَحُونَ لِفَرَحِنَا، وَيَحْزَنُونَ لِحُزْنِنَا، وَيَبْذُلُونَ أموالَهُمْ وَأَنْفُسَهُمْ فِينا، أولئِكَ مِنَّا وَإِلَيْنَا.

٣٦٥. ما مِن شِيعَةٍ يُتعارَفُ امرأً نَهَيْناهُ عَنْهُ، فَيَموتُ حَتَّى يُبْتَلَى بِبَيْلِيهِ تُمَحَّصُ بِها ذُنوبُهُ؛ إِمَّا في مالٍ، وإِمَّا في وَلَدٍ، وإِمَّا في نَفْسٍ، حَتَّى يَلْقَى اللَّهَ وَما لَهُ ذَنْبٌ، وَأَنَّهُ لَيَبْقَى عَلَيْهِ الشَّيْءُ مِن ذُنوبِهِ لِلَّهِ، فَيَشَدُّ بِهِ عَلَيْهِ عِنْدَ مَوْتِهِ.

٣٦٦. المَيِّتُ مِن شِيعَتِنَا صِدِّيقٌ شَهِيدٌ؛ صَدَّقَ بِأَمْرِنَا، وَأَحَبَّ فِينا، وَأَبْغَضَ فِينا، يُرِيدُ بِذَلِكَ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ، مُؤْمِنٌ بِاللَّهِ وَبِرِسالِهِ، قالَ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ: «وَ الَّذينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصِّدِّيقُونَ وَ الشُّهَداءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُم أَجرُهُمْ وَ نُورُهُمْ».

٣٦٧. افترقت بنو إسرائيل على اثنتين وسبعين فرقة، وستفترق هذه الأمة على ثلاث وسبعين فرقة، واحدة في الجنة.

٣٦٨. مَنْ أذاعَ سِرَّنَا أذاقَهُ اللَّهُ الحَديدَ.

ص: ٢٩٤

١- . السفلة: الذين لا يعتنون بما قالوا وما قيل فيهم.

۳۵۹. درخواست پس از ستایش است. ابتدا خداوند را ستایش کنید سپس نیازهایتان را درخواست کنید.

۳۶۰. ای دعا کننده، چیزی که حلال نیست و ممکن نیست درخواست نکن.

۳۶۱. هنگامی که به کسی برای تولد نوزاد پسر تهنیت می گوئید بگوئید: خداوند هدیه اش را برای تو مبارک گرداند. و او را به کمال عقل برساند. و تو را از نیکی او برخوردار نماید.

۳۶۲. هنگامی که برادر [دینی] تو از مکه بازگشت میان دو چشم او و دهانش را ببوس. که با آن حجر الاسود را بوسیده که پیامبر صلی الله علیه و آله آن را بوسیده است. و چشم او را ببوس. که خانه خدا را دیده است. و مکانهای سجده کردن و صورت او را ببوس. و هنگام تهنیت گفتن به او بگوئید: خداوند اعمال تو را بپذیرد. و سعی تو را مورد مهریزی قرار دهد. و مخارج تو را جایگزین فرماید. و آن را آخرین زیارت تو از بیت الحرام قرار ندهد.

۳۶۳. از انسان فرومایه بر حذر باشید. زیرا فرومایه کسی است که از خداوند نمی ترسد. و قاتلان پیامبران و دشمنان ما از آنها هستند.

۳۶۴. خداوند تبارک و تعالی به زمین نظر کرد و ما را برگزید. و برای ما شیعیان را اختیار کرد تا ما را یاری کنند. و در شادی ما شادمان و در غم ما غمگین می شوند. و مال و جان خود را در راه ما بذل می کنند. آنان از ما هستند. و نزد ما می آیند.

۳۶۵. هر شیعه ای که مرتکب کاری شود که ما نهی کرده ایم، قبل از آنکه بمیرد گرفتار بلایی می شود تا گناهان او پاک شود. این بلا در مال یا فرزند یا جان اوست تا وقتی خداوند را ملاقات می کند گناه نداشته باشد. و اگر گناهی باقیمانده باشد هنگام مرگ با شدت و سختی روبرو خواهد شد.

۳۶۶. هر مرده ای از شیعیان ما صدیق شهید است. که ولایت ما را تصدیق کرده است. و [هر کس را دوست دارد] به خاطر ما را دوست دارد. و به خاطر ما [بر دشمنان ما] بغض می ورزد. و با این کار [خشنودی] خدا را می خواهد. او مؤمن به خدا و رسول اوست. خداوند فرمود:

«کسانی که به خدا و پیامبران او ایمان آورند آنان صدیقان و شهیدان نزد پروردگارشان هستند. و پاداش و نور برای آنان است.»

۳۶۷. بنی اسرائیل به هفتاد و دو گروه متفرق شدند. و بزودی این امت [مسلمان] به هفتاد و سه گروه تقسیم خواهند شد. فقط یک گروه [پیروان اهل بیت علیهم السلام] اهل بهشت هستند.

۳۶۸. کسی که اسرار ما را فاش کند خداوند به او عذاب سختی می چشاند.

٣٦٩. اخْتِنُوا أَوْلَادَكُمْ يَوْمَ السَّابِعِ لَا يَمْنَعُكُمْ حَرٌّ وَلَا بَرْدٌ.

٣٧٠. فَإِنَّهُ طَهُورٌ لِلْجَسَدِ.

٣٧١. وَإِنَّ الْأَرْضَ لَتَضْجُعُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ بَوْلِ الْأَعْلَفِ.

٣٧٢. السُّكَّرُ أَرْبَعُ سُكْرَاتٍ: سُكَّرُ الشَّرَابِ، وَسُكَّرُ المَالِ، وَسُكَّرُ النَّوْمِ، وَسُكَّرُ المُلْكِ.

٣٧٣. إِذَا نَامَ أَحَدُكُمْ فَلْيَضَعْ يَدَهُ الَّتِي فِيهَا الْأَيْمَنُ فَإِنَّهُ لَا يَدْرِي أَيَّتَبَهُ مِنْ رَقَدَتِهِ أَمْ لَا.

٣٧٤. احْبُبْ لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَطْلِيَ فِي كُلِّ خَمْسَةِ عَشَرَ يَوْمًا مِنَ النَّوْرِ.

٣٧٥. أَقْلُوا مِنْ أَكْلِ الحَيْتَانِ؛ فَإِنَّهَا تُذِيبُ البَدْنَ، وَتُكَثِّرُ البَلْغَمَ، وَتُعْلِظُ النَّفْسَ.

٣٧٦. حَسُو اللَّبَنِ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ إِلَّا المَوْتَ.

٣٧٧. كُلُّوا الرُّمَانَ بِشَحْمِهِ؛ فَإِنَّهُ دِبَاغٌ لِلْمَعِدَةِ.

٣٧٨. وَفِي كُلِّ حَبِّهِ مِنَ الرُّمَانِ إِذَا اسْتَقَرَّتْ فِي المَعِدَةِ حَيَاةٌ لِلْقَلْبِ، وَأَمَانٌ لِلنَّفْسِ، وَتُمْرُضُ وَسْوَاسَ الشَّيْطَانِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً.

٣٧٩. نَعَمْ الإِدَامُ الخُلُّ؛ يَكْسِرُ المِرَّةَ، وَيُحْيِي القَلْبَ.

٣٨٠. كُلُّوا الهِنْدَبَاءَ؛ فَمَا مِنْ صَبَاحٍ إِلا وَعَلَيْهِ قَطْرَةٌ مِنْ قَطْرَاتِ الجَنَّةِ.

٣٨١. اشْرَبُوا مَاءَ السَّمَاءِ؛ فَإِنَّهُ يُطَهِّرُ البَدْنَ، وَيُدْفَعُ الأَسْقَامَ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَيُنزِلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَ بِهٖ يَ وِيُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الأَقْدَامَ».

٣٨٢. مَا مِنْ دَاءٍ إِلا وَفِي الحَبِّهِ السُّودَاءِ مِنْهُ شِفَاءٌ، إِلاَّ السَّامَ (١).

٣٨٣. لُحُومُ البَقَرِ دَاءٌ.

٣٨٤. وَأَلْبَانُهَا دَوَاءٌ.

٣٨٥. وَأَسْمَانُهَا شِفَاءٌ.

ص: ٢٩٦

۳۶۹. روز هفتم تولد پسران خود را ختنه کنید و سرما و گرما مانع شما نشود.

۳۷۰. همانا ختنه پاک سازی بدن است.

۳۷۱. و بدرستی که زمین از ادرار کردن کسی که ختنه نشده باشد، به درگاه خداوند ضجّه می کند.

۳۷۲. مستی چهار نوع است: مستی شراب، مستی مال، مستی خواب، و مستی مقام و حکومت.

۳۷۳. هنگامی که هر یک از شما می خوابد دست راست را زیر طرف راست صورت خود بگذارد.

چون او نمی داند که از خواب بر می خیزد یا نه.

۳۷۴. دوست دارم مؤمن هر پانزده روز یک بار با نوره [موبر] بدن خود را نظافت کند.

۳۷۵. [در برنامه غذایی خود] کمتر ماهی بخورید، زیرا خوراک ماهی بدن را لاغر و بلغم را زیاد و نفس را سخت می کند.

۳۷۶. مصرف شیر درمان هر بیماری است جز مرگ.

۳۷۷. انار را با پرده اش بخورید زیرا معده را شستشو می دهد.

۳۷۸. و هر حبه انار وقتی در معده قرار می گیرد قلب را احیاء می کند. و به جان امنیت می بخشد و وسوسه شیطان را تا چهل شب خنثی می کند.

۳۷۹. بهترین خورش سرکه است، تلخی را می شکند و قلب را احیاء می کند.

۳۸۰. کاسنی بخورید. زیرا هر صبح قطره ای از قطرات بهشتی بر روی آن می نشیند.

۳۸۱. آب باران بنوشید. همانا آب باران بدن را پاک می کند و بیماریها را دفع می نماید. خداوند متعال فرمود: «از آسمان آبی بر شما فرو فرستادیم که شما را پاک کند. و آلودگی شیطان را از شما می زداید. و قلبهای شما را محکم و گامهایتان را استوار می گرداند».

۳۸۲. هیچ بیماری نیست مگر اینکه درمان آن در سیاهدانه است جز مرگ.

۳۸۳. گوشت گاو بیماری زا است.

۳۸۴. و شیر آن دارو است.

۳۸۵. و روغن آن شفاء است.

٣٨٦. ما تَأْكُلُ الحَامِلُ مِنْ شَيْءٍ وَلَا تَتَدَاوَى بِهِ أَفْضَلَ مِنَ الرُّطْبِ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِمَرْيَمَ عَلَيْهَا السَّلَامُ: «وَهَزَى إِلَيْكَ بِجِدْعِ النَّخْلِهِ تُسْقِطُ عَلَيْكَ رُطْبًا حَبِيبًا فَكُلِي وَاشْرَبِي وَقَرِي عَيْنًا» (١).

٣٨٧. حَنَكُوا أَوْلَادَكُمْ بِالتَّمْرِ، هَكَذَا فَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالْحَسَنِ وَبِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ.

٣٨٨. إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْتِيَ زَوْجَتَهُ فَلَا يُعْجِلْهَا؛ فَإِنَّ لِلنِّسَاءِ حَوَائِجَ.

٣٨٩. إِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ امْرَأَةً تُعْجِبُهُ فَلِيَّاتِ أَهْلِهِ؛ فَإِنَّ عِنْدَ أَهْلِهِ مِثْلَ مَا رَأَى، فَلَا يَجْعَلَنَّ لِلشَّيْطَانِ عَلَى قَلْبِهِ سَبِيلًا، لِيَصْرِفَ بَصِيرَتَهُ عَنْهَا.

٣٩٠. فَإِذَا لَمْ يَكُنْ لَهُ زَوْجَةٌ فَلْيَصِلْ رَكَعَتَيْنِ وَيَحْمَدُ اللَّهَ كَثِيرًا وَيُصَلِّيَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثُمَّ يَسْأَلُ اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ؛ فَإِنَّهُ يُنْتِجُ لَهُ مِنْ رَأْفَتِهِ مَا يُغْنِيهِ.

٣٩١. إِذَا أَتَى أَحَدُكُمْ زَوْجَتَهُ فَلْيَقِلَّ الكَلَامَ عِنْدَ ذَلِكَ؛ فَإِنَّهُ يورِثُ الخَرْسَ.

٣٩٢. لَا يَنْظُرَنَّ أَحَدُكُمْ إِلَى بَاطِنِ فَرْجِ امْرَأَتِهِ؛ فَلَعَلَّهُ يَرَى مَا يَكْرَهُ وَيورِثُ العَمَى.

٣٩٣. إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ مُجَامَعَةَ زَوْجَتِهِ فَلْيَقُلْ: اللَّهُمَّ إِنِّي اسْتَحَلَلْتُ فَرْجَهَا بِأَمْرِكَ، وَقَبَلْتُهَا بِأَمَانَتِكَ، فَإِنْ قَضَيْتَ لِي مِنْهَا وَلَدًا فَاجْعَلْهُ ذَكَرًا سَوِيًّا وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ نَصِيبًا وَلَا شَرِيكًا.

٣٩٤. الحُقْنَةُ مِنَ الأَرْبَعِ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ أَفْضَلَ مَا تَدَاوَيْتُمْ بِهِ الحُقْنَةُ، وَهِيَ تُعْظَمُ البُطْنَ، وَتَنْفَى دَاءَ الجَوْفِ، وَتَقْوَى البَدَنَ.

٣٩٥. اسْعَطُوا بِالبَنْفَسِجِ.

٣٩٦. وَعَلَيْكُمْ بِالحِجَامَةِ.

٣٩٧. إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْتِيَ أَهْلَهُ فَلْيَتَوَقَّ أَوَّلَ الأَهْلِ وَأَنْصَافَ الشُّهُورِ؛ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَطْلُبُ الوَلَدَ فِي هَذَيْنِ الوَقْتَيْنِ، وَالشَّيْطَانُ يَطْلُبُونَ الشَّرْكَ فِيهِمَا وَيَجِيئُونَ وَيُحِبُّونَ. (٢).

٣٩٨. تَوَقَّوْا الحِجَامَةَ وَالتَّوْرَةَ فِي يَوْمِ الأَرْبَعَاءِ.

ص: ٢٩٨

١- مريم: ٢٥ و ٢٦.

٢- الخصال، ص ٦١٠، ح ١٠؛ بحار الأنوار: ج ١٠، ص ٨٩ ح ١.

۳۸۶. هیچ دارویی برای زن باردار بهتر از رطب [خرما] نیست. خداوند به مریم فرمود: «شاخه نخل را تکان ده تا رطب تازه بیفتد پس آن را بخور و بیاشام و چشم روشن بدار».

۳۸۷. کام فرزندان خود [نوزادان] را با خرما شیرین کنید. رسول الله صلی الله علیه و آله با حسن و حسین علیهما السلام چنین کرد.

۳۸۸. هنگامی که مردی می خواهد با همسرش همبستر شود او را به عجله نیاندازد. همانا زنان هم خواسته هایی دارند.

۳۸۹. اگر مردی از دیدن زنی تحریک شد نزد همسر خود برود زیرا همسرش مانند آنچه دیده است را دارد. و وسوسه شیطان را به قلب خود راه ندهد تا چشمش را از آن زن باز دارد.

۳۹۰. و اگر همسر ندارد دو رکعت نماز بخواند و حمد بسیار گوید و بر پیامبر صلی الله علیه و آله صلوات فرستد.

آنگاه از فضل خدا درخواست کند. همانا این کار با مهر خداوند او را بی نیاز خواهد کرد.

۳۹۱. هنگام نزدیکی با همسر کم سخن بگوید. همانا سخن [در حال نزدیکی] موجب گنگی [فرزند] می شود.

۳۹۲. کسی به درون فرج همسرش نگاه نکند. شاید چیز ناخوشایندی ببیند و موجب کور شدن [فرزند] شود.

۳۹۳. هنگامی که مردی خواست با همسرش نزدیکی کند، بگوید: خدایا به فرمان تو او بر من حلال شد و به امانت او را از تو پذیرفتم. پس اگر از او برای من فرزندی قرار داده ای پس فرزند را پسر و سالم قرار ده. و برای شیطان در او بهره و نصیبی قرار مده.

۳۹۴. اماله کردن و تنقیه یکی از چهار [معالجه] است. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: اماله بهترین مداوا برای شماس است. اماله کردن شکم را درمان و درد شکم را برطرف و بدن را تقویت می کند.

۳۹۵. بنفشه را از راه بینی استنشاق کنید.

۳۹۶. و بر شما باد حجامت.

۳۹۷. هنگامی که مردی خواست با همسرش نزدیکی کند پس اول و وسط ماه های [قمری] از نزدیکی اجتناب کند. زیرا شیطان در این دو موقع دنبال فرزند است. و شیاطین بدنال مشارکت در این دو وقت هستند. و می آیند. و باردار می کنند.

۳۹۸. از حجامت و نوره [موبر] در روز چهارشنبه پرهیز کنید.

٣٩٩. فَإِنَّ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ يَوْمٌ نَحْسٍ مُسْتَمِرٌّ، وَفِيهِ خُلِقَتْ جَهَنَّمُ.

٤٠٠. وَفِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ سَاعَةٌ لَا يَحْتَجِمُ فِيهَا أَحَدٌ إِلَّا مَاتَ.

ص: ٣٠٠

۳۹۹. همانا چهارشنبه همیشه روز نحس است. و در آن روز جهنم آفریده شد.

۴۰۰. و در روز جمعه ساعتی هست که هر کس در آن حجامت کند می‌میرد.

الحمد لله اولاً و آخراً

در عصر روز پنجشنبه اول جمادی الاول هزار و چهارصد و بیست و نه (۱۴۲۹) به پایان رسید.

تقدیم به ساحت مقدس حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف. ان شاء الله به نیکی بپذیرد و به بهترین وجه در دنیا و آخرت جزای خیر دهد. ۸۷/۲/۱۹ عبد عاصی و خائف راجی مرتضی موسوی قافله باشی.

ص: ۳۰۱

۱. فهرست آیات ۳۰۵

۲. فهرست اشعار ۳۲۱

۳. فهرست أعلام ۳۲۳

۴. فهرست ادیان، مذاهب، فرق و جماعات ۳۳۱

۵. فهرست مکان ها ۳۳۳

۶. فهرست کتاب های متن ۳۳۴

۷. فهرست منابع و مأخذ ۳۳۵

ص: ۳۰۳

(١) فهرست آيات

متن آيه شماره آيه صفحه

بقره (٢)

«يُخَدِّعُونَ اللَّهَ وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ مَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ» ٢٥٨/٢ ٩

«وَ يَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ» ٤٠٨/٢ ٢٧

«اذْكُرُوا نِعْمَتِي الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ» ١٨٠/١ ٤٠

«أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنفُسَكُمْ» ٩٢/٢ ٤٤

«وَ مَا ظَلَمُونَا وَ لَكِنْ كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ» ٢٥٨/٢ ٥٧

«اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا» ٣٠/٣ ٦٠

«وَاللَّهُ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ» ٤٦٦/٢ ١١٥

«قُولُوا ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْنَا...» ٢٧٨/٣ ١٣٦

«وَ مَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ» ١٨٨/٣ ١٥٨

«إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ...» ٤٩٤/٢ ١٦٤

«أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ» ٧٢/٢ ١٧٧

«فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ» ١٠٨/٣ ١٨٤

«فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ» ٢٤٢/٣ ١٨٥

«أَجَلٌ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ... وَ لَا تُبَشِّرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ...» ٤٦٨/٢ ١٨٧؛ ٩٢/٣، ٢٣٦

«يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ» ٤٦٤/٢ ١٨٥

ص: ٣٠٥

«فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ...» ١٩٦ ١٠٤/٣

«وَلَا تَقْرُبُوهُمْ حَتَّىٰ يَطْهُوْنَ» ٢٢٢ ٩٢/٣

«رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُخَيِّمُ الْمَوْتَىٰ... فَخُذْ أَرْبَعَهُ مِنَ الطَّيْرِ...» ٢٦٠ ١٦٨/٢، ١٧٠

«لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَىٰ» ٢٦٤ ٣٥٤/٢

«أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ» ٢٦٧ ٣٥٢/٢

«يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ...» ٢٧٣ ٤١٦/١

«يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا...» ٢٧٨ ٢٤٢/٢

«يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَكُتِبَ لَهُ» ٢٨٢ ٧٢/٣، ٧٤، ٧٦

«وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهْنَ مَقْبُوضَهُ» ٢٨٣ ٧٨/٣، ٨٠، ٢٠٢

«رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا» ٢٨٦ ٤٦٦/٢

آل عمران (٣)

«هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ» ٢٦ ٣٢٨/٢

«إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ...» ٣٣ ١١٤/٢

«فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ...» ٦١ ١٦٢/٣

«وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا...» ٨٣ ٢٢٦/٣

«وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مِنَ اسْتِطَاعِ إِلَيْهِ سَبِيلًا» ٩٧ ٢٢٢/٣

«وَمَنْ يَعْتَصِم بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» ١٠١ ١٩٤/٢

«اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» ١٠٢ ١٨٨/٣

«وَإِنْ تَصَبَّرُوا وَتَتَّقُوا لَأَيُّضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا» ١٢٠ ٣٦/٣

«أَعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ» ١٣٣ ٣٨/٣

«حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» ١٧٣ ١٧٦/٢

«فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ مِّنَ اللَّهِ وَفَضِّلِ لَّمْ يَمَسُّهُمْ سُوءٌ» ١٧٤ ١٧٦/٢

«وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» ١٨٦ ٣٦/٣

ص: ٣٠٦

«إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ...» ٢٧٠/٣ ١٩٠

«لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ» ٢٧٠/٣ ١٩٤

نساء (٤)

«وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا» ٢٤٠/٣ ١

«إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ...» ٢٤٢/٢ ١٠

«وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ» ٢٢ ٢١٠/٢، ٩٢/٣

«حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَتُكُمْ...» ٩٢/٣ ٢٣

«وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ...» ٤٣ ٤٦٦/٢

«مَنْ قَبِلَ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَيَّ أَدْبَارَهَا» ٤٧ ١٢٢/٣

«إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ» ٤٨ ٤٩٨/١

«فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِي مَا شَجَرَ...» ٦٥ ٤٦٠/١

«وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّهِ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا» ٨٦ ٢٨٨/٣

«وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ...» ٩٢ ١٠٤/٣

«لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّن نَّجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ...» ١١٤ ٢٧٠/٢

«فَبِظُلْمٍ مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّت لَّهُمْ» ١٦٠ ٤٦٤/٢

مائده (٥)

«وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» ٢ ١٨٨/٣

«وَأَنْ تَشْتَقِسْمُوا بِالْأَرْزَلِمَ ذَلِكُمْ فِشْقٌ» ٣ ٤٥٢/٢

«قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُّبِينٌ» ١٥ ٤٩٤/٢

«إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ» ٢٧ ٣٦/٣، ١١٦

«إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ» ٤٤ ٢/٤٩٤

«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ...» ٥٥ ٣/١٧٢

ص: ٣٠٧

«فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكُمْ كَفْرٌ أَتَمَّ...» ١٠٤/٣ ٨٩

«وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِّثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعْمِ...» ١٠٤/٣ ٩٥

«قُلْ لَأَيُّسْتَوِي الْحَبِيبُ وَالطَّيِّبُ» ١٠٠ ٤٩٤/٢

أنعام (٦)

«وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ» ١ ٤٩٤/٢

«مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا» ١٦٠ ٤٢/٢

أعراف (٧)

«وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا» ٣١ ٤٣٨/١

«إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ...» ٥٤ ٢٢٦/٣

«ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» ٥٥ ٤٧٢/٢، ٤٧٤، ٤٧٦

«وَوَدَّعَدْنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ» ١٤٢ ٣٠/٣

«الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ... وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أَنْزَلَ مَعَهُ» ١٥٧ ٤٦٦/٢، ٤٩٤

«إِنَّ وَلِيَّيَ اللَّهُ الَّذِي نَزَلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ» ١٩٦ ٢٢٦/٣

«خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ» ١٩٩ ٧٢/٢

أنفال (٨)

«وَيُنزِلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ...» ١١ ٢٩٦/٣

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا...» ١٥ ٢٤٢/٢

«وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ...» ٤١ ٢١٠/٢، ٢٤٦

توبه (٩)

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ» ٤ ٣٦/٣

«أَجْعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ...» ٢١٠/٢ ١٩

ص: ٣٠٨

«وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً» ٢٥٠/٣ ٤٦

«أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ...» ٢٥٤/٣، ٤٦٨/٢ ١٠٤

«لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ» ٢٢٦/٣ ١٢٨

يونس (١٠)

«وَ آخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» ٤١٢/١ ١٠

«يَأْتِيهَا النَّاسُ إِنَّمَا بُغِيكُمْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ» ٢٥٨/٢ ٢٣

«الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ» ٣٦/٣ ٦٣

«لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ» ٣٦/٣ ٦٤

«قَدْ أُجِيبَت دَعْوَتُكُمَا» ٤٧٦/٢ ٨٩

هود (١١)

«بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَ مُرْسَاهَا إِنْ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ» ٢٢٦/٣ ٤١

«وَ مَا أُرِيدُ أَنْ أَخَالِفَكُمْ إِلَيَّ مَا أَنهَأَكُم عَنْهُ» ٩٢/٢ ٨٨

«وَ لَاتَزْكُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ» ٢٩٠، ٢٠٠/٣ ١١٣

«إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ» ١٢٤/٢ ١١٤

يوسف (١٢)

«يَأْتِيَتْ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ رَأَيْتُهُمْ...» ٣٠/٣ ٤

«وَ جَاءَ وَ عَلَى قَمِيصِهِ بَدَمٌ كَذِبٌ» ٥٤/٢ ١٨

«إِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قَدْ مِّن قَبْلِ...» ٥٤/٢ ٢٦

«اذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا» ٥٤/٢ ٩٣

إبراهيم (١٤)

«لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ» ٥٢/٢٧، ٢٠٢

ص: ٣٠٩

«وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا» ٣٤ ٣٨٢/٢

«وَلْيَذَكِّرُوا وَلُوا الْأَلْبَابِ» ٥٢ ١٤٦/٢

حِجْر (١٥)

«ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ءَامِنِينَ» ٤٦ ٤٣٤/٢

نَحْل (١٦)

«يَخْرُجُ مِنْ بَطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَنُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ» ٦٩ ٢٦٤/٣

«إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا» ١٢٨ ٣٦/٣

إِسْرَاء (١٧)

«وَلَا تَقْرَبُوا الزِّنَىٰ» ٣٢ ٩٢/٣

«إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا» ٣٤ ٢٠٢/٣

«قُلْ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا...» ١١٠ ٢٢٦/٣

كَهْف (١٨)

«وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ» ٢٨ ٤٧٦/٢

«فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ» ٢٩ ٤٠٤/٢

«مَا شَاءَ اللَّهُ لَأَقْوَمُ إِلَّا بِاللَّهِ إِنْ تَرَنِ...» ٣٩ ١٧٨/٢

«فَعَسَىٰ رَبِّي أَنْ يُؤْتِيَنِي خَيْرًا مِّنْ جَنَّتِكَ» ٤٠ ١٧٨/٢

«وَاعْرِضُوا عَلَىٰ رَبِّكَ صَفًّا» ٤٨ ٣٢٨/٢

«هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَنِ مِمَّا عَلَّمْتَ رُشْدًا» ٦٦ ٢٢٢/١؛ ٣٨/٣، ٤٠

«إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا» ٦٧ ٤٠/٣

«وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ...» ٨٢ ١٧٢/٢

مريم (١٩)

«وَسَلَّمَ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَ يَوْمَ يَمُوتُ وَ يَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا» ١٥ ٧٦/٢

«وَ هُزِّي إِلَيْكَ بِجُدْعِ النَّخْلَةِ تُسْقِطُ عَلَيْكَ رَطْبًا...» ٢٥ ٢٩٨/٣

«فَكُلِّي وَ اشْرَبِي وَ قَرِي عَيْنًا» ٢٦ ٢٩٨/٣

«وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَ يَوْمَ أَمُوتُ وَ يَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا» ٣٣ ٧٦/٢

«فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَ اتَّبَعُوا الشَّهْوَةَ...» ٥٩ ١٢٨/٢

أنبياء (٢١)

«لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» ٨٧ ١٧٨/٢

«فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَ نَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَ كَذَّلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ» ٨٨ ١٧٨/٢

«إِنَّهُمْ كَانُوا يُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ يَدْعُونََنَا رَغَبًا وَ رَهَبًا» ٩٠ ٤٧٢/٢

«فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا» ٩١ ١٥٠/٢

حج (٢٢)

«إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ» ١ ١٢٤/٣

«ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ» ١١ ٨٢/٣

«وَ مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» ٧٨ ٤٤٤/٢

مؤمنون (٢٣)

«قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» ١ ٧٨/٢، ١٢٨

«الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ» ٢ ١٢٨/٢

«هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» ١١ ٧٨/٢

«حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ» ٩٩ ٢٢٢/٣

«فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَ لَآ يَتَسَاءَلُونَ» ٢٨٨/٢ ١٠١

ص: ٣١١

«تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ» ٢٨٨/٢ ١٠٤

«إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا» ٤٣٦/٢ ١١١

نور (٢٤)

«اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ...» ٤٩٤/٢ ٣٥

فرقان (٢٥)

«إِنَّهُمْ إِلَّا كَالنَّعَمِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا» ٣٧٢/٢ ٤٤

«وَ أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا» ٤٦٨/٢ ٤٨

«وَ إِذَا حَاطَبْتَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَمًا» ١١٠/٣ ٦٣

«وَ الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا...» ١٧٤/٢ ٦٧

شعراء (٢٦)

«يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَ لَا بَنُونَ» ٢٨٨/٢ ٨٨

قصص (٢٨)

«وَ لَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا» ٢٥٠/٢ ٧٧

«كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ...» ٤٨٢/٢ ٨٨

روم (٣٠)

«ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ...» ٤١٤/٢ ٤١

احزاب (٣٣)

«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ...» ١٧٤/٣ ٣٣

ص: ٣١٢

«إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ» ٥٦ ٢٧٨/٣

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا» ٣٦/٣ ٧٠

«يُضْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ...» ٣٦/٣ ٧١

فاطر (٣٥)

«إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا» ٣٧٦/٢ ٦

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ» ٤٣٦/٢ ٣٤

«إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا...» ٢٢٦/٣ ٤١

«وَ لَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ» ٢٥٨/٢ ٤٣

يس (٣٦)

«سَلَّمَ قَوْلًا مِّن رَّبِّ رَحِيمٍ» ٣٤٦/٢ ٥٨

«وَ ائْتَرُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ» ١٩٦/٢ ٥٩

صافات (٣٧)

«سَلَّمَ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَلَمِينَ» ٣٤٦/٢ ٧٩؛ ٢٥٢/٣

«إِنَّا كَذَّ لِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ» ٢٥٢/٣ ٨٠

«إِنَّهُ مِن عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ» ٢٥٢/٣ ٨١

«سَلَّمَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ» ٣٤٦/٢ ١٠٩

«سَلَّمَ عَلَى مُوسَى وَ هَارُونَ» ٣٤٦/٢ ١٢٠

«سَلَّمَ عَلَى إِيَّا سِينَ» ٣٤٦/٢ ١٣٠

زُمر (٣٩)

«أَفَمَن شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ...» ١٤٦/٢ ٢٢

«أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَحْسَرْتَنِي عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ» ٥٦ ١٢٠/٣، ٢٨٤

«يُنَجِّي اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا» ٦١ ٣٨/٣

«وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا...» ٦٧ ٢٢٦/٣، ٢٥٤

«وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا» ٦٩ ٢/٤٩٤

«سَلِّمْ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ» ٧٣ ٢/٣٤٦، ٤٣٤

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَأَوْثَقَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوُّهُ...» ٧٤ ٢/٤٣٦

غافر (٤٠)

«لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ» ١٦ ٢/٢٨٨

«وَأُفْوِضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ...» ٤٤ ٢/١٧٨

«فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكَرُوا» ٤٥ ٢/١٧٨

«ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» ٦٠ ٢/٥٢، ٤٢٦

فصلت (٤١)

«ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ...» ٣٤ ٣/٢٨٨

شورى (٤٢)

«فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ» ٧ ٢/٣٢٨

«وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ...» ٣٠ ٣/٢٤٨

«وَلَمَنْ أَنْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ» ٤١ ٣/١٤٦

«إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَبِئَعُونَ فِي الْأَرْضِ...» ٤٢ ٢/٤٠٨

زُخْرُفٍ (٤٣)

«سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرْنَا لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ» ١٣ ٣/٢٩٠

«وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ...» ١٢٤/٣ ٢٨

ص: ٣١٤

«نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا...» ٣٢ ٣٧٦/٢

«وَ تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» ٧٢ ٢٧٢/٢

احقاف (٤٦)

«وَ حَمَلُهُ وَ فِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا» ١٥ ٣٢٨/٢

فتح (٤٨)

«فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ» ١٠ ٢٥٨/٢

حُجرات (٤٩)

«وَ لَاتَنَابَرُوا بِاللَّعْنَةِ بِئْسَ الِاسْمُ الِالْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيْمَانِ» ١١ ١٨٨/٣

«وَ لَا يَغْتَبِ بَعْضُكُمُ بَعْضًا أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا» ١٢ ١٨٨/٣، ٢٦٢

«إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» ١٣ ٣٧٤/٢؛ ٣٦/٣

ق (٥٠)

«وَ لَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ» ٣٨ ٢٨/٣

ذاريات (٥١)

«وَ بِالْأَشْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ» ١٨ ٤٧٠/٢

«وَ فِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَ مَا تُوَعَدُونَ» ٢٢ ٢٧٦/٣

«وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» ٥٦ ٣٧٦/٢

«مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَ مَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعَمُونَ» ٥٧ ٣٧٦/٢

«إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ» ٥٨ ٣٧٦/٢

نجم (٥٣)

«مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَى» ١١ ١٤٦/٢

«فَلَا تَزْكُوا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى» ٣٢ ٣٨٤/٢

قمر (٥٤)

«كَذَّبَتْ عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ عَدَابِي وَنُذُرِي» ١٨ ١٨٢/٢

رحمن (٥٥)

«مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ» ١٩ ٣٥٤/١

«بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَّا يَبْغِيَانِ» ٢٠ ٣٥٤/١

«يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ» ٢٢ ٣٥٤/١

حديد (٥٧)

«مَنْ ذَا الَّذِي يُقرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَعِفُهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ» ١١ ٣٧٦/٢

«ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَيْنَهُم بِسُورٍ لَهُ...» ١٣ ١٦٠/٣

«أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ قَالُوا بَلَىٰ وَ لَكِنَّا كُنَّا نُنْفِسُكُمْ» ١٤ ١٦٠/٣

«فَالْيَوْمَ لَأُؤْخَذَ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ وَ لِمَنِ الَّذِينَ كَفَرُوا» ١٥ ١٦٠/٣

«وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصِّدِّيقُونَ وَ الشُّهَدَاءُ...» ١٩ ٢٩٤/٣

مجادله (٥٨)

«وَ الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ...» ٣ ١٠٤/٣

«فَمَنْ لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامَ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَّا» ٤ ١٠٤/٣

«يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نَجَّيْتُمُ الرُّسُولَ فَقَدِمُوا بَيْنَ يَدَيْ...» ١٢ ١٥٨/٣

«ءَأَشْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتٍ...» ١٣ ١٥٨/٣

«أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ» ٢٢ ١٤٦/٢

ص: ٣١٦

حَشْر (٥٩)

«نَسُوا اللَّهَ فَنَسَاهُمْ أَنْفُسُهُمْ» ١٩ ١١٤/٣

صَفِّ (٦١)

«لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ» ٢ ٩٢/٢

«كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ» ٣ ٩٢/٢

«يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ...» ٨ ٤٩٤/٢

مَنَافِقُونَ (٦٣)

«وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» ٨ ٧٨/٢

طَلَاق (٦٥)

«وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا» ٢ ٨٤/١؛ ٢ ٣٧٨/٢؛ ٣ ٣٦/٣

«وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ...» ٣ ٨٤/١؛ ٢ ٥٠/٢، ١٤٦، ٣٧٨؛ ٣ ٣٦/٣

تَحْرِيم (٦٦)

«عَرَفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَنِ بَعْضٍ» ٣ ٢٣٤/١

«عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ...» ٦ ٢٨٨/٢

«فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا...» ١٠ ٤١٠/٢

حَاقَّة (٦٩)

«وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَنِيَّةً» ١٧ ٢٨/٣

ص: ٣١٧

معارج (٧٠)

«الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ» ٢٣ ٢٧٦/٣

نوح (٧١)

«فِيهِمْ نُورًا» ١٦ ٤٩٤/٢

جن (٧٢)

«عَلِمَ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا» ٢٦ ٧٢/٢

«إِلَّا مَنِ ارْتَضَى مِنْ رَسُولٍ» ٢٧ ٧٢/٢

مدثر (٧٤)

«وَثِيَابَكَ فَطَهَّرَ» ٤ ٢٦٢/٣

«مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ» ٤٢ ٤٦٨/١؛ ١٢٨/٢

«قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ» ٤٣ ٤٦٨/١؛ ١٢٨/٢

نبا (٧٨)

«وَ بَيْنَنَا وَفُوقَكُمْ سَجَاعًا شِدَادًا» ١٢ ٢٨/٣

نازعات (٧٩)

«وَ أَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ» ٤٠ ٢٧٢/٢، ٣٧٤

«فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ» ٤١ ٢٧٢/٢، ٣٧٦

عبس (٨٠)

«يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ» ٣٤ ٢٣٦/٢

ص: ٣١٨

«وَ أُمِّهِ وَ أَبِيهِ» ٢٣٦/٢ ٣٥

«وَ صَاحِبَتِهِ وَ بَنِيهِ» ٢٣٦/٢ ٣٦

طارق (٨٦)

«يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَ التَّرَائِبِ» ٣٢٨/٢ ٧

أعلى (٨٧)

«قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى» ٩٠/٣ ١٤

«وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى» ٩٠/٣ ١٥

«بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا» ٩٠/٣ ١٦

«وَ الْآخِرَةُ خَيْرٌ وَ أَبْقَى» ٩٠/٣ ١٧

«إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى» ٩٠/٣ ١٨

«صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى» ٩٠/٣ ١٩

فجر (٨٩)

«يَأْتِيهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ» ١٥٠/٢ ٢٧

«ارْجِعِي إِلَى رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً» ١٥٠/٢ ٢٨

تين (٩٥)

«وَ التَّيْنِ وَ الزَّيْتُونِ» ١١٤/٢ ١

«وَ طُورِ سِينِينَ» ١١٤/٢ ٢

«وَ هَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ» ١١٤/٢ ٣

قدر (٩٧)

«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» ١ ٢٦٢/٣ ١، ٢٦٤، ٢٦٦

«سَلَّمَ هِيَ حَتَّى مَطَّلَعَ الْفَجْرِ» ٣٤٦/٢ ٥

هُمَزَهُ (١٠٤)

«وَيَلُّ لِكُلِّ هُمَزَةٍ...» ٤١٠/٢ ١

ماعون (١٠٧)

«فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ» ١٢٨/٢ ٤

«الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ» ١٢٨/٢ ٥؛ ٢٦٠/٣

إِخْلَاص (١١٢)

«قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» ١٧٢/٣ ١، ٢٦٢، ٢٦٦

٢٨٢، ٢٧٢

ص: ٣٢٠

سَلِيمُ العَرِضِ مَن حَذِرَ الجَوَابَا وَمَن دَارَى الرَّجَالَ فَقَدَ أَصَابَا

٣٨٢/١

لِلضَّيْفِ عَشْرُ خِصَالٍ إِن أَقَمْتَ بِهَا وَإِلَّا فَاعْلَمْ أَنَّ الضَّيْفَ قَدْ بُخِيسَا

٤٩٨/٢

فَدَالَ ثُمَّ عَيْنُ ثُمَّ بَاءٌ وَمِيمَاتُ ثَلَاثُ ثُمَّ خَاءٌ

٤٩٦/٢

إِذَا آلَ حَالِكَ ذَا ضَيْقِهِ وَيَقْصُرُ رِزْقُكَ عَمَّا يَجِبُ

٣٨/٣

عَوَّدَ لِسَانَكَ قَوْلَ الحَقِّ تَحْظُ بِهَيَّانَ اللِّسَانِ لِمَا عَوَّدْتَ مُعْتَادَ

٦٤/٢

تَعَرَّبَ عَنِ الأَوْطَانِ فِي طَلَبِ العُلْيُوسَا فِى الأَسْفَارِ حَمْسُ فَوَائِدِ

٢٧٢/٢

حُسْنُ الخِصَالِ مِنَ الصَّلَاصَالِ مَقْصُودٌ وَالمَرءُ بِالفِعْلِ مَمْدُوحٌ وَمَرْدُودُ

١٤٨/٢

وَلَا تُرْجِ فِعْلَ الصَّالِحَاتِ إِلَى غَدٍ لَعَلَّ غَدًا يَأْتِي وَأَنْتَ فَقِيدُ

٣٥٤/١

تُرَابٌ وَمَاءٌ ثُمَّ شَمْسٌ مُنِيرُهُوَ إِيْمَانٌ صِدْقٌ ثُمَّ نَارٌ تَسَعَّرُ

٤٩٦/٢

وَالنَّجْمُ تَسْتَصْعِرُ الأَبْصَارُ رُؤْيَتُهُوَ الذَّنْبُ لِلطَّرْفِ لَا لِلنَّجْمِ فِي الصُّعْرِ

[أَيُّهَا الْغَافِلُ فِي ظِلِّ نَعِيمٍ وَ سُرُورٍ] كُنْ غَرِيباً وَ اجْعَلِ الدُّنْيَا سَبِيلاً لِلْعُبُورِ

أَلَا يَا أَيُّهَا الْمَغْرُورُ تُبِّ مِنْ غَيْرِ تَأْخِيرٍ [فَاعْتَبِرْ مِنْ حَالِ اصْحَابِ الْقُبُورِ]

سَعَادَةُ الْمَرْءِ عَلَى كُلِّ حَالٍ عَشْرُ خِصَالٍ يَالِهَا مِنْ خِصَالِ

جَنَّةُ الْفِرْدَوْسِ لَا تَصْلُحُ إِلَّا لِلْكَرَامِ كُنْ كَرِيماً وَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ عَفْواً بِسَلَامٍ

وَ إِذَا صَاحَبْتَ فَاصْحَبْ مَا جَدَّ إِذَا حَيَاءٌ وَ وِفَاءٌ وَ كَرَمٌ

وَ كَمْ مِنْ عَائِبٍ قَوْلًا صَحِيحاً وَ آفَتُهُ مِنْ الْفَهْمِ السَّقِيمِ

ثَلَاثَةٌ تَجْلُو عَنِ الْقَلْبِ الْحَزْنَ الْمَاءُ وَ الْخُضْرَةُ وَ الْوَجْهُ الْحَسَنُ

تَوَقَّ سَبْعَةَ أَيَّامٍ قَدْ اطَّرَدَتْ فِي كُلِّ شَهْرٍ هِلَالِيٍّ مَنَاجِسُهَا

إِنَّ الْمَكَارِمَ أَخْلَاقٌ مُطَهَّرَةٌ هَفَا الْعَقْلُ أَوْلَاهَا وَ الدِّينُ ثَانِيهَا

سَبْعَةٌ لَا تُحْمَدُ فِيهَا حَرَ كَهَمَثَالِهَا جِهَ يَجُ يُو كَا كَدَ كَه

أُقْسِمُ بِاللَّهِ لَرَضِخُ النَّوْيُ شُرْبُ مَاءِ الْقَلْبِ الْمَالِحِ

أَرْبَعَةٌ فِي النَّاسِ مَيَّزَتْهُمَا حَوْلَهُمْ مَكْشُوفَةٌ ظَاهِرَةٌ

لِي خَمْسَةٌ أَطْفَى بِهِمْ حَزَّ الْجَحِيمِ الْحَاطِمَةِ الْمُصْطَفَى وَالْمُرْتَضَى وَابْنَاهُمَا وَفَاطِمَةَ

ثَلَاثَةٌ لَيْسَ لَهَا نَهَائِيهَا لِأَمْنٍ وَالصَّحَّةِ وَالْكِفَايَةِ

رَضِيْتُ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لِيَوْفَوْضْتُ أَمْرِي إِلَى خَالِقِي

جعفر بن محمد، جعفر بن محمد الصادق عليه السلام، ٤١٨/١، ٥٢٠؛ ٧٨/٢، ٢٠٨، ٢٣٤، ٣٤٨،

ص: ٣٢٤

إسماعيل، ٢٣٦/٢، ٢٩٦، ٤٦٢

الخضر، ٢٠/٢، ٧٦، ٢٩٦؛ ٣٨/٣، ٤٠

أيوب، ١٣٠/٢، ٢٨٢، ٤٦٢

جبرئيل، ٤٣٨/١، ٤٥٠، ٤٨٤، ٥٠٢، ٥٢٠؛ ٩٠/٢، ١١٢، ١١٤، ٢٢٢، ٢٢٨، ٢٤٨، ٢٥٠، ٢٧٤، ٣١٢، ٣٤٢، ٣٤٤، ٣٦٢، ٣٨٢، ٣٩٤،

٤١٦، ٤٢٦؛ ٢٨/٣، ٦٠، ١٦٤، ١٦٨، ١٧٤، ٢٠٢، ٢٣٠

دانيال، ٢٥٢/٣

داود، ٤٣٠/١، ٤٩٨؛ ٥٤/٢، ١١٤، ١٨٢، ١٩٤، ١٩٨، ٢٨٢، ٣١٤، ٣٩٨، ٤٦٢؛ ٢٨/٣

ذو القرنين، ١٨٢/٢

ذو الكفل، ٢٩٦/٢

ذو النون، ٢٩٦/٢

زكريا، ٢٨٢/٢

سليمان، ٤٩٨/١؛ ٢٦/٢، ١٣٠، ١٨٢، ٢٨٢؛ ٢٨/٣

شعيب، ٩٢/٢، ٢٣٦

شيث، ٢٦٦/٢؛ ٨٨/٣

ص: ٣٢٥

صالح، ٢٣٦/٢، ٢٩٦؛ ٢٨/٣، ٨٨

عزرائيل، ملك الموت، ١١٤/٢، ٤١٦

عزير، ٤٦٠/١

عيسى بن مريم، عيسى، ١٠٦/١، ٣٧٤، ٤٢٨، ٤٣٨؛ ٧٦/٢، ٩٤، ٩٦، ١٠٢، ١٣٠، ١٨٢، ٢٥٤، ٢٥٨، ٢٨٢، ٢٩٦، ٣١٢، ٤٢٢، ٤٤٨

٤٦٢، ٤٧٦، ٤٧٨؛ ٣٤/٣، ٨٨ ١٦٢

لوط، ٢٣٦/٢، ٢٩٨، ٤١٠؛ ٢٧٤/٣

ماروت، ٤٦/٣

موسى، ٢٢٢/١، ٤١٨، ٤٥٨، ٤٦٢؛ ٢٦/٢، ٥٢، ٧٦، ١١٤، ١٤٠، ١٨٢، ٢٣٦، ٢٥٤، ٢٩٦، ٣١٤، ٣٩٨، ٤٠٤، ٤٠٦، ٤٧٦، ٤٧٨؛ ٢٨/٣

٣٠، ٣٤، ٣٨، ٤٠، ٤٦، ٥٤، ٥٦، ٨٨، ٩٠، ٩٨، ١٥٢، ١٦٠، ١٦٢

ميكائيل، ١١٤/٢، ٢٢٢، ٢٢٨؛ ٢٨/٣، ٦٠

نوح، ٩٨/١، ١٤٠، ٤٢٢، ٤٣٨؛ ٧٨/٢، ١١٤، ١٨٢، ٢٣٦، ٢٥٤، ٢٦٠، ٤١٠، ٤٦٢؛ ٣٤/٣، ٨٨ ١٥٤

هاروت، ٤٦/٣

هارون، ٤٦٢/١؛ ٣٤/٣، ٤٦، ١٥٢

هود، ٢٣٦/٢؛ ٨٨/٣

يحيى، ٢٨٢/٢، ٤٦٢

يعقوب، ٢٩٦/٢، ٤٧٠؛ ٧٢/٣

يوسف، ٥٤/٢، ١٣٠، ١٨٢، ١٩٦، ٤٦٢؛ ٣٠/٣، ١٧٦

يوشع بن نون، ٢٩٦/٢

يونس، ٢٩٦/٢؛ ٢٨/٣

ت. اشخاص

آسيه، ١١٠/٢، ١١٤

أبان بن عثمان، ٤٥٧/٢

إبراهيم بن أدهم، ٩٠/٢، ١٩٦، ٣٢٨

إبليس، ٦٠/١، ٣٢٢، ٣٣٤، ٥٠٦؛ ٥٠/٢، ٥٢، ٧٢، ٧٨، ٨٤، ١٤٤، ١٦٨، ٢١٦، ٢٣٢، ٢٤٤، ٢٥٨، ٢٦٢، ٢٦٨، ٤٣٧، ٤٦١؛ ١٢٠/٣،
٢٤٤، ٢٨٢، ٢٨٦

ابن أبي عدى، ٤٢٦/١

ابن إدريس، ٤٩٩/٢

ابن القدّاح، ٤٧٧/٢، ٤٧٩

ابن المسيّب، ١٤٠/٢

ابن بابويه، ٣٦٢/١، ٣٧٤، ٣٨٠؛ ١٨/٢، ٦٠، ١١٦، ١٧٠، ٢٣٦، ٣٧٥، ٤٢٣

ابن جمهور، ١٩٠/٢

ابن عباس، ٣٦٤/١، ٤٣٢، ٥٠٦؛ ٨٤/٢، ٨٨، ٩٢، ١١٠، ١٢٦، ٢٠٦، ٢٠٨، ٤٣٥

ابن مسعود، عبد الله بن مسعود، ٣٢٢/١، ٤٦٦، ٥٢٢؛ ٢٤/٢، ١٠٠، ٣٥٢، ٣٦٢؛ ٣٢/٣

ابن ملحجم، ٤٤٨/١

أبو اسامه، ١١٠/٢

أبو الأعور السلميّ، ١٦٠/٣

أبو الحسين محمّد بن جعفر الأسديّ، ٤٦/٣

أبو الصّلت، ٢٥٠/٢

أبو الطّيفيل عامر بن واثله الكنانيّ، ٣٨٠/١؛ ٤٢٣/٢

أبو امامه، ١٣٢/٢

أبو بصير، ١٨٢/٢، ٤٧٩؛ ١٠/٣، ٢٤، ١٠٢، ٢٣٤

أبوبكر، ١١٠/٢، ٢٩٨؛ ١٥٦/٣، ١٦٨

ص: ٣٢٦

أبو بكر الحضرمي، ٢٤٨/٢

أبو حازم، ٤٣٤/١

أبو حمزة الثمالي، ٢٤٨/٢، ٢٥٤؛ ١٣٢/٣

أبو حنيفة، ٧٢/٢

أبو خالد، ٤٧٧/٢

أبو ذر، ٤١٨/١، ٤٧٨، ٥٠٠؛ ٨/٢، ١٠، ٨٤، ٩٨، ١١٨، ١٣٢، ٢٢٤، ٣٣٦؛ ٨٦/٣، ٨٨، ٩٢

أبو زيد، ٢٦٤/٢

أبو سعيد الخدري، ٣٤٨/١، ٣٥٨؛ ٢١٠/٢؛ ٦٤/٣

أبو سلمان الداراني، ٣٢٦/٢

أبو سليمان الحلواني، ١٣٠/٣

أبو طالب، ٣٩٥/٢

أبو طالب المكي، ٤٧٥/٢

أبو عليّ الثقفى، ٣٣٤/١؛ ١٩٠/٢

أبو لبابه بن عبد المنذر، ٢١٤/٢

أبو مالك، ٧٦/٢

أبو موسى الأشعري، ١٦٠/٣

أبو نعيم، ٤٤٢/١

أبو يحيى الواسطي، ٣٧٢/٢

أحمد، ٣٥٨/١

أردشير بن بابك، ٢٠٢/٢

أرسطاطاليس، ٨٤/٢، ٩٨، ١٩٠، ٣٢٠

أرسطو، ٣٣٢/١

إسحاق بن عمّار، ٤٣٠/١

إسماعيل بن بزيع، ٢٥٠/٢

إسماعيل بن همّام، ٤٧٥/٢

أشعث، ٣٢/٣

أفلاطون، ٣٣٤/١، ٣٣٦، ٣٣٨، ٤٢٨، ٤٣٨؛ ٩٦/٢، ١٩٠، ٣١٨، ٤٨٣

الأحنف بن قيس، ٨٦/٢، ٣٢٦

الأصبع بن نباته، ١٤٠/٢، ٢٩٨، ٣٧٢، ٤٤١؛ ٥٢/٣

الأنطاكي، ٢٦٤/٢

أم سلمه، ٢٩٨/٢

أم سليمان بن داود، ٤٩٨/١

أم هانئ، ٣٩٥/٢

أنس، أنس بن مالك، ٤٦٨/١، ٤٨٥/٢

أنوشيروان، ٢٦٦/٢

أويس القرنئ، ٣٢٢/١

البراء بن عازب، ٣٣٤/٢

بريده، ١١٨/٢

بشر بن الحارث، ٤٢٦/١، ٤٢٨

بقراط، ٣٣٤/١، ٣٣٨، ٤٢٨؛ ١٨٦/٢، ١٩٠

بلال بن سعد، ١٩٢/٢

بليناس الحكيم، ٣٣٢/١

بوذرجمهر، ٣٣٢/١، ٣٣٤؛ ٣١٨/٢، ٣٢٠، ٤١١

الشيخ بهاء الدين، ٣٨١/٢

تاريخ، ٢٣٦/٢

تميم الداربي، ٢٠٨/٢

الثعلبي، ٣٥٨/١، ٤٣٨

جابر، ٤٩٨/١

جابر بن سمره، ٣٢/٣

جابر بن عبد الله الأنصاري، ٣٤٨/١؛ ٢١٤/٢، ٣٩٥؛ ٤٦/٣

جابر بن يزيد الجعفي، ٦٤/٣، ١٧٤

جاثليق، ١٦٠/٣

جارود بن المنذر، ٥٨/٢

ص: ٣٢٧

جالينوس، ٣٣٢/١، ٣٤٠، ٤٣٨؛ ٩٦/٢، ١٩٠

جرير، ٣٢/٣

جعفر بن أبي طالب، جعفر طيار، ٣١٢/٢؛ ١٥٨/٣

جعفر بن يحيى، ١٩٦/٢

حاتم، ١٨٤/٢

حاتم الأصم، ٢٦٢/٢

الحارث بن المغيرة البصري، ٣٠٦/٢، ٤٧٩

حازم بن خزيمة، ٤٣٢/١

حيب النجار، ٥٠٨/١

حذيفة، ٤٥٢/١

حذيفة بن اسيد، ٤٢٣/٢

الحسن البصري، ٣٨٢/١، ٣٨٤، ٤٣٠، ٤٣٨؛ ٨٦/٢، ٢٦٦، ٣٣٠

الحسين بن حماد، ٦٠/٢

حسين بن زيد بن علي، ٣٢/٣

حماد بن عمرو، ٢١٠/٣

حماد بن عيسى، ٥٦/٢

حمران بن أعين، ٦٨/٣

حمزه سيد الشهداء، ٣١٢/٢؛ ١٦٠/٣

حواء، ٢٩٠/١؛ ٢٢٨/٢، ٢٩٦، ٣٨٣؛ ٢٨/٣

خالد بن صفوان، ١٠٢/٢

خالد بن معمر، ٨٦/٢

خَبَاب، ٢٣٤/٢

خديجه بنت خويلد، ١١٠/٢، ١١٤

خريل، ٥٠٨/١

خويلد، ١١٠/٢

داود بن أبي هند، ٤٢٦/١

الدَّجَال، ١٢٦/٢، ٤٢٣

ديوجانس، ٤٢٨/١

ذو التَّون المصري، ٢٦٤/٢

الزَّبير، ٢٩٨/٢؛ ١٥٦/٣

زراره، زراره بن أعين، ٤٦/٢، ٦٨، ٢٥٢، ٤٥١؛ ٩٤/٣

زكريّا بن مالك الجعفي، ٢٤٦/٢

الزَّهري، ١٠٢/٣

زيد بن أرقم، ٣٩٥/٢

زيد بن ثابت، ٢٠/٣

زيد بن صوحان العبدي، ٨٠/٣

زيد بن علي، ١١٨/٢

سامري، ١٦٠/٣

سعد، ٢٩٨/٢

سعيد بن علاقه، ٥٢/٣

سفيان، ٤٤/٢

سفيان بن عيينه، ١٤٤/٢

سفيان الثوري، ٤٣٠/١، ٤٢/٢، ١٧٨، ٢٤٢

السفياني، ٢٤٤/٢، ٤٢٣

سقراط، سقراطيس، ٣٣٤/١

السكوني، ٤٧٧/٢

سلمان الفارسي، ١١٨/٢، ١٤٠، ٢٣٤، ٣٠٤، ٣٥٢، ٤٧٣؛ ٣٢/٣

سليم بن قيس الهلالي، ٣٢/٣

سماعه بن مهران، ١٤٤/٢؛ ١٨٠/٣

سهل بن سعيد، ٣٧٠/١

سهل بن عبد الله، ٨٢/٢، ٣٢٨

الشافعي، ٤٥٤/١؛ ٢٧٢/٢

شبر، ٢٨/٣

شبير، ٢٨/٣

ص: ٣٢٨

الشَّعْبِيُّ، ٣٨٤/١

شَقِيقُ الْبَلْخِيِّ، شَقِيقُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، ٢٦٤/٢، ٣٢٨

الشَّيْطَانُ، ١٨٦/١، ١٠٨، ١١٤، ٣٢٨، ٣٦٢، ٣٩٨، ٤٠٢، ٤٥٠، ٤٩٨؛ ٢٨/٢، ٥٤، ٩٠، ١٤٠، ١٤٦، ١٥٢، ١٦٢، ١٦٤، ٢٦٢، ٢٩٦، ٣٠٤،
٣٧٢، ٣٧٧، ٣٩٥، ٤١٤، ٤٣١، ٤٤٧؛ ٤٨/٣، ٨٤، ٩٠، ١١٤، ١٧٨، ١٨٦، ١٩٤، ٢٠٤، ٢٦٦، ٢٨٠، ٢٨٤، ٢٩٦، ٢٩٨

الصَّدُوقُ، ٢١٢/٣

صفوان بن سليمان، ٣٥٠/١

صفوان بن عَسَّالٍ، ٣٩٧/٢

صفوان الجَمَّالِ، ١٧٢/٢

صهيب، ٢٣٤/٢

ضمرة بن حبيب، ٨٤/٣

طاووس اليماني، ٢٥٢/٢

طلحة، ٢٩٨/٢؛ ١٥٦/٣

عامر الشَّعْبِيُّ، ٣٨٢/١؛ ٤٠١/٢

العبَّاسُ، ٣٨/٢

عبد الرَّحْمَنِ بن سمره، ٥٦/٣

عبد الرَّحْمَنِ بن عوف، ٢٩٨/٢

عبد الله بن جعفر، ٥٨/٢

عبد الله بن جعفر الطَّيَّارِ، ٤٢٤/١

عبد الله بن سبأ، ٢٧٦/٣

عبد الله بن عمر، ٥١٠/١

عبد المطلب، ٢١٠/٢، ٢١٢، ٤٣٥، ٤٦٥

عبيد بن زراره، ٢٤٢/٢

عثمان، عثمان بن عفان، ١٦/٢، ٥٨، ٦٠، ٢٩٨

عطاء بن طاووس، ٢٦/٣

عقبه بن عامر، ٥٠٠/١

علي بن أسباط، ٣٧٥/٢

علي بن حمزه، ٦٢/٢

علي بن عقبه، ٤٧٧/٢

علي بن واقد الواقدي، ٤٣٨/١؛ ٤٦١/٢، ٤٦٥

عمران، ٢٦/٢، ٧٦، ١١٠، ٢٨٢؛ ٣١٤/٢؛ ٥٤/٣

عمر بن الخطاب، عمر، ٢٢٦/٢، ٢٩٨؛ ٢٦/٣، ٣٠، ٣٤، ١٥٦

عمرو، ٣٨٤/١

عمرو بن أبي المقدم، ٤٥١/٢

عمرو بن العاص، ١٦٠/٣

عمرو بن عبد ودّ، ١٧٢/٣

عمرو بن عبيد، ٣٨٢/١

الغزالي، ٨٤/٢

فاطمه بنت الحسين، ٣٤٨/١

فرعون، ٢٦/٢، ١١٠، ٢١٦، ٢٣٢؛ ٢٨/٣، ١٦٠، ٢٤٤، ٢٤٦

فضيل بن عياض، ١٦٤/٢

الفضيل بن يسار، ٩٨/٣؛ ٤٥٣/٢

قائيل، ٥٠٦/١؛ ٧٢/٢، ٢٣٦

قارون، ٨٦/٢

قتاده، ٤١٥/٢

كسرى، ٣٢٠/٢، ٤١١

الكلبي، ٣٨٣/٢

كميل، كميل بن زياد، ٣٨٦/١، ٣٩٨، ٤٠٤؛ ٢٦/٢، ٢٨، ١٥٠؛ ١٠٨/٣، ١١٠، ١١٢، ١١٤، ١١٦

كنعان، ٢٣٦/٢

لقمان، ٣٢٤/١، ٣٢٦، ٣٢٨، ٣٣٢، ٣٣٤، ٣٣٦

ص: ٣٢٩

٤٢٨، ٤٥٤؛ ٥٤/٢، ٨٢، ١٠٠، ١٨٨، ٣١٨، ٤٨٣

مالك بن أنس بن عامر، ٤٢/٢

مأجوج، ٤٢٣/٢، ٤٤٩

محمد ابن الحنفية، ١٦/٢، ٣١٢؛ ٥٠/٣

محمد الدورى، ٢٦٢/٢

محمد بن إدريس الشافعى، ١٠٤/٢

محمد بن السماك، ٨٦/٢

محمد بن مسلم، ٣٧٥/٢؛ ٢٣٤/٣

محمد بن واسع، ١٩٢/٢

مريم، ٧٦/٢، ٩٦، ٩٨، ١٠٢، ١١٠، ١١٤، ٢٨٢، ٢٩٦، ٣١٢، ٤٢٣؛ ٢٩٨/٣

مزاحم، ١١٠/٢

مسعده بن صدقه الربعى، ٣٤٨/٢

معاذ، ٢١٦/٢، ٤٢٣

معاويه، ٨٦/٢، ٢١٦، ٤٤٥، ٤٤٧؛ ١٥٦/٣

معاويه بن وهب، ٤٢٠/١

المفضل بن عمر، ١٦٨/٢، ٢٤٦، ٣٠٨

مفضل بن يزيد، ٤٢٢/١

المقداد بن الأسود الكندى، ١١٨/٢

ملكه سبأ، ٢٦/٢

المنصور الخليفة العباسى، ١٧٦/٢

موسى بن أكيل، ٤٢٠/١

الشيخ نجم الدين، ٩٨/٢

النفس الزكية، ٢٤٦/٢

نوف، ٣٠٠/٢

واصل بن عطاء، ٣٨٢/١

الوليد بن صبيح، ٦٠/٢

الوليد بن عقبه الهجرى، ٤٧٥/٢

هاثيل، ٥٠٦/١؛ ٧٢/٢، ٢٣٦

هارون بن حمزه الغنوى الصيرفى، ٤٠٥/٢

هامان، ٢٠٠/٣

هشام بن الحكم، ٧٤/٢

يأجوج، ٤٢٣/٢، ٤٤٩

يحيى بن عمران الحلبي، ٤٥٥/٢

يحيى بن معاذ، ٤٢٦/١؛ ٨٦/٢، ٣٢٤

اليمانى، ٢٤٦/٢

يونس بن ظبيان، ٤٠٥/٢

ص: ٣٣٠

(٤) فهرست اديان، مذاهب، فرق و جماعات

آل إبراهيم، ١١٤/٢

آل داود، ١٩٨، ٥٤/٢

آل عمران، ١١٤/٢

آل فرعون، ٥٠٨/١

آل محمد، ٢١٤/١؛ ١٠/٣، ٢٤٠، ٢٦٨، ٢٨٤

آل ياسين، ٥٠٨/١

أصحاب ذى القعدة، ١٥٦/٣

أصحاب النبى، ١٥٢/٣

الأئمة، ٣٠٢/١، ٤٣٠؛ ٧٢/٢، ١١٢، ١٢٢، ١٨٠، ٢٠٢، ٢٤٨، ٣١٢؛ ٣٢/٣، ٦٤، ٨٦، ٩٨، ١٢٢، ١٢٤، ١٢٦، ١٥٢

الإسلام، ٥٠/١، ٥٦، ٧٢، ٨٤، ١٠٠، ١٠٨، ١٩٤، ٢٤٤، ٣٤٨، ٤٦٦، ٤٧٤، ٥٠٤، ٥٠٨، ٥٢٢؛ ١٤٦/٢، ١٨٨، ٢٠٦، ٢١٠، ٢٤٨، ٢٥٢

٣٩٤، ٣٩٨، ٤٠٠؛ ٤٥٢/٣، ٦٦، ١٤٦، ١٧٦، ٢١٦، ٢١٨، ٢٣٦، ٢٣٨

الأنبياء، ٦٠/١، ٩٦، ١١٢، ١٣٨، ١٦٤، ٣٨٠، ٤٥٨، ٤٦٠، ٤٧٢، ٥٠٦، ٥١٠، ٥٢٢؛ ٧٦/٢، ٨٢، ١١٤، ١٢٦، ١٣٤، ١٤٤، ١٦٦، ١٦٨

١٧٠، ١٨٢، ٢٢٢، ٢٣٦، ٢٥٤، ٢٧٤، ٢٩٦، ٣٤٨، ٣٩٦، ٤٢٨، ٤٣٦، ٤٧٠، ٤٩٤؛ ٨٨/٣، ١٥٨، ١٦٨، ١٧٤، ١٨٤، ٢٤٢، ٢٥٤، ٢٩٤

الأنصار، ١١٨/٣

الأوصياء، ١٢٦/٢، ٣٩٦؛ ١٢٠/٣، ١٥٨، ١٧٤، ١٨٤

الأولياء، ٩٤/٢، ١٧٠

أمه محمد، ٥٠٦/١

أهل البيت، ٩٨/١، ١٤٠، ٣٤٨، ٣٥٨، ٣٦٢؛ ٢٢/٢، ٦٨، ١٠٨، ١١٨، ٢٤٨، ٣٣٦، ٣٣٨، ٣٤٢، ٣٥٠، ٣٧٠، ٣٩٤، ٤١٦؛ ٦٤/٣، ٦٦

٦٨، ١٢٤، ٢١٨، ٢٧٠

أهل الشام، ١٤٤/٢، ٢١٦، ٢٣٦، ٢٩٦

أهل العراق، ٨/٢

أهل الكتاب، ٥٠٨/١

أهل الكهف، ٩٨/٢

بنو إسرائيل، ١٨٠/١، ٤٣٠، ٤٣٨، ٤٧٢؛ ٩٨/٢، ٢١٦، ٤٦٤، ٤٦٦، ٤٦٨، ٤٨٦؛ ٣٢/٣، ٤٠، ٤٦، ٤٨، ١٥٦، ٢٨٠، ٢٩٤

بنو امية، ١٧٠/٣

التجار، ١٣٦/٢، ٢٥٨، ٢٩٨

ثمود، ١٦٤/٣

الحكماء، ٣٢٤/١، ٣٢٨، ٣٣٢، ٣٤٠، ٤٠٠، ٤٢٤، ٤٣٤، ٤٣٨؛ ١٦/٢، ٨٢، ٨٤، ٨٨، ٩٠، ٩٦، ٩٨، ١٠٠، ١٠٢، ١٨٤، ١٨٦، ١٨٨

ص: ٣٣١

١٩٠، ٢٠٠، ٢٦٠، ٢٦٦، ٣١٨، ٣٢٠، ٣٥٢، ٣٨٤، ٤٤٠، ٤٨٠، ٤٨٢

حکماء الإسلام، ١٨٨/٢

حکماء الرّوم، ١٨٨/٢

حکماء العرب، ١٨٨/٢

حکماء الفرس، ١٨٨/٢

حکماء الهند، ١٨٨/٢، ٢٦٦

حکماء اليونان، ٨٨/٢

دين إبراهيم، ٢١٢/٢

السلّاطين، ٢٥٨/٢

الشّعراء، ٢٩٨/٢

الشّهداء، ١٣٤/٢؛ ٤٧٢/١؛ ٣٤٠، ٣٤٢، ٣٦٢، ٣٧٠، ٤٣٦؛ ١٦٤/٣

الشيعة، ٧٠/٢، ٢٤٦، ٣٩٤، ٤٥٠؛ ٢٩٤/٣

العلماء، ٤٢/١، ١١٢، ١٢٢، ١٤٨، ١٥٨، ١٨٤، ٢٤٢، ٢٩٠، ٣١٤، ٣٢٦، ٣٣٦، ٣٣٨، ٣٤٦، ٣٦٦، ٣٦٨، ٣٨٢، ٣٩٦، ٤٠٠، ٤٠٤، ٤٧٠،
٤٧٢، ٤٨٨، ٥٠٢، ٥١٨؛ ٢٠/٢، ٨٨، ١٣٤، ١٣٦، ١٤٦، ١٨٤، ١٨٦، ١٩٦، ٢٠٢، ٢٢٤، ٢٥٨، ٢٦٠، ٢٦٢، ٢٨٤، ٣٠٢، ٣٤٢، ٣٥٤،
٣٦٨، ٤٤٠، ٤٨٠؛ ١٤/٣، ٢١٦

الفراعنة، ٣٥٨/١

الفقهاء، ١٦/٢، ٢٩٨

قريش، ١٨٦/١، ٢٤٠؛ ٢١٠/٢، ٣٠٠، ٤٦٠؛ ٣٢/٣

قوم سليمان، ٢٨/٣

قوم لوط، ٢٩٨/٢؛ ٢٧٤/٣

كافرون، ٥٠٤/١

الكفار، ٣٥٨/١؛ ٢٦٠/٢

المارقون، ١٥٦/٣

المتكلمون، ٤٢٦/١

المجوس، ٢٦٢/٣

المسلمون، ٤٨/١، ٧٨، ٩٠، ١٠٨، ١٨٦، ٣٥٢، ٣٦٦، ٤٣٦، ٤٧٠، ٤٩٠، ٥٠٤؛ ٨٤/٢، ٩٠، ١٦٦، ١٦٨، ٢١٠، ٢٣٤، ٢٧٨، ٢٨٢، ٣٦٢،
٣٧٠، ٣٨٤؛ ١٩٠/٣، ٢٠٤، ٢١٦

المشركون، ٥١٤/١؛ ١٦٦/٢، ٤٤٦؛ ١٦٢/٣

المعصومون، ٢٧٤/٢

ملائكته، ملائكتي، الملائكة، ٣٢٨/١، ٣٧٠، ٣٧٢، ٣٨٠، ٤٥٢، ٤٦٨، ٤٧٠، ٤٨٤، ٤٨٨، ٥١٠، ٥٢٠؛ ٣٢/٢، ١١٤، ١٢٦، ١٣٢، ١٥٠،
١٨٢، ٢١٤، ٢٢٢، ٢٢٤، ٢٤٨، ٢٦٠، ٢٦٨، ٢٨٦، ٣٩٦، ٤٣٢، ٤٦٨؛ ١٠/٣، ٢٢، ٥٤، ٥٨، ٨٤، ٨٦، ١٣٨، ١٥٨، ١٧٦، ٢١٨، ٢٢٠،
٢٣٨، ٢٥٠، ٢٨٢

ملئ إبراهيم، ٢٨٢/٣

المنافقون، ١٣٤/٢؛ ١٧٤/٣، ٢٠٤

المهاجرون، ١١٨/٣

المؤمنون، ٤٦/١، ٩٨، ١٤٢، ١٤٦، ٤٣٠، ٤٥٠، ٤٨٢؛ ٢٦/٢، ٨٤، ١٥٨، ٢٦٠، ٢٨٦، ٣٢٦، ٣٥٠، ٣٨٤، ٣٩٨، ٤٢٦، ٤٣٠، ٤٤٦؛
١٦/٣، ٢٠، ٥٨، ٩٦، ١٠٢، ١٠٨، ١١٠، ١١٢، ١٢٦، ١٦٠، ١٦٦، ١٧٢، ١٧٤، ٢٨٦

النّاكثون، ١٥٦/٣

النّصارى، ٣٧٤/١؛ ٢٩٨/٢؛ ٤٤/٣، ١٦٢، ١٧٦، ٢٢٤

اليهود، ٢٩٨/٢، ٣٩٦، ٣٩٨؛ ٢٦/٣، ٢٨، ٣٠، ١٧٦، ٢٠٤، ٢٢٤

ص: ٣٣٢

(٥) فهرست مكان ها

أبو قبيس، ٣٤/٣

البيت الحرام، بيت الله، بيت الله الحرام، ٢١٦/٢، ٢٣٠، ٣٣٤، ٤٤٠؛ ٢٢٢/٣، ٢٥٠

بيت المقدس، ١١٢/٢، ١١٤، ١٢٦، ١٩٦، ٣٢٤؛ ٢٣٠/٣

البيداء، ٢٤٦/٢

جزيره العرب، ٤٢٢/٢، ٤٤٨

الحبش، ٢٣٤/٢

الحجاز، ١٥٦/٣

الزوم، ١٨٨/٢، ٢٣٤، ٢٦٦

الشّام، ٢١٦/٢، ٢٣٦، ٢٩٦، ٣٩٢، ٤٦٠؛ ٢٧٢/٣

الشّامات، ١٨٢/٢

الصّفا، ٣٤/٣، ٦٠، ١٢٤، ١٧٤

الطّائف، ٢٨٠/٣

عدن، ٤٢٢/٢

العراق، ٨/٢، ٨٦؛ ٣٦/٣، ١٥٦

فارس، ٢٦٦/٢

الكعبه، ٤٤٨/١، ٤٨٢؛ ٦٦/٢، ٨٤، ١٢٦، ٢٢٢، ٣٩٤، ٤٦٠، ٤٦٢، ٤٦٤؛ ٣٤/٣، ٤٨، ١٧٤

إصطخر، ١٨٢/٢

الكوفه، ١١٤/٢، ١٤٤، ٢٣٦، ٢٩٦

المدينه، ٦٢/٢، ١١٤؛ ٣٤/٣، ٣٦، ٤٨، ٧٢، ١٧٠

المروه، ٣٤/٣، ٦٠، ١٢٤، ١٧٤

المسجد الأقصى، ٩٨/٢

مسجد الكوفه، ١٢٦/٢

مسجد النبي، ١٢٦/٢

مصر، ١٨٢/٢

مكة، ٩٨/٢، ١١٤، ١١٦، ٢١٢؛ ٣٤/٣، ٢٩٤

النبط، ٢٣٤/٢

الهند، ١٨٨/٢، ٢٦٦

اليمن، ٤٤٨/٢

اليونان، ٨٨/٢

ص: ٣٣٣

(٦) فهرست کتاب های متن

القرآن، القرآن الكريم، ٣٤/١، ٥٨، ١٢٦، ١٢٨، ١٣٤، ١٣٦، ١٤٢، ١٦٠، ٢٢٨، ٢٣٤، ٣٥٠، ٣٥٢، ٣٨٦، ٣٩٦، ٤١٠، ٤٩٠، ٤٩٤، ٥١٨، ٥٢٠؛ ٨/٢، ٣٢، ٨٤، ٩٨، ١٢٦، ١٣٤، ١٥٠، ١٨٢، ١٩٤، ٢٢٨، ٢٣٤، ٢٣٨، ٢٦٤، ٢٨٤، ٢٩٢، ٣٠٠، ٣٥٢، ٣٨٤، ٤١٦، ٤٢٦، ٤٣٨، ٤٩٤؛ ١٤/٣، ١٦، ٢٢، ٧٢، ٩٠، ٩٢، ١٠٢، ١٢٠، ١٢٤، ١٢٦، ١٤٨، ١٧٢، ١٨٦، ١٩٠، ٢٠٠، ٢٦٤، ٢٧٤

کتاب الله، ٣٤٨/١؛ ٩٠/٢، ٢٥٨، ٢٨٢، ٣٠٤، ٣٣٨

الفرقان، الفرقان العظيم، ١٤٦/٢، ١٨٨، ٢٢٨، ٢٧٤، ٣٧٨، ٣٩٤؛ ٢٨/٣، ٨٨، ١٦٢

ابتلاء الأخيار، ٢٥٨/٢

الأمالي، ٣٦٢/١، ٣٧٤؛ ١٨/٢

الإنجيل، ١٤٦/٢، ١٨٢، ١٨٨، ١٩٤، ٢٢٨، ٢٧٤، ٣٧٨؛ ٢٨/٣، ٨٨

التوراه، ٨٨/٢، ١٤٦، ١٨٢، ١٨٨، ١٩٤، ٢٠٦، ٢٢٨، ٢٣٢، ٢٧٤، ٣٧٨، ٤٠٦؛ ٢٤/٣، ٢٨، ٤٠، ٨٨، ١٦٢

الخصال، ٣٨٠/١؛ ٦٠/٢

الرياض الزاهرة والأنوار الباهرة، ٢٦٦/٢

الزبور، ١٤٦/٢، ١٨٢، ١٨٨، ١٩٤، ٢٢٨، ٢٧٤، ٣٧٨؛ ٢٨/٣، ٨٨

تفسير الصافي، ١٢٦/٣

دعائم الإسلام، ٤٤٠/١

صحف إبراهيم، ٨٨/٣، ٩٠

صحف موسى، ٩٠/٣

قصص الأنبياء، ٤٦٤/٢

کتاب علي، ٢٤٢/٢

ص: ٣٣٤

١. قرآن الكريم.
٢. إرشاد القلوب؛ أبو محمد الحسن بن أبي الحسن الديلمي (م ٧١١ق)، بيروت: مؤسسه الأعلمی، الطبعة الرابعة، ١٣٩٨ ق.
٣. الاحتجاج على أهل اللجاج؛ أبو منصور أحمد بن علي بن أبي طالب الطبرسي (م ٥٤٨ق)، مشهد الرضوي: طبعه مؤسسه نشر المرتضى، ١٤٠٣ ق.
٤. الاختصاص؛ أبو عبد الله محمد بن محمد بن النعمان المعروف بالشيخ المفيد (م ٤١٣ق)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، قم: مؤسسه النشر الإسلامي، ١٤١٤ ق.
٥. الأدب المفرد؛ أبو عبد الله محمد بن إسماعيل البخاري (م ٢٥٦ق)، تحقيق: محمد بن عبد القادر عطا، مؤسسه الكتب الثقافيه، الطبعة الاولى، ١٤٠٦ ق.
٦. الإرشاد في معرفه حجج الله على العباد؛ أبو عبد الله محمد بن محمد بن النعمان المعروف بالشيخ المفيد (م ٤١٣ق)، قم: طبعه المؤتمر العالميه للشيخ المفيد، ١٤١٣ ق.
٧. الأصفى في تفسير القرآن؛ ملا محسن فيض الكاشاني (م ١٠٩١ق)، تقديم و تصحيح: مهدي الأنصاري القمي، تهران: لوح محفوظ، ١٣٨١.
٨. الأصول الستة عشر؛ عدّه من الرواه، قم: دار الشبستري، الطبعة الثانيه، ١٤٠٥ ق.
٩. الأمالي؛ أبو جعفر محمد بن الحسن المعروف بالشيخ الطوسي (م ٤٦٠ق)، تحقيق و نشر: دار الثقافه، قم: الطبعة الأولى، ١٤١٤ ق.
١٠. الأمالي؛ أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه المعروف بالشيخ الصدوق (م ٣٨١ق)، المكتبه الإسلاميه، ١٣٦٢ ق.
١١. الأمالي؛ أبو عبد الله محمد بن محمد بن النعمان المعروف بالشيخ المفيد (م ٤١٣ق)، قم: طبعه المؤتمر العالمی للشيخ المفيد، ١٤١٣ ق.

١٢. الأمالى للسيد المرتضى (غرر الفرائد ودرر القلائد)؛ أبو القاسم علي بن الحسين الموسوى المعروف بالسيد المرتضى (م ٤٢٦ق)، تحقيق: بدر الدين النعسانى، قم: مكتبة آية الله المرعشى، ١٤٠٣ ق.
١٣. أعلام الدين فى صفات المؤمنين؛ أبى محمّد الحسن بن أبى الحسن الديلمى (م ٧١١ق)، تحقيق ونشر: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم: الطبعة الثانية، ١٤١٤ ق.
١٤. أنساب الأشراف؛ أحمد بن يحيى بن جابر البلاذرى (م ٢٧٩ق)، تحقيق: الشيخ محمّد باقر المحمودى، بيروت: مؤسسه الأعلمى للمطبوعات، الطبعة الأولى، ١٣٩٤ ق.
١٥. بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار؛ المولى محمّد باقر بن محمّد تقى المجلسى المعروف بالعلامة المجلسى (م ١١١٠ق)، بيروت: طبعه مؤسسه الوفاء، ١٤٠٤ ق.
١٦. تاريخ اليعقوبى؛ أحمد بن أبى يعقوب بن جعفر بن وهب بن واضح المعروف باليعقوبى (م ٢٨٤ق)، تحقيق و نشر: دار صادر، بيروت: ١٤٠٥ ق.
١٧. تاريخ بغداد (مدينه السلام)؛ أبو بكر أحمد بن علي الخطيب البغدادى (م ٤٦٣ق)، تحقيق: مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت: دارالكتب العلميه، الطبعة الأولى، ١٤١٧ ق.
١٨. تاريخ مدينه دمشق؛ أبو القاسم علي بن الحسن بن هبه الله المعروف بإبن عساكر (م ٥٧١ق)، تحقيق: علي الشيرى، بيروت: دار الفكر، ١٤١٥ ق.
١٩. تحرير الأحكام الشرعيه على مذهب الإماميه؛ أبو منصور الحسن بن يوسف بن المطهر المعروف بالعلامة الحلّى (م ٧٢٦ق)، تحقيق: الشيخ إبراهيم البهادرى، قم: مؤسسه الإمام الصادق عليه السلام، الطبعة الأولى، ١٤٢٠ ق.
٢٠. التحصين فى صفات العارفين (ضميمه مثير الأحزان)؛ أحمد بن محمّد بن فهد الحلّى (م ٨٤١ق)، تحقيق: مدرسه الإمام المهدي (عج)، قم: مدرسه الإمام المهدي (عج)، الطبعة الثانيه، ١٤٠٦ ق.
٢١. التحصين لابن طاووس؛ على بن طاووس الحلّى (م ٦٦٤ق)، تحقيق: محمّد باقر الأنصارى، قم: مؤسسه دار الكتاب، الطبعة الأولى، ١٤١٣ ق.
٢٢. التحفه السنيه فى شرح النخبه المحسنيه؛ سيد نعمت الله جزايرى، تنقيح: سيد على عاشور، مؤسسه التاريخ العربى للطباعه والنشر والتوزيع، بيروت، طبعه الاولى، ١٤٢٧ ق.
٢٣. تحف العقول عن آل الرسول صلى الله عليه و آله؛ أبو محمّد الحسن بن علي بن الحسين بن شعبه الحرّانى (م ٣٨١ق)، تحقيق على أكبر الغفارى، قم: مؤسسه النشر الإسلامى، الطبعة الثانيه، ١٤٠٤ ق.

٢٤. تذكّره الفقهاء؛ ابو منصور حسن بن يوسف بن مطهر المعروف بالعلامة الحلّي (م ٧٢٦ ق)، تحقيق و نشر مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم: الطبعة الأولى، ١٤١٤ ق.

٢٥. تذكّره الموضوعات؛ محمّد طاهر بن علي الهندي الفتنّي (م ٩٨٦ ق)، تحقيق: محمّد عبد الجليل السامرودى، الهند: الطبعة الأولى، ١٣٤٢ ق.

٢٦. تصحيح اعتقادات الإماميّة؛ ابو عبد الله محمّد بن محمّد بن نعمان المعروف بالشيخ المفيد (م ٤١٣ ق)، تحقيق: حسين درگاهى، بيروت: دار المفيد، الطبعة الثالثة، ١٤١٤ ق.

٢٧. تصنيف غرر الحكم و درر الكلم؛ عبدالواحد بن محمّد التميمي الأمدى (م ٥٥٠ ق)، تحقيق: مصطفى درايتى، قم: مكتب الإعلام الإسلامى، ١٣٦٦ ش.

٢٨. غرر الحكم ودرر الكلم؛ عبدالواحد الأمدى التميمي (م ٥٥٠ ق)، تحقيق: مير سيد جلال الدين المحدث الأرموى، جامعه طهران، الطبعة الثالثة، ١٣٦٠ ش.

٢٩. تفسير ابن كثير؛ إسماعيل بن عمر ابن كثير الدمشقى (م ٧٧٤ ق)، تحقيق: عبد العزيز غنيم و محمّد أحمد عاشور، قاهره: دار الشعب.

٣٠. الجوهر الحسان فى تفسير القرآن (تفسير الثعالبي)؛ عبدالرحمن بن محمّد الثعالبي (م ٨٧٥ ق)، تحقيق: محمّد معوض وأحمد عبد الموجود عبدالفتاح ابوسنه، بيروت: دار إحياء التراث العربى، الطبعة الأولى، ١٤١٨ ق.

٣١. الصافى فى تفسير القرآن (تفسير الصافى)؛ محمّد محسن بن شاه مرتضى (الفيض الكاشانى) (م ١٠٩١ ق)، تهران: مكتبه الصدر، ١٤١٥ ق.

٣٢. الصحاح (تاج اللغة العربيّه)؛ إسماعيل بن حماد الجوهري (م ٣٩٣ ق)، تحقيق أحمد عبد الغفور العطار، بيروت: مؤسسه دار العلم للملايين، ١٤٠٧ ق.

٣٣. تفسير القرطبي (الجامع لأحكام القرآن)؛ أبو عبد الله محمّد بن أحمد الأنصارى القرطبي (م ٦٧١ ق)، تحقيق: محمّد عبد الرحمن المرعشلى، بيروت: دار إحياء التراث العربى، ١٤٠٥ ق.

٣٤. تفسير القمى؛ أبو الحسن على بن إبراهيم بن هاشم القمى (م ٣٢٩ ق)، تحقيق: السيد طيب الموسوى الجزائرى، قم: مؤسسه دار الكتاب، الطبعة الثالثة، ١٤٠٤ ق.

٣٥. مجمع البيان فى تفسير القرآن؛ أبو على الفضل بن الحسن الطبرسى (م ٥٤٨ ق)، تحقيق و نشر: دار إحياء التراث العربى، بيروت، ١٤٠٦ ق.

٣٦. تفسير جوامع الجامع؛ الفضل بن الحسن الطبرسى (م ٥٤٨ ق)، مؤسسه الطبع والنشر التابعه لجامعه طهران، ١٣٧١ ش.
٣٧. تلخيص الحبير فى تخريج أحاديث الرافعى الكبير؛ أبو الفضل أحمد بن على العسقلانى (ابن حجر) (م ٨٥٢ ق)، تحقيق: عبد الله هاشم اليمانى المدنى، بيروت: دار الفكر، سعودى، ١٣٨٤ ق.
٣٨. تنبيه الخواطر ونزهه النواظر (مجموعه ورام)؛ أبى الحسين ورام بن أبى فراس (م ٦٠٥ ق)، بيروت: دارالتعارف ودار صعب.
٣٩. التواضع والخمول؛ أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبى الدنيا القرشى (م ٢٨١ ق)، تحقيق: محمد عبد القادر أحمد عطا، بيروت: دار الكتب العلميه، الطبعة الأولى، ١٤٠٩ ق.
٤٠. التوحيد؛ أبو جعفر محمد بن على بن الحسين القمى المعروف بالشيخ الصدوق (م ٣٨١ ق)، تحقيق: السيد هاشم الحسينى، قم: مؤسسه النشر الإسلامى، ١٣٩٨ ق.
٤١. تهذيب الأحكام؛ أبو جعفر محمد بن الحسن المعروف بالشيخ الطوسى (م ٤٦٠ ق)، تحقيق السيد حسن الموسوى الخراسان، طهران: دار الكتب الإسلاميه، ١٣٦٥ ش.
٤٢. تهذيب الكمال؛ أبو الحجاج يوسف المزى (م ٧٤٢ ق). تحقيق: بشار عواد معروف، بيروت: مؤسسه الرساله، الطبعة الرابعه، ١٤٠٦ ق.
٤٣. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال؛ أبو جعفر محمد بن على بن الحسين بن بابويه المعروف بالشيخ الصدوق (م ٣٨١ ق)، تحقيق و نشر: منشورات الشريف الرضى، قم، الطبعة الثانيه ١٣٦٨ ش.
٤٤. جامع الأخبار؛ تاج الدين محمد بن محمد الشعيرى (القرن السابع)، تحقيق: علاء آل جعفر، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ١٤١٤ ق.
٤٥. تفسير الطبرى (جامع البيان فى تفسير القرآن)؛ أبو جعفر محمد بن جرير الطبرى (م ٣١٠ ق)، بيروت: دار الفكر، ١٤١٥ ق.
٤٦. الجامع الصغير؛ عبد الرحمن بن أبى بكر السيوطى (م ٩١١ ق)، بيروت: دار الفكر، ١٤٠١ ق.
٤٧. جامع المقاصد فى شرح القواعد؛ الشيخ على بن الحسين الكركى المعروف بالمحقق الثانى (م ٩٤٠ ق)، تحقيق و نشر: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، الطبعة الأولى، ١٤٠٨ ق.

٤٨. جامع بيان العلم و فضله؛ أبو عمر يوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البرّ (م ٤٦٣ ق).

تحقيق ونشر: دارالكتب العلميّة، بيروت، ١٣٩٨ ق.

٤٩. جواهر المطالب في مناقب الإمام عليّ بن أبي طالب عليه السلام (المناقب لابن الدمشقي)؛ أبو البركات محمّد بن أحمد الباعوني (م ٨٧١ ق)، قم: تحقيق: محمّد باقر المحمودي، قم:

مجمع إحياء الثقافة الاسلاميّة، ١٤١٥ ق.

٥٠. الحياه؛ محمد رضا الحكيمى، محمد الحكيمى و على الحكيمى ترجمه: احمد آرام، مكتب نشر الثقافة الإسلامى، ١٣٧٣ ش.

٥١. الخرائج و الجرائح؛ أبو الحسين قطب الدين سعيد بن هبة الله الراوندى (م ٥٧٣ ق)، تحقيق و نشر: مؤسسه الإمام المهدي عليه السلام، قم، ١٤٠٩ ق.

٥٢. خصائص الأئمة عليهم السلام؛ أبو الحسن محمّد بن الحسين بن موسى الموسويّ المعروف بالشريف الرضى (م ٤٠٦ ق)، تحقيق: محمّد هادي الأمينى، مشهد: مجمع البحوث الإسلاميّة، ١٤٠٦ ق.

٥٣. الخصال؛ أبو جعفر محمّد بن عليّ بن الحسين بن بابويه المعروف بالشيخ الصدوق (م ٣٨١ ق)، تحقيق: عليّ أكبر الغفارى، قم: مؤسسه النشر الإسلامى، ١٤٠٣ ق.

٥٤. الخلاف؛ أبو جعفر محمّد بن الحسن المعروف بالشيخ الطوسى (م ٤٦٠ ق)، تحقيق مؤسسه النشر الإسلامى، قم، ١٤٠٧ ق.

٥٥. الدرّ المنتور؛ جلال الدين عبدالرحمن السيوطى (م ٩١١ ق)، تحقيق و نشر: دارالمعرفه، بيروت.

٥٦. دستور معالم الحكم ومأثور مكارم الشيم؛ أبو عبد الله بن محمّد بن سلامه القضاعى (م ٤٥٤ ق)، بيروت: دار الكتاب العربى، الطبعة الأولى، ١٤٠١ ق.

٥٧. دعائم الإسلام؛ أبو حنيفة النعمان التميمى المغربى، مصر: دار المعارف، ١٣٨٩ ق.

٥٨. الدعوات (سلوه الحزين)؛ أبو الحسين قطب الدين سعيد بن هبة الله الراوندى (م ٥٧٣ ق)، تحقيق: مدرسه الإمام المهدي عليه السلام، قم، الطبعة الأولى ١٤٠٧ ق.

٥٩. الديباج على صحيح مسلم بن الحجاج؛ عبد الرحمن بن أبى بكر السيوطى (م ٩١١ ق)، بيروت: دار الأرقم بن أبى الأرقم.

٦٠. الديوان المنسوب إلى الإمام عليّ عليه السلام؛ أبو الحسن محمّد بن الحسين الكيدرى (القرن السادس الهجرى)، ترجمه: أبو القاسم إمامى، طهران: نشر الأسوه.

٦١. ذكرى الشيعة فى أحكام الشريعة؛ محمد بن جمال الدين المكيّ العاملى المعروف بالشهيد الأول (م ٧٨٦ ق)، تحقيق و نشر: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، ١٤١٩ ق.

٦٢. الرضا عن الله بقضائه؛ عبد الله بن محمد المعروف بابن أبى الدنيا (م ٢٨١ ق)، بيروت:

مؤسسه الكتب الثقافيه، ١٩٩٣ م.

٦٣. روض الجنان؛ ابو الفتوح حسين بن على الرازى (القرن السادس)، تهران: خانه كتاب، ١٣٨٨ ش.

٦٤. روضه الواعظين؛ محمد بن الفتال النيسابورى (م ٥٠٨ ق)، قم: منشورات الشريف الرضى.

٦٥. الروضه فى فضائل أمير المؤمنين عليه السلام؛ سديد الدين شاذان بن جبرئيل القمى (القرن ٥ ق)، تحقيق: على الشكرجى، قم: مكتبه الأمين، ١٤٢٣ ق.

٦٦. زبده البيان فى براهين أحكام القرآن؛ أحمد بن محمد المعروف بالمقدّس الأردبيلى، (م ٩٩٣ ق)، تحقيق: محمد باقر البهبودى، طهران: المكتبه المرتضويه لإحياء الآثار الجعفريه، إعداد: رضا الأستاذى، على أكبر زمانى نژاد، قم: مؤمنين، ١٤٢١ ق.

٦٧. سبل السلام؛ محمد بن اسماعيل (م ١١٨٢ ق)، تحقيق: محمد عبدالعزيز الخويى، مصر:

مصطفى البابى، الطبعة الرابعه، ١٣٧٩ ق.

٦٨. السرائر الحاوى لتحرير الفتاوى؛ أبو جعفر محمد بن منصور بن أحمد بن إدريس الحلّى (م ٥٩٨ ق)، تحقيق و نشر: مؤسسه النشر الإسلامى، قم، الطبعة الثانيه، ١٤١٠ ق.

٦٩. سنن أبى داود؛ أبو داود سليمان بن الأشعث السجستانى (م ٢٧٥ ق)، تحقيق: سعيد محمد اللحام، بيروت: دارالفكر، الطبعة الأولى، ١٤١٠ ق.

٧٠. سنن ابن ماجه؛ محمد بن يزيد القزوينى المعروف بابن ماجه (م ٢٧٥ ق)، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، بيروت: دار إحياء التراث العربى، ١٣٩٥ ق.

٧١. سنن الترمذى (الجامع الصحيح)؛ أبو عيسى محمد بن عيسى الترمذى (م ٢٧٩ ق)، تحقيق: عبدالرحمن محمد عثمان، بيروت: دارالفكر، الطبعة الثانيه، ١٤٠٣ ق.

٧٢. السنن الكبرى؛ أبو بكر أحمد بن الحسين البيهقى (م ٤٥٨ ق)، تحقيق و نشر: دارالفكر، بيروت.

٧٣. السنن الكبرى (سنن النسائى)؛ أحمد بن شعيب النسائى (م ٣٠٣ ق)، تحقيق: عبد الغفار سليمان البندارى، بيروت: دار الكتب العلميه، ١٤١١ ق.

٧٤. السيره النبويه؛ أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير المعروف بإبن كثير (م ٧٤٧ ق)، تحقيق: مصطفى عبد الواحد، بيروت: دارالمعرفه، ١٣٩٦ ق.
٧٥. شجره طوبى؛ محمد مهدي الحائري المازندراني (م ١٣٤٤ ق)، قم: شريف رضى.
٧٦. شرح الأخبار فى فضائل الأئمه الأطهار؛ القاضى أبو حنيفه النعمان بن محمّد التميمى المغربى (م ٣٦٣ ق)، تحقيق: السيد محمد الحسينى الجلالى، قم: مؤسسه النشر الإسلامى، ١٤١٢ ق.
٧٧. شرح الأزهار؛ أبو الحسن عبدالله بن مفتاح (م ٨٧٧ ق)، قاهره: مطبعه الحجازى، ١٣٧٥ ق.
٧٨. شرح مئه كلمه لأميرالمؤمنين عليه السلام؛ ابن ميثم البحرانى (م ٦٧٨ ق)، تحقيق و تصحيح: جلال الدين المحدث الأرموى، قم: مؤسسه نشر الإسلامى، ١٣٦٢ ش.
٧٩. شرح نهج البلاغه؛ عبد الحميد بن محمد بن أبى الحديد المعتزلى (م ٦٥٦ ق)، تحقيق: محمد أبى الفضل إبراهيم، دار إحياء الكتب العربيه، ١٣٧٨ ق.
٨٠. الشكر لله؛ عبد الله بن محمد المعروف بإبن أبى الدنيا (م ٢٨١ ق)، تحقيق و تعليق: ياسين محمّد سواس، بيروت: دار ابن كثير، الطبعه الثانيه، ١٤٠٧ ق.
٨١. شهاب الأخبار؛ قاضى قضاعى، مقدمه و تحقيق و تصحيح: سيد جلال الدين الحسينى المحدث الأرموى، تهران: علمى و فرهنگى، ١٣٦١ ش.
٨٢. صحيح ابن حبان؛ محمّد بن أحمد بن حبان البستى (م ٣٥٤ ق)، ترتيب: على بن بلبان الفارسى، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، بيروت: مؤسسه الرساله، ١٩٩٣ ق.
٨٣. صحيح البخارى؛ أبو عبد الله محمد بن إسماعيل البخارى الجعفى (م ٢٥٦ ق)، تحقيق و نشر: دار الفكر، بيروت، ١٤٠١ ق.
٨٤. صحيح مسلم (بشرح النووى)؛ أبو الحسين مسلم بن الحجاج النيسابورى (م ٢٦١ ق)، مع شرح النووى الشافعى (م ٦٧٦ ق)، بيروت: دار الكتاب العربى، ١٤٠٧ ق.
٨٥. الصراط المستقيم إلى مستحقى التقديم؛ زين الدين أبو محمد على بن يونس العاملى البياضى النباطى (م ٨٧٧ ق)، تحقيق: محمد باقر البهبودى، طهران: المكتبه المرتضويه، ١٣٨٤ ق.
٨٦. الطرائف فى معرفه مذاهب الطوائف؛ السيد على بن موسى بن طاووس الحلى (م ٦٦٤ ق)، تحقيق و نشر: مطبعه الخيام، قم، ١٣٩٩ ق.

٨٧. عدّه الداعي؛ ابن فهد الحلبي، تحقيق و تصحيح: أحمد الموحدي القمي، قم: مكتبة الوجداني.

٨٨. عوالي اللآلي؛ الشيخ محمّد بن عليّ بن إبراهيم الأحسائي المعروف بإبن أبي جمهور (م ٨٨٠ ق)، تحقيق: آقا مجتبي العراقي، قم: مطبعة سيّد الشهداء عليه السلام، الطبعة الأولى، ١٤٠٣ ق.

٨٩. عيون الحكم و المواعظ؛ علي بن محمّد الليثي الواسطي (القرن السادس)، تحقيق: حسين الحسيني البيرجندی، قم: دار الحديث، ١٣٧٦.

٩٠. عيون أخبار الرضا عليه السلام؛ أبو جعفر محمّد بن عليّ بن الحسين بن بابويه المعروف بالشيخ الصدوق (م ٣٨١ ق)، تحقيق: السيّد مهدي الحسيني اللاجوردی، طهران: منشورات جهان.

٩١. الغدير؛ الاميني النجفي، بيروت: دارالكتب العربي، ١٣٩٧ ق.

٩٢. غريب الحديث؛ أبو محمّد عبد الله بن مسلم بن قتيبة الدينوري (م ٢٧٦ ق)، بيروت:

دار الكتب العلميّه، ١٤٠٨ ق.

٩٣. الفائق في غريب الحديث؛ جار الله محمود بن عمر الزمخشري (م ٥٨٣ ق)، بيروت:

دار الفكر، ١٤١٤ ق.

٩٤. فتح الباري؛ أحمد بن عليّ العسقلاني المعروف بإبن حجر (م ٨٥٢ ق)، تحقيق: عبد العزيز عبد الله بن باز، بيروت: دار الفكر، ١٣٧٩ ق.

٩٥. الفصول المهمّه في اصول الأئمّه؛ الشيخ محمّد بن الحسن الحرّ العاملي (م ١١٠٤ ق)، تحقيق: محمّد بن محمّد الحسين القائيني، قم: مؤسسه معارف الإسلاميه، ١٤١٨ ق.

٩٦. الفضائل؛ شاذان بن جبرئيل القمي (م ٦٦٠ ق)، نجف: المطبعة الحيدريّه، ١٣٣٨ ق.

٩٧. فقه السنّه النبويّه من العهود المحمديّه؛ اسعد محمّد سعيد صاغر جي، بيروت: دار الكلم الطيب، ١٤٢٢ ق.

٩٨. فقه القرآن؛ أبو الحسين سعيد بن هبه الله الراونديّ المعروف بقطب الدين (م ٥٧٣ ق)، تحقيق: أحمد الحسيني، مكتبة آيه الله المرعشي، الطبعة الأولى، ١٣٩٧ ق.

٩٩. فيض القدير؛ محمّد عبد الرؤوف المناوي (ق ١٠ ق)، بيروت: دارالكتب العلميّه، الطبعة الأولى، ١٤١٥ ق.

١٠٠. قرب الإسناد؛ أبو العباس عبد الله بن جعفر الحميري القمي (م ٣٠٠ ق)، تحقيق و نشر:

مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، الطبعة الأولى، ١٤١٣ ق.

١٠١. قصص الأنبياء؛ أبو الحسين قطب الدين سعيد بن هبة الله الراوندي (م ٥٧٣ ق)، تحقيق:

غلام رضا عرفانيان، قم: نشر مؤسسه الهادي، الطبعة الأولى، ١٤١٨ ق.

١٠٢. الكافي؛ أبو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق الرازي الكليني (م ٣٢٩ ق)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، طهران: دار الكتب الإسلامية، ١٣٦٣ ق.

١٠٣. الكامل في ضعفاء الرجال؛ أبي احمد عبد الله بن عدى الجرجاني (م ٣٦٥ ق)، تحقيق:

سهيل زكار، بيروت: دار الفكر، الطبعة الثانية، ١٤٠٥ ق.

١٠٤. كتاب الدعاء للطبراني؛ أبو القاسم سليمان بن أحمد الطبراني (م ٣٦٠ ق)، تحقيق:

مصطفى عبد القادر عطا، بيروت: دار الكتب العلمية، الطبعة الأولى، ١٤١٣ ق.

١٠٥. كتاب العقل وفضله؛ عبد الله بن محمد القرشي المعروف بابن أبي الدنيا (م ٢٨١ ق)، تحقيق: محمد السعيد بسيوني زغلول، بيروت: طبع مؤسسه الكتاب الثقافي.

١٠٦. الموطأ؛ مالك بن أنس (م ١٥٨ ق)، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، بيروت: دار إحياء التراث العربي، الطبعة الأولى، ١٣٧٠ ق.

١٠٧. أمثال الحديث؛ أبو محمد الحسن بن خلاد الرامهرمزي (م ٣٦٠ ق)، تحقيق: عبد العلي عبد الحميد الأعظمي، الهند: الدار السلفية، ١٤٠٤ ق.

١٠٨. كشف الخفاء؛ إسماعيل بن محمد العجلوني (م ١١٦٢ ق)، تحقيق و نشر: دارالكتب العلمية، بيروت، الطبعة الثالثة، ١٤٠٨ ق.

١٠٩. كشف الرية عن أحكام الغيبة؛ الشهيد الثاني زين الدين العاملي، مركز النشر التابع لمكتب الإعلام الإسلامي، قم ١٤٢٢ ق.

١١٠. كشف الغم في معرفه الأئمة؛ علي بن عيسى الإربلي (م ٦٨٧ ق)، تصحيح: السيد هاشم الرسولي المحلاتي، بيروت: دار الكتاب، الطبعة الأولى، ١٤٠١ ق.

١١١. كشف اليقين في فضائل أمير المؤمنين عليه السلام؛ جمال الدين أبي منصور الحسن بن يوسف بن علي بن المطهر الحلي المعروف بالعلامة الحلي (م ٧٢٦ ق)، تحقيق: علي آل كوثر، قم:

مجمع إحياء الثقافه الإسلاميه، الطبعه الأولى، ١٤١١ ق.

١١٢. كمال الدين و تمام النعمه (إكمال الدين و إتمام النعمه)؛ أبو جعفر محمّد بن عليّ بن

ص: ٣٤٣

الحسين بن بابويه القمي المعروف بالشيخ الصدوق (م ٣٨١ ق)، قم: دار الكتب الإسلامية، ١٣٩٥ ق.

١١٣. كنز العمال؛ علي بن حسان الدين الهندي (م ٩٧٥ ق)، تحقيق: الشيخ صفوه السقا، بيروت:

مؤسسه الرساله، ١٤٠٩ ق.

١١٤. كنز الفوائد؛ أبو الفتح محمد بن علي بن عثمان الكراچكي الطرابلسي (م ٤٤٩ ق)، تحقيق و نشر: مكتبه المصطفوي، قم، ١٤١٠ ق.

١١٥. لسان العرب؛ أبو الفضل محمد بن مكرم بن منظور الإفريقي (م ٧١١ ق)، قم: طبعه مؤسسه نشر أدب الحوزه، ١٤٠٥ ق.

١١٦. لسان الميزان؛ أبو الفضل أحمد بن علي العسقلاني المعروف بإبن حجر (م ٨٥٢ ق)، بيروت: مؤسسه الأعلمي، الطبعه الثالثه، ١٤٠٦ ق.

١١٧. المبسوط في فقه الإماميه؛ أبو جعفر محمد الحسن المعروف بالشيخ الطوسي (م ٤٦٠ ق)، تحقيق: محمد تقى الكشفي، طهران: المكتبه المرتضويه، ١٣٨٧ ش.

١١٨. المجازات النبويه؛ أبي الحسن الشريف الرضى محمد بن الحسين بن موسى الموسوي (م ٤٠٦ ق)، تحقيق: طه محمد الزيني، قم: مكتبه بصيرتي.

١١٩. مجمع البحرين و مطلع التيرين؛ فخر الدين الطريحي (م ١٠٨٥ ق)، تحقيق: السيد أحمد الحسيني، تهران: مكتبه النشر الثقافيه الإسلاميه، الطبعه الثانيه، ١٤٠٨ ق.

١٢٠. مجمع البيان في تفسير القرآن؛ أبو علي الفضل بن الحسن الطبرسي (م ٥٤٨ ق)، تحقيق و نشر: دار إحياء التراث العربى، بيروت، ١٤٠٦ ق.

١٢١. مجمع الفائده والبرهان في شرح إرشاد الأذهان؛ المولى أحمد بن محمد المعروف بالمقدّس الأردبيلي (م ٩٩٣ ق)، تحقيق: مجتبي العراقي و علي پناه الاشتهادى، قم:

مؤسسه النشر الإسلامى.

١٢٢. مجمع الزوائد؛ علي بن أبي بكر الهيثمي (م ٨٠٧ ق)، تحقيق: عبد الله محمد درويش، بيروت: دار الفكر، ١٤١٢ ق.

١٢٣. المجموع شرح المهذب؛ أبو زكريا محيى الدين بن شرف النووى (م ٦٧٦ ق). تحقيق و نشر: دارالفكر، بيروت.

١٢٤. محاسبه النفس؛ إبراهيم بن علي الكفعمى (م ٩٠٥ ق)، قم: مؤسسه قائم آل محمد (عج)، ١٤١٣ ق.

١٢٥. المحاسن؛ أبو جعفر أحمد بن محمد بن خالد البرقي (م ١٢٧٤ ق)، تحقيق: السيد جلال الدين المحدث الأرموي، قم: دار الكتب الإسلامية، ١٣٧١ ق.

١٢٦. المحلّي؛ علي بن أحمد بن سعيد بن حزم الأندلسي، بيروت: دار الآفاق الجديدة.

١٢٧. مدينه المعاجز؛ هاشم بن سليمان البحراني، تحقيق: علاء الدين الأعلمي، بيروت: مؤسسه الأعلمي، ١٤٢٣ ق.

١٢٨. مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام؛ زين الدين بن عليّ الجعفيّ العاملّي المعروف بالشهيد الثاني (م ٩٦٦ ق)، تحقيق و نشر: مؤسسه المعارف الإسلامية، قم، الطبعة الأولى، ١٤١٣ ق.

١٢٩. المستدرک علی الصحیحین؛ أبو عبد الله محمد بن عبد الله المعروف بالحاكم النيسابوري (م ٤٠٥ ق)، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطاء، بيروت: دار المعرفة، ١٤١١ ق.

١٣٠. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ الميرزا حسين النوري الطبرسي (م ١٣٢٠ ق)، تحقيق و نشر: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، الطبعة الأولى، ١٤٠٨ ق.

١٣١. مستدرک سفینه البحار؛ شيخ عليّ النمازي الشاهرودي (م ١٤٠٥ ق)، تحقيق: بخل المؤلف، مؤسسه النشر الاسلامي، ١٤١٨ ق.

١٣٢. مسکن الفؤاد؛ زين الدين بن عليّ العاملّي المعروف بالشهيد الثاني (م ٩٦٦ ق)، تحقيق و نشر: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، ١٤٠٨ ق.

١٣٣. مسند الرضا عليه السلام؛ داود بن سليمان الغازي، تحقيق: محمد جواد الحسيني الجبالي، قم:

مكتب الأعلام الاسلامي، ١٤١٨ ق.

١٣٤. مسند أبي يعلى؛ أبو يعلى الموصلي (م ٣٠٧ ق)، تحقيق: حسين سليم أسد، بيروت:

دار المأمون للتراث.

١٣٥. مسند أحمد بن حنبل؛ أحمد بن محمد بن حنبل الشيباني (م ٢٤١ ق)، تحقيق: عبد الله محمّد الدرويش، بيروت: دار الفكر، ١٤١٤ ق.

١٣٦. مسند الشهاب؛ لأبي عبد الله محمد بن سلامه القضاعي (م ٤٥٤ ق)، تحقق: حمدي عبد المجيد السلفي، بيروت: مؤسسه الرساله، ١٤٠٥ ق.

١٣٧. مسند الشاميين؛ أبو القاسم سليمان بن أحمد الطبراني (م ٣٦٠ ق)، تحقيق: حمدي عبدالمجيد السلفي، بيروت: مؤسسه

الرساله، الطبعه الثانيه ١٤١٧ ق.

ص: ٣٤٥

١٣٨. مسند أبي داود الطيالسي؛ سليمان بن داود البصري المعروف بأبي داود الطيالسي (م ٢٠٤ ق)، بيروت: دار المعرفة.
١٣٩. مسند الإمام زيد (مسند زيد)؛ المنسوب إلى زيد بن علي بن الحسين عليهما السلام (م ١٢٢ ق)، بيروت: منشورات دار مكتبة الحياة، الطبعة الأولى، ١٩٦٦ م.
١٤٠. مشكاة الأنوار في غرر الأخبار؛ أبو الفضل علي الطبرسي (القرن السابع)، تحقيق: مهدي هوشمند، قم: دار الحديث، الطبعة الأولى، ١٤١٨ ق.
١٤١. مصباح الشريعة و مفتاح الحقيقة؛ المنسوب إلى الإمام الصادق عليه السلام (م ١٤٨ ق)، بيروت: مؤسسه الأعلمی، ١٤٠٠ ق.
١٤٢. المصباح المنير في غريب الشرح الكبير للرافعي؛ أحمد بن محمد بن علي المقرئ الفيومي (م ٧٧٠ ق)، قم: منشورات دار الهجرة، ١٤٠٥ ق.
١٤٣. المصباح (الجنة الأمان الواقية وجنة الإيمان الباقية)؛ الشيخ إبراهيم بن علي الكفعمي (م ٩٠٥ ق). تحقيق و نشر: مؤسسه الأعلمی، بيروت، الطبعة الثالثة، ١٤٠٣ ق.
١٤٤. المصنّف؛ ابن أبي شيبه الكوفي (م ٢٣٥ ق)، تحقيق: سعيد اللحام، بيروت: دارالفكر، ١٤٠٩ ق.
١٤٥. معاني الأخبار؛ أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي المعروف بالشيخ الصدوق (م ٣٨١ ق)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، مؤسسه النشر الإسلامي ١٤٠٢ ق.
١٤٦. معاني القرآن؛ أبو جعفر النخّاس (م ٣٣٨ ق). تحقيق: الشيخ محمد علي الصابوني، عربستان: جامعه امّ القرى، الطبعة الأولى، ١٤٠٩ ق.
١٤٧. المعتبر في شرح المختصر؛ أبو القاسم جعفر بن الحسن المعروف بالمحقّق الحلّي (م ٦٧٦ ق)، تحقيق و نشر: مؤسسه سيّد الشهداء عليه السلام، قم، ١٣٦٤ ش.
١٤٨. المعجم الأوسط؛ أبو القاسم سليمان بن أحمد الطبراني (م ٣٦٠ ق)، تحقيق و نشر: دار الحرمين، ١٤١٥ ق.
١٤٩. المعجم الكبير؛ سليمان بن أحمد الطبراني (م ٣٦٠ ق)، تحقيق: حمدي عبد المجيد السلفي، بيروت: دار إحياء التراث العربي، رياض: دار ابن الجوزي، ١٤١٨ ق.
١٥٠. معدن الجواهر و رياضه الخواطر؛ أبو الفتح محمد بن علي الكراچكي (م ٤٤٩ ق)، تحقيق:

السيد أحمد الحسيني، تهران: مكتبة المرتضوى، الطبعة الثانية، ١٣٩٤ ق.

١٥١. مغنى المحتاج؛ محمد بن احمد الشرييني، بيروت: دار احياء التراث العربى، ١٣٧٧ ق.

ص: ٣٤٤

١٥٢. مفردات ألفاظ القرآن؛ أبو القاسم الحسين بن محمّد الراغب الإصفهاني (م ٥٠٢ ق)، تحقيق: صفوان عدنان الداودي، دمشق: دار القلم، الطبعة الأولى، ١٤١٢ ق.

١٥٣. مقتضب الأثر في النصّ على الأئمّه الاثني عشر؛ أبو عبد الله أحمد بن محمّد بن عيّاش الجوهري المعروف بابن عيّاش (ت ٤٠١ ق)، بيروت: دار الأضواء، الطبعة الثانيه، ١٤٠٥ ق.

١٥٤. المقنعه؛ أبو عبد الله محمّد بن محمّد بن النعمان العكبري المعروف بالشيخ المفيد (م ٤١٣ ق)، تحقيق و نشر: المؤتمره العالميه للشيخ المفيد، قم، ١٤١٣ ق.

١٥٥. مكارم الأخلاق؛ أبو نصر الحسن بن الفضل الطبرسي (م ٥٤٨ ق)، قم: منشورات الشريف الرضي، الطبعة السادسة، ١٣٢٩ ق.

١٥٦. مكارم الأخلاق؛ عبد الله بن محمّد المعروف بابن أبي الدنيا (م ٢٨١ ق)، بيروت: دار الكتب العلميه، ١٤٠٩ ق.

١٥٧. المناقب؛ أبو عبد الله محمّد بن عليّ بن شهر آشوب السروي المازندراني (م ٥٨٨ ق)، تحقيق و نشر: المكتبه الحيدرّيه، النجف الأشرف، ١٣٧٦ ق.

١٥٨. المناقب؛ الموقّق بن أحمد البكريّ الخوارزميّ (٥٦٨ ق) تحقيق: مالك المحموديّ، قم:

مؤسسه النشر الإسلامّي، الطبعة الثانيه، ١٤١٤ ق.

١٥٩. منتهى المطلب؛ أبو منصور الحسن بن يوسف بن المطهر المعروف بالعلّامه الحلّي (م ٧٢٦ ق)، تحقيق و نشر: مجمع البحوث الإسلاميه، المشهد الرضوي، الطبعة الأولى، ١٤١٢ ق.

١٦٠. من لا يحضره الفقيه؛ أبو جعفر محمّد بن عليّ بن الحسين بن بابويه القميّ المعروف بالشيخ الصدوق (م ٣٨١ ق)، تحقيق: عليّ أكبر الغفّاري، قم: مؤسسه النشر الإسلامّي ١٤١٣ ق.

١٦١. منيه المريد؛ زين الدين بن عليّ العاملي المعروف بالشهيد الثاني (م ٩٦٦ ق)، تحقيق: رضا المختاري، مكتب الأعلام الإسلامّي، الطبعة الأولى، ١٤٠٩ ق.

١٦٢. مواهب الجليل؛ الخطاب الرعيني، بيروت: دار الكتب العلميه، ١٤١٦ ق.

١٦٣. الموضوعات؛ أبو الفرج عبدالرحمن بن عليّ بن الجوزي (م ٥٩٧ ق)، تحقيق: عبد الرحمن محمّد عثمان، بيروت: دارالفكر، الطبعة الثانيه، ١٤٠٣ ق.

١٦٤. نثر اللاكلى؛ فضل بن حسن الطبرسى (م ٥٤٨ ق)، مشهد: مجمع بحوث الإسلامى، ١٣٨٠ ش.

١٦٥. نزهه الناظر و تنبيه الخاطر؛ أبو عبدالله الحسين بن محمّد الحلوانى (القرن الخامس) تحقيق: عبدالهادى المسعودى، قم: دارالحديث، الطبعة الأولى ١٣٨٣ ش.

١٦٦. نظم درر السمطين؛ محمّد بن يوسف الزرندى (م ٧٥٠ ق)، إصفهان: مكتبة الإمام أمير المؤمنين عليه السلام، ١٣٧٧ ش.

١٦٧. النوادر؛ فضل الله بن علىّ الحسنى الراوندى (م ٥٧١ ق)، تحقيق: سعيد رضا علىّ العسكرى، قم: دار الحديث، ١٣٧٧ ش.

١٦٨. النهايه فى غريب الحديث؛ المبارك بن محمّد الشيبانى الجزرى المعروف بابن الأثير (م ٦٠٦ ق). تحقيق: طاهر أحمد الزاوى، قم: مؤسسه إسماعيليان، الطبعة الرابعة، ١٣٦٤ ش.

١٦٩. نهج البلاغه؛ تدوين محمّد بن الحسين بن موسى الموسوى المعروف بالشرىف الرضى (م ٤٠٦ ق)، تحقيق: الصبحى صالح، قم: دار الهجرة.

١٧٠. نهج الفصاحه؛ أبو القاسم پاينده، تهران: منشورات جاويدان، ١٣٧١ ش.

١٧١. وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة؛ محمّد بن الحسن الحرّ العاملى (م ١١٠٤ ق)، تحقيق و نشر: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، الطبعة الأولى، ١٤٠٩ ق.

١٧٢. الهدايه؛ لأبى جعفر محمّد بن على بن بابويه المعروف بالشيخ الصدوق (م ٣٢٩ ق)، تحقيق و نشر: مؤسسه الإمام الهادى عليه السلام، قم، ١٤١٨ ق.

١٧٣. ينابيع المودّه لذوى القربى؛ سليمان بن إبراهيم القندوزى الحنفى (م ١٢٩٤ ق)، تحقيق:

علىّ جمال أشرف الحسينى، تهران: دار الأسوه، ١٤١٦ ق.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه

اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

